

همراه گرامی

شبکه روستایی ایران «روستانت» در راستای حمایت از توسعه روستایی در کشور سرویس‌های متعددی را در فضای مجازی اینترنت راه‌اندازی نموده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

کتابی که نسخه الکترونیک آن هم‌اکنون در اختیار شما قرار گرفته است یکی از کتب موجود در «کتابخانه الکترونیکی روستایی» است که شما با مطالعه و پذیرش موارد زیر امکان بهره‌برداری از آن را خواهید داشت:

- ۱- امتیاز این کتاب متعلق به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است. این سازمان در راستای اهداف خود اقدام به تهیه این کتاب نموده است و آن را به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد.
- ۲- این کتاب و نیز سایر کتب حوزه روستایی این سازمان قبلاً در قالب تفاهم نامه‌ای توسط این شبکه به صورت لوح فشرده منتشر گردیده است و این شبکه مجوز نشر غیرتجاری این کتب را از این سازمان دریافت نموده است.
- ۳- این کتاب صرفاً جهت مطالعه و انجام امور پژوهشی در اختیار شما قرار گرفته است و در راستای حفظ حقوق مالکیت مادی و معنوی، هرگونه فعالیت تجاری با این کتاب ممنوع است.

عناوین کتب موجود در کتابخانه الکترونیکی شبکه روستایی ایران:

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با نحوه تهیه برنامه پنج‌ساله دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با توسعه اقتصاد روستایی، ایجاد اشتغال و توسعه صنایع دستی
- ❖ آشنایی با اصول و مبانی محیط زیست
- ❖ آشنایی با اصول کامپیوتر
- ❖ مدیریت و سامان‌دهی بافت‌های فرسوده روستایی
- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت فضای سبز و فضاهای چند منظوره روستایی
- ❖ محیط زیست روستا (مدیریت مواد زائد، فضای سبز روستا و...)
- ❖ اصول انبارداری

- ❖ آشنایی با طراحی، برنامه ریزی و مدیریت تاسیسات خدمات روستایی
- ❖ آشنایی با طرح‌های هادی و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز روستایی
- ❖ آشنایی با حفظ و بهسازی میراث فرهنگی بافت‌های تاریخی
- ❖ آشنایی با وظایف، تشکیلات و جایگاه دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با سازمان‌های مرتبط با امور دهیاری‌ها
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه ریزی روستایی
- ❖ راهنمای جامع مدیریت روستایی
- ❖ منابع درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ دستورالعمل‌ها و قوانین دهیاری‌ها
- ❖ اصول و مبانی بهداشت روستایی
- ❖ آشنایی با برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی روستا
- ❖ مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی
- ❖ برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های روستایی
- ❖ قوانین مالی و معاملاتی دهیاری‌ها
- ❖ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا
- ❖ فضای سبز روستایی
- ❖ مدیریت توسعه زیرساخت‌های خدماتی روستایی
- ❖ منابع مالی و درآمدی دهیاری‌ها
- ❖ مفاهیم و مبانی صنایع روستایی
- ❖ مدیریت روستایی در ایران
- ❖ برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران
- ❖ بودجه نویسی و بودجه ریزی روستایی
- ❖ بهسازی طبیعت و حفاظت از محیط زیست روستایی
- ❖ منابع انسانی و قوانین استخدامی
- ❖ توسعه فرهنگی و اجتماعی روستا
- ❖ آشنایی با طرح هادی روستایی
- ❖ آشنایی دهیاران با هدفمندسازی یارانه‌ها
- ❖ آشنایی با اصلاح الگوی مصرف در روستا
- ❖ آنچه یک دهیار باید بداند

- ❖ آشنایی با قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی
- ❖ آشنایی با صدور پروانه ساختمان و هدایت ساخت و ساز در روستا
- ❖ مدیریت مواد زائد روستایی
- ❖ اصول و مفاهیم مذاکره و ارتباطات در مدیریت روستایی
- ❖ حسابداری، حسابرسي و امور مالي دهیاریها
- ❖ کارآفرینی روستایی
- ❖ مدیریت اقتصادی روستا
- ❖ مدیریت بحران روستایی
- ❖ مشارکت و ارتباط متقابل دهیار، شورا و دولت
- ❖ مقدمه‌ای بر مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری
- ❖ منابع مالی و اشتغال روستایی
- ❖ تجزیه و تحلیل مشاغل و استانداردهای آموزشی
- ❖

برای استفاده از خدمات و سرویس‌های متعدد «شبکه روستایی ایران» می‌توانید روی عنوان هر یک کلیک کنید:

| | | |
|--|---|---|
| سایت افبار و اطلاعات روستاها ➦ | آلبوم تصاویر روستایی ➦ | آگهی محصولات روستایی ➦ |
| سرویس پیامک روستایی ➦ | بانک اطلاعات روستاها ➦ | دانشنامه روستایی ➦ |
| نامه رسان روستایی ➦ | کتابخانه الکترونیکی روستایی ➦ | اطلس و نقشه‌های روستایی ➦ |
| اوقات شرعی روستاها ➦ | اطلاعات استان‌ها ➦ | مجلات روستایی ➦ |
| هواشناسی روستایی ➦ | مستجوگر کتاب روستایی ➦ | فانهای قرآن روستایی ➦ |
| گردشگری روستایی ➦ | نرم‌افزار مسابرداری ➦ | امور دهیاریها ➦ |
| وبلاگ‌های روستایی ➦ | اطلاعات فرهیفتگان روستاها ➦ | مقالات موزه روستایی ➦ |
| فروشگاه اینترنتی ➦ | صدای مشاور روستایی ➦ | قیمت نهاده‌های روستایی ➦ |
| بانک غذاهای مملی ➦ | بانک رگوردهای روستایی ➦ | قوانین و مقررات عمومی ➦ |

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

دانشنامه

مدیریت شهری و روستایی

از سری منابع آموزشی دهیاری ها

تهیه و تنظیم :

مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور



دانشنامه

مدیریت شهری و روستایی

سرپرست علمی

دکتر عباس سعیدی

شورای علمی (به ترتیب الفبا):

| | |
|--------------------------|--------------------|
| دکتر اکبر زرگر | دکتر پرویز پیران |
| دکتر اسماعیل شیعه | مهندس احمد سعیدنیا |
| دکتر محمدحسن گنجی | دکتر مهدی طالب |
| شادروان دکتر مصطفی مؤمنی | |

| | |
|-----------------------|--|
| عنوان و نام پدیدآور : | دانشنامه مدیریت شهری و روستایی/شورای علمی عباس سعیدی ... [و دیگران]. |
| مشخصات نشر : | تهران : سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۷. |
| مشخصات ظاهری : | ۹۱۳ص: مصور. |
| شابک : | ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۱۲-۶۹-۰ |
| وضعیت فهرست نویسی : | فیا |
| یادداشت: شورای علمی : | عباس سعیدی، پرویز پیران، اکبر زرگر، احمد سعیدنیا، اسماعیل شیعه، مهدی طلب، محمدحسن گنجی، مصطفی مومنی. |
| یادداشت : | کتابنامه |
| یادداشت : | نمایه |
| موضوع : | شهرداری -- دایره المعارفها : شهرنشینی -- دایره المعارفها : عمران روستایی -- دایره المعارفها |
| شناسه افزوده : | سعیدی، عباس، ۱۳۲۹ |
| شناسه افزوده : | سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور |
| شماره کتابشناسی ملی : | ۱۵۹۲۷۳۵ |



عنوان کتاب: دانشنامه مدیریت شهری و روستایی
ناشر: موسسه فرهنگی، اطلاع رسانی و مطبوعاتی
شورای علمی (به ترتیب الفبا): دکتر پرویز پیران، دکتر اکبر زرگر، مهندس احمد سعیدنیا، دکتر اسماعیل شیعه، دکتر مهدی طالب، دکتر محمدحسن گنجی، شادروان دکتر مصطفی مومنی
زیر نظر: مهندس عزیز دولتخواه
سرپرست علمی و سرویراستار: دکتر عباس سعیدی
سایر همکاران: دکتر کمال پولادی، سریر کریمی، سهیلا شمس الله و گوهر نصرتی، شیده شهریاری، نسترن گلریز، سعیده سلامت و میترا اوحدیان، فرشته اسدی جوزانی
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
چاپ اول: زمستان ۱۳۸۷
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۰۱۲-۶۹-۰

دانشنامه مدیریت شهری و روستایی
سرپرست علمی و سرویراستار: دکتر عباس سعیدی
دبیر و ویراستار: دکتر کمال پولادی
کارشناس پژوهشی و هماهنگ‌کننده: سرپر کریمی
واژه‌نگاران: فرشته اسدی جوزانی، سهیلا شمس‌الله و گوهر نصرتی
نمونه‌خوانها: سرپر کریمی، شیده شهریار، نسترن گلریز، سعیده سلامت و میترا اوحیدیان
صفحه‌آرا: فرشته اسدی جوزانی

فهرست الفبایی مؤلفان

| | |
|--|-------------------------|
| دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران | دکتر فرود آذری دهکردی |
| مرکز مطالعات ایرانی و اسلامی | احمد آرین‌نیا |
| دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز | دکتر حسین آسایش |
| دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران | دکتر میترا احمدی ترشیزی |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران | دکتر مصطفی ازکیا |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران | دکتر ایمانی جاجرمی |
| دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) | دکتر سیدحسین بحرینی |
| دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران | دکتر سیدعلی بدری |
| وزارت جهاد کشاورزی | دکتر جانعلی بهزادنسب |
| دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی (چالوس) | دکتر کمال پولادی |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی | دکتر پرویز پیران |
| دفتر آمایش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی | دکتر فاطمه تقی‌زاده |
| پژوهشکده الکترونیک، دانشگاه علم و صنعت | دکتر علی‌اکبر جلالی |
| دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران | دکتر حسین حاتم‌نژاد |
| دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی | صدیقه حسینی حاصل |
| عضو هیئت علمی بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی | دکتر علی‌احسان حیدری |
| دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران | دکتر فضیله خانی |
| دفتر آموزش، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی | دکتر حسن دارابی |
| | دکتر فریبرز رئیس‌دانا |

| | |
|--|-------------------------------|
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر عبدالرضا رحمانی فضل‌لی |
| پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم | دکتر سید ابوالحسن ریاضی |
| دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام‌نور | دکتر محمدجواد زاهدی مازندرانی |
| دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر اکبر زرگر |
| واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی | افسانه زمانی‌مقدم |
| دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر محسن سرتیپی‌پور |
| دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) | مهندس احمد سعیدنیا |
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر عباس سعیدی |
| دفتر برنامه‌ریزی، جهاد کشاورزی استان تهران | دکتر ناصر شفیعی ثابت |
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی (مرکز سنجش از دور) | دکتر علیرضا شکبیا |
| پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر اسماعیل شهبازی |
| دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت | دکتر اسماعیل شیعه |
| دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران | دکتر اسماعیل صالحی |
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر مظفر صراف‌ی |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران | دکتر جواد صفی‌نژاد |
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر محمدحسن ضیاء توانا |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران | دکتر مهدی طالب |
| دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی | فرهاد عزیزپور |
| دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت | دکتر مهران علی‌الحسابی |
| کمیته مطالعات راهبردی مدیریت بحران شهر تهران | محمدرضا فرزاد بهتاش |
| دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران | دکتر شهرزاد فریادی |
| دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) | دکتر محمدمنصور فلامکی |
| دانشگاه علوم انتظامی | بهمن کارگر |
| مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران | دکتر موسی کمانرودی |
| دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران | دکتر محمدحسن گنجی |
| دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز | دکتر علی لهسایی‌زاده |
| دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی | مهندس غلامرضا مجیدی |
| دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران | دکتر مجید مخدوم |
| شرکت مهندسی مشاور مهتاب قدس، وزارت نیرو | مهندس کاوه معصومی |
| مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران | مهندس سید محمدمهدی معینی |
| پردیس قم، دانشگاه تهران | دکتر مقیمی |
| دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی | دکتر مصطفی مؤمنی |

مقدمه

در جهان امروز شهرها و روستاها در زندگی بشری ابعاد گسترده و پیچیده‌ای یافته‌اند، از یکسو به جهت روح خاص کالبدی، جلوه هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، معماری، اقتصادی و اجتماعی و با موجودیت خود در نقش تنظیم‌کننده روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذاری بر زمینه‌های فکری و رفتاری آنان، دارای نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند، از سوی دیگر در دهه‌های اخیر با رشد فناوریهای جدید شیوه زندگی شهری به نظام غالب زیستی جهان تبدیل شده و به‌عبارت دیگر، فعالیتهای معیشتی و اقتصادی به‌صورتی روزافزون خصلتی شهری به‌خود گرفته است.

بر همین‌اساس مدیریتهای جامع شهری و روستایی چنان ابعاد متنوع و پیچیدگی عمیقی یافته‌اند که کاربرد آنها بدون بهره‌گیری از آموزشهای بنیادین و پشتوانه‌های پژوهشی، ناممکن می‌نماید و یا دست‌کم اگر هم شدنی باشد، نمی‌تواند به اندازه کافی مفید و پایدار باشد. مقایسه تطبیقی بین شهرها و روستاهای موفق با شهرها و روستاهای ناموفق حاکی از آن است که در دنیای معاصر، اداره امور شهرها و روستاها، نه با اتکا بر بینش و روش سنتی مبتنی بر ذهنیتهای غیرعلمی (تجربی) مفید است و نه با اتکای صرف بر به‌کارگیری آموخته‌های نظری و غیرمشارکت‌طلبانه. به‌این‌ترتیب آموزش هدفمند و مؤثر و متناسب برای مدیران و کارشناسان ارشد شهری و روستایی، پیش‌شرط بهبود مدیریت شهری و روستایی بشمار می‌آید. در موضوع پژوهشهای شهری و روستایی، همچون تهیه و تدوین دانشنامه (دایرةالمعارف) مدیریت شهری و روستایی نیز از یکسو نقش پشتیبانی و تغذیه فکری تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران شهری و روستایی در نظر گرفته می‌شود و از سوی دیگر می‌بایست مطابق با روشها و شرایط روز عمل کرد. در این‌صورت، رابطه‌ای تکمیلی و متقابل باعث ارتقای کیفیت و اثربخشی برنامه‌های آموزشی می‌شود. در عین حال محصول مشترک آموزش و پژوهش، می‌تواند در هنگام مواجهه با مسائل، تغییر و بهبود عملی در نگرش فکری و رفتاری مدیران شهری و روستایی ایجاد کند.

امروزه نقش بنیادین دانشنامه‌های آموزشی گوناگون در توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه مدیریتی بر کسی پوشیده نیست و می‌توان گفت که کلید توسعه‌یافتگی هر نظام حکومتی بر پایه استفاده از منابع معتبر آموزشی آن نظام سیاسی قرار دارد. در واقع می‌توان گفت دانشنامه‌ها دربرگیرنده یافته‌های علمی و تجربی هستند که در حوزه‌های متفاوت تحقیقی و آموزشی به کمک پژوهشگران شهری و روستایی می‌آیند. در این راستا دانشنامه مدیریت شهری و روستایی می‌تواند به‌مثابه ابزاری مستند و علمی، راهگشای ابهامات و پرسشهای پژوهشگران شهری و روستایی باشد و در جهت تعمیق استفاده از ادبیات گفتاری مشترک بین مدیران و کارشناسان مدیریتهای شهری و روستایی مؤثر واقع شود. بر این‌اساس خلاء وجود چنین دانشنامه‌ای برای استفاده مدیران و کارشناسان شهری و روستایی از سالها پیش احساس می‌شد، بدین جهت سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور بر آن شد تا با استفاده از توان علمی و تجربه مشترک تعداد کثیری از اساتید مجرب نسبت به تهیه این اثر اقدام کند.

امیدوارم اثر حاضر که با همکاری بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی اولین بار در کشور به رشته تحریر درآمده مورد استفاده مراکز علمی و پژوهشی مرتبط با دانش مدیریتهای شهری و روستایی، به‌ویژه دانش‌پژوهان عزیز

و مدیران زحمت‌کش واقع شود. در خاتمه لازم است از همه عزیزانی که در تهیه این اثر بزرگ همکاری داشته‌اند، به ویژه همکاران خود در معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سازمان و اساتید تهیه‌کننده مقالات این اثر تشکر و قدردانی کنم. انشاءالله مخاطبان این اثر با عنایت به تمایلات و انتظارات خود از حلاوت آن بهره و تتبع جویند.

سید مهدی هاشمی

سرپرست وزارت کشور و
رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

نامهٔ بنیاد

گسترش روزافزون علوم و وجود ساحت‌های جدید و قلمروهای نوین در زمینه‌های علمی، وصول به دستاوردهای ارزشمندی را برای نسل حاضر و آیندگان نوید می‌دهد. کشف جهان ناشناخته و عبور از مرزهای دست یافته پیشین، تولید علم و گسترش فناوری و نیز همزیستی علوم مختلف با یکدیگر، رهایی انسان در بند را در پی دارد. از سویی آدمی در هزار توی حیرانی و سردرگمی گرفتار است و با وجود همه برکاتی که یافته‌ها و کشف افق‌های جدید علوم در پی داشته، باز هم محروم از آرامش و سکونی لذت‌بخش است. تدوین دانشنامه از سویی روند تطور علوم را ثبت و جاودانه می‌سازد و از دیگر سو ناشناخته‌ها و راه‌هایی جدید را فراراه آیندگان ترسیم می‌نماید.

فناوری جدید به‌خصوص در ساحت و زمینه فناوری اطلاعات مرز بین کشورها و حتی قاره‌ها را از میان برداشته است. امروز نمی‌توان به انحصار پیشین در زمینه‌های علمی معتقد بود. گویا بشر برای درمان درد مشترک به توافقی مبارک و فرخنده روی آورده است، همان‌گونه که دیروز به فکر چاره‌ای برای امروز خود بود. تعدد رشته‌ها و گرایشها، تدوین و تألیف دانشنامه را بیش از پیش ضروری کرده است. علاوه بر رشته‌های متنوع و جدید علمی، گستردگی موضوعهای مستقل و حتی فرعی و به ظاهر ساده، مفاد و محتوای دانشنامه‌ها را تضمین می‌کنند. تألیف و تدوین دانشنامه‌هایی تحت عنوان: نفت، خلیج فارس، لباس، فرش و سکه و حتی زمینه‌های اختصاصی‌تر علمی مثل بحث نور، حرکت، صوت، رود، کوه و نخل نیز سفارش دانشنامه را انکارناپذیر کرده است.

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی بر سر آن است که با انجام مأموریت خطیر خویش و تدوین و تألیف دانشنامه‌های گوناگون افق‌ها و ساحت‌های جدید علمی را برای آیندگان باز نماید. در همین راستا همه استادان دانشمند و فاضل را از دانشگاه و حوزه برای جبران این خلأ و کاستی و در حدّ وسیع خویش به همکاری دعوت می‌نماید.

ضمن تقدیر از کسانی که فکر اولیه تألیف دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، را مطرح کردند و تشکر از همکاری سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور که اعتبار مورد نیاز را برای این مهم در نظر گرفته است، تقدیر و تحسین ویژه دارم از جناب آقای دکتر عباس سعیدی استاد محترم دانشگاه و سرپرست و رئیس شورای علمی این دانشنامه که از میانهٔ راه با عزمی راسخ و همتی والا کار را به سرانجام رساندند و نیز شورای محترم علمی و همهٔ بزرگواران فاضلی که در انتخاب، تأیید و تصویب و به‌خصوص تحریر مدخلها و عناوین مصوب ما را یاری کردند. تقدیر از کارمندان سخت‌کوش حوزه معاونت پژوهشی را وظیفه می‌دانم که برای تحویل به موقع این دانشنامه تمام وقت خود را حتی خارج از ساعات اداری و در ایام تعطیل به این کار معطوف و موقوف کردند. از آقای مهندس سیدمهدی هاشمی سرپرست محترم وزارت کشور و رئیس سازمان شهرداریهای و دهیاریها و از معاونت برنامه‌ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور آقای مهندس عزیز دولتخواه و آقایان مهندس جعفر ستایش ولی‌پور مدیرکل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان و

آقای مهندس حسین رجب‌صلاحي کارشناس مسئول پروژه که به ضرورت تغییر مدیریت در بنیاد دانشنامه، تأخیر را با دیده اغماض و عین محبت و شکیبایی تحمل کردند، تشکر می‌نماید.
به استناد کلام نورانی «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» خود را موظف می‌داند از همکاران ارجمند به قرار زیر تقدیر نماید:

۱- آقای دکتر حسن ابراهیمی معاون پژوهشی بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی؛ ۲- آقای دکتر علی‌احسان حیدری مدیر امور پژوهشی بنیاد؛ ۳- آقای دکتر سیدفرهاد افتخارزاده معاون طرح، توسعه و پشتیبانی بنیاد و همه عزیزانی که در انجام این مهم همکاری داشته‌اند.

بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی معتقد نیست آنچه فراهم آمده کاری است بی‌کم و کاست، اما در نوع خود در تاریخ دانشنامه‌نگاری ایران اسلامی، کاری بدیع و بکر و یقیناً مفید و مثمر خواهد بود. امیدوارم با قبول و توافق جدید در ویراست دوم دانشنامه مدیریت شهری و روستایی فرصت جبران خلأها و افزایش مدخلهای جدید فراهم آید تا بتوان در این زمینه نیاز سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور را پاسخ اقناع کننده داد، ان شاءالله تعالی.

بمَنه و توفیقه

منوچهر اکبری

رئیس بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

مقدمه سرپرست علمی

ترکیب لاتین میانه encyclopaedia به انگلیسی encyclopedia نوشته می‌شود و در عربی *دایرةالمعارف* و به فارسی *دانشنامه* خوانده شده است،^۱ صورت تغییر شکل یافته و برگرفته از ۲ واژه یونانی enkuklios (حلقه، دایره و عمومی) و paideia (آموزش/ پرورش) است. بدینسان، معنای لفظی این واژه/ ترکیب واژگانی، حلقه یادگیری یا (آموزش و) پرورش عمومی است.

اگر به معنای اصلی و لفظی جزء دوم انسیکلوپدی، پدیا، در زبان یونانی توجه کنیم، به مفهوم پرورش می‌رسیم. آشکار است که پرورش پیوسته در همه زمینه‌ها، همواره با آموزش همراه است. بنابراین، به تعبیری، می‌توان انسیکلوپدی را حلقه (آموزش و) پرورش بشمار آوریم. و این همان مفهومی است که یادآور هدف پیشتازان دایرةالمعارف‌نویسی در اروپاست که فراهم ساختن مجموعه‌ای از معارف برای آگاهی و خودآگاهی مردمان زمان خویش را در نظر داشتند و از این مهم‌تر، در پی بیرون آوردن دانش و هنر به بیرون از حلقه تنگ حجره‌ها و اتاقهای مدارس کلیسایی بودند. بدینسان، نباید فراموش کرد که اهداف اجتماعی/صحاب *دایرةالمعارف* در اروپا نه فقط نواندیشی، بلکه جنبشی برای تنویر افکار باز هم نه فقط خواص، بلکه عوام نیز بود؛ یعنی راه را باز کردن برای دسترسی عموم به علوم و به تعبیری، اجتماعی کردن دانشها و هنرها.

بنابر تعریف رایج، دانشنامه اثری است مرجع و جامع، شامل مدخلهایی درباره تمام شاخه‌های دانش بشری و یا جنبه‌های متنوع یک زمینه تخصصی خاص و به‌طور متعارف، نظم‌یافته براساس الفبا. بدینسان، به‌طور کلی، ۲ نوع دانشنامه وجود دارد: دانشنامه عمومی و دانشنامه تخصصی. در کنار دانشنامه‌های عمومی و تخصصی، واژه‌نامه‌ها (dictionaries) و فرهنگهای تخصصی (Lexicons) و یا اطلاعاتی (almanac) در دسترس هستند که اولی حاوی معانی واژگان است و دومی بیشتر با مفاهیم یک زمینه خاص تخصصی و آخری، با اطلاعات ادواری سروکار دارد.

ویژگیهای بنیادین هر دانشنامه را می‌توان چنین برشمرد:

صحت؛

جامعیت؛ و

مرجعیت.

بنابراین، دانشنامه‌نویسی کاری سهل و ممتنع است؛ بی‌جهت نیست که در سالهای اخیر با اقبال گسترده‌ای همراه شده است و این سهل است، اما ممتنع آنجاست که حاصل این همه اقبال، جز در مواردی معدود، با اثری گرانبها و گرامی همراه نبوده است و این از ممتنع بودن این کار خبر می‌دهد.

۱. این لفظ در زبانهای مختلف اروپایی با اندک تفاوت به‌صورت‌های زیر نوشته می‌شود: encyclopédie (فرانسوی)، Enzyklopädie (آلمانی)، encyclopedie (هلندی)، enciclopidia (ایتالیایی)، encyklopædia (پرتغالی)، encyklopedi (سوئدی) و encyclopedia (اسپانیایی).

آشکار است که همه مفاهیم و معانی قراردادی، همچون بسیاری پدیده‌های دیگر، حاوی کارکردی زمانی- مکانی هستند؛ در یک جا با ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی خاص، مفهومی سربلند می‌کند و با معنایی معین بر زبانها جاری می‌شود و در جایی دیگر، بنابر همان خصوصیات، اصولاً مطرح نمی‌شود و یا اگر شود، می‌تواند به همان معنا، کارکرد و یا هدف نباشد. و در این میان، زمان، با برندگی جوهری خود، هم آن و هم این معنا، کارکرد و هدف را ممکن است چنان دگرگون سازد که جستجوی ریشه‌های بنیادین را بس دشوار سازد.

سابقه دانشنامه‌نویسی به شیوه‌های مختلف به حدود ۲۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد، اما در سده ۱۷م به بعد، با ابعاد و اهداف تازه‌ای دنبال شد، به‌ویژه آنکه پس از سده ۲۰م، تدوین دانشنامه‌های تخصصی به نحو چشمگیری پیگیری شد. آشکار است که دانشنامه‌های امروزی، در اصل، پدیده‌ای برآمده از فرهنگ واژگان سده ۱۸م هستند. اما تفاوت بارز دانشنامه با فرهنگ واژگان در این است که واژه‌نامه‌ها معانی مختلف یک واژه را بیان می‌دارند، اما دانشنامه‌ها مفهوم یا مفاهیم آنها را در یک یا چند دانش خاص عرضه می‌دارند. بدینسان، دانشنامه‌ها نه تنها به نحوی عمیق‌تر و تفصیلی‌تر به یک واژه/ مفهوم می‌پردازند بلکه در ارتباط با یک دانش معین، منظور قراردادی از آن را بیان می‌دارند. البته در این چارچوب حتی ممکن است یک مفهوم نه تنها در بین شاخه‌های علمی مختلف، براساس قرارداد، منظور متفاوتی را برساند (مثلاً مفهوم ساختار در روانشناسی، جامعه‌شناسی یا جغرافیای فضایی)، بلکه حتی یک برداشت از اصطلاح یکسان در نحله‌های فکری متفاوت در یک رشته از دانش نیز ممکن است متفاوت باشد، مثل مفهوم آزادی در نحله‌های فکری مختلف، مثلاً در علوم اجتماعی. بدینسان، دانشنامه‌ها با آنچه که اصطلاح خوانده می‌شود، سروکار دارند. علاوه‌براین، دانشنامه‌ها معمولاً حاوی نقشه‌ها، اسناد، تصاویر معمولی، هوایی و ماهواره‌ای، شرح احوال بزرگان و اندیشمندان و داده‌های آماری هستند.

به‌هر تقدیر ۴ عنصر اساسی معرف یک دانشنامه است:

موضوع؛

گستره و دامنه؛

شیوه سازماندهی؛ و

روش تدوین و عرضه.

از دهه ۱۹۸۰م، فناوری نوین اطلاعات، جایگاه و شکل دانشنامه‌ها را به کلی دگرگون کرد و دسترسی به کامپیوترهای شخصی و اینترنت، زمینه ایجاد و توسعه دانشنامه‌های دیجیتالی و on line را فراهم آورده است. با این وجود، هنوز هم دانشنامه‌های متعارف (کاغذی و چاپی) از جایگاه ارزنده‌ای برخوردارند.

دامنه دانشنامه‌ها انعکاسی از موضوع و هدف اصلی از تدوین آنهاست. با توجه به هدف و دامنه دانشنامه تخصصی، همچون دانشنامه اسلام یا همین دانشنامه مدیریت...، مباحث و اصطلاحات ویژه، با توجه به جنبه مفهومی و قراردادی آنها مورد تأکید و بررسی قرار می‌گیرند. البته، گستره مورد نظر در این گونه دانشنامه‌ها، با توجه به مجال و فرصت و اهداف از پیش تعیین شده آنها می‌تواند متفاوت باشد؛ بدینسان، عرض و عمق دانشنامه‌های تخصصی نیز بسیار متفاوتند. برای نمونه، دانشنامه هنر یا ادبیات و یا علوم اجتماعی، هر یک شامل مجلدات متعددی هستند، اما همین دانشنامه مدیریت شهری و روستایی تنها در ۲ مجلد فراهم آمده است.

برخی روشهای سیستماتیک سازماندهی برای تدوین یک دانشنامه، به عنوان مرجع، اساسی بشمار می‌رود. به‌طور کلی، ۲ شیوه اصلی سازماندهی دانشنامه‌های چاپی وجود دارد: شیوه الفبایی و طبقه‌بندی سلسله مراتبی. در شیوه اول که رایج‌تر است، مدخلهای مورد نظر براساس الفبا تنظیم و تدوین می‌شوند، اما در شیوه سلسله مراتبی، مدخلها برحسب اهمیت و ارتباط مستقیم موضوعی طبقه‌بندی و عرضه می‌شوند. روش تدوین و عرضه نیز در تولید یک دانشنامه اهمیت دارد. هرچند هنوز بسیاری از دانشنامه‌ها به‌صورت متعارف تدوین و عرضه می‌شوند، اما امروز، دانشنامه‌هایی نیز هستند که *دانشنامه باز* خوانده می‌شوند که مشهورترین آنها انکارتا و ویکیپدیا هستند که به‌صورت on line در دسترس قرار دارند و امکان اضافه کردن مطالب و حتی مدخلها به آنها وجود دارد.

پیچیدگی کار این دانشنامه از آنجا آغاز می‌شود که هم شهری و هم روستایی و در نتیجه، مدیریت شهری و روستایی را که ترکیبی قراردادی است، شامل می‌شود. البته که تعریف و تبیین درست این ترکیب، اگر غیرممکن نباشد، بس دشوار است. از یک سو، فقر منابع مرجع و الگو در زمینه مدیریت شهری و به‌ویژه روستایی، و از سوی دیگر، محدودیتهای زمانی-اجرایی و عدم دسترسی مناسب به افراد ذی‌صلاح برای تدوین چنین دانشنامه‌ای، به دور از ساده‌انگارهایی که بعضاً در کار تدوین و نشر کتاب و حتی تهیه و تنظیم دانشنامه‌ها رواج یافته، از مشکلات اساسی کار بوده است.

با توجه به دامنه کار و حیطه عمل مدیریت شهری و روستایی، ضروری بود تا پوشش موضوعی مدخلها گستره نسبتاً وسیعی را در زمینه‌های مرتبط با شناخت و اداره امور شهر و روستا، از جمله مدیریت، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی، معماری، برنامه‌ریزی شهری و روستایی و شاخه‌های دیگر مدنظر قرار گیرند. در واقع، تجربیات ارزشمند بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی در تدوین دانشنامه‌های تخصصی به زبان فارسی، در تدوین این دانشنامه سهم بسزایی داشت. با این وجود، ارکان اختصاصی دانشنامه مدیریت شهری و روستایی شامل اجزاء زیر بود:

- سرپرست علمی مدیر و سرویراستار؛
- شورای علمی-مشورتی؛
- دبیر و ویراستار؛
- کارشناس پژوهشی و هماهنگ‌کننده؛ و
- بخش پشتیبانی و حروفچینی.

با توجه به این تشکیلات، انتخاب مدخلها براساس الفبایی در دستور کار قرار گرفت.

بنابراین، فهرست نسبتاً طولانی‌ای از مدخلها تهیه شد و سپس، برحسب موضوعیت آنها، با حذف برخی و ارجاع بعضی دیگر، فهرست نهایی تهیه و برای تألیف سفارش داده شد. در این راه راهنمایی استادان و به‌ویژه اعضای مجمع مشورتی، بسیار راهگشا و کارساز بود.

شایان ذکر است که تشکیل شورای علمی-مشورتی از آغاز راهنمای کار بود. البته، به خاطر ماهیت کار و مجال محدود باقیمانده، هر بار، بنا بر ضرورت، تخصص، امکانات و بهره‌گیری سریعتر از نقطه‌نظرات کارشناسان، جلسات شورا کمتر به‌صورت جمعی و بیشتر به‌صورت مشورت‌های چه بسا فردی و یا چند نفره به انجام رسید. یکی از دلمشغولی‌های عمده در تدوین این دانشنامه، زمان تعیین شده و مجال اندیشمندان

ایرانی برای مشارکت در تولید آن بود. مدخلهای این دانشنامه اساساً تألیفی هستند، مگر در مواردی که بعضی عنوانها از مراجع دیگر ترجمه شده است؛ در این گونه موارد، نام مترجم در داخل کمان () آمده است. در تدوین این دانشنامه، با همه کاستیها، چنین کوشش گراندردی مدنظر بوده است؛ هنوز بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات باقی هستند که باید به این مجموعه افزوده شوند. اما این خود مجال و حوصله وسیع تری می طلبد که در دایره تنگ امکانات در دسترس، موجود نبود.

عباس سعیدی

تشکر

در تدوین *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی* افرادی همراهی و همکاری داشته‌اند که بی شک، بدون یاری آنان، این کار آن‌طور که باید به سرانجام نمی‌رسید. لازم می‌داند از آقای دکتر منوچهر اکبری، ریاست محترم بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی؛ همچنین آقای دکتر حسن ابراهیمی، معاونت محترم پژوهشی؛ آقای دکتر سیدفرهاد افتخارزاده، معاونت محترم اجرایی؛ آقای دکتر علی‌احسان حیدری، مدیر خدمات پژوهشی بنیاد؛ آقای شاهپور نیکبخت شیبانی، مدیر امور اداری و پشتیبانی و آقای دکتر کمال پولادی، دبیر دانشنامه مذکور به پاس همراهیها و حمایت‌های بی‌دریغ ایشان سپاس قلبی خود را ابراز دارد. اگر صبوری و همراهی آقای مهندس عزیز دولتخواه، معاونت محترم برنامه‌ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور؛ آقای مهندس جعفر ستایش ولی‌پور، مدیرکل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان و آقای مهندس حسین رجب‌صلاحی، کارشناس مسئول پروژه نبود، تدوین این دانشنامه میسر نمی‌گردید. بنابراین، جا دارد مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را حضور ایشان تقدیم دارد. ضمناً از خانم افسانه زمانی‌مقدم که در آغاز کار، وظیفه هماهنگی طرح را برعهده داشتند، سپاسگزاری می‌شود.

همچنین از خانمها فرشته اسدی جوزانی، گوهر نصرتی، سهیلا شمس‌الله که در حروفچینی و آماده‌سازی متن، خانمها سریر کریمی، نسترن گلریز، شیده شهریاری، میترا اوحیدیان و آقای فرهاد دیناری که در نمونه‌خوانی متن، همچنین، خانمها نسترن حاجی‌زاده سابق، ربابه ابوطالبی و سعیده سلامت که در ثبت عناوین دانشنامه و نیز خانمها مژگان شهریاری و فرزانه صابونی صمیمانه همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌شود. از دیگرانی که در این راه به یاری آمدند، اما نام آنان احتمالاً از قلم افتاده است نیز ضمن اعتذار، تشکر و قدردانی می‌شود.

آشکار است که هماهنگی و همسان‌سازی مقاله‌های مختلف این دانشنامه که با یاری و دقت نظر استادان برجسته کشور فراهم آمده است، کار ساده‌ای نبوده است. بنابراین، ارزش این دانشنامه به‌عنوان مرجعی قابل اعتنا، حاصل زحمات آنان است و نارسائیهای احتمالی آن، برعهده این بنده است که امید می‌رود، با تذکر استادان، در چاپ بعدی این اثر مورد اصلاح قرار گیرند.

عباس سعیدی

فهرست مندرجات

| | |
|---|---|
| <p>۸۴ بازساخت شهری</p> <p>۸۶ بازسازی روستایی</p> <p>۹۰ باز یافت</p> <p>۹۳ باغشهر</p> <p>۹۷ بافت روستایی</p> <p>۹۹ بانک جهانی</p> <p>۱۰۰ بحران</p> <p>۱۰۳ بحران شهری</p> <p>۱۰۴ بخش</p> <p>۱۰۶ برابری</p> <p>۱۱۰ برنامه</p> <p>۱۱۰ برنامه راهبردی (شهر)</p> <p>۱۱۱ برنامه عمل</p> <p>۱۱۳ برنامه (های) شهری</p> <p>۱۲۴ برنامه مدیریت شهری</p> <p>۱۲۵ برنامه ریزی راهبردی</p> <p>۱۲۶ برنامه ریزی راهبردی محیط - محور</p> <p>۱۲۹ برنامه ریزی زیست محیطی</p> <p>۱۳۳ برنامه ریزی شهری</p> <p>۱۴۰ برنامه ریزی فضایی</p> <p>۱۴۳ برنامه ریزی کالبدی</p> <p>۱۴۵ برنامه ریزی مسکن</p> <p>۱۴۸ بُنه</p> <p>۱۵۰ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی</p> <p>۱۵۴ بوم شناسی شهری</p> <p>۱۵۶ بهداشت شهری</p> <p>۱۵۹ بهره برداری کشاورزی، نظام</p> <p>۱۶۳ بهره برداری کشاورزی، واحد</p> <p>۱۶۵ بهره وری</p> <p>۱۶۶ بهسازی روستایی</p> <p>۱۷۱ بهسازی شهری</p> <p>۱۷۴ بهینه سازی، مدلها</p> <p>۱۷۵ بی خانمانی</p> <p>۱۸۰ بیکاری</p> <p>۱۸۲ پاکار</p> <p>۱۸۲ پاگاو</p> | <p>مقدمه یک</p> <p>نامه بنیاد سه</p> <p>مقدمه سرپرست علمی پنج</p> <p>تشکر نه</p> <p>آبادانی ۱</p> <p>آماده سازی زمین ۸</p> <p>آمایش سرزمین ۱۰</p> <p>آموزش ۱۶</p> <p>اتاق فکر ۱۷</p> <p>اتحادیه بین المللی مراجع محلی ۱۸</p> <p>اثبات گرایی (در مطالعات شهری) ۱۹</p> <p>اجتماع محلی ۲۰</p> <p>احیاء روستایی ۲۳</p> <p>احیاء زمین ۲۶</p> <p>احیاء شهری ۲۷</p> <p>اداره امور ۲۸</p> <p>اراضی روستایی ۳۱</p> <p>اراضی شهری ۳۳</p> <p>ارزیابی ۳۵</p> <p>اشتغال زنان ۳۷</p> <p>اشتغال شهری ۴۲</p> <p>اصل چهار (در ایران) ۴۴</p> <p>اصلاحات ارضی ۴۶</p> <p>اطلاعات ۴۹</p> <p>اصناف ۵۱</p> <p>اقتدار ۵۳</p> <p>اقتدار مدیریتی ۵۵</p> <p>اقتصاد شهری ۵۷</p> <p>اقدام خوب ۵۸</p> <p>الگوی سکونتگاهی ۵۹</p> <p>امنیت شهری ۶۰</p> <p>انقلاب سبز ۶۵</p> <p>انقلاب (های) شهری ۷۱</p> <p>ایمنی آمدو شد ۷۲</p> <p>بازار شهری (در ایران) ۷۵</p> |
|---|---|

| | |
|---|--|
| ۳۲۰.....جهانی شدن و شهر..... | ۱۹۰.....پایداری اجتماعی..... |
| ۳۲۳.....چشم انداز (جغرافیایی)..... | ۱۹۲.....پایداری روستایی..... |
| ۳۲۶.....چشم انداز روستایی..... | ۱۹۸.....پایداری شهری..... |
| ۳۲۸.....حکمروایی..... | ۲۰۰.....پایداری شهری، مدل..... |
| ۳۳۰.....حکمروایی خوب..... | ۲۰۲.....پدافند غیرعامل..... |
| ۳۳۳.....حکمروایی روستایی..... | ۲۰۵.....پروژه روستایی..... |
| ۳۳۵.....حکمروایی شهری..... | ۲۰۸.....پژوهشکده سوانح طبیعی ایران..... |
| ۳۳۷.....حکومت محلی..... | ۲۱۲.....پیاده روی..... |
| ۳۴۱.....حمل و نقل و محیط..... | ۲۱۵.....پیوند(های) روستایی - شهری..... |
| ۳۴۴.....حوزه بندی شهری..... | ۲۱۸.....تأمین اجتماعی..... |
| ۳۴۶.....حوزه نفوذ شهر..... | ۲۲۱.....تجدد..... |
| ۳۴۹.....حومه شهری..... | ۲۲۴.....تحلیل جنسیتی..... |
| ۳۵۴.....خانه همیار روستا..... | ۲۲۷.....تخصیص اراضی..... |
| ۳۵۶.....خدمات رسانی روستایی..... | ۲۳۱.....ترویج، روش(های) آموزش..... |
| ۳۵۹.....خصوصی سازی..... | ۲۳۴.....ترویج، رهیافت(های) بدیل..... |
| ۳۶۵.....خورندگی، پدیده..... | ۲۴۴.....ترویج کشاورزی..... |
| ۳۷۱.....داروغه..... | ۲۴۷.....تصمیم سازی..... |
| ۳۷۱.....دانش بومی..... | ۲۴۹.....تعاون..... |
| ۳۷۵.....دستور کار ۲۱..... | ۲۵۰.....تعاونی..... |
| ۳۷۵.....دشتبان..... | ۲۵۲.....تعاونی در ایران..... |
| ۳۷۶.....دولت الکترونیک..... | ۲۵۸.....تعاونی در جهان..... |
| ۳۸۲.....دهیاری..... | ۲۶۱.....تفرجگاه(های) شهری..... |
| ۳۸۶.....دیوانسالاری..... | ۲۶۵.....تقسیمات کشوری..... |
| ۳۹۰.....رفاه اجتماعی..... | ۲۶۸.....تمرکززدایی..... |
| ۳۹۲.....روابط شهر و روستا..... | ۲۷۰.....تمرکزگرایی..... |
| ۳۹۴.....روابط میان سازمانی..... | ۲۷۰.....توانمندسازی..... |
| ۳۹۶.....روستا..... | ۲۷۹.....توسعه پایدار..... |
| ۳۹۹.....روستا - شهری..... | ۲۸۵.....توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)..... |
| ۴۰۰.....روستای جدید..... | ۲۸۶.....توسعه پایدار روستایی، پارادایم..... |
| ۴۰۴.....روستای شهری..... | ۲۹۱.....توسعه پایدار شهری..... |
| ۴۰۶.....روستای محیطی..... | ۲۹۳.....توسعه پایدار و شهر..... |
| ۴۰۹.....روش شناسی (و شهر)..... | ۲۹۹.....توسعه روستایی..... |
| ۴۱۰.....رهبری..... | ۳۰۴.....جابه جایی..... |
| ۴۱۲.....رهبری (در حکومت محلی)..... | ۳۰۶.....جامعه گرایی و شهر..... |
| ۴۱۵.....زیرساخت داده های مکانی - فضایی..... | ۳۰۷.....جامعه مدنی..... |
| ۴۲۳.....ساختار روستایی..... | ۳۱۱.....جنگلداری شهری..... |
| ۴۲۳.....ساختار شهری..... | ۳۱۲.....جهانی شدن..... |
| ۴۲۵.....ساخت و ساز شهری..... | ۳۱۶.....جهانی شدن و روستا..... |

| | | | |
|----------|--|----------|--|
| ۵۴۷..... | شهرداری..... | ۴۲۷..... | سازمان حفاظت محیط زیست..... |
| ۵۵۰..... | شهرداری، سازمانهای وابسته (ایران)..... | ۴۲۹..... | سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور..... |
| ۵۵۴..... | شهرداری تهران..... | ۴۳۲..... | سازمان(های) غیردولتی..... |
| ۵۵۸..... | شهرداری تهران، سازمانهای وابسته..... | ۴۳۵..... | سازمان مدیریت و برنامه ریزی..... |
| ۵۶۲..... | شهرداری تهران، شرکتهای وابسته..... | ۴۴۰..... | سازمان ملل، برنامه توسعه..... |
| ۵۶۴..... | شهرگرایی..... | ۴۴۱..... | سازمان ملل، هیئات..... |
| ۵۶۶..... | شهرنشینی..... | ۴۴۲..... | سازمان ملل متحد..... |
| ۵۶۸..... | شهروندی..... | ۴۴۵..... | سازماندهی..... |
| ۵۷۴..... | شهروندی، حقوق..... | ۴۴۷..... | ساماندهی فضایی..... |
| ۵۷۷..... | طراحی روستایی..... | ۴۵۰..... | سرمایه اجتماعی..... |
| ۵۷۸..... | طراحی شهری..... | ۴۵۵..... | سرمایه انسانی..... |
| ۵۸۴..... | طرح کالبد ملی..... | ۴۵۷..... | سطح بندی روستایی..... |
| ۵۸۷..... | طرح هادی روستایی..... | ۴۵۸..... | سطح بندی سکونتگاهی..... |
| ۵۸۹..... | ظرفیت سازی..... | ۴۶۰..... | سکونتگاه انسانی..... |
| ۵۹۳..... | عدالت..... | ۴۶۳..... | سکونتگاه روستایی..... |
| ۵۹۵..... | عدالت اجتماعی (و شهر)..... | ۴۶۴..... | سکونتگاه شهری..... |
| ۶۰۰..... | عدالت محیطی..... | ۴۶۶..... | سکونتگاه غصبی..... |
| ۶۰۲..... | عمران روستایی (در ایران)..... | ۴۶۸..... | سکونتگاه غیررسمی..... |
| ۶۱۲..... | فرانوگرایی..... | ۴۷۳..... | سلسله مراتب سکونتگاهی..... |
| ۶۱۳..... | فضا..... | ۴۷۶..... | سنجش زیست محیطی..... |
| ۶۱۶..... | فضای باز..... | ۴۷۸..... | سند چشم انداز..... |
| ۶۱۷..... | فضای سبز شهری..... | ۴۸۲..... | سوانح شهری..... |
| ۶۲۰..... | فضای عمومی..... | ۴۸۶..... | سیاست شهری..... |
| ۶۲۰..... | فناوری اطلاعات..... | ۴۹۰..... | سیاستگذاری عمومی..... |
| ۶۲۵..... | قطب رشد، رویکرد..... | ۴۹۲..... | سیستم اطلاعات جغرافیایی..... |
| ۶۲۸..... | کارآفرینی..... | ۴۹۸..... | سیستم اطلاعات مدیریتی..... |
| ۶۳۲..... | کارآفرینی اجتماعی..... | ۵۰۳..... | شبکه منطقه ای، راهبرد..... |
| ۶۳۵..... | کارآفرینی روستایی..... | ۵۰۵..... | شرکت عمران شهرهای جدید..... |
| ۶۳۹..... | کاربری زمین..... | ۵۰۸..... | شورای اسلامی شهر..... |
| ۶۴۴..... | کدخدا..... | ۵۱۲..... | شورای روستا و شهر..... |
| ۶۴۷..... | کشاورزی شهری..... | ۵۱۵..... | شورایاری..... |
| ۶۴۹..... | کلانشهر..... | ۵۱۶..... | شورای عالی شهرسازی و معماری ایران..... |
| ۶۵۲..... | کمیسیون ماده ۱۰۰..... | ۵۱۹..... | شورای محله..... |
| ۶۵۶..... | کمیسیون ماده ۵..... | ۵۲۱..... | شهر الکترونیک..... |
| ۶۶۰..... | گردشگری شهری..... | ۵۲۹..... | شهر(های) جدید (ایران - جهان)..... |
| ۶۶۱..... | گروه(های) هم آب..... | ۵۳۷..... | شهر جهانی..... |
| ۶۶۷..... | گونه شناسی مسکن..... | ۵۴۲..... | شهر سالم..... |
| ۶۷۱..... | مادرشهر..... | ۵۴۵..... | شهر قابل زیست..... |

| | | | |
|------------------------------------|-----|---|-----|
| منظر روستایی | ۷۷۹ | مباشر | ۶۷۳ |
| منظر شهری | ۷۸۳ | مبلمان شهری | ۶۷۴ |
| مهاجرت | ۷۸۶ | محله (شهری) | ۶۷۸ |
| مهاجرت روستایی - شهری | ۷۸۹ | محیط زیست | ۶۸۲ |
| نابرابری جنسیتی | ۷۹۵ | محیط زیست شهری | ۶۸۵ |
| ناحیه | ۷۹۹ | مدیریت | ۶۸۹ |
| ناحیه مرکزی شهر | ۸۰۰ | مدیریت بحران | ۶۹۰ |
| نسق | ۸۰۳ | مدیریت رشد | ۶۹۳ |
| نگرش سیستمی | ۸۰۶ | مدیریت روستایی | ۶۹۵ |
| نوسازی | ۸۰۷ | مدیریت زیستبوم - محور | ۷۰۱ |
| نوسازی روستایی | ۸۱۲ | مدیریت زیست محیطی شهری | ۷۰۲ |
| نوسازی شهری | ۸۱۴ | مدیریت سنتی فضا | ۷۰۳ |
| نوگرایی | ۸۱۹ | مدیریت سوانح | ۷۰۵ |
| نیازهای اساسی | ۸۲۰ | مدیریت شهری | ۷۰۸ |
| وابستگی، مدل | ۸۲۲ | مدیریت مشارکتی | ۷۱۰ |
| وابستگی (و شهر) | ۸۲۳ | مدیریت منابع (انسانی) | ۷۱۵ |
| واحد(های) سنتی تولید جمعی | ۸۲۴ | مراجع محلی (روستایی) | ۷۱۶ |
| واحد همسایگی | ۸۳۲ | مردمسالاری | ۷۲۲ |
| وزارت جهاد سازندگی | ۸۳۹ | مردمسالاری شهری | ۷۲۶ |
| وزارت جهاد کشاورزی | ۸۴۱ | مرکز - پیرامون، مدل | ۷۲۸ |
| وزارت کشور | ۸۴۳ | مرکز توسعه یکپارچه روستایی (سیرداپ) | ۷۲۹ |
| وزارت مسکن و شهرسازی | ۸۵۲ | مرکز خرید شهری | ۷۳۱ |
| یکپارچه سازی اراضی (روستایی) | ۸۵۷ | مرکز شهر | ۷۳۲ |
| نماینده | ۸۶۰ | مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران | ۷۳۹ |
| | | مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران | ۷۴۱ |
| | | مرمت | ۷۴۲ |
| | | مرمت شهری | ۷۴۳ |
| | | مسکن روستایی | ۷۴۶ |
| | | مسکن شهری | ۷۴۸ |
| | | مشارکت | ۷۵۵ |
| | | مشارکت (در امور شهر) | ۷۵۹ |
| | | مشکلات شهری | ۷۵۹ |
| | | مطالعات شهری | ۷۶۲ |
| | | مکان مرکزی، نظریه | ۷۶۳ |
| | | مکانیابی | ۷۶۹ |
| | | منافع عامه | ۷۷۴ |
| | | منطقه | ۷۷۶ |
| | | منطقه شهری کلان | ۷۷۸ |

۱-آ

آبادانی

روستایی عبارت از راهبردی برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های خاصی از مردم است که در واقع، قشرهای فقیر جامعه بشمار می‌آیند. براین اساس، هدف عمران و آبادانی روستاها نوکردن جامعه روستایی و خارج کردن آن از حالت انزوا و پیوند آن به بخشهای نوین اقتصاد ملی است.

عمران روستایی فرایندی است متضمن افزایش مداوم توانائیهای مردم روستاها برای دخالت و مشارکت بیشتر در محیط زیست (← محیط زیست) و اشتغال خود که این نیز طبعاً باید با توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از این دخالت و مشارکت برای آنان توأم باشد. در این ارتباط، ۳ مطلب اساسی به قرار زیر مطرح است:

عمران روستایی را باید با دید وسیع‌تری در نظر گرفت، چون تنها شامل توسعه کشاورزی و اقتصادی روستا نیست، بلکه به معنی عام آن، تمام امور و ابعاد زندگی روستایی، اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد؛

عمران روستایی با این مفهوم، فرایندی است که باید به‌طور مداوم توان ذهنی روستائیان را برای دخالت و مشارکت بیشتر بر محیط زیست و اشتغال خود افزایش دهد، تا آنان بیش از پیش در مقام آغازگر و اداره‌کننده تغییرات، تحولات و پیشرفتهای در جامعه خود درآیند؛ و

توزیع عادلانه‌تر منافع حاصل از پیشرفتهای فنی و مشارکت هرچه بیشتر قشرهای فقیرتر که از این تحولات و پیشرفتهای فنی بهره کمتری می‌برند، موضوع بسیار مهمی است که باید به‌طور جدی و قاطع در برنامه‌های عمران روستایی، همواره مد نظر قرار گیرد.

آبادانی و عمران روستایی نه تنها ساماندهی و

Development

آبادانی به مفهوم آبادسازی، عمران و توسعه و آبادی، به‌طور کلی، به معنای معمور و مزروع، مترقی و پیشرفته، یا نوساز و بهبودیافته و به‌عبارتی، جایگاهی سرشار از آمادگی برای زیستن و بهره‌مندی از مواهب آن است. در همین چارچوب، آبادانی یعنی احیاء یا جان دمیدن و زندگی بخشیدن به هر پیکره خمود و کم‌تحرک، خفته و یا راکد و بی‌جان و به اصطلاح، احیاء اراضی موات است.

آبادانی را اغلب مترادف عمران می‌دانند، زیرا ۲ واژه آبادانی و عمران در گویش فارسی بیشتر به‌صورت واژه‌های بدیل یا مکمل و مؤید همدیگر به کار می‌رود.

مفهوم عمران به آبادانی و تمدن اشاره دارد و از این رو، یک پدیده اجتماعی تلقی می‌گردد. بنابر تعریف فرهنگ بزرگ ویستر از واژه Development که معادل‌های فارسی آن واژه‌هایی چون توسعه یا عمران (و در اینجا آبادانی) است، عمران یا آبادانی، به معنای فرایند رشد و افتراق و تطور طبیعی یک نظام طی تحولات متوالی، از حالتی ناقص به وضعیتی کامل‌تر و یا پیشرفت از یک حالت یا شکل ساده‌تر وجود به حالت یا شکل پیچیده‌تر در ساختار یا کارکرد آن وجود، آمده است. در عین حال، واژه عمران در برخی از متون علوم اجتماعی، قرینه واژه تمدن در نظر گرفته شده که این نیز بر تغییر، تحول، پیشرفت، ترقی و تکامل جامعه انسانی دلالت دارد.

بانک جهانی (← بانک جهانی) در ۱۹۷۵م در توصیف آبادانی (توسعه روستایی)، چنین نتیجه‌گیری کرد که توسعه

آبادانی

چه از حیث زمینه‌های اشتغال و فعالیت‌های مربوط، شمول عام دارد. در این باره، از جمله چنین آمده است که گزارش حالت اجتماعی انسان که آن عمران (تمدن) جهان و آنچه بر احوال جوامع عارض می‌شود و آنچه از آن ناشی می‌شود، جملگی مبین اصالت و تقدم تمدن انسانی و به تبع آن، ضرورت جامعیت حرکتهای آبادانی و عمران اجتماعی برای تکامل و تعالی جوامع بشری از جهت و جنبه‌های مختلف است.

روان‌بخشی سلسله فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه هدف را می‌طلبد، بلکه برای تحقق این مهم و حتی مقدم بر آن، تأمین نیازهای معنوی و تکامل فکری اعضای جامعه روستایی از الویت به مراتب بیشتری برخوردار است. به همین سبب، اغلب عنوان می‌شود که در مقایسه ۲ واژه توسعه و عمران که در متون تخصصی اغلب به‌عنوان قرینه‌های واژه لاتین Development به کار گرفته می‌شوند، باب «عمران» یا «آبادانی» و یا به‌عبارتی تمدن، متضمن



آبادانی و عمران اجتماعی

عمران و آبادی جامعه، به حرکت جامع برای پیشرفت و تکامل مدنیت مردم اشاره دارد. فلسفه این حرکت دلالت بر ارزشمندی و اهمیت اجتماع مردم و براین مبنای، ضرورتاً، جامعیت زمینه‌ها و وسعت دیدگاهها و افقهای مطلوب برای ارتقاء سطوح و دامنه‌های زندگی مردم از جهات معنوی و مادی دارد؛ یعنی اینکه در فرایند آبادی و عمران، جامعه واحد عملیاتی مورد نظر برای اصلاح و پیشرفت همه جانبه و یکپارچه است و اینکه جامعه تحول و توسعه مطلوب می‌یابد، اصالتاً به‌منظور برآوردن نیازمندها و تأمین اهداف و آرمانهای آنی و آتی جمع مردم (جامعه) جهت‌گیری و

ارزشهای فرهنگی بیشتری است و ابعاد تحولی آن عمدتاً بر دگرگونیهای بنیادی و تغییرات کیفی و تکاملی برای نیل به مراتب متعالی رشد و کمال مدنیت در انسان دلالت دارد؛ ضمن آنکه مفاهیم عمران و آبادانی همواره حالات و کیفیاتی چون سرزندگی و برازندگی، جلا و صفا و روانی و رونق را به ذهن متبادر می‌سازد، حال آنکه مقوله توسعه حاوی مفاهیم و ریشه‌های اقتصادی و اشارات روشن‌تری دایر بر پیشرفت، بسط، ترقی، نمو، وسعت دادن و نیز گسترش جنبه‌های فیزیکی فعالیت‌های فنی، اقتصادی و اجتماعی است.

عمران در مستندات تاریخی، از جمله در مقدمه معروف ابن‌خلدون، چه از لحاظ اصالت عضویت اعضای جامعه و

آبادانی

می‌شود؛

هدف اساسی آبادانی و عمران اجتماعی عبارت است از کوشش در ایجاد هسته‌های رهبری اجتماعی و شوراهای محلی، به‌منظور انگیزش، ترغیب، هدایت و معاونت روستائیان در روستاهای نیازمند برنامه جامع توسعه، به‌نحوی که روستائیان نیز از آنچه لازم به انجام است، سهم عمده‌ای را برعهده گیرند؛

هدفهای برنامه‌های مبتنی بر آبادانی و عمران اجتماعی، عبارتند از: کمک به مردم برای یافتن راههایی به‌منظور سازماندهی برنامه‌های خودیاری اجتماعی و تضمین و تأمین برنامه‌های همیاری در زمینه‌های متنوعی که مردم محل برای تعالی فرهنگ اجتماعی خویش تدارک دیده‌اند؛ هدف آبادانی و عمران اجتماعی کمک به مردم هر روستا در طرح و اجرای برنامه‌های جامع چندین وجهی اجتماعی و خانوادگی به‌منظور افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود صنایع موجود روستایی، تأمین حداقل تسهیلات بهداشتی لازم برای کودکان، بهبود صنایع موجود روستایی، بهبود شرایط مسکن و زندگی خانوادگی و سرانجام، تهیه، تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب برای پیشرفت زنان و جوانان در آن جامعه است؛ و

هدفهای آبادانی و عمران اجتماعی مبتنی بر ایجاد انگیزه و تمایل به کسب دانش لازم برای همیاریهای جمعی مردم در قالب برنامه‌های مورد توافق است.

اصول مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

اصول عمومی آبادانی و عمران اجتماعی شامل موارد زیر است:

شناخت فرهنگ جامعه مورد نظر؛

انتخاب صحیح و ژرف مجریان و دست‌اندرکاران برنامه‌ها؛

انتخاب صحیح مراکز فعالیت؛

جایگاههای عملیاتی؛

آغاز کار در پروژه‌هایی که در کوتاه‌مدت متضمن نتایج قابل رؤیت و قابل لمس برای مردم باشد؛

بهره‌مندی از مشاوره، مشارکت و همکاری آن دسته از مردم محلی که ذاتاً حسابگر و برنامه‌ریز و یا متمایل به نظم در

پی‌ریزی می‌گردد. افزون بر اینها، برنامه‌ها و روشهای لازم برای تحول و بهبودی امور، باید تمام زمینه‌ها و دیدگاههای مطلوب برای دستیابی به مراحل تکامل معنوی و ارتقاء وضعیت اقتصادی همین جمع از مردم را مورد نظر داشته باشد.

به‌همین ترتیب، آبادی و عمران جامعه روستایی بر ایجاد تحول و تکامل در تمام سطوح و اقشار اجتماعی و بر عموم زمینه‌های عملیاتی مرتبط تأکید دارد و تغییر و تکامل در نظامهای اجتماعی و نیز سازماندهی امور جامعه را ضروری می‌داند. زمینه‌های مورد نظر به‌عنوان بسترهای بالقوه آبادی و عمران، محدود به یک زمینه یا معدودی از زمینه‌ها نیست، بلکه همه زمینه‌ها، برنامه‌ها و فعالیتهای ذی‌ربط و امور و تحولات اقتصادی و اجتماعی در بخشهای مختلف جامعه روستایی را دربر می‌گیرد.

بدینسان، حامیان این مکتب از تحول و تکامل روستایی اعتقاد دارند، برای ایجاد تغییر و حرکت سریع و مستمر در مسیر پیشرفت، باید به‌طور همزمان، همسو و هماهنگ، تمام منابع و عوامل و امکانات موجود را برای پیشرفت متناسب همه اقشار در تمام سطوح جامعه روستایی، در کلیه زمینه‌ها و عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت. بدین ترتیب، امکان ایجاد یک محیط مناسب به‌منظور بازسازی، نوسازی و بهبود زندگی و اشتغال، اسکان و نتیجتاً، رونق فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی اعضای جامعه روستایی فراهم می‌گردد.

هدفهای مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

آبادانی و عمران اجتماعی شیوه‌ای نو برای ایجاد انگیزه حرکت داوطلبانه مردم، به‌منظور مشارکت در سرنوشت اجتماعی خویش است. از این رو، آشکار است که یکی از هدفهای مهم در این فرایند، تهیه و تدوین و اجرای طرحهای لازم برای همیاری اجتماعی است؛

آبادانی و عمران اجتماعی فرایندی است که به‌منظور ایجاد شرایط مناسب پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی برای کل جامعه، بر مبنای هدف جلب مشارکت فعالانه مردم و اتکاء کامل به ابتکارات اجتماعی آنان، پی‌ریزی و جهت‌گیری

آبادانی

پی‌ریزی برنامه‌ها و انجام امور مربوط متجلی سازد، تا از این طریق بتواند انگیزه‌های خودیاری و همیاری را در مردم تحریک و استمرار کارهای مقبول را به آنان واگذار نماید؛ در کار آبادانی و عمران اجتماعی، وجود یک جو تفاهم متقابل و پذیرش اصول مورد رضایت طرفین بین یاری‌کننده و یاری‌شونده، لازم است. وجود چنین حالتی به رفت‌وآمد رانندگان وسایل نقلیه موتوری در یک خیابان دوطرفه شباهت دارد. اگر در بین رانندگان در حال رفت‌وآمد در درک و تفاهم متقابل و پذیرش اصول، تردیدی به وجود آید، کار رفت‌وآمد با مشکل مواجه شده و در عمل نظام آمدو شد مختل می‌شود؛

فرایند آبادانی و عمران اجتماعی، با توجه به تنوع زمینه‌های عمرانی و تعدد برنامه‌های تحولی، فقط از طریق مشارکت نمایندگان از تمام گروه‌های اجتماعی قابل عمل است؛ در برآورد مجموع نیازها در یک زمینه واحد، باید به مردم کمک کرد تا با کسب اطلاعات و آگاهی‌های اساسی بتوانند، با توجه به الویته‌ها و امکان دسترسی به منابع، در مورد هر یک از نیازها، به بررسی و داوری بپردازند؛

از آنجا که اغلب کشورهای توسعه‌نیافته در حال حاضر دارای مؤسسات و واحدهای فنی، خدماتی و آموزشی در زمینه‌های متنوع و مورد لزوم برای تأمین مقاصد آبادانی و عمران اجتماعی خود هستند، یک سازمان آبادانی و عمران اجتماعی جدید در یک کشور باید از همان نهادهای موجود برای برنامه‌های خود استفاده کند و به تشکیل واحدهای فنی، خدماتی و آموزشی جدید برای مقاصد مشابه مبادرت نوزد. این امر، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته که با محدودیت منابع مواجه هستند، اهمیت دارد؛

منابع، امکانات و تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و اداری موجود در نهادهای مختلف [دولتی] می‌توانند تا حد زیادی برای حل مسائل آبادانی و عمران اجتماعی و حداکثر بهره‌گیری از منابع محدود، مورد استفاده آموزشی، خدماتی و تحقیقاتی قرار گیرند. در واقع، این بخشی از اصالت تعاون (← تعاون) و مشارکت جمعی بین دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه در جریان آبادانی و عمران اجتماعی است. نتایج این تعاون و مشارکت جمعی، خود می‌تواند

کار برای انجام امور خود هستند؛

عدم توقع و درخواست برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌ها از مردم برای همکاری و پرداختن به کارهایی که نسبت به آنها تردید و یا هراس دارند و یا با انجام آنها، منابع قلیل آنان در معرض تهدید قرار می‌گیرد؛

تمرکز برنامه‌ها بر نحوه بهره‌مندی از استعدادهای اقتصادی و اجتماعی جامعه در شرایط موجود، و نه براساس برنامه‌های آرمانی؛ و

جهت‌گیری و تعیین هدفها در قالب برنامه‌های جامع با دیدگاه‌های وسیع.

به‌همین ترتیب، اصول تضمین‌کننده افزایش کارایی برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی، شامل موارد زیر است: تمام زمینه‌های مورد نظر برای اصلاح و بهبود باید همزمان با هم مورد توجه قرار گیرند؛ مردم جامعه باید از ابتدای فعالیتهای عمران اجتماعی در جریان برنامه‌ریزی قرار گرفته، در مراحل مختلف کار شرکت داده شوند؛

مسئله مهم در امر آبادانی و عمران اجتماعی، تعالی استانداردهای زندگی روستایی است که این نیز یک فرایند آموزشی است و باید از این دیدگاه مورد توجه قرار گیرد؛ آبادانی و عمران اجتماعی باید از نقطه‌ای آغاز گردد که افراد جامعه نیازها و روشهای حل مسائل خود را در آن سطح مورد ملاحظه قرار می‌دهند؛

آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم ایجاد و استحکام این باور است که افراد، گروه‌ها و جوامع می‌توانند به حل مشکلات خود کمک کنند. این باور زمانی تحقق می‌یابد که صرف‌نظر از اوضاع اقتصادی و اجتماعی حاکم بر محیط، خود مردم نیز به تواناییهای جمعی خویش اعتماد پیدا کرده باشند؛

آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم اطلاع افراد و اجتماعات از منابع، مؤسسات و مراکز ارائه خدمات و آگاهی آنان از نحوه بهره‌گیری از این امکانات در درون و برون از بخش مربوط در جامعه است؛

یک گروه و یا یک واحد مسئول آبادانی و عمران اجتماعی تازه وارد به یک جامعه، از ابتدای شروع به کار باید تمایل خالصانه خود را برای همکاری و مشارکت مردم محلی در

آبادانی

اجرائی و آموزشی هستند، همواره یک خطر ذاتی برای صدمه زدن به کل برنامه و پیشرفت آن وجود دارد؛ توسعه اثرات و تأثیربخشی برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی تا حد زیادی بستگی به میزانی دارد که اعضای هر خانواده را دربر می‌گیرد. این موضوع به‌ویژه در فرهنگهایی که به خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی تأکید بیشتری دارند، مصداق می‌یابد؛

گسترش برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی اساساً تابع ماهیت و میزان مداخله مردم در امور مربوط به خود و مشارکت آنان در حرکت‌های اجتماعی است؛ و تأثیر جریان‌های آبادانی و عمران اجتماعی از طریق ارزیابی میزان تحولات حاصله در طرز برخورد مردم - که به‌وسیله تغییر در شیوه‌های زندگی و اشتغال و ارتباطات آنان دیده می‌شود - منعکس می‌گردد. این امر به شناسایی شأن و مقام فرد، مشارکت زنان و جوانان در حرکت‌های اجتماعی و به میزان قابل ملاحظه‌ای، پیوستگی اعضای جامعه برای تفاهم متقابل و همیاری منجر می‌گردد.

فرایندهای مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

فرایند آبادانی و عمران اجتماعی شامل ۲ مرحله است: در مرحله اول، تحول در اعضای متشکله هر گروه اجتماعی از طریق رشد دانش و اطلاعات عمومی، موجب استقرار روابط دوستی، همیاری و افزایش توانایی‌های آنان در اداره امور اعضای گروه خود می‌گردد. و در مرحله دوم، به‌علت بروز و رشد این خصایص در هریک از گروه‌های اجتماعی و تأثیری که این تحولات در محیط به‌وجود می‌آورند، موجبات تحول در کل جامعه نیز می‌شوند.

مشارکت و درگیری اعضای جامعه در برنامه‌های مربوط از بدو امر تأمین می‌گردد؛

موضوع اساسی رشد استانداردهای زندگی مردم روستایی، به خودی خود، یک خصیصه آموزشی است، زیرا روشنگران روستایی پیش از ارائه هرگونه راه حل، باید روستائیان را تشویق کنند تا موضوعات و مسائل مربوط را تحلیل و با بیان و استدلال خود تشریح نمایند؛ این نیز خود یک کار آموزشی است؛

درس آموزنده‌ای برای مردم مرتبط با به برنامه‌های مربوط باشد؛

آبادانی و عمران اجتماعی مستلزم تحول و تحول مطلوب نیز منتج از آموزش مستمر است. بنابراین، برای تأمین تفاهم عمومی پیرامون اصول و عملیات آبادانی و عمران اجتماعی باید به حد لازم و کافی نسبت به تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی به‌طور مستمر و پیوسته اقدام کرد؛

دولت می‌تواند از طریق وضع ساختارهای اداری و مالی قانونی به‌منظور استقرار و استمرار یک نظام رهبری قوی محلی، در کار آبادانی و عمران اجتماعی، به‌ویژه در جوامع روستایی، اقدام نماید؛

در تشکیلات آبادانی و عمران اجتماعی، وجود یک واحد مستقل برنامه‌ریزی و هماهنگی، از قبیل کشاورزی، آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی)، مسکن، بهداشت محیط و تأسیسات عمومی و مانند آن، به‌نحوی هماهنگ، همسو، متوازن، متعادل و مؤثر به جریان پیشرفت برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی کمک می‌کند؛

تسهیل جریان برنامه‌های عمران اجتماعی به درجه درک، تفاهم و حمایت مقامات و مسئولان امور جامعه در تمام سطوح این برنامه‌ها بستگی دارد؛

رشد و گسترش عمران ملی مستقیماً متأثر از بهره‌برداری موفقیت‌آمیز از همه اشکال ارتباطات اجتماعی با مردمی است که با این جریان مرتبط هستند. بنابراین، ضرورت دارد که در استفاده از نظام‌های مفید و مؤثر اطلاع‌رسانی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، این پیوند را همواره مستحکم نموده و جامعه را در جریان تحولات ناشی از اجرای برنامه‌ها قرار داد؛

پیشرفت برنامه‌های آبادانی و عمران اجتماعی، عمدتاً از کیفیت انتخاب و گزینش نیروی انسانی لازم برای طرح، اجرا و ارزشیابی فرایند آبادانی و عمران روستایی متأثر است. با توجه به این اهمیت، وجود انگیزه‌های خدمت و امتیازات شغلی ویژه برای جلب و جذب نیروهای کارآمد برای برنامه‌ها ضرورت دارد؛

در کارهای آبادانی و عمران اجتماعی، در مواردی که مدیران و مسئولان به‌طور همزمان دارای مسئولیت‌های دوگانه

آبادانی

- تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵)*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای امریکایی در ترویج کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور- کرمان ۹-۱۱ شهریور ۱۳۷۲*. تهران: دفتر تولید برنامه‌ها و انتشارات فنی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۳.
- آخوندی، عباس. «آموزش بهسازی مسکن در روستا یکی از وظایف بنیاد مسکن است»، *نشریه مسکن و انقلاب*. شماره ۴۵، آذر و دی ماه ۱۳۷۱.
- آکسین، جورج-اچ. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین*، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، مجتمع آموزش عالی بیرجند. بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ، *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بافورد، جیمز آ. و آرتور جی. بدیان. *مدیریت در ترویج*، ترجمه محمد چیذری. چاپ اول، تهران: مدیریت مطالعات و بررسیها، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، بهار ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «بهار سازندگی، مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی». *کارنامه سال ۱۳۷۲ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. تهران: دفتر روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش فعالیتهای سال ۱۳۷۴ و مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش خلاصه عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۶*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۷.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *نگاهی به عملکرد پژوهشی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آذرماه ۱۳۷۹.
- جوادیان، سید ابوالفضل و شهبازی، اسماعیل. «بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی و توسعه روستایی در جنوب خراسان»، *مجموعه مقالات هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور*. تهیه و تنظیم دفتر مطالعات و بررسی روشهای ترویجی، تهران: دفتر تولید برنامه‌های ترویجی و انتشارات فنی، معاونت ترویج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۶.

فعالتهای اجتماعی الزاماً باید بر یک مبنای تعاونی استوار باشد. عصاره این الزام مبتنی بر حرکت فرد برای جمع و حمایت جمع از فرد است. آبادانی و عمران اجتماعی تابعی از موجودیت همیاریهای جمعی، آزادی و مردمسالاری سالم در یک جامعه پیشرو است؛

در فرایند عملیاتی آبادانی و عمران اجتماعی، مردم متعهد به طرح و اجرای کار با یاری همدیگر هستند و این جریان همیاری، اغلب مستلزم جلب همکاری و حمایت از خارج از گروه می‌شود. ذات این فرایند، خودیاری، رشد قدرت ابتکار و ابداع روشهای نو و نیز انتقال تجربیات از یک زمینه کاری به زمینه‌های دیگر را شامل می‌شود؛ و تحول و تکامل در گروه، یک جریان بطنی است و فرایند آبادانی و عمران اجتماعی در جامعه بزرگ‌تر از یک گروه، از این نیز بطنی‌تر است.

ساختار تشکیلاتی مکتب آبادانی و عمران اجتماعی

اجتماعات متفاوت، نیازهای متفاوتی دارند و به همین دلیل، نظام تشکیلاتی آبادانی و عمران اجتماعی، برحسب مورد، می‌تواند ساختارهای مختلفی داشته باشد؛ آنچه را که یک برنامه آبادانی و عمران اجتماعی می‌تواند انجام دهد، سازماندهی تواناییهای جامعه روستایی است، به نحوی که متخصصان کشاورزی، بهداشت و مهندسان و تکنیسینهای فنی بتوانند وظایف خویش را در راه نیل به اهداف عمران اجتماعی به انجام برسانند؛ و توقع همکاری از وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول در جریان تهیه و اجرای یک برنامه عمرانی، از طریق تدارک یک تشکیلات منسجم برای ایجاد هماهنگی، به نحوی است که هریک از این واحدها بتوانند وظایف خود را با همکاری همدیگر و ضمن استفاده از تواناییهای خود به انجام رسانند.

کتاب‌شناسی:

- شهبازی، اسماعیل. «روشهای ترویج و آموزش در طرحهای عمران روستایی»، *گزارش پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۰.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر.

آبادانی

- حجازی، یوسف. *مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. مدیریت مطالعات و بررسیها، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، چاپ الو، شماره ۵۴، ۱۳۷۵.
- راجرز، اورت ام. و اف. فلویدشومیکر. *رسانش نوآوریها - رهافیتی میان فرهنگ*. برگردان عزت الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذر ۱۳۶۹.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «یادگار جاوید، دو دهه تلاش»، *ضمیمه مجله «مسکن و انقلاب»*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *حساب ۱۰۰ یادگار جاوید امام (ره)، عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۹.
- زمانی پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. ناشر مؤلف، دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سازمان اسناد ملی ایران: «اسناد نخست وزیری». تنظیم ۱۱۱۰۰۰۳، شماره پلاکت ۲۰۸.
- سازمان برنامه و بودجه. *پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷*. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
- سوانسون، برتون - ائی (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون - ائی (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. «بابهای نوین پیش روی مکتب آموزشی ترویج در ایران»، *مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان* (۲۲ تا ۲۴ در دی ماه ۱۳۷۵). چاپ اول، تهران: زمستان ۱۳۷۷.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل. «رهیافتی نو در تحقق پیوند بنیانی فعالیتهای تحقیقی - ترویجی در جریان توسعه کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور* (مشهد، ۱۲ لغایت ۱۴ شهریور ۱۳۷۰)، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵)*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- کرمی، عزت الله و فنائی، سید ابوطالب. *بررسی نظریه پردازها در ترویج*. جلد اول *ترویج و توسعه*. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- کرمی، عزت الله و فنائی، سید ابوطالب. *بررسی نظریه پردازها در ترویج*. جلد دوم *مدیریت، نظامها و عوامل اجرایی*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی. اس و تامپر، ار. اس. (ویراستاران). *مقدمه ای بر آموزش ترویج*، ترجمه سیروس سلمانزاده، چاپ اول. اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی ماه ۱۳۶۷.
- گروورمان، ورناس. *کار پیشبران گروه - راهنمای عملی تشکیل گروههای خودیاری روستایی*، ترجمه جلال رسول اف، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، ۱۳۷۴.
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. «ده مقاله درباره ترویج کشاورزی»، *ویژه نامه روستا و توسعه*، ترجمه ناصر اوکتانی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، بهمن ماه ۱۳۶۸.
- *مسکن و انقلاب* (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، اخبار، شماره ۵۷.
- «عمران و نوسازی روستایی»، *مسکن و انقلاب* (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، شماره ۵۰.
- *درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی*. تهیه و تنظیم یوسف حجازی با همکاری غلامرضا مجردی و عوضعلی چگینی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر صالحان روستا، تابستان ۱۳۷۳.
- ملک محمدی، ایرج. *ترویج کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور - ت. *پیشبرد کشاورزی - لازمه های تحول و نوسازی*. ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.
- ونلینگ، تیمال. *برنامه ریزی برای آموزش اثربخش، راهنمایی برای تدوین برنامه درسی*، ترجمه محمد چیذری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

اسماعیل شهبازی

- حجازی، یوسف. *مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. مدیریت مطالعات و بررسیها، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، چاپ الو، شماره ۵۴، ۱۳۷۵.
- راجرز، اورت ام. و اف. فلویدشومیکر. *رسانش نوآوریها - رهافیتی میان فرهنگ*. برگردان عزت الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذر ۱۳۶۹.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «یادگار جاوید، دو دهه تلاش»، *ضمیمه مجله «مسکن و انقلاب»*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *حساب ۱۰۰ یادگار جاوید امام (ره)، عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۹.
- زمانی پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. ناشر مؤلف، دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سازمان اسناد ملی ایران: «اسناد نخست وزیری». تنظیم ۱۱۱۰۰۰۳، شماره پلاکت ۲۰۸.
- سازمان برنامه و بودجه. *پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷*. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
- سوانسون، برتون - ائی (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون - ائی (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. «بابهای نوین پیش روی مکتب آموزشی ترویج در ایران»، *مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان* (۲۲ تا ۲۴ در دی ماه ۱۳۷۵). چاپ اول، تهران: زمستان ۱۳۷۷.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل. «رهیافتی نو در تحقق پیوند بنیانی فعالیتهای تحقیقی - ترویجی در جریان توسعه کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور* (مشهد، ۱۲ لغایت ۱۴ شهریور ۱۳۷۰)، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵)*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.

آماده‌سازی زمین

ارتباطی سروکار دارند. از آنجا که برنامه‌های آماده‌سازی عموماً در کنار یک شهر به انجام می‌رسد و در صورت اجرا، در ارتباط متقابل با آن شهر قرار می‌گیرد و به‌علاوه، مکانیزمها و فعل و انفعالات اقتصادی حاکم بر جامعه شهری کشور نیز بر آن تأثیر می‌گذارد، ضروری است که این ۴ مقوله در ارتباط با شهر همجوار و فعل و انفعالات موجود در سطح بالاتر (سطوح منطقه‌ای و ملی) نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. به‌عبارت دیگر، همانند تأثیر ظروف مرتبته، شهر همجوار با شهرنشینی و شهرسازی زمین تحت آماده‌سازی در ارتباط است و نمی‌توان برنامه‌ریزی شهری و آماده‌سازی زمین را به‌طور مستقل و مجرد انجام داد. ازاین‌رو جهت اطمینان از موفقیت پروژه‌های آماده‌سازی زمین می‌بایست پیش از اجرا، مطالعاتی درباره جمعیت استفاده‌کننده از آن، یعنی

آماده‌سازی زمین

Land Preparation

برای مهیا کردن شرایط ایجاد واحدهای مسکونی و یا موارد دیگر در قالب یک برنامه توسعه شهری به انجام می‌رسد. به‌سختن دیگر، پس از تحصیل زمین (land assembly) به‌منظور ایجاد یک سایت قابل توسعه، آماده‌سازی زمین در مقابل توسعه‌های شهری افسار گسیخته، خودانگیخته، بدون برنامه و ناهماهنگ میان مسکن و خدمات ضروری مسکن، با تأکید بر این اصل مهم و زیربنایی که مسکن صرفاً یک سرپناه نیست، صورت می‌گیرد. به‌این ترتیب، مهم‌ترین هدف پروژه‌های آماده‌سازی، عرضه زمین مسکونی یا مسکن توأم با خدمات مورد نیاز مسکن (تحقق توسعه شهری متعادل) است. علاوه‌براین برنامه‌های آماده‌سازی



ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و نیازهای خاص آنها صورت گیرد.

علاوه‌براین، لازم است وضعیت مکان پروژه از حیث وضعیت مالکیت، دسترسی، ابعاد، اندازه و حدود، وضعیت مناطق همجوار، ویژگیهای زمین‌شناختی و طبیعی از جمله

زمین مجال بسیار مغتنمی برای شهرسازان است، تا بدین طریق انگاره‌های شهرسازی ناب را متجلی سازند.

این‌گونه برنامه‌ها در برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) با ۴ مقوله عمده شهرسازی یعنی تراکم، کاربری اراضی (← کاربری زمین)، چگونگی گسترش آبی و شبکه

آماده‌سازی زمین

معماری و سیستم ارتباطات صورت پذیرد. در طراحی این مجموعه، علاوه بر نقشه‌های دقیق توپوگرافی، اطلاعات مربوط به حدود انواع مختلف خاک، سطح آبهای زیرزمینی و سایر مشخصات مربوط به زمین اهمیت اساسی دارند. برای آماده‌سازی زمین جهت احداث ساختمانها برحسب مورد، تدابیر خاص مانند تسطیح، پائین بردن سطح آبهای زیرزمینی، جلوگیری از لغزش خاک و زمین و حرکت گل و احداث سیل‌بندها لازم است.

به‌طورکلی، از مهم‌ترین شرایطی که موجب موفقیت طرحهای آماده‌سازی زمین می‌شود، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ملاحظات زیست‌محیطی در مکانیابی و آماده‌سازی اراضی به‌صورت ویژه لحاظ شود؛

احداث و بهره‌برداری از واحدهای مسکونی بسیار سریع‌تر از احداث و بهره‌برداری تأسیسات و تجهیزات شهری صورت نگیرد؛

سطح اراضی آماده‌سازی به‌منظور کاربری مسکونی، در توازن با سایر کاربریها باشد و میزان زمین عرضه شده با توان تولید مسکن و توان توسعه شهر هم‌جوار تناسب معقول داشته باشد؛

وضعیت شبکه‌های ارتباطی و کیفیت دسترسی از شهر هم‌جوار، هم‌زمان با آماده‌سازی زمین مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد؛ و

گرایش به آماده‌سازی زمینهای مجاور شهر موجب نادیده انگاشتن ظرفیتهای توسعه بافتهای موجود شهری، به‌ویژه احیاء بافتهای قدیمی نشود.

کتاب‌شناسی:

- حجتی اشرفی، غلامرضا. *مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی*. انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴.

- معاونت امور مسکن. *برنامه‌ریزی شهری در پروژه‌های آماده‌سازی زمین*. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۷.

- Davidson, F. and Payne, G.K. *Urban Housing Project Manual*. Liverpool: Liverpool University Press, ۱۹۹۳.

- Untermann and Small. *Site Analysis in Site Planning for Cluster Housing*. USA, New York: Van Nostran Reinhold, ۱۹۷۷.

- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press,

ناهمواری، شیب، جنس خاک، گسلها و مسیلهها، آبهای سطح‌الارضی و تحت‌الارضی، وضعیت چشم‌اندازهای طبیعی، پوشش گیاهی، وضعیت آلودگیهای موجود محیط زیست و آلوده‌کننده‌های محیط زیست مورد بازدید و مطالعه دقیق قرار گیرد. در این مرحله و پیش از آغاز عملیات اجرایی، انجام مطالعات ارزیابی اثرات توسعه بر محیط زیست (EIA)، به‌ویژه در برنامه‌های بزرگ آماده‌سازی زمین کاملاً مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در ایران وفق ماده ۲۲ از فصل چهارم آئین‌نامه اجرایی قانون زمین شهری کشور (مصوب ۱۳۷۱ش هیئت وزیران)، آماده‌سازی زمین عبارت از مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)، زمین را برای احداث مسکن مهیا می‌سازد. این عملیات شامل موارد زیر است:

عملیات زیربنایی، از قبیل تعیین بر و کف، تسطیح و آسفالت معابر، تأمین شبکه‌های تأسیساتی آب و برق، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و فاضلاب و غیره؛

عملیات روبنایی، شامل احداث مدارس، درمانگاه، واحد انتظامی، فضای سبز، اداره آتش‌نشانی، اماکن تجاری، خدماتی و نظایر آن.

همچنین درخصوص تأسیسات روبنایی در ماده ۲۶ آئین‌نامه مزبور آمده است: در کلیه طرحهای آماده‌سازی، تأسیسات روبنایی (مطابق دستورالعمل تعیین سرانه تأسیسات روبنایی ابلاغ شده توسط وزارت مسکن و شهرسازی)، مانند مدارس، درمانگاه، فضای سبز و نظایر آن تا حد امکان از محل عواید اماکن تجاری، زمینهای واگذاری همان شهر، احداث شده و عرصه و اعیان آنها به‌صورت رایگان به دستگاههای بهره‌برداری کننده تحویل می‌شود.

در برنامه‌های آماده‌سازی زمین بهای تمام شده هر قطعه زمین برای امر مسکن عبارت است از قیمت منطقه‌ای زمین در زمان واگذاری به‌علاوه همه هزینه‌های انجام شده برای آماده‌سازی آن طبق دستورالعملهای قانونی.

در برنامه‌ریزی و طراحی شهری (← طراحی شهری)، باید فعالیتهای مربوط به آماده‌سازی زمین هم‌زمان با طراحی

جریان تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی توسعه، با تغییرات قابل توجه روبرو بوده‌اند. آمایش سرزمین به مفهوم اصلی، بر آماده نمودن سرزمین و یا به عبارتی، آماده نمودن زمین دلالت دارد. البته آماده نمودن در ارتباط با هدف، معنا و شکل متفاوتی دارد؛ چنانچه آماده نمودن قطعه‌ای از زمین برای ساخت یک واحد مسکونی مورد نظر باشد، آمایش بُعد کالبدی و هم بُعد معماری به خود خواهد گرفت. اما اگر آمایش محله مسکونی، حوزه شهری و یا یک منطقه شهری یا روستایی و مانند آن مطرح باشد، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند شد. در بعد ملی، تدوین راهبردهای مناسب برای توسعه کشور براساس شناخت عناصر توسعه فضایی، اهمیت بسیار و نقش محوری در برنامه‌ریزی خواهد داشت. به‌طور کلی، می‌توان گفت که آمایش سرزمین، برحسب سطح مکانی، ویژگیهای منحصر به فردی دارد؛ یعنی هرچه از سطح خرد مکانی به سطوح کلان ملی حرکت کنیم، بعد راهبردی آن اهمیت بیشتری می‌یابد و ابعاد ریز مکانی اهمیت و کاربرد ظاهری خود را از دست می‌دهند.

آمایش سرزمین برحسب تعریف می‌تواند هدف و یا راه رسیدن به هدف باشد. به عبارت دیگر، در افق برنامه انتظار می‌رود که سرزمین با مدیریت صحیح به گونه‌ای نظام‌یافته باشد که توسعه پایدار فضایی محقق شود. اما دستیابی به هدف، یا به سخن بهتر، آرمان مورد نظر مستلزم برنامه‌ریزی مناسب آمایشی است. به هر تقدیر، آمایش سرزمین نیازمند شیوه برنامه‌ریزی مناسب است. تفاوت این شیوه با سایر انواع برنامه‌ریزی در واژه زمین و یا در مفهوم وسیع‌تر آن سرزمین نهفته است. می‌توان گفت که توسعه پایدار فضایی نتیجه برنامه‌ریزی با رویکرد آمایشی است. به همین دلیل، شناخت اصول برنامه‌ریزی فضایی و طراحی برنامه عملیاتی برای دستیابی به آن، در برنامه‌ریزی آمایشی و در نهایت تحقق اهداف آمایش سرزمین دارای نقش محوری است.

برای شناخت برنامه‌ریزی آمایشی و یا تعبیر جامع برنامه‌ریزی توسعه پایدار فضایی، مروری اجمالی بر ویژگیهای برنامه‌ریزی به صورت اعم ضروری است: برنامه‌ریزی فعالیتی آگاهانه است؛

۲۰۰۵.

اسماعیل صالحی

آمایش سرزمین

Territorial Spatial Arrangement

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) با استفاده از تعریف به کار رفته توسط اتحادیه اروپا، آمایش سرزمین را به صورت زیر تعریف کرده است: *آمایش سرزمین تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی است که به منظور ایجاد سازمان سرزمینی عقلایی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعداد های انسانی و محیطی از طریق افزایش کارایی و بازدهی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و برقراری تعادل و توازن در برخورداری از سطح معقول توسعه و رفاه در نقاط و مناطق جغرافیایی، ایجاد نظام کاربری اراضی متناسب با اهداف توسعه متعادل و حفظ محیط زیست، ایجاد و تحکیم پیوندهای اقتصادی درون و برون منطقه‌ای و هماهنگ‌سازی تأثیرات فضایی- مکانی سیاستهای بخشی و سیاستهای توسعه مناطق و محورهای خاص، با توجه به اصل وحدت سرزمینی، ملاحظات امنیتی و دفاعی و حفظ هویت اسلامی- ایرانی به گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند اهداف چشم‌انداز بلندمدت توسعه کشور و مدیریت یکپارچه سرزمینی را محقق سازد.*

مفهوم آمایش سرزمین

آمایش سرزمین به معنای نظم و ترتیب و آرایش فضایی سرزمین است و مفهوم آن در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه، با تغییرات و تحولات زیادی روبرو بوده است که در تعاریف توسعه و رویکرد به توسعه قابل تبیین و تشریح است.

آمایش سرزمین را به تعبیری، می‌توان توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین دانست؛ تعبیری که با خود واژه‌های تعادل، جمعیت، فعالیت و سرزمین را به همراه دارد. هریک از این واژه‌ها تعاریفی دارند که در

آمایش سرزمین

سرزمینی است. از نظر مفهومی، برنامه‌ریزی آمایشی دارای ۲ جزء غیرقابل تفکیک است:

برنامه‌ریزی اقتصادی- اجتماعی؛ و
برنامه‌ریزی سرزمینی- کارکردی.

در چارچوب این رویکرد، ابعاد مکانی- فضایی برنامه‌ها و برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی از اهمیتی یکسان برخوردارند. مؤلفه سرزمینی- کارکردی برنامه‌ریزی آمایشی، مستلزم منظور نمودن مکان، زمین و یا به عبارت کلی‌تر، ملحوظ داشتن بعد مکانی- فضایی در تصمیمات مربوط به توسعه و تعالی کشور است. در این راستا، برنامه‌ریزی فضایی اهمیت خاصی می‌یابد: در قالب این نوع برنامه‌ریزی می‌توان از طریق سازماندهی فضا، نابرابریهای سرزمینی را کاهش داد و با توزیع متعادل جمعیت در سکونتگاههای شهری و روستایی و نیز استقرار متناسب و مطلوب مراکز فعالیت، امکان بهره‌برداری بهینه از استعدادهای انسانی، اقتصادی و محیطی را فراهم آورد.

آمایش سرزمین در مفهوم پذیرفته شده در کشور، گستره وسیعی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی، دفاعی و مانند آن دربر می‌گیرد که در قالب اصول و اهداف آمایش سرزمین به آن پرداخته می‌شود. اصول و اهداف رویکرد آمایشی براساس مفاد ضوابط ملی آمایش سرزمین، به شرح زیر است:

توسعه یکپارچه و همه‌سویگر؛
دستیابی به رشد متعادل؛

توزیع متعادل جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین؛

حفظ یکپارچگی سرزمینی؛

کاهش نابرابریهای سرزمینی؛

حفظ هویت واحد فرهنگی؛

گسترش عدالت اجتماعی؛

تقویت و تجهیز فضاهای زیست و فعالیت؛

جلوگیری از تمرکز و قطبی شدن توسعه؛ و

حفظ محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار.

آمایش سرزمین در ایران

سابقه آمایش سرزمین در ایران به ۱۳۵۳ش و زمانی باز

برنامه‌ریزی آینده‌نگر است؛

برنامه‌ریزی دارای آرمان و هدف است؛

برنامه‌ریزی فعالیت‌نگر است؛

برنامه‌ریزی تلاشی است برای تغییر آنچه هست و آنچه خواهد شد، به آنچه که باید باشد یا بشود؛ و
برنامه‌ریزی مبتکرانه (پیش‌تازانه) است.

برنامه‌ریزی فضایی به‌عنوان یکی از انواع برنامه‌ریزی، علاوه بر دارا بودن تمام ویژگیهای فوق، دارای وجه فضایی است. منظور از فضا در برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی، فضای کارکردی است که از کنش متقابل بین عوامل انسانی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیکی و...) و عوامل محیطی (انسان ساخت و طبیعی) در فرایند زمان، حاصل می‌شود (← برنامه‌ریزی فضایی).

برنامه‌ریزی فضایی، مجموعه مفاهیم، دیدگاهها و روشهایی است که برای ایجاد سازمان و ساختار فضایی مطلوب و دلخواه مورد استفاده قرار می‌گیرد. برنامه‌ریزی فضایی، به تعبیری، نام دیگری برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، با این تفاوت که مفهوم فضا کلی‌تر از معنای منطقه است، زیرا فضا مرزهای منطقه را قطع می‌کند و این یک فرایند مداوم است که به‌صورت حالت عمودی و افقی نمایان می‌شود و در سطوح گوناگون به کار می‌رود.

برنامه‌ریزی فضایی در طول چند دهه گذشته، از رویکرد کاربری اراضی مبتنی بر مقررات و کنترل زمین (رویکرد کلاسیک)، به رویکردی با دامنه وسیع‌تر تبدیل شده است که هدف از آن، بهترین استفاده از زمین از طریق ارزیابی تقاضاهای رقیب و توجه به اصول توسعه پایدار فضایی است. برای دستیابی به این هدف، عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی برای اتخاذ تصمیم مناسب‌تر در راستای توسعه پایدار به کار گرفته می‌شوند. در چارچوب چشم‌اندازهای جدید، برنامه‌ریزی پیرامون ۴ ایده اصلی شکل می‌گیرد: فضایی، پایداری، یکپارچگی و جامعیت. به این ترتیب، بعد فضایی نه تنها دارای اهمیت بسیار است، بلکه به‌صورت جزء لاینفک برنامه‌ریزی منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود.

موضوع محوری در مبحث آمایش سرزمین، نابرابریهای

آمایش سرزمین

منطقه و کشور در چارچوب این طرح قرار داده شده بود. برای غلبه بر مشکلات متعدد ناشی از تعریف گسترده طرح جامع سرزمین، براساس تصمیم شورای اقتصاد، این مرکز به سازمان برنامه و بودجه ملحق شد و تحت نظارت شورایی، مرکب از وزیران کشور، کشاورزی و منابع طبیعی، صنایع و معادن، نیرو، مسکن و شهرسازی، سازمان برنامه و بودجه، راه و ترابری، اقتصاد و دارایی، بازرگانی، رئیس سازمان محیط زیست، قائم مقام نخست وزیر و رئیس کل بانک مرکزی قرار گرفت. بدینسان، وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین از طرف شورای اقتصاد به این مرکز محول شد.

مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین، براساس نامه شماره ۱۵۰۰/مخ مورخ ۱۳۵۴/۵/۲۲ و ۱۳۵۴/۶/۲۴ش، سازمان امور اداری و استخدامی کشور در حوزه معاونت امور برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه تشکیل شد. وظایف تعیین شده برای این مرکز به شرح زیر بود:

جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی، کشاورزی و فرهنگی که در تهیه طرح جامع سرزمین مؤثر است، با همکاری سازمانها و وزارتخانه‌های مربوط؛

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به منابع زیرزمینی و روزمینی و انجام مطالعات لازم به منظور استفاده از آنها در تهیه طرح جامع سرزمین؛

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به هدفها و خط‌مشیهای ملی و اقتصادی؛

تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده کشور و تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرها و شهرکهای فعلی و آینده؛

طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت؛
بررسی و تنظیم ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور؛

تعیین نوع و عملکرد شهرها و شهرکها از نظر فعالیت صنعتی، کشاورزی، جهانگردی، خدماتی و مختلط، با توجه به طرح جامع سرزمین؛

بررسی و تعیین محل استقرار کارخانه‌ها و تنظیم مسیر کلی راهها و تعیین مراکز ارتباطی و هرگونه فعالیت دیگر که جاذب جمعیت و عامل رشد شهرنشینی است؛

می‌گردد که وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین از سوی شورای اقتصاد به مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین واگذار شد. این مرکز، بنابر وظیفه‌ای که برعهده داشت، مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین نام گرفت. برای شناخت بیشتر درباره این واژه و فعالیت‌هایی که در زمینه آمایش سرزمین به اشکال گوناگون در کشور صورت گرفته است، لازم است به ۱۳۴۵ش بازگردیم. در این سال انتشار گزارشی با عنوان «مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشوری» توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، توجه مسئولان و محافل دانشگاهی را متوجه مشکلات شهر تهران درخصوص افزایش جمعیت نمود. تشابه وضعیت ظاهری شهر تهران با پاریس در این زمینه، منجر به درخواست ایران از مهندسین مشاور ستیران برای بررسی وضعیت شهر تهران شد. مهندسین مشاور ایرانی - فرانسوی ستیران در ۱۳۵۱ش گزارش کوتاهی با نام طرح یادداشت مربوط به بهره‌وری سرزمین یا تنسيق سرزمین تهیه کردند که در قالب آن، مباحث و روشهای آمایش سرزمین مطرح شده بود. در ۱۳۵۳ش، قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی (-) وزارت مسکن و شهرسازی) تصویب شد و براساس آن، وظیفه تهیه طرح جامع سرزمین به این وزارتخانه محول شد. به دنبال این تغییر، مرکزی تحت عنوان مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین با مشارکت وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشاورزی (-) وزارت جهاد کشاورزی) و منابع طبیعی تشکیل گردید و وظیفه تهیه طرح جامع سرزمین به این مرکز واگذار شد. البته، طرح جامع سرزمین بسیار وسیع و مبهم تعریف شده بود. تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده با توجه به عوامل محدود کننده، تعیین حدود ظرفیت توسعه شهرهای فعلی و آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت، تهیه و تنظیم سیاستها و خط‌مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین، مشخص نمودن وضعیت شهرها و شهرکها از نظر فعالیت‌های مختلف و بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح

آمایش سرزمین

عمرانی ششم دوره پهلوی، با ماهیت آمایشی، تهیه شد که قرار بود از ۱۳۵۶ش به اجرا درآید.

پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)، موضوع آمایش سرزمین در هاله‌ای از فراموشی قرار گرفت، اما تجربه دوم آمایش سرزمین از ۱۳۶۲ش و با مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران آغاز شد. در ۱۳۶۳ش کلیات مطالعات آمایش سرزمین در هیئت دولت تصویب شد و به دنبال آن، نتایج مطالعات انجام یافته با نام طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه منتشر گردید. با تصویب سیاستهای آمایش سرزمین در شورای اقتصاد، گزارش نهایی مرحله اول طرح پایه با عنوان خلاصه و جمع‌بندی مطالعات در ۱۳۶۴ش ارائه شد. این گزارش ابتدا به تحلیل مختصری از وضع گذشته و موجود اقتصاد کلان و سازمان فضایی کشور می‌پرداخت و سپس، براساس مفروضاتی از راهبرد توسعه ملی، نسبت به ارائه اصلی‌ترین گزینه‌های توسعه ملی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، جمعیت و جوامع و سازماندهی و تجهیز فضا، به‌عنوان چارچوب تهیه طرح آمایش کشور، پرداخته است. به این ترتیب، راهبردهای کلی و درازمدت آمایش سرزمین در چند جلسه شورای اقتصاد مطرح شد و پس از تصویب در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۶/۱۷ش، به تمام دستگاههای اجرایی کشور ابلاغ شد. ادامه مطالعات در سازمان برنامه، به تدوین ۲۴ جلد نشریه تحت عنوان چارچوب نظری پایه توسعه استان برای ۲۴ استان کشور منتهی شد. هریک از این گزارشها حاوی راهبرد بلندمدت توسعه یکی از استانهای کشور، در بخشهای مختلف از دیدگاه آمایش سرزمین و نقش آن در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای بود. همچنین یک جلد گزارش سنتز ملی به همراه این گزارشها منتشر شد.

در همین سال، خطوط کلی راهبرد سازماندهی فضا توسط دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای تدوین و در قانون برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲ش) گنجانده شد.

در ۱۳۶۸ش، مطالعات طرح کالبدی ملی ایران توسط وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شد. تهیه چارچوب نظری

تهیه طرح جامع سرزمین؛

تهیه و تنظیم سیاستها و خط‌مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی، به‌منظور تحقق طرح جامع سرزمین؛

تجدیدنظر مستمر در طرح جامع سرزمین، با توجه به تغییرات اقتصادی، اجتماعی و بنیادی؛

ایجاد ارتباط و همکاری علمی و تحقیقاتی در امور مربوط به طرح جامع سرزمین، با مؤسسات داخلی و خارجی؛

اتخاذ تدابیر لازم به‌منظور آماده نمودن کادر فنی و تحقیقاتی مورد نیاز؛ و

تشکیل کنفرانسها و سمینارهایی در زمینه‌های مربوط به بهره‌وری از سرزمین در داخل کشور، همچنین شرکت در کنفرانسها و سمینارهای داخلی و خارجی که در این زمینه تشکیل می‌شود.

این مرکز با موافقت سازمان برنامه از تاریخ ۱۳۵۶/۸/۱۷ش به مرکز برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تغییر نام یافت. این مرکز در ۱۳۵۴ش قراردادی با مهندسین مشاور ستیران برای تهیه طرح آمایش سرزمین منعقد کرد. نتایج حاصل از دور اول مطالعات آمایش سرزمین، با نام طرح پایه آمایش سرزمین در ۱۳۵۵ش انتشار یافت. این طرح شامل اصول کلی سازماندهی فضا، توزیع جمعیت و فعالیتهای راهبردهای آمایش بخشهای اقتصادی و اجتماعی بود. اصلی‌ترین دستاورد این طرح، تعیین محورهای اولویت‌دار در توسعه کشور و تقسیم کشور به ۱۳ منطقه اصلی بود که هریک از این مناطق تحت نفوذ و مدیریت یکی از شهرهای اصلی ۱۳گانه قرار داشتند. در قالب این طرح، مراکز عمده کشاورزی، مراکز صنعتی و خدماتی و شبکه‌های اصلی زیربنایی کشور نیز مشخص شده بودند. در همین سال، مطالعات دور دوم آمایش سرزمین در ۴ بخش، از جمله نظام شهری و خط‌مشیهای اجرایی آن، محور خوزستان- آذربایجان و خط‌مشیهای اجرایی آن، تمرکززدایی فعالیتهای بخش دوم و سوم و خط‌مشی اجرایی آن منتشر شد. نتایج نهایی از مطالعات دور اول و دوم ستیران، با عنوان رهنمودهای آمایش سرزمین برای تهیه برنامه عمرانی ششم منتشر شد. بر همین اساس، برنامه

آمایش سرزمین

ارزیابی و تجدیدنظر قرار گرفته و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴. آمایش سرزمین به عنوان قسمتی از برنامه درازمدت کشور، راهنمای تهیه برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور خواهد بود.

ماده ۵. وظیفه آمایش سرزمین با تعریف و فعالیتهایی که در این مصوبه عنوان شده، توسط سازمان برنامه و بودجه انجام می‌گیرد. دیگر وظایف و فعالیتهای کنونی وزارت مسکن و شهرسازی به قوت خود باقی بوده و براین اساس، طرح کالبدی (ملی - منطقه‌ای) توسط وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد. انجام مطالعات پیشنهادی طرح کالبدی مادام که توسط دستگاههای ذی‌ربط تهیه و قابل بهره‌برداری نشده است، می‌تواند توسط وزارت مسکن و شهرسازی انجام گیرد.

در ۱۳۷۲ش، خط‌مشیهای ملی و منطقه‌ای آمایش سرزمین برای درج در برنامه دوم توسعه کشور، تهیه و با اصلاحاتی در جلسات خردادماه همان سال به تصویب شورای اقتصاد رسید، اما در پیوست نهایی لایحه فقط خط‌مشیهای ملی آمایش سرزمین درج گردید و مباحث منطقه‌ای آن حذف شد.

در ۱۳۷۵ش، مطالعات طرح کالبدی ملی (← طرح کالبد ملی) به تصویب رسید و از سال بعد، یکبار دیگر مطالعات آمایش سرزمین در سازمان شروع شد. با احتساب مطالعات انجام یافته در سالهای قبل از انقلاب اسلامی توسط مهندسی مشاور ستیران، این مطالعات را می‌توان دور سوم مطالعات آمایش سرزمین در کشور بشمار آورد.

در ۱۳۷۹ش، جمع‌بندی مطالعات آمایش به هیئت دولت ارائه شد که به اندیشه ضرورت برخورداری از چشم‌انداز شکل داد.

در ۱۳۸۲ش، سیاستهای کلی برنامه چهارم مشتمل بر ۵۲ ماده ابلاغ شد که در ماده ۱۹ آن، آمایش سرزمین بر اصول زیر مبتنی شده بود:
ملاحظات امنیتی و دفاعی؛
کارایی و بازدهی اقتصادی؛

شرح خدمات طرح جامع سرزمین یا طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای از سوی این وزارتخانه به مهندسی مشاور داخلی واگذار شد و نتیجه مطالعات مشاور در مهرماه ۱۳۶۹ش، با عنوان طرح‌ریزی کالبدی: ملی و منطقه‌ای، چارچوب نظری و شرح خدمات انتشار یافت. در ۱۳۷۱ش، وزارت مسکن و شهرسازی به تهیه طرح کالبدی ملی اقدام کرد. در طرح مذکور این اهداف تعیین شده بود: رتبه‌بندی شهرها، قطبهای منطقه‌ای و حوزه نفوذ هر یک از آنها، سلسله مراتب بین شهرها و استخوان‌بندی شهرها به معنای بررسی توأم تاروپود و سلسله مراتب آنها.

شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۹ش، طی مصوبه‌ای، وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین را به سازمان برنامه و بودجه و وظیفه تهیه طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای را به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نمود. محورهای اصلی در هر یک از این ۲ طرح در مصوبه شورای عالی اداری به شرح زیر است:

ماده ۱. طرح آمایش سرزمین به معنای تعیین راهبرد توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین، توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری دستگاههای ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲. سازمان برنامه و بودجه موظف است در جهت تدوین برنامه آتی توسعه اقتصادی و اجتماعی با نگرش آمایشی، راهبردهای توزیع نهایی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین را به همراه برنامه‌های اجرایی زیر تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند:

تعیین مناطق اولویت‌دار در توسعه از نظر پذیرش جمعیت و فعالیت؛

تعیین نقش نواحی مختلف از نظر تقسیم کار ملی و استقرار فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، خدماتی و امکانات زیربنایی؛
و

تعیین چشم‌انداز اشتغال و توزیع آن در بخشهای مختلف اقتصادی در سطوح ملی.

ماده ۳. آمایش سرزمین به صورت ادواری و متناسب با تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور و آمار و اطلاعات جدید توسط سازمان برنامه و بودجه، قبل از هر برنامه مورد

آمایش سرزمین

وحدت و یکپارچگی سرزمین؛
گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛
حفاظت محیط زیست و احیاء منابع طبیعی؛
حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی؛
تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور؛ و
رفع محرومیتها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور.

در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۶ ش، ضوابط ملی آمایش سرزمین توسط هیئت وزیران تصویب شد. این ضوابط دارای ۱۵ ماده است که ماده یک آن از ۳۳ بند تشکیل شده است. در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ به این ضوابط، به شرح زیر، اشاره شده است:

ماده ۱۰. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانها و دستگاههای اجرایی ذی‌ربط مکلفند، طرحهای توسعه و عمران در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی را در محدوده وظایف قانونی خویش، در راستای تحقق جهت‌گیریهای ملی و راهبردهای بخشی و استانی آمایش سرزمین تنظیم و تصویب نمایند. تمامی دستگاههای اجرایی ملی، استانی و محلی در انتخاب مکان فعالیتها و اقدامات مربوطه، موظف به اجرای نتایج طرحهای مذکور که در این راستا تهیه و تصویب شده‌اند، خواهند بود.

ماده ۱۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است زمینه استمرار و پویایی مطالعات آمایش سرزمین را با ۳ رویکرد زیر تهیه کند:

کشور عرضه می‌کند، مطالعات بخشی، فرابخشی و منطقه‌ای خود را از این پس با رویکرد آمایش سازماندهی کنند.

ماده ۱۳. تشکیل شورای آمایش سرزمین با ترکیب زیر: معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس شورا)؛ رئیس مرکز ملی آمایش سرزمین (دبیر شورا)؛ معاون وزیر نیرو؛ معاون وزیر راه و ترابری؛ معاون وزیر مسکن و شهرسازی؛ معاون وزیر صنایع و معادن؛ معاون وزیر جهاد کشاورزی؛ معاون وزیر نفت؛ معاون وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی؛ معاون وزیر کشور؛ معاون وزیر بازرگانی؛ معاون وزیر امور خارجه؛ معاونان وزیر رفاه و تأمین اجتماعی؛ سازمان حفاظت محیط زیست؛ سازمان گردشگری و میراث فرهنگی و رئیس شورای عالی استانها.

ماده ۱۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است، در راستای تحقق وظایف یادشده مرکز ملی آمایش سرزمین را متناسب با جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور، ایجاد نموده و نهاد تحقیقاتی متناظر با این جایگاه را برای تقویت زمینه‌های علمی و فنی آمایش سرزمین و ارتقای مهارتهای تخصصی نیروهای مورد نیاز تدارک ببیند.

در ۱۳۸۴ ش، تشکیلات مرکز ملی آمایش سرزمین در چارچوب کادر سازمانی معاونت امور اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تصویب شد و این مرکز رسماً شروع به فعالیت کرد.

کتاب‌شناسی:

- شرح خدمات برنامه آمایش استان. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، مرکز ملی آمایش سرزمین، شهریور ۱۳۸۵.
- مکاتبات رسمی سازمان برنامه و بودجه.
- توفیق، فیروز. آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۴.
- طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران، کتاب اول: کلیات و اصول سازماندهی فضای کشور، سازمان برنامه و بودجه، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بی‌تا.
- طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران. کتاب دوم، ۳ جلد، سازمان برنامه و بودجه، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بی‌تا.
- ستیران. نظام شهری و خط‌مشی اجرایی آن. ۱۲ جلد، سازمان برنامه و

امضاء رسید.

مردمسالاری (← مردمسالاری) و عدالت در جامعه ارتباط و همبستگی زیادی با سطح آموزش و سواد افراد جامعه دارد، چنان‌که در نتیجه رشد سطح سواد و آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) نیز رشد خواهد کرد. اقتصاددانان به ملتها توصیه می‌کنند که در زمینه سرمایه انسانی (← سرمایه انسانی)، یعنی تحصیل علم، بهبود سطح زندگی، خدمات بهداشتی و بهزیستی اجتماعی سرمایه‌گذاری کنند، تا قدرت تولید و قابلیت نیروی کار را بهبود بخشند. هر قدر سطح سواد شهروندان افزایش یابد به همان میزان با احتمال بیشتری در انجمنهای داوطلبانه مشارکت می‌کنند و مطالبات آنها از دولتها بیشتر خواهد شد.

سطح تحصیلات افراد در رفتار اجتماعی و عاداتهای سیاسی آنان اثر می‌گذارد. خواندن و حساب کردن از زمره مهارتهایی هستند که فرصتهای کسب اطلاعات بیشتر به صورت مستقل را افزایش می‌دهند، تا جایی که حتی یک یا ۲ سال تحصیل و آموزش تأثیری پایدار در زندگی شخص می‌گذارد. آموزش، با بالا بردن میزان توانایی، اعتماد به نفس و میل به مشارکت ارتباط مستقیم دارد.

دانشمندانی چون جان دیویی، آموزش تحصیلی و یادگیری صرف خواندن و نوشتن را چندان کافی نمی‌دانستند، بلکه به پرورش تفکر انتقادی و ایجاد مشارکت مساوات‌طلبانه در آموزش قائل بودند؛ بدینسان، کوشیدند برای آموزش، به خصوص در دبستان، روشهایی ابداع کنند که موجب ایجاد خلاقیت و آمادگی افراد برای زندگی واقعی در جامعه باشد. آنان توصیه می‌کردند، خواندن و حساب کردن و هرگونه آموزش تحصیلی مشابه باید از طریق فعالیتهای گروهی آموزش داده شوند، و تجارب قبلی فرد پایه‌ای برای آموزشهای بعدی او باشد، ضمن آنکه این آموزشها باید از مسائل واقعی اجتماع پیرامون دانش‌آموز الهام گیرد. این‌گونه آموزشها همراه با پررنگ‌تر کردن ارزشهای حاکم بر جامعه، می‌تواند از دانش‌آموز یک شهروند کارآمد و توانا بسازد.

آموزش، به‌طور کلی، به ۲ صورت رسمی و غیررسمی

بودجه، تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.

- ستیران. *جامعه روستایی، خط‌مشی اجرایی آن*. سازمان برنامه و بودجه،

تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.

- ستیران. *عدم تمرکز فعالیتهای بخش دوم و سوم و خط‌مشی اجرایی آن*.

سازمان برنامه و بودجه، تهران: مرکز آمایش سرزمین، ۱۳۵۶.

- طرح کالبدی ملی ایران. *گزارش تلفیق طرح کالبدی ملی ایران*. ۴ جلد،

وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: معاونت شهرسازی و معماری،

۱۳۷۵.

فاطمه تقی‌زاده

آموزش

Education

آموزش تعلیمات منظمی است که در جهت ایجاد آمادگی برای اجرای امور زندگی، از جمله زندگی در شهر و روستا آموخته می‌شود. میان سطح آموزش اشخاص در جامعه و قابلیت آن جامعه برای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، از جمله اقتصادی و سیاسی نوعی همبستگی وجود دارد.

در هزاره سوم و جامعه دانایی محور و عصر اطلاعات، آموزش یکی از مسئولیتهای اجتماعی حکومت است و بهبود نظام آموزشی یکی از مسائل جدی محسوب می‌شود. آموزش موضوعی جهانی است و چگونگی آموزش مقیاسی برای سنجش موفقیت و یا ناکامی نظام آموزشی بشمار می‌رود.

علاوه بر این، آموزش یکی از ارکان اصلی اعلامیه حقوق بشر و یکی از هدفهای هشتگانه توسعه هزاره (MDG) است که در ۲۰۰۰م توسط ۱۸۹ کشور جهان در سازمان ملل متحد با تأکید بر فقرزدایی و تأمین مواد غذایی، بهداشت مادران و نوزادان و کاهش بیماریها، ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، تضمین پایداری زیست محیطی و ایجاد همکاری جهانی برای توسعه و دسترسی همگانی به آموزش ابتدایی در کشورهای در حال توسعه به

اتاق فکر

کتاب‌شناسی:

- ابراهیم‌زاده، موسی. *آموزش بزرگسالان*. تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۸۵.
- جلالی، علی‌اکبر. *شهر الکترونیک*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۳.
- چی‌ما، جی شامبیر. *مدیریت شهر، خط‌مشیها و نوآوریها در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه پرویز زاهدی، انتشارات دانشگاه سازمان ملل متحد.
- سرمد، غلامعلی. *آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم*. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۵.
- صباغیان، زهرا. *سودآموزی بزرگسالان*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- *دایرةالمعارف دموکراسی*، زیر نظر مارتین لپیست، تهران: کتابخانه شخصی وزارت خارجه، ۱۳۸۳.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

افسانه زمانی مقدم

ابرشهر ← کلانشهر

اتاق فکر

Think Tank

نام رایج برای نهادهای تحقیقاتی، اغلب خصوصی، که در آن نخبگان علمی برای تبیین مسائل مرتبط با سیاستها و راهکارها گرد هم می‌آیند، تا به ارائه طریق و توصیه‌های لازم و مناسب پردازند. اتاق فکر اغلب مؤسسه سیاستگذاری نیز خوانده می‌شود. به این ترتیب، اتاق فکر در عمل سازمان، مؤسسه، مجمع یا گروهی از کارشناسان است که با پرداختن به بررسیهای علمی و بنابه مورد، با شناسایی

به انجام می‌رسد. آموزش رسمی در اغلب موارد، مترادف آموزش تحصیلی است. در مقابل، آموزش غیررسمی شامل تمام فعالیتهای آموزشی سازمان یافته خارج از نظام رسمی آموزش است و به منظور خدمت آموزشی به مخاطبان معین طراحی و اجرا می‌شود؛ فعالیتهایی نظیر دوره‌های جبرانی برای بازماندگان از تحصیل، آموزش بزرگسالان، و دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای خارج از نظام رسمی آموزشی از آن جمله است.

کومبز و ویژگیهای زیر را برای آموزش غیررسمی بیان می‌دارد:

دارای محتوا، ساختار و تشکیلات سازمان‌یافته است؛ غالباً با تجربیات و نیازهای افراد مطرح می‌شود؛ می‌تواند دارای نتایج کوتاه‌مدت، ولی اثرات درازمدت باشد؛ نیاز به هزینه‌های بسیار ناچیز دارد؛ به سادگی با شرایط محلی قابل انطباق است؛ شرکت در آنها داوطلبانه است؛ نحوه ارائه خدمات متناسب با توانایی و سبک یادگیری شرکت‌کنندگان است؛ براساس رفع نیازهای فوری است؛ ماهیت پویا دارد و در مواردی توسط خود فراگیران کنترل و هدایت می‌گردد؛ و بالاخره، دارای اهداف آموزشی معین است و این موضوع مرز بین آموزش اتفاقی و غیررسمی است. آموزش الکترونیکی، از روشها و ابزار جدید آموزشی است که بر مبنای یادگیری و تحصیل از طریق اینترنت استوار است.

در این شیوه جدید آموزش یک وبسایت نقش مدرسه را بازی می‌کند، به این صورت که دانش‌آموزان به صورت مجازی در کلاسهای درس حضور می‌یابند و از اطلاعاتی که معلمان از طریق شبکه ارائه می‌کنند، استفاده می‌کنند.

یادگیری الکترونیکی (مجازی) امروزه یکی از کاربردهای مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات (← فناوری اطلاعات و ارتباطات) در جهان به حساب می‌آید و بخشهای مختلفی از اجتماع، اعم از شرکتها، صنایع، مؤسسات آموزشی و افراد علاقه‌مند، به آن روی می‌آورند.

اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی

به‌عنوان مؤسسات مشاوره‌ای یا حتی تحقیقاتی، به فعالیت انتفاعی می‌پردازند. از جمله اتاق فکری که به فعالیت و مشورت‌دهی در زمینه روابط غرب و اسلام فعالیت دارند، که از جمله عبارتند از: مجمع بروکینگز، واقع در واشینگتن (ایالات متحد) که به مقامات وزارت امور خارجه قطر مشاوره می‌دهد؛ گروه پیش‌بینی راهبردها، اتاق فکری که مقر آن در هندوستان است و با انجمن متحد لیبرالها و دموکراتهای پارلمان اروپا همکاری نزدیک دارد؛ میزگرد جهانی اقتصاد، شامل شورا (اتاق فکر)ی ۱۰۰ نفره از سران کشورها که برای بحثها و تصمیم‌گیریهای خود، رؤسای اتاق فکرهای مختلف را، از مرکز اسلامی آکسفورد در دانشگاه آکسفورد تا گروه پیش‌بینی راهبردها و مرکز تحقیقات سیاستگذاری در دهلی (هندوستان) و دانشگاه الازهر (مصر) گرد هم می‌آورد.

کتاب‌شناسی:

- *The Encyclopedia of Management*. Washington, D.C., ۲۰۰۶.

- *Britannica Encyclopedia*. CD, ۲۰۰۶.

عباس سعیدی

اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی

International Union of Local Authorities (IULA)

اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در ۱۹۱۳م تأسیس شد و شهر لاهه در هلند را به‌عنوان ستاد مرکزی خود انتخاب کرد. هدف اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی، تحکیم پیوندهای مختلف بین مراجع محلی در حوزه‌های اداری محلی و شهرداریها در سراسر جهان است. بسیاری از سازمانهای تخصصی در حوزه اداری شهر و اداره محلی، عضو این اتحادیه هستند. اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در افریقا، امریکای شمالی، امریکای لاتین، آسیا، شرق

عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، راهبردی، فناوری، نظامی و مانند آن، رهنمودها و راهکارهای مرتبط و مناسب را عرضه می‌دارد.

درحالی‌که برخی از اتاق فکرها با نمایندگی جایگاههایی در عرصه و فضای سیاسی، با توجه به نوع و دامنه نقطه‌نظراتی که ارائه می‌دهند، حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند، بیشتر اتاق فکرها غیرانتفاعی هستند؛ برای نمونه، در ایالات متحد و کانادا، بسیاری از اتاق فکرها با فعالیت خود، تنها از بخشودگیهای مالیاتی بهره‌مند می‌شوند. در بریتانیا، اداره مرکزی بازرگاری سیاستها، یک دفتر مشورتی بود که طی ۱۹۷۰-۱۹۸۳م به‌عنوان اتاق فکر در خدمت حکومت بود. این دفتر وظیفه داشت، برای وزرا و اعضای هیئت دولت بهنگام اتخاذ سیاستها، زمینه‌های اطلاعاتی و مشورتی لازم را فراهم سازد. در این کشور برخی اتاق فکرها مستقل عمل می‌کنند، هرچند بعضی دیگر وابسته به احزاب و یا متعلق به جناحهای خاص سیاسی هستند. مشهورترین آنها عبارتند از: انجمن فابین (تأسیس شده در ۱۸۸۴م)، مؤسسه ادام اسمیت (با موضوع محافظه‌کاری)، مرکز مطالعات سیاستگذاری (با موضوع دست راستی)، مؤسسه امور اقتصادی، بنیاد بازار اجتماعی (با موضوع دست راستی)، مؤسسه تحقیقات سیاستهای عمومی (متعلق به حزب کارگر)، دموس (بی‌طرف و تأسیس شده در ۱۹۹۳م)، مؤسسه مطالعات مالی (بی‌طرف و فعال در زمینه امور مالیاتی) و مؤسسه سیاستهای اشتغال (مستقل و تأسیس شده در ۱۹۸۵م). در ایالات متحد، مهم‌ترین اتاقهای فکر با گرایش درست راستی عبارتند از: مؤسسه کارفرمایی امریکا و بنیاد میراث (۱۹۷۳م).

اصطلاح اتاق فکر، در واقع، از دهه ۱۹۵۰م به کار گرفته شد و تا ۱۹۷۰م، تنها چند اتاق فکر وجود داشت که بیشتر در ایالات متحد تشکیل شده و به مشورت دادن در زمینه‌های نظامی مشغول بود. از آن پس، ایجاد انواع اتاق فکر گسترش چشمگیری یافت. امروز، دولتها و نهادها و دستگاههای وابسته به آنها، هریک دارای اتاق فکر خاص خود هستند. درحالی‌که این‌گونه اتاق فکرها دولتی هستند، بسیاری از اتاق فکرها به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند و

اثبات‌گرایی (در مطالعات شهری)

کردن، دستور دادن و دسته‌بندی کردن و به کار بردن ارزشها، خطاهایی نابخشدنید. طرفداران اثبات‌گرایی آنقدر تسلیم احکام علوم طبیعی در علوم انسانی شدند که آن را نجات‌بخش انسان دانستند، زیرا تجربه می‌توانست به همگان نشان دهد که چه چیزی درست است و چه چیزی باید تابع چه چیزی باشد.

اثبات‌گرایی در گسترش راه و روش خود-در عمل- بارها با مشکل اساسی روبرو شد؛ مشکل اساسی آن بود که جامعه بشری و رفتار و کنش و واکنشهای انسانی پدیده‌های آزمایشگاهی نیستند. در آزمایشگاه و در تجربه‌گرایی پژوهشگر باید همه عوامل دیگر را بی‌اثر کند، تا رابطه علت و معلولی ویژه‌ای را به دست آورد حال آنکه این امر در اقتصاد، جامعه و شهر کاری است نه تنها نشدنی، بلکه گمراه‌کننده، زیرا پدیده‌های اجتماعی در حال تحول و اثرگذاری متقابل هستند و از همه مهم‌تر محصول فرایندهای تاریخی و نه یافته‌های محدود علمی گذشته‌اند.

در جامعه‌شناسی، اقتصاد و مطالعات شهری، پوزیتیویسم از راه مطالعات کمی و اثربایی متغیرهای معین بر روی یک متغیر وابسته مورد نظر انجام می‌شود. روشهای آماری و ریاضی (کلاً اقتصادسنجی و جامعه‌شناسی) بهترین ابزارهای مطالعات اثبات‌گرایانه بشمار می‌آیند. اما مسئله این نیست که این ابزارها مضرند، بلکه این است که آنها در جای خود و در حد توان خود مفیدند. پدیده‌های اجتماعی را باید با رویکردی همه‌جانبه، تحلیلی، در هم‌کنشی با محیط و به‌مثابه پدیده‌های روندی مورد بررسی قرار داد، زیرا یافته‌های محدود آماری و روش تفهیم عوامل پراکنده، تنها در متن و بطن تحلیلهای ژرف‌تر و همه‌جانبه‌نگر می‌توانند به یاری بیایند.

واقعیت این است که تاکنون تجربه بلندمدت بشری نشان نداده است که پژوهشهای اثبات‌گرایانه، خارج از محدوده معینی که از نتایج علمی کار آنها انتظار می‌رود، توانسته باشند برای شیوه رفتار و زندگی بشری راه‌حلهای اساسی را نشان دهند. به نظر می‌رسد، انتخاب روش بی‌طرفانه اثبات‌گرایان در نهایت و در عمل، نوعی جانبداری را در خود پنهان می‌کند، زیرا بحثها و انتقادهای

مدیرانه و خاورمیانه شعبه دارد.

شاخه اتحادیه بین‌المللی مراجع محلی در خاورمیانه فعالیت خود را به‌عنوان یک سازمان غیرانتفاعی با هدف تحکیم همکاری در میان شهرهای عضو اتحادیه در زمینه اداره محلی امور شهری در ۱۹۸۶م آغاز کرده است. کتاب‌شناسی:

-Greater Amman Municipality. IT Department – Egovernment Section, ۲۰۰۵.

(کمال پولادی)

اثبات‌گرایی (در مطالعات شهری)

Positivism (and Urban Studies)

در اصل عنوان کتاب آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷م) است که هم به خصلت نوشته تاریخی و هم به ماهیت جامعه‌شناسی می‌پرداخت. آگوست کنت در نهایت به این نتیجه رسید که شناخت جامعه نیز مانند پدیده‌های علوم طبیعی، باید زیر نظر قوانین علمی درآید؛ هر یک از علوم شامل فیزیک، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی بر نتایج علوم قبلی استوارند؛ و فلسفه با سایر علوم تضادی ندارد و هدف آن از هماهنگی و همسازی کلی علوم از نظر نقشی است که در پیشرفت و ترقی زندگی ایفا می‌کنند.

راه و روش اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی (شامل جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت، برنامه‌ریزی و جز اینها) دایر بر این بود که هر پدیده اجتماعی را می‌توان و باید از سایر پدیده‌های نامرتب یا به ظاهر نامرتب جدا کرد و همچنان‌که در آزمایشگاه علوم تجربی بررسی می‌شود، عوامل مؤثر بر آن را ارزیابی کرد و از طریق رابطه علت و معلولی، تجربی و عمل استقرا به قاعده و قانونمندی حاکم بر آن پدیده و شرایط آن دست یافت. اثبات‌گرایی با شیفتگی کامل در تقلید از روش‌شناسی علوم تجربی، تا بدان جا پیش رفت که باور کرد در علوم اجتماعی، تجویز

اجتماع محلی

تعیین انتظارات اثرگذاری؛
تعیین ژرفاگستری تحقیق براساس ارزیابی؛
تعیین الگوی اولیه تحقیق براساس نظریه‌های ریشه‌ای،
بنیادی اساسی و قابل دفاع؛
ارزشگذاری ضوابط الگوی اولیه و سمت و سوی تحقیق؛
مطالعه اولیه میدانی برای شناخت؛
گردآوری و تولید آمار و اطلاعات؛
تدوین الگوی ویژه برای اندازه‌گیری و سنجش (به‌نحوی که
هم از ضابطه‌های ریاضی و آماری و هم از ضابطه‌های
موازن علمی خاص برخوردار باشد)؛
تکمیل آمار و اطلاعات میدانی و اسنادی؛
اندازه‌گیریها، سنجشها و کسب نتایج؛
استدلال و تحلیل و علت‌یابی روشن و صریح؛
تجویز؛
بیان صریح علمی و صادقانه حوزه‌های عملکردی و
تأثیرگذاری تجویزها، به‌ویژه از حیث آمیختگی آنها با
ارزشها و موازین پایه‌ای پژوهش؛
نشان دادن راههای منتهی به ریشه‌یابیهای اساسی‌تر و
جانبی‌تر؛ و
ارائه محدودیتهای واقعی اثرگذاری.

کتاب‌شناسی:

- رئیس دانا، فریبرز. *رویکرد و روش در اقتصاد*. فصلهای ۳، ۴ و ۵، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- ویر، دیوید و وید جودیت. *تجربه‌گرایی در جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن شمس‌آذری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.

فریبرز رئیس دانا

اجتماع محلی

Local Community

گرچه بخش عمده‌ای از مفاهیم علوم اجتماعی، بنابه ماهیت سهل و ممتنعند، اما هیچ‌یک در پیچیدگی، تنوع معنا و

اساسی به یافته‌های خود را مخمل پژوهش و ضدعلم تلقی می‌کنند.

البته دانش امروز، به‌ویژه در مطالعات مدیریت شهری، به هیچ روی نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از تحقیقات کمی، آماری، برآوردی، علت‌یابی در حوزه‌های معین بدانند، اما نکته مهم آن است که بدانیم یافته‌ها بی‌نیاز از زمینه‌های اساسی پدیدآورنده خود نیستند و نتایج حاصله در یک مورد را نمی‌توان به همه موارد تعمیم داد. مسئولیت‌پذیری اثبات‌گرایان در مطالعات شهری نسبت به روشهای علوم طبیعی، عملاً موجب مسئولیت‌گریزی آنان از مسائل ریشه‌ای جوامع شهری شده است.

یکی از مهم‌ترین مسائل شهری در کشورهای کم‌توسعه، ناموزونی چهره شهری است که با گرانی زمین و مسکن بر بستر توزیع نابرابر درآمد ارتباط دارد. یک پژوهش با روش پوزیتیویست ممکن است نشان دهد که رابطه فاصله مکانی در محله شهری با مرکز شهر (← مرکز شهر) یا با بهترین محله شهری (← محله شهری) کدام است؛ ممکن است این نتیجه را برای قیمت سرقفلی واحدهای تجاری نیز به‌دست دهد؛ ممکن است حتی دریابد چرا تفاوت قیمت دارد؛ و ممکن است به‌گونه‌ای پیچیده در قالب الگوهای ریاضی-آماري آن را به ماهیت کالای فاسدشدنی، خدمات شهری، براساس تقاضاها و به‌نحوه عرضه ارتباط دهد، اما همه این یافته‌ها که ممکن است برای تصمیمهای محدود و مقطعی و کم اثر مدیریت شهری مفید باشند، قادر نیستند که از فلاکت سکونت در مناطق فقیرنشین و بافتهای به‌شدت فرسوده و محله‌های بسته حاشیه‌ای که عامل پرورش بیماری، آسیبها و نابرابریها و رنج بشری هستند، بکاهند. بدینسان، تحقیقات پوزیتیویستی برای آنکه مؤثرتر باشند، بایستی خود را هرچه بیشتر به نیازهای اساسی نزدیک کنند و فعال مایشاء تحقیقات شهری و منطقه‌ای به حساب نیایند. روشهای پوزیتیویستی در برنامه‌ریزی و مطالعات شهری، شامل مرحله‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، بایستی مراحل زیر را طی کنند تا به نتایج قابل استناد و ضروری برای بهبود زندگی شهری برسند:

تعیین قلمروی اجتماعی تحقیق؛

اجتماع محلی

کاربرد، به پایه مفهوم اجتماع محلی نمی‌رسند؛ این واژه در زبان فارسی به اجتماع نیز ترجمه می‌شود. اجتماع محلی در ظاهر امر، به گروه یا اجتماعی از ارگان‌سماهی اطلاق می‌شود که محیط و معمولاً علایق مشترک دارند. در اجتماعات محلی انسانی، احتمال دارد که اشتراک در هدف، باور، منافع، ترجیحات، نیازها، مخاطرات و مانند آن وجود داشته باشد و آدمیان را به هم بپیوندد. براین اساس، اعضای اجتماع محلی بر پایه همان عضویت به هویت مشترکی دست می‌یابند که البته نافی هویت‌های دیگر آنان نخواهد بود. اجتماع محلی از واژه لاتین *Communitas* مشتق شده است که به معنای مثل هم، همانند و یکی بودن است. این واژه خود مشتق از واژه *Communis* است که به معنای مشترک و مشترک برای بسیاری، انبوهی و گروهی است؛ از این گذشته، واژه *Communis* خود ترکیبی از دو جزء *Con* (به معنای باهم) و *munis* (به معنای انجام خدمات) است. در نتیجه، اجتماع محلی در نهایت، به معنای گروهی از مردم است که وظایف جمعی خاصی را با هم انجام می‌دهند. به کارگیری این مفهوم نخست در پولیس (با مسامحه: دولت-شهر) آتن و سپس پولیس‌های رومی، گویای معنای دیگری است؛ اجتماع محلی در دنیای هلنی و رومی، به اعضای صاحب حقوق، موظف و مسئول- یعنی شهروندان پولیس- اطلاق می‌شد که شهروند بودن را بر تمامی هویت‌های گوناگون خویش رجحان می‌دادند و با هم برای خیر عمومی یا مصالح پولیس انجام وظیفه می‌کردند. براین اساس، این شهروندان علی‌رغم تفاوت‌هایی که بین ایشان وجود داشت، در مقاصد و باورهای مشخص، در بهره‌گیری از منابع معین مشترک بودند و نیازهای خاصی، علاوه بر نیازهای فردی، داشتند. اینان برای بقای پولیس، مخاطرات مشترکی چون محافظت از پولیس، حفظ قوانین، جلوگیری از قدرت گرفتن فرد و دخالت دادن منافع فردی و تبارمحور و حفاظت از نهادها و سازمانها و رویه‌های جاری در پولیس، تا پای جان پیش می‌رفتند. بدیهی است که هرگز همگان در امور یادشده برابر نبودند و آنچه که مورد تأکید است، وجود گرایشی مسلط در حفظ پولیس یا محل زندگی مشترک بوده است. علاوه براین، این پرسش

مطرح است که آیا مجموعه‌های اجتماعی که بر پایه خون و تبار چون خاندان، قوم، قبیله و عشیره پدید می‌آیند، اجتماع محلی خوانده می‌شوند؟ به بیان دیگر، اگر اشتراک آدمیان به مکان زندگی یا زیستگاه انسانی محدود شود، لیکن در درون آن سکونتگاه هر گروهی منافع خون محور و تبار و نیا بنیاد خود را بر سایر وجوه مشترک رجحان دهد، آیا هنوز می‌توان بدان سکونتگاه، اجتماع محلی نام داد؟ پرسش یاد شده جوهر مناقشاتی است که سر باز ایستادن ندارد. اما مشکل تنها به مورد یادشده ختم نمی‌شود. زیرا اجتماع بدون پسوند محلی برای مجموعه‌های اجتماعی و گروهی متعدد دیگری نیز به کار می‌رود. مثلاً از اجتماع دانشمندان، هنرمندان، استادان دانشگاه، بنایان و سایر اصناف و اصحاب حرفه‌ها نیز یاد می‌شود و حتی کل آدمیان روی زمین را نیز اعضای اجتماع انسانی لقب داده‌اند.

فریدیناند تونایس، جامعه‌شناس آلمانی، در کتاب خویش به نام *اجتماع محلی و جامعه*، به تمایز این ۲ مفهوم و مقوله اجتماعی پرداخته است (۱۸۸۷م). در نظر او، اجتماع محلی از جمله اجزای جامعه است که اعضای آن ارتباطی نزدیک‌تر و تنگاتنگ داشته و از انسجام اجتماعی بالاتری، برخوردارند. تونایس معیار نزدیکی و رابطه تنگاتنگ را *وحدت / اراده* تعریف کرده است. البته نظر او با آنچه نگارنده در اینجا در مورد معنای اجتماع محلی مکان محور، یعنی پولیس، عرضه داشت، ظاهراً یکسان نیست، زیرا او خانواده و کلان را بیان رسای اجتماع محلی می‌داند و اضافه می‌کند که اشتراک محل زندگی و باورها و پنداشتها نیز به شکل‌گیری اجتماع منجر می‌گردد.

به نظر تونایس، اشکال بیرونی زندگی اجتماع محلی که از طریق اراده طبیعی خود را نشان می‌دهد، به شکل خانه، روستا و شهر کوچک به نمایش درمی‌آید. این مقوله‌ها اشکال پایدار زندگی واقعی و تاریخیند. شهرهای کوچک بالاترین و پیچیده‌ترین اشکال زندگی اجتماعیند. خصیصه محلی شهر کوچک که با روستا مشترک است، مشابه خصیصه خانواده در محدوده خانه است، زیرا هم روستا و هم شهر کوچک، بسیاری از ویژگی‌های خانواده را حفظ می‌کنند البته این خصایص در روستا بیش از شهر کوچک

اجتماع محلی

دست به عمل می‌زنند. لیکن چنانچه تمامی اجتماعات محلی نوعی خیر را هدف قرار می‌دهند، دولت یا اجتماع سیاسی که برترین تمام اجتماعات است و سایر اجتماعات را دربر می‌گیرد، به میزانی بیشتر از سایر اجتماعات، بالاترین خیر را هدف قرار می‌دهد.

انسان‌شناسان به مطالعه اجتماع محلی از منظر فرهنگ می‌پردازند؛ قوم‌نگاران از طریق مطالعات میدانی، به شناخت ویژگیهای اجتماع محلی همت می‌گمارند؛ فلسفه اجتماعی با نقد سرمایه‌داری و لیبرالیسم کلاسیک، به دفاع از جامعه مدنی که حس اجتماع محلی را به حداکثر می‌رساند، سخن می‌گویند؛ و بالاخره، جغرافیای شهری به اجتماع محلی از منظر فضا و مکان نگاه می‌کند.

اجتماع محلی مکان محور که به اجتماع محلی جغرافیایی نیز مشهور است، دربرگیرنده محله، حومه، روستا، شهرک یا شهر کوچک و شهر است. در این رابطه، افرادی که در مکان مشترکی روزگار می‌گذرانند، اعضای اجتماع محلی بشمار می‌آیند و اجتماع محلی را پدید می‌آورند. گاهی این اجتماع محلی از طریق فعالیتهای جمعی برای نفع همگانی در مکانی خاص، مثلاً محله شناخته می‌شود. برخی از نظریه‌های اجتماع محلی ادعا دارند که مکان، مهم‌ترین عنصر جامعه مدنی و توسعه اجتماع محلی است. بر پایه این نظریه‌ها، چنانچه حس مشترک اجتماع محلی و حس مکانی با هم ترکیب شوند و این حس در افرادی که کنار هم زندگی می‌کنند، پدید آید و هر دم تقویت شود، اجتماع محلی پایدار و مقاوم و منسجم خواهد بود که در جهت بهزیستی تمام ساکنان خود گام برمی‌دارد. در این رابطه، مفهوم اجتماع محلی ارادی یعنی گزینش آگاهانه مکان زندگی از سوی گروه اجتماعی خاص مطرح می‌شود چنین مکانهایی می‌توانند با کارایی بیشتر امور محله، شهرک و شهر خود را پیگیری کنند و معماری، مهندسی، برنامه‌ریزی و اداره مردمی و خردمندانه (حکمرانی خوب) را به بهترین وجه به خدمت گیرند و بدینسان، هویت مکان محور مشترکی را تقویت نمایند. مهم‌ترین نقدی که به تمام مفاهیم مرتبط با اجتماع محلی مکان محور ارائه می‌شود، خطر خودمحوری چنین گروههایی است که می‌تواند به پایمال شدن حقوق افراد غیر عضو یا غریبه منجر شود.

محفوظ می‌ماند. تنها آنگاه که شهر کوچک به شهری واقعی تبدیل می‌شود، تمامی این خصایص از میان می‌رود. در واقع، در نظر تونایس، شهر کامل نقطه آغازین مفهوم جامعه است که ویژگی محلی خود را از دست می‌دهد. او سپس ملت و مجموعه ملل یا کشورها را اوج جامعه معرفی می‌کند. از این روی، افزودن مفهوم محلی به اجتماع توجیه می‌گردد. تونایس بیان‌کننده نامحلی بودن، جامعه توده‌وار (Mass Society) است که در آن، روابط نزدیک جای خود را به روابط رسمی می‌سپارد و حیطة اقتصادی و کنش و واکنشهای شغلی اهمیتی اساسی پیدا می‌کند، خانواده بسیاری از خصایص خود را از دست می‌دهد و به سازمانهای رسمی وامی‌گذارد.

گرچه اثر تونایس در بحث از اجتماع محلی فوق‌العاده اثرگذار بوده است، اما مانند بسیاری از منابع و متون علوم اجتماعی، مستقیماً به تجربه اروپای غربی اشاره دارد؛ تجربه‌ای که با پیدایش سرمایه‌داری، به‌ویژه سرمایه‌داری صنعتی که وقوع آن مدیون انقلاب صنعتی است، امکان مقایسه ۲ وجه مهم چون جامعه سنتی و جامعه صنعتی را فراهم آورد.

پرسش آن است که به چه میزان مفهوم اجتماع محلی آنچنان‌که متفکران علوم اجتماعی مغرب زمین به توصیف آن پرداخته‌اند، در مورد سایر جوامع، از جمله ایران، موضوعیت دارد. آیا در جامعه ایران نیز تقسیم‌بندی اجتماع محلی و جامعه توده‌وار با توصیفی که از این ۲ می‌شود، مطابقت دارد؟ به‌ویژه آنکه بهنگام سخن گفتن از اجتماع محلی، گاه ۲ شرط آزادی و امنیت، به‌عنوان ویژگیهای پایه‌ای اجتماع محلی، عنوان می‌گردد.

مفهوم اجتماع محلی در رشته‌های علمی گوناگون گرچه محوری واحد دارد، به اشکال گوناگونی به کار می‌رود. برای مثال، ارسطو که از اولین کسانی است که از واژه اجتماع محلی استفاده کرده است کتاب سیاست خود را با اشاره به اجتماع سیاسی آغاز می‌کند و می‌نویسد: هر دولتی نوعی اجتماع محلی است و هر نوع اجتماع محلی با نگاهی به نوعی خیر بنا می‌شود، زیرا آدمیان همواره در جهت به کف آوردن آنچه که خیر یا خوب می‌انگارند،

احیاء روستایی

حال آنکه در کشورهای توسعه‌نیافته، بخش عمده جمعیت، روستانشین و شاغل در بخش کشاورزی است. برای مثال، کشور آفریقای برون‌دی، با بیش از ۹۰٪ جمعیت روستایی و شاغل در بخش کشاورزی، در زمره فقیرترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. روند کاهش نسبت جمعیت روستایی، شاهدی بر تخریب و تعطیل روستاهاست. در حالی که نسبت جمعیت شهری و روستایی در سطح جهانی تقریباً ثابت است، در کشورهای در حال توسعه، نه تنها نرخ رشد جمعیت بالاتر است، بلکه درصد جمعیت شهری در این کشورها سیری صعودی را نشان می‌دهد.

عوامل مؤثر در تخلیه روستاها

شناسایی عوامل مؤثر در تخلیه جمعیتی روستاها، اولین گام در جهت شناسایی روشهای احیاء روستایی است. اگرچه ممکن است روستایی به شکل غیرمنتظره و غیرعادی تخلیه شود، اما در اغلب موارد، عوامل اقتصادی-اجتماعی در این فرایند اثر گذارند.

فعالیت تولیدی کشاورزی که عامل ماندگاری روستائیان در محل است، می‌تواند به دلایل گوناگون دچار رکود گردد. این رکود خود باعث مهاجرت روستانشینان به شهرها می‌شود. در عین حال، مهاجرت نیروی جوان، روند تولید روستا را با وقفه روبرو می‌سازد، تا جایی که ممکن است به نابودی و تعطیلی زندگی و فعالیت در آن بیانجامد.

روند نزولی تولید کشاورزی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از جمله مشکل خشکسالی و یا کمبود منابع آب. چنین پدیده‌هایی را در اواخر دهه ۱۳۷۰ش در مناطق گسترده‌ای از ایران شاهد بودیم؛ چشمه‌های بسیاری خشکید و قناتها کم آب شد و تولید کشاورزی با وجود تابستان گرم و سوزان، رو به نابودی نهاد.

برای کشاورزان کم بضاعت که گذران زندگی روزمره ایشان موکول به تولید سالیانه است و فاقد پس‌انداز هستند، چاره‌ای جز ترک منطقه و جستجوی ادامه حیات در منطقه دیگر، احتمالاً در حاشیه شهرها باقی نماند. حتی اگر خشکسالی برای دوران کوتاهی باشد، چاره‌جویی برای تخریب اراضی و باغهای تخریب شده و بازگشت

کتاب‌شناسی:

- Anderson, B. *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso, ۱۹۸۳.
- Putnam, R. *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster, ۲۰۰۰.
- Gottschalk, S. *Communities and Alternatives*. Cambridge, Mass: Schenkman, ۱۹۷۵.

پرویز پیران

احیاء روستایی

Rural Revitalization

بررسی آمارهای رسمی گواه بر آن است که در ایران با گذشت زمان، جمعیت شهرنشین رو به افزایش و در مقابل، درصد جمعیت روستایی رو به کاهش است. این پدیده، در عمل، به بهای تخلیه و تخریب مزارع، باغها و خانه‌های روستایی تحقق می‌یابد. با وجود غلبه این روند، موارد استثنایی نیز به چشم می‌خورد. این موارد گاهی به صورت برنامه‌ریزی شده از سوی دولت و گاهی به صورت تحول در بعضی از شرایط زیست و منابع روستایی پدیدار می‌گردد.

تحول در جمعیت روستایی

اگر آمار رسمی کشور را در مقاطع و سالهای گوناگون نگاه کنیم، شاهد سیر نزولی درصد جمعیت روستایی و در برابر آن، افزایش جمعیت شهری هستیم. درصد جمعیت روستایی در ۱۲۶۳ش، ۷۴/۴٪، در ۱۳۶۵ش، ۴۵/۶٪ و در ۱۳۸۵ش، ۳۰٪ از کل جمعیت کشور بوده است.

با نگاهی به آمار جهانی، درمی‌یابیم که چنین روند تحولی در سطح جمعیت جهان نیز مشهود است. قابل توجه است که یکی از شاخصهای توسعه‌یافتگی در معیارهای رایج جهانی، بالا بودن نسبت جمعیت شهرنشین و بدینسان، پائین بودن جمعیت روستایی است. خصوصاً آنکه نیروی شاغل در بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته غالباً کمتر از یک دهک از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد،

احیاء روستایی

روستایی فراهم شده و انواع برنامه‌های متنوع و غالباً بی‌ارزش و یا کم‌ارزش را پخش می‌کنند، دنیای متفاوتی را تصویر می‌کنند. فاصله وسیع میان واقعیات زندگی روستائیان با آنچه وسایل ارتباط جمعی تصویر می‌کنند، روستائیان، خصوصاً جوانها را هوایی می‌کند. مشروع‌ترین بهانه‌های مهاجرت‌ها، ادامه تحصیل است. چنین روندی به‌طور جدی موجب نگرانی و ضرورت جستجوی راه چاره است.

روند احیاء روستایی

شهرنشینهای خسته از دود و زندگی شتابان و فرساینده، می‌کوشند در فرصتی برای تمدد اعصاب و لختی آرامش از شهر بگریزند. مقصد آنها در وهله اول روستاهای حاشیه شهرهاست. دگرگون شدن بافت جمعیتی و کالبدی روستاهای نزدیک شهر تهران، از جمله منطقه لواسانات، و اوشان و فشم، در زمره مصادیق بارز این روند است. فاصله کوتاه لواسان با تهران باعث شده است تا این روستا عملاً به‌عنوان مسکن حاشیه‌ای شهر تهران، تغییر ماهیت دهد.



تبدیل روستاهای حاشیه شهرهای بزرگ به سکونتگاههای بیلاقی، فرایندی است ظاهراً غیرقابل مقابله. اقتصاد قوی شهرها به روستاها سرازیر می‌شود و اولین تأثیر آن افزایش سرسام‌آور قیمت زمین است. در چنین شرایطی، ارزش زمینهای کشاورزی یا باغها به‌نحوی رشد می‌کند که سرمایه‌گذاری پول حاصل از فروش آنها در بانکها با سود

مهاجرانی که در منطقه جدیدی استقرار یافته و روزی خود را به شیوه دیگری به‌دست می‌آورند، بعید به نظر می‌رسد. اتفاقات دیگر، از جمله تقسیم زمینها به قطعات کوچک، به‌نحوی که تولید را غیراقتصادی می‌سازد و خصوصاً با گذشت یک نسل و تقسیم زمین به قطعات کوچک‌تر، عملاً منجر به بحران تولید و تشدید مهاجرت از روستاها شده است.

علاوه بر اینها، وقوع حوادثی، همچون زلزله و یا سیل و تخریب کامل روستا و تأسیسات زیر بنایی وابسته به آن، مانند بند و کانال و غیر آن، از دیگر عوامل تخلیه روستاهاست.

ضعف اقتصاد روستایی و ناچیز بودن درآمد روستائینان در برابر کار و سرمایه‌گذاری نسبتاً بالا برای اجاره زمین و نهاده‌های کشاورزی و عدم کنترل قیمت محصولات در بازار، نوعاً به رها کردن زمین و زندگی در روستا منجر می‌شود. گاهی قیمت خرید محصول در بازار در حدی است که حتی هزینه جمع‌آوری و بسته‌بندی آن را نیز تأمین نمی‌کند. مواردی را شاهد بوده‌ایم، که کشاورز ترجیح داده است که محصول سیب‌زمینی خود را از زیر زمین بیرون نکشد، چون هزینه این کار با قیمت خرید سیب‌زمینی در بازار توسط واسطه‌ها جمع عدد منفی را به ضرر کشاورز نشان داده است. در این اقتصاد ناسالم، گاه قیمت خرید محصول در محل با آنچه در بازار به مردم عرضه می‌شود، به نسبت یک به ۱۵ است.

مشقت کار کشاورزی، نداشتن بیمه و خطر کم آبی و یا آفت‌های مختلف و همچنین نوسان غیرقابل پیش‌بینی قیمت‌ها، باعث می‌شود که روستائینها به تدریج کار و تولید بومی خود را رها ساخته و به دنبال شغل‌های کارگری و امثال آن که حداقل از نظر درآمد وضعیت تثبیت شده‌تری دارد، به شهرها روی آورند. شهر یک جاذبه مهم دیگر هم دارد و آن دسترسی به خدمات عمومی است. وجود دکتر و درمانگاه-مدرسه-آموزشگاه و حتی امکانات آموزش مذهبی و مانند آن، مشوق مهاجرت روستائیان و ماندگاری ایشان در شهر است.

بی‌تردید وسایل ارتباط جمعی که پیشاپیش در مناطق

نزدیک شاهد یکی از شگفت‌انگیزترین صنایع سنتی کشور باشند و همزمان ساعاتی را در دامن طبیعت بگذرانند.

سرمایه‌گذاریهای دولت

ادامه حیات جامعه موکول به تأمین مواد غذایی و تأمین خوراک موکول به ادامه حیات و دوام روستاهاست. دولت‌ها در همه جا می‌کوشند که از مهاجرت روستائیان جلوگیری کنند و آنها را تشویق به تولید نمایند. شگردهایی از قبیل خرید تضمینی محصولات، ارائه خدمات کشاورزی، از جمله توزیع بذر اصلاح شده و کود شیمیایی و همچنین سرمایه‌گذاری در زمینه مقاوم‌سازی مسکن روستایی، از این جمله‌اند. اگرچه در میزان کارایی و توفیق این سیاست‌ها تردید وجود دارد، زیرا جادبه شهرها آنقدر قوی است و کار کشاورزی آنقدر فرساینده است که به سختی می‌توان این معادله را متوازن نمود، مگر اینکه شرایط ممتاز پیش‌بینی نشده‌ای فراهم شود.

برای مثال، حفر چاه عمیق و دسترسی به آب فراوان در منطقه کم‌آب، هرچند ممکن است به قیمت خشکاندن قنات‌های منطقه تمام شود، ولی گاهی نیز نعمتی خداداد را به یکباره بر مردم منطقه عرضه می‌کند. در چنین شرایطی دوام و یا حتی گسترش روستائینی دور از ذهن نیست.

به‌همین ترتیب، کشف معدن و یا ایجاد صنایع تبدیلی و یا شهرهای صنعتی در یک منطقه روستایی می‌تواند اثرگذار باشد. در این حالت، روستائیان به تدریج به کارگر کارخانه‌ها تبدیل شده و شغل کشاورزی و دامداری برای ایشان ثانویه خواهد شد. بی‌شک شهر صنعتی قزوین و شهر صنعتی کاوه در نزدیکی شهر ساوه چنین تأثیری را در روستاهای منطقه داشته است.

مهاجرت روستائیان به شهرها و تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. با این وجود، گاه مجالی برای زندگی مجدد روستایی رو به افول و نیمه جان فراهم می‌آید. ایجاد زمینه‌های جدید اشتغال‌زایی تأمین منابع تازه کشت‌وکار و بسط و نشر گردشگری در زمره روش‌های معمول احیاء روستایی است؛ اگرچه هر کدام از این اقدامات می‌تواند حیات اقتصادی

متعارف، درآمدی به مراتب بالاتر از تولید کشاورزی یا دامداری خواهد داشت.

از سوی دیگر، تزریق درآمد شهرنشین‌های ییلاق‌نشین به اقتصاد روستا می‌تواند کیفیت زندگی آنها را به‌طور کلی متحول کند. مناطقی مانند روستاهای شهرستان دماوند، روستاهای چشمه‌علا-گیلانوند- و شهر آسرد، در زمره سکونتگاه‌هایی هستند که چنین فرایندی را طی کرده‌اند.

روستاهای ویژه

در سال‌های اول دهه ۱۳۸۰ش، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) در فرایند تهیه طرح‌های هادی برای روستاها، با موضوع تازه‌ای با عنوان روستاهای ویژه مواجه شد. روستاهای ویژه، به دلایل مختلف، چنین عنوانی را به خود اختصاص داده‌اند. روستایی مانند ایبانه، با بافت غنی، معماری و فرهنگ ویژه پوشاک خاص و مراسم مذهبی، نمونه‌ای از این روستاهاست.

جاذبه‌های این روستا هزاران نفر را به‌خود جذب می‌کند و این درحالی است که جمعیت بومی ایبانه رو به تخلیه و اقتصاد آن رو به توقف و نابودی است. گردشگران بی‌مبالات که دلشده پدیده‌های نوین هستند، محیط‌زیست و فرهنگ آن را در مسیر اضمحلال قرار داده‌اند.

روستاهای ویژه دیگری هم وجود دارند، مانند ماسوله در منطقه فومن و یا روستای کندوان در منطقه اسکو، در نزدیکی شهر تبریز که از لحاظ کالبدی ویژگی خاصی دارند. کوچه‌ها و خانه‌هایی که با مصالح بوم‌آورد با زیبایی فطری روستائیان و استادکاران بومی برهم چیده شده است. هر از چندگاه یکی از این روستاها شناسایی و معرفی می‌شوند: جواهرده در نزدیکی رامسر و امامزاده ابراهیم در فومن از این نمونه‌ها هستند.

جاذبه و ویژگی روستا ممکن است غیرکالبدی باشد؛ فرهنگ غیرمادی، همچون برگزاری مراسم مذهبی از آن جمله است. روستاهای منطقه کوهپایه، از جمله قمصر کاشان در اردیبهشت‌ماه هر سال با مراسم گلاب‌گیری، هزاران نفر را برای بازدید به‌سوی خود می‌کشاند، تا از

احیاء زمین

و زندگی شهری، در معرض تخریب شدید قرار گیرند. به منظور تداوم و پایداری بهره‌برداری از منابع تجدید شونده (خاک، گیاه، آب و جانوران) در این گونه عرصه‌ها، احیاء زمین به انجام می‌رسد. احیاء زمین در اغلب موارد با بهسازی و اصلاح خاک همراه است. یکی از پدیده‌هایی که به تخریب و حتی بایر ماندن اراضی حاصلخیز منجر می‌شود، پدیده شوری خاک به واسطه آبیاری است. گرچه آبیاری عمدتاً در مناطق خشک و نیمه‌خشک (با کمتر از ۵۰۰ میلیمتر متوسط بارش سالانه) به انجام می‌رسد، اما ضمناً در مناطق مرطوب نیز برای کشت محصولات معین، از جمله برنج، به کار می‌رود. اراضی آبی جهان حدود ۲۲۰-۲۵۰ میلیون هکتار برآورد می‌شود که حدود نیمی از آن به ۳ کشور پاکستان، هندوستان و چین اختصاص دارد. بسیاری از مناطق، به‌ویژه چین، مصر، ایران، بین‌النهرین و هند، از زمان باستان پیوسته تحت آبیاری بوده‌اند. اقدام به آبیاری مداوم و فشرده، به‌ویژه در نواحی با نرخ بالای تبخیر، به واسطه تبخیر آب از سطح زمین، موجب افزایش شدید ذرات نمک در لایه‌های بالایی خاک می‌شود و آن را برای بهره‌برداریهای زراعی نامناسب می‌سازد. در مقابل، زهکشی در کشاورزی، به مفهوم خارج کردن آب اضافی از خاک که سابقه آن در مصر و رم به دوره باستان باز می‌گردد، در صورتی که به وجه مناسبی به انجام رسد، می‌تواند به بهبود ساختار خاک و نیز به افزایش اثربخشی کودهای فسفره و حفظ نیتروژن خاک منجر شود و از آبگرفتگی، شسته شدن املاح و شوری خاک که اغلب حاصل آبیاری است، جلوگیری نماید.

احیاء زمین به ۲ معنا به کار می‌رود که هر ۲ به مفهوم تغییر اراضی یک ناحیه به حالت مطلوب است: نخست، بهسازی زمین و بازگرداندن آن به حالت طبیعی؛ و دیگری، تغییر زمین از شکل طبیعی آن به صورت اراضی قابل کاربری.

به این معنا، احیاء زمین عبارت است از ایجاد اراضی جدید در محلهایی که پیش از آن آبگیر بوده است. از نمونه‌های قابل ذکر آن، شهر واشینگتن است که بر روی اراضی قرار دارد که پیش از این، باتلاق بود. همچنین

تازه‌ای برای روستائیان فراهم کند، ولی نباید از آثار جانبی و گاه سوء آنها، از قبیل انحراف فرهنگی-ارزشی و مشکلات زیست‌محیطی غافل ماند. لازمه یک طرح احیاء، شناسایی امکانات بالقوه موجود در محل از یکسو و وجود انگیزه کافی مشارکت جمعی روستائیان و خواست جمعی ایشان برای تحول اساسی در چرخه زندگی است. برنامه‌های احیاء غالباً پیچیده و زمانبر هستند و نیاز به ابزار و لوازم و نیروی انسانی مناسب و متخصص دارند.

بازسازی و تغییرات کالبدی تنها بخشی از فرایند کلی احیاء را به‌خود اختصاص می‌دهد و شاید در زمره ساده‌ترین بخشهای آن باشد. درحالی که تحلیل و پیش‌بینی آثار فرهنگی-اجتماعی طرحهای احیاء که ممکن است به‌راحتی مورد غفلت قرار گیرند، بسیار جدی است.

کتاب‌شناسی:

- سرشماری آمار نفوس و مسکن اداره کل آمار ایران سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۸۵.

اکبر زرگر

احیاء زمین

Land Reclamation

عمل تبدیل زمین بایر به زمین حاصلخیز از طریق اعمال آبیاری، زهکشی، کنترل سیلاب، تغییر و اصلاح بافت، مواد معدنی و آلی خاک و پیشگیری از فرسایش. چشم‌اندازهای طبیعی و انسان‌ساخت ممکن است به طرق مختلف، از جمله به واسطه بهره‌برداری و فراوری منابع تجدیدناپذیر (مانند سوخت فسیلی، کانیها و خاکدانه‌ها)، و نیز انباشت مواد زائد و آخال و یا فعالیتهای مرتبط با بهره‌گیری از منابع تجدید شونده (مانند کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، گردشگری و گذران اوقات فراغت) و نیز فعالیتهای صنعتی

شروع و ادامه احیاء شهری و باز زنده‌سازی آن در نظر گرفت. با این وجود، دخالت گسترده در بافت‌هایی که به بافت‌های پرمسئله و مشکل‌دار معروفند، آن هم براساس برنامه‌ریزی و به کارگیری الگوها و شیوه‌های تعریف شده، به دهه ۱۹۴۰م و به‌ویژه نیمه دوم این دهه که با پایان جنگ جهانی دوم هم‌زمان است، بازمی‌گردد. معمولاً در تجربه انگلستان، ایالات متحد و بسیاری از شهرهای اروپای غربی و شرقی، محله‌ها یا بافت‌های فرسوده، مکان‌هایی بشمار می‌رفتند که تراکم و ازدحام بیش از متوسط داشتند. این امر به‌نوبه خود معلول رشد شهرهای اروپای غربی در دوره‌های گذشته و افزایش ناگهانی چنین رشدی پس از جنگ جهانی دوم بود. باز زنده‌سازی لندن، برلین و ورشو پس از جنگ، بازسازی محله سیاه‌پوستان شیکاگو یا برونزویل در دهه ۸۰م و بازسازی مرکز شهر بیروت در سال‌های اخیر، از جمله نمونه‌های بارز باز زنده‌سازیند که همگی به‌استثناء مورد شیکاگو، ناشی از جنگ و یا جنگ داخلی بوده‌اند. تجربه قبلی باز زنده‌سازی به محله‌های اروپایی فقیرنشین که به محله‌های پرولتاریایی و عمدتاً یهودی‌نشین (گتو) تعلق دارد.

هجوم سیل‌وار جمعیت به شهرهای پرونق صنعتی و تجاری، شرایطی فوق‌العاده بحرانی پدید آورد. بحران‌های ادواری سرمایه‌داری مزید بر علت شد و به بیکاری انبوه کارگران مشغول به کار منجر گردید و نرخ جرم و جنایت در محله‌های فقیرنشین به‌شدت افزایش یافت. ادبیات اعتراضی بدانسان که در آثار چارلز دیکنز، دوساسی و ویکتور هوگو منعکس شده است، توجه عموم را به مسائل این‌گونه مناطق شهری جلب کرد و بالاخره در پی کشف علل این مسائل، علوم اجتماعی سربر آورد. بدیهی بود که با مطالعات میدانی و کشف برخی علل، سؤال بعدی چه باید کرد، بود. برنامه‌ریزی شهری محصول قانونمند چنین پرسشی بود که با بازسازی گتوها، حضور خود را اعلام داشت و به‌تدریج، جایگاهی تثبیت شده به کف آورد.

علاوه بر بازسازی گتوها و ویرانه‌های جنگ که ۲ تجربه عمده در احیای شهری در ۲ زمان متفاوت بود و به اروپا تعلق داشت، تحول اساسی بازگشت به مرکز شهر تجربه

اراضی نویافته در هلند نیز از این‌گونه زمین‌های احیاء شده بشمار می‌روند. شهرهای جنوبی چین در هنگ‌کنگ و ماکائو و نیز سنگاپور به خاطر اقدامات خود در زمینه احیاء زمین شهرت دارند. از جالب‌ترین نمونه‌های احیاء زمین، جزایر پالم (پالم ایلند) و دوبی در امارات متحده است. احیاء زمین ضمناً به معنای بازسازی اراضی تخریب‌شده نیز هست. به این ترتیب، احیاء زمین روند پاکسازی زمین در یک محل است که در معرض تخریب مداوم محیطی قرار داشته باشد. این‌گونه احیاء زمین می‌تواند به‌منظور برخی کاربری‌های انسانی (نظیر ساخت مسکن) و یا بازسازی و تبدیل اراضی به حالت طبیعی و اولیه خود، به‌عنوان عرصه حیات وحش، به انجام رسد.

کتاب‌شناسی:

- *Britannica Encyclopedia*. CD, ۲۰۰۶.

(عباس سعیدی)

احیاء شهری

Urban Revitalization

شهرها، مناطق و محدوده‌های زندگی شهری از منظری چون موجوداتی زنده و ارگانسمی پویا نگریسته می‌شوند؛ به سخن دیگر، چون موجودات زنده به دنیا می‌آیند، می‌بالند، به اوج فعالیت خود می‌رسند، به تدریج فرسوده می‌شوند و احتمالاً می‌میرند و به مخروبه‌ای تبدیل می‌شوند. احیاء شهری، باز زنده‌سازی، اصلاح بافت‌های فرسوده و نوسازی شهری، همگی به دخالت‌هایی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فرسوده و مخروبه شدن کل شهر و در بیشتر موارد، بخش‌ها و محله‌هایی از شهر و نوسازی و دوباره شاداب کردن آنها به انجام می‌رسند. از آنجا که دخالت در خانه و شهر برای جلوگیری از نابودی و فرسوده شدن آن، همواره مطرح بوده است، نمی‌توان زمان خاصی را برای

البته ناگفته نماند که در برخی از تجربه‌های احیاء شهری گرچه محدود، خاطره جمعی و هویت محله‌ای مبنای احیاء شهری بوده است. منطقه برونزویل یا محله سیاه‌پوستان شیکاگو در ایالات متحد، از جمله چنین موارد نادری است. تناقض بعدی به این واقعیت بازمی‌گردد که نوسازی شهری گروه‌های کم‌درآمد را از محیط زندگی خویش به نقاط ارزان‌تر می‌تازاند، زیرا به همراه احیاء شهری برنامه‌ریزی نشده، قیمتها بالا می‌رود و طبقات فقیر که در آن نقاط ساکن هستند به علت عدم توان مالی، به نقاط فقیرتر کوچ می‌کنند. این امر بیش از همه دامان مستاجران را می‌گیرد.

در ایران مهم‌ترین الگوی احیاء شهری در حال حاضر، تجمیع پلاکهای ثبتی و در نتیجه، دستیابی به فضای بیشتر برای بازسازی است که بدون توجه به علل فرسودگی و قانونمندیهای آن به انجام می‌رسد. در این میان، اشکال اساسی این است که احیاء شهری صرفاً پدیده‌ای کالبدی در نظر گرفته می‌شود. در ایران، برکنار از طرح‌های احیاء بافتهای مسکونی، تجارب متعددی، از جمله طرح حریمهای حضرت رضا(ع) و حرم شاه عبدالعظیم(ع) و کوی سیزده آبان به فرجام رسیده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- پوریا، پیروز. «باززنده‌سازی برونزویل، محله‌ای در شیکاگو»، فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۸، ص ۱۳۸.

پرویز پیران

اداره امور

Administration

مجموع فعالیتهای، وظایف، شیوه‌ها و روشهای سازمانی است که برای مدیریت امور گوناگون کشور به کار می‌رود. اداره امور، در بیان ساده‌تر، مدیریت کارهای مربوط به قوه مجریه

سومی بود که در ایالات متحد رخ داد. در گرماگرم رشد بی‌سابقه اقتصاد ایالات متحد به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، الگویی برای خانواده آمریکایی و طبقه متوسط به بالا به تدریج شکل گرفت که خانواده‌ای هسته‌ای را تصویر می‌کرد که از شوهر و همسر او با ۲ فرزند تشکیل می‌شد. شوهر و زن هر دو اتومبیل شخصی داشتند، در مرکز شهر کار می‌کردند و شب هنگام به حومه که محل زندگی آنان بود، بازمی‌گشتند. این روند سبب فرسوده شدن مناطق مسکونی اطراف مراکز شهرهای مهم ایالات متحد گردید. با جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد، الگوی یاد شده دستخوش دگرگونی شد. بخش قابل ملاحظه‌ای از خانواده‌ها در اثر طلاق به خانواده گسسته تبدیل شدند. برای فرار از مالیات، ازدواجها ثبت نشده ماندند و واژه هم‌خانه، جایگزین درصدی از خانواده‌ها شد. با بحرانهای اقتصادی ماندگار و کاهش توان خرید طبقه متوسط، حومه‌نشینی پرهزینه به نظر رسید و بازگشت به مناطق مسکونی اطراف مرکز شهرهای بزرگ سرعت گرفت. بخش خصوصی خیلی زود دست به کار بازسازی و احیاء این‌گونه مناطق مسکونی شد. بحثی که به بهبود بخشیدن محله‌های فرسوده (Gentrification) معروف شد و خود نتیجه‌ای احیای شهری محسوب می‌شود.

احیاء شهری در عمل، همواره بحثی پرتناقض بوده است. مهم‌ترین مسئله احیاء شهری در غرب، موضوع خرید اجباری است. یعنی قانون به شهرداریها یا توسعه‌دهندگان زمین اجازه داده است تا بر پایه مصالح عامه، مناطق فرسوده را چه مالک راضی باشد یا نباشد، خریداری، ویران و بازسازی کنند. این شیوه احیاء مناطق شهری را شیوه بولدووزری نیز خوانده‌اند، زیرا چیزی از بافت گذشته باقی نمی‌گذارد. تناقض بعدی در مسئله احیاء شهری از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که در جریان احیاء، بخشهایی از بافت تاریخی نابود می‌شود و حتی اگر نشود، بافت اجتماعی، هویت و خاطره جمعی محله‌های شکوهمند گذشته را از کف می‌دهد و تلاش برای حداکثرسازی، بی‌عنایت به چنین گذشته و هویتی، به اجرای طرحهای تیپ یا یکسان مبادرت می‌کند و فرهنگ شهری را می‌زداید.

جدید، اروپائیا در ایجاد نظامهای جدید و پیشرفته اداری پیشرو بوده‌اند. هنگامی که شهریارهای جوان اروپا از کلیسا جدا شدند، دستگاههای اداری در خدمت دولتهای ملی قرار گرفت. از سده ۱۸م در اروپا، دموکراسیهای پارلمانی شکل گرفتند و دستگاههای اداره سیاسی کشور از سلطه شهریاران و امپراتوران بیرون آمد و زیر نظارت دستگاه قانونگذاری منتخب مردم قرار گرفت.

با این حال، در جوامع ساده گذشته، اداره امور در قیاس با دولتهای مدرن و جوامع صنعتی امروزی بسیار ساده بود؛ دستگاههای اداری نسبتاً کوچک‌تر بودند و وظایف مدیران اداری به اندازه امروز از یکدیگر تفکیک و تخصصی نشده بود، در جوامع امروزی تعداد، تنوع و فنون تنظیم امور اقتصادی، مناسبات اجتماعی به گونه بی سابقه‌ای افزایش یافته است. امور متعارف حکومتها، مانند دفاع از مرزها، حفظ نظم داخلی و اداره قضایی کشور نیز بسیار پیچیده‌تر و فنی‌تر شده است.

مدیریت علمی

آموزش برای کسب تخصص و تواناییهای حرفه‌ای برای بالابردن کارایی مدیران اداری از اهمیت زیادی برخوردار است، چنان‌که در کشورهای صنعتی ایجاد شکلهایی از نظام شایسته‌سالار در انتخاب مدیران اداری اهمیت زیادی دارد در کشورهای پیشرفته اروپایی، از اوایل سده ۲۰م، مدیریت علمی شروع به رشد کرد. به همراه رشد مدیریت علمی، در بسیاری از حوزه‌های مرتبط با اداره امور، مثل سازمان و تشکیلات، بازدهی و کارایی، برنامه‌ریزی و بودجه، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری و مدیریت کادرهای اداری دانش تخصصی پدید آمد و رو به رشد نهاد. در سالهای اخیر این حوزه‌ها گسترش یافته و حیطه‌هایی همچون برنامه‌های بلندمدت اقتصادی و سیاستگذاری عمومی را، که با سازمان کلی اقتصاد کشور سروکار دارد، دربرگرفته است. مدیریت اداری تطبیقی از جمله حوزه‌های مطالعاتی پدید آمده در همین راستاست که می‌کوشد قواعد عام و بنیادی را که در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد، کشف کند. با رواج وسایل ارتباطی جدید، به‌ویژه رایانه، مدیریت اداری به

است و در این معنا، به مفهوم مدیریت در معنای فراگیر و ملازم با همکاری گروهی برای پیشبرد هدفهای عمومی از طریق برنامه‌ریزی و سازمان است. اداره امور همچنین مستلزم وجود مجموعه قوانینی است که قوانین اداری نامیده می‌شوند و هم یک فن است و هم موضوع یک دانش کم و بیش پیشرفته و در حال رشد. دانش و تخصص لازم و فنون متناسب از شروط بنیادی اداره امور در شکل مطلوب آن است.

با این حال واژه اداره امور با معنی یگانه‌ای به کار نمی‌رود. در برخی کشورها، بین کارهای سیاسی قوه مجریه و کارهای غیرسیاسی آنها تمایز قائل می‌شوند و کارهای سیاسی را در حوزه اداره امور (مدیریت سیاسی) و کارهای غیرسیاسی را در حیطه دیوانسالاری (دیوانسالاری) قرار می‌دهند. اداره امور در معنای گسترده خود، عبارت است از فرایند اجرای تصمیمات، سازماندهی امور حکومتی در سطوح مختلف، از ملی تا محلی و از جمله مدیریت شهری و روستایی و حتی صنایع ملی که تحت مالکیت دولتی قرار دارند. در این معنا، تصمیم‌سازیهایی قوه مقننه در زمره اداره امور قرار نمی‌گیرد، درحالی‌که تصمیم‌سازیهایی زیادی هست که در سرشت خود از نوع قضایی و قاعده‌گذاری است (مقررات) و در حوزه صلاحیت و وظایف قوه مجریه قرار دارد. در نظامهای مردمسالار، بسیاری از این قوانین را نهادهای انتخابی در سطح ملی و محلی وضع می‌کنند (حکومت محلی).

رشد دستگاههای اداری

شکله‌ها و حوزه‌هایی از اداره امور از گذشته‌های دور وجود داشته است. در دوران باستان در سرزمینهایی، از جمله ایران، چین و روم، دستگاهها و شیوه‌هایی برای اداره امور حکومتی و برخی امور عمومی وجود داشت. در امپراتوری مقدس روم، دستگاه اداری جزئی از دستگاه رهبری پاپ بود. دستگاهی که داریوش اول برای اداره شاهنشاهی بزرگ خود درست کرده بود، شهرت زیادی در تاریخ دارد. در سده‌های میانه نیز در سرزمینهای اسلامی و در امپراتوری عثمانی، دستگاه اداری گسترده‌ای وجود داشت. در عصر

اداره امور

در زمان ما وظایف مربوط به اداره امور، به شیوه‌های مختلف، از یکسو، بین شاخه‌های مختلف سازمانهای حکومتی، و از سوی دیگر، بین سازمانهای حکومت مرکزی و حکومت محلی تقسیم شده است. این امر به ۲ دلیل عمده صورت گرفته است:

یکی، توسعه شیوه‌های مردمسالاری (← مردمسالاری) در حکومت و اداره امور؛

و دیگر، پیچیده شدن روزافزون وظایف حکومتی.

شیوه‌های مردمسالارانه در اداره امور، مستلزم دخالت هرچه بیشتر مردم در اداره زندگی خود و مشارکت هرچه بیشتر و مستقیم‌تر در امور گوناگون است. انتقال برخی حوزه‌های تصمیم‌گیری در امور قانونگذاری و اداری به واحدهای کوچک‌تر و محلی، با چنین ارزشهایی منطبق است.

از سوی دیگر، هر کشوری به مقتضای نظام حکومتی و تجارب تاریخی خود، وظایف و اختیارات حکومتی را بین سازمانها و تشکیلات مختلف تقسیم کرده است. این تقسیم وظایف و اختیارات مقتضای تخصصی شدن هرچه بیشتر اموری است که پیش روی حکومت قرار دارد. رایج‌ترین شکل این تقسیم کار، تأسیس وزارتخانه‌های مختلف است. هر کدام از وزارتخانه‌ها در حوزه خاصی تخصص و مدیریت دارند. کارهای این وزارتخانه‌ها به شیوه‌های مختلف (از جمله شورای وزیران) یا یک مقام ارشد در بالاترین رده سلسله مراتب اداری (رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر) و به‌طور کلی، توسط آنچه که هیئت وزیران خوانده می‌شود، هماهنگ می‌شود. به‌همین ترتیب، وزارتخانه‌ها نیز به سهم خود سازمانهایی را در رده‌های مختلف برای پیشبرد کار خود تشکیل می‌دهند. وزارتخانه‌ها کار انتصاب، انتقال و نظارت بر کارمندان سازمانهای زیر مجموعه خود را انجام می‌دهند. آنها در چارچوبهایی که در قانون مشخص شده است، به تنظیم بودجه و هزینه کردن آن می‌پردازند. این وزارتخانه‌ها با استفاده از تشکیلات خود در شهرها و روستاها، در کنار نهادهای منتخب محلی و در هماهنگی و همکاری با آنها، امور شهری و روستایی را اداره می‌کنند.

جایگاه جدیدی ارتقاء یافته است و اکنون سخن از این است که به‌عنوان یک پایگاه اجتماعی در مسیر سلطه سیاسی - اجتماعی عمل می‌کند.

قوة مجریه و فرایند اداره امور

بخش مهمی از اداره امور به‌عنوان یک فرایند معطوف است به وضع مقررات، حل و فصل اختلافات و صدور دستوراتی که بر حقوق و مقررات محدود به کارهای دستگاه عالی اداری نیست، بلکه حوزه‌های گسترده و متنوعی، همچون کشاورزی، دارایی و حتی نامه‌رسانی را در قلمرو خود دارد. گرچه فرایند اداری معمولاً با کار حکومت ارتباط دارد، اما در عین حال، شامل همه سازمانهایی است که می‌خواهند امور اداری خود را به شیوه‌ای سازماندهی کنند که تصمیمات آنها با قواعد و مقررات کشور انطباق داشته باشد و همسازی کارهای مربوط به حوزه آنها را با روند عمومی کارهای کشوری تضمین کند.

این واقعیات، تفکیک کار قوه مجریه از کار قوه قانونگذاری و قوه قضایی و برهمن اساس، اینکه اداره امور مختص قوه مجریه است را دشوار کرده است. از سوی دیگر، همراه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی در اثر رشد شهرنشینی (← شهرنشینی)، صنعت و فناوری و نیازهای گسترده اجتماعی، متقابلاً بر سهم قوای قانونگذاری و قضایی در اداره امور افزوده شده است. پیشبرد مطلوب امور جامعه پیچیده امروزی، مستلزم آمیزش فعالیت‌های قوای گوناگون است. ساماندهی امور در چنین وضعی، نیازمند همکاری و هماهنگی قوای سه‌گانه است. رسیدگی به شکایتهای شهروندان از سازمانهای حکومتی، یا شکایتهای کارمندان رده‌های پائین از سازمانها و کارمندان رده‌های بالاتر، به لحاظ سنخیت، کاری قضایی است که دستگاههای اجرایی آن را انجام می‌دهند. در برخی کشورها، از جمله کشور ما، نظام قضایی شامل دادگاههای اداری است که جدا از دادگاههای عمومی به دعاوی علیه حکومت رسیدگی می‌کند.

تقسیم وظایف مربوط به اداره امور

Democracies, New York: Marcel Dekker, ۱۹۸۸.

دکتر کمال پولادی

اداره امور شهر ← حکمروایی شهری

اداره امور عمومی ← اداره امور

اراضی روستایی

Rural Lands

سطحی از زمین مفروز در یک سکونتگاه روستایی یا یک مجموعه زیستی - اقتصادی که در مالکیت یا تصرف یک یا چند واحد تولید زراعی باشد. در بیشتر موارد، هنگامی که از زمین روستایی یاد می‌شود، منظور زمین کشاورزی است. به‌طور معمول، یک قطعه زمین کشاورزی، کوچک‌ترین واحد از کل زمینهای روستایی است که وسعت آن در نواحی مختلف و حتی در بین مجموعه اراضی یک روستای معین، متفاوت است؛ این مقدار از چند مترمربع در واحدهای بسیار کوچک تا قطعات بزرگ و حتی یک مزرعه کامل در نوسان است. کل اراضی واقع در محدوده یا مجموعه اراضی به‌هم پیوسته در یک روستای معین را قلمرو روستا می‌نامند که در واقع، شامل زمینهای دایر، بایر و موات، عرصه شبکه آبها و راهها، زمینهای مشاع (اشتراکی) و سطح تحت اشغال واحدهای مسکونی است. شکل، وسعت و نحوه پراکنش این زمینها، الگوی اراضی روستایی را تشکیل می‌دهد. براین اساس، منظور از الگوی زمینهای روستایی، ریخت و نحوه استقرار فضایی قطعات مفروز

در کشورهای درحال توسعه که برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی تلاش می‌کنند، دستگاه اداری از نفوذ زیادی برخوردار است. یکی از مشکلات این کشورها در زمینه امور اجرایی این است که ذخیره کادرهای متخصص که آموزش حرفه‌ای کسب کرده‌اند، محدود و اداره امور در دست گروههای نسبتاً کوچکی متمرکز است. از دیگر مشکلات این کشورها، حضور نگرشهای جناحی در میان مدیران دستگاههای اجرایی است. رقابت جناحی که در نتیجه پرتنگ بودن نگرشهای جناحی ایجاد می‌شود، به کارایی دستگاه اجرایی لطمه می‌زند. و بالاخره اینکه در بسیاری از این کشورها نظامهای تک‌حزبی و نگرشهای تمامت‌خواه (توتالیتیر) در این احزاب موجب سلطه بیش از حد رهبری سیاسی بر دستگاههای اداری می‌شود که به‌نوبه خود، از استقلال عمل و در نتیجه، از کارایی آنها می‌کاهد. دشواری دیگر در کشورهای درحال توسعه، حضور فرهنگ بخشی‌نگر است که از خصوصیات فرهنگ سنتی محسوب می‌شود. این فرهنگ نیز به‌نوبه خود بر دستگاههای اداری و کارایی آنها اثر منفی می‌گذارد. علاوه‌براین، در این کشورها دستگاههای اداری هنوز با نهادهای منتخب مردمی، مثل شوراهای شهر و روستا (← شوراهای اسلامی شهر و روستا) و شهرداریهای انتخابی، راه تعامل سازنده را نیاموخته‌اند. البته، چنین شرایطی کار اداره امور را دشوار می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- Barnard, Chester. *The Function of Executive*. Cambridge: Harvard University Press, ۱۹۶۲.
- Blau, P.M. and Scott, W.R. *Formal organizations: A Comparative Approach*. San Francisco: Chandler, ۱۹۶۲.
- Robertson, David (ed). *Dictionary of Modern Politics*. London, New York: Europa Publications, ۱۹۹۳.
- *Encyclopedia Americana*. Publisher: Grolier, ۱۹۹۲.
- Heady, F. *Public Administration: A Comparative. Perspective*, ۴th ed. New York: Marcel Dekker, ۱۹۹۱.
- Romos, A. *The New Science of Organization*. Toronto: University of Toronto Press, ۱۹۸۱.
- Rowat, D. (ed). *Public Administration in Developed*

اراضی روستایی

دارند. این امر حتی هنگامی که الگوهای خاص سکونتگاهی با الگوهای معین کالبدی اراضی نیز همراه نیست، صادق است. عواملی همچون حقوق ارث، مقررات و آداب و رسوم جاری در یک اجتماع، ویژگیهای محیط طبیعی، نحوه تکوین و رشد جمعیت و نوع بهره‌برداری اقتصادی، در نحوه شکل‌پذیری الگوهای زمین زراعی نقشی تعیین کننده



موجود در نظام مالکیت و تصرف و نوع کاربری زمینها در یک سکونتگاه روستایی است.

الگوهای اصلی زمینهای زراعی عبارتند از: الگوی بلوک مانند؛ و الگوی نواری شکل. قطعه زمینهای بلوک مانند از نظر وسعت و اندازه به بلوکهای بزرگ یا کوچک و از نظر فرم به بلوکهای منظم و نامنظم تقسیم می‌شوند. قطعه

دارد.

هانس بوبک (۱۹۷۶م) در بررسی الگوی اراضی روستایی در ایران، به این نتیجه رسیده است که این الگو قبل از اصلاحات ارضی، نتیجه و درعین حال نمایانگر نظام اجتماعی- اقتصادی حاکم بر ایران در گذشته، یعنی نظام ارباب- رعیتی بوده است. در این بررسی، نحوه تقسیم دوره‌ای قطعات زمین و واگذاری آن توسط زمینداران بزرگ به مزارعه کاران، نوعی شیوه مدیریت هماهنگ معرفی شده است. نظریه مشابهی درباره الگوی نواری شکل زمینهای زراعی در برخی مناطق خشک خاورمیانه و افریقای شمالی ابراز شده است، مبنی بر اینکه علت شکل‌گیری این الگو،

زمینهای نواری شکل نیز به‌عنوان نوارهای طولی یا کوتاه و همچنین نوارهای باریک یا عریض از یکدیگر قابل تفکیک هستند. بر همین مبنا، مرز تشخیص میان الگوهای بلوک مانند از نواری شکل، در صورتی که قطعات مستطیل باشند، از نسبت ۲:۱/۵ اضلاع تعیین می‌شود. حد شاخص میان بلوکهای بزرگ و کوچک نیز حدی نسبی است و از یک منطقه به منطقه دیگر تفاوت می‌پذیرد.

برپایی و گسترش گونه‌های مختلف الگوی زمین زراعی و پراکنش ناحیه‌ای هریک از آنها، علت‌های متنوع و گوناگونی دارد. در واقع، شکل سکونتگاههای روستایی و نحوه پراکنش زمینهای زراعی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی

اراضی شهری

- در مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی/ برنامه عمرانی سازمان ملل، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *گونه‌شناسی معماری مسکن روستایی استان سمنان*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی/ جهاد دانشگاهی دانشگاه شهیدبهشتی، ۳ جلد، ۱۳۷۶.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۵.
- لویو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*، ترجمه محمود محمودپور، تبریز، ۱۳۵۴.
- Bobek, Hans. "Entstehung und Verbreitung der Hauptflur-systeme Irans, Grundzüge Einer Sozialgeographischen Theorie", *Mitteil. der Österreichischen Geogr. Gesellschaf.* Bd. II u. III, ۱۹۷۶.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, ۱۹۶۶.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, ۱۹۷۰.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۸۶.
- Niemeier, G. *Siedlungsgeographie*. Braunschweig, ۱۹۷۷.
- Uhlig, H. u. C. Lienau. *Die Siedlungen des Ländlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.

عباس سعیدی

اراضی شهری

Urban Lands

در مطالعات شهری، اراضی شهری به مفهوم متفاوت به کار می‌رود که هریک، برحسب مورد، با یکدیگر فرق می‌کند. به‌عنوان مثال، اراضی از نظر نوع کاربری، کیفیت خاک، شرایط زمین‌شناختی، قیمت و ارزش، قطعه‌بندی و نظایر آن، هریک معنی ویژه‌ای دارد. در همین معنا، قطعه زمین به معنی واحد زمینی است که از طریق تفکیک حاصل شده باشد؛ به سخن دیگر، قطعه زمین، زمین تحت پوشش، یعنی سهمی از زمین که زیر پوشش ساختمانها و ساختارهای فرعی قرار می‌گیرد و تابع شرایط منطقه‌بندی زمین است. زمین قابل ساخت، یعنی آن قسمت از اراضی که برای کاربری مناسب است و به همین صورت، زمین متروکه عبارت از زمینی است که دارای سابقه استفاده بوده، ولی هم‌اکنون رها مانده و تولیدی نیست. به‌ترتیب، آن نوع از زمینهایی که در شهر یا محیط پیرامون آن که براساس

همکاری و مشارکت جمعی همه اعضای جماعت یا طایفه در روند تولید اقتصادی است. در این روند عوامل دیگری نیز تأثیرگذار هستند که از جمله عبارتند از: شیوه کشت؛

شیوه‌های تأمین آب و روشهای آبیاری؛ ابزار کشت و ورز و نحوه مالکیت آنها؛ اصل مساوات‌جویی، یعنی تقسیم و واگذاری دوره‌ای قطعات زمین برخوردار از کیفیت و درجه حاصلخیزی متفاوت؛ و حقوق ارث.

الگوی زمینهای روستایی، در واقع، بازتاب روابط مکانی- فضایی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی حاکم در سکونتگاه روستایی است، از این رو، مطالعه این الگو نه تنها دامنه و نحوه کاربریهای متنوع زمین را شامل می‌گردد، بلکه بررسی آن به‌منظور نحوه تخصیص و آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین) برای پاسخگویی به نیازهای سکونتگاههای روستایی (← سکونتگاه روستایی)، اهمیت دارد.

اراضی روستایی براساس نحوه تملک معمولاً به ۵ دسته تقسیم می‌شوند: اراضی ملکی بزرگ (معمولاً قطعات بزرگ یکپارچه و بیشتر متعلق به مالکان غایب)؛ اراضی ملکی دهقانی (در اغلب موارد متشکل از قطعات متعدد کوچک و پراکنده)؛ اراضی مشاع (با بهره‌برداری جمعی و مشترک)؛ اراضی موقوفه؛ و اراضی دولتی. به‌همین ترتیب، اراضی روستایی از نظر نوع کاربری نیز قابل تفکیک هستند: اراضی کشاورزی (اعم از اراضی آبی و دیمی و یا زراعی و باغی)؛ اراضی مرتعی و چراگاهی؛ اراضی بایر؛ اراضی تحت تأسیسات عمومی و واحدهای خدماتی روستا؛ اراضی تحت اشغال شبکه راههای ارتباطی؛ و اراضی تحت اشغال شبکه آبها.

کتاب‌شناسی:

- برومبزه، کریستیان. *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*. ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران، ۱۳۷۰.
- بوناین، مایکل. «قنات، شبکه زمینهای زراعی و مورفولوژی روستایی»، در *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ترجمه عباس سعیدی، ش ۱۹، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*

۲۹-۳۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ش، ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌هایی شامل مالکیت اعم از عین یا منفعت، حق انتفاع و حق ارتفاق به ملک غیر داشته باشند. هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرفی را دارد، زیرا هیچ مالی را نمی‌توان از تصرف صاحب آن بیرون آورد، مگر به حکم قانون. مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هرکجا که بالا رود؛ همچنین است نسبت به زیرزمین. به این ترتیب، مالک حق هرگونه تصرف در هوا و فراز گرفتن را دارد، مگر آنچه را که قانون استثناء کرده باشد. طبق ماده ۵۵ همین قانون، وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل در راه خدا و در طلب خیر نذر شود. علاوه بر این، منظور از اراضی وقفی آن‌گونه اراضی است که واقف آن، زمین را به منظور خیرات و کارهای نیک واگذار می‌نماید؛ مانند باغ و مزرعه که در ایران دارای سابقه طولانی است.

بر اساس آئین‌نامه قانون زمین شهری مصوب ۱۳۷۱ش، آماده‌سازی زمین مجموعه عملیاتی است که مطابق دستورالعمل وزارت مسکن و شهرسازی، زمین دولتی یا خصوصی را برای احداث مسکن مهیا می‌سازد و با انجام عملیات زیربنایی، مانند تعیین بر و کف، تسطیح و آسفالت معابر، تأمین شبکه‌های تأسیساتی آب و برق و تلفن، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و زباله و انجام عملیات روبنایی، مانند احداث مدارس، درمانگاه، واحد انتظامی، فضای سبز، آتش‌نشانی، اماکن تجاری و نظایر آن، اراضی را بر مبنای ضوابط در اختیار تعاونیه‌های مسکن یا متقاضیان قرار می‌دهد. به موجب ماده ۱۵ قانون زمین شهری، هرگونه تفکیک و تقسیم اراضی بایر به منظور عمران و احداث بنا، باید با رعایت مقررات وزارت مسکن و شهرسازی صورت پذیرد. مواد ۱۷ و ۱۹ آئین‌نامه این قانون به توضیح این موارد می‌پردازد.

در خصوص تفکیک و افراز اراضی طبق قوانین حقوقی ایران، تعاریف مشخصی وجود دارد. تفکیک اراضی به معنای جداسازی و تبدیل یک ساختمان یا ملک- زمین- به قطعات کوچک‌تر است، در حالی که افراز عبارت از جدا کردن سهم مشاع شریک یا شرکاء یک زمین است، هرگاه شرکاء بخواهند هر یک سهم خود را از زمین مشخص نمایند. به این ترتیب، عمل جداسازی سهم هر شریک را

قطعه‌بندیهای مختلف تحت کاربری قرار داشته یا امکان کاربری برای آنها در آینده وجود داشته باشد، اراضی شهری خوانده می‌شوند. قابلیت زمین نیز به معنای آن است که تا چه اندازه می‌توان اراضی را به منظور کاربریهای مختلف مورد استفاده قرار داد.

حوزه‌بندی یا منطقه‌بندی شهری (← حوزه‌بندی شهری) و قواعد آن یکی از مهم‌ترین مباحث برنامه‌ریزی شهری در عرصه‌های مرتبط با استفاده از اراضی شهری است. منطقه‌بندی زمین به مفهوم آن است که زمین از حیث نوع کاربری، نحوه ایجاد ساختمانها، چگونگی قطعه‌بندی و حدود ارتفاع ساختمانهای احداثی در آن، چگونه باید باشد. اهمیت این موارد بر اساس حفظ ارزش اراضی، نظام‌دهی به ویژگیهای کالبدی محله‌ها و بالاخره محافظت از جایگاه انواع تأسیسات عمومی و رفاهی قرار دارد و برنامه‌های کالبدی شهر را بر نظم و مقررات استوار می‌سازد.

بر اساس قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ش مجلس شورای اسلامی، اراضی شهری عبارت از زمینهایی است که در داخل محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها و شهرکها قرار گرفته است. به موجب همین قانون، اراضی شهری متشکل از ۳ نوع اراضی دایر، بایر و موات است. منظور از اراضی دایر، زمینهایی است که آن را احیاء و آباد نموده‌اند و در حال حاضر دایر و مورد بهره‌برداری مالک قرار دارد. این‌گونه اراضی صرفاً اراضی کشاورزی یا تحت آیش را شامل می‌شود. اراضی بایر عبارت از آن‌گونه زمینهایی است که سابقه عمران و احیاء داشته و به تدریج به حالت موات برگشته است، اعم از آنکه صاحب مشخصی داشته و یا نداشته باشد. در مقابل، منظور از اراضی موات زمینهایی است که سابقه عمران و احیاء نداشته باشد. اراضی شهری از نظر نوع مالکیت نیز به ۳ دسته دولتی (ملی)، خصوصی و وقفی تقسیم می‌شوند که هر یک مقررات مخصوص به خود را دارند. طبق ماده ۱۱ قانون زمین شهری، وزارت مسکن و شهرسازی موظف است که بر اساس سیاست عمومی کشور و طبق آئین‌نامه اجرایی، به آماده‌سازی و عمران و واگذاری زمینهای دولتی اقدام نماید. در این اقدام باید اماکن عمومی و خدماتی مورد نیاز جمعیت ساکن نیز احداث شود. در ارتباط با اراضی خصوصی، طبق مواد

ارزیابی

یا طرح مربوط می‌شود، درحالی‌که ارزیابی به جنبه‌های گوناگون یک طرح و همچنین ابعاد مرتبط یک برنامه می‌پردازد. بدینسان، مطالعات پایش مکمل و از اجزاء فرعی نظام ارزیابی است، اما به خاطر هزینه‌بر بودن مطالعات ارزیابی، گاهی بررسیهای پایش جنبه‌هایی از کار ارزیابی را نیز پوشش می‌دهد.

اهمیت ارزیابی

هم سازمانهای دولتی و هم بخش خصوصی به اطلاعات حاصل از ارزیابی نیاز دارند. این اطلاعات چنانچه به‌طور منظم جمع‌آوری شود، سازمانهای دولتی را از چگونگی پیشرفت برنامه‌ها و طرحها و نیز، نحوه بهره‌گیری از مصرف بودجه عمومی مطلع می‌سازد. علاوه‌برآن، به حکومت امکان می‌دهد، نحوه پیشرفت برنامه‌ها را به مجلس ملی گزارش دهد. در بیشتر کشورها سازمانهای مختلف حکومتی، از جمله وزارتخانه‌ها، شیوه‌هایی را برای جمع‌آوری اطلاعات (← اطلاعات) اتخاذ می‌کنند. سازمانهای آماری و سرشماری به‌نوبه خود اطلاعات گوناگونی را جمع‌آوری می‌کنند. البته در بسیاری از موارد، به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته، این اطلاعات در سطح سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف پراکنده است و به‌صورت نظام واحد سامان نیافته است. در این موارد، برای بهره‌برداری هرچه بهتر از این اطلاعات باید آنها را در یک نظام واحد جمع‌آوری کرد.

اصول راهنما

تشکیل یک نظام ملی در ارزیابی به برخی اقدامات اصولی نیازمند است. از آن جمله است:
تشخیص نیازهای موجود؛
پی‌جویی فعالیت‌های جاری؛ و
شناسایی ظرفیتهای بالقوه در سطح ملی.
برای پی‌ریزی نظام ارزیابی، برخی اقدامات اساسی به شیوه زیر توصیه شده است:
تعیین وزارتخانه‌ها یا سازمانهای مسئول برای سازماندهی

افراز گویند. برطبق مقررات، مرجع رسیدگی به تفکیک یا افراز زمین، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است. در ارتباط با اراضی شهری، واگذاری زمین و مسکن و مواردی نظیر آن، سازمان ملی زمین و مسکن، که زیرنظر مستقیم وزیر مسکن و شهرسازی است، اقدام می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- سیف‌الدینی، فرانک. فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. زبان تخصصی برنامه‌ریزی شهری. تهران: آبیژ، ۱۳۸۱.
- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هجدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- عبادی، شیرین. حقوق معماری. تهران: روشنگران، ۱۳۷۱.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- منصور، جهانگیر. مجموعه قوانین. با آخرین اصلاحات، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی، تهران: دوران، ۱۳۷۷.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, G.B., ۲۰۰۵.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. Krieger Pub Co., ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

ارزیابی

Evaluation

فرایند شناخت اهمیت یا ارزشگذاری فعالیت‌هایی که در زمینه برنامه‌های توسعه یا مشی معین انجام می‌شود و منظور از آن، تعیین کارایی اقدامات انجام شده برای اجرا، کفایت منابع به کار رفته برای دستیابی به اهداف و همچنین پایداری و اثربخشی آنهاست. ارزیابی به مفهوم کلی، عبارت است از بررسی و تشخیص نظام‌مند ارزشهای چیزی یا شایستگیهای کسی. ارزیابی برای این است که یک سازمان، خواه تشکیلات دولتی یا شرکتهای خصوصی، از اطلاعات به‌دست آمده در فرایند تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و از جمله، اصلاح خطاها استفاده کند.

۲ مفهوم ارزیابی و پایش اغلب به‌طور توأم و مرتبط با هم به کار می‌روند. برای یک ارزیابی معتبر به بررسیهای مختلف پایش نیاز است. پایش به برخی از ابعاد یک برنامه

ارزیابی

ارزیابی/امریکا است.

سازمانهای ارزیاب به برخی اصول حرفه‌ای پایبند هستند که از جمله است:

جستجو و تحقیق نظام‌مند؛

انسجام و صداقت در کار ارزیابی؛

احترام به حریم خصوصی مردم؛ و

احساس مسئولیت نسبت به رفاه عمومی.

رویکرد

ارزیابیهای کلان کشوری برحسب ارزشهای کلی یک کشور متفاوت است. امروزه، در بیشتر کشورهای غربی، ۲ رویکرد عمده بیش از رویکردهای دیگر رواج دارد. این رویکردها بر مبنای رویکرد غالب دولتی شکل گرفته‌اند. این رویکردها نیز به نوبه خود، با معرفت‌شناسی خاصی مرتبط هستند. در بین کشورهای غربی، ۲ بینش اصالت سودمندی و کثرت‌گرایی/ارزشی بیش از سایر بینشها در جهت‌دهی به اصول هادی سیاستگذاران و به‌همین ترتیب، ارزیابیها نفوذ دارند. اصل بنیادی اصالت سودمندی عبارت است از بیشترین منافع برای بیشترین تعداد مردم. اما کثرت‌گرایی بر این باور تکیه دارد که هیچ تعبیر واحدی از خوب یا خیر را نمی‌توان پذیرفت. به این ترتیب، کثرت‌گرایان معتقدند که خیرها گوناگونند.

معرفت‌شناسی مرتبط با بینش اصالت سودمندی بر عینی بودن تحقیق و بینش کثرت‌گرایی، بر ذهنی بودن تحقیق تأکید دارد. بنابه بینش اصالت سودمندی، دانش متکی بر واقعیات بیرونی است و از لحاظ تعیین صحت و سقم قابل واریسی است. اما کثرت‌گرایان به لحاظ معرفت‌شناسی ذهن‌گرا هستند و معتقدند که دانش و تحقیق متکی به تجربه‌ها و دانسته‌های فردی است و پژوهشگر به‌طور ضمنی یا صریح، کار تحقیق خود را با آنچه از پیش در ذهن دارد، آغاز می‌کند و بر این مبنای، به پایان می‌رساند. از این رو، حاصل کار محققان قابل واریسی بیرونی نیست. هریک از این دو رویکرد معرفت‌شناختی در عین حال،

نظام ارزیابی (و همچنین پایش). برای این منظور باید وزارتخانه‌ها و سازمانهای اصلی که در تدارک و بهره‌مندی از نظام ارزیابی سهم بیشتری دارند، مثل وزارت دارایی، سازمان یا وزارت برنامه‌ریزی، دفتر ریاست جمهوری و مجلس، بخشهای عمده کار را ساماندهی کنند. در همین زمینه و در عین حال، سهم سازمانها و نهادهای محلی، مثل شهرداریها، و شوراهای شهر و روستا و به‌همین ترتیب، سهم سازمانهای محلی حکومتی مثل استاندارها و فرماندارها نیز باید مشخص شود.

بخشهایی از مدیریت عمومی کشور که به بهره‌گیری از ارزیابیها بیشتر نیاز دارند، می‌توانند بیشترین سهم را در پشتیبانی از این فرایند انجام دهند. سازمانهای تصمیم‌گیری در مورد بودجه، سازمان یا وزارت برنامه، مجلس نمایندگان و نهاد ریاست جمهوری در این زمینه سهم بیشتری دارند. در ایران پیش از برچیدن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بخش عمده‌ای از این کار بر عهده این سازمان بود. اکنون، این کار به نهاد ریاست جمهوری (یکی از معاونتهای ریاست جمهوری) منتقل شده است.

ابزارهای مورد استفاده برای نظام ارزیابی، برحسب منظوره‌های متفاوت، مختلف است. شاخصهای منظم عملکردی، واریسهای سریع، مطالعات عمقی از جمله شیوه‌هایی هستند که برای این منظور به کار می‌روند.

کار تخصصی ارزیابی

ارزیابی کاری تخصصی است؛ بنابراین، برای پیشبرد آن به گروههای حرفه‌ای نیاز است. برخی از سازمانهای بین‌المللی، مانند سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، مؤسسات مستقلی برای کار ارزیابی دارند. بسیاری از کارگزاریهای سازمان ملل نیز دفترهای مستقل یا نیمه مستقل برای انجام امور ارزیابی و پایش در اختیار دارند. سازمان ملل یک گروه ارزیاب (UNEG) دارد که کار تعیین شاخصها و استانداردها را در مسائل مورد نظر این سازمان انجام می‌دهد. برخی سازمانهای منطقه‌ای، مثل سازمان همکاریهای اقتصادی اروپا نیز گروه ارزیاب دارند. یکی از مؤسسات شناخته شده در کار ارزیابی/تجمن



اسکان مجدد ← جابه‌جایی

اشتغال زنان

Women's Occupation

نقش فعال و مستمر زنان در جریان زندگی، از جمله تولید نسل، پرورش و تربیت کودکان و همچنین اداره امور خانه حقیقتی انکارناپذیر است. زنان علاوه بر انجام این امور، در عرصه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز نقشی بسیار مهم، اما پنهان، برعهده دارند. یکی از جنبه‌های بارز فعالیت زنان، اشتغال است که گرچه از جنبه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، اما به‌واقع، نشأت گرفته از فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه است و قطعاً تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی برجای می‌گذارد.

ممکن است با ۲ دیدگاه عمده سیاسی پیوند داشته باشد. یکی دیدگاه *نخبه‌گرایانه* که بر منافع مدیران و متخصصان متمرکز است و دیگری، *توده‌گرایی* که بر منافع و مشارکت توده‌های وسیع مردم تأکید می‌ورزد. ارزیابی‌هایی که با دیدگاه سیاسی مثبت یا منفی به نقش ارزشها می‌نگرند، *ارزیابی کاذب* نامیده می‌شوند. در مقابل، ارزیابی‌هایی که بر رویکردی در پرسشها متکی است که به‌طور دقیق به شناخت ارزش یک چیز منتهی نمی‌شود، *شبه‌ارزیابی* نام دارند. ارزیابی به مفهوم درست خود، در درجه اول، معطوف به شناخت دقیق یک ارزش، فارغ از جهت‌گیریهای سیاسی است.

کتابشناسی:

- Gordillo, G. and Andersson, K. "From Policy Lessons to Policy Actions: Motivation to Take Evaluation Seriously", *Public Administration and Development*. Vol. ۲۴, ۲۰۰۴.
- House, R. "Assumptions Underlying Evaluation Models", *Educational Researcher*. Vol. ۷(۳), pp. ۴-۱۲, ۱۹۷۸.
- Stufflebeam, D. and Webster, J. "An analysis of Alternative Approaches to Evaluation", *Educational Evaluation and Policy Analysis*. Vol. ۲(۳), pp. ۵-۱۹, ۱۹۸۰.
- World Bank Group. *What is Monitoring and Evaluation*. I.E.G., ۲۰۰۷.

کمال پولادی

استانداری ← تقسیمات کشوری

اسکان بشر ← سازمان ملل، هیئات

اسکان غیررسمی ← سکونتگاه غیررسمی

اشتغال زنان

کارمندان ارشد دولت، ۴٪ وکلا و مشاوران حقوقی و ۱٪ مهندسان را تشکیل می‌دادند.

امروزه، با افزایش سطح درآمدها و ارتقاء استاندارد زندگی، بر تعداد زنانی که با وجود تأهل، وارد بازار کار می‌شوند، روبه‌روز افزوده می‌گردد. یکی از روندهای موجود در فرایند جهانی شدن، افزایش مشارکت زنان در بازار کار است. در ۱۹۹۰م مجموعاً ۸ میلیون و ۴۵۰ هزار زن در جهان به‌لحاظ اقتصادی، فعال بودند که ۳۲/۱٪ از کل نیروی کار جهان را تشکیل می‌دادند. در واقع، ۴۱٪ از زنان ۱۵ ساله و بالاتر فعالیت اقتصادی داشته‌اند.

بدینسان، به نظر می‌رسد، گسترش تجارت جهانی در اقتصادهای پیشرفته، فرصتها و امکانات بیشتری را در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد تا از نیروی کار زنان بهره بیشتری ببرند. روند پیوسته جهانی شدن، ورود فناوریهای جدید و تغییر سازمان تولید از اتکای به قدرت جسمی به سمت توجه بیشتر به تواناییهای فکری و خلاقیت افراد، موجب رشد اشتغال زنان شده است. آرتور لویس، نظریه‌پرداز رشد صنعتی در جهان سوم، می‌گوید، زنان بیش از مردان از توسعه اقتصادی بهره می‌برند؛ و زنان از کارهای کسل‌کننده خانه خلاص شده و فرصت می‌یابند، به‌عنوان موجودی کامل، نیروها، ابتکارات و تواناییهای خود را همانند مردان در جامعه به‌کار گیرند.

امروزه در بسیاری از کشورها، زنان برای مشاغل خاصی که مورد نیاز اقتصاد جهانی است، در اولویت قرار گرفته‌اند؛ اتفاقاً این مشاغل اغلب هم به حوزه صنعت مربوط هستند که زنان در آن، به‌عنوان افرادی چالاک‌تر، مطیع‌تر و توانمندتر از مردان، برای انجام کارهای تکراری به کار گمارده می‌شوند و هم به بخش خدمات، شامل هر نوع خدمات، از وارد کردن داده‌ها گرفته تا خدمات خانگی.

از دهه ۱۹۷۰م به بعد، تعداد بی‌سابقه‌ای از کارگران زن از کشورهای درحال توسعه وارد بخشهای رسمی و غیررسمی نیروی کار برای ارائه خدمت به اقتصاد جهانی شده‌اند که نتیجه آن، ظهور پدیده‌ای به نام *زنانه شدن نیروی کار* بوده است. هرچند این پدیده عمدتاً در آسیا ظهور یافت، ولی امروز بیشتر بخشهای امریکای لاتین را نیز

مقایسه وضعیت فعالیتهای شغلی، آموزشی و مدیریتی بین زنان و مردان حاکی از وجود نابرابریهای شدید- هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی- است. پائین بودن درصد اشتغال زنان نسبت به مردان، عدم حضور در همه شاخه‌های فعالیت و تجمع در مشاغل خاص، عدم حضور در ردیف مدیران عالی‌رتبه و همچنین پرداخت دستمزد پائین‌تر در برابر مشاغل یکسان، شاهدهی بر این نابرابریهاست (← نابرابری جنسیتی).

نابرابری جنسیتی در بازار کار در چارچوب نظریه‌های مختلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند که از جمله عبارتند از: نظریه‌های نئوکلاسیک، نظریه‌های تجزیه بازار کار و نظریه‌های فمینیستی یا جنسیتی. هر یک از این نظریه‌ها از زوایای خاصی وجود نابرابری بین زنان و مردان در بازار کار را تحلیل و توجیه نموده‌اند.

به‌هرحال، در بازار کار جهانی تفکیک جنسیتی شدیدی بین مردان با درآمد بالا و موقعیت مدیریتی برتر و زنان که اغلب در مشاغل حاشیه‌ای با درآمد و موقعیت نازل متمرکز شده‌اند، وجود دارد.

زنان در بازار کار جهانی

فعالتهای تولیدی، فعالیتهایی هستند که معمولاً تحت عنوان کار فردی یا کار تجاری بررسی می‌شوند؛ در مقابل، فعالیتهای وابسته به تولید نسل، شامل کار خانگی، پرورش کودکان و سایر مسئولیتهای خانگی زنان، اگرچه وقت و توان زیادی را از زنان می‌گیرد، اما کار تولیدی محسوب نمی‌شوند.

حضور زنان در بخشهای رسمی اقتصاد و به‌خصوص اشتغال آنان در بخش صنعت، پدیده‌ای است که عمدتاً در سده ۱۹م گسترش یافته است. در ۱۹۷۱م، در انگلستان بیش از ۹۰٪ شاغلان حوزه تولید لباس، پرستاری، منشیگری، مستخدم خانه و غذاخوریها را زنان تشکیل می‌دادند. به‌همین ترتیب، ۶۰٪ از فروشندگان، آرایشگران، نظافت‌چیها، اپراتوری تلفن، معلمان، گارسونها و آشپزها زن بودند. از سوی دیگر، زنان تنها ۱۸٪ پزشکان، ۱۷٪ حسابداران، منشیهای شرکتها و کارمندان ارشد دولتی محلی، ۱۱٪

اشتغال زنان

به سختی کار می‌کنند، اما از استقلال‌ی که قبلاً از آن بی‌بهره بودند، احساس رضایت می‌کنند.

کار زنان در بخشهای مختلف اقتصادی

در کشورهای جهان سوم، همچنان‌که بخش کشاورزی جمعیت شاغل بیشتری را جذب کرده است، زنان بیشتری نیز به صورت کارگر خانوادگی بدون دریافت مزد در بخش کشاورزی اشتغال دارند. البته در اکثر این کشورها، زنان بیشتری به نحو روزافزون، از فعالیت در بخش کشاورزی خارج شده، سریع‌تر از مردان، وارد بخش صنعت می‌شوند. بدینسان، سهم زنان در صنعت از ۲۱٪ در ۱۹۶۰م به ۲۶/۵٪ در ۱۹۸۰م رسید، اما در اواخر دهه ۱۹۹۰م، با ورود بیشتر زنان به بخش خدمات، سهم زنان در این بخش فزونی یافت. در واقع، نرخ بالای اشتغال زنان افریقایی هنوز تا حد زیادی به نظامهای زراعی رایج و اشتغال تعداد فراوان زنان در بخش کشاورزی ارتباط دارد.

به‌همین ترتیب، رشد صنایع صادرات-محور منجر به جذب تعداد زنان بیشتری در صنایع جهانی شده است. کشورهای که سیاست توسعه صادرات موفق را تجربه کرده‌اند، عمدتاً از طریق به‌کارگیری نیروی کار زنان توانسته‌اند به این موفقیت دست یابند. در کشورهایی مانند بنگلادش، اثرات اشتغال صادرات-محور در جلب توجه به اشتغال زنان در کارهای دستمزدی انعکاس یافته است. مطالعات نشان می‌دهد، بین گسترش تولیدات صادرات-محور و افزایش نسبت کار زنان ارتباط مثبت وجود دارد. علاوه‌براین، در همین صنایع نیز نسبت زنان شاغل اغلب در کارخانه‌ها و شرکتهای خارجی بیش از واحدهای داخلی است. شواهد فراوان حاکی از آن است که تا پیش از دهه ۱۹۸۰م، به موازات سرمایه‌بر شدن و تخصصی‌تر شدن این صنایع، حداقل در بخش رسمی، اثرات کمتری بر نرخ اشتغال زنان بر جای گذاشته است. برای مثال، در جمهوری کره، نیروی کار در بخش الکترونیک به‌طور فزاینده‌ای از نیروی کار زنان بهره می‌برد و با انتقال به سمت ارتباطات تخصصی‌تر و تولیدات کامپیوتر، اهمیت بخش غیررسمی در ایجاد اشتغالات جدید برای زنان بیشتر شده است.

دربار گرفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که از این دوره به بعد، کاهش قابل توجهی در شکاف جنسی از نظر بهداشت و آموزش رخ داده است. برای مثال، نسبت ثبت نام دختران در دبیرستان از ۳۶٪ در ۱۹۹۰م به ۶۱٪ در ۱۹۹۷م رسیده است و در بسیاری از نقاط جهان، زنان بیشتری استخدام شده‌اند. ورود انبوه زنان به بازار کار از یکسو نتیجه اطلاعاتی شدن، شبکه‌ای شدن و جهانی شدن اقتصاد و از سوی دیگر، به واسطه تقسیم‌بندی جنسیتی بازار کار است که از امتیاز و شرایط اجتماعی خاص زنان برای ارتقاء قدرت تولید، کنترل مدیریتی و نهایتاً سود بیشتر بهره می‌گیرد. علاوه‌براین آثار فناوری اطلاعات بر کار زنان را نمی‌توان نادیده انگاشت. به سخن دیگر، علل بالارفتن نرخ اشتغال زنان ارتقاء مهارتهای ارتباطی زنان در اقتصاد اطلاعاتی است که روزبه‌روز اهمیت بیشتری می‌یابد. این خود دلیلی است بر اینکه مدیریت منابع مادی، در مقایسه با مدیریت منابع انسانی، در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. اگرچه فناوری اطلاعات فرصتهایی را برای کار زنان در محیط خانه و انجام وظایف خانوادگی، در کنار کار اقتصادی فراهم ساخته است، اما این نگرانی وجود دارد که زنانه شدن برخی از حرفه‌ها، موجب تنزل دستمزدها، جایگاه شغلی و شرایط کاری زنان شود.

بدین ترتیب، ورود زنان به بازار کار جهانی نتایج متفاوتی را در پی داشته است. از یکسو، دسترسی زنان به کار افزایش یافته و از سوی دیگر، شرایط این مشاغل پائین‌تر از مردان است. همچنین نابرابریها و نامنیهای موجود، خصوصاً برای زنان فقیر، افزایش یافته و در کنار آن، مهاجرت گسترده زنان جوان را از کشورهای درحال توسعه، به خصوص کشورهای آسیایی به دنبال داشته است.

با این وجود، اگرچه شرایط کاری برای آن دسته از زنانی که وارد مشاغل کارخانه‌ای شده‌اند، نامناسب و دشوار است، بسیاری از زنان مایل نیستند که این موقعیت را از دست بدهند، زیرا اغلب به ورود خود به بازار کار، به‌عنوان پدیده‌ای مثبت می‌نگرند؛ علت اصلی شاید این باشد که موجب استقلال مالی آنها شده و اگرچه همچنان در خانه

اشتغال زنان

غیررسمی فعالیت سوق می‌دهد.

در افریقا، بیش از یک سوم زنانی که خارج از بخش کشاورزی فعالیت اقتصادی دارند، در بخش غیررسمی کار می‌کنند؛ در زامبیا این نسبت به ۷۲٪ می‌رسد. در آسیا، از جمله در اندونزی و کره، بالاترین این نسبتها به ترتیب ۶۵٪ و ۴۱٪ است. با توجه به تمرکز اشتغال زنان در بخش غیررسمی، بین اشتغال زنان در هر کشور و تعداد زنانی که در بخش غیررسمی اشتغال دارند، ارتباط مستقیم وجود دارد.

امروزه، زنان بیشتری در بخش بنگاههای کوچک و متوسط مشغول به کار هستند. در ایالات متحد، تعداد بنگاههایی که توسط زنان اداره می‌شوند، با سرعت در برابر بنگاههای متعلق به مردان رشد نموده است. همچنین در برخی از کشورهای صنعتی، بنگاههای خرد متعلق به زنان، دارای رشدی بیش از نرخ رشد کلی اقتصاد است، اما باین وجود، زنان هنوز هم نسبت به مردان با موانع بیشتری برای گسترش اشتغال روبرو هستند.

اشتغال زنان در بخش غیررسمی

افزایش سطح تحصیلات زنان و گذراندن دوره‌های آموزش حرفه‌ای، موجب تشویق زنان در ورود به بازار کار شده است. زنانه شدن نیروی کار را بیشتر ناشی از تغییرات فناوری و ساختار سازمانی در اقتصاد می‌دانند. در این میان، تغییرات عمده‌ای نیز صورت گرفته است که عبارتند از رشد بخش عمومی، تغییر در ساختار تولید و افزایش روبه‌تزايد بخش سوم اقتصاد. در کل، زنان در بخش بهداشت، آموزش، آشپزی، گردشگری و بازرگانی، با حداقل و پائین‌ترین سطح دستمزد کار می‌کنند و مردان بیشتر در بخش حرفه‌ای و خدمات حمل‌ونقل مشغول هستند.

نسبت مهمی از کار زنان را می‌توان در بخش غیررسمی جا داد. بررسیها نشان می‌دهد، زنان حدود یک سوم از کل مشاغل غیررسمی را در دست دارند. آنان در صنایع دستی، تولید فرش، بافندگی و تهیه غذا فعالیت دارند. علت نبود فرصتها و همچنین موانعی که در امور استخدام و افزایش دستمزد زنان وجود دارد، آنان را بیشتر به بخشهای



زنان در بازار کار ایران

واقعیت این است که ورود زنان به بازار کار، نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی و روانی پیامدهای مثبتی به همراه دارد و ضمناً موجب افزایش درآمد و رفاه خانواده می‌شود. زنان در ایران نیز تلاشهای گسترده‌ای را برای دستیابی به بازار کار مناسب نشان داده‌اند، اما در عین حال، ورود زنان به بازار کار در شرایط حاضر، مشکلات فراوانی به همراه داشته و رقابت سالم در بازاری که تحت کنترل مردان است، آنان را با دشواریهای متعددی روبرو ساخته است.

اگرچه نوع مشارکت زنان در بازار کار تاکنون چشمگیر نبوده، اما چنین حضوری فراز و نشیبهایی را به نمایش گذارده است، به گونه‌ای که به‌رغم شیب ملایم صعودی در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، از دوره ۵۸-۱۳۷۵ ش سیر نزولی داشته است و این در حالی است که جمعیت زنان

بالای ده سال بیشتر شده است.

آنچه مسلم است، حضور چشمگیر زنان در عرصه‌های دانش و علم‌آموزی، امکان دستیابی آنان به مشاغل بخش رسمی را تسهیل می‌کند، اما این حضور الزاماً نتوانسته است به دستیابی آنان به جایگاههای سیاستگذاری و مدیریت منجر شود. در ایران همانند سایر کشورهای در حال توسعه، ورود زنان به بازار کار موجب ارتقاء پایگاه اقتصادی و مدیریتی آنان و کسب برابری در فرصتهای اشتغال و درآمد نشده است، به گونه‌ای که زنان در بازار کار با نابرابریهایی همچون نامناسب بودن معیارهای استخدامی، فرصتهای نابرابر برای آموزش حرفه‌ای و بازآموزی، دستمزد نابرابر برای کار یکسان، دسترسی نابرابر به منابع تولیدی، تمرکز در تعداد محدودی مشاغل، مشارکت نابرابر در تصمیم‌گیریها، ناامنی شغلی بیشتر و نابرابر در ارتقاء شغلی روبرو هستند.

در خصوص اینکه آمارها و منابع اطلاعاتی بتوانند

اشتغال زنان

به طوری که زنان دارای تحصیلات عالی در مقایسه با زنان دارای تحصیلات کمتر، گرایش بسیار زیادی برای ورود به عرصه های اقتصادی در بخش رسمی با امنیت شغلی بیشتر و درآمد بالاتر دارند؛ این امر می تواند ناشی از احتمال کاربایی بیشتر و دستمزد بهتر در این گروه باشد.

زنان تحصیل کرده، فرزندان کمتری، برخوردار از آموزش و بهداشت مناسب تر دارند. در نتیجه بالارفتن سطح تحصیلات و اشتغال زنان، با کاهش نرخ رشد جمعیت و ارتقاء سطح فرهنگ و بهداشت عمومی به طور مستقیم و غیرمستقیم، به فرایند رشد و توسعه همه جانبه کشور کمک می کند.

کتاب شناسی:

- خانی، فضیله. جنسیت و توسعه. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵.
- کار، مهرانگیز. *زنان در بازار کار ایران با تأکید بر نظریه نابرابریهای جنسیتی*. انتشارات روشنگران، ۱۳۷۳.
- کاستلز، امانوئل. *پایان هزاره: عصر اطلاعات (اقتصاد، جامعه، فرهنگ)*، ترجمه علی پایا، جلد دوم، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱.
- نقیب زاده، سیدرضا. «زنان و پیامدهای جهانی»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، شماره ۱، ۱۳۸۰.
- هافکین، نانسی و تاگارت. *تحلیلی بر جنسیت و فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه حسین شعبانعلی فمی و دیگران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۳.
- Lewis, W.A. *The Theory of Economic Growth*. London: George Allen & Unwin, ۱۹۵۵.
- Momsen, Janet Henshall. *Gender and Development*. New York: Routledge, ۲۰۰۴.
- Momsen, Janet Henshall. *Women and Development in third world*. New York: Routledge, ۱۹۹۱.
- Morgan, John. *Development, Globalization and Sustainability*. ۲۰۰۱.
- United Nation. *Human Development Report, Development Programme*. Oxford and New York: Oxford University, ۲۰۰۴.
- United Nations. *Sustainable Development and International Economic Cooperation: Women in Development, General Assembly*. New York, ۱۹۹۵.
- World Bank. *Engendering Development: Through Gender Equality in Rights, Resources, and Voice*. Washington, D.C.:

تصویر روشنی از وضعیت اشتغال زنان در ایران ارائه دهند، تردید جدی وجود دارد. در آمارهای رسمی مربوط به فعالیت زنان، بخش قابل توجهی از جمعیت غیرفعال که در زمره زنان خانه دار مناطق شهری و روستایی طبقه بندی می شوند، در واقع جزو نیروی کار بدون دستمزد خانوادگی بوده و یا به دلیل باورهای قومی و سنتی، اشتغال آنان در آمارها ثبت نمی شود. از این رو، پراکندگی سطوح و الگوهای اشتغال زنان به ترکیب پیچیده متغیرهای اقتصادی بستگی دارد که تحت تأثیر ۲ دسته از عوامل قرار می گیرد:

رشد بخش صنعت و خدمات، تغییر فناوری در صنعت و سازماندهی تولید؛

تغییر در شرایط بازار، به ویژه در بازار تولید.

در مناطق روستایی، زنان رکن اصلی اقتصاد را تشکیل می دهند، به گونه ای که بخش عمده ای از فعالیتهای داشت و برداشت محصول، نگهداری از دام، تهیه لبنیات، تولید صنایع دستی، به ویژه فرش و گلیم، برعهده زنان است. در عین حال برآوردهای به عمل آمده از نرخ فعالیت آنان به مراتب کمتر از واقعیت است. سختی کار کشاورزی، به همراه فرصتهای ایجاد شده برای تحصیل دختران روستایی، موجب رویگردانی روزافزون دختران و زنان جوان روستایی از فعالیتهای کشاورزی و در غیاب فرصتهای جدید و جایگزین، موجب بالا رفتن نرخ بیکاری این قشر شده است. سرشماری ۱۳۷۵ نشان می دهد، در این سال میزان بیکاری روستایی مردان روستایی ۸/۶٪ و زنان ۱۴/۴٪ بوده است.

برخلاف بخش کشاورزی و صنعت که شمار شاغلان زن در آن کاهش یافته، اشتغال زنان در بخش خدمات طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته است. سهم عمده فرصتهای شغلی زنان در این بخش در فعالیتهای آموزشی و بهداشتی متمرکز شده است.

هرچند، بالارفتن سهم زنان در بازار کار طی ۲ دهه اخیر، با ارتقاء سطح تحصیلات ارتباط مستقیم دارد، اما آهنگ افزایش حضور زنان در بازار کار بسیار کندتر از افزایش حضور آنان در سطوح مختلف تحصیلی، به ویژه آموزش عالی بوده است. سهم زنان تحصیل کرده در بازار کار غیررسمی، بسیار کمتر از زنان بیسواد و کم سواد است،

به صورت کالا دریافت می‌کنند، به هر حال مزد می‌گیرند. اشتغال ممکن است از روزی کمتر از یک ساعت تا روزی ۱۰ - ۱۴ ساعت یا بیشتر باشد. ممکن است اشتغال ۱۲ ماه در سال (به استثناء مرخصی) یا اشتغال فصلی یا اشتغال کوتاه مدت را شامل شود. قرارداد کار ممکن است ابدی، بلندمدت، میان مدت، کوتاه مدت یا موقت یا فقط روزانه و یا حتی برای چند دقیقه باشد. اینها بستگی به سازمان و حقوق کار دارند. از حیث آماری اشتغال را باید با ضابطه‌ای مشخص تعریف کرد؛ مثلاً اگر فردی ۸ ساعت در هفته بیش از مراجعه مأمور سرشماری به ازای هر میزان پاداش کار کرده است، شاغل محسوب می‌شود. اشتغال را می‌توان برحسب ضابطه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد.

ضابطه فعالیت یا گروه خدمات فعالیت (← بخش) مثلاً اشتغال در صنعت، کشاورزی یا خدمات؛ ضابطه وضع فعالیت، شامل شاغل و غیرشاغل، بیکار، محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار؛ ضابطه جغرافیایی، شامل بخش شهری (کلانشهرها، شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک) بخش روستایی، استانها و مناطق اقتصادی و جغرافیایی کشور و اشتغال خارج از کشور برحسب کشورهای خارجی؛

ضابطه گروه‌های شغلی، شامل قانونگذاران و مقامات عالی و مدیران، محققان، تکنیسینها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارگران خدماتی فروشگاهها و بازارها، کارکنان کشاورزی و رشته‌های وابسته، صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط به متصدیان (اپراتورها) ماشین‌آلات و دستگاههای مونتاژ و رانندگان وسایل نقلیه یا کارگران ساده. البته هر یک از این گروه‌های عمده شغلی به انواع و زیر گروه‌هایی تقسیم می‌شوند، مثلاً رده متخصمان می‌تواند شامل متخصصان رشته‌های اجتماعی، انسانی، پزشکی، کشاورزی، فنی و جز آن باشد؛

تقسیم‌بندی سنی، شامل شاغلان در گروه‌های سنی متفاوت؛ ضابطه وضع شغلی، که کارکنان را برحسب کارفرمایان (بخش خصوصی)، کارکنان مستقل (بخش خصوصی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش خصوصی)، کارکنان فامیلی بدون

World Bank, ۲۰۰۱.

فضیله خانی

اشتغال شهری

Urban Occupation

کمتر مقوله‌ای، در زندگی انسانی می‌توان سراغ گرفت که همچون کار ماهیت آن از طریق آثاری که بر جای می‌گذارد، قابل توصیف و تبیین باشد. کار را می‌توان فرایندی روبه هدف در حیطه جمعیتی، فیزیکی و اجتماعی تعریف کرد. کار با نیرو، حرکت و تغییر شکل در راستایی معین صورت می‌گیرد، اما در درون مناسبات اجتماعی خاص، چگونگی، ارزش و سازمانیابی ویژه خود را می‌یابد. به جای آنکه به پرسش کار چیست پاسخ داد می‌توان به این پرسش که حاصل کار چیست پاسخ گفت؛ زیستن پاداش کار است.

در نظامهای اقتصادی امروز، کار از طریق سازماندهی، محیط و پاداش مادی تعریف می‌شود. پدیده اشتغال، یعنی مشغول بودن غیرتصادفی، کار معین را پدید می‌آورد.

به این ترتیب، اشتغال مجموع فرایند اجتماعی کار کردن است که از جنبه‌های اساسی می‌باید ضابطه‌مند باشد. کار معین ممکن است از انواع کارهای متفرقه (مثل تمیز کردن ساختمان، خرید، نامه‌رسانی) یا کاری معین و تکراری (مثلاً مدارس چاپی بسیار ظریف با دستگاههای پیشرفته روی قطعات کامپیوتر) یا کاری هنرمندانه (مانند گلدوزی) یا خشن، دشوار و سخت (مانند کار در کنار کوزه دوزی فولاد) تشکیل شده باشد. سازمان کار می‌تواند سازمان سنتی خانواده، یک مغازه، یک واحد تولیدی کوچک کفش، یک واحد بزرگ مونتاژ تلویزیون یا واحد گول‌پیکر تولید فولاد باشد. این سازمان در چارچوب قواعد و سازمان اجتماعی تعریف کلی می‌شود. اشتغال مبتنی بر دریافت مزد است (به استثناء فامیلی بدون مزد) و کارکنانی که دستمزدشان را

اصل چهار (در ایران)

می‌طلبند. شاغلان شهرداریها، خدمات شهری، خدمات رفاهی و ورزشی، مواد غذایی داخل شهر و فروشگاهها و جز آن در این تعریف جای می‌گیرند.

اشتغال شهری را باید شامل شهرهای متوسط، بزرگ، بسیار بزرگ و کلانشهر کرد که محل کارشان در شهر است.



کتاب‌شناسی:

- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، فصلهای ۲ و ۳، ۱۳۸۰.
- فلورا، دنیر. *اقتصاد معاصر*، ترجمه منوچهر فرهنگ، ج ۱، تهران: انتشارات سروش، بخش ۲، فصل ۲، ۱۳۷۰.
- جری، ریچارد، دوکات، امانوی و دیگران، *بیکاری در جهان سوم*، تهران: وزارت برنامه و بودجه مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۶۸.
- ماروی، دیوید. *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ سامیان، محمدرضا حائری، بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهرداری تهران، فصلهای ۲ و ۵، ۱۳۷۹.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*، ج ۱، تهران: نشر چشمه، فصل دوم، ۱۳۸۰.

فریبرز رئیس‌دانا

اصل چهار (در ایران)

Point Four (in Iran)

برنامه کمکهای ایالات متحد برای بازسازی ایران بعد از جنگ جهانی دوم.

خرابیها و خسارتهایی که جنگ دوم به همراه آورد و

مزد (بخش خصوصی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش دولتی)، مزد و حقوق‌بگیران (بخش عمومی) و مزد و حقوق‌بگیران (بخش تعاونی) تقسیم‌بندی می‌کند؛ و

تقسیم‌بندی جنسیتی، شامل شاغلان زن و مرد.

به‌هرحال می‌توان برای اشتغال جدولهای دو یا سه

بعدی تدوین کرد که در هریک از آنها، شاغلان با ضابطه‌های چندگانه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند.

هرچه جامعه‌ای صنعتی‌تر و پیشرفته‌تر باشد، نسبت شاغلان شهری و بخش خدمات در آن بالاتر است. البته گاهی به دلیل ناهنجاری اقتصادی و رشد ناموزون، مثلاً در اقتصادهای کم توسعه نیز شهرنشینی (← شهرنشینی) افزایش یافته است. بنابراین ضابطه مذکور که درجه رشد اقتصادی را با برتری ترتیبی شاغلان خدمات، شاغلان صنعت و

شاغلان کشاورزی طبقه‌بندی می‌کرد، کاربرد و گویایی زیادی ندارد. در شهرهای بسیار بزرگ و در جامعه‌ای دچار رشد بی‌رویه شهری، ممکن است شاغلان بخش خدمات - خردفروشی و دستفروشی و واسطه‌گری سهم بالایی را در کل اشتغال داشته باشند.

اشتغال شهری را می‌توان به چند گونه تعریف کرد: یک تعبیر از اشتغال شهری، شاغلانی را دربر می‌گیرد که در شهر ساکنند، در این صورت با مشکل تعریف شهر روبرو می‌شویم؛ تعبیر دیگر از اشتغال شهری، عبارت است از شاغلانی که محل کارشان و نه لزوماً محل سکونتشان در شهر است. در این صورت، کارکنان شهرهای صنعتی که در روستاهای اطراف سکونت دارند، واقعاً چه تعریفی خواهند داشت؛ تعبیر سوم، مفهومی فلسفی، اما از حیث اندازه‌گیری، بسیار دشوار دارد و آن اشتغال است که شهرنشینی در طول تاریخ و پهنه جغرافیا آن را پدید می‌آورد. این تعبیر با گستره بزرگی از شاغلان سروکار دارد؛ و بالاخره، تعبیر چهارم که بسیار محدود است، براساس اشتغالی است که فقط زندگی شهری - و نه صنعتی و خدماتی - آن را

برنامه‌های اصل چهار با بخشهای مختلف همکاری می‌کردند، در اوج فعالیتها به ۷۰۰۰ نفر می‌رسید. در فعالیت شهرسازی، توجه ویژه‌ای به شهر تهران صورت گرفت و گروه جداگانه‌ای برای کارهای عمرانی در تهران، با نام تیم تهران، شکل گرفت. بسیاری از ایرانیانی که با برنامه‌های اصل چهار همکاری می‌کردند، بعدها به مقامات عالی مدیریتی رسیدند. بسیاری از کسانی که در امریکا تحصیل کرده بودند، در کارهای این برنامه پذیرفته می‌شدند و همین حال، در کابینه‌های حسنعلی منصور و هویدا به مقامات عالی مدیریتی، از جمله وزارت، ارتقاء پیدا کردند.

نوع فعالیت بخشهای مختلف

ترویج کشاورزی

هدف اصلی اصل چهار در بخش ترویج کشاورزی، کمک به کشاورزان در تغییر شیوه‌های سنتی کشت، اصلاح شیوه زراعت، استفاده از بندهای اصلاح‌شده و برخی کمکهای فنی، مبارزه با آفتها و راه‌اندازی واحدهای دامداری نوین بود. در این زمینه اقدامات چندی صورت گرفت که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأسیس مدرسه‌های حرفه‌ای؛
- تأسیس کارخانه فراوری و رقم‌بندی محصولات کشاورزی، آموزش استفاده از ماشینهای کشاورزی؛
- راه‌اندازی واحدهای مرغداری و جوجه‌کشی نوین و وارد کردن سالانه ۱۰۰۰ قطعه جوجه یک روزه از نژاد مرغهای گوشتی و تخم‌گذار امریکایی و توزیع آن در میان مرغداریهای حومه تهران؛
- تأسیس دامپروری حیدرآباد برای توسعه بهره‌گیری از ماشینهای جدید جوجه‌کشی؛
- راه‌اندازی دامپروری برای پرورش گاوهای گوشتی و شیری از نژادهای اصلاح‌شده؛
- احداث مزرعه نمونه در حیدرآباد کرج و وارد کردن و ترویج استفاده از بذرهای اصلاح‌شده؛
- آموزش استفاده از تفاله چغندر برای تغذیه دام؛
- تأمین منابع برای توسعه فعالیت دانشکده کشاورزی کرج؛
- تأمین هزینه اعزام دانشجو به دانشگاه امریکایی بیروت در

گسیختگیهایی که در ارکان نظام بسیاری از کشورها در اثر صدمات جنگ ایجاد شد، بسیاری از کشورهای اروپایی و برخی کشورهای خاورمیانه، از جمله ایران، را در معرض انقلابهای سوسیالیستی و رخنه کمونیسم بین‌الملل قرار داد. در چنین احوالی، ایالات متحد که از صدمات جنگ در امان مانده بود، بر آن شد که برای جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی و بروز انقلابهای سوسیالیستی، برنامه‌هایی را برای کمک به کشورهای اروپایی و خاورمیانه تنظیم کند. چنین هدفی را هری ترومن، رئیس جمهور وقت ایالات متحد، در ژانویه ۱۹۴۹م (۱۳۲۷ش) در سخنرانی انتخاباتی خود اعلام کرد. سازمانی که بعداً برای اجرای بند چهارم از سخنرانی ترومن ایجاد شد، بر همین مبنا، اصل چهار ترومن و به اختصار اصل چهار نامیده شد. ایران به‌عنوان یکی از کشورهایی که در زمره دریافت‌کنندگان چنین کمکهایی در نظر گرفته شده بود، ضمن مقاوله نامه‌ای که در مهر ۱۳۲۹ش به امضا رسید، به دریافت‌کنندگان کمک در چارچوب اصل چهار پیوست و به‌این ترتیب، برای یک دوره ۱۷ ساله از کمکهای فنی و اقتصادی ایالات متحد برخوردار شد.

برنامه‌های اصل چهار در ایران ۴ بخش عمده را دربر می‌گرفت:

- ترویج کشاورزی؛
- بهداشت عمومی؛
- آموزش و پرورش؛
- نوسازی صنایع و تأسیسات زیربنایی.

فعالیت در بخش ترویج کشاورزی (← ترویج کشاورزی) عبارت بود از احداث دامداریها، مزارع نمونه و آموزش شیوه‌های مرغداری، باغداری و کشت و کار. فعالیت در بخش بهداشت متمرکز بود بر مبارزه با مالاریا، واکسن‌کوبی برای مبارزه با بیماریهای واگیردار و سالم‌سازی محیط زیست. فعالیت بخش آموزشی نیز متوجه مبارزه با بی‌سوادی و تأمین دبیر برای دبیرستانها بود.

برای پیشبرد برنامه‌های اصل چهار تعداد کارشناسان امریکایی که به ایران اعزام شدند، تا اواسط دهه ۱۹۵۰م به ۷۰۰ نفر رسید. تعداد کارکنان ایرانی که در رابطه با

اصل چهار (در ایران)

تأمین آب آشامیدنی سالم یکی دیگر از عرصه‌های فعالیت بود.

نوسازی صنایع و تأسیسات زیربنایی

در اصل چهار جایی هم برای نوسازی و راه‌اندازی صنایع و تأسیسات زیربنایی در نظر گرفته شده بود. در تأسیسات شهری، کمک به تأسیس کشتارگاه تهران یکی از اقدامات در راستای برنامه‌های اصل چهار بود. در کشتارگاه تهران برای جمعیت ۱ میلیونی این شهر در آن زمان، امکاناتی برای کشتار روزانه ۴۰۰۰ رأس گوسفند و گاو در نظر گرفته شد. نوسازی لوکوموتیوها و واگنهای راه‌آهن نیز یکی از سلسله اقدامات مربوط به برنامه‌های اصل چهار بود. تأسیس نیروگاههای تولید برق از دیگر اولویتهای مورد نظر در برنامه‌های اصل چهار بشمار می‌رفت. کارخانه‌های دیگری نیز در رابطه با همین برنامه‌ها تأسیس شد که برخی از آنها در زمره صنایع نوین بودند.

در مجموع اصل چهار در شرایطی که ایران شرایط سختی را تجربه می‌کرد و از کمبودهای زیادی در ابتدایی‌ترین نیازهای بهداشتی، آموزشی و فنی رنج می‌برد، منشا کمکهای قابل توجهی بود. برنامه‌های اصل چهار نخستین گامها در مدرن‌سازی شرایط جامعه در عرصه‌های گوناگون، از کشاورزی تا دامپروری و صنعت بود. کمکهای فنی اصل چهار به ایران در مجموع به بیش از ۳۲۰ میلیون دلار رسید که حدود ۲۵۰ میلیون دلار آن کمک بلاعوض بود. ایالات متحد در قبال این کمکها، به سمت اخذ حق برون‌مرزی (کاپیتولاسیون) پیش رفت که در عوض کمکهای فوق صدمه بزرگی به حیثیت مردم ایران بود و مردم ایران در انقلاب ۱۳۵۷ش، پاسخ این حتک حرمت را به شدت هرچه تمام‌تر داد. کتاب‌شناسی:

- کرباسیان، اکبر. «تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران»، ماهنامه گزارش، شماره ۱۰۷، دی ۱۳۷۸.
- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای آمریکایی در ترویج کشاورزی ایران». مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، ۱۳۷۲.
- همراز، ویدا. «جامعه ایرانی و اصل چهار ترومن ۱۳۲۹-۱۳۳۲».

رشته‌های کشاورزی و؛

تأسیس مرکز بهداشت در برخی از روستاهای حومه تهران.

آموزش و پرورش

در بخش آموزش، تیم اعزامی اصل چهار به کمک کارمندانی که در ایران استخدام کرده بود، در ۲ زمینه عمده فعالیت می‌کرد:

تأمین دبیر و آموزگار برای مدرسه‌ها و دبیرستانها؛ کمک به تأسیس مدرسه با کمکهای اصل چهار و همیاری مردم.

در این ۲ عرصه، ایران در سالهای دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ با کمبودهای زیادی مواجه بود. تیم فعال در بخش آموزش و پرورش در نخستین دوره فعالیتی خود توانست به سرعت حدود ۱۰,۰۰۰ معلم و دبیر را برای تدریس در مدرسه‌ها و دبیرستانها آموزش دهد. در همین دوره حدود ۴۰۰ مدرسه با همکاری اصل چهار، دولت ایران و همیاری مردم ساخته شد که به آموزش و پرورش ایران در آن دوران تحرک تازه‌ای داد.

بهداشت عمومی

در بخش بهداشت عمومی نیز اصل چهار فعالیتهای گسترده‌ای را انجام داد. این فعالیتها از جمله عبارت بودند از:

ریشه‌کن کردن مالاریا؛

مبارزه با آفتهای گیاهی از جمله ملخ؛

ترویج بهداشت عمومی به صورت تشویق به احداث حمامها و دستشوییهای بهداشتی؛ و واکسن‌کوبی بر ضد بیماریهایی چون آبله، دیفتی، کزاز، سیاه‌سرفه، حصبه و مثل اینها.

در میان این سلسله از فعالیتهای ریشه‌کن کردن مالاریا که در ایران بسیار شیوع داشت، جای خاصی داشت. در اثر سمپاشی سراسری ایران، بسیاری از حشره‌های ناقل بیماری از جمله مالاریا، ریشه‌کن شد. برای نمونه، ظرف ۵ سال ابتلا به مالاریا در مازندران به کمتر از ۵٪ رسید. کمک به

اجتماعی - اقتصادی را تعدیل می‌کند.

شیوه‌های بهره‌برداری از زمین انواع چندی دارد و از مالکیت موقت، بهره‌برداری مشروط و تا مالکیت مطلق که مؤید حق تصاحب و واگذاری زمین است، تفاوت می‌پذیرد. از سوی دیگر، ارزش زمین نشانگر کمیاب بودن نسبی آن است که در اقتصاد بازار، اغلب به نسبت موجود بین وسعت زمین قابل استفاده و میزان جمعیت ناحیه بستگی دارد. براین اساس، با کاهش وسعت و نسبت سرانه زمین، ارزش نسبی زمین افزایش می‌یابد و به نحوی بازار، به صورت سرچشمه تعارض میان گروههای اجتماعی - اقتصادی موجود در جامعه نمود می‌کند.

در کشورهای توسعه‌نیافته، زمین اغلب اساسی‌ترین شکل ثروت و سرمنشأ قدرت سیاسی و اقتصادی بشمار می‌رود و بر همین مبنا، نظام بهره‌برداری ارضی، گویای ساختار و روابط اجتماعی است.

برخی از عملکردهای زمین در این گونه کشورها عبارت است از:

عامل تولید؛

ذخیره ارزش و ثروت؛

نماد پایگاه و نفوذ اجتماعی؛ و

سر منشأ قدرت سیاسی.

به این ترتیب، زمین در این سرزمینها، از جایگاه و مجموعه عملکردی والایی برخوردار است. به سخن دیگر، با توجه به همین جایگاه و عملکردهای تاریخی، می‌توان مفهوم، دامنه و اهمیت اصلاحات ارضی را تبیین کرد. علاوه بر این، اصلاحات ارضی ممکن است توسط دولت، گروههای ذی‌نفع و یا انقلاب پدیدار گردد. اصلاحات ارضی را می‌توان برحسب دامنه تغییر حقوق مالکیت ارضی، طبقه‌بندی نمود؛ این دامنه - در عمل - شامل موارد زیر است:

بازتوزیع زمین؛

تغییر مقیاس فعالیت؛

تغییر الگوهای کشت؛ و

اقدامات حمایتی (نظیر بازاریابی، تأمین اعتبار یا اصلاحات ترویجی).

فصلنامه تاریخ روابط خارجی ایران. سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۸.
- رامتین، حسین. *امریکائیها در ایران*. جلد اول، تهران: انتشارات باما، ۱۳۴۱.

اسماعیل شهبازی

اصلاحات ارضی

Land Reform

اصلاحات ارضی عبارت است از تغییر و تحول ساختاری قواعد و روندهای حاکم بر حقوق، وظایف، اختیارات و نحوه حضور افراد و گروهها در بهره‌برداری و نظارت بر منابع اصلی زمین و آب، به منظور بهبود نظام بهره‌برداری زراعی و زمینه‌سازی برای توسعه اجتماعی - اقتصادی. به سخن ساده‌تر، اصلاحات ارضی، تحول از پیش تعیین شده در نظام بهره‌برداری، یعنی مالکیت زمین، نحوه تصرف و برخورداری از منابع اصلی (زمین و آب)، روشهای کشت و روابط حاکم بر این مجموعه است. علاوه بر این، اصلاحات ارضی شامل تغییر جایگاه بخش کشاورزی و رابطه آن با کل اقتصاد نیز بشمار می‌رود.

الگوهای ثروت و توزیع درآمد و همچنین، الگوهای نفوذ اجتماعی و سیاسی در بسیاری از سرزمینها، تا حد زیاد، تابعی است از مقررات و قانونمندیهای حاکم بر نظام بهره‌برداری از زمین. این مجموعه حقوقی، به نوبه خود، شیوه‌ها و روشهای رایج بهره‌برداری، امتیازهای افراد و گروههای ذی‌ربط و وظایف و مسئولیتهای هر یک از آنها و به سخن دیگر، حق مالکیت زمین، نحوه واگذاری و بهره‌برداری آزادانه و همچنین دامنه عواید حاصل از آن را تعیین می‌کند. در این چارچوب، نظام بهره‌برداری، تعیین کننده توزیع ثروت و درآمد متکی بر زمین در عرصه عمومی اجتماع است: اگر مالکیت خصوصی مجاز باشد، تفاوت‌های طبقاتی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ در مقابل، مالکیت جمعی مانع این گونه تفاوتهاست و در نتیجه، تعارض

افزایش بهره‌وری؛ کاهش بیکاری روستایی؛ و جایگاه و سهم بخش کشاورزی در پاسخگویی به نیازهای خاص سایر بخشهای اقتصادی.

در مقابل، شاخصهای اجتماعی و سیاسی کمتر قابل اندازه‌گیری و محل اتکاء هستند؛ نارسایی این‌گونه شاخصها، به خاطر تعارضهای متنوع اصلاحات ارضی، برجسته‌تر به نظر می‌آیند. برخی نتایج در بعضی کشورهای توسعه‌نیافته، موجب شده است تا اجرای اصلاحات ارضی با پیامدهای منفی همراه گردد. بر مبنای این‌گونه پیامدها، بعضی کارشناسان موارد زیر را گزارش می‌کنند:

بازتوزیع زمین موجب حذف نقش اقتصادی و مدیریتی زمینداران بزرگ می‌شود؛ اصلاحات، در اغلب موارد، به وقفه کار واحدهای زراعی موفق می‌انجامد؛

پرداخت غرامت به زمینداران بزرگ، موجب ضرر و زیان اقتصادی می‌گردد؛

زارعان درآمد‌های اضافی خود را به جای پس‌انداز برای سرمایه‌گذاری، در امور مصرفی هزینه می‌کنند؛ اصلاحات غالباً پیش از آنکه یک نظام کارآمد آموزشی- فرهنگی در عرصه اجتماعی- اقتصادی راه‌اندازی شود، به مشارکت بیشتر نهادهای سیاسی و بعضاً اجتماعی منتهی می‌گردد؛ و

اقدامات اعمال‌شده در زمینه ممانعت از تمرکز دوباره مالکیت، ممکن است، مانع از ایجاد فعالیتهای کارآمد اقتصادی گردد.

به‌هرحال، اصلاحات ارضی، از لحاظ تاریخی، به معنای اصلاح نظام بهره‌برداری یا بازتوزیع حقوق مالکیت زمین است. البته، دامنه این معنا در دهه‌های اخیر، با تأکید بر نقش راهبردی زمین و کشاورزی در توسعه، گسترش یافته است. بنابراین، اصلاحات ارضی در مواردی با برخی برنامه‌های اجرایی، هم‌تراز و مترادف بشمار می‌آید؛ از آن میان، می‌توان از اصلاحات زراعی و یا بهسازی ساختار زراعی یاد کرد که اصلاح و بهبود جنبه‌ها و عرصه‌های زیر را نیز شامل می‌گردد:

عام‌ترین هدف سیاسی اصلاحات ارضی، در اغلب موارد، از میان برداشتن شیوه فئودالی (در ایران: ارباب- رعیتی) و یا در صورتی که مالکان بیگانه باشند، محو شیوه استعماری زمینداری است؛ از آنجا که در هر ۲ این وضعیت، هدف اصلی، بهره‌کشی از دهقانان بی‌زمین است، جایگاه اجتماعی رعایا مورد توجه و تأکید اصلاحات ارضی است. با این حال، اهداف اقتصادی اصلاحات ارضی ممکن است، به‌سادگی، ترغیب کشت فشرده‌تر و هماهنگی تولید کشاورزی با سایر فعالیتهای اقتصادی، به‌ویژه حمایت از برنامه صنعتی شدن باشد.

اصلاحات ارضی، هم از نظر اجتماعی- اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی، پیوسته با برداشتهای متفاوت و متعارض همراه بوده است؛ بعضی عقیده دارند، تفکیک اراضی به واحدهای کوچک و واگذاری و مدیریت آن به دهقانان بیسواد و ناآگاه از طریق اصلاحات ارضی، ممکن است به فاجعه منتهی شود، زیرا دهقانان خرد قاعداً در این اراضی کوچک به تولید برای رفع نیازهای فوری خود می‌پردازند و بدینسان، با کاهش سطح عمومی تولید، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و از همه مهم‌تر، رشد اقتصادی متوقف می‌ماند. در مقابل، برخی معتقدند، با اعمال این اصلاحات، اعتماد به نفس روستائیان بیشتر می‌شود و سطح تولید و درآمد افزایش می‌یابد؛ هرچند این عده این فرایند را به موفقیت اصلاحات در نهادسازی و برپایی محیطی نهادی مشروط می‌دانند.

ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های اصلاحات ارضی در اغلب موارد، به‌علت مبهم بودن اهداف اعلام شده، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. در پاره‌ای موارد اصولاً امکان ندارد، بتوان این‌گونه برنامه‌ها را برحسب شاخصه‌های قابل اندازه‌گیری ارزیابی نمود و در اغلب موارد، تضادهای اساسی رخ می‌نمایند. به‌این ترتیب، به نظر می‌آید، ساده‌ترین وجه ارزیابی برنامه‌های اصلاحات ارضی، موفقیت آنها از لحاظ اقتصادی است؛ این امر را می‌توان با توجه به معیارهای زیر شناسایی کرد:

افزایش مداوم درآمد سرانه عینی؛

سرمایه‌گذاری مبنایی در بخش کشاورزی؛

اصلاحات ارضی

یا بایر و یا ترکیبی از این ۲ نوع زمین که مجموع آنها از حداکثر زمین دیم و بایر مجاز تجاوز نکند، تعیین می‌کرد و به مالکان اجازه می‌داد، این مقدار را آزادانه از بین زمینهای خود انتخاب کنند. این قانون، همچون مصوبات پیشین، قبل از آنکه به درستی به اجرا درآید، با *قانون اصلاحات ارضی ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰* ش، مورد تغییر و اصلاح قرار گرفت. قانون جدید، حدود مالکیت کشاورزی را حداکثر به یک ده ششدانگ محدود می‌کرد و مالکانی که بیش از یک ده ششدانگ در اختیار داشتند، مختار بودند، یک ده ششدانگ) را از میان املاک خود انتخاب کنند.

به این ترتیب، تا بهمن ماه ۱۳۴۱ ش، آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های متعددی، ظاهراً برای تسهیل اجرای این قوانین، به تصویب رسید، اما باین وجود، این قوانین، به دلایل مختلف، از جمله فقدان اراده حکومتی برای انجام اصلاحات اساسی، به درستی به اجرا درنیامد. سرانجام، در ۹ بهمن ماه ۱۳۴۱ ش، *قانون اصلاحات ارضی* به‌طور رسمی اعلام گردید. این قانون را می‌توان برآیند تضادهای حاکم بر سرنوشت تقسیم اراضی روستایی در بین افراد و گروههای ذی‌نفع، و سرجمع نهایی قوانین و مصوبات پیشین بشمار آورد؛ محتوای این قانون ناظر بر موارد زیر بود:

محدودیت مالکیت زمینداران بزرگ (اربابان ارضی) به یک ده ششدانگ؛

پرداخت غرامت به مالکان، براساس عوارض و مالیاتهای پرداختی؛

واگذاری زمین به روستائیان، بدون تغییر در مناسبات سنتی کشت در روستا؛ و

مشروط کردن دریافت زمین به عضویت روستائیان در شرکتهای تعاونی.

هدفهای اصلی از اجرای این قانون، آن‌طور که اعلام شده بود، عبارت بود از:

بهبود شرایط زندگی روستائیان؛ و

افزایش درآمد آنان.

برنامه اصلاحات ارضی در ایران، طی ۳ مرحله زیر به انجام رسید:

مرحله نخست (۱۳۴۱-۱۳۴۲ ش) که طی آن، مالکیت زمین

نظام بهره‌برداری؛
الگوی کشت؛
سازماندهی مزرعه؛
مقیاس فعالیت زراعی؛
مقررات بهره‌برداری؛
نهادهای اعتبار (مالی) روستایی؛
بازاریابی؛ و
آموزش.

علاوه بر این، این گونه اصلاحات- ضمناً- با وضعیت فناوری یا با صور تلفیق این عوامل، مستقل از جهت‌گیریهای سیاسی مجریان اصلاحات، سروکار یافته است.

در ایران، پیش از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ ش)، بیشتر اراضی زراعی کشور در دست بزرگ مالکان و شالوده تولید زراعی، بر پایه روابط حاکم بر نظام مزارعه استوار بود. در آن زمان، حدود ۷۰٪ از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کردند و فعالیتهای بخش کشاورزی، هم از نظر اقتصادی و هم اجتماعی، بر سایر بخشها غلبه داشت.

گرچه اولین کوششها در زمینه اصلاح ساختار زمینداری در ایران به انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ش) باز می‌گردد، اما نخستین گامها در زمینه تقسیم اراضی روستایی به *واگذاری املاک مزروعی پهلوی*، در ۷ بهمن ۱۳۲۹ ش و *لایحه قانونی فروش خالصجات*، مصوب ۶ دی ماه ۱۳۳۴ ش و در پی آن، *آئین‌نامه اجرایی فروش خالصجات* (۲۱ آبان ۱۳۳۶ ش)، همراه با *فروش اراضی و باغات و قراء و مزارع خالصه* به کشاورزان، کارمندان و همچنین (از طریق مزایده) به افراد عادی، براساس مقررات مربوط به امور صندوقهای تعاونی روستایی باز می‌گردد. با این اقدام دربار، به‌عنوان بزرگ‌ترین مالک کشور، ظاهراً تصور می‌رفت، سایر عمده مالکان نیز به واگذاری و تقسیم زمینهای خود ترغیب شوند؛ البته این اقدام از سوی زمینداران بزرگ چندان جدی گرفته نشد. به دنبال آن، زمزمه واگذاری اراضی زراعی از طریق *قانون اصلاحات ارضی*، مصوب ۴ خرداد ۱۳۳۹ ش، انتشار یافت. این قانون حدود مالکیت ارضی را برابر ۴۰۰ هکتار زمین آیش و زیرکشت آبی، یا ۸۰۰ هکتار زمین دیم

- ۱۳۶۸ - مجموعه قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات ارضی. تهران: وزارت تعاون و امور روستاها، مردادماه ۱۳۵۱.
- هوگلاند، اریک ج. زمین و انقلاب در ایران (۱۳۴۰-۱۳۶۹)، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۸۱.
- Dorner, Peter. *Land Reform and Economic Development*. Middlesex, London: Penguin Books, ۱۹۷۲.
- Ehlers, E. *Iran, Grundzüge Einer Geographischen Landeskunde*. Darmstadt, ۱۹۸۰.
- Lambton, A. K. S. *Landlord and Peasant in Persia*. ۳rd ed., London: Oxford Univ. Press, ۱۹۶۹.
- Lambton, A. K. S. *The Persian Land Reform (۱۹۶۲-۱۹۶۶)*. London: Oxford Clarendon Press, ۱۹۶۹.

عباس سعیدی

اطلاعات

Information

واژه اطلاعات معمولاً حقایق و عقایدی را دربر می‌گیرد که در زندگی روزمره کسب و انتقال داده می‌شوند. منابع، انواع شکل‌های انتقال و کسب اطلاعات بسیار گوناگون است. به اطلاعاتی که به شکل منطقی سازمان پیدا کرده باشد، دانش سامان‌یافته گفته می‌شود، این‌گونه اطلاعات با شکل‌های رسمی و مطالعات منظم فراهم می‌آید. اشکال و ابزار انتقال اطلاعات متنوع است و تنها به انتقال از طریق نوشته یا کلام محدود نمی‌شود. اشکالی از بیان که در زمره بیان هنری قرار دارند نیز حاوی اطلاعات هستند. در دنیای کنونی، اطلاعات سازمان‌یافته موضوع انواع دانش‌هایست که به صورت رشته‌های گوناگون، همچون فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و مثل اینها تبلور یافته است. اطلاعات در عرصه تجارت نیز امروزه به یکی از فعالیتهای عمده اقتصادی تبدیل شده است. علاوه‌براین، شاخه‌ها و

از لحاظ مادی دگرگون شد؛ مرحله دوم (۱۳۴۳-۱۳۴۵ش) که طی آن، روابط تولیدی مبتنی بر مزارعه به ظاهر در اغلب مناطق کشور پایان پذیرفت و گسترش شرکتهای سهامی زراعی در دستور کار قرار گرفت؛ و مرحله سوم (۱۳۴۵-۱۳۴۷ش) که طی آن، واحدهای بزرگ زراعی - از جمله واحدهای کشت و صنعت - مورد تأکید بیشتر قرار گرفت و در عمل، به تفکیک کشاورزی سنتی و نوین منجر شد. اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران در ۱۳۴۷ش، به‌طور رسمی، خاتمه‌یافته اعلام شد.

در مورد انجام و پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران نقطه‌نظرات متفاوتی ابراز شده است. درحالی‌که عده‌ای آن را برنامه‌ای صرفاً سیاسی و منبعث از برنامه‌های بیگانگان دانسته‌اند، بعضی آن را از راه‌حلهای بورژوازی برای نوسازی روستاها و کشاورزی معرفی کرده‌اند؛ برخی دیگر، آن را تمهیدی به‌منظور تعدیل مسائل اجتماعی - اقتصادی و بیشتر برای پیشگیری از انقلاب از پائین، یعنی پیشگیری از ناآرامیها و جنبشهای روستایی بشمار آورده‌اند. در مقابل، برخی ضمن برشمردن نقاط ضعف آن، آن را حاوی بعضی جنبه‌ها و همراه با پیامدهای مثبت به‌حساب آورده‌اند. لمتون (۱۹۶۹م)، تحولات ناشی از اجرای قانون اصلاحات ارضی را طی دوره اول، سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۵ش / ۱۹۶۲-۱۹۶۶م، هم از نظر اجتماعی و هم از لحاظ سیاسی و اقتصادی قابل ملاحظه می‌داند، هرچند همو معتقد است، تمام روستائیان از اصلاحات ارضی به‌طور یکسان بهره‌مند نشدند و تعداد بهره‌مندان از زمین طی این اصلاحات، به مراتب کمتر از خانوارهای روستایی کشور بود.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «اصلاحات ارضی در ایران»، جغرافیای جامع ایران. تهران: مرکز مطالعات ایرانی و اسلامی، ۱۳۸۶.
- سوداگر، محمدرضا. رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله گسترش: ۱۳۴۲-۱۳۵۷). تهران: انتشارات شعله اندیشه، ۱۳۶۹.
- کاتوزیان، محمد علی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات پاپیروس،

محسوب می‌شود که به واسطه آن، دوران زندگی بشر به پیش از تاریخ مدون و بعد از تاریخ مدون تقسیم شده است. طی سدهٔ اخیر، فن‌آوریهای تازه‌ای در عرصه اطلاعات پیدا شده است که بعد از انقلاب خط، انقلاب جدیدی در عرصه اطلاعات محسوب می‌شود. در ۲ سدهٔ اخیر، پس از اختراع فن چاپ، که آن نیز به نوبه خود رخدادی بزرگ در فن‌آوری اطلاعات بود، فن‌آوریهای نوینی، یکی پس از دیگری، وارد عرصه زندگی اجتماعی شده است که قرن ما را به سهم خود به قرن متمیزی در تاریخ بشر تبدیل کرده است. به دنبال اختراع کاست، فیلم و سرانجام شیوه‌های تازه‌ای در چاپ، فن‌آوری دیجیتال وارد عرصه شده است که فن‌آوری اطلاعات را به جایگاهی کاملاً متمایز ارتقاء داده است، به گونه‌ای که، عصر کنونی را به تعبیری به عصر *اطلاعات و ارتباطات* تبدیل کرده است.

ذخیره‌سازی و بازسازی اطلاعات

نظامهای ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات، تمهیداتی هستند برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، طبقه‌بندی، ساماندهی، ذخیره کردن، جستن و عرضه اطلاعات. پیش از دههٔ ۱۹۶۰م، اطلاعات اساساً در کتابخانه‌ها، مراکز اسناد و بایگانیها و پرونده‌ها نگهداری می‌شد. با ورود رایانه به عرصه کار و زندگی، از جمله در سازمانهای اداری، شیوه‌ها و کیفیات استفاده از اطلاعات تحول شگرفی یافت. سازمانها و مدیران اکنون این امکان را دارند که با ذخیره‌سازی و بازیابی مقادیر عظیمی از اطلاعات، کارهای حوزه خود را به نحو بهتری به پیش برند. رایانه‌های شخصی قابل حمل به آنها امکان می‌دهد که به پایگاههای اطلاعاتی وسیع‌تری در بیرون از ادارات خود دسترسی داشته باشند. این البته غیر از امکانات و آرمانهایی است که از آنها به عنوان *شهر الکترونیک* (← *شهر الکترونیک*) و *دولت الکترونیک* (← *دولت الکترونیک*) یاد می‌شود.

ذخیره‌سازی اطلاعات عمده‌تاً شامل مراحل زیر است:

پیدا کردن اطلاعات مأخذ؛

انتخاب واژگان تعریف‌کننده این مأخذ؛

گزینش چارچوب برای ساماندهی به واژگان نمایه؛

بخشهای گوناگون صنعت هر روز بیشتر به فن‌آوری اطلاعات (← فن‌آوری اطلاعات) وابسته می‌شوند. طی ۳ دهه گذشته، میزان نیروی کاری که در بخش فن‌آوری اطلاعات اشتغال داشته‌اند، در کشورهای پیشرفته دهها برابر شده است. امروزه، اهمیت اطلاعات در زندگی بشر به جایی رسیده است که عصر حاضر به عصر اطلاعات شهرت یافته است. اطلاعات در پیشبرد امور گوناگون جامعه، از جمله در مدیریت خرد و کلان، جایگاه ویژه‌ای دارد. پیچیده شدن اداره امور (← اداره امور) در جوامع امروزی، از جمله در حوزه‌های مدیریت شهری، استفاده از اطلاعات را به عنصری ضروری در کار ساماندهی مسائل تبدیل کرده است.

موضوع اطلاعات به عنوان یک مبحث علمی و همچنین شاخه‌ای از فن‌آوری، دامنه گسترده‌ای دارد و حوزه‌هایی همچون پردازش اطلاعات، نظامهای اطلاعاتی و مباحثی چون کسب، ثبت، ساماندهی، بازیابی و انتشار اطلاعات را دربر می‌گیرد. اطلاعات همچنین موضوع بحثهای نظری و عرصه نظریه‌پردازی نیز هست.

کسب و ثبت اطلاعات

اطلاعات از نیازهای اساسی انسان است؛ انسانها برای کارهای مختلف زندگی خود، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین آنها، به اطلاعات نیاز دارند. انسان در ارتباط با محیط همواره از طریق حواس خود به دریافت اطلاعات مشغول است و مغز انسان عالی‌ترین دستگاه پردازش اطلاعات محسوب می‌شود. جامعه انسانی از گذشته‌های دور برای کسب، حفظ، ساماندهی و انتقال اطلاعات تمهیداتی پدید آورده است. در آغاز حیات بشر، مهم‌ترین وسیله حفظ اطلاعات، حافظه بود. بسیاری از میراثهای ارزشمند فرهنگ بشری، مثل آداب آئینی، دینی و اساطیری برای دورانی طولانی به صورت شفاهی و با تکیه بر حافظه انسانی، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. بعد از ابداع نوشتن، ثبت اطلاعات بر انواع وسایل، چون گل، سنگ، پوست و پاپيروس ممکن شد.

ابداع خط چنان رخداد بزرگی در حیات بشری

اصناف

Guilds

بسیاری از متفکران، کلمه انگلیسی Guild را معادل واژه صنف که جمع آن اصناف است، تلقی کرده‌اند. این واژه انگلیسی عمدتاً ناظر بر اتحادیه‌های قرون وسطایی، متشکل از صاحبان حرفه‌های مشابه و تجار است که وظیفه نظارت بر کار اعضا آن، به‌منظور حفظ استانداردهای کاری و حرفه‌ای، آموزش شاگردانی که نزد استادان هر حرفه نهاد می‌شدند و در مجموع، حفظ اخلاق حرفه‌ای، وجدان کاری و صیانت از منافع گروهی را برعهده داشتند. بدینسان، صنف سازمانی شغلی و حرفه‌ای است که افراد هم‌حرفه را در جهت منافع حرفه‌ای، گرد یکدیگر جمع می‌آورد. صنف در فرهنگ مغرب زمین به نوعی انجمن رسمی گرایش داشته و دارد. این انجمن در جهت حفظ منافع مشترک، پایدارسازی حرفه‌ای و تضمین بقاء، ساختمان کردن تولید و رعایت اصول حرفه‌ای می‌کوشد و در مواقع نامنی، بی‌ثباتی و بحران، به یاری اعضا می‌شتابد. گرچه منابع بسیاری، از جمله منابع اینترنتی، با کم‌دقتی از وجود اصناف در هند باستان دوران گوپتا، یعنی سالهای ۳۰۰ تا ۶۰۰ م، در چین دوران سلسله هان، سالهای ۲۰۶ ق م تا ۲۲۰ م و دوران سلسله سویی، سالهای ۸۹ تا ۶۱۸ م و در مصر، زیر نفوذ دوران هلنی و سپس رُم یاد کرده‌اند، کاربرد این مفهوم در متون اجتماعی- تاریخی مختلف و در دورانهای گوناگون جامعه‌ای واحد، با بار معنایی متنوع و متفاوتی همراه است که عدم توجه به چنین تفاوت‌هایی به برداشتهای ناروا ختم می‌شود. برای مثال، گرچه از وجود اصناف در مصر دورانهای مختلف یاد شده است، بررسی اندیشمندان نشان می‌دهد که صنف در مصر عمدتاً سازمانی حرفه‌ای، متعلق به دوران عثمانی و پس از آن بوده است؛ برای نمونه، اس.دی. گوی‌تین در مقاله قاهره: شهری اسلامی در پرتو اسناد جنیزا، منتشره در کتاب شهرهای خاورمیانه تألیف و گردآوری ایرا. ام. لاپیدوس، چنین آورده است: در بررسی دقیق اسناد جنیزای قاهره (اسنادی که به زبان عربی با حروف عبری در سده‌های ۱۰ تا ۱۳ م در شهر قاهره نوشته

نمایه؛

گزینش شیوه جستجو در پرونده؛ و بازبایی و عرضه.

نمایه‌سازی. یکی از مراحل ساماندهی اطلاعات نمایه‌گذاری است. نمایه‌سازی یعنی تعیین واژگان یا اصطلاحاتی در زبان رایج، به‌عنوان نشانه نوع یا طبقه معینی از اطلاعات. برای هر یک از اسناد می‌توان رمزی را در قالب واژه تعیین کرد. در دستگاههای پیشرفته رایانه‌ای این کار به‌صورت خودکار انجام می‌شود.

پرسش‌گذاری. برای جستجوی اطلاعات جهت بازبایی آنها نیز فرمولهایی در نظر گرفته می‌شود. این فرمولها باید با اطلاعات ذخیره‌شده و مورد جستجو رابطه داشته باشند. در این خصوص نیز دستگاههای پیشرفته از فناوریهای استفاده می‌کنند که این کار را به‌نحو خودکار انجام می‌دهند.

ساماندهی پرونده و جستجو. پرونده‌ها باید به‌شکلی سازماندهی شود که جستجوی اطلاعات آسان باشد. اگر طبقه‌بندی اسناد و پرسش‌گذاری برای جستجوی آنها به دقت صورت نگیرد، کار بازبایی اطلاعات نمی‌تواند با سرعت به پیش رود.

کتاب‌شناسی:

- "Information Processing and Information Systems", *Encyclopedia Britanica*. Vol. ۲۱, ۱۹۹۲.
- "Information Storage and Retrieval", *Collier Encyclopedia*, Vol. ۱۳, ۱۹۹۱.
- "Information Storage and Retrieval", *Encyclopedia Americana*. Vol. ۱۵, ۱۹۹۲.
- Martin, J. *Information Engineering: an Introduction*. Vol. I, Engelwood Cliff, Prentice-Hall, ۱۹۹۰.
- Masuda, Yones. *Managing in the Information Society: Releasing Synergy Japanese Style*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۰.

کمال پولادی

اصناف

معاصر هموار کردند و در مواردی، به‌ویژه صنایع دستی تا سده ۱۶م، با قدرت بر حرفه‌های گوناگون نظارت و کنترل دقیق اعمال نمودند.

علی‌رغم تفاوت‌های موجود بین اصناف در سرزمین‌های مختلف و در زمان‌های گوناگون، وجوه سازمانی مشترکی نیز در تمام انواع قابل ردیابی است. برای مثال، اکثراً اصناف از دستگاه و نهادی حاکم بر آن، واحدهای اداری یاری‌دهنده ارگان یاد شده و مجمع‌اعضاء که معمولاً بدان مجمع عمومی می‌گویند، تشکیل می‌شود. مجمع عمومی نیز معمولاً افراد اداره‌کننده صنف را برمی‌گزیند و یا برای انتصاب از بین چند نفر به حکومت معرفی می‌نماید. ویژگی مشترک دیگری که در اکثر موارد به چشم می‌خورد، اشراف افراد برگزیده بر امور گوناگون صنف و احترام اعضای به آنان است که ایشان را برای حل کدخدا منشانه اختلافات اعضای، واجد صلاحیت می‌کند.

از دیگر وظایف صنف، تنظیم رابطه استاد و شاگرد بوده است. این رابطه بخشی از نظام آموزش حرفه‌ای را دربر گرفته و از سوی دیگر، شرایط عبور از کودکی و نوجوانی به بزرگسالی را سازمان می‌بخشیده است. در نتیجه، برای اشاره به تعلیم و تربیت سنتی، علاوه بر خانواده، نهادهای مذهبی عهده‌دار سوادآموزی، از نظام آموزش استاد-شاگردی در چارچوب صنف نیز یاد می‌شود.

بحث صنف در ایران با فراز و فرود بسیاری همراه است. از سوی دیگر، بیان بسیاری از نقطه‌نظرات درباره صنف در ایران، آن هم در دوران‌های مختلف، قابل اثبات نیست. برای مثال، منابع مربوط به ایران قبل از اسلام، از پیدایش صنف پیشه‌وران و صنعتکاران، با نام واستریوشان در زمان اشکانیان یاد کرده‌اند و ادعا نموده‌اند که روحانیون نستوری به زبان سریانی از جلسات تشکیل شده خود، صورتجلسه تهیه می‌کردند. در این صورت جلسات گرد آمده مربوط به اواخر اشکانی و سپس دوره حاکمیت ساسانی از واستریوشان‌سالار به‌عنوان رئیس صنف نام برده شده است. از اشاره مختصری که به این موضوع شد، چنین استنباط می‌گردد که اولاً فرایند تفکیک اجتماعی-اقتصادی در دوره اشکانی آغاز و تا دوره حمله اعراب ادامه داشته

شده و در کنیسه و قبرستانی محفوظ مانده است و در دوران معاصر به کف آمده و بررسی گردیده است) یا اسناد نظارت بر بازار در زمان تدوین آن اسناد، آدمی ممکن است بیهوده به جستجوی معادل عربی واژه انگلیسی Guild بپردازد، اما چنین واژه‌ای وجود نداشته است، زیرا نهادی به نام اصناف تا سده ۱۳م موجودیت نیافته و نظارت بر کیفیت و شرایط حرفه‌ای صاحبان حرفه‌های مختلف، وظیفه مأموران انتظامی حکومتی بوده است.

این نکته از آن رو مهم است که در ساختار سیاسی جوامع استبدادی که با تمرکز فوق‌العاده حکومتی در دوره‌های ثبات همراه بوده است، اصناف یا پدید نیامده و یا به‌صورت انتصابی، عهده‌دار تنظیم رابطه حکومت و صاحبان حرفه‌های گوناگون و ابلاغ فرامین حکومتی و توافق مالیاتی که اعضای باید بپردازند، محدود می‌شده است و به سخن دیگر، انجمن به‌خود نمی‌گرفته است. البته در جوامعی که افراد صاحب حقوق یا شهروند وجود داشته است، سازمان‌های صنفی به شکل انجمن‌های اجتماعی نسبتاً مستقلی پدید آمده، بخشی از زندگی انجمنی رسمی و خارج از خانواده محسوب شده و به‌عنوان نهادی قدرتمند تمام مسائل هر حرفه خاص را سازماندهی و تنظیم می‌کرده است.

در سرزمین‌های خلافت اسلامی، به‌ویژه در عصر عباسی، مفهوم صنف به‌عنوان نهاد رابط بنی‌صاحبان یک حرفه و حکومت اسلامی و تنظیم‌کننده نظارت محتسب و داروغه بر صنف گسترش یافته، علاوه بر تجار و پیشه‌وران، صنعتکاران را نیز دربر گرفت. بعدها حتی از صنف اهل علم نیز سخن به میان آمد. البته این اصناف هرگز استقلال تام و تمام را تجربه نکردند. در ایران، مفهوم صنف در ترکیبی رازآلود یا مفهوم فتوه و فتوت، از یکسو و عیاران از سوی دیگر، گاه شکل سازمان‌هایی مخفی را به‌خود می‌گرفت، که با مباحث عرفانی و سازمان‌های صوفیانه درمی‌آمیخت و در نتیجه، بر پیچیدگی موضوع می‌افزود.

مهم‌ترین دوران در زندگی اصناف گوناگون، دوره پایانی سده‌های میانی در اروپای غربی است که شاهد ظهور صنف‌شهرهایی است که راه را برای ورود سرمایه‌داری

اقتدار

این اصطلاح در زبان انگلیسی طیف معنایی وسیع تری دارد و مفاهیمی چون مرجعیت، اعتبار و اختیار را هم دربر می‌گیرد. در مسائل عملی واژه‌های اقتدار و اختیار و در مسائل نظری واژه‌های مرجعیت و اعتبار معادلهای بهتری برای authority هستند. واژه authority علاوه بر اشاره به منصب سیاسی، به جایگاه اجتماعی نیز اشاره دارد. در پهنه مناسبات سنتی به‌ویژه در روستاها گاهی مراجع سنتی اقتدار در کنار مراجع رسمی در هدایت امور محلی تأثیرگذار هستند.

معنای اقتدار با معنای قدرت یکسان نیست. قدرت به معنی توانایی وادار کردن دیگران به اطاعت از یک دستور است بی‌آنکه این دستور ملازمی با مشروعیت داشته باشد، درحالی‌که وقتی از اقتدار سخن می‌گوئیم معنایش این است که دستور دادن توجیهی دارد و اطاعت از آن منطبق با یک تکلیف است. واژه اقتدار با مشروعیت پیوند دارد. وقتی از جانب فرمانبران به لزوم اطاعت از یک دستور به دلیل حقانیت فرمانده نگاه کنیم آنچه با آن سروکار داریم مشروعیت نام می‌گیرد.

برای تغییر رفتار اشخاص بیشتر از ۳ وسیله استفاده می‌شود: قدرت، اقتدار، اقناع. قدرت تنها به زور اتکاء دارد. اقناع نیز فقط متکی بر استدلال است، اما اقتدار متکی بر حق الزام کردن است. ماکس وبر در تعریف دولت بر مشخصه حق مشروع استفاده از زور تکیه می‌کند و دولت را سازمانی تعریف می‌کند که حق انحصاری استفاده مشروع از زور را دارد. پس اقتدار در واقع قدرت مشروع است. اقتدار با اقناع نیز متفاوت است در اقناع نه از قدرت استفاده می‌شود و نه از اقتدار بلکه از اعتبار استدلال بهره گرفته می‌شود. در مناسبات اداری اگر مقامی به زیردست خود دستور بدهد که کار معینی را انجام دهد و دادن این دستور در صلاحیت او باشد او از اقتدار استفاده کرده است ولی اگر او را قانع کرد که آن کار را انجام دهد آنگاه از اقناع بهره گرفته است نه از اقتدار. هانا آرنست برای ارائه تعریفی از اقتدار، آن را از یکسو در برابر قهر و از سوی دیگر در برابر اقناع قرار می‌دهد. وجه شاخص اقتدار در قیاس با توصیه کردن به پشتوانه استدلال این است که

است؛ ثانیاً، از جمله آثار چنین تفکیکی، هویت حرفه‌ای در قالب صنف بوده است؛ و بالاخره آنکه صنف از بین اعضاء فردی را به‌عنوان رئیس یا نماینده خود برمی‌گزیده و به حکومت معرفی می‌کرده است، تا هماهنگ‌سازی رابطه صنف و حکومت را برعهده گیرد. چنین الگوی کلی تا به امروز در مورد صنف پایدار باقی مانده است. در دورانهایی که قدرت حکومت تضعیف می‌شد و یا فرایند مردمسالار شدن، البته در چارچوب شرایط جامعه ایران پدید می‌آمد، اصناف مستقل‌تر شده، به الگوی انجمنی نزدیک می‌گردیدند. برعکس، با افزایش اقتدار حکومتی، اصناف تا مرز نابودی پیش می‌رفتند. براساس چنین الگوی کلی، می‌توان چند مرحله در زندگی اصناف ایرانی را از هم تفکیک نمود: اولین آنها دوران قبل از اسلام، دومین مرحله، دوران عباسی، سومین مرحله، اصناف در دوران صفوی و بالاخره، تحول نظام صنفی پس از مشروطیت است. فراموش نباید کرد که نحله‌های فکری خاص زندگی صنفی و حقوق صنفی را از جمله حقوق شهروندی و حقوق فردی تلقی کرده‌اند.

پرویز پیران

اقتدار

Authority

اقتدار حق صدور دستوراتی است که از جانب فرمانبران مشروع تلقی شده، و از آن اطاعت می‌شود. در حوزه حقوق و سیاست اقتدار متضمن کارهایی چون قانونگذاری، وضع مقررات و اتخاذ تصمیم در مورد اداره امور کشور از جمله در حوزه‌های شهر و روستاست. واژه اقتدار در زبان فارسی معادلی برای اصطلاح انگلیسی authority است، درحالی‌که

اقتدار

شیوه‌ها و قواعد قدیمی و مرسوم وجود دارد که به واسطه سنت تقدیس شده است و باید از آن اطاعت کرد. رسم برگزاری چهارشنبه سوری در حیطه‌های رفتاری یا اطاعت از بزرگان محل در کارهای عمومی ده از این جمله است. نظم در جامعه سنتی اساساً مبتنی بر این نوع اقتدار است. اقتدار عقلانی - قانونی مبتنی بر تعریف خاصی از نظام قدرت بین اعضا جامعه و رهبران آن است که مشارکت عمومی و اراده‌سازی جمعی از اجزاء محوری آن است. در زمان ما این نوع اقتدار است که هسته مناسبات شهروندان در حوزه مدیریت شهری و روستایی را تشکیل می‌دهد. اما در روستاها هنوز هم علاوه بر اقتدار عقلانی - قانونی که به طور رسمی از طریق سازمانهای حکومتی و شوراهای روستایی اعمال می‌شود شکلهایی از اقتدار سنتی نیز در قالب مناسبات بین گروههای روستایی و مراجع محلی اعم از روحانی ده، بزرگ قبیله و ریش سفیدان وجود دارد. و بالاخره اینکه اقتدار کاریزمایی به رابطه شخصی بین فرمان‌بر و فرمان‌دهنده اشاره دارد. در این نوع رابطه خصوصیات ویژه فرمان‌دهنده و تلقی فرمان‌بر از این خصوصیات ویژه محور اطاعت است.

در دولتهای مدرن منشأ اقتدار نهادها و منصبهای سیاسی به عقل بشری نسبت داده می‌شود. در جوامع پیش - مدرن عموماً منشأ اقتدار به نیرویی فراتر از عقل بشری، از جمله عقل کیهانی یا عقل یزدانی یا در شکلی مبهم‌تر به ملکوت آسمانی منتسب می‌شد. با توجه به قدرتی که دولتها در دنیای مدرن دارند این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی چنین اقتدار وسیعی را که در دست دولتها متمرکز شده است توجیه می‌کند. برخی از اندیشمندان فرمان بردن از دولت را با اصل خود - آئینی انسان مغایر می‌بینند. درحالی که برخی دیگر وجود دولت را شرط لازمی برای امکان تحقق خود - آئینی فرد بشمار می‌آورند. این دسته از اندیشمندان چنین استدلال می‌کنند که برای تحقق خود - آئینی فردی نخست باید یک جامعه سیاسی مبتنی بر اراده جمعی و مشارکت همگان تأسیس شود تا فرد ضمن اطاعت از آن از خود - آئینی بهره‌مند شود و هنگام اطاعت از اراده جمع در واقع از اراده خود تبعیت کند. در مقابل

اطاعت از دستور شخصی که از اقتدار برخوردار است نیاز به دلیل و برهان ندارد، صرف دستور دلیل اطاعت است. شخص فرمانبرنده، اطاعت از دستور را موجه می‌شمارد حتی اگر در عقیده شخصی با آن مخالف باشد. این امر استلزام نظم سیاسی در جامعه است. وقتی مقامات کشوری، شهری، روستایی در حوزه صلاحیت خود متکفل پیشبرد برنامه هستند، شهروندان مکلف به اجرای فرامین مقامات صالح هستند، اگرچه در عقیده شخصی با آن موافق نباشند یا اجرای فرامین با منافع شخصی آنها در تضاد باشد. پرداخت عوارض، رعایت محدودیتهای قانونی در استفاده از ملک در چارچوب چنین مناسباتی قرار می‌گیرد.

واژه اقتدار یک مفهوم عام است و اگرچه در درجه اول با حوزه حقوق و سیاست در وجه کلان مرتبط است، اما بدان محدود نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های دیگری چون دین، آموزش و اداره امور محلی نیز به کار می‌رود. در این معنا واژه اقتدار با مفهوم مرجعیت برای اشاره به نوع خاصی از رفتار یک فرد و باور دیگران نسبت به آن کار است. مرجع بودن ممکن است برای شکلهای مختلفی از بازنمونها مثل اعتقادات، آموزه‌ها، باورها و نوشته‌ها به کار رود. این واژه همچنین برای اشاره به صلاحیت مقامات مختلفی چون قانونگذاران، بنیانگذاران یک نظام، مقامات قضایی و اداری، آموزگاران، متخصصان و معتمدان محلی در مناسبات سنتی به کار می‌رود. هر یک از اینها می‌توانند در حیطه خود اختیارات یا صلاحیت داشته باشند و یا خود مرجع محسوب شوند. مرجع بودن و اقتدار داشتن در این معنا در چارچوب مناسبات بین شخصی که اقتدار یا مرجعیت دارد و شخص تابع او معنا پیدا می‌کند. اقتدار والدین، اقتدار ریش سفیدان محل، اقتدار شورای شهر، اقتدار شهردار، اقتدار مجلسهای قانونگذاری همه با رشته خاصی از روابط پیوند دارد.

ماکس وبر، جامع‌شناس آلمانی، از دانش‌پژوهانی است که درباره اقتدار و مشروعیت تحقیقات ارزشمندی انجام داده و در این زمینه طبقه‌بندی مشهوری دارد. او اقتدار را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: اقتدار سنتی، اقتدار عقلانی - قانونی، اقتدار کاریزمایی. اقتدار سنتی مبتنی بر این باور است که

اقتدار مدیریتی

اقتدار و اختیارات مدیران باید مشخص شود؛ البته، تصمیم‌گیری دربارهٔ اختیارات مدیران، کاری مدیریتی و در حوزه مسئولیت رده‌های معینی از مدیران است.

مدیران در هر رده از سلسله مراتب مدیریتی که باشند، برای هدایت کارکنان مجموعهٔ خود، نظارت بر کارهای آنها، حل و فصل مسائل پیش‌رو و گزارش پیشرفت کار به مدیران رده‌های بالاتر - به تناسب مسئولیت‌های خود - نیازمند اقتدار هستند. البته کار مدیریتی تنها به اعمال اقتدار ختم نمی‌شود، زیرا در کنار اقتدار، به نفوذ نیز نیاز است. اعمال نفوذ به معنی توانایی انجام تغییرات و نیل به نتایج است؛ نفوذ هم از اقتدار حاصل می‌شود و هم از مناسبات بین شخصی؛ نفوذ از اختیارات رسمی حاصل نمی‌شود، بلکه بیشتر از منابع اخلاقی حاصل می‌گردد.

هر سازمان، در درجه نخست، یک ساختار اقتدار رسمی دارد که رابطه بین کارکنان و کار را تعیین می‌کند. این ساختار دربرگیرندهٔ انواع مختلفی از اقتدار است که در یک طبقه‌بندی به ۳ *اقتدار خطی*، *مشاوره‌ای* و *کارکردی* تقسیم می‌شود:

اقتدار خطی با زنجیره فرماندهی و فرمانبری مشخص می‌شود؛ شخصی که در سلسله مراتب رسمی در مقام بالاتری قرار گرفته است، حق دارد در حوزه تعیین شده اتخاذ تصمیم کند و از رده‌های پایین‌تر بخواهد که آن را اجرا کنند.

اقتدار مشاوره‌ای حق طرح نظر و توصیه در امری خاص است. این اقتدار با تخصص شخص دارنده آن ارتباط دارد. *اقتدار کارکردی* به مدیران حق می‌دهد که سیاستها یا فرایندهای خاصی را، که بر کارکنان یک سازمان در قسمتهای مختلف تأثیر می‌گذارد، هدایت کنند. این اقتدار در طول سلسله مراتب سازمانی قرار ندارد، بلکه در عرض آن قرار می‌گیرد. مثلاً، اداره تأمین منابع انسانی ممکن است سیاستهایی را در استخدام و آموزش کارکنان اعمال کند که بر کلیت سازمان تأثیرگذار باشد.

اقتدار و مشروعیت

دیدگاهی که بین خود - آئینی فردی و اطاعت از دولت تناقض می‌بیند عده‌ای از اندیشمندان بر این نکته تأکید می‌کنند که اگر جایگاه دولت و سازمانهای حوزه عمومی خدمت به افراد تحت حاکمیت باشد پیروی از آن توجیه عقلی دارد. وقتی نهادهای شهری با مشارکت مردم و برای خدمت به آنها ساخته شده باشد تبعیت از تصمیمات آنها نمی‌تواند مغایر خود - آئینی شهروندان باشد.

کتابشناسی:

- Arend, H. "What is Authority?", *Between Past and Future*. New York: Viking, ۱۹۶۱.
- Gleen. *The Authority of the State*. Oxford: Clarendon Press, ۱۹۸۸.
- Raz, J. *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon Press, ۱۹۸۶.
- Wolff, R. *In Defence of Anarchism*. New York: Harper and Row, ۱۹۷۰.

کمال پولادی

اقتدار محلی ← مراجع محلی (روستایی)

اقتدار مدیریتی

Management Authority

اقتدار عبارت است از حق مشروع شخص در اتخاذ تصمیم، انجام اقدامات و هدایت دیگران در یک کار معین. برای نمونه، اختیار مدیر در استخدام کارکنان، پاداش دادن، توبیخ کردن یا در شرکتهای خصوصی، کارهایی چون قبول سفارش و فروش محصول، از نوع اعمال اقتدار مدیریتی است. یکی از راههای هدایت افراد در راستای هدفهای سازمان، استفاده از اقتدار مدیریتی است. برای این کار

اقتدار مدیریتی

را میان کارکنان توزیع کند و در توازن قدرت بین مدیر و کارکنان، برای کارکنان نیز سهم مناسبی قائل شود. این سهم می‌تواند شکلهای گوناگونی داشته باشد؛ از جمله، داشتن سهمی از مسئولیتها، داشتن نسبتی از اختیارات، سهم شدن در فراهم کردن اطلاعات و بهره‌مند شدن از آن، و شرکت در تصمیم‌گیریها.

برخورداری از اختیارات و سهم شدن در تصمیم‌گیریها و اطلاعات به معنی بازتوزیع اقتدار مدیریتی و به‌این معنی نیست که کارکنان صاحب قدرت و اختیاراتی شده‌اند که جایگاه آنها را در سلسله مراتب قدرت بالاتر برده است، بلکه به این مفهوم است که در کارهایی که برعهده دارند، اختیارات و مسئولیت بیشتری برعهده گرفته‌اند. در چنین شرایطی، اشخاص توانایی اعمال قدرت بیشتری دارند، بی‌آنکه در ساختار مدیریتی صاحب مرتبه تازه‌ای شده باشند. برخورداری از اختیارات و مشارکت داشتن در امور، موجب جلب پشتیبانی عاطفی افراد از سازمان می‌شود. در تفویض اختیارات، مدیر بخشی از کارهای مربوط به حوزه مدیریتی خود را به اشخاص معینی از کارکنان منتقل می‌کند. در این حالت، اختیار اعمال اقتدار از یک منصب به منصب دیگر انتقال می‌یابد. این‌گونه تفویض اختیار غالباً با دستورالعمل معین همراه است که در آن مشخص می‌شود، آیا شخصی که اختیاراتی به او تفویض شده است فقط در مورد حل مسائلی که پیش‌رو قرار می‌گیرد، حق تصمیم‌گیری دارد یا می‌تواند در مورد تشخیص مسئله نیز تصمیم‌گیری کند. علاوه‌براین در تفویض اختیار منابع لازم، مانند بودجه، زمان، اطلاعات و تجهیزات نیز به تناسب هدفها و برنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود.

کتابشناسی:

- Kaliski, Burton S. (ed). "Management: Authority and Responsibility", *Encyclopedia of Business and Finance*. New York: MacMillan, ۲۰۰۱.
- Bartol, K. and Martin, D. *Management*. New York: McGraw-Hill, ۱۹۹۴.

اغلب بین اقتدار و قدرت تفاوت قائل می‌شوند، به‌این معنا که *اقتدار* را به مفهوم قدرت مشروع و *قدرت* را به‌عنوان اختیارات، صرف‌نظر از مشروع تلقی شدن یا تلقی نشدن از جانب دیگران، به حساب می‌آورند. تمایز بین اقتدار و اختیار (قدرت) بیانگر یکی از ظرایف کار مدیریت است. اقتدار ممکن است از مناسبات بین شخصی و اعتبار اخلاقی مدیر ناشی شود و نه صرفاً از جایگاه او در سلسله مراتب رسمی. اقتدار از یکسو به اختیارات یا قدرت مدیر بستگی دارد و از سوی دیگر، به تلقی افراد تابع مربوط است. تلقی کارکنان از قدرت مدیر، ساحت دیگری از مناسبات تابع و متبوع است که موضوع مشروعیت را می‌سازد. اقتدار مشروع به مناسباتی گفته می‌شود که شخص دارنده قدرت، آن را با وسایل درست (متکی به قاعده، دانش، تخصص و توانایی) به‌دست آورده باشد و آن را به‌درستی (مطابق ضوابط و منطبق با حوزه اختیارات) اعمال کند. قدرتی که از راههای نادرست، مثل فریبکاری و زد و بند، به‌دست آمده باشد، مشروع شمرده نمی‌شود و اگر قدرت یا اختیار نامشروع تلقی شود، اطاعت از آن با میل صورت نخواهد گرفت و این امر از کارآمدی اقتدار و کارایی مدیر خواهد کاست.

همچنین وقتی مدیر از قدرت خود برای واداشتن دیگران به کاری استفاده کند که ربطی به هدفهای سازمان و دایره اختیارات او ندارد، درواقع از قدرت خود سوءاستفاده کرده است. سوءاستفاده از قدرت، مسائل اخلاقی ایجاد می‌کند. کسانی که در موضع برخورداری از اقتدار هستند و قدرت دارند، به‌لحاظ اخلاقی نیز موظف هستند که تأثیر تصمیمات و اقدامات خود را بر دیگران و مصالح سازمان مورد توجه قرار دهند.

تسهیم و تفویض اختیارات

سهم کردن کارکنان در اختیارات مدیریتی اگر به وجه مناسب انجام شود، بر کارآمدی سازمان و کارایی کار مدیریتی می‌افزاید. مدیر می‌تواند بخشی از اختیارات خود



مالی، تأمین منابع، جهات رشد، و ساخت‌وساز شهری ارتباط زنده دارد.

برنامه‌ریزان لازم است، با عنایت به مباحث اقتصاد سیاسی و ارائه تحلیل اساسی، به اندازه‌گیریها و شاخص‌گذاریها، و کشف روابط علی، اثربخشی هزینه‌ها و چگونگی ایجاد درآمد در روندها و برنامه‌های شهری بپردازند. تجزیه و تحلیل هزینه و راههای اساسی ایجاد درآمد در حوزه‌های اقتصاد شهری و مطالعه و ارزیابی علمی آنها در حوزه دانش اقتصاد شهری است.

شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و کلانشهرها (← کلانشهر)، به‌جز نقش اقتصادی منطقه‌ای، دارای ویژگی اجتماعی- اقتصادی نیز هستند. در حوزه‌های ساختمان، بازار زمین، حمل‌ونقل، خدمات زیربنایی و رفاهی و گردشگری شهری، نقش اقتصاد شهری، به‌دنبال تحلیلهای اقتصاد سیاسی معنای تازه‌ای می‌یابد. از یکسو نیروها و انگیزه‌های تمرکز و از سوی دیگر، مقاومت‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی درون شهری، بر شکل، تراکم جمعیتی، تراکم ساختمانی، جهت توسعه و توزیع جمعیت در شهر تأثیر می‌گذارند. به‌این ترتیب، قلمرو اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری هم گسترده، و هم پیچیده است.

- Hirschhorn, L. *Reworking Authority*. Cambridge: M.A, MIT Press, ۱۹۹۷.
- Lucas, J. *Balance of Power*. New York: American Management Association, ۱۹۹۸.
- Marshall, D. *The four Element of Successful Management*. New York: American Management Association, ۱۹۹۹.

کمال پولادی

اقتصاد شهری

Urban Economy

اقتصاد شهری رشته‌ای مهم از علم اقتصاد، به‌طور اعم، و اقتصاد سیاسی، به‌طور اخص، است. اقتصاد شهری در جستجوی ابزارهای استدلالی و چگونگی به‌کاربردن آنهاست، تا فعالیتهای اقتصادی را در شهرها، مناطق شهری و مجموعه‌های شهری در قالب قوانین علمی و عام توضیح دهد. در اقتصاد سیاسی شهری، روندهای شکل‌گیری تقسیم کار، تمرکز سرمایه و ثروت، انواع نیروی کار و بالاخره، تولید، توزیع کالاها و خدمات شهری، و نقش دولت در ایجاد ساختارها و کارکردها در نظامهای شهری مورد بحث قرار می‌گیرد. نگرش مکانیکی به اقتصاد شهری و تبدیل اقتصاد شهری به نظریه‌ای در باب ارزش، نه تنها به‌بغرنج شدن مباحث منجر می‌شود، بلکه مباحثی چون نقد سیاسی و اجتماعی و نظریه‌های مربوط به روندهای عینی شهری را از نظر می‌اندازد.

تولید و مصرف در شهر و مناطق شهری، گروههای اجتماعی شهر و نیز توسعه زیرساختها و خدمات شهری از دیدگاههای اقتصادی، مانند درآمدها، هزینه‌ها، سازمان اقتصادی، توزیع و رفاه، از حوزه‌های مطالعاتی این رشته است.

اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری با اقتصاد منطقه‌ای، مکان‌گزینی حمل‌ونقل، خدمات عمومی، مدیریت

اقدام خوب

- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.
- سینجر، پل. *اقتصاد سیاسی شهرنشینی*، ترجمه گروه تحقیق مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر ایران، ۱۳۵۸.
- سینجر، پل؛ ازرا پارک و دیگران. *مفهوم شهر*، ترجمه گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۳۵۸.
- فریبرز رئیس‌دانا

اقدام خوب

Good Practice

این اصطلاح درباره عمل یا عملیاتی که به کارایی ویژه در زمینه‌ای معین منجر گردد، اطلاق می‌گردد. برای مبنای پذیرش و کاربرد اصطلاح بهترین اقدام که با مفهوم اقدام خوب نزدیکی دارد، به مثابه سازوکاری برای بهبود کارایی یک روند، یک واحد اقتصادی، نوعی تولید، خدمت و یا سازماندهی یک اقدام به کار می‌رود. شالوده اقدام خوب بر مدیریت محلی، نوآوری و امکان تسری آن استوار است؛ به سخن دیگر، اگر نهادها، مؤسسات، واحدهای تولیدی و مانند آن، با تکیه بر منابع درونی خود، پیوسته بر فعالیتها و کارکردهای متعارف خود ادامه دهند، کمتر می‌توانند به تحول و توسعه دست یابند، اما توجه و بهره‌گیری از نوآوریها، از جمله دستاوردهای نوآورانه اقدام خوب در بیرون، می‌تواند به آسانی بهبود کارکردی و کارایی سازمانی را به همراه داشته باشد. از این رو، اقدام خوب را می‌توان از محرکه‌های توسعه از درون به واسطه نوآوریهای بیرونی بشمار آورد. با توجه به این کارکرد اقدام خوب، این مقوله در سالهای اخیر در گفتمان کارشناسی و مدیریت اجرایی جایگاه ویژه‌ای یافته است. البته، کارشناسان برای آنکه نوآوریهای یک اقدام خوب در جایی بتواند در جاها و موارد دیگر نیز به درستی به کار گرفته شود، پیش شرطهای زیر را ضروری می‌شمارند:

حوزه‌های اصلی و مرتبط با اقتصاد سیاسی شهری از جمله عبارتند از:

شهر و طبقات اجتماعی؛

سرمایه‌داری و شهر؛

نقش سیاستهای اساسی و شهر؛

توازن توزیع ثروت و درآمد، به‌ویژه زمین و مسکن در شهر؛

نحوه توزیع خدمات شهری؛

بازار زمین شهری و توزیع آن؛

مهاجرت (← مهاجرت) و جابه‌جایی جمعیت به دلایل اقتصادی؛

گردش ارزش در جغرافیای شهری؛

رابطه جغرافیا با تولید و توزیع و سیستم کار؛

قطبهای شهری؛

مکانهای اساسی در شهر؛

مالکیت زمین، ساختمان و سرمایه‌های تولیدی و خدماتی در شهر؛ و

بازار مسکن و توزیع و ارزش‌زایی آن.

حوزه‌های اصلی و مرتبط در اقتصاد شهری از جمله عبارتند از:

عرضه و تقاضای زمین؛

عرضه و تقاضای مسکن؛

بیکاری (← بیکاری) و تورم ناشی از موجودیت و واقعیت ویژه شهری؛

سرمایه‌گذاری در مسکن و خدمات شهری توسط بخش خصوصی و دولت؛

چگونگی و حدود جمع‌آوری منابع توسط شهرداریها و مالیه شهری؛

تقاضای خرید اقشار مختلف مردم برای مسکن و خدمات شهری؛ و

هزینه و درآمد حمل‌ونقل شهری.

کتاب‌شناسی:

- عابدین درکوش، سعید. *درآمدی به اقتصاد شهری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.

Emerald Group Publishing Limited, ۲۰۰۲.

- Martin, G. and Beaumont, P. "Diffusing Best Practice in Multinational Firms: Prospects, Practice, and Contestation", *International Journal of Human Resource Management*. ۹ (۴), ۱۹۹۸.
- O'Dell, C. and Grayson, C. J. "If only We Knew What We Know: Identification and Transfer of Internal Best Practices", *California Management Review*. ۴۰ (۳), ۱۹۹۸.
- Voss, C. A. "Alternative Paradigms for Manufacturing", *Journal of Operations and Production Management*. ۱۵ (۴), ۱۹۹۵.
- Wareham, J. and Gerrits, H. "De-contextualizing Competence: Can Business Best Practice be Bundled and Sold?", *European Management Journal*. ۱۷ (۱), ۱۹۹۹.

عباس سعیدی

اکولوژی شهری ← بوم‌شناسی شهری

الگوی سکونتگاهی

Settlement Pattern

نحوه پراکنش مجموعه‌های جمعیتی (سکونتگاهی) در ابعاد و اندازه‌های مختلف. مطالعه انواع پراکنش سکونتگاهی مقوله‌ای بسیار پر دامنه است که در مقیاسهای مختلف و با رویکردهای متفاوت به انجام می‌رسد. یکی از رویکردهای اصلی در این زمینه عبارت است از مطالعه نحوه شکل‌پذیری و تکوین الگوهای سکونتگاهی در گذر زمان. این رویکرد مبتنی بر بُعد تاریخی، هم به صورت میدانی و عملی و هم به شیوه کلی‌تر، با بهره‌گیری از مدل‌های جدید پراکنش فضایی یا عمران اراضی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رویکرد تکاملی فرض بر این است که سهم قابل توجهی از سکونتگاهها رابطه مستقیمی با نظامهای کشاورزی محلی دارند. بر این مبنا، این رویکرد با تأکید بر تحلیل ساختارهای زراعی، پراکندگی یا تجمع و در واقع

همگنی؛

دامنه اقدام؛ و
قابلیت انتقال.

تأمین امکانات و دسترسی به خدمات یکی از مسائل کلیدی مردمانی است که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. این اقدام در نواحی روستایی به خاطر ترکیب ۲ عامل جغرافیایی و اقتصادی غالباً مشکل‌تر جلوه می‌کند. در این زمینه، اقدام خوب در چارچوب روندی ساده، می‌تواند به کار گرفته شود. برای نمونه، می‌توان وضعیت خاص نوعی خدمت‌رسانی را در یک روستا در نظر گرفت؛ با بررسی آن خدمت، می‌توان نحوه عمل و سازوکار حاکم بر آن را شناسایی کرد؛ بر اساس این شناخت، می‌توان شیوه‌های مناسب‌تر برای کارکرد آن را جستجو نمود و پس از آن، با اعمال مناسب‌ترین شیوه انتخابی، می‌توان به نوعی اقدام خوب دست زد. این گونه اقدامات در محیطهای روستایی معمولاً با کمترین هزینه، از طریق مشارکت محلی، همفکری و سازماندهی جمعی، بدون دخالت نهادهای رسمی و دولتی، قابل حصول است.

مفهوم اقدام خوب در اواخر دهه ۱۹۸۰م مطرح و با استقبال کارشناسی روبرو شد. در سالهای اخیر، دستیابی و عمل به اقدام خوب در موارد مختلف، آنچنان مورد توجه بوده است که هر ساله جوایزی ترغیبی از سوی سازمانهای جهانی و یا ملی به بهترین این گونه اقدامات داده می‌شود؛ در ایران، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور در این زمینه پیشگام بوده است.

کتاب‌شناسی:

- Adel, M. Abdellatif. "Good Governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development", *Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity*. Seoul: ۲۰-۳۱ May, ۲۰۰۳.
- Camp, R. C. *Benchmarking: The Search for Industry Best Practices That Lead to Superior Performance*. Milwaukee: ASQC Quality Press, ۱۹۸۹.
- Davies, A.J. and Kochhar, A.K. "Manufacturing Best Practice and Performance Studies: A Critique", *Journal of Operations and Production Management*. ۲۲ (۳), Publisher:

الگوی مسکن ← مسکن شهری

امنیت اجتماعی ← تأمین اجتماعی

امنیت شهری

Urban Security

امنیت شهری به معنای فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان است و از ۳ لایه اصلی و متکامل تشکیل شده است که عبارتند از: امنیت فردی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی.

امنیت فردی. حالتی است که به موجب آن فرد در پناه قانون و برخوردار از حقوق شهروندی، از هرگونه تهدید و تعرض و تعدی دیگران، می‌تواند از مجاری قانونی و در محاکم صالحه احقاق حق کند؛

امنیت اجتماعی. آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود فراهم نماید. امنیت اجتماعی را اغلب به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی تقسیم می‌کنند. شهر مدرن، مملو از ناامنی و آسیبهای اجتماعی است. تأمین امنیت شهری، در فضای باز و گسترده، با ابعاد دهها کیلومتر گسترش بی‌قواره و بی‌حد و مرز اگر امری محال نباشد، مشکل به نظر می‌رسد. به همین دلیل، شهرهای بزرگ که ابعاد انسانی را پشت سر گذاشته‌اند، در هیچ‌یک از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قادر به نظارت و کنترل رفتارهای ناپه‌نجان و ایمن‌سازی محیط انسانی برای گروههای مختلف اجتماعی نیستند. از این رو، محیطهای شهری اساساً محیطهای ناامن تلقی می‌شوند.

امنیت ملی. حالتی است که به موجب آن، یک ملت فارغ از

ساختار ظاهری سکونتگاهها را در هر ناحیه بررسی و تبیین می‌کند. تجمع، ویژگی نواحی با قطعه‌بندی اراضی قطعه‌بندی شده یا مختص نواحی کشاورزی جمعی یا کشاورزی اشتراکی، نظیر نظامهای پیشا/فرازی (pre-enclosure systems) بشمار می‌رود. نمونه‌های بارز تجمع در شهرهای زراعی سیسیل مشاهده می‌شود. پراکنندگی سکونتگاهی، ویژگی خاص چشم‌اندازهای اراضی یکپارچه است. افراز و یکپارچگی قطعات (زمین) معمولاً موجد پراکنندگی است. بررسی و سابقه تاریخی الگوهای ریخت‌شناختی درونی سکونتگاههای روستایی مورد توجه ویژه جغرافیدانان آلمانی و تا حدی کمتر، جغرافیدانان فرانسوی بوده است.

امروزه، تحلیل الگوهای سکونتگاهی موجود از طریق مدل‌سازی و روشهای کمی رواج و توسعه یافته است و در مورد نحوه پراکنش سکونتگاههای شهری و روستایی - هر دو - به کار می‌رود. در همین زمینه، توجه به سنجش برخورداری از *انتظام* در الگوهای سکونتگاهی، با استفاده از تحلیل نزدیک‌ترین همسایه رواج یافته است که از این طریق، نحوه توزیع سکونتگاهها، به تفاوت به صورتیهای اتفاقی، منظم و مجتمع تعیین می‌گردد.

تحلیل الگوی سکونتگاهی بر مبنای اصول نظری در نظریه مکان مرکزی (← مکان مرکزی، نظریه) پیشرفت زیادی داشته است. این نظریه نه تنها نحوه استقرار یا فاصله‌بندی سکونتگاهها، بلکه علاوه بر آن، وسعت و اجزاء کارکردی آنها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. قواعد نظریه مکان مرکزی برای بررسی الگوی عینی سکونتگاههای روستایی در بسیاری از مناطق جهان مورد استفاده بوده است.

کتابشناسی:

- Johnston, R.J. and et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. 4th ed, London: Blackwell, 2001.

پاول وایت
(عباس سعیدی)

امنیت شهری

فقدان هم‌ارزی شرایط زندگی، انجام گستاخانه‌ترین بزهکاریها، جرائم، تبهکاریها و نابهنجاریهای اخلاقی، اعتیاد، دزدی، وجود کودکان خیابانی، فحشا و سازمانهای پلیس و اماکن فساد و بروز اختلالات و ناامنیها و بسیاری از آسیبهای اجتماعی دیگر هستند. از طرفی مهم‌ترین منطقه راهبردی و مرکز ثقل هر کشور و حکومتی که امنیت و ناامنی آن نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت دولت دارد، پایتخت یا مرکزیت حکومت است.

برای نمونه، کلانشهر تهران در یک‌صدسال گذشته با عبور از مقاطع مختلف تاریخی، دارای موقعیت چندشخصیتی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شده است. این امر باعث تمرکز جمعیت بسیار زیاد و تمرکز فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی فراوان و توسعه کالبدی گسترده‌ای گردیده است. همین امر باعث شده است، ناهماهنگی میان فعالیتها، جمعیت، فضا و تأسیسات و تجهیزات امنیتی وجود داشته و این مسئله به‌صورت معضل انتظامی و امنیتی برای تهران کنونی مطرح باشد، به‌طوری‌که تهران به‌صورت قطب جرائم و ناامنی شهری در بین همه شهرهای ایران درآمده است. رشد فزاینده و گسترش عمودی و افقی ناگهانی شهر تهران، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، و به‌واسطه مهاجرت‌های اولیه، به‌ویژه بعد از شروع جنگ تحمیلی، مسائل اجتماعی - اقتصادی و کمبود مسکن، موجب گردید تا امکانات محدود پلیس با افزایش و گسترده‌گی بزهکاریها،

تهدید و ترس از دست دادن تمام یا بخشی از سرزمین، جمعیت، رفاه اقتصادی و نیز فارغ از نگرانی از دست دادن نظام حکومتی، هویت ملی، زبان، دین و ارزشهای فرهنگی خود به‌سر می‌برد. احساس امنیت فردی با افزایش امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و امنیت ملی نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت فردی و امنیت اجتماعی دارد.

با این توصیف، امنیت شهری از بحثهای علمی، فنی و کاربردی مهمی است که اکنون به‌صورت یک موضوع میان دانشی و فرادانشی جامع اکنون نگر در چارچوب جامعه‌شناسی شهری، حقوق، جغرافیا، علوم انتظامی و امنیتی بررسی می‌شود و با سرنوشت آحاد شهروندان کل نظام اجتماعی - اقتصادی شهرها، به‌ویژه مسائل امنیت کلانشهر (← کلانشهر) سروکار دارد.

کلانشهرها، از جمله کلانشهر شهر تهران، نه تنها کانون برترین ارزشهای فرهنگ معنوی و مادی کشور و مرکز مهم فعالیت، فرصتهای اجتماعی، انباشت سرمایه و نخبگان بشمار می‌روند و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارند، بلکه گرفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی، از قبیل افزایش و هجوم فزاینده جمعیت، گسترش نابرابریهای دردناک و اسفناک اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای فضایی آن، یعنی جدایی‌گزینی و جدایی‌نشینی فضایی روزافزون مردم شهر، کمبود عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)،



امنیت شهری

وظایف و فعالیتهای مورد نیاز و توزیع آن میان بخشها و افراد و تصریح سطوح ارتباطات پیگیری می‌شود. ساختار عاملی اساسی در جهت کارآمدی سازمانها بشمار می‌آید.

ساختار مدیریت شهری در این دوره به ۳ بخش دولتی؛ نیمه‌دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود:

بخش دولتی، شامل وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان زمین شهری (سازمان ملی زمین)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و نیز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) می‌شود. بین وزارتخانه‌ها و سازمانهای دخیل در مدیریت شهری تهران و در بخش دولتی، وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) سهم بیشتری دارند. وزارت کشور پرسابقه‌ترین و دست‌کم از نظر سیاسی، مؤثرترین وزارتخانه‌ای است که بر امر مدیریت شهری (← مدیریت شهری) نظارت و کنترل دارد. این نظارت و کنترل، نه تنها از جانب خود وزارتخانه اعمال می‌شود، بلکه از جانب استانداریها، فرمانداریها و بخشدارها که در حال حاضر تابع وزارت کشور هستند، صورت می‌پذیرد. اعمال نظارت و کنترل وزارت کشور بر مدیریت شهری به‌صورت سیاسی، عمرانی، اداری و مالی است.

وزارت مسکن و شهرسازی نیز به‌صورت مستقیم با موضوع مدیریت شهری ارتباط دارد. به تعبیری، بخش عمده علت وجودی وزارت مسکن و شهرسازی، مدیریت شهری است. اعمال این مدیریت به ۲ صورت سیاسی و عمرانی است. بقیه سازمانها نیز هرچند کمتر از این ۲ وزارتخانه، در امر مدیریت شهری دخالت دارند.

بخش نیمه‌دولتی، شامل شهرداریهاست. در رأس مدیریت شهری تهران، شهرداری تهران قرار دارد و با چندین معاونت به امر مدیریت شهری می‌پردازد.

به‌طورکلی، می‌توان وظایف شهرداریها را به ۵ گروه تقسیم کرد:

۱. عمرانی؛
۲. نظارتی؛
۳. بهداشتی؛

تهکارها، جرائم، جنایت و ابزارآلات و شیوه‌های نوین مجرمین، فاصله بسیار زیادی پیدا کند.

شهر از دیدگاه جغرافیدانان، برحسب اشغال آگاهانه فضایی از محیط طبیعی مفهوم پیدا می‌کند که به مقتضای فنون متداول زمان، انسانها آن را در اختیار می‌گیرند و برهمین اساس، اولین عاملی که مشخص کننده شهر است، موقع جغرافیایی و دومین عامل، مقر و مکان شهر است که موقعیت شهر می‌تواند آن را تقویت یا تضعیف نماید. برای جغرافیدانان، شهر فضای پویایی، رفت‌وآمد و حرکت انسانهاست و این فضا بایستی خود را با فنون معاصر و وسایل نقلیه امروزی سازگار کند.

رشد کالبدی و مدیریت انتظامی شهر تهران

هم‌اکنون تهران با ۲۲ منطقه مسکونی، حدود ۷۳۰ کیلومترمربع وسعت دارد. آثار ناشی از تحولات جمعیتی شهر تهران را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

گسترش نواحی حاشیه‌ای شهر در شکل پیوسته و ناپیوسته و شکل‌گیری نقاط جدید سکونتگاهی؛

افزایش تراکم جمعیت در مناطق فرسوده و قدیمی شهر؛ و تغییر در ساختار اجتماعی، اقتصادی شهر تهران، مانند رشد بخش جدید نیروی کار، رشد طبقه متوسط، پیدایش فعالیتهای کاذب و واسطه‌ای و گسترش بخشهای خدماتی، به‌ویژه در بخش فعالیتهای اداری و دولتی.

بنابراین شهر تهران در حال حاضر با وضعیت کنونی، از ظرفیت نهایی جمعیت هم گذر کرده است و باید با برنامه‌ریزیهای اصولی و کارآمد و اجرای قوانین مناسب، بتوان رشد جمعیت و مهاجرت و همچنین گسترش کالبدی و آلودگیهای آن را مهار کرد تا بتوان با کمبودهایی که در شهر وجود دارد، از کمترین امکانات امنیتی بیشترین استفاده را ببریم و امنیت را در سطح شهر برقرار کنیم. زیرا امنیت و انسان رابطه مستقیمی با هم دارند و در نتیجه، همه تلاشها برای ایجاد بستری مناسب و عاری از ناامنی برای انسان است که در آن محیط آرام، به سعادت و تکامل خود برسد. ساختار سازمانی، پیکره و قالب فعالیتهای هر سازمان را تشکیل می‌دهد. به‌وسیله ساختار، تحقق هدفها با تعیین

۴. خدمات عمومی؛ و

۵. خدمات اجتماعی.

بخش خصوصی، شامل شوراهای اسلامی است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شوراهای مردمی مورد توجه قرار گرفت و برای تأمین مشارکت مردم در پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی به آن اختصاص یافت که براین اساس در ۱۳۷۵ش قانون تشکیلات، وظایف، انتخابات شوراهای و نحوه انتخاب شهرداران به تصویب مجلس رسید و در ۱۳۷۷ش، اولین دوره انتخابات شوراهای در سراسر کشور برگزار شد. به موجب قانون، اعضای شوراهای توسط مردم انتخاب می‌شوند و سپس این شوراهای، شهرداران را انتخاب می‌کنند (← شورای اسلامی شهر).

لازم به توضیح است که بیش از ۲۰ سازمان در مدیریت شهری دخیل هستند. به این ترتیب، شهرهای بزرگ، به ویژه شهر تهران، نیازمند ایجاد مدیریت واحدی در پیکره خود هستند و در صورت تحقق نیافتن چنین مدیریتی، سازمانهای دخیل در مدیریت شهری، کارایی لازم را در انجام وظایف خود نخواهند داشت.

چنانچه سازمانهای شهری تهران به وسیله مدیریتی واحد هماهنگ نشوند، در نهایت یا رقیب هم خواهند شد و یا به موازات هم عمل خواهند کرد که در این صورت هر سازمان برای خود تصمیم گرفته و آن را اجرا می‌کند و این امر باعث می‌شود که در شهر، شاهد گسترش روزافزون کالبدی و همچنین افزایش رشد جمعیت شهری باشیم. پس از انقلاب اسلامی، سازمان شهربانی با همان سازمان پیشین که قبل از انقلاب وجود داشت، به کار خود ادامه داد و همزمان کمیته‌های محلی نیز جهت ایجاد امنیت و آرامش در محلات تشکیل گردید. بدین ترتیب، کمیته‌های انقلاب اسلامی به صورت نهادی جوشیده از بطن جامعه کار خود را آغاز کرد. سازمان شهربانی جمهوری اسلامی تا زمان ادغام نیروهای انتظامی که در فروردین ماه ۱۳۷۰ش انجام شد ۵ معاونت بدین قرار داشت:

معاونت انتظامی؛

معاونت اداری؛

معاونت لجستیکی؛

معاونت اطلاعاتی؛ و

معاونت طرح آموزش.

در مرداد ماه ۱۳۶۹ش، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در فروردین ماه ۱۳۷۰ش، ساختار و تشکیلات ناجا به تصویب مقام معظم رهبری رسید و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از نظر ادغام نیروی انتظامی سابق که شامل شهربانی، ژاندارمری و کمیته بود، به وجود آمد. از جمله عوارض شهری، ناهنجاریهای اجتماعی، رفتاری و روابط پرتشنج افراد بود که نظم، سلامت، آسایش و امنیت شهر را تهدید می‌کرد. منشأ بسیاری از این ناهنجاریها و بزهکاریها، نه تنها نارساییهای رفاهی و معیشتی و یا ساختارهای نامناسب اجتماعی است، بلکه ضعف هویتی و پایگاهی برخی از شهروندان، خصوصاً مهاجران و تطبیق نیافتن آنان با جامعه است. این امر طبعاً در شهرهای بزرگ بیشتر اتفاق می‌افتد. نیروی انتظامی برای تحقق اهداف خود، یعنی برقراری نظم و امنیت و آسایش عمومی، باید در وهله اول، خود دارای نظم باشد. این بخش از برقراری نظم و امنیت درون سازمانی، یک مقوله مهم و حساس و اهمیت آن آشکار است. از سوی دیگر، در اجرای مأموریتهای محوله، با سازمانها و ارگانهای متعددی باید ارتباط برقرار کند که حساس‌ترین آنها، قوه قضائیه است. تشکیلات نیروی انتظامی تهران به شرح زیر است:

ستاد فرماندهی ناجا؛

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ؛ و

کلانتریها و پاسگاهها.

تا ۱۳۸۱ش در مجموع، در تهران بزرگ ۲۰ اداره کل و ۸۴ کلانتری و پاسگاه مستقر و به ارائه خدمات عمومی و تأمین نظم و امنیت جامعه اشتغال داشتند. شبکه فوریتهای پلیس ۱۱۰ نیز در مهرماه ۱۳۷۹ش راه اندازی شد که هدف از ایجاد آن، سامان دادن به امر دریافت و توزیع مأموریتها و بازخورد آن در جامعه و سطح ناجا بود. این جریان بدان معناست که شبکه پلیس ۱۱۰، کانال ارتباطی میان پلیس و مردم است که این ارتباط و پیوند منطقی برای نخستین بار

امنیت شهری

مهاجرین است، به منظور کنترل مهاجرت به شهرها، به خصوص تهران؛

ارتباط تنگاتنگ بین نیروی انتظامی و آموزشگاههای محلی، مساجد و پایگاههای بسیج؛

اختصاص بودجه سالیانه به کلانتریها در حد مورد نیاز جهت انجام مأموریتهای فوری و یا اتفاقات غیرمترقبه؛

جلوگیری از برخوردهای چندگانه و تجدیدنظر در قوانین؛

پیش بینی مکان مناسب و قابل دسترسی برای مراکز انتظامی، مخصوصاً در شهرها و شهرکهای جدیدالتأسیس؛

ایجاد دوره‌های آموزشی مشترک و تهیه بولتنهای آموزشی و اطلاع‌رسانی توسط نیروی انتظامی و شورای شهر برای رؤسای کلانتریها، شهرداران و مسئولین ذی‌ربط در مدیریت شهری؛

ارتباط تنگاتنگ مسئولین ذی‌ربط در مدیریت شهری با نیروی انتظامی؛

عضویت فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در شورای عالی مسکن و شهرسازی کشور، یا حداقل لحاظ نمودن ملاحظات امنیتی و انتظامی که به تأیید ناجا می‌رسد، در تصویب طرحهای مسکن و شهرسازی؛ و

اخذ نظرات انتظامی و امنیتی از نیروی انتظامی توسط شوراهای شهر در جهت تصویب طرحهای توسعه و سازماندهی مسکن و شهرسازی.

کتاب‌شناسی:

- شکوهی، محمود. *چگونگی پیدایش سازمانهای انتظامی در ایران و وظایف نیروی انتظامی در زمان جنگ*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۷۴.

- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. تهران: دانشگاه علمی صنعتی، ۱۳۷۶.

- صراف، مظفر. «مفهوم، مبانی و چالشهای مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها، شماره ۲، ص ۶۷. تابستان ۱۳۷۹.

- عبادی‌نژاد، سیدعلی. «نقش حاشیه‌نشینی در بروز ناامنی»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*. تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳.

- کارگر، بهمن. *امنیت شهری*. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروی مسلح، ۱۳۸۳.

در کشور، میان شهروندان و پلیس فراهم شد و پلیس را در مقابل نیازمندیهای جامعه پاسخگو کرد.

با راه‌اندازی پلیس ۱۱۰، کارایی نیروی انتظامی بالا رفت و از طرفی، باعث جلب توجه مردم به همکاری با پلیس و بالا رفتن حس اعتماد مردم به نیروی انتظامی گردید. همچنین با راه‌اندازی پلیس ۱۱۰ در سطح جامعه، امنیت افزایش یافت و طبق بررسیها، موجب بالا رفتن احساس امنیت در بین شهروندان شد.

توجه به راهکارهای زیر می‌تواند در رفع موانع ارائه خدمات انتظامی و امنیتی در مدیریت شهری مؤثر باشد:

ایجاد مدیریت واحد (جامع) شهری برای کنترل عملکرد موازی سازمانهای ذی‌ربط در مدیریت شهری؛

همکاری و هماهنگی سازمانهای ذی‌ربط در مدیریت شهری با نیروی انتظامی، برای در جریان قراردادن از وضع شهرک‌سازیها، ساخت آپارتمانها و برجها در محدوده تحت پوشش کلانتریها؛

استفاده از تجارب مثبت کشورهای پیشرفته در این زمینه، که می‌تواند راهگشای بعضی از مشکلات باشد؛

عمده‌ترین و مهم‌ترین مشکل در کلانتریهای سطح شهر تهران کمبود محسوس نیروی انسانی است که باید این مشکل و کمبودها را هرچه سریع‌تر جبران کرد و به استاندارد جهانی (۴-۵ نفر پلیس برای ۱۰۰۰ نفر) رساند؛

آموزش و تربیت نیروی انسانی متدین و متخصص از دیگر ملزومات کلانتریها است؛

تجهیزکردن کلانتریها به وسایل مدرن روز؛
انطباق جغرافیایی مابین خطوط مناطق و نواحی شهرداری با کلانتریها؛

تشکیل پلیس ویژه یا ضربت در کلانتریها در جهت برخورد سریع با باندهای بزرگ فساد و بزهکاری؛

ایجاد پلیس محله از طریق مشارکت مردم با نیروی انتظامی (کلانتری)؛

پوشش مناسب و هماهنگی راهنمایی و رانندگی با کلانتری که می‌تواند در حفظ و امنیت انجام مأموریت کلانتریها نقش بسزایی داشته باشد؛

توجه برنامه‌ریزان به مناطق عقب‌مانده کشور که مبدأ

انقلاب سبز

شد. ملاحظات سیاسی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم که بیشتر مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و اغلب به کشاورزی اشتغال داشتند و در فقر به سر می‌بردند، مسائل اقتصادی و اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار داد. دولتهای جهان سوم، با توجه به اوضاع سیاسی خود، راهبردهای مختلفی را در پیش گرفتند. برخی از کشورها دست به اصلاحات ارضی در مقیاس وسیع زدند و دگرگونیهای عمیق اجتماعی و سیاسی را از سر گذراندند، در مقابل، برخی دیگر در شیوه‌های کشت و تولید زراعی تحول فنی به‌وجود آوردند که به *انقلاب سبز* موسوم گردید.

مفهوم انقلاب سبز

انقلاب سبز نمایانگر تلاشی است برای جایگزین کردن دگرگونی فنی با تغییر نهادی، یا استفاده از پیشرفت علمی به‌عنوان جایگزینی برای ترقی اجتماعی. در این راستا، کشورهای جهان سوم تشویق شدند، به‌جای دست زدن به اصلاحات ارضی، تلاش خود را متوجه وارد کردن و ترویج انواع پربازده محصولات غذایی، به‌ویژه گندم و برنج کنند. فیتز جرالده و پارانی انقلاب سبز را یک واکنش فناورانه در برابر کمبود مواد غذایی در سطح جهانی پس از جنگ جهانی دوم، ارزیابی می‌کنند؛ انقلابی که کشاورزی بسیاری از مناطق را به‌خصوص در تولید گندم، برنج و ذرت، دگرگون کرده است.

فرهنگ واژگان جغرافیایی، انقلاب سبز را به کارگیری انواع پربازده محصول با استفاده از دانش و فناوری کشاورزی تعریف کرده است. سایر دانشنامه‌ها و فرهنگهای تخصصی، از جمله فرهنگ علوم تغذیه و کشاورزی ذیل مدخل انقلاب سبز، آن را تحول در تولید کشاورزی از طریق به کارگیری فنون و دانش فنی در زمینه اصلاح نباتات، استفاده از سموم و اقتصادی کردن تولید تعریف می‌کنند.

اصطلاح *انقلاب سبز* به ۲ مفهوم متفاوت به کار می‌رود: بعضی از کارشناسان آن را به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه می‌دانند، که سبب کاهش کمبود مواد غذایی و رفع مشکلات کشاورزی و

- *وظایف شوراهای*. تهران: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵.
- مزینی، منوچهر. *بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸.
- مزینی، منوچهر. *مدیریت شهری و روستایی در ایران (مشکلات و امکانات آن)*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۴.

بهمن کارگر

انجمن ده ← مراجع محلی (روستایی)

انتظام فضایی ← ساماندهی فضایی

انقلاب سبز

Green Revolution

تحول مهمی در فناوری و بهره‌وری کشاورزی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م که به افزایش بی‌سابقه محصولات کشاورزی و بازده محصول در واحد سطح انجامید.

انقلاب صنعتی، رشد جمعیت، شهرنشینی، صنعتی شدن، جنگها و انقلابها، پیامدهای عمده‌ای در بخشهای مختلف اقتصادی، نخست در جهان پیشرفته و پس از آن در جهان سوم، به بار آورد. برخی از تحلیل‌گران، وقوع قحطی و گرسنگی فراگیر را در قسمتهای وسیعی از کشورهای توسعه‌نیافته، به‌ویژه در آسیا، پیش‌بینی کردند. از این رو، پیوسته نگرانیهایی درباره اینکه ذخیره مواد غذایی تکافوی جمعیت جهان را نخواهد کرد، وجود داشته است. این‌گونه نگرانیها طی جنگ جهانی دوم و پس از آن، در دهه ۱۹۵۰م و حتی بار دیگر در اوایل تا اواسط دهه ۱۹۷۰م، به اوج خود رسید و مسئله کاهش احتمال وقوع گرسنگی و قحطی با پاره‌ای ملاحظات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمیخته

انقلاب سبز

نگرش اصلاح طلبانه و انسان دوستانه؛ و نگرش راهبردی.

محرك اصلی انقلاب سبز از نگاه انسان دوستانه و اصلاح طلبانه از آنجا ناشی می شود که تحولات صنعتی به پیامدهایی منجر گردید که رشد جمعیت و به دنبال آن، بروز قحطی و خشکسالی، به خصوص در افریقا، آسیا و امریکای جنوبی شد و این امر اندیشمندان را برای حل این قبیل مشکلات به فکر واداشت. قحطی و گرسنگی مسائلی بود که دانشمندان آنها را برای دهه های پس از جنگ جهانی دوم پیش بینی می کردند و به همین دلیل، برخی از محققان علوم کشاورزی به جستجوی راهکارهایی برای بالا بردن بهره وری در واحد زمین پرداختند.

علاوه بر آن، سیاستمداران کشورهای سرمایه داری و حامی بازار آزاد نیز که از گسترش جنبشهای دهقانی و انقلابات کارگری در شهرها هراس داشتند، در پاسخ به جنبشهای اجتماعی، راهبردهای مختلفی را برای این کشورها پیشنهاد کردند که اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و انقلاب سبز نمونه هایی از آن است.

انقلاب سبز بیشتر یک حرکت و شعار سیاسی بود و منظور از آن، اصلاح تولیدات و پیشرفت کشاورزی، بدون ایجاد تغییرات بنیادی بود؛ یعنی در کشورهایی که راهبرد انقلاب سبز را برگزیدند، دگرگونیهای فنی، جانشین دگرگونی سیاسی شد.

به لحاظ زمانی، آغاز انقلاب سبز به دوره ای باز می گردد که بنیاد راکفلر برنامه ای را به اتفاق دولت مکزیک برای تحقیقات کشاورزی و توسعه در ۱۹۴۳م به اجرا گذاشت. به این ترتیب، در دهه ۱۹۵۰م بذره های اصلاح شده گندم در مکزیک، در مدت کوتاهی اکثر گندمزارهای این کشور را زیر پوشش قرار داد و به لحاظ رشد تولید گندم موفقیت هایی به دست آمد.

موفقیت برنامه توسعه گندم در مکزیک و انتظار پیش آمدن یک بحران در تولید مواد غذایی در آسیا، سبب مذاکراتی بین بنیاد فورد و بنیاد راکفلر در مورد امکان همکاری آنها در اجرای برنامه ای در آسیا گردید. در ۱۹۵۹م بین این بنیاد و دولت فیلیپین برای تأسیس مؤسسه

سوء تغذیه خواهد شد. در مقابل، برخی دیگر این اصطلاح را به معنی بهبود نباتات خاص، به ویژه گسترش انواع بذره های اصلاح شده گندم و برنج و تولید وسیع به کار می برند.

به عقیده شفره، تعریف متداول تر انقلاب سبز بر ترکیب بهینه به کارگیری ارقام پربازده، کودهای شیمیایی، کنترل رطوبت خاک، استفاده از فناوری که بازدهی محصول را در قیاس با شیوه های سنتی در یک دوره زمانی کوتاه، به چندین برابر در هر هکتار می رساند، تأکید دارد.

مصلحان اجتماعی بر جنبه های انسان گرایانه انقلاب سبز تأکید می کنند و آن را ابزار مهمی در کاهش فقر و گرسنگی در جهان می دانند. سیاستمداران و کارگزاران نیز انقلاب سبز را به مثابه راهبردی اساسی برای ایجاد اصلاحات و دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی بشمار می آورند، به طوری که انقلاب سبز با ایجاد تغییرات روساختی و سطحی، مانع از ایجاد و لزوم اصلاحات ارضی در سطح وسیع و یا انقلاب دهقانی می شود. البته این نقطه نظر از چشم اندازی مبتنی بر سرمایه داری و اقتصاد بازار نشأت می گیرد؛ اساس این رویکرد آن است که در اثر صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی نیاز به محصولات غذایی به سرعت رشد می کند؛ کمبود غذا در بازار منجر به بی ثباتی و بحران اجتماعی می شود؛ بحران اجتماعی نهایتاً به کمونیسم و سوسیالیسم منجر می شود؛ بنابراین، انقلاب سبز به عنوان راهبرد توسعه ضد کمونیستی مطرح می شود.

تعریف مشابهی را می توان در دانشنامه علوم کشاورزی و تغذیه یافت. انقلاب سبز با افزایش قابل توجه تولید غلات در مکزیک، هند، پاکستان، فیلیپین و دیگر کشورهای در حال توسعه در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م همراه بوده است که با تولید ارقام هیبریدی گندم، برنج و ذرت و به کارگیری فناوریهای مدرن کشاورزی مثل آبیاری مدرن، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات شروع شد.

سابقه تاریخی انقلاب سبز

در شکل گیری و گسترش انقلاب سبز بیشتر ۲ نگرش اصلی مطرح است:

انقلاب سبز

رسید. بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۹۳م، تولید محصول ۲ برابر شد. درعین حال، تولید ارقام اصلاح شده و سطح زیر کشت این نوع بذرها، از اواسط ۱۹۸۰م تقریباً در مزارع گندم ۵۰٪ و در مزارع برنج ۶۰٪ را در نواحی زیر کشت کشورهای درحال توسعه به خود اختصاص داد.

به عقیده لیبتون، انقلاب سبز موجب گردید تا با بهره‌گیری از بذرهای اصلاح شده معجزه‌گر، فشار ناشی از قحطی و گرسنگی در جهان سوم کاهش یابد و رشد تولید مواد غذایی حداقل ۲ الی ۳ برابر از رشد جمعیت پیشی گیرد.

به اعتقاد محققان، انقلاب سبز در نوسازی و توسعه کشاورزی از چند جنبه نقش مهم و حیاتی داشته است؛ این جنبه‌ها از جمله عبارتند از:

با افزایش تولید، فشار گرسنگی و قحطی تا حدودی مهار شد؛

فناوری در مقیاسی وسیع با تولید کشاورزی ترکیب شد. به سخن دیگر، توانایی ایجاد زمینه‌های لازم برای به کارگیری فناوریهای جدید را در کاشت، داشت و برداشت فراهم نمود که این مسئله نیز باعث صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح زیر کشت گردید؛

گسترش به کارگیری کودهای شیمیایی و تقویت خاک، امکان کشت چند محصول در سال و عدم نیاز به آیش‌بندی را فراهم نمود و موجب بالا رفتن مقدار تولید در واحد سطح گردید؛

با وجود استفاده از فناوریهای نوین کشاورزی و کودهای شیمیایی، نظامهای آبیاری نیز متحول شد. فنون پیشرفته آبیاری با کشاورزی در مقیاس بزرگ ترکیب شد و مزایای متنوعی را برای تولید به وجود آورد؛ و

مؤسسات تحقیقی مروج انقلاب سبز توانستند با تولید سموم دفع آفات گیاهی، با برخی از امراض و آفات که در مواردی کل محصول کشاورزان را از بین می‌برد، مبارزه کنند و از این راه، در بالا بردن تولید محصول نقش مهمی ایفا کنند.

بین‌المللی تحقیقات برنج (IRRI) در فیلیپین توافق شد. در ۱۹۶۳م نیز اداره کارکنان برنامه بنیاد راکفلر در مکزیک تجدید سازمان یافت و با کمک بنیاد فورد، مرکز بین‌المللی اصلاح ذرت و گندم (CIMMYT) تأسیس شد تا با تحقیقات مشترک بین‌المللی، به رشد تولید این محصولات کمک کند. این مؤسسه مجموعه کاملی از گونه‌های اصلاح شده برنج که نوع معروف IRB و نوع اصلاح شده‌تر که IR۲۴ را شامل می‌شد، پرورش داد. در نتیجه، فیلیپین که یک کشور وارد کننده برنج بود، در ۱۹۷۰م برنج مازاد بر مصرف خود را صادر کرد.

در طول دهه ۱۹۶۰م، بنیادهای فورد و راکفلر با همکاری یکدیگر موسسه بین‌المللی کشاورزی استوایی (IITA) را در نیجریه و مرکز بین‌المللی برای کشاورزی مناطق استوایی (CIAT) را در کلمبیا تأسیس کردند. در طول نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م و دهه ۱۹۷۰م، ارقام اصلاح شده محصولات هم‌چون: گندم، برنج، ذرت، سیب‌زمینی، لوبیا، انواع سبزی و تولیدات دامی در کشورهای مختلف، از جمله هند، پاکستان، اندونزی، سیرلانکا، و کشورهای وابسته به بلوک شرق در امریکای لاتین به کمک مراکز تحقیقاتی و بهره‌گیری از فنون جدید، تولید محصولات کشاورزی را چنان بالا برد که این حرکت به انقلاب سبز شهرت یافت. اصطلاح انقلاب سبز را اولین بار ویلیام گود، مدیر وقت بنگاه توسعه بین‌المللی امریکا، در ۱۹۶۸م، طی سخنرانی در مجمع توسعه بین‌المللی در واشنگتن به کار برد.

انقلاب سبز و توسعه کشاورزی (نوسازی کشاورزی)

با استفاده از بذرهای اصلاح شده و کودهای شیمیایی، تولید محصول در هر سال ۲ الی ۳ برابر افزایش یافت. در کشورهای درحال توسعه بین سالهای ۱۹۶۵-۱۹۸۰م، تولید گندم و برنج حدود ۷۵٪ افزایش داشت؛ در اندونزی تولید برنج در ۱۹۶۰م، ۱/۳ تن در هر هکتار بود که با وجود انقلاب سبز این میزان تا ۱۹۹۴م به ۴/۳ تن در هر هکتار

انقلاب سبز

مرکزی به اجرا درآمده است. در هندوستان، انقلاب سبز تا حدی نسبت به سایر کشورها از گسترش بیشتری برخوردار بوده است، اما عمدتاً در منطقه پنجاب (هند) و سایر نواحی گندم خیز شمالی تمرکز یافته است. این مناطق دقیقاً از نواحی ثروتمند کشور محسوب می‌شوند و قبل از رواج فناوریهای جدید، سرمایه‌داری ارضی در آنها کاملاً پیشرفت کرده بود.

نتیجه آنکه انقلاب سبز موجب افزایش مواد غذایی و پائین آمدن قیمت محصولات شده و در نتیجه، جمعیت شهری نیز روبه افزایش نهاده است. بنابراین، از آنجا که بخش صنعت توان جذب نیروی کار مهاجر روستایی و جمعیت رو به گسترش شهری را نداشته، که این مسئله نیز به نوبه خود موجب ایجاد تنش و تضاد در جامعه شهری شده است.

از سوی دیگر، انقلاب سبز فرایند جهانی شدن در عرصه کشاورزی را شدت بخشیده است، به نحوی که باعث شکل‌گیری نهادهای تحقیقاتی و بنیادهای تجاری چندملیتی گردیده که اغلب در کشورهای پیشرفته، از جمله امریکا، تمرکز یافته‌اند. محصولات تولیدی این بنیادها، اعم از کودهای شیمیایی، انواع بذرهای اصلاح شده و انواع سموم، در بازار کشورهای جهان سوم نیز عرضه می‌شوند و این مسئله نابرابری را در عرصه ارتباط بین کشورها افزایش داده است.

پیامدهای بوم‌شناختی (اکولوژیک). با شکل‌گیری و گسترش انقلاب در کشورهای مختلف جهان طی ۲ دهه، پیامدهای وسیع اکولوژیک این انقلاب آشکار گردید، به نحوی که خاک، آب، سموم و کودهای شیمیایی، تنوع زیستی و تنوع ژنتیکی هریک به نوعی تأثیرات شگرفی یافته‌اند.

خاک. انقلاب سبز، همچون راهبردهای دیگر تجاری کردن کشاورزی، باروری طبیعی خاک را کاهش می‌دهد. به طوری که کشت چند محصول در یک سال، بدون هرگونه آیش‌بندی و با توجه به رشد سریع ارقام اصلاح شده، موجب از بین رفتن مواد آلی و بارور کننده خاک می‌شود. از سوی دیگر، استفاده بیش از اندازه از کودهای شیمیایی و

پیامدهای انقلاب سبز

پیامدهای اقتصادی - اجتماعی. سوزان جرج در کتاب *چگونه نیمی دیگر می‌میرند* (۱۹۷۷م)، معتقد است، منافع امریکا انقلاب سبز را به‌عنوان راهبردی جایگزین برای اصلاحات ارضی مطرح نمود. اگرچه ارزیابی دقیق ابعاد سیاسی دخیل در انقلاب سبز دشوار به نظر می‌رسید، اما در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن و به‌خصوص با گذشت سالها، تغییرات بوم‌شناختی ناشی از آن، بارزتر و نمایان‌تر بود.

انقلاب سبز ساختار روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دهقانان روستایی را دگرگون ساخت و تنش اجتماعی را بین آنان افزایش داد. روستائیان را در ارتباط مستقیم با بانکها، نمایندگیهای توزیع کود، سازمانهای توزیع برق و آب، شبکه‌های بازاریابی و منابع کمیاب لازم برای تولید کشاورزی قرار داد. مجموع این مسائل تنش و رقابت اجتماعی بین دهقانان را افزایش داد.

از آنجا که فناوری انقلاب سبز به‌نحوی بارز در انحصار زارعان بزرگ تجاری قرار می‌گیرد، به تنش و اختلاف طبقاتی منجر می‌گردد. سود سرشار ناشی از کاربرد انحصاری انواع فناوریهای پیشرفته توسط کشاورزان بزرگ، آنها را با یک کاسه کردن مزارع کوچک از طریق خرید یا خلع از اجاره‌داری، به سمت افزایش داراییهای عملیاتی سوق می‌دهد. در نتیجه، تقسیم جوامع روستایی به ۲ طبقه متضاد، یعنی کشاورزان بزرگ تجاری و زارعان بی‌زمین، تسریع می‌شود. به دنبال آن، زارعان خرد در این فرایند به شهرها مهاجرت می‌کنند و روند مهاجرت از روستا به شهر شدت می‌گیرد (← مهاجرت روستایی - شهری).

علاوه بر این، تأثیر انقلاب سبز در نواحی خاصی از کشورها، یعنی نواحی که از تسهیلات بیشتری برخوردارند یا از موقعیتهای سیاسی و جغرافیایی خاصی بهره‌مندند، نمایان‌تر است. در پاکستان، انقلاب سبز در زمینه کشت گندم و برنج بیشتر در منطقه ثروتمند پنجاب و برخی از مناطق کشت فشرده رخ داده است و در بلوچستان (پاکستان) تقریباً هیچ‌گونه دگرگونی به‌وجود نیامده است. در فیلیپین، برنامه خودکفایی برنج و ذرت در منطقه لوزان

انقلاب سبز

رفتن ماهیها و سایر انواع آبزیان منجر گردیده است. کودهای شیمیایی و سموم. استفاده از کودهای شیمیایی و سموم نیز عاری از عوارض جانبی نبوده است. همانگونه که درباره تأثیر کودها بر باروری خاک گفته شد، استفاده‌های نادرست و بدون توجه به هشدارهای بهداشتی و سلامتی از سوی کشاورزان، باعث به خطر افتادن سلامتی جسمی روستائیان در برخی از موارد شده است. علاوه بر این، استفاده از سموم آفات نباتی، بدون توجه به پیامدهای آن، موجب از بین رفتن تعادل اکوسیستم مناطق شده است، چرا که این سموم در بسیاری از موارد، آفات و غیرآفات گیاهان و حشرات مضر و غیرمضر یا مفید را یکجا از بین برده و تعادل زیست محیطی را برهم زده است، به نحوی که علاوه بر این موارد، مواد غذایی انسانها نیز در معرض پرسش قرار گرفته است.

تنوع ژنتیک و زیست. انقلاب سبز تنوع زیستی و ژنتیک را نیز تحت تأثیر قرار داده است. سازمان خواربار و کشاورزی (FAO) اعلام کرده است که انقلاب سبز باعث از بین رفتن تنوع ژنتیک گیاهان و تخریب تنوع زیستی در مقیاس وسیع شده است. رشد کشاورزی تجاری و تولید بذرهای اصلاح شده عامل اصلی نابودی تنوع ژنتیک است. انواع پرحاصل غلات حساسیت بیشتری به آفات، بیماری و نوسانات آب و هوا دارند تا انواع سنتی. با وجود تلاشهای فراینده کارشناسان برای افزایش استقامت گیاهان در مقابل آفات، بیماری و خشکی، ویژگیهای ژنتیک گیاهان حدود ۲ دهه دوام آورده و پس از آن، در مقابل عوامل تهدید کننده بسیار شکننده و ضعیف بوده است.

انقلاب سبز، پایداری و راهبردهای جدید

با توجه به گذشت چند دهه از انقلاب سبز پیامدهای آن راهبردهای جدید برای جبران و کاهش تأثیرات منفی انقلاب سبز مطرح شده است. البته، نیاز به تغییر و اصلاح اغلب از سوی سازمانها و نهادهای بزرگ دولتی و غیردولتی مطرح شده است؛ سازمانهایی همچون بانک جهانی، سازمان خواربار و کشاورزی (FAO)، سازمان همکاریهای اقتصادی در توسعه (OECD) و مؤسسه تحقیقات بین‌المللی سیاست

حتی استفاده معقول آنها نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای باروری طبیعی خاک از طریق آیش‌بندی یا سایر روشهای سنتی باشد.

تحقیقات نشان داده است که انقلاب سبز در افزایش میزان شوری خاک تأثیر به‌سزایی داشته است. از این رو، به مرور زمان، باروری و حاصلخیزی خاک را از بین برده است. پوستل تخمین زده است که ۲۰ میلیون هکتار از اراضی هند حاصلخیزی و ۷ میلیون هکتار قابلیت کشت را از دست داده و رها شده‌اند. استفاده بیش از حد از علف‌کشها و سموم آفات نباتی نیز مقدار مقاومت خاک را در برابر امراض و بیماریها کاهش داده است. از سوی دیگر، از بین رفتن فرایند طبیعی ارگانیستی خاک موجب رشد امراض و آلودگی خاک شده است.

آب. انقلاب سبز از ۲ جنبه منابع آبی را مورد تهدید و آسیب جدی قرار داده است: از یک طرف، موجب کمبود آب و از طرفی دیگر، به آلودگی شدید آبهای سطحی و زیرزمینی منجر شده است. انقلاب سبز با به کارگیری فناوریهای پیشرفته و ایجاد و احداث کانالها، چاههای عمیق و مانند آن، موجب استفاده بیش از حد از منابع آبی شده که این مسئله به بحران و کمبود آب دامن زده است؛ هرچند در اغلب موارد، موجب مهار آب و افزایش ذخیره‌های آبی و جلوگیری از هدر رفت آن شده است، ولی در مواردی نیز در اثر نظامهای نامعقول آبیاری و استحصال بیش از حد آب، به بحران و کمبود آب منتهی شده است. در ایالت پنجاب هند، پمپاژ آب از طریق موتور پمپهای چاههای عمیق در ۱۲ منطقه، آبهای زیرزمینی را بیش از ۶ بار فراتر از حد متعادل استحصال نموده‌اند. این در حالی است که در ۳ ناحیه از این مناطق برداشت سالانه ۳ برابر بیشتر از حد قابل جایگزین در سال بوده است. در ایالت تامیل نادو نیز سطح آب ۲۵ الی ۳۰ متر از حد متعادل آن پائین‌تر رفته است. به علاوه، جایگزینی پمپهای سانتریفیوژ به جای پمپهای قبلی امروزه مزید بر علت گشته است.

از سوی دیگر، استفاده از سموم و کودهای شیمیایی در کشاورزی موجب آلودگی شدید آب و تهدید حیات انواع آبزیان شده است، به نحوی که در بسیاری از موارد، به از بین

انقلاب سبز

یافته است و از دولتها در توسعه کشاورزی و مسئولیت در شتاب بخشیدن به روند توسعه، انتظار بیشتری می‌رود. در واقع دولتها بایستی زیرساختهای ارتباطی، به خصوص توسعه فناوریهای نوین حمل و نقل و آموزش را فراهم سازند.

در راهبردهای جدید همچین روشهای سنتی و بومی برای حفظ و گسترش پایداری احیاء و به کار گرفته می‌شود. به تنوع ژنتیک و زیستی گیاهان توجه می‌شود و از روشهای کشت مخرب پرهیز می‌شود، تا نهایتاً پایداری و حفاظت از تداوم توسعه کشاورزی برای نسلهای آتی فراهم آید.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- گریفین، کیت. *راهبردهای توسعه اقتصادی*، ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
- گلدتورپ، جی.ای. *جامعه‌شناسی کشورهای جهان سوم*، ترجمه جواد طهوریان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- میر، جerald. *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد، جلد دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- هیامی، بوجیرو و روتان، ورنن. *توسعه کشاورزی یک دیدگاه بین‌المللی*. تهران: انتشارات وزارت کشاورزی سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۸.
- Brown, L.R. *Seeds of Change: The Green Revolution and Development in the 1970s*. New York and London: Praeger, 1970.
- Brown, Lester. R. "The Changing World Food Prospect: The Nineties and Beyond", *World Watch Paper 185* World watch Institute, 1988.
- Fitzgerald, P. and Parai B.J. *The Green Revolution*. Uotlawa University press, 1996.
- George, Susan. *How the Other half Dies: The Real Reasons for World Hunger*. Montclair NY: Allanheld Osmun, 1977.
- Harry, M. Cleaner. "The Contradictions of the Green Revolution", *American Economic Review*, May 1972.
- Hich, E.D.; Kett, Josephf & Trefil, James (eds). *The New Dictionary of Cultural Literacy*. 3rd ed. Houghton Mifflin, 2002.

غذایی با توجه به پیامدهای انقلاب سبز تغییر پارادایم در توسعه و نوسازی کشاورزی را مطرح کرده‌اند. این سازمانها در سالهای اخیر به قاره آفریقا توجه بیشتری نشان داده و توجه خود را معطوف به خدمت‌رسانی و اعطای اعتبار به کشورهای این قاره نموده‌اند. فائو و برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) تحقیق و توسعه را در عرصه نوسازی کشاورزی در قالب توسعه پایدار کشاورزی شروع کرده‌اند. در همین زمینه، دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) شامل مواردی است که اساس توسعه پایدار روستایی و کشاورزی از جمله به شرح زیر بیان می‌دارد:

بسط چارچوب سیاست ملی واحدی که تعدیل ساختاری، یارانه‌ها، مالیاتها، حقوق، فناوری، تجارت خارجی، فرایندهای جمعیت‌شناختی و عوامل دیگری را که کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، دربر داشته باشد؛ ظرفیت‌سازی نهادی و انسانی و گسترش اقتدار سیاستگذاری و مسئولیت‌پذیری روستائیان در کنار فراهم ساختن مهارتهای مدیریت منابع؛

توسعه فنون کشاورزی و زراعت پایدار، نظیر مدیریت یکپارچه محلی، کودرسانی سبز و گردش کشت محصول؛ بهبود زیرساختهای اعتباررسانی، خدمت‌رسانی روستایی، کمک به صنایع خانگی و دیگر صنایع و فرصتهای معیشت غیرزراعی؛

حفاظت و کاربری زمین، آب، حیوانات و منابع ژنتیک گیاهی؛ و انطباق سیاستگذارها به منظور افزایش تولید انرژیهای تجدید شونده.

در راهبردهای جدید نه تنها به بذره‌های اصلاح شده (گندم، برنج، ذرت) و کودهای شیمیایی، بلکه به پرورش بذرهایی که نسبت به آفات و بیماریها مقاومت ژنتیک دارند و در برابر خشکسالی مقاوم‌تر هستند، توجه بیشتری شده است. به‌ویژه در آفریقا روی بذرهایی کار می‌شود که در خاکهای فقیر و در نواحی کم باران یا با بارندگی نامعین، حاصلدهی خوبی داشته باشند. فراسوی پرورش گیاهان، بر آبیاری به‌عنوان نهاد هادی و مصرف کود شیمیایی تأکید شده است. روشهای متکی به ارباب یا دهقانان بزرگ را کنار نهاده و فنون متکی به دهقانان خرد و کوچک رواج

انقلاب (های) شهری

انقلاب شهری مفهومی است که حداقل به دو شکل به کار رفته است. اولین کاربرد این مفهوم که متداول‌ترین کاربرد آن نیز به حساب می‌آید، ظاهراً برای نخستین بار توسط گوردون چایلد مورخ و باستان‌شناس پرآوازه استرالیایی مورد استفاده قرار گرفته است. در این معنا، انقلابهای شهری گویای گذار اجتماعات اولیه انسانی از مرحله کوچ‌روی به یکجانشینی و سپس شکل گرفتن شهرها و زندگی شهری است. کشف کشاورزی که به باور بسیاری دستاورد عظیم زنان بشمار می‌رود، یکجانشینی را ممکن ساخته و امکان پیچیده‌شدن اجتماعات شهری را فراهم آورده است. همراه با یکجانشینی، تقسیم کار اجتماعی به تدریج گسترده‌تر شد و تمایز گروههای اجتماعی از یکدیگر عینیت بیشتری یافت و این روند زمینه‌ساز پیدایش نهادهای متنوع از جمله حکومت گردید. کشاورزی که موجب مازاد تولید شد، به مبادله شکلی نوین و گسترده بخشید و ظهور شهرها را ممکن ساخت.

تحولاتی که متعاقب کشف کشاورزی در ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد رخ داد و با ظهور شهرها به شکل‌گیری دورانی نوین در سالنامه حیات انسانی منجر گردید، آنچنان گسترده، عمیق و متنوع بود که کاربرد مفاهیمی از جمله مفهوم انقلاب را مجاز و توجیه می‌کرد. گوردون چایلد در کتاب خود به نام *در تاریخ چه رخ داد؟* به ملاکهای اشاره کرده است که شهرها را از سایر سکونتگاههای نوع انسان متمایز می‌سازند. مرور چنین ملاکهایی گویای تحولی همه‌جانبه، یعنی پایان دوره‌ای و آغاز دوره‌ای دیگر است که با زندگی پر شروشور شهری نشان داده می‌شود. این کتاب انقلاب شهری را عمده انقلابی اقتصادی معرفی کرده و ملاکهای تمایز شهر از سایر سکونتگاههای انسانی را چنین برشمرده است:

وجود متخصصان تمام وقت؛

جمعیتی بیش از نقاطی که در هر جامعه غیرشهری یا روستایی فرض می‌شود؛

تبدیل شدن هنر به حرفه یا شغل؛

حرفه‌ای شدن و نهادینه شدن سواد (خواندن و نوشتن و محاسبه کردن)؛

- Lipton, Michael and Longhurst, Richard. *Modern Varieties International Agricultural Research and the Poor*. Washington, D.C.: World Bank.
- Mosher, A.T. *Getting Agriculture Moving: Essentials for Development and Modernization*. The Agricultural Development Council, ۱۹۶۶.
- Pearly, A. "Technology and Peasant Production: Reflections on a Global Study", *Development and Change*. Vol. ۸, No. ۲, ۱۹۷۷.
- Postel, Sundra. *Refusing the Tonic Threat: Controlling Pesticides and Industrial Waste, World Watch Paper ۷۹*. World Watch Institute, ۱۹۸۷.
- Shepherd, Andres. *Sustainable Rural Development*. London: MacMillan Press LTD., ۱۹۹۸.
- Shiva, Vandana. *The Violence of the Green Revolution: Third World Agriculture, Ecology and Politics*. London: Zed Book Ltd., ۱۹۹۱.
- Singh, Surendar. "Some Aspects of Groundwater Balance in Punjab", *Economic and Political Weekly*. December ۲۸, ۱۹۹۱.
- Weaver, Woys William (ed). *Encyclopedia of Food and Culture*. MacMillan Library Reference, ۲۰۰۱.

مصطفی از کیا

انقلاب (های) شهری

Urban Revolutions



نشانی اروپایی، آن هم اروپای غربی پس از انقلاب صنعتی را بر خود دارد. حدود سه چهارم سده ۱۹م، دوران انقلابها و آشوبهای شهری در اروپای غربی است. فرانسه در این رابطه سرآمد سایر کشورهاست. مرور رخدادهای سالهای ۱۸۳۰-۱۸۷۰م مملو از حوادثی است که به شورشها، قیامها و انقلابهای شهری آن دوره زمانی اختصاص دارد. دو سوی رودخانه سن پاریس صحنه اصلی چنین برخوردهایی بوده است. گرچه انقلاب از نظر شدت و فراوانی، پدیده‌ای بیشتر شهری است، اما کاربرد دوم این واژه از نظر علمی جای بحث فراوان دارد و کمتر پیشنهاد می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- Mumford, Lewis. *The City in History*. New York: Harcourt Brace, ۱۹۶۱.

پرویز پیران

ایمنی آمدوشد

Traffic Calming

ایمنی آمدوشد، به‌عنوان ابزاری برای کاستن از سرعت و جلوگیری با رفتارهای مخاطره‌آمیز رانندگی در محله‌ها، به موضوع گفتگوی شهروندان تبدیل شده است. گرچه این اصطلاح برگرفته از واژه آلمانی *Verkehrsberuhigung*، به معنی آرام و هموار کردن، آمدوشد است. تمهیدات آرام کردن در دوره رومی، در خیابانهای پمپی وجود داشت. این اصطلاح در دهه ۱۹۷۰م، با تحقیقاتی که برای طرح ایمنی آمدوشد در مناطق مسکونی راین شمالی، (وستفالی آلمان) به انجام رسید، مطرح شد. موفقیت این طرح در کاهش تصادفها ارزش این کار را آشکار کرد. بعد از چند سال، محققان نیز تفسیر خاص خود را از آرام کردن عبور و مرور به‌دست دادند که شامل مجموعه اقداماتی در زمینه کاهش سرعت و تأکید بر این قضیه بود که دیگر اولویت با وسایل نقلیه موتوری نیست. در برخی محله‌ها، سرعت وسایل نقلیه به حد پیاده‌روی کاهش داده شد. این طرح نوعی

گرایش به علم و پیدایش علمی که براساس آنها محاسبه ممکن می‌شود؛

سازمان جمع‌آوری مازاد و کسرکردن مالیات برای حکومت و هدیه یا نذر برای نهاد مذهب؛

شکل‌گیری حکومت؛

به راه افتادن مبادله گسترده با خارج؛

وجود ساختمانهای یادبود؛ و

شکل‌گیری تقسیم کار گسترده، تمایز اجتماعی و در مواردی پیدایش ساختار طبقاتی.

لوئیس مامفورد نیز در کتاب دوران‌ساز شهر در تاریخ به مفهوم انقلاب شهری اشاره می‌کند و کاربرد آن را نیز به گوردون چایلد نسبت می‌دهد، اما چنین کاربردی را مسئله‌زا می‌داند. به نظر مامفورد:

«این نام‌گذاری در مورد نقش فعال و شدیداً مهم شهر حق مطلب را ادا می‌کند، اما به‌درستی گویای فرایند طی شده نیست؛ زیرا انقلاب واژگون‌سازی چیزها را می‌رساند و جنبشی پیش‌رونده که از نهادهای فرسوده گذشته دوری می‌گزیند را به ذهن متبادر می‌سازد. چنانچه این مسئله را از زاویه دید دوران خود بنگریم، [انقلاب شهری] گویای چیزی شبیه دگرگونی کلی‌ای که در انقلاب صنعتی رخ داد، آن هم با تأکیدی مشابه فعالیت‌های اقتصادی است. چنین برداشتی به‌جای آنکه مسئله پیش‌آمده را روشن نماید، آن را مبهم‌تر می‌سازد. برآمدن یا طلوع شهر بسیار فراتر از آنکه عناصر قبلی فرهنگ را محو سازد، آنها را کنار هم گرد آورد و اثربخشی گستره آنها را افزایش داد. حتی رواج دادن مشاغل غیرکشاورزی، نیاز به غذا را برجسته‌تر ساخت و سبب شد تا شمار روستاها چند برابر گردد و زمینهای بیشتری زیرکشت رود».

از آنجا که گذار از زندگی کوچ‌روی به کشاورزی و روستانشینی و سپس ظهور شهرها به همراه تحولات عمیق و پردامنه شهری در نقاط مختلف جهان هم‌زمان رخ نداده است، کاربرد مفهوم انقلابهای شهری توجیه می‌شود.

کاربرد دوم مفهوم انقلاب شهری معنایی دقیق ندارد و بر این پیش‌فرض استوار است که مبارزه سیاسی و نهایتاً انقلاب ویژگی مختص شهرهاست. این برداشت نقش و

ایمنی آمدوشد

بود. امکان آزمون ایده‌ها در طراحی خیابانها در نواحی مسکونی به سهولت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. کارایی این اقدامات در کاهش تصادمها و تصادفها موجب شده است، تا از این تمهیدات در خیابانهای محلی و حتی شریانی که بخشهای گوناگونی، چون مناطق مسکونی، مدرسه‌ها، خیابانهای محل خرده‌فروشی و پارکها را به هم متصل می‌کند، استفاده شود. این پیشرفت‌ها در کاهش سرعت، به پذیرش بدیل‌های دیگری، مثل شیوه‌های سبز یا به عبارتی، پیاده‌روی و استفاده از دوچرخه، منجر شده است. شهرهای کوچک و محله‌ها طوری طراحی می‌شوند که همزمان ترکیبی از ایمنی آمدوشد و یک شبکه حمل‌ونقل متعادل را دربر گیرد، به‌نحوی که به ساکنان امکان دهد، شیوه مورد نظر خود را در رفت‌وآمد برگزینند. نمونه آن شهر هوتن در هلند است که برای آن، شبکه‌ای از راههای دوچرخه‌رو را طراحی کرده‌اند، تا مردم را تشویق کنند برای رفت‌وآمد دوچرخه را بر وسایل نقلیه موتوری ترجیح دهند.

اقدامات آرام کردن آمدوشد به تدریج تحول پیدا کرده و به سمتی رفته است که به ساکنان شهر امکان می‌دهد شیوه‌های سبز را انتخاب کنند؛ فضاهای عمومی خود را کشف کنند؛ و عوارض منفی حمل‌ونقل با سرعت زیاد را کاهش دهند. موفقیت اقدامات آرام کردن آمدوشد در گرو سیاستهای نوآورانه‌ای در کاربری زمین است که با

بازاندیشی در نقش خیابانها و در نظر گرفتن آنها به‌مثابه فضاهای عمومی (← فضای عمومی) بود. این برداشت از خیابان در سایر کشورهای اروپایی، ژاپن و شهرهای جدید و سنتی که طراحان شهری در ایالات متحد طراحی کرده بودند، مورد تقلید قرار گرفت.

رایج‌ترین تمهید ایمنی آمدوشد، دست‌اندازهای سرعت‌گیر در محله‌هاست. البته، برای راحتی، این برجستگیها در خیابانها، اصلاح و به برآمدگیهای نرم‌تر و پهن‌تر تبدیل شدند. انواع مختلف سرعت‌گیرها که با وضعیت وسایل نقلیه مورد استفاده برای امور اضطراری و همچنین میزانهای متفاوت سرعت از ۲۵-۴۰ کیلومتر انطباق داده شده است. کارهای دیگری نیز در ایمنی آمدوشد، مثل منظره‌سازی و ارتقاء کیفیت خیابانها انجام می‌شود که هرچند بسیار پرهزینه‌تر است، اما با استقبال بیشتر مردم، روبرو می‌شود. بخش خیابانهای شهر همچنین ممکن است تمهیدات مکمل دیگری برای آرام کردن ترافیک داشته باشد، مانند باریک‌سازی قسمتهایی از خیابان (کاهش عرض خیابان همراه با اندکی انحنا) یا سکو‌ها و برجستگیهای میان خیابان. در تقاطعها از تمهیداتی مانند میدانها و میدانچه‌ها برای کم کردن سرعت استفاده می‌شود.

به‌لحاظ تاریخی، تمهیدات کاهش سرعت ابتدا در مناطق مسکونی به کار رفت که اغلب مورد حمایت قرار



حفاظت از محیط زیست همخوانی بیشتری داشته باشد و به برنامه‌ریزان امکان دهد، خیابانها را به‌عنوان فضاهای عمومی ببینند و به‌عنوان فضای عمومی طراحی کنند.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

شیلا سرکار
(کمال پولادی)

ب

بازار شهری (در ایران)

Urban Market (in Iran)

بازار در ایران فضایی است، برای خرید و فروش و تولید و عرضه کالاها و گوناگون که یک مسیر ارتباطی از میان آن می‌گذرد.

در شهرهای سنتی ایران، بازار یکی از اجزاء اصلی هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌داد. امروزه نیز بازارها کانون مبادله، تولید کالا و تجمع فعالیتهای اجتماعی هستند و از نظر جایگاه قلب شهرهای ایرانی بشمار می‌روند. به‌طور کلی، بازارها با عملکردهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و مذهبی، نماد کاملی از بنیانهای مدنی محسوب می‌شوند که طی سده‌ها شکل گرفته‌اند.

در گذشته کسانی در چارچوب وقف در بازارها به تأسیس بناهای عمومی، همچون مسجد، مدرسه، خانقاه و دارالشفاء، برای استفاده مردم اقدام می‌کردند و برای اداره، نگهداری و تعمیر آنها، تعدادی مغازه، کارگاه و یا کاروانسرا وقف آنها می‌کردند. شاه‌عباس صفوی در ۱۰۱۴ق، بازار قیصریه و تمام بازارهای اطراف میدان نقش جهان اصفهان و کاروانسرا و حمام نزدیک میدان را وقف پیغمبر اسلام کرد.

اعیان و بزرگان در بسیاری از شهرهای ایران در قالب کارهای خیر، مجموعه‌های بزرگی متشکل از این نوع بناها می‌ساختند و آن را وقف می‌کردند. مجموعه بزرگ گنج‌علی‌خان زنگنه در بازار کرمان و مجموعه کریمخان زند در بازار شیراز، از این جمله است. مجموعه سعدالسلطنه شامل بازار، کاروانسرا و سرای سعادت در بازار قزوین،

مجموعه‌ی غازان‌خان در بازار تبریز، سرای امیر (مشهور به سرای اتابکیه) و مسجد امیر (مشهور به مسجد ترکها) در بازار تهران نمونه دیگری از اینهاست.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان‌خان (ایلخانی)، در نزدیکی تبریز شهری ساخت به نام ربع رشیدی، که بازار آن ۱۵۰۰ دکان، ۲۴ کاروانسرا، مسجد، کتابخانه، حمام، خانقاه، دارالضیافه و دارالمساکین داشت.

بازارچه

علاوه بر بازارهای بزرگ و اصلی شهر، هر محله نیز بازارچه مخصوص به خود داشت که نیازهای محلی را تأمین می‌کرد. این بازارچه‌ها به همان ترتیب بازار بزرگ، علاوه بر محل دادوستد مایحتاج مردم، مسجد، تکیه، حمام، آب‌انبار و گاهی مدرسه داشتند که اغلب از نوع وقفی به حساب می‌آمدند. معروف‌ترین این بازارچه‌ها در تهران، بازارچه معیرالممالک (منسوب به داماد ناصرالدین شاه)، بازارچه نایب‌السلطنه (منسوب به کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه) و بازارچه زعفران باخی (که اکنون از آن چیزی باقی نمانده) هستند. نمونه ممتاز در میان شهرهای ایران، شهر کهن نائین است که از ۷ محله تشکیل می‌شود که هر محله بازار، مسجد، تکیه، آب‌انبار و میدانچه دارد.

از مشهورترین بازارهای قدیم ایران، بازار تبریز است. این بازار هم‌اکنون نیز پررونق‌ترین بازارهای شهری ایران بشمار می‌رود. شهر تبریز به دلیل موقعیت خاص خود بر سر راههای تجاری (جاده ابریشم)، همواره شهری فعال و بازار آن پررونق بوده است. آثار به‌جای مانده از سده‌های گذشته نشانگر این موقعیت است. در شهر تبریز بزرگ‌ترین

بازار شهری (در ایران)

فعالیت‌های تجاری

فعالیت‌های تجاری بازار خود به ۲ گروه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی تقسیم می‌شوند.

عمده‌فروشی، مهم‌ترین فعالیت بازارهای شهری را تشکیل می‌دهد. در برخی از بازارهای بزرگ، مانند بازار تهران، ۵۲٪ واحدهای تجاری آن عمده‌فروش، ۵٪ خرده‌فروش و ۷٪ کارگاه تولیدی است. عمده‌فروشها بیشتر در راسته‌های تخصصی، سراها و تیمچه‌ها مستقر هستند. آنها به انبارهای بزرگ در نزدیکی مغازه و یا حجره‌های خود نیاز دارند. به

مجموعه‌ها به صورت سرا، تیمچه، میدان و کاخ در بازار پیرامون آن ساخته شده است که از مهم‌ترین بخشهای آن، بازار غازان‌خان و مجموعه صاحب‌الامر است.

طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی بازار

به طور کلی، فعالیت‌های اقتصادی بازار به ۳ گروه عمده تقسیم می‌شوند:

فعالیت‌های تجاری؛

فعالیت‌های تولیدی؛ و

فعالیت‌های انبارداری.



ساختار اصناف بازار

استقرار فعالیتها در بازار بر پایه ساختار تقسیم کار بین اصناف مختلف است. هر صنف از پیشه‌وران یا کسبه بازار در راسته‌های مجاور هم مشغول به فعالیت هستند. اصولاً مشاغل تجاری و صنعتی، به دلایل مختلف، به همجواری گرایش دارند. مشتریان در محل تراکم اصناف، امکان انتخاب بهتری دارند. کارگاههای تولیدی نیز برای بهره‌مندی از تسهیلات مشترک و همکاری با یکدیگر به تجمع در یک محل تمایل دارند.

در گذشته، برخی از کارگاههای خاص، مانند جبه‌خانه (لباس‌دوزی نظامی) و یا دکانهای ساخت سلاح که مورد حمایت حکومت قرار داشتند، راسته خاصی را در بازار اشغال می‌کردند. راسته تفنگ‌سازها در بازار اصفهان که شاه‌عباس اول آن را ساخته بود و بازار چنماق‌سازها که هر دو زمانی به راسته شمشیرگرها موسوم بودند، از این گونه‌اند.

جایابی اصناف و مشاغل مختلف در بازارهای شهری ایران، از نظم و ترتیب حساب شده‌ای تبعیت می‌کند، چنان‌که جواهرفروشها در ابتدای بازار قرار می‌گیرند و صحافی و کتاب‌فروشی در دالان مسجد جامع و سپس، مغازه‌های فروش پارچه، بلور و چینی در امتداد یا به موازات بازار زرگرها شکل می‌گیرند. در بازار تهران، بازار ادویه و چای در امتداد آنها گسترش می‌یابد. یکی از دلایل همجواری این راسته‌ها و همچنین علت قرار گرفتن آنها در ورودی بازارها، به سبب سهولت دسترسی مشتریان زن به این نوع بازارها بوده است. زنان از مشتریهای اصلی زرگرها، بزازها و بلورفروشها هستند. تیمچه‌های ظروف و بلور و بازارچه‌های پارچه و منسوجات گران‌قیمت (قیصریه)، از پر مشتری‌ترین و پرفروش‌ترین محلهای بازار بشمار می‌روند. قیصریه مانند یک گالری پر جنب و جوش، با تزئینات معماری و فضای زیبا، قلب بازارهای شهری ایران بشمار می‌رفت. به موازات این بازارها، بازار کفاشها قرار داشت که از دهنه دیگر بازار قابل دسترسی بود.

این منظور در سراها، که فضاهای باز گسترده‌ای هستند، مستقر می‌شوند. برای کالاهای سنگین وزن جدید، مانند آهن، لوازم منزل و جز اینها که حمل و نقل آنها با چرخ دستی دشوار است، از انبارهای کنار خیابانهای همجوار بازار استفاده می‌شود.

خرده‌فروشی، یا تک‌فروشی، بعد از عمده‌فروشی مهم‌ترین فعالیت بازارهای شهری است. مغازه‌های خرده‌فروشی بیشتر در امتداد گذر اصلی بازار قرار دارند؛ از این رو، بازار بزرگ همانند یک خیابان محل خرید در شهر عمل می‌کند. البته در اغلب راسته‌ها نیز خرده‌فروشیها، کالاهای خاصی را عرضه یا تولید و عرضه می‌کنند، مانند زرگرها و کفاشها.

کارگاههای تولیدی

از گذشته، بخش مهمی از فعالیت اقتصادی بازار در کارهای تولیدی، به‌ویژه صنایع دستی، انجام می‌پذیرفت. امروزه، با اینکه بخش مهمی از این کارگاهها به علت تولیدات کارخانه‌ای تعطیل شده‌اند، اما هنوز برخی کارگاهها که با ابزار برقی یا ابزار دستی کار می‌کنند، در بازار دایر هستند. از جمله کارگاههای سنتی و قدیمی، آهنگری، مسگری، درودگری، رنگرزی، سراجی، خیاطی و کفاشی، هنوز در بازار فعالند. بسیاری از این فعالیتها نیز به کارگاهها و کارخانه‌های جدید در بیرون شهر منتقل شده‌اند.

مطالعات ۱۳۵۹ش در بازار تهران حاکی از آن بود که حجم مبادلات عمده‌فروشی به مراتب بیش از خرده‌فروشی بوده است. در مطالعات ۱۳۸۵ش نیز معلوم شد که بازار تهران محل استقرار ۵۲٪ واحدهای عمده‌فروشی، ۵٪ واحدهای خرده‌فروشی، ۷/۲٪ کارگاههای تولیدی و ۳/۲٪ انبار است. عمده‌ترین فعالیت در بازار، پوشاک و منسوجات است و واحدهای مرتبط با عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تولید و انبارداری این‌گونه کالاها، ۴۷٪ واحدهای فعالیتی بازار را دربر می‌گیرد. فعالیتهای مربوط به لوازم خانگی ۸٪، فرش ۸٪، مواد غذایی ۵٪، لوازم تحریر ۵٪ و زیورآلات ۳٪، به ترتیب پس از پوشاک و منسوجات قرار دارند.

بازار شهری (در ایران)

شده است. این کاروانسرا مجموعاً ۱۴۰ اتاق به اندازه‌های مختلف در ۲ طبقه داشت. در اواخر سده ۱۷م بازرگانان پارچه‌فروش تبریزی، قزوینی، اردبیلی و هندی از اتاقهای طبقه اول استفاده می‌کردند و در اتاقهای طبقه بالا، جواهرفروشان، زرگران و حکاکها مستقر بودند.

امروزه، از کاروانهای کهن خبری نیست، زیرا اغلب کاروانسراها کارکرد مهمانپذیری خود را از دست داده‌اند و به تدریج، به کارگاه یا انبار و گاهی محل عرضه کالاهای سنگین و حجیم تبدیل شده‌اند.

اکنون بازاریان عمده‌فروش معمولاً کالاهای سنگین و حجیم خود را با کامیونهای کوچک و بزرگ، از طریق خیابانهای پیرامون بازار حمل و در کاروانسراهای نزدیک به خیابانها تخلیه و انبار و یا در صورت فاصله زیاد، انبارهای جدیدی در نزدیک خیابانها و یا مغازه خود احداث می‌کنند.

وحدت در کثرت

بازارهای شهری ایران محل آمیزش انواع گوناگون فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی هستند. همان‌طور که در ساختار اصناف گفته شد، انواع مختلف کالاها در مغازه‌ها عرضه و یا انواع گوناگون تولیدات در کارگاههای کوچک صنایع دستی و حتی صنایع ماشینی کوچک تولید و عرضه می‌شود. در اینجا، کالاهای مختلف، شامل طلا و جواهر، ادویه، چای، پارچه ابریشمی، ظروف چینی، بلور، مس، سرامیک و همچنین محصولات جدید صنعتی و وارداتی، مانند لوازم منزل، اشیاء پلاستیکی، ساعت، لوازم و ابزار دستی و وسایل برقی عرضه می‌شود. این کالاها و کارگاهها در سامانه قدیم به‌نحو خاصی در راسته‌های اصلی و فرعی بازار عرضه می‌شدند و یا در تیمچه‌ها و سراها و کاروانسراها مورد دادوستد قرار می‌گرفتند. نکته قابل توجه در فعالیت‌های بازار، کثرت در عین وحدت است. وحدت این فعالیت‌های گوناگون مربوط می‌شود به نظم و ترتیب خاصی که براساس آن، هرچیز در جای خود قرار می‌گیرد و به‌لحاظ تجاری و صنعتی، با یکدیگر در ارتباط و پیوند هستند، به‌طوری‌که به سادگی می‌توان جای هر عملکرد را در سامانه بازار بازیافت. این نظم و ترتیب به‌گونه‌ای است،

مغازه‌هایی که کالاهای حجیم و سنگین عرضه می‌کنند و همین‌طور کارگاههایی که این قبیل کالاها را تولید می‌کنند، در انتهای بازار به سمت دروازه قدیمی شهر مستقر شده‌اند (مانند بازار مسگرها، آهنگرها، رنگرزان و دباغان). در آخر بازار، کالاها و ابزارهای کشاورزی عرضه می‌شود. میدانهای بارفروشی، علوفه، کاه و غلات در نزدیکی دروازه و گاهی بیرون دروازه‌ها قرار می‌گیرند، مانند میدان بارفروشهای امین‌السلطان، نزدیک دروازه شاه‌عبدالعظیم. بازار مال‌فروشها نیز در بیرون دروازه شهر و در فضای گشوده‌ای شکل می‌گرفت. بنابراین، صنایع مختلف با فعالیت‌های مختلف در سطح بازار به شیوه خاصی توزیع می‌شدند، به‌طوری‌که کالاهای ظریف‌تر در ابتدای بازار و کالاهای حجیم‌تر در انتهای بازار، با نظم خاصی مستقر می‌شدند.

عوامل دیگری نیز در توزیع فعالیت‌ها در بازار دخیل هستند که امکان حمل‌ونقل کالا از جمله اینهاست. هرچقدر کالاها سنگین‌تر و حجیم‌تر بود، به انتهای بازار (سمت دروازه) و محل ورود کاروانها نزدیک‌تر بود. عامل دیگر، سهولت دفع ضایعات و فاضلاب کارگاههایی مانند دباغی، رنگرزی و آهنگری بود که می‌بایست به بیرون شهر هدایت شوند.

فعالیت‌های تجاری عمده، مانند معاملات فرش، پشم و پوست، در محلهایی به نام *سرا* یا تیمچه انجام می‌پذیرد. سراها هم محل عرضه کالا و هم محل دفاتر تجارتخانه‌های بازار هستند. مجموعه بزرگ *سرای امیر* در بازار تهران مختص پارچه است. تیمچه *مظفریه* و تیمچه و *سرای امیر* در بازار تبریز مختص صنف فرش‌فروشان است.

عنصر مهم دیگری که در بازار با فعالیت‌های عمده‌فروشی در ارتباط است، کاروانسراست. در گذشته، کاروانها که مسافر و کالاها را از شهری به شهر دیگر می‌بردند، به کاروانسراهای داخل بازار که معمولاً در انتهای شاخه‌های اصلی بازار و نزدیک دروازه شهر قرار داشتند، وارد می‌شدند.

یکی از مشهورترین کاروانسراها، در بازار اصفهان، کاروانسرای شاهی است که در عصر شاه‌عباس اول ساخته

بازار شهری (در ایران)

مرتبط می‌شود. در واقع مجموعه بازار بین این ۲ مجموعه قرار دارد، یا شاید آن دو خود را به بازار متصل ساخته باشند. به‌رحال، بازار تبریز از سمت غرب به مسجد جامع و از شمال به ارگ علیشاه (مسجد جامع عصر ایلخانی) مرتبط می‌شود.

بازار از ۲ راسته اصلی، یعنی ۲ محور موازی تشکیل شده که با ۲۴ راسته اختصاصی شرقی - غربی به همدیگر مرتبط می‌شوند و یک شبکه شطرنجی مستطیل شکل را ایجاد می‌کنند. در بین راسته‌های بازار، ۲۵ سرای بزرگ و کوچک قرار گرفته‌اند که به‌نحو متوازی در سطح بازار توزیع شده‌اند. بزرگ‌ترین آنها بازارهای حاج حسن، کهنه، میانه و حاج ابوالحسن که در راستای مسجد جامع قرار دارند، محور شرقی - غربی بازار را به شکل فضای بازار به هم پیوسته، سامان می‌بخشند. بازار تبریز ۲۵ تیمچه دارد. تیمچه‌ها فضاهای وسیع سرپوشیده‌ای هستند که مانند سراها کالاهای عمده‌فروشی و قماش را عرضه می‌کنند. بدین ترتیب، بازار تبریز یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین بازارهای شهری ایران را تشکیل می‌دهد و نشان می‌دهد، چگونه بازارها، تمام عناصر و اندامهای شهری را در یک شبکه به هم پیوسته به یکدیگر مرتبط می‌سازند.

در بافتهای شهرهای ایران هیچ چیز به اندازه بازار به‌خوبی ساماندهی نشده است. این نظم بی‌واسطه، فضاهای گوناگون شهر را به بهترین وجه به همدیگر پیوند می‌دهد. ساختار بازار در بافتهای شهری کهن در ایران از اجزاء یا اندامهای خاصی تشکیل شده که الگوی کلی آن چنین است: میدان؛ محور اصلی؛ راسته‌ها؛ سراها؛ دالانها؛ تیمچه‌ها؛ قیصریه؛ چهارسوق؛ تکیه‌ها و مساجد. میدان فضای باز بزرگی است که معمولاً جلouxان ورودی بازارها محسوب می‌شوند (خان به معنی میدان و جلouxان به معنی میدان جلو ورودی بازار است). میدانها ارتباط فضاهای داخلی بازار را با فضای بیرونی برقرار می‌سازند. معمولاً سبزه‌میدانها در مقابل دیوانخانه‌های حکومتی یا ارگهای سلطنتی قرار می‌گرفتند، چنان‌که در تهران عصر قاجار، سبزه‌میدان و میدان ارگ تقریباً در مقابل همدیگر قرار داشتند. میدان ارگ محل برگزاری مراسم کشتی

که با نیازهای مشتریان، از اقشار مختلف شهری و روستایی گرفته، تا دارا و نادار یا گردشگر خارجی و مشتری شهرستانی سازگار شده است. این فعالیتها در عین تفاوت، از وحدت بی‌نظیری در همکاری و هم‌پیوندی برخوردار هستند. البته امروزه به دلیل تضعیف نهاد اصناف و ورود اشخاص و افراد نامرتب، سامانه کهن بازارهای شهری ایران دچار اختلالهایی شده است.

همان‌طور که بازارهای کهن، در عین کثرت فعالیت، وحدت رویه داشتند، از نظر معماری نیز با وجود تنوع فضاهای کوچک و بزرگ، با عملکردهای مختلف فرهنگی، تجاری، مذهبی و صنعتی به‌صورت یکپارچه‌ای سامان یافته بودند. این فضاها به ۲ صورت شکل گرفته‌اند: برخی خطی هستند، مانند راسته‌ها و کوچه‌ها (بلند و کوتاه) و برخی گره‌ای یا کانونی، مانند سراها یا تیمچه‌های (بزرگ و کوچک) سرپوشیده و سرگشوده. این فضاها به‌نحو شگفت‌انگیزی با همدیگر پیوند خورده و یک مجموعه واحدی را به‌وجود آورده‌اند.

ساختار کالبدی بازارها

ساختمان بازار در شهرهای کهن ایران، ستون فقرات کالبدی شهر را تشکیل می‌داد و سایر عناصر مهم شهری، مانند مسجد، مدرسه، تکیه و حمام را در بافت خود قرار می‌داد. ارگ و میدانهای حکومتی نیز به‌ترتیبی خاص با پیکر اصلی بازار پیوند می‌خوردند، مثل مجموعه نقش جهان (کاخ، مسجد، میدان و دیوان) در بازار اصفهان، مجموعه ارگ سلطنتی قاجاریه در کنار بازار تهران و مجموعه کاخ هشت بهشت و میدان و دیوانخانه صاحب‌الامر در مجاورت بازار تبریز. بدین ترتیب، بازارها در ارتباط یا در پیوند با سایر عناصر شهری، شبکه به هم پیوسته‌ای را در ساختار کالبدی شهرها می‌ساختند. از این نظر، بازار تبریز ساختار کاملی دارد و در میان بازارهای ایران بی‌نظیر است. بازار تبریز از ۲ شاخه اصلی تشکیل شده که به‌موازات یکدیگر از دروازه (مشتریان) شروع و به قلب شهر کهن در عصر ایلخانی و ترکمانان، یعنی مجموعه صاحب‌الامر متصل می‌شود و مرکز جدید شهر در عصر قاجاریه، یعنی به مجموعه حرمخانه

بازار شهری (در ایران)

باشکوه‌ترین قیصریه‌ها، قیصریه بازار اصفهان است که در زمان شاه‌عباس اول، در دهانه ورودی بازار در میدان نقش جهان احداث شده است. سردر زیبای قیصریه اصفهان به شکل نیم گنبد عظیمی است که با سردر مسجد شاه، عالی‌قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله در میدان نقش جهان هماهنگی دارد.

تیمچه. فضای وسیع سرپوشیده‌ای شبیه تالار بزرگی است که در وسط مسیر اصلی و یا فرعی بازار ساخته می‌شود و معماری بسیار غنی و زیبایی دارد. تیمچه‌ها معمولاً محل عرضه کالاهایی مانند فرش، قماش، چینی و بلور هستند و طبقات دوم آن، محل دفاتر تجارخانه‌های بازار است. زیباترین تیمچه‌ها در بازارهای ایران، تیمچه مظفریه، تیمچه امیر و تیمچه ملک در بازار تبریز است، که هر ۳ محل عرضه فرش هستند. به همین ترتیب، تیمچه حاجب‌الدوله در بازار بزرگ تهران و تیمچه ملک در بازار اصفهان، که در ۱۳۲۲ق به دست حاج محمدابراهیم ملک‌التجار ساخته شد.

سراها. سراها یکی از عناصر مهم کالبدی در بازارهای ایرانند، سراها فضاهای بزرگ سرگشوده و گاهی سرپوشیده، به شکل حیاط بزرگ مستطیل شکلی هستند، که دور تا دور آنها ساختمانهای ۲ یا ۳ طبقه ساخته شده است. طبقه زیرین، محل عرضه کالا و طبقه بالا، محل امور دفتری تجارخانه‌ها و گاهی کارگاههای خاص است. در هر سرا کالای خاصی انبار و عرضه می‌شود. بسیاری از سراهای بزرگ در بازارهای شهری ایران را بزرگان حکومتی یا بازرگانان ثروتمند ساخته‌اند؛ برخی از آنها از نظر معماری بسیار باارزشند، مانند: سرای بزرگ بازار قم (که به دست استاد حسن قمی در دوره ناصرالدین شاه ساخته شده است) که یک اثر بی‌بدیل معماری بشمار می‌رود؛ سرای امیر (امیرکبیر) در بازار تبریز که ۲ تیمچه در شمال و جنوب به آن متصل است؛ و همچنین سرای امیر مشهور به اتابکیه در بازار تهران (در ۱۲۶۷ق به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر در بازار تهران ساخته شد). این سرای با ۳۳۶ حجره، بسیار پررونق است. امیرکبیر مسجدی نیز در جوار آن ساخت که امروزه به مسجد ترکها شهرت دارد. نحوه پیوستگی سراها با راسته‌ها و تیمچه‌ها در

پهلوانی، رژه و مراسم حکومتی بود و سبزه‌میدان محل برگزاری مراسم سوگواری ایام عاشورای حسینی. از میدانهای دیگر، میدان نقش جهان در اصفهان است که سردر قیصریه بازار و سردر مسجدشاه و سردر عالی‌قاپو در آن قرار داشت. میدان کهنه بازار قم، قلب (مرکز) شهر محسوب می‌شد و بازار و مجموعه مذهبی و دولتی در کنار همدیگر قرار گرفته بودند.

محور اصلی. مسیر سرپوشیده‌ای است که محل خرید و فروش انواع کالاهاست. در ۲ طرف محور بازار، مغازه‌های گوناگون و متنوعی وجود دارد. این محور، درواقع، شریان اصلی ارتباطی و محور فعالیتی شهر کهن را تشکیل می‌دهد، که از دروازه شهر آغاز و تا قلب شهر امتداد می‌یابد؛ مانند بازار قدیم تهران که از دروازه شاه عبدالعظیم در جنوب آغاز و به سبزه‌میدان و میدان ارگ در مرکز شهر منتهی می‌شد.

راسته‌ها. محورهای فرعی بازار، راسته خوانده می‌شد. راسته‌ها معمولاً به صنف خاصی اختصاص داشتند؛ مانند راسته زرگرها، مسگرها، کفاشها و جز اینها. هرچند صنفهای مختلف تا حدودی در طول یک راسته اختصاصی و در کنار همدیگر قرار می‌گرفتند، اما در راسته‌های اصلی و بزرگ، هر صنفی می‌توانست در بخشی از آن جای داشته باشد. امروزه، نظم قدیم چندان مراعات نمی‌شود. هر بازار معمولاً از یک یا ۲ راسته اصلی و تعدادی راسته فرعی تشکیل می‌شود.

دالان. راسته‌های کوتاه‌تر و فرعی‌تر که محل تولید کالاهای اختصاصی هستند، دالان خوانده می‌شود. معماری دالانها نیز شبیه سایر راسته‌های بازار است، اما فضای آن از فضای اصلی بازار جدا می‌شود و محل گذر نیست؛ مانند دالان مسجد جامع در بازار تهران که محل صحافی و شمع‌فروشی است.

قیصریه. راسته کوچکی با عرض بیشتر، که فضای بسته کاملی را تشکیل می‌دهد و با ۲ در به راسته‌های بازار مرتبط می‌شود. قیصریه محل خرید و فروش کالاهای خاص، مانند منسوجات ابریشمی گرانبه و کالاهای شبیه به آن است. معماری قیصریه مجلل‌تر و ظریف‌تر است. یکی از

بازار شهری (در ایران)

مخصوص برگزاری مراسم عاشورای حسینی. در بازار سمنان چند تکیه مشهور قرار دارد، از جمله تکیه ناسار، تکیه پهنه و تکیه کهنلتر که دارای مسجد، حمام و آب‌انبار نیز هستند و هریک، مرکز یک محله محسوب می‌شوند که به بازار اصلی متصل شده است. در بافت قدیم نائین، ۷ تکیه متصل به مسجد و حمام و آب‌انبار، جدای از بازار، در قلب محله‌های قدیمی شهر قرار دارند.

ویژگیهای بازار

گذر اصلی بازار که از دروازه شهر شروع و به مرکز شهر ختم می‌شد، در واقع محور اصلی ارتباطی و گذرگاه آمدورفت بود. سایر گذرها که به بازار متصل می‌شدند، مسیرهای فرعی شهر بشمار می‌رفتند. مسیرهای اصلی و فرعی بازار اغلب سرپوشیده‌اند و با معماری خاص، همراه با تاق و گنبد ساخته شده‌اند. معماری پوشیده بازارهای شهری ایران، نتیجه تداوم تجربیات ارزشمندی است که از انطباق با محیط و همچنین انطباق با عملکردهای گوناگون بازار به وجود آمده است؛ این معماری تلاش بی‌نظیری برای ایجاد یکپارچگی و وحدت در فضاهای گوناگون بازار است. نحوه اتصال فضاهای بزرگ و کوچک، مانند مسجدها، تکیه‌ها، حمامها، و به‌خصوص سراها، تیمچه‌ها، کاروانسرای سرپوشیده و سرگشوده با همدیگر و با محور اصلی بازار یک مجموعه به هم پیوسته و یکپارچه و منسجمی را پدید می‌آورد که در جهان بدیل ندارد.

فضاهای پر و خالی

از ویژگیهای مهم معماری بازارهای شهری ایران، تناسب شگفت‌انگیز فضاهای پر و خالی در درون بازار و فضاهای باز و بسته در کل پیکر بازار است. بزرگ‌ترین فضای خالی درون بازار، حجم درونی (تالارها)، سراها، تیمچه‌ها و تکیه‌هاست که در امتداد حجم باریک گذرهای بازار، یکباره گشودگی مطلوبی را در فضا پدید می‌آورند.

یکی از ویژگیهای بازارهای شهری ایران، فضاهای سرپوشیده مجموعه بازار است که مغازه‌ها، مشتریان و کالاها را از آسیب باد و باران و آفتاب و گردوغبار مصون

بازارهای شهری ایران، روابط بین انبارها، عمده‌فروشیها و خرده‌فروشیها را سامان می‌بخشد. بازار تبریز یکی از غنی‌ترین بازارها از نظر تعداد سراهاست. این بازار ۲۵ سرا دارد که با ۲۵ تیمچه و ۲۴ راسته درون بازار هم‌پیوند شده‌اند. ۴ سرای بزرگ در قلب بازار تبریز در جهت شرق-غرب به‌ترتیبی قرار گرفته‌اند که مسجد جامع را به محورهای اصلی بازار مرتبط می‌سازند. این سراها ۲ محور ارتباطی دارند که از هر سو به تیمچه‌ها و یا راسته‌ها مرتبط می‌شوند.

چهارسوق. محل تقاطع گذرهای اصلی بازار با یکدیگر، چهارسوق یا چهارسو خوانده می‌شود. چهارسوق کانون یا مرکز بازار شناخته می‌شود و از نظر معماری نسبت به بدنه اصلی بازار، گشوده‌تر و تاق و گنبد بزرگ‌تری دارد. برخی چهارسوقها، مانند چهارسوق بزرگ تهران، تزئینات و کاشی‌کاریهای زیبایی دارد. از چهارسوقهای مهم بازارهای ایران، یکی چهارسوق شاه و دیگری چهارسوق مخلص در بازار بزرگ اصفهان است که دومی، نزدیک سرای مخلص قرار گرفته است. چهارسوق باقی‌مانده از بازار قدیمی ساوه عظمت چشمگیری دارد. چهارسوق اغلب بازارهای شهری ایران بدیع و عظیم و از نظر معماری میراث بزرگی محسوب می‌شوند. در گذشته، داروغه شهر در محل چهارسوق اصلی بازار مستقر می‌شد و از آنجا شهر را اداره می‌کرد. گزیده‌های داروغه هر شب با مشعل بازار را گشت می‌زدند.

هر راسته یا هر سرا یا تیمچه دارای در و دروازه چوبی قطوری بود، که به‌نگام شب یا روزهای تعطیل بسته می‌شد. هریک از فضاهای بازار دارای نگهبان و دربان بود. در برخی دوره‌های تاریخی به‌علت ناامنی شهرها، حتی گذرهای اصلی بازار را با درهای قطور و بزرگ می‌بستند و یا به‌وسیله زنجیرهای ضخیمی، آمدورفتها را محدود می‌کردند.

تکیه‌ها. فضاهای گشوده‌ای هستند در داخل بازار یا متصل به بازار که گاهی سرپوشیده‌اند و گاهی سرگشوده، که در این صورت، به‌نگام سوگواری حسینی، با چادری سرپوشیده می‌شوند. تکیه‌ها، میدانهای خاصی هستند،

بازار شهری (در ایران)

همین‌طور سراها و راسته‌های بازار با درهای چوبی کوچک و بزرگ محافظت می‌شدند. برخی از مغازه‌ها درهای کشویی به نام *ارسی* داشتند. امروزه، بسیاری از این درهای چوبی مغازه‌ها از بین رفته و درهای کرکره‌ای فلزی جایگزین آنها شده است. بدین ترتیب، چهره داخلی بازار در اوقات شب و روز نسبت به سالهای گذشته، تغییر چشمگیری یافته است.

تغییرات عصر جدید در بازار

در عصر جدید، پس از ورود خودرو و محصولات کارخانه‌ای به شهرها، ساختار فضایی شهرها و مراکز اقتصادی و اجتماعی آن دستخوش تغییرات بنیادی شده است. با این وجود، هنوز بازارهای کهن ایران کم‌وبیش نقشهای خود را در کنار نقشهای جدید در شهرها ایفا می‌کنند. برخی بازارها، مانند بازار تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و کرمان، هنوز مرکز اقتصادی شهر بشمار می‌روند و از موقعیت سیاسی-اقتصادی مهمی برخوردارند.

امروزه، تغییرات بنیادی در تجارت و تولید و همچنین در روابط اجتماعی اصناف بازار، در کالبد و سیمای ظاهری آن نیز اثر بخشیده است. هرچند گروهی از اصناف به تدریج بر اثر تولیدات کارخانه‌ای، از بین رفته‌اند، اما فعالیتهای مشابهی جایگزین آنها شده است. با تمرکز سرمایه، برخی از حرفه‌های جدید نیز پدید آمده است؛ برخی مغازه‌ها با عرضه انواع کالاها، چند حرفه‌ای شده‌اند؛ برخی از کوچه‌های متصل به بازار اصلی، تبدیل به راسته‌های جدید شده‌اند و کالاهای جدید، مانند لباس و کفش و ظروف و پارچه‌های وارداتی را عرضه می‌دارند. این بازارها از نظر معماری شباهت چندانی به بازارهای کهن ندارند و از نظر آئینهای تجاری و رفتارهای اجتماعی نیز با کسبه اصلی بازار کاملاً متفاوت هستند.

علاوه بر این، تمرکز سرمایه در بازار تهران موجب پدید آمدن فضاهای جدیدی به نام *پاساژ* در درون بازارها شده‌اند. در بازار تهران و بازار تجریش انواع پاساژهای جدید در چند طبقه ساخته و به بازار ملحق شده است. احداث پاساژ باعث تخریب روحیه آرام و نجیب بازار و

می‌دارد. با توجه به آب‌وهوای گرم و خشک و پرافتاب سرزمین ایران، بازارهای سرپوشیده فضای مطلوب و هوای مطبوعی را به وجود می‌آوردند.

دومین ویژگی بازارهای شهری ایران، در واقع، پیاده‌راههایی هستند سرپوشیده که مغازه‌ها در دو سوی آن، کالاهای خود را عرضه می‌دارند. در زبانهای اروپایی این‌گونه مسیرهای سرپوشیده با مغازه‌ها را *گالری* می‌نامند. مشتریان فقط برای خرید به بازار نمی‌روند، بلکه گاهی اوقات برای نظاره کردن و کسب اطلاع به بازار می‌روند.

مسیرهای پیاده بازار گاهی از میان صحن مساجد و فضای خالی داخلی تکیه‌ها عبور می‌کند. بازارها محل مکث و حرکت مردمی است که برای خرید، خدمات و گذران اوقات فراغت در فضای آن عبور می‌کنند و به راحتی از فضایی به فضای دیگر وارد می‌شوند. ارتباط چهره به چهره در بازار، فضای روابط اجتماعی را گرم‌تر می‌کند.

نوآوری در بازار

در بازارهای امروز نسبت به بازارهای کهن، ۳ نوآوری صورت گرفته است: نورپردازی؛ ویتترین و درهای شیشه‌ای؛ و درهای کرکره‌ای فلزی.

نورپردازی. داخل مغازه‌ها و داخل معابر سرپوشیده بازار امروزه به وسیله چراغهای برق روشن می‌شود. درخشش شبانه‌روزی بازارهای جدید نسبت به بازارهای کهن، تغییر چشمگیری را نشان می‌دهد.

عرضه کالا در ویتترینها. در قدیم هر مغازه پیشخوانی داشت که کالاهای خود را روی سطح آن در معرض دید مشتریان قرار می‌داد. البته این شیوه هنوز هم برای مواد غذایی و میوه و خشکبار متداول است، اما برخی از مغازه‌ها، مانند مغازه‌های فروش جواهرات، ساعت، لباس و لوازم تحریر، از ویتترینهای شیشه‌ای با نورپردازیهای زیبا استفاده می‌کنند. در مغازه‌های بزرگ و کارگاههای بازار معمولاً اتاقکی شیشه‌ای در انتهای دکان برای انجام امور دفتری تعبیه می‌شود که با در شیشه‌ای از بقیه مغازه جدا می‌گردد.

درب کرکره‌ای مغازه‌ها. در گذشته، مغازه‌ها، کارگاهها و

بازار شهری (در ایران)

اختصاص می‌دهند و پیشه‌وران جدید، کاروانسراها و خانه‌های فرسوده را تبدیل به کارگاه‌های تولیدی می‌کنند. خانه‌های قدیمی که صاحبان اصلی آنها را ترک کرده‌اند، محل سکونت کارگران مهاجر شده‌اند. ضوابط میراث فرهنگی و مقررات شهرسازی شهرداری ظاهراً نمی‌توانند از تغییر کاربری خانه‌های قدیمی ممانعت به عمل آورند.

در مناطقی از محله بازار که امکانات دسترسی سواره بهتری وجود دارد، رفته‌رفته خانه‌ها، بدون مجوز از شهرداری، به سبک بسیار نامناسب و ناسازگار با معماری بافت کهن، نوسازی و حتی بازسازی می‌شوند. اغلب ساختمانهای خشت و گلی، با آهن و آجر به صورت ۴-۵ طبقه بازسازی شده‌اند. تعداد تخلفات ساخت‌وساز در محله بازار تهران بی‌شمار است. مصالح نامتجانس جدید و فضاهای نامتجانس الحاقی به ابنیه قدیمی، کیفیت معماری و یکپارچگی بخشی از بازار را از میان برده است. توسعه بی‌رویه ساختمانهای چند طبقه (مرتفع) در بازار تهران، سقف (طاق) بازار را نیز تخریب کرده و سیستمهای ناهماهنگی از آهن و ایرانیت را جایگزین تاقهای زیبای آجری بازار کرده است.

کتاب‌شناسی:

- ابن بطوطه. *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- سعیدنیا، احمد. *تهران پایتخت قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کوثر، ۱۳۷۴.
- سعیدنیا، احمد. «خاستگاه شهر قم»، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- سعیدنیا، احمد. «سازمان فضایی ربع رشیدی»، *مجله هنرهای زیبا*. شماره ۷، دانشگاه تهران: دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۷۹.
- سلطانزاده، حسین. «بازارها در شهرهای ایران»، *شهرهای ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- عمرانی، مرتضی. *در جستجوی هویت شهری اصفهان*. به اهتمام سازمان ملی زمین و مسکن، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- کوبه، هانیس. «شهر اصفهان»، ترجمه کرامت‌اله افسر، *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*. به کوشش محمدیوسف کیانی، ناشر: مؤلف، ۱۳۶۵.

ساخت‌وسازهای طبقاتی آن موجب تخریب بدنه بازار و سقف بازارها شده است.

تمرکز سرمایه در بازار تهران پیامدهای دیگری نیز داشته است: مقایسه دو مطالعه بین ۱۳۵۹ و ۱۳۷۳ نشان می‌دهد که طی ۲ دهه گذشته، فعالیتهای بازار تهران افزایش چشمگیری داشته است، درحالی‌که از نظر کالبدی چندان گسترش نیافته است. در دوره ۲۴ ساله بین ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳، تعداد واحدهای فعالیت بازار تقریباً به دو برابر فزونی یافته و از ۱۹,۶۰۷ واحد به ۳۷,۶۶۵ واحد رسیده است. بخشی از این افزایش به دلیل تقسیم واحدهای بزرگ به واحدهای کوچک‌تر است و بخشی دیگر، به دلیل استقرار فعالیتهای تولیدی و انبارداری در واحدهای فرسوده مسکونی و بخش آخر، به دلیل احداث پاساژهای پرتراکم جدید است.

از نظر تکثیر واحدهای تجاری در بازار، علاوه بر احداث پاساژ، در مواردی به‌طور باور نکردنی، مغازه‌های کوچکی در داخل جزرهای قدیمی بازار احداث کرده‌اند. با جایگزین کردن تیرآهن به جای دیوار حمال قدیمی، فضای کوچکی به ابعاد ۱۲۰*۸۰ سانتی‌متر استحصال کرده و مغازه کوچکی را به‌وجود آورده‌اند. نمونه دیگر، نصب جعبه‌هایی به اندازه ۸۰*۸۰ سانتی‌متر در فضای خالی داخل سکوه‌های ورودی سراها و کاروانسراها در بازار تبریز است که به‌صورت مغازه کوچکی هرشب در و پیکر آن را نصب می‌کنند و می‌بندند و روزها آنها را از هم جدا ساخته و به کسب مشغول می‌شوند.

فرسودگی کالبد بازار

بافت قدیمی بازار شهرهای ایران اغلب فرسوده و بخش عظیمی از آنها به مرور زمان خراب شده‌اند. نکته مهم این است که فرسودگی بازار، به قدرت اقتصادی اصناف ربطی ندارد، زیرا در شهرهای بزرگ، بازار مرکز عمده تجاری در سطح شهر و منطقه است و روزبه‌روز، سرمایه آنها افزایش می‌یابد. تجار عمده و خرد بازار، واحدهای مخروبه مسکونی و کاروانسراهای قدیمی را برای انبارهای خود

بازساخت شهری

فضایی توسعه سرمایه‌داری بودند، بازتابی از تشخیص ماهیت قرارناپذیر شهری شدن به شیوه سرمایه‌دارانه بشمار می‌آمدند. اندیشه‌های هاروی درباره ثبوت فضایی و نظریه‌های او درباره توسعه نامتوازن جغرافیایی، زمینه مهمی برای نظریه‌های بازساخت شهری بود. نوشته‌های هاروی (۱۹۸۹م) دورانهای توسعه را با سرشت متحول شهرنشینی سرمایه‌دارانه پیوند می‌زند، گو اینکه او به‌طور صریح اصطلاح بازساخت شهری را به کار نمی‌برد. نوشته‌های اخیر درباره بازساخت، در قیاس با نوشته‌های هاروی و کاستلز، توجه بیشتری را به تولید و پویای خاص عرصه بازساخت اقتصادی مبذول داشته‌اند. پیوستگی بازساخت جهانی اقتصاد با بازساخت شهری در دهه‌های پایانی سده ۲۰م، درون‌مایه غالب در این نوشته‌هاست. سوچا چنین استدلال می‌کند که بازساخت شهری با پویایهای شهری شدن در این دوره هم‌عنان است.

نخستین نوشته‌ها در دهه ۱۹۸۰م، با توجه به انتقال صنایع کم‌دستمزد به مناطق و کشورهای پیرامونی، متمرکز بر نظریه‌هایی معطوف به تقسیم کار قصدمندانه جدید بود. نویسندگانی چون ساسن به بررسی تأثیر کاهش مشاغل در داخل کارخانه و رشد تولیدات مبتنی بر قراردادهای دست دوم و با مزد پائین بر شهرهای کشورهای درحال توسعه پرداختند. در این کشورها برخی از شهرها یا فضاها داخل آنها دچار نزول شدند، درحالی‌که مناطقی دیگر رشد کردند و فضاها اقتصادی تازه‌ای به ظهور رسیدند. واکنش برخی از حکومتها به بازساخت اقتصادی (غالباً در اتحاد با سرمایه‌داران محلی) این بود که به بازتوسعه شهرها، تغییر وضعیت و تغییر چهره آنها، مثلاً به‌صورت توسعه مناطق ساحلی، مراکز خرید، سکونتگاههای گران‌قیمت و امکانات تفریحی این شهرها، اقدام کنند. به این ترتیب فضای شهری از طریق تعامل سرمایه جهانی، دولت و فعالیتهای ساکنان در معرض تجدید ساخت قرار گرفت.

در تحقیقات بعدی، بازساخت شهری با تحولات گسترده‌تری در شیوه انباشت-انگاره‌های متغیر تولید، فناوری، فرایندهای کار و دگرگونیهای ملایمی در الگوهای مصرف، فرهنگ، ایدئولوژی و دولت-پیوند پیدا کرد.

- «طرح بهسازی محلات فرسوده تهران (بازار)»، به کوشش محمدباقر آیت‌اله‌زاده، فرنگیس رحیمیه، مصطفی ربویی و... مجله اثر، شماره ۲، سازمان حفاظت میراث فرهنگی، ۱۳۵۹.
- مهندسان مشاور باوند. تحلیل فضای بازار تبریز، سازمان نوسازی و بهسازی صاحب‌الامر و بازار غرب، تبریز: شهرداری تبریز، ۱۳۷۶.
- مهندسان مشاور باوند. طرح بهسازی و تجهیز بازار تهران. تهران: شهرداری تهران، ۱۳۸۵.
- مهندسان مشاور پرهون. طرح جامعه سمنان. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۲.
- Khansari, Mehdi & Yavari, Minouch. *The Persian BAZAAR*. Mage Publishers Washington, D.C., ۱۹۹۳.
- Sequer, Martin. *Tehran*. Wien: Springer, ۱۹۷۸.

احمد سعیدنیا

بازساخت شهری

Urban Reconstruction

بازساخت شهری به تحولات عمده در ساختار فضایی و سازمان شهرها و همچنین به‌طور معمول به بازساخت اقتصاد، جامعه و سیاست شهری (← سیاست شهری) دلالت دارد. سوچا (۱۹۸۹م) بازساخت را به‌عنوان یک وقفه یا گسست در روند معمول، یعنی تغییر جهت به سمت نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متفاوت توصیف می‌کند. بازساخت در برابر تغییرات جزئی، یک تغییر ساختار محسوب می‌شود، اما یک انقلاب یا دگردیسی کامل نیست. در دهه ۱۹۸۰م نوشته‌های مربوط به بازساخت، به‌عنوان واکنشی نسبت به تحولات مهمی که به‌دنبال بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰م پدید آمده بود، وارد صحنه شد و نظریه‌های پیشین درباره شهر با این عنوان که نتوانسته‌اند تحولات عمیق اواخر سده ۲۰م در شهرها را مورد درک و توجه قرار دهند، به نقد کشیده شدند. این نوشته‌ها در آغاز، به حوزه نظریه مارکس تعلق داشتند، اما بعداً آثار پسانوگرایانه (پست‌مدرن) را نیز شامل شدند. این نوشته‌ها که تحت تأثیر آثار هاروی درباره جغرافیای تاریخی و وجه

بازساخت شهری

متفاوتی از گرایش به سمت تمرکززدایی و تمرکز فزایی مجدد، دستخوش بازساخت شد. الگوهای جدید قطب‌بندی اجتماعی و جدایی‌گزینی، انعکاسی از نابرابریهای فزاینده درآمد بود. شهر بیش از پیش به صورت اداره ناشدنی درآمد: شهر خودرو زده، تقسیم شده در پشت دیوارها و سیم خاردارها و نظامهای نظارت و حفاظت، فرا واقعیت همه‌جاگیر شد.

در حالی که لس‌آنجلس به‌عنوان نمونه پارادایمی این قضیه دیده می‌شد و بسیاری از نوشته‌های بعدی به‌طور عموم بر شهرهای جهانی (← شهر جهانی) عمده در غرب متمرکز شده بودند، در دهه ۱۹۹۰م، تعدادی از مطالعات

سوجا (۱۹۸۹م) تحول در فرم شهری را با مراحل بازساخت مرتبط دانست و به‌ویژه بر چرخش به سمت پسافوردیسم به‌دنبال بحرانهای دهه ۱۹۷۰م تأکید گذاشت. پیدایش شکلهای انعطاف‌پذیرتر در تولید، جهانی‌شدن (← جهانی‌شدن)، رویش اقتصاد خدماتی و اطلاعاتی، جایگزین شدن حکمروایی کارآفرینانه به‌جای دولت رفاهی، همراه با افزایش روزافزون نابرابری اجتماعی، به تغییراتی انجامید که سوجا (۱۹۸۰) نام شهری شدن پسانوگرایانه را بر آن گذاشت؛ تحولی که گسست کامل نسبت به نوگرایی (← نوگرایی) نیست، بلکه مجموعه‌ای از بازساختها است، چنان‌که لوس‌آنجلس نمونه آن است. جهانی‌شدن به رشد



توجه خود را بر تأثیر جهانی شدن بر بازساخت شهری در تعدادی از شهرهای آسیا، مثل توکیو، جاکارتا و شانگهای، که به‌سرعت رشد می‌کردند، متمرکز کردند. توسعه شانگهای و تغییر موقعیت و تبدیل شدن آن به مرکز مالی و تجاری در دوره پساسوسیالیستی‌اش، نظر زیادی را به‌خود جلب کرد.

این شهر - منطقه بزرگ، به‌عنوان شهر چند فرهنگی و جهانی، تحرک داد. تجدید ساختار (بازساخت) صنعتی به جغرافیای صنعتی جدید با پیدایش قطبهای فناورانه جدید و الگوهای جدید در ناصنتی‌شدن یا باز صنعتی‌شدن منجر شد. شکل شهر در جهت توسعه چند مرکزی، گسترش فزاینده شهر، پیدایش شهرهای پیرامونی، با انگاره‌های

بازسازی روستایی

Rural Reconstruction

سرزمین ایران منطقه‌ای حادثه‌خیز است. از میان انواع بلایا، سیل و زلزله به‌طور خاص خسارتهای جانی و مالی بیشتری را به بار می‌آورند. در کتاب *تاریخ زمین لرزه‌های ایران* که مهم‌ترین زلزله‌های مخرب ایران معرفی شده‌اند، وقوع بعضی از این زلزله‌های مهم از نظر زمانی به پیش از اسلام می‌رسد.

از سوی دیگر، ایران کشوری نیمه روستایی است. بررسی آمار جمعیتی شهری و روستایی و اطلاعات مربوط به تعداد شهرها و روستاها گواه بر آن است که با گذشت زمان، نسبت جمعیت روستایی کشور به کل جمعیت سیری نزولی داشته است؛ با این وجود، عدد مطلق جمعیت روستایی با گذشت زمان سیری صعودی دارد. براساس آخرین سرشماری کشور در ۱۳۸۵ش، نسبت جمعیت روستایی ۳۱/۵٪ است و مجموعاً ۲۳ میلیون نفر را شامل می‌شود.

بلایا و سکونتگاههای روستایی

نگاهی به بلایای گذشته از جمله زلزله گواه آن است که مناطق روستایی بسیار آسیب‌پذیرند. ریشه این آسیب‌پذیری را می‌توان عمدتاً در کیفیت نازل ساختمانهای روستایی جستجو کرد. بنیه ضعیف اقتصادی روستائیان، خصوصاً در مناطق دور افتاده، باعث شده است که سرپناه ساکنان در این مناطق، اغلب از مصالح بوم‌آورد و با به کارگیری روشهای ساخت‌وساز اولیه و ساده باشد که بیشتر با همبازی ساکنان بومی انجام می‌گیرد.

این بناها غالباً فاقد مقاومت کافی در برابر نیروها و عوامل غیرمترقبه‌اند. تاریخ زلزله‌ها و سیل‌های ایران زمین گواه تخریب بسیاری از روستاها و مرگ هزاران روستانشین در طی تاریخ است. برای نمونه، از خسارات زلزله‌های

دیدگاههای مربوط به نیروهایی که در پس بازساخت قرار دارند، متفاوت است و تا حدود زیادی بحثهای مربوط به ساختار- کارگزار را درباره این تحول انعکاس می‌دهند. هرچند ممکن است بازساخت شهری را به سادگی به‌مثابه بازساخت اقتصاد جهانی بشمار آورد، اما برخی از نویسندگان تأکید می‌کنند که پویشهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تاریخی خاص هر ملت و هر شهر به وجهی اساسی، شکل‌دهنده فرایندهای بازساخت آن ملت یا آن شهر است. نویسندگان فمینیست نیز نشان داده‌اند که چگونه شیوه‌های کشاکش زنان با زندگی و اولویتها و راهبردهای آنها در شکل‌گیری فضاها و تحول فضای شهری سهم دارد. درحالی‌که در الگوهای بازساخت شهری وجود مشترک زیادی هست، اما تفاوتها نیز اندک نیست. در این قضیه نمی‌توان روی نتایجی از پیش معلوم دست گذاشت.

بخش کوچک‌تری از نوشته‌هایی که در دهه ۱۹۹۰م به ظهور رسیدند، بازساخت شهری را در چارچوب هدفهای برنامه‌ای مورد ملاحظه قرار دادند و آن را به اندیشه‌های دگرگون‌ساز، مثل سیاستهای بازساخت زیست‌محیطی از آن‌گونه که هان و سیمونیس (۱۹۹۱م) بعد از پایان آپارتاید در افریقای جنوبی طراحی کردند و نیز بازساخت برای نیل به توسعه فشرده مربوط کردند. استفاده از برنامه‌ریزی برای انجام بازساخت شهری موضوع تازه‌ای نیست، اما تعداد زیادی از اقداماتی که در دوره متقدم صورت گرفته است، متوجه بازساخت پایتخت بوده است. تحقیقات زیادی در مورد بازساخت شهری که در دوره پسافوردیسم صورت گرفته، حاکی از نتایج مشابهی بوده است. اینکه آیا رویکرد ایدئالیستی می‌تواند در شرایط حضور روندهای مخالف بازساخت به هدفهای خود برسد، همچنان موضوع مناقشه است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopaedia of the city*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

آلیسون تد

(کمال پولادی)

بازسازی روستایی

بررسیهای کتابخانه‌ای در این مقطع، نشان داد که پیش از آن تقریباً هیچ مقاله و یا کتاب علمی در زمینه بازسازی در ایران منتشر نشده بود. این فقدان باعث شد تا دانشگاهیان تلاش برای دست یافتن به چارچوب علمی برای بازسازی، از جمله بازسازی مناطق روستایی را به‌طور جدی آغاز کنند.

مطالعاتی که در سالهای بعد انجام گرفت نشان داد که اساساً پژوهش در زمینه بازسازی پس از بلایا در سطح بین‌المللی سابقه نسبتاً کوتاهی دارد و به‌طور جدی، از حدود دهه ۱۹۷۰م آغاز شده است. همین بررسیها گواه بر آن بود که مسائل و مشکلات بازسازی شهرها بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و اساساً بازسازی سکونتگاههای روستایی به‌ندرت مدنظر بوده است؛ بدینسان، می‌توان گفت، مطالعات روستایی در این زمینه از

۱۳۴۲ش بوئین‌زهرا و ۱۳۶۹ش گیلان و زنجان می‌توان یاد کرد.

سابقه پژوهشی در بازسازی روستایی

علی‌رغم تکرار بلایای طبیعی در ایران زمین، بررسی متون و ادبیات موجود گواه آن است که به‌طور کلی پژوهش در زمینه بازسازی مناطق مصیبت‌زده در ایران، اعم از شهری یا روستایی، سابقه کوتاهی دارد.

بدون تردید نقطه عطف مطالعات علمی در این زمینه به حدود سالهای ۱۳۶۰ش بازمی‌گردد؛ زمانی که بازسازی مناطق جنگ‌زده آزاد شده از اشغال دشمن آغاز شد. براساس آمار موجود، در ۸ سال جنگ و درگیری تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۸-۱۳۶۶ش)، بالغ بر ۲,۷۰۰ روستا تخریب و یا دچار خسارت جدی شد. بازسازی مناطق



نظر زمانی متأخر بر پژوهشهای شهری است.

جنگ‌زده به‌دنبال آزادسازی مناطق اشغالی، با سرعت آغاز شد و به‌موازات جنگ و درگیری نظامی به پیش رفت.

توزیع و تشخیص میزان استحقاق هر خانواده برای دریافت بنای جدید، تبدیل به امری بحرانی شد و کار به مداخله نیروی انتظامی کشید.

به‌عنوان عکس‌العمل و به فاصله کوتاهی از اجرای این شیوه، فکر انجام بازسازی به‌صورت آرمانی، آنچه که می‌توان آن را راهبرد روستاهای اتوپیایی (آرمانی) نامید آغاز شد. در اصل، گروهی از مسئولان سیاسی و مهندسی در تهران، هسته ستاد بازسازی را از اوایل ۱۳۶۱ش تشکیل داده بودند و با این شعار کار خود را آغاز کردند که پس از انقلاب اسلامی، می‌باید بالاخره تمامی روستاهای کشور را بازسازی کنیم، چرا این کار را از روستاهای جنگ زده و تخریب شده شروع نکنیم؟

این برنامه‌ریزیها، شامل تدوین معیارهای روستای آرمانی و همچنین طراحی نمونه‌هایی از این روستاها بود که در مواردی نیز عملاً ساخته شدند؛ روستاهای سویدانی و فرسیه از آن جمله‌اند.

موضوعات اصلی که در این روستاهای آرمانی مدنظر طراحان قرار داشت، به‌طور خلاصه عبارت بودند از: پیش‌بینی تأسیسات عمومی، از قبیل آب آشامیدنی تصفیه شده؛

مدرسه؛

مسجد؛

تعاونی؛

تفکیک عرصه دام و انسان در طرح خانه‌ها؛

جداکردن مسیر عبور دام از انسان در شبکه معابر روستا؛ و

استفاده از مصالح مقاوم برای ساخت ابنیه مختلف.

ساخت روستاهای اتوپیایی با معضلات متعددی در عمل مواجه شد، از جمله آنکه طرح مجموعه روستا و واحدهای مسکونی با رفتار متعارف بومیان هماهنگی نداشت، و مشکل تعمیر و نگهداری ساختمانهایی که با مصالح وارداتی ساخته شده بودند، به‌صورت یک معضل درآمد.

مشکل دیگر، ساماندهی مدیریتی جهت نگهداری از تأسیسات عمومی بود. مردم بومی در عمل، علاقه بسیار کمی برای مشارکت در ساخت و تأمین ابنیه و تأسیسات عمومی از خود نشان می‌دادند و از همه مهم‌تر، هزینه

تجربه بازسازی روستاهای جنگ‌زده

با پیشرفت بازسازی روستاهای جنگ‌زده در ایران، خصوصاً در استان خوزستان، تجربیات بسیار ارزنده‌ای به‌دست آمد. شاید بتوان ادعا کرد که به‌طور خلاصه ۳ راهبرد در بازسازی در فاصله زمانی کوتاه اواخر ۱۳۶۰-۱۳۶۴ش تجربه شد:

راهبرد اول تراوش ذهن نیروهای جهادگر پشتیبان جنگ در مناطق جنگ‌زده بود، راه‌حل فطری که ایشان پیش گرفتند، واگذاری کل امر بازسازی به مردم بومی و صرفاً توزیع مقادیری مصالح ساختمانی، از جمله آجر برای دیوارسازی و تیر چوبی برای پوشش سقفها بود. لازم به ذکر است که مسکن سنتی در منطقه دشت آزادگان، ساختمانهایی با دیوار چینه گلی و سقفهای تیرپوش بود. این شیوه بازسازی، بیش از آنکه مورد اعتراض مردم باشد، مورد گلایه مسئولان سیاسی قرار گرفت. جدا از بعضی مشکلات فنی و اجرایی که ناشی از عدم آشنایی اجرای ساختمان با مصالح جدید بود، عملاً سیمای روستا پس از بازسازی شکل و شمایل قبلی خود را حفظ کرده بود و مناسب بهره‌برداری تبلیغاتی نبود. نمونه بارز این روستاها، دهلاویه در دشت آزادگان خوزستان بود.

همزمان نداشتن دستورالعمل خاص باعث شد، در نزدیکی حمیدیه گروهی خیر از صنف زرگر و جواهرفروشانهای تهران، دست به کار بازسازی چند روستا بزنند که به اصرار آنها در یک نقطه متمرکز شده بود و نام شهرک شهید بهشتی را برای آن برگزیده بودند. این شهرک در نزدیکی حمیدیه، جمعیت چند روستا، از جمله جلیزی و مزعل را گرد هم آورد. این شهرک یک میدان مرکزی داشت، با ۲ خیابان عریض ۴۵ متری به‌عنوان ۲ محور اصلی و در ۴ گوشه میدان، ۴ فضای عمومی، از جمله مدرسه و مسجد پیش‌بینی شده بود. این اجزاء در عمل هیچ‌گاه ساخته نشدند و قطعات زمین مشابه و طرح یکسان واحدهای مسکونی با امید سرعت در بازسازی جزو اهداف این طرح بود.

کار ساخت‌وساز آنقدر به طول انجامید که روستائیان جنگ‌زده به ناچار در محوطه کارگاه برای خود روستای جدیدی برپا کردند و عملاً پس از تکمیل واحدها، مدیریت

روال فعلی بازسازی (۱۳۸۶ش)

در حال حاضر، بنیاد مسکن سیاست اصلی خود را حول گسترش نقش مدیریتی- فنی و نظارتی متمرکز کرده است. پس از وقوع سوانح، آمار لازم جمع‌آوری می‌شود و متناسب با شرایط، وام کم‌بهره (حدود ۵ میلیون تومان) و حدود ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض از سوی دولت در اختیار روستائیان قرار می‌گیرد تا با نظرات فنی بنیاد خانه خود را بسازند.

بنیاد مسکن در طول این سالها کوشیده است تا تعدادی استاد کار بومی را آموزش دهد. همچنین از کاردانه‌های رشته عمران برای نظارت بهنگام بازسازی بهره‌گیری کند. بنیاد در سالهای اخیر تلاش می‌کند که طرحهای استاندارد خانه‌ها در مناطق مختلف را تهیه و به مردم توصیه کند تا شاید بدین ترتیب، امکان دقت و سرعت کار بیشتر شود.

مشاهدات مهم از بازسازی مناطق روستایی

آنچه نگارنده از حدود ۱۳۶۰ش تا امروز (۱۳۸۶ش) در زمینه بازسازی روستاها در ایران ملاحظه کرده و یا در ادبیات محدود جاهای دیگر دنیا مطالعه نموده است، به‌طور خلاصه، به‌شکل زیر قابل جمع‌بندی است:

آثار تخریبی بلایا به ۲ صورت *پیدا* و *پنهان* برجای می‌مانند و متأسفانه ابعاد علنی و قابل رؤیت، مانند تخریب ساختمانها زودتر و بیشتر به چشم بیننده می‌آید. به‌همین خاطر، بازسازی در کشور ما حتی تا امروز محتوای فیزیکی کالبدی داشته است؛ این درحالی است که خسارات ناپیدای وقوع فاجعه، مانند به‌هم خوردن ساختار خانواده یا مدیریت اجتماعی روستا و حتی تحول و تخریب در اقتصاد روستا، و شاید از همه پیچیده‌تر، آثار کوتاه‌مدت و درازمدت روانی بلایا از نظرها دور می‌ماند. بازسازی روان‌شناختی مردم یک منطقه وسیع را چه کسی و چگونه می‌تواند ساماندهی کند؟ راه‌اندازی و احیاء مجدد فعالیت اقتصادی و تولیدی روستائیان در بسیاری از موارد برای آنان از ساخت خانه‌ها اولویت بیشتری دارد. گاه پیش از ساخت خانه‌ها، روستائیان تا دو نوبت از کشتزارهای خود محصول برداشت کرده‌اند؛ وابستگی روستائیان به زمین، نسق زراعی و منابع آب

ساخت این روستاها که مصالح آنها گاه سفری بیش از ۱,۵۰۰ کیلومتر را طی می‌کرد و بسیار گرانقیمت بودند، فشار اقتصادی مضاعفی بر بودجه جنگ وارد می‌کرد، تا آنجا که در عمل، دولت مجبور به توقف ساخت این روستاها شد.

راهبرد سوم بازسازی را شاید بتوان رویکردی مشارکتی نامید. در این راهبرد، برای مردم جنگ‌زده نقش برجسته‌ای پیش‌بینی و کار مدیریت و حتی کار یدی بازسازی برعهده ایشان گذاشته شده بود. از نظر طرح واحد مسکونی عملاً نیروهای بازسازی در حد مشاوره در خدمت صاحبخانه قرار گرفتند و اخذ تصمیم نهایی را به‌عهده او گذاشتند. سهم هر خانواده، متناسب با خسارت وارده، به‌صورت مرحله‌ای در اختیار او قرار می‌گرفت و نقش نیروهای بنیاد مسکن به‌عنوان مجری طرح بازسازی، در حد نظارت عالییه تقلیل یافت. مصداق بارز این نوع بازسازی را می‌توان در روستای ساریه در دشت آزادگان ملاحظه کرد.

درس‌آموزی از تجربه بازسازی روستاهای جنگ‌زده

تجربه گسترده و وسیع بازسازی روستاهای جنگ‌زده، به‌تدریج، چارچوبی نظری و اجرایی پیش روی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی)، به‌عنوان مجری طرحهای بازسازی پس از سوانح، گذاشت. به فاصله کوتاهی پس از پایان بازسازی مناطق جنگ‌زده، زلزله ۱۳۶۹ش روستاهای زیادی را در استانهای زنجان و گیلان در هم کوبید. ستادهای معین از چند استان فرا خوانده شدند و کار اسکان موقت آغاز شد. برای اولین بار از ساختمان *زگالی* که نوعی بنای سبک با سازه چوبی و دیواره‌ای پر شده با توده‌ای گل است، به‌عنوان اسکان موقت بهره‌گیری شد. مردم بومی با این شیوه ساختمان‌سازی آشنا بودند و به‌راحتی با توزیع چوب و گاه کارگاههای فعال چوب‌بری منطقه، کار تأمین سرپناه در زمان بسیار کوتاهی سامان گرفت. حتی این شیوه ساخت‌وساز به حوزه روستاهای زنجان که با آن مأنوس نبودند، نیز صادر شد و مورد استقبال قرار گرفت.

باز یافت

محدودند؛

جایگاه و موضع فعلی دولت که برخلاف بسیاری از دیگر کشورها، خود را متکفل تأمین هزینه‌های بازسازی سکونتگاههای مصیبت‌زده می‌داند، باعث ترویج و ترغیب فرهنگ فرصت‌طلبی و گاه سوءاستفاده در میان روستائیان شده است؛ و

بازسازی پس از سوانح خواه طبیعی و یا انسان‌ساز، فرصت مناسبی برای تحولات وسیع در شئون مختلف اقتصادی و اجتماعی روستائیان نیست. گاهی آمار جمعیت یک روستا یا منطقه‌ای روستایی که از وام دولتی و کمک بلاعوض استفاده کرده‌اند، تا ۲ برابر آمار واقعی که در هنگام وقوع زلزله یا بلافاصله پس از آن گردآوری شده، افزایش یافته است.

کتاب‌شناسی:

- آمبرنسر، ن. *تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران*، ترجمه ابوالحسن زاده، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.

- مرکز آمار ایران. *سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵*.

اکبر زرگر

بازسازی شهری ← نوسازی شهری

باز یافت

Recycling

مدیریت جامع مواد زاید ۴ محور اساسی دارد که به ترتیب اولویت عبارتند از:

کاهش تولید؛

باز یافت؛

تبدیل شیمیایی؛ و

دفن زائدات.

باز یافت عبارت است از انجام عملیات مشخص روی

کشاورزی نقش بسیار مهمی در بازگشت مصیبت‌زدگان روستایی به سرزمین اصلی دارد، حال آنکه برای مصیبت‌زدگان شهرنشین خطر مهاجرت دائمی خیلی جدی‌تر است؛

جابه‌جایی مکان روستا و خصوصاً ادغام اجباری روستاهای کوچک می‌تواند آثار سوء و مشکلات اجتماعی و مدیریتی جدی بر جای گذارد؛

آشنایی روستائیان با مصالح بوم‌آورد و فن ساخت‌وساز، خصوصاً در مرحله اسکان اضطراری، به ایشان امکان می‌دهد که با استفاده از حداقل حمایت، مشکل سرپناه خود و خانواده را سریعاً حل کنند؛

انس با طبیعت و سختیها و مشکلات آن باعث می‌شود تا روستائیان در فرایند بازگشت به شرایط طبیعی که به‌زعم ایشان اغلب همان شرایط قبل از وقوع فاجعه است، تحمل بیشتری از خود نشان داده، و با امکانات محدود و معدود بسازند و با شرایط سخت به‌صورت مقطعی کنار آیند و در عمل، با حداقلها دوره انتقال را پشت سر بگذارند؛

طرحهای هندسی مهندسی غالباً کمک با ارزشی به ارتقاء سطح زندگی مردم نمی‌کند. بسیار دیده شده است که روستائیان گونه‌ای زندگی سنتی را در غالب خانه جدید و با زحمت ادامه می‌دهند؛

مشارکت روستائیان در فرایند احیاء، بازسازی و اسکان، سرمایه بسیار مهمی است که می‌تواند کمک شایانی به مدیران دولتی از نظر صرفه‌جویی در وقت و سرعت کار و افزایش رضایت مصیبت‌زدگان به‌وجود آورد؛

موضوع افزایش انتظار روستائیان پس از بازسازی با مصالح و فناوری جدید، معضلی است تکراری. افزایش انتظارات ایشان از حداقل مصالح خانه که اغلب تأمین آن بدون مدیریت متمرکز دولتی، آن‌هم صرفاً برای مقطع بازسازی، میسر نیست، مشکل کمبود مسکن را در روستا به‌وجود می‌آورد. مگر آنکه برای تولید مصالح در منطقه و تربیت استادکاران بومی اندیشه‌ای پیش‌بینی شده باشد؛

روستائیان تغییرات واقع‌بینانه و مورد نیاز خود را در رفتار فردی و اجتماعی در مقطع بازسازی و پس از آن، به تدریج به‌وجود خواهند آورد، ولی این تغییرات اغلب بسیار

بازیافت

انواع پسماندهای عادی

اجزای قابل استفاده در تولید کود آلی (کمپوست). این اجزا شامل مواد فسادپذیر موجود در زباله هستند. پسماندهای غذایی، شاخ و برگ درختان و ضایعات نان در این گروه طبقه‌بندی می‌شوند؛

اجزای قابل استفاده در صنایع تبدیلی. این مواد، قابل سوختن و کودسازی نیستند و طی فرایندهای مختلف، مجدداً مورد مصرف قرار می‌گیرند. مواد پلاستیکی، گونی، کاغذ، کارتن، مقوا، فلزات، شیشه و لاستیک در این گروه جای می‌گیرند.

اجزای قابل استفاده در تولید انرژی. این گروه منحصراً قابل احتراق هستند و هنگام سوختن، انرژی بالایی تولید می‌کنند. استفاده از مواد زائد قابل اشتعال برای تولید انرژی به‌عنوان ایجاد منبع حرارتی و گرمایش در مجتمع‌های مسکونی و تولید برق و سایر مصارف، یکی دیگر از زمینه‌های بازیافت مواد زائد است.

اجزای غیرقابل استفاده در بازیافت: (اجزای دفن شدنی). این اجزا در هیچ‌یک از گروه‌های فوق قابل استفاده نبوده و بایستی به‌صورت بهداشتی دفن گردند؛ پارچه، چرم، فرش، موکت، چینی‌آلات، ملامین، کفش، ضایعات خطرناک از این نوع هستند.

مواد زائد جامد برای تهیه مواد جدید و یا انرژی. به‌این‌ترتیب، بازیافت فرایندی است که طی آن مواد زائد، جمع‌آوری شده و به‌منزله مواد خام برای تولید محصولات جدید، به کار گرفته می‌شوند. می‌توان گفت، بازیافت قسمت اصلی و زیربنایی هر طرح جامع مدیریت زائدات است. بازیافت سبب کاهش مشکلات مدیریت مواد زائد شهری، از جمله جمع‌آوری و دفع، خصوصاً احتراق و دفن می‌گردد. علاوه‌براین، بازیافت از پتانسیل تشکیل شیرابه و انتشار و شدت آلودگی می‌کاهد.

بازیافت زباله فقط جداسازی و جمع‌آوری مواد بعد از مصرف نیست، بلکه این موارد اولین گام در بازیافت بشمار می‌روند.

مواد جمع‌آوری شده باید دوباره پردازش شده یا در پروسه‌های صنعتی به محصولات دیگر تبدیل شوند و سپس، به مصرف برسند. بنابراین، زمانی‌که مواد و محصولات دوباره مورد استفاده قرار گرفتند، چرخه بازیافت کامل شده است.

انواع پسماندهای خانگی

پسماندهای خشک. کاغذ و مقوا، پلاستیک، لاستیک، فلزات، شیشه، منسوجات و چرم، چوب، ضایعات مواد غذایی و نان و مانند آن؛ و
پسماندهای تر. شیرابه‌های مواد غذایی، سبزیجات و میوه.



بازیافت

زیست را به دنبال دارد.

مدیریت برنامه‌های بازیافت می‌تواند به صورت زیر باشد:
به‌طور مستقیم، زیر نظر شهرداری و به‌عنوان قسمتی از سیستم مدیریت مواد زائد جامد شهری؛
زیر نظر سازمانی مثل سازمانهای بازیافت فعلی که در بعضی شهرها وجود دارد؛
مدیریت منطقه‌ای؛ و
مدیریت توسط بخش خصوصی.

سیاستهای مؤثر سازمان متولی بازیافت در خصوص ارتقاء این امر می‌تواند به شرح زیر باشد:
تصویب و تبیین دستورالعملهای اجرایی برای شهروندان؛
آموزش چهره‌به‌چهره تمامی خانوارهای شهری و واحدهای تجاری و اداری از طریق استفاده از نهادهای مردمی و غیردولتی؛

به کارگیری روشهای تشویقی و انگیزشی؛
تهیه و توزیع مخازن مخصوص پسماندهای خشک در بین خانوارهای شهری؛
استفاده از فناوریهای نوین بازیافت؛
ایجاد مناطق بورس بازیافت و ساماندهی تفکیک زباله در مبدأ؛ و
واگذاری امور به بخش خصوصی با نظارت سازمان متولی.

فرصتهای بازیافت

با توجه به نبود یا کمبود زمین مناسب برای دفع زائدات، با بازیافت مواد و کاهش حجم آن، پتانسیل زمین برای پذیرش مواد زائد افزایش می‌یابد؛
به دلیل محدودیت منابع طبیعی، اگر بازیافت زباله صورت گیرد، نیاز به استخراج مواد خام کمتر شده و منابع طبیعی برای نسلهای آینده حفظ می‌گردد؛

با اجرای عملیات بازیافت، حجم زباله‌های ورودی به محیط زیست کاهش می‌یابد و در نتیجه، از آلودگیهای زیست محیطی آب، خاک و هوا کاسته می‌شود؛
با اجرای بازیافت و کاهش حجم زباله، هزینه جمع‌آوری و حمل‌ونقل و دفن زباله کاهش می‌یابد؛
بازیافت مواد موجب می‌شود که نیاز به ورود مواد خام از

مراحل اصلی بازیافت

جمع‌آوری موادی که قابل بازیافتند؛
جداسازی این مواد در ظروف مختلف؛
فرایندهایی که این مواد را دوباره قابل استفاده می‌سازند، مانند خمیر کردن کاغذ و نایلون و تبدیل دوباره آن به کاغذ و نایلون؛ و
بازاریابی، خرید و فروش و استفاده از کالایی که از مواد بازیافتی ساخته شده است.

از آنجایی که عمل تفکیک زباله به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی در هر برنامه بازیافت مطرح می‌شود، هرچه این اقدام به نقطه و زمان تولید زباله نزدیک‌تر باشد، عملیات بازیافت توفیق کمی و کیفی و نهایتاً فایده اقتصادی بیشتری خواهد داشت.

فرایند بازیافت می‌تواند در قسمتهای مبدأ، مقصد و میانه (ایستگاههای انتقال) صورت گیرد، اما بهتر است مواد زائد در مبدأ تولید و قبل از آنکه با هم مخلوط شوند، به‌صورت جداگانه جمع‌آوری گردند. در غیر این صورت، فرایند جداسازی برای بازیافت مواد می‌تواند به ۲ روش انجام شود:

شیوه مسیر باز، که طی آن مواد بازیافتی به‌عنوان مواد خام در فرایند تولید محصولات مورد استفاده قرار می‌گیرند، مانند بازیافت پلاستیک و شیشه؛ و
شیوه مسیر بسته، که طی آن مواد بازیافتی دوباره به‌صورت اصلی برگردانده می‌شود و دقیقاً همان خواص اولیه و کاربرد قبلی خود را پیدا می‌کند، مانند بازیافت بطریهای شیشه‌ای و چند بار مصرف، بازیافت لباسهای مستعمل و مانند آن.

بازیافت و حفاظت از محیط زیست

جلوگیری از انباشت و هدر رفت مواد زائد و آسبیهی آن به محیط زیست؛ و
بازیافت مواد زائدی که تولید آنها اجتناب‌ناپذیر است.
بازیافت و استفاده مجدد، استخراج از منابع و معادن طبیعی و دفع بی‌رویه آلاینده‌ها را در محیط زیست تقلیل داده، و ارتقاء سطح بهداشت جامعه و حفاظت از محیط

باغشهر

۱۳۷۲.

- فرزاد بهتاش، محمدرضا. «اثرات زیست محیطی زلزله در بافت تاریخی شهرها- مطالعه موردی. بم»، اولین همایش مقابله با سوانح طبیعی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

- American Paper Institute. *Paper Recycling and its Role in Solid Waste Management*. New York, ۱۹۸۷.

- Charles R. Rhyner; Leander, J.; Schwartz, Robert and Wenger, B. *Waste Management and Resource Recovery*. CRC Press, ۱۹۹۵.

- EPA. *Characterization of Municipal Solid Waste in the United States*. ۱۹۹۲.

- EPA. *Decision-Makers GUIDE to Solid Waste Management*. ۱۹۸۹.

- EPIC. *A Review of Automated Technology to Sort Plastic and Other Containers*. Ontario, Canada, ۲۰۰۳.

- Ludwig, Christian and Hallweg, Stefanie & Stuki, Samuel *Municipal Solid Waste Management*. Springer, ۲۰۰۳.

- Lund, Herbert. *Recycling Handbook*. New York: McGraw-Hill, ۲۰۰۰.

- Tchobanoglous, G.; Theisen, H. & Eliassen, R. *Solid Wastes Engineering Principles and Management Issues*. New York: McGraw-Hill, ۱۹۷۷.

محمدرضا فرزاد بهتاش

باغشهر

Garden City

جوهر اصلی ایده باغشهر آمیزش شهر با مناطق روستایی و ساختن خانه‌های تک‌خانوار محصور در باغ و باغچه‌هاست.

در اواخر سده ۱۹م، با افزایش مشکلات شهری و هجوم جمعیت روستایی به شهرهای بزرگ در پی انقلاب صنعتی، متفکرین بسیاری در مقابل این شرایط به طرح ایده‌های جدید پرداختند. در انگلستان ایده ساخت یک شهر کوچک در ناحیه‌ای روستایی (با ترکیب مزیت‌های شهر و روستا، با صنایع متعلق به خود، توسعه کنترل شده، باغهای عمومی و

خارج کشور کمتر شود و در نتیجه، وابستگی اقتصادی کاهش و تولید ملی افزایش می‌یابد؛ و ایجاد درآمد و شغل در پی راه‌اندازی کارگاههای بازیافت.

محدودیت‌های بازیافت

غیرمطلوب بودن کیفیت اغلب محصولات تولید شده از مواد بازیافتی؛ استاندارد نبودن اجناس تولیدی از مواد بازیافتی در مقایسه با موارد مشابه؛ غیربهداشتی بودن اجناس تولیدی از مواد بازیافتی، به‌علت عدم رعایت بهداشت در فرایند تولید؛ و عدم آموزش کافی و عدم استفاده از فناوری پیشرفته در بازیافت.

فرصتهای ناشی از عملیات بازیافت

استقبال مردم و سازمانها از این عملیات؛ ایجاد اشتغال؛ کاهش وابستگی به خارج؛ صرفه‌جویی در هزینه جمع‌آوری و دفع زباله؛ امکان حمایت مالی بیشتر از کارگران؛ تقویت بنیه اقتصادی کشور؛ و ارتقاء سطح سلامت و بهداشت جامعه.

تهدیدهای ناشی از عملیات بازیافت

امکان بیماری مرتبطین با امر بازیافت و عدم کنترل سلامتی کارگران این حرفه؛ امکان وجود ناخالصیها در مواد بازیافتی که در تولید مشکل ایجاد می‌کند؛ وجود بازار سیاه و ثابت نبودن قیمت‌ها؛ و کمبود نیرو و کارگر ماهر و فناوری به‌روز در این زمینه. کتاب‌شناسی:

- عبدلی، محمدعلی. *بازیافت مواد زائد جامد شهری*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- عبدلی، محمدعلی. *سیستم مدیریت مواد زائد جامد شهری و روشهای کنترل آن*. تهران: سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداری تهران،

باغشهر

منطقه‌بندی کاربریها، آرمان تراکم کم و حفاظت از حریمهای سبز اطراف شهر بود.

هوارد ضمن ایده احداث باغشهر، معتقد بود، در شهر باید میان صنعت و کشاورزی تعادل برقرار باشد. شهر درعین حال که از برخی تأسیسات صنعتی کوچک برخوردارست، فضای سبز (← فضای سبز شهری) و اراضی کشاورزی آن می‌بایست ۵ برابر کل شهر وسعت داشته باشد. خانه‌های مسکونی باید باغچه‌های مشترک داشته باشند، همچنین فضاهای سبز عمومی وسیع، مانند پارک مرکزی، به وجود آید و علاوه بر اینها، خیابانها در دل ناحیه مسکونی همچون یک نوار سبز عبوری طراحی شوند. هدف این بود که این فضاهای سبز وسیع در دل شهر، همراه با زمینهای کشاورزی و باغها در حلقه خارجی شهر، برای شهروندان مجال بهره‌وری و لذت بردن از طبیعت را

خصوصی و مرکز فرهنگی طراحی شده)، برای نخستین بار باغشهر نامیده شد. این ایده را ابنزر هوارد پیشنهاد کرد، کسی که در ۱۸۹۹م برای ساخت اولین باغشهر با نام لچوُرت، مؤسسه باغشهر را نیز تأسیس نمود. او ایده احداث باغشهر را در ۱۸۹۸م با چاپ کتاب *باغشهرهای فردا* مطرح ساخت. هدف او ایجاد جنبش تراکم‌زدایی از مراکز شهری بزرگ و از طریق ایجاد روستا-شهرهایی با محیطی سالم تر بود. باغشهرها، که ترکیبی از ویژگیهای شهر و روستا را دربر داشتند، با کمربندهای سبز کشاورزی، اداری، تفریحی و دیگر فعالیتهای تخصصی، از هم جدا می‌شدند. هر باغشهر برای زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روزانه شهروندان، با نظام یکپارچه مالکیت زمین و واگذاری به صورت اجاره‌ای، به منظور پیشینه کردن همزمان نفع اجتماعی و انتخاب فردی تجهیز شده بود. ایده



فراهم نمایند.

باغشهرها جزو نخستین شیوه‌های نظام‌یافته در برخورد با

باغشهر

مجتمع نمونه از باغشهر احداث شود، تا بقیه باغشهرها به سرعت و خودبه‌خود به‌وجود آیند. در این صورت ساکنان لندن، شهر پرتراکم خود را گروه‌گروه ترک می‌کنند و در خانه‌های ویلایی باغشهرها مستقر می‌شوند. بدین ترتیب، محلات پست و فقیرنشین شهرهای بزرگ از بین می‌رود. در این شهرها به دلیل آنکه زمینهای عمومی متعلق به شهرداریهاست، از بورس بازی زمین جلوگیری می‌شود. خوداتکایی، استقلال، تعادل اجتماعی - اقتصادی، تعادل طبیعی از ویژگیهای بارز باغشهر است. علاوه بر اینها، برخورداری از مزایای شهر و روستا، مسکن، کار و اوقات فراغت، از دیگر وجوه مشخصه نظریه باغشهر است.

در ۱۹۰۴م در انگلستان ساخت نخستین باغشهر به نام لچ‌ورث برای سکونت ۳۵,۰۰۰ نفر، با یک کمربند اراضی کشاورزی به مساحت ۳,۰۰۰ آکر (acres) آغاز شد. در این

طرح باغشهر به‌صورت یک دایره که ۶ خیابان اصلی شعاعی آن را به ۶ بخش تقسیم می‌کرد، در نظر گرفته شده بود. در مرکز دایره فضای مدور یک باغ عمومی قرار داشت که با ساختمانهای عمومی احاطه شده بود. پس از محلات مسکونی، حلقه‌ای کم‌عرض از زمینها برای تأسیسات صنعتی در نظر گرفته شده بود و همچنین کل شهر نیز در مزارع کشاورزی و باغهای میوه محصور بود. هوارد معتقد بود، باغشهر تنها راه‌حل برای رهایی از تمرکز و ازدحام شهرهای بزرگ است که با کنترل رشد آن، اقماری کردن، توزیع مجدد و یکپارچگی سکونتگاهها در داخل یک واحد بزرگ فضایی و عملکردی عملی می‌شود. او زوال شهرهای بزرگ را پیش‌بینی می‌کرد و از این‌رو آنها را منفور و مردود می‌دانست.

ابداع‌کننده باغشهر معتقد بود، فقط کافی است یک



باغشهر

سبز؛
عدم غلبه نسبت سطح اشغال توده ساختمانی بر فضاهای باز و سبز؛
احاطه شهر با کمربند سبز و اختصاص حداقل یک سوم بافت شهری به فضاهای سبز عمومی و خصوصی؛
توجه لازم به فضاهای سبز داخل محوطه‌ها در طراحی ساختمانها؛
مصون بودن از انواع آلودگیهای صنعتی؛
سازگاری ویژگیهای فرم شهر و نقش اقتصادی آن با ویژگیهای طبیعی؛
وفور دسترسی به تفرجگاههای طبیعی شهر برای گذران اوقات فراغت ساکنان؛ و
پایداری توسعه شهر و محفوظ بودن چشم‌اندازهای طبیعی، اراضی کشاورزی، باغها و منابع طبیعی.
بدین ترتیب، مفهوم باغشهر مترادف است با سازگاری، تعادل و همزیستی محیط انسان‌ساخت و محیط طبیعی که هدف آن فراهم ساختن سکونتگاههای سالم‌تر برای زیستن است. گاهی از باغشهر به‌عنوان یک آرمانشهر یاد می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- اوستروفسکی، واتسلاف. *شهرسازی معاصر: از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- Beevers, R. *The Garden City Utopia: A Critical Biography of Ebenezer Howard*. London: MacMillan, ۱۹۸۸.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Gallion, Arthur B. & Elsner, S. *The Urban Pattern*. D. Van Nostrand Company, INC, ۱۹۶۳.
- Reiner, Thomas A. *The Place of the Ideal Community in Urban Planning*. ۲nd ed. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, ۱۹۶۳.
- Ward, Stephen (ed). *The Garden City: Past, Present and Future*. London's & Fn Spon. ۱۹۹۲.

اسماعیل صالحی

شهر زمین برای همه مقاصد توسعه برای یک دوره ۹۹ ساله اجاره داده می‌شد. در ۱۹۱۴م نیز ساخت دومین باغشهر به نام ولوین که به لندن بسیار نزدیک‌تر بود، آغاز شد. روند توسعه این ۲ شهر برخلاف تصور به‌کندی پیش رفت.

طرح ایده باغشهر در سیر تحول تاریخ شهرسازی، نقطه بسیار مهم و تأثیرگذار محسوب می‌شود. برخی از صاحب‌نظران از این ایده حمایت کرده‌اند. لوئیس مامفورد آن را یکی از ابداعات مهم سده ۲۰م می‌داند. او که از صاحب‌نظران بنام مطالعات شهری است، در این‌باره می‌نویسد، در آغاز سده ۲۰م، ۲ ابداع مهم به وقوع پیوست: هواپیما و باغشهر. این هر دو طلایه‌دار عصری جدیدند. اولی، بشر را قادر به پرواز بر فراز زمین ساخت و دومی، مکان زیست نیکوتری را روی زمین به او وعده داد. همچنین پودم کتاب کوچک باغشهر تألیف هوارد را یکی از مهم‌ترین کتابهای سده ۲۰م معرفی می‌کند. در مقابل، افراد بسیاری نظیر لوکوربوزیه، زیگفرید گیدیون، ادوارد کارتر و جین جیکوبز، با نظریه باغشهر به مخالفت برخاسته‌اند. برای مثال، لوکوربوزیه معتقد است، گسترش و رشد شهرها بر مبنای الگوی باغشهر، موجب اتلاف وقت ساکنان و همچنین هدر رفتن زمینها می‌شود. او عقیده داشت، این‌گونه شهرها نوعی روحیه ضداجتماعی برای ساکنان خود ایجاد می‌کنند.

امروزه از اصطلاح باغشهر فراتر از ایده هوارد استفاده می‌شود. برای مثال، این اصطلاح در تبلیغ شهر منچستر برای میزبانی المپیک ۱۹۹۶م استفاده شد. در حال حاضر در ایالات متحد آمریکا چندین شهر باغشهر نامیده می‌شوند. اندازه این باغشهرها در ۱۹۹۰م از ۹۳ نفر در داکوتای جنوبی تا بیش از ۲۰ هزار نفر در کانزاس میامی و نیویورک متفاوت بوده‌اند.

به‌طور کلی، با توجه به بار محیط زیستی مستتر در مفهوم و اصطلاح باغشهر، این مفهوم یا صفت را می‌توان درباره شهرهایی که ویژگیهای زیر را دارند، به کار برد:

اندازه جمعیتی کوچک؛

تراکم ساختمانی پائین؛

عملکرد کلیه خیابانها و شبکه‌های دسترسی، مانند نواری

روستا شکل می‌گیرد و به مرور زمان و متناسب با افزایش جمعیت و ظرفیتهای محیط، توسعه می‌یابد، تا به مرز طبیعی خود برسد. هسته اولیه روستا ممکن است به صورت یک قلعه اربابی باشد. در جاهایی که آب به صورت قنات تهیه می‌شود، گاه یک زمیندار متمدن بانی احداث قنات و بیرون کشیدن آب و سپس، ایجاد هسته اولیه روستا به صورت قلعه شود و پس از آن جماعتی را از دهات دیگر به آن کوچ دهد. روستای محمودآباد در جاده تهران- ساوه از این نمونه است. در حاشیه کویر، در مسیر جاده تهران به مشهد، در استان سمنان، روستاهای متعددی به صورت قلعه و با نام اشخاص وجود دارد که مصادیق همین نوع روستاها بشمار می‌روند.

نظام شکل‌گیری بافت روستا

نحوه قرارگیری عناصر اصلی بافت روستا نسبت به یکدیگر تابع ضوابطی است. جدای از جنس و کاربری زمین، توجه به سلسله مراتب دسترسی یا مصرف آب، نقش تعیین‌کننده‌ای در بافت روستا دارد. آب آشامیدنی معمولاً از سرچشمه، خواه چاه باشد یا قنات و یا چشمه طبیعی تهیه می‌شود و غالباً آب در جریان عبور از روستا برای مصارف شستشو مورد استفاده قرار می‌گیرد و نهایتاً پسمانده آن راهی باغات و مزارع می‌شود.

از طرفی، موقعیت باغها نسبت به بافت پُر روستا با عنایت به شرایط اقلیمی منطقه، می‌تواند تغییر یابد. در مناطقی که بادهای مزاحم احیاناً با گرد و خاک و یا گاه اصطلاحاً شن (ریگ) همراه است، باغها به نحوی احداث می‌شوند که مانع نفوذ مستقیم این جریان مزاحم هوا به درون خانه‌ها شوند. البته تمهیدات دیگری نیز علاوه بر آن به این منظور اندیشیده می‌شود.

از دیگر موارد، عناصری مانند جاده و پل است. دسترسی سهل به جاده و نقطه اتصال آن به روستا که غالباً به صورت میدانگاهی با عملکردهای متعدد شکل می‌گیرد، در زمره عوامل مهم قابل ذکر است. حرکت جاده و شکل آن، تابع شیب و شکل زمین است و طبعاً، محدودیتهایی دارد که بافت کلی می‌باید از آن تبعیت کند. همچنین محل

بافت روستایی

Rural Texture

نحوه قرارگیری عناصر و اجزاء اصلی یک روستا، مانند مجموعه ساختمانها، باغها و مزارع، پل و جاده و راه، فضاهای باز، مانند خرمنگاه و گورستان و بنای زیارتگاه و عناصر اصلی محیط، مانند رودخانه و چشمه، در مجموع، بافت روستا را شکل می‌دهد. قرارگیری عوامل فوق در کنار یکدیگر تابع قواعد و اصولی است که در هر منطقه و در هر مصداق، نیازمند مطالعه و شرح و بحث است. آنچه مسلم است اینکه رابطه این اجزاء با یکدیگر از نوع تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه حکمتی در پس آن نهفته است که ممکن است به راحتی به نظر نرسد و حتی با پرس و جو در محل و از اهالی هم نتوان آن را به سادگی بازخوانی کرد.

معمول است که علاوه بر بافت روستا، از بافت پُر روستا نیز در فضاهای علمی و کارشناسی سخن گویند. منظور از بافت پُر صرفاً مجموعه مصنوع شامل خانه‌ها و کوچه‌ها و گذرها و ابنیه عمومی است که در کنار یکدیگر قرار دارند. حتی در روستاهای پراکنده نیز محدوده‌ای را که ساختمانهای مسکونی در آن قرار دارند، می‌توان بافت پُر تلقی کرد.

در روستاهای ایران شاهد تنوع بسیار زیادی در ساختار و سیمای روستاها هستیم. شناسایی این عوامل و نحوه تأثیر هر کدام بخشی از مطالعات مهم معماری روستایی است.

پیدایش روستا

غالباً روستاها از نظر منابع آب و خاک دارای محدودیت هستند. بنابراین، به لحاظ میزان تولید و به تبع آن جمعیتی که می‌تواند از آن ارتزاق کند نیز محدودیت دارند. سرریز جمعیت به ناچار به مناطق جدید کوچ کرده و پایه روستای جدید را می‌گذارند و بدین ترتیب، هسته اولیه کالبدی

بافت روستایی

جمله ویژگیهای بافت عشایری جدید، ابتدایی بودن اجزاء و انتظام فضایی آن است و نوعی تداوم زندگی چادرنشینی در مجموعه ساختمانهای گلی و سنگی قابل رؤیت است. از جمله مصادیق این امر، روستای احمدآباد ساوه و چندین روستای دیگر در مسیر ساوه- قم، از طریق جاده باقرآباد است.

در مناطق دیگر، تقسیم محلات براساس مذهب و اعتقاد دینی است. در پاره‌ای روستاها نیز ۲ گروه مسلمان و زرتشتی در یک روستا زندگی می‌کنند و محدوده محلات آنها از یکدیگر جداست. شبیه همین تقسیم را می‌توان در بعضی روستاهای الویر (ساوه) مشاهده کرد که جمعی از ارامنه کشاورز در کنار مسلمانان، در ۲ محله جدای از هم زندگی می‌کنند. در جنوب استان زنجان و شهرستان خدابنده، جماعتی از پیروان فرقه علی‌الهی، گاه به‌صورت روستای متشکل و بعضاً در ۲ محله جدا در یک روستا زندگی می‌کنند.

اجزاء بافت

بیشترین بخش بافت یک روستا را خانه‌های مسکونی تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، بناهای عمومی، مانند مسجد، مدرسه، حمام، حسینیه، خانه بهداشت، دفتر مخابراتی، مغازه‌ها و امثال آنها نیز هستند که کاربردی جمعی دارند. کوچه‌ها و معابر وظیفه دسترسی مردم و ساکنان را به این سلولها برعهده دارند و گاه به‌صورت سرپوشیده، شکل *ساباط* می‌گیرند و یا در مواردی، در محل تقاطع ۲ معبرگذری پیدا می‌شود و یا حسینیه و تکیه دیده می‌شود. در روستاهای استان یزد، از جمله شهرستان اردکان و میبد، این موارد زیاد وجود دارند. در روستای باغ شیخ ساوه، حسینیه قسمتی از معبر عمومی است و تنها در ایام محرم تغییر کاربری می‌دهد و در اصل، نقش و عملکرد اصلی خود را عهده‌دار است.

سیمای بافت

سیمای بافت در روستاها بسیار متنوع است. گاه خانه‌ها با فاصله و پراکنده، بی‌آنکه حتی محدوده کوچه و معبر قابل

احداث پل روی رودخانه که سعی می‌شود در جایی که عرض رودخانه کم‌ترین است و درعین حال مقاومت زمین برای احداث پل مطلوب و حاشیه دو سوی رودخانه نیز در معرض آب بردگی نباشد، ایجاد شود و نقطه دسترسی به روستا را تعیین می‌کند. به‌طور خلاصه، مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده یک روستا، طبق قواعد و حکمتهایی در کنار یکدیگر مستقر می‌شوند. در طرح روستاهای جدید عنایت به این حکمتها ضروری است.

تقسیمات بافت

بافت پُر روستا در بسیاری از موارد دارای تقسیمات محله‌ای است. محلات بیشتر از آنکه وجه کالبدی داشته باشند، جنبه اجتماعی دارند. به‌طوری که در نگاه تماشگری که از بیرون آمده است، تشخیص این محدوده‌ها و تفکیک آنها مشکل می‌نماید، چرا که از نظر شکل و قواره ساختمانها مجموعه روستا احتمالاً چهره‌ای یکنواخت دارد. مبنای تقسیم محلات که علی‌القاعده با منطق سهولت اداره امور اجرایی و مدیریتی شکل گرفته‌اند، می‌تواند متعدد باشد. ویژگیهای فامیلی- قومی می‌تواند یکی از این عوامل باشد. در روستای رفیع، از توابع شهرستان هویزه در خوزستان، بلوکهای ساختمانی کاملاً با ساختار فامیلی انطباق دارد. حتی توسعه جدید در بلوک نیز در امتداد بلوک قبل انجام گرفته و از توسعه ثلاثینی خودداری کرده‌اند.

در بعضی روستاهای طالقان، محله سادات از محله غیر سادات مجزاست. حتی در مواردی، کل اهالی روستا، به‌عنوان مثال در روستای درکه در شمال شهر تهران، در اصل مسکن سادات بود و کل جمعیت اصیل ده، سید بودند.

تقسیمات محلات بالا و پائین نیز در روستاها رایج است. یکی از شایع‌ترین تفکیک محلات در مواردی است که در سالهای دور، از جمله دوره پهلوی اول و گاه از دوره زندیه، عشایر کوچرو به اجبار در مناطقی در حاشیه روستاهای با سابقه، کشاورز و یکجانشین، تخته قاپو شده‌اند. بافت جدیدالاحداث عشایر کوچرو به وضوح با بافت روستای اصلی تفاوت دارد و قابل تشخیص است. از

بانک جهانی

بانک جهانی طی بیش از ۳ دهه گذشته به طور مستقیم با مسائل شهری مرتبط بوده است. طی این مدت، فعالیتهای شهری از تمرکز بر موضوعات خاص، مانند خانه سازی، به سمت برنامه های مرتبط با مسائل ساختاری، مانند حکمروایی (حکروایی)، تحول یافته است. نخستین فعالیتهای بانک جهانی، چنان که در اسناد کاری بخش مسائل شهری بانک جهانی ۱۹۷۲م آمده است، بر تزریق مالی برای سیاستهای معطوف به تسهیل، خودیاری و الگوهای سیاست خودبسندگی متمرکز بوده است. این بانک که کار خود را با ۲ طرح در سال شروع کرده بود، فعالیتش را متوجه امور مسکن (زمین، خدمات و اصلاح وضع زاغه نشینی)، حمل و نقل شهری، توسعه یکپارچه شهری و توسعه منطقه ای کرده است. بین سالهای ۱۹۷۲-۱۹۸۱م، بانک جهانی پشتیبانی از ۶۲ طرح اجرایی را در ۳۶ کشور و با هزینه ۲ میلیارد دلار برعهده گرفت.

البته، بسیاری از این طرحهای «نمایشی» به درستی با نیازها و تقاضاهای موجود همگام نبود و نخبگان شهری آنها را چیزی بیش از ویتزینهای نمایشی به حساب نمی آوردند. بانک جهانی در بازبینی سیاست ۱۰ ساله خود، به شیوه ای که در سند یادگیری از طریق عمل آورده است، نگرانی خود را از فرایندهای سیاسی و اقتصادی گسترده تر که آنها را مانعی در راه تحول خود می دید، اعلام داشت. فعالیتهای شهری به گونه ای فزاینده به بازتابی از برنامه اصلاحات بانک و پیشبرد سیاستهای نئولیبرالی تبدیل شد. در دهه ۱۹۸۰م، چرخشی از طرحهای منفرد به سوی اصلاحات چندبخشی پدیدار شد. در دهه ۱۹۹۰م، برنامه جدید مدیریت شهری (NUMP)، برنامه ای مبتنی بر همکاری با برنامه توسعه سازمان ملل و مرکز ملل برای سکونتگاههای انسانی، پیش از پروژه های تحت هدایت دولتها و متکی به وامهای بانک به سمت رویکرد بازاری سوق پیدا کرد. هدف اصلی این برنامه تحقق وجه مولد بودن شهر و تبدیل آن به موتور رشد اقتصادی بود.

در دهه ۱۹۹۰م، دلمشغولیهای تازه ای (مثل محیط زیست) ظاهر شد. در سند سیاست شهری و توسعه اقتصادی: دستور کار دهه ۱۹۹۰م (که در ۱۹۹۱م منتشر

تشخیص باشد، شکل می گیرند و گاه خانه ها و دیگر فضاهای روستا بهم تپیده و بر سر هم سوار می شوند و به صورت فشرده در درون قلعه ای پنهان می شوند. در مناطق کوهپایه ای، بافت روستا غالباً پلکانی است و بام هر خانه، حیاط خانه بالا دست است.

در مناطق شمالی با توجه به رطوبت بالای هوا و ضرورت تأمین کوران هوا، خانه ها پراکنده و بافت مجموعه ای از دانه های متفرق است. خانه ها چوبی و سقفها شیبدارند و در بستر سبز طبیعت آرمیده اند. در مناطق سردسیر نیز بافت خانه ها متراکم و به هم پیچیده است و سقفها مسطح و تیرپوشند. در مناطق بیابانی و گرم و خشک باز هم بافت متراکم و در هم و پوششهای کاهگلی گنبدی و استوانی است و از پوشش سبز کمتر خبری هست.

در منطقه گرم و مرطوب حاشیه خلیج فارس، روستاها مجموعه ای از خانه های با رنگ سفید و روشن و یا گل اندود و پراکنده و جدای از هم تشکیل می شوند. در این منطقه نیز کوران هوا جهت تأمین آرامش ساکنان خانه ها، فاصله و پراکندگی را تحمیل کرده است.

کتابشناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شرح خدمات طرح ساماندهی فضایی-کالبدی سکونتگاههای روستایی. تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، ۱۳۷۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. گزارش تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی. تهران: مدیریت برنامه ریزی طرحهای هادی، ۱۳۶۹.
- سرتیپی پور، محسن و همکاران. ارزیابی تهیه طرحهای هادی روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
- زرگر، اکبر. شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

اکبر زرگر

بانک جهانی

World Bank

بحران

معمول، ۲-۸٪ کل وامهای بانک را دربر می‌گرفته است، با این حال، این کمکها از جهت سمت‌دهی به برنامه‌ها حائز اهمیت بوده‌اند. از ۱۹۷۲م به این سو، در اولویتهای بانک هم *تداوم* دیده می‌شود و هم *گسست*. اولویتهای بانک هیچ‌گاه از بازار فاصله نگرفته است، گویا صرفاً متوجه سیاست اقتصادی نیز نبوده است. امروزه توجه بانک بیشتر بر چگونگی موازنه وجوه مادی و محسوس طرحها با وجوه سیاسی و اقتصادی توسعه شهری، به منظور پایدار کردن آنها برای جمعیت شهری متکی است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

داناوان استوری
(کمال پولادی)

بحران

Crisis

بحران یک حادثه طبیعی و یا ساخته دست بشر است که به‌طور طبیعی منجر به مرگ، جراحت و ویرانی می‌شود، به‌نحوی که نمی‌توان آن را از طریق اقدامات معمول، منابع و تجهیزات محلی مهار کرد. این گونه رخداد احتیاج به پاسخ فوری، هماهنگ و مؤثر برای برآوردن نیازهای دارویی، تجهیزاتی و روانی افراد آسیب‌دیده که به‌وسیلهٔ بخش دولتی و یا خصوصی اعمال می‌شود، دارد. به سخن دیگر، بحران به موقعیتی اطلاق می‌شود که بیانگر درجه‌ای از تهدید نسبت به جان مردم، سلامتی آنها و امکانات زندگی ایشان است. بیشتر بحرانها به‌صورت خاموش و خفته و درعین حال بالقوه برای آفرینش آسیب هستند و هنگامی که یک بحران خفته به‌صورت فعال در می‌آید، پاسخی سریع را طلب می‌کند. بحرانها ممکن است *آهسته‌آهسته* و یا *سریع‌آهسته*

شد، بانک بر افزایش ظرفیت شهر در تولید اقتصادی، افزایش، ظرفیت فقرای شهری (از طریق افزایش دسترسی به کالا و خدمات)، محیط زیست شهری، و کسب درک بهتری از شهر با تحقیقات بیشتر تمرکز پیدا کرد. این برنامه که بر ارتقاء قابلیت مدیران شهری برای مسئولیت‌پذیری بیشتر متکی بود، مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا پیش از آنکه معطوف به کمک مستقیم به فقرای شهری باشد، بر سیاستها تأکید داشت. بار مسئولیت از دولتها به سمت جامعه مدنی و بخش خصوصی سوق داده شد (← جامعه مدنی).

نویدبخش خواندن جایگاه شهرها در موازنه با شکستهایشان، یکی از درونمایه‌های تفکر اوایل سدهٔ ۲۱م بوده است. گزارش شهرها در *گذر تحول* (۲۰۰۰م)، شهرها را به‌عنوان جبهه مقدم توسعه می‌خواند: شهرها همزمان مراکز فقر عظیم، مولد بودن و جهانی شدن هستند. این گزارش می‌گوید که شهرها باید قابل زیست، رقابت‌جو، دارای حکومت و مدیریت خوب و به‌لحاظ مالی، نیرومند، اما درعین حال، نسبت به پایداری، فرهنگ، حفاظت در برابر بلایا و عدالت نیز حساس باشند. در این سند، دولت و بازار هیچ‌کدام به تنهایی به‌عنوان عامل دگرگونی شهرها بشمار نیامده‌اند. این سند از جامعه مدنی انتظار ایفای نقش بزرگ‌تر و فعال‌تری را در امور شهری دارد.

این روند در فصل مربوط به گزارش بانک جهانی در مورد شهرها یعنی دستیابی به بهترین فرم شهر که در گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۲م آمده است و چراغهای شهر را هم به‌مثابه *فانوس راهنما* و هم *لهیب هوشدار* مشاهده می‌کند، مشهود است. برای اینکه شهرها پایدار و مثبت باشند، نیاز به نهادهای مناسب دارند: دسترسی هرچه بیشتر شهروندان به اندیشه‌ها، دانش و فناوری، ایجاد اشتغال (افزایش ظرفیت مولد بودن) و حفظ محیط زیست، در مقابل فشارهای مداوم جمعیتی. ایجاد شهرهای کارآمد از طریق ساختن نهادهای مشارکتی که قدرت نخبگان شهری و هوشیاری مربوط به خطر منافع متباین و ناآرامیهای شهری را تعدیل و کنترل کند، بیشتر با وجوه سیاسی در ارتباط است.

بودجه شهری بانک، هیچ‌گاه خیلی وسیع نبوده و به‌طور

بحران

بحرانهای تضعیف شده. بحران تضعیف شده، بحران بالقوه‌ای است که قبلاً شناسایی شده و اقداماتی در راستای خطرزدایی آن انجام شده است. البته این بدان معنی نیست که بحران رخ نمی‌دهد، بلکه آسیب ناشی از آن تا حد زیادی کاسته شده است.

به‌طور کلی، بحرانها را از نظر منشأ نیز به ۵ دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنند: بحرانهای زمین‌شناختی؛ بحرانهای آب‌وهوایی؛ بحرانهای زیست محیطی؛ اپیدمیها؛ و سرانجام، بحرانهای مرتبط با فعالیتهای انسان.

بحرانهای زمین شناختی. این بحرانها شامل زمین‌لرزه، تسونامی، فوران آتشفشانی و رانش زمین است.

بحرانهای آب و هوایی. این بحرانها دربرگیرنده مواردی مانند طوفانها، سیلها، امواج سرد و گرم، خشکسالی و قحطیها، تگرگها، کولاکها، طوفانهای موسمی، گردبادها و بادهای شدید در مناطق غیراستوایی است.

بحرانهای زیست محیطی. در تمام این بحرانها به‌گونه‌ای نقش انسان دیده می‌شود. این بحرانها همه در اثر اقداماتی که به اسم توسعه و زندگی بهتر برای انسانها انجام می‌شود، صورت می‌گیرند. در مواردی، عواقب و ضررهای درازمدت آنها، هرگونه سود و منفعتی که ممکن است وجود داشته باشد را از بین می‌برد. آلودگی محیط زیست که شامل آلودگی آبها، آلودگی هوا، کاهش ضخامت لایه اوزون و گرم شدن زمین می‌شود. جنگل‌زدایی یک بحران آهسته‌اثر است که ظهور آن با جاری شدن سیلها، رانشهای زمین، خشکسالیها و بیابان‌زائیها مرتبط است. تمام این عوامل باعث نابودی جنگلها و زمینهای حاصلخیز می‌شوند. گسترش بیابانها که شامل روند روزمره تخریب زمینهای حاصلخیز به زمینهای بایر یا نیمه بایر است و عمدتاً در اثر عدم استفاده صحیح انسانها از زمین صورت می‌گیرد، از این‌گونه بحرانها بشمار می‌رود.

همه‌گیرها. همه‌گیری ظهور غیرمنتظره و ناگهانی یک بیماری با شیوع بالای خارج از انتظار است. اپیدمیها به‌طور معمول بیماریهای شناخته شده و یا نوبرزی هستند که به‌علت عوامل عفونی و خارجی شروع می‌شوند، ولی گاهی وقوع سایر بحرانها باعث شیوع همه‌گیرها می‌شوند، مثلاً

باشند.

بحرانهای آهسته‌اثر بحرانهایی هستند که در طول یک دوره زمانی نسبتاً طولانی اتفاق می‌افتند و پاسخ طولانی و فرسایشی را نیز طلب می‌کنند. نمونه بارز چنین بحرانهایی، خشکسالی، قحطی و جنگ است. با اینکه برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به چنین بحرانهایی ساده‌تر از بحرانهای سریع‌اثر به نظر می‌رسد، اما حقیقت این است که ذات فرسایشی این بحرانها و همچنین انواع آنها باعث می‌شود تا پاسخ به این بحرانها بسیار پیچیده باشد. از طرف دیگر، بحرانهای آهسته‌اثر خاصیتی قابل استفاده نیز دارند، خاصیتی که تحت عنوان *هشدار زودرس* شناخته می‌شود. در مقابل، بحرانهای سریع‌اثر قرار دارند، بحرانهایی از قبیل زلزله و سیل که در لحظاتی کوتاه، خسارات و خرابیهای بسیاری را به‌جا می‌گذارند. این بحرانها قابل پیش‌بینی نیستند، اما خسارات، عواقب و شدت تأثیرات آنها قابل پیش‌بینی است. بنابراین، برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزی برای مقابله با آنها کاملاً امکان‌پذیر است.

انواع بحران

بحرانهای خفته. بحران خفته به شرایطی بالقوه برای خطرآفرینی اطلاق می‌شود، ولی هیچ‌یک از افراد جامعه، مایملک آنها و یا محیط زیست تحت تأثیر این خطر قرار نمی‌گیرد. برای مثال، دامنه ناپایدار یک کوه می‌تواند آماده رانش زمین باشد، ولی چیزی روی دامنه و یا پائین تپه وجود ندارد که امکان آسیب مطرح گردد.

بحرانهای بالقوه. این نوع از بحران، هر لحظه ممکن است باعث خطرآفرینی شود و در موقعیتی است که می‌تواند برای جامعه باعث مشکل شود. این بحرانها باید در روند سنجش و ارزیابی خطر مورد بررسی قرار گیرند.

بحرانهای فعال. بحران بالفعل به‌طور مسلم به جان انسان، اموال و یا محیط زندگی آسیب می‌رساند. برای جلوگیری از بروز آن، هیچ مداخله‌ای مؤثر نیست و مداخلات صورت گرفته تنها ممکن است تأثیرات و عواقب این بحرانها را کاهش دهد.

کوچک انفجار تانکر اورانیوم هگزا کلراید در ایالت تنسی آمریکا که در آن ۲ نفر کشته و ۳ نفر زخمی شدند، تا حادثه عظیم چرنوبیل در اکرین در ۱۹۸۶م که در آن ۳۱ نفر بلافاصله کشته شدند و مواد رادیواکتیو آزاد شده به قسمتهایی از روسیه، اوکراین، اروپای شرقی و سپس اروپای غربی منتشر شد و ۱۳۵,۰۰۰ نفر که در فاصله ۳۱ کیلومتری از محل حادثه زندگی می‌کردند، بی‌خانمان گردیدند.

کتاب‌شناسی:

- Auf Der Heide. *Disaster Response: Principles of Preparation and Coordination*. St. Louis: Mosbe, ۱۹۸۹.
- Brower, David J. and Charles C. Bohl. *Principles and Practice of Hazards Mitigation*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, April ۲۰۰۰. At: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/HMPrinciple.asp>
- Burby, Raymond. *Cooperating with Nature: Confronting Natural Hazards with Land-Use Planning for Sustainable Communities*. Washington D.C: Joseph Henry Press, ۱۹۹۸.
- Canton, Lucien G. *Emergency Management: Concepts and Strategies for Effective Programs*. Hoboken NJ: Wiley Inter-Science, ۲۰۰۷.
- Cutter, Susan L. (ed). *American Hazardscapes: The Regionalization of Hazards & Disasters*. Washington D.C: Joseph Henry Press, ۲۰۰۱.
- Drabek, Thomas E. and Gerard J. Hoetmer (eds). *Emergency Management: Principles and Practice for Local Government*. Washington D.C: International City Managers Association, ۱۹۹۱.
- Drabek, Thomas E. *Strategies for Coordinating Disaster Responses*. Boulder, CO.: Program on Environment and Behavior, Monograph ۶۱, University of Colorado.
- Godschalk, David R., with the Assistance of David Salvesen. *Breaking the Disaster Life Cycle: Future Directions in Natural Hazard Mitigation*. FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, March ۲۰۰۴ Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/breakingcycle.asp>.
- Godschalk, David R.; Beatley; Timothy, Berke; Philip David Brower, and Kaiser, Edward. *Natural Hazard Mitigation: Recasting Disaster Policy & Planning*. Island Press, ۱۹۹۹.

ویران شدن منابع آب آشامیدنی سالم بر اثر سیل می‌تواند سبب همه‌گیر شدن برخی از بیماریها شود؛ به همین صورت، حوادث شیمیایی، جنگها و بی‌خانمانی آوارگان و زلزله با نامناسب‌سازی شرایط بهداشتی و سلامتی، زمینه مساعد برای بروز همه‌گیرها را فراهم می‌سازند.

بحرانهای ساخته دست انسان. این بحرانها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند: آتش‌سوزیهای شهری؛ جنگها؛ تصادفات و سوانح؛ و سرانجام، حوادث صنعتی.

۱. تصادفات و سوانح. شامل سوانح هوایی (مثل سقوط هواپیما و بالگرد و آتش گرفتن آنها روی باند فرودگاه)، سوانح ریلی (مثل آتش‌سوزی، خروج قطار از ریل و تصادفات حاصل از آن) و حوادث جاده‌ای (تصادفات، خروج از جاده و آتش‌سوزی خودروها) است.

۲. حوادث صنعتی. این نوع از بحران که تهدیدی برای جان انسانها و امکانات زندگی ایشان محسوب می‌شود، ناشی از تولید انبوه وسایل و خدمات است. این نوع بحران گاهی با عواملی که عمدی ایجاد شده‌اند، پدید می‌آیند. مانند رها نمودن غیرقانونی مواد نفتی یا زباله‌های صنعتی در محیط و یا بروز آن به صورت تصادفی، مانند نشت مواد نفتی یا وارد شدن مواد سمی به محیط. همانند بحرانهای طبیعی، بحرانهای صنعتی نیز جان مردم را به خطر می‌اندازند و بر شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه و وضعیت سلامت آن مؤثر واقع می‌شوند. در ۱۹۸۴م نمونه‌ای از این نوع بحران در بوپال هند رخ داد که در آن ۱۴,۴۰۰ نفر کشته و ۵,۰۰۰ نفر دیگر نیز دچار ناتوانی دائمی گردیدند؛ این حادثه در اثر نشت گاز از یک تانکر متیل ایزوکیانات رخ داد.

۳. حوادث هسته‌ای. با توجه به نگرانی روبه افزایش در مورد کاهش منابع سوخت فسیلی و محدودیتهای استفاده از آنها، نظر همگان به سوختهای هسته‌ای به‌عنوان منبع جدیدی برای انرژی جلب شده است، ولی باید توجه کرد که خطرات بسیاری در رابطه با آزاد شدن تشعشعات هسته‌ای پر خطر از مواد مذاب هسته‌ای و زباله‌های اتمی وجود دارد. بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۲۰۰۰م، حداقل ۱۲۰ حادثه چشمگیر هسته‌ای رخ داده است. این حوادث پیامدهای گسترده‌ای را به همراه دارند؛ از یک حادثه

بحران شهری

مدیریت در شهرگردانی و بیماریهای فراگیر دست به گریبان بوده‌اند. باین وجود، کارشناسان و تحلیل‌گران مسائل شهری تنها از نیمه دوم سده ۲۰م، شهرها را در معرض فرسودگی و *افول* و باز، تنها از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، آنها را در معرض *بحران* معرفی کرده‌اند. حتی در این هنگام، این ادعاها تقریباً همگی، متوجه شهرهای ایالات متحد بود و معضلات شهرها در جاهای دیگر، غیرمهم، موقتی و قابل حل تلقی می‌شد.

مسائل شهری در ایالات متحد برای نخستین بار در شهرهای صنعتی اواخر سده ۱۹م پدیدار شد. شهرهای صنعتی در این دوره، طبقه متوسطی را در خود جای می‌داد که زمینه‌ساز خیزش اصلاح‌طلبان اجتماعی شد. این مردان و زنان، با مستندسازی نارسائیهای اجتماعی و انحطاط کالبدی شهرها، با هدف ارتقاء شرایط زیستی شهرنشینان، وارد صحنه عمل شدند. ایشان اعتقاد داشتند، نارسائیهای شهری و بیماریهای مبتلا به شهرها، تنها از طریق کوششهای نوع‌دوستانه و مقررات حکومتی قابل درمان است. شهرهای صنعتی در سایر کشورها، برخلاف شهرهای ایالات متحد، درگیر شورشهای نژادی و معضلات مالی

- Waugh, William L. *Living With Hazards/Dealing With Disasters- An Introduction To Emergency Management*. Armonk, New York: M.E. Sharpe, Inc., ۲۰۰۰.

علیرضا شکیبا

بحران شهری

Urban Crisis

بحران شهری زمانی بروز می‌یابد که مسائل و معضلات شهری لاینحل جلوه کنند و سرنوشت آتی شهر با وضعیتی حاد روبرو گردد. در این مواقع، حکومتها مستأصل جلوه می‌کنند و نوعی احساس خطر شهر را فرا می‌گیرد. باین وجود، بحران همیشه امری مرتبط با چشم‌انداز آتی و نوعی بیان وضعیت مسئله بشمار می‌آید. البته، آشکار است که شهرها هرگز بدون مسئله نبوده و نیستند. اصطلاح بحران شهری سرشت و کیفیتی همچون *انحطاط شهری* دارد. شهرها از آغاز تاریخ شکل‌گیری خود با معضلاتی، همچون تراکم، حاشیه‌نشینی، ناآرامی اجتماعی، سوء



Sector

بخش در اقتصاد به معنای مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی در مقیاس کلان است که به‌جهاتی، مثلاً از حیث ماهیت و محتوای فعالیت (تولیدی و خدماتی) یا از حیث مالکیت یا مدیریت ابزار تولید (یا هر دو) و بالاخره از حیث رسمیت با یکدیگر همسانی و هم‌خوانی دارند. هر بخش از چند مجموعه فعالیت هم‌جهت و نزدیک به هم تشکیل می‌شود که به هریک از آنها زیربخش می‌گویند. در هر زیربخش نیز به‌نوبه خود می‌توان شماری زیربخش که همسانی به مراتب بیشتری دارند، تشخیص داد. در آخرین مرحله، واحدهای مجزا قرار دارند که در مقیاس خرد اقتصادی مطرح هستند.

بخش‌بندیهای اساسی اقتصادی

بخش بندی برحسب فعالیتها، شامل بخش کشاورزی مرکب از زراعت، باغداری، شکار، جنگلداری، دامداری، ماهیگیری؛

بخش معدن، مرکب از معادن فلزی، کانهای غیرفلزی (سنگ، آهک و...)، نفت، گاز، سنگهای قیمتی و...؛

بخش صنعت، مرکب از زیربخشهای صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید محصولات از توتون و تنباکو، منسوجات، پوشاک و عمل‌آوری و رنگ کردن پوست، دباغی و چرم، کیف و کفش، چوب و محصولات چوبی (غیر از مبلمان)، کاغذ و فراورده‌های کاغذی، انتشار و چاپ و تکثیر، تولید زغال، کک، پالایشگاهها و سوختهای هسته‌ای، مواد و محصولات شیمیایی، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، محصولات کانی غیرفلزی، تولید فلزات اساسی، محصولات فلزی، به‌جز ماشین‌آلات، ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات اداری، ماشین‌آلات و دستگاههای برقی، رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباطی، ابزار پزشکی و ابزار دقیق، وسایل نقلیه موتوری، وسایل نقلیه عادی، مبلمان، بازیافت.

بخش آب و برق و گاز؛

بخش ساختمان، مرکب از زیربخشهای زیرساخت، بناهای مسکونی، سایر بناها؛

بخش خدمات، مرکب از عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و

نبودند، هرچند بسیاری از آنها- به‌ویژه در بریتانیا- با ورشکستگی و فروپاشی واحدهای کارخانه‌ای روبرو بودند. جنبش ضد شهرنشینی، به‌ویژه در ایالات متحد، به‌صورت یک عینیت اجتماعی درآمد و حومه‌گرایی به‌عنوان بدیلی ممکن، مطرح گردید. در همین هنگام بود که مفهوم *بحران شهری* به‌صورت اصطلاحی برای سنجش این‌گونه شهرها مطرح گردید.

استفاده از این مفهوم، در اصل، بیانگر شهرگرایی شتابان اواخر سده ۲۰م است که به شکل‌گیری کلانشهرها (← کلانشهر) دامن زد؛ شهرهایی نظیر لاگوس، بمبئی (ممبئی)، مکزیکوسیتی، ساوئائولو و شانگهای، تنها در عرض چند سال، میلیونها نفر جمعیت اضافی را در خود پذیرا شدند. در مقابل این انفجار جمعیتی، شهرهای بزرگ در کشورهای درحال‌توسعه، با مصائبی نظیر تأمین مسکن و خدمات شهری، حفاظت از محیط زیست و مدیریت اقتصاد محلی روبرو شدند. در نظر بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران امروزی، بحران شهری یکبار دیگر و به شکلی متفاوت، به‌صورت *بحران پایداری* در محیطهای شهری بروز یافته است.

کتاب‌شناسی:

- Banfield, E.C. *The Unheavenly City, The Nature and Future of Our Urban Crisis*. Boston, ۱۹۶۸.
- Beuregard, R.A. *Voices of Decline. The Postwar Fate of U.S. Cities*. New York, ۲۰۰۳.
- Caves, R.W. *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Cowan, R. *A Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.

عباس سعیدی

بخش

دولتی به مالکیت‌های ملی و اجتماعی و به‌منظور عرضه خدمات و افزایش سطح اشتغال، رشد، حفاظت از حاکمیت ملی، دفاع از منافع عمومی و حقوق اجتماعی و جز آن وابسته است، درحالی‌که بخش خصوصی به حداکثر رساندن سود شخصی می‌اندیشد که ممکن است با منافع جمع در تضاد باشد. بخش تعاونی برای کاهش هزینه‌های اضافی و تسهیل خدمات تولیدی و مصرفی و اعتباری فعالیت می‌کند. بخش عمومی با نهادهای مدنی و رفاه عمومی سروکار دارد. بخش مردم پایه با انگیزه همکاری جمعی و حضور مردمی برای اداره امور محله و شهر و منطقه و کشور پا می‌گیرند.

بخش‌بندی برحسب درجه رسمیت

بخش رسمی، شامل فعالیت‌های آشکار و قانونی می‌شوند که معمولاً زیر بیشترین پوشش آماری و ثبت رسمی قرار دارند. برای مثال، فعالیت بخش صنعت از حیث مجوزهای تأسیس و بهره‌برداری، میزان تولید، ارزش افزوده، اشتغال، سرمایه‌گذاری، مالیات و انواع عوارض، وضعیتی روشن و رسمی دارد. در مقابل، فعالیت‌هایی وجود دارند که غیرقانونی نیستند، اما نمی‌توان آنها را مورد آماربرداری قرار داد. نمونه آنها برخی فعالیت‌ها در جنگل‌ها، کویر، شکار، کار خانگی، کمک به برداشت محصول و جز آن است. در گذشته بخش غیررسمی به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته قابل توجه بودند، به‌نحوی که امکان ارائه آمار دقیق از تولید ناخالص داخل فراهم نمی‌آمد، اما به تدریج با توسعه اقتصاد سرمایه‌داری، گسترش استفاده از فنون ثبت و آمار و نیز با تثبیت هرچه بیشتر حقوق شهروندی و اقتصادی، سهم بخش غیررسمی کاهش یافت.

بخش غیررسمی، شامل فعالیت‌هایی که ممکن است غیرقانونی یا غیراخلاقی یا هر دو باشند و به‌این ترتیب، به فعالیت‌های زیرزمینی و نهانکاری تبدیل شوند و با روش‌های پول‌شویی، منشأ و میزان درآمد آنها مخفی بماند. فعالیت‌هایی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، ایجاد مراکز فساد و فعالیت‌های غیرشراغتمندانه از نوع غیررسمی، غیرقانونی و

تعمیر وسایل نقلیه و کالاها، هتل و رستوران، حمل‌ونقل و انبارداری و ارتباطات، واسطه‌گریهای مالی، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی، و مانند آن.

بخش‌بندی برحسب مالکیت و مدیریت

بخش دولتی، شامل فعالیت‌هایی که تحت مالکیت یا مدیریت (یا هم مالکیت و هم مدیریت) دولتند. این واحدها از جمله کشتیرانی، نفت، مخابرات، هواپیمایی، دستگاه قضایی، بانک مرکزی، و جز آن می‌شود. شرکتها و واحدهایی که بیش از ۵۱٪ از سهام آنها به دولت تعلق دارند، در بخش دولتی طبقه‌بندی می‌شوند.

بخش خصوصی، شامل همه فعالیت‌های خدماتی و تولیدی است که مالک آنها افراد یا شرکت‌های خصوصی اعم از شرکت‌های سهامی خاص، سهامی عام و جز آن هستند.

بخش تعاونی، شامل فعالیت‌هایی که برابر قوانین تجارت، زیر چتر تعاونی طبقه‌بندی می‌شوند و اساس آنها همکاری و مشارکت برای تولید، مصرف، انبار وسایل در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است؛ در این بخش، حق رأی نه براساس سهام و مالکیت، بلکه براساس هر فرد یک رأی است.

بخش عمومی، که آن را معمولاً از بخش دولتی جدا می‌کنند و شامل فعالیت‌هایی می‌شود که مالکیت آن در اختیار عامه مردم یا مردم یک شهر و روستای معین است، اما تحت نظارت نهادهای نیمه‌دولتی اداره می‌شوند. برای مثال، شهرداریها، بیمه‌های اجتماعی، مؤسسات خدمات عام‌المنفعه عمومی از زیربخش‌های بخش عمومی محسوب می‌شوند.

بخش مردم پایه، (یا سازمان‌های غیردولتی) شامل فعالیت اجتماعی و تا حدی اقتصادی است که از سوی گروه‌های داوطلب و مشارکتی شکل می‌گیرد و بر پایه‌های حقوق مردمی استوار است.

انگیزه‌های بخش‌های مختلف با یکدیگر متفاوتند. بخش

غیراختصاصی بشمار می‌روند.

سالانه را در اختیار داشت. در همین سال، بیش از ۵۵٪ از ارزش افزوده ملی به بخش خصوصی اختصاص داشت. از کل جمعیت فعال کشور در حدود ۲۰٪ به بخش دولتی و کمتر از ۲٪ به بخش عمومی و تعاونی تعلق دارند و مابقی، به‌جز بیکاران، در بخش خصوصی فعالند. در روستاها و بخش کشاورزی با آنکه بخش خصوصی از حیث ارزش افزوده ضعیف است، اما سهم عمده فعالیتها را در اختیار دارد.

کتاب‌شناسی:

- رئیس دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. جلد یکم شناختهای پایه‌ای، فصل یکم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- توفیق، فیروز. *تحلیل داده- سستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی*. فصلهای ۲ و ۳، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

فریبرز رئیس دانا

بخش‌داری ← تقسیمات کشوری

برابری

Equality

نظامی از مناسبات که در آن افراد از حیث حقوق، منزلت و امتیازات یکسان تلقی می‌شوند. معنای برابری در طول تاریخ تغییرات زیادی پیدا کرده است؛ علاوه بر این، برحسب دیدگاههای مختلف، تعبیرهای متفاوتی از آن شده است. انواع برابری به‌لحاظ ماهیت به ۲ دسته عمده تقسیم می‌شود:

برابری سیاسی؛ و

برابری اجتماعی.

اصطلاح *برابری توزیعی* تعبیر دیگری از برابری

ممکن است در جامعه‌ای که شرایط تولید مواد مخدر فراهم است و سابقه آن نیز موجود است، به‌ویژه در یک کشور کم‌توسعه، سهم تولید مواد مخدر بخشهای غیررسمی و نهانکاری در آن زیاد باشد، اما در کشورهای صنعتی با آنکه این سهم کم است، اما تعداد مطلق آن به دلیل گسترش و مصرف مواد، مراکز فساد، انواع قاچاق انسان، پول‌شویی، فروش غیرقانونی سلاح و جز آن قابل توجه است.

در مناطق شهری ضمن آنکه سهم ارزش افزوده صنعتی و خدماتی بالاست، اما ممکن است سهم بخش غیررسمی، مانند حاشیه‌نشینی و مسکن غیررسمی نیز زیاد یا امکان گسترش فعالیتهای غیرقانونی فراهم باشد. هرچه حقوق انسانی، مردمسالاری، مشارکت مردم و عدالت اجتماعی تقویت شود، بخش عمومی و تعاونی نیز افزایش می‌یابد. البته در چنین وضعیتی، بخش دولتی به حد مطلوب‌تر (و نه لزوماً بزرگ‌تر) نزدیک می‌شود. فعالیت بخش خصوصی در شهرها به‌طور کلی در کشورهای صنعتی پیشرفته، بیشتر از سایر کشورهاست، اما اندازه‌های آن را تا حد زیادی ضرورت اقتصاد سیاسی، اجتماعی و رویکرد رفاهی مشخص می‌کند. در اقتصادهای رفاهی و معطوف به عدالت شهری، مانند اروپای شمالی، بخش خصوصی فعال و مالکیت آن گسترده‌تر است و بخشهای عمومی و تعاونی و بخشهای مردم‌پایه آن را کنترل می‌کنند.

بخش خصوصی در مناطق روستایی و کشاورزی عموماً کوچک مقیاس است و بخش عمومی با یاری دولت ادامه فعالیت می‌دهد. تعاونیها در مناطق روستایی برای ارائه خدمات عمومی و تهیه مایحتاج در تولید کشاورزی فعال و مؤثرند (← تعاونی).

در ایران از حیث مالکیت سرمایه‌های ملی، بخش دولتی دست بالا را دارد و مالکیت چاههای نفت، مراتع، دریاها، جنگلها و واحدهای صنعتی بزرگ مانند ذوب آهن و کشتی‌سازی، از آن دولت است. بخش عمومی، مانند شهرداری شهرهای بزرگ و تأمین اجتماعی، با مسئولیت دولتی اداره می‌شود، و ماهیت خصوصی ندارد. بخش خصوصی در ۱۳۸۵ش حدود ۸۵٪ از سرمایه‌گذاریهایی

برابری

اصل برابری سیاسی نخستین بار در اروپا و در قالب جنبشهای آزادی خواهی، به تقاضایی اساسی بدل شد. جنبشها و انقلابهای ضدفئودالی، نظامهای مبتنی بر شئون را برانداخت و اصول آزادی و برابری همگانی را به تدریج به پیش برد. انقلاب فرانسه و انقلاب امریکا از نخستین انقلابهای عصر جدید بودند که اصول برابری را مطرح کردند. در مرحله نخست، طبقات متوسط مالک، در مرحله بعدی، طبقه کارگر (نیمه اول سده ۱۹م) و سرانجام زنان (نیمه اول سده ۲۰م) دارای حقوق برابر با همگان شدند.

از آغاز نیمه سده ۲۰م، در کنار اصل برابری حقوقی، اصل دیگری در جوامع پیشرفته صنعتی مطرح شد که به برابری اجتماعی یا برابری توزیعی معطوف بود. این اصل براساس این اندیشه استوار بود که برابری حقوقی یا سیاسی به تنهایی برای برخورداری از برابری واقعی و امکان مشارکت مؤثر در امور عمومی کافی نیست. تهیدستان و حاشیه‌نشینان، حتی با برخورداری از حق مشارکت در اداره امور شهر و کشور، در عمل نمی‌توانند در امور مشارکت فعال و مؤثر باشند. علاوه‌براین، تفاوت در امکانات اقتصادی، موجب تفاوت در بهره‌مندی عینی از حقوق برابر در مشارکت می‌شود. بنابراین، برای اینکه همه بتوانند از حقوق برابر به‌نحو مؤثر بهره‌مند شوند و در اداره امور عمومی شرکت کنند، باید از حداقل امکانات زندگی برخوردار باشند. براین مبنای جامع باید شرایطی را مبنی بر امکان آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی برای همگان فراهم سازد. این اندیشه، دولت‌های رفاهی دوران بعد از جنگ جهانی دوم را شکل داد. متناسب با پیشرفتهایی که در این زمینه فراهم شد، مشارکت مردم در امور عمومی بیشتر و بیشتر شد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، همراه با اوج‌گیری نئولیبرالیسم که محصول تجدید ساختار سرمایه‌داری، فروپاشی اتحاد شوروی و افول نقش تشکلهای کارگری بود، نظامهای دولت رفاهی در تعدادی از کشورها روبه ضعف نهاد و با افزوده شدن بر حجم قشرهای حاشیه‌نشین، از امکان مشارکت واقعاً برابر کاسته شد.

مفهوم برابری در اندیشه سیاسی

اجتماعی است، چنان‌که برابری سیاسی را برابری بنیادی نیز می‌خوانند. برابری بنیادی یا سیاسی متضمن این معناست که همه انسانها برابر زاده شده‌اند و بدین جهت، با یکدیگر برابرند. حال آنکه برابری اجتماعی یا توزیعی به مفهوم برخورداری از فرصت برابر برای مشارکت عملی و مؤثر در امور مشترک است.

هنگامی که به لحاظ بنیادی از برابری افراد سخن می‌گوییم، منظور اشاره به این معناست که انسانها به صرف انسان بودن، با یکدیگر برابرند، درحالی‌که از حیث خصوصیات و تواناییهای جسمی، چه‌بسا که برابر نباشند.

برابری در تاریخ

مفهوم برابری تاریخچه پرفراز و نشیبی دارد؛ در میان نخستین جماعت‌های انسانی که شکل قبیله‌ای داشت، افراد در چارچوب طایفه از برابری نسبی برخوردار بودند، هرچند بیرون از طایفه تصویری از برابری وجود نداشت. پس از گذار اجتماعات اولیه و قبیله‌ای به دولت‌شهرها و امپراتوریها، نظامهای مبتنی بر شئون شکل گرفت. نظامهای برده‌داری، آسیایی و فئودالی، نظامهایی مبتنی بر شئون بودند که در آن افراد، به‌طور سلسله‌مراتبی، در رده‌های مختلف منزلتی و طبقاتی قرار می‌گرفتند. درباریان، کاهنان و کشیشان، دیران، دهقانان، تولیدکنندگان، پیشه‌وران و بالاخره بردگان، هریک از نظر منزلت و موقعیت، با یکدیگر تفاوت داشتند. این تفاوتها درعین حال نحوه مشارکت در امور شهر، روستا و کشور را هم تعیین می‌کرد؛ عامه مردم نقشی در اداره امور (← اداره امور) نداشتند. در دولت‌شهرها که مشارکت وسیع‌تر بود، فقط کسانی که شهروند (← شهروندی) محسوب می‌شدند، در اداره امور شهر مشارکت داشتند. این شهروندان در قیاس با کل جمعیت دولت‌شهر، اقلیتی نخبه به حساب می‌آمدند.

اصل برابری همه انسانها، نخستین بار، چندین سده پیش، توسط دینهای بزرگ، همچون مسیحیت و اسلام اعلام شد، اما این اصل دینی تا مدت‌ها در جوامع چهره عملی نپوشید. در دوره مدرن بود که این اصل، مرحله به مرحله، به‌صورت یک حق همگانی به میزان قابل ملاحظه‌ای تحقق پیدا کرد.

برابری

اصل برابری در عرصه اندیشه، نخستین بار در حوزه دینی از طریق آموزه‌های مسیحیت و بعداً اسلام، و در حوزه ماوراءالطبیعه، در فلسفه رواقیان مطرح شد. افلاطون انسانها را به لحاظ فضیلت و طبیعت برابر نمی‌دانست. در دیدگاه افلاطون و ارسطو شهروندان از غیرشهروندان متمایز بودند و غیرشهروندان، شامل مهاجران، زنان و بردگان، از حق مشارکت بهره‌مند نبودند و براین اساس، با شهروندان برابر به حساب نمی‌آمدند. افلاطون و ارسطو بردگی را به قانون طبیعت متناسب می‌کردند و معتقد بودند، بردگان برحسب طبیعت برده هستند. بنا به نظریات افلاطون و ارسطو و آنچه در دولت‌شهرهای یونانی جریان داشت، حق مشارکت در امور دولت‌شهر به گروه کوچکی محدود می‌شد. ارسطو برابری را برخورد یکسان با آدمهای یکسان معنی می‌کرد و از نظر او آزادگان با بردگان، زنان با مردان و یونانیان با غیریونانیان یکسان نبودند.

این اصل بنیادی که آدمها به واسطه برخورداری از عقل، یا امیال و یا کرامت برابر هستند، بیانگر این ارزش است که مشترکات انسانها از لحاظ سیاسی، بیش از نقاط تمایز آنها، اهمیت دارد. از این اصل این حکم استنتاج می‌شود که نهادهای اجتماعی و سیاسی را باید طوری سازماندهی کرد که بر آنچه انسانها را متحد می‌کند، تکیه داشته باشد، نه بر آنچه که مایه تمایز و تفرق آنهاست. برابری در نظام فکری لیبرالی، اساساً به معنی برابری در پیشگاه قانون، دسترسی به دادرسیهای قانونی و مشارکت در انتخاب کارگزاران تأسیسات قانونگذاری است. منتقدان مردمسالار و جامعه‌گرا این برابری را ناکافی بشمار می‌آورند و منتقدان مارکسیست آن را یک برابری صوری تعبیر می‌کنند. این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند، شرایط اقتصادی در نحوه مشارکت فرد در تعیین سرنوشت مشترک تأثیر زیادی دارد. مطالعات تجربی در مورد الگوی مشارکت سیاسی گروههای اجتماعی نیز این واقعیت را آشکار می‌کند. بنابراین، برای ایجاد امکان مشارکت همگانی و برخورداری برابر از امکان مشارکت در اداره امور عمومی، باید به توانمندسازی (← توانمندسازی) اقشار کم‌درآمد اقدام کرد. در غیر این صورت، اقشار حاشیه‌ای نمی‌توانند در اداره امور شهر و

فلسفه رواقی که بعد از فروپاشی دولت‌شهرهای یونانی و شکل‌گیری امپراتوری مقدونی و رومی رشد کرد، از قانون طبیعی نتیجه‌ای متفاوت با نظر افلاطون و ارسطو استنتاج کرد و به برابری انسانها با یکدیگر رسید. در فلسفه رواقی سده‌های میانه، با آموزه‌های مسیحیت درآمیخت و سنت فکری برابری را در حوزه تعالیم دینی تقویت کرد، اما جامعه اروپا در سده‌های میانه، با حقوق فئودالی اداره می‌شد که مبتنی بر تفکیک شئون و عدم برابری بود. آموزه‌های حقوق طبیعی که توسط رواقیان رشد داده شده بود، در سده ۱۷م در اروپا نضج دوباره‌ای گرفت و به صورت حقوق طبیعی مدرن درآمد؛ این جریان خود منشأ افکار آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در شکلها و نظریات تازه شد. اصل رضایت و توافق در تشکیل حکومت که توماس هابز مطرح کرد، ریشه در *قانون طبیعی* در تعبیر مدرن آن دارد. نقطه عزم هابز در تشکیل دولت، حق طبیعی صیانت ذات است. این تفکر در عصر روشنگری بسط پیدا کرد. ژان‌ژاک روسو انسانها را در وضعیت طبیعی، برابر تلقی کرد و نابرابری را زاییده تمدن بشمار آورد که سرانجام به واسطه بازسازی به‌دست انسان، به حالت برابری اولیه بازگردانده خواهد شد. پیروان مکتب *اصالت فایده*،

برنامه

رعایت اصل انصاف در تنظیم نظام مالیاتی؛
شمول گروههای محروم و حاشیه‌نشین در فرایند مشورت
و تصمیم‌گیری در امور شهر و روستا؛
دسترسی اقشار محروم به خدمات پایه؛
تخصیص منابع برای خدمات قشرهای محروم؛
تخصیص منابع درخصوص مسکن، اعم از مسکن رسمی و
یا غیررسمی؛
کنترل میزان اجاره از حیث نسبت آن با درآمد در
سکونتگاههای رسمی و غیررسمی؛
وجود وسایل ارتباط محلی و فراهم کردن امکان دسترسی
همگانی به آن؛ و
نظام دریافت نظر از مردم.

کتاب‌شناسی:

- Bielfeldt, H. "Autonomy and Republicanism: Immanuel Kant's Philosophy of Freedom", *Political Theory*. August ۱۹۹۷.
- Harrison, R. *Bentham*. London: Routledge and Kegan Paul, ۱۹۸۳.
- Mcpherson, C.B. *The Real World of Democracy*. New York: Oxford University Press, ۱۹۷۲.
- Nozick, R. *Anarchy, State, and Utopia*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۷۴.
- Strauss, L. *Natural Right and History*. Chicago- London: University of Chicago Press, ۱۹۵۷.
- Tawney, R. *Equality*. London: Allen and Unwin, ۱۹۵۲.
- UNCHS. *Expert Group Meeting on Urban Poverty and Governance Indicators*. Nairobi, Kenya, ۲۹ April to ۱ May ۱۹۹۹.
- Verba, S. and Nie, J. *Participation in America*. Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۸۷.

کمال پولادی

روستای خود و اداره سرنوشت سیاسی جامعه خود
مشارکت کنند. مارکسیستها علاوه‌براین معتقدند، انسان
موجودی نوعی و در جستجوی خودشکوفایی، به‌ویژه در
کار خلاق و اجتماعاً ارزشمند است، آنها در نقد برابری به
مفهوم لیبرالی، استدلال می‌کنند که این نابرابری نه تنها در
توزیع ثروت، بلکه در ارضاء نیازهای خلاقه انسان نیز تأثیر
خواهد گذاشت. از دید ایشان، برابری کامل تنها در
جامعه‌ای میسر می‌شود که در آن اصل از هرکس به اندازه
تواناییهایش و به هرکس به اندازه نیازهایش جاری باشد. در
این صورت، همه انسانها، درحالی که از لحاظ تواناییهایشان
نابرابرند، از حیث تأمین نیازهایشان برابر بشمار می‌آیند.

دموکراتها که در دو قطب لیبرالی- مارکسیستی در میانه
قرار دارند، اصل برابری را تا این نقطه به پیش نمی‌برند.
اصل مورد نظر آنها، برابری فرصت است. اصل برابری
فرصت متضمن این معناست که همه آنهایی که در استعداد
و فضیلت برابرند، بتوانند به یکسان از امکان رشد برخوردار
باشند. برای فراهم کردن چنین شرایطی باید همگان از
آموزش و حداقلهای زندگی، مثل درآمد، بهداشت و سرپناه،
برخوردار باشند. اما لیبرالها معتقدند، بسط منطقی برابری
فرصتها به تضعیف آزادی فردی می‌انجامد. در یک
جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، لیبرالها خواهان یک دولت
مردمسالار مبتنی بر اصل برابری بنیادی و سیاسی هستند،
درحالی که دموکراتها و سوسیالیستها خواهان جامعه‌ای
دموکراتیک مبتنی بر برابری توزیعی و برابری فرصتها
هستند.

برابری در عرصه اداره امور شهری و روستایی

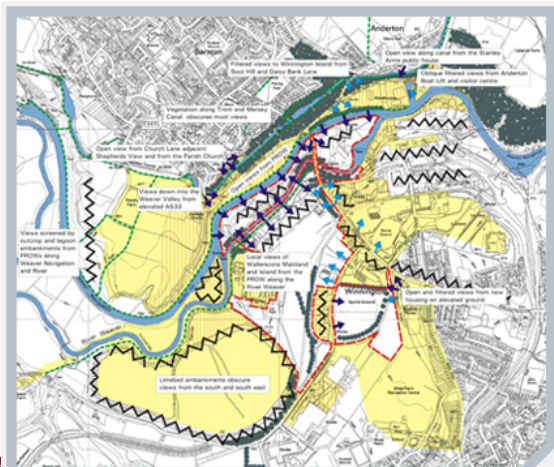
برابری در عرصه اداره امور شهری و روستایی مستلزم آن
است که شهروندان در گزینش مدیران متصدی امور شهر و
روستا، دارای سهم برابر و امکان مشارکت یکسان باشند؛ در
این صورت، نه تنها حق خود را در برابری اعمال کرده‌اند
بلکه مسئولیت خود را نیز به‌عنوان شهروند برعهده
گرفته‌اند. فراهم کردن شرایط برخورداری از حق برابر و
فرصت یکسان، مستلزم توجه به ملاحظات زیر است:

برنامه

برنامه راهبردی (شهر)

(Urban) Strategic Plan

در تجربه‌ای که بیش از نیم قرن سابقه دارد، همواره قانونمند ساختن زندگی شهرها، شهرنشینی و رشد کالبدی و فضایی شهرها، دلمشغولی مهمی بشمار رفته است. تجربه طرحهای جامع که زمانی تلاش می‌کرد تا کلیت شهر را در دوره‌های زمانی مختلف، یکجا بنگرد و تحولات آن را در چارچوب قواعدی منظم به پیش برد و مدیریت کند، با فرایند پویا و زنده شهری همخوان به نظر نرسید. از قضا، تبعیت از طرح جامع سبب مقابله با پویایی یادشده که پیش‌بینی تمامی اجزای آن غیرممکن بود، محسوب گردید. پس از آن، چنین تصور شد که اگر طرح جامع با طرح تفصیلی همراه شود، کل و جز یکجا پوشش داده خواهد شد. ولی بازم، خیلی زود، مشخص شد که طرح جامع و طرح تفصیلی، که به مدرک کاربری زمین و تحولات آن تقلیل یافته بود، نمی‌تواند تحولات شهری را هدایت کند. از این رو، و در پاسخ به کاستیهای طرح جامع و تفصیلی، بالاخره سخن از طرح برنامه‌های راهبردی شهر پیش آمد. برنامه‌های راهبردی شهر، چون هر برنامه راهبردی دیگر، از تدوین اهداف و سپس استنتاج راهبردها براساس اهداف و بالاخره، برنامه عمل تشکیل می‌شود. اخیراً جزء چهارمی، تحت عنوان سنجش دستاوردها یا عملکرد نیز به ۳ جزء گذشته اضافه شده است. با بازنگری اجزاء یادشده، این پرسش مطرح گردید که اهدافی که پایه اصلی برنامه



Plan

برنامه یک چارچوب روشمند پیشنهادی است که چگونگی انتقال از یک مرحله به مرحله دیگر را مشخص می‌سازد. این چارچوب، نحوه حرکت از وضع موجود به سوی دستیابی به یک یا چند هدف عینی یا آرمانی را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، برنامه عبارت از روش یا ابزاری است که در موضوعات مختلف و با تعیین سلسله مراتب و استفاده از منابع گوناگون موجود، به منظور دستیابی به هدف یا هدفهای تعیین شده، به کار گرفته می‌شود، تا نیل به انتظارات پیش‌بینی شده را محقق سازد. از سوی دیگر، یک دستور کار است که برای انجام چیزی ساخته و پرداخته می‌شود و چگونگی انجام یک یا چند عمل را تعیین می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. *مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران، مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران*. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- سعیدنیا، احمد و دیگران. *مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای شهری*. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شیعه، اسماعیل. *با شهر و منطقه در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶- الف.
- American Planning Association. *Planning and Urban Design Standards*. U.S.A., New Jersey: John Wiley & Sons Inc., ۲۰۰۶.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, G.B., ۲۰۰۵.

اسماعیل شیعه

برنامه اقدام ← برنامه عمل

برنامه عمل

طراحی و اجرا می‌شود، تا عامه مردم قادر باشند، نقش خود را در برنامه‌ریزی راهبردی شهر ایفا نمایند.

شهرداری تهران، با توجه به تجارب ناموفق طرح جامع و طرحهای تفصیلی شهری، از چند سال پیش، برنامه راهبردی مناطق ۲۲ گانه تهران را آغاز کرده است. در تجربه ایران، برنامه عمل حالت طرح تفصیلی به خود گرفته و کاربریهای شهری را جزء به جزء تعریف کرده است.

کتابشناسی:

- Chappin, F. *Urban Land Use Planning*. Chicago: University of Illinois Press, ۱۹۶۵.
- Hall, Peter. *Urban and Regional Planning*. London: Routledge, ۱۹۹۲.
- Hudson, B. *Planning: Typologies, Issues and Application Context*. Los Angeles, CA: UCLA School of Architecture and Urban Planning, ۱۹۷۸.

پرویز پیران

برنامه سکونتگاههای انسانی ← سازمان ملل،

هیئات

برنامه عمل

Action Plan

برنامه عمل سند نوشته شده‌ای است که برای تحقق هدف یا اهداف عملیاتی معین، مجموعه‌ای از فعالیتها را با روشن کردن اجزاء و چگونگی اجرای آنها تشریح می‌کند.

طی دهه‌های اخیر، در پی انتقاداتی که به رویکرد متداول در تهیه طرح و برنامه‌های جامع توسعه مراکز زیست و فعالیت- به‌ویژه شهرها- شد، برنامه‌ریزی راهبردی مورد اقبال قرار گرفت. برنامه‌های موسوم به طرح

راهبردی شهریند، بر چه اساس مستندی استوارند؟ در پاسخ به این پرسش، تجزیه و تحلیل و ارزیابی موقعیتی یا شناخت وضع موجود نیز به‌عنوان مرحله‌ای مهم در برنامه‌ریزی راهبردی شهر، اضافه شد، گو اینکه برخی از برنامه‌ریزان چنین تجزیه و تحلیل و ارزیابی را مرحله ماقبل برنامه‌ریزی بشمار می‌آورند.

در فرایندی که برنامه راهبردی را دربر می‌گیرد، ابتدا براساس تجزیه و تحلیل وضع موجود، شناخت کاستیها و تحولات محیط شهری، چشم‌اندازی برای آینده شهر تعریف می‌گردد و آنگاه چارچوب مأموریتی که تحقق چشم‌انداز را ممکن می‌سازد، مشخص می‌شود. چشم‌انداز شهر، معمولاً آینده‌ای طولانی‌تر را دربر می‌گیرد که ۲۰ ساله است. چشم‌انداز یادشده بر پایه آمال و خواسته‌های کلی شکل می‌گیرد. چشم‌اندازها و آمال کلی آن، به اهداف مشخص تری خرد می‌گردد و در رابطه با هر هدف، تعدادی راهبرد در نظر گرفته می‌شود. در مرحله بعدی، کنشهایی که به‌طور متداول در قالب طرحهای پیشنهادی تبلور پیدا می‌کند، مشخص می‌شود. در درون هر طرح نیز تعدادی پروژه عملیاتی در نظر گرفته می‌شود. بر پایه کنشهای در نظر گرفته شده، وظایف پیشنهادی تعریف می‌گردد و تیم عملیاتی برای انجام وظایف تجهیز می‌گردد. برنامه عمل به راهبردها، تحقق کنشها و انجام وظایف نهایی است. برنامه عمل، در واقع، ورود از عرصه برنامه‌ریزی به اجرا در شهر است. راهبردها که قالب زمانی ۵ ساله دارند، با برنامه عمل سالیانه در مرحله اجراء، تعریف عملیاتی می‌شوند. بر پایه تمامی مراحل یادشده، بودجه سالیانه تعیین و به اجزای مختلف برنامه اختصاص می‌یابد.

امروزه، برنامه‌های راهبردی شهر با برنامه‌ریزی مشارکتی تلفیق شده، نهادهای مردم یا شهروندبنیاد در کنار عامه مردم از بررسی وضع موجود تا ارزیابی بازخوردها، نتایج حاصله و تا بازبینی و ارزیابی، حضور و مشارکتی فعال دارند. منظور از مشارکت فعال، کنترل و تصمیم‌گیری شهروندی است؛ یعنی بالاترین پله در نردبان مشارکت شری آرلشتین. برای تحقق چنین مشارکتی، برنامه راهبردی آموزش، توانمندسازی و مقتدرسازی شهروندان نیز همزمان

برنامه عمل

موارد زیر است:

برای هر هدف عملیاتی، چه فعالیتهایی، در چه مکانهایی، توسط چه کسانی یا عواملی، در چه زمانی و با کدام ابزار و منابع تخصیص یافته صورت خواهد گرفت؛

برای پایش و ارزیابی پیامدهای بالا، چه شاخصهایی توسط چه مراجعی به کار گرفته می‌شود؛ و

برای تصحیح، تکمیل و یا تغییر فرایند و فرآورده‌های این برنامه، چرخه بازخورد در مراحل و زمانهای خاص چگونه عمل می‌کند.

به سخن دیگر، مجموعه راهکارهای نیل به هر راهبرد در قالب برنامه عمل یکپارچه شده و نقش و وظایف عوامل اجرای برنامه تعیین می‌شود که با پیروی از سازوکار تصمیم‌گیری مردمسالارانه، این چنین برنامه‌ای به سند وفاق، همسویی و هماهنگی کنشگران متعدد و متنوع در عرصه عمومی تبدیل می‌شود. معمولاً برای تلخیص برنامه عمل، جدولی با ستونهای هدف عملیاتی، فعالیت‌های مورد نظر، محل‌های عملیات، عوامل اجرایی، زمان عملیات، ابزار و منابع مورد نظر، شاخصها و مقاطع به کارگیری چرخه بازخورد اطلاعات ترسیم می‌شود. در برخی متون تخصصی برنامه‌ریزی بخشی که به توالی برنامه (Plan)، برنامه اجرایی (Program) و طرح اجرایی (Project) پایبند هستند، برنامه عمل را می‌توان نزدیک‌تر به برنامه اجرایی بشمار آورد که خود مجموعه‌ای از طرح‌های اجرایی (پروژه‌ها) را شامل می‌شود.

برنامه عمل در متون تخصصی مدیریت شهری و برنامه‌ریزی فضایی، در سطوح متفاوت جغرافیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما به‌طور متداول، در سطح یک مرکز زیست و فعالیت و اغلب، در سطح محله‌ها و نواحی ویژه درون شهرها طراحی می‌شود. این نوع برنامه تنها به اقدامات عوامل مشخص در ابعاد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی محدود نیست، بلکه سیاستگذاری و راه‌اندازی فرایندهای محیطی را که عوامل نامشخص و بازیگران جدیدی را نیز برمی‌انگیزد، شامل می‌شود. امروزه برنامه عمل در خدمت رفع مشکلات پیچیده‌ای است که از جمله عبارتند از:

احیاء بافت‌های فرسوده شهری؛

جامع شهری با محوریت دیدگاه کالبدی و خروجی نقشه‌های حوزه‌بندی (zoning) و شبکه ارتباطی به‌عنوان ابزار تعیین‌کننده در هدایت و نظارت، در عمل به امیدهایی که برای توسعه همه‌جانبه برانگیخته بود، جامعه عمل نپوشانید و مشکلات ناپایدارکننده توسعه شهرها همچنان بر جای ماند. در صدر این مشکلات می‌توان از فقر و بیکاری، آلودگی و کاهش کیفیت محیط‌زیست، فقدان و نارسایی زیربنای و خدمات شهری یاد کرد که در شهرهای کشورهای در حال توسعه و در بسیاری موارد، در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته نیز به‌نحو فراگیر به چشم می‌خورد. از این رو، در مواردی، مدیران شهری به نوع دیگری از برنامه‌ریزی که نیل به مجموعه‌ای از اهداف راهبردی در تمام ابعاد اجتماعی-اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی را بتواند دربر گیرد، روی آوردند. به تدریج، توافق روزافزونی بر سر ضرورت بازنگری در رویکرد متداول تهیه طرح‌های جامع شهری حاصل شد که مهم‌ترین اجزاء این بازنگری، تقدم برنامه‌ریزی برای کارکرد و محتوای زندگی شهروندان نسبت به کالبد و شکل فضای شهر بوده است.



برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهر که از دورنگری، کل‌گرایی، انعطاف‌پذیری، مشارکت‌طلبی و هم‌افزایی مناسبی در قیاس با طرح‌های جامع شهری متداول برخوردار است، در مرحله بعدی خود و برای اجرایی و عمل شدن سند بالادست، به تدوین برنامه عمل دست می‌زند. این برنامه در راستای تحقق راهبرد توسعه شهری شامل

برنامه (های) شهری

نقشه‌ای اندیشیده و منظم که از قواعد به‌خوبی تعریف‌شده تبعیت کند. این آرمان ذهن محال‌اندیش آدمی، رمز تجسم آرمان شهرهایی است که از دیرباز در ذهن مردمان زیسته‌اند.

ارسطو در کتاب سیاست به غلط هیپوداموس، طراح شهر مله‌توس را پدر شهرسازی خوانده است و نقشه‌های هیپوداموسی را اولین از نوع خود قلمداد کرده، حال آنکه سالها پیش از هیپوداموس نیز الگوهای متعدد شهری وجود داشته است. در اصل، یونانیان در شهرسازی زیر تأثیر دولت شهرها یا پولیسهای بین‌النهرین، به‌ویژه سومر، بودند. در پولیسا یا دولت‌شهرها که مسکن شهروندان تلقی می‌شوند، وجود مالکیت خصوصی، بنیاد وضع قانون و نهادینه شدن قانون‌گرایی تلقی می‌شد. براین اساس، نقشه‌های شطرنجی که امکان تقسیم و بازتقسیم زمین در اثر ارث را فراهم می‌ساخت، نقشه‌ای مطلوب برای پولیسا به‌حساب می‌آمد. از سوی دیگر، ضرورت انتخاب مسئولان مشاغل مهم شهری در پولیسا، آشنایی رویاروی را برای انتخابی آگاهانه اساسی می‌ساخت. در نتیجه، اندازه جمعیت شهروندان پولیسا باید محدود می‌ماند، تا شرط مهمی که ارسطو برای انتخاب آگاهانه مورد تأکید قرار داده بود، تحقق می‌یافت. بدین دلیل، نوشهرسازی در رم گسترش خیره‌کننده‌ای یافت و احداث ۴۰۰۰ نوشهر در سرزمینهای امپراتوری رم، نماد مشهود آن بشمار می‌رفت. بنابراین، دنیای هلنی و رومی را می‌توان آغازگر برنامه‌ریزی شهری تلقی کرد. گرچه اطلاعات موجود از گذشته شهری در ایران قبل از اسلام ناچیز و محل مناقشه است، اشارات منابع کهن به شهرهای خودفرمان، ظاهراً به تقلید از دنیای باستان غرب پس از حمله اسکندر و شهرهای شاهی بنا شده بر ویرانه‌های شهرهای خودفرمان در دوره ساسانی، چنانچه واقعیت داشته باشد، گویای کهن بودن احداث آگاهانه شهرها در ایران باستان است.

براین اساس، دنیای باستان سرآغاز برنامه‌ریزی شهری و هجوم بی‌رویه به شهرهای اروپای غربی در دوران پس از انقلاب صنعتی، دوران احیای مجدد آن بشمار می‌رود. پیدایش سرمایه‌داری اساساً پیدایش مقوله‌ای شهربنیاد تلقی

بهسازی نواحی فرودست شهری؛

فقرزدایی و ایجاد رونق در اقتصاد محلی؛

تجدید ساختار شهری (← ساختار شهری)؛ و

استفاده از فرصتهای جهانی شدن برای تشریک مساعی و بسیج منابع نوین به یاری رویکرد مشارکتی.

با توجه به اینکه در ارزیابی حدود چهار دهه اتکاء به طرحهای جامع شهری در ایران به اشکالات و نارسائیهای مهمی، همچون ضعف مطالعات غیرکالبدی و عدم اجرای پیشنهادات در این زمینه، ناهماهنگی طرح کالبدی با توسعه کارکردی و انعطاف‌ناپذیری آن، فقدان یکپارچگی اقدامات و برخورداری از مدیریت واحد اجرای آن، نبود مشارکت شهروندی، ندیدن محدودیتهای زیست‌محیطی و روابط منطقه‌ای در نظام مراکز زیست و فعالیت اشاره شده است، تهیه برنامه عمل معطوف به اهداف مشخص در چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند بسیاری از این نارسائیها را مرتفع سازد.

کتاب‌شناسی:

- رضوانی، محمدرضا. *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: نشر قومیس، ۱۳۸۳.
- صرافی، مظفر. «توسعه پایدار و مسئولیت برنامه‌ریزان شهری»، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۷۵.
- صرافی، مظفر. *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای*. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- صرافی، مظفر. «مفهوم، مبانی و چالشهای مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۲، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تابستان ۱۳۷۹.

مظفر صرافیی

برنامه (های) شهری

Urban Plan(s)

سابقه

همواره بشر در پی آن بوده است، تا شهری خلق کند با

برنامه (های) شهری

به این پرسش بازمی‌گشت که ادبیات اعتراضی توجه مردم را به شرایطی که در پیرامون آنان می‌گذشت برملا ساخت؛ علوم اجتماعی جوان نیز هریک به تحلیل بعدی از ابعاد متکثر شکل‌دهنده شرایط یادشده پرداخته‌اند؛ حال، چه باید کرد؟ برنامه‌ریزی و از جمله برنامه‌ریزی شهری محصول قانونمند پاسخهای ارائه شده به این پرسش بود.

در کنار تلاشهای انجام شده در دوران باستان، واکنشهای اندیشیده در جهت به سامان کردن شرایط شهرهای جوامع سرمایه‌داری صنعتی، باید از پاکسازی محلات فقیرنشین که در آغاز عمده جایگاه تهیدستان شهری یهودی و گتو نام داشت و بعدها در محلات عام فقیرنشین (Slums) و بالاخره از بازسازی گسترده پس از جنگ جهانی دوم نیز به عنوان نقطه‌های عطف برنامه‌ریزی شهری بشمار می‌رود و گویای تحولات تاریخی اصلی این هنر حرفه بین رشته‌ای است، برای سالها برنامه‌ریزی شهری تخصصی تلقی می‌گردید که وظیفه اصلی آن برنامه‌ریزی کاربری زمین بود. تا به امروز نیز بسیاری از جوامع جهان، به‌ویژه در جهان سوم، در حقیقت و فراتر از حرف و حدیث فراوان، برنامه‌ریزی شهری را به برنامه‌ریزی تخصیص زمین و مشخص‌سازی کاربری زمینها تقلیل

می‌گردد که احداث دهها نوع شهر بر پایه کارکردهای متنوع و گسترش شهرهای موجود را الزامی بی‌چون‌وچرا می‌ساخت. ورود انبوه مهاجران به شهرهای ناآماده اروپای غربی که به انواع معضلات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، کالبدی و فضایی جان بخشیدند، نخست در ادبیات اعتراضی منعکس شد. آثار چارلز دیکنز، ویکتور هوگو و دوساسی معروف‌ترین نمونه‌های ادبیات یادشده به حساب می‌آیند. ادبیات اعتراضی، این پرسش را در ذهن مردم به راه انداخت که چرا و به چه دلایلی با چنین شرایطی روبرو شده‌اند؟ پرسش یاد شده که از مشکلات گوناگون، از جمله رخ دادن جرائمی که در گذشته اروپا یا سابقه نداشت و یا در ابعادی به مراتب ناچیزتر رخ می‌داد، برخاسته بود، جستجوی عینی دلایل دگرگون شدن جوامع اروپای غربی را در دستور کار قرار داد و زمینه‌ساز پیدایش علوم اجتماعی گردید. کتاب عظیم چارلز بوث به نام کار و بار و زندگی مردم لندن، یکی از اولین کوششها در یافتن روشمند علل شرایط منعکس در ادبیات اعتراضی به حساب می‌آید که در آن از روش پیمایشی استفاده شده است. چارلز بوث، علت نگارش این کتاب را شناساندن لندن فقرا به لندن اغنیا عنوان کرده است. مرحله بعد که پس از سالها از راه رسید،



است که با تجربه دوران باستان اروپای غربی، تلاشهای اندیشیده در شهرهای بین‌النهرین، الگوهای کیهان‌شناختی و مقدس شهرهای دره سند یا در یک کلام، برنامه‌ریزی شهری در تمدنهای رودکناران (مصر، چین، آرتک و مایا، علاوه بر بین‌النهرین و دره سند)، احیای نگاه اندیشیده به شهر در سده ۱۵م یا آغاز رنسانس در فلورانس ایتالیا که با تأکید بر نقشه ستاره شکل، شهرهای آرمانی را به یاد می‌آورد و برای یک سده و نیم بر تفکر دلمشغولان فضا حاکم بوده است و نیز تلاش مسلمانان در ارائه طرح ناحیه‌بندی یا منطقه‌بندی شهری، قرابت چندانی ندارد.

دوره جدید برنامه‌ریزی شهری که تحت تأثیر اندیشمندان، شهرشناسان و معماران در ۲ سده اخیر شکل گرفته است را می‌توان به دوره‌های کوتاه مدت‌تری تقسیم کرد که هر یک نماد اجماع شهرسازان و معماران برجسته دوره خویش است. دوره جدید که در کشورهای توسعه‌یافته آغاز گردید، دیگر به شهر آرمانی آنچنان که رافائل بدان می‌نگریست، توجهی نداشت و بیشتر با مشکلات عینی روز دست به گریبان بود. شهر صنعتی سده ۱۹م که دوران حاکمیت صنعت و کسب‌وکار بود، بیشتر به مسکن جمعیت رو به رشد شهرها و مکان استقرار صنایع می‌اندیشید. در مقابل، اندیشه باغشهرها به فضای سالم‌تری که از ازدحام و آلودگی شهرهای صنعتی می‌گریخت، نظر داشت و در اوایل سده ۲۰م رواجی تام و تمام یافت. از دهه ۱۹۲۰م، بر پایه اندیشه‌های لوکوربوزیه، نوگرایی در معماری و شهرسازی سربرافراشت و حداقل در کشورهای صنعتی عمومیت یافت. دوره پس از جنگ جهانی، عصر بازسازی سکونتگاهها در کمترین زمان بود و نمی‌توانست چندان به کیفیت سکونتگاه توجه داشته باشد. سالهای دهه ۶۰ و ۷۰م، دوران احیای نوگرایی لقب گرفته است که با ساختن برازیلیا به اوج خود رسید و برنامه‌ریزی شهری، فرصت پیاده کردن نوگرایی را به کف آورد. نگاهی که با آغاز پسانوگرایی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت، بدون آنکه جایگزینی عملی برای آن تعریف و اجرا شود. نگاه پسانوگرا که در پایان دهه ۱۹۷۰م مطرح شد، با تأکید بر فردگرایی، تنوع و کثرت در جامعه و اقتصاد، در واقع به

می‌دهند. از سوی دیگر و در واکنش به چنین نگاه تقلیل‌گرایانه‌ای، برنامه‌ریزی شهری در کشورهای توسعه‌یافته راه درازی طی کرده است. امروز، برای تأکید بر جنبه‌های نرم‌افزاری و به‌ویژه انسانی و اجتماعی که سالها مورد بی‌توجهی محض قرار داشت و همین سبب شده بود تا برنامه‌ریزی محیط مصنوع، کاملاً تحت سیطره معماری، با نگاه سخت‌افزارانه تقلیل‌یافته به ساختمان و مصالح، قرار گیرد، سخن از برنامه‌ریزی اجتماعی - شهری به میان می‌آید. بدینسان، با تأکید بر برنامه‌ریزی راهبردی، این نوع نگاه به کاربری زمین با تکیه بر جزئیات، حداقل در برخی از جوامع توسعه‌یافته و معدودی از کشورهای در حال توسعه، کنار نهاده شده است. در نتیجه، به تدریج سلسله مراتبی از انواع برنامه‌ریزی، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، شکل گرفته است که در سطح اول آن، برنامه‌ریزی شهری و روستایی و در سطوح بعدی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و بالاخره برنامه کلان ملی قرار دارند. اخیراً و به پیشاهنگی سازمان ملل متحد، به‌ویژه برنامه توسعه ملل متحد، سخن از برنامه‌ریزی ناحیه‌محور نیز به میان آمده است. یکی از آخرین تحولات عرصه برنامه‌ریزی، گرایش به مشارکت تمامی کنشگران ذی‌مدخل در عرصه‌های گوناگون، به نام برنامه‌ریزی مشارکتی است که در سطوح یادشده جایگاهی رفیع به کف آورده است. در نتیجه، تأکید بر معماری، معماری محیط، طراحی شهری و باز زنده‌سازی شهری یا بازسازی شهری، آن هم با نگاهی سخت‌افزارانه، شدیداً مورد نقد قرار گرفته است. در همین راستا تدوین مستند راهبردها در زمینه‌های گوناگون مانند مسکن، حمل‌ونقل، زیباشناسی، فضای سبز، امنیت شهروندان، عرصه‌های عمومی، ملاحظات زیست‌محیطی و نظایر آن در چارچوب برنامه‌ریزی پایدار، جایگزین این نگاه سخت‌افزارانه تقلیل‌گرا شده است. گرایشها و تأکیدات مورد اشاره، برنامه‌ریزی شهری که روزگاری به‌عنوان هنر یا حرفه نظم‌بخشی و طراحی سکونتگاهها، از کوچک‌ترین واحدهای سکونتگاهی تا بزرگ‌ترین کلانشهرها را دربر می‌گرفت، از بنیاد دگرگون ساخته است. ناگفته پیداست که برنامه‌ریزی شهری در سده گذشته آنچنان راه درازی پیموده

نهاد، به سالهای پایانی دوره ناصری بازمی‌گردد. یکی از اولین کوششها برای قانونمند کردن زندگی و فضای شهری، تنظیم کتابچه‌ای است که به‌وسیله کنت دومونت فورتن از اتباع ایتالیا و رئیس پلیس تهران تدوین شده که حاوی ۵۸ ماده است. برکنار از این حرکت آغازین به‌سمت قانونمند کردن حیات شهری ایران، باید دوران رضاشاه را سرآغاز فرایندی خواند که بعدها نام برنامه‌ریزی شهری در ایران به‌خود گرفته است. از ۱۳۱۰ش، آماده‌سازی کشور برای ادغام در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، تحولات گسترده کالبدی شروع شد که تا ۱۳۲۰ش و تبعید رضاشاه ادامه داشت. در این مرحله، الگوی خیابان‌کشی به سبک و سیاق جدید بر نقشه ارگانیک شهرهای سنتی ایران تحمیل گردید که عمدتاً فاقد نقشه و برنامه بود و آمرانه و دستوری به اجرا درمی‌آمد؛ تهران مرکز ثقل این تغییرات بشمار می‌رفت.

با تأسیس سازمان برنامه و بودجه که عمدتاً به تخصیص اعتبار براساس برنامه کلان اقتصاد ملی مبادرت می‌کرد، عملاً بحث برنامه‌ریزی شهری نیز مطرح و تثبیت گردید. در برنامه اول عمرانی کشور (۱۳۲۷-۱۳۳۴ش)، کمی بیش از یک‌پنجم بودجه ۳۱ میلیارد ریالی تدوین شده به اقدامات شهرسازی اختصاص داشت. در برنامه دوم عمرانی کشور (۱۳۳۵-۱۳۴۰ش) برای اولین بار از طرحهای جامع شهری یاد شد و طرح جامع چند شهر توسط مشاوران غیر ایرانی تهیه گردید. در ۱۳۴۳ش، وزارت آبادانی و مسکن تأسیس شد و کمی بعد شورای عالی معماری و شهرسازی نیز شکل گرفت. درواقع می‌توان گفت، برنامه‌ریزی شهری در ایران عمدتاً بر پایه طرحهای جامع شهری شکل گرفته است. چنین طرحهایی در عمل، چیزی جز برنامه کاربری زمین نبود. تدوین طرح تفصیلی گام بعدی بشمار می‌رفت که کاربری زمین شهری را با جزئیات و قواعد ساخت‌وساز تکمیل می‌کرد. نکته اساسی در این میان، عدم اجرای اکثریت قریب به اتفاق طرحهای جامع شهری و دگرگونی گسترده آن در محل، تحت تأثیر عوامل گوناگون و از جمله نفوذ و قدرت توانمندان اقتصادی و سیاسی بشمار می‌رفت. بعدها تدوین طرحهای هادی برای روستاها و پس از

نیازهایی گردن می‌نهد که جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد مطرح ساخته است. چنین گرایشی که با مصرف‌گرایی انبوه همراه است، به ناگزیر نمی‌تواند بحث توسعه پایدار زیست‌محیطی را نادیده بگیرد. در نتیجه، امروز علاوه بر برنامه‌ریزی اجتماعی-شهری، سخن از برنامه‌ریزی شهری پایدار یا دوستدار زیست‌بوم به میان آمده است.

در جامعه ایران، برکنار از کوششهای کهنسال در احداث شهرهای اندیشیده، برنامه‌ریزی شهری در دوره پایانی عصر ناصری به‌نحوی محو و کم‌رنگ، اما آمرانه و دستوری آغاز می‌شود و خیلی زود جای خود را به شهرسازی آمرانه دوران رضاشاهی می‌دهد که درواقع، اولین کوشش مکانی-فضایی برای آماده شدن کشور در جهت پذیرش الگوهای سرمایه‌دارانه، آن هم در جایگاهی حاشیه‌ای است. ماهیت منبع علمی حاضر، فرصت برشمردن نقاط قوت و ضعف دوران یادشده در زندگی شهری ایران را فراهم نمی‌آورد؛ تنها باید بدین نکته بسنده کرد که صرف‌نظر از نگاه نوستالژیک به برخی از تک‌بناهای باقیمانده از گذشته و چند گالری شهری ارزشمند، مانند میدان نقش جهان، مجموعه کریم‌خانی شیراز و بازارها و حمامهای عمومی، شهرسازی خودروی گذشته این مرز و بوم به دلیل کم‌کاری محققان اساساً شناخته شده نیست. برعکس در این مرز و بوم معماری تک‌بنا به اشکال گوناگون صاحب سبک و شناسنامه بوده است که در قالب الگوی حیاط مرکزی براساس شرایط اقلیمی، انگارگان مذهبی و از آنها مهم‌تر نامنی پایدار در جامعه ایران، آن هم برای سده‌ها شکل گرفته و به قواعد پایداری دست یافته است. در کنار بحثهای معماری مینوره از اوایل سده ۲۰م و بیشتر از سوی باستان‌شناسان، الگویی حاوی ۳ بخش کهندژ، شارستان و ربض، به‌عنوان نقشه شهری غالب در ایران، مطرح شده است که بررسیهای جدید وجود و قابلیت تعمیم الگوی یادشده را با پرسشهای جدی روبرو ساخته است.

به‌ر تقدیر، آغازین جرقه‌هایی که می‌توان آن را پیش‌درآمد برنامه‌ریزی مکانی و از جمله شهری در ایران نام

برنامه (های) شهری

که نیل به اهداف کلان را میسر سازد. الزامات برنامه شامل توجیه وضع موجود و آتی، اعم از شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی است که باید در خلال برنامه به کار گرفته شود، تا تحقق برنامه‌ریزی را امکان‌پذیر سازد. این الزامات باید در مقیاسی گسترده، شامل سطوح ملی و منطقه‌ای تا محلی و کیفیتها و کمیتهای مرتبط با آنها باشد. اهداف برنامه می‌تواند مواردی مانند حفاظت از محیط زیست، ساختار فضایی، مدیریت، حمل و نقل، مسکن، اقتصاد، انرژی، توسعه و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و خدمات عمومی و انسانی را دربر گیرد. اطلاعات مورد نیاز در چارچوب مطالعات محیطی، کاربری زمین (← کاربری زمین)، مسکن، حمل و نقل، تأسیسات عمومی و زیربنایی، اشتغال (اشتغال شهری)، شرایط کمی و کیفی جمعیت، اقتصاد محلی و ویژگیهای تاریخی و مواردی مانند آن است.

فرایند اساسی و ساختار یک برنامه شامل ۹ مرحله

به شرح زیر است:

شناخت موضوع؛

تعیین هدفهای بلندمدت و کوتاه‌مدت و سوابق برنامه؛

جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات؛

تهیه برنامه‌ها؛

ترسیم برنامه‌های محتوایی (Programs) برای اجرای برنامه؛

ارزیابی برنامه‌ها و برنامه‌های محتوایی؛

بازنگری در برنامه‌های قابل قبول؛

بازنگری برنامه‌های اجرایی؛ و

برنامه‌های سازماندهی اجرایی.

عناصر برنامه مسائلی مانند توسعه اقتصادی، حفاظت

محیطی، نظارت بر مخاطرات طبیعی، حفاظت از اراضی

کشاورزی و منابع آب، حفاظت فرهنگی و تاریخی، پارکها

و فضاهای سبز (← فضای سبز شهری) و باز (← فضای

باز)، طراحی شهری (← طراحی شهری) و رفاه اجتماعی را

مورد توجه قرار می‌دهد.

یک برنامه باید از رسمیت کامل برخوردار باشد. به

سخن دیگر، یک برنامه رسمی و ساختارگرا معمولاً

براساس خصوصیات ساکنان و برمبنای نظرات آنان تنظیم

می‌شود، درحالی‌که یک برنامه غیررسمی را برنامه‌ریزان

انقلاب تدوین برنامه راهبردی، نخستین بار در مناطق شهرداری تهران، اجزای تکمیلی برنامه‌ریزی مکانی بشمار می‌رفت. مشخص‌سازی محدوده شهرها و حریمهای شهری از دیگر اقدامات قابل ذکر است. در دهه ۱۳۷۰ش، احداث شهرهای جدید، در آغاز ۱۷ شهر، از رخدادهای قابل ذکر در تحولات برنامه‌ریزی شهری در ایران است.

کتابشناسی:

- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. G.B.: Streetwise Press.

- Jarvis, B. "Place and Performance", *Urban Design Quarterly*. London: Spring ۲۰۰۲.

- Wheelles, S. *Planning for Sustainability*. London, New York: Routledge, ۲۰۰۴.

پرویز پیران

برنامه‌ریزی و برنامه‌های شهری

در شهرسازی، برنامه عبارت از سندی است که سیاستهای نیل به هدفهای معین در یک شهر یا قسمتی از یک شهر و یا مقوله‌های مرتبط با آن را مشخص می‌کند. معمولاً محتوای برنامه در قالب یک متن به همراه نقشه‌ها و نمودارهای توجیهی ارائه می‌شود و حاوی راهنمای عمومی در مورد نحوه انجام اقدامات پیش‌بینی شده است که بر آینده تأثیر می‌گذارد. برنامه را تصمیم‌سازان با استفاده از اطلاعات مورد نیاز تهیه می‌کنند. یک برنامه ممکن است مربوط به یکی از حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی یا کالبدی شهر باشد. به این ترتیب، آنچه در ارتباط با تأمین نیازهای یک شهر قرار دارد، می‌تواند در قالب برنامه‌های مختلف شهری، از جمله برنامه‌های جامع قرار گیرد.

فرایند برنامه‌سازی بهتر است خط سیری مستمر داشته باشد و بین مراحل مختلف اجرایی آن، ارتباط برقرار شود. ساختار پایه‌ای و هسته‌های اصلی یک برنامه شامل پیشینه آماری و اطلاعاتی موضوع، اهداف آرمانی و عینی کلان و خرد و بالاخره الزامات آن می‌شود. در برنامه با شناخت وضع موجود، برای هدفهای بلندمدت و کوتاه‌مدت که وضع موجود را به وضع مطلوب می‌رساند، تصمیم‌گیری می‌شود. اهداف خرد و در دسترس باید به نحوی تهیه شود

برنامه (های) شهری

یک برنامه شهری در چارچوب یک توسعه پایدار باید
۳ خصوصیت اساسی داشته باشد:

توجه به محیط زیست؛

توجه به وجوه اقتصادی؛ و

توجه به محیط در عرصه‌های محلی و جهانی.

در هر برنامه شهری مدیریت محیطی در عرصه‌های حفاظت از محیط زیست و نیل به یک توسعه مستمر و پایدار باید به‌عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد. این مورد دامنه‌های وسیعی دارد که علاوه بر حفاظت از آب و خاک و گیاه و هوا، مواردی چون حفظ و ساماندهی فضاهای باز، کاهش آثار ناشی از حرکت وسایط حمل‌ونقل موتوری و ایجاد یک محیط قابل زیست را دربر می‌گیرد. در ارتباط با اقتصاد نیز مواردی، مثل حفاظت از منابع اقتصادی سازمان مسئول برنامه و ساکنان و قابل اجرا بودن برنامه‌ها از نظر امکانات و منابع اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. در تدوین هر برنامه اقتصادی و منافع حاصل از آن، این منافع باید با منافع اجتماعی و محیطی جامعه مورد نظر همسازي داشته باشد. هنگام تصمیم در اجرای هر برنامه اقتصادی باید نتایج حاصل از آن بر روی پاکي هوا، سلامت خیابانها و فضاهای عمومی جذاب، که هر یک از ساکنان از آنها استفاده می‌کنند، مورد توجه قرار گیرد. از نظر برابری فضایی، توازن بین برنامه‌ها، اعم از منافع گروههای مختلف اجتماعی و اقتصادی، مسکن‌سازی، تأمین نیازمندیهای عمومی و زیربنایی، تراکم جمعیت و ساختمان، بسیار ضروری است. پیشگیری از جدایی‌گزینی اجتماعی در محله‌ها، اشتراک مساعی ساکنان و توجه به حقوق فردی و اجتماعی یکایک آنان براساس ساختار فضایی و فرهنگها نیز باید در هر برنامه ملحوظ باشد. هر برنامه شهری باید در توزیع امکانات شهری بین جمعیت و گروههای اجتماعی و اقتصادی تلاش داشته باشد و به‌ویژه از ایجاد مسکن ناسالم، فقر، بیکاری و آلودگیهای محیطی نه تنها جلوگیری کند، بلکه برنامه‌ها را در راستای رفع این تنگناها سوق دهد. هدف هر برنامه باید مبتنی بر تأمین رفاه اجتماعی در میان ساکنان باشد. بنابراین، برنامه توسعه، مفهومی بسیار گسترده دارد که عرصه‌های مختلف را به‌صورتی جامع دربر

فردگرا، تنها به ملاحظه حرفه و تخصص خود، پیشنهاد می‌کنند. در چارچوب برنامه‌ریزی شهری، ۳ دیدگاه از نظر ارائه نوع برنامه قابل توجه است:

برنامه خودساخته. این برنامه را خود مردم تهیه می‌کنند و مجریان این برنامه‌ها را به اجراء می‌گذارند. این برنامه‌ها در نظامهای غیرمتمرکز تهیه می‌شوند و طی آن، چون مردم مشارکت دارند، نیازهای حقیقی همراه با احساس رضایت آنان برآورده می‌شود. از اشکالات این برنامه آن است که از لحاظ اختصاص منابع و امکانات ممکن است واقع‌بینانه نباشد، زیرا مردم به نیازهای خود توجه دارند و در پی رفع نیازها هستند و به امکان اجرایی آن کمتر توجه می‌کنند؛

برنامه پیش‌ساخته. این مورد، برنامه‌ای است که مسئولان برنامه‌ریزی - متخصصان و نهادهای اجرایی - با توجه به اطلاعات و میزان امکانات محیط و منابع در دسترس تهیه می‌کنند. این گونه برنامه را چون متخصصان و افراد مجرب تهیه می‌کنند، از لحاظ فنی بسیار دقیق است، زیرا آنها به‌خوبی می‌دانند که چه نوع برنامه‌ای و با چه امکانات و منابعی را پیشنهاد دهند. از این‌رو، برنامه پیش‌ساخته، برنامه‌ای حساب شده است که به‌منظور رفع کمبودها طراحی می‌شود. بزرگ‌ترین اشکال این نوع برنامه آن است که چون در این برنامه‌ها مردم دخالت ندارند، نمی‌توان به تأمین کلیه نیازهای آنان مطمئن بود. بنابراین، گاهی در برابر آن مقاومت می‌شود. این نوع از برنامه‌ها در نظامهای متمرکز اجراء می‌شود؛

برنامه واقع‌بینانه. این دیدگاه بهترین نوع برنامه‌ها قلمداد می‌شود، زیرا مردم و مسئولان با کمک و همفکری یکدیگر برنامه را تهیه می‌کنند و در آن، هم امکانات و هم نیازها و هم احتیاجات حقیقی مردم مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که مردم در تدوین آن شرکت داشته‌اند، از آن پشتیبانی خواهند کرد و به دلیل آنکه برنامه‌ها با همکاری متخصصان تهیه شده است، جنبه‌های فنی و تخصصی نیز در آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. یک برنامه از نظر مدت اجراء، می‌تواند کوتاه‌مدت (کمتر از ۵ سال)، میان‌مدت (۵-۱۰ سال) و بلندمدت (بیش از ۱۰ سال) باشد. البته مدت برنامه‌ها، برحسب نوع، در کشورهای مختلف متفاوت است.

برنامه (های) شهری

می‌گیرد.

غیررسمی، برنامه محله‌ای، برنامه گذران اوقات فراغت در شهر، برنامه خانه‌سازی، برنامه کاربری زمین، برنامه‌های حمل‌ونقل، برنامه‌های تأسیسات زیربنایی، برنامه‌های اجتماعی، برنامه‌های مشارکتی، برنامه اقتصادی شهر و موارد دیگری مانند آنها از جمله برنامه‌هایی هستند که در انواع مختلف سطوح شهری مورد توجه قرار گرفته و به مرحله اجرا درآمده است.

برنامه جامع و برنامه ساختاری ۲ دسته از برنامه‌های اصلی شهری هستند. برنامه جامع شهر نسبت به برنامه ساختاری از سابقه بیشتری برخوردار است. این الگو در دهه ۱۹۷۰م در بریتانیا و در دهه ۱۹۸۰م در ایالات متحده آمریکا، با تأکید بر نظریه نظامها و نظریه مشارکت، از جنبه‌های مختلف نظری و عملی، مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این برنامه در بریتانیا و کشورهای تابع آن، جای خود را به برنامه‌های ساختاری و در ایالات متحده و برخی کشورها جای خود را به برنامه‌های راهبردی داده است. بنابراین، در طول سالهای بعد از ۱۹۸۰م بیشتر بر اهداف و تحلیل اهداف، همچنین تحلیل اطلاعات و تعیین راهبردها و سیاستها به منظور نیل به هدف تأکید شده است. در واقع، ۲ جریان تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و تصمیم‌گیری مبنای نظری و عملی برنامه‌های ساختاری- راهبردی را تشکیل می‌دهد. البته برنامه ساختاری، برنامه‌ای است که جایگزین برنامه جامع شده است و در چارچوب برنامه‌ها، راهبردها و سیاستهای ساختاری شهرستان، به منظور هدایت توسعه فضایی شهرهای بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر و حوزه بلافاصل آنها، تهیه می‌شود. این برنامه برای یک دوره بلندمدت بدون وارد شدن در جزئیات طراحی می‌شود. اساس برنامه‌های ساختاری را اهداف کلان، اهداف خرد، راهبردها و سیاستها تشکیل می‌دهد. منظور از اهداف کلان (Goals)، نیل به وضع نهایی مطلوب است که از ارزشها و آمال جامعه نشأت می‌گیرد. درحالی‌که اهداف خرد (Objectives) اهداف عملیاتی و کاربردی هستند، که بیشتر به منظور نیل به اهداف کلان تعیین می‌شوند. راهبردها آن دسته از تصمیمهای اساسی است که میان اهداف مختلف یک برنامه هماهنگی ایجاد می‌کند و راههای اصلی وصول

در سطح جهانی، جنبه‌های مختلفی از برنامه‌های شهری مورد توجه قرار دارد. این موارد در طول تقریباً یک سده گذشته، مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته و بسیاری از آنها جنبه عملی به خود گرفته است. درعین حال، محتوا و اجرای بعضی از این برنامه‌ها مورد بازنگری و تحول اساسی قرار گرفته است؛ در برخی موارد، تغییر اساسی حول داده‌ها و در موارد دیگر، به دلیل وجود تنگناها و نارساییها یا بروز مشکلاتی در تحقق آنها، برنامه‌های جدید جایگزین شده است. در واقع، تحول اساسی در محتوا و نوع برنامه‌های شهری مدیون گسترش دامنه‌های دانش و دگرگونی در فناوری بوده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، محتوای اغلب برنامه‌ها، بیشتر جنبه کالبدی داشت، ولی با گسترش برنامه‌ریزی علمی و همچنین توسعه مفاهیم مدیریت و تصمیم‌گیری در شهرسازی، اندیشه‌های ترقی‌خواهی در شهرسازی جای ویژه‌ای پیدا کرد. حداقل تا دهه ۱۹۸۰م، بحث عدالت اجتماعی در شهر (← عدالت اجتماعی و شهر) و برنامه‌های مرتبط با آنها از یکسو، و توازن اکولوژیکی و توجه بیشتر به مفاهیم انسانی از سوی دیگر، موضوعی مهم قلمداد می‌شد. علاوه‌براین، از دهه ۱۹۸۰م، با اهمیت یافتن انگاره توسعه پایدار یا عدالت محیطی و گسترش دامنه ارتباطات، مانند استفاده از رایانه، شبکه‌های جهانی و ارتباطات ماهواره‌ای و استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی (← سیستم اطلاعات جغرافیایی) در تمام برنامه‌های شهری جای خود را باز کرده است. گسترش نظریات انسان‌گرایانه، اهمیت یافتن نقش مردم و مشارکت آنها در برنامه‌های شهری و نگرش به برنامه‌ها در ابعاد مختلف، از الگوهای مختلف ریاضی گرفته تا نگرش فلسفی به برنامه‌های شهری، از پدیده‌هایی است که در برنامه‌های امروزی مورد توجه قرار گرفته است.

عمده‌ترین برنامه‌های شهری در طول چند دهه گذشته، شامل برنامه کالبدی، برنامه جامع، برنامه اجتماع محلی، برنامه عملکردی و برنامه تسهیلات همگانی بوده است. همچنین، برنامه بهسازی (← بهسازی شهری) و نوسازی شهری (← نوسازی شهری)، برنامه بهسازی سکونتگاههای

برنامه (های) شهری

جدید)، تهیه برنامه‌های ناحیه‌ای و شهرستان، تهیه طرح‌های کالبد ملی (← طرح کالبد ملی) و آماده‌سازی زمین پس از انقلاب اسلامی، مبنای تعریف یا تهیه انواع برنامه‌های شهری در ایران است. اکنون، با مسئولیت وزارت مسکن و شهرسازی و محوریت شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، نسبت به تهیه انواع برنامه‌های شهری در ایران اقدام می‌شود. لازم به یادآوری است که تهیه برنامه‌های شهری برای شهرهای کوچک ایران برعهده وزارت کشور است. همچنین، مسئولیت تهیه بعضی از برنامه‌ها، مانند برنامه آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین) با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) و تهیه برنامه‌های ایجاد شهرکهای صنعتی با وزارت صنایع است. سابقه اجرای بعضی از برنامه‌های شهری نسبت به برخی دیگر بیشتر است. در حال حاضر، در سطح کشور برنامه‌های شهری مختلفی به مرحله اجرا درآمده یا در دست اجراست. یادآوری این نکته نیز ضروری است که در ایران از آغاز تهیه انواع برنامه‌های شهری به جای استفاده از عنوان برنامه از عنوان طرح استفاده شده است. بنابراین، آنچه که در زیر با عنوان طرح از آن یاد شده است در واقع برنامه است.

طرح جامع سرزمین

برنامه‌ای است که سطوح شهری و منطقه‌ای و کشوری را دربر می‌گیرد. طرح جامع سرزمین برنامه‌ای است مربوط به استفاده از سرزمین برای هدفها و خط‌مشیهای ملی مبتنی بر بررسی امکانات و منابع، مراکز جمعیتی شهری و روستایی، حدود توسعه و گسترش شهرها و شهرکها، قطبهای صنعتی، کشاورزی و مراکز جهانگردی- خدماتی که علاوه بر این، اجرای برنامه‌های عمرانی بخشهای عمومی و خصوصی را هماهنگ می‌سازد.

طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای

این برنامه با هدف مکانیابی برای گسترش آینده شهرهای موجود و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید، پیشنهاد و شبکه شهری آینده کشور یعنی اندازه شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و ایجاد سلسله مراتب بین آنها به منظور

به آنها را تعیین می‌کند. سیاستها آن دسته از تصمیماتی است که در سطحی پایین‌تر از راهبرها قرار می‌گیرد. سیاستها، هدایت کننده تصمیمات اجرایی و اقدامات کوتاه مدتی است که مسیر عملی برای نیل به اهداف را مورد توجه قرار می‌دهد.

در بعضی از کشورها برنامه‌هایی را که سازمانهای محلی در چارچوب برنامه‌های جامع ساختاری تهیه می‌کنند، برنامه توسعه‌ای می‌نامند. برای مثال، برنامه‌ای که در بریتانیا به توضیح نحوه استفاده از زمین در یک حوزه مشخص پردازد و مبنای اصولی آن را تهیه کند، برنامه توسعه‌ای نامیده می‌شود. در همین ارتباط، افرادی که روی برنامه‌های توسعه محلی کار می‌کنند و به همراه سایر برنامه‌ریزان، اصول، خط‌مشیها و مقاصد برنامه‌ها را مشخص می‌سازند، به عنوان برنامه‌ریز توسعه‌ای شهرت دارند.

در ایران، اگرچه از نظر تاریخی بعضی از برنامه‌های موضعی در شهرها را که از عصر قاجاریه در ایران آغاز شد، می‌توان به عنوان نوعی برنامه شهری تلقی کرد، ولی اساس اجرای برنامه‌های شهری در ایران با سوابق اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران همزمان است. مهم‌ترین برنامه‌های شهری قبل از این‌گونه برنامه‌ها، به قوانین ایجاد بلديه و انجمنهای ایالتی و ولایتی، توسعه و تعریض معابر و نظایر آنها بازمی‌گردد. اجرای برنامه‌های عمرانی در ایران از ۱۳۲۷ش آغاز شد که تاکنون در قالب ۲ برنامه عمرانی ۷ ساله و ۳ برنامه ۵ ساله در قبل از انقلاب اسلامی، و ۴ برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بعد از انقلاب اسلامی استمرار داشته است. عمده برنامه‌های شهری در ایران یا براساس محتوای این برنامه‌ها و یا براساس تصویب قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با شهرسازی، به مرحله اجرا درآمده‌اند. قانون تأسیس وزارت آبادانی و مسکن در ۱۳۴۳ش، قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در ۱۳۵۱ش (← شورای عالی شهرسازی و معماری) و قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی قبل از انقلاب اسلامی و همچنین قوانین یا آئین‌نامه‌های مربوط به ایجاد شهرهای جدید (← شهرهای

برنامه (های) شهری

کشور، تهیه می‌شود. این مجموعه‌ها در مورد تهران، شامل شهر تهران و شهرهای واقع در شهرستانهای تهران، یعنی دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلامشهر، ساوجبلاغ و شهریار می‌شود و در مورد سایر شهرهای بزرگ، مجموعه‌های شهری شیراز، مشهد، اصفهان و تبریز را دربر می‌گیرد. مدیریت تهیه این طرح‌ها با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح جامع شهری

به موجب قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی، مصوب ۱۳۵۳ش، طرح جامع شهر، عبارت از برنامه بلندمدتی است که در آن نحوه استفاده از اراضی و منطقه‌بندی مربوط به حوزه‌های مسکونی، صنعتی، بازرگانی، اداری، کشاورزی، تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات شهری، نیازمندیهای عمومی شهری، خطوط کلی ارتباطی و محل مراکز انتهایی خط پایانه‌ها و فرودگاهها، بنادر، سطح لازم برای ایجاد تأسیسات و تجهیزات و تسهیلات عمومی مناطق نوسازی، بهسازی و اولویتهای مربوط به حفظ بناها و نماهای تاریخی و مناظر طبیعی، تهیه و تنظیم می‌شود. طرح جامع شهر برحسب ضرورت، قابل تجدیدنظر است. مدیریت تهیه طرح‌های جامع شهری با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح تفصیلی شهری

بر مبنای قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی، مصوب ۱۳۵۳ش، طرح تفصیلی براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهری، نحوه استفاده از زمینهای شهری در سطح محله‌های مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها، وضع عبور و مرور به میزان تراکم جمعیت و تراکم ساختمانی در واحدهای شهری تهیه شده و اولویتهای مربوط به مناطق بهسازی، نوسازی، توسعه، حل مشکلات شهری و موقعیت کلیه عوامل مختلف شهری در آن تعیین می‌شود. نقشه‌ها و مشخصات مربوط به مالکیت در طرح تفصیلی براساس مدارک ثبتی است. مرجع تهیه طرح تفصیلی وزارت مسکن و شهرسازی است.

تسهیل در مدیریت سرزمین و خدمات‌رسانی به مردم و پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت‌وساز در کاربریهای مجاز زمینهای سراسر کشور تهیه می‌شود. هدف از این برنامه، در کنار اقدامات بالا، تسهیل در مدیریت سرزمین و امر خدمت‌رسانی و پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت‌وساز در کاربریهای مجاز کشور است. مطالعات انفرادی برنامه، شامل مواردی همچون مطالعات جمعیتی، ارزیابی منابع ارضی، پهنه‌بندی خطر زمین‌لرزه و اقلیم آسایش است که می‌تواند مستقلاً در فعالیتهای شهرسازی و ساخت‌وساز مورد استفاده قرار گیرند. این برنامه از مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است. مدیریت تهیه این طرح با وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) است.

طرح توسعه و عمران - جامع - منطقه‌ای، ناحیه‌ای و شهرستان

این برنامه در اجرای وظایف محول شده در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن - مصوب ۱۳۵۳ش - و تصویب‌نامه هیئت وزیران در ۱۳۷۳ش، تهیه و اجرا می‌شود. به موجب این تصویب‌نامه، این برنامه به منظور تدوین سیاستها و ارائه راهبردها در زمینه هدایت و نظارت بر توسعه و استقرار مطلوب مراکز فعالیت، مناطق حفاظتی و همچنین توزیع مناسب خدمات برای ساکنان شهرها و روستاها در یک یا چند شهرستان که از نظر ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی همگن باشند و از نظر اقتصادی، اجتماعی و کالبدی ارتباطات فعال متقابل داشته باشند، تهیه می‌شود. مدیریت تهیه این طرح‌ها با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح مجموعه شهری

این برنامه به موجب مصوبه ۱۳۷۴ش هیئت وزیران و برای شهرهای بزرگ به انضمام شهرهای اطراف آنها تهیه می‌شود. به موجب این تصویب‌نامه، این برنامه به منظور برنامه‌ریزی واحد برای شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ

است که مترادف با اجرای برنامه‌های عمرانی کشور برای شهرهای کوچک ایران است.

طرح ایجاد شهرهای جدید

به موجب قانون ایجاد شهرهای جدید، مصوب ۱۳۸۰ش، شهر جدید به نقاط جمعیتی اطلاق می‌شود که در چارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در خارج از محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها- هرکدام که بزرگ‌تر باشد- برای اسکان حداقل ۳۰,۰۰۰ نفر، به اضافه ساختمانها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش‌بینی می‌شود. بر همین مبنای طرح شهر جدید در قالب طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای و جامع ناحیه‌ای ضرورت و مکان ایجاد آنها با سقف جمعیتی و نوع فعالیت معین، به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد و مانند سایر شهرها، باید برای آنها طرح جامع و تفصیلی تهیه شود. مدیریت ایجاد شهرهای جدید با وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرحهای ویژه

این طرح، برنامه‌ای است که برای بخشهایی از کشور که به علت وجود عوامل طبیعی یا مصنوعی یا برنامه‌های جدید توسعه و عمران و تأثیراتی که در منطقه حوزه نفوذ خود خواهند گذاشت، واجد ویژگی خاصی است که نیاز به تهیه طرح برای توسعه هماهنگ در محدوده حوزه نفوذ عوامل مذکور دارد، تهیه می‌شود. عنوان و محدوده این برنامه‌ها، همزمان با تشخیص و تصویب ضرورت آنها، به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران می‌رسد.

طرح ایجاد شهرکهای مسکونی

طبق آئین‌نامه‌های موجود، شهرک به محلی اطلاق می‌شود که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها با حداقل ۵۰۰ قطعه زمین، برای احداث واحدهای مسکونی مستقل یا آپارتمانی قابل تملک توسط اشخاص و ساختمانها و

طرح نوسازی، بهسازی، بازسازی و مرمت بافتها

این برنامه به منظور بهسازی، نوسازی و بازسازی محله‌های شهر، اعم از قدیم و جدید و یا سکونتگاههای غیررسمی، به عنوان جزئی از طرح تفصیلی بخشی از بافتهای موجود شهرها تهیه می‌شود. مدیریت تهیه این برنامه‌ها با وزارت مسکن و شهرسازی است که نهادهای دیگری، مانند شهرداری با آن همکاری دارند. برنامه‌های مرمت و احیاء بافتهای فرسوده شهری (← مرمت شهری) و برنامه‌های مرتبط با سکونتگاههای غیررسمی (← سکونتگاه غیررسمی) در چارچوب این برنامه قرار دارند.

طرح آماده‌سازی زمین شهری

این برنامه، شامل مجموعه عملیات لازم برای مهیا نمودن زمین برای احداث مسکن و تأسیسات و نیازمندیهای مربوط به آن، مطابق با قانون زمین شهری و آئین‌نامه‌های اجرایی آن تهیه می‌شود. این برنامه به عنوان طرح تفصیلی گسترشهای جدید شهر تهیه می‌شود. از آماده‌سازی زمین، همچنین به معنی مجموعه فعالیتهای هماهنگ و ضروری در اراضی متعلق به سازمان زمین شهری نام برده می‌شود که با هدف بهره‌برداری از اراضی، به منظور احداث واحدهای مسکونی و تأسیسات وابسته به آنها و رفع نیازمندیهای عبور و مرور، شبکه‌های آبرسانی و فاضلاب، برق، مخابرات و مانند آنها صورت می‌گیرد. مرجع تهیه طرحهای آماده‌سازی زمین وزارت مسکن و شهرسازی است.

طرح هادی شهری

بر اساس قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی در ۱۳۵۳ش طرح هادی شهری، برنامه‌ای است که برای گسترش آتی شهر و نحوه استفاده از زمینهای شهری برای عملکردهای مختلف و به منظور حل مشکلات حاد و فوری شهر و ارائه راه‌حلهای کوتاه‌مدت و مناسب برای شهرهایی که طرح جامع شهری ندارند، تهیه می‌شود. تهیه طرحهای هادی شهری با مدیریت وزارت کشور صورت می‌پذیرد. این طرح از سابقه‌ترین طرحهای شهری

برنامه (های) شهری

مقررات شهرسازی و معماری برای معلولین جسمی - حرکتی؛

مقررات مربوط به انواع اراضی شهری؛

ضوابط استفاده از اراضی در مناطق آزاد تجاری و صنعتی؛

ضوابط تفکیک و افراز اراضی کشاورزی و باغهای شهری؛

مقررات نظارت بر ساخت و ساز در محدوده و حریم شهرها؛

مقررات ملی ساختمان؛

ضوابط خدمات و ایجاد تأسیسات عمومی شهری؛

ضوابط مدیریت منابع مالی شهرها؛

عمران شهری؛

مقررات مرتبط با بهداشت شهر و حفظ محیط زیست؛

مقررات مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛

مقررات مربوط به اراضی غیر شهری؛

مقررات زمینهای آموزشی و فرهنگی؛

مقررات حریم راهها و تأسیسات شهری؛

مقررات اراضی دولتی؛

مقررات اراضی موقوفه؛

مقررات حفظ حریم رودخانه‌ها و دریاها؛

مقررات حفظ بناهای تاریخی؛

مقررات منع تغییر کاربری اراضی کشاورزی و جنگل در

محدوده و حریم شهرها؛

مقررات منع آلودگی آب و هوا؛

مقررات رفت و آمد در شهرها؛

آئین‌نامه راهها و خیابانهای شهری؛

ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی؛

ضوابط مربوط به محدوده شهرها؛

ضوابط مربوط به مکانیابی شهرهای جدید؛ و

مقررات مربوط به اراضی غیر شهری.

کتاب‌شناسی:

- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. *مقررات شهرسازی*

و معماری و طرحهای توسعه و عمران، مصوب شورای عالی شهرسازی

و معماری ایران. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن

و شهرسازی، ۱۳۸۳.

- سعیدنیا، احمد و دیگران. *مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات*

طرحهای شهری. تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن

تأسیسات مورد نیاز عمومی و اجتماعی سکنه به صورت مجتمع برای سکونت و تأمین نیازهای عمومی، اجتماعی و رفاهی شاغلین در بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی در یک منطقه و به منظور رفع کمبود مسکن و جلوگیری از توسعه بی تناسب شهرهای مجاور و یا به صورت مراکز تفریحی برای استفاده مردم یک منطقه یا مردم سراسر کشور، به وجود می‌آید که امور آن را هیئتی از ساکنان و مالکان، با خودیاری خودشان اداره می‌کنند. برنامه ایجاد شهرک در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و با شرایط و ضوابط مندرج در آئین‌نامه‌های استفاده از اراضی و احداث بنا و تأسیسات خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها صورت می‌گیرد.

طرحهای سایر شهرکها

علاوه بر طرح شهرکهای مسکونی، شهرکهای دیگری وجود دارد که برای فعالیتهای غیر مسکونی و عملکردهای ویژه مانند صنعتی، گردشگری، تفریحی و مانند آنها و براساس مقررات و قوانین مربوط به آنها تهیه می‌شود. این نوع مجتمعه را که فاقد بناهای مسکونی هستند، می‌توان غیرشهرک خواند. غیرشهرک به ساختمانها و تأسیساتی اطلاق می‌شود که برای تأمین نیازمندیهای عمومی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی، بهداشتی، تفریحی، آموزشی و نظایر آنها، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها ایجاد می‌شود.

علاوه بر این موارد، در سطح کشور ضوابط و مقررات شهری ویژه‌ای وجود دارد که تمام آنها در چارچوب ضوابط قانونی و یا آئین‌نامه‌های مصوب و یا تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران و یا شورای عالی شهرسازی و معماری ایران قرار دارد. مبنای اغلب آنها نیز انواع برنامه‌های مذکور است. برای نمونه، به درج نام بعضی از این ضوابط و مقررات و آئین‌نامه‌ها اشاره می‌شود:

ضوابط ساخت و ساز در شهرهای بدون طرح مصوب؛

ضوابط ناماسازی در شهرها؛

مقررات منطقه‌بندی در مناطق مسکونی شهرها؛

ضوابط ساخت و ساز در اراضی دولتی و شهرداریها؛

ضوابط بلندمرتبه سازی؛

برنامه مدیریت شهری

برنامه‌ها و سیاستهای شهری در ابعاد محلی و ملی یاری رساند. برنامه مدیریت شهری، به‌عنوان شبکه‌ای شامل بیش از ۴۰ مقر و نهاد همکار که ۱۴۰ شهر را در ۵۸ کشور جهان دربر می‌گیرد، توانسته است به‌صورت پایگاه مشترکی برای همکارانی که با مسائل نوظهور شهری درگیر هستند، درآمد. این برنامه به تلاش خود برای توسعه و کاربرد دانش مدیریت شهری در زمینه‌های حکمروایی مشارکتی، کاهش فقر، مدیریت محیطی و مبارزه با آلودگی می‌دهد. مسائل جنسیتی از مسائلی است که به‌عنوان مسئله سازمانهای مختلف، در برنامه مدیریت شهری جای دارد. مباحث برنامه مدیریت شهری فرصتهای زیادی را برای اجرای اهداف توسعه هزاره (M.D.G) در سطح مسائل شهری فراهم آورده است.

برنامه مدیریت شهری در مرحله چهارم از برنامه خود (۲۰۰۲-۲۰۰۶م)، بر نهادینه کردن فرایندهای مدیریت مشارکتی، تحکیم تجارب مرتبط با این هدف و تعمیق دانش و درک مدیریت شهری تأکید دارد. برنامه مدیریت شهری به فعالیتهای ناظر بر اصلاح شرایط زندگی فقرای شهری توجه ویژه دارد. این برنامه از ژانویه ۲۰۰۴ تاکنون، موفق شده است، *دفترهای منطقه‌ای* خود را به یک رشته شبکه‌های منطقه‌ای که توسط مقرها و شبکه‌های این برنامه هدایت می‌شوند، تبدیل کند. این پیشرفتهای جدید و شوق‌انگیز، که طی بیش از ۲ سال گذشته صورت گرفته است، منجر بدان شده است که هدفها و فعالیتهای برنامه مدیریت شهری، ضمن ادامه برخورداری از پشتیبانی برنامه توسعه سازمان ملل و برنامه اسکان بشر، در دست شرکاء و همکاران محلی و منطقه‌ای قرار گیرد.

انتظار می‌رود، این شبکه‌ها بتوانند گسترش بیش از پیش دانشهای اساسی در مورد جنبه‌های مختلف مدیریت شهری و انتقال و تبادل آن را تسریع و تحکیم کنند. این شبکه‌ها خدمات فنی و مشاوره‌ای لازم را در اختیار مقامات محلی و شرکاء جامعه مدنی قرار می‌دهند و از این طریق، بر تحول سیاستهای شهری (← سیاست شهری) در سطح محلی و ملی تأثیر می‌گذارند. شبکه‌های جدید منطقه‌ای به قرار زیرند:

شبکه افریقایی مؤسسات مدیریت شهری (ANUMI) مستقر

و شهرسازی، ۱۳۷۸.

- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شیعه، اسماعیل. *با شهر و منطقه در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علم و صنعتی ایران، ۱۳۸۶-الف.
- شیعه، اسماعیل. *کارگاه برنامه‌ریزی شهری*. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶-ب.
- گروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری. *نگرشی بر کلیات برنامه‌ریزی*. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. *مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی*. جلد اول، از آغاز تا پایان ۱۳۷۸، تهیه و تنظیم مجید احسن، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲-الف.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. *مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی*. جلد دوم، سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، تهیه و تنظیم مجید احسن، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲-ب.
- American Planning Association. *Planning and Urban Design Standards*. U.S.A, New Jersey: John Wiley and Sons Inc., ۲۰۰۶.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Wheeler, S. M. *Planning for Sustainability*. New York: Routledge, ۲۰۰۴.

اسماعیل شیعه

برنامه مدیریت شهری

Urban Management Programme

برنامه مدیریت شهری که در ۱۹۸۶م مطرح شد، تلاش مهمی است از جانب برنامه اسکان بشر و برنامه توسعه سازمان ملل، به همراه سازمانهای حامی خارجی، برای تحکیم همکاریهای شهرهای کشورهای درحال توسعه در زمینه رشد اقتصادی، اجتماعی و کاهش فقر.

برنامه مدیریت شهری طی ۱۸ سال فعالیت توانسته است، به ترغیب اقدامات نوآورانه در مدیریت شهری و تقویت شبکه مناسبات بین شهرداریها پردازد و به پیشبرد

برنامه‌ریزی راهبردی

می‌گرفت، اطلاق می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم، فکر برنامه‌ریزی راهبردی به یک آموزه جدید و رایج در

در ابیدجان (ساحل عاج)؛ جایگاه گردهمایی خاورمیانه و افریقای شمالی در مسائل



برنامه‌ریزی تبدیل شد. برنامه‌ریزی راهبردی در معنای کلی، تلاشی منظم برای انجام تصمیمات و اقداماتی بنیادی است که رسیدن به هدفهای بلندمدت را ممکن می‌سازد.

پیشینه برنامه‌ریزی راهبردی به اوایل دهه ۱۹۶۰م، در بخش تجارت ایالات متحد باز می‌گردد. این برنامه‌ریزی به‌عنوان پاسخی به تحول سریع محیط اقتصادی و رقابت فزاینده، رشد کرد و به‌این ترتیب، وسایل تازه‌ای در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داد، تا بتوانند عملکرد برنامه‌ریزی خود را بهبود بخشند. از اواخر دهه ۱۹۷۰م، به‌تدریج در بسیاری از سازمان‌های خصوصی و عمومی کشورهای توسعه‌یافته به کار گرفته شد. بعداً در دهه ۱۹۸۰م، منابع اختصاص داده شده به برنامه‌ریزی در بیشتر شرکت‌های بزرگ به‌تدریج کاهش یافت، زیرا مزایایی که از برنامه‌ریزی راهبردی عقلایی انتظار می‌رفت، در اغلب موارد تحقق پیدا نکرد.

فکر برنامه‌ریزی در بخش عمومی تا مدتها از برنامه‌ریزی راهبردی در شرکتها جدا مانده بود. برای نمونه، کارکنان برنامه‌ریزی شهری در مورد قابلیت کاربرد مدل‌های برخاسته از بخش تجارت برای مسائل شهری سخت تردید

شهری (NENA)، مستقر در رباط (مغرب)؛

مرکز منابع شهری در آسیا و اقیانوسیه (URCAP) مستقر در بانکوک (تایلند)؛ و

مرکز منابع شهری در امریکای لاتین و دریای کارائیب، مستقر در کیتو (اکوادور).

کتاب‌شناسی:

<http://www.undp.org/about/>

(کمال پولادی)

برنامه‌ریزی راهبردی

Strategic Planning

واژه راهبرد برگرفته از واژه یونانی Strategos به رهبری نظامی یا کار سرداران جنگی اشاره دارد. این واژه در اواخر سده ۱۷م وارد واژگان انگلیسی شد. این واژه در اصل به معنی نگاه سراسری به چیزهایی است که برای پیروزی در جنگ لازم است؛ بدینسان، این واژه در ارتباط با مفهوم تاکتیک قرار می‌گرفته که به عملیات آنی و بلاواسطه که برای درهم کوبیدن دشمن در یک نبرد منفرد صورت

۲۰۰۵.

اری - ونکو انیتروئیکو
(کمال پولادی)

برنامه‌ریزی راهبردی محیط - محور

Environmental Strategic Planning

فرایندهای توسعه در کشورهای مختلف نشان داده است که فقدان توجه کافی به جایگاه محیط در برنامه‌های توسعه می‌تواند نه تنها برنامه‌های اجرایی توسعه را از اهداف اصلی خود دور سازد، بلکه ممکن است با پیامدهای نامناسب و نامساعد محیطی همراه باشد. آنچه که امروز در برنامه‌ریزی راهبردی محیط - محور، به‌طور جدی، در دستور کار مجامع ملی و بین‌المللی قرار دارد، عبارت است از:

زیرساختها و کشاورزی باید اقلیم - محور و صنعت بایستی انرژی و آب - محور باشد؛ یعنی این دو بخش مهم از فعالیت جوامع در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی با شرایط زیست‌محیطی، به معنای عام آن، هماهنگ و محیط - دوست باشد؛

صدمات و خطرات محیطی مردمان فقیر باید در فعالیتهای توسعه دیده شود؛ به سخن دیگر، حقوق زیست‌محیطی آنان باید مورد توجه بوده، از آن حفاظت شود؛ و نهادهای زیست‌محیطی ضروری است با سایر نهادها که محیط و محیط زیست برای آنها مسئله‌ای فرعی جلوه می‌کند، همکاری بیشتر و مستمرتری داشته باشند.

کارشناسان معتقدند، این‌گونه کوششها بدون فشار مناسب کشورهای ذی‌نفع، پیوند نهادها به یکدیگر و آموختن از تجربیات گذشته نسبت به آنچه که باید برای محیط (زیست) انجام پذیرد، با کامیابی اندکی همراه خواهد بود. شواهد حاکی از آن است که در پرداختن به این مهم، جایگاه شیوه‌های روشمند برای شناخت، تحلیل، برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، مدیریت، هدایت و پیش

داشتند. برنامه‌ریزی راهبردی، درحالی، با برنامه‌ریزی جامع و فراگیر که در شهرها رایج بود، تفاوت زیادی نداشت. همچنین این موضوع روشن شد که با توجه به تحولات پیاپی که در حکومتها مشهود است، به‌جای اینکه منتظر وقوع این تحولات بمانیم تا به آنها پاسخ دهیم، بهتر است تلاش کنیم به پیش‌بینی آنها پردازیم. در این فرایند، برنامه‌ریزی راهبردی از جایگاه مهمی برخوردار است.

کتاب اثرگذار در این زمینه، راهبرد شرکت بزرگ سهامی (۱۹۶۵م) نوشته ایگور آنسوف است. بعد از انتشار این کتاب، رویکردهای متنوعی ظاهر شده است. در دهه ۱۹۸۰م، مفهوم گسترده‌تر مدیریت راهبردی جای مفهوم برنامه‌ریزی راهبردی را گرفت. از این حیث، برنامه‌ریزی راهبردی را می‌توان نمایشگر مرحله نخست تفکر راهبردی برنامه - محور بشمار آورد. برنامه راهبردی در زمان ما رویکردی نامتمرکز، فرایند - محور، هدف - بنیاد و سنجیده در نگرش به کار برنامه‌ریزی یکپارچه سازمانهاست. بنابراین، هسته مرکزی این فکر هنوز جای خود را از دست نداده است و عبارت است از شناخت آنچه در بیرون از یک سازمان اتفاق می‌افتد، به‌منظور تعیین مسیر حرکت سازمان در راه رسیدن به هدف.

عناصر پایه‌ای برنامه‌ریزی راهبردی به قرار زیر است:

بررسی محیط؛

شناسایی مسائل راهبردی؛

تعیین مأموریتها یا هدفهای کلی؛

تجزیه و تحلیل شرایط بیرونی و درونی (مثل تحلیل SWOT)؛

طرح‌ریزی راهبردها و برنامه‌های اجرایی؛ و عملیات ارزیابی و سنجش.

حاصل اصلی این فرایند برنامه راهبردی است. بااین‌حال، خود این فرایند نیز برای کار سازمان بسیار ارزشمند است، زیرا کمک مهمی است به یک فراگیری همه‌جانبه و منظم برای سازمان.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge,

استوار بود:

سرمایه‌گذاری در مدیریت محیطی می‌تواند با پیامدهای قابل توجهی همراه باشد که بیش از همه با منافع افراد فقیر همساز است؛

سازمانهای محلی، در عمل، می‌توانند در پیشبرد ادغام محیط در توسعه بسیار مؤثر و در سطح اجرایی کارآمد باشند، تا جایی که می‌توان آنها را کارگزاران اصلی پیشبرد سیاستها و خط‌مشیهای ادغام محیطی در توسعه بشمار آورد؛

مقامات و نهادهای ملی توسعه و محیط لازم است، به‌ویژه در برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و اجرا، با یکدیگر همکاری نزدیک‌تر و بیشتری داشته باشند؛ و نهادها و مؤسسات جهانی همکاریهای توسعه می‌توانند از برنامه‌ها و اقدامات خوب (← اقدام خوب) در ادغام محیط در توسعه نقش حمایتی مؤثری برعهده گیرند.

در همین ارتباط، معاهدات و منشورهای تأیید شده در مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و یا منشور توسعه پایدار (← دستور کار ۲۱)، که جمهوری اسلامی ایران نیز آن را امضاء کرده است، می‌تواند در تسهیل و پیشبرد این مهم مؤثر واقع شوند. برخی از این معاهدات، به‌صورت غیررسمی، در زمینه شیوه‌ها و ابزار مناسب ادغام محیط در توسعه اقداماتی به انجام رسانده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

اهداف توسعه هزاره (MDG) که در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰م مورد تأیید قرار گرفت، چارچوبی را برای برنامه‌ریزی توسعه و همکاری پیشنهاد نمود که وجه کلیدی آن بر هماهنگی و ادغام اصول توسعه پایدار در برنامه‌ها و سیاستهای کشورهای عضو تأکید داشت؛

برنامه اجرایی ژوهانسبورگ (JPOI) که در کنفرانس سران درباره توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲م به تأیید رسید و بر اهمیت چارچوبهای راهبردی و تصمیم‌سازی متوازن برای پیشبرد دستور کار توسعه پایدار تأکید داشت؛ و

بیانیه پاریس درباره اثربخشی کمکها (PDOAE) که در سال ۲۰۰۵م مورد تأیید قرار گرفت و براین نکته تأکید اساسی داشت که مؤسسات توسعه‌ای بایستی شیوه‌های حمایتی و کمکهای خود را در زمینه‌های توسعه‌ای مورد

مغفول مانده است. در مقابل، فعالیتهای و برنامه‌های نسبتاً زیادی در این زمینه به اجرا درآمده است که اغلب به مغفول گذاردن اهمیت محیط (زیست) در برنامه‌ها منتهی شده است.

به نظر می‌رسد، برای پیشبرد چنین هدفی، با آموختن از تجربیات پیشین، ترکیب مناسبی از تصمیم‌سازان و کارشناسان حکومتی، بخش خصوصی، توسعه‌گران حرفه‌ای و جامعه مدنی که به پیوند و ادغام جنبه‌های محیطی در توسعه علاقه‌مند باشند، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی از الزامات پاگرفتن چنین رویکردی خواهد بود.

اتخاذ شیوه‌های کارآمد و بهره‌گیری از ابزار مناسب توسعه محیط- محور، از راهبردهای اساسی در این فرایند بشمار می‌رود. البته، برخی شیوه‌ها و ابزار تاکنون مورد استفاده بوده‌اند، اما ایجاد و توسعه برخی دیگر، به سرمایه و مهارت نیازمند است. آنچه در این میان مهم جلوه می‌کند، این واقعیت است که شیوه‌ها و سازوکارهایی که در جاهایی بنابر تجربه عملی کارآمد بوده‌اند، ممکن است در جاهای دیگر، ناکارآمد و با پیامدهای نامناسب همراه باشند. بنابراین، شیوه‌های تحمیلی که در برخی موارد توسط نهادهای بین‌المللی و اغلب از شمال به جنوب، از طریق توصیه‌های متعارف، تحمیل می‌شود، باید به‌طور جدی در ابعاد مختلف کارآمدی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. چه بسا شیوه‌های بومی کارآمد که در سطوح محلی می‌توانند به‌نحو تعیین‌کننده‌ای مؤثر واقع شوند، اما از سوی نهادهای بین‌المللی، بیشتر به خاطر ناآشنایی با این شیوه‌ها، مورد غفلت قرار می‌گیرند. بنابراین، باید توجه داشت که کدام شیوه‌ها و ابزار با توجه به ویژگیهای محلی و منطقه‌ای، برای چه کسانی و با چه اهدافی، بهتر و مناسب‌تر هستند. آشکار است که باید شیوه‌ها و ابزاری را که بهتر می‌توانند زمینه‌ساز پیشبرد سیاستها، برنامه‌ها و تصمیمات باشند، اتخاذ نمود.

مؤسسات بین‌المللی توسعه‌ای (مؤسسه بین‌المللی محیط و توسعه) با مشارکت یکدیگر در کنفرانس سران سازمان ملل، برای برنامه‌های ۲۰۰۵م، در این زمینه برخی فعالیتهای را پیشنهاد کردند که براساس تجربیات پیشین بر نتایج زیر



کشورهای درحال توسعه، نقشی بنیادی در روند ادغام مباحث محیطی در فرایند توسعه برعهده گیرند؛ در این راه، طبعاً باید شیوه‌های توصیه شده توسط سازمانهای جهانی که اغلب برآمده از شرایط کشورهای توسعه یافته نشأت گرفته‌اند، از لحاظ سازگاری با محیطهای این گونه کشورها مورد ارزیابی جدی قرار گیرند و از کپی برداریهای محض، به‌طور جدی، اجتناب شود؛

در کشورهای درحال توسعه شیوه‌ها و ابزاری در دسترس است که نه تنها در سطوح ملی و منطقه‌ای قابلیت کاربرد دارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان سازوکارهای مهم پیشبرد ادغام محیط در توسعه، مورد شناسایی بیشتر و تدوین راهبردی قرار گیرند و در صورت امکان، به مجامع بین‌المللی معرفی شوند؛ و

اهتمام در زمینه شناسایی شیوه‌ها و راهکارهای مناسب بومی در ادغام محیط در توسعه، می‌تواند در بستری مناسب، زمینه‌ساز نزدیکی و همکاریهای بیشتر منطقه‌ای و جهانی گردد.

از سوی دیگر، شناخت شیوه‌های مناسب و به کارگیری بهترین آنها در فرایند ادغام محیط در توسعه، مستلزم توجه به این نکته اساسی است که بسیاری از این شیوه‌های هرچند مناسب در سطح بین‌المللی، تا چه حد می‌توانند با الزامات و شرایط بومی کشورها سازگار و هماهنگ باشند؛ اتخاذ این شیوه‌ها بدون توجه به الزامات و شرایط خاص هریک از آنها، ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه داشته باشد. این الزامات و جنبه‌ها از جمله عبارتند از:

ارزیابی و تجدیدنظر قرار دهند. علاوه‌براین، این بیانیه بر این جنبه نیز تأکید می‌ورزد که مؤسسات توسعه‌ای باید در هماهنگی بیشتر با کشورهای درحال توسعه، از اولویتهای آنها و نیز تدوین راهبردهای لازم توسط کارشناسان آنان، و همچنین، اتخاذ شیوه‌ها و انتخاب ابزار مناسب برای دستیابی به این اولویتهای حمایت بیشتری کنند. علاوه‌براین، این بیانیه ایجاد نظامهای کشوری هماهنگی محیطی را توصیه می‌کند.

البته، چنین امری بدون قابلیت‌سازی امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا توسعه قابلیت‌ها، شیوه‌ها و ابزار مؤثر ادغام محیط در توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند. علاوه‌براین، در اغلب کشورها طیف قابل توجهی از راهبردهای ملی، منطقه‌ای و حتی محلی در تصمیم‌سازی و روند برنامه‌ریزی، در کنار برخی مقررات و قوانین، وجود دارد که محیط را در توسعه پوشش می‌دهد؛ از جمله آنهاست:

راهبردهای فقرزدایی؛

راهبردهای توسعه پایدار (← توسعه پایدار)؛ و

سیاستها و برنامه‌های بخش - محور.

گذشته از این موارد، برخی مؤلفه‌های غیررسمی، مانند افراد و گروههای محلی (خیرین در ایران)، وجود دارند که نقش آنها در فرایند اجرای برنامه‌های توسعه می‌تواند به‌سوی ادغام جنبه‌های محیطی در توسعه هدایت شود.

به نظر می‌رسد، تحقق این ۴ وجه مورد بحث، منوط به پیش شرطهای زیر است:

دولتها، بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی در

برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

- <http://www.povertvenvironment.net/pep/>;
- <http://www.undp.org/pei/peppapers.html>.

عبدالرضا رحمانی فضلی

برنامه‌ریزی روستایی ← توسعه روستایی

برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

Environmental planning

برنامه‌ریزی محیط زیست فرایندی است مستمر که می‌کوشد بهترین استفاده از تکه محدودی از سطح کره زمین را برای انسان فراهم آورد، ضمن اینکه فرارودگی و زیبایی آن تکه از سرزمین حفاظت شود. بنابراین، برنامه‌ریزی محیط زیست، برنامه‌ریزی برای حفظ و توسعه محیط زیست در سرزمین به‌عنوان الگوهای فضایی اکوسیستمها با هدف نگهداری ظرفیت پایداری طبیعت و حمایت از زیبایی منظرهای آن است.

برنامه‌ریزی محیط زیست به محیط زیست به‌منزله یک سامانه سرشار از عوامل زنده، غیرزنده و انسانی می‌نگرد و بر اصول زیر تکیه دارد:

حمایت گونه‌ها در تمام سرزمینها؛
حراست و بازگردانی خاکها با جلوگیری از تخریب آنها؛
حراست و بازنگری کیفیت آب با جلوگیری از آلودگی آنها و بازپروری رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دریاها؛
حمایت از جلوه‌های زیبای سرزمین برای نگهداری و ارتقاء استفاده تفریحی از آن؛

حراست از محیط زیست با میسر ساختن استفاده پایدار از آن برای انسان؛ و

استفاده منطقی انسان از سرزمین و حفظ زیبایی آن و همچنین کوشش در زدودن و یا پیشگیری از بروز آلودگیهای محیط زیست.

در هزاره سوم برای دستیابی به هدفهای برنامه‌ریزی

بی‌توجهی به الزامات منابع مالی، مهارتی و زمانی این شیوه‌ها گاهی موجب می‌شود تا از رویکردهای منابع-بر استفاده شود، حال آنکه چه بسا چارچوب تصمیم‌سازی سریع، ساده و کم‌هزینه‌ای بتواند به‌نحوی بهتر و مؤثرتر به اهداف مورد نظر دست یابد؛

پرهیز از به‌کارگیری شیوه‌هایی که در شرایط همانند، هنوز از عرصه امتحان و آزمون به‌طور موفق بیرون نیامده‌اند؛
بهره‌گیری از شیوه‌هایی که از بیشترین مناسبت با شرایط بومی برخوردارند؛

غفلت از ابزار و شیوه‌ها و منابع بومی که با زمینه‌ها و شرایط محلی سازگاری بیشتر و مناسب‌تری دارند؛
اتخاذ رویکردهای عام نسبت به ادغام محیطی که عمدتاً یک مقوله سیاسی و حکومتی به حساب می‌آید؛ و
اتخاذ رویکردهایی که از شفافیت کافی نسبت به اهمیت ابعاد محیطی برخوردار نیستند.

کتاب‌شناسی:

- Dahl, Arthur Lyon. *The Eco Principle: Ecology and Economics in Symbiosis*. London and New Jersey: Zed Books, ۱۹۹۶.
- IISD (۱۹۹۶). *Report of the Conference on Sustainable Development Performance Measurement*. Bellagio, Italy, ۴-۸ November ۱۹۹۶. IISD, Winnipeg, ۱۹۹۶.
- United Nations. *Report of the United Nations Conference on Environment and Development*. Rio de Janeiro, ۳-۱۲ June ۱۹۹۲.
- United Nations. *Agenda ۲۱: Programme of Action for Sustainable Development*. New York, ۱۹۹۳.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development, Framework and Methodologies*. New York, August ۱۹۹۶.
- UNEP. *Global Environment Outlook ۱۹۹۷*. Oxford and New York: Oxford University Press, ۱۹۹۷.
- World Bank. *Monitoring Environmental Progress*. Washington, D.C.: The World Bank, ۱۹۹۵.
- World Commission on Environment and Development. *Our Common Future*. Oxford and New York: Oxford University Press, ۱۹۸۷.



محیط زیست کوشیدند تا توسعه آن. این خود شبهه‌ای برای سایر متخصصان، دولتمردان و مردم عادی به وجود آورد که این متخصصان مخالف توسعه‌اند. درحالی‌که محبت برنامه‌ریزی زیست‌محیطی که روی نظریه‌ها و کاربردهای عملی مکتبهای برنامه‌ریزی برای توسعه کار می‌کند، اصولاً حفاظت و توسعه را لازم و ملزوم همدیگر به حساب می‌آورد. متخصص واقعی محیط زیست بر این باور است که بدون توسعه اساساً زندگی معنایی ندارد. ما باید در طبیعت دست‌اندازی کنیم، تا زنده بمانیم. ما باید موجودات زنده دیگر را بکشیم تا خود زنده بمانیم. اما علاوه‌براین، متخصص محیط زیست ضمناً بر این عقیده پافشاری دارد که دست‌اندازی در طبیعت و یا کشتن سایر موجودات زنده باید تابع اصول، قواعد و قانونمندیهای طبیعت باشد و با نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ساکن در آن طبیعت مطابقت داشته باشد. ازاین‌رو، حدی برای توسعه قائل است تا آن نوع توسعه بتواند پایدار باشد.

برای مثال، اگر کارخانه آذراب در شهر اراک، بدون توجه به ضوابط توسعه پایدار، با فناوری ژاپنی برای تولید لوله‌ای که با استانداردهای داخل کشور هماهنگ نیست ایجاد شد و فرآورده‌های آن در بازار، به خاطر عدم وفاق با نیاز بازار و مردم، به فروش نرسید و کارخانه از کار افتاد، به خاطر آن بود که بدون ضوابط توسعه پایدار تأسیس شد. زیرا این نوع توسعه اگر می‌خواست پایدار باقی بماند، باید برای راه‌اندازی آن بین ۴ عامل زیر هماهنگی ایجاد می‌شد:

محیط زیست، برنامه‌ریزی برای توسعه در محیط زندگی با رهیافت توسعه پایدار مدنظر است. در یک تعریف کلی، ماهیت عمومی توسعه پایدار و درخور، عبارت از سلوک به هم پیوسته جنبه‌های اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر در درازمدت است. توسعه پایدار محیط زیستی زیرمجموعه توسعه پایدار است که بر جنبه‌های محیط زیستی به همراه روشهای مربوط و ساختارهای نهادی آن تکیه دارد. توسعه پایدار محیط زیستی یک اجبار اخلاقی را القا می‌کند، یعنی عدالت در استفاده مشترک از محیط زیست.

به عبارت دیگر، ایجاد توازن بین کیفیت محیط زیست و استفاده از منابع، یکی از عناصر اساسی توسعه پایدار و چیزی بیش از حمایت و حفاظت محیط زیست است. تداوم اکولوژیک، بازدهی اقتصادی و عدالت اجتماعی ۳ اصل خدشه‌ناپذیر توسعه پایدار زیست‌محیطی هستند که مکمل یکدیگرند. برنامه‌ریزی زیست‌محیطی با در نظرگیری ماهیت توسعه پایدار باید این ۳ اصل را با هم به حساب آورد.

توسعه پایدار در یک محیط یا کشور با در نظر گرفتن توان اکولوژیک، نیروی انسانی، فناوری و منابع مالی متعلق به آن محیط یا کشور و درخور آن می‌تواند تحقق یابد و انجام چنان توسعه‌ای تنها در محیط یاد شده پایدار خواهد بود.

در اوایل، متخصصان محیط زیست به خاطر آنکه موقعیت شغلی خود را تثبیت نمایند، بیشتر در امور حفاظت

برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

می‌توان فرودگاه بنا نهاد، کجا می‌شود شهر و شهرک جدید ساخت، کجا به کار ساختن پارک می‌آید، کجا به درد آبی‌روری، دامداری یا مرغداری می‌خورد، جاده‌ها را کجا باید ساخت، بندرها کجا ساخته شوند و کارخانه‌ها در کجا بهتر جا می‌افتند. سپس برای هر یک از انواع توسعه یاد شده و یا استفاده‌ها (کاربرها) با توجه به نوع استفاده فعلی زمین و نیازهای اقتصادی - اجتماعی مردم آن منطقه و کشور، برنامه‌ریزی در سطح مدیریت (پروژه اجرایی) انجام می‌پذیرد. پروژه‌های اجرایی تماماً در رابطه با یکدیگر سنجیده شده، ساماندهی و طرح‌ریزی می‌شوند.

برای داشتن طرح یا طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی می‌شود، یعنی اول مشخص می‌گردد که اگر از توان تولیدی اندوخته طبیعی بهره‌برداری شود (محصولی به‌دست بیاید که مستقیماً قابل تبدیل به پول باشد، مثل فروش رویش درخت جنگل) و یا بهره‌وری گردد (محصولی به‌دست بیاید که مستقیماً قابل تبدیل به پول نیست، مثل استفاده از هوای شهر یا تبدیل جنگل به پارک)، چه میزان سرمایه مورد نیاز است؟ آیا سرمایه کافی وجود دارد؟ آیا محصول به‌دست آمده از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است؟ (منابع مالی). دوم آنکه چه فن و روشی در اختیار است تا بهره‌برداری و یا بهره‌وری از اندوخته ممکن شود؟ (فناوری). سوم آنکه این اندوخته چند نفر بهره‌برداری و یا بهره‌وری می‌کنند و برای تبدیل اندوخته به محصول، به چند نفر نیروی انسانی ماهر و غیرماهر نیاز است و آیا این نیروها در اختیار هستند؟ (نیروی انسانی).

بدین ترتیب، اجرای توسعه پایدار مؤثرترین روش فناورانه برای کاهش آلودگیها و به کارگیری رشد جمعیت به‌منزله منابع نیروی انسانی برای توسعه آینده و فایده‌رسانی به جامعه است. درعین حال، انجام توسعه از نوع پایدار در چارچوب طرحهای آمایش سرزمین، کالبدی، منطقه‌ای، ساماندهی، طرح جامع و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی (که همگی ماهیتاً همطرازند)، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌حل مشکل تخریب محیط زیست، بازدهی اقتصادی و رفاه اجتماعی است، البته در صورتی که طرحهای توسعه بر این چارچوب استوار باشند و نه فقط بر معیارهای اقتصادی و

ارزیابی توان طبیعی محیط زیست اراک برای راه‌اندازی آن نوع توسعه (مشکل شکل زمین اراک، اقلیم، تأمین آب و جز اینها)؛

نیروی انسانی ماهر و غیرماهر اراک و ایران برای این توسعه؛

فناوری و ساختارهای زیربنایی اراک و استان مرکزی؛ و منابع مالی استان مرکزی و ایران.

متخصص محیط زیست درواقع، مخالف این نوع توسعه است، زیرا در اغلب کشورهای درحال توسعه، خرابی محیط زیست به خاطر برخورد شعارگونه با محیط زیست و توسعه پایدار و عدم به کارگیری توسعه پایدار در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی رخ می‌دهد. این معنا بیان‌کننده آن است که برای انجام توسعه در محیط زیست، پیش از برنامه‌ریزی برای استفاده از آن، باید به ارزیابی توان اکولوژیک آن در چارچوب یک برنامه‌ریزی منطقه‌ای پرداخت.

به عبارت ساده‌تر، انسان باید آن استفاده‌ای را از سرزمین به عمل آورد که ویژگیهای طبیعی (اکولوژیک) سرزمین دیکته می‌کند و سپس این ویژگیها را با نیازهای اقتصادی - اجتماعی خود وفق دهد. برای مثال، در سرزمینی که شیب زمین از ۱۲٪ بیشتر است، امکان کشاورزی فشرده و پر تولید وجود ندارد. یا در جایی که سنگ مادر شیب است، نمی‌توان شهرسازی کرد و توقع ریزش خانه‌ها را نداشت. از این قرار، ارزیابی توان اکولوژیک اول به یافتن مناسب‌ترین مکان برای برپایی انواع توسعه انسان می‌پردازد و هنگامی که مکان تمام انواع توسعه و یا استفاده ممکنه مشخص شد، به آراسته کردن آن در رابطه با یکدیگر، در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، اقدام می‌کند.

هنگامی که یک منطقه برای کار برنامه‌ریزی منطقه‌ای (برنامه‌ریزی زیست‌محیطی) در نظر گرفته می‌شود، اول مشخص می‌گردد که طبق ویژگیهای اکولوژیک سرزمین (اقلیم، آب، سنگ، خاک، پستی و بلندیها، رستنیها و جانوران) کجا به کار کشاورزی می‌آید، کجا می‌توان مرتعداری کرد، کجا می‌توان جنگلداری انجام داد، کجا

برنامه‌ریزی زیست‌محیطی

یگان اکولوژیک با مدل‌های اکولوژیک ایران مقایسه شده و توان هر یگان برای کاربری‌های توانمند در پهنه، ارزیابی و فهرست می‌شود. این فهرست به فهرست مجاز کاربریها در پهنه مشهور است؛

ارزیابی توان و نیاز اقتصادی - اجتماعی پهنه. همانند گام چهارم، ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یگان نقشه‌سازی، ارزیابی شده و فهرست نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی پهنه تهیه می‌شود؛

ستنز داده‌ها (جمع‌بندی توان و نیاز). فهرست مجاز کاربریها (توان اکولوژیک) با فهرست نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی ستنز شده و فهرست کاربریهای طرحهای عمرانی محیط زیست تعیین می‌شوند؛

برنامه‌ریزی راهبردی. فهرست کاربریهای طرحهای عمرانی محیط زیست در سطح آبخیزها، زیرحوزه‌ها، حوزه‌ها، منطقه‌ها و کشور اولویت‌بندی و ساماندهی (برآورد سازگاری و ناسازگاری بین کاربریها) شده و فهرست برنامه‌های راهبردی برای یک دوره درازمدت ۲۵ ساله تعیین می‌شود؛

سیاست‌گذاری. برنامه‌های راهبردی ۲۵ ساله در ۵ دوره کوتاه‌مدت، با توجه به خط‌مشی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی کشور اولویت‌بندی می‌شوند؛

طرح‌ریزی. در هر دوره کوتاه‌مدت، طرح‌ریزی برای کاربریهای اولویت‌بندی شده برای دوره طرح‌ریزی شده و راهکارها، ساختار سازمانی، زمان‌بندی و بودجه‌بندی برای اجرای پروژه تعیین می‌شوند؛ و

ارزیابی اثرات توسعه پروژه‌ها. برای آنکه روشهای فنی و اجرایی پروژه‌ها همراه و همگام ملاحظات محیط زیستی شوند که آثار و پیامدهای ناگوار محیط زیستی به خاطر اجرای پروژه بروز نکنند. برای اجرای برنامه‌ریزی زیست‌محیطی انتظار این است که توسعه‌ها پایدار باشند و خرابی پسرفتگی در محیط زیست بروز نکند. به عبارت ساده‌تر، عدالت و رفاه اجتماعی، بازده اقتصادی و محیط زیست سالم برای انسان زیست‌مند در محیط زیست (مثلاً توسعه پایدار) به منصف ظهور برسد.

رشد اقتصادی.

فرایند برنامه‌ریزی زیست‌محیطی در شیوه ایرانی شده روش انگلوساکسن، شامل ۱۰ گام است:

تعیین محدوده برنامه‌ریزی محیط زیست. در روال طبیعی برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، یعنی برنامه‌ریزی در سطح منطقه‌ای، محدوده کار منطقه هیدرولوژیک است که به حوزه‌های آبخیز و زیرحوزه‌های آن تقسیم می‌شود. در این صورت، واحد کار برنامه‌ریزی آبخیز است که می‌تواند شامل روستاها، دهستانها، شهرها و شهرستانها باشد. منطقه هیدرولوژیک یک فرا استان است که ممکن است شامل چند استان شود. اما در شرایط اضطراری و استثنایی، این محدوده برنامه‌ریزی را می‌توان هر یک از مجموعه‌های یادشده در منطقه هیدرولوژیک در نظر گرفت؛

شناسایی و نقشه‌سازی داده‌ها در پهنه. نقشه‌سازی داده‌های اکولوژیک، شامل نقشه‌های اقلیم، منابع آب، شکل زمین، سنگها، خاکها، رستتیاها و زیستگاه جانوران، در مقیاسهای بین ۱:۵۰۰۰۰ تا ۱:۲۵۰۰۰۰ ضرورت نخستین برنامه‌ریزی زیست‌محیطی است. سپس نقشه‌سازی داده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقیاس یادشده تکمیل‌کننده شناسایی داده‌های اکولوژیک می‌شود. این داده‌ها عبارتند از: طبقه‌بندی درآمد در کاربریها، اشتغال، تراکم جمعیت، آموزش، کاربریهای فعلی، پارکها، مناطق حفاظت شده و حساس، آلودگیها، صنایع، سکونتگاهها، خدمات زیربنایی (مراکز بهداشتی، آموزشی، بازرگانی، خدمات انسانی)، آثار سیاسی باستانی، تاریخی، ملی و مذهبی و مراکز اقتصادی؛

تجزیه، تحلیل و جمع‌بندی داده‌ها در پهنه. داده‌های اکولوژیک در یگان نقشه‌سازی اکولوژیک که هر یگان ترکیبی از پیرانسنجه‌ها یا داده‌های اکولوژیک است، تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی می‌شوند. چنین تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی در مورد داده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در یگان نقشه‌سازی زونها و با مرزهای سیاسی (دهستان، شهرستان) به عمل می‌آید؛

ارزیابی توان اکولوژیک پهنه. ویژگیهای اکولوژیک هر

- مخدوم، م. و همکاران. *واژه‌نامه محیط زیست*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

- مخدوم، م. «تجربه جهانی رابطه متقابل جمعیت و توسعه از دیدگاه محیط زیست»، *مجموعه مقالات سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط زیست بر توسعه پایدار شهری و روستایی*. تهران: مرکز منطقه‌ای مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، یونسکو، ص ۱۵-۲۰، ۱۳۷۴.

- مخدوم، م. «حفاظت از محیط زیست چیست؟ حمایت از محیط زیست کدامست؟»، *کتاب طبیعت*. شماره ۱، ص ۱۴-۱۷، ۱۳۷۶.

- مخدوم، م. *شالوده آمایش سرزمین*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

- مخدوم، م. و همکاران. *ارزیابی و برنامه‌ریزی محیط زیست با سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

- میلر، ج. ت. *زیستن در محیط زیست*. ترجمه مجید مخدوم، چاپ نهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- Barschk, H. "Landscape planning", *Development and Perspectives of Landscape Ecology*. O. Bastoan and U. Steinhardt (ed). Boston: Kluwer Academic publishers, ۲۰۰۲.

- Ehrlich, P. "Too Many Rich People", *Our plant*. ۶ (۳): ۱۲-۱۳, ۱۹۹۴.

- Gatto, M. "Sustainability: Is It a Well Defined Concept?", *Ecologia*. No. ۶, ۱۹۹۵.

- Makhdom, M. F. "Environmental Unit: An Arbitrary Ecosystem For Land Evaluation", *AGEE*. ۴۱ (۲): ۲۰۹-۲۱۴, ۱۹۹۲.

- Makhdom, M. F. *First application of automated land evaluation in Iran*. Environ. Manage. ۱۷ (۳): ۴۱۰-۴۱۷, ۱۹۹۳.

- Myers, N. "The Cairo Crunch", *People and the Plant* ۳ (۳): ۳۷, ۱۹۹۴.

- Von Baeyer, H. C. "Disorderly conduct", *The Sciences*. ۳۷ (۳): ۱۵-۱۷, ۱۹۹۷.

- Weiland, U. "Sustainable Development of Cities and Urban Regions", *Development and Perspectives of Landscape Ecology*. O. Bastian and U. Steinhardt (ed), Boston: Kluwer Academic Publishers, ۳۹۷-۴۰۴, ۲۰۰۲.

مجید مخدوم

برنامه‌ریزی شهری

Urban Planning

مفهوم

برنامه‌ریزی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی صورت می‌گیرد. برنامه‌ریزی شهری شامل وجوه توسعه در ابعاد گوناگون شهر و نواحی پیرامونی آن است. هدف از برنامه‌ریزی، استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از اتلاف منابع محدود است. بدینسان، برنامه‌ریزی با شناخت دقیق امکانات بالقوه و بالفعل و به‌منظور رفع نیازهای جامعه، ایجاد هماهنگی بین نهادهای مرتبط با آن، اصلاح نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، ایجاد عدالت در توزیع امکانات، تغییر روند عادی به‌منظور هدایت به‌سوی آرمانهای مورد نظر و در نهایت، نیل به آینده‌ای مطلوب صورت می‌پذیرد. آشکار است که این‌گونه هدفها در برنامه‌ریزی شهری نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. براین‌اساس، هدف برنامه‌ریزی شهری ارائه بهترین شکلهای استفاده از اراضی شهری، دستیابی به حداکثر بهبود کالبدی شهر با توجه به محدودیت منابع، امکانات و سطح نیازها، غنی‌تر کردن و زیباتر کردن محیط زندگی و بالا بردن سطح کیفی رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و اقتصادی، محافظت از منابع و زیباییهای طبیعی و ترویج ضوابط بر مبنای شرایط محیطی شهر است.

برنامه‌ریزی شهری از نظر محتوایی معنای گسترده‌ای دارد و ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و فنون مرتبط با شهر را دربر می‌گیرد. اگرچه برنامه‌ریزی شهری از نظر اصول و نحوه کار بر شهرها سابقه‌ای طولانی دارد و اقدامات موضعی مرتبط با شهرهای گذشته را می‌توان به نوعی برنامه‌ریزی شهری قلمداد کرد، ولی سابقه شکل‌گیری آن به شیوه جدید به پس از انقلاب صنعتی و به‌ویژه سده ۱۹م بازمی‌گردد. گسترش نامتعادل شهرها، بروز

برنامه‌ریزی شهری

شرایط شهری سر و کار دارد. برای نمونه، نوآوری و تدوین برنامه‌هایی به‌منظور عدم تمرکز، بهبود وضع شهرها و همچنین تدوین برنامه‌های مسکن، طرح‌های حمل‌ونقل، تأمین خدمات رفاهی و اجتماعی بهتر و آینده‌نگری برای شهر از جمله مضامین برنامه‌ریزی شهری تلقی می‌شود.

بدینسان، برنامه‌ریزی شهری مجموعه گسترده‌ای از فعالیتهای نظام‌مند است که به‌منظور نیل به اهدافی برای آینده شهر در نظر گرفته می‌شود. این اهداف می‌تواند شامل حفاظتهای محیطی، توسعه شهری، اشکال مختلف فعالیتهای اقتصادی، عدالت اجتماعی و مانند آنها باشد. برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یک تخصص اغلب با مدیریت توسعه زمین در مقیاس شهری و منطقه‌ای همراه است، ولی دامنه آن به مبانی اصلی بازمی‌گردد که حاصل آن به اجرای یک یا چند برنامه برای دستیابی به وضعیت مطلوب آینده می‌انجامد. این برنامه هم در بخشهای عمومی و هم در بخش خصوصی صورت می‌پذیرد. برنامه‌ریزی شهری به‌منظور تدوین برنامه‌ها و نحوه استقرار مناسب سکونتگاهها انجام می‌گیرد و از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین شهرها را شامل می‌شود.

برنامه‌ریزی شهری می‌کوشد، جنبه‌های کالبدی و خدماتی شهر را به شیوه‌ای انتظام بخشد، تا حداکثر کارایی را به همراه داشته باشد و نتایج آن، به بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی ساکنان شهر بیانجامد. در این راه، نحوه استفاده از زمین، برنامه‌های حمل‌ونقل و راههای ارتباطی شهر، دسترسی به خدمات و ترویج معیارها و ضوابط مورد توجه ویژه است. بدینسان، اهداف محسوس برنامه‌ریزی شهری شامل بهترین راه استفاده از زمینهای شهری، حداکثر توسعه کالبدی شهر با توجه به محدودیت منابع برای پاسخگویی به نیازها، و زیباتر و غنی‌تر کردن کیفیت زندگی و محافظت از منابع و زیباییهای طبیعی و تاریخی شهر است.

چارچوب برنامه‌ریزی شهری بر مبنای برنامه‌های توسعه‌ای قرار دارد. برنامه توسعه‌ای، برنامه‌ای است برای پاسخگویی به انتظارات اجتماعی و اقتصادی جامعه و ایجاد ساختار مناسب کالبدی برای تأمین یک زندگی مناسب و قابل قبول برای ساکنان. شکی نیست که در هر برنامه

مشکلاتی همچون مسکن ناسالم، آلودگیهای محیطی، جدایی‌گزینی اجتماعی، اختلاف سطح درآمد، کمبود زمین و افزایش قیمت آن، تراکم بیش از اندازه، رشد نااندیشیده شهرها و موارد مشابه آنها، در کنار تحولات ناشی از صنعت، مانند تخصص و تقسیم کار، تمرکز سرمایه، تحول در حمل‌ونقل و سرعت، توسعه مراودات اقتصادی، بالا رفتن سطح درآمد و گسترش وسایط ارتباط جمعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و رشد اندیشه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی شهری نوین در جهان شده است. علاوه‌براین، وضع قوانین بهداشت عمومی و تدوین برنامه‌هایی برای بهبود شرایط زندگی در شهرها در سده ۱۹م اروپا و موج گسترده مهاجرتها به ایالات متحد، در تدوین برنامه‌های مرتبط با شهر مؤثر بود. در اواخر سده ۱۹م، برنامه‌های اصلاح‌گرایانه ابنزر هوارد، پاتریک گِدِس، اتو واگنر، کامیلو زیته و بسیاری دیگر در تقویت نگرش به شهر و تدوین برنامه برای آن، نقش بسزایی داشته است. در اولین کنفرانس برنامه‌ریزی شهری که در ۱۹۰۹م در شهر واشینگتن دی‌سی برپا شد، فردریک آلمستد اعلام داشت، برنامه‌ریزی شهری تلاشی به‌منظور انجام اعمالی است که نتایج آنها، نظارت بر شهر را برای حفظ منافع مردم شهری و بهبود محیط آنها در پی دارد. چنین زمینه‌هایی باعث ایجاد اولین سازمان برنامه‌ریزی شهری در ۱۹۱۷م در ایالات متحد امریکا شد. ادوارد باست از اولین کسانی است که در ۱۹۱۶م، با تدوین برنامه تفکیک زمین، اولین طرح جامع شهری را در ایالات متحد تهیه کرد. از این‌رو، از او به‌عنوان پدر برنامه‌ریزی شهری در عصر جدید نام می‌برند.

در بریتانیا هنگامی که ریموند آنوین اولین برنامه خود را ارائه کرد، برنامه‌ریزی شهری به شیوه جدید آغاز شد. بعد از طرح هوارد که در ۱۸۹۹م طرح باغشهر (← باغشهر) را ارائه داد، در ۱۹۰۷م سازمان برنامه‌ریزی شهری در بریتانیا تأسیس شد که تا ۱۹۴۱م دوام یافت.

امروزه، برنامه‌ریزی شهری شامل فرایند مدیریت برای دستیابی به اهداف ویژه در ارتباط با نظام شهری است. فعالیت برنامه‌ریزی شهری در مقیاسهای مختلف مکانی صورت می‌گیرد. این فعالیت با رفع مشکلات و اصلاح

برنامه‌ریزی شهری

نامحدود و در یک فضای نامشخص صورت نمی‌پذیرد، بلکه از یک مرحله آغاز و به مرحله پایانی ختم می‌شود و مجدداً از نو آغاز می‌شود. دور تسلسل برنامه‌ریزی شهری با پژوهش محیط یا بررسی و شناخت وضع موجود شروع می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل وضع موجود می‌رسد. در تجزیه و تحلیل به شناخت مسائل، امکانات و محدودیتها در ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فنی و مانند آن می‌پردازند. آنگاه، نوبت به راههای ممکن / اقدامات و انواع راه‌حلهایی که می‌تواند برای شهر نسبت به امکانات، محدودیتها و شرایط آن نتایج مطلوبی را در پی داشته باشد، می‌رسد. بعد از این مرحله، ارزیابی انواع راه‌حلهای مطرح می‌شود و از بین آنها، انتخاب بهترین آنها که بیشترین قابلیت را برای نیل به هدفها داشته باشد، صورت می‌گیرد. مرحله آخر، به پیشنهاد و اجرای محتوای برنامه اختصاص دارد. این برنامه برای مدت زمان معین پیشنهاد می‌شود و در پایان دوره مجدداً برنامه‌ریزی شهری با پژوهش محیط آغاز می‌شود و دور تسلسل ادامه می‌یابد.

برنامه‌ریزی شهری در محتوای خود تقسیمات مختلفی دارد که هر یک نوع ویژه‌ای از برنامه‌ها را دنبال می‌کند. برای نمونه، برنامه‌ریزی شهری از نظر زمانی به ۳ دوره کوتاه، میان و بلندمدت تقسیم می‌شود. برنامه‌ریزی شهری از دیدگاه مبانی نظری و محتوایی و برحسب نحوه نگرش، انگاره‌ها و رهیافتهای مورد نظر و نیز سطوح نظری یا عملی، انواع مختلفی دارد. صرف‌نظر از انواع دیدگاههایی که در تعریف برنامه‌ریزی شهری، سطوح، گرایشها و محتوای آن وجود دارد، مهم‌ترین این برنامه‌ریزیها عبارتند از: برنامه‌ریزی اجتماعی؛ برنامه‌ریزی ارشادی؛ برنامه‌ریزی اصلاح‌نگرانه؛ برنامه‌ریزی اقتصادی؛ برنامه‌ریزی اقتضایی؛ برنامه‌ریزی برابرنگر؛ برنامه‌ریزی تأسیسات زیربنایی؛ برنامه‌ریزی تخصیصی؛ برنامه‌ریزی تفریحی؛ برنامه‌ریزی جامع؛ برنامه‌ریزی حمل‌ونقل؛ برنامه‌ریزی خانه‌سازی؛ برنامه‌ریزی راهبردی؛ برنامه‌ریزی عملکردی؛ برنامه‌ریزی عملیاتی؛ برنامه‌ریزی فضایی؛ برنامه‌ریزی کاربری زمین؛ برنامه‌ریزی کالبدی؛ برنامه‌ریزی محله‌ای؛ برنامه‌ریزی محیطی؛ برنامه‌ریزی مردمسالارانه؛ برنامه‌ریزی مشارکتی؛ و

توسعه‌ای، فرهنگ، رفاه، عدالت اجتماعی (-) عدالت اجتماعی و شهر)، سطح قابل قبول اقتصادی، حقوق فردی و اجتماعی، سلامت طبیعی و انسانی، کاربری مناسب زمین، گذران اوقات فراغت، حفاظت از پیشینه‌های فرهنگی و در صورت لزوم، اصلاح محیط اجتماعی و کالبدی جایگاه ویژه‌ای دارد.

فرایند برنامه‌ریزی شهری

فرایند برنامه‌ریزی ۴ مرحله مشخص، ولی مرتبط را دربر می‌گیرد:

تعریف مسئله و بررسی راههایی که به انتخاب سیاستها و مداخله برای حل مسئله می‌انجامد؛ تجزیه و تحلیل وضعیت به منظور پیشنهاد نحوه مداخله و انتخاب سیاستهای مشخص و سازماندهی شده و روشهای تحرک اجتماعی؛

طرح یک یا چند راه‌حل مناسب که به شکل‌گیری سیاستها و محتوای برنامه‌های مورد نظر و اقدامات سازمان یافته منجر شود؛ این روند به قرار زیر است:

۱. فرصت. تعیین اهداف کلان و آرمانی (Goals) و اهداف خرد و قابل حصول (objectives) در چارچوب پیش‌بینی مناسب و اجتماعات مرتبط با تعدیل شرایط.

۲. فضا. موقعیت، سازمان فضایی، طراحی کالبدی.

۳. منابع مورد نیاز، تخمین هزینه‌ها و راههای تأمین آنها.

بررسی راه‌حلهای ارزیابی و انتخاب راه‌حل بهینه و جزئیات برنامه پیشنهادی، بر مبنای قابلیت و امکان‌سنجی اجرایی آن و تأثیرات احتمالی بر گروههای مختلف جمعیت و هزینه‌های مؤثر بر برنامه سیاستهای به کار رفته.

فریدمن چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگر چنین روندی در برنامه‌های شهری طی شود، می‌توان امیدوار بود که برنامه‌ریزی شهری به‌نحو درست صورت گرفته است. به‌طور خلاصه، فرایند برنامه‌ریزی شامل توصیف نظام، شناخت مسائل، تدوین و تحلیل، ارزیابی و انتخاب بهترین راه‌حلهای بالاخره، پیشنهاد و اجرای محتوای برنامه می‌شود. هر برنامه پیشنهادی در روند برنامه‌ریزی شهری دور تسلسلی دارد، بدان معنی که برنامه‌ریزی برای یک زمان

برنامه‌ریزی شهری

- حبیبی، سیدمحسن. *از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- سازمان برنامه و بودجه. *سابقه برنامه‌ریزی در ایران*. تهران: معاونت امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- سعیدنیا و دیگران. *مبانی و چارچوب بازنگری شرح خدمات طرحهای شهری*. تهران: کمیته تعاریف، شرح خدمات و قراردادها، معاونت شهرسازی و وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. *برنامه‌ریزی استراتژیک در کلانشهرها*، ترجمه و گردآوری توسط وراز مرادی مسیحی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ هفدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.
- طوسی اردکانی، علی. «کنکاشی در بقایای معماری تهران- ریشه‌های فرهنگی معماری معاصر ایران»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی*.
- کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. جلد دوم، مدیریت شهری و شهرداریها در ایران. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.
- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری. *نگرشی بر کلیات برنامه‌ریزی*. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۶۹.
- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری. *نگاهی به عملکرد برنامه‌های عمرانی و نیز فعالیتهای فصل عمران شهری*. تهران: معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ۱۳۷۱.
- گلبن، محمد. «رساله عمران خوزستان، در: تاریخ معاصر ایران»، *فصلنامه تخصصی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*. سال دوم، شماره ۷، تهران: همان، ۱۳۷۷.
- مهدی‌زاده، جواد. «امکانات و کاربردهای برنامه‌ریزی راهبردی در ایران»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۱۴، تهران: گروه مطالعات و برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۸۲.
- میری، رزیتا. «شاهان قاجار در فرنگ»، *تاریخ معاصر ایران*. فصلنامه تخصصی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. سال اول، شماره ۴، تهران: همان، ۱۳۷۶.
- Carmona, M. & Sieh, L. *Measuring Quality in Planning*. Abingdon, Simultaneously published in U.S.A and Canada: Spon Press, ۲۰۰۴.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, B., ۲۰۰۵.
- Meltzer, J. *Metropolis to Metroplex, The Social and Spatial Planning of Cities*. John Hopkins University Press, ۱۹۸۴.
- Sutcliffe, A. *Towards the Planned City, Germany, Britain*,

برنامه‌ریزی نواحی مسکونی. بسیاری از این انواع به‌طور مستقیم با برنامه‌ریزی شهری در ارتباط هستند. برخی نیز به‌عنوان زیربخش برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شوند.

در طول ۵۰ سال گذشته، ۳ نگرش عمده فکری بر فرایند برنامه‌ریزی شهری مؤثر بوده است. نگرش آمریکایی که متأثر از آزادی اقتصادی است و عمده برنامه‌ها نشانگر تصمیمات سرمایه‌گذاری حکومت‌های محلی در زمینه تأسیسات زیربنایی است. در این نگرش، فرض بر آن است که با تصمیمات جمعی در قالب نهادهای محلی می‌توان بهترین نتایج را برای شهرها به ارمغان آورد. حکومت محلی در این شهرها مسئولیت اداره شهر را برعهده دارد و در مواردی سازوکارهای قانونی لازم برای هماهنگی برنامه‌ریزیهای شهری و با برنامه‌ریزی منطقه‌ای وجود دارد. نگرش دوم، نگرش اروپایی غربی است که کشورهایی مانند فرانسه، بریتانیا، آلمان و هلند را دربر می‌گیرد. در این کشورها برنامه‌ریزی شهری در قالب نهادهای عمومی و در قالب اقتصاد آزاد صورت می‌گیرد. از اواخر دهه ۱۹۶۰م، برنامه‌های راهبردی به‌طور گسترده‌ای در بخشهای عمومی این کشورها در دست انجام بوده است. نگرش سوم به کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق تعلق دارد. تا قبل از فروپاشی نظام کمونیستی در بلوک شرق اروپا و برخی از کشورهای آسیایی، این نگرش مورد توجه بود. هدف از برنامه‌ریزی شهری در این نگرش، ادغام توسعه اقتصادی، نیازهای اجتماعی و الگوهای فضایی رشد شهری است. در چشم‌اندازی کلی، تحول نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در کشورهای جهان را می‌توان در ۳ برنامه‌ریزی جامع عقلائی، برنامه‌ریزی نظام‌مند و برنامه‌ریزی مردمسالارانه خلاصه کرد.

کتاب‌شناسی:

- اعتصام، ایرج. «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. جلد سوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- توفیق، فیروز. «پیدایش فکر برنامه‌ریزی در ایران»، *ماهنامه ایران فردا «ویژه‌نامه نیم قرن برنامه»*. شماره ۵۰، با همکاری سازمان برنامه و بودجه و دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۷.

برنامه‌ریزی شهری

سال ۱۳۴۳ش در ایران، نقطه عطفی در برنامه‌ریزی شهری بشمار می‌آید. در این سال، وزارت آبادانی و مسکن و به‌دنبال آن شورای عالی شهرسازی (← شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) تأسیس شد. در برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱ش) زیر نظر شورای عالی شهرسازی، مطالعات مربوط به طرح‌های جامع ۲۰ شهر خاتمه یافت و به تصویب رسید که طرح جامع تهران از جمله آنها بود. در ۱۳۵۳ش، قانون تغییر نام وزارت آبادانی مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی به تصویب رسید و تعاریف دقیق‌تری از طرح جامع، طرح تفضیلی، طرح هادی و همچنین مقررات کلی احداث بنا در خارج از محدوده قانونی شهرها ارائه شد.

بعد از انقلاب اسلامی، در ۱۳۶۳ش، بنا به شرایط نوین، قرارداد تپ مطالعات طرح‌های جامع تغییر یافت. در همین دهه، برای پاسخگویی به گسترش شهرها و به‌خصوص تأمین مسکن برای کارکنان دولت، نهضت شهرهای جدید با سرمایه‌گذاری بسیار کلان آغاز شد. به‌طور همزمان، طرح‌های آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین) جهت احداث نواحی جدید مسکونی در جوار شهرها نیز ادامه یافت.

از ۱۳۴۶ش، که شورای عالی شهرسازی تشکیل گردید، دوره آموزش عالی شهرسازی نیز در دانشگاه تهران تأسیس شد. در این دوره، فارغ‌التحصیلان معماری پس از ۲ سال درس خواندن و تهیه رساله، مدرک معادل دکتری می‌گرفتند. این دوره در ۱۳۵۰ش تعطیل و به‌جای آن، دوره جدید کارشناسی ارشد شهرسازی با ۲ گرایش برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری (← طراحی شهری)، با همکاری دانشگاه واشینگتن امریکا راه‌اندازی شد. در این دوره جدید، دانشجویان برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری با یک برنامه نسبتاً مشترک آموزش می‌دیدند، اما برحسب پایه تحصیلی دوره کارشناسی، مدرک برنامه‌ریزی یا طراحی می‌گرفتند.

پس از انقلاب فرهنگی، برنامه این ۲ رشته از یکدیگر جدا و آموزش آنها تخصصی‌تر شد. در دهه ۱۳۷۰ش، دوره دکتری شهرسازی و با کمی تأخیر، دوره کارشناسی

United States and France 1780-1914. New York: St. Martin's Press, 1981.

- Wheeler, S.M. *Planning for Sustainability*. London and New York: Routledge, 2004.

- Whittick, A. (ed). *Encyclopaedia for Urban Planning*. New York: McGraw Hill Inc., 1974.

- www.wikipedia,the Free Encyclopedia.com.

اسماعیل شیعه

اصول و معیارها

برنامه‌ریزی شهری در اصل یک برنامه سیاستی است که باید حکومت محلی (شهرداری و سازمانهای دولتی حوزه شهری) آن را به تصویب برساند و به اجرا درآورد.

دیدگاه منطقه‌ای

تمام عناصر جغرافیایی در حوزه شهری، مانند روستاها، شهرکها و شهرها در منطقه بزرگ‌تری به نام منطقه شهری قرار می‌گیرند که برحسب سازوکارها و فرایندهای اجتماعی-اقتصادی و محیطی با یکدیگر پیوند دارند. البته برنامه‌ریزی شهری، به دلایل خاص، از برنامه‌ریزی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی روستایی متمایز است. برحسب قانون، ارگانها و سازمانهای خاصی، ناظر و مجری تهیه طرح و اجرای طرح هریک از این ۳ نوع برنامه‌ریزی هستند. در ایران برنامه‌ریزی روستایی (← برنامه‌ریزی روستایی) در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد کشاورزی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا ناحیه‌ای در اختیار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی شهری از تکالیف وزارت مسکن و شهرسازی است.

این تمایزها و تفاوت اختیارات به معنی جدایی کارکردی این حوزه‌ها از یکدیگر نیست بلکه فارغ از این سازماندهی سیاسی و اداری، مجموعه همبسته‌ای هستند که هدایت توسعه شهری مرتبط با توسعه روستایی و توسعه شهرکهای صنعتی در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای برعهده آنهاست که اصطلاحاً امروز بدان *آمایش سرزمین* (← آمایش سرزمین) می‌گویند.



و مالکان اراضی شهری براساس این مقررات اراضی خود را تفکیک و در آن ساختمان‌سازی می‌کنند. بنابراین، دقت در تدوین مقررات شهری و تعهد در نظارت بر اجرای آن، بخش مهمی از اجرای برنامه‌های طرح‌های جامع و تفصیلی است.

انواع طرح‌های شهری

در ۴ دههٔ اخیر از ۱۹۷۰م تاکنون، دربارهٔ شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری و نحوهٔ تهیه طرح‌های شهری، پارادایم‌های گوناگونی پیدا شده است. طی این ۴ دهه، شیوه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی شهری به‌طور مداوم دستخوش تغییر بوده است. البته، این تجربیات در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. جریان‌ات فکری در ایران نیز تحت تأثیر این تغییرات قرار داشته است. نخست، طرح جامع در دههٔ ۱۹۶۰م و اوایل دههٔ ۱۹۷۰م، در انگلستان طرح‌های ساختاری جایگزین طرح جامع (توسعه و عمران) گردید و به‌همین ترتیب، در برخی از ایالات امریکا، طرح‌های راهبردی جایگزین طرح جامع شد.

علاوه بر طرح‌های اصلی، صدها طرح تکمیلی و کمکی دیگر، مانند طرح تفصیلی، طرح‌های موضعی و موضوعی و پروژه‌های گوناگون نیز برای مسائل و اهداف مختلف در شهرها تهیه و اجرا می‌شود. این وضعیت حاکی از آن است

شهرسازی تأسیس گردید. بدینسان، زمینه برای توسعه حرفه‌ای و علمی برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌های کشور گسترش یافت.

برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری

هسته اصلی برنامه‌ریزی شهری را طرح کاربری زمین (← کاربری زمین) شهری تشکیل می‌دهد. طرح‌های مربوط به جمعیت، فعالیت، مسکن، خدمات، حمل‌ونقل و سایر تسهیلات عمومی نیاز به زمین دارند. مکانیابی عملکردها در درون و بیرون بافت‌های شهری و اندازه‌گیری سطوح مورد نیاز، بررسی و ارزیابی میزان سازگاری کاربری‌های مختلف با یکدیگر و با شرایط محیطی، از کارهای مهم برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری است. البته پیچیدگی مسائل شهری و شیوه‌های توسعه شهری، مسلماً فراتر از برنامه‌ریزی کاربری زمین است. به‌این ترتیب، برنامه‌ریزی شهری در قالب راهبردها و سیاست‌های توسعه، متضمن ساماندهی کلیت محیط شهری است. بر همین اساس، برنامه‌ریزی شهری فرایند باز و مستمری است که توسط یک کمیته مشورتی (کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی) کنترل می‌شود و در هر ۱۰ سال یکبار، پس از مطالعات مجدد، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.

یکی از حساس‌ترین فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری، تدوین مقررات و ضوابط شهری است. در واقع، شهروندان

برنامه‌ریزی شهری

اصل کیفیت محیطی، منظور از کیفیت محیطی آن است که مجموعه شهری از مطلوبیت فضایی برخوردار و با شرایط طبیعی و اقلیمی انطباق داشته باشد. کیفیت محیطی از طریق انتظام کالبدی، تراکم مناسب ساختمانی، تراکم متعادل حمل‌ونقل، در سازگاری با سوانح طبیعی، مانند سیلاب، زلزله و طوفان حاصل می‌شود. کیفیت محیطی از طریق تلفیق با پدیده‌های طبیعی کوه، رود، دریا و جنگل، ارتقاء شرایط بهداشت و پیشگیری از آلودگی آب، خاک، هوا و صدا تأمین می‌شود. کنترل حرکات سواره و گسترش پیاده‌راهها نیز به کیفیت محلی می‌افزاید.

معیارهای برنامه‌ریزی شهری

انعطاف‌پذیری. یکی از معیارهای عملی برنامه‌ریزی شهری، انطباق برنامه‌ها و طرحهای پیشنهادی با توجه به تغییرات شتابان و نیازهای روزافزون جامعه شهری است. به‌علت تغییرات سریع جامعه شهری، طرحهای ثابت، مانند طرح جامع و تفصیلی خیلی زود کفایت خود را از دست می‌دهند.

تأمین فضا. هر عملکرد و فعالیت و حتی هر رفتار اجتماعی در شهر، نیازمند زمین و فضای کافی است. شناخت، بررسی و تأمین زمین و فضا برای عملکردهای مختلف، یکی از اصول اساسی برنامه‌ریزی شهری است. براساس استانداردهای برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، هر کاربری شهری نیاز به مکانی مناسب و فضای کافی دارد. مهم‌ترین نیازهای شهر، تأمین فضای مسکونی، خدمات، فعالیت، عملکردهای اجتماعی و سیستمهای حمل‌ونقل شهری است.

تأمین زمین و فضا برای تفرجگاه، فضای سبز، حریم منابع طبیعی و میراث‌های فرهنگی نیز به همین اندازه مهم است. با توجه به گرانی و کمیابی زمین و ساختمان، تأمین فضاهای عمومی از دشواریهای برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری است.

قابلیت دسترسی. این اصل برنامه‌ریزی در همه سطوح زندگی شهری، منطقه‌ای، ملی و فراملی اهمیت خاصی دارد. شهرها مراکز کار، فعالیت، تفریح و خدمات فرهنگی هستند

که در درون و بیرون شهرها، هزاران مسئله گوناگون وجود دارد که با یک نوع طرح و یک نوع برخورد قابل حل نیستند. از اصول مهم برنامه‌ریزی شهری، پذیرش تنوع و از آن مهم‌تر، انعطاف‌پذیری به تناسب مقتضیات زمان و مکان در حوزه‌های شهری است.

برنامه‌ریزی شهری، متضمن استفاده از روش علمی است. از جمله اجزاء روشهای علمی بهره‌گیری از فنون کمی و سیستم اطلاعات جغرافیایی (← سیستم اطلاعات جغرافیایی)، مدل‌های پیش‌بینی و مدل‌های ارزیابی میزان دقت در تصمیمات است. این فنون و مدل‌ها در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در برآورد جمعیت، فعالیت و حمل‌ونقل، متکی به داده‌های آماری و تحلیلهای کمی هستند. این روشها سرانجام بایستی به مدل‌های مکانیابی تبدیل شوند. باین‌وجود، انتخاب مکان در عرصه اراضی شهری امر بسیار پیچیده‌ای است و به همکاری رشته‌های محیطی، معماری، طراحی شهری و مشاوره با رشته‌های اجتماعی و اقتصادی نیازمند است. بهبود وضعیت شهرها مستلزم حفاظت از ارزشها یا میراث‌های تاریخی، فرهنگی و منابع طبیعی و محیطی است. حفاظت از این میراثها و منابع، بنیان توسعه پایدار شهری را تشکیل می‌دهد.

اصول برنامه‌ریزی شهری

برنامه‌ریزی شهری صرف‌نظر از روشها، بر چند اصل کلی اتکاء دارد:

اصل عدالت، به معنی توزیع متناسب عملکردها و خدمات شهری به‌منظور بهره‌مندی یکسان شهروندان از امکانات فنی و اجتماعی فارغ از تبعیض و تفاوت‌گذاری (قومی، مذهبی، سیاسی).

اصل کارایی، به معنی ایجاد سازمان فضایی و کالبدی منسجم از طریق مکانیابی مناسب فعالیتها و عملکردها و تأمین ارتباطات و تأسیسات لازم برای دسترسی بدانها. لازمه کارایی عملکردهای شهری داشتن ساختاری همبسته و نظام سلسله‌مراتبی از مراکز شهری در مقیاسهای مختلف، برای تقویت فعالیتها و عملکردها از طریق شبکه حمل‌ونقل کارآمد شهری است.

برنامه‌ریزی فضایی

Spatial Planning

مجموعه فنون و روشهای مورد استفاده برای قانونمند کردن و انتظام فضایی اقدامات اثرگذار بخش عمومی و خصوصی بر نحوه مکان‌گزینی و استقرار فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در فضای دو بُعدی. برنامه‌ریزی فضایی می‌کوشد تا بر توسعه فضایی به مفهوم عام و به‌ویژه بر تضادهای آشکار موجود در سیاستهای عمومی که موجب ناپایداری می‌شوند، اثرگذار باشد. بدینسان، توسعه فضایی به پراکنش فیزیکی پدیده‌های طبیعی و انسان‌ساخت و فعالیتهای انسانی در سراسر سرزمین و همچنین، بر نحوه توزیع فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی برحسب کیفیت آنها، مثلاً تفاوتی موجود در بین واحدهای همسایگی (←) واحد همسایگی) از لحاظ دسترسی به امکانات، تأکید می‌ورزد. بنابراین، برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای مقیاس و با تأکید بر قابلیتهای مختلف نظامهای فضایی، از جوامع محلی، مناطق و تا سطح ملی را دربر می‌گیرد و می‌تواند شامل برنامه‌ریزی روستایی، شهری و منطقه‌ای، به‌نحوی توأمان باشد.

اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی عبارتند از:

اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی نظامهای فضایی (منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛

انتظام مکانی - فضایی فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف سرزمین؛ و

نظم‌بخشی به روابط و عملکردهای فضایی از طریق سطح‌بندی سلسله‌مراتبی سکونتگاههای شهری و روستایی. *دانشنامه شهر* (۲۰۰۵م)، سابقه برنامه‌ریزی فضایی را عمدتاً به دهه ۱۹۵۰م و برنامه‌ریزی فضایی در آلمان تقلیل می‌دهد، حال آنکه در واقع، سابقه تاریخی انتظام فضایی را می‌توان در گذشته دور تاریخی بازیافت. برای نمونه، برپایی

و علاوه بر ساکنان خود، به مردم منطقه و حتی گاهی در سطح ملی نیز خدمات‌رسانی می‌کند. دسترسی به این خدمات و همچنین دسترسی به مراکز کار، سکونت و گذران اوقات فراغت، مستلزم داشتن یک شبکه حمل‌ونقل کارآمد است. دسترسی خوب متضمن ۳ معیار مهم است: فاصله، زمان و وسایط نقلیه. نحوه استقرار فعالیتهای عملکردها در شهرها در فاصله‌های مناسب و نحوه اتصال این مراکز توسط سیستم راههای مناسب، بنیان برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری در رابطه با برنامه‌ریزی شهری است.

حریم انسانی. شناخت نیازهای روانی، اخلاقی و ارزشهای فرهنگی و مذهبی انسانها را حریم انسانی گویند. شهروندان برای آسودگی خاطر در زندگی نیاز به مراعات حریم یکدیگر دارند. زندگی شهری، به‌ویژه سکونت در آپارتمانها، برجها و نواحی پرتراکم مسکونی و مراکز پرجمعیت، در معرض مزاحمتهای دیگران است. در این شرایط، انسانها حساس‌تر و از مزاحمت دیگران آزرده‌تر می‌شوند. بنابراین، حفظ حریم خصوصی افراد در خانه‌ها، در پیاده‌روها (← عابر پیاده) و در فضاهای عمومی شرط اساسی در برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری است. مقررات مربوط به ارتفاع، فاصله و ردیف‌بندی ساختمانها و اندازه پیاده‌روها، با توجه به نیازهای مربوط به حریم انسانی، تدوین و تصویب می‌شوند (← برنامه‌های شهری).

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «شهرسازی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- *منشور آتن*، برگردان منصور فلامکی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- Catanese, Antony and J. C. Snyder. *Introduction to Urban Planning*. McGraw Hill, ۱۹۸۸.
- Hall, Peter. *Urban and Regional Planning*. London and New York: Routledge, ۱۹۸۲.
- Keeble, Lewis. *Town Planning Made Plain*. Construction Press, ۱۹۸۵.
- A. P. A. *Planning and Urban Design Standards*. Wiley, ۲۰۰۶.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

برنامه‌ریزی فضایی

و دلخواه پدیدار گردند. به سخن دیگر، کانونهای شهری در این چارچوب، آگاهانه و به‌صورت از پیش تعیین شده، به‌عنوان مکانهای مرکزی طراحی می‌شدند که قاعدتاً برای عرصه پیرامونی خود (شهرکها و روستاها)، کارکردهای خدماتی داشتند. علاوه‌براین، کانون توجه اصلی در فعالیتهای عمرانی و بهسازی سکونتگاههای روستایی در کشورهای اروپای مرکزی و شمالی در اغلب موارد، نیاز به زمین بیشتر و یافتن عرصه‌های قابل سکونت و فعالیت بود. براین‌مبنا، پیوسته کوشش می‌شد تا از طریق خشکاندن مردابها و زهکشی زمینهای آبگیر و همچنین، از میان برداشتن جنگلها، زمین مورد نیاز فراهم آید.

در آلمان، سال ۱۹۱۰م را سرآغاز برنامه‌ریزی فضایی به مفهوم نوین آن بشمار آورده‌اند. مشخصه این دوره، ۲ رخداد مهم بود:

نخست، برپایی اتحادیه برلین بزرگ؛ و دیگری، ایجاد کمیسیون عرصه‌های سبز در حوزه اداری دوسلدورف.

براین‌اساس، این کشور نه تنها مهد پیدایی برنامه‌ریزی فضایی بشمار می‌رود، بلکه تنها سرزمینی است که می‌توان در آن، روند شکل‌گیری این‌گونه برنامه‌ریزی را در گذر زمان، به‌صورت مدون، تعقیب نمود. بااین‌حال، نخستین کوششهای فراگیر در زمینه برنامه‌ریزی فضایی در اروپا، بین دو جنگ جهانی و به‌ویژه در آلمان، سوئیس، بریتانیا، هلند و چک‌وسلواکی صورت پذیرفت.

در انگلستان، طی دهه ۱۹۳۰م، مناطق واپس مانده از لحاظ اقتصادی مورد توجه ویژه قرار گرفتند. به‌دنبال آن، رهنمودهایی برای برخی نواحی، از جمله حوزه‌های استخراج زغال‌سنگ، تولید آهن و کشتی‌سازی که از لحاظ اشتغال و فعالیت وضعیتی بحرانی داشتند، ارائه و اعمال شد. در این چارچوب، برنامه‌ریزی فضایی بیش از هر چیز بر رهیافتهای منطقه‌ای با تأکید بر استقرار واحدهای صنعتی استوار بود. علاوه‌برآن، مکانیابی و تعیین جایگاه مکانهای مرکزی، به‌خصوص کانونهای سکونتگاهی صنعتی، مورد توجه قرار داشت.

از آغاز سده ۲۰م، در هلند که متراکم‌ترین نسبت جمعیت را در بین کشورهای اروپایی دارد، برنامه‌ریزی و

کانونهای شهری با کارکرد بازاری (← ناحیه) و ایجاد روستاهای پیرامونی آنها و همچنین، بهره‌برداری جمعی از منابع آب و خاک و سازماندهی گروهی تولید زراعی را در سرزمینهای خاورمیانه، به‌ویژه ایران، با سابقه‌ای چند هزار ساله که هنوز بقایای آن به شکلهای گوناگون برجای مانده است، می‌توان از نمونه‌های تاریخی قابل بررسی در انتظام فضا بشمار آورد (← مدیریت سنتی فضا).

جنبش باغشهر (← باغشهر) را که از ۱۸۹۸م در انگلستان مطرح شد، می‌توان از سرچشمه‌های اصلی نظری در برنامه‌ریزی فضایی در این کشور بشمار آورد که در اصل، بر حفاظت از عرصه‌های طبیعی و روستایی تأکید داشت. اصطلاح باغشهر نخستین بار توسط ابنزر هوارد در کتابی به نام فردا: راهی صلح آمیز به سوی اصلاحات واقعی (۱۸۹۸م) به کار رفت. اندیشه بنیادی این جنبش براین شالوده قرار داشت که سکونتگاههایی مطلوب و خودکفا بایستی با قلمرویی مبتنی بر برنامه و کمر بند سبزی در پیرامون آنها پدید آیند. در آن زمان، رشد نامتناسب اقتصادی در شهرهای بزرگ مورد انتقاد جدی قرار داشت و این جنبش، خواستار برنامه‌ریزی برای هدایت رشد و گسترش شهرها، ضمن حفاظت از محیطهای روستایی پیرامونی آنها بود. براین‌مبنا، هوارد عقیده داشت، با ایجاد باغشهرها می‌توان امکان بهره‌گیری همزمان از امتیازات اقتصادی و اجتماعی زندگی شهری و روستایی را با واگذاری مالکیت ارضی در دست جماعت ساکن سکونتگاه فراهم آورد و درعین‌حال، از گسترش بی‌رویه کلانشهرها (← کلانشهر) و تمرکز صنعتی جلوگیری کرد. اگرچه ایجاد باغشهرها مطابق با اندیشه‌های هوارد هرگز به‌طور دقیق به منصف ظهور نرسید، اما اندیشه بنیادی او در برنامه‌ریزیهای فضایی، به‌ویژه در طراحی شهری (← طراحی شهری)، در اروپا و ایالات متحد و سپس سایر کشورها، مورد توجه و کاربرد وسیعی قرار گرفت.

به معنای امروزی و خاص، برنامه‌های آبادسازی در آلمان را می‌توان از سرچشمه‌های عینی برنامه‌ریزی فضایی، به‌ویژه ساماندهی کانونهای شهری، به‌حساب آورد که براساس آن، استقرار سکونتگاههای شهری و روستایی به‌نحوی طراحی می‌شد که چشم‌اندازهای انسانی هماهنگ

برنامه‌ریزی فضایی

متراکم پیرامون کلانشهر پاریس و بهسازی و توسعه نواحی حاشیه‌ای و نسبتاً واپس مانده، مورد تأکید اولیه این برنامه‌ها بود. راهکارهای اجرایی در نواحی صنعتی فرانسه به جنبش برنامه‌سازی و جنبش برنامه‌ای شهرت یافته است.

در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای غیرصنعتی جنوب، علی‌رغم درک ضرورتها، برنامه‌ریزی فضایی به‌منظور توسعه همه‌جانبه در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی هنوز به‌نحوی فراگیر مورد توجه جدی و تأکید اساسی قرار نگرفته است. در ایران، برنامه‌ریزی فضایی در قالب برنامه آمایش سرزمین، از نیمه اول دهه ۱۳۵۰ش به‌طور عملی مورد بحث قرار داشته است (← آمایش سرزمین).

کتاب‌شناسی:

- Backhouse, Roger. *A History of Modern Economic Analysis*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۹۱.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, ۱۹۶۲.
- Christaller, Walter. *Die Zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, ۱۹۳۳.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Dicken, P. & Lloyd, P. *Location in Space, Theoretical Perspectives in Economic Geography*. London: Harper & Row, ۱۹۹۰.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, ۱۹۷۱.
- Harris, Jonathan M. *Basic Principles of Sustainable Development*. GDEI, Working Paper ۰۰۰۰۴, June ۲۰۰۰.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, ۱۹۶۰.
- Osborn, F. J. *Green-Belt Cities: The British Contribution*. London, ۱۹۴۶.
- Smith, H. *History of Garden City*. London, ۱۹۶۳.
- Rostow, W.W. *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. New York and London, ۱۹۶۰.
- Von Thuenen, Johann Heinrich. *Der isolierte staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalökonomie*. Rostock, ۱۸۴۲.
- Ullman, E. L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*. ۴۶, ۱۹۴۰-۴۱.

ساماندهی بافت درونی سکونتگاهها بیشترین توجه را به‌سوی خود جلب نمود. البته از ۱۹۳۱م به بعد، برنامه‌های ناحیه‌ای مورد تأکید قرار گرفت و پس از ۱۰ سال، برنامه‌های منطقه‌ای در سطح حوزه‌های بزرگ‌تر اداری-سیاسی، یعنی ایالتها دنبال شد. پس از جنگ جهانی دوم، این برنامه‌ها با جدیت بیشتر و به‌نحوی قانونمندتر پیگیری شد. براین‌مبنا، در کنار برنامه‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای، طرح برنامه کلان ملی در قالب آمایش سرزمین مطرح گردید. البته این برنامه با برنامه‌های پیشین در هماهنگی کامل قرار داشت. به‌دنبال این‌گونه تمهیدات، در ۱۹۶۲م مجموعه قوانین *انتظام فضایی* کشور هلند تدوین و به تصویب رسید که براساس شواهد موجود، در یک دوره زمانی کوتاه، دستاوردهای قابل توجهی به همراه داشت.

در سوئیس، به‌دنبال جنبش حفاظت از محیط زیست، از آغاز سده ۲۰م، نخستین انگیزه‌های جدی در پرداختن به انتظام فضایی پدیدار شد. در پی آن، از دهه ۱۹۳۰م، برنامه‌ریزی کلان سرزمین در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح گردید. جالب است که در ۱۹۴۳م، سازمانی به نام *مجمع برنامه‌ریزی فضایی سوئیس* برای نظارت بر مطالعه و اجرای طرحها و برنامه‌های منطقه‌ای تشکیل گردید که جغرافیدانان پیوسته از اعضای اصلی آن بشمار می‌روند.

در سایر کشورهای اروپایی، برنامه‌ریزی و انتظام فضایی اغلب پس از پایان جنگ جهانی دوم مطرح گردید. در ایتالیا، رشد فزاینده صنعتی در بخشهای شمالی کشور با تخلیه جمعیتی نواحی جنوبی سرزمین که با ضعف نسبتاً شدید ساختاری روبرو بودند، همراه گردید. این روند که به نابرابری منطقه‌ای منتهی شده بود، زمینه‌های طرح برنامه‌ریزی یکپارچه ملی را فراهم آورد. تأکید اساسی در این برنامه، ترغیب و پیشبرد امکانات توسعه در نواحی جنوبی کشور بود. در فرانسه، مباحث برنامه‌ریزی و انتظام فضایی به حدود ۱۹۵۰م باز می‌گردد که از آغاز، پیوسته از ماهیتی متمرکز برخوردار بود. در این کشور، با تصویب مجموعه قوانینی در ۱۹۵۷م، برنامه‌های توسعه و نظم‌دهی فضایی به اجرا درآمد که آزادسازی عرصه‌های شدیداً



عباس سعیدی

برنامه‌ریزی کالبدی

Physical Planning

برنامه‌ریزی کالبدی فرایندی برای توسعه فیزیکی یک شهر یا منطقه در قالب یک پیشنهاد به صورت طرح سه‌بعدی است. برنامه‌ریزی کالبدی به ساماندهی بخشهایی از شهر، شامل کاربری زمین (← کاربری زمین)، مکانیابی و طراحی ساختمانها، خیابانها، خدمات حمل و نقل، مسیرهای خدماتی و فضاهای باز (← فضای باز) می‌پردازد. در این نوع برنامه‌ریزی به طور خاص بخشهای طبیعی و انسان‌ساخت شهرها مورد توجه قرار دارد و سعی می‌شود ترتیب قرارگیری بخشهای مصنوع شهر در جهت ایجاد نوعی نظم، به شکلی کارا و جذاب، ولی اغلب ایستا ساماندهی شود. علاوه بر این، برنامه‌ریزی کالبدی، سعی دارد این بخشهای مصنوع را براساس نظریه شکل شهر، که گاهی از اشکال هندسی منبعث است، سازمان دهد. در این نوع برنامه‌ریزی ایجاد تسهیلات، خانه‌ها، مکانهای کار، پارکها و سایر عناصر فیزیکی و ملموس شهر که بتواند سطح رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) و اقتصادی جامعه و حتی رفتارهای انسانی را بهبود بخشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

داعیه برنامه‌ریزی کالبدی، این است که اهداف و خواسته‌های عامه مردم (در تقابل با خواسته‌های افراد یا گروههای خاص) در اولویت قرار گیرد. نظام برنامه‌ریزی بریتانیا مدعی است که به این موضوع کمک زیادی کرده است، هرچند که در تجربه تاریخی خواسته‌های عامه مردم اغلب تحت تأثیر تمایلات گروههای اشرافی، کلیسا، طبقه قانونگذار یا شرکتهای بزرگ کاملاً نادیده گرفته شده است. کارشناسان برنامه‌ریزی کالبدی اعتقاد دارند، فرایند فیزیکی توسعه بر تهیه و اجرای یک برنامه در شهر یا منطقه مقدم است؛ بنابراین، اگرچه برنامه فیزیکی تحت تأثیر

متغیرهای متعدد اجتماعی و اقتصادی رایج قرار می‌گیرد، ولی زیر تسلط آنها نیست. این درحالی است که برنامه‌ریزان سیاسی استدلال می‌کنند، برنامه یک منطقه می‌بایست انعکاس نیروهای اقتصادی و اجتماعی باشد و در انطباق با تفسیر مناسب و درست آنها از این نیروها تهیه شود. دیدگاه اخیر منجر به بروز نقدهایی به برنامه‌ریزی کالبدی شده است.

برنامه‌ریزی فیزیکی در نیمه اول سده ۲۰م بیشتر در قالب طرحهای جامع شهری انجام می‌شد. نقد اساسی در این نوع برنامه‌ریزی این است که شهرسازان با ارائه طرحهای جامع، امکان رهبری مسئولانه و انتخاب معنی‌دار بین راه‌حلهای مختلف را از فرایندهای سیاسی جامعه سلب می‌کنند. علاوه بر این، راه‌حلهای اصلی توسعه را نمی‌توان با گزینه‌های ساده کالبدی نشان داد؛ موضوعی که در طرحهای جامع که رواج زیادی دارند، در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین ادعا می‌شود، برنامه‌ریزی کالبدی شهری فاقد ابزارهای لازم برای اندازه‌گیری میزان دستیابی به اهداف مورد نظر یا سنجش هزینه‌های لازم برای دستیابی به آنهاست.

از این گذشته، مشکل عدم ارتباط فرم فیزیکی جامعه با الگوی فعالیتها و با ارزشهای شناخته شده آن در برنامه‌ریزی کالبدی که اهمیت تعیین‌کننده آن در ایجاد کیفیت زندگی شهری کم نیست، مورد نقد قرار گرفته است. بنابراین، امروزه آشکار شده است که آنچه بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد، صرفاً محیط فیزیکی نیست، بلکه محیط

برنامه‌ریزی کالبدی

مناطق شهری با ساختارهایی اجتماعی - اقتصادی نمی‌تواند اقدامات دولتی را به شیوه‌ای خطی، یعنی با حرکت از تصمیم به تهیه برنامه، سپس به‌سوی اقدام، و سرانجام به‌سوی محصول نهایی برنامه‌ریزی کند. در واقع، توسعه شهری از تجزیه و تحلیل الگوهای فضایی فعالیتهایی که در فضای دوبعدی، یعنی در یک نقشه سنتی نظم داده شده‌اند، گذر کرده است و در عوض، برنامه‌ریزی به‌سوی ارائه راهبردهای فضایی سوق یافته است. در این رویکرد، تنوع و هم‌مکانی پیچیده شبکه‌های متعدد ارتباطاتی در درون مناطق شهری و بین آنها که هریک پویایی، تاریخ، و جغرافیای خاص خود را دارند و با موضوعات بسیار متنوع و مکان و اتصالات یک منطقه شهری در پیوند هستند، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. این نوع برنامه‌ریزی، برخلاف برنامه‌ریزی کالبدی، خواهان توجه به ارتباط بین ساختارهای پویای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، زیست‌محیطی و سیاسی / اداری درون و بین مناطق شهری است.

کتاب‌شناسی:

- Barlow, R. *Land Resource Economics*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, ۱۹۷۲.
- Catanese, A. J and Snyder, J.C. *Urban Planning*. New York: McGraw-Hill, ۱۹۸۸.
- Chapin, F.S. *Urban Land Use Planning*. University of Urbana-Champane Press, Urbana, IL, ۱۹۶۵.
- Davidoff, P. & Reiner, A. "A Choice Theory of Planning", *Journal of The American Institute of Planners*. Vol. ۲۸, May ۱۹۶۲.
- Gans, H.J. "Planning for People Not Buildings", *Environment and Planning*. Vol. ۱, ۱۹۶۹.
- Healey, P. *Urban Complexity and Spatial Strategies, Towards a Relational Planning for Our Times*. London and New York: Routledge, ۲۰۰۷.
- Lein, J. *Integrated Environmental Planning*. Blackwell Science, UK: Oxford, ۲۰۰۳.
- Mocine, C. R. Interpretation, Urban physical planning and the "New Planning", *Journal of the American Institute of Planners*. July ۱۹۶۶.
- Morris, E. S. *British Town Planning and Urban Design*,

اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن است که اهمیت بیشتری دارد.

با توجه به این نقدها و مشکلات، برای رفع نارسائیهای برنامه‌ریزی کالبدی از برنامه‌ریزی فرایندی کمک گرفته شده است. در برنامه‌ریزی فرایندی، با استفاده از فنون ریاضی و رایانه می‌توان کل پویایی پیچیده رشد و افول جامعه و همچنین تمامیت توسعه اجتماعی را مورد مطالعه و محاسبه قرار داد. به این ترتیب، برنامه‌ریزی روندهای در حال تغییر توسعه جامعه را در کار خود مورد توجه قرار می‌دهد.

برنامه‌ریزی کالبدی شهری در این رویکرد با تخصیص منبع زمین، رابطه بین زیرساختهای کالبدی و فعالیتهای مورد نظر، کارایی و کیفیت زیبایی شناسانه و روابط فضایی در شهر سروکار دارد. بر این مبنای، چنین طرحی الگوی کاربری آینده زمین را برحسب نوع، کاربری، تراکم و زمان‌بندی پیشنهاد می‌کند. همچنین عناصر کالبدی ثابتی را که نیاز به سرمایه‌گذاری یا برنامه‌ریزی توسعه دارند، مانند شبکه حمل‌ونقل و کمربند سبز، فضاهای باز پیشنهادی، محدودیتهای توپوگرافی یا جغرافیایی نظیر رودخانه، دریاچه، تپه‌ها و غیره شناسایی می‌کند. علاوه بر این، مکانها و طرحهای پیشنهادی را که دستیابی به محیط زیست کالبدی سه‌بعدی مطلوب و سازماندهی شده را امکان‌پذیر می‌سازند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نهایت، این موارد را به صورت نمودارها و طرحها نمایش می‌دهد. این طراحی باید نواحی واقع در جریان انتقال توسعه، نواحی بدون تعیین کاربری در آینده، و نواحی با کاربری نامشخص را نیز شناسایی کند و بتواند پیشنهادات مختلفی را از نظر زمان‌بندی، دقت و انعطاف‌پذیری عرضه کند. در رویکرد جدید، اگرچه طرح جامع بیشتر متکی بر کلام است، ولی نمی‌تواند فاقد نقشه و طراحی باشد.

به همین ترتیب، اغلب اندیشه‌ها و تجربیات برنامه‌ریزی اروپا در ۲۵ سال گذشته، از دیدگاه محض کالبدی نسبت به شهرها که کیفیات و اتصالات مکانها را از طریق شکل کالبدی ساختمانها و ساختارهای شهری درک می‌کرد، متأثر بوده است. اکنون کاملاً مشخص شده است که توسعه



Principles and Policies. Longman, ۱۹۹۷.

- Nath, B.; Compton, P. and Devuyest D. *Environmental Management in Practice*. Vol. ۱, Instruments for Environmental Management. London and New York: Routledge, ۱۹۹۸.
- Smith, L. G. *Impact Assessment and Sustainable Resource Management*. Harlow, Essex: Longman Group UK, Ltd., ۱۹۹۳.
- Wildavsky, A. *If Planning Is Everything, May Be It's Nothing, Policy Sciences*. Vol. ۴; ۱۹۷۳.

شهرزاد فریادی

برنامه‌ریزی مسکن

Housing Planning

صائب‌نظران مفهوم مسکن را به تفاوت تبیین کرده‌اند؛ در واقع، هریک از آنان با توجه به دیدگاه‌های خود، از زاویه‌ای خاص به این مقوله پرداخته‌اند. باین‌وجود، تقریباً در تمام این تعاریف، میان ۲ واژه سرپناه و مسکن تفاوت دیده شده و فصل مشترک این تعاریف، تمایز بین این دو مفهوم است. علاوه‌براین، بر این نکته تأکید شده است که در تأمین مسکن، علاوه‌بر پاسخگویی به نیازهای فیزیکی، نیازهای روانی و اجتماعی افراد نیز بایستی برآورده گردد. در واقع، نیاز اولیه انسان به محافظت از خود و تأمین سرپناه، یک نیاز بنیادین، غریزی و همه‌جانبه است (محافظت در برابر شرایط نامساعد محیطی، جانوران وحشی و یا دشمنان) و مراحل تبدیل آن به خانه یا مسکن برای زندگی، در راستای تعمیق مفهوم سکونت صورت می‌پذیرد. خانه مکانی است که جریان روزمره زندگی را در خود می‌پذیرد.

بنابراین، عملکرد آن تنها به بازتاب کیفیات محیط محدود نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های افرادی که در آن می‌زیند و آنچه را که در درون آن جریان می‌یابد، آشکار و منعکس می‌نماید. براین‌اساس، خانه با مطرح شدن به‌عنوان پیکره‌ای معمارانه در محیط، از یکسو عهده‌دار معرفی هویت فردی و خانوادگی انسان است و امنیت را بر وی ارزانی می‌دارد و از سوی دیگر، بستری برای تبدیل محیط، به فضایی حائز ارزشهای مکانی و ماهیت اجتماعی است.

از سوی دیگر، آنچه به‌عنوان روستا از آن یاد می‌گردد، نه تنها خود آبادی، بلکه مشتمل بر تمامی تجلیات سکونت و زیست انسانی می‌گردد و بر خانه، مزرعه، بافت روستا، ابنیه و مکانهای عمومی و عرصه‌های حرکتی و فضاهای باز داخل و خارج بافت روستا شمول دارد. آبادی، تبلور بروز و تجلی حیات انسان و محمل رابطه وی با محیط است. بنابراین، می‌تواند تنها با تک‌خانه‌ای معنا یابد و یا کلیت محیط سکونتی را دربر گیرد. بدین‌ترتیب، روستا و آبادی لحظه‌ای آغاز حیات می‌کند که گروهی از انسانها، مکان و یا پاره‌ای از محیط گرداگرد خود را به‌عنوان بستر و محل سکونت، برمی‌گزینند و در آن اقدام به ایجاد امکانات سکونتی می‌نمایند (← سکونتگاه روستایی).

تولید و تأمین مسکن در ادوار مختلف تاریخی تا پیش از دوران معاصر، به‌عنوان دغدغه فردی و گروهی جوامع بشمار آمده و مکان‌گزینی و شکل‌گیری آن، عموماً حاصل تلاش انسانها و در پی پاسخگویی به نیازهای آنان بوده است. امروزه، به دلیل بروز مسائلی، همچون افزایش بی‌رویه جمعیت، رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت و حرکات جمعیت میان شهرهای بزرگ و کوچک و میان شهرها و روستاها، محدودیت منابع مالی و امکانات ساخت‌وساز، مشکلات مربوط به تأمین زمین مناسب و مصالح ساختمانی، ساخت خانه مفهوم انفرادی خود را از دست داده و دچار پیچیدگی‌هایی شده است که از آن مسئله‌ای چندبعدی، ملی و حتی فراملی پدید آورده است. بنابراین، حل مسائل فراروی ساخت‌وساز مسکن، نیازمند تعیین خط‌مشی، سیاست‌گذاری و ارائه برنامه‌هایی است که حل معضلات و مشکلات مربوط به تأمین مسکن را

برنامه‌ریزی مسکن

کارکردهای ارتباط فیزیکی، از جمله راهروها و فضاهای واسط، هشتی، ورودی و مانند آن.

از مجموعه این کارکردها به علاوه محافظت مناسب در برابر عوامل نامساعد پیرامونی و محیطی و تجلی ارزشهای فرهنگی و سنتی، می‌توان به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در نحوه آرایش فضایی و تشکیل بافت کالبدی مسکن یاد کرد.

برنامه‌ریزی مسکن در روستاها به این عناصر و ویژگیها و عوامل بسیاری که ناشی از ویژگیهای جامعه روستایی است، بستگی دارد و زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که بتواند ابعاد، نیازها و فضای سکونتی را با شرایط اقتصادی و اجتماعی و روند تحولات جامعه روستایی هماهنگ سازد.

خصوصیات فردی ساکنان یک روستا (نظیر سن، جنس و میزان سواد)، سازمان اجتماعی روستا (شامل ترکیب و ساختار خانواده، چگونگی ارتباط اعضای آن با یکدیگر و نیز تعاملات اجتماعی اهالی روستا با هم)، شرایط فرهنگی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی مردم روستا (شامل میزان و منابع کسب درآمد، آئینها و باورهای مذهبی و بومی و پیشینه و تاریخچه محل)، به همراه ویژگیهای فیزیکی هر محیط و امکانات فنی و اقتصادی آن، در برنامه‌ریزیهای مسکن لحاظ می‌شوند و با شناخت صحیح آنها، تصمیم‌گیری مناسب برای تأمین نیازهای روستائیان در زمینه مسکن انجام می‌پذیرد. در واقع، برنامه‌ریزی مسکن روستایی عبارت است از شناخت قابلیتها و ظرفیتهای محیط روستا و ارائه راهها و روشهایی به‌منظور کاستن از مشکلات مسکن روستائیان و ارتقاء شاخصهای رفاهی و سکونتی آنان در محیط. برنامه‌ریزی مسکن باید ضمن هدفگذاری مشخص برای دستیابی به اهداف، چگونگی بهره‌گیری از منابع، قالبها و محدوده‌های زمانی را نیز تعریف نماید.

همان‌گونه که مسکن روستایی تنها در قالب کالبد واحد مسکونی خلاصه نمی‌شود، برنامه‌ریزی مسکن روستایی نیز تمام ابعاد محیط زیست و سکونت انسان را دربر می‌گیرد. براین مبنا، برنامه‌ریزی مسکن روستایی نه تنها در ابعاد کالبدی، بلکه برای تمام نیازهای فیزیکی، روانی، زیستی، عاطفی و نیازهای اجتماعی بایستی پاسخ مناسب داشته باشد. برنامه‌ریزی مسکن روستایی باید از مقیاس خانه و

امکان‌پذیر سازد.

برای دستیابی به چنین برنامه‌ای باید نسبت به موضوع، ابعاد و عوامل مؤثر بر آن شناخت کافی، به‌دست آورد و ویژگیهای جامعه هدف و متقاضیان مسکن و ابعاد تقاضای آنان را کاملاً شناخت. قریب ۴/۳ میلیون واحد از ۱۳/۳ میلیون واحد مسکونی موجود در کشور در روستاها قرار دارند. مسکن روستایی پاسخگوی عملکرد زیستی، معیشتی، خدماتی، منطبق با عملکردهای اجتماعی، فرهنگی، متأثر از نیازهای فطری و زیبایی‌شناختی و در پیوند نزدیک با محیط طبیعی و امکانات محلی و بومی است. نحوه ساختمان‌سازی و برپایی خانه‌ها به نوع معیشت و تولید خانواده روستایی وابستگی دارد، زیرا هر فعالیتی فضای متناسب با خود را می‌طلبد. علاوه بر این، الگوی خانه روستایی به‌شدت متأثر از ارزشهای فرهنگی و سنتهای دیرپای اجتماعی و انعکاس پیشینه محیط است. این عوامل به شکل‌گیری گونه‌های مختلف مسکن، با هویت منطقه‌ای و محیطی خاص، منجر شده است. در عین حال، عدم استحکام سازه و سستی مصالح از مهم‌ترین معضلات مسکن روستایی است. ترویج فرهنگ شهری و الگوبرداری از نمونه‌های بیگانه با محیط روستا نیز اثرات همه‌جانبه و سریعی بر محیط روستا برجای می‌گذارد. با در نظر گرفتن این موارد به‌عنوان مبانی شکل‌گیری مسکن روستایی، کارکردهای اصلی مسکن روستایی عبارتند از:

کارکردهای بنیادین و زیستی، از جمله استراحت، غذا خوردن و مانند آن؛

کارکردهای خدماتی، از جمله پخت‌وپز، شستشوی ظروف و مانند آن؛

کارکردهای بهداشتی، از جمله توالی، استحمام و مانند آن؛

کارکردهای معیشتی، مانند فضاهای تولیدی، پرورش دام و کارگاه؛

کارکردهای فرهنگی و اجتماعی، مانند ارتباط با دیگران و پذیرایی از میهمان؛

کارکردهای ذخیره‌سازی، منبع آب، انبار آذوقه، علوفه و محصولات و انبار وسایل؛ و

برنامه‌ریزی مسکن

استانها و شهرهای بزرگ، گرایش به ساخت مسکن اجتماعی را سبب شده است.

برنامه‌ریزی مسکن علاوه بر آنکه در پی تأمین آسایش و احساس راحتی در داخل خانه، پایداری و دوام سازه‌های آن و فراهم‌سازی امکانات و تسهیلات رفاهی، نظیر تهویه و سیستم گرمایش و سرمایش مناسب است، بایستی فضای مناسب زیست در مجموعه‌ها و محدوده‌های مسکونی را که شامل دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی، بهداشت، آموزش، دفع زباله و امکان تأمین فعالیت و اشتغال مناسب برای ساکنان را در نظر داشته باشد.

بنابراین، برنامه‌ریزی مسکن شهری باید به طریقی انجام شود که همگام با اهداف توسعه همه‌جانبه، به ارتقاء شاخصهای سلامت جسمانی بیانجامد و آرامش روانی ساکنان خانه و شهر را فراهم نماید. از این گذشته، تنظیم برنامه مناسب برای حضور آسوده فرد در خانه، حفظ عزت نفس وی و تعالی روحی و روانی او، در زمره اهداف برنامه‌ریزی مسکن شهری قرار دارد. علاوه بر این، برنامه‌ریزی مناسب قادر خواهد بود تا ضمن ایجاد دسترسی به مجموعه‌ای از تأسیسات و امکانات رفاهی، به کاهش تنشهای اجتماعی میان شهروندان نیز مدد رساند.

علاوه بر این ابعاد، برنامه‌ریزی مسکن شهری تأثیرات بسیار بااهمیت و پرشتابی در موضوعهای کلان اجتماعی، اقتصادی و شاخصهای مربوط به آن برجاس می‌گذارد. بُعد اقتصادی برنامه‌ریزی مسکن شهری از مهم‌ترین این ابعاد است. بررسیها نشان می‌دهند که بیش از ۳۰۰ رشته صنعتی و فعالیت حرفه‌ای در ارتباط با بخش مسکن و ساختمان قرار می‌گیرند که تقویت و یا تضعیف بخش ساختمان، بر تحرک اقتصادی و رونق این مشاغل و صنایع تأثیری مستقیم برجای می‌گذارد، به طوری که رونق اقتصادی و سیاستهای اشتغال‌زایی در کشور با شدت و سرعت از این بخش تأثیر می‌گیرد و بدان وابسته است. صنعت ساختمان سهم بزرگی از نیروی کار در کشورهای مختلف را در اختیار دارد. براساس پژوهشهای به‌عمل آمده از سوی سازمان ملل متحد، ایجاد هر شغل جدید در بخش ساختمان

تک واحد مسکونی فراتر رود و زندگی دسته جمعی و مجموعه‌های مرکب از خانه‌ها، مزارع و باغها، مکانهای فعالیت و اشتغال، مراکز آموزشی، فضاهای تجاری برآورنده نیازهای روزمره و تأسیسات وابسته و مورد نیاز مجموعه را مورد نظر قرار دهد.

آنچه مسلم است اینکه تلقی و برداشت برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بخش مسکن در هر کشور، نقش غیرقابل انکاری در ماهیت و کیفیت برنامه‌ریزی مسکن آن کشور دارد. به هر میزان که درک ژرف‌تری در این باره وجود داشته باشد، رفاه و آرامش بیشتری در محیط خانوارهای ساکن در مساکن ساخته شده برقرار خواهد بود.

تحقیقات حاکی از آن است که میان کیفیت مسکن و آسیبهای اجتماعی، مانند خودکشی، طلاق و مشکلات روانی، رابطه مستقیم وجود دارد. به هر شکل، غول جمعیت و عدم توجه به آن، سبب مهاجرت‌های ناخواسته و بی‌رویه گردیده و این امر باعث سکنی گزیدن در حداقل فضای ممکن برای ادامه حیات و زندگی شده است. بنابراین، به دلیل محدود بودن زمینهای مناسب و گرانی آن برای ساخت مسکن، تعدد طبقات و افزایش تراکم برای افزایش فضای موجود مطرح شده است.

براین اساس، پرداختن به مسائل کالبدی به صورت صرف و عدم توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی در ساخت مسکن، موجب بروز بسیاری از مشکلات شده است. در واقع، بحث بر سر آن است که انسانها چگونه قادر خواهند بود تا از اثرات اجتماعی، فرهنگی و روانی این عوامل بر زندگی خویش بکاهند و به سلامت اجتماعی و روانی محیط سکونتی خود کمک کنند.

تحول فرهنگی در هر جامعه‌ای، تحول در مسکن را پدید می‌آورد. هر جامعه‌ای با توجه به تاریخ، فرهنگ و مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش، به ساخت نوعی از مسکن و گرایش به سبکی از معماری روی می‌آورد.

زمین به‌عنوان نیاز اولیه برای ساخت مسکن و خانه‌دار شدن اعضای جامعه شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کمبود زمین در مناطق شهری، به‌خصوص در مراکز

بُنه

- پورمحمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- درکوش، سعید. *درآمدی بر اقتصاد شهری*. چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- رضویان، محمدتقی. *برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری*. تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۱.
- سازمان ملل متحد. *رهنمودهای برنامه‌ریزی مسکن در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه کمال اطهاری و محمدکاظم تاج‌بخش، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.
- United Nations and World Bank. "The Housing Indicator Programme", *A Joint Programm of United Nations Centre for Human Development and the World Bank*. Washington D.C.: World Bank, ۱۹۹۳.

مهران علی‌الحسابی

بُنه

واحد زراعی کهن جمعی که براساس آن تعدادی زارع صاحب نسق براساس تقسیم کار مبتنی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی، در یک یا چند قطعه زمین، با حمایت آشکار و پنهان مالک، به صورت مشترک و جمعی به کشت و زرع می‌پرداختند. نیروی شخم (گاوکار)، مقدار آب معین (اغلب یک شبانه‌روزی)، بند مورد نیاز و ابزار کار لازم متعلق به بنه، از ضرورت‌های اولیه تشکیل بنه بود تا فعالیت آن به مدت یکسال زراعی با بازدهی همراه باشد.

یک روستا براساس مدار گردش آب از چند بنه تشکیل می‌گردید که وسعت هر بنه با مقدار حجمی آب و مقدار معین زمین قابل کشت در ارتباط بود، اندازه بذرافکن زمینهای بنه‌های یک روستا تقریباً و اندازه مقدار آب آنها تحقیقاً مساوی بود.

عضویت دهقانان در بنه به برخورداری از حق نسق، سکونت مستمر در آبادی، آگاهی از کشت و ورز برزگران و موافقت ارباب و یا نماینده او بستگی داشت. مدت عضویت هر زارع در یک بنه معمولاً یکسال زراعی بود، اما این عضویت امکان داشت سالهای متمادی نیز ادامه یابد و یا در پایان یکسال زراعی، زارع از بنه‌ای به بنه دیگر تغییر

و مسکن، منجر به ایجاد ۳ شغل جدید در سایر بخشهای اقتصادی می‌گردد. این موضوع در جوامع روستایی که دارای اقتصادی کمتر پویا هستند و از تنوع اقتصادی محدودتری برخوردارند، آثار به مراتب عمیق‌تر و مؤثرتری خواهد داشت و قادر خواهد بود تا بخش مهمی از مشکل اشتغال برای جوانان روستایی را مرتفع نماید (← برنامه‌ریزی مسکن).

مسکن و چگونگی برنامه‌ریزی آن در سیاستهای کالبدی- فضایی و آمایش سرزمین نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در راستای سیاستهای ملی و منطقه‌ای، موجب توزیع متناسب جمعیت گردد. با توجه به توزیع نامتناسب جمعیت در پهنه سرزمین ایران و اهمیتی که این موضوع در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور دارد، باید به روستاها و شهرهای کوچک‌تر اولویت بیشتری داده شود تا بتوانند سهم مناسبی از جمعیت را به خود جذب نمایند. به این منظور بایستی کیفیت سکونت در روستاها ارتقاء یابد و فعالیتهای خانه‌سازی توسعه یابد. در همین راستا، لازم است با فراهم ساختن بسترهای ضروری اقتصادی و تسهیلات مورد نیاز، مردم روستایی در امر خانه‌سازی فعال شده و ضمن کمک به دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی توسعه منطقه‌ای، گامهای مؤثری در ارتقاء کیفیت مسکن بومی و شاخصهای محیطی برداشته شود.

اولین و طبیعی‌ترین اثر تراکم در شهر، تغییرات زیستی- اقلیمی، شامل تغییرات درجه حرارت شهرها به علت افزایش بیش از حد سطوح ساختمانی و کاهش وزش باد در سطح شهر، افزایش موضعی سرعت باد در خیابانهایی که در جهت باد قرار گرفته‌اند، است. به طور کلی، به دلیل افزایش تراکم شهری و میزان ترافیک، کیفیت و نحوه تهویه، هوای شهر دگرگون می‌شود. دیگر آلودگیهای محیطی ناشی از افزایش تراکم، نظیر آلودگیهای ناشی از دفع زباله، فاضلاب و مسائل بهداشتی ناشی از آن نیز زاینده افزایش بی‌رویه تراکم و سطوح شهری است که متأسفانه گسترش و رشد خدمات شهری نیز تناسبی با رشد بی‌رویه آنها نداشته است.

کتاب‌شناسی:

بنه

بدین ترتیب، هر بنه کامل ۶ نفره دارای ۳ عضو ساده و کم تجربه به نام پابنه یا برزگر بود. برزگران زیر نظر ۲ نفر به نام *دم آبیاری* (معاون آبیاری) انجام وظیفه می کردند که خود تابع دستورات آبیاری یا سربنه بودند. سرپرست و یا مدیر داخلی بنه خود از مالک، ارباب و یا نماینده آنها دستور می گرفت.

اعضای بنه‌ها از حقوق ماهانه، پاداش و انعام برخوردار بودند. آنها در هر ماه مبلغی پول نقد و مقداری گندم دریافت می داشتند. البته مقدار این دریافتی در دهات مختلف متفاوت بود. این دریافتی ماهانه، در واقع، همانند قرضی بود که بایستی بهنگام سرخرمن تسویه می شد. در ۳ ماه برداشت خرمن و صیفی، به اعضای حقوقی پرداخت نمی شد، یعنی فقط ۹ ماه از سال دارای چنین حقوقی بودند. در آخرین سالهای قبل از اصلاحات ارضی (اصلاحات ارضی)، میزان این حقوق در ده طالب آباد (شهری) ۳۰ تومان پول نقد و ۳۰ من (۹۰ کیلوگرم) گندم بود.

اگر دهقانی به بیش از حقوق مقرر ماهانه نیاز داشت، با در نظر گرفتن شرایط مالی، به او پرداخت و به حساب بدهی او منظور می شد. بهنگام فروش یونجه، سرچر، ته چر و علفچر، گاهی علاوه بر حق عرفی، انعامی نیز به اعضای بنه داده می شد و بهنگام عید نوروز، به آنها عیدی تعلق می گرفت؛ البته، گاهی هم ارباب بدهیهای آنها را می بخشید. چهارپایان اعضای بنه حق چریدن در زمینهای بنه را پس از برداشت محصول داشتند و مقداری محصول صیفی مجاناً به اعضای تعلق می گرفت. نجار و آهنگر بنه نیز ابزارهای شخصی و خانگی آنها را به رایگان تعمیر می نمود، سلمانی و حمامی ده هم با شرایط سهل تری نیازهای آنها را برآورده می کرد.

هر بنه علاوه بر گروههای اصلی و صاحب نسق، دارای اعضای جنبی بود: آهنگر، نجار، سلمانی و حمامی تشکیل دهندگان این گروه و در خدمت بنه و اعضای آن بودند که به آنها *سالپانه کار* می گفتند. آهنگر و نجار براساس جفت گاو متعلق به بنه، سهمی برابر از فراورده‌های بنه دریافت می داشتند و در مقابل، نیازهای آن را مجاناً در اختیار سربنه قرار می دادند.

جا دهد. عضو ساده بنه، یعنی برزگر (پابنه) می توانست با توجه به کار و آگاهی خود تا مقام سربنه ارتقاء یابد. تعویض اعضای بنه معمولاً توسط آبیاران صورت می گرفت که ممکن بود اجباری و یا اختیاری باشد.

سهم محصول سالانه هر عضو بستگی به جایگاه و موقعیت او در بنه داشت: به آبیاری (سربنه) بیشترین سهم عرفی و به برزگر کمترین سهم از محصول برداشتی تعلق می گرفت؛ با این حال، تحرک اقتصادی و اجتماعی و رقابتهای پنهانی در بنه اجتناب ناپذیر بود.

دوام بنه به عوامل پنجگانه زمین، آب، نیروی شخم، نیروی کار و بذر بستگی داشت. این ۵ عامل به ۲ دسته طبیعی و انسانی تقسیم می شد:

عوامل طبیعی (غیرمنقول)، یعنی زمین و آب که زیربنای اصلی تشکیل بنه به حساب می آمد؛ و

عوامل انسانی (منقول)، که عبارت بود از نیروی کار انسانی، نیروی شخم، بذر و مقداری ابزار و وسایل کار متعلق به بنه.

تقسیم محصول بنه براساس این ۵ عامل، با مختصر تغییر عرفی محلی، انجام می گرفت. معمولاً ۲ عامل آب و زمین متعلق به مالک و ۳ عامل دیگر در اختیار ارباب و یا گاو بنه قرار داشت.

تعداد بنه‌های یک روستا با فاصله زمانی مدار گردش آب بر حسب شبانه‌روز در ارتباط بود، زیرا اگر مدار گردش آب یک روستا بر مدار ۱۲ شبانه‌روز یکبار استوار بود، به‌طور طبیعی و سنتی، آن روستا ۱۲ بنه داشت. به سخن دیگر، برای هر بنه عموماً یک شبانه‌روز آب در نظر گرفته می شد، ولی اگر این روستا ۱۰ بنه می داشت، ۲ شبانه‌روز دیگر آب آن به آبیاری باغها و یا کشتهای جنبی و خصوصی اختصاص می یافت.

یک بنه کامل با آب کافی می توانست دارای ۶ نفر عضو، ۶ رأس گاوکار (گاو شخم) باشد، ولی به نسبت نوسان حجم آب، وسعت زمینهای زیر کشت بنه تغییر می کرد و به همان نسبت، از اعضای و گاوکار بنه کاسته و یا به آن افزوده می شد.

بنه از نظر اجتماعی دارای ساختار درونی معینی بود.

انواع بنه

بنه‌ای که عوامل پنجگانه آن در اختیار یک نفر قرار داشت، بنه *ارباب رعیتی* نامیده می‌شد، ولی اگر ۲ عامل زمین و آب در تملک مالک و ۳ عامل بذر، گاوکار و نیروی انسانی در اختیار فرد دیگری قرار داشت، بنه *گاوبندی* نام می‌گرفت. مدیر، سرپرست و گرداننده عوامل منقول بنه را در روستاهای جنوب تهران *گاو بند* می‌گفتند، در بنه‌های ارباب رعیتی تهیه و سرپرستی عوامل پنجگانه برعهده ارباب و یا نماینده او بود، در صورتی که در بنه‌های گاوبندی مدیریت و گرداندن امور بنه از ارباب منتزع و به عهده گاو بند قرار می‌گرفت. البته، مالکان گاهی اختیارات گاو بند را مهار می‌کردند و در صورت بروز اختلاف، حق گاو بندی آنان را سلب و از کشت و زرع آنها در ده جلوگیری می‌کردند. گاو بندان بیشتر محلی بودند. گاو بندانی که دارای چند بنه گاو بندی بودند از متمولین ده محسوب می‌شدند و با اعضاء بنه و دیگران رفتاری چون ارباب داشتند، ولی آنهایی که یک لنگه گاو (یک رأس) یا یک جفت گاو بندی داشتند، خود روی زمین کار می‌کردند و از زحمتکشان روستا بشمار می‌آمدند.

کتاب‌شناسی:

- صفی نژاد، جواد. *بنه (نظامهای زراعی سنتی در ایران)*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- صفی نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری سنتی در ایران*. جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹؛ جلد دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.

جواد صفی نژاد

روستائیان) به سرپناه مناسب از یکسو و ضرورت تحقق شعارهای انقلاب به‌ویژه بسط عدالت اسلامی زمینه‌ساز صدور فرمان امام خمینی (ره)، مبنی بر تشکیل این نهاد در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ ش گردید. در واقع، هنوز کمتر از ۲ ماه از عمر انقلاب و یک هفته از استقرار نظام جمهوری اسلامی نگذشته بود که امام خمینی (ره) فرمان افتتاح حساب ۱۰۰ و بسیج مردمی را صادر نمودند. این فرمان برای رفع مشکل مسکن محرومان اعلام شده بود که طبق آن از مردم خواستند و مسئولان را موظف به اجرای مفاد پیام نمودند.

به‌دنبال فرمان تاریخی حضرت امام، هیئت‌امناء و هیئت‌مدیره این نهاد تعیین شد و حزب جمهوری اسلامی بررسی شکل سازمانی مناسب برای آن را آغاز کرد؛ به این ترتیب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در ۲۵ اردیبهشت، همان سال فعالیت خود را آغاز کرد و در ۵ خرداد ۱۳۵۸ ش (۴۵ روز پس از صدور فرمان امام) اساسنامه آن به‌عنوان شرکت و با موضوع ایجاد مسکن یا مجتمع مسکونی و تأسیسات رفاهی برای مستضعفان به ثبت رسید. چند ماه بعد از شروع فعالیت بنیاد مسکن در مرکز، اقداماتی در زمینه تشکیل بنیاد مسکن استانها نیز صورت گرفت. با تأسیس بنیاد مسکن اداره این شرکت، از سوی دادستانی انقلاب اسلامی به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی واگذار گردید.

به‌طور کلی فعالیت بنیاد مسکن را از بدو تأسیس تاکنون و براساس شرایط و تحولات صورت گرفته، به ۳ دوره می‌توان تقسیم کرد:

دوره ابتدایی (از بدو تأسیس تا شهریور ۱۳۶۰ ش)؛ دوره تحول و تکامل (از شهریور ۱۳۶۰ - ۱۳۶۶ ش)؛ و دوره سازندگی و پایداری (از ۱۳۶۷ ش تا به امروز).

دوره ابتدایی (سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۶۰ ش)

این نهاد فعالیتهای خود را در این دوره به‌شرح ذیل آغاز کرد:

تفکیک و واگذاری زمین، برای احداث مسکن محرومان از طریق زمینهای هبه شده افراد خیر و زمینهای واگذاری از

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یک نهاد عمومی و غیردولتی است که بعد از انقلاب اسلامی تشکیل گردید. گسترش فقر، محرومیت و عدم دسترسی محرومان جامعه (به‌ویژه

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

محور خلاصه کرد:

فعالیت‌های مالی و اداری، سامان دادن به پرونده‌های توزیع زمین و تنظیم مدارک برای ارسال به وزارت مسکن و شهرسازی برای صدور سند رسمی؛

تأمین مسکن محرومان، در مناطق شهری و روستایی؛

تولید مصالح ساختمانی؛

بازسازی مناطق جنگزده، و مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی؛ و

بهسازی و نوسازی مسکن روستائیان و عمران روستاها، از طریق تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی.

بنا به گزارش سرپرست وقت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در پایان ۱۳۶۷ ش، جمعاً تعداد ۳۷,۵۸۸ واحد مسکونی برای محرومان (۲۵,۵۰۴ واحد در نقاط شهری و ۱۲,۰۸۴ واحد در نقاط روستایی) ساخته شد. ضمناً ۹۸,۳۰۰ قطعه زمین نیز در مناطق شهری واگذار گردید و تعداد ۱۱,۴۶۹ واحد مسکونی دیگر (در نقاط شهری و روستایی) با مشارکت بنیاد مورد مرمت و تعمیر قرار گرفت. به‌علاوه، تعداد ۱۹۶,۰۴۲ خانوار برای احداث مسکن از طریق بنیاد وام قرض‌الحسنه دریافت نمودند. بدین ترتیب، بیش از ۱/۴ میلیون نفر از محرومان در نقاط شهری و حدود ۸۵۵ هزار نفر در محیط‌های روستایی از طریق بنیاد صاحب مسکن و سرپناه شدند و یا مسکن خود را تعمیر و مرمت نمودند.

بنیاد با کسب تجارب در زمینه بازسازی مناطق جنگزده، آمادگی خود را برای حضور در بازسازی مناطق سانحه دیده طبیعی (پس از وقوع سیل استان فارس) اعلام نمود. براین اساس، امام خمینی(ره) طی پیامی در ۷ دی ۱۳۶۵ ش ضمن تأیید ضمن تجارب و اقدامات بنیاد، علاوه بر تأمین مسکن محرومان، بازسازی نقاط سانحه دیده را نیز برعهده بنیاد قرار دادند.

تا پایان ۱۳۶۷ ش بنیاد توانست ۴۱,۱۵۷ واحد مسکونی را که در بمباران از بین رفته یا صدمات اساسی دیده بود، بازسازی یا تعمیر نماید.

از دیگر فعالیت‌های بنیاد در بهسازی مسکن روستایی و افزایش استحکام خانه‌های روستایی، ارتقاء دانش فنی و اجرایی و استفاده از مصالح ساختمانی مناسب است.

سوی سازمان‌های رسمی و مجاری قانونی، مثل شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)؛

احداث واحدهای مسکونی، در برخی از این زمینها با کمک مردمی؛

معرفی دریافت کنندگان زمین به شهرداری، برای دریافت پروانه ساختمانی و به بانکها، برای دریافت تسهیلات و اقدام به ساخت؛

اعزام نیرو، به برخی از مناطق کشور برای ساخت مسکن، از جمله قاین، سنندج و بسیاری شهرهای دیگر.

دوره تحول و تکامل (سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۶ ش)

اوایل ۱۳۵۹ ش پس از شروع جنگ تحمیلی، رهبر انقلاب(ره) پیشنهاد هماهنگی بنیاد با سیاست‌های دولت را پذیرفتند و مقرر فرمودند، بنیاد تحت نظارت عمومی وزارت مسکن و شهرسازی قرار گیرد. مجلس شورای اسلامی نیز با تصویب این موضوع وزارت مسکن را موظف به تهیه و ارائه اساسنامه بنیاد مسکن کرد. ضمناً حضرت امام(ره)، حجت‌الاسلام سیدهاشم رسولی محلاتی را به نمایندگی خود در بنیاد منصوب فرمودند.

با حضور نماینده رهبری، اقداماتی در جهت اصلاح مسیر حرکت بنیاد که مورد تشکیک بود (مثل اجاره خانه‌های خالی مردم بدون اجازه مالکان و مواردی مثل این) انجام شد. در این دوره بیشتر تلاش بنیاد متوجه فعالیت‌های عمرانی (← عمران روستایی در ایران) و بهسازی روستایی (← بهسازی روستایی) بود و اقدامات قبلی، از جمله توزیع زمین، تعیین قیمت و اجاره مسکن، از دستور کار بنیاد خارج شد. در کنار محرومیت‌زدایی از طریق تشکیل هیئتهای ۷ نفره و تأسیس جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی)، بنیاد مسکن نیز به آبادانی و بهسازی روستاها اقدام کرد.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، در بدو فعالیت خود از ۵ واحد سازمانی: تحقیق، واگذاری، فنی، شهرستانها و مالی تشکیل شده بود.

به‌طورکلی فعالیت‌های بنیاد در این دوره را می‌توان در ۵

قابل ملاحظه اعتبارات عمرانی)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی علاوه بر تلاش در جهت تحقق هدف اولیه، به دنبال تحقق اهداف دیگری نیز در حوزه توسعه و عمران روستایی کشور بوده است که اهم این اهداف به شرح ذیل است: احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی؛ حفظ هویت معماری بومی مسکن روستایی؛ بهسازی محیط زیست روستاها؛ هدایت وضعیت فیزیکی روستاها؛ حفاظت، احیاء و مرمت بافتی و کالبد روستایی؛ پی ریزی نظام استقرار مناسب سکونتگاههای روستایی؛ و ساماندهی حدود مالکیت اراضی محدوده بافت مسکونی روستاها.

از جمله فعالیتها و اقدامات صورت گرفته در این دوره در زمینه نوسازی ساختار اداری، ایجاد مراکز و سازمانهای تابعه بنیاد بوده است که عبارتند از: سازمان توسعه مسکن ایران، بنیاد بتون ایران؛ بانک ماشین آلات؛ و مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران.

وظایف

در چارچوب اهداف بنیاد مسکن، وظایفی برای آن در حوزه توسعه و عمران روستایی تعریف شده است. با توجه به تحولات به وقوع پیوسته در حوزه توسعه و عمران روستایی از نگاه برنامه‌ای و گسترش توانمندیهای سازمانی بنیاد، وظایف دیگری نیز در طول برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (به‌ویژه برنامه سوم توسعه) برعهده این نهاد گذاشته شده است. این وظایف به قرار زیر است:

مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندیهای مسکن محرومان اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت، همکاری و خودیاری مردم و دستگاههای مختلف؛

تهیه طرح مجتمعهای زیستی و واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اجرای آنها به‌طور مستقیم یا با مشارکت مردم یا با همکاری و هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط در روستا و شهر؛

تهیه زمین مورد نیاز طرحها و پروژه‌های بنیاد و آماده‌سازی آنها؛

از این رو، بنیاد اقدام به احداث کارگاههای تولید مصالح ساختمانی، هرچند به شکل کارگاهی و سنتی نمود و سپس به سمت واحدهای بزرگ‌تر و صنعتی تولید مصالح روی آورد و حوزه معاونت تولید مصالح به معاونت امور تولیدی در ۱۳۶۶ش تغییر یافت.

دوره سازندگی و پایداری (از ۱۳۶۷ ش تا کنون)

این دوره با تصویب اساسنامه بنیاد در آذر ۱۳۶۶ش آغاز شد. طبق این اساسنامه قانونی، وظایف و اهداف بنیاد عبارت بودند از:

تأمین مسکن محرومان به‌ویژه روستائیان؛

مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندیهای مسکن محرومان اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت، همکاری و خودیاری مردم و دستگاههای مختلف؛

تهیه طرح مجتمعهای زیستی و واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اجرای آنها؛

تهیه و آماده‌سازی زمین (← آماده سازی زمین) مورد نیاز طرحها و پروژه‌های بنیاد؛ کمک به تأمین مصالح ساختمانی کشور از طریق تولید، تهیه و توزیع؛

نظارت بر پرداخت و مصرف وامهای قرض‌الحسنه مسکن روستایی و ارزان‌قیمت شهری تأمین شده از محل منابع مالی و سیستم بانکی کشور؛

تهیه طرحهای هادی و اصلاح معابر روستایی، با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط و اجرای آن با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب و اگذاری دولت؛ و

تهیه و ارائه طرحهای لازم برای بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی و اجرای آنها با مشارکت مردم و هماهنگی با سازمانها و ارگانهای ذی‌ربط.

در این دوره، با تثبیت جایگاه قانونی بنیاد در حوزه توسعه و عمران روستایی کشور و تحولات رخ داده در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ش (به‌ویژه جایگاه مستقل توسعه و عمران روستاها در فصول برنامه‌های توسعه و تخصیص

منابع اعتباری

بودجه و امکانات و منابع مالی بنیاد از طرق زیر تأمین می‌شود:

حساب ۱۰۰ حضرت امام (ره)؛

کمکهای نقدی و غیرنقدی از قبیل زمین، مستغلات، مصالح ساختمانی و غیره که از مردم، دولت و سایر نهادها و دستگاهها به بنیاد واگذار می‌شود؛

کمکهای بلاعوض بنیاد مستضعفان که صرفاً برای تأمین مسکن فقرا و محرومان صرف می‌شود؛

کمکهای دولت که در بودجه سالیانه کل کشور منظور می‌شود؛ و

درآمدهای حاصل از فروش مصالح تولیدی و کارگاهها و کارخانه‌های متعلق به بنیاد و توزیع مصالح ساختمانی و ارائه خدمات فنی.

سازمان و تشکیلات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

با توجه به وظایف محوله، بنیاد مسکن از بدو تأسیس تاکنون تشکیلات متعددی داشته است. تشکیلات اولیه به ترتیب در سالهای ۱۳۷۲ش و ۱۳۸۲ش مورد بازنگری قرار گرفت. تغییراتی نیز پس از ۱۳۸۲ش صورت گرفت.

به‌طورکلی، ساختار کلان سازمانی بنیاد مسکن از ۳ بخش اصلی تشکیل شده است که شامل ستاد مرکزی، ستاد مرکزی واحدهای استانی، ستاد بنیاد مسکن شهرستان (شعب) است.

بنیاد مسکن به‌منظور فراهم نمودن بحث و تبادل نظر و نشر آراء و افکار دست‌اندرکاران توسعه و عمران کشور و انتقال تجربیات داخلی و خارجی و بهره‌گیری از آنها اقدام به چاپ نشریه‌ای با نام/یثار نمود. سپس نشریه مسکن و /تقلاب با هدف انتشار اخبار و اطلاعات داخلی جایگزین نشریه/یثار گردید. علاوه‌براین، ۲ نشریه به نامهای خبرنگار و فصلنامه مسکن و /تقلاب توسط این بنیاد منتشر می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته. تهران: انتشارات بنیاد مسکن

کمک در جهت تأمین مصالح ساختمانی کشور از طریق تولید، تهیه و توزیع؛

نظارت بر پرداخت و مصرف وامهای قرض‌الحسنه مسکن روستایی و ارزان‌قیمت شهری که از محل منابع مالی و سیستم بانکی کشور تأمین می‌شود؛

تهیه طرحهای هادی و اصلاح معابر در روستاها، با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط و اجرای آن با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت؛

تهیه و اجرای طرحهای لازم برای بازسازی و نوسازی مناطق مسکونی روستایی آسیب‌دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی و اجرای آن با مشارکت مردم و هماهنگی با سازمانها و ارگانهای ذی‌ربط؛

تهیه و اجرای طرحهای بهسازی بافت با ارزش روستایی؛

تهیه طرحهای ساماندهی کالبدی سکونتگاههای روستایی؛

صدور اسناد مالکیت روستایی؛ و

تملك و واگذاری اراضی روستایی.

ساختار مدیریتی بنیاد مسکن

امام(ره) طی فرمان تأسیس بنیاد مقرر فرمودند، هیئتی مرکب از حداقل ۳ نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه‌سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت عهده‌دار مدیریت احداث مسکن محرومان باشند. براین اساس، مجلس شورای اسلامی در ماده ۱۰ اساسنامه بنیاد شورای مرکزی آن را به‌مثابه عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری، متشکل از ۵ نفر به‌ترتیب زیر تعیین کرده است:

یک نفر روحانی (نماینده مقام معظم رهبری)؛ نماینده دولت (وزیر مسکن و شهرسازی)، ۳ نفر از مهندسان و کارشناسان ساختمان و شهرسازی به انتخاب ۲ نفر مذکور.

شورا، سرپرست یا بالاترین مقام اجرایی بنیاد را از میان اعضای شورای مرکزی انتخاب می‌کند که او به حکم رئیس شورا به انجام وظیفه می‌پردازد. اساسنامه، انتخاب مجدد رئیس بنیاد را بلامانع دانسته است. عزل ریاست بنیاد نیاز به تصویب شورای مرکزی (با حداقل ۳ رأی) دارد.

بوم‌شناسی شهری

مطالعات سنتی بوم‌شناسی شهری بیشتر در ۳ عرصه اصلی به انجام می‌رسند:

پذیرش مفاهیم بوم‌شناسی جانوری و گیاهی در بررسی اجتماع انسانی؛

توصیف تفصیلی نواحی طبیعی شهرها؛ و

پژوهشهای جغرافیایی مسائل اجتماعی در قالب همان نواحی طبیعی.

براین مبنا، اصطلاح بوم‌شناسی بدان دلیل به کار می‌رود که عناصر منفرد را در قالب کلیت اجتماع محلی خود مورد بررسی قرار می‌دهند.

بوم‌شناسی شهری از ۱۹۴۵م رو به گسترش نهاده است. هسته اصلی مطالعات آن، هم از آغاز، شالوده شهر را به مثابه کانون تمرکز شمار زیادی از مردم در فضاهای نسبتاً کوچک بشمار می‌آورد. براین اساس، این علم کلیت محیط شهری را به صورت نظام زیستی شهرنشینان در نظر می‌گیرد و هدف اصلی از مطالعات آن، کشف و درک چگونگی ساماندهی نحوه سازگاری شهروندان با محیطی دائماً در حال تغییر و درعین حال، محدود است. در این چارچوب، سازگاری با محیط، نه به مثابه رقابت بین انسان و محیط، بلکه پدیده‌ای عام بشمار می‌آید که براساس روابط فیما بین انسان و محیط، برای بقا به انجام می‌رسد.

امروزه، کارشناسان این علم معتقدند، شهرها اندامواره‌های حساسی هستند. سلامت آنها و سلامتی و رفاه شهروندان در اصل، به کارکرد و سازگاری نظامهای متعدد همبسته‌ای وابسته است که کم‌وکیف نیرو (انرژی)، سرمایه مادی و انسانی را در سراسر شهر و ورای آن کنترل می‌کنند. ازاین‌رو، بوم‌شناسی شهری با تلفیق پژوهشهای ناب نظری و کاربردی، به بررسی ساختار و کارکردهای نواحی شهری به‌مثابه فضاهای زیستی، اکوسیستمها و چشم‌اندازها می‌پردازد. بدینسان، بررسیهای بوم‌شناسی شهری، بر شناسایی روابط متقابل جوامع زیستی و محیط شهری تأکید می‌ورزند و هدف اصلی از آنها، دستیابی به تعادل میان فرهنگ انسانی و محیط طبیعی است. در این رویکرد، ساختار فضایی شهرها را با بهره‌گیری از چارچوب عام بوم‌شناختی می‌سنجند؛ برای این منظور، ۴ معیار علی

انقلاب اسلامی ۱۳۷۸.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی*. تهران: نشر شریف، ۱۳۸۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *شرح خدمات طرح ساماندهی کالبدی سکونتگاههای روستایی*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *شرح خدمات طرح بهسازی بافت باارزش روستایی*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *تشریح فعالیتهای بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *منشور اهداف طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی*. تهران: انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی*. معاونت عمران روستایی، شهریور ۱۳۸۵.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. *شرح خدمات طرح هادی روستایی*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴.

- قوه قضائیه جمهوری اسلامی، *روزنامه رسمی*. شماره ۱۲۵/۳-۱۳۶۶/۱۱/۴.

- وزارت مسکن شهرسازی، «*چهار سال... چهار گام...*»، دفتر وزیر مسکن و شهرسازی، مرداد ماه ۱۳۷۶.

فرهاد عزیزپور

صدیقه حسینی حاصل

بوروکراسی ← دیوانسالاری

بوم‌شناسی شهری

Urban Ecology

بررسی الگوهای تکوین و توسعه شهری با تأکید بر شالوده‌های محیط طبیعی. دانش بوم‌شناسی که در زبانهای اروپایی بر معنای واژه *eco*، برگرفته از واژه یونانی *oikos*، به معنای موطن، بوم و خانوار، استوار است، مطالعه روابط اندامواره‌های زنده با یکدیگر و با محیط طبیعی و زیستی خود تعریف می‌شود. براین اساس، بوم‌شناسی شهری، بخشی از مطالعات جغرافیایی و جامعه‌شناختی است که به بررسی سازمان فضایی و ساختار درونی جوامع شهری می‌پردازد. بعضی بوم‌شناسی شهری را مترادف بوم‌شناسی انسانی بشمار می‌آورند. به هر تقدیر، این علم، در اصل، ریشه در مفاهیم و رویکردهای مکتب شیکاگو دارد. براین اساس،

کتاب‌شناسی:

- Berry, B.J.L. & Kasarda, J.D. *Contemporary Urban Ecology*. New York-London: MacMillan, ۱۹۷۷.
- *Ecology*. Brenste, J.; Feldmann, H. and Uhlmann, O. (eds), Berlin: Springer Verlag, ۱۹۹۸.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Dalal-Clayton, Barry & Sadler, B. *Strategic Environmental Assessment: A Rapidly Evolving Approach*. IIED, Environmental Planning Issues No. ۱۸, ۱۹۹۹.
- Geraghty, P.; Brown, A. and Horton, F. *The Use of Guidance Materials for the Preparation of Environmental Impact Assessments*. International Association for Impact Assessment. ۱۶th Annual General Meeting Paper. Portugal, ۱۹۹۶.
- Johnston, R.J. & et al (eds). *The Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.
- ODA. *Manual of Environmental Appraisal*. Overseas Development Administration. Revised July ۱۹۹۶.
- UNEP. *Environmental Impact Assessment: Issues, Trends and Practice*. Nairobi: Environment and Economics Unit, ۱۹۹۶.

مصطفی مؤمنی

بهداشت شهری

Urban Health

بهداشت شهری شامل تلاش‌های فردی و عمومی (دولتی) افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمانها برای تأمین، حفظ و ارتقاء سلامتی در شهرهاست. در بهداشت شهری، بر نقش و تأثیر محیط شهری بر سلامت شهروندان و تنوع و به هم پیوستگی عناصر متعدد زندگی شهری تأکید می‌شود. شهرها بسیار پیچیده هستند و تغییرات در یک قسمت شهر، به پیامدهای ناخواسته در بخشهای دیگر منتهی می‌شود. بهداشت و سلامتی انسان نیز محصول عوامل بسیاری است

هم‌پیوند که از نظر کارکردی در کنش متقابل قرار دارند، به شرح زیر، در نظر گرفته می‌شوند:

گروه هماهنگ کارکردی؛

سازمان‌پذیری (روابط اجتماعی و اقتصادی حاکم در درون گروه)؛

محیط (اثرات محیط طبیعی بر گروه)؛ و

فناوری (ابزار و فنون مورد استفاده گروه در تأمین نیازها و سازماندهی امور خود).

البته، اگر شکل شهر را در نظر گیریم، به سختی می‌توان تنها به ویژگیهای ظاهری آن بسنده کرد: یک شهر - در عمل - مکانی کالبدی و علاوه بر آن، شبکه‌ای از روابط است. هرچند نظامهای محیطی و اجتماعی، آشکارا، در طیفی بینابینی، متشکل از محیطهای انسان‌ساخت، طبیعی و اجتماعی عمل می‌کنند، بسیاری از عرصه‌های آنها ممکن است به‌عنوان اجزای مستقل، طراحی، مدیریت و بهینه‌سازی شده باشند. در نتیجه، در حال حاضر تعارض میان این نظامها، سلامتی کل اندامواره شهری را تهدید می‌کند. بدین ترتیب، بسیاری از مشکلات مبتلا به مراکز شهری را نمی‌توان در چارچوب یک علم منفرد به‌درستی تبیین نمود. بنابراین، هدف اصلی از بوم‌شناسی شهری همراه با مشارکت علوم مرتبط، عبارت است از کشف نحوه پیوند این نظامها و بدینسان، چگونگی نقش‌پذیری هریک از آنها در گرایشهای مدیریتی. بدینسان، بوم‌شناسی شهری تنها به وجهی بینارشته‌ای قابلیت کاربرد دارد.

نحوه مفهوم‌سازی و نگرشهای حاکم در این دانش مورد انتقاد برخی از کارشناسان است؛ از جمله این انتقادات این است که در این‌گونه برخورد با مسائل شهری، جایگاه ارزشها، تمایلات، گرایشها و نحوه و روند/انتخاب آحاد انسانی (شهروندیان) به‌درستی تبیین نمی‌شود. البته، مطالعات بوم‌شناسی شهری هنوز مورد توجه بعضی کارشناسان مطالعات شهری است، هرچند این علم نیازمند کار بیشتر در برخی عرصه‌های موضوعی شهری، از جمله الگوهای تحول جمعیتی است. البته عرصه مطالعات این علم، جزء موضوعات اصلی بررسیهای نوین جغرافیایی و جامعه‌شناختی بشمار نمی‌رود.



برای تأمین بهداشت شهری ابتدا باید معضلات و مشکلات بهداشتی و شیوع آنها در بین جمعیت‌های مختلف شناسایی شوند و سپس، براساس مؤلفه‌های بهداشت محیط، خدمات در مجموعه شهری تأمین گردد. در قالب مفهوم بوم‌شناختی، سلامتی، تعادل پویا بین انسان و محیط زیست است. بنابراین، تغییر شرایط شهر از حالت معمولی و طبیعی، بر سلامت انسان تأثیر می‌گذارد.

براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامتی عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط بیمار یا معلول نبودن. بنابراین، فردی که در اجتماعی زندگی می‌کند که میزان اعتیاد به مواد مخدر یا مرگ و میر و وقوع حوادث و سوانح بیش از حد مجاز است، نمی‌تواند خود را سالم بداند. بدین ترتیب، شهر باید شرایطی داشته باشد که ضمن حفظ سلامت فرد از جنبه‌های گوناگون، برای بیماران و معلولان نیز امکانات و تسهیلات لازم را فراهم کند.

عوامل زیست‌محیطی از قبیل آب، مسکن، هوا، شاخصهای اجتماعی - اقتصادی، مانند درآمدسرانه، سطح آموزش، تغذیه، اشتغال، نظام سیاسی کشور و نحوه عرضه خدمات بهداشتی و بهداشتی، در تأمین بهداشت شهری دخالت دارند. اجزای زیست‌محیطی کاملاً مجزا از هم نیستند، بلکه چنان در یکدیگر تنیده‌اند که واقع‌بینانه‌تر آن است که محیط زیست به عنوان عاملی اثرگذار بر بهداشت شهری به صورت کلی و جامع در نظر گرفته شود. اگر

که با یکدیگر در کنش متقابل هستند و در صورت تغییر یکی، سایر عوامل نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. وضعیت بهداشتی شهرها به صورت مجزا از تراکم و اندازه جمعیت، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، پیشرفت فناوری و رشد توقعات و انتظارات عمومی قابل تصور نیست.

هدف از بهداشت شهری، جلوگیری از بروز بیماریهای واگیر از طریق بهسازی محیط و واکسیناسیون، افزایش طول عمر، ارتقاء سطح سلامتی و حداکثر استفاده از توان جسمانی و روحی افراد در راه پیشرفت جامعه است. ازدحام، آلودگی هوا و صنعتی شدن اثرات نامطلوبی بر ابعاد زیستی، روانی، جسمانی و اجتماعی افراد دارد. در گذشته، خطر بیماریهای عفونی و انگلی بیشتر شهرها را تهدید می‌کرد، اما امروز با پیشرفت جوامع و بهبود وضع محیطی شهرها، خطر این بیماریها کاهش یافته، در عوض خطر بیماریهای غیرواگیر، از جمله بیماریهای قلبی، عروقی، سرطانات، سوانح و تصادفات و اختلالات روانی افزایش یافته است که در مدیریت هر شهر، علاوه بر آموزش بهداشت برای ترویج رفتارها و عادات صحیح بهداشتی و تغذیه‌ای، باید راهکارهای مناسبی برای کاهش این خطرات اندیشیده شود. شهرها از نظر صنعتی توسعه یافته‌تر از مناطق روستایی‌اند. این موقعیت بر سلامت اثر مثبت و منفی دارد؛ چنانچه توسعه صنعتی، منابع و امکانات بیشتری را برای برنامه‌های بهداشتی فراهم می‌کند، اما از سوی دیگر، باعث آلودگی محیطی و بیماریهای شغلی می‌شود.

بهداشتی و عدم مراقبتهای پزشکی حساس ترند. میزان مرگ و میر شیرخواران به طور مستقیم و غیرمستقیم، با کیفیت محیط شهری (کیفیت آب آشامیدنی، آلودگی هوا و مانند آن) و اکسیدکننده‌های فتوشیمیایی، به ویژه ازون، ارتباط دارد. شواهدی دال بر افزایش آزادسازی پیش‌سازهای ازون از قبیل نیتروژن دیوکسید، ترکیبات آلی فرار متان و منوکسیدکربن وجود دارد که اثرات ناخوشایندی بر سلامتی انسان و بوم‌سامانه‌ها (محصولات کشاورزی، جنگل و سایر گیاهان) دارد.

ترکیب جمعیتی

مشخصات جمعیت‌شناختی افرادی که در شهری معین یا در اطراف آن در زمان خاص زندگی می‌کنند، منعکس‌کننده رویکرد تاریخی، الگوی باروری و میزان مهاجرت است. شاخصه‌های جمعیتی، از قبیل سن، جنس، وضعیت ژنتیکی، باورهای بهداشتی و نگرشهای فرهنگی، وضعیت بهداشت و سلامتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. معمولاً تنوع در جمعیت شهری باعث می‌شود که الگوی ژنتیکی خاصی در شهر غالب نباشد و با گذشت زمان، تغییراتی در ترکیب جمعیتی شهرها متعاقب روند شهرنشینی، مهاجرت، سالمندی و کاهش باروری رخ دهد و بر سلامت افراد تأثیر گذارد.

محیط کالبدی

دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهسازی محیط، دفع صحیح فاضلاب و جمع‌آوری زباله، عدم آلودگی صوتی و هوای سالم از شاخصه‌های مربوط به محیط کالبدی‌اند که در مناطق شهری دارای اهمیت بسزایی هستند. انجام امور مربوط به این موارد از اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ م در شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، منجر به کاهش بیماریهای عفونی و مرگ و میر ناشی از آنها شده است. اما کشورهای درحال توسعه هنوز درگیر حل معضلات مربوط به آن عوامل هستند. به‌ویژه محل دفن مواد زائد خطرناک اغلب در حاشیه شهرها و نزدیک به مناطق شهری است و در این مناطق، تولد کودکان کم وزن، نواقص مادرزادی، شیوع

محیط زیست شهری مساعد باشد، فرد می‌تواند از حداکثر تواناییهای جسمی و روانی خود استفاده نماید.

شهر مجموعه‌ای از اجزای گوناگون از قبیل فرد، خانواده، محل سکونت، مدرسه، مراکز بهداشتی، درمانی، خیابانها و اماکن عمومی، مراکز تفریحی و امنیتی است. با توجه به اجزاء گسترده شهر، رعایت نکات بهداشتی در همه اجزاء آن ضروری است. برای حفظ و ایجاد بهداشت شهری فعالیتهای زیر اهمیت دارد:

بهداشت محیط؛

آموزش بهداشت؛

بهداشت شغلی؛

بهداشت خانواده؛

بهداشت مدارس؛

کنترل سوانح و حوادث؛ و

کنترل بیماریهای حاد و واگیر.

عوامل مؤثر بر بهداشت شهری

پیشرفتهای بسیاری در زمینه بهداشت در سطح جهان در سده ۲۰م ایجاد شده است. بیماریهای حاد و مرگ زودرس به علت بیماریهای عفونی به حالات و بیماریهای مزمن و ناتوان کننده تغییر شکل داده و یا سیمای بیماریها با بروز بیماریهای نوپدید، مثل ایدز و یا بازپدید، مثل سل و مالاریا تا حدود زیادی تغییر یافته است. بیماریهای جدید، به علت واگیر بودن، کیفیت سلامت و زندگی بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مدیریت بهداشت شهری باید طی روندی منظم، مشکلات بهداشتی و نیازهای مغفول‌مانده شهر مشخص شود و سپس، با تحقیق در منابع موجود، برای تأمین این نیازها تصمیم‌گیری شود و پس از تدوین اهداف واقعی و اصلی، راهکارهای مناسب برای دستیابی به آن اهداف تنظیم گردد. هزینه‌های مراقبت بهداشتی بستگی به وضعیت محیطی، اقتصادی و اجتماعی شهر دارد. توسعه سطح سلامتی شهروندان و محیط شهری برای رشد سریع اقتصادی ضروری است و میزان مرگ و میر شیرخواران یکی از شاخصهای تعیین کننده وضعیت بهداشتی شهری است، زیرا کودکان کم سن و سال در برابر شرایط غیر

می‌دهد. بنابراین، محل سکونت و ساختمان باید متناسب با نیازهای فرهنگی، خانوادگی، روانی و بهداشتی افراد باشد و نور کافی و فضای لازم را برای افراد فراهم کند. وضعیت کالبدی شهر از نظر زلزله خیزی، سیل، جابه‌جایی زمین، آتش‌سوزی و حوادث صنعتی از سایر عوامل تأثیرگذار بر وضع سلامتی افراد است.

محیط اجتماعی

فاکتورهای اجتماعی در اثرکنش متقابل افراد و گروهها در جامعه به وجود می‌آیند؛ برای نمونه می‌توان به بیماریهای مرتبط با استرس (تنش) اشاره کرد که در بین ساکنان شهری بیش از افرادی است که در روستا زندگی می‌کنند. محیط اجتماعی از طریق فراهم کردن امکانات برای دستیابی به آرمانها و خدمات مؤثر، از قبیل مسکن، تغذیه و مراقبت بهداشتی، بر سلامتی و بهداشت شهری تأثیرگذار است. محیط می‌تواند باعث تقویت سلامتی یا آسیب به آن شود. در بدنه هر شهری مشکلات و معضلات واحدی وجود دارند که با ارائه مناسب خدمات بهداشتی، به‌ویژه در بین اقشار فقیر جامعه، می‌توان از بروز بسیاری از معضلات و بیماریها جلوگیری کرد و یا آنها را مهار نمود.

کتاب‌شناسی:

- آقا ملایی، تیمور. *اصول کلیات خدمات بهداشتی*، چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشاراتی اندیشه رفیع، ۱۳۸۴.
- امیریگی، حسن. *اصول بهداشت محیط*. تهران: مؤسسه انتشاراتی اندیشه رفیع، ۱۳۸۳.
- مرندی، علیرضا [و همکاران]. *سلامت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: یونیسف، ۱۳۷۷.
- Barondess, Jeremiah. "The health of Cities", *Journal of Urban Health*, ۷۵(۲), ۱۹۹۸.
- Boadi, Kwasi; et al. "Urbanisation Without Development: Environmental and Health Implications in African Cities". *Environment, Development and Sustainability*, ۷: ۴۶۵-۵۰۰, ۲۰۰۵.
- *Encyclopedia of Public Health*, "Urban Health", ۲۰۰۸.
- Eyong Charles T.; et al. "Assessment of the Hygiene and Sanitation Campaign in Cameroon", *Environment, Development and Sustainability*, ۴: ۳۹۱-۴۰۲, ۲۰۰۲.
- Freudenberg, Nicholas. *Jails, "Prisons and the Health of*

بیماریهای عفونی و سرطانیها بیشتر است.

تدارک آب سالم قطعاً برای حیات و حفظ و تأمین سلامتی ضروری است. اکنون ۱/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان یا به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند، یا مجبورند هزینه گزافی برای آن بپردازند. تأمین آب سالم باعث کاهش بیماریهای منتقله از طریق آب (مانند حصبه، اسهال، وبا و ...) می‌شود و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد.

هوای تمیز و سالم در حفظ تندرستی افراد نقش بسزایی دارد. هوا از طریق احتراق مواد فسیلی در منازل و کارخانه‌ها، اتومبیلها، گردوغبارهای صنعتی و غیرصنعتی آلوده می‌شود. ذرات کمتر از ۵ میکرون وارد کیسه‌های هوای شش شده و اثرات سویی بر ریه و بدن برجا می‌گذارند.

در کشورهای در حال توسعه بحرانهای کیفیت هوا اغلب در مقادیر عمده (۴۰ تا ۸۰٪) ناشی از وسایل حمل‌ونقل است، زیرا آنها منابع آزاد کننده منوکسیدکربن (CO)، ازون (O₃)، مواد سمی و ذرات معلق هستند که از عوامل ایجاد کننده اختلال در سلامتی‌اند.

بیماریهای حاد ریوی، از قبیل آسم، التهاب مزمن نایژه‌ها و حساسیت در شهرها بیشتر از مناطق روستایی است و توسعه فضای سبز در شهرها، انتقال مراکز صنعتی به خارج از شهرها، توسعه شبکه حمل‌ونقل سالم شهری و بهینه‌سازی مصرف سوختهای فسیلی، از راهکارهای مناسب سالم‌سازی هوای شهری است.

میزان، موقعیت و کیفیت فضای سبز در کیفیت محیط شهری تأثیر می‌گذارد. فضای سبز فرصتهای خلق مجدد اکسیژن را فراهم می‌کند و در زیبای‌سازی محیط دخیل است. فضای سبز شهری همچنین از نظر تنوع‌زیستی اهمیت دارند و زیستگاهی را برای برخی گونه‌های جانوری و گیاهی تأمین می‌کند.

آلودگی صوتی یکی از مشکلات متداول شهری است که با نواقص شنوایی، افزایش فشارخون، بیماریهای قلبی و عروقی و تنش همراه است. وضعیت محیط نیز بر سلامت افراد مؤثر است. فضای کم و شلوغ یا سکونت در مناطق موقت و ناامن نیز وضعیت سلامتی را تحت‌الشعاع قرار

Urban Populations”, *Journal of Urban Health*, ۷۸(۲): ۲۱۴-۲۳۵, ۲۰۰۶.

- Ghose, Mrinal K.; et al. “Assessment of the status of Urban air pollution and its impact on human Health in the city of kolkata”, *Environmental monitoring and Assessment*, ۱۰۸: ۱۵۱-۱۶۷, ۲۰۰۵.
- Glouberman, S.; et al. “A framework for improving Health in Cities,” *Journal of Urban Health*, ۸۳(۲): ۳۲۵-۳۳۶, ۲۰۰۶.
- Martinez, Javier. “Trends in Urban and Slum indicators across developing World Cities, ۱۹۹۰-۲۰۰۳,” *Habitat International*, ۳۲: ۸۶-۱۰۸, ۲۰۰۸.
- Vahov, D.; et al. “Urban as adeterminant of Health,” *Journal of Urban Health*, ۸۴(۱): i۱۶-i۲۵, ۲۰۰۷.
- Vlahov, David; and Galea, Sandro. “Urbanization, Urbanicity and Health,” *Journal of Urban Health*, ۷۹(۴), Supplement S, S۱۱, ۲۰۰۷.
- W.A.R “city”. *Encyclopaedia Britannica*. Ultimate reference Suite. Chicago, ۲۰۰۷.
- <http://www.enotes.com/public-health-encyclopedia>

علی احسان حیدری

بهره‌برداری کشاورزی، نظام

Farming System

نظام بهره‌برداری کشاورزی مجموعه‌ای به هم پیوسته از عناصر و شیوه‌های رسمی و عرفی در فراهم‌آوری، کاربرد منابع و عوامل تولید است که در چارچوب مقیاس، فنآوری، سازمان کار و مناسبات اجتماعی معین، به‌منظور دستیابی به محصول، مبادله و عرضه و مصرف در یک قلمرو جغرافیایی شکل می‌گیرد.

نظامهای بهره‌برداری کشاورزی به اعتبار تحول‌پذیری اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده آنها، پدیده‌هایی تاریخی‌اند؛ از این رو، نظامهای بهره‌برداری کشاورزی موجود را می‌توان به ۳ گروه اصلی تقسیم کرد:

نظامهای بهره‌برداری سنتی؛

نظامهای بهره‌برداری در حال گذار؛ و

نظامهای بهره‌برداری نوین.

هسته کانونی شناسایی نظامهای بهره‌برداری، مالکیت منابع و عوامل تولید، به‌ویژه آب و زمین است. نظام بهره‌برداری کشاورزی در دوره اربابی با حفظ چارچوب و موازین بنیادین خود، از تنوع زیادی برخوردار بود. در بعضی مناطق، گاوبندها عامل واسط میان ارباب و رعیت بودند و وظیفه سازماندهی رعایا و بهره‌برداری از منابع آب و زمین را برعهده داشتند. در برخی مناطق، این وظیفه مستقیماً بر دوش خود ارباب و یا مباشر وی قرار داشت. در این نظام، علاوه بر مالکیت اربابی، انواع دیگری از مالکیت ارضی وجود داشت که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از:

املاک سلطنتی؛

املاک موقوفه؛ و

زمینهای متعلق به خرده مالکان.

املاک سلطنتی و موقوفه، به مانند اراضی اربابی، به واسطه مباشران، ادارات ذی‌ربط و متولیان در چارچوب مزارعه و یا به صورت /جاره، به رعایا و در پاره‌ای موارد، به اشخاص با نفوذ محلی و رهبران ایلات واگذار می‌شد. در اراضی خرده مالکی، صاحب زمین خود مستقیماً در فرایند تولید حاضر بود و محصول نیز پس از کسر انواع رسومات، از آن او بود. یکی از تفاوت‌های مهم نظام ارباب رعیتی در ایران با فئودالیسم اروپایی، عدم سکونت اربابان (مالک غائب) در روستا بود. در ایران مالکان اغلب ساکن شهر بودند و درعین حال، به کارهای تجاری و یا اداری اشتغال داشتند. باین‌وجود، اربابان در روستاهای خوش آب‌وهوای خود معمولاً خانه‌ای و باغی داشتند که در فصل تابستان در خانه‌های ییلاقی خود اطراق می‌کردند. غیبت ارباب سبب می‌شد تا نقش و عملکرد مباشرین و کدخدایان در تنظیم روابط اهمیت بسیار بیابد.

به‌طورکلی، سهم رعایا از اراضی اربابی در چارچوب نسق‌بندی (← نسق) تعیین می‌شد. در این چارچوب، رعایا در نواحی خشک و کم‌آب ایران، در قالب گروههای مستقل زراعی و یا نظامهای تولید زراعی جمعی که در نقاط مختلف کشور به اسامی گوناگونی چون بنه، جفت، جوت، دانگ، صحرا، حراثه، سرکار، پاگاو، درکار و جز اینها

بهره‌برداری کشاورزی، نظام

عضویت در این شرکتها داشتن زمین زراعی در محدوده فعالیت شرکت تعاونی تولید بود. در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، برخلاف شرکت‌های سهامی زراعی، هر فرد دارای یک رأی بود و تفاوت اندازه زمین تأثیری در میزان رأی افراد نداشت.

مدیرعامل شرکت تعاونی تولید از سوی دولت برگزیده می‌شد، اما حقوق خود را از محل درآمدهای تعاونی دریافت می‌کرد. هم شرکت‌های تعاونی تولید و هم شرکت‌های سهامی زراعی، دارای دفاتر قانونی برای ثبت حسابها و حسابدار حرفه‌ای بودند.

مهم‌ترین اقدام این شرکتها، تسطیح، یکپارچه‌سازی اراضی و یکجاکشتی بود. به‌رغم دولتی بودن برنامه ایجاد شرکت‌های تعاونی تولید و سهامی زراعی و لرزان بودن پایه‌های مردمی آنها، این شرکتها تأثیرات مهمی بر فضای تولید کشاورزی در حوزه‌های روستایی تحت پوشش برجای نهادند.

همزمان با تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید و سهامی زراعی، و در ادامه اقدامات دولت برای ایجاد قطب‌های رشد، نظام بهره‌برداری تازه‌ای به نام کشت و صنعت آغاز شد. کشت و صنعتها که مجموعه‌ای از فعالیتهای کشاورزی و صنایع تبدیلی و تکمیلی را در قالب مدیریتی واحد گرد آورده بودند، با سرمایه خصوصی، دولتی و یا مختلط و نیز منابع داخلی و خارجی، در اراضی مستعد زیر سدهای مخزنی بزرگ ایجاد شدند. از ۱۳۴۷ش این شرکتها به‌تدریج در خوزستان، فارس، گیلان، اردبیل، خراسان، مازندران، گرگان و گنبد، تهران و زنجان تأسیس شدند که بسیاری از آنها، با برخی تغییرات در مالکیت، امروزه به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

هدف از تشکیل کشت و صنعتها، به‌عنوان گونه‌ای جدید از نظامهای بهره‌برداری کشاورزی، تغییر ساختار تولید کشاورزی، ارتقاء بهره‌وری عوامل و منابع تولید، به کارگیری فن‌آوریهای نوین، اجرای الگوهای کشت با تراکم بالا، کشت محصولات صنعتی، توسعه روشهای نوین آبیاری، ارتقاء مکانیزاسیون کشاورزی، هدایت سرمایه‌های مالی به بخش کشاورزی تولید برای بازارهای جهانی و

خوانده می‌شد، سازمان می‌یافتند.

تفاوت کیفیت (حاصلخیزی) و موقعیت زمینهای موجود در یک روستا، از یکسو و از سوی دیگر، ایجاد انگیزه در رعایا برای کار بر روی اراضی با کیفیت پایین‌تر و در موقعیتهای دورتر نسبت به بافت کالبدی روستا و منابع آب، موجب می‌شد تا اراضی واقع در محدوده هر روستا دسته‌بندی (صحرابندی) شود و براساس قرعه (پشک‌اندازی)، میان گروههای مستقل زراعی (بنه‌ها) توزیع گردد (← بنه). پشک‌اندازی گاه سالانه و گاه هر ۲ سال یکبار، و در مواردی حتی ۵-۷ سال یکبار تکرار می‌شد. به دلیل محدودیت آب و ضرورت رعایت تناوب زراعی، معمولاً زمین در اختیار هر بنه به ۳ قسمت (کشت‌خون) تقسیم می‌شد؛ ۲ قسمت از ۳ قسمت به آیش نهاده می‌شد و یک قسمت تحت کشت قرار می‌گرفت. معمولاً تعداد بنه‌ها با مدار گردش آب در ارتباط بود.

هوادارن مکتب نوسازی، با الگوبرداری از تجربیات جهانی، برای حل معضلات ناشی از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و به‌ویژه حل مسئله خردی و پراکندگی قطعات زراعی در واحدهای بهره‌برداری دهقانی (← یکپارچه‌سازی اراضی روستایی)، افزایش توان مدیریتی و به‌طورکلی، تسریع در فرایند گذار از نظامهای بهره‌برداری سنتی به نظامهای بهره‌برداری نوین، ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی و به‌دنبال آن، شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را پیشنهاد کردند و بدون فراهم کردن بسترهای اجتماعی- فرهنگی لازم، این برنامه‌ها را به اجرا درآوردند. بدینسان، شرکت‌های سهامی زراعی اغلب در دشتهای حاصلخیز تشکیل شدند و در مدت کوتاهی، با حمایت دولت، نسبت به تجهیز و تسطیح اراضی، احداث کانالهای آبیاری، خرید ماشین‌آلات کشاورزی و ساخت انبار و دفتر کار اقدام کردند.

همین‌گونه اقدامات در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی انجام گرفت. اعضای این شرکتها، در قالب گروههای کار مشخص، در اراضی زیر پوشش شرکت، براساس تقسیم کار مشخص فعالیت داشتند. تعاونیهای تولید دارای مجمع عمومی، مدیرعامل، هیئت مدیره و بازرس بودند. شرط

اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات قابل توجهی در نظامهای بهره‌برداری کشاورزی ایران رخ داد. مؤسسات کشاورزی متعلق به شرکتهای خارجی، ملی اعلام شد و در اختیار دولت قرار گرفت. املاک بسیاری از مالکان بزرگ، به‌ویژه مقامات لشگری و کشوری، براساس رأی دادگاههای



انقلاب اسلامی مصادره و یا توقیف گردید. برخی از مالکان اراضی خود را رها کرده و از کشور خارج شدند. مجموعه این اراضی به تناسب در اختیار نهادهای انقلابی، بانکها و دولت قرار گرفت و بخشی از زمینها، طی حرکات خودجوش، به تصرف روستائیان درآمد.

اراضی وقفی که در جریان اصلاحات ارضی به رعایا واگذار شده بود، دوباره به ادارات اوقاف و صاحبان وقف بازگردانده شد و کلیه اسناد مالکیت صادره ملغی گردید و به این ترتیب، بار دیگر کشاورزان به اجاره‌دار اوقاف بدل شدند.

هیئتهای ۷ نفری واگذاری زمین که در سراسر کشور براساس مصوبه سال ۱۳۵۸ش شورای انقلاب، عهده‌دار واگذاری و احیاء اراضی کشاورزی شده بودند، مجموعه متنوعی از زمینهای دائر، بایر، موات و منابع ملی را در اختیار گرفتند و با هدف احیاء روحیه کار جمعی و همیاریهای تولیدی، اراضی را در قالب واحدهای تولیدی مشاع به کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین، و متقاضیان صاحب صلاحیت واگذار کردند. براساس آمارهای رسمی، این هیئتها حدود ۷۰۰ هزار هکتار زمین را طی یک‌دوره ۱۵

افزایش سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی بود. متأثر از فعالیت نظامهای بهره‌برداری نوین، مانند سهامی زراعی، تعاونیهای تولید، کشت و صنعتها، شرکتهای تجاری کشاورزی، همچنین فعالیت اجاره‌کاران قمی، اصفهانی و یزدی در پاره‌ای از نقاط کشور، در کنار تلاش دولت برای توسعه، ترویج و آموزش کشاورزی نوین در جوامع روستایی در بستر گسترش مناسبات سرمایه‌داری و توسعه بازار محصولات کشاورزی، واحدهای بهره‌برداری دهقانی نیز به مرور برخی از ویژگیهای سنتی خود را با ویژگیهای نوین جایگزین کردند. نمونه بارز این تغییرات، رواج کم‌وبیش مصرف انواع بذر، سم و کود شیمیایی، استفاده از تراکتور و برخی ادوات ماشینی، بهره‌برداری از چاه عمیق، استفاده از منابع مالی مؤسسات رسمی اعتباری و بانکها، و از همه مهم‌تر، عرضه روزافزون بخشی از محصولات تولیدی به بازارهای ملی بود.

در فاصله زمانی اجرای اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ش) تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش)، انواع نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران عبارت بودند از:

نظام بهره‌برداری دهقانی؛

نظام بهره‌برداری سهم‌بری (تلمبه‌کاری و...)

نظام بهره‌برداری اجاره‌کاری؛

مزارع بزرگ مالکی؛

شرکتها و مؤسسات کشاورزی (خصوصی و دولتی)؛

شرکتهای سهامی زراعی؛

شرکتهای تعاونی تولید روستایی؛ و

شرکتهای کشت و صنعت (دولتی، خصوصی، داخلی، خارجی و مختلط).

این تقسیم‌بندی با توجه به معیارهای مقیاس اقتصادی، به‌ویژه اندازه زمین، نوع مالکیت، منابع تولید، نوع تصرف منابع و عوامل تولید، مدیریت و سازماندهی نیروی کار، فناوری مورد استفاده، نوع فعالیت و محصولات تولیدی، هدف تولید و نحوه توزیع ستانده‌های نظام میان عوامل و منابع شرکت‌کننده در فرایند تولید، صورت گرفته است.

نظامهای بهره‌برداری کشاورزی پس از انقلاب

بهره‌برداری کشاورزی، نظام

ستی نهاد. معضلات ساختاری ناشی از مقیاس نامناسب اقتصادی، متأثر از کوچکی اندازه زمین، پراکندگی قطعات زراعی و ضعف توان مالی، بیش از گذشته، نظام دهقانی ایران را تهدید می‌کند و مانع از کارایی قابل قبول آن از منظر اقتصادی و زیست‌محیطی گردیده است.

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. *مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه سازمان ملل متحد، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه، ۱۳۵۲.
- انوشیروانی، احمد و طه، مهدی. «شرکتهای تعاونی تولید روستایی مروری بر پیشینه و نگاهی به مسائل و مشکلات»، *فصلنامه پژوهشی اقتصاد و توسعه کشاورزی*. سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- پطروشفسکی. *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن ۱۳ و ۱۴)*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.
- دورنر، پتر و کریمی، احمد. *اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ساعدلو، هوشنگ. *مسائل کشاورزی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- لمبتون، اک. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۵.
- شولتز، تئودور، نوری نائینی، سید محمد. *گذر از کشاورزی سنتی*. تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.
- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای تولید زراعی جمعی، بنه قبل و بعد از اصلاحات ارضی*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
- عجمی، اسماعیل. *ششدانگی، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی*. *فصلی تازه درباره اصلاحات ارضی و تحول نظام زراعی ایران*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶.
- فرهادی، مرتضی. *فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- معاونت فنی و مهندسی. *مطالعه و بررسی مقدماتی نظامها و شیوه‌های تولید در مناطق روستایی ایران*. تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۴.
- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۶۳.

کاوه معصومی

ساله واگذار کردند. مشاعهای تشکیل شده می‌توانستند، با حمایت دولت، از نظام بانکی وام دریافت کنند و انواع مجوزهای لازم را برای حفر چاه، خرید ماشین‌آلات کشاورزی، انجام عملیات تسطیح اراضی، ایجاد شبکه آبیاری و زهکشی، ساختمان دفتر و انبار و تأسیس واحدهای دامپروری صنعتی کسب کنند.

تعداد زیادی از واحدهای تولید مشاع در کمتر از یک دهه پس از تأسیس، به دلایل مختلف فرو پاشیدند و سازمان تولید جمعی کنار نهاده شد. بدینسان، از دل هر مشاع، تعدادی واحد بهره‌برداری دهقانی و یا تجاری کوچک مقیاس بیرون آمد. علاوه‌براین، تعداد زیادی از شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید، بنا به تصمیم دولت و با تأیید اعضا و سهامداران منحل و اراضی و امکانات آنها تقسیم شد. به‌این ترتیب، به‌جای این شرکتهای نیز تعدادی بهره‌برداری دهقانی به جمع تولیدکنندگان خرد افزوده شد.

در این میان، نظام بهره‌برداری دهقانی متأثر از توسعه بازارها، رشد و گسترش فناوریهای نوین و برنامه‌های حمایتی دولت در راستای استفاده از فناوریهای نوین، تولید برای بازار، بهره‌گیری از نیروی کار مزدبگیر به تناسب خروج نیروی کار جوان و زنان خانوارهای دهقانی از فرایند تولید، استفاده گسترده از نظامهای اعتباری رسمی و انجام سرمایه‌گذاریهای زیربنایی دستخوش تغییرات عمده‌ای گردید. واحدهای دهقانی گاه حتی به جریان صدور محصولات تولیدی به بازارهای جهانی ملحق شدند. فعالیتهای تولیدی تازه‌ای، همچون پرورش گل و گیاهان زینتی، تولید محصولات خارج از فصل و کشت گلخانه‌ای، پرورش آبزیان و فعالیتهایی از این قبیل در دستور کار دهقانان قرار گرفت. افزایش سطح عمومی آگاهی و باسوادی نسل سوم کشاورزان پس از اصلاحات ارضی، در کنار توسعه ارتباطات به‌طورکلی و همچنین، تقویت انگیزه‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های فرصت نیروی کار، زمین و سرمایه، به گذار سریع‌تر واحدهای دهقانی از نظام سنتی به نوین یاری رساند، به‌گونه‌ای که اکنون اساساً نمی‌توان بر واحدهای بهره‌برداری دهقانی ایران نام نظام

زمین؛

آب؛

ماشین‌آلات و ابزار تولید؛

ساختمان و ابنیه فنی؛

نهادهای تولیدی؛ و

سرمایه مالی.

در واحدهای بهره‌برداری دیمی، آب مورد نیاز از محل ریزش‌های جوی تأمین می‌شود. همچنین در برخی از واحدهای بهره‌برداری به‌جای ماشین‌آلات کشاورزی، از نیروی دام استفاده می‌شود.

واحدهای بهره‌برداری از نظر مقیاس اقتصادی به واحدهای کوچک، بزرگ و متوسط تقسیم می‌شوند. اندازه زمین و حجم سرمایه‌گذاری انجام شده و فن‌آوری‌های تولیدی مورد استفاده، در تقسیم واحدهای بهره‌برداری از نظر مقیاس اقتصادی، نقش اساسی برعهده دارند.

البته تقسیم‌بندی واحدهای بهره‌برداری کشاورزی بر پایه اندازه زمین، به ویژگی‌های طبیعی و میانگین مالکیت زمین در یک محدوده مشخص جغرافیایی و نوع کاربری آن بستگی دارد. برای مثال، درحالی‌که یک واحد بهره‌برداری ۲۰ هکتاری در گیلان، واحدی بزرگ به‌حساب می‌آید، چنین واحدی در بلوچستان واحدی کوچک ارزیابی می‌شود. همچنین نوع کاربری زمین؛ برای مثال، یک واحد بهره‌برداری با ۱۵ هکتار سطح زیر کشت آبی در سقز، واحدی متوسط و واحدی با ۱۵ هکتار سطح زیر کشت دیم در دیواندره، واحدی کوچک است. همین‌گونه است یک واحد بهره‌برداری با ۲۰ هکتار باغ و یا گلخانه در قیاس با واحد بهره‌برداری دیگری با ۲۰ هکتار زراعت.

ملاک تفکیک وسعت واحدهای دامداری و پرورش آبری و زنبور عسل و یا تولید گل و گیاهان زینتی و یا مؤسسات پرورش قارچ نیز اصولاً اندازه زمین نیست، بلکه تعداد دام، تعداد کندو، ظرفیت پرورش بچه ماهی و سطح زیر پوشش گلخانه و حجم سرمایه‌گذاری و یا فن‌آوری مورد استفاده مورد تأکید است.

بهره‌برداری کشاورزی، واحد

Farming Unit

واحد بهره‌برداری کشاورزی یک بنگاه تولیدی است که زیر نظر مدیریت و سازمانی واحد به کاری یکپارچه در یک یا چند نوع فعالیت از فعالیتهای کشاورزی شامل زراعت، باغداری، دامداری، پرورش آبزیان، پرورش زنبور، تولید گل و گیاهان زینتی، بهره‌برداری از عرصه‌های جنگلی و مرتعی، صنایع تبدیلی و یا تکمیلی اشتغال دارد. هدف واحد بهره‌برداری کشاورزی از تولید محصولات می‌تواند تأمین نیازهای مصرفی خانوار تولید کننده و علوفه مورد نیاز دامهای متعلق به آن و یا عرضه و مبادله محصول در بازار و یا ترکیبی از هر دو باشد. در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی محصول به‌دست آمده و یا معادل ریالی آن میان صاحبان منابع و عوامل تولیدی مورد استفاده در فرایند تولید، توزیع می‌شود. واحد بهره‌برداری کشاورزی از نظر نوع بهره‌برداری می‌تواند به‌صورت‌های مختلف اختصاصی، شراکتی، شرکتی و مؤسسه عمومی و از نظر نوع مالکیت، به اشکال خصوصی، دولتی، تعاونی، مشاعی و وقفی باشد.

در برخی از واحدهای بهره‌برداری مالکیت زمین و منابع آب متعلق به بهره‌بردار نیست و بهره‌بردار به‌ازاء پرداخت سهمی از محصول تولیدی و یا مقدار معینی پول، اجازه فعالیت در واحد بهره‌برداری را از مالک زمین و آب برای مدتی معین دریافت می‌کند. به نوع نخست، *واحد بهره‌برداری سهم‌بری* و به نوع دوم *واحد بهره‌برداری اجاره‌ای* گفته می‌شود.

عوامل و منابع تولیدی موجود در یک واحد بهره‌برداری کشاورزی عبارتند از:
نیروی انسانی؛



پس از انقلاب اسلامی جملگی مصادره شدند. این واحدها عموماً تحت آبخور سدهای مخزنی و شبکه‌های بزرگ آبیاری قرار داشتند.

در مقابل، گاهی واحدهای بهره‌برداری کشاورزی از چنان ابعاد کوچکی برخوردارند که به چند صد متر باغ و یا زمین زراعی، چند رأس دام کوچک و یا تعداد اندکی کندوی زنبور عسل محدود می‌شوند.

در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی صرف نظر از مقیاس اقتصادی، منابع فیزیکی و انسانی با توجه به مجموعه اهداف اقتصادی و تولیدی واحد بهره‌برداری و زمینه‌های کاری آن، به فعالیت‌های مختلف تخصیص می‌یابد. در هر حال، واحد بهره‌برداری کشاورزی واحد پایه تولیدات کشاورزی است که تمام اهداف و سیاست‌های کشاورزی یک کشور در چارچوب آن قابل پیگیری است.

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. *مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه سازمان ملل متحد، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه، ۱۳۵۲.
- انوشیروانی، احمد و طه، مهدی. «شرکتهای تعاونی تولید روستایی مروری بر پیشینه و نگاهی به مسائل و مشکلات»، *فصلنامه پژوهشی اقتصاد و توسعه کشاورزی*. سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۳.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌یافتگی روستایی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵.
- پطروشفسکی. *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (قرن*

رایج‌ترین نوع واحد بهره‌برداری کشاورزی در ایران، واحدهای بهره‌برداری کشاورزی متعلق به خانوارهای روستایی است، اما در عین حال، انواع واحدهای کشاورزی متعلق به مالکان شهری نیز در کشور وجود دارد. نوع دیگری از واحدهای بهره‌برداری، واحدهای زراعی، باغی و دامداری متعلق به خانوارهای عشایری است که به کوچ می‌پردازند و به این دلیل، عوامل و منابع در اختیار واحد بهره‌برداری در یک نقطه جغرافیایی تجمع نیافته است.

کشت و صنعتها، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید و مؤسسات کشاورزی و دامپروری نیز گونه‌های دیگری از واحدهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران هستند که اغلب واحدهای بهره‌برداری بزرگ مقیاس بشمار می‌آیند.

کشت و صنعتها اراضی وسیعی دارند و معمولاً وسعت آنها بیش از ۵۰۰ هکتار است. کشت و صنعتها علاوه بر کشت غلات، نباتات صنعتی و علوفه‌ای، به پرورش دام و طیور به شیوه صنعتی و فراوری محصولات تولیدی در واحدهای صنعتی متعلق به خود، در قالب مدیریت واحد، اشتغال دارند.

در شرایط کنونی، بزرگ‌ترین واحدهای کشت و صنعت فعال در ایران به دولت (نهادهای لشکری و کشوری)، آستانه‌های مقدسه، بنیادها و بانکها تعلق دارند. پیش از انقلاب اسلامی تعدادی کشت و صنعت با مالکیت خارجی و یا مشترک (خارجی و داخلی) در کشور وجود داشت که



بهره‌وری

می‌شوند، نگاه می‌شود. این نوع محاسبه به‌نحو گسترده‌ای در سنجش بهره‌وری به کار می‌رود، اما (درواقع) این کار می‌تواند گمراه‌کننده باشد. برای نمونه، رویکرد سنتی ممکن است، از محاسبه هزینه‌های اجتماعی و یا محیطی که احتمالاً به‌واسطه روند تولید کارخانه‌ای ایجاد می‌شوند، غفلت ورزد. شوماخر فراتر می‌رفت و می‌گفت، محاسبه سنتی بهره‌وری در معرض خطای جدی قرار دارد، زیرا در بحث از نهاده‌های مواد خام، و به‌ویژه سوخت (انرژی)، از هزینه‌ای که متوجه مصرف سرمایه جهانی به‌شکل منابع محدود است، غافل می‌ماند. رابطه تاریخی جامعه با منابع زمینی را می‌توان از منظر بهره‌وری مشاهده نمود. بسیاری از نویسندگان نظر داده‌اند، هنگامی که گروه‌های انسانی به کار کشاورزی پرداختند، بهره‌وری آنان نسبت به گروه‌هایی که به شکار و گردآوری خوراک می‌پرداختند، پائین آمد. به‌طور کلی، خانواده‌ای که به زراعت انتقالی می‌پردازد، نسبت به خانواده‌ای که عضو یک گروه شکارگر و گردآورنده خوراک است، وقت بیشتری برای تأمین مواد لازم برای بقا صرف می‌کند. هنگامی که کشاورزی دائمی مزرعه‌داری پدیدار شد، قطعاً در یک قطعه زمین، نسبت به زراعت انتقالی، مواد غذایی بیشتری تولید شد. هرچند، بهره‌وری کاهش یافت، زیرا این کشاورزان، نسبت به کسانی که فعالیت زراعی خود را از یک محل به محل دیگر می‌بردند (زارعان انتقالی)، برای به‌دست آوردن یک واحد از محصول، انرژی بیشتری هزینه می‌کردند. در برخی نظام‌های سنتی کشاورزی، از جمله در بعضی قسمت‌های چین پیش از انقلاب، نهاده‌های نیروی کار به فراوانی در دسترس بود و به حلی رسیده بود که نهاده‌های اضافی ممکن بود تولید را به‌صورت شیوه‌ای حاشیه‌ای ممکن سازد.

صنعتی شدن روندی بود که ماشین‌آلات با انرژی حاصل از سوخت‌های فسیلی کار می‌کردند و بنابراین، مکمل کار انسانی بودند و بدینسان، به‌سرعت بهره‌وری را افزایش می‌داد. براساس همین بهره‌وری مازاد است که گروه‌های انسانی در امریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و سایر قسمت‌های جهان، از استانداردهای بالای زندگی برخوردار شدند. البته، در چند دهه اخیر پرسش‌های بنیادینی مطرح

- ۱۳ و ۱۴)، ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.
- دورنو، پیتر و کریمی، احمد. *اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ساعدلو، هوشنگ. *مسائل کشاورزی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- لمبتون، ا.ک. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۵.
- شولتز، تئودور، نوری نائینی، سید محمد. *گذر از کشاورزی سنتی*. تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.
- صفی‌نژاد، جواد. *نظام‌های تولید زراعی جمعی، بنه قبل و بعد از اصلاحات ارضی*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
- عجمی، اسماعیل. *شنیدانگی، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی. فصلی تازه درباره اصلاحات ارضی و تحول نظام زراعی ایران*. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۶.
- فرهادی، مرتضی. *فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- معاونت فنی و مهندسی. *مطالعه و بررسی مقدماتی نظام‌ها و شیوه‌های تولید در مناطق روستایی ایران*. تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۴.
- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۶۳.

کاوه معصومی

بهره‌وری

Productivity

سنجش تولید یا ستانده برحسب نهاده‌های لازم برای به کار انداختن یک روند تولید. برحسب محاسبه سنتی معمولاً به نهاده‌ها، از جمله نیروی کار، سرمایه و مواد خام، به‌عنوان هزینه‌هایی که در تولید کالاها و خدمات به کار گرفته

قوانین بهسازی روستایی

به منظور اجرای بهتر پروژه‌های روستایی (← پروژه روستایی)، قوانین، آئین‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌های مختلفی به تصویب رسیده است که از جمله این قوانین در زمینه بهسازی روستایی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

بر اساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آئین‌نامه اجرایی تهیه و تصویب طرح‌های هادی روستایی (← طرح هادی روستایی) در مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۷ ش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این ماده تهیه طرح‌های هادی و اصلاح معابر در روستاها برعهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گزارده شده است. این امر با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط و اجرای آن، با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت صورت می‌گیرد.

تا مورخ ۱۳۷۶/۵/۶ ش تهیه و اجرای طرح هادی روستایی را بنیاد مسکن (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) به انجام می‌رساندند. اما از این تاریخ مرجع تهیه طرح هادی روستایی و تأمین و اجرای مسکن روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی معرفی شده است.

بر اساس آئین‌نامه اجرایی بازسازی و نوسازی مناطق مسکونی آسیب‌دیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی (موضوع ماده ۸ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و تبصره ذیل آن)، مسئولیت و وظیفه بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده از سوانح طبیعی و قهری از تاریخ ۱۳۷۶/۵/۱۸ ش برعهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قرار گرفت.

در بند الف، ماده ۱۳۷ قانون برنامه سوم توسعه، به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها موارد زیر پیش‌بینی شده است:

۱. تعیین نقشه و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاهها و سازمانهای مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازماندهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی؛
۲. واگذاری بخشی از فعالیت‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی

شده است که آیا در جریان محاسبات خود، واقعاً هزینه‌های محیطی صنعتی شدن را به درستی به حساب می‌آیند یا نه.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. ۴th ed., Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.

برایان بلوئت
(عباس سعیدی)

بهبودی روستایی

Rural Rehabilitation

بهبودی مجموعه اقداماتی است که در کوتاه‌مدت به منظور بهبود کالبد فرسوده، به انجام می‌رسد. در واقع، بهسازی زمانی صورت می‌گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد. بهسازی می‌تواند اقداماتی مانند بازیافت (← بازیافت)، مراقبت، جلوگیری و ضمانت، حمایت، استحکام‌بخشی، توانبخشی، بهبود، سازماندهی و بازآبادانی را دربرگیرد.

با توجه به اینکه هرگونه کاستی یا نارسایی در کالبد به طور مستقیم دیگر ابعاد حیات انسانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و دچار اختلال می‌سازد، توجه به مقوله کالبد در برنامه‌ریزی‌های توسعه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از این رو، در سطح عرصه‌های روستایی هرگونه دگرگونی و مداخله مناسب در کالبد روستا، از یکسو بر بهبود وضعیت کیفی و از سوی دیگر، بر سایر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأثیر می‌گذارد.

در این راستا، تاکنون اقدامات مختلفی هرچند با افت و خیزهایی، طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به منظور دستیابی به کالبد مناسب و بهبود وضعیت فیزیکی عرصه‌های روستایی صورت گرفته است. بر اساس تعریف، بخش قابل توجهی از این اقدامات ذیل عنوان بهسازی روستایی جای می‌گیرد. این اقدامات، اموری چون نحوه کاربری اراضی، شبکه معابر، تأسیسات زیربنایی، ابنیه تاریخی، مسکن و مانند آن را شامل می‌گردد.

نسبت به تعیین مناطق توسعه‌نیافته اقدام کند. براساس آئین‌نامه اجرایی بند ۴ ماده ۱۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف است در طول برنامه چهارم توسعه برای کلیه روستاهای دارای شورای اسلامی و مراکز دهستانها و مراکز بخش روستایی، نقشه تفکیکی وضع موجود بافت مسکونی روستا را تهیه و به اداره ثبت اسناد و املاک ارسال نماید و نهایتاً با همکاری اداره ثبت، نسبت به صدور سند مالکیت ابنیه روستایی اقدام نماید.

بهبودی روستایی در برنامه‌های قبل از انقلاب اسلامی

در برنامه اول عمرانی فصل مشخصی تحت عنوان عمران روستایی وجود نداشت و اقدامات بهسازی و عمران روستایی به صورت بسیار محدود، در قالب بخشهایی چون کشاورزی دیده شده بود. این اهداف و اقدامات نیز به دلیل عدم تأمین منابع مالی (ناشی از ملی شدن صنعت نفت و قطع صادرات نفت و ناکامی در دریافت وام بانک جهانی) متوقف ماند.

در برنامه دوم عمرانی، نیز مباحث توسعه و عمران روستایی به شکل کاملاً محدود در بخشهای کشاورزی و آبیاری آمده بود. در این برنامه، دفع آفات نباتی، عمران دهات و اراضی بایر به جهت سیاست افزایش محصولات کشاورزی، مجموعاً ۴٪ کل اعتبارات را به خود اختصاص می‌داد. از جمله اقدامات برنامه دوم در زمینه عمران روستایی می‌توان به تشکیل حوزه‌های عمرانی، تشکیل انجمنهای دهات، تشکیل ۲۴ شرکت تعاونی و تهیه نقشه‌های ساختمانهای ارزان قیمت بهداشتی اشاره کرد.

در برنامه سوم عمرانی عنایت به عمران روستایی عموماً محدود به بندی با عنوان ترویج و عمران روستایی از بندهای نه‌گانه آبیاری و کشاورزی بود که ۱۰/۷٪ از کل اعتبارات را به خود اختصاص می‌داد. در این برنامه اقداماتی چون سالم‌سازی محیط روستا، ایجاد ۲۵۰ درمانگاه و تعاونیهای روستایی در دستور کار قرار داشت. البته، با توجه به مشکلات موجود، بسیاری از برنامه‌های پیش‌بینی شده، از

به شوراهای اسلامی، دستگاههای محلی، مؤسسات و شرکتهای غیردولتی؛

۳. هویت بخشی به سیما و کالبد شهرها و روستاهای کشور؛ و

۴. دولت موظف است همه ساله اعتبارات خاصی را در لوایح بودجه به‌نحوی پیش‌بینی نماید، تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند.

تفاهم‌نامه‌ای در مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۸ ش بین بنیاد مسکن و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در خصوص بهسازی بافتهای با ارزش روستایی صورت گرفت و در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۵ ش به تأیید معاونت محترم رئیس‌جمهور و ریاست محترم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و ریاست محترم بنیاد مسکن رسید و نهایتاً، در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۲ ش طی نامه‌ای به شماره ۰۲/۱/۱۲۶۴۵ به تمام بنیاد استانهای کشور ابلاغ گردید.

براساس مندرجات برنامه سوم توسعه، وزارت جهاد کشاورزی موظف است با همکاری دستگاههای ذی‌ربط، پروژه‌های توسعه روستایی را به انجام رساند.

در این راستا، وزارت مسکن و شهرسازی (توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) موظف به اقداماتی به‌منظور ساماندهی و بهسازی کالبدی روستاهای کشور است. این اقدامات شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی مناطق روستایی در معرض حوادث طبیعی و تهیه طرحهای ایمن‌سازی فضاها و بهسازی ابنیه روستایی؛
۲. تهیه و اجرای طرحهای هادی و ساماندهی روستاها در چارچوب طرحهای توسعه منطقه‌ای مصوب؛
۳. اعمال نظارت بر ساخت و ساز در سکونتگاههای روستایی و کنترل رعایت ضوابط فنی در ساخت ابنیه؛ و
۴. حفاظت، مرمت و احیاء و بهسازی ابنیه و بافتهای با ارزش در مناطق روستایی با هماهنگی دستگاههای ذی‌ربط. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز مکلف است با همکاری دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری، در چارچوب طرحهای توسعه و عمران ملی و منطقه‌ای، حداکثر تا یکسال پس از تصویب قانون برنامه سوم توسعه،

بهبودی روستایی

تأسیسات لازم به صورت همزمان و مجتمع اجرا گردد. علاوه بر این، مقرر گردید در دهات اقماری حوزه، پروژه‌های آب آشامیدنی، راه ارتباطی و دبستان پیاده گردد. بر این اساس، پیش‌بینی شد تعداد پروژه‌های آب آشامیدنی به ۶ برابر، برق به ۱۲ برابر، راه به ۸ برابر و درمانگاه به ۲ برابر میزان برنامه چهارم افزایش یابد.

در طول برنامه پنجم مجموعاً ۴۰ هزار واحد مسکونی توسط بخش دولتی و حدود ۲۰۰,۰۰۰ واحد مسکونی نیز توسط بخش خصوصی پیش‌بینی و ساخته شد. ضمناً گازرسانی برای اولین بار در روستاها در این برنامه مطرح شد. ضمناً ۳۰۰ خانه فرهنگ روستایی نوسازی گردید. نهایتاً برنامه ششم عمرانی نیز به دلیل تقارن با انقلاب اسلامی به اجرا درنیامد.

بهبودی روستایی در برنامه‌های عمرانی پس از انقلاب اسلامی

در برنامه اول جمهوری اسلامی فصل مشخص و مستقلاً به عمران روستایی تعلق نگرفت و موضوعات مربوط به توسعه و عمران روستایی در بخش کشاورزی، عمران شهری و مسکن دیده شد. در این برنامه، با توجه به اهداف کیفی، وزارت جهاد سازندگی در زمینه کالبدی و بهسازی روستایی، اقداماتی را انجام داد که عبارت بودند از:

تهیه ۷۶۱ طرح هادی و بهسازی روستایی؛

اجرای ۸۴۲ پروژه عمران روستایی؛

احداث ۴۵۷۰ کیلومتر راه روستایی؛

مطالعه، احداث و روکش ۲۵۲۰ کیلومتر راه روستایی؛

برق رسانی به ۱۰,۰۰۰ روستا؛ و

تأمین آب آشامیدنی در ۹,۳۴۰ روستا.

عملکرد اجرایی این طرحها و پروژه‌ها نشان از تحقق ۱۲۴٪ پروژه دفتر مخابرات روستایی، تحقق ۸۰٪ (۴۰۰۰ کیلومتر) احداث راه روستایی، برق‌دار شدن تمام روستاهای بالای ۵۰ خانوار، تهیه ۶۳۵ طرح بهسازی کالبدی توسط جهاد و ۶۳۷ طرح هادی روستایی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و اجرای پروژه‌های طرح هادی در ۴۱۶ روستا دارد.

جمله برنامه‌های عمران روستایی، محقق نشد.

در برنامه چهارم عمرانی هرچند فصلی تحت عنوان عمران روستایی همانند برنامه‌های پیشین وجود نداشت، اما اقداماتی به منظور بهسازی روستاهای کشور به انجام رسید که عبارت بودند از:

تأمین آب آشامیدنی سالم در کلیه دهات با جمعیت بیش از ۲۵۰ نفر (حدود ۱۶,۰۰۰ ده)؛

لوله‌کشی آب در دهات با جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر (حدود ۲۰۰۰ ده)؛

ایجاد تأسیسات جمع‌آوری زباله و فضولات برای مصرف کود یا دفع آنها (حدود ۱۶,۰۰۰ ده)؛

احداث حمام در دهات با جمعیت بیش از ۵۰۰ نفر (۵۰۰ ده)؛

احداث غسالخانه در دهات با جمعیت بیش از ۲۰۰ نفر (۱۲,۰۰۰ ده)؛

احداث تأسیسات همگانی و بهسازی محیط در دهات با جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر (حدود ۲۰۰۰ ده)؛

افزایش ۵۰۰ درمانگاه روستایی و ۵۰ گروه سپاه بهداشت؛

احداث ۲۵۰ خانه نمونه روستایی؛

تأمین اعتبار برای پرداخت وام مسکن به روستائیان؛

بهبودی خانه و تسهیل وسایلی که در بهبود زندگی مؤثر است؛ و

کمک به خانه‌سازی روستایی در دهاتی که جمعیت بیش از ۱۰۰۰ نفر داشت برای ساختن حدود ۲۰,۰۰۰ خانه روستایی.

در برنامه پنجم عمرانی یکی از سیاستها، تقلیل تعداد بیشمار دهات و پی‌ریزی شهرهای آینده بود. بر این اساس، اقدامات پیش‌بینی شده در زمینه بهسازی و عمران روستایی نیز از طریق ایجاد حوزه‌های عمران روستایی تدوین شد. هر حوزه شامل مجموعه‌ای از دهات در محدوده‌ای مشخص بود. از این رو، پیش‌بینی گردید در مراکز حوزه‌های عمرانی، پروژه‌های آب آشامیدنی، درمانگاه، دبستان، دبیرستان، هنرستان روستایی، حمام، میدانهای کوچک و سالن ورزشی، برق، انبار تعاونی، خانه‌های سازمانی و خانه‌های مسکونی برای روستائیان، دفاتر اداری و سایر

روستایی؛
اصلاح کالبدی و تعیین کاربریهای اراضی برای ۹۰۰ روستا، شامل مراکز دهستان و روستاهای مرکزی؛
بهبودی ۴۰۰ مرکز دهستان؛ و
ایمن‌سازی ۵۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در مقابل آسبهای ناشی از سوانح طبیعی.
در اقدامات اجرایی نیز برای تحقق اهداف کمی، به امکان‌سنجی و تهیه طرح توسعه یکپارچه نواحی روستایی، تهیه طرح‌های هادی و تفصیلی روستایی، اجرای طرح‌های بهسازی در روستاهای پر جمعیت، امکان‌سنجی تجمیع روستاهای پراکنده در نواحی مختلف روستایی و مکانیابی و تهیه طرح آماده‌سازی در نقاط با قابلیت تجمیع اشاره شده بود.

براین اساس، در طول برنامه دوم، ۱۸٪ از کل روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار تحت پوشش طرح هادی قرار گرفتند. با توجه به داده‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، در این مدت مجموعاً ۱,۴۲۸ طرح هادی روستایی تهیه و ۹۰۱ طرح هادی به مرحله اجرا رسید.

علاوه‌براین، در ۱۳۷ ناحیه روستایی توسط وزارت جهاد سازندگی و ۱۲۰ ناحیه توسط بنیاد مسکن طرح ساماندهی روستاهای پراکنده تهیه شد. ضمناً ۹۷٪ از روستاهای بالای ۲۰ خانوار از نعمت برق بهره‌مند شدند و با احداث ۱۰,۱۱۳ کیلومتر راه روستایی و بهسازی و روکش آسفالت در ۱۰,۰۷۵ کیلومتر از راه‌های روستایی کشور، مجموعاً ۷۱٪ جمعیت روستایی از راه مناسب برخوردار شدند.

تا پایان این برنامه، ۸۱٪ روستاهای بالای ۵۰ خانوار از آب آشامیدنی سالم بهره‌مند شدند. به‌علاوه ۳,۳۱۳ جلد سند مالکیت خانه‌های روستایی توسط بنیاد مسکن صادر شد.

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در زمینه تولید مسکن روستایی، تنها به ۴۶٪ از اهداف خود دست یافت. در این برنامه این نهاد معادل ۱۰۹,۸۹۷ واحد مسکونی را بهسازی نمود که تحقق ۲۵/۸٪ از اهداف برنامه را نشان می‌داد. در زمینه ایمن‌سازی واحدهای مسکونی در مقابله با

در طول برنامه اول توسعه، علاوه‌بر وزارت جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز اقداماتی در زمینه بهسازی روستایی به انجام رساند که موارد زیر از آن جمله هستند:

تهیه و اجرای طرح‌های هادی در روستاهای مرکز دهستان و روستاهای مرکزی با بیش از ۴۰۰ خانوار؛
واگذاری زمین و وام به روستائیان جهت ساخت مسکن مقاوم؛

تدوین ضوابط و مقررات فنی مسکن روستایی و نظارت بر ساخت و ساز مسکن؛

تهیه طرح استقرار بهینه روستاهای پراکنده؛
تهیه طرح ساماندهی نواحی ویژه (در روستاهای آسیب‌دیده از سوانح، جزایر خلیج فارس و روستاهای واقع در حوزه آبخیز سدها)؛

بازسازی مسکن در روستاهای جنگزده؛ و

بازسازی مسکن در روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی.

در زمینه مسکن روستایی، اهداف کیفی بخش مسکن در برنامه اول، نیز معطوف بود به تغییر شیوه ساخت در راستای ایجاد ساختمانهای با دوام و افزایش نسبت این ساختمانها در کل، بهبود شاخصهای اصلی در تأمین نیازهای مسکن، ارتقاء نسبت سرانه موجود مسکن در کشور و هدایت تولید مسکن جدید با زیربنای کمتر و کیفیت بهتر، متناسب با سرانه ملی. در این راستا، در بخش روستایی ساخت ۷۰۳ هزار واحد مسکونی در مناطق روستایی در دستور کار قرار گرفت و اجرا شد.

در برنامه دوم جمهوری اسلامی (۱۳۷۴-۱۳۷۸ ش) فصلی با عنوان عمران روستایی گنجانده شد. از جمله اهداف کیفی تدوین شده در این برنامه که به مقوله بهسازی مسکن روستایی مرتبط می‌گردد، بهبود کیفیت زیست، اصلاح ساختار کالبدی و کیفیت سکونتگاههای روستایی، برقراری تناسب بین ارائه خدمات و جمعیت روستایی و اصلاح الگوی استقرار جمعیت در نواحی روستایی است. ذیل اهداف کمی و برنامه‌های اجرایی بهسازی، نوسازی روستاها در این برنامه، موارد زیر پیش‌بینی شده بود:
امکان‌سنجی توسعه یکپارچه در حداکثر ۱۰۰ ناحیه

بهسازی روستایی

۴۵,۲۳۸ کیلومتر شبکه توزیع آب در روستاهای بالای ۲۰ خانوار)؛
راه‌اندازی شبکه جمع‌آوری و دفع فاضلاب در روستاها (در ۱,۶۷۳ روستای بالای ۴۰۰ خانوار)؛
احداث، بهسازی و روکش راههای روستایی؛
حمایت از راه‌اندازی و تشکیل دهیارها در روستاهای کشور (در ۲۰,۶۰۷ روستای بالای ۲۰ خانوار)؛
حمایت از ایجاد و توسعه ارائه خدمات عمومی به روستاهای کشور از طریق دهیارها و شوراهای اسلامی؛
ارائه خدمات و فراهم آوردن زمینه‌های اسکان عشایر در کانونهای توسعه؛
حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال‌زایی روستایی به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی؛
مرمت، احیاء و بازسازی بافت باارزش روستاهای کشور (در ۳۵ روستا)؛ و
اصلاح ساختار و تشکیلات سازمان امور عشایر و تقویت توان برنامه‌ریزی و مدیریت اجرایی در راستای حمایت از اسکان عشایر.
بدین منظور، اعتبار مورد نیاز پیش‌بینی شده برای تحقق اهداف کمی مذکور مجموعاً ۲۵,۶۱۵ میلیارد ریال بوده است.
کتاب‌شناسی:

- برآبادی، حبیب‌الله. تجربه‌هایی از راهبردهای مربوط به سازماندهی روستاهای پراکنده جهاد. سال نوزدهم، شماره ۲۱۹-۲۱۸.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. برنامه‌ریزی بخش مسکن در برنامه چهارم توسعه. دفتر مسکن روستایی، تابستان ۱۳۸۲.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. توسعه و عمران روستایی در چشم‌انداز بیست ساله کشور. دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرح‌ها، زمستان ۱۳۸۳.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی. معاونت عمران روستایی، شهریور ماه ۱۳۸۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. مطالعات پیش‌نیاز تدوین فعالیتهای عمران روستایی بنیاد مسکن در برنامه چهارم توسعه. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، اردیبهشت ۱۳۸۲.
- تجلی، آیت. مروری بر برنامه‌های پیشین و پس از انقلاب. اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- جهاد سازندگی. گزارش عملکرد اول توسعه سالهای ۷۲-۱۳۶۸.

آسیبهای ناشی از سوانح طبیعی، بنیاد موفق به بازسازی ۱۴۶,۱۶۱ واحد مسکونی (۲۹/۲٪ از اهداف برنامه) گردید.
اهداف کمی برنامه سوم جمهوری اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۸۳ش) نیز دنباله‌رو اقدامات برنامه قبل بود. در این برنامه مجموعاً ۱۴۷ طرح ساماندهی (۶۶/۸٪ از کل پیش‌بینی) تهیه شد. علاوه‌براین، در ۸,۴۵۲ روستا طرح هادی تهیه و در ۲,۶۲۷ روستا نیز عملیات اجرای طرح هادی آغاز گردید که رقمی بیشتر از برنامه را نشان می‌داد.
از جمله طرحهایی که با شروع برنامه سوم آغاز شد، طرح بهسازی بافتهای باارزش روستایی است. در این برنامه، ۲۰ روستا برای این طرح در نظر گرفته شد که تا انتهای برنامه در ۱۵ روستا عملیات اجرایی آغاز و در بسیاری از روستاها به اتمام رسید.

در بخش بهسازی مسکن روستایی نیز به دلیل پائین بودن کیفیت واحدهای مسکونی روستایی و غیرمقاوم بودن آنها در برابر سوانح طبیعی، اهداف برنامه دوم ادامه یافت. در این برنامه ۴۳,۶۵۳ واحد مسکونی (۱۴٪ از پیش‌بینی برنامه) بهسازی شد. علاوه‌براین، در این برنامه برابر ۱۲,۵۱۳ کیلومتر راه روستایی احداث گردید که ۲,۵۱۳ کیلومتر بیش از پیش‌بینی برنامه بود. ضمناً تمام روستاهای بالای ۲۰ خانوار از نعمت برق و ۹۰٪ روستاهای مذکور از آب لوله‌کشی سالم بهره‌مند شدند.

در برنامه چهارم جمهوری اسلامی نیز در راستای دستیابی به اهداف کلی برنامه، در طرحهای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از بلایای طبیعی، توسعه و بهبود وضعیت کالبدی سکونتگاههای روستایی اقدامات و اهداف کمی در زمینه بهسازی روستایی پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

تهیه طرحهای مکانیابی نقاط روستایی جدید؛
تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی (در ۱۲,۰۰۰ روستای بالای ۵۰ خانوار تهیه طرح و در ۵,۰۰۰ روستای بالای ۱۰۰ خانوار اجرای طرح هادی)؛
صدور سند برای املاک واقع در بافت مسکونی روستاها (بالغ بر ۱/۵ میلیون جلد سند)؛
تأمین آب آشامیدنی بهداشتی برای روستائیان (حدود

بهسازی شهری

همراه گشت. درحالی که گاهی نوسازی (← نوسازی شهری) و بهسازی شهری هریک جداگانه تعریف می شوند، اما این ۲ مفهوم بعضاً در تکمیل یکدیگر و برای ارائه معنایی خاص در مرمت بافتهای شهری تاریخی و ارزشمند مورد استفاده قرار می گیرند.

آنچه در نهاد هرگونه (و همه گونه) عملیاتی باشد که برای ارتقاء و ترفیع چیزی به کار آید، بهسازی شمرده می شود. البته این معنا در ۲ زمینه متفاوت مورد عنایت است: یکی به معنا و مفهوم عام کلمه و دیگر، به معنا و مفهوم تخصصی، علمی و کاربردی آن.

مهندسان، مدیران شهری و شهرداریها هنگامی که فضای قدیمی بافت شهری را مورد عنایت قرار داده، برای ترفیع فضای همگانی آن طرحهایی را اجرا می کنند و از این راه، سبب پیشبرد روابط کاربردی و ترقی جوّ بصری و ارتباطی محل می شوند، در عمل دست به اقدامی در راه بهسازی زده اند که می تواند به مثابه اقدامی دانسته شود محدود، اما همراه و همگن با طرحهای مرمت شهری.

بدینسان، بهسازی شهری به معنای عام می تواند اقدامی دانسته شود که در طول عمر هر شهری همیشه رخ می داده است، بی اینکه الزاماً بار کارشناختی پیدا کند. در مقابل، بهسازی شهری به مفهوم تخصصی، هنگامی به میان می آید که بار تخصصی پیدا کند و در محفل علمی، حرفه ای و آموزشی و به قید شناخت کارائیهای آن در فعالیتهای اجرایی در نظر گرفته شود.

در سالهای آغازین دهه ۱۳۵۰ش، نیاز به شناخت آنچه در شهرهای تاریخی می گذشت و لزوم تدبیر برای تأمین شرایط مطلوب پایداری این گونه شهرهای پرقدر و متعلق به ثروتهای فرهنگی ایران و بلکه جهان، در یکی از برنامه های جدیدی که برای تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تدوین شد، درسی زیر عنوان نوسازی و بهسازی شهری تعیین و تعریف شد. در آن شرایط، دانسته شده بود که موضوع مرمت شهری چندان گسترده و پیوسته به دانشهای دیگر است که به صورت کلی نمی تواند موضوع تدریس قرار گیرد. در آن فرصت، تقدم نوسازی شهری بر بهسازی شهری مورد نظر قرار داشت و به تعبیر

دبیرخانه ستاد برنامه، سند شماره ۱۷۲.

- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه. مرمت شهری- تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطعنامه های جهانی، روشها و اقدامات شهری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

- سازمان برنامه. گزارش سازمان برنامه، ۲۹ و ۱۳۳۰.

- سازمان برنامه. گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم، ۱۳۴۳.

- سازمان برنامه. گزارش عملیات سالانه، ۱۳۳۶.

- سازمان برنامه. پیشرفتهای ایران در برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶.

- سازمان برنامه. برنامه عمرانی چهارم کشور، (۴۷-۱۳۵۲).

- سازمان برنامه. برنامه پنجم عمرانی کشور (تجدید نظر شده)، ۵۲-۱۳۵۶، ۱۳۵۳.

- سازمان برنامه. هدفهای کمی برنامه پنجم عمرانی، ۱۳۵۴.

- سازمان برنامه و بودجه. مستندات برنامه دوم توسعه، عملکرد برنامه اول توسعه (گزارش مقدماتی). جلد یازدهم، اسفند ۱۳۷۲.

- سازمان برنامه و بودجه. گزارش عملکرد برنامه اول توسعه، مرداد ماه ۱۳۷۰.

- سازمان برنامه و بودجه. پیوست لایحه برنامه دوم توسعه (۷۷-۱۳۷۳) - هدفها، خط.

- مشیهای اساسی و سیاستهای اجرایی کلان و بخشی.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸، جلد دوم.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵، جلد دوم.

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران- اسناد توسعه بخشی. جلد سوم، ۱۳۸۵.

صدیقه حسینی حاصل

بهسازی شهری

Urban Rehabilitation

اصطلاح بهسازی شهری، حدود ۳۵ سال پیش در محفل علمی- آموزشی کشور به کار گرفته شد، اما به دلایلی که شاید شناختشان بی جا نباشد، به تنهایی به کار نیامد و هر بار که بخش خاصی از مقوله مرمت شهری به میان آمد، با نوسازی شهری در ادبیات نوشتاری دانش شهرسازی ایران،

اندازه که خانه‌ها و مدرسه‌ها و دکانهای شهر، در زندگی شهر بر یکدیگر اثرگذاری دارند، شبکه‌های راه‌یابی یا آمدوشد، آبرسانی، فاضلاب و امروزه برق‌رسانی و همچنین، چگونگی بهره‌مندی از هوای خوب، نور، طبیعت و از آرامش و زیبایی منظر شهری نیز بر یکدیگر اثرگذاری فرسایشی دارند؛ گاه بر یکدیگر مهاجمند و گاه در موافقت می‌زنند. این مهم قابل سنجش است و یافته‌های آن، تأمین‌کننده دستیابی به رفاه شهر زیستی.

به سخن دیگر، ابزارهای کالبدی و میان‌شالوده‌ای شهری، میان خود، تنشهایی دارند که از ذات شهر و از تشخیصهای گونه‌گون بهره‌مندان از آنها زاده می‌شوند. اما، سوای این، اتفاق بسیار مهم دیگری نیز در پهنه هر شهری رخ می‌دهد که جای تأمل بسیار دارد: فرسودگی و فرسایش‌پذیری، دگرشدگی و دگرپذیری و از میزان تقویت‌پذیری یک‌یک عناصر شهری و درواقع، جایی که زمینه‌های نیاز به بهسازی شهری رخ می‌نمایند.

هر آینه اگر زندگی آدمی در شهر، بسان پدیده‌ای خطی و تپی از کژی و کاستی و از جهش و پروازهای فردی و گروهی در راه تأمین شرایط مادی و معنوی می‌بود، پیکره کالبدی شهرها چندان آسیب نمی‌دید، اما امروزه این کژیها و کاستیها را می‌توان در تمام کنجها و راستاهای شهر شاهد بود.

گستره نیاز به رفاه شهرزیستی و بهسازی شهری

بازشناسی مطلوب وضعیت شهرهای کهن که با نشیب و فرازهای فراوان روبرو بوده‌اند، پیوسته لازم است. آنچه موضوع تبیین چندینا و چونیهای شناخت را به دشواری می‌کشانند، هدفی است که متخصصان برای کارهای خود برمی‌گزینند و راهی است که برای رسیدن به آن دنبال می‌کنند. هر آینه، طراحی برای مرمت شهری را نیازمند به گسترده‌ترین و ژرف‌ترین زمینه‌های شناخت بدانیم، برای بهسازی شهری، تعیین حد و مرز با تنگنا خواهد بود. از آنجا که تأمین رفاه شهرزیستی بدون شناخت سازوکارهای خاصی که رفاههای تأمین شده حتی موقتی را در هم می‌شکند، به‌دست دادن مجموعه شرایطی از شهر

خاصی نیز، مستقل از مرمت شهری تعریف می‌شد. براین اساس، به شاخصهایی از مقوله بهسازی شهری می‌رسیم که شناخت آنها ضرورت دارد.

مفهوم بهسازی

بهسازی هم می‌تواند نمایانگر اقدامی باشد که برای بهبود بخشیدن به شهر در وضع موجود تدبیر می‌کنیم و هم به معنای پدید آوردن وضعیتی، شامل هرگونه اقدامی در راه ارتقاء وضع موجود شهر. از این رو، می‌توان بهسازی را به معنای بهترسازی، نیکوتر ساختن و خوب‌تر پرداختن به چیزی که موضوع کار قرار گرفته (= شهر) است، در نظر گرفت. نکته اصلی در اینجا گستره عمل است و کمیتهایی که برای رسیدن به وضعیت کیفی بهتر روی آنها اقدام می‌شود.

شهر به مثابه مکان تدبیر و اقدام

این نکته اساسی که شهر چیست و چگونه می‌زید و بر پایه کدام ویژگیهای چندی و چونی می‌توان برای آن به تدبیرهایی اجرایی دست زد، قابل تأمل است.

فرهنگ و ادب ایران، برای شهر معانی متفاوتی دارد؛ تعبیرهایی که در این باب می‌توان داشت، چندان گونه‌گون و پرشمارند که در این مدخل جای نمی‌گیرند. با این وجود، هر آینه به فضای کالبدی شهر از دیدگاهی که مدنی-اجتماعی-کاربردی می‌تواند نامیده شود، بنگریم، راه مناسبی برای دست یافتن به مفهوم بهسازی شهری می‌توان یافت.

فضای کالبدی شهر- هر شهری و به هر مقیاسی- را عناصری تشکیل می‌دهند که کاربریهایی گونه‌گون دارند؛ اندازه‌هایشان متمایز و متفاوتند؛ برحسب اینکه در «کجا» قرار گرفته‌اند، می‌توانند متأخر و یا متقدم بر برخی از نیکیها و آسیبهای مقداری و موهبت‌های معنوی باشند. جای هر خانه، مدرسه و دکان بر چگونگی کاربری‌اش، بر میزان ارزش مالی‌اش، بر اعتبار اجتماعی‌اش و بر چگونگیهای سالم ماندن و به سلامت زیستن‌اش اثر می‌گذارد. به همان

بهبودی شهری

داشت. سالهای پایانی سده ۱۸م و بخش بزرگی از سده بعدی، نمایانگر عدم بهداشت در تمام گستره‌های شهری بود: از شخصی- انسانی تا اجتماعی- مدنی؛ از ساختمانی تا معماری؛ از سکونت تا خدمات شهری؛ از رفتار فردی و اجتماعی تا اخلاقی و فرهنگی. همه چیز شهرهای صنعتی نمایانگر ناهنجاریهای همه‌گیر و فراگیر بود. و از تمامی آنچه نامطلوب بود و زیانبار، بخشی که هم بیشتر رخ می‌نمود و نیز آسیبها و زیانهایش را- که اساسی بودند و بار روزمرگی نیز داشتند- می‌شد از میان برداشتن... پیکره کالبدی و نظام ارتباطی شهر به مقیاسهای متفاوت بود. اقدام برای از میان برداشتن نارسائیهای کالبدی، به‌منظور تأمین شرایط کمینه بهزیستی را می‌توان نقطه حرکت طرحهای بهسازی شهری بشمار آورد، حتی آنگاه که به مسائل تزئینی و به تأمین فضای باز همگانی مشجر شهری می‌پرداختند.

این پیشینه که برای شهرهای صنعتی بزرگ و میانی اروپا، روی و رخ بر بسته، در شهرهای بزرگ بسیاری از کشورهایی که در نیمه دوم سده ۲۰م به فعالیتهای تولید صنعتی روی آوردند- از مصر تا مغرب و از ایران تا هند- مسئله روز دانسته می‌شود، زیرا به مقیاسی گسترده، چهره نامطلوب خود را می‌نمایاند. مدیریتهای شهری در این کشورها، پاسخگویی یا از میان برداشتن نارسائیهای را بیشتر هدف می‌گیرند که ظاهریند و زاده نبود رابطه‌ای اصیل، منزه و انسانی- اجتماعی مترقی میان فضای کالبدی شهر و آنچه (دست‌کم طی ۳ دهه اخیر) به‌شکل ایده‌آل، به‌صورت معانی نهفته در این فضا می‌گذرد.

بهبودی شهری، در شرایط کنونی دانش مرمت شهری، نمایانگر آن رده از اقداماتی است که- معمولاً- به نارسائیها و ناهنجاریهای برونی می‌پردازد و چاره‌جوییهای ظاهری یا سطحی و کوچکی را عهده‌دار می‌شود که سطحیند و ظاهری که در حال باید از میان برداشته شوند. از این رو، می‌توان امروزه، ویژگی بهداشت شهری را به این‌گونه طرحها افزود؛ جایی که برای این واژه تعریفی گسترده‌تر و ژرف‌تر قائل می‌شویم.

کتابشناسی:

قابل زیست که پایدار باشد و یا خدشه‌ناپذیر، کاری بسیار دشوار می‌نماید.

بهبودی شهری را می‌توان به‌مثابه یکی از راه و روشهایی بشمار آورد که دانش مرمت شهری، برای دستیابی به شرایط نظام پویای زندگی کالبدی- کاربردی شهر، با تکیه بر اصلاحاتی روزمره و مکانیکی و گاه صوری به کار می‌گیرد. هر آینه، اگر قرار باشد، این عنوان را به زبان و بیانی مطلوب و ترویج یافته تشریح کنیم، ناچار خواهیم بود که به سایر راه و روشهای شناخته شده مقوله مرمت شهری بنگریم تا بتوانیم، با تکیه بر تحدید سایر تعریفها، نخست مکان آن و سپس ابزارمندیش را باز شناسیم.

بهبودی شهری

از آنجا که دانسته‌ایم مرمت شهری گستره‌های کاربردی و هدفهایی گونه‌گون دارد هریک دارای شاخه و برگهایی متفاوت است و میوه‌ای متفاوت به بار می‌آورد، راهی نداریم جز اینکه پژوهشگران را به شناخت مقوله‌ای ترغیب کنیم که تنه و ریشه را باز می‌شناساند؛ یعنی مرمت شهری. مرمت شهری، آنجا به بهسازی شهری و تعیین و تحدید کارهای خالص می‌پردازد که نمی‌تواند- و نمی‌خواهد- به مسائل شهری ریشه‌ای یا اساسی بنگرد. هر آینه، اگر قبول کنیم که چنین اقدامی، در نفس خود، نه الزاماً ناپسند است و نه زیانبار، نه به معنای اصولی سطحی‌نگر است و نه عمداً و به شیوه‌ای سهل‌انگار تقلیل دهنده صورت مسئله، آنگاه زمینه مساعد برای ورود به چارچوب فکری بهسازی شهری فراهم آمده است.

برای دستیابی به شناختی که مورد نظر است، سوای نکته‌هایی که در باب معنای تجریدی و تجربی بهسازی گفته شد، عطف نظر به آنچه نه تاریخ (به معنای فراگیر و بدون کلمه)، بل پیشینه‌های بهسازی شهری دانسته می‌شود، مفید تواند بود. از روزهایی که اشتغال در کارخانه‌های بزرگ صنعتی- و صنایع مادر، به‌ویژه- در مجاورت نزدیک و حتی درون شهرهای بزرگ اروپا شکل بسیار گسترده‌ای به‌خود گرفت و بسیاری از پدیده‌ها و موجودیتهای آلاینده را در لابه‌لای بافتهای شهر به جریان انداخت، وضعیت مدیریت شهری چنان شد که جای همه‌گونه انتقاد را

منفرد بتواند به یک حد بهینه عمومی منتهی شود. برخی مدل‌های بهبه‌سازی بر این فرض استوارند که محیط عمل قابل پیش‌بینی است، اما بسیاری دیگر که بر نظریه بازی اتکاء دارند، بر این فرض تکیه دارند که برخی عناصر نظام، به خودی خود، نامطمئن بشمار می‌روند. در چنین مواردی، کارکرد هدف باید دقیقاً تبیین گردد؛ برای نمونه، یک نظام زراعی ممکن است برای به حداکثر رساندن حداقل تولید، زمین بیشتری تخصیص دهد، اما تنها در صورتی که مناسب‌ترین شرایط اقلیمی نیز فراهم باشد.

شیوه‌های مدل‌سازی و چاره‌جویی بهینه برای مسائل بسیار متنوع هستند. برخی مسائل در نظریه شبکه‌ای و نظریه استقرار صنایع، از طریق راه‌حلهای ترسیمی و نقشه‌برداری قابل حل هستند: در این‌گونه موارد، کارکرد هدف تابع عملیات ریاضی است و راه‌حل مورد نظر ممکن است مستقیماً از طریق فرمولهای ریاضی به‌دست آید. اما بسیاری از مسائل تنها با تکرار عملیات، یعنی روش گام به گامی که حول یک راه‌حل به انجام می‌رسد، قابل چاره‌جویی هستند. در بسیاری از موارد، ضرورت تبیین مسئله در قالب یک صورت قابل حل ریاضی، به ساده کردن مکرر وضعیت و عوامل محدودکننده آن منجر می‌گردد.

چشم‌انداز این‌گونه مدلها بسیار گسترده است و مسائلی مانند استقرار صنایع، استقرار فعالیت کشاورزی، استقرار خرده‌فروشی، توسعه شبکه حمل‌ونقل، جریانهای حمل‌ونقل، جغرافیای سیاسی و توسعه منطقه‌ای را دربر می‌گیرد، اما به‌هرحال، نحوه استفاده از این مدلها را می‌توان در ۳ شکل زیر خلاصه نمود:

توصیفی؛
عرفی - انتقادی؛ و
دورنگری.

در برخی موارد معدود، جای بحث است که مدل بهبه‌سازی ضمناً نشانگر روندهای علی حین کار را نمایندگی می‌کند و بنابراین، می‌تواند برای مدل‌سازی یک نظریه توضیحی نیز به کار رود. به‌طورکلی، مدل‌های بهبه‌سازی به سختی می‌توانند برای نشان دادن ناکارآمدی

- فلامکی، محمدمنصور. *باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- فلامکی، محمدمنصور. *نوسازی و بهسازی شهری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- لوکوربوزیه. «منشور آتن»، *چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن - آتن ۱۹۹۳*، معرفی و برگردان از محمدمنصور فلامکی، چاپ دوم، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۲.
- «تاریخ معماری و شهرسازی ایران»، *مجموعه مقالات - اولین کنگره*، بم، ایران، ۱۳۷۴ و دومین کنگره (با همین عنوان)، بم - ایران ۱۳۷۸، به کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، انتشارات «سازمان میراث فرهنگی کشور» به سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸.

محمدمنصور فلامکی

بهبه‌سازی، مدلها

Optimization Models

مدلهایی که اغلب از ریاضیات و تحقیق عملیات اخذ شده‌اند و می‌کوشند برای وضعیتهای مسئله‌ساز، راه حلی بهینه به‌دست دهند. این مدلها اغلب به نظریه‌های عرفی ساختار فضایی مربوط هستند.

فصل مشترک تمام این مدلها عبارت است از کمیت یا مقدار (یا مقادیر)ی که باید به حداکثر یا حداقل درآید. این مقدار اغلب کارکرد هدف خوانده می‌شود. برای نمونه، هدف ممکن است به حداکثر رساندن تولید مواد غذایی در نظام کشاورزی یا به حداقل رساندن هزینه‌های عمومی حمل‌ونقل در یک موقعیت صنعتی باشد. به‌علاوه، بیشتر مسائل مرتبط با بهبه‌سازی با محدودکننده‌ها، یعنی پارامترهایی که راه‌حل مورد نظر باید در آنها نهفته باشد، همراه هستند. برای نمونه، به حداکثر رساندن محصولات کشاورزی ممکن است با عوامل محدودکننده‌ای، نظیر تأمین نیروی انسانی و یا سایر نهاده‌ها، یا استقرار یک واحد صنعتی ممکن است با محدودکننده‌هایی از لحاظ ظرفیت ارتباطات حمل‌ونقل روبرو باشد. علاوه‌براین، باید بین حد بهینه منفرد (مثلاً خریدار، مغازه‌دار، سرمایه‌گذار صنعتی و مانند آن) و حد بهینه عمومی برای یک نظام تفاوت قائل شد. البته، اطمینانی نیست که حاصل جمع راه‌حلهای بهینه

بی‌خانمانی

و عشایر کوچنده در جوامعی چون ایران باشد، چرا که این روش زندگی، معلول ناتوانی اقتصادی در تأمین مسکن نیست و شیوه‌ای ناشی از انتخاب افراد و گروه‌هاست. به‌هرفقدیر، تخمین زده می‌شود که بین ۹۰-۱۱۰ میلیون بی‌خانمان در جهان وجود دارد.

تقریباً تمامی منابع و متون مربوط به مسکن، بی‌خانمان را در رابطه با محل اقامت شبانه تعریف می‌کنند. به‌دیگر سخن، ساعت تاریکی مهم‌ترین نکته‌ای است که در تعریف بی‌خانمانی و بی‌خانمان مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحده آمریکا (HUD)، بی‌خانمان را فرد یا شخصی می‌داند که شب هنگام فاقد محل اقامتی ثابت، معمولی و مناسب است. بدینسان، افرادی که محل اقامت شبانه‌های آنان سرپناه‌هایی است که امکانات اقامت موقت در اختیار افراد قرار می‌دهند (مانند هتل‌های رفاهی، سرپناه‌های دسته‌جمعی) و یا محل‌های اقامت گروهی، مثل مسکن موقتی بیماران روانی و همچنین دارالتأدیبه‌ها، و یا اماکنی که گرچه به‌عنوان مسکن مورد استفاده قرار می‌گیرند، لیکن به‌هیچ‌وجه ویژگی مسکن مناسب را دارا نیستند، نیز بی‌خانمان محسوب می‌شوند.

بی‌خانمانی، به‌مانند مفهوم اسکان غیررسمی، در ایران سابقه‌ای دور و دراز دارد، هرچند تا اواسط دهه ۱۳۷۰ش پدیده‌ای نادر و سخت محدود بود؛ از آن زمان به‌بعد، با

راه‌حله‌های موجود، به‌کار روند. در آخر، مدل بهینه‌سازی در مطالعات کاربردی و برنامه‌ریزی می‌تواند برای تبیین راه‌حله‌های مسائل استقرار به‌کار رود- مشروط بر آنکه مدل مورد نظر بتواند به‌درستی اهداف و محدودیت‌های موجود در نظام را نمایندگی کند.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. Fourth Edition, Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.

فیلیپ اوگدن
(عباس سعیدی)

بی‌خانمانی

Homelessness

بی‌خانمانی واژه‌ای است که برای وضعیت فرد یا افرادی که فاقد سرپناه مشخص و تا حدودی پایدارند، به‌کار می‌رود. براین‌اساس، بی‌خانمانی دربرگیرنده گروهی خاص در جوامع بشری است. به‌همین دلیل، آن را مقوله‌ای جامع‌ای معرفی کرده‌اند. برای بی‌خانمانی، در کنار فقدان سرپناه مشخص و معلوم، معمولاً شرط دیگری نیز عنوان می‌گردد: فقدان سرپناه دائمی و مشخص باید معلول ناتوانی مالی فرد یا خانواده در تأمین مسکن باشد. به‌دیگر سخن، شرایط اقتصادی فرد یا خانوار در شرایط معین اجتماعی، ممکن است امکان فراهم کردن سرپناهی امن و قابل زندگی را فراهم نسازد. چنین افراد و خانواده‌هایی، به‌ناچار، در فضا یا عرصه عمومی (به‌ویژه کوی و برزن) شب به‌روز می‌آورند. بی‌خانمانی همچنین گویای شرایط افرادی است که در خانه‌های بی‌خانمانان (مراکزی که در ایران گرمخانه نام دارد)، شب را سپری می‌کنند و با طلوع آفتاب، به بیرون هدایت می‌شوند. در منابع و متون مربوط به مسکن، گاه افراد و گروه‌هایی را که فاقد مسکن پایدارند و در سیاه‌چادرها زندگی ایلپاتی و از این قبیل دارند، نیز بی‌خانمان می‌خوانند؛ البته این گروه نباید دربرگیرنده ایلات



بی‌خانمانی

دلیل سوم، بیماریهای گوناگون روانی است. البته باید توجه داشت که بی‌خانمانی فی‌نفسه و پس از مدتی به دلیل بریدن از اجتماع محلی پیرامون شخص، شرایط بسیار دشوار زندگی در کوی و برزن، دچار شدن به انواع ترس و اضطراب، درگیر شدن با انواع مخاطرات و آزارهای جمعی و مهم‌تر از آن روحی-روانی و تحمل توهین مداوم، به بروز مشکلات روانی متعدد منجر می‌گردد. بنابراین، بیماری روانی علاج‌ناپذیر و عدم دسترسی به امکانات روانپزشکی و روان‌درمانی، ناتوانی خانواده‌ها از نگهداری عضو روان بیمار خود و نظایر آن، به بی‌خانمانی منتهی می‌شود. البته فرد سالم بی‌خانمان شده نیز پس از مدتی به تدریج دچار مشکلات روحی-روانی می‌گردد که نباید این دو را با یکدیگر یکسان گرفت.

در کنار این ۳ علت اساسی، باید به مصائب شدید جمعی و فردی نیز به‌عنوان علت برخی از موارد بی‌خانمانی اشاره کرد. زلزله‌هایی با تخریب گسترده، طوفانهای عظیم ساحل‌شکن، آتش‌سوزی و تخریب سرپناه در اثر سیل‌های بنیاد افکن، انفجارهای گسترده ناشی از نشت گاز، آتشفشان و (در گذشته) بیماریهای واگیردار گسترده و سرانجام قحطی، به بی‌خانمانی گروهی منجر می‌شود. برخی حوادث ناگوار فردی، مانند آتش‌سوزی و تخریب خانه شخصی، بدهکاری و حراج تمام اموال و نظایر آن نیز به بی‌خانمانی در سطح فردی منجر می‌گردد. مورد اخیر، یعنی حراج اموال شخص بدهکار در کشورهای پیشرفته، به تدریج (در کنار اعتیاد شدید) به یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌خانمانی تبدیل شده است. ورود سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری کازینویی که در آن، بازارهای بورس چون قمارخانه‌ای عظیم عمل می‌کنند، در این امر شدیداً مؤثر بوده است.

رسیدن به آمار واقعی تعداد بی‌خانمانها کاری بسیار دشوار است، زیرا بی‌خانمانها اغلب در یک محل اطراق نمی‌کنند و تغییر محل می‌دهند. این تحرک به نوعی مکانیسم دفاعی آنان است. از طرفی، شمارش همزمان آنان، چنانچه با بسیج نیروی انسانی کافی بتوان تمام کسانی که در شبی معین، در فضای باز یا در زیر پل و پله‌ها، یا گودی پارکینگ اماکن و پارکها که مهم‌ترین محل اقامت

سرعت روبه افزایش نهاد. منابع و متون ادبی، بارها به کسانی اشاره کرده‌اند که رواندازی جز آسمان و بالشی جز خشت ندارند و در کنار درب بسته مغازه‌ها شب به روز می‌آورند. درگذشته بی‌خانمانی شهری در ایران، موردی استثنایی و نادر و همراه با آسیبها و بیماریهای روانی بود. از این رو، بی‌خانمانی موردی و محدود گذشته این سرزمین را نمی‌توان با آنچه که امروز به‌عنوان بی‌خانمانی، آن‌هم به‌عنوان محصول تحولات اقتصادی که به جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد معروف است، مقایسه کرد.

علل بی‌خانمانی گرچه متنوعند، اما ۳ علت بالاترین فراوانی را تقریباً در تمامی جوامع بشری به خود اختصاص داده‌اند که شدیداً به یکدیگر نیز مربوطند:

اولین علت، فقر مطلق به معنای نداشتن درآمد یا درآمدی پائین‌تر از میزانی معین است. این میزان از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از شهری به شهر دیگر و از کلانشهرها (← کلانشهر) به شهرهای کوچک فرق می‌کند. سازمان ملل متحد، مدتی مبلغی کمتر از یک دلار در روز برای هر نفر را ملاک کمی در تعریف فقر مطلق معرفی می‌کرد. امروز، از ۲ دلار در روز برای هر نفر سخن در میان است که نشان از واکنش به نرخ تورم فزاینده دارد. مبلغی که مرز فقر مطلق و فقر نسبی را از هم متمایز می‌سازد، نشان‌دهنده حداقل لازم برای بقا است. عدم دستیابی به حدودی که پائین‌تر از آن فقر مطلق محسوب می‌شود، اغلب ناشی از بیکاری است؛

دومین علت مهم اعتیاد است. اعتیاد به‌علت بالا رفتن آستانه تحمل یا میزان پذیرش مواد اعتیاد‌آفرین، به‌طور مداوم بالا می‌رود و نیاز به مقدار بیشتری از ماده را ضروری می‌سازد. با بالا رفتن میزان مواد مصرفی، شخص به تدریج از فعالیت عادی باز می‌ماند، کار خود را از دست می‌دهد، اموال بزرگ و کوچک خود را فروخته و به خرید مواد می‌پردازد. با پایان گرفتن دارائیه‌ها، سوءاستفاده از دیگران نخست بستگان درجه یک، سپس سایر بستگان و دوستان، و بالاخره، آشنایان دور و نزدیک آغاز می‌شود. این فرایند در نهایت به رانده شدن از خانه و خانواده و پیوستن به خیل خیابان خوابان، که بعضاً همزمان فروشنده خرده‌پای مواد نیز هستند، منجر می‌شود؛ و

بی‌خانمانی

دسترسی دارند. مسئله قضای حاجت بی‌خانمانها در کشورهای توسعه‌نیافته، مهم‌ترین مسئله بغرنج روزمره آنان است.

به‌هرحال، تمام آمارهای موجود، حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، در حد تخمین با ضریب خطای نسبتاً بالاست. داده‌های مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، تعداد بی‌خانمانان اتحادیه اروپا در ۲۰۰۴م را ۳ میلیون نفر تخمین زده است. این رقم در انگلستان، حدود ۱۱۰ هزار نفر برآورد شده است. در کانادا، سازمان اجتماعات محلی و حکومت محلی در ۲۰۰۵م، براساس مطالعه‌ای با عنوان آمارگیری ملی بی‌خانمانان، تعداد بی‌خانمانها را ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده است. در استرالیا، براساس سرشماری ۲۰۰۱م، تعداد این قبیل افراد ۹۹ هزار نفر است. در آمارهای رسمی ژاپن، از ۲۰ هزار نفر تا ۱۰۰ هزار نفر و در آمارهای غیررسمی، از ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار نفر سخن رفته است. نکته‌ای که در آن تردید نیست، رشد بی‌سابقه تعداد بی‌خانمانان در اکثر کشورهای جهان است. منابع و متون از رشد بی‌سابقه بی‌خانمانان در برزیل، هند، افریقای جنوبی، نیجریه و سودان یاد می‌کنند. نگارنده برای نخستین بار، براساس انجام مطالعه‌ای درباره خیابان‌خوابان تهران، در کنفرانس پایداری شهری و شهروندمداری، رقم ۲۰ هزار نفر را عنوان کرد که به فوریت مورد استناد منابع خبری قرار گرفت. در واکنش به این رقم، وزارت کشور چند ماه بعد، با انجام بررسیهایی، رقم ۸ هزار نفر را برای مناطق بیست‌ودو گانه شهرداری تهران اعلام داشت. با سردی زمستان در ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ش که تعدادی از بی‌خانمانان در اثر سرما جان باختند، چند گرمخانه، به‌ویژه در نقاط جنوبی تهران، تأسیس گردید تا به بی‌خانمانها در شبهای یخبندان جای دهد.

برخی از علل بی‌خانمانی، مانند اعتیاد شدید و مزمن، مصائب جمعی که از کنترل فرد و خانواده به‌ویژه تهیدستان خارج است و بالاخره بیماری روانی و بی‌خانمان شدن حاصل از آن، خود به اندازه کافی گویاست، اما علل اقتصادی بی‌خانمانی همان است که در اسکان غیررسمی نیز وجود دارد. با این تفاوت که در اسکان غیررسمی، فرد یا

بی‌خانمانهاست، مورد شمارش قرار گیرد، باز هم نتیجه درستی به‌دست نمی‌آید، زیرا در آن شب معین، به‌ویژه اگر در فصلی غیر از زمستان و در شهری با آب‌وهوای تهران باشد، افرادی که در شهر خود دارای خانه و زندگیند، اما در جستجوی کار به تهران وارد شده و برای نپرداختن هزینه اقامت، در مهمان‌پذیرها و تا زمان دست‌وپا کردن جایی برای خواب، از جمله در ساختمانهای در حال ساخت که پذیرای بالاترین رقم بی‌سرپناهان موقتند، در فضای باز اطراق کرده باشند، در شمار بی‌خانمانها به حساب می‌آیند. همین امر در مورد افرادی که به‌علت اختلاف خانوادگی از خانه خود، به حالت قهر، خارج و مایل به اقامت موقت، آن‌هم برای حفظ آبرو، نزد آشنایان و بستگان خود هستند، صادق است. دختران و پسران فراری که در اصل خانه و کاشانه‌ای دارند، جزء بی‌خانمانها سرشماری می‌شوند. از سوی دیگر، استفاده از روشهای دیگر گردآوری اطلاعات نیز بسیار دشوار است. نخست آنکه، بی‌خانمانان سخت بی‌اعتمادند و نشست و گفتگو با آنان بسیار مشکل است. تقریباً هیچ وسیله‌ای برای ارزیابی صحت گفته‌های آنان، که اغلب نادرست، پراکنده و در بسیاری از مواقع نامفهومند، وجود ندارد. تجربه نگارنده در گفتگو با خیابان‌خوابان، چه در ایران و چه در چند کشور انگلیسی‌زبان، گویای شباهت بسیار زیاد بین آنان به‌نگام گفتگو است. برکنار از پراکنده‌گویی، اکثر آنان ارتباط خود با دنیای واقعی را از دست داده‌اند و مباحث خیالی را با واقعیت زنده زندگی ترکیب می‌کنند. وجه مشترک دیگر آنان، ناتوانی از گفتگو پس از چند دقیقه است که ناشی از ترس نهادینه و اضطراب شدیدی است که از آن لبریزند. نشستن و گفتگو با برخی از بی‌خانمانها، در ضمن سخت خطرناک است، زیرا ممکن است، بدون مقدمه و به‌طور ناگهانی، به حرکات و اقداماتی پرمخاطره دست زنند. علاوه‌براین، ویژگی مشترک بی‌خانمانها، آشفتگی ظاهری و ذهنی، افراط کاری و عدم رعایت نظافت فردی است که امری کاملاً طبیعی است. در کشورهای پیشرفته حداقل خیابان‌خوابها و بی‌خانمانها به برخی امکانات شستشوی اولیه در مکانهای عمومی، مانند کتابخانه‌ها، حداقل در برخی از روزها،

بی‌خانمانی

شغل و درآمد و عدم امکان یافتن شغلی در سطح قبلی، و با درآمدی مشابه، به‌موجب ناتوانی در بازپرداخت اقساط، دچار حراج دارائیه‌های خود شوند؛ درصدی از این افراد اغلب به جمع بی‌خانمانها می‌پیوندند. در حیطه اقتصادی به مورد دیگری نیز باید اشاره کرد: خطری که طبقه کارگر را دائماً تهدید می‌کند و آن، خودکاری فرایند تولید است. چنین واقعیتی قدرت جنبشهای کارگری را به شدت کاهش می‌دهد و به بیکاری کارگران ماهر در سطوح مختلف منجر می‌گردد. گروهی از این بیکاران ممکن است ناگزیر به انبوه خیابان‌خوابان یا بی‌خانمانها پیوندند. این مسئله با تحلیل ساختار اشتغال روشن‌تر می‌گردد، زیرا شغلهایی که بیشتر در دسترسند، در رده‌های اطلاعات و فناوری برترند و اکثر کارگران ماهر سستی قادر به ورود به این ساختار نیستند و تنها درصد ناچیزی از آنان می‌توانند با کسب آموزشهای لازم و توانمند شدن در ساختار شغلی جدید جذب شوند.

نکته مهم دیگر که به بی‌خانمانی کمک می‌کند، تحولات ساختار خانوار و کاهش درصد سرباری است. در گذشته، افراد از کار افتاده و یا فاقد توانایی شغلی به‌عنوان اعضاء خانواده گسترده، از سوی سایر اعضاء حمایت می‌شدند و در سرپناهی کوچک با حرمت شب به روز می‌آوردند و حتی در سفره‌های حقیر و ناچیز، لقمه‌ای برای آنان در نظر گرفته می‌شد. تحولات ساختار خانواده در اغلب خانوارها، این افراد را کنار می‌گذارند و بخشی از آنان به بی‌خانمانی دچار می‌شوند. مهاجرت گسترده به شهر و نابودی ساختار سستی روستا، این امر را به وضوح عیان می‌سازد. در کشورهای جهان سوم این امر هنوز به اوج خود نرسیده

خانواده قادر است برای خرید، رهن یا اجاره سرپناهی در بازار غیررسمی، مبلغی فراهم کند. بی‌خانمانی در مورد کسانی صادق است که در چارچوب شرایط اقتصادی، قادر به پرداخت وجه کافی برای دستیابی به سرپناه، چه به‌صورت یکجا یا قسطی، نیستند و در بازار غیررسمی زمین و مسکن نیز جایی ندارند. در غرب که به‌علت استحکام اصل قانونمندی و نهادینه شدن تبعیت از قانون، سلامت نسبی متولیان نظارت و درونی شدن حقوق و وظایف شهروندی، امکان ساختن سرپناهی در زمین غیر وجود ندارد، بازار غیررسمی زمین و مسکن بی‌معناست. بنابراین، بینوایان که از ورود به بازار غیررسمی زمین و مسکن نیز محرومند، لاجرم به بی‌خانمانی دچار می‌شوند. همچنین به‌علت ورود سرمایه‌داری به مرحله سرمایه‌داری قماری که به جهانی‌سازی از دریچه اقتصاد جان‌بخشیده است، علاوه بر تهیدستان شهری، لایه‌های پائین طبقه متوسط نیز با زوال وضعیت دولت رفاهی، در خطر روبه رشد بی‌خانمانی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، به‌علت قطبی شدن شدید جوامع که آن هم از آفات جهانی‌سازی از دریچه اقتصادی است، وضعیت طبقه متوسط در کشورهای پیشرفته و کشورهای فاقد درآمد راهبردی (استراتژیک مانند نفت)، روزبه‌روز بدتر می‌شود و درحالی‌که اقلیتی به ثروتهای افسانه‌ای، آن هم گاه یک‌شبه دست می‌یابند، انبوهی دچار فقر نسبی، مطلق و مطلق مزمین می‌شوند. بدیهی است چنین تحرک طبقاتی یا تحرک عمودی روبه پائین، درصدی از طبقه متوسط را نیز به خیل بی‌خانمانان سوق می‌دهد. علاوه بر این، به‌علت ورود بازار بورس به تمام عرصه‌های اقتصاد، درصدی از کسانی که در بازار بورس به خرید و فروش سهام مشغولند و یا درگیر فعالیتهای مالی، تجاری و حتی تولیدیند، با این خطر مواجه هستند که گاه برگشت خوردن حتی یک چک، تمام دارایی خود را که گاه بسیار قابل ملاحظه است، به ثمن بخش بفروشند و به بی‌خانمان تبدیل شوند. افزایش خطر بیکار شدن ناگهانی در تمام رده‌های شغلی، حتی مدیران رده‌های بالا، سبب‌ساز تحرک عمودی منفی شدیدی شده است. از آنجا که خرید قسطی امری رایج است، افراد ممکن است با از دست دادن



بیکاری

پائین طبقه متوسط و گسترده سازی طبقه متوسط به صورت سازوکار دخالت دولت در بازار و حفظ مشتری لازم برای محصولات تولیدی.

جهانی سازی بر این امور نقطه پایان نهاد و با فروپاشی شوروی، بسیاری از معادلات دگرگون شد. انباشت سرمایه از طریق سرمایه گذاری در صنایع برتر هوشمند، اهمیت بازار خرده فروشی کالای سستی را به عنوان راه حل مبارزه با بحرانهای ادواری به شدت کاهش داد. دنیای نوینی از راه رسید که فقرا در آن جایی نداشتند و بی خانمانی، سرنوشت محتوم آنان تلقی می شد. تردیدی نیست که رشد مسائل اجتماعی، فقر گسترده و جرم، بازگشت به نوعی نظامهای حمایتی را در آینده، قهری خواهد ساخت.

کتابشناسی:

- Butt, M. "Homeless Families, Singles and Others: Findings From the ۱۹۹۶ National Survey of Homless Assistance Provides", *Housing Policy Debate*. ۱۲(۴): ۷۳۷-۸۰, ۲۰۰۱.
- Hopper, K. "Homelessness Old and New: The Matter of Definition", *Housing Policy Debate*. ۲(۳): ۷۵۷-۸۱۳, ۱۹۹۱.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopaedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

پرویز پیران

بیکاری

Unemployment

بیکاری را نمی توان جز با مفهوم کار و اشتغال تعریف کرد. پذیرفته شده ترین مفهوم بیکاری عبارت است از مجموع تمام افرادی که شاغل نیستند؛ اعم از کسانی که در جریان دستیابی به شغل جدیدند، یا آنان که قادر به یافتن شغل با دستمزدهای متعارف و واقعی نیستند. البته تصمیم و اراده فردی به بیکار ماندن، به جز مواردی که فرد برای تغییر شغل بیکاری را می پذیرد، فرد را در رده بیکاران قرار نمی دهد. در واقع، بنابه شمار زیادی از تعاریف، بیکار کسی است که در جستجوی کار نیز باشد.

تعاریف بیکاری متفاوتند، از این رو نرخ بیکاری نیز

است، اما در این مسیر پیش می رود. ضمناً از بیگانه ستیزی، بالکانی ساختن کشورهای چند قومی - چند فرهنگی، جنگ و نسل کشی که سبب جابه جایی اجباری گروههای اجتماعی، گاه به صورت انبوه می شود نیز باید یاد کرد.

جهانی سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد، در همان حال که به قطبی شدن جوامع، افزایش جدی فقر، بیگانه ستیزی، نابودی سنتها، در خطر قرار دادن خرده فرهنگها و رویارو قرار دادن اقوام و نسل کشی منجر می شود، با کوچک سازی دولتها، حذف یارانه ها و کمکهای دولتی، سپردن قیمت به سازوکارهای بازار با انتظام زدایی و برداشتن موانع بر سر جریان یافتن سرمایه، به تمهیداتی که از سده ۱۶م نخست در اروپا، سپس در سایر کشورهای صنعتی و نهایتاً در کشورهای جهان سوم برای همراهی با گروههای اجتماعی آسیب پذیر تدارک دیده شده و در دوران جامعه و دولت رفاه به اوج خود رسیده بود، پایان بخشید یا در حال پایان بخشیدن است. در سده ۱۶م، انگلستان که با زیورود شدن ساختار اجتماعی خود روبرو بود، به جای تنبیه و لگردان و بی خانمانها به حرفه آموزی و اسکان آنان روی آورد و قصر هنری هشتم را به خانه فقرا و بخشی را نیز به زندان تبدیل کرد. قانون فقرا در عصر ویکتوریایی، گام بعدی بود. به تدریج اسکان و حرفه آموزی در کنار زندانی کردن و تنبیه، سرنوشت فقرا را رقم می زد. ایجاد خانه های کارآموزی و سپس درگیر شدن شوراهای محله ای و شهری، با احداث خوابگاه در سده ۱۸م رقم خورد. بازسازی مناطق فقیرنشین و احداث خانه های ارزان، گام بعدی، به ویژه در آغاز سده ۲۰م بود و نهایتاً احداث مسکن اجتماعی توسط شهرداریها از راه رسید. پس از جنگ جهانی دوم، راه برای به قدرت رسیدن دولت رفاه و شکل گرفتن جامعه رفاهی هموار شد. دولت و جامعه رفاه و اقدامات قبل از آن، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، در واکنش به شکل گرفتن اردوگاه شرق در کنار اردوگاه غرب، ۲ هدف را دنبال می کرد:

هدف اول، مبارزه با خطر کمونیسم و جاذبه های سوسیالیسم و از کار انداختن موتور قدرتمند جنبشهای کارگری؛ و

هدف دوم، حفظ سطح زندگی گروههای کم درآمد، لایه های

بیکاری

بنابراین:

$$\text{نرخ اشتغال} - 1 = \text{نرخ بیکاری}$$

عوامل اصلی پدیدآورنده بیکاری عبارتند از: ضعف و نارسایی سرمایه‌گذاری، تحولات فناوری که جانشین نیروی کار می‌شود، کمبود تقاضا در اقتصاد، بحرانهای اقتصادی که میزان سرمایه‌گذاری و تقاضا را کاهش می‌دهند، بحرانهای خارجی مانند نرسیدن مواد اولیه یا فناوری، کاهش صادرات، جذابیت فعالیتهای سوداگرانه و غیرمولد، فرار سرمایه‌ها به خارج از کشور، بحرانهای اجتماعی (مانند ناامنی و شورش دامنه‌دار)، بحرانهای سیاسی که بر روی تصمیمهای سرمایه‌گذاری اثر منفی می‌گذارند، بحرانهای مدیریتی و فساد اداری و مالی و جز آن.

بیکاری را می‌توان به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرد: بیکاریهای برخوردی (ناشی از برخورد کارفرما و کارگر)؛ بیکاریهای کمبود تقاضا (ناشی از کمبود تقاضای کل در جامعه و کمبود سرمایه‌گذاری)؛ بیکاریهای فناورانه (ناشی از معرفی فناوری جدید که سرمایه را جایگزین نیروی کار می‌کند)؛ بیکاریهای ساختاری (یا نوع کیفی که نتیجه ناسازگاری بین بیکاران و فرصتهای شغلی ایجاد شده، است)؛ بیکاریهای نوسانی (مربوط به نوسان ادواری و صعود و سقوط نرخ رشد اقتصادی)؛ بیکاریهای مهاجرتی (ناشی از افزایش و تراکم مهاجرتهای داخلی و خارجی به شهر یا کشورها)؛ بیکاری داوطلبانه (که به‌طور فردی و جمعی و به دلایل مختلف و براساس تصمیم فرد یا افراد بروز می‌کند)؛ بیکاری پیشگیرانه (انتظار فرد یا افراد بیکار برای دستیابی به شغل و دریافتی مطلوب)؛ بیکاری نگرورزانه (که به افت دستمزد واقعی مربوط می‌شود و موقتی است و واکنش کارگران است به‌صورت کاهش ساعات کار)؛ بیکاری فصلی (که به ماهیت فصلی مشاغل کشاورزی و تا حدی ساختمانی مربوط می‌شود)؛ بیکاری‌زایی سرمایه‌داری (که به تحلیل ذاتی نظام سرمایه‌داری به انباشت سرمایه همراه با جایگزینی آن با کالا و به گرایش ذاتی سقوط نرخ سود مربوط می‌شود و البته با تمهیدهایی که برای رونق بخشی به انجام می‌رسد، می‌تواند

برحسب مورد، در یک جامعه خاص و برای یک دوره یا مقطع زمانی معین تغییر می‌کند. مفهوم بیکاری به‌جز وابسته بودن به کار و اشتغال، با مفهوم جمعیت فعال نیز در ارتباط است. جمعیت نافع‌ال نیز بنابه تعریف بیکار محسوب نمی‌شود.

جمعیت فعال براساس شناخته شده‌ترین تعریف، از جمله مفهوم مورد استفاده در آمارهای ایران، عبارتست از جمعیت بالاتر از ۱۰ سال سن به شرط آنکه خانه‌دار، سرباز، محصل، بازنشسته و از کار افتاده نباشد. در مقابل، جمعیت شاغل، مثلاً در ایران، ۲ تعریف متفاوت دارد که استفاده از هر یک از آنها منجر به تفاوت در ارزیابی میزان نرخ بیکاری می‌شود. بنابه تعریف مرکز آمار ایران (نتایج آمارگیری از نیروی کار، ۱۳۸۴-۱۳۸۵ش)، تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مراجعه، طبق تعریف کار حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنابه دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. بنابه تعریف قبلی مرکز آمار ایران (آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار، ۱۳۸۱-۱۳۸۳ش) تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور آمارگیری کار می‌کرده‌اند، دارای شغل هستند، اما در این ۷ روز بنا به عللی کار نکرده‌اند، یا شغل مستمر نداشته، ولی در ۷ روز گذشته حداقل ۲ روز کار کرده‌اند، یا دارای شغل هستند، ولی در ۷ روز گذشته به اقتضای فصل و ماهیت فصلی کار نکرده‌اند و در جستجوی کار دیگری هم نبوده‌اند شاغل محسوب می‌شوند.

نرخ بیکاری حاصل تقسیم جمعیت بیکار بخش بر جمعیت فعال است.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}}$$

$$\text{نرخ اشتغال} = \frac{\text{جمعیت شاغل}}{\text{جمعیت فعال}}$$

و از آنجا که:

$$1 = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت فعال}} = 1 = \frac{\text{جمعیت شاغل} + \text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ اشتغال} + \text{نرخ بیکاری}$$

به صورت‌های دیگر جلوه کند) و سرانجام، بیکاریهای اداری (که به تصمیمها و سیاستگذاری دولتها مربوط است). بیکاری شهری در برابر بیکاری بخش کشاورزی، بیکاری روستایی، بیکاری صنعتی و جز آن عبارتست از بیکارانی که در فضای جغرافیایی شهر و ناشی از زندگی کارگران (نیروی کار) در شهر و وابستگی به صنایع و خدمات شکل می‌گیرد. نمونه آن، بیکاران بخش ساختمان در مناطق شهری و بیکاری صنعتی و بیکاری ناشی از افت فعالیتهای خدمات شهری است. کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تجاری و خدمات شهری و انتقال منابع و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی از یک شهر موجب بروز بیکاری شهری خاص می‌شود. همچنین می‌توان از بیکاری خاص بزرگ شهرها و کلانشهرها که از افزایش مهاجرت به این شهرها و حاشیه‌نشینی و اسکان شبه حاشیه‌ای ناشی می‌شود، یاد کرد.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. جلد اول شناختهای پایه‌ای، فصل دوم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- جولی، ریچارد؛ دوکات امانوئل و دیگران. *بیکاری در جهان سوم (مسائل و استراتژی)*، ترجمه احمد خزاعی، تهران: وزارت برنامه و بودجه (مدیریت و برنامه‌ریزی) بخش ۱ و ۷، ۱۳۶۸.

فریبرز رئیس‌دانا

پ

پارک ← تفرجگاه(های) شهری

پاکار زیردست داشت و مزد آنها را زارعان براساس واحد اندازه‌گیری آب، یعنی سالی ۱۱/۵ دقیقه آب، ۵۰ ریال می‌پرداختند.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

پاکار

در نظام سنتی، مأمور محلی در سطح روستا که زیردست کدخدا (← کدخدا) و یا میراب عمل می‌کرد. در بعضی نقاط، پاکار زیردست کدخدا بود و تصمیمات و اوامر او را اجرا می‌کرد. در آذربایجان، بلوچستان، زنجان و خوزستان، مزد پاکار را از سهم زارع کسر می‌کردند. در کردستان، اهم وظایف پاکار، بیگاری گرفتن از رعایا بود و مزد او را در پاره‌ای موارد، مالک می‌داد، و در موارد دیگر، مقداری غله و نان و پنیر برای او از رعایا وصول می‌شد. در بعضی نقاط پاکار، ضمن اجرای اوامر کدخدا، حفظ منافع رعایا را هم برعهده داشت و در این مورد کار او بیشتر به کار دشتیان (← دشتیان) شباهت داشت. هرگاه لازم بود، نهرها لایروبی شود و راهها و پلها تعمیر گردد یا امر عام‌المنفعه‌ای صورت پذیرد، کدخدا پاکار را خبر می‌کرد و او اوامر کدخدا را به روستائیان می‌رساند؛ در این موارد از هر جفت زمین عده‌ای زارع می‌گرفت و مأمور کار مورد نظر می‌کرد. بعضی روستاها چند پاکار داشتند؛ برای نمونه، جوشقان ۲ پاکار داشت که روستائیان آنان را از میان خود به این کار می‌گماردند و وظیفه این دو محافظت از کشتزارهای دهقانان در برابر دستبرد بود. در بعضی روستاهای یزد، در پاره‌ای موارد، پاکار مأمور زیردست میراب بود. چنان‌که در اشکزر که ۳ قنات داشت، میراب ۱۰

پاگاو

نوعی بهره‌برداری گروهی از زمین در سیستان که در چارچوب نظام تولید جمعی کهن حداقل طی سده ۱۳ تا چند دهه اول سده ۱۴ش به‌منزله شیوه غالب رواج داشته است. این نظام تولیدی از گروههای انسانی (مردان) تشکیل می‌شد که با هم بر روی یک یا چند قطعه زمین با وظایف مشخص و نسبتاً یکسان و مدیریت یک تن از آنها برای یکسال زراعی کار می‌کردند و در ازاء آن سهمی از محصول را دریافت می‌کردند. ازاین‌رو، کارکرد و جایگاه آن در چارچوب همیاریه‌های کهن روستایی و در قالب نظام سهم‌بری در ساختار اجتماعی-اقتصادی حاکم بر نظام

باگاو

هر دو) هر ساله از سوی کشاورزان (سرفها) به فئودالها رایج بود. ثانیاً، زمین نه برای یکسال، بلکه برای چند سال متوالی به اجاره کشاورز درمی آمد که حتی تحت شرایطی اجازه انتقال آن را به غیر داشت. ثالثاً، کار بر روی زمین عموماً به صورت خانواری انجام می گرفت. با توجه به ۲ فرضیه یاد شده و نیز تأکید بر عوامل تولید شاید بتوان ساختار روستا و سازمان تولیدی آن را در سیستان سده های ۱۹ و ابتدای ۲۰م بررسی نمود.

هرچند «ده» در سیستان کوچک ترین واحد جمعیتی به لحاظ اداری و اقتصادی تلقی می شد، اما هر واحد جمعیتی در درون «ده» را «جمع» تشکیل می داد و نه «خانواده». زیرا «جمع» مبنای دریافت مالیات یا «اجاره» بود که زیر نظر کدخدا (← کدخدا) اداره می شد و می توانست تمام یک ده، یا قسمتی از یک ده بزرگ و یا حتی یک گروه کوچک از آن باشد. انتخاب کدخداها را که حاکم سیستان- یا تحت شرایطی «سردارها»- انجام می دادند، هرچند متأثر از چگونگی مناسبات آنها با حاکم و نیز جایگاه و اقتدار در سطح روستا و منطقه نفوذشان بود، اما بیشتر بستگی به پرداخت میزان پولی داشت که آنها به عنوان «شیرینی» به حاکم پیش کش می کردند. از این رو، کدخدا از منظر حاکم نه تنها به منزله نماینده حکومت محلی و مرکزی و مدیر روستا تلقی می شد، بلکه «اجاره دار»ی بود که می بایست سهم حکومت یا «حق الاجاره» زمین را به حاکم از طریق نماینده وی- «تحویلدار»- پرداخت کند. با توجه به تعداد زیاد روستا و پراکندگی آنها تحویلدار نیز نمایندگان با نام «مشرف» داشت که بر نحوه تقسیم محصول نظارت می کردند. برای انجام دقیق این مهم، کدخدا شخصاً اقدام به سازماندهی روستا، تعیین گروههای کاری و به ویژه تقسیم زمین بین آنها و بالاخره نظارت بر تقسیم محصول می کرد. کدخداها بهنگام درو، خرمن کوبی و تقسیم محصول افرادی را به کار می گرفتند که برای محصول بهاره «مشکر» و برای محصول پاییزه «سبزه بان» نامیده می شدند.

کار زراعت به گونه سنتی در سیستان به ۲ شکل کلی یکی فردی یا خانوادگی با نام «کلگیری» و دیگر گروهی با عنوان «باگاو» انجام می گرفت.

ارباب- رعیتی در ایران تبیین می شود. نامهای متفاوت بنه، صحرا، حراثه، تیرکار، یازو، بانکو و... با تشکیلات نسبتاً مشابه از انواع این گونه بهره برداری جمعی است.

مشخصه اساسی چنین شیوه تولیدی در پیوند با نظام سهم بری تنها این نیست که کشاورز (رعیت) بهنگام برداشت محصول می بایست بخشی از محصول را به عنوان حق بهره برداری یا «اجاره» زمین به مالک (ارباب) و دیگر صاحبان عوامل تولید تحویل دهد، بلکه بسیاری از حاملان کارکردهای اقتصادی و حتی اجتماعی روستا نیز از آن سهم داشتند. بدین ترتیب، دوام و بقا تمامی ده به آن وابسته بود. در نظام بهره برداری جمعی، کشاورزان حق مالکیت فردی یا گروهی بر زمین نداشتند. این ویژگی، در رابطه با روش توزیع سالانه زمین، شاید دنباله بقایای نوعی جوامع سازمان یافته اشتراکی اولیه یا حداقل متأثر از آن باشد که در میان جوامع کوچرو هم مشاهده و بررسی شده است. همچنین به نظر می رسد تمهیدی برای به کار نگرفتن کشاورز روزمزد به منظور پای بند نمودن روستائیان به ده بوده است، تا بدین وسیله روستا از نیروی کار تهی نشود. از این رو، چنین شیوه تولیدی همراه با نظام سهم بری ساختار و کارکرد و نقشی ورای آنچه به نام «سنت محض» یا «قرار مدار به کلی مجعول» از آن یاد کرده اند، داشته است. به نظر می رسد، گسترش چنین نظام تولیدی هم به لحاظ سازماندهی و مدیریت روستا (← مدیریت روستا) و هم به لحاظ حفظ و پایداری جامعه روستایی و بهره گیری بهتر اقتصادی- حداقل برای مالک- کارایی بیشتری داشت.

در زمینه علل برپایی و شکل گیری نظام تولید گروهی در شرق، برخی از پژوهشگران بر این باورند که از یکسو شرایط محیط طبیعی به ویژه اقلیمی در نواحی نیمه بیابانی گرم و خشک ضرورت آبیاری به کمک نهرها و سایر اقدامهای مشابه را ایجاد می کند که خارج از توان یک خانواده کشاورز بود. از سوی دیگر گستردگی مالکیت حکومتها در برابر مالکیت خصوصی، نقش اساسی را داشتند. این نظام در مقایسه با فئودالیسم غربی نمایانگر این واقعیت است که در اروپا اولاً، نوعی اجاره داری یعنی تحویل میزان مشخصی از محصول یا مبلغ معینی پول (یا

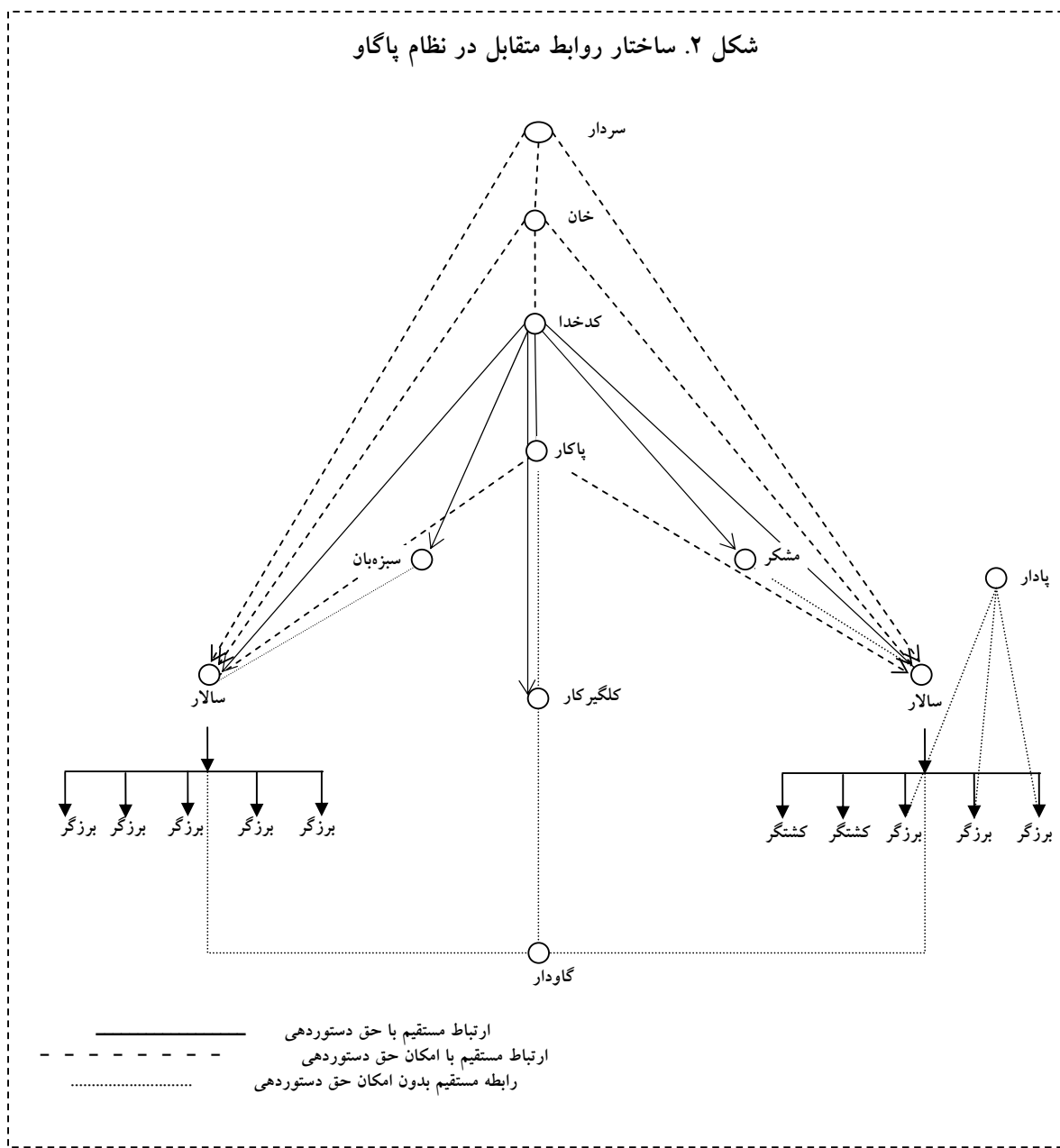
پاگاو

به‌ازاء هر ده پاگاو یک کلگیرکار وجود داشت. در ابتدای سده ۲۰م، در تمام سیستان ۱۰۳۰ کلگیرکار بود که وسعت اراضی آنها تقریباً برابر ۱۰۰ پاگاو می‌شد. کلگیرها از پرداخت سرنسقی، سهم از محصول و نیز مشارکت در کارهای عمومی (حشر) در سطح خرد (روستا) و کلان (سیستان)، معاف بودند.

پاگاو (پاگو) به‌منزله یک واحد تولید گروهی متشکل از

کلگیرکارها از بستگان و یا نزدیکان کدخدا بودند که قطعه زمینی کوچک، حدود ۲۰-۳۰ من بذر افشان (تقریباً برابر با ۱-۱/۵ هکتار) برای یکسال زراعی در اختیار آنها گذاشته می‌شد و آنها شخصاً و به کمک اعضاء خانواده یا گاه با به کار گرفتن «مزدور» (کارگر روزمزد) آن را به زیرکشت می‌بردند. این شیوه بهره‌برداری بسیار محدود بود و نسبت آن به‌مقدار پاگاوها سنجیده می‌شد، به‌طوری‌که

شکل ۲. ساختار روابط متقابل در نظام پاگاو



باگاو

مدت نظام اجاره‌داری یا مزارعه رایج بود. بدین معنا که دولت سالیانه در ازاء دریافت حدود یک‌سوم از محصول و نیز پول نقد (شیرینی) زمینهای زراعی را به سردارها یا کدخدا اجاره می‌داد. کدخداهای، که به‌ندرت تغییر می‌کردند نیز اراضی روستاهای خود را بین گروههای کاری کلگیر و پاگاو تقسیم می‌کردند. توزیع زمینها به‌نگام کشت زمستانه گندم و جو در پائیز انجام می‌گرفت که به «وقت نسق» یا «نسق‌بندی» مشهور بود.

از آنجا که «پاگاوهای تحویل» از پرداخت حق‌الاجاره به دولت و مشارکت در کارهای عمومی مشهور به «حشر» معاف بودند و بذر را هم معمولاً کدخدا در اختیار آنها قرار می‌داد، بالطبع سودآوری بیشتری را برای هر دو طرف دربر داشت. از این‌رو کدخدا کوشش می‌کرد زمینهای مرغوب با آب قابل دسترس بیشتر و مطمئن‌تر در اختیار آنها قرار گیرد. اعطای چنین امتیازی به کدخدا در گرو نقش و جایگاه وی در منطقه، میزان پرداخت «شیرینی»، حمایت‌های مالی و انسانی او از حکومت به‌ویژه هنگام «حشر» یا احداث نه‌ری جدید و یا قشون‌کشی بود. به‌رحال نسبت تعداد پاگاوهای تحویل به پاگاوهای غمی نمی‌بایست از یک به شش بیشتر می‌شد. اما در واقع این نسبت در ابتدای قرن ۲۰م در کل سیستان یک به سه یا به چهار بود به‌گونه‌ای که از کل ۲۱۷۵/۵ پاگاو در ۱۹۰۴م در سیستان تعداد ۳۰۳ (۱۳/۹٪) را تحویلها تشکیل می‌دادند. سپس بقیه زمینها بین پاگاوهای غمی و آنگاه بین کلگیرکارها توزیع می‌شد. سالارها برای به‌دست آوردن زمین می‌بایست مبلغی به‌عنوان «پول سرنسقی» به کدخدا پرداخت کنند که میزان آن به‌نسبت کیفیت زمین، دسترسی به آب، نفوذ و قدرت کدخدا در هر روستا متفاوت بود. باین‌حال، هنگام تقسیم زمین بین گروههای زراعی یک روستا، گاه اختلافهای شدید رخ می‌داد که در چنین مواردی از قرعه‌کشی (پشک‌اندازی) کمک گرفته می‌شد.

در تقسیم اراضی با کیفیت و موقعیت بهتر، همانند زمینهایی که به‌تازگی از زیر تپه‌های شنی (برخانها) خارج و یا به‌وسیله باد فرسایش یافته و «پاک» شده بودند، اندازه‌گیری، با دقت زیاد و براساس گام صورت می‌گرفت.

چند عضو (زارع) بود که در رأس آن فردی با نام «سالار» سرپرستی و مدیریت آن را برعهده داشت و در مواردی نیز «کمک سالار» داشت. تعداد پاگاوها در یک روستا یا حوزه اجاره (مدیریتی) کدخدا به‌لحاظ زمین قابل کشت، آب قابل دسترس (یا حق آب)، نیروی انسانی و بالاخره تمایل و توانمندی کدخدا متفاوت بود و تا ۶۰ پاگاو می‌رسد. از آنجا که یک واحد رسمی (همانند زرع مربع) برای تعیین وسعت زمین در سیستان وجود نداشت لذا واحد اندازه‌گیری همان «پاگاو» یا «جفت گاو» بود. یک «جفت گاو» طی یک‌روز می‌توانست زمینی برای ۱۰-۱۲ من بذرافشان (گندم یا جو) شخم بزند. از آنجا که هر من بذرافشان وسعت زمینی حدود ۲۵۰-۴۰۰ مترمربع را دربرمی‌گرفت، لذا سطح هر کدام از این قطعات کوچک بین ۰/۴-۰/۲۵ هکتار و وسعت زمین هر پاگاو حدود ۴/۵ خروار بذرافشان یا معادل ۲۲ هکتار بود. باین‌حال این قاعده کلی نبود، زیرا وسعت پاگاوها از ۶-۳۶ هکتار تفاوت می‌کرد.

پاگاوها هرچند به‌لحاظ ساختاری در کلیت خود گواه از یک واحد تولید گروهی می‌دادند، اما با توجه به‌شرح وظایف آنها و به‌ویژه نقش عوامل پنجگانه تولید در چارچوب نظام زورمداری و قدرت به ۲ دسته تقسیم می‌شدند. یکی «پاگاو تحویل» یا «بی‌غم» و دیگر «پاگاو غمی» یا «جمعی». برای درک ساختار و کارکرد و تفاوت‌های بین ۲ شیوه تولیدی باید به نقش هریک از عوامل تولید- زمین و آب- به‌منزله عوامل «غیرمتحرک یا غیرمنقول» و نیز نیروی کار و بذر به‌منزله عوامل «متحرک یا منقول» به تفکیک پردازیم.

زمین

تمام سیستان تا اواخر دوران قاجار در تیول خانواده اعلم بود که در سالهای اول انقلاب مشروطه به‌خالصه یا اراضی دولتی تغییر مالکیت داد. در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ش اراضی خالصه نیز به‌تدریج به فروش گذاشته شد. بالاخره در جریان اصلاحات ارضی سالهای ۱۳۴۰ش تماماً به مالکین یا رعایای صاحب نسق فروخته و یا واگذار شد. در طی این

محیط طبیعی یاد شده بر ساختار جامعه انسانی اثرگذاری مستقیم داشت که این امر زمینه‌ساز تفکر محیط‌گرایی طبیعی (یا جبر جغرافیایی) السورث هانتینگتن (۱۹۰۵م) ملهم از شرایط محیطی سیستان شد. شاید یکی از دلایل به‌وجود نیامدن مالکیت خصوصی بر عامل تولید آب (به‌ویژه آبهای روان) از منظر شریعت اسلام نیز باشد. با به تملک درآمدن سیستان از سوی حکومت، آب نیز جزئی از زمین بشمار می‌رفت و در هنگام تقسیم محصول سهمی جداگانه به آن تعلق نمی‌گرفت. ادغام ۲ عامل تولیدی زمین و آب پیش از آن نیز در سیستان مرسوم بود. زیرا اولاً، زمین بدون آب ارزشی نداشت، ثانیاً برای به‌دست آوردن آب یا «حق آب» می‌بایست تمام گروه‌های تولیدی ذی‌نفع در کارهای همگانی به‌ویژه «حشر» مشارکت می‌کردند.

سیستان به‌لحاظ شبکه اصلی آب به ۵ ناحیه تقسیم می‌شد که محدوده آنها نیز تقریباً با حوزه نفوذ سردارها و طوایف هماهنگ بود. به‌علت جریان‌کنند و پائین بودن سطح آب رود و نهرها در دلتای هیرمند نسبت به زمینهای کشاورزی و گاه وقوع سیل، ساکنان مجبور بودند در پائین سدها و بندهای کوچک و بزرگ از شاخه درختان و نيزارهای هامونها بنا کنند و هرچند سال به لایروبی و تعمیر نهرها پردازند. با قدرت گرفتن حکومت مرکزی، دستور انجام چنین کار جمعی و کلان «حشر» از سوی حاکم سیستان صادر می‌شد، هرچند تمام وظایف به‌ویژه سازماندهی آن برعهده نهادهای مردمی و خودجوش متکی بر دانش بومی (← دانش بومی) بود و کار را اعضاء پاگاوهای غمی انجام می‌دادند. از آنجا که چنین سازمانی نیز پیش از به تیول درآمدن سیستان نیز وجود داشت، لذا به سختی می‌توان از «ضرورت وجودی دولت به‌عنوان سازمان‌دهنده فعالیتهای اقتصادی» صحبت به میان آورد. البته برقراری امنیت زمینه‌های توسعه را فراهم می‌کرد. برای مثال، تسلط و نفوذ دولت مرکزی بر سیستان، مانع برخورد و جنگهای مداوم بین سردارها شد. برای هریک از نواحی پنجگانه شخصی با نام «میراب» برای مدیریت و نظارت بر انجام امور مربوطه از سوی حاکم تعیین می‌شد که از اقشار بالای جامعه و اکثر سردارها بودند. در این انتخاب هرچند

به‌گونه‌ای که هر قطعه از این مزارع کوچک بین ۲۰۰-۴۰۰ مترمربع وسعت داشت. در تقسیم‌بندی این‌گونه زمینها کوشش می‌شد به هر پاگاو یک قطعه واگذار شود. بدین ترتیب اولین مرحله برپایی جامعه زراعی برای آن سال شکل می‌گرفت. سالار اعضای گروه خود را بعد از دریافت زمین و گاه پس از آن و براساس مناسبات خویشاوندی‌اش و یا کارایی زارعین و نیز پول «سرنسقی» دریافتی از آنها انتخاب می‌نمود.

در برخی از روستاها، کدخدا یک قطعه زمین حدود ۲/۵-۳ هکتار را به خود اختصاص می‌داد که نیروی کار آن را اعضاء پاگاوها بدون هرگونه سهم یا دستمزدی باید تأمین می‌کردند. به این نوع بهره‌برداری نیز «حشرگو» می‌گفتند که بدون سازمانی خاص کشت، داشت و برداشت می‌شد و معمولاً تریاک کدخدا از این طریق حاصل می‌شد.

آب

چون میانگین بارش سالانه در سیستان حدود ۶۰ و میزان تبخیر ۴۰۰۰ میلی‌متر است، لذا امکان کشت دیم به هیچ‌وجه میسر نیست. از سوی دیگر، نظر به تشکیلات زمین‌شناسی منطقه که بیشتر از نوع رسوبات رودخانه‌ای با ضخامت بسیار و نفوذپذیری اندک آب است، بنابراین تمام حیات انسانی و فعالیتهای اقتصادی این منطقه وابسته به تنها منبع آب آن، یعنی رودخانه هیرمند (هلمند) است، که میزان آب آن نیز هر ساله با تغییرات شدید روبرو است. برای بهره‌گیری بیشتر از هیرمند و حل این مشکل می‌بایست سازمانی منظم و پیشرفته از شبکه آبرسانی، تقسیم آب، مدار گردش آب، شیوه و فنون آبیاری و نیز احداث بند (سد)های ذخیره‌ای و بیشتر انحرافی در راستای تقسیم آب (حق آب) به‌وجود می‌آمد. چنین امری به‌موازات کاریز از مهم‌ترین دستاوردهای تمدن بشری در قلمرو فرهنگی ایران زمین بشمار می‌رود. از آنجا که احداث چنین تأسیسات و انجام کارها خارج از توانایی جمع یک روستا بود، لذا همکاری وسیع و گسترده تمام افراد ذی‌نفع در چارچوب سازماندهی قوی در مقیاس خرد و کلان را طلب می‌کرد که به آن «حشر» گفته می‌شد. بدین ترتیب ویژگیهای اساسی

پاگاو

هرچه به انتهای نهرها نزدیک‌تر می‌شدند، از تعداد افراد و نیز تا حدودی حجم کار کاسته می‌شد. در سطح روستا، کدخدا اولویت اول را به «حشرگو»، دوم به پاگاوهای تحویل، سوم پاگاوهای غمی و در آخر به کلگیرکارها می‌داد.

بذر

در پاگاو تحویل، بذر از سوی کدخدا یا «مستأجر» تأمین می‌شد. اما در پاگاو غمی هر عضو موظف به تهیه بذر خود بود. زارعین که از خود بذر داشتند به نام «کشتگر» و آنهایی که بذر را از دیگری دریافت می‌کردند «برزگر» یا «بزرگر» و فردی که بذر را در اختیار برزگر قرار می‌داد «پادار» خوانده می‌شد. بدین ترتیب «پادار» صرفاً نمودی از یک نقش بود و فعالیت یا عضویت وی در پاگاو ضرورتی نداشت. اما چنانچه عضوی از پاگاو بود، می‌بایست مانند دیگر اعضا در آن کار کند. فقط در صورت رضایت برزگر از کار در «حشر» رهایی می‌یافت، در این صورت پرداخت «پول کفش» را نیز برعهده می‌گرفت. پول کفش یا «کوشکی» مبلغی بود که میزان آن بستگی به فاصله روستا از محل بند و حجم کار در «حشر» داشت. علاوه بر آن پادار می‌بایست آهن برای انجام کارهای زراعی و تهیه ابزار کشاورزی (گاوآهن، تیشه، داس، ...) و نیز کیسه (ساروق) برای حمل محصول به خرمنگاه، در اختیار «برزگر» یا «سالار» قرار می‌داد. بی‌شک پادار از محصول به خاطر گذاشتن بذر و دیگر امکانات یادشده، سهم دریافت می‌نمود.

نیروی کار

نیروی کار به ۲ دسته «انسانی» و «حیوانی» تقسیم می‌شد. کار انسان، نیروی کار انسانی در پاگاوها را اعضای آن تأمین می‌کردند. تعداد زارعین هر پاگاو عمدتاً ۶ تن بود. اما در پیوند با وسعت زمین توزیع شده بین آنها و به‌ویژه میزان و زمان آب در دسترس گاه به ۸ تن می‌رسید. در این حالت پسوند «جفت گاو» را دارا می‌شد. پاگاوهای جفت گاو به‌گونه محدود فقط در محله‌های شیب آب و پشت آب وجود داشت. به‌طوری‌که از کل ۲۱۷۵/۵ پاگاو در ۱۹۰۴م

در گام نخست به کاردانی، نفوذ و شخصیت آنها توجه می‌شد، اما با مبلغ «شیرینی» پرداختی از طرف میراب به حاکم هم بی‌ارتباط نبود. میرابها علاوه بر مسئولیت «میرابی» عموماً در هریک از نواحی مدیریتی خود، عهده‌دار نقش کدخدا (مستأجر) هم بودند. آنها از بابت مسئولیت خود به‌عنوان «میراب» سهم یا حقوقی از دولت یا حاکم دریافت نمی‌کردند، اما به‌رحال چنین عنوانی برای آنها نوعی کسب شخصیت همراه با اعمال نفوذ بود.

میرابها که وظیفه حفظ و نگهداری نهرها را عهده‌دار بودند، گاهی نیز احداث نهری جدید را سازماندهی می‌کردند، هرچند انجام این مهم به دستور حاکم صورت می‌گرفت. فرد آگاه به ساخت سد را «بندباف» می‌گفتند. جایگاه اجتماعی بندبافها آنقدر رفیع بود که افتخار خوردن غذا را با سردار پردل خان داشتند. بندباف برای انجام کار خود، گذشته از دریافت هدیه از میراب، به‌ازاء هر پاگاو که آبش از آن رود یا بند تأمین می‌شد سالانه ۲/۵ من غلات سهم می‌بردند. حاکم سیستان نیز سالانه از مالیاتهای جمع‌آوری شده حدود ۲ تن غلات به وی می‌داد.

هر روستا برای خود آبیاری داشت که «پاکار» نامیده می‌شد. پاکار (- پاکار) از سوی کدخدا برگزیده می‌شد. پاگاوهای غمی موظف بودند در کارهای همگانی (حشر) مشارکت نمایند. بدین‌منظور هر پاگاو غمی ۲ تن از اعضاء خود را در اختیار پاکار می‌گذاشت که پس از یک هفته جای خود را به ۲ تن دیگر از اعضای همان پاگاو می‌دادند. کسی که امکان کار برایش نبود، می‌بایست فرد دیگری را جایگزین بفرستد یا مبلغی به‌عنوان خسارت از طریق پاکار به میراب پرداخت کند. این گروههای کلان کاری (حشر) در طی انجام امور مربوطه، بایستی شخصاً نیازهای فرد را تأمین می‌کردند. برای نظارت بر انجام کار کلان به‌ازاء هر ۱۰۰ مرد یک مراقب گمارده می‌شد. گروههای کاری (حشرها) که هرچند سال یکبار و بنا به‌ضرورت تشکیل می‌شدند، صرفاً در امور همگانی (ساخت بند، لایروبی رود و یا نهرهای بزرگ) مشارکت داشتند. در برابر نهری که چند روستا را آبیاری می‌کرد، فقط اعضای پاگاو همان روستاها آن را لایروبی و مرمت می‌کردند. بدین‌ترتیب،

پاگاو

یک‌دوم بذرافشان از محصول بهاره (گندم و جو) بود. اما از محصول هندوانه یک‌هشتم و دیگر کشتهای تابستان یک‌دهم از تولید خالص بود.

به‌جز مواردی که گاودار در روستا زندگی می‌کرد، گاوکار به سالار سپرده و در (طویل‌ه) منزل او نگهداری می‌شد. اما مراقبت از آنها برعهده برزگرها و کشتگرها بود. در صورت مفقود شدن گاوها، وظیفه سالار بود که آنها را پیدا کند و اگر گاوها می‌مردند، جبران برعهده گاودار بود. تأمین علوفه گاوها براساس توافق طرفین انجام می‌گرفت، که معمولاً بین پادار (کشتگر) و مالکین گاوها سرشکن می‌شد.

جدا از گروههای تولیدی یادشده، کسان دیگری نیز در روستا بودند که فعالیتهای آنها به‌گونه‌ای بر جریان تولید اثر می‌گذاشت. برای مثال آهنگر، نجار، دروگر، ... و حاملان کارکردهای غیرتولیدی چون سبزه‌بان، دشتبان (- دشتبان)، ملا، دلاک و جز اینها که نقشی در جریان تولید نداشتند، همه به‌گونه‌ای از محصول سهمی دریافت می‌کردند.

شرح وظایف صاحبان عوامل تولید و حاملان کارکردهای اقتصادی و اجتماعی در روستا و پاگاو

کدخدا. پرداخت «شیرینی» به سردار یا حاکم سیستان برای دریافت زمین؛ تعیین یا انتصاب سالارها؛ تعیین یا انتصاب پاکار؛ تعیین یا انتصاب مشکر و سبزه‌بان؛ تعیین تعداد پاگاوهای تحویل و غمی؛ توزیع زمین بین سالارها، کلگیرها و حشرگوها؛ مدیریت بر کارهای عمومی در سطح خرد (روستا) و کلان (حشر) و آبیاری؛ نظارت بر تقسیم محصول به‌ویژه جمع‌آوری سهم حکومت؛ همکاری با تحویلدار و مشرف؛ رفع مشکلات و اختلافات در روستا؛ همکاری با میراب؛ و اجرای دستورات حاکم و حمایت از حکومت مرکزی به‌نگام بروز معضلات به‌ویژه تأمین نیروی لازم در برخوردهای نظامی.

پاکار. نظارت بر امر آبیاری در روستا به‌ویژه مدار گردش آب، نوبت‌بندی و حق آبه‌ها؛ تأمین نیروی انسانی لازم برای امور مربوط به آب و آبیاری؛ مدیریت و سازماندهی کارهای عام‌المنفعه (حشر) در سطح خرد و کلان؛ و

صرفاً ۷۸/۵ (۳/۶٪) پاگاو را «جفت گاوی» تشکیل می‌داد. در همین سال ۱۵,۹۳۷ خانوار (برابر با ۸۳,۵۲۷ تن یا ۶۱/۴٪) از جمعیت سیستان در کار زراعت بودند و چنانچه مزدوران (بیشتر دروگرها) را هم به‌حساب آوریم این رقم به ۱۰۶,۴۶۲ تن (۷۸/۳٪) می‌رسید. با توجه به‌نسبت کلگیرها (۳۲/۱٪) و پاگاوها (۶۷/۹٪) به کل واحدهای تولیدی، و حضور حداقل یکی از اعضای (سرپرست) خانوارها در یک پاگاو، تعداد کل اعضاء پاگاو را می‌توان برابر ۱۰,۸۲۱ تن برآورد کرد. سرپرستی پاگاو را یکی از اعضا با نام «سالار» برعهده داشت که هر ساله کدخدا آن را انتخاب می‌کرد که بیشتر نقش مدیر را عهده‌دار بود و در انجام کارهای کاشت، داشت، برداشت و موارد دیگر و نیز در «حشر» مشارکت نداشت. اما وی بر مدار گردش آب، ساماندهی انجام امور و وظایف اعضا و تقسیم محصول و نظایر آن نظارت دقیق می‌کرد. ضمناً می‌بایست چوب برای ابزار و وسایل تولید پاگاو را خود تهیه نماید و پخت غذا هم برعهده او بود. سالار به‌نگام تقسیم محصول به‌اندازه دیگر اعضا سهم می‌برد. از آنجا که زارعین (کشتگر و برزگرها) در انتخاب پاگاو (یا سالار) خود آزاد بودند یا به بیان دیگر حق انتخاب برعهده سالار بود، لذا معمولاً مناسبات خویشاوندی در تشکیل هر پاگاو مؤثر و پیوند بین اعضا با یکدیگر تنگاتنگ بود. اما چنانچه یک زارع در خواست کار در پاگاو را رد می‌کرد، این خطر برایش وجود داشت که در آن سال زراعی کاری پیدا نکند. پس به نظر می‌رسد که ایجاد یک پاگاو همواره به‌تمایل هریک از اعضای آن بستگی نداشت. بین اعضاء پاگاو نوعی تقسیم کار وجود داشت. برای مثال، گاوران (گوران) هدایت گاوها را عهده‌دار بود، دیگری به‌دنبال شخم‌زن و یا خرمن‌کوب حرکت می‌کرد، فردی بذر را می‌کاشت و دیگران به کندن بوته و علفهای هرز از زمین و یا مال‌ه کردن خاک می‌پرداختند.

کار حیوان، از آنجا که معمولاً پاگاوها از خود «گاوکار» نداشتند، لذا آن را از گاوداران نیزارها اجاره می‌کردند. حق اجاره که به آن «گردنی» می‌گفتند پس از برداشت سهم دولت و دیگر افراد سهم‌بر، از کل باقیمانده نزدیک ۳۰٪ یا

- سوداگر، محمد. *نظام ارباب- رعیتی در ایران*. مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۹.
- صدر، محمدباقر. *اقتصاد ما، بررسیهایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه ع. اسپهبدی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
- صفی نژاد، جواد. *بته*. چاپ سوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۳.
- ضیاء توانا، محمدحسن. «نقش عوامل تولید در شکل یابی روشهای تولید گروهی و ساختار قدرت»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی*. جلد سوم، مشهد، ص ۳۴۷-۳۲۶، ۱۳۶۴.
- لمبتون، اک. سن. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- مؤمنی، باقر. *مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پیوند، ۱۳۵۹.
- وارگا، ی. «وجه تولید آسیایی»، ترجمه حسن ایلخانی، *مجله جهان نو*. مرداد و شهریور ۱۳۴۸.
- Bobek, H. "Die Hauptstufen der Gesellschafts- und Wirtschaftsenfaltung in Geographische Sicht", *Erde* ۹۰, ۱۹۵۹.
- Ehlers, E. "Traditionelle und Moderne Formen der Landwirtschaft in Iran", *Marburger Geographische Schriften*. H. ۶۴, ۱۹۷۵.
- English, P.W. *City and Village in Iran: Settlement and Economy in the Kirman Basin*. London: Madison, ۱۹۶۶.
- Fryer, J. *A New Account of East India and Persia. Being Nine Years Travels ۱۶۷۲-۱۶۸۱*. London, ۱۹۶۷.
- Goldsmid, F.J. "Notes on Eastern Persia and Western Baluchistan", *Journal of the Royal Geographical Society*. London, ۱۸۶۷.
- Huntington, E. "The Depression of Sistan in Eastern Persian", *Journal of the American Geographical and Statistical Society*. New York, Vol. ۳۷, ۱۹۰۵.
- Perso-Afghan-Arbitration-Commission (PAAC), Simla, (c), *Revenue Report and Notes of PAAC ۱۹۰۲-۱۹۰۵*. Vol. ۱, Persian-Seistan, ۱۹۰۶.
- Plank, U. "Der Teilbau im Iran", *Zeitsch, Fuer Ausl, Landwir.* ۱, S. ۴۷-۸۱, ۱۹۶۲.
- Tate, G.P. *Seistan- A Memoir on the History, Topography, Ruins and People of the Country*. Calcutta, Quetta, ۱۹۷۷.
- Zia Tavana, M.H. *Die Agrarlandschaft- Iranisch- Sistan. Aspekte des Strukturwandels im ۲۰. Jhd*. Marburger Geogr: Schri. H. ۹۱, ۱۹۸۳.

همکاری با میراب و بندباف. سالار. سازماندهی، نظارت و مدیریت باگاوها در کلیه امور کاشت، داشت و برداشت؛ تهیه و پرداخت «سرنسقی» به کدخدا (باگاو غمی)؛ هماهنگی با پاکار به لحاظ مدار گردش آب و نوبت بندبها؛ همکاری با پاکار به لحاظ تأمین نیروی انسانی «حشر» (باگاو غمی)؛ تهیه چوب برای ابزار و وسایل تولید؛ تدارک گاوکار؛ مراقبت و نگهداری گاوکارها؛ تحویل مالیات گاوکارهایی که در پاگاو کار می کنند به کدخدا؛ نظارت بر حمل محصول به خرمنگاه و تقسیم محصول؛ همکاری با مشرف، دشتبان، مشکر و تحویلدار؛ پختن غذا برای اعضاء پاگاو؛ اطلاع رسانی به کدخدا در مراحل گوناگون تولید؛ و استخدام دروگرها بهنگام برداشت محصول.

پادار. تأمین بذر برای برزگر؛ تهیه آهن برای ابزارآلات کشاورزی؛ تهیه کیسه (ساروق) برای حمل محصول به خرمنگاه و تقسیم محصول؛ و پرداخت نقدی به برزگر (پول کفش).

برزگر و کشتگر. کار در مراحل کشت، داشت و برداشت؛ تأمین علوفه گاوکار؛ مشارکت در کارهای عام المنفعه در سطح خرد و کلان (حشر) (باگاو غمی)؛ تهیه بذر؛ حمل محصول از زمین به خرمنگاه؛ تأمین غذای مشکر؛ و کار در «حشرگو».

کتاب شناسی:

- بیل، تیموتی لوی. *عصر فتودالسم*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴.
- بلوخ، مارک. *جامعه فتودالی*، ترجمه بهزاد باشی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسن پور رضوی، سید جلیل. یازو. «نمونه ای از نظام سنتی بهره برداری جمعی در شمال خراسان»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی*. جلد سوم، مشهد، ص ۴۰۴-۳۷۷، ۱۳۶۴.
- *تاریخ سیستان*. به کوشش محمدتقی بهار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۲.
- خسروی، خسرو. *جامعه دهقانی در ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۷.
- سعیدی، عباس. «آبیاری»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد اول، چاپ اول، تهران، ص ۸۴-۷۱، ۱۳۶۷.

براین مبنای فعالیتها و در مجموع کارکردهای سکونتگاهها بعدی اجتماعی - اقتصادی دارد که آن را تا حد زیادی از مباحث متعارف اقتصادی، به ویژه اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری)، مجزا می‌سازد. به سخن دیگر، نمی‌توان با نگاه محض اقتصادی و با اتکاء صرف بر قانونمندیهای متعارف سوداگرانه، به مسائل این‌گونه محیطها پرداخت.

امروز این باور رواج یافته است که توانمندی یک اجتماع در ایجاد سرمایه اجتماعی به منظور افزایش قابلیت اقتصادی، از اهمیتی مبنایی برخوردار است. آنچه که معمولاً در بسیاری از سکونتگاهها، به ویژه در محیطهای روستایی، از موانع رشد و توسعه اقتصادی بشمار می‌آید، فقدان برخی زمینه‌ها برای فعالیت و مبادله مناسب اقتصادی است؛ برخی از این زمینه‌ها عبارتند از:

محدودیت سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی)؛

محدودیت مبادله مستقیم و آزاد تولیدات و کالاها؛

محدودیت زیرساختها و خدمات زیربنایی (اقتصادی)؛

محدودیت منابع طبیعی؛

محدودیت اعتبارات برای گسترش فعالیتها و حداقلهای لازم برای سرمایه‌گذاری؛ و

وابستگی به یارانه‌ها و سوبسیدها و وابستگی به حمایتها و کمکهای بیرونی (به ویژه حمایت دولتی).

آشکار است که این امر در شرایط شدیداً نابرابر اجتماعی - اقتصادی تحقق نخواهد پذیرفت. بنابراین، در بسیاری موارد، پیش از شروع به ترغیب مشارکت مردمی و اقدام به عمران و توسعه سکونتگاهی، زمینه‌سازیهایی لازم است که قاعدتاً عبارتند از:

اقدام اساسی در زمینه اصلاح ساختاری محیطهای سکونتگاهی و ترویج روشهای نو و شیوه‌های متناسب فعالیت و تولید؛

دسترسی برابر و عادلانه به خدمات اساسی و منابع محیطی - اقتصادی؛ و

تأکید بر برنامه حمایتی از افراد و گروههای نابرخوردار و کم‌برخوردار و زمینه‌سازی عینی برای سهم‌پذیری این افراد و گروهها در فرایند تصمیم‌گیریهای اقتصادی و سیاسی، از طریق اعمال برنامه‌های مردمسالارانه و عدم تمرکز.

گسترش قابلیت مشارکتی یک اجتماع شهری یا

محمدحسن ضیاء توانا

بایداری ← توسعه پایدار

بایداری اجتماعی

Social Sustainability

یک نظام اجتماعی مبتنی بر توسعه پایدار، در کنار سایر ابعاد، شامل برابری فضایی، تأمین خدمات و امکانات اجتماعی، برابری جنسیتی و مشارکت و مسئولیت‌پذیری سیاسی است. هواداران توسعه پایدار بر بعد اجتماعی توسعه، به مثابه جزئی اساسی در نگرش نوین به این پارادایم، تأکید می‌ورزند. باین وجود، نکته اساسی این است که توسعه سکونتگاهها، اعم از شهری و روستایی، دارای بعدی اساساً اقتصادی، با تأکید بر اقتصاد فضا است. در این ارتباط، لازم است تا اهمیت منظری بس قدیمی‌تر، یعنی توسعه انسانی، از نو مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا که ریشه‌های این رویکرد، یعنی توسعه انسانی با تأکید بر مسائلی همچون نیازهای اساسی و برابری، در واقع در تاریخ نظریه‌پردازی اقتصادی نهفته است، تا جایی که عقیده دارند، توجه به این‌گونه ابعاد توسعه، با نقطه نظرات نخستین نظریه‌پردازان اقتصادی آغاز می‌گردد و در عمل، رویکرد توسعه انسانی با رویکرد انباشت هرچه بیشتر (به حداکثر رساندن) ثروت (مال اندوزی سوداگرانه) که در میان اقتصاددانان مدرن غلبه دارد، در تقابل قرار دارد. به این ترتیب، میان تحلیل اقتصادی مسائل توسعه و اتخاذ سیاستهای متناسب با صورت تقاضاهای توسعه انسانی نباید تباین اساسی وجود داشته باشد. براین مبنای، لازم است تا دلبستگی و پای‌بندی به توسعه انسانی با اولویت‌گذاریهای متعارف و راه‌حل جوئیهای موجود در بدنه جریان علم اقتصاد به مبارزه و رقابت بپردازد. بدینسان، بحث اقتصاد سکونتگاهی دارای جنبه بسیار قوی اجتماعی است. به سخن دیگر، توسعه اقتصادی و اجتماعی با ارتباطی تنگاتنگ، به نحوی تعاملی بر یکدیگر اثرگذار هستند و هریک شرایط و وضعیت دیگری را تعیین می‌کنند.

بایداری اجتماعی

ساکنان، نوعی مبارزه طلبی بشمار می‌رود که در عین حال، فرصتی است همراه با دستاوردهای بالقوه بسیار وسیع در رشد پایدار اقتصادی، ثبات اجتماعی و توسعه انسانی.

علاوه بر این، راز توسعه و پایداری اجتماعی مکانها و نواحی، در عین اینکه به توان پوییش و کوشش در ایجاد هماهنگیهای جهانی بستگی دارد، تا حد زیادی به پندگیری از خردورزیهای بومی و سازگاریهای زیست محیطی وابسته است. از این رو، هرگونه استفاده نابجا از فنون برگرفته از دیگران و یا بهره‌گیری از الگوهای ناسازگار و کاربرد نسنجیده آنها در عرصه‌های بومی می‌تواند پیامدهای ناگوار، از جمله ناپایداری اجتماعی را به همراه داشته باشد. نکته اساسی در این میان این جنبه بنیادی است که نظامهای مدیریت فضا در بستر معین اجتماعی-اقتصادی خویش پدیدار می‌گردند و در عین پیوند با روندهای گذشته، می‌توانند به نحو مثبت در سمت‌دهی به روندهای آتی، به عنوان تجربه جمعی، به کار گرفته شوند. بنابراین، اگر نظامهای مدیریتی برآمده از شرایط آن زمان و ساخت و سازمان سنتی آنها به هر دلیل با شرایط امروزی هماهنگی ندارند، ضروری است، پیش از بی‌اعتنایی نابخردانه و فروپاشی تاریخی آنها، بدیل‌های متناسب و جایگزینهای درخور آنها با ساخت و سازمان هماهنگ با زمان، طراحی و به نحوی درونزا زمینه‌سازی و جایگزین شوند.

کتاب‌شناسی:

- ADB & Unicef. *Local Governance Initiative* (Rural Asia), ۲۰۰۴.
- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen: *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*, UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, ۱۹۹۶.
- Harris, J. M. *Basic Principles of Sustainable Development*, Tufts Uni., Medford (USA), ۲۰۰۰.

عباس سعیدی

روستایی، یعنی افزایش آمادگی و توان افراد و گروههای ضعیف‌تر و نابرخوردار، نه تنها از طریق تمهیدات اقتصادی، بلکه ضمناً از طریق تمهیدات فرهنگی-اجتماعی و نیز از طریق توان اقتصادی و توزیع آن تحقق‌پذیر است. به‌منظور گسترش پایدار توان مشارکتی در سطح خرد محلی، اقدامات اساسی زیر در سطح کلان و میانی الزامی است:

ادغام هماهنگ اهداف کاهش فقر در اهداف کلان اقتصادی و مدیریت سیاستهای زمینه‌ساز اقتصادی و مالی. در این ارتباط، تأکید بر آن است که از طریق حمایت هدفمند از شاخه‌های مختلف فعالیت اقتصادی و اقدامات اشتغالزای، همراه با قانونمند کردن بخشهای به اصطلاح غیررسمی و همچنین، رسمیت بخشی به این زمینه‌ها و بهسازی آنها، شرایط جذب افراد و گروههای نابرخوردار و ضعیف به عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی فراهم شود؛

تمرکز حمایتها و کمکهای عمومی به‌منظور کاهش فاصله و نابرابری اجتماعی-اقتصادی و گسترش دسترسی افراد و گروههای کم‌برخوردار از امکانات، خدمات، تسهیلات و منابع؛ و

اعمال مدیریت بحران اجتماعی که بر تحلیل خطرات چندجانبه ا فشار آسیب‌پذیر متکی باشد و با پیشنهاد راهبردهایی برای پیش‌بینی، مقابله و کاهش خطرات، قادر باشد برای تقویت و گسترش نظامهای خودیاری عمومی (جمعی) و خصوصی، امکانات محلی و منطقه‌ای و نیز منابع دولتی و خصوصی را به سمت رفع نیازهای افراد و گروههای آسیب‌پذیرتر سوق دهد.

نتیجه منطقی مشارکت پایدار و همراهی جدی در همه جنبه‌های زندگی و فعالیت در سکونتگاههای انسانی را می‌توان به مثابه فوران اندیشه‌ها برای بهسازی فضای زیستی و پایداری اجتماعی بشمار آورد. بر همین مبنا، الزامات بنیادی برنامه‌ریزی برای پایداری اجتماعی در آینده قاعداً بر حول ۳ جنبه اساسی دور خواهد زد:

همفکری؛

برنامه‌ریزی مشارکتی (یا گفتمانی) و

اقدام جمعی.

بدین ترتیب، پر کردن چاله خودگردانی محلی در محیطهای شهری و روستایی، هم برای دولتها و هم برای

(۱۹۸۷م)، ریودوژانیرو (۱۹۹۲م)، ژوهانسبورگ (۲۰۰۲م) و چندین کنفرانس و نشست ملی و بین‌المللی دیگر، هنوز برخی ابهامها در مورد مفهوم توسعه پایدار وجود دارد. شاید یکی از دلایل این امر، آن است که توسعه پایدار بسته به شرایط زمانی، مکانی، در جوامع مختلف متفاوت است. این تفاوت تا به حدی است که گفته می‌شود ماهیت توسعه پایدار ۱۰۰٪ نسبی و وابسته به زمان است، همان‌طور که اصطلاح توسعه نیز خود به‌طور ضمنی بر این موضوع دلالت دارد. افزون بر این نسبییت، مفهوم پیچیده توسعه پایدار دارای تفاسیر بسیاری است.

برهمن اساس، ۳ اصل پایداری عبارتند از:

پایداری زیست محیطی. توسعه با حفظ فرایندهای محیطی، زیستی و منابع ذی‌ربط سازگار است؛

پایداری فرهنگی و اجتماعی. توسعه موجب افزایش کنترل انسان بر زندگی خود می‌شود و توسعه با عوامل فرهنگی و ارزشی که در این راه تحت تأثیر قرار می‌گیرند، منافات ندارد و موجب تقویت هویت اجتماعی جامعه می‌گردد؛

پایداری اقتصادی. توسعه از نظر اقتصادی و با بازده بالا به‌گونه‌ای انجام می‌شود که نظارت و کنترل لازم بر منابع اعمال شده و می‌توان آن را برای نسلهای آینده حفظ کرد.

به سخن دیگر، درباره توسعه پایدار می‌توان گفت که پایداری یعنی استمرار حرکت، نه تنها در بعد بوم‌شناختی آن، بلکه استمرار حرکت رو به جلو، به‌نحوی که خود مردم حرکت را انجام دهند. در این چارچوب، ابعاد توسعه پایدار را نیز می‌توان در ۳ بعد اصلی مطرح کرد:

از منظر دیدگاه یا موضوع؛

از منظر فضا؛ و

از منظر زمان.

به‌لحاظ رهیافت نیز هرچند توسعه پایدار را باید یک رهیافت پائین به بالا قلمداد کرد، برخی با توجه به طرح شاخصها در مقیاس بین‌المللی، آن را نوعی رهیافت بالا به پائین دانسته‌اند.

با چنین برداشتی از توسعه پایدار، فرایند پایداری روستایی بایستی دربرگیرنده کلیه قلمروهای تغییر و در راستای حرکت نظام اقتصادی و اجتماعی از درک وضعیت

پایداری روستایی

Rural Sustainability

در متون توسعه، به‌ویژه از دیدگاه نظریه‌های رشد، محور توسعه روستایی به‌طور سنتی بخشی از پارادایم نوسازی بوده است که ادبیاتی پر دامنه درباره آن وجود دارد. با این وجود، فقر و عدم امنیت هنوز در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته و نیز بعضی کشورهای با منابع غنی و به‌رغم ۴-۵ دهه استقلال سیاسی و سیاستها و برنامه‌های توسعه‌ای، ادامه دارد و بدتر اینکه هنوز بخش عمده‌ای از جمعیت‌های روستایی در مسیر توسعه، همچنان در حاشیه قرار دارند. بدینسان، در روند مباحث توسعه روستایی ثابت شده که این پارادایم، خشک، مکانیکی و غیرقابل انعطاف بوده و در بسیاری از کشورها، نه تنها به رفع فقر که به محافظت از منابع طبیعی و اجتماعی با ارزش نیز کمکی نکرده است، بلکه در نهایت، موجب انحطاط و تخریب محیطی بسیار سریعی در سطح جهان شده است. بنابراین، روی‌آوری به این پارادایم اغلب به عدم پایداری نهادی و محیطی منجر شده است.

درواقع، توجه جهانی از زمان کمیسیون برونتلند که آغازگر بحث درباره توسعه پایدار بود، به مبحث **پایداری معطوف** شد. در تعریفی که این کمیسیون از توسعه پایدار مبنی بر **پاسخگویی به نیازهای نسل کنونی، بدون به مخاطره افتادن توان نسلهای آینده برای تأمین نیازهای خود، به‌دست می‌دهد، پایداری اقتصادی** به معنی گذران زندگی و امرار معاش از **درآمد و جلوگیری از زوال سرمایه** (اعم از سرمایه اقتصادی، بوم‌شناختی و اجتماعی) است.

درعین حال، «توسعه پایدار را می‌توان یک فرایند در نظر گرفت» یا از آن به‌عنوان **مشروعیت جدید** یاد کرد. توسعه پایدار، در واقع، به‌عنوان رهیافتی چندبعدی و در واکنش به رهیافتهای تک‌بعدی و ناکارآمد پیشین طرح شده و پارادایم غالب توسعه و به تبع آن، توسعه روستایی است.

به‌رغم انجام مباحث بسیار و برگزاری چندین اجلاس جهانی، از جمله اجلاس استکهلم (۱۹۷۲م)، برونتلند

بایداری روستایی

و بهترین زمینهای کشاورزی؛ بهبود قابلیت زیست روستاهای موجود و شهرکهای تجاری کوچک، کاهش نیاز به مسافرت‌های فزاینده با خودرو به مراکز شهری، معکوس کردن کاهش و نقصان عمومی در خدمات روستایی، توأم با ارتقای زندگی جوامع روستایی که ترکیب معقولانه‌ای از سن، درآمد، بازار مسکن، تسهیلات اجتماعی و دیگر فرصتها را ارائه می‌دهند؛ و تشخیص ارتباط و وابستگیهای متقابل سیاستهای شهری و روستایی.

براین مبنا، مالکوم جی موسلی ویژگیهای زیر را برای توسعه پایدار روستایی ارائه کرده است:

ایده گسترده‌ای که حاوی تمام پیامدهای مهم مربوط به نشاط و بالندگی جمعی مردم و مکانهای روستایی است؛ شامل تحصیل، بهداشت، خانه‌سازی، خدمات عمومی و امکانات، ظرفیتهایی برای رهبران و مسئولان دولتی، میراث فرهنگی و نیز پیامدهای اقتصادی عمومی و بخشی؛ فرایندی چندبُعدی که در جستجوی یکپارچگی اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به روش پایدار است؛ و فرایندی پایدار و مداوم از تغییر اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیطی که برای افزایش رفاه طولانی‌مدت کل اجتماع طراحی شده است.

تعریف دیگر شامل ۱۲ شاخصه است که برای فهم توسعه پایدار روستایی و ارتقای آن، نقش اساسی و بنیادی برعهده دارند:

مداوم و نه کوتاه‌مدت؛ پایدار. سرمایه به ارث رسیده به نسل حاضر را مورد توجه قرار می‌دهد؛

فرایند. مجموعه‌ای از فعالیتهای مداوم و دارای وابستگی متقابل؛

اقتصادی، در ارتباط با تولید، توزیع و مبادله کالا و خدمات؛ *اجتماعی*، در رابطه با ارتباطات انسانی؛

فرهنگی، در ارتباط با شیوه‌های زندگی و منابع هویت؛

محیطی، در ارتباط با محیط طبیعی و زنده پیرامونی؛ از پیش اندیشیده شده، به‌طور آگاهانه استنتاج و استنباط

زندگی نامناسب، به‌سوی شرایط زندگی مادی و معنوی بهتر باشد. با چنین توصیفی، توسعه و بایداری روستایی هم علت و هم نتیجه تغییر خواهد بود. به سخن دیگر، میان تأثیر توسعه و آثار آن از طریق تغییر ارتباط متقابل وجود دارد. البته، تغییر دربرگیرنده ابعاد کالبدی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و وجه نظر سازمانی یا تغییرات سیاسی است. این درحالی است که بیانیه توسعه می‌تواند تأثیر روی برخی تغییرات در برخی مکانها و برخی زمانها داشته باشد؛ هرچند همه تغییرات منجر به توسعه و بایداری نمی‌شوند. یک تغییر امکان دارد برای بهتر شدن (توسعه) و یا برای بدتر شدن (پس‌رفت) باشد. ولی آنچه در بایداری روستایی مدنظر است، بهتر شدن یا پیشرفت است. بنابراین، در توسعه روستایی، تغییر، ابزاری برای ارتقاء و پیشرفت توسعه روستایی است. امکان دارد تغییر به‌طور طبیعی یا خودکار یا القایی باشد. با توجه به اینکه ظرفیت‌سازی یکی از اهداف توسعه روستایی است، بنابراین رویکرد توسعه پایدار روستایی تغییر طبیعی و خودکار توسط مردم است. براین اساس، تعریف بایداری روستایی نیز با عنایت به موارد فوق به‌صورت زیر قابل طرح است: فرایندی همه‌جانبه، موزون و درونزا که در چارچوب آن تواناییهای اجتماعات روستایی برای رفع نیازهای اساسی مادی و معنوی و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل‌دهنده نظام سکونت محلی (محیطی، اجتماعی، اقتصادی، نهادی و سرزمینی) رشد و تعالی می‌یابد. براین اساس، می‌توان ۴ هدف را برای بایداری روستایی در نظر گرفت:

برآوردن نیازهای اقتصادی مردمی که در نواحی روستایی مشغول کار و زندگی هستند، از طریق ارتقاء کارایی و رقابتی کردن کارهای تجاری روستایی و تشویق تنوع اقتصادی بیشتر، به‌منظور فراهم کردن فرصتهای گوناگون شغلی (به‌خصوص در نواحی که هنوز به‌طور عمده متکی به کشاورزی هستند)؛

نگهداری یا ارتقای ویژگیهای نواحی روستایی و محافظت منابع طبیعی آنها، شامل حفاظت و نگهداری تمایزات و گوناگونی چشم‌اندازها، زیبایی، تنوع حیات وحش، کیفیت روستاها و روستا- شهرها، مزایای تاریخی و باستان‌شناختی

بایداری روستایی

شده و به صورت طبیعی تکامل نمی‌یابد؛
طولانی مدت، در ارتباط با دهه‌ها و نه سالها؛
رفاه. نه فقط کامیابی و موفقیت مادی، بلکه کامیابی و
موفقیت‌های معنوی؛
عام بودن. دربرگیرنده همه گروه‌های سنی و جنسی و تمام
گروه‌های اجتماعی؛ و

اهداف بایداری روستایی

اجتماعی، به معنی مردمی است که در یک ناحیه کار و یا
زندگی می‌کنند.
بدین ترتیب، توسعه بایداری فرایندی است به‌سوی
بایداری و البته نمی‌توان با یک گام به آن رسید. بنابراین،
لازم است به گام‌های بینابینی دستیابی به بایداری توجه
داشت. این گام‌ها مسائلی مانند توانمند کردن مردم محلی،
استفاده از محصولات در یک چرخه تداومی و تنوع بخشی
به اقتصاد را شامل می‌شود.
توسعه محلی و بایداری روستایی باید بر پایه دیدگاهی
باشد که بیشتر در ارتباط با رفاه طولانی مدت انسان باشد، تا
در ارتباط با تولید کالا و خدمات و یا امکان ایجاد تعدادی
مشاغل ساده. این موضوع به‌طور تلویحی به معنای
درونی‌سازی فرهنگی است و فرایند تصمیم‌سازی آن به
محافظت و در صورت امکان، افزایش ۴ نوع سرمایه
(محیطی، انسانی، اجتماعی و تولیدی) نیاز دارد.
به‌طور کلی، نواحی روستایی به‌واسطه تراکم کمتر
جمعیتی و غالب بودن فرایندهای محیطی شناخته می‌شوند.
محیط‌های روستایی وابستگی بسیار بیشتری به چرخه‌های
بیوشیمیایی موجودات زنده دارند. بنابراین، این گونه محیط‌ها
با بهره‌وری زیستی (در اشکال کشاورزی، جنگلداری،
حیات وحش و ماهیگیری)، بهره‌برداری و تخلیه ذخایر آبی،
قابلیت دسترسی به ذخایر انرژی معدنی و غیرقابل تجدید
شونده مشخص می‌شوند.

توسعه فرصت‌های شغلی؛
بهبود بهره‌وری و افزایش درآمد؛
افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی؛
تأمین امنیت غذایی؛
انتقال منافع عمومی به مناطق روستایی؛
عدم تبعیض مکانی؛
حفظ توان محیط طبیعی و زیستی؛
توسعه مشارکت؛ و
تقویت اعتماد به نفس روستائیان.

بر همین مبنا، اهداف اولیه بایداری در نواحی روستایی
عبارتند از: غلبه بر فقر و حفاظت اکوسیستم، همراه با حق
انتخاب‌های انسانی. برای عملی کردن و اندازه‌گیری پیشرفت
به‌سوی بایداری، معرف‌های زیر مناسب هستند:

حفظ موجودی دائمی و سرمایه‌های طبیعی، همچون خاک
سطحی (قشر رویه خاک)، آب پاکیزه و سالم، هوای پاک،
محل‌های ماهیگیری و جنگل‌ها و مراتع پربار و حاصلخیز و
به سخن دیگر، حفاظت و نگهداشت نیروی بالقوه منابع
طبیعی تجدید شونده؛
حفظ ظرفیت محیطی برای دفع زباله، فاضلاب و پسماندها؛
بهبود بخشی به کیفیت زندگی، از طریق دسترسی به ابزار و
عوامل تولید، همچون زمین، اعتبار، فن‌آوری، تحقق
سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و خدمات اجتماعی و
دسترسی آسان به نیازهای اساسی، مانند تغذیه، سرپناه،

همچنین نواحی روستایی با سکونتگاه‌های کوچک و
متوسط شناخته می‌شوند و این موضوع، به‌طور فزاینده‌ای
با میزان برخورداری آنها از صنایع خدماتی و تولیدی در
ارتباط است. این نواحی همچنین صاحب بخشی از
ارزشمندترین ذخایر و میراث فرهنگی، نظیر ساختمان‌ها و
نقاط منحصربه‌فرد هستند. بنابراین، بایداری روستایی چند

بایداری روستایی

امنیت غذایی؛
حفظ محیط زیست؛ و
مشارکت.

مدیریت بایداری روستایی

با توجه با اینکه توانمند کردن مردم، به ویژه گروه های فقیر روستایی، عمده ترین هدف در طرح های توسعه روستایی است، این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان میان توانمندی که کشف و بهره برداری از منابع طبیعی یکی از

پوشاک و بهداشت؛ و
توسعه اقتصادی که مسائل مربوط به افراط و تفریط در
مصرف را در دستور کار قرار دهد.

در گردهمایی کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست
و توسعه، ۳ هدف برای توسعه و بایداری کشاورزی تعیین
شده است:

تأمین امنیت غذایی؛
ایجاد اشتغال و درآمد در مناطق روستایی؛ و
ریشه کن کردن فقر، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست.



ملزومات آن است و اهداف *بایداری* در بعد زیست محیطی
و حفاظت از منابع طبیعی پیوند برقرار کرد؟
به طور کلی، اگر چه توصیف هدف های *بایداری* نسبتاً
آسان است، اما بهنگام تلاش برای ارائه تعریفی از مفهوم

بدین ترتیب، با مقایسه ابعاد مورد تأکید در ۳ زمینه
توسعه روستایی، توسعه کشاورزی و توسعه *بایداری*، می توان
۴ هدف را به عنوان اهداف خاص توسعه *بایداری* برشمرد:
کاهش فقر؛

بایداری روستایی

هنرهای عامیانه و فولکلور و در ارتباط با این بحث، ایجاد فرصت برای ساکنان روستا برای بهبود وضع معیشتی خود. بهره‌برداری از تفاوت‌های موجود میان اجتماعات روستایی و شهری به معنای به کارگیری معیارهای روستایی برای رشد، کاربری زمین، منطقه‌بندی تجاری و حفاظت است. اقتصاد پایدار همچنین به معنای بهره‌گیری از معیارهای روستایی برای انتخاب راهبردهای توسعه اقتصادی است.

تدوین یک راهبرد توسعه اقتصادی دارای پتانسیل حفاظت از منابع، افزایش بهره‌وری محلی و توزیع عادلانه منافع حاصله، هم یک هنر و هم یک علم است. علم است، به دلیل اینکه طراحی فهرست‌برداری و یک راهبرد مناسب، عناصر اصلی را تشکیل می‌دهند. هنر است، به این علت که به‌گونه‌ای خلاق عناصر توسعه پایدار اقتصادی را در طراحی ترکیب کرده و در هم می‌آمیزد. این عناصر عبارتند از:

تأکید بر توسعه انسانی. توسعه مهارت‌ها و انسانی، موجبات پیشرفت یک اقتصاد رقابتی را از طریق تولید محصولات، ایجاد خدمات و فناوری تولیدی نوین فراهم می‌کند؛ گسترش نظارت و کنترل محلی بر منابع. اجتماع انسانی متکی به استفاده پایدار از منابع طبیعی، زمین و آب است؛ افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری داخلی. به‌منظور انجام تعهدات نسبت به ایجاد جهش و گسترش در امور تجاری، ساکنان نیازمند سرمایه هستند؛ و

تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی برای افزایش فرصت و کاهش وابستگی. یک اقتصاد نمی‌تواند با ساختارهای اجتماعی و اقتصادی که فقر و بیکاری را استمرار می‌بخشند، توسعه پیدا کند. این عناصر چهارگانه نه تنها عناصر کلیدی در یک راهبرد توسعه هستند، بلکه وسیله ارزیابی نیز به حساب می‌آیند؛ و

شیوه‌ای برای اندازه‌گیری یک راهبرد پیشنهادی یا برای سنجش حرکت یک اقتصاد به سوی پایداری.

پروژه‌های توسعه روستایی اساساً همان‌گونه که در تقابل با پروژه‌های سخت‌افزاری (مثل ساخت جاده‌ها، پلها یا دیگر زیرساخت‌های کالبدی) قرار می‌گیرد، با پروژه‌های انسان محور نیز ارتباط پیدا می‌کنند. چنین پروژه‌هایی

پایداری، کار بسیار مشکل می‌شود. در مورد اینکه روندهای توسعه بایستی پایدار باشند، اتفاق نظر وجود دارد، ولی در تفسیر شرایط و فرضیهایی که از رهگذر آنها می‌توان پایداری را تحقق بخشید، اختلاف نظر زیادی مطرح است.

تلاش بسیاری برای تعریف پایداری به‌طور تجربیدی صورت گرفته و از زمان تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار در ۱۹۸۷م، حداقل بیش از ۷۰ نوع تعریف مطرح شده که هر یک تفاوت‌های ظریفی با دیگری دارند و هر یک بر ارزشها، اولویتها و اهداف خاصی تأکید می‌کنند. فرض ضمنی این است که امکان رسیدن به تعریف واحد و صحیح وجود ندارد و هر محقق تعریف خود را بهترین تعریف می‌انگارد. درواقع، ارائه تعریفهای دقیق و تجربیدی از پایداری امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، ناتوانی در تعریف پایداری به این معنی است که نمی‌توان برای آن یک راه‌حل کلی و عمومی تجویز کرد. آینده ممکن است مطابق دیدگاه و تواناییهای ما پیش آید، مشروط بر اینکه محدودیتهای جهانی را تشخیص دهیم. با این حال، اکثر محققان در تعریف خود از پایداری و توسعه پایدار، بارها بر ارزشها و اهداف سه‌گانه توسعه پایدار که دربرگیرنده ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی است، تأکید کرده و به صراحت بیان داشته‌اند که مدیریت توسعه پایدار بدون دستیابی به همگرایی بیشتر در این ۳ دیدگاه و تلفیق آنها با یکدیگر به شکست خواهد انجامید.

در هر اجتماعی منابع طبیعی، انسانی و فرهنگی، قالبهای سازنده توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شوند. مدیریت دقیق این منابع به افزایش تولید کالاها و خدمات، ذخیره‌سازی منابع تجدیدشونده، تقویت فرهنگهای منحصربه‌فرد و گسترش فرصتهای اقتصادی کمک می‌کند؛ ارزش منابع موجود بالا می‌رود و کالاها و خدمات توسعه می‌یابند؛ و با ارتقای ظرفیت خدمات‌رسانی به بازارهای متنوع محلی، منطقه‌ای و صادراتی، گردش پول نیز وسعت پیدا می‌کند.

اجتماعات روستایی از موهبی برخوردارند که اکثر مردم برای آنها ارزش قائل هستند: محیط تمیزتر، مناظر تماشایی، فرهنگهای قومی و شیوه‌های زیست‌مشخص و اختصاصی،

بایداری روستایی

مدیریت انتخاب فناوری؛
مدیریت نظام‌های سکونتی؛ و
مدیریت مشارکت.

این موارد، موضوعات مربوط به توانها و قابلیت‌های زیست‌محیطی نیازها و اولویتها در اقتصاد روستایی را برای ورود به برنامه‌ریزی منطقه‌ای پوشش می‌دهند. این رویکرد می‌بایستی حتی الامکان مشارکتی باشد و طرحهای مرتبط نیز برای چارچوب اقتصادی- اجتماعی روستا، حالت خاص داشته باشند. نظر به پیچیدگی فعالیتهای توسعه روستایی و نیاز به رویکرد برنامه‌ریزی یکپارچه، برای ارزیابی کارایی مداخلات توسعه روستایی، یک نظارت دقیق و سازوکار ارزیابی مورد نیاز است. برای به دست آوردن رضایت‌مندی، لازم است تا دامنه نظارت و ارزیابی فراتر از مدیریت فنی انجام شود و ضرورت دارد که به‌عنوان هسته مرکزی و جزئی کامل از چرخه پروژه در نظر گرفته شود. به‌هرحال، سازمانهای روستایی در سطوح متفاوت می‌بایست حتی الامکان درگیر کار نظارت و ارزیابی باشند. در درون سازوکار چند لایه نظارت و ارزیابی و در امتداد نقش مکمل سازمانهای غیردولتی، هدف اساسی شناسایی و اجرای مجموعه‌ای از شاخصها جهت آزمون اجرا و اثر برنامه‌های توسعه روستایی خواهد بود.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران»، *مجله مسکن و انقلاب*. شماره ۸۷ تابستان ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «شیوه‌های بومی بهره‌گیری از منابع محدود (مورد: آب باران در جزیره کیش)»، *کاورنامه* (مجله علوم انسانی دانشگاه یزد). سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- سعیدی، عباس و کفایی، ساره. «نقش مدیریت سنتی در تولید فضای پایدار روستایی (مورد: ناحیه سعدآباد/ بوشهر)»، *مجله علوم زمین*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۳.
- ADB & Unicef. *Local Governance Initiative (Rural Asia)*, ۲۰۰۴.
- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen. *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*. UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, ۱۹۹۶.
- Harris, J.M. *Basic Principles of Sustainable Development*. USA

دربگیرنده موقعیتهایی است که فرایندهای برنامه‌ریزی با کنترل محدود بر روی محیط‌زیست، کمتر شناخته می‌شوند. این امر، برنامه‌ریزی خاص و مهارتهای اجرایی و مدیریتی ویژه‌ای را طلب می‌کند.

بدینسان، موضوع مهم در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، بایداری است. به‌ویژه از آنجا که توسعه روستایی به‌گونه فزاینده‌ای با ظرفیت روبه گسترش جمعیت مورد نظر (گروه هدف) برای تبیین سرنوشت آینده‌شان ارتباط پیدا می‌کند، بایداری فعالیتهای توسعه روستایی به‌عنوان شاخص مهم و نهایی از موفقیت نمایان می‌شود. در چارچوب بایداری، اهداف برنامه‌ریزی توسعه روستایی در سطح روستا نیازمند توجه و تأکید بر امنیت پایدار معیشتی، برابری و عدالت، بازتولید محیط‌زیست (یا تجدید نسل زیست‌محیطی) و حفاظت و نگهداری از مراتع، جنگلها و جنگل کاری است. امنیت معیشتی پایدار به افزایش بهره‌وری از منابع برای تضمین مالکیت آنها یا دسترسی به منابع و دارائیها، به‌منظور رفع نیازهای اساسی اشاره دارد. این امر به شیوه‌های گوناگون قابل حصول است. مالکیت زمین، دام یا اشجار، حقوق مربوط به چرا، اشتغال دائم و فراوری و سایر فعالیتهای مولد.

عدالت، درجه و میزان سودی را که از توسعه به فقرا می‌رسد، مشخص می‌کند. معیارهای گرایش به سمت کاهش فقر، مانند توزیع مجدد زمین و اصلاح قوانین اجاره‌داری، دسترسی مناسب فقرا به اعتبارات، شبکه آبیاری، فرصتهای شغلی، آگاهی از فناوریهای پیشرفته، تسهیلات ترویجی و آموزشی، بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، فعالیتهای بهداشتی و توسعه منابع انسانی و جز آن می‌تواند در ترویج توسعه و بایداری روستایی مسیر طولانی ببیماید. براساس چنین اطلاعاتی در تصمیمات برنامه‌ریزی، محدوده‌های زیر نیازمند توجه هستند:

مدیریت زمین و آب؛

مدیریت کشت؛

مدیریت سوخت و انرژی؛

مدیریت مرحله بعد از برداشت؛

مدیریت نظامهای زراعی؛

شهر سبز، شهر قابل زیست (← شهر قابل زیست)، شهر چاره‌جو، شهر سالم (← شهر سالم) و شهر پایدار، از یکسو و برقراری عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیها، از دیگر سو، حاوی مفهوم پایداری شهری است. براین‌مبنا، شهر قابل زیست، شهری است که ۳ گونه مشخصه داشته باشد: تمدن‌ساز بودن، راحت و امن بودن و اعتدال از نظر کاربری زمین (← کاربری زمین).

مشکلی که امروزه در پیش روی برنامه‌ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاستها و برنامه‌های پایدار شهری و ترسیم جلوه‌های این پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدفها و برنامه‌های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریتهای مرتبط در اداره امور شهرهاست. به تعبیر دیگر، سطح قابل قبول و بالای رشد اقتصادی و اشتغال، پیشرفت اجتماعی و حفاظت از محیط شهری جنبه‌های دیگر پایداری شهری را تشکیل می‌دهد.

در مقابل، جنبه‌های ناپایداری شهرها، علاوه بر آنچه که در سطح منطقه‌ای و جهانی بر آن تأثیر می‌گذارد، شامل مواردی مانند تغییر شرایط آب‌وهوایی و گرم شدن کره زمین، تنزل کیفیت خاک، آسیب به جنگلها و انهدام گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و عدم تناسب در صرفه‌های اقتصادی است که در سطح شهرها به‌صورت گسترش حومه‌نشینی، جدایی‌گزینی گروههای اجتماعی، نابرابری فرصتها، کاهش اراضی کشاورزی و فضاها، باز، آسیب به منابع آب، کاهش سرزمینهای مرطوب، بحران رفت‌وآمد سواره، انواع آلودگی (هوا، صوتی و خاک) و عدم حفاظت در برابر مخاطرات اجتماعی و محیطی بروز می‌کند. از دیگر نشانه‌های ناپایداری شهری می‌توان از مصرف‌زدگی، رشد بی‌رویه جمعیت، وابستگی به منابع تجدیدنپذیر، تخریب مبانی اجتماعی و محیطی، بی‌عدالتی در توزیع منابع و محدودیت در مشارکتهای اجتماعی یاد کرد. تلاش در رفع این مشکلات، حرکت به سوی پایداری شهری را بیان می‌کند.

پایداری شهری، یک برنامه پیشرفت اجتماعی است که می‌کوشد نیازهای ساکنان شهرها را بشناسد، از منابع

Medford: Tufts University, ۲۰۰۰.

سیدعلی بدری

پایداری شهری

Urban Sustainability

کاربرد سیاست توسعه پایدار (← توسعه پایدار) در مورد شهر، متضمن بهره‌برداری از منابع و محافظت از فضای شهری به‌نحوی است که نیازهای نسلهای کنونی و آینده هر ۲ را در نظر گیرد: پایداری از جمله موضوعاتی است که به‌ویژه از دهه ۱۹۸۰م در جهان مورد توجه و بحث قرار گرفته است، پایداری تلاشی است برای دستیابی به بهترین نتایج در برنامه‌های محیط انسانی و طبیعی که برای حال و به‌صورت نامحدود برای آینده صورت می‌پذیرد. به سخن دیگر، منظور از پایداری شهری، توسعه‌ای است که در بلندمدت به بهبود وضع اجتماعی، بهداشتی و زیست محیطی شهرهای کوچک و بزرگ بینجامد و در عرصه‌های بوم‌شناختی، متضمن حفاظت از منابع محیط طبیعی و انسانی در شهرها باشد. آنچه که به پایداری شهری می‌انجامد و اعتدال در شرایط زیست شهرها را فراهم می‌آورد، شامل شیوه کارآمد کاربری زمین، ایجاد بهترین دسترسیها و حمل‌ونقل به تمام نقاط شهر و با حداقل استفاده از وسیله نقلیه موتوری آلودگی‌زا، کاربرد کارآمد منابع، فقدان انواع آلودگیها و ضایعات محیطی، استفاده درست از منابع طبیعی و امکان تجدید چرخه آن، خانه‌سازی مطلوب و ایجاد محله‌های سالم، برقراری نظام بوم‌شناسانه پایا و سالم، اقتصاد شهری پایدار، امکان حضور و فعالیت ساکنان شهرها در مشارکتهای اجتماعی و تصمیمات شهری، نبودن زاغه‌نشینی و مسکن غیربهداشتی و بالاخره حفظ فرهنگ محیطی شهرها براساس استیلای عقل و خرد جمعی است. علاوه‌براین، اصطلاحاتی همچون

یاداری شهری

مشخصه تعیین کرده است:
ایجاد محیط زیست مطلوب (پایداری زیست محیطی).
ایجاد محیط فرهنگی مطلوب (پایداری فرهنگی).
ایجاد محیط اقتصادی مطلوب (پایداری اقتصادی).
ایجاد محیط اجتماعی مطلوب (پایداری اجتماعی).
علاوه بر این، معیارهای پایداری شهری در مقایسه با سلسله مراتب نیازهای انسانی ماسلو به قرار زیر است:
تأمین کلیه نیازهای کالبدی در جهت تأمین درآمد معقول، آموزش و پرورش، حمل و نقل و ارتباطات و دسترسی به خدمات - شامل نوعی محدودیت در گسترش شهر و تنظیم یک تراکم جمعیتی معقول - به منظور پوشش خدمات بیشتر، ایجاد کاربریهای مختلط شهری، قابلیت انطباق با شرایط متغیر اجتماعی و اقتصادی، ایجاد چرخه حمل و نقل عمومی، کاهش حجم رفت و آمد و وسایط نقلیه و پراکنش آنها در سطح شهر، سلسله مراتب استقرار تسهیلات و خدمات، دسترسی به فضاهای باز (- فضای باز) و فضای سبز (- فضای سبز شهری)؛
ایمنی، امنیت و حفاظت که از نظر شرایط زیست محیطی و بوم‌شناختی، شامل محیطی عاری از آلودگی، سروصدا، ازدحام، تصادفات و بزه‌کاریها، وجود فضای باز خصوصی برای هر واحد مسکونی، برقراری ارتباط سازمان‌یافته بین شهر و روستا به منظور خودکفایی و رفع نیازهای شهر؛
محیط اجتماعی هدایتگر که شرایط اجتماعی و اقتصادی آن شامل اختلاط اجتماعی به منظور کاهش یا حذف جدایی‌گزینی اجتماعی و مکانی از طریق بالا بردن تراکم جمعیت و طیف گسترده‌ای از گونه‌های واحد مسکونی؛
انگاره ذهنی مثبت، فراهم کردن حدودی از استقلال نسبی برای افراد، حدودی از خودکفایی به لحاظ اشتغال، انرژی،

محیطی حفاظت کند و منافع اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن را در کلیه سطوح شهری تعمیم دهد. یک بررسی در دانشگاه کمبریج حدود ۵۰۰ مشخصه از جنبه‌های پایداری در شهرها ارائه داده است که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

تأثیر مثبت بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهروندانی که در حال حاضر (یا آینده) در شهرها زندگی می‌کنند؛

به حداقل رساندن استفاده از منابع تجدیدناپذیر؛
ملاحظات لازم در خصوص رعایت ظرفیتهای محیطی؛
ملاحظات لازم در زمینه‌های تولیدات اقتصادی آینده؛
ملاحظات لازم در خصوص نیازهای اجتماعی مردم در نقاطی که از نظر توسعه‌یافتگی محروم مانده‌اند؛
ارتقاء سطح کیفی و عمومی زندگی در شهرها در چارچوب برابری اجتماعی و عدالت (- عدالت)؛
ملاحظات لازم در زمینه تنوع اجتماعی و اقتصادی و زیستی و فرهنگی در شهرها؛

ملاحظات لازم در زمینه حقوق و مسئولیتهای شهروندی؛
دستیابی به پیشرفت قابل قبول در مشارکت و همکاری شهروندان؛

آماده‌سازی بستر اجتماعی و اقتصادی و محیطی در سطوح مختلف محلی و جهانی؛

برقراری تعادل قابل قبول بین عوامل درگیر با محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهری؛ و

تأثیرگذاری مثبت بر شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهروندان در سطح موجود محلی و ساکنان آینده شهرها.

در همین راستا، پیمان ملی بریتانیا برای پایداری ۴



بایداری شهری، مدل

Urban Sustainability, Model

شهری شدن یا شهرنشینی پایدار، شهر پایدار، توسعه پایدار، رشد اقتصادی پایدار و مفاهیم دیگری که با پسوند پایدار و یا پیشوند پایدار ساخته شده‌اند، همگی بر شکل‌گیری شرایطی ناظر است که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، رو به پایان گذاردن تدریجی منابع طبیعی و به خطر افتادن حیات در زیستبوم را گوشزد می‌کند.

برخی از مهم‌ترین اصول اکوسیستم که اصول پایداری نیز خوانده می‌شوند، عبارتند از:
اصل پایان‌پذیری؛
اصل ارتباط و اتکاء متقابل؛
اصل شیوع، که از اصل ارتباط متقابل برمی‌خیزد؛ و
اصل خودترمیمی.

مواد اولیه مصرفی در تولید، یا تجدیدپذیرند یا پایان‌پذیر. مواد تجدیدپذیر برای شکل‌گیری مجدد، به زمان نیاز دارند. امروز، مواد تجدیدپذیر به دلیل سرعت و شدت برداشت، در حال اتمامند و در بسیاری از موارد، در دهه‌های آتی، به انتها می‌رسند. مواد اولیه پایان‌پذیر طبعاً با شدتی بیشتر در معرض اتمام قرار دارند. میزان تخریب محیط زیست از آستانه تحمل و ترمیم‌پذیری در حال گذر است. آسیبه‌های وارده از بخشی به بخش دیگر شیوع پیدا کرده است. در یک کلام اصل پایداری زیستبوم به خطر افتاده است.

چنین مباحثی سبب شده است تا توجه جهانی به مسئله آلودگیها، منشأ آنها و شدت و گستردگی آلودگی جلب شود. شهری شدن، شهرنشینی پایدار و شهر پایدار نیز از نتایج این تحولات است. در الگوی پایداری به ۳ محور اشاره شده است که عبارتند از:

توسعه همگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی؛
فقرزدایی و عدالت اجتماعی؛ و
اصول زیستبوم و ملاحظات زیست‌محیطی.

آب و مواد غذایی و بالاخره امکان شکل دادن به فضاهاى شخصی توسط خود مردم؛
ایجاد فرصت خلاق بودن، از نظر کیفیات بصری و شکلی؛
و

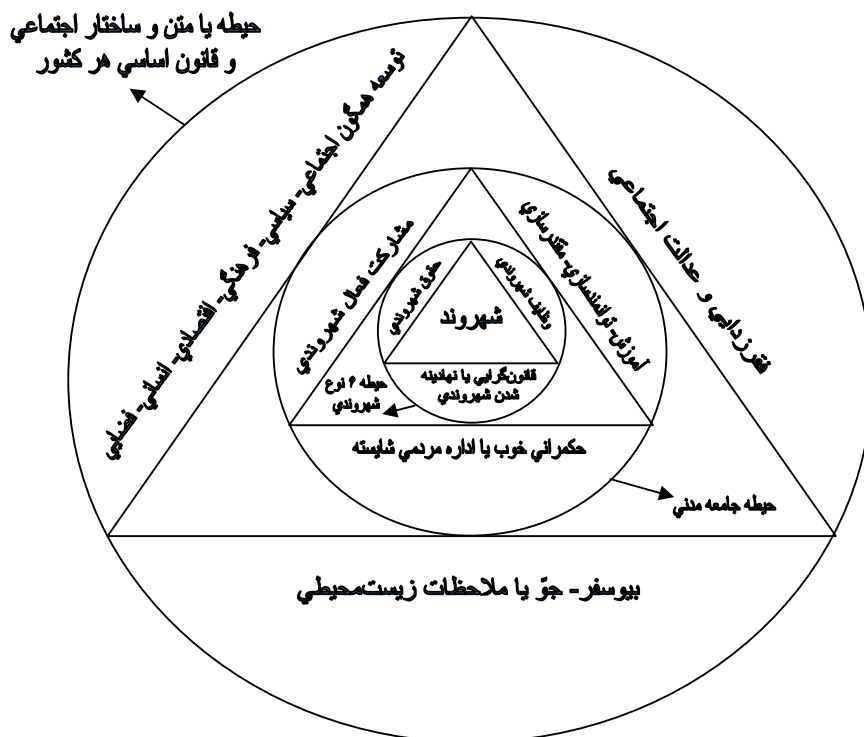
محیطی مطبوع از نظر زیباشناختی، طراحی، کیفیات کالبدی و توجه به شهر به‌عنوان یک محل فرهنگی و اثر هنری.
پایداری شهری از نظر کالبدی به معنای تغییراتی است که در برنامه‌های کاربری زمین و سطوح تراکم جمعیت، به‌منظور پاسخ به نیازهای ساکنان شهرها روی می‌دهد و مسکن، حمل‌ونقل، اوقات فراغت و تأمین غذا را دربر می‌گیرد. قابلیت شهر پایدار از نظر زیست محیطی مشتمل است بر قابل سکونت بودن، عدم آلودگی هوا، آب آشامیدنی، اراضی و آبهای سطحی، اقتصاد بادوام- هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی برای حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن در حد استطاعت ساکنان با بار مالیاتی عادلانه، همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر.

کتاب‌شناسی:

- سازمان حفاظت محیط زیست. *بولتن شماره ۱*. شورای عالی حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار، تهران: بی‌تا.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سیدمهدی. *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۴.
- فرای، هیلدر براند. *طراحی شهری، به‌سوی یک شکل پایدارتر شهر*، ترجمه حسین بحرینی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- Cools, B. "The Future of the City", *Making Cities Livable* (L. S. H. Crowhurs et al eds). USA, California, ۱۹۹۷.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Wheeler, S. M. *Planning for Sustainability*. New York: Routledge, ۲۰۰۴.

اسماعیل شیعه

نمودار مدل بایداری



شهروندی را دربر می‌گیرد (شهروندی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی - قومی، جنسیتی، جهانی). در درون حیطه شهروندی نیز ۳ محور شکل گرفته است که عبارتند از حقوق شهروندی، وظایف شهروندی و قانون‌گرایی یا درونی‌سازی و تثبیت‌سازی شهروندی. در مرکز این مدل شهروندی قرار دارد. بر پایه این مدل، بایداری و شهروندی در عصر جهانی‌سازی از بالا یا جهانی‌سازی اقتصادی، راهبردهای زیست‌بوم جهانی، توسعه جامعه معین و توسعه شهری و شهرنشینی تلقی می‌گردد.

به‌این ترتیب، شهرنشینی یا شهری‌شدن پایدار، آنچنان شهری‌شدنی است که از یکسو، امکان زندگی مطابق با کرامت انسانی را در شهرهای موجود و آینده برای نسل‌های

شهر پایدار را به‌گونه‌ای نموداری، ارائه کرده است. در این مدل از بایداری، به‌علت ملاحظات زیست‌محیطی از یکسو و فقرزدایی و عدالت اجتماعی از سوی دیگر، توسعه مشروط و محدود است. درعین‌حال، توسعه مکان‌محور و زمان‌محور است که حیطه ساختار اجتماعی و تاریخی مستتر در آن، به همراه قانون اساسی یا میثاق وحدت عمومی هر جامعه، منعکس‌کننده آن است. در دل متن اجتماعی و ۳ محور بایداری، حیطه جامعه معدنی قرار دارد که خود به ۳ محور آموزشی، توانمندسازی و مقتدرسازی، مشارکت فعال شهروندی و حکمرانی خوب یا اداره کردن مردمی شایسته تقسیم می‌شود. مجدداً در

که از پی یکدیگر می‌آیند، فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با ملاحظات زیست‌محیطی همساز و دوستدار محیط زیست است. بدینسان، شهری شدن و شهرنشینی پایدار، توسعه اجتماعی - اقتصادی شهری را به‌شکلی به پیش می‌برد که به حفظ محیط زیست و منابع زمین منجر می‌شود و از نابودی محیط طبیعی ممانعت به عمل می‌آورد. به سخن دیگر، شهری شدن و شهرنشینی پایدار بر پایه و هماهنگی با ظرفیت اکوسیستم یا نظام طبیعی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. از سوی دیگر، شهرنشینی و شهری شدن پایدار، تغییرات شهری انسان‌ساخت را محدود تلقی می‌کند و توجه به چنین محدودیتی را در تمام برنامه‌های شهری و رشد الزامی می‌سازد. واژه دیگری که بر پایه این نگرش رواج پیدا کرده است، مفهوم شهر پایدار یا شهر قابل زیست (← شهر قابل زیست) است. اصل اول شهرهای قابل زیستن یا شهر پایدار، به حداقل رساندن اثرات زیست‌محیطی تمامی فعالیتهای شهری است. به‌همین دلیل، مفهوم رشد هوشمند جانشین رشد به‌طور کلی شده است. تمام معاهدات و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه که به نوعی به حفاظت از زیست‌بوم مربوطند و زندگی شهری را در قالب نگاهی محیط زیست‌محور می‌نگرند، باید مورد بازنگری قرار گیرند و در صورت مناسب بودن، اجرا شوند. در این راستا، کنترل جمعیت و از جمله جمعیت شهری، محدودسازی صنایع آلوده‌ساز، وارد کردن ملاحظات زیست‌محیطی در تمام برنامه‌ریزیها و تصمیم‌سازیها، توجه به اداره مردمی شهرها، مشارکت فعال شهروندی، توانمندسازی و مقتدرسازی شهروندان، از جمله اصول پایداری شهری شناخته شده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- پیران، پرویز. «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، مجموعه ۲ مقاله، ماهنامه سیاسی - اقتصادی اطلاعات، شماره ۹۷-۹۴، ۱۳۷۶.
- Piran, Parviz. *Poverty Alleviation in Sistan & Baluchistan. The Case of Shirabad*, UNDP, ۲۰۰۲.

پرویز پیران

پایش ← ارزیابی

پدافند غیرعامل

Passive Defense

پدافند غیرعامل به معنای دفاع بدون به کارگیری تجهیزات نظامی، وظیفه برنامه‌ریزی پیرامون مجموعه اقدامات غیرنظامی به منظور کاهش آسیب‌پذیری کشور، به‌ویژه اماکن، تسهیل مدیریت و پایداری زیرساختها و همچنین مدیریت جامعه در شرایط بحران را برعهده دارد.

سابقه پدافند غیرعامل

سابقه پدافند غیرعامل به تاریخ زندگی انسان بازمی‌گردد. انسانهای اولیه برای در امان ماندن از تهاجم جانوران و دیگر دشمنان خود و همچنین برای کاستن از نگرانیهای خود به غارها، بالای درختان و دیگر مأمناهای طبیعی پناه می‌بردند. با شکل‌گیری تمدنهای اولیه، پدافند غیرعامل به‌صورت جوشن و سپر برای حفاظت انفرادی و استفاده از برج و بارو برای تأمین امنیت گروهی شکل گرفت. در دوره‌هایی، وجود خندق در اطراف شهرها و ایجاد دروازه‌های مستحکم برای پیشگیری از حملات غافل‌گیرانه دشمن در تمام نقاط جهان امری رایج بود.

در دنیای امروز، پس از جنگهای ناحیه‌ای و جهانی آسیبهای ناشی از جنگ به مردم غیرنظامی، تخریب شهرها و کارخانه‌ها، موضوع پدافند غیرعامل اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و به‌عنوان یکی از مؤثرترین روشهای دفاع در مقابل این‌گونه تهدیدات مدنظر اکثر کشورهای جهان قرار گرفت. برای نمونه، امریکا و شوروی سابق، با وجود برخورداری از توان نظامی بالا، و همچنین سوئیس، با وجود بی‌طرفی در ۲ جنگ جهانی و مواجه نبودن با تهدید مستقیم، به این موضوع توجه بسیار زیادی نمودند. به‌دنبال این کشورها،

پدافند غیرعامل

توجه به تمام جهات چهارگانه به‌عنوان محورها و معابر تهاجم؛
شناسایی و رفع ضعفهای ذاتی فناوریها و آسیب‌پذیریهای ساختاری و سیستمی؛
تمرکز بر اولویتهای دفاعی (دفاع از نقاط حیاتی، حساس و مهم)؛ و
تمرکز تلاشها بر ارتقاء روحیه و اراده ملی برای دفاع.

پدافند عامل و غیرعامل

پدافند یا دفاع یک مفهوم یکپارچه است که شامل ۲ جزء اصلی *دفاع عامل* و *دفاع غیرعامل* است:

پدافند عامل. شامل تمام طرح‌ریزیها و اقدامات دفاعی است که مستلزم به کارگیری سلاح و تجهیزات جنگی و بنا به قانون، در حوزه مسئولیت نیروهای مسلح است؛ و
پدافند غیرعامل. شامل تمام طرح‌ریزیها و اقداماتی است که موجب کاهش آسیب‌پذیریها و افزایش پایداری و تداوم فعالیتهای دستگاهها و نهادهای نظام در مقابل تهدیدات خارجی می‌شود و مستلزم به کارگیری سلاح نیست (دفاع غیرمسلحانه).

هدف پدافند غیرعامل

هدف از پدافند غیرعامل، استمرار فعالیتهای زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمات‌رسانی عمومی و تسهیل اداره کشور در شرایط تهدید و بحران، تجاوز خارجی و حفظ بنیه دفاعی، بهنگام حملات خصمانه و مخرب دشمن، از طریق اجرای طرحهای پدافند غیرعامل و کاستن از آسیب‌پذیری مستحدثات و تجهیزات حیاتی و حساس کشور است.

قابلیتهای راه‌اندازی پدافند غیرعامل

بسترسازی مناسب برای توسعه پایدار کشور؛
هم‌سویی با سیاستهای تنش‌زدایی؛
طرح پایدارترین و کم‌هزینه‌ترین روش دفاع؛
جستجوی مناسب‌ترین راهکار افزایش آستانه مقاومت ملی؛
تحکیم پشتوانه اقتدار ملی؛

آلمان، فرانسه، انگلستان، یوگسلاوی سابق و کانادا با شتاب فزاینده‌ای به پدافند غیرعامل روی آوردند. در آسیا نیز کشورهای پاکستان و کره شمالی در این امر پیشرو بوده‌اند.
سابقه پدافند غیرعامل در ایران به پیش از انقلاب اسلامی و همگامی بازمی‌گردد که *سازمان دفاع غیرنظامی* و *وظیفه دفاع از مردم*، کاهش آسیب‌پذیری زیرساختها و مدیریت بحران ناشی از حوادث غیرمترقبه را برعهده گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدیریت حوادث طبیعی به ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه وزارت کشور محول گردید.

ایران با توجه به موقعیت خاص ژئوپلتیک، وضعیت اقتصادی و دارا بودن ثروتهای عظیم نفت و گاز و نیز ورود به عرصه‌های فناوری نوین، همواره در معرض تهدید قرار داشته است. باین‌حال، تا ۱۳۸۲ش از لحاظ سازمانی، به موضوع پدافند غیرعامل توجه جدی نشده بود. حتی تجربه جنگ تحمیلی نیز در ایجاد هوشیاری لازم برای ایجاد سازمانی به‌منظور برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیریها و توجه به محورهای توسعه پایدار از نظر امنیت و دفاع، نقش قابل قبولی ایفا نموده بود. بالأخره، در آبان‌ماه ۱۳۸۲ش، با فرمان مقام معظم رهبری، سازمان پدافند غیرعامل تشکیل و مسئولیت آن به ستاد کل نیروهای مسلح محول شد.

ویژگیهای پدافند مؤثر

مبحث پدافند غیرعامل در دنیای امروز جایگاه و اهمیت خاصی دارد؛ از این‌رو، توجه به نکات زیر الزامی است:
ضرورت برنامه‌ریزی و آغاز طرحهای جامع دفاع قبل از شروع درگیریهای آشکار (دفاع در مقابل جنگ نرم)؛
توسعه همه‌جانبه تدابیر دفاعی به‌منظور افزایش ضریب پایداری ملی؛

گسترش طرحهای دفاعی در سطح تمام نقاط هدف در جغرافیای کشور و حوزه سرزمینی ملی به روش دفاع نقطه‌ای؛

تأکید ویژه بر دفاع غیرعامل؛
اتکاء بر ایمان، هوشیاری، روحیه و توان دفاعی مردم؛
توجه و تأکید بر راهبرد و اصول دفاع نامتقارن؛

پدافند غیرعامل

کشور ضروری است. آسیب یا تصرف این مراکز توسط دشمن، باعث بروز اختلال در بخشهای گسترده‌ای از کشور می‌گردد.

مراکز مهم. مراکزی که دارای گستره فعالیت محلی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای بخشی از کشور دارای اهمیت است. بنابراین، آسیب یا تصرف آنها به وسیله دشمن، باعث بروز اختلال در بخشهایی از کشور می‌گردد.

شیوه‌های عملیاتی پدافند غیرعامل

ایجاد اختلال در شناسایی، کسب اطلاعات و دقت هدف‌گیری دشمن از شیوه‌های عملیاتی پدافند غیرعامل است که به صورت زیر به انجام می‌رسند:

اختفاء (به مفهوم مخفی کردن دائمی در مقابل دشمن)؛
استتار (به مفهوم ایجاد هم‌رنگی و هماهنگی با محیط در مقابل هر نوع دید مستقیم و غیرمستقیم)؛

پوشش (به مفهوم ایجاد موانع موقت جهت جلوگیری از شناسایی و هدف‌گیری)؛

فریب (به مفهوم گمراه کردن دشمن در شناسایی و هدف‌گیری)؛

جابه‌جایی (به مفهوم تغییر مکان تجهیزات و تأسیسات قابل انتقال)؛ و

استفاده از سامانه‌های اختلال در هدف‌گیری (ضد هدف‌گیری دقیق).

در مقابل، به منظور کاهش آسیب‌پذیری نقاط هدف، توجه جنبه‌های زیر الزامی است:

مکانیابی صحیح؛

ایجاد موانع و استحکامات؛

مقاوم‌سازی ساختمانها و تأسیسات؛

استفاده از عوارض طبیعی سطح زمین؛

استفاده از عمق زمین؛

اعمال تدابیر دفاع سایبری؛

ایجاد لایه‌های محافظ الکترونیکی و الکترومغناطیسی؛ و

رعایت ضوابط ایمنی (حفظ عوامل توسعه‌دهنده خسارات).

علاوه بر آن، برای کاهش اهمیت و حساسیت نقاط

هدف، اقدامات زیر ضروری است:

ایجاد مهم‌ترین ابزارهای بازدارندگی؛

بهترین و مناسب‌ترین شیوه کاهش مخاطرات و کاهش آسیب‌پذیری؛

تدارک صلح‌آمیزترین روش دفاع؛ و

تکیه بر فطری‌ترین عنصر دفاعی بشر در برابر تمام رخدادها.

نتایج استفاده از پدافند غیرعامل

کشورهایی که توسعه پدافند غیرعامل را به عنوان یک سیاست دفاعی مستمر در دستور کار خود قرار می‌دهند، هیچ‌گاه در مظان اتهام تهدید علیه سایر کشورها قرار نمی‌گیرند. از سوی دیگر، کشورهایی که پدافند غیرعامل را به عنوان یک راهکار اصلی برمی‌گزینند، به شرایطی از نظر کاهش آسیب‌پذیری دست می‌یابند که مطامع کشورهای تهدیدکننده بر علیه آنها کاهش می‌یابد.

در جهان امروز، کشورهایی که نقاط آسیب‌پذیری آنها فراوان است و دشمن می‌تواند با ضربات سریع، حیاتی‌ترین منابع آنان را تهدید نماید، پدافند غیرعامل عوامل تهدید از بیرون را در درون خنثی می‌سازد.

پدافند غیرعامل پدیده‌ای پویا و متحرک است. از این رو، می‌تواند در اولویت تلاشهای علمی و پژوهشی قرار گیرد. علاوه بر این، پدافند غیرعامل می‌تواند در کلیه سطوح مدیریتی، مهندسی و فنی آموزش داده شود و توسعه یابد.

مراکز تحت پوشش پدافند غیرعامل

کلیه تأسیسات زیربنایی، ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور، اعم از آنکه در دست مطالعه، اجرا و یا در حال بهره‌برداری، باشند، در معرض حملات نظامی دشمن قرار دارند که به شرح زیر سطح‌بندی می‌شوند:

مراکز حیاتی. مراکزی که دارای گستره فعالیت ملی هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای کشور امری حیاتی است و آسیب یا تصرف آنها به وسیله دشمن، باعث اختلال کلی در اداره امور می‌گردد.

مراکز حساس. مراکزی که دارای گستره فعالیت منطقه‌ای هستند و وجود و استمرار فعالیت آنها برای مناطقی از

پروژه روستایی

- قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کشور، ۱۳۸۵.
- قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کشور، ۱۳۸۶.
- مبانی، مستندات و الزامات قانونی، سازمان پدافند غیرعامل کشور، کمیته دائمی، ۱۳۸۲.
- مصاحبه با سردار دکتر جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در گزارش خبری شبکه ۲ سیما، ۱۳۸۵.
- منویات مقام رهبری درخصوص راه‌اندازی سازمان پدافند غیرعامل کشور، ۱۳۸۲.

محمدرضا فرزاد بهتاش

پروژه روستایی

Rural Project

از نظر مفهومی، پروژه فعالیتی است که ضمن آن، منابع به انتظار ثمرات تخصیص داده می‌شوند، اما از لحاظ منطقی به‌عنوان یک واحد در چارچوب برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و امور اجرایی است. به سخن دیگر، پروژه فعالیتی است ویژه با نقطه شروع و پایان خاص که مقصود از آن، رسیدن به یک هدف مشخص است. پروژه در برخی موارد و به‌ویژه در توسعه روستایی، گروه بهره‌ور خاصی دارد که می‌خواهد آن را زیر پوشش اهداف خود قرار دهد. پروژه معمولاً برای فعالیتهای مربوط به نهاده‌ها و ستانده‌ها، توالی زمانی نسبتاً تعریف شده‌ای دارد.

لیتل و میرلیس معتقدند، منظور از پروژه، هر نقشه یا بخشی از یک نقشه برای سرمایه‌گذاری منابع است که می‌تواند به‌عنوان یک واحد مستقل به‌طور معقول مورد تحلیل و ارزشیابی قرار گیرد.

پروژه را می‌توان جزئی اساسی همکاری در توسعه و از ارکان فرایند توسعه در نظر گرفت. در همین راستا، هیئت‌های پروژه را جزء برتر و ممتاز فرایند توسعه تلقی می‌کند.

پروژه به مجموعه فعالیتهایی گفته می‌شود که با استفاده از منابع زمانی، مالی، انسانی و مثل اینها به‌صورت مستمر و هدف‌دار برای رسیدن به یک هدف از پیش تعیین‌شده به انجام می‌رسد. در زبان فارسی معادل دقیقی برای این واژه وجود ندارد، اما واژه‌های زیر را گاهی به‌جای آن به کار می‌برند: نقشه، برنامه و طرح کار.

پراکنندگی؛
تجزیه؛
پیش‌بینی امکانات جایگزین و موازی؛ و
کوچک‌سازی.
همچنین، برای کنترل خسارت، تمهیدات زیر مورد تأکید است:
استفاده از سامانه‌های هشداردهنده (کشف و اعلام خطر)؛
ساماندهی امکانات امداد و نجات؛
تعیین وظایف بخشها و افراد؛ و
آموزش و تمرین.

سازمان پدافند غیرعامل کشور

براساس فرمان مقام معظم رهبری، سازمان (کمیته دائمی) پدافند غیرعامل کشور با شرح وظایف زیر از اواخر ۱۳۸۲ش شروع به کار کرده است:

تصویب سیاستها و خط‌مشیهای پدافند غیرعامل کشور؛
ایجاد زمینه‌های مناسب فرهنگی به‌منظور ارتقای آگاهی در خصوص پدافند غیرعامل؛
تصویب ضوابط و دستورالعملهای (عمومی و اختصاصی) مرتبط با آئین‌نامه؛
تعیین مصادیق تأسیسات زیربنایی، ساختمانهای حساس و شریانهای اصلی و حیاتی کشور؛
تصویب سطح‌بندی و اولویت‌بندی مراکز تحت پوشش، براساس پیشنهاد دستگاه مربوط؛
تصویب طرحهای پدافند غیرعامل و برآورد اعتبار مورد نیاز آن؛

بررسی و تأیید نتایج ارزیابیها از اجرای طرحهای پدافند غیرعامل به‌منظور اصلاح و بهینه‌سازی طرحها و روشها؛
نظارت بر اجرای صحیح آئین‌نامه موجود؛ و
ایجاد هماهنگی لازم در دستگاههای اجرایی به‌منظور توسعه، ارتقای آگاهی و رعایت پدافند غیرعامل.

کتاب‌شناسی:

- ضوابط ملی آمایش سرزمین کشور، مصوبه ۸۳/۸/۶ هیئت وزیران، ۱۳۸۳.

- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

هستند.

در توسعه روستایی، چرخه حیات هر پروژه متوسط و بزرگ را می‌توان مشخصاً به ۳ مرحله وسیع پیش از اجرا، اجرایی و بهره‌برداری تقسیم کرد.

در مرحله پیش از اجرا باید یک رشته اقدامهای منطقی و قطعی انجام گیرد. این مرحله تدوین مقدماتی پروژه و به‌دنبال آن، مطالعه انجام‌پذیری جنبه‌هایی، از قبیل تحلیل نهادهای مورد نیاز، پشتیبانی فنی، پیش‌بینی هزینه و در صورت امکان، ارزیابی ثمرات اقتصادی ملی را شامل می‌شود. در چارچوب توسعه روستاها، برنامه‌های سازمانی و فنی که قرار است در مرحله اجرای پروژه به کار بسته شوند، باید در مرحله پیش از اجرا تدوین شوند. در موارد مناسب و بسته به دامنه پروژه، برنامه‌های سازمانی و فنی را می‌توان در گزارش تفصیلی پروژه که می‌تواند به قدر کافی نهایی و قطعی باشد، مطرح کرد.

گزارش تفصیلی می‌تواند ابزارهای لازم برای به حداقل رساندن انحراف از پارامترهای تولید، دامنه شمول، زمان و هزینه را در اختیار مدیریت آینده قرار دهد. این برنامه‌ها، برای همزمان کردن کار دستگاهها و اداره‌های مختلف و پیمانکاران مسئول امور پروژه خاص نیز ضرورت دارند.

این فرایند باید نیاز به یکپارچگی پروژه تحت بررسی را با سایر پروژه‌های وابسته به آن نشان دهد. در هر ۳ مرحله از دوره زندگی پروژه، برخی از پروژه‌ها ممکن است به هم ربط داشته باشند؛ یعنی ستانده یک پروژه، نهاده پروژه دیگر را تشکیل دهد. در این‌گونه موارد، لازم است تا یک رهیافت سیستمی در پیش گرفته شود. در واقع، نظارت بر مرحله پیش از اجرا، به همان اندازه نظارت بر مراحل اجرایی اهمیت دارد. مطالعات نشان می‌دهد، اکثر پروژه‌ها در مرحله پیش از اجرا عقب می‌مانند که علت عمده آن هم این است که معمولاً اقدامهای اصلاحی با تأخیر انجام می‌گیرند.

تمام پروژه‌های روستایی، اعم از پروژه‌های بزرگ (درازمدت و از لحاظ فنی پیچیده)، متوسط و یا کوچک، دارای وجوه اشتراکی به شرح زیر هستند:
پروژه پایان یافتنی است و نقطه پایان مشخصی دارد که در

پروژه‌های توسعه روستایی، به خودی خود، هدف نیستند، بلکه واحدهای قابل تشخیص یک فعالیت هستند که برای نیل به هدفهای بزرگ‌تر توسعه‌ای طراحی می‌شوند. بنابراین، پروژه توسعه‌ای روستایی را می‌توان تلاش مجزا و کاملی تصور کرد که هدف از اجرای آن این است که از طریق تدارک کارکنان، تجهیزات و یا اعتبار، نتیجه‌ای نهایی را که مستقیماً با یک طرح توسعه‌ای مجزا ارتباط دارد، به بار آورد.

خصوصیات مشترک پروژه‌ها

پروژه توسعه روستایی ممکن است بزرگ یا کوچک، پردامنه یا محدود، در ارتباط با تولید سرمایه‌بر یا کاربر و یا مربوط به رفع مشکلی معین باشد. پروژه روستایی ممکن است به امور کشاورزی مربوط باشد، یا چند بخش را زیر پوشش بگیرد. باین حال، همه پروژه‌ها چند خصوصیت مشترک دارند:

بیشتر بر هدفهایی که زودتر تحقق می‌یابند، تأکید دارند تا هدفهایی که دیرتر حاصل می‌شوند. نوعی فوریت، خواه برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات خاص، یا برای استفاده از فرصتهایی که چه بسا فقط در یک زمان معین در دسترس باشد، محرک اصلی به کار بستن پروژه است. بنابراین، مقصود پروژه، هدایت منابع و طرح‌ریزی روشها برای نیل به این هدفهای خاص است. به بیان دیگر، پروژه، بنابر تعریف، معطوف به عمل است؛

گوهر پروژه تکرار نشدنی است. در مورد پروژه‌های توسعه روستایی این امر مانع تجدید پروژه در شرایط و مکانهای دیگر نمی‌شود؛

اگرچه پروژه هدفهای مشخص و طرز عمل ویژه‌ای دارد، ولی در واقع، پروژه‌ها اغلب اوقات متضمن درجه معینی از عدم قطعیت هستند. ممکن است در حین اجرای یک پروژه معلوم شود که ابعاد فنی اقتصادی و اداری اولیه، معتبر یا کافی نیست و برای بهینه‌سازی نتایج پروژه لازم باشد که مورد تجدیدنظر قرار گیرد. از این رو، پروژه‌ها وسیله پیوند فرایند تخمین متوالی در شیوه طرح‌ریزی و عنصر پیشرفته‌ای در انعطاف‌پذیری و تجدیدنظر مداوم در طرح

پروژه روستایی

در زمینه کالبدی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و جهاد سازندگی (← جهاد سازندگی) به فرمان حضرت امام(ره)، اقداماتی در قالب طرح‌ها و پروژه‌های مختلف اجرا گردید. از جمله مهم‌ترین این پروژه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهم‌ترین پروژه‌های مربوط به طرح هادی روستایی

بهسازی و اصلاح معابر؛

جمع‌آوری و هدایت آبهای سطحی و فاضلاب؛

احداث جوی و جدول و کانپور؛

اصلاح مراکز محلات، میداين و گرھهای اصلی؛

احداث پل؛

احداث دیوار حائل و دیوار ساحلی؛

احداث فضای سبز؛

ایجاد فضای بازی کودکان (پارک) و مانند آن.

مهم‌ترین پروژه‌های طرح بهسازی بافت با ارزش

روستایی

جمع‌آوری و هدایت آبهای سطحی و اصلاح تأسیسات

زیربنایی در محدوده طراحی روستا؛

کف‌سازی و پوشش معابر اصلی و فرعی محدود به طرح؛ و

اصلاح و مرمت بدنه‌ها و جداره‌سازی معابر.

مهم‌ترین پروژه‌های مسکن روستایی

بازسازی و ایمن‌سازی مسکن روستایی آسیب‌دیده از

سوانح قهری، مثل جنگ و سوانح طبیعی، مانند زلزله، سیل،

زمین لغزش و مانند آن؛

ترویج، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی کشور؛ و

تملك و واگذاری زمین جهت ساخت مسکن روستایی در

روستاهای سانحه‌دیده.

مهم‌ترین پروژه‌های اقتصادی و محیطی

ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی روستایی؛

ترویج و حمایت از ایجاد و گسترش تعاونیهای تولید

آن نقطه می‌توان گفت، نقشه پروژه تکمیل است؛ پروژه پیچیده است، یعنی دارای ترکیب نسبتاً پیچیده‌ای از فعالیتهاست و عمل متقابل مهارتهای انسانی، منابع و موارد مختلف را دربر می‌گیرد؛

پروژه متجانس است، یعنی شامل فعالیتهای منفردی است که می‌توان آنها را به‌عنوان متعلقات پروژه باز شناخت؛ و پروژه تکرارنشده است، یعنی عموماً کوششی یکباره بشمار می‌آید و بنابراین، از خیلی جهات منحصر به فرد است.

انواع پروژه

به‌طور کلی پروژه‌های روستایی را می‌توان به ۲ دسته اصلی تقسیم کرد:

پروژه‌هایی که مستقیماً در امر تولید در زمینه‌هایی، مانند کشاورزی، دامداری، جنگلداری، ماهیگیری، معدن، صنعت و جهانبگردی دخالت دارند؛ و

پروژه‌هایی که به‌طور غیرمستقیم در امر تولید دخالت دارند و پروژه‌های اجتماعی بشمار می‌روند. این دسته شامل موارد زیر است:

۱. مسکن، شامل مسکن ارزان قیمت شهری و روستایی؛

۲. خدمات اجتماعی و اقتصادی، شامل تسهیلات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی و ورزشی، احداث پارکها و فضاهای باز، تسهیلات اداری و خدمات نهادی، پلیس و آشنشانی، فروشگاه، بازار، انبار و تسهیلات فراوری محصولات؛

۳. امکانات عمومی، مانند آب آشامیدنی، فاضلاب، تأمین و عرضه برق و نیرو، جمع‌آوری زباله‌ها؛ و

۴. تأسیسات زیربنایی، مانند جاده‌های فرعی و شاهراهها، راه‌آهن و راههای آبی، پلها، حمل‌ونقل عمومی ارتباطات رادیویی و مخابرات.

انواع پروژه‌های روستایی در ایران

در سالهای گذشته پروژه‌های مختلفی در سطح روستاهای کشور به انجام رسیده است. این پروژه‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی توسط وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی صورت پذیرفته و به انجام رسیده‌اند.

مخابراتی و تلفن در روستاهای کشور.

کتاب‌شناسی:

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *ارزیابی عملکرد برنامه‌های حوزه مسکن و بازسازی*. معاونت امور مسکن و بازسازی، تابستان ۱۳۸۲.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی*. معاونت عمران روستایی، شهریور ماه ۱۳۸۵.
- مرکز امور توسعه آسیا و حوزه اقیانوس آرام. *نظارت و ارزشیابی توسعه روستایی - تجربه‌هایی از آسیا*، ترجمه سعید کیاکجوری، وزارت برنامه و بودجه - مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.
- مهندسان مشاور DHV از هند. *رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی*، ترجمه سیدجواد میر، ناصر اوکتایی، مهدی گنجیان، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱۰، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. «فصل ۲۳ (توسعه و عمران روستایی)»، *راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹ - ۱۳۸۳)*، ۱۳۸۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. «موضوع بند الف) ماده ۱۵۵ قانون برنامه چهارم توسعه»، *سند توسعه بخشی کشاورزی و منابع طبیعی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. «اسناد توسعه بخشی»، *مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. جلد سوم، ۱۳۸۵.

صدیقه حسینی حاصل

پژوهشکده سوانح طبیعی ایران

سابقه شکل‌گیری و تحولات آن

وقوع زلزله ویرانگر شمال در ۱۳۶۹ یکی از مخرب‌ترین زلزله‌هایی بود که تا آن زمان به وقوع پیوسته بود، با توجه به حجم خرابیها و تلفات زیادی که این زلزله به همراه داشت، توجه جهانیان را به خود جلب کرد. به دنبال آن، مجمع عمومی سازمان ملل اقدام به صدور مصوبه‌ای کرد که در آن

روستایی؛

ساماندهی صنایع دستی و فرش روستایی و جلب مشارکت بخش خصوصی؛

تجهیز منابع آب و خاک و اولویت واگذاری اراضی مستعد کشاورزی به روستائیان، به‌ویژه جوانان؛

ایجاد فرصت‌های شغلی در فضاهای روستایی، از طریق ۱۵۸ ناحیه صنعتی روستایی؛

اجرای پروژه‌های بیابان‌زدایی، جنگل‌کاری و احیاء جنگلها؛ اجرای برنامه حفاظت آبخیز و آبخیزداری؛

کاهش مصرف سموم شیمیایی، با استفاده از روش مبارزه بیولوژیک و غیرشیمیایی؛

مبارزه با بیماریهای واگیر دام، طیور و آبزیان؛ تأمین بهداشت عمومی و مبارزه با بیماریهای مشترک انسان و دام؛

تأمین نهاده‌های کشاورزی، دارو، واکسن و سموم دامی؛

بیمه محصولات کشاورزی؛

تشکیل، تجهیز و راه‌اندازی نهادهای غیردولتی (شوراهای اسلامی روستایی و دهیارها)؛

ارائه تسهیلات مختلف به مناطق روستایی، به‌منظور ایجاد اشتغال؛

اجرای طرحهای مرتع‌داری و مدیریت مراتع توسط عشایر؛ پوشش کامل سوخت‌رسانی به عشایر و روستائیان؛ و

تهیه برنامه مدیریت پسماندهای کشور با همکاری دهیارها. دیگر وزارتخانه‌ها و سازمانها نیز اقداماتی را در سطح عرصه‌های روستایی به انجام رسانده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

وزارت آموزش و پرورش، احداث و ایجاد واحدهای آموزشی در مقاطع مختلف و فعالیتهای آموزشی در آنها؛

وزارت بهداشت و درمان، احداث و فعالیت خانه‌های بهداشت و مراکز بهداشتی - درمانی؛

وزارت راه و ترابری، احداث راههای بین روستایی و روستا - شهری؛

وزارت نیرو، برق‌رسانی و آبرسانی به روستاهای بالای ۲۰ خانوار؛ و

وزارت پست و تلگراف و تلفن، ایجاد شبکه‌های پست

- پروژه، تعدادی زیر پروژه در ۴۱ پروژه تعریف و اجرا شد:
۱. مقاوم سازی ساختمانهای مهندسی ساز در مقابل زلزله (دارای ۶ زیر پروژه)؛
 ۲. مقاوم سازی ساختمانهای غیر مهندسی ساز در برابر زلزله (دارای ۵ زیر پروژه)؛
 ۳. مصالح ساختمانی و روشهای ارتقاء فناوری تولید (دارای ۴ زیر پروژه)؛
 ۴. برنامه ریزی و طراحی شهری برای مقابله با زلزله (دارای ۷ زیر پروژه)؛
 ۵. کاربرد روشهای ژئوتکنیکی در بررسی مخاطرات ناشی از زلزله (دارای ۱۲ زیر پروژه)؛ و
 ۶. بررسی آثار اجتماعی - اقتصادی زلزله (دارای ۷ زیر پروژه).

این اقدامات توأم با توجه دولت به موضوع سوانح طبیعی، به ویژه زلزله موجب شد تا برای کاهش اثرات سوانح طبیعی در ۳ مرحله قبل، حین و بعد از وقوع زلزله، مطالعه و برنامه ریزی صورت گیرد. این اقدامات مقدمه ای برای شکل گیری مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی در ۱۳۶۹ش با مشارکت دفتر امور عمران سازمان ملل (UNDP) و دفتر اسکان بشر سازمان ملل متحد (UNCHS)، زیر پوشش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شد.

مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران زیر نظر هیئت مدیره و رئیس مرکز اداره می شود. اعضای این هیئت، مستقیماً توسط ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، به نیابت از سوی شورای مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انتخاب می شدند.

پس از تأسیس مرکز، شرح وظایف آن از سوی بنیاد مسکن تدوین شد. مهم ترین وظایف مرکز به شرح زیر است:

مطالعه و تحقیق در خصوص سوانح طبیعی عمده گذشته و ثبت و ضبط آمار و اطلاعات به دست آمده، در قالب یک پایگاه اطلاعاتی جهت به کارگیری در بررسیهای آتی؛ برنامه ریزی جهت کاهش خرابیهای ناشی از سوانح عمده طبیعی، پیشنهاد و ارائه راهبردهای کاهش خطر، تبیین استانداردها، کدها، روشها، مقررات و معیارهای لازم؛

دبیرکل سازمان موظف شده بود، هیئتی را جهت ارزیابی خسارت و برآورد نیازهای بازسازی مناطق آسیب دیده به ایران اعزام نماید. با ورود این هیئت به ایران، زیر نظر بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) که از سوی رئیس جمهور و هیئت وزیران مأمور بازسازی مناطق زلزله زده شده بود، اقدام به بررسیهایی نمود و در نهایت ۳ سند تهیه و ارائه گردید. در یکی از این اسناد، تدوین یک طرح تحقیقاتی برای بسیج توان فنی کشور در بازسازی مناطق زلزله زده با مسئولیت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همکاری استادان و متخصصان دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی داخلی و مشاوره کارشناسان برجسته بین المللی پیش بینی شده بود. طرح در ابتدا براساس ۲ هدف عمده زیر تعریف شد:

تأمین نیازهای فنی مورد نیاز جهت بازسازی و توان بخشی مناطق آسیب دیده از زلزله؛ و
ارتقای برنامه های بلندمدت دولت در کنترل و کاهش خسارات و ضایعات ناشی از سوانح طبیعی.

این اهداف مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به صورت زیر تغییر یافت:

بسط و گسترش دانش مربوط به پیش بینی، پیشگیری و مقابله با آثار ناشی از زلزله؛

بسیج و تقویت نیروهای ملی به منظور فعال تر کردن پژوهش در امر زلزله؛

انتقال فناوری مربوط به زلزله؛

تهیه و تدوین ضوابط و مقررات مربوط به برنامه ریزی، طراحی و ساختمان سازی در مناطق زلزله خیز؛

آموزش جهت بالا بردن سطح آگاهی متخصصان، مسئولین و عامه مردم نسبت به زلزله؛

شکل گیری یک هسته مرکزی به منظور تداوم بخشیدن به پژوهش در امر زلزله؛

جمع آوری و تهیه اطلاعات پایه برای استفاده در فعالیتهای تحقیقاتی مربوط به زلزله؛ و

تبدیل اصول و مبانی نظری مربوط به زلزله شامل ۳ بعد زمانی قبل، حین و بعد از سانحه.

در این راستا، ابتدا ۶ پروژه اصلی و سپس برای هر

مربوط به سوانح طبیعی.

پژوهشکده یک واحد پژوهشی غیردولتی - غیرانتفاعی (عمومی) است که با مجوز وزارت علوم، دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری و مالی است.

وظایف

وظایف پژوهشکده که با توجه به اهداف آن در زمینه سوانح طبیعی انجام می‌گیرد، عبارتند از: مطالعه و تحقیق درباره عواقب سوانح طبیعی مهم حادث شده در گذشته و ثبت و ضبط آمار و اطلاعات به‌دست آمده، در قالب یک پایگاه اطلاعاتی برای استفاده در بررسیهای آتی؛

بررسی و تحقیق در زمینه کاهش خسارات ناشی از بروز سوانح مهم طبیعی و ثبت و ارائه راهبردهای مناسب، تبیین استانداردها، کدها، روشها، مقررات و معیارهای لازم؛ ارزیابی امکانات و قابلیت‌های موجود در سطوح ملی و کشورهای منطقه، به‌منظور به‌کارگیری آنها به‌نگام بروز سوانح طبیعی با خسارات گسترده؛

ارائه روش و برنامه‌ریزی در رابطه با بسیج امکانات ملی و منطقه‌ای در هنگام بروز سوانح جهت نجات جان و مال آسیب‌دیدگان از سوانح طبیعی؛

ارائه روش برنامه‌ریزی جهت بازسازی مناطق آسیب‌دیده، تأمین خطوط ارتباطی، تأسیسات زیربنایی، مسکن و غیره پس از بروز یک سانحه طبیعی مهم؛

انجام مطالعات آسیب‌پذیری مجتمع‌های زیستی و ارائه طرح‌های کاهش آسیب‌پذیری آنها؛

چاپ و انتشار کتابها، گزارشها و مجلات فنی مربوط به سوانح طبیعی؛

تشکیل دوره‌های آموزشی مربوط به مقابله با سوانح طبیعی با همکاری سازمانهای مربوط؛

تشکیل کنفرانسها، سمینارها و نمایشگاههای ملی و بین‌المللی در ارتباط با سوانح طبیعی؛

ارائه خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای به‌منظور انجام مطالعات منطقه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی؛

ایجاد هماهنگی و همکاری با مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی

ارزیابی امکانات و قابلیت‌های موجود در سطوح ملی و کشورهای منطقه با هدف به‌کارگیری آنها در هنگام بروز سوانح طبیعی احتمالی؛

ارائه روش برنامه‌ریزی در زمینه بازسازی مناطق آسیب‌دیده، تأمین خطوط ارتباطی، تأسیسات زیربنا؛ برنامه‌ریزی مسکن و سایر نیازها پس از بروز یک سانحه طبیعی عمده؛

انجام خدمات در زمینه‌های یاد شده در سطوح ملی و منطقه‌ای به‌صورت‌های تخصصی و حرفه‌ای و عمومی؛

انجام خدمات تحقیقاتی و مشاوره‌ای به‌منظور تهیه طرح‌های آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین)، مطالعات منطقه‌ای در سطوح ملی و کشورهای منطقه؛ و

هماهنگی و همکاری با سایر مراکز تحقیقاتی دانشگاهی در مورد موضوعات فوق.

این مرکز در ۱۳۸۲ش به پژوهشکده سوانح طبیعی تغییر نام یافت.

اهداف

بنا به اساسنامه پژوهشکده سوانح طبیعی، اهداف آن به‌شرح زیر است:

زمینه‌سازی برای تمرکز و هماهنگی برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی درباره چگونگی وقوع سوانح طبیعی، پیامدهای آنها و جستجو و ارائه روشهای علمی - تخصصی برای پیشگیری یا کاهش خسارتهای ناشی از آنها. این مطالعات و تحقیقات شامل مطالعات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی در شاخه‌های مختلف مهندسی عمران، معماری، شهرسازی، محیط زیست، جغرافیا، مدیریت سوانح و زمینه‌هایی از این قبیل در ارتباط با سیل، زلزله، طوفان، لغزش زمین و مانند آن محسوب می‌شود؛

زمینه‌سازی مناسب برای ایجاد نظام اطلاعاتی مناسب برای انجام مطالعات و تحقیقات درباره سوانح طبیعی و دستیابی به کارآمدترین شیوه‌های فناوری داده‌ها؛

توسعه و گسترش پژوهش در زمینه سوانح طبیعی؛ و همکاری با مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور، به‌منظور ارتقای کیفیت فعالیتهای پژوهشی در امور

پژوهشکده سوانح طبیعی ایران

در ارتباط با اهداف مرکز در داخل و خارج از کشور؛
تأسیس مرکز اطلاعات و مدارک در رابطه با سوانح طبیعی
برای استفاده دستگاههای دولتی، محققین، دانشجویان و
غیره؛
بررسی، انتخاب و به کارگیری نرم افزارهای مناسب به منظور
تبدیل سریع و دقیق داده‌ها به اطلاعات و ایجاد زمینه‌های
تولید دانش و ارتقای توان علمی کشور در زمینه سوانح
طبیعی؛
عرضه خدمات نرم افزارهای رایانه‌ای تخصصی در بخش
سوانح طبیعی با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛ و
تهیه و تدوین و ترجمه آثار و نتایج تحقیقات علمی و فنی
مرتبط با مسائل تخصصی به منظور ارتقاء سطح دانش در
بخش سوانح طبیعی.

وظایف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قبال پژوهشکده

بنیاد مسکن موظف است تمامی تعهدات پژوهشکده را در
برابر وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، نهادهای عمومی
غیردولتی، بانکها، شهرداریها، سایر اشخاص حقوقی و
حقیقی (اعم از اعضای هیئت علمی و کارمندان خود) انجام
دهد یا با توافق صاحبان حق، تعهدات پژوهشکده را رأساً
بپذیرد.
تمامی امتیازات و اموالی را که از منابع عمومی و دولتی و
بانکها و شهرداریها و غیره در اختیار پژوهشکده قرار گرفته
است مسترد نماید یا موافقت صاحبان حق را مبنی بر
واگذاری امتیازات و اموال مذکور به بنیاد ارائه دهد.

گروهها و بخشهای پژوهشکده

پژوهشکده سوانح طبیعی شامل گروهها و بخشهای
تحقیقاتی - تخصصی زیر است:
گروه پژوهشی برنامه‌ریزی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی؛
گروه پژوهشی مدیریت بحران؛
گروه پژوهشی مقاوم‌سازی و بازسازی سازه‌ها؛
گروه پژوهشی مخاطرات زیست محیطی و بلاپای جوی؛
گروه تحقیقات و مطالعات کاربردی پیش‌بینی و هشدار
سوانح طبیعی؛
مرکز علمی - کاربردی سوانح طبیعی؛
دفتر آموزش و فناوری اطلاعات؛
دفتر فنی و خدمات مهندسی؛
دفتر امور پژوهشی و کنترل پروژه‌ها؛

ارکان

ارکان تصمیم‌گیری در این پژوهشکده به شرح زیر است:
مؤسس، رئیس، شورای پژوهشی و هیئت امنا که از اعضاء
زیر تشکیل شده است:
سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (رئیس هیئت امنا)؛
نماینده وزیر علوم، تحقیقات و فناوری؛
نماینده رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛
رئیس پژوهشکده (دبیر هیئت امنا)؛
۳-۵ نفر متخصصان سوانح طبیعی و مهندسان ساختمان.
حداقل ۲ نفر از این افراد باید از اعضای هیئت علمی
دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور
باشند که به پیشنهاد سرپرست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی،
تأیید و حکم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برای مدت ۴
سال منصوب می‌شوند و به‌طور همزمان، حداکثر می‌توانند
عضو ۲ هیئت امنا باشند. پیشنهاد و انتصاب مجدد آنان
بلامانع است و تا زمانی که افراد جدیدی به‌جای آنان
منصوب نشده باشند به انجام وظایف و اختیارات قانونی
خود ادامه خواهند داد.

منابع مالی

پیاده روی

کمک کند، دارد. پیشرفت و تمدن بشر در گذشته و حال، نوعی مدیون حرکت پیاده است این نوع جابه‌جایی، هزاران سال تجربه شده و در واقع حرکت پیاده، ساختار سکونتگاهها را در طول تاریخ شکل داده است. وجود زیباترین مراکز قدیمی شهرهای کهن در تاریخ شهرنشینی جهان شاهدهی بر این مدعاست. حتی واحدهای اداری را نیز برحسب قابلیت شعاع دسترسی که برای وی مقدور بوده، تقسیم‌بندی می‌کردند. به یقین می‌توان گفت، بدون تردد پیاده، سایر اشکال دیگر تردد هم وجود نخواهد داشت. حرکت پیاده موجبات حمل و نقل عمومی و شخصی را فراهم می‌سازد. به هر حال، پیاده‌روی بخشی از سفرهای شهری است و همه انسانها حداقل قسمتی از طول سفرهای خود را به صورت پیاده طی می‌کنند.

بر اساس آنچه در مجموعه قوانین پروس (۱۹۰۱-۱۹۰۶م) در مورد حق تقدم عابر برای حرکت در فضای خیابان آمده، تا سده ۲۰م برقرار بود، به نحوی که مسیرهای پیاده، بدون تجاوز به حقوق فردی، فقط برای حرکت پیاده تعیین شده بود.

به‌طور کلی، پیاده‌روی شامل تعابیری به شرح زیر است: پیاده‌روی به‌عنوان ورزش در جهت افزایش سلامتی و کاهش وزن؛ پیاده‌روی به‌عنوان تنوع و پرسه زدن و گذراندن اوقات فراغت؛ و

پیاده‌روی به‌عنوان جابه‌جایی برای هدف خرید- کار. امروزه، معابر پیاده، به‌خصوص در محیطهای شهری شلوغ و پر ازدحام، عرصه انسان و انسان، انسان و وسیله نقلیه، و انسان و موانع فیزیکی ثابت و متحرک است.

فعالیت پیاده را به ۲ دسته عمده می‌توان تقسیم کرد: ۱. فعالیت پیاده پویا، به‌طور مشخص شامل راه رفتن و پرسه زدن؛ و

۲. فعالیت پیاده ایستا، مثل نشستن، ایستادن، چمباته زدن، دراز کشیدن، خوردن، بازی کردن، خوابیدن، کار کردن و مانند آن.

این فعالیتها برحسب فرهنگها بسیار متفاوت است و ممکن است از نظر مردم قابل قبول باشد و یا فرهنگ

آموزشگاه مقاوم‌سازی؛ و گروه توسعه، عمران و مسکن روستایی.

بخشهای جانبی پژوهشکده

پژوهشکده علاوه بر بخشهای مذکور، دارای ۲ بخش جانبی است که عبارتند از: دفتر هماهنگی امور پژوهشی و کنترل طرحها؛ و واحد آموزش علمی و کاربری

حسن دارابی

پیاده‌روی

Pedestrianisation

راه رفتن از تواناییهای بالقوه و ذاتی انسان است. بنابراین، حرکت با پا حق طبیعی و مسلم همه ابنای بشر است. پیاده‌روی قدیمی‌ترین شکل جابه‌جایی انسان در فضا است که به دلیل کم‌هزینه بودن و یا دسترس بودن آسان برای کلیه اقشار جامعه، اصلی‌ترین الگوی جابه‌جایی در کانونهای زیستی بشمار می‌رود. با وجود پیدایش انواع دیگر جابه‌جاییها، به‌خصوص در جوامع شهری، تغییری در این شیوه به وجود نیامده و همگان آن را حق طبیعی خود در فضای شهری می‌دانند. از این رو، سهم قابل توجهی از جابه‌جاییها در فواصل کوتاه زیر یک کیلومتر، برای خرید، تفریح، دیدار، گذراندن اوقات فراغت، ورزش، رفتن به کار و ترکیبی از موارد فوق، با پا صورت می‌پذیرد. بر این اساس، می‌توان گفت، پیاده‌روی نیازمند امکانات مناسب، یعنی شبکه به هم پیوسته (خیابان، پارک، کریدورهای عابر)، وجود کاربریهای مختلط و کیفیت جذاب خیابان و نقاط دسترسی است، تا امکان بهره‌مندی عابران از فضای عمومی به‌نحو احسن صورت پذیرد. بر اساس کد کالیفرنیا (فصل ۴۶۷(a))، عابر شخصی است که با پا یا هر وسیله دیگری که باعث حرکت او به جلو- به‌غیر از دوچرخه- شود، اطلاق می‌گردد. به سخن دیگر، عابر حق عبور از محل عبوری را با پا و یا به‌وسیله صندلی چرخدار، روروک برقی، عصای زیربغل، یا هر وسیله‌ای که به حرکت او با پا

پیاده روی

داخل شهرهاست که در مقایسه با سایر شیوه‌های جابه‌جایی، دارای مزیت‌های زیر است:
منابع انرژی غیرقابل تجدید را مصرف نمی‌کند؛
آلودگی به وجود نمی‌آورد؛

هزینه تأمین شبکه مناسب پیاده‌روی در مقایسه با سایر وسایل نقلیه ناچیز است؛
پیاده‌روی از نظر وقت، انعطاف‌پذیر و دارای خودتنظیمی است؛

در صورت فراهم بودن شرایط آن، توزیع عادلانه دسترسی به امکانات شهری را برای همگان به وجود می‌آورد؛
به سلامت و نشاط افراد کمک می‌کند؛

پیاده‌روی به فضاهای شهری جنب‌وجوش و حرکت می‌بخشد؛

میزان ادراک محیطی انسان، نظیر مشاهده مکانها و فعالیتها برای پیاده، در مقایسه با سایر وسایل نقلیه، بسیار بیشتر است و احساس کشف ارزشها و جاذبه‌های نهفته در محیط برای عابر از طریق پیاده‌روی فراهم می‌گردد؛ و
امکان با هم بودن افراد زیاد در محیط اجتماعی، فقط از طریق پیاده میسر است.

عوامل اثرگذار بر حرکت عابر

عوامل بی‌شمار فیزیکی، فرهنگی و اجتماعی نظیر ایمنی، امنیت، راحتی، زمان و مکان و شرایط اقلیمی، هزینه، موانع (فیزیکی، بصری، اجتماعی و فرهنگی)، کیفیت محیط حرکت (فیزیکی، آلودگی هوا، صدا، دیداری)، نوع پوشش، شرایط فیزیکی عابر (زن، مرد، کودک، جوان، سالخورده، معلول جسمی)، زیبایی و جذابیت مسیر، در جابه‌جایی حرکت عابر پیاده اثرگذار است، اما براساس نظریه راپاپورت (۱۹۸۹م)، حرکت و رفتار عابر پیاده، به‌طورکلی، متأثر از ۲ پارامتر فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی است. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر حرکت عابر پیاده، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

پیوستگی مسیر پیاده، نیازمند شبکه‌ای پیوسته و مناسب پیاده‌رو زمینی و زیرزمینی و گره‌های بامعناست که همه مبداهای را به مقصدها، بدون وقفه و بریدگی، ارتباط دهد؛

عمومی آنها را به‌سادگی نپذیرد. فضایی که عابر پیاده برای حرکت نیاز دارد، به‌طور متوسط ۲۵ فوت مربع برای هر نفر است. بنابراین، معابر پیاده باید فضای اضافی برای مانور عابرین به میزان جریان ترافیک عبور کننده از کنار دیگر عابران که آهسته حرکت می‌کنند و جهت پرهیز از برخورد با عابرانی که از روبرو می‌آیند، و یا پیاده، راه را قطع می‌کنند، در نظر گیرند. این فضای اضافی برای ادراک سرعت و جهت حرکت دیگران و واکنش در تقابل آنها بدون تصادم و درنگ لازم است.

ویژگیها

براساس جلد ۱۰ آئین‌نامه طراحی راههای شهری، مسیر پیاده دارای ویژگیهای زیر است:

مسیر پیاده. محل عبور مجاز پیاده‌هاست؛

پیاده‌رو. مسیر پیاده‌ای است موازی سواره‌رو، ولی مجزا از آن؛

راه پیاده (معبّر). مسیر پیاده‌ای است با امتداد مستقل و مجزا از مسیر ترافیک؛

خیابان مخصوص پیاده. خیابانی است که به‌منظور برتری دادن به محیط، ورود اتومبیل‌های سواری را به آن ممنوع می‌کنند و ورود سایر وسایل نقلیه موتوری به آن تنظیم می‌شود؛

بازار. راه میانه‌ای است که در یک یا هر دو طرف آن مغازه و فروشگاه واقع باشد؛

بازارچه. بازار کوچکی است، واقع در مرکز محله، و معمولاً در محل تلاقی راههای پیاده قرار دارد؛

راسته بازار. بازاری است، واقع در امتداد یک راه پیاده مهم؛

میدانگاه. محوطه وسیعی است محل عبور و تقاطع مسیرهای پیاده.

مزایای پیاده‌روی

پیاده‌روی هنوز هم اصلی‌ترین طرز جابه‌جایی افراد در

پیاده روی

می توان وسایل کمکی میخدار، مانند چنگک را هنگام صعود به کار گرفت. وسایلی که نه فقط برای راه رفتن، بلکه حمل و نقل بار در کوهستان را بدون تخریب طبیعت، امکان پذیر می سازد.

از آنجا که انسان پیاده به فضای کمی نیاز دارد، به راحتی عبور خود را با ناهموارترین اراضی تنظیم می کند. گرچه عابر پیاده در معرض تغییرات جوی قرار دارد، ولی همواره خود را با شرایط جوی مختلف تطبیق می دهد. هیچ وسیله نقلیه شخصی در خشکی دارای چنین قابلیت صعود بالایی به مانند عابر پیاده نیست؛ او می تواند با نردبان و با کمک گرفتن دستها به ارتفاعات مختلفی صعود کند.

همچنین حرکت آهسته به شخص اجازه می دهد تا اطلاعات زیادی را از اطراف خود کسب کند و در برابر آنها، از خود واکنش سریع و محسوس نشان دهد. جاذبه هر سفر پیاده ای نسبت مستقیم با کوتاهی مسیر دارد. سفرهای پیاده در محیطهای جذاب، کوتاه تر احساس می شود. علاوه بر تحرکات بصری، فشارهای صوتی نیز نقش مهمی را در جذابیت یا عدم جذابیت سفر ایفا می کند. سفر پیاده ای که در امتداد نهر آب یا نجوای آهسته آب روان طی می شود، با سفر پیاده ای که در امتداد خیابانی با مسیر پُر رفت و آمد انجام می گیرد، متفاوت است.

سرعت و تراکم عابر پیاده

بر اساس تعریف، سطح آزاد عابر یا تردد یک طرفه بدون مزاحمت عابر را سطح سرویس (جابه جایی) عابر می نامند. سرعت عابر برابر است با میزان جابه جایی عابر به متر در ثانیه. همچنین تراکم عابر پیاده برابر است با تعداد عابر در واحد مترمربع.

کیفیت روان بودن جریان تردد در جریانهای رفت و آمد عابر پیاده را سطح سرویس می نامند.

طرحهای جامع پیاده

طرحهای جامع برنامه هایی هستند وسیع و فراگیر که توسعه جدید شهرها را برای افق ۲۰-۲۵ ساله مورد نظر قرار می دهند

کوتاهی و جذابیت مسیر حرکت، پیاده ها به فاصله ای انتخابی فوق العاده حساسند و عموماً کوتاه ترین مسیر را انتخاب می کنند؛

زیبایی و امنیت، پیاده ها در محله های خلوت خود را کاملاً بی دفاع حس می کنند و به مسیرهایی نیاز دارند که تنها نبوده یا به عبارتی، چشمانی ناظر حرکت آنها باشد. در این صورت است که آنها احساس امنیت می کنند و به علاوه، در صورت زیبایی مسیر حرکت، با احساس بهتری از آن عبور می کنند؛

ایمنی، از فاکتورهای فیزیکی است که به عرض عبور پیاده، حجم ترافیک وسایل نقلیه و عدم تداخل حرکت سواره و پیاده در مسیر حرکت پیاده، عدم روشنایی مسیرهای پیاده، وجود جویهای سرباز، کف سازی محیط حرکت و موانع موجود بر سر راه ارتباط دارد؛ و راحتی، تندی شیب مسیر، لغزنده نبودن کف مسیر حرکت، عرض کافی تغییر ناگهانی (پله های منفرد)، وضعیت تخلیه آبهای سطحی (باران) و نحوه محافظت پیاده روها در مقابل باد و باران، تابش آفتاب و ریزش برف و باران تأثیر بسزایی در راحتی حرکت پیاده ها دارد.

ویژگیهای عابر پیاده

۲ ویژگی انعطاف پذیری و خودتنظیمی نسبتاً سریع باعث تمایز حرکت عابر پیاده با سایر انواع تردد می شود. قابلیت انعطاف پذیری بسیار زیاد پیاده این امکان را می دهد که تا به دلخواه، خود را با شرایط مختلف طبیعی وفق دهد: از راه رفتن با پای عریان درون صندلهای رومی گرفته تا کفشهای میخدار کوهستانی اقوام آلپ. در شرایط زمستانی نیز در کنار کفشهای مخصوص برف و اسکی،



Harmondsworth: Penguin Books, ۱۹۶۱.

سید محمدمهدی معینی

پیوند(های) روستایی- شهری

Rural-Urban Linkage(s)

پیوندهای روستایی- شهری حاصل تعامل دوسویه (reciprocal) سکونتگاههای روستایی و کانونهای شهری در عرصه منطقه‌ای هستند و از طریق جریانهای مختلف- از جمله جریان افراد، کالاها، اطلاعات، فناوری، نوآوری و مانند آن- شناسایی می‌شوند. از لحاظ نظری، تحقق این گونه جریانها در بستر دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جاری، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، با تنوع و تقویت اشتغال در محیطهای روستایی همراه است. ازاین‌رو، پیوندهای روستایی- شهری در تنظیم و بیان سیاستهای توسعه با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری در توسعه نواحی روستایی پیرامونی مورد تأکید کارشناسان توسعه قرار دارد.

این پیوندها، برخلاف روابط سنتی شهر و روستا (← روابط شهر و روستا) که عمدتاً گویای نوعی روابط سلطه است، به‌واسطه تعامل دوسویه و مجموعه‌ای از جریانهای مکمل تبیین می‌شوند. براین‌مبنای پیوندهای روستایی- شهری را می‌توان از ۲ منظر یا سطح مورد بررسی قرار داد:

پیوندها در عرصه فضا (نظیر جریانهای افراد، کالاها، سرمایه، اطلاعات، فناوری و حتی مواد زائد)؛ و تعامل در سطح بخشها (تعامل بخشی)، شامل فعالیت‌های روستایی که در نواحی شهری به انجام می‌رسند (← کشاورزی شهری) یا فعالیت‌هایی که اغلب به‌عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند (نظیر صنعت و خدمات)، اما در نواحی روستایی جریان دارند.

مایک داگلاس (۱۹۹۸م) در بررسی تطبیقی ۲ پارادایم

(← برنامه‌های شهری). تهیه این طرحها از دهه ۱۹۶۰م به بعد متداول گشت. در این طرحها، به‌طورکلی، به‌مسائل کلان، همچون حمل‌ونقل، کاربری اراضی (← کاربری زمین)، مقررات ساخت‌وساز، شبکه‌های ارتباطی و... پرداخته می‌شود، اما به کیفیت محیطی، عبور و مرور عابر پیاده، منظر شهری (← منظر شهری)، سیمای شهری و مانند آن کمتر عنایت می‌شد. در سالهای اخیر، تهیه طرحهای جامع پیاده در شهرهای بزرگ اروپا، امریکا و کانادا متداول شده است. این طرحها بر محور ارتقاء کیفیت محیط شهری، به‌خصوص از دید جابه‌جایی عابر پیاده، استوار هستند.

پیاده از دید مسائل اجتماعی

جین جیکوبز معتقد است، پیاده راه به‌عنوان فضای عمومی شهری، قادر است مردمی را که یکدیگر را نمی‌شناسند، در صحنه اجتماع گردهم آورد. این نکته ظاهراً بسیار جزئی و بی‌اهمیت به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که مجموعه‌ای از این برخوردهای اتفاقی و عمومی در یک زمان و مکان شهری که لزوماً هیچ تعهد مشخصی را هم دربر ندارد، احساس اطمینان، هویت و حیات اجتماعی را برای ساکنان شهر فراهم می‌سازد.

مسائل و مشکلاتی که عابر- به‌طورکلی- در شهرها با آن روبروست، عبارتند از:

- مسائل فیزیکی معابر؛
- قوانین و مقررات؛
- مسائل محیطی؛
- امنیت و ایمنی؛
- دسترسی و پیوستگی؛ و
- آسایش.

کتاب‌شناسی:

- Fruin, J. *Pedestrian Planning and Design*. Metropolitan Association of Urban Design and Environment planners, Inc: New York, ۱۹۷۱.
- Appleyard, Donald. *Livable Streets*. Los Angeles: University of California Press, ۱۹۸۱.
- Jacobs, Jane. *The Death and Life of Great American Cities*, Random House: *The failure of Town Planning*.

بر صادرات، در به حاشیه کشاندن دهقانان خرد که به اجبار باید به اشتغال غیرکشاورزی و یا مهاجرت تن در دهند، نقش مهمی ایفا می‌کند. البته، همیشه و همه‌جا عوامل اقتصادی نیستند که نوع پیوندهای روستایی - شهری را مشخص می‌سازند، بلکه این پیوندها، درعین حال، تابع عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی حاکم در سطح منطقه هستند و براین مبنای، به نحوی متفاوت شکل می‌گیرند. به این ترتیب، با وجود تفاوت پیوندهای روستایی - شهری از یک منطقه به منطقه دیگر، ویژگی اصلی آنها این است که در مسیر توسعه، نویددهنده گذار از روابط سنتی سلطه‌جو به سوی پیوندهای متقابل و مکمل هستند.

کارشناسان توسعه در قالب سیاستگذاری و برنامه - ریزیهای منطقه‌ای، ضمن توجه به واقعیتهای نوظهور جهانی - محلی مرتبط با یکپارچگی و ادغام هرچه بیشتر عرصه‌های روستایی - شهری در دنیای امروز، برای دستیابی به پیوندهای روستایی - شهری کارآمد بر جنبه‌های زیر تأکید می‌ورزند:

تقویت توان حکمروایی محلی و منطقه‌ای؛

ترغیب شیوه‌های مشارکتی توسعه، حمایت از برابری جنسیتی و هموارسازی زمینه‌های همیاری و همراهی تمامی اعضای جامعه؛

محلی سازی پیوندهای تولیدی، به منظور تنوع بخشی به اقتصاد محلی؛

همکاری در شکل دهی به گروههای همیار و تعاونی؛

تأمین زیرساختهای عمومی و خدمات شهری و روستایی؛ و تضمین امنیت و آسایش خیال در جابه‌جایی افراد، کالاها و سرمایه.

کتاب‌شناسی:

- تقی‌زاده، فاطمه. نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی - شهری، مورد اردکان و باغملک، دانشگاه شهید بهشتی، گروه جغرافیا (پایان‌نامه تحصیلی دوره دکتری)، ۱۳۸۳.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری»، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۸۲ (تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۴).

قطب رشد (-) قطب رشد) و شبکه منطقه‌ای (-) شبکه منطقه‌ای، راهبرد)، خصوصیات پیوندهای روستایی - شهری را چنین بیان می‌کند:

پیوندهای روستایی - شهری متنوع هستند و گستره آنها حوزه نفوذ شهرهای بزرگ را دربر دارد. براین مبنای، تجمع شهرها و روستاها در یک واحد منطقه‌ای توسعه می‌تواند از تنوع (فعالیتها) و همچنین توانهای مکمل موجود بین مراکز مختلف و بین هر مرکز و حوزه نفوذ بلافصل آن بهره‌مند شود. در این چارچوب، روابط بین مراکز (شهری و روستایی) بیشتر افقی، مکمل و دوسویه خواهد بود؛

به این ترتیب، پیوندهای روستایی - شهری موجب شکل‌گیری شبکه‌های (کوچک) ناحیه‌ای، با تراکم متفاوت، در سطح منطقه و فراتر از آن می‌شوند که براساس نحوه برقراری جریان کالاها، مردم و نظایر آن، در بین سکونتگاهها مورد شناسایی قرار می‌گیرند؛ و نهایتاً

این شبکه‌های مرتبط و به شدت تعاملی، با فراهم ساختن سطحی از تجمع و تنوع اقتصادی، به مراتب بهتر از یک قطب رشد یا مناطق کلانشهری عمل کنند. کاهش فاصله زمانی بین سکونتگاهها، به واسطه شبکه‌های نوین ارتباطی و حمل‌ونقل، این امکان را فراهم آورده است که شهرها و روستاهای پراکنده و دورافتاده با یکدیگر در پیوند قرار گیرند و طیف وسیع و مؤثری از تعامل را فراهم سازند.

پیوندهای روستایی - شهری مؤید این واقعیت است که توسعه شهری و روستایی به نحوی متقابل و یکپارچه به یکدیگر وابسته است. البته این تصور نادرست است که این پیوندها در همه شرایط الزاماً با منافع متقابل برای شهرها و روستاها همراه خواهد بود، زیرا این امر، در شرایط متفاوت، ممکن است به نابرابری فضایی و آسیب‌پذیری بیشتر گروههای کم بهره‌مند (روستایی) منجر شود.

باید توجه داشت که شکل پیوندهای روستایی - شهری به شدت تحت تأثیر تحولات کلان، از جمله روند جهانی شدن، تعدیل ساختاری و اصلاحات اقتصادی، که هم بر جوامع شهری و هم روستایی اثرگذار است، قرار دارد. در همین ارتباط، ناامنی شغلی و افزایش عمومی قیمتها در نواحی شهری، آزادسازی تجارت و رشد کشاورزی مبتنی

- سعیدی، عباس. «ناکارآمدی ساختاری- عملکردی نظامهای فضایی ناحیه‌ای»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- سعیدی، عباس و عزیزپور، فرهاد. «شبکه‌های ناحیه‌ای و توسعه محلی با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری»، *مجله علمی- پژوهشی جغرافیا*. دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۸۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳ (تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۵).
- Douglass, Mike. "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages", *TWPR*. ۲۰(۱), pp. ۱-۳۳, ۱۹۹۸.
- Friedmann, John. *Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, ۲۰۰۳.
- Iaquina, D.L. & Drescher, A.W. "Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts", *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. Rio de Janeiro, ۲۰۰۰.
- Jerve, A.M. "Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis", *Choices for the Poor*. UNDP, Oslo (Norway), pp. ۸۹-۱۲۰, ۲۰۰۱.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing abate*, UNDP, ۲۰۰۱.
- Satterthwaite, D. "Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural-Urban Differences and Rural-Urban Linkages", *The World Bank's Forum on Urban Poverty Reduction in the ۲۱st Century*. April ۲۰۰۰.
- Satterthwaite, D. & Tacoli, C. *The Role of Small and Intermediate Urban Centres in Regional and Rural Development*. Washington: World Bank, ۲۰۰۳.
- Tacoli, C. "Rural-Urban Interactions", *Environment and Urbanization*. Vol. ۱۰, No. ۱, April ۱۹۹۸.
- Tacoli, C. *Bridging the Divide: Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies, IIED, Gatekeeper Series*. No. SAVV, London, ۱۹۹۸.
- Van Veenhuizen. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۲.

عباس سعیدی

ت

تأمین اجتماعی

بازنشستگی، از کار افتادگی یا بیماری از کمکهای این صندوق بهره‌مند می‌شوند؛

خدمات بهداشتی و درمانی که در سده ۲۰م بخش عمده هزینه‌های آن را دولتها عهده‌دار شده‌اند. این خدمات ممکن است توسط بیمارستانها و درمانگاههای دولتی عرضه شود و یا به صورت یارانه به کسانی که از خدمات درمانگاهها و بیمارستانهای خصوصی استفاده می‌کنند، پرداخت شود؛

برنامه‌های کاهش فقر؛ و

کمک به شهروندان فقیر و قشرهای آسیب‌دیده برای بالابردن سطح زندگی همگانی در جامعه.

پیشینه

امنیت اقتصادی از نیازهای اولیه بشر است. با این حال، بیمه‌های اجتماعی در شکل کنونی که به یک نظام منسجم و ملی تبدیل شده است، محصول جامعه سرمایه‌داری، به‌ویژه دوران پس از انقلاب صنعتی و پیدایش جوامع مدرن است. در جوامع سنتی، نظام پدرسالاری و خویشاوندی نوعی حمایت از نیازمندان را در برداشت. در دوران باستان و سده‌های میانه، دینهای بزرگ مثل یهودیت، مسیحیت و اسلام، حمایت از نیازمندان را جزئی از وظایف جماعت مؤمنان و حکومتها بشمار می‌آوردند.

در دنیای جدید، همراه با دگرگونی در نظام تولید، به‌شکلهای تازه‌ای از حمایتهای اجتماعی نیاز افتاد. رشد نظام تولید سرمایه‌داری که متضمن از هم پاشیدن جامعه سنتی، اجتماعات محلی و از سوی دیگر، پرولتریزه شدن توده‌های وسیعی از مردم، همچنین رشد شکل جدیدی از بهره‌گیری از نیروی کار در قالب مناسبات مزدبری بود،

Social Security

تأمین یا امنیت اجتماعی به معنی آسایش خیال و فارغ بودن از ترس و نیازمندی برای افراد یک جامعه است. گرچه اصطلاح تأمین اجتماعی و امنیت اجتماعی معنای گسترده‌ای دارد و مواردی چون امنیت روانی را نیز شامل می‌شود، ولی اغلب و در وهله اول، مفهوم اقتصادی آن مد نظر قرار می‌گیرد. تأمین اجتماعی همچنین به مجموعه‌ای از برنامه‌های دولتی در رابطه با تدارک خدمات به‌منظور حمایت از شهروندان در برابر مسائلی چون پیری، بیماری، بیکاری، از کارافتادگی و فقر اطلاق می‌شود. اصطلاح تأمین اجتماعی معنای وسیعی دارد و در بسیاری مواقع با مفهوم بیمه اجتماعی و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) همپوشی زیادی دارد. اصطلاح تأمین اجتماعی در معنای محدود خود، با اصطلاح بیمه اجتماعی به‌صورت هم‌معنا به‌کار می‌رود، اما در معنای وسیع، حیطه گسترده‌ای از حمایت‌های عمومی از شهروندان در برابر انواع نیازمندیها، از بازنشستگی گرفته تا فقر را شامل می‌شود.

در کشورهای پیشرفته امروزی خدمات تأمین اجتماعی حیطه وسیعی را دربر می‌گیرد که می‌توان آن را به ۴ دسته عمده تقسیم کرد: بیمه اجتماعی که گسترده‌ترین بخش تأمین اجتماعی است. این بیمه در کشورهای مختلف شکل و حیطه متفاوتی دارد. رایج‌ترین شکل بیمه‌های اجتماعی به این صورت است که افراد شاغل در دوران اشتغال مبلغی را به نسبت دستمزد، حقوق یا درآمد خود به صندوقی به نام صندوق بیمه پرداخت می‌کنند و در عوض، بهنگام بیکاری،

تأمین اجتماعی

ترمیم خسارتهای افراد و جماعتها بهنگام آسیب‌دیدگی، ناتوانی یا هر نوع زیان وارد آمده از جانب جامعه؛ تضمین آینده جامعه از طریق برنامه‌های آموزشی، پیشگیری از بیماریها، تأمین سلامت؛ تلاش برای مصون داشتن اجتماع از جرائم؛ کمک به افراد بهنگام دشواریهای مقطعی که ممکن است بدان دچار شوند؛ و فراهم کردن شرایط مطلوب برای نیروی کار از حیث سلامت، آموزش و درآمد.

به این ترتیب، دغدغه نظام رفاه اجتماعی تضمین زندگی کیفی و کیفیت زندگی برای همگان است.

دولت رفاهی در نظر و عمل، بر این فرض استوار است که در جوامع پیشرفته امروزی، با توجه به سطح توسعه اقتصادی، این امکان و ضرورت وجود دارد که حکومت، چه در قالب حکومت مرکزی و چه در چارچوب حکومت محلی، بخشی از مازاد اقتصادی را جمع‌آوری و آن را به وجه تعریف شده و برنامه‌ریزی شده، بازتوزیع کند. بخش خصوصی اگر به حال خود واگذاشته شود که مازاد اقتصادی را به دلخواه خود به کار برد، طبیعی است که آن را برای سرمایه‌گذاری مجدد و مصرف خصوصی به کار خواهد گرفت و معلوم نیست که این شیوه کاربرد، همواره با مصالح جامعه تطبیق داشته باشد. دولتهای امروزی دولتهای مدیر هستند و بدون مدیریت اقتصادی و اجتماعی، اداره امور جوامع امروزی امکان‌پذیر نیست.

اینکه آیا مداخله دولت در امور اقتصادی مطلوب است یا خیر و اگر مطلوب است، باید به چه نحو باشد، بحثی است که دامنه درازی دارد. جوهر بحث درباره مطلوب یا نامطلوب بودن مداخله دولت در اقتصاد در ۲ مفهوم کارایی و برابری یا عدالت (← عدالت) خلاصه می‌شود. مخالفان مداخله دولت در اقتصاد معتقدند، چنین مداخله‌ای به زیان کارایی اقتصادی است و موافقان مداخله دولت نیز چنین مداخله‌ای را به ملاحظه برابری یا عدالت ضروری بشمار می‌آورند. می‌توان چنین گفت که مسئله کلیدی سیاست اجتماعی و مدیریت اقتصادی و اجتماعی دولت باید ایجاد توازن بین این ۲ مطلوب، یعنی کارایی و برابری باشد.

شکلهای تازه‌ای از تأمین اجتماعی را ایجاد کرد. در ابتدای رشد جوامع صنعتی، نظام جدیدی از بیمه به‌طور خودانگیخته در میان توده‌های کارگر رشد یافت. این شکل از بیمه بدین ترتیب بود که اعضاء مبالغی را در صندوق مشترکی ذخیره می‌کردند، تا هنگام ناتوانی، بیماری یا پیری از آن برداشت کنند. این نوع بیمه‌ها طبعاً پاسخگوی نیازهای روزافزون جوامع صنعتی نبود. بنابراین، نیاز به شکلهای نوینی از بیمه بود که از پشتوانه حمایت دولتی بهره‌مند بود، مطرح شد.

نخستین نظام بیمه از نوع جدید در ۱۸۸۳م در آلمان برای حمایت از بیماران تأسیس شد. در ۱۸۸۹م، در این کشور بیمه اجباری پیری و آسیب‌دیدگی استقرار یافت. بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی نیز کمک به سازمانهای خودانگیخته بیمه را آغاز کردند. در انگلستان در ۱۹۱۱م، بیمه‌های اجباری برای بیکاری و در ۱۹۲۵م، بیمه اجباری برای پیری تأسیس شد. در ایالات متحد، بیمه‌های اجتماعی دیرتر از سایر کشورها و در ۱۹۳۵م برقرار شد. در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، بیمه‌های اجباری در کشورهای صنعتی گسترش زیادی پیدا کرد و به کشورهای درحال توسعه نیز بسط یافت.

رابطه تأمین اجتماعی و رفاه اجتماعی

۲ مفهوم رفاه اجتماعی یا دولت رفاهی و تأمین اجتماعی معنای نزدیکی دارند. با این حال، مفهوم رفاه اجتماعی معنی گسترده‌تری دارد و تمرکز آن بر نظامی از تخصیصها در یک جامعه است که معطوف به توزیع منافع اجتماعی به صورتی است که کلیه افراد جامعه از سطح معینی از زندگی برخوردار شوند. به‌طور معمول، رفاه اجتماعی به آن تخصیصهایی گفته می‌شود که مقصود از آن، کمک به اعضای کم‌بهره، فقیر و کم توان جامعه است. در سالهای اخیر، این اصطلاح بیشتر به برنامه‌هایی اشاره دارد که هدف از آن، تأمین زندگی کیفی برای تمام شهروندان است. تأمین چنین شرایطی مستلزم اقدامات زیر است:

فراهم کردن حداقل شرایط زندگی در انطباق با معیارهای تعریف شده برای همه مردم؛

تأمین اجتماعی

۱. در جوامع امروزی به‌عنوان جوامع مبتنی بر مناسبات سرمایه‌داری، تولید صنعتی و نظام مزدببری، حمایت از نیازمندان، به‌ویژه در مقوله بازنشستگی را نمی‌توان به شیوه سنتی حل و فصل کرد؛ و

۲. چنان‌که نظریه جان مینارد کینز گویای آن است، هزینه‌های اجتماعی نقشی سلامت‌بخش در نظام سرمایه‌داری دارد، به این معنی که چنین هزینه‌هایی بحران عدم تعادل بین تولید و مصرف را که از زمره بحرانهای ساختاری نظام سرمایه‌داری است، رفع و رجوع می‌کند.

فشارهای ایدئولوژیک. این نوع فشارها هم در درون دولت‌های حاکم وجود دارد و هم در بیرون از آن. در درون دولت‌های کشورهای پیشرفته و همچنین در حال توسعه، برخی از طیف‌های عقیدتی مدافع سیاست‌های اجتماعی و توسعه برنامه‌های تأمین اجتماعی هستند. در بیرون از حکومتها نیز ایدئولوژیهای مدافع کمک به توده‌های کم درآمد، طیف گسترده‌ای از نگرش‌های مذهبی تا مارکسیستی را دربر می‌گیرد. سوسیالیستها و حتی برخی از جریانهای لیبرال در میانه این دو قطب قرار می‌گیرند. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، رشد جنبش‌های فکری از نوع سوسیال-دموکراسی زمینه‌ساز حمایت از برنامه‌های تأمین اجتماعی بود. سالهای بعد از جنگ تا دهه ۱۹۸۰م دوران طلایی سیاست‌های سوسیال-دموکراتیک بود.

فشارهای سیاسی. این فشارها هم از بالا توسط سیاستمدارانی صورت می‌گیرد که می‌خواهند آراء مردم را جلب کنند و هم از پائین توسط تشکلهای مختلف صنفی و سیاسی، به‌ویژه تشکلهای کارگری، اعمال می‌شود.

ارزیابی برنامه‌های تأمین اجتماعی

در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰م، حرکت گسترده‌ای در همه کشورها، به‌ویژه کشورهای صنعتی، برای گسترش تأمین اجتماعی صورت گرفت. هم شرایط اقتصادی و هم‌انگیزه‌های سیاسی مساعد حرکت در این راستا بود. در عرصه اقتصادی، ۲ دهه رشد سریع و مداوم منابع مادی قابل توجهی را فراهم کرده بود. در چنین شرایطی بود که بسیاری از کشورهای پیشرفته

بنابراین، حد مطلوب مداخله دولت، حرکت بر مداری است که از یکسو با مداخله بیش از حد و ناهنجار مانع رشد کارایی اقتصاد نشود و از سوی دیگر، با رها کردن ملاحظات برابری و عدالت، مدافع تشدید شکافها و تنش‌های اجتماعی نباشد. باید اذعان کرد که تعیین چنین خط تعادلی همیشه کار آسانی نیست، اما در این آزمون، توانایی مدیریتی دولت نمایان می‌شود.

تاریخ بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که در برخی دوره‌ها موضوع برابری و در بعضی دیگر، کارایی اقتصادی در کانون توجه دولت‌ها قرار داشته است. برای نمونه در دهه ۱۹۶۰م و بخشی از دهه ۱۹۷۰م برابری مورد تأکید بوده است، اما در دهه ۱۹۸۰م، دوره جدیدی در سیاست‌های اجتماعی آغاز شد که سیاست‌های دولت رفاهی مورد نقد قرار گرفت و چنین سیاست‌هایی مسئول ناکارآمدی عرصه اقتصادی و رکود اقتصاد در کشورهای پیشرفته صنعتی بشمار آمد. با روی کار آمدن نومحافظه‌کاران در دولت‌های ایالات متحد و انگلستان در سالهای دهه ۱۹۸۰م، سیاست‌های رفاه اجتماعی مورد تهاجم قرار گرفت. ایالات متحد از تمام اهرم‌های عظیم اقتصادی و دیپلماسی خود برای تحمیل سیاست‌های نومحافظه‌کارانه بر بسیاری از نهادهای بین‌المللی و کشورهای جهان بهره گرفت. علاوه‌براین، بسیاری از سیاستمداران، دولتمردان و روشنفکران در سطح جهان، ناکارآمدی نظام سرمایه‌داری متأخر را به پای سیاست‌های دولت رفاهی و تأمین اجتماعی نوشتند و برای بیرون آمدن از رکود یا پیشبرد توسعه، دست به دامان بازار آویختند. اکنون پس از گذشت دست‌کم ۲ دهه از غلبه سیاست‌های نولیبرالی بر اقتصاد جهان، می‌توان گفت که این سیاست‌ها نه تنها مشکلات اقتصادی و اجتماعی جهان را حل نکرده، بلکه بر شکافهای اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان افزوده است.

ضرورت برنامه‌های تأمین اجتماعی

سیاست‌های تأمین اجتماعی در جوامع امروزی زائیده عوامل چندی است:

نیازهای کارکردی که خود ۲ وجه عمده دارند:

تجدد

Modernity

به دوره‌ای از تاریخ اروپا اشاره دارد که با تحولات عمیق فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با مضمون عقلانی شدن، عرفی شدن، صنعتگرایی و رشد بی‌سابقه شهرنشینی مشخص می‌شود. تحولات مرتبط با تجدد را به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌بندی کرده‌اند. *عقلانی شدن*، *عرفی شدن* (سکولاریسم)، تمایز یابی و رشد تفرد از جمله چارچوبهایی هستند که در قالب آن خواسته‌اند تحولات مرتبط با تجدد را به صورت‌بندیهای علمی وارد کنند. تجدد به واسطه تحولات چندی نسبت به دوره پیش از خود، به‌طور کیفی، متمایز می‌شود. در برخی تحلیلها برای این تحولات ۳ وجه عمده بر شمرده‌اند:

نخست وجه فرهنگی که با عطف توجه به عقل و تجربه‌گرایی مشخص می‌شود. رشد آگاهی علمی، عرفی‌گرایی و عقلانیت‌ابزاری از مشخصات این وجه از تجدد است؛

تجدد در وجه دوم، با شیوه‌ای از زندگی مشخص می‌شود که متکی به رشد صنعتی، اقتصاد بازار، تحرک اجتماعی، تحکیم دولت - ملت‌هاست؛ و

وجه سوم تجدد، نگرش به انسان است. تجدد برخلاف نگرش سنتی، انسان را به‌عنوان فرد، آزاد، خودآئین و خود-کنترل می‌بیند؛ درحالی‌که نگرش سنتی به انسان، او را در وهله اول، عضو جماعت و نیازمند کنترل بیرونی (آسمانی یا زمینی) مشاهده می‌کند.

تجدد و تحولات اقتصادی

تجدد را در قیاس با آنچه پیش از آن در تاریخ بشر بوده است، بهتر می‌توان درک کرد. خواه آغاز دوره جدید یا عصر مدرن را قرن ۱۶م بگیریم یا قرن ۱۷م یا هر مقطع دیگر، به‌هرحال، جامعه مدرن از نوع جامعه صنعتی است که از درون جامعه کشاورزی بیرون آمده است. جامعه

از ۱۰ تا ۳۰٪ از درآمد ملی خود را به برنامه‌های تأمین اجتماعی و رفاه عمومی اختصاص دادند. اما از دهه ۱۹۸۰م، با غلبه نوحافظه‌کاران بر سیاست و گسترش موج نئولیبرالیسم در عرصه ایدئولوژیک و فکری، این حرکت کند شد. سیاستهای تأمین اجتماعی با اینکه دستاوردهای مهمی به همراه داشته است، هنوز با مقصود تعادل اجتماعی و ترمیم شکافهای اقتصادی و اجتماعی فاصله زیادی دارد. تداوم امواج حاشیه‌نشینی و سرریز شدن محله‌های فقیرنشین از انبوه توده‌های بیکار و بی‌چیز در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی (چه جای صحبت از کشورهای توسعه نیافته؟) نشانگان آسیبهای اجتماعی عمیقی است که گاه، چنان‌که در حوادث ۲۰۰۶م در فرانسه بروز کرد، منشأ انقلابهای شهری در حاشیه شهرها است (← انقلاب شهری).

کتاب‌شناسی

- Bean, P. Ferris, J. and Whyne, D. (eds). *In defence of Welfare*. London: Taristock. Pullications, ۱۹۸۵.
- *Collier's Encyclopedia*, MacMillan Educational Company, ۱۹۹۱.
- George, V. and Wilding, P. *The Impact of social Policy*. London: Routledge, ۱۹۸۴.
- Hawkesworth, M. and Kocan, M. (eds). *Encyclopedia of Government and Politics*. Routledge, ۱۹۹۲.
- Morris, R. *Rethinking Social Welfare*. New York and London, ۱۹۸۶.
- Okun, A. *Equality and Efficiency: The Big Trade-off*. Washington, D.C: Brookings, Institution, ۱۹۷۵.
- Ponnison, D. *The Politics of Porerty*. Oxford: Martin Roberson, ۱۹۸۲.

کمال پولادی

تئوری مکان مرکزی ← مکان مرکزی، نظریه

تجدد

رشد صنعت الگوی زندگی را به کلی دگرگون کرد. طی این روند، نه تنها به شکل بی سابقه‌ای بر تعداد جمعیت افزوده شد، بلکه این جمعیت در مراکز جمعیتی شهری متمرکز شدند. شهرنشینی در تاریخ تمدن بشر سابقه‌ای طولانی داشته است، اما جهش در شهرنشینی از وجوه جامعه مدرن است. در تمدنهای باستانی تنها ۳ یا ۴٪ مردم در شهرها زندگی می‌کردند. در امپراتوری رم که با سطح بالای شهرنشینی صاحب شهرت بود تنها ۱۵٪ مردم در شهرها زندگی می‌کردند. به این ترتیب، در جامعه کشاورزی بیش از ۹۰٪ مردم در روستاها زندگی می‌کردند، در حالی که در جامعه صنعتی، درست در مقابل آن، ۹۰٪ مردم در شهرها زندگی می‌کنند. رشد بی سابقه شهرنشینی خاص کشورهای صنعتی نیست، بلکه امروزه در کشورهای در حال توسعه نیز روند شهرنشینی، حتی با شتابی بیشتر از کشورهای صنعتی، روبه افزایش است.

در نیمه اول سده ۲۰م، میزان جمعیت در کشورهای صنعتی ۵۰٪ رشد داشته، در حالی که در همین زمان میزان رشد جمعیت شهرها به رقم ۲۵۰٪ رسیده است. رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از این رقم بسیار بیشتر بوده است، از جمله در کشورهای آفریقایی که رشد شهرنشینی در آنها از ۶۰۰٪ بالاتر رفته است.

تغییر در ساختار خانواده و ساختار اجتماعی

در جامعه کشاورزی، واحد اصلی تولید خانواده است؛ تمام اعضاء خانواده، حتی کودکان، به صورت همیارانه برای تأمین معاش کار می‌کنند. اقتصاد خانواده یک اقتصاد خوداتکاء است. اما صنعتی شدن ساختار خانواده و اقتصاد خودبسنده را به کلی درهم ریخت. خانواده از واحد تولیدی به صورت واحد مصرفی درآمد. حتی بخشی از نقش اجتماعی کردن که هنوز برای خانواده باقی مانده، به نهادهای دیگر واگذار شده است. با تبدیل بخش بزرگی از نیروی کار کشاورزی به نیروی کار صنعتی و تراکم این نیروی کار در شهرها، بافت خانواده دگرگون شده است. خانواده از شکل گسترده به سمت تک هسته‌ای شدن پیش می‌رود. با جدا شدن توده‌های انبوه مردم از وسایل تولید،

کشاورزی بیش از ۵ هزار سال در تاریخ بشر دوام داشته است. نیرویی که جامعه نو را می‌سازد، همواره نیرویی واکنشی بوده است که بیشتر در قیاس با جامعه پیشین و در نفی و طرد آن معنا پیدا کرده است. مدرن شدن یا تجدد در کلی‌ترین وجه خود، با فرایند *تفرد، انفکاک/اجتماعی* یا *تخصصی شدن* نیز معنا شده است. در ساختار جامعه مدرن، واحد اصلی اجتماعی فرد است، نه همچون جامعه کشاورزی، جماعت یا گروه. علاوه بر این، وظایف به صورتی تخصصی از یکدیگر تفکیک شده‌اند و نظامی پیچیده از یک تقسیم کار همه جانبه شکل گرفته است. چنین جامعه‌ای، برای مثال، با جامعه کشاورزی که در آن کارهای تولید، مصرف، اجتماعی کردن (کودکان) و تصمیم‌گیری تنها در واحد خانواده صورت می‌گرفت، متفاوت است. همچنین، در جامعه مدرن، برخلاف جامعه پیشین که در آن حقوق و تکالیف با امتیازات طبقاتی و گروه‌های منزلتی پیوند داشت، حقوق و تکالیف متکی بر قوانین و قواعد عام است. نهادهای جامعه مدرن بنا به اراده ملت و قواعد غیرشخصی اداره می‌شوند.

این مقایسه به هیچ وجه تمام خصوصیات جامعه مدرن را بیان نمی‌دارد. اگر به جامعه مدرن از دید اثباتی نگاه کنیم، می‌توان آن را دارای یک ساختار اقتصادی در مقام محور دید که به مثابه شالوده یا زیرساخت، بسیاری از وجوه روساختی جامعه را مشروط می‌کند. حتی با رد نگرش جبرگرایانه مارکسیسم عامیانه و با بیشترین تأکید بر روابط متقابل زیرساخت و روساخت، باز هم به جرأت می‌توان گفت، آنچه به طور ریشه‌ای تر بر ظهور جامعه صنعتی اثر گذاشته، تحولات اقتصادی بوده است. بسیاری از تحلیل‌گران سیمای تعریف‌کننده جامعه صنعتی، در مقابل جامعه غیرصنعتی را اقتصاد بشمار می‌آورند. رشد بی سابقه شاخصه‌هایی چون تولید، سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، استفاده از فن‌آوریها و انرژیهای نوین، شکل‌گیری بازار آزاد (از قیود فئودالی) و کالایی شدن نیروی کار از مظاهر مهم جامعه مدرن در عرصه اقتصاد است.

تجدد و شهرنشینی

تجدد

تجدد با جهانی شدن نیز پیوند داده شده است. آنتونی گیدنز معتقد است، تجدد ذاتاً گرایشی جهانی کننده دارد. او این گرایش را با میل دگرگونی مدام در برداشت از «خود» که از ویژگیهای انسان مدرن است، مرتبط می‌داند.

تجدد، در واقع، با تاریخ اروپا ارتباط دارد؛ در آنجا شروع شده، تکامل پیدا کرده و آنگاه به شکل‌های گوناگون به سایر کشورهای دنیا سرایت یافته است. اما این واقعیت را نباید به این معنا گرفت که نفوذ تجدد به کشورهای دیگر به معنی غربی شدن است. بسیاری از نهادهای تجدد غرب، مثل نظام تولید سرمایه‌داری، صنعتگرایی، آموزش و پرورش نوین، مردمسالاری، شکل دولت-ملت و دولت مدرن از غرب به سایر نقاط جهان گسترش یافته است، اما این بدان معنا نیست که جهان غربی شده است یا غربی می‌شود. این نهادها در جریان انتقال اجباری یا داوطلبانه، ناگزیر باید با شرایط محلی وارد تعامل شوند و کم‌وبیش به صورت بومی درآیند. جذب هرچه بیشتر این نهادها، متضمن بومی کردن و محلی کردن آنها است؛ و کشورهایی در زمینه جذب نهادهای تجدد موفق‌ترند که آنها را به‌نحو بهتری بومی سازند (نمونه ژاپن).

برخی از تحلیل‌گران انتقال تجدد را اصولاً ناممکن می‌دانند و معتقدند، آنچه در کشورهای غیراروپایی به صورت گسترش صنعت، شهرنشینی، استقرار نهادهای نوین سیاسی اتفاق افتاده است و می‌تواند اتفاق بیفتد، تنها نوسازی (← نوسازی) است و نه تجدد. این تحلیل‌گران معتقدند، تجدد تنها با دگرگون شدن نگرش‌های سنتی و رشد نگرش‌های جدید در ساخت فرهنگی عامه مردم میسر است و این نیاز به یک دگردیسی سراسری فرهنگی دارد.

کتابشناسی:

- بودون، ریمون و بوریگو، فرانسوا. فرهنگ جامعه‌شناسی اقتصادی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- هابرماس، یورگن. نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۸۵.
- Almond, G. and Verba, S. *The Civic Culture*. Boston: Little, ۱۹۶۵.
- "Modernization and Industrialization", *Encyclopedia Britannica*, Vol. ۲۴, ۱۹۹۱.

شکل‌های تازه‌ای از حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی (← تأمین اجتماعی) ضرورت پیدا کرده است.

به‌همین ترتیب، ساختار اجتماعی نیز دگرگون شده است. با توجه به دگرگونی در اشتغال و نهادهای اقتصادی، قواعد تازه‌ای در طبقه‌بندی افراد استقرار یافته که در آن موقعیت اقتصادی جای اصلی را گرفته است.

عقلانی شدن و عرفی شدن

تجدد را در بالاترین سطح انتزاع عقلانی شدن مفهوم‌بندی کرده‌اند. عقلانی شدن در نظریه ماکس وبر با «افسون‌زدایی از جهان» هم‌تراز بشمار آمده است. افسون‌زدایی به معنی خالی کردن جهان از نیروهای فراانسانی و فراطبیعی است که در اندیشه‌ها و اعتقادات گذشتگان، جهان را از حضور خود انباشته کرده بودند. انسان مدرن به‌جای این نیرو، به تفسیر علمی از طبیعت و مناسبات اجتماعی اتکاء می‌کند. مفهوم عقلانی شدن معنایی گسترده‌تر از رشد جهان‌بینی‌های علمی دارد. عقلانی شدن پدیده‌های مهم جامعه معاصر را، مثل رشد اقتصاد سرمایه‌داری که متضمن سازماندهی عقلانی کار و محاسبه عقلایی سود و زیان است و استقرار قوانین مدرن و سرانجام دیوانسالاری (← دیوانسالاری) مدرن را دربر می‌گیرد.

عرفی شدن نیز در اساس دارای ۲ وجه، ذهنی و عینی است. وجه ذهنی مدرنیته شدن عبارت است از جایگزین کردن اعتقادات و کردارهای دینی با بینش‌های علمی و تجربی. وجه عینی عرفی شدن عبارت است از انتقال نهادها و کارکردهای دستگاه‌های مذهبی به متصدیانی که وجهه اصلی آنها مذهبی بودن نیست. عرفی شدن ذهنی، فرایندی است که با تاریخ اروپا پیوند درونی دارد، اما عرفی شدن عینی، تجربه‌ای است که تقریباً در همه جوامع امروزی به شکل‌های گوناگون و میزانهای متفاوت جریان دارد. در اروپای سده‌های میانه کلیسای رومی بر قدرت سیاسی و نهادهای تولیدکننده و توزیع کننده دانش‌ها نظارت تام داشت. امروز، این نهادها (دانشگاهها، آموزش و پرورش، مؤسسات تحقیقاتی) به سازمانهای دینی تعلق ندارند.

تحلیل جنسیتی

عمل بر این نکته اشاره دارد که حکومتها و سایر کنشگران می‌باید اقدامات و سیاستهای آشکاری را برای به کارگیری دیدگاه جنسیتی در تمام سیاستها و برنامه‌ها به کار گیرند، به گونه‌ای که پیش از اخذ هرگونه تصمیم، درخصوص اثرات آن بر زنان و مردان، تجزیه و تحلیل‌های دقیقی انجام دهند. به عبارت دیگر، جریان‌سازی جنسیتی راهبردی است که توجهات و تجارت زنان را، همانند مردان، به عنوان یک بخش کامل در طراحی، اجرا، ارزیابی سیاستها و برنامه‌ها و تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در فضاهای شهری و روستایی به کار می‌گیرد و بدینسان، از بهره‌مندی برابر زنان و مردان از منافع، کسب اطمینان نموده و نابرابری را به امری گذرا و ناپایدار تبدیل می‌سازد. بدین ترتیب، هدف غایی جریان‌سازی عبارت است از دستیابی به برابری جنسیتی در کلیه برنامه‌ها و عرصه‌های سیاستگذاری در فضاهای شهری و روستایی. به سخن دیگر، جریان‌سازی جنسیتی عبارت است از سازماندهی، گسترش و توسعه ارزیابی فرایندهای سیاستگذاری، به گونه‌ای که نوعی دیدگاه برابری جنسیتی در تمام مراحل قانونگذاری، سیاستگذاریها، در تمام سطوح، حوزه‌ها و مراحل توسط کنشگرانی که به‌طور طبیعی در برنامه‌ریزیها دخالت دارند، حاکم گردد. این فرایند در تمام مراحل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و روستایی می‌باید تسری یابد. دستیابی به درک صحیح از فرایندهای حاکم بر فضاهای شهری و روستایی، نیازمند تحلیل دقیقی از وضعیت و ویژگیهای جنسیتی است که اغلب به نوعی تحلیل جنسیتی در این گونه مطالعات منجر می‌شود. این کار در نهایت، ضمن آغاز فرایند تغییرات سازمانی، گویا کردن اقشار بی‌صدا، از جمله زنان و دختران را در پی خواهد داشت.

تحلیل جنسیتی (در مطالعات شهری و روستایی)

تحلیل جنسیتی عبارت است از اقدام نظام‌مند برای تشخیص و درک نقشها و نیازهای زنان و مردان در چارچوب اجتماعی خاص. تحلیل جنسیتی مستلزم توجه به مسائل زیر است:
داده‌ها براساس و به تفکیک جنسیت جمع‌آوری گردد؛

- "Modernity", *Encyclopaedia of Social Science*. Second Edition, London: Routledge, ۱۹۹۶.
- Giddens, A. *Modernity and Self-Identity*. U.K.: Cambridge, ۱۹۹۱.
- Lash, S. and Friebnian, J. (eds). *Modernity and Identity*. Oxford, ۱۹۹۲.
- Turner, S. (ed). *Theories of Modernity and Postmodernity*. London, ۱۹۹۰.
- Wallerstein, I. *The Modern World- System*. New York: Londres, Academic Press, ۱۹۷۴.

کمال پولادی

تحلیل جنسیتی

Gender Analysis

با توجه به عامل جنسیت، برنامه‌ها معمولاً به ۲ روش کور نسبت به جنسیت و حساس به جنسیت طراحی می‌شوند. برنامه‌های کور نسبت به جنسیت آن دسته از برنامه‌هایی است که هیچ‌گونه تمایزی از نظر جنسیت بین مشارکت‌کنندگان، گروه هدف و یا نفع‌بران قائل نمی‌شود، درحالی‌که برنامه‌های حساس به جنسیت، مردان و زنان را به‌طور یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و گرایش به سمت جنس خاصی دارد. چنین برنامه‌هایی عمدتاً برای جبران عقب‌ماندگیهای تحمیل شده بر زنان، به سمت منافع زنان گرایش می‌یابد. از این رو، جریان‌سازی جنسیتی جزء ارکان اصلی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و روستایی محسوب می‌شود.

جریان‌سازی جنسیتی در مطالعات شهری و

روستایی

در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن (۱۹۹۵م)، بر رهیافت جریان‌سازی جنسیتی در برنامه عمل که توسط ۱۸۹ کشور به کار گرفته شد، تأکید صورت گرفت. برنامه

تحلیل جنسیتی

به‌عنوان اصلی‌ترین سکونتگاه‌های انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تنها با شناخت و کسب این‌گونه اطلاعات است که می‌توان راهبردهایی را برای بهبود و توسعه فضاها به کار گرفت. به‌عنوان نمونه، از طریق برنامه‌ریزی مبتنی بر حساسیت جنسیتی، می‌توان بر تحمیلات و تبعیضات موجود غلبه نمود و برابری جنسیتی را در فضاها سکونتگاهی توسعه داد.

تحلیل جنسیتی و تقسیم نیروی کار

شناسایی چگونگی تقسیم کار بر مبنای جنسیت، نقطه آغاز مناسبی برای مشخص کردن مشارکت جویان در فعالیتهای توسعه بشمار می‌رود. تقسیم کار بین زنان و مردان بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد و می‌تواند از طریق شناخت موارد زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

شناسایی نقشهای تولیدی. زنان و مردان عهده‌دار انجام فعالیتهای تولیدی متفاوت، ولی مکمل یکدیگرند. این امور شامل کارهایی است که در سطح خانوار برای تولید کالا و خدمات برای عرضه به بازار صورت می‌گیرد و یا شامل فرآوری مواد اولیه است. چنین وظایف تولیدی می‌تواند در بازار کار خارج از خانه و یا درون خانه و یا به شکل رسمی و یا غیررسمی به انجام رسد؛

نقش تولید نسل و باز تولید اجتماعی. این وظایف بر فعالیتهای تولید نسل و نگهداری و پرورش کودکان دلالت دارد که در درون یک خانواده و یا جامعه شکل می‌گیرد و طیف گسترده‌ای از وظایف، از جمله تهیه غذا، نگهداری از کودکان، پرورش و مراقبت بهداشتی آنان را شامل می‌شود. چنین فعالیتهایی عمدتاً بدون دستمزد صورت می‌گیرد و جزء فعالیتهای تولیدی محسوب نمی‌شود. بسیاری از کارهای زنان غیرمشهود است و در آمارهای ملی ثبت نمی‌گردد. بخش زیادی از کارهای زنان به صورت نامشهود انجام می‌شود و از این رو، درگیری آنان در هر ۲ بخش کارهای تولیدی و بازآوری، به معنای انجام ساعات طولانی‌تر کار توسط آنان است؛ و

تفاوتهای جنسیتی درخصوص نحوه تقسیم جنسیتی نیروی کار، نحوه توزیع آنها در بازار کار و همچنین چگونگی دسترسی و کنترل بر منابع شناسایی شود؛ نیازهای عملی و راهبردی زنان و مردان تشخیص داده شود؛ فرصتها و تهدیداتی که زنان و مردان با آن مواجه هستند، شناسایی شود؛ و ظرفیتهای سازمانی برای پیشبرد عدالت جنسیتی ارزیابی شود.

تقسیم کار جنسیتی و دسترسی نسبی آنان به منابع و منافع و نحوه نقش‌پذیری آنان در کنترل منابع و اینکه نیازهای زنان و مردان چیست و چگونه شکل گرفته و ارتباط عوامل فوق با چارچوب اجتماعی، اقتصادی و محیط پیرامونی، از جمله فضاها شهری و روستایی، به چه ترتیب است، از جمله مباحث مطرح در تحلیل جنسیتی است. علاوه بر این، تحلیل جنسیتی به بررسی فرصتها و محدودیتهایی که در مسیر دستیابی به برابری جنسیتی وجود



دارد، می‌پردازد و میزان و گستره تبعیضات آشکار و نهان، مستقیم و غیرمستقیم در فضاها شهری و روستایی،

تحلیل جنسیتی

کشاورزی، مواد معدنی یا ابزارهای صنعتی را دارند، بدون آنکه مالک و یا صاحب آن باشند. به همین ترتیب، منظور از کنترل، قدرت تصمیم‌گیری در مورد تعیین حقوق بهره‌برداری از منابع مذکور است. در این قسمت باید پاسخی برای پرسشهای زیر به دست داد:

- ۱. دو جنس چه نیازهای متفاوت یا مشترکی دارند؟
- ۲. دو جنس چه منابع متفاوت یا مشترکی در اختیار دارند؟
- ۳. نسبت هریک از دو جنس با منابع از حیث قدرت اعمال نفوذ بر آن چیست؟
- ۴. فایده هر منبع برای هر جنس چه مقدار است؟

تحلیل جنسیتی و برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی جنسیتی اهدافی به شرح زیر را دربر می‌گیرد: نقش زنان را همانند مردان به‌عنوان مشارکت‌کنندگان فعال و نفع‌برندگان از برنامه‌ها و سیاستگذارها آشکار سازد؛ منجر به پیشبرد برابری جنسیتی شود، نیازها برحسب جنسیت مورد توجه قرار گیرد و محدودیتها و همچنین فرصتهای پیش روی زنان را شناسایی کند؛ افرادی که دارای آسیب‌پذیری خاص بوده و یا در موقعیت حاشیه‌ای هستند، از توجه ویژه بهره‌مند گردند؛ و تغییرات سازمانی و راهبردهای موردنیاز برای رفع نابرابریها و کاهش محرومیت‌های زنان را مورد توجه قرار دهد. کتاب‌شناسی:

- حبیبی، شهلا و بلادی، صدرالدین. *مبانی برنامه‌ریزی، رویکرد جنسیتی*. مؤسسه فرهنگی هنری ریچانه نی(ص)، ۱۳۷۷.
- خانی، فضیله. *پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی*. طرح پژوهشی، دانشگاه الزهراء(س)، ۱۳۸۲.
- خانی، فضیله. *جنسیت و توسعه*. انتشارات مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵.
- ریکا مهرا. *اعتبارات مالی برای زنان*. ترجمه فضیله خانی، انتشارات دانشگاه الزهراء(س)، ۱۳۸۲.
- سازمان پژوهش و مدیریت. «همایش چشم‌اندازها و چالشهای توسعه»، *نقش زنان در توسعه*. محور ۱۷/۲، ۱۳۸۱.
- Hatfield, Susan Buckingham. *Gender and Environment*. Routledge, ۲۰۰۳.
- I. L. O. *Gender Mainstreaming, Gender promotion Programme*,

نقشهای جنسیتی. رفتارهایی که به صورت اجتماعی یا به اقتضای شرایط جامعه، جزء وظایف و مسئولیتهای جنس خاصی قلمداد می‌گردد، به‌عنوان نقشهای جنسیتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ شناخت نقشهای جنسیتی به دلایل زیر حائز اهمیت است:

- ۱. نقشهای متفاوت نیازهای متفاوتی را به وجود می‌آورد؛
- ۲. نقشهای متفاوت نیازمند مهارتهای مختلف است؛
- ۳. نقشهای مختلف مجموعه‌ای از تجارب و دانش عملی متفاوت را ایجاد می‌کند؛ و
- ۴. نقشهای متفاوت به معنای دسترسی متفاوت و ناهمگون به منافع است.

تحلیل جنسیتی و دسترسی به منابع و منافع

دومین مرحله انجام تحلیل جنسیتی، شناسایی منابعی است که توسط زنان و مردان در انجام فعالیت‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر این، در این مرحله چگونگی برخورداری از فواید حاصل از منابع مورد شناسایی قرار می‌گیرد. این منابع شامل کار، زمان، سرمایه، زمین، دانش و آموزش، فناوری، تسهیلات و امکانات و فضا است. فوایدی که از کاربرد این منابع به دست می‌آید، شامل غذا، لباس، مسکن، مهارت، درآمد، منزلت و مانند آن است. این منابع و منافع در فضاهای روستایی و شهری به صورت یکسان توزیع نشده است و علاوه بر آن، توزیع این منابع به‌گونه‌ای است که زنان و مردان دسترسی یکسانی به آنها ندارند. برای مثال، در فضاهای شهری با فرض اینکه مردان شاغلان اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند و نیاز بیشتری به حضور و تحرک در فضاهای عمومی دارند، این فضاها غالباً براساس نیازمندیهای این قشر ساماندهی می‌شود. در مناطق روستایی نیز اگرچه زنان سهم عمده‌ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما این فضاها عمدتاً متناسب با نقشها و نیازهای مردان شکل گرفته است.

در اجرای این بخش از تحلیل جنسیتی، دسترسی و کنترل مردان و زنان بر منابع و فواید حاصل از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفهوم دسترسی به این معناست که چه افرادی امکان استفاده از منابع، از جمله اراضی، آب

زمین مسکونی

در مناطقی از جمله نواحی کوهستانی که زمین کشاورزی با محدودیت روبرو است، زمینهایی که از جنس مقاوم و گاه صخره‌ای و غیرقابل کشت و یا دارای شیب تند هستند، به محل استقرار بافت مسکونی تخصیص می‌یابند. بدون شک روستائیان این مناطق نیز ترجیح می‌دهند، برای رفت و آمد در داخل ده، در زمین هموار حرکت کنند و برای ساختمان‌سازی مشکلات اجرای بنا در شیب تند را نداشته باشند، ولی اولویت با تخصیص زمین به کارهای تولیدی و کشاورزی است.

در بسیاری از روستاهای مناطق کوهستانی، نوعی سلسله مراتب قرارگیری کاربری نسبت به رودخانه و کلاً با توجه به شیب وجود دارد و بدترین اراضی به بخش مسکونی اختصاص می‌یابد که درعین حال، به دلیل دوری از رودخانه، از خطر سیل نیز در امان است. زمینهای با شیب متوسط برای احداث باغ تعیین می‌شوند و زمینهای نسبتاً هموار که غالباً مقدار آنها کم است، برای کشت و کار آبی که بسته به منطقه و نوع محصول متفاوت است، تخصیص می‌یابد.

در روستاهای حاشیه زاینده رود در استان چهارمحال و بختیاری، مثلاً شهرستان سامان، روستاهای زیادی از این دست وجود دارند. زمینهای نسبتاً هموار حاشیه رودخانه‌ها که در کف دره نسبتاً عمیقی جریان دارند، در گذشته به کشت شالی اختصاص می‌یافت که با احداث سد و سرد شدن آب پشت سد، عملاً در اکثر این مناطق به ناچار شالیکاری تعطیل شد و امروز در آنها کشت صیفی رواج دارد. در زمینهای صخره‌ای و با شیب تند، خانه‌ها مستقر و در میان این دو، باغها احداث شده‌اند. روستاهای چم‌زین، چم‌کاکا، چم‌چنگ از این نمونه‌ها هستند.

امنیت زمین مسکونی

انتخاب زمین برای احداث خانه در روستا به عوامل متعددی بستگی دارد که توجه به مقاومت مطلوب زمین

Employment Sector, ۲۰۰۱.

- I. L. O. *Key Indicators of the Labour Market*. Geneva, ۲۰۰۲.

- Mamsen, Janet Henshall. *Role of Women in Third world Development*. Routledge, ۱۹۹۱.

- Momsen, Janet Henshall. *Gender and Development*. Routledge, ۲۰۰۴.

فضیله خانی

تخصیص اراضی

Land Allocation

تعیین نحوه و انواع کاربری زمین در محیطهای روستایی براساس معیارهای معین. زمین و آب ۲ عنصر حیاتی کشاورزی و زندگی روستایی هستند. تعیین کاربری زمین براساس آن در روستاها به شکل سنتی و رعایت بسیاری از نکات مرتبط با آن در ساخت و ساز و توسعه معاصر روستاها از اهمیت برخوردار است.

زمین کشاورزی

اولویت اول در تخصیص کاربری زمین، قابلیت تولیدی آن است. در این ارتباط، جنس خاک تأثیر مهمی در تعیین قابلیت کشت دارد. بعضی از زمینها دارای انواع نمکها و موادشیمیایی هستند که مانع رویش گیاه می‌شوند. در برخی دیگر، مشکل بالا بودن آبهای زیرزمینی مانع کشت و کار می‌شود و در نمونه‌های دیگر، زمین اساساً مناسب کشت و زرع است، ولی به دلیل اینکه آب بر آن سوار نمی‌شود و یا دارای عوارض و پستی و بلندیهای مختلف است، کشت نمی‌شود. در صورتی که بارش کافی و جنس زمین مناسب و بارور باشد، ولی به دلیل عدم دسترسی به منابع دیگر آب، وجود نداشته باشد، دامنه تپه‌های شیبدار به کشت دیم اختصاص می‌یابند.

در مناطق کوهستانی، برخلاف دشتهای هموار، زمین مناسب برای کشت و کار کمتر یافت می‌شود. شیب تند نیز در گذشته و پیش از رواج پمپهای آب، مانع دیگری برای گسترش زمینهای زیر کشت بود.

زمین مسکونی و آب و فاضلاب

در گذشته، برای انتخاب زمین مسکونی به ۲ موضوع دسترسی به آب آشامیدنی و بهداشتی و همچنین دفع فاضلاب نیز توجه کافی می‌شد. در بسیاری از مناطق برای مصارف بهداشتی از نهر آبی که از جلوی خانه و یا از نزدیکی آن می‌گذشت، استفاده می‌کردند. گاهی حتی در زمینهای نسبتاً مقاوم، آن‌چنان‌که در بعضی روستاهای شهرستان خدابنده (استان زنجان) دیده می‌شود، تمام خانه‌ها برای مصارف شستشو چاههای دستی با عمق کمتر از ۲۰ متر حفر کرده‌اند. این آب فاقد کیفیت آشامیدنی است و برای آشامیدن، مردم وابسته به چشمه‌ها هستند که در دور و نزدیک روستا وجود دارد.

اگر امکان دسترسی به آب در داخل خانه نباشد و رودخانه‌ای در نزدیکی وجود داشته باشد و یا کانال آبی از آن محدوده بگذرد، به ناچار بافت مسکونی در طول رودخانه به صورت خطی احداث می‌شود. در این حالت، در ساحل رودخانه محلهای به خصوصی برای شستن لباس و ظروف تعیین می‌شود که نوعاً فضاهای مخصوص خانمهاست و مردهای روستا به آن ناحیه نزدیک نمی‌شوند. لوله‌کشی آب در داخل روستا بسیاری از این اصول و قواعد را متحول کرده است و غالباً با پمپاژ آب به یک منبع هوایی یا زمینی، آب به صورت ثقلی در روستا از طریق شبکه لوله‌کشی توزیع می‌شود و قواعد استقرار به هم می‌ریزند.

در مورد دفع فاضلاب، غالباً ایجاد چاههای جذبی راه‌حل رایج در روستاهاست. در زمینهای سخت، گاهی برای توالنها انبارهایی درست می‌کنند و فضولات را با خاکستر مخلوط و پس از خشک کردن، به عنوان کود به باغها حمل می‌کنند. این شیوه در مناطقی که سطح آب زیرزمینی بالاست و امکان حفر چاه جذبی وجود ندارد، کاربرد دارد.

تا پیش از شروع بازسازی در منطقه دشت آزادگان (خوزستان)، اغلب خانه‌ها، فاقد توالنت بودند. جدای از وجوه فرهنگی، بدون تردید یکی از عوامل مهم آن بالا بودن

برای ایجاد پی و تحمل بار ساختمانها از آن جمله است. علاوه بر آن، در حاشیه رودخانه‌های بزرگ، خطر طغیان و سیل‌گیری روستا جدی است. این مشکل غالباً با ایجاد سدهای خاکی در حاشیه رودخانه تعدیل می‌شود؛ روستاهای حاشیه کرخه و کارون چنین مشکلی را دارند. خصوصاً هرچه به سمت غرب و هورالعظیم یا هورالهویزه نزدیک‌تر شویم، خطر سیل‌گیری جدی‌تر می‌شود. در همین منطقه، هموار بودن دشت باعث می‌شود که بالا آمدن آب هور باعث گسترش آن به داخل زمینهای زراعی و مسکونی شده و گاهی کیلومترها از کشتزارها زیر آب برود. از این شرایط در طی جنگ هشت ساله عراق و ایران، هم دشمن و هم نیروهای خودی بهره جستند. در دشتهای هموار، استفاده از کم‌ترین عارضه مرتفع برای ایجاد خانه‌های سستی پسندیده است.

در حاشیه هورشادگان و هورالهویزه، روستاهایی وجود دارند که زندگی اقتصادی آنها به دشت هور وابسته است. گاومیش‌داری و صیادی حرفه اصلی مردم است. این مردم غالباً در کپر زندگی می‌کنند و خانه با مصالح مقاوم ندارند. زمین سست و مرطوب مانع پی‌کنی و ایجاد ساختمان سنگین است. ساختمان‌سازی با نی به آنها اجازه می‌دهد که به راحتی، در مقاطع زمانی کوتاه، نسبت به تجدید بنای اساسی خانه خود اقدام کنند و خانه‌ای نو بسازند، چرا که عمر نی بسیار کوتاه است. جالب است که در روستاهای حاشیه هور از عوارض بسیار بسیار کم، حتی ارتفاع کمتر از یک متر، به عنوان نعمتی بزرگ برای احداث ساختمان بهره می‌گیرند؛ روستاهای حده در کنار هورشادگان و یا سرهنگیه و گسره در حاشیه هورالهویزه، از مصادیق این گونه روستاها بشمار می‌روند.

در انتخاب زمین، گذشته از سیل‌گیری، باید به خطر سقوط صخره‌ها نیز توجه داشت. این پدیده که اصطلاحاً Rock fall نامیده می‌شود، خصوصاً در شرایط وقوع زلزله، می‌تواند به عنوان عامل ثانویه، بافت مسکونی روستا و ساکنان آن را تهدید کند. روستای ماسوله در فومن در زلزله ۱۳۶۹ش، چنین مشکلی را تجربه کرد و سقوط چند صخره عظیم خانه‌های ده را در هم نوردید.

تخصیص اراضی

و مکانیابی روستا مؤثر است. در دامنه‌های شیب‌دار در مناطق سردسیر، دامنه‌های جنوبی برای استقرار انتخاب می‌شوند و دامنه‌های شمالی که غالباً در طی روز در سایه قرار دارند، از نور و گرما محرومند و انتخاب آخر بشمار می‌آیند.

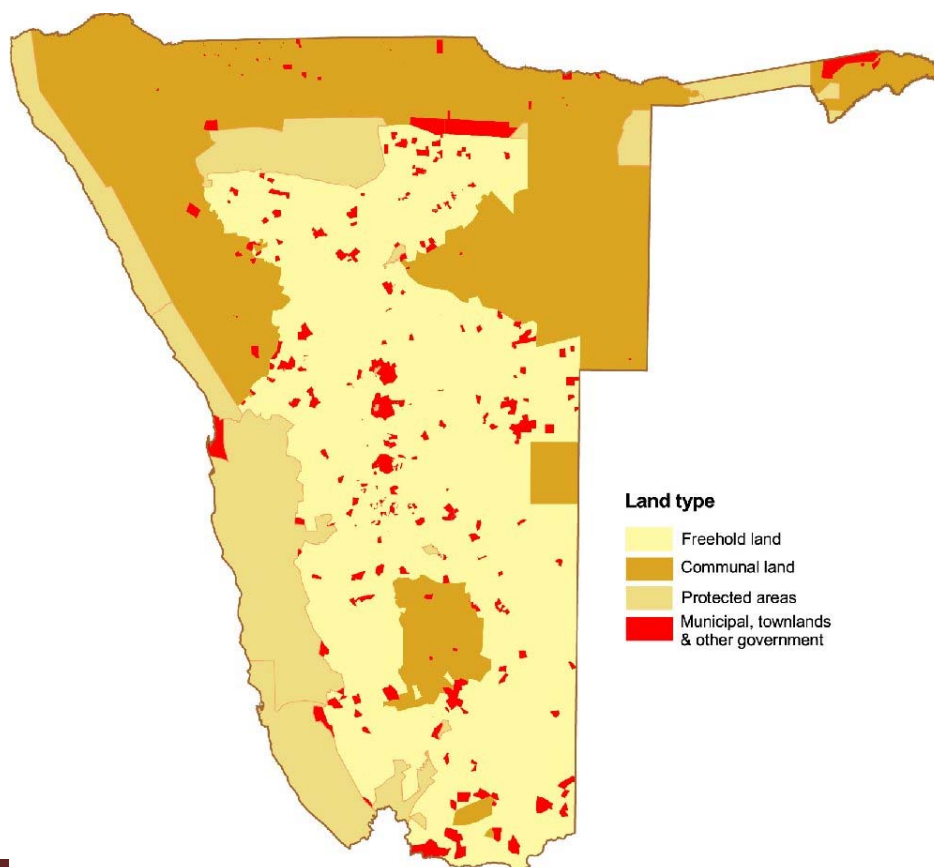
آنچه از بررسی روستاهای مناطق مختلف ایران می‌توان آموخت این است که در تخصیص زمین توجه به اولویت کشت و تولید، تخصیص زمینهای غیرزراعی مقاوم به بخش مسکونی، توجه به امن بودن منطقه از نظر سیل‌گیری، زلزله‌خیزی، سقوط صخره‌ها و دیگر عوامل طبیعی و مصنوعی نقش داشته‌اند. توجه به عامل امنیت در گذشته نقش بسیار کلیدی در انتخاب زمین روستاها داشته و با بهره‌گیری از عوارض طبیعی زمین مثل لبه رودخانه‌ها و با پرتگاههای مرتفع و یا دامنه صخره‌های دست نیافتنی، سعی می‌کردند که امنیت نسبی روستا را در برابر چپاولگران تأمین نمایند.

سطح آب زیرزمینی و عدم امکان حفر چاه جذبی بوده است. در این منطقه، پساب مصارف بهداشتی در فضای باز خانه و یا نهرهای داخل کوچه رها و با توجه به گرمی هوا و تبخیر و یا جذب زمین می‌شود و البته مشکلات زیست محیطی به‌جای خود باقی می‌ماند.

زمین مسکونی و عوامل اقلیمی

مکانیابی بافت مسکونی روستا با توجه به شرایط اقلیمی منطقه انجام می‌شود، بی‌توجهی به این عامل مهم، گاه نتایج مایوس‌کننده‌ای به دنبال داشته است. در مقطع بازسازی، گاهی مکان روستای جدید به دلیل بی‌توجهی به طوفان شن و یا بادهای سرد و کولاک برف که از طریق پناه گرفتن بافت روستا در صخره‌ای بلند و یا با احداث حصارهای مصنوعی مرتفع میسر می‌شده است، باعث می‌شد که روستائیان توان زندگی و دوام در خانه‌های جدید را نداشته باشند.

توجه به نور و گرمای مطلوب خورشید در جهت‌گیری



محلات در این مکانیابیها بسیار مهم است و باید اطمینان حاصل کرد که دوری و نزدیکی مکان بناهای عمومی، مانع مراجعه بعضی از اهالی روستا نشود.

بی‌توجهی به عوامل پیش پا افتاده و بدیهی باعث شده است، بسیاری از حمامهای احداث شده توسط نهادهای دولتی در روستاها عملاً بی‌مصرف و تعطیل باقی بمانند. به‌عنوان مثال، برای احداث حمام، با توجه به ضرورت حمل و تحویل سوخت توسط تانکر، حمام به حاشیه روستا و کنار جاده و خارج از آن منتقل شده است. برای پرهیز از خرید زمین ترجیحاً از زمینهای منابع طبیعی استفاده می‌کنند که این خود می‌تواند باعث فاصله گرفتن حمام از بافت پیر روستا شود. بدین ترتیب، حمام در جایی ساخته می‌شود که عملاً اهالی میلی به رفت‌وآمد به آن ندارند و به‌راستی در واقع بعید نیست که در فصل سرد اگر قصد رفت‌وآمد به آن را داشته باشند، از خطر حمله جانوران وحشی در امان نباشند. خالی بودن بافت اطراف حمام و ساخت آن بر روی زمین به‌جای داخل زمین باعث می‌شود، خصوصاً در فصل زمستان، حمام بسیار سرد و غیرقابل استفاده بشود.

اختصاص زمین برای گورستان

اولاً زمینهایی که برای کشت مناسب نیستند، برای اینکار اختصاص می‌یابند و ثانیاً توجه دارند که جنس زمین خیلی سخت نباشد و قابل کندن باشد. در مواردی که جنس زمین سفت و صخره‌ای است، به ناچار قبرها را کوچک و فشرده می‌سازند. نمونه آن در روستای شمشک، در شمال تهران، مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، توجه دارند که زمین گورستان نباید سیل‌گیر باشد. توجه به همین نکته و سیل‌خیزی بخش وسیعی از دشت آزادگان باعث شده است، روستا فاقد گورستان بوده و مردگان خود را به امامزاده‌ای در دوردست که کیلومترها با روستا فاصله دارد، منتقل کنند.

نکته دیگر در مکانیابی جنبه تذکری آن است. قبرستان را در میانه روستا نمی‌سازند، بلکه در حاشیه و غالباً در کنار جاده ورودی روستا تعیین می‌کنند که نه مردم نسبت به مرگ و گورستان بی‌تفاوت شوند و نه آن را فراموش کنند.

زمین مسکونی و عامل فرهنگی

زیارتگاهها در بسیاری از روستاها قلب تپنده روستا بشمار می‌روند. در مواردی که دولت به اجبار جمعیت را از منطقه تخلیه کرده است، آن‌چنان‌که در روستاهای درون جنگلهای شمال، وابستگی مردم به حفظ بناهای مذهبی روستای قدیم از جمله مسجد و امامزاده به‌عنوان تکلیفی شرعی دیده می‌شود؛ روستاهای انگتارود و زیارت از این نمونه‌ها هستند.

وابستگی سرزمینی مردم به محیط‌زیست آبا و اجدادی عاملی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. این وابستگی صرفاً احساسی نیست و غالباً مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای در پشت آن وجود دارند که ممکن است در بررسی شتابزده از نظر پنهان بمانند. این موضوع خصوصاً در مواردی که موضوع جابه‌جایی مکان روستا و مکانیابی جدید مطرح می‌شود، مبتلا به روستاهاست. مسئله مهم مالکیت زمینهای دولتی و خصوصی و تقسیم زمینهای کشاورزی و مراتع بین روستاهای مختلف و یا بهره‌برداری اشتراکی از آنها و یا محدوده مراتع عشایر و طوایف گوناگون، می‌تواند با استقرار ناگهانی یک روستا بر هم خورد و مشکلاتی اساسی را در منطقه به‌وجود آورد.

زمین و کاربریهای بافت مسکونی

ابعاد مناسب برای زمین یک واحد مسکونی هیچ قاعده ثابتی در روستاهای ایران ندارد. این اندازه از چند ده متر در مناطقی که زمین محدود است، شروع و تا چند هزار متر می‌تواند متغیر باشد. البته غالباً خانه روستائیان در حدود چند صد متر ساخته می‌شود.

وسعت زمین رابطه مستقیمی با شغل خانوار ساکن دارد. دامداران نیاز به زمینهای زیادی برای نگهداری دام و انبار علوفه دارند، درحالی‌که خوش‌نشینها با احداث ۲-۳ اطاق، یک ایوان و یک حیاط کوچک زندگی می‌کنند.

علاوه بر واحدهای مسکونی، فضاها و بناهای عمومی نیز باید به‌درستی مکانیابی شوند. حسینیه‌ها، مساجد، تکایا و حمام روستا از این نمونه‌هاست. توجه به مناسبات میان

ترویج، روش(های) آموزش

محتوای مورد نظر برای آموزش، کیفیت، شرایط و آمادگی آموزشگیران، دسترسی به وسایل و ابزار و مواد آموزشی و کمک آموزشی و نیز، امکانات و تسهیلات موجود و در دسترس، در ارتباط و تغییرپذیر است. همچنین استفاده از این روشها تا حدود زیادی به مرحله نشر نوآوری و یا تنفیذ آن در مراحل پنجگانه آگاهی، علاقه مندی، ارزیابی، آزمایش، و پذیرش نوآوری بستگی دارد. البته در هر یک از این مراحل، در صورت لزوم می باید از بیش از یک روش آموزشی مناسب بهره برداری نمود.

در عین حال، در هر یک از گروههای چهارگانه بالا، روشهای اختصاصی متعددی وجود دارد که استفاده مؤثر و مفید از آنها به استعدادهای ویژه مخاطبان برای فراگیری، مهارت آموزی و کارآموزی بستگی دارد.

آموزش انفرادی

منظور از آموزش انفرادی، برقراری ارتباط مستقیم حضوری، (رو-در-رو یا رُخ-به-رُخ)، و یا یک ارتباط غیرحضوری (شخص-با-شخص) است، به نحوی که آموزشگر و آموزشگیر بتوانند منحصراً با یکدیگر تفاهم و تعامل نمایند. با استفاده از این روش، معلوماتی به خصوص در قالب یک پیام از سوی آموزشگر به سوی آموزشگیر جریان می یابد، و متقابلاً، با توجه به جریان این معلومات، از سوی آموزشگیر نیز اطلاعات و عکس العملهایی به سوی آموزشگر جریان خواهد یافت. وجود این تعامل یا جریان دوسویه مبادله معلومات و اطلاعات سبب می شود تا آموزشگر با کفایتی بیشتر توجه کامل فراگیر را جلب و در مجموع بتواند زمینه های لازم برای ارسال پیام خویش را تدارک و ارزیابی نماید.

هنگامی که توجه یک برنامه آموزشی معطوف به «فرد» به عنوان هدف عملیاتی خود باشد، و این فرد مراحل آگاهی و علاقه مندی به موضوع مورد آموزش را طی کرده باشد، در مرحله ارزیابی، مقصود آموزشگر اعمال تحولاتی مطلوب در نگرش وی با استفاده از موضوع مورد آموزش به منظور تغییر در رفتار عملی اوست. در این مرحله، تماس رُخ-به-رُخ یا شخص-به-شخص در محیطی طبیعی و

مواجهه گاه و بیگاه با گورستان، علاوه بر اینکه امکان زیارت اهل قبور را فراهم می کند، جنبه تذکر نیز برای ساکنان و عابران روستا دارد.

کتاب شناسی:

- رضویان، محمدتقی. *برنامه ریزی کاربری اراضی شهری*. تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۱.
- دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. *نگرشی بر کاربری اراضی در مدیریت محیط زیست شهری*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۴.
- زرگر، اکبر. *شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- Chappin, F. *Urban Landuse Planning*. Chicago: University of Illinois Press, ۱۹۶۵.
- United Nations. *Urban Management Program*. United Nation, ۲۰۰۰.

اکبر زرگر

ترافیک (شهری) ← ایمنی آمد و شد

ترویج، روش(های) آموزش

Extension, Training Methods

به منظور برقراری ارتباط بین آموزشگران و آموزشگیران در مکتب آموزشی ترویج، از روشهای آموزشی متعددی استفاده می شود. این روشها را به طور کلی می توان در ۴ گروه عمومی تقسیم بندی نمود:

روشهای آموزش انفرادی؛

روشهای آموزش گروهی؛

روشهای آموزش انبوهی؛ و

روشهای آموزش غیرمستقیم.

انتخاب آموزشگران و کاربرد هر یک از این روشها به عوامل و شرایط متعددی بستگی دارد که اغلب با موضوع و

می‌توان موارد زیر را برشمرد:

ملاقات و گفتگوی گروهی به راهنمایی آموزشگر؛

سخنرانی و بحث، و پرسش و پاسخ گروهی؛

میزگرد و بحث، و پرسش و پاسخ گروهی؛

کارگاه علمی (آموزشی، مشاوره‌ای، نمایشی)؛

نمایش طریقه‌ای؛

نمایش نتیجه‌ای؛

کارگاه آموزشی یا جلسه تجزیه و تحلیل موضوع؛

بحث و پرسش و پاسخ پس از تماشای یک تئاتر آموزشی؛

بحث و پرسش و پاسخ پس از تماشای یک فیلم اختصاصی در یک باشگاه ویدئویی؛

بحث و پرسش و پاسخ به دنبال شنود یک برنامه رادیویی ویژه در یک باشگاه رادیویی؛

بحث و پرسش و پاسخ به دنبال مشاهده یک برنامه تلویزیونی ویژه در یک باشگاه تلویزیونی؛

بحث و پرسش و پاسخ در جریان یک گردش علمی؛

بحث و گفتگو در جریان گردش صحرائی؛

بحث و گفتگو در جریان کارگاه آموزشی؛

بحث و گفتگو در جریان جلسات «طوفان اندیشه» (Brain Storming)؛ و

بحث و گفتگو در جریان برگزاری «روز- بزرگداشت» (روز مزرعه، روز عمران، روز آبادی، روز خرمن و...).

آموزش انبوهی

در روشهای آموزش انبوهی، معمولاً ارباب رجوع مشخصی وجود ندارد، برای مثال، در یک روستا، در واقع همه روستائیان و حتی غیرروستائیان علاقه‌مند می‌توانند مجموعه‌ای از، مخاطبان یک برنامه آموزشی تلقی گردند. بدین سبب، محتوای برنامه برای چنین مجموعه‌ای جذاب، و کیفیت ارائه آن برای آنان قابل درک و فهم است. در این روش، انبوهی از مردم- و نه یک «فرد» در آموزش انفرادی، و نه یک کلاس در آموزشهای گروهی با نیازهای آموزشی مشترک- خواننده، شنونده و یا بیننده یک برنامه ترویجی هستند، بدون اینکه شرایط و نیازهای آموزشی مشترک داشته باشند.

غیررسمی می‌تواند مؤثرترین و مفیدترین روش تبادل معلومات و اطلاعات باشد.

براین اساس، مواردی از روشهای آموزش انفرادی به قرار زیر است:

دیدار و ملاقات آموزشگر با آموزشگیر (در منزل، مزرعه، کارگاه یا هر جای مناسب دیگر)؛

بازدید و ملاقات آموزشگیر با آموزشگر (در دفتر کار، اداره، مرکز خدمات و یا در حاشیه جلسات)؛

مکالمه تلفنی آموزشگر با آموزشگیر و بالعکس؛

مکاتبه اختصاصی آموزشگر با آموزشگیر و بالعکس به طریق دستی، پستی و یا الکترونیکی؛

مبادله نوارهای صوتی و یا صوتی- تصویری بین آموزشگر و آموزشگیر؛

مخابره پیامکهای مکتوب؛

مبادله پیامهای شفاهی با واسطه‌های موثق؛ و

پرسش و پاسخ مستقیم در جلسات تشریحی، کارگاههای آموزشی و یا در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی.

آموزش گروهی

در این گروه، کلیه روشهایی را می‌توان نام برد که ضمن کاربرد آنها، فرد آموزشگر همواره در رابطه با یک «کلاس» یا گروهی ویژه از ارباب رجوع به‌عنوان مخاطبان یا آموزشگیران قرار می‌گیرد. اعضای هر یک از این گروهها، برای نیاز آموزشی مشترک گرد هم آمده‌اند، و بعضاً هم طالب معلومات و اطلاعات در یک زمینه به‌خصوص هستند. برای مثال، داوطلبان گروه علوم تجربی در آزمون ورودی دانشگاهها، که همگی در یک «کلاس تقویتی کنکور» درس می‌خوانند، یک نیاز آموزشی مشترک دارند.

استفاده از آموزشهای گروهی در ترویج، معمولاً مکمل آموزشهای انفرادی رهبران و نخبگان روستایی است که طی تماسهای انفرادی با آموزشگر مراحل آغازین پذیرش نوآوری را طی می‌کنند و بنا بر تدبیر آموزشگر، در قالب گروهی مشترک و هماهنگ به قصد ارزیابی، آزمایش و تجربه نوآوری به‌گردد هم می‌آیند.

براین اساس، در این‌گونه روشهای آموزش گروهی نیز

به منظور انعکاس واقعیت‌های خاص و عام موجود در مناطق تحت پوشش برنامه‌های ترویجی برای عامه مخاطبان ویژه خود باشد. دسترسی روستائیان از طریق رسانه‌های جمعی به این‌گونه منابع معلوماتی و اطلاعاتی، همواره مورد تکامل و تعالی آنان در حال و آینده بوده است.

آموزش غیرمستقیم

این روش از آن جهت که مروج یا آموزشگر مستقیماً با مخاطبان در تماس آموزشی نیست، آموزش غیرمستقیم نامیده می‌شود. فلسفه وجودی این روش مبتنی بر تأثیر تماس آموزشی روستائیان بر روستائیان یا، خودیها بر خودیها است. به عبارت دیگر، در برخی از جوامع و در مورد برخی از موضوعها، مردم خیلی سهل‌تر و سریع‌تر، مطالب و موضوعهای نو و نوآوریها را از همکاران و همپرازان خود فرا می‌گیرند تا از مروج یا آموزشگر موظف در روستا و یا احتمالاً از هر غریبه دیگر. بنابراین، یک نظام ترویجی پویا، به منظور پیشرفت کار ترویج و توسعه روستایی می‌تواند در مواضع و مواقع مقتضی از این روش استفاده نماید.

در این روش آموزشی، مروج یا آموزشگر روستا، ضمن اتخاذ تدابیر و اعمال تمهیدات لازم طبق برنامه، با استفاده از روش آموزش انفرادی، ابتدا نسبت به آموزش مستقیم اصول برخی از پدیده‌ها و نوآوریها به افراد مشخصی از جامعه، از قبیل معلمان روستایی، خبرگان محلی، رهبران فنی روستا، تعمیرکاران، دکانداران، پیله‌وران، و در مواردی هم نمایندگان توزیع نهاده‌ها و عوامل تولید در روستاها به‌عنوان دستیاران انتقال معلومات و یا، رابطین آموزشی اقدام می‌نماید. و سپس از آنان درخواست می‌کند، در تماسهای روزمره خود با دوستان، اقوام، آشنایان و همسایگان و همکاران و یا مشتریان خود، مطالب فراگرفته شده را برای آنها نقل کند.

لازم به یادآوری است که در جوامع سنتی روشهای آموزش غیرمستقیم، نظر به شناخت و اعتماد متقابل مردم یک جامعه به همدیگر، به‌ویژه اتکاء گروههای مخاطب بر معلومات و تجربیات حاصله توسط یک خودی، تأثیر و

و بدینسان، در آموزش انبوهی، همه خوانندگان، شنوندگان و یا بینندگان یک برنامه ترویجی انتظار دارند، اطلاعات لازم و کافی در مورد موضوع مورد آموزش را کسب نمایند. این روش، به‌نوبه خود، در مراحل آگاهی دادن و علاقه‌مند نمودن عامه مردم یک جامعه به یک یا چند موضوع «مورد علاقه» مفید و مؤثر است.

از جمله روشهای آموزش انبوهی می‌توان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی مثل مطبوعات، رادیو و تلویزیون را نام برد. تهیه و نمایش فیلمهای سینمایی، ویدئویی و عکس و اسلاید از یکسو، تدوین و توزیع پوستر و نشریات تخصصی و خبری ترویج را هم از سوی دیگر، می‌توان از روشهای کلی آموزش در این گروه ذکر کرد؛ ضمن اینکه استفاده از همین رسانه‌ها در روشهای آموزش انفرادی و گروهی نیز به‌عنوان وسایل کمک آموزشی بسیار مؤثر و مفیدند.

تشکیل نمایشگاههای موقتی و دائمی نیز از جمله امکانات قابل استفاده برای آموزشهای انبوهی است؛ اگرچه پس از برگزاری، از انواع نمایشگاهها می‌توان برای آموزشهای گروهی نیز استفاده کرد. در قالب همین نمایشگاهها، نشان دادن طرز کار و عملکرد گوها، مدلها و نمونه‌های آزمایشی - نمایشی، یکی از راههای مؤثر برای برگزاری آموزشهای گروهی و انبوهی است؛ در جوار و با استفاده از نمایشگاههای برگزار شده، می‌توان نسبت به تشکیل کلاسها، کارگاهها و دوره‌های تخصصی و مهارتی متعددی نیز همت گماشت.

با این حال، به‌طور کلی از روشهای آموزش انبوهی، به‌منظور آگاه نمودن روستائیان از پدیده‌های نوین و نوآوریهای مناسب، استفاده می‌شود. تلاش برنامه‌ریزی شده یک واحد آموزشی ترویج می‌باید در این باشد که از طریق بخشهای دیداری - شنیداری خود بتواند تولیدکننده محتوا و مواد اولیه برنامه‌های آموزشی خود، به‌طور مستند و با استفاده از موردها و یا سوره‌های زنده و واقعی در روستاها باشد؛ یعنی تهیه‌کننده فیلم، اسلاید، نمایشنامه، گزارشهای رادیویی و نیز ناشر مطبوعات خاص فنی روستایی با استفاده از تجربیات و اخبار و اطلاعات جاری و ساری

ترویج، رهیافت(های) بدیل

- گراول، آی.اس. و تامبر، ار.اس. (ویراستاران). *مقدمه‌ای بر آموزش ترویج*، ترجمه سیروس سلمان‌زاده. اهواز: مرکز انتشارات چاپ دانشگاه شهید چمران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۷.

- ملک‌محمدی، ایرج. *ترویج کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.

- موشر، آرتور. ت. *پیشبرد کشاورزی-لازمه‌های تحول و نوسازی*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

ترویج، رهیافت(های) بدیل

Extension, Alternative Approaches

رهیافت ترویج، شیوه عمل در قالب یک نظام ترویجی است؛ به سخن دیگر، فلسفه این نظام در درون خود و به عبارتی، *عصاره آن* است. در تشریح این تعاریف موجز می‌توان گفت، هر نظام ترویجی یک ساختار تشکیلاتی و رهبری، منابعی از کارکنان، تجهیزات و تسهیلات و همچنین برنامه‌ای با مقاصد و اهداف مشخص، راه و روشهایی برای اجرا، و سرانجام، پیوندهایی با دیگر نهادها، عموم مردم و ارباب رجوع دارد. بدین ترتیب، رهیافت شیوه یا سبک اقدام در درون نظام است و به همین حیث گفته می‌شود که رهیافت متضمن فلسفه نظام است.

برای تشخیص و تعیین رهیافتهای ترویجی می‌توان ابعاد هفت‌گانه زیر را مطرح ساخت:

ماهیت و کیفیت مسائل مشخصی که رهیافت باید به‌عنوان یک راه‌حل راهبردی برای آنها به کار گرفته شود؛

ماهیت و کیفیت هدفهای طرح شده برای دستیابی؛
ماهیت روشهای مورد نظر برای نظارت بر برنامه‌ریزی و کیفیت ارتباط با گروههای مخاطب و یا هدف برنامه؛

کیفیت عوامل انسانی برنامه؛

کمیت و کیفیت منابع مورد نیاز برای اجرای برنامه؛
کیفیت راه و روشهای متعارف برای استفاده در اجرای برنامه؛ و

کمیت و کیفیت روشهای سنجش توفیق برنامه.
تنوع شرایط و الزامات اقتصادی و اجتماعی، توأم با تنوع قلمرو موضوعی و منطقه‌ای، با توجه به ماهیت و

کاربرد زیادی دارد. از این رو، در مواضع و مواقع مقتضی، آموزشگر می‌تواند با آموزش انفرادی *رابطین*، دامنه‌های فعالیتهای آموزشی خود را در سطح چشمگیری گسترش بدهد و انبوهی از علاقه‌مندان مخاطب برنامه‌های ترویجی خود را به کمک خبرگان و رهبران محلی آموزش دیده به زیر پوشش برنامه‌های مربوط در آورد.

کتاب‌شناسی:

- آکسین، جورج. اچ. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه اسماعیل شهبازی. تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین*، ترجمه اسدالله زمانی‌پور. مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، بیرجند: مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، *گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی*. مجری اسماعیل شهبازی، ناشر نسخه‌های محدود: دفتر تحقیقات معاونت عمران روستائی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران: آبان ماه ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلویید. *رسانش نوآوریها- رهیافتی میان‌فرهنگی*، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.
- زمانی‌پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستائی*. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و افزوده‌ها تهران، ۱۳۸۴.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سیدابوطالب. *بررسی نظریه‌پردازها در ترویج*. جلد اول: *ترویج و توسعه*، جلد دوم: *مدیریت، نظامها و عواملان اجرایی*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، چاپ اول، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه‌نمدار، بهار ۱۳۷۳.

ترویج، رهیافت(های) بدیل

ترویجی تحت نظارت دولت مرکزی و یا شاخه‌های ایالتی و ولایتی آن انجام می‌گیرد. معمولاً اجرای برنامه‌های آموزشی ترویج را مروّجین مستقر در روستاهای هر حوزه ترویجی در واحدهای تقسیمات کشوری (← تقسیمات کشوری)، شامل بخش و دهستان، ضمن بهره‌مندی از راهنماییهای فنی کارشناسان تخصصی مستقر در ستاد ترویج استان، زیر نظر سرپرست ترویج شهرستان انجام می‌دهد. منبع تغذیه علمی این کارشناسان متخصص نیز مؤسسات، مراکز و ایستگاههای تحقیقاتی وابسته به وزارت کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) و یا سایر سازمانهای ذی‌ربط است.

منابع اعتباری و مالی لازم در این رهیافت را دولت مرکزی و به‌عنوان یکی از اقلام بودجه عمومی مورد نیاز برای توسعه کشاورزی و عمران روستایی تأمین می‌کند. بدین ترتیب، مردم و مراجع محلی (← مراجع محلی روستایی) الزام در مشارکت برای سهم شدن در هزینه‌ها را ندارند و به تبع این عدم الزام، از حق رسمی برای مشارکت مسئولانه در طرح، اجرا و ارزشیابی فعالیتهای ترویجی، در هیچ‌یک از سطوح عملیاتی، برخوردار نیستند. برنامه‌های اجرایی در این رهیافت همواره تابع سیاستها و خط‌مشیهای دولت مرکزی به روال *از بالا- به- پائین* است. همچنان‌که، معیار ارزشیابی فعالیتها نیز پیوسته به تبعیت از هدف اصلی رهیافت، قاعدتاً حول سنجش میزان افزایش تولید محصول متمرکز است.

رهیافت ترویج دانشگاهی

این رهیافت مبتنی بر این فرض است که دانشگاه محل پیدایش و تکامل علوم و فنون و منشأ تولید و نشر دانشهای نوین در جامعه است. همچنین، فرض بر این است که اعضای هیئت علمی می‌توانند به‌عنوان معلمان و مربیان علوم و فنون کشاورزی و دیگر رشته‌های مربوط، نسبت به نشر و آموزش یافته‌های نوین و مناسب به مردم روستایی مفید و مؤثر واقع شوند. براین اساس، هدف ترویج دانشگاهی از یکسو کمک به مردم روستایی برای فراگیری کشاورزی علمی و از سوی دیگر، کمک به اعضای هیئت

کیفیت ابعاد مورد اشاره، در مجموع موجبات پیدایش و تحول و تکامل رهیافتهای مختلفی را در امر توسعه و ترویج در جوامع روستایی فراهم آورده‌اند.

با وجود گوناگونی شرایط کاربرد، ماهیت و کیفیت ابعاد خاص هر رهیافت، رهیافتهای مختلف ترویج، در چند اصل با یکدیگر مشترک هستند؛ از جمله اینکه، تمام رهیافتهای بدیل ترویج همواره روشهای آموزش غیررسمی را به خدمت می‌گیرند، پیوسته حاوی زمینه‌های مرتبط با کشاورزی و امور روستایی و سرانجام، اصالتاً مترصد ارتقاء کیفیت زندگی مردم روستایی هستند.

رهیافت متعارف ترویج

این رهیافت بر این فرضیه وجودی مبتنی است که فناوری و اطلاعات لازم وجود دارند ولی برای مورد استفاده واقع شدن، در دسترس قرار نگرفته‌اند و بدین ترتیب، اگر معلومات مربوط به فناوری و اطلاعات موجود به کشاورزان منتقل گردد، عملیات کشاورزی بهبود خواهد یافت. از این رو، این رهیافت از مصادیق بارز انتقال فناوری از سوی دولت به مردم است.

براین اساس، هدف کمک به کشاورزان برای افزایش تولیدات است، زیرا با افزایش تولید کشاورزان از یکسو وضع اقتصاد کشور بهتر می‌شود، و از سوی دیگر، زندگی خانوارهای روستایی هم بهبود می‌یابد. براین مبنا، هدفهای اصلی در این رهیافت حول محور افزایش تولیدات ملی کشاورزی، از جمله مواد غذایی و محصولات زراعی صادراتی متمرکز است. هدفهای جنبی این رهیافت متضمن افزایش درآمد و ارتقاء سطح زندگی روستائیان است.

ارباب رجوع این رهیافت، شامل تمام کشاورزانی است که باید به آنان کمک شود تا سطح و عملکرد تولیدات خود را افزایش دهند. این رهیافت برای دسترسی به تمام کشاورزان، ضمن تشکیل گروههای هدف، از رهبران محلی، کشاورزان رابط و مددکاران ترویج بهره می‌گیرد.

هسته تشکیلاتی این رهیافت، در وزارت کشاورزی یا سایر وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول اداره امور کشاورزی هر کشور مستقر است. بدینسان، کار برنامه‌ریزی فعالیتهای

ترویج، رهیافت(های) بدیل

کارکنان صحرایی ترویج از آموزشهای کافی برخوردار نبوده، و از لحاظ معلومات فنی، به-هنگام نیستند. درعین حال، این فرض مهم وجود دارد که کارکنان صحرایی ترویج به دیدار کشاورزان در مزارع تمایلی ندارند و در عوض، ترجیح می دهند تا در دفاتر کار خود بنشینند و منتظر باشند تا کشاورزان به دیدار آنها بروند. در این بین، باز هم فرض شده است که مدیریت و سرپرستی واحدهای صحرایی از تحرک، کفایت و کارآیی لازم و کافی برخوردار نیستند و برای غلبه بر این مسائل، به کارگیری یک شیوه/نضباطی خاص الزامی است.

در مورد همین شیوه خاص نیز فرض بر این است که می توان با استقرار یک جریان دوسویه برای مبادله اطلاعات بین کارکنان ترویج و کشاورزان طرف-تماس از یکسوی، و پژوهندگان واحدهای تحقیقاتی از سوی دیگر، و ضمن اعمال یک نظام مدیریت و سرپرستی منضبط، نه تنها بر خودمردگی موجود در نظام ترویج غلبه کرد، بلکه آن را به سوی مسیری پویا و پرنشاط رهنمون ساخت.



هدفهای عملیاتی این رهیافت اغلب مشابه هدفهای ترویج در رهیافت متعارف است و به طور کلی عبارت است از ترغیب برای وادار کردن کشاورزان به افزایش تولید محصولات ویژه کشاورزی. در ارتباط با ارتقاء کیفیت منابع انسانی، هدفهای اختصاصی این رهیافت متکی بر آموزش کارکنان صحرایی ترویج توسط کشاورزان متخصص از

علمی و دانشجویان دانشگاهها برای آشنایی با مسائل و مشکلات، و فراگیری عملیات واقعی کشاورزی در صحنه های عمل و درعین حال، پژوهش به منظور دستیابی به راههای عملی و ممکن به منظور حل مسائل و مشکلات جاری روستائیان است.

ارباب رجوع این رهیافت، شامل تمام کشاورزان، به ویژه کشاورزان تخصصی کار است. درعین حال، این رهیافت به جوانان و زنان روستایی به عنوان مخاطبان خاص برنامه های ترویج دانشگاهی توجه ویژه دارد.

این رهیافت را براساس اصول تعاونی دولت مرکزی، دولتهای ایالتی و دانشگاهها و انجمنها و گروههای محلی پی ریزی کرده اند. میزان مشارکت و نحوه همکاری هریک از این نهادها با ترویج، در کشورها و مناطق مختلف، متفاوت است.

برنامه ریزی فعالیتهای ترویجی در این رهیافت را معمولاً دانشکده های کشاورزی، با همکاری سایر نهادهای ذی ربط در سطوح عملیاتی پی ریزی می کنند و طبعاً اعضای هیئت علمی همان دانشکده آن را نظارت و ارزیابی می کنند، درحالی که جایگاه و اختیارات مطلوبی برای همکاری و نظارت بر اجرای برنامه ها به ارباب رجوع برنامه های ترویجی سپرده می شود. سنجش میزان موفقیت برنامه ها به مقدار زیادی برحسب تعداد مخاطبین و حدود مشارکت مردم کشاورز در فرایند طرح، اجرا و ارزیابی برنامه ها ملاک عمل است. دانشکده های کشاورزی نیز به سهم خود، برای ارزیابی فعالیتهای آموزشی دانشجویان خود، میزان یادگیری آنان از فعالیتهای صحرایی ترویج را ملاک عمل قرار می دهند.

علاوه بر اینها، این رهیافت در فرایند سنجش میزان موفقیت برنامه های ترویج در شرایط مطلوب، ضمناً نرخ بالای پذیرش عملیات و یا فناوریهای توصیه شده ترویج به کشاورزان گروه هدف را ملاک توفیق خود قلمداد می کند.

رهیافت آموزش و دیدار

بنای فرضهای اساسی این رهیافت شبیه رهیافت متعارف ترویج است، اما این فرض اضافی هم مطرح است که

ترویج، رهیافت(های) بدیل

اجرای برنامه‌ها در این رهیافت اساساً متکی بر دیدارهای هفتگی مروّجان مستقر در سطح روستاها با گروههای کوچک به‌عنوان روستائیان طرف تماس است. همچنین، آموزشهای هر ۲ هفته یکبار مروّجان توسط کارشناسان متخصص، در واقع آماده کردن مروّجان برای انتقال یافته‌ها از کارشناسان به کشاورزان است.

منابع اعتباری و مالی مورد نیاز برای تحقق این رهیافت به سختی توسط دولت مرکزی در هر کشور تأمین می‌شود، زیرا سطح هزینه‌های اجرایی آن بسیار بیش از سایر رهیافتهای متداول است. از این رو، دولتهایی که این رهیافت را به خدمت می‌گیرند، معمولاً با استفاده از منابع بین‌المللی - عمدتاً بانک جهانی - برای تأمین هزینه‌های مربوط اقدام می‌کنند.

سنجش میزان موفقیت این رهیافت به سبب ماهیت آن، برحسب افزایش میزان عملکرد و مجموع تولیدات کشاورزی ارزیابی می‌گردد. درحالی‌که به‌طور همزمان، تعیین میزان موفقیت برنامه ترویج برحسب فلسفه رهیافت که دیدار هرچه بیشتر از روستائیان محروم و انتخاب مناسب‌ترین پیامهای آموزشی تأثیرگذار بر آنان نیز بشمار می‌رود، مطرح است.

بدین ترتیب، میزان توفیق جنبه‌های فلسفی این رهیافت را می‌توان برحسب تعداد مخاطبان برنامه‌های آموزشی و تأثیر آنها بر میزان افزایش عملکرد و مجموع تولیدات و یا خدمات مربوط تعیین کرد.

رهیافت توسعه و تولید تک‌محصولی

این رهیافت مبتنی بر این فرض است که افزایش عملکرد تولید و بهره‌وری یک محصول ویژه، منتج از تجمع و تمرکز کلیه امور و عملیات مربوط، و تأمین عوامل و نهاده‌های مورد لزوم در یک واحد خدماتی ویژه برای توسعه تولید تک‌محصولی است. بدین ترتیب، تجمع فعالیتهای تحقیقاتی توأم با ترویج آنها، تأمین عوامل و نهاده‌های تولیدی منتج از تحقیقات ترویجی، انجام خدمات بازاریابی و فروش محصول، همراه با تدارک سایر خدمات مربوط به تولید، تبدیل و توزیع تک‌محصولی مورد نظر در

یکسو، و دیدار و آموزش کشاورزان توسط مروّجان در روستاها طبق یک برنامه منضبط و مسجّل، از سوی دیگر است.

به‌منظور پیشبرد بهتر این رهیافت، چند اصل راهبردی زیر توصیه می‌شود:

دیدار کارکنان ترویج با کشاورزان در روستاها براساس یک برنامه مسجّل، ثابت و منظم و به‌عنوان یک هدف مشخص در این فرایند، جهت‌گیری شود و مستمراً نظارت گردد؛ کیفیت علمی و فنی کارکنان صحرائی از طریق آموزشهای ضمن خدمت، مستمراً ارتقاء یابد تا به حدّ استانداردهای قابل قبول برسد؛

به‌منظور افزایش تأثیر تحقیقات کشاورزی بر توسعه فن‌آوریهای زراعی از طریق احیای نقش کلیدی کارشناسان متخصص موضوعی، باید به تجدید سازمان پیوندهای بین تحقیق و ترویج همت گماشت؛

کارکنان صحرائی ترویج باید از کلیه وظایف مرتبط با کارهای غیرترویجی معاف گردند؛

به‌منظور احتراز از دوباره‌کاری و فعالیتهای موازی و تکراری، کلیه فعالیتهای آموزشی و ترویجی در سطح روستا باید در یک واحد خدمات ترویجی متمرکز گردد و رسماً مسئول این فعالیتهای باشد؛

کار ترویج باید در یک ارتباط پیوسته دوسویه، بین واحدهای تحقیقاتی و کارشناسان متخصص موضوعی، و بین آنها و کارکنان صحرائی ترویج، و نیز با کشاورزان طرف-تماس و به‌نوبه خود، با قاطبه کشاورزان مستقر در هر یک از مناطق روستایی جریان داشته باشد، تا بدین ترتیب، سیر دوطرفه اطلاعات، از بالا به پائین و از پائین به بالا، به‌طور فعال و پایدار در جریان باشد؛

عرضه به موقع نهاده‌ها و اعتبارات تولیدی، اگرچه از وظایف ترویج نیست، اما باید توسط واحدهای خدماتی ذی‌ربط تهیه و تدارک شود، تا هماهنگ با آموزشهای ترویجی، مورد استفاده پذیرندگان نوآرین قرار گیرند؛ و در این رهیافت، وجود و جریان یک نظام فعال و مستمر نظارت و ارزشیابی، به‌عنوان مکمل برنامه‌های ترویجی، ضرورت دارد.

رهیافت تسهیم هزینه

این رهیافت مبتنی بر مشارکت مالی و اعتباری مردم است. فرض زیربنایی این رهیافت بدین قرار است که هرگاه بهره‌گیران یک برنامه آموزشی ملزم به تأمین بخشی از هزینه‌های مربوط به طرح و اجرای آن برنامه باشند، انگیزه‌های لازم و کافی برای مشارک فعالانه آنان در تعیین و تحلیل مسائل، انتخاب شیوه‌های مناسب و اداره و نظارت بر حسن جریان امور برای نیل به هدفهای ترویج، به صورتی مسئولانه و جلی فراهم خواهد گردید. البته وجود این فرض هم بدیهی است که روستائیان به علت محدودیتهای مالی، توان تقبل تمام هزینه‌های جاری یک واحد ترویجی را نخواهند داشت. بنابراین، حکومت مرکزی به تنهایی و یا همراه با دیگر نهادهای ملی - منطقه‌ای در جهت کمک به روستائیان، عهده‌دار بخش عمده‌ای از اعتبارات مورد نیاز خواهد بود.

براین اساس، می‌توان چنین استنباط کرد که از طریق جلب مشارکت مادی گروه یا گروههای هدف برنامه ترویج، مقصود این رهیافت متعهد نمودن مردم روستایی در تأمین بخشی از هزینه‌های اجرای برنامه، به منظور ایجاد یک رابطه تعاونی و نتیجتاً تضمین مشارکت معنوی و نظارت مسئولانه آنان در فرایند فعالیتهای آموزشی ترویج کشاورزی در یک یا چندین منطقه معین است.

هدف این رهیافت کمک به مردم روستایی برای فراگیری معلومات و مهارتهای لازم به منظور بهبود کیفیت زندگی و افزایش بهره‌وری فعالیتهای تولیدی است. هرچه روش و محتوای برنامه‌ها در راستای این هدف برای مردم روشن‌تر و قابل پذیرش‌تر باشد، تمایل آنان به تقبل بخشی از اعتبارات، و یا آمادگی آنان برای تسهیم شدن در پرداخت هزینه‌های مربوط بیشتر خواهد بود.

برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای برنامه‌های ترویجی به نسبت مشارکت طرفین در تقبل و تسهیم هزینه‌های مربوط، بین مردم از یکسوی، و واحدهای دولتی و نهادهای منطقه‌ای متصدی امور توسعه و ترویج کشاورزی منطقه از سوی دیگر، تقسیم می‌گردد. شاید یکی از شناخته شده‌ترین مصادیق این رهیافت را بتوان در نظام تعاونی خدمات

یک سازمان فنی - بازرگانی متولی آن محصول، اساس این رهیافت را تشکیل می‌دهد. در این رهیافت تمام امور مربوط به یک محصول در یک سازمان تخصصی متمرکز می‌شود و ترویج به عنوان یکی از این امور، تمام توجهات خود را بر فعالیتهای آموزشی مربوط به افزایش کمی و کیفی آن محصول معطوف می‌دارد.

بدین ترتیب، هدف این رهیافت عبارت از کاربرد مناسب‌ترین فن‌آوریهای ممکن و عملی، به منظور افزایش کاراییهای لازم و کافی در تولید و عرضه تک‌محصولی مورد نظر، برای توزیع و مصرف در داخل و یا صدور به خارج از کشور است. به ساده‌ترین بیان، هدف این رهیافت تولید بیشتر با کیفیت مطلوب‌تر است.

ارباب رجوع در این رهیافت، برحسب شاخصهای اقلیمی هر منطقه، عبارت از کشاورزان تخصصی کار، مثلاً پنبه‌کاران، چغندرکاران، چایکاران و... است. کار برنامه‌ریزی و همچنین نظارت بر فعالیتهای آموزشی ترویج توسط سازمان کالای تخصصی و یا تک‌محصولی مورد نظر انجام می‌شود، زیرا همین سازمان متولی، تأمین‌کننده همه اعتبارات و سایر منابع مورد نیاز برای کمک به افزایش عملکرد و کنترل کیفیت آن محصول است. از این رو، سنجش موفقیت برنامه، براساس روشهای قابل توصیه و با توجه به میزان کل تولید و عملکرد یک محصول به‌خصوص، مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

روشهای قابل توصیه توسط ترویج در این رهیافت مبتنی بر معیارهایی است که سلسله‌وار با یکدیگر مرتبط بوده و شرط توفیق برنامه، اطمینان از حضور به هم پیوسته این معیارها، بدین قرار است که روش مورد توصیه:

قابل نمایش در مزارع مشخص باشد؛

نهادهای مورد لزوم در دسترس باشد؛

دسترسی سهل کشاورزان خرده - پا به منابع اعتباری مقدور و امکان‌پذیر باشد؛ و

نسبت قیمت خرید نهاده‌ها و فروش محصول به منظور حمایت از کشاورزان خرده - پا پی‌ریزی شده باشد.

ترویج، رهیافت(های) بدیل

مدیریت‌های متعدد در درون دیوانسالاری (← دیوانسالاری) گسترده دولتی، در صحنه عمل بسیار مشکل و اغلب ناممکن است. این تجربه نشان می‌دهد که برای تحقق هماهنگی در جریان توسعه کشاورزی، ناگزیر باید تمام عواملی را که به طور مستقیم بر این جریان تأثیر دارند، در قالب یک تشکیلات اداری و زیر نظر یک مدیریت واحد به صورتی نهادی سازماندهی کرد، تا بتوان تعلیمات، منابع و نهادهای لازم و کافی را به موقع به مولدان مخاطب برنامه ارائه داد.

علاوه بر این، رهیافت توسعه جامع بر این فرض متکی است که هرگاه تمام عوامل لازم و کافی برای توسعه در یک دوره مشخص و به کمک برخی منابع اعتباری فوق‌العاده، که گاهی توسط منابع بین‌المللی تأمین می‌گردند، برای یک موقعیت خاص تدارک گردند، فرایند تحول و توسعه تحقق می‌یابد. این رهیافت به‌عنوان یک فعالیت پروژه‌ای در یک موقعیت ویژه و برای ارباب رجوعی خاص، اگرچه در برهه‌ای از زمان و به‌عنوان یک فعالیت شدید و سریع‌الآثر و تحت شرایط ویژه به مرحله اجرا گذاشته می‌شود، اما آثار همزمان آن در جوامع همجوار و نیز تأثیر و تأثرات آن در همان جامعه، پس از اتمام دوره پروژه، به صورت پیامدهای مطلوب این رهیافت و به‌عنوان فرضیات زیربنایی کار توسعه، مورد نظر هستند.

هدفهای طرح توسعه و یا پروژه‌های جامع عموماً مبتنی بر تولید و در جهت افزایش محصولات و فرآورده‌های کشاورزی به وسیله کشاورزان مربوط در حوزه عمل طرح یا پروژه مربوط است. براساس تنوع اهداف، چند شکل از این رهیافت ممکن است در جوامع مختلف در حال فعالیت باشد. در یک شکل آن، ترویج به‌عنوان یکی از اجزاء پروژه یا برنامه جامع توسعه کشاورزی، با هدف توسعه همه‌جانبه کشاورزی مورد عمل است. در همین قالب، در طرح توسعه جامع کشاورزی می‌توان به شیوه عمل، وظایف و ساختار تشکیلات اولیه سازمان عمران دشت قزوین، سازمان عمران جیرفت و سایر سازمانهای عمران منطقه‌ای توسعه جامع کشاورزی ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اشاره داشت. در این سازمانها، واحد ترویج همواره یکی از اجزاء این

ترویج در ایالات متحد آمریکا معرفی کرد که ضمن آن، دولتهای فدرال و مقامات محلی و دانشگاهها بر یک مبنای تعاون‌گونه، سهم‌پذیران هزینه‌های فعالیتهای ترویج کشاورزی بشمار می‌روند. البته نظامهایی از این قبیل را می‌توان در تعاونیهای کشاورزان کومبلا در کشور بنگلادش نیز مشاهده کرد.

برای این رهیافت، موفقیت برحسب تمایل و توان مردم کشاورز، به‌طور انفرادی و یا از طریق واحدهای دولت محلی، در تأمین بخش یا سهمی از هزینه‌ها مورد سنجش قرار می‌گیرد. از این رو، برای اینکه چنین رهیافتی پایدار و پویا باقی بماند، مردم محلی باید همواره از فعالیتهای ترویج سود ببرند و راضی باشند. و در هر زمان که ارباب رجوع یا هزینه‌پذیران ترویج احساس کنند که فعالیتهای ترویج کشاورزی در جهت برآوردن نیازهای فنی آنان نیست، و یا برنامه ترویج با شرایط و امکانات آنان تناسب ندارد، به‌راحتی از حمایتهای خود دست برمی‌دارند و به ساده‌ترین وجه، سهم خود از هزینه‌ها را پرداخت نمی‌نمایند.

رهیافت توسعه جامع کشاورزی

این رهیافت که در برخی از منابع رهیافت پروژه و یا با عنوان برنامه توسعه جامع نیز قلمداد گردیده است، مبتنی بر این فرض است که وجود هماهنگی کامل در بین تمام اجزای نهادی مؤثر بر کار افزایش تولید، از اصول اولیه در فرایند توسعه و از طریق آموزش روستائیان برای ترویج شیوه‌های مناسب و برتر تولید، لازم است. بنابراین، تحقق آن صرفاً در قالب یک تشکل سازمانی با مدیریت واحد و به‌طور منسجم و پیوسته امکان‌پذیر است. به‌عبارت ساده‌تر، افزایش تولید و به‌طور وسیع‌تر، توسعه کشاورزی مستلزم عوامل متعددی از جمله ترویج است. این عوامل باید سلسله‌وار در قالب یک واحد سازمانی با شیوه‌هایی هماهنگ، در جهت تحول و توسعه کشاورزی، به‌صورتی مرتبط و به هم پیوسته، فعال باشند.

پیدایش، تحول و تکامل این رهیافت و رهیافتهای مشابه، عمدتاً ناشی از وجود این تجربه نامطلوب است که ایجاد هماهنگی در بین واحدهای مستقل همسطح، با

ترویج، رهیافت(های) بدیل

کشاورزان خرده‌پا و فقیر نتوانند وضعیت فنی و مالی خود را با شرایط لازم در طرح توسعه انطباق دهند. که در این حالت، یک طرح به تمام معنی جامع باید شرایط لازم برای مشارکت تمام مردم را به نحوی تعدیل نماید که در نهایت، ارباب رجوع طرح شمول عام داشته باشد.

به منظور ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای جامعیت طرح توسعه و شمول عام آن، یک طرح جامع توسعه، معمولاً مبادرت به تشکیل مراکز خدمات کشاورزی در کانونهای تولیدی و یا مراکز خدمات روستایی در قطبهای جمعیتی می‌کند، تا امکان دسترسی سهل ارباب رجوع به اطلاعات بهنگام و نهاده‌ها، ابزار و وسایل لازم برای تحول و توسعه را فراهم نمایند. سنجش موفقیت در این رهیافت عمدتاً بر مبنای افزایش تولید به‌عنوان محور توسعه و ابعاد جنبی آن در زمینه‌های زیربنایی توسعه کشاورزی و توسعه روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

رهیافت توسعه یکپارچه روستایی

این رهیافت ترکیبی از طرحهای عمران روستایی با رهیافت ترویجی *انگیزش روستائیان* در کشورهای فرانسه زبان آفریقایی است. این رهیافت در عین حال، مبین تصور وسیع تری از عمران و توسعه روستایی، شامل عوامل اجتماعی و اقتصادی است و از این رو، متضمن تدابیر وسیعی برای تحقق فعالیتهای درآمدزا در زمینه‌های کشاورزی و فعالیتهای روستایی است.

فرضیه‌های تلویحی این رهیافت مبتنی بر قابلیت و استعداد فطری تمام روستائیان برای قبول مسئولیت و مشارکت فردی و جمعی، در قالب نهادها، نظامها و تشکلهای سستی در فرایند توسعه و عمران روستایی است. از این رو، این رهیافت به‌عنوان یک اصل، بر شمول عام مردم روستایی، به‌ویژه فقرا، در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه و عمران روستایی تأکید دارد.

بر مبنای این فرض، هدفهای اقتصادی این رهیافت بر محور دستیابی ارباب رجوع روستایی به فنون نوین و مناسب برای افزایش تولید، ایجاد و توسعه فعالیتهای اشتغال‌زا، و دسترسی به منابع درآمدی جدید به‌منظور تأمین

برنامه‌ها برای ایفای نقش خود به‌عنوان مکمل و متمم دیگر اجزاء نهادی، با هدف توسعه جامع کشاورزی در قلمرو حوزه عمل پروژه، عمل کرده است.

در شکل دیگر این رهیافت، ترویج کشاورزی به‌عنوان یک پروژه جداگانه در یک منطقه معین، با هدف تمرکز بر آموزش روستائیان، از طریق ارائه نمایشهای آموزشی و آزمون روشهای بدیل ترویجی، مورد استفاده است. تجربه پروژه ترویج کشاورزی دوزج در منطقه خرقان (شهرستان ساوه) توسط هلندیها و بعدها توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ش را نیز می‌توان نمونه‌ای از اشکال این رهیافت با هدف توسعه آموزشهای کاربردی در زمینه‌های کشاورزی قلمداد کرد.

سرانجام، شکل دیگری از این رهیافت را می‌توان با هدف تأمین عنصر آموزشی ترویج در یک پروژه جامع توسعه روستایی بشمار آورد. نمونه بارز این شکل را می‌توان در فلسفه وجودی مرکز آموزش و توسعه *تاتا*، به‌عنوان یکی از عناصر تشکیلاتی پروژه *عمرانی کومیلا* در کشور بنگلادش مورد توجه قرار داد. در این پروژه، به کمک کارکنانی که در مرکز آموزش و توسعه *تاتا* به تحصیل اصول کشاورزی و مطالعه زندگی روستایی می‌پرداختند، رهیافتهای نوآورانه‌ای برای ارائه آموزشهای لازم به روستائیان تعیین و بررسی، و از طریق کشاورزان نمونه در هر یک از روستاهای قلمرو پروژه، به جمع روستائیان مخاطب برنامه توصیه می‌گردید. افزون بر فعالیتهای ترویجی برای توسعه کشاورزی، ارائه برنامه‌های آموزشی خاص به زنان روستایی، ترغیب روستائیان به تشکیل شرکتهای تعاونی، تشویق مردم به پس‌انداز در صندوقهای ذخیره، و سرانجام، آموزش رهبران محلی، جملگی در قالب برنامه‌های منضبط با مشارکت ارباب رجوع محلی از فعالیتهای جاری در پروژه‌های *عمرانی کومیلا*، با هدف کمک به جریان توسعه روستایی بوده‌اند.

بر مبنای اشکال متنوع کاربرد این رهیافت، ارباب رجوع آن نیز بر حسب موضوع پروژه در تغییر است. باین وجود، ارباب رجوع ترویج در این رهیافت تمام روستائیان قلمرو طرح را دربر می‌گیرد، اگرچه امکان دارد که در طول زمان،

ترویج، رهیافت(های) بدیل

یک تشکیلات مستقل به‌عنوان یک برنامه منطقه‌ای سازماندهی می‌گردد.

جامعیت دیدگاهها و وسعت میدانهای کاربردی این رهیافت، کار سنجش میزان موفقیت برنامه را طبعاً پیچیده‌تر از ارزشیابی در سایر رهیافتهای می‌کند، زیرا سنجش تغییرات و تحولات کیفی در الگوهای رفتاری ارباب رجوع روستایی و تبدیل آنها به معیارهای کمی، مستلزم تحلیل و بررسیهای ژرف عملی است. البته، هنوز هم تحولات ایجاد شده در بخشهای اقتصادی و به‌خصوص، در زیربخشهای کشاورزی را می‌توان برحسب میزان افزایش تولید و یا عملکرد محصول مورد سنجش قرار داد.

رهیافت توسعه نظامهای زراعی

هر روستا، به‌عنوان یک واحد مستقل، براساس سوابق فرهنگی و ویژگیهای اقلیمی، نظامهای خاصی را در بطن خود ایجاد کرده، طی سده‌ها یا سالهای متمادی پرورش داده و به امروز رسانده است. تغییر این نظامها و انطباق آنها با ویژگیهای پیشرفته فناوریهای فردا، از جمله فعالیتهای مهم و مشکل در هریک از رهیافتهای موجود است. عدم تطابق نظامهای سنتی با آنچه که به‌عنوان فناوری پیشرفته در اختیار کارکنان ترویج در یک منطقه به‌خصوص قرار می‌گیرد، و یا عدم دسترسی کارکنان ترویج به فناوریهای مناسب برای روستائیان در یک منطقه، فرضیه زیربنایی این رهیافت را تشکیل می‌دهد. به‌عبارت دیگر، فرض این است که فناوریهای مناسب با نیازمندیهای کشاورزان، به‌خصوص کشاورزان خرده‌پا در دسترس نیست و لازم است به‌طور محلی به‌وجود آید.

برمبنای این فرض، هدف این رهیافت ایجاد و توسعه فناوریهای مناسب با نیازمندیهای جوامع روستایی و در عین حال، قابل انطباق با نظامهای سنتی و شرایط حاکم بر محیط زندگی و کار آنان، در روستاهای قلمرو ترویج است. تحقق این هدف، علاوه بر ضرورت انطباق و انعطاف برنامه‌های ترویجی، مستلزم همسو و هماهنگ شدن فعالیتهای جاری در نهادهای تحقیقاتی با نیازها، شرایط اقتصادی و اجتماعی مردم، و سازگار با نظامهای زراعی

اهداف اجتماعی جامعه روستایی پی‌ریزی می‌گردد. اقدام برای جلب مشارکت مردم و انگیزش آنان برای خودیاری و پرورش توان همیاری و ایجاد تشکلهای رهبری در بین اعضای جوامع روستایی، از جمله راهبردهای این رهیافت در جهت نیل به اهداف توسعه و عمران روستایی، در زمینه‌هایی چون توسعه برنامه‌های تعلیماتی، بهبود بهداشت محیط، بهبود مسکن روستایی، حفاظت از محیط زیست، بهبود وضع تغذیه و توسعه امکانات زیربنایی، ارتباطاتی، مواصلاتی و سایر زمینه‌های رفاهی، اجتماعی و فرهنگی است.

هدفهای آرمانی این رهیافت ایجاد امید و تحرک در بین توده‌های فقیر، مایوس و خموده خارج از هرم قدرت در جوامع روستایی است. این بدان معنی است که تأکید این رهیافت عمدتاً بر پرورش و آموزش تمام مردم فقیر معطوف است و بدین سبب، مستلزم شناخت اساسی جامعه روستایی و کیفیتهای جامعه‌شناختی آنان است. این ویژگیها در رابطه با انتخاب و آموزش آموزشگران و سایر عوامل اجرایی در طرحها و برنامه‌های عملیاتی بر این موضوع تأکید دارد که این عوامل نه تنها در نقش آموزشگران فنی بلکه علاوه بر آن، باید در نقش مشاوران جامع‌نگر و اصلاح‌طلب اجتماعی در تمام زمینه‌های عملیاتی در خدمت انگیزش، پرورش و آموزش روستائیان ارباب رجوع خود باشند.

توسعه روستایی، عمران روستایی، آبادانی روستاها و توسعه فراگیر و یا توسعه همه‌جانبه، از جمله عناوینی است که در بسیاری از مناطق دنیا به این قبیل از برنامه‌های توسعه نسبت می‌دهند. برنامه توسعه یکپارچه روستایی از لحاظ تشکیلاتی، گاهی به‌صورت یکپارچه و به‌عنوان یک پروژه عملیاتی و به‌وسیله مأمورین و عوامل چند پیشه در یک منطقه به‌خصوص، به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود، هرچند اغلب به‌صورت طرحهای عملیات تخصصی جداگانه در زمینه‌های بهبود محیط مسکن روستایی، بهداشت محیط، بهبود ساخت‌وسازهای زیربنایی و غیره توسط آموزشگران جامع‌نگر- ولی ماهر در هریک از زمینه‌های مربوط- و زیر نظر یک مدیریت واحد، در قالب

ترویج، رهیافت(های) بدیل

انجام فعالیتهای تحقیقاتی موجود باشند. این رهیافت درعین حال، مستلزم یک سازوکار اثربخش برای انتقال و اشاعه فنآوریها و بدیلهای تولیدی معین به کشاورزان است؛ ضمن اینکه مستلزم آموزشهای قابل ملاحظه برای افزایش اثربخشی فعالیتهای و سرانجام، توسعه نظامهای زراعی است. این رهیافت مبتنی بر پیدایش، ترویج و توسعه فنآوریهای اصلاح کننده و مکمل نظامهای سنتی رایج در هر روستا و یا اقلیم زراعی است. ازاین رو، همواره می توان میزان توفیق فعالیتهای انجام شده را با توجه به میزان حدود پذیرش توصیه های ترویجی مورد سنجش قرار داد.

رهیافت مشارکتی ترویج

فرض این رهیافت در اصل بر مشارکت معنوی روستائیان در پیگیری برای دستیابی به اطلاعات و مهارتهای بیشتر استوار است. کشاورزان از طریق فراگیری، تعدیل و تطبیق و ترکیب اطلاعات و مهارتهای جدید با شرایط موجود، بهره وری فعالیتهای تولیدی و سطح زندگی خود را بهبود می بخشند. علاوه بر این، فرض شده است که تحقق این فراگیری مستلزم مشارکت کشاورزان در فعالیتهای ترویجی و نیز، جلب مشارکت و همکاریهای فعالانه کارکنان تحقیقاتی، به منظور برقراری یک نظام منسجم رفت و برگشت اطلاعات بین جوامع روستایی و منابع تحقیقاتی از طریق ترویج است. در این رهیافت، باز هم فرض است که شکل و اقدام گروهی روستائیان در این فرایند، از یکسو، متضمن تقویت آثار یادگیری در بین آنان، و از سوی دیگر، ملزم شدن ترویج به عطف توجه و تمرکز ویژه بر خواستهها و نیازهای اصیل روستائیان، به خصوص کشاورزان کوچک و خرده پاست.

براساس فرض مبنایی این رهیافت، هدف اصلی افزایش تولید و مصرف در جهت ارتقاء کیفیت زندگی مردم روستایی، افزون بر تعدادی از هدفهای عملیاتی به قرار زیر است:

افزایش مناسب پیامهای ترویجی، در ارتباط با نیازمندیهای مردم روستایی؛

افزایش میزان فراگیری ارباب رجوع، از طریق مشارکتهای

حاکم در جوامع روستایی است. این امر از یکسو، مستلزم برنامه ریزی خاص برای هر اقلیم زراعی، و از سوی دیگر، مشارکت فعالانه و همکاری هر ۳ گروه، یعنی مردم، کارکنان ترویج و کارکنان نهادهای تحقیقاتی با یکدیگر است. به بیان ساده تر، هدف تجهیز کارکنان ترویج و از طریق آنان، تجهیز مردم روستایی به نتایج حاصل از تحقیقات کشاورزی به منظور تأمین نیازمندیها و علائق مردم تحت شرایط این رهیافت در محل است.

کارکنان نهادهای تحقیقاتی در این رهیافت دارای نقش و وظایفی افزون بر نقش و وظایف خود در دیگر رهیافتهای هستند. زیرا علاوه بر طرح و اجرای پژوهشهای زیست شناسختی براساس نیازهای جاری و سازگار با نظامهای اجتماعی سنتی رایج در منطقه، کارکنان نهادهای تحقیقاتی باید مزارع و محیط زندگی روستایی را به عنوان آزمایشگاه صحرایی خود تلقی کرده، از طریق بازدیدهای مستمر، جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به وضع موجود، ضمن آگاهی کامل بر حالات و روابط علت و معلولی مسائل و مشکلات جدی، و برآورد دقیق امکانات و استعدادهای مردم و محیط روستایی، به طرح برنامه ای پژوهشی به منظور ابداع فنآوریهای مناسب با اوضاع و احوال مردم و محیط، و سازگار با نظامهای زراعی رایج در منطقه پردازند. این تحقیقات شامل زمینه هایی از قبیل بررسی وضع موجود مدیریت منابع و نهادهای، مدیریت مزرعه، بررسی شیوه های ارتباطی، نظامهای بازاریابی، قیمتگذاری محصولات و فرآورده های زراعی، شیوه های حمل و نقل و نگهداری محصولات روستایی و مانند آن است.

آکسین وجوه کلیدی رهیافت توسعه نظامهای زراعی را این چنین برمی شمارد که: توسعه نظامهای زراعی آنچنان رهیافتی برای توسعه است که از نهادهای دهقانی موجود بهره می گیرد، بر مبنای حفاظت از منابع پی ریزی می شود، موضوع خانواده و خانوار کشاورز را به عنوان یک بخش از مجموعه نظام زراعی تلقی می کند و تشخیص می دهد که پیشرفت نظامهای زراعی به وجود خدمات حمایتی وابسته است و در جایی فزونی می یابد که تشکلهای لازم برای

ترویج، رهیافت(های) بدیل

- اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده سالکین*، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، بیرجند: مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج و آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی. مجری اسماعیل شهبازی، ناشر نسخه‌های محدود، تهران: دفتر تحقیقات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان‌ماه ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلویید. *رسانش نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی*، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.
- زمانی پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و افزوده‌ها ۱۳۸۴.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سیدابوطالب. *بررسی نظریه‌پردازیها در ترویج*. جلد اول: *ترویج و توسعه*، و جلد دوم: *مدیریت، نظامها و عاملان اجرایی*. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی.اس. و تامبر، ار.اس. (ویراستاران). *مقدمه‌ای بر آموزش ترویج*، ترجمه سیروس سلمان‌زاده، چاپ اول، اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی‌ماه ۱۳۶۷.
- ملک‌محمدی، ایرج. *ترویج کشاورزی و منابع طبیعی*. جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور. ت. *پیشبرد کشاورزی-لازمه‌های تحول و نوسازی*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

هدفمند و فشار گروهی بر فرد برای یادگیری بیشتر؛ کسب توصیه‌های مناسب از محققان، از طریق نظام مشارکتی رفت و برگشت اطلاعات؛ کمک در تنظیم عرضه نهاده‌ها، اعتبارات و بازاریابی محصولات، منطبق با نیازمندیهای کشاورزان، و به سبب تمام این موارد، افزایش کارایی و اثربخشی، و تأثیر با صرفه‌فعالتهای ترویج، در طول زمان.

به سبب اصالت مشارکت معنوی روستائیان در این رهیافت، کار برنامه‌ریزی در سطوح محلی، با همکاری مسئولان نهادهای محلی، از قبیل باشگاهها، انجمنها و یا شرکتهای تعاونی و اتحادیه‌های کشاورزی، توأم با مشارکت فعالان عوامل تحقیقاتی و نیز عوامل دیگر نمایندگان حاضری در هر محل صورت می‌گیرد.

عوامل صحرایی ترویج در این رهیافت، نه تنها در نقش آموزشگر برنامه‌های ترویجی، بلکه ناگزیر در نقش انگیزش‌گر و تسریع‌گر، مسئولیت ترغیب کشاورزان و سازماندهی تشکلهای گروهی و تقویت هسته‌های رهبری محلی در جوامع روستایی را برعهده دارند.

آثار اجرایی این رهیافت عمدتاً از طریق افزایش میزان تولید و مصرف، و ارتقاء کیفیت زندگی روستائیان مورد سنجش قرار می‌گیرد. درحالی‌که ارزیابی حدود مشارکت واقعی دیگر اعضای واحدهای فعال در روستاها، از قبیل عوامل تحقیقاتی، نمایندگان فروش و توزیع نهاده‌ها، نمایندگان خرید محصولات و فراورده‌ها و مؤسسات اعتباری و بیمه‌ای محصولات، از جمله دیگر معیارهای ارزشیابی اثربخشی اجرای برنامه‌ها در این رهیافت بشمار می‌روند.

رهیافت مشارکتی را می‌توان علاوه بر زمینه‌های تولیدی، در زمینه‌های مربوط به آبادانی و توسعه روستایی به خدمت گرفت. کما اینکه رهیافتهای توسعه یکپارچه کشاورزی و نظامهای زراعی نیز دارای بالاترین قابلیت‌های کاربردی در زمینه‌های آبادانی و توسعه روستایی هستند.

کتابشناسی:

- آکسین، جورج. اچ. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه

ترویج کشاورزی

آموزشی غیررسمی و خارج از قالبهای متداول در مؤسسه‌های آموزش رسمی تعریف کرد. در این نظام، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، اعم از مردان و زنان روستانشین، عشایر و کارگران و یا دیگر توده‌های مخاطب، در خارج از محیط مدرسه و به دور از کلاسهای رسمی درس، با استفاده از روشهای ویژه ترویج که اغلب مبتنی بر آموزشهای عملی و نمایشی است، اصول کاربرد یافته‌های پژوهشی و پدیده‌های نوین در زمینه‌های مورد علاقه خود را در محیطی آزاد و غیررسمی از مباحثین ترویج فرا می‌گیرند و به تدریج به کار می‌بندند.

بدین ترتیب، از لحاظ ایفای وظایف آموزشی، ترویج سازمانی است که فعالانه به کار یاد دادن و یاد گرفتن اشتغال دارد. لازمه این چنین فعالیتی، از یکسو ایجاد و تکامل یک محیط مناسب آموزشی برای انتقال دانش و مهارتهای جدید و کارآمد به روستائیان، و از سوی دیگر، آشنایی مباحثین ترویج با مهارتها، عملیات و روشهای سنتی به منظور به دست آوردن تجارب تکمیلی متناسب با محیط از روستائیان طرف تماس است. نتیجه عملی این تبادل اطلاعات، وقوع تغییرات تدریجی در رفتار و روشهای مورد عمل روستائیان است. تغییر در رفتار و روشهای انجام امور می‌تواند به تفاوت، ناشی از افزایش سطح معلومات و مهارتها، ناشی از تغییر در نگرش، بینش و نحوه برخورد، و نیز در سطح فکر، باورها، رسوم، آداب و یا سرانجام، تغییر در سطح ارزشهای فرهنگی موجود باشد.

مکتب آموزشی ترویج

ترویج اصالتاً زمینه‌ای مبتنی بر یک نظام آموزشی خاص برای اشاعه علوم و فنون در سطحی وسیع از جامعه نضج گرفته و تحول و تکامل یافته است. با توجه به ماهیت این نظام آموزشی و حکمت و فلسفه‌ای که زیربنای اندیشه‌ها، افکار و نظریات آن است، و نیز بر مبنای روشهای ویژه آن، ترویج را می‌توان یک مکتب آموزشی تلقی کرد و بر این اساس، بنیاد آن را مبتنی بر حقیقت و اهمیت فرد دانست. یعنی، فرد هدف واحدی است که تمام کوششها برای

ترویج کشاورزی

Agricultural Extension

نشر و اشاعه اطلاعات با استفاده از روشهای ویژه آموزشی را ترویج کشاورزی گویند. ترویج اصالتاً یک فعالیت آموزشی به منظور انتقال دانشهای علمی - کاربردی و مهارتهای تجربه شده و تکامل یافته مراجع تحقیق به گروههای هدف است که در هریک از جوامع روستایی، عشایری و کارگری به منظور توسعه منابع انسانی به کار می‌رود. ترویج، مشاوره و تبادل اطلاعات به منظور آگاهی دادن به آموزش گیران پیرامون نوآوریها و همچنین آگاهی یافتن آموزشگران از مسائل و مشکلات موجود و نوظهور در محیط زندگی و کانونهای اشتغال گروههای هدف برنامه در جریان پذیرش و به کار بستن آموخته‌های نوین است. به سخن دیگر، ترویج نوعی هم‌اندیشی آموزشگران و آموزش گیران برای مشکل یابی و نیز همکاری آموزشگران با آموزش گیران در جریان مشکل گشایی است. علاوه بر این، ترویج کمک به اعضای گروههای هدف برنامه برای تفکر به منظور پرورش یک روحیه جستجوگرانه در مسیر تحول و توسعه است.



بر مبنای این ماهیت، ترویج را می‌توان یک نظام

ترویج کشاورزی

کشاورزی و روستایی، پیش از هر چیز ترقی و تکامل معنوی گروههای مخاطب برنامه‌های آموزشی، و براین مبنای، همواره متضمن تحول فرهنگی در فرایند یاد دادن و یادگیری و عمل کردن بوده است.

این قبیل تحولات معنوی، عملاً بر تلقیات و رفتارهای عملی مردم در جریان تصمیم‌گیریهای فردی و اجتماعی، و در رابطه با نیازها، خواستها، امیال و آرمانهایشان، به‌عنوان مقدمات فرایند توسعه، تأثیر می‌گذارد. و از این دیدگاه، توسعه روستایی را می‌توان ثمره عملکرد عمومی آموزشهای ترویجی، چه در زمینه‌های کشاورزی و چه در زمینه‌های غیرکشاورزی قلمداد کرد.

پس از این مراحل، حیطه‌های اختصاصی کار ترویج شروع می‌شود که مرتبط است با دانشهای علمی - کاربردی و مهارتی مورد نظر داوطلبان.

حیطه‌های تخصصی ترویج

میدانهای عملیات آموزشی ترویج کشاورزی و روستایی براساس اصول علمی و موازین عملی و تجربی است که می‌توان برحسب زمینه‌های خدمات تولیدی، زیربنایی، بهداشتی، عمرانی، صنعتی، تعاونی، و منابع انسانی آنها را تقسیم‌بندی کرد:

خدمات تولیدی، در زمینه‌های زراعت، باغبانی، دامپروری، آبی‌پروری، شیلات، جنگلداری، مرتعداری و گیاهان دارویی؛

کشف، پرورش و رشد استعدادهای وی متمرکز و بسیج می‌گردد.

اساس این حکمت یا فلسفه از این استدلال منشأ می‌گیرد که افراد عامل یا عنصر اصلی تشکیل‌دهنده خانواده به‌عنوان اعضاء یا اندامهای جامعه و در مجموع عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده پیکره اصلی جامعه هستند. هرگونه تلاش برای پرورش و رشد کیفی فرد موجب می‌گردد که در یک جریان تکاملی، یک عنصر یا عامل پرورش یافته، به واحد خانواده و به تبع آن، به پیکره جامعه افزوده گردد. افزایش تدریجی و مستمر عناصر یا افراد پرورش یافته، به پیکره جامعه و نفوذ آثار و اشاعه الگوهای پنداری و رفتاری آنان در اجتماع، خود یکی از راههای اصلاح پیکره جامعه در طول زمان است.

براین اساس، ترویج روستایی را می‌توان عملی‌ترین راهبرد نیل به این فرایند تکاملی تلقی کرد. فرایند پرورش فرد روستایی از طریق ترویج بر ۳ رکن استوار است:

تداوم آموزش مؤثر؛

تحکیم اراده خودیاری؛ و

پرورش حس همیاری در افراد هدف برنامه.

این ارکان، درواقع، محور کلیه برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی در این مکتب آموزشی هستند.

ترویج کشاورزی و ترویج روستایی

از اواخر سده ۱۹م که نظام ترویج دانشگاهی در اروپا و امریکا شکل گرفت، ترویج همواره سرآغاز توسعه روستایی تلقی گردید. بدین ترتیب، هدف اساسی ترویج اعم از

ترویج کشاورزی

محیط زیست انسانی، ایجاد و نگهداری و توسعه پوششهای گیاهی در فضاهاى زیست انسانی؛

خدمات اقتصاد خانه، در عرصه فرآوری و نگهداری تولیدات دامی، پرورش طیور خانگی، پرورش زنبور عسل، پرورش کرم ابریشم، تولید گل و گیاه در منزل، تولید سبزیجات در باغچه‌های منزل، و پرورش قارچ خوراکی در منازل روستایی؛ و

اصول دهداری نوین و مدیریت مزرعه، در جهت تأسیس و توسعه و رهبری تشکلهای غیردولتی برای اداره امور روستاها، مشارکت و مدیریت در دهداریها، مدیریت کشاورزی، مدیریت امور مزرعه، دفترداری و حسابداری مزرعه.

مخاطبان یا گروههای هدف نیز به قرار زیر تقسیم‌بندی

خدمات زیربنایی تولید، شامل آبخیزداری، آبخوانداری، حفاظت آب و آبیاری و زهکشی، حفاظت خاک و حاصلخیزی خاک؛

خدمات بهداشتی، بهداشت دام و طیور، دامپزشکی، گیاهپزشکی و بازیافت از ضایعات کشاورزی؛

خدمات عمران روستایی، در زمینه‌های طراحی ابنیه و تأسیسات روستایی، ساخت‌وساز ابنیه روستایی، بهسازی مسکن روستایی، بهسازی بافتهای روستایی، بهسازی محیط زیست روستایی و معماری منظر در روستاها؛

خدمات توسعه صنایع روستایی، از جمله صنایع دستی و سنتی روستایی، صنایع ابزارآلات زراعت و باغبانی، صنایع ساخت ابزارآلات دامپروری، صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات، صنایع تولید مصالح ساختمانی در روستاها و



می‌شود: عامه مردم؛ روستائیان؛ عشایر؛ جوانان؛ سالمندان؛ زنان؛ سربازان؛ معلولین؛ و گروههای ویژه (برای مثال افراد در حال بازپروری) و همچنین، مخاطبان دیگر از قبیل کارگران مهاجر و فصلی کشاورزی و مانند اینها.

ترویج تعاون - گونه

بیلاقات؛

خدمات تعاون روستایی، در حوزه‌هایی چون تشکلهای تعاونی روستایی، بازاریابی محصولات کشاورزی، فرآوری تولیدات روستایی برای عرضه به بازار، خدمات انبارداری و ترابری فرآورده‌های روستایی؛

بهداشت منابع انسانی، تغذیه و سلامت عمومی، حفاظت

ترویج کشاورزی

تحقیقاتی در آموزش و پژوهش و مدیریت علمی فعالیتهای آموزشی ترویج و نقش مردم و تشکلهای مردمی در بهره‌برداری، مبادله اطلاعات و مدیریت و نظارت بر حسن جریان کار، در واقع سهام مازاد آنها در فرایند این فعالیت مشترک و تعاون-گونه است.

کتاب‌شناسی:

- آکسین، جورج. اچ. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده سالکین*، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند. بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، چاپ اول، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «روشهای ترویج و آموزش روستائیان در طرحهای عمران روستایی»، گزارش نهایی پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی، مجری اسماعیل شهبازی، تهران: ناشر نسخه‌های محدود، دفتر تحقیقات معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان‌ماه ۱۳۸۰.
- راجرز، اورت ام. و شومیگر، اف. فلویید. *رسانش نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی*، برگردان عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذرماه ۱۳۶۹.
- زمانی‌پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند: چاپ اول، چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مرجع ترویج کشاورزی*، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون. ائی. (ویراستار). *مشورتهای جهانی در مورد ترویج کشاورزی*. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵، چاپ سوم با اصلاحات ۱۳۸۱ و چاپ چهارم با تجدیدنظر و افزوده‌ها ۱۳۸۴.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سیدابوطالب. *بررسی نظریه‌پردازها در ترویج*. جلد اول: *ترویج و توسعه*، و جلد دوم: *مدیریت، نظامها و عاملان اجرایی*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی.اس. و تامبر، ار.اس. (ویراستاران). *مقدمه‌ای بر آموزش*

بررسی تنوع و گستردگی زمینه‌های تخصصی کار ترویج به روشنی نشان می‌دهد که کار ترویج در میدان عمل نمی‌تواند در یک ظرف سازمانی واحد، و منحصرأ توسط یک تشکیلات اجرایی تحقق یابد. ماهیت کار ترویج یک ماهیت مشارکتی و تعاونی است. بنابراین، نیل به هدفهای تخصصی آن، زمانی مقدور است که ارباب رجوع برنامه‌ها در این فرایند، جداً از کمکها، همکاریها و راهنماییهای کارشناسی و تسهیلاتی و نیز، از مدیریت فنی و ارشادی واحدهای تخصصی ذی‌ربط برخوردار باشند.

در ایالات متحد، دانشکده‌های کشاورزی و وزارت کشاورزی از یکسوی، و تشکلهای مردمی جوامع کشاورزی، انستیتوهای کشاورزان و مطبوعات کشاورزی از سوی دیگر، در یک قالب تعاون‌گونه به گرد هم جمع شدند و رهیافت «ترویج بر مبنای تعاون» را پایه‌گذاری کردند. یعنی ترویج کشاورزی از عضویت ۳ شریک شامل دانشگاهها، دولت، و مردم تشکیل شد. سهام یا آورده این ۳ شریک به صورت آموزش، اعتبار و مشارکت، سرمایه‌های معنوی و مادی لازم برای تشکیل این مؤسسه تعاونی را فراهم کرد.

نه تنها در رابطه با این رهیافت در امریکا، بلکه در رابطه با بیشتر رهیافتهای ترویجی رایج در اغلب کشورهای جهان، نهاد ترویج بدون پیوستگی با ارگانهای تحقیقاتی و آموزشی، نمی‌تواند به‌عنوان یک نظام علمی ترویجی قلمداد گردد.

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت که کار ترویج بر مبنای تعاون و به‌عبارتی، ترویج تعاون-گونه، یعنی آنکه در یک نظام ترویجی چه در برپایی، و چه در اداره امور عمومی (← اداره امور) و تخصصی آن، باید افراد، نهادها، سازمانها و مؤسسات حقیقی و حقوقی مرتبط با آن مشارکت داشته باشند. مصادیق یک نظام ترویجی مبتنی بر تعاون، وجود نظامهای پیوسته تحقیقات و آموزش و ترویج (تات) در بسیاری کشورها، و تشکیلات ترویج کشاورزی در قالب «زمین»- «اعتبار»- «دانشگاه» در ایالات متحد امریکاست.

بدیهی است که نقش دانشگاهها و مراکز و مؤسسات

تصمیم‌سازی

آنچه کارشناسان، مهندسان، حقوقدانان و مدیران در اداره امور جامعه انجام می‌دهند، اساساً کاری از نوع تصمیم‌گیری است. هر تصمیم‌گیری از چند مرحله اصلی تشکیل می‌شود:

توجه به یک موضوع و مشخص کردن آن به‌عنوان یک مسئله؛

قراردادن آن مسئله در دستور کار؛

تبیین هدفها؛

برنامه‌ریزی و طراحی اقدامات عملی؛ و

پیش‌بینی راههای سنجش پیشرفت کار. تصمیمهای کارآمد در حل مسائل ملی، منطقه‌ای و محلی در پیشرفت امور جامعه در سطوح مختلف، از جمله شهر و روستا، نقش اساسی دارد.

تصمیم‌گیرها را به ۲ حوزه فردی و جمعی می‌توان تقسیم کرد. تصمیم‌گیری فردی عموماً از رهگذر رویکردهای اجتماعی - روانشناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و با ۲ دسته متغیر سروکار دارد: نظام انگیزشی (عواطف هدفها، انگیزه‌ها)؛ و نظام ادراکی (ذخیره و پردازش اطلاعات).

تصمیم‌سازی جمعی در حوزه‌های سیاست جریان رایج است. در نظریه‌هایی که به رویکرد تصمیم‌سازی جمعی می‌پردازند، به تحلیل‌های پیچیده‌تر و چندوجهی روی آورده می‌شود. در تصمیم‌گیرهای جمعی با تعامل گروهی از افراد سروکار داریم که خصوصیات و دیدگاههای فردی آنها بر نتیجه‌گیری نهایی تأثیرگذار است، درحالی‌که نتیجه نهایی تصمیم‌گیری چیزی بیش از جمع تصمیم‌گیری فردی افراد است. در تصمیم‌گیرهای جمعی، هیچ فردی به تنهایی صلاحیت اتخاذ تصمیم ندارد و افراد مختلفی که در تصمیم‌گیری شرکت دارند، اغلب درباره هدفها اتفاق نظر ندارند. در این‌گونه تصمیم‌سازها، تخصص تصمیم‌گیران و سازوکار هماهنگ کردن آنها جای مهمی دارد. فرایند تصمیم‌گیری جمعی مراحل چند را دربر می‌گیرد:

ارتباط و اطلاعات. کیفیت عقلانی تصمیم‌گیری مستلزم وجود اطلاعات کافی درباره هدفها، زمینه‌ها و راهبردهاست؛

ترویج. ترجمه سیروس سلمان‌زاده، چاپ اول، اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، دی‌ماه ۱۳۶۷.

- ملک‌محمدی، ایرج. **ترویج کشاورزی و منابع طبیعی.** جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.

- موشر، آرتور. ت. **پیشبرد کشاورزی - لازمه‌های تحول و نوسازی،** ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

اسماعیل شهبازی

تصمیم‌سازی

Decision-making

تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی عبارت است از فرایندی که طی آن یک خط‌مشی، سیاست، فرایند و یا تصمیم اتخاذ می‌گردد. تصمیم‌گیری روندی است که در حوزه‌های مختلف جریان می‌یابد. برهمن اساس، تعریف و دامنه آن می‌تواند متفاوت باشد. برحسب نوع رویکرد، می‌توان ۳ تعریف از تصمیم‌سازی شناسایی کرد:

تصمیم‌سازی فرایندی عقلانی و معرفتی است که طی آن از میان گزینه‌های مختلف مبادرت به یک انتخاب می‌شود. در این تعریف فرض بر آن است که فرد می‌تواند گزینه‌های پیش‌رو را به شیوه‌ای عقلانی رتبه‌بندی کند و از میان آنها بهترین را برگزیند؛

تصمیم‌گیری فرایندی است مربوط به نوعی رفتار در کار انتخاب، صرف‌نظر از اینکه این رفتار اختیاری، از روی عادت و یا خودبه‌خودی باشد. در این تعریف تصمیم‌گیری فرایندی معرفتی محسوب نمی‌شود، بلکه عملی است مربوط به حوزه رفتاری و داخل در دانش رفتاری؛ و

تصمیم‌گیری فرایند انجام یک انتخاب است که مرحله‌ای چون جمع‌آوری اطلاعات درباره گزینه‌ها، سنجش ارزشهای هریک از آنها و صورت‌بندی انتخاب را دربر می‌گیرد. در این تعریف، تمرکز بر تصمیم‌گیری جمعی است و از زاویه رویه و روش به آن توجه می‌شود.

تصمیم‌سازی

فایده، از اصلی با عنوان فایده مورد انتظار سخن بگویم که منطق تصمیم‌گیریها را توجیه می‌کند. اصل فایده مورد انتظار از این نقطه شروع می‌شود که دایره شناخت بشر محدود است و تنها در محدوده توقعات و انتظارات او در ارضای خواسته‌های موجود و متعارف اقدام به اتخاذ تصمیم می‌کند. به این ترتیب، اصل فایده مورد انتظار به یک اصل ذهنی در انتخاب تبدیل می‌شود. در اصل فایده مورد انتظار، وضعیتی در نظر گرفته می‌شود که در آن، با توجه به توزیع احتمالات در دنیای پیچیده، باید برای بیشینه کردن فایده تصمیم‌گیری شود. اصل فایده مورد انتظار همچنین بر این فرض قرار دارد که اشخاص و سازمانها در وضعیتهای پیچیده، در صورت دسترسی به اطلاعات کافی، با تکنیک هدف- وسیله به تصمیم‌گیری می‌پردازند. فرد یا سازمان گزینه‌های مختلفی را که باید انتخاب از میان آنها صورت گیرد، شناسایی می‌کند و پس از سنجش سود و زیانی که از هر یک از آنها ممکن است حاصل شود، دست به انتخاب می‌زند.

در مبحث تصمیم‌سازی به عنوان موضوع مطالعات دانش مدیریت، تمام عوامل مؤثر بر اتخاذ تصمیم، از جمله روابط رسمی و غیررسمی، همکنش‌های تصمیم‌گیران، نقش اشخاص ذی‌مدخل در بیرون از سازمان و مسائل اثرگذار بر تصمیم‌گیرندگان مورد توجه قرار می‌گیرد. گرایشی که با نفوذ دیدگاه رفتارگرایی در علوم اجتماعی و سیاسی رشد کرده، بر مطالعات تصمیم‌سازی در دستگاه‌های عالی اداری و سیاسی تأثیر زیادی برجای گذارده است. پیش از نفوذ گرایش‌های رفتارگرایی، مطالعات مرتبط با تصمیم‌گیری در حوزه سازمان‌های عالی حکومتی، بیشتر بر وجوه حقوقی و سیاسی کار تصمیم‌سازان- یعنی حکومتگران- متمرکز بود. دیدگاه رفتارگرایی در مطالعات اجتماعی و سیاسی مبتنی بر این فرض است که قدرت عبارت است از توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری. بر این اساس، گفته می‌شود که فرایند سیاسی اساساً فرایند تصمیم‌گیری است. بنابراین، با تحقیق در باب عناصر دخیل در اتخاذ تصمیم، مثل شخصیت تصمیم‌گیران، تجربه آنان و مناسبات میان‌سازمانی و برون‌سازمانی آنها، می‌توان فرایند تصمیم‌گیری را مورد

مذاکره و مباحثه. هر تصمیم‌گیری، به طور معمول، به دنبال یک سلسله بحثها و مذاکرات صورت می‌گیرد. این مذاکرات در عین حال متضمن نوعی فراگیری است. در فرایند مذاکره، مسائلی چون اطلاعات، ارتباطات، ائتلافها، تاکتیکها و خصوصیات فردی افراد، سهم قابل ملاحظه‌ای دارد؛

اعمال اختیارات. ممکن است در تصمیم‌گیریها میزان اختیارات شرکت کنندگان یکسان نباشد؛ یعنی، برخی دارای اختیارات بیشتر و برخی دارای اختیارات کمتری باشند. به همین ترتیب، ممکن است برخی توانایی اعمال نفوذ بیشتر و برخی از نفوذ کمتری بهره‌مند باشند؛

هماهنگی. تصمیم‌گیران ممکن است درباره هدفها اختلاف نظر داشته باشند و یا از حیث انگیزه‌ها یکسان باشند، اما به هر حال باید در مورد یک مسئله معین به انتخاب نهایی برسند. انتخاب نهایی بر این سلسله‌ای از ملاحظات مختلف، اعم از نفوذ، تخصص، اقناع‌گری و اعمال اختیارات سلسله مراتبی است.

ابعاد نظری تصمیم‌گیری خود حوزه وسیعی را دربر می‌گیرد؛ در این حوزه تحقیقات زیادی صورت گرفته و نظریه‌های چندی پدید آمده است. صرف‌نظر از این مباحث، می‌توان گفت که بنا به مضمون اغلب این نظریه‌ها، فایده مورد انتظار محور منطق انتخاب را می‌سازد. فایده مورد انتظار تعبیر کامل‌تری از نظریه هزینه- فایده است. تحلیل هزینه- فایده عبارت است از جمع و کسر کردن فایده‌ها و زیانهای احتمالی، که از یک تصمیم حاصل خواهد شد. بدینسان، اتخاذ تصمیمی که بیشترین سود و کمترین زیان را دربرداشته باشد، ارجح خواهد بود. هر نوع تصمیم‌گیری- در وجه کلی- با موازنه کردن سودها و زیانها همراه است، هر چند که این توازن ضمنی باشد. برای سنجش هزینه- فایده ممکن است ملاکهای مختلفی مورد ملاحظه قرار گیرند و کار سنجش شکل پیچیده‌ای به خود گیرد.

بحث هزینه- فایده پرسش ظرفیت عقلانی عمل انسان را مطرح می‌سازد. با توجه به اینکه هم درباره ماهیت عقلانی بودن انتخابهای انسان و هم ملاکهای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد، بهتر است به جای تحلیل هزینه-

تعاون

کنشهای متقابل پیوسته و کنشهای متقابل گسسته. دسته اول، کنشهای متقابلی هستند که در جهتی یگانه به انجام می‌رسند و دسته دوم، یا کنشهای متقابل گسسته، کنشهایی هستند که جهت یگانه‌ای ندارند. همکاری و مانند‌گردی، از انواع کنشهای متقابل پیوسته و سبقت‌جویی و رقابت از انواع کنشهای متقابل گسسته بشمار می‌روند.

تعاون را گاهی مترادف با «همیاری» یعنی همدیگر را یاری دادن و توفیق خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن، آورده‌اند.

تاکنون طبقه‌بندیهای فراوانی از تعاون (همکاری) ارائه شده است که هر یک بر جنبه خاصی از آن تأکید داشته‌اند؛ به سخن دیگر، برخی بر جنبه ماهوی (جوهری)، و برخی دیگر بر جنبه عرضی (ثانویه) تأکید دارند. انواع همکاری عبارتند از:

همکاری ساده و پیچیده؛

همکاری اختیاری (داوطلبانه) و اجباری؛

همکاری مستقیم و غیرمستقیم؛

همکاری غریزی (خودبه‌خودی و ناهوشیارانه)؛

همکاری متعارف (قراردادی، رسمی، پیمانی)؛

همکاری امری یا دستوری (هدایت شده، برانگیخته)؛ و

همکاری آنی (خودانگیخته، خودجوش، واکنشی).

این طبقه‌بندیها اگرچه برخی از صفات عرضی انواع «همکاریها» را روشن می‌سازند، اما هنوز «همکاری» را ماهیتاً طبقه‌بندی نمی‌کنند. به سخن دیگر، طبقه‌بندیهای موجود نشان می‌دهند، اگرچه این صفات در تعیین نوع همکاری اهمیت دارند، اما هر یک از آنها صفات ثانویه انواعی از همکاری هستند و نه صفت ممیزه و ذاتی تنها یک نوع از آن.

همکاری ممکن است درون‌سویه یا برون‌سویه باشد؛ یعنی سود حاصل از همکاری به خود شخص یاری‌دهنده بازگردد و یا به شخص یا اشخاص دیگر. دیگر اینکه همکاری برون‌سویه ممکن است یکسویه باشد یا دوسویه؛ یعنی بلاعوض و بدون انتظار کمک از سوی مقابل باشد و یا کمک معوض و متقابل. علاوه بر این، جهت کنش یاری در همکاری برون‌سویه ممکن است عمودی باشد یا افقی؛

مطالعه تجربی قرار داد. باین‌حال، رفتارگرایان هنوز الگویی را در مطالعه رفتار سازمانی که کم‌وبیش مورد اجماع دانشوران باشد، عرضه نکرده‌اند. به این ترتیب، این حوزه نیز مانند بسیاری از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی، عرصه اختلاف نظر بین پژوهندگان با دیدگاهها و گرایشهای مختلف است.

کتاب‌شناسی:

- گولب، ج. فرهنگ علوم اجتماعی گولد، محمدجواد زاهدی (ویر)، تهران: نشر مازیار، ۱۳۷۶.
- Baron, J. *Thinking and Deciding*. Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۸۸.
- Kuper, A. and Kuper J. (eds) *Encyclopaedia of Social Science*. London: Routledge, ۱۹۹۹.
- Janis, I. and Mann, L. *Decision Making, A Psychological Analysis of Conflict, Choice, and Commitment*. New York: Free Press, ۱۹۷۷.
- Langley, A. "Formal Analysis and Strategic Decision Making", *Omeya*. Vol. ۱۹, ۱۹۹۱.
- Turner, B. "The Future for Risk Research", *Journal of Contingencies and Crisis management*. Vol. ۲, ۱۹۹۴.

کمال پولادی

تعاون

Co-operation

تعاون به معنای با هم کار کردن برای انجام هدفی مشترک است. در فرهنگها، تعاون برابر یکدیگر را یاری کردن، با هم یاری کردن، هم‌پشت شدن، و با هم مددکاری کردن، آمده است.

تعاون نزد دانشمندان علوم اجتماعی به تفاوت تعریف شده است. آنچه که تقریباً مورد قبول همه است، این است که تعاون از کنشهای متقابل پیوسته (پیونددهنده) است. به‌طورکلی، کنشهای متقابل اجتماعی بر ۲ گونه هستند:

تعاونی

عضویت افراد در این نهاد، ارادی و داوطلبانه است و علاوه بر سرمایه‌گذاری افراد، مستلزم قبول مسئولیتهای ناشی از عضویت است؛

اداره این نهاد با شرکتهای تجاری متفاوت است و از قواعد ویژه‌ای، از جمله اداره آن براساس اصول و موازین مردمسالارانه پیروی می‌کند، و

مدافع منافع اقتصادی اعضاست و به ایجاد بنگاهی متفاوت با بنگاههای اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی نظر دارد.

تعاونی دارای ماهیتی قانونی است که مالک و کنترل‌کننده آن اعضای تعاونی هستند و هیچ سهامدار غیرفعالی (به‌جز افرادی که سهم بدون رأی دارند) در آن حضور ندارد. به این ترتیب، در تعاونی نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم، حق اعضا شمرده می‌شود.

عضوپذیری در تعاونی آزاد است؛ به این معنی که هر فردی که به شرایط خاص غیرتبعیض‌آمیز پای‌بند باشد، می‌تواند به آن بپیوندد. تعاونی، برخلاف اتحادیه، در برخی موارد حق بیش از یک رأی را به اعضای خود می‌دهد. باین حال، اغلب تعاونیها بر مبنای اصل سخت‌گیرانه یک عضو، یک رأی اداره می‌شوند. سود اقتصادی حاصل از فعالیت تعاونی به نسبت سهم هریک از اعضا، تقسیم می‌شود.

به‌طور کلی، تعاونیها به ۲ دسته تعاونیهای مصرف و تعاونیهای تولید دسته‌بندی می‌شوند.

تاریخچه تعاونیها

نهضت (جنبش) تعاون از اوایل سده ۱۹م در اروپا ظهور کرد و از آن زمان گسترش فراوانی یافته است. در حال حاضر، در سراسر دنیا حدود ۸۰۰ میلیون نفر عضو تعاونیها هستند و برآوردها حاکی است که تعاونیها حدود ۱۰۰ میلیون شاغل دارند.

اصول تعاونی مصوب اتحادیه بین‌المللی تعاون

کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاون در سی‌ویکمین اجلاس خود که در ۱۹۹۵م در منچستر برگزار گردید، ماهیت سازمانهای تعاونی را با توجه به تعریف، ارزشها و اصول به

یعنی بین افراد هم‌تراز و هم‌پایگاه برقرار شود یا بین ناهم‌ترازان ناهم‌پایگاه. نکته آخر اینکه هدف و منظور و طرز تلقی افراد یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده در نوع همکاری از اهمیت برخوردار است. به عبارت دیگر، هدف یاری‌گیرنده و یاری‌دهنده ممکن است یکسان باشد و یا در نهایت با هم تفاوت داشته باشد.

با اینکه همکاری یا کارکردن با هم، یا کار مشترک را از ویژگیهای اساسی تعاون دانسته‌اند، ولی تعریف تعاون قاعدتاً بر گروه و تشکل ارادی و داوطلبانه افراد تأکید دارد. بنابراین، صرف با هم کارکردن و یا کار مشترک انجام دادن را نمی‌توان، تعاون نامید. ممکن است کارگرانی که با هم کار می‌کنند و حتی اجزای یک محصول را می‌سازند تشکیل یک گروه تعاونی را ندهند، ولی این امکان هست که فعالیت افرادی که با هم کار نمی‌کنند، به دلیل کیفیت همکاری، به صورت تعاونی باشد. بدینسان مفهوم تعاون بالاتر از کار مشترک است.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. ۳-۴, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, ۱۹۷۲.

کاوه معصومی

تعاونی

Co-operative

تعاونی نهادی است برای فعالیتهای رسمی مؤسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاون فعالیت می‌کنند. این واژه اغلب مترادف شرکت تعاونی است. بنابر تعریف سازمان ملل متحد، تعاونی سازمانی است که: دارای شخصیت حقوقی و به منزله یک بنگاه اقتصادی، موظف به رعایت قواعد و مقررات قانونی است. بنابراین، مؤسسه‌ای رسمی بشمار می‌آید؛

تعاونی

شیوه زیر مشخص کرد:

تعریف. تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تأسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت و با مدیریتی مردمی به اجرا درمی آورد.

ارزشها. تعاونیها براساس ارزشهای خودیاری، خودمسئولیتی، دموکراسی، عدالت، انصاف، و همبستگی بنا می گردند و در عرف بنیانگذاران آن، اعضای تعاونی رفتاری منطبق با ارزشهای شرافت، گشاده رویی، مسئولیت اجتماعی و کمک به دیگران دارند.

اصول.

۱. داوطلبانه بودن عضویت و درهای باز؛
۲. نظارت دموکراتیک اعضا؛
۳. مشارکت اقتصادی اعضا؛
۴. خودمختاری و استقلال؛
۵. آموزش و اطلاع رسانی؛
۶. همکاری تعاونیها؛ و
۷. مشارکت در توسعه.

انواع تعاونیها

تعاونی مسکن

سازوکاری قانونی برای مالکیت مسکن که در آن اعضا یا سهام دارند که حقوق برابر آنها در مستغلات تعاونی منعکس است (تعاونی سهم بر از سرمایه)، یا دارای حقوق عضویت و اشغال به نحو غیرانتفاعی هستند (تعاونیهای بدون سهم از سرمایه). اعضا تعهدات خود را برای مسکن از طریق پرداخت حق عضویت و اشتراک یا اجاره ادا می کنند. تعاونی ساختمان نوعی تعاونی مسکن است که منابع را به سوی ساختمان سازی سوق می دهد و معمولاً از نیروی کار خود با نسبت بالایی استفاده می کند. پس از اتمام ساخت، هر عضو مالک منحصربه فرد یک خانه می شود و پس از آن، ممکن است تعاونی منحل گردد.

تعاونی خرده فروشی

این نوع تعاونی سازمانی است که از صرفه جوئیهای ناشی از

تعاونی تسهیلات رفاهی

این نوع تعاونی، مکانی عمومی است که مالک آن متقاضیان هستند و نوعی تعاونی مصرف محسوب می شود. در امریکا تعاونیهای بسیاری از این دست شکل گرفته اند که خدماتی نظیر برق و تلفن را به روستاها ارائه می دهند.

تعاونی کارکنان

تعاونی کارکنان یا تعاونی تولیدکننده، نوعی تعاونی است که مالک و کنترل کننده آن کارکنان آن هستند. در این تعاونیها، مالک مصرف کننده وجود ندارد. عضویت برای کارکنان اجباری نیست، اما اعضا بایستی از کارکنان باشند.

تعاونی اجتماعی

این نوع تعاونیها ۲ دسته هستند: دسته اول، آنهایی که دارای اعضای از استفاده کنندگان از خدمات اجتماعی هستند؛ و دسته دوم، آنهایی که افراد از کار افتاده، بیکار و یا جویای کار را مورد حمایت قرار می دهند. برخی مشخصات تعاونیهای اجتماعی به لحاظ قانونی به قرار زیر است:

هدف عینی آنها، منفعت عمومی اجتماع و یکپارچگی اجتماعی شهروندان است؛

نوع اول تعاونیها خدمات بهداشتی، اجتماعی و آموزشی ارائه می دهند؛

نوع دوم، افرادی را که به دلایل خاص بیکار هستند، به بازار کار پیوند می دهد (از جمله افراد با ناتوانیهای جسمی، معتادان به الکل یا مواد مخدر و نظایر آن).

تعاونی مصرف

تعاونی مصرف نهادی است که مالک آن مصرف کنندگان هستند. کارکنان نیز می توانند در این مجموعه عضو شوند. ژاپن از جمله کشورهایی است که واحدهای توسعه یافته تعاونی مصرف، با ۱۴ میلیون عضو، دارد.

تعاونی در ایران

توزیع آب و آبیاری، انجام عملیات آماده‌سازی زمین (← آماده‌سازی زمین)، کاشت، داشت و برداشت، فراوری و عرضه محصولات کشاورزی، انجام اقدامات پیشگیرانه به منظور حفظ امنیت جانی و مالی ساکنان روستاها، دفاع از قلمرو و حریم آبادی در برابر متعرضین و برگزاری مراسم و آئینهای سور و سوگ، عرصه‌های مختلف بروز همیاریهای سازمان یافته بوده است. در جوامع شهری نیز جلوه‌هایی از همیاری میان اصناف، اهالی محل و پیروان آئینهای گوناگون وجود داشته است.

با اجرای اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام ارباب-رعیتی، انواع همیاریهای تولیدی و اقتصادی متأثر از رخنه مناسبات سرمایه‌داری و تلاش سازمان واحدهای سنتی تولید به سرعت از صحنه حیات روستایی ایران رخت بریست و یا تغییر شکل و کارکرد یافت و به حاشیه رانده شد.

در جامعه شهری نیز از اوایل سده شمس‌ی حاضر، با اقدامات دولتها در جهت نوسازی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی، همیاریهای سنتی به سرعت از روابط اجتماعی-اقتصادی حذف شد، بدون آنکه شهروندمداری مستقر گردد.

تعاونیهای رسمی

تعاونیهای رسمی در ایران پیشینه طولانی ندارند و با وجود دیرپایی نوع سنتی آن، از پیدایش نوع رسمی آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. آغاز تعاون رسمی در ایران را می‌توان از حیث عنوان، موادی در قانون تجارت ۱۳۰۳ش دانست؛ موادی از این قانون به بحث در مورد تعاونیهای تولید و مصرف پرداخته است، اما از لحاظ تشکیل، ثبت و فعالیت رسمی، سال ۱۳۱۴ش سرآغاز فعالیت تعاونیها در ایران است. در این سال، دولت اقدام به تشکیل نخستین شرکت تعاونی روستایی در منطقه داودآباد گرمسار نمود. مبنای تشکیل این شرکت، قانون تجارت ۱۳۱۱ش بود که در چند ماده به بحث در مورد شرکتهای تعاونی می‌پرداخت. از آغاز تشکیل تعاونیها در ایران تا ۱۳۲۰ش، جمعاً ۳ شرکت تعاونی روستایی با عضویت ۱۰۵۰ کشاورز به وجود

تعاونی کشاورزی

این نوع تعاونی در نواحی روستایی مشاهده می‌شود. در امریکا هم تعاونیهای بازاریابی و هم عرضه وجود دارد که در مورد اول، به توزیع محصولات کمک می‌کند و در مورد دوم، نهادهای مورد نیاز کشاورزی را فراهم می‌سازد. در اروپا نیز تعاونیهای کشاورزی قدرتمند و نیز بانکهای تعاونی کشاورزی وجود دارند.

بانکداری تعاونی (واحدهای اعتباری و بانکهای پس‌انداز تعاونی)

اتحادیه‌های اعتباری از نوع تعاونی هستند که در ایالات متحد امریکا و بسیاری کشورهای اروپایی، نوعی بانکداری ریشه‌دار بشمار می‌آیند.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. ۳-۴, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, ۱۹۷۲.

کاهه معصومی

تعاونی در ایران

Co-operative in Iran

اگرچه همیاری در جامعه ایرانی همواره راهکاری برای بقا بوده است، اما تعاونی به مفهوم نوین، پدیده‌ای نو بشمار می‌آید. بسیاری از اقدامات عمرانی در مقیاس محلی در ایران، حاصل انواع همیاریهای خودجوش و گاه سازمان یافته بوده است. تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی، فعالیتهای کشاورزی در چارچوب نظم ارباب-رعیتی، مبتنی بر انواع همیاریهای خودجوش و گاه سازمان یافته جریان داشت که هم ارباب و هم رعایا بر ضرورت آن اتفاق نظر داشتند. ایجاد تأسیسات آبی، فرایند، انتقال و

تعاونی در ایران

هیئت عملیات اقتصادی و عمرانی ایالات متحد در ایران (اصل چهارم). این سازمان نه تنها کمکهای فنی برای پیشرفت نهضت تعاونی ارائه می‌کرد، بلکه به تشکیل تعاونی مصرف کارگری و مصرف شهری و تعاونیهای کشاورزی هم مبادرت می‌ورزید؛ علاوه بر این، حتی به این قبیل شرکتها کمکهای مالی می‌کرد و وسایل در اختیار آنها می‌گذاشت. اداره هیئت عملیات اقتصادی امریکا در ایران در ۱۳۳۰ش، همزمان با قوانین و دستورات تقسیم املاک سلطنتی بین کشاورزان، تشکیل گردید. وظایف اساسی اداره مزبور عبارت بود از:

۱. مطالعه درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی کارگران و به‌خصوص کشاورزان در روستاها؛
 ۲. اقدام به مبادلات علمی و فنی و کارشناسی در رشته‌های مختلف تقسیم اراضی و ترویج کشاورزی مطابق روش نوین کشاورزی به‌منظور بهبود کار و زندگی کشاورزان؛
 ۳. ارائه راهنماییهای علمی و فنی برای تشکیل و اداره شرکتیهای تعاونی تولید، اعتبار و مصرف روستاها؛
 ۴. کمکهای مالی طرفین (ایران و امریکا) در حدود اعتبارات پیش‌بینی شده و موافقت‌نامه‌های تنظیمی برای اجرای برنامه‌های موردنظر؛
 ۵. تهیه و تأمین کارشناسان فنی داخلی و خارجی جهت اجرای برنامه‌های تعاونی بهداشتی و فرهنگی؛ و
 ۶. تأمین عملیات آموزشی و نمایشی در زمینه اصول بین‌المللی شرکتیهای تعاونی (← اصل چهارم در ایران).
- سایر مؤسسات امریکایی، نظیر بنیاد فورد و مؤسسه خاور نزدیک. این سازمانها نه تنها از لحاظ کمکهای فنی اقداماتی انجام می‌دادند، بلکه با راهنمایی کارشناسان ایرانی، بعضی از طبقات مردم را به تشکیل شرکتیهای تعاونی تشویق می‌کردند.
- مؤسسات تعاونی بین‌المللی کشورهای اروپایی که با اعطای بورسهای خارج از کشور و با اعزام کارشناسان تعاونی، کمکهای فنی در اختیار ایران قرار می‌دادند.
- در نخستین کمیسیون تعاون که در سازمان برنامه تشکیل شد، عده‌ای از کارشناسان اصل چهارم و سازمان ملل متحد عضویت داشتند. برنامه‌های تعاونی کشور باید به

آمد. برای گسترش تعاونیها بعد از ۱۳۲۰ش، وزیر کشور وقت مأمور شد تا رأس هیئتی برای تعلیم مأموران و آشنا ساختن مردم با مفهوم قوانین تعاونی، به شهرها و روستاهای دور و نزدیک سفر کند، تا حس مسئولیت جمعی مردم، به‌ویژه طبقات تولیدکننده را برانگیزد. اقداماتی نیز از سوی دولت در این مورد صورت گرفت، از جمله توزیع فراورده‌های کارخانجات دولتی به شرکتیهای تعاونی مصرف واگذار شد. وقوع جنگ جهانی دوم، نه تنها برنامه‌های مزبور، بلکه سایر برنامه‌ها را تحت‌الشعاع قرار داد. بعد از جنگ جهانی دوم، اشاعه تعاونیها با مشخصاتی که پیش از این آمد، از ۲ سو ادامه پیدا کرد:

از یکسو، کسانی که از تعاونیهای ممالک دیگر دارای سوابق ذهنی بودند، برای پاسخگویی به مشکلات بعد از جنگ، اقدام به تشکیل تعدادی تعاونی مصرف در سطح شهرها نمودند؛ و

از سوی دیگر، برخی مؤسسات خارجی در مورد تأسیس و اداره شرکتیهای تعاونی، فعالیتهایی در ایران معمول داشتند که به اختصار معرفی می‌شوند.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ش، از سوی بعضی از کشورها، مخصوصاً امریکا، هیئتهایی برای ارائه کمکهای فنی وارد ایران شدند و در برخی از رشته‌های امور اقتصادی و اجتماعی ایران عملیاتی را شروع کردند. به‌منظور تأسیس و توسعه شرکتیهای تعاونی، برخی مؤسسات کمکهای فنی و مالی می‌کردند که مهم‌ترین آنها به‌شرح زیرند:

مؤسسه‌های وابسته به سازمان ملل متحد، مانند سازمان خواربار جهانی (فائو) و دفتر بین‌المللی کار، که بیشتر به ارائه کمکهای فنی و راهنمایی برای پیشرفت جنبش تعاونی در ایران پرداختند. براین‌اساس، عده‌ای از کارشناسان سازمان ملل متحد در زمینه شرکتیهای تعاونی کشاورزی و شرکتیهای تعاونی مصرف کارگری وارد ایران شدند و در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی که در این رشته فعالیت داشتند، آموزش و راهنماییهای ارائه کردند. علاوه بر این، با تأمین اعتبارات لازم، عده‌ای از کارمندان تحصیل‌کرده وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی برای مطالعه در امور شرکتیهای تعاونی به کشورهای خارج اعزام شدند.

تعاونی در ایران

در ۱۳۵۰ش به وزارت تعاون و امور روستاها ملحق شد، در ۱۳۵۶ش، پس از انحلال آن وزارتخانه، زیر نظارت وزارت بازرگانی درآمد که تا زمان تشکیل وزارت تعاون در ۱۳۷۰ش، به همین صورت ادامه کار داد. به دنبال آن، براساس قانون بخش تعاون مصوب شهریور ۱۳۷۰ش، به وزارت تعاون منضم گردید.

آمار در این خصوص تا ۱۳۵۷ش، یعنی در آستانه انقلاب اسلامی، به شرح زیر بود:

شرکتهای تعاونی. مجموع شرکتهای تعاونی زیر پوشش سازمان مرکزی تعاون کشور، اعم از مصرف، مسکن، اعتبار، توزیعی و خدماتی شهری غیرکارگری، در پایان بهمن ۱۳۵۷ش بالغ بر ۱۳۴۰ واحد بود که اعضای آنها به ۸۰۳،۸۹۳ عضو می‌رسید.

اتحادیه شرکتهای تعاونی. تا پایان بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش، تعداد ۲۰ اتحادیه تعاونی شهری غیرکارگری تأسیس شد که تعاونیهای عضو بالغ بر ۳۶۹ شرکت بود.

سازمان مرکزی تعاون روستایی (تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی)

این سازمان که در ۱۳۴۲ش و به دنبال اصلاح موادی از قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۱ش به وجود آمد، اهداف و وظایف زیر را دنبال می‌کرد:

آموزش اصول تعاون و تربیت کادر سرپرستی برای راهنمایی اعضای شرکتهای تعاونی و مناطق روستایی کشور؛

کمکهای اعتباری به شرکتهای، به منظور افزایش محصولات و درآمد دهقانان و بازاریابی و فروش محصول کشاورزان؛ و ارتباط با شرکتهای تعاونی مصرف و همچنین ایجاد رابطه با سازمانهای بین‌المللی.

این سازمان در سالهای اخیر، زیر نظارت وزارت جهاد کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) قرار گرفت و در پایان بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش مجموعاً ۲،۹۳۹ شرکت تعاونی روستایی، با ۳،۰۱۰،۲۰۲ نفر عضو را تحت پوشش داشت. تعداد اتحادیه‌های شرکتهای تعاونی روستایی در پایان بهمن ۱۳۵۷ش، معادل ۱۵۳ واحد با ۲،۹۲۳ عضو بود. در واقع،

تصویب این کمیسیون می‌رسید. در زمینه اجرای برنامه‌های تعاون، اصل چهار برای اعزام ۵۰ نفر از کارمندان دولت به خارج از کشور و گذراندن دوره‌های تعاونی، قراردادی با دولت ایران منعقد کرد.

تعداد تعاونیهای تشکیل شده (اعم از صندوقهای تعاونی روستایی و تعاونیهای مصرف) تا ۱۳۳۰ش به زحمت به ۱۰۰ شرکت می‌رسید که البته اکثر قریب به اتفاق آنها هم فعالیت مؤثر و چشمگیری نداشتند.

در ۱۳۳۲ش، اولین قانون تعاونی ایران که با الهام گرفتن از قوانین دیگر کشورها تهیه شده بود، به صورت لایحه قانونی به تصویب رسید. در ۱۳۳۴ش لایحه مزبور با اصلاحاتی از تصویب مجلس وقت گذشت و اولین قانون تعاون ایران تصویب شد که مبنای اساس تعاونیهای زیادی به خصوص بعد از ۱۳۴۱ش قرار گرفت.

در ۱۳۴۱ش، براساس تبصره ۲ ماده ۱۶۵ قانون اصلاحات ارضی، کشاورزانی که زمین دریافت می‌کردند، ناچار بودند ابتدا عضویت شرکت تعاونی روستایی را بپذیرند. به این ترتیب، در مدت کوتاهی، بیش از ۸۰۰۰ شرکت تعاونی روستایی تشکیل گردید. این شرکتهای سپس در هم ادغام شدند و حدود ۳۰۰۰ شرکت به وجود آمد. تعاونیهای مصرف و توزیع نیز پس از ۱۳۴۶ش که سال تعاون اعلام شده بود، گسترش کمی قابل توجهی یافتند. در پی آن، سازمانهایی از جمله سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، سازمان مرکزی تعاون کشور، وزارت تعاون و اصلاحات ارضی پدید آمدند. در ۱۳۵۰ش، قانون شرکتهای تعاونی با مطالعه قوانین سایر کشورها، تهیه و به تصویب رسید که موادی از آن هنوز هم مبنای کار تعاونیهای کشور است.

انواع تعاونیها در ایران پیش از انقلاب اسلامی

سازمان مرکزی تعاون کشور (تشکیل شرکتهای تعاونی شهری غیرکارگری)

این سازمان در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۶ش، به منظور تفهیم اصول تعاون و تعمیم آن در سراسر کشور و نیز تهیه قوانین لازم و ایجاد امکانات مناسب برای تعاونیها به وجود آمد و

تعاونی در ایران

همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند با استفاده از شکل تعاونی و تمهیداتی میسر شمرده شده است که نه به تمرکز و تداول ثروت در «دست افراد» و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.

در اصل ۴۴ قانون اساسی به روشنی تصریح شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی صحیح و منظم استوار است. در همین اصل بر محدود شدن فعالیت‌های بخش دولتی در چارچوب معین تأکید شده است و بخش خصوصی را به عنوان مکمل در کنار بخش دولتی و بخش تعاونی قرار داده است.

تأسیس وزارت تعاون در ۱۳۷۰ش از دیگر تلاش‌های پس از انقلاب برای شکوفایی این بخش است. در راستای پاسخگویی به اهداف این وزارتخانه، قانون بخش تعاونی در سیزدهم شهریورماه ۱۳۷۰ش به تصویب رسید. ماده اول بخش تعاونی، اهداف هفتگانه زیر را برای بخش تعاون تعیین کرده است:

ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل؛
قراردادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛
پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)؛

جلوگیری از اینکه دولت کارفرمای مطلق شود؛
قرار گرفتن مدیریت، سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود؛

پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر؛ و
توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم؛
در ماده دو قانون بخش تعاونی آمده است: «شرکتهایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند.»

تمام شرکتهای تعاونی عضو اتحادیه‌های منطقه مربوط به خود بودند.

شرکتهای تعاونی کارگری

تأسیس شرکتهای تعاونی کارگری، اعم از کار و تولید، مصرف، مسکن و اعتبار از ۱۳۴۶ش آغاز شد و تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷ش به ۱,۶۷۳ واحد با ۴۲۳,۸۴۰ نفر عضو رسید.

شرکتهای تعاونی تولیدی روستایی

از اقدامات دیگری که پس از تقسیم اراضی در ایران به منظور یکپارچه کردن اراضی انجام گرفت، تشکیل واحدهای تعاونی تولید بود که قانون آن در ۱۳۴۹ش به تصویب رسید. دولت به منظور بالا بردن میزان عملکرد در واحد سطح و کشت یکپارچه، با حفظ مالکیت فردی زارعان بر قطعات متعلق به خود و نیز پیشبرد برنامه‌های زراعی، استفاده صحیح‌تر از منابع آب و خاک و افزایش درآمد زارعین، تعاونیهای تولید روستایی را ایجاد کرد. تعداد تعاونیهای تولید روستایی تا بهمن ۱۳۵۷ش ۳۹ شرکت بود که تعداد ۲۵۸ قریه و مزرعه با ۱۱,۲۰۰ نفر کشاورز و حدود ۹۹,۵۴۶ هکتار زمین را دربر می‌گرفت.

شرکتهای تعاونی بعد از انقلاب اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷ش) باور عمومی را نسبت به تعاون تغییر داد. این بار تعاون در قانون اساسی، نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای رفع نیاز مشترک، بلکه به عنوان راهی برای توسعه اقتصادی و ارتقاء سطح اشتغال و یکی از ۳ بخش تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی جمهوری اسلامی عرضه شد.

در صدر جهات و دلایلی که تعاون را به عنوان بخش مسلط اقتصاد کشور مطرح می‌سازد، باید به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اشاره نمود (پیوست ۳).

در اصل ۴۳ برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است. تأمین شرایط و امکانات کار برای

تعاونیهای مسکن

این تعاونیها در ۳ حوزه تولیدی، مصرفی و خدماتی مسکن می‌توانند نقش بسیار مهم و اساسی در اشتغال‌زایی و در فرایند تأمین مسکن ارزان‌قیمت ایفا نمایند. تا پایان مهرماه ۱۳۸۳ش، تعداد ۵,۹۱۴ تعاونی با سرمایه ۱,۲۸۷ میلیارد ریال حدود ۱۱۴ هزار شغل ایجاد کرده بودند.

از دیگر تعاونیهای فعال در ایران می‌توان از تعاونیهای معدنی، خدماتی، فرش دستباف، تأمین‌کنندگان نیاز تولید کنندگان، تأمین‌کننده نیاز مصرف‌کننده، تعاونیهای حمل‌ونقل، چندمنظوره و فرا استانی یاد کرد که حجم عمده‌ای از فعالیت اقتصادی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

تعاونیهای زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی

در حال حاضر، سازمان مرکزی تعاون روستایی زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی است که تعداد ۲,۹۳۹ شرکت تعاونی روستایی با ۴,۵۱۵,۸۴۲ نفر عضو و ۴۴۷,۷۹۲,۰۰۳,۸۸۷ ریال سرمایه در قالب آن به فعالیت مشغولند. این سازمان در ایران پیشینه‌ای حدود ۶۰ سال دارد و تعاونیهای روستایی و کشاورزی زیر نظر آن، به‌عنوان تعاونیهای چندمنظوره عام وارد پنجمین دهه حضور و فعالیت خود در روستاهای کشور شده‌اند. تعاونیهای این مجموعه به شرح زیر قابل تقسیمند:

تعاونیهای کشاورزی

به‌منظور پاسخگویی به نیازهای تخصصی کشاورزان، سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران از ۱۳۶۴ش اقدام به تأسیس و توسعه تشکلهای تخصصی تحت عنوان شرکتهای تعاونی کشاورزی کرد و تاکنون تعداد این تعاونیها به ۱,۸۷۳ شرکت با تعداد ۱,۰۴۴,۴۳۴ نفر عضو رسیده است که در زمینه توسعه کشاورزی فعالیت دارند. برای هماهنگی بیشتر بین شرکتهای تعاونی کشاورزی و تأمین نیازمندیهای مشترک آنها، تعداد ۵۵ اتحادیه تعاونی کشاورزی تأسیس شده است. تعاونیهای کشاورزی در زمینه‌های مختلف

در حال حاضر، انواع تعاونیها در کشور به شرح زیر هستند:

تعاونیهای زیر نظر وزارت تعاون

تعاونیهای کشاورزی

تاریخ تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشورها نشان می‌دهد که برای توسعه بخش کشاورزی تعاونیهای کشاورزی و روستایی از مهم‌ترین اهرمها هستند. از جمله در زمینه عمقی کردن کشت، یعنی برداشت بیشتر از واحد سطح، یکپارچه‌سازی اراضی (← یکپارچه‌سازی اراضی)، بهره‌گیری از مزایای حجم زیاد در خریدهای کلی و اقلام گروهی به‌منظور کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و بالاسری، بهره‌گیری از مزایای تلاش جمعی در مراحل کاشت، داشت و برداشت و مبارزه با بیماریها و آفات نباتی می‌توان از تعاونی بهره گرفت. تعاونی همچنین در تأمین منابع لازم برای مراحل آماده‌سازی زمین تا برداشت محصول، از جمله استفاده از نقش اقتصادی سرمایه‌های کوچک، می‌تواند به توسعه روستایی کمک کند. آمارها نشان می‌دهد که تا مهر ۱۳۸۳ش تعداد ۸,۲۳۰ شرکت تعاونی برای ۱۴۷,۳۱۸ نفر ایجاد شغل کرده‌اند. در این آمارها تعاونیهای روستایی و کشاورزی که در حوزه عملکرد و سیاستگذارها و برنامه‌ریزیهای وزارت جهاد کشاورزی است لحاظ نشده است.

تعاونیهای صنعتی

تعاونیهای صنعتی، ضمن اشتغال نیروهای مازاد بخش کشاورزی، امکان اشتغال‌زایی فراهم می‌کند و از مهاجرت بی‌رویه و رشد حاشیه‌نشینی شهری می‌کاهد. تا مهرماه ۱۳۸۳ش حدود ۴,۱۳۳ تعاونی صنعتی در کشور فعال بود که بیش از ۱۰۰ هزار شغل ایجاد کرده بود.

تعاونیهای اعتباری و پس‌انداز

در ایران تا پایان مهرماه ۱۳۸۳ش تعداد ۱,۵۰۰ تعاونی اعتبار تشکیل شده است. این تعاونیها حدود ۴۲۷ میلیارد ریال سرمایه و حدود ۴,۸۰۰ مورد اشتغال‌زایی داشته‌اند.

تعاونی در جهان

تعاونیهای زنان روستایی

باتوجه به اینکه بیش از ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور را زنان روستایی تشکیل می‌دهد و این بخش از جامعه، سهم بسزایی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستایی و کلاً در روند توسعه روستایی دارد، طرح ایجاد تعاونیهای روستایی زنان در ۱۳۷۱ش توسط دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی در وزارت کشاورزی (وزارت جهاد سازندگی) مطرح شد که با توجه به قدمت و تجربه سازمان مرکزی تعاون روستایی در ایجاد و توسعه تعاونیها، تأسیس و هدایت این شکل نیز برعهده این وزارتخانه گذاشته شد. تعداد این تعاونیها تاکنون به ۱۷۰ شرکت رسیده که ۸۰۷ روستای کشور را با تعداد ۳۴ هزار نفر عضو دربر می‌گیرد. ارتقاء سطح زندگی، افزایش تولید و بهره‌وری و ترویج توسعه مشارکتی، فراهم آوردن امکان آموزشهای مورد نیاز روستائیان تحت پوشش از جمله فعالیتهای عمده این تعاونی است.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. ۳-۴, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, ۱۹۷۲.

کاوه معصومی

تعاونی در جهان

Co-operatives in the World

تعاونیها در جهان دامنه وسیعی را دربر می‌گیرند. در اینجا، برخی از تجربه‌های موفق - به اختصار - معرفی می‌شوند:

شبکه تعاونی کوپ (آتلانتیک کانادا)

گروه تعاونی کوپ یکی از بزرگ‌ترین عمده‌فروشان صنایع

تولیدی، فراوری و خدماتی فعالیت می‌کنند. این تعاونیها شامل تعاونی مرغداران، دامداران، گندم‌کاران، باغداران، زیتون‌کاران، بادام‌کاران، زنبورداران، مرتع‌داران، کمباین‌داران، گل و گیاه، زعفران‌کاران، سیب‌زمینی‌کاران، پسته‌کاران، چای‌کاران، نوغان‌داران و سایر تعاونیهاست که فعالیتهای مختلفی را برحسب ضرورت و نیاز جوامع روستایی به عهده گرفته‌اند.

تعاونیهای روستایی

شبکه تعاونیهای روستایی، شامل ۲,۹۴۱ شرکت تعاونی روستایی با تعداد ۴,۵۰۰,۸۶۸ نفر عضو در سطح ۵۶,۲۵۲ روستا و سرمایه‌ای بالغ بر ۴۴۰ میلیارد ریال است. این شرکتها به نوبه خود ۲۵۶ اتحادیه را در سطح شهرستانها تشکیل می‌دهند. این اتحادیه‌ها در ۲۷ اتحادیه استانی متشکل هستند، تعاونیهای روستایی چندمنظوره هستند و به فعالیتهای مختلف خدماتی، تولیدی، بازرگانی و ترویجی می‌پردازند. این فعالیتهای در راستای اهداف و سیاستهای حمایتی دولت در راستای توسعه بخش کشاورزی و حمایت از روستائیان سازماندهی می‌شود. توزیع وامهای معیشتی اعضای تعاونیها، توزیع سوخت روستائیان، توزیع حدود ۶۵٪ کود شیمیایی، توزیع سایر نهاده‌های کشاورزی، نظیر سموم دفع آفات، بذرهای گیاهی، ماشینهای کشاورزی و قطعات یدکی آنها و توزیع کلیه کالاهای کوپنی روستائیان نظیر برنج، روغن نباتی، قندوشکر، آرد و همچنین خرید تضمینی محصولات کشاورزی به میزان قابل توجهی از طریق این تعاونیها صورت می‌پذیرد. علاوه بر این، خرید و فروش محصولات غیرتضمینی و تهیه و تدارک کالاهای مصرفی و مواد غذایی مورد نیاز روستائیان، با وجود بیش از ۱۱,۰۰۰ فروشگاه تعاونی صورت می‌گیرد.

از دیگر فعالیتهای این شبکه، خدمات آموزشی، ترویج و نیز خدمات ماشینی است که از طریق تأسیس و توسعه مراکز ماشینهای کشاورزی انجام می‌شود. سایر خدماتی که این شبکه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و حل‌وفصل اختلافات محلی و کمک و مساعدت به دستگاههای اجرایی محل به آن مبادرت می‌ورزد، قابل توجه است.

تعاونی در جهان

ساختار سازمانی و اقتصادی تعاون شامل ۶ اتحادیه مصرف‌کنندگان در استانها، ۵۵ انجمن مصرف‌کنندگان و مؤسسات تعاونی، ۱۰ اداره تدارکات، ۴ انبار عمده فروش، ۱۸۵ شرکت تجاری و تغذیه عمومی و ۱۴ بازار در مناطق روستایی است.

به منظور توسعه آتی تعاون مصرف‌کنندگان، برنامه اتحادیه مؤسسات تعاونی قرقیزستان به نام *عرصه‌های اصلی/ استراتژیک برای توسعه فعالیت اقتصادی در زمینه تعاون در انطباق با برنامه راهبردی توسعه جمهوری قرقیزستان تا ۲۰۱۰م* طراحی شده است. اهداف این برنامه، تحکیم و تقویت انجمنهای مصرف‌کنندگان و تعاونیها، توسعه شرکتهای صنعتی تبدیلی و تکمیلی و شبکه‌های عمده‌فروشی محصولات کشاورزی است.

شرکت ملی توسعه تعاونی (هند)

در هند شرکت ملی توسعه تعاونی در ۱۹۶۳م زیر نظر وزارت کشاورزی به منظور برنامه‌ریزی و گسترش سرمایه‌گذاری در حوزه تولید، پردازش، بازاریابی، نگهداری، صادرات و واردات تولیدات کشاورزی و مواد غذایی و دیگر محصولات پایه‌گذاری شد. با اصلاحاتی که در قوانین و اساسنامه فعالیت این تعاونی صورت گرفت، توانست فعالیت خود را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بخشهای صنعتی و خدماتی در مناطق روستایی بسط دهد که پروژه‌هایی نظیر حفظ و نگهداری آبها، زهکشی، بیمه محصولات کشاورزی، تأمین اعتبارات کشاورزی، بهداشت روستایی و نیز بهداشت دام و طیور از آن جمله است.

شرکتهای تعاونی (فرانسه)

در سیستم اقتصادی فرانسه شرکتهای تعاونی سهم مهمی از فعالیتهای اقتصادی این کشور را به خود اختصاص داده‌اند و طیف گسترده‌ای از فعالیتهای مختلف اقتصادی و حرفه‌ای، اعم از کشاورزی، صنعتی، صنایع دستی، ماهیگیری، تجارت، آموزشی، مستغلات، خدمات، حمل‌ونقل، مسکن، امور مالی و بانکی، به وسیله تعاونیها صورت می‌گیرد.

غذایی در منطقه خود (حوزه آتلانتیک) بشمار می‌رود. تجارت محوری این گروه بر تولید کالاهای مصرفی، مواد غذایی و کشاورزی متمرکز است. علاوه بر این، تعداد قابل توجهی شرکت فعال در زمینه املاک، مسکن و صنایع نفتی زیرمجموعه آن هستند.

تعاونیهای این مجموعه بر پایه ارزشهایی نظیر خودیاری، مسئولیت‌پذیری، مردمسالاری، برابری، انصاف و همبستگی بنا شده‌اند. در مجموع این تعاونیها به بیش از ۲۰۰,۰۰۰ خانوار خدمت می‌کنند و بیش از ۵۰۰۰ کارمند دارند.

کوپ آتلانتیک به صورت یک شبکه در سراسر کانادا و ایالت کبک، ۱۲۸ تعاونی را در یک اتحادیه متشکل کرده است. این تعاونیها در ایالتهای آلبرتا، نیوبرونسویک، نیوفاندلند و لابرورد، نواکاتیا، جزیره پرنس ادوارد و کبک شبکه گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند.

شرکت تعاونی فونترا (نیوزلند)

این شرکت به دلیل میزان بالای درآمد و سود، تنوع فوق‌العاده محصولات و نیز عملکرد صادراتی قابل ملاحظه، در اتحادیه بین‌المللی تعاون، در زمره تعاونیهای برتر جهان بشمار می‌آید. این گروه تعاونی یک شرکت بزرگ تولیدکننده لبنیات است که در ۲۰۰۱م تشکیل شده است و سهام آن در تملک ۱۱,۶۰۰ دامدار نیوزلندی قرار دارد. فونترا به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده فراورده‌های لبنی جهان، ۹۵٪ از تولیدات خود را صادر می‌کند و زنجیره‌های تولید و عرضه آن در ۱۴۰ کشور جهان کشیده شده است. این مجموعه بیش از ۱۰۰۰ فراورده دارد.

اتحادیه مؤسسات تعاونی (قرقیزستان)

در قرقیزستان اتحادیه تعاونیها شبکه وسیعی را در حوزه فعالیتهای گسترده زیر دربر می‌گیرد. تهیه محصولات کشاورزی؛ تولید کالاهای مصرفی عموم؛ فروش کالاهای صنعتی و خواربار؛ صدور خدمات اجتماعی در روستا.

تعاونی در جهان

مدافع حقوق مصرف‌کنندگان هستند.

بخش مسکن. تعاونی‌های خانه‌های اجتماعی جز تعاونی‌های کوچک، منعطف و متنوعی هستند که ریشه در مناسبات اجتماعی دارند. فدراسیون تعاونی‌های مسکن متشکل از ۱۶۰ شرکت تعاونی است.

ماهگیری و امور دریایی. این تعاونی‌ها شامل ماهگیری، کشتیرانی، پرورش ماهی، فراوری و بازیابی محصولات دریایی و کارهای بندری هستند.

امور حمل و نقل. بیش از ۷۰۰ شرکت حمل و نقل جاده‌ای ۳۰ تعاونی حمل و نقل تشکیل داده‌اند.

تعاونی‌های تولیدی. کارمندان این نوع تعاونی‌ها عمده سهام شرکت را در اختیار دارند و در انتخاب گروه مدیریت دخیل هستند.

تعاونی‌های خدماتی. این تعاونی‌ها کلیه اشکال خدمات از قبیل آموزش، مهندسی، امور مربوط به نظافت، تبلیغات و مانند آن را ارائه می‌دهند.

تعاونی‌های رفاهی (سوئد)

در سوئد، تعاونی‌ها در بخش رفاه جایگاه مهمی دارند. اکنون نزدیک به ۴۵۰۰ تعاونی در بخش رفاهی این کشور فعالیت دارند. این شرکتها حوزه وسیعی از امور رفاهی، شامل تعاونی‌های مهدکودک (که از سوی والدین اداره می‌شود)، مدارس، مراقبت از سالمندان، بیماران عقب‌مانده ذهنی، مراقبت‌های پیش از زایمان، فیزیوتراپی، دندانپزشکی، خدمات، خدمات برای معلولان و دیگر شکل‌های تعاونی اجتماعی را دربر می‌گیرند.

دولت سوئد رویکرد بسیار مثبتی در قبال توسعه تعاونی‌های جدید دارد. پارلمان سوئد در طول ۱۳ سال گذشته اعتباراتی را برای توسعه تعاونی‌ها اختصاص داده است، که عمدتاً برای تأسیس و توسعه تعاونی‌های جدید و امر مشاوره از سوی ۲۴ مرکز توسعه محلی در سراسر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. وزارت صنایع سوئد در دهه ۱۹۸۰م برای توسعه تعاونی‌های کارگری این کشور فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرد. به‌همین ترتیب، تعاونی‌های

باین‌حال، در فرانسه تشکیلات دولتی که به‌طور خاص در ارتباط با تعاونی‌ها فعالیت داشته باشد، وجود ندارد. عمده تعاونی‌های فرانسه با مشارکت افراد و سهامداران خصوصی تأسیس شده و تحت کنترل یا هدایت تشکیلات دولتی خاصی قرار ندارند. البته، تعاونی‌های هر بخش، بسته به نوع فعالیت در انجام امور خود، با وزارتخانه‌های مختلف در ارتباط است.

در فرانسه مجموعه‌ای از تعاونی‌ها که در زمینه خاصی کار می‌کنند، یک فدراسیون یا کنفدراسیون تشکیل می‌دهند. این فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌ها، به‌نوبه خود، در اتحادیه ملی تعاونی‌ها متشکل می‌شوند. تعاونی‌ها یا به‌وسیله مصرف‌کنندگان کالا و خدمات و یا توسط تولیدکنندگان و کارگران خوداشتغال تشکیل می‌شوند که در کل ۴ نوع تعاونی را دربر می‌گیرند:

تعاونی مصرف؛

تعاونی حرفه‌ای؛

تعاونی اعتباری؛ و

تعاونی تولیدی.

بخش کشاورزی. از هر ۱۰ واحد زراعی در فرانسه، ۹ واحد عضو تعاونی است. به‌طورکلی، این تعاونی‌ها هسته اصلی سیاست‌های کشاورزان این کشور را تشکیل می‌دهند.

امور بانکی. شیوه فعالیت‌های بانک‌های تعاونی بر مبنای تمرکززدایی و اداره امور بانک به‌صورت فدرالی است؛ بنابراین، اعضا در مدیریت آن مشارکت دارند. بیش از ۱۲/۵ میلیون نفر از مردم فرانسه در این بانک‌ها عضویت دارند.

فعالیت‌های صنعتی. بیش از ۷۵ هزار حرفه (اعم از ساختمانی، مواد غذایی و خدمات) یا حدود ۹٪ از کل تولیدات بخش صنعت، در قسمت تعاونی‌های صنعتی متمرکز شده است.

تعاونی‌های خرده‌فروشی. فلسفه تعاونی‌های خرده‌فروشی براساس ۲ ایده اصلی استقلال عمل و رابطه بین منابع آنها شکل گرفته است. تعداد کارکنان تعاونی‌های عضو فدراسیون این تعاونی‌ها حدود ۱۰۰ هزار نفر است.

تعاونی‌های مصرف. حدود ۱/۵ میلیون خانوار فرانسوی عضو تعاونی‌های مصرف هستند. این تعاونی‌ها از نهادهای

تعاونی در جهان

گرفت و به صورت تعاونیهای اشتراکی اداره گردید. اما با توجه به تغییر ساختار اقتصادی در این کشور و حرکت از نظام متمرکز دولتی به سوی بخش خصوصی، تعاونیهای کشاورزی به تدریج از اهمیت کمتری برخوردار شدند. اکنون نقش تعاونیهای کشاورزی عمدتاً به تأمین کود و فروش محصولات کشاورزی محدود شده است.

مهم‌ترین ساختار تعاونی در این کشور، تعاونیهای مسکن هستند. در ساختار وزارتخانه‌های سوریه، وزارت تعاون وجود ندارد، اما هر وزارتخانه تعاونی مسکن خاص خود را دارد. فروشگاههای عرضه کالاهای مصرفی از انواع تعاونی مصرف، تابع وزارت خواروبار و تجارت داخلی هستند. این فروشگاهها مایحتاج مصرفی مردم را با نرخهای دولتی عرضه می‌کنند. موفق‌ترین تعاونی در سوریه، تعاونی مسکن است و پس از آن، تعاونیهای کشاورزی جای مهمی دارند.

تانزانیا

دولت تانزانیا بعد از استقلال به بخش تعاونی، به‌عنوان موتور توسعه، توجه خاصی کرد. در اواخر دهه ۱۹۸۰م تانزانیا سیاست آزادسازی اقتصادی را پیش گرفت و سعی کرد، از اتکاء تعاونی به دولت بکاهد و آنها را خوداتکاء سازد. با سیاست توسعه تعاونیها در اواخر دهه ۱۹۹۰م و دهه نخست ۲۰۰۰م، تعاونیها رشد قابل ملاحظه‌ای را پشت سر گذاشتند و تعداد آنها به ۵,۸۳۲ تعاونی افزایش یافت.

کتاب‌شناسی:

- *International Encyclopedia of the Social Science*. Reprint Edition, Vol. ۳-۴, New York & London: MacMillan Company & The Free Press, ۱۹۷۲.

کاوه معصومی

مصرف و کشاورزی در سوئد بسیار فعال هستند. در ۱۹۸۶م یک نظام توسعه ملی تعاون شکل گرفت که از جمله فعالیتهای آن، گسترش تعاونیها در تمام حوزه‌های محلی بود.

فیلیپین

برخلاف تجربیات کشورهای اروپایی و امریکای شمالی، اولین تعاونیها در فیلیپین محصول مجموعه‌ای از اقدامات قانونگذاری بوده است. از ۱۹۱۵-۱۹۲۷م، ۴ قانون در جهت تمرکز سازمانی و تدارک کمک مالی برای توسعه تعاونیهای بازاریابی به تصویب رسیده است. با این حال، این برنامه موفقیت زیادی به همراه نداشته است.

در ۱۹۳۸م سازمان تعاونیهای مستقر در کلیسا، فعالیتهای خود را در چند شهر این کشور آغاز نمود. با توجه به موفقیتهای این سازمان، دولت با اعطای مشوقها و کمکهای مالی و غیرمالی به حمایت و تقویت این تعاونیها پرداخت. در ۱۹۴۸م اقدامات دیگری، نظیر تأسیس دفتر اداره تعاونی، دفتر تأمین اعتبار تعاونی و بازاریابی تعاونی کشاورزی به منظور تقویت بنیان تعاونیها از سوی دولت به انجام رسید. این طرح نیز به‌رغم استقبال مردم، به دلیل ضعف مدیریت به موفقیت نرسید. بعد از مجموعه تحولات سیاسی، سرانجام قانونی در ۱۹۹۰م به تصویب رسید که به کار تعاونیها رونق بخشید. انواع تعاونیها در این کشور عبارتند از: تعاونی اعتبار، تعاونی مصرف، تعاونی تولیدکنندگان، تعاونی بازاریابی، تعاونی خدمات و تعاونی چندمنظوره.

تعاونیهای کشاورزی و مسکن (سوریه)

در اقتصاد سوریه بخش کشاورزی همواره اهمیت زیادی داشته و محصولات کشاورزی بیشترین سهم را در صادرات این کشور تشکیل داده است. به همین دلیل، تا اواخر دهه ۱۹۵۰م مالکان زمین نقش و نفوذ مهمی در اقتصاد و حکومت این کشور داشتند، اما طی نیم قرن گذشته، وضعیت اقتصادی و مالکیت در سوریه تا حدود زیادی زیر تأثیر عوامل سیاسی قرار گرفته است. پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بخشی از اراضی زیر نظر دولت قرار

همجوار خیابانها، مانند پارکهای خطی و آبراهه‌ها، فضاهای جانبی، مانند پاتوقها، نمایشگاهها و میعادگاهها، بر غنای امکانات خیابان برای گذران اوقات فراغت می‌افزایند. بدینسان، طراحی فضاهای شهری و تأمین تجهیزات و تسهیلات موردنیاز شهروندان، محیط مناسبی برای گردش و تفریح مردم در درون خیابانهای شهری به وجود می‌آورد.

پارکها (بوستانها)

بعد از خیابان و فضاهای شهری وابسته به آن، پارکها یا بوستانها، رایج‌ترین فضای تفریحی برای گذران اوقات فراغت گروههای سنی مختلف، از کودکان گرفته تا افراد مسن بشمار می‌روند. پارکها فضاهای سبز متمرکز شهری هستند که چندین کاربرد دارند: گردش، بازی، پیاده‌روی ورزش سبک دسته‌جمعی و انفرادی و نشستن و نظاره کردن رفتار آدمها. پارکها نیز مانند خیابانها، فضای عمومی بشمار می‌روند؛ بنابراین، ورود و خروج و استفاده از فضای آنها برای عموم شهروندان آزاد است و هیچ‌گونه محدودیتی از نظر اجتماعی برای بهره‌برداری از آنها وجود ندارد.

پارکها به صورت سلسله مراتبی در مقیاسهای مختلف در شهرها تأسیس می‌شوند. پارکهای بزرگ در مقیاس پارک شهر و در مقیاس کوچک، مانند پارک محله و پارک کودک طبقه‌بندی می‌شوند. دسته‌ای از پارکها، پارک اختصاصی هستند، مانند پارک سنگی، پارک گل، پارک کوهستانی، پارک گیاه‌شناسی و مانند آن. در برخی شهرها، پارکهای اختصاصی بسیار خوبی ساخته شده است، مانند پارک ساحلی زاینده‌رود اصفهان، پارک موزه سعدآباد تهران که قبلاً کاخ سلطنتی بوده و امروزه به روی مردم گشوده شده است.

پارکها مناسب‌ترین فضاهای عمومی برای ایجاد مراکز ورزشی، تفریحی و تفریحی هستند. در برخی از پارکها، مسیرهای ورزشی، فضاهای بازی، باغهای گیاه‌شناسی، باغ‌وحشهای کوچک، زمین بازی کودکان و شهربازی برای تفریح شهروندان احداث می‌شود. پارکها بزرگ‌ترین فضای پیک‌نیک و گذران اوقات در تعطیلات، به‌خصوص روزهای گرم تابستان و ایام ویژه مانند روز طبیعت (۱۳ فروردین)

تفرجگاه (های) شهری

Urban Recreation Sites

گذران اوقات فراغت، به مجموعه‌ای از امور سرگرم‌کننده گفته می‌شود که شخص به میل و رغبت، در وقت آزاد خود، به آن می‌پردازد. مطالعه برای بالابردن سطح اطلاعات، شرکت در فعالیتهای آزاد اجتماعی و شرکت در فعالیتهای هنری یا سرگرمیهای ورزشی از آن جمله است.

بخشی از اوقات فراغت افراد در منزل سپری می‌شود و با فعالیتهایی نظیر تماشای تلویزیون، مطالعه کتاب و نشریات، گوش دادن به موسیقی، دید و بازدید و یا صحبت و گفتگو با دوستان می‌گذرد. بخش دیگر از اوقات فراغت افراد در فضای بیرون از خانه، در درون شهر و به اشکال مختلف، مانند رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت، پیاده‌روی و یا خرید سپری می‌گردد. بخشی نیز ممکن است در بیرون از شهر و در کوهستان، ساحل دریا، بیلاقها و مانند آن صرف شود. تفرجگاههای درون شهری متنوعند. آنچه جزو فضای شهری به حساب می‌آید، عبارت است از خیابانها، میدانها، پارکها، زمینهای بازی، شهربازی و مانند آن.

خیابانها

مهم‌ترین فضای گذران اوقات فراغت در شهرهای ایران، خیابانهای شهری هستند، که افراد برای گردش، خرید، کسب اطلاعات و ملاقات با افراد دیگر و پرسه‌زدن اوقاتی از روز را در آن می‌گذرانند. برخی برای خرید و دیدن ویتترین مغازه‌ها در خیابانهای مرکزی شهر پیاده‌روی می‌کنند و برخی دیگر در خیابانهای خلوت و پردرخت، برای قدم‌زدن و ورزش سبک قدم می‌زنند. در سواحل دریا و رودخانه‌ها، بلوارهایی وجود دارد که بیش از سایر خیابانها افراد را جذب می‌کنند. زیبایی، راحتی و ایمنی خیابانها، به‌ویژه پیاده‌روی در آنها، شرایط مناسبی برای استفاده از فضاهای تفریحی جانبی عرضه می‌دارند. تجهیز خیابانها به مبلمان شهری در مراکز شهر، همچنین در مراکز گردشگاهی برای تفریح شهروندان، امکانات بهتری در این زمینه فراهم می‌سازد. علاوه بر خیابانها، میدانها، گوشه‌ها و مسیرهای

بشمار می‌روند.

تکامل روانی گروه‌های سنی مطابقت ندارد. گاهی یک پسر بچه بزرگ‌تر مایل به بازی با وسایل کودکان کوچک‌تر است و از نظر مریبان کودک، این نوع بازی حتی مورد علاقه بزرگسالان نیز می‌تواند قرار گیرد. با این حال، برای ایمنی کودکان کوچک‌تر، توصیه می‌شود، برنامه‌ریزان زمینهای ورزشی، زمینهای مختلف را طوری مکانیابی کنند که در داخل یک مجموعه، محل و نوع بازیها به‌طور نسبی از یکدیگر جدا باشند.

شهربازی

در سالهای اخیر که طراحان شهری به زمینهای بازی توجه بیشتری داشته‌اند، وسایل جدیدی جایگزین وسایل قدیمی بازی و پایه‌های اولیه شهربازی به مفهوم امروزی نهاده شده است. از جمله اولین شهربازیها می‌توان به شهربازی جانسون هاوسز در نیویورک اشاره کرد که در سال ۱۹۴۷م پدید آمد. این زمینهای بازی جدید، افزون بر اینکه فعالیتهای تفریحی جدیدی را به میدان آورده‌اند، شرایطی فراهم ساخته‌اند که تمام گروههای سنی از کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد میانسال می‌توانند مشترکاً از این وسایل و ابزار نوین استفاده کنند و اوقات فراغت خود را به تفریح و حتی ماجراجویی بگذرانند. شهرهای بازی مناظر جدیدی را در شهرها پدید آورده‌اند. برجها، گردونه‌های بزرگ که از فاصله‌های دور به چشم می‌خورند و سروصدای شادی و بازی شهروندان، محیط شهری را پر نشاط می‌سازد.

فضاهای بازی

بازی در ساده‌ترین تعریف خود، فعالیتی است که کودکان و نوجوانان برای سرگرمی و تفریح انجام می‌دهند. برخلاف برخی نظریات پیشین که بازی را وسیله‌ای برای صرف انرژی مازاد به حساب می‌آوردند، اکنون عقیده بر این است که بازی وسیله رشد فکری و بدنی است. فردریک فروبل (۱۷۸۲-۱۸۵۲) مبدع کودکستان، معتقد بود: *بازی برای کودکان ابزار یادگیری است.*

کودکان در هر سنی، نیازهای تفریحی متفاوتی دارند. از این رو، زمینهای بازی براساس گروههای سنی کودکان تقسیم‌بندی می‌شوند:

زمین بازی گروه سنی ۱-۳ سالگی. محل دویدن، قدم زدن همراه والدین و بازی با اشیاء و توپ‌بازی؛

زمین بازی گروه سنی ۴-۶ ساله. محل سه‌چرخه‌سواری، اسکیت، دویدن و توپ‌بازی؛

زمین بازی کودکان ۷-۱۱ ساله. محل دوچرخه‌سواری، توپ‌بازی، اسکیت و بازیهای آزاد در زمینهای چمن؛ و

زمین بازی برای نوجوانان ۱۲-۱۵ ساله. محل ژیمناستیک، فوتبال، والیبال و فعالیتهای ماجراجویانه.

تفکیک مشخصات محل بازی گروههای سنی متفاوت لزوماً به مفهوم ایجاد فضاهای بازی مجزا نیست. هر جا که امکان داشته باشد، کودکان و نوجوانان با سنین مختلف، می‌توانند در یک مکان با رعایت جنبه‌های ایمنی، بازی کنند. در بیشتر مواقع، تکامل علاقه به بازیهای گوناگون با



جنگلی، سواحل دریا و کوهستانها.

تفرجگاههای پیرامون شهری نیز با توجه به امکان دسترسی شهروندان و فقدان مراکز تفریحی کافی در شهرها، بسیار مهم و باارزش هستند و اصولاً به علت قرار داشتن در حریم شهرها، در حوزه مدیریت شهرداریها قرار دارند.

تفرجگاهها و چشم‌اندازهای طبیعی پیرامون شهرها را به شیوه زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

چشم‌انداز بکر یا طبیعت ناب. چشم‌اندازهایی که به‌طور کامل از دخالت‌های انسانی در امان و با خودتنظیمی اکوسیستمهای طبیعی پابرجا مانده‌اند. این گونه چشم‌اندازها کمتر در پیرامون شهرها یافت می‌شوند. امروزه، سعی می‌شود که با ایجاد پارکهای اکوتوریستی، برکه‌ها، جنگلها و کوهسارهای پیرامون شهرها را حتی‌المقدور از دخالت انسانها دور نگه دارند؛

چشم‌اندازهای طبیعی. چشم‌اندازهایی هستند که انسان در آنها دخالت کرده، ولی هنوز یکسره دستخوش دخالت انسان نیستند و سیمای طبیعی در آنها جایگاه غالب را دارد، مانند سواحل آزاد دریا، مسیر حرکت طبیعی رودخانه، جنگلها و کوهسارها و بلندیها؛

چشم‌اندازهای مصنوعی. چشم‌اندازهایی هستند که به‌دست انسان پدید آمده‌اند، مانند باغها، مزارع، جنگلهای مصنوعی، پارکهای جنگلی، کمربند سبز پیرامون شهر، پارکهای

این مراکز تفریحی شرایطی فراهم می‌کنند که کودکان و بزرگسالان ساعاتی را با یکدیگر بگذرانند. اغلب گفته می‌شود، بیگانگی میان کودکان و نوجوانان با والدین ناشی از شتاب و سرعت زمانه است. والدین در وضعیتی قرار دارند که فراغت کافی برای صرف وقت با کودکان را ندارند. فضا و امکانات تفریحی مناسب می‌تواند به رفع این کمبود کمک کند. مشارکت والدین در بازی با کودکان و نوجوانان در زمینهای بازی و به‌خصوص در شهرسازی (که علاوه بر وسایل بازی، دارای فضاهای دیگری، مانند سینما، کافه و رستوران نیز هست)، فرصتهای تازه‌ای برای همدلی و مصاحبت، بگو- بخند با فرزندان پیدا می‌کنند و بر رشد جسمی و روانی آنها تأثیر مثبت می‌گذارند.

تفرجگاههای پیرامون شهر

تفرجگاههای شهری برحسب نوع دسترسی، به ۳ گروه تقسیم می‌شوند:

تفرجگاههای درون شهری، مانند پارکها، زمینهای بازی و فضاهای شهری؛

تفرجگاههای پیرامون شهری، مانند باغها، مزارع، جنگلها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سواحل دریا (در ایران به‌خصوص در پایکوههای مجاور شهرها)؛ و

تفرجگاههای برون‌شهری، مانند پارکهای ملی، پارکهای

تقسیمات کشوری

- شهرداریها. جلد دهم، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- سعیدی رضوانی، نوید. *شهرداریها و اوقات فراغت شهروندان*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۳.
- لدرمان، آفرید. *فضای بازی و تفریح*، ترجمه مهندسان مشاور زادبوم، تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مهندسان مشاور زادبوم. *ساماندهی گردشگاههای تهران*. جلد اول، تهران: شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مهندسان مشاور آمایش محیط. *اصول و ضوابط طراحی پارکهای شهری*. تهران: سازمان پارکها و فضای سبز، شهرداری تهران، ۱۳۷۳.
- Marsh, W.M. *Landscape Planning. Environmental Applications*. New York: Wiley, ۲۰۰۵.

احمد سعیدنیا

تقسیمات کشوری

Administrative Divisions

تقسیم کشور به واحدهای کوچک با اندیشه اداره بهتر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور صورت می‌گیرد. تقسیمات کشوری در هر دوره تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه است. سابقه ایجاد تقسیمات کشوری در ایران به دوران باستان بازمی‌گردد. داریوش اول، پس از کسب قدرت و سرکوب شورشها، سرزمینهای وسیعی را به قلمرو امپراتوری هخامنشی افزود. از مهم‌ترین این سرزمینها می‌توان آسیای صغیر، عیلام، بابل، سوریه، فینیقیه و مصر را نام برد. سرزمینهای فتح شده نظامهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلف و از نظر سطح توسعه موقعیت متفاوتی داشتند. از این رو، اداره این قلمرو وسیع بسیار، دشوار و پیچیده بود. در نتیجه، داریوش برای اداره بهتر امپراتوری خویش، اصلاحاتی اداری، پولی و اقتصادی به اجرا درآورد. در پی این اصلاحات، قلمرو گسترده امپراتوری هخامنشی از نظر اداری به چندین قسمت بزرگ تقسیم گردید که به هریک ساتراپ (ساتراپی) گفته می‌شد. ساتراپها وسعت بسیاری داشتند و معمولاً تا حدی بر مرزهای ملی و نژادی دولتهای پیشین منطبق بودند. هرودت نام ۲۰ ساتراپ

ساحلی و پارکهای کوهستانی (← چشم‌انداز جغرافیایی). در بهسازی تفرجگاههای پیرامون شهرها باید بهبود تدریجی وضعیت و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب در بلندمدت مورد توجه قرار گیرد. اهداف بهسازی به‌هیچ‌وجه به ایجاد و توسعه فضاهای سبز محدود نمی‌شود، زیرا بدون مهارکردن و کنترل سایر کاربریهای شهری و صنعتی، نمی‌توان از طبیعت محافظت کرد.

برقراری تعادل اکولوژیک در محیط طبیعی پیرامون شهرها، کاری طبیعت‌گرایانه است و برای تعداد زیادی از شهرها که به حد افراط منابع طبیعی و محیطی خود را از دست داده‌اند، یک ضرورت حیاتی محسوب می‌شود.

منظور از نظم‌دهی به کاربریهای مناطق طبیعی پیرامون شهرها، تنها آرایش و زیباسازی محیط نیست، بلکه شامل شناسایی وضع موجود، تعیین قابلیت‌های مکانی و توان زیست محیطی آنهاست. قلمرو تفرجگاهی از نظر استقرار فعالیت‌های گوناگون، مانند زارعت، صنعت، خدمات، راهها و مانند آن نیز دارای اهمیت است.

فرایندی که در برنامه‌ریزی برای ساماندهی تفرجگاههای پیرامون شهرها باید از آن پیروی شود، عبارت است از:

بررسیهای عمومی و پایه‌ای، شامل مبانی ساماندهی تفرجگاهها و الگوی کلی توسعه منطقه؛

شناخت عمومی منطقه از نظر مشخصات طبیعی، جمعیتی و توسعه شهرنشینی؛

بررسی اقتصادی و اجتماعی در حیطه الگوهای فرهنگی و گردشگری منطقه؛

گروه‌بندی تسهیلات و تجهیزات گردشگاهی، شبکه‌های دسترسی و تسهیلات اقامتی؛

پیش‌بینی تعداد و ترکیب گردشگران؛

بررسی فعالیتهای قابل توسعه در منطقه؛

پیشنهاد برنامه‌های راهبردی برای ساماندهی تفرجگاهها؛ و

طراحی محیطی و طراحی منظر منطقه مورد مطالعه.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی»، کتاب سبز

تقسیمات کشوری

نتیجه جنگهای طولانی، از مهم‌ترین دلایل سقوط امپراتوری ساسانی است. در پی حمله اعراب، نظام سیاسی ایران و به‌دنبال آن بنیادهای اقتصادی، اجتماعی و اداری کشور و در نتیجه، تقسیمات کشوری از هم گسیخت و تقسیمات جدیدی چون ایالات و امیرنشینها شکل گرفت. طی این دوره تا به قدرت رسیدن صفویان، حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقلی در گوشه و کنار ایران بنیان نهاده شد که هرکدام تقسیمات خاص خود را داشتند. حکومت‌های متمرکز صفوی و قاجار نیز تقسیمات کشوری ویژه‌ای ایجاد کردند.

شکل‌گیری تقسیمات کشوری ایران به شیوه امروزی به دوران پس از انقلاب مشروطه باز می‌گردد. در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق، نخستین قانون رسمی تقسیمات کشوری به نام *قانون تشکیل ایالات و دستورالعمل حکام* در ۴۳۲ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. براساس این قانون، ایران به ۴ ایالت آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان و ۱۲ ولایت استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان، همدان، اصفهان، یزد، عراق و خوزستان تقسیم گردید. ۳۱ سال پس از تصویب این قانون، در ۱۶ آبان ۱۳۱۶ش قانون جدید دیگری به نام *قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران* به تصویب مجلس رسید و به‌موجب آن تغییرات عمده‌ای در تقسیمات کشوری اعمال شد. در پی این قانون، واژه استان، به‌عنوان بزرگ‌ترین واحد سیاسی کشور، به‌جای ایالت به کار گرفته شد. این قانون کشور را به ۶ استان (استان شمال‌غرب، استان غرب، استان شمال، استان جنوب، استان مکران و مرکزی) تقسیم کرد؛ واحدهای شهرستان، بخش، دهستان و قصبه تقسیمات فرعی استان محسوب می‌شدند.

تبصره ۲ ماده ۲ این قانون تغییر در تقسیمات کشوری و حدود شهرستانها توسط دولت و تصویب آن به‌وسیله مجلس را مجاز دانست. از این‌رو، ۲ ماه پس از تصویب این قانون، در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۱۶ش *قانون اصلاح تقسیمات کشوری* به تصویب مجلس رسید که بنابر آن، کشور به ۱۰ استان (از شماره ۱-۱۰) و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. از ۱۳۱۶-۱۳۲۵ش تقسیمات کشوری ایران بدون تغییر باقی

امپراتوری هخامنشی را با میزان مالیات و خراج سالانه آنها ذکر کرده است. بدینسان، نخستین تقسیمات کشوری ایران در زمان امپراتوری هخامنشی بنیان نهاده شد. در دوران بعد نیز تقسیمات اداری و سیاسی کشور همچنان ادامه یافت، اما چون شکل‌گیری و نحوه تقسیمات کشوری به قدرت دولت مرکزی و وسعت قلمرو کشور وابسته بود، این تقسیمات در دوره‌های مختلف پیوسته دستخوش تغییر و دگرگونی بودند. اسکندر مقدونی همان تقسیمات کشوری هخامنشیان را به کار گرفت. سلوکیان نیز تقسیمات ساتراپی هخامنشیان را حفظ کردند، هرچند هیپارخی و پارخی واحدهای فرعی و درونی تقسیم‌بندی ساتراپی‌های سلوکی بشمار می‌آیند. در زمان اشکانیان ساختار داخلی شاهنشاهی بسیار متفاوت بود. بخشی از قلمرو، شامل کشورها یا پادشاهیهای کوچک (پارس، الیمائی، ماد آتروپاتن، هیرکانیه، سکستان) بود که به اشکانیان وابسته بودند و به‌وسیله شاهزادگان خاندان شاهی یا وابستگان آنها اداره می‌شدند. تابعیت این پاره کشورهای غیرمستقل، به قدرت حکومت مرکزی اشکانی ارتباط داشت. به‌جز اینها، بقیه قلمرو کشور به چندین ساتراپی تقسیم می‌گردید، هرچند وسعت ساتراپیها نسبت به دوران سلوکی کاهش یافته بود. بنابر اسناد موجود، ساتراپی‌های اشکانی به واحدهای کوچک‌تری به نام هیپارشی و هیپارخی و استاتما (ستاتم) تقسیم می‌شد. در دوران ساسانی، قلمرو کشور از شرق به هند و پنجاب، از غرب به بین‌النهرین، از شمال به قفقاز و آسیای مرکزی و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس گسترش یافت. از این‌رو، کشور به ایالات بسیاری تقسیم شد. در نتیجه اصلاحات مالی، نظامی و اداری خسرو اول (خسرو انوشیروان)، ایران به ۴ کوست (خوربران، نیمروز، خراسان و کپکوه) تقسیم شد. این تقسیم‌بندی شامل کوست خراسان در شرق کشور با ۲۶ استان، کوست خوربران در غرب با ۹ استان، کوست نیمروز در جنوب با ۱۹ استان و کوست کپکوه در شمال با ۱۳ استان بود.

حمله اعراب به ایران در نیمه اول سده ۷م از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی ایران بشمار می‌آید. اختلاف شدید طبقاتی و مذهبی جامعه ساسانی و کاهش قدرت نظامی در

تقسیمات کشوری

می‌شد؛ در دوره ساسانی اداره استانها زیر نظر استاندار بود. اداره شهرها و ده‌ها را نیز به ترتیب شهریگ و دیهیک برعهده داشت.

تعیین رسمی و قانونی مأموران عالی‌رتبه اداره‌کننده واحدهای اداری - سیاسی کشور به شیوه امروزی در قانون مصوب ۱۶ آبان‌ماه ۱۳۱۶ش مشخص گردید. مطابق ماده ۳ این قانون، مقامی سیاسی با عنوان استاندار برای اداره امور استان تعیین گردید. طبق ماده ۴ نیز اداره شهرستان به فرماندار، بخش به بخشدار، دهستان به دهدار و یک یا چند ده به کدخدا واگذار شد که به‌گونه سلسله‌مراتبی زیر نظر استاندار فعالیت می‌کردند. مهم‌ترین وظایف استاندار مطابق ماده ۱۰ این قانون، حفظ سیاست عمومی دولت، توسعه کشاورزی، صنعتی، بهداشتی و ورزشی استان بود. براساس این قانون، استاندار پیشنهادی وزارت داخله (وزارت کشور) با فرمان شاه منصوب می‌گردید. امروزه استانداران به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیئت وزیران و با حکم رئیس‌جمهور به این مقام منصوب می‌شوند. همچنین استانداران با پیشنهاد وزیر کشور، تأیید رئیس‌جمهور و حکم وزیر کشور از سمت خود عزل می‌شود.

استانداران نقش مهمی در توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استانها برعهده دارند. از این رو، وظایف آنان به تدریج افزایش یافته است. به‌گونه‌ای که در مصوبه شورای عالی اداری مبنی بر تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و چگونگی عزل و نصب آنان مصوب ۱۳۷۷/۷/۲۸ش، مسئولیتهای استانداران در ۲۴ ماده به تفصیل بیان شده است. استاندار نماینده عالی دولت در استان بشمار می‌آید و اجرای سیاستهای عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاهها را برعهده دارد. مهم‌ترین وظایف استاندار، مسئولیتهای سیاسی، اداری، قضایی و عمرانی است. وی به‌عنوان مسئول امنیت استان، برای حفظ نظم، امنیت و برنامه‌ریزیهای امنیتی، باید شورای تأمین استان را به‌طور مرتب تشکیل دهد. همچنین برای اجرای بهتر برنامه‌ها و طرحهای مختلف استانی و کارایی بیشتر دستگاههای مرتبط، شورای فنی استان زیر نظر استاندار تشکیل می‌گردد

ماند. در ۱۳۲۶ش واحدی به نام فرمانداری کل به تقسیمات کشوری اضافه شد. در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۹ش مطابق قانون وظایف و اختیارات استانداران، استانها که تا پیش از این به ترتیب استان یکم تا دهم نامیده می‌شدند، با توجه به محدوده تاریخی توسط دولت از نو نامگذاری شدند: استان یکم به گیلان؛ استان دوم به مازندران؛ استان سوم به آذربایجان شرقی؛ استان چهارم به آذربایجان غربی؛ استان پنجم به کرمانشاه؛ استان ششم به خوزستان؛ استان هفتم به فارس؛ استان هشتم به کرمان؛ استان نهم به خراسان و استان دهم به اصفهان تغییر نام دادند. در ۱۳۵۵ش وزارت کشور برای توسعه مناطق مختلف کشور تغییراتی را در تقسیمات اداری - سیاسی کشور اعمال کرد. به دنبال این اصلاحات، واحد فرمانداری کل از ساختار تقسیماتی کشور حذف شد و این‌گونه واحدها به استان تبدیل شدند. براین اساس، کشور به ۲۳ استان و ۱۶۳ شهرستان تقسیم شد. ایران در ۱۳۵۷ش و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۴ استان و ۱۶۳ شهرستان داشت.

تقسیمات کشوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنابر ضرورت، دچار تغییراتی گردید و استانهای جدیدی پدید آمد. براساس آخرین تقسیمات کشوری در آذرماه ۱۳۸۵ش، ایران به ۳۰ استان و ۳۳۶ شهرستان تقسیم شده است.

نحوه اداره واحدهای اداری - سیاسی

با شکل‌گیری تقسیمات کشوری در ایران، اداره واحدهای اداری - سیاسی از سوی حکومت مرکزی به افرادی معین واگذار می‌شد. قدرت و مسئولیت این افراد در دوره‌های مختلف یکسان نبوده است. داریوش هخامنشی افرادی را برای اداره ساتراپیها منصوب می‌کرد که خسترپاوان نام داشتند. خسترپاوان امور کشوری و لشکری ساتراپ را کنترل می‌کرد که از مهم‌ترین وظایف او جمع‌آوری مالیات سالانه، سربازگیری، مسائل قضایی و امنیتی بود. اسکندر مقدونی، پس از سقوط امپراتوری هخامنشی، قدرت نظامی، مالی و پولی ساتراپیها را به‌شدت کاست. این مقام در دوره‌های بعدی به نامهای مختلف خوانده می‌شد: در دوره اشکانی اداره‌کننده ساتراپ، خشاخرایام یا نهودار نامیده

تمرکززدایی

- نبوی، مصطفی. *تمرکز و عدم تمرکز اداری و سیاسی ایران*. تهران، ۱۳۵۶.
- *نشریه عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری*. تهران: وزارت کشور، ۱۳۸۵.
- نیساری، سیروس. *کلیات جغرافیای ایران*. تهران، ۱۳۵۰.
- ودیعی، کاظم. «اداره و تقسیمات کشوری ایران»، *بررسیهای تاریخی*. سال چهارم، ش ۲ و ۳، خرداد- شهریور ۱۳۴۸.
- Cook. *The Persian Empire*. New York, ۱۹۸۳.
- Ghirshman, R. *Iran From The Earliest Time To The Islamic Conquest*. Harmondsworth, ۱۹۵۴.
- Herodotus. *The History of Herodotus*. tr. G. Rawlinson; ed. M. Komroff, New York, ۱۹۴۷.

محمدحسن گنجی و احمد آرین نیا

تمرکززدایی

Decentralization

تمرکززدایی به معنی انتقال هرچه بیشتر اختیارات به واحدها و مقامات محلی است. تمرکززدایی در حوزه‌های مختلفی از اداره امور جامعه به کار می‌رود و برحسب این حوزه‌ها معانی متفاوتی پیدا می‌کند. در حوزه سیاست کلان، تمرکززدایی به معنای انتقال قدرت از حکومت مرکزی به واحدهای محلی و در فعالیتهای اقتصادی، به معنای انتقال فعالیتهای صنعتی و تراکم جمعیت از مناطق مرکزی به مناطق پیرامونی است. تمرکززدایی در برنامه‌ریزی کالبدی، انتقال فعالیتهای صنعتی یا حجم جمعیت فعال از مناطق پرتراکم شهرهای بزرگ به مناطق روستایی و حومه‌های شهری با استفاده از مشوقها یا قاعده‌گذاریهاست. این کار، از جمله، برای برطرف کردن ناهماهنگیهای شدید در میزان توسعه مناطق به انجام می‌رسد. در دهه‌های اخیر، برخی از کشورهای صنعتی برای کاستن از فشار تراکم جمعیت به روشهای تمرکززدایی روی آورده‌اند.

تمرکززدایی در مدیریت کشوری، به مفهوم انتقال قدرت به مقامات منتخب محلی است. در تمرکززدایی

و به این ترتیب، بخشی از اختیارات وزارتخانه‌ها با هدف تسریع در انجام امور مختلف، به استانداران داده شده است. ریاست شورای اداری استان، نظارت بر عملکرد نیروهای نظامی، نظارت بر برنامه‌های رادیو و تلویزیون استانی و انتخابات از دیگر وظایف مهم استانداران است.

بنابر *آئین‌نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۲* ش، روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان عناصر تقسیمات کشوری شمرده می‌شوند. برابر ماده ۲ این آئین‌نامه، روستا مبدأ، پایه و نخستین عنصر تقسیمات کشوری است و مطابق ماده ۴ و ۱۵، دهستان کوچک‌ترین و استان بزرگ‌ترین واحد تقسیمات کشوری است. طبق ماده ۱۲ *قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵* ش، از نظر اداری، دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان، شهرستان تابع استان و استان تابع تشکیلات مرکزی است. در ماده ۱۳ هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و نیز تعیین و تغییر مرکزیت و تغییر نام و نامگذاری واحدهای تقسیمات کشوری به جز استان موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران است. تبدیل روستا به شهر طبق *قانون استفساریه ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۹/۱۱/۳۰* ش، به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران به انجام می‌رسد.

کتاب‌شناسی:

- امیر احمدیان، بهرام. *تقسیمات کشوری*. تهران، ۱۳۸۳.
- داندامایف، محمد. «دولت هخامنشی»، *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، ۱۳۵۹.
- دیاکونوف، م.م. *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۴۴.
- دیاکونوف، م.م. *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران، ۱۳۸۱.
- زرین کوب، عبدالحسین. *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران، ۱۳۶۲.
- کریستین سن، آرتور. *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، ۱۳۵۱.
- *مجموعه قوانین سال ۱۳۱۶*.
- منصور، جهانگیر. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*. تهران، ۱۳۸۴.
- موسی‌زاده، رضا. *حقوق اداری*. تهران، ۱۳۸۳.

تمرکززدایی

انتخاب مدیران محلی نه تنها تجربه‌هایی در بسط حقوق مردم، بلکه درعین حال، شیوه‌ای برای بالا بردن میزان کارآمدی مدیران و جلوگیری از فساد اداری است.

شکلهای تمرکززدایی

تمرکززدایی، صورتها و معانی مختلفی دارد که به شیوه زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

تفویض اختیارات. در این شکل از تمرکززدایی اعمال اقتدار سیاسی در محدوده‌های تعریف شده، به نهادهای محلی که منتخب مردم و در برابر آنها پاسخگو هستند، واگذار می‌شود؛

توزیع اختیارات. این نوع تمرکززدایی وجوه سیاسی و اداری هر دو را دربر می‌گیرد. در این شکل از تمرکززدایی اقتدار سیاسی و اختیارات اداری به صورت سلسله مراتبی در میان ادارات حکومتی و مقامات اداری توزیع می‌شود. بیشترین تمرکززدایی به لحاظ سیاسی و به لحاظ اداری در شکل نظامهای فدرالی، دیده می‌شود. در نظامهای فدرالی واحدهای تشکیل دهنده دولت نه تنها در حوزه اختیارات اداری سهم زیادی دارند، بلکه درعین حال، در حاکمیت سیاسی نیز از سهمی برخوردار هستند؛

نظام نظارتی. در این نظام اختیارات زیادی به مقامات و واحدهای محلی داده می‌شود، اما حکومت مرکزی ناظرانی را به موازات این مقامات محلی تعیین می‌کند که هماهنگی سیاستهای محلی با سیاست ملی را زیر نظر دارند. ناظران مرکزی از حیث سلسله مراتب، همپراز مقامات محلی هستند و نه برتر از آنها؛ و

مأموریت سپاری. در این نظام برخی از امور که به طور مستقیم تحت کنترل مقامات وزارتی حکومت مرکزی نیست، به سازمانهای معینی سپرده می‌شود که در ظاهر خودمختارند، اما پاسخگویی حکومت مرکزی هستند.

تمرکززدایی در مدیریت شهری

بخش عمده تمرکززدایی در مدیریت شهری مربوط به انتقال مسئولیت اداره شهر به واحدهایی می‌شود که منتخب مردم هستند و از جانب مردم نمایندگی دارند؛ بخشی نیز

تلاش می‌شود تا از تجمع و تمرکز قدرت در دست یک حاکم مرکزی جلوگیری شود و به جای آن، قدرت به مقامات محلی که مستقیماً توسط مردم انتخاب شده‌اند، داده شود. تشکیل حکومتهای متمرکز در اروپا از نگرش حزب ژاکوبین و کار سازماندهی ناپلئون در فرانسه الگو گرفت که این الگو، بعدها، مورد نقد قرار گرفت و به تدریج حرکتی در سمت تمرکززدایی آغاز شد.

تمرکززدایی و اصول مردمسالاری

تمرکززدایی، در هر سطح و هر حوزه، همواره با هدف گسترش حیطه دخالت مردم در امور خود و بنابراین، با توسعه مردمسالاری همراه بوده است. در مقابل، تمرکزگرایی قرار دارد که همسو با شیوه‌های اقتدارگرایی در حکومت است. اجتماعات محلی از جمله مناسب‌ترین عرصه‌های حضور مردم برای پیشبرد اصول مردمسالاری (← مردمسالاری) است. باین حال، تمرکززدایی در هر نظام سیاسی، چه جمهوری یا پادشاهی و چه کشور تک‌ساخت یا فدرال، ممکن است صورت پذیرد. آنچه در هریک از این موارد متفاوت است، میزان انتقال اختیارات و شکلهای آن است. در برخی کشورها نظام فدرال، در برخی دیگر منطقه‌بندی و در برخی نیز واگذاری اختیارات به واحدهای پائین دست، از جمله شکلهای تمرکززدایی است. در ایران انتخابی شدن شهرداران، تشکیل شوراهای شهر و افزودن بر اختیارات استانداردها، فرمانداریه‌ها و بخشداریه‌ها می‌تواند حرکتی در جهت کاستن از بار تمرکز و آفتهای آن باشد.

اصل تفکیک قوا در نظام کلان کشوری، انتخابی بودن مقامات محلی، و تفویض اختیارات به سازمانها و نهادهای محلی، از جمله تمهیداتی است در جهت کاستن از تمرکز. گسترش دامنه انتخابی بودن رهبران محلی، از جمله شوراهای و شهردارها و افزایش حیطه اختیارات آنها، از مظاهر با اهمیت تمرکززدایی است. انتخاب مدیران اجرایی محلی توسط شوراهای طی دهه‌های اخیر مورد توجه هرچه بیشتر قرار گرفته است. در ایالات متحد، در بسیاری از امور شهری مردم مشارکت مستقیم دارند؛ از جمله در انتخاب مقامات قضایی، انتظامی و آموزشی و حتی مالیاتی در محل شرکت و نظارت دارند. این گونه مشارکتهای مستقیم در

تمرکزگرایی

- کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- Jones, G. and Jones, S. *The Case for Local Government*, London: Allen and Unwin, ۱۹۸۳.
 - Mehta, Dinesh. *Urban Governance: Lessons from Best Practices In Asia*: UMP- Asia occasional Paper, No. ۴, ۱۹۹۸.
 - Schmidt, Vivien. *Democratizing France: The Political and Administrative History of Decentralization*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, ۱۹۹۰.
 - Smith, B.C. *Decentralization: The Territorial Dimension of the State*. London: Allen and Unwin, ۱۹۸۵.

کمال پولادی

تمرکزگرایی

Centralization

تمرکزگرایی در حوزه مدیریت شهر و روستا به معنای تمرکز هرچه بیشتر اختیارات واحدها در دست مقامات حکومت مرکزی است.

تمرکزگرایی به مفهوم وسیع خود، اصلی در سازماندهی است که در آن تصمیم‌گیری در دست گروهی از مدیران و مقامات فرادست متمرکز است و از این طریق، مدیران و کارمندان پائین‌دست را برای پیشبرد امور سازمان کنترل و هماهنگ می‌کنند. میزان تمرکز یک سازمان به گستره کار و قلمرو فعالیت‌های آن بستگی دارد. شیوه تمرکز از خصوصیات ساختار سلسله مراتبی اختیارات است. در ساختار سلسله مراتبی، فعالیت کل توسط یک نظام مرکزی کنترل و هدایت می‌شود. در معنای محدودتر، تمرکزگرایی در سازمان، در رابطه موجود بین سازمانهای کشوری و سازمانهای محلی نمایان می‌شود. هر کشوری، چه به صورت تک‌مرکزی و چه به صورت فدرال سازماندهی شده باشد، به میزان معینی از تمرکز امور در دست حاکمیت نیازمند است. به این ترتیب، تمرکز ممکن است از نهادی به نهاد دیگر متفاوت باشد، اما در همه نهادها و کشورها نوعی کنترل مرکزی وجود دارد. درجه تمرکز نیز در سازمانهای مختلف

مربوط است به واگذاری مسئولیت از مقامات عالی‌تر به مقامات پائین‌تر. شاخصهای زیر نشانگر چگونگی تمرکززدایی در امور شهری است:

معین کردن گستره تصمیماتی که واحدهای محلی اتخاذ می‌کنند یا واحدهای محلی در آن نمایندگی دارند؛ وجود نظام ارزیابی برای دریافت بازخوردها در مورد چگونگی اجرای وظایف محوله؛ همسازی میان ساختار سلسله مراتبی و چگونگی مأموریت سپاری؛ و

وجود خط‌مشی معین در مورد نحوه توزیع اختیارات سیاسی و اختیارات اداری.

در چگونگی نامتمرکز بودن مدیریت در امور مالیه شهری نیز شاخصهای زیر می‌تواند معیاری برای سنجش باشد:

۱. استقلال منابع مالی شهری؛

۲. توانایی تصمیم‌گیری در مورد استفاده از منابع محلی؛

۳. مشخص بودن منابع بودجه شهر (عوارض، اجاره، قرضه، دارایی)؛

۴. درصد بودجه‌ای که از سطوح ملی برای شهر منظور می‌شود؛ و

۵. حد امکان استفاده از بازار سرمایه بدون تأیید مقامات بالا.

تمرکززدایی در حوزه سیاسی متضمن ملاحظات زیر است:

۱. وجود قوانین مشخص در مورد توزیع اختیارات سیاسی و اداری؛

۲. میزان اختیارات در حوزه تصمیم‌گیری سیاسی؛

۳. نحوه و میزان نظارت نهادهای مرکزی بر نهادهای محلی؛ و

۴. فرایند انتخاب مقامات مدیریتی محلی.

کتاب‌شناسی:

- زیرنظر سیمور مارتین لیست. «تمرکززدایی»، *دائرةالمعارف دموکراسی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای

توانمندسازی

نداشتن قدرت انتخاب که به معنای فقر فرهنگی یا ناآگاهی است.

بدینسان، توانمندسازی دقیقاً به معنای مقابله با وضعیت بی‌قدرتی مردم است. این فرایند در بُعد اقتصادی، بر فقرزدایی دلالت دارد؛ از بُعد سیاسی، به دنبال رهاسازی مردم و خارج ساختن آنان از سلطه قدرتمندان است؛ و بالاخره، از بُعد فرهنگی، به دنبال دستیابی به سازوکارهایی برای افزایش حق انتخاب مردم است.

مفهوم توانمندسازی در کانون مفهوم سازی جدید توسعه- پارادایم تغییر- و تقویت راهبردهای فقرزدایی، به‌ویژه در مناطق روستایی، قرار دارد. گزارش توسعه انسانی اشاره دارد که توسعه باید در اطراف مردم مواج باشد، نه مردم به دور توسعه- و توسعه باید موجب توانمندسازی و تفویض اختیار به افراد و گروهها شود و نه تضعیف آنان.

در برنامه‌های جدید توسعه روستایی که بیش از هر چیز مبتنی بر ۲ اصل توانمندسازی روستائیان و فقرزدایی از روستاهاست، دست‌کم ۳ فرایند سازماندهی مورد توجه قرار دارد که از این قرارند:

سازماندهی اداری و مدیریتی کارگزاران و مسئولان دستگاهها و نهادهای دولتی ذی‌ربط به‌منظور هماهنگ‌سازی و یکپارچه‌سازی اقدامات دولتی در روستاها؛

سازماندهی اقتصادی مردم روستا برای اجرای فعالیتهای درآمدزا از طریق اعطای وامهای کم‌بهره و بدون بهره؛ و سازماندهی اجتماعی مردم روستا به‌منظور برنامه‌ریزی توسعه و نوسازی اجتماعی در سطح محلی و تشریک مساعی برای اجرای پروژه‌های اولویت‌دار.

می‌توان انتظار داشت که این ۳ نوع سازماندهی بتواند با تقویت روح خودیاری، خودتکایی و خودکفایی مالی، مشارکت واقعی مردم را در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های توسعه روستایی تأمین کند و از این طریق، ضمن تقلیل حدود مداخله و تصدی‌گری دولت، هدفهای گسترش اشتغال در روستا، افزایش تولید و ارزش افزوده در اقتصاد روستا و کاهش فقر و بهبود سطح زندگی روستائیان را تأمین کند و از این طریق، زمینه‌آرگانداری نقش روستائیان را در فرایند توسعه روستایی فراهم سازد.

یکسان نیست؛ به‌عنوان نمونه، تمرکز در سازمانهای نظامی و انتظامی بیشتر و در سازمانهای اقتصادی کمتر است.

کتابشناسی:

- زیرنظر سیمور مارتین لیپست. *دایرةالمعارف دموکراسی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- Jones, G. & Jones. S. *The Case for Local Government*. London: Allen and Unwin, ۱۹۸۳.
- Mehta, Dinesh. *Urban Governance: Lessons from Best Practices In Asia*: UMP- Asia occasional Paper, No. ۴, ۱۹۹۸.
- Schmidt, Viven. *Democratizing France: The Political and Administrative History of Decentralization*. Cambridge and New York: Cambridge University Press, ۱۹۹۰.
- Smith, B.C. *Decentralization: The Territorial Dimension of the Sate*. London: Allen and Unwin, ۱۹۸۵.

کمال پولادی

توانمندسازی

Empowerment

توانمندسازی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه و از عناصر اصلی بازنگری در مفهوم آن است. توانمندسازی به معنای ایجاد قدرت قانونی، یا به سخن دیگر، سرمایه‌گذاری به‌منظور تقویت قدرت قانونی، برای تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی است. بی‌قدرتی نه تنها به ایجاد فقر منجر می‌شود، بلکه محصول اصلی و مستقیم آن است؛ جلوه‌های اصلی بی‌قدرتی از این قرارند:

نداشتن قدرت اقتصادی که همان فقر مادی است؛
نداشتن قدرت تصمیم‌گیری که به معنای فقر سیاسی و معنوی است؛ و



دسترسی به نیازهای اساسی از قبیل آموزش، بهداشت، تغذیه و همچنین اشتغال و خودکفایی غذایی؛ اطمینان از اینکه فرایند تولید از طریق بهره‌برداری بیش از حد از ظرفیتهای تولیدی و موجود منابع طبیعی موجب صدمه وارد کردن بر کیفیت محیط زیست نخواهد شد؛ و اطمینان بخشی از اینکه مردم دارای حقوقی به نام حقوق بشر پایه‌ای و آزاد برای مشارکت در فضاهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (توانمندسازی) هستند.

بنابراین، اهداف اولیه توسعه پایدار عبارتند از: پایان بخشی به فقر از طریق توانمندسازی مردم و حفاظت از محیط زیست و همچنین افزایش امکان انتخابهای انسان. شاخصهای توسعه پایدار بر مبنای این رویکرد عبارتند از:

حفاظت از سرمایه‌های طبیعی تجدید شونده، مانند خاک، منابع آب، هوای پاک، جنگلهای قابل بهره‌براری و شیلات، که در واقع به معنی حفظ ظرفیت تجدید شونده منابع طبیعی است؛

حفاظت از ظرفیت خودپالایی محیط زیست برای جذب ضایعات و فاضلابها؛

بهبود کیفی زندگی مردم روستاها از طریق تقویت عوامل تولید، مانند زمین، اعتبارات، فناوری و افزایش شایستگیها برای سازمان‌یابی اجتماعی و سیاسی مردم؛ و

آشکار است که روستائیان به تنهایی قادر به ایفای این نقش مشارکتی به‌نحو مؤثر و فعال نیستند. برای این منظور باید فعالیتهای هدفمندی در زمینه ارائه آموزشهای لازم به آنها، گسترش دامنه آگاهی روستائیان، ظرفیت‌سازی در محیطهای روستایی، تقویت سرمایه اجتماعی و نیز توانمندسازی روستائیان صورت پذیرد.

درواقع، شکست برنامه‌های نوسازی (مدرنیزاسیون) و اقتصادهای نشت به پائین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، درک گسترده‌ای از ناتوانی دولتها برای دخالت موفقیت‌آمیز در عملیاتی کردن توسعه و کاهش فقر، همراه با پیامدهای ناخواسته، از قبیل تخلیه منابع طبیعی و تنزل محیط زیست، به پیدایش رویکرد توسعه پایدار با دلالتهای ویژه آن در زمینه توانمندسازی و حفظ محیط زیست منجر شد.

در این رویکرد تازه، توسعه‌ای که نیازهای فعلی را بدون خدشه وارد آوردن بر توانایی نسلهای آتی برای تأمین نیازها تأمین کند، توسعه پایدار خوانده می‌شود. عدالت و برابری فرصتها به‌عنوان کانون مفهوم توسعه پایدار، بر نابرابری کمتر در توزیع دارائیهها و توانایی و فرصتهای بیشتر برای گروههای محروم‌تر دلالت دارد که به‌طور ضمنی، بازگویی هدفهای توانمندسازی است.

سطوح عملیات در توسعه پایدار دلالت دارد بر: اطمینان بخشی از پیشرفتهای خودپایداری در بهره‌وری و کیفیت زندگی جماعت‌های محلی و جوامع، همراه با

توانمندسازی

نیست و حتی در کشورهای پیشرفته نیز به چشم می‌خورد. تضعیف از طریق سازوکارهایی، همچون تخریب زیست محیطی، تخلیه منابع، تورم بیکاری و دیون به‌طور مداوم ایجاد و بازتولید می‌شود. این سازوکارها در فرسایش شبکه ایمنی و عمیق‌تر شدن شکاف بین گروهها و ملتهای ثروتمند و فقیر حرکت می‌کند. مثلاً درحالی‌که در ۲ یا ۳ دهه گذشته درآمد سرانه در برخی کشورهای درحال توسعه به شدت سقوط کرده است، در کشورهای پیشرفته بر میزان آن به‌صورت جهشی افزوده شده است.

طبق آمارهای بانک جهانی در جنوب صحرای افریقا، درآمد سرانه از ۵۶۰ دلار امریکایی در ۱۹۸۰م به ۴۵۰ دلار در ۱۹۸۸م سقوط کرد. درحالی‌که در همین فاصله زمانی، میانگین درآمد سرانه در کشورهای صنعتی از ۴۰۰۰ دلار به ۱۳,۰۰۰ دلار افزایش یافت.

فرایند تضعیف که بازگویی ناتوان‌سازی است، پدیده‌ای اقتصادی، اکولوژیک، سیاسی و فرهنگی است. این فرایند در کشورهای درحال توسعه با استعمار آغاز شد و بر اثر کوششهای موسوم به مدرنیزاسیون در دوران پسا استعماری (post clonization) تشدید شد. برای مثال، بهبودهایی که در نرخ مرگ‌ومیر مادران و اطفال و انتظار زندگی، بدون پیشرفتی در زمینه افزایش رفاه و فرصتهای بیشتر برای زنان، رخ داده است در بسیاری از مناطق روستایی جهان موجب افزایش انفجاری جمعیت (با نرخ رشد ۲/۵٪ در سال) شد و این افزایش جمعیت با توجه به محدودیت رشد اقتصادی در اقتصادهای جنوبی در اغلب موارد به کاهش درآمد سرانه و به تبع آن به افزایش فقر و نابرابری به‌ویژه در نواحی روستایی منجر شده است.

موارد زیر که در چند دهه اخیر به‌صورت فرایندهای متعارف اقتصاد جهانی درآمده‌اند، تماماً موجب تضعیف و بی‌قدرتی روستائیان، فقرزایی روستاها و عامل محدود کننده توسعه پایدار روستایی بوده است:

رابطه مبادله نامطلوب، مانند دامپینگ محصولات کشاورزی به‌وسیله کشورهای صنعتی برعلیه بازارهای کشورهای درحال توسعه که موجب تنزل صادرات محصولات کشاورزی آنها می‌شود؛

گسترش خدمات اجتماعی در روستاها و افزایش دسترسی به نیازهای اساسی، از قبیل موادغذایی، سرپناه، پوشش و اقدامات بهداشتی که در مجموع مفهوم کیفیت زندگی را محقق می‌سازند؛ و بالاخره، فراهم ساختن شرایط توسعه اقتصادی مستمر در نواحی روستایی (کشاورزی پایدار).

هرگونه پایدارسازی فرایند توسعه در روستاها، بدون پیش فرض گرفتن توانمندسازی و کاهش فقر، نامحتمل است. اجتماعات روستایی در اکثر نقاط جهان و به‌ویژه در جهان سوم، بازتاب دهنده چهره تغلیظ شده و متراکم شده‌ای از بی‌قدرتی و فقر مزمنند و به‌همین لحاظ، توانمندسازی و فقرزدایی از آنها پیش شرط اصلی توسعه پایدار تلقی می‌شود.

رابرت چمبرز (۱۹۸۳م) معتقد است، فقیران روستایی از انزوایشان شناخته می‌شوند؛ طبق استقرار حاشیه‌ای آنها به دور از مراکز تجاری و مراکز بحث و اطلاعات هستند، کمبود پیام از طریق مروجان کشاورزی و جنگلداری و بهداشت دارند، و در بسیاری موارد، کمبود وسیله برای مسافرت. فقیران روستایی آسیب‌پذیری مستمری را تجربه می‌کنند، زیرا آنها فاقد سپر لازم در مقابله با حوادثند. نیازهای کوچک آنها با کاهش مصرف، با معاوضه یا دریافت وام از آشنایان یا تجار محلی تأمین می‌شود. همچنین آنها بی‌قدرتی ناشی از بی‌توجهی قانون، کمبود دسترسی به تسهیلات قانونی، رقابت برای اشتغال و کمبود خدمات را در شرایطی که سرشار از انواع محرومیتهاست، تجربه می‌کنند. مردمی که در همه یا قسمتی از این ویژگیها سهیم هستند، در جوامع محلی و در مجموعه‌ای از زیستبومهای گوناگون زندگی می‌کنند که از جمله آنها می‌توان از زیستبوم دیم یا نیمه‌دیم یا اراضی بایر و حلی آبادها در کشورهای درحال توسعه و محلهای استقرار قربانیان قحطی و جنگ نام برد.

در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم فقر روستایی باید از مفهوم تضعیف (weakness) نام برد که فرایندی فعال است که منجر به دسترسی اندک به انتخابها و استحقاقها می‌شود و البته این پدیده صرفاً محدود به کشورهای درحال توسعه

توانمندسازی

هدایت مناسب مشروعیت و خلاقیت برای رونق بخش خصوصی؛
تحول اقتصادی در جهت خوداتکایی، درونزایی و توسعه انسان مدارانه؛
پیشرفت توسعه اجتماعی از طریق خودیاری، با تأکید عمده بر فرایند تکمیل پروژه‌های خاص؛
ایجاد قابلیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری جمعی و عمل جمعی؛ و
مشارکت عمومی در فعالیتهایی که دارای منافع جمعی است.

همچنین، عناصر و شاخص‌های توانمندسازی در اجتماعات روستایی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:
خوداتکایی محلی و خودمختاری در فرایندهای تصمیم‌سازی در سطح روستا؛
مردمسالاری مشارکتی مستقیم، خاصه در امور انتخابات. این امر به استفاده حداکثر از ظرفیت مردم در به کارگیری خدمات، اطلاعات، تمرین آینده‌نگری، تجربه‌اندوزی و نوآوری، همکاری با دیگران، بهره‌برداری از شرایط جدید و منابع کمک خواهد کرد؛

تدارک فضایی لازم برای تسهیل امور آموزشی و انتقال آگاهی و تجربه و نیز به کارگیری دانش بومی و در کنار آن، دانش علمی و نظری؛

دسترسی به زمین و سایر منابع تولیدی؛
توانایی در به‌دست آوردن غذا و خودکفایی پایدار؛
آموزش برای خانه‌سازی مناسب و تأمین تسهیلات بهداشتی؛

دسترسی به درآمد، دارائیه‌ها و تسهیلات اعتباری و توانایی برای بهره‌مندی از تسهیلات اعتباری؛

دسترسی به دانش و مهارت‌ها برای نگهداری مقادیر ثابت منابع طبیعی و افزایش ظرفیت تحمل محیط زیست؛
دسترسی به فرصت‌های کارآموزی مهارت‌ها و فنون حل مسائل اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به فناوری مناسب و اطلاعات؛ و

مشارکت در فرایندهای تصمیم‌سازی توسط همه مردم و به‌ویژه زنان و جوانان.

حمایت‌گرایی کشورهای صنعتی از طریق تعرفه‌ها و یارانه‌های غیرتعرفه‌ای، مانند سهمیه‌بندی و ممانعت‌های وارداتی برای محصولات کشاورزی؛

تأکید بر تولید برای صادرات که نظام‌های کشاورزی سنتی را متزلزل کرده و بهره‌بردارها معیشتی - پایه را به بنگاه‌های کشاورزی صادرات - پایه تبدیل می‌کند؛

افزایش دیون به‌رغم برنامه تعدیل اقتصادی که موجب تخلیه منابع از طریق بازپرداخت دیون و در نتیجه، مانع از انباشت سرمایه در بخش کشاورزی می‌شود؛

اعمال فشار از جانب مؤسسه‌های مالی بین‌المللی بر دولت‌های کشورهای در حال توسعه که بخش بزرگی از این فشارها مستقیماً به بخش کشاورزی و تولیدکنندگان این بخش منتقل می‌شود؛

وجود نیروهای با بهره‌وری پائین، همراه با سطوح پائین دستمزد در بخش کشاورزی و رشد بیکاری در جامعه روستایی؛

مصادره اراضی کشاورزی (از سوی نیروهای بازار) که به یک جریان همیشگی کشت مهاجرتی نیروی کار کشاورزی به خارج از روستا منجر می‌شود؛

تغییرات سازمان اجتماعی در جهت تضعیف انگیزه‌های تولیدی خانواده و تأثیر آن بر رفتار افراد، به‌ویژه در گروه‌های سنی جوان که دارای آثار تضعیف‌کننده بر مشارکت و سازمان‌یابی اجتماعی نیروهای فعال است؛

کاهش منابع روستایی، آلودگی‌های صنعتی خارج از کنترل و نیز واگرایی روستائیان، به‌ویژه از طریق تشدید فرایند شهرگرایی در روستاها؛ و

تسلط دولت به‌عنوان محرک اصلی در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی در روستاها.

مقابله با پیامدهای تضعیف‌کننده و فقرزایی این قبیل عوامل بازدارنده توسعه پایدار روستایی، مستلزم توانمندسازی روستاها و به تبع آن، افزایش انتخاب‌های کنشگران روستایی برای کسب درآمد و رهایی از تله فقر و محرومیت است. در گفت‌وگو، مفهوم توانمندسازی بازگویی رویکرد توسعه‌ای پائین به بالا و توسعه درون‌زا است. دلالت‌های عملیاتی توانمندسازی از این قرارند:

توانمندسازی

روستایی، استفاده چندانی نکرده‌اند. همچنین این راهبردها مسائل ملی و بین‌المللی را در ارتباط با تأثیرشان بر فرایندهای فقرزدایی روستایی مورد توجه قرار نداده‌اند. علاوه بر آن، این ابتکارات فقیران روستایی را با فرصتهایی برای حل مسائل اساسیشان مهیا نکردند و از طریق آنها، هیچ کوششی برای افزایش ظرفیت حل مسائل فقیران در مقابل گرفتاریهای معمول زندگی روستایی صورت نگرفته است.

توانمندسازی ارتباط بی‌واسطه و مستقیمی با افزایش آگاهیهای اجتماعی دارد. با توجه به تنوع دامنه فعالیت‌های گنشگران روستایی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی - از ارتباط با محیط طبیعی برای تولید و تأمین معیشت گرفته تا انتقال دانش و مهارت‌های زندگی - و از آنجا که توانمندسازی در همه این عرصه‌ها می‌تواند مورد توجه باشد، حسب موضوع، انواع متفاوتی از فعالیت‌های توانمندسازی را می‌توان تشخیص داد که اهم آنها از این قرارند: توانمندسازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، روش‌شناختی و فرهنگی - معنوی.

توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی افراد، جوامع و حتی ملتها به معنی ایجاد قابلیت‌های لازم برای کسب مسئولیت جمعی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، به‌منظور دستیابی به یک زندگی بهتر و مدیر توسعه خود شدن است. در توانمندسازی آموزشی و سیاسی مردم از طریق آموزش‌های مناسب، هوشیاری و آگاهی نقادانه لازم برای کسب مردمسالاری و عدالت اجتماعی را به‌دست می‌آورند و از این طریق، برای پیشبرد سطح رفاه خود در عرصه‌های تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و تصمیم‌گیری مربوط به سرنوشت جامعه، مشارکت می‌کنند.

در توانمندسازی فنی از طریق شناسایی دانش محلی و با استفاده از مهارت‌های کامل شده توسط همکاری‌های بین‌المللی، قابلیت‌های لازم برای حل بحران رشد، محیط زیست و بهزیستی در گنشگران روستایی ایجاد می‌شود. این فرایند شامل نظام فناوری و توسعه است که بهره‌وری نیروی کار را ارتقاء می‌بخشد، ظرفیت کسب درآمد را افزایش می‌دهد و از این طریق، فضای لازم برای بهزیستی

این عناصر توانمندسازی به‌وجود آورنده چیزی است که باید برای تحقق توسعه پایدار روستایی فراهم آید. رویکردهای تفویض اختیار با راهبردهای توانمندسازی و فقرزدایی مرتبط است و از طریق پارادایم‌های اقتصادی و توسعه گسترش می‌یابد. راهبردهای فقرزدایی و توانمندسازی در اغلب موارد (هم در گذشته و هم تا حدود زیادی در حال حاضر) شامل راهبردهای توسعه شهری براساس الگوی نوسازی (مدرنیزاسیون) و پارادایم‌های نشت به پائین بوده است. البته، به این امور در سطح توسعه روستایی تاکنون توجه چندانی نشده است و در واقع، نخستین گام برای نهادهای توسعه پایدار روستایی و کشاورزی، کوشش برای ترویج و گسترش این فرایندها در اجتماعات روستایی است. لازم به یادآوری است که تاکنون در سطح توسعه روستایی ۳ ابتکار برای توانمندسازی و فقرزدایی آزمون شده است که عمدتاً فاقد موفقیت بوده‌اند. این ۳ ابتکار عبارتند از:

راهبرد/ ایجاد قطب رشد که موجب تمرکز صنایع در شهرهای منتخب برای ایجاد فرایندی پویا در رشد اقتصادی و جذب جمعیت مازاد روستایی به این قطب‌های ایجاد اشتغال بوده است؛

راهبرد/ اسکان مجدد که خصوصاً در برخی نقاط جهان، از جمله در پنانگ تنگارا در مالزی؛ قسمتهایی از آمازون در محدوده کشورهای پرو، اکوادور و برزیل؛ و در منطقه‌ای از کانادا به کار گرفته شده است. الگوی اوجمای تانزانیا را نیز می‌توان از زمره این راهبرد محسوب کرد؛ و

راهبرد توسعه جامع روستایی نوعی ابتکار توسعه‌ای چند کارکردی و چندبخشی همراه با رویکرد همگرایی است. این رویکرد انسجامی پاسخی به سلسله مسائل وسیعی بوده است که در ارتباط با خدمات آموزشی و بهداشتی و نیز ترویج کشاورزی و نیازهای فنی روستاها مطرحند.

این راهبردها از حیث اهداف توانمندسازی فقیران و فقرزدایی از روستاها، حتی اگر شکست نخورده باشند دست‌کم می‌توان گفت که موفقیت چندانی هم نداشته‌اند، زیرا فاقد فرایندهای لازم برای یادگیری از فقیران درباره نیازها و آرزوهایشان بوده‌اند و از دانش موجود در جامعه

توانمندسازی

به‌ویژه فقیران برای نگاه نقادانه به جهان روستایی و شکستن فرهنگ سکوت و تحت کنترل درآوردن روشهای تحقق خود است.

توانمندسازی در رویکرد عملیاتی به معنای ظرفیت‌سازی در بین روستائیان برای ایفای نقش مؤثرتر در فرایند توسعه پایدار روستایی است. ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) خود به معنای ایجاد قابلیت سازگاری و واکنش مناسب در برابر فرایند تغییرات مستمر است. وجه عمومی مفهوم ظرفیت‌سازی در بین کارگزاران توسعه، اغلب به کاهش نقش دولت در ارتباط با رواج نظام اقتصادی نئولیبرالی در سالهای ۱۹۹۰م به بعد مربوط می‌شود. پس از اعمال فشار از سوی نهادهای بین‌المللی برای اجرای جهانی سیاستهای بازسازی در کشورهای درحال توسعه، به سازمانهای غیردولتی به‌عنوان میانجی آژانسهای اعطاکننده کمک و گروههای هدف در جوامع محلی، نقش فعالی واگذار شد. سازمانهای غیردولتی طی این فعالیتهای دریافته‌اند که رویکرد ظرفیت‌سازی موجب تحقق هدفهای توسعه می‌شود، اما موفقیت در آن مستلزم همدلی و همراهی مردم روستاست که به‌نوبه خود، نیازمند ارائه آموزشهای لازم در این زمینه است. در ادبیات توسعه، ظرفیت‌سازی مفهوم بالنبه جدیدی محسوب می‌شود و به‌همین لحاظ نظیر دیگر مفاهیم این حوزه، همچون پایداری، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی و مشارکت، اتفاق نظر چندانی درخصوص معنای دقیق و دلالتهای روشن آن وجود ندارد.

ظرفیت‌سازی رویکردی توسعه‌ای است و تمام بخشهایی را که بر فضای توسعه تسلط دارند، دربر می‌گیرد. این تعریف عمده‌تاً دستورالعملی ضمنی و چارچوبی برای گروهها و اشخاص فعال در فرایند توسعه را روشن می‌سازد و در آن، به ترکیب و تنوع شرایط کار کردن واقعی در جوامع روستایی کشورهای درحال توسعه عمیقاً توجه می‌شود.

اولین نکته مهم در این رویکرد، ماهیت پیوستگی و درازمدت بودن فرایند است. ظرفیت‌سازی عمده‌تاً براساس برنامه‌های درازمدت قابل تحقق است، نه در قالب

انسان را مهیا می‌سازد و اثرات منفی زیست محیطی را کاهش می‌دهد.

در توانمندسازی فرهنگی و معنوی، فرض پایه این است که آگاهی و معنویت، پایه‌های یک زیست انسانی و شالوده سلامتی پایدار جوامع انسانی است. در سالهای اخیر فرهنگ و معنویت به‌مثابه بنیاد تغییر در جهت توسعه پایدار مورد نظر بسیاری از محققان و عملگرایان زیست محیطی و توسعه قرار گرفته است. شفافیت فرهنگ و معنویت در گفتمانهای توسعه، با چارچوب تحلیلی توسعه پایدار انطباق دارد و برخاسته از نارضایتی همراه با محدودیتهای کامل دنیوی و اقتصادی، محیط زیستی و رویکردهای مربوط به توسعه‌های تکرارشیته‌ای و نویدبخش نگاه جامع‌تری به موضوعات آگاهی، معنویت و اخلاق در راستای هدفهای توسعه و برای دستیابی به یک زندگی انسانی‌تر و هدفمندتر است.

این توانمندسازیها امکان ایجاد برابری بین نسلی و نیز به حداقل رسیدن مسائل زنان، جوانان و گروههای آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی را در جامعه روستایی نوید می‌دهد و انتظار می‌رود، با توجه به شرایط خاص جوامع روستایی در کشورهای جهان سوم، سازمانهای غیردولتی در تحقق آن نقش تعیین‌کننده و کارسازی را برعهده گیرند.

رویکردهای متفاوتی را در زمینه توانمندسازی کنشگران روستایی می‌توان تشخیص داد. این رویکردها عمده‌تاً در حوزه‌های توسعه اجتماعی، کشاورزی، آموزشی، بهداشت، جنسیت و توسعه مورد توجه است.

طرفداران رویکردهای تفویض اختیار برای کنشگران روستایی بیش از هر چیز به روشهای ارزیابی و تحقیق، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشهایی برای درک جنسیت و عمل برای ارتقاء معیشت فقیران توجه دارند. امروزه، این رویکردها دیگر حالت انتزاعی نداشته و در آنها بر اهمیت حقیقت‌یابی، آموزش و ارزشیابی توسط روستائیان، به‌عنوان دست‌اندرکاران فرایندهای توسعه، برنامه‌ریزی و عمل، تأکید گذاشته می‌شود. تقریباً تمام این رویکردها عمده‌تاً تحت تأثیر آراء و نوشته‌های پاولوفره است که نظریه اکثریت خاموش او در جستجوی قادرسازی روستائیان و

توانمندسازی

پرورش ابزاری برای یادگیری با هدف دستیابی به زندگی بهتر است. هدف از آموزش و پرورش قادر ساختن مردم به سازگارسازی خود با تغییرات و بهره‌گیری از این تغییرات برای رفاه بیشتر و بهزیستی است. با استفاده از آموزش و پرورش می‌توان منابع انسانی را به عامل عمده و ایفاگر نقش کارآمد در فرایند توسعه مناطق روستایی تبدیل کرد.

دسترسی به اطلاعات کامل، کلید دیگری در فرایند توسعه روستایی پایدار است. همان‌گونه که آید متذکر می‌شود، اطلاعات در مشارکت و تواناسازی نقش حیاتی ایفا می‌کند. در مرحله جهانی شدن و اقتصاد جهانی، فرایند ظرفیت‌سازی بدون اطلاعات قابل تحقق نیست. دسترسی به اطلاعات به منظور استفاده از فرصت‌ها در فرایند تغییر، برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی تحت سیطره اقتصاد جهانی ضروری است. در نتیجه، ایجاد دانش و اطلاعات و بهره‌گیری از آنها در آینده اجتماعات روستایی در شرایط جهانی سازی نقش حیاتی و مهمی ایفا می‌کند. امروزه دیگر کسی تردیدی ندارد که بین قدرت و اطلاعات ارتباط مستقیمی وجود دارد. بخش عمده‌ای از فرایند تواناسازی مردم مناطق روستایی به دسترسی آنها به اطلاعات وابسته است. همچنین، همان‌گونه که فرناندو (۱۹۹۵م) بیان می‌کند، عکس‌العمل انفعالی مردم مناطق روستایی در مقابل نیروهای خارجی، به دلیل کمبود اطلاعات درباره آن نیروهاست. از نظر فرناندو، دسترسی به اطلاعات مناسب پیش‌شرط مشارکت مردم در توسعه آینده است. به‌طور کلی، به موازات اینکه مردم اطلاعات بیشتری درباره منابع، سازوکارها و اصلاحات جهانی به دست می‌آورند، قابلیت و شایستگی آنها در انطباق و سازگاری با تغییرات بیشتر می‌شود.

قسمتی از اطلاعاتی که مردم مناطق روستایی می‌توانند برای بازسازی جوامع خود به کار برند، از دانش بومی (← دانش بومی) و سنتی آنها سرچشمه می‌گیرد. به کارگیری دانش بومی و محلی، ظرفیت مردم مناطق روستایی و سازمانهای آنها را تقویت می‌کند. تا اواخر دهه ۱۹۷۰م، کارگزاران توسعه به ارزشهای سنتی مردم، دانش بومی و استنباطهای آنها از جهان پیرامون توجه کافی

پروژه‌های کوتاه‌مدت. نکته مهم دیگر مجموعه شرایط هریک از جوامع روستایی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی باید از طریق فنونی نظیر تحلیل موقعیتی، تحلیل جنسیتی و ارزیابی مشارکتی روستایی صورت پذیرد، تا در مدتی کوتاه‌تر، شناخت عمقی‌تر و کارآمدتری را از محیطهای روستایی معین به دست دهد. نکته دیگر تنوع دست‌اندرکاران در زمینه توسعه جوامع روستایی است. این نکته تعدادی پرسش اساسی را مطرح می‌کند از جمله اینکه: چگونه می‌توان درک مشترک و منظر عمومی همسانی را در بین دست‌اندرکاران متنوع توسعه روستایی ایجاد کرد؟ بر شکاف موجود میان مردم ثروتمند و فقیر روستا، شکاف میان دولت و سازمانهای غیردولتی چگونه می‌توان فائق آمد؟ در جایی که فقیران و آسیب‌پذیران فاقد هرگونه توانایی اساسی برای قوی‌تر شدن، برای ظرفیت‌سازی در بین آنان چه می‌توان کرد؟ این سئوالات ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران درون سیستم نیز شامل فرایند ظرفیت‌سازی شوند.

در رویکرد ظرفیت‌سازی عوامل متعددی باید مورد توجه قرار گیرند. از بین این عوامل تمرکززدایی قدرت، تدارک اطلاعات مرتبط، بسیج منابع از طریق مشارکت مردم، آموزش و پرورش و استفاده از دانش اهمیت بیشتری دارند. این عوامل نقش حساسی در ایجاد توسعه پایدار به‌عنوان یک واقعیت ایفا می‌کنند. لازم به یادآوری است که با توجه به ارتباط سیستمی این عوامل، کمبود هریک از آنها، عوامل دیگر را تضعیف کرده و در نتیجه فرایند پایداری را مغشوش می‌کند.

سیاری بر این باورند که ساخت نیروی انسانی باید بر سایر عناصر ظرفیت‌سازی تقدم داشته باشد و این مناسب‌ترین راه برای اجتناب از اتلاف وقت و انرژی است. آموزش و پرورش دارای حساس‌ترین نقش در فرایند توسعه است، زیرا استانداردهای زیستی مردم به دانش آنها وابستگی دارد. یادگیری فرایندی کلی است که طی آن مردم از اطلاعات بهره می‌گیرند، تا استانداردهای زندگیشان را بهبود بخشند. مردم آموزش‌ندیده دسترسی کمتری به ایده‌های جدید، فناوریها و اطلاعات دارند. آموزش و

توانمندسازی

تصمیم‌سازی مداخله خواهد کرد. نقش و برهمکنش عناصر ظرفیت‌سازی، بازگویی آنند که ظرفیت‌سازی فرایندی برای تأمین نیازهای اولیه یک سازمان است. در فرایند سازمان‌یابی، مردم مناطق روستایی می‌توانند با دانش خود مشارکت نموده و منابع خود را بسیج کنند و بر جامعه خود کنترل بیشتری داشته باشند. این ارتباطات بازگویی آن است که چگونه تمام عناصری که در فرایند ظرفیت‌سازی تأثیر دارند، به‌صورتی یکپارچه و سیستمی با یکدیگر ارتباط کارکردی دارند. به این اعتبار، ضعف هر یک از این عناصر، بر هر قسمت از مدار عناصر سیستم تأثیر مخربی باقی خواهد گذاشت و فرایند توسعه و سازگاری را با مشکلات جدی روبرو خواهد ساخت.

موانع توانمندسازی

هدف توانمندسازی، بهبود قابلیت‌های رویارویی مردم با شرایط نوظهور، ناشناخته و نامعمول محیط اجتماعی و افزایش توانایی آنها برای تعیین ارزشها و اولویتهای مرتبط با بهبود شرایط زندگی است. البته، همان‌گونه که ادی تأکید می‌کند، تقویت تواناییهای مردم روستا در خلاء اتفاق نمی‌افتد. هر نوع کوشش در زمینه توانمندسازی با محدودیتهای مربوط به عناصر فردی، عناصر مرتبط با زندگی اجتماعی و عناصر فیزیکی مربوط به محیط زیست روبروست و برای مقابله با این محدودیتها باید کل فرایند ابتکارات را مورد توجه قرار داد. براین اساس، محدودیتهای توانمندسازی را می‌توان در زیربخشهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی مورد بحث قرار داد.

هر جامعه‌ای دارای ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منحصر به‌خود است که بر نهادها، فرایندهای سیاسی، ساختار اقتصادی و چالشهای اجتماعی سیطره دارد؛ در مقابل تغییرات منتظر یا نامنتظر مقاومت می‌کند و به رویدادهای جدیدی که به نفع یا به زیان آنهاست پاسخ می‌دهد. اجتماعات روستایی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مردم روستایی، نظامهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگ و نگرشهای خود را در چارچوب محیط کار و زندگی و در فضای گُش مختص به خودشان اجتماعی می‌کنند و برای

نداشتن آنها، این واقعیت را نادیده می‌گرفتند که بهترین راه حل برای مقابله با موانع توسعه، از تلفیق دانش جدید و سنتی به‌دست می‌آید. اخیراً، بسیاری از صاحب‌نظران استفاده از دانش بومی را دست‌کم به‌عنوان مکمل راه حل خارجی در برخورد با مسائل محلی مورد تأکید قرار داده‌اند. آنان استدلال می‌کنند که دانش بومی و تجربی که طی قرن‌ها توسعه‌یافته و پایدار مانده، در حل مسائل روزمره، به‌ویژه در جامعه روستایی، نقش کارساز و مهمی دارد.

عامل عمده دیگر در ظرفیت‌سازی جامعه روستایی، هنر بهره‌برداری از منابع موجود است. توسعه اقتصادی به‌عنوان بخش مهمی از هر جامعه روستایی پایدار نیازمند آن است که با تخصیص بهینه منابع و کسب مهارتهای لازم در این زمینه همراه باشد. بسیاری از منابع داخلی و خارجی وجود دارند که به توسعه اجتماع روستایی مربوط می‌شوند؛ از جمله این منابع می‌توان از منابع مالی، طبیعی و انسانی نام برد. توسعه آینده هر جامعه وسیعاً به توانایی محلی برای ارتقاء یا اصلاح اساسی اقتصاد جامعه بستگی دارد. کمبود درآمد، رفاه اقتصادی ناکارآمد و ناقص و نابرابری در توزیع ثروت، فقیران روستایی را به هر دستاویزی برای زنده ماندن سوق می‌دهد. از میان این دستاویزها، منابع طبیعی اولین هدف برای این فقیران است. در نتیجه تجمیع و بهره‌برداری از منابع باید به روشی صورت گیرد که تمامیت و کیفیت منابع طبیعی و پایه در محیط زیست روستاها حفظ شده و از تخریب آن در نتیجه بلیه فقر، جلوگیری شود.

و بالاخره، یکی از عوامل الزام‌آور در فرایند ظرفیت‌سازی، مشارکت است که امکان دخالت مردم در مراحل تصمیم‌سازی و فرایند کامل بازسازی را فراهم می‌سازد. مشارکت یک منظر مردم - مدارانه است که روشهای عمل از بالا به پائین را با رویکرد با هم‌یادگیری و تصمیم‌سازی و اقدام از پائین به بالا جایگزین می‌کند. رویکرد مشارکتی در توسعه روستایی پایدار هم وسیله و هم هدف است. در این رویکرد، مردم نقش مهمی ایفا می‌کنند و بیش از اینکه خود موضوع باشند، توسعه تابع آنها خواهد بود. از طریق فرایند مشارکت، ایده‌های مردم، ایدئولوژیها و همچنین کمکهای مادی، دانش و مهارتها در

توانمندسازی

فیزیکی و امور زیربنایی، ضعف خدمات‌رسانی و محدودیتهای بوم‌شناختی است.

ساختار اقتصادی- اجتماعی جوامع روستایی می‌تواند موانعی را برای توانمندسازی ایجاد کند. در اغلب متون جامعه‌شناختی، روستائیان افرادی سرنوشت‌گرا، خرافی و دارای اعتقادات مذهبی قوی، سنت‌گرا و حساس به رعایت هنجارها و ارزشهای اجتماعی روستا شناخته می‌شوند. بنابراین، درجه انطباق‌پذیری آنها با فرایند تغییر اجتماعی و نیز مشارکت آنها در فرایند توسعه و همچنین بسیج یا بهره‌مندی از منابع کافی برای تأمین مالی فعالیتهای مربوط به توسعه روستایی برای آنها همواره امری دشوار و زمان‌بر است.

به‌لحاظ اقتصادی، برخی محدودیتهای ساختاری در رویکرد توانمندسازی وجود دارد که طبعاً ذاتی فرایند نوسازی و بازسازی اقتصادی است. تجدید ساختار اقتصادی مشتمل بر سیاستهایی از قبیل پس‌انداز بیشتر برای مصرف‌آتی، تأکید بیشتر بر سیاستهای تأمین ثبات کوتاه‌مدت، افزایش قیمت‌های مواد غذایی با هدف بهبود تولید و افزایش صادرات برای کسب درآمد ارزی بیشتر، و تخصیص منابع برای تقویت بخش مدرن با بهره‌وری بالا است که هزینه‌های اقتصادی تغییر را برای مردم ساکن در روستاها به میزان غیرقابل‌تحملی بالا می‌برد. به‌همین‌لحاظ، همه این قبیل سیاستها در تقابل با رویکرد توانمندسازی قرار می‌گیرند. به روشنی می‌توان دریافت که راه‌حلهای آسان و کوتاه‌مدتی برای حل این قبیل معضلات در جامعه روستایی وجود ندارد.

به این اعتبار، شرایط اقتصادی- اجتماعی موجود در روستاها راهگشای پیشرفت رویکرد ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نخواهد بود. طبیعی است که در جایی که نیمی از جامعه (زنان) به‌عنوان شریکان برابر مورد توجه نیستند و اختیار و نقشی در فرایند تصمیم‌سازی ندارند، شرایط رفاهی آنان بهبود نخواهد یافت. فکر کردن در مورد توسعه پایدار روستایی همراه با نگاه سطحی به تأثیر آن بر زنان، ناممکن است. شکی نیست که زنان روستایی باید در توسعه پایدار روستاها نقش فعالی داشته باشند و این مستلزم

حفظ جنبه‌های شناخته شده و مألوف این نظامها، در مقابل تغییر عکس‌العمل نشان می‌دهند. ارزشها، هدفها و منافع یک جامعه محلی می‌تواند بنیاد مورد نیاز برای نوع نظام اجتماعی و نظام معیشتی موجود در اجتماع محلی را شکل دهد و ضمن مقاومت ذاتی و اولیه در مقابل هرگونه تغییر، جهت‌گیریهای اصولی در برابر عوامل دگرگونی‌زای اجتماعی را تعیین کند.

به این اعتبار می‌توان گفت، محدودیتهای توانمندسازی در اجتماعات روستایی، با ویژگیهای ساختاری، نهادی، موقعیتی و فیزیکی زندگی در روستاها مرتبط است. این محدودیتهای ساختاری ضمناً از نظامهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کل و جامعه جهانی نیز تأثیر می‌پذیرند. در نتیجه، بخشهایی از این محدودیتهای مربوط به داخل نظام اجتماعی روستا و بخشهایی نیز مربوط به خارج آن است. محدودیتهای داخلی مبتنی بر نظامهای ارزشی زندگی روستایی، از قبیل وضعیت اقتصادی، نظام قشربندی اجتماعی، مسائل بوم‌شناختی، انسجام اجتماعی و تعارضهای طبقاتی است. محدودیتهای خارجی اغلب اثر شرایط سیاسی جامعه کل و نظام بین‌المللیند. برای مثال، نوع حمایت کارگزاریهای بین‌المللی و قدرت نهادی تجارت خارجی و یا سایر منافع مرتبط با اقتصاد بین‌المللی، از زمره محدودیتهای ساختاری خارجی هستند که به‌رغم تصورات مربوط به منزوی بودن نسبی اجتماعات روستایی، از طریق مجاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تأثیر خود را خواه به‌صورت مستقیم و خواه به‌صورت نامستقیم، بر مردم ساکن در روستاها باقی می‌گذارند. محدودیتهای نهادی توانمندسازی دربرگیرنده مسائلی هستند که نهادهای اجتماعی اصلی را متأثر می‌سازند؛ از جمله این نهادها می‌توان از الگوهای رفتاری، رسوم و سنتهای اجتماعی، دولت، مذهب، قومیت و دیوانسالاری (← دیوانسالاری) نام برد. محدودیتهای موقعیتی نیز عموماً در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص شکل می‌گیرند و مواردی از قبیل منازعات میان نخبگان، تعارضهای درون جامعه‌ای و بی‌ثباتیهای ناشی از آسیبها و انحرافات اجتماعی را دربر می‌گیرند. و بالاخره، محدودیتهای فیزیکی، شامل فقر منابع

Sustainable Development

واژه توسعه به معنی خروج از لفاف است. پیروان نظریه نوسازی، لفاف را جامعه سنتی و فرهنگ و ارزشهای آن جامعه بشمار می‌آورند. بنابراین، توسعه را خروج از این لفاف، یعنی گذر از جامعه سنتی و مدرن شدن تلقی می‌کردند.

واژه نوسازی (← نوسازی) و مدرن شدن بعداً با غربی شدن مترادف شد و براساس باوری نادرست، آنچه مدرن و غربی بود، توسعه نام گرفت. در مقابل، شرایط و اوضاع مخالف با آن، توسعه نیافته و یا نشانه‌های توسعه نیافتگی به حساب آمد. اگر توسعه را گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر معنا کنیم، در بطن مفهوم آن ۳ واژه کلیدی تحول، تغییر و پیشرفت، جای می‌گیرد. تحول، فرایند تغییر در یک دوره طولانی مدت، تغییر فرایند قابل اندازه‌گیری در دوره کوتاه مدت و پیشرفت، روند پویای حرکت و تغییر روبه جلو در گذر زمان است.

سابقه تاریخی واژه توسعه به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در آغاز، توسعه برحسب رشد اقتصادی تعریف می‌شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمد و مانند آن، نشانه توسعه یافتگی جوامع بشمار می‌آمد. با گذشت زمان و افزایش اختلاف بین رفاه نسبی جوامع گوناگون در داخل یک کشور و بین کشورهای مختلف، موضوع توزیع عادلانه و کاهش فقر و برخورداری اکثریت مردم از مواهب توسعه مطرح گردید. این تغییر نگرش، توجه به ابعاد اجتماعی توسعه و به دنبال آن، ویژگیهای قومی و فرهنگی عواملی را مطرح ساخت که براساس تجارب کشورهای غربی، موانع توسعه بشمار می‌آمدند. تسلط نگرش تک خطی و تکاملی به موضوع توسعه باعث شد، تا برای دستیابی جوامع توسعه نیافته به توسعه، الگوهای از پیش تعیین شده غربی مورد تقلید قرار گیرند. البته، ناتوانی این الگوها در نیل کشورها به توسعه مفروض بعدها به اثبات رسید.

توسعه مفهومی نیست که به دلخواه آن را تعریف کنیم. توسعه تحولی است اقتصادی و اجتماعی که در عالم واقع

حضور مؤثرتر آنها در این فرایند است. این درحالی است که بسیاری از سنتها و ارزشهای حاکم بر جامعه روستایی، مانع از تحقق این فرایند است و این بیش از هر چیز به معنی محدودیت ساختاری توانمندسازی در اجتماعات روستایی است.

کتابشناسی:

- چمبرز، رابرت. *توسعه روستایی (اولویت بخشی به فقر)*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد. *توسعه و نابرابری*. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.
- Eade, Debora and Williams, Suzanne. *The Oxford Handbook of Development and Relief*. Oxford: Oxford Publication, ۱۹۹۵.
- Chambers, Robert, "Putting The Last First", *Rural Development*. London, Lagos, New York: Longman, ۱۹۸۳.
- Ifad Rural Poverty Report. "The Challenge of Ending Rural Poverty", Published for Ifad by Oxford University Press, ۱۹۲۲.
- Titi, Vangile and Singh, Nartsh. *Empowement for Sustainable Development: Toward Old National Strategies*. West Wood Publishing Ltd., Zed Book, ۱۹۹۵.
- Tsend, W.B. *Developing Countries*, Washington, D.C: World Bank, ۱۹۹۲.
- UNDP. "UNDP and Organizations of Civil Society", *Paper Prepared for The UN's fiftieth Anniversary in San Francisco*, Jun ۱۹۹۵.

محمد جواد زاهدی مازندرانی

توسعه ← توسعه پایدار

توسعه اراضی ← آماده سازی زمین

توسعه پایدار

توسعه پایدار

در سده‌های ۱۸ و ۱۹م، چوب عنصری بسیار مهم در اقتصاد اروپا بشمار می‌آمد، زیرا علاوه بر استفاده از آن به عنوان سوخت مصرفی منازل، در ساخت واحدهای مسکونی و تولید انواع مبلمان و وسایل مختلف به کار می‌رفت. اما قطع درختان مرغوب جنگلی و رهاسازی جنگلها، موجب جنگل زدایی شد، زیرا درختانی که به جای آنها می‌روید، از کیفیت لازم برخوردار نبود و به این ترتیب، ارزش منابع جنگلی رو به کاهش گذاشت و در بسیاری از مناطق، منجر به نابودی این منابع گردید. به منظور پاسخگویی به این مسئله، مفهوم جنگلداری پایدار مطرح شد.

از دهه ۱۹۶۰م به بعد، منطبق رشد و انباشت نامحدود صنعتی شدن مورد چالش قرار گرفت و اثرات زیست محیطی و اجتماعی ناشی از رشد نامحدود آشکار شد. افزایش شکاف بین ثروتمندان و فقرا، توانمندی رشد اقتصادی را در افزایش رفاه نسبی همه شهروندان به صورتی متعادل، مورد پرسش قرار داد. افزایش سریع جمعیت جهان یا انفجار جمعیت، خود عامل دیگری بود که ذهن اندیشمندان را به چگونگی تأمین نیازهای اساسی نسل حاضر و نسلهای آتی جلب نمود. زمان لازم برای ۲ برابر شدن جمعیت جهان که زمانی ۱۵۰۰ سال بود، به ۲۰۰ سال (در سالهای ۱۶۵۰-۱۸۵۰م) و ۸۰ سال (طی سالهای ۱۸۵۰-۱۹۳۰م) کاهش یافت. در سالهای ۱۹۳۰م تا نیمه ۱۹۹۴م، یعنی در مدت ۶۰ سال، جمعیت جهان از ۲ میلیارد نفر به ۵/۶ میلیارد نفر افزایش یافت. نکته بسیار مهم در این رابطه آن بود که افزایش جمعیت به صورت یکسان در سطح کشورها و مناطق مختلف جهان توزیع نشده است، بلکه سهم کشورهای توسعه نیافته از این افزایش، بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی و توسعه یافته جهان بوده است.

در ۱۹۷۰م، گروهی از پژوهشگران بین‌المللی در انستیتوی فناوری ماساچوست، به بررسی توان رشد اقتصاد جهانی پرداختند و نتیجه تحقیق آنها در قالب گزارش کلوب رم و با نام *حد و مرز رشد* در ۱۹۷۲م منتشر شد. نتیجه این گزارش آن بود که اگر روندهای موجود صنعتی شدن، نرخ تولید، تولید مواد غذایی و نابودی منابع

رخ می‌دهد و هر تعریفی باید مبتنی بر ویژگیهای همان رخداد معین باشد. به این ترتیب، حتی نباید ارزشها یا آرمانهایی را که بنابر تمایلات فرهنگی خود برای تحول جامعه ضروری می‌دانیم، در تعریف توسعه دخالت دهیم. اما به هر حال نباید از نظر دور داشت که توسعه به هر شکل که تعریف شود و از هر چارچوب نظری که مایه گیرد، بدون تردید مفهومی است/ ارزشی که با پیش فرضهای هنجاری همراه است و بر مدلی انتزاعی از جامعه دلالت دارد که بنابر ارزشگذاری، مطلوب و مثبت محسوب می‌شود و از آینده جامعه‌ای مفروض در زمان مشخص حکایت دارد.

از آنجا که منطق درونی نظام سرمایه‌داری جهانی، انباشت روزافزون سرمایه برای انباشت مجدد است، پیشرفت و توسعه در آغاز به ویژه در کشورهای توسعه یافته، بدون توجه به ملاحظات زیست محیطی صورت گرفته است. کشورهای توسعه یافته و یا موسوم به شمال، پس از تجربه عینی مشکلات یاد شده، به فکر توجه به مشکلات محیط زیست افتادند و توجه به ابعاد زیست محیطی را در تعریف توسعه گنجانند.

تاریخچه توسعه پایدار

اگرچه از طرح مباحث مربوط به پایداری در سطح مجامع بین‌المللی بیش از چند دهه نمی‌گذرد، اما در طول تاریخ، همواره موضوع حفظ و نگهداری از جوامع برای نسلهای آتی مطرح بوده است. آبروکویز سالها پیش، تأثیر تصمیمات امروزی را بر نسلهای آتی تشخیص داد و نوشت: در تمام بررسیها لازم است اثر تصمیمات اتخاذ شده بر ۷ نسل آتی در نظر گرفته شود. آنچه می‌توان گفت با گذشت زمان و انباشت تجارب تغییر کرده است، عبارت است از نوع نگاه به جهان و نیز نگرش به تأثیر متقابل رشد و فناوری در توسعه پایدار. زمانی تصور می‌شد، دستیابی هرچه بیشتر به رشد اقتصادی و کاربرد فناوری متضمن توسعه پایدار است، اما امروزه محدودیتهای رشد و فناوری در دستیابی به توسعه پایدار، مورد توجه و تأکید روز افزون قرار دارد.

توسعه پایدار

مشترک و مورد حمایت دوجانبه که مبتنی بر روابط متقابل میان مردم، منابع، محیط زیست و توسعه باشد؛ توجه جدی به راهها و روشهایی که به کمک آنها جامعه بین‌المللی بتواند به صورت مؤثرتر به ملاحظات زیست‌محیطی بپردازد؛ و

کمک به ارائه تعریفی مبتنی بر درک مشترک از مباحث درازمدت زیست‌محیطی و تلاشهای متناسب ضروری برای پرداختن به مسائل حفظ و گسترش محیط زیست، دستورکار اقدامات درازمدت لازم برای دهه‌های آتی و اهداف آرمانی برای جامعه جهانی.

کمیسیون برون‌تاند، نخستین تلاش جهانی در زمینه توسعه پایدار بشمار می‌آید. این کمیسیون همچنین اولین سند تدوین خط‌مشی بین‌المللی در زمینه رابطه متقابل نظام اقتصادی و رفاه زیست‌محیطی را ارائه داده است. تعریف این کمیسیون از توسعه پایدار نیز متداول‌ترین تعریف در این باره است که در دنباله مقاله به آن اشاره خواهد شد.

مفهوم توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار در ادبیات جهانی برای نخستین بار در ۱۹۸۷م و با انتشار گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل، به نام *آینده مشترک ما* مطرح شد. این گزارش که به *گزارش برون‌تاند* مشهور است، نقطه عطفی در اشاعه مباحث توسعه پایدار در سطح جهانی بشمار می‌آید. این گزارش توسعه پایدار را به صورت زیر تعریف کرده است:

توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را تأمین می‌کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی در پاسخگویی به نیازهایشان را به خطر اندازد. توسعه پایدار وضعیت هماهنگ و ثابتي بشمار نمی‌آید، بلکه فرایند متحول است که در قالب آن، استفاده از منابع، مسیر سرمایه‌گذاریها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی با نیازهای آتی و نیازهای کنونی سازگاری پیدا می‌کند.

به‌همین ترتیب ادامه یابد، زمین تنها تا ۱۰۰ سال دیگر می‌تواند از ظرفیت لازم برای پاسخگویی به این رشد برخوردار باشد؛ نتیجه این وضعیت، بروز فاجعه‌ای جهانی، کاهش ناگهانی و غیرقابل کنترل ظرفیت صنعتی و جمعیت جهانی خواهد بود. پیشنهادهای ارائه شده از سوی این پژوهشگران به شرح زیر بود:

برقراری شرایط ثبات اکولوژیکی و اقتصادی که در آینده دور پایدار باشد؛

وضعیت تعادل جهانی که در چارچوب آن نیازهای اولیه و اساسی تمام انسانهای روی زمین تأمین شود؛ و هریک از انسانها برای شناخت پتانسیلهای فردی خود از فرصت برابر برخوردار باشند.

اگرچه این گزارش در زمان انتشار، انتقادهای زیادی را به دنبال داشت، اما محتوای آن به تشکیل زیربنای نظری برای نهضت توسعه پایدار کمک فراوانی کرد. بررسیهای به عمل آمده توسط اقتصاددانان براساس مندرجات گزارش کلوب رم، به ارائه نظریه جدیدی به نام *اقتصاد وضعیت ثابت* منجر گردید که در واقع، بهتر است آن را *اقتصاد پایداری* نامید. اقتصاد وضعیت ثابت برخلاف اقتصاد قراردادی و مرسوم بر موارد زیر تأکید دارد:

کاهش مصرف و تولید کالاها و منابع؛
حفظ و نگهداری منابع سرمایه‌ای و انسانی ثابت؛ و
توجه به محدودیتهای رشد جهان طبیعی در چارچوب رویه‌های اقتصادی اتخاذ شده.

در دسامبر ۱۹۸۳م، دبیرکل سازمان ملل متحد ضرورت تأسیس کمیسیون ویژه و مستقلی به نام *کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه*، با هدف تدوین دستورالعمل جهانی برای تغییر را مطرح کرد. تغییرات مورد نظر این کمیسیون به شرح زیر بود:

ارائه راهبردهای درازمدت زیست‌محیطی، به منظور دستیابی به توسعه پایدار از ۲۰۰۰م به بعد؛
توصیه راههای توجه به زیست‌محیطی، از طریق همکاری گسترده جهانی در میان کشورهای در حال توسعه، در سطوح مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به اهداف



بر بعد زیست محیطی و یا نگاه پروژه‌های به توسعه پایدار، به جریانی تغییر شکل یافته است که دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. اتخاذ سیاستهای درازمدت و انجام اصلاحات نهادی در تمام بخشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی، لازمه دستیابی به توسعه پایدار و تداوم آن به صورت جریانی پویا و تجدید شونده، در راستای توسعه، تعالی و پیشرفت جوامع انسانی است. توسعه پایدار را نمی‌توان فعالیتی بشمار آورد که در درازمدت تحقق می‌یابد، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیتهایی است که در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت به صورت جریانی هدفمند ادامه می‌یابد. به دیگر سخن، توسعه پایدار هم هدفی ثابت بشمار می‌آید و هم فرایندی است که توسعه و تعالی کشورها را رقم می‌زند. میسرا براساس تعریف کمیسیون برونلند از توسعه پایدار، تلاش کرد که معنای دقیق‌تری از این واژه ارائه دهد. به عقیده او، مفهوم توسعه پایدار به دلایل مشروح زیر، با مفهوم توسعه به معنای عام آن متفاوت است:

در کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیست؛

مبتنی بر تعادل و عدالت است؛

رویکردی متوازن و یکپارچه بشمار می‌آید؛

دارای هدف مشترک است، اما از راههای گوناگون می‌توان

در ۱۹۹۲م و در اجلاس زمین که در شهر ریودوژانیرو برگزار شد و به اجلاس ریو نیز معروف است، ۲۷ اصل برای دستیابی به پایداری جهانی بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه به تصویب رسید. براساس اصل اول بیانیه ریو، انسانها در محور توجه توسعه پایدار قرار دارند و سزاوار زندگی سالم و مولد در هماهنگی با طبیعت هستند. اجلاس ریو گردهمایی ۱۱ روزه‌ای بود که در ژوئن ۱۹۹۲م در شهر ریودوژانیرو برزیل با هدف بحث و گفتگو درباره ستیز جهانی بین توسعه اقتصادی و حفاظت محیط زیست صورت گرفت. در این اجلاس، نمایندگان ۱۷۲ کشور موافقت کردند که در زمینه توسعه پایدار سیاره زمین فعالیت کنند. ۲ بیانیه لازم‌الاجرا توسط ۱۵۰ کشور شرکت کننده امضا شد، که یکی در مورد به حداقل رساندن تغییر آب‌وهوای کره زمین و دیگری، به مقابله با تخریب زیستی در جهان مربوط بود. اسناد دیگر این اجلاس، به تأمین مالی لازم برای مراقبت از محیط زیست و جنگل، انتقال فناوری، بیابان‌زایی و آلودگی جوی، مسئولیتها و حقوق ملتها در مباحث مربوط به توسعه - محیط زیست و توسعه پایدار جنگلهای سطح زمین مربوط می‌شد.

امروزه، توسعه پایدار مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار دارد. این مفهوم در گذر زمان، از تمرکز صرف

توسعه پایدار

همچنین کشورهای صنعتی نیز به منظور تأثیرگذاری بر گسترش اقتصاد جهانی، نیازمند حفظ سطح معینی از رشد اقتصادی خواهند بود. از آنجاکه فقر باعث فشار بر محیط می‌شود و استفاده ناکافی و غیرعادلانه از منابع طبیعی و نیز افزایش بیش از حد جمعیت را به دنبال خواهد داشت، رشد اقتصادی لازم است در این کشورها افزایش یابد، تا فقر و نابرابری از میان برداشته شود. توصیه این کمیسیون به کشورهای صنعتی، ادامه روند موجود رشد، اما به شیوه‌ای است که انرژی و منابع کمتری در آن مورد استفاده قرار گیرد؛

تغییر کیفیت رشد. از نظر کمیسیون، تغییر کیفیت رشد به معنای تغییر رویکرد به توسعه و توجه به تمام اثرات حاصل از آن است. برای مثال، کشاورزی بزرگ مقیاس ممکن است بازدهی زمین را افزایش دهد، اما درعین حال باعث بیکاری کشاورزان خرده پا می‌شود و در توزیع نامتعادل درآمد و ایجاد فقر و علاوه بر این، در تخریب محیط موثر است. نکته پایانی آنکه، مفاهیم رشد باید به گونه‌ای گسترش یابد که متغیرهای غیراقتصادی، مانند آموزش، مراقبتهای بهداشتی، آب و هوای سالم و مراقبت از زیباییهای طبیعی را نیز در برگیرد؛

تأمین نیازهای اساسی انسانها. پاسخگویی به نیاز روزافزون جمعیت جهان به نیازهای اساسی، شامل اشتغال، مواد غذایی، انرژی، مسکن، آب و بهداشت، چالش پیش روی جوامع در راستای دستیابی به توسعه پایدار بشمار می‌آید؛

حفظ سطح پایداری از جمعیت. اندازه جمعیت لازم است با ظرفیت تولیدی اکوسیستم متناسب باشد. درحالی که نرخ تولد در کشورهای صنعتی کاهش یافته است، کشورهای درحال توسعه با افزایش جمعیت روبرو هستند. انتظار می‌رود که صنعتی شدن، افزایش درآمد سرانه، بهبود محیط زیست و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت در کشورهای درحال توسعه شود و به این ترتیب، توسعه به حفظ سطح پایداری از جمعیت در این کشورها منجر شود؛

حفظ و افزایش منابع پایه. کمیسیون بر این اعتقاد است که

به آن دست یافت؛

طبیعت را تنها به عنوان منبعی برای توسعه بشمار نمی‌آورد، بلکه آن را منشأ زمینی بقا و توسعه نوع بشر محسوب می‌دارد؛ و

ماهیتاً مشارکتی است.

مفهوم توسعه پایدار برحسب سطح توسعه موجود در کشورهای مختلف، تفاوت می‌پذیرد. در کشورهای درحال توسعه، توسعه پایدار از طریق افزایش استانداردهای مادی زندگی فورا تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، شیوه معیشت افراد فقیر باید به گونه‌ای تغییر و تحول یابد که موجبات کاهش منابع موجود، انحطاط محیط زیست، تجزیه فرهنگی و بی‌ثباتی اجتماعی را فراهم نیاورد.

امحا فقر و محرومیت، حفظ و ازدیاد منابع موجود، تأکید بر ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی توسعه و یکپارچه نمودن اقتصاد و زیستبوم در تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) در تمام سطوح، از ابعاد مختلف پایداری بشمار می‌آید. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که توسعه پایدار به معنای حفظ منابع طبیعی موجود، با ترکیبی ثابت از دارائیهای انسانی، طبیعی و فیزیکی نیست، بلکه با عبور از مراحل مختلف توسعه، ترکیب این دارائیهها نیز دستخوش تغییر می‌شود.

به منظور دستیابی به توسعه پایدار لازم است تمام کشورهای جهان به مفاهیم محیط زیست و توسعه پایدار توجه بیشتری مبذول دارند. و مباحث محیطی را به عنوان یکی از موضوعات محوری در توسعه کشور مورد توجه قرار دهند. در این راستا، روابط متقابل محیط زیست و توسعه و همچنین بین رشد و استفاده از منابع طبیعی، نیاز به بررسی دقیق و تفصیلی دارد.

اهداف حیاتی توسعه پایدار

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برای دستیابی به توسعه پایدار، توجه به اهداف زیر را در تدوین خط‌مشیهای زیست محیطی و توسعه اجتناب‌ناپذیر بشمار می‌آورد:

احیاء رشد. کشورهای درحال توسعه لازم است سیاستهایی را اتخاذ نمایند که متضمن افزایش رفاه اقتصادی باشد.

توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

توسعه؛

نظام فناوری توانمند در ارائه راه‌های جدید؛
نظام بین‌المللی که امکان پرورش الگوهای پایدار تجاری و
مالی را فراهم آورد؛ و
نظام اداری انعطاف‌پذیر و دارای ظرفیت خود اصلاحی.

کتاب‌شناسی:

- ویلر، اس. (ویر). *توسعه شهری پایدار*، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- Lafferty, W. and Eckerberg, K. *Form the Earth Summit to Local Agenda ۲۱: Working Towards Local Agenda ۲۱*. London: Earthscan, ۱۹۹۸.
- Pugh, C. "Sustainability and Sustainable Cities", in C. Pugh (ed). *Sustainability, the Environment and Urbanization*. London: Earthscan, ۱۹۹۶.
- United Nations Council for Human Settlement (UNSCHS), *Implementation of Habitat Agenda at the Local Level*. New York: United Nations, ۱۹۹۸.
- Houghton, G. and Hunter, G. *Sustainable Cities*. London: Jessica Kingsley, ۱۹۹۴.

فاطمه تقی‌زاده

توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

National Committee on Sustainable Development (NCSDD)

نگرش توسعه پایدار و دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱)
به‌عنوان منشور اقدام در چارچوب این نگرش در سطح
جهانی، تغییر و تحول جدی در شیوه‌های تصمیم‌گیری و
اقدامات متعارف را می‌طلبد. در این ارتباط، کمیته ملی
توسعه پایدار، نهاد پیش‌تاز بین‌بخشی در تسهیل
تصمیم‌گیریهای تخصصی و مدیریتی است که ضمن اشاعه
نگرش و راهگشایی برای آن در سطح ملی، زمینه‌ساز
مشارکت فعال بین‌المللی نیز بشمار می‌رود. یکی از

حفظ و ازدیاد منابع طبیعی موجود، نه تنها در راستای
پاسخگویی به اهداف توسعه، بلکه به دلیل تعهد اخلاقی به
سایر اشکال حیات و نیز نسلهای آتی، ضرورت دارد.
در صورت فقدان گزینه‌های لازم، فشار بر منابع افزایش
می‌یابد. لازم است سیاستهای توسعه‌ای در راستای گسترش
گزینه‌های کسب معاش پایدار، به‌ویژه برای خانوارهای فقیر
و نواحی تحت فشارهای اکولوژیکی، عمل نماید؛

جهت‌گیری فناوری و مدیریت خطر. اهتمام به اهداف
پیش‌گفته نیازمند تغییر جهت فناوری است که خود به‌منزله
حلقه اتصال حیاتی بین انسان و طبیعت بشمار می‌آید. برای
دستیابی به این هدف باید از ۲ مرحله عبور کرد؛ نخست،
لازم است که ظرفیت نوآوری فناوری در کشورهای
در حال توسعه به میزان قابل توجهی افزایش یابد، تا این
کشورها بتوانند به‌صورتی مؤثرتر پاسخگوی چالشهای
توسعه پایدار باشند؛ و دوم آنکه، در تغییر جهت فناوری
توجه بیشتری به عوامل محیط زیستی معطوف شود؛ و

ادغام محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی. یکپارچه
شدن محیط زیست و اقتصاد در تصمیم‌سازی را می‌توان
موضوع اصلی و محوری در اهداف پیش‌گفته بشمار آورد.
معمولاً نهادهای منعطف، تمایل بیشتری به بررسی هر
بخش و فعالیت به‌صورت مستقل دارند و ارتباط بسیار مهم
هر بخش با بخشهای دیگر و نیز با کل نظام اقتصادی، کمتر
مورد توجه آنها قرار می‌گیرد. البته نباید از نظر دور داشت
که توسعه پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که با تغییر
در چارچوبهای قانونی و نهادی، امکان یکپارچه دیدن و
توجه یکسان به فعالیتهای مختلف میسر شود.

در نتیجه‌گیری انجام شده توسط کمیسیون برون‌تلند،
الزامات توسعه پایدار به‌شرح زیر آمده است:

نظام سیاسی حامی مشارکت مؤثر شهروندان در
تصمیم‌سازی؛

نظام اقتصادی توانمند در تولید مازاد و دانش فنی مبتنی بر
خوداتکایی و پایداری؛

نظام اجتماعی پاسخگو به تنشهای حاصل از توسعه
ناهماهنگ؛

نظام تولیدی متعهد به حفظ بنیان اکولوژیکی لازم برای

توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

وزارتخانه‌های نیرو، نفت، کشور، صنایع و معادن، امور خارجه، جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی، علوم تحقیقات و فناوری، پست و تلگراف و تلفن، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و سازمانهای مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، هواشناسی کشور، حفاظت محیط زیست و فرهنگستان علوم، همچنین نماینده‌ای از تشکلهای مردمی و یک نفر از مقامات عضو شورای عالی حفاظت محیط زیست. علاوه بر اینها، نمایندگان دیگری از وزارتخانه‌ها و سازمانها برحسب مورد (و با حق رأی) به جلسات کمیته ملی دعوت می‌شوند.

دبیرخانه کمیته ملی که در سازمان حفاظت محیط زیست مستقر است، گزارش پیشرفت کار سالانه عملکرد پایداری توسعه را تدوین و منتشر می‌نماید. همچنین برگزاری جلسات ماهانه کمیته ملی و انتشارات درخصوص مباحث پایداری، از دیگر وظایف دبیرخانه است. بولتن فصلی کمیته ملی، شامل خلاصه مباحث علمی و اخبار، توسط دبیرخانه منتشر می‌شود.

به منظور بررسی دقیق و تخصصی ابعاد مختلف توسعه پایدار، کمیته‌های فرعی خاص مرتبط با کمیته ملی شکل گرفته است که هر یک از آنها به حوزه‌ای معین از موارد مورد توجه کمیته ملی اختصاص دارد. در حال حاضر ۱۱ کمیته فرعی فعال هستند که عبارتند از: مواد زائد و شیمیایی خطرناک، کنوانسیون رامسر (تالابها)، تنوع زیستی، دریا و اقیانوس (آبهای بین‌المللی)، تغییرات آب‌وهوا، تسهیلات جهانی محیط زیست (GEF)، اصول جنگل، دستور کار ۲۱، مدیریت توسعه پایدار شهری، بهره‌وری سبز و تولید پاک‌تر، توسعه پایدار روستایی (← توسعه پایدار روستایی، پارادایم).

برخی از حوزه‌های مورد توجه کمیته ملی به صورت موضوعی، جامعه‌ای معین را در عرصه زیست کشور دربر می‌گیرد که از جمله آنها مباحث مربوط به توسعه پایدار روستایی است که به طور خاص در کمیته فرعی توسعه پایدار روستایی (مستقر در وزارت جهاد کشاورزی) تعقیب می‌گردد.

وظایف کمیته فرعی توسعه پایدار روستایی عبارتند از: تدوین و پیشبرد راهبردهای ملی و محلی توسعه پایدار

عرصه‌های مهم بین‌المللی، حضور فعال کارشناسان کشور در سمینارهای سالانه کمیته جهانی توسعه پایدار (CSD) است که در آن آخرین مواضع کشورها درخصوص توسعه پایدار عرضه می‌شود.

در ایران نیز همچون سایر کشورهای جهان، به توسعه پایدار با تأکید بر حفظ محیط زیست توجه شده و به تدریج در عرصه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای مختلف و سایر مؤلفه‌های توسعه پایدار به عنوان مفهومی فراگیر و چندبعدی مورد عنایت بوده است. به منظور تعمیق مباحث علمی و فنی و زمینه‌سازی اصولی برای اتخاذ تصمیمات مؤثر و کارآمد در فرایند توسعه پایدار کشور، شورای عالی حفاظت محیط زیست، نهادی فرابخشی به ریاست رئیس‌جمهور، در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۱۷ ش تشکیل کمیته ملی توسعه پایدار را تصویب نمود. در راستای سیاستگذاری و هماهنگی میان برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، دستیابی به اهداف حفاظت از محیط زیست و دستاوردهای اجلاس زمین (ریو ۱۹۹۲م)، وظایف کمیته مذکور به این قرار تعیین شده است:

بررسی پیش‌نویس راهبرد توسعه پایدار و محیط زیست و ارائه پیشنهاد به شورای عالی؛

ایجاد و گسترش بانک اطلاعات و مرکز اسناد درخصوص برنامه‌های دستور کار ۲۱ و کنوانسیونهای مربوط؛

ارائه پیشنهاد به منظور تعیین سیاست واحد هماهنگ به شورای عالی درخصوص مسائل مربوط به کنوانسیونها در مجامع بین‌المللی؛

برنامه‌ریزی پروژه‌های مشترک اجرایی - تحقیقاتی در زمینه کنوانسیونهای مرتبط با کمیته ملی و با کشورهای منطقه؛

بررسی اقدامات انجام‌یافته در راستای راهبرد توسعه پایدار و محیط زیست و پیگیری اقدامات مرتبط؛ و

بررسی و اظهارنظر درخصوص اموری که از طرف شورای عالی حفاظت محیط زیست ارجاع می‌شود.

اعضاء دائم کمیته ملی ۱۸ نفر، شامل رئیس (معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست)،

نایب‌رئیس (مشاور رئیس سازمان) و ۱۶ نفر نمایندگان وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای زیر می‌گردد:

توسعه پایدار روستایی، پارادایم

روستایی؛
بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار روستایی؛
تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به کارگیری نتایج آنها؛
ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛
تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی (← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل میان دستگاههای اجرایی مرتبط؛ و
تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

توسعه پایدار روستایی؛
بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار روستایی؛
تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به کارگیری نتایج آنها؛
ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛
تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی (← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل میان دستگاههای اجرایی مرتبط؛ و
تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

توسعه پایدار روستایی؛
بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار روستایی؛
تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به کارگیری نتایج آنها؛
ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛
تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی (← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل میان دستگاههای اجرایی مرتبط؛ و
تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

توسعه پایدار روستایی؛
بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار روستایی؛
تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به کارگیری نتایج آنها؛
ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛
تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی (← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل میان دستگاههای اجرایی مرتبط؛ و
تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

توسعه پایدار روستایی؛
بررسی و تدوین اصول و شاخصهای توسعه پایدار روستایی؛
تعریف و ارائه طرحهای مطالعاتی در زمینه مسائل و موضوعات توسعه پایدار روستایی و نظارت در به کارگیری نتایج آنها؛
ارائه پیشنهاد و مشارکت فعال در مباحث مجامع ملی و بین‌المللی مرتبط با مباحث توسعه پایدار روستایی براساس ارجاع کمیته ملی توسعه پایدار؛
تدوین برنامه آموزشی و ترویجی لازم برای توانمندسازی (← توانمندسازی) و ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و ایجاد فرهنگ پایداری روستایی ضمن هماهنگی و تعامل میان دستگاههای اجرایی مرتبط؛ و
تدوین و ارائه راهکارهای لازم جهت تحقق توسعه پایدار روستایی به سطوح عالی تصمیم‌گیری.

کتابشناسی:

- شورای عالی حفاظت محیط زیست. معرفی کمیته ملی توسعه پایدار ایران، ۱۳۸۲.
- عطری، شیده. کمیته‌های فرعی وابسته به کمیته ملی توسعه پایدار. سازمان حفاظت محیط زیست، کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۵.
- کمیته ملی توسعه پایدار. آئین‌نامه اجرایی کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۰.
- کمیته ملی توسعه پایدار. آئین‌نامه کمیته فرعی توسعه پایدار روستایی، ۱۳۸۲.

جانعلی بهزادنسب

توسعه پایدار روستایی، پارادایم

Rural Sustainable Development, Paradigm

چرخش در هدفها، روشها و شاخصهای توسعه که تأکید را از مختصات اقتصادی به ملاحظات انسانی معطوف کرد. پارادایم توسعه پایدار در اواخر سده ۲۰م مطرح شد. نکته

کننده نیازهای اساسی و ابزار اصلی دستیابی به اهداف تأکید شده بود، مطرح شد. در دهه ۱۹۸۰م، مجدداً نقش دولت مورد نقد قرار گرفت و اجرای سیاستهای تعدیل با توصیه بانک جهانی شکل گرفت. آنچه در مجموع می‌توان یادآور شد، آنکه این نظریه‌ها بیشتر باعث نابرابری، فقر، تخریب محیط زیست و خسارتهایی از این قبیل شد و در نهایت، نوبت به بخش سوم یا جامعه مدنی (← جامعه مدنی) رسید، تا نقش مردم و نهادهای محلی در توسعه آزموده شود. به این ترتیب، در توسعه پایدار روستایی توجه به نقش نهادهای محلی، حفظ محیط زیست، توجه به فقرا، کودکان و همچنین تأکید بر مشارکت مطرح شد.

از دهه ۱۹۷۰م به بعد، با نقد و طرح چالشهای نظری و روش‌شناختی مکتب نوسازی از سوی مکاتب وابستگی و همچنین جریانهایی چون پست‌مدرنیسم، فمینیسم و ساختارگرایی اجتماعی، زمینه برای طرح مسئله توسعه روستایی در قالب توسعه پایدار روستایی بیشتر فراهم شد. علاوه بر این، یکی دیگر از عوامل طرح گسترده توسعه پایدار روستایی و رها شدن مباحث متعارف توسعه روستایی، ارتباط تاریخی آن با مباحث عمومی محیط‌گرایی و توسعه پایدار بود.

در دوره معاصر، در پی پیدایش پیامدهای مخرب نوگرایی، مانند مشکلات زیست‌محیطی، جنگهای اول و دوم و اثرات مخرب پیشرفت فناوری بر زندگی اجتماعی انسان معاصر، رویکرد پست‌مدرنیسم به نقد عقل و علم نوین پرداخت و طی چند سال اخیر، در حال تبدیل شدن به یک شبه‌پارادایم بوده است. اصول عمده این رویکرد، نقد روشنگری و اندیشه ترقی، کثرت‌باوری روش‌شناختی، هستی‌شناسی تفاوتی، باور به عدم قطعیت و عطف توجه به نگرشهای بومی، محلی و موقعیتی است. این رویکرد به واسطه اجتناب از جهان‌شمول‌نگری و به کارگیری مدل‌های انتزاعی و کلان در تحلیل مسائل انسانی و اجتماعی و نیز تأکید بر ارائه نظریات خرد معطوف به زمان، مکان و موقعیت خاص، سهم زیادی در مطالعات توسعه پایدار روستایی که متکی به نظریات منطقه‌ای/ محلی هستند، داشته است. بنابراین، قسمت عمده روش‌شناسی، به‌ویژه به

توسعه پایدار روستایی

توسعه پایدار یک فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی به‌منظور ارتقاء، رفاه و خوشبختی طولانی‌مدت کل اجتماع است. به سخن دیگر، این فرایندی چندبعدی است که به‌گونه‌ای پایدار درصدد وحدت اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است.

براین اساس، توسعه پایدار می‌تواند به‌مثابه فرایند تغییرات چندبعدی مؤثر بر جامعه روستایی تعریف شود که رشد اقتصادی، بهبود شرایط محیطی و حفظ ارزشهای محیطی به‌گونه‌ای همساز، از مشخصه‌های مهم آن است. همان‌گونه که از این ۲ تعریف برمی‌آید، بخش عمده‌ای از تأکید توسعه پایدار روستایی بر حفظ و بقاء منابع و ارزش محیطی است. در واقع محیط‌گرایی بُعدی از این توسعه است که بدان صفت پایدار می‌بخشد. بدینسان، توسعه پایدار روستایی عبارت است از توجه همزمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی و وحدت میان این ابعاد، به‌منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی.

عوامل مؤثر در توسعه پایدار روستایی

همزمان با تغییراتی که در مضامین و رویکردهای توسعه حاصل می‌شد، مسائل و مضامین توسعه روستایی نیز دچار تحول شد. عده‌ای این تحول را با توجه به نحوه نگرش به ۳ عامل زیر و چگونگی اهمیت دادن به جایگاه توسعه مورد ملاحظه قرار داده‌اند:

نقش نیروهای بازار؛

نقش دولت؛ و

نقش جامعه مدنی.

بعد از جنگ جهانی دوم، نظریه غالب در توسعه روستایی، نظریه نوسازی بود که نقش اصلی را به نیروهای بازار می‌داد. در مقابل این نظریه، نظریه وابستگی نقش اصلی را برای دولت و برنامه‌ریزی متمرکز قائل بود. بعد از مشکلاتی که این‌گونه نظریه‌ها با آن مواجه شدند، توسعه روستایی یکپارچه که در آن بر نقش دولت به‌عنوان تأمین

توسعه پایدار روستایی، پارادایم

محیطی است. این‌گونه محیط-محوری یک جنبش اجتماعی و سیاسی است و به مجموعه‌ای از باورها در رابطه بین انسان و جهان طبیعی اطلاق می‌شود. این رویکرد بر محتوا و فرایندهای سیاستهای توسعه تأثیرگذار بوده و تحقیقات بین رشته‌ای را تقویت کرده است و بعد از تلفیق نظری با توسعه روستایی، آن را به سمت پارادایم توسعه پایدار روستایی سوق داده است.

تأکید بر اقتصاد غیرزراعی

در این نظریه، زراعت ارگانیک به‌لحاظ اجتماعی، پایدار و به‌لحاظ محیطی، علمی و کاربردی است و می‌تواند ملاحظات محیطی را نیز دربر بگیرد، براساس این اصل، کشاورزی پایدار از به کارگیری کود، آفت‌کشهای شیمیایی و مضر خودداری می‌کند، اتکاء بر برون‌دادهای خارجی (غیرزراعتی) به شدت کاهش می‌یابد، درحالی‌که حداکثر استفاده از منابع برگرفته از کشاورزی، محصولات و فرایندهای آن، برای تغذیه و کنترل حشرات و آفات زراعی به عمل می‌آید.

مزرعه- خانواری به‌عنوان واحد تحلیل

در مطالعات روستایی پایدار، برخلاف این تصور که مزارع کوچک روبه نابودی و کاهش تولید تلقی می‌شود، این اعتقاد وجود دارد که پارادایم توسعه کشاورزی جدید مبتنی بر کار این مزارع کوچک است. مطالعات انجام شده در مورد برزیل، هند، مالزی و کلمبیا نشان داده است که مزارع خانواری، عامل کلیدی و بنیادی در توسعه روستایی و کشاورزی پایدار است.

باور به تنوع زیست محیطی و ظرفیتهای آن

یکی از ابعاد توسعه روستایی که دارای پتانسیلهای بالایی برای سرمایه‌گذاری است و از ۱۹۸۹م وارد توسعه روستایی پایدار شده است، استفاده از تنوع زیستی و پژوهش در این زمینه، حمایت از جنگلها و کنترل شدید بر سوءاستفاده از گونه‌های وحشی و بومی و همچنین استفاده از گردشگری روستایی از عناصر مهم این بعد هستند. براساس این اصل روستا دیگر در انحصار کشاورزان یا زارعین نیست و سایر

کارگیری روشهای کیفی / انسان‌شناختی در مطالعات توسعه پایدار روستایی، به‌لحاظ نظری و پارادایمی، ریشه در رویکرد پست‌مدرنیسم دارد.

به‌موازات انتقادات پست‌مدرنیستی از نوسازی، مکتب فمینیسم زمینه را برای نقد جنسیتی و تبعیض‌آمیز رویکرد اثبات‌گرایی فراهم کرد. مباحث فمینیستی به طرح مشکلات مربوط به حقوق، مشارکت و نقش زنان در تاریخ و جامعه منتهی شد و بدین ترتیب، فعالیتهای زنان در احقاق حقوق خود، به ایجاد مجموعه‌ای از مؤسسات، سازمانها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی منتهی شد که در تحکیم و معرفی پارادایم توسعه پایدار روستایی به‌منظور فراهم کردن امکان حضور زنان در توسعه همه‌جانبه جامعه، فارغ از ملاحظات جنسیتی، سنی و پدرسالارانه، نقش بسزایی داشت. در کنار نقش تاریخی و اساسی مکاتب و رویکردهای پست‌مدرنیسم و فمینیسم، ساختارگرایان با تاریخی جلوه دادن مبحث تفاوت‌های جنسیتی و مطرح کردن هویت به‌عنوان یک بازساخت اجتماعی، به نقد و چالش مفاهیم پدرسالارانه شیوه تولید صنعتی و سرمایه‌داری کمک کرد و نقش زنان را در توسعه عمومی جوامع برجسته کرد.

این ۳ حوزه نهایتاً همگام با برخی بازنگریها و اصلاحات نظری و روش‌شناختی در مکتب نوسازی به تقویت پارادایم توسعه پایدار روستایی کمک کرد. در همین مسیر، واژه یا پسوند پایدار زمانی به رهیافت توسعه روستایی الحاق شد که این پارادایم با جنبش سبز یا محیطی آمیخته شد. به‌این ترتیب، تأکید بر شیوه تولید اقتصادی با تأکید روی بقاء و حفظ طبیعت و منابع طبیعی همراه شد.

عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار روستایی

براساس رویکرد نوین پارادایم توسعه پایدار روستایی، جامعه روستایی نه یک جامعه حاشیه‌ای در نظام اقتصادی، بلکه یکی از ارکان مهم توسعه کشورها تعریف شده است. عناصر، اصول و مفروضات توسعه پایدار به شرح زیر است:

محیط - محوری

مهم‌ترین بعد توسعه پایدار روستایی تأکید بر جنبه‌های

توسعه پایدار روستایی، پارادایم

برقراری ارتباط کامل، مؤثر و معنادار با مخاطبان و مسائل آنها نشدند و در واقع، نتوانستند واقعیت‌های جامعه روستایی را درک کنند. از این رو، در پارادایم توسعه پایدار روستایی روش‌های کیفی و کثرت‌گرا مورد توجه قرار گرفت، تا این شکاف ارتباطی را پر کند. تاکنون بیش از ۳۰ نوع از این شیوه‌ها ابداع شده‌اند که مشهورترین و پر استفاده‌ترین آنها، *ارزیابی سریع روستایی (Rapid Rural Appraisal)*، *ارزیابی مشارکتی روستایی (Participatory Rural Appraisal)* و *ارزیابی مشارکتی ارتباطات روستایی (Participatory Rural Communication Appraisal)* است.

در روش‌شناسی این پارادایم، با تأکید بر دانش بومی مردم محلی و همچنین یادگیری از آنها، مشارکت مردم در تدوین برنامه‌ها و اهداف توسعه جایگاه خاصی یافته است، تا جایی که مطالعات مرتبط با آن نیز مشارکتی است.

خلاصه آنکه پارادایم توسعه پایدار روستایی برای پاسخگویی به مشکلات و مسائلی که پارادایم‌های پیشین با آن روبرو بودند، مطرح شد؛ آن هم زمانی که حاصل اجرای برنامه‌های توسعه در جامعه روستایی چیزی جز فقر، نابرابری، بی‌عدالتی، توسعه‌نیافتگی و بسیاری مسائل دیگر نبود. در این شرایط، این پارادایم برای حل مشکلات فراروی جامعه روستایی مورد استفاده قرار گرفت. پارادایم توسعه پایدار روستایی که به کلیت یکپارچه روستا و همچنین مشارکت مردم در جریان توسعه توجه دارد و با تنوع‌بخشی به محیط روستا و فعالیت‌های روستایی، روستا را از دایره تنگ فعالیت کشاورزی صرف خارج می‌کند و همچنین روستائیان و دانش بومی آنها را مورد توجه قرار داده و بر مشارکت همه گروه‌ها، به‌خصوص گروه‌های حاشیه‌ای، نظیر زنان و فقرا در توسعه روستایی، تأکید می‌ورزد.

پارادایم توسعه پایدار روستایی نگاهی کل‌گرایانه و یکپارچه به جامعه روستایی دارد و آن را کلیتی همبسته می‌بیند، به طوری که توسعه روستایی در این پارادایم وضعیتی چندرشته‌ای پیدا می‌کند که یک رشته خاص نمی‌تواند از عهده بررسی، پژوهش و برنامه‌ریزی برای مسائل مختلف و چندگانه آن برآید. علاوه بر این، روش‌های

جانوران و گونه‌های دیگر نیز در آن حق زندگی دارند.

تأکید بر عاملیت و نقش زنان در توسعه روستایی

تحقیقات نشان می‌دهد که نقش زنان در توسعه اقتصادی روستاها و سهم آنها در تولید و توزیع مواد غذایی و نیز اهمیت بسزای آنان در اقتصاد عمومی جامعه روستایی، مورد اغماض قرار گرفته است، در حالی که همین قشر از جامعه در افریقای جنوبی، مرکزی و شمالی و آسیای جنوب‌شرقی و خاورمیانه، بخش وسیعی از عملیات کشاورزی را انجام می‌دهند. توسعه روستایی نقش زنان را در تصمیم‌گیری در سطوح محلی، ایجاد نهادها و انجمن‌های روستایی و فعالیت‌های اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد.

فناوری ارتباطی و اطلاعاتی و بهره‌گیری از دانش

بومی

در این پارادایم بر استفاده از فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، به‌منظور بالا بردن سطح آگاهی روستائیان در سطوح مختلف تولید و فروش و همچنین تنوع بخشی به فعالیت‌های روستایی، تأکید می‌شود.

به کارگیری این فناوری به‌عنوان مبنای تولید در مزرعه، باعث تغییر قابل ملاحظه الگوی تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی در جوامع نوین شده است. در این زمینه اقدامات زیادی برای دسترسی به این فناوری مزرعه-محور و نیز کالایی کردن اطلاعات صورت گرفته است.

استفاده از دانش بومی نیز یکی از دستاوردهای مهم در حوزه توسعه پایدار روستایی است. نظریه‌پردازانی نظیر چمبرز و کلونبرگ معتقدند، خانوار زارع محل اصلی تولید دانش بومی است. در تولید این دانش، زنان و مردان نقش یکسانی دارند. در این مدل، چگونگی تجربیات زنان و مردان می‌تواند ظرفیتهایی را برای دیدگاه‌های جایگزین در مورد کشاورزی پایدار ایجاد کند.

روش‌های کیفی و رهیافتهای مشارکتی

در پارادایم‌های متعارف توسعه روستایی، روش‌های کمی و اثبات‌گرا حاکم بوده است؛ روش‌هایی که هرگز موفق به

Development, a Manifested and Promising Governance”, *Sociologica Ruralist*. European Society for Rural Sociology, Vol. ۴۱, ۲۰۰۱.

- Thompson, Kenneth. “Social Pluralism and Post-Modernity, *Modernity and its Future*. edited by, Stuart Hall et al. London: Open University: Blackwell Publisher, ۲۰۰۳.
- Vander, Ploge, & Jan, D. “Rural Development: form Practice and Policies Toward Theory”, *Sociologica Ruralist*. Vol. ۴۰, No. ۴, ۲۰۰۲.

مصطفی ازکیا

توسعه پایدار شهری

Urban Sustainable Development

فرایندی در ایجاد شهر پایدار، یعنی شهری مناسب زندگی حال و آینده شهروندان. بنابر اصل یک بیانیه ریو، انسان شایسته برخورداری از زندگی سالم، پربار و هماهنگ با طبیعت است و می‌بایست محور اصلی توسعه پایدار قرار گیرد.

بنابراین، در محیط‌های انسان‌ساخت، نه تنها باید چنین ویژگی‌های تعادل‌بخشی برای همه ساکنان فعلی فراهم شود، بلکه همه عناصر و اجزاء آن محیطها با هدف پایدار ساختن و تکامل آن ویژگی‌های مطلوب و حیات‌بخش ملتزم گردند، به نحوی که مطلوبیت شاخصهای کیفیت محیط و زندگی برای بهره‌مندی آیندگان نیز برنامه‌ریزی و کنترل گردد.

در حال حاضر، شهرها به‌عنوان عمده‌ترین نوع محیط‌های انسان‌ساخت، با وجودی که حداکثر ۲٪ از مساحت کره زمین را اشغال کرده‌اند، متمرکزترین نقاط توسعه، متراکم‌ترین عرصه‌های استفاده بشر از زمین و فشرده‌ترین فضاهای تجلی نیازهای بشری هستند. درعین حال، کانونهای شهری از حیث انگاره‌های توسعه پایدار، بحرانی‌ترین نقاط کره زمین نیز بشمار می‌آیند.

در نظام شهرسازی ارگانیک، نظام‌های خودتنظیم و خودکنترل حاکم بر سیستم، موجب می‌گردیدند تا نظام‌مندی محیط‌های انسان‌ساخت از ضوابط طبیعی تبعیت نمایند. به‌دنبال تحولات صنعتی، رشد فزاینده جمعیت و

تحقیقی این پارادایم نیز ماهیت چندرشته‌ای دارند که برای حل مسائل مختلف، هر رشته باید سهم خود را ایفا کند. رشته‌هایی از قبیل کشاورزی، جغرافیا، اقتصاد، خاک‌شناسی، محیط زیست، جامعه‌شناسی و... هرکدام در مطالعه توسعه روستایی یکپارچه و پایدار سهمی دارند و روش کل‌نگرانه در برنامه‌های توسعه را تکمیل می‌کنند.

کتاب‌شناسی:

- اسدی، سعید. *آشنایی کلی با روشهای پژوهش مشارکتی-ارتباطی*. تهران: دانشگاه تهران، گروه توسعه روستایی، کارنوشت درس نظریه‌های توسعه روستایی، ۱۳۸۳.
- چمبرز، رابرت. «چالش با حرفه‌ها»، *سلسله انتشارات روستا و توسعه*. تهران: نشر ارغنون، ۱۳۸۱.
- ریتزر، جورج. *نشریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- ویتروز، آلن و دیگران. *اقتصاد محیط زیست*، ترجمه غلامرضا آزاد، پژوهشکده مدیریت بازرگانی، ۱۳۷۹.
- Annam, Shireesh Reddy. *Ict as Tool for Tural Development*. Indian Institute of Technology kanpur, ۲۰۰۲.
- Ashley Caroline, et al. “Rethinking Rural Development”, *Development Policy Review*. ۱۹(۴), ۲۰۰۱.
- Baker, Susan. *The Impact of Environmentalism on Public Policy Analysis in Politic at the Edge*, Chrise Pierson and Simon Toemey, Psa Publication London, ۲۰۰۳.
- European Commission, *Women Active in Rural Development*, European Communities: Luxembourg, ۲۰۰۰.
- Greider, Thomase, et al. “Landscape: the Social Construction of Nature and the Environment” *Rural Sociology*. ۵۹(۱), ۱۹۹۴.
- Hauser, Philip. *World Population and Employment: Challenges and Prospects*. first edition, New York: Syracuse University, ۱۹۹۷.
- Janvery, Alian de, et al. “The Eynamics of Rural Poverty in Latin America”, *from Modernization to Globalization*, edited by Robert, ۱۹۹۹.
- Meares, Alisonc. “Making the Transition from Conventional to Sustainable Agricultural: Gender Social Movment, Participation and Quality of Life on the Family Farm”, *Rural Sociology*. ۶۲(۱), ۱۹۹۷.
- Moseley, Malcolm J. *Local Rural Development Principles and Practice*. University of Gloucestershire, ۲۰۰۲.
- Pugliese, Patrizia. “Organic Farming and Sustainable Rural

توسعه پایدار شهری

شهری مورد تأکید قرار گرفت و بر این واقعیت منطقی شعار، اقدام محلی جهان را به حرکت درمی آورد، صحنه گذاشت. بنابراین، کارشناسان زیادی برای اجرایی کردن انگاره کلی توسعه پایدار از طریق تعیین ویژگیهای شهرهای پایدار یا توسعه پایدار شهری، به تلاشهای وسیعی روی آوردند.

در این راستا و به منظور محلی کردن دستور کار ۲۱ در ۱۹۹۵م، مرکز سکونتگاههای سازمان ملل محور دومین کنفرانس بزرگ بین‌المللی خود را (موسوم به هیئتات دو) که در شهر استانبول (ترکیه) برگزار شد، به توسعه پایدار شهری اختصاص داد. از آن زمان تاکنون، در ارتباط با توسعه پایدار و شهر، بحثهای زیادی مطرح شده است، ولی هنوز ۲ مفهوم پایداری شهری و توسعه پایدار شهری، اغلب به دلیل نزدیکی معنی، به جای یکدیگر به کار می‌روند. برای تمایز این ۲ باید توجه داشت که کلمه توسعه در عبارت توسعه پایدار، در واقع نشانگر فرایندی است که طی آن پایداری می‌تواند اتفاق بیفتد. البته پایداری، مجموعه‌ای از وضعیتهاست که در طول زمان دوام می‌یابد.

در هر صورت به منظور به دست آوردن تصویری کامل از مفهوم توسعه پایدار شهری، تبیین ویژگیهای شهر پایدار ضرورت دارد. این ویژگیهای شهر پایدار عبارتند از: شهری دادمند و مناسب. جایی که عدالت، غذا، سرپناه، آموزش، بهداشت و امید به طور منصفانه توزیع شده و همه مردم در اداره امور (← اداره امور) مشارکت دارند؛ شهری زیبا. جایی که هنر، معماری و سیمای منظر، نشانه فهم هنری و جنبش شور و شوق است؛

شهری خلاق. جایی که آزادی فکر و تحرکات تجربی ظرفیت منابع انسانی را کامل می‌کند و به او اجازه واکنشهای سریع در برابر تغییرات می‌دهد؛ شهری اکولوژیکی. جایی که در آن آثار نامطلوب اکولوژیک در حداقل ممکن قرار دارد، مکان و شکل محیط انسان‌ساخت با سیمای طبیعی متوازن است و ساختمانها و زیرساختها ایمن و پربازده هستند؛

شهری با سهولت دسترسی و تماس. جایی که فعالیتهای اجتماعی در قلمروهای عمومی تشویق می‌شود و جایی که

برپای شهرهای مدرن، این نظام‌مندی دستخوش تغییرات گسترده گردید و امروزه، حداقل در محیطهای شهری معاصر، کارایی خود را کاملاً از دست داده است، به نحوی که مراکز شهری به بحرانی‌ترین نقاط مواجهه محیطهای انسان‌ساخت با محیطهای طبیعی بدل شده‌اند. بنابراین، نقش شهرها در توسعه پایدار بسیار تعیین‌کننده است. از آنجا که بیشترین مصرف منابع اولیه و تولید ضایعات و آلودگیها در محیطهای شهری صورت می‌گیرد، شهرها کانونهای اصلی تحقق یا عدم تحقق اهداف توسعه پایدار بشمار می‌آیند.

تأمین شرایطی که عدالت محیطی را در جوامع شهری، هم در عرض زمان و هم در طول زمان، پوشش دهد، تنها در چارچوب انگاره‌های اندیشه توسعه پایدار شهری قابل جستجو است. اندیشه توسعه پایدار شهری ریشه در اندیشه‌هایی دارد که در برابر تنگناها و محدودیتهای محیطی و اجتماعی، به آرمانشهرگرایی روی می‌آوردند. فاصله چند هزار ساله تاریخی از مدینه فاضله افلاطون تا باغشهر (← باغشهر) ابن‌زهر هوارد، مؤید پیشینه تاریخی آرمانشهرگرایی است، هرچند سابقه این رویکرد در قالب مفهوم توسعه پایدار، به اواخر دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۲م و برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در ریودوژانیرو بازمی‌گردد. در این زمان بود که بعضی از جنبه‌های مهم مسائل محیط زیست که از مشکلات شهرنشینی ناشی می‌شد ولی کل جامعه بشری و کره زمین را تهدید می‌کرد به طور جدی مطرح شد که برخی از آنها عبارت بودند از:

انتشار گازهای گلخانه‌ای؛

انواع آلودگیها؛

شرایط نامطلوب زندگی زاغه‌نشینان؛

رشد فزاینده جمعیت شهری؛ و

نابودی و تخریب مرغوب‌ترین اراضی حومه‌ها.

این روند، در نهایت به تصویب دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) (منشور بین‌المللی توسعه) در کنفرانس ریو منجر گردید.

برای عملیاتی کردن مصوبات این منشور، با رویکرد جهانی فکر کن و محلی عمل کن، انجام اقدامات محلی و

توسعه پایدار شهری

سوخت، کالا، خروج پایش نشده فاضلاب، آلودگی و زباله از طریق اتخاذ سیاستهای افزایش بهره‌وری مصرف و توسعه سیستمهای بازیافت فاضلاب، انرژی و زباله مهار می‌گردد. بدین ترتیب، جای پای اکولوژیک شهر را که در حالت غیر پایدار بسیار بزرگ‌تر از مساحت و اندازه جغرافیایی آن است، کنترل و آن را محدودتر می‌سازد. ناگفته نماند که در عرصه توسعه پایدار شهری، بحث اکولوژی انسانی نیز به‌همین ترتیب مورد توجه قرار می‌گیرد.

در نهایت، با در نظر گرفتن مجموع این دو رویکرد بنیادی، منظور از توسعه پایدار شهری فرایندی است که هدف آن ایجاد شهر پایدار مطابق نیازهای شهروندان و از لحاظ عملکردی، مکانی مناسب برای زندگی نسلهای حال و آینده است. توسعه پایدار شهری مستلزم موفقیت در تحقق اهداف کیفی شهری و مشروط بر فراهم نمودن شرایط برابری نسل حاضر و آتی است. همچنین ذخایر منابع طبیعی شهر و منطقه نباید فراتر از توان باز تولید آن، در شهر مصرف شود. در این چارچوب، شاخصهای کلیدی توسعه پایدار شهری عبارتند از:

مدیریت رشد (← مدیریت رشد)؛
توسعه اقتصادی؛

عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر)؛ و
زیبایی محیط توأم با حس مکان.

این ۴ شاخص کلیدی توسعه پایدار شهری از یکدیگر جدا نیستند و اکولوژی شهری (← بوم‌شناسی شهری) زیربنای همه آنها محسوب می‌شود.

در چارچوب این اصول و دیدگاهها، الگوهایی نیز در ابعاد محیطی، کالبدی و عملکردی به‌عنوان راهکار از سوی نظریه‌پردازان مطرح شده است؛ از آن جمله‌اند:

شهر فشرده و استفاده بهینه از اراضی؛ و
گسترش شبکه حمل‌ونقل عمومی و شبکه‌های دسترسی با وابستگی کمتر به خودرو (امکان دسترسی پیاده و یا دوچرخه).

به‌طور کلی، هر نوع راهکار توسعه که آلودگی و کاربرد انرژی کمتری، هم در ساخت و هم در کاربرد، فراهم می‌سازد، نیاز به سفر- به‌ویژه سفر با خودرو- را به حداقل

اطلاعات، هم به‌صورت چهره به چهره و هم به‌صورت الکترونیک، به‌راحتی مبادله می‌گردد؛

شهری فشرده و چند مرکزی. جایی که از مناطق طبیعی حومه شهر در مقابل گسترش شهر حفاظت می‌شود و بر تقویت اجتماع محلی منسجم در محلات و همجواریها تأکید می‌شود؛ و

شهر متنوع. جایی که طیف گسترده‌ای از فعالیتهای همزمان، سرزندگی، شادابی و برانگیزندگی حیات عمومی را موجب می‌شود.

علاوه‌براین ویژگیهای بنیادی، صاحب‌نظران اکولوژیست مهم‌ترین اصول اکولوژیک حاکم بر شهر پایدار را به‌شرح زیر تعیین و هرگونه توسعه شهری را به این اصول مشروط می‌کنند:

سازگاری فعالیتهای شهری با شرایط طبیعی؛
تعادل شهر با منابع طبیعی؛
حداقل دخالت و تجاوز به شرایط طبیعی؛ و
بسته در نظر گرفتن هر چه بیشتر نظام شهر.

بنابر اصول و ویژگیهای شهر پایدار، می‌توان توسعه پایدار شهری را نوعی توسعه شهری با ۲ رویکرد بنیادی زیر توصیف نمود:

۱. توسعه شهری برای رسیدن به ویژگیهای شهر پایدار (از جمله شهر دادمند، شهر زیبا، شهر خلاق، شهر اکولوژیکی و...)، اهداف بنیادی تعیین شده‌ای دارد که همه فعالیتهای اقدامات را به‌منظور دستیابی به آنها جهت می‌دهد؛ و

۲. توسعه شهری با انتشار آلودگیهای محیطی (اعم از آلودگی هوا، آب، خاک و...) ناشی از فعالیتهای ناسازگار به هر میزان که باشد، مغایرت اساسی دارد. همچنین براساس این اصول مجموعه شهری و اندازه جمعیت می‌بایست با منابع طبیعی (به‌ویژه آب و منابع معدنی) در تعادل قرار گیرد و در توسعه‌های شهری حداقل دخالت و تجاوز به شرایط طبیعی صورت گیرد، به‌نحوی که از تغییر مسیر رودخانه‌ها، پر کردن دره‌ها، تخریب جنگلها، مسدود کردن مسیلهای و اقداماتی از این نوع اجتناب گردد. علاوه‌بر اینها، بسته در نظر گرفتن هر چه بیشتر نظام شهر، داده‌ها و ستانده‌های متابولیزم شهری در ورود کنترل نشده آب،

توسعه پایدار و شهر

توسعه پایدار شهری یعنی تلاش برای ارتقاء زندگی شهری در ابعاد بوم‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، نهادی، اجتماعی و اقتصادی، بدون تحمیل هزینه‌های ناشی از کاهش سرمایه طبیعی و بدهیهای محلی. شکل‌گیری مفهوم پایداری به اوایل دهه ۱۹۷۰م و اجلاس جهانی محیط زیست در استکهلم بازمی‌گردد. گزارشهای منتشر شده، چون *محدودیت‌های رشد* از سوی کلوپ رُم، با به صدا درآوردن زنگ خطر وخامت شرایط پیش‌رو، هوشیاری به موقعی را نسبت به اهمیت حیاتی روابط متقابل میان اقتصاد و محیط زیست مطرح نمودند. با بحران جهانی انرژی، این هوشیاری با توجه فزاینده نسبت به بهره‌وری و حفاظت از منابع همراه گردید. در ۱۹۸۷م با انتشار گزارش *آینده مشترک ما* از سوی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، اصطلاح توسعه پایدار عنوان و معرفی گردید. این گزارش حاوی نگرانیهای جامعه بشری از ازدیاد شتابان جمعیت، تخریب و تهی شدن سریع منابع، افزایش فقر و به هم خوردن چرخه طبیعی زندگی بر کره زمین است.

بدینسان، فشارهای فزاینده بر محیط زیست منتج از رشد مداوم و انفجاری جمعیت و تمایل بی‌چون و چرا برای توسعه اقتصادی، سرانجام به ارائه گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه به نام *آینده مشترک ما* و تعریف اصطلاح توسعه پایدار منجر گردید: توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را بدون آسیب رساندن به تواناییهای نسلهای آینده در تأمین نیازهای خود، برآورده سازد. تلاشهای بعدی در راستای تدقیق و تلخیص مفهوم توسعه پایدار در اجلاسهای بعدی سازمان ملل متحد، مجموعه‌ای را در قالب دستورکار ۲۱ (← دستورکار ۲۱) به تصویب نمایندگان ملتهای جهان رساند. این دستور کار با تلاش در جهت یکپارچه ساختن ملاحظات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در یک چارچوب سیاسی واحد، اشاعه رشدی پایدار و دوستدار محیط زیست را با محوریت توجه به موضوعات متعدد زیست‌محیطی، چون تنوع زیستی، تغییر آب و هوا و بیابان‌زایی، از طریق برطرف ساختن و جلوگیری از آلودگی و نگهداری از منابع طبیعی زمین در قالب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و تعهدات خاص دولتی،

می‌رساند، و بیشترین پتانسیل را برای سفرهای عمومی فراهم می‌سازد. هر آنچه را که موجب حفظ و ارتقاء کیفیت محیط و زندگی در حال و آینده می‌شود، در این قالب مورد توجه است.

کتاب‌شناسی:

- صالحی، اسماعیل. «اقدام محلی جهان را به حرکت می‌اندازد» (مواضع حکومت‌های محلی در ژوهانسبورگ)، *ماهانامه شهرداریها*. تهران، ۱۳۸۰.
- Arthur, W. *Encyclopedia of the City*. Roger W. Caves (ed), Canada: Taylor & Francis Group, ۲۰۰۵.
- Ashton, John. *Healthy Cities*. England: Open University Press, ۱۹۹۲.
- Breheny, M. *Sustainable Development and Urban Form*. London: Point, ۱۹۹۲.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Elkin, T.; McLaren, D. and Hillman, M. *Reviving the City: Towards Sustainable Urban Development*. London: Friends of the Earth, ۱۹۹۱.
- McLaren, V.M. "Urban Sustainability Reporting", *Journal of American Planning Association*. Vol. ۶۲, Spring ۱۹۹۶.
- Rogerr, R. and Gumuchdjan, P. *Cities for a Small Planet*. Great Britain: Faber & Faber, ۱۹۹۷.
- Salehi, Esmale. "Specification of Urban Planning Regulation in Sustainable City", *Sustainable Development and Planning ۲۰۰۷*. A.G. Kungolos (ed), Vol. ۱, University of Thessaly, Greece, C.A. Brebbia, Wessex Institute of Technology, UK and E. Beriatos, University of Thessaly, Greece) WIT Press, ۲۰۰۷.

اسماعیل صالحی

توسعه پایدار و شهر

Sustainable Development & City

بوم‌شناختی، با یک روش و در یک چارچوب مطالعه شوند. الگوی دیگر، الگوی زیستی - اقتصادی است. الگویی که ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در آن به صورت ۳ دایره هم‌مرکز مطرح شده‌اند: دایره محیط زیست، دایره اجتماعی را محدود می‌سازد و دایره اقتصاد درونی‌ترین دایره است که در عین آنکه با دایره اجتماعی محدود می‌شود، حافظ نظام‌های زیستی - فیزیکی لازم برای فعالیتهای انسانی است و یا به عبارت دیگر، مبتنی و متکی بر ایده قرارگیری فعالیتهای اقتصادی در خدمت تمام نوع بشر است. این الگو بازتاب ایده محدود شدن نیروهای اقتصادی توسط هم‌نیروهای اجتماعی و هم‌نظام‌های زیستی تحدیدکننده هر دو است و درعین حال، تسهیل‌کننده چرخه‌های بازتولید اقتصادی برای تداوم نظام‌های زیستی - فیزیکی مورد نیاز انسان. به بیان هاکینو، ۲ نکته اساسی در این الگو وجود دارد:

توجه به ناپایداری بودن محدودیتهای زیستی - فیزیکی، با توجه به توسعه و تحول دانش و فناوری؛ و سلسله مراتبی نبودن دایره‌های هم‌مرکز که به معنای میزان اهمیت و مطرح بودن یکی نسبت به دیگری نیست. پایداری، از این منظر، یکی از ارزشها و اهداف کانونی دیدگاهی است که با بسط علمی زمینه‌های مادی، بوم‌شناختی و روانی، به همراه مؤلفه‌های کانونی بسیاری از بزرگ‌ترین سنت‌های معنوی - اخلاقی (که از اهمیت کنش اخلاقی در درون یک جهان متقابلاً وابسته پشتیبانی می‌کند)، ترکیب شده است.

این دیدگاه علمی، جهان را برحسب نظام‌های پیچیده و وابستگی متقابل و هم‌تکاملی، ارزشها، اخلاق و کنشهای پشتیبان که بر وابستگی متقابل تأکید دارد، ملاحظه می‌کند. دورنماهای زیست‌محیطی، اقتصادی، برابری و معنوی یا اخلاقی نسب به پایداری، همگی می‌تواند با این دیدگاه متناسب باشد؛ در اینجا، پایداری خود کلمه رمزی برای سایر ارزشهاست: در مجموع، ثبات و بارور ساختن زندگی بر روی سیاره زمین که نقطه شروعی برای اقدام در تمام زمینه‌هاست. پذیرش این بنیان‌هنجاری، متضمن جهت‌گیری آگاهانه برای اقدامات آتی بسیاری خواهد بود

به تصویب رساند. فراتر از مرزهای توسعه علمی، تخصصی و تجاری، اصطلاح توسعه پایدار دربرگیرنده توسعه‌های انسانی، ارزشی و تفاوت‌های فرهنگی است؛ توسعه‌ای که معطوف به برابری جنسیتی، مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از آموزش و سلامت است.

شاید به جرأت بتوان اصل محوری گزارش برون‌تولد را تأکید بر توانایی بشریت در بسط توسعه پایدار دانست. با پذیرش جهانی دستور کار ۲۱، اصطلاح توسعه پایدار از حوزه زیست‌محیطی به حوزه‌های سیاست اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی گسترش یافت. به بیان آمارتیاسن، یک جامعه می‌تواند به لحاظ مادی ثروتمندتر شود، اما درعین حال، از نظر کیفیت زندگی و فرهنگ خود فقیرتر گردد. توسعه پایدار، توسعه‌ای ماهیتاً چندبعدی است که قابل تقلیل به هیچ‌یک از این ابعاد نیست؛ برای نمونه و به‌طور اخص، در بعد اقتصادی و رشد اقتصادی که همواره با بحث قیمت روبرو است و قیمت برای آن حکم عامل اجرایی را دارد، زمانی که جهان با ضرورت از دست دادن کل منابع اساسی - منابعی که نه تنها به لحاظ کمی حائز اهمیتند، بلکه همزمان و به همان اندازه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، روبروست، این قیمت واجد ارزشی غیرقابل پرداخت می‌گردد.

الگوی سه‌بعدی توسعه پایدار تلویحاً متکی بر ایده حفظ سرمایه (تولیدی، طبیعی و اجتماعی) است. این الگو با خاستگاهی اقتصادی، پایداری را در حفاظت، نگهداری و افزایش سرمایه معنا می‌کند. از این‌رو، در پی نحوه تداوم ویژگیهای اقتصادگرایی و تولیدگرایی جامعه مدرن است و در این میان، آنچه چالش برانگیز است، تبادلات و هم‌افزایی میان این ابعاد است. چگونگی تصمیم‌گیری در مورد اهداف متضاد این سه‌بعد، یعنی عقلانیت اقتصادی، عدالت اجتماعی و تعادل بوم‌شناختی، بحثی ابهام‌آمیز و سؤال برانگیز است. رفاه مادی چگونه در کنار نگرانی نسبت به اکوسیستم‌های طبیعی قرار می‌گیرد: راه‌حل میانه احتمالاً می‌تواند در گسترش همزمان این سه بعد شکل گیرد. ابعاد بازتابی و چندبعدی مسائل اجتماعی، به دشواری می‌تواند با ابعاد ابزاری و عقلانی اقتصاد، و ابعاد ساختاری و همسانی

توسعه پایدار و شهر

مصرف فزاینده منابع، وابستگیهای روزافزون تجاری و گسترش فزاینده اثرات بوم‌شناختی در مقیاسی فرامحلی منجر خواهد شد.

در این میان، هدف از توسعه پایدار شهری، به جریان انداختن روندی متکی بر تعادل مواد و انرژی، داده/ستانده مالی، همراه با برخورداری از نقش محوری در تمام تصمیم‌گیریهای مرتبط با توسعه‌های آتی نواحی شهری است. بدینسان، توسعه پایدار شهری، توسعه‌ای معنی‌یافته در بستر توسعه پایدار اجتماعی است، زیرا توسعه پایدار اجتماعی، توسعه‌ای مقید به ارزش و اعتبار گزینه‌های متکی بر روابط میان حوزه‌های اقتصادی، بوم‌شناختی و برابری است.

به‌همین ترتیب، در حوزه اقتصادی، فعالیت اقتصادی مبتنی بر خیر عمومی، بازتولید و تداوم فعالیت همراه با عدم وابستگی اقتصادی است و در حوزه بوم‌شناختی، تقید به محدودیتهای طبیعی که منتج از احتساب انسان به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از محیط طبیعی است و او واجد مسئولیت اجتماعی در برابر حفاظت و بازسازی داراییهای طبیعی بشمار می‌آید. در این راستا و در حوزه عدالت اجتماعی و برابری، بر فرصتهای مشارکتی تام و تمام اجتماعی در تمام فعالیتها، منافع و تصمیم‌گیریهای یک جامعه تأکید می‌شود.

یک اجتماع پایدار از منابع خود در پاسخگویی به نیازهای جاری با تضمین بقاء منابع کافی برای نسلهای آینده، بهره‌برداری می‌نماید. اولویت اول این اجتماع، بهبود و ارتقاء سلامت عمومی و کیفیت زندگی برای تمام اعضای خود، از طریق محدود ساختن ضایعات، جلوگیری از آلودگی، حداکثرسازی حفاظت، ارتقاء بهره‌وری و توسعه منابع محلی با هدف بازتولید اقتصاد محلی است.

براین اساس، اجتماعات پایدار از مواهب و ویژگیهای زیر برخوردارست:

حس نیرومند مکان؛ بصیرت و بینش فراگیر در شمول تمام بخشهای جامعه، چون بخشهای تجاری و حرفه‌ای، گروههای محروم، محیط زیست گرایان، انجمنهای مدنی، عاملان دولتی و سازمانهای مذهبی؛

که مورد نیاز است.

از دهه ۱۹۹۰م، مفهوم توسعه انسانی با هدف افزایش ظرفیت و نگاهی ورای دیدگاه ساده و تثبیت شده توسعه اقتصادی، بسط داده شد. شکست دیدگاههای تقلیل‌گرای توسعه در تقلیل توسعه اجتماعی به رشد اقتصادی، طالب چرخشی از مباحث صرفاً اقتصادی به توسعه‌ای همه‌جانبه و فراگیر بود. این حرکت با اولین گزارش در خصوص وضعیت اجتماعی جهان، خواستار توجه جهانی به توسعه اجتماعی شد. اهداف این حرکت، ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری، پیجویی عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت و نهایتاً، توسعه انسانی بود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد ایده توسعه پایدار انسانی را توسعه‌ای مبتنی بر انتخابها و ظرفیتهای انسانی که تولیدگران واقعی رشد اقتصادیند، تعریف می‌کند؛ یک رشد اقتصادی که بر تقسیم عادلانه منافع، بازتولید محیط به‌جای تخریب آن و توانمندسازی زنان و مردان به‌جای طرد و به حاشیه راندن آنها متمرکز است. ایده‌های توسعه در قرن اخیر به میزان قابل ملاحظه‌ای متکی بر فرایندهای کاراندوز در تولید بوده است، اما مفهوم توسعه به‌مثابه حافظ و نگهدارنده منابع منحصر به فرد طبیعی و انسانی، مفهوم‌گزینش شده برای چند دهه آینده است.

بوم‌شناس کانادایی، ویلیام ریز، افزایش مصرف سرانه انرژی و مواد اولیه را ناشی از گرایش گسترده جهانی به کارگیری فناوری و وابستگی روزافزون به تجارت، در کنار تداوم موقعیت شهرها به‌عنوان موتورهای رشد اقتصادی و خاستگاههای فرهنگی، از عوامل اصلی برهم خوردن موازنه موقعیت بوم‌شناختی و موقعیت جغرافیایی مناطق شهری می‌داند و شهرها را همچون سیاه‌چالهایی که تمام محصول و بازده منطقی زیستی پیرامونی و حتی فرایرپامونی خود را در خود فرو می‌بلعد و پایداری خود را در وابستگی به استفاده از این منابع، به پایداری پس‌کرانه‌های جهانی وابسته نموده‌اند، عنوان می‌سازد.

شهرها به‌عنوان مصرف‌کنندگان و توزیع‌کنندگان اصلی کالاها و خدمات، به کانونهای اصلی مؤلفه‌های پایداری و ناپایداری بدل گردیده‌اند. این روندی جهانی است که به

توسعه پایدار و شهر

رفتاری است. براین اساس، می‌توان هدف اصلی توسعه پایدار شهری را دستیابی به یک توسعه پایدار چندبعدی در بستری هماهنگ و منطبق با نیازهای ساختاری و نهادی دانست؛ آنچه که می‌تواند از طریق یک حکمروایی مناسب و هماهنگ در هر شهر و در هر محل به اجرا درآید. حکمروایی مناسب، تلاشی منسجم از سوی حاکمیت محلی، جامعه مدنی و بخش خصوصی در شکل دادن به پایداری شهری به‌عنوان هدف اصلی است. این تلاش باید تمام مردم، گروهها، شرکتها و کارگزاران دولتی و عوامل اجتماعی را درگیر سازد.

حکمروایی مناسب به مانند یک موتور و نیروی سیاسی راهنما، عناصر مختلف و مؤثر در توسعه پایدار را در وضعیتی متعادل نسبت به یکدیگر نگاه داشته، آنها را در قالب سیاستها هماهنگ ساخته، سهیم شدن تمام عوامل مختلف در مسئولیتها و منافع را تضمین می‌نماید. اگر پایداری به‌عنوان اصل مطرح گردیده است، حکمروایی مناسب به‌مثابه عمل مطرح است؛ این ۲ با هم، جنبه‌های مختلف یک توسعه شهری مناسب را زمینه‌سازی می‌کنند.

از این رو، تدوین سیاستگذاری و تصمیم‌گیریها در شهرهای پایدار، با توجه به کنشهای متقابل پیچیده موجود در میان حوزه‌های متعدد و گوناگون درگیر و با تلاش در حداقل سازی میزان اثرات زیانبار زیست‌محیطی، با تأکید بر الزامات زیر، صورت می‌پذیرد:

حداقل سازی پراکندگی شهری؛ استفاده از درون‌دادهای ماده و انرژی از منابع تجدیدپذیر؛ حداقل سازی بروندادهای زیانبار (ضایعات و آلودگیها)؛ بازیافت گسترده؛

حداقل سازی اثرات بوم‌شناختی (منابع طبیعی و منابع زمین لازم برای پشتیبانی شهر در تأمین مواد خام، انرژی و تضمین کاربردی آن)؛

توسعه نظام کل‌گرا در سیاست توسعه و تصمیم‌گیری؛ هماهنگ ساختن اصول پیشرفته زیست‌محیطی با تصمیم‌گیریها و پیش‌بینیها (کاهش مصرف، استفاده مجدد، بازیافت، غرامتهای آلودگی، درونی ساختن هزینه‌های بیرونی، بهره‌وری بوم محور در تولید صنعتی، تحلیل دوره

بسط و گسترش وسیع زمینه بروز و ظهور نوآوریها؛ ارزشگذاری نسبت به سلامت اکوسیستمها و ارتقاء بهره‌وری در استفاده از منابع؛

جستجوی فعالانه بقاء و توسعه یک اقتصاد محلی مبنای توجه به فرایند توسعه و اریابی نتایج؛ مشارکت فعال در فعالیتهای دولتی و ارتباطات میان دولتها، بخش خصوصی و سازمانهای غیرانتفاعی؛ و

تکید به اصول تعهد، فراگیری و سازندگی در تمام مباحثات اجتماعی. برخلاف رویکردهای سنتی توسعه اجتماعی، راهبردهای پایداری تأکید خود را بر مشارکت کل اجتماع شهری (به‌جای نقاط و محلات محروم)؛ حفاظت از اکوسیستم؛ مشارکت معنادار و آزاد شهروندی و استقلال اقتصادی قرار داده‌اند.

از نگاه پیتر هال، پایداری شهری مستلزم موارد زیر است:

وجود یک اقتصاد پایدار شهری موجد کار و ثروت؛ همبستگی و انسجام شهری؛

سرپناه پایدار شهری موجد مسکن مناسب و قابل تهیه برای همه؛

محیط زیست پایدار شهری موجد اکوسیستمهای بادوام و پایا؛

دسترسی پایدار شهری موجد منابع حفاظت‌کننده قابلیت‌های تحرک اجتماعی؛

زندگی پایدار شهری موجد یک شهر زنده؛ و مردم‌سالاری پایدار شهری موجد توانمندسازی حقوق و مرتبه شهروندی.

در مجموع می‌توان گفت، مجموعه اقتصاد، جامعه و برابری در توسعه پایدار یک مجموعه ارزشی فشرده و خلاصه شده برخوردار از ظرفیتی بنیادی برای تغییر است. ارزشها در درون جوامع مختلف موجد گوناگونی گسترده‌ای از نهادها، ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ستهایی می‌شود که به میزان وسیع تعیین‌کننده شیوه نگرش به جهان و زندگی است. این نهادها شامل نظامهای قانونی، حقوقی و دولتی؛ شرکتها، تبلیغات و رسانه‌های همگانی؛ و تعداد زیادی از قواعد غیررسمی و کدهای

توسعه پایدار و شهر

و پیشرفت، با استفاده از کشفیات علمی و کنترل‌های زیست‌محیطی است. مفاهیمی که مملو از بحث‌های سیاسی و اجتماعی، همراه با ابهامات ناشی از دانش نامشخص اجتماعی و زیست‌محیطی نظام‌های طبیعی و ظرفیتهای علمی و فناوریانه انسانی برای حل معضلات زیست‌محیطی است. در مجموع، تمام، این مباحث حکایت از وجود ابهامات گوناگون و عدیده در مباحث پایداری شهری دارد. با این وجود، به یقین، مرکزیت و محوریت فزاینده مفهوم پایداری در بحثها و اجلاسهای بین‌المللی محقق گردیده است. به سخن وود این دغدغه‌ها موجب قوام نظریه جدیدی از دل نظریه پیشین گردیده است که طالب همگرایی در میان دانش علمی، مباحث اقتصادی، فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی و واقعیتهای زیست‌محیطی برای هدایت توسعه انسانی در سده ۲۱م است.

توسعه پایدار شهری ترکیبی از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست است که با توجه تام و تمام به حقوق و آزادیهای اساسی انسان (از جمله حق توسعه)، ابزار دستیابی به جهانی پایدار و صلحی بادوام‌تر را توسعه‌ای بینشی - اخلاقی و معنوی عنوان می‌سازد. از این‌رو، الزام بنیادی تحقق توسعه پایدار، وجود مردمسالاری، حکومت و دستگاههای اجرایی پاسخگو و ملزم به رعایت حقوق شهروندی، شفاف و نماینده در برابر تمام گروههای اجتماعی و مشارکت موثر جامعه مدنی است.

هدف، ایجاد شهرهایی به لحاظ اقتصادی پرونق، به لحاظ فرهنگی غنی و به لحاظ اجتماعی عادلانه، پاک، سبز و امن است که امکان زندگی سازنده، خلاق و شاد را برای همه شهروندان فراهم آورند. شهرهایی که متضمن شغل، مسکن، بهداشت مناسب، امکان تحرک و جابه‌جایی، آموزش و درمان مناسب، آب آشامیدنی سالم، توسعه فرهنگی و امنیت عمومی، دسترسی به طبیعت و مشارکت در حکومت شهری برای شهروندان خود باشند.

کتاب‌شناسی:

- طراواتی، حمید و ایافت، سید امیر. «دستور کار ۲۱»، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه. تهران: سازمان حفاظت محیط

زندگی، ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و مانند آن)؛

جامعه مردمسالار (مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری، جامعه مدنی (جامعه مدنی) با نفوذ، کنترل مردمسالارانه)؛ و

همکاری گروههای ذی‌نفع گوناگون در حل مشکلات (شامل بخش خصوصی، حکومت‌های شهری و ملی، سازمانهای غیردولتی (سازمانهای غیردولتی)، دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی، کانونهای تفکر و مانند آن).

گروهی از محققان پایداری بر این باورند که نگاه طبیعت‌گرایانه به زندگی اجتماعی و اجتماع انسانی به عنوان بخشی از محیط زیستی - فیزیکی، یا بخشی از اکوسیستمهای طبیعی، تعریفی تقلیل‌گرایانه نسبت به اجتماع انسانی و نادیده گرفتن این انگاره نظری است که شهر یک دستاورد معنادار فرهنگ انسانی است. به باور این محققان، شهرها سازوکارهای طبیعی نیستند، بلکه مجموعه‌هایی انسان‌ساخت و ساخته‌هایی فرهنگیند. تلقی اجتماعات انسانی به مثابه بخشی از اکوسیستمهای طبیعی، به نادیده انگاشتن فرایندهای پیچیده اجتماعی و اقتصادی تولید و بازتولید در شهرها، عدم بررسی دقیق و مناسب ابهامات موجود در شهر و محیط زیست انسان‌ساخت آن منجر خواهد گردید. پاسخ به پرسشهای مدیریتی زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی و یا زیستی - فیزیکی، با برخورداری از بنیادی اجتماعی، لزوماً به جای ماهیتی فنی از ماهیتی سیاسی برخوردارست. با این حال با وجود انکارناپذیر بودن نگاه فراگیر حفاظت بلندمدت از محیط زیست در رویکردهای معطوف به پایداری اکوسیستمها، کیفیت دانش زیست‌محیطی موجود به عنوان زیربنای رویکردهای حمایت‌گرایانه کنونی، همچنان سؤال برانگیز است. در این چارچوب، بسط زمینه‌هایی در اخلاق زیست‌محیطی، فلسفه و علوم اجتماعی نیز وجود دارد که به دنبال ظرفیت‌سازی برای کنترل جهان به شیوه‌ای سازگار با توسعه پایدار است. این مباحث مجموعاً بخشهایی از انتقاداتی است که در مورد پارادایم روشن فکری دانش علمی مطرح می‌گردد؛ پارادایمی که به دنبال ساخت روشی برای دستیابی به توسعه

- Paris, ۲۰۰۱.
- OECD. *Sustainable Development: Critical Issues*. OECD: Paris, ۲۰۰۱.
 - OECD. *The Concept of Socially – Sustainable Development: Review of Literature and Preliminary Conclusions* (SG/SD (۲۰۰۱)۱۳). OECD: Paris, ۲۰۰۱.
 - OECD. *Towards a Sustainable Development*. OECD: Paris, ۲۰۰۱.
 - Rees, Whilliam E. "Is Sustainable City an Oxymoron?", *Local Environment*, Vol. ۲, No. ۳, ۱۹۹۷.
 - Robinson, John. "Squaring the Circle? Some Thoughts on the Ideas of Sustainable Development", *Ecological Economics*, Vol. ۴۸, Issues ۴, ۲۰ April ۲۰۰۴.
 - UNCHS (HABITAT). *The State of the World's Cities*, ۲۰۰۱.
 - Williers, B. "Sustainable Development: A New World Deception", *Conservation Biology*. ۸(۴): ۱۱۴۶-۱۱۴۸, ۱۹۹۴.
 - United Nations Human Settlements Programme, *The Challenge of Slums, Global Report on Human Settlements*. London: Earthscan Publications Ltd, ۲۰۰۳.
 - World Commission on Environment and Development (WCED), *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۸۷.

میترا احمدی ترشیزی

توسعه روستایی

Rural Development

توسعه به طور کلی فرایندی پویاست که همراه با روندهای دگرگون ساز، به وضعیتی متعادل و قابل زیست می‌انجامد. بر همین اساس، توسعه یافتگی در جنبه نظری، بدین معناست که افراد و گروه‌های اجتماعی یک سرزمین قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخابی آگاهانه، براساس شرایط و امکانات خویش، به پیش برند، بدون آنکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی همچون بحران، استثمار، وابستگی و سلطه مواجه گردند. توسعه اما

زیست، ۱۳۷۷.

- Aasen, C.T. "The Urban Sustainability Question. New Zealand Cities, Culture and Planning", Keynote Address to New Zealand Planning Institute ۱۹۹۲, Annual Conference, *Planning Quarterly*. ۱۰۶: ۱۵-۱۹, ۱۹۹۲.
- Alberti, M. Waddell P. "An Integrated Urban Development and Ecological Simulation Model". *Environmental Modeling and Assessment*. ۱, ۱۹۹۹.
- Becker, E. J. T.; Stress, I. and Wehling, P. *Sustainability: A Cross Disciplinary Concept for Social Transformations*. MOST Policy Paper. No. ۶, UNESCO: Paris, ۱۹۹۷.
- Burgess, M.; Carmona, T. and Kolstee, R. (eds). *The Challenge of Sustainable Cities-Neoliberalism and Urban Strategies in Developing Countries*. London: Zed Books, ۱۹۹۷.
- Callicott, J. B. and Mumford, K. "Ecological Sustainability as a Conservation Concept", *Conservation Biology*. ۱۱ (۱): ۳۲-۴۰, ۱۹۹۷.
- Perkins, H. C. & Thorns, D. C. "Urban Sustainability- The Basis for a Renewed Urban Planning and Management Project?", Remote Name: ۶۲.۱۱.۱۳۴.۱۲۲, ۲۰۰۰.
- Habitat II. *The Istanbul Declaration on Human Settlements*. United Nations Commission on Human Settlements, ۱۹۹۶.
- Hall, Peter; Ulrich Pfeiffer, *Urban Future ۲۱*. E&FN Spon, ۲۰۰۰.
- Lehtonen, Markku. "The Environmental – Social Interface of Sustainable Development: Capabilities, Social Capital, Institutions, Ecological Economics", Article in Press, ۲۰۰۴.
- Lele S. and Norgaard, R. B. "Sustainability and the Scientist's Burden", *Conservation Biology*. ۱۰(۲): ۳۵۴-۳۶۵, ۱۹۹۶.
- Macnaghten, P. and Urry, J. *Contested Natures*. London: Sage. dtm-۲۰۴۵۰۵۴۱۵۷, ۱۹۹۸.
- Meadows, D.H.; Meadows, D.I.; Randers, J. and Behrenc, W.W. *The Limits to Growth: A Report for the Club of Rome's project on the Predicament of Mankind*. New York: Earth Island, Universe Books, ۱۹۹۷.
- Mebratua, Desta "Sustainability and Sustainable Development, Historical and Conceptual Review", *Environmental Impact Assessment Review*. Vol. ۱۸, Issue ۶, ۱۹۹۸.
- OECD. *Policies to Enhance Sustainable Development*. OECD:

توسعه روستایی

تحول و دگرگونی جنبه‌های مختلف زندگی و فعالیت در محیط‌های روستایی نه تنها ارتباط تنگاتنگی با روندهای عمومی و برنامه‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی دارد، بلکه جدا از سمت‌گیریهی عام در سطح ملی و منطقه‌ای نیست. بنابراین، هرگونه اقدام در راستای دگرگونی محیط‌های روستایی می‌تواند و باید جزئی از ساماندهی فضایی سرزمین بشمار آید. بدینسان، ساماندهی فضایی محیط‌های روستایی از جمله منوط است به برقراری تعادل منطقی بین سکونتگاه‌های روستایی و کانونهای شهری.

اهداف توسعه روستایی اساساً در چارچوبها و بسترهای مختلف و براساس شرایط عینی جوامع تعریف و تعیین می‌گردد. با این وجود، از ۲ منظر نظری و عملی می‌توان اهداف توسعه روستایی را تبیین نمود:

اهداف توسعه روستایی از منظر نظری، قاعدتاً ارتقاء فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی - سیاسی و کالبدی - فضایی روستاها به منظور قابل زیست کردن این گونه سکونتگاهها و در یک کلام، بسترسازی برای اعتلایشان انسان روستایی است؛ و

از منظر عملی - اجرایی، اهداف توسعه روستایی با توجه به گرایشهای غالب سیاسی - اقتصادی و رویکردهای جاری به مقوله برنامه‌ریزی تبیین و تعیین می‌گردد. بنابراین، در این چارچوب، اهداف توسعه روستایی متنوع، متفاوت و مبتنی بر امکانات و رویکردهای غالب در تصمیم‌سازیها و روشهای برنامه‌ریزی است.

به این ترتیب، توسعه روستایی از دلمشغولیهی جدی محققان و کارشناسان توسعه در کشورهای در حال توسعه است. در همین ارتباط، اجتماعات شهری این گونه کشورها نسبت به جماعت‌های روستایی، با پذیرش و بهره‌گیری از تازه‌های فناورانه و سازوکارهای نوین اقتصادی، با سرعتی به مراتب بیشتر رو به رشد و گسترش دارند و در مقابل، روستاها در پی این گونه فرایندها و با چشم‌داشت برخوردار از امکانات و تسهیلات زیستی نسبتاً مشابه، هرچند با ناکامی آشکار در اغلب موارد، به الگوبرداری از شیوه‌های زیستی شهرها تن در می‌دهند. در این میان، آنچه که به‌ویژه در خلاء برنامه‌های منسجم راهبردی پدیدار

در عمل، مفهومی نسبی است و با دستیابی به مؤلفه‌های زیر قابل ارزیابی است:

رشد چشمگیر اقتصادی؛

برخورداری از دانش فنی روزآمد؛

برقراری تعادل مکانی - فضایی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی؛

رفاه اجتماعی - اقتصادی و تعالی فرهنگی افراد و گروهها؛ و

تکاپو در راستای نوین‌سازی مداوم جامعه و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی.

گرچه دنیای در حال توسعه با مسائل شهری متعددی روبرو است، اما به نظر می‌آید، مسائل روستایی آن نه تنها عمیق‌تر و فوری‌تر، بلکه راه حل بسیاری از مسائل شهری آنها نیز عملاً در چارچوبی برای مسائل روستایی قابل جستجو است. از سوی دیگر، تفاوت‌هایی موجود میان نواحی شهری و روستایی به این ضرورت، یعنی توجه جدی به توسعه در محیط‌های روستایی، دامن می‌زند. داده‌های جهانی، به‌عنوان نمونه، درباره کشورهای افریقایی حاکی از آن است که گرچه نسبت بالایی از خانوارهای شهری در این قاره در شرایط فقر به سر می‌برند، اما وضعیت خانوارهای روستایی به مراتب بدتر است. این در حالی است که برای دستیابی به کاهش سالانه ۲٪ از جمعیت فقیر افریقا، رشد اقتصادی سالانه‌ای حدود ۶ - ۷٪ الزامی است. این امر بدان معناست که نرخ رشد کشاورزی باید حدود ۴ - ۵٪ سالانه باشد، زیرا کشاورزی نه تنها در تولید ناخالص ملی سهم قابل توجهی دارد (به‌طور متوسط حدود ۳۰ - ۳۵٪)، بلکه واحدهای اصلی صنعتی در اغلب کشورهای افریقایی به فراوری و بازاریابی محصولات کشاورزی و نیز بهره‌گیری از مواد خام کشاورزی وابسته‌اند. همین‌گونه داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها و یا در اطراف نواحی شهری زندگی می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه این نسبت بیشتر و در حال افزایش روزافزون است. آشکار است که این فرایند بر امنیت غذایی، اشتغال و نحوه گذران زندگی در کانونهای شهری اثرگذار بوده است.

توسعه روستایی

روستایی یا آن‌طور که شهرت یافته است، عرصه‌های حاشیه- شهری، در معرض تغییر مدام قرار دارد و با گسترش چشمگیر نواحی شهری در پیوند قوی با حوزه نفوذ روستایی خود همراه است. به این ترتیب، تحول و دگرگونی هریک از جنبه‌های خاص زندگی و فعالیت در عرصه‌های روستایی، نه تنها ارتباط تنگاتنگی با روندهای عمومی توسعه سکونتگاههای روستایی دارد، بلکه جدا از سمتگیریهای عام در سطح توسعه ملی نمی‌تواند باشد. بنابراین، هرگونه اقدامی در راستای دگرگونی جنبه‌های زندگی روستایی می‌تواند و باید جزئی از کوشش در جهت ساماندهی عمومی سرزمین بشمار آید.

عباس سعیدی

توسعه روستایی، اهداف

آر. ویتز از جمله پیروان مکتب روهوت است که به نظریه توسعه همه‌جانبه روستایی معروف است. مکتب روهوت، هدف توسعه روستایی را تغییر تدریجی و حتمی از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری می‌داند. در نظر این مکتب، توسعه روستایی به‌مثابه توسعه ملی و رشد کشاورزی، محور توسعه روستایی است. ویژگیهایی که این مکتب برای توسعه روستایی برمی‌شمارد، در واقع عوامل توسعه همه‌جانبه ملی است. الگوی توسعه روستایی ویتز شامل قواعد عمومی زیر است:

رشد اقتصادی و مزرعه خانوادگی محورهای اساسی توسعه روستایی است؛

نظام پشتیبانی یک پیش‌نیاز برای توسعه روستایی است؛ سازماندهی به‌وسیله کشاورزان و برای کشاورزان به انجام می‌رسد؛

برای توسعه روستایی، صنعتی شدن امری ضروری است؛ شهرنشینی عامل پیشبرد توسعه روستایی است؛ و مشارکت مردمی و سازماندهی دولتی از ضرورت‌های توسعه روستایی است.

فریدمن و ویور، از نظریه‌پردازان بنام، مدافع نظریه توسعه آگروپولیتن هستند؛ این نظریه بر ۳ محور استوار است:

می‌گردد، فاصله متزاید فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی بین محیطهای شهری و روستایی است. به عبارت دیگر، علی‌رغم ضرورت حیاتی تحول بنیادین در زمینه‌های فنی و اقتصادی هم در عرصه‌های شهری و هم در محیطهای روستایی در این‌گونه کشورها، به‌واسطه این واقعیت عام که تحولات فناورانه و دگرگونیهای اقتصادی به مراتب سریع‌تر از تغییرات فرهنگی- اجتماعی تحقق می‌یابند، نه تنها کانونهای روستایی، بلکه مراکز شهری نیز در عمل از مواهب توسعه همه‌جانبه و فراگیر بی‌نصیب می‌مانند، آنچه به‌درستی شایان توجه است، این واقعیت است که امروزه محیطهای روستایی، بیش از هر زمان دیگر، به‌عنوان عرصه‌هایی ناپایدار جلوه‌گر شده‌اند. در مقابل، توسعه راستین و پایدار جوامع انسانی، اعم از روستایی یا شهری، با ابعاد مختلف محیطی، بوم‌شناختی، مادی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و روانشناختی خود، مستلزم توجهی فراگیر و همه‌جانبه است. این واقعیت باور داشتن به این حقیقت را ضروری می‌سازد که مهم‌ترین منبع توسعه انسان است؛ اگر زمینه‌های عینی و امکانات لازم برای برآوردن نیازهای اساسی فراهم آید، همه افراد و گروههای انسانی، از جمله روستائیان، قادر خواهند بود خود را به‌نحوی مولد و مؤثر با محیط پیرامونی در حال تغییر همراه و سازگار سازند. در چنین فرایندی، باید باور داشت، توسعه و تحول اجتماعی روستایی- همچون تحول عمومی تمام جوامع انسانی- محصول توسعه تک‌تک آحاد آن اجتماع است. در این ارتباط، بهبود شرایط زندگی و گسترش امکان فعالیت اقتصادی افراد، خانوارها، جماعتها و گروههای هم منفعت در محیطهای روستایی، می‌تواند به معنای توسعه تمامی اجتماع روستایی باشد.

مرز میان نواحی شهری و روستایی معمولاً و به‌طور متعارف، هم از نظر محیطی- اجتماعی و هم از لحاظ تشکیلاتی، به‌صورت خطی فرضی و مشخص در چشم‌انداز معرفی می‌شود. البته، روندهای عینی حاکی از آن است که عوارض و نشانه‌های روستایی و شهری به‌نحو روزافزونی در کنار یکدیگر و به‌صورت توأمان در شهرها و ورای مرزهای آنها جریان می‌یابد. تقابل میان واحدهای شهری و

توسعه روستایی

تضمین حداکثر خودمختاری محلی و کمترین قطع رابطه با رسوم سنتی، خودمختاری محلی که معمولاً به معنی تشویق عدم تمرکز اداری و خودمختاری سیاسی است.

اوروین در کتاب معروف خود (۱۹۴۴م)، ۴ هدف عمده برای برنامه‌ریزی روستایی، به شرح زیر، مطرح کرده است: ایجاد فرصتهای اشتغال در روستا؛ بالا بردن سطح زندگی در روستاها؛ توجه به عقب‌ماندگی زندگی اقتصادی و اجتماعی روستائیان؛ و

جلوگیری از تخریب مناظر زیبا و طبیعی روستا و حفظ زیبایی آن.

تورن در کتاب مشارکت در برنامه‌ریزی روستا (۱۹۷۰م) نوشته است، برنامه‌ریزی روستایی ۴ هدف مشخص دارد که در ۳ مورد با نظر اوروین تفاوت دارد:

توجه به توزیع اراضی به‌طور منطقی، به‌منظور استفاده‌های کشاورزی، توسعه مسکن، صنعت و سایر موارد؛ حفظ زیباییها و خصوصیات مناطق روستایی؛ توزیع مجدد جمعیت بین روستاها، به‌منظور جلوگیری از توسعه نامتعادل تعدادی از روستاها و متروک شدن تعدادی دیگر؛ و

جلوگیری از ازدیاد جمعیت روستاها که موجب تغییر شکل و ماهیت آنها می‌شود.

لسی در کتاب محیط و برنامه‌ریزی روستایی (۱۹۷۷م) برای برنامه‌ریزی روستایی ۷ هدف عمده مشخص به‌شرح زیر، کرده است:

حفظ محیط زیست روستا به‌منظور تداوم بخشیدن به حیات و بقاء منابع طبیعی که مورد بهره‌برداری انسان قرار می‌گیرد؛ اختصاص اراضی به بهره‌برداریهای مطلوب و از پیش تعیین شده؛

جلوگیری از تخریب مکانهای زیبای طبیعی روستا؛ ایجاد و آماده ساختن مؤسسات اجتماعی، اقتصادی و دولتی در روستاها؛

ایجاد رفاه ساکنان روستا؛ توجه به ایجاد ساختمانهای جدید مناطق روستایی که این ساختمانها الزاماً باید با محیط طبیعی روستا هماهنگ بوده

همکاری و خودیاری داوطلبانه؛

جماعات روستایی یا ناحیه آگروپولیتین؛ و

روش توسعه غیرمتمرکز (توسعه پائین به بالا).

راههای رسیدن به توسعه روستایی که در این رویکرد

باید مورد نظر قرار گیرند، عبارتند از:

افزایش تولید از طریق تنوع فعالیت؛

گسترش بازارهای منطقه‌ای و بین منطقه‌ای؛

اتکاء بر کیفیت زندگی که محیط زیست را نیز شامل باشد؛

و

اصل خوداتکایی و آموزش اجتماعی به‌معنای اجرای ارزیابیهای گروهی، انتقاد از خود و راههای غیررسمی ارتقاء دانش و تبادل اطلاعات.

متخصصان برنامه‌ریزی توسعه روستایی را به طرق گوناگون تعریف کرده‌اند. اما اساس این تعاریف را هدف کلی و مقدماتی ایجاد فرصت زندگی مناسب و مطلوب برای اکثریت کم‌درآمد ساکن در نواحی روستایی بر مبنای اتکاء به خود تشکیل می‌دهد. بر این اساس، اهداف برنامه‌ریزی روستایی به‌طور مشخص به قرار زیر است:

افزایش تولید و نیروی بهره‌وری؛

برابری در دسترسی به فرصتهای کسب درآمد، خدمات

عمومی و نهادهای تولیدی؛

اشتغال سودمند؛

اعتماد به نفس؛ و

مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی.

از نظر بانک جهانی اهداف برنامه‌ریزی توسعه روستایی

باید با شرایط زیر همراه باشد:

به‌منظور بهبود معیارهای زندگی و یا بهزیستی توده مردم با تضمین این مسئله که آنها از اهمیت برخوردارند و نیازهای اساسی آنها همچون غذا، مسکن، پوشاک، آموزش و اشتغال برآورده شود؛

بالا بردن بهره‌دهی نواحی روستایی و کاستن از آسیب‌پذیری در قبال خطرات طبیعی، فقر و استثمار و برخوردار ساختن این نواحی از رابطه منفعت‌آمیز متقابل؛

تضمین این مسئله که هر فرایند توسعه، خودگردان است و با تواناییهای مردم سروکار دارد؛ و

توسعه روستایی

- Bundes Republik Deutschland. *Richtlinie Über die Gewahrung von Zuwendungen zur Dorferneuerung* (Dorferneuerungsrichtlinie), Niedersachsen, ۲۰۰۱.
- Jacoby, H.G. "Access to Markets and the Benefits of Rural Roads", *The Economic Journal*, ۱۱۰ (July) ۲۰۰۰.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development. Guidelines and Methodology*, New York, ۲۰۰۱.
- United Nations. *The Earth Is Our Habitat*. New York, ۱۹۹۶.

حسین آسایش

توسعه شهری ← برنامه ریزی شهری

توسعه مسکن ← برنامه ریزی مسکن

توسعه یکپارچه روستایی ← توسعه پایدار

روستایی، پارادایم

باشد؛ و

تهیه طرح هادی در روستا.

با توجه به همه مطالب و تعاریف توسعه و اهداف آن که در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد می توان هدف کلی برنامه ریزی توسعه روستایی را ایجاد برابری و تعادل نسبی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از طریق تهیه و اجرای برنامه ها و طرحها به منظور افزایش درآمد، از بین بردن فقر و تأمین نیازهای اجتماعی، رفاهی و فرهنگی روستائیان دانست. البته تحقق این اهداف و اولویت آنها در روستاهای مختلف، نسبت به وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنها، تا حدودی متفاوت است.

با نگاهی گذرا به مباحث پیشین، اهداف توسعه روستایی در ایران می تواند شامل محورهای زیر باشد:
افزایش تولید و بهره وری؛
ایجاد اشتغال سودمند؛

دسترسی به خدمات اجتماعی و زیربنایی به منظور تأمین رفاه عمومی و عمران محیط روستایی؛
ایجاد تعادل نسبی بین مناطق شهری و روستایی به لحاظ امکانات و فرصتهای اقتصادی و اجتماعی؛
گسترش مشارکت مردم در فرایند توسعه؛ و
اعتلای فرهنگی و ریشه کنی بیسوادی.

کتاب شناسی:

- رضائی، غلامرضا. *طرح و برنامه ریزی در روستاهای ایران*. تهران: انتشارات کانون پژوهشهای علمی و اجتماعی، ۱۳۵۲.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری (یک بررسی ادراکی)»، *جغرافیا* (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲ (چاپ ۱۳۸۴).
- سعیدی، عباس. *روندهای مکان گزینی و الگوهای مکانیابی سکونتگاههای روستایی*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه ریزی و هماهنگی طرحها، آذرماه ۱۳۸۵.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- شفیق، مسعود. *عمران روستایی در ایران*. سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۵۸.
- فرهنگ، منوچهر. *زندگی اقتصادی ایران*. تهران: انتشارات ابوریحان، ۱۳۵۴.

ج

اجرای پروژه‌های عمرانی، مانند سدسازی و یا تمهیدات سیاسی - نظامی، به‌ویژه در نواحی مرزی، از جمله علل این نوع جابه‌جایی است.

در بررسی‌های تحقیقاتی و یا برنامه‌های اجرایی مرتبط با جابه‌جایی، از مفاهیم و اصطلاحاتی استفاده می‌شود که گرچه هر یک از لحاظ لفظی دارای معنای خاص خود هستند، اما معمولاً به‌صورت مترادف و هم معنا به کار می‌روند. در مواردی، جابه‌جایی به‌شکل انتقال جمعیت (replacement) به جای دیگر یا تغییر محل (relocation) زندگی افراد و گروه‌های انسانی، با پرداخت خسارت یا معوض همراه است.

مهم‌ترین و رایج‌ترین انواع جابه‌جایی که به رها کردن اراضی، مسکن و یا تأسیسات منجر می‌گردند، عبارتند از:

• **جابه‌جایی خطی.** این نوع جابه‌جایی به‌نگام اجرای طرحها و پروژه‌های عمرانی - اجرایی، مانند ایجاد جاده‌ها و خیابانها، راه‌های آهن و یا انتقال شبکه‌های برق‌رسانی که ماهیتی خطی دارند، مطرح می‌گردد. در این‌گونه موارد، ممکن است اراضی، خانه‌ها و یا برخی دیگر از داراییهای افراد یا خانوارها در معرض آسیب و یا جابه‌جایی قرار گیرد؛

• **جابه‌جایی نقطه‌ای.** جابه‌جایی نقطه‌ای قاعداً به‌نگام اجرای پروژه‌هایی مانند برپایی واحدهای صنعتی، ایجاد واحدهای کشت و صنعت، استخراج معدن و نظایر آن که مستلزم تخصیص اراضی ویژه هستند، مطرح می‌شود؛

• **جابه‌جایی و انتقال افراد به محل جدید.** انتقال افراد و گروه‌های انسانی - به‌ویژه در نواحی روستایی - که معمولاً به اخذ اراضی زراعی، مراتع و چراگاهها و یا ممنوعیت دسترسی به منابع طبیعی که معیشت و زندگی آنان به آنها

جابه جایی

Resettlement

جابه‌جایی عبارت است از عمل انتقال افراد و گروه‌های انسانی از مکان زندگی مالوف به مکان دیگر، از طریق برپایی واحدهایی مسکونی جدید و تأمین دارائیها، از جمله زمین مولد و زیرساختهای عمومی. جابه‌جایی غالباً آسکان مجدد خوانده می‌شود. عمل جابه‌جایی قاعداً بر مبنای اهداف مشخص و تمهیدات خاص، از طریق طرحهای جابه‌جایی سرانجام می‌پذیرد. به‌این ترتیب، این طرحها از طرحهای اجرایی زمان‌بندی شده بشمار می‌روند که با اعتبار معین، به‌منظور پیشبرد برنامه‌ها و اهداف از پیش تعیین شده به اجرا درمی‌آیند و ضمن نظارت و ارزیابی و نیز بررسی پیامدهای منفی و مثبت جابه‌جایی، از طریق اقدامات سنجیده، به جبران خسارات وارده می‌پردازند.

جابه‌جایی از لحاظ آمادگی افراد و گروه‌های ذی‌ربط، به‌طور کلی، به ۲ شیوه تحقق می‌پذیرد:

۱. جابه‌جایی داوطلبانه (voluntary resettlement) هنگامی است که جابه‌جایی با آگاهی قبلی، تمایل و مشارکت احتمالی افراد و گروه‌های ذی‌ربط به انجام رسد؛

۲. جابه‌جایی ناگزیر یا ناخواسته (involuntary resettlement) که معمولاً به‌صورت اضطراری به انجام می‌رسد و طی آن، افراد یا خانوارهای ذی‌ربط چاره‌ای جز ترک محل زندگی و برپایی دوباره محل اقامت و شرایط معیشت خود در جای دیگر ندارند. این‌گونه جابه‌جایی در اغلب موارد، بدون اطلاع دقیق و موافقت افراد و خانوارهای ذی‌ربط اعمال می‌شود که اگر هم از آن اطلاع قبلی داشته باشند، نمی‌توانند از انجام آن جلوگیری کنند.

جابه‌جایی

دارائیه‌ها به اضافه هزینه‌های ثبت و انتقال، این‌گونه هزینه‌ها معمولاً شامل هزینه‌های زمین و بناها و تأسیسات نیز می‌شود؛

۷. پرداخت معوض و جبران خسارت، مبلغ نقدی یا پرداخت جنسی در ازای منابع، مایملک یا درآمد از دست رفته افراد یا خانوارها؛ به عبارت دیگر، مجموعه اقدامات شامل ارائه معوض، جبران درآمد، جایگزین درآمد و جابه‌جایی مکانی در ارتباط با افراد یا خانوارهای خسارت دیده براساس چگونگی خسارات به‌منظور حمایت و استمرار شالوده زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان؛

۸. یاری‌رسانی حین اسکان مجدد، حمایت و پشتیبانی از افراد و خانوارهایی که به‌واسطه اجرای یک پروژه جابه‌جایی می‌شوند. این نوع حمایت‌ها می‌تواند شامل حمل‌ونقل، مواد غذایی، سرپناه و خدمات اجتماعی باشد که در اختیار افراد و خانوارهای ذی‌ربط طی روند جابه‌جایی قرار می‌گیرد؛ و

۹. احیاء و بازسازی، برقراری دوباره منابع درآمدی، معیشتی، زیستی و نظام اجتماعی.

برای حصول اطمینان از اینکه با افراد و خانوارهای خسارت دیده از پروژه‌های عمرانی به وجهی عادلانه و مناسب برخورد می‌شود و شرایط زیستی و معیشتی آنان در این فرایند به‌بوته فراموشی سپرده نمی‌شود، لازم است اقداماتی مجدانه و خط‌مشی‌های درخور در پیش گرفته شود؛ پیامدها و نتایج چنین برخوردی می‌تواند در هموارسازی فرایند جابه‌جایی به یاری آید. به‌منظور پیشبرد مناسب پروژه‌های جابه‌جایی و دستیابی به اهداف این‌گونه طرح‌ها، ناگزیر بایستی قواعدی به‌عنوان اصول کلی مدنظر باشند که از آن میان می‌توان موارد زیر را مطرح ساخت:

• اجتناب و یا حتی‌المقدور کاستن از جابه‌جایی ناخواسته و پیش‌بینی اثرات منفی و به حداقل رساندن آنها از طریق ایجاد زمینه‌ها و تسهیلات لازم برای برقراری دوباره امکانات زیستی و معیشتی افراد و خانوارهای ذی‌ربط بر مبنای شالوده‌های تولیدی. به این ترتیب، فرایند جابه‌جایی لازم است به‌مثابه یک فعالیت عمرانی و توسعه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی شود؛

بستگی دارد، منجر می‌گردد؛

• **جابه‌جایی روستائیان به شهر.** جابه‌جایی روستائیان در عرصه‌های شهری یا حاشیه شهری که معمولاً به تغییر و دگرگونی ساخت و بافت فیزیکی و اجتماعی - اقتصادی منجر می‌شود و بر مسکن، اشتغال و تسهیلات زیربنایی و تأسیسات خدماتی اثرات منفی برجای می‌گذارد. یکی از مسائل اصلی این نوع جابه‌جایی، امکان ادغام فرهنگی - اجتماعی و نیز اقتصادی روستائیان در حیات شهری است.

در جابه‌جایی توجه به برخی جنبه‌ها الزامی است:

۱. برنامه عمل جابه‌جایی، سند تهیه شده توسط دستگاه متولی یا مسئول جابه‌جایی که براساس آن، مراحل و اقداماتی را که باید برای پیش‌بینی اثرات منفی و زیانبار جابه‌جایی، نحوه جبران خسارات افراد و گروه‌های ذی‌ربط و تأمین منابع عمرانی از طریق یک پروژه سرمایه‌گذاری به انجام رسد، پیش‌بینی می‌شود؛

۲. افراد، گروه‌ها و نهادهای ذی‌ربط، شامل تمام افراد، گروه‌ها، سازمانها و نهادهای مرتبط با پروژه و یا بالقوه در معرض خسارتهای ناشی از آن و یا قادر به اعمال نظر و اثرگذاری در آن؛

۳. آمادگی اجتماعی، روند مذاکره و مشورت با افراد و خانوارهای خسارت دیده پیش از اتخاذ تصمیم نهایی در زمینه جابه‌جایی به‌منظور ارتقاء توان آنها در مقابله با اثرات جابه‌جایی؛

۴. جامعه میزبان، اطلاع‌رسانی و توجه به نقطه‌نظرات جماعت ساکن در مکان مورد نظر یا نزدیکی آن، که افراد یا خانوارهای خسارت دیده قرار است در آنجا استقرار یابند، زیرا اعضای جامعه میزبان ممکن است به‌نوبه خود در معرض عوارض و پیامدهای منفی جابه‌جایی قرار گیرند؛

۵. پیامدها و خسارتهای جابه‌جایی، خسارتهای وارده به دارائیه‌های مادی و غیرمادی، شامل: خانه، زمین مولد، منابع درآمدزا، منابع طبیعی، مکانهای فرهنگی، ساختمانها، شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی، هویت فرهنگی، تجانس جمعی و سازوکارهای یاریگری؛

۶. هزینه جابه‌جایی، نرخ جبران خسارت دارائیه‌های از دست رفته بر مبنای هزینه کامل جابه‌جایی، یعنی ارزش بازار

جامعه‌گرایی و شهر

جنبه‌ها و ابعاد مختلف زیستی - معیشتی و همراهی دستگاہهای مختلف اجرایی و معاضدت بین نهادی در پیشبرد اقدامات مرتبط با جابه‌جایی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

کتاب‌شناسی:

- Clark, Dana. *Resettlement: The World Bank's Assault on the Poor*. CIEL (Center for International Environmental Law), May ۲۰۰۰.
- Colchester, Marcus. "Forest Peoples Programme", *WRM's Bulletin*. No. ۴۳, February ۲۰۰۱.
- *Handbook for Preparing a Resettlement Action Plan*. IFC (International Finance Corporation, A Member of World Bank), April ۲۰۰۲.
- *Handbook on Resettlement: A Guide to Good Practice*. Asian Development Bank, ۲۰۰۳.
- *Involuntary Resettlement*. Asian Development Bank, August ۱۹۹۵.
- Malawi's Ministry of Education, Science and Technology, *Resettlement Policy Framework*. May ۲۰۰۴.

عباس سعیدی

جامعه‌گرایی و شهر

Socialism & City

واژه جامعه‌گرایی مبین نظریه ویژه‌ای است که به‌موجب آن، مالکیت و کنترل ابزارهای تولید - به‌طور مشخص سرمایه و زمین - باید تماماً در تملک جامعه قرار گیرد و در جهت منافع همگانی هدایت شود.

از نظر ایدئولوژیهای رسمی ارتودوکس در اتحاد شوروی سوسیالیسم با مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا پیوند داشت، درحالی‌که دیدگاههای انتقادی تعبیر دیگری مبنی بر برتری دادن به کار و نیروی کار به‌جای سرمایه دارد. بنابراین، در دیدگاه سنتی، مالکیت سوسیالیستی در حقیقت در دست دولت یا تعاونیها بود، درحالی‌که در دیدگاه مبتنی بر جامعه

• توجه و تأکید بر جستجو و یافتن راهکارها و گزینه‌های مناسب‌تر برای افراد و گروههای ذی‌ربط و یا جابه‌جاییهای پیش‌بینی شده در پروژه‌های مرتبط؛

• حصول اطمینان کامل از جبران خسارات و ارائه معوض و همچنین کوشش در جهت بهبود شرایط و استانداردهای زیستی - معیشتی افراد و خانوارهای ذی‌ربط در پروژه‌های عمرانی. به سخن دیگر، حصول اطمینان از اینکه فک مالکیت اراضی افراد و خانوارهای ذی‌ربط، به فقر و تنگدستی آنان منجر نمی‌گردد. علاوه‌براین، با افراد و خانوارهای بی‌زمین و یا کم‌زمین بایستی به‌نحو عادلانه و مناسب برخورد شود تا بتوانند شالوده لازم برای زندگی معیشتی درخور را پی‌ریزی نمایند؛

• یاری‌رسانی به افراد و خانوارهای ذی‌ربط برای انطباق و سازگاری با نگرانیهای روحی، فرهنگی، اجتماعی و نظایر آن؛

• اطلاع‌رسانی متناسب و آگاه‌سازی افراد و خانوارهای ذی‌ربط از گزینه‌های زیستی - معیشتی و راههای ممکن برای زندگی آتی؛ و

• برقرارسازی فرایندی مشارکتی، شفاف و قابل اعتماد از روند جابه‌جایی. این بدان معناست که افراد و خانوارهای ذی‌ربط بایستی در روند انتخاب مکانهای پیشنهادی جدید برای استقرار، تعیین محل زندگی آتی و جبران خسارات معیشتی و گزینه‌های عمران و توسعه محلی و منطقه زندگی خود تا حد ممکن دخالت و مشارکت داشته باشند.

از اینها گذشته، تحقق این نوع برنامه‌ها مستلزم اقداماتی جانبی است. به‌عبارت دیگر، برای پیشبرد بهینه این‌گونه طرحها و دستیابی مناسب به اهداف آنها، نوعی هماهنگی و همکاری بین نهادی در روند اجرا اساسی و تعیین‌کننده بشمار می‌رود. به‌این ترتیب، یکی از جنبه‌های مهم در این‌گونه برنامه‌ها، نه تنها چشم‌اندازهای توسعه‌ای و یا توسعه‌پذیر ناحیه‌ای، بلکه ضمناً چشم‌انداز آتی زندگی افراد و گروههای ذی‌ربط است. از همین رو، گرچه اعتبارات کافی برای پیشبرد این برنامه‌ها الزامی است، اما فراهم بودن امکانات مالی - اعتباری تنها شرط کافی برای پیشبرد مناسب برنامه‌های جابه‌جایی نیست. بر همین مبناست که توجه به

شهرها و محله‌های کارگری و نیروی کار، معلمان، کارمندان و پرستاران داده شود. این امر نه صرفاً از طریق توسعه تسهیلات زمین و مسکن شهری و اکتفا به خانه‌دار شدن صرف کارگران به انجام می‌رسد، بلکه باید از راه انتقال منابع اجتماعی صورت گیرد. همین وضعیت در مورد حمل‌ونقل، فضاهای خدماتی و ورزشی و رفاهی هم مطرح است. مدیریت شهری در این دیدگاه بر مبنای شورای محله، منطقه، ناحیه و شوراهای بزرگ شهر و شهرداران انتخابی و توانمند و دارای منابع مالی قرار دارد. شهرها و روستاها از جهت شورایی بودن و تأمین منابع خدمات رفاهی و اجتماعی و نوسازی مسکن تفاوتی ندارند، اما شهرها پذیرای انبوه نیروی کارند. واحدهای صنعتی باید در مناطق مشخص تحت مالکیت عمومی باشند و خانه‌های کارگری از منابع اجتماعی و عمومی و نه بر پایه پس‌انداز دستمزدی و فشار مضاعف بر خانواده کارگران، تأمین شود.

کتاب‌شناسی:

- هانت، دیانا. *نظریه‌های اقتصاد و توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، فصلهای ۲، ۶ و ۸، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، فصلهای ۱، ۲، ۵، ۶، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *رویکرد و روش در اقتصاد*. فصل ۸، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *آزادی و سوسیالیسم*. تهران: نشر دیگر، ۱۳۸۶.
- انگل، فردریک. *سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم عملی*، ترجمه قنبری، تهران: انتشارات روشنگران و مرکز مطالعات زنان، ۱۳۸۴.

فریبرز رئیس‌دانا

جامعه مدنی

Civil Society

سرگذشت مفهوم جامعه مدنی، همچون مفاهیم بسیاری، به دنیای کلاسیک، یعنی پولیس یونان و امپراتوری رُم

مدنی، مالکیت اجتماعی به دولت اجتماعی و دموکراتیک نیاز دارد؛ این دولت باید خود را به نفع شوراها، تشکلهای، تعاونیهای مستقل کوچک کند و در واقع، دولت مردمی را که مردمسالاری مشارکتی بخشی از آن است، جایگزین خود سازد. به‌رحال، وجه مشترک در این دیدگاهها آن است که در جامعه‌گرایی هنوز نابرابری وجود دارد و شعار هر کس به اندازه توانش و هر کس به اندازه نیازش تحقق نیافته است.

بسیاری سوسیالیسم را مترادف با برنامه‌ریزی اقتصادی می‌دانند اما پس از شکست اقتصادی اتحاد شوروی و فروپاشی این نظام، ضمن حفظ تجربه‌های برنامه‌ریزی در آن نظام، امروز از برنامه‌ریزیهای مردمسالارانه، غیرمتمرکز، سیستمی و دو سره - از پائین به بالا و از بالا به پائین - یاد می‌شود.

شماری از باورمندان به جامعه‌گرایی به روش اصلاحات تدریجی و شماری دیگر، به براندازی سرمایه‌داری مسلط و جایگزینی دولت سوسیالیستی انتقاد دارند. به‌رحال، به نظر می‌رسد، سوسیالیسم ضمن داشتن آرمانها و خصلتهای جهانی و تاریخی، امریست متعلق به تجربه، اراده و انتخاب ملتها و به‌این ترتیب، چه بسا در صحنه جهانی با تعارضهای دیالکتیکی همراه باشد.

وجه مشترک دیگر در سوسیالیسم حذف بی‌عدالتیها، اولویت دادن به برنامه‌های واقعی مبارزه با فقرزدایی - و نه پرداختهای گاهگاهی و نافراگیر به فقرا - حذف منابع ناشی از رانت، بهره و سودهای اقتصادی، اولویت دادن به رفاه و مصارف اجتماعی آموزشی، بهداشتی و مصرفی است و در سوسیالیسم، رفاه شهری و عدالت در شهر برحسب طبقات اجتماعی و مناطق جغرافیایی اهمیت پیدا می‌کند. از این رو، برنامه‌ریزیهای توسعه شهر و روستا از طریق بازتوزیع منابع و ثروتها تأمین می‌شود. در واقع، عدالت اجتماعی و رفاه از یکسو، به رشد بهره‌وری و از دیگر سو، به بازتوزیع اجتماعی بستگی دارد.

جامعه‌گرایان در مدیریت شهری بیش از همه به افزایش تعداد شهرهای میان اندازه و کنترل جدی و رشد کلانشهرها اعتقاد دارند. در برنامه‌ریزی شهری باید اهمیت ویژه‌ای به

مصداتی برای جامعه مدنی وجود نداشته است، این مفهوم به دلیل دگرگونی‌هایی که در عمل یا در تجربه زنده زندگی در غرب به خود دیده است، با پیچیدگی مضاعفی روبروست. در واقع، در هر دوره تاریخی از زندگی جوامع غربی مصداقهای جامعه مدنی دگرگون شده، هرچند جوهر، ماهیت و عملکرد آن تا حدود زیادی ثابت مانده است.

به هر تقدیر، اندیشمندان بسیاری هنوز تصور می‌کنند، مفهوم جامعه مدنی مفهومی است که با وزش نسیم امروزین شدن (نوسازی) به‌عنوان فرایند دگرگونی نهادهای متنوع اجتماعی و در مسیر پروژه‌ای به نام مدرنیته پدید آمده است. این برداشت از سویی درست و از سوی دیگر نادرست است. نکته مهم دیگر در تعریفی است که از سوی اندیشمندان مختلف برای جامعه مدنی ارائه شده و می‌شود. برای نمونه، آدام فرگسون و آدام اسمیت جامعه مدنی را مترادف جامعه متمدن می‌شمارند. فرگسون فراگرد پیشرفت بشر را گذار از شرایط زندگی بدوی قبایل شکارگر، عبور از شرایط بربریت به زندگی کشاورزی و شکل ابتدایی مالکیت، و سپس دستیابی به تمدن می‌داند و ویژگی تمدن را پدید آمدن نهاد مالکیت و مبادله و دولت می‌شمارد. از دیدگاه روسو نیز جامعه مدنی جامعه‌ای متمدن است. پیوندی که این اندیشمندان بین جامعه مدنی و تمدن قائل شده‌اند، دست‌کم به‌صورت تلویحی در نظریه هگل نیز موجود است. همین برداشت در اندیشه هواداران حقوق طبیعی، از جمله هابز نیز یافت می‌شود. هابز جامعه مدنی را در برابر حالت طبیعی قرار می‌دهد. چنین اظهارنظری، گرچه حاوی نکات ارزشمندی است، اما دربردارنده واژه‌ها و مفاهیمی ارزش‌دورانه است. جامعه متمدن مورد بحث کدام جوامع را دربر می‌گیرد؟ حدس این نکته البته مشکل نیست، زیرا بنا به سنت فلسفه سیاسی غرب، جوامع متمدن الزاماً غربینند. اما در ادامه، این پرسش نیز قابل طرح است که جوامع متمدن اروپای غربی از چه زمانی چنین خلعتی را به بر کرده‌اند؟ و در چه زمانی با شکل اولیه مالکیت وداع کرده و به آن نوع مالکیت، مبادله و دولتی یافته‌اند که نشان از تمدن دارد؟ در پاسخ بدین‌گونه پرسشها، ۲ نگاه شکل گرفته است. نگاه نخست بازم به آتن و امپراتوری رم بازمی‌گردد و خاستگاه جامعه مدنی را آنجا می‌داند. نگاه دوم، به تحولات سده‌های ۱۸ و ۱۹م نظر دارد و وقوع

بازمی‌گردد. برای جوامعی چون ایران که به دلایل متعدد، با پدیده‌های گوناگونی که به دخالت شهروندان در سرنوشت خود، به‌ویژه سرنوشت سیاسی، تازه آشنا شده‌اند، معرفی این‌گونه مفاهیم کار آسانی نیست. نخست آنکه برای بسیاری از این‌گونه مفاهیم، همچون پولیس، سیویک، سیویل و کمونال، معادل مناسب، درست و رسایی در زبان فارسی وجود ندارد. در معادل‌گذاریهای رایج برای چنین مفاهیمی اغلب انتقال بار معنایی آنها اگر غیرممکن نباشد، با دشواری همراه است. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر آن است که در تجربه غرب، علاوه بر عناصر هویت‌ساز خون و تبارمحور، هویت‌های جدیدی پدید آمده و در مواردی، عناصر هویت‌ساز خون و تبارمحور را از اساس بی‌اهمیت ساخته و جانشین آنها گردیده است؛ امری که در جوامعی، چون ایران، یا هنوز تجربه نشده، یا به تازگی و با تأنی در حال تجربه شدن است. تنها برای روشن‌تر شدن موضوع به مفهوم civil اشاره می‌شود. رشته تحصیلی civil engineering در آغاز، مهندسی سویل خوانده می‌شد. در تب‌وتاب معادل‌سازی و عدم استفاده از لغات غیرفارسی (طبعاً عربی مستثنی بوده است) که اگر به افراط منجر نشود، قابل دفاع است، این رشته مهندسی راه و ساختمان خوانده شد، یعنی راه و ساختمان جانشین سویل گردید که طبعاً بی‌معنا و بی‌مورد است. امروزه، این رشته را مهندسی عمران نام نهاده‌اند که به دلیل مشکلات واژه عمران در عربی، مسئله از قبل نیز پیچیده‌تر شده است. درعین حال، عمران با سویل به همان اندازه بیگانه و بی‌ربط است که راه و ساختمان بود. جالب‌ترین تجربه در باب معادل‌سازیهای ترجمه‌ای برای واژه شهروند رخ داده است. لغتنامه ارزشمند انگلیسی-فارسی حییم که از جمله نخستین کوششهای راه‌گشا در زمینه تدوین لغتنامه‌ای قابل قبول است، برای واژه Citizen، ضمن برشمردن چند معادل فارسی، از جمله رعیت نیز مطرح شده است که در عین مضحک بودن، گویای واقعیت تلخ و دیرین این مفهوم در این سرزمین است. همین سرگذشت، شاید اندکی تلخ‌تر، نصیب مفهوم جامعه مدنی شده است، زیرا علاوه‌براین حقیقت که در جامعه ایران حداقل تا انقلاب مشروطیت،

حکومتی و قدرت و تسخیر دولت از سوی دیگر، بین جامعه مدنی و دولت، حالتی بینابینی به خود می‌گیرند. همان‌گونه که بیان شد، آشفتگی مفهومی موجود از طرفی معلول بی‌توجهی به دگرگونی مصداقهای جامعه مدنی و ورود کنشگران جدید بدان عرصه و خروج برخی دیگر از آن است. همان‌گونه که ارسطو در اثر ماندگار خود سیاست به نحوی فوق‌العاده روشمند و در لباس معلمی که به شاگردان خود درس می‌آموزد، با ارائه انواع سنخ‌شناسیها که اساساً روش اوست، ضمن مقایسه انواع دولت، حکومت، قانون اساسی و ضمن برشمردن ویژگیهای هریک هم از دیدگاه وضع موجود و هم از منظر وضع مطلوب، به وضوح نشان می‌دهد که در دنیای باستان (پولیس آتن)، کامیونیتی سیاسی، جامعه مدنی و دولت یکسان است. امری که علی‌رغم تفاوت‌های پولیس آتن و امپراتوری روم، در این دومی نیز یکسان بود. در سنت کلاسیک غرب، جامعه مدنی قلمرو یا عرصه شهروندان فعال سیاسی محسوب می‌شد. با پیدایش دولتهای مطلقه اروپایی که بقایای فئودالیسم را از ریشه برچیدند، دولت در نقطه مقابل فعالیت سیاسی شهروندان و برابر نهاد آن تلقی می‌شد. بنابراین، همسانی جامعه مدنی و قلمرو یا جامعه سیاسی پایان گرفت. در آغازین مراحل سرمایه‌داری، آنگاه که طبقه بورژوا برای استقلال خویش و مستقل ساختن عرصه اقتصادی مبارزه می‌کرد، جامعه مدنی و قلمرو اقتصادی وحدت یافت. امروزه که عرصه اقتصادی و ماشین دولت توسط شرکتهای فراملیتی کنترل و هدایت می‌شود، جامعه مدنی از هر ۲ فاصله گرفته است و دربرگیرنده قلمرو کنشگری متشکل شهروندان در عرصه‌های مستقل از سیاست و مستقل از اقتصاد متشکل کنترل شده توسط امپراتوریهای اقتصادی است. در نتیجه، امروزه جامعه مدنی عرصه عمل آگاهانه شهروندانی است که مایل به تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و متعاقب آن، اثرگذاری بر تصمیمات اقتصادی در عرصه‌هایی هستند که به زیان مردم تمام می‌شود. به همین دلیل، در طول تاریخ پیوند شهروندی و جامعه مدنی هرگز قطع نشده است. فاصله گرفتن جامعه مدنی از عرصه سیاسی و از اقتصاد متشکل، استقلال جامعه مدنی را بیش از

انقلابهای بورژوازی، به‌ویژه انقلاب فرانسه، پیدایش دولت ملی، مردمسالاری نمایندگی (← مردمسالاری) و در یک کلام، شکل‌گیری و تثبیت جامعه سرمایه‌داری نوین را معیار تمدن می‌داند.

قبل از پرداختن به این ۲ نگاه، برای روشن شدن بحث، بهتر است تعریفی از جامعه مدنی ارائه شود. امروزه باب شده است که جامعه مدنی را دربرگیرنده نهادهای اجتماعی، انجمنها، باشگاهها، گروهها، اتحادیه‌ها، سازمانهای مذهبی و گروههای هم‌منفعت محسوب کنند که بین دولت و فرد قرار می‌گیرند. علاوه بر شمارش این تشکلهای اجتماعی، در ادامه اغلب بر نکته مهمی تأکید می‌شود و جامعه مدنی را شامل ساختارها و فرایندهایی تلقی می‌کنند که از طریق، به واسطه و به مدد آنها، افراد و گروهها به‌طور نسبی، فارغ از ساختارهای فرماندهی دولت و حکومت، دلمشغولیا و خواسته‌های خود را تعقیب می‌کنند. نکات یادشده درواقع تلاشی است برای مشخص‌سازی جایگاه جامعه مدنی و نسبت آن با فرد، دولت و جامعه. بدینسان، جامعه مدنی گرچه در جامعه شکل می‌گیرد، لیکن علت وجودش مدیون تمایز از دولت و جامعه است. به همین دلیل، علی‌رغم تمایز یادشده، کنش و واکنشی دائمی بین گروه، جامعه، دولت، نهاد اقتصاد، نهاد سیاست، نهاد فرهنگ و جامعه مدنی برقرار است. چنین ارتباط چندسویه‌ای، در کنار پیچیدگی جوهری جامعه مدنی، از عوامل آشفتگی مفهومی است که در باب این مفهوم همواره وجود داشته و از جهاتی مرتباً افزایش یافته است.

نکته مهم دیگر، غلط‌آموزیهایی است که برخی از افراد به‌نگام بحث از جامعه مدنی به این آشفتگیها می‌افزایند. مثلاً در بحثهای ژورنالیستی در ایران باب شده است که به‌نگام برشمردن نهادها و تشکلهای جامعه مدنی، به شوراهای شهر و روستا و احزاب سیاسی نیز اشاره می‌شود؛ غافل از آنکه گرچه این هر دو نهاد در جامعه مدنی شکل می‌گیرند، پس از شکل‌گیری، یا چون شورا از جامعه مدنی خارج و به بخشی از حکومت (حکومت محلی) بدل می‌شوند و یا چون حزب، به دلیل برخورد گزینشی با خواسته‌های جامعه مدنی از یکسو و تلاش برای به‌دست آوردن ماشین

هر زمان دیگر تأیید می‌کند. چنین استقلالی سالها پیش توسط کارل مارکس مطرح گردید. او معتقد بود که جامعه مدنی، عرصه مستقل و خودگردان مالکیت خصوصی و روابط بازار است. به نظر او *آناتومی جامعه مدنی* را باید در *اقتصاد سیاسی جستجو کرد*. با ظهور جهانی سازی، تأکید بر روابط بازار در بحث از جامعه مدنی کم‌رنگ گردیده است. مارکس چنین موضوعی را حدس زده بود؛ به همین دلیل، در پایان عمر خویش از کاربرد جامعه مدنی امتناع نمود و صرفاً مفاهیم دوگانه دولت و جامعه را به کار می‌برد.

به این ترتیب، در تمام تعاریف و تحلیلهای مربوط به جامعه مدنی، از آغاز تا به امروز، عمل جمعی شهروندان صاحب حقوق همواره نقشی کلیدی بازی می‌کند. حال در مقابل چنین عمل مشترکی، ویژگیهای دولت و اقتصاد در هر دوره‌ای، رابطه این ۲ را با جامعه مدنی تعریف و مشخص می‌سازد. جامعه مدنی گاه به سمت دولت و گاه به سمت بازار متشکل نزدیک می‌گردد و در عصر حاضر از هر دو فاصله می‌گیرد. در واقع، نگاه جان لاک منعکس در رساله دوم در باب حکومت (۱۶۹۰م)، که توصیف کلاسیکی از جامعه مدنی به دست می‌دهد، منهای تأکیدش بر حکومت، صادق باقی مانده است. به نظر او، انسانها آزاد، مستقل و برابر زاده می‌شوند، اما بهنگامی که می‌پذیرند در حیطه مشترک‌المنافع وارد شوند، برای رفاه، امنیت زندگی صلح‌آمیز در میان یکدیگر از شرایط طبیعی فراتر می‌روند و بر قیود جامعه مدنی گردن می‌نهند. با توافق آدمیان برای ورود به جامعه مدنی، آنان اصل حاکمیت اکثریت را می‌پذیرند. افراد آزادند تا از جامعه مدنی خارج شوند، اما دست زدن به چنین کاری به معنای زیستن در شرایط طبیعی است که آنان را از قیود آزاد می‌سازد، اما در عوض، در مقابل دیگران بدون دفاع می‌گذارد. در واقع، عمل مشترک و آگاهانه آدمیان بر پایه اصل آزاد، مستقل و برابر بودن آنان واقعیت می‌یابد. این همان نکته‌ای است که در بحث جان لاک تا به امروز درست باقی مانده است، لیکن اصل حاکمیت اکثریت در دنیای *ارتباطات* تحریف شده (نظریه هابرماس) و قدرت بی‌مانند رسانه‌ها در مغزشویی، دیگر به معنای امنیت، رفاه و زندگی صلح‌آمیز نیست، که به

نظر لاک از سوی حکومت برای همه تضمین می‌شود. اتفاقاً برای حفظ ارزشهای یادشده، عمل مشترک آدمیان در شرایطی، به مقابله با قدرتهای مشترک‌المنافع هدایت کننده دولتهای نئولیبرالی منجر می‌شود. چنین قدرتهای مشترک‌المنافی کنترل اقتصاد متشکل را نیز در دست دارند. بحث از جامعه مدنی بدون اشاره به اندیشمند ایتالیایی، آنتونیو گرامشی، ناقص باقی می‌ماند. او در کتاب *ارزشمند دفترچه‌های زندان* نگاه جدیدی به دولت را مطرح می‌سازد. به نظر او، درک از دولت تنها به معنای ماشین حکومتی نیست، بلکه همچنین دربرگیرنده عرصه خصوصی یا مجموعه ساختارهایی است که در دل آنها مبارزه برای هژمونی یا سلطه فرهنگی - ایدئولوژیکی درمی‌گیرد. از نگاه او *روساختهای جامعه مدنی* سیستمهای جنگ جهانی اول و مکان جنگ، موقعیتها و جایگاهها بین طبقات متخاصمی است که سرمایه‌داری بدانها جان بخشیده است. سرنوشت محتوم دولت، نابودی آن است و جامعه سیاسی در نهایت و آنگاه که طبقه کارگر و متحدانش هژمونی را به کف آورند و جامعه‌ای آزاد و خود فرمان برپا دارند، در جامعه مدنی مستحیل خواهد شد. گرچه جهان روزبه‌روز از چنین آرزویی فاصله گرفته است، اما در پی تشریح گرامشی از جامعه مدنی، عمل مشترک و آگاه نیز به وضوح خود را نشان می‌دهد. به هر تقدیر، شهرها روزبه‌روز بیشتر به عمل مشترک و آگاه شهروندان نیاز دارند. در چنین شرایطی، جامعه مدنی فراتر از تمام حرف و حدیثها، عرصه تعدیل خواسته‌های پراکنده شهروندان و عرصه رسیدن به توافق است. علاوه بر این، جامعه مدنی با تعدیل اقدامات دولتها و اقتصاد متشکل، منبع مشروعیت بخشی به دولتها نیز بشمار می‌رود. بحث وجود یا فقدان جامعه مدنی در جوامع غیرغربی و از جمله در کشورهای اسلامی، به یکی از بحثهای آتشین دنیای حاضر بدل شده است. در این رابطه، دو دیدگاه نفی کامل و عدم همخوانی جامعه مدنی و اسلام و دیدگاه تکثر معانی جامعه مدنی و لذا همخوانی نوعی از آن، که بر پایه حقوق برادران ایمانی استوار است، با دین مبین اسلام به طور همزمان طرفدارانی دارند.

جنگلداری شهری

محیطهای شهری دلالت دارد. طرحهای راهبردی و جامع حاوی اهداف کلان درازمدت است، حال آنکه طرحهای مدیریتی، به‌ویژه بر اقدامات عملی تمرکز دارد و به انتظام و اولویت‌بندی فعالیت‌های کاشت، نگهداری و جابه‌جایی درختان، در قالب زمانی معین می‌پردازد.

جنگل شهری نظامی است متشکل از درختان و سایر پوشش‌های گیاهی - از جمله درختچه‌ها، گلها و گیاهان علفی - که عرصه‌های سبز را در ابعاد مختلف در اجتماعات محلی و اطراف آنها، اعم از شهر، روستا و حاشیه شهرها تشکیل می‌دهد. این نظام متشکل از فضاهای سبز پراکنده، از جمله پارکها، خیابانهای مشجر، اراضی خارج از شهر، فضاهای خالی، محوطه مدارس، قبرستانها، اطراف دریاچه‌ها، کرانه رودخانه‌ها، جاده‌ها و گذرگاههاست. هدایت و مدیریت این امر به‌عنوان یک نظام و نه مجموعه‌ای از اجزاء مجزا، نتیجه توجه به این پیچیدگی است. گرچه بخش اعظم این نظام در مالکیت عمومی است، برخی از این فضاها به اجتماعات محلی و شرکتهای بهره‌برداری تعلق دارند. حدود مرز جنگلهای شهری به‌درستی مشخص نیست، زیرا حد توسعه کالبدی شهر همیشه فراتر از مرزهای عینی شهر است.

جنگلداری شهری در پی منافع محیطی، اقتصادی و اجتماعی عرصه‌های سبز است. جنگل به‌عنوان یک دارایی / موجودی محیطی، هوا را پاکیزه می‌سازد. تأثیر جزایر

کتاب‌شناسی:

- زیر نظر سیمور لیپست. *دایرةالمعارف دموکراسی*. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- Lofland, L. *The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory*. New York: Aldine de Gruyter, ۱۹۹۸.
- Monti, D. *The American City*. London: Blackwell, ۱۹۹۹.
- Oxford Concise Dictionary of Politics. IAIN Mclean (ed), New York: Oxford University Press, ۱۹۹۶.
- Zokin, S. *The Culture of Cities*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۵.

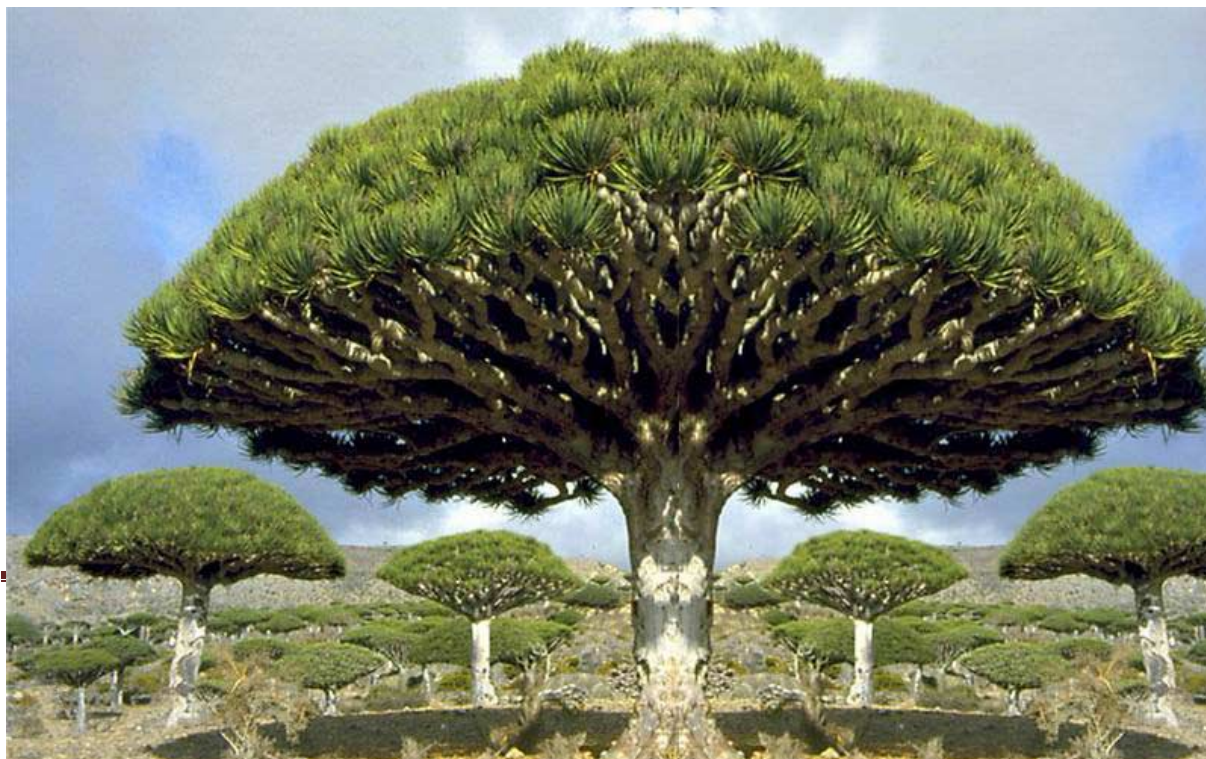
پرویز پیران

جفت گاو ← نسق

جنگلداری شهری

Urban Forestry

جنگلداری شهری هم بر برنامه‌ریزی و هم مدیریت طرحها و اقدامات مرتبط با حفاظت و نگهداری از جنگلها در



جهانی‌شدن

- اصول بازار آزاد و اقتصاد کلاسیک؛
- جهان‌گیر شدن روزافزون شیوه‌های زندگی، اقتصاد و فرهنگ برآمده از تجدد غرب؛
- گسترش فناوریهای جدید اطلاعاتی؛ و
- گسترش دامنه فعالیت شرکتهای فراملیتی و سیطره آنها بر بازار کالا و سرمایه جهانی.

جهانی‌شدن با پیشرفتهای بزرگی در حیطه فناوری ارتباطات، اطلاعات و حمل‌ونقل پیوند دارد. جهانی‌شدن همچنین ملازم هم‌پیوندیهای جدید در عرصه اقتصاد است که پیوند خود را با جغرافیای ملی، هرچه کمتر می‌کند. در این تعبیر، جهانی‌شدن فقط تغییر در مقیاسها و کمیّات نیست، بلکه ورود اقتصاد به عرصه جدیدی از مناسبات است که طی آن، اقتصاد بین‌المللی به اقتصاد جهانی تبدیل می‌شود. جهانی‌شدن همچنین برای برخی مظاهر و رفتارهای فرهنگی، مثل جهانی‌شدن برخی شوهای تلویزیونی، یا برخی عادات در مصرف، همچون مصرف کوکاکولا یا مک‌دونالد نیز به کار می‌رود.

سراغاز جهانی‌شدن

- در مورد سراغاز جهانی‌شدن اتفاق نظر وجود ندارد. براساس برخی تعبیر، وقایع کلیدی که نقش اصلی را در جهانی‌شدن بازی کرده‌اند، عبارتند از:
- ظهور نظام سرمایه‌داری و آغاز عصر استعمار؛
 - ورود سرمایه‌داری به مرحله امپریالیسم؛ و
 - توافق واشینگتن در نیمه اول دهه ۱۹۷۰م.

برخی از پژوهندگان بروز جنگ جهانی اول و بحران در نظام استاندارد طلا را در مبادلات بین‌المللی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰م، از سرچشمه‌های مهم جهانی‌شدن ذکر کرده‌اند. به‌همین ترتیب، آنچه که به مذاکرات اروگوئه و تأسیس سازمان تجارت جهانی باز می‌گردد، از وقایع مهم در رشد جهانی‌شدن به حساب آمده است. به‌هرحال، واژه جهانی‌شدن از نیمه اول دهه ۱۹۷۰م وارد ادبیات سیاسی شد. رشد نهادهای فراملی یکی از جنبه‌های مهم جهانی‌شدن است. در سده ۲۰م تعداد این‌گونه نهادها به تعداد انگشتان دست نمی‌رسید، اما امروز بیش از ۲۵,۰۰۰ سازمان

گرمایی را تعدیل می‌کند و مانع فرسایش خاک و جاری شدن روان‌آبهای سیل‌آسا می‌گردد و از این طریق، جریان آبهای سطحی را هدایت می‌کند. از نظر منافع اقتصادی، موجب ارزشهای ملکی می‌شود، به جذابیت واحدهای مسکونی و واحدهای شغلی می‌افزاید و بالاخره، هم سلامت عمومی و هم کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد.

کتاب‌شناسی:

- Miller, R. M. *Urban Forestry: Planning and Managing Urban Spaces*. Englewood Cliffs, N.J., Princeton Hall, ۱۹۹۶.

اسکات بولنز
(عباس سعیدی)

جهاد سازندگی ← وزارت جهاد سازندگی

جهان‌شهر ← شهر جهانی

جهانی‌شدن

Globalization

جهانی‌شدن به تحولاتی باز می‌گردد که طی آن مناسبات اقتصادی در سطح جهان هرچه بیشتر از حصار محدودیتهای سرزمینی و نظارت دولتها بیرون می‌آید و به سمت تبعیت از یک بازار واحد جهانی پیش می‌رود. گسترش فعالیت اقتصادی در گستره‌ای که قلمرو فراملی و غیرسرزمینی نامیده می‌شود، جهانی‌شدن را پدید آورده است. اصطلاح جهانی‌شدن را به‌طور معمول برای مجموعه‌ای از پدیده‌ها به‌شرح زیر به کار می‌برند:

- همسو کردن بازارهای ملی با بازارهای جهانی در انطباق با

غیردولتی با سرشت بین‌المللی وجود دارد.

تاریخ جهانی شدن

گرچه جهانی شدن در ۳ دهه اخیر ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است، اما پدیده تازه‌ای نیست. دنیای بشری از آغاز همواره به سمت جهانی شدن پیش رفته است، هرچند این حرکت در چند دهه اخیر شتاب و وجوه تازه‌ای یافته است. نیروی عام محرک جهانی شدن را باید در سرشت اجتماعی تولید جستجو کرد. تولید سرشتی اجتماعی دارد و همین امر آن را به سمت جهانی شدن پیش می‌برد. با این حال، برای اینکه بشر به مرحله فعلی جهانی شدن گام بگذارد، می‌بایست راه درازی را طی می‌کرد و مراحل چندی را پشت سر می‌گذارد. جهانی شدن در شکل کنونی اساساً با نظام تولید سرمایه‌داری پیوند دارد و آغاز آن با زوال تولید فئودالی در اروپا و پیدایش نظام سرمایه‌داری در این منطقه پیوند دارد. به سخن دیگر، جهانی شدن معاصر اساساً جهانی شدن سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری طی ۳ جهش بزرگ، جهانی شدن را به وضع کنونی رسانده است:

• جهش اول دوره استعمار بود که از سده ۱۷م شروع شد و تا اواخر سده ۱۹م ادامه یافت. در این دوره کشورهای اروپای غربی که به راه توسعه سرمایه‌داری پا گذاشته بودند، برای بازار فروش کالا، تهیه مواد خام و تصاحب مازاد اقتصادی، سراسر جهان غیر اروپایی را به زیر سلطه استعماری خود درآوردند. رابطه استعماری که در این دوره هنوز براساس مناسبات تجاری استوار بود، ساختار اقتصادی کشورهای تحت سلطه را به سمت تحولات تازه سوق داد.

• جهش دوم در جهانی شدن سرمایه‌داری با عصر امپریالیسم پیوند دارد که آغاز آن به دهه‌های پایانی سده ۱۹م باز می‌گردد. در این مرحله صدور سرمایه به کشورهای تحت سلطه، در کنار صدور کالا، رشد قابل ملاحظه‌ای یافت. انگیزه صدور سرمایه، دست یافتن به سود بیشتر در کشورهایی بود که در آنها ترکیب ارگانیک سرمایه پائین و نرخ سود بالا بود. صدور سرمایه دگرگونی ساختار اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته را تحرک تازه‌ای داد. تغییرات در مرحله پیشین بیشتر به صورت تغییر جهت در

مسیر تولید کالاهای صادراتی برای صدور به کشورهای پیشرفته بود، مثل تولید پنبه، کائوچو، مواد معدنی، مواد خوراکی. در این مرحله تحولاتی در تولیدات صنعتی کشورهای تحت سلطه نیز پدیدار شد و این امر به تغییر در ترکیب گروههای اجتماعی کشورهای تحت سلطه منجر گردید که رشد طبقه متوسط و طبقه کارگر از آن جمله بود. تحول در حوزه صنعتی، همچون تحول در سایر حوزه‌ها، با نیازهایی همسو بود که در کشورهای صنعتی پیشرفته شکل می‌گرفت و طبعاً در مسیر خاصی قرار داشت و به تعبیری، از نوع توسعه وابسته بود.

• سومین مرحله در جهش سرمایه‌داری به سوی جهانی شدن از نیمه اول دهه ۱۹۷۰م شکل گرفت. در این مرحله پیوندهای اقتصادی وارد مرحله کیفی تازه‌ای شد. سازمانهای بین‌المللی اقتصادی، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، در هدایت اقتصاد جهانی نقش مهمی یافتند و بعد از دوره رواج نظریه اقتصادی کینز، نظریه نئولیبرال به عنوان اصول حاوی حیات اقتصادی مطرح شد. این مرحله که به طور خاص نام جهانی شدن را به خود اختصاص داده است، با چرخش تازه نظام سرمایه‌داری انطباق دارد که از آن به عنوان بازساخت سرمایه‌داری نیز یاد شده است. اصطلاح بازساخت سرمایه‌داری را مانوئل کاستلز، نویسنده کتاب سه‌گانه عصر اطلاعات، بر تحولات این عصر گذاشته است. کاستلز تحلیل خاصی از شکل‌گیری جهانی شدن و ماهیت آن دارد. کاستلز استدلال می‌کند که طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م پارادایم تازه‌ای در فناوری پدید آمد که منشأ بازساخت سرمایه‌داری شد. به نظر او، مدل اقتصاد کینزی که طی دوره بعد از جنگ ثبات و شکوفایی اقتصاد غرب را تضمین کرد، در اوایل دهه ۱۹۷۰م توان خود را از دست داد و به انتهای راه رسید. به این ترتیب، دور تازه‌ای از رکود و تورم، اقتصاد سرمایه‌داری را دربر گرفت. هم دولت‌ها و هم شرکت‌های خصوصی برای غلبه بر این دشواریها به چاره‌اندیشی و تکاپو افتادند و سرانجام، از راه آزمون و خطا شیوه‌هایی را یافتند که در حقیقت به منزله تجدید نظر در ساختار سرمایه‌داری بود. این تجدید نظر، در عمده‌ترین وجوه

جهانی‌شدن

امر به معنی فارغ بودن اقتصاد جهانی از مرزهای سیاسی و دولتهای ملی نیست. با اینکه دولتهای ملی در اقتصاد نقش تأثیرگذار دارند، اما این واحد اقتصادی جهانی است که منویات خود را در قالبهای متفاوت و با استفاده از امکانات مختلف، از جمله امکانات دولتهای خودی، به پیش می‌برد. فعالیتهای راهبردی تولید، تجارت، انباشت سرمایه، تولید دانش و مدیریت اطلاعات در مقیاس جهانی صورت می‌گیرد. شرکتهای چندملیتی شکلهای بسیار متنوع و منعطفی را می‌سازند که مرزهای سرزمینی، هویتها و منافع ملی را پشت سر می‌گذارند.

در یک جمع‌بندی کلی، درباره نقش دولتهای ملی می‌توان گفت که جایگاه مدیریتی دولت تا حدودی رو به کاهش گذاشته است. اکنون بخش عمده کار انباشت سرمایه به شرکتهای چندملیتی منتقل شده است. دولتها برای بالا بردن توان رقابتی تولیدات داخلی، مالیاتها و به همراه آن، ناگزیر، هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهند. با این حال، برخلاف ادعای نئولیبرالها برای مدیریت نظام سرمایه‌داری، بازار به تنهایی کافی نیست و وجود دولت در کنار بازار برای مدیریت این نظام ضروری است.

تا آنجا که به جایگاه دولتها در عرصه بین‌المللی مربوط می‌شود، این موضوع بُعد دیگری نیز دارد. بُعد دیگر این امر عبارت است از ظهور جریانهای به ظاهر مخالف جهانی شدن، مانند ملی‌گرایی، قوم‌گرایی و بنیادگرایی که در جهت تقویت جایگاه دولتها عمل می‌کند. این جریانها که در شکل ظاهری با جهانی شدن ناهمخوان هستند، در مضمون نه تنها در مقابل جریان جهانی شدن قرار نمی‌گیرند، بلکه به خاطر برگردان جریان عام جهانی شدن به زبان ملی و بومی، در عمل شرایط پذیرش آن را در عرصه‌های خاص، یعنی عرصه‌های ملی و بومی فراهم می‌کنند. به این ترتیب، دولتهای ملی از یکسو جهانی شدن را به عرصه ملی می‌کشاند و از سوی دیگر، با بسط دامنه این جریان، در واقع زمینه‌های تضعیف جایگاه اقتصادی خود را فراهم می‌سازند.

جهانی‌شدن و جهانی‌سازی

خود، متضمن ایجاد انعطاف تازه‌ای در سازماندهی تولید و توزیع بود. اقتصاد جهانی اقتصادی است که همچون یک واحد در سطح جهان عمل می‌کند. سازماندهی این اقتصاد تنها با استفاده از فناوری جدید اطلاعات، شامل مخابرات و کامپیوتر، میسر است. این فناوری به شکل‌گیری شبکه‌های متشکل از شرکتهای جهانی با فرمولهای مختلف کمک کرده است. شیوه‌های تازه تولید و توزیع بر شکلهای گوناگون اتحاد و همکاری بلندمدت، کوتاه‌مدت و موقت میان شرکتهای و پیوند خوردن شبکه‌های کوچک، متوسط و بزرگ در یک مجموعه متشکل استوار است. راهبرد این شرکتهای مبتنی بر کسب مزیت رقابتی بر پایه موقعیت نسبی در درون شبکه است. این ساختار همواره در حال بازتولید، گسترش و عمیق‌تر شدن است.

نظام کنونی اقتصاد جهانی، با همه ابعاد درهم تنیده‌اش، همچنان ساختار عدم تناظر بین مناطق را بازتولید می‌کند. فاصله بین مناطق توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، حتی با شتاب بیشتری، در حال افزایش است. در یک طرف، منطقه امریکای شمالی، اروپا و اقیانوس آرام-آسیا و در طرف دیگر، مناطق پیرامونی قرار دارند. البته، گاهی به مقتضای پویاییها در درون شبکه جهانی اقتصاد، نقاطی از پیرامون به درون مرکز جذب می‌شوند که کشورهای تازه صنعتی شده جنوب آسیا از آن جمله‌اند. هریک از ۳ منطقه اقتصادی برای خود پیرامونی دارند. امریکای جنوبی برای امریکای شمالی، اروپای شرقی برای اروپای غربی و آسیا برای اقیانوس آرام-آسیا نقاط پیرامونی هستند. خاورمیانه نیز به شبکه مالی جهانی و تأمین انرژی برای نظام جهانی متصل است.

جهانی‌گرایی، منطقه‌گرایی و دولتهای ملی

همپای جهانی شدن با پدیده‌ای به نام منطقه‌گرایی نیز روبرو هستیم. به موازات جهانی شدن و با روند یکسانی، شاهد منطقه‌گرایی، یعنی رشد سازمانهای اقتصادی، منطقه‌ای هستیم. اقتصاد جهانی با اتکاء بر یک شبکه جهانی ارتباط، امور خود را به پیش می‌برد. این شبکه از مرزهای منطقه‌ای و ملی و اصولاً از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. البته این

جهانی‌شدن

بحران‌زایی است. آنچه در دوران بعد از جنگ تا دهه ۱۹۷۰م باعث شکوفایی و ثبات نسبی اقتصاد غرب شد، پیروی از مدل اقتصادی کینز و سیاست‌های لیبرال دموکراتیک و سوسیال دموکراتیک بود، نه بازار آزاد به مفهوم کلاسیک. در عرصه اقتصاد جهانی، لیبرالها در دفاع از نظر خود به نمونه کشورهای معروف به کشورهای تازه صنعتی شده در آسیای جنوب شرقی اشاره می‌کنند. مخالفان آنها معتقدند، این نمونه کوچک را که حدود ۵٪ جمعیت کشورهای توسعه‌نیافته را دربر می‌گیرد، نمی‌توان به کل جهان تعمیم داد. علاوه بر آن، نمونه‌های بسیار بیشتری وجود دارد که خلاف این نظر را ثابت می‌کند. بخش بزرگی از کشورهای امریکای جنوبی، افریقا و آسیا که بازارهای خود را به روی جهان گشودند، در عمل از این امر سودی نبردند.

هواداران نظریه نظام جهانی در مورد واقعیهایی که به آن اشاره شد، تحلیل خاص خود را دارند. نظریه نظام جهانی، جهان را به‌عنوان یک نظام واحد می‌بیند که از ۳ جزء شامل مرکز، پیرامون-مرکز و پیرامون تشکیل شده است. بنابر تحلیل آنان، بنابر مقتضیات نظام جهانی ممکن است در مقاطعی برخی از نقاط پیرامون وارد پیرامون-مرکز یا مرکز شوند، اما این حرکت را نمی‌توان به وضعیت و آینده تمام نقاط پیرامون (کشورهای درحال توسعه) تعمیم داد و چنین نتیجه گرفت که در صورت تبعیت از بازار آزاد، همه کشورهای درحال توسعه مسیر توسعه را طی کرده و به کشور توسعه‌یافته تبدیل خواهند شد. سرشت نظام جهانی (نظام سرمایه‌داری جهانی)، قطبی بودن توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی است. به بیان دیگر، رشد نامتوازن و نظام مبادله نامتناظر جزء جوهری این نظام است.

جهانی‌شدن و امپراتوری غیرسرزمینی

برخی تحلیل‌گران مارکسیست، از جمله پولانزاس، جهانی‌شدن معاصر را با بسط امپراتوری غیرسرزمینی ایالات متحد ملازم بشمار می‌آورند. این دسته از تحلیل‌گران روی این نکته تأکید دارند که بعد از توافق واشینگتن و وقایع سال ۱۹۷۴م، کیفیت تازه‌ای در نظام سرمایه‌داری جهانی پیدا شده است. این کیفیت عبارت است از سیطره سرمایه

جهانی‌شدن در ادبیات سیاسی به صورت اصطلاحی بی‌طرف و حاکی از یک پدیده در جهان به کار می‌رود. صرف نظر از اینکه همین ظرفیت غیرجانبدار واژه جهانی‌شدن، خود به طور جانبدارانه به کار می‌رود، واقعیت این است که همراه با آن، ۲ جریان متفاوت در حال رخ دادن است:

- جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرایند؛ و
- جهانی‌سازی به‌عنوان یک پروژه.

جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرایند، عملکرد نیروهای تولید اجتماعی و در زمان ما سرمایه‌داری جهانی است. در مقابل، جهانی‌شدن به‌عنوان یک پروژه، برنامه‌ای سیاسی است که کشورهای بزرگ صنعتی و در رأس آنها ایالات متحد برای جهان تدارک دیده‌اند و می‌خواهند آن را به کمک ابزارهای مختلف، از جمله ابزار دیپلماتیک، سیاسی و نظامی، در جهت خاص به پیش ببرند. کشورهای ضعیف‌تر، بنابه ملاحظات گوناگون، به ناچار به همراهی با سیاست‌های قدرتهای بزرگ صنعتی سوق داده می‌شوند. اگر جهانی‌شدن به معنی گسترش هم‌پیوندیهای اقتصادی و تعمیق کیفی آن است، جهانی‌سازی، ترویج گزینشی هنجارهای لیبرالی در راستای منافع قدرتهای بزرگ مرکز است.

جهانی‌شدن و توسعه

توسعه، به‌ویژه توسعه کشورهایی که در زمره کشورهای درحال توسعه به حساب می‌آیند، به مسئله‌ای مهم در جهان معاصر تبدیل شده است. پرسش این است که جهانی‌شدن با توسعه چه ملازمتی می‌تواند داشته باشد؟ لیبرالها و نئولیبرالها معتقدند که بازار آزاد و آزادسازی اقتصادی مناسب‌ترین سیاست برای پیشبرد امر توسعه است. بنابر نظر آنها، بازار نقش خود-تنظیم‌گر دارد و اگر دولتها در آن مداخله ناروا نکنند، نقش تعادلی خود را در انتقال دادن سرمایه به مناطق کمتر توسعه‌یافته به انجام می‌رساند و این مناطق را به جریان توسعه می‌کشاند. مخالفان نئولیبرالها معتقدند که بازار آزاد سرمایه‌داری، نه تنها میل به تعادل ندارد، بلکه برحسب سرشت خود، به قطبی کردن مناطق اقتصادی از حیث میزان توسعه کمک می‌کند و علاوه بر آن، میل به بحران دارد. دوره‌های تجاری مظهری از این

جهانی‌شدن و روستا

- رابرتسون، رنالد. *جهانی‌شدن، تنوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- شورت، ج. و کیم، ی. *جهانی‌شدن و شهر*، ترجمه احمد پوراحمد و شایان رستمی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- کاستلز، مانوئل. *عصر اطلاعات*، ترجمه علی پایا و دیگران، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- هابرماس، یورگن. *جهانی‌شدن و آینده دموکراسی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- Amin, Samir. "Political Economy of Twentieth Century", *Monthly Review*. Vol. ۵۵, No, ۲, June, ۲۰۰۰.
- Balaam, D. and Vesth, M. *Introduction to International Political Economy*. New Jersey: Prentice Hall, ۲۰۰۱.
- Pantich, Leo. "The New Imperial State", *New Left Review*. Vol. ۲, Mar-Apr, ۲۰۰۰.

کمال پولادی

جهانی‌شدن و روستا

Globalization & Countryside

جهانی‌شدن پیوستگی و وابستگی متقابل دامنه‌دار مکانها در مقیاس جهانی است که به صورت فشردگی زمان و فضا تجلی می‌یابد. به سخن دیگر، جهانی‌شدن فرایندی عام است که تمام روندهایی را که مردمان نقاط مختلف جهان را به یکدیگر مربوط می‌سازد و در یک جامعه جهانی جای می‌دهد، شامل می‌شود.

در دهه‌های اخیر، جمعیت روستایی در سطح جهانی به نفع شهرگرایی و گسترش کانونهای شهری، پیوسته رو به کاهش بوده است؛ باین حال، هنوز بخش قابل توجهی از ساکنان کره زمین در محیطهای روستایی زندگی می‌کنند. داده‌های آماری حاکی از تفاوت‌های فضایی موجود از لحاظ حجم و شدت شهرگرایی در مناطق اصلی جهان است. به‌عنوان نمونه، در آستانه سده ۲۱م در اقیانوسیه (استرالیا و زلاندنو)، یعنی شهری‌ترین منطقه جهان، ۹۰٪ از جمعیت در

امریکایی در درون زنجیره امپریالیستی. سیطره سرمایه و سرمایه‌داری امریکا از نوع برتری جوییهای گذشته به صورت سرکردگی قدرت در نظام روابط بین‌المللی نیست، بلکه به صورت بازتولید نوعی مناسبات در درون کشورهای دیگر است. این سیطره در قیاس با برتری جویی انگلستان در دوران گذشته، از این امکان برخوردار است که خود را در درون کشورهای دیگر بازتولید کند. برهم زدن نظام دولت رفاهی در اروپا طی ۳ دهه اخیر و حاکم کردن اصول نئولیبرالی بر اقتصاد این کشورها و بسیاری از کشورهای دیگر، نتیجه این تحول در درون زنجیره امپریالیستی است. ایالات متحد به این ترتیب به یک امپراتوری غیرسرزمینی تبدیل شده است.

جهانی‌شدن و شهرها

جهانی‌شدن به شکلهای گوناگون بر عرصه زندگی و فضاهای زیستی تأثیر فراگیر دارد. تا آنجا که به مدیریت شهری مربوط می‌شود، رقابت بین شهرها برای جلب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی و جذب شرکتهای و مؤسسات بین‌المللی جهت استقرار در شهر، از جمله مظاهر این جریان است. حضور سرمایه‌داری بین‌المللی در شهر، در تغییر بافت آن و تجدید ساخت فضایی آن تأثیر همه‌جانبه دارد. پیدایش مناطق جدید تجاری و نواحی تازه مسکونی، اتخاذ راهبردهای تازه‌ای را برای توسعه شهری ایجاب می‌کند. در برخی شهرها که به شهرهای جهانی (← شهر جهانی) شهرت یافته‌اند، ایجاد دفترهای مرکزی شرکتها و بانکهای بزرگ منشأ اصلی تجدید ساخت شهری به حساب می‌آیند. برخی از مادرشهرها، محل شکل‌گیری فرهنگهایی هستند که به فرهنگهای جهانی شهرت یافته‌اند. این مادرشهرها با این خصوصیت فرهنگی، فضاهای خاص خود را ایجاد کرده‌اند. شیوه‌های خاص زندگی، ابزار خاص امنیتی و سبکهای خاص معماری به این شهرها چهره جدیدی داده است. جهانی‌شدن شهرها را وامی‌دارد تا فرهنگ خود را به شیوه‌ای که مشوق جذب سرمایه، سرمایه‌گذاری، تخصصها و فناوریهای پیشرفته باشد، توسعه دهند.

کتاب‌شناسی:

جهانی‌شدن و روستا

مسئله‌ساز روبرو ساخته است که تجلی بارز آن، تخلیه و فروپاشی بسیاری از سکونتگاههای روستایی و شکل‌گیری نابهنجار بعضی شهرهای بزرگ نابسامان بوده است.

به‌طور کلی، سابقه اثرات تجارت و مهاجرت‌های جهانی، به سرآغاز ورود اروپائیان به سرزمینهای امریکا، استرالیا، زلاندنو و افریقا و به معرفی محصولات جدید سرزمینهای تحت استعمار باز می‌گردد. با این وجود، در تبیین جهانی‌شدن به‌مثابه یکی از اثرگذارترین نیروهای عصر حاضر، آن را نه تنها به مفهوم جابه‌جایی کالاها، افراد و سرمایه در اکناف جهان، بلکه به‌عنوان هم‌کنشی و پیوند متقابل مکانها در سراسر جهان باز می‌شناسند. بنابراین، جهانی‌شدن از اساس به مناسبات نابرابر قدرت و به سخن دیگر، به فقدان قدرت مناطق روستایی نسبت به کنترل آینده خود و به روند به زیرسلطه شبکه‌ها و روندهای قدرت درآمدن هرچه بیشتر مناطق روستایی باز می‌گردد که در مقیاس جهانی تولید، بازتولید و به اجرا درمی‌آید. قدرت سرمایه‌داری جهانی و به مفهوم وسیع‌تر، شرکت‌های بزرگ جهانی، تنها یکی از نمونه‌های آن بشمار می‌روند که نه فقط در بخشهای سنتی اقتصاد روستایی، بلکه در هرگونه فعالیتی (در سطح محیطهای روستایی) اثرگذار است. به این ترتیب، جهانی‌شدن پدیده‌ای فراتر از تجارت یا به‌دست گرفتن و اداره امور است.

درواقع، چنان‌که پیترز (۱۹۹۶م) می‌نویسد، جهانی‌شدن شکل مجرد و یکسانی ندارد، بلکه اشکال مختلفی دارد و به صور گوناگون پدیدار می‌گردد. مرز تفکیک و نیز هدف غایی این صور و شکلهای همیشه به‌سادگی قابل تشخیص نیست و چه بسا گاهی متعارض نیز به نظر می‌آیند. بر این اساس، اثربخشی فرایند جهانی‌شدن در نواحی روستایی با پدیده‌های متفاوتی در عرصه‌های مختلف همراه است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- جهانی‌شدن اقتصادی؛
- جهانی‌شدن تحرک و جابه‌جایی؛ و
- جهانی‌شدن ارزشها.

وودز (۲۰۰۵م) می‌نویسد، اقتصاد جهانی شاید در نگاه اول، یادآور آسمانخراشهای منهاتان یا چیزی شبیه آن باشد،

شهرها زندگی می‌کردند، ولی در همسایگی آن، ملانزی با کمترین نسبت جمعیت شهری در جهان (کمتر از ۲۴٪) روبرو بود. به همین ترتیب، اروپای شمالی و غربی، با ۸۳٪ جمعیت شهری، از مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین مناطق شهری بشمار می‌روند، اما این نسبت در اروپای شرقی و جنوبی به مراتب کمتر است و به ترتیب به ۶۸٪ و ۶۶٪ می‌رسد. در قاره آمریکا، امریکای جنوبی با حدود ۸۰٪ جمعیت شهری نسبت به امریکای شمالی (با ۷۷٪ شهرنشین)، از نسبت شهرنشینی بیشتری برخوردار است، حال آنکه این نسبت در امریکای مرکزی و حوزه کارائیب به ترتیب به ۶۸٪ و ۶۳٪ می‌رسد. بدینسان، جمعیت شهری در تمام مناطق اروپا و امریکا از نسبت بالایی برخوردار است و به‌طور متوسط، بیش از ۶۳٪ از کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. در مقابل، در قاره‌های افریقا و آسیا، تنها آسیای غربی، با ۶۵٪ جمعیت شهری، دارای نسبت مشابهی با قاره‌های اروپا و امریکاست. افریقای شمالی و افریقای جنوبی با حدود ۵۰٪ جمعیت شهری، از نسبتهای معتدل‌تری برخوردارند، اما همین نسبت نیز در مقایسه با سایر مناطق افریقا و آسیا بیشتر است. افریقای شرقی با حدود ۲۵٪ و همچنین بخش جنوبی آسیای مرکزی با حدود ۳۰٪ جمعیت شهرنشین، از کمترین نسبتهای شهرنشینی در جهان برخوردارند. مناطق بسیاری در آسیا، با سطوح ناچیز شهرنشینی و مقادیر بالای جمعیتی، بیشترین شمار جمعیت روستایی جهان را در خود جای داده‌اند. تقریباً یک‌سوم از روستائینان دنیا در آسیای جنوب مرکزی و به همین ترتیب، ۲۷٪ دیگر در آسیای شرقی و ۱۰٪ آسیای جنوب شرقی زندگی می‌کنند.

آشکار است که علی‌رغم شباهتهای ظاهری در برخی زمینه‌ها، روند این دگرگونیها و همچنین پیامدهای آنها در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت بوده است. بر این اساس، می‌توان گفت پدیده روستاگرایی که قاعدتاً در مقابل شهرگرایی مطرح شده است، در این دو قطب با ماهیتی کاملاً متفاوت بروز یافته است. این‌گونه روندها سکونتگاههای روستایی کشورهای موسوم به جهان سوم را، هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی، با تحولاتی

جابه‌جایی افراد و گروه‌های انسانی نیز از پیامدهای آن است. اگرچه مهاجرت‌های روستا-شهری پدیده جدیدی نیست، اما همگام با فرایند جهانی‌شدن ابعاد تازه‌ای یافته است که در تاریخ معاصر بی‌سابقه است. به‌عنوان نمونه، با گسترش شبکه‌های اطلاعاتی، توسعه وسایل حمل‌ونقل و تسهیل جابه‌جایی، افراد و گروه‌های انسانی این امکان را یافته‌اند که با ترک وطن خود، به بازارهای جهانی کار وارد شوند. این روند، در مقیاس کلی، موجب شده است، تا وابستگی مکانی افراد و گروه‌های انسانی به‌نحو بی‌مانندی کاهش پذیرد.

امروزه، حرکت انسانها به‌سوی محیط‌های روستایی و یا خروج از آنها، به تفاوت، در سطح جهانی به‌شدت در جریان است. البته، آشکار است که این وضعیت در سرزمین‌های توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته با تفاوت‌های بارزی همراه است؛ درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته زندگی و فعالیت در محیط‌های روستایی جاذبه‌های تازه‌ای یافته است، در کشورهای توسعه‌نیافته، هنوز در مواردی، دسترسی به حداقل امکانات زیستی موجب تحرک می‌شود؛ گسترش گردشگری روستایی، به‌ویژه در سرزمین‌های توسعه‌یافته، و در مقابل، موج مهاجرت‌های غیرقانونی و پرخطر از آفریقا به اروپا، از نشانه‌های این تحرک است. در مقابل، در سرزمین‌های توسعه‌نیافته، تضاد میان زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی و نارسائیهای و کمبودهای بنیادی در سطح واحدهای روستایی از یکسو و جاذبه‌های شهری، به‌عنوان کانون‌های ظاهراً فعال و بهره‌مند، از سوی دیگر، به روی‌آوری خیل روستائیان به‌سوی مراکز شهری به‌منظور دستیابی به امکانات و تسهیلات گوناگون منجر می‌شود. این روند که دامنه آن به مهاجرت در سطوح جهانی رسیده است، نه تنها به اختلال بیشتر شبکه داخلی سکونتگاه‌های روستایی در این کشورها دامن می‌زند، بلکه حوزه‌های شهری آنها را نیز با مشکلاتی جدی و متنوع روبرو می‌سازد. بدینسان، این‌گونه کشورها، در سطح روستایی با شبکه‌ای از هم گسیخته و در سطح کانون‌های شهری، با مسائل متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن روبرو هستند.

اما ساده‌ترین تجلی آن در مراجعه روزانه به فروشگاه‌های مواد غذایی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، به‌چشم می‌خورد. در این فروشگاه‌ها انواع و اقسام تولیدات مواد غذایی از سراسر جهان عرضه می‌گردند که در واقع، توسط شرکت‌های جهانی تهیه، فراوری و مبادله و حتی در سطح جهانی برای آنها تبلیغ می‌شود.

• **جهانی‌شدن اقتصادی.** این جنبه، به‌مثابه یکی از ۳ وجه تأثیرپذیری نواحی روستایی از فرایند جهانی‌شدن، از جمله به‌صورت پدیده‌های زیر بروز می‌یابد:

۱. جهانی‌شدن تجارت که تأثیر آن بر اقتصاد و جامعه روستایی پیوسته رو به گسترش دارد. کوشش در انطباق با اقتصاد نوین جهانی موجب تحولات چشمگیری در فعالیت کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و محیط‌های روستایی آنها شده است. در عمل، درست است که واحدهای زراعی و تولیدکنندگان روستایی بخشی از محصولات خود را به بازارهای محلی عرضه می‌دارند، اما کوشش پنهان و آشکاری در کار است تا هرچه بیشتر با تولیدات خود به بازارهای جهانی راه یابند؛

۲. ظهور و حضور شرکت‌های جهانی در نواحی روستایی پدیده دیگری است که روزبه‌روز بر سیطره آنها افزوده می‌شود. به‌عنوان نمونه، بازار جهانی بذر تنها در دست ۴ شرکت جهانی است؛ ۸۰٪ از صادرات ذرت و بیش از ۶۵٪ از صادرات سویا در ایالات متحد زیر نظر ۳ شرکت جهانی به انجام می‌رسد. در استرالیا، ۷۵٪ از عمده‌فروشی و شبکه توزیع مواد غذایی در کنترل تنها ۳ شرکت قرار دارد. علاوه‌براین، بسیاری از شرکت‌های بزرگ مستقل که در بخش‌های مختلف تولید روستایی فعالیت دارند، از طریق پیمان‌های درازمدت همکاری، به ۳ مجموعه زنجیره‌ای مواد غذایی که توسط ۴ شرکت و به‌صورت واحد اداره می‌شوند، قرار دارد؛ و

۳. شبکه‌های انتظام جهانی، به‌مثابه سومین پدیده‌ای که در قالب جهانی‌شدن اقتصاد، بر نواحی روستایی اثرگذار هستند.

• **جهانی‌شدن تحرک و جابه‌جایی.** جهانی‌شدن نه تنها به آزادسازی و تحرک کالاها و سرمایه منتهی شده است، بلکه

• **جهانی شدن فرهنگی.** ظهور وسایل جهانی ارتباط جمعی و حضور یک فرهنگ عمومی جهانی، مبتنی بر مصرف نسبتاً همسان فیلم، تلویزیون، موسیقی و مانند آن، بعد سوم فرایند جهانی شدن به حساب می آید. در چارچوب این فرهنگ عام، کار و زندگی در محیطهای روستایی همه جا یکسان است، همان گونه که شکل خاصی از شیوه زیستن در کانونهای شهری معرفی و شناخته می شود. یکی از نتایج ناخوشایند این روند، جهانی شدن ارزشها و به سخن دیگر، یکسان سازی ارزشها بر مبنای ارزشهای رایج غربی، مستقل از تفاوت های فرهنگی و سنتی جوامع روستایی در سرزمینهای دیگر است.

فرایند جهانی شدن و بهره گیری گسترده از ابزار فنی و خودکار که در جای خود به افزایش سطح تولید منجر گردید، به تسریع روندهای نابرابر نیز کمک کرده است. آشکار است که پیامدهای این تحولات در سرزمینهای مختلف یکسان نبوده است: اگر این دگرگونیها در کشورهای صنعتی با نوعی تعادل میان محیطهای شهری و روستایی همراه بوده، در کشورهای غیرصنعتی تبعات متفاوت و مسئله سازی به بار آورده است؛ برخی از این پیامدها عبارتند از:

- تزلزل بنیادهای فعالیت و اقتصاد روستایی و محدودیت تولید زراعی؛
- رشد بی رویه و نامتعادل شهرها؛
- گسترش فعالیتهای غیرتولیدی، حاشیه ای و به اصطلاح غیررسمی؛
- بروز پدیده رو به رشد حاشیه نشینی؛ و
- گسترش خشونت و ناهنجاریهای مختلف اجتماعی - فرهنگی.

بدینسان، روند این نوع دگرگونیها در این گونه کشورها نه تنها به حل مسائل پیشین نیانجامیده است، بلکه معضلات تازه ای را پیش روی آنان قرار داده است. از سوی دیگر، در حالی که تنها بخش ناچیزی از جمعیت کشورهای توسعه یافته صنعتی در سکونتگاههای روستایی سکونت دارند و به فعالیت در بخش کشاورزی می پردازند، در کشورهای توسعه نیافته با وجود رشد بی رویه شهرها در

دهه های اخیر، این نسبت درصد بالایی را به خود اختصاص می دهد. بنابراین، جامعه و اقتصاد روستایی در کشورهای توسعه نیافته با معضلاتی همراه است که از جمله عبارتند از:

- محدودیت اشتغال و فعالیت؛
- سطح ناچیز درآمد و پس انداز؛
- محدودیت دسترسی به امکانات؛
- غذای ناکافی و سوء تغذیه؛ و
- بیکاری پنهان و آشکار.

آشکار است که نتیجه تأکید بر رهیافتهای مبتنی بر رشد اقتصادی، بدون توجه کافی به ابعاد اجتماعی توسعه، تداوم این گونه مسائل، به ویژه فقر اقتصادی و سطح پائین کیفیت زندگی و نیز دور باطل خشونت و ناهنجاری در سرزمینهای توسعه نیافته است که بازتاب آن در قالب جهانی شدن - آشکارا - دامان سرزمینهای توسعه یافته را نیز به اشکال مختلف فرامی گیرد.

کتاب شناسی:

- Albrow, M. and King, E. (eds). *Globalisation, Knowledge and Society*. London: Sage Publication, ۱۹۹۰.
- Gray, I. and Lawrence, G. *A Future for Regional Australia*. Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۰۱.
- Held, D.; McGrew, A. & et al. *Global Transformations: Politics, Economics and Culture*. UK: Polity Press, ۱۹۹۹.
- Hendrickson, M. and Heffernan, W. "Opening Spaces Through Relocalization: Location Potential Resistance in the Weaknesses of Global Food System", *Sociologia Ruralis*. Vol. ۴۲, ۲۰۰۲.
- Pieterse, J. "Globalisation as Hybridization", *Food, Fuel and Freeways: An Iowa Perspective on How Far Food Travels, Fuel Usage and Greenhouse Gas Emissions*. M. Featherstone, & et al (eds), Leopold Center for Sustainable Agriculture, ۲۰۰۱.
- Woods, M. *Rural Geography*. London: Sage Publication, ۲۰۰۵.

عباس سعیدی

Globalization & City

اصطلاح جهانی‌شدن مفهومی است متأثر از ایده دهکده جهانی محقق رسانه‌ای، مارشال مک لوهان، در دهه ۱۹۶۰م که رواج آن را می‌توان با توسعه فراگیر و جهان گستر انقلاب فناوری-اطلاعاتی و تغییرات بنیادی و اساسی در زندگی اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن، همزمان دانست. انقلاب فناوری-اطلاعاتی که خود فشرده‌گی زمان-فضا را به دنبال داشت، نه تنها سبب تغییر آگاهی و ادراک از زمان و فضا گردید، بلکه با تسریع جهانی‌شدن فرایندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، سبب تغییرات گسترده و اساسی در ساختار و مقیاس روابط متقابل انسانی، شیوه و محتوای تولید، تبدیل کالاهای سرمایه‌ای-مادی به دانشی-معرفتی، پشت سرگذاردن عصر فوردیسم محدود به فضای ملی و قدم نهادن در عصر پسافوردیسم با فضای نامحدود فراملی، متمرکز بر شیوه تولید اطلاعاتی و خدماتی گردید؛ وضعیتی که در مقایسه با صنعت و مدرنیته از شرایط به مراتب آزادتر و فارغ‌تری از ارزش‌گذارها برخوردار بود. جهانی‌شدن با تأثیر گسترده بر تمامی جنبه‌های زندگی انسان در گستره‌ای جهانی، بر ۲ متغیر اصلی یعنی فرد به‌عنوان بازیگر و شهر به‌عنوان صحنه تحقق توانایی‌های او استوار است. علاوه‌براین، تغییرات ساختاری ناشی از جهانی‌شدن، سبب تقلیل نقش دولت-ملتها، از بازیگران یا واحدهای معنادار اقتصادی به میانجیهای تسهیل‌کننده روابط محلی و جهانی گردیده است. نظریه‌پردازان به جهانی بی‌مرز با نهادها و مؤسسات بی‌مکان جهانی اشاره می‌کنند که سبب تضعیف دولت-ملتها شده است. تبدیل تمامی جهان به حوزه‌ای مؤثر برای فعالیتهای انسان معاصر: حوزه‌ای دربردارنده ظرفیت و امکان مشارکت تمامی نگرشها و تمدنها و تبدیل آنها به بازیگران اصلی و صاحبان نقش در قلمروی انسانی در مقیاس جهانی که خود بازنمودی روشن از این فشرده‌گی زمانی-فضایی است. تحلیل و تبیین تحولات اقتصادی در چارچوب اقتصاد شهری پیوسته با استفاده از مفاهیمی چون نقاط، خطوط و

جهانی‌شدن و شهر

مرزها صورت می‌پذیرد. براین مبنای، شهرها به‌مثابه هستی‌هایی تقسیم شده به نواحی مرکزی و پیرامونی، کانونی و حاشیه‌ای، تولیدی یا مصرفی، در کنار و یا در برابر سایر شهرها در قالب یک سلسله مراتب ملی یا فراملی قرار می‌گیرند. البته این‌گونه برداشتها عمدتاً براساس نقش شهرها در جغرافیای جدید جهان جریانها و سلسله مراتب شهری جهانی شکل گرفته‌اند، اما در تحلیل روابط همچنان بر دوگراییهایی چون: جهان به‌مثابه فضای جریانها در مقابل فضای سکون و ثبات شهری؛ جهان به‌مثابه دور در مقابل محل به‌مثابه نزدیک؛ یا ارتباط خرد چهره به چهره در مقابل ارتباط کلان بعید و با فاصله استوارند. ازاین‌رو، این رویکرد تحلیلی که با ویژگیهای فرایندهای جهانی‌شدن (← جهانی‌شدن) و اقتصاد جهانی چون محلی-جهانی بودن، دور-نزدیک بودن، درونی-بیرونی بودن، اینجا-آنجا بودن هماهنگی نداشته، درک آن را با دشواری روبرو ساخته است. ترکیب و بازترکیب جریانهای متعدد و مداوم زمانی-مکانی در جوامع، به شکل‌گیری نظامی پیچیده، گسترده و فراگیر از وضعیتهای نامتعادل منجر شده است. این نظم در اغلب موارد بی‌ارتباط با محل و به‌دنبال الگویی فرامتنی است. اگر شهر (پولیس) در نزد افلاطون همانا روح در اندازه‌ای بزرگ بشمار می‌رفت، شهر جهانی همانا روح است در اندازه‌ای جهانی که امکان عرضه نه برابری، بلکه فرصتهای برابر را داراست.

برمبنای نظریات اقتصاد شهری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م مبنی بر وجود پیوند میان صنعتی‌شدن و شهرنشینی گسترده، کارایی اقتصادی منوط به حضور در انبوه‌های صنعتی بود؛ انبوه‌های عظیمی که مکانهای عرضه فرصتهای پربازده بازار، بهره‌برداری از مزیت‌های نزدیکی و مجاورت و دسترسی به سودآوریهای ناشی از تولید تخصصی به حساب می‌آمدند و فضای سازمانی آنها (فضای اقتصاد ملی) را سلسله مراتبی متشکل از سیستمهای اقتصاد شهری دربرگیرنده شرکتهای برآمده از فرصتهای مساعد منابع، بازار و مزایای رقابتی درون سیستم تشکیل می‌داد. این تحلیل در دهه ۱۹۷۰م، با توجه به هزینه‌های بالای ناشی از تراکم زیاد شهری (ازدحام ترافیک، کمبود مسکن،

جهانی‌شدن و شهر

منطق فضایی جدیدی از عصر اطلاعات پرداخته، این فضای جدید را سازمانی مادی و متشکل از عملیات مشترکی می‌داند که در درون جریانها عمل می‌کنند. این سازمان مادی ۳ لایه یا ۳ سطح دارد:

- پالسه‌های الکترونیک در شبکه‌ها؛
- مکانهایی که گره‌گاهها و کانونهای شبکه‌ها را تشکیل داده‌اند؛ و
- سازمان فضایی نخبگان بین‌المللی مبتنی بر وظایف، نقش و تحرک.

او به شبکه‌هایی با گره‌گاههای ویژه، همچون مراکز تحقیقاتی، فضاهای صنعتی جدید و حتی گره‌گاههای تولید و پخش مواد مخدر اشاره می‌کند که جهان‌شهرها مشخص‌ترین صورت این کانونهای گره‌گاهینند. کستلز در چشم‌انداز اجرایی نظریه، بر ظهور کلانشهرها به‌مثابه نقاط گره‌گاهی و مراکز قدرت در فرایند فضایی جدید اشاره دارد. به این ترتیب، جهان‌شهر در نظریه فضایی کستلز، یک مکان نیست، بلکه یک فرایند است.

به‌عبارت دیگر به دلیل وجود جریانهای جهانی در درون این‌گونه شهرها، آنها جمع‌کنندگان و کسب‌کنندگان ثروت و قدرت جهانی به حساب می‌آیند. جای گرفتن شهرها در درون این فضای جریانها، تنها از طریق ارتباط آنها با دیگر شهرها مهیا می‌شود. کستلز با رد موقعیت مکانی جهان‌شهرها، آنها را از واقعیت جغرافیایی‌شان جدا می‌سازد، هرچند تنها با تبدیل جهان‌شهرها به مکان، امکان مادی ساختن و زمینی ساختن جریانها در این نظریه مهیا می‌شود. اصطلاح *مکانهای راهبردی* ساسن و *سایت‌های ممتاز*، تنها اصطلاحات موجود در میان اصطلاحات تئوریزه شده در نظریات شهرهای جهانینند که جهان‌شهرها و شهرهای جهانی را بر مبنای ترکیب خاص ظرفیت و توان نوآوری و ابداع، به‌مثابه کانونهای تجمع دانش محلی در نظر می‌گیرند. کستلز در نظریه خود شهرهای جهانی و جهان‌شهرها را که فرایندهایی در فضای جریانها هستند، در درون قالب مادی کلانشهرها (← کلانشهر) عینیت‌پذیر می‌داند. بدین ترتیب در نظریه او، جهان‌شهرها اصطلاح منطبق با فضای جریانها، و کلانشهرها اصطلاح مناسب برای شهرنشینی هزاره سوم

اجاره بالا، جنبشهای کارگری)، صنعت‌زدایی متروپلهای صنعتی و بی‌توجهی به ارتباط میان محلی‌شدن و کارایی اقتصادی، مورد نقد قرار گرفت. در کنار آن، مانوئل کستلز و دیوید هاروی با تأکید بر نقش جذب و فرسایش سرمایه در محیطهای شهری، به‌درستی بر ارتباط میان شهرنشینی و انباشت سرمایه و تأثیرات متقابل میان این دو تأکید کردند. کستلز از جمله محققانی است که به ظهور پدیده‌ای تحت عنوان *رشد سریع شهری در کشورهای غیرصنعتی* اشاره دارد. در همین چارچوب، او مسائل مربوط به توسعه انفجاری شهرها و شهری‌شدن بیش از حد جهان، (به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه) و ظهور یک شهرنشینی وابسته را مطرح می‌سازد. همزمان، دورین مسی بر تأثیر تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی بر الگوهای توسعه شهری تأکید می‌کند. این نظریات در مجموع، سبب جایگزین‌شدن سرمایه با *فضا* به‌عنوان واحد اصلی تبیین در اقتصاد شهری می‌شود. این جایگزینی در نظریه اقتصاد شهری عمدتاً به حذف مفاهیمی چون پیوندهای محلی، انسجام سازماند محلی و مرکزیت شهر به‌عنوان نقطه کانونی فضا‌مندی سرمایه‌داری در نظریات شهری منجر می‌شود. قدرت اقتصادی شهرهای اصلی جهان (جهان‌شهرها) بر مبنای نقش فرماندهی و کنترل جهانی شرکتهای بزرگ جهانی، حضور طبقه سرمایه‌دار فراملی و قدرت نیروی کار جهانی تبیین می‌شود. کستلز نیز با تأکید بر ظهور دوره جدید سرمایه‌داری، شهرها را مراکز بهره‌مند از دانش تولید در فعالیتهای اقتصادی عنوان کرده، از انتقال پیوسته اطلاعات، مردم و کالاها در یک فضای جدید جهانی یعنی از فضای جریانها سخن می‌گوید. او به شواهدی حاکی از تشکیل خوشه‌های صنعتی چون مراکز مالی، خوشه‌های صنعتی با فناوری بالا و خوشه‌های رسانه‌ای اشاره می‌کند. ۲ اصطلاح جدید درخصوص شهرهای بزرگ، یعنی شهرهای جهانی (جهان‌شهر) و کلانشهرها خاستگاههای متفاوت اقتصادی- کارکردی و جمعیتی- آماری دارند که برخی از نظریه‌پردازان شهری آنها را موتورخانه‌های شبکه‌های بین‌المللی بشمار آورده‌اند.

کستلز در کتاب *ظهور جامعه شبکه‌ای* با اشاره به پیچیدگی کنشهای متقابل میان فناوری، جامعه و فضا به بیان

جهانی‌شدن و شهر

- کاستلز، مانوئل. *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. (جلد ۱) ظهور جامعه شبکه‌ای؛ (جلد ۲) قدرت هویت؛ (جلد ۳) پایان هزاره، ترجمه علی پایا، احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.

- Amin, A. and Thrift, N. "Neo-Marshallian Nodes in Global Networks", *International Journal of Urban and Regional Research*. ۱۶،۴: ۵۷۸-۸۷، ۱۹۹۲.

- Amin, A and Thrift, N. *Cities, Reimagining The Urban Policy*. UK: Press, ۲۰۰۴.

- Castells, M. *Urban Question*. London: Arnold, ۱۹۷۷.

- Castells, M. *The Informational City*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۹.

- Harvey, David. *The Urbanization of Capital*. Oxford: Blackwell, ۱۹۸۵.

- Harvey, David. *Justice, Nature and the Geography of Difference*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۶.

- Krugman, P. *Geography and Trade*. Cambridge: MIT Press, ۱۹۹۱.

- Massey, D. *Spatial Division of Labour*. London: MacMillan, ۱۹۸۴.

- Ohmae, K. *The Borderless World: Power and Strategy in the Interlinked Economy*. London: Collins, ۱۹۹۰.

- Osborne, T. and Rose, N. *Governing Cities, Society and Space*. ۱۷: ۷۳۷-۶۰، ۱۹۹۹.

- Piore, M. and Sabel, C. *The Second Industrial Divide*. London: Routledge, ۱۹۸۴.

- Rimke, H. *Governing Citizens through Self-helping Literature*. Cultural Studies, ۱۴،۱: ۱۶-۷۸، ۲۰۰۰.

- Sassen, Saskia. *Cities in a World Economy*. London: Routledge, ۱۹۹۴.

- Sassen, Saskia. "A New Geography of Centers and Margins: Summary and Implications", *The City Reader, LeGates*. Richard T. and Fredric Stout (ed). London: Routledge, ۱۹۹۶.

- Storper, M. *The Regional World*. New York: Guilford Press, ۱۹۹۷.

- Urry, J. *Sociology Beyond Societies*. London: Routledge, ۲۰۰۰.

میترا احمدی ترشیدی

است. در جغرافیای جهانی، جهان‌شهرها محلیتهایی فراگیر و کلانشهرها محلیتهای جهانی شده با تنوعی از عرصه‌های اجتماعی و جغرافیاییند.

از دهه ۱۹۹۰م نگرش جدیدی در تبیین اقتصاد شهری پدیدار شد که به ردیابی بنیادهای قلمروی نو در اقتصاد می‌پردازد. این نگرش بر اهمیت پیوندهای موجود میان شالوده‌های بومی بازار محلی و بنیانهای شهری به‌عنوان سرچشمه‌های بقاء جریانهای رقابتی بین‌المللی تأکید دارد. متأثر از آن، جامعه‌شناسان و جغرافیادانانی که در دوره پس از تولید انبوه، تمرکز تبیینهای خود را بر مفهوم فضای اقتصادی قرار داده بودند، اکنون بر شکل‌گیری جریان رقابتی جدید در نظامهای اقتصادی معطوف به شهر- منطقه تأکید می‌نمایند. گروهی دیگر از نظریه‌پردازان به گرایش سازمانی در بازگشت تولید صنعتی به شهرها با هدف کاهش هزینه‌های معاملاتی اشاره می‌کنند. در مقابل، گروهی دیگر، با توجه به نقش ارتباطات غیرتجاری محلی وابسته به توافقات و تجارت ضمنی پیرامون قراردادهای موافقت‌نامه‌های غیررسمی اقتصادی، بر شکل‌گیری نوعی محلی‌گرایی نو تأکید دارند. به نظر می‌رسد که این محلی‌گرایی نو توان بسط و اشاعه رونق و امنیت اقتصادی برای اجتماعات محلی و ملی در یک جهان بی‌مرز را داشته باشد، به نحوی که بر مبنای آن بتوان جهانی شدن را یک فرصت قلمداد کرد. ساخت اجتماعات محلی در بردارنده قدرتهای شکوفا شده‌ای است که قادر به برخورداری از ذهنیت و عاملیت اقتصادی است. مکان به جای بازیگران درون آن، عاملیت اصلی در این محلی‌گرایی نو است. پیرامون محلی‌گرایی، یک حکمرانی شهری متمرکز بر ظرفیتهای نزدیکی و مجاورت فضایی بسط یافته است که بر ۲ فرض متکی است: اول، انبوه‌های شهری از جریانهای رقابتی بین‌المللی حمایت می‌کند و آنها را تقویت می‌کنند؛ و دوم، شهرها منابع اصلی و اساسی برای سرمایه‌داری جدید متکی بر آگاهی بشمار می‌روند.

کتاب‌شناسی:

- رجایی، فرهنگ. *پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*. عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۹.

چ

و از قانونمندیهای عمومی حاکم بر نظامها (سیستمها) تبعیت می‌کند. به این ترتیب، در این دیدگاه، برخلاف دیدگاه سنتی، چشم اندازها نه تنها دارای سیمای ظاهری، بلکه ضمناً از چهره درونی برخوردارند؛ به عبارت دیگر، آنچه که در چشم اندازها به نظر می‌آید، صرفاً برآیند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و یا کنش متقابل نیروها و عواملی است که اساساً چشم اندازها بر شالوده آنها شکل می‌گیرند و با اثرپذیری از آنها، در گذر زمان، تغییر می‌کنند.

نیروها و عوامل عمده و بنیادی دخالت کننده در شکل دهی به چشم اندازها را می‌توان به ۲ دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. نیروها و عوامل محیط طبیعی - اکولوژیک؛ و
 ۲. نیروها و عوامل محیط اجتماعی - اقتصادی.
- بر همین مبنا، ۲ نوع چشم انداز مطرح است:
- (الف) چشم انداز طبیعی؛ و
- (ب) چشم انداز اجتماعی - اقتصادی (فرهنگی).

• **چشم انداز طبیعی**، بخشی از چشم انداز عمومی است که به واسطه تأثیر و تأثر نیروها و عوامل اصلی محیط طبیعی پدیدار می‌گردد. این نیروها و عوامل، به طور کلی، عبارتند از: موقعیت، ناهمواری، آب و هوا، منابع آب، خاک، پوشش گیاهی، زندگی جانوری و مانند آن، که در مجموع از طریق کنش متقابل مجموعه‌ای از نیروها و روابط حاکم بر آنها، چهره خاصی به سطح زمین می‌بخشند. در عمل، این نوع چشم انداز مبین توان و قابلیت‌های محیط طبیعی است که گروه‌های انسانی براساس آن، به ایجاد چشم انداز اجتماعی - اقتصادی دست می‌زنند.

در همین چارچوب، چشم انداز طبیعی را گاهی به عنوان یک نظام محیطی در نظر می‌گیرند که نمایانگر گستره مکانی ویژه‌ای است که می‌تواند به عنوان قلمرو وجودی

چشم انداز (جغرافیایی)

Landschaft (Landscape)

درباره مفهوم، دامنه کاربرد و اهمیت چشم انداز بین کارشناسان اختلاف نظرهایی، بعضاً اساسی، به چشم می‌خورد. این اختلاف نظرها، در عمل، به نحوه نگرش و دیدگاهها نسبت به پدیده چشم انداز بستگی دارد. در این مورد، به طور کلی، می‌توان ۲ دیدگاه متفاوت را مطرح ساخت:

• دیدگاه سنتی؛ و

• دیدگاه نظام‌آوار (سیستمی).

دیدگاه سنتی بر برداشتهای کلی نگر نسبت به چشم انداز استوار است. بر این اساس، تعبیر عمومی و رایج از واژه چشم انداز - به سادگی - عبارت است از بخشی از سطح زمین و یا نوع معینی از سطح زمین. مطابق این تعبیر، چشم انداز سیمای ظاهری قسمتی معین از سطح زمین و به سخن دیگر، منظر و نمای برونی یک عرصه مشخص جغرافیایی است. بر این اساس، این گونه برداشت از چشم انداز به مفهوم سنتی منطقه و ناحیه نزدیک می‌شود، زیرا در این چارچوب، منطقه/ ناحیه، بخشی از عرصه زمین است که از برخی جنبه‌ها دارای ویژگیهای ریخت‌شناختی، طبیعی و یا فرهنگی همگون و یکنواخت است (← منطقه). به این ترتیب، در این نوع نگرش، چشم انداز را یک واحد معین طبیعی و یا فرهنگی در نظر می‌گیرند و بر این مبنا، به بررسی و شناسایی ویژگیهای آن می‌پردازند.

در مقابل، دیدگاه نظام‌آوار (سیستماتیک) مطرح است که مطابق آن، اصطلاح چشم انداز در چارچوب نگرش سیستمی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد، چشم انداز حاوی مجموعه‌ای از اجزاء مرتبط است

چشم انداز (جغرافیایی)

می‌رسند، پیش از هر چیز، به نحوه زندگی، نوع فعالیتها و نحوه رویکرد انسانها به منابع محیطی بستگی دارد. بدینسان، می‌توان گفت که نوع و دامنه نیازهای مطرح در یک جامعه

گیاهان، جانوران و یا سایر پدیده‌های طبیعی بشمار آید، مانند چشم‌انداز درختان سوزنی‌برگ و یا چشم‌انداز البرز جنوبی.



انسانی و شیوه پاسخگویی به آنها، از علل اساسی و تعیین‌کننده در شکل‌دهی به چشم‌اندازهای فرهنگی است. از سوی دیگر، چشم‌اندازها، مانند تمام نظامها، در معرض تغییر و تحول قرار دارند. به سخن دیگر، از آنجا که نیازهای جوامع و گروههای انسانی، به واسطه پویای ذاتی خود، پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است، چشم‌اندازهای فرهنگی نیز به تبع آن، در طول زمان تحول می‌پذیرند. ایجاد و گسترش سکونتگاهها، مزارع، مراتع مصنوعی، مراکز صنعتی، راههای ارتباطی و مانند آن، از جمله عوامل تغییر و تحول چشم‌اندازها بشمار می‌روند. آنچه در این میان مورد تأکید است، درجه رشد فناوری، دسترسی به فنون و ابزار و مدیریت بهره‌گیری از منابع در

• **چشم‌انداز اجتماعی - اقتصادی**، یا به اختصار، **چشم‌انداز فرهنگی**، یا آن‌طور که گاهی خوانده می‌شود، **چشم‌انداز انسانی**، به واسطه تعامل مداوم و پویای گروههای انسانی با یکدیگر و با محیط طبیعی، و همچنین تأثیرپذیری این مجموعه از نیروهای حاکم بر محیط طبیعی، شکل می‌پذیرد و پدیدار می‌گردد. اگرچه عوامل و نیروهای محیط طبیعی در نحوه و شکل چشم‌اندازهای فرهنگی *اثرگذار* هستند، اما نباید آنها را به عنوان *نیروهای تعیین‌کننده* به حساب آورد، زیرا چشم‌انداز فرهنگی - اساساً - حاصل نوع و دامنه دخالت‌های گوناگون گروههای انسانی در محیط طبیعی، در چارچوبه فرهنگی آنهاست. این دخالتها که اصولاً برای برآوردن نیازهای مختلف گروهها و جوامع انسانی به انجام

قالب مناسبات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جوامع انسانی است. به عبارت دیگر، نوع روابط و مناسبات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی، درجه رشد فرهنگی و روندهای تحول و تغییرپذیری گروهها و جوامع انسانی در طول زمان، تعیین کننده نهایی نوع، دامنه و ابعاد دخالت در چشم انداز طبیعی و نهایتاً شکل پذیری و تحول چشم انداز فرهنگی است.

چشم اندازها، اعم از چشم انداز طبیعی و چشم انداز فرهنگی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و عوامل درونی هستند، بلکه ضمناً نیروهای بیرونی تأثیرگذار بر آنها، موجب شکل پذیری و تغییر آنها می شوند. به این ترتیب، چشم اندازها را بایستی، به طور کلی، به عنوان *نظامهای باز* در نظر گرفت.

با توجه به اصول نگرش سیستمی (← نگرش سیستمی)، هریک از ۲ نوع چشم انداز مورد بحث، نه تنها به خودی خود یک نظام (سیستم) بشمار می روند، بلکه در مقیاسی بزرگتر، اجزاء اصلی چشم انداز جغرافیایی و به عبارت دیگر، نظامهای فرعی نظام جغرافیایی بشمار می روند. بر این اساس، چشم انداز جغرافیایی به واسطه دخالت این ۲ دسته نیرو که یکی بر عناصر مکانی و دیگری بر عناصر فضایی دلالت دارد، دارای بُعدی شدیداً مکانی - فضایی است. آنچه که به بهترین نحو می تواند مبین این نظام جغرافیایی باشد، فضا یا فضای جغرافیایی است (← فضا). به این ترتیب، نه تنها فضا و چشم انداز جغرافیایی در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر تعریف می شوند، بلکه می توان گفت، فضای جغرافیایی به عنوان یک *نظام کلان*، نتیجه و برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم انداز طبیعی و چشم انداز فرهنگی است.

در چارچوب این تعبیر، چشم انداز جغرافیایی به عنوان یک نظام فضایی، مجموعه ای از ۳ جزء اصلی است که پیوسته با یکدیگر در ارتباط دائمی قرار دارند؛ این ۳ جزء اصلی عبارتند از:

- عوامل یا اجزای غیر آلی (غیرزنده)، مانند ساختار زمین، شکل ناهمواری و مانند آن؛
- عوامل یا اجزای آلی (زنده) گیاهی و جانوری؛ و
- انسان به عنوان موجودی اندیشمند، ابزارساز و اجتماعی.

بر این اساس، می توان چشم انداز جغرافیایی را فضای حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون طبیعی - فرهنگی در یک بافت مکانی معین تعریف کرد.

در همین ارتباط، هانس کارول، جغرافیدان آلمانی، می نویسد: چشم انداز را می توان به یک قالی تشبیه کرد؛ زمینه آن گویای محیط طبیعی و طرح و نقش آن، نشانگر نقش فرهنگی و دستاوردهای انسانی است. اگر در بررسی این قالی تنها یک رج یا گرهها را در نظر گیریم و از این طریق به واریسی جنس، ارزش و اهمیت آن بپردازیم، به شناختی مجرد و غیرمنطقی خواهیم رسید، اما اگر تمام قالی را به عنوان یک کلیت یکپارچه، با توجه به طرح، بافت، هدف و علت وجودی آن مورد بررسی قرار دهیم، به کاری معنی دار و جغرافیایی دست زده ایم.

کتاب شناسی:

- سعیدی، عباس. «ملاحظاتی در قضیه ماهیت و قلمرو دانش جغرافیا»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۶، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- شافر، فرانتس. «درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی»، ترجمه عباس سعیدی، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۶۸.
- ضیاء توانا، محمدحسن. «نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۶، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۶۹.
- فشارکی، پریدخت. *جغرافیای روستایی*. چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
- Bobek, Hans. "Stellung und Bedeutung der Sozialgeographie", *Erdkunde*, ۲, ۱۹۴۸.
- Bobek, Hans. "Ueber den Einbau der Sozialgeographie, Betrachtungsweise in die Kulturgeographie", *Abhandlungen des Deutschen Geographentages* (۱۹۶۱), ۱۹۶۲.
- Born, M. *Geographie der laendlichen Siedlungen*. Stuttgart, ۱۹۷۷.
- Gilg, B. *Introduction to Rural Geography*. London, ۱۹۸۶.
- Pacione, M. *Rural Geography*. London, ۱۹۸۴.
- White, P. "Rural Geography", *A Dictionary of Human Geography*. Johnston, R. et al (eds). Oxford, ۱۹۸۸.

عباس سعیدی

چشم‌انداز روستایی

Rural Landscape

چشم‌انداز روستایی حاصل فعالیت و نحوه برخورد گروه‌های روستایی در یک عرصه محیطی-اجتماعی-اقتصادی معین است. این چشم‌انداز شامل ۲ بُعد بنیادی است:

- چهره ظاهری، که شامل وسعت، نحوه استقرار خانه‌ها، زمینهای زراعی و سایر ویژگیهای کالبدی است؛ و
 - ریخت درونی که معرف نحوه سازمان‌پذیری روابط و مناسبات اجتماعی-اقتصادی گروه‌های روستایی است.
- این ۲ بُعد در روستاها بر بستر محیط طبیعی برپا می‌شود و با توجه به پیچیدگی روابط و مناسبات فرهنگی-انسانی، ویژگیهای معینی به خود می‌گیرد. به این ترتیب، درجه رشد و پیچیدگی نظام روستایی با ویژگیهای محیط

طبیعی، به‌ویژه آب و خاک، ارتباط می‌یابد و از این ارتباط، خصوصیات چشم‌انداز پدیدار می‌گردد.

در چشم‌انداز روستایی نیروهای مختلف فرهنگی-تاریخی و اجتماعی-اقتصادی در برخورد با نیروها و عوامل محیط طبیعی، باعث شکل‌گیری فعالیتها و سازمان‌بندی خاص تولید و نیز صورت‌بندی واحدهای اقتصادی روستا می‌گردد. چشم‌انداز روستایی، به‌عنوان یک چشم‌انداز فرهنگی، به‌واسطه ویژگیهای روابط حاکم بر آن، از یکسو، و نهادها و تأسیسات گوناگون اجتماعی-اقتصادی و سیاسی موجود، از دیگر سو، در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد. هر قدر این روابط و نهادها گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشند، روند تغییر و دگرگونی چشم‌انداز پویاتر و شدیدتر خواهد بود. بدینسان، تغییر و دگرگونی چشم‌اندازهای روستایی امری اجتناب‌ناپذیر است. در روند تغییر چشم‌انداز روستایی، ممکن است شکل و حتی ماهیت آن دگرگون شود. به این ترتیب، کوشش برای



حفظ چشم اندازهای روستایی موجود، به همان صورت و با همان ویژگیهای همیشگی و قبلی، همیشه منطقی نیست، اما نکته حائز اهمیت آن است که تغییر این چشم انداز به درستی و به صورتی عقلایی صورت پذیرد. این امر نیازمند یک نظام تصمیم سازست که بتواند به نحو منطقی تعیین نماید، چه تغییراتی با چه دامنه‌ای سودمند و کارآمد و چه نوع تغییراتی نامناسب و غیرکارآمد خواهد بود. امروز، اغلب کارشناسان معتقدند، تحقق صحیح این امر مستلزم مشارکت همه جانبه و همراهی جدی روستائیان در روندهای تصمیم سازی (← تصمیم سازی) است.

کتاب شناسی:

- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- لوبو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*، ترجمه محمود محمودپور، تبریز: ۱۳۵۴.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, ۱۹۶۶.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, ۱۹۷۰.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen. Braunschweig*, ۱۹۸۶.
- Uhlig, H. u. C. Lienau. *Die Siedlungen des ländlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.

عباس سعیدی

چشم انداز شهری ← منظر شهری

ح

حاشیه‌نشینان ← سکونتگاه غیررسمی

بخش خصوصی به کار تولید و توزیع مشغول است. در حکمروایی خوب (← حکمروایی خوب) این حوزه‌ها با یکدیگر در تعامل سازنده قرار می‌گیرند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند. حکمروایی مجموعه‌ای از مراوداتی است که طی آن بخش عمومی، بخش خصوصی، نهادها و افراد امور مشترک خود را مدیریت می‌کنند. برخی از نمونه‌های حکمروایی در سطح محلی عبارتند از تعاونیها (← تعاونی) و همیاریها در واحدهای همسایگی (← واحد همسایگی)، طرح شورای شهر برای بازیافت، همکاری بخشهای مدیریت شهر با گروههای سرمایه‌گذار در توسعه حمل‌ونقل و همکاری ساکنان محل برای محافظت از محیط زیست.

کشورها برای فراهم کردن امکانات شرکت گسترده مردم در حکمروایی، شیوه‌ها و تمهیدات خاصی دارند. در برخی کشورها امور شهرداری به افراد و نهادهای انتخابی، چون شهردار، شورای شهر، کمیسیون امور خاص و نیز مأموران حکومتی سپرده شده است. روستاها نیز به‌همین ترتیب شورای محلی خود را دارند.

حکمروایی ۳ بعد عمده دارد:

- شکل نظام سیاسی؛
 - فرایند اعمال اقتدار در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی؛ و
 - توانایی حکومت در طرح، تعادل‌بخشی و اجرای سیاستها در رابطه با انجام وظایف.
- معیارهای خوب بودن حکمروایی از این ۳ بعد استنتاج می‌شود. مسئله شکل نظام سیاسی به چگونگی مشروعیت حکومت یا درجه مردمسالار بودن آن مربوط می‌شود. در دوره مدرن، میزان مشروعیت حکومت و در بسیاری موارد میزان کارایی آن، با درجه مردمسالاری بودن آن رابطه مستقیم دارد. پاسخگو بودن اجزاء و نهادهای نظام یکی از

حکمرانی ← حکمروایی

حکمروایی

Governance

حکمروایی اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری در پیشبرد امور عمومی در سطوح مختلف از خرد تا کلان است. بدینسان، حکمروایی تدوین و اجرای سیاستها در امور عمومی است. حکمروایی معنایی گسترده‌تر از مفهوم حکومت دارد و در واقع، هم نهادهای رسمی قدرت و هم نهادهای جامعه مدنی را دربر می‌گیرد. علاوه‌براین، بسیاری از اجزاء حکومت خوب جزئی از مفهوم حکمروایی است. در بسیاری از کشورها، اختیار اداره امور مردم طی زمان، از حاکمان منفرد به حکومتهای قدرتمند و اکنون به گستره وسیعی از نهادهای مشارکتی منتقل شده است. امروزه گروههای مختلف مردم به موازات نهادهای حکومتی، در اداره امور شهر و محل زندگی خود نقش دارند.

به‌این ترتیب، حکمروایی از عرصه‌های حکومتی درمی‌گذرد و حوزه‌های جامعه مدنی و حتی بخش خصوصی را نیز دربر می‌گیرد. حکومت، حوزه سیاسی و قضایی را برعهده دارد. جامعه مدنی (← جامعه مدنی) به سهم خود مراودات سیاسی و اجتماعی را تسهیل می‌کند و

حکروایی

جامعه نیست، بلکه بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی را نیز دربر می‌گیرد. یکی از جلوه‌های این امر طرحهای مشترک بین نهادهای رسمی، سازمانهای شهری و روستایی و بخش خصوصی است. بر این نوع فعالیتها مفهوم «شراکت عمومی- خصوصی» (Public-Private Parthnership) اطلاق شده است. شراکت عمومی خصوصی به معنی ترتیباتی است بین یک واحد بخش عمومی و یک یا چند واحد بخش خصوصی، برای بهینه کردن تأمین خدمات در حوزه‌های مختلف مثل بهداشت، آموزش و هر فعالیتی که ظرفیت عملکردهای شهر یا روستا را بهبود بخشد. در بسیاری موارد، اموری مطرح است که بخش دولتی یا بخش خصوصی به تنهایی نمی‌تواند آن را به نحو مطلوب به انجام برسانند؛ در چنین مواقعی از شراکت بخش دولتی و بخش خصوصی استفاده می‌شود. ظرفیت بخش خصوصی در کارآفرینی امروزه به شدت مورد توجه مدیران شهری و روستایی قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی موجب رونق کار و اشتغال و همچنین افزایش منابع مالیات و عوارض می‌شود. امروزه در بسیاری از شهرهای جهان کارهایی چون آسفالت خیابانها، کابل‌کشی برای توزیع برق، احداث مدرسه‌های خصوصی و آموزشگاهها با همکاری بخش عمومی و بخش خصوصی انجام می‌شود. بخش عمومی با سرمایه‌گذارهای زیربنایی بخش خصوصی را تشویق به سرمایه‌گذاری و مشارکت در پیشبرد طرحها می‌کند. شراکت عمومی- خصوصی نیز مثل بسیاری از دیگر فعالیتهایی که بخش خصوصی یک طرف آن را تشکیل می‌دهد، هم ممکن است به درستی مدیریت شود و با دستاوردهای خوبی همراه باشد و هم امکان دارد با مدیریتی ضعیف به انجام رسد و به جای فایده، زیان به همراه داشته باشد.

از مفهوم حکروایی همچنین به عنوان یک ابزار تحلیلی برای سیاستهای تطبیقی استفاده می‌شود. می‌توان حکروایی را به عنوان چارچوبی در نظر گرفت که در قالب آن سیاستهای مختلف را در نظامهای مختلف با یکدیگر مقایسه کرد. حکروایی در حقیقت متضمن مداخله خلاق توسط بازیگران سیاسی برای تغییر دادن قالبهایی است که مانع

شروط مهم مردمسالار بودن آن است و این امر به نوبه خود، مستلزم حمایت از آزادیهای اساسی، شفافیت در تصمیم‌سازی (← تصمیم‌سازی) و اجرای تصمیمهاست. حاکمیت قانون، تضمین امنیت و شرایط مشارکت مردم و احترام به حقوق اساسی انسانها از دیگر شروط مردمسالار بودن آن است. و بالاخره، کارایی در مدیریت امور عمومی (← اداره امور عمومی)، جزئی دیگر از شروط حکروایی خوب، محسوب می‌شود.

مشخصات حکروایی خوب

شاخصهای حکروایی خوب عبارتند از:

- **برابری شهروندان.** در حکروایی خوب همه مردم، از زنان، مردان و اقشار مختلف فرصت می‌یابند که برای شرایط رفاه و آسایش خود فعالیت کنند؛
- **مشارکت شهروندان.** در حکروایی خوب تمام مردم چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، خواه از طریق نهادهای رسمی حکومتی یا سازمانهای غیردولتی (NGOs) (← سازمانهای غیردولتی) در اداره امور مربوط به شهر، روستا، محله (← محله شهری) و کلیت جامعه خود سهم هستند؛
- **شفافیت.** اداره امور شهر، روستا و کلیت جامعه باید با شفافیت همراه باشد. شفافیت مستلزم جریان آزاد اطلاعات است. به سخن دیگر، مردم باید بتوانند در مسائلی که در آن ذی‌نفع هستند به طور آزاد به اطلاعات دسترسی داشته باشند؛
- **پاسخگو بودن.** در شکل‌های امروزی حکروایی تصمیم‌گیرندگان، چه در بخشهای عمومی و چه در نهادهای جامعه مدنی، نماینده مردم محسوب می‌شوند و در قبال تصمیماتی که می‌گیرند و برنامه‌هایی که اجرا می‌کنند، در برابر مردم به عنوان صاحبان اصلی امور پاسخگو هستند؛
- **نگاه راهبردی.** رهبران و مردم در مورد آنچه برای پیشبرد امور در حوزه حکروایی جریان دارد، باید بر چشم‌اندازی بلندمدت تکیه داشته باشند؛
- **شراکت عمومی- خصوصی.** مفهوم حکروایی در تعریفی که عرضه شد تنها شامل حکومت و بخش عمومی

حکمروایی خوب

حکمروایی خوب با مردمسالاری و توسعه اجتماعی - اقتصادی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد و امروزه، بحث اصلی در گفتمان توسعه به حساب می‌آید. به سخن دیگر، حکمروایی خوب را امری جوهری در فرایند توسعه پایدار بشمار آورده‌اند، تا جایی که کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل، آن را تنها عامل مهم در کاهش و محو فقر و پیشبرد توسعه بشمار آورده است. با این وجود، گذشته از پذیرش جهانی اهمیت و جایگاه آن، تفاوت‌هایی در تبیین نظری، پیش بحث‌های اجرایی و تفهیم چارچوب‌ها و قلمرو موضوعی آن وجود دارد. بدینسان، حکمروایی خوب بیشتر ساختاری نظری (تئوریک)، جدا از نظریه دولت، است، و مبحث آن نه تنها در مرحله اولیه و جنینی است، بلکه تعریف آن نیز در بین کارشناسان، بر مبنای جهان بینی آنان، متفاوت است.

برخی از سازمان‌های توسعه‌ای، از جمله برنامه توسعه سازمان ملل (← سازمان ملل، برنامه توسعه) و بانک جهانی (← بانک جهانی)، به عناصر حکمروایی خوب و نسبت آن با توسعه پرداخته‌اند، هر چند ادراک آنها از آنچه که اجزاء حکمروایی خوب به حساب می‌آید، متفاوت است. بر اساس نظر برنامه توسعه سازمان ملل، اصطلاح حکمروایی نزد افراد مختلف به تفاوت تعبیر می‌شود. بنابراین، برای این سازمان مهم است که تعریفی مشخص و مبنایی از آن ارائه کند. از بین بسیاری تعاریف حکمروایی که در دسترس است، تعریفی که از نظر این سازمان مناسب‌تر به نظر می‌رسد، عبارت است از: اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و دیوانی (بوروکراتیک) به منظور مدیریت امور یک کشور در تمام سطوح. این تعریف شامل سازوکارها، روندها و نهادهایی می‌شود که شهروندان و گروهها با استفاده از آنها، منافع خود را بیان و تحقق می‌بخشند، حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند، با موانع برخورد می‌کنند و تفاوت‌های خود در (اختلاف نظرها) را از سر راه بر می‌دارند. بر اساس رویکرد این سازمان، حکمروایی خوب، گذشته از سایر ویژگیها، شامل خصوصیات زیر است:

• مشارکت؛

بروز و شکوفایی ظرفیتهای انسانی می‌شود.

کتابشناسی:

- Mehta Dinesh. *Urban Governance: Lessons from Best Practices in Asia*, UMP, Asia occational paper. No. ۲۰, ۱۹۹۸.
- Svava, J.. *Officaial Leadership in the City: Pattetns of Conflict and Cooperation*. New York: Oxford University Press, ۱۹۹۰.
- UNDP. *Governance for Sastainable Human Development*. New York: United Nations Development Programm, ۱۹۹۷.

کمال پولادی

حکمروایی خوب

Good Governance

حکمروایی خوب، به طور کلی، مشارکت برابر تمام افراد ذی نفع (یا لاقول اکثریت آنها) در طراحی و تدوین سیاستها و عملکرد نهادهایی است که بر ابعاد مختلف امور زندگی مردم اثرگذار هستند. این مشارکت اغلب از طریق انتخاب برابر و آزاد نمایندگان مردم اعمال می‌شود. بر این اساس، حکمروایی خوب بر حسب پاسخگویی کامل به افراد ذی نفع (از جمله کارگران، سهامداران، کارمندان، بخشها یا اقشار مختلف اجتماعی و مانند آن) در جریان فعالیت یا کارکردهای نمایندگی افراد انتخابی، چه در حوزه حکومت مرکزی یا محلی، مدیریت دولتی یا شرکتهای اقتصادی، سازمانهای عمومی و یا نهادهای جامعه مدنی، تعریف می‌شود. بدینسان، جامعه‌ای آگاه، جمعگرا و درگیر، با هنجارهای بنیادین، استانداردها و تقاضاهای مشترک، از الزامات حکمروایی خوب بشمار می‌رود. بر این مبنای حکمروایی خوب - آشکارا - بدون بستر و ظرف مناسب و به دور از ارزشها، امکان پذیر نیست. به سخن کوتاه، حکمروایی خوب اصطلاحی است که به طور نمادین، بیانگر تغییر پارادایم نقش دولتهاست.

حکمروایی خوب

کلی آن، برای حصول اطمینان از بازده مناسب و کارآمدی برنامه‌ها و پروژه‌هایی که برای آنها هزینه شده، و برای اهداف ملحوظ بانک جهانی در کمک به کشورها برای کاهش فقر و ترغیب رشد پایدار، امری اساسی بشمار می‌رود. از این رو، بانک جهانی در سالهای اخیر از دخالت‌های خود در عرصه کلی کشورها کاسته است (به‌عنوان نمونه، اداره امور اقلیم) که مطابق آن دخالت‌ها صورت می‌گرفت. در پیگیری این مشی، این امر چنان هدایت شده است که بر مبنای سرشت فعالیت‌های آن و فرصت‌های عمل که این فعالیت‌ها عرضه می‌دارند، هدایت شود. براین مبنای ابعاد کلیدی حکمروایی به تشخیص بانک جهانی عبارتند از:

- مدیریت بخش عمومی؛
- پاسخگویی؛
- چارچوب قانونی برای توسعه؛ و
- شفافیت و اطلاعات.

بانک توسعه آسیا ۴ اصل حکمروایی خوب را به شرح زیر بیان داشته است:

- پاسخگویی؛
- شفافیت؛
- قابل پیش‌بینی بودن؛ و
- مشارکت.

بر اساس کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل، بهترین نشانه حکمروایی خوب، درجه‌ای است که مطابق آن به پیشبرد حقوق بشر، از جمله حقوق شهروندی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، می‌انجامد. پرسش اساسی این است که آیا نهادهای حکمروایی به‌نحو مؤثر حقوق سلامت، مسکن مناسب، غذای کافی، آموزش کیفی، عدالت یکسان و امنیت فردی را تضمین می‌کنند یا نه؟ مفهوم حکمروایی خوب با کار کمیسیون حقوق بشر شفاف شده است. قطعنامه شماره ۶۴، ۲۰۰۰م، آشکارا حکمروایی خوب را به محیطی قادر به برپایی حقوق بشر و ترغیب‌کننده رشد و توسعه پایدار انسانی پیوند زده است. با پیوند حکمروایی خوب با توسعه پایدار انسانی، مبتنی بر تأکید بر اصولی نظیر پاسخگویی، مشارکت و کامیابی از حقوق بشر، این قطعنامه به‌مثابه سکویی برای رویکرد حقوق-مدار توسعه ارزیابی می‌شود. این کمیسیون در

- شفافیت؛
- پاسخگویی؛
- اثربخشی؛
- برابری جویی؛ و
- حکومت قانون.

این‌گونه حکمروایی متضمن آن است که اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطح اقشار مختلف جامعه فراگیر باشد و صدای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین آحاد نیز در تصمیم‌سازی‌های مرتبط با تخصیص منابع توسعه شنیده شود.

آنچه به رویکرد این سازمان ویژگی خاص می‌دهد، آن است که در تعریف حکمروایی نه تنها حکومت/ دولت، بلکه بخش خصوصی (← بخش) و جامعه مدنی (← جامعه مدنی) را نیز دربر می‌گیرد. این ۳ بخش، مجموعاً در توسعه پایدار انسانی از اهمیت برخوردارند. نقش دولت به‌عنوان ایجادکننده محیط با ثبات سیاسی و حقوقی در راستای توسعه پایدار دیده می‌شود، حال آنکه سازمانها و نهادهای جامعه مدنی به‌عنوان ابزار تسهیل تعامل سیاسی و اجتماعی و محرک گروهها برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دیده می‌شوند.

با توجه به رویکرد بانک جهانی، حکمروایی عبارت است از شیوه‌ای که قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه اعمال می‌شود. به سخن دیگر، حکمروایی مستقیماً به مدیریت روند توسعه، با دخالت بخش‌های عمومی و خصوصی، مربوط می‌شود. این تعریف شامل نحوه عملکرد و قابلیت بخش عمومی و همچنین قواعد و نهادهایی که چارچوبی برای عمل هم‌کسب‌وکار عمومی و خصوصی، شامل پاسخگویی برای عملکردهای اقتصادی و تجاری، و چارچوب‌های مرتبط با شرکتها، مؤسسات و شرکاء می‌گردد. به سخن دیگر، حکمروایی به محیط نهادی گفته می‌شود که شهروندان در میان خود، با نهادها و دستگاه‌های دولتی به تعامل می‌پردازند.

در این ارتباط، علاقه بانک جهانی به این مقوله، ریشه در علائق این سازمان به کوشش‌های خاص آن در پیشبرد توسعه دارد. از این منظر، مدیریت مؤثر توسعه، به مفهوم

- شبکه‌ها و دانش؛
 - شالوده اقتصادی؛
 - درجهٔ هماهنگی با اقتصاد جهانی؛ و
 - شاخصهای اجتماعی- اقتصادی، شامل آموزش، دسترسی به نیازهای اساسی (← نیازهای اساسی)، نقش زنان و جامعه مدنی، شامل سازمانهای غیردولتی.
 - تجلی و ترکیب این عوامل مختلف تا حد زیادی در سطح مناطق و بین مناطق تفاوت می‌پذیرد. با این وجود، نکته اساسی این است که حکمروایی خوب ملازم حقوق بشر است. اصول اساسی حکمروایی خوب و پیوندهای بینابین آنها را می‌توان به شرح زیر مطرح ساخت:
 - روندها و حکمروایی مردمسالارانه؛
 - نهادهای مؤثر بخش عمومی؛
 - تقدم حکومت قانون و نظام حقوقی مؤثر و غیرجانبدارانه؛
 - جامعه مدنی قدرتمند؛
 - عنایت ویژه به سرمایه‌گذاری انسانی؛ و
 - مدیریت دقیق و دلسوز اقتصاد ملی.
- البته، در عمل نمونه‌های معدودی از حکمروایی خوب وجود دارد. به طور کلی، تمام بررسیها و جمع‌بندی نقطه نظرات مختلف پیرامون حکمروایی خوب نشان می‌دهد که این گونه حکمروایی در درازمدت بر کیفیت حکمروایی در یک کشور اثر سازنده و مثبت دارد. اهمیت این نکته تا بدانجاست که مردمسالاری و توسعه اقتصادی از اهداف متصور است که باید به وجهی پایدار فراهم آیند، و این مهم بدون دستیابی و زمینه‌سازی برای روند حکمروایی خوب، امکان تحقق نمی‌یابد. علی‌رغم تمام تعارضات و بحثهای متفاوت درباره مفهوم حکمروایی خوب و پیوند آن با مردمسالاری و توسعه اقتصادی، پیوسته بر این نکته توسط کارشناسان تأکید می‌شود که کلید دستیابی به حکمروایی خوب، ایجاد نهادهای مناسب (مردمی) است.

کتاب‌شناسی:

- Abdul Hye Hasnat. *Governance: South Asian Perspective*. Oxford, ۲۰۰۱.
- Adel M. Abdellatif. "Good Governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development", *Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity*. Seoul

قطعه‌نامه شماره ۷۲ خود در ۲۰۰۱م، بر نقطه نظرات پیشین خود مؤکداً پای فشاری کرد. گزارش برنامه توسعه سازمان ملل در این باره، ویژگیهای بنیادی حکمروایی خوب را به شرح زیر بیان داشته است:

- مشارکت؛
- حکومت قانون؛
- شفافیت؛
- مسئولیت‌پذیری؛
- جهت‌گیری هماهنگ؛
- برابری؛
- اثربخشی و کارایی؛
- پاسخگویی؛ و
- دورنمای راهبردی.

بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در ۲۰۰۲م، این مهم از طریق زیر قابل دستیابی است:

• ایجاد و گسترش بسترهای مؤثر مشارکت رسمی سیاسی و حضور فعال در چارچوب احزاب سیاسی و نظامهای انتخابی، از طریق:

۱. بهبود حکمروایی در احزاب سیاسی؛
 ۲. ایجاد نظامهای انتخابی؛ و
 ۳. محدود کردن تأثیر گمراه‌کننده پول در امور سیاسی.
- تقویت ابزار نظارتی بر نهادهای قدرت، از طریق تفکیک قوا به عنوان اجزاء مستقل و مؤثر؛
 - عدم تمرکز مردمسالارانه، ایجاد و توسعه قدرت از حکومت مرکزی به استانها، روستاها، با تأکید بر نهادها و اقدامات قویاً مردمسالارانه محلی؛ و
 - ایجاد و گسترش وسایل ارتباط جمعی آزاد.

البته، گرچه خصوصیات حکمروایی خوب در سطح بین‌المللی مورد پذیرش است، امکان تحقق عملی آن را در بین جوامع مختلف باید در بستر اوضاع محلی و با عنایت به شرایط محلی جستجو کرد. به سخن دیگر، ویژگیهای عینی چندی ممکن است بر نوع و دامنه حکمروایی (خوب) اثرگذار باشد که از آن جمله‌اند:

- تنوع و ساختهای فرهنگی، مذهبی و قومی؛
- ارزشهای بومی؛

حکروایی روستایی

عینی واگذاری قدرت از دستگاههای مرکزی به مقامات محلی و از این طریق، به تشکلهای، مراجع محلی، افراد و گروههای ذی ربط (روستایی) است. تنها این گونه زمینه سازی است که می تواند این امکان را در اختیار ساکنان متعارف روستاها قرار دهد، تا در تعیین مسیر و سرنوشت اجتماعی - اقتصادی و سمت و سوی عمران و توسعه محل زیست خود مشارکت، اظهار وجود و ایفای نقش نمایند.

در این میان، ضعف سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی) در محیطهای روستایی به طور جدی مطرح می گردد که به محدودیت در تولید سرمایه اجتماعی توسط دولتها - به مفهوم عام نهادسازیهای مشارکتی - به آنجا منجر می شود که اقدام جمعی (مشارکتی روستائیان) از سوی خانوارها، گروهها و کلیت جماعتهای روستایی به حداقل خود برسد. این در حالی است که اغلب روستاها با کارایی ضعیف و رو به زوال نظامهای سنتی پشتیبانی (خانوادگی، طایفه ای، جمعی - روستایی) روبرو هستند. بنابراین، قابلیت عملکردی نظامهای غیررسمی امنیت اجتماعی که با کاهش مرتب شمار اعضاء روبرو هستند، به ویژه هنگامی که آبادی در مجموع و یا بخش قابل توجهی از آن، درگیر وضعیتهای بحرانی است، با محدودیت محسوس روبرو می شود، زیرا آشکار است که اگر نهادهای محلی، اعم از سنتی و یا نوین، نتوانند خود را به نحوی فراگیر گسترش و تسری دهند و از این طریق، منابع جدیدی (مانند دانش فنی و یا اعتبارات مالی) را برای پیشبرد اهداف تعریف شده خود فراچنگ آورند، به نحو روزافزون، با ضعف عملکردی روبرو خواهند شد. از این رو، رواج روح سوداگرانه فردگرا، از یکسو و بی اعتمادی رایج روستائیان به نهادها و دستگاههای دولتی، از سوی دیگر، موجب شده است تا همیاری محلی و مشارکت در امور عمرانی و توسعه، به ویژه آنجا که این گونه نهادها و دستگاههای دولتی درگیر هستند، روز به روز به سمت حداقل ممکن سوق یابد.

واقعیت این است که روستائیان در بسیاری موارد، در اجرا و پیشبرد پروژه های عمرانی و نیز پایبندی کارشناسان به برخی وعده - وعیدهای توسعه ای اعتماد چندانی ندارند. رفع این بی اعتمادی که اغلب در پیشبرد برنامه ها و طرحهای عمرانی، به عنوان مانع مشارکت روستائیان بروز می یابد، برای کاهش هزینه های تعاملی اهمیت اساسی دارد.

۲۰-۳۱ May ۲۰۰۳.

- *Governance for Sustainable Human Development*. A UNDP policy paper UNDP, ۱۹۹۷.
- Hyden Goran & Olowu Dele (ed). *African Perspective on Governance*. Africa World Press, ۲۰۰۰.
- Lam, N.V. "A Perspective on Good Governance, Socio-economic Trends Analysis Section", *Development Research and Policy Analysis Division*. ESCAP. ۲۰۰۳.
- Sen, Amartya. *Development as Freedom*. New York: Alfred A. Knopf, ۲۰۰۰.
- The World Bank, *World Development Report ۲۰۰۳*, (Sustainable Development in a dynamic world, Transforming Institutions, Growth, and Quality of Life).

عباس سعیدی

حکروایی روستایی

Rural Governance

مشارکت روستائیان در اداره امور روستا و نیز فرایند تصمیم سازی (← تصمیم سازی)، طراحی و برنامه ریزی عمرانی و توسعه ای در محیطهای روستایی. آشکار است که اقدامات عمرانی و توسعه ای در زمینه توسعه روستایی، به طور کلی، هنگامی می تواند اثربخش تر باشد که مردم ذی ربط امکان مشارکت و اظهار نظر در زمینه سمت و سوی این گونه اقدامات و مداخله در تعیین اولویتهای مرتبط با آنها را داشته باشند. در همین ارتباط، نه تنها مردم می توانند و باید قادر به نقش پذیری باشند، بلکه نهادها و دستگاههای ذی ربط نیز باید از آمادگی لازم برای پذیرش واگذاری این نقش به مردم برخوردار باشند. به سخن دیگر، ضروری است تصدیگری دولتی جای خود را به تسهیلمگری دهد، تا زمینه های عینی و سازمانی پذیرش نقش و مشارکت مردمی فراهم گردد. آنچه که در این راه اساسی بشمار می آید، فراهم سازی زمینه های مردمسالاری در تدوین برنامه ها و تأمین اعتبارات بنیادی عمران و توسعه توسط دولت و نهادهای توسعه ای و در این راه، ایجاد امکانات

حکمروایی روستایی

درعین حال، فرصتی است همراه با دستاوردهای بالقوه بسیار وسیع در رشد پایدار اقتصادی، ثبات اجتماعی و توسعه انسانی.

در ایران، دهیارها در بهترین حالت خود می‌توانند واحد دهگردانی محلی بشمار آیند. مسلم است که نهادهای مشارکتی فعال در زمینه نظم‌دهی به فضای روستایی و ناظر بر امور عمرانی و توسعه‌ای روستا هنگامی می‌توانند قرین موفقیت باشند که از زمینه‌ها و اساس حقوقی و سیاسی لازم برخوردار گردند. چنین نهادی قاعداً بایستی بر اصل تسهیلگری دولتی استوار بوده، بتواند برای واحدهای کوچک اجتماعی - افراد، خانوارها و گروههای روستایی - از لحاظ جایگاه حقوقی، امنیت به ارمغان آورد؛ همچنین بر عرصه‌های بهسازی نظارت داشته باشد و از پشتیبانیهای سیاسی برخوردار باشد. در چنین چارچوبی، نه تنها ترغیب افراد و گروههای برخوردار روستایی به سرمایه‌گذاری در محیطهای روستایی ضروری است، بلکه توجه و تأکید بر توسعه اجتماعی مبتنی بر معاضدت و همدردی با افراد و گروههای نابرخوردار و ضعیف الزامی بشمار می‌آید. در همین راستا، زمینه‌سازیهایی سیاسی و اجتماعی - اقتصادی برای جلب مشارکت تمام جماعت روستایی، به‌نحوی که فرصتهای کافی برای افراد و گروههای ضعیف‌تر نیز فراهم آید، از الزامات بنیادی است. در غیر این صورت، آشکار است که نهادهای محلی به ابزار پیشبرد هدفهای خاص گروهها و اقشار معین تبدیل شده، به‌صورت محمل تأمین منافع گروههای اجتماعی ویژه و تسهیلگر دستیابی این‌گونه گروهها به اهداف خاص اقتصادی و یا سیاسی خود در آمده، در نهایت، در عوض توسعه‌گری جمعی، موجبات بی‌اعتمادی بیشتر روستائیان و تنشهای اجتماعی را فراهم خواهند ساخت.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران»، *مجله مسکن و انقلاب*، شماره ۸۷، تابستان ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «شیوه‌های بومی بهره‌گیری از منابع محدود (مورد: آب باران در جزیره کیش)»، *کاووش نامه (مجله علوم انسانی دانشگاه یزد)*، سال ۲، شماره ۳، پائیز و زمستان ۱۳۸۰.
- سعیدی، عباس. «برخی الزامات دهگردانی در پرتو مشارکت روستایی»، *مجله دهیارها*، سال دوم، شماره ۹، شهریور ماه ۱۳۸۳.

بنابراین، ایجاد باور و باورسازی در جلب حمایت و مشارکت روستائیان در همکاری و همیاری در زمینه‌های عمران و توسعه، به‌ویژه آنجا که برنامه‌ها و اقدامات دولتی مطرح هستند، از برنامه‌های لازمی است که بیش و پیش از هرچیز باید به آن توجه شود.

برای نظارت و حفظ توازن در کار سازمانهای محلی خودگردان، لازم است سایر تشکلهای محلی، از جمله گروههای هم منفعت، مثلاً زارعان کم زمین و مانند آن تقویت شوند. آنچه که گام نهادن در این مسیر را میسر می‌سازد، فراهم‌سازی فضای همراهی و گفتگو میان بدنه کارشناسی - فنی (دولتی) و سازمانهای خودگردان محلی و مردمی است که فرض است تمام این مجموعه در خدمت اوست.

هم‌اکنون، به‌عنوان نمونه، یکی از مسائل مبتلا به سکونتگاههای روستایی از دید دستگاههای رسمی متولی عمران و توسعه روستاها، نگهداری و دوام تأسیسات و تسهیلات فراهم آمده در این‌گونه محیطهاست. واقعیت این است که تا زمانی که مردم در تعیین و اجرای اقدامات عمرانی تنها نظاره‌گر صحنه باشند، در نگهداری تأسیسات ایجادنی نیز از خود هیچگونه آمادگی و همراهی نشان نخواهند داد، بلکه اغلب از همان دستگاهها و نهادهای ذی‌ربط انتظار دارند، نگهداری و پایدار ماندن تأسیسات را خود برعهده گیرند. آشکار است، این فضای عدم مشارکت جدی تنها هنگامی ممکن است جای خود را به همراهی و معاضدت محلی دهد که روستائیان خود، هم در تعیین اولویتها و هم در تأمین اعتبار و انجام اقدامات سهیم باشند و به‌عبارت ساده، هم اقدامات و هم تأسیسات برپاشده را مال خود بدانند.

نتیجه منطقی مشارکت پایدار و همراهی جدی روستائیان در همه جنبه‌های زندگی و فعالیت در محیطهای روستایی را می‌توان نوعی *فوران اندیشه‌ها* برای بهسازی فضای روستایی بشمار آورد. بر همین مبنا، الزامات بنیادی برنامه‌ریزی روستایی در آینده قاعداً بر حول ۳ جنبه اساسی دور خواهد زد: همفکری، برنامه‌ریزی مشارکتی (یا *گفتمانی*) و اقدام جمعی. پر کردن چاله خودگردانی در محیطهای روستایی، هم برای دولتها و هم برای روستائیان، نوعی مبارزه‌طلبی بشمار می‌رود که

حکمروایی شهری

- اداره کردن مردمی شهر یا حکمروایی شهری؛ و بالاخره،
- اداره کردن مردمی خردمندان شهر یا حکمروایی شهر خوب.

گرچه انواع اداره کردن شهر به موارد یاد شده ختم نمی‌شود و شاید بتوان انواع دیگری را نیز سراغ گرفت، اما در پس تمام این انواع ۳ مسئله خود را نشان می‌دهد:

- اداره شهر با چه میزان از استقلال و قدرت خودتنظیم‌کنندگی و تصمیم‌گیری همراه است؛
- مسائل متنوعی که مدیریت شهری با آن روبروست، تا چه میزان با یکپارچگی و وحدت مدیریتی، حل و فصل می‌شود؛ و بالاخره،

• جایگاه و نقش گروه‌های مختلف مردم و سایر کنشگران شهری، در اداره شهرها به چه میزان و در چه حدی است؟
براساس این پرسش ۳ یا ۳ جنبه، می‌توان طیف مدیریت شهری را ترسیم کرد. بدینسان، در یک قطب طیف یاد شده، الگوی آمرانه، انتصابی و سراسری و در قطب دیگر، الگوی اداره مردمی خردمندان شهر یا حکمرانی خوب شهری قرار دارد. بر پایه این طیف ۳ الگوی مدیریت شهری شکل گرفته است که اولی را مدیریت بخشی، انتصابی و آمرانه امور شهر؛ دومی را مدیریت یکپارچه انتخابی (مستقیم یا غیرمستقیم توسط منتخبان مردم از جمله شوراهای) با استقلال قابل توجه؛ و بالاخره، سومین حالت الگوی بینابینی است.

اساساً دلیل اصلی سخن گفتن از طیف مدیریت شهری، تأکید بر حالات بسیار متنوعی است که در رابطه با مدیریت شهری یا سایر مقوله‌هایی که طیف برای آنها ترسیم شده است، وجود دارد. از این رو، گرچه در طیف مدیریت شهری، از ۳ نوع مدیریت یاد شد، اما بین این ۳ نوع، انواع بینابینی دیگری وجود دارد که براساس میزان وحدت و یکپارچگی جنبه‌های مدیریتی، قدرت تصمیم‌گیری و انتخابی بودن، از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

گرچه ترجمه لغوی مفهوم Governance اداره، هدایت و کنترل و در نتیجه مفهوم Urban Governance به معنای اداره، هدایت و کنترل شهری است، اما مفهوم این ترکیب فراتر از معنای ظاهری آن است. این مفهوم علی‌رغم کهن بودن، از ۱۹۹۰م به بعد معنا یا معانی جدیدی به کف آورد

- سعیدی، عباس و کفایی، ساره. «نقش مدیریت سنتی در تولید فضای پایدار روستایی (مورد: ناحیه سعدآباد/ بوشهر)»، *مجله علوم زمین*. دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۳.

- ADB & Unicef. *Local Governance Initiative*. (Rural Asia), ۲۰۰۴.

- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen. *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*. UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, ۱۹۹۶.

- Harris, J. M. *Basic Principles of Sustainable Development*, Medford (USA): Tufts Uni., ۲۰۰۰.

عباس سعیدی

حکمروایی شهری

Urban Governance

اداره کردن شهرها، بسان مفاهیم بسیاری که به انسان، اجتماع و زندگی جمعی مربوط‌اند، مفهومی سهل و ممتنع است که از زمان وضع آن تا به امروز، راه دور و درازی پیموده است. گرچه اداره کردن واحدهای اجتماعی و مراکز تجمع جمعیت در هر جامعه‌ای، از همان آغاز شکل‌گیری مطرح بوده است، اداره کردن شهرها، موضوعی است که با ورود جهان صنعتی به دوران مدرنیته در قالبی علمی و روشمند، طرح شده است. براین اساس، طرح ۲ وجهی یا ۲ حالتی ای (dichotomy) چون اداره کردن سنتی و مدیریت نوین شهری، علی‌رغم ساده کردن موضوعی بس پیچیده، بی‌معنا نیست. چنانچه راه و رسم اداره کردن شهرها را، به‌ویژه شهرهای کهن، متعلق به جوامعی که تاریخی دور و دراز دارند، بتوان بر مبنای طیف مدیریت شهری طبقه‌بندی کرد، می‌توان از مقاطع یا انواعی به شرح زیر یاد کرد:

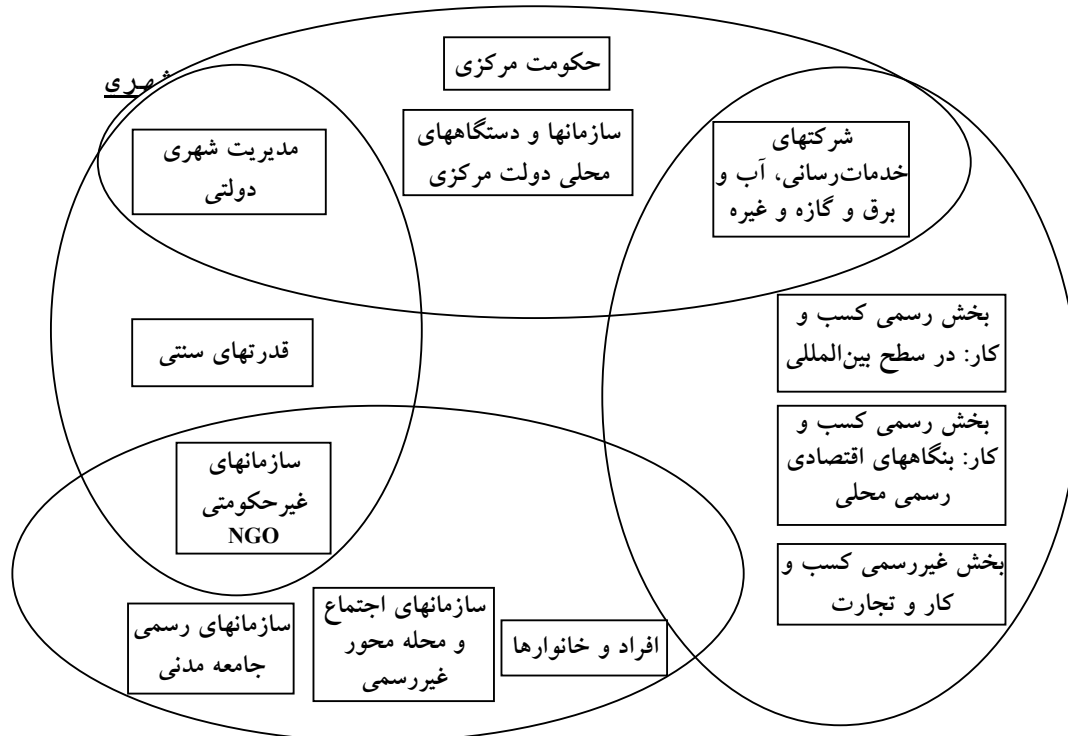
• اداره کدخدانسان شهر؛

• مدیریت آمرانه؛

• مدیریت آمرانه متمرکز شهری؛

• مدیریت محلی؛

• مدیریت مشارکتی شهر؛



آنکه در دومی، مراد روابط متنوع بین نهادهای جامعه مدنی و دولت در درگیری، هدایت، کنترل و اداره کردن امور است. جوهر اصلی اداره مردمی شهر در دنیای حاضر، تحت تأثیر رخداد بی‌مانندی چون جهانی سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد که دولت‌ها را کوچک و کوچک‌تر می‌طلبد، اما خطر هجوم اقتصاد سازمان یافته بر منابع را به سرعت افزایش می‌دهد و مسئله غارت منابع و فساد گسترده را واقعیتی عینی و تلخ می‌سازد، ورود نهادهای جامعه مدنی، یعنی بخش خصوصی، انجمنهای مردمی، گروههای تخصصی و خلاصه تمام کنشگران عرصه زندگی شهری در اداره، کنترل و هدایت جامع شهرهاست. براین اساس، اداره مردمی شهر یا مدیریت جامع مردم‌وار بر ۴ کنشگر عمده و ارتباط متقابل آنها استوار است که عبارتند از:

- سطح حکومتی؛
- بخش اقتصادی خصوصی - بنگاههای اقتصادی؛
- سازمانهای مردم بنیاد؛ و
- افراد و خانواده‌ها.

هریک از این سطوح چهارگانه خود به مؤسسات و کنشگرانی تقسیم می‌شود که در نمودار شماره یک، همه با هم و در ارتباط با هم معرفی شده‌اند.

بدون همکاری هماهنگ ۴ کنشگر اصلی عرصه‌های شهری، اداره مردمی شهر غیرممکن می‌گردد و امکان سلطه یکی از ۴ کنشگر بر بقیه فراهم می‌آید. به همین دلیل،

که زیر لوای آن، به‌طور مداوم ابعاد جدیدی اضافه می‌شود. پاتریک مک اسلان در مقاله شهری شدن، قانون و توسعه بیان داشته است که چالش بنیادین شهری، توسعه مشروعیت در اداره شهری است. ام. هالفانی معتقد است، اداره، هدایت و کنترل، چارچوب نهادینی را پدید می‌آورد که در قالب آن مدیریت عرصه عمومی - مدنی ممکن می‌گردد. نوآمی چازان، باور دارد که اداره کارا ظاهراً کارکردی است ناشی از کاهش سلطه دولت و رشد فضاهای زنده‌ای که گویای درگیر شدن و مشارکت سیاسی است. بالاخره سوویلینگ گفته است که اداره، هدایت و کنترل موضوعی مربوط به ساختارهای قدرت امروزی است... و چارچوبی است که در درون آن، جامعه مدنی به عمل می‌پردازد و به‌گونه‌ای سازمان می‌یابد که جامعه مدنی و ساختار قدرت، این ۲ نهاد متکی به هم، ولی منفرد، بتوانند عرصه عمومی - مدنی قدرتمند فعال و سالمی را پدید آورند.

بدین ترتیب، معلوم می‌گردد که در پس مفهوم اداره، هدایت و کنترل، سخن از ورود شهروندان و نهادهای ایشان در مدیریت شهری است؛ یعنی شریک شدن مردم در اموری که به‌طور سنتی برعهده حکومت بوده است و حکومت نیز به دلخواه خود، هر آنچه را که لازم بوده، به فرجام رسانده، شهرها را اداره می‌کرده است. از این رو، فرق مهم ۲ مفهوم Government و Governance در این واقعیت نهفته است که در اولی بحث از دولت به تنهایی است، حال

حکومت محلی

Studeis, ۱۹۹۵.

- Tendler, Judith. *Good Government in the Tropics*, Baltimore, MA, Johns Hopkins University Press, ۱۹۹۷.

پرویز پیران

حکومت محلی

Local Government

بر اساس تعریف سازمان ملل متحد حکومت محلی تقسیم‌بندی سیاسی یک کشور و یا یک ایالت (در سیستم فدرال) است که به وسیله قانون ایجاد شده و کنترل اساسی امور محلی همچون وضع مالیات را در دست دارد که هیئت اداره کننده آن موجودیت خود را با انتخابات محلی به دست می‌آورند.

بخش حکومت محلی از شاخه مدیریت عمومی سازمان ملل متحد بین دو مفهوم حکومت محلی و مرجع محلی (← مراجع محلی) تفاوت‌هایی قائل شده؛ این بخش، حکومت محلی را یک نظام (سیستم) می‌داند، در حالی که مرجع محلی خود به عنوان یک نظام (سیستم) فرعی مطرح است.

در تعریف سازمان ملل از حکومت محلی چند نکته کلیدی به شرح زیر مورد توجه است:

- حکومت محلی باید به وسیله قانون ایجاد شده باشد؛
 - این قانون باید بر امور محلی کنترل اساسی داشته باشد؛ و
 - هیئت اداره کننده، منتخب مردم محل باشد.
- بر همین اساس، تونی بایرون، صاحب نظر انگلیسی، در این زمینه می‌گوید که حکومت محلی شامل مدیریت امور عمومی یک محل به وسیله یک هیئت اجرایی از نمایندگان مردم محل است. چنین موجودیتی اگرچه در بسیاری از موارد تابع حکومت مرکزی است، ولی از قدرت تصمیم‌گیری قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.
- در این تعریف استقلال حکومت محلی به صورت

هایدن برای اداره مردمی شهر کارا و بهینه، ۳ دسته شرط که هر کدام از ۳ جزء تشکیل شده‌اند، معرفی می‌نماید که عبارتند از:

- اثرگذاری شهروندان و نظارت آنان:
 ۱. میزان مشارکت سیاسی بالا؛
 ۲. ابزار تجمیع ترجیحات مردمی و تمایل آنها (معمولاً از طریق نهادهای واسط جامعه مدنی)؛
 ۳. روشهای پاسخگوسازی دولت در مقابل مردم.
- رهبری مسئول و پاسخگو:
 ۱. میزان احترام عملی و واقعی به عرصه‌های عمومی - مدنی؛
 ۲. میزان شفاف و آشکار بودن فرایندهای تدوین خط‌مشیها و تصمیم‌سازی؛
 ۳. میزان پابندی به قانون.
- ادغام و همبستگی اجتماعی:
 ۱. میزان برابری سیاسی آحاد مردم؛
 ۲. میزان مدارای بین گروهها؛
 ۳. میزان پذیرش همگانی در عضویت انجمنها و سازمانها، بدون محروم‌سازی افراد و گروهها.

کتاب‌شناسی:

- پیران، پرویز. «اداره مردمی شهرها و ضرورت آن در ایران»، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۵، ۱۳۸۲.
- Devas, Nick. *Who Run Cities?* Paper ۴- The University of Brmningham ۱۹۹۹- Dillinger, Willian. *Decentralization & its Implication For Urban Service Deliverry* UNDP/UNCHS/ World Bank: Urban Management Programme, ۱۹۹۴.
- Fox, William. *Strategic Options for Infrastructure Management* UNDP/ UNCH/ Work Bank: Urban Management Programme, ۱۹۹۴.
- Halfani, M. "The challenge of Urban governance in Africa", Swilling Mark (ed), *Governing Africa's Cities*. Johannesburg, Witwatersrand University Press, ۱۹۹۷.
- Hyden, Goran. "Governance & the study of Poblitics" in Goran Hyden & Michael Bratton (eds). *Governance & Politities in Africa* Boulder, Lynne Rienner, ۱۹۹۵.
- Ma Auslan, Patrick. "Urbanization, Low & Development?" in Stren, Richard with Jubith Kjellberg (ed) *Perspectives on the City*. Toroto Center for Urban & Community Planning

حکومت محلی

احراز چنین شرطی، حکومت محلی باید ساختار و شکل سازمانی داشته باشد و همانند سایر سازمانها برخی اختیارات را هم داشته باشد؛ از جمله، حق طرح دادخواست، مورد دادخواست واقع شدن، عقد قرارداد و داشتن دارایی مخصوص به خود؛

• حکومت محلی باید مشخصه حکومتی داشته باشد. کارگزاران آن را بایستی رأی دهندگان انتخاب کنند و یا ادارات انتخابی آنها را منصوب کنند. علاوه بر این، حکومت محلی باید به عموم مردم در قبال فعالیتهايش پاسخگو باشد.

• حکومت محلی باید در حوزه‌های مهمی استقلال داشته باشد. این استقلال شامل استقلال اداری و مالی تمام عیار است. به طور کلی، حکومت محلی باید حق تعیین بودجه خود، کسب درآمد، استقراض (با رعایت قوانین و سرپرستی ایالت یا حکومت مرکزی) را داشته باشد.

با توجه به این ۳ معیار اساسی، حکومت محلی

محدود در نظر گرفته شده اما در عین حال، انتخابی بودن هیئت اجرایی به مثابه مشخصه اصلی مورد توجه قرار گرفته است.

جان کلارک حکومت محلی را قسمتی از حکومت یک کشور یا ایالت می‌داند که به موضوعات مربوط به اداره امور اهالی یک محل و مواردی که پارلمان برای آن تعیین می‌کند، می‌پردازد؛ حکومت محلی، علاوه بر این، توسط افراد محلی، زیر نظر حکومت مرکزی، اداره می‌شود. در این تعریف که در دهه ۱۹۵۰م ارائه شده است، سیطره حکومت مرکزی بر حکومت‌های محلی پررنگ‌تر «دیده» شده است و باین وجود، بر اداره امور عمومی محل توسط مسئولان محلی تأکید دارد.

به طور کلی، برخی صاحب نظران معتقدند که برای موجودیت حکومت محلی - از نظر فنی - ۳ شاخصه اصلی مورد نیاز است:

• حکومت محلی باید موجودیتی سازمان یافته باشد. برای



حکومت محلی

• **ساختار تعریف شده.** حوزه اقتدار، اختیار و روابط حکومت محلی تعریف شده است و وظایف هر جزء در قالب روابط تعریف شده مشخص می‌شود؛

• **حکومت محلی تابعیت از اقتدار ملی.** اقتدار ملی معمولاً از طریق پارلمان اعمال می‌گردد. براین اساس، موجودیت حکومت‌های محلی از قانونگذاری پارلمان نشأت می‌گیرد. حکومت‌های محلی به این ترتیب، تابع قانون ملی هستند. چنانچه حکومت‌های محلی خارج از چارچوب قانونی عمل کنند، مورد مواخذه قرار می‌گیرند؛

• **خودگردانی.** اگرچه حکومت‌های محلی براساس مسئولیتهایی که به وسیله پارلمان به آنها داده شده، انجام وظیفه می‌کنند، ولی نباید آنها را به عنوان عوامل حکومت مرکزی در سطح محلی فرض کرد؛ و

• **سیستم نرخ گذاری مالیاتی.** برای انجام خودگردانی نیاز به منابع درآمدی است که از محل عوارض و مالیات‌ها کسب می‌شود. حکومت‌های محلی دارای نظام مالیاتی هستند که این ویژگی به آنها قدرت زیادی می‌بخشد و متضمن میزان استقلال و انعطاف‌پذیری آنهاست.

انواع

حکومت‌های محلی را برحسب ۴ مؤلفه تقسیم‌بندی می‌کنند:

• نحوه شکل‌گیری (قوانین حاکم بر اختیارات حکومت محلی)؛

• نظام مدیریتی (نظام شورایی، شهردار، کمیسیون)؛

• وضعیت حقوقی (دارای شخصیت حقوقی و شبه حقوقی)؛ و

• وضعیت سیاسی (انتخابی و انتصابی بودن مدیران).

براساس میزان اختیارات و نوع روابط میان قوای حکومتی، از لحاظ مدیریتی، ۳ نوع حکومت محلی وجود دارد:

• تفکیک قوای مجریه (شهرداری) و مقننه (شورا یا انجمن).

این نوع حکومت محلی اصطلاحاً ساختار شورا (انجمن)- شهردار نامیده می‌شود؛

• وحدت قوا در قوه مقننه (شورا یا انجمن) حکومت محلی

موجودیتی سازمان‌یافته است که مشخصه‌های حکومتی دارد و از استقلال اداری و مالی (نه سیاسی) قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و هدف از ایجاد آن، ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثر کارایی و اثربخشی است.

ویژگیها

مدیریت حکومت‌های محلی از شاخه‌های فرعی رشته مدیریت دولتی (عمومی) است. با این حال، علاوه بر برخورداری از خصوصیات مدیریت عمومی (دولتی)، دارای بعضی ویژگیهای خاص به عنوان نماد حکومت محلی است؛ این ویژگیها عبارتند از:

• **انتخابی بودن.** اگرچه در برخی نواحی که وسعت کمی دارند، حکومت محلی جلسات خود را به صورت ساده و با شرکت تمام اهالی تشکیل می‌دهد، ولی در بیشتر نواحی، کارگزاران محلی (مسئولان حکومت محلی) نمایندگانی هستند که به وسیله اعضای جامعه در یک فضای انتخاباتی مناسب، انتخاب می‌شوند. این اعضای منتخب برای اداره امور عمومی محل، ستادی متشکل از کارگزاران و کارمندان تمام وقت، شامل مهندسان، حسابداران، معلمان، کارمندان دفتری، مأموران نظافت را تشکیل می‌دهند؛

• **سازمانی با هدفهای چندگانه.** هر حکومت محلی وظایف متعدد و متنوعی دارد تا بتواند خدمات مورد نیاز مردم محل را فراهم آورد. کارگزاران محلی در حوزه‌های مختلف، همچون تأمین امکانات مورد نیاز مؤسسات آموزشی و مدارس، ایجاد خانه سالمندان، مراکز بازآموزی معلولین، خدمات آشنشانی، جاده‌سازی و نگهداری جاده‌ها، مدیریت ترافیک، کنترل محیط از طریق مقررات ساخت و ساز و توسعه محل، ارائه خدمات بهداشتی، و بسیاری دیگر از موارد، فعالیت می‌کنند؛

• **فعالیت در مقیاس محلی.** هر حکومت محلی فقط در حوزه خود مسئولیت دارد. قلمرو فعالیت بعضی از حکومت‌های محلی، محدود است (حکومت‌های محلی در روستاها و شهرهای کوچک)، اما برخی در مقیاس وسیع‌تر فعالیت می‌کنند (حکومت‌های محلی در شهرهای بزرگ)؛

حکومت محلی

دخالت قوا را در امور یکدیگر به حداقل کاهش می‌دهد، ولی عیب عمده آن، امکان ایجاد ناهماهنگی بین ۲ قوه (شورا و شهرداری) است.

نظام کمیسیونی

در این شکل، مردم محل به‌طور مستقیم افرادی را به‌عنوان شورای محل انتخاب می‌کنند که هم وظایف قانونگذاری (مقننه) و تعیین خط‌مشی را برعهده دارند و هم مجری قوانین و سیاستها (مجریه) هستند. اعضای این گونه شوراهای اصطلاحاً کمیسیونر نامیده می‌شوند. در این شکل یکی از کمیسیونرها به ریاست کمیسیون یا شورا انتخاب می‌شود و شهردار نام می‌گیرد. در این شکل، اختیارات شهردار بیشتر از سایر کمیسیونرها نیست و شهردار بودن او، جنبه نمادین دارد. در این نوع سازماندهی، هریک از کمیسیونرها مسئول اداره امور یک واحد شهرداری می‌شوند و بر آن نظارت می‌کنند.

در این نوع ساختار، اختیارات حکومت محلی در شورا (قوه مقننه) متمرکز می‌شود، و هرچند که کار هماهنگی بین سیاستگذاران و مجریان را انجام می‌دهد، ولی نظارتی که در تفکیک قوا بین شورا و شهردار وجود دارد، از بین می‌رود.

نظام شورا-مدیر شهر

در این نوع حکومت محلی، مردم محل افرادی را به نام شورا، برای تدوین احکام و مقررات محلی و نظارت بر امور انتخاب می‌کنند. این شورا علاوه بر اجرای وظایف قوه مقننه، شخصی واجد شرایط را برای امور اجرایی حکومت محلی انتخاب می‌کند. این شکل حکومت محلی به شورا اختیار کامل می‌دهد تا هر فردی را، هرچند که ساکن آن محل نباشد، در صورت احراز شایستگی، به مدیریت شهر برگزیند. این فرد را مدیر شهر می‌نامند که می‌تواند مقامات مدیریتی و کارکنان شهرداری را با نظر و تشخیص خود انتخاب کند. مدیر شهر مسئول اجرای مصوبه‌های شورای شهر است و مدت خاصی برای مدیریت او تعیین نمی‌شود. او زیر نظر شورا کار می‌کند و در صورت نارضایتی نسبت به عملکرد او، از کار برکنار می‌شود.

که آن را ساختار کمیسیونی می‌نامند؛ و

• تسلط و برتری قوه مقننه (شورا یا انجمن) بر قوه مجریه (شهردار) که در حکومت‌های محلی به آن ساختار شورا (انجمن)-مدیر گفته می‌شود.

نظام شورا-شهردار

در این شکل حکومت محلی، اعضای شورا یا انجمن شهر، و همچنین شهردار، براساس رأی مستقیم مردم محل انتخاب می‌شوند. این نحوه اداره امور در حکومت محلی بر پایه اصل تفکیک قواست. بدین ترتیب که شورای شهر نقش قوه مقننه را ایفا می‌کند و وظیفه قانونگذاری و خط‌مشی‌گذاری در سطح محلی را برعهده دارد و شهردار نیز حکم مسئول اجرایی یا قوه مجریه را داراست و مصوبات شورا را به اجرا درمی‌آورد.

در این شکل ساختاری، رؤسای ادارات و کارمندان شهرداری توسط شهردار منصوب می‌شوند. در پاره‌ای موارد، ممکن است شورای شهر در این امر دخالت کند. مصوبات شورای شهر به‌عنوان قوانین حکومت شهری یا احکام شهری محسوب می‌شود که بعد از تصویب شورای شهر و با امضای شهردار، به اجرا درمی‌آید. به‌عنوان نمونه، شورای شهر در مورد نرخ مالیاتها، عوارض و به‌طور کلی، بودجه شهرداری تصمیم‌گیری می‌کند که این قوانین و تصمیم‌گیریه‌ها نباید با قوانین حکومت مرکزی (در کشورهای بسیط)، ایالتی (در کشورهای مرکب)، و قانون اساسی مغایرت داشته باشد (← شورای اسلامی شهر).

حکومت محلی در این نوع ساختار به ۲ دسته تقسیم می‌شود:

۱. شورا-شهردار قوی؛ و

۲. شورا-شهردار ضعیف.

در نوع اول (شورا-شهردار قوی)، شهردار از اختیارات وسیعی برخوردار است و شورای شهر در امور اجرایی شهرداری دخالت نمی‌کند. در نوع دوم (شورا-شهردار ضعیف)، شورای شهر می‌تواند با ایجاد کمیته‌هایی به‌طور غیرمستقیم، بر واحدهای اداری شهرداری تأثیرگذار باشد. مزیت اساسی ساختار شورا-شهردار این است که

حمل و نقل و محیط

- Clark, John J. *Local Government of the United Kingdom*. Pitman & Sons, ۱۹۵۵.
- Hoogland, Dehoog Ruth & Gordon, Whitaker. "Professional Leadership in Local Government", *International Journal of Public Administrations*. Vol. ۱۶, No. ۱۲, ۱۹۹۳.
- Gray Andrew & et al. *Professionalism and the Management of Local Authorities*. Durham: Durham University, ۱۹۹۹.
- Steve, Leach & Gerry, Stoker. "Understanding the Local Government Review: A Retrospective Analysis", *Public Administration*. Vol. ۲۵, No. ۱, ۱۹۹۷.
- Gregory, Streib. "Educating Local Government Managers: A National Survey of MPA Program", *International Journal of Public Administration*. ۱۸(۶), ۱۹۹۵.
- United Nations. *Local Government Personnel System*. United Nation Publication, ۱۹۶۶.

سیدمحمد مقیمی

حلبی آباد ← سکونتگاه غیررسمی

حمل و نقل و محیط

Transport and the Environment

دسترسی به حمل و نقل امن، راحت، قابل اعتماد و کم هزینه و یا برعکس عدم دسترسی به اینها کیفیت زندگی در مناطق شهری را مشخص می کند. برای بخش صنایع و خدمات نیز حمل و نقل پشتوانه مهمی است و برای غالب فعالیتهای حوزه تولید و مصرف، به مثابه تسهیل کننده و کمک محسوب می شود. دسترسی به وسایل حمل و نقل مستلزم این است که تسهیلات حمل و نقل به مکانهایی که مردم زندگی و کار می کنند، یا اوقات فراغت خود را می گذرانند و به مبدأ و مقصد کالاها و مواد خام نزدیک باشد.

بر طبق ماده ۱۷ قانون شوراهای اسلامی، انتخاب اعضای شوراهای روستا، شهر و شهرک به صورت مستقیم و عمومی، با رأی مخفی و اکثریت نسبی آراء خواهد بود. همچنین در ماده ۵ همین قانون آمده است که در هر بخش، شورای بخش با اکثریت نسبی از بین نمایندگان منتخب شوراهای روستاهای واقع در محدوده بخش، تشکیل می شود.

در ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی، انتخاب شهردار در حیطه اختیارات شورای اسلامی شهر است که برای مدت ۴ سال انتخاب می شود. شهردار نمی تواند همزمان عضو شورای شهر باشد. شورای شهر می تواند هر زمان که بخواهد، با رعایت مقررات، شهردار را برکنار کند. البته نصب شهرداران در شهرهای با جمعیت بیشتر از ۲۰۰ هزار نفر و مراکز استان بنا بر پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور، و در سایر شهرها، به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت می گیرد. همچنین در ماده ۶۸ قانون شوراهای اسلامی، شورای روستا شخصی را برای انجام امور اجرایی روستا به سمت دهیار برای مدت ۴ سال انتخاب می کند و هر زمان که بخواهد، طبق مقررات قانونی، می تواند نسبت به عزل دهیار اقدام نماید. البته انتخاب دهیار به پیشنهاد شورای روستا و با حکم بخشدار صورت می گیرد و صدور حکم عزل دهیار نیز پس از اعلام شورای روستا، از سوی بخشدار صادر می شود. در ایران، شورای شهر و روستا به عنوان قوه مقننه حکومت محلی ایفای نقش می کنند و مستقیماً با آراء عمومی مردم محل انتخاب می شوند، در حالی که شهردار و دهیار به عنوان قوه مجریه در سطح محلی، از سوی اعضاء منتخب شورای شهر و روستا برگزیده می شوند. با توجه به این ملاحظات، می توان نتیجه گرفت که ساختار حکومتهای محلی در ایران مطابق با الگوی ساختاری شورا-مدیر شهر است.

کتاب شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. *اداره امور حکومتهای محلی: مدیریت شوراها و شهرداریها*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- Akbar Alikhan Mohd and Muttalib M.A. *Theory of Local Government*. Sterling Publishers Private Limited, ۱۹۸۲.

حمل و نقل و محیط

سفر - توقفهای چندگانه خودرو خانواده در طول یک سفر - کار حمل و نقل را پیچیده تر می سازد. به همین صورت، وسایل نقلیه موتوری با تعداد سرنشین کمی در شهر رفت و آمد می کنند. همه این شکلهای زندگی شهری بر تلاشهایی که برای سامان دادن اثرات زیست محیطی انجام می شود، تأثیر مهمی دارند.

همه فعالیتهای حمل و نقل، به جز پیاده روی و دوچرخه سواری، پیامدهای زیست محیطی دارند. نخست برای اینکه تجهیز و تدارک نظام حمل و نقل ممکن است به تغییر سکونت جمعیت در قسمتهای مختلف شهر منجر شود، اجتماعات را در مسیر ساختار خطی گسترش دهد و برای زیرساختهای شهری به زیان فضاهای باز، مثل چمنزارها و جویبارها که در برابر ساخت و سازها آسیب پذیری بیشتری دارند، زمینها را تحت اشغال ساخت و ساز درآورد. دوم به این دلیل که هم برای خود این عملیات و منابع به انرژی - به صورت نفت، گاز مایع یا برق - نیاز است و هم برای خودروها و ساخت و سازهای شخصی. سومین بعد مسئله زیست محیطی، آلاینده های صوتی، آب و هواست. آلاینده های سمی هوا، مثل منوکسید کربن، سرب و ذرات معلق، سکونتگاهها و پیاده روهای نزدیک جاده ها و خیابانها را در معرض خطر قرار می دهد. حمل و نقل به همین صورت بر سنگینی بار آلاینده های حوزه های آبی و هوایی می افزاید. نسبت مهمی از آلاینده های مربوط به حمل و نقل آلودگی صوتی است. چهارمین مسئله ای که مصرف انرژی ایجاد می کند، گازهای گلخانه ای است. مسئله دیگری که این تحولات به همراه دارد، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی در رابطه با حمل و نقل در شهرهاست. تفاوت در نحوه دسترسی گروههای اجتماعی متفاوت به وسایل حمل و نقل، سهم نابرابری که هریک از این گروههای اجتماعی، به ویژه گروههای فقیر و محروم، در تحمل بار آلودگی دارند، مسئله دیگر است.

حمل و نقل در مناطق شهری، شامل جابه جایی مردم و کالاها با وسایل حمل و نقل موتوری، به ۲ صورت خصوصی، بیشتر با خودروهای شخصی و عمومی، مثل حمل و نقل ریلی یا آبی، و همچنین با وسایل غیرموتوری، مانند دوچرخه یا پیاده به انجام می رسد. در شهرها به دلیل گوناگونی این گونه حمل و نقلها، کوتاهی مسافت و ضرورت تعجیل در برخی اقسام حمل و نقل به صورت جاده ای صورت می گیرد.

حمل و نقل در همه شهرها به سرعت رشد می کند و از حیث سرشت خود، در حال دگرگونی است. این رشد به صورت افزایش جمعیت، افزایش خودروهای شخصی در ارتباط با رشد اقتصادی و رشد قدرت خرید، افزایش مسافت سفرها، برحسب درآمد سرانه و وسیله نقلیه و تحولات جهانی، از حیث منابع، ساخت و توزیع کالاها است. تحولات جمعیتی، از جمله کوچک شدن خانوارها و پخش شدن سکونتگاهها و محل مشاغل در گستره مادرشهرها و منظومه های شهری، هم در افزایش نسبت مسافتی که وسایل نقلیه طی می کنند و هم در دشواریهایی که برای خدمات رسانی به این مسافرتها با استفاده از وسایل نقلیه غیرشخصی ایجاد می شود، نقش مهمی بازی می کند. تحولات مربوط به نیروی کار، از جمله افزایش مشارکت زنان، و به همراه آن، تغییر در رجحانهای مربوط به زنجیره



حمل و نقل و محیط

مسافر و ۲۰٪ کامیونها در مناطق مادرشهری رفت و آمد می‌کنند. رشد مصرف سوخت موجب افزایش انتشار گاز گلخانه‌ای می‌شود. اکنون، در ایالات متحد، انتشار دیوکسیدکربن در بخش حمل و نقل بر بخش صنعت پیشی گرفته است.

مدیریت زیست‌محیطی علاوه بر کنترل انتشار گازها و غبارها باید نیازهای مربوط به هماهنگی بهتر بین برنامه‌ریزی فضایی و برنامه‌ریزی حمل و نقل را نیز دربر گیرد. تغییر مدل حمل و نقل، از وسایل نقلیه خصوصی به شبکه حمل و نقل عمومی، امتیازهای زیادی دارد. اما در بسیاری از شهرها همزمان با تلاشهایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، همچنان سرمایه‌گذاری برای ساخت جاده‌ها بسیار بیشتر از سرمایه‌گذاری در زیرساختهای حمل و نقل عمومی بوده است. جابه‌جایی مسافر در مناطق شهری، بنابه دلایل اجتماعی و شکلهای توسعه شهری که بدان اشاره شد، همچنان جهت تحول به سمت استفاده از خودرو شخصی است. قطع نسبت بین رشد میزان مسافت سفرها با خودرو (با توجه به پیامدهای زیست‌محیطی آن)



از یکسو و میزان رشد اقتصادی از سوی دیگر، یکی از مسائل مهم محیطی در اروپاست.

حمل و نقل هوایی نیز یکی از اجزاء مهم بسیاری از مسائل زیست‌محیطی شهری است، زیرا فرودگاهها باید نزدیک جمعیت مشتری مسافرتهایی هوایی - خواه در

وسایل نقلیه موتوری سهم مهمی در آلودگی هوای شهرها دارند. برای نمونه، در شهرهای استرالیا وسایل نقلیه موتوری ۷۹-۸۸٪ منوکسیدکربن، ۵۰-۸۰٪ اکسید نیتروژن، حدود ۵۰٪ هیدروکربن و حدود ۲۰٪ ذرات معلق تولید می‌کنند. هیدروکربنها و اکسیدهای نیتروژن از اجزاء اصلی تولید غبارهای فتوشیمیایی و ذرات معلق از خطرات عمده در سلامت است. یکی از واکنشها در برابر این امر، وضع قوانینی بوده است که استفاده از سوختهای کمتر زیانبار و تمهیدات کاهش از انتشار گاز توسط خودروها را الزامی می‌کند. با وضع این‌گونه قوانین در برخی از کشورها که در این زمینه کنترل مؤثری انجام می‌دهند، کاهش قابل ملاحظه‌ای در انتشار آلاینده‌های محلی و منطقه‌ای به وجود آمده است؛ البته آلودگی هنوز در سطحی است که سلامت افراد را به خطر می‌اندازد. با این حال، با این تمهیدات جدید سطح منوکسیدکربن و هیدروکربنها کاهش یافته است و انتشار سرب تقریباً قطع شده است. در انتشار ذرات معلق نیز کاهش حاصل آمده است. فقط انتشار اکسید نیتروژن بالاتر از میزان آن در ۱۹۷۰م باقی مانده است. اگر رشد

مسافتهای سفر با خودرو و افزایش میانگین سن وسایل نقلیه شخصی نبود، اثرگذاری این‌گونه کنترلها بیشتر می‌شد. ورود فناوریهای جدید در وسایل نقلیه نیز به این روند کمک کرده است.

پیشرفتهای فنی بر مصرف انرژی نیز تأثیرگذار بوده است، چنان‌که در دهه‌های گذشته مصرف سوخت خودروها برحسب مسافر - کیلومتر اندکی کاهش یافته است. با این حال، افزایش میزان سفرها این کاهش را خنثی کرده است. برای نمونه در ایالات متحد، استفاده از سوخت وسایل

حمل و نقل طی ۲ دهه گذشته، سالانه ۱/۵٪ کاهش یافته است، اما بخش حمل و نقل یک‌چهارم مصرف سوخت در کشور و تقریباً تمام مصرف بنزین را به خود اختصاص داده است. ارقام مربوط به رفت و آمد خودروها در کشورهای مختلف متفاوت است. در استرالیا ۶۰٪ وسایل حمل و نقل

حوزه‌بندی شهری

جهان، دارای قوانین منطقه‌بندی هستند. منطقه‌بندی به دلیل کاربریهای متناقض و ناهمخوان زمین در شهرها آغاز شد. پیش از وضع قوانین منطقه‌بندی، هیچ چیز مانع آن نبود که یک کارگاه آب کردن پیه در نزدیکی یک محل مسکونی دایر شود. اگر ساکنان محل از دود یا بوی چربی ناراحت می‌شدند، می‌توانستند از کارگاه مذکور به خاطر ایجاد مزاحمت شکایت کنند و شاید هم می‌توانستند پولی بابت خسارت دریافت کنند یا آنکه کارگاه را تعطیل کنند. همراه با رشد شهرنشینی (← شهرنشینی)، بر شمار موارد کاربریهای ناهمخوان افزوده شد و معلوم شد که پرداختن به ناهمسازیهای نحوه کاربری زمین، پس از وقوع آن و همچنین برخورد با این ناهمسازیها به صورت موردی بسیار پرهزینه‌تر است تا اینکه از پیش، موارد کاربری زمین مشخص و مقرراتی نظام‌مند برای ساماندهی کاربریها به شکل مطلوب وضع گردد.

در ۱۹۱۶م، ایالات متحد قانون جامعی برای منطقه‌بندی براساس طرح ادوارد باست تصویب کرد. در این طرح، نحوه کاربری زمین و ارتفاع و تراکم ساختمانها در مناطق مختلف شهر نیویورک مشخص شده بود. شهرهای دیگر، از جمله اوکلید و اوهایو، از الگوی نیویورک پیروی کردند. در ۱۹۲۶م، دیوان عالی ایالات متحد به انطباق منطقه‌بندی با قانون اساسی رأی داد، هرچند که به کار بردن ناعادلانه آن را در موارد منفرد، غیرقانونی محسوب کرد. طی دهه ۱۹۲۰م، وزارت بازرگانی تحت سرپرستی وزیر و بعداً پرزیدنت هربرت هوور طرحی را با عنوان *قانون منطقه‌بندی و استاندارد و اختیاردهی ایالتی (SZA)* به تصویب رساند. پس از آنکه دیوان عالی ایالات متحد از قانونی بودن منطقه‌بندی حمایت کرد، بسیاری از شهرهای امریکا قوانین منطقه‌بندی خود را براساس این قانون به تصویب رساندند. بنا به الگوی پیشنهاد شده در قانون مزبور، حکومتهای ایالتی می‌توانستند قانون اختیاردهی خود را برای مجاز شمردن شهرها در کار منطقه‌بندی به تصویب برسانند. به این ترتیب، شهرها آئین‌نامه‌های منطقه‌بندی را تصویب کردند. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰م، برخی از شهرها پیش از تأسیس کمیسیون برنامه‌ریزی یا برنامه جامع، کار

شهرها یا در حومه‌های متصل به جاده‌های سرعت‌رو- باشد. بزرگ‌ترین مسئله زیست‌محیطی در حوزه فرودگاهها، تولید صدا در مسیر خطوط هوایی است. گرچه فرودگاهها بهنگام احداث، از شهرها فاصله دارند، ولی آنها برای توسعه تجاری، صنعتی و مسکونی جاذبه زیادی دارند و به دلیل نبودن کنترل دقیق بر کاربری زمین، خیلی زود به گستره توسعه مادرشهری وصل می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

لکس برون
(کمال پولادی)

حوزه‌بندی شهری

Urban Zoning

حوزه‌بندی شهری رایج‌ترین تمهید انتظام‌بخشی است که حکومت‌های محلی (← حکومت محلی) برای پیشبرد برنامه‌های شهری به کار می‌برند. آئین‌نامه منطقه‌بندی شهری، کلیت شهر را به قلمروهای جغرافیایی چندی که *منطقه* نامیده می‌شود، تقسیم می‌کند و از این طریق، مشخص می‌کند، در هر منطقه چه کاری می‌توان و چه کاری نمی‌توان انجام داد. آئین‌نامه منطقه‌بندی معمولاً کاربریهای مجاز، شامل حد ارتفاع ساختمان، تراکم و چگونگی عقب‌نشینی از خیابان و پیاده‌رو را مشخص می‌کند. منطقه‌بندی متضمن اجرای مقررات کاربری زمین براساس برنامه تدوین شده و پرهیز از کاربریهای ناهم‌ساز است. علاوه بر این، آئین‌نامه منطقه‌بندی کمک می‌کند تا کاربری زمین و مسئله حمل‌ونقل هماهنگ شود و توسعه زیرساختها به شکل عقلایی صورت گیرد. اکنون تقریباً همه شهرهای ایالات متحد و بیشتر شهرهای بزرگ در سراسر

حوزه بندی شهری

استفاده، طرح یا شرایطی از این قبیل مربوط است. اجازه کاربری مشروط معمولاً زمان معینی دارد و بعد از انقضای این مدت، باید مورد بازبینی قرار گیرد.

بیشتر آئین نامه های منطقه بندی به کاربری های سابق یا کاربری های مشمول تغییر برای مدت معینی مهلت می دهند تا مشکلات را به حداقل برسانند.

منطقه بندیها به مرور زمان پیچیده تر شده اند. در آئین نامه های جدید، در مواردی که اجرای دقیق کاربری دشواریهایی را ایجاد می کند، برخی موارد استنفکاف از اجرای قانون منطقه بندی مجاز شمرده شده و / اجازه کاربری مشروط داده می شود. منطقه بندی قراردادی، مناطق شناور و توسعه برنامه ریزی شده برحسب واحد، شیوه های دیگر نرمش و انعطاف در این زمینه هستند. امروزه، ممکن است منطقه بندی به منظور تمایز با الگوی توسعه آزاد به کار رود. به هر حال، منطقه بندی منعطف و شمول گرا امکان خانه سازی برای گروه های مختلف درآمدی و گونه های مختلف خانواری را تشویق می کند. از منطقه بندی ممکن است برای ترغیب کاربری های مختلط، محافظت از گونه های در خطر انقراض، تشویق توسعه معطوف به عبور و مرور و یا الگوهای برنامه ریزی مدرن بهره گیری شود.

به رغم وجه کم و بیش عامی که منطقه بندی پیدا کرده است، بحث های فلسفی درباره مطلوب یا نامطلوب بودن آن ادامه دارد. برنامه ریزان، اقتصاددانان و قضات محافظه کار چنین استدلال می کنند که بازار همان کاری را که منطقه بندی انجام می دهد، به انجام می رساند، آن هم به صورتی بهتر از برنامه ریزی منطقه بندی. لبرالها به بسیاری از برنامه ریزی های منطقه ای ایراد می گیرند که از لحاظ اقتصادی، موجب جدایی گزینیها و ایجاد طرح های بی معنا می شود. بحث های سیاسی درباره منطقه بندی نیز همچنان ادامه دارد. در میان مهم ترین مباحثات اخیر درباره منطقه بندی، می توان به مسئله منطقه بندی انحصارگرا اشاره کرد. در این گونه منطقه بندیها، برخی اجتماعات با محدود کردن کاربری های زمین به قطعات بزرگ و ساختمانهای تک واحدی، زندگی افراد کم درآمد و دارای درآمد متوسط را در منطقه خود امکان پذیر می کنند.

منطقه بندی را آغاز کردند. امروزه، کار غیر منطقی پیشین، یعنی نخست: وضع مقررات و آنگاه: برنامه ریزی کنار گذاشته شده است و به طور منطقی، نخست برنامه ریزی می شود و آنگاه مقررات منطقه بندی وضع می گردد.

در بیشتر اجتماعات، شهرستانها یا شهرها، کمیسیونهای برنامه ریزی بر منطقه بندی نظارت دارند. بیشتر این شهرها یک هیئت محلی برای درخواستهای مربوط به منطقه بندی دارند که مسائل مربوط به اجازه مشروط در کاربری و تعارض قوانین منطقه بندی با مالکیت های منفرد را مورد بررسی قرار می دهد. تصمیمات کمیسیون برنامه ریزی و دادخواست های هیئت منطقه بندی توسط اداره قضایی و بعداً دادگاه های ایالتی مورد استیناف قرار می گیرد.

امروزه، بیشترین قوانین، منطقه بندی را برحسب منطقه تجاری، منطقه صنعتی، منطقه مسکونی، منطقه کشاورزی و سایر مناطق تقسیم بندی می کنند. هر یک از این مناطق ممکن است به نوبه خود به مناطق فرعی (زیر منطقه) تقسیم شود؛ برای نمونه در یک منطقه مسکونی، ممکن است زیر مناطقی برای ساختمانهای تک خانواری؛ ساختمانهای تک خانواری به همراه دوبلکس؛ و برای آپارتمانهای ۸ واحدی یا کمتر در نظر گرفته شود.

آئین نامه های منطقه بندی ۲ بخش دارند: متن؛ و نقشه.

• نقشه. نقشه محل مناطق را مشخص می کنند و متن کاربری های مجاز را توضیح می دهد. هسته مرکزی متن آئین نامه منطقه بندی، در عمل مقررات مربوط به نواحی است. متن یک آئین نامه منطقه بندی همچنین به طور معمول حاوی تعاریف، الزامات کلی، استانداردهای خاص توسعه، و اقدامات مرتبط با اداره و اجرای امور است. هنگام تغییر شرایط و عقاید مقامات انتخابی، ممکن است نقشه یا متن آئین نامه یا هر دو تغییر داده شود.

• منطقه. یک منطقه، علاوه بر کاربری های مجاز، ممکن است کاربری هایی را نیز مشخص کند که در صورت کسب اجازه، کاربری مشروط (CUP)، مجاز شمرده می شود. کمیسیون برنامه ریزی می تواند بنابر ضوابط خود و برحسب مورد، این اجازه را بدهد یا ندهد. اعطای اجازه کاربری مشروط (CUP) غالباً با مسائلی چون پارکینگ، منظر، ساعت های

حوزه نفوذ شهر

آنها برای انجام امور جاری و روزمره خود به آن مراکز مراجعه می‌کنند.

در بررسی حوزه نفوذ هر شهر توجه به نکات زیر ضروری است:

• منظور از حوزه نفوذ گاهی همان حوزه نفوذ مستقیم شهر است، اما به‌رحال مراجعات از راههای دور یا شعاع زمانی زیاد را دربر می‌گیرد؛

• حوزه نفوذ، مراجعات با تناوب و تکرار کم را دربر نمی‌گیرد، بلکه مراجعات مستمر، مانند استفاده از خدمات و امکانات یا تهیه مایحتاج و مبادلات را شامل می‌شود؛

• مرز حوزه نفوذ در طول زمان و برای کالاها و خدمات مختلف ثابت نیست و بر اثر عوامل متعدد تغییر می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. هنگامی که از ۲ شهر هم‌سطح و مجاور، یک شهر برای رقابت در حاشیه خود بهتر تجهیز شود سعی می‌کند، وسعت حاشیه خود را به ضرر حوزه نفوذ شهر دیگر افزایش دهد.

۲. هنگامی که منابع جدیدی در حوزه نفوذ یک مرکز شهری پیدا شود، میدان نفوذ آن مرکز به ضرر مرکز شهر مجاور گسترش می‌یابد.

۳. در صورتی که شبکه‌های حمل‌ونقل جدید، یک شهر را در تماس نزدیک‌تری با شبکه حمل‌ونقل یا منطقه قرار دهد، حوزه نفوذ آن مرکز شهری دامنه وسیع‌تری به خود می‌گیرد.

• معمولاً مرز حوزه نفوذ مبهم است. از آنجا که با افزایش فاصله از یک مرکز شهری، قدرت سیطره و نفوذ آن کاهش می‌یابد، فعالیتهای واقع در آن عرصه به‌تدریج به مرکز شهری دیگر نزدیک می‌شوند؛

• اساساً دامنه گسترش نفوذ یک مرکز به ۲ عامل بستگی دارد:

۱. ماهیت فعالیتهایی که در آن مرکز انجام می‌شود.

۲. فاصله مرکز مشابه دیگر از آن.

• نباید انتظار داشت که مرز محدوده انواع فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و اداری رایج در یک مرکز با یکدیگر منطبق باشند. حوزه نفوذ می‌تواند دامنه محدودی از تقسیمات سیاسی مانند بخش، شهرستان، استان و مانند آن

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

ریچارد لگیت
(کمال پولادی)

حوزه نفوذ شهر

Urban Sphere of Influence (Hinterland)

حوزه نفوذ شهر، عرصه پیرامونی شهرهاست که از ابعاد مختلف کالبدی و اجتماعی - اقتصادی با شهر در تعامل مستقیم قرار دارد. به سخن دیگر، این حوزه به محدوده جغرافیایی وابسته و همبسته به یک کانون شهری گفته می‌شود که برای خدمات و یا روابط ویژه (از جمله فعالیتهای اقتصادی و یا توزیع امکانات) با آن در ارتباط است.

برایان بری در کتاب *جغرافیای مراکز بازاری و توزیع خرده‌فروشی*، واژه *ناحیه بازاری* را با مفهوم مترادف حوزه نفوذ مورد استفاده قرار داده است. به‌هر تقدیر شناخت ناحیه بازاری در مکانیابی فعالیتهای و تدارک خدمات اهمیت زیادی دارد و با استفاده از فن تحلیل ناحیه بازاری می‌توان حوزه نفوذ یک محصول یا خدمت را مبتنی بر تقاضا، هزینه حمل‌ونقل و حداکثر قیمت قابل پرداخت از سوی مشتری تعیین کرد.

واژه حوزه شهری (Urban field) در گذشته توسط جغرافیدانان انگلیسی برای مشخص کردن ناحیه واقع در پیرامون و از نظر کارکردی وابسته به یک شهرک یا شهر به کار می‌رفت، اما در زمان حاضر، در اغلب منابع واژگانی مانند حوزه نفوذ، بازاری و حتی ناحیه تابع مورد استفاده است.

به‌طور کلی، حوزه نفوذ شهر فضایی است که ارتباطات متقابل میان ناحیه پیرامونی و شهر در قالب آن انجام می‌پذیرد. به‌عبارت دیگر، حوزه نفوذ هر مجتمع زیستی شامل مراکز سکونتی که در اطراف آن قرار دارند و ساکنان

حوزه نفوذ شهر

شدت کاسته شده و با نزدیک شدن به مرکز دیگر بر شدت افزوده می‌شود. با در نظر گرفتن این ویژگی، محدوده یا مرز حوزه نفوذ یک مرکز جمعیتی جایی است که شدت جریان به حداقل خود می‌رسد. ویژگیهای طبیعی شهر با اوضاع محیطی پیرامونی آن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد، به‌ویژه در حال حاضر که با توسعه شهرها و گسترش ارتباطات و شبکه حمل و نقل، ارتباط میان شهر و پیرامون آن پیوستگی عمیق‌تری یافته است.

به نظر می‌رسد، ۳ جنبه یا مقوله زیر برای درک درست خصلتهای مناسب سنتی شهر و حوزه نفوذ آن تعیین کننده و اساسی بشمار آیند:

- روابط سنتی مالکیت در نواحی روستایی؛
 - نظام پیش‌فروش محصولات زراعی؛ و
 - ساختار اجتماعی و زیرساختهای عرضه روستایی.
- به‌طور کلی، زیرساخت اقتصادی شهر بیش از انبوهی جمعیت آن، بر توان پرتوافشانی شهر نیرو می‌دهد و فضای جاذبه و میدان مغناطیسی شهر را وسعت می‌بخشد. بدینسان، اینکه شهرها و حوزه نفوذشان مجموعاً یک نظام شهری را تشکیل می‌دهند و جریان کالا، سرمایه، جمعیت و خدمات از طریق شبکه‌ها و خطوط بین آنها جریان می‌یابد و در عمل، میان آنها نوعی تقسیم کار و یک سلسله مراتب کارکردی پدیدار می‌گردد. بدیهی است، هرچه شهر بزرگ‌تر باشد، مجموعه خدمات، کالاها و عملکردهایی را که احتمالاً تأمین می‌کند، وسیع‌تر خواهد بود.

با توجه به اهمیت نقش و کارکرد اقتصادی شهر در تعیین شعاع حوزه نفوذ آن، بحث بازار مطرح می‌گردد. حوزه پیرامونی یک خدمت که مشتریان و مصرف‌کنندگان به آن جذب می‌شوند، حوزه نفوذ بازاری یا ناحیه بازاری نامیده می‌شود. حوزه نفوذ بازار مثال خوبی از یک ناحیه گرگاهی است - ناحیه‌ای با یک هسته یا مرکز که در آن خصیصه و ویژگی آن ناحیه بیشترین شدت را داراست.

اندازه حوزه نفوذ بازار

حوزه نفوذ بازار در مورد هر یک از خدمات فرق می‌کند. جغرافیدانان برای تعیین حد گسترش حوزه نفوذ بازار به ۲

را دربر گیرد و یا اینکه شامل چندین محدوده سیاسی شود. در واقع، هر شهر در میان تعدادی از مراکز جمعیتی دیگر (شهرهای کوچک‌تر و روستاها) قرار گرفته و در واقع، به‌وسیله آنها احاطه شده است، اما در برخی از این مراکز، جمعیت پیرامونی آنچنان پیوندهایی با آنها دارند که با مفهومی مشخص (و نه انتزاعی و ذهنی)، برای زیست‌مندی اجتماعی آنان ضرورت حیاتی می‌یابند. البته، مراکز دیگر به‌رغم ارتباط ساکنان آن با شهر، در زیر سیطره این ضرورت حیاتی نیستند. بدینسان، گویا دورتادور هر شهر در فاصله‌ای معین، مرزی فرضی وجود دارد که در داخل آن، مراکز جمعیتی با شهر خویشاوندی ویژه دارند.

شهرها در حوزه نفوذ مستقیم خود، ۴ ارتباط مشخص تکرارشونده با روستاهای واقع در این حوزه برقرار می‌کنند. برخی از این ارتباطها نقش قابل توجهی دارند. در کشورهای در حال توسعه، ۴ گروه محور ارتباطهای زیر قابل تبیین‌اند:

- انتقال بازار کشاورزی از روستاها به شهرها؛
 - جابه‌جایی ناپایدار نیروی کار از روستاها به شهرها؛
 - عرضه کالاهای مصرفی و انواع خدمات از شهرها به روستاها؛ و
 - جابه‌جایی ناپایدار نیروی کار از روستا به شهر و یا مراکز فعالیتهای اقتصادی.
- شهرها برحسب اندام جغرافیایی خود نیروی جاذبه کم‌و بیش گسترده‌ای دارند و قطب جاذب مقاومت ناپذیریند که با پیرامون خود روابط نامتوازن برقرار می‌کنند. این روابط شامل موارد زیر است:
- ارتباط جمعیتی شهر و ناحیه؛
 - پیوند شهر و ناحیه به تبع مالکیت‌های ارضی؛
 - شهر به‌مثابه کانون جمع‌آوری تولیدات ناحیه؛
 - رابطه خدماتی شهر و ناحیه؛
 - رابطه شهر و ناحیه بر مبنای توزیع سرمایه و کار؛
 - حدود سلطه شهر بر ناحیه.

بنابراین، شهر پدیده‌ای است با عملکردهایی که برای اعمال آنها، به فضا نیاز دارد؛ این فضا حوزه و یا میدانی است. به‌طور کلی، هر جریان با دور شدن از یک مرکز از

حوزه نفوذ شهر

حوزه نفوذ شهرها بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد. تعیین محدوده مناطق کاربردی به معنای گروه‌بندی واحدهای محلی برخوردار از ارتباطات و همبستگیهای متقابل است. بدین ترتیب، در تعیین محدوده کاربردی، تأکید عمده بر ارتباط با یک نقطه مرکزی است و در مقابل، همگن بودن واحدهای جمعیتی مورد نظر نیست. ۲ روش اصلی که به طور معمول برای تعیین مناطق کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از: روش تحلیل جریانها (Flow Analysis) که بر پایه مشاهده فعالیتهای واقعی افراد مبتنی است و روش تحلیل گرانشی (Gravitational Analysis) که بر پایه آینده‌نگری و تحلیل نظری از آنچه که مردم، بالقوه ممکن است انجام دهند، استوار است.

حوزه نفوذ تجربی شهرها

حوزه نفوذ تجربی عموماً از طریق تحلیل جریانها تعیین می‌شود. در فضای بین سکونتگاهها همیشه جریانهای متعددی از جمله جمعیت، کالا، سرمایه و اطلاعات در حرکت است. این جریانها در سطوح گوناگون به مراکز کشیده می‌شوند که مکان مرکزی نامیده می‌شوند. اگر بتوان با تحلیل این جریانها، مکان مرکزی و حوزه کشش آن را به‌طور تجربی به‌دست آورد، آنگاه حوزه نفوذ تجربی شهرها به‌دست خواهد آمد.

از آنجا که شهر مرکزی، نفوذ خود را روی همه واحدهای جغرافیایی، اعم از روستاها، حومه‌ها، شهرکها و دیگر شهرهای فرودست خود اعمال می‌کند، چنین محاسبه‌ای را درباره تمام واحدهای جغرافیایی در رابطه با شهر مرکزی انجام می‌دهند و مراکز هم‌نفوذ (Iso-Influence) را با ترسیم منحنیهایی به هم مربوط می‌کنند. ضخامت و جهت گرایش منحنیها، در واقع، بیانگر شدت جاذبه و کشش شهر برای ناحیه و واحدهای جغرافیایی ناحیه است. برای ارزیابی میزان تأثیرگذاری شهر بر روی ناحیه از روشهای آماری و جغرافیایی گوناگون استفاده می‌شود.

کتاب‌شناسی:

دسته اطلاعات درباره یک خدمت معین نیاز دارند: دامنه و آستانه کالا یا خدمت. دامنه، حداکثر فاصله‌ای است که افراد برای استفاده از یک خدمت می‌پیماند. افراد برای خدمات روزمره حاضرند فقط یک فاصله کوتاه را طی کنند. البته، دامنه عملکرد باید اصلاح شود زیرا بیشتر افراد به فاصله زمانی فکر می‌کنند، به جای آنکه به فاصله خطی برحسب کیلومتر توجه داشته باشند. در مقابل، آستانه حداقل تعداد افراد متقاضی یک خدمت یا کالا است. به سخن دیگر، هر سرمایه‌گذاری اقتصادی به حداقل تعداد مصرف‌کننده و مشتری نیاز دارد، تا فروش کافی و سود لازم را تأمین کند.

سلسله مراتب خدمات و سکونتگاهها

سکونتگاههای کوچک با توجه به کوچک بودن آستانه و کوتاه بودن دامنه نفوذ و کوچک بودن حوزه نفوذ بازار، خدمات محدودی دارند، زیرا تعداد افرادی که در سکونتگاههای کوچک زندگی می‌کنند، کمتر از حدی است که بتواند بسیاری از خدمات را حمایت کند. در یک سکونتگاه کوچک، یک فروشگاه بزرگ چند طبقه با فروشگاه تخصصی نمی‌تواند پایدار بماند، زیرا به حداقل تعداد افرادی نیاز دارد که از تعداد جمعیت واقع در دامنه نفوذ سکونتگاه بیشتر باشد. در کل هر عملکرد، آستانه جمعیتی متفاوتی دارد، عموماً هرچه تعداد عملکردهای پایه در یک سکونتگاه بیشتر باشد، تنوع عملکردها در سطح آستانه جمعیتی در این سکونتگاهها بیشتر خواهد بود.

روشهای تعیین حوزه نفوذ شهر

روشهای تعیین محدوده قراردادی با روشهای تعیین محدوده کاربردی، متفاوت است. برای تعیین محدوده قراردادی روشهای متعددی وجود دارد، از جمله روش تحلیل عوامل و روش شاخص وزنی عددی (The weighted Index Number). اگرچه روش تحلیل عوامل پیشرفته‌تر و مناسب‌تر از روش شاخص عددی وزنی است، اما به دلیل گستردگی آمار مورد نیاز و پیچیدگی محاسبات که به کاربرد کامپیوتر نیاز دارد، در منطقه‌بندی و تعیین

حومه شهری

- لی، کولین. *مدلها در برنامه‌ریزی شهری، مقدمه‌ای بر کاربرد مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی*، ترجمه مصطفی عباس‌زادگان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- مشهودی، سهراب. «عرصه‌های سکونت در رابطه با شهرهای بزرگ»، *نشریه سازمان برنامه و بودجه*، ۱۳۵۸.
- مهدوی، مسعود. «تئوری و مدل‌های نمادین تعیین مکان مرکزی و حوزه نفوذ»، *مجله سرزمین*. سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳.
- Ambrose P.J. *Analytical Human Geography*. Longman, Great Britain, ۱۹۷۲.
- Berry Brian J.L. *Geography of Market Centers and Retail Distribution*. Englewood Cliff. N.J., Prentice-Hall, inc., ۱۹۶۷.
- Boyce, Janet and Ferretti, Jane. *Fieldwork in Geography*. Cambridge: Cambridge University Press. G.B., ۱۹۸۹.
- Everson, J.A. and Fitzgerald, B.P. *Settlement Patterns*. Longman: Printed in Hongkong, ۱۹۷۳.
- Haggett, Peter. *Locational Analysis in Human Geography*. London: Edward Arnold Pub, ۱۹۶۶.
- Monkhouse, F.J. A *Dictionary of Geography*. UK: Edward Arnold, ۱۹۶۹.
- Rubenstein, James M. *An Introduction to human Geography*. Miami University Oxford, Ohio, ۱۹۹۹.
- Small, John and Witherick, Michael. *A Modern Dictionary of Geography*. UK: Edward Arnold, ۱۹۹۰.

حسین حاتمی‌نژاد

حومه شهری

Urban Suburb

حوزه‌ای در بیرون شهر اصلی با فاصله از آن که جزء همان شهر و محل سکونت بخشی از جمعیت آن بشمار می‌آید. در گذشته که شهرها دیوار و حصار دفاعی داشتند، نواحی بیرون از قلعه، حومه خوانده می‌شد. چنان‌که در اواسط حکومت قاجار در بیرون قلعه تهران (عتیق)، نزدیک به ۶۰ هزار نفر سکونت داشتند.

- اپنهایم، نوربرت. *مدل‌های کاربردی در تحلیل مسائل شهری و منطقه‌ای*. ترجمه منوچهر طیبیان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- اهرس، اکارت. ایران: شهر، روستا، عشایر، *مجموعه مقالات*. ترجمه عباس سعیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات منشی، ۱۳۸۰.
- باستیه، ژان و برنار، درز. *شهر*. ترجمه علی اشرفی، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۷.
- بنیاد انقلاب اسلامی. *مروری بر بحث حوزه نفوذ*، ۱۳۷۱.
- جانسون، جیمز اچ. *جغرافیای شهری، تجزیه و تحلیل مقدماتی*. ترجمه گیتی اعتماد، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین. «ارزیابی مدل‌های کمی در شبکه شهری خراسان»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۳، ۱۳۷۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین. «کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۴۲، ۱۳۷۵.
- حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی. *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*. چاپ اول، انتشارات علم نوین، ۱۳۸۵.
- خراط زبردست، اسفندیار. «عملکردهای شهر در توسعه روستایی»، *ماهنامه مسکن و انقلاب*، شماره ۸۴، (بی تا).
- رضوانی، علی اصغر. *رابطه شهر و روستا*. چاپ اول، تهران: نشر ماکان، ۱۳۸۲.
- رفیعی، مینو. *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، اقتصاد*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹.
- رهنمایی، محمدتقی. *مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، جغرافیا*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹.
- رئیس‌دانا، فریبرز. «حوزه نفوذ شهرها یک بحث نو در برنامه‌ریزی شهری ایران»، *مجله گسترش تولید و عمران ایران*، شماره ۲۱، ۱۳۷۶.
- زیاری، کرامت‌الله. «شرایط جغرافیایی تعیین حوزه نفوذ شهر، مطالعه موردی کازرون»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۱.
- زیاری، کرامت‌الله. *مکتبها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.
- سرور، رحیم. *فرهنگ لغات و اصطلاحات جغرافیای انسانی*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ۱۳۸۳.
- عظیمی، ناصر. *روش‌شناسی شبکه سکونتگاهها، طرح‌های کالبدی منطقه‌ای*. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲.
- فرید، یدالله. *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
- فرید، یدالله. *کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا*. تهران: دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱.

دارند:

- حومه‌های صنعتی که کارگران واحدهای صنعتی آنها در شهر اصلی سکونت دارند؛
- حومه‌های صنعتی که کارگران آنها مقیم همان حومه هستند؛
- حومه‌های نیمه‌صنعتی - نیمه‌مسکونی؛
- حومه‌های معدنی یا معدنی - صنعتی؛ و
- حومه‌های خوابگاهی.

حومه‌های خوابگاهی در مواردی به طبقات کم‌درآمد و فقیر و گاهی به طبقات پردرآمد و مرفه اختصاص دارند. حومه‌ها هر نقشی که داشته باشند، تابع تغییر و تحول شهرهای اصلی (مادر) هستند.

برخی از تأسیسات بزرگ شهری مانند فرودگاهها، تأسیسات آب و فاضلاب، ایستگاههای بزرگ راه‌آهن، مخازن سوخت و تصفیه‌خانه‌های نفتی، انبارها، استادیومها، الزاماً نیاز به زمین باز وسیعی دارند و بنابراین، در حومه شهرها مستقر می‌شوند.

بخشی از حومه شهرها به‌علت ویژگیهای محیطی و طبیعی به‌عنوان تفرجگاه شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرند (← تفرجگاههای شهری). در این نواحی معمولاً مراکز ورزشی و تفریحی گوناگون وجود دارند، هرچند سعی می‌شود که سیمای طبیعی و مناظر زیبای آنها به همان شکل اولیه و سالم خود حفظ شود و از تحمیل نقشهای اضافی به آنها خودداری شود. شهروندان در روزهای تعطیل با وسائط نقلیه شخصی، از محدوده شهرها فراتر رفته و فضاهای باز و مطلوب‌تری را برای گذران اوقات فراغت انتخاب می‌کنند.

حومه‌نشینی در عصر جدید تابع عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی است. در ابتدا، برخی تحولات اقتصادی، به‌ویژه صنعت و خدمات، موجب ثروت صاحبان صنایع و رونق‌بخش ساختمان شد. سرمایه حاصل و امکانات ساختمان‌سازی بنگاههایی را پدید آورد که در خارج از شهر محیطهای جدید مسکونی با کیفیت خاص پدید آوردند، مانند: ملک‌شهر در اصفهان، که سبب شد خانوارهای شهری خود را از زیانهای زندگی شهر دور نگاه

علاوه‌بر روستاها و آبادیهای واقع در حومه شهرها که اغلب به کشاورزی اشتغال دارند، مجموعه‌ها و تأسیسات دیگری با عملکردهای مختلف در اطراف شهرها یا در حومه‌ها پدید می‌آیند، مانند: شهرکهای مسکونی، شهرکهای صنعتی، تأسیسات و تجهیزات شهری.

گاهی برخی از روستاها که در قلمرو تأثیرپذیری حومه قرار دارند، و به‌تدریج جمعیت شهری را پذیرفته و با ساخت‌وساز خانه‌های کارگری و کارمندی تبدیل به روستا-شهری (← روستا-شهری) کوچکی می‌شوند.

فضاهای حومه‌ای در پیرامون شهرها مشخصات متضادی دارند که از جمله عبارتند از:

- عدم پیوستگی در اشغال اراضی و جدایی فضایی عناصر کالبدی از یکدیگر؛
- تازه‌ساز بودن ساختمانها و کاربست روشهای جدید در اشغال اراضی؛
- ضعف میراثهای شهری، اعم از میراثهای تاریخی و خدمات اجتماعی؛ و

• نقش تعیین‌کننده شبکه حمل‌ونقل در راههای خارج از شهر، که آمدورفت در مسافتهای طولانی را امکان‌پذیر می‌سازد.

از ویژگیهای اجتماعی شهرهای بزرگ، علاوه‌بر تراکم جمعیت و فعالیت، جدایی‌گزینی مکانی گروههای اجتماعی به‌ویژه اقلیتهای مذهبی، نژادی و قومی است، که در شهرها در محله‌های خاصی اسکان می‌یابند. همین واقعیت گاهی زمینه تشکیل حومه‌هایی شده‌اند که در هریک اقلیت خاصی زندگی می‌کند.

در اغلب شهرهای بزرگ به‌علت گرانی اجاره و همچنین کرایه حمل‌ونقل، طبقات کم‌درآمد و فقیر در محله‌های دور از شهر، به‌خصوص در مراکز صنعتی و خدماتی حول و حوش شهر سکونت می‌گزینند. این حومه‌ها در نزدیکی شهرها و متصل به حریم شهر، در مجاورت واحدهای صنعتی (مانند کوره‌های آجرپزی، سیمان، معادن شن و ماسه) قرار می‌گیرند، که اصطلاحاً حاشیه نامیده می‌شوند (← سکونتگاه غیررسمی).

براساس نظریه جانسی هاریس، حومه‌ها انواع مختلفی

دارند. حمل و نقل عمومی، امکان سکونت در نواحی دورتر از شهر را برای شاغلان صنعتی ناحیه شهری فراهم آورد.

جمعیت حومه‌های سکونتی پیرامون شهرهای بزرگ، روزانه چند بار برای کار و خرید و سایر خدمات بین حومه و شهر جابه‌جا می‌شوند. رفت و آمد منظم روزانه بین حومه و شهر، به حرکت پاندولی شهرت یافته است. این حرکات در ساعات اوج جابه‌جایی، بار ترافیکی بزرگراهها را به‌وسیله خودروهای شخصی به اوج خود می‌رساند.

حومه‌های خوابگاهی به‌سبب نداشتن فعالیت‌های اقتصادی کافی، از لحاظ امکانات مالی برای اداره محل سکونت خود معمولاً در تنگنا قرار دارند و نمی‌توانند به راحتی در عمران، بهسازی و توسعه خدمات عمومی گام‌های اساسی بردارند؛ از این رو، به مرور زمان، کیفیت کالبدی و محیطی حومه‌ها روبه نقصان می‌نهد.

توسعه سریع و بی‌برنامه برخی از حومه‌های فقیرنشین موجب بی‌انتظامی شکل کالبدی و کمبود فضاهای سبز شده است (← فضای سبز شهری). این حومه‌ها نمی‌توانند برای ساکنان کم‌درآمد خود خدمات مورد نیاز را تأمین کنند. بنابراین، این گروه از حومه‌نشینان مجبور می‌شوند، نیازهای اساسی خود را از مادرشهر تأمین نمایند (← مادرشهر)؛ همین امر باعث بالارفتن میزان سفر از حومه به شهر می‌گردد. از سوی دیگر، مراجعه خریداران اطراف شهر به مرکز شهر مادر، موجب شلوغی و ازدحام در مرکز مادرشهر می‌شود.

حومه‌نشینی تنها یک واکنش نسبت به شرایط زندگی شهری نیست، بلکه تحت تأثیر پیش‌داوریها و تبلیغات نیز گسترش می‌یابد. در شهرهای بزرگ، احساس ناامنی یا ترس از بزهکاریها و در مقابل احساس امنیت و آرامش در حومه‌ها، انگیزه انتقال شهرنشینان به حومه‌ها بوده است (← امنیت شهری). حومه‌های پیرامون کلانشهرهایی مانند نیویورک، شیکاگو و واشنگتن در ایالات متحد آمریکا، بیشتر به علت ترس و ناامنی از بزهکاران شهری بوده است.

رشد زندگی حومه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه، تحت تأثیر عوامل مختلف، در اطراف شهرهای بزرگ انجام پذیرفته است و درصد بالایی از جمعیت شهرها در

تراکم جمعیت، آلودگی هوا و ناامنی اجتماعی، گرانی زمین و ساختمان عواملی هستند که جریان حومه‌نشینی را در شهرهای بزرگ سرعت می‌بخشند. در مقابل این عوامل دافعه، عوامل محیطی و طبیعی مطلوب مردم را به سوی خود جذب می‌کنند. آب و هوای خوش، منظر زیبا و فضای گشوده، از عوامل جاذب زندگی در حومه بشمار می‌روند؛ به‌خصوص، نواحی خوش آب‌وهوا و زیبا مورد توجه طبقات ممتاز و اشراف شهری قرار می‌گیرد و آنها را به سوی خود فرا می‌خواند. در تهران، به‌علت وزش باد غرب به شرق، نواحی غربی شهر تهران، مانند مهرشهر کرج، کردان و هشتگرد (جدید)، جزو نواحی مطلوب طبقات نسبتاً مرفه و طبقه متوسط بوده است. ناحیه لوسانات در شمال شرق تهران، در پیرامون سرچشمه‌های رودخانه جاجرود (اوشان، فشم و گلندوک)، از چند دهه پیش به‌وسیله گروه‌های مرفه و پردرآمد شهر تهران مورد استفاده قرار گرفته است. در مقابل، در نواحی جنوب و جنوب غربی و شرق تهران، به‌علت شرایط نامساعد و سهولت تملک زمین، حومه‌های افراد کم‌درآمد و فقیر شکل گرفته است، مانند نسیم‌شهر، شاهدشهر و باقرشهر.

گسترش حومه‌ها با پیشرفت فناوری حمل و نقل تسریع شده است. راه‌آهن در اروپا، به‌عنوان وسیله مناسب جابه‌جایی، باعث شده است تا طبقه متوسط در حومه‌های دور از شهر سکونت کند. در اینجا، شکل خانه‌ها ویلایی تک‌خانوار است و در فضای گشوده‌ای مستقر شده‌اند.

بعد از جنگ جهانی اول، تحت تأثیر جنبش باغشهر (← باغشهر)، باغشهرها از تلفیق ویژگیهای شهری و روستایی پدید آمدند. بسیاری از حومه‌ها در انگلستان تحت تأثیر ویژگیهای باغشهرها شکل گرفتند؛ هرچند باغشهرهای این دوره چیزی بیشتر از خانه‌هایی با باغچه‌های سبز نبود. ساکنان این حومه‌ها، برخلاف نظریه باغشهر، به جای اشتغال در صنعت کشاورزی، اغلب در شهرهای همجوار اشتغال داشتند و هر روز بین حومه و شهر رفت و آمد بودند.

بعد از جنگ جهانی دوم، با توسعه بزرگراهها و به‌خصوص رواج استفاده از خودرو شخصی به‌جای



پیرامون شهرها عبارتند از:

- گسترش و رواج وسایل رفت و آمد به ویژه خودرو شخصی؛
- افزایش ثروت طبقه متوسط اجتماعی و فزونی گرفتن تعداد آنها؛
- امکانات سرمایه گذاری گسترده به واسطه فرصتهای مالی و اعتباری درازمدت؛ و
- برنامه ریزی منطقه ای عدم تمرکز و تأمین مسکن توسط دولتها.

این عوامل سبب شده است که شهرنشینان از هر گروه اجتماعی - اقتصادی، با اهداف مختلف، در جنبش حومه نشینی مشارکت کنند و در پویای شهری سهم اساسی برعهده گیرند.

گروههای کم درآمد و متوسط با بهره مندی از یارانه های مسکن، رو به سوی حومه هایی آورده اند که دولتها برای اسکان آنها سرمایه گذاری کرده اند. طبقات متوسط در خارج از شهرها می توانند مالک خانه های مستقل ویلایی با

حومه هایی با مشخصات ویژه گنوها جای گرفته اند. این درصد امروز ۳۰٪ از جمعیت شهرنشین در جاکارتا و ۴۰٪ از جمعیت شهرهای لیما و کاراکاس در گتوهایی در حومه ها زندگی می کنند. نزدیک به ۲ میلیون نفر از جمعیت کلکته در بوستپها که به صورت خوشه ای در گرداگرد شهر قرار گرفته اند، زندگی می کنند.

حومه های سکونتگاهی در قاهره که به طبقات متوسط جامعه اختصاص دارند، به طور سریع روبه افزایش هستند. در تهران نیز حومه هایی که محل سکونت طبقه متوسط است، در نواحی شرق، غرب و جنوب روزه روز گسترش می یابند و به سرعت، به شهرهای اقماری پیرامون مادرشهر تبدیل می شوند، به طوری که طی ۳۰ سال، نزدیک به ۳۰ شهر در منطقه شهری تهران شکل گرفته است.

بعد از جنگ جهانی دوم، گسترش شهرها به سوی حومه ها در تمام جوامع پیشرفته و در حال توسعه انجام پذیرفته است، تا جایی که حومه نشینی به صورت یک پدیده عام جهانی درآمده است. عوامل مؤثر در گسترش حومه در

باغچه‌های اختصاصی باشند و به دور از نگرانیهای محیط شهری، زندگی کنند.

طبقات مرفه با درآمد بالا، در حومه‌های زیبا و سبز، با خانه‌های وسیع، معماری شگفت‌انگیز، به دور از چشم فقرا و طبقه متوسط، به آسودگی زندگی می‌کنند.

نقشه بسیاری از نخستین حومه‌های شهری مربوط به طبقات فقیر و متوسط از سامانه شطرنجی ساده‌ای تشکیل می‌شد که مالکان زمین و بنگاه‌های آماده‌سازی زمین به منظور حداکثر استفاده از سطح زمین، آن را به‌طور منظم و یک نواخت تفکیک می‌کردند و به فروش می‌رساندند. در حومه‌های اعیان‌نشین و طبقات پردرآمد، حومه‌ها آگاهانه براساس الگوی پارک‌سازی و به‌نحو آزاد طراحی می‌شوند. نقشه این‌گونه شهرکها شامل قطعات بزرگ زمین و خیابانهای با مسیرهای منحنی منطبق بر شکل طبیعی زمین، طراحی می‌شوند. الگوی طراحی شهری حومه‌های رمانتیک، همچون بخشی از فرهنگ طراحی باغشهرها بشمار می‌روند. طرح حومه ردبرن در نیویورک و شهرک کلمبیا در نزدیکی واشنگتن و مهرشهر کرج در نزدیکی تهران، از جمله این حومه‌هاست.

به مرور زمان و به‌علت گسترش شهرها در ناحیه پیرامونی، بسیاری از حومه‌های نخستین به بافت اصلی شهرها ملحق شده‌اند، مانند حومه‌های اولین شهر تهران در دهه ۱۳۳۰ش؛ از آن جمله‌اند، نارمک، تهران‌پارس، گیشا و آریاشهر در شرق و غرب و کیان‌شهر و دولت‌آباد در جنوب، که امروز جزو محله‌های دوره‌میانی و جدید شهر تهران به حساب می‌آیند.

کتاب‌شناسی:

- بهنام، جمشید و راسخ، شاپور. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: شرکت انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸.
- سعیدنیا، احمد. *تهران پایتخت قاجاریه، پهلوی، جمهوری اسلامی*، به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London & New York: Routledge, ۲۰۰۵.
- "Planning and urban Design Standards", *American Planning Association (APA)*. London: John Wiley & Sons Inc., ۲۰۰۶.

خ

خانه انصاف ← مراجع محلی (روستایی)

داشته باشد.

همیار علاوه بر اجرای مصوبات شورای اسلامی، موظف است برنامه‌های سالانه عمرانی، بهداشتی و خدماتی را تهیه و جهت بررسی و تصویب شورای اسلامی روستا اعلام نماید. وظایف خانه همیار که علاوه بر همیار، می‌تواند افراد دیگری را هم در استخدام داشته باشد، به قرار زیر است:

خانه فرهنگ روستایی ← مراجع محلی (روستایی)

خانه همیار روستا

جهادسازندگی (← وزارت جهادسازندگی) که پس از انقلاب اسلامی، امور مربوط به عمران (← عمران روستایی در ایران) و بهسازی روستاها (← بهسازی روستایی) را برعهده داشت، به این نتیجه رسید که بسیاری از شوراهای روستایی قادر به مشارکت و همکاری در انجام همه فعالیت‌های اجرایی در سطح روستا نیستند، خصوصاً وظایفی که قبلاً به‌طور سنتی دهبان یا کدخدا (← کدخدا) انجام می‌داد. پس از انجام پاره‌ای طرح‌های عمرانی در برخی از روستاها، جهاد طرح تشکیل *خانه همیار روستا* را عرضه کرد و آن را در برخی از روستاها به اجرا درآورد.

شورای اسلامی (با حداقل دوسوم آراء) همیار روستا را که وظیفه اجرایی دارد، انتخاب و جهادسازندگی حکم انتصاب او را صادر می‌کند. براین اساس، روستاهایی که ۱۵۰۰ نفر جمعیت و بیشتر دارند، می‌توانند همیار داشته باشند. همیار برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شود و باید حداقل ۲۲ سال سن و سواد در حد خواندن و نوشتن

خانه همیار روستا

- ایجاد و نگهداری گاراژهای حمل و نقل و نظارت بر امور سرویسهای مسافربری و حمل و نقل؛ و
- صدور پروانه بهره‌برداری برای واحدهای صنفی و نظارت و کنترل بر آنها.

منابع مالی

منابع مالی خانه‌های همیار عبارتند از:

- خودیاریهای اهالی؛
 - عوارض نوسازی و دریافت بهاء خدمات ارائه شده؛
 - کمکهای بلاعوض مردم و دستگاههای اجرایی؛
 - وامهای طویل‌المدت بانکی؛ و
 - عوارض پرداختی از سوی شرکتهای تولیدی و خدماتی و غیردولتی.
- خانه همیار با رعایت موارد زیر می‌تواند به توفیق برسد:
- پذیرش مردم و قبول او به‌عنوان مسئول اجرایی روستا که ضرورت دارد این شخص، خود از رهبران اجتماعی روستا و یا منسوب به آنها باشد تا از پشتوانه اجتماعی لازم برخوردار شود؛
 - حمایت دستگاههای مختلف اجرایی، خصوصاً بخشداریه‌ها

- تهیه و تنظیم بودجه مالی و نیز برنامه‌های سالانه عمرانی، بهداشتی و خدماتی و ارسال آن به شورای اسلامی روستا جهت بررسی و تصویب؛
- اجرای مصوبات شورای اسلامی در حدود وظایف و اختیارات؛
- اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت روستا و ایجاد تسهیلات مناسب برای تأمین بهداشت محیط؛
- اصلاح، تعریض، شن‌ریزی و آسفالت معابر و تخریب ساختمانهای ناامن و غیربهداشتی؛
- نظارت بر احداث ساختمانهای مسکونی و خدماتی؛
- نگهداری و تعمیر معابر و رودها در محدوده روستا؛
- نامگذاری معابر و نصب لوحه آنها و شماره‌گذاری اماکن؛
- احداث، تعمیر و نگهداری ساختمانهای خدماتی، مانند کشتارگاه، غسلخانه، گورستان، حمام، فروشگاه و سایر اماکن عمومی در روستا؛
- ایجاد پارک، زیباسازی روستا، درختکاری معابر، حفظ و نگهداری از نهالهای حرس شده؛
- اتخاذ تدابیر مؤثر در حفظ روستا از خطر سیل و آتش‌سوزی؛



خدمات رسانی روستایی

Rural Services Provision

خدمات رسانی روستایی عبارت است از تأمین امکانات و تسهیلات به منظور پاسخگویی به نیازهای افراد، تلاش در این زمینه صرفاً تولید یک کالا یا ارائه یک خدمت را شامل نمی‌شود، بلکه انتقال آنها نیز می‌تواند در این معقوله قرار گیرد، از قبیل انتقال آب یا گاز و کالاهای غیر ملموس، نظیر بهداشت یا آموزش و پرورش و خدمات ترویجی.

مشکل تعریف خدمات عمومی در تعیین حدود و قلمرو خدمات عمومی است، ولی با این حال، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: خدمات عمومی، خدماتی هستند که توسط نهادهای دولتی یا زیر نظر آنها برای برآوردن نیازهایی که نفع عمومی را دربر دارند، فراهم و عرضه می‌گردد. این گونه خدمات بر ۲ گونه‌اند:

- **خدمات عمومی اداری**، مثل ارتباطات پستی و تلگرافی که اصولاً به وسیله دولت صورت می‌گیرد؛
- **خدمات عمومی تجاری و صنعتی**، که به دست دولت و سازمانها، نهادهای عمومی یا دولتی، ولی به شکل تجاری، انجام می‌شوند. مثل توزیع آب و برق.
- گاهی برای بیان مفهوم مادی خدمات عمومی، اصطلاح بخش عمومی را به کار می‌برند. این بخش هر فعالیت یا مأموریتی که متضمن نفع عمومی باشد را دربر می‌گیرد و امور مرتبط با آن از ویژگیهایی چون تداوم و برابری عمومی در قبال انتفاع از آن و تقدم به منافع خصوصی برخوردارند. علاوه بر این، مفهوم امور عمومی مترادف با خدمات عمومی به کار گرفته می‌شود؛ بدینسان، هر اقدام دولت در زمینه امور عمومی، خدمت عمومی تلقی می‌گردد؛ براساس این تعریف، هر نیاز عمومی و یا منفعت و مصلحت اجتماعی، با هر درجه از تأثیرگذاری، مادام که در دست دولت قرار نگرفته، جزء امور عمومی بشمار آید. بنابراین، شاخص نهایی برای تمیز و تشخیص امور عمومی و خدمات عمومی، نحوه نقش‌پذیری و اداره آن توسط دولت است.

بدین ترتیب، ملاک خدمات عمومی بر حسب تعریف، در

و اخیراً دهداریها؛ در صورتی که همیار مورد تأیید و حمایت دستگاههای دولتی باشد امکان فعالیت بیشتری خواهد داشت؛ بالاخره، ویژگیهای اعضای شورای اسلامی روستا و فردی که به عنوان همیار انتخاب شده، در فعالیت خانه همیار بسیار اساسی است. همیار در عین اینکه منتخب شورا است، خود باید ویژگیهایی از جمله مسن بودن، مقبولیت، باسوادی و روحیه مدیریت را داشته باشد.

مشکلات

مشکلات خانه‌های همیار شامل موارد زیر می‌شوند:

- عدم رسمیت قانونی و شناخته نشدن خانه‌های همیار به عنوان اشخاص حقوقی؛
 - عدم همکاری ادارات، به خصوص فرمانداریها؛
 - خلف وعده مسئولان در رابطه با طرحهای لازم؛
 - نداشتن وسیله لازم (تراکتور، تریلی دار) جهت حمل زباله‌ها؛
 - نداشتن وسیله لازم (موتور) جهت سرکشی به کارها؛ و
 - مشکلات مالی و اقتصادی جهت اجرای طرحها و افراد شاغل در آنها.
- بررسی عملکرد خانه‌های همیار بیانگر آن است که در صورت توجه کافی مسئولان و رسیدگی به مشکلات این نهاد بی‌تکلف و مردمی، سازندگی و عمران روستاها (← عمران روستایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی) به شیوه مردمی، به بهترین شکل و کم هزینه‌ترین صورت ممکن، عملی خواهد شد.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی. مدیریت روستایی در ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- مجله جهاد. سال دهم، ش ۱۳۲، مهرماه ۱۳۶۹.

مهدی طالب

است که کاربرد آنها برای ایجاد تعادل و توازن جامعه ضروری است و اکثر مردم از مزایای آن متمتع و برخوردار می‌گردند و یا حداقل در راستای منافع آنهاست. البته، ماهیت خدمات اساسی در یک کشور یا یک منطقه، ممکن است با کشور و منطقه دیگر متفاوت باشد. کلیه خدماتی را که گروهی از مردم از آن بهره‌مند می‌شوند، می‌توان مهم قلمداد نمود، چرا که در غیر این صورت اساساً این خدمات ارائه نمی‌شدند. باین وجود، پاره‌ای از خدمات از چنان ماهیتی برخوردارند که از نظر رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی) می‌توان آنها را خدمات بحرانی نامید، نظیر آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی، زیرا بدون آنها، نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه قادر به ادامه حیات نخواهد بود. براین اساس، خدمات اساسی حیاتی، بحرانی و خدمات عمومی محض، اصطلاحات مترادفی هستند که برای برخی خدمات عمومی و ضروری به کار می‌روند. به سخن دیگر، خدمات عمومی ضروری‌تر را خدمات اساسی، حیاتی، بحرانی و خدمات عمومی محض می‌نامند. البته بحث درباره اهمیت و ضروری‌تر بودن خدمات رابطه تنگاتنگی با ارزشها و اعتقادات حاکم بر هر جامعه دارد، چنانچه در کشورهای مختلف این امر متفاوت است. برای مثال، خدمات اساسی نواحی روستایی در یک کشور ممکن است عبارت باشد از آموزش و پرورش، انرژی، مراقبت‌های بهداشتی، پلیس، آتشنشانی، خدمات پستی، حمل و نقل عمومی، جمع‌آوری زباله، آبرسانی و در مقابل، در کشوری علاوه بر اینها، شامل مسکن، اداره امور عمومی، تسهیلات و امکانات تفریحی و فرهنگی، تسهیلات تعمیراتی، رستورانها و کافه تریاها، مغازه‌های خرده‌فروشی و مانند آن باشد. خدمات اساسی در کشورهای توسعه‌نیافته اغلب عبارتند از: خدمات کشاورزی، مسکن، راه، آموزش و پرورش، برق و آبرسانی، مراقبت‌های بهداشتی و برخی برنامه‌های رفاهی.

انواع خدمات روستایی

صائب‌نظران خدمات‌رسانی و انواع خدمات را به انواع گوناگون طبقه‌بندی کرده‌اند. تفاوت بین این طبقه‌بندیها بسیار چشمگیر است. در اینجا، به چند نمونه از آنها اشاره

ید دولت بودن است؛ اگر دولت در بعضی مناطق به خاطر نارسائیهای موجود، نتواند انجام وظیفه کند و تأمین بعضی فعالیتهای عمومی را برعهده گیرد، امور عمومی محسوب نمی‌شود.

بدین ترتیب، در تعریف خدمات عمومی باید گفت، اموری که کلیه افراد یک اجتماع از آن بهره‌مند گردند، یک امر عمومی یا خدمت عمومی تلقی می‌گردد؛ این درحالی است که افراد به تنهایی نمی‌توانند از انجام آن برآیند و اگر نیز بعضاً اقدام به این امر نمایند، هزینه بسیار گزافی را باید متحمل گردند. به سخن دیگر، مردم یک جامعه دارای یک سلسله نیازهای مشترک هستند که هر یک به تنهایی قادر نیستند آنها را منفرداً برای خود تأمین کنند. برای مثال، هرکس در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، نیاز به برق، آب سالم، راه و مانند آن دارد که خود به تنهایی قادر به تأمین و تهیه آنها نیست، زیرا هزینه تأمین و نگهداری این‌گونه تأسیسات بسیار گزاف است.

بنابراین، خدمات عمومی نیازهای عمومی هستند که فرد به تنهایی قادر به برآوردن آن نیست. بدینسان، یک خدمت عمومی آن است که امکان دسترسی به آن برای همگان میسر باشد و شامل مواردی است که مردم رأساً قادر به تأمین آن برای خود نیستند.

اصطلاح دیگر که معمولاً مترادف با خدمات عمومی به کار برده می‌شود، خدمات همگانی است و منظور کسانی که از این اصطلاح استفاده می‌کنند، این است که از خلط مباحث کالاها و خدمات خصوصی و عمومی پرهیز گردد؛ چنین خدماتی معمولاً ویژگیهای مرتبط با کالاها عمومی و خصوصی را داراست.

بعضی از صائب‌نظران خدمات عمومی را به تفکیک مطرح می‌کنند و از جمله، از خدمات عمومی محض و خدمات اساسی سخن به میان می‌آورند. بدینسان، خدمات عمومی محض، خدماتی است که باید با قیمت صفر (مجانی) به دست مصرف‌کننده برسد. بی‌شک، این‌گونه خدمات بایستی از سوی دولت تأمین گردد و بخش خصوصی طبعاً در این نوع خدمات هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری نمی‌کند. در مقابل، خدمات اساسی آن دسته از خدماتی

خدمات رسانی روستایی

آشامیدنی سالم، برق، دبستان، مسجد، غسلخانه و راه.
۲. امکاناتی که باید در بعضی از روستاها احداث شوند تا مورد استفاده اهالی خود روستا و روستاهای دیگر قرار گیرند و اساساً تأسیس آنها در همه روستاهای کشور مقدور و معقول نیست؛ بدین معنی که اولاً به دلایل مختلف، از جمله کمبود نیرو و امکانات، امکان ایجاد آنها در کلیه روستاها نیست و ثانیاً در صورت ایجاد در همه روستاها، از ظرفیت کامل آنها استفاده نخواهد شد و موجب اتلاف منابع خواهد بود، مانند درمانگاه، مدرسه راهنمایی، دبیرستان و مانند آن.

• **امکانات اقتصادی.** این نوع امکانات بیشتر از نظر کمی در روستاها مطرح هستند. مانند سطح زیرکشت آبی و دیم، دامداری، صنایع دستی، گاوداری، مرغداری صنعتی و مانند آن.

در طبقه‌بندی انواع خدمات روستایی وجه اشتراکهای زیادی به چشم می‌خورد و اختلاف بیشتر سلیقه‌ای است تا علمی. اما بعضی از طبقه‌بندیها از شیوه خاصی پیروی کرده‌اند. در اینجا، انواع خدمات روستایی به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شوند، هرچند ممکن است این طبقه‌بندی از نظر اهمیت خدمات، در تمام نواحی روستایی ایران صادق نباشد:

- **راه روستایی.** آسفالته، شوسه، خاکی، جیپ‌رو و مالرو؛
- **خدمات آموزشی و فرهنگی.** دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان، دانشسرای تربیت معلم، مدرسه علوم دینی، کتابخانه عمومی و آموزشیار نهضت سوادآموزی؛
- **خدمات بهداشتی و درمانی.** حمام، خانه بهداشت، مرکز بهداشتی و درمانی، داروخانه، پزشک، دندانپزشکی، بهیار و مامای روستایی، بهداشتیار، بهورز و تکنسین دامپزشکی؛
- **آب آشامیدنی.** لوله‌کشی، تصفیه شده، تصفیه نشده؛
- **انرژی.** برق، نفت، گاز، گازوئیل و بنزین؛
- **خدمات ارتباطی.** تلفن، تلگراف، پست، وسایل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه، نشریات) و وسیله نقلیه عمومی؛
- **خدمات رفاهی.** فروشگاه تعاونی، بقالی، قهوه‌خانه،

می‌شود؛ لاین‌بری خدمات را به صورت زیر طبقه‌بندی کرده است:

• **خدمات اجتماعی ویژه ثروتمندان،** بدین معنی که گروههای با سطح درآمد متوسط و بالا، سهم قابل توجهی از مزایای خدمات دولتی را دریافت می‌کنند (مدارس، دانشگاههای خصوصی، کتابخانه‌ها، فرودگاهها و گالریها و مانند آن)؛

• **خدمات اجتماعی ویژه فقرا،** بدین معنی که گروههای کم درآمد به مقدار بیشتری از این خدمات استفاده می‌کنند (نظیر تفریحات عمومی، مراکز عمومی بهداشتی - درمانی، برنامه‌های رفاهی، برنامه‌های مربوط به اشتغال)؛

• **خدمات مربوط به زیرساختهای اجتماعی - اقتصادی،** خدماتی هستند که موجب رشد اقتصادی و جمعیتی جامعه می‌گردند (شبکه‌های آبرسانی و فاضلاب، فرودگاهها، جاده‌ها، پلیس و آتشنشانی)؛

• **خدماتی که به افزایش کیفیت زندگی منجر می‌شوند،** منظور از این خدمات، خدماتی است که باعث می‌شوند مردم از زندگی در یک ناحیه احساس رضایت و امنیت خاطر نمایند (نظیر مدارس، بیمارستانها، پارکها، امکانات رفاهی، روشنایی خیابانها، تعمیرگاهها، مدیریت اجتماعی شایسته و کارا و حمایتهای مؤثر پلیس)؛ و

• **خدماتی که متفقاً از سوی بخش دولتی و خصوصی ارائه می‌شوند،** منظور از این خدمات، خدماتی است که بخش خصوصی و دولتی مشترکاً در ارائه آن سهیم هستند (نظیر مراقبتهای بهداشتی، تفریحات، مسکن‌سازی، آموزش و پرورش، حمل‌ونقل، امور عام‌المنفعه).

در ایران، معمولاً خدمات روستایی را در شاخه‌های عمده زیر طبقه‌بندی می‌کنند: فرهنگی؛ بهداشتی؛ اجتماعی؛ تجاری؛ کشاورزی؛ اداری و کارگاهی.

به همین ترتیب، امکانات روستایی به ۲ دسته کلی تقسیم می‌شود: امکانات رفاهی؛ و امکانات اقتصادی.

• **امکانات رفاهی.** امکانات رفاهی عمومی را می‌توان به ۲ دسته تقسیم کرد:

۱. امکاناتی که از احتیاجات اولیه هر روستا بشمار می‌رود و کلیه روستاها باید از آنها برخوردار گردند. مانند آب

بخش خصوصی.

در حوزه مباحث نظری پایه‌های اندیشه خصوصی سازی به عصر روشنگری و ظهور تجدد و فضای باز می‌گردد که در آن، مالکیت خصوصی به اصل تعریف‌کننده آزادی فردی و سرانجام، به شالوده نظام لیبرال دموکراسی تبدیل شد. بسیاری از نظریه پردازان سیاسی از زمان جان لاک به بعد، بر این نکته پای فشرده‌اند که نقش اصلی دولت، حفاظت از زندگی، آزادی و دارایی فرد است. خصوصی سازی در عرصه نظریه اقتصادی با اندیشه آدام اسمیت پیوند دارد. آدام اسمیت انگیزه، ابتکار و فعالیت خصوصی را مطمئن ترین راه برای حرکت به سوی خیر عمومی می‌دانست. باین حال، سخن آدام اسمیت با تعبیرهایی که محافظه کاران و راست جدید از آن کرده، یکی نیست.

برخی از نظریه پردازان در دفاع از خصوصی سازی به طبیعت انسان اشاره و چنین استدلال می‌کنند که انسان موجودی ذاتاً آزمند است و برحسب انگیزش غریزی به سمت تملک و کسب ثروت کشش دارد. بنابراین، خصوصی سازی با خصوصیات طبیعی آدمیان همسو است و موجب افزایش تلاش، ابتکار و پیشرفت در امور فرد و امور جامعه می‌شود.

در دهه‌های اخیر که بحث خصوصی سازی موج تازه‌ای از توجیها را برانگیخت، برخی از توجیه‌گران، دفاع از حقوق مصرف‌کننده را به‌عنوان یکی از مطلوبیتهای خصوصی سازی مطرح کردند. مفهوم این سخن آن است که خصوصی سازی موجب رشد بازار رقابتی و پائین آمدن بهای کالاها و خدمات می‌شود. آنها همچنین استدلال می‌کنند که تنها یک بازار مبتنی بر رقابت بی‌امان در میان شمار کثیری از تولیدکنندگان می‌تواند به فرد، در مقام مصرف کننده، قدرت و امکان انتخاب دهد، درحالی که از مالکیت عمومی نمی‌توان انتظار داشت چنین مقصودی را برآورد. چنان‌که اشاره خواهد شد، این توجیها مورد قبول بسیاری از نظریه پردازان نیست و برخی خصوصی سازی را حتی به منزله کاستن از تواناییهای مصرفی شهروندان بشمار می‌آورند.

بعضی از طرفداران خصوصی سازی از این هم جلوتر

قصابی، نانوائی، آتشنشانی، نیروی انتظامی؛

• خدمات اعتباری. بانکها، صندوق قرض‌الحسنه؛
• خدمات تولیدی و پشتیبانی. تعمیرگاه ماشین آلات و ادوات کشاورزی، آهنگری، نجاری، آسیاب آرد، فروشگاه عرضه سموم و دفع آفات نباتی و بذریه اصلاح شده، فروشگاه عرضه کود شیمیایی، مصالح ساختمانی؛ و
• خدمات هدایتی و حمایتی. مراکز خدمات کشاورزی روستایی، دفاتر جهاد کشاورزی، دهیاری.

کتابشناسی:

- آسایش، حسین. برنامه ریزی روستایی در ایران. تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۷۶.
- آسایش، حسین. کارگاه برنامه ریزی روستایی. تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۷۶.
- رضوانی، محمدرضا. مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.

حسین آسایش

خصوصی سازی

Privatization

خصوصی سازی اصطلاحی عام برای مجموعه‌ای از سیاستهاست که وجه اصلی آن تقویت بازار به بهای جایگاه اقتصادی دولت است. خصوصی سازی، با توجه به سطح تحلیل، به صورتهای مختلف تعریف می‌شود. در معنای بسیار عام، خصوصی سازی یعنی اینکه برای تأمین نیازهای جامعه، هرچه بیشتر بر نهادهای خصوصی و هرچه کمتر بر نهادهای عمومی تکیه شود. نهادهای خصوصی، شامل بازار، بنگاههای اقتصادی خصوصی، سازمانهای داوطلبانه (مذهبی، همسایگی، تعاونی، خیریه) و بالاخره، خانواده است. خصوصی سازی در وجه کاربردی، یعنی کاستن از نقش دولت و افزودن بر نقش بخش خصوصی از حیث فعالیتها، مالکیتها و داراییها. خصوصی سازی در معنای محدود، یعنی عمل انتقال بنگاهها و داراییهای دولت به

ابتدا در بخش کشاورزی، شروع کرده بود. در دهه ۱۹۸۰م، این سیاست سرعت گرفت و به بخشهای صنعتی و خرده فروشی نیز بسط یافت. با این حال، بنگاههای دولتی عموماً به مالکیت مشترک تعاونیها انتقال یافت. در ۱۹۸۹م بلوک شوروی دستخوش فروپاشی شد و خصوصی سازی در کشورهای عضو این بلوک نیز آغاز گردید. خصوصی سازی همچنین با فشارهای کشورهای صنعتی و مؤسسات مالی بین المللی، به کشورهای در حال توسعه نیز تحمیل شد.

خصوصی سازی و کارآمدی

خصوصی سازی با یک یا چند انگیزه از انگیزه های زیر در ارتباط است:

- انگیزه عملی؛
- انگیزه ایدئولوژیک؛
- انگیزه تجاری؛ و
- انگیزه پوپولیستی.

انگیزه عملی مربوط است به بالا بردن بهره وری در تولید کالا و خدمت؛ انگیزه ایدئولوژیک ناظر بر محدود کردن هر چه بیشتر حیطه حکومت، به منظور گسترش دامنه آزادیهای فردی است؛ انگیزه تجاری نیز با به دست آوردن سود هر چه بیشتر پیوند دارد؛ و سرانجام، جهت گیری پوپولیسم (مردم خواهی) دادن قدرت هر چه بیشتر به مردم و ارضای نیازهای آنها به منظور ساختن جامعه ای بهتر است.

دلیل اصلی خصوصی سازی بنگاههای دولتی، نارضایتی از عملکرد آنها و ناخشنودی از ناکارآمدی آنهاست. بنگاههای دولتی اغلب در عملکرد ضعیف هستند. در حوزه خدمات شهری، نخستین بار برخی از مدیران شهری نیویورک بودند که برنامه خصوصی سازی خدمات شهری را برای بازاری کردن و عقلایی کردن هزینه ها و نرخ خدمات مطرح کردند. نتایجی که از این خصوصی سازی در همان ابتدا به دست آمد، نشان از نتایج مثبت آن داشت. در شهرهای ایالات متحده این اقدامات ۲۰-۳۰٪ صرفه جویی را به ارمغان آورد. در انگلستان نیز گزارشهای اولیه حاکی از آن بود که فروش بنگاههای بزرگ دولتی به بخش خصوصی، موجب رشد کارایی و سوددهی آنها شده است.

می روند و خصوصی سازی را به مثابه اسبابی برای احیای اقتدار دولت توضیح می دهند، زیرا، به گفته آنها، این امر به دولت امکان می دهد، با کارایی بیشتری عمل کند و دچار بحران مشروعیت (به دلیل عدم کارایی) نشود. به نظر طرفداران خصوصی سازی، کار دولت باید در درجه اول به دفاع از امنیت، حفظ نظم و قانون و برداشتن موانع از سر راه نیروهای بازار محدود شود.

موج خصوصی سازی

خصوصی سازی در واکنش به سنتی برخاست که طی دوران بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای پیشرفته صنعتی رایج بود. این سنت از یکسو با اقتصاد کینز پیوند داشت و از سوی دیگر با سیاست سوسیال دموکراتیک. اقتصاد کینزی مداخله دولت در اقتصاد را برای مهار بحرانها و دوره های تجاری توجیه می کرد و سیاست سوسیال دموکراتیک همین مداخله را برای ارتقاء رفاه همگانی و عدالت اجتماعی (← عدالت) لازم می شمرد. بسیاری از تحلیل گران ضمن تأیید این سنت، آن را کارآمد و موفق ارزیابی می کردند. این سنت هم بحرانهای اقتصادی را مهار کرد و هم وفاق اجتماعی را گسترش داد.

اما راست جدید و محافظه کاران این شیوه رایج را ناموفق ارزیابی می کنند. آنها این شیوه را مسئول رکود اقتصادی اوایل دهه ۱۹۷۰م معرفی کردند و برای خروج از این رکود، خواستار برچیدن بساط دولت رفاهی و میدان دادن به رقابت و بازار شدند. آنها تنها راه غلبه بر مشکلات اقتصادی موجود را احیاء بازار و بازگشت به نقش بنگاههای خصوصی اعلام کردند. انتخاب مارگارت تاچر به عنوان نخست وزیر انگلستان در ۱۹۷۹م و رونالد ریگان به عنوان ریاست جمهوری امریکا در ۱۹۸۰م، نقطه چرخش در جریان خصوصی سازی به مثابه یک موج گسترده بود؛ در انگلستان بنگاههای دولتی و در ایالات متحد (که بنگاههای دولتی قابل توجهی نداشت) خدمات شهری به طور گسترده به بخش خصوصی فروخته یا انتقال داده شد. همین جریان به سایر کشورهای صنعتی غرب نیز سرایت یافت. در میان کشورهای شرقی، چین اندکی جلوتر خصوصی سازی را،

خصوصی سازی

مشکلاتی را به همراه دارد. برای مثال، انتقال یک شرکت دولتی به بخش خصوصی ممکن است منجر به این شود که یک شرکت انحصاری خصوصی، بخش عمده مصرف شهر را در دست گیرد و در عمل، جانشین یک انحصار دولتی شود و به این ترتیب، شرایط عمومی برای مصرف کنندگان پیچیده تر است؛ در خدماتی مانند آبرسانی، برق رسانی و ارتباطات راه دور، چه بسا که خصوصی سازی با تأمین نیازهای جامعه و لزوم نظارت بر این خدمات توسط بخش عمومی تناقض داشته باشد. مسئله دیگر این است که بخش خصوصی بیشتر مایل است، بنگاههای سودآور را از دست دولت خارج کند و بنگاههای کم سود را برای آنها باقی بگذارد. خصوصی سازی خدمات حمل و نقل، معمولاً با چنین مشکلی همراه است.

از انتقادهایی که بر خصوصی سازی وارد می شود، این است که نظم سیاسی محلی را تضعیف می کند و موجب افول اصول شهروندی و رونق اجتماع محلی می شود. استفاده از نیروهای بازار برای هدفهای رفاه عمومی، موجب سست شدن پیوندهایی اجتماعی می شود. با کاهش هزینه عمومی، قشرهای فقیرتر، کم سوادتر و با مهارتهای کمتر، به سمت جدایی گزینی سوق پیدا می کنند. با واگذاری نقشهای عمومی دولت به بخش خصوصی، توان دولت در امر باز توزیع ثروت کاهش می یابد. برای رشد اجتماعی تلاشهای مبتنی بر همکاری جمعی لازم است و خصوصی سازی موجب تضعیف روحیه همکاری می شود.

علاوه بر همه اینها، در پایان دهه ۱۹۹۰م، پس از ۲ دهه تجربه در خصوصی سازی، معلوم شد که خصوصی سازی نمی تواند نوش داروی مشکلات گوناگون اقتصادی در نظام سرمایه داری باشد. خصوصی سازی برای بخش اعظم کشورهای در حال توسعه دستاوردی به همراه نداشت. نمونه های موفق خصوصی سازی (چند کشور آسیای جنوب شرقی) در میان انبوه کشورهای ناموفق، تنها می تواند ساده اندیشان را جلب کند. برای غلبه بر فساد که دامن گیر بنگاهها و فعالیت های دولتی است، باید به گسترش نظارت عمومی، مشارکت مردمی و شفاف سازی در چارچوب

شکلهای خصوصی سازی

خصوصی کردن فعالیتها و بنگاههای دولتی به چند شکل عمده صورت می گیرد:

- واگذاری؛
- انتقال؛ و
- جابه جایی.

در واگذاری، دولت بنگاه یا دارائیهای خود را از طریق فروش یا بخشش از خود جدا می کند؛ فروش ممکن است هم به افراد خصوصی باشد و هم به کارمندان و کارگران؛ در شکل بخشش، دولت یک بنگاه یا یک دارایی را بدون مابه ازاء به کارمندان آن بنگاه واگذار می کند. انتقال امری تدریجی است. در این شکل از خصوصی سازی بخش عمومی فعالیت های خود را به بخش خصوصی منتقل، اما نقش نظارتی خود را حفظ می کند. برای نمونه، ممکن است شهرداری کار جمع آوری مواد زائد جامد یا رفت و روب خیابانها و کوچه ها را به شخص یا شرکتی انتقال دهد و در عین حال، برای حسن انجام این کار، نظارت را برای خود محفوظ دارد. به همین ترتیب، ممکن است شهرداری عرضه کالا در میدانهای تره بار را به مقاطعه کاران منتقل کند، به شرط آنکه آنها کالا و خدمات خود را ارزان تر عرضه کنند. و سرانجام، جابه جایی به این صورت است که دولت یا مقامات عمومی، فعالیت خود را در یک بخش به تدریج کاهش دهند، تا کم کم بخش خصوصی جای آنها را در آن بخش پر کند. برای مثال، بخش دولتی به تدریج فعالیت خود را در خدمات تفریحی کم می کند و امکان می دهد که بخش خصوصی سرمایه گذاری و فعالیت در آن عرصه را به دست گیرد. این امر در خدمات آموزشی در ایران نمونه بارزی دارد. مدرسه های خصوصی و دانشگاه های غیردولتی، به تدریج بخش عمده ای از عرضه خدمات در این عرصه را به دست گرفته اند.

محدودیتها و اشکالات خصوصی سازی

خصوصی سازی به هر شکل که صورت گیرد، محدودیتها و

خصوصی سازی

مؤسسات اقتصادی - اجتماعی در یک جامعه قرار می گیرند. پیش از دهه ۱۹۸۰م، درخواستهای عمومی و مقاومت احزاب و تشکلهای، مانع از سپردن مالکیت و سرنوشت واحدهای عمومی، مردمی و اجتماعی به مالکان خصوصی می شد. در آن میان، در کشورهای صنعتی از مالکیت دولتی واحدهای اقتصادی و اجتماعی، به شرط آنکه دولتها مردمسالار و تحت نظارت مردمی بودند، دست کم برای واحدهایی خاص که با رفاه اجتماعی، اشتغال و راهبردهای اقتصادی ارتباط داشتند، حمایت می شد. پس از شکل گیری و رواج سیاستهای تعدیل ساختاری، بازارگرایی و جهانی سازی، و به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دور گسترده ای از انتقال واحدهای عمومی به شرکتها و مالکان خصوصی آغاز شد. خصوصی سازی که متضمن نزول سطح رفاه اجتماعی و سطح زندگی کارگران و نیروی کار بود، به عنوان عامل رشد تبلیغ شد. چند کشور آسیای شرقی که پایگاه بازار سرمایه غرب و تولیدکننده کالاهای مورد نیاز سرمایه داری جهانی بودند، به عنوان الگوهای توفیق اقتصادی مطرح شدند. حتی دانشگاهها که از پیش مملو از آموزش الگوهای کلاسیکی و کینزی بودند، هر چه بیشتر به سمت الگوهای نوکلاسیکی - نولیبرالی تغییر جهت دادند. علاوه بر آن، توصیه های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، در کشورهای جهان سوم رواج یافتند.

از اواخر دهه آخر سده گذشته میلادی، آثار زیانبار بازارگرایی افراطی و خصوصی سازی، به صورت افزایش بیکاری، تورم شتابان، ناموزونیهای جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی، فرار سرمایه، فساد اداری و مالی، و آسیبهای اجتماعی آشکار شد. شمار زیادی از اقتصاددانان نام آور بانک جهانی، از جمله استیگلیتز، برنده نوبل و نیز برنده دیگر نوبل، شروع به نقد باورهای گذشته خود و سیاستهای تعدیل ساختاری و جهانی سازی کردند. در تظاهرات جهانی علیه جهانی سازی و تجمع سران گروه ۸ (۸ کشور صنعتی)، خصوصی سازی مورد نقد جدی قرار گرفت. با این وجود، شماری از کشورها هنوز گمان می کنند، به حد مطلوب در خصوصی سازی نرسیده اند، در حالی که شمار دیگری از آنها، مهار اقدامها و بازگرداندن نتایج حاصل از رویه گذشته را

سازوکارهای مردمسالارانه متوسل شد. با این حال، سخن بر سر آن نیست که نباید نقش بازار، ابتکار و انگیزه خصوصی را جدی گرفت. همان طور که بازار نمی تواند جانشین نقش اجتماعی دولت شود، دولت نیز نمی تواند جای بازار را پر کند. بازار به سهم خود، یکی از ابزارهای اصلی در هر نوع سیاستگذاری عمومی است که نادیده گرفتن آن هزینه جبران ناپذیری دارد. در واقع، بازار و نقش هدایتی دولت می تواند مکمل یکدیگر باشند.

کتابشناسی:

- Drucker, P. *The Age of Discontinuity*. New York: Harper and Row, ۱۹۶۹.
- Clark, Paul *Encyclopedia of Democratic Thought*. London: Routledge, ۲۰۰۱.
- Hawkesworth, M. Ko Gan, M. (ed) *Encyclopedia of Government and Politics*, London, Routledge, ۱۹۹۲.
- Mc Allister, I. and Studlar, D. "Popular Versus Elit Views of Privatization, The Case of Britain", *Journal of Public Policy*. (۲) ۱۵۵-۱۷۸.
- Phalon, R. "City may use Private Refus Haulers", *New York Times*. ۶ April, P.۱.
- Ramanadham, V. *Privatization in the U.K.* London: Routledge, ۱۹۸۸.
- Savas, E. "Municipal Monopoly", *Harper's* ۲۴۳ pp. ۵۵-۶۰, ۱۹۹۶.
- United Nations. "Performance Evaluation of Enterprises", *Developing Countries*. New York: United Nations, pp. ۲۰۶-۳, ۱۹۸۴.

کمال پولادی

آسیبها و نارسائیهها

خصوصی سازی به مثابه مجموعه ای از تصمیمها و سیاستگذاریهای عملی که مربوط و منجر به فروش و واگذاری مالکیت سرمایه گذاریها، امتیازها و واحدهای بهره برداری تولیدی عمومی و دولتی به بخش خصوصی می شود، در مقابل ملی کردن و اجتماعی کردن دارائیهها و

خصوصی سازی

سپرد. در کشورهای توسعه نیافته، فرار سرمایه، فعالیتهای نامولّد رانت خواری و جز آن، موجب تقویت مخالفت با خصوصی سازی شده است.

در تجربه تاریخی، گسترش واحدهای دولتی محصول مبارزات نهضتهای آزادی بخش در مقابل استعمارگران بوده است. خلع ید از سرمایه گذاران مداخله جو، بهره کشی و غارت خارجی، ضرورت توسعه و نیاز استقلال و آزادی ملتها بوده است. در کشورهایی که تجربه استعمار مستقیم را نداشتند (نمونه های ایران و ترکیه)، نبود نیرو و انگیزه خصوصی موجب می شد، دولتها در دهه های نخستین سده گذشته میلادی، برای احداث زیرساختها، مانند راه آهن، بنادر، تأسیسات شهری و جز آن و برای احداث واحدهای تولیدی خود وارد عمل شوند. حتی در تجربه ژاپن نیز نقش حکومت مرکزی در زیرساختهای اقتصادی قطعی بوده است. اینکه همه کشورهای باید به راه جهان صنعتی غرب و سپردن بخشهای اصلی اقتصادی و اجتماعی به بخش خصوصی بروند، استدلال تجربی و نظری قابل دفاعی نیست؛ البته نمونه های زیادی از ناکامی سرمایه گذارهای دولتی نیز در دست است.

تجربه ایران در خصوصی سازی از ۱۳۶۹ش و با قبول سیاست تعدیل ساختاری آغاز شد. در حال حاضر حدود ۵۵٪ از تولید ناخالص داخلی، حدود ۱۷/۵٪ از صادرات و ۷۰٪ از واردات توسط بخش خصوصی صورت می گیرد. اختلاف نظر بر سر مطلوب بودن یا نبودن این اندازه ها نیز وجود دارد. خصوصی سازی با رهنمود رهبری در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی و تعیین حوزه هایی که به رغم این اصل می تواند در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، شتاب بیشتری گرفته است. به هر حال، در تمام دوره های پیشین، سیاست و روش خصوصی سازی به کار برده شده است. ظرفیت، تمایل و توان بخش خصوصی، اما، به نوعی است که تاکنون این بخش، جز با پائین ترین قیمتها، حاضر به قبول واحدهای تولیدی نیست. تمایل بخش خصوصی بیشتر به واحدهایی است که می تواند مایه بهره وری با مقیاس سود باشند. از طرف دیگر، شماری از واحدهای دولتی نیز زیان آورند که نمی توان آنها را به سادگی واگذار

در دستور کار خود دارند.

این واقعیت که دولتهای متمرکز توان حمایت کارآمد از شماری از واحدهای تولیدی و خدماتی را ندارند، البته بهانه ای شد برای آنکه زیر فشار قدرتهای اقتصادی جهانی و تأسی از بعضی نظریه پردازان، به جای تشویق ابتکارهای خصوصی، اجتماعی کردن مدیریت و مالکیت واحدها، نظارتی کردن اقتصاد، رویکرد انتقال مالکیت به سرمایه داران خصوصی را انتخاب کردند. شماری از کشورها، از جمله در اروپای شرقی و ایران، انتقال بخشی از سهام واحدهای خصوصی سازی شده به مردم عادی و کم درآمد را به عنوان راه حل جلوگیری از تمرکز ثروت پیش گرفتند.

امروزه، این بحث مطرح است که دولتها به هر حال موظف به تأمین خدمات اجتماعی (بیمه های اجتماعی، آموزش، بهداشت و امنیت) هستند. از سوی دیگر، واحدهای اصلی اقتصادی را که باید تکیه گاه اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی باشند، نمی توان با انگیزه های سود شخصی، واگذار کرد و باید انگیزه اجتماعی و در نتیجه، مالکیت دولتی آنها را اداره کند. این نظر، پس از شکست خصوصی سازی افراطی، امروز مجدداً طرفداران بیشتری یافته است. با این وصف، هر کشور در چارچوب موازین، آرمانها، واقعیتها، نیازها و مسیرهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، حدود مالکیتهای دولتی و خصوصی را تعیین می کند. تاکنون، راه و روشهای مردمسالارانه برای تعیین این مرزبندیها موفق تر عمل کرده است. البته این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که مداخله های قدرتهای جهانی از یکسو، و ضرورتهای نیاز و حقوق بشر در داخل، از سوی دیگر، اجازه نمی دهد خصوصی سازی به هر مرحله ای که میل ثروتمندان است، سیر کند.

طرفداران خصوصی سازی معتقدند، انگیزه های سود شخصی می تواند بنگاهها را کارآمدتر اداره کند و این امر در نهایت، به نفع رشد اقتصادی، درآمد همگانی، اشتغال و رفاه تمام می شود. در مقابل، مخالفان خصوصی سازی بر آنند که آموزش عمومی، اشتغالزایی، تأمین اجتماعی، رفاه و تأسیسات زیربنایی را نمی توان به انگیزه های سود شخصی

خصوصی سازی

• نقش راهبردی واحدهای تحت مالکیت دولت از چه قرار است و نظارت‌های مردمسالارانه و چندجانبه چگونه به عمل می‌آیند.

خصوصی سازی در اقتصاد شهری و روستایی می‌تواند حیطه‌های گسترده‌ای از فعالیتهای خدماتی را دربر گیرد، اما به هیچ روی از نقش نظارتی شهرداریها بر امور شهروندان، زندگی اجتماعی مدنی، رفاه اجتماعی و امنیت نمی‌کاهد. حداکثر سود با رفاه و امور شهروندی همخوانی ندارد و این اصل نمی‌تواند به بهبود زندگی شهری یاری رساند. در شهرها، خدمات جمع‌آوری زباله، آبرسانی، برق‌رسانی، امنیت، توسعه زیرساختهای شهری، نوسازی بافتهای فرسوده و جز آن، باید زیر مسئولیت نهاد عمومی (شهرداری که نه دولتی است و نه خصوصی) باشد. البته در برخی موارد می‌توان از ابتکارها، سرمایه‌گذارها و مشارکتهای بخش خصوصی سود جست.

در مناطق روستایی، بیشتر شرکتهای تعاونی می‌توانند جای بخش خصوصی را بگیرند. مدیریت آب، تأمین نهاده‌ها، رساندن محصولات به بازار می‌تواند از طریق تعاونیها صورت گیرد، تا آنها را جایگزین مالکیتها و سرمایه‌های مالی کند. به هر حال، مزرعه‌داری اساساً فعالیت خصوصی است، اما این نیز در صورت خرد شدن و پراکنده کاری در کاشت، داشت و برداشت مانع رشد می‌شود. واگذاری داراییهای دولتی به تعاونیهای تولید زارعان، دامداران، روستائینان و جز آن، می‌تواند مشکل آسیبهای خصوصی سازی را تعدیل کند.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز و دیگران. *خصوصی‌سازی از تئوری تا عمل*. پژوهشگران شرکت سرمایه‌گذاری صنایع ملی ایران، تهران: شرکت سرمایه‌گذاری سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۷۴.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *اقتصاد سیاسی توسعه*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، فصلهای ۴ و ۱۲.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *جهانی‌سازی و قتل عام اقتصادی*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۳.

فریبرز رئیس‌دانا

کرد.

به‌طور کلی، در هر جای جهان کوشش بر آن است که خصوصی سازی شامل واحدهای آموزشی، بهداشتی، تأمینی و واحدهای اقتصادی که از حیث راهبردهای اقتصادی، توسعه اجتماعی و اشتغال‌زایی دارای نقش بنیادی هستند، نشود. تمایل زیادی به نگهداشتن واحدهای اصلی انرژی، منابع اصلی زیرزمینی، مخابرات، کشتیرانی، هواپیمایی، و صنایع سنگین در دست دولت وجود دارد.

تجربه کشورها در زمینه خصوصی سازی، نشان از آن دارد که افراط نسبت به آن، آسیبهای اقتصادی زیادی، از جمله تورم، بیکاری و از همه زیانمندتر، توزیع ناعادلانه درآمد، افت رفاه اجتماعی، کاهش عدالت اجتماعی، تبعیض و فساد مالی و اداری را به همراه داشته است. در ایران گزارشهای زیادی از بیکاری، اخراج کارگران، گران شدن بهای محصولات از واحدهای خصوصی در دست است. در واقع، انتقال بهره‌بردارها به گروههای اجتماعی که توانمندی لازم برای اداره واحدها را دارند و ملزم کردن دولت به کارآمد کردن واحدهای اجتماعی و خدماتی با معیار رفاه مردمی، و نه سود، نتایجی بهتر از خصوصی سازی به همراه خواهد داشت.

به هر تقدیر، موفقیت خصوصی سازی بستگی به معیارهای زیر دارد:

- فرد، افراد، شرکتها، مؤسسات و گروه اجتماعی که واحدها را دریافت می‌کنند، کدامها هستند؛
- راه و روش و تعهدات مدیریت جدید برای هماهنگی با ضرورتهای اقتصادی، عدالت اجتماعی، رفاه همگانی، یاری به سایر بخشهای اقتصادی، اشتغال و جز آن به چه ترتیب است؛
- چه میزان از امتیاز بهره‌برداری، مالکیت یا مدیریت واگذار می‌شود، و چه درصدی از سهام واحدهای دولتی در هر واحد خاص قابل واگذاری است؛
- ابزارهای واگذاری برای هر کشور یا هر رشته از فعالیت خاص کدامند؛
- چه واحدهایی در چه رشته‌هایی واگذار می‌شوند؛
- برنامه زمانی و سلسله زنجیره واگذاری چیست؛ و

خود، به حومه‌نشینی روی می‌آورد و گاهی برای بقا و کسب حداقل سرپناهی که در حد توان مالی آنان باشد، در قالب حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی مستقر می‌شوند. این‌گونه برون‌فکنیها ممکن است در روستاها و شهرهای موجود و یا بهنگام ایجاد مراکز زیست و فعالیت جدید، به‌صورت ساخت‌وسازهای پراکنده در منطقه شکل بگیرد و موجب بلعیده شدن اراضی ارزشمند کشاورزی در عرصه‌های شهری شود.

کلانشهرها و خورندگی اراضی کشاورزی

در دهه‌های اخیر، فضای کلانشهرها تحت تأثیر شدید نیروهای درونی و بیرونی در زمینه‌های مختلف، از جمله اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته‌اند که برآیند این شرایط، منجر به توسعه و گسترش بی‌رویه کلانشهرها شده است. در واقع، حجم عظیم روابط و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کلانشهرها، حوزه عمل بسیار وسیعی در نواحی پیرامونی برای آنها ایجاد می‌کند که مهاجرت سریع فضایی، پیامدهای زیست محیطی را در ابعاد گسترده به همراه دارد، به طوری که روند گسترش مکانی - فضایی کلانشهر، به سبب سازوکارهای خاص، فضاهای پیرامونی را دچار اغتشاش و ادغام ناسازگار فضایی می‌کند که این خود، به شدت فضای زیست محیطی و انسانی را تحت فشار منفی قرار می‌دهد.

پیدایش کلانشهرها؛ نتایج مشخص در راستای جغرافیای اجتماعی داخلی آنها و تجدید ساختار اقتصادی - اجتماعی در منطقه‌ای که استقرار یافته‌اند، به همراه دارند؛ از جمله پیامدها عبارتند از:

- افزایش ناهمگنی جمعیتی و فرهنگی که علت نخستین آن، مهاجرت وسیع به کلانشهرهاست؛ و
 - تغییر آشکار در ریخت‌شناسی فضایی کلانشهرها که تقریباً در تمام آنها، رشد سریعی از شهرهای بیرونی و شهرهای لبه‌ای در حین توسعه نواحی حاشیه‌ای و حومه قبلی (دور از هسته‌های مرکزی شهری قدیمی) به مراکز شهری، وجود داشته است.
- به نظر پیتروال، پیامد جهانی شدن در منطقه کلانشهری،

خورندگی، پدیده

Gobbling Phenomenon

کلانشهرها و نواحی پیرامونی آنها با تمام اجزاء و عناصر درونی خود، به‌صورت یک نظام فضایی یکپارچه و منسجم عمل می‌کنند، به‌نحوی که روابط و مناسبات در درون این نظام تمام اشکال و نمودهای به هم پیوسته و وابستگیهای کارکردی و عوامل پدید آورنده آنها را دربر می‌گیرد.

اساساً شهر به‌طور اعم و کلانشهر به‌طور اخص، شبکه‌ای از ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که حیات شهری زنده و پویا در فضا به برکت ارتباطات و پیوند میان آن و نواحی پیرامونی بستگی دارد. از این‌رو، فرایند پیوند میان کلانشهر با نواحی پیرامونی، منجر به تغییر شکل فضای زیستی و بوم‌شناختی آنها منجر شده و سازمان فضایی ویژه‌ای را از لحاظ ساختی - کارکردی متبلور می‌سازد.

بدین ترتیب، این مجموعه شهری - روستایی نتیجه همزمان گسیختگی و پیوستگی فضایی است که در گذر زمان، فضاهای خالی باقی مانده در نواحی پیرامونی کلانشهرها، در نهایت، مملو از فضاهای نامنسجم کالبدی می‌شوند. سرانجام، نوع ویژه گسترش فضایی کلانشهر، باعث ادغام انواع کاربریها و تحمیل انواع فضاهای ناموزون در یکدیگر می‌گردد.

در واقع، کلانشهرها در مرحله‌ای از رشد خود، پس از افزودن چند پوسته جدید به کالبد اولیه، قادر به تداوم رشد پیوسته نیستند و گرایش به انتشار جمعیت و فعالیت در پیرامون آنها به‌صورت ناپیوسته تشدید می‌شود. برخی از این فعالیتها به سبب زمین‌بر بودن و برخی دیگر به سبب کارایی و وابستگی مکانی به ورودیها، به حومه‌ها منتقل و یا در آنجا احداث می‌شوند. همچنین، بخشی از جمعیت کلانشهری نیز گاه برای ارتقای کمیت و کیفیت زیستگاه

هاتابارات، ویژگیهای توسعه شهری کلانشهر جاکارتا را با توسعه شهری مانیل و بانکوک مقایسه کرده و بیان می‌کند که در ۴ دهه قبل از ۲۰۰۰م، این کلانشهرها و حومه‌هایشان به شدت تغییر یافته‌اند، به طوری که توسعه شهری در جاکارتا، با رشد سریع جمعیت، توزیع ناموزون ثروت و مهاجرت سریع جمعیت روستایی و کارگران غیرماهر همراه بوده است. در اثر بهبود دسترسی در نواحی حاشیه‌ای و فراهم آمدن دسترسیهای آسان از طریق بزرگراهها، توسعه حاشیه‌ها به سوی اراضی ارزان دورتر از مرکز کلانشهر را میسر کرده است، به طوری که تعداد زیادی از مهاجران فقیر کلانشهر جاکارتا و سایر مهاجران به دلیل وجود دسترسی و حمل و نقل رسمی و غیررسمی، در حالی که هنوز در اقتصاد رسمی یا غیررسمی شهری مشارکت دارند، در نواحی حاشیه‌ای ساکن شده‌اند.

در همین راستا، آنتروپ، از پدیده شهری شدن، به عنوان یک عامل مؤثر در تغییر کالبدی، اقتصادی و اجتماعی چشم‌انداز روستایی نام می‌برد. وی با دیدی انتقادی نسبت به اندیشه‌های طراحان شهری، پدیده شهری شدن را موجب بروز تغییرات عمیق در عملکرد بوم‌شناختی و تغییرات ساختاری در الگوهای تغییر زمین برمی‌شمارد.

به همین ترتیب، بررسیهای لاف و همکاران نشان می‌دهد، تغییر کاربری اراضی در حومه شهر مسکو از ۱۹۶۱-۱۹۸۵م بسیار شدید بوده است، به طوری که شهر مسکو و حومه آن در ۱۹۶۱م، مجموعاً ۳۹۰ کیلومتر مربع گسترش داشته، اما در ۱۹۸۵م به ۹۹۴ کیلومتر مربع توسعه یافته است. در واقع، رشد فضایی شهر مسکو و حومه آن در طول ۲۵ سال ۳ برابر افزایش داشته و تغییرات فضایی بسیار زیادی در حومه‌های نزدیک شهر و نواحی دورتر از آن پدیدار شده است. در این میان، مهم‌ترین عامل تغییر کاربری اراضی در حومه شهر مسکو را گسترش فضایی کلانشهر، توسعه حمل و نقل و توسعه سکونتگاههای برنامه‌ریزی شده دانسته‌اند.

کیادا و تاناوات، در مطالعه خود در ناحیه چائوفرایا که شهر بانکوک در آن قرار دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که پشتیبانی و سیاستهای سرمایه‌گذاری در نواحی مختلف

تجدید ساختار اقتصادی و در نتیجه بازسازمانیابی فضایی آن است. در سازمان فضایی جدید، مشاهده می‌شود که مرکزیت مدیریت ستادی و خدمات عالی برای تولیدکننده‌ها در مرکز شهر اصلی مستقر می‌شود، فعالیتهای مرتبط با تحقیق و توسعه در حومه‌های با کیفیت بالا جایگزین می‌گردد و فعالیتهای تولید نهایی در شهرهای لبه‌ای و درون منطقه مکانیابی و جای می‌گیرند. بدینسان، تولیدکنندگان قطعات اغلب در شهرهای کوچک مناطق مجاور استقرار می‌یابند. البته، این فرایند بیش از پیش نظام یکپارچه عملکردی را در منطقه کلانشهری دامن می‌زند.

براین مبنای، در تمام کلانشهرها، رشد سریعی از شهرهای بیرونی همزمان با توسعه نواحی حاشیه‌ای و حومه‌ای قبلی وجود داشته است. این نوع رشد و توسعه، باعث محو شدن مرزهای مشخص میان کلانشهر و حومه شده، تشخیص شهر، حومه شهر و خارج شهر، روستا و غیر روستا را با مشکل مواجه می‌سازد.

اسکات معتقد است، آنچه در حال رخ دادن است، می‌تواند به عنوان یک فرایند پیچیده و همزمان از تمرکززدایی و تمرکز مجدد کلانشهر توصیف گردد. بسیاری از تجمعات مرکزی که قدیم‌تر هستند، در حال تجربه برون‌ریزی گروههای جمعیتی خاص و فعالیتهای شغلی هستند. در عین حال، قطبهای جدید رشد شهری در حال ایجاد شدن در پیرامونند و بافت شهری را به سوی یک حلقه منطقه‌ای از نو متمرکز شده شهرها سوق می‌دهند.

هامیلتون، نبود مدیریت منطقه‌ای برای کلانشهر را علت اصلی گسترش بی‌رویه شهر می‌داند، زیرا شهرداریهای محلی موجود در منطقه کلانشهری در پی افزایش درآمد‌هایشان، مجوزهای کاربریهای مختلفی را صادر می‌کنند که تبعاتی، همچون تهدید جدی کیفیت زندگی منطقه کلانشهری را به دنبال دارد. وی عقیده دارد، خزش در هر منطقه کلانشهری گسترش یابنده، با مشکلات آمودش، آلودگی هوا و مسائل زیست‌محیطی همراه است. از تبعات دیگر خزش شهری، از بین رفتن زمینهای باارزش کشاورزی طبیعی است که به دلیل گسترش ساخت و سازها و تغییر کاربری این اراضی اتفاق می‌افتد.

قلمرو کلانشهرها در کشورهای در حال توسعه، ناموزونی، عدم تعادل فضایی، قطبی شدن فضایی و نرخهای پائین رشد اقتصادی در سطح مناطق و نواحی خارج از کلانشهرها به چشم می‌خورد که بر کیفیت زندگی و نیز بسیاری از عرصه‌های محیطی، نظیر اراضی ارزشمند کشاورزی، اثرات منفی داشته است.

چنان‌که داگلاس بیان می‌کند، در چند دهه اخیر، توسعه سرمایه‌داری نابرابر جهانی که توسط الگوهای فضایی ناهمسان رشد منعکس یافته، فضای اقتصادی را همانند فضای اجتماعی و سیاسی در کشورهای آسیایی تغییر داده است. در رأس اجزاء اصلی تغییر ساختار فضایی، قطبی شدن فضایی در چندین مرکز کلانشهری و نرخ پائین رشد اقتصادی در سطح مناطق و نواحی در خارج از کلانشهرهاست.

از سوی دیگر، گسترش رو به بیرون و سریع حاشیه شهر، اغلب باعث ایجاد نواحی پیرامونی دور افتاده می‌شود که در آنجا خانوارها، خانه‌های ارزان قیمت خود را از محل کارشان بسیار دور می‌یابند و باید سفرهای کاری را با زمانهای طولانی در هر روز انجام دهند.

نتیجه اینکه کلانشهرها، طیف گسترده‌ای از شهرها و روستاها را که تحت نفوذ یک مرکز توسعه یافته قوی قرار دارند، تا واحدهای چند مرکزی جغرافیایی را دربر می‌گیرند. خروج نیروهای اقتصادی و جمعیتی اشباع شده در مکان شهر و خزش آنها در حومه‌ها، موجب شتاب بخشیدن به توسعه ناموزون حومه‌ها می‌شود.

خورندگی اراضی کشاورزی: کلانشهر تهران

در ایران، طی چند دهه اخیر، جهت‌گیری برنامه‌ها و اتخاذ رویکرد صنعتی و شهری، به دنبال تغییر و تحول در نظام اقتصاد جهانی و تمرکز شدید منابع و زیربنای اقتصادی و خدماتی در شهرها (به ویژه در کلانشهر تهران)، به مهاجرت سریع جمعیت از اقصی نقاط کشور به سوی این کلانشهر (قطب شهری کشور) برای به دست آوردن شغل و درآمد بهتر، برخورداری از امکانات، رفاه، منجر شده است، به نحوی که جمعیت کلانشهر تهران از حدود ۳/۵ میلیون

موجب رشد سریع اقتصادی-اجتماعی و گسترش سریع شهری شده است. همچنین رشد نامحدود کلانشهر بانکوک بر مشکلات متعدد در حومه‌های مجاور افزوده و مخصوصاً بر ترافیک، جمعیت، فقدان تسهیلات و هزینه‌های اجتماعی، کاربری نامناسب و چگونگی افزایش فقر و تغییر شدید کاربری اراضی کشاورزی در حومه‌ها اثر داشته است.

شاین و همکاران، مشخص کردند کلانشهر میلان در میان شبکه تار عنکبوتی بزرگی از شهرهای کوچک، به همراه توسعه شهری نامنظم، در دشت لومبارد استقرار یافته است، به طوری که توسعه صنایع کارخانه‌ای در پیرامون کلانشهر میلان و آن‌سوی حلقه حومه بلا فصل آن، در فاصله ۴۵-۶۰ دقیقه مسافت زمانی، به سمت شهرهای کوچک گسترده شده که از لحاظ سیاسی و اقتصادی در سایه کلانشهر میلان قرار دارند.

بدین ترتیب، تقاضای فزاینده اراضی برای توسعه شهری در حاشیه، بعضی از کشاورزان را به بورس‌بازان زمین تبدیل کرده که اراضی خود را به بالاترین پیشنهاد می‌فروشند. گسترش ناموزون و خزش و خورندگی این گونه کلانشهرها موجب ناسازگاری فعالیتهای کشاورزی با توسعه شهری شده است. پیامد این مسئله بی‌دوامی و ناپایداری کشاورزی در اراضی حاشیه شهری-روستایی در پیرامون کلانشهرها بوده است.

موضوع دیگر در تحول کارکرد کلانشهرها، تغییر روابط و مناسبات روستا-شهری است. در قلمرو کلانشهرها جدایی فضایی و تمایز سنتی کارکردها میان سکونتگاههای شهری و روستایی تا حد زیادی در هم می‌ریزد و مقوله توسعه شهری و روستایی به فرایندی یکپارچه و متقابل تبدیل می‌شود. در پیوندهای جدید اقتصادی و اجتماعی، کلانشهرها از نظر سکونت، گذران اوقات فراغت، تولید کالاها و خدمات، به‌طور فزاینده‌ای به نواحی روستایی وابسته می‌شوند و روستاهای پیرامونی نیز با پذیرفتن نقشهای جدید، بیش از پیش، خصلت شهری پیدا می‌کنند و در تقسیم کار فضایی، وظایفی فراتر از فعالیت کشاورزی را برعهده می‌گیرند.

البته، در پیوندهای جدید توسعه شهری-روستایی در

تغییر بافت اراضی کشاورزی پیرامونی به کاربریهای غیرکشاورزی و تخریب این اراضی، اشغال اراضی در معرض خطر آلودگی زیست محیطی، خارج شدن اراضی از حیطه فعالیتهای کشاورزی که ناشی از ارجحیت نداشتن بهره‌دهی بهینه اراضی کشاورزی است، تفکیک اراضی به قطعات کوچک که بدون توجه به مقررات و قوانین به انجام می‌رسد و، تقسیم بی‌رویه زمین، باعث فزونی عرضه بر تقاضا و باقی ماندن زمینهای خالی و توسعه نیافته در لابه‌لای فضاهای ساخته شده در نواحی پیرامون این کلانشهر شده است.

درواقع، تحمیل نقشها و کارکردهای جدید از سوی کلانشهر تهران به فضاهای پیرامونی، به شکل‌گیری و بروز نابسامانی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سازمان فضایی در عرصه‌های پیرامونی منجر شده است. این عدم تعادل در ساختار فضایی در زمینه مرتبه و اندازه سکونتگاهها، شهری شدن چشم‌انداز روستایی، تغییر در اقتصاد پایه‌ای روستاها، تغییر کاربری اراضی، تغییر در ترکیب جمعیت و فعالیت، به‌مثابه مهم‌ترین جلوه‌های پدیده خورندگی بشمار می‌آیند. پیامدها و اثرات روابط نامتعادل و سلطه‌آمیز تهران با نواحی پیرامونی خود در چند دهه اخیر، علاوه بر اعمال و تحمیل این پدیده (خورندگی) به بسیاری از واحدهای روستایی، سبب بروز مسائل عدیده زیست‌محیطی، اجتماعی و جمعیتی، اقتصادی (تغییرات سریع در عملکرد اقتصادی روستاها و تبدیل اراضی ارزشمند کشاورزی از شکل تولیدی به‌حالت غیرتولیدی و...)، و در یک کلام تحولات کالبدی- فضایی شده است.

نقشهای جدید خوابگاهی و کارگاهی، بسیاری از روستاهای پیرامونی این کلانشهر، باعث مهاجرت سریع و تراکم شدید جمعیت در بسیاری از آنها شده و بافت ارگانیک و سنتی آنها را در هم ریخته است. به این ترتیب، در اکثر این روستاها، حجم وسیعی از جمعیت که هیچ‌گونه وابستگی ریشه‌ای به محل سکونت خود ندارند، گردآمده‌اند.

برای مثال، در ناحیه رباط کریم، داده‌های مرکز آمار ایران در ارتباط با روند تحولات اشتغال در بخش کشاورزی،

نفر در ۱۳۴۵ش به حدود ۸/۳ میلیون نفر در ۱۳۷۵ش و حدود ۱۰ میلیون نفر در ۱۳۸۵ش رسیده است. علاوه بر این، گرانی زمین و مسکن در تهران و دسترسی نسبتاً آسان نقاط روستایی به آن در اثر گسترش شبکه ارتباطی و حمل‌ونقل، جمعیت مهاجر فقیر و کم درآمد را به سوی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران جذب کرده است. بدینسان، نقش و کارکرد روستاهای پیرامون این کلانشهر از بستر کشاورزی تغییر یافته و اغلب این روستاها چند نقشی شده‌اند.

شدت اثرات کلانشهر تهران در روستاهای پیرامونی، با توجه به قابلیت‌های محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی روستاها متفاوت بوده است. به سخن دیگر، سرریز و یا جذب جمعیت و فعالیت این کلانشهر در نواحی پیرامونی و تحولات نقش و عملکرد مراکز مجاور آن، پیامدهای مثبت و منفی به همراه داشته است، به گونه‌ای که نواحی گسترده‌ای که مورد هجوم ساخت‌وسازها قرار گرفته، با نوعی اغتشاش فضایی همراه شده‌اند. این روند، اغلب پیش زمینه‌ای برای ادغام سکونتگاههای مستقل در کلانشهر تهران و بدین ترتیب، میزان زیادی از اراضی ارزشمند کشاورزی نیز به ساخت‌وسازهای مسکونی و غیرمسکونی تبدیل شده است.

پیامدهای فضایی گسترش کلانشهر تهران در نواحی پیرامونی، همواره متأثر از خصوصیات طبیعی و انسانی این نواحی بوده است. مساعدت شرایط طبیعی و وجود کاربریهای با هم‌جواری مناسب، موجب شده است تا برخی از نواحی پیرامونی پذیرای اقشار جمعیتی ضعیف از لحاظ توانمندی مالی و یا برعکس، جاهای دیگر رده‌های بالای اجتماعی- اقتصادی را به خود جلب کرده است. و به تبع این روند، فعالیتهایی درخور این اقشار به‌نحوی متفاوت شکل گرفته است. وجود وضعیت متضاد، منجر به هجوم فعالیتهای ناخواسته و ناسازگار با نواحی زیستی که معمولاً مورد استفاده گروههای اجتماعی- اقتصادی پائین‌تر قرار می‌گیرند، شده است. به‌طورکلی، روستاهای پیرامون کلانشهر تهران، همواره به دلیل پیشرویهای مداوم فضایی برمنای پدیده خورندگی در این کلانشهر، متحمل پیامدها و مشکلات زیست‌محیطی، طبیعی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در ساختار فضایی آنها شده است.

- کرج و شهریار در دوره‌های ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۱۳۷۵ و آمار اولیه و غیررسمی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵.
- مرکز آمار ایران. نتایج سرشماری کشاورزی سالهای ۱۳۵۲، ۱۳۶۲، ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲، مرکز آمار ایران.
- Anas, A. "The cost and Benefits of Fragmented Metropolitan Governance The New Regionalist Policies", *Symposium of Regionalism: promise and Problems*. State University of New York at Boffalo, ۱۹۹۹.
- Antrop, Marc. "Changing Patterns in the Urbanized Country Side of Western Europe", *Landscape Ecology Journal*. Vol. ۱۵, No. ۳, PP. ۲۵۷-۲۷۰, ۲۰۰۰.
- Brenner, N. Recoding the Newest "Metropolitan Regionalism", *The USA: A. Critical Overview, Cities*. Vol. ۱۹. No. ۱, ۲۰۰۲.
- Bryant, C.; Russwurm, L. and Mclellan. *The City's Countryside: Land and its Management in the Rural- Urban Fringe*. London: Longman, ۱۹۸۲.
- Clark, D. *Urban World/ Global City*. London: Routledge, ۱۹۹۸.
- Douglass, M. "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkage: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia, *Third World Planning Review*", (TWPR). Vol. ۲۰, No. ۱. U.S.A. University of Hawaii, ۱۹۹۸.
- Doygun, H. "Urban Development in Adana, Turkey, and its Environmental Consequences", *International Journal of Environmental Studies*. London and New York: Routledge, Vol. ۶۲, No. ۴, ۲۰۰۵.
- Edelman, M. A., & et al., Land Use Conflict: When City and Country Clash, Kettering Foundation USA, ۱۹۹۹.
- Hamilton, D. K. *Governing Metropolitan Areas, Response to Growth and Change*. New York: Taylor & Francis Group, ۱۹۹۹.
- Hutabarat, R. "Transportation, Land Use and Indonesia's Urban Poor," ASPAC. Eugene, Oregon ۱۶ June, Berkeley: University of California, ۲۰۰۰.
- Kaida, Y., et al. The Images Cape of the Chao Phraya Delta Into the Year ۲۰۲۰, CSEAS, Kyoto University, Kyoto, Japan, ۲۰۰۲.
- Libby, Lawrence W., et al. "The Performance of State Programs for Farmland Retention": *National Conference Proceedings: The Ohio State University, Columbus, Ohio, September, ۱۹۹۹.*

به‌خوبی مؤید این تغییرات است، به‌گونه‌ای که درصد شاغلان بخش کشاورزی در نقاط روستایی این ناحیه در ۱۳۴۵ش، معادل ۶۷/۳۴٪ بوده که در ۱۳۵۵ش به ۴۹/۴٪ و در ۱۳۶۵ش به ۱۸/۲۳٪ و در ۱۳۷۵ش به پائین‌ترین میزان در میان نقاط روستایی استان یعنی ۶/۴٪ کاهش یافته است. در مقابل، بخش خدمات به‌ویژه خدمات کاذب از ۹/۴۶٪ در ۱۳۴۵ش به ۱۵/۸٪ در ۱۳۵۵ش و ۶۹/۳٪ در ۱۳۷۵ش، یعنی بالاترین میزان در میان نقاط روستایی پیرامون کلانشهر تهران رسیده است. همچنین در ۱۳۵۲ش مجموع اراضی دایر کشاورزی زراعی و باغی این ناحیه ۱۱۷۸۷ هکتار بوده که در ۱۳۶۲ش به ۴۸۳۷ هکتار و در ۱۳۷۲ش به ۴۲۸۲ هکتار و بالاخره در ۱۳۸۲ش به ۶۹۵ هکتار کاهش یافته است. علاوه‌براین در ۱۳۸۲ش، تعداد ۱۷ آبادی ناحیه رباط‌کریم میزان اراضی کشاورزی دایر آنها به صفر رسیده و ۳۲ آبادی معادل ۶۱/۵٪ بین ۱-۴۹ هکتار اراضی دایر داشته‌اند.

بدین ترتیب، کلانشهر تهران متأثر از تحولات درونی خود و تحولات جهانی و گسترش نظام اقتصاد جهانی، به بزرگ‌ترین کانون جذب جمعیت، بازار سرمایه، کار و درآمد و خدمات تبدیل شده است. براین‌منا، زیستگاههای نواحی پیرامونی تحت تأثیر عملکردهای فضایی این کلانشهر با تحولات ساختی و کارکردی پیچیده‌ای روبرو شده‌اند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای فضایی گسترش کلانشهر تهران، بروز پدیده خورندگی است که در اثر گسترش فزاینده این کلانشهر در سطح شکل گرفته و موجب تغییر و تبدیل اراضی ارزشمند کشاورزی به کاربریهای مسکونی و غیرمسکونی شده است.

کتاب‌شناسی:

- آمارنامه استان تهران ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ و نتایج اولیه سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، سال ۱۳۸۵.
- اهرس، اکارت. ایران: شهر- روستا- عشایر، ترجمه عباس سعیدی، تهران: نشر منشی، ۱۳۸۰.
- شبلینگ، ژاک. جغرافیا چیست؟ ترجمه سیروس سهامی، مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۷۷.
- مرکز آمار ایران. سرشماری نفوس و مسکن نقاط روستایی شهرستان

- Loffe, Grigory & Nefedova, Tatyana. *Land Use Changes in the Environs of Moscow- Area*. Vol. ۳۳, Issue ۳, PP. ۲۷۳-۲۸۶, ۲۰۰۱.
- Potter, R. B., & Sally, L. E. *The City in the Developing World*. Longman, ۱۹۹۸.
- Scott, Allen John. *Global-City-Regions, Trends, Theory, Policy*. Publisher, ۲۰۰۲.
- Shin, Michael & et al. *City Versus Metropolis: The Northern League in the Milan Metropolitan Area*. U.S.A, Miami: University of Miami, ۲۰۰۴.

ناصرشفیعی ثابت

د

داروغه

کدخدا عمل می‌کرد.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی. *نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل اعتبارات روستایی در ایران*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۲.

- طالب، مهدی با همکاری عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری. جلد چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

مأمور حفظ امنیت شهر یا محله (← محله شهری) که کار او از بعضی جهات، به کار محتسب شباهت داشته است. در کردستان، کدخدای ده یا عده‌ای از دهات را داروغه می‌نامیدند.

داروغه، واژه‌ای است که در تمام مناطق روستایی ایران رواج نداشته است؛ در برخی از مناطق، از جمله خراسان، مالک، فردی را به نام داروغه برای حفظ انتظام ده و جلوگیری از تخلف و اجحاف طایفه‌ای به طایفه دیگر و یا تعرض افراد روستایی نسبت به هم منصوب می‌کرد. معمولاً داروغه، از اهل روستا و حتی اهل منطقه نیز نبود، بلکه فردی با ویژگی‌های خاص فیزیکی (درشت هیكل با ادعای زورمندی) بود که معمولاً زیر نظر کدخدا (← کدخدا) انجام وظیفه می‌کرد. در مواردی که کدخدا به دلیل اعتبار خانوادگی و یا ریش سفیدی و تعلق به عمده‌ترین طایفه انتخاب شده بود و یا به صورت ارثی، سمت مزبور را پیدا کرده و کاملاً مطیع و منقاد مالک بود، داروغه برای کنترل و نظارت بر فعالیت کدخدا منصوب می‌شد. وی مستمری خود را از سهم محصول روستائیان و به تناسب اراضی تحت کشت هر خانوار، سرخرمن، به صورت سرانه وصول می‌کرد. برحسب مورد و در صورت انجام خدمات شایان توجه برای مالک، ممکن بود علاوه بر مبالغ مزبور، مالک هم مبلغی به صورت نقدی یا جنسی به وی بپردازد. داروغه، در واقع فرمانبر ارباب بود و تحت نظارت او یا نماینده وی فعالیت می‌کرد و نقش خبرچین و گزارش دهنده امور جاری ده و روابط روستائیان به مالک را ایفا می‌کرد. گاهی داروغه در دهات پرجمعیت، در نقش ناظم و مأمور اجرایی

دانش بومی

Indigenous Knowledge

تاکنون اندیشمندان تعریف‌های متعددی برای دانش بومی ارائه کرده‌اند.

هریک از این صاحب‌نظران در تعریف دانش بومی، براساس دیدگاه و نگرش به موضوع، بر ابعاد خاصی از آن تأکید داشته‌اند. چمبرز با تأکید بر نقش مردم در فرایند توسعه، معتقد است که عبارت *دانش مردم روستایی* رساتر از سایر اصطلاحات و واژه‌هاست.

مک‌کلور، دانش بومی را از منظر شناخت‌شناسی، شیوه‌های یادگیری، فهم و نگرش به جهان می‌داند که نتیجه سالها تجربه و چاره‌جویی براساس آزمون و خطا از طریق گروه‌هایی از مردم است که منابع در دسترس را در محیط

دانش بومی

شرایط و موفقیت ویژه مربوط به خود، کاملاً سازگاری دارد. علاوه بر این، دانش بومی مزایای اقتصادی دارد و می‌تواند به تحقق اهداف فرهنگی، سیاسی، خوداتکایی و خود-رهبری مردم جامعه محلی کمک کند. مؤسسه بین‌المللی بازسازی روستایی، دانش بومی را حداقل به ۲ دلیل، مبنایی برای خوداتکایی و خودرهبری می‌داند:

• مردم با فن‌آوریها و شیوه‌های بومی آشنا و مأنوس هستند و درک و کاربرد آن شیوه‌ها برای مردم از فن‌آوری و روشهای وارداتی بهتر است؛ و

• دانش بومی از منابع محلی برخاسته است؛ مردم نسبت به منابع بیرونی که می‌تواند هزینه‌ساز، کمیاب و دسترسی به آنها نامنظم باشد، وابستگی کمتری دارند.

آلیتری معتقد است نظامهای بومی از ۲ نظر مهمند: نخست اینکه در برابر روند نوسازی کشاورزی در جهان سوم که ظاهراً اجتناب‌ناپذیر است، دانش کشاورزی بومی و روشهای محلی مدیریت و منابع کشاورزی در معرض نابودی قرار گرفته است و همزمان منطق زیست‌محیطی پایه که اساس آن را تشکیل می‌دهد، نیز در شرف نابودی است. کشاورزی نوین، بهره‌برداری کلان از منابع را ارجح می‌داند و نسبت به تنوع محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشاورزی سنتی بی‌توجه است. بنابراین، عدم تجانس طرحهای توسعه کشاورزی با نیازها و استعدادهای روستائیان و شرایط محیطهای روستایی مشکل‌آفرین شده است.

دیگر اینکه، با مطالعه کشاورزی بومی به اصولی دست می‌یابیم که ما را در طراحی نظامهای مشابه در کشاورزی صنعتی یاری خواهد کرد. کشاورزی پایدار الهام گرفته از نظامهای بومی، بسیاری از کاستیهای کشاورزان نوین را جبران خواهد کرد. یکی دیگر از موارد اهمیت دانش بومی در این است که به بهبود رابطه بین ساکنان بومی و کارشناسان در امر توسعه کشاورزی کمک می‌کند.

از موارد دیگر اهمیت دانش بومی در مأنوس بودن مردم با فن‌آوریهای آن است و نگهداری از این شیوه‌ها، نسبت به فن‌آوریها و روشهای وارداتی، بهتر است.

گذشته از این، دانش بومی نسبت به منابع بیرونی با

خود به کار برده و تجربه کرده‌اند.

وارن معتقد است، دانش بومی، دانش محلی منحصر به یک فرهنگ مشخص و یا یک جامعه معین است که با دانش علمی که دانشگاهها و مجامع علمی و تحقیقاتی ارائه می‌کنند، تفاوت دارد. این دانش مبنایی برای تصمیم‌گیریهای محلی در زمینه کشاورزی، بهداشت، تهیه و تبدیل مواد غذایی، آموزش، مدیریت منابع طبیعی و فعالیتهای متعدد دیگری در سطح جوامع روستایی است. برنامه عمران سازمان ملل برای بیان مفهوم دانش بومی، اصطلاح دانش سنتی را به کار برده و آن را چنین تعریف کرده است: دانش سنتی، دانش نوآوریها و روشهای جوامع محلی سراسر جهان است که از راه تجربه طی سده‌ها تهیه و تدوین و با فرهنگ و محیط کلی سازگار شده است. دانش بومی، به‌طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ این دانش شامل داستانها، ترانه‌ها، فرهنگ و عقاید عامه، ارزشهای فرهنگی، اعتقادات، آداب و رسوم، مقررات محلی، زبان و گویشهای محلی است. دانش سنتی به‌ویژه در زمینه‌هایی نظیر کشاورزی و پزشکی اغلب از ماهیتی عملی برخوردار است.

دانش بومی برآمده از امکانات و استعدادهای روستایی موجود در محیط طبیعی و اجتماعی، از جمله شیوه‌های تولیدی، آداب و سنن محلی، پوشش گیاهی، انواع بذر و غیره است که اهالی از آن آگاهند و به آن عمل می‌کنند.

آت (Atte) دانش بومی را در تمام فرهنگها، دانش محلی عنوان می‌کند که از تعامل میان مردم و محیط در زمینه‌هایی مانند کشاورزی، طبابت، صیادی، مدیریت منابع طبیعی و مهندسی حاصل می‌شود.

دانش بومی را می‌توان برای توصیف نظام معرفت‌شناسی گروهی از روستائیان به کار برد. اما این واژه را نمی‌توان برای تشریح و بیان علم مردمی استفاده کرد، زیرا علم برای مردم به معنی آماده کردن و در دسترس قرار دادن موقت علوم رسمی است.

اهمیت دانش بومی

اهمیت عمده دانش بومی در آن است که زمان آزموده است و حاصل سعی و خطای فراوان و تجربیات عملی بوده و با

دانش بومی

علم جهانی، توزیع آن در میان افراد و مکانها، کارکردی و عملی بودن و قرار گرفتن آن در درون سنتهای فرهنگی گسترده‌تر. موارد دیگری را نیز می‌توان بشمار این ویژگیها اضافه نمود: آینده‌نگری، سازمان‌دار بودن، همه‌پسندی، مشارکتی بودن، استفاده از پتانسیل عمومی، سازگاری عملیات با محیط طبیعی، متعادل بودن و خود تنظیمی.

به‌همین ترتیب، ویژگیهایی که دانش بومی را برای توسعه پایدار مناسب می‌سازد، عبارتند از: سازگاری با نیروی کار فراوان و تقاضای کم برای سرمایه، پویایی، سازگاری کامل محلی، پذیرش نظامهای تولیدی متنوع، تأکید بر بقای منابع و پرهیز از ریسک، تصمیم‌گیری منطقی، راهبردهای انعطاف‌پذیر برای موارد اضطراری (مثل خشکسالی و قحطی)، نظام زراعی ساده مبتکر و هوشمندانه مناسب برای کشت همزمان چند محصول، آمیزش و امتزاج کامل روشهای تولیدی با نهادهای اجتماعی و انعطاف‌پذیری و قابلیت کارآفرینی بالا.

از جمله ویژگیهایی که اولین برای نظامهای دانش بومی تبیین کرده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- روستائیان در اغلب موارد عمومی‌گرا هستند، یعنی تمایل به داشتن اطلاعات کمی در هر چیزی دارند و این ویژگی با تمایل متخصصان به دانستن اطلاعات فراوان در مورد یک موضوع مشخص و محدود، در تقابل است؛
- دانش بومی کل‌نگر است، یعنی مردم روستایی به‌صورت جمعی به‌دنبال حل مسائل هستند؛
- دانش بومی قادر به تلفیق فرهنگ و اعتقادات دینی است؛ یعنی اعتقادات دینی به‌عنوان بخشی از دانش بومی است و ضرورتاً از دانش فنی آنان قابل تفکیک نیست؛
- در این نظام، کمترین خطرپذیری به بیشترین سوددهی ترجیح داده می‌شود.

منابع دانش بومی

از جمله منابع دانش بومی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **اعضای اجتماع محلی**، به‌ویژه پیران و سالخوردگان؛
- **فولکلورها**، رسوم، آوازه‌ها و شعرها؛

هزینه بالا و کمیاب، وابستگی کمتری دارد و برای مردم محلی و مجریان طرحهای توسعه حق انتخاب بیشتری فراهم می‌آورد. فناوریهای بومی نسبت به فناوریهای وارداتی به‌طور کلی کم‌هزینه‌تر است.

ویژگیهای دانش بومی

خصوصیات خاص اجتماعی، فیزیکی و بوم‌شناختی هر منطقه و محل در دانش بومی لحاظ می‌شود. ویژگیهای دانش بومی به اختصار عبارتند از:

• **دانش بومی کل‌نگر است.** دانش بومی توسط حواس پنجگانه و نیروی الهام کسب می‌شود و به وحدت معلومات می‌انجامد؛

• **دانش بومی شفاهی است.** چنان‌که نگارش و مستندسازی دانش بومی با فعالیتهای کاربردی همراه نباشد، آن را از دسترس ساکنان بومی که می‌توانند به آن بیفزایند، خارج می‌کند؛

• **دانش بومی عملی است.** تنها راه فراگیری دانش بومی مشاهده از نزدیک و پیروی از استادکاران است؛

• **دانش بومی توضیحی نیست.** یعنی نمی‌توان از استاد یک فن (برزگر، مقتی، عطار، بنا) انتظار داشت که دلیل کارایی روش خود را به زبانی که ما می‌فهمیم، توضیح دهد؛

• **دانش بومی مردمی است.** دانش بومی پذیرا، مشوق و نیازمند به مشارکت هر چه بیشتر مردم در یادگیری، اشاعه و گسترش آن است. در این دانش تک‌تک افراد سهم دارند؛

• **دانش بومی محلی است.** دانش ساکنان بومی در چارچوب محیط و اقلیم خود پدید آمده است. دانش بومی مؤثر در یک نقطه جغرافیایی، لزوماً در همه جا کارایی ندارد؛ و

• **دانش بومی به‌سرعت در حال نابودی است.** با مرگ هر پیر بومی، گنجینه عظیمی از دانش بومی از میان می‌رود. با چیرگی فرهنگ کتبی بر جهان، از تعداد این پاسداران فرهنگ شفاهی به‌تدریج کاسته می‌شود.

بدینسان مشخصه‌های نسبتاً جامع دانش بومی عبارتند از: محلی بودن، شفاهی بودن، تجربی و مورد آزمون و خطا قرار گرفتن، تکرارپذیری، پویا و متغیر بودن، سهیم بودن در

دانش بومی

- منابع انسانی و متخصصان، مانند آشنایان به داروهای گیاهی؛
- آموزش روشهای سنتی، کارآموزی و یادگیری از طریق مشاهده؛ و
- ارتباطات.

چمبرز برای توضیح بیشتر و بهتر درباره تنوع دانش بومی آن را به ۴ عرصه عمده تقسیم کرده است و برای هر عرصه، شواهدی را در کشورهای مختلف برشمرده است:

- **فعالیت زراعی.** بسیاری از فعالیتهای کشاورزان خرده‌پا، که زمانی بی‌فایده و بدوی تصور می‌شد، امروزه موقی، جامع و مناسب تشخیص داده شده‌اند. شخم پراکنده، کشت متناوب و کشت مخلوط از آن جمله‌اند؛

- **دانش مربوط به محیط.** دانش ناشی از مشاهده محیط طبیعی پیرامون بسیار دقیق و ظریف است؛

- **توان و استعدادهای مردم بومی.** از آنجا که مردم بومی روستاها با پدیده‌ها تماس مستقیم دارند و شاهد فرایندهای مختلف در طبیعت هستند، در مقایسه با افراد خارج از جامعه خود، استعدادها و توان ویژه‌ای دارند. برای مثال، روستائیان با لمس کردن، مالیدن، بوئیدن یا مزه کردن قسمتی از یک گیاه، اطلاعات قابل توجهی درباره آن به‌دست می‌دهند که اغلب توجیه علمی نیز بر آنها مترتب است؛ و

- **آزمایشهای مردم بومی.** شاید کمترین بُعد شناخته شده دانش بومی روستایی، ماهیت و چگونگی آزمایشهایی باشد که آنها انجام می‌دهند. برخی از این آزمایشها برای انتخاب بهترینها انجام می‌گیرد. برخی دیگر ممکن است برای به حداقل رساندن خطر باشد.

مصادیق دانش بومی

یکی از منابع درآمد اهالی شهرستان چابهار، درخت چش (Acacia nilotica) است. اهالی بومی از فضای به‌وجود آمده میان شاخه‌های این درخت، برای نگهداری و انباشت علوفه و از سرشاخه‌های این درخت برای تعلیف دامها استفاده می‌کنند. پوست درختان چش به‌لحاظ اینکه مقدار زیادی تانن دارند، برای رنگرزی و طبخ‌ی پوست به کار می‌رود.

- **موارد ثبت شده،** شامل نوشته‌ها، نقاشیها و قلم‌زنیها؛
- **افراد مرتبط با اجتماعات محلی،** مثل متخصصان ترویج؛
- **منابع فرعی و ثانویه** که شامل اسناد انتشار یافته یا منتشر نشده، فیلمهای ویدئویی، عکس، موزه‌ها و نمایشهاست.

تنوع دانش بومی

دانش بومی را می‌توان از زوایای مختلف دسته‌بندی کرد. از یک منظر این دانش را در حیطه کلی تقسیم‌بندی می‌کنند:

دانش بومی فنی که گستره آن به ابعاد گوناگون فنی کارها و عملیاتی برمی‌گردد که مردم از آن بهره می‌برند. این گونه دانش بومی بیشتر توجه محققان را به‌خود جلب کرده و می‌کند، چرا که جنبه‌های عینی آن قوی‌تر است و به‌ویژه برای ترفیق با دانش نوین، با مشکلات و چالشهای کمتری مواجه است؛

• دانش بومی اجتماعی و فرهنگی است که شاید به‌لحاظ اهمیت و کاربرد از سطح بالاتری نسبت به دانش فنی نوین برخوردار باشد.

البته دانش بومی از مجموعه فناوریها و روشها فراتر است و موارد زیر را نیز در برمی‌گیرد:

- **اطلاعات.** در مورد درختان و گیاهانی که با یکدیگر خوب رشد می‌کنند؛

- **شیوه‌ها و فناوریها** در زمینه ضدعفونی بذرها؛
- **عقاید** در خط‌مشی زندگی مردم و حفظ سلامتی و محیط می‌تواند نقش اساسی داشته باشد؛

- **جنگلهای مقدس** به دلیل مذهبی، حفاظت می‌شوند. جشن و سرور مذهبی می‌تواند منبع بسیار خوبی برای تأمین غذای افرادی باشد که از سوءتغذیه رنج می‌برند؛

- **ابزار و تجهیزات** مورد استفاده برای کشت و زرع و برداشت؛

- **مواد و مصالح** لازم برای ساخت مسکن و صنایع دستی مثل زنبیل‌بافی؛

- **آزمودن و تکامل** گونه‌های جدید درختان طی فعالیت کشاورزی موجود و آزمون‌درمان با گیاهان دارویی جدید؛

- **منابع بیولوژیک (زیستی)،** شامل نژاد حیوانات و گونه‌های درختی؛

داون‌تاون ← مرکز خرید شهری

دستور کار ۲۱

Agenda ۲۱

دستور کار ۲۱ عبارت است از برنامه همه‌جانبه اقدام نهاد‌های وابسته به سازمان ملل، دولتها و گروهها در سطوح جهانی، ملی و محلی، در مناطقی که محیط طبیعی در معرض اثرات ناگوار انسانی است. در کنفرانس محیط و توسعه (UNCED) که ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲م در ریو دو ژانیرو (برزیل) برگزار شد، دستور کار ۲۱، بیانیه ریو درباره محیط و توسعه و همچنین دستورالعمل شالوده‌های مدیریت پایدار توسعه جنگلها مورد پذیرش ۱۷۸ کشور عضو سازمان ملل متحد قرار گرفت.

در دسامبر ۱۹۹۲م، به منظور حصول اطمینان از پیروی مؤثر از قطعنامه کنفرانس، راهبری و گزارش اقدامات مرتبط با توافقات در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، کمیسیون توسعه پایدار (CSD) تشکیل شد. ضمناً این توافق به عمل آمد که پس از ۵ سال، اصول مورد توافق سران زمین (Earth Summit) مورد بازنگری قرار گیرد. بنابراین، در ۱۹۹۷م مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ویژه‌ای به این مهم پرداخت. بدین ترتیب، در نشست سران کشورها درباره توسعه پایدار (WSSD) که از ۲۶ اوت تا ۴ سپتامبر ۲۰۰۲م در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی) تشکیل شد، اعمال تام و تمام دستور کار ۲۱، برنامه برای پیشبرد دستور کار ۲۱ و تعهد به اصول ریو از نو مورد تأکید قرار گرفت (← توسعه پایدار).

کتاب‌شناسی:

- <http://www.un.org>

(عباس سعیدی)

کیفیت چوب درختان چش باعث شده تا روستائیان از آن در ساختمان‌سازی استفاده کنند.

یکی از موارد دیگر، گیاه دارویی باریجه است که در مناطق مختلف ایران از جمله فیروزکوه می‌روید. از ریشه آن در درمان مفاصلها و از آن در رفع اختلالات عصبی استفاده می‌شود. در صنعت عطر و ادکلن‌سازی به‌عنوان تثبیت‌کننده بوی عطر استفاده می‌شود. از باریجه نوعی چسب مخصوص گران‌قیمت استخراج می‌شود که بی‌رنگ است و در جواهرسازی جهت چسباندن سنگهای قیمتی مورد استفاده دارد.

کتاب‌شناسی:

- چمبرز، رابرت. توسعه روستایی، الویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- عمادی، محمدحسین و امیری اردکانی، محمد. «تلفیق و دانش بومی و رسمی»، نشر اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، ش ۳۷، ۱۳۸۱.
- کریمی، سعید. «دانش بومی در فرایند توسعه»، مجله جهاد. ش ۲۶۲، ۱۳۸۳.
- ناصری، پروانه. «دانش بومی و ضرورت جمع‌آوری آن»، مجله جهاد. سال ۲۲، شماره ۲۵۴، ۱۳۸۱
- ازکیا، مصطفی؛ میرشکار، احمد و جوادی‌زادی، علیرضا. «دانش بومی، مشارکت مردمی و چگونگی استفاده از آنها در بهره‌برداری از هرزآبهای سطحی منطقه دشتتباری»، مجله جنگل و مرتع. ش ۳۴، ۱۳۷۶.
- یعقوبی، جعفر و زارع، حشمت. «نگرش به دانش بومی»، مجله جهاد. سال ۱۹، ش ۲۳۱-۲۳۰، ۱۳۷۹.
- امیری اردکانی، محمد و شاه‌ولی، منصور. مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی. فروزان، ۱۳۸۳.
- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار. دانش بومی، توسعه پایدار چاره‌ها و چالشها. سروستان، ۱۳۸۳.
- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار. «دانش بومی، توسعه پایدار راستاها و دیدگاهی دیرین در پهنه‌ای نوین»، مجله روستا و توسعه. وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ش، سال ۲، ۱۳۷۷.
- شرکت کشاورزی دشتتبار اصفهان. باریجه، گیاه ارزشمند دارویی- صنعتی. اصفهان: سهامی خاص، ۱۳۸۳.

مهدی طالب

دشتبان

نگاهبان دشت، پاسبان کشتزار و مزرعه، مأمور محلی ده که وظیفه او حفاظت مزارع دهقانان از ویرانی و دستبرد این و آن بود. وی در بعضی نقاط، امور آبیاری را نیز سرپرستی می‌کرد.

دولت الکترونیک

Electronic State

دولت الکترونیک براساس اصول، مبانی پایه و استفاده از فنآوری اطلاعات و ارتباطات (← فنآوری اطلاعات)، به‌منظور تبادل اطلاعات و خدمات بین شهروندان، محیطهای کسب‌وکار و دولت شکل می‌گیرد. بدینسان، دولت الکترونیک یکی از کاربردهای مهم فنآوری اطلاعات و ارتباطات است که معمولاً دولتها در کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، برای افزایش بهره‌وری و راحتی دسترسی در ارائه خدمات عمومی و مشارکت بیشتر مردم در امور مختلف جامعه، در مرحله پیاده‌سازی، از آن استفاده می‌کنند.

نفوذ کاربردهای فنآوری اطلاعات و ارتباطات در همه جنبه‌های زندگی مردم، از جمله در تعاملات روزمره اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، افزایش چشمگیری یافته است. یکی از کاربردهای مهم فنآوری اطلاعات و ارتباطات، دولت الکترونیک است که با سرعت در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه به مرحله پیاده‌سازی و اجرا رسیده است. این کاربرد فنآوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است، تا تحولات چشمگیری در نحوه ارتباط بین افراد و نهادهای حقیقی و حقوقی در بخش دولتی و غیردولتی به‌وجودآید. امروزه، دولت الکترونیک ابزار کارا و تسهیل‌کننده ارائه خدمات و هماهنگ‌کننده سرویسهای دولتی و بخش خصوصی در خدمت دولت، شهروندان، بنگاهها و کارکنان دولت بشمار می‌رود. با توسعه کاربردهای فنآوری اطلاعات و ارتباطات، دسترسی مردم به اطلاعات و دانش افزایش یافته و باعث گسترش سواد عمومی شده است. در نتیجه، توقع مردم از حاکمیت برای دریافت خدمات تا حد زیاد افزایش یافته است. این فنآوری به‌سرعت ساختارهای سنتی اداره دولتی

دشتبان در اصفهان و کرمان «ناطور» نامیده می‌شد. وظایف دشتبان در هر روستا، علاوه‌بر حفظ مزارع از ورود و نفوذ احشام روستائیان یا دیگران و آسیب‌رساندن به محصولات و نیز حفظ محصول مزارع از دستبرد، ممانعت از برداشت بخشی از محصول توسط زارعان از زمینهای تحت کشت خویش، بدون اجازه مالک بود. دشتبان، بنابر عرف، سهمی از محصول را دریافت می‌کرد؛ به‌این ترتیب که بهنگام برداشت محصول، هریک از زارعان موظف بودند، مقداری از محصول (اغلب گندم) خود را به وی بپردازند. دشتبان با اینکه درآمد خود را از زارعان دریافت می‌کرد، ولی در سلسله مراتب نظارتی مالک قرار داشت.

در دهات ایران گاهی دشتبان از طرف روستائیان گماشته می‌شد. در کرمان، دشتبان از طرف رعایایی که صاحب «جفت» بودند، با موافقت مالک، انتخاب می‌شد. تعداد دشتبان در هر ده، بستگی به وسعت اراضی زراعی آن داشت.

در زمستان، دشتبان در دشت کاری ندارد و به‌عنوان وردست معاون صاحب کار یا مباشر (← مباشر) عمل می‌کرد.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی با همکاری عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی. ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

دموکراسی ← مردمسالاری

دولت الکترونیک

خصوصی، به صورت بهنگام و مستقیم به شهروندان، در ۲۴ ساعت شبانه روز و ۷ روز هفته است. تعریف واحدی از دولت الکترونیک وجود ندارد، زیرا دولتها برحسب دیدگاههای متفاوتی که در حوزه خدمت‌رسانی و تبادل اطلاعات با شهروندان خود دارند، تعاریف متفاوتی از دولت الکترونیک مطرح کرده‌اند. برخی از تعاریف متعارف دولت الکترونیک به قرار زیر است:

به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارائه خدمات اجتماعی، اداری و اقتصادی، به خصوص در بخش دولتی برای بالابردن بهره‌وری و نیز بهبود خدمات و ارائه اطلاعات به شهروندان و محیطهای کسب‌وکار؛

دولت الکترونیکی بستر و فرایند مدیریت بدون کاغذ در مدیریت کشور، در بسیاری از ارتباطات بین دستگاهها با هم و با مردم است که از طریق کانالهای چند رسانه‌ای صورت می‌گیرد؛ و

خدمات الکترونیک، به آن دسته از فعالیتها گفته می‌شود که صورت الکترونیکی خدمات دولت به کاربران ارائه می‌دهد یا از طریق اینترنت اطلاعاتی را با کاربران این خدمات مبادله می‌کند.

چشم‌انداز دولت الکترونیک

عبارت چشم‌انداز دولت الکترونیک، آرمان و مسیر عملیات رسیدن به دولت الکترونیک را در آینده نشان می‌دهد. این عبارت ممکن است حاوی راهبردی باشد که طی آن، استفاده از فناوری اطلاعات برای انتقال از دولت سنتی به دولت الکترونیک در سده ۲۱م امکان‌پذیر می‌گردد.

برای مثال می‌خواهیم دولتی موفق و با راندمان بالا برای شهروندان فراهم کنیم که در آن امکان دسترسی آسان و امن به خدمات متنوع بر خط، به صورت یکپارچه در ۲۴ ساعت و بدون تعطیلی، با استفاده از ابزارهای گسترده فناوریهای الکترونیک قرن ۲۱م، وجود داشته باشد. چنین چشم‌اندازی به پرسشهای زیر پاسخ می‌دهد:

۱. دولت در آینده چگونه خواهد بود؟

پاسخ: یک دولت موفق و با راندمان بالا؛

۲. چطور دولت به این هدف می‌رسد؟

جوامع را به ساختارهای مدرن تغییر شکل می‌دهد و سبب می‌شود، تا شهرهای سنتی به شهرهای الکترونیک، روستاهای سنتی به روستاهای الکترونیک، و محله‌های سنتی به محله‌های الکترونیک، آموزشهای الکترونیک، آموزشهای سنتی به آموزشهای الکترونیک، تجارت سنتی به تجارت الکترونیک و دولتهای سنتی به دولتهای الکترونیک تبدیل شوند. شهروندان در چنین فضایی که به آن جامعه اطلاعاتی گفته می‌شود، از دولتهای خود انتظار دارند که ابزار دسترسی و زیرساختهای لازم ارتباطی را برای تولید، توزیع و استفاده از اطلاعات در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای آنها فراهم کنند. دولتها نیز در چنین فضایی باید شکل خدمات رسانی و تعامل با مردم را تغییر دهند و متناسب با توقع و نیاز آنها، شرایط لازم را فراهم نمایند. جوامع امروز در حال تبدیل شدن به جوامع دانش‌محور هستند، در جوامع دانش‌محور، دسترسی به اطلاعات برای شهروندان، از جمله دسترسی به تلفن، گاز، آب و برق، باید به‌طور دائمی و با کیفیت مناسب و از طریق شبکه‌های جهانی مقدور باشد. در چنین جوامعی مردم به حقوق خود آگاه هستند و می‌خواهند از فرصتهایی که در پیش روی آنهاست، بیشترین استفاده را ببرند. ایده دولت الکترونیک در همین راستا قابل توجیه است. امروز، افراد جامعه انتظار دارند، کلیه خدمات دولتی و غیردولتی همراه با پشتیبانی، هدایت و مدیریت دولت، با حداقل هزینه، حداکثر سرعت و حداقل زمان در اختیار آنها قرار گیرد. پاسخ به این انتظار زمانی تحقق خواهد یافت که دولت با ایجاد زیرساختهای مناسب نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و شبکه‌های ارتباطی، شرایط لازم را فراهم نماید، تا مردم امکان دسترسی مطلوب به خدمات بر خط دولت الکترونیک را در هر جا و هر ساعت شبانه‌روز با کیفیت مناسب دریافت کنند.

تعریف چشم‌انداز، اصول پایه و عمومی دولت الکترونیک، به همراه اهداف راهبردی آن، از مسائلی هستند که در مسیر شناسایی و پیاده‌سازی دولت الکترونیک باید مورد توجه قرار گیرند.

دولت الکترونیک به معنای استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی برای ارائه خدمات دولتی و بخش

دولت الکترونیک

این حقوق شامل حق رأی، حق اظهار نظر آزاد و امثال آن می‌شود. افرادی که در انتخابات شرکت می‌کنند و رأی می‌دهند و یا اشخاصی که در یک تجمع سیاسی سخنرانی می‌کنند، مشتریان دولت نیستند؛ بلکه شهروندانی هستند که در فعالیتهای جامعه شرکت می‌کنند؛ و

• **بنگاه (Business)**، شرکتهای تجاری و خصوصی در زمره بنگاههایی هستند، که از یکسو با دولت و سازمانهای دولتی و از سوی دیگر، با مصرف‌کنندگان یا مشتریان در ارتباط هستند. تمام شرکتهای، از زمان تأسیس شرکت، برای ثبت و امور مالی و مالیاتی، رعایت استانداردها و قوانین و مقررات، با دولت و نهادهای اداری در ارتباط هستند. همچنین، برخی شرکتهای به‌عنوان پیمانکار با دولت در تعامل قرار دارند، مثل شرکتهایی که، برخی پروژه‌های عمرانی دولت را برعهده می‌گیرند.

ویژگیهای دولت الکترونیک خوب

یک دولت الکترونیک خوب آن است که بتواند به آسانی در دسترس همگان قرار گیرد و با روشی ساده ارائه خدمت نماید. بعضی از مشخصه‌های یک دولت الکترونیک خوب به‌شرح زیر است:

• **استفاده آسان کاربران**، یک دولت الکترونیک خوب باید بتواند با به کارگیری ابزار مناسب سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و ارتباطی خوب، به آسانی ارتباط مردم را به دولت مرکزی، استانی، شهری و محلی برای ارائه خدمات تعاملی برقرار نماید؛

• **در دسترس همگان باشد**، دسترسی به خدمات دولت الکترونیک باید در منزل، محل کار، کارخانه، کتابخانه، دفاتر اطلاع‌رسانی و خلاصه در هر محل دیگر و در هر زمان دلخواه، در دسترس شهروندان باشد؛

• **حریم خصوصی و امن**، باید استانداردها در آن به‌گونه‌ای پیش‌بینی شود که حریم خصوصی و امنیت مردم تضمین شده باشد؛

• **نوآور و با خروجی ملموس**، باید از جدیدترین پیشرفته‌ترین فناوریها استفاده کند، و مرتب به‌روز شود تا سرعت و پاسخ سیستم همواره رو به افزایش و خروجی آن

پاسخ: امکان دسترسی الکترونیک امن به خدمات متنوع با استفاده از فناوریهای نوین؛

۳. مشخصه‌های کلیدی خدمات دولت الکترونیک چه خواهد بود؟

پاسخ: استفاده آسان، خدمات کامل، یکپارچه و امن؛

۴. چه وقت خدمات دولت الکترونیک برای مشتریان فراهم خواهد بود؟

پاسخ: شبانه‌روزی و بدون تعطیلی.

۵. دولت برای استفاده شهروندان از دولت الکترونیک چه اهدافی را دنبال خواهد کرد؟

پاسخ: قدرت انتخاب را گسترش می‌دهد، حقوق خصوصی و محرمانگی را بیمه می‌کند و رضایت شهروندان را با افزایش کیفیت ارائه خدمات، بالا می‌برد؛

۶. راهبرد دولت در پیاده‌سازی دولت الکترونیک چه خواهد بود؟

پاسخ: انتقال دولت سنتی به دولت الکترونیک، متناسب با نیازمندی شهروندان سده ۲۱م.

عناصر و گروههای درگیر در دولت الکترونیک

در مجموعه فرایند دولت الکترونیکی، عناصر و گروههای متفاوتی درگیر می‌باشند که شناخت آنها در مطالعه و پیاده‌سازی دولت الکترونیکی مؤثر است.

• **افراد ذی‌نفع (Stakeholder)**، افراد، سازمانها و گروههای خاصی هستند که به‌نحوی به طرحها و برنامه‌های دولت علاقه‌مند هستند و تصمیمات دولت برای آنها اهمیت دارد، و به‌عبارتی، در فعالیتهای دولتی ذی‌نفع هستند؛ مانند کارفرمایانی که مصوبات دولت در مورد حداقل حقوق کارگران برای آنها از نظر کاری و حرفه‌ای اهمیت دارد؛

• **مشتری (Customer)**، استفاده‌کننده از سرویسهای دولتی را مشتری می‌گویند، مانند بازنشستگانی که حقوق بازنشستگی دریافت می‌کنند و یا افرادی که برای معالجه به بیمارستانهای دولتی مراجعه می‌کنند؛

• **شهروند (Citizen)**، افراد با حقوق و مسئولیتهای تعریف شده و معین در جامعه را شهروند (← شهروند) گویند؛

دولت الکترونیک

بالتر نسبت به خدمات دولتی سنتی و دسترسی به خدمات عمومی بخش غیردولتی؛

• تأثیر مثبت در قیمت و کارایی خدمات، ارائه اطلاعات و ارائه خدمات بهتر، با کارایی بیشتر و هزینه کمتر به شهروندان؛

• مشارکت بیشتر مردم در امور دولتی، تسهیل مشارکت شهروندانی که تمایل به همکاری بیشتر با دولت دارند و می‌خواهند در تصمیم‌سازیهای دولت و حتی بخش خصوصی نقش مؤثر داشته باشند؛ و

• ارائه و به کارگیری روشهای مناسب برای اداره جامعه. ایجاد محیط مناسب برای ارائه خلاقیتها و نوآوری در مهندسی مجدد نظامهای اداره جوامع، با استفاده از تشکلهای علمی و سازمانهای غیردولتی و غیرانتفاعی در طراحی و به کارگیری روشهای جدید مدیریت جامعه.

ویژگیهای اساسی دولت الکترونیک

هدف دولت الکترونیک ارائه خدمات بهتر، با هزینه کمتر و اثربخشی بیشتر است، ولی نمی‌توان استاندار مشخصی برای سایر ویژگیهای آن معرفی کرد، زیرا هر دولتی می‌تواند با توجه به نیازهای جامعه خود نظام دولت الکترونیک را پایه‌ریزی کند برخی ملاحظات کلی به شیوه زیر یادآوری می‌شود:

• **کوچک بودن**، دولت الکترونیک نباید گستردگی بیش از حد داشته باشد، تا بتواند از اتلاف نیروی انسانی و سرمایه جلوگیری کند. بنابراین، بهتر است دولتهای بزرگ به دولتهای محلی کوچک‌تر تقسیم شوند؛

• **اخلاقی بودن**، دولت الکترونیک باید به اخلاق مقید باشد و حریم اطلاعات خصوصی شهروندان را حفظ نماید؛

• **جوابگو بودن**، دولت الکترونیک باید نسبت به فعالیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که انجام می‌دهد، جوابگو باشد؛ بدین معنی که شهروندان بتوانند تا حد امکان از روند پیشرفت این فعالیتهای آگاهیهای لازم را کسب کنند؛

• **مسئولیت پذیر بودن**، دولت الکترونیک باید در صورت بروز مشکلات ناشی از فعالیتهای خود به مردم پاسخگو

برای مردم قابل لمس باشد؛

• **تعاملی باشد**. باید پذیرای نظر عموم باشد، تا بخشهای خصوصی، سازمانهای غیرانتفاعی و محققان بتوانند با دولت به‌صورت دوطرفه برای ارتقاء کیفیت خدمات دولتی هم‌اندیشی کنند؛

• **باید کم هزینه باشد**. سیستمهای خدمات الکترونیک و برخط در یک دولت الکترونیک باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که مردم پول زیادی بابت دریافت خدمات ندهند و دولت هم از پس هزینه‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و سیستمهای ارتباطی برای توسعه خدمات الکترونیکی برآید؛ و

• **انتقال فناوری با دقت انجام شود**، در مواقعی که تغییر فناوری تأثیر جدی در سیستم می‌گذارد، انتقال سیستمهای دولت الکترونیک از وضع قدیم به جدید، باید به دقت انجام شود، تا کاربر هنگام مواجهه با فناوری جدید دچار مشکل نگردد.

اهداف دولت الکترونیک

اهداف اصلی دولت الکترونیک باید در مسیر رسیدن به چشم‌انداز تعریف شوند، به‌گونه‌ای که فاصله بین دولت الکترونیک و دولت سنتی کاملاً آشکار گردد. بعضی از اهداف دولت الکترونیک ممکن است مواردی مانند ارائه خدمات با کیفیت مطلوب به همگان با قیمت مناسب، ایجاد محیط مناسب برای ارتقاء سطح زندگی، کار و تفریح، ارتقاء محیط کسب‌وکار، ایجاد امکانات مناسب برای دسترسی برخط شهروندان به خدمات از هر نقطه دلخواه و در هر زمان ممکن، ارتقاء کیفیت و کمیت خدمات سازمانهای دولتی، افزایش تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمدها، همنوایی کلیه واحدهای دولتی و نیز صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی را شامل شود. این اهداف باید چشم‌انداز دولت الکترونیک را در نظر داشته باشد و عملیات اجرایی زیر را پوشش دهد:

• **ارائه خدمات بهتر**، ارائه خدمات برخط به‌صورت راحت‌تر، قابل اعتمادتر و با کیفیت بهتر و ارزش نسبی

استفاده از بستر دولت الکترونیک فضای جدیدی از همکاری و خدمات رسانی را تجربه می‌کنند. ارتباط دولت با دولت در یک سیستم دولت الکترونیک همواره به‌عنوان اولین اقدام در توسعه دولتهای الکترونیک در جهان مطرح بوده است؛

• ارتباط دولت با بنگاهها و محیطهای کسب و کار. این نوع

ارتباط، اولین رابطه‌ای بود که در حوزه بخش خصوصی توسعه پیدا کرد. در این رابطه، به نیازهای خاصی از جامعه و کسب و کار بخش خصوصی با دولت توجه می‌شود. دولت عموماً امور عمرانی و حتی بخشی از خدمات خود را برون‌سپاری می‌کند. بنگاههای کسب و کار بخش خصوصی با شرکت در مناقصات دولتی، انجام طرحها و ارائه خدمات را برعهده می‌گیرند. معمولاً مشکلات مختلفی بر سر راه انجام ارتباطات بین بنگاههای اقتصادی و دولت در این زمینه وجود دارند که دولت الکترونیک می‌تواند هم در برگزاری مناقصات و انتخاب بهترین شرکتها، و هم در شفاف‌سازی و اگذاری طرحها و نهایتاً، در مدیریت انجام آنها و رعایت زمان‌بندی مفید واقع شود. عموماً خدمات و امور مربوط به دولت چند وجهی است و در آن، بنگاههای اقتصادی عرضه‌کننده محصولات مشتری یا شریک دولت و گاهی رقیب دولت محسوب می‌شوند؛ و

• **ارتباط دولت با کارکنان.** این نوع ارتباط به منظور تسهیل در مشارکت بیشتر کارکنان در تصمیمات دولتی و ارائه اطلاعات مناسب‌تر به ارباب رجوع برای بخش عمومی طراحی شده است. رابطه دولت با کارکنان و بالعکس فرصتی به وجود می‌آورد تا کارکنان دولتی بتوانند از اطلاعات موجود بر روی شبکه‌های داخلی دولتی و شبکه‌های خصوصی در حوزه‌های مختلف منابع انسانی و امکانات فیزیکی، دسترسی بهتری پیدا کنند و با دانش بیشتری به ارباب رجوع پاسخگو باشند. در حوزه امور جاری کارکنان، از اطلاعات مربوط به بازنشستگی و فرمهای متنوع درخواست مرخصی گرفته تا سایر امور رفاهی، نظام پیشنهادات و اطلاعات و سایر موضوعات داخلی مرتبط با کارکنان، این ارتباط تسهیل‌کننده و مهم است.

باشد؛ و

• **شفاف بودن،** دولت الکترونیک باید از موضع شفافیت در رابطه با امور شهروندان برخوردار باشد.

چهار مدل ارتباط دولت الکترونیک

مدلهای اولیه ارتباط در دولت الکترونیک عبارتند از: ارتباط دولت با شهروندان (G2C)؛ ارتباط دولت با بنگاهها و محیطهای کسب و کار (G2B)؛ ارتباط دولت با دولت (G2G)؛ و ارتباط دولت با کارکنان (G2F). این ۴ نوع ارتباط در دولت الکترونیک، در کنار سایر ارتباطاتی که بخش خصوصی تعریف می‌کند و از طریق بستر دولت الکترونیک در خدمت مردم قرار می‌گیرد، فرصتهای جدیدی برای ارتقاء تعاملات دولت با مردم خلق می‌کند.

• **ارتباط دولت با شهروندان،** مهم‌ترین و گسترده‌ترین نوع کاربرد دولت الکترونیک، ارتباط دولت با شهروندان و بالعکس است. رابطه دولت با شهروندان شامل تبادل اطلاعات مناسب و بهنگام، در اختیار قرار دادن خدمات دولت، مانند تجدید گواهینامه رانندگی، رأی‌گیری برخط در امور اجتماعی، سیاسی و رفاهی، پرداخت برخط مالیات، پرداخت برخط قبوض مختلف آب، برق، گاز، تلفن و مانند آن، ارائه خدمات ثبتی الکترونیک و سایر خدمات دولتی می‌شود. ارائه خدمات دولت به شهروندان و تماس شهروندان با دولت در ارائه پیشنهادات و انتقادات، باعث افزایش همکاری آنها و در نتیجه، ارتقاء سطح زندگی شهروندان و تغییرات کیفی در زندگی آنها می‌شود؛

• **ارتباط دولت با دولت،** دلیل وجود این رابطه آن است که معمولاً سازمانهای دولتی، متکی به دیگر نمایندگان دولتی هستند و تعامل الکترونیک بین آنها، از اهمیت خاصی برخوردار است. در رابطه با دولت، عموماً نیاز به دسترسی مستقیم به پایگاههای اطلاعاتی وجود دارد. بخشهای مختلف دولتی در این رابطه می‌توانند به صورت بسیار ساده با هم ارتباط داشته باشند و مسیر انجام امور را تسهیل نمایند. وزارتخانه‌ها، سازمانها و سایر واحدهای دولتی با

خدمات دولتی، افزایش پاسخگویی دولت در مقابل شهروندان، تمرکز خدمات دولتی بر نیازهای شهروندان، امکان سفارشی‌سازی و ارائه خدمات با توجه به نیازهای گروههای خاص (مانند معلولین)، گفتگو و ارتباط مناسب مردم با مسئولین دولت و گسترش مشارکت مردم در ارتباط با دولت است؛

• **بخش خصوصی.** دولت الکترونیک در بخش خصوصی از مزایایی چون توسعه و گسترش بخش خصوصی، تسهیل خدمات تجاری و اداری، کاهش هزینه‌ها و در نتیجه، رشد اقتصادی جامعه، تدارکات سریع‌تر، کم هزینه‌تر و مطمئن‌تر با استفاده از تدارکات الکترونیک، نقل و انتقال راحت پول و مدیریت مناسب منابع مالی، تسهیل ارتباطات بین دست اندرکاران دادوستد بخش دولتی و خصوصی و ایجاد بستر مناسب برای تجارت الکترونیک برخوردار است؛ و

• **دولت.** دولت الکترونیک برای خود دولت نیز، مزایای زیادی دربردارد: کاهش اندازه و حجم دولت، کاهش هزینه‌های دولت، افزایش انعطاف‌پذیری ساختار دولت و تطابق بهنگام با تغییرات، کاهش تخلفات و فساد اداری، افزایش مشارکت مردمی، تسهیل گردش اطلاعات و افزایش شفافیت در بدنه دولت، افزایش تمرکززدایی و هماهنگ نمودن خدمات عمومی، امکان افزایش تفویض اختیار در تصمیم‌گیری به سطوح پایین‌تر، تقویت پایه‌های مردمسالاری، اداره مؤثرتر حکومت و مدیریت مناسب منابع اطلاعاتی و افزایش کارایی و کیفیت خدمات پشتیبانی از تصمیمات دولت.

کاربردها و خدمات دولت الکترونیک

دولت الکترونیک در حیطه وسیعی دارای کاربرد است؛ از آن جمله: رأی‌گیری الکترونیک، آموزش الکترونیک، اقتصاد الکترونیک، گردشگری الکترونیک و تجارت الکترونیک و خدمات الکترونیک مشابه در زمره خدمات دولت الکترونیک، ۴ محور خدمات به شهروندان، خدمات به گردشگران، خدمات برخط دولت و خدمات عرضه محیط‌های کسب‌وکار در اولویت است. ساختار دسترسی به خدمات دولت الکترونیک برخط، براساس این ۴ محور

مزایای دولت الکترونیک

تا قبل از شناخت دولت الکترونیک، روال معمول برای دریافت خدمات دولتی، مستلزم حضور فیزیکی مراجعه‌کننده به یکی از دفاتر دولتی بود. با پیشرفت سریع فناوریهای نوین و ابزارهای متنوع، دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت، تلفن همراه، رایانه و کیوسکهای متنوع اطلاع‌رسانی امکان‌پذیر شده است. با استفاده از این ابزارها، میزان گستردگی دامنه پوشش دولت الکترونیک هر روز بیشتر و دسترسی سریع به اطلاعات سازمانهای دولتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود.

مزایای دولت الکترونیک بسیار زیاد است، از آن جمله‌اند:

۱. دسترسی مستقیم به اطلاعات و خدمات عمومی بخش دولتی و خصوصی؛
۲. ارتباط مستقیم با مقامات دولتی و مشارکت غیرمستقیم در تصمیم‌سازیهای دولتی؛
۳. صرفه‌جویی در زمان انجام امور، حمل‌ونقل، ساعات کار، هزینه کاغذ، هزینه‌های خدمات و منابع انرژی در ادارات؛
۴. افزایش کارایی عملیات دولتی و کوتاه‌شدن زمان مراحل انجام کار؛
۵. ارائه خدمت به شهروندان به‌صورت شبانه‌روزی و ۷ روز در هفته؛
۶. امکان ارائه خدمات در هر مکان دلخواه به مشتری؛
۷. امکان کار از راه دور برای بخشی از کارکنان و مدیران دولتی؛ و
۸. امکان آموزش دائم در سیستمهای دولتی و آموزش شهروندی به مردم.

علاوه بر مزایای عمومی فوق، دولت الکترونیک برای شهروندان، بخش خصوصی و دولت مزایای خاصی دارد؛ این مزایا به تفکیک گروهها عبارتند از:

• **شهروندان.** مزایای دولت الکترونیک برای شهروندان شامل افزایش کیفیت خدمات دولتی، به روز بودن خدمات دولتی، دسترسی ۲۴ ساعته و بهنگام به اطلاعات و خدمات دولتی، بهبود وضعیت شهروندان به‌واسطه توزیع مناسب

دولت دیجیتال ← دولت الکترونیک

پیاده‌سازی دولت الکترونیک

برای پیاده‌سازی دولت الکترونیک در هر کشوری باید همزمان به ۵ عنصر کلیدی، شامل زیرساخت، نیروی انسانی، عزم و اراده دولت، مسائل حقوقی و هزینه توجه شود. مجموعه این ۵ عنصر، به همراه مسیر توسعه دولت الکترونیک که شامل پیدایش، ارتقاء، تعامل، پراکنش و یکپارچه‌سازی می‌شود، نشانگر فضای پیاده‌سازی دولت الکترونیک است.

به سخن کوتاه، دولت الکترونیک یک کاربرد مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات است که در بسیاری از کشورهای جهان پیاده و باعث تسهیل در ارائه خدمات ۲۴ ساعته برخط و بدون توقف به شهروندان شده است. این پدیده در آینده نه چندان دور، در سرتاسر جهان، در اداره امور مردم و ارتباط بین دولتها، بخش خصوصی و محیطهای کسب و کار جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. برای پیاده‌سازی دولت الکترونیک باید درجه آمادگی کشورها را سنجید و بستگی به توانمندیهایی که از نظر زیرساخت دارند، مدل مناسب را تشخیص داد و بر مبنای آن، کار پیاده‌سازی را انجام داد.

کتاب‌شناسی:

- جلالی، علی اکبر. *مجموعه مقالات اولین همایش شهرهای الکترونیکی و اینترنتی، جزیره کیش*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰.
- جلالی، علی اکبر. *یک سال تلاش در فناوری اطلاعات و ارتباطات*، پنج جلد، تهران: انتشارات پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱ - ۱۳۸۵.
- جلالی، علی اکبر. *سند راهبردی شهر الکترونیک مشهد*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۲.
- جلالی، علی اکبر. *شهر الکترونیک*، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۴.
- جلالی، علی اکبر. *دولت الکترونیک*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.

علی اکبر جلالی

ده ← روستا

دهبان ← مراجع محلی (روستایی)

دهگردانی ← حکمروایی روستایی

دهیاری

پس از نظام کماکانی به عنوان الگوی سنتی مدیریت روستایی که تا اواخر دهه ۱۳۳۰ش در سطح روستاها وجود داشت، و دهبانی که در دهه ۱۳۵۰ش مطرح شد، سومین الگوی مدیریت روستایی ایران، دهیاری است که در اواخر دهه ۱۳۷۰ش تأسیس شد. بر اساس ماده قانونی مصوب ۱۳۷۷/۴/۱۴ش به وزارت کشور اجازه داده شد، تا به منظور اداره امور روستاها، سازمانی به نام دهیاری، با توجه به موقعیت محل، به درخواست اهالی و به صورت خودکفا، با شخصیت حقوقی مستقل در روستاها تأسیس نماید. این قانون، این سازمانها را نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می‌کرد. دهیارها که اداره امور محلی را با نظارت روستائیان، از طریق شوراهای اسلامی روستا انجام می‌دهند، در حوزه و عرصه امور عمومی و خدمات عمومی نیز وظایفی دارند. امور عمومی را می‌توان فعالیتهایی چون بهبود نظافت محیط، حفظ و نگهداری و بهره‌برداری از زیرساختها (آب، برق، گاز و تلفن)، فضای سبز محلی، آشنانشانی، امور بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و مانند آن دانست. در توجیه تأسیس دهیارها، یکی از مهم‌ترین مسائل این بود که پروژه‌های اجرا شده در روستا فاقد متولی بودند. بدینسان، حفظ و نگهداری از بناها، بلوارها و میادینی که

دهیاری

آن به مسئولان ذی‌ربط برای اطلاع و برنامه‌ریزی و اقدام لازم؛

• تشویق و ترغیب روستائیان به انجام اقدامات لازم در زمینه رعایت سیاستهای دولت؛

• مشارکت و همکاری با شورا به منظور پیگیری اجرای طرحهای عمرانی اختصاص یافته به روستا؛

• تأمین اراضی مورد نیاز مرتبط با اهداف و وظایف دهیاری، پس از اخذ مجوز قانونی.

• همکاری مؤثر با مسئولان ذی‌ربط در جهت حفظ و نگهداری منابع طبیعی واقع در محدوده قانونی و حریم روستا؛

• تشویق و ترغیب روستائیان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی روستا؛

• مراقبت، حفظ و نگهداری اموال و تأسیسات عمومی در اختیار دهیاری؛

• ارسال گزارشهای درخواست شده به شورا، در موعد مقرر، توسط دهیار؛

• حضور دهیار در زمان و مکان مقرر و پاسخگویی به سؤالات، در صورت تقاضای شورا؛

• ارسال گزارش ماهانه فعالیتهای دهیاری برای شورا و رونوشت آن به بخشداری؛

• تهیه تعرفه عوارض با همکاری شورا و ارائه آن به شورای اسلامی بخش، به منظور تصویب و طی سایر مراحل قانونی؛

• وصول عوارض مصوب مراجع قانونی و مصرف آن در موارد معین؛

• مراقبت بر وضعیت بهداشتی گرمابه‌ها، نانوائیها، قصابیها، قهوه‌خانه‌ها و فروشگاههای مواد غذایی و بهداشتی،

براساس ضوابط و مقررات مربوط و معرفی اماکن غیربهداشتی به مسئولان ذی‌ربط؛

• برآورد، تنظیم و ارائه بودجه سالانه دهیاری و متمم و اصلاح آن به شورا برای تصویب؛

• اهداء و قبول اعانات و هدایا به نام روستا، با تصویب شورا؛

• فراهم نمودن زمینه ایجاد خیابانها، کوچه‌ها، میدانها،

سازمانهایی مانند بنیاد مسکن (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) یا جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) در روستاها می‌ساختند، مشکل عمده‌ای بود. دهیاری به‌عنوان سازمان مدیریت روستایی، می‌توانست این مشکل و مشکلاتی مانند آن را برطرف نماید. همچنین شوراهای اسلامی روستایی به‌عنوان نهادهایی سیاستگذار، نمی‌توانستند وظایف اجرایی را عهده‌دار شوند. از این رو، دهیارها به‌عنوان بازوان اجرایی شوراهای روستایی محسوب می‌شوند.

مسئولیت اصلی دهیاری با فردی است که قانون او را به‌عنوان دهیار شناخته است. وظایف دهیار به شرح زیر است:

• اجرای تمام مصوبات شورای اسلامی روستا؛

• همکاری با نیروهای انتظامی، ارسال گزارش پیرامون وقوع جرائم و مقررات خدمت وظیفه عمومی، حفظ نظم عمومی

و سعی در حل اختلافات محلی؛

• اعلام فرامین و قوانین دولتی؛

• مراقبت، حفظ و نگهداری تأسیسات عمومی و عمرانی و اموال و دارائیهای روستا؛

• همکاری با سازمانها و نهادهای دولتی و ایجاد تسهیلات لازم برای ایفای وظایف آنان؛

• مراقبت در اجرای مقررات بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط؛

• همکاری مؤثر با سازمان ثبت احوال، به منظور ثبت موالید و متوفیات؛ و

• همکاری مؤثر با مسئولان ذی‌ربط در جهت حفظ و نگهداری منابع طبیعی واقع در محدوده و حریم روستا.

علاوه‌براین، مصوبه مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ ش هیئت وزیران، ۴۷ وظیفه را برای دهیاری و دهیار برشمرده است که به شرح زیر هستند:

• بهبود وضع زیست‌محیطی روستا؛

• کمک به شورا در خصوص بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائیهای اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی،

فرهنگی، آموزشی و امور رفاهی روستا، تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و عملی در زمینه‌های یاد شده و ارائه

دهیاری

روستا ساخته می‌شوند، با رعایت مقررات مندرج در آئین‌نامه مربوط به استفاده از اراضی احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها، موضوع تصویب نامه شماره ۴۹۴۰ مورخ ۱۳۵۵/۲/۲۲ش و سایر مقررات؛

• همکاری با شورای بخش و بخشداری به منظور بررسی و صدور پروانه‌های کسب؛

• معرفی خانواده‌های بی‌سرپرست و بی‌بضاعت به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی و مساعدت به آنها در حد امکانات؛

• همکاری در نگهداری و تسطیح راههای واقع در حریم اراضی روستا از طریق خودیاری اهالی روستا و دستگاههای ذی‌ربط؛

• مساعدت و همکاری با کشاورزان، به منظور معرفی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی و صنایع دستی روستا در مراکز شهری و نمایشگاههای ذی‌ربط؛

• پیگیری و مساعدت برای ایجاد مؤسسات خیریه و صندوقهای قرض‌الحسنه و مؤسسات فرهنگی؛

• همکاری با واحدهای امداد رسانی بهنگام وقوع حوادث و سوانح غیرمترقبه و بلایای طبیعی؛

• گزارش پیشرفت یا عدم پیشرفت فیزیکی طرحها به شورا و بخشدار و پیشنهاد راهکارهای مناسب برای تسریع در اجرای آنها در جهت اجرای بند (ه) ماده (۶۸) قانون شوراها؛

• همکاری با دستگاههای ذی‌ربط در جهت تهیه و اجرای طرح هادی روستا (← طرح هادی روستایی) و تهیه پیشنهادهای لازم و تعیین کاربری اراضی واقع در روستا به منظور گنجاندن آنها در طرح هادی و اجرای ضوابط مصوب مربوط با موافقت شورا؛

• مراقبت و اهتمام کامل در نصب برگه قیمت بر روی اجناس و اجرای تصمیمات شورای اسلامی بخش و روستا نسبت به ارزانی و فراوانی خواروبار و مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد شده و معدوم نمودن آنها با هماهنگی مراجع قانونی ذی‌ربط؛

• همکاری با مراجع ذی‌ربط در جهت تسهیل دسترسی

پارکها، فضاهای سبز، ورزشی و آموزشی، مراکز تفریحی عمومی و مجاری آب و توسعه معابر و اجرای آنها از طریق دهیاری و همکاری در زمینه طرح بهسازی روستا، (← بهسازی روستایی)؛

• تنظیم، نگهداری و تسطیح معابر، انهار عمومی، مجاری آبها، فاضلاب و لایروبی قنوات مربوط به روستا و تأمین آب و روشنایی، در حد امکان؛

• کمک در احداث تأسیسات تولید و توزیع آب، برق و مخابرات و تعیین نرخ آن در روستا، تا زمان اقدام مراجع ذی‌ربط (وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، نیرو، پست و تلگراف و تلفن و شرکت آب و فاضلاب روستایی)؛

• مراقبت بر بهداشت ساکنان روستا و تشریک مساعی با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای واکنش‌یابی در جهت پیشگیری از بیماریهای واگیردار

• جلوگیری از تکدیگری و واداشتن متکدیان به کار؛

• انجام معاملات دهیاری، اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول، مقاطعه، اجاره و استجاره؛

• ایجاد و سازماندهی غسلخانه و گورستان و تهیه وسایل حمل‌اموات و مراقبت در انتظام امور آنها؛

• اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ روستا از خطر سیل و حریق و رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر و اماکن عمومی و تسطیح چاهها و چاله‌های واقع در معابر براساس مصوبات شورا؛

• همکاری در جلوگیری از شیوع بیماریهای انسانی و حیوانی واگیردار که بین انسان و دام مشترکند، اعلام مشاهده این‌گونه بیماریها به مراکز بهداشتی‌درمانی و دامپزشکی محل یا سایر مراکز ذی‌ربط، اهتمام به دور نگهداشتن بیماران مبتلا، معالجه و دفع حیوانات مبتلا به امراض واگیر، بلاصاحب یا مضر؛

• تشریک مساعی با سازمان میراث فرهنگی در حفظ بناها و آثار باستانی روستا و همکاری با مسئولان ذی‌ربط برای اداره، احداث، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و رفاهی مورد نیاز روستا در حد امکانات؛

• صدور پروانه برای ساختمانهایی که در محدوده قانونی

دهیاری

دولتی در محدوده قانونی روستا و حریم آن. مصوبه هیئت وزیران تصریح کرده است که کلیه عوارض و درآمدهای دهیاری باید منحصرأً به مصرف همان روستا برسد.

انتظار می‌رفت که تأسیس این سازمان جدید، با توجه به طرح مباحث توسعه، به‌ویژه رویکردهای جدیدی که ضرورت توجه به مردم و مشارکت آنها در برنامه‌های توسعه را مطرح می‌سازد، تغییری قابل توجه در ساختارهای موجود اداری بدهد.

وظایف دهیاریها

اما نگاهی به توزیع ۴۷ وظیفه دهیاریها که در جدول شماره ۱ آمده است، نشان می‌دهد که همکاری با دولت و اجرا یا ترویج سیاستهای آنها بیشترین سهم را در میان وظایف دهیاریها دارد، تا جایی که ۲۵٪ از وظایف دهیاریها به این موضوع اختصاص دارد. پس از آن، انجام وظایف مستقیم دهیاری قرار دارد که ۲۳٪ وظایف دهیاریها را به خود اختصاص داده است. رسیدگی به امور مختلف روستا مانند مسائل بهداشتی و نظافت، بخش دیگری از وظایف دهیاری است که ۱۹٪ وظایف دهیاری را شامل می‌شود. ۱۶.۵٪ از وظایف دهیاری نیز به همکاری با شورا اختصاص دارد و نسبت مشابهی نیز وظایف دهیاریها نسبت به مردم روستایی را شامل می‌شود.

این درحالی است که نگاهی به محتوای وظایف مربوط به مردم نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از آنها به‌طور مستقیم به موضوعات مهم توسعه اجتماعی، مانند مشارکت در اداره امور، مشاوره و تعامل و مانند اینها توجه ندارد:

- تشویق و ترغیب روستائیان به انجام اقدامات لازم در جهت رعایت سیاستهای دولت؛
- مراقبت بر بهداشت ساکنان روستا؛

- جلوگیری از تکدیگری و واداشتن متکدیان به کار؛
- معرفی خانواده‌های بی‌سرپرست و بی‌بضاعت به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی و مساعدت آنها در حد امکانات؛

- مساعدت و همکاری با کشاورزان در جهت معرفی محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی و صنایع دستی

مردم روستا به آرد و نان مرغوب؛

- پیگیری و ایجاد زمینه نظارت بر امور بهداشتی روستا از قبیل کشتار بهداشتی دام و عرضه گوشت؛

- اجرای مقررات دهیاری که جنبه عمومی دارد و به تصویب شورا و تأیید شورای اسلامی بخش رسیده، پس از اعلام برای کلیه ساکنان روستا لازم‌الرعایه است؛

- پیشنهاد نامگذاری معابر و اماکن و تأسیسات روستا به شورا برای بررسی و ارائه آنها به شورای اسلامی بخش به‌منظور سیر مراحل لازم؛

- شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاههای ذی‌ربط؛
- در روستاهایی که طرح هادی مصوب دارند، طرحهای عمرانی روستایی باید در چارچوب طرحهای هادی روستا انجام شود.

منابع درآمد دهیاری

- عوارض مقرر در آئین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، مصوب ۱۳۷۵ش موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۲۴۹۵ / ت ۸۲۳ ۵۲۱- مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۰ش؛

- عوارض صدور پروانه ساختمان با رعایت آئین‌نامه مندرج در بند (۱) این ماده و سایر قوانین و مقررات مربوط؛

- دریافت وام از بانکها و مؤسسات اعتباری با تصویب شورا و تأیید شورای اسلامی بخش؛

- درآمد حاصل از کمکهای دولتی و خودیاری بخش خصوصی، اعانات و هدایا در چارچوب دستورالعملهای مربوط؛

- وصول بهای خدماتی که دهیاری ارائه می‌دهد با تصویب شورا و تأیید بخشدار و رعایت دستورالعملهای مربوط؛

- کمکهای دولت برای اجرای طرحهای خدماتی و عمرانی در قالب بودجه سالانه کل کشور؛

- درآمدهای ناشی از عوارض اختصاص یافته از سوی مراجع وضع عوارض به‌منظور ایجاد تأسیسات عمومی و

دیوانسالاری

بازارچه‌های محلی و طرح کمک به هنرمندان، ایجاد مؤسسات فرهنگی - اجتماعی، توسعه ورزش و حفظ میراث فرهنگی.

همان‌گونه که عناوین برنامه‌ها و طرحها نشان می‌دهد، توجه به امور کالبدی و خدماتی بخش اصلی دستورالعمل را به خود اختصاص داده است و مشارکت مردم و نحوه تحقق آن مورد توجه قرار نگرفته است. بنابراین، می‌توان توجه اندک به مشارکت مردم در مدیریت روستایی را یک نقطه ضعف مهم در تبیین وظایف دهیارها به حساب آورد. کتاب‌شناسی:

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. *لوح حقوق، مجموعه قوانین و مقررات کشور*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.

- *ماهنامه دهیارها*. انتشارات سازمان شهرداریها و دهیارهای کشور، از شماره ۱-۱۹، ۱۳۸۲-۱۳۸۶.

حسین ایمانی جاجرمی

دیوانسالاری

Bureaucracy

دیوانسالاری (بوروکراسی) معانی چندگانه‌ای دارد. به یک معنا، به دستگاهی گفته می‌شود، متشکل از مجموعه‌ای از کارمندان حرفه‌ای که با اتکاء به قوانین، قواعد و مقررات، به اداره یک سازمان در سطح خرد یا کلان مشغول هستند. دیوانسالاری را گاهی از حکومت جدا می‌کنند و آن را به‌مثابه ابزار حکومت تلقی می‌کنند، و گاهی خود حکومت را هم در قالب دیوانسالاری به‌صورت یک مجموعه می‌بینند. واژه دیوانسالاری برای حوزه محدودتر، مثل تشکیلاتی که کارهای اداری اتحادیه‌های کارگری، احزاب یا شرکتها را انجام می‌دهند، نیز به کار می‌رود (دیوانسالاری حزبی یا دیوانسالاری اتحادیه‌های کارگری). در مباحث اجتماعی، واژه دیوانسالاری را برای جمع مدیران، به‌مثابه

روستا در مراکز شهری و نمایشگاههای ذی‌ربط؛

- پیگیری و مساعدت در جهت ایجاد مؤسسات خیریه و صندوقهای قرض‌الحسنه و مؤسسات فرهنگی؛ و
- شناسایی زمینه‌های اشتغال و مساعدت در جهت تأمین کار برای افراد جویای کار با همکاری دستگاههای ذی‌ربط. حتی سیاستگذارهای کلان در حوزه دهیارها نیز حکایت از کم توجهی به جایگاه مردم در مدیریت روستایی دارد؛ برای نمونه، دستورالعمل ۱۳۸۲ش توزیع عوارض متمرکز دهیارها که حاوی ۳ برنامه و ۱۰ طرح است، نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی سهم اندکی در سیاستگذاری کلان دارد. طبق این دستورالعمل، استانداردهای نظارت خواهند کرد که عوارض ابتدا به کدام برنامه‌ها، طرحها یا پروژه‌ها و با چه سهمی تعلق بگیرد. دهیار ابتدا طرحها و پروژه‌ها را در جلسه شورای اسلامی روستا مطرح می‌کند. پس از تصویب شورا، طرح یا پروژه به بخش‌داری اعلام می‌شود و بخشدار آن را تأیید می‌کند و فرماندار نیز آن را امضا کرده و سپس به معاون عمرانی استانداری اعلام می‌شود. معاون عمرانی استانداری نیز پرداخت عوارض مربوط به پروژه را از وزارت کشور درخواست می‌کند و مبلغ تعیین شده در ۲ تا ۳ مرحله پرداخت می‌شود. صرف‌نظر از تطویل دیوانسالارانه امور برای تصویب طرحها، عناوین برنامه‌ها نیز قابل توجه است:

- **برنامه اول.** اجرای طرح هادی (← طرح هادی روستایی)، شامل ۵ طرح کمک به اصلاح و توسعه شبکه معابر روستا، تهیه طرح هادی روستا و تهیه برنامه ۵ ساله دهیاری، کمک به ساماندهی گورستانها و تأسیسات و تجهیزات مربوط به آنها، کمک به ایجاد، حفظ و نگهداری فضای سبز و فضای تفریحی، کمک به هدایت و جمع‌آوری آبهای سطحی؛

- **برنامه دوم.** برنامه خدمات عمومی، شامل ۳ طرح کمک به خرید تجهیزات اطفای حریق و امداد و نجات و آموزشهای ایمنی، کمک به تفکیک جمع‌آوری و دفن بهداشتی زباله، مانند نصب سطلهای زباله، کمک به تأمین امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز دهیارها؛

- **برنامه سوم.** برنامه خدمات اجتماعی و اقتصادی شامل ۲ طرح کمک به توسعه تولیدات کشاورزی و صنایع و ایجاد

دیوانسالاری

در نگاه کلی، دیوانسالاری را به ۳ دسته، شامل دیوانسالاری غربی، سوسیالیستی و کشورهای در حال توسعه. دیوانسالاریهای اروپا از درون دولتهای مطلقه سده‌های ۱۶ و ۱۷م، از جمله دستگاه حکومتی لویی چهاردهم و دولت پروس نشأت گرفته، در سده ۱۹م، با پیدایش یک فرهنگ مدنی مبتنی بر مشارکت گسترده مردم در اداره سرنوشت خود، تکامل پیدا کرده‌اند. در این دیوانسالاریها مقامات عالی اداری در سیاست‌سازی برای امور شهر و کشور شرکت دارند، اما در کارهای اداری از جانبداری حزبی پرهیز می‌کنند. در دیوانسالاری کشورهای سوسیالیستی، از جمله شوروی (سابق) و اروپای شرقی، حزب حاکم بر دستگاه اداری است و صعود به سطوح بالای سلسله مراتب، تنها در پیوند با حزب حاکم امکان‌پذیر است. دیوانسالاری کشورهای در حال توسعه نیز با وجود تفاوتی که با یکدیگر دارند، در برخی خصوصیات مشترکند، از جمله میراثی بودن برخی منصبها، فقدان قواعد مشخص برای واریسی کار منصب داران، سنگینی وزنه ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اداری در تصمیم‌گیریها، و در مواردی، برتری نظامیان بر کارمندان غیرنظامی.

مطالعه رفتاری دیوانسالاری

مطالعه درباره رفتار دیوانسالاریها، در قیاس با مطالعه ساختار آنها رشد زیادی نکرده است. یکی از نخستین مطالعاتی که با رفتارشناسی دیوانسالاری نیز ارتباط می‌یابد، مطالعاتی است که درباره شالوده‌های فرهنگی نظامهای سیاسی صورت گرفته است. ۲ تن از دانشوران امریکایی، آلموند (و) رباسه، با مطالعه پیرامون وجوه فرهنگی نظامهای سیاسی، مفهوم فرهنگ سیاسی را مطرح ساختند که فاصله بین رفتار فردی و ساختار سیاسی را پر می‌کند. این ۲ فرهنگ سیاسی بسته، بخشی‌نگر و مدرن را از یکدیگر تفکیک، و فرهنگ نوع اخیر را برای پیدایش دیوانسالاری از نوع جدید، بستر مناسب‌تری معرفی می‌کردند. شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی از لوازم دیوانسالاری نوین است که در فرهنگ سیاسی نوع اخیر امکان رشد پیدا می‌کند. در مطالعات دیگری که در همین زمینه صورت

یک گروه اجتماعی با هویت، منش و نگرشهای خاص به کار می‌برند. واژه دیوانسالاری گاه با فحوائی منفی و برای اشاره به شیوه کار سازمانهای بزرگ و ادارات حکومتی که غالباً بسیار دست‌وپا گیر و ناکارآمد هستند، به کار می‌رود. این مقاله بین حکومت و دیوانسالاری تمایز قائل شده است، هرچند گاهی تفکیک آنها آسان نیست.

خصوصیات اصلی

نخستین بار ماکس وبر دیوانسالاری را به‌عنوان یک پدیده مهم اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. او مسیر تاریخ را عقلانی شدن ارزیابی می‌کرد و یکی از اجزاء عقلانی نشدن در دوره مدرن را شکل‌گیری یک دستگاه دیوانسالار عقلانی به حساب می‌آورد. دیوانسالاری مدرن در نظر ماکس وبر دارای ۵ خصوصیت عمده است:

- **قانونیت.** دیوانسالاری مدرن بر بنیان یک مجموعه قوانینی که وظایف و حوزه اختیارات آن را مشخص می‌کند، پا گرفته است و عمل می‌کند؛
- **تخصص.** کارمندان اداری بر مبنای تواناییهایشان انتخاب می‌شوند و برای کار خود آموزشهای لازم را دریافت می‌کنند؛
- **غیرشخصی بودن.** کارمندان اداری بر مبنای مقررات و رویه‌های معین کار می‌کنند و نظرات شخصی آنها در کارشان دخالت زیادی ندارد. به تعبیر دیگر، منصب از منصب‌دار جداست؛
- **سلسله مراتب.** هر کارمند صلاحیت و مسئولیتهای معینی دارد و برای این مسئولیت در مقابل افراد بالادست پاسخگو است، چنان‌که افراد زیردست او نیز برای کاری که به آنها سپرده شده است، در مقابل او پاسخگو هستند؛
- **استمرار.** کارمندان اشخاصی هستند که کارهای معینی را به‌طور منظم در ساعاتی مشخص انجام می‌دهند و برای این کار مزد دریافت می‌کنند. در شرایط امروزی، هیچ دولتی نمی‌تواند بدون برخورداری از دستگاه اداری، امور جامعه را به‌درستی سازمان دهد.

انواع دیوانسالاری

دیوانسالاری

داده‌اند، عمل کنند، اما اجرای این سیاستها در تعامل با دیوانسالاران شکل می‌گیرد و دیوانسالاران نیز عقاید سیاسی خود و الزامات کار خود را در اجرای سیاستها به پیش می‌برند. این دیوانسالاران به جای آنکه مردم را ولی امر خود بشمارند، آنها را موضوع مدیریت خود قرار می‌دهند. در نتیجه، قدرت دیوانسالاران در حدی است که آزادی شهروندان را به خطر می‌اندازد. علاوه بر این، گسترش ابعاد دیوانسالاری آنچه را که جهان زیست و حیطه مناسبات تفاهمی مردم خوانده شده است، مورد تعدی قرار می‌دهد. مداخله مدیران شهری و روستایی برای بهبود شرایط زندگی مردم، اگر با توجه به نقش مشارکتی مردم صورت نگیرد، و اگر به حیطه‌هایی که برحسب سرشت خود، به مناسبات تفاهمی در جهان زیست مربوط می‌شود، بی‌توجه باشد، چه بسا زیانهایی به همراه خواهد داشت که سود آن را منتفی می‌سازد.

در نظامهای سیاسی تمامت‌خواه (توتالیترا)، مثل نظام فاشیستی در آلمان یا استالینی در اتحاد شوروی سابق، نقش دیوانسالاری، در واقع، کلیت نقش دولت را دربر می‌گیرد، زیرا دیوانسالاران نه تنها به اجرای سیاستهایی که توسط سیاستمداران منتخب تعریف شده است، محدود نمی‌شود، بلکه خود به تعریف سیاستها می‌پرداختند. در چنین نظامهایی، دیوانسالاری خیر عمومی و خیر خصوصی، هر دو را تعریف می‌کند.

دوران بعد از جنگ جهانی تا دهه ۱۹۸۰م، دورانی بود که با تکیه بر نظریه اقتصادی کینز و سیاستهای سوسیال دموکراتیک، آنچه که دولت رفاه خوانده شده است، رشد زیادی کرد. این سیاستها متضمن دخالت دولت در حوزه وسیعی از زندگی اقتصادی و اجتماعی بود. منتقدان این سیاستها معتقدند، پیشبرد چنین سیاستهایی به زیان نقش خلاقه مردم و در نتیجه، به زیان توسعه اقتصادی بوده است. جریانی که به تعبیری راست جدید خوانده شده است، با حمله به این سیاستها، خواستار آن شد که حکومت را به سر جای خود بازگرداند. آنها خواستار مدیریت عمومی تازه‌ای شدند که نسبت به تقاضای مردم بیشتر پاسخگو، و در استفاده از منابع عمومی، کارآمدتر باشد. راست جدید

گرفته است، نظریه‌ای با این مضمون طرح شد که نوسازی سیاسی (مدرنیزه شدن سیاسی) مستلزم ایجاد توازن بین دیوانسالاری دولتی از یکسو و نهادهای مشارکت مردمی (مثل نهاد قانونگذاری، مجریه و احزاب سیاسی) در پیکره نظام سیاسی از سوی دیگر است. دیوانسالاری از این نهادها تأثیر می‌پذیرند و در صورت توازن منطقی بین این دو، نظام سیاسی کارآمدتر می‌شود. در یکی از مطالعاتی که با این رویکرد صورت گرفته است، انواع دیوانسالاریها را برحسب نظامهای زیر دسته‌بندی کرده‌اند:

- سیاست مبتنی بر شخص؛
- سیاست مبتنی بر ایدئولوژی؛
- سیاست پراتوری؛ و
- سیاست لیبرالی.

دیوانسالاری نوع اخیر (لیبرالی)، با نمونه مورد نظر ماکس وبر (قانونیت، تخصص، غیرشخصی بودن و استمرار) نزدیک‌تر است.

دیوانسالاری و مردمسالاری

در جوامع امروزی، از جمله در آنچه که نظام سرمایه‌داری سازمان‌یافته خوانده شده است، نقش دیوانسالاریها در صورت‌بندی و اجرای سیاستهای عمومی بسیار اهمیت پیدا کرده است. این امر پرسشی را با این مضمون برانگیخته است که آیا ارتقاء جایگاه دیوانسالاری، به نقش مقامات منتخب مردم و مسئول در برابر مردم منجر نمی‌شود؟ با توجه به اینکه دیوانسالاری به‌طور مستقیم در برابر مردم پاسخگو نیست، آیا افزایش اقتدار آن به زیان مردمسالاری نیست؟ برخی از تحلیل‌گران معتقدند، رشد روزافزون اقتدار دیوانسالاری، به کاهش آزادیهای فردی منجر می‌شود. بوروکراتها هم تابع اصل دموکراتیک پاسخگو بودن نیستند، و هم برخلاف منصب‌داران منتخب، دوره تصدی و منصب‌داری آنان طولانی است، و با عوض شدن کابینه مسئولیت آنها به پایان نمی‌رسد. درست است که کار دیوانسالاران اجرای سیاستهایی است که سیاستمداران منتخب به آنها سپرده‌اند، و درست است که سیاستمداران منتخب تلاش دارند به وعده‌هایی که در هنگام انتخاب

طی ۳ دهه اخیر، در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی، اداره امور را در دست داشته است. این جریان، گرچه در محدودتر کردن دایره دولت رفاهی پیشرفتهایی داشته است، اما در بازگرداندن دولت به سر جای خود، موفقیت قابل ذکری را به ثبت نرسانده است.

به نظر می‌رسد، راه حل دفاع از مردمسالاری و جهان زیست، محدود کردن حیطه دولت رفاهی نیست، بلکه مسئولیت‌پذیر کردن متصدیان امور عمومی و گسترش هرچه بیشتر دامنه مشارکت عمومی است. سپردن امور مردم، شهر و روستا، به دست آنان نمی‌تواند به معنی محدود کردن آزادیهای آنها باشد.

کتاب‌شناسی:

- Almond, C. and Verba, S. *The Civic Culture*. Princeton: Princeton University Press, ۱۹۶۳.
- Beetham, D. *Bureaucracy*. Bukingham: Open University Press, ۱۹۹۶.
- Bendix, R. "Bureaucracy and the Problem of Power", *Public Administration Review*. Vol. ۵, ۱۹۴-۲۰۹.
- Heady, F. *Public Administration: A Comparative Perspective*. New York: Marcel Dekker, ۱۹۹۱.
- Heady, F. "Bureaucracies", *Encyclopedia of Government and Politics*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۲.
- Heper, Hawkesworth, M. Kogan, M. (ed). *The State and Public Bureaucracies*. New York: Greenwood Press, ۱۹۸۷.
- Laski, H. "Bureaucracy", *The Social Science Encyclopedia*. Kuper, A. and Kuper, J., London: Routledge, ۱۹۸۵.

کمال پولادی

ر- ز

رفاه اجتماعی

Social Welfare

اجزاء اصلی چشم‌انداز رفاه عبارتند از:

- **شادکامی** (نه در معنای سطحی تجربه و احساس روانی و جسمانی آن برای سرخوشی یا نشاط، بلکه به‌عنوان حالتی که غالباً با رضایت یا خرسندی از آن یاد می‌شود)؛
- **تأمین** (یعنی داشتن امنیت و خاطر آسوده از درآمد فعلی و آتی)؛

- **اشتغال**، مسکن، امنیت و مقوله‌هایی از این دست؛

- **برتریها یا ارجحیتها** (به‌عبارت دیگر، تحقق آنچه برای فرد یا گروه اولویت و برتری بیشتری دارد و موجب رضایت خاطر می‌شود)؛

- **نیازها** (یعنی دستیابی به آنچه به طبیعت آدمی مربوط می‌شود و ضرورت بیشتری از برتریها دارد)؛

- **استحقاق** (یا انتظاری که نسبت به سهم و حق و مشارکت فرد یا گروه در جامعه بزرگ‌تر وجود دارد)؛

- **عدالت** (یا احساس وجود برابری به دلیل کرامت انسانی و نبود تبعیض و محرومیت از خدمات انسانی و اجتماعی موجود که می‌تواند به واقع حق همگان باشد؛ و بالاخره،

- **شادکامی و بهروزی دیگران** (و آن این است که اساساً عالی‌ترین مرجع اخلاق همانا چیزی باشد که انسان را به سرنوشت انسانهای دیگر، به‌خصوص هم‌گروهها، بی‌نصیبها و بی‌چیزان پیوند می‌دهد).

برای رسیدن به تعریف و مفهوم رفاه ۳ وجه متمایز باید مد نظر باشد:

- **نخست** اینکه، آیا رفاه پدیده‌ای ذهنی است یا عینی؟ در حالت نخست رفاه پدیده‌ای است مربوط به ادراک، عواطف، احساسات و شناخت فردی؛ به‌عبارت دیگر، رفاه ایجاد الزام و تکلیف نمی‌کند. اگر کسی هیچ پروایی از خوشبختی و آزادی و بهزیستی دیگران ندارد، می‌تواند

کاملاً بی‌گناه باشد و درعین‌حال مرفه باشد، زیرا توانایی درک یکی از چشم‌اندازها را ندارد. اما اگر رفاه پدیده‌ای عینی است می‌توان آن را یا کاملاً عینی، از نوعی که احساسات و ادراکات هیچ سهمی در آن ندارند، توصیف کرد یا نسبتاً عینی که ترکیبی از ضرورت عینی و ویژگیهای ذهنی است در این صورت رفاه باید قابل اندازه‌گیری و عینیت‌پذیر باشد. اما نمی‌تواند کاملاً از جنبه‌های ذهنی جدا گردد. یعنی اینکه وضعیت رفاه ممکن است برحسب افراد و چگونگی احساس رضایت خاص آنها تفاوت کند. ذهنی بودن به‌رحال نمی‌تواند چیزی کاملاً فردی و روانشناختی باشد، زیرا احساس و ذهنیت خود با موقعیت اجتماعی، شرایط طبقاتی، وضعیت مادی و موقعیتها و توانهای فرهنگی و اجتماعی ملازم است دارد.

- **دوم** اینکه آیا رفاه فراگیر است یا محدود؟ اگر رفاه را در قالبی فراگیر و جامع تعریف کنیم، آنگاه در مورد تأثیرپذیری رفاه از ادراکها، عواطف، احساسها و تجربه‌های ویژه و از بحث رفاه گروههای اجتماعی خاص غافل می‌مانیم. از طرف دیگر، اگر رفاه را به‌صورت محدود و نسبی تعریف کنیم، آنگاه نمی‌توانیم از این مقوله مهم بشری و اجتماعی، به نظریه تاریخ تحول اجتماعی دست یابیم. به‌این ترتیب، می‌توان مقوله رفاه را اساساً عینی و فراگیر دانست، اما نسبی و ذهنی بودن آن برحسب افراد و گروهها، که از موقعیت فرد در جامعه ناشی می‌شود، جای مهمی در آن دارد.

- **سوم** اینکه آیا رفاه پدیده‌ایست فردی یا جمعی؟ در این باره دانشوران چندان به نتیجه نرسیده‌اند. فدا کردن فرد برای آرمانهایی اجتماعی، بدون در نظر گرفتن اراده افراد و تنها مطابق آرمانهای رهبران، هرچند رهبرانی با نیت نیک، مورد تأیید بسیاری از رفاه‌گرایان نیست. با این وصف، نمی‌توان رفاه جمعی را صرفاً از حاصل جمع رفاه فردی به‌دست آورد. وجه عمومی و اشتراکی رفاه از مختصات اصلی آن است، ضمن اینکه نمی‌توان آن را بی‌توجه به بهزیستی و بهروزی افراد مد نظر قرار داد. این واقعیت پذیرفته شده است که کوشش برای رفاه فردی نمی‌تواند به نتیجه‌ای کارآمد برسد و قاعداً باید برای راهبرد رفاه

ویلفردو پارتو بر آن بود که مقایسه بین افراد ناممکن است، اما جامعه‌ای که قادر باشد وضع زندگی افراد خود را بهتر سازد، به شرط آنکه وضع هیچ کس را بدتر نکند، می‌تواند جامعه رفاه تعریف شود. جان رادفر رفاه را امری اخلاقی و مترادف با عدالت می‌داند که به‌هر حال امری غیرقابل قیاس است. پیگو بر آن بود که مقایسه بین افراد میسر است، زیرا بهزیستی مقوله‌ای است که به آمال و آرزوها ارتباط دارد و آرزوها را می‌توان بر مبنای معیارهای پولی اندازه‌گیری کرد و بنابراین، رفاه فردی ارتباط نزدیکی با بازار و رونق و ثروت ملی دارد. آمارتیا سن با موضعی لیبرال و موریس داب با موضعی چپ‌گرا، همین بحث را در ۲ رویکرد مختلف ارائه دادند و هر دو به موضوع توزیع درآمد رسیدند. سن بیشتر کار خود را متوجه روش اندازه‌گیری توزیع درآمد کرد، در حالی که داب به وضعیتهای اجتماعی و طبقاتی که تبلور توزیعی دارند و شاخص رفاه را می‌سازند، توجه داشت.

به‌لحاظ مشخصات عینی، توزیع نابرابر، وجود فقر، گسترش فساد، محرومیت و تبعیض به‌ویژه در آموزش و بهداشت، مسکن و بیماریهای اجتماعی از شاخصهای مهم پائین بودن سطح رفاه اجتماعی است. اقتصاددانان نولیبرال علاقه چندانی به این مباحث ندارند و به‌ویژه مقوله عدالت را خارج از بحث اقتصاد می‌دانند و بیشتر به مجاز داشتن آزادی بازار علاقه نشان می‌دهند. در حالی که خرد جمعی اقتصاددانان که در طیفهای متفاوتی قرار می‌گیرند، بر این باورند که دولت‌ها در چارچوب ساختهای اجتماعی موظفند و می‌توانند رفاه اجتماعی را بالا ببرند.

در حوزه‌های شهری، رفاه اجتماعی متضمن برخورداری هر چه بیشتر شهرنشینان، به‌ویژه اقشار محروم و کم‌درآمد از خدمات مناسب در حمل‌ونقل، فضای سبز، هوای پاک، امکانات خرید، امکانات تفریحی و جز آن است. در اقتصاد شهری تبعیض و بی‌عدالتی و فقر از مظاهر ضد رفاه محسوب می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- فیتز پتریک، تونی. *نظریه رفاه، سیاست اجتماعی جمعیت*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: نشر گام، ۱۳۸۱.

جمعی راه چاره اندیشید. با این وصف، در زمانه ما جامعه باید بستری برای رفاه و آزادی فرد هر دو باشد. نگرش فردگرایانه این خطر تجربه شده را دارد که مقوله رفاه را اسیر لیبرالیسم اقتصادی و خودخواهیهای سود کند و در نتیجه، رفاه را هم به خطر اندازد، اما رفاه جمعی نیز باید بر نظام مردمسالارانه استوار باشد، تا آرزو و احساس فرد را به خطر نیندازد.

در بحث رفاه اجتماعی رویکردهای متفاوتی وجود دارد، اما درباره تعریف آن این نظر غالب است که بهزیستی جامعه یا جماعت در کلیت آن همان رفاه اجتماعی است. در تعریف رفاه اجتماعی با ۲ مسئله روبرو می‌شویم: نخست جنبه اجتماعی آن و به تعبیر دیگر، رفاه اجتماعی چونان نوعی جمع‌بندی رفاه افراد عضو جامعه دیده می‌شود. این تعبیر این پرسش را مطرح می‌سازد که چگونه حاصل جمع را می‌توان به‌دست آورد؟ رفاه هرکس چقدر است؟ آیا اندازه‌ای یکسان است؟ چه شمار از افراد چه مقدار رفاه دارند؟ تأمین کدام نیاز و کدام بخش از جامعه اولویت دارد؟

مسئله دوم این است که رفاه می‌تواند امری ارزشی باشد. اینکه چه چیزی به رفاه اجتماعی کمک می‌کند، به باور فکری و ارزشی و اخلاقی پاسخگو بستگی دارد. ممکن است کسی، چیزی را که ما خوب می‌دانیم، بد تلقی کند.

دیدگاه دولت رفاه به نقش و مسئولیت دولت در تأمین خدمات اجتماعی باور دارد. دولت اولویتهای رفاهی را براساس آزادی مردم و شعارهای انتخاباتی معین می‌کند. سوسیال‌دموکراتها تا حدی به دولت رفاه وفادارند. اقتصاد کینزی در جستجوی راه مداخله دولت برای رفع اختلالهای اقتصادی به‌ویژه بیکاری و تورم است و این مداخله همسو با رفاه تلقی می‌شود. در دیدگاه جامعه‌گرایانه رفاه در گروه برنامه‌های عمومی و اراده اجتماعی و اقتصادی جامعه است که آن نیز به کنترل مالکیت‌های خصوصی بستگی دارد. برای جرمی بنتام رفاه مترادف بهره‌وری یا مطلوبیت بود که آن را چونان خرسندی و چیزی قابل اندازه‌گیری و قابل مقایسه بین دو انتخاب متفاوت دو فرد متفاوت می‌داند.

روابط شهر و روستا

ادراکی پدیده حومه- شهری بیشتر با تجربیات جغرافیدانان آمریکایی فراهم می‌آمد. البته در این میان، رویکرد مورفولوژیک (ریخت‌شناسی) و عملکردی بیشتر بر مسائل حاشیه شهر تأکید داشت. در این مطالعات اساساً تأکید بر تحلیل عوارضی نظیر تراکم، مورفولوژی (ریخت‌شناسی) و تحول کاربریهای زمین در قالب الگوهای برآمده از اثرگذاریهای شهر استوار بود. البته جغرافیدانان انسانی و روستایی این‌گونه رویکرد را به‌نوبه خود مورد انتقاد قرار می‌دادند، اما بحثها بیشتر حول مسائل حاشیه- شهری باقی ماند. بررسیهای انجام شده در زمینه درک علل و پیامدهای این روابط اغلب به این نکته منتج شده است که این‌گونه روابط در دنیای غیرصنعتی پیوسته بر تحمیل نوعی ویژه از روابط سلطه با ماهیت استثماری از سوی شهرها بر محیطهای روستایی استوار بوده است.

هانس بوبک این‌گونه روابط سلطه را در کشورهای شرق اسلامی، از جمله ایران، در قالب سرمایه‌داری بهره‌بری (rent-capitalism) و روابطی انگلی و تحمیلی از سوی شهرها بر روستاها معرفی کرده است. اکارت اهلرس در بررسی خود درباره روند تکوین شهرهای سنتی و ماقبل سرمایه‌داری، در جمع‌بندی، ویژگیهای اساسی این نوع صورت‌بندی را این چنین معرفی می‌کند:

• شهرها نه تنها شالوده و اساس اولیه برپایی خود را مدیون حوزه روستایی پیرامونی هستند، بلکه این حوزه از طریق مازاد تولید، اساس تغذیه جمعیت شهری را فراهم می‌سازد و درعین حال، بازاری برای تولیدات نهایی و یا نیمه تمام شهری بشمار می‌آید؛

• شهرها محل اصلی اقامت زمینداران بزرگ (مالکان غایب) است؛ از این رو

• ارزش افزوده تولیدی در روستاها به مراکز شهری انتقال می‌یابد و درواقع، شهرها این‌گونه عواید را از آن خود ساخته و آن را غصب می‌کند؛ علاوه بر این،

• روستاها مراکز تولید و شهرها کانونهای بازاری و تجارت متکی بر (تولیدات) عرصه‌های روستایی بشمار می‌روند؛ و به این ترتیب،

• شهرهای سنتی بر مبنای فعالیت اقتصادی حومه روستایی

- رئیس‌دانا، فریبرز. *دموکراسی در برابر بی‌عدالتی*. تهران: نشر علم، ۱۳۸۱.

- هاروی، دیوید. *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۱.

- ازل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.

فریبرز رئیس‌دانا

روابط شهر و روستا

Rural-Urban Relations

روابط شهر و روستا مجموعه روابط کالبدی- فضایی، اجتماعی- اقتصادی و حقوقی- سیاسی سکونتگاههای روستایی با کانونهای کوچک و بزرگ شهری را شامل می‌شود. بحث از روابط شهر و روستا در بررسیهای علوم اجتماعی، به‌ویژه مطالعات جغرافیایی، از سابقه‌ای نسبتاً طولانی برخوردار است، اما سرآغاز بحثهای جدی و علمی در این باره بیشتر به دهه ۱۹۴۰م باز می‌گردد. یکی از پیشتازان این مبحث، هانس بوبک (Hans Bobek)- جغرافیدان اتریشی- است که در ۱۹۴۸م برای نخستین بار کوشید این مقوله را در چارچوبی نظری مطرح سازد. او در مقاله‌ای عنوان «مراحل اساسی تکامل اجتماعی- اقتصادی از دیدگاه جغرافیا» (۱۹۴۸م)، این‌گونه روابط را، به‌ویژه در خاورمیانه، نوعی صورت‌بندی اجتماعی- اقتصادی و مرحله‌ای مستقل در روند تکوین تاریخی بشمار آورد که بین ۲ مرحله جامعه زراعی سازمان یافته (طبقاتی) اربابی و سرمایه‌داری تولیدی قرار می‌گرفت. کاربری مفاهیمی همچون حومه (Umland) و حوزه نفوذ (Hinterland) که امروزه به‌صورت گسترده‌ای مورد استفاده است، ابزار اولیه این بحث بود.

در کشورهای انگلوساکسون نیز همین‌گونه مباحث، به‌ویژه در مطالعات شهری جای خود را به تدریج باز کرد. در کشورهای انگلوساکسون، نخستین کوششها در تدقیق

روابط شهر و روستا

قابل فهم و چاره‌جویی است. براین‌مبنا، شناخت صحیح روابط جاری میان محیط‌های روستایی و شهری می‌تواند به کوشش در راستای تغییر ساختاری- عملکردی روابط و مناسبات موجود و در نتیجه، برقراری پیوندهای مناسب یاری رساند؛ بی‌توجهی به این مهم، مسلماً به تعمیق بیشتر نابرابریها میان کانونهای شهری و محیط‌های روستایی خواهد انجامید (← پیوندهای روستایی- شهری).

کتاب‌شناسی:

- اهلرس، اکارت. *ایران: شهر، روستا، عشایر*، ترجمه عباس سعیدی، تهران: انتشارات منشی ۱۳۸۰.
- Bobek, H. "Soziale Raumbildungen, am Beispiel des Vorderen Orients", *Dt. Geographentag Muenchen*. Landshut, ۱۹۵۰, S. ۱۹۳-۲۰۷, ۱۹۴۸.
- Bobek, H. "Die Hauptstufen der Gesellschafts-und Wirtschaftsentfaltung in Geographischer Sicht", *Erde*, ۴۰. S. ۲۵۹-۲۹۸, ۱۹۵۹.
- Bobek, H. "Entstehung und Verbreitung der Hauptflurformen Irans: Grundzuege Einer Sozialgeographischen Theorie", *Mitteilungen der Oestereichischen Geographischen Gesellschaft*. ۱۱۸, ۱۹۷۵/۷۶, S. ۲۷۴-۳۲۲.
- Douglass, Mike. "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-urban Linkages", *TWPR*. ۲۰(۱), pp. ۱-۳۳, ۱۹۹۸.
- Friedmann, John. *Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela*. Cambridge, Mass.: MIT Press, ۱۹۶۶.
- Friedmann, John. *Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, ۲۰۰۳.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Satterthwaite, D. "Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural-Urban Differences and Rural-Urban Linkages", *The World Bank's Forum on Urban Poverty Reduction in the ۲۱st Century*. April ۲۰۰۰.
- Tacoli, C. "Rural-Urban Interactions", *Environment and Urbanization*. Vol. ۱۰, No. ۱, April, ۱۹۹۸.
- Van Veenhuizen. *The Rural-Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۲.

پیرامون خود و برای آن دوام می‌یابند؛ در نتیجه،
• روند تکوین اجتماعی- اقتصادی با پویای ناچیز خود، منجر به رشد شهرها و واپس ماندن محیط‌های روستایی می‌شود.

اهلرس علل دیرپایی این روابط را با عنایت به ۳ ویژگی اصلی آنها، این چنین معرفی می‌کند: پیوند تنگاتنگ حاکمیت (دولتی) و شهر؛ بازرگانی شهری براساس عواید حاصل از بهره (رانت) تولیدات روستایی؛ و آمادگی ناچیز زمینداران بزرگ برای سرمایه‌گذارهای تولیدی.

علاوه‌براین، روابط شهرها و روستاهای پیرامونی آنها ضمناً به‌عنوان بحث کانونی نظریه توسعه و بررسی جنبه‌های مثبت یا منفی روابط مرکز- پیرامون، آنچنان‌که جان فریدمن آن را مطرح ساخته، مورد بحث بوده است. زیربنای این نظریه بر نکات و جنبه‌های زیر استوار است:

• روندها و پیامدهای رشد سریع شهرگرایی (شهرگرایی) و گسترش شهری در کشورهای غیرصنعتی؛

• مسئله تعریف و تبیین عملکردی عرصه‌های مختلف شهر، شهرهای کوچک و روستاها بر مبنای تفاوت‌های ذاتی و ماهوی موجود میان آنها، به‌ویژه آنجا که رشد و گسترش محیط‌های شهری، به‌خصوص کلانشهرها (← کلانشهر)، به‌سرعت با پدیده خورندگی چشم‌انداز همراه است؛

• شهرها در دنیای غیرصنعتی اغلب دروازه‌های ارتباطی مابقی عرصه‌های کشور با بازارهای جهانی (بین‌المللی) بشمار می‌روند و برهمین‌اساس عمل می‌کنند.

مایک داگلاس که رویکرد نزدیک به فریدمن دارد، مباحث مرتبط با روابط شهر و روستا را صرفاً در قالب نگرش قطب رشد مطرح می‌سازد. البته، جنبه‌های انتقادی او از نگرشهای قطب رشد، به‌ویژه در مقایسه با رویکرد مورد حمایت خود (رویکرد شبکه منطقه‌ای) و به‌ویژه در بحث از توسعه منطقه‌ای روستایی، قابل توجه و آموختنی است.

اهمیت توجه به مناسبات شهر و روستا تا بدانجاست که بسیاری معتقدند، برای فهم و تعدیل پویایی جریان فقر، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه که در معرض شهرنشینی شتابان قرار دارند، تنها در قالب تأکید بر نحوه و دامنه روابط متقابل و تعامل میان عرصه‌های روستایی و شهری

روابط میان‌سازمانی

مستقیم زیر نظارت مقامات وزارتی نیست، بر یک سلسله سازمانهای خاص. این سازمانها ظاهراً مستقل به نظر می‌رسند؛

• **نظام نظارتی.** براساس این نظام، ناظران حکومتی، هماهنگی میان سیاستهای محلی را با حکومت مرکزی زیر نظر دارند. این ناظران از نظر سلسله مراتبی، هم‌مطراز مقامات محلی هستند.

الگوهای روابط میان سازمانی

روابط میان سازمانی را می‌توان برحسب درجه تمرکز و بر مبنای سه مؤلفه تبیین کرد: وظایف، اختیارات و چگونگی رابطه دستگاههای محلی با دستگاههای مرکزی. با توجه به این مؤلفه‌ها، دستگاههای محلی از نظر دامنه ارائه خدمات در حوزه خود، چگونگی تأمین مالی برای انجام این خدمات و ماهیت ارتباط با سازمانهای مرکزی، ممکن است دارای استقلال بیشتر یا کمتری باشند. میزان استقلال این گونه سازمانهای محلی می‌تواند درجه تمرکز یا عدم تمرکز حکومت بشمار می‌رود. به عنوان نمونه، در کشورهای اروپای شمالی، از جمله در کشورهای اسکاندیناوی و انگلستان، سازمانهای محلی امور بیشتری را برعهده دارند و بین مقامات مرکزی و مقامات محلی تقسیم کار روشن‌تری وجود دارد، در حالی که در کشورهای اروپای جنوبی، از جمله ایتالیا و اسپانیا، حکومتهای محلی امور کمتری برعهده دارند و اعتبارات مالی کمتری نیز برای امور اجتماعی در اختیار دارند. در اروپای شمالی، اختیارات دستگاههای محلی حکومت مبنای قانونمند دارد و این دستگاهها، براساس قوانین مدون، وظایف خود را انجام می‌دهند، حال آنکه در کشورهای اروپای جنوبی، رابطه دستگاههای مرکزی و محلی، تابع مقررات اداری و نظارت همه‌جانبه مرکز قرار دارد.

الگوی روابط میان سازمانی در کشورهای در حال توسعه متأثر از سطح و درجه عمومی توسعه سیاسی و اقتصادی آنهاست. در کشورهایی که مستقیماً زیر سلطه استعمار قرار داشته‌اند، سازمانهای محلی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده‌اند. این وضعیت می‌توانست در دورهٔ پسا-

عباس سعیدی

روابط میان‌سازمانی

Inter-Organizational Relations

روابط میان سازمانی در سازمانهای حکومتی عبارت است از مجموعه‌ای از روابط و پیوندهایی که بین واحدهای مدیریتی مرتبط با حکومت در رده‌های مختلف جریان دارد. این روابط ماهیتاً چندلایه، مستمر و پویا هستند. در دولتهای بسطی، روابط مدیریتی در این سطح بین سازمانهای مرکزی و سازمانهای محلی و در دولتهای مرکب، رابطه بین سازمانهای چندگانه حکومتی برقرار است.

روابط میان سازمانی برحسب میزان تمرکز یا عدم تمرکز ساختار حکومتی، شکلهای گوناگونی دارد که اساساً به چگونگی هماهنگ کردن فعالیت دستگاههای مختلف کشوری - از بالا به پائین - دلالت دارند. به این منظور، شیوه‌های مختلفی مرسوم است که به گونه زیر دسته‌بندی می‌شوند:

• **توزیع اختیارات از بالا به پائین و بر مبنای سلسله مراتب سرزمینی بین سازمانهای حکومتی و مقامات کشوری.** در دولتهای بسطی این توزیع اختیارات ماهیتاً اداری است، اما در دولتهای فدرال علاوه بر وجه اداری، دارای وجه سیاسی نیز هست؛ به این معنا که تفکیک اختیارات و حدود آن بنا بر قانون اساسی تعیین و تثبیت شده است و بازنگری در آن مستلزم بازنگری در قانون اساسی، با توجه به الزامات خاص آن است. در این شیوه، با فدرالیسم یا نظام فدرال سروکار داریم؛

• **تفویض اختیارات از تشکیلات مرکزی به تشکیلات محلی به منظور کاهش تمرکز اداری.** در این شیوه، اعمال اقتدار سیاسی در محدوده‌های تعریف شده به نهادهای محلی و غالباً منتخب مردم تفویض می‌شود؛

• **واگذاری کار تصمیم‌سازی (تصمیم‌سازی) و مناصب مدیریتی در موارد خاص برای کارهای معینی که به‌طور**

استعماری، شرایط مناسبی برای اجتناب از تمرکزگرایی (←) تمرکزگرایی)، که کشورهای درحال توسعه نوعاً گرفتار آند، فراهم کند، اما در غالب موارد، سازمانهای محلی آنها به ابزار دیوانسالاری متمرکز تبدیل شده‌اند.

رویکردهای نظری

در بحث نظری از روابط میان سازمانی، ۲ رویکرد غالب مطرح است:

- در رویکرد نخست که بیشتر توصیفی است، رابطه مرکز-محل بیشتر با ارجاع به درجه فایده بخشی تمرکز و به منظور کارآمدی مدیریت مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ و
- رویکرد دیگر که جنبه تحلیلی بیشتری دارد، با نظریه مرکز-پیرامون در مکتب وابستگی پیوند دارد. این رویکرد بر رابطه بین نهادهای سیاسی مرکز از یکسو و منافع گروهی و سازمانهای سیاسی پیرامونی از سوی دیگر استوار است. براساس این رویکرد، مرکز به عنوان حوزه اقتصادی پیشرفته‌تر، نقاط عقب‌افتاده حاشیه یا پیرامون را زیر سلطه خود دارد. مبنای نظری این رویکرد که در بحث از روابط کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه جایگاه خاصی دارد، به مباحث روابط میان‌سازمانی راه یافته است. به نظر می‌رسد، تسلط سازمانهای مرکزی بر سازمانهای محلی و کنترل شدید بر آنها، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، ناشی از این نیست که سازمانهای مرکزی از کادرهای آموزش‌دیده و متخصص بهتری برخوردارند، بلکه ناشی از آن است که مناسبات تولیدی در این کشورها، با مداخله دولت بسط و سازمان می‌یابد؛ در نتیجه، سلطه سازمانهای مرکزی از نوع نفوذ سیاسی است و نه تقسیم کار اداری.

روند آتی

کارشناسان بر این عقیده‌اند که حرکت آشکاری به سمت تمرکز بیشتر، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای درحال توسعه، به چشم می‌خورد. البته این روند مانع از تفکیک بیشتر در درون خود دستگاه حکومت مرکزی نیست. به این ترتیب، روند آتی از یکسو، به سمت

انفکاک بیشتر در درون دستگاه حکومت مرکزی و از سوی دیگر، تمرکز در رابطه مرکز-محل است. دهه ۱۹۸۰م، با رشد نئولیبرالیسم، شاهد چالش ایدئولوژیک علیه تمرکزگرایی بود. جریان راست جدید که تمرکزگرایی را مانع رشد بازار و گستره رقابت بازاری می‌دانست، بر کاهش نقش دولت تأکید داشت. جریان خصوصی‌سازی (← خصوصی‌سازی) که از اواخر دهه ۱۹۷۰م آغاز شد، کنترل مستقیم بر مالکیت را در مقابل کنترل ناشی از تصدی‌گری دولت قرار داد. البته، این امر تنها شکل مداخله دولت را تغییر می‌دهد و در واقع، همراه با شکل‌های تازه مداخله‌گری دولت، موقعیت انحصاری سرمایه را تقویت می‌کند. فرایند تمرکزگرایی در شکل جدید، عوارضی را در پی داشته است که از جمله عبارتند از:

- کاهش توانایی فرد در درک کلیت نظام؛
- کاهش سطح مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی؛
- کاهش دسترسی عموم به تصمیم‌سازان؛ و
- افزایش مشارکت متخصصان در تصمیم‌سازی.

کتاب‌شناسی:

- Cheema, C. and Rondinelli, D. *Decentralization and Development*. London: Sage Publications, ۱۹۸۳.
- Rhodes, A. *Intergovernmental Relations: Unitary Systemes, Encyclopedia of Government and Politics*. Mary Hawkesworth and Maurice Kogan (eds), London: Routledge, ۱۹۹۶.
- Wallis, M. *Bureaucracy: Its Role in Third World Development*. London: MacMillan, ۱۹۸۹.
- Wright, D. "Intergovernmental Relations: An Analytical Overview", *Annals of the American Academy of Political and Social Science*. V. ۴۱۶ (November): ۱-۱۰, ۱۹۷۴.

کمال پولادی

روستا

Village

گرچه روستا در نظر اول مفهومی روشن به نظر می‌آید، اما تعریف آن پیوسته یکی از دلمشغولیهای دست‌اندرکاران

روستا

سکونتگاههای روستایی به بخش کشاورزی و زیربخشهای آن، از جمله زراعت، دامداری، صید و شکار، جنگلداری و مانند آن مربوط می‌شود. به این ترتیب، هرچند معمولاً فعالیت زراعی را فعالیت اصلی روستاها بشمار می‌آورند، اما در کنار روستاهای زراعی، روستاهای دیگری با عملکردهای متفاوت وجود دارند که از آن میان می‌توان از روستاهای صیادی، روستاهای استخراجی، روستاهای استخراجی، روستاهای صنعتی و مانند آن نام برد. برای اساس و بر مبنای نوع عملکرد غالب، هر یک از سکونتگاههای روستایی دارای ویژگیهای خاص خود هستند که همین خصوصیات آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. به عنوان نمونه، روستاهای استخراجی در نزدیکی معادن پدیدار می‌شوند و اغلب دارای محیطی کارگری هستند و از لحاظ زیست محیطی معمولاً آلوده‌اند. در مقابل، روستاهای توریستی اغلب دارای مناظر دیدنی، بناهای باستانی، تأسیسات تفریحی و استراحتگاهی و مانند آن بوده، محیطی آرام و پاکیزه دارند.

نکته قابل توجه در تمام انواع روستاها که مبین تفاوت آنها با شهرها نیز بشمار می‌رود، نوع فعالیت آنهاست. به سخن دیگر، در روستاها بیشتر جمعیت به یک نوع فعالیت خاص اشتغال دارند که فعالیت غالب آن روستا بشمار می‌رود. البته تقریباً در تمام سکونتگاههای روستایی (← سکونتگاه روستایی)، در کنار فعالیت غالب، فعالیتهای دیگری نیز رواج دارد. این فعالیتهای را می‌توان به طور کلی به ۲ دسته تقسیم نمود:

- فعالیتهای حاشیه‌ای؛ و
 - فعالیتهای مکمل.
- فعالیتهای حاشیه‌ای یا مشاغل جنبی، فعالیتهایی هستند که بعضی از ساکنان روستا برای پاسخگویی به پاره‌ای نیازهای اجتماعی به آن می‌پردازند، مانند آهنگری، مغازه‌داری و مانند آن. در مقابل، فعالیتهای مکمل، فعالیتهایی را شامل می‌شود که خانوار روستایی در کنار فعالیت غالب خود و برای کسب درآمد اضافی یا تکمیلی، انجام می‌دهد. این گونه فعالیتهای به نوبه خود به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:
- فعالیتهای مکمل درون روستا؛ و

مطالعات سکونتگاهی بوده است. تعریف روستا را از نظر مفهومی، اغلب، در مقایسه با مفهوم شهر مورد بررسی قرار می‌دهند، زیرا همیشه به سادگی نمی‌توان مرز کاملاً مشخصی میان روستا و شهر قائل شد و یا با ارائه تعریفی کوتاه، این ۲ نوع سکونتگاه انسانی را از یکدیگر مجزا کرد. گذشته از این، واحدهای سکونتگاهی دیگری، مانند دهکده، کلاته، قلعه و یا مفاهیمی کلی مثل آبادی نیز مطرح هستند که تفکیک هر یک از آنها از دیگری مستلزم تعریفی دقیق و قراردادی است. علاوه بر این، تشخیص واحدهای مختلف سکونتگاهی و تمایز آنها از یکدیگر، معمولاً از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. این تفاوتها قاعده‌تاً به ۲ علت مطرح می‌شوند:

- تقسیمات متفاوت اداری-سیاسی؛ و
 - تعاریف وضعی و قراردادی.
- بر این اساس، تعاریف مختلفی از روستا وجود دارد که هر یک برای منظوری خاص و بر مبنای معیار یا معیارهای معینی ارائه شده‌اند؛ از جمله این گونه تعاریف، تعریف مبتنی بر قلمروهای عرفی است که از آن در بررسیهای آماری یا ثبتی استفاده می‌شود. مانند تعریف مرکز آمار ایران از روستا به مثابه نوعی آبادی و یا تعریف وزارت کشور که مبتنی بر شمار قراردادی جمعیت است.
- برای تمایز روستا از شهر می‌توان شاخصهای معینی را در نظر گرفت؛ مهم‌ترین این شاخصها عبارتند از:
- وسعت؛
 - تعداد و ترکیب جمعیت؛
 - نوع و دامنه فعالیت اقتصادی؛
 - ویژگی قشر بندی اجتماعی؛
 - درجه پیچیدگی روابط و مناسبات؛ و
 - دامنه برخورداری از نهادها و خدمات گوناگون.

اگرچه وسعت و اندازه روستاها را می‌توان بر حسب تعداد واحدهای مسکونی یا سطح کل اراضی تعیین کرد، اما معمولاً بزرگی و کوچکی روستاها را با توجه بشمار جمعیت آنها می‌سنجند. گذشته از شمار جمعیت، نوع معیشت و عملکرد اقتصادی از مهم‌ترین معیارهای تمایز میان روستا و شهر است. بیشترین نسبت فعالیت در اغلب

• فعالیتهای مکمل بیرون از روستا.

به عنوان نمونه، خانوارهای ساکن در روستاهای زراعی ممکن است تعدادی دام کوچک یا بزرگ نگهداری کنند و یا به پرورش طیور پردازند و یا آنکه زمانی که فصل کشت و کار در روستا به پایان می‌رسد، برای کار به شهر مراجعه کنند.

یکی دیگر از وجوه تمایز روستاها از شهرها، دامنه برخورداری از امکانات مختلف و میزان دسترسی به خدمات گوناگون است. سکونتگاههای روستایی، در مقایسه با مراکز شهری، از واحدهای متنوع خدماتی، تأسیسات و نهادهای گوناگون اداری، اجتماعی و اقتصادی کمتری برخوردارند؛ از این رو، با توجه به این گونه محدودیتها، کارکردهای آبادیهای روستایی از نظر دامنه، محدود و از لحاظ امکان دسترسی به تأسیسات و امکانات مختلف خدماتی، محدود است.

با وجود تمام جنبه‌های مورد بحث، تعریف روستا و تفکیک آن از شهر، امری نسبی است. با توجه به این نسبی بودن، برخی پژوهشگران معتقدند، مستقل از تعاریف رسمی و یا علمی برای تشخیص روستا از شهر، نکته اساسی این است که بدانیم ساکنان یک مکان، محل زندگی خود را چگونه تعریف می‌کنند و بر این مبنا، خود را روستایی می‌دانند یا شهری؟ از سوی دیگر، برخی اعتقاد دارند، نسبی بودن تعریف و مفهوم روستا (و شهر)، نه تنها تابع شرایط مکانی، بلکه ضمناً تابع زمان است؛ یعنی در شرایط زمانی مختلف این تعریف تفاوت می‌پذیرد، همان گونه که مفهوم روستا (یا شهر) در یونان و رم باستان نسبت به امروز متفاوت بوده است.

علاوه بر این، این نکته مورد تأکید بعضی از کارشناسان سکونتگاههای انسانی است که نمی‌توان و نباید روستا را در برابر شهر مطرح ساخت، بلکه باید هر یک از سکونتگاههای مختلف انسانی را، چه از نظر شمار جمعیت یا سطح برخورداری از امکانات و تأسیسات، جزئی از یک مجموعه و سطحی از سطوح مختلف یک سلسله مراتب بشمار آورد (← سلسله مراتب سکونتگاهی).

آنچه که مهم‌تر از این گونه تعاریف و تعبیر است، نقش

و اهمیت مکانی- فضایی و اجتماعی- اقتصادی سکونتگاههای روستایی است. روستاها، به ویژه در کشورهای غیرصنعتی، به عنوان محل زندگی و فعالیت بخش قابل توجهی از جمعیت، از جایگاه ارزنده‌ای برخوردارند. این نکته هنگامی آشکار می‌گردد که- به عنوان نمونه- بدانیم تا ۲۰۰۱م، ۷۳٪ از جمعیت هندوستان، ۶۶/۶٪ از جمعیت چین، ۶۹/۵٪ از جمعیت اندونزی، ۸۱/۸٪ از جمعیت افغانستان، ۸۳/۶٪ از جمعیت بنگلادش و ۸۷/۱٪ از جمعیت ایتوپی هنوز در عرصه‌ها و سکونتگاههای روستایی زندگی می‌کردند. این نسبت در ایران، برابر آمار رسمی ۱۳۸۵ش، حدود ۳۲٪ است. از سوی دیگر، علی‌رغم نسبت کم جمعیت روستایی در بسیاری از کشورهای صنعتی، نقش روستاها در تولید و جایگاه نوین آنها در مجموعه عملکردها و روابط اجتماعی- اقتصادی جامعه مورد توجه و تأکید ویژه قرار دارد.

به این ترتیب، با تکیه بر این نکات و معیارها، تعریف روستا بایستی حاوی ۲ جنبه باشد:

- نخست آنکه بر اساس معیارهای کلی استوار باشد؛ و
 - دیگر اینکه، به طور نسبی، مورد قبول کارشناسان باشد.
- بر این مبنا، می‌توان روستا را فضایی/ اجتماعی دانست که با برخورداری از تراکم نسبی ناچیز جمعیت و نوع غالبی از فعالیت اقتصادی، بیشتر ساکنان آن بیشتر به فعالیتهای بخش اول اقتصادی (کشاورزی) می‌پردازند.

اجزای اصلی این تعریف عبارتند از:

- **فضای اجتماعی.** بنابر تعریف، هر فضای اجتماعی، به مثابه نوعی فضای جغرافیایی، در مکان مشخص و بر اساس روابط و مناسبات اجتماعی معین شکل می‌گیرد. این روابط و مناسبات که در عرصه‌های محدود و مشخص روستا جریان می‌یابند، معمولاً در چارچوبهای متعارف و مورد پذیرش عموم مطرح می‌شوند. از سوی دیگر، روستا به عنوان فضای اجتماعی، نه تنها از عوامل و نیروهای محیطی- اکولوژیک و فرهنگی تأثیر می‌گیرد، بلکه با توجه به خصوصیات و قابلیت‌های خود، بر این مجموعه عناصر اثرگذار است؛ در چارچوب این کنش متقابل، یعنی جریان اثرگذاری و اثرپذیری، هم بستر محیطی- اکولوژیک و هم

روستا - شهری

- در ایران»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۶، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۶۹.
- فشارکی، پریدخت. *جغرافیای روستایی*. چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
- Bobek, Hans. "Ueber den Einbau der Sozialgeographie, Betrachtungsweise in die Kulturgeographie", *Abhandlungen des deutschen Geographentages* (۱۹۶۱), ۱۹۶۲.
- Gilg, B. *Introduction to Rural Geography*. London, ۱۹۸۶.
- Pacione, M. *Rural Geography*. London, ۱۹۸۴.
- Born, M. *Geographie der laendlichen Siedlungen*. Stuttgart, ۱۹۷۷.
- White, P. "Rural Geography", *A Dictionary of Human Geography*. R. Johnston, et al (eds), Oxford, ۱۹۸۸.

عباس سعیدی

روستا - شهری

Rurban

ترکیب یافته از ۲ واژه انگلیسی rural (روستایی) و urban (شهری)، به معنای عرصه‌هایی که بیشتر در حاشیه شهرها پدید می‌آیند و به صورت نه شهر- نه روستا، تلفیقی از نشانه‌های زندگی شهری و روستایی دارند.

سابقه این مفهوم را باید در کاربرد اصطلاح حاشیه شهری (urban fringe) که نخستین بار جغرافیدانان آمریکایی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰م مطرح ساختند، جستجو کرد. مفهوم اخیر در آغاز به معنای عرصه‌ای به کار می‌رفت که در آن رشد و گسترش حومه (شهری) تحقق می‌یافت و کاربری‌های روستایی زمین به‌صورتی بینابینی و مخلوط مشاهده می‌شد؛ براین اساس، حاشیه شهری جایی بود که عرصه در حال گذار (transition zone) بین شهر و روستا بشمار می‌آمد. در آن زمان، رویکردهای مورفولوژیک (ریخت‌شناختی) و کارکردگرا بر این‌گونه بررسیها غلبه داشتند که اساساً، بر تحلیل جنبه‌هایی نظیر تراکم،

عرصه فرهنگی، کم و بیش دچار دگرگونی می‌شود و بدینسان، فضای اجتماعی نیز تغییر می‌پذیرد. براین اساس می‌توان گفت، فضای اجتماعی روستاها پیوسته در معرض تغییر و دگرگونی است.

• **تراکم جمعیتی**. آشکار است که وقتی از تراکم ناچیز جمعیتی در محیطهای روستایی سخن می‌گوییم، منظور مقایسه آن با محیطهای شهری است که در آن، جمعیتی نسبتاً متراکم در عرصه‌ای محدود زندگی می‌کنند. بنابراین، با توجه به نوع و الزامات فعالیت غالب در روستاها، اصولاً نباید انتظار داشت که این‌گونه محیطها بتوانند جمعیت زیاد و متراکمی را پذیرا باشند.

• **فعالیت اقتصادی**. دامنه فعالیتها در محیطهای روستایی مشخص و نسبتاً محدود است. این فعالیتها بیشتر در بخش و زیربخشهای کشاورزی به انجام می‌رسد. به این ترتیب، فعالیتهای بخش دوم، یعنی صنعت و بخش سوم، یعنی خدمات و بازرگانی، بسیار محدود است.

بر مبنای این معیارها، ویژگیهای شاخص محیطهای روستایی عبارتند از:

- محدود بودن فعالیتهای بخشهای دوم و سوم اقتصادی، یعنی صنعت و خدمات و بازرگانی؛
- بروز و روند روابط اجتماعی و اقتصادی در عرصه‌های مشخص و معین؛ و
- هویت جمعی مشترک که با نام روستا تبیین می‌گردد.

کتاب‌شناسی:

- حسینی ابری، حسن. *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*. چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.
- سعیدی، عباس. «ملاحظات در قضیه ماهیت و قلمرو دانش جغرافیا»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۶، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. «دامنه، شالوده و هدفهای جغرافیای روستایی»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۶، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- شافر، فرانتس. «درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی»، ترجمه عباس سعیدی، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. سال ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۶۸.
- ضیاء توانا، محمدحسن. «نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن

فضاهای شهری و این واقعیت، شیوه زندگی و خرده فرهنگ ویژه و دوگانه‌ای را مطرح می‌سازد که برای این مردمان با مصائب متعددی، از جمله فقر و بیکاری، همراه است. روند رو به رشد مهاجرت‌های روستایی - شهری (← مهاجرت روستایی - شهری) پدیده‌ای است که تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است؛ این پدیده از روندی جهانی و بازگشت‌ناپذیر تبعیت می‌کند. براساس داده‌های جهانی، اکنون در آستانه سده ۲۱م، سابقه سکونت شهری نیمی از فقرای شهری، به‌ویژه در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین، حداکثر ۱۰ سال است.

در بحث از توسعه و شهرگرایی (← شهرگرایی)، به‌طور سنتی، از مباحثی دوسویه نظیر شهری - روستایی، سنتی - مدرن، رسمی - غیررسمی و مانند آن سخن به میان می‌آید؛ در واقع، بحث لفظی بر سر مفاهیمی این چنین و تفاوت‌گذاری صرف میان قلمروهای شهری و روستایی برای شناسایی و تفکیک اجتماع و چشم‌انداز روستایی - شهری (و نیز روستاهای مجاور شهرها)، به‌مثابه محیط‌های مرزی یا گذار، نمی‌تواند مناسب، کافی و در حل و تعدیل نارسائیهای مبتلا به این‌گونه عرصه‌ها کارآمد باشد.

کتاب‌شناسی:

- Friedmann, John. *Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, ۲۰۰۳.
- Iaquina, D.L. & Drescher, A.W. "Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts", *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. (August ۱, ۲۰۰۰), Rio de Janeiro, ۲۰۰۰.
- Jerve, A.M. "Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis", *Choices for the Poor*. UNDP, Oslo (Norway), ۲۰۰۱.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing abate*. UNDP, ۲۰۰۱.
- Satterthwaite, D. "Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural-Urban Differences and Rural-Urban Linkages", *The World Bank's Forum on Urban Poverty*

ریخت‌شناسی و تحول کاربریهای زمین در قالب الگوهای برآمده از اثرگذاریهای شهری استوار بودند. البته، این نوع رویکردها و بررسیها مورد انتقاد بسیاری قرار داشت؛ استدلال منتقدان آن بود که چشم‌اندازهای در حال گذار بین شهر و روستا الزاماً منتج از روندهای اثرپذیری از کانونهای شهری نیست، زیرا بسیاری از افراد و خانوارهای روستایی، به‌ویژه در روستاهای مجاور شهرها، منبع معیشتی چندگانه دارند که ممکن است، از فعالیت زراعی تا ارائه خدمات و تا کار در فراوری و تولید صنعتی را شامل شود. به‌این ترتیب، بسیاری از خانوارها و افراد روستایی درآمد خود را از فعالیتهای غیرزراعی (کشاورزی) به‌چنگ می‌آورند. برهمین مبنا، مفهوم روستا - شهری یا روستایی - شهری وضع و پیشنهاد شد.

در دهه ۱۹۷۰م از نو مباحث نظری - ادراکی پرده‌ای دوباره این‌گونه مفاهیم درگرفت و اصطلاحات تازه‌ای مطرح شد: بعضی به تبیین تفاوت‌های موجود بین حاشیه شهر و حومه (suburb) پرداختند. برخی دیگر فراتر رفته، اصطلاحاتی همچون شبه حومه (pseudo-suburb)، اقمار شهری (satellites)، شبه اقمار (pseudo-satellites)، حاشیه درون شهری (inner urban fringe) و حاشیه برون شهری (outer urban fringe) را مطرح ساختند. بعضی دیگر کوشیدند، میان حاشیه شهر و حاشیه روستایی - شهری تفاوت قائل شوند و بالاخره، برخی حتی برای تبیین تفاوت در قلمروهای پیرامونی شهرها، مفهوم نواحی روستایی غیر زراعی (rural nonfarm areas) و یا نواحی روستایی زراعی (rural farm areas) را پیشنهاد کردند.

سرشت اصلی عرصه‌های روستایی - شهری را می‌توان در ۲ نکته ظاهراً متضاد، اما هم پیوند زیر خلاصه نمود:

- فقدان ارزشها و تسهیلات شهری، همچون کمبود زیرساختهای مناسب، خدمات، مقررات و مانند آن؛ و
- ارزشها و معیارهای رو به افول روستایی، همچون قیمتهای بالای زمین، کمبود خاک حاصلخیز، همیاری، تجانس اجتماعی و مانند آن.

ساکنان این گونه عرصه‌ها ۲ نوع تعلق فضایی دارند: از یکسو تعلق به فضاهای روستایی و از سوی دیگر، تعلق به

روستای جدید

می‌تواند در ۲ عرصه وجودی و عملکردی مطرح گردد:

- نخست، برپایی نقاط جدید و فعال اجتماعی - اقتصادی که با توجه به تفاوت‌های محلی و ناحیه‌ای، در تحقق بسیاری از عملکردهای اجتماعی - اقتصادی (به‌ویژه فعالیت‌های بخش اول اقتصادی) کارساز باشند؛ و دیگر،
- استقرار مکان‌های جدیدی که به‌نوبه خود، از طریق تسری نوآوریها، می‌توانند به تحول و زمینه‌سازی رشد و توسعه روستاهای پیرامونی یاری رسانند.

فلسفه مبنایی برپایی روستاهای جدید به تحولات همه جانبه زندگی شهری و ضرورت همپایی سکونتگاه‌های روستایی با این‌گونه دگرگونیها، در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی، باز می‌گردد. با وجود آنکه این همپایی در بسیاری موارد، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به خاطر سلطه سنت‌های دیرپای زندگی و فعالیت، با موانع جدی همراه بوده است، کوشش در راستای امکان‌سنجی نظری و برپایی عملی روستاهای جدید و نیز نوین‌سازی عملکردی روستاهای سنتی مورد توجه بوده است.

برپایی روستاهای جدید را از جنبه‌ها و ابعاد مختلف می‌توان مورد توجه قرار داد. مهم‌ترین ویژگیها و پیامدهای منتج از شکل‌گیری روستاهای جدید، در چارچوب مباحث توسعه پایدار، به شرح زیر قابل بررسی است:

ابعاد محیطی - بوم‌شناختی

تغییر جایگاه روستاها از لحاظ رشد و گسترش و جایابی جدایی طلبانه در روند نوسازیها، موجب دست‌اندازی غیرمنطقی به منابع محدود آب و خاک، تغییر غیرضرور چشم‌انداز طبیعی و چهره بوم‌شناختی در محیط‌های روستایی می‌گردد. بنابراین، شکل‌گیری و تحول روستاهای جدید در موقعیت کنونی روستاها از طریق برنامه‌های همه جانبه نوین‌سازی، می‌تواند در صرفه‌جویی و ذخیره منابع ارزشمند و کمیاب روستایی، به‌ویژه منابع آب و خاک، بدون تغییر غیرضروری کاربریها، مؤثر واقع گردد. در این راه بایستی توجه به ابعاد و جنبه‌های چندی مورد عنایت خاص قرار گیرد که از جمله عبارتند از:

- تأکید بر انطباق اقدامات و کاربریهای جدید با ساختار

Reduction in the ۲۱st Century. April ۲۰۰۰.

- Tacoli, C. *Bridging the Divide: Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies*. IIED, Gatekeeper Series, No. SAVV, London, ۱۹۹۸.
- Tacoli, C. *Rural-urban Linkages and Pro-Poor Agricultural Growth*. IIED, Hesinki Workshop, ۱۷-۱۸, ۲۰۰۴.
- Van Veenhuizen. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۲.

عباس سعیدی

روستای جدید

New Village

آبادی یا سکونتگاهی غیرشهری که به خاطر دگرگونی طبیعی یا تحول شرایط زیستی بهنگام اجرای برنامه‌های رشد و توسعه یا بازسازی و نوسازی، مثلاً بعد از وقوع سوانح طبیعی، جنگ، یا به دلایل نظامی و مانند آن، در جای خود و یا محل دیگر براساس طرح و الگوی از پیش تعیین شده و معمولاً با تغییر عملکردی، از نو شکل می‌گیرد. براین اساس، روستاهای نوین، روستاهای در حال گذار، روستاهای با عملکردهای متحول و نوین و همچنین شهرکهای روستایی و یا مجتمع‌های زیستی غیرشهری که از ادغام روستاهای کوچک پدیدار می‌شوند، جزء این گروه از روستاها بشمار می‌آیند. علاوه براین، در مواردی روستاهای جدید ممکن است براساس طرح و نقشه قبلی و با عملکردهای اجتماعی - اقتصادی ویژه، به‌منظور اسکان عده‌ای از ساکنان پیشین روستاهای مجاور و یا اسکان گروه‌های کوچرو، در محل جدیدی برپا گردند.

روستاهای جدید از لحاظ کارکرد فضایی بیشتر به‌عنوان مکان‌های مرکزی روستایی قلمداد می‌شوند و در کنار سایر ویژگیها و کارکردها، می‌توانند حلقه‌های رابط بین شهر و روستا بشمار آیند. بدینسان، استقرار روستاهای جدید

روستای جدید

• بررسی و ارزیابی موقعیت استقرار مسکن و دیگر تأسیسات و بارگذارهای اقتصادی، با توجه به پیشگیریهایی ممکن در مقابل سوانح طبیعی، از جمله سیلخیزی، آبگرفتگی، زلزلهخیزی، رانش و ریزش.

ابعاد اجتماعی - اقتصادی

آنچه که معمولاً به صورت خودبه‌خودی از طریق فعالیتهای ساخت‌وساز توسط روستائیان و یا در ارتباط با اقدامات بهسازی روستایی اتفاق می‌افتد، نهایتاً به تمرکز فعالیتهای عمرانی در بخشهای دست نخورده و یا حاشیه‌ای روستا و به معنایی، جدایی آبادی به ۲ بخش جدید و کهنه منتهی می‌گردد. با تفکیک فضایی آبادی به بخشهای نو و کهنه، همیشه این امکان وجود دارد که فرسایش اجتماعی و جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی در روستا مطرح شود: به این ترتیب، در هسته‌های اصلی و محلهای قدیمی محیط روستا معمولاً افراد مسن، کم درآمد و حاشیه‌نشین ساکن می‌شوند و در اطراف آن، گروههای با درآمد بیشتر استقرار می‌یابند و به دنبال آن، پیوندهای اجتماعی رو به ضعف نهاده و سرانجام، روابط و ارتباطات درونی تضعیف شده،

زمین، شکل ناهمواری و شیب اراضی؛

• دسترسی مناسب به منابع آب سطحی و زیرزمینی و بهره‌گیری بهینه از آنها، به منظور مصارف گوناگون شرب، آب بهداشتی و آبیاری، با توجه به میزان برداشتهای انسانی و تغذیه طبیعی آنها؛

• وجود منابع کافی خاک حاصلخیز، به منظور بهره‌برداریهای زراعی، باغی و تولید مواد غذایی؛

• توجه به نسبتهای سرانه جمعیت به آب قابل شرب، اراضی زراعی آبی و دیمی؛

• نحوه دفع فاضلاب و آبگیری سطح معابر بهنگام بارش؛

• نسبت سرانه دام به پوشش گیاهی با توجه به نوع آن؛

• نسبت اراضی ذخیره و تحت حفاظت، از جمله به منظور رشد و گسترش آتی کاربریها، نسبت به کل اراضی تحت قلمرو روستا؛

• توجه به روشهای آبیاری و شیوه‌های کشت (با عنایت به کاربرد کودهای شیمیایی و سموم آفات) و امکان پدیده شورش‌دگی و بیابانی شدن اراضی؛

• توجه به نوع و مصرف سوخت و نحوه تأمین انرژی؛ و بالاخره،



روستای جدید

به شکل برونزا و یکسویه بروز یابد که این امر خود ممکن است باعث گردد، امکانات و زیرساختهای موجود در هسته اولیه روستا به درستی مورد بهره‌برداری قرار نگیرند و در مقابل، در عرصه‌های بیرونی آبادی تأسیسات هزینه‌بر و اضافی برپا گردند. علاوه بر این، روستانشینان که به‌طور متعارف اغلب به فعالیتهای بخش اول، به‌ویژه زراعت و دامداری می‌پردازند، از لحاظ فعالیت و عملکرد نیز به سایر فعالیتهای، به‌ویژه فعالیتهای غیرتولیدی روی آورند و تغییرات غیرضرور پدیدار گردند.

براین اساس، در استقرار و شکل‌گیری روستاهای جدید، قاعدتاً لازم است در کنار این موارد و دیگر مسائل، به موارد و جنبه‌های زیر نیز توجه ویژه مبذول گردد:

- تعیین و تأکید بر نوع معیشت غالب و گذران اقتصادی ساکنان؛
- امکان‌سنجی فعالیتهای اقتصادی و تولیدی و انواع آن در درون یا بیرون از روستا؛
- ارزیابی نوع محصولات تولیدی و میزان اضافه تولید؛
- بررسی نحوه و دامنه دسترسی به بازار مبادلات کالایی؛
- تعیین نسبت جمعیت دارای زمین و بهره‌مند از منابع تولیدی روستا؛
- تشخیص و تعیین متوسط درآمد خانوارهای ساکن؛
- برآورد نرخ احتمالی بیکاری؛ و بالاخره،
- نسبت دستمزد زنان به مردان برای کار یکسان.

ابعاد کالبدی - فضایی

به دنبال گرایش جدید نوسازیهای خودجوش در محیطهای روستایی و همچنین در چارچوب اقدامات بازسازی، بهسازی و مانند آن توسط نهادها و دستگاههای ذی‌ربط، معمولاً به هسته‌ها و بناهای قدیمی روستایی کمتر توجه می‌شود و به این ترتیب، در چند دهه اخیر سکونتگاههای روستایی از جمله در ایران، البته با شدت و ضعف منطقه‌ای، از صورت مجموعه‌های زیستی متشکل از عناصر سنتی کالبدی به صورت سکونتگاههایی کم و بیش با رنگ و بوی شهری تغییر شکل داده‌اند. در همین ارتباط است که ضرورت طراحی و برپایی روستاهای جدید بیش از هر

نوعی از خود بیگانگی پدیدار می‌گردد.

بدینسان، چهره و هویت روستایی که اساساً حیات روستا نیز به آن تعلق دارد، رنگ می‌بازد و فرهنگ ویژه آن رو به اضمحلال می‌نهد و براین مبنای جنبه‌های همبستگی و پیوند و در نتیجه، امکانات هویت‌بخشی به روستا و روستایی از دست می‌رود. علاوه بر اینها، در پیگیری اندیشه درباره روستاهای جدید لازم است به پاره‌ای جنبه‌ها توجه مؤکدی شود که از آن جمله‌اند:

- جمعیت متعادل با ترکیب متناسب از لحاظ گروههای مختلف سنی و جنسی؛
- روابط و پیوندهای درون سکونتگاهی از لحاظ قومی، مذهبی و ...؛
- سرانه برخورداری از فضاهای مختلف زیستی، معیشتی و تدارکاتی واحدهای مسکونی خانوارهای روستایی؛
- نسبت جمعیت / خانوارهای زیرخط فقر، به کل جمعیت / خانوارهای ساکن در روستا؛
- نحوه و دامنه مشارکتها و معاضدتهای متقابل محلی، بین فردی، بین‌خانواری و میان‌گروهی؛
- امکان و دامنه حرکت و جابه‌جایی و ارتباط بین سکونتگاهی (شهری و روستایی)؛
- امکان آموزشهای تحصیلی و عمومی؛ و
- نسبت پسران و دختران در حال تحصیل و همین نسبت در موفقیت در کسب مدرک تحصیلی.

علاوه بر این، از آنجا که اقدامات عمرانی معمولاً و عمدتاً به ساخت‌وسازهای کالبدی توجه دارد، تا به زیرساختهای اشتغالزا، در اغلب موارد این‌گونه اقدامات، همان‌گونه که پیش از این مطرح شد، به تفکیک روستا به ۲ بخش نو و کهنه کمک می‌کند؛ طبیعی است که این فرایند مستلزم هزینه‌های انسانی و محیطی است. از این رو، باید توجه داشت که تحول روستا و نوین‌سازی آن مستلزم امکانات اشتغال، و فعالیت و بهره‌گیری مناسب از منابع تولیدی، مبادله کالایی و نهایتاً کسب درآمدهای اضافی است.

از سوی دیگر، این امکان پیوسته وجود دارد که همراه با هزینه‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، توسعه

روستای شهری

نویسنده، نیازمند برخورداری از امکانات و جنبه‌هایی است که از آن جمله‌اند:

- موقعیت و جایگاه اداری - سیاسی و درجه مرکزیت روستا؛
- وجود و حضور فعال نهادهایی، از جمله انجمن اسلامی، شورای ده، دهیاری و مانند آن در روستا؛
- امکان شکل‌گیری و برپایی تشکلهای مردمی تولیدی - اقتصادی و سیاسی؛
- وجود و فعالیت مؤسسات مالی - اعتباری رسمی و غیررسمی در روستا؛
- نسبت برخورداری از پروژه‌ها و برنامه‌های عمرانی - توسعه‌ای محلی و ناحیه‌ای؛ و
- وجود امکانات و خدمات زیربنایی و مرتبط با روابط اداری - سیاسی.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *روندهای مکان‌گزینی و الگوهای مکانیابی سکونتگاههای روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، آذرماه ۱۳۸۵.
- سعیدی، عباس. *امکان سنجی استقرار روستاهای جدید*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

عباس سعیدی

روستای شهری

Urban Village

نوعی حوزه سکوتی، اغلب در درون کانون یا منطقه در حال گذار شهری که در آن جماعتی با ویژگیهای فرهنگی، زبانی، مذهبی یا قومی مشابه زندگی می‌کنند. بدینسان، روستای شهری قسمتی از شهر است که هویت مشخصی دارد و به صورت مختلف، از جمله مجموعه‌ای از واحدهای مسکونی، یک واحد همسایگی و یا یک محله پدیدار می‌گردد. روستای شهری در مواردی، کانون مهاجرانی بشمار می‌رود که برای کار و فعالیت به شهر می‌آیند و بخشی از درآمد خود را برای خانواده یا بستگان خود در

زمان دیگر، احساس می‌شود. آنچه در این میان از اهمیتی بنیادی برخوردارست، توجه به پیوندهای مکمل بین سکونتگاهی و تصحیح روابط و مناسبات روستایی - شهری است.

در ارتباط با این مباحث، توجه به جنبه‌های کالبدی - فضایی زیر در پرداختن به اندیشه ایجاد روستاهای جدید الزامی به نظر می‌آید:

- نسبت سرانه خانوارهای ساکن به واحدهای مسکونی؛
- نوع و گونه غالب مسکن روستایی؛
- فضابندی درونی واحدهای مسکونی، به تفکیک فضاهای زیستی، معیشتی و تدارکاتی؛
- مصالح مورد استفاده در ساخت‌وسازها، به تفکیک بومی، غیربومی و نوع واحد؛
- قدمت و عمر متوسط واحدهای مسکونی؛
- وضعیت برخورداری از خدمات گوناگون زیربنایی، آموزشی، بهداشتی - درمانی و مانند آن، براساس سرانه‌های موجود؛
- وضعیت راههای ارتباطی بین سکونتگاهی و راهها و معابر درون سکونتگاهی و تناسب محیطی - بومی آنها؛
- فاصله و نحوه دسترسی به سکونتگاههای پیرامونی، اعم از شهری و روستایی؛
- فاصله و نحوه دسترسی به راههای اصلی منطقه‌ای؛
- رتبه و جایگاه سلسله مراتبی در نظام سکونتگاهی محلی و ناحیه‌ای؛

• دامنه و حجم مراجعات ساکنان سایر سکونتگاهها به روستا، اعم از شهری و روستایی.

ابعاد سیاسی - نهادی

یکی از الزامات امروزی رشد و توسعه سکونتگاههای روستایی در روابط و مناسبات نوین، درجه و دامنه وجود نهادها و تأسیسات مردمی، عمومی و اداری است. آشکار است که درجه پیگیری و موفقیت تشکلهای مردمی و عمومی و در کنار آن، آنچه که به حقوق شهروندی موسوم است، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و عمرانی، به این گونه نهادها و تأسیسات بستگی تام دارد. علاوه بر این، موقعیت و مناسبت یک سکونتگاه برای تبدیل به روستایی

ردیابی است.

در بریتانیا، اصطلاح روستای شهری به مفهوم متفاوتی به کار می‌رود. در اینجا، در ۱۹۸۹م گروه روستاهای شهری برای امکان‌سنجی و برپایی روستاهای شهری شکل گرفت. هدف از این حرکت، در واقع، ایجاد نوعی محله‌های شهری بود که بتوانند محیطهای مناسب‌تری برای زندگی، براساس معیارهای توسعه پایدار، برای شهروندانی که در آن زندگی می‌کنند، فراهم سازند. به این ترتیب، در اواخر دهه ۱۹۹۰م، با طرح مفهوم *احیاء شهری* به عنوان واژه خاص مندرج در دستور کار کارشناسان حرفه‌ای، تصمیم‌سازان و توسعه‌گران، این مفهوم را به منظور طرح توسعه شهری چند منظوره با کاربردی مخلوط در مقیاس پایدار، به صورت نوع ویژه‌ای از توسعه به کار گرفتند. اندیشه حاکم بر زمینه فلسفه طراحی این نوع روستای شهری عبارت بود از نوعی تشخیص و چاره‌جویی که به حالتی دوگانه عمل می‌کرد:

- تبیین نوعی صورت‌بندی پایدار و قابل مشاهده شهری؛ و
- حمایت و طرح چارچوب عینی اجتماعی پرچوش.

اندیشه‌های روستای شهری معاصر بیش از همه به اندیشه‌های شهرنشینی نوین و رشد سریع باز می‌گردد که نخستین بار در ایالات متحد مطرح شد. در بریتانیا، این جنبش با انتشار کتاب لئون کرایر پا به عرصه گذارد و بازتاب خود را در میزگرد روستاهای شهری یافت. کتاب جین جاکوبز و کریستوفر الکساندر زمینه اندیشه‌ها را در بسیاری از جنبه‌ها فراهم آورد. هسته این اندیشه در ماتریس توسعه پایدار انسان-محور و چند منظوره بود که تصور می‌شد، برای ایجاد واحدهای همسایگی جدید و احیاء ساختار واحدهای موجود مناسب است. از آنجا که این اندیشه از طریق پایداری اقتصادی، محیطی و اجتماعی مشخص می‌گردد، این نواحی بایستی برای زندگی، کار و فعالیت، بازی و سرمایه‌گذاری جذاب‌تر باشند، به نحوی که با پریشانی، تبعیض و از خودبیگانگی که مانع سرزندگی، شادابی و قابل زندگی بودن شهرهای بزرگ و کوچک می‌شود، مقابله کنند. بدینسان، تجمع خانواده‌ها به گرد هم در چنین کانونهایی، ضمن فراهم آوردن زمینه همنوایی روحی و اقتصادی ساده‌تر ساکنان با شیوه زندگی شهری،

محیطهای اولیه (روستاهای مبدأ) می‌فرستند. البته مهاجرت‌های روستایی-شهری مبحث جدیدی نیست، اما آنچه که در این میان تازه به نظر می‌رسد، این واقعیت است که بسیاری از این مهاجران تعلق فضایی کاملاً معینی نداشته، در عمل در هر ۲ عرصه شهری و روستایی زندگی و فعالیت می‌کنند.

واژه روستای شهری نخستین بار در دهه ۱۹۶۰م، در کتاب هربرت گانس-جامعه‌شناس امریکایی- مطرح شد. او در کتاب خود به نام *روستائیان شهری* (۱۹۶۲م)، تحلیل جالبی از نسل دوم امریکائیان ایتالیایی تبار به دست داد. مطالعه او نشان داد که قالب سنتی واحد همسایگی و خانواده معرف یک گروه اجتماعی است. به سخن دیگر، تمام روستائیان شهری در یک واحد همسایگی معین زندگی می‌کنند و اغلب اوقات خود را با یکدیگر می‌گذرانند. اگرچه این اصطلاح ممکن است در نظر اول، اصطلاحی متناقض به نظر آید، اما معرف تمایل انسانها به خودمختاری و زندگی جمعی در بین همگنان است.

حفظ ارتباط فضایی با روستاهای مبدأ در پاره‌ای موارد از خصوصیات روستاهای شهری است. هرچند تنوع فعالیتی در محیطهای روستایی امر تازه‌ای نیست، اما طرفه آنکه این تنوع به دامان این گونه محیطهای شهری نیز تسری یافته است. براین اساس، این روند نه تنها روستائیان را به کار و کسب درآمد در محیطهای شهری کشانده (یعنی درآمد از راه فعالیت غیرکشاورزی)، بلکه بسیاری از افراد و خانوارهای شهری ساکن در این گونه واحدها، امروز، منبع درآمدی خود را از فعالیتهای کشاورزی در روستاهای مبدأ فراچنگ می‌آورند.

با این همه، سرشت روستاهای شهری براساس گمنامی، نوعی معقولیت و البته، غیرفردی بودن زندگی شهری استوار است. مشارکت جدی محلی و سطح بالای مداخله و همراهی در امور از سوی تمام ساکنان محلی در برنامه‌ریزی و مدیریت واحدهای همسایگی خود، برای پایداری درازمدت روستاهای شهری به عنوان ضرورتی درخور، مورد توجه ساکنان است. در کانون این گرایش، مشارکت جدی شهروندان، مسکن الزامی و تنوع اجتماعی و اقتصادی قابل

کتاب‌شناسی:

- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- Douglass, Mike. "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages", *TWPR*, ۲۰(۱), ۱۹۹۸.

الزامات فرهنگی - همچون شکل‌گیری گروه‌های سیاسی خدمات‌رسان در زمینه امور مهاجران در محیط جدید را فراهم می‌سازد. بدینسان، مرکز این‌گونه واحدهای همسایگی، هم به‌عنوان یک کانون شهری عمل می‌کنند و هم به‌صورت مکان غیررسمی تجمع اعضای اجتماع محلی



- Friedmann, John. *Cities in a Global Age; Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, ۲۰۰۳.
- Iaquina, D. L. & Drescher, A. W. "Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts", *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. (August ۱, ۲۰۰۰), Rio de Janeiro, ۲۰۰۰.
- Jerve, A.M. "Rural-Urban Linkages and Poverty Analysis", *Choices for the Poor*. UNDP, Oslo (Norway), ۲۰۰۱.
- Johnston, R.J., et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. Fourth Edition, Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

درمی‌آید. درواقع، تداوم کارکردی روستای شهری در درازمدت به‌واسطه دربرداشتن برخی اجزای بنیادی محفوظ می‌ماند؛ در این راستا، انواع کاربری و بهره‌برداری از فضا، نظیر تسهیلات خرید، تفریح و مبادله اطلاعات محلی، هم زیستی و هم تجاری، در کنار واحدهای مسکونی پدیدار می‌گردند. البته، این مکانها به‌صورتی متراکم و به‌نحوی مستقر می‌شوند که واحد همسایگی مشخص و مجزایی را ایجاد کنند و به‌همین ترتیب، بافت آنها به‌صورتی است که امکان برپایی تمام فعالیتهای غیرسکونتی را نیز ممکن سازد. در این راستا، امکان عبور پیاده، تشویق به عدم استفاده از خودرو و حس قوی تعلق مکانی شایسته توجه است.

روستای محیطی

اگر قرار باشد، به هر تقدیر، این وضعیت نامناسب برای میلیون‌ها انسان درگیر با این معضل بهبود یابد، لازم است همه دست به اقدام زنند.

با این نگرش، این برنامه که بر مفاد دستور کار ۲۱ استوار بود، کوشش داشت تا رویکردی غیرمتعصبانه نسبت به این معضل بسیار پیچیده انسانی که چگونه می‌توان کره زمین را به اجتماع مجموعه‌های سکونتگاهی پایدار مبدل ساخت، ارائه نماید. شالوده این پیشنهاد بر یک بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری برای ساخت تعداد معدودی (حدود ۵۰ واحد) آبادی کوچک و پایدار، با جمعیتی بین ۵۰-۲۰۰۰ نفر، در کشورهای مختلف استوار بود. این اقدام در ارتباط با پروژه‌های جاری کشورهایی که پیش از آن آمادگی خود را در زمینه همکاری با این برنامه اعلام کرده بودند، به اجرا درآمد. طبق این برنامه، این گونه آبادیها، روستاهای محیطی خوانده شدند که در سرزمینهای مختلف، با ویژگیهای متفاوت فرهنگی، اقلیمی و مانند آن، برپا شدند. هدف اولیه از این اقدام، ارائه نمونه‌هایی مناسب، پایدار و قابل تعمیم بود. البته این گونه نمونه‌ها، به دلایل متنوع، در دنیای واقعی و در عمل، هنوز به‌عنوان یک ایده، مطرح بوده، بروز عینی نیافته‌اند؛ این امر خود دلیلی است، بر ضرورت توجه اکید به این واقعیت که حرکت به سمت پایداری-متأسفانه- از شیوه‌ای بسیار بطئی تبعیت می‌کند.

ویژگیهای روستاهای محیطی

روستای محیطی، اجتماعی کوچک تا نسبتاً بزرگ (۵۰-۲۰۰۰ نفر / ۱۰-۴۰ خانوار) و با ساختار منسجم اجتماعی است که ممکن است از یک مکان به مکان دیگر کاملاً متفاوت باشد، اما از یک جنبه یکنواخت و یکسان است، یعنی بر مبنای رویکرد عام زیست‌محیطی، بوم‌شناختی، اجتماعی و معنوی شکل می‌گیرد؛ این اجتماع کوشش دارد، تا

- خردورزانه عمل کند؛
- از خرافه دوری گزیند؛ و
- پایدار باشد؛ به این مفهوم که
- برای تولید محلی و ارگانیک مواد غذایی، از انرژی تجدید

- Misra, H.N. "Rae Bareli Sultanpur and Pratapgarh Districts, Uttar Pradesh (North India)", Hardoy, J. E. and Satterthwaite, D. (eds). *Small and Intermediate Urban Centres; Their Role in Regional and National Development in the Third World*. USA, ۱۹۸۶.

- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing abate*. UNDP, ۲۰۰۱.

- Tacoli, C. "Rural-Urban Linkages and Pro-Poor Agricultural Growth", IIED, *Helsinki Workshop*. ۱۷-۱۸, ۲۰۰۴.

- Van Veenhuizen, P. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۲.

عباس سعیدی

روستای محیطی

Environmental Village

روستای محیطی که روستای اکولوژیک نیز نامیده می‌شود، در واقع، از روستاهایی است که می‌تواند به‌عنوان روستای سالم، به مفهوم روستاهای پایدار از لحاظ زیست‌محیطی و حفاظت از منابع، قلمداد شود.

بر اساس برنامه جهانی زمین زیستبوم ماست، کوششهایی در مقیاس انسانی در سطح کره زمین طراحی شد، تا از این طریق نشان داده شود که مفهوم عینی زندگی پایدار، در عمل نیز می‌تواند در دستیابی به نوعی از زندگی مبتنی بر شالوده‌ها و اهداف مورد انتظار کنفرانسهای سازمان ملل، به یاری آید (← توسعه پایدار). بر این اساس، انتظار می‌رفت هر یک از کشورها تجربیات خود را در ارتباط با این معنا و در قالب دستور کار ۲۱ (← دستور کار ۲۱) سازمان ملل، در چارچوب طرح زمین زادبوم ماست، به منظور غنابخشی به تجربه جهانی ارائه نمایند. اساس این برنامه بر این واقعیت استوار بود که بحران سکونتگاههای انسانی، هم در سرزمینهای توسعه‌یافته و صنعتی شمال و هم در کشورهای توسعه‌نیافته جنوب، چالشی جدی بشمار می‌آید؛ از این رو،

روستای محیطی

سیاستهای نابخردانه و ناپایدار محیطی است و می‌کوشد در تداوم زیستن در هماهنگی با طبیعت، کشت دایم و خوداتکایی در تولید مواد غذایی و انرژی استوار باشد؛

• *انگیزه روحی* - معنوی عکس‌العملی است نسبت به فلسفه خشک مادیگرایانه غربی؛ و

• *انگیزه اجتماعی* واکنشی است در برابر از خودبیگانگی افراد، از همپاشیدگی نهاد خانواده و حاشیه‌نشینی اعضای ضعیف‌تر جامعه، از طریق نهادینه کردن کارکردهای حمایتی سنتی.

این نکته اخیر، عامل اصلی و نخستین انگیزه برای بسیاری از افراد در این مسیر بوده است. آشکار است که این ۳ انگیزه مد نظر همه شهروندانی بوده است که به جنبشهای جهانی *پایداری*، از جمله اصول دستور کار ۲۱، *طرح اقدام جهانی*، *گام مبتنی بر طبیعت* و جنبشهای (جهانی) مشابه پایبندی داشته‌اند. البته، این نوع طبقه‌بندی تا حدی تصنعی به نظر می‌آید، اما روشن است که برای ساده کردن بحث، الزامی است. باین حال، نکته اساسی این است که در بین روستائیان ساکن در روستاهای محیطی، به‌ویژه در کشورهای شمال، این اتفاق نظر وجود دارد که شیوه زیستی متعارف از لحاظ بوم‌شناختی ناپایدار است و شالوده فلسفی و ذهنی جامعه مادیگرا در آستانه سده ۲۱م، از لحاظ روحی - معنوی، رضایت‌آمیز و قابل دوام نیست.

روستاهای محیطی به‌مثابه پاسخی به بحران محیطی در مقیاس جهانی است. به‌طور کلی می‌توان گفت، سکونتگاههای انسانی، هم در کشورهای شمال و هم در

شونده بهره‌گیر؛

• کشت و ورز و فعالیت دائمی داشته باشد؛

• از مصالح ساختمانی بومی و متناسب با محیط بهره‌جوید؛

• برای کارکردهای حمایتی (اجتماعی و خانوادگی) اولویت قائل باشد؛ و به‌طور کلی؛

• به نظام چرخه‌وار محیطی طبیعت احترام بگذارد.

چنین اجتماعی به سخن دیگر، چنین اجتماعی به شرط برپایی، بالقوه قادر به بقا و پایداری است، هرچند برای رویارویی با شرایط متفاوت و متنوع، نیازمند درجه معینی از انعطاف است. واقعیت این است که در اغلب موارد امکان دارد، در عمل و بنابر ضرورت، لازم آید تا *پایداری* به سطح بالاتر و اجتماعی بزرگ‌تر، یعنی یک ناحیه زیستی، تعمیم یابد. آنچه در چنین اجتماعی از مرتبه‌ای والا برخوردار است، احترام عمیق به محیط و طبیعت و نیز ارزشگذاری به *انسانها*، به‌عنوان جزئی هماهنگ با آن است.

انگیزه‌های افراد و گروهها را، به‌ویژه در کشورهای شمال، برای ایجاد روستاهای محیطی می‌توان به ۳ دسته تقسیم نمود:

• انگیزه‌های بوم‌شناختی؛

• انگیزه‌های روحی - معنوی؛ و

• انگیزه‌های اجتماعی.

هریک از این انگیزه‌ها در جوامع امروزی که در دستیابی به پایداری زیست - بومها با چالشهای جدی روبرو هستند، سهمی مثبت برعهده دارند:

• *انگیزه بوم‌شناختی* برآمده از واکنشهایی معقول نسبت به



روستای محیطی

از منابع خصوصی محدودی برخوردارند، اما درعین حال، از درجه بالایی از همگرایی مبتنی بر آرمان مشترک و کوشش برای دستیابی به مقصود جمعی برخوردارند، دنبال می شود. گذشته از این، این پرسش نیز مطرح است که چرا در اینجا حمایت از روستاهای محیطی در کشورهای شمال به عنوان یک ضرورت مطرح می گردد، حال آنکه نیازهای کشورهای جنوب به مراتب بیشتر است؟ در پاسخ باید گفت: واقعیت این است که این کشورهای شمال هستند که به صورت جدی تری در معرض مسئله ناپایداری قرار دارند؛ کشورهای شمال، به طور سرانه، بیش از ۱۰۰ برابر بیشتر از کشورهای جنوب از منابع مختلف استفاده می کنند. بنابراین، شمال به مراتب نیاز بیشتری به تحول و دگرگونی در شیوه زیستی خود احساس می کند تا جنوب.

کتابشناسی:

- دستور کار ۲۱، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه، ترجمه حمید طراوتی و امیر. تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۷۱.
- سعیدی، عباس. *روندهای مکان‌گزینی و الگوهای مکانیابی سکونتگاههای روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه ریزی و هماهنگی طرحها، آذرماه ۱۳۸۵.
- Burchell, Robert W. *Richland County Comprehensive Plan* (Town & Country), Palmetto Foundation, ۲۰۰۰.
- Gaia Trust & The Global Eco-Village Network: *The Earth Is Our Habitat (Proposal for Support Programme for Eco-Habitats as Living Examples of Agenda ۲۱ Planning)*, June ۱۹۹۶.
- *Richtlinie über die Gewährung von Zuwendungen zur Dorferneuerung* (Dorferneuerungsrichtlinie – DorfR) Niedersachsen, ۱۹۹۵, ۲۰۰۰, ۲۰۰۱.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development, Guidelines and Methodology*. New York, ۲۰۰۱.
- United Nations, *The Earth Is Our Habitat*, ۱۹۹۶.
- Wahlen, J. P. *Some Considerations for Developing Village Design*. Plan Pacific Consultant, ۲۰۰۶.

عباس سعیدی

کشورهای جنوب، به دلایل خاص و متفاوت، در وضعیتی بحرانی به سر می برند. براین اساس و به مفهومی فراگیر، بحران سکونتگاههای انسانی را می توان بخشی از معضلی بزرگتر بشمار آورد که گریبانگیر نظامی جهانی است که با محدودیتهای رشد روبرو شده است. با این وجود، در سطح بین المللی وفاقی در حال گسترش وجود دارد که از جمله در گزارش *برونتلند* و گزارش کنفرانس ریو تجلی یافته است؛ براین مبنای نکته ای بنیادین مطرح است و آن اینکه: اگر بنا داریم به عنوان نوع انسانی بقا یابیم، باید پایدار زیستن را بیاموزیم.

در همین ارتباط، با فرض یادگیری شیوه های زیست پایدار، پرسش اساسی زیر مطرح می ماند که: چگونه گروههای انسانی می خواهند در جامعه پایدار متعلق به آینده زندگی کنند؟

در پاسخ به این پرسش، یکی از راههای درخور که از سوی شمار رو به افزایش کارشناسان در سرتاسر جهان پیشنهاد شده، عبارت است از: بگذارید تا اجتماعی کوچک، یک روستای محیطی، برپا سازیم؛ که برآورنده الزامات چنین جامعه ای باشد. براین اساس، ویژگیهای روستاهای محیطی را چنین برشمرده اند:

- روستایی که می تواند کیفیت بهتری از زندگی را ارائه سازد، بدون آنکه بیش از آنچه به زمین باز می گرداند، از آن بستاند؛
 - روستایی که از فناوری چشم پوشی نمی کند، اما آن را به عنوان خدمتگزار بشر به خدمت می گیرد و نه به عنوان ارباب او؛ و
 - روستایی که در اجتماعی با معنا و مبتنی بر الزامات اجتماعی، بوم شناختی و معنوی، نیازهای انسانی را برآورده می سازد.
- البته، گرچه چنین الگویی در جوامع متعارف معاصر کمتر به چشم می خورد، اما این مهم در بسیاری از کشورها به صورت نمونه های مختلف، با برخورداری از زمینه های مختلف فرهنگی و اقلیمی، در مسیر تحقق عینی قرار گرفته است. جالب است که این جنبش در اغلب موارد، بدون هرگونه اتکاء به منابع و کمکهای عمومی، توسط مردمی که

آن با امکانات فضا- مکان به‌دست آورد و سپس عوامل تشدیدکننده اجتماعی را که از گرایشهای مردم محروم ناشی می‌شود، تشخیص داد و از آنجا به علت‌های متمرکز آسیب‌های اجتماعی پی برد.

روش‌شناسیهای اساسی در مطالعات شهری عبارتند از روش یا رویکرد سیستمی، روش‌های تاریخی (مبتنی بر کشف قانونمندی روندهای تکاملی)، روش‌های اثبات‌گرا، روش‌های تحلیل انتقادی و روش‌های مقایسه‌ای. انتخاب روش اساسی و فلسفی مربوط می‌شود به نظام ارزش- داوری مطالعه‌کننده، پژوهشگر یا کارشناس شهری. به‌هرحال، پس از آنکه تکلیف روش‌شناسی اساس مشخص شد، موضوع سازه تحقیق مطرح می‌شود که آن نیز عبارت است از چگونگی سازماندهی جمع‌آوری اطلاعات، کاوش، تجزیه و تحلیل و استنتاج و همکاری‌های گروه‌های مطالعات شهری. از آنجا که شهر پدیده‌ای پیچیده و مطالعات آن نیازمند همکاری‌های گروه‌های تخصصی مختلف است، روز به روز بر طرفداران راه میان‌رشته‌ای افزوده می‌شود. البته، این راه به سادگی عبارت از جمع‌آوری گروه‌های متفاوت کارشناسی نیست، بلکه مهم آنست که بر بنیاد روش و رویکرد انتخاب شده، چگونگی دادوستد خلاق در بین گروه‌های تخصصی به‌نحوی که معطوف به شناخت مسئله‌های تجویز، برنامه و تغییر در شهر باشد، بازیابی اجرا شود.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. *رویکرد و روش در اقتصاد*. تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون). *ابده‌تولوژی و روشها در اقتصاد*. ترجمه م فائز، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- دادگر، یدالله. *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*. تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
- آتالی، ژاک و گیوم، مارک. *ضد اقتصادی*، ترجمه احمد فرجی‌راما، تهران: پیشبرد، ۱۳۶۸.

فریبرز رئیس‌دانا

رهبری

روش‌شناسی (و شهر)

Methodology (and City)

راهی که تحلیل‌گران امور شهری، با زمینه‌های تخصصی گوناگون می‌پیمایند، تا برای مسائل پیش‌روی خود پاسخی بیابند، روش‌شناسی می‌خوانند. روش‌شناسی با روش تحقیق، روش برنامه‌ریزی و از جمله روش رسیدن به هدف‌های طراحی شهر تفاوت دارد، اما در عمل، اساس ادراکی آنها را تشکیل می‌دهد، زیرا مادر اصلی این روش‌هاست و با فلسفه و روش‌شناسی یا چون و چراهای بنیادی سروکار دارد. البته، گاهی مجموعه‌ای از مسائل پیش‌رو در تحلیل و برنامه‌ریزی شهری که در برابر متخصصان قرار دارد، نام روش‌شناسی به خود می‌گیرد.

پرسشهایی از این دست که چرا شهرها با نرخهای متفاوت رشد می‌کنند؟ چگونه جهت توسعه شهری تعیین می‌شود؟ جمعیت مطلوب و تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی مطلوب کدامند؟ فعالیتهای اقتصادی و کارکرد اقتصاد سیاسی جامعه چگونه بر کالبد شهر اثر می‌گذارند؟ و رفتارهای اجتماعی و تحرکهای اجتماعی در شهر و تبلور کالبدی آن چیست؟ ممکن است پاسخهای خاص مبتنی بر الگوها و اطلاعات خاص داشته باشند. اما به‌جز آن، راه و روش‌های کلی و منطق‌پذیریهای اساسی و فلسفه و رویکردهایی وجود دارند که آن پاسخها و چگونگیهای حل مسئله براساس آنها جستجو می‌شوند؛ این راه و روشها و رویکردهای کلی و اساسی را روش‌شناسی می‌نامند.

وقتی بر این موضوع تأکید می‌شود که شهر ضمناً پدیده‌ایست اجتماعی- اقتصادی، این نتیجه نیز گرفته شود که روش‌های سیستمی، دیالکتیکی و میان‌رشته‌ای در مطالعات شهری ضرورت‌های برتر و اصلی‌تر هستند. اما در پی آن برای تجویز و تصمیم‌گیریهای اصلاحی چه بسا تمرکز بر روش‌های اثباتی و کشف روابط علت و معلولی در میان فهرست و در مکان و محدوده‌های خاص ضروری شود. با این روش می‌توان چگونگی تمرکز جمعیتی نادرها را در محله‌ای خاص از طریق شناخت سازوکار فقر و رابطه

رهبری

متوجه رفتار آنها در وضعیتهای عارضی شد. پژوهندگان بر این نکته تأکید دارند که حوادث مربوط به موقعیتهای عارضی است که اثربخشی نقش رهبران را موجب می‌شود و با مطالعه این موقعیتهای و رفتارهای رهبران در ارتباط با این موقعیتهای، بهتر می‌توان کیفیت عملکرد رهبری را توضیح داد. در این چارچوب، مسئله رهبری با مسئله پیروی ارتباط دارد و در ارزیابی موفقیت کار رهبران باید ماهیت پیروی از جانب پیروان را نیز مورد توجه قرار داد. برخی از محققان در طیفی از این رویکرد، این موضوع را مطرح ساختند که پیروان غالباً برای رهبران خود قدرتی نمادین قائل می‌شوند که جستجوی علت واقعی شیفتگی و تبعیت آنان از رهبران را دشوار می‌سازد.

تمرکز بر این وجوه از رهبری، توجه محققان را در دهه ۱۹۷۰م به رهبری کاریزماتیک جلب کرد. در پیدایش رهبران کاریزماتیک نباید تنها به صفات و رفتار رهبران، بلکه باید به علل شیفتگی پیروان نیز به همان میزان توجه کرد. در این گونه مناسبات همواره می‌توان روی برخی از ویژگیهای رهبران تأکید داشت، از جمله آنکه رهبران همواره به آینده دورتری نظر دارند و پیروان را به سوی پیشبرد رسالتهای بزرگ فرا می‌خوانند. این رهبران به پیروان اطمینان می‌دهند که می‌توانند از ظرفیت کنونی خود فراتر روند و به آینده‌ای مطلوب‌تر نظر داشته باشند. به این ترتیب، رهبران پیروان را به کارهای بزرگ ترغیب و هدایت می‌کنند و همراه با به ثمر رساندن کارهای بزرگ، خود نیز بزرگ می‌شوند. رهبری کاریزماتیک در زمره رویدادهای معمول نیست و مطالعات مربوط به سازمان و مدیریت را نمی‌توان بدان محدود کرد. از این رو، برخی مسئله مدیریت راهبردی را مطرح کرده و گفته‌اند که رهبری با کار سازمانی و سازماندهی پیوستگی دارد. در کار سازمانی، مدیر/رهبر کسی است که با بهره‌گیری از ظرفیتهای کار و فرهنگ سازمانی در انجام و پیشبرد اهداف مهم موفق می‌شود.

عناصر رهبری

رهبری بیش از آنکه وجود یک سلسله خصوصیات شخصی در فردی خاص باشد، اساساً مبین یک رابطه است؛ رابطه‌ای خاص بین رهبر و پیروان که اثربخشی فوق‌العاده

Leadership

پایگاه، رفتار و خصوصیتی که به یک شخص امکان می‌دهد، تا در هدایت فعالیتهای جمعی برای دستیابی به هدفهای معین، نقش خاصی را ایفا کند. رهبری فرایندی از تأثیرگذاری است که منجر به پیروی رضایتمندانه گروهی از افراد از شخص خاصی می‌شود. رهبری درعین حال، به کیفیت رفتار کسی اشاره دارد که افراد زیرمجموعه خود را به کوششی سازمان یافته هدایت و ترغیب می‌کند.

رهبری را گاهی هم‌معنا یا هم‌ارز با مدیریت به کار می‌برند؛ این ۲ واژه هم‌معنا نیستند، اگرچه ممکن است، در بسیاری موارد، کار رهبری با مدیریت هم‌ارز و یا با یکدیگر همپوشی داشته باشند. در تمایز این ۲ واژه گفته می‌شود که کار مدیران اساساً بر اداره وضع موجود تأکید دارد، درحالی که رهبران اغلب وضع موجود را دگرگون می‌کنند. البته اداره وضع موجود به معنای نفی نوآوری و ابتکار نیست، زیرا هر مدیری با فعالیتهایی از نوع نوآوری سروکار دارد. البته، این نوآوریها لزوماً به معنای دگرگون کردن وضع موجود نیست، حال آنکه رهبران به خاطر نقشی که در هدایت پیروان برای تغییر در وضعیت موجود ایفا می‌کنند، عنوان رهبر را می‌گیرند.

با این حال، در برخی موارد واژه رهبری را با مدیریت یکسان می‌گیرند. این امر به‌ویژه در اشاره به مدیران سیاسی کشورها رایج است، تا آنجا که در ادبیات سیاسی، اغلب آنها را به‌عنوان رهبران کشور می‌خوانند. کاربرد واژه رهبران در این گونه موارد، به این معنا نیست که این افراد لزوماً به مفهوم بالا، رهبر هستند.

پیشینه و نگرشهای مطالعاتی

مطالعات علمی درباره رهبری از اواخر سده ۱۹م و اوایل سده ۲۰م آغاز شد. در این دوره، مطالعات رهبری بیشتر بر صفات رهبری متمرکز بود و اینکه چگونه رهبران بزرگ تاریخی به‌واسطه صفات خاص خود از توده‌های مردم متمایز می‌شوند. بعد از جنگ جهانی دوم، نقطه توجه مطالعات (احتمالاً به‌دنبال رویدادهای مربوط به آلمان نازی)، به‌جای صفات و ویژگیهای ثابت و شخصی رهبر،

رهبری (در حکومت محلی)

ظرفیت کار سازمانی می‌انجامد. در حکمروایی خوب (← حکمروایی)، اصل انتخابی بودن مقامات شهری شرایط مناسبی را برای جمع شدن این ۲ پایگاه فراهم می‌سازد. کتابشناسی:

- «رهبری»، *دایرةالمعارف دموکراسی*. زیر نظر مارتین لیپست، جلد دوم، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- «رهبری»، *فرهنگ علوم اجتماعی*. گولد، جولیوس و کولب، ویلیام. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- Bryman, A. *Charisma and Leadership in Organizations*. London: Sage Pubs, ۱۹۹۲.
- Burns, J. *Leadership*. New York: Harper and Row, ۱۹۷۸.
- Jones, B. *Leadership and Politics*. Lawrence: Lawrence University Press, ۱۹۸۹.
- Yukl, G. *Leadership in Organization*. ۳rd edn, Englewood Cliffs, N.J. ۱۹۹۴.

کمال پولادی

رهبری (در حکومت محلی)

Leadership (in Local Government(s))

رهبران حکومت‌های محلی برای ایفای نقش رهبری خود در مجموعه حکومت محلی، نیازمند مهارت‌ها و توانایی‌هایی هستند، تا بتوانند با تأثیرگذاری و نفوذ خود، هدفهای قانونی حکومت محلی را پیگیری نمایند. از آنجا که حکومت محلی به دنبال تحقق اهداف عمومی در سطح محل است، رهبران آنها این سازمانهای عمومی، علاوه بر مهارت‌های عام مدیریتی (بخش عمومی و خصوصی)، بایستی به مهارت‌های خاص مدیریتی متناسب با شرایط محلی مجهز باشند. براین اساس، مهارت‌های مورد نیاز مدیران در حکومت محلی را می‌توان به ۲ دسته شامل مهارت‌های عام و مهارت‌های خاص تقسیم کرد.

مهارت‌های عام رهبری

کنز و کاهن، از صائب‌نظران مدیریت، بر این باورند که

رفتار یکی بر دیگران را نشان می‌دهد. رابطه رهبری، در عین حال، به جایگاه رسمی و اداری او نیز مربوط است. برای رهبری ۴ عنصر را در نظر می‌گیرند که در پیوند با یکدیگر، رابطه‌ای از نوع رابطه رهبری را میسر می‌سازند:

- رهبر هم دارای قدرت رسمی است (جایگاه در سلسله مراتب اداری) و هم نفوذی که صرفاً به جایگاه رسمی او مربوط نیست. داشتن قدرت رسمی به تنهایی کافی نیست که کسی را در مقام رهبری قرار دهد؛ قدرت رهبری علاوه بر قدرت رسمی یک قدرت اثربخش است؛
- قدرت رهبری در عمل و رفتار پیروان مشخص می‌شود. رهبر کسی است که رفتارش، رفتار خاصی را در پیروان برمی‌انگیزد؛

• رهبر در میان پیروان جایگاه کانونی دارد. این جایگاه نیز تنها به خاطر مقام رسمی نیست، بلکه به خاطر ابتکارهای شخصی شخص رهبر است. بسیاری از تحلیل‌گران در *کانون قرار داشتن* را با نوعی ارزشگذاری همراه می‌کنند، به نحوی که بین رهبر و عوام فریب از یکسو و رهبر و مرجع اقتدار از سوی دیگر تمایز قائل می‌شوند. شخص عوام فریب نیز ممکن است در نقطه مرکزی یک حرکت قرار گیرد، اما تفاوت رهبر با او این است که عوام فریب به خاطر دنباله‌روی از توده‌ها و بهره‌برداری از شور آنها چنین جایگاهی را به دست آورده است، در حالی که رهبری با دنباله‌روی همخوانی ندارد. البته، بسیاری از تحلیل‌گران بین رهبر و شخص صاحب اقتدار (← اقتدار) نیز تمایز قائل می‌شوند. رهبر ممکن است در مقام مرجع یا دارنده اقتدار نیز باشد، اما هر صاحب اقتداری لزوماً رهبر نیست. شخص دارنده اقتدار کسی است که بنا به قواعد معینی که از عرف، سنت و یا قانون نشأت می‌گیرد، دارای جایگاه اقتدار یا مرجعیت باشد. رابطه بین مرجع و فرمانبران رابطه‌ای مبتنی بر قاعده است، حال آنکه رابطه بین رهبر و پیروان مبتنی بر نفوذی است که تماماً متکی بر قاعده نیست، بلکه ضمناً مبتنی بر رابطه دوجانبه نفوذ داشتن و نفوذپذیری است. پیروی از رهبری از روی اختیار صورت می‌گیرد (حتی اگر رهبر صاحب قدرت اجبار نیز باشد)، نه اجبار. از سوی دیگر، اجتماع ۲ پایگاه مدیریت و رهبری به بیشینه شدن

است:

• **سطح مدیریت عالی (Top management)**. مدیران عالی در حکومت محلی، شامل اعضای شورا، شهردار، معاونان شهردار و شهرداران مناطق است که عموماً به وظیفه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری می‌پردازند؛

• **سطح مدیریت میانی (Middle management)**. وظیفه عمده مدیران میانی ایجاد هماهنگی و تنظیم روابط در داخل سازمان است. پستهای سازمانی، همچون مدیریت امور عمرانی، مدیریت امور شهرسازی، مدیریت خدمات ایمنی و آتشنشانی، مدیریت کشتارگاه، مدیریت حمل‌ونقل، مدیریت زیباسازی و تأسیسات، مدیریت امور اداری، مدیریت امور مالی، و مدیریت درآمد، در سطح مدیریت میانی قرار دارند؛ و

• **مدیریت عملیاتی (First-line management)**. مدیرانی که مجموعه‌ای از افراد صفی (عملیاتی) را برای ارائه خدمات به شهروندان هدایت می‌کنند. مدیران ادارات شهرداری از مدیران عملیاتی محسوب می‌شوند. مدیران ادارات نظارت فنی، امانی، نظارت فنی بر صدور پروانه‌های ساختمانی، طرح‌های شهرسازی و معماری، کارگزینی و درآمد‌ها از این جمله‌اند.

مدیران شهری و محلی در کنار تخصص حرفه‌ای خود، نیازمند شناخت و آگاهی از ۳ ارزش مطرح در خدمات عمومی هستند؛ این ارزشها عبارتند از:

• توجه و احترام به سایر تخصصهای حرفه‌ای و افراد شاغل در این تخصصها؛

• پذیرش مشروعیت سیاستها و اختیارات کارگزاران منتخب؛ و

• پذیرش روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر عموم مردم. مدیریت حرفه‌ای در بخش عمومی، باید با این ۳ ارزش کلیدی درآمیزد و در اجرای وظایف حرفه‌ای خود، همواره به این ارزشها توجه نماید. یک مدیر عمومی، برای حرفه‌ای شدن باید هم تخصص کافی و هم توانایی استفاده از انواع ارزشهای مناسب را در شکل‌گیری و کاربرد آن تخصص داشته باشد.

رهبران حکومت محلی بایستی ۳ نوع مهارت مدیریتی داشته باشند؛ این مهارتها عبارتند از: مهارت فنی؛ مهارت انسانی؛ و مهارت مفهومی.

• **مهارت فنی**. عبارت است از توانایی به کارگیری دانش، روشها، فنون و تجهیزات مورد نیاز برای انجام یک وظیفه تخصصی که از طریق تجربه، آموزش و کارآموزی به دست می‌آید.

• **مهارت انسانی**. این نوع مهارت به توانایی کار کردن با دیگران مربوط است و توان ارتباطی، درک نیازهای انگیزشی و به کارگیری رهبری را شامل می‌شود.

• **مهارت مفهومی**. عبارت است از توانایی درک پیچیدگیهای کلی سازمان، توان تجزیه و تحلیل مسائل و قدرت تصمیم‌گیری، با در نظر گرفتن اهداف کلی سازمان.

هرچند که این مهارتها برای تمام سطوح مدیریت مورد نیاز است، ولی اهمیت این مهارتها در سطوح مختلف مدیریت، متفاوت است: مدیران سطوح عالی سازمان باید دارای مهارتهای ادراکی بالایی باشند، هرچند مهارت فنی برای این‌گونه مدیران از اهمیت کمتری برخوردارست. در مقابل، مدیران عملیاتی باید از مهارت فنی بالایی برخوردار باشند و مهارت ادراکی برای آنها اهمیت کمتری دارد. البته، مهارت انسانی نیز برای تمام سطوح مدیریت یکسان است، چراکه در تمام سطوح، مدیران باید با و توسط دیگران کار کنند و برای کار کردن با دیگران، مهارت انسانی امری الزامی است.

در حکومتهای محلی (← حکومت محلی)، همانند سایر سازمانها، ۳ سطح مدیریتی وجود دارد که متناسب با هر یک از سطوح، مهارتهای مدیریتی خاصی مورد نیاز است. در دیدگاه سنتی نسبت به مدیریت حکومت محلی، بر این امر تأکید می‌گردد که مدیران محلی بایستی دارای مهارت حرفه‌ای در حوزه خدمات‌رسانی باشند. به سخن دیگر، در این دیدگاه نقش مهارت فنی در موفقیت مدیریت در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. درحالی‌که در دیدگاه نوین مدیریت حکومت محلی، بر ورزیدگی و مهارت مدیریتی افراد تأکید می‌شود.

در حکومتهای محلی، سطوح مدیریت شامل موارد زیر

کارآفرینان عمومی به جای آنکه سازمان عمومی را به عنوان سازمان بی‌ثمری در نظر گیرند که خدمات عمومی را به صورت ناکارآمد ارائه می‌کند و دارای پرسنل کوتاه‌فکر و محافظه‌کار است، توانایی بالقوه سازمانهای عمومی مؤثر را مورد توجه قرار می‌دهند. بدینسان، درک آنها از سازمانهای عمومی این است که اگر به صورت مؤثر اداره شوند، می‌توانند تأثیر بسیاری در جامعه داشته باشند. لوییست معتقد است که کارآفرین عمومی، سازمان عمومی بزرگ و پیچیده را به عنوان قدرتمندترین ابزار برای تغییر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تلقی می‌کند. سازمان عمومی می‌تواند منبع قدرت سیاسی باشد، به گونه‌ای که رهبر حکومت محلی را در مقابل مخالفان محافظت نموده و به متناهی اهرمی در راستای اعمال نفوذ بر بازیگران مهم سیاست بیرونی، همانند قانونگذاران، اثر گذارد.

مشخصه دیگر کارآفرینان عمومی آن است که بر افراد طرف تعامل اثرگذارند و مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر این، آگاهی و ظرفیتی را در مخاطبان به صورت ماندگار ایجاد می‌کنند که به نظر می‌رسد، عامل دیگری در نظام سیاسی قادر به ایجاد آن نیست.

سبکهای تصمیم‌گیری در رهبری محلی

در اوایل دهه ۱۹۹۰م، گیفورد ۳ شیوه تصمیم‌گیری برای مدیران حکومتهای محلی را مورد شناسایی قرار داد که عبارتند از:

- شیوه حرفه‌گرایی؛
- شیوه مدیریت‌گرایی؛ و
- شیوه سیاست دموکراتیک.

هریک از این شیوه‌ها دارای مفروضاتی یا ارزشهای خاص خود هستند.

مدیرانی که از شیوه تصمیم‌گیری حرفه‌گرایی استفاده می‌کنند، مدیریت حکومت محلی را به عنوان مجموعه‌ای از فنون در نظر می‌گیرند که دارای یک فرایند اجرایی بی‌طرف در قالب مدل و نظریه‌های مدیریتی قابل کاربرد است. مدیران محلی با مفروضات شیوه مدیریت‌گرایی بر کاربرد فنون بخش خصوصی در اداره امور عمومی تأکید دارند و

مهارتهای خاص مدیریتی

هرچند که مهارتهای انسانی، ادراکی، و فنی شرط لازم در موفقیت مدیران و کارگزاران محلی است، ولی شرط کافی نیست. مدیران محلی، به‌ویژه در سطح عالی یا سطح نهادی، علاوه بر این مهارتها، نیازمند مهارتهای دیگری هستند که تحت عنوان مهارتهای خاص مدیریتی، در ۲ دسته کلی بیان می‌گردند: مهارت سیاسی؛ و مهارت کارآفرینی.

• **مهارت سیاسی.** مدیران محلی برای دستیابی به اهداف عمومی بایستی در نقش بازیگرانی ظاهر شوند که ورای حیطه اقتدار مستقیم خود، با سایر مراجع (مافوقهای سیاسی، قانونگذاری، کارگزارهای حکومتی، همچون سازمان خدمات کشوری، مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین رسانه‌ها، گروههای ذی‌نفع و محاکم قضایی) تعامل برقرار نمایند.

مدیران محلی برای اخذ مجوز استفاده از منابع عمومی در تعقیب اهداف حکومت محلی و یا دریافت کمک از منابع مختلف، نیازمند مهارت سیاسی هستند که این مهارت به ۴ دلیل عمده، برای مدیران حکومت محلی مورد نیاز است:

۱. برای انجام وظیفه پاسخگویی (عمومی‌ترین شکل مدیریت سیاسی)؛
۲. برای تغییر مأموریت و عملیات حکومت محلی و همچنین ایجاد نوآوری و ابتکار؛
۳. برای دستیابی به همکاری میان‌سازمانی با کارگزاران حکومتی و سایر سازمانها؛ و
۴. برای بسیج منابع و جلب همکاری آژانسها و افراد خصوصی.

• **مهارت کارآفرینی.** اوگن لوییست در ۱۹۸۴م، رهبران موفق در زمینه مدیریت عمومی را تحت عنوان کارآفرینان عمومی نامگذاری کرد. وی با مطالعه و بررسی زندگی سازمانی رهبران موفق در بخش عمومی، دریافت که آنها دارای مهارت کارآفرینی بوده‌اند. از آنجا که مدیران حکومتهای محلی در حوزه مدیریت عمومی قرار دارند، این مهارت نیز برای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

برنامه‌ریزی برای مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی را با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وظایف شوراهای اسلامی شهر بیان می‌کند. همچنین جلب مشارکت و خودیاری روستائیان و ایجاد تسهیلات لازم به‌منظور پیشبرد امور آنها (بند ج ماده ۶۸)، ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در اجرای فعالیتهای تولیدی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی (بند ک ماده ۶۸)، جلب مشارکت و همکاری عمومی در انجام امور فرهنگی و دینی (بند ل ماده ۶۸)، از جمله وظایف قانونی حکومت‌های محلی روستایی است که در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی و شهرداریها به آنها اشاره شده است. از آنجا که در برخی جوامع، همانند کشور ما، زمینه اجرای مدیریت مشارکتی در مردم محلی به‌طور کامل وجود ندارد، لازم است که از طریق فرایند توانمندسازی، بهبود ظرفیت پذیرش و اجرای مدیریت مشارکتی در دستور کار قرار گیرد.

به‌طور کلی، مشارکت عمومی (مشارکت مردم محلی) در حکومت‌های محلی به ۳ دسته کلی تقسیم می‌گردد:

- مشارکت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری؛
- مشارکت در اجرا؛ و
- مشارکت جامع (برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت).

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. *اداره امور حکومت‌های محلی: مدیریت شوراهای و شهرداریها*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- Akbar Alikhan Mohd and Muttalib, M.A. *Theory of Local Government*. Sterling Publishers Private Limited, ۱۹۸۲.
- Dehoog, Ruth Hoogland & Whitaker, Gordon. "Professional Leadership in Local Government", *International Journal of Public Administrations*. Vol. ۱۶, No. ۱۲, ۱۹۹۳.
- Fenwick, John. *Managing Local Government*. Chapman & Hall, ۱۹۹۵.
- Gray Andrew & Others. *Professionalism and the Management of Local Authorities*. Durham University, ۱۹۹۹.
- Leach, Steve & Stoker, Gerry. "Understanding the Local Government Review: A Retrospective Analysis", *Public Administration*. Vol. ۷۵, No. ۱, ۱۹۹۷.

به مدیریت حکومت محلی به‌عنوان یک فرایند غیرسیاسی می‌نگرند. در شیوه تصمیم‌گیری سیاست دموکراتیک، این‌گونه فرض می‌شود که مدیران حکومت‌های محلی در یک محیط سیاسی فعالیت می‌کنند که با ارزشها، منافع، و قدرتهای مختلفی مواجه هستند و این خود باعث افزایش پیچیدگی در مدیریت حکومت‌های محلی می‌شود. به سخن دیگر، در اداره امور حکومت‌های محلی، بین مدیریت و سیاست ارتباط متقابلی وجود دارد و توافق و اجماع‌نظر بر روی تصمیمات در محیط پیچیده سیاسی کار مشکلی است. علاوه‌براین، چالش‌های بین حکومت محلی و حکومت مرکزی یا ایالتی این مشکل را تشدید می‌کند.

شیوه‌های رهبری در حکومت‌های محلی

شیوه مدیریتی (رهبری) عبارت است از الگوهای پایدار رفتاری مدیران (رهبران) که به‌نگام کار کردن با افراد (هدایت افراد)، از آن استفاده می‌کنند. شیوه رهبری در حکومت‌های محلی در ۲ قالب کلی قابل بررسی است: شیوه رهبری در ارتباط با کارکنان حکومت محلی (رهبری سازمانی)؛ و شیوه رهبری در ارتباط با مردم محلی (رهبری محلی).

• **شیوه رهبری سازمانی**. مدیران حکومت‌های محلی در هدایت مجموعه کارکنان خود، بایستی متناسب با سطح آمادگی آنان، شیوه رهبری مناسب را انتخاب نمایند. هرچند که در انتخاب شیوه رهبری مؤثر، آمادگی پیروان یکی از مؤلفه‌های مهم است، ولی به‌هرحال تنها عامل نیست. عوامل دیگری همچون موقعیت (شرایط بحرانی و یا عادی) و نوع وظیفه یا شغل (مشاغل روتین و یا غیرروتین) در انتخاب شیوه رهبری از اهمیت بالایی برخوردار است.

• **شیوه رهبری محلی**. به‌طور کلی، فلسفه اساسی شکل‌گیری حکومت‌های محلی عبارت از نهادینه‌سازی و تحقق مشارکت مردمی در مدیریت امور مربوط به‌خود است. بدین‌منظور، مدیران محلی برای اداره امور محلی بایستی الزاماً شیوه رهبری مشارکتی را در ارتباط با مردم محلی برگزینند. همچنان که بند ۵ ماده ۷۱ قانون شوراهای و وظایفی مانند

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

و دسترسی آن به داده و اطلاعات است. انسان در اینجا شامل کاربران و تولیدکنندگان داده و کسانی است که تغییردهندگان داده بشمار می‌روند.

طبقه‌بندیهای مختلفی از اجزا قابل شکل‌گیری براساس طبیعتهای مختلف و تعامل آنها با SDI وجود دارد. اجزاء اصلی، یعنی نقش مهم مردم و داده به‌عنوان جزء اول و جزء دیگر، شامل شبکه دسترسی، سیاستگذاری و استاندارد است. طبیعت هر ۲ جزء بسیار پویاست، زیرا جامعه و فناوری هر ۲ در حال تغییر هستند. بنابراین SDI هماهنگ فقط شامل داده‌های مکانی- فضایی، کاربران و خدماتی که اطلاعات جدیدی به داده اضافه می‌کند، نیست، بلکه شامل اجزای دیگری مانند شبکه دسترسی، قابلیت تبادل و سیاستگذاری نیز هست. براین اساس، همه برای دسترسی به داده‌ها باید از این فناوری استفاده کنند. در ابتدا، SDI عملاً در سطح ملی مطرح شد، ولی امروزه برای سطوح مختلف تعریف و تعیین می‌شود؛ سطوحی متصل که در مقیاس جهانی، منطقه‌ای، ملی، استانی، محلی و سازمانی مطرح می‌گردند. کارکرد SDI بستگی به مقیاس داده‌ها دارد. SDI محلی، عموماً با داده‌های بزرگ و متوسط مقیاس سروکار دارد، در حالی که SDI ملی، در مقیاس متوسط و کوچک و SDI منطقه‌ای با داده‌های کوچک مقیاس سروکار دارد. مهم‌ترین عنصر برای یک SDI موفق، ایجاد ارتباط بین این سطوح و به‌صورت سود دوطرفه در سطوح مختلف SDI است. علاوه بر ارتباط عمودی ما بین سطوح مختلف، در هریک از سطوح افقی نیز ارتباط سازمانی و سیاسی مابین سازمانهای شرکت‌کننده در ساخت و استفاده از SDI وجود دارد.

ارتباطات افقی و عمودی در سطوح مختلف SDI بسیار پیچیده است. این پیچیدگی بیشتر به خاطر طبیعت پویای SDI است. بنابراین، برای بهره‌برداری از سطوح مختلف SDI می‌بایست کلیه مشترکین SDI ویژگی پویایی مشارکت در SDI را در نظر بگیرند. مشارکت، امر اصلی برای ایجاد و توسعه داده‌های خاص و خدمات برای کاربران اصلی در SDI است. همچنین بسیار اهمیت دارد که مسائل جامعه و شهروندان در چارچوب مفهوم مشارکت شناسایی و تعریف

- Stoker, Gerry. *The New Management of British Local Government*. McMillan Press LTD, ۱۹۹۹.

سیدمحمد مقیمی

زورآباد ← سکونتگاه غصبی

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

Spatial Data Infrastructure (SDI)

داده‌های مکانی- فضایی و فناوریهای مرتبط با آنها در توسعه پایدار جهانی جایگاه ویژه‌ای دارد و ازاین‌رو، دسترسی و کاربرد داده‌های دقیق، بهنگام و قابل اطمینان از اهمیت بالایی برخوردار است. به سخن دیگر، مدیریت جامع محیط، اعم از محیط انسان ساخت و محیط طبیعی، نیازمند تلفیق اجزای مکانی- فضایی این ۲ محیط درکنار یکدیگر و تحلیل همزمان این اجزاست. در این میان، با در نظر گرفتن طبیعت متغیر داده‌های مکانی- فضایی در توسعه پایدار و ارزیابی مشکلات موجود در دسترسی و استفاده از داده‌های مذکور در این امر، زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی را می‌توان به‌عنوان مبنایی در تولید، مدیریت، توزیع و دسترسی به داده‌های مکانی- فضایی به‌عنوان چارچوبی مناسب برای تسهیل مدیریت منابع انسانی (← مدیریت منابع انسانی) و طبیعی و نیل به اهداف توسعه پایدار قلمداد نمود.

SDI اساساً مفهومی است که در زمینه تسهیل و هماهنگی در راستای تبادل و به اشتراک‌گذاری داده‌ها در کلیه سطوح مدیریتی و سیاسی بین متولیان اطلاعات به کار می‌رود. این فناوری فرایندی برای طراحی و توسعه سازوکار تسهیل محیطهای تصمیم‌گیری با متولیان متعدد، برای دستیابی به توسعه پایدار (← توسعه پایدار) و بهبود وضعیت زندگی است. بنابراین، SDI در کل راجع به انسان

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

مبتنی بر تأمین داده‌های مناسب و دقت اطلاعات ورودی در آن است؛ براین مبنا، ساخت و به کارگیری GIS بر روی بستر SDI از ضریب اطمینان موفقیت بالاتری برخوردار می‌گردد. علاوه بر این، خاصیت سلسله مراتبی SDI امکان استفاده از داده‌های مکانی- فضایی موجود در آن و تبادل آنها بین سطوح مختلف استان و GIS های آن را فراهم می‌کند. GIS با بهره‌گیری و استفاده از پایگاههای موجود و تعریف شده در بستر SDI (نقشه‌های توپوگرافی و لایه‌های اطلاعاتی شامل، آب، برق، گاز، عکسهای هوایی و اطلاعات دیگر)، همراه با داده‌های توصیفی مربوط به عوارض، امکان ایجاد پایگاه هماهنگ اطلاعات مکانی و توصیفی را فراهم می‌کند. از آنجا که مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه در هر جامعه‌ی رو به توسعه، نیازمند موجودیت و دسترسی به حجم عظیمی از اطلاعات مکانی- فضایی است، GIS بر روی بستر SDI می‌تواند نقش ویژه‌ای در ارتقاء کیفیت این مدیریت در سطوح مختلف ایفا کند.

به سخن دیگر، SDI یک شبکه ارتباطی بین پایگاههای اطلاعات، خدمات کاربردها و فناوری و سیاستگذاری است که می‌تواند کیفیت زندگی را به‌طور کلی ارتقاء دهد. این امر از طریق دسترسی به پایگاههای اطلاعاتی دقیق و بهنگام میسر می‌شود. داده‌ها و اطلاعات در SDI، شامل داده‌ها و اطلاعات پایه، داده‌ها و اطلاعات ادغام شده و خدمات مرتبط با آنهاست. اجزای این زیرساختها شامل داده‌ها و اطلاعات، نیروهای انسانی (تولیدکننده‌ها و استفاده‌کننده‌ها)، قوانین و سیاستهای دسترسی به اطلاعات، استانداردهای فنی و روشهای مختلف دسترسی است که هر یک از این اجزاء، بسته به شرایط و امکانات موجود در یک جامعه، طراحی و ساخته می‌شوند.

اجزای SDI

کاربران

سازمانها و مردم در SDI ملی، شامل کاربران، تولیدکنندگان، پردازش‌کنندگان و واسطه‌های قانونی داده‌های مکانی- فضایی است. کاربران شامل کلیه سازمانهای دولتی و غیردولتی، بخشهای خصوصی و آحاد مردم خواهد بود.

شود.

داده‌های مکانی- فضایی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین عوامل تصمیم‌گیری، به‌خصوص تصمیم‌گیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در زندگی امروزی است. به‌همین دلیل، بسیاری از نیازها، اهداف و فعالیتهای سازمانهای مختلف زمانی امکان تحقق می‌یابد که دسترسی به داده‌های مکانی- فضایی مناسب و یکپارچه میسر باشد. این موضوع به‌خصوص برای برنامه‌ریزیهای کلان بسیار اهمیت دارد. با توجه به وجود سطح وسیع داده‌های مکانی- فضایی، ابزارها و تولیدات مرتبط با آنها، توسعه SDI به‌عنوان بستری برای توانمندسازی، این امکان را به کاربران مختلف می‌دهد، تا با یکدیگر همکاری وسیع‌تری داشته باشند و به نیاز بازار پویای کنونی پاسخ بهتری ارائه نمایند.

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی قالبی از داده‌های مکانی- فضایی، متا دیتا (metadata)، کاربران و ابزارهایی است که در راستای به کارگیری داده‌های مکانی- فضایی به‌طور کارا و انعطاف‌پذیر، با یکدیگر مرتبط است. به‌عبارت دیگر، مجموعه‌ای از فناوری، سیاست، استانداردها، منابع انسانی و فعالیتهای مرتبط به‌منظور دریافت، پردازش، توزیع، کاربرد، ویرایش و نگهداری داده‌های مکانی- فضایی را شامل می‌گردد.

امروزه، اهمیت راه‌اندازی زیرساختهای داده‌های مکانی- فضایی برای تسهیل در جمع‌آوری، نگهداری و تبادل اطلاعات مکان مرجع و داده‌های مرتبط، بیش از پیش مورد توجه قرار دارد. استفاده از SDI به‌منظور جلوگیری از دوباره‌کاریها و بالا بردن قابلیت‌های نهفته در داده‌های مکانی- فضایی و افزایش بهره‌وری از سرمایه‌گذاریهای انجام شده در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار در جامعه لازم و ضروری است.

محیط SDI دارای خاصیت سلسله مراتبی است، به این مفهوم که ارتباط بین سطوح یک جامعه (محلی، شهری و استانی) جهت تبادل اطلاعات و خدمات در محیطهای مختلف، در آن فراهم می‌شود. موفقیت در ساخت و به کارگیری یک GIS و همچنین دقت خروجی تحلیلهای آن

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

گرفته شود. به‌طورکلی، توسعه به اشتراک‌گذاری داده‌ها و دسترسی به داده‌ها، اصلی‌ترین عامل در سطوح استانی و ملی است. این حرکت در جهت کاهش دوباره‌کاری و هزینه‌ها در تولید داده و زیرساخت‌های به اشتراک‌گذاری در کلیه سطوح است. کمبود تعامل کارا بین داده‌های مختلف مانند کاداستر، و املاک و داده‌های توپوگرافی و محیط زیست و همچنین داده‌های مرتبط با اطلاعات اجتماعی- اقتصادی می‌باشد از دیگر مسائل مهم در این راستاست. بستر توانمندسازی در واقع زیرساختی برای دسترسی اطلاعات از پایگاه داده‌های یکپارچه از سازمان‌های مختلف، مانند داده‌های طبیعی و داده‌های کاداستر است.

ایجاد بستر توانمندسازی برای دسترسی به اطلاعات و فناوری کمک شایانی برای کاهش موانع در دسترسی و استفاده از اطلاعات مکانی در صنعت اطلاعات مکانی- فضایی است. این کمک باعث تمرکز بیشتر تولیدکنندگان جهت کارایی بیشتر، کاهش هزینه‌ها و تشویق سرمایه‌گذاری برای محصولات بیشتر می‌شود.

همه‌نگی در استانداردسازی داده‌ها، با تعاریف یکسان در مورد فرمت مدل و تبادل اطلاعات، از پایه‌های بستر توانمندسازی است. این موضوع باعث جریان اطلاعات بدون وقفه بین کاربران و تولیدکنندگان و ابزارهای استفاده از داده‌ها خواهد شد؛ همچنین باعث دسترسی یکسان به خدمات اینترنتی تولیدکنندگان می‌گردد. در واقع، این نوع معماری باعث همه‌نگی تمام متولیان در یک محیط باز خواهد بود؛ این نوع محیط یک فضای کارا برای فعالیتها در سطح ملی خواهد بود.

توانایی ارائه مفهوم بستر توانمندسازی برای ارائه اطلاعات مکانی و ابزار تعیین موقعیت کاربریها، نیازمند تحقیق در مورد نحوه ذخیره‌سازی داده‌ها نیز هست. داده‌های یکسان برای ایجاد بستر توانمندسازی سودمند است، ولی می‌بایست به مزایا و معایب ساختارهای توزیع یافته و یکپارچه نیز توجه داشت و از آخرین فناوری روز برای این امر استفاده کرد. مزایای این فناوری در مفهوم کتابخانه‌های مجازی و فناوری (GRID) در علوم کامپیوتر و ابرسرورها دیده می‌شود. ذکر این نکته اساسی است که

مجموعه کاربران SDI، به‌علت کاربردهای متنوع و وسیع آن، فراتر از کاربران سنتی نقشه و مدیریت زمین است. تنوع کاربری و کاربران، باعث مشارکت تخصصها و مدارج علمی مختلفی در SDI خواهد بود.

استاندارد

استانداردها شامل قواعد فنی جمع‌آوری، به اشتراک‌گذاری، تلفیق و توزیع اطلاعات مکانی- فضایی مانند مدل‌های داده‌ای، شناسنامه داده‌ها، نحوه تبدیل داده‌ها و مانند آن است.

سیاستگذاری

مجموعه مقررات و خط‌مشیهای لازم برای جمع‌آوری، مدیریت، هماهنگی، سیاستگذاری، قانونگذاری، تعیین مسئولیتها و روابط بین مشارکت‌کنندگان در به کارگیری SDI است.

شبکه‌های دسترسی

شبکه‌های دسترسی، شامل ابزار توزیع، جستجو و دستیابی به اطلاعات مکانی، خدمات و فناوری لازم جهت جمع‌آوری، تلفیق، نگهداری و ارتقای داده‌های مکانی است.

داده‌ها

داده‌های موجود در SDI، شامل داده‌های مکانی مورد نیاز برای استفاده در فعالیت‌های مختلف بخشهای دولتی، خصوصی و عمومی است. ارائه لیست داده‌های موجود، به نیازها و اولویتهای کاربران بستگی دارد.

ایجاد بستر توانمندسازی

توسعه یک بستر توانمندسازی برای یک کشور باعث بهبود توانایی دولت، بخش خصوصی و جامعه برای تصمیم‌گیری درباره آن جامعه خواهد بود. کاربردها، ابزارها و انواع مختلف داده‌ها از طریق این بستر قابل دسترسی است. این بستر باعث می‌گردد، تصمیمها براساس داده‌های مختلف و اساسی مانند هر ۲ نوع پایگاه داده کاداستر و توپوگرافی

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

مسئله اجتماعی- فنی است و نه فقط یک مسئله صرفاً فنی، زیرا جامعه می‌تواند از SDI بهره فراوان ببرد.

دیدگاه اجتماعی- فنی مرتبط با توسعه‌های فنی SDI حکم می‌کند که باید به مسائل انسانی نیز همانند مسائل فنی و سازمانی توجه داشت. براساس این دیدگاه پیشنهاد می‌شود که دیدگاه فنی به دیدگاه فنی- اجتماعی تغییر کند و توجه متولیان بیشتر روی مردم و فناوری باشد، تا فقط به مسائل فناوریانه معطوف گردد. براین اساس، حرکت از دیدگاه فنی به دیدگاه فنی- اجتماعی باعث می‌شود که متولیان روی نیازها بیشتر از حرکت‌های فناوری تمرکز کنند. در چنین جامعه‌ای، کاربر است که فناوری را مشخص می‌کند، در صورتی که در دیدگاه فنی، این فناوری است که همه چیز را به کاربر تحمیل می‌کند. جنبه دیگر، تفاوت مابین طبیعت ۲ جامعه است. جامعه فنی- اجتماعی پویاست. این به خاطر کاربردها و دیدگاهی است که مردم در جامعه با آن درگیرند، ولی جامعه فنی تقریباً ثابت است، به خاطر اینکه با تقاضا کاری ندارد. جنبه فنی اجتماعی این اجازه را به متولیان می‌دهد، تا تغییرات جامعه را بهتر درک کنند. براساس چنین دیدگاهی در جامعه، مردم تمایل بیشتری برای همکاری خواهند داشت.

کاربردهای عمده زیرساخت داده‌های مکانی-

فضایی

از کاربردهای SDI در یک جامعه می‌توان به تسهیل در تبادل، ادغام و به کارگیری اطلاعات مکانی، افزایش منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بر روی داده‌های مکانی- فضایی موجود توسط سازمانهای مختلف، افزایش امنیت اجتماعی با به کارگیری اطلاعات مکانی در مدیریت بحران و ارائه خدمات بهینه به کاربران، با بهره‌گیری از اطلاعات مکانی- فضایی و بهره‌گیری بیشتر از بسترهای توانمندسازی اشاره نمود. استفاده از SDI، باعث تسهیل در روند تصمیم‌گیری در کاربردها و فعالیتهای متنوعی می‌گردد. زمینه‌های کاربردی SDI موارد زیر را شامل می‌گردد:

مشکل اصلی در ساخت یک بستر توانمندسازی نه تنها مشکلات فنی، بلکه مسائل سازمانی و قانونی و مدیریتی است.

برای توسعه یک بستر توانمند، این امر بسیار مهم است که همکاری کافی بین فعالیتهای تحقیقاتی صورت گیرد. این فعالیتها توانایی بالقوه‌ای در راستای یکپارچه‌سازی و هماهنگی در سطح ملی دارند. اگرچه فعالیتهای زیاد باید برای اجرای کارای آن انجام گیرد، ولی بایستی تعامل کاملی بین توسعه‌دهندگان و کاربران نهایی نیز وجود داشته باشد، چرا که هدف، ایجاد یک سیستم داده‌محور نیست، بلکه بستر توانمندسازی برای تمام نیازها، شامل روش بالا به پائین و پائین به بالا برای کلیه اطلاعات مکانی است.

رسیدن به چنین هدفی به تواناییهای تحقیق، اجرای هماهنگیهای سازمانی و چارچوب حکومتی در جهت مسائل اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی بستگی دارد. بسیاری از سازمانها و مؤسسات تمایلی برای همکاری ندارند، ولی وقتی عامل پرقدرتی برای همکاری وجود داشته باشد، این امر امکان‌پذیر است؛ البته بحثها و چانه‌زنیها همیشه زمانبر و مشکل ساز بوده‌اند و این امر باعث مشکلات فراوانی در همکاریهای بین‌سازمانی در طولانی مدت است. بستر توانمندسازی نه تنها وسیله‌ای برای به اشتراک‌گذاری و دسترسی به داده‌هاست، بلکه ابزاری برای هماهنگی بین سازمانها نیز بشمار می‌رود.

مسائل مربوط به انسان و اجتماع

SDI درباره به اشتراک‌گذاری داده‌ها، همکاری بین افراد مختلف در جامعه اطلاعات مکانی- فضایی است. کسانی که در حوزه SDI کار می‌کنند، بایستی نقش اساسی انسان را در این مسئله به همان اندازه مسائل فنی در نظر داشته باشند. با عنایت به این مطلب، موفقیت کامل SDI به جامعه و انسان بستگی دارد. به همان اندازه که به مسائل فنی SDI، مانند شبکه داده و مانند آن اهمیت داده می‌شود، باید به مسائل اجتماعی، مانند حمایت سیاسی، اهداف کاری، فرهنگ به اشتراک‌گذاری، حمایت مالی، همکاری اعضا جامعه نیز اهمیت داده شود بنابراین، مسئله توسعه SDI یک

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

پژوهش مذکور در گام نخست، با مطالعه پیشینه تحقیقاتی در زمینه موضوعاتی نظیر شبکه اطلاعات مکانی، زیرساخت اطلاعات مکانی- فضایی و مدیریت بحران آغاز گردید. سپس، مرکز مدیریت بحران از نظر داده مکانی و فاکتورهای فنی و غیرفنی که بر توسعه SDI مؤثرند، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که توسعه SDI در ایران به‌منظور مدیریت بحران، تابعی از وضعیت اجتماعی، فنی و غیرفنی، سیاسی، سازمانی و اقتصادی است.

براساس ارزیابی سازمانی، مدل ادراکی اولیه از SDI، با مشخص نمودن هریک از اجزای کلیدی SDI، نظیر منابع انسانی، استانداردها، سیاستها، شبکه و داده در دسترس ایجاد می‌گردد. این مدل قالبی است که می‌تواند محیطی مناسب برای مشارکت سازمانها در جمع‌آوری، توزیع و کاربرد داده‌های مکانی- فضایی را فراهم آورد. یک سیستم مبتنی بر شبکه نیز توسط GIS engine با یک واسط کاربر به‌عنوان ابزاری در جمع‌آوری، توزیع و تحلیل داده‌های مکانی- فضایی شکل گرفت. این سیستم شامل ۵ بخش کلیدی است که عبارتند از:

- واسط کاربر برای دسترسی و تحلیل داده توسط کاربران؛
 - اتصال‌گر شبکه و اتصال‌گر کاربری برای دریافت و انتقال درخواست کاربران به اتصال‌گر نقشه؛
 - اتصال‌گر نقشه برای تحلیل و پرس‌وجوی داده مکانی براساس نیاز کاربر؛
 - اتصال‌گر داده برای استخراج داده از پایگاه داده و انتقال آنها به اتصال‌گر نقشه به‌منظور تحلیل داده مکانی؛ و
 - یک پایگاه داده شامل داده‌های مکانی- فضایی.
- پروژه آزمایشگاهی در تهران با مشارکت ۱۲ سازمان در بخش مدیریت بحران به‌منظور ارزیابی سیستم مبتنی بر شبکه و توسعه مدل مفهومی SDI انجام شد. از اهداف دیگر این پروژه، شامل یک زلزله فرضی در تهران، بررسی میزان تأثیر این سیستم در آگاهی سازمان مدیریت بحران بود. براساس نتایج پروژه آزمایشگاهی، مدل ادراکی اولیه SDI و سیستم مبتنی بر شبکه مورد ارزیابی کیفی قرار گرفت.

- مدیریت بحران (← مدیریت بحران)؛
- آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین)؛
- مدیریت منابع؛
- مدیریت زمین و کاداستر؛
- مدیریت منابع آبی و دریایی؛
- محیط زیست (← محیط زیست)؛
- دفاع و امنیت؛
- مهاجرت (← مهاجرت)؛
- آمار و برنامه‌ریزی؛
- بهداشت و درمان؛
- برنامه‌ریزی اجتماعی؛
- حمل‌ونقل؛
- کشاورزی؛ و
- استخراج معادن.

توسعه مدل ادراکی SDI و مدیریت بحران

فرایند توسعه SDI در یک جامعه فرایندی بلندمدت و پیچیده است. SDI بیش از آنکه یک محصول صرفاً فیزیکی شامل شبکه‌های کامپیوتری و داده‌های مکانی باشد، درواقع سازوکاری است که فرهنگ به اشتراک‌گذاری و تبادل داده‌های مکانی را میسر می‌سازد. براین‌اساس، توسعه SDI نیازمند فرایندی برنامه‌ریزی شده به همراه بسترسازی مناسب در غالب اشاعه فرهنگ آن است. به‌منظور فراهم‌سازی نمونه‌ای از قابلیت SDI در توسعه پایدار و نقش آن در دسترسی به داده‌های مکان مرجع، به پروژه‌ای تحقیقاتی در ایران که با هدف توسعه سیستمی مبتنی بر SDI از لحاظ دسترسی و کاربرد داده در مدیریت بهینه صورت گرفته است، اشاره می‌شود. این پژوهش عملاً بر ارزیابی میزان واکنش در زمان شکل‌گیری بحران اشاره دارد. شکل‌گیری مدل ادراکی SDI به‌عنوان قالبی در تسهیل مشارکت سازمانها در جمع‌آوری، تفکیک، دسترسی و کاربرد داده و ایجاد یک سیستم مبتنی بر شبکه، به‌عنوان ابزاری در توزیع داده، تبدیل و تحلیل آن با استفاده از مدل مفهومی SDI را می‌توان ۲ ره‌آورد اصلی این پروژه قلمداد نمود.

زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

می‌شود، به‌گونه‌ای که همزمانی با وقایع شکل گرفته از طریق دستیابی به اطلاعات بهنگام، برای مدیران تصمیم‌گیرنده از اهمیت بالایی برخوردارست. از سوی دیگر، واکنش مناسب کاملاً به زمان وابسته است، تا بتواند عملکردی درخور با شرایط ایجاد شده داشته باشد. بنابراین، هرگونه تأخیر در جمع‌آوری داده، دسترسی، کاربرد و تفکیک آن به‌منزله کاهش کیفیت درپاسخگویی به وقت نیاز است.

روند کنونی حاکی از آن است که زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی به‌منزله شالوده مدیریت داده مکانی، قالبی مناسب را فراهم نموده و یک سیستم تحت شبکه می‌تواند ابزاری مؤثر در حل مسائل موجود از طریق داده‌های مکانی- فضایی باشد. در این راستا، مدیریت جامع محیط، اعم از محیط انسان ساخت و محیط طبیعی، نیازمند تلفیق اجزای مکانی این ۲ محیط درکنار یکدیگر و تحلیل همزمان این اجزاست. با ایجاد بستری مناسب در بطن SDI که به‌طور جامع مشکلات فنی و غیرفنی تلفیق داده‌ها را ریشه‌یابی نموده و راهکارهای مناسبی برای غلبه بر این مشکلات را ارائه نماید، می‌تواند کمک شایانی درجهت تسهیل نیل به اهداف توسعه پایدار باشد.

با توجه به رویکرد روزافزون نهادها و دولت‌ها در سطح بین‌المللی به اجرای زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی، بررسی و ارزیابی می‌تواند کمک شایانی به توجیه کارا بودن آن بنماید. تاکنون بررسیهای انجام گرفته دراین باره بسیار محدود بوده و درسطح محدودی منتشر شده است. علت اصلی این امر درطبیعت متغیر SDI نهفته است. متولی نسل اول SDI اکثراً نهادهای دولتی بوده‌اند که حوزه فعالیت آنها معمولاً بر ایجاد و تکمیل پایگاههای داده‌های مکانی- فضایی متمرکز شده است. در نسل دوم که بیشتر بر تبادل اطلاعات، ارائه خدمات و ارتباط کاربر و داده تأکید دارند، نحوه طراحی و اجرا بیشتر به‌سمت تعاملات مدیریت رفته و به‌سوی دست‌اندرکاران داده مکانی سوق پیدا کرده است. هرچند فراورده‌هایی نظیر متادیتا (metadata)، سرویسهای تحت شبکه و کاتالوگ داده‌ها، جزء لاینفک آن محسوب می‌گردد، چنین رویکردی موجب مشارکت بخشهای

این‌گونه برآوردشده است که برای هر یک از سازمانهای درگیر با این پروژه، زمان پاسخگویی سازمان با دارا بودن تمام اطلاعات موجود و قابل دسترس و هدایت برنامه‌ریزی مناسب پیش از واکنش عملی، حداقل به یک سوم در وضعیت معمول کاهش خواهد یافت. کاملاً مشخص است، چنانچه سایر عوامل، نظیر واکنش مختصات‌بندی شده میان بخشهای موجود، دراین ارزیابی وارد شود، نتایج بهتری درصرفه‌جویی از نظر زمان به‌دست خواهد آمد. کوتاه نمودن زمان پاسخگویی، در واکنش نسبت به بحران شکل گرفته، به‌سبب ذات حساس آن به زمان، نتیجه مهمی تلقی می‌گردد.

درواقع، به‌سبب ضرورت داده مکانی در توسعه پایدار، دستیابی به این‌گونه نتایج چندان دور از ذهن نیست، اما آنچه که این پروژه می‌تواند در بهبود آن مؤثر واقع گردد، امکان دستیابی و کاربرد داده مکانی است. در این میان بایستی بدین نکته توجه شود که به‌سبب طبیعت پویای SDI و قابلیت مدیریت بحران در توسعه پایدار (از دیدگاه اجتماعی، فنی و غیرفنی، سیاسی و مالی)، مدل ادراکی SDI و سیستم تحت شبکه آن، نیازمند بازبینی منظم و برنامه‌ریزی شده است.

اهمیت SDI در تسهیل ادغام داده‌های مکانی برای توسعه پایدار

ادغام داده‌های مکانی یکی از مهم‌ترین اعمالی است که تقریباً توسط تمام سرویسهای مکانی انجام می‌گیرد که ضمناً یکی از پرهزینه‌ترین و زمانبرترین عملیات مکانی بشمار می‌رود. از سوی دیگر، ادغام داده‌ها برای تحلیل و ارزیابی تأثیرات متقابل محیط و انسان، امری حیاتی است. کشورهای پیشرفته برای ایجاد تعادل و تعامل سازنده بین محیطهای انسان ساخت و محیط طبیعی، اصولی را تحت عنوان توسعه پایدار معرفی کرده‌اند؛ توسعه پایدار بر ۳ رکن بهره‌وری اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست تأکید دارد که سرلوحه تمام تصمیم‌گیرهای خرد و کلان جامعه قرار می‌گیرند. توسعه پایدار در هر زمینه‌ای فرایندی پویا قلمداد

- Addison Wesley Longman, Australia. ۱۹۹۸.
- Lee, J. and Bui, T. *A Template-Based Methodology for Disaster Management Information*, ۲۰۰۰.
 - Mansourian, A.; Rajabifard, A.; Valadan Zoej. M.J. and Williamson, I.P. (۲۰۰۴). "SDI for Disaster Management to Support Sustainable Development", *Map Asia ۲۰۰۴ Conference*, Beijing, China
 - Neal, M. *The Culture Factor: Cross-National Management and the Foreign Venture*, Macmillan Press, London ۱۹۹۸.
 - Patch, J. and Reeve, D. *GIS Organisations and People, a socio-technical approach*. Taylor & Francis, UK: ۱۹۹۹.
 - Pelling, M.; *Natural Disaster and Development in a Globalizing World* London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group, ۲۰۰۳.
 - Radwan, M.; Alvarez, A.; Onchaga, R. and Morales, J. *Designing an Integrated Enterprise Model to support Partnerships in the Geo-Information Industry*. MapAsia, ۲۰۰۳.
 - Rajabifard, A.; Binns, A and Williamson., I. (۲۰۰۵a) "Creating an Enabling Platform for the Delivery of Spatial Information", *Proceedings of SSC ۲۰۰۵ Spatial Intelligence, Innovation and Praxis: The national biennial Conference of the Spatial Sciences Institute*, September, ۲۰۰۵. Melbourne: Spatial Sciences Institute.
 - Rajabifard, A., Binns, A and Williamson., I. (۲۰۰۵b), "Development of a Virtual Australia Utilising an SDI Enabled Platform", *Proceedings FIG Working Week ۲۰۰۵ and GSDI-A*, Cairo, Egypt April ۱۶-۲۱, ۲۰۰۵.
 - Rajabifard, A., Feeney, M., and Williamson I.P. (۲۰۰۲). "Future Directions for the Development of Spatial Data Infrastructure", *Journal of the International Institute for Aerospace Survey and Earth Sciences*, ITC, Vol. ۴, No. ۱, The Netherlands, PP ۱۱-۲۲.
 - Tierney, K.J. (۱۹۸۹). *The Social and Community Contexts of Disaster: in Psychosocial Aspects*.
 - Rajabifard, A.; Feeney, M. E. F. and Williamson, I. P. (۲۰۰۲). "Future Directions for SDI Development", *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*, ITC, Vol. ۴, No. ۱, The Netherlands, pp. ۱۱-۲۲.

دیگری از جامعه شده و تمایل و درخواست برای ارزیابی SDI را موجب می‌گردد.

نحوه ارزیابی زیرساخت داده‌های مکانی- فضایی

برای ارزیابی SDI شاخصهای گوناگونی به کار می‌رود. تجربیات به دست آمده از ارزیابی موارد مشابه، مانند دولتهای الکترونیک (← دولت الکترونیک) می‌تواند بدین بحث کمک شایانی نماید. هدف، در واقع، اصطلاحاتی نظیر حساب سود به هزینه و بازگشت سرمایه، ابزار کارایی برای ارائه نسبت هزینه به سود حاصل از سرمایه‌گذاری است.

چالش مهم گسترش SDI، مشخص نمودن کامل مخاطبان و نیازمندیهای آنها و سپس محاسبه منافع و سود حاصل از اجرای SDI برای مخاطبان است. تجربیات حاصل از دولت الکترونیک در این زمینه می‌تواند کارایی قابل توجهی داشته باشد. در کنار این مباحث، برخی برآوردهای انجام شده حاکی از بازگشت سرمایه به میزان ۴ به ۱ (در استرالیا، اروپا و ایالات متحد) و یا ۲ به ۱ (در ایالت نیوسوت ولز استرالیا) تا مقادیر قابل توجهی مانند ۲۳ به ۱ (گزارش وزارت کار و اقتصاد اتریش) است.

کتابشناسی:

- Bartlett, C.A. and Ghoshal, S.A. *Managing Across Borders*. London: Hutchinson Business Books, ۱۹۹۰.
- Campbell, H. and Masser, I. *GIS and Organizations*. London: Bristol, PA, Taylor & Francis, ۱۹۹۵.
- CRC. *Report on Concepts and Principles for Virtual Australia*. Melbourne: Australia Internal Research Publication, CRC-SI, ۲۰۰۵.
- Donohue, K. "Using GIS for All-hazard Emergency Management", <http://www.edc.uri.edu/nrs/classes/nr۵۴۰۹/۵۰۹-۲۰۰۲/donahue.pdf>
- Dynes, R.R. *Organized Behaviour in Disaster*. Lexington: D.C. Health, ۱۹۷۰.
- Giff, G. and Coleman, D. *Funding Models for SDI Implementation: from Local to Global*, Dept. of Geodesy and Geomatics Engineering and University of New Brunswick, Canada.
- Langdon, A. and Marshall, P. *Organisational Behaviour*,

ساختار روستایی

علیرضا شکیبا

یا بافت متراکم و منسجم و یا ساختار کالبدی (بافت) غیرمتراکم و منفصل برخوردار باشند (← سکونتگاه روستایی).

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ هشتم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.

- لوبو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*. ترجمه محمود محمودپور، تبریز: ۱۳۵۴.

- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, ۱۹۶۶.

- Hudson, F.S. *A Geograhpy of Settlements*. London, ۱۹۷۰.

- Lienau, C. *Ländliche Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۸۶.

- Uhlig, H. u. C. Lienau. *Die Siedlungen des ländlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.

عباس سعیدی

ساختار شهری

Urban Structure

مفهوم ساختار به کیفیت ساخت، اسلوب و قالبی مربوط می‌شود که نتیجه تلاش یا فعالیتی باشد و آن عبارت از چیزی است که از چند بخش مختلف ساخته شده و به شکل ویژه‌ای قرار گرفته باشد.

در شهرسازی، اگرچه منابعی که به‌طور مستقیم به معنی ویژه ساخت و ساختار اشاره کند، محدود است، ولی می‌توان شکل به هم بافته استقرار شهر و نحوه تأثیرپذیری کالبد آن در یک محیط جغرافیایی را که شامل ترکیب ساختمانها، راهها، به تبعیت از عوامل مختلف می‌شود،

- SNDR (۲۰۰۲). *A National Hazards Information Strategy*:

Reducing Disaster Losses through Better Information, National Science and Technology Council, Committee on the Environment and Natural Resources, Subcommittee on Natural Disaster Reduction (SNDR), Washington, DC, April ۲۰۰۲.

س

ساختار روستایی

Rural Structure

ساختار یا ساختار کالبدی سکونتگاههای روستایی حاصل تعامل متقابل عوامل و نیروهای گوناگون محیطی- اکولوژیک و اجتماعی- اقتصادی است و نمایانگر بافت (texture)، شکل (shape)، فرم (form) و الگوی کالبدی (physical pattern) آنهاست. اجزای متعارف این ساختار عبارتند از:

- خانه‌ها و واحدهای مسکونی؛
- زمینهای زراعی، باغها و اراضی مرتعی؛
- مکانهای عمومی و میادین؛
- واحدهای خدماتی، تسهیلاتی و تأسیسات عمومی؛ و
- شبکه معابر، اعم از راههای ارتباطی درونی و بیرونی روستا.

به سخن دیگر، ساختار کالبدی نه تنها گویای نحوه استقرار فضایی و مکان‌گزینی این اجزاء، بلکه همچنین نشانگر نحوه و درجه نظم‌پذیری آنهاست. در ادبیات روستاشناسی گاهی اصطلاح ساختار کالبدی را با بافت (کالبدی) به صورت مترادف به کار می‌برند. بنابراین، با توجه به استقرار این اجزاء نسبت به هم و فاصله آنها از یکدیگر، سکونتگاه روستایی ممکن است از *ساختار کالبدی*

ساختار شهری

مطالعات ساختاری فرق می‌کند. برای مثال، در مطالعات ساختاری یک شهر می‌توان انواع ساختارها، مانند ساختار کالبدی، ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی، ساختار فضایی، ساختار مدیریتی، ساختار استقرار راهها، ساختار محیطی، ساختار کاربری، زمین و مانند آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. بدیهی است که بعضی از این ساختارها، مانند ساختار فرهنگی، در شناخت خصوصیات ساختاری اصلی شهر نقش تعیین کننده‌ای دارند. با جمع‌بندی این مطالب، ساختار شهری را می‌توان ترکیب و استخوان‌بندی شهر و کلیه عواملی دانست که یک شهر را می‌سازند و ساختار یک شهر، مفهوم مشترک نظام، الگو، ارتباط سلسله مراتبی، شبکه‌های ارتباطی، سازماندهی فضایی و ترکیب عوامل مختلف آن است. از این رو، ساختار شهری را می‌توان به‌مثابه یک نظام دانست که مجموعه‌ای بی‌شمار از خرده نظامها، هر یک بر حسب نوع و شرایط خود و به‌صورتی مستقل یا وابسته به یکدیگر، در آن اهمیت می‌یابند.

در طول حداقل یک سده گذشته، بحث مربوط به مطالعات ساختاری شهر، مورد توجه اندیشمندان مختلف در عرصه‌های جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی بوده است. از آن جمله می‌توان به ساخت دوایر متحدالمرکز ارنست برگس، ساخت شهر همرویت، ساخت چند هسته‌ای شهر ادوارد اولمن و چانسی هریس، ساخت عمومی شهر رابرت دیکنس، ساخت ستاره‌ای، ساخت خطی و ساخت طبیعی شهر اشاره کرد.

در مطالعات ساختار شهری، نحوه به هم پیوستگی و همگن بودن یک مجموعه و تفاوت آن با مجموعه‌های دیگر، از جمله عواملی است که به‌نحو بهتری ساختار یک شهر را معرفی می‌کند. بدیهی است که منطقی‌ترین نگرش در مطالعات ساختاری شهر به دارا بودن نگاه ساختاری به آن مربوط می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- احمدیان، رضا. «گفتمانی در جستجوی مفهوم ساخت شهر»، فصلنامه بین‌المللی فنی و مهندسی. سال دوم، شماره ۵، تهران.
- اعتصام، ایرج. «گفتمانی در جستجوی مفهوم ساخت شهر»، فصلنامه

تعبیری از ساختار شهری دانست. در دانشنامه برنامه‌ریزی محیطی، ساختار به معنی توزیع مبانی کاربری زمین و شبکه‌های ارتباطی، از جمله خیابانهای اصلی و راه آهن در نواحی شهری را که به‌منظور شناخت و توجیه با شماره موقعیت و کیفیت حوزه‌های شهری صورت می‌گیرد، آمده است. مجموعه کالبدشهر که در آن استخوان‌بندی راهها، ساختمانها و فضاهایی که به‌صورت گسترده و متمرکز با هم در پیوند قرار دارند و عوامل مختلفی که به این استخوان‌بندی و ترکیبات آن اثر می‌گذارد و همچنین نظام فضایی استقرار محورها و مراکز کارکردی شهر را ساختار آن شهر می‌گویند.

برای تعریف ساختار شهر، نیاز به آن است که در ابتدا بافت آن تعریف شود. بافت در تعریفی ساده، عبارت از نحوه تنیده شدن و استقرار ساختمانها و ترکیب آنها با یکدیگر، در ارتباط با شبکه راهها و شرایط محیطی است. در همین راستا، ساختار تأثیر عوامل مختلفی است که بر روی بافت صورت گرفته و آن را تحت تأثیر شرایط خود قرار داده است. بدیهی است که مهم‌ترین عواملی که بر بافت شهر اثر می‌گذارند و ساختار آن را به‌وجود می‌آورند، شامل عوامل مختلفی همچون عوامل طبیعی و اقلیمی، عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی و معیشتی، فناوری، عوامل تاریخی، عوامل نهادی و مدیریتی و عوامل تأسیساتی است. ساختار یک شهر، محور اصلی شکل‌گیری و تکوین هر شهر محسوب می‌شود و به‌مثابه ستون فقرات در ساختار بدن است، به‌طوری‌که با از بین رفتن یا خدشه‌وارد آمدن به آن، سازمان آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین، ساختار یک شهر زیر مجموعه‌ای از سازمان یافتگی فضایی آن نیز تلقی می‌شود، در عین آنکه ساختار یک شهر می‌تواند تا اندازه زیادی تحولات و سازمان یافتگی شهری را نیز نمایندگی نماید.

اگرچه در بررسی ساختار یک شهر، نتایج کالبدی آن اهمیت دارد، ولی این ساختار صرفاً نتایج کالبدی را در برنمی‌گیرد و تظاهرات آن بیشتر به‌صورت کالبدی جلوه می‌کند. همچنین در بررسی ساختار شهری، بسته به نوع نگرشی که می‌تواند برای مطالعه آن وجود داشته باشد، نوع

ساخت‌وساز شهری

است. در ماده ۲۳ این قانون آمده است: «شهرداریها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر از جمله تعیین تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمانها براساس نقشه جامع شهر و منطقه‌بندی آن؛ با رعایت ضوابط و معیارهایی که از طرف شورای عالی شهرسازی تعیین و به‌وسیله وزارت کشور ابلاغ خواهد شد، هستند. شهرداریها با استفاده از اختیارات فوق مکلف به مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها و تأمین تسهیلات لازم برای زندگی اجتماع خواهند بود.

اهداف کنترل ساختمان

فعالیت‌های ساختمانی بخش عمده‌ای از کل فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشور را تشکیل می‌دهند. مقایسه ارقام سرمایه‌گذاری ملی در بخشهای مختلف تولیدی نشان می‌دهد که سهم عظیمی از این سرمایه‌ها در پروژه‌های ساختمانی و صنایع وابسته به آن به کار گرفته می‌شود؛ این سرمایه یا به‌صورت مستقیم در پروژه‌های مسکونی، تجاری، بهداشتی، آموزشی، فرهنگی و نظایر آن به کار رفته، یا به‌صورت غیرمستقیم در قالب مستحقات جنبی سایر پروژه‌های عمرانی به ساختمان‌سازی اختصاص داده شده است. اگر سرمایه‌های ملی به کار گرفته شده در صدها شاخه از صنایع و خدمات غیرساختمانی را که در اختیار ساختمان قرار می‌گیرند به این ارقام بیفزائیم، بزرگی حجم ثروت ملی در این بخش بیشتر روشن می‌شود. با توجه به نسبت جمعیت شهرنشین و همچنین تمرکز فعالیت‌های اداری، صنعتی، بهداشتی و مانند آن در شهرها، بخش عمده و اصلی ساخت‌وسازهای ساختمانی در شهرها صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، «ساختمان» در بسیاری از موارد، نه تنها گران‌ترین کالایی است که شهروندان در طول حیات خود خریداری می‌کنند، بلکه یکی از حیاتی‌ترین کالاها در زندگی افراد محسوب می‌شود. تأمین رفاه، بهداشت و ایمنی ساختمانها در مقابل حوادث غیرمترقبه از مهم‌ترین وظایف دولت در قبال مردم است. حفظ این سرمایه غیرمنقول و حفظ ایمنی خانواده‌ها، تا حدود زیادی، به طراحی، ساخت

فنی مهندسی. شماره اول، تهران، ۱۳۸۳.

- برزگر، محمدرضا. *شهرسازی و ساخت اصلی شهر*. شیراز: کوشامهر، ۱۳۸۲.

- سعیدنیا، احمد. «گفتمانی در جستجوی مفهوم ساخت»، *فصلنامه فنی مهندسی*. شماره اول، تهران، ۱۳۸۳.

- شیعه، اسماعیل. «گفتمانی در جستجوی مفهوم ساخت شهر»، *فصلنامه بین‌المللی فنی مهندسی*. سال دوم، شماره دوم، تهران، ۱۳۸۴.

- شیعه، اسماعیل. *کارگاه برنامه‌ریزی شهری*. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.

- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ دهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.

- Couian, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk Streetwise Press, ۲۰۰۵.

- Gilpin, A. "Environmental Planning", *A Condensed Encyclopedia*. New Jersey: Noyes publications, ۱۹۸۶.

اسماعیل شیعه

ساخت‌وساز شهری

Urban Construction

هرچند نمی‌توان ادعا کرد که تمام ساخت‌وسازها تحت کنترل رسمی دولت هستند، اما شهرداریها در اغلب شهرها، کمابیش بر ساخت‌وساز بناها نظارت دارند. صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی که در شهر ساخته می‌شوند، برای نخستین بار در قانون شهرداریها (مصوب ۱۳۳۴ش بند ۲۴ ماده ۵۵) جزو وظایف شهرداریها بشمار آمده است. در ۱۳۴۵ش قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری تصویب شد. در ماده ۱۰۰ این قانون آمده است که مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن، قبل از هر اقدام قانونی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان، باید از شهرداری پروانه اخذ نمایند.

در قانون نوسازی و عمران شهری (مصوب ۱۳۴۷ش) نیز به اختیارات شهرداری در کنترل ساختمان اشاره شده

ساخت‌وساز شهری

حوزه عملکرد قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمانی از گستردگی زیادی برخوردار است و مجموعه قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌ها، استانداردها و تشکلهای مهندسی، حرفه‌ای و صنفی را شامل می‌شود.

برای انتظام دادن به وضعیت ساختمان در کشور، براساس قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دست‌اندرکار در امر ساختمان ملزم به داشتن صلاحیت‌های حرفه‌ای احراز شده هستند. مقررات ساختمانی جنبه ملی دارد و برای تمام شهرهای کشور یکسان است. این مقررات اصولاً زیر نظر کمیته‌ای متشکل از صاحب‌نظران رشته‌های مختلف، نظیر سازه، ساختمانهای بتون آرمه، ساختمانهای فولادی، مکانیک خاک و مهندسی پی، معماری، تأسیسات مکانیکی، تأسیسات برقی و سایر تخصصهای مرتبط با مقررات ساختمانی تدوین شده است. مقررات ساختمانی اصولی را دربر می‌گیرد که حداقل کیفیت در همه انواع ساختمانها در سراسر کشور الزاماً در آن رعایت شده باشد. البته تفاوت‌های منطقه‌ای ناشی از وضعیت اقلیمی، میزان مهارت نیروی انسانی موجود در هر منطقه و ویژگیهای مصالح بومی هر استان به‌عنوان مقررات ویژه همان استان به مقررات ملی افزوده شده است.

مقررات ساختمانی افزون بر موازین فنی متناسب با شرایط اقتصادی اجتماعی هر استان، سطح مهارت فنی افرادی که با مقررات سروکار دارند، هماهنگ با نیازها و امکانات مادی و معنوی و بالاخره در چارچوب شناختهای علمی و فنی موجود تنظیم و تدوین می‌شود و در یک رابطه تأثیر و تأثر متقابل با عوامل فوق راه اعتلا را می‌پیماید.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «ساخت‌وساز شهری»، جلد ششم کتاب سبز شهرداریها. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۸.
- شهرداری تهران. طرح نظام هدایت و کنترل ساختمانها، بی‌تا.
- فدایی رضوی، باقر. «کنترل کیفیت ساختمان»، مجموعه مقالات کنفرانس ملی مقررات و کنترل ساختمان، ۱۳۷۵.
- مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران. مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.
- قربانی، فرج‌اله. مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری. خدمات

و بهره‌برداری علمی و فنی از ساختمانها بستگی دارد. بنابراین، برای حفظ منافع عمومی، حقوق شهروندی و همچنین تأمین رفاه و ایمنی و بهداشت ساکنان، نظارت و کنترل بر فعالیتهای ساختمانی ضروری است.

صدور پروانه ساختمان (و خاتمه کار) از ابزار کنترل بر فعالیت ساختمانها توسط شهرداریهاست. شهرداریها مجری و ناظر اجرای طرحهای توسعه شهری هستند؛ قطعاً بدون استفاده از ابزار پروانه ساختمانی، کنترل تراکمها و کاربریها و تعداد طبقات و رعایت اصول فنی ساختمان غیرممکن می‌گردد.

تا چند دهه پیش، هدف از صدور پروانه بیشتر وصول عوارض پروانه ساختمان و سایر عوارض معوقه از ساختمان بود، اما اخیراً رعایت ضوابط و مقررات طرحهای شهری و مقررات ساختمانی وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)، مهم‌ترین هدف جهت اطمینان از رعایت حقوق شهروندان است.



صدور گواهی پایان کار ساختمان، آخرین مرحله از کنترل و نظارت بر احداث ساختمان در شهرهاست. در این مرحله، مهندس ناظر مراتب اجرای درست ساختمان‌سازی را طبق مفاد پروانه ساختمان، گواهی نموده و شهرداری برحسب تقاضای مالک ساختمان و پس از بررسی و احراز اینکه بنا کاملاً مطابق با پروانه صادره ساخته شده است؛ گواهی پایان ساختمان را صادر می‌کند. صدور این گواهی به‌منزله آماده بودن ساختمان برای بهره‌برداری است. از قوانین مؤثر در کنترل ساختمان - قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان است که جدیدترین و مهم‌ترین آنهاست.

سازمان حفاظت محیط زیست

گزارشهای ادواری، بررسی و تحقیق پیرامون شکایات و پاسخگویی به آنها، از جمله وظایف این دفتر است.

• **اداره کل هماهنگی گارد امور استانها و مناطق.** ایجاد هماهنگی بین فعالیتهای واحدهای تخصصی ستادی و واحدهای اجرایی، تهیه دستورالعمل و روشهای هماهنگ در خصوص نحوه کنترل و نظارت بر منابع آلودهکننده محیطزیست، حفاظت و بهره‌برداری اصولی از حیات وحش، منابع سطحی و زیرزمینی، صدور موافقت اصولی برای تأسیس باغهای وحش، تأسیس نمایشگاههای حیات وحش، دفع حیوانات وحشی، صدور پروانه‌های شکار و صید و برنامه‌ریزی و اقدام در مورد تشکیل ستاد بحرانهای زیست محیطی و حوادث غیرمترقبه، در این اداره کل انجام می‌گیرد.

• **دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل.** برقراری ارتباط بین سازمان و سایر وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی و تبادل اطلاعات در زمینه فعالیتهای سازمان و نیز اقدامات لازم به منظور حفظ و گسترش روابط و ارتباط متقابل با کنوانسیونهای بین‌المللی و منطقه‌ای، از اهم فعالیتهای این دفتر بشمار می‌رود.

• **آموزشکده حفاظت محیطزیست.** آموزشکده حفاظت محیطزیست با هدف انجام آموزشهای تخصصی لازم در زمینه محیطزیست و به منظور تأمین، تجهیز و تربیت نیروی انسانی متخصص ایجاد شده است. علاوه بر این، تأمین خدمات آموزش زیست محیطی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات برای آموزش افراد مرتبط با محیطزیست را برعهده دارد.

معاونتها

• **معاونت توسعه مدیریت و امور مجلس.** این معاونت شامل اداره کل امور اداری، اداره کل امور مالی و ذی‌حسابی، دفتر حقوقی و امور مجلس و مرکز نوسازی و تحول اداری است. مرکز نوسازی، مدیریت تشکیلات و بودجه، مدیریت بهبود روشها و فناوری اطلاعات و مدیریت بهبود مدیریت و سرمایه انسانی را زیر پوشش خود دارد.

• **معاونت محیط طبیعی و تنوع زیستی.** این معاونت شامل

عمومی، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۸.

- قالیبافان، مهدی. «سیر تکاملی مقررات و ضوابط ساختمانی»، پیام آبادگران، ۱۳۷۳.

- مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی ایران. مجموعه مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.

- هاشمی، فضل‌الله. حقوق شهری و قوانین شهرسازی. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.

احمد سعیدنیا

سازمان حفاظت محیط زیست

سازمان حفاظت محیطزیست در راستای تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور حفاظت از محیطزیست و تضمین بهره‌مندی صحیح و مستمر از محیطزیست کشور، به نحوی که ضمن حفظ تعادل مناسبات زیستی، موجبات رشد و اعتلای انسان را فراهم سازد، ایجاد شده است. تشکیلات این سازمان، شامل ریاست، ۵ معاونت و دفاتر زیرمجموعه آنها، ۴ دفتر مستقل، آموزشکده محیط زیست و ۳۰ اداره کل در مراکز استانهاست. هریک از اجزاء این تشکیلات، براساس سیاستها، اهداف کمی و کیفی سازمان، وظایفی را برعهده دارند که به شرح زیر است:

دفاتر مستقل

• **دفتر ریاست و دبیرخانه شورای عالی.** این دفتر در راستای گردش بهینه امور حوزه رئیس سازمان (معاونت رئیس جمهور) و نیز تسهیل در ارتباطات تشکیلاتی، مردمی، بین‌المللی و رسانه‌ای، به تنظیم و هماهنگی برنامه‌ها، مکاتبات، بازدیدها و سفرهای ریاست سازمان می‌پردازد و علاوه بر آن، کلیه وظایف دبیرخانه شورای معاونان سازمان را برعهده دارد.

• **دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات.** تهیه شاخصها و معیارهای ارزیابی عملکرد سازمان و اجرای دستورالعملهای ارزیابی و نظارت بر آن و نیز انجام مطالعات و تحقیقات در این باره، تهیه و تنظیم برنامه‌های بازرسی مستمر و دوره‌ای و یا موردی و انجام آن و تهیه

سازمان حفاظت محیط زیست

زیست محیطی تالابها و سواحل دریایی؛ اجرای مطالعات بیولوژیک و اکوبیولوژیک دریایی؛ و پایش و مدیریت منابع ساحلی و دریایی، زیستگاههای حساس آبی و تالابهای ساحلی.

کمیته‌ها

• **کمیته ملی توسعه پایدار** (← توسعه پایدار، کمیته ملی).
• **کمیته اجرایی کاهش آلودگی هوا**. این کمیته از ۱۳۷۶ش تشکیل و در مهر ماه ۱۳۷۷ش ضرورت قانونمند شدن آن در هیئت دولت به تأیید رسید و بدین ترتیب، به صورت ماده ۱۰ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۸۲ قانون ۵ ساله دوم مصوب و وجهه قانونی پیدا کرد.

اعضای این کمیته عبارتند از: معاون محیط‌زیست انسانی سازمان حفاظت محیط‌زیست (رئیس)؛ مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان تهران (دبیر)؛ یک نفر نماینده از اعضای شورای عالی حفاظت محیط‌زیست و نمایندگانی از وزارت نفت، وزارت صنایع و سازمان گسترش و نوسازی صنایع، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نیروی انتظامی (معاونت حمل‌ونقل و راهنمایی و رانندگی)، شهرداری تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی، وزارت کشور، استانداری تهران، وزارت پست، تلگراف و تلفن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و کمیسیون زیربنایی و صنعت هیئت وزیران.

برخی دستاوردهای کمیته اجرایی کاهش آلودگی هوا از تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۹ش عبارتند از: تهیه و تدوین برنامه جامع کاهش آلودگی هوای تهران؛ ممنوعیت شماره‌گذاری اتوبوسها و مینی‌بوسهای دیزلی در شهر تهران و استفاده از سوخت گاز (CNG) طبیعی؛ پیگیری و اقدام در زمینه توزیع بنزین بدون سرب در تهران و سایر شهرهای کشور؛ پیگیری تبدیل به احسن خودروهای سواری فرسوده؛ و برگزاری هرساله روز هوای پاک در تهران و ۶ شهر آلوده کشور به‌عنوان حرکتی نمادین و فرهنگ‌ساز با همکاری گسترده کلیه دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و مشارکت سازمانهای غیردولتی زیست محیطی.

دفتر زیستگاهها و امور مناطق، دفتر حیات‌وحش و موزه‌های تاریخ طبیعی و دفتر تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی است و برخی از وظایف آن عبارتند از: تعیین ارزشها و کانونهای تنوع زیستی؛ مدیریت پروژه زیستگاههای حساس؛ اجرای طرح جامع مدیریت برای مناطق تحت حفاظت سازمان و تالابهای مهم؛ مدیریت خاص ذخیره‌گاههای زیست‌کره کشور؛ بررسی گونه‌های جانوری و گیاهی منقرض شده و یا مورد تهدید؛ و تأسیس و تکمیل موزه‌های تاریخ طبیعی کشور.

• **معاونت آموزش و پژوهش**. این معاونت با دفاتر زیرمجموعه خود، شامل دفتر پژوهش، برنامه‌ریزی، نظام اطلاعات و آمار محیط‌زیست، دفتر مشارکت و آموزشهای همگانی محیط‌زیست، دفتر توسعه پایدار بوم‌شناختی و اقتصاد محیط‌زیست، این وظایف را برعهده دارد: تدوین اولویتهای پژوهشی کشور؛ ایجاد سیستم مدیریت اطلاعات پژوهشی کشور در زمینه محیط‌زیست؛ ایجاد مرکز اطلاع‌رسانی و بانک اطلاعاتی؛ راه‌اندازی سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سنجش از دور (RS)؛ ارزشگذاری اقتصادی منابع طبیعی؛ و تدوین خط‌مشی ملی توسعه پایدار.

• **معاونت محیط‌زیست انسانی**. این معاونت شامل ۴ دفتر ارزیابی اثرات زیست محیطی، دفتر هوا، دفتر آب و خاک و دفتر پایش فراگیر محیط‌زیست است و برخی از وظایف آن عبارتند از: ارزیابی ظرفیت قابل تحمل محیط در جهت بهره‌وری معقول و مستمر از منابع محیط‌زیست؛ ارزیابی طرحهای عمرانی و اقتصادی؛ شناخت علل بروز اثرات زیست محیطی ناشی از طرحهای توسعه؛ مطالعه و بررسی کنترل آلودگی هوا در صنایع؛ کنترل فاضلابهای صنعتی، خانگی و تأسیسات عمومی؛ و برقراری استانداردها و ضوابط مربوط به آلودگی هوا، صدا، آب، خاک و ارتعاش.

• **معاونت محیط‌زیست دریایی**. این معاونت، شامل ۳ دفتر مدیریت سواحل و تالابهای ساحلی، دفتر اکوبیولوژی دریایی و دفتر بررسی آلودگیهای دریایی است و برخی از وظایف آن عبارتند از: بررسی و مطالعات مناطق ساحلی؛ تهیه ضوابط و استانداردهای مرتبط؛ تعیین الگوی مدیریت

حمایت و تکثیر حیوانات قابل شکار و صید جایگزین کانون شکار ایران گردید و به لحاظ برخی وظایف مرتبط در زمینه حفظ حیات وحش، زیر نظر شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید قرار گرفت.

تشکلهای زیست محیطی

ضرورت کوچک شدن دولتها در این برهه از تاریخ و همیاری مردم برای پیشبرد وظایف اجتماعی، موجبات جلب مشارکتهای مردمی را در اداره امور و تشکیل و تقویت نهادهای مدنی فراهم کرده است. سازمان حفاظت محیط زیست، سازمانهای غیردولتی زیست محیطی را چنین تعریف کرده است: سازمانهای غیردولتی زیست محیطی به کلیه تشکلهای غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی اطلاق می گردد که حاصل تشکل اشخاص حقیقی هستند و به طور داوطلبانه سازماندهی شده اند. این سازمانها با تدوین اساسنامه از تاریخ ثبت در مراجع رسمی، به عنوان یک شخصیت حقوقی جهت تحقق اهداف زیست محیطی به فعالیت می پردازند.

کتاب شناسی:

- مجموعه اسناد اداره روابط عمومی و امور بین الملل سازمان حفاظت محیط زیست.

- www.irandoc.org

محمدرضا فرزاد بهتاش

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

پیشینه حقوقی - سازمانی

شهرداریها سازمانهای عمومی غیردولتی هستند که در سطح شهرها به اهداء خدماتی مانند حمل و نقل عمومی، تأمین ایمنی، احداث خیابانها و معابر، و برنامه ریزی شهر می پردازند. تشابه وظایف و نیازمندیهای مشترک موجب

شوراها

• **شورای پژوهشی سازمان حفاظت محیط زیست.** شورای پژوهشی به منظور سیاستگذاری هدایت کلان و نظارت عالی و هماهنگی در امور تحقیقات زیست محیطی و ایجاد زمینه مناسب برای توسعه و پیشبرد آن در سطوح ملی، استانی و منطقه ای و تحول کمی و کیفی و کاربردی کردن طرحهای تحقیقاتی و نیز حمایت و پشتیبانی از ترویج و گسترش یافته های تحقیقاتی تشکیل می شود.

• **شورای انفورماتیک.** این شورا در حوزه مسئولیت، معاونت آموزش و برنامه ریزی تشکیل می شود و منظور از آن، سیاستگذاری، برنامه ریزی و به کارگیری سیستمهای سخت افزاری و نرم افزاری و شبکه اینترنت لازم، با رعایت استانداردهای مناسب و همچنین ایجاد هماهنگی، توجیه و جلب مشارکتهای فعال کلیه دفاتر و ادارات و مراکز ذی ربط سازمان و همچنین نظارت عالی بر نحوه انجام این مهم، به منظور پیشبرد هر چه بیشتر سیستم جامع انفورماتیک است.

• **شورای برنامه ریزی.** این شورا در مسئولیت معاونت مدیریت و امور مجلس سازمان تشکیل می شود و هدف از آن، سیاستگذاری کلان، تدوین و تصویب مواد قانونی برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به منظور برنامه ریزی در بخش محیط زیست است.

• **شورای چاپ و نشر.** شورای چاپ و نشر سازمان به منظور سیاستگذاری، هدایت کلان، نظارت عالی و هماهنگی در امور مرتبط با چاپ و نشر و ایجاد زمینه مناسب برای اشاعه فرهنگ و علوم زیست محیطی و اطمینان از مورد تأیید بودن کیفیت، ضرورت و مطلوبیت انتشارات چاپی سازمان تشکیل می گردد.

• **شورای عالی حفاظت از محیط زیست.** مبنای وجودی و ساختار و تشکیلات رسمی این شورای عالی به ۱۳۴۶ش باز می گردد. این شورا نخست به نام **شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید**، طبق قانون شکار و صید مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ش شکل گرفت. با تصویب این قانون در آن زمان، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، به منظور حفظ و

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

وزارت کشور است، به صورت سازمان مستقل و وابسته به وزارت کشور تأسیس شود. برای تأمین هزینه‌های سازمان مقرر شده بود کلیه اعتبارات متعلق به شهرداریها که قانوناً وصول و بین شهرداریها تقسیم می‌شد، در اختیار سازمان مذکور خواهد بود تا طبق مقررات جاری اقدام کند. همچنین تصریح شده بود که سازمان شهرداریهای کشور از محل اعتبارات فوق اداره خواهد شد، به طوری که هیچ‌گونه بار مالی برای دولت نداشته باشد. پس از این مصوبه، وزارت کشور اساسنامه سازمان شهرداریها را در ۴ فصل، ۱۷ ماده و ۳ تبصره، مستند به تصویب نامه شماره ۳۵۹۶۰ مورخ ۱۳۶۵/۵/۱۹ ش هیئت وزیران تهیه و جهت تأیید به سازمان امور اداری و استخدامی وقت ارسال کرد. با وجود موافقت رئیس وقت سازمان مذکور با اساسنامه یادشده در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ ش اما سازمان شهرداریهای کشور همچنان تأسیس نشد. باین وجود، منابع مالی سازمان در اختیار معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور قرار گرفت و عمده اعتبارات آن صرف خرید ماشین‌آلات، تجهیزات و قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز شهرداریهای کشور شد. با اینکه چنین سازمانی در عمل تأسیس نشد، برخی وظایف پژوهشی و برنامه‌ریزی آن با توجه به تأسیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری در اواخر ۱۳۶۸ ش و به‌ویژه گسترش فعالیت این مرکز از اواخر ۱۳۷۳ ش به انجام رسید. پس از تشکیل شوراهای اسلامی شهرها در ۱۳۷۷ ش و نیازمندیهای جدید مدیریت شهری، مانند استفاده بهینه از منابع و بهره‌مندی از تجربیات و سرمایه‌گذاریهای مشترک، حوزه معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور در ۱۳۷۹ ش مصمم شد تا سازمان شهرداریهای کشور را تأسیس کند. از این‌رو اساسنامه اصلاحی پیشنهادی سازمان شهرداریهای کشور تهیه شد و پس از تأیید وزیر کشور، برای تصویب به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال شد. با تصویب اساسنامه اصلاحی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، انتخاب ۳ نفر شهردار عضو شورای سازمان از سوی شهرداران منتخب استانها در ۱۳۸۰ ش و صدور حکم معاون هماهنگی امور عمرانی به‌عنوان رئیس سازمان، سازمان

شده است که در بیشتر کشورهای جهان شهرداریها نسبت به تأسیس اتحادیه شهرداری برای تأمین نیازهای مشترک و دفاع از حقوق شهرداریها در برابر دیگر نهادها و سازمانها اقدام کنند. در ایران تا پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) سازمانی به نام اتحادیه شهرداریهای ایران وجود داشت که در ۱۳۳۵ ش تأسیس شده بود و تمام شهرداریهای کشور در آن عضویت داشتند. اتحادیه زیر نظر وزارت کشور به فعالیت می‌پرداخت. باین وجود به موجب ماده ۶۲ قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ ش تأسیس سازمانی که بعدها سازمان شهرداریهای کشور نام گرفت، مطرح شد. این ماده مقرر می‌کرد که «به منظور راهنمایی و ایجاد هماهنگی در امور شهرداریها و آموزش کارکنان شهرداریها، همچنین نظارت در حسن اجرای وظایفی که طبق این قانون به عهده وزارت کشور گذاشته شده است، سازمان متناسبی در وزارت کشور پیش‌بینی و تأسیس شود. این سازمان موظف است تشکیلات خود را از هر نظر تکمیل و همواره مهندسان و کارشناسان تحصیلکرده در رشته‌های مختلف مورد نیاز شهرداریها را که مدارک علمی و تخصصی داشتند، در اختیار داشته باشد تا به منظور بازرسی شهرداریها مورد استفاده قرار گیرد». با توجه به فعالیت اتحادیه شهرداریهای ایران، تأسیس سازمان پیش‌بینی شده در ماده مذکور هیچ‌گاه عملی نشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با درخواست وزارت کشور و تصویب شورای انقلاب (مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۴ ش)، ماده ۸۲ که مربوط به تأمین اعتبار سازمان پیش‌بینی شده براساس ماده ۶۲ بود، به همراه ماده ۱۰۸ (مصوبه اصلاحیه قانون در بهمن ۱۳۴۵ ش) و اصلاح مجدد همین ماده در مهر ۱۳۵۴ ش درخصوص تشکیل اتحادیه شهرداریهای کشور، ملغی اعلام شد و تنها ماده ۶۲ باقی ماند. بدین ترتیب، اتحادیه شهرداریهای ایران منحل شد، اما بازم سازمان شهرداریها شکل نگرفت. پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از انحلال اتحادیه شهرداریها و احساس نیاز به چنین سازمانی، هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۵/۸ ش بنا به پیشنهاد وزارت کشور موافقت کرد که در اجرای ماده ۶۲ قانون شهرداریها، سازمان شهرداریهای کشور برای انجام وظایفی که قانوناً به عهده

کارکنان شهرداریها؛

• ایجاد ارتباط بین شهرداریهای کشور و شهرداریهای سایر کشورها و همچنین حضور در مجامع بین‌المللی مرتبط با امور شهری و شهرداری و قبول عضویت مراجع مذکور به منظور آگاهی و استفاده از تجارب و تحولات علمی در زمینه‌های مربوط به امور و مسائل شهری و شهرداریها با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

• برقراری ارتباط بین شهرداریهای کشور به منظور تبادل اطلاعات و تجارب مربوط به روشهای اداری، مالی، فنی، خدماتی و سایر امور شهرداری و همچنین ایجاد شرایط لازم در جهت همکاری شهرداریهای شهرهای مجاور با هدف تقلیل هزینه‌های عمرانی و خدماتی و جلوگیری از اصراف و تبذیر در امکانات شهرداریها، نظیر ایجاد بانک ماشین‌آلات، استفاده مشترک از نیروی انسانی و تخصصی، برنامه‌ریزی و تسهیم کلیه اعتبارات و وجوه متمرکز شهرداریها که طبق قوانین مربوط در اختیار وزارت کشور (سازمان شهرداریها) قرار می‌گیرد؛

• نمایندگی وزارت کشور جهت عضویت و شرکت در کلیه کمیسیونها، کمیته‌ها، جلسات و هیئتهایی که موضوع آنها در ارتباط با وظایف سازمان است و نیز در همایش و اجتماعات حسب نیاز و درخواست، به منظور آموزش نیروی انسانی مورد نیاز سازمان و شهرداریها در رشته‌های تخصصی، مالی، اداری، فنی، خدماتی و سایر رشته‌های مورد نیاز سازمان؛

• تعیین ضوابط و معیارهای مربوط به استفاده مدیران و کارکنان سازمان شهرداریها از بورسهای آموزشی مطابق مقررات مربوط؛

• نظارت و مراقبت در اقامه کلیه دعاوی له و علیه شهرداریها از طریق مشاوره و راهنمایی حقوقی آنها حسب مورد و با درخواست شهرداریها و قبول وکالت و حق توکیل از طریق شهرداری به منظور حضور و دفاع حقوقی در محاکم قضایی و حقوقی؛

• قبول نمایندگی شهرداریها برای انجام معاملات آنها و نیز تجهیزات و ماشین‌آلات به صورت متمرکز از محل وجوه متمرکز شهرداریها که در اختیار سازمان است با رعایت

شهرداریهای کشور تأسیس شد. با توجه به تشکیل دهیاریهای خودکفا در روستاهای کشور در ابتدای دهه ۱۳۸۰ش، وظایف مدیریت کلان دهیاریها برعهده سازمان شهرداریهای کشور گذاشته شد و این سازمان با افزودن یک معاونت جدید به نام «امور دهیاریها»، به «سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور» تغییر نام یافت.

وظایف و تشکیلات

اساسنامه اصلاحی سازمان در ۴ فصل، ۲۱ ماده، ۷ تبصره و ۴۶ بند تهیه شده است. فصل اول اساسنامه به کلیات، فصل دوم به هدف و وظایف و حدود اختیارات سازمان، فصل سوم به ارکان سازمان و فصل چهارم به مقررات مختلف اختصاص دارد. اهداف سازمان طبق اساسنامه عبارت است از بهبود وضع شهرداریها و دهیاریهای کشور و سازمانهای وابسته به آنها در زمینه‌های مختلف و توجه هرچه بیشتر به حداکثر استفاده از امکانات موجود. وظایف سازمان نیز براساس ماده ۶ اساسنامه به قرار زیر است:

• تشکیل بانک اطلاعات به منظور جمع‌آوری اطلاعات و آمارهای مربوط به شاخصهای عمران شهری و تجزیه و تحلیل آنها برای تصمیم‌گیری و استفاده در طراحی و برنامه‌ریزی و بهبود امور شهری و شهرداریها؛

• ایجاد مراکز پژوهشی به منظور انجام مطالعات و بررسیهای مربوط به شهرداریها و مطالعه و بررسی مداوم مسائل سازمانی و روشهای اداری، مالی، فنی، خدماتی و تدارکاتی و سایر امور شهرداریها و سازمانهای تابعه و وابسته و توصیه برای ایجاد یا اصلاح سازمان و بهبود روشها و ایجاد وحدت رویه؛

• بررسی و تنقیح قوانین و مقررات مرتبط با امور شهرداریها، اعم از جاری و پیشنهادی، به منظور تشخیص مقررات متناقض و مزاحم و دست‌وپا گیر و نیز رفع خلغهای قانونی و یا اصلاح و تکمیل مقررات موجود و پیشنهاد آن جهت سیر مراحل قانونی و پیگیریهای لازم تا مرحله تصویب و ابلاغ؛

• تشکیل همایشها، کنفرانسها و جلسات و برنامه‌های آموزشی به منظور ارتقاء کاری و عملکرد شهرداران و

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

پیشنهاد می‌کند.

منابع مالی سازمان شامل منابع مالی موضوع مصوبه مورخ ۱۳۶۵/۵/۸ ش هیئت وزیران (کلیه اعتبارات متعلق به شهرداریها که قانوناً وصول و بین شهرداریها تقسیم و ایصال می‌گردد)، اعتبارات دولتی در صورت پیش‌بینی و منظور در بودجه کل کشور و هدایا و کمکهای دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی است.

هم‌اکنون سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور با ۴ معاونت به فعالیت مشغول است:

• **معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداریها**، مشتمل بر ۴ دفتر آموزش و مطالعات کاربردی، تشکیلات و نیروی انسانی، بودجه و طرحهای اقتصادی و آمار و فناوری اطلاعات؛

• **معاونت پشتیبانی و امور اجرایی شهرداریها و دهیاریها**، مشتمل بر یک دفتر حقوقی و ۲ اداره کل خدمات مالی و تجهیزات و تدارکات؛

• **معاونت امور شهرداریها**، مشتمل بر ۳ دفتر هماهنگی حمل‌ونقل و ترافیک، هماهنگی خدمات شهری و عمران و توسعه شهری؛ و

• **معاونت امور دهیاریها**، مشتمل بر ۲ دفتر عمران و توسعه روستایی و مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی.

مراکز وابسته به سازمان عبارتند از: مرکز پژوهشهای شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و مرکز آموزش سازمان. این سازمان نقش مهمی در توزیع اعتبارات متمرکز، آموزش مدیران و کارکنان و تجهیز و تدارک شهرداریها و دهیاریهای کشور دارد.

کتاب‌شناسی:

- *اساسنامه اصلاحی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.*

- مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. *لوح قانون، مجموعه قوانین و مقررات کشور.* تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸.

حسین ایمانی جاجرمی

مقررات مربوط؛

• انجام کلیه تکالیف و وظایفی که در قالب موضوعات این اساسنامه طبق قوانین و مقررات در امور شهرداریها به وزارت کشور محول شده یا خواهد شد؛

• تألیف و ترجمه و انتشار کتب و مجلات درباره مسائل اداری، فنی، مالی، خدماتی و سایر امور شهرداریها؛

• ارائه خدمات حسابرسی حسب درخواست شهرداریها رأساً و یا از طریق انعقاد قرارداد حسابرسی با مؤسسات حسابرسی قانونی که مجوز رسمی از مراجع ذی‌ربط دارند؛

• بازرسی شهرداریهای کشور؛

• تهیه و تدوین نظام برنامه‌ریزی شهرداریها، انعقاد قراردادهای خاص به‌منظور استفاده از خدمات افراد متخصص و یا مهندسین مشاور و پیمانکاران و سازندگان و دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی اعم از داخلی یا خارجی با رعایت مقررات مربوط برای مدت محدود و معین؛ و

• نظارت عالی بر نحوه اجرای پروژه‌ها و طرحهای عمرانی از نظر فنی و حسن اجرای کار.

ارکان سازمان عبارتند از: ۱. شورای سازمان؛ ۲. رئیس سازمان؛ ۳. حسابرسی (بازرسی) سازمان. طبق اساسنامه معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور رئیس سازمان است.

شورای سازمان مرکب از اعضای زیر است: ۱. معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور که رئیس شورا است؛ ۲. نماینده رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ ۳. سه نفر از شهرداران کشور به انتخاب شهرداران در ۲ مرحله درون استانی و بین استانی برای مدت ۲ سال که انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

مهم‌ترین وظایف شورای سازمان عبارت است از: بررسی و تصویب بودجه؛ اصلاح بودجه؛ متمم بودجه؛ بیان و تفریح بودجه و برنامه یکساله و پنجساله سازمان؛ اظهارنظر پیرامون اصلاح تشکیلات سازمان؛ انتخاب حسابرس؛ تأسیس شرکتهای وابسته به سازمان؛ تأیید اساسنامه؛ موافقت با تأسیس اتحادیه سازمانهای وابسته به شهرداریها؛ و تصویب آئین‌نامه‌های استخدامی و مالی. موارد یاد شده را رئیس سازمان تهیه و به شورا جهت تصویب

دارای حوزه جغرافیایی معین. این حوزه‌ها ممکن است در محدوده‌های جغرافیایی با حوزه‌های دیگر رابطه تشکیلاتی داشته باشند. این رابطه می‌تواند از جمله به صورت سلسله مراتبی منطبق با شهر، استان، ایالت و مرکز باشد. سازمانهایی که در سطح کشور فعالیت می‌کنند و در واحدهای کشوری مختلف شعبه دارند، سازمان غیردولتی ملی نامیده می‌شوند. سازمانهای ملی نیز ممکن است به نوبه خود با سازمانهای کشورهای دیگر هماهنگ و هم پیمان شوند و یک سازمان غیردولتی بین‌المللی بسازند. البته، سازمانهای غیردولتی اغلب در سطح ملی تشکیل می‌شوند. در دهه ۱۹۹۰ م، بسیاری از این سازمانها به سمت گرایشها و جهت‌گیریهای جهانی کشیده شدند. با این حال، کم نیستند سازمانهای غیردولتی که حوزه و دامنه فعالیت آنها مبهم و نامشخص است.

سازمانهای غیردولتی و دیگر انواع سازمانها

یکی از هدفهای سازمانهای غیردولتی تأثیر گذاشتن بر حکومت در عرصه‌های گوناگون سیاستگذاری (← سیاستگذاری) است. تشکلهای دیگری نیز هستند که می‌خواهند بر سیاستهای دولت تأثیر بگذارند و فعالیت آنها در عمل، به فعالیت سازمانهای غیردولتی نزدیک است. از جمله اینها گروههای همسود (Interest Group)، گروه فشار (pressure group) لابی‌گران و سازمانهای داوطلبانه بخش خصوصی هستند. گروه همسود با ملاحظاتی همچون منافع شرکتهای تجاری یا اتحادیه‌های کارگری مربوط است و از منافع افراد در بخش خصوصی دفاع می‌کند. البته گروههای همسود تنها با حوزه اقتصادی سروکار ندارند.

گروههای فشار به دنبال هدفهایی هستند که مستقیماً به خود سود نمی‌رساند، بلکه فعالیت آنان جنبه‌های عمومی تری دارد. گروه فشار دامنه‌ای وسیع‌تر از گروه همسود دارد و گروههایی چون طرفداران محیط‌زیست و مدافعان حقوق بشر را دربر می‌گیرد. این گروهها در پی آنند که حکومتگران را به سمت سیاستهای خاص ترغیب کنند. بدینسان، تلاش می‌کنند برای ارزشهای سیاسی خود پشتیبانی جلب کنند. لابی کردن بیشتر طنین منفی و اشاره

سازمان (های) غیردولتی

Non-governmental Organization(s)

سازمانهای غیردولتی به گروههای داوطلبانه و غیرانتفاعی از شهروندان گفته می‌شود که غالباً برای هدفهایی انسان‌دوستانه در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی سازمان یافته‌اند. این سازمانها توسط مردمانی اداره می‌شوند که دارای هدفهای مشترک هستند. بسیاری از سازمانهای غیردولتی بر مسائل خاص، مانند حقوق بشر، محیط‌زیست، بهداشت و سلامت تمرکز دارند. این سازمانها از سیاستهای همسو با نظر خود پشتیبانی می‌کنند. سازمانهای غیردولتی که در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند، به ارزیابی، تحلیل و نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های مورد نظر می‌پردازند.

سازمانهای غیردولتی تعریفی که کم‌وبیش مورد پذیرش عام باشد، ندارند. این اصطلاح در شرایط متفاوت با معانی مختلفی به کار می‌رود. با این حال، یک سازمان غیردولتی دارای برخی وجوه اساسی است؛ این وجوه بیشتر به صورت سلیبی به بیان می‌آیند و عبارتند از:

- سازمان غیردولتی از کنترل مستقیم حکومت مستقل است؛
 - سازمانی غیردولتی یک حزب سیاسی نیست و نباید به صورت یک حزب سیاسی ساخته شود؛
 - سازمان غیردولتی یک بنگاه انتفاعی نیست؛
 - سازمان غیردولتی، سازمانی متکی به نیروی قهر نیست و نباید در فعالیت خود از نیروی قهر استفاده کند.
- با این وجود، مرز بین سازمانهای غیردولتی و حزب سیاسی از یکسو و بنگاه انتفاعی از سوی دیگر، مرز کاملاً روشنی نیست. گاهی برخی سازمانهای غیردولتی به حزب سیاسی بسیار نزدیکند، چنان‌که سازمانهایی هم دیده می‌شوند که با بخش تجاری ارتباط نزدیکی دارند.

ساختار تشکیلاتی

ساختار تشکیلاتی سازمانهای غیردولتی بسیار متنوع است. شکل مرسوم آن سازمانی است با عضوگیری مشخص و

سازمان (های) غیردولتی

به صورت تدارک تسهیلات و کمکهای نقدی حمایت می‌کنند، این‌گونه سازمانهای مورد توجه دولتها، به فعالیتهایی که خارج از قلمرو متعارف حکومتهاست، می‌پردازند و گاهی بودجه خود را از دولت می‌گیرند. سازمانهای غیردولتی که در خارج از مرزهای کشور از منافع اقلیتهای قومی دفاع می‌کنند، گاهی از این‌گونه سازمانها بشمار می‌آیند.

سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه‌های محیط‌زیست، هم توسط دولتها و هم توسط سازمانهای بین‌المللی، حمایت و تشویق می‌شوند. دلیل این امر آن است که این سازمانها کمک می‌کنند تا مباحثات و سیاستها در حوزه محیط‌زیست زیر سلطه منافع اقتصادی قرار نگیرد. آنچه این سیاست را موکدتر می‌کند، این است که برخی از سازمانهای غیرحکومتی توسط شرکتهای بزرگ ساخته می‌شوند و تحت پوشش سازمانهای داوطلبانه، در عمل، سیاستهای شرکتهای بزرگ خصوصی را به پیش می‌برند.

سازمانهای غیردولتی در عرصه جهان

همراه با رشد جهانی شدن اقتصاد و پیشرفت وسایل ارتباطی و به همین ترتیب، گسترش هم‌پیوند بین مردمان و دولتهای جهان، سازمانهای غیردولتی بین‌المللی نیز به‌طور روزافزونی گسترش و توسعه پیدا کرده‌اند. پیشینه سازمانهای غیرحکومتی بین‌المللی به نیمه دوم سده ۱۹ م باز می‌گردد. جامعه ملل به رشد و گسترش این سازمانها سرعت بخشید و با شکل‌گیری سازمان ملل افزایش شمار این سازمانها افزونی گرفت. بنابه داده‌های کتاب *سال سازمان ملل*، طی ۵۰ سال تا ۱۹۹۳م تعداد این سازمانها ۶ برابر شده است. البته، بیشترین رشد را سازمانهای غیردولتی فعال در زمینه محیط‌زیست داشته‌اند. سازمانهای غیردولتی بین‌المللی، غیر از محیط زیست، بیشتر در زمینه‌های حقوق زنان، حقوق بشر، توسعه اقتصادی، حقوق مدنی و مراقبتهای بهداشتی فعالیت می‌کنند.

مسئله مشروعیت سازمانهای غیردولتی

به استفاده نامشروع از منابع، از جمله دارایی به‌شکل مخفی، برای اثرگذاری بر سیاستهای دولت دارد. برخی سازمانهای داوطلبانه بخش خصوصی نیز هستند که منافع خصوصی اعضا خود را دنبال می‌کنند و تمایز آنها از لابی‌گران تنها در مخفی بودن فعالیت لابی‌گران است. این دسته را *سازمانهای داوطلبانه خصوصی* می‌نامند. بین سازمان داوطلبانه خصوصی و سازمانهای غیردولتی تفاوت اندکی وجود دارد. این تفاوت بیشتر از این نظر است که اولاً سازمان غیردولتی طین بی‌طرفانه‌تری دارد و ثانیاً بازیگرانی از حیطه‌های مختلف را در خود جای می‌دهد، درحالی‌که سازمان داوطلبانه بخش خصوصی مستقیماً منافع حوزه‌های خاص را هدف فعالیت خود قرار می‌دهد و به‌لحاظ گروه‌بندی، دامنه محدودتری دارد.

باین‌حال، مرز سازمانهای غیردولتی و سازمانهای داوطلبانه بخش خصوصی بسیار مغشوش است. برخی از سازمانهای اقتصادی به شرکتهای خود اجازه می‌دهند تا تحت نظارت آنها از سازمانهای غیردولتی بهره‌گیری کنند. برخی از فدراسیونهای غیرانتفاعی شرکتهای بزرگ که برای همکاری میان بخشهای مختلف صنعت و به‌منظور رایزنی تأسیس شده‌اند، به‌عنوان سازمانهای غیرحکومتی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. از جمله سازمان ملل متحد سازمانهایی چون اتاق بین‌المللی بازرگانی، سازمان بین‌المللی کارفرمایان و سازمانهای همانند را که برای بخشهای اقتصادی خاص در سطح بینا کشوری تأسیس شده‌اند، در زمره سازمانهای غیردولتی بشمار می‌آورد.

سازمانهای غیردولتی و حکومت

گرچه سازمانهای غیردولتی در تعریف از دولت مستقل هستند و در زمره سازمانهای جامعه مدنی به‌حساب می‌آیند، اما این سازمانها همیشه هم از حرکت‌های مردمی در جامعه مدنی نشأت نمی‌گیرند. سازمانهای غیردولتی در عرصه فعالیتهای علمی و فرهنگی از ابتدا ارتباطی با دولتها داشته‌اند. دولتها به دلیل ظهور سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی را به‌عنوان منبعی برای دانش مشخص و مشاوره‌های علمی مفید تشخیص می‌دهند و گاهی از آنها

مشروعیت آنان لطمه می‌زند.

کتاب‌شناسی:

- Chiang Pei-heng. *Non-governmental Organization at The United Nations: Identity, Role and Function*. New York: Praeger, ۱۹۸۱.
- Fisher, J. *Nongovernts. NGOs and the Political Development of the Third World*. West Hartford: kumarian Press, ۱۹۹۸.
- Howes, M. "NGOs and Institutional Developepment of Membership Organisation's", *Journal of Development Studies*. ۳۳(۶): ۸۲۱, ۱۹۹۷.
- Neson, P. J. *The Word Bank and Non-Governmental Organization The Limits of Apolitical Development*. New York: MacMillan press, ۱۹۹۱.
- Princen, T. and Fringer, M. *Environmental. NGOs in Word Politics: Linking the local and The Global*. London: Routledge, ۱۹۹۴.
- Roctes, C. (ed). *Environmental Movements: Local, National and Global*. London: Frank Cass, ۲۰۰۱.
- Willett, P. (ed). "The Conscience of The Word", *The Influence of Non-Governmental Organizations In The UN System*. London: Christopher Hurst, ۱۹۹۶.

کمال پولادی

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

تشکیل شورای اقتصاد که اساسنامه آن در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۱۶ش، به پیشنهاد شماره ۵۹۵ اداره کل تجارت، به تصویب هیئت دولت رسید، سرآغاز سازماندهی به برنامه‌ریزی در ایران بشمار می‌آید. اساسنامه مذکور مشتمل بر ۸ ماده و یک تبصره است که در ماده‌های ۱-۴ آن اهداف و وظایف شورا به شرح زیر بیان شده است:

• برای تمرکز مطالعات اقتصادی و برای اینکه کلیه مسائلی که در زندگانی اقتصادی کشور مؤثر است، با استفاده از نظریات و اطلاعات اشخاص بصیر و با صلاحیت مورد بررسی کامل واقع شود و طبق برنامه معین جریان یابد، هیئتی به نام *شورای اقتصاد* تشکیل می‌یابد که ریاست آن با رئیس‌الوزراء خواهد بود؛

اغلب گفته می‌شود که سازمانهای غیردولتی چون سازمانهایی کم و بیش داوطلبانه و آزاد از کنترل مستقیم دولت هستند، از نوعی انعطاف برخوردارند که به آنها امکان می‌دهد، به‌عنوان میانجی میان مردم و حکومت عمل کنند. آنها به عرصه‌هایی از حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دسترسی دارند که نهادهای رسمی حکومتی، به آنها دسترسی ندارند. بنابراین، از ابزارهای مهم گسترش دامنه کثرت‌گرایی در جامعه بشمار می‌روند. به‌این ترتیب، از اجزاء عمده جامعه مدنی و گسترش حقوق شهروندی (← شهروند، حقوق) هستند.

باین حال، برخی از منتقدان درباره مشروعیت مردم دموکراتیک سازمانهای غیردولتی طرح پرسش کرده‌اند. این سازمانها به خاطر اینکه فاقد ساختار رسمی مردمسالارانه هستند، گاهی از جانب حکومتها و همچنین شرکتهای بزرگ مورد نقد قرار می‌گیرند که به دلیل فقدان سازوکار پاسخگویی، مشروعیت مردمسالارانه ندارند. دولتها و حزبهای سیاسی، در نظامهای مردمسالار مشروعیت خود را از صندوقهای رأی (آراء مردم) می‌گیرند، چنان‌که شرکتهای نیز مشروعیت خود را با بازار پیوند می‌دهند. سازمانهای غیردولتی در پاسخ می‌گویند که آنها نیز متکی به عضویت و کمکهای مردم و اعضاء خود هستند. این سازمانها در رد اتهام شرکتهای بزرگ که آنها را پاسخگو نمی‌دانند، چنین استدلال می‌کنند که در برابر مردم و اعضا پاسخگو هستند و اگر بیشتر از شرکتهای پاسخگو نباشند، کمتر از آنها نیستند.

این دعوی از جانب سازمانهای غیردولتی ایجاد شده توسط مردم، قابل پذیرش است، اما در مورد سازمانهایی که با دخالت حکومتها یا شرکتهای بزرگ خصوصی تأسیس شده‌اند، جای پرسش دارد. در کشورهای درحال توسعه که هنوز جامعه مدنی در آغاز رشد خود قرار دارد، سازمانهای غیردولتی در برابر این‌گونه اتهامات آسیب‌پذیری بیشتری دارند. در این کشورها که سازمانهای غیردولتی محلی از حمایت حکومتها یا شرکتهای خارجی یا حتی سازمانهای بین‌المللی بهره می‌برند و یا از کمک سازمانهای غیردولتی شرکتهای صنعتی استفاده می‌کنند، اغلب به میزان زیادی به حامیان و بنیانگذاران خود متکی هستند و این امر به

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

۵. انجام هر نوع وظیفه دیگری که در مسائل مربوط به امور اقتصادی از طرف دولت محول شود.

در اولین جلسه شورای اقتصاد که در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۱۶ش تشکیل شد، ابتهاج ریاست دبیرخانه شورا را به دست گرفت، اما به دلیل موانع موجود، نتوانست کار برنامه‌ریزی را پیش برد. او دلیل عمده اغتشاش در وضع اقتصادی کشور را ناشی از نداشتن برنامه اقتصادی و نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی می‌دانست.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و تشکیل دولت قوام‌السلطنه، ابتهاج تلاشهای خود را در زمینه نهادینه‌سازی اندیشه برنامه‌ریزی در کشور، از طریق مذاکره با نخست‌وزیر و وزیر مالیه وقت، پیگیری و با استقبال آنها از تهیه برنامه اقتصادی کشور، شورای عالی اقتصاد فعالیت خود را در فروردین ۱۳۲۵ش از نو آغاز کرد.

در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ش، به موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران، هیئتی با نام هیئت تهیه نقشه/اصلاحی و عمرانی کشور، تحت ریاست وزیر دارایی تشکیل شد و مأموریت یافت، درباره اصلاحات مورد نیاز کشور مطالعه کند. این هیئت از وزارتخانه‌ها خواست تا طرح اصلاح و توسعه کارهایی را که در حدود صلاحیت آنان بود، تنظیم و در دسترس قرار دهد. به دنبال ارائه گزارشهای مذکور به هیئت وزیران، این هیئت تصمیم گرفت که برای بررسی گزارشها، هیئتی به نام هیئت عالی برنامه، زیر نظر نخست‌وزیر تشکیل دهد. پس از تقدیم برنامه ۷ ساله تنظیمی از طرف هیئت تهیه برنامه اصلاحی و عمرانی کشور به هیئت عالی برنامه، مقرر شد وزارتخانه‌ها، کلیه اطلاعات و توضیحات مربوط به برنامه خود را به کمیسیون برنامه ارائه دهند. این کمیسیون براساس نقشه‌های ارسالی و پس از انجام جرح و تعدیلهای لازم در آنها، نقشه‌ای شامل ۲ قسمت اقتصادی و اجتماعی تنظیم کرد:

- قسمت اقتصادی، شامل عملیات عمرانی و مولد ثروت؛ و
 - قسمت اجتماعی، مربوط به عملیات اصلاحی در بهداشت عمومی و تعمیم فرهنگ و کارهایی از این قبیل.
- مدت اجرای نقشه از ۵-۷ سال و هزینه آن در حدود ۱۵ میلیارد ریال در نظر گرفته شد.

• شورای اقتصاد مرکب خواهد بود از رئیس‌الوزراء، وزیر مالیه، رئیس کل فلاحات، رئیس کل صناعت، رئیس کل تجارت، رئیس هیئت نظارت بر شرکتها، رئیس بانک ملی ایران و رئیس بانک فلاحتی و ۳ نفر عضو دیگر از اشخاص صلاحیت‌دار که به تصویب هیئت وزراء برای مدت یکسال تعیین می‌شوند و بعد از انقضای مدت مزبور، تجدید انتخاب آنها مانعی نخواهد داشت. بنا به تبصره این ماده، سایر اعضای هیئت دولت نیز می‌توانند در هر موقع که مناسب بدانند، در جلسات شورا حاضر شوند؛

• کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات مستقل مکلفند نسبت به مسائل اساسی که مستقیماً مربوط به امور اقتصادی بوده و یا در امور اقتصادی کشور مؤثر باشد، قبل از اتخاذ تصمیم و پیشنهاد به هیئت دولت، نظریات شورای اقتصاد را کسب نموده و گزارش شورا را نسبت به مسائل مزبور، توأم با پیشنهاد خود، به اطلاع هیئت دولت برسانند؛

• شورای اقتصاد موظف است مسائلی را که از طرف دولت مراجعه می‌شود، با کمال دقت مورد بررسی دقیق قرار داده و نظریات خود را نسبت به آنها، ضمن گزارش جامعی، کتباً به وزارتخانه یا اداره مستقل مربوط ارسال دارد. به علاوه، شورا می‌تواند مستقلاً مسائل مربوط به اقتصادیات کشور و قوانین و مقررات موجود را مورد بررسی قرار داده و نسبت به هر کدام از آنها، اگر مشکلاتی به نظر برسد، راه‌حلهایی که عملی‌تر و سهل‌تر باشد (را) تجسس نموده، نتیجه را مستقیماً ضمن گزارش جامعی، به هیئت وزراء پیشنهاد و رونوشت آن را به وزارتخانه یا اداره مستقل مربوط ارسال دارد.

به‌طور کلی، اصول و وظایف شورای اقتصادی به قرار ذیل است:

۱. مطالعه در کلیه طرحهای اقتصادی که از طرف وزارتخانه و ادارات مربوط تهیه می‌شود؛
۲. اظهار نظر در کلیه لوایح قانونی و نظامنامه مربوط به امور اقتصادی کشور؛
۳. طرح نقشه‌های اقتصادی و ارائه طریق در اجرای آنها؛
۴. اعلام موافقت با اقدامات اقتصادی که وزارتخانه‌ها، ادارات و مؤسسات مختلف ارائه می‌دهند؛ و

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

براساس مصوبه شماره ۱۳۰۶۲ دولت، اداره دفتر کل برنامه تأسیس شد. وظیفه این اداره تهیه برنامه تفصیلی ۷ ساله و تهیه مقدمات اجرایی آن بود. اداره مذکور بعداً سازمان موقت برنامه نام گرفت. فعالیت این سازمان با تصویب ماده واحده‌ای به شرح زیر در مجلس شورای ملی رسماً آغاز شد:

به دولت اجازه داده می‌شود، عملیاتی را که سازمان برنامه در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون، مفید و به تدریج قابل اجرا می‌داند، در حدود اختیارات قانونی مصوب برای سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ تصویب نموده و اجازه اجرای آن را به سازمان بدهد و در پایان، گزارش این عملیات را به ضمیمه برنامه عملی سالهای بعد که توسط سازمان تهیه شده باشد، به کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی برای تصویب بفرستد.

اساسنامه سازمان برنامه ۷ ساله، در تاریخ ۱۳۳۱/۹/۲۵ش به تصویب کمیسیون سازمان برنامه مجلس شورای ملی رسید و برای اجرا ابلاغ شد. براساس این اساسنامه، سازمان برنامه متشکل از شورای عالی، هیئت نظارت و مدیرعامل بود. براساس ماده ۸ برنامه عمرانی ۷ ساله اول و دوم، نظارت بر اجرای برنامه به سازمان برنامه واگذار شد و وظایف این سازمان براساس مفاد ماده مذکور، به شرح زیر تعیین شد:

• تهیه نقشه‌ها، طرحها و بودجه‌های تفصیلی و آئین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی طبق برنامه عملی که قبلاً به تصویب کمیسیون برنامه مجلس رسیده باشد و نظارت بر اجرای عملیاتی که جزء برنامه قرار داده شده از لحاظ فنی و مالی، و مراقبت در هماهنگی و همکاری بین دستگاههای اجرا کننده؛

• تمرکز و جوهی که تخصیص به برنامه داده شده، و پرداخت هزینه‌هایی که از محل بودجه برنامه انجام می‌گیرد و تنظیم ترازنامه عمل هر سال.

عملیات اجرایی برنامه تا آنجا که مربوط به دولت است با رعایت وظایف سازمان برنامه به وسیله وزارتخانه‌ها، ادارات، بنگاهها یا شرکتهای دولتی انجام خواهد گرفت. در اموری که اجرای برنامه به وسیله افراد و مؤسسات

مطالعات هیئت عالی برنامه نشان داد، دولت امکان تأمین اعتبار لازم برای نقشه اصلاحی کشور را ندارد و لازم است قسمتی از اعتبار مورد نیاز از طریق وام از منابع خارجی تأمین شود. از آنجا که برای دریافت وام، گزارش توجیهی درباره نوع عملیات مورد نظر و میزان تقریبی هزینه مترتب بر آن مورد نیاز بود، دولت قراردادی با شرکت خصوصی انگلیسی موريسن نودسن برای انجام این امر منعقد کرد. این شرکت پس از چند ماه اقامت در ایران و انجام بررسیهای لازم، در مرداد ۱۳۲۶ش گزارش نهایی خود را به نام برنامه توسعه و عمران ایران به دولت ارائه کرد. متعاقب آن، مشرف نفیسی در آبان همان سال مأمور شد که با کمک هیئت عالی برنامه و استفاده از نتایج مطالعات و پیشنهادهای شرکت موريسن نودسن، برنامه نهایی را تهیه و وسایل لازم را برای اجرای برنامه فراهم نماید. دکتر نفیسی در گزارشی که در این زمینه تهیه کرد، یکی از شرایط لازم برای حسن اجرای برنامه را ایجاد سازمانی مستقل برای سرپرستی و نظارت بر اجرای برنامه ذکر کرد؛ او نوشت: تمام عملیات و اقداماتی که انجام می‌گیرد و تمام نقشه‌ها و طرحهایی که تهیه می‌شود، باید زیر نظارت سازمان واحدی باشد و این سازمان از تحولات سیاسی محفوظ بماند، به قسمی که در مدت ۷ سال اشخاصی که مأمور آغاز برنامه شده‌اند، بتوانند با وحدت نظری که لازمه موفقیت است، مأموریت خود را به پایان برسانند. ضمناً تغییر کابینه‌ها و عزل و نصب مأموران باعث تفرقه و تشتت و کشمکش نشود. به این ترتیب، در گزارش نفیسی، اصول و شرایط لازم برای کار برنامه‌ریزی و اجرای آن بیان شده بود.

دولت پس از انجام مطالعات لازم و با استفاده از گزارش دکتر نفیسی، لایحه برنامه ۷ ساله را در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ش به مجلس شورای ملی ارائه نمود و متعاقب آن، برای تهیه مقدمات اجرای برنامه هیئتهایی را به نقاط مختلف کشور اعزام کرد تا با مشاوره و همکاری کارشناسان خارجی، پیشنهادهای لازم برای تدوین برنامه‌های عمرانی هر استان و شهرستان را تهیه و به هیئت مرکزی برنامه تقدیم نمایند. در تاریخ ۵ مهر ۱۳۲۷ش و

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

در چارچوب تشکیلات سازمان، ۸ معاونت در نظر گرفته شد که یکی از آنها، معاونت امور استانها بود. این معاونت دارای ۳ دفتر مرکزی و ۲۳ دفتر در استانها و فرمانداریهای کل بود که دفاتر برنامه و بودجه استان نام گرفت.

سازمان برنامه و بودجه پس از انقلاب اسلامی

بعد از انقلاب اسلامی، تشکیلات سازمان محدودتر و کوچک‌تر از قبل شد. در ۱۳۵۸ش، ۴ معاونت بودجه‌ریزی و نظارت، برنامه‌ریزی و ارزشیابی، امور مناطق، و امور اداری و مالی در تشکیلات سازمان قرار گرفت. علاوه بر این، سازمان نقشه‌برداری کشور در شمار واحدهای وابسته سازمان بشمار آمد. معاونت فنی سابق نیز به دفتر و دفتر امور استانها به معاونت امور مناطق تبدیل شد.

تشکیلات سازمان همه ساله با تغییراتی در زمینه کاهش یا افزایش معاونتها و یا ادغام و تفکیک دفاتر روبرو بوده است. در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۵ش، با تصویب لایحه قانونی تشکیل سازمان برنامه و بودجه استانها، دفاتر برنامه و بودجه و دفاتر مناطق آماری استانها در هم ادغام شدند.

در ۱۳۶۴ش، سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه تغییر جایگاه یافت و وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، به وزیر برنامه و بودجه تغییر نام پیدا کرد. به همین ترتیب، کلیه وظایف، مسئولیتها و اختیارات رئیس سازمان برنامه و بودجه به وزیر برنامه و بودجه محول گردید و کلیه کارکنان، تشکیلات، تأسیسات و اموال سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه منتقل شد.

شورای عالی اداری در هشتادوششمین جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ش، به منظور پیشبرد هرچه بهتر وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور، موضوع اصل ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأمین یکپارچگی در مدیریت کلان کشور، همسویی نظامهای مدیریتی با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت، تمرکز وظایف و فعالیتهای مرتبط، پیوسته و متجانس با یکدیگر در امور برنامه‌ریزی، کاهش

خصوصی بیشتر به مصلحت باشد، سازمان برنامه با موافقت هیئت دولت، از طریق تهیه طرحها و فراهم کردن اعتبارهای لازم، راهنماییها و سایر کمکهای فنی، موجبات تشویق آنها و به کار افتادن سرمایه‌های خصوصی را در این قبیل امور فراهم خواهد آورد.

در ۱۳۳۷ش با تصویب مجلس شورای اسلامی، اختیارات مدیرعامل به رئیس دولت محول گردید، اما در برنامه سوم مجدداً اختیارات به مدیرعامل محول شد.

در ۱۳۳۹ش مدیرعامل سازمان برنامه به وزیر مشاور و قائم مقام نخست‌وزیر در سازمان تبدیل شد. در برنامه سوم (سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۶ش)، سازمان برنامه از حالت اجرایی خارج شد و اجرای طرحهای عمرانی را به وزارتخانه‌های مربوط محول کرد. در این زمان، امور اجرایی در سازمان بسیار کم و بیشتر فعالیتها در زمینه طراحی، برنامه‌ریزی و نظارت بود. در این سالها، ارکان سازمان برنامه تغییر کرد و هیئت عالی برنامه، هیئت عامل برنامه و هیئت حسابرسی، جایگزین هیئت نظارت و شورای عالی برنامه شد.

بر اساس ماده ۸ قانون برنامه عمرانی سوم که به وظایف سازمان اختصاص داشت، یکی از وظایف سازمان، تشکیل دفتر بودجه به منظور تهیه و تنظیم و تمرکز بودجه جاری و عمرانی کل کشور، با توجه به قانون طرز تهیه و تنظیم بودجه کل کشور مصوب تیر ۱۳۴۵ش بود. در طول سالهای برنامه سوم و چهارم، تشکیلات سازمان برنامه با تغییراتی روبرو شد. در ۱۳۴۵ش، یکی از دفاتری که در تشکیلات سازمان منظور شد، دفتر عمران ناحیه‌ای بود. شناسایی مناطق همگن، مستعد و قابل توسعه، تهیه و تنظیم برنامه‌های هماهنگ برای نواحی انتخاب شده نمونه، کمک به ایجاد تدریجی دفاتر برنامه‌ریزی استانها و فرمانداریهای کل و ایفای وظایف دبیرخانه سازمانهای عمرانی، وظایف این دفتر را تشکیل می‌داد.

با تصویب قانون برنامه و بودجه در اسفند ۱۳۵۱ش، سازمان برنامه به لحاظ وظیفه تهیه و تنظیم بودجه کل کشور، سازمان برنامه و بودجه نام گرفت. طبق فصل سوم این قانون، رئیس سازمان برنامه دارای سمت وزیر مشاور شد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

- معاونت امور اجتماعی (۴ دفتر)؛
- معاونت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی (۴ دفتر)؛
- معاونت امور فنی (۳ دفتر)؛
- معاونت امور مجلس و استانها (۳ دفتر)؛ و
- معاونت امور اداری، مالی و منابع انسانی (۵ دفتر و یک مرکز).

علاوه بر دفاتر زیرمجموعه معاونتهای فوق، دفتر ریاست و روابط عمومی و بین‌الملل، اداره کل حراست، دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک و هیئت هسته گزینش نیز مستقیماً زیر نظر ریاست سازمان فعالیت می‌کنند.

وظایف سازمان

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با برخورداری از تشکیلات نوین و جامع، در چارچوب قوانین و مقررات، عهده‌دار وظایف متعددی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

برنامه‌ریزی

- انجام مطالعات و بررسیهای اقتصادی و اجتماعی و پیش‌بینی منابع کشور به‌منظور تهیه برنامه و بودجه؛ و
- تهیه و تنظیم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به‌منظور نیل به توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور.

بودجه‌ریزی

- پیشنهاد خط مشیها و سیاستهای مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد؛ و
- تهیه و تنظیم بودجه سالانه کشور با همکاری مؤسسات ذی‌ربط.

نظارت و ارزیابی

- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت سالانه آنها؛
- نظارت و ارزیابی کارایی و عملکرد دستگاههای اجرایی کشور؛ و
- نظارت و ارزیابی طرحهای عمرانی کشور.

تداخل و توازی وظایف سازمانهای ستادی، ارتقای توان کارشناسی و تصمیم‌سازی دولت و فراهم نمودن زمینه تحقق مطلوب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، با مصوبه‌ای تصمیم گرفت، سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه با کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیتهای قانونی، نیروی انسانی و امکانات خود ادغام شده و نام آن به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تغییر یابد.

نمودار تشکیلاتی این سازمان در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۷ ش تصویب شد و به اجرا درآمد. باین‌حال، تغییرات پیاپی در تشکیلات سازمان همچنان ادامه یافت. تشکیلات سازمان در فروردین ماه ۱۳۸۶ ش به قرار زیر بود:

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی متشکل از رئیس سازمان، ۸ معاون، ۴۳ دفتر یا مرکز و ۳۰ سازمان در سطح استانهای کشور است. سازمانها و مراکز وابسته عبارتند از:

- مرکز آمار ایران؛
- مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی؛ و
- سازمان نقشه‌برداری کشور.
- شوراهاى مربوط به سازمان عبارتند از:
- شورای اقتصاد؛
- شورای عالی اداری؛
- شورای حقوق و دستمزد؛
- شورای عالی آمار؛
- شورای عالی انفورماتیک؛
- شورای عالی نقشه‌برداری؛
- شورای عالی فنی؛
- هیئت عالی نظارت؛ و
- شورای امور اداری و استخدامی کشور.

معاونتهای سازمان عبارتند از:

- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی (۴ دفتر و یک مرکز)؛
- معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه (۵ دفتر و ۲ مرکز)؛
- معاونت امور تولیدی (۳ دفتر)؛
- معاونت امور زیربنایی (۴ دفتر)؛

امور فنی

- استقرار نظام فنی و اجرایی طرحهای عمرانی کشور از طریق تدوین ضوابط فنی و اجرایی طرحها؛ و
- سازماندهی و ارزشیابی عملکرد عوامل فنی و اجرایی از طریق تهیه، تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای ضوابط مربوط به تشخیص صلاحیت فنی و ارجاع کار به واحدهای تهیه و اجرا کننده طرحهای عمرانی.

سازمان ملل، برنامه توسعه

United Nation's Development Program (UNDP)

برنامه توسعه ملل متحد از شبکه‌های جهانی توسعه است؛ سازمانی است برای پیشبرد امر تحول و متصل کردن کشورها به دانش، تجربه‌ها و منابعی که به مردم کمک می‌کند، تا زندگی بهتری را برپا سازند. این سازمان در ۱۶۶ کشور جهان شعبه دارد و با آنها در زمینه یافتن راه‌حلهای مناسب برای دشواریهای مربوط به توسعه جهانی و توسعه ملی همکاری می‌کند. کشورهای مختلف اغلب هنگامی که در راه توسعه قابلیت‌های ملی گام برمی‌دارند، با برنامه توسعه ملل متحد و طیف وسیع مشارکت‌جویان آن همراه می‌شوند.

رهبران کشورهای جهان وعده داده‌اند تا اهداف توسعه هزاره، از جمله هدف فرازنده کاهش ۵۰ درصدی فقر تا ۲۰۱۵ را تحقق بخشند. شبکه برنامه توسعه ملل متحد تلاشهای جهانی و ملی را برای رسیدن به این هدفها به هم پیوند می‌زند و با یکدیگر هماهنگ می‌سازد. کار این سازمان، کمک به کشورها برای یافتن راه‌حل و اشتراک مساعی در فایق آمدن بر دشواریهای زیر متمرکز است:

- حکمروایی دموکراتیک؛
- کاهش فقر؛
- مقابله با بحران و بازگشت به مسیر بازرایی؛
- محیط زیست و انرژی؛ و
- ایدز/ HIV .

برنامه توسعه ملل متحد به کشورهای درحال توسعه یاری می‌رساند تا کمکهای اقتصادی را به‌درستی جذب کنند و به‌نحو کارآمد به کار گیرند. این سازمان در تمام فعالیتهای خود ترویج حقوق بشر و توانمندسازی زنان را مد نظر دارد. گزارش توسعه انسانی که با مأموریت از جانب برنامه توسعه ملل متحد به جمع‌آوری اطلاعات و ارائه گزارش سالانه می‌پردازد، مباحثات جهانی را به‌سمت تمرکز بر

امور انفورماتیک

- برگزاری و اداره جلسات شورای عالی انفورماتیک کشور براساس آئین‌نامه مربوط و پیگیری و اجرای مصوبات شورا؛
- تهیه آئین‌نامه و ضوابط برای سالم‌سازی مراکز فعالیت کامپیوتری و احراز صلاحیت و طبقه‌بندی شرکتهای کامپیوتری؛
- هماهنگی و نظارت بر امور شرکتهای کامپیوتری؛ و
- صدور مجوز برای واردات تجهیزات کامپیوتری.

امور استخدامی

- مراقبت در حسن اجرای قوانین و مقررات استخدامی کشور در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون؛
- ارائه دستورات لازم درباره نحوه اجرای قوانین و مقررات استخدامی کشور به‌منظور ایجاد هماهنگی؛ و
- انجام مطالعات و تحقیقات لازم در امور استخدامی و ارائه پیشنهادها و نظرهای مشورتی به دولت.

امور تشکیلات و روشها

- اصلاح ساختار دولت و تمرکززدایی؛ و
- بررسی و تهیه پیشنهادها درباره هدفها و وظایف وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی.

کتابشناسی:

- اسناد و مدارک موجود در آرشیو سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

فاطمه تقی‌زاده

سازمان ملل، هیئات

UN-HABITAT

هیئات یا برنامه سکونتگاههای انسانی سازمان ملل یکی از کارگزاریهای سازمان ملل برای سکونتگاههای انسانی است. این سازمان برای پیشبرد برنامه‌های مربوط به پایداری شهرها و فراهم کردن سرپناه برای همه تشکیل شده است و تحت سرپرستی مجمع عمومی سازمان ملل فعالیت می‌کند. اسنادی که مأموریت سازمان را مشخص می‌کنند، عبارتند از *بیانیه ونکوور*، *دستور کار هیئات*، *بیانیه استانبول*، *بیانیه درباره شهرها* و *دیگر سکونتگاههای انسانی در هزاره جدید* و *قطعنامه ۵۶/۲۰۶*.

هیئات در ۱۹۷۸م به دنبال اجلاس ونکوور تشکیل شد. این هیئات که به *هیئات ۱* مشهور شد، از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۸م کوشش کرد تا مشکلاتی را که از رشد پرشتاب شهرها ناشی می‌شد، بهبود بخشد. سازمان ملل در دومین کنفرانس خود در ۱۹۹۶م که در استانبول و برای سامان دادن به مسائل شهری تشکیل شد، سندی را تصویب کرد که به *هیئات ۲* معروف شد. از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲م که نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند، سازمان ملل تغییراتی را در دستور کار خود وارد کرد. در ۲۰۰۲م مأموریت سازمان تقویت شد و سازمان ملل مسائل سکونتگاهی را در قالب قطعنامه مصوب مجمع عمومی مورد تأکید بیشتر قرار داد. به این ترتیب، قطعنامه ۵۶/۲۰۶ در کنار *بیانیه هزاره*، دستور کاری را برای ۱۵ تا ۲۰ سال آتی تعیین کرد. در این دستور کار برنامه‌های کاهش فقر و رشد پایدار در مرکز توجه قرار گرفت. با توجه به نرخ رشد بی‌سابقه شهرها، پایداری شهری یکی از مبرم‌ترین مسائل جامعه جهانی در سده ۲۱م خواهد بود.

در ۱۹۹۵م یک سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. اکنون این نسبت به نیمی از جمعیت جهان رسیده است و تا ۲۰۵۰م به دوسوم افزایش خواهد یافت. شهرها

مشکلات کلیدی توسعه سوق می‌دهد و اسباب سنجش پیشرفت‌ها، تحلیل‌های نوآورانه و پیشنهادهای غالباً بحث‌انگیز را فراهم می‌آورد. برنامه توسعه ملل متحد همچنین از چارچوبهای تحلیلی و رویکردهای جامع که این گزارش جهانی به شبکه‌های منطقه‌ای، ملی و محلی عرضه می‌دارد، پشتیبانی می‌کند. نمایندگان مقیم برنامه توسعه ملل متحد در دفترهای این سازمان در کشورهای مختلف معمولاً به‌عنوان هماهنگ کننده مقیم فعالیتهای توسعه‌ای، برای کلیت نظام سازمان ملل نیز خدمت می‌کنند. برنامه توسعه ملل متحد می‌کوشد از طریق این هماهنگی، کارترین شکل استفاده از منابع کمکیهای اقتصادی بین‌المللی و سازمان ملل را تضمین کند.

هیئت اجرایی برنامه توسعه ملل متحد

یکی از دلایل اصلی که برنامه توسعه ملل متحد در سراسر جهان به‌عنوان یک شریک معتمد در توسعه پذیرفته شده است، این واقعیت است که این سازمان بر مبنای اصول و ارزشهای ملل متحد عمل می‌کند. ضمن آنکه کشورها را برای هدفها و چالشهای مشترک برای همکاری هماهنگ می‌کند، در عین حال به اختیارات هر کشور در تعیین آینده خود احترام می‌گذارد. هیئت اجرایی برنامه توسعه ملل متحد از نمایندگان ۳۶ کشور تشکیل شده است که به‌طور ادواری از میان کشورهای عضو در این منصب قرار می‌گیرند. هیئت اجرایی از طریق دفتر خود، شامل نمایندگان ۵ گروه منطقه‌ای، از فعالیتهای برنامه توسعه ملل متحد پشتیبانی و بر آن نظارت می‌کند، تا پاسخگویی سازمان نسبت به نیازهای متحول کشورها تضمین شود. دبیرخانه هیئت اجرایی کار واریسی اسناد پذیرش به هیئت را برعهده دارد. این دبیرخانه همچنین کارهای تدارکاتی برای تشکیل ۳ اجلاس سالانه هیئت را همراه با اطلاعات و دیگر خدمات پشتیبانی انجام می‌دهد.

کتابشناسی:

<http://www.undp.org/execbrd>

(کمال پولادی)

سازمان ملل متحد

بودجه هیئات، به عنوان یکی از کارگزاریهای سازمان ملل، از ۴ منبع عمده فراهم می‌آید. بخش عمده این بودجه از کمکهای شرکای دوجانبه و چندجانبه برای همکاریهای فنی به دست می‌آید. این سازمان همچنین از کمکهای تخصصی دولتها و سایر شرکا، از جمله مقامات و بنیادهای محلی، استفاده می‌کند. حدود ۵٪ از بودجه معمول سازمان ملل نیز به این سازمان اختصاص می‌یابد. بخش مهمی از کار سازمان نظارت بر اجرای تعهدات و برنامه‌هایی است که دولتهای عضو سازمان ملل اجرای آنها را تعهد کرده‌اند. سازمان با اقدامات نظارتی و اطلاعاتی، دولتها را در پیشبرد هدفهای مورد نظر هدایت می‌کند.

نظارت بر هیئات

هیئات دارای یک شورای حکام است که ۵۸ عضو دارد. این اعضا از نمایندگان کشورهای عضو در سطح وزیر تشکیل شده است. شورای حکام عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیری است. شورای حکام کار خود را به مجمع عمومی سازمان ملل گزارش می‌دهد. مجمع عمومی از طریق شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل فعالیتهای هیئات را هماهنگ می‌کند. قطعنامه ۵۶/۲۰۶ پیوستگی هیئات با سازمان ملل و هدفهای مقدم آن را ارتقاء داد. باین حال، منابع هیئات به نسبت مشکلاتی که رشد شهرنشینی در جهان ایجاد می‌کند، بسیار ناچیز است.

کتابشناسی:

<http://www.Unhabitat.org/List.asp>

(کمال پولادی)

سازمان ملل متحد

United Nations Organization

سازمانی جهانی که در ۱۹۴۵م برای حفظ صلح و امنیت

همان‌طورکه محل مصرف بخش اعظم ثروت یک ملت هستند و ثروت و فرصت می‌آفرینند، بیماری، جرائم، جمعیت و فقر نیز تولید می‌کنند. در بسیاری از شهرها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بیش از نیمی از مردم به مسکن مناسب یا اصولاً به سرپناه دسترسی ندارند. این یکی از چالشهای بزرگی است که هیئات پیش‌رو دارد.

فعالیتها

هیئات سازمان ملل ۲ پیکار عمده در سطح جهان را هدایت می‌کند:

- پیکار جهانی برای حل مشکلات رشد شهری؛ و
- پیکار جهانی برای حق مسکن.

این سازمان از طریق این پیکارها و مجموعه‌ای از اقدامات دیگر، کوششهای خود را بر مجموعه مسائل ناشی از رشد شتابان شهرنشینی متمرکز ساخته است. هیئات به اتفاق بانک جهانی طرح مشترکی برای پیشبرد سیاستهای مربوط به ارتقاء وضع زاغه‌نشینی به اجرا گذارده است (← بانک جهانی). ترغیب رشد پایدار شهری و برنامه‌ریزی برای بهبود مسائل زیست محیطی شهری از دیگر طرحهای مشترک هیئات و بانک جهانی است. هیئات همچنین بانی برنامه‌هایی برای بهبود وضعیت بهداشت شهری، مبارزه با جرائم شهری، اصلاح اشتغال شهری (← اشتغال شهری) و ارتقاء برابری جنسیتی است.

هیئات سازمان ملل حدود ۱۵۴ برنامه و طرح را در ۶۱ کشور از کم توسعه‌یافته‌ترین کشورهای جهان به اجرا گذاشته است. این طرحها از جمله، شامل طرحهایی در افغانستان، کوزوو، سومالی، عراق، رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو است. از جمله فعالیتهای این سازمان، برنامه‌های آموزشی برای تقویت قابلیت‌های مدیریتی، هم در سطح ملی و هم در سطح محلی، در این گونه کشورهاست. هدف از این کار کمک به کشورهای توسعه‌نیافته برای حرکت به سوی خودبسندگی در زمینه اعمال مدیریت کارآمدتر در پیشبرد برنامه‌های مورد نظر هیئات است.

بودجه سازمان

سازمان ملل متحد

مجمع عمومی ضمانت اجرایی ندارد و اگر کشوری که تصمیم علیه او اتخاذ شده است، از اجرای قطعنامه سرباز زند، پشتوانه اجرایی برای مجبور کردن او به تبعیت از قطعنامه وجود ندارد. با این حال، قطعنامه‌های مجمع عمومی از لحاظ افکار عمومی جهانی دارای اهمیت است. یکی از اختیارات عمده مجمع عمومی، نظارت بر سایر ارکان سازمان و بر بودجه و هزینه‌های سازمان ملل است.

شورای امنیت مهم‌ترین رکن سازمان ملل است که به‌طور خاص بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نظارت دارد. شورای امنیت دارای ۵ عضو دائم و ۱۰ عضو غیردائم است. ۵ عضو دائم شامل ایالات متحد، فدراسیون روسیه، انگلستان، فرانسه و چین است. این اعضا دارای حق وتو هستند و در صورت مخالفت یکی از آنها، قطعنامه به تصویب نخواهد رسید. ۱۰ عضو غیردائم به‌طور دوره‌ای توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. تصمیمات با رأی ۹ عضو که عدم مخالفت اعضا دائم نیز همراه آن باشد، اتخاذ می‌گردد. بنابه رویه معمول، رأی ممتنع اعضا دائم وتو محسوب نمی‌شود.

دبیرخانه سازمان ملل متشکل از مقامات و کارمندیانی است که کارهای اداری سازمان ملل را انجام می‌دهند. با این حال، دبیرکل سازمان ملل در قالب اقدامات حفظ صلح، فعالیت مهمی را برعهده دارد. دبیرکل براساس پیشنهاد شورای امنیت و رأی اکثریت اعضا مجمع عمومی انتخاب می‌شود.

شورای اقتصادی و اجتماعی

طراحان سازمان ملل متحد با توجه به شکستهای جامعه ملل و با تکیه بر این نظر که پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی در حفظ صلح و آرامش بین‌المللی دارد، رکن مهمی از تشکیلات سازمان ملل را متوجه فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی کردند. از این رو، در منشور این سازمان پیشبرد بهزیستی و رفاه عامه در سطح بین‌المللی، جایگاه مهمی دارد. شورای اقتصادی و اجتماعی، کار هماهنگی و مدیریت یک سلسله کارگزاریهای مختلف را برعهده دارد که شامل زمینه‌های وسیع، از آموزش تا تجارت جهانی

بین‌المللی، توسعه همکاریهای دوستانه بین کشورهای عضو و پیشبرد حقوق بشر تأسیس شده است. این سازمان در پایان جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد؛ جامعه ملل که بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۹م) تشکیل شده بود، به دنبال ناکامی در حفظ صلح بین‌المللی و با آغاز جنگ جهانی دوم برچیده شد. منشور سازمان ملل متحد در روز ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵م با شرکت ۵۱ کشور به تصویب رسید و این سازمان کار خود را آغاز کرد. سازمان ملل هم‌اکنون ۱۹۱ عضو دارد. سازمان ملل محصول یک سلسله نشستهای بود که دولتهای هم‌پیمان (متفقین) در سالهای پایانی جنگ، برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل داده بودند. به این ترتیب، متفقین، به‌عنوان فاتحان جنگ، در اساسنامه و تشکیلات این سازمان نقش تعیین کننده داشتند.

هدف اصلی از تشکیل سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، اما این سازمان برای نیل به این هدف مجموعه‌ای از فعالیتهای گوناگون در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در برنامه‌های خود قرار داده است.

تشکیلات سازمان ملل

سازمان ملل متحد از ۵ رکن اصلی تشکیل شده است:

• مجمع عمومی؛

• شورای امنیت؛

• دبیرخانه؛

• شورای اقتصادی و اجتماعی؛ و

• شورای سرپرستی.

مجمع عمومی دربرگیرنده تمام کشورهای عضو است و به‌عنوان کنفرانس عمومی کشورهای عضو عمل می‌کند و می‌تواند به درخواست اعضا، هر مسئله‌ای را که به مناسبات بین کشورهای عضو مربوط می‌شود، مورد بررسی قرار دهد و درباره آن تصمیم‌گیری کند. در این مجمع هر کشور دارای یک رأی است. تصمیمات در مسائل مهم با دوسوم آراء کشورهای عضو اتخاذ می‌شود. تصمیمات

سازمان ملل و توسعه پایدار

سازمان ملل متحد در راستای گسترش همکاریهای بین‌المللی، پیشبرد امر توسعه در سطح جهان و تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی، بخشی از فعالیتهای خود را متوجه برنامه‌های گوناگونی کرده است که حوزه مدیریت شهری و روستایی کشورهای عضو را زیر تأثیر قرار می‌دهد؛ از آن جمله می‌توان از مرکز ملل متحد برای سکونتگاههای انسانی، برنامه توسعه ملل متحد، برنامه محیطی سازمان ملل، مرکز توسعه یکپارچه برای آسیا و حوزه اقیانوس آرام (← مرکز توسعه یکپارچه روستایی) و کمیته جهانی توسعه پایدار نام برد. جهت‌گیری اصلی برنامه‌های سازمان ملل در آنجا که به مدیریت شهری و روستایی مربوط می‌شود، متوجه توانمندسازی شهری در مسیر تحقق توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت محیطی و کاهش فقر است. اجراء مدیریت شهری که در برنامه‌های سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته، حوزه‌های زیر را دربر می‌گیرد:

- مدیریت منابع مالی شهر؛
 - مدیریت زیرساختهای شهری؛
 - مدیریت محیطی؛
 - مدیریت زمین شهری؛ و
 - مدیریت اقدامات کاهش فقر.
- کمیسیون سکونتگاههای انسانی سازمان ملل در اجلاس نایروبی هدفهای زیر را برای جهت‌گیری مدیریت شهری مورد تأکید قرار داد:
- تلاش برای ارتقاء شرایط کار و زندگی جمعیت شهری با توجه خاص به طبقات پائین؛
 - پیشبرد امر توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ و
 - حفاظت از محیط در ابعاد کالبدی.

مجمع عمومی سازمان ملل از ۱۹۶۸م، مسئله محیط زیست را مورد توجه قرار داد و کنفرانسهایی را برای حفاظت از محیط زیست برپا داشت. به‌دنبال کنفرانس ۱۹۷۲م در استکهلم، اعلامیه‌ای درباره حفظ محیط زیست بشری منتشر شد و برنامه‌ای با عنوان برنامه محیطی ملل

است. شورای اقتصادی-اجتماعی در ابتدا دارای ۱۸ عضو بود، اما بعد از اصلاحاتی که در منشور سازمان صورت گرفت، به ۵۴ عضو رسید. این اعضاء توسط مجمع عمومی برای یک دوره ۳ ساله انتخاب می‌شوند. مسائل مربوط به مدیریت شهری در زمره فعالیتهای شورای اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

بنابر فصل ششم منشور، دولتهای عضو ملزم به تلاش برای یافتن راه‌حل منازعات جهانی و بین دولتها هستند. به سخن دیگر، در صورتی که دولتها نتوانند منازعات بین خود را به شیوه مصالحت‌آمیز حل و فصل کنند، ملزم هستند به سازمان ملل مراجعه کنند، تا با استفاده از سازوکارهای پیش‌بینی شده، به حل و فصل این منازعات اقدام کنند. فصل هفتم منشور برای حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی، صلاحیت استفاده از زور و اتخاذ تصمیمات الزام‌آور را دارد. شورای امنیت می‌تواند برای جلوگیری از تهدیدات علیه صلح و امنیت جهانی به اقدامات قهرآمیز، شامل تحریمهای مختلف و استفاده از زور، متوسل شود.

نظم نوین جهانی

حق و تو در دوران تقسیم جهان به ۲ بلوک شرق و غرب و سلطه جنگ سرد، سازمان ملل را در عمل از اتخاذ تصمیم باز داشته بود؛ در این دوران، بسیاری از قطعنامه‌ها توسط یکی از دو ابر قدرت- ایالات متحد و اتحاد شوروی- وتو می‌شد. با فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق در آغاز دهه ۱۹۹۰م، دور تازه‌ای از حیات سازمان ملل آغاز شد. در این دوره بین سیاست خارجی قدرتهای بزرگ تا حدودی هماهنگی پدید آمد و کار رسیدن به توافق در برخی مسائل مهم بین‌المللی هموار شد. در نتیجه، سازمان ملل توانست، فارغ از وتوهای مکرر، تصمیمات مهمی را اتخاذ کند. مقابله با دولت صدام در تجاوز این دولت به کویت و مقابله با طالبان در افغانستان از این جمله بود. باین حال، بسیاری از این تصمیمها همسو با سیاست ایالات متحد بود. به‌هرحال، دوره نظم نوین جهانی که به‌این ترتیب پدید آمده بود، برای مدت زیادی دوام نیافت.

سازماندهی

خاصی گرد آمده‌اند، یعنی ایجاد نوعی سلسله مراتب در فرماندهی و فرمانبری در میان آنها برای هماهنگ کردن فعالیتهایی که برای هدف معین در نظر گرفته شده است.

اصول سلسله مراتب بر این اساس بنا نهاده شده است که تصمیمات راهبردی در رده‌های بالایی سلسله مراتب قرار گرفته، و تصمیم‌گیری درباره سایر عملیات، بین رده‌های پایین‌تر توزیع شود. ترکیب یکنواخت کردن عملیات و کنترل مدیریتی متمرکز، چارچوبی را فراهم می‌سازد که می‌توان با آن مدیریت عقلانی امور را در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مستقر کرد. با این حال، میزان کارآمدی سازمان تنها به همناخت کردن وظیفه‌ها و توزیع سلسله مراتبی اختیارات متکی نیست، بلکه نوعی /نگیزه همکاری نیز لازم است که خود از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد.

شکل‌گیری سازمانهای پیچیده کنونی، نتیجه رشد جوامع سرمایه‌داری صنعتی و پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در چنین جوامعی بوده است. البته سازماندهی و دستگاههای اداری در تاریخ بشر سابقه طولانی دارد. نظامهای تولید آسایشی از این حیث شهرت خاصی دارند. با این حال پیش از عصر سرمایه‌داری صنعتی، سازمانها با کنترل مستقیم و شخصی اداره می‌شدند، در حالی که در سازمانهای جدید قرار گرفتن اشخاص در جایگاههای متفاوت، بر ضوابط عام و غیرشخصی استوار است. برای نمونه، دولتهای مدرن طی دوره‌های معین با برگزاری امتحانات مشخص، افرادی را برای تصدی کارهای مختلف انتخاب می‌کنند؛ ارتقاء این افراد تابع قواعد معین است. علاوه بر این، این افراد دوره‌های تحصیلی معینی را گذرانده‌اند که منطبق با قواعد غیرشخصی و عام است. در حالی که در گذشته، ملاحظات طبقاتی، قومی و خویشاوندی عامل اصلی در گزینش افراد برای یک سازمان بود. این امر در کشورهای در حال توسعه که بقایای چنین ملاحظاتی هنوز هم، دست‌کم در گرایشهای فرهنگی، وجود دارد، به کارآمدی سازمانها لطمه می‌زند.

دسته‌بندی سازمانها

متحد طراحی شد که هدف از آن، هماهنگ کردن فعالیت‌های سازمان ملل در این زمینه بود. متأسفانه این برنامه به دلیل کمبود اعتبار، نتوانسته است دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. کشورهای صنعتی که مسئول اصلی آلودگی محیط کره زمین هستند، حاضر نیستند مسئولیت اقدامات خود را برعهده گیرند. سیردپ یکی از سازمانهای منطقه‌ای است که با حمایت سازمان خواروبار ملل متحد فعالیت می‌کند. اعضای این سازمان بیشتر کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی هستند و ایران نیز در آن عضویت دارد. این سازمان تلاش برای توسعه روستایی، فقرزدایی و کمک به توسعه منابع انسانی را در برنامه خود قرار داده است.

کتابشناسی:

- Baehr, P. and Gordner, L. *The United Nations: Reality and Ideal*. New York: Praeger, ۱۹۸۴.
- Robertts, A. and Kingsbury, B. (ed). *United Nations; Divided World*. Oxford: Clarendon Press, ۱۹۸۸.
- World Commission on Environment and Development. *Our Common Future*. Oxford and New York: Oxford University Press, ۱۹۸۷.

کمال پولادی

سازماندهی

Organization

تمهیدی برای نظم‌دهی و هماهنگی منابع انسانی برای پیشبرد هدفهای معین. سازماندهی، در کلی‌ترین معنا، یعنی نظم دادن به منابع در دسترس برای انجام طرحهای خاص. هر سازمان ساختارها و کارکردهای خاصی را شکل می‌دهد که برای اداره کارآمد امور بدانها نیاز است. هسته مرکزی این ساختارها و کارکردها را اصولی تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- همناخت کردن عملیات؛
- هماهنگی؛ و
- تمرکز.

سازماندهی گروهی از افراد که برای پیشبرد طرحهای

جامعه سازمان یافته

طی سده ۲۰م، شکل‌های سازمانی با ساختار سلسله مراتبی استوار، چه در نظام‌های موسوم به نظام سوسیالیستی و چه در نظام‌های سرمایه‌داری، عرصه‌های اداری، اقتصادی و سیاسی جوامع صنعتی را در قبضه خود داشتند. هر ۲ نظام نامبرده سازمان‌های اداری پیچیده‌ای را ایجاد کردند. این سازمان‌های اداری به‌عنوان ماشینی بودند که می‌بایست فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را در ابعاد کلان مدیریت کنند. از اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م این چارچوبها مورد تجدید نظر قرار گرفت، تا با آثار بی‌ثبات کننده فناوریهای نوین مقابله کنند و راه نوآوریهای تازه‌ای را در عرصه اقتصاد، که مستلزم شکل‌های سازماندهی منعطف‌تر بود، هموار سازند. به‌این ترتیب، در برخی اصول عمده سازماندهی، از جمله اصل هم‌نواخت کردن عملیات (به‌ویژه در سازمان‌های تولیدی)، از کنترل متمرکز فاصله گرفته شد. در این روند، شیوه‌های سازمانی مبتنی بر تخصص و تمرکز زیاد، به سود شیوه‌های منعطف‌تر اصلاح شد. منتقدان، شیوه‌های دیوانسالاری رایج در دوره‌های پیشین را به اعتبار تکیه به اصول مکانیکی، مورد نقد قرار می‌دادند.

با این حال، اشکال سازمانی که طی نیمه دوم سده ۲۰م در بسیاری از کشورها پیدا شد و رشد کرد، در پاسخ به تحولاتی بود که در عرصه‌های گوناگون پدید آمده بود؛ از جمله، در مسائل شهری تحولات عمده‌ای صورت گرفته بود که به‌لحاظ سازمانی، واکنش‌های مناسبی را اقتضاء می‌کرد. گسترش ناهنجار و بیمارگون کلانشهرها (← کلانشهر) و مادرشهرها (← مادرشهر) که موضوع استقرار نظم در آنها به‌مسئله‌ای مبرم تبدیل شده بود، نیازمند سازماندهی دقیق‌تری بود. مدیریت اقتصاد کلان و فعالیت‌های سیاسی به‌مسائل کلانشهرها افزوده می‌شد، این مسائل موجب شد که از آغاز نیمه دوم سده ۲۰م، همه جوامع پیشرفته غرب به سمتی پیش روند که در آن از پدیده‌ای به نام جامعه مدیریت شده سخن به میان آمد.

سازمان‌های مدرن سازوکارهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزی و هدایت امور ایجاد کردند که به جوامع صنعتی

سازمانها را به شیوه‌های گوناگونی می‌توان دسته‌بندی کرد. در یک دسته‌بندی کلی سازمانها به ۳ دسته سازمان‌های اداری، سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند.

• **سازمان‌های اداری**، هدف‌های خود را براساس قوانین کشوری و نظام هماهنگی و همکاری بر مبنای اصول عام، از جمله اصول تصدی منصبها و چگونگی سلسله مراتب، تعیین می‌کنند. به‌این ترتیب، دستگاه اداری - در عمل - مجری اقدامات و دستیابی به هدف‌هایی است که توسط مدیریت سیاسی کشور تعیین می‌شود. در کشورهایی که نظام‌های مردمسالار دارند، مدیریت سیاسی ممکن است طی دوره‌های معینی عوض شود. با عوض شدن مدیریت سیاسی، بخشی از هدفها نیز ممکن است تغییر کند. با این حال، دستگاه مدیریت اداری باید صرف‌نظر از اینکه هدفها تا چه حد تغییر کرده‌اند، آنها را به سرانجام برساند. به‌همین دلیل، در کشورهای پیشرفته تلاش بر این است که دستگاه اداری یا دیوانسالاری (← دیوانسالاری) دارای استقلال نسبی باشد، تا بتواند کارایی خود را حفظ کند. البته استقلال دستگاه مدیریت اداری از مدیریت سیاسی کاملاً نسبی است و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌نیافته، هنوز در حد مطلوبی نیست.

• **سازمان‌های اقتصادی**، که نوع شاخص آن بنگاه‌های اقتصادی (اعم از تولیدی و تجاری) است، در نظام لایه‌بندی سطوح شغلی و نظم سلسله مراتبی، ضمن اینکه در مواردی به سازمان‌های اداری شبیه هستند، در یک اصل مهم با آنها تفاوت اساسی دارند. سازمان اقتصادی از حیث لایه‌بندی سلسله مراتبی در یکی از عمده‌ترین وجوه خود به تقسیم طبقاتی و نسبت شخص با عامل دارایی متکی است، درحالی‌که در سازمان‌های اداری، لایه‌بندی سلسله‌مراتبی مبتنی بر اصل توانائیهای فردی و مراتب تحصیلی است (یا دست‌کم باید چنین باشد).

• **سازمان‌های غیرانتفاعی**، نیز همچون سازمان‌های اقتصادی، به عرضه محصولات و خدمات می‌پردازند، اما قیمت محصولات و خدمات آنها تنها تابع بازار نیست، بلکه ملاحظات دیگری، غیر از بازار، در آن ملحوظ است.

ساماندهی فضایی

سازماندهی می‌شوند. پس، در واقع می‌توان از تغییر شکل سازمانها سخن گفت و نه از تغییر کارکرد یا علت‌های وجودی آنها.

کتابشناسی:

- Bennis, G. *Changing Organization*. New York: McGraw-Hill, ۱۹۶۶.
- Blau, P. and Schoennerr, R. *The Structure of Organizations*. New York: Basic Books, ۱۹۷۱.
- Clegg, S. *Modern Organization*. London, ۱۹۹۰.
- Cooper, B. "Formal Organization as Representation: Remot Displacement and Abbreviation", *Rethinking Organization: New Direction in Organization Theory and Analysis*. Reed, M. and Hughes, M. (eds), London, ۱۹۹۲.

کمال پولادی

ساماندهی فضایی

Spatial Organization

کوشش در راستای برپایی الگوی فضایی منظم و سلسله مراتبی از سکونتگاههای انسانی. استقرار سکونتگاههای انسانی در اصل برمبنای قانونمندیهای معین محیطی و اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار در روابط و مناسبات فضایی، به صورتی سلسله مراتبی استقرار می‌یابند. بدینسان، نظام استقرار مبین نحوه جایگزینی و استقرار افراد و گروههای انسانی در مکان معین به منظور برآوردن نیازهای بنیادین خویش است. البته، به واسطه دخالتهای انسانی، مثلاً از طریق تخصیص بی‌رویه اراضی، تمرکز برخی فعالیتها و توزیع نامناسب و نابرابر خدمات و امکانات و همچنین، دخالت عوامل و نیروهای محیطی، این نظم بنیادین در هم می‌ریزد. ساماندهی فضایی، در اصل، مجموعه فعالیتها و اقداماتی است که کشف دوباره و احیاء این نظم از میان رفته و برقراری آن را به منظور سامان بخشیدن به عملکردهای فضایی، وظیفه خود بشمار می‌آورد. در قالب مبحث سلسله مراتب مکانهای مرکزی به مثابه

و پسا صنعتی امکان داد، درجه‌ای از کنترل را بر سرنوشت خود اعمال کنند. بازار به عنوان اصل سازمانبخش عرصه تولید و توزیع، نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای جامعه در بسیاری از دیگر عرصه‌های حیات آن باشد. با این حال، در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، تحقیقات و تحلیلهایی مطرح شد مبنی بر اینکه سازمانها از آن گونه که از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۸۰م همه عرصه‌های زندگی بشر را در تولید، توزیع و اداره سیاسی امور زیرسلطه خود داشتند، همراه با شرایط تازه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در مسیر دگرگونی عمیقی قرار گرفتند و در جهتی پیش رفتند که برخی تحلیل‌گران از آن به عنوان سازمان‌زدایی سخن می‌گفتند. مانوئل کاستلز در کتاب *جامعه اطلاعاتی* توضیح می‌دهد که چگونه سازمانهای بزرگ اقتصادی، مثل شرکتهای چند ملیتی، با بهره‌گیری از امکانات فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات، اختیارات مدیریتی خود را بین شعبه‌ها و دفاتر منطقه‌ای و محلی توزیع می‌کنند. او در همین راستا، از *جامعه شبکه‌ای* سخن می‌گوید، جامعه‌ای که از به کارگیری سازمانهای کلان و متمرکز گذشته فاصله گرفته است و تصمیم‌گیری در شبکه جای این‌گونه سازمانها را گرفته است. تحلیل‌گرانی که بر چنین تحولاتی تأکید می‌کنند، معتقدند که اکنون واحدهای تصمیم‌گیری به جای سازمانها به جریانه‌ها منتقل شده است.

در سازمانهای مدیریت دولتی نیز اصل توزیع اختیارات بین نهادها و سازمانهای محلی در بسیاری از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است. بدینسان، روند توانمندسازی (← توانمندسازی) نهادهای محلی شتاب قابل ملاحظه‌ای یافته است. بسط اصول مشارکت عموم در اداره امور خود، بسیاری از کارهای متمرکز در سازمانهای کلان حکومتی را به سازمانهای کوچک‌تر محلی منتقل کرده است.

با این حال، به نظر می‌رسد که باورها و تحلیلهای فوق از جهاتی خوش‌بینانه و از جهات دیگر سوء تفاهمی در درک معنای سازمان است. تحلیلهای فوق، در واقع، سازمان را با سازمانهای دیوانسالار یکسان معنا می‌کنند، در حالی که شکل دیوانسالاری تنها شکل سازمانی نیست. علاوه بر این، جریانهایی که گویا جای سازمانها را گرفته‌اند، خود به نحوی

آبادی به آبادی دیگر می‌روند، انجام پذیرد. آشکار است که این حرکت و جابه‌جایی، اتفاقی و بی‌نظم نیست، بلکه دوره‌ای بودن بازارها، یعنی هنگامی که تعدادی از این فروشندگان کالاها یا عرضه‌کنندگان خدمات در یک مکان گرد می‌آیند، براساس عرف و عادت شکل می‌گیرد که معمولاً با یک دور طبیعی - حرکت ماه و ستارگان و یا ایام هفته - مشخص می‌گردد.

نظریه‌های استقرار فضایی قاعداً به نظامهای سکونتگاهی و پیچیدگیهای ساختاری - عملکردی آنها که خود از روابط و مناسبات مکانی - فضایی نشأت می‌گیرند، می‌پردازند. با توجه به الزامات مبنایی و پیش شرطهای این گونه نظریات، شکل‌گیری و استقرار فضایی مراکز سکونتگاهی و همچنین رشد و گسترش آنها، در کنار سایر عوامل، تابعی از رفتار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی افراد و گروههای مختلف و عرصه‌های پیرامونی است که با توجه به خصوصیات محیطی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی - اقتصادی خود دست به عمل می‌زنند. باید توجه داشت که این نحوه عمل و دامنه آن، به‌ویژه در دنیای توسعه‌نیافته، همیشه و همه جا با قواعد و قانونمندیهای متعارف اقتصادی همساز نیست. براین اساس، انتظام فضایی را شاید بتوان مستلزم مجموعه‌ای از اجزاء و عناصر گوناگون بشمار آورد که بر ۲ محور اصلی استوارند. این ۲ محور عبارتند از:

- حرکت و امکان جابه‌جایی، شامل امکان و تمایل افراد و گروهها به حرکت به‌سوی سایر سکونتگاهها و از جمله مکانهای مرکزی، به‌منظور مبادله کالایی و بهره‌مندی خدماتی و همچنین مراودات قومی؛ و

- فاصله و بُعد مسافت که مستلزم صرف هزینه‌های معین، از جمله انرژی فیزیکی، صرف وقت، هزینه حمل‌ونقل و مانند آن است.

آشکار است که این ۲ محور در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر و پیوسته در تعامل و تأثیرگذاری متقابل قرار دارند. به‌این ترتیب، می‌توان انتظام فضایی سکونتگاههای انسانی را کلیتی یکپارچه بشمار آورد که با توجه به نحوه و دامنه عملکرد هر یک از اجزاء آن شکل می‌پذیرد. بر همین مبنای، هیچ یک از اجزاء این کلیت یکپارچه مستقل از سایر اجزاء

سازمان‌پذیری عمودی و نیز ساختار فضایی یا افقی آن، الگویی عملکردی مبتنی بر سطوح مختلف سکونتگاهی - روستا، شهر کوچک، شهر بزرگ و... مطرح می‌گردد که ظاهراً مختص دنیای توسعه‌یافته صنعتی است. البته، چنان‌که برخی بررسیها نشان داده‌اند، می‌توان منطق بنیادی نظریه مکان مرکزی را درباره شرایط کاملاً متفاوت استقرار سکونتگاهی و روابط تعاملی در اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته نیز به کار گرفت. در بحث نظری اولیه درباره نحوه شکل‌گیری و عملکرد مکانهای مرکزی، ۲ عنصر اساسی مطرح است:

• آستانه؛ و

• حیطه فضایی کالاها و خدمات گوناگون.

اگر شرایط برای آستانه‌های لازم در ارتباط با حیطه‌های معین و مرتبط در دسترس نباشد، استقرار و بقای مکانهای مرکزی - بنابر تعریف - عملی نخواهد بود. به‌این ترتیب، اگر این پیش شرطها به هر علتی، از جمله عدم وجود راهها یا وسایل ارتباطی، سطح نازل درآمد به‌عنوان مانع حرکت و مانند آن، فراهم نباشند، استقرار کالاها و خدمات گوناگون در محل مکان مرکزی منطقی نخواهد بود. شاید در این مورد، نحوه عمل پبله‌وران دوره‌گرد در نواحی روستایی، گویای چگونگی عملکرد بازارهای دوره‌ای به‌مثابه بدیلی برای مکانهای مرکزی متعارف (بازارهای ثابت شهری) باشد؛ در بسیاری از نواحی روستایی در سرزمینهای درحال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته، روستانشینان برای پاسخگویی به پاره‌ای از نیازهای خود، به دلایل مختلف قادر به مراجعه به مکانهای مرکزی نیستند. از این رو، ارائه‌کنندگان یا فروشندگان بسیاری از کالاها و خدمات نمی‌توانند در مکانی ثابت (مثلاً در مکانهای مرکزی) به فعالیت پردازند، بلکه برای عرضه خدمات یا فروش کالاها و تداوم فعالیت خود، از یک محل به محل دیگر حرکت می‌کنند؛ یعنی از این طریق، تقاضای عملی و کافی برای ایجاد الزامات آستانه را خود پدید می‌آورند. به‌این ترتیب، مکانهای مرکزی دائمی ممکن است در بسیاری نواحی مشاهده نشوند و در عوض، کارکردهای مرکزی توسط فروشندگان دوره‌گرد که در این‌گونه نواحی روستایی از یک

است از:

• نزدیکی و مجاورت با مراکز بزرگ شهری که حاوی نکات زیر است:

۱. با فاصله گرفتن از شهر مرکزی ناحیه، جمعیت شهرنشین به صورت لگاریتمی کاهش می‌پذیرد؛

۲. حجم و مقدار این کاهش متناسب با رتبه - اندازه شهر مرکزی تفاوت می‌کند؛

۳. حجم و مقدار این کاهش با توجه به ویژگیهای نواحی متفاوت است؛ و

۴. حجم و میزان این کاهش با توجه به وضعیت و جهت استقرار نسبت به شهر مرکزی، تفاوت می‌کند.

• تنوع ناحیه‌ای از لحاظ پراکنش منابع، مسلماً میان توزیع یکنواخت منابع در مدل نظری با پراکنش غیرموزون منابع در دنیای واقعی تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد که خود یکی از عوامل زمینه‌ساز اختلاف مدل با واقعیت بشمار می‌رود.

• نقش روندهای زمانی در تحول و تکوین نظامهای سکونتگاهی. درحالی‌که غالباً شبکه مدل‌های نظری سکونتگاهی ایستا هستند، شبکه‌های عینی پویا و در معرض تغییر و تحول قرار دارند؛ چه بسا آبدیهای در دنیای واقعی به دلایل گوناگون رشد و گسترش می‌یابند و یا تجزیه و تکثیر می‌شوند و به این ترتیب، در نظام سکونتگاهی تغییر جایگاه و رتبه می‌دهند.

در ایران از ۱۳۷۴ش، طرحهای ساماندهی سکونتگاههای روستایی در بسیاری از نواحی مورد بررسی قرار گرفته است. شالوده اصلی مطرح شدن این طرحها به مطالعاتی باز می‌گردد که مهدی طالب، عباس سعیدی و جواد صفی‌نژاد درباره استقرار بهینه سکونتگاههای روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۷۳ش) به انجام رساندند. در این چارچوب، از لحاظ نظری برای هر یک از آبادیها با توجه به حجم جمعیت و نسبت برخورداری از امکانات و نیز کشش و جاذبه آنها، براساس آستانه و حیطه نفوذ فضایی، جایگاهی تشخیص داده می‌شود. براین مبنای، به منظور دستیابی به چارچوبی منطقی و عملی برای حوزه‌بندی نسبتاً همگون و منظم سکونتگاهها و توزیع استقرار عقلاهی خدمات و امکانات گوناگون، به‌طورکلی، عوامل و شاخصهای مختلف

نمی‌تواند (و نباید) مطرح گردد. به سخن دیگر، در این مجموعه پیچیده، تغییر و دگرگونی در نقش عملکردی یک جزء، بر نحوه و دامنه عملکردی سایر اجزاء و همچنین بر سامانه کارکردی کل مجموعه تأثیر قابل توجهی وارد می‌آورد. بنابراین، انتظام فضایی سکونتگاهها به‌عنوان کلیتی یکپارچه، در شرایط مطلوب، نظامی است که افراد و گروهها در قالب آن می‌کوشند، با توجه به چارچوبهای محیطی - زیستی و قواعد و اصول فرهنگی - اجتماعی موجود، نیازهای گوناگون خود را از منابع تولید با عنایت به تفاوت مکانی - فضایی مطرح میان نیازها (و تقاضاها) و منابع ضروری برای پاسخگویی به آنها، برآورده سازند.

این خصوصیات و تعریف، مستلزم قواعد و درعین حال، بیانگر ویژگیهایی است که عبارتند از:

• سکونتگاههای انسانی براساس نظم مکانی - فضایی (آشکار یا پنهان) استقرار می‌یابند. این نظم، نظم سلسله مراتبی است که هر یک از سطوح آن دارای حداقل ۲ خصوصیت کلی زیر است:

۱. ساختار عملکردی خاص در هر سطح با توجه به نسبت برخورداری از جمعیت، فعالیت، امکانات و دامنه روابط بیرونی؛ و

۲. فاصله معین سطوح همسان.

• نحوه استقرار منظم نسبت به بازارهای شهری، یعنی حوزه‌بندی مبتنی بر وسعت - فعالیت سکونتگاهها.

• نسبت معکوس حرکت و امکان جابه‌جایی با بُعد مسافت که در نوع و دامنه فضایی روابط هر سکونتگاه با دیگر مراکز سکونتگاهی نقشی تعیین‌کننده برعهده دارد.

با وجود همه کارائیهای نظریه، باید پیوسته به یاد داشت که نظریه‌های مختلف استقرار فضایی بیش و پیش از هر چیز، حاوی ایده‌هایی هستند که فهم واقعیت پیچیده را آسان و کوشش در جهت اصلاح نابسامانیهای عینی را زمینه‌سازی می‌کنند. باین حال، هرگز نباید انتظار داشت که نظریه با واقعیت یکسان و در این مورد، شبکه‌های منظم نظامهای سکونتگاهی با پراکنش عینی مراکز همانند باشد. آنچه که نظریه‌های مبنایی استقرار فضایی را از شبکه‌های واقعی مراکز سکونتگاهی متمایز می‌سازد، از جمله عبارت

سرمایه اجتماعی

- Loyd, P. & P. Dicken. *Location in Space*. London, ۱۹۷۲.
- Mezer, I.R. & Huggett, R.J. *Settlement*. London, ۱۹۸۱.
- Von Thunen, Johann Heinrich: *Der isolierte staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalökonomie*. Rostock, ۱۸۴۲.
- Uhlig, H. & C. *Die Siedlungen des laendlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.
- Ullman, E.L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*, ۴۶, ۱۹۴۰-۴۱.

عباس سعیدی

سرمایه اجتماعی

Social Capital

مفهوم سرمایه اجتماعی را نخستین بار جیمز کلین در دهه ۱۹۸۰م مطرح ساخت. سپس، جامعه‌شناسانی نظیر فوکویاما (۱۹۹۶م) و گیدنز (۱۹۹۰م)، آن را بسط دادند و نتیجه آن شد که از اواسط دهه ۱۹۹۰م، سرمایه اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه، مورد توجه قرار گرفت. سرمایه اجتماعی را می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن مناسب حاصل می‌شوند، دربرگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی هستند که به گرد آمدن افراد به‌صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه، به‌منظور تأمین هدفی مشترک منجر می‌گردد. صائب‌نظران در ارتباط با عوامل مؤثر بر ارتقاء سطح سرمایه اجتماعی، با تأکید بر آموزش و پرورش، بهداشت، اطمینان و اعتماد به نهادهای سیاسی و رضایت از دولت و تعهد سیاسی، بحث‌های مهمی را مطرح کرده‌اند.

سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی است که دلالت‌های متفاوت و تعاریف بدیل چندی از آن وجود دارد. در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی که اساساً بخشی از ادبیات نوین توسعه بشمار می‌آید و در ۲ دهه اخیر رواج و گسترش

محیطی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود که از آن جمله‌اند:

- همگونی نسبی ساختار محیطی؛
 - استقرار در عرصه‌های همسان اداری-سیاسی؛
 - همنوایی از لحاظ فعالیت اقتصادی؛
 - نحوه دسترسی به شبکه‌ها و گره‌های ارتباطی-مواصلاتی؛
 - همنوایی قومی-طایفه‌ای و پیوندهای خویشاوندی؛ و
 - گرایش‌های همسو و رفتار هماهنگ فرهنگی-اجتماعی.
- بدین ترتیب، انتظار می‌رود، یک شبکه کالبدی منظم و مبتنی بر سلسله مراتب فضایی به‌دست آید که از چند حوزه یا ناحیه روستایی، چند منظومه و چندین مجموعه روستایی تشکیل شده باشد. البته، در مواردی ممکن است، برخی واحدهای سکونتگاهی منفرد به‌صورت منزوی و یا مستقل، در کنار این مجموعه سلسله مراتبی حضور یابد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP, ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. «ضرورت آرایش مکانی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی»، *مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده*. تهران، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی‌نژاد، جواد. *طرح ساماندهی روستاهای پراکنده (استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد)*، *بخش‌های بهمنی و لنده*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳.
- Bonine, M. *Yazd and Its Hinterland*, ۱۹۷۵.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, ۱۹۶۲.
- Christaller, walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*, Jena, ۱۹۳۳.
- Galpin, charles J. "The Social Anatomy of Agricultural Community", Agricultural Experment Station, *Research Bulletin* ۳۴, Madison, ۱۹۱۵.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, ۱۹۷۱.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Anlzsis*. MIT Press, ۱۹۶۰.
- Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۷۷.

شبکه‌ها در دسترس قرار می‌گیرند. این منابع شامل اطلاعات، اندیشه‌ها، راهنماییها، فرصتهای کسب‌وکار، سرمایه‌های مالی، قدرت و نفوذ، پشتیبانی عاطفی و حتی خیرخواهی، اعتماد و همکاری است.

همچنین، گروه بانک جهانی در تعریف سرمایه اجتماعی، بر نهادها، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعامل اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند تأکید می‌گذارد.

برخی نظریه‌های توسعه، فقدان سرمایه اجتماعی را دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی بشمار می‌آورند. از این منظر، بافت کشورهای درحال توسعه (به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی) از اجتماعات کوچک و جدا از هم تشکیل شده است. کالاهای تجهیزاتی (مانند ابزار و وسایل کشاورزی) و کالاهای مصرفی غیرخوراکی (مثلاً پوشاک) در کارگاههای کوچک تولید و به بازارهای محلی عرضه می‌شوند. افزایش بهره‌وری در این بخش نیمه‌صنعتی محدود است و این نه تنها به سبب عوامل صرفاً اقتصادی، از قبیل نبود وسایل حمل‌ونقل و ارتباطات پیشرفته و فقدان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کافی است، بلکه درعین‌حال ناشی از این علت است که تقسیم کار در اجتماعات روستایی، شهرهای کوچک و اجتماعات پیشامدرن، ارتباط تنگاتنگی با ساختارهای اجتماعی و خانوادگی دارد. در همین زمینه، هوزلیتز با الهام از تونیس و رد فیلد، تأکید می‌کند که فعالیتهای تولیدی در جوامع سنتی تنها با هدف اقتصادی صورت نمی‌گیرد، بلکه اعضای جامعه سنتی کار تولیدی را نیز به‌عنوان جزئی از مناسک و عنصری از همبستگی اجتماعی تلقی می‌کنند. کثرت این ابعاد کنش اجتماعی ریشه برخی از دشواریهایی است که بهنگام اعمال تغییر در این رفتارها، بروز می‌یابند.

مفهوم سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد، تقریباً با تمام موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. تحقیقات متعدد مؤید تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر سلامت و کاهش نرخ جرائم است.

مفهوم سرمایه اجتماعی از ۳ جزء ترکیب شده است:

چشمگیری یافته است، با انبوهی از تعاریف روبرو می‌شویم که هریک دلالت‌های ویژه‌ای را در حوزه‌های روابط میان شخصی و میان‌گروهی در سطح نظامهای خرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی (Societal) و فرهنگی در نظامهای مختلف اجتماعی بازگو می‌کنند.

با وجود تفاوت‌های گاه بسیار فاحش دلالت‌های این تعاریف، ۲ مقوله مشترک را پیوسته می‌توان تمیز داد:

- تسهیل و گسترش روابط اجتماعی با توجه به اهمیت این روابط برای ساماندهی بهینه زندگی اجتماعی؛ و
- نتایج اجتماعی مطلوب ناشی از کاربرد این روابط تسهیل شده برای ایجاد و انسجام اجتماعی و رفاه.

درواقع، در مجموعه تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی تأکید بر این ۲ مقوله مشترک را به‌صورت‌های متفاوت می‌توان باز یافت: از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که دارای شبکه با دوامی از روابط کم‌وبیش نهادی شده‌آشنایی و شناخت متقابل است و به سخن دیگر، با عضویت در یک گروه ارتباط دارد و برای هریک از اعضا با حمایت از سرمایه جمعی خود، اوراق هویتی که موجب سرفرازی آنان می‌شود، ایجاد می‌کند.

براساس نظر جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی انواع چیزهای گوناگونی است که ۲ ویژگی مشترک دارند: نخست اینکه همه آنها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی و کنش‌های معین افراد را در درون این ساختار تسهیل می‌کنند؛ و دوم اینکه، مانند دیگر شکل‌های سرمایه اجتماعی مولد، دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آنها دست‌نیافتنی خواهند بود، امکان‌پذیر می‌سازند.

فوکویاما، سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز است، در آن سهیمند. در مقابل، پوتنام، سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای ارتباط متقابل، اعتماد و قابلیت اطمینان ناشی از آن تعریف کرده است. حال آنکه واین بیکر، سرمایه اجتماعی را منابعی می‌داند که از شبکه‌های کسب‌وکار یا شبکه‌های فردی و یا درون این

سرمایه اجتماعی

• مشارکت اجتماعی داشته‌اند؛ وی ۱۰٪ از کاهش سطح مشارکت و سرمایه اجتماعی را ناشی از این عامل می‌داند؛
• حومه‌نشینی و پراکندگی شهری به‌عنوان عاملی مؤثر، که

حدوداً ۱۰٪ در کاهش سرمایه اجتماعی نقش دارد؛

• تأثیر سرگرمیهای الکترونیک و از همه بیشتر تلویزیون در خصوصی کردن اوقات فراغت بسیار مهم بوده است و این عامل ۲۵٪ کاهش میزان سرمایه اجتماعی را باعث شده است؛ و

• شاید مهم‌ترین عاملی که پوتنام در مطالعات خود به‌عنوان عامل کاهش سرمایه اجتماعی به آن اشاره کرده است، بحث *تغییرات نسلی* است. فرایند آرام، مستمر و ناگزیر جایگزینی نسل گذشته با فرزندان و نوه‌های کمتر مشارکت‌پذیر آنان در این امر مؤثر بوده است. وی این عامل را تا ۵۰٪ در کاهش مشارکتهای مدنی و سرمایه اجتماعی مردم آمریکا مؤثر می‌داند.

پوتنام در بخشی از کتاب خود به بررسی سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف آمریکا پرداخته است و از طریق شاخص سنجش سرمایه اجتماعی، سطح سرمایه اجتماعی را در هر ایالت بررسی کرده است. عمده‌ترین عناصر در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی در ۵ محور عمده زیر خلاصه می‌شوند:

• زندگی سازمانی؛

• مشارکت در امور عمومی؛

• مشارکت در امور داوطلبانه؛

• انجمن‌پذیری غیررسمی؛ و

• اعتماد اجتماعی.

از مجموع بررسی این ۵ شاخص، نمره سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف به‌دست آمده و پوتنام برآن اساس معتقد است، میزان بالای سرمایه اجتماعی در ایالت‌های مختلف باعث ایجاد قدرت جادویی می‌شود.

پوتنام در این کتاب به منافع فردی و اجتماعی سرمایه اجتماعی نیز اشاره دارد. او همبستگیهای معناداری بین افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش تماشای تلویزیون توسط کودکان، کاهش جرائم خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد،

• آگاهی، یا دانش نسبت به مسائل اجتماعی (نوعی منش‌شناختی). این نوع آگاهی موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است؛

• اعتماد به امنیت خود و نسبت به سایر افراد و نهادهای اجتماعی (نوعی منش‌هنجاری که مستلزم مقابله به مثل و رفتار غیرخودخواهانه است)؛ و

• مشارکت، در شبکه‌های رسمی و غیررسمی یا در انجمنهای مدنی که براساس فعالیت داوطلبانه افراد عمل می‌کنند.

البته بین این اجزاء مفهوم سرمایه اجتماعی نوین ارتباط مستقیم و منطقی قابل تشخیص است، به‌گونه‌ای که جزء اول شرط لازم، اما نه کافی برای جزء دوم و همین‌طور، جزء دوم برای سوم است.

منابع مربوط به مطالعه سرمایه اجتماعی در کشورهای پیشرفته گویای نکته‌های مهمی درباره سرمایه اجتماعی است. رابرت پوتنام (۲۰۰۰م) در کتاب *بولینگ یک‌نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی* (نیویورک)، به‌مسئله کاهش سرمایه اجتماعی در آمریکا می‌پردازد. عنوان این کتاب به معنای یک نفره شدن بازیهای بولینگ در کشور امریکاست که خود از رشد فردی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی در کشور آمریکا خبر می‌دهد. پوتنام در بخشی از کتاب خود به بررسی روند مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی در آمریکا می‌پردازد. در بعد مشارکتهای مدنی (رسمی) و سرمایه اجتماعی با بررسی مفصل نتایج تحقیقات مربوط به کاهش سرمایه اجتماعی، به موضوع کاهش مشارکت سیاسی و اعتماد به حکومت، کاهش میانگین میزان عضویت در انجمنها، به‌طور عام و انجمن اولیا و مربیان، به‌طور خاص و نیز کاهش مشارکت سازمانی فعال، کاهش حضور در باشگاهها و در یک کلام، کاهش مشارکت مدنی پرداخته است. او درباره چرایی کاهش سرمایه اجتماعی به بیان چند علت پرداخته است:

• تأثیر فشارهای زمانی و اقتصادی که مخصوصاً تأثیر خاصی در خانواده‌هایی که والدین هر دو شاغلند، برجای گذاشته است. به نظر پوتنام در ظرف این سالها این‌گونه فشارهای زمانی و اقتصادی، نقش کاهش‌دهنده‌ای بر

سرمایه اجتماعی

رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی کشورها پرداخته است. این تحقیق ۵ یافته عمده به شرح زیر دارد:

• اعتماد و هنجارهای مدنی با رشد اقتصادی قوی‌تر در ارتباط است؛

• عضویتها در انجمنهای داوطلبانه عموماً با کارایی اقتصادی بهتر کشورها رابطه‌ای ندارد؛

• اعتماد به نهادهای رسمی مستحکم رابطه مثبت و قوی دارد و در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، از نابرابری کمتری برخوردارند، این رابطه بیشتر و بزرگ‌تر است؛

• بین سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی ارتباط وجود دارد؛ و

• شاخص سرمایه اجتماعی به‌طور مثبت و معنی‌داری با رشد بیشتر در ارتباط است. کشورهایی که از این شاخص به میزان بیشتری برخوردار بودند، میزان بیشتری از درآمد سرانه، آموزش بهتر، جمعیت‌های مدنی‌تر، نابرابری درآمدی کمتر و نهادهای رسمی قوی‌تر از کشورهایی که میزان کمتری از این شاخص را داشتند، به خود اختصاص داده بودند.

ایران کشوری است که در ۱۰۰ سال گذشته شاهد کوشش‌های فراوانی برای نوسازی و توسعه بوده است، با این همه، هنوز بسیاری از کانونهای جمعیتی، از اجتماعات روستایی گرفته تا شهرهای کوچک و متوسط و بخش‌های مهمی از شهرهای بزرگ، در شرایط پیشامدرن به سر می‌برند و چالش میان سنت و مدرنیته به‌نحوی برجسته و مشخص به چشم می‌خورد. تاکنون سیاستهای اجتماعی برای تحقق اهداف برنامه‌های رفاه اجتماعی موفقیت چندانی نداشته است و به‌رغم برنامه‌های پیگیرانه در ۳ دهه اخیر در زمینه فقرزدایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی، میزان فقر و آسیب‌پذیری اجتماعی در جامعه به‌طور پیوسته افزایش یافته است؛ مشارکتهای اجتماعی در برنامه‌های توسعه هنوز در سطح قابل قبولی قرار ندارد؛ سازمان‌یابی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، خاصه در حوزه عمومی و در چارچوب جامعه مدنی، در سطح مورد انتظار نیست؛ سطح اعتماد اجتماعی عام‌گرایانه بسیار نازل است؛ و میزان

کاهش مرگ‌ومیر، بهبود وضع سلامت و بهبود احساس خوشبختی ملاحظه می‌کند. پوتنام در بحث از تأثیر سرمایه اجتماعی بر مردمسالاری معتقد است، با افزایش سرمایه اجتماعی و تعهد مردم در پرداخت مالیاتها و عوارض که رابطه مستقیم با سرمایه اجتماعی دارد، طبعاً کارایی حکومت و نهادهای مدنی افزایش می‌یابد. وی بحث رابطه مشارکت مدنی با کارایی حکومت را مطرح می‌کند که البته تحقیقی در این زمینه در امریکا صورت نگرفته است، اما خود پوتنام از ۱۹۷۰م تا دهه ۱۹۹۰م، تحقیقات وسیعی درباره تأثیر سرمایه اجتماعی و نقش آن بر کارایی نهادی در نقاط مختلف ایتالیا انجام داده و نتیجه گرفته است که هرچا سرمایه اجتماعی از میزان بیشتری برخوردار بوده، بر کارایی نهادی و حکومت خوب تأثیر مثبت داشته است.

لوئیت، در پژوهشی پیرامون سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصاد بومی: فرصتها و چالشها، به بررسی و تحلیل مطلوبیت سرمایه اجتماعی می‌پردازد. او در این پژوهش به بررسی موضوعاتی مانند دستیابی و نظارت بر منابع، فشارهای تاریخی و قابلیت‌های کژکارکردی شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. کانادا در بین کشورهای ثروتمند، از شاخصهای کیفیت زندگی بالایی برخوردار است. با این حال، سهم ساکنان اولیه از این برتری بسیار اندک است. سیاستهایی که با هدف رشد و ارتقاء زندگی مردم بومی اتخاذ می‌شود، بیشتر مبتنی بر نوعی راهبرد توسعه اقتصادی به‌طور خاص و کارآفرینی است. این تحقیق به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در میزان موفقیت یا شکست این‌گونه برنامه‌ها می‌پردازد. فرض بر این است که جدایی‌گزینی جغرافیایی سبب جدایی افراد و اجتماعات از اتصال و ایجاد شبکه‌های بین گروهی و اتکا به شبکه‌های درون گروهی در چنین محلاتی، اغلب باعث دسترسی محدود به منابع انسانی و مالی شده است. در جاهایی که شبکه‌ها در سطوح گوناگون اجتماع گسترش یافته‌اند، مجموعه‌های بزرگ‌تری از منابع به‌دست آمده است.

لو جوپین در کتاب سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: مطالعه بین‌کشوری سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت مدنی و رشد اقتصادی ۳۸ کشور، ۱۹۹۰-۱۹۹۱م، به بررسی

متوسط و بالاست. مشارکت همیارانه نیز در مناطق به لحاظ توسعه‌ای بالا به‌طور معناداری بیش از مناطق به لحاظ توسعه‌ای متوسط و پائین است و تنها مشارکت غیررسمی مذهبی، در مناطق توسعه‌ای پائین، بیش از مناطق بالاست.

در تحقیق دیگری درخصوص بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهر گنبد کاووس) برای سنجش متغیر مستقل تحقیق (سرمایه اجتماعی) از شاخصهای اعتماد اجتماعی، ارتباطات، بده-بستان و امنیت محلی استفاده شده است. همچنین برای کیفیت زندگی، شاخصهای وضعیت سلامت و تغذیه، وضعیت آموزش، گذران اوقات فراغت، کیفیت مادی، کیفیت محیطی، بهزیستی روانی، کیفیت دسترسی به خدمات عمومی در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح احتمال ۹۹٪ معنی‌دار است. رقم به‌دست آمده برای ضریب تعیین ($R^2=0/363$) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی توانسته است به کمک ۴ مؤلفه خود، یعنی امنیت محلی، بده-بستان، تصور نسبت به محله و عضویت انجمنی ۳۶٪ تغییرات کیفیت زندگی را تبیین نماید.

اجاقلو و زاهدی (۱۳۸۴ش) در مطالعه‌ای در زمینه بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، نشان داده‌اند که بین متغیر سنت‌گرایی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین سنت‌گرایی و ۲ بعد اعتماد، یعنی صراحت و صداقت، رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. در این تحقیق، بین متغیر پایگاه اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز رابطه معناداری مشاهده نشد و تنها یک بعد از پایگاه اجتماعی، یعنی منطقه سکونت، رابطه معنادار مستقیمی را با اعتماد اجتماعی نشان داد. علاوه‌براین، بین تحصیلات پاسخگویان و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود داشت، به‌طوری‌که هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر بود، اعتماد آنها سیر صعودی پیدا می‌کرد.

کتاب‌شناسی:

- بوردیو، پیتر. *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، تألیف راب استون، ترجمه محسن میردامادی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- بودون، ریمون و بوریگو، فرانسوا. *فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی*،

سرمایه اجتماعی که از عوامل زمینه‌ای و کلیدی نیل به توسعه بشمار می‌آید، در بین بسیاری از گروههای اجتماعی و بسیاری از اجتماعات موجود کشور پائین است.

علاوه‌براین، تحقیقاتی که به سنجش میزان سرمایه اجتماعی در نقاط شهری و روستایی ایران پرداخته و عوامل مؤثر بر آن را در شرایط زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار داده باشد، ناچیز است و برخی تحقیقات معدود که در این زمینه انجام پذیرفته، گویای پائین بودن سطح سرمایه اجتماعی در کشور است.

فیروزآبادی در بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران (۱۳۸۴ش)، عناصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی را با شیوه تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق نشان می‌دهد که ۷ عنصر اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، آگاهی و توجه به امور عمومی سیاسی- اجتماعی، مشارکتهای رسمی، مشارکتهای غیررسمی خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه به ۴ عامل عمده اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، آگاهی و توجه و مشارکتهای رسمی و مشارکت غیررسمی (خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه) قابل تقلیل است. براساس نمره تبیین واریانس، اهمیت این عاملهای چهارگانه در سنجش سرمایه اجتماعی در تهران براساس اولویت عبارت بودند از: اعتماد نهادی (با ۳۰٪ تبیین واریانس)، مشارکت غیررسمی (با ۱۰٪ تبیین واریانس)، اعتماد عمومی (با ۷/۸٪ تبیین واریانس) و بالاخره، مشارکت رسمی و آگاهی و توجه (با ۹/۴٪ تبیین واریانس).

یافته‌های این تحقیق گویای آن است که میانگین سرمایه اجتماعی در مناطق با سطح توسعه‌ای بالا، به‌طور معناداری از مناطق با سطح توسعه‌یافتگی متوسط و پائین بیشتر است و در بین عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی خیریه‌ای، در هیچ‌یک از این پهنه‌های توسعه‌ای سه‌گانه تفاوت معناداری وجود نداشته است و اعتماد عمومی در مناطق توسعه‌ای پائین به‌طور معناداری از مناطق توسعه‌ای متوسط و بالا، کمتر است. توزیع آگاهی و توجه نیز بر همین منوال است، به‌نحوی که در مناطق توسعه‌ای پائین به‌طور معناداری کمتر از مناطق توسعه‌ای

سرمایه انسانی

Human Capital

سرمایه انسانی بیشتر به دانش، مهارتها و قابلیت‌هایی اطلاق می‌شود که تجسم آن، افزایش بهره‌وری کار افراد است. البته، در مورد این تعریف، اجماع وجود ندارد. در دهه ۱۹۹۰م، توانایی‌های طبیعی، قابلیت‌ها و سلامت جسمی، که برای موفقیت فرد در کسب دانش و مهارتها نقش اساسی دارند، در شمول این مفهوم قرار گرفتند.

در ۱۹۶۱م تئودور شولتز، اصطلاح سرمایه انسانی را در نشریه بررسی اقتصاد آمریکا به کار برد، گو اینکه این مفهوم پیش از آن نیز به کار رفته بود؛ آدم اسمیت در ۱۷۷۶م این مفهوم را به این ترتیب مطرح کرده بود که آدمها با ارتقاء توان خود به واسطه کسب آموزش، مطالعه و شاگردی کردن، به نیروی مولد گران قیمت تبدیل می‌شوند. از دهه ۱۹۶۰م، بیشتر به لطف بری بکر، که در ۱۹۶۴م کتاب سرمایه انسانی را منتشر کرده بود، این اصطلاح به یک نظریه کانونی در اقتصاد تبدیل شد. این کتاب نخستین چارچوب وحدت‌بخش را درخصوص این مفهوم به دست داد.

سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، هم برای افراد و هم برای کل جامعه، جایگاهی بنیادی دارد. افرادی که روی رشد نیروی کار خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، عموماً می‌پذیرند که در جوانی درآمد کمتری داشته باشند تا بتوانند در سن بالاتر، از افزایش درآمد بهره ببرند. در واقع کسب درآمد بیشتر در آینده، با انباشت سرمایه انسانی ارتباط مستقیم دارد، زیرا فرض بر این است که سرمایه انسانی به افزایش بهره‌وری می‌انجامد. مفهوم این سخن آن است که کسانی که روی ارتقاء سطح نیروی کار خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، در قیاس با کسانی که زودتر وارد بازار کار می‌شوند، به نسبت، از درآمدهای بالاتری برخوردار می‌شوند. سرمایه انسانی از نوع سرمایه‌گذاری‌های ارزشمند

- ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
- تاج بخش، کیان و دیگران. سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، و توسعه. چاپ اول، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه شناسی ایران*. دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد. *توسعه و نابرابری*. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۸۲.
- گیدنز، آنتونی. *جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- فوکویاما، فرانسیس. *پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹.
- یزدانی، فرشید. «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*. شماره ۱۰، سال سوم، ۱۳۸۲.
- Bourdieu, p. "The Forms on Capital", *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. J.C. Richardson (ed), New York: Green Wood Press, ۱۹۸۶.
- Coleman, J.S. "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American journal of sociology*. ۹۴, ۱۹۸۸.
- Glaeser, E. "The Formation of Social Capital", *Organization for Economic Co-operation and Development*. <http://www.oecd.org>
- Kawachi, Kennedy; Lochner & Prothrow-Stith. "Social Capital, income inequality, and mortality", *American Journal of Publichealth*. ۸۷ (۱۹۹۷), pp. ۱۴۹۱-۱۴۹۸, ۱۹۷۷.
- Levitte, Yale Mina. *Social Capital and Aboriginal Economic Development: Opportunities and Challenges, (Ontario)*. Toronto: University of Toronto Canada, ۲۰۰۳.
- Putnam, Robert. "Social Capital Measurement and Consequences", *Kennedy School of Government*. isuma, Vol. ۲, No. ۱, Spiny / Printemps, ۲۰۰۱.
- Putnam, Robert. *Bowling Alone :The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster, ۲۰۰۰.
- Putnam, R.D. "What Makes Democracy Work?", *IPA Review*, ۴۷, ۱۹۹۴.
- Stone, Wendy. "Measuring Social Capital", *Research Paper No ۲۴*, February ۲۰۰۱, Australian of Family Studies. <http://www.aifs.org.au>
- World bank. www.worldbank.org. in: www.cbs-network.org.uk (۲۰۰۳) "Social Capital", ۲۰۰۳.

محمد جواد زاهدی مازندرانی

سرمایه انسانی

می‌کوشند در هزینه‌های آموزش عمومی کارفرمایان و شاغلان، هر دو شریک شوند- به‌طور معمول، به‌صورت سطح دستمزد پائین‌تر- زیرا دانشها و مهارت‌های کسب شده از طریق آموزش عمومی را به‌عنوان مهارت قابل انتقال می‌توان برای کارهای جدید صرف کرد. این امر نیاز به شرکت حکومت در تأمین هزینه آموزش‌های عمومی (و آموزش و پرورش) را توجیه می‌کند. مهاجرت (← مهاجرت)، سومین شیوه در سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی است. اسجاستد نخستین کسی بود که در ۱۹۶۲م یادآور شد، مهاجرت را می‌توان به‌عنوان عرصه‌ای از فعالیت در نظر گرفت که هزینه‌هایی دارد و سودهایی را برمی‌گرداند. مردم به‌واسطه مهاجرت دانش و تجاربی کسب می‌کنند که بر ذخیره سرمایه انسانی آنها می‌افزاید. همچنین جالب است یادآوری کنیم که آموزش و پرورش میل به مهاجرت را افزایش می‌دهد و حاکی از آن است که مهاجرت و آموزش و پرورش نه شکل‌های بدیلی از سرمایه‌گذاری روی سرمایه انسانی، بلکه شکل‌های مکملی هستند.

نظریه سرمایه انسانی در تبیین برخی پدیده‌ها قابلیت مهمی دارد، از جمله اینها، موضوع فاصله جنسیتی در درآمدها یا تفاضل مزد برحسب سن و حرفه است. در مورد فاصله جنسیتی موضوع کمتر بودن میانگین دریافت‌های زنان نسبت به مردان را این‌طور تبیین کرده‌اند که کمیت و کیفیت سرمایه انسانی در کار زنان با کار مردان یکسان نیست. زنان اغلب برای سرمایه انسانی خود زمان کمتری صرف می‌کنند و حتی هنگامی که زمان یکسانی صرف می‌کنند بازدهی آنها به‌لحاظ مطلوبیت در بازار در سطح پائین‌تری قرار دارد. علاوه‌براین، معلوم شده است که نرخ فایده‌مندی سرمایه انسانی ارزش سرمایه‌گذاری روی آن را افزایش یا کاهش می‌دهد. کار زنان به خاطر درگیری در فعالیتهای دیگر، مثل خانه‌داری و پرورش کودک، فایده‌مندی کمتری دارد و به‌همین دلیل، احتمالاً چشم‌انداز درآمد آنها در طول عمر کم‌مایه‌تر است.

یکی از مشکلات اصلی در پرداختن به سرمایه انسانی، شناسایی شاخص‌های مناسبی است که بتوان با آن این نوع

است، زیرا کسی که این سرمایه را در خود انباشت می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را از او باز ستاند، درحالی‌که سرمایه‌های فیزیکی ممکن است طی زمان دچار تنزل شوند. افرادی که از سرمایه انسانی بالایی برخوردار هستند، اغلب به دستمزدها و پاداش‌های بالاتری دسترسی دارند و در صعود به مناصب بالاتر، از امکان بیشتری بهره می‌برند و احتمال کمتری دارد که در شغلی با آینده مسدود قرار گیرند. از نظر اجتماعی، سرمایه انسانی موجب تسریع رشد اجتماعی و یکی از اجزاء قابلیت عمومی یک کشور است. علاوه‌براین، سرمایه انسانی آثار مثبت بیرونی دارد، که به بهبود کلی کیفیت زندگی کمک می‌کند. معلوم شده است، در محیطی که در آن سرمایه انسانی در سطحی بالاتر قرار دارد، نرخ جرائم کاهش می‌یابد و بهره‌دهی سرمایه فیزیکی و بهره‌دهی سایر کارگران (به دلیل تأثیر گروه همسالان) افزایش می‌یابد. مجموعه چنین آثار بیرونی مثبت، به‌عنوان سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی) خوانده شده است. برای سرمایه‌گذاری در رشد سرمایه انسانی، ۳ راه وجود دارد:

- آموزش و پرورش رسمی؛
- آموزش حین کار؛ و
- مهاجرت.

آموزش رسمی، شناخته شده‌ترین شکل سرمایه انسانی است. هرچه افراد بیشتر به تحصیلات رسمی پردازند، سرمایه انسانی آنها بالاتر می‌رود. در مورد آموزش‌های حین کار می‌توان گفت که اهمیت آن غالباً در نوشته‌های اقتصادی نادیده انگاشته شده است، درحالی‌که در حقیقت سهم بالایی در فعالیتهای آموزشی بزرگسالان دارد. آموزش ممکن است از نوع آموزش عمومی یا آموزش تخصصی و خاص باشد. آموزش‌های تخصصی و خاص، نمایانگر مهارت‌ها و دانش‌هایی است که مرتبط با کار بنگاه خاصی است و در نتیجه، در جاهای دیگر قابلیت کاربرد ندارد، حال آنکه آموزش عمومی، شامل دانشها و مهارت‌هایی است که در طیف وسیعی از شغلها و بنگاهها قابلیت کاربرد دارد (آموزش رسمی در مدرسه را می‌توان شکل خاصی از آموزش عمومی بشمار آورد). بنگاه‌های خصوصی اغلب

سطح‌بندی روستایی

مختلف آنها- به صورت سلسله مراتبی- باز می‌گردد. مفهومی که به معنای سطح‌بندی نزدیک‌تر است، اصطلاح رده‌بندی (categorization) است.

بدینسان، سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی هنگامی مطرح می‌شود که تعیین جایگاه سلسله مراتبی آنها از لحاظ کارکردهای فضایی (از جمله، خدمات‌رسانی) در سطح ناحیه‌ای، منطقه‌ای یا ملی مورد نظر باشد. برای سطح‌بندی روستاها روش‌های مختلفی وجود دارد، اما کارآمدترین آنها بر تبیین معیارها و شاخص‌های مختلف، از جمله شاخص‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نهادی و خدماتی استوار است. دامنه تعیین این‌گونه معیارها و شاخص‌ها، نه الزاماً کمی، بلکه با تأکید بر جنبه‌های زندگی و ویژگی‌های محیط‌های روستایی نیز به انجام می‌رسد. برخی از اهم معیارهای کیفی عبارتند از:

- روستایی بودن به معنای مشخص، متعارف و مورد قبول عام؛ به سخن دیگر، الگوی سکونتگاه روستایی که به واسطه تراکم خانوارهای (روستایی) ساکن در خارج از نواحی شهری (با کمتر از ۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت)؛
- گونه‌شناسی روستایی بر مبنای ریخت‌شناسی (مرفولوژی) سکونتگاه‌های مختلف، شامل انواع شهرهای کوچک و حوزه‌های پیرامونی آنها، روستاهای متعارف و آبادی‌های پراکنده؛
- درجه و میزان پراکنش روستاها؛ و
- جایگاه سلسله مراتبی سکونتگاه‌های روستایی برحسب عملکرد فضایی.

معیارهای سطح‌بندی روستایی

وجود تنوع و ناهمگونی محیطی- اکولوژیک و همچنین تفاوت‌های اجتماعی، قومی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی معمولاً تبیین شاخص‌های مورد نیاز برای تدوین نوعی سطح‌بندی روستایی در سطح مناطق و کشورها را با مشکل روبرو می‌سازد؛ این مشکل هنگامی جدی‌تر نمود می‌کند که توجه داشته باشیم، جایگاه عملکردی سکونتگاه‌ها، از جمله روستاها، پیوسته در معرض تغییر است. از این گذشته و با عنایت به اهمیت قابلیت اجرایی بودن هرگونه تبیین سلسله

سرمایه را اندازه‌گیری کرد. در اندازه‌گیری سرمایه انسانی باید سرمایه‌گذارهای رسمی و غیررسمی، هر دو را در نظر گرفت. اما در عمل، تنها آموزش و پرورش رسمی، که برحسب سال‌های تحصیل سنجیده می‌شود، به‌طور سنتی به‌عنوان گواه سرمایه انسانی کسب شده مورد ملاک قرار می‌گیرد. این امر اعتبار نتایج مطالعات تجربی را محدود می‌کند، برخی از منتقدان نیز به‌همین ترتیب، بر این نکته تأکید دارند که در واقعیت امر، جدا کردن وجه سرمایه‌ای و وجه مصرفی سرمایه انسانی دشوار است. برای مثال، معلوم نیست که تحصیلات رسمی و فراگیری آموزش‌های حرفه‌ای، صرفاً برای کسب درآمد بیشتر در آینده باشد، چه بسا که فرد از این تحصیلات و آموزش‌ها لذت شخصی می‌برد.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

الکساندر فاجیان
(کمال پولادی)

سطح‌بندی روستایی

Rural Leveling

سطح‌بندی نوعی گروه‌بندی سلسله مراتبی پدیده‌های همسان است، براساس مجموعه‌ای از معیارها یا خصوصیتها و تعیین جایگاه و وضعیت هر یک نسبت به بقیه. مفهوم سطح‌بندی اغلب با مفاهیم دیگری، همچون رده‌بندی، طبقه‌بندی و گروه‌بندی خلط می‌شود که هرچند با یکدیگر نزدیکی معنایی دارند، اما با هم متفاوتند. درحالی‌که طبقه‌بندی (classification)، به‌طور کلی، تنظیم پدیده‌های مختلف در طبقات خاص براساس معیار یا ویژگی معین است، گروه‌بندی (grouping) مفهومی عام‌تر است و هرگونه دسته‌بندی را شامل می‌گردد. در مقابل، سطح‌بندی، به تعیین پدیده‌های همسان، برحسب سطح یا رتبه‌های

- کیفیات جمعیتی؛
- فعالیت غالب اقتصادی؛
- تنوع فعالیتی؛
- نسبت جمعیت فعال؛
- نسبت جمعیت شاغل به کل جمعیت فعال؛
- میزان دسترسی به منابع آب و خاک؛
- دسترسی به بازار؛
- بهره‌گیری از فناوری و ماشین آلات کشاورزی؛ و
- فاصله از یا دسترسی به بازارهای شهری.

معیارهای نهادی - تأسیساتی

- وجود مؤسسات و نهادهای آموزشی، شامل دبستان، راهنمایی، دبیرستان؛
- امکانات و واحدهای بهداشتی - درمانی، شامل پزشک و ماما، خانه بهداشت، مرکز درمانی و درمانگاه؛
- نهادهای اداری - سیاسی، شامل دهیاری، بخشداری، پاسگاه انتظامی؛
- تأسیسات پشتیبانی - تدارکاتی، شامل مرکز تعمیرات، آهنگری، انبار؛
- امکانات خدمات عمومی، شامل دسترسی به مغازه‌ها و مراکز خرید؛ و
- شاخصهای سیاسی، از جمله موقعیت استقراری، نزدیکی به مرزهای بین‌المللی (← سلسله مراتب سکونتگاهی).

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و دیگران. *استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳.
- Burchell, Robert W. *Richland County Comprehensive Plan. (Town & Country)*. Palmetto Foundation, ۲۰۰۰.
- Christaller, Walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, ۱۹۳۳.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development, Guidelines and Methodology*. New York, ۲۰۰۱.
- Wahlen, J.P. *Some Considerations for Developing Village*

مراتبی روستاها، مستلزم ملحوظ داشتن تقسیمات اداری - سیاسی کشورهاست که به‌ویژه در کشورهایی، از جمله ایران، دائماً تغییر می‌پذیرد.

با این وجود، ضرورت دارد شاخصها و معیارهای کلان سطح‌بندی بر مبنای نیروها و عوامل گوناگونی که به نوعی در روندهای تحولی دخالت دارند، تبیین و مورد استفاده قرار گیرند، تا بتوان براساس نحوه اثر بخشی آنها در هر یک از عرصه‌ها و نواحی روستایی، به تبیین سطوح روستایی در سطح خرد یا کلان دست یافت. بدینسان، معیارهای کلان سطح‌بندی روستایی را می‌توان به چند دسته، به شرح زیر، تقسیم نمود:

معیارهای موقعیتی - محیطی

- ساختار زمین و اشکال ناهمواری؛
- موقعیت طبیعی (درصد و نسبت سکونتگاههای دشتی، پائیکوهی، کوهستانی)؛
- آب‌وهوا (مثلاً با توجه به خطوط همباران)؛
- وضعیت منابع آب و هیدروگرافیک (با عنایت به حوضه‌های آبریز)؛
- موقعیت نسبی (نسبت به کانونهای بزرگ شهری و کلانشهری و همچنین نسبت به مرزهای کشور)؛
- خصوصیات خاک؛ و
- پوشش گیاهی.

معیارهای کالبدی - فضایی

- دسترسی به شهرها و کانونهای مرکزی شهری؛
- تعداد و پراکندگی سکونتگاههای روستایی (تعداد و سهم روستاهای کوچک)؛
- تعداد مراکز شهری (واقع در محدوده اداری - سیاسی)؛ و
- تعداد روستاهای مرکزی یا روستا - شهرها (واقع در محدوده اداری - سیاسی).

معیارهای اجتماعی - اقتصادی

- قومیت و وابستگی زبانی؛
- نحوه پراکنش جمعیت؛

مختلف مبنای سطح‌بندی قرار می‌گیرد. بدون تردید استفاده از شاخصهای متعدد نیازمند به کارگیری روشهای پیچیده‌تر آماری در سطح‌بندی سکونتگاههاست. کاربردی‌ترین روشهای مورد استفاده در این زمینه، به شرح زیر است:

- روش جمعیت به‌عنوان شاخص مرکزیت؛
- روش میزان سنج نهادی گاتمن؛
- روش کارکردی؛
- روش آماری نزدیک‌ترین مجاورت، به‌عنوان راهنمایی برای مکانیابی خدمات؛
- روش تجزیه و تحلیل متغیرها؛
- مدل ویژگی؛
- مدل مرکزیت؛
- روش آنالیز تاکسونومی؛
- روش اسکالوگرام دستی؛
- روش تحلیل خوشه‌ای؛ و
- روش تحلیل عاملی.

تاریخچه تعیین سلسله مراتب سکونتگاهی و سطح‌بندی مراکز جمعیتی به جغرافیدان آلمانی والتر کریستالر نسبت داده می‌شود. او برای نخستین بار در قالب نظریه مکانهای مرکزی که در ۱۹۳۳م مطرح شد، اساس نظریه مکانهای مرکزی را مبتنی بر وجود نظم در الگوها و کارکردهای سکونتگاهی مطرح ساخت (← مکان مرکزی، نظریه). رویکردهای ارائه شده در جغرافیای سکونتگاهی، به جایگاه فیزیکی و موقعیت شهرکها، منشأ و کارکرد آنها، طبقه‌بندی براساس این ویژگیها و مرزبندی شهرها یا حومه آنها متکی است. به عقیده کریستالر، مرکزیت نه تنها حوزه‌های کوچک شهری را که صرفاً مرکز حوزه پیرامونی خود بشمار می‌روند، دربر می‌گیرد، بلکه شهرهای بزرگ‌تر را نیز شامل می‌شود؛ این امر نه تنها به حوزه پیرامونی بلافصل آنها مربوط می‌شود، بلکه در واقع، شبکه‌ای متشکل از چندین حوزه کوچک‌تر را نیز دربر می‌گیرد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. «ضرورت آرایش مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی»، مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده، ۱۳۷۵.

Design. Plan Pacific Consultant, ۲۰۰۶.

عباس سعیدی

سطح‌بندی سکونتگاهی

Settlement Leveling

سطح‌بندی سکونتگاهها به‌منظور تعیین جایگاه هر سکونتگاه از نظر دسترسی به انواع خدمات، میزان رفاه و توسعه نسبی و نیز شناخت دامنه نفوذ آن در ارائه خدمات به سایر سکونتگاهها صورت می‌گیرد. منظور از سکونتگاه مرکز زیست و فعالیت است که معمولاً با احتساب حوزه نفوذ آن، در نظر گرفته می‌شود. سکونتگاهها به‌صورت اعم به سکونتگاه شهری و روستایی قابل تفکیک هستند.

سکونتگاهها را می‌توان برحسب معیارهای مختلف سطح‌بندی کرد. در اغلب موارد، سکونتگاهها برحسب تعداد جمعیت ساکن سطح‌بندی می‌شوند. منطق حاکم بر این سطح‌بندی، آن است که وجود توانهای طبیعی، مانند آب، امکانات کشاورزی، منابع معدنی، خدمات و به‌تبع آن، وجود فرصتهای شغلی مناسب و مانند آن، عامل جذب جمعیت به نقاط مختلف روستایی و شهری می‌شود. بنابراین، فرض می‌شود نقاطی که دارای جمعیت بیشتری هستند، از توان تأثیرگذاری بیشتری بر نقاط پیرامونی خود برخوردار هستند؛ به سخن دیگر، این سکونتگاهها حوزه نفوذ وسیع‌تری دارند. کمبود جمعیت و به‌ویژه نقصان آن در طول زمان، نشان‌دهنده کاهش توانمندی بالقوه و یا بالفعل سکونتگاهها در پاسخگویی به نیازهای تولیدی و خدماتی جمعیت ساکن در آنها بشمار می‌آید.

سطح‌بندی سکونتگاهها برحسب عامل جمعیت در نقاط کم جمعیت روستایی می‌تواند به نتایج قابل قبول در تفکیک سلسله مراتب سکونتگاهی منتهی شود. اما در مراکز پرجمعیت، عامل جمعیت به تنهایی پاسخگوی سطوح و مراتب سکونتگاهی از دیدگاه دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی، بشمار نمی‌آید. به‌همین دلیل، در این موارد ترکیبی از عوامل و شاخصهای

سکونتگاه انسانی

Human Settlement

محل استقرار و اسکان دائمی یا غیردائمی گروه‌های انسانی. از آنجا که مکان زندگی انسانها از مکان کوچکی برای زندگی فصلی تا یک دهکده بسیار کوچک و تا یک شهر را شامل می‌شود، می‌توان سکونتگاههای انسانی را به‌طور کلی،

به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- سکونتگاههای فصلی؛ و
- سکونتگاههای دائمی.

سکونتگاههای انسانی ضمناً از نظر شیوه زندگی نیز به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

- سکونتگاههای شهری؛ و
- سکونتگاههای روستایی.

بدون شک، مهم‌ترین عنصر سکونتگاهها، جماعت انسانی و هدف اصلی از ساختن آن، تأمین نیازهای زندگی اجتماعی است. سکونتگاه انسانی نه تنها یک محیط بوم‌شناختی، بلکه محیطی انسانی است که برخی نیازهای زیستی و اجتماعی او را برآورده می‌سازد.

مولر ویل نوع سکونتگاههای انسانی را که قبل از هر چیز، رابطه تنگاتنگی با شکل و سطح فعالیت اقتصادی دارد، به ۵ گروه عمده تقسیم کرده است:

- **سکونتگاههای موقت.** در این نوع سکونتگاهها، محل سکونت تنها به مدت چند روز مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند سکونتگاههای ابتدایی گرد آورندگان خوراک؛
- **سکونتگاههای دوره‌ای.** در این نوع سکونتگاه، مسکن به مدت چند هفته مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع سکونتگاهها خود به ۲ نوع تقسیم می‌شوند:
 ۱. سکونتگاه دوره‌ای نامنظم؛ و
 ۲. سکونتگاه دوره‌ای منظم.

این نوع سکونتگاهها در بین جوامع ابتدایی که از طریق شکار و ماهی‌گیری امرار معاش می‌کنند، مشاهده می‌گردد.

• **سکونتگاههای فصلی.** در این نوع سکونتگاهها، محل سکونت به مدت چند ماه یا در طول فصول معین مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند سکونتگاههای شبانان کوچ‌چرو،

- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, ۱۹۶۲.
 - Christaller, Walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, ۱۹۳۳.
 - Galpin, Charles J. "The Social Anatomy of Agricultural Community", *Agricultural Experiment Station, Research Bulletin*. ۳۴, Madison, ۱۹۱۵.
 - Gradmann, Robert. "Das Ländliche Siedlungswesen des Königreichs Württemberg", *Forschungen zur Deutschen Landes- und Volkeskunde*. ۲۱. Bd., Heft. ۱. ۲. Auflage, Stuttgart, ۱۹۲۵.
 - Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, ۱۹۷۱.
 - Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, ۱۹۶۰.
 - Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۷۷.
 - Loyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, ۱۹۷۲.
 - Sombart, Werner. "Einige Anmerkungen zur Lehre von Standort der Industrien", *Archiv für Sozialwissenschaften und Sozialpolitik*. ۳۰, ۱۹۱۰.
 - Ibid. *Die drei Nationalökonomien. Geschichte und System der Lehre von der Wirtschaft*. München und Leipzig, ۱۹۳۰.
 - Von Thunen; Johann Heinrich. *Der Isolierte Staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalökonomie*. Rostock, ۱۸۴۲.
 - Ullman, E.L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*. ۴۶, pp. ۸۵۳-۸۶۴. ۱۹۴۰-۴۱.
 - Weber, Adna Ferrin. *The Growth of Cities in the Nineteenth Century*. New York and London, ۱۸۹۹.
 - Weber, Alfred. "Industrielle Standortlehre (Allgemeine und Kapitalistische Theorie des Standorts)", *Grundriss der Sozialökonomik*. ۶. Abt. Tübingen, ۱۹۱۴.
 - Weber, Max. "Wirtschaft und Gesellschaft", *Grundriss der Sozialökonomik*. III, ۲. Auflage, Tübingen, ۱۹۲۵.
 - Ibid. *Allgemeine Wirtschaftsgeschichte*. München und Leipzig, ۱۹۲۳.
- فاطمه تقی‌زاده

سکونتگاه انسانی

کشاورزی و روستایی اولیه و با وقوع انقلاب شهری، اولین سکونتگاههای انسانی پیشرفته در زمان خود، در قالب تمدنهای نخستین، در دشتهای آبرفتی دجله و فرات به وجود آمدند. در نهایت، پس از وقوع انقلاب صنعتی (به دنبال دگرذیسی حدود ۵۵۰۰ ساله سکونتگاههای اولیه)، نوع سکونتگاههای انسانی دچار تغییرات بسیار شگرفی شد. در حال حاضر، پراکندگی مراکز استقرار جمعیت و سکونتگاههای انسانی در سطح کره زمین، به طور همگون صورت نگرفته است و به رغم پیشرفتهای همه جانبه در فنون، هنوز هم نواحی قابل سکونت محدود است و تنها بخش معینی از کره زمین را دربر می گیرد. عوامل محدود کننده نواحی قابل سکونت برای انسان را می توان به ۴ عرصه نسبت داد:

- دریاها؛
 - مناطق قطبی؛
 - ارتفاعات؛ و
 - خشکیها.
- به طور کلی نواحی مناسب سکونت، تنها ۸۰-۹۰ میلیون کیلومتر مربع و به عبارتی حدود ۱۷٪ سطح کره زمین را تشکیل می دهد. پراکندگی سکونتگاهها در درون بخش قابل سکونت نیز به صورت بسیار نابرابر صورت گرفته است. در پراکندگی جمعیت و سکونتگاهها بر روی زمین ۲ گروه از عوامل مؤثر هستند:
- عوامل طبیعی که مهم ترین آنها آب و هوا، خاک، شکل زمین و ثروتهای زیرزمینی است؛ و
 - عواملی که مربوط به ویژگیهای قابل انطباق انسان با محیط طبیعی است، مانند ویژگیهای قومی، تشکیلات اجتماعی، سطح فناوری، موقعیت جغرافیایی و عوامل تاریخی.
- هر سکونتگاه انسانی می تواند به ۲ بخش محیط طبیعی- اکولوژیک و محیط انسان ساخت تقسیم شود. در جزئیات، سکونتگاههای انسانی متشکل از ۵ نظام یا سیستم هستند:
- طبیعت؛
 - انسان؛
 - جامعه؛

جوامع شکارچی و ماهی گیران؛

- **سکونتگاههای نیمه دائمی.** در این سکونتگاهها، محل سکونت به مدت چند سال مورد استفاده قرار می گیرد، مانند سکونتگاههای جوامعی که از طریق کشت ایستا زندگی می گذرانند؛ و
- **سکونتگاههای دائمی.** سکونتگاهی که مورد استفاده چندین نسل قرار می گیرد.

لوئیس مامفورد معتقد است، شناخت سکونتگاههای انسانی معاصر بدون درک ماهیت تاریخی آنها، امکان پذیر نیست.

احتمالاً موجودات شبه انسان برای اولین بار در حدود یک میلیون سال پیش بر روی زمین ظاهر شده و پراکنده شدند. تا مدتها، این موجودات همانند سایر حیوانات می زیستند و از طریق جمع آوری مواد غذایی طبیعی، مانند انواع میوه های وحشی، ریشه و دانه گیاهان تغذیه می کردند. در مرحله بعدی، این موجودات متحرک بود و برای دستیابی به منابع جدید غذایی، تغییر مکان می داد. بدینسان، متعلقات ناچیز خود را نیز از یک پناهگاه به پناهگاه دیگر منتقل می کرد. تا حدود ۱۴۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد، هنوز هیچ واحد پایدار کالبدی، به عنوان سکونتگاه انسانی وجود نداشت. با نزدیک شدن آخرین عصر یخبندان، انسان آن قدر مجهز شده بود، تا خود و حیوانات اهلی شده را از مهلکه نجات دهد و در غارها پناه گیرد. در اینجا است که نخستین مسکن و سکونتگاههای واقعی انسانی پدیدار می شوند. هر چند پایداری این سکونتگاهها به تداوم دسترسی به مواد غذایی در مجاورت اقامتگاهها بستگی داشت.

در حدود ۸-۱۰ هزار سال پیش، انسان به تولید مواد غذایی از طریق پرورش منظم انواع خاصی از گیاهان و اهلی کردن بعضی حیوانات پرداخت. با این انقلاب کشاورزی که تولید غذای مازاد را ممکن می ساخت، زمینه لازم برای استقرار دائم در یک محل و در نتیجه شکل گیری سکونتگاههای انسانی میسر شد. هر چند این سکونتگاهها چیزی بیش از مجتمعهایی از آلونکهای بدوی نبودند، ولی در نهایت در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد، به دنبال چند هزار سال توسعه تدریجی جوامع و سکونتگاههای

سکونتگاه انسانی

این درحالی است که سکونتگاههای کوچک‌تر به تعداد فراوان و در نزدیک یکدیگر به وجود می‌آیند. به گفته آلسو، بزرگ و دور، کوچک و نزدیک (← مکان مرکزی، نظریه).

اولین کنفرانس سکونتگاههای انسانی ملل متحد در ۱۹۷۶م در ونکوور کانادا [و دومین آن در ۱۹۹۶م در شهر استانبول] برگزار شد؛ متعاقب آن، بخش سکونتگاههای انسانی در سازمان ملل متحد که هیئات (← سازمان ملل، هیئات) نامیده می‌شود، به وجود آمد. این بخش تحقق سکونتگاههای انسانی پایدار را از طریق سیاستگذاری، اصلاح سازمانی، ظرفیت‌سازی (← ظرفیت‌سازی) و توسعه همکاریهای فنی و حمایتی به منظور نظارت و بهبود وضعیت سکونتگاههای انسانی در سراسر جهان پیگیری می‌کند و دارای ۳ راهبرد پیشگیرانه به شرح زیر است:

- کم کردن سرعت مهاجرت روستا-شهری؛
- تقویت اقتدار محلی در شهرهایی که به سرعت در حال رشد هستند؛ و

- تقویت وضعیت معیشت و امنیت روستائیان. علاوه بر این، این نهاد ۲ راهبرد انطباقی را نیز تعیب می‌کند:

- مبارزه با فقر نه فقیر؛ و
- مبارزه با اشغال غیرقانونی سکونتگاهها و نه ساکن غیرقانونی (← سکونتگاه انسانی).

کتاب‌شناسی:

- تولون، ب. *جغرافیای سکونت*، ترجمه محمد ظاهری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۴.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری. *روش‌شناسی شبکه سکونتگاهها، طرح کالبدی منطقه‌ای*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲.
- موریس، جیمز. *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۸.
- I.G.U (International Geographical Union) "Extract of Bochum Meeting", *Commission on National Settlement Systems*, ۱۹۷۶.
- Girardet, Herbert. *Cities People Planet, Livable Cities for a Sustainable World*. England: Wiley-Academy, ۲۰۰۴.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.

• کاشانه؛ و

• شبکه.

رابطه بین سکونتگاه انسانی و این ۵ سیستم داخلی، مانند رابطه بین کل و اجزاء است. بنابراین، در یک سکونتگاه انسانی مطلوب، زیر سیستمها کامل و با یکدیگر هماهنگ هستند. یک نظام پیچیده سکونتگاه انسانی، همه انواع سکونتگاهها، از یک اتاق، دهکده، شهرک، شهر حتی کل جهان را دربر می‌گیرد. براساس این مقیاس، سکونتگاهها را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد:

• جهان؛

• منطقه؛

• شهر؛

• محله؛ و

• خانه.

این دسته‌بندی برای تصریح برخی از مفاهیم پایه در تحقیقات دانش سکونتگاههای انسانی و تعیین استانداردهای قابل قبول برای هر سطح بسیار مفید است. پس یک سکونتگاه انسانی باید به عنوان یک نظام بین اجزاء خود هماهنگی ایجاد کند، تا نیازها و خواستها را از جنبه‌های مختلف اکولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، علوم و فناوری، فرهنگی، هنر و مانند آن همساز سازد.

مفهوم سکونتگاههای انسانی در قالب مفهوم نظام سکونت معنا پیدا می‌کند. اتحادیه بین‌المللی جغرافیایی (I.G.U) نظام سکونت را حاصل به هم پیوستن تعدادی از واحدهای سکونتی طی برخی کنشهای متقابل می‌داند و باز بودن و پویایی، از جمله دگرگونی مداوم در فضا و زمان را که الزاماً با حفظ هویت ضروری نظام صورت می‌گیرد، از وجوه مشخص این نظام برمی‌شمارد.

سکونتگاههای انسانی، اعم از شهری و روستایی، به سبب آستانه و برد کالاها و خدمات لزوماً به صورت سلسله مراتبی سازمان می‌یابند. همان‌گونه که کالاها و خدمات با آستانه برتر کمیابند و فواصل استقرار و ارائه آنها از یکدیگر بیش از فواصل کالا و خدمات با آستانه پائین‌تر است، توزیع فضایی و فراوانی سکونتگاههای بزرگ‌تر، کمیاب‌تر است و در فواصل دورتر از یکدیگر سازمانیابی می‌شوند.

سکونتگاه روستایی

با توجه به ویژگیهای محیطی - اکولوژیک، تاریخی - فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی در نواحی مختلف، عوامل و نیروهای گوناگون و متنوعی در تفرق و یا تجمع سکونتگاههای روستایی دخالت دارند. از آن میان، دسترسی نسبتاً یکسان به منابع آب و خاک؛ اراضی نسبتاً ناهموار؛ غلبه مالکیت خرد فردی و خانوادگی و رواج اقتصاد متکی بر دامداری به شکل متفرق و در مقابل، غلبه اقلیم خشک و نیمه خشک؛ محدودیت منابع آب یا منبع آب مشترک؛ پیوندها و بستگیهای قومی؛ و رواج کشت و ورز جمعی و اشتراکی به شکل مجتمع منجر می شود. نقش و اثربخشی هریک از این عوامل و نیروها تابع شرایط زمانی و مکانی است.

ساختار کالبدی سکونتگاههای روستایی از لحاظ فرم نیز متفاوت است. فرم سکونتگاهها نتیجه روندهای شکل گیری و نحوه رشد و گسترش آنهاست که خود تابعی است از تحولات درونی و بیرونی سکونتگاههای روستایی. به این ترتیب، سکونتگاههایی که براساس برنامه شکل می گیرند، معمولاً فرم منظم و در مقابل، سکونتگاههایی که به صورت خودجوش برپا می شوند، اغلب فرم نامنظم دارند. فرم سکونتگاهها، همچون سایر ویژگیهای کالبدی روستا، ثابت و پایدار نیست و به تبعیت از تحولات اجتماعی - اقتصادی و روندهای جاری، پیوسته در معرض تغییر است. البته، نظم کالبدی سکونتگاههای روستایی صرفاً به معنای شکل کم و بیش هندسی خیابانهای اصلی یا بعضی اجزای دیگر نیست؛ فرم منظم سکونتگاه باید تا حد ممکن با روند رشد و توسعه فعالیتها و روابط درونی و بیرونی هماهنگ باشد و قاعدتاً در جهت تسهیل کارکردهای اساسی فضایی و اجتماعی - اقتصادی روستا فراهم آید. در دهه های اخیر، تحول در اندیشه توسعه و پیشرفت در روشهای برنامه ریزی فضایی در رویارویی با نارسائیهای روستایی باعث شده است تا در سطح بین المللی شاهد تأثیر هرچه بیشتر توجه به استقرار بهینه و نظم بخشی بنیادی در سکونتگاههای روستایی باشیم.

علاوه بر این، سکونتگاههای روستایی الگو (pattern) های متفاوتی دارند که می توان آنها را به ۳ دسته اصلی تقسیم

- Liangyong, Wu. *Sciences of Human Settlements: Searching for Theory and Practice*. Ekistics, ۲۰۰۲.

اسماعیل صالحی

سکونتگاه انتقالی ← سکونتگاه غیررسمی

سکونتگاه حاشیه ای ← سکونتگاه غیررسمی

سکونتگاه روستایی

Rural Settlement

مکان زندگی خانوارها و گروههای روستایی که از نظر وسعت متنوع است و از یک واحد مسکونی منفرد تا بزرگترین کانونهای روستایی را شامل می شود.

سکونتگاههای روستایی از نظر نحوه سکونت خانوارها و گروههای روستایی معمولاً به ۲ دسته تقسیم می شوند: سکونتگاههای روستایی دائمی و فصلی. به همین ترتیب، از نظر شکل (shape) نیز این گونه سکونتگاهها به ۲ صورت اصلی نمایان می شوند: سکونتگاههای مجتمع یا کانونی؛ و سکونتگاههای متفرق یا پراکنده. در کنار این دو شکل اصلی، شکل سومی نیز مطرح است که آن را می توان شکل بینابینی نامید. شکل سوم سکونتگاههای روستایی را از آن رو بینابینی می خوانند که معمولاً نشانگر نوعی مرحله گذار از یک شکل به شکل دیگر است. به سخن دیگر، شکل بینابینی در اغلب موارد مبین روندهای تحول و دگرگونی کالبدی سکونتگاه است. از مشخصه های شکل بینابینی این است که خانه های روستایی در فاصله کم و بیش زیاد از یکدیگر و یا در گروههای کوچکی، به صورت هسته های مجزا، در کنار هم قرار دارند.

سکونتگاه شهری

- Bobek, Hans. "Entstehung und Verbreitung der Hauptflur-systeme Irans, Grundzüge Einer Sozialgeographischen Theorie", *Mitteil. Der Österreichischen Geogr. Gesellschaft*, Bd. II u. III, ۱۹۷۶.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, ۱۹۶۶.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, ۱۹۷۰.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۸۶.
- Niemeier, G. *Siedlungsgeographie*. Braunschweig, ۱۹۷۷.
- Uhlig, H. u. C. Lienau. *Die Siedlungen des Ländlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.

عباس سعیدی

سکونتگاه شهری

Urban Settlement

از مهم ترین خصوصیات متمایزکننده سکونتگاههای شهری از سایر انواع سکونتگاهها می توان به تنوع (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی) و تراکم (جمعیتی، ساختمانی و فعالیتها) اشاره کرد.

گوردن کالن ماهیت ذاتی شکل گیری سکونتگاههای شهری را حاصل اجتماع افراد و اجتماع ساختمانها می داند. وی معتقد است، مردمی که به دور یکدیگر جمع می شوند تا در ساختن سکونتگاه شهری همت گمارند، از فواید بسیاری برخوردار می گردند. البته، یک سکونتگاه شهری به مفهوم کامل، چیزی بیش از جمع افراد و ساختمانهایی است که به دور هم جمع شده اند. شهر این امکان را فراهم می سازد تا وسایل آسایش مازاد بر نیاز افراد جامعه به وجود آید، به عنوان نمونه، مردم در سکونتگاههای شهری برای استفاده از اوقات فراغت خود تجهیزاتی پدید می آورند که افزون بر نیاز آنها خواهد بود و این از جمله دلایلی است که مردم بیشتری مایلند به طور جمعی و در سکونتگاههای شهری زندگی کنند.

نمود:

• **سکونتگاههای روستایی خطی**، که واحدهای مسکونی آن در طول یک محور اصلی، به صورت ردیفی استقرار می یابند؛

• **سکونتگاههای روستایی کانونی**، که مرکز اصلی آنها را یک مکان عمومی یا میدانگاه تشکیل می دهد؛ و

• **سکونتگاههای روستایی پهنه ای**، که معمولاً کالبدی متراکم و نامنظم دارند و به روستاهای تلی شهرت یافته اند. مسیر خیابانها یا معابر عمومی در این گونه سکونتگاهها ممکن است ستاره ای شکل، تو در تو و نامنظم، به صورت کوچه های بن بست و یا غیر آن باشد.

سکونتگاههای روستایی از نظر عملکرد نیز متفاوتند، هرچند، به طور کلی، می توان از روستاهای تک عملکردی و یا روستاهای چندعملکردی یاد کرد. برخلاف تصور رایج، روستاها ممکن است عملکرد یا عملکردهای زراعی، خدماتی، صنعتی، گردشگری، خوابگاهی، درمانی - استراحتگاهی و مانند آن داشته باشند.

کتابشناسی:

- برومبزه، کریستیان. *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*، ترجمه علاءالدین گوشه گیر، تهران، ۱۳۷۰.
- بونابین، مایکل. «قنات، شبکه زمینهای زراعی و مورفولوژی روستایی»، ترجمه عباس سعیدی، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. ش ۱۹، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. «الزامات اجتماعی - اقتصادی ساخت و ساز مسکن روستایی»، *مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳.
- سعیدی، عباس. *شیوه های سکونت گزینی و گونه های مسکن روستایی در مناطق زلزله زده گیلان و زنجان*. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی / برنامه عمرانی سازمان ملل، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *گونه شناسی معماری مسکن روستایی استان سمنان*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی / جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی نژاد، جواد. *استقرار بهینه روستاهای پراکنده کهگیلویه و بویراحمد*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- لوبو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*، ترجمه محمود محمودپور، تبریز، ۱۳۵۴.

تعداد زیاد و متنوع روشهای ارتباطی است که در آن با سایر سکونتگاهها، در یک قلمرو وسیع تر ایجاد شده است.

استون معتقد است، یک سکونتگاه قابل زیست نیست، مگر آنکه پایه مناسبی برای صنعت و تجارت در آن ایجاد شده باشد. خدمات محلی، به عنوان مثال، مراکز خرید، حمل و نقل، آموزش، تخصصها و سلامتی و رفاه، ممکن است برای نیمی از جمعیت فعال موجب اشتغال باشد. البته مادامی که یک سکونتگاه به بلوغ شهری نرسد، تنوع مشاغل در آن ایجاد نخواهد شد.

در پاراگراف ۷ از دستور کار اسکان بشر، سکونتگاههای شهری به مثابه موتور رشد و توسعه و مأمّن تکوین تمدن به حساب آمده اند؛ بر این اساس، شهرها موجب تکامل دانش، فرهنگ و سنت و نیز صنعت و بازرگانی می شوند.

لوئیس مامفورد عقیده دارد، شناخت سکونتگاههای شهری بدون درک ماهیت تاریخی شهر امکان پذیر نیست. چایلد در کتاب *انقلاب شهری* در این باره می نویسد، اولین سکونتگاههای شهری با دگرذیسی سکونتگاههای روستایی و بدوی بین ۳۵۰۰ الی ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد ایجاد شدند. تحقق انقلاب شهری به سادگی قابل تصور نیست، زیرا خود مستلزم چندین تحول پیشتاز بود. از نظر چایلد، ۲ رکن حیاتی و در واقع پیشیناز تحقق انقلاب شهری عبارت بود از تولید مواد غذایی مازاد قابل ذخیره (و سایر مواد اولیه) توسط بخشی از جامعه، به منظور حمایت فعالیتهای دیگر و به کارگیری نوعی خط که بدون آن ثبت دائمی وقایع امکان پذیر نبود و تکامل ریاضیات و نجوم و سایر علوم نیز میسر نمی شد. البته، علاوه بر اینها، الزامات دیگری نیز ضرورت داشت که مهم ترین آنها عبارت بودند از وجود نوعی سازمان اجتماعی که تداوم تولید را برای متخصصان شهری تضمین کند و وجود تخصص فنی که ابزارها و حمل و نقل را فراهم کند. به هر حال، اولین سکونتگاهها و تمدنهای شهری در کنار رودخانه های بزرگ و مناطق حاصلخیز بین النهرین، مصر، هند و چین که از شرایط طبیعی مساعد برخوردار بودند، به وجود آمدند.

در طول تاریخ، فرایند تکامل سکونتگاههای شهری و توسعه شهرنشینی با پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی، ارتقاء

چنین فرضیه ای درباره اجتماع ساختمانها نیز صادق است. ساختمانی که در ناحیه ای از بیرون شهر به صورتی منفرد ساخته شود، حداکثر به عنوان یک تجربه معماری قلمداد می گردد، ولی اگر نیم دوجین ساختمان را با هم ترکیب کنیم، از هنری غیر از هنر معماری استفاده شده است. کالن معتقد است، جمع شدن ساختمانها به دور هم در سکونتگاههای شهری، در مجموع می تواند امکاناتی شگرف و یا حداقل لذتی بصری فراهم سازد، که از توان تک تک افراد و ساختمانها حاصل نخواهد شد.

لوئیس مامفورد سکونتگاه شهری را از حیث کالبدی به مفهوم مکانی ثابت، سرپناهی دائمی، امکاناتی پایدار و شبکه ای جغرافیایی، برای فراهم شدن اجتماع شهروندان، مبادله و ذخیره سازی، تقسیم کار اجتماعی، زندگی اقتصادی و فرایند فرهنگی آن تعریف می کند و آن را نماد زیباشناسانه ای از وحدت جمعی و تجلیگاه پرورش هنر برمی شمارد. خانه ها در سکونتگاههای شهری برخلاف خانه های درونگرای سکونتگاههای روستایی، به بیرون و به طرف خیابان باز می شوند. در سکونتگاههای شهری انواع متنوعی از ساختمانهای مسکونی، از خانه های ویلایی و یا تک واحدی مستقل گرفته تا مجموعه های مسکونی و جمعی، آپارتمانهای بلند و برجهای مسکونی و ساختمانهای چند عملکردی را دربر می گیرد.

سکونتگاه شهری آشکارا غالب ترین و شناخته شده ترین ویژگی محیط انسان ساخت بشمار می رود. در واقع، سکونتگاههای شهری بزرگ ترین مصنوعات ساخت دست بشر بشمار می روند؛ مکانهایی که به صورت انبوه و دائمی، به منظور سکونت شهرنشینان و با مرزهای قراردادی استقرار یافته اند. یک سکونتگاه شهری دستاورد مردمی است که در آن به طور دائمی و با پرداختن به فعالیتهای غیرکشاورزی زندگی می کنند. آنچه در وهله اول از یک سکونتگاه شهری به چشم می آید، ابعاد کالبدی، ساختمانها، زیرساختها و اجتماع افرادیست که در آن زندگی و کار می کنند. دوم، آنچه که مردم برای سازماندهی زندگی در داخل آن فضا سازماندهی کرده اند و به طور مشخص در قالب شیوه زندگی یا فرهنگ نمود می یابد، به چشم می آید. سوم، نمود

درآمده‌اند.

سکونتگاههای شهری معاصر در قالب نظامهای سکونتی و مراکز جمعیتی غالباً در شکل کانونهای سکونتگاهی شهری و حتی تجمعگاههای شهری هستند. این شرایط به‌عنوان یکی از پیامدهای انقلاب صنعتی و روند افزایشی شدید نرخ رشد شهرنشینی در کشورهای صنعتی و متعاقباً در کشورهای در حال توسعه بشمار می‌آید.

کتاب‌شناسی:

- موريس، جيمز. *تاريخ شكل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه راضيه رضازاده، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۸.
- کالن، گوردن. *گزیده منظر شهری*، ترجمه منوچهر طبيبيان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- زبردست، اسفنديار. *اندازه شهر*. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳.
- شوئنوتر، نوربرت. *مسکن، حومه و شهر*، ترجمه شهرام پوردیهیمی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۰.
- Girardet. Herbert. *Cities People Planet, livable cities for a sustainable world*. England: Wiley- Academy, ۲۰۰۴.
- *World urbanization prospect: The ۲۰۰۵ Revision*. Department of Economic and Social Affairs (Population Division), ۲۰۰۵.
- Monti. Jr. Daniel. "City", *The Encyclopedia of the City*. Roger W.Caves (ed), London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Cowan. Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, ۲۰۰۵.
- UN Habitat. *The Habitat Agenda Goals and Principles, Commitments and the Global Plan of Action*, ۲۰۰۳.
- http://www.unhabitat.org/declarations/habitat_agenda.htm
۱۱/۱۳/۲۰۰۳

اسماعيل صالحی

سکونتگاه غصبی

Squatter Settlement

سطح سواد و آموزش، بهبود وضع عمومی بهداشت، دسترسی بیشتر به خدمات اجتماعی و مشارکتهای مذهبی، سیاسی و فرهنگی همراه بوده است. امروزه، شهرنشینی سریع، تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، پراکندگی شهرها در مناطق وسیع جغرافیایی و رشد سریع ابرشهرها، از جمله مهم‌ترین دگرگونیهای مهم در سکونتگاههای بشری بشمار می‌رود، به‌نحوی که در ۱۰۰ سال اخیر، تغییر فوق‌العاده‌ای بر کره زمین به وقوع پیوسته است و شهرها به سکونتگاههای اصلی بشر تبدیل شده‌اند.

رشد سریع نرخ شهرنشینی، تمرکز شدید جمعیت در سکونتگاههای شهری بزرگ، گسترش سطح اشغال زمین در حوزه‌های جغرافیایی وسیع‌تر و نرخ رشد فزاینده کلانشهرها از مهم‌ترین تحولات سکونتگاههای انسانی به‌حساب می‌آیند. در ۱۹۰۰م، تنها ۱۵٪ از جمعیت ۵/۱ میلیاردی جهان در شهرها زندگی می‌کردند، ولی در ۲۰۰۰م، این نسبت به ۴۷٪ از جمعیت ۶ میلیاردی بالغ گردید. در حالی که در ۱۹۰۰م تنها ۴ شهر با حدود یک میلیون نفر جمعیت - پکن، توکیو، دهلی و لندن - بزرگ‌ترین سکونتگاههای زمین بودند، در ۲۰۰۰م، حدود ۲۰۰ شهر دارای یک میلیون، ۱۰۰ شهر بین یک تا ۱۰ میلیون و ۲۰ شهر به‌صورت ابرشهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت وجود داشت. براساس این روند تا ۲۰۳۰م، انتظار می‌رود ۶۰٪ از جمعیت جهان، معادل ۹/۴ میلیارد نفر در سکونتگاههای شهری زندگی کنند.

غالب شدن سکونتگاههای شهری و توسعه شهرنشینی به‌صورت کامل، وضع بشر و روابط او با زمین را به‌طور اساسی تغییر داده است. به‌عبارت دیگر، محیط و شرایط زندگی دستخوش تحولات سرسام‌آور ناشی از این وضعیت شده است. ابرشهرهای ۱۰ میلیونی و بیشتر، با ساختارهای بزرگ‌تر و دورتر بر روی زمین ظاهر شده‌اند. آنها به اعماق زمین، چند صد متر در هوا و به‌طور افقی در صدها هزار هکتار گسترده شده‌اند و با مسیرهای حمل‌ونقل ارتباط‌دهنده آنها با یکدیگر و سرزمینهای جهانی، با میلیونها شهروند خواستار تنوع گسترده فعالیتها، شهرهای مدرن بزرگ به‌صورت تجلیگاه اصلی پیچیدگی فعالیت انسان

کشورها هم فشار جمعیتی برای سرپناه وجود داشت و هم زمین و مسکن کالایی ارزشمند محسوب می‌شد که شدیداً به آفت دلالتی گرفتار و در کنار نرخ تورم بالا، روزبه‌روز قیمت آن بالا می‌رفت. به این ترتیب، شمار بیشتری از مردم مجبور می‌شدند با رؤیای خانه‌دار شدن برای همیشه وداع کنند. از سوی دیگر، هر روز از طریق اجاره بهای بیشتر به مناطق فقرونده شهری رانده می‌شدند. این فرایند که در دهه ۱۹۶۰م در کشورهای امریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا شدت گرفته بود، زمینه‌ساز پیدایش بازار غیررسمی زمین و مسکن گردید. برنامه‌های شهری که به تعیین محدوده شهرهای بزرگ منجر می‌شد و رؤیای انضمام زمینهای کشاورزی پیرامون شهرها و بالا رفتن قیمت آنها را برای مالکان بر باد می‌داد، پیدایش چنین بازارهای غیررسمی را شدت می‌بخشید. لمپنهای شهری، آسوده از تعقیب و تنبیه، به شکل ۳ به تصرف زمینها پرداختند؛ این اشکال عبارت بودند از:

- تصاحب سازمان‌یافته؛
 - تصرف خزنه؛ و
 - تقسیم و بازتقسیم زمینهای کشاورزی پیرامون شهرها.
- بدینسان سکونتگاههای یک شبه برپا شده سربرآوردند. غریبها مدتی چنین سکونتگاههایی را بر پایه تجربه محدود و گذرای محدوده‌های پیرامون مرکز شهر، سکونتگاههای غصبی یا تصرفی می‌خواندند. بعدها مفهوم حاشیه‌نشینی (← سکونتگاه غیررسمی) و حاشیه‌نشین باب شد که باری سخت منفی داشت و از همه بدتر، مجوزی به دست مأموران برخی دستگاههای دولتی می‌داد که هر بلایی بر سر ساکنان این قبیل سکونتگاهها بیاورند. براین مبنا، محققان بسیاری، از جمله خانم جانیس پرلمن که پس از ۲۰ سال مطالعه در شهرهای امریکای لاتین، کتاب ارزنده خویش به نام *اسطوره حاشیه‌ای بودن* را نگاشت، ندا در دادند که حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشین تقلید نادرست از تفکیک اقتصاد کشورهای جهان پیشرفته در دوران نوسازی است و تعمیم آن به تجربه جهان سوم نادرست است. سرانجام، برنامه اسکان بشر ملل متحد مفهوم سکونتگاههای غیررسمی را پیشنهاد کرد که امروز رایج گردیده است. چنین اجتماعاتی

فرهنگ جغرافیای انسانی، ویراسته جانستون و دیگران، سکونتگاههای غصبی یا تصرفی را مجموعه‌ای سرپناه که سازندگان آن نه زمین را مالکند و نه آن را در اجاره دارند، تعریف کرده و وجه تمایز آن را تصرفی یا غصبی بودن آن دانسته است. سکونتگاه غصبی مفهومی حقوقی است که سابقه آن به اوایل سده ۲۰م باز می‌گردد. در آن زمان، در پیرامون مرکز شهرهای بزرگ حریمی از خانه‌های چند طبقه فرسوده شکل می‌گرفت که به دلایل مختلف، تخلیه و رها می‌شدند. با تخلیه و رها شدن این خانه‌ها، رانده‌شدگان اجتماعی، بیکاران و بعضی فقرا برای مدتی در آنها ساکن می‌شدند. این عمل غصب خوانده می‌شد. برخی از مالکان شماری از این خانه‌های رها مانده و متروک، چندان هم از این مسئله ناخرسند نبودند، زیرا از این طریق، افراد عادی باقیمانده در آن محدوده‌ها که قانوناً در آن خانه‌ها می‌زیستند، از آنجا می‌گریختند. با ورود رانده‌شدگان قیمت زمین کاهش می‌یافت، اما معلوم بود که با نرخ رشد فیزیکی مرکز شهر، آن‌هم در کلانشهرهای صنعتی اوایل سده ۲۰م، دیری نمی‌پایید که کل محدوده به قیمتی نازل خریداری و فرو کوفته می‌شد و بر ویرانه‌های آن، آسمان‌خراشهای جدید برای جای دادن شرکت‌های عظیم مالی و دفاتر مؤسسات صنعتی سربر می‌کشید و از این رهگذر، شماری سرمایه‌دار وقت‌شناس آگاه به زمانه و شهرها، به ثروتی هنگفت می‌رسیدند.

بعدها، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای موسوم به جهان سوم در آرزوی امروزی شدن به شیوه کشورهای صنعتی و اغلب براساس نسخه‌های پیچیده شده توسط کشورهای پیشرفته صنعتی، وارد مسیری شدند که تنها ظاهری شبیه کشورهای مدرن داشت؛ روندی که بعدها توسعه برونزا خوانده شد و کشورهای جهان سومی در نتیجه توسعه برونزا، خیلی زود صاحب یک یا ۲ شهر عظیم و پرجمعیت، اما ناآماده و بی‌برنامه شدند. بدیهی بود که در اقتصاد کشورهای جهان سوم، برخلاف کشورهای صنعتی، بخش خدمات سرآمد ترکیب اقتصادهای ملی بود و بخشهای تولیدی کشاورزی و صنعت با نارسایی طی طریق می‌کردند. در نتیجه، در این گونه

سکونتگاه غیررسمی

دولت یا شهرداریها، سکونتگاههای خودرو (Unregulated) و یا سکونتگاههای بی‌ضابطه نیز خوانده می‌شوند. گاهی به علت سکونت گروههای بسیار فقیر به نام سکونتگاههای خلتی (Popular Settlement) نیز شناخته شده‌اند. اما بیشتر به دلیل موقعیت مکانی آنها در پیرامون شهرها، آنها را حاشیه‌ای می‌نامند.

گاهی این حاشیه‌ها، از جمله در شهرهای بزرگ امریکای لاتین، به درون شهرها نفوذ می‌کنند و ضمن گسترش در مکانهای نامساعد، مانند دره‌ها، گودها، مسیله‌ها و کوهها، در پیکر اصلی شهر ادغام می‌شوند.

سکونتگاههای حاشیه‌ای در شهرهای ایران به تدریج با بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی ساکنان و اتصال به پیکر شهر (ادغام با شهر)، تغییر وضعیت داده و به صورت بخشی از شهر اصلی درمی‌آیند و یا در صورت فاصله بیشتر از مادرشهر، خود به شهر مستقلی تبدیل می‌شوند (مانند اسلام‌شهر تهران)؛ از این رو، گاهی به این نوع حاشیه‌نشینی، سکونتگاه انتقالی (Transitional) نیز می‌گویند.

بدمسکنی

از ویژگیهای سکونتگاههای حاشیه‌ای بدمسکنی است که به شکلهای مختلف بروز می‌کند: زاغه‌نشینی، حلبی‌آباد، حصیرآباد، آلونک‌نشینی و قایق‌نشینی از جمله این اشکال است که در هر جا ممکن است یکی از آنها به نسبت دیگری غلبه داشته باشد. در شهرهای ایران بیشترین نوع مسکن حاشیه‌ای از نوع غیرمجاز است، که به صورت خانه‌های کوچک، با تراکم زیاد و مصالح دست‌دوم به شیوه‌های غیرفنی و کم‌دوام ساخته می‌شوند. کیفیت این خانه‌ها بسیار نازل و فاقد تأسیسات زیربنایی، از جمله آب، برق و گاز بوده و در مجموعه آنها هیچ‌گونه تسهیلات و خدمات عمومی، مانند مدرسه، درمانگاه و حمام وجود ندارد و از نظر بهداشتی، دفع فاضلاب و نظافت محیط شرایط بسیار آسیب‌پذیری دارند.

را نیز اجتماع سکونتگاههای غیررسمی یا اجتماع غیررسمی می‌خوانند. نگارنده این‌گونه سکونتگاهها را از نظر معماری یا کالبدی، به روستاهای درون شهر، حلبی‌آبادها و خانه‌های بدون سند یک شبه برپا شده تقسیم کرده است. در ایران، انواع کپری چنین سکونتگاهی، به‌ویژه در جنوب کشور، وجود دارد. مهم‌ترین مسئله اجتماعات غیررسمی، تعمیم نادرست اتهام جرم و جنایت و بزهکاری به آنهاست، حال آنکه اکثر قریب به اتفاق آنان، مردمانی شریف و زحمت کشند.

کتاب‌شناسی:

- Aldrich, B. and Sandhu, R. *Housing the Urban Poor, Policy and Practice in Developing Countries*. London: Zed Books. Ltd., ۱۹۹۵.
- *The Meaning and Use of Housing: International Perspective, Approaches and their Applications, Ethnoscapes Serries*. Arias, E. (ed), Aldershot: Avebury, ۱۹۹۳.
- United Nations Centre for Human Settlements (Habitat), *Cities in a Globalizing World: Global Report on Human Settlements ۲۰۰۱*. London: Earthscan Publications Ltd., ۲۰۰۱.

پرویز پیران

سکونتگاه غیررسمی

Informal Settlement

سکونتگاه غیررسمی نوعی سکونتگاه غیرمجاز است که توسط تهیدستان شهری اغلب در پیرامون (خارج از محدوده) شهرها پدید می‌آید. این‌گونه سکونتگاه به علت غیررسمی بودن، از برنامه‌ریزی و طراحی شهری برخوردار نیست و از خدمات عمومی محروم است. اسکان غیررسمی چنان به بخشی از حیات شهری تبدیل شده است که در جای‌جای جهان نام خاص خود را دارد. سکونتگاههای غیررسمی به دلیل عدم نظارت و کمک



بزرگی از نظر زیست محیطی و فجایع انسانی در برخی کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه پدید آید. راه حل مسکن و شهرسازی در این گونه جوامع حاشیه‌ای، آن چنان ساختاری و بنیادی است که هرگونه راه حل سطحی به بحرانی‌تر شدن وضعیت منجر می‌شود و چرخه فاسد جدیدی را ایجاد می‌کند. نمونه زورآباد شهر کرج که حل مسئله آن (تخلیه ارتفاعات از مسکن)، ابعاد مشکل مسکن در شهر کرج را بیشتر گسترش داد و مسئله از یک نقطه به نقاط دیگر منتقل شد، به نحوی که اکنون به سختی می‌توان برای پراکندگی آنها راه حل مناسبی یافت. بخش عمده‌ای از جمعیت شهرها به علت پائین بودن سطح درآمد، بیکاری و فقدان مهارت‌های شغلی نمی‌توانند از امکانات توسعه‌یافتگی کلانشهرها، چه در کشورهای در حال توسعه و چه در جوامع صنعتی، بهره‌مند شوند. این پدیده که آن را *کنار گذاشتگی* (Marginalization) می‌نامند؛ سبب شده است که جمعیت‌های فقیر شهری به حاشیه بیرون شهر رانده شوند و در آلودگی‌ها و محله‌هایی با مسکن غیرمجاز به نحو بسیار نامناسبی زندگی کنند.

در سکونتگاه‌های غیررسمی از نظر اجتماعی، گاهی یک خانوار پرجمعیت در یک اتاق زندگی می‌کند. در کشورهای در حال توسعه که روستائیان به صورت دسته‌جمعی برای کار و اشتغال به شهرها و کلانشهرها (← کلانشهر) مهاجرت می‌کنند، مسکن‌های جمعی نیز شکل می‌گیرند. این وضع گویای مشکل عظیمی در تأمین مسکن برای تهیدستان شهری و کنترل توسعه‌های شهری در کشورهای در حال توسعه است. عمومیت این نوع از سکونتگاه‌ها در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نشانگر بحران‌های اجتماعی-اقتصادی گذار از مرحله پیش‌صنعتی و زراعی به مرحله صنعتی است. البته برخی صاحب‌نظران معتقدند، این پدیده بیش از آنکه به مسئله توسعه اقتصادی مربوط باشد، یک مسئله جمعیتی است. در این کشورها وضعیت بهداشت و تغذیه بهبود یافته و میزان مرگ‌ومیر کودکان و زنان به شدت کاهش یافته است، اما وضع اجتماعی و فرهنگی این کشورها کنترل نشده است. بنابراین، تفاوت این ۲ سطح از توسعه (اجتماعی و اقتصادی) موجب افزایش جمعیت و افزایش فقر شده است. انتظار می‌رود با گسترش روزافزون این پدیده، در آینده بحران‌های

عوامل پیدایش و گسترش

عوامل مختلفی به پیدایش و گسترش سکونتگاههای غیررسمی در شهرهای بزرگ و کلانشهرها کمک کرده است. عمده این عوامل عبارتند از: رشد جمعیت، رشد شهرنشینی، نحوه اداره امور و جهانی شدن.

جمعیت

مهم‌ترین عامل توسعه حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه و به‌طور کلی کشورها و شهرهای مهاجرپذیر، رشد جمعیت است. در سده گذشته جمعیت جهان از ۱/۷ میلیارد به ۶ میلیارد فزونی یافت. در واقع، توسعه فناوری، نیروی کار کشاورزی را آزاد ساخت و برای کار به شهرها روانه کرد.

شهرنشینی

جمعیت‌های مهاجر، بیشتر در شهرها متمرکز شدند. در سده گذشته، نیمی از ۶ میلیارد جمعیت جهان در شهرها و به‌ویژه در حاشیه شهرها زندگی می‌کردند. افزایش جمعیت شهرنشینی در سده ۲۰م از ۰/۳ میلیارد در ۱۹۰۰م به ۳ میلیارد در ۲۰۰۰م، نشانگر بحران شهرنشینی است. البته شهرنشینی در کشورهای مختلف به‌طور یکسان رخ نمی‌دهد: پیش‌بینی می‌شود که در کشورهای صنعتی نرخ شهرنشینی از ۱/۱٪ در ۱۹۹۵م به ۰/۶٪ در ۲۰۱۵م کاهش یابد، در حالی که در همین فاصله زمانی در کشورهای در حال توسعه به ۴/۶٪ افزایش یابد. بر این اساس، شهرهای این کشورها در آینده نزدیک با چالش‌های بزرگی مواجه خواهند شد.

جهانی شدن

جهانی شدن فرایند جدیدی است، متضمن رشد شتابان تجارت جهانی و رونق اقتصادی که احتمالاً بر بورس بازی زمین اثرات مستقیمی خواهد داشت. این روند بدون نهادینه کردن شیوه مداخله، بیش از پیش سبب افزایش جمعیت حاشیه‌نشینی در شهرها و شدت مشکلات برای فقرای شهری (حاشیه‌نشینی) خواهد شد.

اداره امور (حکومت)

محدودیت‌های تأمین خدمات و تسهیلات برای جمعیت حاشیه‌نشینی شهری که با توجه به روند فعلی روزبه‌روز فزونی می‌گیرد، هر روز بیشتر می‌شود. بنابراین، در چنین وضعیتی، تشکیل سکونتگاههای غیررسمی، در واقع خود همچون راه‌حلی مردمی برای تأمین مسکن برای فقرای شهری تلقی می‌شود. از این لحاظ، یعنی دشواری ایجاد مسکن رسمی، آینده بسیار نومیذکننده‌ای پیش روی برنامه‌ریزی شهری کشورهای در حال توسعه جهان قرار دارد. با توجه به این فرایند، نمی‌توان انتظار داشت وضعیت مسکن و تأمین حداقل خدمات شهری برای تهیدستان شهری بهبود یابد. بنابه برآورد مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد در ۲۰۰۱م، تا ۲۰۱۵م جمعیت شهرنشین جهان بین ۳۰-۶۰٪ از جمعیت کشورها را تشکیل خواهد داد.

گونه‌شناسی اسکان غیررسمی

به‌طور کلی نحوه شکل‌گیری سکونتگاههای غیررسمی در شهرها به ۳ گونه یا گروه طبقه‌بندی می‌شود:

- تجاوز خودانگیخته (Spontaneous invasion)، از طریق تصرف زمین پیرامون شهرها توسط جمعیت حاشیه‌نشینی؛
- تجاوز مخفی (قاچاق) یا توسعه خودجوش غیرقانونی؛ و
- توسعه غیرمجاز توسط آبادگران اراضی.

نوع تجاوز خودانگیخته، حاکی از اقدام متشکل خانوارهای متعدد در تصرف زمین و ایجاد مسکن (آلونک) در ناحیه‌ای است که مستقر شده‌اند. معمولاً اراضی چنین ناحیه‌ای ملک عمومی (مشاع) مردمانی محسوب می‌شود که به همراه هم اقدام به تصرف آن کرده‌اند. چگونگی تشکیل این سکونتگاهها و خصوصیات کالبدی و اجتماعی و فرایندهای رفتاری آنان به‌وسیله محققان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این نوشته‌ها، اصطلاح خودجوش را یک اسم بی‌مسما خوانده‌اند، زیرا اغلب توسعه‌های حاشیه‌ای، چه به‌صورت خودانگیخته و یا به‌صورت قاچاق، براساس بهترین سازماندهی توسط ساکنان و خویشان آنان شبانه و به‌طور متشکل، دور از

سکونتگاه غیررسمی

استفاده‌کنندگان اخذ نماید. در این پروژه‌ها از خودیاری ساکنان آینده برای ساختن مسکن دارای حداقل شرایط متعارف بهره‌گیری می‌شود.

پروژه سایت/ سرویس در دهه ۱۹۷۰م مورد استقبال زیادی قرار گرفت و با تأیید و کمک بانک جهانی، در کشورهای درحال توسعه رواج یافت، اما پس از مدتی کاستیهای این رویکرد نیز آشکار گردید. مهم‌ترین این اشکالات چنین بود:

- ناتوانی مدیریت دولتی برای هدایت و ارشاد پروژه‌های مردمی؛
- ناتوانی گروههای تهیدست (بسیار کم‌درآمد شهری) در پرداخت هزینه‌ها؛
- مقابله برخی از گروههای موجود آلونک‌نشین با پیشرفت پروژه؛ و
- جدایی گروههای تهیدست (بسیار کم‌درآمد) از نظام موجود برنامه‌ریزی و بازار مالی.

این تجربه به‌وسیله بانک جهانی به این جمع‌بندی منتهی شد که برای حل مشکل مسکن کم‌درآمدها، به رابطه پیچیده‌تر و به‌هم پیوسته‌تر بین بازار و دولت و خودیاری خانوارها نیاز است.

مسکن غیررسمی

خانه‌سازی غیررسمی، اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در متون برنامه‌ریزی مسکن برای کم‌درآمدها، از دهه ۱۹۸۰م رایج شده است. خانه‌سازی غیررسمی به معنای عرضه غیرقانونی زمین و مسکن در پیرامون و یا حتی در درون شهرهاست و منظور از آن این است که همه انواع آلونک‌نشینی و مانند آن درواقع واکنشی است در مقابل برنامه‌ریزیها و مقررات برنامه‌ریزی شهری که مردم تهیدست در تقابل با قوانین رسمی به کار می‌بندند.

شهرسازان انقلابی (بیشتر در امریکای لاتین) در دهه ۱۹۷۰م، با تقویت این طرز فکر، به این جریان کمک کردند. آنها چنین می‌اندیشیدند که اسکان غیررسمی، به‌خصوص به‌شکل آلونک‌نشینی آن، یک پدیده آسیب‌شناختی نیست و برای حل آن نباید در انتظار تحولات بنیادی نشست، بلکه با

چشم مأموران ساختمان انجام می‌پذیرد.

نوع گسترش غیرمجاز اصولاً عبارت است از ساخت‌وسازهای غیرقانونی از نظر بخش رسمی و مقررات شهرسازی. فرایند این فعالیت شامل تفکیک غیرقانونی املاک خصوصی پیرامون شهرهاست که اصولاً به هیچ‌وجه مناسب توسعه شهرسازی نیست و برای آنها طرح شهرسازی ارائه نمی‌شود. علاوه‌براین، هیچ‌گاه دولت تأسیسات زیربنایی، آب، فاضلاب و برق آنها را تأمین نخواهد کرد، زیرا برپایی آنها از نظر اصولی غیرمجاز و آسیب‌پذیر است. تفاوت عمده بین تجاوز خودجوش و مخفی با گسترش غیرمجاز این است که زمین توسط بخش خصوصی (مالکان یا بنگاههای معاملات زمین) تفکیک و از سوی حاشیه‌نشینان آینده خریداری می‌شود. معمولاً این کار توسط آبادگران زمین که ممکن است صاحب قانونی زمین باشند، یا آن را تصرف کرده باشند، صورت می‌گیرد. برخلاف تصور عمومی، این اراضی با قیمت بسیار گران به خریداران واگذار می‌شود.

علاوه‌بر بنگاههای معاملاتی یا آبادگران، گاهی خود حکومت راه‌حلهای مشابهی برای اسکان جمعیت‌های تهیدست شهری ابداع می‌کند؛ از آن جمله است توسعه بر روی اراضی منابع طبیعی یا موقوفه به‌صورت آماده‌سازی زمین (در ایران). این راه‌حل مستلزم تلاش بیشتر برای تأمین مالی و اعتبارات قانونی است. نمونه‌ای از این نوع به واگذاری سایت و سرویس مشهور گردیده است. در یک دوره، این راه‌حل به‌عنوان کلید حل مشکل حاشیه‌نشینان تلقی می‌شد. این قبیل پروژه‌ها با کمیتهای بسیار زیاد و استانداردهای نسبتاً بهتر در تولید مسکن برای کم‌درآمدها شناخته شده است. نمونه ممتاز آن پروژه مونی زاکسن در کلمبیاست. این شکل با توجه به نقش خودیاری و مشارکت جمعی، با کیفیت بهتر محلی به انجام می‌رسد.

در پروژه‌های سایت/ سرویس یا آماده‌سازی زمین، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، دولت با تأمین زمین، با روش فنی آن را برای ساخت‌وساز آماده می‌سازد و می‌کوشد با تأمین حداقل تأسیسات زیربنایی، مانند آب، فاضلاب و برق، هزینه آن را (بسیار ارزان) از

سکونتگاه غیررسمی

اطراف شهرهای بزرگ هستند که زمین را توسط بنگاههای معاملات ملکی محلی در حاشیه شهرها به خریداران تهیدست عرضه می‌کنند. سازندگان یا خریداران مسکن غیررسمی حاشیه شهرها، اغلب از مهاجران روستایی و شهرستانی که توان کافی برای تهیه مسکن متعارف شهری و یا پرداخت اجاره آنها را ندارند، اما می‌توانند با حداقل سازه‌ها و مصالح دست‌دوم ارزان قیمت، سرپناهی برای خانواده خود برپا سازند. برای مثال، در سکونتگاه غیررسمی اسلامشهر (نزدیک تهران) به‌عنوان بزرگ‌ترین مجتمع زیستی حاشیه‌نشینی در کلانشهر تهران، در مقطع تهیه طرح جامع ۱۳۶۳ش، متوسط مساحت زمین هر واحد مسکونی ۱۲۰ مترمربع و متوسط زیربنای آن ۹۰ مترمربع بود و بیشتر از آجر و تیرآهن ساخته شده بودند.

در اکبرآباد و سلطان‌آباد، سکونتگاههای حاشیه‌ای اسلامشهر که بعد از تهیه طرح جامع اسلامشهر به‌سرعت پدید آمدند، با وجود نزول درآمد واقعی خانوارها بین سالهای ۱۳۶۴-۱۳۷۲ش، کیفیت مسکن همانند اسلامشهر بود، ولی متوسط قطعات زمین از ۱۲۰ مترمربع به ۷۵ مترمربع و زیربنای ساختمانها از ۹۰ مترمربع به ۶۱ مترمربع تقلیل پیدا کرد و سطح اشغال از ۷۵٪ به ۸۰٪ افزایش یافت؛ بااین‌وجود، همچنان مصالح به کار رفته در ساختمان مسکن آنها آجر و آهن بود. این ارقام از متوسط سطح زیربنای واحد مسکونی در بسیاری از نواحی حاشیه شهری کشورهای درحال توسعه بیشتر است. برای مقایسه، سرانه مسکونی (زیربنای مسکونی به نفر) در این سکونتگاهها در ایران ۱۰/۶ مترمربع (در ۱۳۷۵ش) بود، درحالی‌که در دارالسلام ۵ مترمربع، در دهلی ۸/۶، در نایروبی ۵/۱، در پکن ۹/۲، در جاکارتا ۱۰/۱، در رباط مراکش ۶ و در تونس ۶/۸ مترمربع بوده است.

برنامه‌های توانمندسازی

در پایان دهه ۱۹۸۰م، مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و همچنین برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی را واداشت تا در چارچوب راهبرد توانمندسازی برای بازسازی یا بهسازی مسکن فقرا شهری اقدام نماید. این

بهره‌گیری از مشارکت فعال مردمی و همچنین با استفاده از نیروی موجود در بازار غیررسمی مسکن، می‌توان برای حل مشکل مسکن تهیدستان شهری (بسیار کم‌درآمدها) گامهای اساسی برداشت. این کار بخشی از درونزا کردن توسعه است. به‌همین دلیل نیز اصطلاح مسکن غیررسمی به‌تدریج جایگزین سایر واژگان پیشین شد.

منظور از مسکن غیررسمی، هرچ‌ومرج در ساخت‌وساز نیست، بلکه این جریان به برنامه‌ریزی و مدیریت خاص نیاز دارد، زیرا رها کردن مردم فقیر به حال خود، به معنای بدتر شدن وضعیت زیستی آنهاست. چنان‌که در کشورهای امریکای لاتین به دلیل استفاده از شیوه‌های رها‌گذاری، شرایط مسکن و شهرنشینی به‌شدت بدتر شد. حذف تهیدستان حاشیه‌نشین از برنامه‌ریزی مسکن و برنامه‌ریزی شهری، چه در اثر غفلت (مانند ضوابط و معیارهای خارج از محدوده شهرها) و چه عمدی (آنارشیبستی)، در عمل نتایج یکسانی دارند و در نهایت، ناتوانی برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری را در جلب مشارکت شهروندان برای ساختن جامعه شهری سالم آشکار می‌سازد.

وضعیت سکونتگاههای غیررسمی در ایران

وضعیت سکونتگاههای غیررسمی در ایران با دیگر کشورهای درحال توسعه به‌طور اساسی متفاوت است. در برخی از کشورهای امریکای لاتین، سکونتگاههای غیررسمی به‌شکل حلبی‌آباد، گاهی تا ۵۰٪ جمعیت شهرها را در خود جای می‌دهند. حال آنکه در ۱۳۷۵ش مسکن غیرمتعارف در مناطق شهری ایران تقریباً ۱۰٪ واحدهای مسکونی شهرها را تشکیل می‌داد و اغلب آنها از مصالح آجر و آهن ساخته شده بودند. در همین سال، کل خانوارهای زاغه‌نشین در شهرهای ایران از ۲۵۰۰ آلونک تجاوز نمی‌کرد.

سازندگان مسکن غیررسمی در ایران، به‌ندرت به تصرف عدوانی (زورآباد) یا تصرف زمین بدون پرداخت بها اقدام می‌کنند. سازندگان زمین را اغلب از بازار غیررسمی خریداری کرده‌اند. فروشندگان زمین در بسیاری موارد خرده مالکان روستایی و مالکان اراضی کشاورزی در

Books Ltd., ۱۹۹۵.

- *The Meaning and Use of Housing*. Arias, E.G. (ed). Avenbury, ۱۹۹۵.

- Turner, J.F.C. *Housing by People*. pantheon Books, ۱۹۷۷.

- United Nation Centre for Housing Settlement. *Habitat*. London: Earthscan Publication Ltd., ۲۰۰۷.

احمد سعیدنیا

سلسله مراتب سکونتگاهی

Settlement Hierarchy

سلسله مراتب سکونتگاهی براساس الگوی استقرار فضایی سکونتگاهها و برحسب رتبه، سطح و جایگاه عملکردی آنها در سطح ملی یا منطقه‌ای تبیین می‌گردد. به سخن دیگر، در یک عرصه جغرافیایی معین، با توجه به قانونمندیهای معین محیطی و اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تعیین روابط و مناسبات فضایی، جایگاه سلسله مراتبی هر یک از سکونتگاهها تعیین می‌شود.

آنچه که در این ارتباط اهمیت دارد، نیروی پویا و اساسی پدید آورنده ساختار فضایی، یعنی صورت انواع تقاضاها و امکان عرضه کالاها و خدمات گوناگون، با توجه به قابلیت جابه‌جایی و دسترسی به آنهاست. حجم کنش متقابل براین اساس (یعنی میزان مبادله) قاعداً به مقادیر کل انرژی عرضه و تقاضا در بخشهای مختلف در حال کنش متقابل بستگی دارد که غالباً بر مبنای جمعیت تعیین می‌گردد. البته در این میان، فاصله نقشی تعیین کننده در دامنه کنش متقابل دارد که همراه با تقاضا، در تعیین وسعت حوزه بازار (مبادله)، عرصه تولید کشاورزی و نیز نحوه شکل‌پذیری مبتنی بر سلسله مراتب عملکردها و پاسخگویی به نیازهای مراکز تأثیر می‌گذارد.

بررسیهای عینی در زمینه نحوه سامان‌پذیری سلسله مراتب مراکز سکونتگاهی، بسیاری از نوشته‌های جغرافیای

راهبرد در ۱۹۸۷م به نام *راهبرد جهانی سرپناه* به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در این رویکرد، سیاستهای مسکن در چارچوب روش جدیدی که در اقتصاد توسعه شکل گرفته بود، نیاز پایه مسکن شد. در این رویکرد کوشش می‌شود، پروژه‌های منفرد مسکن برای کم‌درآمدها در رابطه با برنامه‌های اقتصادی دولت، بازار مسکن، بازار مالی، برنامه‌ریزی کالبدی مورد بررسی قرار گیرد. محورهای اصلی این رویکرد عبارتند از:

• برقراری ارتباط کامل بین بخش مسکن و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی؛

• پیوند همه‌جانبه برنامه‌ریزی مسکن و بازار مسکن؛

• جهت‌گیری سیاستها برای تحقق توانمندسازی؛

• توجه به مقولات فقر، محیط زیست و بهداشت در برنامه‌ریزیهای مسکن و یارانه‌پردازی دولت در مواقع اضطراری، به طوری که با دقت در دست مدیران قرار گیرد و در عملکرد بازار انحرافی ایجاد نکند؛ و بالاخره،

• فراهم آوردن شبکه زیربنایی و اعطای حقوق مالکیت در مناطق غیررسمی موجود.

کتاب‌شناسی:

- بالابو، مارچلو. *برنامه‌ریزی شهری و گسیختگی شهر در کشورهای توسعه‌یافته*. ترجمه کمال اظهاری، مهندسین مشاور زیست، ۱۳۷۲.

- پین، جفری. *ساخت‌وساز مسکن و تفکیک اراضی غیررسمی در کشورهای جهان سوم*. ترجمه مهرداد جوهری‌پور، نشریه آبادی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۷۵.

- زاهد زاهدانی، سیدسعید. *حاشیه‌نشینی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.

- سعیدنیا، احمد. «نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی»، کتاب *سبز شهرداریها*. جلد چهارم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.

- سعیدی رضوی، نوید و احمدیان، رضا. *بررسی تجارب بازسازی زاغه‌نشینی در تهران*. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، ۱۳۷۲.

- وزارت مسکن و شهرسازی. *حاشیه‌نشینی در ایران، علل و راه‌حلهای*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۲.

- *Encyclopedia of the City*. Wiley, ۲۰۰۵.

- Aldrish B.C. and Sandhu, R.S. *Housing in to Urban Poor: Policy and Practice in Developing Countries*. London: Zed

اسمایلز در بررسی نظام شهری در استرالیا جنوبی به یک سلسله مراتب لانه‌ای شکل دست یافت که تقریباً به نظم و ترتیب $K=7$ کریستالر شباهت داشت. بررسیهای انجام یافته، علاوه بر تأیید سلسله مراتب مکان مرکزی، معلوم داشته است که میان متغیرهایی مانند تعداد کارکردهای مرکزی و تعداد واحدهای کارکردی (تأسیسات) از یکسو و جمعیت مکانهای مرکزی، از سوی دیگر، رابطه آماری بسیار نزدیکی وجود دارد.

قاعده رتبه - اندازه و سلسله مراتب سکونتگاهی

بر اساس میزان جمعیت مراکز سکونتگاهی، به طور کلی، نوع دیگری از نظم و ترتیب عینی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. اگر مراکز سکونتگاهی بر اساس جمعیت رده بندی شوند، در غالب موارد آشکار می گردد که وسعت (اندازه) یک مرکز با عدد رتبه آن در فهرست تهیه شده از مراکز نسبت معکوس دارد. البته این نوع رابطه در اوایل سده ۲۰م شناخته شد، اما نخستین بار زیپف در ۱۹۴۹م به قاعده رتبه - اندازه توجه ویژه ای نمود. این قاعده بر اساس فرمول زیر استوار است:

$$Pr = \frac{P_i}{r^q}$$

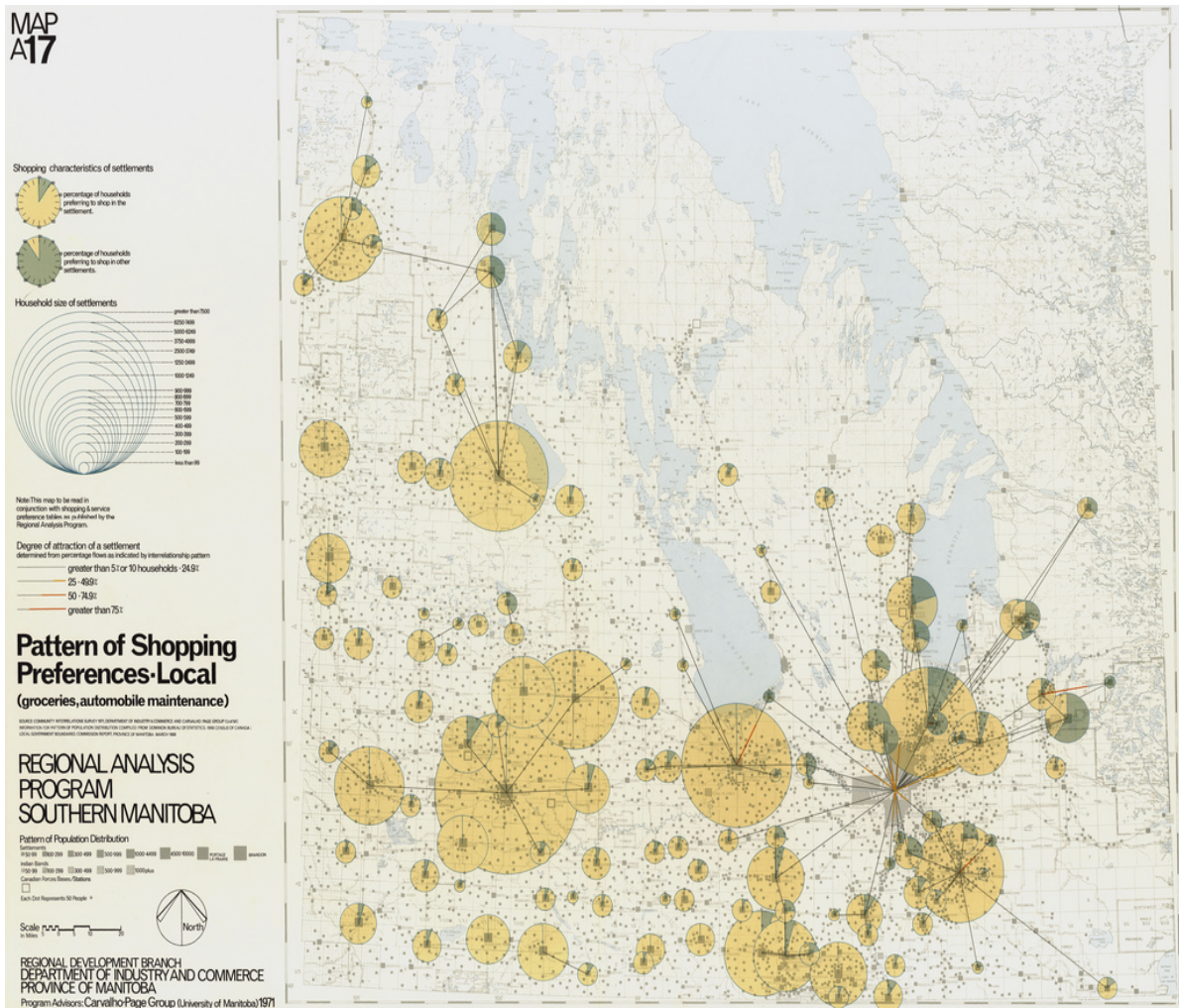
یعنی جمعیت (P) هر شهر با رتبه معین (r) برابر است با جمعیت بزرگترین شهر (شهر درجه اول p_1) تقسیم بر رتبه شهر مورد نظر (q ضریبی است که معمولاً برابر ۱ است). اگر این محاسبه به صورت لگاریتمی ترسیم شود، این رابطه به شکل خطی صاف و نزولی در خواهد آمد که زاویه شیب آن برابر با ۱- خواهد بود.

مطالعه شهرهای ایالات متحد بر اساس این قاعده مؤید صحت آن بود، اما در خارج از این کشور، چه نتایجی می تواند به دست آید؟ برایان بری با استفاده از این قاعده به بررسی ۳۸ کشور با سطوح متفاوت توسعه اقتصادی پرداخت. مطالعه او نشان داد که ۱۳ کشور دارای پراکندگی سکونتگاهی بر اساس قاعده رتبه - اندازه بودند. در مقابل، ۱۵ کشور دیگر دارای توزیع مبتنی بر نخستین شهر بودند که مطابق آن، یک یا ۲ سکونتگاه بسیار بزرگ بر سایر

اقتصادی - شهری را به خود اختصاص داده است. تعداد زیادی از این گونه تحقیقات به پیروی از کریستالر، صرفاً به کارکرد مراکز شهری به عنوان یک مکان مرکزی توجه داشته اند و کمتر تمام طیف عملکردی آنها که به ویژه صنعت کارخانه ای را نیز دربر می گیرد، مورد بررسی قرار داده اند. اگرچه سالهاست که در زمینه سلسله مراتب بررسیهایی انجام می پذیرد، اما تنها در چند سال اخیر بوده است که فنون کاربردی بیشتری در تبیین نحوه سامان پذیری سلسله مراتبی به کار گرفته شده است. در این رابطه، کتاب بنیادی گریسن و همکاران اهمیت ویژه ای دارد. نتایج بررسیهای بعدی بری و همکاران در ایالات متحد و نیز محققان دیگر در سایر نقاط جهان نشان داد که سلسله مراتب مکانهای مرکزی پدیده ویژه ای است که در شرایط موجود زمان، تنها در کشورهای توسعه یافته مشاهده می شود.

هر چند میان سطوح سلسله مراتب نواحی گوناگون شباهتهای زیادی دیده می شود، اما این سطوح را نمی توان مستقیماً با یکدیگر مقایسه نمود. در برخی موارد، سطوح متفاوت را به این ترتیب می نامند: دهکده، روستا، شهرک، شهر و مانند آن. سطوح سلسله مراتب را از ۱ (پائین ترین سطح) به بالا شماره گذاری می کنند، نکته دیگر اینکه تعداد سطوح از یک ناحیه به ناحیه دیگر تفاوت می پذیرد. این امر در برخی موارد به آن علت است که مراکز عمده کلانشهری به حساب نیامده و مراکز شهری کوچک تر مورد تأکید و توجه قرار گرفته اند.

اگرچه بیشتر این گونه بررسیها به نحوی مؤید وجود سلسله مراتب است، اما برخی از آنها مشخصاً نشان داده اند که نظم و ترتیب سلسله مراتبی از مقدار K پیشنهادی توسط کریستالر تبعیت می کند. بررسی عینی لوش در آیووا انطباق کامل مراکز مورد بررسی را با سلسله مراتب $K=4$ نشان می دهد. بررسی بری و همکاران در جنوب غربی آیووا تا حدی الگوی $K=4$ در نحوه شکل پذیری فضایی مکانهای مرکزی را به دست می دهد که بنابر نظر ایشان، پیامد شبکه مبتنی بر چهارگوش و اثر شبکه راههای حمل و نقل ($K=4$) اصل ترافیک کریستالر است.



کشور پیچیده تر شود، توزیع فضایی سکونتگاههای آن نیز به الگوی مبتنی بر رتبه- اندازه نزدیک تر می شود.

براین مبنا، الگوی سکونتگاهی در برخی کشورها، از جمله بلژیک، سوئیس، ایالات متحد و برزیل مبتنی بر الگوی رتبه- اندازه، در بعضی، مانند دانمارک، هلند، مکزیک و ژاپن مبتنی بر الگوی نخستین شهری و در برخی دیگر، از جمله استرالیا، کانادا، زلاند نو و نروژ الگویی بینابینی است.

بکم برهمن اساس ادعا می کند، توزیع مبتنی بر قاعده رتبه- اندازه بر مبنای یک روند رشد آلومتری (allometric growth)، درست مانند رشد اندامهای زیستی، پدید می آید. قانون رشد آلومتری بنابر تعریف عبارت است از اینکه

سکونتگاهها تسلط داشت و سکونتگاههای متوسط (شهری) اصولاً حضور نداشتند. در بقیه کشورها (۱۰ کشور) الگویی بینابینی، میان الگوی نخستین شهر و توزیع مبتنی بر رتبه- اندازه، مشاهده شد.

البته این گونه تفاوتها را نمی توان به طور مطلق تبیین نمود. به عنوان مثال، برخی کشورهای توسعه نیافته دارای الگوی نخستین شهر و بعضی دیگر فاقد این نوع الگو هستند. به نظر می آید عوامل گوناگونی در این نوع تفاوتها دخالت دارند که مهم ترین آنها عبارتند از: سطح و درجه توسعه اقتصادی، ثبات وضعیت سیاسی، طول مدت اسکان و برپایی سکونتگاهها و مانند آن. بری بر این اساس اظهار می دارد که هر چه حیات اجتماعی- اقتصادی و سیاسی

سنجش زیست محیطی

همان نکته‌ای باشد که بری براساس آن پیشنهاد می‌کرد، درحالی‌که بررسیهای مکانی کوچک مقیاس، مؤید وجود سلسله مراتب مراکز است، تحلیل کلی و بزرگ مقیاس که قاعدتاً غیرمحلی است، بیانگر نحوه پراکنش مداوم و پیگیر نظام سکونتگاهی است.

کتاب‌شناسی:

- Lloyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, ۱۹۹۱.

(عباس سعیدی)

سنجش زیست محیطی

Environmental Assessment

پیچیدگی نظامهای اکولوژیک، همراه با نقص نسبی دانش بشری در شناخت آنها، و نیز تأثیرپذیری این نظامها از فعالیتهای مخرب انسانی، شدت توسعه و زمان کوتاه برای شناسایی اجزای محیط زیست، نیاز به استفاده از ابزارهای برای برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست مطرح کرد، تا از یکسو، محیط زیست طبیعی و از سوی دیگر، پیامد فعالیتهای انسان را در کنار یکدیگر قرار دهد و آثار متقابل آنها بر یکدیگر را تا حد امکان، آشکار و کمی سازد. این ابزار را برنامه‌ریزان محیط زیست، سنجش اثرات زیست محیطی توسعه اصطلاح کردند.

براساس تعریف، سنجش زیست محیطی فرایندی برای اندازه‌گیری میزان تغییرات ناشی از هرگونه پیامد فعالیت انسانی ناشی از طرحها و برنامه‌ها و سیاستگذاریها، بر محیط زیست فیزیکی و غیرفیزیکی محدود شده توسعه و پیرامون آن، و در نهایت، ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آثار این فعالیتها بر محیط زیست است. در اینجا، محیط فیزیکی به محیط قابل لمس (معمولاً محدوده تحت تأثیر مستقیم فعالیتهای پروژه) و محیط غیرفیزیکی به محیط غیرقابل لمس (معمولاً برنامه‌ها و خط‌مشیهای متأثر از

میزان نسبی رشد یک اندام، جزء ثابتی است از میزان نسبی رشد تمامی ارگانسیم. در این مورد خاص، رشد نسبی هریک از شهرهای موجود در یک نظام، به‌طور متوسط، بخش ثابتی از میزان رشد تمامی نظام شهری است. البته منظور این نیست که رتبه یا اهمیت نسبی هریک از شهرها در طول زمان، الزاماً بدون تغییر و ثابت باقی می‌ماند. به‌عنوان نمونه، در ایالات متحد با وجود میزان بالای ثبات عمومی از لحاظ سکونتگاهی، هریک از شهرها به‌نحو آشکاری دگرگون شده‌اند. مثلاً لوس آنجلس بین سالهای ۱۸۷۰-۱۹۵۰م، جمعاً ۳۱۴ مکان با رتبه با اهمیت به‌دست آورده است، حال آنکه نیویورک و کانکتیکات ۳۲ مکان را از دست داده‌اند. از میان شهرهایی که در ۱۹۵۰م بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت داشتند، ۱۴ شهر دارای الگوی نسبتاً باثباتی بودند (یعنی کمتر از ۱۰ مکان از دست داده یا به‌دست آورده بودند)، درحالی‌که ۱۰ شهر، تغییر فاحشی- تا حد بیش از ۱۰۰ مکان- یافته بودند. به‌این ترتیب، ثبات رشد عام این شهرها با دگرگونیهای هریک از آنها از لحاظ میزان رشد سازگاری دارد.

در اینجا می‌توان مسئله سازگاری نحوه توزیع مبتنی بر رتبه- اندازه و سلسله مراتب کارکردی را بررسی نمود. برخی عقیده دارند، این ۲ جنبه با یکدیگر ناسازگار هستند، زیرا سلسله مراتب مؤید توزیع پلکانی مراکز و الگوی رتبه- اندازه، یک روند مداوم و پویاست. البته باید تأکید نمود، سلسله مراتبی که کریستالر و لوش عرضه می‌داشتند، بر کارکرد مبتنی بود و نه میزان جمعیت و همان‌گونه که دیدیم، این ۲ با وجود پیوند و ارتباط، مترادف نیستند. همان‌طور که گذشت، کارکردهای مکان مرکزی تنها بخشی از مجموعه کارکردهای عمومی یک سکونتگاه بشمار می‌رود. از سوی دیگر، قاعده رتبه- اندازه با معیاری بسیار کلی‌تر، یعنی چگونگی جایگاه- جمعیت سکونتگاه ارتباط نزدیکی دارد.

نکته دیگر اینکه بیشتر بررسیهای انجام شده در زمینه سلسله مراتب مکان مرکزی به نواحی کوچک محدود می‌شوند، حال آنکه قاعده رتبه- اندازه براساس نظامهای بزرگ ملی (کشوری) پیاده شده است. به نظر می‌رسد این

از هر گزینه است، با توجه به تحلیل با / بدون اجرای پروژه می پردازد. سپس، خروجیهای پروژه را به کار می گیرد و در صورت لزوم، به محاسبه و یا الگوهای شبیه سازی می پردازد. در این گام، پیامدهای ناشی از توسعه به انواع اولیه یا مستقیم، ثانویه یا غیرمستقیم، و پیامدهای تجمعی تقسیم می شود. در عین حال، پیامد فعالیتها برای اکوسیستمها ممکن است که مثبت یا منفی، کوتاه مدت یا بلندمدت، برگشت پذیر یا غیرقابل برگشت و دائمی یا موقت باشند؛

• ارزشگذاری و کاهش آثار پیامدها بر محیط زیست. نمایه پیامدها با آستانهها مقایسه می شود. برای تصمیم گیری، اهمیت نسبی پیامدها در نظر گرفته می شود، و سپس برآوردی برای برنامه ریزی کاهش پیامدها از طریق بهسازی پروژه، یا کاهش آثار زیست محیطی پیامدها، از طریق بازگردانی اکوسیستمهای تخریب شده، ارائه می شود؛ و

• ارائه پیامدها در چارچوب گزارش. در این گام، پیامدهای مربوط به گزینهها با چارچوبی موجز و قابل درک ارائه می شوند که در واقع، هدف اصلی در فرایند سنجش است و نوعی جمع بندی ۵ گام پیشین بشمار می آید.

با پیگیری هر گام از این فرایند، اهمیت نسبی هدفها افزایش می یابد، تا سرانجام به مهم ترین هدف ارزیابی، یعنی ارائه گزینهها و راهکارهای اصلاحی برای لحاظ کردن مسائل فنی به منظور کاهش آثار زیست محیطی و سرانجام، توصیه های مختلف برای کاهش تأثیرات به تفکیک فعالیتها بیانجامد.

برای شناسایی این گونه پیامدها، الگوهای متعددی پیشنهاد شده است. بر این اساس، هر روش سنجش در یکی از ۵ الگوی عمومی شناسایی جای می گیرد. این ۵ الگوی اصلی عبارتند از:

- شبکه (network)؛
- ماتریس (matrix)؛
- فهرست نویسی (checklist)؛
- هم پوشانی (overlying)؛ و
- ترکیبی (compound).

در الگوی شبکه عاملهای تخریب محیط زیست از یک نقطه آغازین (کاربری یا فعالیت تخریب محیط زیست)

پروژه) گفته می شود. در سنجش زیست محیطی، توسعه به هر نوع تغییر ایجاد شده توسط انسان در محیط اطراف خود (خواه مثبت یا منفی) اطلاق می شود.

سنجش زیست محیطی در ۲ مقیاس قابل تفکیک است:

- سنجش پیامد فعالیتها بر محیط زیست؛ و
- سنجش آثار توسعه بر محیط زیست.

مقیاس اول، پروژه محور و مقیاس دوم، برنامه، خط مشی یا سیاست محور است.

مطالعات سنجش زیست محیطی در هر مقیاسی که انجام شوند، ۲ هدف را دنبال می کنند: یکی تحلیل وضعیت محیط زیست منطقه با توجه به تحلیل پیامدهای زیست محیطی در سناریوهای «با» و «بدون» اجرای پروژه (یا برنامه)؛ و دیگری تهیه یک سامانه پشتیبان تصمیم گیری مدیریتی، به طوری که نگرانیهای زیست محیطی را در برنامهها، طرحها و سیاستگذاریها مد نظر قرار دهد.

برای رسیدن به هدفهای ارزیابی که در نهایت تعیین آثار منفی و مثبت پروژه بر محیط زیست طبیعی یا انسان ساخت است، معمولاً فرایندی در ۶ گام طی می شود:

• حوزه بندی. شامل طراحی فرایند، پیش نویس برنامه کاری، تعیین موارد مهم، متغیر پیامدها، گروهها و افراد درگیر در پروژه و نیز روشهایی که باید مورد استفاده قرار گیرند. این گام از فرایند سنجش پیوسته مستلزم کار و بازدید میدانی است؛

• گردآوری اطلاعات وضع موجود. گردآوری داده های اطلاعاتی وضعیت موجود حاکم بر شرایط پروژه و متغیرهای مهم، که ممکن است شامل پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و نیز زیست محیطی گردد؛

• شناسایی پیامدها. همزمان با گام پیشین، گزینه فعالیتهایی که به ایجاد پیامدهای مخرب زیست محیطی منجر می شوند، تعیین و غربال می شوند. این گزینهها شامل متغیرها، نمایهها و آستانههاست. در این گام می توان از فهرستهای از پیش تهیه شده و یا از فهرستی که با کار کتابخانه ای و میدانی تهیه می شود، استفاده کرد.

• پیش بینی آثار زیست محیطی پیامدها. این گام به تخمین دامنه تغییرات در متغیرهای حالت اصلی و نمایهها که ناشی

فعالیتها از ۱۳۷۶ش در ایران (حتی یکسال قبل از ژاپن) شکل قانونی یافته است، ولی به دلیل فقدان امکان کمی سازی و در نتیجه، دستیابی به شناسایی کافی از وضعیت اکوسیستمها، موجب عدم موفقیت این سنجش در بسیاری از پروژهها شده است. گذشته از این نبود داده های اطلاعاتی کافی یا دقیق از محیط زیست طبیعی به ویژه برای لایه های خاک، پوشش گیاهی و جانوری باعث شده است تا این گونه سنجش در ایران از موفقیت چندانی برخوردار نباشد. در حال، انجام و ارائه مطالعه های ارزیابی باعث افزایش آگاهی مسئولین و مردم شده و موجب روشننگری عمیق اذهان می گردد. این افزایش آگاهی، به نوبه خود، زمینه توجه بیشتر به مسائل زیست محیطی کشور، مانند افزایش آلودگیها، گرمایش جهانی و نیاز به حفظ تنوع زیستی می شود.

کتاب شناسی:

- ویلر، اس. و بیتل، تی. *توسعه شهری پایدار*، ترجمه کیوش ذاکر حقیقی، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.

- Adriaase, A. *Environmental Policy Performance Indicators: A Study of Indicators for Environmental Policy in Netherlands*. The Hague: Sdu, ۱۹۹۳.

- Bratt, L. *The Predictiv Meaning of Sustainability Indicators in Search of Indicators of Sustainable Development*. Okuik and Hvergruggen, Boston: Kluwer Academic Publishers, ۱۹۹۱.

- Ruitenbeek, J. *Indicators of Ecological Sustainab Development: Towards. New Fundamentals*, Ottawa: Canadian Environmental Advisory Council, ۱۹۹۱.

فرود آذری دهکردی

شروع و به شکل زنجیروار، به یکدیگر می پیوندند، مانند انجام لایروبی در کف رودخانه که به ترتیب، با رهاسازی گل ولای موجب نابودی ماهیها و زیستگاهشان و در نهایت، باعث از رونق افتادن کار صیادی در رودخانه می شود. در الگوی ماتریس، کنش متقابل بین ۲ فهرست مشخص، یکی شامل اجزای محیط زیست و دیگری فعالیتهای مربوط به پروژه می شود، مانند کنش متقابل بین خاک (جزء محیط زیست) و جاده سازی (فعالیت پروژه) که اثر زیست محیطی آن، فشردگی خاک خواهد بود. بعضی مواقع جدولهای کنش متقابل ممکن است دربرگیرنده مفهوم شدت و زمان نیز باشند. در الگوی فهرست نویسی، پرسشها و نشانزدهایی ترتیب داده می شوند و محقق، با توجه به تأثیر پروژه و وضعیت محیط زیست منطقه، به مشخص کردن صحت یا سقم نشانزدهای فهرست خود و تکمیل آن می پردازد، مانند نظرخواهی عمومی به کمک پرسشنامه برای جلب نظر ساکنان در مورد احداث سد و یا دستورالعملهای مختلفی که برای اندازه گیری آلودگیهای آب، خاک و هوا به صورت راهنمای کار با دستگاه اندازه گیری آلاینده های محیط زیست در اختیار کاربر دستگاه قرار می گیرد. در روش هم پوشانی، ارزیاب با استفاده از نقشه های مختلف به آمایش بوم شناختی منطقه می پردازد و از همخوانی کاربری پیشنهادی با وضعیت اکوسیستمهای موجود منطقه اطلاع حاصل پیدا می کند، و یا پراکندگی آلودگیها در آب یا خاک را بر روی نقشه محدوده مطالعاتی مشخص می کند. روش ترکیبی در اصل کاربرد همزمان ۲ یا چند روش از روشهای بالاست.

فرایند سنجش زیست محیطی ممکن است قبل، حین و یا بعد از اجرای پروژه انجام گیرد. اگرچه انجام ارزیابی به ویژه پیش از ایجاد یک کاربری، حداکثر بازدهی در کاهش آثار منفی توسعه را به همراه داشته باشد، ولی در ایران اغلب ارزیابیها در نیمه راه احداث و یا بعد از اجرای پروژه انجام می شوند. اشکال این ۲ مورد آن است که در طول یا بعد از احداث پروژه، جلوگیری از بسیاری پیامدهای مخرب زیست محیطی ناممکن است. اگرچه سنجش زیست محیطی آثار توسعه و پیامد

سند چشم انداز

Perspective Document

چشم انداز تصویری از دورنمای آتی یک جامعه است که با توجه به آرمانها، امکانات، شناخت و ارزیابی مسائل پیش رو، برای آینده ای بلندمدت (راهبردی) طراحی می شود.

سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران

مراد از چشم انداز، تصویر مطلوب آینده است. این تصویر از یکسو، بر خلق آینده و از سوی دیگر، بر آرمانها و آرزوها و از این حیث، بر بینش جامعه مبتنی است. چشم انداز از بالاترین سطح مدیریت، که رهبری جامعه است، تصویب و به صورت رسمی به دستگاههای اجرایی ابلاغ می شود. به این ترتیب، چشم انداز ملی با در نظر گرفتن امکان تحقق در یک دوره (بلندمدت) ۲۰ ساله و با توجه به شناخت محیط ملی (درونی) و بررسی نقاط قوت و ضعف تعیین می شود و به صورت اساسی، نگاهی دقیق به رخدادهای جهانی و روند تحولات محیط بین المللی (بیرونی) دارد، تا فرصتها و تهدیدات احتمالی را بشناسد و نحوه تعامل با محیط بیرونی و درونی را روشن سازد و با در نظر گرفتن ۳ عامل کلیدی تعیین کننده، شامل نیات راهبردی، قابلیت های اساسی کشور و آرمانها و منابع یک ملت طراحی می شود.

فرایند تدوین چشم انداز ایران ۱۴۰۴ش

طراحی یک مدل ابتکاری و واقع بینانه که دربرگیرنده آرمانها، منابع و تجزیه و تحلیل محیط در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی باشد، و فرایندی تحلیلی، ساختاریافته، شهودی و نیمه ساختار یافته باشد، به صورت ترکیبی و تلفیقی از مجموعه اجزاء در یک ساختار منسجم و روابط سازگار، فعالیتی پیچیده، ظریف و دقیق است که می باید مبتنی بر رویکرد علمی و مکاتب فکری شناخته شده جهانی باشد. بدینسان، با بهره گیری از شیوه های مختلف علمی و فنی و برآورد و ارزیابی روندها و طراحی قواعد حاکم بر رویدادها، تصورات و اقدامات آینده، در قالب نگاهی رو به جلو، بتواند تصویر آینده جامعه را به عنوان محصول نهایی ارائه کند و پاسخگوی مسائل پیچیده، در ابعاد ملی، بین المللی و شرایط رو به تغییر آینده باشد و علاوه بر آن، به مفاهیم نوین در درک و خلق راهبرد توجه کند. ساختار، اجزاء و فرایند چشم انداز عبارتند از:

- آرمانهای جامعه؛
- نظریه ها و روندها؛

امروزه، تهیه و تدوین چشم انداز در برنامه ریزی توسعه کار مورد توجه خاص قرار دارد. تدوین چشم انداز به طراحان و بازیگران عرصه توسعه کشور امکان می دهد، تا مسائل پیش رو را بشناسند و برای دستیابی به اهداف متصور، راهبرد مناسب بیابند. با طراحی چشم انداز، امکان هماهنگی بیشتر بین سیاستهای بلندمدت و برنامه های میان مدت فراهم می شود. تدوین چشم انداز، از شناخت مسائل آغاز می شود، اما افق برنامه در طراحی چشم انداز الزاماً به حل مسئله منحصر نخواهد بود.

درباره مرحله تدوین چشم انداز در برنامه ریزی توسعه بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد. بعضی بر این اعتقادند که تدوین چشم انداز بعد از مرحله تشخیص صورت می گیرد و در خلال آن، مسائل موجود تعریف می شوند. عده ای دیگر تصور می کنند که قبل از مرحله تشخیص می توان چشم انداز مطلوب را ارائه کرد و به این ترتیب، با مقایسه شرایط موجود با شرایط مطلوب مسائل را شناسایی نمود.

با هر دیدگاهی که به این موضوع توجه کنیم، اهمیت تدوین چشم انداز مورد تأکید است و چشم انداز با آینده نگری پیوند دارد. برخی از مشخصات چشم انداز را می توان به صورت زیر برشمرد:

- تصویری از وضعیت مطلوب و قابل دستیابی جامعه در آینده است؛
- مشخص کننده جایگاه کشور در نظام قدرت منطقه ای و جهانی است؛ و
- تعیین کننده مقصد آینده کشور است.
- کامیابی چشم انداز ملی منوط به ملاحظات زیر است:
- آسان سازی؛
- آمادگی برای تغییر؛
- عینی کردن نقش و تأثیر چشم انداز در زندگی اجتماعی؛
- شناخت موانع پیش روی تحقق چشم انداز؛
- تأمین منابع مورد نیاز برای تحقق اهداف چشم انداز؛
- روشهای اجرایی کردن چشم انداز ملی؛ و
- ایجاد شرایط برای پایش چشم انداز.

سند چشم انداز

ملت و کشور و همچنین، تعیین فاصله موجود میان آرزوها و خواسته‌ها با منابع و امکانات ملی؛

پنجم. سازماندهی گروه‌های تخصصی در جامعه، دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها و بهره‌گیری از نتایج مطالعات، تحقیقات و دستاوردهای دانشگاهیان، برنامه‌ریزان، استراتژیست‌ها و کارشناسان برای شناخت روندهای آینده؛
ششم. بررسی تطبیقی اسناد سایر کشورها و استفاده از تجارت آنها در فرایند تدوین چشم‌انداز ملی در دوره‌های ۱۰ ساله و بیشتر؛

هفتم. سازماندهی گروه‌های تخصصی در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در ابعاد و مؤلفه‌های قدرت ملی، یعنی تکیه بر اقتصاد و سیاست، فرهنگ، مدیریت سرزمین و علم و فناوری و توانایی دفاعی و امنیتی؛

هشتم. دعوت از دولت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای ارائه نظرات و دیدگاه‌ها برای چشم‌اندازسازی در کشور و طراحی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران؛

نهم. تشکیل گروه‌های کارشناسی در ابعاد و مؤلفه‌های قدرت ملی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و دفاعی، علمی و فنی برای ارزیابی دقیق گزارش‌ها و اسناد تهیه شده و تحلیل داده‌های گردآوری شده در محیط ملی، و طبقه‌بندی همگن مطالعات و گزارش‌های تهیه شده؛

دهم. تشکیل گروهی از کارشناسان مدیریت راهبردی آشنا با مفاهیم چشم‌اندازسازی، آینده‌نگری و آینده‌سازی و برنامه‌ریزی رو به جلو و تفکر راهبردی و همچنین، طراحی روش‌شناسی تهیه سند چشم‌انداز ۲۰ ساله؛

یازدهم. تشکیل گروه‌های تلفیق تخصصی بین رشته‌ای از گروه‌های تخصصی هر یک از ابعاد و مؤلفه‌های قدرت برای تحلیل داده‌های محیطی و تعیین نحوه تأثیر ارزش‌های بنیادی در طراحی سند چشم‌انداز و به کارگیری روش‌ها و فنون مناسب ارزیابی و وزن‌دهی به عوامل راهبردی محیطی (در ابعاد داخلی و خارجی)؛

دوازدهم. تشکیل کمیته‌های کارشناسی برای تدوین مباحث به‌منظور ارائه به کمیسیون خاص تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله که در مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بررسی،

- تجزیه و تحلیل محیط و تقسیم‌بندی ساختار آن؛
- عوامل راهبردی محیط داخلی؛
- عوامل راهبردی محیط خارجی؛
- عوامل کلیدی و بحرانی محیط (داخلی و خارجی)؛
- جهت‌ها، تغییر پارادایم‌ها و رویکردهای راهبردی؛
- اولویت‌های راهبردی؛
- چالش‌های راهبردی؛
- ارزش‌های راهبردی؛
- نیات راهبردی رهبران؛
- بیانیه چشم‌انداز؛ و
- مسیر بازخورد و رخدادهای اتفاقی.

گام‌های اساسی در طراحی چشم‌انداز ۲۰ ساله

مراحل طراحی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌صورت فشرده در ۱۲ گام زیر برشمرد:

اول. مطالعه گسترده محیط ملی و شناسایی خواسته‌ها و آرزوهای مردم و گروه‌های اجتماعی، به‌ویژه نسل جوان و فرهیخته و ارزیابی قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های آینده جامعه؛

دوم. مطالعه روشمند و ساختاریافته نیازهای شناسایی شده، با در نظر گرفتن گروه‌های مختلف تخصصی، مطالعاتی، اجرایی و دانشگاهی کشور و تعیین محدودیت‌ها و تنگناها برای دستیابی به آرزوها و تعیین عوامل راهبردی محیط داخلی؛

سوم. مطالعه تحولات نظام بین‌المللی پس از فروپاشی نظام دوقطبی، و سلسله مراتب قدرت در سطح جهانی و رویکردهای نظام جدید بین‌المللی از یکسو، و از سوی دیگر، بررسی جایگاه منطقه و ایران در این نظام؛ همچنین ارزیابی رویدادها، روندها، تصورات و اقدامات ممکن آینده جهان، منطقه و ایران و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر در ۲۰ سال آینده؛ و سرانجام، ارزیابی بهترین جایگاه با توجه به فرصت‌ها و تهدیدات پیش رو؛

چهارم. ارزیابی ارزش‌های راهبردی جامعه، نیات راهبردی رهبران کشور برای ایران آینده، منابع ملی و قابلیت‌های اصلی

• امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛

• برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی (← تأمین اجتماعی)، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛

• فعال، مسئولیت‌پذیر، ایتارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛

• دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛

• الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردمسالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)؛ و

• دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

ملاحظه: در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخصهای کمی کلان آنها از قبیل نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پائین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و تواناییهای دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به‌صورت کامل مراعات شود».

با توجه به اهمیت بُعد فضایی در دیدگاههای جدید برنامه‌ریزی که به‌عنوان مؤلفه اصلی برنامه‌ریزی بشمار می‌آید، ایده چشم‌انداز فضایی کاربرد گسترده‌ای، به‌ویژه در برنامه‌ریزیهای فضایی فراملی یافته است. تفاوت‌های بسیاری

اصلاح و تهیه سند نهایی در صحن اصلی مجمع تعیین شده بودند. به‌طور همزمان، با دعوت از گروههای دانشگاهی، سازمانها و نهادهایی که مطالعات منسجمی را در سطح بخشی و یا موضوعات ملی داشتند در کمیسیون مربوط، از یافته‌های مطالعاتی ایشان نیز استفاده شد که از آن میان، می‌توان به تدوین‌کنندگان سند چشم‌انداز و برنامه چهارم در دولت، طراحان راهبرد توسعه صنعتی کشور (از دانشگاه صنعتی شریف)، مرکز آمایش سرزمین (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)، گروه توسعه علم و فناوری و... اشاره کرد.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، پس از تأیید در هیئت دولت و بررسی همه‌جانبه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تصویب مقام معظم رهبری رسید و در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۰ ش توسط معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای اطلاع و اقدام به دستگاههای اجرایی ابلاغ شد. متن این سند به شرح زیر است:

«چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی، در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله:

ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

• توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردمسالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی؛

• برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛

سوانح شهری

این مفهوم در انگلیسی در برابر کلمات Disaster و Crisis قرار دارد. واژه Disaster به معنای بلا و مصیبت و بدبختی و بروز حادثه بد است که عموماً برای اتفاقاتی مانند زلزله، سیل و آتش‌سوزی به کار می‌رود و Crisis به مفهوم چرخش از یک وضعیت به وضعیت نامناسب و زمانی است که همراه با این تغییر مشکلات و خطرات جدی پدید می‌آید، مثل پیشامدهای بد در یک جامعه، اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی و یا اتفاقات فراگیر طبیعی. سانحه به معنای مورد نظر در اینجا، اتفاقی است که بدون انتظار از وقوع آن و غالباً بدون اعلام قبلی بروز می‌کند و موردی است که برای جلوگیری از آن پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی نشده باشد.

در ارتباط با بروز سوانح در نواحی شهری منظور بروز عدم تعادل در روال عادی زندگی شهری است که باعث ایجاد صدمات و اتفاقات ناخوشایند و غیرمترقبه در شهرها می‌شود و سطح گسترده‌ای از نواحی شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. معمولاً بهنگام بروز چنین حوادثی، سطح ایفای مسئولیت مدیریت شهری در انجام خدمات عادی کاهش پیدا می‌کند و تمام توجه به حادثه غیرمترقبه معطوف می‌شود.

از نظر علمی سانحه یا بحران در جوامع انسانی، شاخصه‌های مربوط به خود را دارد؛ از آن جمله، شرایط زیر را می‌توان به‌عنوان نشانه‌های بروز سانحه تلقی کرد:

- قطع و انفصال روند طبیعی زندگی، همراه با آثار ناگوار انسانی، همچون فوت، آسیب‌دیدگی، مشقت و بروز بیماری؛

- تأثیر مخرب بر تشکیلات اجتماعی، مانند تأسیسات دولتی، ساختمانها، شبکه مخابراتی و خدمات ضروری؛ و
- گسترش فزاینده نیازهای انسانی، مانند سرپناه، غذا، پوشاک، کمکهای پزشکی و درمانی.

بدیهی است، این نشانه‌ها از جمله نشانه‌های ناشی از بروز شدیدترین سوانح و حوادث غیرمترقبه طبیعی، همچون زلزله، سیل، طوفان و گردباد، آتشفشان و امواج ویرانگر دریا (تسونامی) محسوب می‌شود، درحالی‌که سوانح انسان ساخت یا به گسترده‌گی بروز اتفاقات

در عوامل مربوط به شکل، محتوا و فرایند چشم‌اندازهای مختلف در دست تهیه در حال وجود دارد. همچنین به دلیل سطوح بالای بی‌اطمینانی موجود در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه فضایی که ماهیتی بسیار پویا دارد، لازم است فرایند چشم‌انداز فضایی اهداف میانه‌ای را در نظر بگیرد.

ویژگیهای رایج چشم‌انداز فضایی

- اهداف مشترکی را برای ساختار فضایی منطقه ارائه می‌دهد؛
 - به فرایندهای برنامه‌ریزی در سطوح فراملی، ملی و منطقه‌ای جهت و انگیزه می‌دهد؛ و
 - به تدوین و انتخاب برنامه‌ها و پروژه‌های برنامه‌ریزی فضایی در سطوح فرامرزی کمک می‌کند.
- چشم‌انداز فضایی را می‌توان به‌صورت زیر تعریف کرد: بیانیه اهداف مشترک درازمدت برای ساختار فضایی منطقه، که به فرایندهای برنامه‌ریزی فراملی، ملی و منطقه‌ای جهت و الهام می‌بخشد و به تدوین و انتخاب برنامه‌ها و پروژه‌های فرامرزی کمک می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- رضایی میرقاند، محسن و مبینی دهکردی، علی. *ایران آینده در افق چشم‌انداز*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.

فاطمه تقی‌زاده

سوانح شهری

Urban Disaster(s)

سانحه در واژگان فارسی به معنای امری است، اعم از خیر و شر، که برای انسان روی می‌دهد. از این واژه معنای بحران را نیز می‌توان استنباط کرد، زیرا واژه بحران به معنای شدیدترین و ناراحت‌کننده‌ترین وضع، تغییرحالت و آشفتگی و بروز وضعیت غیرعادی در امری از امور به کار می‌رود (← بحران شهری).

سوانح شهری

ساخت‌وساز و شکل زندگی نسبت به اغلب این اتفاقات در گذشته تاریخی، نتایج به‌وجودآمده را به‌صورت بلا و بدبختی مطرح می‌ساخت. به‌ترتیب، از انواع سوانح طبیعی می‌توان به زلزله، سیل، طوفان و گردباد، امواج ویرانگر دریایی ناشی از زلزله-تسونامی، سرما یا گرمای غیرعادی، برف و یخبندان، خشکسالی، رانش زمین، بیماری‌های فراگیر، بالا آمدن ناگهانی سطح آب دریاها و دریاچه‌ها، طغیان رودخانه‌ها، بارانهای سیل‌آسا، آتش‌سوزی

غیرمترقبه طبیعی نیست و یا پیامدهای مخرب آن به‌صورتی مقطعی و یا عموماً مستمر بر جامعه انسانی اثر می‌گذارد. عوارض انسان‌ساخت، مانند جنگ، یا شورش و آتش‌سوزی وسیع که می‌توانند از جمله سوانح مخرب مقطعی بشمار آیند. بدینسان، اتفاقات طبیعی عموماً بدون دخالت و اطلاع مستقیم انسان روی می‌دهند، درحالی‌که اتفاقات انسان‌ساخت، ریشه در اعمال انسانی داشته و ناشی از ضعف مدیریت یا اجرای نادرست آن است.



طبیعی جنگلها و بیشه‌زارها، آفات گیاهی و جانوری، آتشفشان، سقوط اجسام آسمانی بر زمین، سقوط بهمن، صاعقه، و در دوران متأخر پیدایش چرخه‌های گلخانه‌ای آب و هوایی، ذوب شدن یخهای قطبی و آسیب به لایه اوزون، که ۳ مورد ریشه در کنشهای انسانی دارد، اشاره کرد. اگرچه بعضی از سوانح انسان‌ساخت، مانند جنگ و بهره‌کشی انسان از انسان، در طول حیات بشری سابقه طولانی دارد، ولی شدت اغلب آنها را باید با روند گسترش فناوریهای جدید و اتفاقات بعد از دوران انقلاب صنعتی در

به‌این ترتیب، سوانح یا اتفاقات غیرمترقبه را می‌توان به ۲ دسته طبیعی و انسانی تقسیم کرد. سوانح طبیعی، بنابر ماهیت خود، از گذشته‌های بسیار دور وجود داشته‌اند و در مقاطع متعدد تاریخی، موجب صدمات، تلفات و ویرانیهای بسیاری شده‌اند. هرچند به دلیل کمی تعداد جمعیت و پراکنش آن در نقاط و محیطهای مختلف جهان، دامنه صدمات آنها به وسعت آسیبهای طبیعی امروزی نبوده است. بنابراین، بهتر است، این اتفاقات را ناملايمات طبیعی بنامیم، زیرا موضع‌گیری نادرست بشر در نحوه استقرار، نوع

افزایش بیماریهای لاعلاج، فراگیر شدن بیماریهای واگیردار در اثر سکونت در مجتمعهای متمرکز و تغییر ژنتیکی در محصولات دامی و زراعی؛

• فقر و عدم تساوی اقتصادی، رکود اقتصادی، نگرانی در از دست دادن شغل، بیکاری، گسترش محله‌های فقیرنشین و حلیی آبادها، بحران مسکن، سلطه اقتصاد و تبلیغات تجاری بر ساختار فرهنگی و محیطی شهرها؛

• پوسیدگی بافتهای شهری، زشت شدن چهره و سیمای شهرها، عدم ارتباط کالبد شهرها با ساختارهای برخاسته از شرایط محیط، رشد و گسترش نااندیشیده و بی‌حد و مرز شهرها، زاغه‌نشینی و رشد محله‌های غصبی، تخریب بناها و بافتهای باارزش تاریخی، یکدست و بی‌تنوع شدن چهره شهرها و افزایش تراکمهای نامتعادل ساختمانی؛

• ناآشنایی و غریبه شدن ساکنان شهرها با یکدیگر، بی‌انگیزگی در روال زندگی شهری، مهاجرت‌های ناخواسته و نامتعادل، دوری محل سکونت از محل کار، دوری انسان از طبیعت، افزایش تعداد سالمندان و مشکلات مربوط به آنها، وجود محله‌های گتو و جدا افتاده از بافت اصلی شهرها، دوری از ساختار کهن فرهنگی و محیطی در اثر جهانی شدن و عدم توجه به فرهنگها و خرده فرهنگهای بومی، بحران هویت، از هم گسیختگی قوام و اساس خانواده، تراکم بیش از حد جمعیتی و باقیماندن مشکل بیسوادی؛

• تبعیض نژادی و قومی و اختلاف طبقاتی، عدم رعایت حقوق فردی و اجتماعی، تجاوز به حقوق کودکان و زنان و آوارگی آنها در خیابانها، کارهای غیرقانونی و تکاثر دعاوی آپارتمان‌نشینی؛

• جنگ، قحطی و کمبود غذا، جرم و جنایت و سرقت، آدم‌ربایی، آوارگی و بی‌خانمانی، ترس و اضطراب از آینده، عدم اطمینان از سکونت در ساختمانهای نامستحکم، ترس از انفجارهای اتمی و غیراتمی، شورشهای شهری، آتش‌سوزی، تشویش از حرکت در شهر، عدم پوشش بیمه و تأمین اجتماعی، ترکیدن لوله‌های گاز و پاره شدن سیمهای برق فشارقوی؛ و

• سقوط هواپیما، غرق شدن کشتیهای مسافربری، وقوع تصادفات شهری، وقوع تصادفات جاده‌ای و راه‌آهن، سقوط

ارتباط دانست. انقلاب صنعتی، شرایطی را پیش روی نهاد که با ادوار پیش از آن کاملاً متفاوت بود. تحول در حمل‌ونقل، کشف عامل مولد بیماریها و گسترش وسایل ارتباط جمعی، اگرچه به بسیاری از آرزوهای دیرینه بشر تحقق بخشید، ولی بنابر ماهیت خود، بحرانهای جدیدی را نیز در پیش روی او نهاد. برخی از این بحرانها قبلاً نیز وجود داشت، ولی بعضی دیگر در همین دوران پیدا شد و روز به روز شدت یافت؛ البته برخی دیگر نیز با پیشرفت دانش بشری از صحنه خارج شد. افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و جهانی شدن از نتایج چنین تحولاتی محسوب می‌شود. بشر در کنار رفاه ناشی از گسترش فناوریهای جدید و تحول در نوع سکونت خود، شرایط بروز بحرانها و سوانحی را پدید آورد که قبلاً یا وجود نداشت و یا با تأثیرات محدودی همراه بود. در آغاز هزاره سوم میلادی، بحرانهای پیش روی بشر، به‌ویژه در نواحی شهری، در عرصه‌های مختلف زیست‌محیطی، بهداشتی، اقتصادی، سکونتگاهی، اجتماعی، حقوقی، ایمنی بخشی و ارتباطاتی دامنه وسیعی یافته است که جملگی از بحرانهای انسان ساخت محسوب می‌شوند. برخی از مهم‌ترین آنها به‌صورت دسته‌بندی شده عبارتند از:

• آلودگی هوا، آب، صدا و خاک، تخریب جنگلها و بیشه‌زارها، کاهش فضاها، سبز و طبیعی، روبه زوال رفتن منابع معدنی، ساخت‌وساز در حریم طبیعی رودخانه‌ها و دریاها، انهدام یا تهدید گونه‌های گیاهی و جانوری، گرم شدن کره زمین و افزایش درجه حرارت در شهرها در اثر فناوری ناشی از فراورده‌های ماشینی و ساختمانی و سبکهای استقرار بافتهای شهری، بروز زلزله‌های موضعی در محل استقرار سدها و معادن و تزریق آب یا اجسام سیال به اعماق خاک؛

• فقر غذایی، مسکن ناسالم، اعتیاد، سکونت در حریم خطرآفرین، مانند شبکه‌های برق فشار قوی یا همجواری با کارخانجات آلودگی‌زا، انباشتگی زباله و فاضلاب، سکونت در مجتمعهای مسکونی مرتفع، برخلاف ساختار جسمی و روانی انسانها، بروز بیماریهای جدید مانند ایدز و یا اضطراب و افسردگی و استرسهای اجتماعی و اقتصادی،

آن، با مشاهده نظام‌مند بحرانها و تجزیه و تحلیل آنها، می‌توان به پیشگیری و کاهش پیامدهای نامساعد، امدادرسانی سریع و بهبود وضعیت پرداخت. بنابراین، بحران واقعه‌ای است که مال و جان انسانها را به خطر می‌اندازد و نتایج غیرقابل جبران برجای می‌گذارد؛ در مقابل، مدیریت بحران، تلاش سازمان‌یافته به‌منظور پیشگیری و مقابله با آن و بازسازی خسارتهای ناشی از آن است.

در عرصه‌های پیشگیری از بحران و کاهش آثار آن، انجام فعالیتهای مستمر به‌منظور کاهش یا از میان بردن آسیبهای جانی و مالی بحران ضروری است. در این زمینه، اعمال سیاستهای ملی، قانونگذاری، برنامه‌ریزی و سازماندهی نقش تعیین‌کننده دارد. آشکار است که ایجاد ساختار مناسب در این زمینه، مستلزم برنامه‌ریزی، آموزش و تمرین است. در امدادرسانی و مقابله با بحران، عملیات نجات، توزیع مناسب تجهیزات، تخلیه آسیب‌دیدگان، تهیه غذا، آب و عبور از بحران به شرایط عادی و مصونیت از مخاطرات حائز اهمیت است.

در مدیریت بحران، تقویت مشارکت مردمی با استفاده از ستاد مرکزی مدیریت و شوراهای شهری و محله‌ای گسترش بیمه و خدمات بیمه‌ای اهمیت زیادی دارد. همچنین به‌منظور پیشگیری و کاهش آثار بحران باید به برنامه‌ریزی کاربردی اراضی شهری و طرح اضطراری امدادرسانی به‌نسبت موقعیت بیمارستانها، آشنشانی، بانک خون، فضاهای سبز و باز، نیروهای انتظامی و همچنین تعبیه راهها و پلهای مستحکم اقدام شود. ایمنی ساختمانها، شبکه‌های برق، گاز، تلفن، فاضلاب، منابع آب، موقعیت سدها، خطوط آهن، اتوبانها، کارخانجات و حفظ حریم طبیعی و مصنوعی رودخانه‌ها، از جمله نکات مهم در برنامه‌ریزی مقابله با بحران است. توجه به بناهای تاریخی و حفاظت از آثار با ارزش فرهنگی و تاریخی نیز حائز اهمیت است. در بازسازی نیز باید براساس نظام موجود در محیط و منطبق با شرایط آن به‌کار پرداخت. استفاده از تخصصها، آموزش، کاربرد بهینه منابع و چرخه‌تشکیلاتی قابل قبول در تمام مراحل، به‌ویژه در مقابله با آثار بحران، ضروری

و ترس از آسانسور، بحران رفت‌وآمد در شهرها، فردگرایی و کاهش دیدار حضوری در اثر رواج فناوریهای ارتباطی جدید، مانند تلفن، موبایل، رایانه و اینترنت، رادیو و تلویزیون.

روشن است که می‌توان بر عوارض فوق، موارد بیشتری را افزود. اگرچه دامنه‌های تأثیر بحرانهای انسان ساخت به‌طور عمومی به اندازه بحرانهای ناشی از طبیعت و به‌ویژه زلزله، سیل، آشفشان و طوفان فراگیر نیست، ولی این بحرانها نیز بر روند عادی و طبیعی زندگی بشری تأثیر می‌گذارند و در چارچوب برنامه‌های توسعه پایدار، از چالشهای پیش روی جوامع امروزی محسوب می‌شود. تلفات ناشی از سوانح انسان ساخت، کمتر از سوانح طبیعی نیست، ولی چون اغلب به‌صورت غیرمقطعی اتفاق می‌افتند، کمتر مورد توجه واقع می‌شوند. به‌عنوان مثال، تلفات ناشی از زلزله‌های مخرب هر از گاه یکبار اتفاق می‌افتد، ولی سوانح انسان ساخت، مثل تلفات ناشی از آلودگی، تدریجی و مستمر است.

در اغلب کشورها، از جمله ایران، مقابله با بحرانهای فراگیر در زمره وظایف مدیریت بحران قرار دارد. در ایران، ما علاوه‌بر ستاد حوادث غیرمترقبه-وابسته به وزارت کشور- و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی، در بعضی از شهرها- مانند تهران- نسبت به تهیه طرح جامع مدیریت بحران اقدام شده است. در ایران، زلزله و سیل مهم‌ترین سوانح محسوب می‌شوند که در این میان، وقوع زلزله در اغلب نقاط کشور از دامنه وسیع‌تری نسبت به سیل برخوردار است. در ایران، هر سال به‌طور متوسط یک زلزله ۶ ریشتری و هر ۱۰ سال یکبار، یک زلزله با شدت بزرگ‌تر از ۷ ریشتر رخ می‌دهد. مدیریت بحران به یک سلسله عملیات و اقدامات پیوسته و پویا گفته می‌شود که براساس اصول کلاسیک مدیریت، شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، تشکیلات، رهبری و کنترل استوار است. در مدیریت بحران معمولاً چندین سازمان مختلف در ارتباط با هم عهده‌دار انجام وظیفه می‌شوند تا با هماهنگی کامل نسبت به پیشگیری از بحران و کاهش آثار آن اقدام نمایند. به‌این ترتیب، مدیریت بحران دانشی کاربردی است که طی

کتاب‌شناسی:

- پیام یونسکو، سال هفتم، شماره ۸۰، «وقتی که زمین می‌لرزد»، نشریه سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد. تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۵۵.
- حسن نژاد امجدی، مسعود. «مدیریت بحران، رفتارها و عملکردهای قبل و بعد از وقوع زلزله»، فصلنامه علمی، پژوهشی، آموزشی اطلاع‌رسانی. سال دوم شماره ۵، سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- درابک، توماس ای و هواتمر، جرال د جی. مدیریت بحران: اصول و راهنمای علمی برای دولتهای محلی، ترجمه رضا پورخرمدند، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی تهران، ۱۳۸۳.
- شکویی، حسین. محیط زیست شهری. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۵۸.
- شکویی، حسین. جغرافیای اجتماعی شهرها. تبریز: جهاد دانشگاهی تبریز، ۱۳۶۵.
- شیعه، اسماعیل. مقررات ایمنی شهر تهران در برابر سوانح طبیعی «پیشگیری». تهران: دبیرخانه طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران (۱۳۸۱).
- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هفدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.
- عبدالهی، مجید. مدیریت بحران در نواحی شهری - زلزله و سیل. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- فن‌تون، رولان. «تسونامی موج ویرانگر توطئه زمین و دریا»، پیام یونسکو. سال هفتم، شماره ۸۰، نشریه سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۵۵.
- فیلدن، سر برنارد ام. بین دو زمین‌لرزه؛ میراث فرهنگی در مناطق زلزله‌خیز، ترجمه ب. آ. شیرازی، تهران: مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران/ پایگاه پژوهشی ارگ ب.م، ۱۳۸۳.
- ناطق الهی، فریبرز. مدیریت بحران زمین‌لرزه ابرشهرها با رویکرد به برنامه مدیریت بحران زمین‌لرزه شهر تهران. تهران: پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، ۱۳۷۹.
- نیم‌مه‌یر، اوسکار. «شهر سال ۲۰۰۰»، پیام یونسکو. شماره ۱۷۹، نشریه سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، تهران: کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۶۶.

- Cowau, R. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise. Press, G.B. (۲۰۰۵).

- WWW.Wikipedi@., The Free Eyclopedia.com

اسماعیل شیعه

است. توجه به مراکز و محل تجمع انبوه جمعیت، مانند مساجد، مدارس و تالارهای اجتماعات، از جمله مواردی است که استحکام‌بخشی به آنها قبل از وقوع بحران و توجه به آنها در هنگام وقوع بحران، به کاهش صدمات کمک خواهد کرد (← مدیریت بحران).

مراجع مقابله سوانح در ایران، نیز شامل مؤسسات دولتی، غیردولتی و بین‌المللی است. مؤسسات دولتی شامل مؤسسات درمانی و امدادسانی، ثبت تأمین مواد غذایی، رسانه‌های خبری، مراکز آموزشی، شهرداریها، مراکز تولید انرژی، آتشنشانی، محیط زیست، وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، راه و ترابری و اطلاعات، ادارات هواشناسی و نقشه‌برداری، سازمان انتقال خون، مرکز آمار ایران و نیروهای نظامی است. مؤسسات غیردولتی، شامل عمده‌فروشان و خرده‌فروشان مواد غذایی، مؤسسات عام‌المنفعه، افراد داوطلب بسیج و بنگاه‌های حمل‌ونقل است. منابع بین‌المللی نیز بهنگام امدادسانی، نقش مؤثری دارند.

بدیهی است که به‌منظور کاهش آثار سوانح، علاوه‌بر اعمال سیاستهای ملی، مدیریت جامع بحران، شناخت حادثه، تجزیه و تحلیل حادثه، تنظیم راهبردهای کاهش آثار، ابزارها و فنون کاهش بحران و اعمال سیاستهای عمومی، آنچنان‌که در بعضی از کشورها به انجام می‌رسد، نقش‌آفرین خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های مقابله با کاهش آثار سوانح، توجه به پراکنش متعادل جمعیت، تأسیسات، منابع و تجهیزات در سطح مناطق شهری است. رشد شهرنشینی در جهان به‌سرعت ادامه دارد. این درحالی است که جمعیت جهان بیش از ۶ میلیارد نفر است که مطابق برآوردها، در ۲۰۲۵م به ۸٫۵ میلیارد نفر خواهد رسید و سهم عمده آن را جمعیت شهرنشین تشکیل خواهد داد. بنابراین، با توجه به وقوع سوانح طبیعی و عوارض انسانی ناشی از گسترش فن‌آوریهای جدید و ساختارهای متراکم و بی‌قاعده شهری، چاره کار تنها در سایه برنامه‌ریزی، آموزش و آگاهی، قانون، رعایت معیارها و اصول شهرسازی و بالأخره، توجه به ساختارهای محیطی میسر خواهد بود.

سیاست شهری

سیاست شهری

است، اما به‌رغم این تفاوت، می‌توان این دو را در جهت‌دهی تحول شهری با یکدیگر هماهنگ کرد. انگیزه سرمایه‌بیشینه کردن سود است، اما دولت، حتی دولت سرمایه‌داری، علاوه‌بر نقشی که در تسهیل و ساماندهی فرایند انباشت دارد، باید مراقب مشروعیت خود نیز باشد. بنابراین، اگر سرمایه تنها به ملاحظات اقتصادی توجه دارد، دولت، علاوه‌بر ملاحظات اقتصادی، باید به ملاحظات سیاسی نیز توجه کند. این توجه به‌طور مستقیم بر چگونگی سیاست شهری تأثیر می‌گذارد.

سیاست‌های شهری درعین حال با عوامل تأثیرگذار در بیرون از مرزهای محلی و ملی نیز سروکار دارد. از جمله این عوامل جریان جهانی شدن (← جهانی شدن) است که به‌نوبه خود، مسائل شهری را در همه جا، البته به میزانهای

Urban Policy

سیاست شهری مبنای قانونمند مدیریت تحول شهری از طریق اثرگذاری بر روند سرمایه‌گذاری و بازار و هدایت آن به سمت تغییر و توسعه فضاهای شهری است. از جمله ابزار مهمی که برای این کار در اختیار مدیران شهری قرار دارد، برنامه‌ریزیهای مربوط به نحوه کاربری زمین (← کاربری زمین) و طرحهای بازسازی شهری است. سیاست شهری در عمل، جریانی مستمر و پویاست و مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات را در مدت نسبتاً طولانی دربر می‌گیرد. تمرکز سیاست‌های شهری بر تنظیم مناسبات بین ۲ بازیگر اصلی است که بیشترین نقش را در تحولات شهری دارند:

- دولت؛ و
- سرمایه.



متفاوتی، دستخوش دگرگونی کرده است. از دیگر عوامل

طبیعتاً هدفهای سرمایه و دولت با یکدیگر متفاوت

نیروهای مادی تولید، گرچه مهم‌ترین نیروها بشمار می‌روند، اما تنها نیروی تعیین کننده در صعود و نزول شهری نیستند. مدیریت شهر، چه در سطح کلان و ملی، و چه در سطح خرد و محلی، به سهم خود بر تحولات شهری تأثیر می‌گذارند. سرمایه‌گذارهای عمرانی بخش عمومی، سیاستهای مالیاتی، سیاستهای کاربری زمین و سایر اقدامات تنظیم‌گری دولت می‌تواند بر جذب یا دفع سرمایه‌های خصوصی و از این طریق، در رشد و نزول شهری تأثیر زیادی داشته باشد. در شهرهای ایالات متحد این‌گونه سیاستگذارها موجب تشدید پدیده‌هایی چون جدایی‌گزینی (نژادی و طبقاتی) شده است. ابزار دیگری که در اختیار مدیریت شهری قرار دارد، قانونگذاری است. در سیاستهای کلان می‌توان با استفاده از این وسیله، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را برای ایفای نقشهای طرح‌ریزی شده هدایت کرد که سیاستهای مالیاتی و مقررات کاربری زمین از آن جمله است.

ابعاد سیاست شهری

ابعاد سیاست شهری، برحسب محیط صنعتی که بستر تحولات شهری را می‌سازد و همچنین، برحسب شیوه‌های قانونگذاری و ابزار اجرای سیاستها متفاوتند. برخی سیاستها به هدایت جریان رشد و تحول شهری در ابعاد ملی معطوف است؛ برخی دیگر، تحولات شهری در مقیاس منطقه‌ای را هدف سیاستگذاری خود قرار می‌دهند؛ و دسته‌ای از سیاستهای شهری که در دولتهای فدرال مرسوم هستند، در سطح ایالتی در حیطه برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند. البته بعضی سیاستها در قلمرو ملی به‌طور مستقیم به مسائل شهری مربوط نمی‌شوند، اما به‌طور غیرمستقیم بر تحولات شهری تأثیر می‌گذارند.

جهت‌گیریهای سیاست شهری

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان ۲ جهت‌گیری عمده را در سیاستهای شهری از یکدیگر تفکیک کرد:

- سیاستهای معطوف به محدود کردن توسعه کلانشهرها و

تأثیرگذار بر سیاستهای شهری، عملکرد کارگزاران محلی از جمله مدیران شهری است. به‌این ترتیب، سیاستهای شهری عرصه‌های چندگانه‌ای، شامل بازار سرمایه، مصرف، فرایند جهانی شدن، جهت‌گیریهای دولت مرکزی و اولویتهای مدیران و برنامه‌ریزان محلی را در پیوند با یکدیگر مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

سرمایه، صعود و نزول شهری

بسیاری از شهرها در جهان امروز، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای درحال توسعه، به‌شدت در معرض تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیطی قرار دارند. عملکرد نظام تولید سرمایه‌داری و رشد نظام اقتصادی جهانی از نیروهای عمده برانگیزنده این تحولات است. از آنجا که توسعه نامتوازن از خصوصیات ذاتی شیوه تولید سرمایه‌داری است، صعود یا نزول سرمایه‌گذاری در شهرها صعود و نزول آنها را به همراه دارد (← شهر جهانی). این تغییرات در مقیاسهای کلانشهری با مظاهر قطب‌بندی فقر و محرومیت در یکسو، و ثروت و نعمت در سوی دیگر همراه است. طی این دگرگونیها، شهرهایی از شهرهای صنعتی قدیمی (مثل پیتسبورگ، کلاسکو و کیلوند) با سرنوشت نزول جایگاه شهری و شهرهای دیگری، مانند لندن، نیویورک و شانگهای، با اقبال صعود این جایگاه روبرو شده‌اند. در کشورهای درحال توسعه نیز عملکرد رشد نامتوازن سرمایه‌داری و همسو با آن، تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها (← مهاجرت روستایی-شهری)، برخی شهرها در معرض رشد انفجاری و بسیاری روستاها در برابر تخلیه و ویرانی قرار گرفته‌اند. رشد انفجاری شهرها گاهی منشأ بحرانهای مختلف (از جمله بحرانهای زیست محیطی و اجتماعی) و ناهنجاریهای دیگری بوده است. کار مدیران شهری در حوزه سیاستگذاری شهری مداخله در فرایندهایی است که به بهبود وضع در این زمینه کمک می‌کند.

ابزارهای سیاست شهری

هستند که وابسته به نیازها و جهت‌گیریهای شرکت‌های بزرگ فراملی است. آثار این اتکاء در حوزه تحولات شهری عبارت است از شکل‌گیری یک اقتصاد محلی که سمت و سوی آن را تقاضای خارجی تعیین می‌کند. این وابستگی موجب پدید آمدن ساختاری شده است که به شدت قطبی است. آثار اجتماعی این قطبی شدن انباشت محرومیت در بین توده‌های وسیعی از مردم در یکسو، و قله‌های رفاه و تجمل در میان یک اقلیت، در سوی دیگر است. نرخهای بالای بیکاری، تگناهای مسکن، نارسایی امکانات بهداشتی، نزول شرایط عمومی زندگی، از جمله مشکلاتی است که بخش عظیم حاشیه‌های شهری و روستاهای این کشورها را فرا گرفته است. با این حال، در کشورهای توسعه‌نیافته نیز حتی بیش از کشورهای توسعه‌یافته، قطب‌بندی فقر و ثروت چهره شهرها را رنگ‌آمیزی می‌کند. برخی از نواحی شهری در این کشورها که محل سکناي قشرهای بالای نخبگان سیاسی و اقتصادی است، از ثروت و رونق بیکرانی برخوردار است. در این کشورها سیاست‌های شهری برای رفع این مظاهر نتوانسته‌اند قرین موفقیت باشند.

توصیه تحلیل‌گران برای کشورهای در حال توسعه که دچار کمبود منابع هستند، روی آوردن به شکلهای خودیاری برای بهره‌گیری از ظرفیتهایی است که به‌طور بالقوه در میان مردم وجود دارد. سیاست‌های توانمندسازی (← توانمندسازی) مردم در راستای سازمانیابی محلی، استفاده از امکانات مبتنی بر برخورد مدیریتی و بهره‌گیری از شکلهای خودیاری و همیاری از گزینه‌هایی است که این تحلیل‌گران توصیه می‌کنند. مقررات اداری، سیاست‌های تخصیص بودجه و اعتبارات، از جمله ابزارهای مدیریت شهری است که می‌توان آنها را در حرکت به این سمت به کار گرفت. به‌عنوان نمونه، سیاست‌های تخصیص بودجه را می‌توان به‌نحوی سامان داد که مشوق بسیج منابع محدود در جهت فرایندهای همیاری باشد. منظور از سیاست‌های همیاری، الزاماً کم‌کردن مداخله دولت نیست، بلکه معطوف به موارد زیر است:

• مقامات حکومتی در شهرها بخشی از اختیارات مدیریتی در تصمیم‌گیریها را به سازمانهای محلی منتقل کنند؛

مرکز به‌منظور تشویق رشد مناطق پیرامونی. این سیاست در دهه ۱۹۷۰م در شهرهایی چون لندن، پاریس و توکیو به اجرا درآمد؛

• سیاست‌های معطوف به توسعه ناحیه‌های مرکزی و کلانشهری، به‌مثابه قطب رشد. این سیاست برخلاف سیاست پیشین، مشوق تمرکز و تراکم تولید در شهرهای بزرگ است. هدف این سیاست ایجاد قطبهای رشد در نواحی متراکم کلانشهری به‌منظور آزاد ماندن زمینهای کشاورزی در نواحی روستایی و حاشیه‌ای و حافظت از تولیدات کشاورزی است.

از عوامل تأثیرگذار در جهت‌گیریهای عمده سیاست شهری، گرایشهای عقیدتی طیفهایی بوده است که در دهه‌های اخیر به تناب، سکان دستگاه حکومتی را در دست گرفته‌اند. طی دوران بعد از جنگ در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور عمده ۲ سیاست، یکی سیاست‌های لیبرال دموکراتیک و سوسیال دموکراتیک معطوف به سیاست‌های دولت‌زمانی، و دیگری، سیاست‌های نئولیبرالی متکی بر بازار، عرصه سیاست‌های کلان اقتصادی - اجتماعی را شکل داده‌اند. مدافعان سیاست دولت رفاهی در حالی که بازار را به‌عنوان نیروی ثقل نظام اقتصادی می‌پذیرند، معتقدند که باید به اقشار محرومی که از فرایندهای متکی به بازار لطمه می‌بینند، کمک کرد تا گرفتار اضطراب‌های گوناگون اقتصادی نشوند. اما لیبرال‌ها نیروهای بازار را کارآمدترین شکل تخصیص سرمایه و نیروی کار بشمار می‌آورند. ایشان مداخله دولت برای کمک به شهرهای در حال نزول با بهره‌گیری از هزینه‌های رفاهی را زیان‌بار می‌دانند. از نظر آنها، آثار منفی اجتماعی و فضایی ناشی از پیروی از سیاست بازار، از عوارض گریزناپذیر فرایندی است که در کلیت خود توسعه و پیشرفت را به همراه دارد و در نهایت، به نفع جامعه است.

سیاست‌های شهری در کشورهای در حال توسعه

توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه، حتی بیش از کشورهای توسعه‌یافته، زیر تأثیر پیوند با اقتصاد جهانی قرار دارد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه دستخوش تحولی

سیاستگذاری عمومی

بسیاری از مطالعاتی که در مبحث سیاستگذاری عمومی صورت می‌گیرد، متوجه برنامه‌های عملی دولت در بخشهای مختلف مانند سیاستهای بخش کشاورزی، سیاستهای شهری (← سیاست شهری) یا حمل و نقل و مانند اینهاست. سیاستگذاری در عین حال، یک رشته مطالعاتی نیز هست. سیاستگذاری عمومی به عنوان یک رشته آموزشی، اساساً مطالعه در مورد فرایند سیاستگذاری یا در حقیقت علم دولت در عرصه عمل است و شاخه‌ای از علوم سیاسی محسوب می‌شود.

منشأ پیدایش پدیده یا فرایندی به نام سیاستگذاری عمومی، گسترش مداخلات دولت در مدیریت عرصه‌های مختلف امور جامعه است. در گذشته کار حکومتها اساساً حفظ نظم و امنیت بود، اما امروز کار دولتها بسیار فراتر از این است و بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در حوزه هدایت دولتی قرار گرفته است. جوامع امروزی را جوامع انتظام یافته یا مدیریت شده نام گذاشته‌اند. بسیاری از دانش پژوهان ظهور چنین حقیقتی را پذیرفته‌اند، اما آنچه اغلب این دانش پژوهان نمی‌پذیرند، مطلوب بودن چنین وضعی است. ماکس وبر پدر دانش دیوانسالاری (← دیوانسالاری) پیش‌بینی کرده بود، سرانجام بشر در قفسی که به واسطه دیوانسالاری برای خود ساخته، محبوس خواهد شد. در زمان حاضر هابرماس این وضعیت را به مثابه مستعمره شدن جهان زیست توسط نظام، تحلیل می‌کند.

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند، جوامع امروزی به دنبال گذر از آنچه که جامعه قلمرو- بنیاد نامیده می‌شود و ورود به آنچه جامعه بخش- بنیاد نام گرفته است، پا به دورانی گذاشته‌اند که مداخله وسیع دولت در امور جامعه گریز ناپذیر است. چنین مداخله‌ای نمی‌تواند منطبق خاص خود را نداشته باشد. در جامعه قلمرو- بنیاد، مسائل جامعه بین حوزه‌های جغرافیایی تقسیم شده است و هر حوزه جغرافیایی، مسائل خود را اساساً در درون همان حوزه حل و فصل می‌کند. مسائل این حوزه‌ها بسیار محدود است و بیشتر با امنیت ارتباط دارد. این نوع جامعه اساساً جامعه پیشا- سرمایه‌داری محسوب می‌شود. با ورود جوامع به

• مقررات محدود کننده را از سر راه ابتکارات محلی بردارند؛ و

• اجتماعات محلی را به عنوان شالوده‌ای برای تسریع سیاستهای شهری بپذیرند.

راهبردهای توانمندسازی بیشتر به برنامه‌ریزی به همراه مردم معطوف است، نه برنامه‌ریزی برای مردم. مدیران شهری می‌توانند ضمن بسیج منابع محلی، از مشارکت بخش خصوصی نیز بهره گیرند. جهت‌گیری این برنامه در درجه اول باید تلاش برای بهبود وضعیت توده‌های وسیع شهری در نقاط محروم باشد.

کتاب‌شناسی:

- رضوانی، ن. و کاظمیان، ع. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۰.
- Chatterjee, L. and Nijkamp, P. *Urban and Regional Policy Analysis in Developing Countries*. Aldershot: Gower, ۱۹۸۳.
- Dogan, M. and Kasarda, J. *The Metropolis Era*. ۲ Vols, Beverly Hills, London: Sage, ۱۹۸۸.
- Gurr, T. and King, D. *The State and the City*. London: MacMillan, ۱۹۸۷.
- Renaud, B. *National Urbanization Policy in Developing Countries*. New York: Oxford University Press, ۱۹۸۱.
- Tolley, G. and Thomas, U. *Economics of Urbanization and Urban Politics in Developing Countries*. Washington, D.C: World Bank, ۱۹۸۷.

کمال پولادی

سیاستگذاری عمومی

Public Policy-Making

تعیین مشی برای حوزه عمل در سازمانهای دولتی و عمومی. سیاستگذاری عمومی بیشتر در برنامه عمل دولت در کل کشور یا یکی از بخشها (← بخش) ظاهر می‌شود.

بازیگرانی صورت می‌گیرد که آنها را میانجی یا واسطه می‌خوانند. میانجیها نیازهای جامعه را در قالب منافع گروهها و رجحانهای مقامات عمومی، چارچوب‌بندی و طرح می‌کنند و برای قرار دادن آن در تقویم سیاستگذاری، وارد تلاش و رقابت می‌شوند. نیازها و رجحانها به شیوه‌های زیر وارد حوزه اولویتهای سیاستگذاری می‌شوند:

- طرح مسئله توسط اتحادیه‌های کارگری، اصناف، کمیته‌های شهروندان و جز اینها (حداقل دستمزد، سیاست واردات، کاربری زمین)؛
- شناسایی نیازها، چارچوب‌بندی و طرح آنها توسط سازمانهای دولتی که مسائل جامعه را مدیریت می‌کنند (راه، جاده، سد، راه‌آهن)؛ و
- تبدیل یک موضوع به‌شکل عمومی یا نیاز عمومی در سطح کل جامعه (آلودگی محیط، گرانی).

حلقه‌های تصمیم‌گیری

سیاستگذاری در زمره کارهای تصمیم‌گیری (← تصمیم‌سازی) است؛ تصمیم‌گیری در امور عمومی از طریق یک نظام سلسله‌مراتبی صورت می‌گیرد. این نظام سلسله‌مراتبی ۲ دسته از تصمیم‌گیرندگان را در بر دارد:

- کسانی که در تمام تصمیمات دخالت دارند؛ و
- کسانی که تنها در بخشهای معین و موارد معین نقش دارند.

نظام تصمیم‌گیری در امور عمومی ۴ حلقه مرتبط را در بر می‌گیرد که از سطوح پائین به بالا به قرار زیر است:

- **حلقه بیرون از دستگاههای دولتی**، مثل اتحادیه‌های کارگری، اتاقهای بازرگانی، سازمانهای حرفه‌ای و کارفرمایان؛
- **حلقه بخشهای تحت مدیریت دستگاه دیوانی**، که هر یک متصدی بخش معینی از امور کشوری هستند؛
- **حلقه مقامات عالی‌رتبه دولتی**، مثل رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزراء هستند که با وجود آنها دستگاههای دیوانی به دستگاههای سیاسی پیوند می‌خورند؛
- **نهادهای قانونگذاری و تصمیم‌گیریهای سیاسی و حقوقی**، مثل مجلس، شورای قانون اساسی و شورای دولتی

دوران سرمایه‌داری، به تدریج مسائل جامعه پیچیده‌تر می‌شود و وضعیت بخش - بنیاد جای قلمرو - بنیاد را می‌گیرد. در این حالت، جامعه به مراحل از پیچیدگی می‌رسد که کنترل تضادهای آن و مدیریت بحرانهای آن مستلزم شیوه‌های پیچیده‌تری است. به این سبب، عرصه فعالیتها بین بخشهای مختلف - کشاورزی، صنعت، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل، و مانند آن - تقسیم می‌شود. هرکدام از این بخشها، ضمن ارتباط با یکدیگر، منطبق خاص خود را در بازتولید و بقا دارند و اداره مطلوب آنها نیازمند شناخت این منطبق است.

سطوح سیاستگذاری

سیاستگذاری عمومی در جوامع امروزی ۲ سطح را در بر می‌گیرد:

- سطح بخش؛ و
- سطح کل کشور.

البته میان این ۲ سطح گاهی سطوح میانی را نیز می‌توان شناسایی کرد. سیاستگذاری به یک معنا مدیریت کلان - بخشی است. مدیریت کلان - بخشی به معنای تنظیم مناسبات بین بخشهای مختلف است. علاوه بر این، سطح کلان با هدفها، اولیتهای و ارزشهای بنیادی جامعه مرتبط است. هر دولتی هدفهای مورد نظر خود را به صورت سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی می‌کند. ارزشهایی که جزو ارزشهای بنیادی جامعه هستند، در مراتب بالای این سلسله مراتب قرار می‌گیرند. اینکه چه ارزشهایی در زمره ارزشهای بنیادی قرار می‌گیرند، خود حاصل منازعه بین گروهها و نیروهای مختلف درون جامعه است و به ترتیبی که در زیر خواهیم گفت، تعیین می‌شود.

اینکه چگونه موضوعی در جامعه به مسئله‌ای در سیاستگذاری تبدیل می‌شود، به رجوع به تعارض و هماهنگی منافع گروهها و طبقات اجتماعی و همچنین گرایشها و شناختهای مقامات سیاسی بستگی دارد. در نگاه کلی، ورود یک موضوع به دستور کار سیاستگذاری و تبدیل شدن به مسئله‌ای برای سیاستگذاری، با پیشگامی

سیستم اطلاعات جغرافیایی

Geographical Information System (GIS)

سیستم اطلاعات جغرافیایی بستری است برای ذخیره، نگهداری، مدیریت و تجزیه و تحلیل اطلاعات جغرافیایی برای کار همزمان با داده‌هایی که وابستگی مکانی (جغرافیایی) و توصیفی دارند.

سیستم اطلاعات جغرافیایی یک سیستم کامپیوتری مناسب است که به‌عنوان یک مجموعه متشکل از سخت‌افزار، نرم‌افزار، اطلاعات جغرافیایی، نیروی انسانی و مدل‌های پردازش داده، به‌منظور تولید، ذخیره‌سازی، نمایش، بازاریابی، پردازش، بهنگام رسانی اطلاعات جغرافیایی مربوط به عوارض و پدیده‌های مختلف، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیستم اطلاعات جغرافیایی ابزاری است که کاربر را قادر می‌سازد به طرح پرسش‌های همزمان، تحلیل اطلاعات مکانی، ویرایش داده، نقشه‌ها و نمایش نتایج حاصل از این عملیات پردازش.

امروزه در اختیار داشتن داده‌های بهنگام و استخراج اطلاعات مورد نیاز از این داده‌ها اهمیت زیادی دارد. سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی ابزاری مهم در مدیریت داده‌های زمین هستند که با فراهم ساختن امکان یکپارچه‌سازی داده‌های حاصل از منابع مختلف، امکان استخراج اطلاعات مورد نیاز و کشف ارتباطات پیچیده و ناپیدای میان پدیده‌های مختلف را فراهم می‌کنند.

پیشرفت فنون سنجش از دور، از یک طرف و استفاده از دستگاه‌های اندازه‌گیری در زمینه‌های مختلف از طرف دیگر، امکان دسترسی به حجم عظیمی از داده‌ها را در حوزه‌های مختلف مهندسی در جهان مهیا کرده است. بررسی و تحلیل این حجم از داده‌ها نیازمند استفاده از امکانات خاص نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است که سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی به‌نحو مطلوبی آن را فراهم ساخته‌اند. این سیستم‌ها امکان مدیریت داده‌های مختلف و

که جزو نهادهای ستادی در تصمیم‌گیریه‌های مهم هیئت وزیران هستند. سیاستگذاری به‌مثابه تصمیم‌سازی و اجرای تصمیمات ۵ مرحله به‌شرح زیر را در بر می‌گیرد:

- شناسایی مسئله. جمع‌آوری اطلاعات در مورد نیازها؛
- ترازبندی مسائل. تنظیم چارچوب برای مسائل، طرح راه‌های بدیل و تدوین برنامه؛
- تنظیم دستورالعمل. تدارک وسایل و مراحل اجرایی برای یک مسئله؛
- ارزیابی برنامه. مشخص کردن شیوه سنجش پیشرفت کار؛
- پایان سلسله عملیات. حل یک مسئله.

کتاب‌شناسی:

- مولر، پیر. *سیاستگذاری عمومی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۸.
- Andersen, C. and Eliassen, E. *Making Policy in Europe*. London: Sage, ۱۹۹۳.
- Kingdon, J. *Agendas, Alternatives and Public Policy*. Boston: Little Brown and Co, ۱۹۸۴.
- Lindblom, C. *Policy Making Process*. Englewood Cliffs, Prentice Hall, ۱۹۶۸.
- Palumbo, D. and Calista, D. *Implementation and Policy making Process: Opening up the Black Box*. Westport, Greenwood Press, ۱۹۹۰.
- Ripley, R. and Franklin, G. *Bureaucracy and Policy Implementation*. Homewood, Dorsey Press, ۱۹۸۲.

کمال پولادی

سیرداپ ← مرکز توسعه یکپارچه روستایی

سیستم ← نگرش سیستمی

سیستم اطلاعات جغرافیایی

را شامل می‌شود: ورود؛ ویرایش؛ مدیریت؛ تجزیه و تحلیل؛ و نمایش گرافیکی اطلاعات.

• **ورود اطلاعات**، اخذ یا ورود اطلاعات به داخل محیط GIS بیشترین زمان و هزینه را به خود اختصاص می‌دهد. قبل از آنکه اطلاعات جغرافیایی بتوانند وارد محیط مذکور شوند و مورد استفاده قرار گیرند، باید به صورت چارچوبها به فرمت و ساختار رقومی سیستم GIS تبدیل شوند. یک GIS، که قادر به استفاده از اطلاعات منابع مختلف به شکلهای گوناگون است، در زمینه ارتباطدهی و تحلیل نیز می‌تواند مفید واقع شود. اولین عامل در منبع داده، آگاهی از موقعیت متغیرهاست. ممکن است موقعیت را مختصات Z ، Y ، X به صورت طول جغرافیایی، عرض جغرافیایی و ارتفاع یا سایر سیستمهای ژئوکد نظیر zip code مشخص کند. هر متغیری را که بتوان از لحاظ مکانی تعیین موقعیت داد، قادر است به محیط GIS وارد شود. ورود اطلاعات به سیستم می‌تواند از طریق یکی از منابع تولیدکننده اطلاعات زیر صورت پذیرد:

۱. تصاویر ماهواره‌ای و فنون سنجش از دور؛
۲. عکسهای هوایی و فنون فتوگرامتری؛
۳. نقشه برداری؛
۴. سیستم تعیین موقعیت جهانی یا (GPS)؛ و
۵. اسکن سازی اسناد، مدارک و نقشه‌های کاغذی و دستی موجود.

• **ویرایش اطلاعات**، استفاده از انواع داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز یک پروژه خاص GIS، نیازمند تبدیل و ویرایش آن اطلاعات به منظور قابل استفاده کردن آنها در سیستم است.

• **مدیریت اطلاعات**، از جمله قابلیت‌های یک پایگاه اطلاعاتی، مدیریت اطلاعات و قابلیت دستیابی به داده‌های مختلف آن برحسب نیاز است. ساختار داده‌ها، در طراحی پایگاه اطلاعات GIS براساس تحلیل نیازهای انجام شده، به گونه‌ای طراحی می‌شود که ارتباطهای منطقی بین داده‌ها حفظ شود، تا براساس آن بتوان سیستم مدیریت داده‌های موجود را انجام داد. با توجه به استفاده از منابع متفاوت اطلاعاتی در تکمیل داده‌های بانک اطلاعاتی، باید الگوریتم

انجام عملیات مکانی میان لایه‌های مختلف را فراهم ساخته‌اند. این قابلیتها در حدی هستند که می‌توان این سیستمها را به شکل مؤثری از نرم‌افزارهای بانک اطلاعاتی و یا نقشه‌کشی مجزا کرد. GIS برای حجم زیاد داده‌های جغرافیایی مناسب‌ترین شکل است، زیرا این امکان را می‌دهد که عملیات را سریع‌تر، با هزینه کمتر و با دقت فوق‌العاده بیشتری نسبت به روشهای دستی انجام دهیم. همچنین این سیستم امکان دستکاری و تلفیق داده‌ها را با سرعت زیاد فراهم می‌کند و برای مکانیابی پروژه‌های مختلف قابل استفاده است. عملکرد کلی این سیستمها بدین صورت است که در ابتدا اطلاعات مکانی و توصیفی مربوط به عوارض جغرافیایی از طریق روشهای مختلف، جمع‌آوری و به صورت لایه‌های مختلف اطلاعاتی در سیستم مرکزی ذخیره می‌شوند، سپس، اعمال مختلفی نظیر توپولوژی و هم‌پوشانی بر روی این لایه‌ها انجام می‌شود و با پردازش و تحلیلهای منطقی و ریاضی، نتایج استخراج می‌شوند و در نهایت، به شکل نمودار، جدول و نقشه در اختیار کاربران قرار می‌گیرند. GIS همانند هر سیستم اطلاعاتی دیگر، از بخشهای مجزا و مرتبط به هم بهره می‌گیرد، اجزای موفق هر مطالعه و تحقیق مستلزم استفاده منطقی از اجزای این سیستم است. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده GIS، شامل داده‌ها و اطلاعات، سخت‌افزار، نرم‌افزار و کاربران و پرسنل اجرایی است. در حقیقت پایه اصلی GIS را داده‌ها و اطلاعات تشکیل می‌دهند و حجم بالایی از عملیات کاری در این سیستمها به جمع‌آوری و ورود داده‌ها اختصاص می‌یابد. بهره‌گیری صحیح از قابلیت‌های GIS در هر مورد خاص، در درجه اول مستلزم درک صحیح از سیستم GIS و سپس ساختار اطلاعاتی آن است.

برای پیاده کردن یک سیستم GIS، توجه به ماهیت و ساختار اطلاعات جغرافیایی سازنده که رکن اساسی هر سیستم GIS را تشکیل می‌دهد و توانمندیهای آن را تعیین می‌کند، اجتناب‌ناپذیر است.

وظایف اصلی سیستم اطلاعات جغرافیایی

یک سیستم اطلاعات جغرافیایی اصولاً ۵ فعالیت اصلی زیر

سیستم اطلاعات جغرافیایی

منابع موجود، بهینه‌سازی سرمایه‌گذارها و برنامه‌ریزیها، ابزاری مفید برای تصمیم‌گیری مدیران، سرعت و دقت کار و تعیین قابلیت‌های توسعه در مناطق و مکانهای مختلف است.

سیستمهای مدیریت پایگاه داده (DBMS)

سیستمهای مدیریت پایگاه داده، به صورت خاص جهت ذخیره‌سازی و مدیریت انواع مختلف اطلاعات، از جمله اطلاعات جغرافیایی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. امروزه DBMS به منظور ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات توسعه یافته است و GIS نیز از این ابزار، برای اهداف ذخیره‌سازی و مدیریت اطلاعات جغرافیایی استفاده می‌کند. DBMS اصولاً فاقد ابزار تجزیه و تحلیل و نمایش گرافیکی اطلاعات است که البته در سیستمهای مرسوم GIS وجود دارد.

داده‌ها

یکی از بخشهای مهم GIS داده‌هاست که به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

- داده‌های رستری؛ و
- داده‌های وکتوری.

GIS عوارض موجود در دنیای واقعی را با داده رقومی نمایش می‌دهد. عوارض دنیای واقعی به ۲ دسته گسسته و پیوسته تقسیم می‌شوند که با ذخیره‌سازی آنها ۲ روش رستری و وکتور انجام می‌گیرد.

داده رستری مقداری را برای تمام نقاطی که در یک ناحیه پوشیده شده قرار دارند، در نظر گرفته و فضای ذخیره‌سازی بیشتری نسبت به فرمت وکتوری که در آن داده در جایی که بدان نیاز است، ذخیره‌سازی می‌شود، دربر می‌گیرد. انجام عملیاتی نظیر هم‌پوشانی در رستر به مراتب سهل‌تر از وکتور است.

داده وکتوری از لحاظ زمین مرجع نمودن، مقیاس‌بندی و تعیین مجدد سیستم تصویر از نوع رستری به مراتب سهل‌تر است. ترکیب لایه‌های وکتوری از منابع گوناگون بسیار ساده‌تر از رستر است. داده وکتوری با محیط پایگاه

مدیریت داده‌ها با قابلیت بازیابی و دسترسی به رکوردها و لایه‌های اطلاعاتی سایر منابع برحسب موقعیت جغرافیایی و در شرایط مورد نیاز کاربر، طراحی و در محیط نرم‌افزاری بستر GIS انتخاب و پیاده‌سازی شود.

در هنگام ایجاد GIS باید به این نکات توجه کرد: GIS تنها خرید سخت‌افزار و نرم‌افزار نیست و داده‌های جغرافیایی همراه با نیروی انسانی متخصص از ضروریات اصلی این سیستم است. همچنین GIS ابزار مدیریت و تصمیم‌گیری است و نمی‌تواند به‌عنوان مدیر و تصمیم‌گیرنده عمل کند. اطلاعات مکانی رکن اساسی GIS است، بنابراین این اطلاعات تابع شرایط کیفی است و باید در هر لحظه ارزیابی و به‌روز شود.

برای پروژه‌های کوچک GIS امکان ذخیره‌سازی و مدیریت اطلاعات جغرافیایی در قالب فایلها و اطلاعات ساده وجود دارد، اما هنگامی که حجم اطلاعات زیاد باشد و همچنین تعداد کاربران سیستم از تعدادی محدود فراتر رود، بهترین روش برای مدیریت اطلاعات، استفاده از سیستم مدیریت پایگاه داده است. این سیستم به منظور ذخیره‌سازی، سازماندهی و مدیریت اطلاعات جغرافیایی در GIS مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفاده از داده‌های جغرافیایی به روش سنتی، با استفاده از نقشه‌های کاغذی محدودیتهایی دارد که مقیاس اندازه‌گیری، حذف اطلاعات، هزینه زیاد، زمان‌بر بودن، سرعت پایین، کمبود عوارض اطلاعاتی و ابزارهای کاری از آن جمله هستند. هرچه داده‌ها گسترده‌تر و بیشتر شوند، تحلیل آنها مشکل‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد. بنابراین، مشخصه GIS سرعت عمل و به‌روز رسانی اطلاعات، انطباق با فرمتهای استاندارد، دسترسی سریع و آسان به اطلاعات در حجم وسیع، تجزیه و تحلیل اطلاعات و کاهش هزینه‌هاست. بدین ترتیب، از آنجا که امروزه وجود اطلاعات به‌روز، برای شناخت عوامل طبیعی و انسانی و بهره‌گیری از آن در برنامه‌ریزی توسعه پایدار امری بدیهی است، استفاده از اطلاعات در بُعد GIS می‌تواند به صورت‌های گوناگون مورد استفاده قرار گیرد که از جمله آنها پاسخگویی به نیاز کاربران در زمینه، ساماندهی و افزایش بهره‌وری از

تلفیق یافته از GIS و GPS)؛

- بررسی موضوع حریم و مدیریت زمین و تحلیل پهنه‌بندی و شناسایی مناطقی که در آنها حریم رعایت نشده و ضامن مباحث حقوقی و کاداستر است؛
- موقعیت‌یابی و شناسایی نقاط کور شبکه مخابراتی راه‌آهن (رادییوی)؛
- تهیه گراف و تنظیم برنامه حرکت قطار؛
- مدیریت بر عملکرد فعالیت نیروی انسانی؛
- مدیریت تخصیص منابع انسانی (به‌خصوص در شرایط بحرانی)؛
- اشتغال‌زایی و ایجاد اطلاعات رقومی، توصیفی و به‌روز نمودن آنها؛
- استفاده بهینه از فضای فیزیکی و کاهش فضای بایگانی و ذخیره نقشه‌ها؛
- بررسی تغییرات محیطی و سیاسی در راه‌آهن یک کشور در پهنه جهانی؛
- ایجاد ضوابط استاندارد در اطلاعات؛
- یکسان‌سازی فرمت اطلاعات که لازمه وجود یک سیستم اطلاعاتی است؛
- ثبت امکانات و تجهیزات در پایانه‌های بارگیری کشور؛
- مدیریت ماشین‌آلات تعمیر و نگهداری خط؛
- بررسی پراکندگی نیروی انسانی (متخصصین و افراد باتجربه) در شبکه و موقعیت استقرار آنها؛
- موقعیت دفاتر فروش بلیط و سالنها و مراکز مرتبط با راه‌آهن؛
- کمک در امر بازاریابی، فروش و مکانیابی مشتریان؛
- معماری ساختمانها؛
- مدیریت و کنترل استانداردهای ایمنی؛
- موقعیت جسم سانحه دیده؛
- اخذ و عرضه گزارش سوانح؛
- عرضه و بررسی راهکارهای ممکن در جمع‌آوری داده‌های مربوط به سوانح، کنترل ترافیک و مدیریت خدمات اضطراری پس از وقوع سانحه؛ و
- عرضه و نمایش اطلاعات توصیفی و مکانی هر نقطه دلخواه به‌صورت آماری، هیستوگرام، جدول، نقشه و

داده رابطه‌ای بسیار انطباق‌پذیر دارد و بخشی از جدول رابطه‌ای را به‌عنوان یک ستون نرمال تشکیل می‌دهد. داده وکتوری به‌صورت گرافیک‌های برداری ظاهر می‌شود، درحالی‌که داده رستری عموماً به‌شکل تصویر است و مرزهای عوارض ظاهری بلوک را دارد.

هنگامی که داده‌های جغرافیایی را به‌منظور استفاده در سیستم‌های GIS به‌صورت مدل درمی‌آورند، بعضی از داده‌های مدل شده روابط مکانی با دیگر داده‌های موجود در مدل را داشته باشند. برای مثال، ایستگاههای اتوبوس می‌بایست همواره در سطوح خیابان قرار گرفته باشند و یا اینکه در هر خیابانی باید حداقل چند سطل زباله وجود داشته باشد. این روابط تعریف شده در قالب قوانین توپولوژی عرضه می‌شوند. درواقع توپولوژی مدلی است که اشتراک هندسی داده‌های موجود در یک مدل را با هم شرح می‌دهد و همچنین سازوکاری را برای استقرار و نگهداری روابط مکانی بین داده‌های موجود در مدل ایجاد می‌کند. در نرم‌افزارهای GIS همچون ARC GIS، توپولوژی شامل مجموعه‌ای از قواعد و روابط بین داده‌هاست که با عنوان RULE شناخته می‌شوند قواعدی که اجرای آنها باعث طراحی هرچه دقیق‌تر مدل ژئومتریک موجود بین داده‌های مدل می‌شود.

کاربردهای GIS

استفاده از GIS یکی از کاربردی‌ترین دانشها در زمینه‌های مختلف، از جمله برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، جغرافیا، زمین‌شناسی و معادن، کشاورزی و منابع طبیعی است که با استفاده از آن می‌توان امر مدیریت و برنامه‌ریزی را بهبود بخشید. به کارگرفتن GIS باعث تسریع در روند انجام کارهای برنامه‌ریزی شده، و مدیران، طراحان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و حتی شهروندان عادی می‌توانند از آن سود برند. سیستم اطلاعات جغرافیایی از جمله در موارد زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- تعیین موقعیت و نمایش بلادرنگ وضعیت یک متحرک در شبکه، هنگامی که دچار نقص و یا به‌علت سانحه متوقف شده است (مدیریت ترافیک و سانحه به کمک یک سیستم

نقشه‌های سنتی، خلاصه‌ای از جهان واقعی هستند، یعنی نمونه‌ای از عوارض که بر روی صفحه با سمبلهایی ترسیم شده‌اند. نقشه‌های توپوگرافیک شکل سطح زمین را با خطوط تراز نشان می‌دهند، درحالی‌که شکل واقعی آنها در ذهن انسان وجود دارد. امروزه روشهای نمایش گرافیکی نظیر shading براساس ارتفاع در GIS، قادر است میان عناصر مرئی نقشه و قابلیت فرد در استخراج و تحلیل اطلاعات ارتباط برقرار کند. GIS به‌منظور زمین مرجع کردن و ترکیب ۲ تصویر جهت راه‌اندازی یک دید سه‌بعدی پرسپکتیو به کار می‌رود، درحالی‌که shading از ارتفاع سطوح زمینی استفاده می‌کند. نمایش در GIS براساس نقطه دید ناظر و زمانی از روز که نمایش صورت می‌گیرد، به سبب تعیین دقیق سایه‌هایی که تابش خورشید تولید می‌کند در آن طول و عرض جغرافیایی و ساعت روز، صورت می‌گیرد. سایه و روشن موجود در یک تصویر حاصل از یک مدل ارتفاع رقومی (DEM) که به‌ترتیب نشان‌دهنده مناطق مرتفع و کم‌ارتفاع است، نمونه‌ای از نمایش گرافیکی در GIS است.

نرم‌افزارهای مورد نیاز در GIS

اطلاعات جغرافیایی می‌توانند از طریق چندین نرم‌افزار در دسترس باشند، تبدیل و نقل و انتقال یابند، روی هم قرار گیرند و پردازش و نمایش داده شوند. برای ایجاد GIS به نرم‌افزارهای Arc, Idrisi, Autocad, ArcGIS, Arcview, info و یک نوع بانک اطلاعاتی استاندارد مانند Access, Oracle, SQL-server نیاز خواهیم داشت. شرکت‌هایی نظیر ESRI و Mapinfo گستره عظیمی از این ابزارآلات را عرضه می‌کنند. بخشهای دولتی و نظامی اغلب از نرم‌افزارهای ویژه نظیر GRASS یا انواع تخصصی‌تر استفاده می‌کنند، از سویی ابزارآلاتی برای مشاهده داده‌های GIS و دسترسی عموم به اطلاعات جغرافیایی به‌روز نظیر Google Earth و پهنه‌بندی تحت وب وجود دارد.

آینده GIS

تصویر.

فناوری جدید تلفن همراه GIS بیشترین سرعت رشد را داشته است. یکی از کاربردهای تلفن همراه GIS، سیستم ناوبری (Navigation) با برخورداری از قابلیت‌های وسیع است. این قابلیت‌ها با ساده‌ترین آن، که مکانیابی اجسام در نقشه و مرور آن توسط استفاده‌کننده سیستم ناوبری است، آغاز می‌شود و تا سیستم مسیریابی هوشمند توسعه می‌یابد. در سیستم مسیریابی هوشمند GIS تلفن همراه، استفاده کننده را برای یافتن بهترین و سریع‌ترین مسیر به‌منظور دستیابی به مقصد مورد نظر راهنمایی می‌کند. مسیریابی با بهره‌گیری از GIS بر مبنای داده‌های مکان محور، هر روز در صنعت خودروسازی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند.

مختصات سیستمهای تصویر و زمین مرجع کردن

زمین می‌تواند با مدل‌های گوناگونی توصیف شود که هر سری مختصاتی (شامل طول و عرض جغرافیایی و ارتفاع) را برای هر منطقه زمینی ایجاد می‌کند. ساده‌ترین آنها، این است که زمین را به صورت یک شکل بیضوی کامل در نظر بگیریم، اما حقیقتاً مدل‌هایی وجود دارد که برای مناطق گوناگون زمین جهت ایجاد دقت بالاتر به کار می‌روند. سیستم تصویر جزء اصلی در تهیه نقشه است. یک سیستم تصویری، ابزاری ریاضی برای تبدیل اطلاعات از یک مدل زمینی که مؤید سطح سه‌بعدی است، به فضای دو بعدی مثل صفحه کاغذ یا کامپیوتر است. سیستمهای تصویری گوناگون برای انواع مختلفی از نقشه‌ها، متناسب با نوع کاربریشان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تحلیل‌های مکانی در GIS

تحلیل‌های مکانی در GIS از طریق روشهای متعددی قابل انجام است. از مهم‌ترین این روشها مدل‌سازی داده‌ها، مدل‌سازی توپولوژی، شبکه‌ها، مدل‌سازی کارتوگرافیک، هم‌پوشانی نقشه، کارتوگرافی خودکار، زمین آمار و ژئوکد معکوس است.

روشهای نمایش گرافیکی

سیستم اطلاعات جغرافیایی

سیستم اطلاعات جغرافیایی برای برنامه‌ریزی در سطح محلی. انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۶.
- هاکسهود، ویلیام. مقدمه‌ای بر سیستمهای اطلاعات جغرافیایی شهری، ترجمه فرهاد نوربان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌شهری، ۱۳۷۵.

- مجموعه مقالات سومین کنفرانس سیستمهای اطلاعات جغرافیایی، کنفرانس سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی، گردآورنده طواس قضاریان، ۱۳۷۵.

- Bolstad, P. *GIS Fundamentals: A first Text on Geographic Information Systems*. Second Edition, White Bear lake, MN: Eider Press, ۵۴۳ pp, ۲۰۰۵.

- Burrough, P.A. & McDonnell, R.A. *Principles of Geographical Information Systems*. Oxford: Oxford University Press, ۳۲۷ pp, ۱۹۹۸.

- Chang, K.S. *Introduction to Geographic Information System*. ۳rd Edition, McGraw Hill, ۲۰۰۵.

- Clark, K.C.; Parks, B.O. & Crane, M.P. *Geographic Information Systems and Environmental Modeling*. Prentice Hall Inc., ۲۰۰۲.

- Heywood, I.; Cornelius, S. and Carver, S. *An Introduction to Geographical Information Systems*. Prentice Hall, ۳rd Edition, ۲۰۰۶.

- Jankowski, P. and Nyerges, T. *Geographical Information Systems for Group Decision Making, Towards a participatory, Geographic Information Science*. London: Taylor & Francis, ۲۰۰۱.

- Maguire, D.J. ; Goodchild, M.F. and Rhind, D.W. "Geographic Information Systems: Principles, and Applications", *Longman Scientific and Technical*. Harlow, ۱۹۹۷.

- Tomlinson, R.F. *Thinking About GIS: Geographic Information System Planning for Managers*. ESRI Press, ۳۲۸ pp, ۲۰۰۵.

- Wise, S. *GIS Basic*. London: Taylor & Francis, ۲۰۰۲.

علیرضا شکبیا

سیستم اطلاعات جغرافیایی و مدیریت شهری

به کارگیری اطلاعات در مورد توزیع عناصر، انسانها، حیوانات و گیاهان در جهان همواره بخش مهمی از فعالیتهای جوامع سازمان‌یافته را دربر گرفته است. البته تا این اواخر، اغلب اطلاعات مذکور به صورت اسناد و

بازار روبه رشد و فعال GIS با کاهش قیمت‌ها و توسعه پیوسته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیش می‌رود. توسعه صورت گرفته در دامنه وسیعی از فناوری نظیر تجارت، صنعت و خدمات، از جمله سلامت و بهداشت عمومی، پهنه‌بندی جرم، دفاع ملی، توسعه پایدار (← توسعه پایدار) و منابع طبیعی، طراحی چشم‌انداز، مردم‌شناسی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اجتماعی، حمل‌ونقل و امور لجستیک وجود دارد. GIS به تدریج در حال تبدیل شدن به یک ابزار خدماتی متکی بر موقعیت (LBS) یا Location based services است. LBS به ابزار سیار GPS امکان می‌دهد تا موقعیت خویش را در ارتباط با یک مکان ثابت، مثل ایستگاه گازرسانی یا سیار مانند ماشین پلیس و یا موقعیت خویش را به سرور (server) مرکزی برای نمایش و سایر پردازشها ارسال کند. سیستمهای مذکور قادرند از طریق تلفیق بیشتر GPS با ابزارهای سیار قوی ارتباطات سیار، نظیر تلفن همراه و رایانه دستی، گسترش یابند.

کتاب‌شناسی:

- بارو، پی.ای. سیستم اطلاعات جغرافیایی، ترجمه حسن طاهرکیا، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.

- هایورد، یان؛ کورنلیوس، سارا و کارور، استیو. مقدمه‌ای بر سیستمهای اطلاعات جغرافیایی، ترجمه گیتی تجویدی، ۱۳۸۱.

- سیستمهای اطلاعات جغرافیایی برای دانش‌پژوهان علوم زمین، مدل‌سازی به کمک GIS، ترجمه گروه اطلاعات زمین مرجع، کتاب شماره ۷۷، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.

- استار، جفری و استس، جان. مقدمه‌ای بر سیستمهای اطلاعات جغرافیایی، ترجمه سیدحسین ثنائی‌نژاد، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- کاربرد GIS با استفاده از ARC/INFO در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، تألیف و ترجمه سیدحسین ثنائی‌نژاد و حسن علی فرجی سبکبار، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- GPS و کاربرد آن، ترجمه و تدوین عباسعلی صالح‌آبادی، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

- لگ، کریستوفر. سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، ترجمه فریدفر و مجید هاشمی تنگستانی، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

- ارونوف، استان. سیستم اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۷۵.

- مدیری، مهدی. اشاره‌ای به سیستمهای اطلاعاتی جغرافیایی: GIS

سیستم اطلاعات مدیریتی

تحلیل اطلاعات فضایی و تصمیم‌گیری را ساده، اصولی و آسان می‌کند.

زمانی که مهندسان، نقشه‌برداران و نقشه‌کشها از این فناوری جدید استفاده می‌کردند، برنامه‌ریزان شهری، جغرافیدانان، دانشمندان محیط زیست و معماران محیط از فناوری کارتوگرافی به کمک کامپیوتر به منظور انجام تحلیل فضایی اطلاعات بهره می‌بردند. برای مثال، در سالهای اخیر به نقشه‌هایی نقشه کاربری زمین گفته می‌شود که در سیستم اطلاعات جغرافیایی شهرداریها و نهادهای محلی در خصوص چگونگی استفاده شهروندان از زمین در محدوده قانونی شهر اطلاعاتی ثبت شده باشد که نوع کاربری زمین اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی، فضای سبز و... را مشخص کرده باشد. این‌گونه سیستمها درحال حاضر، بیشترین استفاده در شهرداریها، ثبت املاک، دارایی و کاداستر کشورهای مختلف را دارد.

کتاب‌شناسی:

- هاکسولد، ویلیام. مقدمه‌ای بر سیستمهای اطلاعات جغرافیایی شهری، ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۵.

- لائورینی، رابرت. سیستمهای اطلاعات جغرافیایی برای برنامه‌ریزی شهری، ترجمه محمدهادی خلیل‌نژادی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴.

سید محمدمهدی معینی

سیستم اطلاعات مدیریتی

Management Information System (MIS)

سیستم اطلاعات مدیریتی، سیستمی یکپارچه شامل کاربر و ماشین برای ارائه اطلاعات در پشتیبانی از عملیات، مدیریت و تصمیم‌گیری در سازمان است. این سیستم از نرم‌افزار و سخت‌افزار رایانه‌ای، راهنماها و دستورالعملها، مدل‌هایی برای تحلیل، برنامه‌ریزی، کنترل و تصمیم‌گیری و یک پایگاه اطلاعات تشکیل شده است. به این ترتیب، سیستم

نقشه‌های کاغذی نگهداری می‌شد و می‌توان گفت که گرچه بازیابی اطلاعات و نگهداری آن ساده نبود، اما تحلیل و بررسی فرایند آن دشوار بود. با پیشرفتهایی که در دهه ۱۹۵۰م در زمینه فناوری اطلاعات (IT) برای تحلیل فضایی صورت پذیرفت، تحولات عظیمی از جمله در قابلیت‌های ذخیره‌سازی، بازیابی و نمایش اطلاعات حاصل شد. سیستمهای اطلاعاتی که در سالهای اخیر ایجاد شده‌اند، نه تنها قادرند اطلاعات موجود را به کار گیرند، بلکه بررسی عمیق نتایج انواع مدل‌های شبیه‌سازی و سناریوهای وضعیت گذشته و پیش‌بینی آینده را نیز امکان‌پذیر ساخته‌اند. این قابلیتها در علوم مرتبط با نقشه و در به کارگیری آن در امور روزمره، مدیریت شهری (← مدیریت شهری) و محیط زیست (← محیط زیست شهری)، انقلابی به وجود آورده‌اند. امروزه سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (GIS) در بسیاری از شاخه‌های علوم پایه و کاربردی، در تجارت، در نهادهای محلی، ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند و دامنه کاربردهای آن از امور خدمات‌رسانی، نظیر شبکه‌های برق، فاضلاب، آب و تلفن تا پیش‌بینی اثرات احتمالی تغییرات جوی وسعت پیدا کرده است.

این فناوری روش آسان‌تری را برای تولید نقشه، انطباق نقشه‌های مختلف بر روی یکدیگر و روش جدیدی در ترکیب اطلاعات منابع مختلف به منظور تحلیل روابط فضایی میان اطلاعات مرتبط با مکان فراهم نموده است.

عموماً سیستم اطلاعات جغرافیایی با به کارگیری اطلاعات نقشه‌ای توصیفی غیرگرافیکی ابزاری را برای استفاده متخصصان در جهت افزایش کارایی و کارآمد نمودن فعالیتها فراهم می‌کند. از اهداف مهم ایجاد سیستم اطلاعات جغرافیایی، ایجاد زمینه برای تحلیل فضایی پایگاه داده‌هاست. سیستم اطلاعات جغرافیایی از پایگاه اطلاعات فضایی برای پاسخگویی به پرسشهایی که ریشه جغرافیایی دارد، استفاده می‌کند.

سیستم اطلاعات جغرافیایی بسیاری از اطلاعات زمینی جهت مطالعات کاربری اراضی (← کاربری زمین)، مدیریت منابع طبیعی، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری را به راحتی به نقشه‌های موضوعی و ترکیبی تبدیل نموده و در این حالت

سیستمهای دستی بسیار ساده، همچون داده‌های ساده مربوط به مشتریان، بر روی کارتهای اندکس آغاز شد. کامپیوترهای mainframe از دهه ۱۹۴۰-۱۹۷۰م به‌عنوان سیستمهای اطلاعات مدیریتی وارد کار شدند. در دهه ۱۹۷۰م، کامپیوترهای شخصی جایگزین mainframe شده و تقریباً هر سیستم مدیریت اطلاعات به‌گونه‌ای به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مورد استفاده وابستگی پیدا کرد.

پس از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، سیستم اطلاعات مدیریتی اهمیت بیشتری یافت و پرسنل MIS نسبت به قبل، افزایش چشمگیری پیدا کرد و مدیران در تمام مراحل مدیریتی، نظیر برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل، از MIS استفاده کردند.

مفهوم سیستم اطلاعات مدیریت

سیستم اطلاعات مدیریت سازمان، چیزی متمایز از دیگر سیستمهای اطلاعات نیست، بلکه چارچوبی کلی است که دیگر سیستمهای اطلاعات بر مبنای آن با یکدیگر همخوان می‌شوند. در طول زمان مشخص شد که مفهوم پیاده‌سازی یک سیستم کاملاً یکپارچه و واحد بسیار مشکل است. واقعیت این است که یک سیستم یکپارچه، به معنی یک ساختار واحد و همگن، نیست بلکه متشکل از اجزایی است که در یک طرح کلی با یکدیگر هماهنگ شده‌اند. اکنون سیستم اطلاعات مدیریت به‌منزله ترکیب و تلفیقی از زیرسیستمهاست که منطبق با طرح کلی، استانداردها و رویه‌های سیستم اطلاعات تنظیم می‌شوند. بنابراین، به‌جای یک سیستم اطلاعات مدیریت واحد و کلی، سازمان می‌تواند تعداد زیادی سیستم اطلاعات مرتبط داشته باشد تا نیازهای مدیریتی را در سطوح مختلف به شکلهای مختلف تأمین کند. تجربه نشان داده است که یک سیستم کاملاً یکپارچه غیرممکن است. عوامل زیادی وجود دارند که باید همزمان و توأم در نظر گرفته شوند و نگهداری چنین سیستمی مشکل است. به‌همین دلیل، سیستمهای اطلاعات مدیریت بیشتر به‌صورت بخش‌بخش طراحی می‌شوند و یکپارچه‌سازی تنها در مواردی که ضروری باشد، صورت می‌گیرد. به‌طور خلاصه، سیستمهای اطلاعات مدیریتی

اطلاعات مدیریتی، سیستمی است که داده‌های محیطی را جمع‌آوری و داده‌های تبادلات و عملیات سازمانی را ثبت می‌کند و سپس آنها را فیلتر، سازماندهی و انتخاب کرده و به‌عنوان اطلاعات به مدیران ارائه می‌کند. بدینسان، این سیستم ابزاری را در اختیار مدیران قرار می‌دهد که اطلاعات موردنیاز خود را تولید کنند. سیستم اطلاعات مدیریتی، سیستمی یکپارچه، رایانه‌ای و کاربر ماشین است که عناصر اصلی آن عبارتند از:

- سیستمی یکپارچه برای خدمت به تعداد زیادی کاربر؛
- سیستمی رایانه‌ای که تعدادی نرم‌افزار اطلاعاتی را از طریق یک پایگاه اطلاعات به هم مرتبط می‌کند؛
- رابطه کاربر-ماشین که به جستجوهای فوری و موقتی پاسخ می‌دهد؛
- ارائه اطلاعات به تمام سطوح مدیریتی؛ و
- پشتیبانی از عملیات و تصمیم‌گیری.

پیشینه MIS

در ۵۰ سال گذشته بروز تحولات گسترده در زمینه رایانه و ارتباطات، تغییرات عمده‌ای را در عرصه‌های متفاوت حیات بشری به‌دنبال داشته است. کارنامه حیات بشر مملو از ابداع فناوریهای متعددی است که جملگی در جهت تسهیل زندگی انسان مطرح و ارائه شده‌اند. در سالهای اخیر، فناوری اطلاعات و ارتباطات که از آن به‌عنوان فناوریهای جدید و یا عالی یاد می‌شود، بیشترین تأثیر را در زندگی بشری داشته‌اند. دنیای ارتباطات و تولید اطلاعات به‌سرعت در حال تغییر است و ما امروز شاهد همگرایی بیش از پیش آن هستیم، به‌گونه‌ای که داده و اطلاعات به‌سرعت و در زمانی غیرقابل تصور به اقصی نقاط جهان منتقل و در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. فناوری اطلاعات و ارتباطات، بدون شک تحولات گسترده‌ای را در تمام عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی بشری به‌دنبال داشته و تأثیر آن بر جوامع بشری به‌گونه‌ای بوده است که جهان امروز به‌سرعت به یک جامعه اطلاعاتی تبدیل می‌شود.

اگرچه MIS در شکل محدود آن لزوماً رایانه‌ای نیست، اما امروزه به دلیل عرصه‌های وسیع و چندملیتی تشکیلات سازمانی، کامپیوتری شدن MIS جهت موفقیت هرچه بیشتر یک سازمان ضروری است. بنابراین، MIS در ابتدا با

فناوری، بررسی کنترل فرایندهای مرتبط با کاربر، طراحی سیستم، آزمایش سیستم و آماده‌سازی بخش آموزش کاربر برای سیستم است. در این هنگام است که مدیریت پیرامون کاربردی کردن سیستم، ارزیابی و تصمیم‌گیری می‌کند.

• **کاربرد سیستم**، سیستم جدید از سیستم قبلی تشکیل و به کار برده شده و بازیابی می‌شود. پس از این مرحله، ارزیابی مجدد و اصلاح و ویرایش سیستم جهت بررسی سیستم از لحاظ انطباق با نیاز تجاری صورت خواهد گرفت.

مدلهای تصمیم‌گیری

در سیستم اطلاعات مدیریت معمولاً تنها داده‌های خام یا حتی داده‌های خلاصه شده برای استفاده کافی نیستند. داده‌ها معمولاً باید پردازش شده و به‌شکلی ارائه شوند که به یک تصمیم منجر شوند. تحقق چنین امری نیازمند یک مدل تصمیم‌گیری است. مدل‌های تصمیم‌گیری می‌توانند در مراحل مختلف تصمیم‌گیری مورد استفاده واقع شوند. تعمیم یک سیستم اطلاعات مدیریت از جنبه تصمیم‌سازی، سیستم‌هایی مانند سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری و سیستم‌های خبره هستند.

ابعاد طبقه‌بندی سیستمهای اطلاعات مدیریت

همه سیستم‌های اطلاعات مدیریت قابلیت‌ها، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یکسان ندارند. در واقع سیستم‌های اطلاعات مدیریت طیفی دارند که یک سر آن یک سیستم ساده گزارش‌گیری دستی و سر دیگر آن یک سیستم یکپارچه رایانه‌ای همراه با انواع گزارش‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری است برخی از ابعاد طبقه‌بندی سیستم‌های اطلاعات مدیریت شامل موارد زیر است.

• **مؤلفه‌های فیزیکی**. سخت‌افزار (ورودیها، خروجیها، ذخیره‌سازی ثانویه، پردازشگرهای مرکزی، تبادلات) نرم‌افزار (نرم‌افزار سیستم و نرم‌افزار کاربر) پایگاه اطلاعات (ساختار سخت‌افزاری - نرم‌افزاری حاوی داده‌ها) رویه‌ها (دستورالعمل‌های کاربر، دستورالعمل‌های آماده‌سازی ورودی، دستورالعمل‌های عملیاتی برای عملیات رایانه‌ای) نیروی انسانی (اپراتور، تحلیل‌گر سیستم، برنامه‌نویس، تهیه‌کنندگان داده‌ها، مدیر سیستم اطلاعات).

مبنایی برای یکپارچه‌سازی پردازش‌های اطلاعات سازمانی ارائه می‌دهند. از نقطه نظر علمی، اصطلاح MIS به مجموعه‌ای از روش‌های مدیریت اطلاعات اطلاق می‌شود که به منظور پشتیبانی از تصمیم‌گیری طراحی می‌شود. نمونه‌ای از این روش‌ها شامل سامانه‌های پشتیبان تصمیم‌گیری یا Decision Support System (DSS) و سامانه‌های اطلاعات اجرایی یا Executive Information System (EIS) است. MIS برای اشاره به افرادی که این گونه سیستم‌ها را مدیریت می‌کنند نیز به کار می‌رود. در مفهوم وسیع، MIS یا گروه کاری MIS به سیستم مختصات مدیریت کامپیوتری مرکزی که اغلب شامل سیستم پردازنده مرکزی هستند، اطلاق می‌شود.

نیاز به یک پایگاه اطلاعات

داده‌ها می‌بایست به گونه‌ای مدیریت شوند که قابل دسترسی برای پردازش باشند و کیفیت مناسب را هم داشته باشند. مدیریت باید هر دو جنبه سخت‌افزاری و سازمانی را شامل شود. هنگامی که یک سیستم مدیریت پایگاه اطلاعات وجود داشته باشد، همه از داده‌هایی استفاده می‌کنند که تنها در یک محل ذخیره شده‌اند و یک عمل روزآمدسازی تمام موارد استفاده را روزآمد می‌کند. یکپارچه‌سازی چنین سیستمی نیازمند یک قدرت مرکزی برای پایگاه اطلاعات است. داده‌ها می‌توانند در یک کامپیوتر مرکزی ذخیره شوند یا بین چندین کامپیوتر تقسیم شوند.

توسعه MIS در ۴ مرحله صورت می‌گیرد: برنامه‌ریزی و طراحی سیستمها، تعیین نیازهای سیستمها، توسعه سیستم و نهایتاً به کارگیری سیستمها.

• **طراحی سیستم**، تیم طراح سیستمها با انجام یک مطالعه امکان‌سنجی جهت مدیریت مسائل را شناسایی می‌کند.

• **تعیین نیازمندیهای سیستم**، این مرحله شامل تحلیل سیستمها، تعیین نیازهای کاربر، سخت‌افزار، نرم‌افزار لازم و طراحی مدل مفهومی برای سیستم است. سطوح بالاتر مدیریتی، تحلیل سیستمها و طراحی را بررسی می‌کند.

• **توسعه سیستمها**، این مرحله شامل پشتیبانی و ویژه‌سازی

سیستم اطلاعات مدیریتی

مواد خام در واگنهای باربری که جهت ارسال به کارخانه در صف انتظار قرار دارند، فراوری گشته‌اند بنابراین نیازی به انبارداری وجود ندارد.

• **سیستم اطلاعات مدیریت بازاریابی**، قابلیت پشتیبانی از فعالیت مدیریتی در زمینه گسترش تولید، توزیع، قیمتگذاری، پیش‌بینی و فروش را داراست. بیش از هر حیطه کاری، سیستمهای بازاریابی بر منابع خارجی داده استوارند. این منابع شامل مشتریان و رقابت موجود در بازار است.

• **سیستم اطلاعات مدیریت منابع انسانی**، با میزان فعالیت کارمندان، مدیران و سایر افراد فعال در سازمان ارتباط دارد. از آنجایی که عملکرد پرسنل به تمام زمینه‌های موجود در تجارت ارتباط دارد، مدیریت منابع انسانی نقش بسیار ارزشمندی را در تضمین موفقیت سازمان ایفا می‌کند.

فعالیهایی را که سیستمهای اطلاعات مدیریت نیروی انسانی انجام می‌دهند شامل تحلیل نیروی کار و برنامه‌ریزی، استخدام، آموزش و اشتغال می‌شوند.

مطالب ذکر شده سیستمهای اطلاعات مدیریتی اصلی هستند. چنانچه محدوده عملیاتی شرکتی متمایز از موارد ذکر شده باشد، سیستمهای اطلاعات مدیریتی دیگری نیز به کار گرفته خواهند شد.

کتاب‌شناسی:

- انواری رستمی، علی‌اصغر. *آشنایی با مبانی سیستمهای اطلاعاتی مدیریت*. انتشارات طراحان نشر، ۱۳۷۵.

- اوپرمایر، ناسی. *مدیریت سیستمهای اطلاعات جغرافیایی*. تهران: انتشارات مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران، ۱۳۷۸.

- بهشتیان، مهدی. *نگرشی جامع بر تئوری، کاربرد و طراحی سیستمهای اطلاعات مدیریت، MIS*. انتشارات بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی، ۱۳۷۳.

- رضائیان، علی. *تعامل انسان و سیستم اطلاعاتی (سیستم اطلاعات مدیریت)*. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۴.

- رضائیان، علی. *سیستم اطلاعات مدیریت (مدل‌سازی اطلاعات)*. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.

- زاهدی، شمس‌الدین. *تجزیه و تحلیل و طراحی سیستمها (مبانی سیستمهای اطلاعاتی مدیریت)*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه

• **وظایف پردازش**. پردازش تبادلات، نگهداری فایل‌های اصلی، تولید گزارشها، پردازش جستجوها، پردازش نرم‌افزارهای پشتیبان.

• **خروجی برای کاربران**. مستندات یا صفحات رابط برای تبادل (اطلاعاتی، عملیاتی، جستجویی) گزارشهای از پیش طراحی شده، پاسخهای از پیش طراحی شده به جستجوها، گزارشهای موقت و پاسخ به جستجوها، نتایج تعامل بین کاربر و ماشین.

• **گزارشهای از پیش طراحی شده**. انواع گزارش یا جستجو، اطلاعات نمایانگر، اطلاعات مسئله‌یابی، اطلاعات برای اقدام، اطلاعات پشتیبان تصمیم.

• **پشتیبانی تصمیم**. تصمیمهای ساخت یافته قابل برنامه‌نویسی، تصمیمهای ساخت نیافته و غیرقابل برنامه‌نویسی.

• **سطح استفاده از اطلاعات**. برنامه‌ریزی راهبردی، کنترل مدیریت، برنامه‌ریزی تاکتیکی، برنامه‌ریزی و کنترل عملیاتی.

انواع سیستم MIS

سیستمهای معمول مدیریتی عبارتند از:

• **سیستم اطلاعات مدیریت حسابها**، تمام گزارشات حسابرسی را تمام سطوح مدیران حسابداری تقسیم‌بندی می‌کنند.

• **سیستم مدیریت اطلاعات مالی**، اطلاعات مالی را برای کلیه مدیران مالی در یک سازمان نظیر رئیس امور مالی فراهم می‌کند. رئیس امور مالی، فعالیت مالی در گذشته و حال را به همراه نیازهای آتی پروژه‌ها از لحاظ مالی بررسی نموده و نیاز سازمانها را با استفاده از اطلاعات موجود در بخش MIS، پایش و کنترل می‌کند.

• **سیستم اطلاعات مدیریت تولیدی**، بیش از هر حیطه کاری، در عملیاتیهای نسبت به فناوری بسیار حساس هستند. در نتیجه، عملیاتیهای تولیدی تغییر می‌کند. برای نمونه، تولید همزمان در مقادیر بسیار زیاد مانع از صرفه هزینه جهت انبارداری مواد تولیدی می‌شود. به عبارت دیگر

- طباطبایی، ۱۳۷۱.
- غلامزاده، احمد. *طبقه‌بندی و کدگذاری کالا: ابزار بهبود سیستم اطلاعات مدیریت لجستیک*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴.
- غلامزاده، احمد. *مبانی نظری سیستم مدیریت اطلاعات پایه لجستیک*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۷.
- مؤمنی، هوشنگ. *سیستمهای اطلاعاتی مدیریت M.I.S.* انتشارات نشر اتحاد، ۱۳۷۲.
- Lee, A.S. "Editor's Comments", *MIS Quarterly*, ۲۵ (۱): III-VII, ۲۰۰۱.
- O'Brien, J. *Management Information Systems – Managing Information Technology in the Internetworked Enterprise*. (in English), Boston: Irwin McGraw-Hill, ۱۹۹۹.
- Rochester, Jack B. "Tools for Knowledge Workers", *Using Computers in Information*. Indianapolis, In: Que Education and Training, ۱۹۹۶.
- Stair, Ralph M. *Principles of Information Systems and Managerial Approach*. ۲nd ed. Cincinnati, OH: Boyd & Fraser, ۱۹۹۶.

علیرضا شکیبا

ش

شبکه منطقه‌ای، راهبرد

Regional Network Strategy

راهبردی که رشد و توسعه هماهنگ را از طریق روابط مکمل و پیوندهای سازمان یافته بین شهری- روستایی در سطح مناطق توصیه می‌کند. شالوده این رویکرد، در اصل، به اندیشه‌های جان فریدمن و مباحث او درباره برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مدل مرکز- پیرامون (← مرکز- پیرامون، مدل) باز می‌گردد. او با دوری از نگرشهای صرفاً اقتصادی و رویکردهای مبتنی بر قطب رشد (← قطب رشد)، بر نوعی نظریه توسعه یکپارچه منطقه‌ای تأکید داشت. فریدمن معتقد بود، هر سرزمین از چند کانون اصلی (مرکز) و چندین عرصه پیرامونی مرتبط و هم‌پیوند تشکیل شده است. هر یک از این کانونها و عرصه پیرامونی آنها، نظامهای فضایی و منطقه‌ای ویژه‌ای را با روابط درونی و بیرونی برپا می‌سازند که در سطوح مختلف، از یک منطقه شهری تا سطح ملی و جهانی، قابل تشخیص هستند.

در شرایط آشفته توسعه ناموزون، روابط یکسویه‌ای بر این نظامها حاکم است که با اثرگذاری متنوع مرکز بر پیرامون، از جمله اثر سلطه، اطلاعات، نوآوری و نوسازی، تعیین می‌گردد. این‌گونه روند خودبه‌خودی رشد منطقه‌ای، ممکن است با پیامدهای مثبت اقتصادی در کوتاه‌مدت همراه باشد، اما در درازمدت، به توسعه ناموزون منجر خواهد شد، مگر آنکه آثار گسترش توسعه منطقه‌ای در کانونهای اصلی، قابل تسری به عرصه‌های پیرامونی و با کاهش وابستگی همراه باشد.

واقعیت این است که رشد و توسعه ناموزون، قاعدتاً موجب تنشهای اجتماعی- اقتصادی و سیاسی بین مراکز و عرصه‌های پیرامونی می‌گردد و در این روند، امکان

شکل‌گیری کانونهای تازه با عرصه‌های تعریف شده جدید فراهم می‌آید. بدینسان، پدیداری مناطق مرکزی- پیرامونی متعدد، به شبکه‌ای از این‌گونه مناطق منجر می‌گردد. فریدمن معتقد بود، برای نظم‌دهی و سامان‌بخشی به روابط در درون و بین مناطق این‌گونه شبکه‌ها، لازم است که سیاستهای عدم تمرکز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد. به سخن دیگر، نه تنها عدم تمرکز در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، بلکه سرمایه‌گذاریهای عمرانی و توسعه‌ای، به‌ویژه در عرصه‌های پیرامونی، تعقیب و اعمال گردد.

مایک داگلاس در ۱۹۹۸م، در همفکری با جان فریدمن و ۲۶ سال پس از انتشار جزوه مشترک خود با فریدمن، توسعه آگروپولیتین، راهبرد شبکه منطقه‌ای را به طرز نو معرفی کرد. بدینسان، این راهبرد که مدل شبکه‌ای یا مدل خوشه‌ای نیز نامیده می‌شود، مبتنی بر پارادایم جدیدی در زمینه توسعه فضایی است. در چارچوب این پارادایم جدید، تحولات منطقه‌ای، در سطوح مختلف، در پیوندهای مکمل کانونهای مرکزی و عرصه‌های پیرامونی و به‌عبارتی، در عرصه یکتای روستایی- شهری، تعقیب می‌شود. به سخن دیگر، راهبرد شبکه منطقه‌ای با تأکید بر محو فقر و نابرابری در عرصه‌های پیرامونی، به‌دنبال تجهیز و تقویت اقتصادهای محلی در پیوند و همگرایی با توسعه منطقه‌ای و در نهایت، توسعه ملی است.

در چارچوب راهبرد شبکه منطقه‌ای، به‌جای تأکید بر شبکه‌ای سلسله‌مراتبی از مراکز، مرکب از مراکز جمعیتی واقع در سطوح مختلف، سکونتگاهها براساس کارکردهای متفاوت (← سلسله مراتب سکونتگاهی)، مجموعه‌ای از مراکز هم‌سطح، خوشه یا شبکه‌ای را به‌وجود می‌آورند که براساس فعالیتهای کلیدی با سایر مراکز در ارتباط و کنش- واکنش متقابل خواهند بود. مایک داگلاس (۱۹۹۸م) در یک بررسی تطبیقی، دو پارادایم قطب رشد و شبکه منطقه‌ای را مورد مقایسه قرار می‌دهد و خصوصیات راهبرد شبکه منطقه‌ای را در ۳ عرصه اصلی مطرح می‌سازد:

• تجمع و انباشتن شهرها و روستاها در یک واحد منطقه‌ای توسعه می‌تواند از تنوع و همچنین توانهای تکمیل‌کننده

شبکه منطقه‌ای، راهبرد

توسعه، بر ۷ جنبه کلیدی اقتصاد منطقه‌ای، به شرح زیر، تأکید می‌ورزد:

- بازاریابی تولیدات؛
- ارائه اطلاعات؛
- توزیع نهاده‌ها؛
- بازاریابی سرمایه؛
- بازاریابی نیروی انسانی؛
- زیربنای فیزیکی - کالبدی؛ و
- خدمات حمل و نقل.

در این چارچوب، پیوندهای روستایی - شهری متشکل از پیوندهای مختلف کالبدی، اقتصادی، جمعیتی، مالی و مانند آن هستند که نظام چند بعدی فضایی را پدیدار می‌سازند. به سخن کوتاه، پیوندهای روستایی - شهری مبین انواعی از کنش متقابلند که مکمل هم و لازم و ملزوم یکدیگر بشمار می‌آیند (← پیوندهای روستایی - شهری). در این راستا، چنانچه بتوان پیوندهای موجود بین کانونهای مختلف فضایی را به درستی مورد شناسایی قرار داد و روند آتی جریانهای مختلف آنها را با توجه به چشم‌اندازهای منطقه‌ای، ملی و جهانی، به نحوی مناسب ترسیم کرد، می‌توان امیدوار بود که سیاستهای مناسب توسعه منطقه‌ای در دستورکار قرار گیرند.

براین اساس، این راهبرد رویکردهای مرتبط با مدل‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی از بالا به پائین و نظامهای متعارف برنامه‌ریزی شهری را به رویارویی می‌طلبد. از این رو، حاوی نگرشی نسبتاً متنوع، منعطف و جامع‌نگر به توسعه منطقه‌ای است که بر هماهنگ‌سازی و ادغام توسعه روستایی با توسعه شهری در مقیاس ناحیه‌ای و محلی استوار است. علاوه بر این، راهبرد شبکه منطقه‌ای، نظام غیرمتمرکز برنامه‌ریزی را برای شناسایی نحوه عمل پیوندهای روستایی - شهری توصیه می‌کند. بدینسان، راهبرد شبکه منطقه‌ای بر مجموعه‌ای نامتمرکز و خردمندانه از دخالت سیاسی اصرار می‌ورزد که تنوعات موجود از لحاظ برخورداری از منابع ناحیه‌ای، تقسیم کار بین بخشهای شهری و روستایی و نیازها و توانمندیهای توسعه محلی را مورد حمایت قرار دهد.

(مکمله‌های) موجود بین مراکز مختلف و بین هر مرکز و حوزه نفوذ بلافاصله آن در یک منطقه معین، بهره‌گیر. در این قالب، روابط بین مراکز بیشتر افقی، مکمل و دوسویه خواهد بود؛

• شبکه‌های منطقه‌ای در عمل همه جا وجود دارند، حتی اگر به شکل ساده و ابتدایی باشند. تعامل بین روستاها و شهرها، بیش از آنکه به عنوان روابط دوگانه بین زوجهای سکونتگاهی روستایی - شهری تعریف شوند، شبکه‌های کوچک منطقه‌ای، با درجات متفاوت تراکم در سراسر منطقه و حتی فراتر از آن، برپا می‌شوند. چنین شبکه‌هایی را می‌توان، به مثابه نمونه‌های اولیه و ابتدایی شبکه، براساس نحوه مشارکت در برقراری جریانهای موجود بین کالاها و مردم در بین مراکز، تبیین و تفکیک نمود؛ بدینسان، شبکه‌ای متشکل از مراکز کاملاً مرتبط و به شدت تعاملی می‌تواند بهتر از یک قطب یا کانون رشد عمل کند. شبکه‌های نوین ارتباطات و حمل و نقل می‌توانند فاصله‌های زمانی بین سکونتگاهها را کاهش دهند و این امکان را فراهم آورند که شهرها و روستاهای پراکنده و دورافتاده به یکدیگر پیوند داده شوند و طیف مؤثری از تعامل پدیدار گردد.

بدین ترتیب، این راهبرد بر بررسی دقیق جریانهای بین مراکز مختلف تأکید دارد، زیرا ساختار اصلی نظام فضایی شبکه منطقه‌ای را جریانه‌ها و پیوندهای منبعث از آنها تشکیل می‌دهند. بدینسان، روابط متقابل موجود بین مراکز مختلف که در غیاب رویکرد شبکه‌ای، معمولاً ناشناخته باقی می‌ماند، سازمان فضایی خاصی را پدیدار می‌سازد که برای ساماندهی مجدد آن، لازم است ویژگیهای هر جریان یا پیوند به منظور تقویت پیوندهای مثبت و حذف یا کاهش تأثیر پیوندهای منفی مورد شناسایی قرار گیرد.

علاوه بر این، در قالب این راهبرد، جریانه‌ها اهمیتی به مراتب بیش از گرهها (nodes) دارند و در واقع، گرههای شهری و روستایی به صورت یکسان مورد توجه هستند. به سخن دیگر، مدل‌های مکانیکی فرایند فضایی توسعه که بیشتر بر گرههای شهری تأکید دارند، در این راهبرد جایگاهی ندارند.

راهبرد شبکه منطقه‌ای برای دستیابی به چرخه مطلوب

- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری (یک بررسی ادراکی)»، *مجله جغرافیا* (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران). دوره جدید، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

- سعیدی، عباس. «ناکارآمدی ساختاری- عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه‌ای؛ مورد ناحیه باغملک (شرق خوزستان)»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*. شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

- سعیدی، عباس و عزیزپور، فرهاد. «شبکه‌های ناحیه‌ای و توسعه محلی با تأکید بر پیوندهای روستایی- شهری»، *مجله علمی- پژوهشی جغرافیا*. دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۸۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳ (تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۵).

شرکت تعاونی روستایی ← تعاونی در ایران

شرکت عمران شهرهای جدید

Development Corporation of New Towns

از اواخر دهه ۱۳۶۰ش احداث شهرهای جدید به‌عنوان بخشی از سیاستهای توسعه شهری مورد توجه وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) قرار گرفت. طی سالهای اخیر اقداماتی که در مورد احداث شهر و شهرک جدید صورت گرفته است، دنباله اقدامات قبل از ۱۳۵۷ش و اکثر آنها تابع همان ضوابط قبلی به اضافه مقررات مربوط به قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۷ش و آئین‌نامه ایجاد و احداث شهرهای جدید مصوب ۱۳۷۱ش هیئت وزیران و اساسنامه شرکت عمران شهرهای جدید است.

در ۱۳۶۸ش شرکت عمران شهرهای جدید براساس اساسنامه مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۱۴ش هیئت وزیران تشکیل شد و کار خود را با توجه به شرح وظایف تعیین شده در ماده ۲ این اساسنامه به‌شرح زیر آغاز کرد:

- مدیریت تهیه طرحهای شهرسازی، معماری، نقشه‌های تفکیکی، آماده‌سازی و سایر اقدامات اجرایی و ساختمانهای لازم برای ایجاد شهرهای جدید؛
- حفظ حقوق و اعمال مالکیت دولت نسبت به اراضی متعلق به دولت در محدوده شهرهای جدید؛
- مدیریت عملیات آماده‌سازی و احداث بنا و تأسیسات و تسهیلات شهری، خدماتی، تولیدی و تجاری در شهرهای جدید؛
- مدیریت بهره‌برداری و اداره تأسیسات ایجاد شده تا زمان تصدی سازمانهای ذی‌ربط؛

- سعیدی، عباس و تقی‌زاده، فاطمه. «پیوندهای روستایی- شهری و توسعه منطقه‌ای؛ بررسی تطبیقی شهرستانهای باغملک و اردکان». *مجله علوم زمین*. دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

- Douglass, Mike. "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages." *TWPR*. ۲۰(۱), pp. ۱-۳۳, ۱۹۹۸.
- Douglass, Mike. "Rural-Urban Integration and Regional Economic Resilience: Strategies for the Rural- Urban Transition in Northeast Thailand", *Department of Urban and Regional Planning*. University of Hawaii, ۱۹۹۹.
- Friedmann, John. *Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela*. Cambridge, Mass: MIT Press, ۱۹۶۶.
- Friedmann, John. *Cities in a Global Age: Critical Areas of Theory and Research*. East Lansing: University of Michigan, ۲۰۰۳.
- Friedmann, John. *Globalization and the Emerging Culture of Planning*. University of British Columbia, ۲۰۰۵.
- Iaquina, D.L. & Drescher, A.W. "Defining Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institutional Contexts", *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. (August ۱, ۲۰۰۰), Rio de Janeiro, ۲۰۰۰.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*, Routledge. London, ۲۰۰۵.
- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing abate*. UNDP, ۲۰۰۱.
- Stterthwaite, D. & Tacoli, C. *The Role of Small and Intermediate Urban Centres in Regional and Rural Development*. Washington, D.C.: World Bank, ۲۰۰۳.

شرکت عمران شهرهای جدید

اعتبارات شرکت عمران از طریق چگونگی قیمتگذاری زمین در شهر جدید تأمین می‌شود که اساسی‌ترین منبع بازگشت سرمایه و سرمایه‌گذاری است. در واقع شرکت‌های عمران شهرهای جدید، بنگاه‌های اقتصادی هستند که تولید اصلی آنها زمین است و می‌توانند محصول خود را با در نظر گرفتن اهداف ملی، ناحیه‌ای، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌گونه‌ای قیمتگذاری کنند که نیازی به کمک بلاعوض دولت نداشته باشند و می‌توانند دولتی، خصوصی یا مختلط باشند.

در سطح جهانی و به‌ویژه کشورهای پیشگام در تجربه طراحی و ساخت شهرهای جدید، ایجاد شهر جدید از همان آغاز مستلزم وجود سازمانی مستقل با اختیارات وسیع بوده است، مانند شرکت عمران در انگلستان و مؤسسه عمومی آمایش شهر جدید در فرانسه. شهرهای جدید در ایالات متحد با ابتکار بخش خصوصی به‌وجود می‌آیند و با این وجود، کار آنها منحصربه‌فرد است. سازمان کارفرما، مالک زمین می‌شود، نقشه شهرسازی را تهیه می‌کند، تجهیزات لازم را به‌وجود می‌آورد، به جستجوی جذب مؤسسات می‌پردازد و ساخت بناهای شخصی را به ساختمان‌سازان می‌سپارد. برای ساخت اولین نسل شهرهای جدید انگلستان، شرکت عمران کارفرمای ۱۵٪ از واحدهای مسکونی بود. پس از به‌اتمام رسیدن بخشی از شهر، به‌منظور شرکت نخستین ساکنان در پیشبرد امور و آگاهی یافتن از نظریات حقیقی آنها، حداقل بخشی از شهروندان در قالب شورای ساکنان در اداره امور شهر سهیم شدند. ساختار تشکیلاتی هر شرکت عمران شامل ۴ بخش است:

- **تیم برنامه‌ریز.** این تیم در شرکت عمران از متخصصان زیر تشکیل می‌شود: برنامه‌ریز شهری و منطقه‌ای، طراح شهری، معمار، جامعه‌شناس، اقتصاددان، زمین‌شناس، جغرافیدان، برنامه‌ریز بهداشت و رایانه و کارشناس محیط زیست، مسکن، علوم سیاسی و حمل‌ونقل؛
- **کمیسیون مشورتی.** اعضای این کمیسیون را معمولاً مردم ناحیه یا داوطلبان علاقه‌مند به پروژه شهر جدید تشکیل می‌دهند. در مراحل شکل‌گیری شهر جدید ساکنان آن نیز

- انواع مشارکت اشخاص حقیقی و تحصیل وام از مؤسسات اعتباری و پولی و نظام بانکی؛
- عقد قرارداد برای استفاده از خدمات مؤسسات و شرکت‌های مشورتی خارجی با رعایت ضوابط و مقررات؛
- صدور مجوزها و اعمال ضوابط و استانداردهای احداث و ایجاد تأسیسات وابسته به شهرهای جدید براساس مقررات وزارت مسکن و شهرسازی؛
- مدیریت فروش و نقل و انتقال املاک و واحدهای مسکونی صنعتی، کارگاهی، تجاری، خدماتی و غیره طبق دستورالعمل‌های وزارت مسکن و شهرسازی؛ و
- اجرای سایر موارد ارجاعی و یا تفویض از سوی وزارت مسکن و شهرسازی براساس ضوابط و مقررات موضوع این شرکت.

به این ترتیب، شرکت عمران شهرهای جدید مسئولیت برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و طراحی و اجرای عملیات شهرهای جدید را عهده‌دار شد. این شرکت متولی امور شهرداری تا زمان بهره‌برداری کامل از شهر جدید است. وزارت مسکن و شهرسازی به‌منظور تبیین مقررات مربوط به نحوه احداث شهرهای جدید از مرحله مطالعه تا بهره‌برداری و تأسیس شهرداری در شهر جدید آئین‌نامه احداث شهرهای جدید را در تاریخ مرداد ۱۳۷۱ ش به تصویب هیئت وزیران رساند. یکی از نکات برجسته این آئین‌نامه، پیش‌بینی احداث شهرهای جدید توسط بخش خصوصی است.

پیش از احداث شهر جدید، باید شرکت عمران آن تشکیل شود. وظیفه این شرکت تهیه و تملک زمین، برنامه‌ریزی برای زمین، اجرای برنامه توسعه، تهیه خدمات اصلی، اجتماعی و تجهیزات مورد نیاز، مدیریت منابع مالی، آماده‌سازی زمین و مسئولیت انجام مطالعات مکانیابی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، طراحی و برنامه‌ریزی شهر جدید است. براساس قانون شهرهای جدید مصوب ۱۹۴۶م انگلستان که در قانون شهرهای جدید ایران نیز از آن استفاده شده است، تأسیس شرکت عمران برای احداث هر شهر جدیدی که اعتبارات آن را وزارت مسکن و شهرسازی تأمین می‌کند الزامی دانسته شده است. در ایران،

شرکت عمران شهرهای جدید

توجه به شرایط اقلیمی و بومی شهرهای جدید؛
۸. تأمین مالی و مشارکت در اجرای طرحهای تحقیقاتی ساختمان و مسکن؛

۹. استفاده از دانش فنی و فناوری مناسب به منظور هدایت توسعه و شکل‌گیری شهرهای جدید؛

۱۰. به کارگیری اصول و فنون معماری اصیل ایرانی با حفظ هویت اسلامی؛

۱۱. نگهداری و حراست از اراضی دولتی و تملک شده در محدوده شهرهای جدید؛

۱۲. همکاری و مشارکت با سازمان ملی زمین و مسکن در احداث واحدهای مسکونی استیجاری در شهرهای جدید؛

۱۳. همکاری با سازمان مجری ساختمانهای دولتی و تأسیسات عمومی در احداث ساختمانهای عمومی و خانه‌های سازمانی در شهرهای جدید؛

۱۴. همکاری با واحد شهرسازی و معماری در تحقیق مطالعات و طرحهای کالبدی و منطقه‌ای در سطح کشور و اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری؛ و

۱۵. اجرای آئین‌نامه‌ها و مقررات ملی ساختمان در محدوده شهرهای جدید.

شرکتهای عمران شهر جدید که طی سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ش تأسیس شده‌اند به قرار زیر هستند:

در ۱۳۶۸ش شرکتهای عمران شهرهای جدید عالی‌شهر (بوشهر)، مجلسی (اصفهان)، پولاد شهر (اصفهان)، بهارستان (اصفهان)، لثیان (تهران)؛ و در ۱۳۶۹ش شرکتهای عمران شهرهای جدید هشتگرد (تهران)، پرنده (تهران) و گلپه‌ار (مشهد)، مهاجران (اراک)، اندیشه (تهران)، سهند (تبریز)، بینالود (مشهد)، پردیس (تهران)، طیس (چاه‌بهار)، رامشار (زابل)، رامین (اهواز)، علوی (بندرعباس) و صدرا (شیراز).

وزارت مسکن و شهرسازی در ادامه دستیابی به اهداف خود در چارچوب وظایف قانونی، در نظر دارد ۱۲ شهر جدید دیگر به شرح زیر احداث نماید:

شهرهای جدید اشتهاارد (در منطقه شهری اشتهاارد)، شیرین شهر (در منطقه شهری اهواز)، پارسوماش (در منطقه شهری مسجد سلیمان)، ملک کیان (در منطقه شهری تبریز)،

می‌توانند عضو کمیسیون بشوند. شرکت عمران در مواردی اعضای این کمیسیون را انتصاب می‌کند. این کمیسیون می‌تواند در برابر تیم برنامه‌ریز نقش نظارتی یا واکنشی داشته باشد؛

• **هیئت مدیره.** این هیئت شامل صاحبان زمین، سرمایه‌گذاران، نمایندگان ناحیه و نمایندگان تیم برنامه‌ریزی است و هرگونه تصمیمی را برای پروژه شهر جدید باید تأیید کند. هیئت مذکور وقتی که شهرداری تأسیس شود منحل می‌گردد.

• **دایره ساخت و ساز.** هیئت مدیره این دایره را منصوب می‌کند و طبق تصمیمهای این هیئت تجهیزات لازم را برای ساخت و ساز شهر جدید (← شهرهای جدید) دارد. دایره ساخت و ساز (← ساخت و ساز شهری) پس از تأسیس شهرداری می‌تواند برای ادامه اجرای برنامه و یا اداره کردن مستغلاتی که متعلق به شرکت است، باقی بماند.

شرکت عمران شهرهای جدید در ایران، پس از شکل‌گیری، نیازمند شرکتهای محلی بود؛ این شرکتهای محلی طی سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ش براساس بند «ز» ماده ۱۰ اساسنامه شرکت عمران شهرهای جدید، به‌عنوان زیرمجموعه‌های شرکت مادر با وظایف و مأموریت‌های زیر تشکیل شدند:

۱. انجام مطالعات مکانیابی برای نقاط جمعیتی و اشتغال در چارچوب طرح کالبدی ملی (← طرح کالبد ملی)؛

۲. تهیه طرحهای جامع و تفصیلی در شهرهای جدید و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری؛

۳. آماده‌سازی زمین (← آماده سازی زمین)، شامل ایجاد تأسیسات زیربنایی و روبنایی؛

۴. واگذاری زمین جهت احداث مسکن به اقشار متقاضی و نیازمند؛

۵. ایجاد تسهیلات مالی و اجرایی برای تولید مسکن در شهرهای جدید؛

۶. برنامه‌ریزی و هدایت به‌منظور احداث طرحهای بزرگ ملی در شهرهای جدید؛

۷. تعیین، تلفیق و اشاعه شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی و نهادینه نمودن فناوریهای مناسب ساختمانی با

نزد قانونگذاران اولین دوره مجلس است. از آن زمان تا امروز، بیش از ۳۴۰ عنوان قانون در زمینه امور شهر و شهرداری به تصویب مراجع قانونگذار رسیده که مهم‌ترین آنها در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده شده است. براساس اصل یکصدم این قانون، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی ... از طریق همکاری مردم و با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان، با نظارت شورایی به ترتیب به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم انتخاب می‌کنند. فصل هفتم و اصل هفتم قانون اساسی، شوراها را در سطوح مختلف، از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور قلمداد کرده است. شورای شهر یکی از چهار نهادی است که طبق قانون اساسی با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شود و از ارکان کشور و جلوه‌های مستقیم حاکمیت ملی است.

سیر تاریخی

قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، به‌عنوان نخستین قانون مردمی در اداره امور شهرها، در ۱۲۸۶ش به تصویب مجلس شورای ملی رسید. طبق این قانون، ایالات قسمتی از کشور قلمداد می‌گردید که دارای حکومت مرکزی بود و ولایات حاکم‌نشین جزء آن بودند. براین اساس، چهار ایالت آذربایجان، خراسان، فارس، کرمان و بلوچستان به‌وجود آمد (← تقسیمات کشوری). در این قانون، مجلس مشاوره‌ای به نام اداره ولایتی پیش‌بینی شده بود، ولی انجمنها با برخورداری از حوزه گسترده‌ای از اختیارات، به اهم وظایف زیر می‌پرداختند:

- نظارت بر اجرای قوانین و رسیدگی به امور خاصه ایالت و ولایت؛
 - مصلحت‌اندیشی در اموری، مانند امنیت و آبادی محل؛
 - رسیدگی به شکایاتی که از حکام می‌رسید؛
 - حق نظارت در وصول مالیات؛ و
 - وضع مقرراتی برای اداره امور محل با تصویب آئین‌نامه.
- با وجود پیش‌بینی انواع مشارکت مردم در مدیریت و

سلفچگان (در منطقه شهری سلفچگان)، کلاردشت (در منطقه شهری چالوس - نوشهر)، اینچه‌برون (در منطقه شهری گنبد کاووس)، آشوراده (در منطقه شهری بندر ترکمن)، ایوانکی در جزن (در منطقه شهری گرمسار)، عسلویه (در منطقه شهری کنگان) و آفتاب (در منطقه شهری تهران).

کتاب‌شناسی:

- باستیه، ژان و دزر، برنار. شهر، ترجمه علی اشرفی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۷.
- روابط عمومی شرکت عمران شهرهای جدید. شهرهای جدید ایران، تهران: لیتوگرافی جهاد دانشگاهی هنر، ۱۳۷۸.
- زیاری، کرامت‌الله. برنامه‌ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- شرکت عمران شهرهای جدید. کتاب اطلاع‌رسانی شرکت عمران شهرهای جدید. تهران، ۱۳۸۶.
- کاظمی، محمد. «ارزیابی نقش دولت در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید. اصفهان ۱۳۷۶، تاریخ انتشار بهار ۱۳۸۳.
- نوریان، فرشاد. «تطابق اهداف شهرهای جدید با واقعیات: روش تفکر با GIS»، مجله آبادی. شماره‌های ۲۹-۳۱، ویژه‌نامه شهرهای جدید، ۱۳۷۸.
- هاشمی، فضل‌الله. «روند احداث شرکتهای جدید در طی چهل سال اخیر در ایران»، مجله آبادی. شماره‌های ۲۹ تا ۳۱، ویژه‌نامه شهرهای جدید، ۱۳۷۸.

حسین حاتمی‌نژاد

شورای اسلامی روستا ← مراجع محلی (روستایی)

شورای اسلامی شهر

City Council

مجلس شورای ملی در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق (خرداد ۱۲۸۶ش)، قانون بلدیة را در ۵ فصل و ۱۰۸ ماده تنظیم نمود که بیانگر اهمیت ایجاد نظم و انتظام در امور شهری

قانون جدید شهرداری در ۱۳۳۴ش، با تفکیک تصمیم‌گیری و اجراء، تعیین خط‌مشی و سیاست کلی را برعهده انجمن شهر و اجراء آن را برعهده یک مدیر حرفه‌ای و کاردان به نام شهردار گذارد. این تصمیم عملاً از اختیارات انجمنهای شهر در زمینه انتخاب شهرداران کاست و گزینش شهرداران به زیر نفوذ و اختیار وزارت کشور درآمد. این روند تا ۱۳۵۷ش ادامه یافت و انجمنهای شهر-در عمل- نقشی در مدیریت شهری نداشتند. استقرار نظام جمهوری اسلامی، و در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۸ش، امام خمینی(ره) در فرمانی خطاب به شورای انقلاب، تدوین آئین‌نامه اجرایی شوراها را خواستار شد؛ متن فرمان بدین قرار بود:

«در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش که از ضرورتهای نظام جمهوری اسلامی است، لازم می‌دانم بی‌درنگ به تهیه آئین‌نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محلی شهر و روستا در سراسر ایران اقدام و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمائید تا دولت بلافاصله به مرحله اجراء درآورد.»

شورای انقلاب به فاصله نزدیک به ۲ ماه، در ۱۴ تیر ماه ۱۳۵۸ش، قانون شوراهای محلی را تصویب کرد و متعاقباً هیئت دولت در ۲۰ مهرماه همان سال، پس از تصویب لایحه قانونی انتخابات شوراهای، اولین دوره انتخابات شوراهای شهر را در ۱۵۰ شهر کشور برگزار کرد. با وجود کشمکشهای گاه دامنه‌دار و ابطال آراء برخی از حوزه‌ها، وزیر کشور در ۲۹ مهرماه وظایف و اختیارات شوراهای را اعلام کرد که فعالیتهای بهداشتی، درمانی، آموزشی، اقتصادی، مالی، انتظامی، اجتماعی... و نیز صلاحیت رسیدگی به وظایف مربوط به شهرداری از آن جمله بود. این امر در شرایطی صورت گرفت که از مرداد ۱۳۸۵ش، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی کار خود را آغاز کرده بود و اصول مربوط به شوراهای، از جمله شورای شهر در دستور کار مجلس خبرگان قرار داشت. حاصل مذاکرات مجلس، به تدوین اصل هفتم و اصول یکصد و یکصد و ششم منتهی شد که در بخش حدود اختیارات شوراهای، به‌ویژه شوراهای شهر و استان، با جرح و تعدیل و

تصمیم‌گیری در قانون انجمنهای ابالتی و ولایتی، این قانون تقریباً هیچ‌گاه به اجراء درنیامد. با سلطنت پهلوی اول، ابتدا قانون بلدییه ۱۳۰۹ش و سپس قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و استانداران در ۱۳۱۶ش، با لغو قانون دوره مشروطه، قوانین جدیدی را جایگزین کرد. قانون بلدییه ۱۳۰۹ش، با رویکردی تمرکزگرا، انتخاب شهردار و سایر اعضای شهرداری را به وزارت داخله (کشور) سپرد. اختیارات محدود این قانون در ماده ۶ مستتر بود که برای انجمنهای بلدی اجازه وضع عوارض محلی را پیش‌بینی می‌کرد که البته پس از کسب اجازه وزارت داخله و موافقت هیئت دولت، قابل اجراء بود. با سقوط رضاشاه و تغییر فضای سیاسی کشور، قانون جدیدی در مرداد ۱۳۲۸ش به تصویب رسید که اگرچه نسبت به قانون قبلی متریقی‌تر بود، اما نهایتاً تصمیم‌گیری و انتخاب شهردار را به‌طور کامل به انجمن شهر تفویض نمی‌کرد. نقطه قوت این قانون، تناسب میان تعداد اعضاء انجمن با وسعت شهر و انتخاب آنان با رأی مخفی ساکنان شهر به مدت ۴ سال بود. تصویب قانون *قائم مقامی وزارت کشور در غیبت انجمن شهر* در ۱۳۲۵ش، و تصویب *لایحه قانونی تشکیل شهرداری و انجمن شهر* در ۱۳۲۸ش، اگرچه تأکیدی بارز بر تلاش برای ایجاد مفهومی جدید از شهر براساس مدیریت انتخابی از سوی شهروندان بود، اما حاکمیت در عمل با عدم برگزاری انتخابات انجمنها، قانون ۱۳۲۸ش را فدای قانون ۱۳۲۵ش کرد و دولت، با اتکا بر قانون قائم مقامی وزارت کشور، عملاً مدیریت شهری را در اختیار خود نگهداشت. از جمله نکات قابل ذکر در قانون ۴ مرداد ۱۳۲۸ش، استفاده از واژه *شهرداری* به جای *بلدییه و انجمن شهر* به جای انجمن بلدی بود. براساس ماده ۱۲۵ این قانون، هر شهردار انجمنی داشت که از سوی اهالی مستقیماً و با رأی مخفی و با اکثریت نسبی انتخاب می‌شد. اختیارات این انجمن حفظ سرمایه و دارایی نقدی و جنسی، تصویب بودجه سالانه شهرداری و سازمانهای وابسته، نظارت بر فعالیتهای فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، عمرانی و خدماتی شهرداری، تصویب لوایح در زمینه برقراری، حذف یا تغییر نوع و میزان عوارض شهرداری بود.

شخصیت حقوقی شهرداری اشاره دارد، این سازمان حقوقی را از اجزای حاکمیت بشمار می‌آورد که در زمره هیچ‌یک از قوای سه‌گانه محسوب نمی‌شود. بند ۸ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ش و ماده الحاقی ۱۳۶۵ش و نیز قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ش، نصب و عزل شهردار را در اختیار انجمن و شورای شهر گذارده است. به استناد این ۲ قانون، شورا و انجمن شهر در حکم نهاد قانونگذاری شهرداری است که در کلیه امور مالی، سازمانی و عملیاتی، دستگاه بالاسری شهرداری محسوب می‌شود. بنابراین، مشروعیت شهرداری ناشی از مشروعیت انجمن یا شورای شهر و به واسطه آراء مردم است. منبعث بودن از اراده عمومی موجب می‌گردد تا مدیریت شهری در ساختار اداره کشور وضعیت منحصر به فردی داشته باشد، به گونه‌ای که علاوه بر الزام شهروندان به رعایت مقررات شورای شهر، دستگاههای دولتی و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی دیگر نیز ملزم به رعایت آن هستند.

با عنایت به این رویکرد، قانون شوراها ۱۳۷۵ش و اصلاحیه و الحاقیه ۱۳۸۲ش، علاوه بر نصب و عزل شهردار، وظایف شورای شهر را در ۳۴ بند مشخص کرده است که مهم‌ترین وظایف به قرار زیر است:

- بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائیهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی؛
- نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرحهای مصوب در امور شهرداری و سایر سازمانهای خدماتی؛
- برنامه‌ریزی درخصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و آموزشی؛
- اقدام درخصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی، امدادی و ارشادی؛
- نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارائیهای نقدی، جنسی و اموال منقول شهرداری و همچنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آن؛
- تأیید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری؛
- همکاری با شهرداری در تصویب طرح حدود شهر با رعایت طرحهای هادی و جامع شهری؛

مسکوت گذاشتن برخی از موارد، از جمله مرجع تشخیص و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها، جمع‌بندی و به تصویب نمایندگان رسیدن. مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۶۱ش، قانون تشکیلات شوراهای اسلامی را به تصویب رساند که در زمینه اختیارات محلی مناسب‌تر از قبل بود، اما با وقوع جنگ، تشکیل شورای شهر ناتمام ماند. دولت در ۱۳۶۴ش با تقدیم ماده واحده‌ای به مجلس و با استدلال قانونی کردن اقدام به ناچار غیرقانونی خود در انتصاب شهرداران و اداره امور شهرها، مجوزی اخذ کرد که قبلاً نیز سابقه‌ای تاریخی داشت. متن این ماده واحده حاکی از آن بود که تا تشکیل شورای اسلامی در هر شهر، وزیر کشور یا سرپرست وزارت کشور جانشین شورای اسلامی شهر در امور مربوط به شهرداریهاست. انتخابات سراسری شوراهای اسلامی شهر و روستا در ۱۷ اسفند ۱۳۷۷ش، مجدداً اختیار اداره شهرها و روستاها را به نهادهای مردمی سپرد.

استقبال چشمگیر مردم در اولین انتخابات سراسری ۱۳۷۷ش که بیش از ۴۰ هزار حوزه انتخاباتی را دربر می‌گرفت، به انتخاب ۲۰۰ هزار نفر برای اداره امور شهرها و روستاهای کشور منتهی شد و سرانجام در ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ش، شوراهای شهر و روستا رسماً کار خود را آغاز کردند.

در نگاهی کلی، سیر تاریخی شوراها را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

- ۱۲۸۴-۱۳۰۴ش: آرمانخواهی مشروطیت؛
- ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش: از کف رفتن قانون بلدیة مشروطیت؛
- ۱۳۲۰-۱۳۳۲ش: تکاپوی آزادی‌خواهی و دموکراسی؛
- ۱۳۳۲-۱۳۵۷ش: تحکیم خودکامگی و شکست انجمنهای شهر (شورای شهر تهران)؛ و
- ۱۳۷۸ به بعد: آغاز حیات شوراهای شهر.

وظایف و جایگاه حقوقی

براساس نظرات رایج حقوقی، سازمانهایی که به‌طور قانونی مستقل از دولت تشکیل می‌شوند، دارای شخصیت مستقل حقوقی هستند. براین اساس، ماده ۳ قانون شهرداری که به

• تصویب بودجه، اصلاح و متمم بودجه و تفریق بودجه سالانه شهرداری؛

• تصویب اساسنامه مؤسسات و شرکتهای وابسته به شهرداری؛

• تصویب لوایح و برقراری و لغو عوارض شهری؛ و

• بررسی و تأیید طرحهای هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها.

البته در انتهای بسیاری از وظایف فوق جملائی نظیر با هماهنگی دولت، اجازه وزارت کشور یا در صورتی که اختلال در کار شهرداری ایجاد نکند، آمده است. تعداد اعضای شورای شهر براساس قانون ۱۳۷۵ش، حداقل ۵ نفر و حداکثر ۱۵ نفر است.

مرور روند تاریخی شوراها حاکی از انطباق شکل گیری با حیات مجدد این نهاد مشارکتی با ۲ انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی در کشور است. به سخن دیگر، تحولات اجتماعی با تمایل مردم به دخالت در سرنوشت خویش، چه در سطح نخبگان و چه در سطح عموم، هم پا شده است.

قانون بلدیة با آنکه قانونی پیشرفته برای مدیریت شهری محسوب می شد، در عمل با شکست روبرو شد. شاید عمده ترین دلیل این شکست، بی تناسبی این قانون با شرایط و ویژگیهای جامعه آن زمان ایران بود. در سالهای آغازین سده ۲۰م، میزان شهرنشینی در ایران به سختی به ۲۰٪ می رسید؛ علاوه بر این، شهرنشینی در ایران فاقد ظرفیتهای ایجاد و پذیرش مدیریت شهری مستقل بود.

تاریخ طولانی استبداد و ماهیت مشارکتی انجمنها یا شوراها، موجب تعارض ذاتی با نظام سیاسی حاکم بود. از آنجا که مدیریت مشارکتی شهر اساساً با ۲ الگوی کلان مشارکت شهری، یعنی خودجوش و سازمان یافته، امکان پذیر است. عدم شکل گیری مناسب فرهنگ مشارکتی ناشی از عدم تبدیل مشارکت به هنجار فرهنگی در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، تحقق نهادهای واسط، همچون شوراها را با دشواری روبرو ساخته است. صرف نظر از این عامل درونی، عوامل بیرونی مانند ساختار سیاسی، گروههای ذی نفوذ و همچنین وجود سازمانهای مشارکت گریز، تحقق نظام مشارکتی مدیریت شهری را در قالب شوراها با دشواری روبرو می سازد. از نخستین قانون

بلدیة تا اولین قانون شوراها همواره فهرست مفصلی از ماده واحده و تبصره، شوراها را به نهادی وابسته با کارکردی حداکثر نظارتی تبدیل کرده است. با این وجود، تجربه تشکیل شوراهاى شهر پس از ۱۳۷۸ش حاکی از روندی آرام، اما رو به رشد از تعامل مردم، دولت و شهرداری در حوزه مدیریت شهری با به رسمیت شناختن شوراهاى شهر بشمار می رود.

کتاب شناسی:

- «از انجمن بلدی تا شورای شهر»، بولتن شماره ۱۹ شهرداری تهران، ۱۳۷۲.

- بروجردی، اشرف. *روزنامه توسعه*. شماره ۱۴۹۹، ۲۵ مهرماه ۱۳۸۵.
- حبیبی، سیدمحسن. *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

- حجتی اشرفی، علیرضا. *مجموعه کامل قوانین مقررات شهرداری شورای اسلامی*. تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۸۴.

- *روزنامه کیهان*. سال چهارم، ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸.

- *روزنامه کیهان*. سال چهارم، ۲۱ مهرماه ۱۳۵۸.

- *روزنامه رسمی*. شماره ۱۱۸۶۰، ۲۸ مهرماه ۱۳۶۴.

- سعیدنیا، احمد. *کتاب سبز شهرداریها*. جلد یازدهم، مدیریت شهری.
- شکیبا مقدم، محمد. *اداره امور سازمانهای محلی، شهرداری*. تهران: نشر هور، ۱۳۷۴.

- *صحفیه نور (مجموعه پیامها، سخنرانی و مکتوبات امام خمینی)*، جلد ۷، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.

- علوی تبار، علیرضا. *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور کشور*. جلد اول، چاپ دوم، انتشارات سازمان شهرداریها، ۱۳۸۲.

- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دوران، ۱۳۸۵.

- *مجله شهرداریها*، سازمان اتحادیه شهرداریهای ایران، شماره ۸، سال چهارم، ۱۳۷۹.

- *مجموعه قانون، تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور*. تهران: ناشر، ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۲.

- نوروزی، کامبیز. *بررسی قانون شهرداری*. جلد اول مبانی نظری و مفاهیم پایه. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۰.

- <http://www.shora-Tehran.ir>

سید ابوالحسن ریاضی

شورای روستا و شهر

Village and City Council(s)

شورا به عنوان مجمعی برای با هم اندیشیدن و تصمیم‌گیری و گاه به اجرا درآوردن تصمیمات، سابقه‌ای کهن دارد. آنچه از واژه شورا به ذهن متبادر می‌گردد، معنای رایزنی جمعی است. اساساً مشورت برای نفع جمعی و خیر عمومی را فضیلت شورا دانسته‌اند. از جمله اولین شوراهای سازمان یافته و مدون در گستره تاریخ، به قوم یهود تعلق دارد که با مفهوم سن‌هدرین (The Sanhedrin)، معرفی شده و همزمان هم شورای عالی و هم دادگاه بوده است. پس از این تجربه کهن، باید از شکل‌گیری جامعه مدنی و شهروندی در معنای محدود آن یاد کرد که در پولیسهای اولیه شکل گرفتند. پولیس (دولت-شهر) نخستین بار در بین‌النهرین یا دقیق‌تر در سومر تشکیل شد، اما دیری نپایید که از میان رفت و جای خود را به نظامی زورمدار و زورمحور داد. در مرحله بعدی، دولت شهر آتن و سپس امپراتوری رُم است که در این دو، انواع شوراها از جمله شورای خاندان و بستگان پدید آمدند. علت تأکید فراوان منابع موجود بر پیدایش مفاهیمی چون پولیس، جامعه مدنی، شهروندی و به تبع آن، شورا در آتن و سپس در امپراتوری رُم، پایدار ماندن چنین نهادهایی، آن‌هم علی‌رغم فراز و فرودهای بسیار در مغرب زمین است که زمینه پیدایش نظام شهروندی و مردمسالاری بشمار می‌رود. ریشه یونانی مفهوم شورا در زبان یونانی Synedrium و Synedrion است که از ۲ جزء Syn به معنای با هم بودن و Hedra به معنی قالب یا مجمعی برای با هم بودن افراد برای امری خاص و هدفی معین تشکیل شده است. از این‌رو، از همان آغاز، شورا مکانی برای تصمیم‌گیری جمعی تلقی می‌شده است. در زبان لاتین، مفهوم شورا برگرفته از واژه Consilium است که به معنای ارگانی مشورتی، تصمیم‌گیری یا اجرایی است. این واژه لاتین، ریشه واژه انگلیسی Council به معنای شورا است که تا به امروز در اشاره به انواع شوراها به کار

می‌رود. در سده‌های میانی، در اروپای غربی، انواع شوراهای اجتماعی به حیات خود ادامه دادند. در مناطقی چون گُل و شارلمانی شورای شهر که نهادی دنیوی در زمان حاکمیت کلیسا به حساب می‌آمد، برقرار ماند. با پیدایش سرمایه‌داری و ضرورت‌های این نظام به طلوع دولت-ملی، قلمرو ملی، شهروندی ملی یا تابعیت منجر گردید که با انقلاب‌های پی‌درپی، به‌ویژه انقلاب فرانسه، شوراها تثبیت و ماندگار شدند. امروز حداقل ۴ نوع نظام شورایی در دل ساختار سیاسی کشورهای جهان قابل شناسایی است که عبارتند از:

- مدیریت فدرالی یا غیرمتمرکز در تجربه ایالات متحد آمریکا، آلمان و استرالیا. در این نمونه، بسیاری از خدمات شهری و امور اجرایی و قانونگذاری در دست حکومت‌های مستقل محلی است؛

- مدیریت نامتمرکز یا وحدت‌گرا که به مدل انگلیسی معروف است و در انگلستان، اسکاتلند و ولز پدیدار و به بسیاری از مستعمرات سابق انگلستان برده شد. در دل این مدل، شاخه دیگری تحت عنوان مدیریت نامتمرکز مدل ژاپن قرار دارد که پس از جنگ دوم جهانی و با تصویب قانون حکومت‌های محلی، پدید آمده است.

- مدل مباشرتی فرانسوی. این مدل از الگوی کمون‌ها در دوران هفتاد و چند روزه حکومت کمونی اقتباس گردید و سپس، با سیستم مدیریت ناپلئونی ترکیب شد. در این مدل، با الهام از اصل تفکیک قوا و حکومت محلی، هر قوه بازوی اجرایی محلی خاص خود را دارد. در این مدل شهردار و شوراهای شهر مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند؛ و

- مدیریت شورایی یکپارچه که مهم‌ترین نمونه آن الگوی شوروی سابق است که انواع شوراها امور کشور را به‌دست داشتند. در عصر جهانی‌سازی این مدل به‌شدت تضعیف شده است.

باتوجه به چنین سابقه‌ای، مشخص می‌گردد که شورا معمولاً در جامعه مدنی تولد یافته، اما پس از انتخاب و شکل‌گیری، به جزئی از حکومت به نام حکومت محلی تبدیل می‌شود. البته در کنار این شکل غالب، انواع شوراهای صنفی، علایقی، وظیفه‌محور و غیره نیز وجود

• هر حکومت محلی در انجام وظایف خود نیازمند همکاری سایر سازمانها، نهادها و کنشگران در عرصه‌های گوناگون، از جمله سازمانهای دولتی است. قوانین مشخص و روشنی باید باشد که سازمانهای مختلف، به‌ویژه نهادهای دولتی را به این‌گونه همکاریها ملزم کند.

شوراهای اسلامی روستا و شهر در ایران، حداقل در ۴ مورد از ۵ مورد بالا با ضعفهای جدی روبرو هستند. شوراهای اسلامی روستا و شهر در جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین نهاد و به زعم بسیاری، تنها نهاد حکومت محلی در ایران هستند. برای شناخت دقیق شوراهای اسلامی شهر و روستا در ایران باید به سابقه آن، هرچند گذرا، نگاهی افکند. با توجه به اینکه اجتماع انسانی از همفکری و رایزنی بی‌نیاز نیست، وجود نوعی غیررسمی از شورا، متشکل از بزرگان، رهبران قومی - محلی یا به قول معروف مجمع ریش‌سفیدان، بدون تردید در ایران نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. علاوه آنکه به روایت مرحوم پیرنیا در کتاب *ایران باستان*، در آغاز، نظام حکومتی ایران بر پایه‌ای انتخابی از سلسله مراتبی مکان - خون و تبار محور تشکیل می‌شده است. واحد بنیادین آن نظام، خانوار بود و رؤسای خانوارها از طریق نوعی انتخاب رئیس واحد بالاتر متشکل از اجتماع خانوارها را تعیین می‌کردند. بنابراین، چنین نظامی از شورا، پدرسالارانه بود. اشاره مستند به اولین شورای حکومتی، به دوره اشکانیان بازمی‌گردد که نوعی شورای مشورتی متشکل از رهبران ایلی بود.

با طلوع دین مبین اسلام و تأکید قدرتمند آن بر مشورت و شورا تا بدان پایه که عنوان یکی از سوره‌های قرآن مجید، کتاب آسمانی و مقدس مسلمانان، *شوری* نام دارد، تأکید بر مشورت کردن به‌نحوی چشمگیر فزونی گرفت.

پیدایش حکومت محلی در قالب شورا در ایران به انقلاب مشروطیت بازمی‌گردد. در سالهای پرآشوب قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، در شهرهای مهم، به‌ویژه تبریز و تهران، نمادهای غیررسمی برای هدایت مبارزات مردمی و سپس اداره امور شهرها شکل گرفتند که *انجمن خوانده* می‌شدند. شمار این انجمنها

دارد. در کنار مدیریت محلی، شورا را نماد عرصه توافق تمام شهروندان، محل تعدیل و یکپارچه کردن تقاضاهای متنوع و پراکنده آحاد مردم و در یک کلام، محل نمایندگی کردن گروههای مختلف مردم‌اند. با واژه نمایندگی کردن همواره ۲ واژه مهم دیگر مطرح می‌شوند که به‌ویژه در مورد شوراهای مکان‌محور (استان، شهر، روستا، منطقه شهری و محله) اهمیتی بنیادین دارند. این ۲ واژه عبارتند از: پاسخگو بودن یا پاسخگویی و حساس بودن. امروزه ۳ ملاک نمایندگی (Representation)، پاسخگویی (Accountability) و حساس بودن (Responsiveness) و میزان و کیفیت آنها، معیار مهم ارزیابی شوراها محسوب می‌شود. برای آنکه نمایندگی کردن، پاسخگو بودن و حساس بودن دارای معنا باشد، شورا به اقتدار نیاز دارد، زیرا بدون وجود اقتدار روشن و تعریف شده، این ۳ واژه بی‌اثر می‌شوند. براین اساس، منابع و متون مرتبط با حکومت محلی و شورا معتقدند، شوراها به‌ویژه شوراهای مکان‌محور باید حداقل از ۵ شرط زیر برخوردار باشند:

• هر حکومت محلی که شورا، حداقل در ایران، مهم‌ترین نهاد معرف آن است، باید محدوده جغرافیایی تعریف شده‌ای را زیر پوشش خود داشته باشد و بتواند با اقتدار امور آن محدوده را در قالب قوانین مدون و روشن سامان بخشد؛

• ضرورت اقتدار کافی و حیطة اعمال اقتدار از طریق مجموعه‌ای از قوانین مختص حکومت محلی و به‌همین ترتیب، تعریف شده و حاوی مرزبندی مشخص بین اقتدار حکومت محلی و حکومت متمرکز مرکزی؛

• هر حکومت محلی مجاز به تعیین نوع منبع درآمد مستقل برای خود است که به‌صورت‌های مختلف، چون وضع عوارض، مالیات محلی و نظایر آن، واقعیت عینی پیدا می‌کند. چنین منبعی حکومت محلی و از جمله شوراهای محلی را از وابستگی به دستگاههای دولتی رها می‌سازد و آن را به شهروندان متکی می‌کند؛

• هر حکومت محلی باید بنیادی انتخابی داشته باشد تا بدان مشروعیت بخشد و سایر کنشگران را به پاسخگو بودن در مقابل حکومت محلی مجبور سازد؛ و

آبان‌ماه ۱۳۵۸ش این شوراها منحل گردیدند. از آن زمان تا روز ۱۳۷۷/۱۲/۷ش، مرتباً انواع جدید متممها، ماده واحده و نظایر آن تصویب شد که در عمل به کاهش اختیارات شوراها انجامید. در این روز، پس از ۲۰ سال، انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا برگزار شد و نهادهای یادشده تشکیل شدند. جالب توجه آنکه از انقلاب مشروطیت تا ۱۳۸۵ش، یعنی زمانی ۱۰۰ساله، به‌طور متوسط هر ۲/۵ سال لایحه‌ای، متمم، ماده واحده و نظایر آن در مورد شورا به تصویب رسیده است. جالب آنکه طی این ۱۰۰ سال، نزدیک به ۶۰ سال انجمن یا شوراهای محلی اساساً فعال نبوده‌اند. در حال حاضر، سلسله مراتب شوراهای تشکیل شده و فعال بدین شرح است:

- شورای اسلامی روستا؛
- شورای اسلامی شهر؛
- شورای اسلامی بخش؛
- شورای اسلامی شهرستان؛
- شورای عالی استانها.

نکته مهم در بحث شوراها، محدودیت اقتدار آنهاست، به نحوی که در قانون حاکم بر شوراها ۸۰ وظیفه نظارتی، اجرایی، مشورتی و غیره برعهده شوراها، به‌ویژه شوراهای شهر، قرار گرفته است، اما حتی در یک مورد، به‌استثناء انتخاب شهردار و دهیار، آن‌هم در شهرهای متوسط و بزرگ و تصویب بودجه و برنامه شهرداریها، هیچ‌گونه اقتدار، سازوکار و راهکاری جهت انجام وظایف یادشده برای شوراها در نظر گرفته نشده است. این امر موجب شده که در نوشته‌ها و در اظهارنظرهای اعضای شورا و مسئولان مختلف، از شوراهای شهر به‌عنوان شورای شهرداری یاد می‌شود. در قانون شورا چند بار به صراحت از الزام دستگاههای دولتی به همکاری با شوراها سخن رفته است، اما مشخص نشده است که چنانچه دستگاهی از همکاری خودداری کند، شوراها چه امکانی از حیث ضمانت اجرایی در اختیار دارند.

شوراهای اسلامی شهر و روستا نهادهایی منتخب مردم، آن‌هم به گونه‌ای مستقیم، بشمار می‌روند. سایر لایه‌های نظام

به بیش از ۱۰۰ می‌رسید. یکسال پس از تشکیل مجلس شورای ملی، این مجلس علی‌رغم مخالفت با انجمنها به دلیل دخالت آنها در کلیه امور و در برخی موارد تعدی به حقوق برخی از شهروندان، مجبور به پذیرش انجمنها و رسمیت بخشیدن بدانها گردید و طی متممی به قانون اساسی که از خود قانون مفصل‌تر بود، قانونی را با نام *قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی* به تصویب رساند. به این ترتیب، اولین نهاد رسمی حکومت محلی در ایران شکل گرفت (۱۳۲۶ش). ۴ سال پس از این، مجلس شورای ملی رأی به انحلال انجمنها داد (۱۳۲۹ش). در دوره رضاشاه پهلوی قانون شهرداریها در ۱۳۰۹ش به تصویب رسید. براساس این قانون دولت ملزم شد که انجمنهای شهر را تأسیس کند؛ امری که هرگز به وقوع نپیوست. در دوران نخست‌وزیری مصدق (۱۳۳۰ش)، قانون جدیدی به نام *قانون تشکیل شهرداریها و انجمنهای شهر* به تصویب رسید. با لایحه‌ای الحاقی که در ۱۳۳۱ش به این قانون اضافه شد، گرایش به جانب واگذاری اختیارات به انجمنهای شهر به‌عنوان نماد قدرت مردم بود. البته، در این قانون نیز دولت مایل نبود تا از قدرت کنترل‌کننده خود درگذرد یا آن را محدود سازد. بنابراین، برابر ماده ۵۵، دولت توانست با طرح مسئله انحلال انجمن در هیئت وزیران، آنها را منحل کند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، بحث حکومت محلی، حتی به‌شکل صوری و نمایشی آن، تا ۱۳۳۵ش مسکوت ماند. در ۱۳۳۵ش قانون جدید شهرداری که شامل ۹۵ ماده بود و فصول دوم تا چهارم آن به انجمن شهر اختصاص داشت، به تصویب کمیسیون مشترک مجالس شورا و سنا رسید. مجدداً در ۳۰ خرداد ۱۳۴۹ش، قانون جدیدی با عنوان *قانون تشکیل انجمنهای شهرستان و استان* به تصویب رسید.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر شورا رواج یافت و دهها نوع شورا در عرصه‌های مختلف کاری و اداری پدید آمد. البته، در جریان تصویب قانون اساسی، گستردگی شوراها تعدیل گردید. در تیرماه ۱۳۵۸ش، قانون شوراهای محلی به تصویب شورای انقلاب رسید و در ۲۰ مهرماه ۱۳۵۹ش، انتخابات شوراها در ۱۵۶ شهر برگزار شد، اما در

شورایاری

شده در اولین دوره شورای شهر تهران به صورت آزمایشی در ۸۹ محله (← محله) به اجرا درآمد. این شورایاریها از طریق انتخابان مستقیم و محلی تأسیس گردید. در دوره دوم شورای یاد شده در محله‌های بسیاری تأسیس و در کنار شورایاری از شورای معتمدان محلی به عنوان مترادف شورایاری نیز استفاده شد. طراح شورایاری علت پیدایش و ضرورت چنین پروژه‌ای را معلول کاستیهای تعیین‌کننده شوراهای اسلامی شهر دانسته است (← شوراهای روستا و شهر). در قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا، شوراهای منتخب محله‌ای جایگاه رسمی ندارند، اما با توجه به گستردگی، پیچیدگی و مسائل متنوع شهرهای متوسط، بزرگ و کلانشهرها (← کلانشهر)، دخالت قانونمندان، منضبط و تعریف شده آحاد شهروندان در عرصه‌ها و مسائل شهری ضرورتی انکارناپذیر است؛ این ضرورت پیوسته رو به افزایش است. شوراهای محله‌ای به دلیل درگیری ساکنان با مسائل روزمره شهری و حضور دائمی آنان در محل می‌توانند از یکسو، نقشی بسیار ارزنده در سازماندهی تقاضاهای پراکنده شهروندان، تعدیل خواسته‌های آنان و سازماندهی مشارکت فعال و با معنای ساکنان و از سوی دیگر، پاسخگو ساختن، شفافیت و حساس شدن سازمانهای عمومی، مانند شهرداریها و ادارات دولتی، نقشی جدی ایفا کنند. شورایاری چنین اهدافی را تعقیب می‌نماید. متأسفانه شورای اول شهر تهران با حذف مهم‌ترین رکن شورایاری، یعنی گروههای کار داوطلبانه محله‌ای که در طرح اولیه به ۲۴ مورد آنها اشاره شده است، شورایاری را به نهادی مشورتی تقلیل داد. در ایران همواره دستاوردهای غیررسمی شوراها در تمامی سطوح، بر آنچه که رسماً قادر به انجام آن هستند، برتری دارد. طراح پروژه با استفاده از تبصره ماده ۷۱ قانون شورا که تشکیل سازمانها و نهادهایی در جهت پیشبرد وظایف شوراها را مجاز دانسته است، به طراحی پروژه مبادرت کرد و با اشاره به این تبصره، تصویب آنها نیز ممکن گردید. پروژه شورایاری از ۳ جزء اساسی تشکیل می‌شود:

• جزء نخست، ستاد مرکزی آن است که زیر نظر مسئول کمیسیون اجتماعی - فرهنگی شورای شهر اداره می‌شود؛

شوراهای محلی نیز از آنجا که از اعضاء شوراهای پائین دستی انتخاب می‌شوند، غیرمستقیم، منتخب مردم‌اند. حضور بیش از ۱۰۰ هزار عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا، منعکس‌کننده یکی از مهم‌ترین گامها در مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی و ساماندهی محیط زندگی و موطن خود است. چنانچه فقدان اقتدار مرتفع گردد و نحوه انجام وظیفه شوراهای شهر و روستا به روشنی مشخص شود، مهم‌ترین گام در جهت نمایندگی، پاسخگویی و حساس بودن برداشته خواهد شد. دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا ۴ ساله است و برای انتخاب شدن و انتخاب کردن رسماً محدودیت جنسیتی وجود ندارد.

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، محمد. *اداره امور حکومتیهای محلی: مدیریت شوراها و شهرداریها*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- نجاتی حسینی، سید محمود. *برنامه‌ریزی و مدیریت شهری: مسائل نظری و چالشهای تجربی*. تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.
- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Frug, G. *City Making: Building Communities Without Building Walls*. Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۹.
- Svava, J. *Official Leadership in the City: Patterns of Conflicts and Cooperation*. New York: Oxford University Press.
- Fenwick, J. *Managing Local Government*. Chapman and Hall, ۱۹۹۵.

پرویز پیران

شورایاری

Neighborhood Council

شورایاری مفهومی است که توسط نگارنده این مدخل، در قالب پروژه‌ای علمی طراحی و تدوین گردیده و به اولین شورای اسلامی شهر تهران پیشنهاد شده است. پروژه یاد

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

طی دوره قاجار (۱۱۶۵-۱۲۹۹ش)، قوانین و ضوابط شهرسازی در ایران منوط به انجام بعضی اقدامات شهرسازی، مانند ایجاد شهر جدید اراک، تهیه نقشه تهران، سرشماری ۱۲۴۸ش، اقدامات شهرسازی منبث از معماری اروپایی در تهران، عمران و ترمیم و بازسازی بعضی بناها، انجام بعضی از اقدامات عمرانی، مانند نهر کرج، ایجاد دارالفنون، راههای ارتباطی، ایجاد بعضی کارخانه‌ها و بالاخره، در دوران بعد از انقلاب مشروطیت، تصویب قانون بلدیة در ۱۲۸۶ش.

تا پیش از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن در ۱۳۴۳ش که براساس قانون ۱۳۵۳ش به مسکن و شهرسازی تغییر نام یافت، عمده اقدامات شهرسازی کشور، شامل ایجاد مراکز اداری جدید در شهرها، تعریض و گسترش معابر، بهسازی بعضی از شهرها، تصویب قانون بلدیة در ۱۳۰۸ش اصلاح آن در ۱۳۰۹ش، تصویب نقشه برای تهران (۱۳۰۹ و ۱۳۱۶ش) و همدان (۱۳۱۰ش)، تصویب قانون تعریض و توسعه معابر و خیابانها در ۱۳۱۲ش و اصلاح آن در ۱۳۲۰ش، تأسیس شورای عالی برنامه‌ریزی و آغاز اقدام به تهیه طرحهای عمرانی از ۱۳۲۷ش، لایحه قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر، لایحه قانونی ثبت اراضی موات تهران و ایجاد بعضی از کویهای مسکونی می‌شود. در این دوره عمده اقدامات شهرسازی را وزارت کشور (← وزارت کشور) و شهرداریها انجام می‌دادند.

در ۱۳۴۳ش، براساس قانون مصوب مجلس وقت در ۱۳۴۲ش، وزارت آبادانی و مسکن بنیان گذاشته شد. هدف از ایجاد این وزارتخانه، ایجاد تمرکز و هماهنگی در تهیه و اجرای طرحهای شهرسازی، ده‌سازی و طرحهای آبادانی بود. بعضی از وظایف این وزارتخانه شامل تهیه و اجرای طرحها و برنامه‌های تهیه مسکن و خانه‌های سازمانی، تهیه و اجرای طرحهای ساختمانی برای مؤسسات دولتی،

• جزء دوم، واحد رابطین شورا با شهرداری در رابطه با مسائل شورایاری است؛ و
• جزء سوم، گروههای کار داوطلبانه محلی است.

شورایاری فاقد سلسله مراتب اداری است و در طرح اولیه آن، الگوی شبکه‌ای متشکل از سلولهای مستقل پیش‌بینی شده است. گروههای کار محله‌ای بسیار متنوعند. چشم‌انداز اصلی این است که گروههای کار محله‌ای کلیه افراد ساکن محله را دربرگیرد. همچنین در طرح اولیه، صندوقی به نام صندوق خودتکایی شورایاری پیش‌بینی شده است. این صندوق علاوه بر جمع‌آوری کمکهای مردمی و هزینه کردن آن با نظارت نمایندگان منتخب مردم و صرفاً بر پایه برنامه تدوینی هر شورایاری، از ۲ طریق دیگر نیز منابع مالی جمع‌آوری می‌کند:

• شکل اول، از طریق انجام فعالیتهایی است که سودآورند؛ برای نمونه، گروه کار محله‌ای زنان خانه‌دار به تفکیک زباله از مبدأ می‌پردازد و درآمد حاصل را به نسبت ۳۰٪ برای خانوار و ۷۰٪ برای صندوق تقسیم می‌کند؛ و

• شکل دوم، به عهده گرفتن خدمات شهری در محله و دریافت سهم محله از هزینه خدمات است. برابر ارقام ۱۳۷۵ش هزینه خدمات شهری تهران حدود ۴۰ میلیارد تومان برآورد شده بود، حال هر محله با تقبل بخشی از خدمات یاد شده، مانند آبیاری مشارکتی فضای سبز محله، سهم خود از مجموعه هزینه‌های خدمات شهری را دریافت می‌کند. در کنار ۳ منبع پایدار درآمدزایی، اقدامات داوطلبانه دیگری، مانند برگزاری انواع نمایشگاه و فروش دست‌ساخته‌های افراد محله نیز امکان‌پذیر است.

به هر تقدیر شورایاری، حکومت محلی را در سطح محله تأسیس می‌کند. در طرح اولیه گفته شده است که شورایاری سازمانی است غیراداری، غیر سلسله‌مراتبی، تمام مشارکتی و سراسری. باید توجه داشت که منظور از سراسری، نمایندگی کردن آحاد مردم محله است؛ بدین دلیل، هیچ شورایی نباید سیاسی به معنای جناحی آن شود، زیرا در صورت جناحی شدن، مردم را به گروههایی مقابل هم تقسیم خواهد کرد که نقض غرض خواهد بود. به این دلیل، شورایاری درعین حال غیرسیاسی تلقی می‌شود.

نیازمندیهای عمومی شهر، بررسی و تصویب نهایی طرحهای جامع شهری و تغییرات آن خارج از نقشه‌های تفصیلی و سرانجام، تصویب معیارها، ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی است.

اعضای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران شامل وزیر مسکن و شهرسازی (رئیس شورا)، وزیر کشور، صنایع، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیرو، جهاد کشاورزی (وزارت جهاد کشاورزی)، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، راه و ترابری و رؤسای سازمانهای مدیریت و برنامه‌ریزی و حفاظت محیط زیست است. یک نفر از اعضای کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری مجلس شورای اسلامی نیز به‌عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شرکت می‌کند. در مورد بررسی طرحهای جامع شهری و تغییرات آنها از نظرات استاندار، شورای شهرستان و شورای شهر و شهردار و کارشناسان ذی‌صلاح استفاده خواهد شد. از استانداران یا معاونان عمرانی ایشان رؤسای سازمان مسکن و شهرسازی استان مربوط، شهردار شهر مربوط و رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور یا نماینده وی برای حضور در جلسه - بدون حق رأی - دعوت به عمل می‌آید.

دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران زیر نظر معاون شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی قرار دارد. مسئولیت دبیری شورا نیز با معاون شهرسازی و معماری این وزارتخانه است. این شورا همچنین کمیته فنی دارد که اعضای آن نمایندگان اعضای اصلی شورای عالی هستند. این شورا یک گروه تخصصی نیز دارد که اعضای آن از بین متخصصان مرتبط با برنامه‌ها و طرحهای مربوط برگزیده می‌شوند.

به‌موجب قانون، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، وظایف مختلفی دارد که عبارتند از:

- تهیه معیارها و ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی؛
- بررسی و اظهارنظر در مورد طرحهای جامع شهری از طریق کمیته فنی؛
- نظارت بر تهیه طرحهای جامع و تفصیلی؛
- جلب نظر شورای اسلامی شهر و شهرداری مربوط در حین تهیه طرح تفصیلی؛

اشتراک مساعی با شهرداریها در تهیه و اجرای طرحهای آبادانی شهرها، نظارت بر توسعه شهرها و اشتراک مساعی در تهیه نقشه شهر، تنظیم موازین و مشخصات فنی برای طرحهای تهیه مسکن و امور شهرسازی و ده‌سازی و ساختمانهای دولتی و بالاخره، تهیه و اجرای طرحهای ساختمانی بود که هیچ سازمان دولتی دیگری متصدی آنها نبود. به این ترتیب، تأسیس وزارت آبادانی و مسکن نقطه عطفی در نظام شهرسازی کشور به حساب می‌آید. از جمله اولین اقدامات این وزارتخانه، تهیه طرح جامع شهری برای شهرهای بزرگ ایران بود. به همین خاطر و به منظور بررسی و تصویب چنین طرحهایی و سیاستگذاری برای نظام شهری کشور، این وزارتخانه به‌موجب اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق چند ماده به قانون شهرداری، شورای عالی شهرسازی را در ۱۳۴۵ش بنیان نهاد. افزایش تعداد شهرها و جمعیت شهری کشور و تحولات مرتبط با نظام شهرسازی کشور، که نیازمند رسمیت بخشیدن هرچه بیشتر به تصمیمات، مصوبات، تدابیر و پیشبرد اهداف شهرسازی بود، موجب شد که در ۱۳۵۱ش قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تصویب مجلس شورای ملی وقت بگذرد.

به‌موجب قانون مصوب تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در ۱۳۵۱ش و اصلاحات بعدی آن، هدف از تأسیس این شورا هماهنگ کردن برنامه‌های شهرسازی به‌منظور ایجاد محیط زیست بهتر برای مردم و همچنین اعتدالی هنر معماری ایران و رعایت سبکهای مختلف معماری سنتی (ملی) و یافتن شیوه‌های اصولی و مناسب ساختمانی در مناطق مختلف کشور، با توجه به شرایط اقلیمی و طرز زندگی و مقتضیات محلی بود.

وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران شامل بررسی پیشنهادها لازم در مورد سیاست کلی شهرسازی برای طرح در هیئت وزیران، اظهار نظر نسبت به پیشنهادها و لایحه‌های شهرسازی و مقررات مربوط به طرحهای جامع شهری، شامل منطقه‌بندی، نحوه استفاده از زمین، تعیین مناطق صنعتی، بازرگانی، اداری، مسکونی، تأسیسات عمومی، فضای سبز (فضای سبز شهری) و سایر

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

دبیرخانه‌ای دارد که بخشی از معاونت یا مدیریت شهرسازی و معماری در سازمان مسکن و شهرسازی استان است. مسئولیت این دبیرخانه با رئیس سازمان مسکن و شهرسازی استان است که نقش دبیری شورای عالی استان را نیز برعهده دارد. در غیاب او، مدیر یا معاون شهرسازی و معماری سازمان این وظیفه را برعهده می‌گیرد. مدیریت جلساتی که به طرحهای روستایی مربوط می‌شود، برعهده مدیرکل دفتر فنی استانداری است. شورای عالی استان نیز به‌نسبت سلسله مراتب کل شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، از یک کمیته فنی بهره می‌گیرد که متشکل از نمایندگان اعضای اصلی شورای استان و نماینده استاندار از دفتر فنی استانداری است که قاعدتاً از میان کارشناسان مجرب انتخاب می‌شوند.

براساس ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، کمیسیون ماده ۵ (← کمیسیون ماده ۵) در هر استان به ریاست استاندار و عضویت مدیران کل سازمان مسکن و شهرسازی، میراث فرهنگی و گردشگری، جهاد کشاورزی، رئیس شورای شهر، شهردار شهر مربوط و مهندس مشاور یا نهاد تهیه‌کننده طرح تفصیلی شهر تشکیل می‌شود. علاوه‌براین، از نماینده سازمان نظام مهندسی استان، مدیرعامل سازمان آب و فاضلاب، حفاظت محیط زیست و مدیرکل دفتر فنی استانداری - بدون حق رأی - برای شرکت در جلسه دعوت به عمل می‌آید.

تصویب طرحهای جامع شهری، طرحهای ساماندهی فضا، طرح آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین)، طرحهای کالبدی ملی (← طرح کالبد ملی)، منطقه‌ای، طرحهای جامع ناحیه‌ای و شهرستان، طرحهای مجموعه شهری، رفع بعضی از ابهامات طرحهای تفصیلی شهری، مکانیابی و ایجاد شهرهای جدید، طرحهای ملی مؤثر در توسعه شهرها، طرحهای ویژه‌ای که ضرورت تهیه آنها در چارچوب وظایف قانونی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است، سیاستگذاری و ضوابط شهرسازی، مسکن و موارد مشابه از جمله وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری ایران محسوب می‌شود. برنامه‌های توسعه و عمران هر استان نیز در شورای برنامه‌ریزی استان و بر مبنای سیاستهای

• نظارت بر اجرای مراحل طرحهای تفصیلی شهری؛
• ابلاغ مصوبات شورای عالی به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول و ارشاد و راهنمایی در مورد مسائل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری؛

• ایجاد مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری؛
• جمع‌آوری اطلاعات و آمار اقتصادی، اجتماعی و شهرسازی و معماری؛

• تشکیل نمایشگاههای مختلف معماری و شهرسازی با همکاری نهادهای مربوط؛ و

• انجام مسابقات شهرسازی و معماری و همایشهای مرتبط. به‌موجب ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان را کمیسیون به ریاست استاندار انجام می‌دهد. کلیه مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برای شهرداریهای سراسر کشور لازم‌الاجراست.

به‌منظور تمرکززدایی (← تمرکززدایی) از تصمیم‌گیری (← تصمیم‌سازی) و انتقال بعضی از وظایف تصمیم‌گیری در اموری که مستلزم آشنایی بیشتر مقامات و مدیران محلی است، در هریک از استانهای کشور نیز شورایی به نام شورای عالی شهرسازی و معماری استان تأسیس می‌شود، که ریاست آن با استاندار است. اعضای این شورا متشکل از رؤسای سازمانهای مسکن و شهرسازی، مدیریت و برنامه‌ریزی، میراث فرهنگی و گردشگری، آب و فاضلاب، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و راه و ترابری استان است. در غیاب استاندار، معاون عمرانی استانداری ریاست جلسه را برعهده خواهد داشت. بنابر تشخیص رئیس شورای استان و برحسب مورد، از رئیس شورای اسلامی و شهردار شهر مربوط و رئیس سازمان نظام مهندسی استان - بدون حق رأی - نیز دعوت به عمل می‌آید. شورای عالی شهرسازی و معماری استان وظایف شورای عالی شهرسازی و معماری کشور را برای استان مربوط به انجام می‌رساند و آنها را برحسب مورد به شورای عالی مستقر در تهران ارجاع می‌دهد.

شورای عالی شهرسازی و معماری استان به‌نوبه خود

شورای محله

شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب می‌رسد. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۷۹ ش، ۱۹۲ مصوبه در ارتباط با مقررات شهرسازی و اعمال سیاستهای شهرسازی در کشور به تصویب رسانده است. همچنین در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۳ ش بالغ بر ۳۴۱ طرح جامع- ملی، منطقه‌ای، شهرستان، شهر، شهر جدید را از تصویب خود گذرانیده است.

شورای شهر تهران هدف خود را از تشکیل این انجمن، رفع مشکلات شهری، تمرکززدایی و افزایش مشارکت شهروندان اعلام کرد. ماده ۳ این مصوبه حوزه فعالیت انجمن شورایی را در مقیاس محله (← محله) در سطح شهر تهران تعیین کرد. پرهیز شورای شهر برای استفاده از واژه شورای محله، به عدم تصریح قانون برای تشکیل این شورا و تفسیر سایر مراجع قانونی برای برگزاری انتخابات و حدود اختیارات شورای محلات باز می‌گشت.

پس از تصویب اساسنامه شوراییها در جلسه سی و پنجم، مصوبه به تأیید فرمانداری تهران رسید و عملاً حکم قانونی محلی را یافت. این مسئله راه را برای تشکیل اولین شورای محله شهر تهران گشود و در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۹ ش، رئیس وقت شورای شهر تهران در نامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی، ضمن ابلاغ مصوبه خواستار تهیه و تدوین آئین‌نامه اجرایی تشکیل شوراییها شد.

شورای اول شهر تهران در ۱۳۷۹ ش، برای ارزیابی مسائل و مشکلات پیش‌رو، ابتدا انتخابات شوراییاران ۱۰ محله را به صورت نمونه برگزار کرد؛ در پی آن، در ۱۳۸۱ ش با زیر پوشش قرار دادن ۷۸ محله دیگر، گام نخست را برای نهادینه کردن شورای محلات برداشت. طبق اساسنامه تعداد اعضای شوراییها ۷ عضو اصلی و ۳ عضو علی‌البدل و مدت زمان عضویت آنان در شوراییاری ۲ سال تعیین شد. ارکان انجمن شوراییاری عبارت بود از:

- ستاد هماهنگی؛
- انجمن شوراییاری؛ و
- گروههای کاری.

ستاد هماهنگی مرکب از ۳ عضو شورای اسلامی شهر تهران و وظیفه اصلی آن شامل موارد زیر بود:

شورای عالی شهرسازی و معماری به تصویب می‌رسد. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران طی دوره ۱۳۵۶-۱۳۷۹ ش، ۱۹۲ مصوبه در ارتباط با مقررات شهرسازی و اعمال سیاستهای شهرسازی در کشور به تصویب رسانده است. همچنین در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۳ ش بالغ بر ۳۴۱ طرح جامع- ملی، منطقه‌ای، شهرستان، شهر، شهر جدید را از تصویب خود گذرانیده است.

کتاب‌شناسی:

- حبیبی، سیدمحسن. *از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثیر*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- احسن، مجید. *مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی*. جلد ۱ و ۲، تهران: معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲.

اسماعیل شیعه

شورای محله

اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور قرار داده است. با وجود پیش‌بینی ساختار و چارچوب وظایف این تکلیف قانونی در اصل یکصدم، تنها از شورای محل ذکر نام صورت نگرفته است که این مسئله موجب ابهام قانونی و عدم شکل‌گیری شورای محل تاکنون گردیده است.

با توجه به تعلیق اصول یکصدم تا یکصدوششم در سالهای پس از جنگ، تا ۱۳۷۷ ش عملاً شورای محله نیز مانند سایر شوراها، از جمله شورای شهر، محقق نگردید. پس از تشکیل شوراها در ۱۳۷۸ ش، برای نخستین بار، شورای شهر تهران در ۴ آبان همان سال تشکیل انجمنهای شوراییاری شهر تهران را به تصویب رساند (←

شورای محله

تأسیس انجمنهای غیردولتی محدود دانسته و خواستار مستندات شورای شهر برای فعالیت شوراییها شده است.

وارد ساختن اشکال قانونی به انجمن شورایی محلات و عدم مجوز شهرداری برای تخصیص بودجه و برگزاری انتخابات باعث شد، تا شورای شهر ضمن تغییر نام انتخابات شوراییها به انجمنهای معتمدین محلات (شوراییها) در جلسه مورخ ۹ آبان ۱۳۸۴ ش، مجوز تأمین بودجه را از محل اعتبارات شورای اسلامی شهر تهران به مبلغ ۲۰ میلیارد ریال تصویب کند.

رایزنیهای رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی و رئیس شورای شهر در آن زمان برای رفع موانع سیاسی در سطح وزارت کشور و ریاست جمهوری، موانع برگزاری انتخابات دوم شورایی محلات را مرتفع کرد و سرانجام، در اسفند ۱۳۸۴ ش، دومین دوره انجمنهای شورایی محلات در سطح ۳۷۱ محله شهر تهران برگزار و در هر محله ۱۰ نفر به عنوان شوراییار انتخاب شدند.

به دنبال برگزاری انتخابات سراسری شورایی تهران و تأثیرپذیری شهرهای دیگر از اقدامات این شورا، طی ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ ش، شهرهای بندرعباس، مشهد، شیراز و خرمآباد نیز به صورت انتصابی و نه انتخابی، شورایی محلات را اجرایی کردند. در حال حاضر، رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای شهر تهران به عنوان رئیس ستاد شوراییها، مسئولیت هماهنگی، حمایت و هدایت ۳۷۱ شوراییار شهر تهران را برعهده دارد.

تغییر و اصلاح بند ۷ ماده ۷۰ قانون شوراها در مجلس شورای اسلامی در ۱۳۸۶ ش و تبدیل عبارت «اقدام در خصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی...» به «حمایت از انجمنها و نهادهای اجتماعی...»، حوزه عمل شوراهای شهر را محدود کرد که این مصوبه با توجه به اظهار نظر شورای نگهبان مبنی بر حد و حصر وظایف قانونی شوراها به نقش صرفاً نظارتی، چشم انداز شوراییها را با ابهام همراه ساخت.

در حال حاضر، شوراییار شهر تهران عمدتاً با کارکرد نظارتی، مشورتی و آموزشی در چارچوب سیاستهای شورای شهر و با حوزه اختیارات محدود اجرایی در سطح

• ابلاغ تصمیمات شورای شهر به انجمن شوراییار؛

• هماهنگی بین انجمنها؛

• پیگیری و اجرای برنامه‌ها و خط‌مشیهای ابلاغ شده از سوی شورای شهر؛

• انتقال پیشنهادات، نظرات و طرحهای انجمنهای شوراییار به شورای شهر؛ و

• بازرسی، در صورت درخواست شورای شهر.

در ماده ۱۱ اساسنامه شوراییارها، تشکیل گروههای کاری با حضور کارشناسان مربوط پیش‌بینی شده بود که امکان گسترش سطح مشارکت شهروندان را در امور جاری محله فراهم می‌ساخت: در اساسنامه ۱۹ وظیفه برای شوراییار در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آنها به این قرار است:

• ارائه طرح و پیشنهاد برای بهبود وضع سفرهای درون شهری؛

• تلاش جهت ایجاد محیطی سالم از نظر زیست محیطی؛

• تهیه طرحها و پیشنهادات در زمینه ایجاد نشانه‌ها، یادمانهای شهری و پیشنهاد نامگذاری معابر، میداين و خیابانها؛

• تلاش برای ایجاد اماکن گذران اوقات فراغت جوانان؛

• همکاری با شورای اسلامی شهر برای برقراری آرامش، امنیت شهری و مبارزه با آسیبهای اجتماعی؛

• تهیه و تدارک زیباسازی و بهینه‌سازی فضای زیست شهری؛

• توسعه مؤسسات عام‌المنفعة و فعالیتهای داوطلبانه؛

• بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائیهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی؛

• تلاش در جهت اداره تأسیسات عمومی؛

• همکاری با شورای شهر در جهت کنترل قیمتها و کرایه‌های درون شهری؛ و

• همیاری در اداره اماکن مذهبی و فرهنگی.

تبصره این ماده به غیرقابل واگذار بودن اختیارات قانونی شورای شهر و مشورتی بودن شوراییارها اشاره دارد.

همچنین اختیارات بند ۷ ماده ۷۱ شورای اسلامی، شهر تهران را تنها به صدور مجوز از طریق وزارت کشور برای

شهر الکترونیک

رسمی - علنی شورای اسلامی تهران به تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۴ش به شماره (۲/۸۴/۲۰۷/۵).

• مصاحبه با آقای علیرضا طالب‌نژاد کارشناس ارشد شورای شهر تهران و رئیس ستاد انتخابات دومین دوره انتخابات شوراییاریهای محلات تهران.

• بند ۷ ماده ۷۰ به این شرح است: «اقدام درخصوص تشکیل انجمنها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تأمین تعاونیهای تولید و توزیع و مصرف، نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با توافق دستگاههای ذی‌ربط فرمانداری تهران و وزارت کشور (← وزارت کشور) این ماده را به اخذ موافقت وزارت کشور توسط شورای شهر برای تأمین سازمانهای غیردولتی (NGO) (← سازمانهای غیردولتی) تفسیر کرده و با استفاده شورای شهر از این بند برای تشکیل شوراییاریها مخالف است.

سید ابوالحسن ریاضی

شهر ← سکونتگاه شهری

شهر الکترونیک

Electronic City

شهری بهره‌مند از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی برای ارائه خدمات شهری به شهروندان به صورت شبانه‌روزی و بدون تعطیل و بی‌وقفه با استفاده از وسایل الکترونیک.

امروزه شهر الکترونیک در جهان واژگانی آشنا و موضوعی مطرح در تمام کشورهاست. تاریخ مشخصی از شروع به کار شهرهای الکترونیک در جهان وجود ندارد، اما در ایران این واژگان اولین بار در ۱۳۷۹ش همراه با موضوع شهر الکترونیک جزیره کیش مطرح شد. توسعه شهرهای

محله، وظیفه جذب و افزایش میزان مشارکت شهروندان را برعهده دارد و در عمل، مسئول برقراری ارتباط میان شهروندان با مدیریت شهری است.

ضمیمه

• مجموعه قانون، تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران ریاست جمهوری - معاون پژوهشی، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، زمستان ۱۳۸۲ش.

• نامه رئیس شورای اسلامی شهر تهران خطاب به رئیس کمیسیون فرهنگی - اجتماعی، زیست شهری به شماره ۱۶۰/۶۹۵۳ به تاریخ ۷۸/۸/۹ش.

• «الزام شهرداری تهران به تهیه و ارائه لایحه بودجه انجام انتخابات تشکیل دومین دوره انجمنهای شوراییاری محلات تهران مشتمل بر ماده واحده مصوب یکصد و نود و چهارمین جلسه رسمی - علنی - عادی شورای اسلامی شهر تهران (دوره دوم) به تاریخ یکشنبه بیستم آذرماه ۱۳۸۴ش به شماره (۲/۸۴/۱۹۴/۳).

• ماده ۸۰ اصلاح شده در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۶ش به این قرار است «مصوبات کلیه شوراهای موضوع این قانون (شورای شهر) در صورتی که پس از ۲ هفته از تاریخ ابلاغ مورد اعتراض قرار نگیرد لازم‌الاجراست و در صورتی که مسئولین ذی‌ربط آن را مغایر با قوانین و مقررات کشور و یا خارج از حدود وظایف و اختیارات شوراها تشخیص دهند می‌توانند با ذکر مورد و به‌طور مستدل حداکثر ظرف ۲ هفته از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را به اطلاع شورا رسانند و درخواست تجدید نظر نمایند. شورا موظف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول اعتراض تشکیل جلسه داده و به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید. در صورتی که شورا در بررسی مجدد از مصوبه مورد اختلاف عدول نماید موضوع برای تصمیم‌گیری نهایی به هیئت حل اختلاف ذی‌ربط ارجاع می‌شود. کلیات مزبور مکلف است ظرف ۱۵ روز به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید.

• «مجوز تأمین بودجه تشکیل دومین دوره انجمنهای شوراییاری محلات شهر تهران از محل اعتبارات شورای اسلامی شهر تهران» مصوب دویست و هفتمین جلسه

شهر الکترونیک

کاربردهای این فناوری نزدیک به ۸۵٪ از امور روزمره جوامع را به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر خود قرار می دهد. سرعت گسترش این پدیده و تأثیرگذاری آن بر زندگی بشر هزاره سوم بسیار زیاد است، به طوری که از هم اکنون آثار تأثیر آن در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشهود است، و می رود تا بنیانهای سستی اداره جوامع را دچار تغییر و تحول کند و بدینسان، نظام جدیدی از مدیریت را وارد عرصه زندگی و فعالیت کند. میزان تأثیرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن در جهان به اندازه ای زیاد بوده که سران کشورهای جهان را به گونه ای متأثر ساخته تا با برگزاری ۲ اجلاس مهم در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ م به ترتیب در ژنو و تونس، پایه های اصول جامعه اطلاعاتی را که در آن شهرهای الکترونیک نقش مهمی دارند، طراحی نموده، خود را برای تغییرات بیشتر آماده کنند.

الکترونیک در جهان با سرعت به پیش می رود و فرصتهای بسیاری را برای محیطهای زندگی، کار و تفریح مردم به وجود می آورد. شهرهای الکترونیک در یک جامعه اطلاعاتی بستری را فراهم می کنند تا مردم خود را با زندگی هزاره سوم که کاملاً متفاوت با زندگی سنتی گذشته است، وفق دهند و تجربیات جدیدی را آغاز کنند. اگرچه تجربه زیادی از زندگی در شهرهای الکترونیک وجود ندارد و آینده این نوع زندگی نیز هنوز کاملاً مشخص نیست، اما باید پذیرفت که نسل جدید و جوان آن را باور دارد و به عنوان یک حقیقت پذیرفته است.

شهر الکترونیک بر اساس اصول و مبانی پایه فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته است و به عنوان یکی از کاربردهای این فناوری در حال توسعه است. نزدیک به ۲ دهه است که واژه فناوری اطلاعات یا فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک پدیده نوظهور و قدرتمند، جای خود



اغلب کشورهای توسعه یافته که در مواجهه با فناوریهای

را در جهان باز کرده است و گفته می شود که تا ۲۰۱۰م

بتوانند با هم و با شهرداری و شورای شهر کار کنند و با نوآوری و خلاقیت‌های خود در اداره امور شهر همکاری داشته باشند. همکاری با مسئولین شهری باعث می‌شود تا کمیت و کیفیت خدمات شهری بهبود یابد و مردم بابت خدمات شهری هزینه کمتری پرداخت کنند. تصور کنید، تمام ارتباطات شرکتهای صنعتی با شهر الکترونیک تحت شرایطی قرار گیرد که تمام تعاملات آنها به سادگی از راه دور انجام شود. به سخن کوتاه، شهر الکترونیک می‌تواند دسترسی به همه این تسهیلات و بسیاری تسهیلات دیگر را فراهم کند.

شهر الکترونیک نه تنها تمام مردم را به یکدیگر و به محیط کسب و کار ارتباط می‌دهد، بلکه زمینه شراکت در ایده‌ها، نوآوریها و خلاقیتها را فراهم می‌کند. نسل جدید با پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات خود را آماده زندگی جدیدی می‌کند که بستر آن را شهر الکترونیک می‌سازد. همین‌طور که امروز بدون برق و انرژی نمی‌توان زندگی مناسبی داشت، نسل آینده نیز بدون اینترنت و کاربردهای آن از جمله شهر الکترونیک، نمی‌تواند شرایط کار و زندگی خود را به‌نحو بهینه بسازد. امروزه نسل جدید به دنبال تغییر وضع موجود است و اگرچه نسل گذشته هنوز آمادگی واگذاری مسئولیتها را به نسل مجهز به فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن ندارد، اما نهایتاً این فناوری هر دو نسل را تسلیم به همراهی یا روند توسعه خود وادار می‌کند. شهر الکترونیک واقعیتی است که دیر یا زود باید آن را پذیرفت، زیرا یقیناً کیفیت شهر دیجیتالی به مراتب بهتر از شهر کاغذی سنتی است!

شهر الکترونیک برای آن درست نشده است که فقط کارهای اداری را سرعت دهد و یا دقت آنها را بالا ببرد و یا اینکه اطلاعات را در هر زمان دلخواه در اختیار شهروندان قرار دهد، بلکه علاوه بر این، شهر الکترونیک یک نظام پویاست که نسبت به درخواست کاربران منعطف است و متناسب با نیازها قابل اصلاح و تغییر است.

از آنجا که نماد نهایی شهر الکترونیک یک درگاه یا وب سایت است، امکان هماهنگی سازمانها در خدمات‌رسانی به مردم بیشتر می‌شود، هزینه‌های خدمات کاهش می‌یابد و بر

نوبت پذیرندگی بیشتری دارند، با سرعت و به سادگی فایده‌ها و مخاطرات کاربردی فناوری اطلاعات و ارتباطات را پذیرفته و با سرعت بیشتری از آن استفاده می‌کنند. بعضی از کشورهای در حال توسعه و یا فقیر که یا از مزایا و فرصتهای این فناوری بی‌اطلاعند و یا امکانات اقتصادی لازم برای به کارگیری آن را ندارند، در این زمینه دچار عقب‌ماندگی شده‌اند. دسته دیگری از کشورها نیز وجود دارند که از نظر امکانات مالی مشکلی ندارند، اما با نگرشی ایدئولوژیک با این پدیده نوظهور برخورد می‌کنند و باعث تأخیر و یا مانع استفاده مردم کشورشان از این فناوری می‌شوند.

شهر الکترونیک بستری فراهم می‌کند تا بخش شهری، بخش خصوصی، بنگاههای اقتصادی و سایر نهادهای حقوقی و حقیقی بتوانند خدمات خود را در طول شبانه‌روز با سرعت، دقت و در سطح گسترده‌تری در اختیار مردم قرار دهند و از مشارکت مردم در اداره امور شهر به‌نحو بهتری استفاده کنند. استفاده مفید و مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات مستلزم فرهنگ‌سازی و آموزش به مسئولان و مردم است. در صورتی که مسئولان و مردم با ابعاد مختلف شهر الکترونیک آشنا شوند و آن را بپذیرند، سرعت توسعه این پدیده در شهر بیشتر و شانس داشتن یک شهر خوب و پاسخگو، متناسب با نیاز زمان، بیشتر می‌شود.

ویژگیهای شهر الکترونیک

وضعیتی را تصور کنید که نه تنها در ۸ ساعت کاری از ۵ روز هفته، بلکه در هر ساعت و در هر نقطه دلخواه که باشید، بتوانید علاوه بر دسترسی به اطلاعات، به صورت تعاملی و لحظه‌ای از خدمات و سرویسهای شهری استفاده کنید، سئوالات خود را با مسئولان در میان بگذارید و پاسخ سئوالات احتمالی خود را از آنها و سازمانهای شهری بدون تأخیر دریافت نمایید. تصور کنید که بتوانید نظرات خود را به سادگی با مسئولان شهری در میان بگذارید و حتی بتوانید رأی بدهید و در تصمیم‌سازی مسئولان شرکت کنید! تصور کنید، گروههای غیرشهری و انجمنهای مختلف

شهر الکترونیک

خدمات مطلوب به شهروندان و مسافران در همه جا و همه وقت، ایجاد یک شهر نمونه برای زندگی، کار و تفریح، ایجاد محیط اقتصادی قابل رقابت و پویا، کاهش رفت و آمدهای شهری با توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات، شهروندسالاری در مدیریت شهری، (← مدیریت شهری) دسترسی به خدمات شهرداری از همه جا و هر مکان، تضمین ارائه خدمات مطلوب، سریع و کم هزینه، ارتقاء ساختار شهرداری و ایجاد منابع پایدار درآمد برای شهرداری را دنبال می کند.

کیفیت سرویسها نیز افزوده می شود. شهروندان در یک شهر الکترونیک می توانند با هر ابزاری، مانند تلفن همراه نسل ۳، رایانه متصل به اینترنت و سایر ابزارهایی که توان دسترسی به اینترنت و مرورگر وب را داشته باشند، به آن مراجعه و از کلیه خدمات و سرویسهای برخط آن به صورت چند رسانه ای استفاده کنند.

به این ترتیب شهر الکترونیک استفاده از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی به منظور ارائه خدمات شهری، به صورت بهنگام و مستقیم به شهروندان، در ۲۴ ساعت شبانه روز و ۷ روز هفته است.



راهبردهای شهر الکترونیک

راهبردهای یک شهر الکترونیک شامل مأموریت‌های مشخصی است که در جهت چشم اندازهای آرمانی یک شهر الکترونیک تعریف می شود. ایجاد و توسعه زیرساخت اطلاعاتی با ظرفیت بالا در شهرداری، نظارت هوشمند برای ارتقا خدمات شهری و امور مرتبط با شهرداری، آموزش

چشم انداز شهر الکترونیک

اقتصاد دانایی، محور ایجاد جامعه اطلاعاتی و ایجاد محیطی برای زندگی همراه با کیفیت، خلاقیت، نوآوری و توان رقابت با شهرهای توسعه یافته جهان، می تواند چشم انداز آرمانی یک شهر الکترونیک باشد. چشم انداز یک شهر الکترونیک هدفیایی چون ارائه

شهر الکترونیک

- جلب توریست بیشتر و معرفی آسان‌تر توانمندیها و امکانات شهر؛
- توسعه تجارت الکترونیک در سطح شهر و امکان تجارت با سراسر جهان؛
- گسترش پول دیجیتال و خدمات بانکداری الکترونیک؛ و
- گسترش استفاده از کارتهای اعتباری و تسهیل کسب و کار دیجیتال.

اثرات اجتماعی

- ارائه خدمات روی خط به شهروندان در هر جا، هر وقت و به هر شخص؛
- کاهش زمان انجام امور اداری برای شهروندان؛
- کاهش فساد اداری در کارکنان دولت به علت شفاف شدن امور؛
- عرضه بهتر، سریع‌تر، ارزان‌تر و با کیفیت بهتر از حیث خدمات؛
- رأی‌گیری روی خط؛
- امکان توزیع عادلانه امکانات در میان شهروندان؛
- ایجاد زمینه استفاده از نظرات شهروندان در مدیریت شهر؛
- کاهش مشکلات محیط زیست و کاهش آلودگی هوا به علت کم شدن تردها؛
- پایداری بیشتر در مدیریت شهری؛
- افزایش اشتغال؛ و
- ایجاد زمینه تعامل بیشتر با شهروندان و واگذاری اجرای بیشتر امور به آنها.

اثرات فرهنگی

- اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار و اطلاعات بهنگام، به موقع و سریع به مردم؛
- آموزش در تمام عمر و آموزش به صورت مجازی به شهروندان در موضوعات عمومی و اختصاصی، در همه جا و هر زمان؛
- امکان انتشار رسانه‌های دیجیتال چند رسانه‌ای برای شهروندان؛
- امکان استفاده شهروندان از کتابخانه‌های دیجیتال شهر،

فراگیر شهروندان و کارکنان برای استفاده از خدمات شهر الکترونیک، یکپارچه‌سازی نظامهای مدیریتی و عملیاتی شهرداری، ایجاد منابع پایدار درآمد برای شهرداری، بازرگاری و بهبود رویه‌های جاری به رویه‌های مورد نیاز و مؤثر در شهر الکترونیک، ارتقا کیفیت نیروی انسانی و آموزش، ایجاد پایگاه اطلاعات شهری به منظور اطلاع‌رسانی به موقع به مدیران جهت اخذ تصمیم در مدیریت شهری از جمله مهم‌ترین محورها در این زمینه است.

سیاستهای متفاوتی براساس شرایط محلی و موقعیت اجتماعی و فرهنگی در هر شهر الکترونیک وجود دارد. به عنوان نمونه، بعضی از سیاستها در ایجاد شهر الکترونیک ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- اولویت دادن به مصرف منابع مالی در راستای چشم‌انداز شهر الکترونیک به عنوان یک سیاست محوری؛
- جلوگیری از موازی‌کاری و همسو نمودن برنامه‌ها و طرحها در جهت چشم‌انداز شهر الکترونیک؛
- حمایت از رویه‌ها و خط‌مشیهای ایجاد شده در شهر الکترونیک؛
- اعمال سیاستهای تشویقی در جهت توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات در شهر الکترونیک (مانند حذف و یا کاهش مالیات در بعضی از خدمات در صورتی که برخط ارائه شوند)؛ و
- ترویج فرهنگ کار گروهی در شهر الکترونیک.

اثرات شهر الکترونیک

با ایجاد شهرهای الکترونیک وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهرها تغییر خواهد کرد. این تغییر اگر با برنامه و هدایت شده باشد، قطعاً تأثیرات مثبتی در یک شهر الکترونیک خواهد گذارد.

اثرات اقتصادی

- ارائه خدمات با هزینه بسیار کمتر به شهروندان؛
- ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی؛
- ارتباط تجاری شهر با شهرهای دیگر و حتی کشورهای همسایه و سایر نقاط جهان؛

رعایت حریم خصوصی

باید استانداردها در درگاه یک شهر الکترونیک به گونه‌ای طراحی و پیاده‌سازی شود که حریم خصوصی و امن برای مردم شهر و کاربران تضمین شود.

نوآور و با خروجی ملموس

یک شهر الکترونیک باید از جدیدترین و پیشرفته‌ترین فناوریها استفاده کند و مرتب به روز شود، تا سرعت و پاسخ سیستم همواره رو به افزایش و خروجی آن برای مردم قابل لمس باشد. این وضعیت با سرعت دسترسی به اطلاعات بستگی مستقیم دارد، بنابراین باید پهنای باند دسترسی به شبکه هم در سایت اصلی و هم دسترسی شهروندان زیاد و قابل قبول باشد.

تعاملی بودن. ارتباط باید دوطرفه باشد، تا بخشهای خصوصی، سازمانهای غیرانتفاعی و محققان و حتی مردم عادی بتوانند با شهردار و مسئولان شهری به صورت دوطرفه در جهت بالا بردن کیفیت خدمات شهری گفتگو و هم‌اندیشی کنند.

هزینه کم

سیستمهای خدمات الکترونیک و برخط در یک شهر الکترونیک باید به گونه‌ای طراحی شود که مردم پول زیادی بابت دریافت خدمات ندهند و شهر هم بتواند هزینه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم را برای توسعه خدمات الکترونیک تأمین کند.

دقت انتقال فناوری

در مواقعی که تغییر فناوری تأثیر جدی در سیستم می‌گذارد، انتقال سیستمهای شهر الکترونیک از وضع قدیم به جدید باید به دقت انجام شود، تا کاربر هنگام مواجهه با فناوری جدید دچار مشکل نشود.

هر شهر الکترونیک با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن ممکن است اولویتهای خاص خود را در اداره امور شهر داشته باشد.

کشور و سایر نقاط جهان؛

- امکان توسعه باشگاههای فرهنگی برخط و بستر ارتباط بیشتر شهروندان؛
- افزایش سواد دیجیتالی مردم و آماده نمودن آنها برای زندگی در هزاره سوم؛ و
- بالا رفتن شناخت بین‌المللی مردم در زمینه‌های مختلف فرهنگی.

اثرات سیاسی

- معرفی بهتر شهر در جهان و امکان بیشتر ارتباطات سیاسی؛
- بالا بردن وجه سیاسی شهر به عنوان یک شهر پیشرو؛
- افزایش رضایت‌مندی جامعه از حاکمیت؛ و
- امکان مشارکت سیاسی بیشتر مردم در حزبهای مجازی.

شهر الکترونیک خوب

یک شهر الکترونیک خوب شهری است که بتواند به آسانی در دسترس همگان قرار داشته باشد و با روشی ساده خدمات خود را از طریق یک وب سایت یا درگاه به صورت برخط در اختیار شهروندان قرار دهد. بعضی از مشخصه‌های یک شهر الکترونیک خوب به شرح زیر است:

استفاده آسان کاربران

یک شهر الکترونیک خوب باید بتواند با به کارگیری ابزار مناسب سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و ارتباطی خوب، به آسانی ارتباط مردم با خدمات شهری برقرار نماید. درگاه یک شهر الکترونیک باید به گونه‌ای طراحی شود که کاربر بدون جستجوی زیاد، به سرعت به خدمت مورد نظر خود دسترسی پیدا کند.

قابل دسترس همگان

خدمات شهر الکترونیک باید از طریق سایت در منزل، محل کار، کارخانه، کتابخانه، کیوسک و خلاصه از هر محل دیگر و هر زمان دلخواه در دسترس همه افراد جامعه با هر درآمدی قرار داشته باشد.

شهر الکترونیک

امکان ایجاد شهر الکترونیک لازم است مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از: زیرساخت؛ منابع انسانی؛ اراده دولت و حاکمیت شهری؛ قوانین و مقررات؛ و بودجه و منابع مالی.

• **زیرساخت.** زیرساخت لازم برای شهر الکترونیک امکاناتی چون شبکه‌های انتقال داده، مانند اینترنت، خطوط فیبر نوری، سیستم‌های انتقال داده به صورت باسیم و بی‌سیم را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، وضعیت صنعت رایانه از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیز حائز اهمیت است.

• **منابع انسانی.** منابع انسانی نقش مهمی در توسعه شهر الکترونیک دارد و در برنامه‌ریزیها باید مورد توجه قرار گیرد. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته هم‌اکنون از حیث نیروی انسانی متخصص در فناوری اطلاعات و ارتباطات دچار کمبود هستند. کشورهایی مانند هندوستان با آموزش نیروی انسانی متخصص در این زمینه از فرصت‌های خوبی بهره‌مند شده است. مردمی که باید از شهر الکترونیک استفاده کنند نیز نیاز به آگاهی دارند، تا بتوانند با خدمات برخط این پدیده آشنا شوند و از آنها استفاده نمایند. به عبارت دیگر، تربیت شهروندان الکترونیک از نیازهای مبرم توسعه شهر الکترونیک است. آموزش افراد متخصص و مردم عادی بخشی از برنامه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن مانند شهر الکترونیک است. دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید بتوانند نیروی متخصص مورد نیاز جامعه را آموزش دهند و تأمین نمایند. فرهنگ‌سازی در جامعه به‌منظور به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از خدمات شهر الکترونیک، بخش دیگری از نیاز جامعه اطلاعاتی امروز است که رسانه‌های گروهی باید نسبت به آن اهتمام ورزند. از آنجا که استفاده از رایانه و اینترنت در میان مردم عادی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته محدود است، فرهنگ‌سازی بیشتری لازم است تا مردم به ارزش این پدیده پی ببرند.

• **اراده دولت و حاکمیت شهری.** اراده دولت و حاکمان شهرها در توسعه زیرساخت، مدیریت و هدایت کلان توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و شهر الکترونیک نقش اساسی دارد. تجربه شهرهای الکترونیک موفق نشان می‌دهد، موفقیت آنها در این زمینه بستگی مستقیم به

بنابراین، نمی‌توان استاندارد مشخص یکسانی برای همه شهرهای الکترونیک جهان تبیین کرد. با این وجود، بعضی از خصوصیات عام در شهرهای الکترونیک را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

• **کوچک بودن.** شهر الکترونیک نباید بیش از حد گسترده باشد، تا بتواند از اتلاف نیروی انسانی و سرمایه جلوگیری کند. بنابراین، بهتر است شهرهای الکترونیک بزرگ به شهرهای الکترونیک محلی کوچک‌تر تقسیم شوند.

• **اخلاقی بودن.** شهر الکترونیک باید مقید به اخلاق الکترونیک باشد و حریم اطلاعات خصوصی شهروندان را حفظ نماید.

• **جوابگو بودن.** شهر الکترونیک باید نسبت به فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که انجام می‌دهد، جوابگو باشد؛ بدین معنی که شهروندان بتوانند تا حد امکان، از روند پیشرفت این فعالیتها آگاهیهای لازم را کسب کنند و در آن شرکت مؤثر داشته باشند.

• **مسئولیت پذیر بودن.** شهر الکترونیک باید خسارتهایی را که ممکن است از فعالیتهايش ناشی شود، جبران کند. شهروندان نیز باید خود را نسبت به همکاری و مشارکت فعال در برنامه‌ها و تصمیم‌سازیها متعهد بدانند.

• **شفاف بودن.** شهر الکترونیک باید در رابطه با امور شهروندان از موضع شفافیت برخوردار باشد.

آمادگی الکترونیک

قبل از اقدام برای پیاده کردن یک برنامه پیچیده به صورت شهر الکترونیک، ابتدا باید از سطح آمادگی شهر برای پیشبرد چنین برنامه‌ای اطمینان حاصل کرد. آمادگی الکترونیک شرط آمادگی شهر برای مشارکت در استفاده و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن در جهت رسیدن به جامعه اطلاعاتی است. در مورد بعضی از نواحی و به خصوص مناطق محروم و کم‌سواد که مردم به سختی می‌توانند خود را با فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن تطبیق دهند، درجه آمادگی الکترونیک در وضعیت حداقل است.

شرایطی که برای تشخیص آمادگی الکترونیک و ارزیابی

الکترونیک، کالای مجازی، خدمات الکترونیک، پول الکترونیک، کارمند الکترونیک، مدیر الکترونیک به صورت واژگان روزمره در می آیند و شیوه های مدیریت جدیدی را به جهان عرضه می کنند.

نقش شهرهای الکترونیک را باید به عنوان سیستمی شامل مجموعه ای از کاربریهای مهم فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی هزاره سوم فرصت تلقی نمود و برای پیاده سازی آن اقدامات لازم را انجام داد. در پیاده سازی شهرهای الکترونیک باید ابتدا نسبت به آن شناخت پیدا کرد. این شناخت معمولاً از طریق تهیه سند راهبردی توسعه شهر الکترونیک و معماری فناوری اطلاعات پیدا می شود. پس از شناخت نسبی شهری که قرار است به شهر الکترونیک تبدیل شود و بررسی راهکارهای عملی، می توان به انجام و ارتقاء مرحله به مرحله امکانات و کیفیت آن اقدام کرد. بعد از ارتقاء وضعیت ارتباطات در یک شهر الکترونیک و توسعه زیرساختها، مرحله ساماندهی تعامل بین شهروندان و مسئولان و یا خدمات برخط آغاز می شود. اگر مرحله تعامل مورد توجه شهروندان قرار گیرد و ارتباطات خوبی بین شهروندان و سیستمهای موجود در یک شهر الکترونیک برقرار شود، به مراحل ترانکشن که مسئولیت انتقال وجوه مالی بر روی شبکه شهر الکترونیک را دارد، می رسیم. آخرین مرحله در پیاده سازی شهر الکترونیک، رسیدن به مرحله یکپارچه سازی شبکه است که باید آن را عالی ترین مرحله توسعه شهرهای الکترونیک و اینترنتی دانست. البته هنوز هیچ یک از شهرهای الکترونیک جهان به این مرحله نرسیده اند.

کتاب شناسی:

- جلالی علی اکبر. شهر الکترونیک. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۴.

- جلالی علی اکبر. مجموعه مقالات اولین همایش شهرهای الکترونیک و اینترنتی، جزیره کیش. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۰.

- جلالی علی اکبر. یک سال تلاش در فناوری اطلاعات و ارتباطات. انتشارات پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران، پنج جلد از ۱۳۸۱-۱۳۸۵.

- جلالی علی اکبر. سند راهبردی شهر الکترونیک مشهد. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۸۲.

حمایت بی دریغ سران آن شهرها و عزم و اراده دولت داشته است.

• **قوانین و مقررات.** توسعه فناوری ارتباطات در شهر الکترونیک نیاز به قوانین خاص خود دارد. قوانین مرتبط با کارتهای اعتباری، تجارت الکترونیک، امضا دیجیتالی از مواردی است که نیازمند قوانین و مقررات مشخص است. در کشورهای کمتر توسعه یافته، اغلب قوانین و مقررات توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن توسط نهادها و سازمانهای غیرمسئول و غیرمرتبط وضع می شود. بعضی از کشورها با تهیه قوانین و مقررات ویژه، حمایت از بخش خصوصی را در اولویت اهداف ملی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و شهر الکترونیک قرار داده اند. حتی بنگاههای خصوصی در قانونمند شدن فضای شهرهای الکترونیک سهم دارند. قوانین و مقررات در هر کشوری می تواند متناسب با توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات و کم و یا زیاد بودن خدمات شهرهای الکترونیک، متفاوت باشد.

• **بودجه و منابع مالی.** توسعه شهر الکترونیک به سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت توسط دولت، بخش خصوصی و شهروندان نیاز دارد. در بسیاری از شهرهای الکترونیک جهان سرمایه گذاریهای زیادی در این خصوص انجام شده است، به عنوان مثال فقط تا ۲۰۰۲م در کشور آمریکا ۴۴۴ میلیارد دلار، در اروپای غربی ۳۰۰ میلیارد دلار و در ژاپن ۱۲۸ میلیارد دلار در توسعه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات سرمایه گذاری و هزینه شده است. در ۲۰۰۵م در کشورهای سوئیس و انگلستان به ترتیب ۲۵۰۰ و ۳۰۰ دلار به طور سرانه برای توسعه فناوری اطلاعات هزینه شده است. هزینه ها معمولاً برای روزآمد کردن زیرساختهای شهر الکترونیک صرف شده است.

خلاصه آنکه جهان به سرعت در حال تغییر است. جامعه اطلاعاتی، دولت الکترونیک (← دولت الکترونیک)، شهر الکترونیک، سازمان الکترونیک، شهروند الکترونیک، بانکداری الکترونیک، کسب و کار الکترونیک، بنگاه الکترونیک، تجارت الکترونیک، بازار الکترونیک، کالای

سخن دیگر یک شهر جدید می‌بایست دست‌کم به همان اندازه که ساکنان آن برای کار به شهر دیگر می‌روند، فرصتهای شغلی ایجاد کند و علاوه‌براین، تنوع شغلی در شهر جدید وجود داشته باشد و به یک نوع اشتغال خاص متکی نباشد. البته در ابتدا، شهرهای جدید از حیث اشتغال در جهت قطبی شدن پیش می‌رفتند.

بعضی کارشناسان، حد متناسب جمعیت شهر را بین ۲۰۰-۲۵۰ هزار نفر می‌دانند، حال آنکه بعضی دیگر، سرنوشت آینده شهرهای جوان را با جمعیتی از ۳۰۰-۵۰۰ هزار نفر به‌عنوان برنامه‌ریزی کامیاب شهری پیشنهاد می‌کنند. در اروپای غربی شهرهای جدید و شهرهای کوچک را تا ۳۰ هزار نفر، شهرهای میانی را تا ۱۰۰ هزار نفر و شهرهای بزرگ را تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت در نظر می‌گیرند.

پیر مولن در کتاب *نوشهرها ۳* نوع کلی از شهرهای جدید را معرفی می‌کند:

- نوشهرهایی که خارج از یک منطقه شهری ساخته می‌شوند؛
- نوشهرهایی که در چارچوب یک منطقه شهری، اما بدون ارتباط و فقط با تراکم مسکونی با شهر موجود بنا می‌شوند؛
- نوشهرهایی که در ارتباط با تراکم مسکونی با شهر موجود بنا می‌شوند.

در گذشته، شهرهای جدید به دلایل زیر ایجاد می‌شدند:

- کاهش تراکم شهری؛
- بازتوزیع جمعیت؛
- بهره‌برداری از منابع طبیعی؛
- رونق اقتصادی در مناطق مورد نظر؛
- تأمین مسکن؛ و
- ایجاد پایتخت‌های جدید.

در مجموع عناصر سازمان دهنده نوشهرها را می‌توان به ۲ بخش، عناصر فیزیکی - عینی و عوامل غیرفیزیکی - ذهنی تقسیم کرد. شهرهای جدید در واقع، پاسخگوی نیازهای کنترل‌کننده نظام‌های حکومتی در ایجاد فضاهایی برای تعادل بخشی به امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند.

- جلالی علی‌اکبر. *دولت الکترونیک*. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۸۶.

علی‌اکبر جلالی

شهر(های) جدید (ایران- جهان)

New Towns

بحث از ایجاد شهرهای جدید دارای تاریخی طولانی است و از ۵ سده پیش از میلاد، در مستعمرات یونان وجود داشته است. اما شهرهای جدید، به مفهوم مکانی برای رفع مشکلات ناشی از سرریز جمعیت کلانشهرها (← کلانشهر)، ریشه در توسعه‌های شهری بعد از جنگ جهانی دوم در انگلستان دارد، که طی حدود ۳ دهه، ۲۸ شهر جدید به‌عنوان راهبردی دولتی و به‌منظور کاهش و رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی شهری ساخته شد. براین اساس، شهر جدید یک کانون شهری متعادل و متوازن اجتماعی خودکفا و قائم به ذات است که در اصل برای جذب سرریز جمعیت و اشتغال از مجموعه شهری یا کلانشهر مجاور برنامه‌ریزی و ساخته می‌شود. برخی از شهرهای جدید تمهیدی برای اعمال سیاستهای منطقه‌ای محسوب می‌شوند. هوارد که زیر تأثیر آرمانشهر گرایانی، چون توماس مور و نظریه جان بلر درباره شهرهای صنعتی و مهم‌تر از آن، متأثر از دیدگاه لئوناردو داوینچی درباره تقسیم شهر میلان به ۱۰ شهر اقماری (هرکدام با ۳۰,۰۰۰ نفر جمعیت) قرار داشت، کوشید تا خودکفایی، تعادل و کنترل را به‌عنوان ۳ مفهوم بنیادین در ایجاد شهرهای جدید معرفی کند. در واقع، از آغاز طرح مفهوم شهر جدید توسط هوارد در کتاب *باغشهرهای فردا*، برای آنکه این چنین شهرهایی جنبه خوابگاهی به خود نگیرند، وجه خودبسندگی اقتصادی برای آنها در نظر گرفته شد؛ این خودبسندگی به معنای کفایت و تنوع شغلی تعریف شد. به

شهر(های) جدید (ایران- جهان)

اسلام‌آباد، بلگراد جدید و تیتوگراد. شمار این‌گونه شهرها در گذشته بسیار زیاد بوده است: ورسای، سن‌پترزبورگ، واشنگتن، اوتاوا، کانبرا، دهلی‌نو؛

• شهرهای صنعتی. نووا- هوتا، نزدیک کراکووی در لهستان؛ دونوجواروس، در جنوب بوداپست؛ براتسک، در سبیری؛ چیکوتیمی، در کانادا؛ مورونکس- لا- نو، نزدیک معدن گازلک و بورنی ویل، در بریتانیا که در ۱۸۷۹م نزدیک کانتربری ساخته شد و از نخستین شهرهای جدید صنعتی این کشور محسوب می‌شود؛

• شهرهای دانشگاهی یا پژوهشگران. آکادمگو رودوک، نزدیک نووسی بیرسک؛ تسوکوبا، در ژاپن؛ اورلئان- لاسورس یا آناب، نزدیک لیل؛

• شهرهای احیای اراضی و جمعیت‌پذیر. شهرهای زوی درزی، در هلند که از طریق سدبندی و خشکاندن باتلاقها به وجود آمده است؛ لولی اشتید، امی لورد و فلی ولند؛

• شهرهای جدید در حال جمعیت‌پذیری مجدد. خانه‌های بیلاقی جنوب فرانسه در سده ۱۲م؛ و

• شهرهای جدید معماری. شهرهای هیزپانو- امریکن، شهرهای اروپایی شمال آفریقا و چسبیده به بخشهای قدیمی شهر.

انواع شهرهای جدید ایران را نیز برحسب نقش و کارکرد می‌توان به صورت زیر معرفی کرد:

• شهرهای جدید صنعتی (با انگیزه نزدیکی به نیروی کار)؛ نمونه پولادشهر، شهرک مس و آبادان؛

• شهرهای جدید کشت و صنعت (با انگیزه بهره‌برداری از آب و خاک)؛ نمونه هفت‌تپه و شوشتر نو؛

• شهرهای جدید معدنی (با انگیزه بهره‌برداری از منابع کانی...؛ نمونه آغاچاری؛

• شهرهای جدید خدماتی (با انگیزه تأمین خدماتی که در کلانشهرها وجود ندارد، مانند خدمات رفاهی، تفریحی، دانشگاهی...، نمونه شهرهای جدید خدماتی؛

• شهرهای مهاجرنشین (با انگیزه منتفع شدن از نیروی انسانی و منابع طبیعی...؛ نمونه تاحدی برخی از شهرکهای کرج و برخی شهرکهای اطراف تهران؛

• پایتختهای جدید یا شهرهای سیاسی (با انگیزه تطبیق

بعد از انقلاب صنعتی، ۲ دیدگاه عمده در مورد ایجاد شهر جدید وجود داشت:

• دیدگاه اصلاح‌گرایان (مکتب فرهنگ‌گرا)؛ و

• دیدگاه آرمان‌گرایان (مکتب آینده‌گرا یا نوگرا).

شهر جدید با انتخاب اختیاری محل و کارکرد معین، طرح از پیش تهیه شده و تقریباً همیشه هندسی، وجود سرپرست واحد برای طراحی مجموعه، رشدی نسبتاً سریع در آغاز و جستجوی تعادل مسکن- کار مشخص می‌شود. البته، شهر جدید با انبوهی از واحدهای مسکونی گرد آمده در یک مجتمع بزرگ متفاوت است. معیار این تفاوت در اندازه و وسعت نیست، بلکه بر این واقعیت استوار است که بنیان و سازندگان شهر جدید از همان آغاز هدف خود را در زمینه جمعیت تعیین کرده‌اند و برای این جمعیت نه تنها مسکن، بلکه شغل و تجهیزات متناسب با تعداد آنان، ایجاد یک مرکز و خلاصه، ساخت یک شهر عینی را در نظر گرفته‌اند. برخی از صاحب‌نظران درباره چگونگی تأمین فرصتهای اشتغال در شهرهای جدید بر این باورند که در پاره‌ای از شهرهای جدید برای هر ۴ نفر، ایجاد یک شغل در بخش صنعت و یک شغل در بخش خدمات الزامی است.



عملکردهای شهرهای جدید

شهرهای جدید از کارکردهای اصلی و مشخص برخوردارند:

• شهرهای عمده و مراکز تصمیم‌گیری. برازیلیا، چندیگر،

شهر(های) جدید (ایران- جهان)

مانند هارلو، باسایلدون و کراولی آغاز می‌شود؛
• دومین دوره (۶۱-۱۹۵۱م) که تنها ساخت کمبرنولد در نزدیک گلاسکو را دربر می‌گیرد و طراحی فشرده با تراکمی بالا دارد؛

• سومین دوره (۶۸-۱۹۶۱م) که شامل ۷ شهر جدید می‌شود: اسکیل، موسدال، لیوینگ استون، واشنگتن، رانکورن، ریدیچ، ایرواین و میلتن کینز؛ و

• چهارمین دوره (۷۰-۱۹۶۸م) که ۵ شهر جدید را شامل می‌شود: تل‌فورد، وارینگتن، پیتر بروف، نورتامپتون و سانتال لانکشاير نیوتاون.

بر اساس قانون شهرهای جدید ایرلند (۱۹۶۷م)، شهرهای کرایگاون و آنت‌ریم/بالی منا ساخته شدند. دولت فرانسه در ۱۹۶۴م، کار احداث ۹ شهر جدید را آغاز کرد؛ ۵ شهر در اطراف پاریس و ۴ شهر در استانها. این برنامه با حمایت شبکه‌ای از تدارکات حقوقی، فنی و مالی فوق‌العاده صورت پذیرفت. در زمان حاضر بیش از یک میلیون نفر در این شهرها زندگی و کار می‌کنند.

۲ شهر از کوچک‌ترین شهرهای جدید در ۱۹۸۴م به موقعیت قانونی متعارف بازگشت و به این ترتیب، عنوان شهر جدید را از دست دادند. یکی از اینها شهر لوودروی، در نزدیکی روین بود که به دلیل نرخ رشد بسیار ناچیز، به کسری مالی دچار شد. درحالی‌که در مقابل آن، شهر جدید لیل به‌طور کامل طبق بودجه و برنامه پیش رفت و حتی مازاد مالی هم پیدا کرد. ۷ شهر جدید دیگر، پس از غلبه بر رکود اقتصادی و پراکنده کاریهای گاه و بیگاه سیاسی، اکنون به مسیر توسعه افتاده‌اند.

باین وجود، پاره‌ای از مجتمعات بزرگ مسکونی از طریق ایجاد مناطق فعالیتی و تجهیزات، تکمیل می‌شوند و سپس می‌توانند به سوی موقعیت شهر جدید گام بردارند؛ از آن جمله‌اند، شهرهای جدید واقع در حومه پاریس: سارسل، کرتی، ولیزی و پارلی. این درحالی است که تنها ۵ شهر جدید، به‌طور رسمی و اداری، در پیرامون پاریس وجود دارد.

کشورهای اروپایی به دلیل تمرکز فزاینده جمعیتی و محدودیت فضایی شهرهای بزرگ، در ساخت شهرهای

شرایط سیاسی و محیط اجتماعی...؛ نمونه بسیاری از شهرهای قدیمی ایران؛ و

• شهرهای سرریزپذیر جمعیت (با انگیزه جابه‌جایی جمعیت، حفظ محیط طبیعی و میراث فرهنگی و کنترل قیمتها) که خود شامل ۳ نوع شهر جدید می‌شود:

۱. شهر جدید اقماری، مانند شهر جدید پردیس (مجاور تهران)؛

۲. شهر جدید، مانند بهارستان اصفهان؛ و

۳. شهرهای موازی، مانند مهرشهر کرج و شهر جدید هشتگرد.

تجربه کشورها در ساخت شهرهای جدید

در بریتانیا، به‌موجب قانون شهرکها [شهرهای] جدید مصوب ۱۹۴۶م، ۸ شهر جدید در شعاع ۵۰ کیلومتری لندن ایجاد شد که نخستین آنها استیونج نام داشت. با ساخته شدن ۱۴ شهر دیگر (آخرین آنها میلتن کینز در ۱۹۶۷م) از شدت فشار بر سایر شهرهای پرجمعیت کاسته شد. در لندن جاذبه و برتری شهر آنچنان بود که این شهرهای جدید از حالت شهرهای اقماری خارج نشدند.

شهرهای جدید پس از جنگ در انگلستان، پاسخ به گزارش بارلو (۱۹۴۰م) و طرح لندن بزرگ توسط ابر کرومبی (۱۹۴۵م) بشمار می‌رود. توصیه‌های گزارش بارلو درباره توزیع جغرافیایی جمعیت صنعتی، شامل نیاز به شهرهای اقماری برای ساماندهی مجدد نواحی پرتراکم شهری بود. طرح ابرکرومبی اصول کلی عدم تمرکز و باز توسعه و تعادل بخشی منطقه‌ای لندن را مطالبه می‌کرد. عامل کلیدی در گسترش حومه‌نشینی در لندن و سایر شهرهای بزرگ انگلستان، وجود حمل‌ونقل جدید بود. شهرداریها ابتدا تراموا و سپس اتوبوسهایی برای دسترسی به فضاهای شهری جدید در نظر گرفتند و مترو و خطوط ریلی مخصوص برای سفرهای روزانه طراحی شد. به‌طورکلی، حمل‌ونقل ریلی مهم‌ترین زیرساخت توسعه شهرهای جدید انگلستان بوده است. به عقیده کلود شالین، طی چند دوره، چندین نسل از شهرهای جدید در انگلستان به‌وجود آمده است:

• نخستین دوره (۵۱-۱۹۴۵م) که با ۱۰ عملیات شهرسازی،

شهر(های) جدید (ایران- جهان)

سریعی داشت و همین امر باعث گسترش مناطق سکونتی جدیدی گردید که این کار یا با افزایش ظرفیت مناطق مختلف شهر اصلی (کانبرا) و جایگزینی حومه‌های نامنظم و پخش شده در سایر شهرهای استرالیا و یا با طراحی و تأسیس شهرهای جدید در شمال و جنوب کانبرا صورت گرفت. در ۱۹۶۲م، شهر ودن، اولین شهر جدید، در ۱۲ کیلومتری جنوب مرکز شهر ایجاد شد. شهر جدید وستون گریک نیز بعدها به‌منظور سکونت ۶۰,۰۰۰ نفر به شهر ودن افزوده شد. در حال حاضر در این شهر حدود ۸,۰۰۰ نفر در اداره‌های دولتی، مغازه‌های خرده‌فروشی و مشاغل خدماتی مشغول به کار هستند. در ۱۹۷۳م، شهر توگرانوگ، سومین شهر جدید، در جنوب شهر ودن وستون گریک و به‌صورت چشم‌اندازی از تپه- ماهورها و رودخانه مورو میبج، بسیار تماشایی است، به‌وجود آمد. جمعیت این شهر جدید حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر است. گونگ‌اهلین چهارمین شهر جدیدی است که در ۱۹۷۵م در شمال شهر کانبرا تأسیس شد. این شهر ۸۵,۰۰۰ نفر ظرفیت دارد.

شهرهای جدید بسیاری در آسیا احداث شده‌اند. مهم‌ترین نقش این‌گونه شهرها، تمرکززدایی از مادرشهرها و شهرهای بزرگ، جذب سرریزهای جمعیتی، تأمین مسکن، ساماندهی فضایی مادرشهرها، اسکان شاغلان بخش صنعت، توسعه ناحیه‌ای و کاهش زاغه‌ها بوده است. کشورهای ژاپن، اردن، هند، کره جنوبی، سنگاپور، اندونزی، مالزی، عربستان سعودی و بنگلادش این شهرها را در الگوهای مختلف طراحی و احداث کرده‌اند در چین بیش از ۶۰ شهرک اقماری [شهر جدید] با جمعیت هریک بیش از ۶۰,۰۰۰ نفر، در محدوده شانگهای بزرگ ایجاد شده است. در ایران نیز شهرهای جدیدی در پیرامون شهرهای بزرگ آن مطالعه، طراحی و اجرا شده‌اند.

در ژاپن باغشهر را دِن‌ان تاشی می‌نامند. تاشی یعنی منظر زیبا و دِن‌ان یعنی روستا یا حومه. هدف از ایجاد شهرهای جدید در ژاپن، تمرکززدایی اداری، جذب سرریزهای جمعیتی و هویت علمی شهرهاست. طرحهای آینده ژاپن برای شهرهای جدید یکی شهرک شناور مخابراتی توکیو به‌عنوان تکنوپلیس و دیگری آسمان شهر

جدید تجربه دارند. از جمله شهر جدید تاپیولا در فنلاند؛ شهرهای جدید شروهلمن و ولینگبی در سوئد؛ آلبرتز لوند در دانمارک؛ دونا اوی وروش و تی‌سا پال‌کونیا در مجارستان؛ ناهوتا و استالووا ولا در لهستان؛ و لریدا (Lorida) در اسپانیا.

از میان کشورهای اروپایی، کشور روسیه و در مقیاس وسیع‌تر، اتحاد شوروی (سابق)، تلاش بیشتری در طراحی و ساخت شهرهای جدید داشته است. روسها تعداد بسیار زیادی شهر جدید ساخته‌اند که از آنها به‌مثابه ابزاری برای پیشبرد سیاست سوق جمعیت به سرزمینهای دورافتاده و کمتر توسعه‌یافته، استفاده می‌کنند. شهرهای جدید شوروی تا ۱۹۷۶م، بین ۱۰۰-۱۲۰۰ واحد بود. طی ۳ برنامه ۵ ساله تا پیش از ۱۹۹۰م، سالانه ۱۰۰-۱۲۵ شهر جدید ایجاد شده است. بیشترین تعداد شهرهای جدید در قسمت اروپایی روسیه قرار دارد. در مجموع، شهرهای جدید مستقل ۱۷٪ از کل سکونتگاههای شهری را تشکیل می‌دهند.

نمونه شهرهای جدید ایالات متحد آمریکا در دهه ۱۹۶۰م عبارتند از: کلمبیا، در ایالت مریلند؛ رستن، در ایالت ویرجینیا و ایروین، در ایالت کالیفرنیا. همچنین شهرهای جدید والنسیا، گرین بلت و رادبرن.

در دهه ۱۹۷۰م، وزارت مسکن و شهرسازی آمریکا، برنامه شهرهای جدید شامل ۱۶ واحد بود که ۳ شهر از آنها، پروژه‌های بازتوسعه‌ای یا آنچه که شهرهای جدید در شهر (New Towns in town) نامیده می‌شوند، بودند. شهرهای باقیمانده یا شهرهای اقماری و یا شهرهای مستقل بشمار می‌رفتند. در دهه ۱۹۸۰م، بخش خصوصی علایق خود را در مورد برنامه‌ریزی و ساخت شهرهای جدید تداوم بخشید که طی آن، شهرهای جدید متعددی طراحی و ایجاد شدند. در همین دوره زمانی، آمریکا بیش از ۱۴۰ شهر جدید داشت.

یکی از معروف‌ترین شهرهای جدید آمریکا، رادبرن در ایالت نیوجرسی است که توسط کلرنس اشتاین با کمک هنری رایت در ۱۹۲۸م طراحی شده است.

در استرالیا، شهر کانبرا (پایتخت استرالیا)، به دلیل انتقال مراکز خدمات‌رسانی عمومی در دهه ۱۹۶۰م، رشد بسیار

شهر(های) جدید (ایران- جهان)

شاغلان بخش خدمات در مصر در این فضای شهری متمرکز شده‌اند. این منطقه کلانشهری با رشد جمعیتی روزانه ۷۰۰ نفر مواجه است که برای آنان باید مسکن و فرصت شغلی فراهم گردد. رشد و گسترش فزاینده شهر قاهره به قیمت نابودی اراضی مرغوب و حاصلخیز آبیاری شده دره و دلتای نیل به وقوع می‌پیوندد.

به‌منظور مقابله با این روند، رهایی از فشار جمعیت بر کلانشهر و ایجاد فرصتهایی برای صنعت در دستور کار قرار گرفت. نخست در ۱۹۷۷م چند شهر جدید در منطقه بیابانی، در فاصله ۴۰-۹۵ کیلومتری قاهره، احداث شد. شهرهای جدید العشیر من رمضان، مدینه سیتة اکبر و مدینه السادات، ۳ مرکز مستقل هستند که هر یک در توسعه نهایی بین ۳۵۰,۰۰۰-۵۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت و بالغ بر ۸۰,۰۰۰ فرصت شغلی را خواهند داشت.

کتاب‌شناسی:

- آتش، فرهاد. «شهرهای جدید و آینده شهرنشینی در ایران»، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد و ریحانه هاشمی، مجله شهرداریها، شماره ۵۷، بهمن ۱۳۸۲.
- آندرهیل، جک. آ. «شهرهای جدید شوروی، طرح‌ریزی و سیاست شهری در سطح محلی، شکل‌گیری چهره شهرهای شوروی»، ترجمه ش. مهدوی، مجله آبادی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۰.
- اطهاری، کمال. «اشتغال در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید فرهنگی جدید در شهرنشینی. انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۹.
- باستیه، ژان و دزر، برنار. شهر. ترجمه علی اشرفی، تهران: انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۷.
- پاشایی، ع. فرهنگ اندیشه نو. تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- پیران، پرویز. «نیم‌نگاهی به نوشته‌ها از دیدگاه مسائل فرهنگی و اجتماعی»، مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار شهرهای جدید. شرکت عمران شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی، مهر ۱۳۶۹.
- جواد شهیدی، کوروش. مقدمه‌ای بر مفاهیم نوشته‌ها از آغاز تا امروز. انتشارات پژوهنده، ۱۳۷۷.
- روبنستاین، جیمز. شهرهای جدید (۴)، ۲۵ سال تجربه شهرهای جدید فرانسه. ترجمه محمد تقی‌زاده مطلق، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۴.
- رئیس‌دانا، فریبرز. «مکانیابی شهرهای جدید و دستیابی آنها به هدفهای تعیین شده (سنجش تجربه شهرهای جدید ایران)»، مجموعه

شناور است به ارتفاع ۲۰۰۱ متر برای جمعیتی معادل ۳۰۰,۰۰۰ نفر که شامل ۵۰۰ طبقه با عمر مفید ۶۰۰ سال (فونداسیون آن در عمق ۲۰۰ متری دریا قرار دارد و در برابر ۱۴ ریشتر زلزله مقاوم است).

کره جنوبی سیاست احداث شهرهای جدید را به‌علت تورم قیمت مسکن در ۱۹۸۹م در پیش گرفت و در پی آن، ۵ شهر جدید در اطراف سئول طراحی شد (جمعیت آنها بین ۲۹۵,۰۰۰-۳۹۰,۰۰۰ نفر در نظر گرفته شده است).

در اندونزی شهرهای جدید در ۴ الگوی شهرهای جدید بزرگ، شهرهای جدید معدنی و صنعتی، شهرهای جدید مرزی و شهرهای جدید مرکزی طراحی و احداث شده است.

در اردن، شهر جدید ابونصیر، در نزدیکی عمان، موفق نبوده است و به مکان ذخیره و انبار مسکن عمان مبدل شده است.

کشور عربستان سعودی در ۱۹۷۵م تصمیم گرفت وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها را از جده به ریاض انتقال دهد. به‌این‌ترتیب، شهر ریاض به‌عنوان یک شهر جدید دیپلماتیک برپا شد.

تعدادی از شهرهای جدید در افریقا دقیقاً براساس الگوهای اروپایی و امریکایی ساخته شده‌اند و اغلب، با فرهنگ مردم افریقا ناسازگار هستند. این شهرها را می‌توان به ۲ دسته تقسیم کرد:

• شهرکهای اقماری به‌منظور تمرکززدایی از شهرهای مرکزی؛ و

• پایتختهای جدید، مانند پایتخت نیجریه که در ۱۹۷۳م از لاگوس به مجموعه شهرهای جدید در مجاورت ابوجا منتقل شد. در تانزانیا شهر دارالسلام و در سایر مناطق افریقا، گابرون، لیلون‌گون در مالادی و آباچی و اوری از جمله این گونه شهرهای جدید است.

قاهره بزرگ نه تنها متراکم‌ترین شهر مصر است، بلکه بزرگ‌ترین کانون تمرکز شهری در کل جهان عرب بشمار می‌رود. در ۱۹۸۸م حدود ۱۱ میلیون نفر در این شهر زندگی می‌کردند که معرف ۲۱٪ از کل جمعیت مصر بود. حدود ۴۰٪ از کل فرصتهای شغلی صنعتی و ۵۸٪ از

- edition, Basil: Blackwell, ۱۹۹۴.
- Meyer, Günter. "Problems of Industrial Development in the New Desert Cities of Egypt", *Applied Geography and Development*. Vol. ۳۴. Germany, ۱۹۸۹.
 - Monkhouse, F.J. *A Dictionary of Geography*. ۲th ed. London: Edward Arnold, ۱۹۶۹.
 - Pacione, Michael. *Urban Geography, A Global Perspective*. ۲th ed. London and New York: Routledge, ۲۰۰۵.
 - Sendich, Emina. *Planning and Urban Design Standards*. American Planing Association, London: John Wiley & Sons, Inc., ۲۰۰۶.

حسین حاتمی نژاد

سابقه

شهر جدید (نوشهر)، شهری است که برای هدفهای خاص با برنامه‌ریزی معین ساخته می‌شود. از نظر تاریخی، سابقه ایجاد شهرهای جدید در جهان به بنای اردوگاههای نظامی و کارگری باز می‌گردد. ایجاد شهرهای جدید در دوران فراعنه مصر حدود ۱۸۹۰ ق.م، از نخستین نمونه‌های این گونه اردوگاههاست. پیش از انقلاب صنعتی، شهرهای جدید بیشتر به منظور استقرار و اسکان گروههای کارگری ساماندهی می‌شد.

سابقه ایجاد شهرهای جدید به مفهوم امروزی آن به دوران بعد از انقلاب صنعتی، به‌ویژه به اواخر سده ۱۹م می‌رسد؛ این دوره با افزایش فشار ناشی از صنعتی شدن شهرها و وجود تراکم جمعیتی و فعالیتی در آنها همراه بود و سهم بالایی از شاغلان شهرها را کارکنان صنعتی تشکیل می‌داد. نیاز به تأمین مسکن برای این افراد به دلیل افزایش آلودگیهای محیطی، مسکن ناسالم و بروز مسائلی مثل دفع فاضلاب و فقدان بهداشت، شهرهای صنعتی را درگیر خود کرده بود.

دلیل ایجاد شهرهای جدید از دید بنیانگذاران اولیه کاهش تمرکز جمعیت و مراکز فعالیتی در شهرهای بزرگ بود. به‌ویژه آنکه مشکلات شهر صنعتی قرن ۱۹م، از جمله مسائلی همچون دوری ساکنان از طبیعت و فضاها، باز، حیات اجتماعی شهرها را در معرض تهدید قرار داده بود.

- مقالات سمینار شهرهای جدید (اصفهان ۱۳۷۶)، ناشر شرکت عمران شهرهای جدید، بهار ۱۳۸۳.
- زیاری، کرامت‌الله. «نقش شهرهای جدید در روند شهرنشینی، مورد منطقه اصفهان»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*. شماره ۴۵، زمستان ۱۳۷۶.
- زیاری، کرامت‌الله. *برنامه‌ریزی شهرهای جدید*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- سرور، رحیم. *فرهنگ لغات و اصطلاحات جغرافیای انسانی*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، چاپ اول ۱۳۸۳.
- شرکت عمران شهرهای جدید. *شهر جدید پولادشهر، نشریه داخلی- تخصصی*. دوره جدید شماره‌های یک تا چهار، بهمن و اسفند ۱۳۸۳ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴.
- شکویی، حسین. *دیدگاههای نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- شکویی، حسین. *شهرکهای جدید*. نشریه شماره ۱۴ مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی سلسله انتشارات شهرشناسی، شماره ۴، دانشگاه آذربایجان شماره ۱۲۸، ۱۳۵۳.
- شیعه، اسماعیل. *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری*. انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۹.
- عظیمی، ناصر. «نوشهرهای ایران و توزیع فضایی آن بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰»، *مجله ایران‌شناسی*. سال اول، شماره اول، دی ۱۳۷۰.
- فرید، یدالله. *جغرافیا و شهرشناسی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
- کرلایی نوری، رضا و ریاحی دهکردی، فرزانه. «زبان مشترک فضا»، «بررسی شهرهای جدید پس از جنگ در بریتانیا»، «شهرهای سبز»، *مجموعه مقالات شهرسازی، کتاب شهرهای جدید (۵)*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۳.
- مولین، پیر. *نوشهرها*، ترجمه رضا فیضیه، نشر فضا، ۱۳۶۵.
- Atash, Farhad. "Planning and Development of New Towns: the experience of the USA", *International conference on Urban Development New Towns*. Isfahan, Iran, ۱۹۹۳.
- Atash, Farhad. *New towns and future Urbanisation in Iran, TWPR*, ۲۲ (۱), ۲۰۰۰.
- Gallion, Arthur, B. and Eisner Simon. *The Urban Pattern, City Planning and Design*. ۴th ed. CBS Publishers, Delhi- ۱۱۰۰۳۲ (India), ۱۹۸۴.
- Grenyer, Neville et.al. *Contrasts in Development*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۷۷.
- Hall, Peter. *Cities of Tomorrow*. UK: Blackwell, ۱۹۷۷.
- Hiraskar, G.K. *Fundamentals of town planning*, India: Delhi DH an pat Rai & Sons, ۱۹۸۹.
- Johnston R.J et al, *The Dictionary of Human Geography*. third

جدید، شهری است که در اراضی جدید، براساس طراحی و برنامه‌ریزی منظم ساخته می‌شود. بسیاری از شهرهای بزرگ امروز جهان، مانند واشنگتن دی.سی، کانبرا، اسلام‌آباد، اتاوا، برازیلیا هرکدام یک شهر جدید محسوب می‌شوند.

از جمله اهداف ایجاد شهرهای جدید، علاوه بر تمرکززدایی از حوزه‌های مادرشهری و ایجاد شغل و مسکن برای جمعیت آنها، چاره‌جویی در جهت نظارت بر رشد بیش از اندازه و متراکم شهرهای بزرگ، ایجاد مراکز مناسبی برای زیست سالم جمعیت، رواج بهداشت و کاهش آلودگیهای محیطی، زندگی در کنار طبیعت، امکان نزدیک بودن فاصله بین محیطهای کار و سکونت، استفاده بیشتر از خدمات شهری و تأسیسات فرهنگی، دسترسی به نواحی حومه‌ای شهرها و فضاهای باز مرتبط با آنها، اعتدال در قیمت زمین و تأمین مسکن و رفاه عمومی است.

ایجاد شهرهای جدید در ایران، از نظر تاریخی پیشینه‌ای طولانی دارد. در ادوار مختلف تاریخی و در حکومت‌های مختلف، شهرهای مختلفی بنیانگذاری شده که در دوره خود یک شهر جدید محسوب می‌شد که از آن میان، می‌توان به ایجاد شهرهای جدید در دوره‌های سلوکی، اشکانی و ساسانی اشاره کرد که به دلایل نظامی، حکومتی، مذهبی، تجاری و نظایر آنها برپا گشته‌اند. در دوران اسلامی نیز به دلایل مختلف ایجاد شهرهای نوین کم‌وبیش ادامه یافت.

در دوران معاصر، ایجاد شهر جدید اراک را که در عهد قاجار پی افکنده شد، می‌توان به‌عنوان یکی از اولین شهرهای جدید تلقی کرد. ساخت شهرهای جدید در سده اخیر از روند رشد برخوردار بوده است. ایجاد شهرهای نظامی (مانند پیرانشهر)، شهرهای بندرگاهی (مانند بندر ماه‌شهر و بندر امام‌خمینی)، شهرهای بازسازی شده پس از زلزله (مانند قوچان و سلماس)، شهرهای سکونتگاهی (مانند شاهین‌شهر)، شهرهای صنعتی (مانند آغاچاری، مسجد سلیمان، امیدیه، هفتگل، فولادشهر، البرز و کاوه) از جمله انواع شهرهای جدید ساخته شده در ایران بشمار می‌روند.

پس از انقلاب اسلامی، با توجه به افزایش مهاجرت

به‌این ترتیب، رفتن به جایی که از انبوهی تراکم و تمرکز و بی‌نظمی و آشفتگی مصون باشد، و در کنار دستیابی هرچه بیشتر به طبیعت و فضای باز، بار مسائل اجتماعی را کاهش دهد و رضایت ساکنان را نیز در پی داشته باشد، مورد توجه قرار گرفت. راه‌حل این معضل، ایجاد شهرهای جدید بود، تا ضمن پاسخ به دنیای درحال گسترش صنعتی، به تجدید حیات حوزه‌های کشاورزی و تحول صنعتی در تولیدات زراعی و دامی و ارائه بهتر و مطلوب‌تر خدمات منطقه‌ای نیز پاسخی درخور داده شود.

در خلال سالهای بعد از انقلاب صنعتی، این فکر در ذهن دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران امور شهری مطرح شد و رفته‌رفته ایجاد شهر جدید به‌عنوان راه‌حلی جدی مورد توجه قرار گرفت. در ۱۸۱۶م روبرت اوئن، طرح یک شهر صنعتی را پیشنهاد کرد و در ۱۸۳۲م شارل فوریه به ارائه طرح فالانستر پرداخت. بعدها روبرت لوول، با استفاده از ایده‌های اوئن شهر جدید صنعتی لوول را در ۱۸۸۲م در ایالات متحد به‌وجود آورد. در ۱۸۵۰م تیتوس سالت شهر جدید سالتیر را شکل داد. در خلال نیمه دوم سده ۱۹م نیز شهرهای جدیدی همچون اسن در آلمان، پولمن در ایالات متحد، سان لایت و بورن ویل در بریتانیا به‌وجود آمدند.

از اواخر سده ۱۹م تا پایان نیمه اول سده ۲۰م طرح‌های مختلفی برای ایجاد شهرهای جدید به‌عنوان راه‌حل مشکلات شهرهای صنعتی ارائه شد که از جمله آنها طرح *باغشهر* (← باغشهر) متعلق به ابنزر هوارد، *شهر پهن‌دستی* متعلق به فرانک لوید رایت و *شهر درخشان* متعلق به لوکور بوزیه بود. به‌این ترتیب، از نیمه اول سده ۲۰م شهرهای جدید بسیاری در سطح جهان به‌وجود آمد که شهر جدید لیچ‌ورث در بریتانیا اولین آنها بود که بر مبنای نظر ابنزر هوارد در ۱۹۰۳م ساخته شد. از نیمه دوم سده ۲۰م، روند ایجاد شهرهای جدید در دنیا شدت گرفت و شهرهای جدید زیادی بنا نهاده شد. دلیل این گسترش را باید در اثر اعمال سیاست‌های نظارت بر نواحی مادرشهری (← مادرشهر) دانست.

در عصر حاضر، شهر جدید به‌عنوان یک واحد اجتماعی شهری برنامه‌ریزی شده تعریف می‌شود. شهر

به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ارائه می‌شود. مطابق ماده ۱۲ این مصوبه، بخش خصوصی نیز می‌تواند با تأیید وزارتخانه‌های کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) و جهادسازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) و شرکتهای آب و برق منطقه‌ای متقاضی ایجاد شهر جدید باشد.

طبق آئین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۱۲ ش طرح شهرهای جدید عبارت است از طرحهایی که برای ایجاد شهرهای جدید طبق مصوبه شماره ۲۳۲۴۰/ت/۲۷۶ مورخ ۱۳۷۱/۶/۲۵ ش در قالب طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای و جامع ناحیه‌ای ضرورت و مکان ایجاد آنها با سقف جمعیتی و نوع فعالیت معین به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران خواهد رسید و متعاقب آن، برای آنها باید مانند سایر شهرها، طرح جامع و تفصیلی تهیه گردد.

اگرچه فعالیت مربوط به ایجاد شهرهای جدید در ایران، از زمان تشکیل شرکت عمران شهرهای جدید و از ۱۳۶۴ ش ادامه داشته و آئین‌نامه‌ها، مصوبات و مقررات ویژه‌ای را پدید آورده و فعالیت‌های اجرایی آن به ایجاد چندین شهر جدید منتج شده است، ولی ضوابط قانونی آن در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۶ ش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این قانون، شهر جدید به آن‌گونه نقاط جمعیتی اطلاق می‌شود که در چارچوب طرح مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، در خارج از محدوده قانونی و حریم استحفاظی شهرها- هرکدام که بزرگ‌تر باشد- برای اسکان حداقل ۳۰,۰۰۰ نفر به اضافه ساختمانها و تأسیسات مورد نیاز عمومی، خدماتی و اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن پیش‌بینی می‌شود. مکانیابی شهرهای جدیدتر با رعایت سیاستهای دولت و در قالب طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای و ناحیه‌ای و براساس پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی و تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تعیین می‌شود. به موجب همین قانون، شهر جدید باید طرحهای جامع و تفصیلی داشته باشد. وزارت مسکن و شهرسازی نیز مکلف است که پس از حصول اطمینان از اسکان حداقل ۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت

به‌سوی شهرهای بزرگ و ایجاد مراکز جدید صنعتی و اقتصادی در نقاط مختلف کشور، زمینه‌های ایجاد شهرهای جدید با سرعت بیشتری مورد توجه قرار گرفت. مصوبه شماره ۱۰۸۳۲۸ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۰ ش هیئت دولت نیز آن را تسریع کرد. وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) براساس تبصره ۵ ماده ۱۱ قانون زمین شهری، شرکتی را تحت عنوان شرکت عمران شهرهای جدید (← شرکت عمران شهرهای جدید) تشکیل داد تا مطالعات و برنامه‌ریزی لازم را درخصوص ایجاد نوشهرها به عمل آورد. براساس مقررات شرکت عمران شهرهای جدید، ایجاد این نوشهرها براساس اهداف و سیاستهای مرتبط، با مطالعه در امر سرمایه‌گذاری، علت وجودی شهرها، اشتغال، مدیریت شهری، سیاستهای حمل‌ونقل شهری، تأسیسات شهری، طراحی شهری (← طراحی شهری)، گسترش فضاهای باز (← فضای باز) و فضای سبز (← فضای سبز)، پدافند غیرعامل (← پدافند غیرعامل) و ایجاد صنعت دنبال می‌شود.

به موجب مصوبه مورخه ۱۳۶۸/۱۰/۲۵ ش شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مکانیابی شهرهای جدید براساس میزان افزایش جمعیت شهر در طول ۲۰ سال، تعیین سقف جمعیتی شهر جدید، حفظ اراضی کشاورزی، حداکثر استفاده از اراضی دولتی، فاصله مکانی مناسب تا شهر اصلی، تأمین آب، مناسب بودن از نظر نوع ناهمواریهای زمین، ملاحظات امنیتی، سیاسی و نظامی، صرفه‌های اقتصادی و اجرایی صورت می‌پذیرد. همچنین بر مبنای ماده ۱ مصوبه مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۵ ش هیئت دولت، شهر جدید به مکانی اطلاق می‌شود که در محدوده آن برای اسکان و فعالیت جمعیتی بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر یا دست‌کم ۱۰,۰۰۰ واحد مسکونی به همراه ساختمانها و تأسیسات عمومی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان آن در خارج از حوزه شهری و حریم استحفاظی شهرهای موجود پیش‌بینی شده باشد. بر مبنای ماده ۲ این مصوبه شهر جدید، ابتدا با توجه به سیاستهای دولت و در قالب طرح کالبدی ملی (← طرح کالبد ملی) و منطقه‌ای و یا در موارد استثنایی طرح جامع شهری و پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی برای تصویب

شهر جهانی

- شیعه، اسماعیل. «اراک شهر جدید عهد قاجار»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی- هنری استان مرکزی. شماره ۷ و ۸، اراک: انجمن علمی، فرهنگی و هنری استان مرکزی، ۱۳۷۵.

- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هجدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.

- مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۸۲-الف). مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی. جلد اول از آغاز تا پایان ۱۳۷۸، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸.

- مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی. جلد دوم، سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۲.

- Galantay, E.Y. *New Towns: Antiquity to the Present*. George Braziller, New York, ۱۹۹۵.

- Osborn, F.J. & Whittick, A. *New Towns, Their Origins, Achievement and Progress*. U.K.: Leonard Hill, ۱۹۷۷.

- Sutcliffe, A. *Towards the planned City, Germany, Britain, United States and France, ۱۷۸۰-۱۹۱۴*. Second Edition, New York: St. Martines Press, ۱۹۸۱.

- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill, Inc., ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

شهر جهانی

The World City

شهر جهانی شهری است که به خاطر برخورداری از امکانات گسترده، از جمله فناوری اطلاعات، جایگاه برجسته مالی و تجاری و عملکردهای هدایتی، هم فرایند جهانی شدن را انعکاس می‌دهد و هم در تسریع آن نقش خاصی ایفا می‌کند. در پی تحولات فرهنگی و اقتصادی جهانی، محیط زندگی و در نتیجه شهر، در مقیاس جهانی متحول شده است. کستلز در این باره تأکید دارد که با تحول اقتصاد متکی بر تولید صنعتی به اقتصاد مبتنی بر خدمات، همراه با تأثیرات فوق‌العاده ارتباطات راه دور، شهر متحمل تغییرات عظیم و دائمی می‌شود. به عبارت دیگر، عصر اطلاعات شهر را به مرکز تقاضا برای جریان اقتصاد و خدمات ارتباطات راه دور تبدیل می‌کند. به همین ترتیب، افزایش این گونه تقاضاها موجب تقویت نقش شهر و

در شهر جدید، مراتب را به منظور ایجاد شهرداری به وزارت کشور اطلاع دهد و این وزارت مکلف است که نسبت به تشکیل شورای شهر و شهرداری در شهر جدید اقدام نماید. چنانچه طرح شهر جدید به پایان نرسیده باشد، پس از ایجاد شهر جدید، شرکت سازنده موظف به تکمیل طرح فضاهای عمومی و تأسیسات زیربنایی و تحویل نقشه‌ها و اسناد و مدارک مربوطه به صورت بلاعوض به شهرداری محل است.

از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ش تا نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ش و به منظور اسکان سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ ایران، احداث حدود ۳۰ شهر جدید در ایران آغاز شده که کارساخت بسیاری از آنها در دست اجراست. مهم‌ترین این شهرها عبارتند از: شهرهای جدید هشتگرد، پردیس، اندیشه و پرند (حوزه تهران)، مهاجران (حوزه اراک)، فولادشهر، مجلسی و بهارستان (حوزه اصفهان)، گلپهار و بینالود (حوزه مشهد)، صدرا (حوزه شیراز)، رامین (حوزه اهواز)، عالیشهر (حوزه بوشهر)، سهند (حوزه تبریز) و علوی (حوزه بندرعباس). در طول این ۲ دهه نسبت به برپایی چند همایش ملی و بین‌المللی در زمینه ایجاد شهرهای جدید نیز اقدام شده است که از جمله آنها می‌توان به همایش بین‌المللی توسعه شهری و شهرهای جدید در ۱۳۷۲ش در اصفهان و همایش بین‌المللی شهرهای جدید در ۱۳۸۴ش در تهران اشاره کرد.

کتاب‌شناسی:

- آبادی، فصلنامه شهرسازی و معماری. توزیع فضایی شهرهای جدید ایران، شماره‌های ۲۹، ۳۰ و ۳۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸.

- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تاریخ تأسیس تا پایان شهریور ۱۳۸۳. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.

- حبیبی، سید محسن. از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

- سعیدنیا، احمد. «جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری ایران»، مجموعه سمینار شهرهای جدید. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۶۸.



جهانی بر شهر، شهر- منطقه‌های جهانی است. شورت و کیم در این باره معتقدند، جهانی شدن با عملکردهای خاص خود معمولاً در شهرها بروز می‌یابد و شهرها جهانی شدن را فرا گرفته و انعکاس می‌دهند. به اعتقاد آنها، گسترش عملکردهای شهر جهانی منبع اصلی بازساخت شهری در شهرهای جهانی است.

به این ترتیب، شهر به دلیل امکانات فناوری و فضایی که ارائه می‌دهد، محل پیشبرد فرایند جهانی شدن است. در واقع نقطه اثر فناوریهای ارتباطی و نیروهای اقتصاد جهانی در شهرها قرار دارد و حاصل آن تبدیل شهر به شهر جهانی با عملکردهای جهانی است. بنابراین، همان‌طور که شهر صنعتی حاصل انقلاب صنعتی و فناوری تولید صنعتی بود، شهر جهانی را می‌توان حاصل انقلاب اطلاعاتی و فناوری ارتباطات راه دور تلقی کرد.

واژه شهر جهانی نخستین بار توسط پاتریک گلدس به عنوان مکانی که تجارت جهانی در آنجا انجام می‌شود، به کار گرفته شد. امروزه، با آشکارتر شدن آثار فرایند جهانی شدن، شهر جهانی به عنوان بارزترین ثمره آن، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. نظریه‌پردازان مختلف، شهر جهانی را با تعاریف گوناگونی معرفی کرده‌اند که این تعاریف در اغلب موارد، از مفاهیم مشترکی برخوردارند. جان فریدمن، شهر جهانی را با ۴ خصوصیت زیر تعریف می‌کند:

• نقاط پایه‌ای در سازماندهی فضایی و ارتباطی تولید و

عملکردهای آن در فرایند جهانی شدن (← جهانی شدن) می‌گردد. بنابراین، برای درک بهتر مفهوم شهر جهانی لازم است به نقش فناوریهای عصر حاضر، یعنی دانش میکرو الکترونیک و ارتباطات راه دور در تحول شهرها اشاره شود. گراهام و ماروین شهرها را کانون اصلی جریان ارتباطات راه دور و عملکرد شبکه‌های الکترونیکی برمی‌شمارند و از اتصال قوی و سینرژیک شهرها با ارتباطات راه دور و شبکه‌های زیرساختی سخن می‌گویند. بر این اساس، شهر محل آشکار شدن فناوریهای جدید ارتباطی است. بدینسان، شهر به عنوان محل تمرکز این گونه فناوریها، جایگاهی والا برای جریان عملکردهای جهانی فراهم می‌آورد، به نحوی که یک سلسله تمرکزهای جدید، به ویژه در زمینه فعالیتهای اقتصادی، مراکز فرماندهی و عملکردهای اداری در شهر پدیدار می‌گردد. کستلز در همین زمینه، مرکز تجاری و بین‌المللی شهرها را قلب اقتصادی شهر در اقتصاد جهانی- اطلاعاتی می‌نامد که به واسطه زیرساختهای ارتباطات راه دور، انواع ارتباطات، خدمات شهری و فضاهای اداری و نهادهای وابسته به فناوری و آموزش تجهیز شده‌اند. او شهر اطلاعاتی را به مفهوم شهری با تمامی مشخصات یک جامعه اطلاعاتی، شهر جهانی می‌خواند. به این ترتیب، شهر جهانی عملکردهای هدایتی اقتصاد جهانی را در یک شبکه تصمیم‌گیری و مراکز تبدیل اطلاعات به جریان می‌اندازد. بر این اساس، حاصل ارتباطات راه دور و نیروهای اقتصاد

عملکردی خوانده می‌شود.

بنابراین، شهر جهانی شهری است که از تجهیزات و تأسیسات الکترونیکی برای جریان ارتباطات راه دور برخوردار و از این طریق، قادر به ارائه و تسهیل عملکردهای جهانی است. شهر جهانی هم مرکزی برای ارائه، کنترل و فرماندهی عملکردهای جهانی و محل استقرار شرکت‌های فراملی و خدمات و تسهیلات مورد نیاز مثل هتلها، رستورانها، بانکها، فرودگاهها و غیره است و هم مرکزی برای زندگی اجتماعی- فرهنگی خاص افراد انسانی، شامل شهروندان بومی و جهانی.

عملکردهای جهانی شامل انواع فعالیتهای حکومتی، تجاری، مالی و اداری، بیمه، توزیع و حمل‌ونقل، صنعت و پژوهش و توسعه، عملکردهای خدماتی (خدمت خاص کامپیوتری برای سایر عملکردها)، عملکردهای آموزشی و تحقیقاتی و عملکردهای رسانه‌ای است. تفاوت این عملکردها در شهر جهانی در مقایسه با عملکردهای مشابه در سایر شهرها، سرعت جریان و سادگی وقوعشان با استفاده از فناوری جدید اطلاعاتی و در قالب شبکه‌های مجازی و دیجیتالی است.

کتاب‌شناسی:

- «جهانی شدن شهرها و پیش‌فرضهای طراحی شهری برای مواجهه با آن»، *مجله صفا*. شماره ۳۶، تهران: دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۲.

- Castells, Manuel. "European Cities, the Informational Society and the Global Economy", LeGates Richard T. and Frederic stout (eds). ۱۹۹۶. *The City Reader*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۳.

- Castells, Manuel. "Grassrooting the Space of Flows", *Cities in the Telecommunication Age the Fracturing of Geographies*. Wheeler, et al, (eds). London and New York: Routledge, ۲۰۰۰.

- Friedmann, J. "The World City Hypothesis", *Development and Change*. ۱۷. pp ۶۹-۸۳, ۱۹۸۶.

- Geddes, Patrick. *Cities in Evolution*. London: Benn, ۱۹۹۵.

- Gillespie, Andrew and Richardson, Ronald. "Teleworking and The City: Myths of Work Place Transcendence and Travel Reduction", *Cities in the Telecommunication Age the Fracturing of Geographies*. Wheeler et al (eds). London and

بازارها؛

• مراکز اصلی تمرکز و انباشت سرمایه بین‌المللی؛
• مراکز همکاری، فرماندهی مالی، حمل‌ونقل و ارتباطات جهانی و خدمات تجاری در سطح بالا؛ و
• نقاط مقصد برای مهاجران بومی و بین‌المللی.

سازن نیز خصوصیات مشابهی را برای شهر جهانی برمی‌شمارد:

• نقاط فرماندهی به شدت متمرکز در امر سازماندهی اقتصاد جهانی؛

• مکانهای کلیدی برای شرکتهای خدماتی خاص و مالی؛

• کانونهای تولید، شامل تولید نوآوریها یا نوآوریهای در هدایت صنایع؛ و

• بازارهایی برای تولیدات و نوآوریهای تولیدی.

شاچر برای تعریف شهرهای جهانی، فراهم آمدن زیرساختهای قدرتمند فیزیکی و اجتماعی را ضروری می‌داند.

شورت و کیم پس از مقایسه، تحلیل و جمع‌بندی تعاریف متعدد، در تعریف جامع، شهرهای جهانی را به‌عنوان گره‌های مرکزی در شبکه جهانی جریانهای اقتصادی و مکانهای خاص اجتماعی- فرهنگی معرفی می‌کنند.

و بالاخره، پیتز هال شهرهای جهانی را به‌عنوان برخی شهرهای بزرگ و قدیمی تر جهان معرفی می‌کند که نه به دلیل اندازه، بلکه به دلیل عملکردشان در شبکه ارتباطات جهانی قرار دارند. به اعتقاد او، تجارت جهانی در شهرهای جهانی، به‌ویژه با تولید خدمات اطلاعاتی تخصصی (همچون خدمات مالی، خدمات رسانه‌ای، خدمات تحصیلی و بهداشتی) و گردشگری (شامل توریسم تجاری) شکل می‌گیرد؛ ولی درعین حال، به تبعیت از ایده مکانهای مرکزی، عملکردهای سطح پائین تر را نیز برای مناطق کوچک‌تر، به‌خصوص در سطح ملی برای شهروندان محلی خود، انجام می‌دهند.

توجه به این تعاریف نشان می‌دهد، آنچه یک شهر را واجد خصوصیات جهانی شدن می‌گرداند، عملکردهایی است که برعهده دارد. از این رو، شهر جهانی اصولاً شهری

شهر جهانی

مشهود است، عملاً در چند شهر بزرگ متمرکز می‌شوند. این امر شاید به دلیل تسهیل دسترسی آنها به خدمات ارتباطی و اطلاعاتی است که به‌نوبه خود در این شهرها تمرکز پیدا کرده‌اند. فریدمن در همین خصوص از پارادایم تازه‌ای در تقسیم کار جهانی و نظام فضایی شهر سخن به میان آورده است. فریدمن معتقد است که شهرهای جهانی به خاطر قدرت اقتصادی خود، در رأس یک ساختار سلسله مراتبی از حیث تقسیم کار جهانی قرار دارند که در رأس این سلسله مراتب یک طبقه اجتماعی قرار دارد که فریدمن آن را طبقه اجتماعی ماوراء سرمایه‌داری ملی می‌خواند.

مرکز فرماندهی جهانی

چنین موقعیتی از وجوه چندگانه این شهرها حاصل می‌شود، از جمله اینکه این شهرها، سررشته شبکه‌ای از ارتباطات جهانی هستند، آن‌هم در مقیاسی که آنها را بیش از اینکه در نظام شهری کشوری یا ملی قرار دهد، در قلب نظام جهانی قرار می‌دهد. پیوند چند سطحی این شهرها با اقتصاد جهانی، آنها را به قدرتی جهانی تبدیل می‌کند. این شهرها همچنین از لحاظ وسعت، جمعیت و کارکرد فضایی، با فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی در سطح تازه‌ای سازگاری پیدا کرده‌اند. به این ترتیب، شهرهای جهانی در سطوحی از سلطه هستند که تولید، توزیع و شبکه‌های ارتباطی را در سطح جهانی مدیریت می‌کنند. چنین نقشی است که آنها را به مظهر جهانی شدن اقتصاد تبدیل کرده است. به بیان ساده‌تر، این شهرها مقرر مدیریت اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهند و حتی اقتصادهای غیررسمی و زیرزمینی از قلمرو مدیریتی آنها بیرون نیستند.

مرکزیت فرهنگی

برخی از پژوهشگران معتقدند که تمرکز فعالیتهای بزرگ اقتصادی در برخی شهرهای جهانی و هدایت آنها با مدیریتهای متمرکز، تنها با رجوع به علت‌های اقتصادی قابل توضیح نیست و باید عوامل فرهنگی را نیز در این خصوص مورد توجه قرار داد. آنچه شهرهای جهانی را به موقعیت فعلی رسانده است به تنهایی از جغرافیای اقتصاد

New York: Routledge, ۲۰۰۰.

- Graham, Stephen and Marvin, Simon. "Urban Planning and the Technological Future of Cities", *Cities in the Telecommunication Age the Fracturing of Geographies*. Wheeler, et al (eds). London and New York: Routledge, ۲۰۰۰.
- Graham, Stephen and Simon, Marvin. *Telecommunications and the City: Electronic Spaces, Urban Places*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۶.
- Hall, Peter. "Megacities, World Cities and Global Cities", *The First Megacities Lecture*. Rotterdam. February ۱۹۹۷.
- Lord Rogers of Riverside. *Towards an Urban Renaissance*. London: E & Fn Spons, ۱۹۹۹.
- Rennie Short, John and Yeong-Hyun Kim. *Globalization and the City*. New York: Longman, ۱۹۹۵.
- Sassen, Saskia. *Cities in a World Economy*. Thousand Oaks, Ca.: Fine Forge Press, ۱۹۹۴.
- Sassen, Saskia. *The Global City: New York, London, Tokio*, Princeton: Princeton University Press, ۱۹۹۱.
- Shacher, A. Randstad Holland; a "world city?", *Urban Studies*. ۳۱(۳), pp ۳۸۱-۴۰۰.
- Takahashi, Junjiro and Sugiura, Noviyuki. "The Japanese Urban System and the Growing Centrality of Tokyo in the Global Economy", Lo, F. and yeung, y (eds), *Emerging World Cities in Pacific Asia*. United Nations: University press, ۱۹۹۵.
- Wheeler, James O; Aoyama, yuko and Warf, Barney (eds). *Cities in the Telecommunication Age, The Fracturing of Geographies*. New York and London: Routledge, ۲۰۰۰.
- World Commission Urban ۲۱. *World Report on the Urban Future ۲۱*. Berlin, Federal Republic of Germany, ۲۰۰۰.

شهرزاد فریادی

کارکرد شهرهای جهانی

با اینکه جهانی شدن متضمن شکل‌گیری اقتصادی با وسعت و گستره کره زمین است، اما برخی از وجوه عمده این اقتصاد نه تنها به همین میزان پراکنده نیست، بلکه درست در نقطه مقابل آن، میل به تمرکز دارد. سرمایه و صنعت از جمله عناصر اصلی اقتصاد جهانی است که به لحاظ جغرافیایی و فضایی به تمرکز شدید تمایل دارند و چنان‌که

شهر جهانی

در شهرهای جهانی نوعی احساس جهان‌شهری حاکم است، زیرا به‌طور گسترده‌ای پذیرای افراد و اجتماعات از سراسر جهان هستند. به‌همین دلیل، یکی از نمودهای شهرهای جهانی که به آنها جلوه جهان‌شهری می‌دهد، حضور هویت‌های گوناگون نژادی و قومی در آنهاست. لوس‌آنجلس از این حیث در میان دیگر شهرهای جهانی جایگاه شاخصی دارد.

کدام شهرها؟

در مورد اینکه کدام شهرها در پهنه جهانی در زمره شهرهای جهانی قرار می‌گیرند، اختلاف نظر وجود دارد؛ با این حال، در مورد برخی شهرها اتفاق نظر هست که نیویورک، لندن و توکیو از این زمره و از مصادیق بارز شهر جهانی هستند. سایر شهرهایی که تحلیل‌گران اغلب آنها را در فهرست شهرهای جهانی قرار می‌دهند عبارتند از: سئول، شانگهای، هنگ‌کنگ، فرانکفورت، جاکارتا، برلین، سنگاپور و لوس‌آنجلس.

کتاب‌شناسی:

- شورت، ج. و یونگ، ه. *جهانی شدن و شهر*، ترجمه احمد پوراحمد و ش. رستمی، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- Castells, Manuel. *The Informational City: Information, Technology, Restructuring and Urban-Regional Process*. Oxford: Blackwell, ۱۹۸۹.
- Friedmann, J. "The World City Hypothesis", *Development and Change*. ۱۷: ۶۹-۸۴, ۱۹۸۶.
- Knox, p. and Taylor, P. *World Cities in a World-System*. Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۹۵.
- Sassen, Saskia. *The Global City: New York, London, Tokyo*. Princeton: Princeton University Press, ۲۰۰۱.
- Soja, W. *Postmetropolis: Critical studies of Cities and Region*. Oxford: Blackwell, ۲۰۰۰.

کمال پولادی

جهانی آنها ناشی نشده است، بلکه از جغرافیای فرهنگی آنها، به‌ویژه در رابطه با قلمرو ملی نیز تأثیر همه‌جانبه گرفته است. شهرهای جهانی نه تنها از حیث اقتصادی مرکزیت دارند و بسیاری از مناطق اقتصادی، حاشیه یا پیرامون آنها محسوب می‌شوند، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز از موقعیت یک مرکز که نقاط پیرامونی بسیاری را تغذیه می‌کنند، برخوردارند. این شهرها بسیاری از نهادها و مراودات اجتماعی را شکل می‌دهند و بسیاری از عقاید جمعی و گفت‌وگوها را در سطح ملی و جهانی جهت‌دهی می‌کنند. به این ترتیب، آنها هم مرکز شبکه ارتباطات اقتصادی هستند و هم کانون شبکه اجتماعی و فرهنگی. آنها برای بازنماییها، الگوها و نوآوریهای فرهنگی نیز به‌مثابه مرکز محسوب می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، شهری مانند نیویورک یک شهر جهانی است که در ابعاد فرهنگی فراورده‌های فرهنگی و فکری ایالات متحد را در سطح کشور و در سطح جهان گسترش می‌دهد.

شکاف اجتماعی

یکی از مظاهر شهرهای جهانی تعمیق شکافهای اجتماعی یا به عبارتی قطبی شدن اجتماعی و فضایی آنهاست. گرچه شکاف اجتماعی و فضایی از مشخصات تمام شهرهای بزرگ جهان سرمایه‌داری است، اما برخی محققان معتقدند که این شکاف در شهرهای جهانی ابعاد خاص خود را دارد. این امر تا حدود زیادی با بالا بودن سطح اشتغال در بخش خدمات نسبت به اشتغال در بخش تولید در این شهرها بستگی دارد. شاغلان بخش خدمات به نسبت شاغلان بخش تولید، درآمد و دستمزد کمتری دارند. مهاجرت گسترده از نقاط مختلف کشور و جهان به شهرهای جهانی، از دیگر عوامل گسترش ابعاد شکاف اجتماعی در شهرهای جهانی است که در عین حال، با بالا بودن سطح اشتغال در بخش خدمات ارتباط دارد. انبوه کارکنان و کارگران بخش خدمات و تراکم جمعیتی این اقشار در محله‌های فقیرنشین، شهرهای جهانی را مانند خود جهان در عصر جهانی شدن و به مراتب بیش از آن، به ۲ قطب فقیر و غنی، با فاصله بسیار، تقسیم کرده است.

به آن اذعان دارد: «ایده شهر سالم اساساً تحولی در تفکر ماست، هرچند این ایده به مفهوم عام خود قدیمی است، اما احیاء مجدد و کوشش بی سابقه‌ای است در نگرشی جامع‌تر به بهداشت شهرها».

پس از آن، تلاشهایی دیگر برای ارائه تعریف کامل‌تری از شهر سالم صورت گرفت، اما ارائه چنین تعریفی موضوع ساده‌ای نبود؛ با این وجود مطلبی که اکثر کارشناسان بدان اذعان داشتند، این بود که ایده شهر سالم صرفاً به معنی پائین بودن بیماریها و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در شهر نیست. آنان براساس نتایج تحقیقات خود، معتقد بودند که همه ابعاد زندگی شهرنشینی و همه مجموعه شهر می‌بایست به‌عنوان عرصه‌هایی تلقی شوند که زمینه‌ساز موقعیتها و امکانات برای ایفای نقش اساسی در سلامت شهروندان و ساکنان باشند. همچنین معتقد بودند که نباید فراموش کرد که هر شهری یکتاست و خصوصیات منحصر به فرد، زندگی، روحیه و حتی شخصیت ویژه دارد، و باید به صورت یک موجودیت کامل درک شود.

با در نظر گرفتن شرایط فوق، صاحب نظران ملاک‌هایی برای تعریف شهر سالم تعیین کردند که منطبق بر ملاک‌هایی عام از شهر شد؛ ملاک‌هایی که برنامه‌ریزان و مقامات هر شهری با توجه به ویژگیهای خاص شهر خود آن را تفسیر می‌کنند، و متناسب با شرایط، مسائل و اولویتهای مورد نظر به کار می‌گیرند. بنابراین، تصویری که ایده شهر سالم ارائه می‌دهد، تصویری جامع است. نکات حائز اهمیت در چارچوب این تصویر عبارتند از:

- **طرز نگرش به شهر بر مبنای ایده شهر سالم.** شهر ارگانیزم پیچیده‌ای است که مثل هر ارگانیزم دیگری زندگی می‌کند، نفس می‌کشد، رشد می‌کند و مرتباً در حال تغییر است.
- **نسبی بودن تعریف.** شهر سالم به شکل کامل وجود ندارد، این مفهوم آرمان و چشم‌اندازی است که طرح شهر سالم به سوی آن جهت‌گیری کرده است.
- **روند تعریف.** شهر سالم به‌عنوان یک فرایند جاری تعریف می‌شود، نه یک نتیجه. به سخن دیگر، فرایند ایجاد شهر سالم همراه با تحقق نسبی آرمانها و اهداف، مدام در

شهر سالم

Healthy Town

شهر سالم شهری است که به‌طور مستمر به ایجاد و بهبود محیط اجتماعی و منابع اجتماعی خود می‌پردازد تا به مردم امکان دهد با همکاری متقابل از تمام ظرفیتهای برای ساختن شرایط بهتر زندگی بهره‌گیرند. مفهوم شهر سالم در ۱۹۸۴م در کنفرانسی با نام *فراسوی مراقبتهای بهداشتی* که سازمان بهداشت جهانی در شهر تورنتو کانادا برگزار کرد، به‌منظور بررسی پیشرفتهای حاصله در زمینه راهبرد سلامتی برای همه مطرح شد. از جمله مقالاتی که در این کنفرانس ارائه شد، مقاله پروفسور لئونارد دهل، مشاور سازمان بهداشت جهانی و استاد بهداشت عمومی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه برکلی کالیفرنیا و استاد بالینی بیماریهای روانی سانفرانسیسکو، با نام «شهر سالم» بود.

دهل در این مقاله اثر الگوهای شهرسازی را بر سلامت روانی ساکنان شهر مورد بررسی و تحلیل قرار داد و شهر سالم را این‌گونه تعریف کرد: شهر سالم، شهری است که به‌طور مداوم در ایجاد یا بهبود شرایط اجتماعی، کالبدی و توسعه منابع تلاش می‌کند تا بدین وسیله امکان عملکرد منطقی در جهت نیل به حداکثر بهره‌وری از تواناییهای انسان را فراهم آورد. بدین ترتیب، دهل ایده جدیدی را ارائه داد که در آن چارچوب و امکان تلفیق دیدگاههای اکولوژیکی با دیدگاههای جامع بهداشتی به وجود آمد. علاوه بر آن، ایده شهر سالم پشتوانه نظری مناسبی برای تعمیم اهداف راهبردی بهداشت برای همه، در همه محیطهای شهری فراهم ساخت.

با این وجود، طرح ایده شهر سالم نه به‌عنوان یک کشف جدید، بلکه به‌عنوان نقطه عطفی در فرایند تاریخی بهسازیهای محیطی بشمار می‌رود. آن‌طور که دهل خود نیز



با این وجود، این تعریف مبتنی بر شرایطی بود که قبلاً پروفیسور دهل به شرح زیر اعلام کرده بود:

• پاسخهای شهر به نیازهای گسترده مردم و سازمانهایش می‌بایست مناسب و مؤثر باشد؛

• شهر باید بتواند با کاستیهای خود به‌عنوان یک نظام و با کمبودهای مربوط به اعضاء به‌نحو مؤثر مقابله کند؛

• شهر باید بتواند خود را برای تأمین نیازهای فزاینده و متغیر زندگی تطبیق دهد؛

• شهر باید بتواند ساکنان و شهروندان خود را قادر سازد از ظرفیتهای شهر به‌نحو بهینه بهره‌گیرند؛ و

• این موارد تحقق نمی‌یابند، مگر آنکه مردم آموزشهای لازم را کسب کنند.

دکتر جان اشتون از دیگر صاحب‌نظران و استاد دانشگاه لیورپول، شهر سالم را محصول ارتباط متقابل و نزدیک بین شهروندان، فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی داخل شهر و منابع محیط شهر می‌داند. از نظر او، یک شهر موقعی ناسالم

حال اصلاح و تکامل است؛ بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که در قالب یک برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و یا حتی بلندمدت تحقق یابد و دیگر کاری باقی نماند.

پروفیسور دهل شهر سالم را پس از ۱۹۸۴م مجدداً با توجه به لزوم ارائه تصویری جامع از آن، بدین‌صورت تعریف نمود: «آنچنان محیط اجتماعی و کالبدی با چنان امکاناتی که انجام کلیه فعالیتهای زندگی را به سهولت و با کارایی مطلوب امکان‌پذیر سازد. وی سپس در ۱۹۸۶م، با همکاری هنکوک، تعریف دیگری ارائه داد که به‌واسطه آن، تعاریف، قبلی را به‌صورت زیر تکمیل کرد: «شهر سالم شهری است که به‌طور مداوم و پیوسته، در حال ایجاد و بهبود محیطهای اجتماعی و کالبدی خویش بوده و منابع اجتماعیش را گسترش می‌دهد، به‌نحوی که آن محیطها مردم را قادر سازد تا در اجرای همه عملکردهای زندگی اجتماعی و در پرورش حداکثر تواناییهای بالقوه‌شان به‌طور متقابل از یکدیگر حمایت و پشتیبانی کنند».

شهر سالم

سازمان بهداشت جهانی به استناد تعریف فوق اهداف و خط‌مشیهای پروژه‌های شهر سالم را تدوین کرد و با استقبال مقامات محلی در اقصی نقاط جهان، به‌ویژه مقامات شهرهای منطقه اروپا روبرو شد. به‌زودی این برنامه (در اواخر دهه ۱۹۸۰م) به یک نهضت جهانی مبدل شد و با گسترش تعداد شهرها، سازمان بهداشت جهانی برای فراهم شدن امکان مبادله تجربیات بیش از هزار شهر فعال در اجرای پروژه شهر سالم، به طراحی شبکه شهرهای سالم اقدام کرد.

ایده شهر سالم در ایران

سابقه مطرح شدن ایده شهر سالم در ایران (به‌عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان بهداشت جهانی - منطقه مدیترانه شرقی EMR) به برگزاری «سمپوزیوم شهر سالم» بازمی‌گردد که در ۱۳۷۰ش به مدت ۳ روز با دعوت از کارشناسان و متخصصان رشته‌های مختلف برگزار شد. سازمان بهداشت جهانی در منطقه مدیترانه شرقی پیشتر در نوامبر ۱۹۹۰م، اولین کنفرانس را در این زمینه تشکیل داده و ۳ مطالعه موردی از شهرهای لاهور، اسکندریه و تهران در آن مطرح شده بود. در این کنفرانس بر استفاده از تجربیات مناطق اروپا در شهرهای کشورهای منطقه تأکید شده بود. سمپوزیوم مزبور را شهرداری تهران با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در شهر تهران برگزار کرده بود که از مهم‌ترین دستاوردهای این کنفرانس می‌توان به تشکیل ستاد شهر سالم تهران و اجرای پروژه شهر سالم (به‌صورت pilot در یکی از محلات جنوب این شهر موسوم به ۱۳ آبان) اشاره کرد.

پس از آن، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دامنه فعالیتها را در این زمینه در سطح کشور گسترش داد (حتی فعالیتهایی نیز در زمینه روستاهای سالم به اجرا گذاشته شد) و با تشویق مسئولان محلی و شهرداران در دهها شهر دیگر فعالیتهای مطالعاتی و یا اجرایی آغاز شد. در نهایت، با تشکیل شورای عالی شهرهای سالم کشور (با حضور همه دستگاهها و وزارتخانه‌های ذی‌ربط) و استقرار دبیرخانه آن در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

است که نتواند منابع اساسی زیر را برای سلامت شهروندان خود تأمین کند:

- خوراک سالم و کافی؛
- هوای پاکیزه برای تنفس؛
- سیستم آبرسانی سالم؛
- بهداشت برای همه؛
- سرپناه عاری از فقر؛
- فضاهای تفریحی؛ و
- فعالیتهای سالم.

از نظر اشتون تأمین این موارد از شروط لازم برای شهر سالم است، ولی کافی نیست. برای اینکه مردم و خانواده‌هایشان از سلامتی کامل در شهر برخوردار شوند، مجموعه‌ای از پیش‌نیازهای محیطی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خدماتی) نیز باید به آنها افزوده شود.

علاوه بر این، او اقدامات شهر سالم را از برقراری ارتباط بین اقدامات سستی محیط فیزیکی در جهت روشهای جلوگیری از مرگ‌ومیر و شیوع بیماری، کیفیت درمان و خدمات پزشکی پیشگیری کننده با اقدامات فرهنگی، مشارکت و همکاری بین بخشی بخشهای اجتماعی و سطوح حمایتی متقابل می‌داند. در واقع، شهر سالم از نظر او پلی بین این دوگونه اقدام است.

صاحب‌نظران متعدد دیگری نیز در این میان به‌ارائه تعریف شهر سالم پرداخته‌اند؛ برای مثال، یکی از کارشناسان منطقه مدیترانه شرقی سازمان بهداشت جهانی در سمپوزیوم شهر سالم که در ۱۳۷۰ش در تهران برگزار شد، تصویری این‌چنین از شهر سالم ارائه داد: «در شهر سالم مجموعه‌ای از امکانات رفاهی، بهداشتی، اجتماعی و اقتصادی برای یک زندگی سالم در نظر گرفته می‌شود».

سازمان بهداشت جهانی که متولی اصلی پروژه‌های شهر سالم است، با اصلاحات مختصری، تعریف دهل و هنکوک را به‌صورت زیر مبنای تعریف رسمی شهر سالم قرار داده است: «شهر سالم، شهری است که محیطهای کالبدی و اجتماعی را به‌طور پیوسته بهبود می‌بخشد و منابعش را توسعه می‌دهد، به‌نحوی که مردم بتوانند در تحقق همه تواناییهای خود به‌طور متقابل از یکدیگر پشتیبانی کنند».

شهر قابل زیست

شهری توانایی و رغبت اظهارنظر درباره آن را داشته باشند. یک شهر قابل زیست، شهری است که در آن بین فضاهای ساخته شده شهر و محیط طبیعی آن تناسب وجود داشته باشد. در چنین شهری برای زندگی اجتماعی مردم با یکدیگر فضاهای مشترکی وجود دارد. آخر آنکه، در شهر قابل زیست، جایی برای فقر و ناکامی وجود ندارد. این شهر نه برای متخصصان علوم شهری و یا سازمانهای اداری شهر، بلکه برای ساکنان آن شکل می‌گیرد.

از جمله ضرورت‌های یک شهر قابل زیست آن است که کالبد شهر به‌خوبی طراحی و برنامه‌ریزی شده باشد و شهر و محله‌های مسکونی آن مراکز مناسبی داشته باشند. معابر و شبکه‌های دسترسی آن نیز به‌نحو مناسبی به‌وجود آمده و کلیه تأسیسات مورد نیاز به‌صورت سلسله‌مراتبی در آن استقرار یافته باشند. رعایت شاخصه‌های آب‌وهوایی در ساختمانها و فضاهای شهری، ارتباط شهر با شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی و جایگاه اینها در سیمای کلی شهر از جمله مشخصه‌های چنین شهری محسوب می‌شود. در آخر، شهر قابل زیست باید به زیور هنر در طرح فضاهای عمومی خود آراسته باشد.

ارتقاء سطح بهداشت عمومی و سلامتی جسمی و روانی جمعیت، رفاه عمومی، ارتباط مناسب بین بافتهای شهر، اعتدال در شرایط اجتماعی و اقتصادی، نظم در طراحی و برنامه‌ریزی شهر، همخوانی تأسیسات زیربنایی، حمل‌ونقل مناسب، منظرسازی و وجود فضاهای باز (← فضای باز) و سبز (← فضای سبز شهری)، ایمنی در برابر حوادث و اتفاقات طبیعی و اجتماعی، دارا بودن مسکن مناسب، نبود فقر، جرم و اعتیاد و بیکاری (← بیکاری)، اعتدال در تراکم جمعیت و ساختمان، تأمین نیازمندیهای عمومی و خدمات رفاهی و مکانیابی صحیح کاربریهای بزرگ زمین از مشخصه‌های یک شهر قابل زیست و سالم است. رواج ارتباطات مناسب اجتماعی و تمدن‌ساز بودن شهر نیز از جمله خصوصیات شهر قابل زیست است.

محله (← محله) در شهر قابل زیست شرایطی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- محله آینه تمام‌نمای جامعه پیشرفته زمان و جلوه‌های

برنامه‌ریزی شد تا هماهنگیهای بین‌بخشی در چارچوب پروژه‌های شهر سالم به‌صورت مؤثرتری به انجام رسد.

کتاب‌شناسی:

- Ashton, John. *Healthy Cities*. England: Open University Press, ۱۹۹۲.
- Ashton, John. "Healthy Cities Concepts & Vision". *A Resource for the WHO Healthy Cities Project*. England: University of Liverpool, ۱۹۸۸.
- Duhl, L. "The Healthy City: Its Function and its Future", *Health promotion*. Vol. ۲, No. ۲, Britain: Oxford University Press, ۱۹۸۵.
- Hajikhani & Sallehi. "Urban Planning for Healthy City Concept", *World Health Organization*. Vol. ۱, Regional E.M., ۱۹۹۷.
- WHO. *Twenty Steps for Developing a Healthy Cities Project*. Copenhagen: Regional Office for Europe, ۱۹۹۲.

اسماعیل صالحی

شهر قابل زیست

Liveable City

محصول ارتباط متقابل و نزدیک بین شهروندان، فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و منابع محیطی شهر است. شهر قابل زیست را گاهی مترادف شهر سالم (← شهر سالم) می‌دانند. شهر زمانی ناسالم است که نتواند منابع اساسی لازم را برای سلامت شهروندان خود فراهم آورد.

با توجه به شرایط و ویژگیهای شهر سالم، شهر قابل زیست، مرزی ندارد و به‌سوی تمام جهان باز است. در چنین شهری، محله‌ها یا محدوده‌های جدا از هم پیدا نمی‌شود. چنین شهری باید از ترکیب مناسب عملکردها و کاربریهای زمین (← کاربری زمین) خود قابل تشخیص باشد و به‌نحوی باشد که شهرسازان و متخصصان علوم

شهر قابل زیست

شهرهای کوچک، کم تراکم و دور از آلاینده‌های محیطی
برای نیل به شرایط شهر قابل زیست از آمادگی بیشتری

فرهنگی ساکنان خود باشد؛
• محله، به حالت جدامانده از شهر (Getto) در نیامده باشد؛



برخوردارند، زیرا پدیده تراکم بیش از حد و تمرکز جمعیت
به شهرهای غول‌آسایی منجر می‌شود که دستیابی به شهر
قابل زیست و سالم را با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد. با
این همه، از میان شهرهای بزرگ جهان، شهرهایی نیز وجود
دارند که طبق معیارهای سازمان بهداشت جهانی و نهادهای
اجتماعی بین‌المللی شرایط یک شهر قابل زیست را دارند؛
شهرهای سیاتل و ونکور در امریکای شمالی از این جمله
هستند.

کتاب‌شناسی:

- بهزادفر، مصطفی. *دانشنامه واژگانی طراحی شهری*. تهران: وزارت
مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۶.

- حاجی‌خانی، غلامرضا و صالحی، اسماعیل. «شهر سالم: معیارها و
شاخصهای شهرسازی در: *شهرداریها، ماهنامه پژوهشی و آموزشی و
اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*. شماره ۲۷، تهران: وزارت
کشور، ۱۳۸۰.

- Barton, H. *Shaping Neighbourhoods: A Guide for Health*,

• در محله بین محیط کار و محیط سکونت پیوند برقرار
باشد؛

• نیازمندیهای روزمره جمعیت به تناسب سطح نیازهای آن
در دسترس قرار داشته باشد؛

• امنیت و ارتباط اجتماعی تضمین شده باشد؛

• ضمن دربرداشتن راههای مناسب، از شبکه‌های حمل‌ونقل
و وسایط نقلیه عبوری به دور باشد؛

• تراکم مسکونی و قطع‌بندیهای زمین به نحو مطلوب
صورت گرفته باشد؛

• در برنامه‌ریزی و طراحی محله تغییرات احتمالی آتی
منظور شده باشد؛

• در محله مسائل زیست محیطی و بوم‌شناختی رعایت شده
و محله از آلودگیهای محیطی به دور باشد؛ و

• مردم محله در امور مربوط به خود از برنامه‌ریزی و
طراحی گرفته تا جریان روزمره زندگی دخالت داشته باشند.

شهرداری

و از شهرهای کوچک تا بزرگ را که معمولاً توسط یک شهردار و شورای شهر اداره می‌شود، دربر می‌گیرد. از نظر حقوقی، شهرداری سازمانی است که سکنه یک شهر، با استفاده از حقوق طبیعی خود و اختیاراتی که قانون به آنها عطا کرده، به منظور ایجاد و اداره کردن تأسیسات عمومی و وضع و اجرای نظامات شهری و تأمین نیازمندیهای مشترک محلی به وجود می‌آورند و به آن اختیار و نمایندگی می‌دهند تا هزینه خدماتی را که برعهده آن واگذار شده، به طریقی منطقی و عادلانه بین سکنه شهر و استفاده‌کنندگان توزیع و از آنها وصول کند؛ در صورتی که هریک از شهروندان از پرداخت سهمی که باید پرداخت کند، خودداری و یا نظامات شهری را رعایت نکنند، شهرداری می‌تواند با استفاده از اختیار قانونی که از سوی مردم شهر به آن داده شده است، آنها را وادار به پرداخت سهم خود و رعایت نظامات و مقررات شهری کند. از سوی دیگر، شهرداری واژه‌ای مترادف Municipality و از ریشه Municipum به معنی جمیع سکنه در یک محل است که به سبب منافع مشترک گرد آمده‌اند. در برخی از کشورها Municipality فقط به معنای شهرداری یا واحد محلی اداره کننده شهر و در برخی دیگر، به معنای شهر و شهرداری است. شهرداری در حوزه مدیریت شهری، سازمانی است که با بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم مدیریت شهری، وظیفه مدیریت و اداره امور شهرداری را برعهده دارد. بدیهی است که چنین مدیریتی را معمولاً مجموعه‌ای از کارگزاران انتخابی - محلی و در مرزهای اداری معین برعهده می‌گیرند. در تعریفی دیگر، شهرداری سازمانی حقوقی، محلی و مستقل است که در محدوده شهر برای رفع نیازهای عمرانی، رفاهی و خدماتی ساکنان شهر در سطح محلی تشکیل می‌شود؛ منظور آن است که امور با مشارکت شهروندان حل و فصل می‌شود. همچنین شهرداری را می‌توان به واحدی اطلاق کرد که در یک مرکز جمعیتی با خصایص شهری، به منظور اداره امور محلی و ارائه خدمات عمومی مورد نیاز تشکیل می‌شود. در برخی دیگر از تعاریف، شهرداری به عنوان حکومت خودمختار محلی یا حکومت مشارکتی شهر یا شهرک یاد شده است. از سوی دیگر،

Sustainability and Vitality. Spon press, ۲۰۰۴.

- Bob Cook, R. & Lavsén, W.U. *Special Districts/ The Ultimate in Neighbourhood Zoning*, Lincoln Institute of Land Policy. Cambridge, M.A., ۱۹۹۰.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press, Limited, U.K., ۲۰۰۵.
- Salzano, E. "Seven Aims for the Livable City", *Making Cities Livable* L.S.H. Crowhurst et al, (eds.) Canada, Vancouver, ۱۹۹۷.
- Sternberg, S.V.U. "Ten Guide Line for the Planning and Development of a New Urban Neighbourhood", *Making Cities Livable* L.S.H. Crowhurst et al (eds.) Canada, Vancouver, ۱۹۹۷.

اسماعیل شیعه

شهرداری

Municipality

نهاد شهرداری از نظر حوزه وظایف، عملکرد و محدوده خدمات، در سطح جهان تعریف و مفهوم متفاوتی دارد. در بسیاری از کشورها، شهرداری کوچک‌ترین سازمان اداری در سطح کشور است که به تنسيق و تنظیم امور و نگهداری شهرها می‌پردازد. در برخی از کشورها، مانند ایتالیا، فرانسه و نروژ، شهرداری به صورت بخشی - ناحیه‌ای اداره می‌شود؛ در بعضی دیگر، مانند کانادا و گروندلند، شهرداری محدوده وسیعی دارد و حوزه عمل آن بزرگ‌تر از کل مساحت بریتانیاست. در برزیل و استرالیا، شهرداری به عنوان قسمتی از یک ایالت، در اتریش به عنوان یکی از تقسیمات منطقه‌ای، در بلژیک و بولیوی به عنوان قسمتی از یک استان و در بوسنی و هرزگوین به عنوان قسمتی از یک شهرستان است. در چین و تایوان شهرداری سازمانی است که از نظر حقوقی در حد یک استان عمل می‌کند و در پرتغال، شهرداری سازمانی محلی است.

شهرداری ماهیتاً سازمانی است که با شهر، جمعیت، محدوده تعریف شده و وظایف مرتبط با آن مفهوم می‌یابد.

شهرداری

دیده می‌شود، نزدیک کرد. در کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای درحال توسعه، امور شهرها به شکل مستقل و براساس انتخاب ساکنان شهرها صورت می‌گیرد. امروزه در سطح جهان ۳ نظام شهرداری قابل شناسایی است:

• **نظام «شورای شهر - شهردار»**، که در اوایل سده ۲۰م ابداع شد. در این نظام مردم شهر عده‌ای را به عنوان نماینده خود در شورای شهر و سپس، شورای شهر فرد واجد شرایطی را به عنوان شهردار برمی‌گزینند؛

• **نظام «شهردار - شورای شهر»**، که در این روش مردم، شورای شهر و شهردار را به طور جداگانه انتخاب می‌کنند و شهردار، ریاست بر شورای شهر را نیز برعهده دارد. در اینجا، شهردار لزوماً تخصصی در مدیریت شهری ندارد؛ و

• **نظام «شورایی مطلق»**، که در آن هریک از اعضای شورا مسئول قسمتی از کارهای شهرداری است و این اعضا ضمن جلسه‌های مشورتی درباره امور، به طور جمعی و با اکثریت آرای اعضاء تصمیم می‌گیرند. در این نظام، معمولاً، یکی از اعضای شورا به عنوان عضو ارشد برای اداره امور جلسات شورا انتخاب می‌شود که در بعضی از موارد، نقش شهردار یا رئیس شورای شهر را نیز برعهده می‌گیرد.

به ترتیب، در بسیاری از شهرهای جهان، شهرداری از ۲ قسمت یا نهاد تشکیل می‌شود که یک قسمت شورا یا انجمن شهر و قسمت دیگر دستگاه اجرایی است. وظیفه اجرای مصوبات شورای شهر با شهردار است.

در برخی از کشورها، شهرداریها نقش حکومت محلی را با اختیارات نسبی دارند و مانند سازمان محلی نیستند. حکومت محلی به تشکیلات و نهادی گفته می‌شود که از سوی مردم یک محل - به نام حکومت محلی - انتخاب شده و مردم نمایندگانی را از طرف خود برای نظارت و تصمیم‌گیری در امور آن انتخاب می‌کنند (← حکومت محلی).

شهرداری در ایران از نظر تاریخی سوابق قابل توجهی دارد. بدیهی است که در دوران باستان و با وجود شهرهایی مانند هگمتانه، شوش، ایلام، سیلک و شهر سوخته، اداره امور شهرها نمی‌توانسته است بدون وجود متولی یا متولیان

شهرداری را گاهی کامل‌ترین سازمان محلی دانسته‌اند. شهرداری را می‌توان به یک شرکت یا سازمان تعاونی تشبیه کرد که مردم یک شهر سهام‌داران قهری آن هستند و این سهام‌داران از میان خود، عده‌ای را به عنوان نماینده در شورای شهر - مانند هیئت مدیره شرکت تعاونی - انتخاب می‌کنند و اداره امور شهر را به آنها می‌سپارند.

براساس این تعریفها از مفهوم شهرداری و حوزه عمل آن، می‌توان مشخصه‌های شهرداری را شامل شهری بودن، غیردولتی بودن، استقلال، انتخابی بودن، رسمیت داشتن و موظف به اداره امور محل و ارائه خدمات عمومی مورد نیاز ساکنان شهر دانست. به ترتیب، وظایف شهرداریها با وجود این مشخصه‌ها و وظایف، در سطح شهرهای مختلف جهان متفاوت است. در برخی از شهرها، مانند شهرهای ایالات متحده، حفاظت محیط، امنیت، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت شهروندان، آموزش و تعاون اقتصادی، از جمله وظایف شهرداریهاست؛ در شهرهای هلند، تأمین تأسیسات زیربنایی و مایحتاج شهری، نظافت و فضای سبز و در شهر تورنتو (کانادا)، حفظ و ارتقاء بهداشت عمومی، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت شهروندان، حفظ و گسترش فضای سبز، خانه‌سازی و شهرسازی در حوزه عمل شهرداریها قرار دارد. در بسیاری از کشورها، اموری مانند رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی)، وظایف تولیدی و اقتصادی، اداره امور حمل‌ونقل، گسترش فضای سبز، نظارت بر امور ساختمانی و شهرسازی و نظافت شهر از وظایف مشترک شهرداریهاست.

از نظر تاریخی، سابقه مدیریت بر شهرها به دوران باستان باز می‌گردد. در یونان باستان، شهرها خودمختار بودند و به گونه‌ای مستقل، به اداره امور می‌پرداختند؛ مفهوم دولت - شهرها حاکی از همین معناست. چنین روالی با شدت و ضعف و با تفاوت‌های ساختاری در جهان ادامه داشته است. در دوره روشنگری اداره امور شهرها با تحولاتی همراه بود. با انقلاب صنعتی شیوه‌های مدیریت بر شهرها تحت تأثیر تحولات ناشی از شهرنشینی و پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی جدید تغییر یافت و به تدریج خود را به شیوه‌های جدیدی که در کشورهای توسعه‌یافته امروز

که در ۱۲۸۶ش به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید، قانون ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی و قانون بلدیة بود. این قانون اولین مجوز تشکیل شهرداری- بلدیة- در ایران محسوب می‌شود که در تهران و شهرهای بزرگ به مرحله اجرا درآمد این قانون چند سال بعد ملغی شد و دولت وقت سرپرستی ادارات بلدی را به وزارت کشور (داخله) محول کرد. در ۱۳۰۹ش قانون بلدیة لغو و قانون جدید جای آن را گرفت. در ۱۳۱۲ش، قانون احداث و توسعه معابر و خیابانها و در ۱۳۲۰ش، تجدید نظر در آن با عنوان قانون توسعه معابر تصویب و به مرحله اجرا درآمد. در ۱۳۱۶ش نیز نظام اداری و تقسیمات کشوری (تقسیمات کشوری) مبتنی بر قانون ایالات و ولایات تغییر یافت و به جای آن قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید که در آن سلسله مراتب اداری، شامل استاندار، فرماندار، بخشدار و ده‌دار به اجرا درآمد. شهرداری نیز در زمره ادارات دولتی محسوب شد. در ۱۳۲۸ش لایحه قانون تشکیل شهرداریها و انجمن شهرها و قصابات به تصویب رسید و در ۱۳۳۱ش این قانون تغییر کلی یافت. در ۱۳۳۴ش قانون شهرداریها در برابر قانون ۱۳۳۱ش که حالت تمرکزگرایانه داشت، به تصویب رسید و در اصلاحیه این قانون در ۱۳۴۵ش، حق انتخاب شهردار به انجمن شهر سپرده شد. بعد از انقلاب اسلامی، با تصویب قانون تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا، انتخاب شهرداران به شوراهای اسلامی شهر سپرده شد. اولین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در ۱۳۷۶ش صورت گرفت و از این تاریخ، شهرداران توسط شورای اسلامی شهرها انتخاب می‌شود و پس از تأیید وزارت کشور رسمیت می‌یابد. براساس طبقه‌بندی وزارت کشور (وزارت کشور)، شهرداریهای ایران در چند گروه دسته‌بندی شده‌اند. اساس این دسته‌بندی نیز تعداد جمعیت، درآمد و مشخصه‌های شهر از نظر تقسیمات کشوری است.

• از حیث جمعیت، در حال حاضر، ملاک تمایز شهر از روستا داشتن جمعیتی بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر است. هر محدوده سکونتی که طبق معیارهای وزارت کشور، شهر محسوب شود، در آن به ایجاد شهرداری اقدام خواهد شد.

امور شهری صورت پذیرد. در دوران ماد، اداره امور سکونتگاهها با رئیس یا بزرگ یا ریش سفید ایل و عشیره بود. در دوره هخامنشی، کشور به ۳۰ قسمت تقسیم شده بود که اداره امور و فرمانروایی هریک از آنها با «خشتر پاون» یا «شهربان» بود. شهرهای ایران در دوره سلوکیان تحت تأثیر نظام شهرهای خودفرمان به سبک شهرهای یونانی قرار داشت. در دوره پارتیان اداره شهرها به سبک یونانیان ادامه یافت، ولی سیاست آن بر مبنای تابعیت از پادشاه قرار داشت. در دوره ساسانی همه شهرها زیر فرمان و قدرت پادشاهان بود. در این دوره، حکومت شهر برعهده «شهریگ» و حکومت روستا برعهده «دیهیگ» قرار داشت. در دوران اسلامی، اداره امور شهرها و تشکیلات آن با ۴ گروه بود. امور اداری و سیاسی و امنیتی شهر برعهده امیر بود؛ امور اجتماعی و اقتصادی و خدماتی شهر برعهده رئیس شهر، کلانتر و کدخدایان محله قرار داشت. امور انتظامی شهر برعهده عسس و داروغه (داروغه) قرار داشت؛ و بالاخره، مسئولیت امور قضایی شهر آن با قاضی یا محتسب بود. البته شهرهای ایران از تشکیلات غیررسمی، مانند انجمنهای صنفی نیز برخوردار بودند. ولی تا زمان مشروطیت، شهروندان در مدیریت و اداره شهر دخیل نبودند. در سده‌های ۳ و ۴ق چند نوع شهر در ایران درجه‌بندی شده بود: شهری که سلطان یا امیری بزرگ در آن مستقر بود، «مصر» نامیده می‌شد؛ اگر شهری پایتخت و مرکز ایالتی بود، «قصبه» نام داشت؛ و چنانچه جایگاهی برای اجرای عدالت و مقر دولت یا نمایندگان آن بود، و مسجد جامع نیز داشت، به «مدینه» موسوم بود. در این دوره شهرهای بزرگ را «ام‌القری» یا «مادرشهر» می‌گفتند، مانند بصره، اصفهان، سمرقند و مرو؛ از ری به‌عنوان بزرگ‌ترین مادرشهر (امهات‌البلدان) نام برده می‌شد.

در دوره صفویه، هریک از محله‌های شهر تأسیسات مستقلی داشت: رئیس هر محله «مختار» نامیده می‌شد؛ رئیس مذهبی محله «امام» نام داشت؛ رؤسای محله‌ها زیر نظر حاکم شهر یا کلانتر بودند؛ و هر محله شورای ریش سفیدان و پلیس محله (عسس) داشت.

پس از انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ش)، یکی از قوانینی

شهرداری، سازمانهای وابسته (ایران)

- در ایران، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.
- کریمان، حسین. *ری باستان*. تهران: دانشگاه ملی ایران- شهیدبهبشتی، ۱۳۵۴.
- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری. *تحلیلی بر ساختار شهرداریها در ایران*. تهران: وزارت کشور، ۱۳۷۰.
- هاشمی، فضل‌اله. *حقوق شهری و قوانین شهرسازی*. چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۶۹.
- نصر، عباس. *قانون شوراها*. اصفهان: غزل، ۱۳۷۷.
- مهندسین مشاور هامونپاد. *شیوه‌های افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های شهرداریها*. چاپ دوم، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.

اسماعیل شیعه

شهرداری، سازمانهای وابسته (ایران)

سازمانها، ادارات، دفاتر و بنگاههایی که به‌عنوان بازوی عملیاتی شهرداری برای پیشبرد فعالیتهای مختلف شهرداری به‌تناسب اندازه جمعیتی شهر تشکیل شده‌اند.

تشکیلات شهرداری در ایران و نهادهای وابسته به آن، از دوران بعد از انقلاب مشروطیت و تصویب قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی متحول شد. در این دوره، تشکیلات شهرداری بر ۳ نهاد انجمن بلدیة، اداره بلدیة و اداره نظمیة استوار گردید. هدف و وظیفه اصلی بلدیة- شهرداری- نیز براساس ماده ۱ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی، حفظ منافع شهرها و رفع حوایج اهالی شهر بود. طبق همین قانون، رئیس انجمن شهر با نام کلانتر، امور اداری بلدیة را سرپرستی می‌کرد. تشکیلات بلدیة کاملاً مستقل و خارج از محیط سیاسی بود؛ این تشکیلات در شهر تهران شامل اداره میاه- قنوات وقفی شهر- اداره ارزاق، اداره ساختمان و روشنایی بود که در ۱۲۸۸ش قسمت خیریه و در ۱۳۰۰ش اداره صحیه- بهداشت- و معاونت عمومی بلدیة بر این فهرست اضافه شد. قانون ۱۳۰۹ش نقطه عطفی در مدیریت شهری ایران محسوب می‌شود. این قانون به تحول اساسی در ساختار این مدیریت

از حیث درآمد که به عوامل مختلفی مانند شرایط اقتصادی ساکنان شهر وابسته است، نحوه مدیریت و اداره شهر و کارایی شهردار و کارکنان شهرداری، و بالاخره تأسیسات صنعتی مجاور از جمله ملاحظاتی است که در تبدیل یک سکونتگاه به شهر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در ارتباط با تقسیمات کشوری نیز مرکز بخش، شهرستان یا استان بودن در مقایسه با شهرهای مشابه قابل بررسی است و سطح این شهرها به‌نسبت جایگاه اداری آنها تعیین می‌گردد.

امروزه، با گسترش دانش مدیریت شهری و پیشرفت در روشهای اداره امور شهرها، مفهوم شهرداری به نهاد گسترده‌ای از شهر اطلاق می‌شود که براساس ضوابط علمی و اجتماعی و قانونی، ملتزم به مشارکت شهروندان و دانش مدیریت در اداره امور شهرهاست.

کتابشناسی:

- ایمانی جاجرمی، حسین. «شهرداریها به‌عنوان سازمانهای محلی»، دو مقاله در *مجموعه مدیریت شهری در ایران*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۴.
- دیاکوف، م. *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ربوی، مصطفی و رحیمیه، فرنگیس. *شناخت شهر و مسکن بومی ایران، اقلیم گرم و نیمه‌مرطوب دزفول و شوشتر*. تهران: انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- رجب صلاحی، حسین. *ساختار حکومت محلی، مدیریت شهری و شهرداری. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالشهای تجربی*، به کوشش سیدمحمود نجاتی حسینی، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.
- رضایی، عبدالعظیم. *تاریخ ده‌هزار ساله ایران*. جلد اول و دوم، تهران: اقبال، ۱۳۷۲.
- سعیدی رضوانی، نوید. «وظایف شهرداریها»، دو مقاله در *مجموعه مدیریت شهری در ایران*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۴.
- سعیدنیا، احمد. *مدیریت شهری*. جلد ۱۱، چاپ سوم، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.
- شیعه، اسماعیل. *با شهر و منطقه در ایران*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید. *امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها*. جلد دوم، مدیریت شهری و شهرداریها

طرحها و برنامه‌های شهرسازی و قانون شهرداریها استوار است. بدینسان، تشکیلات و نهادهای وابسته به شهرداری نیز در همین طریق شکل گرفته و به فعالیت می‌پردازند.

حوزه‌های اصلی فعالیت شهرداریها

ساختار تشکیلاتی شهرداریهای امروزی شهرهای ایران بر مبنای انجام فعالیتهای خدماتی، شامل ۳ محور اساسی است:

محور خدمات شهری در عرصه‌های کالبدی

• **حوزه‌های زیرساختی و زیربنایی**، مانند آبرسانی، هدایت پسابها و فاضلاب و عملیات بازیافت آنها، انتقال برق و گاز و نفت، ایجاد راهها و راه‌آهن شهری، مدیریت سوانح (← مدیریت سوانح) - آتشنشانی، سیل، زلزله، نظارت بر گسترش شهر، دفع زباله، ایجاد کشتارگاه و نظارت بر گورستانها و پایانه‌های بار و مسافر.

• **مدیریت کاربری زمین**، شامل برنامه‌ریزی کاربری زمین (← کاربری زمین) و مستغلات، مدیریت ارشادی بر زمین، ایجاد مسکن و امور املاک، حمل‌ونقل عمومی، نظافت شهر و جمع‌آوری زباله، مراکز پذیرایی و جهانگردی، حفاظت محیط زیست، امکانات ورزشی، ایجاد مراکز فرهنگی و مذهبی و امور تجاری.

• **شکل و فضای شهری**، ایجاد فضاهای شهری، هویت‌بخشی و ممانعت از اغتشاش فضایی و زیباسازی شهری.

محور خدمات در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی فرهنگی

فعالیت‌های عام‌المنفعه و امور نوانخانه‌ها، امور صنفی و رفاه اجتماعی، امور جوانان و مشارکت اجتماعی آنان، بیمه همگانی، امور باغ‌وحش، نظارت بر انجمنها، جمع‌آوری متکدیان و ولگردان، امور سالمندان، امور املاک و مستغلات و دارالتأدیهها. علاوه‌براین، در خدمات شهری در عرصه‌های بهداشتی، نظارت بر کالاهای مصرفی، جلوگیری از شیوع امراض شهری و نظارت بر مواد غذایی.

انجامید و منابع مالی و اعتباری شهرداریها را با تشکیلات همراه ساخت.

در خلال سالهای ۱۳۰۹ش تا عصر حاضر، لویح، قوانین و اقدامات شهرسازی مختلفی بر ساختار اداری شهرداریها تأثیرگذار بوده است که از آن جمله‌اند:

• قانون اصلاح و توسعه و تعریض معابر در ۱۳۱۲ش؛
• لویح مربوط به تملک اراضی توسط شهرداریها در ۱۳۳۹ش؛

• قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی در ۱۳۴۱ش؛
• تصویب اختیارات استانداران در ۱۳۴۵ش؛
• تأسیس وزارت آبادانی و مسکن در ۱۳۴۳ش؛
• شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در ۱۳۵۱ش؛
• قانون تغییرنام وزارت آبادانی و مسکن به مسکن و شهرسازی؛ و بالاخره،
• قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا (← شورای اسلامی شهر و روستا) در دوران بعد از انقلاب اسلامی.

مهم‌ترین نهاد اثرگذار در مدیریت شهری و شهرداریهای ایران، وزارت کشور است که اهم وظایف آن در این‌باره عبارتند از:

• نظارت و راهنمایی شهرداریها؛
• نظارت بر اجرای قوانین و آئین‌نامه‌ها؛
• نظارت بر اجرای قانون نوسازی و عمران شهر؛
• نظارت بر امور کلیه شوراهای، از جمله شورای شهر؛ و
• تعیین نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای و محلی.

به‌طورکلی و از دیدگاه علمی، مبانی قدرت شهردار از قدرت قانونی، فنی و تخصصی و درک سازمانی او ناشی می‌شود. وظایف شهردار نیز به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، نظارت، کنترل، هدایت و راهبری باز می‌گردد. به همین خاطر، تشکیلات و نهادهای وابسته به شهرداری نیز باید به‌گونه‌ای شکل گیرند که بتوانند امکان انجام این وظایف را فراهم آورند. یکی از این موارد، دستیابی به اهدافی است که هر سازمان شهرداری به‌منظور نیل به آنها تلاش می‌کند. اهداف مدیریت شهری در ایران براساس برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور،

• **وزارت کشور**، ارتباط وزارت کشور با شهرداریها از طریق معاونت هماهنگی امور عمرانی این وزارتخانه که شامل یک اداره کل و ۵ دفتر است، صورت می‌پذیرد:

۱. اداره کل امور شهرداریها؛
۲. دفتر فنی؛
۳. دفتر برنامه‌ریزی عمرانی؛
۴. دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی؛
۵. دفتر حمل‌ونقل و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور.

• **وزارت مسکن و شهرسازی**، که در حیطه نظارت بر طرحهای جامع، تدوین معیارها و ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی، طرحهای تفصیلی و اجرای طرحهای عمران شهری عمل می‌کند.

• **شورای عالی شهرسازی و معماری ایران**، برای اقدامات شهرسازی و هماهنگ کردن برنامه‌های مرتبط.

در سطح منطقه‌ای

استاندارها، به‌عنوان بالاترین مقام مؤثر اداری بر مدیریت شهری، به همراه شوراهای مرتبط با استان، مانند شورای برنامه‌ریزی، شورای شهرسازی، شورای ترافیک و مانند آن.

در سطح محلی

• **شهرداری**، به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در مدیریت سطح شهر؛

• **شورای اسلامی شهر**، که طبق قانون شوراهای اسلامی شهر، برنامه‌های مربوط به پیشبرد برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی را پیش می‌برد.

• **فرمانداری**، به‌عنوان ناظر عالی بر کلیه امور شهرستان و از جمله عوامل مهم در تصمیم‌گیری و هدایت مدیریت شهری.

• **شورای تأمین استان**، که مسائل امنیتی و انتظامی به ریاست فرماندار و عضویت رؤسای نهادهای انتظامی و امنیتی قرار دارد.

وظایف شهرداری در خدمات شهری

به‌ترتیب فعالیت خدمات شهری شهرداریها در ۵ عرصه قابل تشخیص است که هرکدام وظایفی را برعهده دارند.

• **خدمات بهداشتی**، شامل نظافت معابر و فضاهای شهری، جمع‌آوری زباله، امور کشتارگاهها، اداره گورستانها و غسلخانه‌ها، مبارزه با آلودگیهای زیست محیطی؛

• **خدمات رفاهی و تفریحی**، اداره پارکها و فضاهای سبز، فضاهای فرهنگی و تفریحی عمومی، نظارت بر فضاهای فرهنگی خصوصی مانند سینما و تئاتر؛

• **خدمات حفاظتی و ایمنی**، آشنشانی و خدمات ایمنی، لایروبی مسیلهها؛

• **خدمات حمل‌ونقل عمومی و ترافیک شهری**، عرضه خدمات ترافیکی و بهبود آن، اداره نظارت بر سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی و نیمه‌عمومی و سایر خدمات مرتبط؛ و

• **خدمات عمرانی**، شامل ایجاد خیابانها، کوچه‌ها و میادین، بزرگراهها، پلهای درون شهری و تعمیر و نگهداری آنها.

براساس این ضوابط و وظایف، شهرداریهای کشور برحسب نوع و درجه‌بندی خود، نسبت به ایجاد سازمانها و نهادهای مختلفی که بتوانند به انجام این وظایف مرتبط بپردازند، اقدام می‌کنند. از سوی دیگر، به‌موجب قانون ۱۳۳۴ش شهرداریها که در سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۲، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۸ش مورد تجدید نظر قرار گرفته است، حوزه وظایف شهرداریها شامل ۵ گروه عمرانی، نظارتی، بهداشتی، خدمات عمومی و اجتماعی است که هرکدام نیز زیرمجموعه‌هایی را دربر دارند.

ساختار کلی مدیریت فعالیتها

به‌منظور شناخت بهتر سازمانهای وابسته به شهرداری، تشکیلات و سطوح مدیریت شهری در ایران به اختصار معرفی می‌شود:

در سطح کلان

که بین وزارتخانه‌ها، سازمانها و نهادهای کل کشور مطرح است و شامل موارد زیر می‌شود:

درآمد و مدیریت امور مالی را دربر می‌گیرد.

هریک از این ۳ حوزه معاونت، وظایف مشخصی دارند که مورد تأیید وزارت کشور و سازمان امور استخدامی کشور قرار دارد.

شهرداریها می‌توانند به استناد ماده ۵۴ قانون شهرداریها و با تأیید استانداری و به قائم‌مقامی شورای شهر، درخواست خود را مبنی بر تغییر در نمودار سازمانی مطرح کنند و پس از تأیید وزارت کشور آن را به اجرا درآورند. به‌همین سبب، شهرداریهای شهرهای بزرگ، تشکیلاتی گسترده‌تر دارند. برای مثال، شهرداری تهران شامل معاونت شهرسازی و معماری، فنی و عمرانی، هماهنگی و برنامه‌ریزی، حمل‌ونقل و ترافیک، معاونت مالی و اداری، معاونت امور مناطق، معاونت خدمات شهری، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی است که هر یک نمودار سازمانی مشخص و سازمانها و مؤسسات مختلفی را تحت پوشش خود دارند. براساس ماده ۸۴ قانون شهرداریها، مؤسسات وابسته به شهرداری، مانند شرکت واحد اتوبوسرانی، می‌توانند به‌صورت بنگاه اقتصادی- در قالب شرکت یا سازمان- اداره شوند. اساسنامه آنها باید به تصویب شورای شهر- در غیاب قائم‌مقام شورای شهر- استانداری و موافقت وزارت کشور برسد. برای مثال، سازمان آتشنشانی، سازمان پارکها، سازمان بهشت‌زهرا (ع)، سازمان زیباسازی، سازمان سردخانه‌ها، سازمان بازیافت و تبدیل مواد از زباله و سازمان خدمات موتوری زیر نظر معاونت خدمات شهری و شرکت واحد اتوبوسرانی، سازمان ترافیک، سازمان پایانه‌ها و سازمان نظارت بر تاکسی‌رانی زیر نظر معاونت حمل‌ونقل و ترافیک تهران قرار دارد. تفاوت دیگر شهرداریهای بزرگ با شهرداریهای کوچک در آن است که شهرهای بزرگ با توجه به وسعت خود، به چند منطقه شهری تقسیم می‌شوند که در هر منطقه، شهرداری آن مسئول عرضه خدمات شهری است. به‌این ترتیب، بخشی از اختیارات شهردار شهر به شهرداران مناطق تفویض می‌شود. نمودار سازمانی شهرداری تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر کشور شامل معاونتها و ادارات زیر است:

• **معاونت مالی و اداری.** اداره کل امور اداری، اداره کل امور مالی، اداره کل تدارکات و اموال، اداره کل خدمات

رده‌بندی جمعیتی و نوع تشکیلات

از نظر درجه‌بندی و نوع وظایف و گستردگی تشکیلات اداری نیز شهرداریهای ایران در ۸ رده جمعیتی به انجام وظیفه می‌پردازند:

• رده ۱ تا ۸,۰۰۰ نفر جمعیت، شامل شهرداری، شهردار، معاون شهردار و ۳ واحد خدمات اداری، مالی و خدمات شهری؛

• رده ۲ ۸,۰۰۰-۱۵,۰۰۰ نفر، که علاوه بر ساختار قبلی، فقط بر تعداد سمتهای شهرداری اضافه می‌شود؛

• رده ۳ ۱۵,۰۰۰-۲۵,۰۰۰ نفر، تشکیلات تغییری نمی‌کند و فقط بر تعداد سمتهای شهرداری اضافه می‌شود؛

• رده ۴ ۲۵,۰۰۰-۴۰,۰۰۰ نفر، ۲ واحد خدمات فنی و خدمات بر تشکیلات شهرداری اضافه می‌شود؛

• رده ۵ ۴۰,۰۰۰-۵۵,۰۰۰ نفر، ۲ واحد خدمات نوسازی و خدمات نقلیه و آتشنشانی به جمع وظایف پیشین افزوده می‌شود؛

• رده ۶ ۵۵,۰۰۰-۱۱۰,۰۰۰ نفر، واحدهای شهرداری به اداره تبدیل می‌شود و شهرداری دارای یک معاونت و ۴ اداره امور عمرانی و شهرسازی، خدمات شهری، امور اداری و اداره امور مالی و درآمد می‌شود.

• رده ۷ ۱۱۰,۰۰۰-۲۲۰,۰۰۰ نفر، که مطابق آن شهرداری ۲ معاونت، به اسامی معاونت فنی و خدمات شهری و معاونت مالی و اداری پیدا می‌کند. قسمت عمرانی و شهرسازی و قسمت خدمات شهری زیرنظر معاونت فنی و خدمات شهری و قسمت امور اداری و قسمت امور مالی درآمد زیر نظر معاونت اداری و مالی قرار می‌گیرد؛

• رده ۸ بیش از ۲۲۰,۰۰۰ نفر، که شهرداری ۳ معاونت خواهد داشت:

۱. معاونت عمرانی و شهرسازی که مدیریت امور عمرانی و مدیریت امور شهرسازی را زیر نظر دارد.

۲. معاونت خدمات شهری که شامل مدیریت آتشنشانی، فضای سبز، گورستان، و کشتارگاه است. در شهرهای بزرگ آتشنشانی به سطح سازمان ارتقاء می‌یابد.

۳. معاونت اداری و مالی که مدیریت امور اداری، مدیریت

شهرداری تهران

اداری، شورای عالی ترافیک، دبیرخانه شورای نظارت بر گسترش شهر تهران، اداره کل حقوقی، دفتر شهردار، سازمان نظارت و پیگیری، اداره کل حراست، اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی، دبیرخانه کمیسیون ماده ۵، ذی‌حسابی و اداره کل اجرائیات پلیس انتظامی در حوزه نظارت مستقیم شهردار تهران قرار دارد.

شایان ذکر است که در ۱۳۵۹ش اتحادیه شهرداریها منحل شد که به‌جای آن در ۱۳۸۱ش سازمان شهرداریهای کشور تأسیس گردید. این سازمان تحت مدیریت وزارت کشور قرار دارد و وظیفه اصلی آن هماهنگی بین شهرداریهای کشور و کلیه نهادهای اداری است (← سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور).

کتاب‌شناسی:

- ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران. مدیریت شهری پایدار، بررسی تجارب مشارکتی شهرداریها و شوراهای اسلامی شهرهای ایران. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.

- سعیدنیا، احمد. مدیریت شهری. مجلد ۱۱، چاپ سوم، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.

- کاظمیان، غلامرضا و سعیدی رضوانی، نوید. امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها، مدیریت شهری و شهرداریها در ایران. جلد دوم، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۱.

- مزینی، منوچهر. بررسی ساختار مدیریت شهری در ایران. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، ۱۳۷۸.

اسماعیل شیعه

شهرداری تهران

طبق قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ش، شهرداری یک نهاد عمومی و غیردولتی است. این نهاد شخصیتی حقوقی دارد و در هر محل که جمعیت آن حداقل به ۵۰۰۰ نفر برسد و شهر تلقی شود، تأسیس می‌گردد.

در ۱۳۸۵ش، برای اولین بار فکر ایجاد شهرداری در ایران مطرح شد. همزمان با تحولات سیاسی- اجتماعی

عمومی، حسابرسی، سازمان صندوق بازنشستگی، اداره کل درآمد؛

• **معاونت فنی و عمرانی.** دفتر مالی و اداری، اداره کل هماهنگی عمران سازمانهای مناطق، اداره کل هماهنگی و برنامه و انتشارات فنی و عمرانی، آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک؛

• **معاونت شهرسازی و معماری.** اداره کل تدوین و نظارت بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی، اداره کل شهرسازی، اداره کل برنامه‌ریزی و طرحهای شهرسازی، اداره کل امور اجرایی و کمیسیونهای ماده ۱۰۰ (← کمیسیون ماده ۱۰۰)، اداره کل املاک و مستغلات؛

• **معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی.** اداره کل تشکیلات و آموزش، اداره کل برنامه و بودجه، مرکز تبادلات علمی و هماهنگیهای اجرایی، دفتر جذب و تأمین نیروی انسانی، اداره کل ایجاد منابع درآمد و خودکفایی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، سازمان آماری و مطبوعات و خدمات کامپیوتری؛

• **معاونت حمل و نقل ترافیک.** شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سازمان ترافیک، سازمان نظارت بر تاکسی‌رانی، سازمان پایانه‌ها، اداره راهنمایی و رانندگی؛

• **معاونت خدمات شهری.** سازمان آتشنشانی و خدمات ایمنی، سازمان پارکها، سازمان بهشت زهرا (ع)، سازمان میادین میوه و تره‌بار، سازمان زیباسازی، سازمان سردخانه، سازمان بازیافت و تبدیل مواد از زباله، سازمان خدمات موتوری؛

• **معاونت امور مناطق.** دبیرخانه شورای شهرداران، واحد بی‌سیم، اداره کل فوریتهای خدمات عمومی؛ و

• **معاونت امور اجتماعی و فرهنگی.** شرکت مکانهای فرهنگی، شرکت فرهنگسرای بهمن، شرکت فرهنگسرای خاوران، اداره کل هماهنگیهای امور اجتماعی و فرهنگی مناطق، اداره کل رفاه و خدمات اجتماعی.

هریک از سازمانهای تحت پوشش معاونتهای فوق، به‌نوبه خود نهادهای کوچک‌تری را تحت نظارت دارند. همچنین نهادهایی مانند سازمان نوسازی شهر تهران، شرکت نوسازی عباس‌آباد، هیئت رسیدگی به تخلفات

بخش عمرانی

- ایجاد خیابانها، کوچه‌ها، میدانهای عمومی و به‌طورکلی احداث، اصلاح و توسعه معابر شهری؛
- ایجاد پارکها، باغهای عمومی، پارکینگهای عمومی و فضای سبز (فضای سبز شهری)؛
- ایجاد محل مناسب برای تخلیه زباله و نخاله ساختمانی و بازیافت (← بازیافت)؛
- اتخاذ تدابیر پیشگیری از حوادث، مثلاً ایجاد سیل‌بند برای حفظ شهر از خطر سیل؛
- پیشگیری از آلودگی محیط زیست؛
- تعمیر و نگهداری از تونلهای شهری؛
- حفظ و گسترش فضای سبز شهری؛
- پیشنهاد اصلاح نقشه‌های جامع و هادی شهرها؛
- ایجاد میدانهای عمومی برای خرید و فروش ارزاق و دام؛ و
- احداث ساختمان و بناهای مورد نیاز شهر، از قبیل کشتارگاه، آشنشانی، گورستانها، پایانه‌های مسافری.

بخش خدماتی

- نظیف و نگاهداری معابر و رفع سد معبر و تنظیف انهار عمومی و مجاری آنها؛
- ایجاد مؤسسات فرهنگی و بهداشتی، نوانخانه و پرورشگاه، درمانگاه و شیرخوارگاه، تیمارستان و نظایر اینها و کمک به این قبیل مؤسسات؛
- انجام امور مربوط به متوفیات؛
- تهیه مقررات صنفی و مراقبت در امور اصناف (در شهرهایی که اتحادیه‌های صنفی تشکیل نشده است)؛
- جلوگیری از تأسیس اماکن و مشاغل مزاحم و مخالف اصول بهداشت در محدوده شهرها؛ و
- صدور پروانه ساختمانی برای ساختمانهای احداثی و نظارت بر نحوه احداث آنها.

بخش امور جاری

- همکاری در جلوگیری از تکدی‌گری و توسعه آموزش برای متکدیان؛

کشور و انقلاب مشروطه، ضرورت تشکیل چنین نهادی بیشتر احساس گردید. از این رو، در ۱۲۸۶ش، قانونی با نام *قانون بلدیة* در ۱۰۸ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به اجرا گذاشته شد. قانون بلدیة اولین مجوز و اقدام قانونی تشکیل شهرداری به‌عنوان یک نهاد رسمی مدیریت شهری، در قالب نظام جدید اداری ایران محسوب می‌گردد. این قانون بعداً متناسب با نیازها و شرایط سیاسی و اجتماعی کشور و الزامات جدید مدیریت شهری، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت؛ آخرین اصلاحات در ۱۳۵۹ش انجام پذیرفت و هم‌اکنون با عنوان *قانون شهرداری*، ملاک عمل شهرداریهای کشور است.

وظایف سازمانی

وظایف شهرداریها از ابتدای تصویب قانون بلدیة و تأسیس آن تاکنون، همگام با تحولات ساختار نظام مدیریت شهری کشور، دستخوش تغییرات فراوانی شده است. آنچه که هم‌اکنون وظایف قانونی شهرداریها محسوب می‌شود، مواردی از بندهای ۲۸ گانه مندرج در ذیل ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ش، قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ش و آئین‌نامه مالی شهرداریها مصوب ۱۳۴۶ش است. اخیراً قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، مصوب ۱۳۷۵ش و اصلاحات بعدی آن، برخی از وظایف شهرداریها را تصریح کرده است. به‌رغم اینکه در ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم و بند «ب» ماده ۱۳۷ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است آن دسته از تصدیهای قابل واگذاری دستگاههای دولتی در امور توسعه و عمران شهر و روستا را با تصویب شورای عالی اداری، همراه با منابع مالی ذی‌ربط به شهرداریها و دهیارها (← سازمان شهرداریها و دهیارهای کشور) واگذار نماید، اما تاکنون این امر محقق نشده است. برخی از وظایف شهرداریها که در ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ش آمده است، به‌شرح زیر است:

- همکاری در تأسیس کتابخانه‌های عمومی، مؤسسات فرهنگی و بهداشتی، درمانگاه، بیمارستان، کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کمک به تربیت بدنی و زندانها، موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی؛
 - تشریک مساعی در حفظ ابنیه و آثار باستانی؛
 - همکاری در مراقبت و نگهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی.
- تشکیلات سازمانی**
- آخرین تغییرات مصوب در تشکیلات شهرداری تهران در ۱۳۶۷ش انجام پذیرفت که براساس آن، شهرداری تهران به ۷ حوزه معاونت مالی و اداری، شهرسازی و معماری، هماهنگی و برنامه‌ریزی، خدمات شهری، امور مناطق، فنی و عمرانی، حمل‌ونقل و ترافیک و امور اجتماعی و فرهنگی تقسیم گردید. همچنین برخی سازمانهای عمده مثل سازمان نوسازی شهر تهران و سازمان نظارت و پیگیری زیر نظر مستقیم شهردار تهران شکل گرفتند. براساس نمودار سازمانی، شهرداری تهران دارای ۱۹ سازمان، ۳۵ اداره کل، ۲۸ شرکت تابعه، ۱۳ واحد ستادی و ۱۵ مرکز و دفتر است که برخی از آنها زیر نظر حوزه‌های معاونت شهرداری و برخی دیگر تحت مدیریت مستقیم شهرداری تهران به فعالیت می‌پردازند. علاوه بر آن، شهرداری تهران هم اکنون ۲۲ شهرداری منطقه دارد که تحت هماهنگی معاونت امور مناطق شهرداری تهران اداره می‌شوند. شایان ذکر است که پس از تصویب این تشکیلات، تغییرات مستمر و متعددی در ساختار سازمانی شهرداری تهران با تصویب و یا بدون تصویب در شورای اداری شهرداری تهران به وجود آمده است که به تصویب مراجع قانونی مربوطه، مثل شورای اسلامی شهر تهران و وزارت کشور نرسیده است. از این رو، وضع موجود ساختار سازمانی شهرداری تهران با ساختار سازمانی مصوب آن در ۱۳۶۷ش تفاوتی دارد. حوزه‌ها و واحدهای سازمانی مصوب ۱۳۶۷ش شهرداری تهران به قرار زیر است:

حوزه معاونت مالی و اداری

- اداره کل امور اداری؛
- اداره کل امور مالی؛
- اداره کل تدارکات و اموال؛
- اداره کل خدمات عمومی؛
- اداره کل حسابرسی؛
- اداره کل درآمد؛ و
- سازمان صندوق بازنشستگی.

حوزه معاونت فنی و عمرانی

- دفتر مالی و اداری؛
- اداره کل هماهنگیهای فنی و عمرانی؛
- اداره کل هماهنگی برنامه و اعتبارات؛
- سازمان مهندسی و عمران شهر تهران؛
- سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران؛ و
- آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک.

حوزه معاونت شهرسازی و معماری

- اداره کل تدوین و نظارت بر اجرای مقررات شهرسازی؛
- اداره کل شهرسازی؛
- اداره کل برنامه‌ریزی و طرحهای شهرسازی؛

- همکاری در تأسیس کتابخانه‌های عمومی، مؤسسات فرهنگی و بهداشتی، درمانگاه، بیمارستان، کلاسهای مبارزه با بیسوادی و کمک به تربیت بدنی و زندانها، موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی؛
- تشریک مساعی در حفظ ابنیه و آثار باستانی؛
- همکاری در مراقبت و نگهداری اطفال بی‌بضاعت و سرراهی.

تشکیلات سازمانی

آخرین تغییرات مصوب در تشکیلات شهرداری تهران در ۱۳۶۷ش انجام پذیرفت که براساس آن، شهرداری تهران به ۷ حوزه معاونت مالی و اداری، شهرسازی و معماری، هماهنگی و برنامه‌ریزی، خدمات شهری، امور مناطق، فنی و عمرانی، حمل‌ونقل و ترافیک و امور اجتماعی و فرهنگی تقسیم گردید. همچنین برخی سازمانهای عمده مثل سازمان نوسازی شهر تهران و سازمان نظارت و پیگیری زیر نظر مستقیم شهردار تهران شکل گرفتند. براساس نمودار سازمانی، شهرداری تهران دارای ۱۹ سازمان، ۳۵ اداره کل، ۲۸ شرکت تابعه، ۱۳ واحد ستادی و ۱۵ مرکز و دفتر است که برخی از آنها زیر نظر حوزه‌های معاونت شهرداری و برخی دیگر تحت مدیریت مستقیم شهرداری تهران به فعالیت می‌پردازند. علاوه بر آن، شهرداری تهران هم اکنون ۲۲ شهرداری منطقه دارد که تحت هماهنگی معاونت امور مناطق شهرداری تهران اداره می‌شوند. شایان ذکر است که پس از تصویب این تشکیلات، تغییرات مستمر و متعددی در ساختار سازمانی شهرداری تهران با تصویب و یا بدون تصویب در شورای اداری شهرداری تهران به وجود آمده است که به تصویب مراجع قانونی مربوطه، مثل شورای اسلامی شهر تهران و وزارت کشور نرسیده است. از این رو، وضع موجود ساختار سازمانی شهرداری تهران با ساختار سازمانی مصوب آن در ۱۳۶۷ش تفاوتی دارد. حوزه‌ها و واحدهای سازمانی مصوب ۱۳۶۷ش شهرداری تهران به قرار زیر است:

حوزه دفتر شهردار

- دفتر شهردار؛

• شهرداریهای مناطق.

بودجه (درآمد، اعتبار، هزینه)

براساس ماده ۲۳ - ۲۸ قوانین و مقررات مالی شهرداری، بودجه سالانه شهرداری عبارت از یک برنامه جامع مالی است که در آن کلیه خدمات و فعالیتها و اقداماتی که باید در طی سال مالی انجام شود، همراه با برآورد مبلغ و میزان مخارج و درآمدهای لازم برای تأمین هزینه انجام آنها پیش بینی و پس از تصویب انجمن شهر (شورای اسلامی شهر) قابل اجراست. بودجه شهرداریها باید براساس برنامه‌ها، وظایف و فعالیتهای مختلف و هزینه هریک از آنها تنظیم گردد. شهردار از اختیار تقلیل یا افزایش اعتبارات مصوب در بودجه برای هریک از موارد هزینه یا هزینه‌های داخل در یک وظیفه تا ۱۰٪ برخوردارست. مسئولیت تنظیم بودجه شهرداری و نظارت برحسب اجرای آن برعهده شهردار و معاون مالی و اداری شهرداری است.

طبق ماده ۲۹ - ۳۲ قوانین و مقررات مالی شهرداری، درآمد شهرداری به ۶ طبقه، شامل درآمدهای ناشی از عوارض عمومی، عوارض اختصاصی، بهای خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری، درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری، کمکهای اعطایی دولت و سایر سازمانهای دولتی و درآمد حاصل از اعانات و کمکهای اهدایی اشخاص و سازمانهای خصوصی تقسیم می‌شود.

ساختار نظام هزینه‌های شهرداری تهران، همانند سایر شهرداریهای کشور، به ۲ بخش هزینه‌های جاری و عمرانی (سرمایه‌ای) تقسیم می‌گردد. براساس ماده ۳۳ - ۳۶ قوانین و مقررات مالی شهرداری، پرداخت هزینه‌های شهرداری باید با توجه به ماده ۷۹ قانون شهرداری با اسناد مثبت انجام گردد. طبق تبصره بند ۳ اصلاحی ماده ۴۵ قانون شهرداری، انجمن شهر می‌تواند اختیار تصویب و نظارت در معاملات را تا میزان معینی به شهردار واگذار نماید. تقسیمات هزینه‌های جاری و عمرانی شهرداری به قرار زیر است:

هزینه‌های جاری

- هزینه‌های پرسنلی؛
- هزینه‌های اداری؛
- هزینه‌های سرمایه‌ای؛ و

- اداره کل امور اجرایی کمیسیونهای ماده ۱۰۰ (← کمیسیون ماده ۱۰۰)؛ و
- سازمان املاک و مستقالات.

حوزه معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی

- اداره کل تشکیلات و آموزش؛
- اداره کل برنامه و بودجه؛
- سازمان خدمات کامپیوتری؛
- دفتر تبادلات علمی و هماهنگیهای اجرایی؛
- دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران؛
- دفتر جذب و تأمین نیروی انسانی؛ و
- اداره کل تشخیص و ایجاد منابع درآمد.

حوزه معاونت حمل‌ونقل و ترافیک

- شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه؛
- سازمان ترافیک؛
- سازمان نظارت بر تاکسی‌رانی؛
- سازمان ترمینالها؛ و
- اداره راهنمایی و رانندگی.

حوزه معاونت خدمات شهری

- سازمان آتشنشانی و خدمات ایمنی؛
- سازمان پارکها؛
- سازمان میادین میوه و تره‌بار؛
- سازمان بازیافت و تبدیل مواد از زباله؛
- سازمان زیباسازی؛
- سازمان بهشت‌زهره؛
- سازمان خدمات موتوری؛ و
- سازمان سردخانه و کشتارگاه.

حوزه معاونت امور اجتماعی و فرهنگی

- اداره کل هماهنگی امور اجتماعی و فرهنگی مناطق؛ و
- اداره کل رفاه و تعاون و خدمات اجتماعی.

حوزه معاونت امور مناطق

- اداره کل فوریتهای خدمات شهری؛ و

• هزینه‌های انتقالی.

شهرداریهای مناطق، ادارات کل، سازمانها و شرکتهای

شهرداری تهران ۲۲ شهرداری منطقه دارد که با هماهنگی معاونت امور مناطق شهرداری تهران اداره می‌شوند. هر منطقه شهرداری هم اکنون از ۷ معاونت مالی و اداری، شهرسازی و معماری، فنی و عمرانی، هماهنگی و برنامه‌ریزی، حمل و نقل و ترافیک، امور شهری و فضای سبز و امور اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌گردد که زیر نظر شهردار منطقه فعالیت می‌نمایند. هریک از مناطق شهرداری تهران ویژگیهای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت دارند. وسعت بزرگ‌ترین منطقه تهران (منطقه ۴) حدود ۹ برابر وسعت کوچک‌ترین منطقه (منطقه ۱۰) و درعین حال، جمعیت منطقه ۴ بیش از ۱۱ برابر جمعیت منطقه ۲۲ است.

کتاب‌شناسی:

- اداره کل تشکیلات و آموزش *اهم وظایف معاونتها و واحدهای شهرداری تهران*. شهرداری تهران، ۱۳۶۷.
- جهانگیر، منصور. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*. تهران، ۱۳۸۵.
- جعفرزاده، علی. «سیری بر تاریخ تأسیس شهرداریها در ایران»، *ماهنامه شهرداریها*، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- حجتی اشرفی، غلامرضا. *مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی*. چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
- حیدرنیا دلخوش، تورج. «بررسی وظایف قانونی شهرداریها»، *ماهنامه شهرداریها*، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران *اساسنامه*، ۱۳۸۰.
- شهرداری تهران. *کارنامه عملکرد شهرداری تهران*. سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۱۳۸۴.
- «مجموعه قوانین»، *روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۷۳.
- کمانرودی کجوری، موسی. *طرح تشکیلات کلی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.
- مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران. *اطلاعات کاربردی‌های مختلف در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران*. تهران، ۱۳۸۰.
- *مطالعات اجمالی شرکتهای و سازمانهای شهرداری تهران*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران، تهران، ۱۳۸۱.

- «پروژه مطالعاتی و پژوهشی طراحی نظام ارزیابی عملکرد مناطق و سازمانهای وابسته به شهرداری تهران»، *گزارش مرحله دوم* (جلد اول تا چهارم)، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۵.

موسی کمانرودی کجوری

شهرداری تهران، سازمانهای وابسته

اهم سازمانهای وابسته به شهرداری تهران عبارتند از:

سازمان زیباسازی شهر تهران

سازمان زیباسازی شهر تهران در ۱۳۷۰ش به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداری، تشکیل شد. به موجب ماده ۴ اساسنامه این سازمان، سازمان زیباسازی شهر تهران وابسته به شهرداری است و شهردار تهران، رئیس شورا و معاونت خدمات شهری، عضو شورای سازمان است.

تهیه آمار و اطلاعات، ارتباط و همکاری و مشورت با سازمانها و اشخاص ذی‌ربط، تصویب و نظارت بر اجرای طرحهای شهرداریهای مناطق یا سایر سازمانهای وابسته، تشخیص و پیشنهاد ضوابط و مقررات، معیارها و آئین‌نامه‌ها و بهینه‌سازی زیباسازی به مراجع ذی‌ربط، موافقت و تشریح مساعی با دستگاههای دولتی و ارگانها در مورد نصب پرده، پوستر، و تابلو و آثار هنری در نقاط تعیین شده شهر، صدور مجوزهای لازم جهت نصب تابلوهای سردر اماکن عمومی و تجاری، بررسی و تهیه طرحها و نوشته‌های پوسترها و آگهیهای تبلیغاتی و هر نوع نسخی که مورد نیاز سازمانها و ارگانها باشد و تعیین محل نصب آنها جهت ارگانهای عمومی و دولتی، اقدامات لازم در زمینه ارتقاء سطح دانش و بینش فنی کارکنان سازمان و ایجاد ارتباط با مراکز علمی دانشگاهی داخل و خارج از کشور و تأیید و نظارت بر کلیه امور زیباسازی شهر تهران از جمله وظایف سازمان زیباسازی شهر تهران است.

سازمان بهشت زهرا

سازمان بهشت زهرا در ۱۳۴۷ش ایجاد گردید. براساس

رئیس سازمان پس از تصویب هیئت امنا با حکم شهردار تهران خواهد بود. در ترکیب هیئت امناء سازمان، شهرداری تهران تنها یک عضو (شهردار تهران) دارد و ۶ عضو دیگر، شامل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما، رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. در ساختار تشکیلاتی شهرداری تهران، سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران زیر نظر مستقیم شهردار تهران قرار دارد.

سازمان میادین میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی

براساس مصوبه شورای انقلاب، در بهمن ماه ۱۳۵۸ش، سازمان میادین میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی زیر نظر شهرداری تهران، تشکیل شد. هدف از تشکیل این سازمان، تهیه و توزیع میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی مورد مصرف مردم و همچنین کوتاه کردن دست واسطه‌ها، از طریق ایجاد ارتباط مستقیم بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، بود.

اولین میدان میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی شهر تهران، پس از تشکیل سازمان، میدان جلال آل‌احمد بود که در ۱۳۵۸ش احداث شد و به بهره‌برداری رسید. میدانهای صادقیه و آزادی در ۱۳۵۹ش و میدانهای لواسانی و پیروزی در ۱۳۶۰ش راه‌اندازی شدند. پس از آن، تا ۱۳۶۷ش هیچ‌گونه میدان میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی جدیدی در شهر تهران ایجاد نشد، اما در مهرماه ۱۳۶۸ش بازار قلعه‌مرغی و در شهریور ماه ۱۳۶۹ش بازار روز ابوذر افتتاح شد. استقبال مردم از این میادین و بازارها ضرورت احداث میادین بیشتر را در سطح شهر تهران نمایان ساخت، تا آنجا که مقرر شد سازمان میادین میوه و ترهبار و فراورده‌های کشاورزی براساس یک لایحه قانونی دایر گردد و در آن لایحه، نحوه واگذاری اماکن و میادین و غرفه‌ها تعیین شود. تصویب این لایحه و تعیین ضوابط انجام کار سبب شد تا تعداد میادین و بازارها که تا ۱۳۷۰ش فقط ۲۸

آخرین اساسنامه این سازمان (مصوب ۱۳۶۹ش)، عنوان اصلی سازمان مذکور، سازمان گورستانهای شهر تهران است که اختصاراً سازمان بهشت زهرا (س) نامیده می‌شود. ایجاد این سازمان براساس اختیارات مندرج در ماده ۸۴ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴ش) است که به‌موجب آن، سازمانهای وابسته به شهرداری با تصویب انجمن شهر (شورای اسلامی شهر) و موافقت وزارت کشور، می‌توانند با اصول بازرگانی اداره شوند. هدف از تأسیس سازمان بهشت زهرا منطبق بر وظیفه شهرداری تهران در زمینه ایجاد غسلخانه، گورستان، تهیه وسایل حمل اموات و مراقبت در انتظام امور آنها، مندرج در بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری است.

در اهداف و وظایف مندرج در ماده ۲ اساسنامه سازمان بهشت زهرا، اختیارات و مسئولیتهای لازم برای تعیین خط‌مشی، برنامه‌ریزی، نظارت، ایجاد و توسعه و بهره‌برداری از گورستانهای شهر تهران، انجام اقدامات مربوط به حمل، تدفین، مراسم مذهبی، تهیه آمار و اطلاعات، تملک اراضی و فنی ایجاد مؤسسات و شرکتهای وابسته، به‌منظور تحقق اهداف سازمان پیش‌بینی شده است. این سازمان علاوه بر شورا، از ۵ معاونت مالی و اداری، امور اجتماعی و فرهنگی، هماهنگی و برنامه‌ریزی و بازرگانی، خدمات عمومی و انتظامات، فنی و عمرانی و فضای سبز تشکیل شده است.

سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران

سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در ۱۳۷۵ش، به‌صورت یک مؤسسه غیرانتفاعی (وابسته به شهرداری تهران) ایجاد گردید. اهداف و وظایف این سازمان، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، ایجاد و اداره و پشتیبانی تحقیقاتی و آموزشی مراکز فرهنگی و هنری و فرهنگسراهای وابسته به شهرداری تهران است. رسالت این سازمان براساس بند ۶ ماده ۵۵ وظایف شهرداری تهران استوار است که اختیار تأسیس مؤسسات فرهنگی را به شهرداری محول نموده است.

به‌موجب ماده ۱۶ اساسنامه سازمان مذکور، انتصاب

سازمان سردخانه و کشتارگاه شهرداری تهران

احداث کشتارگاه صنعتی دام و طیور با استفاده از تجهیزات مناسب و رعایت اصول بهداشتی، ایجاد سردخانه‌های مجهز و مراکز تولید و عرضه دام، طیور و آبزیان و همچنین سیاستگذاری، برنامه‌ریزی کلان، تحقیقات و آموزش به‌منظور بهبود کیفیت ارائه خدمات، از وظایف اصلی سازمان سردخانه و کشتارگاه وابسته به شهرداری تهران است. رسالت این سازمان با بند ۲۱ ماده ۵۵ وظیفه قانونی احداث ساختمانهای مورد نیاز از قبیل کشتارگاه و غیره شهرداریها منطبق است.

سازمان سردخانه و کشتارگاه شهرداری تهران شورایی دارد که شهردار تهران ریاست و معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، مسئولیت دبیری آن را برعهده دارند. ساختار تشکیلاتی این سازمان، شامل ۵ معاونت مالی و اداری، بهداشت، هماهنگی و برنامه‌ریزی، فنی و عمرانی و بازرگانی است.

سازمان پایانه‌های مسافربری و پارکسوارها

سازمان پایانه‌های مسافربری و پارکسوارها، در چارچوب لایحه قانونی احداث ترمینالها، مصوب اردیبهشت ۱۳۵۹ش و آئین‌نامه‌های مربوط، در ۱۳۷۱ش ایجاد شد. نام سازمان در اساسنامه مصوب ۱۳۷۱ش آن، سازمان ترمینالهای مسافربری شهرداری تهران است. سازمان مذکور که در راستای اختیارات مندرج در ماده ۸۴ قانون شهرداری تأسیس گردید، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و بر طبق اصول بازرگانی و مفاد مندرج در اساسنامه آن، اداره می‌شود.

طبق ماده ۲ اساسنامه سازمان پایانه‌های مسافربری و پارکسوارها، اهداف اصلی سازمان، شامل حفظ و نگهداری و اداره امور پایانه‌ها و تجهیز و توسعه آنها با استفاده از ابزار و روشهای پیشرفته و متناسب با افزایش رشد جمعیت و در صورت لزوم، احداث پایانه‌ها و غرفه‌های جدید در مبادی ورودی و مناسب شهر تهران است.

واحد بود، در مدت ۳ سال (تا پایان ۱۳۷۳ش) به ۴۴ واحد افزایش یابد. در واقع، توسعه کمی و کیفی بازارهای محلی در راستای سیاستهای مبارزه با گرانفروشی در برنامه‌های شهرداری تهران قرار گرفت، به‌طوری‌که تا ۱۳۸۰ش، ۸ میدان (به جز میدان مرکزی) و ۶۴ بازار تحت پوشش آنها (در مجموع ۷۲ واحد) در این زمینه فعال بوده‌اند.

آخرین اساسنامه سازمان میادین میوه و تره‌بار و فراورده‌های کشاورزی شهر تهران در ۱۳۷۰ش تصویب گردید. به‌موجب ماده ۳ این اساسنامه، سازمان میادین میوه و تره‌بار و فراورده‌های کشاورزی شهر تهران، وابسته به شهرداری تهران است. در شورای این سازمان، شهردار تهران رئیس شورا و معاونت خدمات شهری عضو شورا است.

ساختار تشکیلاتی سازمان میادین میوه و تره‌بار متشکل از ۵ حوزه اصلی، شامل معاونت بازرگانی و امور تحقیقاتی، معاونت طرح و توسعه و امور فنی، معاونت مالی و اداری، معاونت بهره‌برداری میادین اقماری و بازارهای روز و مدیر میدان مرکزی است.

سازمان تاکسیرانی شهر تهران

سازمان تاکسیرانی شهر تهران در ۱۳۶۰ش، در اجرای لایحه قانونی تمرکز امور تاکسیرانی شهر تهران، مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۸ش شورای انقلاب و آئین‌نامه اجرایی قانون تمرکز امور تاکسیرانی شهر تهران مصوب وزارت کشور، ایجاد گردید. به‌موجب ماده ۴ آئین‌نامه مذکور، سازمان تاکسیرانی وظیفه نظارت، هماهنگی و هدایت امور تاکسیرانی، تعیین نرخ کرایه انواع تاکسی، تعیین شرایط اشتغال و صلاحیت رانندگان تاکسی، تعیین مقررات انضباطی، ساعت کار، نحوه خرید و فروش و نگهداری، افزایش و کاهش تعداد تاکسیها و آژانسهای مسافربری شهری و حمایت از تأمین مواد سوختی آنان را عهده‌دار است. سازمان تاکسیرانی شهر تهران از ۳ حوزه اصلی امور انتظامی، امور خدمات عمومی، قسمت بازرسی و رسیدگی به شکایات و یک حوزه پشتیبانی (امور اداری و مالی) تشکیل شده است.

شهرداری تهران، سازمانهای وابسته

حمل و نقل مسافر و بار، موافقت با تأسیس مؤسسات حمل و نقل جدید، تجدیدنظر در مقررات مورد عمل فعلی و پیشنهادات لازم به مراجع ذیصلاح به منظور افزایش یا نقصان جرائم و همچنین تجدید نظر در کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی و پیش‌بینی طرحهای لازم به منظور توسعه شبکه‌های ارتباطی و بهبود وضع عبور و مرور در آینده و نیز انجام عملیات اجرایی مربوط در محدوده قانونی پایتخت و حریم آن است.

بر اساس ماده ۶ اساسنامه، ارکان این سازمان مشتمل بر هیئت مدیره، مدیرعامل و ناظر انجمن شهر است. سازمان حمل و نقل و ترافیک دارای ۶ معاونت هماهنگی، مالی و اداری، برنامه‌ریزی و مهندسی ترافیک، فنی، اجرایی و آموزش است.

سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری

سازمان آمار و اطلاعات و خدمات کامپیوتری شهرداری تهران بر اساس ماده ۸۴ قانون شهرداری، در ۱۳۷۰ش تشکیل شد. این سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل است و طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود و هدف از تشکیل آن ایجاد بانک اطلاعاتی به منظور استفاده در برنامه‌ریزیهای شهری و شهرداری، و ارتقاء کمی و کیفی بازدهی سیستمهای موجود و مورد نیاز شهرداری با استفاده از خدمات ماشینی است.

این سازمان از ۵ واحد مستقل، معاونت مالی و اداری، معاونت بازرگانی، پروژه اتوماسیون مناطق و حوزه‌های ستادی شهرداری تهران، معاون پشتیبانی و فنی و معاون مهندسی تشکیل شده است.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران در ۱۳۶۹ش و به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداری، با هدف ارتقاء کمی و کیفی و تسریع در اجرای طرحهای عمرانی و رفع نیازهای اساسی شهرداری تهران در زمینه مهندسی و عمران شهر تهران تأسیس شده است. این سازمان دارای شخصیت حقوقی

به موجب ماده ۹ اساسنامه، سازمان پایانه‌های مسافربری و پارک‌سوارها دارای شورایی مرکب از شهردار تهران (ریاست شورا)، معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران و ۳ نفر کارشناس با معرفی شهردار تهران و تأیید وزارت کشور است.

سازمان بازیافت و تبدیل مواد

سازمان بازیافت و تبدیل مواد در ۱۳۷۰ش ایجاد شد. این سازمان در چارچوب اختیارات مندرج در ماده ۸۴ قانون شهرداری، سازمانی با شخصیت حقوقی، مالی و اداری مستقل طبق اصول بازرگانی است که ایجاد آن به تصویب وزارت کشور رسیده است.

موضوع فعالیت سازمان بازیافت در رابطه مستقیم با تبصره ۴ بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداریهاست. اهداف این سازمان بر اساس ماده ۲ اساسنامه آن، طراحی، برنامه‌ریزی و نظارت عالیه بر حسن اجرای جمع‌آوری و محل دفع بهداشتی و سریع مواد زائد، نظارت بر احداث و توسعه ایستگاههای خدمات شهری در مناطق، بازیافت مواد قابل استفاده و احداث کارخانجات کمپوست است.

به موجب ماده ۱۰ این اساسنامه، سازمان بازیافت و تبدیل مواد دارای شورایی مرکب از شهردار (ریاست شورا)، معاونت خدمات شهری شهرداری تهران و ۳ نفر کارشناس به پیشنهاد شهردار و تأیید وزارت کشور است. ساختار تشکیلاتی سازمان بازیافت از هیئت مدیره و ۵ معاونت مالی و اداری، پژوهش و آموزش، طرح و برنامه، دفع و پردازش و هماهنگی امور مناطق تشکیل شده است.

سازمان حمل و نقل و ترافیک

سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران در ۱۳۵۳ش و در چارچوب اختیارات مندرج در ماده ۸۴ قانون شهرداری تأسیس شده و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است. به موجب ماده ۲ اساسنامه، هدف از ایجاد این سازمان، اصلاح و تنظیم امر عبور و مرور کلیه وسایل نقلیه، آمدوشد عابرین پیاده، نصب علائم مربوط، نظارت بر

است.

کتابشناسی:

- اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. *اهم وظایف معاونتها و واحدهای شهرداری تهران*، ۱۳۶۷.
- جهانگیر منصور. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*، ۱۳۸۵.
- جعفرزاده، علی. «سیری بر تاریخ تأسیس شهرداریها در ایران»، *ماهنامه شهرداریها*، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- حجتی اشرفی، غلامرضا. *مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی*. چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
- حیدرنیا دلخوش، تورج. «بررسی وظایف قانونی شهرداریها»، *ماهنامه شهرداریها*، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران. *اساسنامه*، ۱۳۸۰.
- شهرداری تهران، *کارنامه عملکرد شهرداری تهران*. سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۱۳۸۴.
- «مجموعه قوانین»، *روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۷۳.
- کمانرودی کجوری، موسی. *طرح تشکیلات کلی مرکز مطالعات و برنامه ریزی راهبردی شهر تهران*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.
- مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران. *اطلاعات کاربریهای مختلف در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران*، ۱۳۸۰.
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران و اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. *مطالعات اجمالی شرکتهای و سازمانهای شهرداری تهران*، ۱۳۸۱.
- مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. *پروژه مطالعاتی و پژوهشی طراحی نظام ارزیابی عملکرد مناطق و سازمانهای وابسته به شهرداری تهران*، گزارش مرحله دوم (جلد اول تا چهارم)، ۱۳۸۵.

موسی کمانرودی کجوری

شهرداری تهران، شرکتهای وابسته

• شرکت کنترل کیفیت هوا، این شرکت در ۱۳۷۲ش تأسیس شد و وظیفه آن انجام تحقیقات، مشاوره و طراحی و اجرای پروژهها و ارائه خدمات بازرگانی در زمینه اندازه گیری و بررسی میزان و عوامل آلودگی هوای شهر و

مستقل و استقلال مالی و اداری است و بر طبق اصول بازرگانی اداره می شود.

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران مشتمل بر ۳ معاونت اجرایی و نظارت، مالی و اداری، ماشین آلات و تولیدات است. دفاتر حقوقی و قراردادها، مدیرعامل، حراست، واحد انفورماتیک و کنترل پروژهها، امور بازرگانی و تدارکات، حسابرسی داخلی و انبارها، دفتر رسیدگی و ارزیابی فنی بودجه و گزارشات نیز زیر نظر مدیر عامل سازمان اداره می شوند.

سازمان پارکها و فضای سبز

سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران در ۱۳۷۰ش، به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداری، ایجاد شد. این سازمان دارای شخصیت حقوقی، مالی و اداری مستقل است و طبق اصول بازرگانی اداره می شود. هدف از ایجاد این سازمان تهیه طرح جامع فضای سبز شهر تهران، ایجاد و توسعه و نظارت بر احداث و توسعه پارکها و ایجاد کمربند سبز تهران است. وظایف این سازمان منطبق با بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری است. سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران از ۶ معاونت توسعه جنگل و کمربند سبز، هماهنگی و برنامه ریزی، مالی و اداری، فضای سبز، فنی و عمرانی و آموزشی و پژوهشی تشکیل شده است.

سازمان سرمایه گذاری و مشارکتهای مردمی شهر

تهران

سازمان سرمایه گذاری و مشارکتهای مردمی شهر تهران در اجرای سیاست خودکفایی و جلب مشارکت شهروندان و سرمایه گذاران داخلی و خارجی و به منظور رفع موانع و مشکلات اجرایی سرمایه گذاری و مشارکتهای مردمی، به استناد ماده ۸۴ قانون شهرداریها و بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون شوراها، اسلامی شهر، تشکیل شد و اساسنامه آن به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسیده است. به موجب اساسنامه و آئین نامه های اجرایی مصوب، این سازمان طبق اصول بازرگانی اداره می شود و مشتمل بر ۳ معاونت مالی و اداری، فرهنگی امور مناطق، اقتصادی و سرمایه گذاری

ساخت قطعات اتوبوس است.

• **شرکت کالای خدمات شهری**، این شرکت با نام شهروند در ۱۳۷۲ش تأسیس گردید. به موجب اساسنامه این شرکت، هدف اصلی تشکیل آن، ارائه خدمات و تأمین کالا و مایحتاج روزمره و مصرفی شهروندان است. البته شرکت شهروند می‌تواند به سایر فعالیتهای بازرگانی و سرمایه‌گذاری و صادرات و واردات کالا نیز اقدام کند. ۹۸٪ سهام و سرمایه شرکت شهروند متعلق به سازمان سردخانه و کشتارگاه است؛ بنابراین، شرکت شهروند وابسته به یکی از سازمانهای وابسته به شهرداری تهران است.

• **شرکت کنترل ترافیک** شهرداری تهران از ۱۳۶۹ش در قالب پروژه تأسیس شد و در ۱۳۷۱ش به صورت شرکت سهامی خاص آغاز به کار کرد. تمام سهام این شرکت متعلق به شهرداری تهران است و فعالیتهای آن بر محور مدیریت ترافیک، استفاده از فناوری روز مخابرات و الکترونیک و کنترل پیشرفته ترافیک به منظور بهره‌وری کامل از ظرفیتهای ناوگان و شبکه معابر متمرکز است. وظایف این شرکت طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون نظیر کنترل هوشمند و متمرکز چراغهای راهنمایی (پایگاه SCATS)، ایجاد سیستم پیشرفته نظارت تلویزیونی با استفاده از فیبر نوری، سیستمهای اطلاع‌رسانی به رانندگان و مردم از طریق تابلوهای متغیر و رادیو پیام، سیستم کنترل بزرگراهها، سیستم مدیریت اتوبوسرانی و حمل‌ونقل عمومی، نصب و نگهداری چراغهای راهنمایی تهران، مطالعات مهندسی ترافیک، طراحی و اصلاح هندسی، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) (← سیستم اطلاعات جغرافیایی) و پروژه‌های متعدد دیگری را در بر می‌گیرد که نهایتاً باید بستر هماهنگی و ارتباط مؤثر و هماهنگ جهت مدیریت جامع و یکپارچه ترافیک شهری تهران را فراهم کند. این شرکت از ۳ معاونت اجرایی، فنی و مهندسی و هماهنگی و برنامه‌ریزی تشکیل شده است.

• **شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر**، این شرکت در ۱۳۶۸ش با هدف کاهش آلودگیهای زیست محیطی ناشی از فعالیت صنایع و مشاغل مزاحم در سطح شهر تهران، با نام

شناسایی راهکارهای کنترل آلودگی هواست. مأموریت این شرکت در راستای بند ۲۰ وظایف شهرداری مبنی بر «نظارت و مراقبت در وضع دودکشهای اماکن، کارخانه‌ها و وسایل نقلیه دودزا در جهت جلوگیری از آلوده شدن شهر» است. این شرکت از ۳ حوزه مدیریت فنی و پژوهشی، آموزش و ارتباطات و مالی و اداری تشکیل شده است.

• **شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری**، این شرکت یک شرکت سهامی خاص است که اساسنامه آن در ۱۳۷۶ش به تصویب مجمع عمومی شرکت رسیده است. وظایف این شرکت بنابر ماده ۲ اساسنامه آن، انجام مطالعات جامع و تفصیلی شهرسازی، طراحی سیستمها، انجام کلیه خدمات نرم‌افزاری و رایانه، سرمایه‌گذاری و مشارکت با سایر واحدها و سازمانهای وابسته به شهرداری (← شهرداری تهران، سازمانهای وابسته) [نظیر سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات، معاونت شهرسازی و معماری و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (← مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران)] است. ساختار تشکیلاتی این شرکت شامل واحدهای مدیریت برنامه‌ریزی و فروش، مدیریت پشتیبانی، مدیریت شهری، مدیریت فنی و مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) است.

• **شرکت واحد اتوبوسرانی**، این شرکت در ۱۳۳۱ش براساس ماده واحده قانون تأسیس شرکت اتوبوسرانی در تهران بنیان گذاشته شد. آخرین اساسنامه مصوب شرکت در ۱۳۵۶ش به تصویب رسید که براساس آن، مدت فعالیت شرکت هر ۸ سال یکبار تمدید می‌گردد. کلیه سهام شرکت واحد اتوبوسرانی متعلق به شهرداری تهران (← شهرداری تهران) است، اما براساس تبصره ماده ۵ اساسنامه آن، شهرداری تهران می‌تواند ۴۹٪ سهام خود را به فروش برساند. به موجب ماده ۲ اساسنامه شرکت مذکور، وظیفه و هدف اصلی این شرکت نقل‌وانتقال جمعی مسافر با وسایل حمل‌ونقل عمومی در داخل و حومه شهر تهران است.

شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران متشکل از ۵ معاونت، ۸ واحد ستادی و ۶ مدیریت منطقه‌ای است. وظایف ۳ معاونت شرکت معطوف به امور پشتیبانی شرکت و بخشی از وظایف معاونت فنی آن معطوف به تولید و

- عملکرد شهرداری تهران، ۱۳۸۴.
 - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. مجموعه قوانین، ۱۳۷۳.
 - کمانرودی کجوری، موسی. طرح تشکیلات کلی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.
 - مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران. اطلاعات کاربریهای مختلف در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، ۱۳۸۰.
 - مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. مطالعات اجمالی شرکتها و سازمانهای شهرداری تهران، ۱۳۸۱.
 - مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. پروژه مطالعاتی و پژوهشی طراحی نظام ارزیابی عملکرد مناطق و سازمانهای وابسته به شهرداری تهران. گزارش مرحله دوم (جلد اول تا چهارم)، ۱۳۸۵.
- موسی کمانرودی کجوری

شهرگرایی

Urbanism

سابقه اصطلاح شهرگرایی به اواخر سده ۱۹م و به کارهای مهندس - معمار اسپانیایی، ایدفونس سیردا بازمی‌گردد. سیردا می‌خواست فعالیت خودبنیاد ایجاد کند که متمرکز بر ساماندهی فضایی شهر باشد؛ فعالیتی که به وجه کالبدی شهر به‌عنوان یک کلیت واحد بنگرد.

کاربرد واژه شهرگرایی به این معنا - فرم شهری - که در اروپا به گسترده‌گی رایج شد، در ایالات متحد کمتر رواج پیدا کرد، جز در نوشته‌های نخستین برنامه‌ریزان شهری، کسانی چون دانیل برنهام. واژه شهرگرایی در ایالات متحد، به‌ویژه در سده ۲۰م، برای بیان شیوه خاصی از زندگی به کار رفت، و این مفهومی بود که از مقاله معروف لوئیس ویرت، جامعه‌شناس شهری، در ۱۹۳۸م برداشته شد. بعداً معنای سومی برای این واژه پیدا شد که آن را در حوزه کردار انتقادی، یعنی دلمشغولی فکری با شهر قرار داد.

معماران، طراحان شهری و برنامه‌ریزان شهری شهرگرایی را بیشتر برحسب ریخت‌شناسی شهر تعریف می‌کنند. اشتغال خاطر آنها با سازمانبخشی ساختمانهای تجاری، ساختمانهای اداری، فضاهای باز، گرورها و دالانهای حمل‌ونقل و خانه‌هاست. مسئله آنها، در نگاه درونی، وجه کارکردی شهر است: کدام ترکیب خاص از فرم ساختی به

«سازمان انتقال صنایع مزاحم» تأسیس گردید. این تشکیلات در راستای اجرای مصوبات کمیته انتقال صنایع آلوده‌کننده شهر تهران و هیئت وزیران نسبت به تعطیلی فعالیتهای صنفی آلوده‌کننده اقدام نمود و با توجه به فزاینده بودن مشکلات شهر تهران از دایره شمول مصوبات یادشده، سیاستگذاری نحوه اعمال ضوابط بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها به این سازمان تفویض گردید. در ۱۳۷۲ش در پی تغییر سیاستهای شهرداری، به‌منظور سهولت بهره‌گیری از نیروهای متخصص و توانمند در تفویض قسمتی از اختیارات به بخش خصوصی و تبدیل این ساختار به‌صورت شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر، فعالیتهای مربوط از طریق این شرکت پیگیری و انجام گردید.

برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت در جلوگیری از تأسیس و استمرار فعالیت صنایع و مشاغل مزاحم در شهر تهران، پیشبرد اهداف شهرداری تهران در بخش اجرایی ساماندهی از طریق صدور آراء بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداریها و پیگیری اجرای آنها در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، برنامه‌ریزی در زمینه ساخت و امکان ایجاد مجتمعهای درون‌شهری و برون‌شهری جهت انتقال واحدهای شغلی مزاحم و آلاینده و نظارت بر اجرا و طراحی این مجتمعها، ارتقاء بهداشت عمومی شهر از طریق کنترل جمعیت جانوران مضر شهری (موش و سگ) و انجام کلیه امور مرتبط با کیوسکها و جمع‌آوری کیوسکهای غیرمجاز در سطح شهر، از اهداف تأسیس این شرکت بوده و در چارچوب آن به انجام وظیفه می‌پردازد.

کتاب‌شناسی:

- اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. اهم وظایف معاونتها و واحدهای شهرداری تهران، ۱۳۶۷.
- جهانگیر منصور. مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری، ۱۳۸۵.
- جعفرزاده، علی. «سیری بر تاریخ تأسیس شهرداریها در ایران»، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- حاجتی اشرفی، غلامرضا. مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی. چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
- حیدرینیا دلخوش، تورج. «بررسی وظایف قانونی شهرداریها»، ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران. اساسنامه، ۱۳۸۰.
- شهرداری تهران، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات. کارنامه

پیاده‌رو به‌جای خودرو هستند.

دومین کاربرد اصطلاح شهرگرایی که بیشتر محدود به ایالات متحد است، به سبک زندگی مربوط می‌شود؛ به سخن دیگر، مربوط است به مناسبات اجتماعی، نهادها، نگرشها و اندیشه‌هایی که به‌طور خاص در شهرها ظاهر می‌شوند. تعداد زیادی از دانشمندان شهرشناس استدلال می‌کنند که زندگی در شهرها متفاوت از زندگی در بیرون آنهاست. برای مثال، لوئیس ویرت به کمتر شدن نسبت روابط اولیه و بیشتر شدن نسبت روابط غیرشخصی در شهرها اشاره می‌کند. او در مقام قیاس با روستا، این تحول را در اندازه، تراکم و ناهمگنی شهرها پی‌یابی می‌کند.

مفهوم شهرگرایی به‌عنوان سبک زندگی در شهرگرایی پیاده‌رو بیان مؤثری پیدا کرد. جین یاکوب در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا (۱۹۶۱م)، شهرگرایی نوگرایانه را به باد سرزنش می‌گیرد. به‌جای آن، او از واحدهای همسایگی (← واحد همسایگی) و زندگی پرشور خیابان که در آن تساهل، اجتماع محلی و خلاقیت امکان شکوفایی می‌یابد، ستایش می‌کند. تأکید او بر زندگی هر روزه بود، موضوعی که از درون‌مایه‌های مرکزی هانری لفرور است. در نوشته‌های یاکوب شکل کالبدی و سبک زندگی با یکدیگر پیوند تنگاتنگ دارند، از این‌رو این دو معنا از شهرگرایی با یکدیگر خلط شده‌اند.

یک درک از شهرگرایی در جریان ضد شهرگرایی امریکایی، که به‌ویژه در اوایل سده ۲۰م رایج بود، جای مرکزی دارد. ضد شهرگرایی در آن زمان معطوف به انکار سبک زندگی مردم در شهر بود (و همچنان هست). ضد شهرگرایی شهر را به خاطر فسادهایی که پرورش می‌دهد - سیگار کشیدن، قمار، فحشاء و الکل - محکوم می‌کند. شهر آدهای بی‌گناه را به گناه، کودکان را در خیابانها به گدایی، و سیاستمداران و کاسبکاران را به ارتشاء می‌کشاند. شهرهای صنعتی پر از هرج‌ومرج و مهم‌تر از آن فاقد اخلاق معرفی می‌شدند.

وقتی ضد شهرگرایی در دهه ۱۹۲۰م سخت غلبه داشت، نخبگان شهر با مفهوم متکبرانه‌ای از شهری بودن به آن پاسخ گفتند. شهری بودن سبکی از زندگی است که

شهر امکان می‌دهد با کارایی بیشتری کارکرد خود را انجام دهد و کارآمدتر باشد؟ چگونه کیفیت زندگی ارتقاء می‌یابد؟ در نگرش به شهر به‌عنوان یک مجموعه، مسئله اصلی عبارت است از همسازی زیباشناختی. بنابراین، تا چه حد شهر، ارزشهای جامعه را انعکاس می‌دهد؟

تاریخ طولانی برنامه‌ریزی شهری در اروپا میراثی از مداخله‌های بزرگ‌مقیاس را در شهر آفریده است. نمونه آن بازسازی پاریس در نیمه سده ۱۹م توسط اوژن هوسمان و پیشنهادی آرمانشهری در برطرف کردن مصیبت‌های رشد شهرهای صنعتی متعلق به تونی گارنیر و ابنزر هوارد است. در نیمه‌های سده ۲۰م، شهر تابان نوشته کوربوزیه و منشور آتن، متعلق به کنگره بین‌المللی معماری مدرن، قرائت نوگرایانه (مدرنیستی) متأخری را از شهر آرمانی ایجاد کرد. نوگرایی متأخر، از تحرک، فن‌آوری و زیبایی‌شناسی مجموعه‌های بزرگ شهری استقبال کرد. آسمانخراشها به‌ویژه جنبه شمایی گرفتند. کارکردها از بیشینگی کارایی کاربری زمین فاصله گرفت، و نظم و ترتیب به عرش اعلاء رسید.

اگرچه حکومت‌های غربی در بازسازیهای بعد از جنگ، از شهرگرایی نوگرایانه در وجه متأخر آن استقبال کردند، نوع دیگری از شهرگرایی در حال ظهور بود. در ایالات متحد رشد حومه‌نشینی و همراه با آن، گسترش شهر در گستره سطح، کلید شهر را در مقیاس مادرشهری (متروپولیتن) از نو تعریف کرد. به تدریج که خودرو جایگزین حمل‌ونقل عمومی شد و شهرهای کناری ساخته شد، از اهمیت مرکز شهر در برابر حومه شهر کاسته شد. با این حال، تفکیک کارکردی به شیوه نوگرایانه به‌جای خود باقی ماند.

اواخر سده ۲۰م شاهد سهم تازه‌ای از کمک امریکائیهها به موضوع شهرگرایی به‌صورت نوشهرگرایی بود. نوشهرگرایی می‌خواهد پادزهری در برابر گسترش شهر در واحد سطح و از دست رفتن حس جامعگی در اثر گسترش حومه‌نشینی باشد. در این جریان، تلاش این است که در کاربری زمین، احیای تراکم و کیفیات اجتماعی شهرهای کوچک مدنظر قرار گیرد. شهرگرایان نو خواستار افزایش تراکم حومه‌ها، کاربری مختلط زمین، و عطف توجه به

شهرنشینی

Urbanization

شهرنشینی عبارت است از فرایند شهری شدن. دانشوران در شیوه تبدیل شدن زمینهای خالی و ساخت وسازهای پراکنده به شهر، الگوهای یکسانی را شناسایی کرده‌اند. اداره سرشماری ایالات متحد و هیئات سازمان ملل مفاهیمی را تدوین کرده‌اند که شهرنشینی را به دقت تعریف و معیارهای سنجش آن را مشخص کرده‌اند و ضمن اطلاعاتی، جریان شهرنشینی در ایالات متحد و سایر کشورهای جهان را همراه با نقشه و نمودار نشان داده‌اند.

رشد شهرنشینی در اواسط سده ۱۸م سرعت و شتاب فزاینده‌ای گرفت. امروزه جریان شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته کند شده است، درحالی‌که این پدیده در کشورهای درحال توسعه با سرعت زیادی روبه افزایش است.

به‌طور قراردادی، مکانهای شهری، مکانهایی هستند که جمعیت کل، سطح تراکم و میزان فعالیت انسانی در آن در حد بالایی است، به نحوی که از جاهایی که جمعیت کمتر، تراکم پائین‌تر و فعالیت محدودتری دارند، متمایز می‌شود.

اداره سرشماری ایالات متحد این تعریف قراردادی از فضاهای شهری را با تعریف دقیق و فنی دیگری تکمیل می‌کند. بنابر تعریف آماری، قلمرو شهری شامل عرصه‌های شهری شده است که اسکان متراکم و جمعیتی بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر دارد. در مقابل، مجموعه شهری عموماً شامل قلمرویی با جمعیتی متراکم و بین ۲۵۰۰ تا ۵۰,۰۰۰ نفر است؛ و همچنین محدوده‌های با تراکم جمعیتی کمتر که سکونتگاهها یا اقامتگاههایی را تشکیل می‌دهند یا عرصه‌های پراکنده را به شهر متصل می‌کنند. سرشماری ۲۰۰۰م با پذیرش این طبقه‌بندی، تمام آبادیهای کشور را برحسب شهری یا غیرشهری آمارگیری کرد. تعاریف سایر کشورها از شهر و نحوه سرشماری آنها متفاوت است.

کنستانتینوس دوکسیادس، شهرشناس یونانی، متذکر می‌شود که معدودی از الگوهای یکسان در همه جای جهان و در تاریخ بشری، روند پدید آمدن شهر را نمایش

زمانی از خصوصیات طبقه بالا بود. شهری بودن به معنی پیشرفته بودن و متمایز بودن بود؛ اوقات فراغت، تفریح، مصرف اعیانی و مراودات اجتماعی از مشخصه‌های آن بشمار می‌رفت. شهری بودن به معنی یک زندگی غوطه‌ور در فرهنگ عمومی شهر بود.

سومین معنی شهرگرایی وجه نقدشناسی دارد. این معنا کمتر متداول و بیشتر محدود به عرصه‌های معماری و طراحی شهری است. تأکید آن بر دیدگاهی است که به مداخله در امور شهر مربوط می‌شود. این مداخله مجموعه‌ای از مسائل، شامل پیش‌فرضهای مربوط به رفتار انسانی، ماهیت نهادهای اجتماعی و نقش ادراک در شکل دادن به محیط انسان‌ساخت را دربر می‌گیرد. در نوشته‌های فرانسوا چوآی، این شهرگرایی به‌عنوان وسیله‌ای برای واکاوی و بیان ارزشهای سیاسی به کار می‌رود؛ این مفهوم از شهرگرایی در زمره کردارهای ایدئولوژیک قرار می‌گیرد.

مسئله این ۳ مفهوم از شهرگرایی با یکدیگر پیوند دارند. فرم شهر، اگر یکسره نحوه زندگی مردم را تعیین نکند، بر آن تأثیر زیادی می‌گذارد. و هنگامی که طراحان شهری، معماران، و برنامه‌ریزان به توسعه شهر می‌پردازند، با شهرگرایی به‌عنوان نوعی کردار سروکار دارند. شهر به همانسان که از آن استفاده می‌شود، تولید می‌شود. فرم آن و سبک زندگی آن به‌طور جدایی‌ناپذیر با یکدیگر پیوند دارند.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

رابرت بورگارد

(کمال پولادی)

شهرگردانی ← حکمروایی شهری

شهرنشینی

کلی رشد شهرنشینی در اروپا از اواخر سده‌های میانه تا آغاز انقلاب صنعتی بسیار ناچیز بود. از نیمه سده ۱۸م، نرخ شهرنشینی ابتدا در انگلستان و سپس در دیگر کشورهای اروپایی و امریکای شمالی با سرعت رو به رشد نهاد. در اواخر سده ۲۰م، کشورهای توسعه‌یافته اروپا و امریکای شمالی تقریباً به صورت کامل شهری شدند و از آن زمان، نرخ رشد شهرنشینی نزول کرد. پیترو هال و محققان دیگر معتقدند، در بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی با توجه به اینکه هر روز مردم بیشتری به زندگی در شهرهای کوچک و مناطق روستایی روی می‌آورند، می‌توان گفت اکنون نوعی شهرگریزی آغاز شده است. اکنون این بحث مطرح است که قابلیت فناوری اطلاعات در وصل کردن تمام نقاط کره زمین به یکدیگر، ممکن است اهمیت مناطق شهری را کاهش دهد و به کند شدن یا معکوس شدن روند شهرنشینی منجر گردد. تحقیقات ساسکیاسانس و دیگران نشان می‌دهند که ظاهراً عکس این جریان رخ خواهد داد، زیرا به نظر می‌رسد فناوری اطلاعات موجب گسترش اندازه و اهمیت شهرهای بزرگ خواهد شد.

سرشماریهای ۱۰ ساله در ایالات متحد حاکی از فرایند رشد مداوم شهرنشینی است (تنها سرشماری ۱۸۱۰م نشان از کاهش مختصری در نسبت جمعیت شهری دارد). وزارت مسکن و توسعه شهری ایالات متحد قراردادی با مرکز تحقیقات شهری راجر بسته است تا داده‌های مربوط به شهرهای این کشور را نظام‌مند کند. پایگاه داده‌های این مرکز و گزارشهای دوره‌ای مربوط به وضعیت شهرهای کشور اطلاعات مفصلی را درباره رشد شهرنشینی در ایالات متحد فراهم می‌کند.

رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بسیار شتابنده و دارای ابعادی گسترده است. از آنجا که رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه تقریباً همه جا با رشد همزمان جمعیت همراه است، تنها نسبت جمعیت شهرها نیست که به سرعت افزایش می‌یابد، بلکه اندازه مطلق شهرها و منظومه‌های شهری نیز همواره با ابعاد تازه‌ای بزرگ‌تر می‌شوند. تعداد کلانشهرها با جمعیت‌های ۱۰ میلیونی و بیشتر به سرعت در حال رشد است. مؤسسه

می‌دهند. غالباً وضع به این ترتیب است که نقاط کم توسعه به قلمرویی که تبدیل به شهر می‌شود ملحق می‌شوند، آنگاه این مجموعه حوزه‌بندی می‌شود، زیرساخت‌هایی احداث و ساختمانها و خانه‌های جدید ساخته می‌شود و نهایتاً، شهر شکل می‌گیرد. دومین فرایند معمول شهری شدن که دوکسیادس بحث می‌کند، از این قرار است که تعدادی از آبادیهای منفرد و پراکنده که قبلاً قلمرو روستایی محسوب می‌شدند، به هم ملحق و مجتمع می‌شوند و به صورت شهر در می‌آیند. فرایند سوم به صورت گسترش بخشها و شهرکها، پرشدن اراضی خالی بین آنها و رسیدن جمعیت آنها به حد نصاب لازم برای ایجاد یک شهر واحد است. گاهی اتفاق می‌افتد که اراضی فاقد آبادی یا آبادی بسیار کم به وسیله یک طرح یکباره به شهر تبدیل می‌شود. کلنیهای یونانی که در سده ۵ پیش از میلاد که از درهم‌بافته شدن پولیها پدید آمدند، شهرهای قلعه‌ای انگلیسی و فرانسوی که در سده ۱۳م در فرانسه جنوبی ساخته شد، باغشهرهای انگلیسی در اوایل سده ۲۰م در لچورت و لوین، و پایتخت جدید برزیل که در نیمه دوم سده ۲۰م ساخته شد، از این گونه است.

کینگزلی دیویس، جمعیت‌شناس در حوزه تاریخ جمعیت شهری، شهرنشینی را از رشد جمعیت متمایز می‌کند. او بر نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری یک جامعه، تأکید دارد. بنابر تعریف دیویس، در کشوری مثل هلند که به سطح بالایی از شهرنشینی رسیده است، تقریباً همه جمعیت کشور در شهر زندگی می‌کنند. در چنین جامعه‌ای نسبت شهرنشینی ۱۰۰٪ است و این جامعه را می‌توان به عنوان جامعه‌ای کاملاً شهری توصیف کرد. در مقابل، در کشوری مانند ولتای علیا، فقط نسبت کوچکی از کل جمعیت در مناطق شهری زندگی می‌کنند و بنابراین، این جامعه را به سختی می‌توان جامعه شهرنشین توصیف کرد.

در اروپا، شهرنشینی به آرامی و به طور نامنظم پیشرفت کرد، ضمن اینکه بعد از فروپاشی امپراتوری روم، جریانی به صورت نزول شهرنشینی نیز پدید آمد. تا انقلاب صنعتی، بیشتر جمعیت اروپا روستایی بود. دیویس می‌گوید، نرخ

مردم عادی کوی و برزن، آنان را بدین نام (شهروند) می‌خوانند. بدینسان، کاربرد مفهوم شهروند به مباحث عمومی نیز راه یافته است. ساده‌ترین تعریف از شهروندی به حق خاک یا حق سرزمین تکیه دارد. براین‌اساس، هر انسانی به‌ه‌رتقدیر و ناگزیر در جایی پای بر این خاک می‌نهد و آن مکان، لاجرم بخشی از محدودهٔ کشوری است که توسط حکومتی اداره می‌شود. برهمن‌اساس است که در دنیای امروز، حداقل در ظاهر، دیگر از مفهوم رعایای حکومت و کشور یاد نمی‌شود. از این‌رو، پیوند با سرزمین و خاک به دلیل تولد، به معنای شهروندی آن سرزمین و حکومت حاکم بر آن است. چنین فرایندی که خودبه‌خودی و با تولد رخ می‌دهد، عضویت را می‌رساند. برای مثال، تمام زنان و مردانی که در سرزمین ایران پای بر این خاک می‌نهند، تا چند صبحی، چه کوتاه و چه بلند، در آن به سر برند، شهروندان ایران زمین محسوب می‌شوند. به‌تدریج و در گذر تاریخ، علاوه بر تولد، زندگی کردن در سرزمینی معین و زیر لوای حکومتی مشخص، البته با قرار و مدارها و شروطی، به شهروندی ختم شده است. این شیوه شهروندی اکتسابی است. لیکن باز هم به زیستن در سرزمین و عمر گذراندن بر خاک معین استوار است. براین‌مینا، پیوند با سرزمین و یا خاک تقریباً شرط جهانی شهروندی بشمار می‌رود و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان آن را پذیرفته و بر آن گردن نهاده‌اند. بدیهی است موارد معدودی نیز وجود دارد که این شرط را نپذیرفته، بر عوامل خون و تبارمحور تأکید دارند. برای مثال، ژاپن تولد و سکونت را شرط شهروندی نمی‌داند و تنها افرادی را شهروند ژاپن می‌شمارد که به گفتهٔ خود، خون ژاپنی در رگهای او جاری است. به‌همین علت، تعداد زیادی کره‌ای و چینی که گاه تا ۳ نسل در ژاپن متولد و تمام عمر را در آن کشور زیسته‌اند، هنوز در آرزوی شهروندی روز به شب می‌رسانند و چندان امیدی نیز به دگرگونی شرایط شهروندی در این کشور ندارند.

بر پایهٔ حق خاک یا حق سرزمین به تدریج بنیادی‌ترین و ساده‌ترین شکل شهروندی، با عنوان شهروندی رسمی یا صوری پدید آمد. شهروندی رسمی یا صوری عضویت در

تحقیقاتی سازمان ملل در نایروبی (← هبیتات) درباره رشد شهرنشینی در جهان به تحقیق و ارائه گزارش می‌پردازد. نشریه ادواری این مؤسسه به نام گزارش جهانی دربارهٔ اقامتگاههای انسانی اطلاعات مربوط به جمعیت، مسکن، شرایط اجتماعی و اقتصادی را در ۳۱۵ شهر از ۹۱ کشور جهان تهیه می‌کند.

دوکسیادس کلیت رشد شهرنشینی در کره زمین را مورد بررسی قرار داده است و نتیجه گرفته است که اگر روند کنونی ادامه یابد، طی چند سده سرتاسر کره زمین شهری خواهد شد. دوکسیادس جهان شهری را که به‌این ترتیب پدید می‌آید - جامعه هم‌پیوند، شهری شده و دربرگیرنده کل بشر، اکومنوپولیس (Ecumenopolis) می‌نامد. رشد شهرنشینی به‌نحوی که پیش می‌رود، جستجو برای شکلی از توسعه شهری را که مؤید یک قلمرو بشری پایدار و قابل زندگی باشد، به یکی از بزرگ‌ترین چالشهای بشر تبدیل کرده است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

ریچارد لگتز

(کمال پولادی)

شهروندی

Citizenship

شهروندی بسان بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی، علوم سیاسی و انسانی، مفهومی است سهل و ممتنع. در قوانین اساسی کشورهای بسیاری چندین بار، به دلایل مختلف، به مفهوم شهروندی اشاره شده است. در مطبوعات ملل عالم، به‌ویژه در زمان حاضر، دائماً از این مفهوم یاد می‌شود. برخی از سازمانهای دولتی و عمومی در مکاتبات خود با

خاندان است.

شهروندی در دنیای باستان از جمله حقوق مدنی محسوب می‌شد که با عضویت در پولیس به افراد تعلق می‌گرفت. حقوق مدنی مجموعه امتیازات قدرت شهروندی و اصول حفاظت از آن قدرت است. چنین قدرتی به شهروند براساس قانون اعطا می‌شود. به‌هر تقدیر، تلاش متفکران غربی برای به کرسی نشاندن پولیس آتن به‌عنوان خاستگاه شهروندی، به سنت فلسفه سیاسی مغرب زمین از زمان یونان باستان بازمی‌گردد که متفکران و مورخان یونانی آغازگر آن بوده‌اند. حتی می‌توان گفت، بنیاد سنت یاد شده در اسطوره‌های یونانی پی‌ریزی شده است. بر پایه این سنت، غرب خاستگاه مردمسالاری و شرق یا دنیایی که از آزادی پرهیز می‌کند و می‌گریزد، مناسب استبداد تصویر شده است. چنین سنتی، بعدها توسط متفکرانی چون ماکیاولی، هارینگتون، برنیر، جونز، منتسکیو، آدام اسمیت، میل، هگل و شماری دیگر مورد تأکید قرار گرفت و پس از روشنگری، ۲ وجهی (Dichotomy) غرب دموکراسی-شرق استبدادی کاملاً پذیرفته شد. چنانچه ثابت شود و غربیان بپذیرند که خاستگاه پولیس یا شهر خودفرمان و شهروندی نه مغرب زمین که بین‌النهرین یعنی، پولیس سومر بوده است، مفهوم‌بندی ۲ وجهی یاد شده که برای توجیه انواع سلطه در مدتی بیش از ۴۰۰ سال به کار رفته است، فرو می‌ریزد و سنت یاد شده به دلیل نادرستی آن بر باد می‌رود.

به‌هر تقدیر، تجربه غرب که با پولیس آتن آغاز شده است، با وجود فراز و فرودهای متعدد و دگرگونی‌های آن، به نوعی پایدارمانده و به سرمایه‌داری امروزی رسیده است. قلب تپنده پولیس آتن، آگورا (Agura) بود. شهروندان آتنی، یعنی فقط مردان ۱۸ ساله و بالاتر، در آگورا جمع می‌شدند. آنان معمولاً صبح خیلی زود به آنجا می‌آمدند. هر شهروند عادی چنانچه ۶۰۰۰ نفر را مجاب و با عقیده خود هم‌داستان می‌کرد، قادر بود تا مستقیماً به وضع قانون بپردازد. این قانون تصویب شده به نام او ثبت می‌گردید. اجتماعی شدن رسمی و غیررسمی آتنی، میانه‌روی را به‌عنوان مهم‌ترین ارزش، نهادینه ساخته بود. به‌همین دلیل،

دولت-ملی تعریف می‌شود. شهروندی رسمی یا صوری چه بر پایه تولد و یا بنابر قواعدی، بر پایه اقامت و اشتغال، به‌استثناء چند مورد محدود، امری جهان شمول به حساب می‌آید و مترادف با تابعیت است. بدینسان، عضو دولت ملی بودن، همواره، به‌عنوان حق سیاسی اعضای جامعه‌ای معین قلمداد می‌شود. بدین ترتیب، در تمام بحث‌های شهروندی، از ساده و بدیهی‌ترین تا پیچیده‌ترین، مفهومی خاص دائماً تکرار می‌شود که همان مفهوم حق (حقوق) است، چنان‌که از زمان رواج مفهوم شهروندی تا به امروز، مفهوم حق همواره همراه آن بوده است. به‌همین دلیل تأکید بر این نکته که به‌راستی تمایز مطالعه شهروندی از مطالعه حقوق امری فوق‌العاده سخت است، کراراً تکرار شده است. با اشاره به مفهوم حقوق، نوع دوم شهروندی، یعنی شهروندی جوهری، اساسی یا بنیادین (Substantive Citizenship) مطرح می‌گردد. شهروندی جوهری، اساسی یا بنیادین، در کنار حق خاک یا حق سرزمین، ناشی از تولد در مکانی معین یا سکونت و اشتغال در آن، حاکی از تعلق مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی و به‌ویژه اجتماعی به تمام انسانهایی است که شهروند به حساب می‌آیند و بدین عنوان پذیرفته شده‌اند.

مفهوم شهروندی مفهوم جدیدی نیست. متفکران غربی، به‌ویژه کوشندگان وادی فلسفه سیاسی، به اصرار باور دارند که نخستین جایگاه شهروندی، پولیس آتن در یونان است. پولیس از جمله مفاهیمی است که در زبان فارسی به‌علت فقدان معادلی مناسب به‌سختی قابل ترجمه است. حتی در زبان انگلیسی که آن را به City-state ترجمه کرده‌اند، حق مطلب ادا نشده است. دلیل این امر آن است که در پولیس‌های دنیای باستان مسئله مهم اجتماع محلی یا Community است که اساساً در فارسی ترجمه‌پذیر نیست، زیرا هرگز معادلی حتی نزدیک بدان پیشنهاد نشده است. به‌رحال آن را اجتماع یا بهتر از آن اجتماع محلی ترجمه کرده‌اند (← اجتماع محلی). منظور از Community در پولیس‌های یونانی و رومی، وحدت اجتماعی-سیاسی شهروندان به‌علت عضویت در پولیس و فراتر از هویت و تعلقات فردی، مانند خانواده و محله، عشیره و قبیله و

وضع مالیات شهری و نهایتاً دستیابی به حکومت محلی مستقل شهری بود. ساکنان چنین شهرهایی که گرداگرد بورگها یا قلعه‌های شاه و شاهزاده‌نشین شکل گرفتند، بعدها طبقه بورژوا را پدید آوردند و انقلابات بورژوایی را به راه انداختند. سده ۱۸م یا سده انقلابها، به‌ویژه انقلاب فرانسه، سده شناختن و رسمیت بخشیدن به حقوق بشر بود که بخش مهمی از آن از جمله حقوق شهروندی نیز محسوب می‌شد. نخست حقوق مدنی و متعاقب آن، حقوق سیاسی و بالاخره، حقوق اجتماعی تعریف شد. انتخابی بودن حکومت در محدوده ملی و پیدایش دولت ملی، به شهروندی ماهیتی ملی بخشید و کشورهای آزاد و مستقل، جانشین شهرهای خودفرمان و مستقل شدند. شهروندان با رأی مخفی و مستقیم خود، بخش عمده مقامات شهری و کشوری را برمی‌گزیدند. به تدریج، شهروندی و حقوق شهروندی به ۳ مفهوم بنیادین پیوند خورد که عبارت بودند از:

- اصل نمایندگی (Representation)؛
 - اصل مسئولیت (Responsiveness)؛ و بالاخره،
 - اصل پاسخگو بودن و پاسخگویی (Accountability).
- نخستین مسئله و شاید مهم‌ترین مسئله آن است که حکومت انتخابی باشد و از طریق مشارکت تمام شهروندان واجد شرایط، رأی‌دهی شکل گیرد و بدین ترتیب، فرد انتخابی نماینده واقعی اکثریت شهروندان باشد. این شرط در واقع مسئله نوبتی و گردشی بودن که مهم‌ترین اصل مردمسالاری است را تضمین می‌کند. علاوه بر این، مهم‌ترین حق سیاسی شهروندی یعنی انتخاب کردن و انتخاب شدن را به نمایش می‌گذارد. همچنین در طول خدمت افراد برگزیده باید از حساس بودن برگزیدگان در مقابل شهروندان و در مورد مسائل، خواستها، رنجها و مشکلات شهروندان اطمینان حاصل شود و مسئولیت شناسی آنان به اثبات برسد. بالاخره، برگزیدگان باید به شهروندان پاسخگو و قادر باشند تا اقدامات خود را توضیح دهند و به‌خوبی و به‌درستی توجیه کنند. ۳ خصلتی که تا به امروز باید در افراد برگزیده، آن‌هم در سطحی بالا و به‌طور روشن و واضح، مشاهده شود. نظارت بر این ۳ اصل از جمله مسئولیت‌های

شهروندان آن در پیشنهاد کردن قانون تنها باید به خیر آتن می‌اندیشیدند. سایر شهروندان نیز حق داشتند تا به مدت یکسال از قانون وضع شده شکایت کنند و این شکایت را در دادگاه قانون اساسی که با حضور هیئت منصفه تشکیل می‌شد، طرح نمایند. اگر قانونی از طریق دادگاه باطل اعلام می‌شد، پیشنهاددهنده قانون با آنچنان عقوبت سختی روبرو می‌شد که مصادره اموال و تبعید از پولیس برای ۱۰ سال، از جمله آنها بود و فرد را به فلاکتی ابدی دچار می‌کرد. این اصل حفاظتی، در کنار سایر اصول، شهروندان را به احتیاط لازم توجه می‌داد. اکثریت مشاغل در پولیس آتن انتخابی و گاه به قید قرعه بود. مدل شهروندی و سیاسی پولیس رم و سایر پولیسهای نوپدید در تمدن رومی، تکامل یافته شکل آتنی آن بود. نخست آنکه نه تنها زنان برای اولین بار شهروند شناخته شدند، بلکه غیر رومیها نیز در شرایطی شهروند رم می‌شدند.

در سده‌های میانی، گرچه اصل شهروندی تضعیف شد، اما علی‌رغم محلی شدن زندگی اروپای غربی پس از فروپاشی امپراتوری رم غربی و برکنار از حاکمیت بلامنازع کلیسای کاتولیک بر تمام ارکان زندگی، از میان نرفت. در خیلی از مناطق، از جمله گُل، شهر به‌مثابه نهادی دنیوی باقی ماند و شوراهای شهر به حیات خود ادامه دادند. اساساً شهروندی بر پایه حق خاک، ارثیه سده‌های میانی اروپای غربی محسوب می‌شود. در دوره‌ای که سده‌های میانی متأخر (۸۱۴-۱۳۰۰م) خوانده می‌شود، به تدریج شهرهای خودفرمان که ماکس وبر آنها را شهرهای صنعتی-سهامی (Guild-Corporate Cities) خوانده است، یا از طریق رشوه دادن به شاهان و حاکمان و یا از طریق پیروزی در جنگها، سر برآوردند. چنین شهرهایی که ماکس وبر آنها را دارای برج و بارو، بازار، منشور یا قانون اساسی شهری، دادگاه یا هیئت منصفه و در مواردی، ارتش غیرحرفه‌ای شهروندی معرفی کرده است، در پیدایش سرمایه‌داری نقشی بی‌بدیل داشتند. شهروندان شهرهای این دوره از سده‌های میانی، نخست اجازه یافتند تا به جای دواول کردن، حل دعاوی خود را به دادگاه با هیئت منصفه که اعضای آن از شهروندان عادی انتخاب می‌شدند، ارجاع دهند. گام بعدی،

نظایر آن منعکس است. شهروندی جنسیتی در برابری تمام حقوق، صرف نظر از جنس و عدم تشخیص به دلیل جنس مستتر است. شهروندی فرهنگی - قومی مسئله حقوق فرهنگی و اجتماعی اقلیتها، زبان، آداب و رسوم و خرده فرهنگ قومی، هویت قومی و فرهنگی و نظایر آن را پیگیری می کند. و بالاخره، شهروندی جهانی مسئله حق انتخاب کشور محل سکونت، مهاجرت، مسافرت آزادانه و نظایر آن را دربر می گیرد.

در مورد شیوه برخورد به مفهوم شهروندی ۲ دیدگاه وجود دارد. اولین دیدگاه بر عضویت شهروند در جامعه سیاسی تأکید دارد و براساس آن، مسئولیتهای شهروندی را برجسته می سازد. اما دیدگاه دوم، فرد صاحب حقوق، یعنی شهروند و حقوق شهروندی را عمده می کند. در دیدگاه اول که بر پایه تجربه شهروندی در پولیس آتن و روم، یا در مجموعه دنیای کلاسیک، شکل گرفته است و در سده های میانی البته بسی کم رنگ تر پیگیری شده است، شهروندان شکل دهنده جامعه سیاسی تلقی می شوند. بر پایه همین سابقه، هنگامی که جان لاک از حکومت مدنی، روسو از دولت مدنی و کانت از جامعه شهروندی یا شهرنشینان یاد می کردند، درواقع، وحدت جامعه مدنی و جامعه سیاسی دنیای کلاسیک را در ذهن داشتند و بر همین مبنا، از دولت سخن می رانند، دولتی که مفهومی فراگیر داشت و کل حیطه سیاسی را دربر می گرفت. البته در نیمه دوم سده ۱۸م، دگرگونی نوآرانه ای در مفهوم جامعه مدنی رخ داد. به گفته کریشان کومار، معادله برابری دولت و جامعه مدنی شکسته شد. تفکر اجتماعی انگلیسی در این جدایی نقشی بارز ایفا کرد. در نوشته های بعدی جان لاک و در آثار تامپین، آدام اسمیت و آدام فرگوسن، حیطه ای از جامعه در نظر گرفته و مجسم شد که از دولت مجزا و صاحب اصول خاص خود و شکلی ویژه بود. این نگاه راه را برای هگل هموار کرد، تا معنای جدید جامعه مدنی را ارائه دهد. او جامعه مدنی را حیطه زندگی اخلاقی تلقی می کرد که بین خانواده و دولت قرار داشت و بر عمل آزاد نیروهای اقتصادی و خواسته های فردی استوار بود. در این بازتعریف، شهروند مجدداً کنشگر عرصه جامعه تلقی شد؛

شهروندی بشمار می رود که دیگر شهروندی ملی تلقی می شود. با برآمدن دولت رفاه و شکل گیری جامعه رفاهی، دامنه حقوق شهروندی بازهم گسترش یافت. امری که با جهانی سازی به اوج خود رسیده است. امروزه، از ۶ نوع شهروندی یاد می شود که عبارتند از:

- شهروندی سیاسی؛
- شهروندی اجتماعی؛
- شهروندی اقتصادی؛
- شهروندی قومی - فرهنگی؛
- شهروندی جنسیتی (محصول مبارزات زنان و جنبشهای اجتماعی از جمله جنبشهای فمینیستی)؛ و بالاخره،
- شهروندی جهانی.

شهروندی سیاسی در رأی دهی در سطوح محلی و ملی و برای انتخاب مقامات مختلف در سطوح متفاوت و در انتخاب یا داوطلب شدن، آزادی اجتماعی، عضویت در احزاب و سازمانهای سیاسی و آزادی بیان منعکس می شود و مهم ترین مسئولیتهای شهروندی سیاسی عبارت است از حفظ مصالح ملی در مرادوات، اقدامات و فعالیتها، مبارزه برای حفظ تمامیت ارضی، نظارت فعال و مشارکت در نظارت بر افراد سیاسی برگزیده و نظایر آن. درعین حال باید تأکید کرد که داوطلب شدن و مشارکت سیاسی، مهم ترین مسئولیت بشمار می رود. حقوق شهروندی اجتماعی شامل انتخاب محل زندگی، شیوه زندگی در محدوده قانونی و ارزشها و عرف مورد قبول جامعه، حق حریم خصوصی و عدم دخالت در زندگی خصوصی، حق مشارکت در سازمانها، انجمنها و نهادهای اجتماعی و عامه المنفعه، سازمانهای غیرحکومتی غیرسیاسی و تشکیل چنین نهادهایی، داشتن اوقات فراغت خلاق و شادی و سرور، آزادی انتخاب مذهب و عقیده، حق دسترسی به آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی، حق تابعیت و حق داشتن مسکن مناسب می شود. مهم ترین مسئولیت اجتماعی ضرورت مشارکت آحاد مردم در جهت خیر عمومی است و توجه و حساس بودن به منافع محل زندگی و جامعه. شهروندی اقتصادی، در حق داشتن شغل مناسب، حق مالکیت و کار، استفاده اقتصادی از دسترنج شرافتمندان و

ثروتمند و انبوهی محتاج به نان شب، بیکاری، پایان طبقه کارگر به علت خودکار شدن فرایند تولید، جهانی شده است. با پایان یافتن دولت رفاه در کشورهای غربی، حذف یارانه‌ها، کوچک شدن دولت، واگذاشتن تعیین قیمت کالا برعهده سازوکارهای بازار، حذف تعرفه‌های ترجیحی، خروج صنایع و مؤسسات مالی از کشورهای پیشرفته به کشورهای با کارگر ارزان و یا بی‌توجه به آلودگیهای زیست‌محیطی، مردم کشورهای پیشرفته، به‌ویژه جوانان، دقیقاً با همان مسائل و مشکلات جوانان جهان سوم روبرو شده‌اند که با ادامه این روند، بیش از گذشته روبرو خواهند شد. از سوی دیگر، جابه‌جایی جمعیت انبوه در جستجوی کار و طالب پناهندگی، از یکسو و غلبه نگاه محافظه‌کارانه و بیگانه‌ستیز نسبت به مهاجران از سوی دیگر، حقوق انسانی جهان‌شمول و گسترش دائمی آن را در دستور کار قرار داده است. تضمین برخورداری از مبارزه با نقض چنین حقوقی به‌علت فقدان نهاد سیاسی مناسب و همراه با ضمانت اجرایی در سطح جهان، همچنان برعهده حکومت‌های ملی است. بدیهی است که به‌این ترتیب، مسائل شکل متناقضی پیدا می‌کند. یکی از این تناقضات، مسئله حقوق شهروندی و حقوق بشر جهان‌شمول است. مدل فراملی شهروندی که از سوی یاسمین سوی‌سال (Yasemin Soysal) در ۱۹۹۴م مطرح شده است، از اولین واکنش‌ها به این تناقضات است. از سوی دیگر، نسل دوم و سوم مهاجرانی که کارگران میهمان خوانده می‌شوند و علی‌رغم تولد در کشورهایی که پدر یا پدربزرگشان به‌عنوان کارگر میهمان سالها زندگی کرده‌اند، هنوز شهروند آن کشورها تلقی نمی‌شوند و به‌عنوان مردم بدون مکان معرفی می‌شوند، تناقض شهروندی و حقوق انسانی جهان‌شمول را بیش از گذشته عیان و به مسئله‌ای جدی تبدیل کرده است. برخی کشورهای اروپایی با خلق مفهومی به نام شخص جهانی (Universal Personhood)، بدون اعطاء شهروندی به نسل اول، دوم و سوم مهاجران، حقوق انسانی جهان‌شمول را در باب آنان به رسمیت شناخته‌اند. تناقض نهفته در شهروند نبودن، اما برخوردار از حقوق انسانی جهان‌شمول، از ماهیت شهروندی برمی‌خیزد. همان‌گونه که در

یعنی در مقابل شهروند در خدمت مجموعه‌ای اجتماعی-سیاسی، فرد صاحب حقوق، اما مسئول اصالت یافت. درواقع، این ۲ نگاه در اثر مساعی متفکران سده ۱۸م هويت و موجودیتی متمایز و مستقل، اما به یکدیگر مرتبط یافتند. این ۲ دیدگاه به ۲ مکتب شهروندی جان بخشیدند؛ یعنی مکتب یا نگاه لیبرالی که بر فرد صاحب حقوق، یعنی شهروند تأکید روا می‌دارد و مکتب یا نگاه جمهوری‌خواهانه که مسئولیت شهروندی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

جهانی‌شدن و مفهوم شهروندی با تحولات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی که نخست به دولت و جامعه رفاه منجر شد و سپس جهانی‌سازی را مطرح ساخت، هریک از این ۲ دیدگاه را به کلاسیک و نو، یعنی نگاه لیبرالی کلاسیک و نگاه لیبرالی نو و نگاه جمهوری‌خواهانه کلاسیک و نگاه جمهوری‌خواهانه نو تقسیم کرد. براین اساس، ۲ وجه حقوق و مسئولیتها یکجا در نظر آورده شد. تأکید نگرشهای جامعه‌شناختی و فرا‌امروزی (پست مدرنیستی) از جمله نگاه فمینیستی، بحثهایی چون شهروندی و مشارکت، شهروندی و نابرابری و به‌حساب نیامدن (exclusion)، شهروندی و ادغام ساختاری یا جهانی‌سازی و شهروندی و پایداری را به بحثهای روز بدل ساختند. معرفی تدریجی انواع حقوق شهروندی، در کنار مباحث یادشده، که واکنش به تحولات پرشتاب دهه‌های پایای سده ۲۰م و شروع پر آشوب سده ۲۱م به‌حساب می‌آید، به طرح ۶ نوع شهروندی یاد شده منجر گردید. نکته مهم که در اثر جهانی‌سازی و پیدایش اتحادیه‌های فراقشوری شکل گرفته است، طرح مسئله حقوق انسانی جهانی است که رابطه آن با شهروندی جهانی، از یکسو و جهانی‌سازی از سوی دیگر، بحث مهم روز است. در اثر جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصاد، برای اولین بار در سالنامه زندگی بشری، مسائل و مشکلاتی چون به‌حساب نیامردن و کنار گذاشتن، بیگانه‌ستیزی و هجوم بخش خصوصی به شهرها برای سود و براین مبنا، از میان رفتن یا به خطر افتادن زندگی محله‌ای، هويت شهری، ناپایداری در مجموعه و ناپایداری شهری، فقر روبه‌تزايد و قطبی‌شدن شدید جوامع (اقلیتی افسانه‌ای

براین اساس، حقوق بشر در مرزهای ملی در قالب حقوق شهروندی کم یا بیش، به رسمیت شناخته شده و در عمل، کمتر یا بیشتر تحقق خواهد یافت. گرچه از همان آغاز تناقضاتی بین حقوق بشر که جهان شمولند و حقوق شهروندی که وابسته به نوعی حاکمیت سیاسی است و حاکمیت سیاسی نیز به ضرورت و ناگزیر ملی است، احساس می‌شد، اما همان نگاه که آرزوی یکسانی الگوی سیاسی و اقتصادی را داشت، تناقضات یادشده را چندان لاینحل تصور نمی‌کرد. به‌ویژه آنکه به گفته تی. اچ. مارشال، شهروندی همبستگی اجتماعی را در عین وجود نابرابری، محقق می‌ساخت و شهروندی با وجود تقسیم طبقاتی جامعه که پایه نابرابری است، در تضاد جوهری نیست و بنابراین، نهایتاً با یکدیگر کنار می‌آیند. گرچه او شهروندی اجتماعی را با سرمایه‌داری در تضاد می‌دانست، اما به نظر او شهروندی با ساختار طبقاتی زاده سرمایه‌داری هم‌زیستی می‌نماید و نابرابری را توجیه می‌کند. فقط مارکس بود که حقوق طبیعی را منشأ نابرابری تلقی می‌کرد و حقوق انسانی را برابری شهروندی محسوب می‌داشت. او معتقد بود که حقوق انسانی به شهروند، بلکه به هر شهروندی در جایگاه طبقاتی‌اش تعلق می‌گیرد و بنابراین، به همان اندازه که از کارگر حمایت می‌کند، از سرمایه‌دار نیز پشتیبانی می‌نماید. اما از آنجا که قدرت سرمایه‌دار به مراتب و از هر لحاظ بیشتر از کارگر است، در فرجامین تحلیل از حقوق یاد شده، او بیش از سایر طبقات سود می‌برد و بدین ترتیب، تفاوت‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. مارکس در عین حال، از شهروندی تنها در قالب استحقاق یا مزایای اشتراکی (Communal) دفاع می‌کرد.

شهروند جهانی و حقوق جهان‌شمول

مسئله اساسی در این واقعیت نهفته است که در سده ۲۱م، حقوق انسانی جهان‌شمول در موارد مشخصی با قالب‌های سیاسی موجود در تضاد قرار می‌گیرد. مسئله تعلق حقوق به گروه و نه فرد، آن هم گروه‌های خاص، دقیقاً محور اصلی تضاد یادشده است. بحث‌هایی چون حقوق چندقومی و

مرور شهروندی در گستره تاریخ غرب اشاره شد، تحولات شهروندی ناشی از دگرگونی‌های قالب سیاسی حاکم بر آن بوده است. البته، امروز با جهانی‌سازی و بروز پیامدهای آن، نیاز به دگرگون ساختن شهروندی در شرایطی رخ می‌دهد که قالب سیاسی نمی‌تواند پا به پای آن دگرگون شود. این امر معضل اصلی شهروندی در عصر حاضر یا سده ۲۱م است. شهروندی در یونان باستان و در واقع در پولیس آتن، انسان‌های محدودی را از وفاداری و هویت مبتنی بر خون و تبار آزاد ساخت، تا بر پایه این فرض که انسان به واسطه طبیعت خویش، برای زندگی سیاسی خلق شده است، به اعضا داوطلب اجتماع مدنی تبدیل شوند. بنیاد چنین عضویت داوطلبانه مدنی‌ای، خدمت نظامی به‌عنوان عضو ارتش غیرحرفه‌ای شهروندی بود. در پولیس رم و به تبع آن، در امپراتوری رم با دگرگونی قالب سیاسی، جامعه شهروندی عنصر حقوقی حفاظت از مالکیت خصوصی گردید. در پایان سده‌های میانی، شهروندی در عضویت صنفی منعکس گردید. در این شرایط بود که اصناف شهرهای خودفرمان با دستیابی به قدرت اقتصادی، آماده به راه انداختن انقلابات بورژوازی برای تسخیر حاکمیت سیاسی شدند. در دوران مدرن، برای اولین بار شهروندی وجه ملی به خود گرفت و در دستیابی به انواع آزادهایی که الگوی لیبرالی اقتصاد و سیاست نویدبخش آنها بود، مفهوم‌بندی شد. آزادهایی که نخست با آزادی اشتغال و یافتن شغل به راه افتاد و در دولت و جامعه رفاه به اوج خود رسید، عصر روشنگری شهروندی را به حقوق انسانی پیوند زد و چنین حقوقی را بر پایه فلسفه حقوق طبیعی توجیه کرد که طبعاً جهان‌شمول تلقی می‌شد. با این وجود، با قالب سیاسی برآمده از انقلاب‌های اروپایی، به‌ویژه انقلاب فرانسه، تناقضی نداشت. تضاد فی‌نفس که اعلامیه بنیادین انقلاب فرانسه، اعلامیه حقوق بشر و شهروند نام گرفت. تصور این بود که از طریق فرایند امروزی شدن، بالأخره روزی تمام جهان قالب اقتصادی سرمایه‌داری و به تبع آن، قالب سیاسی همراه آن (حال گاه با تعبیر محافظه‌کارانه و راست‌روانه و گاه وجه لیبرال مآب و چپ‌روانه و حداکثر در قالب سوسیال دموکراسی) را خواهد پذیرفت.

رسمیت شناخته است. گرچه این پذیرش مشروط به همخوانی با شرع مقدس اسلام تلقی شده است. اصول ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۱ مستقیم و غیرمستقیم به بسیاری از حقوق شهروندی صحنه گذارده‌اند. از سوی دیگر، در عمل، تأسیس انتخابی شوراهای اسلامی شهر و روستا، علی‌رغم محدودیت نهادهای یادشده، تجربه ارزنده‌ای است که در مواردی به دستاوردهای چشمگیری، آن هم با امکانات کم، نائل آمده است.

کتاب‌شناسی:

- گولد، جولوس و کولب، ویلیام. فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویر)، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- Faulks, K. *Citizenship*. New York: Routledge, ۲۰۰۰.
- Holston, J. (ed), *Cities and Citizenship*. Durhan: Duke University Press, ۲۰۰۰.
- Clark, P. (ed), *Encyclopedia of Democratic Thought*. London: Routledge, ۲۰۰۷.
- Caves, R. (ed), *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

پرویز پیران

شهروندی، حقوق

Citizen Rights

وضعیت بهره‌مندی از حقوق و داشتن تکلیف به‌عنوان ساکن یک شهر یا عضو یک کشور. شهروندی توصیفی است از وضعیت سیاسی فرد. شهروند بودن یعنی عضو یک واحد سیاسی مثل دولت مدرن یا یک دولت-شهر بودن. شهروندی شأن شخص را در برابر دستگاه گسترده سیاسی مشخص می‌کند. شهروندی همواره ۳ وجه دارد: شخص؛ بستر نهادی جامعه سیاسی؛ و چگونگی مناسبات شخص با این جامعه سیاسی.

چندفرهنگی، حقوق متفاوت بودن، حقوق مرتبط با سبک زندگی، جنبشهای اجتماعی و حفاظت از محیط زیست و مشارکت در تمام زمینه‌ها در قالب مشارکت فعال از آن جمله‌اند. برخی از حقوق یادشده نیازمند برخورداری از ضمانت اجرایی در سطح جهانی است و این نقطه محوری تضادی است که به آن اشاره شد. در نتیجه، حداقل از برخی جهات، شهروندی جهانی و حقوق جهان‌شمول انسانی با مفهوم رایج شهروندی در تضاد قرار می‌گیرد.

در شرایط کنونی ایران، مشارکت فعال آحاد مردم در عرصه‌های مختلف به تدریج به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل می‌شود. بدون چنین مشارکتی مشکلات عدیده‌ای رخ خواهد داد که طبعاً حل آنها توسط دولت به تنهایی، حتی اگر ممکن باشد، پرهزینه خواهد بود و صرف منابعی را می‌طلبد که باید در جهت توسعه پایدار ملی به کار رود. شهروندی در ایران در بین مفاهیم بسیار دیگر، با انقلاب مشروطیت به‌شکلی نسبتاً عمومی مطرح شده است. گرچه مواردی در تاریخ و اندیشه دینی ایران وجود دارد که تا حدودی با تجربه شهروندی به‌شکلی دیگر و نه در قالب شهر یا چارچوب ملی که هرگز در تاریخ ایران موضوعیت نداشته، قابل مقایسه است. متأسفانه تاکنون چنین موضوعاتی به‌درستی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است (به‌عنوان نمونه موضوع «حقوق اخوان ایمانی» و سلسله مراتب آن از جمله حقوق همسایگی). هدف از اشاره به چنین مباحثی، تنها نشان دادن این واقعیت است که برای رسیدن به سازوکارهایی که در زمان حاضر و در آینده بدانها نیاز مبرم وجود دارد، شاید بتوان مباحث، موضوعات و پدیده‌هایی را در تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب این سرزمین یافت و از طریق آنها، مفاهیم جدید و برخاسته از تجارب بیگانه با شرایط کشور را در چارچوبهای بومی تدوین و ارائه کرد، تا پذیرش عمومی آنها افزایش یابد. بدون تردید، تحقیقات متعدد و بررسی شرایط کشور نشان می‌دهد که پایداری و شهروندمداری، ۲ راهبرد بدون جایگزین ایران بشمار می‌روند. خوشبختانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد و تبصره‌های برخی از اصول، بسیاری از حقوق شهروندی و حقوق انسانی را به

مفهوم ملت و ملی‌گرایی را گسترش دادند. در قرن ۱۸م جنبشهای آزادی‌خواهی رشد کرد و اندیشه‌های مربوط به حقوق فردی پدیدار شد. در قرن ۱۹م طبقات متوسط صنعتی حقوق سیاسی را که شامل حق رأی دادن و مشارکت سیاسی، بود تثبیت کردند. در نیمه قرن ۱۹م طبقات کارگری مفهوم حقوق اجتماعی را مستقر ساختند و به این ترتیب حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی از اجزاء اصلی حقوق شهروندی بشمار آمد. در ابتدا این حقوق با اینکه با تکیه بر مفاهیم عام تعریف می‌شد، اما همگان را دربر نمی‌گرفت. طی مراحل چندی، سرانجام همه مردم از جمله کارگران و زنان نیز از حقوق شهروندی برخوردار شدند. در کشورهای در حال توسعه فردگرایی لیبرالی به‌عنوان بستری برای شهروندی رشد زیادی نداشته و در عوض شهروندی اجتماعی از جایگاه مهم‌تری برخوردار بوده است.

در قرن ۲۰م شهروندی تا نهایت حد خود گسترش یافت. مالکیت و جنسیت دیگر در مفهوم شهروندی و محدود کردن دایره آن نقشی ندارد و شهروندی با اصل برابری حقوق شهروندی، به‌رغم نابرابری وضعیت اجتماعی، پذیرفته شده است. همه افراد در یک کشور شهروند محسوب می‌شوند، در برابر قانون برابر بشمار می‌آیند و دیگر مفهوم «شهروند درجه دوم» معنی ندارد.

چالشهای جدید در وضعیت شهروندی

اکنون در آغاز هزاره سوم، شهروندی هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی با چالشهایی روبرو است. در سطح ملی تعمیم حقوق شهروندی به کل جامعه با دشواریهای زیادی همراه است. علاوه بر آن، با توجه به جهانی شدن اقتصاد، انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی، فرایند ادغام بین‌المللی و گسیختگیهای اجتماعی پیشبرد اهداف سیاستهای اجتماعی و اقتصادی در درون کشورها دشوار شده است. مشکل اساسی در سطح بین‌المللی، پیدا کردن راه‌حل برای جهانی شدن (← جهانی شدن) در شرایط فقدان مردمسالاری جهانی است. جهانی شدن با بنیادهای سنتی شهروندی که در اصل با جامعه ملی پیوند داشته است

تعلق شخص به جامعه سیاسی هم جنبه عاطفی دارد (حس تعلق) و هم جنبه حقوقی (حق مشارکت در تصمیم‌سازی). حضور همزمان این ۳ جنبه واژه شهروند را از واژه‌هایی چون تبعه، مقیم یا ملیت جدا می‌کند. شهروندی در دنیای مدرن فحوایی برابرخواهانه دارد و دلالت بر عضویت کامل فرد در جامعه سیاسی معین دارد. حق شهروندی با حقوق مختلف دیگری در پیوند است، از جمله: حقوق مدنی، حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی، حقوق فکری و اخیراً حقوق زیست محیطی.

مفهوم شهروندی به نخستین دولت- شهرهای باستانی در سومر و یونان باستان باز می‌گردد. این مفهوم در دولت- شهرهای یونان از شکوفایی زیادی برخوردار شد. در دولت- شهرها شهروندان حق داشتند در حکومت یا اداره دولت- شهر مشارکت کنند. از آن زمان به این طرف، در ادبیات سیاسی اروپا حقوق مشارکت در حکومت با مفهوم عضویت در شهر (شهروندی) پیوند پیدا کرد.

در سده‌های میانی، به‌جای مفهوم شهروندی زنجیره وفاداریهای شخصی وجود داشت. در سرواژ و فرقه‌های رهبانی بستگیهای شخصی الگوی اصلی پیوند شخص با جمع بزرگ‌تر بود. در شهرهای نوپدید اروپا بود که به تدریج بستگیهای شخصی به پیوندهای مدنی تبدیل شد. بهنگام شکوفایی شهرها از قرن ۱۲م به بعد گروههای اجتماعی بازرگانان، اصناف و اتحادیه‌ها پدیدار شدند. اینها از بندهای وابستگی فئودالی آزاد بودند و رهبران خود را انتخاب می‌کردند و این رهبران انتخابی در برابر انتخاب‌کنندگان پاسخگو بودند. چنین نهادی نخستین پایه پیدایش مفهوم جدید شهروندی بشمار می‌رود.

شهروندی جدید

در قرن ۱۶ و ۱۷م تحولات زیادی در حیات سیاسی و اجتماعی اروپا پیدا شد. در این دوره دولتهای مطلقه به‌عنوان شکل اصلی تشکیل سیاسی رشد کردند. این دولتها در قیاس با شهرهای خودفرمان، افول مفهوم شهروندی را به همراه داشتند، اما در عوض همین دولتها بودند که دولت- ملتهای مدرن را به وجود آوردند و همراه با آن

مثل عضویت، مشارکت، اجتماع سیاسی، شمول و عدم شمول، هویت ملی و تضمین حاکمیت قانون، برخورد پیدا می‌کند. جهانی شدن اقتصاد در شرایط فقدان مردمسالاری جهانی شرایطی می‌آفریند که در آن «شهروند جهانی» شهروند بی‌سرزمینی است که هم در سطح کشوری و هم در سطح محلی در معرض از دست دادن هویت است. شهروند در نظامهای امروزی وضعیتی است که هم با حقوق و تکالیف در سطح ملی و هم در سطح محلی پیوند دارد. برخی از عمده‌ترین حقوق و تکالیف شهروندی به قرار زیر است: مشارکت در مدیریت، در آبادانی، در بهبود محیط، در تأمین ایمنی، در بحثهای عمومی و در انجمن و تشکلهای گوناگونی که درباره مسائل عمده محلی و کشوری گفتگو می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of The City*. London & New York: Routledge, ۲۰۰۵.
- Clark, P. (ed). *Encyclopedia of Democratic Thought*. London: Routledge, ۲۰۰۷.
- Marshall, T.H. "Citizenship and Social Class", *Marshall, T.H. Citizenship and Social Class and other essay*. Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۵۰.

کمال پولادی

ط - ظ

طراحی روستایی

Rural Design

معرفت ساخت و ساز سکونتگاههای روستایی، از مقیاس خرد تا کلان، از جنس شناخت بومی و مردمی است. براین مبنای قواعد و اصول طراحی و ساخت و ساز در این مناطق به تدریج و طی سده‌های متمادی، به صورت سینه به سینه منتقل شده است. در مناطق روستایی مبانی طرح و ساخت ساختمان بر منطق و واقع‌گرایی استوار است؛ طرح بنا با شرایط اقلیمی هماهنگ است؛ حداکثر بهره‌برداری از مواد و مصالح ساختمانی بوم‌آورد در نظر گرفته می‌شود؛ تا جای ممکن صرفه‌جویی اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد؛ ساختمان به تدریج و متناسب با نیاز طراحی و اجرا می‌شود؛ و از بیهودگی پرهیز می‌کنند.

قرار می‌گیرد.

در بعضی موارد، بخشی از کارهای ساخت و ساز برعهده خانواده است و قسمتهای پیچیده‌تر، مثلاً طاق‌زنی سیستمهای ساختمانی با پوشش آهنگ و گنبدی برعهده استادکار بناست. بنابراین، علاوه بر مشارکت اعضاء خانواده، از تجربه استادکار ماهر نیز بهره‌گیری می‌شود. این استادکار ممکن است از اهالی روستا و یا از دیگر روستاها باشد. در جاهای دیگر، از ابتدای کار، طراحی و اجرای ساختمان برعهده معمار یا بناست. بعید نیست که خانه‌ها، پیش از شروع اجرا، حتی نقشه‌های ترسیمی داشته باشند. خانه‌هایی که در روستاهای حاشیه کویر، در اطراف کاشان، مثلاً محمدآباد و نوش‌آباد ساخته می‌شوند، بعضاً آنقدر تفصیلی و با جزئیات دقیق است که داشتن نقشه کاغذی دور از ذهن نیست.

ورود نقشه‌های شهری

طی دهه‌های اخیر، ارتباط شهر و روستا گسترش یافته است و الگوهای شهری توسط کسانی که مدتی را برای کار یا تحصیل در شهر گذرانده‌اند، به روستا منتقل و همزمان مصالح جدید، مانند آهن و بتون نیز به روستا آمده است. قابلیت مصالح جدید برای پوشش دهانه‌های بزرگ‌تر و یا اجرای دیوار با ضخامت کمتر، امکانات تازه‌ای را در اختیار روستاییان قرار می‌دهد. متأسفانه شاهد هستیم که در چنین شرایطی جای طراحی روستایی کلاً خالی است و نقشه خانه‌های با هال مرکزی و چند اتاق و سرویس و آشپزخانه در اطراف آن، به روستاها منتقل و نشر یافته است. مشکل

فرایند طرح و ساخت

در روستاهای مختلف، کار طرح و ساخت از نظر فرایند و عوامل مؤثر در آن صورتهای متفاوتی دارد. در بعضی موارد، کل فعالیت ساخت خانه برعهده خانواده است. هر یک از اعضاء، متناسب با قابلیتها و اطلاعاتی که دارند، از زن و مرد و بچه، در کار ساخت مشارکت می‌کنند. ساختمانها و خانه‌ها الگوهای جا افتاده‌ای دارند که همه از آن تبعیت می‌کنند. شاید این الگوها شامل ابعاد و اندازه‌ها، تناسب و میزان سطوح بازشو، جهت ساختمان و بسیاری از جزئیات دیگر، برای ساکنان خانه از نظر حکمت و چرایی نامعلوم باشد و یا فقط بخشی از علل آن را بدانند، ولی مورد تبعیت

طراحی شهری

با دانش معماری روستایی و اصول آن کاملاً مأنوس شوند. در هر منطقه و در فرصت مناسب با مطالعه معماری بومی و تأمل در رفتارهای سکونتی روستاییان و همچنین در تغییرات و نیازهای جدید آنها و همچنین شناخت مصالح و فناوری بومی ساخت، در کنار آشنایی با تجربیات جهانی در زمینه ارتقاء ساخت و ساز با مصالح بوم‌آورد، می‌توان معیارها و دستورالعملهای مناسب برای طراحی و اجرا بناهای امروزی را در روستا به دست آورد.

تنها با ارائه نمونه‌های واقعی می‌توان روستاییان را متقاعد کرد که به جز کپی‌برداری و تکرار الگوهای شهری، راه‌حلهای مناسب دیگری نیز برای ساخت و ساز و طراحی خانه و مجموعه روستایی وجود دارد.

کتاب‌شناسی:

- معاونت فنی و برنامه‌ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «دستورالعمل طرح اصلاح معابر روستایی»، *مجله مسکن و انقلاب*. شماره ۳۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.

- نظری، عبدالحمید. «بررسی فیزیکی - کالبدی سکونتگاههای روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی (گرگان و ترکمن صحرا)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۴۹ و ۵۰، تابستان و پائیز ۱۳۷۷.

- زرگر، اکبر. *شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

اکبر زرگر

طراحی شهری

Urban Design

طراحی شهری در دهه ۱۹۶۰م با هدف جستجوی زمینه‌ها و وسایل تحقق کیفیت شهر به وجود آمد. این جستجو تا به امروز همچنان با ۲ هدف عملکردی و زیبایی‌شناختی ادامه دارد. طراحی شهری به‌عنوان فعالیتی که به محیط انسان‌ساخت و سکونتگاههای انسانی شکل می‌دهد و انسجام می‌بخشد، از ابتدای پیدایش تاکنون همواره از

اینجاست که چنین طرحی به‌راحتی با رفتارهای سکونتی روستاییان انطباق ندارد، اما درعین حال، به‌لحاظ فرهنگی، نقشه‌های شهری نوعی تشخیص محسوب می‌شوند و دوری از الگوهای سنتی را تشویق می‌کنند.

مداخلات دولتی

طرحهای جدید به‌نحو دیگر نیز به روستا می‌روند؛ بازسازی پس از سوانح یکی از این موارد است. مؤسسات دولتی و یا نیمه دولتی طرحهایی را که توسط مهندسان در شهر تهیه شده است، به روستا می‌برند. این طرحها نمی‌تواند خیلی متنوع باشد، چرا که باید قابلیت تکرار و تکثیر در زمان کوتاه را داشته باشند. از سوی دیگر، میزان سرمایه‌گذاری برای بازسازی محدود و مسئله مقاومت و استحکام بنا امری مهم است که به ناچار سطح زیربنای خانه را محدود می‌کند. به سخن دیگر، در بازسازی سعی در تأمین حداقل سرپناه مورد نیاز خانواده‌هاست. سری‌سازی، محدودیت زیر بنا و تولید انبوه باعث می‌شود که کار طراحی روستایی از نظر انطباق با نیاز متنوع خانواده‌هایی که قرار است در این خانه‌ها زندگی کنند، کم‌رنگ جلوه کند. در چنین شرایطی، اساساً امکان طراحی خانه به خانه و پیش از آن، مطالعه دقیق معماری منطقه وجود ندارد.

همین شرایط کم‌وبیش در خصوص مقاوم‌سازی نیز مصداق دارد. تأمین حداقل سلول مستحکم و مقاوم برای هر خانه هدف اصلی است. بنابراین، تنوع طرح در مقیاس یک روستا و بعد روستاهای متعدد کاری پیچیده و ناممکن می‌نماید.

ماحصل این فرایند این است که روستاییان به‌تدریج مهارت طرح و ساخت بومی را از دست می‌دهند و این نوع ساختمانها، ضدا ارزش تلقی شده و مطرود می‌گردند. از سوی دیگر، طرح و مصالح وارداتی به‌تدریج در روستاها گسترش می‌یابد، درحالی‌که از نظر انطباق با شرایط زیست ساکنان روستا و نیازهای آنها مطلوب نیست.

چه باید کرد؟ باور ما بر این است که طراحی مهندسان تحصیل کرده برای روستاییان کاملاً ممکن است، اما لازم است که مقدمات آن طی شود. لازم است مهندسان جوان



ویژگیها عبارتند از:

اهمیت روزافزونی برخوردار بوده است. بااین وجود در مورد تعریف طراحی شهری هنوز هم وضوح و اتفاق نظر کامل وجود ندارد. یکی از متداولترین تعاریف، طراحی شهری را چنین توصیف می کند: طراحی شهری با شکل کالبدی



طراحی شهری اساساً با جنبه های کالبدی و فضایی محیط سروکار دارد، هرچند شکل و فضای شهر به هر حال از عملکردهای آن قابل تفکیک نیست؛

- طراحی شهری فرایندی است تکاملی و مستمر که باید در چارچوب تغییرات مداوم محیط تحقق پذیرد. فرایند مورد استفاده تا حدود زیادی در نتیجه و حاصل کار مؤثر است؛
- طراحی شهری فرایندی است مشارکتی و تعاملی که متضمن همکاری وسیع گروههای ذی نفع و ذی نفوذ با متخصصان حرفه ای است. تعداد این گروهها اغلب زیاد،

عرصه عمومی در یک منطقه محدود شهری سروکار دارد و بنابراین، بین ۲ مقیاس شناخته شده معماری که با شکل کالبدی عرصه خصوصی (ساختمان) در ارتباط است و برنامه ریزی شهری و منطقه ای که با سازمان فضایی عرصه عمومی در مقیاس وسیع تری سروکار دارد، قرار می گیرد. از آنجا که این تعریف نیز همچون بسیاری تعاریف دیگر، از جهات مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است، به نظر می رسد ذکر ویژگیهای عمده طراحی شهری بتواند در روشن کردن ماهیت آن مفیدتر واقع شود. این

طراحی شهری

پدید آورد. براین اساس، طراحی شهری ملموس‌ترین و محسوس‌ترین فعالیتی است که می‌تواند ارزشها، خواستها و هدفهای یک جامعه را تحقق بخشیده، با تبلور آنها، فکر را به عمل و آرمانها را به واقعیت نزدیک سازد.

می‌توان گفت، طراحی شهری در کشور ما چند سال پس از ایجاد اولین رشته طراحی شهری در دانشگاه هاروارد، با راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای در اواخر دهه ۱۳۴۰ش، به‌عنوان یک گرایش به وجود آمد. طی چند دهه گذشته، آموزش این رشته نتوانسته است سمت و سوی مناسب خود را پیدا کرده و در راستای پایه‌گذاری طراحی شهری خودی که در عین حال، بی‌اعتنا به تغییر و تحولات جهانی نباشد، حرکت نماید. از نظر تشکیلاتی همانند بسیاری از کشورها و برخلاف معماری که دارای انجمنهای تخصصی مربوط به خود است، در ایران چنین نهاد و تشکیلات تخصصی موجود نیست و این فقدان، دامنه ابهامات مربوط به این حرفه را گسترده‌تر کرده، هویت شغلی و حرفه‌ای طراحان شهری را خدشه‌دار ساخته است. همین امر باعث شده که بخش عمده فعالیت‌های طراحی شهری در کشور توسط معماران و برنامه‌ریزان شهری انجام شود که طبعاً دارای دانش و مهارت لازم برای فعالیت در زمینه طراحی شهری نیستند.

کتاب‌شناسی:

- بحرینی، سیدحسین. *تحلیل فضاهاى شهری در رابطه با الگوی رفتاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- بحرینی، سیدحسین. *فرایند طراحی شهری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- رهنمایی، محمدتقی. *توانایی محیطی ایران: زمینه‌های جغرافیایی طرح جامع سرزمین*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- مجنونیان، هنریک. *درختان و محیط زیست*. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۶۹.
- Mondon, A. V. and Wayne, Attoe (eds). *Urban Design: Reshaping our Cities*. Washington, D.C.: Washington University Press, ۱۹۹۳.

سیدحسین بحرینی

منافع آنها گوناگون و گاه متضاد و بالأخره، میزان کنترل در این میان نسبی است؛

• حوزه فعالیت طراحی شهری، فضاهاى عمومی شهر است، اما فضاهاى خصوصی نیز ممکن است، چه به صورت انفرادی و چه جمعی، وارد حیطه فعالیت طراحی شهری شود؛

• چارچوب زمانی فعالیت‌های طراحی شهری معمولاً بلندمدت است و محصول آن اغلب ناتمام، نسبی و محدود است؛

• طراحی شهری زمینه و امکان به وجود آمدن تغییر و تحول کیفی را در محیط‌های شهری فراهم می‌سازد. طراح شهری ممکن است هرگز ساختمان خاص و یا ساختمان‌هایی را که در طرح پیشنهاد کرده است، طراحی نکند، بلکه مقررات لازم را برای حرفه‌هایی که در ساختن بناها نقش دارند، تهیه و فراهم نماید؛

• از نظر مقیاس، طراحی شهری در مقیاسهای مختلف قابل اعمال است. البته سازوکار طراحی، ابزار اجرا، مدت زمان و نحوه اجرای طرحها در مقیاسهای مختلف متفاوت است. مقیاسهای معمول طراحی شهری عبارتند از: مقیاس پروژه، محله و بخشی از شهر، کل شهر، منطقه شهری و کریدورهای شهری؛

• از نظر محتوایی، ویژگیهای اصلی طراحی شهری عبارتند از: مکان، تراکم، کاربریهای مختلط و سازگار، پیاده‌سازی و مقیاس انسانی، فرهنگ انسانی، عرصه عمرانی، محیط انسان‌ساخت و محیط طبیعی؛ و بالأخره،

• نباید به طراحی شهری به‌عنوان عرصه جمعی انسانی، صرفاً از دید تجاری - اقتصادی و بر پایه مفاهیم و اصول اقتصاد بازار نگریست.

بنابر آنچه گفته شد، مشخصه اصلی طراحی شهری امروز باید هدفمند بودن آن و یا برقراری پیوند بین اهداف شهر و طرح شهر که ماهیت کالبدی - فضایی دارد، باشد. مسائل و نیازهای متنوع جوامع امروزی در همه جا، طراحی شهری را آنچنان می‌طلبد که بتواند تبلور کالبدی - فضایی راه‌حلهای و نیازها را در همه سطوح و همه زمینه‌ها تحقق بخشد و فضا و کالبد معنی‌دار و هدفمندی را برای شهرها

به‌عنوان پلی میان معماری و شهرسازی تعریف کرده‌اند. این تعریف وظیفه این رشته را مشخص می‌سازد، اما ماهیت علمی و هنری آن را تعریف نمی‌کند. تعریف واقعی طراحی شهری از عملکرد آن قابل فهم است، یعنی تولید محیط مصنوع. طراحان شهری صحت این تعریف را در چارچوب طراحی محله‌های شهری و طراحی مجتمع‌های جدید زیستی در شهرهای جدید و حومه‌های شهری به‌وضوح نشان می‌دهند. البته در فرایند طراحی، معماران، برنامه‌ریزان شهری، مهندسان عمران و ترافیک نقش مؤثری ایفا می‌کنند و در واقع، طرحها به‌صورت کار گروهی تولید می‌شود. با این وجود، این تعریف بسیاری از طراحان شهری را قانع نمی‌کند، زیرا معتقدند، موضوع طراحی شهری ارتقاء کیفیت محیط مصنوع است؛ امروزه بسیاری از طراحان شهری برای معرفی رشته خود به این مقوله بیش از سایر مقولات تأکید می‌ورزند. البته، تبیین طراحی شهری با استفاده از یک تعریف مشخص، مقدور نیست، چرا که طراحان شهری نظرات متفاوتی دارند که به آسانی قابل جمع‌بندی نیست.

طراحی شهری براساس شرایط زمان و وضعیت فرهنگی جامعه، ممکن است از طراحی یک میدان شروع شود و تا طراحی یک منطقه شهری بسط یابد. برخی اوقات کار طراحان شهری طراحی نمای ساختمانهای یک خیابان یا بدنه خیابان و در جای دیگر، طراحی فضاهای بین ساختمانها و یا حتی *انتظام توده و فضا* و یا شکل دادن به فرم مطلوب شهری تعریف می‌شود. وجه مشترک همه این تعاریف این است که طراحی شهری با فرم و شکل کالبد شهرها در مقیاسهای مختلف سروکار دارد. از این رو، طراحان شهری برای عوامل ادراکی محیط مصنوع و تصور شهروندان از شکل شهر (سیمای شهر) اهمیت زیادی قائل هستند و اساساً درک سه‌بعدی فضاها و مناظر شهری را پایگاه اصلی و کلید فهم سرشت طراحی شهری می‌دانند. البته محتوای موضوع طراحی شهری با محتوای موضوع معماری و برنامه‌ریزی شهری تفاوت دارد، تا جایی که اصرار بر این تفاوتها باعث جدایی نگرش آنها از معماران و شهرسازان شده است و به تدریج وظیفه اصلی آنها که پلی بین معماری و شهرسازی خوانده می‌شد؛ به‌صورت وظیفه

اصول و معیارهای طراحی شهری

طراحی شهری، طراحی فضاهای شهری تعریف می‌شود، اما وظیفه آن در عمل، تولید محیط مصنوع است؛ برای این منظور به دانشهای مختلف، از جمله جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد شهری، جغرافیای شهری، حقوق شهری و به‌ویژه به معماری و طراحی منظر نیاز دارد. علاوه بر اینها، به همانسان به علوم طبیعی و محیطی مانند زمین‌شناسی، خاک‌شناسی و محیط زیست نیز نیازمند است. به این ترتیب، طراحی شهری همانند برنامه‌ریزی شهری، جزء علوم میان‌رشته‌ای است و در حیطه میانکنش این دانشها می‌تواند فضا و محیط مصنوع شهری را تولید و بازتولید نماید.

هرچند هنوز معنای نظری طراحی شهری مورد بحث و گفتگوی بسیاری از طراحان شهری، معماران و برنامه‌ریزان شهری است، اما حرفه طراحی شهری در عمل به‌طور مشخص پروژه‌های متعددی را تاکنون در طراحی محله‌های جدید شهری (به‌ویژه در برنامه‌های آماده‌سازی زمین) و به‌خصوص در طراحی شهرهای جدید انجام داده و تجربیات گرانمایی کسب کرده است.

از نظر تاریخی طراحی شهری با مشارکت در طراحی مجتمعهای زیستی و کوشش دانشگاهیان در ایالات متحد آمریکا رشد کرد. شهرسازی بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا با هدف تولید مسکن برای اقشار مختلف اجتماعی، مجتمعهای یکنواخت را پدید آورد. این پدیده‌ها بسیاری از شهرسازان و معماران را متوجه فقدان هماهنگی در ساخت‌وسازهای شهری کرد. در دهه ۱۹۵۰م طراحان شهری، کارشناسانی از بین شهرسازان و معماران بودند که برای از میان برداشتن شکاف میان معماری و شهرسازی تلاش اجتماعی سختی را در اروپا آغاز کردند. مشهورترین آنها گروه ۱۰ (Ten Team) بود که برای هویت‌بخشی به شهرها منشور آتن را نقد می‌کرد. نقطه نظر آنها توجه به کیفیت فرم کالبدی شهرها و ارزشهای معماری مدرن بود. تلاش این گروه، موجب ارتقاء کیفیت محیط شهری و بهبود نگرش به فضاهای شهری شد. از این رو، بسیاری از صاحب‌نظران شهرسازی و معماری، طراحی شهری را

طراحی شهری

در یک مجموعه منسجم به گونه‌ای ترکیب می‌کنند که فرم و شکل مطلوب داشته باشند. برای مثال، پیوند آب، گیاه، خیابان و پل در پیرامون رودخانه زاینده‌رود، ترکیبی شگفت‌انگیز و نمونه‌ای ممتاز از فرم مطلوب و منسجم کالبدی در محیط شهر اصفهان است. همین ویژگیها در امتداد خیابان چهارباغ، سی‌وسه‌پل و زاینده‌رود پدید آمده است. با اینکه تمام ساختمانهای لبه این خیابان از کیفیت عالی برخوردار نیست، اما ترکیب مجموعه عوامل مصنوعی و طبیعی، محیط مطلوبی را به وجود آورده است. این راز ناشناخته از ترکیب عناصر گوناگون شهر با همدیگر پدید می‌آید، که درک آن آسان، ولی تولید آن دشوار است.

موضوعات طراحی شهری تنها به این نمونه‌ها خلاصه نمی‌شود؛ چنان‌که یک مجموعه ساختمانی در مرکز شهر (← مرکز شهر) به گونه‌ای طراحی می‌شود که سواره و پیاده به آسانی بتوانند بدان دسترسی یابند و بتوان پیاده در فضاهای داخلی و بیرونی آن حرکت کرد؛ در سکوها و پله‌های آن نشست و فضای همجوار را نظاره کرد؛ در هنگام عصر و شب مانند روز سرشار از نشاط باشد و فعالیت در آن جریان داشته باشد، در این صورت می‌توان گفت، این مرکز شهری به بهترین وجه طراحی شده است.

امروزه، شهرها به دلیل تسلط خودرو بر خیابانها و کار خدمات اداری بر ساختمانها، محیطهای مطلوب و مناسبی برای زندگی نیستند. شهرهای معاصر علی‌رغم ساختمانهای مدرن و خیابانهای عریض، اغلب خشک و بی‌روح هستند و مردم بهنگام فراغت، شهرها را ترک می‌کنند و به فضای طبیعت بیرون شهر و یا به تلویزیون در درون خانه‌ها پناه می‌برند.

امروزه، نشستن در کنار خیابان و یا میدان عادت کارگران فصلی است. خیابانها محل عبور و مرور و پارک خودرو، پر از دود و سروصدا و مزاحمتهای گوناگون است. در این شرایط، طراحی شهری باید بتواند با خلق فضاهای مطلوب شهری و با کیفیت انسانی، شهرها را از این افسردگی نجات دهد و آن را مجدداً به جوانان، زنان، مردان و کودکان شهر بازگرداند.

در طراحی شهری، به‌ویژه از دیدگاه طراحی فضاهای

جدیدی در مقابل ۲ وظیفه پیشین درآمده است؛ هرچند به‌علت پیچیدگی محیطهای شهری، همکاری معماران، شهرسازان و طراحان شهری هر روز بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند.

به‌طورکلی، هدف بنیادی طراحی شهری فراهم کردن شرایط تناسب و آسایش در محیط زندگی و کار در شهرهاست. طراحی شهری به‌طور مشخص با ۲ مسئله مهم محیط مواجه است:

• یکی مسائل مربوط به کیفیت محیط کالبدی از نظر تناسب فیزیکی ساختمانها و فضای بین آنها بر پایه اصول بنیادی زیباشناختی و مطلوبیت سیما و منظر؛ و

• دیگر، چگونگی عملکرد فضاهای شهری برای تأمین رفاه شهری و کارایی آن. شکی نیست که میان عملکرد و فرم که موضوع تولید مصنوع محیط زیست انسانی است، رابطه‌ای بنیادی برقرار است؛ این رابطه را به رابطه ظرف و مظروف تشبیه می‌کنند. هرچند هیچ ظرفی مطابق مظروف، فرم و شکل نمی‌گیرد، اما این حقیقت به‌طور نسبی وجود دارد که شکل هر شیئی (یا فضا) برای انجام کاری خاص مناسب است. بنابراین، شکل و یا فرم فضاهای شهری بایستی متناسب با عملکرد و یا هدف آن طراحی شود، تا عملکرد به‌تناسب شکل عمل نماید. مسئله تناسب فضای در رابطه با حس مکان و درک فضا است. همین مسئله از موضوعات بنیادی در ساماندهی محیطهای شهری بشمار می‌رود. طراحان شهری معتقدند، فضای شهری را می‌توان به‌گونه‌ای طراحی نمود که حس خشنودی و رضایت بهره‌وران را تأمین کند. خلق فضای شهری به‌تناسب جایگاه آن در شهر و به‌تناسب هدف از خلق آن؛ تلاش هنرمندانه‌ای است که طراحان برجسته در جهان انواع ممتاز آن را در شهرهای قدیم و جدید پدید آورده‌اند. به‌سختی دیگر، برخی از زیباترین و خواستنی‌ترین فضاهای شهری، بدون دخالت طراحان شهری به‌وجود آمده‌اند، مانند میدان نقش جهان در اصفهان که ایده شاه‌عباس صفوی بوده است.

طراحان شهری آگاهانه به خلق محیط مصنوع شهری می‌پردازند و در مقیاس بزرگ‌تر، اجزاء شهر را مانند ساختمانها، خیابانها، عناصر طبیعی و عناصر بصری (منظر)،

می‌خواهد محیط مطلوبی را پدید آورد، مراعات تناسبات توده و فضا در بافتهای شهری است.

• **مقیاس و تناسب.** منظور از تناسب رابطه ابعاد مختلف فضا، مستقل از اندازه آن است. در مورد فضا، نسبت بین ارتفاع ساختمان و عرض فضا، اعم از اینکه فضا کاملاً محصور یا نیمه‌محصور باشد، تناسب را تشکیل می‌دهد. اما مقیاس اساساً به رابطه بین اندازه یک فضا با فضاهای اطراف آن مربوط می‌شود. برای رسیدن به مقیاس انسانی فضا، هر فضا به تنهایی نباید نه آنقدر بزرگ باشد که تماس بصری با اطراف ضعیف گردد و نه چندان کوچک که در آن انسان، به دلیل محصور شدن در فضای تنگ، احساس اضطراب کند. فضاهای بسیار وسیع و بسیار تنگ با مقیاس انسانی همسازی ندارند. بررسیها در مورد شهرهای قدیمی غربی نشان می‌دهد که اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض معبر (فضا) از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است احساس نفس‌گیر بودن را به بیننده القاء کند و اگر از ۱:۲/۵ کمتر باشد، بیننده در آن احساس گشادگی خواهد کرد. وقتی می‌توان گفت فضای خارجی به‌نحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضا، از تناسبات انسانی برخوردار باشد. طراحی تناسبات عناصر ساختمانی نسبت به فضاهای میانی (مثلاً خیابان)، از اصول اساسی طراحی شهری بشمار می‌رود.

• **محصوریت.** انسان به قلمرو وابسته است و نیازمند اینکه در ناحیه یا فضایی که در آن زندگی می‌کند، احساس امنیت کند. میان اندازه فضا و قلمرو ادراکی انسان همبستگی خاصی وجود دارد. به‌طور کلی، هرچه فضا کوچک‌تر باشد، احساس امنیت بیشتری را القاء می‌کند. در فضایی که مقیاس فوق انسانی دارد، فرد احساس ناامنی می‌کند.

علاوه بر اندازه مطلق، ادراک ما از فضا به میزان محصور بودن آن، به ویژگی لبه بسته شده و ارتفاع این لبه نسبت به زاویه دید بستگی دارد. اگر اشیاء در نزدیکی ارتفاع چشم یا بالاتر از آن قرار گیرند، مقیاس انسانی‌تر احساس می‌شود. اگر اشیاء مانع دید به فضای آن‌سوی خود شوند، احساس محفوظ بودن بسیار به‌وجود می‌آید. در هنگام محصور بودن، تعریف فضا و ویژگی آن،

شهری، اصول و معیارهایی وجود دارد که شالوده فعالیت طراحی است و از این نظر جزء اصول عام محسوب می‌شوند. سمت‌گیری طراحی و برنامه‌ریزی شهری همواره باید به ارتقاء توسعه پایدار (← توسعه پایدار شهری) منجر شود. معمولاً واضح‌ترین و مفیدترین شیوه برای تشریح اصول طراحی شهری، تدوین معیارهای عملکردی است. معیار عملکردی ابزاری برای ارزیابی میزان دستیابی توسعه به یک نیاز عملکردی خاص است (مانند محرمت). معیارهای عملکردی هیچ‌گونه پیش‌فرضی در مورد وسایل دستیابی به تعادل مورد نظر ندارند.

هدفهای عملی طراحی شهری عبارتند از: خصوصیت (کاراکتر)، تداوم، محصوریت، کیفیت عرصه همگانی، سهولت حرکت، خوانایی، انعطاف‌پذیری و تنوع. مهم‌ترین اصل طراحی شهری که تمام اصول عملکردی در چارچوب آن تحقق می‌یابد، توسعه فضایی است.

• **توسعه فضایی.** کنترل ماهرانه فضا و توده‌گذاری و ویژگیهای محیط مصنوع است، به‌طوری‌که حسن مکان را تقویت کند. توسعه فضایی شامل روابط میان فضاها و عناصر طراحی است که با استفاده از حجم یا توده ساختمانی، محصوریت، تنوع و هماهنگی و تضاد انجام می‌شود.

• **رابطه توده و فضا.** طراح شهری معمولاً در ساختن فرم سه‌بعدی به‌دنبال آن است که توده طراحی شده و نمای ساختمانها با یکدیگر وحدت و انسجام داشته باشند. ارتباط نماها با یکدیگر و با عناصر موجود در فضا، موجب هماهنگی می‌شود و فضا پیوسته‌تر و خواناتر می‌شود. چنانچه این عناصر با هم ارتباط نداشته باشند، فضا فاقد انسجام خواهد بود. با افزایش ارتفاع ساختمانها و عریض شدن آنها، شرایط نامساعدی از نظر طراحی فضای شهری به‌وجود می‌آید. در چنین مواردی تغییرات عمده‌ای در توده ساختمانی باید انجام گیرد، تا میان توده ساختمانی و فضای باز تناسب و هماهنگی برقرار شود. تدابیری که برای کاهش حجم بناهای بلند به کار بسته می‌شود، مانند تکه‌تکه کردن حجم ساختمان به‌وسیله تغییرات در نمای بیرونی، کافی نیست. به‌طور کلی، اساس یک فرم شهری خوب که

طرح کالبد ملی

- علم و صنعت ایران ۱۳۷۰.
- توسلی، محمود. اصول و روشهای طراحی شهری. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۶۵.
- شرکت عمران شهرهای جدید. راهنمای طراحی شهری، ترجمه رضا رضائی، انتشارات شرکت شهرهای جدید، ۱۳۸۴.
- رابرت کوآن. اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینیون، انتشارات سلیمی، ۱۳۸۵.

احمد سعیدنیا

طراحی کالبدی ← برنامه‌ریزی کالبدی

طرح اجرایی ← برنامه عمل

طرح کالبد ملی

National Physical Plan

طرح‌ریزی کالبدی شامل تمام فعالیتهای منسجم، اندیشیده و منظمی است که به منظور سازماندهی و بهسازی محیط کالبدی انجام می‌پذیرد. به این ترتیب، طرح‌ریزی کالبدی به ساماندهی مطلوب فعالیتهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای توسعه در فضا می‌پردازد که حاصل آن تخصیص بهینه فضا به فعالیتهای مختلف است. هدف از طرح‌ریزی کالبدی، هدایت کالبد محیط انسانی در جهت مطلوب و تنظیم و بهسازی محیط فیزیکی زندگی انسان است (← برنامه‌ریزی کالبدی).

- اندیشه تهیه طرحهای کالبدی و احساس نیاز به این مطالعات، بر اثر رویارویی با دشواریهایی چند پدیدار شد. این دشواریها از جمله عبارت بودند از:
- رشد انفجاری جمعیت شهری؛
- گسترده‌گی نیاز به برنامه‌ریزی شهری؛

موقعیت عناصر فضایی به خصوص موقعیت عمودی آن بسیار مهم است. لبه فضا که در فاصله نزدیک به ارتفاع چشم ما قرار دارد، اگرچه بخش نسبتاً کوچکی از میدان دید ما را تشکیل می‌دهد، اما در ادراک فضایی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. محصور بودن فضا در ارتفاع چشم بیننده، لازمه ایجاد حس واقعی محصور بودن است. از آنجایی که لبه فضا غالب‌ترین لایه بصری است، در تعیین ویژگی فضا اهمیت خاصی دارد. اگر ویژگی لبه، کاربری مورد نظر و حس مکان را تقویت کند و اگر سایر لایه‌های فضا این ویژگی را تشدید کند، عناصر مختلف فضا با یکدیگر مرتبط به نظر می‌رسند و مکان به صورت منسجم و قابل فهم درخواهد آمد؛ بنابراین، استفاده‌کننده، کیفیتی روشن را درک می‌کند و فضا راحت و دلپذیر به نظر می‌رسد.

• **حس مکان.** تمام چیزهایی که در یک فضا دیده می‌شود، از جمله صفحه کف، صفحه بالای سر، لبه فضا، عناصر محصور و عناصری که در قاب قرار می‌گیرند، بخشی از صحنه بصری بوده و جزئی از مکان هستند. اگر محرکهای مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و مضمون مشترکی را بیان کنند، در این صورت، فضای حسی مکان قوی و پرمعنا خواهد بود و پیوسته و کامل به نظر خواهد رسید. در این حالت، چنین الفاء می‌شود که عناصر موجود در آن به یکدیگر تعلق دارند. به این ترتیب، گفته می‌شود که فضا مکانیت زیادی دارد، اما چنانچه عناصر واقع در فضا، پیوستگی لازم را با یکدیگر نداشته باشند، فضا ناهنجار به نظر می‌رسد و از نظر بصری فاقد انسجام خواهد بود و آشفته جلوه می‌کند؛ بنابراین، فاقد مکانیت خواهد بود و یا می‌توان گفت ویژگی بی‌مکانی دارد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «شهرسازی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- مدنی‌پور، علی. طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران، ۱۳۷۹.
- هدمن، ریچارد و یازوسکی، آندرو. مبانی طراحی شهری، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، تهران: انتشارات دانشگاه

طرح کالبد ملی

ساخت و سازهای کالبدی و به تبع آن، پراکنش جمعیت را متناسب با امکانات سرزمین، توانهای محیطی و اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد، تا بدین ترتیب، امکان توسعه موزون در کلیت پیکره جغرافیایی کشور که طبیعت و امکاناتی نابرابر دارد، فراهم گردد.

اهداف

هدف کلی طرح کالبدی ملی، برنامه‌ریزی توسعه پایدار سکونتگاهها و مدیریت خردمندانه سرزمین (فضا) است. برای پاسخگویی به این هدف کلی، ۳ هدف مشخص به شرح زیر تعریف شده است:

- بررسی تناسب زمینها برای گسترش آینده شهرهای کنونی و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید؛
- پیشنهاد شبکه شهری آینده کشور، یعنی اندازه شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و سلسله مراتب میان آنها به منظور تسهیل مدیریت سرزمین و خدمت‌رسانی به مردم؛ و
- منطقه‌بندی سراسر سرزمین به معنای تعیین کاربریهای مطلوب زمینهای کشور و مقررات تفکیک و ساخت و ساز در هریک از آنها.

اصول و راهبردها

اصول یا راهبردهای زیر در مطالعات طرح کالبدی ملی رعایت شده است:

- اصل حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی و آثار تاریخی و پرارزش؛
- اصل صرفه‌جویی در هزینه‌ها؛
- اصل ارتقاء بهره‌وری و کارایی؛
- اصل تمرکززدایی؛
- اصل محرومیت‌زدایی؛
- اصل مشارکت‌پذیری؛ و
- موقعیت کشور در منطقه.

مطالعات طرح

• مسائل گسترش خودجوش شهرها؛

- فقدان مطالعات بالادست برای طرحهای جامع شهری؛
- فقدان مطالعات پایه برای برنامه‌ریزی شهری؛ و
- فقدان نقشه‌های کاربری و مقررات احداث بنا برای زمینهای سراسر کشور.

به دنبال نیاز به تهیه طرحهای کالبدی در خرداد ماه ۱۳۶۹ش تهیه چارچوب نظری و شرح خدمات طرح جامع سرزمین یا طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای از سوی واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی به مهندس مشاور واگذار شد.

نتیجه مطالعات مشاور در مهرماه ۱۳۶۹ش، تحت عنوان طرح ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای - چارچوب نظری و شرح خدمات انتشار یافت. در این گزارش پیش‌بینی شده بود که مطالعات طرحهای کالبدی لازم است در ۳ سطح انجام گیرند. این سطوح عبارتند از:

• مطالعات ملی در مقیاس ۱:۱۰۰۰،۰۰۰-۱:۲۵۰،۰۰۰؛

• مطالعات منطقه‌ای در مقیاس ۱:۲۵۰،۰۰۰-۱:۵۰،۰۰۰؛ و

• مطالعات محلی در مقیاس ۱:۵۰،۰۰۰-۱:۲۰،۰۰۰.

هدف کلی طرحهای کالبدی، مدیریت خردمندانه سرزمین (فضا) است؛ و هدفهای منفرد، مانند تناسب زمینها برای گسترش شهرها، طراحی شبکه شهری و منطقه‌بندی (← حوزه‌بندی شهری) سراسر سرزمین از مصادیق این هدف کلی است. در واقع، در این طرحها همه مطالعات در راستای پاسخگویی به این هدف کلی است.

طرح کالبدی ملی در سطوح زیر تهیه شده است:

- طرحهای کالبدی ملی؛
- طرحهای کالبدی منطقه‌ای [این طرح تاکنون برای مناطق آذربایجان، زاگرس، خوزستان، البرز جنوبی، فارس و ساحلی انجام یافته است]؛ و
- طرحهای کالبدی محلی.

طرح کالبد ملی

طرح کالبدی ملی طرحی است کشور شمول و جامع‌نگر که الگوی فضایی مورد نیاز برای هدایت و توزیع بهینه

طرح کالبد ملی

است.

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران
(← مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
ایران)، به عنوان مرکز تخصصی عهده دار تهیه طرحهای
کالبدی در سطوح ملی و منطقه‌ای ایران در ۲ دهه اخیر بوده
است.

معیارهای ارتقاء طرحهای کالبدی

- مشارکت مردم در مراحل مختلف تهیه و اجرای طرح؛
- هماهنگی طرح با راهبردها و اهداف توسعه ملی؛
- داشتن روش مشخص و علمی در تهیه طرح؛
- ارتباط طرح با مطالعات اقتصادی، اجتماعی، تاریخی،
جغرافیایی و کالبدی؛
- انعطاف پذیری طرح؛
- واقع گرایی در تدوین اهداف طرح؛
- وجود برنامه‌ها و زیربرنامه‌های مشخص در اجرای طرح؛
- رعایت اصول عدالت؛
- کارایی طرح؛
- حفظ تعادل و توازن محیط زیست؛
- حفظ میراث‌های تاریخی و بناهای باارزش معماری؛
- مکانیابی مناسب؛ و
- طراحی شبکه دسترسی کارآمد.

در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کالبدی بایستی بینشی
نظام‌مند وجود داشته باشد و سلسله مراتب رعایت گردد.
یعنی ابتدا باید طرح کالبدی در مقیاس ملی تهیه گردد و
سپس، به تهیه طرحهای کالبدی در مقیاس منطقه‌ای با توجه
به اهداف طرح کالبدی ملی پرداخته شود.

در گذشته طرحهای کالبدی، اعم از شهری یا منطقه‌ای،
در شرایطی تهیه می‌شدند که راهبردهای توسعه ملی
نامشخص بودند.

کتاب‌شناسی:

- آئین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه و عمران محلی،
ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور. مصوبه
هیئت وزیران، ۱۳۷۸.
- آئین‌نامه مربوطه قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مطالعات طرح کالبد ملی که همگی در راستای تحقق
هدفهای طرح انجام گرفته‌اند، متعدد و متنوع و عبارتند از:

- جمعیت و فضا؛
- صنعت و فضا؛
- آب مورد نیاز شهرها؛
- منابع آب؛
- قابلیت اراضی؛
- کاربری اراضی؛
- انرژی و فضا؛
- ارتباطات؛
- شبکه مخابرات؛
- تمرکززدایی؛
- محرومیت‌زدایی؛
- اقتصاد و فضا؛
- شبکه شهرهای مهم کشور؛
- آب و هوا و اقلیم؛
- مطالعات لرزه‌خیزی، شامل لرزه زمین‌ساخت و لرزه‌شناسی
مهندسی؛
- پستی و بلندیها؛
- تقسیمات فرعی سرزمین؛
- مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست؛ و
- طرح کالبدی ملی (تلفیق مطالعات).

نتیجه مطالعات

با تلفیق و ترکیب رایانه‌ای مطالعات موضوعی، هدفهای
طرح کالبدی ملی در قالب ۴ نقشه به شرح زیر ارائه شده
است:

- تناسب زمینها؛
- کاربری مطلوب زمینها؛
- پهنه‌بندی خطر زمین‌لرزه؛ و
- شبکه شهری پیشنهادی.

در طرح کالبدی ملی، کشور ایران به ۱۰ منطقه کلان
برنامه‌ریزی (برای انجام مطالعات منطقه‌ای) و ۸۵ ناحیه
برنامه‌ریزی (برای انجام مطالعات ناحیه‌ای) تقسیم شده

شورای اسلامی باعث شد، تا طرحهای روانبخشی با نگاهی فراگیرتر مورد تجدید نظر قرار گیرد. بدین ترتیب، با مرور مجدد نیازهای کالبدی روستاها و در نظر گرفتن اهداف توسعه اجتماعی - اقتصادی آنها، براساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (مصوب مورخه ۱۳۶۶/۹/۱۷ش مجلس شورای اسلامی)، شرح خدمات و آئین نامه اجرایی تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی در ۱۳۷۶ش تهیه گردید.

اهداف

طرحهای هادی ریشه در نیاز سکونتگاههای روستایی (←) سکونتگاه روستایی) به عمران، توسعه، برنامه ریزی فضایی - کالبدی، هدایت اقدامات کالبدی متناسب با نیازهای اجتماعی - اقتصادی و رفاهی روستاییان دارد.

توسعه و عمران روستایی (← عمران روستایی در ایران) موضوعی است که پیوسته مورد توجه قرار داشت و در بخشهایی از کشور، فعالیتهایی مرتبط با آن به اجرا درآمده بود؛ البته، این اقدامات موردی در مقیاس و اندازه ای نبود که معضل واپس ماندگی روستاها و کاهش فاصله آنها با شهرها را مرتفع سازد.

پس از انقلاب اسلامی، با هدف محرومیت زدایی روستاها، دستگاهها و سازمانهای اجرایی کشور تهیه و اجرای طرحهای عمرانی و کشاورزی را دنبال کردند. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۶۲ش، دولت را موظف کرد، تا نسبت به بهبود وضع روستاها و بازسازی آنها لایحه ای تهیه و به مجلس تقدیم کند. در اجرای این سیاست، توجه به عمران و توسعه روستاهای کشور و تجدید حیات اجتماعی - اقتصادی و کالبدی آنها را نهادهای ذی ربط مورد توجه قرار دادند.

هدف از این طرحها، علاوه بر ایجاد زمینه توسعه و عمران منطبق با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روستاها، تأمین عادلانه امکانات و خدمات از طریق ایجاد تسهیلات اجتماعی، تولیدی و رفاهی و نیز ساماندهی فضایی - کالبدی روستاها و توسعه فیزیکی بافت آنها بود. علاوه بر تأمین و ایجاد تسهیلات مورد نیاز روستاها، بهبود

- جمهوری اسلامی ایران. مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۸۲.
 - حسن، مجید. مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی، ۱۳۸۲.
 - احمدی، حسن. کلیات برنامه ریزی گروه مطالعات برنامه ریزی شهری. وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۰.
 - رهنمایی، محمدتقی. «طرح ریزی کالبدی، اهداف و ضرورت آن»، مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۰.
 - قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۷۹.
 - مجموعه اسناد کتابخانه ای مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶.
 - مجموعه شهری تهران، گزیده مطالعات راهبردی توسعه کالبدی. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.
 - مجموعه مقالات طرح ریزی کالبدی، کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی (ملی و منطقه ای). مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰.
 - مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین ایران. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳.
 - مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.
 - نوریان، فرشاد. نگرشی بر روند طرحهای تفصیلی در شهرسازی، ۱۳۸۴.
- محمد رضا فرزاد بهتاش

طرح هادی روستایی

طرحهای هادی روستایی را می توان از اقدامات پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب نمود که نتیجه آن اقداماتی است که به صورت محدود، ابتدا از ۱۳۶۲ش، با عنوان طرحهای روانبخشی آغاز گردید. طرحهای روانبخشی را ۲ نهاد تازه تأسیس پس از انقلاب یعنی جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) با هدف ساماندهی شبکه معابر درون بافتهای روستایی و تردد مناسب وسایل نقلیه اجرا می کردند. ضرورت توجه به بافت روستاها، استقبال روستاییان و پیگیری نمایندگان مجلس

طرح هادی روستایی

برنامه‌ریزی توسعه استانها فرستاده و توسط استاندار به دستگاههای ذی‌ربط ابلاغ می‌گردد.

هرچند در شرح خدمات اولیه طرحهای هادی روستایی، بررسیهای منطقه‌ای در حوزه تأثیرگذار و یا تأثیرپذیر روستا و تجدید حیات اجتماعی- اقتصادی روستا مد نظر قرار گرفته بود، اما عملاً طرحها محدود به فعالیتهای کالبدی گردید. انواع پروژه‌های کالبدی که در طرحهای هادی روستایی پیشنهاد می‌شوند، معمولاً شامل اصلاح معابر و اجرای میداين، دفع فاضلاب سطحی (جوی، جدول و کانینو)، آگو، دیوار حفاظتی، سیل بند، کانال دفع آبهای سطحی، پل، احداث پارک و محل بازی، روشنایی معابر و جابه‌جایی تأسیسات می‌شوند.

مراحل مختلف تهیه طرح

این طرحها معمولاً در ۳ مرحله تهیه و به کمیته فنی و شورای تصویب طرحها ارائه می‌شوند. این ۳ مرحله عبارتند از:

• **مطالعات شناخت و ارزیابی وضع موجود.** در این مرحله موقعیت روستا در واحد اداری- سیاسی و حوزه نفوذ، وضعیت اقلیمی، جغرافیایی، جمعیت، خدمات رفاهی و زیربنایی، وضعیت اشتغال، فعالیتهای مسکن و بافت روستا (← بافت روستایی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• **تعیین ضوابط و ارائه پیشنهادات در راستای اهداف طرحهای هادی.** این مرحله به تجزیه و تحلیل جمعیت، پیش‌بینی جمعیت آتی، امکانات بالقوه و بالفعل اقتصادی، معیشتی و مشکلات موجود در خدمات عمومی و زیربنایی روستا، شبکه معابر و دسترس‌های پیاده و سواره، برای گسترش کالبدی بافت و سرانه‌های موجود و پیشنهادی و ضوابط ساخت‌وساز در روستا می‌پردازد.

• **ارائه طرح کاربری اراضی و محدوده توسعه کالبدی روستا و سایر نقشه‌های پیشنهادی.** در این قسمت نحوه کاربری اراضی (← کاربری زمین)، استقرار فضاهای خدماتی و تأسیسات زیربنایی، نقشه شبکه معابر، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و اولویتهای اجرایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت پروژه‌های اجرایی و ضوابط و مقررات اجرایی،

مسکن روستایی و خدمات زیست محیطی و عمومی از جمله دیگر اهدافی بود که در طرح هادی روستایی پیش‌بینی شده بود. براساس محتوای طرح هادی، روستاییان باید به‌درستی در جریان ضرورت اجرا و هدفهای کمی و کیفی آن قرار گیرند و زمینه مشارکت آنان فراهم گردد.

به این ترتیب، مهم‌ترین اهداف طرح هادی روستایی عبارتند از:

- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای بهبود محیط سکونتگاه و ایجاد خدمات زیستی، محیطی و عمومی؛
- هدایت توسعه کالبدی روستاها؛
- فراهم آوردن زمینه‌های عمران و توسعه روستا و تأمین عادلانه امکانات، با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و با عنایت به طرحهای بالادست، نظیر طرح ساماندهی و طرح جامعه شهرستان.

مراجع استصوابی طرح هادی روستایی

طرحهای هادی روستایی را مهندسين مشاور حقیقی یا حقوقی متخصص و آشنا به روستاها تهیه می‌کردند؛ نتایج مطالعات در کمیته‌های فنی متشکل از نمایندگان بنیاد مسکن، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی (اکنون، وزارت جهاد کشاورزی)، دفتر فنی استانداری، سازمان برنامه و بودجه و مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) و در صورت ضرورت نماینده بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستاها مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورت تأیید طرح در این کمیته، در مرحله بعد برای تصویب نهایی به شورای تصویب طرحهای هادی روستایی، به ریاست استاندار یا معاون عمرانی استانداری، مدیران کل سازمانهای فوق و مشاور تهیه‌کننده طرح هادی ارسال می‌شود که در صورت تصویب، مفاد آن لازم‌الاجرا می‌شود.

در حال حاضر، با توجه به شکل‌گیری شورای برنامه‌ریزی توسعه استانها، طرحهای هادی پس از بررسی و تأیید کمیته فنی، به گروه معماری و شهرسازی که به ریاست معاون عمرانی استانداری تشکیل می‌شود، ارسال و در صورت بررسی و تصویب، برای تأیید و ابلاغ به شورای

ظرفیت‌سازی

مصوب، بقیه مصوبات آنها به مرحله اجرا نرسد. فقدان دستگاه متولی توسعه روستایی در کشور موجب شده است تا بر جنبه‌های کالبدی این طرحها تأکید بیشتری شود. بنابراین، متولی این طرحها، یعنی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، که نهادی عمومی و عمرانی است، مجدداً بر جنبه‌های فیزیکی طرح که وظیفه قانونی خود می‌دانست، متمرکز گردید. به همین دلیل، در سالهای بعد از ۱۳۷۰-۱۳۷۲ش، با بازنگری شرح خدمات قبلی، مجدداً ابعاد کالبدی آنها مورد تأکید قرار گرفت.

هرچند در روند تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی، نادیده گرفتن هویت و ویژگی معماری بومی و بافت روستا، در مواردی، آسیبهای کیفی به کالبد و معماری برخی روستاها وارد آورده است، اما در مجموع، این طرحها مورد استقبال بسیاری از روستاییان قرار گرفته‌اند. روند تهیه و اجرای این طرحها و تجارب حاصل از آنها، به شکل‌گیری طرحها و ابتکارات دیگری منجر شده است که می‌توان آنها را ثمره طرحهای هادی روستایی بشمار آورد؛ طرحهای بهسازی بافتهای باارزش روستایی که با نگاه ویژه در روستاهای تاریخی، یا دارای موقعیت شاخص و ویژه، تهیه می‌شوند، از آن جمله هستند.

کتابشناسی:

- مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، شهریور ۱۳۸۵.
- ارزیابی تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، حوزه معاونت عمران روستایی، تهران، ۱۳۸۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

محسن سرتیپی پور

ظرفیت‌سازی

Capacity Building

ظرفیت‌سازی معطوف به راهبردها و اقداماتی است که

نحوه استفاده از اراضی تهیه خواهد شد. آن بخش از موارد مندرج در طرح که باید به صورت نقشه ارائه شود، در قالب نقشه‌های ۱/۲۰۰۰ و ۱/۱۰۰۰ تهیه و پس از تصویب، مهور به مهر و امضای شورای تصویب طرحها می‌شود.

در حال حاضر، بیش از ۳۰،۰۰۰ طرح هادی برای روستاهای کشور تهیه شده که در بسیاری از آنها، پروژه‌های پیش‌بینی شده به مرحله اجرا درآمده است. این طرحها ابتدا برای روستاهای با بیش از ۴۰۰ خانوار، مراکز بخش و دهستان تهیه می‌شد. پس از اتمام مطالعات این روستاها، به ترتیب، ابتدا برای روستاهای بالای ۲۰۰ خانوار و پس از آن، برای روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار تهیه شد. براساس برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی، تا پایان این برنامه، باید برای تمام روستاهای بالای ۵۰ خانوار طرح هادی تهیه شود. انتظار می‌رود تا پایان این برنامه، طرحهای هادی ۲۱،۰۰۰ روستای کشور تصویب شوند. با توجه به اینکه مصوبات طرحها و برنامه‌های پیش‌بینی شده در این طرحها، برای یک دوره ۱۰ ساله است، معمولاً بلافاصله پس از پایان مدت آن، تهیه طرح هادی مورد تجدید نظر قرار گرفته، برای دوره ۱۰ ساله بعدی آغاز می‌شود.

نگرش حاکم بر تهیه طرح هادی روستایی در طول ۲۵ سالی که از تهیه و اجرای آنها می‌گذرد، فراز و نشیبهای مختلفی داشته است. در حالی که اولین طرحهای هادی روستایی که تحت عنوان روانبخشی تهیه شد، نگاهی صرفاً کالبدی به منظور تسهیل عبور و مرور و وسایط نقلیه و بهبود شبکه معابر روستایی داشت، در ۱۳۶۷ش، نگاه توسعه‌ای به این طرحها اعمال شد و به دنبال آن، شرح خدمات آنها با عنوان طرحهای هادی روستایی و با هدف تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاها، تهیه گردید. در عمل، به دلیل نظام برنامه‌ریزی بخشی در کشور که برنامه‌ها و اقدامات دستگاهها از وزارتخانه‌ها یا سازمان مرکزی آنها ابلاغ می‌شود، بین مصوبات طرحهای هادی و برنامه دیگر دستگاهها مغایرت به وجود آمد. این مسئله باعث شد تا بسیاری از مصوبات طرحهای هادی روستایی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، با اقدامات سایر دستگاهها همخوانی نداشته باشد و در عمل، به جز ابعاد کالبدی طرحهای

ظرفیت‌سازی

از یک فرایند دائمی و پیوسته با محوریت منابع انسانی، وضعیتی فعال و اثرگذار است که ناظر بر توانایی‌های یک نظام، سازمان یا فرد در انجام کار یا تولید است. توانایی (Capability) واژه‌ای نزدیک و هم‌ریشه با ظرفیت است که می‌تواند مترادف با ظرفیت به‌ویژه ظرفیت توسعه‌نیافته یا استفاده نشده به کار گرفته شود. ظرفیت نه تنها با ساختار اشتغال، بلکه با سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی) و علل مشارکت و مسئولیت‌کنش‌های اجتماعی نیز مرتبط است.

ظرفیت‌سازی فرایندی است که به افزایش توانایی‌های افراد، گروه‌ها، سازمانها، نهادها و جوامع با تأکید بر موارد زیر، سرانجام می‌پذیرد:

- اجرای کارکردهای کانونی، حل مشکلات، تعریف و نگهداری، و ثبت و ضبط اهداف؛ و
- درک و درگیر شدن با نیازهای توسعه در حوزه‌ای گسترده و به شیوه‌ای پایدار.

نیازهای ظرفیتی توسعه در ۳ سطح متقابلاً مرتبط زیر قابل تعریف است:

- فردی. توانمندسازی افراد برای ادامه فرایند آموزش براساس دانش و مهارت‌های موجود، و بسط و گسترش آن در مسیرهای جدید به‌مثابه زمینه‌ای برای فرصت‌های جدید؛
 - نهادی. نهادسازی متکی بر ظرفیتهای موجود به‌جای ایجاد نهادهای جدید، بر مبنای الگوها، دولت‌ها و یا کمک‌های خارجی مانند مرکز تحقیقات کشاورزی یا مراکز کمک‌های قضایی، توسعه و ایجاد نیاز به یافتن ابداعات و ابتکارات موجود، و تلاش در جهت بسط و گسترش آنها؛
 - اجتماعی. بر مبنای ظرفیتهای موجود در جامعه به‌مثابه یک کل، به‌عنوان یک تغییر برای توسعه؛ برای مثال، ایجاد انواع فرصت‌ها در بخش عمومی یا خصوصی، که مردم را قادر به استفاده و بسط ظرفیتهای خود تا کامل‌ترین شکل آن نماید.
- تعریف ظرفیتهای مرکزی در یک سازمان، اجتماع یا بخش (یا سیستم)، بسط تعریف ظرفیت‌سازی برای دستیابی به دانش جدید و مهارت‌های لازم جهت پاسخگویی به چالش‌های موجود است. این گسترش می‌تواند در قالب‌های زیر صورت پذیرد:

هدف آن کمک به مردم در جهت این مهم است که توانایی‌های خود را بشناسند و برای بهبود زندگی فردی و جمعی، از آن بهره‌گیرند. محققان پاسخ به پرسش اساسی علل ناتوانی بسیاری از کشورها در پیشبرد و حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی را ناکارایی رویکردهای معمول توسعه در ایجاد ظرفیت پایدار نیروی انسانی، نهادها و سازمانها در سطح محلی عنوان کرده‌اند. این ناکارایی رویکردی، همراه با ناتوانی دولت‌ها در شناسایی و اجرای نقش مناسب، مدیریت و سازماندهی سیستمها، اتخاذ و اجرای خط‌مشیها و سیاست‌های مناسب و پیگیری اهداف سیاست‌های توسعه، به گسترش رویکردی سیستمی و جامع، با هدف ایجاد ظرفیت پایدار ملی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در کانون راهبردهای توسعه منجر شد. از نیمه دهه ۱۹۹۰م، نیاز به توسعه ظرفیت در بخش عمومی از یکسو، و از سوی دیگر، رویارویی با اقتصاد رقابتی جهانی و پاسخگویی به جوامع مدنی خواستار مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری ملی و محلی، در دستور کار بسیاری از دولت‌های جهان قرار گرفت. دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م برای بسیاری از کشورهای استقلال یافته، دهه‌های توسعه ظرفیت دولتی در قالب نهادهای بخش عمومی برای مدیریت برنامه توسعه این بخش و پاسخگویی به مشکلات ناشی از تغییرات و ناسازگاریهای رویکردی پیشین و ناموفق بودن آنها بود. نتایج حاصل از این چالشها، به شکل‌گیری رویکردهای مختلف در حوزه توسعه منجر شد. پیامد آن چرخشی به سمت ایده‌های تقویت نهادی، متمرکز بر بهبود کارایی سازمانهای موجود و کارکنان بخش عمومی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م بود. اولویت بر توزیع مجدد منابع و فرصت‌ها، در کنار رشد اقتصادی با تأکید بر راهبردهای توسعه معطوف به اشتغال قرار گرفت. مبارزه با فقر اولویت اول برای همه برنامه‌ریزان توسعه شد.

ظرفیت را به سادگی توان انجام کارکردها، حل مشکلات، طراحی و دستیابی به اهداف تعریف کرده‌اند. ظرفیت مفهومی است با گستره‌ای وسیع‌تر از مفهوم منابع انسانی که نه تنها مقید به کسب مهارت است، بلکه به‌نحوه استفاده از آن نیز توجه کامل دارد. ظرفیت به‌عنوان بخشی

ظرفیت‌سازی

فناوریهای جدید امکان استفاده از فرصتها و ابزارهای بیشتر و گوناگون را در توسعه ظرفیت مهیا ساخته‌اند. در قالب اطلاعاتی-ارتباطی، به کمک این فناوریها، امکان شکل‌گیری و توسعه شبکه‌ها و اجتماعات کاربردی میسر گردیده است؛ مردم در چارچوب نهادهای دولتی و غیردولتی در سراسر جهان، امکان تبادل مستقیم و برابر اطلاعات تخصصی و کلیدی-حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای-را خارج از کانالهای رسمی و معمول یافته‌اند. اکنون آگاهی گسترده‌ای نسبت به ظرفیت سازمانهای غیردولتی برای تبادل اطلاعات، برنامه‌ریزی فعالیتهای مشترک و مطرح ساختن اهداف مشترک اجتماعی در سطح بین‌المللی پدیدار گشته است. از این رو، ارتباطات و پیوندهای شبکه‌ای به یقین ابزار بسیار نیرومندی برای توسعه ظرفیت در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم آورده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- بانک جهانی. گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰، میارزه با فقر. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور اجتماعی، ۱۳۸۱.
- میر، جراللد. مباحث اساسی اقتصاد توسعه، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، جلد اول و دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- Arrossi, S. et al. *Funding Community Initiatives*. London: Earthscan, ۱۹۹۴.
- Blomstrom, M. and Hettne, B. *Development Theory in Transition, The Dependency Debate and Beyond: Third World Responses*. London: Zed Books, ۱۹۸۴.
- Brown, Thomas F. *Theoretical Perspectives on Social Capital*. Lamar University, ۲۰۰۴.
- Coleman, James S. Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, ۹۴: S-۹۵S۱۲۰, ۱۹۹۸.
- Sakiko, Fukuda-Parr; Lopes, Carlos and Malik, Khalid. *Capacity for Development, New Solutions to Old Problems*. London and Virginia, UNDP: Earthscan, ۲۰۰۲.
- Gendzier, Irene. *Managing Development Change: Social*

- تعریف و تحلیل محیط زیست یا سیستم کلی؛
- شناخت نیازها و یا نکات کلیدی؛
- فرموله نمودن راهبردها در پاسخ و رویارویی با نیازها؛
- تدبیر، تعیین و اجرای کنشها در جهت هماهنگی، کارایی و کارآمدی بیشتر و پایدارتر در استفاده از منابع؛ و
- فرآینمایی اجرا، تضمین بازخورد، و تنظیم دوره‌های عمل در جهت پاسخگویی به اهداف.

ظرفیت‌سازی، به دلیل توجه به محیط و محتوای درونی سیستم که خود بستر کنش متقابل افراد، سازمانها و جوامع است، به توسعه کل سیستم منجر می‌گردد. از این رو، برنامه‌های توسعه‌ای مبتنی بر آن نیز لزوماً دربرگیرنده تمام عوامل مؤثر بر توانایی سیستم در توسعه، اجرا و پایداری نتایج و سطوح مختلف (خرد، میانه و کلان) خواهند بود:

- سطح خرد، شامل اجتماع، سازمان غیردولتی، مؤسسات علمی و تحقیقاتی، آژانس یا وزارت دولتی؛
- سطح میانه، شامل ابتکارات عملیاتی بخشی، چون سلامت، توسعه صنعتی، توسعه اعتباری، و ابتکارات منطقه‌ای/ محلی چون حکومت محلی، مدیریت شهری؛ و
- سطح کلان، شامل برنامه‌های توسعه ملی و بخشی، چون اصلاحات حکومتی و امور اداری، محیط زیست، کاهش فقر و توسعه بخش خصوصی.

ظرفیت‌سازی همچنین به توان افراد، گروهها، نهادها و سازمانها در تشخیص و حل مشکلات توسعه در طول زمان اشاره دارد. از این رو، ظرفیت‌سازی با تأکید بر توسعه پایدار نظمی گسترده‌تر از کنشها و فرایندهای مورد نیاز، متضمن توسعه فعالیتهای هماهنگ و متقابلاً مرتبط توسعه در بخش عمومی، بازار و سازمان مدنی است.

اگر ظرفیت را توان اجرای مؤثر، کارآمد و پایدار وظایف مقتضی تعریف کنیم، ظرفیت برابر با توسعه است؛ و در نگاهی موشکافانه‌تر، ظرفیت برابر با آموزش منابع انسانی است. تأکید بر اجرای وظایف مقتضی، تعریف چستی این وظایف را الزامی می‌گرداند. وظایف مقتضی، وظایفی قابل تعریف در ۳ سطح سیستم، هستی یا سازمان، و فرد است که منطبق با ضرورت، زمان و وضعیت موجود در هر زمینه خاص خواهد بود.

- Scientists and Third World Boulder*. Colo.: Westview Press
۱۹۹۴.
- Gibbons. T. and Patrick. A. *Structuration Approach to the Resource and Capability Based View of the Firm*. Dublin. ۲۰۰۱.
 - Malik, Khalid. *Capacity and Development* in Fukuda-Parr, Sakiko, Lopes, Carlos, Malik, Khalid (eds). *Capacity for Development*. UNDP: EarthScan, ۲۰۰۲.
 - Morgan, P. and Qulman, A. *Institutional and Capacity Development: Results Based Management and Organizational Performance*. Canadian International Development Agency, ۱۹۹۶.
 - OECD. *The Concept of Socially-Sustainable Development: Review of Literature and Preliminary Conclusions*. Paris, ۲۰۰۱.
 - Olate, Rene. *Local Institutions, Social Capital and Capabilities: Challenges for Development and Social Intervention in Latin American*. St Louis Washington University, October, ۲۰۰۳.
 - Salomon, Jean Jacques; Sagati, Francisco R. and Celine Sachs-Jeantet. *Science, Technology, and Development*. Tokyo, New York, Paris: United Nation University Press, ۱۹۹۴.
 - Shabbir, Cheema, G. *Capacity Assessment and Development Management*, Development and Governance Division Bureau for Development Policy, ۱۹۹۸.
 - UNESCO. *Plan a Moyen Terme (۱۹۷۷, ۱۹۸۲)*. Document ۱۹ c۴, ۱۹۷۷.
 - United Nations. *Department of Economic and Social Affairs. Multinational Corporations in World Development*. annex II.
 - *World Commission on Environment and Development*. (WCED). Our Common Future. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۸۷.

میترا احمدی ترشیدی

ع

عدالت

عدالت جبرانی، عدالت فردی، عدالت جمعی و جز آن.

عدالت در گذر زمان

از زمانی که بشر توانسته است ایده‌های خود را به‌نحوی با استفاده از نمادها- کلمات، تصاویر، آئینها- بازنمایش دهد، همواره تصویری از عدالت را در اندیشه‌های خود بازتاب داده است. به نظر می‌رسد، مناسبات افراد بشر از اجتماعات نخستین تا جوامع پیشرفته امروزی، با تصویری از عدالت نسبت داشته است. در نگاهی کلی، ۲ تصویر از عدالت را در تاریخ اندیشه بشر می‌توان باز یافت:

- تصویری از عدالت که به نظمی فرانسسانی و آسمانی نسبت داده می‌شود؛ و
- تصویری که با نظم جامعه انسانی و زمینی ارتباط داده می‌شود.

در تصویر نخست، عدالت کیفیتی عام از نظام عالم هستی است که عالم بشری باید از آن الهام گیرد و مناسبات درونی خود را با آن انطباق دهد. این نگرش ریشه در قدیمی‌ترین باورهای بشری دارد و منشأ آن به عقیده زنده‌انگاری در میان قبایل نخستین باز می‌گردد. بینش اسطوره‌ای از جهان و به‌دنبال آن بینش دینی از جهان با چنین رویکردی پیوند دارد. در اسطوره‌های مصری، بین‌النهرینی، ایرانی و چینی عدالت جزئی از نظم کیهانی محسوب می‌شده است. در این اسطوره‌ها نظام کیهانی دارای نظمی ذاتی و درونی تصویر می‌شد که نظم مطلوب زمینی باید با آن هم‌نواپی داشته باشد. براین‌اساس، عدالت عبارت است از همین هم‌نواپی و هماهنگی. اسطوره‌ها خطوط کلی این هم‌نواپی و نظم جامعه را تصویر می‌کنند.

Justice

عدالت فضیلتی است مرتبط با نظم خوب و نظام مطلوب. عدالت در مفهوم عام خود، برای توصیف خصوصیت کلیت نظام جامعه به کار می‌رود. غالباً نظم عادلانه و نظم خوب را به یک معنا به کار می‌برند. باین‌حال، واژه عدالت در گذر زمان دستخوش دگرگونی معنایی شده و در دیدگاه‌های مختلف با معانی متفاوتی به کار رفته است. درباره این‌که یک نظم عادلانه چگونه نظمی است، اختلاف نظر وجود دارد. در اندیشه‌های سنتی شرط عدل را چنین می‌پنداشتند که هرچیز در جای خود قرار داشته باشد و به هرکس آن داده شود که استحقاق آن را دارد. البته، همین واژه /استحقاق که برای تعریف عدل به کار می‌رود، به تعریف نیاز دارد. عدالت با قانون نسبت نزدیک دارد. برای مقامات دولتی و در حوزه عمومی، عادل بودن با *قانونمدار* بودن معنای نزدیکی دارد. قانون تجسم قواعدی عام است که مشخص می‌کند، مردم نسبت به یکدیگر چگونه باید رفتار کنند و سهم هرکس از امکانات، ثروت، پاداش یا جزا چیست. عدالت در این معنا، هماهنگی با میثاقها و رعایت استحقاقها است. پرسش اینجاست که اگر مرجع عدالت قانون است، منشأ خود قانون چیست؟ قانون را چه کسی، بر چه اساسی و چگونه وضع کرده است. چه چیزی قانون را عادلانه یا ناعادلانه می‌سازد؟ در پاسخ به این پرسشها، واژه عدالت با واژه‌های دیگری ترکیب و توصیف شده‌اند، تا هرچه بیشتر از ابهام این امر کاسته شود؛ از آن جمله است: عدالت قضایی، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت جوهری،

بین بنده و خداوند برای برآوردن وعده رستگاری بشمار می‌آورد.

در پایان سده‌های میانه و آغاز دوره مدرن، همراه با جریان رنسانس، تصویر قدیمی از عدالت به کلی دگرگون شد. با ظهور تفکر انسان‌گرایی (اومانیزم)، ایده عدالت از نظام ماورائی منتزع و به نظام انسانی متصل شد. توماس هابز سامان جامعه سیاسی، از جمله عدالت را با قرارداد اجتماعی پیوند داد. قرارداد اجتماعی پایه نظم جامعه و از جمله سامان عدالت است.

منشأ عدالت

در نگرش اسطوره‌ای و جهان‌بینی دینی، مفهوم عدالت با یک نظم ماورائی مرتبط است و فلسفه نیز پیش از پیدایش فلسفه مدرن، منشأ عدالت را به قانون طبیعت منتسب می‌کرد. در فلسفه سیاسی مدرن، در بحث از منشأ و ماهیت عدالت، ۳ سنت فکری را می‌توان از یکدیگر بازشناخت:

• نخستین سنت از یک جهت با نگرش ارسطویی به عدالت پیوستگی دارد، به این مفهوم که عدالت را در قالب مفهومی کلی‌تر درباره خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این نگرش، انسان موجودی اجتماعی است و رستگاریش در اجتماع محقق می‌شود؛ بنابراین، عدالت کیفیتی جمعی است؛

• سنت فردباورانه در نقطه مقابل این سنت قرار دارد که آن را بیشتر با نام جان لاک پیوند می‌زنند. لاک عدالت را با هیچ مفهوم کلی‌تر از خیر (خیر جمعی) پیوند نمی‌زند. او عدالت را اساساً در محافظت از حقوق ذاتی فرد می‌بیند. در این نگرش جوهر عدالت محافظت از حریم فرد در برابر هرگونه تعدی است. دفاع از مالکیت فرد (شامل جان، مال و آزادی) جزء اصلی دفاع از این حریم است؛ و

• سنت دیگری در میانه این ۲ سنت فکری قرار دارد که از نوع لیبرال-دموکراتیک است. این سنت بر نگرش دقیق‌تری از مفهوم یک خیر کلی و درک کم‌رنگ‌تری از جمع‌باوری تکیه دارد. در درک لیبرال دموکراتیک از عدالت نظریه رالز، از فیلسوفان سیاسی معاصر، شهرت زیادی دارد. رالز نظریه جمعی درباره عدالت سیاسی دارد. در نظریه او، عدالت از

در این خطوط، موضوع اقتدار سیاسی (چه کسی باید حکومت و مرجعیت داشته باشد؟) و مشروعیت سیاسی (پیروی از کدام حکومت و نظم موجه شمرده می‌شود؟) آمده است. تصویری که اسطوره‌ها ارائه می‌دهند، غالباً براین مبناست که ایزدان که بر کائنات فرمانروایی دارند، نمایندگان زمینی خود را (در قالب کاهن یا شاه) به زمامداری در میان مردم می‌گمارند، تا اراده آسمانی خود را بر نظم زمینی تسری دهند. پیروی از این نظم، شرط عدالت است. در ایران این تصویر از عدالت که در کهن‌ترین اسطوره‌های آریایی ریشه دارد، بعد از اسلام به صورت تازه‌ای در یک جهان‌بینی دینی بازسازی شد.

تصویر فلسفه از عدالت

در یونان باستان هنگامی که طی سده‌های ۵ و ۶ پم فلسفه ظهور کرد و جای اسطوره را گرفت، ۲ تصویر از عدالت پیدا شد:

• نخست، تصویری که به سیاق ایده‌های قدیمی‌تر، عدالت را به سرمنشأ بیرون از انسان (البته متفاوت با اسطوره)، یعنی به قانون طبیعت نسبت می‌داد؛ و دیگر،

• تصویری که عدالت را یکسره امری بشری تلقی می‌کرد.

برداشت نخست، به فلسفه افلاطون و ارسطو برمی‌گردد و برداشت دوم، به اندیشه سوفسطائیان. در برداشت افلاطون و ارسطو، عدالت امری استعلایی است که بشر باید آن را دریابد و برای جامعه خود به کار گیرد. در برداشت دوم، عدالت بشری و نسبی و ساخته قراردادهای بشری است. پروتاگوراس یکی از سوفسطائیان در سده ۵ قبل از میلاد می‌گفت: *انسان مقیاس همه چیز است.*

بعد از فروریزی دولت‌شهرهای یونان، اندیشه قانون طبیعی به رواقیان به ارث رسید و از آنجا وارد آمیزش با اندیشه‌های مسیحیت شد و در فلسفه ۲ تن از فیلسوفان بزرگ مسیحی، یعنی سنت آگوستین (اوایل سده‌های میانه) و سنت توماس آکوئیناس (اواخر سده‌های میانه)، به شکلهای تازه بازآفرینی شد. این ۲ فیلسوف ایده قانون طبیعی را با قانون الهی تطبیق دادند. مفهوم مسیحی عدالت، در اصل از شریعت عبرانی آمده بود که عدالت را پیمانی

عدالت اجتماعی (و شهر)

- پولادی، کمال. *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*. تهران: مرکز نشر، ۱۳۸۵.
- فیلیپ وینر (ویر)، *فرهنگ اندیشه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- Mac Intyr. *Whose Justice? Which Rationality?* University of Notre Dame Press, ۱۹۸۸.
- Nozick, R. *Anarchy, State and Utopia*. New York: Basic Books, ۱۹۷۴.
- Rawls, J. *A Theory of Justice*. Oxford: Clarendon Press, ۱۹۷۲.
- Raz. *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon, ۱۹۸۸.

کمال پولادی

عدالت اجتماعی (و شهر)

Social Justice (and City)

عدالت در لغت اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و افراط و تفریط است، در افراد اجتماع بشری هم عبارتست از افرادی که بخش عمده اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط الحالند که در حقیقت به منزله جوهره اجتماعند و همه ترکیب اجتماعی روی آنان دور می‌زند. در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایگاهی قرار گیرد که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیتهای مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است».

شهر از دیدگاه عدالت اجتماعی

امروزه، شهر یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای فرهنگ و

خصوصیات نهادهای اجتماعی پایه به حساب آمده است. این نظریه بحث مستدلی در دفاع از عقلانیت عدالت توزیعی یا عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر) دارد. رویکرد رالز به عدالت از زاویه عدالت به مثابه انصاف است.

رالز به شیوه اصحاب قرارداد اجتماعی، بحث خود را با این فرض آغاز می‌کند که عده‌ای می‌خواهند درباره سامان جامعه‌ای که قرار است در آینده در آن زندگی کنند، تصمیم بگیرند. آنها هنوز نمی‌دانند که در این جامعه آینده، چه وضعی خواهند داشت؛ آیا جزء برخورداران خواهند بود یا جزء محرومان؟ در چنین وضعی، یعنی در شرایط جهل نسبت به وضع آتی خود، آنها سامان جامعه را چگونه تعیین خواهند کرد؟ رالز می‌گوید که آنها منطقاً راجع به ۲ اصل عمده به توافق خواهند رسید:

- اصل اول اینکه جامعه باید برای شهروندان حداکثر آزادی ممکن را فراهم کند؛ و
 - دوم آنکه در توزیع امکانات حداکثر منافع نابرخوردارترین قشرها در نظر گرفته شود. این امر متضمن حداقلی از امکانات مثل آموزش، بهداشت و امنیت برای همگان است. در چنین جامعه‌ای نابرابری نیز پذیرفته است، به شرطی که سود آن به نابرخوردارترین قشرها برسد.
- عدالت مورد نظر رالز و بسیاری از لیبرال-دموکراتها و سوسیال-دموکراتها عدالت توزیعی است. در عدالت توزیعی بر این نکته نیز تأکید می‌شود که سامان عادلانه سامانی است که به شهروندان امکان دهد تا بتوانند از میان مجموعه گزینه‌هایی که ارزشمند محسوب می‌شوند، طرح زندگی خود را با سهولت بیشتری انتخاب کنند. برای این منظور سازمانهای عمومی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، باید برای شهروندان فرصتهای لازم را فراهم کنند، تا آنان بتوانند از میان شمار زیادی از گزینه‌ها، آنهایی را که با ترجیحات و ارزشهایشان تطابق دارند، برگزینند. آنچه برای یک فرد ارزشمند است ممکن است برای فرد دیگر نباشد (← برابری).

کتاب‌شناسی:

بین تحقق عدالت اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی رابطه وجود دارد. بنابراین، شهر جهان سومی با ابعاد گوناگون نابرابری اجتماعی روبرو است و در عین حال، از ماهیت عینی یکدست و فراگیر برخوردار نیست. با این وجود، بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات همانند و مشابهی مواجهند. رشد شتابان جمعیت، معضل اشتغال و کار و گسترش بخش غیررسمی، مشکل مسکن و شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و محله‌های فقیرنشین و به صورت عام فقر شهری، ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و محیطی و مواردی از این دست، مسائل و مشکلات مشترک اکثر این شهرها بشمار می‌روند. مسائلی همچون نسبت ارزشهای اخلاقی، برابری (← برابری) و نابرابری نسبی و درجات عدالت (← عدالت) و بی‌عدالتی اغلب در مفهوم قشربندی مستترند. این مفهوم همچنان‌که در علوم اجتماعی استفاده می‌شود، در بحثها و مناقشات سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی نیز به‌طور گسترده کاربرد داشته است.

بحث قشربندی و توزیع برحسب نیاز و توزیع برابر از نظر اصول زیربنایی به دیدگاه‌های سوسیالیستی و توزیع برحسب شایستگی و انصاف به دیدگاه‌های سرمایه‌داری نزدیک است.

به‌طور کلی، تعداد اندکی از مطالعات برنامه‌ریزی شهری به روشنی به مسئله عدالت می‌پردازند، اما برخی از گروه‌های برنامه‌ریزی هدف‌های ویژه‌ای را در رابطه با عدالت در ارزشیابی مورد استفاده قرار می‌دهند. یکی از راه‌های تحقق عدالت اجتماعی در شهر، گسترش مشارکتهای مردمی در فرایند طراحی، اجرا، نظارت و کنترل برنامه‌ها و طرح‌های شهری است. مهم‌ترین اولویت طرح‌های مشارکت عمومی - خصوصی، اطمینان از این امر است که همه بخش‌های جامعه که مردم فقیر و اقلیتهای قومی را نیز شامل می‌شود، به خدمات پایه دسترسی داشته باشند. این جنبه باید در تمام مراحل طراحی مشارکت بخش عمومی - خصوصی و به‌ویژه در زمان تأمین مالی سرمایه در نظر گرفته شود.

اگرچه گروهی از محققان معتقدند مسکن در تحقق

تمدن و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است. بررسی شهر از دید عدالت اجتماعی شاید یکی از نگرش‌های بسیار نادر و بنیادین محسوب شود. از این رو، پرداختن به مقوله مسئله برانگیز، بحرانی و آرمانی عدالت اجتماعی با پدیده شهر که از یک وجه «مکان طبیعی انسان متمدن» است نیاز به برخوردی همه‌جانبه با پدیده شهر را ایجاب می‌کند.

شهر بازتاب تمام عیار اقتصاد فضایی است و در پس نظم ظاهری آن، سازمان اجتماعی پیچیده‌ای نهفته است. شرط وجودی شهر و توسعه آن مستلزم تمرکز جغرافیایی مازاد اقتصادی در نقطه‌ای خاص است. تمرکز و تجمع اجتناب‌ناپذیر بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در جهان صنعتی، اشکال کالبدی متمرکزی از فضا پدید می‌آورد که از نتایج اولیه و اصلی آن پدیده شهر و شهرنشینی است.

تفاوت‌های ناشی از درآمد، خود، قشربندی جدیدی را در جامعه ایجاد می‌نماید. از این رو دولت‌ها و دستگاه برنامه‌ریزی وظیفه سنگینی در خصوص ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی به عهده دارند. تنها بعضی از دولت‌های غربی با نظام مالی و شیوه هماهنگ مالیاتی توانسته‌اند تا حد زیادی عدالت اقتصادی را تأمین کنند. براساس چنین مؤلفه‌ای گسترش فقر و نابرابریهای شهری به حداقل خود کاهش یافته است. قابل ذکر است که این وضعیت (عدالت) تنها در جوامع معدودی تحقق یافته است، در حالی که اکثر قریب به اتفاق جوامع شهری، به‌ویژه در کشورهای روبه‌توسعه، با اشکال مختلفی از بی‌عدالتی در رنجند.

با گسترش پدیده و فرایند جهانی‌شدن (← جهانی‌شدن) نابرابریهای اقتصادی در میان شهروندان تشدید می‌شود و نابرابری اجتماعی گسترش می‌یابد. همچنین نابرابری فضایی بازتاب فیزیکی نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی است. به بیانی دیگر، ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگها و سیاستها از نظر فضایی و در درون شبکه‌ای جهانی از شهرها پدیدار شده است. تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و بازساخت شهرهای جهان برجای گذارده است.

تعهداتی که فرد از روی نفع طلبی به اجرای آنها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام بخش مکتب اصالت فایده بود عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید.

• **نظریه بی‌طرفی عدالت**، که در آن اساس بر نادیده گرفتن منافع افراد درگیر و از نگاه نظری / ایده‌آل است که در آن میان نفعی ندارد. این برداشت غایتگرانه از عدالت در مقابل برداشت ابزارگرایانه هابز و هیوم، برداشتی کانتی است. در حقیقت نظریه غایتگرا و اخلاقی کانتی نیازمند فرض وجود وضعی مفروض است که در آن اصول عدالت یافت می‌شود. قرار گرفتن در آن وضع مستلزم محرومیت از اطلاعات درباره منابع خود است. تنها در پس این «حجاب یا پرده جهل» می‌توان به بی‌طرفی رسید.

دیدگاه‌های عمده درباره عدالت اجتماعی و شهر

• **دیدگاه آنارشیستی**. پیتر کروپوتکین، جغرافیدان روسی، معتقد بود که زندگی مطلوب انسانی تنها با عدالت اجتماعی، تعاون و مهربانی میان مردم امکان‌پذیر است و بدون مساوات، عدالت وجود ندارد و بدون عدالت، صلحی وجود نخواهد داشت. الیزه رکلو که ایولاکست از او به‌عنوان بزرگ‌ترین جغرافیدان فرانسه یاد می‌کند، مدافع خستگی‌ناپذیر ستم‌دیدگان و دشمن دولت و هر نوع قانونی به‌جز قوانین طبیعی بود.

• **دیدگاه لیبرالیستی**. از معروف‌ترین چهره‌های دیدگاه لیبرالیستی، جان رالز است. جوهر اندیشه جان رالز عدالت به‌مثابه / انصاف است. وی در پرتو مفهوم اخلاقی عدالت، جامعه مطلوب خود را بر پایه دو اصل تصویر می‌کند: اصل نخست از آزادیهای برابر و فرصتهای برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر به این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابریهای اجتناب‌ناپذیر موجه و عادلانه است.

یکی دیگر از چهره‌های این مکتب، دیوید مارشال اسمیت است. از نظر وی، فرصتهای زندگی انسانها به‌صورت نابرابری توزیع شده است. الگوهای جغرافیایی توسعه یا شاخصهای اجتماعی این موضوع را به وضوح

عدالت اجتماعی به‌علت ایجاد اشتغال و رفع بیکاری مؤثر است، اما نباید فراموش کرد که مسکن خود معلول میزان تحقق عدالت اجتماعی است. به بیانی دیگر، مسکن در شهر یکی از شاخصهای عمده سنجش عدالت اجتماعی است. نابرابریهای چشمگیر در شاخصهای مسکن (تراکم نفر در واحد مسکونی و اتاق، سرانه مسکونی، نوع مصالح ساختمانی، امکانات) معرف عدم عدالت اجتماعی در شهر است.

در یک جامعه و اقتصاد رانتی، توزیع نابرابر قدرت، ثروت و درآمد مانع اصلی تحقق عدالت اجتماعی بشمار می‌رود.

به‌لحاظ نظری ۳ رویکرد عمده را می‌توان در تعریف عدالت اجتماعی از یکدیگر متمایز ساخت: رویکرد اثبات‌گرای حقوقی؛ رویکرد روندی؛ رویکرد غایتگرایانه.

• رویکرد اثبات‌گرای حقوقی، عدالت را مفهومی نسبی می‌داند که فقط در ارتباط با نظامهای مشخص حقوقی معنای عینی می‌یابد. به قول هابز، قوانین، قواعد عدالتند. از این رو، چیزی غیر عادلانه شمرده نمی‌شود، مگر اینکه در تضاد با قانون قرار گرفته باشد. از این دیدگاه مفاهیم عادلانه و غیر عادلانه بیرون از چارچوب قانون معنا نخواهد داشت. قانون در این دیدگاه محصول اراده حاکم است.

• در رویکرد روندی عدالت، به‌جای اینکه وضعیتهای اجتماعی با معیاری بیرونی (برای مثال صلاحیت، لیاقت یا نیاز) مورد ارزیابی قرار گیرد، روشها، روندها و قواعد مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا گفتن هر سخنی در باب عادلانه یا غیر عادلانه بودن نتایج، بی‌مورد است.

• رویکرد غایتگرایانه به عدالت آن را ویژگی رفتار افراد نمی‌داند، بلکه آن را خصلت وضعیت / امور یا نتیجه فرایندهای اجتماعی محسوب می‌کند.

از سوی دیگر، نظریات عدالت اجتماعی به دو گروه قابل تقسیم است:

• **نظریه قراردادی و نفع‌طلبانه عدالت**، که از قرن ۱۷م به بعد در غرب رایج شد. هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) و هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) در سده‌های ۱۷ و ۱۸م مهم‌ترین نمایندگان این نظریه بودند. به نظر هابز عدالت عبارتست از اجرای

درواقع، هاروی کوشیده است که تفکر اقلیدسی به فضا را درهم شکنند، به جای سازوکار «بازار» عدالت اجتماعی را بنشانند و زمینه را برای یافتن نظمی دیگر برای فضا فراهم کند.

پفر یک تکمله جالب بر نظریه جان رالز در ۱۹۹۰م نوشت. او معتقد بود که اخلاق و عدالت اجتماعی ساختهای ایدئولوژیکی هستند که طبقه حاکم آن را ساخته و پرداخته می‌کنند تا با آنها موقعیت ممتاز ویژه خودشان را مشروع و قانونی سازند.

از میان پیروان دیدگاه رادیکال، میلتن سانتوس بر دوتبی بودن اقتصاد شهری در کشورهای کم‌رشد تأکید می‌کند: اقتصادی که میان یک مدار زبرین، مستحیل شده در حوزه نفوذ سرمایه‌داری جهانی، و یک مدار زیرین، متشکل از اقتصادی زیرزمینی و متکی بر تولیدات و مبادلات غیرقانونی تقسیم می‌شود. ترجمان و تظاهر فضایی این دوگرایی، وجود تعارض میان یک مرکز مدرن، شکل گرفته از ساختار قدرت سیاسی و شرکتهای بین‌المللی است که با سکونتگاههای اغلب متجمل و مرفه طبقات متوسط درهم می‌آمیزد و یک پیرامون، ترکیب یافته از زاغه‌ها که در آن ساکنان مدار زمین بر روی هم انباشته می‌شوند. میلتن سانتوس یکی از نخستین کسانی است که نشان داد این دوگرایی با مناسبات نزدیکی همراه است و میان ۲ بخش اقتصادی یاد شده پیوند برقرار می‌کند. به طوری که بدون این مناسبات، شهرهای جهان سوم بیش از آنچه هم‌اکنون شاهد آن هستیم می‌تواند در معرض انفجار و خطر از هم پاشیدگی قرار گیرد. بدین ترتیب «در این کشورها، شاهد قطب‌بندی اجتماعی هستیم و کاهش درآمدهای واقعی، تنگدستی و درماندگی کاملاً رواج دارد. در این خصوص، پال معتقد است گروههایی که درآمد بالا و تحصیلات بهتر دارند قادر به بهره‌برداری فعالانه‌تری از فضا هستند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد اسیر آن می‌شوند و تسلطی بر آن به‌دست نمی‌آورند. دال نیز معتقد است گروههای پردرآمد محیط زیست فیزیکی را یک منبع استفاده و بهره‌برداری می‌دانند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد از نظر اقتصادی-اجتماعی، تنها ناچار به تحمل محیط زیست هستند.

آشکار می‌سازند. درجه و میزان نابرابری را می‌توان از راههای گوناگونی اندازه‌گیری کرد. وجود گروههای کاملاً محروم در جامعه مستقیماً می‌تواند بر سایر گروهها اثر بگذارد. آنها نیاز به هزینه‌گذاری جهت رفع بیکاری و تأمین اجتماعی (← تأمین اجتماعی) دارند و هنگام بروز بی‌نظمی در جامعه ممکن است، «ساخت اجتماعی» را مورد تهدید قرار دهند. اسمیت بدون آنکه از شیوه‌های استثماری نظام سرمایه‌داری سخنی به میان آورد، درخصوص «کیفیت زندگی» و عدالت اجتماعی می‌نویسد: «بحث بر سر توزیع عادلانه منافع جامعه موضوع مباحثات بی‌نتیجه دو هزار ساله بوده است. این بحث به همان اندازه ابهام دارد که تعریف زندگی. وی، از این نظر جان رالز جانبداری می‌کند که می‌گفت: سیاستهای اجتماعی بایستی برحسب تأثیراتشان بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر، بایستی اقداماتی صورت گیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود. به راستی عدالت به مثابه برابری، یک اصل جهانی قابل بحث است».

فردریش فُن هایک، نظریه‌پرداز معروف این دیدگاه، استدلال می‌کند که نابرابریها و نارواییهایی در نظام بازار نهفته است، اما اینها اجتناب‌ناپذیر و حتی مفیدند. به‌ویژه آنکه نابرابری جزئی ضروری از فرایند متمدن شدن است. ملاحظه می‌شود که وی چون نظام بازار را نظام احسن می‌داند که در آن انتخاب اصلح صورت می‌گیرد، هر نوع دخالت در آن را موجب بی‌عدالتی دانسته و این نظام را متضمن عدالت روشی و مبادله‌ای می‌شمارد.

• **دیدگاه رادیکالیستی.** این دیدگاه طیف وسیعی از اندیشمندان چپ سنتی و چپ نو را شامل می‌شود. کارل مارکس، فردریش انگلس از سرشناس‌ترین چهره‌های این نحله فکریند و دیوید هاروی از چهره‌های معاصر این دیدگاه است. تأکید وی بیشتر بر اقتصاد سیاسی است. او شهر را محل انباشت ارزش اضافی ناشی از استثمار کارگران و همچنین محل تجمع مازاد تولید مناطق پیرامونی می‌داند که این ثروتها به صورت ناعادلانه‌ای میان طبقات شهری تقسیم می‌شود. اصل عدالت اجتماعی از نظر هاروی براساس مفهوم «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» قرار دارد.

عدالت اجتماعی (و شهر)

- شورت، جان رنای و کیم یونگ هیون. *جهانی شدن و شهر*، ترجمه احمد پوراحمد و رستمی شایان (قهرمان)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- شیخی، محمدتقی. *جامعه‌شناسی شهری*. انتشارات نورگیتی، ۱۳۷۸.
- علامه طباطبائی. *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱ و ۶، چاپ هفتم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- عظیمی، ناصر. *پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری*. مشهد: انتشارات نیکا، ۱۳۸۱.
- علوی تبار، علیرضا. «چند نکته پیرامون عدالت اجتماعی»، *راه نو*، سال اول، شماره ۲۰، بی تا.
- کامروا، سید محمدعلی. *مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- لیست سیمور مارتین و دیگران. *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی*. ترجمه جواد افشار کهن، مشهد: انتشارات نیکا، ۱۳۸۱.
- محمودی، سیدعلی. *عدالت و آزادی*. انتشارات مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶.
- وودکات، جرج. *آثارشیم*، ترجمه هرمز عبدالهی، تهران: انتشارات معین، ۱۳۶۸.
- هاروی، دیوید. *عدالت اجتماعی و شهر*، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چاپ اول، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- هندی، چارلز، بی. *عصر تضاد و تناقض*، ترجمه محمود طلوع، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
- Hoggart, R. *People and Culture Oxford Illustrated Encyclopedia*. Vol. ۷, Oxford: Oxford University Press, Printed in Hong Kong, ۱۹۹۵.
- Johnston, R.J. et al. *Dictionary of Human Geography*. (third edition). London: Blackwell, G.B., ۱۹۹۴.
- Smith, D.M. *Human Welfare and Social Justice, Companion Encyclopedia of Geography*. Douglas, I. Huggett, R. & Robinson, M. (ed). London: Routledge, G.B., ۱۹۹۶.
- Thorndike, E.L. *Thorndike Century Junior Dictionary*. Scott, Foresman and Company, Printed in U.S.A., ۱۹۴۲.

حسین حاتمی‌نژاد

در مجموع می‌توان دیدگاه رادیکال را تحلیلی - انتقادی بشمار آورد. رهیافت‌های پیشنهاد شده از سوی آنان در جهت تأمین عدالت اجتماعی عمدتاً اساسی و ریشه‌ای و ناظر بر فرایندهای اقتصادی و ساخت اجتماعی است.

کتاب‌شناسی:

- آقابخش، علی. *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.
- افلاطون. *جمهوری*، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- الاعلمی الحائری، محمدحسین (العلامه الشیخ). *دائرة المعارف الشیعیه العامه*. الجزء الثاني عشر (۱۲)، لبنان، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
- بلانت، آیسون و ویلس، جین. *دگراندیشی در فلسفه جغرافیا*، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- پاتر، رابرت ب و ایونز، سلی لویس. *شهر در جهان در حال توسعه*، ترجمه کیومرث ایران‌دوست، مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۴.
- پرتو، ابوالقاسم. *واژه‌یاب، فرهنگ برابریهای پارسی واژگان بیگانه*. جلد ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین و راستی، عمران. «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی، بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی»، *مجله سرزمین*. دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۵.
- حجازیان، سعید. «توسعه، عدالت، اسلام»، *روزنامه همشهری*. شماره ۲۱۲۵ شنبه سوم خرداد ۱۳۷۹.
- دلال پورمحمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- زاکس، ولفگانگ. *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- سهامی، سیروس. «پرده دود بر زندگی و آثار الیزه رکلو»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۴۸، بهار ۱۳۷۷.
- سهیل، م. *شراکت عمومی - خصوصی در خدمات رسانی شهری*، ترجمه مهرداد جواهری پور، شهرزاد فرزین‌پاک و بیتا ابراهیمی به کوشش کیومرث ایران‌دوست، انتشارات شهرداریهای کشور، ۱۳۸۴.
- سیف‌الدینی، فرانک. *ارزشیابی طرحها و برنامه‌ها*. انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۳.
- شبلینگ، ژاک. *جغرافیا چیست؟ اقتباس از سیروس سهامی*، مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۷۷.
- شکویی، حسین. *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۵.

سود آن به سایر افراد جامعه می‌رسد. در سطح جهانی، چنان‌که شواهد نشان می‌دهد، کشورهای جنوب در زمینه



اقدامات حفظ محیط زیست عملکرد ضعیف‌تری دارند و کارگران آنها در معرض مخاطرات بیشتری هستند.

کارگران و جماعتی که کمترین بهره را از صنعتی شدن می‌برند، همانهایی هستند که در معرض بیشترین صدمات صنعتی شدن قرار دارند. البته، تنها توزیع نامتوازن مخاطرات زیست محیطی نیست که نباید مقبول باشد، بلکه هرگونه قرار گرفتن افراد در برابر مخاطراتی که از رشد بی‌رویه صنایع ناشی می‌شود، غیرقابل پذیرش است.

گروههای مختلفی در جنبش عدالت زیست محیطی حضور دارند که می‌کوشند، تا کیفیت محیط زیست شهری ارتقاء یابد، صنایع مسمومیت‌زا تابع نظم بهتری شود، خطرات مواد سمی برطرف گردد، کارگران بخش صنعتی و کشاورزی تحت پوشش حمایتی قرار گیرند و فرایندهای تصمیم‌گیری اصلاح شوند.

برخلاف مبانی عدالت زیست محیطی و در قالب متعارف اقتصاد، نگاه افراد به مخاطرات و میزان پذیرش یا عدم پذیرش آن به وضعیت اقتصادی آنان و نسبتی که حاضرند سلامت آتی خود را برای مزد جاری هزینه کنند، بستگی دارد. به نظر می‌رسد، فردی که برای سلامت خود بیش از مزایای حاصل از یک شغل خاص اهمیت قائل است، آزاد است که شغل خود را عوض و یا آن را ترک کند. این واقعیت که افراد به تحمل مخاطرات یک شغل ادامه

عدالت محیطی

Environmental Justice

عدالت محیطی جنبشی اجتماعی است برای حمایت از کسانی که بار مخاطرات زیست محیطی را بر دوش دارند. این جنبش تلاش دارد، تا مانع تبدیل اجتماعات اقلیت و کم‌درآمد به مزبله صنایع و اقشار بهره‌مند جامعه شود. کوشش دیگر جنبش این است که کارگران را از قرار گرفتن در معرض مواد سمی و پرتوهای زیانبار بازدارد. در ایالات متحد و سایر کشورهای شمال، جنبش عدالت زیست محیطی هم اجتماعات شهری و هم روستایی را که بار مخاطرات محیطی را تحمل می‌کنند، دربر می‌گیرد. در ابعاد بین‌المللی نیز شهروندان برخی کشورها بار مخاطرات زیست محیطی اقتصاد جهانی را برگرده دارند.

گروههای اقلیت و اجتماعات کم‌درآمد بیشتر با صنایع مسمومیت‌زا و پسماندهای مخاطره‌آمیز مجاورت دارند و در معرض آلاینده‌های سمی هستند. در دهه ۱۹۸۰م، مطالعات چندی حاکی از مجاورت بیشتر این اقشار با منابع مخاطره‌آمیز بودند. برخی استدلال می‌کنند که توزیع مخاطرات در وضع فعلی، بیش از آنکه با هر مقیاس دیگری، از جمله درآمد ارتباط داشته باشد، با وضعیت قوی ارتباط دارد. این امر به قوم‌پرستی زیست محیطی معروف شده است.

عدالت زیست محیطی، به‌عنوان یک جنبش اجتماعی، عبارت است از مجموعه همبستگیهای ضعیف بین گروههایی که اندیشه مشترک دارند و برای هدفهای مشابه فعالیت می‌کنند؛ جماعتی اقلیت و قشرهای کم‌درآمد، بیش از دیگران در معرض مخاطرات زیست محیطی قرار دارند. انتخاب ناگزیر محل زندگی موجب این وضعیت است. سیاستهای معطوف به حفظ محیط زیست و سلامت جامعه اغلب سمت‌گیری برابری خواهانه ندارند. بسیاری از کارگران از سلامت خود برای صناعی هزینه می‌کنند که

نظام‌مند آن از جامعه‌ای باز برمی‌گردد که با سم حشره‌کش خود را می‌کشد. شهرتی که این کتاب به دست آورد، مسئله زیستبوم را به واژه‌های آشنا تبدیل کرد، تا آنجا که طرفداری از محیط زیست به یک جنبش مهم در بین طبقه متوسط بدل شد. درحالی‌که کتاب *بهار ساکت* بیشتر دلمشغول وضع کارگران، زنان و سلامت بشری بود، تلاش نخستین طرفداران محیط زیست در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م متوجه محیط‌های بیرون از شهر بود.

جنبش عدالت زیست محیطی به عنوان جنبشی که نسبت به مسئولیت مشترک در آلوده کردن محیط زیست آگاهی دارد، از اوایل دهه ۱۹۸۰م آغاز شد. بعد از آشکار شدن وضعیت جماعت‌هایی که در معرض مسمومیت پسماندهای صنعتی قرار داشتند و معروفیت کانال عشق بود که آلاینده‌های سمی صنعتی و از بین بردن آنها به عنوان مسئله زیست محیطی مطرح شد. تخلیه پسماندهای زیانبار مسئله‌ای بود که فعالان جنبش عدالت زیست محیطی نخستین حرکت‌های خود را گرد آن سازمان دادند. فعالان این عرصه اغلب آغاز حرکت خود را به وضعیت شهرستان وارن در کارولینای شمالی ارجاع می‌دهند که در آن، یک جماعت افریقایی- امریکایی برای مبارزه با تخلیه غیرقانونی بیفنیل پلی کلرونیات و بعد پیشنهاد تسهیلاتی برای از بین بردن اثرات زیانبار آن سازمان پیدا کردند. همسو با این مقاومت بود که برای نخستین بار عدالت زیست محیطی برای دلالت بر ارتباط بین جنبش حقوق مدنی و محیط زیست به کار برده شد. از آن زمان به بعد، اجتماعات و گروه‌های زیادی برای پشتیبانی از درخواست‌های عدالت زیست محیطی سازمان یافته‌اند.

فکر عدالت زیست محیطی به سازماندهی مقاومت در برابر وارد آوردن خسارت‌های زیست محیطی تازه در مجاورت اقلیتها و جماعت‌های کم‌درآمد کمک کرده است. فعالان عدالت زیست محیطی معیارهای معتبری برای مدیریت زیست محیطی مناسب‌تر و پیشبرد معیارهای منصفانه‌تر در بین این جماعتها تدارک دیده‌اند.

کتاب‌شناسی:

می‌دهند، به معنای آن است که ارزش برخورداری از اشتغال بیش از اهمیتی است که برای سلامت خود قائل است. برای یک کارگر مهاجر یا کارگر غیرماهر، آزادی انتخاب حرفه دیگر، به احتمال بیشتر به منزله آزادی در فقر است.

درباره علت توزیع نامتوازن مخاطرات زیست محیطی اختلاف عقیده وجود دارد. برخی می‌گویند، اگر مجاورت اجتماعات اقلیت با مخاطرات زیست محیطی ناشی از گرایشهای قوم پرستانه بوده باشد، استقرار صنایع مسمومیت‌زا می‌بایست بعد از استقرار این اجتماعات باشد؛ حال آنکه در بسیاری از محله‌های درون شهری، استقرار صنایع مسمومیت‌زا پیش از استقرار آن جماعتها در آنجا رخ داده است. این واقعیات که جماعت‌های اقلیت در محل صنایع مستقر شده‌اند و نه بالعکس، مؤید آن است که توضیحات اقتصادی درباره این قرابت از توضیحات قوی موجه‌تر است.

جنبش عدالت زیست محیطی نسبت به قوم پرستی و بی‌عدالتی نگرشی سیستمی دارد. بنابر این نگرش، قوم پرستی زیست محیطی جزئی از یک قوم پرستی بزرگ‌تر در سطح کل جامعه است که قشرهای کم‌درآمد، گروه‌های اقلیت و کسانی را که دایره انتخاب محدودتری در زندگی دارند، دربر می‌گیرد. به عنوان نمونه، برای افراد اقلیت امکان کمتری وجود دارد که بتوانند (یا بخواهند) به قلمروهایی بروند که به طور تاریخی به سفیدها تعلق دارد، زیرا ممکن است در آنجا به طور روزمره با مظاهر تبعیض روبرو شوند. در اینجا، مجاورت جماعت‌های اقلیت با محله‌های در معرض مخاطرات زیست- محیطی، دلیلی بر قوم پرستی سیستمی است، نه تحمل بیشتر مخاطرات.

جنبش عدالت زیست محیطی به لحاظ تاریخی با سنت برنامه‌های حمایت از کارگران و حفاظت از محیط پیوند داشته است. در نخستین شهرهای صنعتی، کسانی چون آلیس همیلتون و جین آدامس در مجلس حل اختلاف از چهره‌های نمونه‌وار این سنت بودند. این اصلاح طلبان اجتماعی برای بهبود شرایط سلامت کارگران و توده‌های فقیر شهری تلاش داشتند.

سابقه جنبش عدالت زیست محیطی به شکل مدرن، اغلب به کتاب *بهار ساکت* نوشته راشل کارسون و نقادی

عمران روستایی (در ایران)

خاور نزدیک (N.E.F.) از جمله نهادهایی بود که پس از جنگ جهانی دوم، در زمینه آبادانی و عمران روستایی در ایران شروع به کار نموده.

این بنیاد که در بعضی منابع از آن به عنوان بنگاه خاور نزدیک نام برده‌اند، است به موجب سندی در مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی)، مؤسسه‌ای خیریه به مرکزیت شهر نیویورک در ایالات متحد آمریکا بوده. این مؤسسه در ۱۹۱۵م به نام مؤسسه امدادی خاور نزدیک تشکیل شد. برنامه این مؤسسه کمک به کشورهای آسیب‌دیده از جنگ جهانی اول در منطقه خاور نزدیک و خاورمیانه بوده.

در ۱۹۳۰م (۱۳۰۹ش) به دلیل تغییر مشی مؤسسه از امور امدادی به امور آموزشی، آن نیز تغییر یافت. در سند دکتر هیدن، به ۳ اصل پذیرفته شده این بنیاد به شرح زیر اشاره شده است:

- میل داریم به مردمی که میل دارند به خودشان کمک کنند، کمک کنیم؛ و
- بنیاد در هیچ کشوری شروع به کار نخواهد کرد، مگر آن کشور به طور اختصاصی از بنیاد تقاضای کمک کرده باشد؛
- بنیاد تأکید می‌کند که کشور متقاضی در اداره برنامه مشارکت کند.

درباره این مؤسسه، دکتر لیل ج. هیدن، رئیس بخش ایران بنیاد خاور نزدیک از ۱۹۴۶-۱۹۴۸م (۱۳۲۵-۱۳۲۷ش)، ضمن اشاره به موارد بالا می‌گوید، برای یک دوره کوتاه، مؤسسه امدادی خاور نزدیک شعبه‌ای در تبریز داشت، اما هیچ اشاره‌ای به تاریخ تأسیس شعبه مؤسسه در تبریز و خدمات احتمالی آن در دوره کاری مربوط نکرده است.

در ۲۴ فوریه ۱۹۴۴م، به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۰۹۲ هیئت وزیران، دولت ایران از بنیاد خاور نزدیک تقاضای یک برنامه توسعه روستایی را در ایران می‌کند که به دلیل شرایط خاص از جنگ جهانی دوم، پاسخ بنیاد تا خاتمه ۱۹۴۵م به تأخیر افتاد، اما به دلیل تغییر در هیئت دولت ایران، حصول توافق نهایی با برنامه پیشنهادی بنیاد، بعد از ۶ ماه اعلام می‌شود. بعد از حصول توافق با دولت

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

تارا کلاپ
(کمال پولادی)

عمران روستایی (در ایران)

Rural Development (In Iran)

آگاهی از عوامل مؤثر بر موفقیت هر فعالیتی را می‌توان از طریق مطالعه و بررسی پیشینه و تاریخچه آن فعالیت جستجو کرد تا نتیجتاً، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه در حال و آینده، با استفاده از ماهیت و پیامد آن فعالیتها، به پی‌ریزی برنامه‌های خود برای آینده- و آن هم در یک مقوله‌ای بسیار حیاتی چون آبادانی و عمران روستاها- بپردازند.

اولین قوانین کلی مربوط به آبادانی و عمران روستایی در ۱۳۱۶ش با عنوان قانون کدخدایی دهات به تصویب رسید و در مراحل عملی خود، بجز سامان بخشیدن به امور عزل و نصب کدخداهای و مدیریت امور روستاها به سبک سنتی، نظام غالب عمده مالکی در جوامع روستایی آن روزها، به راه و روش مشخصی برای کمک به آبادانی و عمران روستاها نینجامید. تقریباً در تمام طول سالهای اول دهه ۱۳۲۰ش، همزمان با نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم و اشغال بخشهای عمده‌ای از کشور توسط قوای نظامی متفقین و در پی آن، بروز بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همین وضعیت- یعنی عدم توجه به اجرای قوانین مربوط به آبادانی و عمران در روستاهای کشور، همچنان ادامه داشت.

درعین حال، جریان نیمه دوم سده ۲۰م، در زمینه آبادانی و عمران روستایی، هر از گاه تلاشهای پراکنده، مقطعی و ناهماهنگی با اهداف و مقاصد گوناگون به توسط دولت و برخی از نهادهای خارجی و بین‌المللی در ایران صورت گرفت که به رغم ناپایداری آثار و پیامدهای مربوط، مطالعه و بررسی آنها می‌تواند مفید و مؤثر باشد. در این میان، بنیاد

عمران روستایی (در ایران)

بنابراین، گفته وی تأکید مجددی است بر اینکه در هرگونه فعالیت آبادانی و عمران روستایی باید مشارکت روستاییان را به بهترین وجه ممکن جلب کرد. وزارت کشاورزی ایران نیز در ازاء خدمات بنیاد خاور نزدیک برای اجرای برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی در مناطق مورد عمل خود در ایران، ماهیانه مبلغ ۵۰,۰۰۰ ریال (پنج هزار تومان) به بنگاه مزبور می‌پرداخت.

اقدامات بنیاد خاور نزدیک در ۶ ماهه آغاز کار خود در ایران- تیر تا دی ۱۳۲۵ش- به شرح زیر گزارش شده است:

- مطالعه شرایط اقتصادی و اجتماعی ۵۸ خانواده. از نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان به نرخ ۴۶٪ مرگ‌ومیر بچه‌های این کودکان اشاره کرد؛

- نصب یک لابراتوار کوچک برای مطالعه وضعیت مالاریا در منطقه که به دنبال این مطالعه مشخص شد که ۸۲٪ از مردم منطقه ناقل انگل مالاریا هستند؛

- معرفی ۲ گونه پر محصول گندم و جو به روستاییان. برای این منظور، مقدار بذری را که زارع قصد داشت بکارد، از وی گرفته شد و معادل آن بذر مرغوب تحویل شد؛

- اجاره یک باغ ۴ هکتاری و استفاده از آن به‌عنوان یک مکان نمایشی و تجربی در مورد سبزی، میوه و تولید ماکیان؛

- احداث کلاس درس در ۳ روستا جهت مدارس و نشست اجتماعی؛ و

- برگزاری کلاسهای سوادآموزی برای آموزش خواندن و نوشتن به بزرگسالان در دوره‌های کمتر از ۶۰ روز و در زمانی که زارعان کار کمی در مزرعه داشتند.

برنامه تنظیمی بنیاد خاور نزدیک برای ۱۹۴۷م (۱۳۲۶ش) در ۳ زمینه کشاورزی، بهداشت و فرهنگ موارد زیر را دربرمی‌گرفته:

کشاورزی

- سازماندهی آموزش کشاورزی برای پسرهای بزرگ‌تر به صورت پاره وقت؛

- ملاقات و رایزنی با زارعان؛

- آزمایش تولید محصول با وسایل مدرن در مقایسه با

ایران، قرار می‌شود که بنیاد با ۳ وزارتخانه کشاورزی، فرهنگ و بهداشت کار کند. گام بعدی، یافتن یک منطقه شاخص جهت اجرای عملیات عمرانی و توسعه روستایی بود که برای این منظور ۵ روستا در منطقه ورامین که دارای آنها وقف ایتام شده بود، به نامهای پشت، مامازن، قُها، قلعه نو و آرمبو انتخاب شدند.

دکتر هیدن دلایل این گزینش را قرار داشتن روستاهای فوق در فاصله یک ساعت رانندگی از پایتخت، خاک در حد متوسط، عرضه ناکافی آب (مشابه با سایر نقاط ایران)، وضع بد مردم از لحاظ پوشاک، مسکن و شیوع بیماری ذکر می‌کند.

از سوی دیگر، آقای نوئه، کفیل بنیاد خاور نزدیک، در ۱۳۲۸ش، در زمینه هدف و روش اجرایی بنگاه (بنیاد) می‌گوید: «هدف بنگاه بهبود وضع اجتماعی از طریق فرهنگ در مناطق روستایی است و از این رو، بهبود وضع کشاورزی که سرچشمه درآمد روستاییان است و نیز بهبود وضع بهداشتی مورد توجه است، زیرا شخص مریض قادر به پیشرفت نخواهد بود. همچنین بهبود وضع خانواده از کارهای نمونه بنگاه است که بانوان روستایی طرز صحیح بچه‌داری، خیاطی و مانند آن را بیاموزند. برای رسیدن به این هدفها، افرادی تربیت می‌شوند که در دهستانها رفته و عملاً روستاییان را به یاد گرفتن آنها تشویق کنند. روش بنگاه این است که فقط به مردمی کمک کند که آنها نیز به خود و هموعان خود کمک کنند. هدف عمده بنگاه این است که افرادی را تربیت نماید که در دهات عقب افتاده رفته و مردم را برای یک زندگی بهتر و راحت‌تر تربیت کنند. هنگامی که مردم به این سبک تربیت شدند و دولت ایران نیز توانست افرادی تربیت شده را به تمام نقاط ایران بفرستد، آن وقت وظایف بنیاد خاور نزدیک در این کشور پایان یافته است».

نوئه براساس تجربه بنگاه اشاره می‌کند که «در اثر سالها تجربه، بنگاه دریافته است که در جاهایی که مزایا به‌عنوان هدیه و مجاناً به اشخاص داده شده است، نتیجه‌ای به‌دست نیامده، و بنابراین، ما فقط کسانی را راهنمایی و کمک می‌کنیم که حقیقتاً مایل باشند وضع خود را بهبود بخشند».

عمران روستایی (در ایران)

- احداث مزارع نمونه؛
- ایجاد برنامه کشاورزی؛
- اجرای برنامه‌های بهداشتی در روستاها؛
- تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی؛
- ایجاد مرغداریهای نمونه؛
- تهیه آب آشامیدنی؛
- تأسیس مراکز آموزش کشاورزی در روستای مامازن برای آموزش مریبان، مروجان و دهیاران به منظور اعزام به روستاها؛
- تأسیس آموزشگاه بهداشت در روستای پلشت برای تربیت نیروی اجرایی در دهات؛
- اجرای برنامه‌های خانه‌داری و تدبیر منزل؛
- تأسیس آموزشگاه تربیت معلم روستایی دختران در روستای قلعه‌نو ورامین؛ و
- اجرای برنامه‌های ساختمانی در روستای مامازن به صورت خانه‌های ۲ و ۳ اتاقه به‌عنوان الگوی آموزشی - نمایشی. علاوه‌براینها، بنیاد خاور نزدیک در طول فعالیت خود در ایران نشریه‌هایی با عنوانهای زیر منتشر ساخت:
- راهی آسان برای آموزش بزرگسالان؛
- زندگی بهتر؛
- روش تدریس خواندن به بزرگسالان؛
- ساده‌نویسی به فارسی؛
- زندگی روستایی؛
- راهنمای خیاطی؛
- امدادهای اولیه پیش از فرا رسیدن پزشک؛

وسایل سنتی؛

- آزمایش کشت محصولاتی که غذای انسان را تشکیل می‌دهند، به‌ویژه میوه‌های دانه ریز، سبزیجات و سیب‌زمینی؛
- توسعه باغ ۴ هکتاری؛
- ترویج ابزار نوین کشاورزی؛
- حفر یک چاه عمیق در منطقه قلعه نو برای تأمین آب شرب ۱۲۰ خانوار ساکن آن و نیز تأمین آب آبیاری؛
- همکاری با انجمن اصلاح بذر وزارت کشاورزی، به‌منظور تولید بذر پر محصول؛
- احداث دفتر برای بحث و راهنمایی درباره مسائل کشاورزی؛ و
- همکاری با وزارت کشاورزی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به‌منظور توسعه برنامه پیشرفت کشاورزی ایران.

بهداشت

- آغاز برنامه مبارزه با مالاریا؛
- بهبود کیفیت آب در منابع ذخیره‌سازی، از طریق نصب توری در مجراها؛
- استخدام یک پرستار سیار برای دیدار از منازل روستاییان.

فرهنگ

- تأسیس یک مدرسه یک اتاقه با ظرفیت پذیرش ۲۰ تا ۳۰ دانش‌آموز.
- به فهرست فعالیت‌هایی که بنیاد خاور نزدیک در زمینه آبادانی و عمران روستایی انجام داده است، می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:



عمران روستایی (در ایران)

گسترش در سایر مناطق مورد استفاده قرار گرفتند. همچنان که وجود دانشسرای کشاورزی مامازن و آموزش عملیات کشاورزی آن تحت نظام *بنه زراعی*، از جمله همین الگوسازیها بود که بعدها در سایر مناطق نیز متداول شد.

براین مبنای، این بنیاد در روستای مامازن به ایجاد منازل روستایی با استفاده از مصالح محلی و طبق قواعد معماری بومی اقدام کرده بود و سپس در یک اقدام نمایشی-ترویجی، روستاییان علاقه‌مند را از روستاهای همجوار برای تماشا و گرفتن الهام و آموزشهای لازم درباره نحوه ساخت و ساز این بناها مرتباً به مامازن می‌آورد و حتی المقدور آنان را ترغیب می‌کرد تا طبق نمونه‌های عرضه شده و براساس آموزشهای ترویجی که به آنان ارائه می‌شد، نسبت به نوسازی و یا بازسازی منازل مسکونی خود اقدام کنند. بنابراین سابقه، شاید بنیاد خاور نزدیک نه تنها اولین بنیانگذار ترویج نوین کشاورزی، بلکه نخستین مؤسسه برای اقدام به ترویج روشهای بهبود مسکن روستایی در ایران بشمار می‌رود.

در ارتباط با سایر اقدامات آبادانی و عمران روستایی به راهنمایی این بنیاد و همکاری مردم، سالم‌سازی محیط روستایی و بهداشت محیط، احداث مدارس روستایی، درمانگاه، اصلاح معابر، انتقال فاضلاب، احداث شبکه آب آشامیدنی، اصلاح معابر، اندود کردن دیوارهای جانبی کوچه‌ها و احداث و مرمت پلها و کشتارگاههای دامی و فعالیتهایی از این قبیل، از جمله اقدامات بنگاه خاور نزدیک، عمدتاً در روستای مامازن و بعضاً در سایر روستاهای همجوار در اوایل نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش در دشت ورامین بود که بر مبنای روشها و ارتباط ترویجی با همکاری فعال مردم صورت می‌گرفت.

علاوه‌براین، مؤسسه خیریه CARE در سالهای دهه ۱۳۳۰ش به فعالیتهای توسعه بهداشت و عمران در مناطق روستایی ایران اشتغال داشت. از شاخص‌ترین اقدامات این مؤسسه می‌توان به شیوه جلب مردم روستایی برای شرکت در امور سازندگی، از جمله احداث و مرمت راههای روستایی اشاره کرد که با همکاری مسئولان طرحهای عمران اجتماعی به انجام می‌رسید و در ازای همکاری مردم

• مرغداری؛

• سبزی‌کاری؛

• مالاریا؛

• راهنمای معلمان روستایی؛

• استفاده از (د.د.ت) در ایران؛ و

• بهداشت مدارس روستایی.

این نشریات در نوع خود برای مناطق روستایی و منطقه آزمایشی، بسیار سودمند بوده.

به این ترتیب، پیش از طرح و اجرای برنامه ۷ ساله اول عمرانی کشور (۱۳۲۷ش)، این بنیاد به عنوان یک کمک‌کننده خارجی که در بعضی از مناطق ایران، به ویژه در منطقه ورامین و به مرکزیت روستای مامازن، فعالیت داشت، موضوع تهیه و به نمایش گذاردن الگوها و نمونه‌های مناسب هر پدیده قابل پذیرش به منظور آگاهی دادن به روستاییان را مورد توجه قرار داده بود. این بنیاد در جریان این فعالیتهای، از طریق اعزام عوامل تغییر (مربیان، مروجان، دهیاران) به روستاهای حوزه عمل، و آموزش روستاییان در زمینه‌های اصلاح و بهبود اوضاع جاری و نتیجتاً آبادانی و عمران روستاها، نیل به اهداف توسعه همه-جانبه را به نوعی ممکن می‌ساخت.

فعالیتهای فرهنگی و فنی بنیاد خاور نزدیک به منظور کمک به آبادانی و عمران روستاها از بدو ورود به ایران تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش، عمدتاً مبتنی بر *نمونه‌سازی* و معرفی نمونه، آموزش و ترویج آن در سطح وسیع بود. این سیاست حتی در مورد ایجاد مدارس نمونه، آموزشگاههای بزرگسالان، مراکز آموزش خانه‌داری، بهداشت و واحدهای کشاورزی نیز به مورد اجرا گذارده شد. مدرسه کشاورزی پلشت (پاکدشت فعلی)، واحد ترویج کشاورزی مامازن، دانشسرای کشاورزی مامازن، آموزشگاه کمک آموزگاری و تربیت دهیار مامازن و همچنین، آموزشگاه خانه‌داری دختران روستایی در قلعه نو (ورامین) و دانشکده کشاورزی ملائانی (اهواز)، از جمله مؤسسات فرهنگی و فنی بودند که برای تعلیم و تربیت نیروی انسانی ماهر و توسعه کشاورزی در دشت ورامین و بخشی از استان خوزستان ایجاد شدند. این مؤسسات نمونه‌هایی بودند که بعدها به عنوان *الگو* برای

عمران روستایی (در ایران)

خانه‌داری، در برخی از روستاهای مراکز دهستانها مستقر شدند. مروجان خانه‌داری، ضمن ارائه آموزشهای اقتصاد خانه به زنان روستایی، به‌عنوان یک بازوی یاری‌گر دهیاران، و مروجان و مأموران بهداشت و مربیان تعلیمات اساسی، به اجرای امور مربوط به آبادانی و عمران روستایی کمکهای شایان توجهی می‌کردند. این اقدامات ماهیتاً ترویجی که در مجموع، در عداد برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی بشمار می‌رفت، در آن زمان از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مالی و فنی اصل ۴ برخوردار بود (اصل چهار).

از سالهای آخر نیمه اول دهه ۱۳۴۰ش که سپاه ترویج و آبادانی در قالب حوزه‌های ترویجی قدیم و جدید وارد روستاها گردید، اقدامات آبادانی و عمرانی روستایی شکل سراسری، گسترده‌تر و جدی‌تری به خود گرفت. بدینسان که در اجرای تقویم کارهای اجرایی، ساخت‌وسازهای عمومی، از جمله راه‌سازی، پل‌سازی، اصلاح و مرمت کوچه‌ها و سایر اقدامات زیربنایی در خیلی از نواحی روستایی کشور، به هدایت سپاهیان ترویج و آبادانی و به‌دست مردم آغاز گردید. این سپاهیان اگرچه لباس نظامی به تن داشتند، ولی عموماً به‌نحوی آموزش یافته بودند که بتوانند در کسوت مروج، امکان اجرای آنچه را که آموزش ترویجی می‌دهند، به‌دست روستاییان عملی و امکان‌پذیر سازند. البته بدیهی است که با توجه به ویژگیهای غالب بر فرهنگ روستایی از یکسو، و پیچیدگی نظام اداری و اجرایی کشور از سوی دیگر، پیشرفت امور در این مسیر بسیار دشوار و اغلب با موانعی روبرو بود. انگیزه خدمت سپاهیان با اراده مردم روستایی ممزوج و توأم می‌شد، همواره دستاوردهای امیدبخشی عاید می‌گردید. با این وصف، افزایش روزافزون مأموریت‌های محوله به سپاهیان ترویج و آبادانی در مناطق روستایی، سوگیری مسئولین در گزینش داوطلبان مستعد خدمت در سپاه و علل و عواملی دیگر در نهایت سبب شدند تا آثار وجودی سپاهیان ترویج به‌تدریج کاهش یابد و تحلیل رود، تا آنجا که در آستانه انقلاب اسلامی، این نیروها نتوانستند حقانیت مأموریت خود را در وجدان جامعه روستایی تثبیت کنند. بدینسان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دیری نپایید که این سپاه نیز

در این‌گونه امور، به‌جای دستمزد، به آنان کیسه‌های آرد وارداتی اهداء می‌شد. نگارنده بهنگام خدمت در آموزشگاه حرفه‌ای کازرون برای آموزش عشایر آماده اسکان، در نیمه دوم ۱۳۳۹ش، دورادور شاهد برخی از فعالیتهای کارکنان این مؤسسه، شامل همکاریهای بهداشتی و عمرانی در مناطق جنوبی و جزایر و بنادر خلیج فارس بوده است.

یکی دیگر از برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی که ماهیت آموزشی- ترویجی داشت، برنامه تعلیمات اساسی (Fundamental Education) بود که با همکاری هیئت همکاریهای بین‌المللی توسط وزارت فرهنگ وقت (آموزش و پرورش فعلی) به‌وسیله یک زوج فرهنگی در روستاهای منتخب در هر شهرستان، در زمینه‌های سوادآموزی، ترویج خانه‌داری، بهسازی، عمران و بهداشت روستایی انجام می‌گرفت. استقرار دائمی این زوج آموزش دیده با سوابق فرهنگی در روستاها و تماس مستمر آنان با مردم روستایی بر مبنای ارتباطات ترویجی، افزون بر نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های مربوط، دارای ثمرات دیگری هم بود: برای مثال، با پا در میانی این زوج فعال برای راه‌یابی مروجان کشاورزی، مأموران بهداشت، مربیان سوادآموزی و دهیاران بنگاه عمران اجتماعی به جوامع روستایی در طول سالهای دهه ۱۳۳۰ش، روستاهای برخوردار از این برنامه‌ها تا حدود زیادی در آستانه آبادی و عمران همه‌جانبه قرار گرفته بودند.

البته در طول دهه ۱۳۳۰ش، بنگاه عمران اجتماعی وزارت کشور نیز بر مبنای قانون مربوط، در تعدادی از روستاهای استانهای مختلف کشور اقدام به تأسیس حوزه‌های عمرانی کرده؛ براین اساس، در مرکز هر دهستان یک نفر دهیار به کار گمارده شد که وظیفه او، افزون بر مشاورت در اداره امور روستا یا روستاهای مربوط، عمدتاً جلب همکاریهای جمعی و فردی و نیز کمکهای معنوی و مادی مردم روستایی برای آبادانی و عمران هر روستا، بر مبنای ارتباطات آموزشی- ترویجی، بود.

افزون بر اینها، از اوایل نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش که اداره کل ترویج خانه‌داری در سازمان ترویج کشاورزی ایران تأسیس گردید، خانمهای آموزش دیده به‌عنوان مروجان

عمران روستایی (در ایران)

روستایی موجب شد، تا کارشناسان و دولتمردان همواره در جستجوی راه و روشهای دیگری باشند. در واقع، اغلب این طرحها بدون مطالعات لازم و یا با جزئی مطالعات اولیه آغاز می‌شد و به روش آزمون/خطا اجرا، و اغلب به فرموده مقامات بالادستی، هریک جایگزین دیگری می‌شد.

در این راستا، یکی از صائب نظران بر مبنای تجربیات بین‌المللی خود، طی سالهای آخر برنامه چهارم و در طول برنامه پنجم عمرانی کشور، با نگرشی جامع و همگون برای آبادانی و توسعه روستایی در ایران طرحی پیشاهنگ برای توسعه منطقه سلسله (لرستان) پی‌ریزی کرد و در مدت کوتاهی در دهه ۱۳۵۰ش، در محدوده کوچکی از استان لرستان (بخشهای سلسله و دلفان و چغلوئندی در حوالی خرم‌آباد) به مورد اجرا گذاشت. برنامه اجرایی این طرح حائز ۲ ویژگی بود:

• آموزش نیروی انسانی بومی، به‌منظور هرچه بیشتر رها شدن از قید وابستگی به نیروهای متخصص و ماهر شهری در کلیه زمینه‌های مربوط؛

• توجه به مشارکت روستاییان در طرحهای عمرانی، با هدف القا احساس تعلق خاطر در روستاییان نسبت به هریک از طرحها و در نتیجه، افزایش ضریب موفقیت آنها.

اگرچه خدمتگزاران در قالب طرح سلسله با عنوان مردم یاران از میان روستاییان بومی متقاضی انتخاب و اصولاً در ۳ زمینه کشاورزی، بهداشت و آموزش تربیت می‌شدند، ولی مفاهیم و مضامین آموزش خاصی در ارتباط با ساختمانهای روستایی در برنامه‌های دوره آموزشی و کارآموزی آنان منظور شده بود که از آن جمله می‌توان به آموزش عملی بنایی و نجاری و نیز اقدام عملی در زمینه بهداشتی کردن محیط و راهسازی اشاره کرد.

تجربیات این طرح مؤید اهمیت موارد زیر است:

• ضرورت توجه جدی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به اهمیت و ضرورت آموزش عامه روستاییان در زمینه‌های ساخت‌وساز؛

• ترغیب روستاییان به فراگیری این قبیل فنون و مهارتهای عملی در امور آبادانی و عمران روستایی؛ و

• فراهم ساختن زمینه‌های آموزشی و روابط حاکم بر جریان

به مانند سپاهیان دانش و بهداشت منحل گردید.

دولت در سالهای نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ش، اقدام به تشکیل شرکتهای سهامی زراعی کرد و تا اواسط دهه ۱۳۵۰ش، هریک از شرکتهای سهامی زراعی در حوزه نفوذ خود، اقدام به احداث یک یا چند روستا-شهر کردند، تا روستاییان پراکنده در روستاهای تابع شرکت سهامی را در این روستای مرکزی، در یک جا متمرکز نمایند، و بدینسان، در کنار مورد دیگر، کار خدمات رسانی به روستاییان نیز با سهولت بیشتری انجام پذیرد. علاوه‌براین، پیشاپیش در حوزه هریک از شرکتهای سهامی زراعی که در بیشتر موارد قرار بود در مقرر روستا-شهر باشند، اقدام به تأسیس یک خانه فرهنگ روستایی شد، تا پایگاهی برای فعالیتهای فرهنگی در آن حوزه عمرانی (روستایی) باشد.

در ۱۳۴۶ش و پس از تقسیم وظایف وزارت کشاورزی بین این وزارت و چند وزارتخانه جدیدالتأسیس، اداره کل ترویج خانه‌داری از وزارت کشاورزی منفک و به وزارت جدید آبادانی و مسکن انتقال یافت. در سالهای اول دهه ۱۳۵۰ش، این اداره کل از وزارت آبادانی و مسکن منفک و به تبعیت وزارت تعاون و امور روستاها در آن زمان درآمد. نهایتاً، پس از این‌گونه نقل و انتقالها، امور خانه‌داری روستایی بین خانه‌های فرهنگ روستایی، سازمان عمران روستایی، سازمان بهزیستی وزارت کشاورزی و عمران روستایی تقسیم و پراکنده شد.

بدین ترتیب، نهاد ترویج خانه‌داری به‌عنوان یکی از ارگانهای فراگیر در امور آبادانی و عمران روستاها در پیکره عظیم دولت «حل» گردید و اقدامات زیربنایی مروجان این نهاد از طریق آموزشهای ترویجی با استفاده از خانه‌های فرهنگ روستایی و بعضاً در جوار شرکتهای سهامی زراعی متوقف و در پی آن، امور آماده‌سازی زنان و کودکان روستایی برای آغاز کار آبادانی و عمران از داخل منزل، نیمه تمام رها شد. ناگفته پیدا است که با انحلال شرکتهای سهامی زراعی، خانه‌های فرهنگ روستایی نیز تغییر ماهیت یافت و پس از مدتی، به تدریج از صحنه روستاها محو گردید.

شکستهای پی‌درپی برنامه‌های متعدد آبادانی و عمران

عمران روستایی (در ایران)

- آخوندی، عباس. «آموزش بهسازی مسکن در روستا یکی از وظایف بنیاد مسکن است»، *نشریه مسکن و انقلاب*، شماره ۴۵، آذر و دی ماه ۱۳۷۱.
- آکسین، جورج-ا.ج. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین*. ترجمه اسدالله زمانی پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپ اول، بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بافورد، جیمز آ. و آرتور جی. بدیان. *مدیریت در ترویج*، ترجمه محمد چیدری. چاپ اول، تهران: مدیریت مطالعات و بررسیها، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، بهار ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *بهار سازندگی، مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. کارنامه سال ۱۳۷۲ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران: دفتر روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش فعالیتهای سال ۱۳۷۴ و مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش خلاصه عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۶*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۷.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *نگاهی به عملکرد پژوهشی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آذرماه ۱۳۷۹.
- جوادیان، سید ابوالفضل و شهبازی، اسماعیل. «بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی و توسعه روستایی در جنوب خراسان»، *مجموعه مقالات هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور*. تهیه و تنظیم دفتر مطالعات و بررسی روشهای ترویجی، تهران: ناشر دفتر تولید برنامه‌های ترویجی و انتشارات فنی، معاونت ترویج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۶.
- حجازی، یوسف. *مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. مدیریت مطالعات و بررسیها، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، چاپ الو، شماره ۵۴، ۱۳۷۵.
- راجرز، اورت ام. و اف. فلویڈشومیکر. *رسانش نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی*. برگردان عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذر ۱۳۶۹.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «یادگار جاوید، دو دهه تلاش»، *ضمیمه مجله «مسکن و انقلاب»*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *حساب ۱۰۰، یادگار*

طرح و اجرای فعالیتهای از طریق برقراری ارتباطات ترویجی بین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، از یکسو و مردم‌یاران و مردم روستایی بر مبنای عملی و امکان‌پذیرترین وجه از ادغام دو مکتب آموزشی ترویج و عمران روستایی، از سوی دیگر.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تشکیل نهاد جوشیده از انقلاب اسلامی، با نام *جهاد سازندگی*، کمیته‌های مختلف جهاد سازندگی استانها در سراسر کشور در پاسخ به نیازهای مردم روستایی اقدامات بوم‌گرایانه وسیعی را به انجام رساندند (← جهاد سازندگی). اگرچه اغلب این اقدامات توأم با مشارکتهای مردمی بود، اما نقش ترویج، به‌عنوان یک عامل آموزش‌دهنده برای پایداری آبادانی و عمران روستایی و جلب کمکهای مردمی برای حفظ و نگهداری و توسعه آنها به تدریج کاهش یافت.

درعین حال، سوابق ذهنی و تجربیات متقدمان از چندین دهه پیش در نواحی مختلف روستایی کشور حاکی از این واقعیت است که برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی در سالهای بعد از انقلاب اسلامی همواره مستلزم رنگ و بویی ترویجی برای اجرا در مناطق روستایی بوده‌اند. ازاین‌رو، هرکجا که کارهای عمرانی با این رنگ و بو ارائه شده‌اند، آثار آن از عملکرد پایداری برخوردار بوده است.

کتاب‌شناسی:

- شهبازی، اسماعیل. *روشهای ترویج و آموزش در طرحهای عمران روستایی*. تهران: گزارش پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۰.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵)*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای امریکایی در ترویج کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور- کرمان ۹-۱۱ شهریور ۱۳۷۲*. تهران: دفتر تولید برنامه‌ها و انتشارات فنی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۳.

عمران روستایی (در ایران)

- گروورمان، ورنّا. کار پیشبران گروه- راهنمای عملی تشکیل گروههای خودیاری روستایی، ترجمه جلال رسول‌اف، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. «ده مقاله درباره ترویج کشاورزی»، ویژه‌نامه روستا و توسعه، ترجمه ناصر اوکتانی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، بهمن ماه ۱۳۶۸.
- مسکن و انقلاب (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی): اخبار، شماره ۵۷.
- «عمران و نوسازی روستایی». مسکن و انقلاب (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، شماره ۵۰.
- درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی. تهیه و تنظیم یوسف حجازی با همکاری غلامرضا مجردی و عوضعلی چگینی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر صالحان روستا، تابستان ۱۳۷۳.
- ملک محمدی، ایرج. ترویج کشاورزی و منابع طبیعی، جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.
- موشر، آرتور- ت. پیشبرد کشاورزی- لازمه‌های تحول و نوسازی. ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.
- وینلینگ، تیم‌ال. برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش، راهنمایی برای تدوین برنامه درسی، ترجمه محمد چیدری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

اسماعیل شهبازی

عمران روستایی (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)

عمران، آبادانی و توسعه روستایی از جمله مقوله‌هایی هستند که در روند رسیدگی به امور روستاها در کشور، کاربرد گسترده‌ای دارند. گاهی این ۲ مفهوم، بدون مرزبندی مشخص، به‌طور مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرند. مفهوم عمران، به‌عنوان فرایند جامع تغییر و تحول در جامعه، مصادیق مختلفی دارد که از جمله می‌توان به مفهوم عمران اجتماعی اشاره نمود که بیانگر کاربرد واژه عمران در مفهوم جامع تحولات روستایی است یا همان چیزی که امروزه به آن توسعه روستایی اطلاق می‌شود. در دهه‌های اخیر، مفهوم عمران روستایی و توسعه روستایی از یکدیگر تفکیک و عمران بخشی از فرایند توسعه روستایی قلمداد می‌شود که عمدتاً به تأمین زیرساختها و خدمات مورد نیاز، نظیر راه

- جاوید امام (ره)، عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۹.
- زمانی‌پور، اسدالله. ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. ناشر مؤلف، دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، مشهد: چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.
- سازمان اسناد ملی ایران: «اسناد نخست وزیری». تنظیم ۱۱۱۰۰۰۳، شماره پکت ۲۰۸.
- سازمان برنامه و بودجه. پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.
- سوانسون، برتون- ائی- (ویراستار). مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- سوانسون، برتون- ائی (ویراستار). مشورت‌های جهانی در مورد ترویج کشاورزی، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی‌پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.
- شهبازی، اسماعیل. «بابهائی نوین پیش روی مکتب آموزشی ترویج در ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان (۲۲ تا ۲۴ در دی ماه ۱۳۷۵). چاپ اول، جلد اول، تهران: زمستان ۱۳۷۷.
- شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل. «رهیافتی نو در تحقق پیوند بنیانی فعالیتهای تحقیقی- ترویجی در جریان توسعه کشاورزی ایران»، مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور (مشهد، ۱۲ لغایت ۱۴ شهریور ۱۳۷۰)، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵). تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. بررسی نظریه‌پردازها در ترویج. جلد اول ترویج و توسعه. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- کرمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. بررسی نظریه‌پردازها در ترویج. جلد دوم مدیریت، نظامها و عوامل اجرایی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- گراول، آی.اس و تامبر، ا.اس. (ویراستاران). مقدمه‌ای بر آموزش ترویج، ترجمه سیروس سلمان‌زاده. اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۷.

عمران روستایی (در ایران)

• تأمین نسبی عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی) بین شهر و روستا.

بهسازی، در واقع رویکرد جامعی بود که به سرعت توجه آن از اصلاح بافت فیزیکی روستا فراتر رفته و به حوزه‌هایی همچون توسعه یکپارچه روستایی، توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق محروم، سطح‌بندی روستاها و تجهیز مراکز روستایی، ساماندهی توسعه اقتصادی اجتماعی



فضاهای روستایی و توسعه اشتغال و درآمد در روستاها گسترش یافته است. به موازات فرایند کار بهسازی، طرح هادی روستاها در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تبیین و اجرایی شد (← طرح هادی روستایی). طرح هادی، طرحی است که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت موجود، میزان و مکان گسترش آبی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری، کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و نیازمندیهای عمومی روستایی را حسب مورد، در قالب مصوبات طرحهای فرادست تعیین می‌کند.

به موازات برنامه‌ها و اقدامات فوق، در راستای عمران و آبادانی روستاها، برنامه‌های دیگری همچون راهسازی، آبرسانی، برق‌رسانی، ایجاد و تجهیز نواحی روستایی، طراحی و اجرای دفع فاضلاب و ضایعات روستاها، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن، بهسازی بافت‌های باارزش روستایی و مقاوم‌سازی سکونتگاههای روستایی در برابر بلایای طبیعی نیز به انجام می‌رسد.

در حال حاضر، حدود ۹۰٪ از روستاهای دارای ۲۰ خانوار جمعیت و بیشتر در سطح کشور، از تأسیسات آب

دسترسی، آب آشامیدنی، انرژی برق، بهسازی بافت فیزیکی، مسکن و دیگر تأسیسات رفاهی و خدماتی منجر می‌شود و علاوه بر تأمین نیازهای زندگی روستاییان، زمینه لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

عمران روستاها که همواره به‌عنوان جزئی از فرایند توسعه، کم‌وبیش مورد توجه قرار داشته، با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش) از سرعت فزاینده‌ای برخوردار شده است. تأسیس جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) به فرمان رهبر انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ش) دایره بر بسیج امکانات و نیروهای کشور برای سازندگی روستاها، نشان از توجه جدی به رفع محرومیت‌های گسترده روستاها و کاهش فاصله موجود میان نقاط شهری و روستایی در برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های توسعه داشت. گستره جغرافیایی و موضوعی رویکرد نظام در توجه به آبادانی روستاها، با شروع به کار نهادهای دیگری، همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و کمیته امداد امام خمینی(ره)، گستره وسیع‌تری یافت و برنامه‌ها و طرحهای مختلفی در این زمینه تهیه و اجرا شد که هنوز ادامه دارد.

بهسازی روستاها (← بهسازی روستایی)، از جمله نخستین و مهم‌ترین برنامه‌های جهاد سازندگی برای توجه هدفمند به عمران روستاها و سرانجام توسعه روستایی است. طرح بهسازی، به‌عنوان تهیه و اجرای طرح جامعی تعریف شده بود که ضمن انجام بررسیهای اقتصادی و اجتماعی در سطح دهستان و روستاهای حوزه نفوذ با محوریت مرکز دهستان و یا روستاهای مرکزی، به امر سطح‌بندی خدمات، اعم از خدمات اجتماعی و زیربنایی در سطح دهستان و یا حوزه نفوذ پرداخته و در نهایت، به تهیه طرح هادی روستایی مرکزی منجر می‌شد. اهداف طرح بهسازی عبارت بودند از:

- ایجاد مراکز برای پشتیبانی از کشاورزی؛
- ایجاد مراکز برای استقرار واحدهای صنعتی؛
- رونق‌بخشی به خدمات تجاری؛
- بهبود اوضاع فیزیکی محیط زیست روستاییان؛
- نگهداشت جمعیت روستایی و تعدیل روند مهاجرت؛
- دستیابی به خدمات موجود در مراکز شهری؛ و

آشامیدنی برخوردارند که ۵۹٪ آن، آب آشامیدنی بهداشتی است. همچنین حدود ۹۹/۹٪ از روستاهای دارای ۲۰ خانوار جمعیت، بیشتر از انرژی برق برخوردارند و ۷۹٪ آنها به راه روستایی مناسب دسترسی دارند. تاکنون ۱۹۹ ناحیه صنعتی روستایی آماده‌سازی و تجهیز شده و برای حدود ۹۷٪ روستاهای بالاتر از ۱۰۰ خانوار، طرح بهسازی یا هادی تهیه و در بسیاری از موارد به اجرا درآمده است.

کتاب‌شناسی:

- اداره کل بهسازی روستاها. *عمران روستایی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی*. معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی (سابق)، ۱۳۶۷.
- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. *سابقه و عملکرد توسعه روستایی در وزارت جهاد کشاورزی از ابتدای تأسیس جهاد سازندگی*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی*. معاونت عمران روستایی، ۱۳۸۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. *سند توسعه بخش عمران روستایی و عشایری در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۵.
- معاونت صنایع، عمران و توسعه روستایی. *عملکرد ۲۳ ساله تلاش در عرصه عمران و توسعه روستایی*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱.
- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. *گزارش عملکرد ۱۵ ساله بهسازی روستاها*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱.

جانعلی بهزادنسب

ف - ق

فرانوگرایی

Postmodernism

جریانی در حیات فرهنگی جهان معاصر، از جمله در عرصه هنر و فلسفه اجتماعی و به‌طور خاص، در معماری که به‌دنبال نوگرایی (← نوگرایی) وارد عرصه شده است و وجه ممیزه آن، واکنش در برابر هنر و اندیشه مدرن است. زیبایی‌شناسی فرانوگرایی در برابر زیبایی‌شناسی نوگرایی که از اواخر سده ۱۹م تا دهه‌های آخر سده ۲۰م، اسلوب غالب در هنر بود، طی ۳-۴ دهه اخیر، به عرصه آفرینش‌های هنری وارد شده است. مرزهایی که فرانوگرایی را از دیگر اسلوب‌های هنری جدا می‌سازد و سرحداتی که فرانوگرایی را محاط کرده است، آنقدر سیال است که ارائه تعریفی جامع و مانع از آن نامیسر به نظر می‌آید. در عرصه آفرینش‌های هنری، همان‌طور که نوگرایی خود را در تقابل با رئالیسم تعریف می‌کرد، فرانوگرایی نیز خود را در تمایز با نوگرایی تبیین می‌کند. فرانوگرایی ابتدا در عرصه معماری حضور یافت؛ نوگرایی در معماری با ترسیم خط تمایز میان آثار نخبه‌گرایانه و فرهنگ توده و گرایش به آثار نخبه‌گرایانه مشخص می‌شد. فرانوگرایی با واکنش به این گرایش نخبه‌گرایانه به‌سوی مردم‌باوری تغییر جهت داد و به خلاف نخبه‌گرایی بی‌روح هنر و معماری آوان‌گارد، برگشت به سنت‌های محلی و فرهنگ عامیانه را مورد توجه قرار داد.

فرانوگرایی و پساتجدد

دو اصطلاح فرانوگرایی و پساتجدد را نباید با یکدیگر خلط

کرد. پساتجدد به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاصی اشاره دارد که با ظهور اقتصاد پسا صنعتی و خدمات - محور در عصر جهانی‌شدن اقتصاد مطرح شده است، درحالی‌که فرانوگرایی برای جریان‌هایی از هنر و اندیشه به کار می‌رود که به تعبیری با دوران پساتجدد رابطه دارند، یا به تعبیر دیگر، زائیده پساتجدد هستند. فرانوگرایی در حوزه اندیشه اجتماعی، در درجه اول، با نقد دیدگاه‌های ساختارگرایی و عقل‌گرایی که از مشخصه‌های عمده تفکر مدرن بود، شناخته می‌شود. در تفکری که تفکر مدرن نام گرفته است، محور توجه اندیشمندان، ساختن جامعه‌ای بود که در آن دانش علمی و عقل بر همه امور حاکم شود و پیشرفت تاریخ را به‌سوی نیکبختی بشر هدایت کند. این اندیشه با اینکه پیش از این توسط نیچه نقد شده بود، اما اساساً در اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م بود که به‌شدت در معرض انتقاد قرار گرفت.

در فلسفه و نظریه اجتماعی مرتبط با فرانوگرایی، به‌رغم گوناگونی اندیشه‌ها و نظریه‌هایی که زیر این نام گرد آمده‌اند (رورتی، دریدا، فوکو، دولوز، لیوتار)، یک نکته محوری را می‌توان بازشناخت؛ این نکته عبارت است از تعبیر عقل. اندیشه مدرن عقل را ابزار اصلی بازسازی جامعه در مسیر رستگاری ارزیابی می‌کرد، اما در اندیشه‌های فرانوگرایی، مفهوم عقل در معرض یک بازتفسیر عمیقاً متفاوت قرار می‌گیرد و چنین گفته می‌شود که عقل، در واقع شیوه‌ای از کنترل اجتماعی است که کارش نه کشف حقیقت، بلکه تولید حقیقت برای جهت‌دادن به کردارهای اجتماعی خاص است. به‌این ترتیب، درحالی‌که اندیشه مدرن در قالب روشنگری، عقل را نجات‌بخش محسوب می‌کرد،

طرفداری می‌کرد.
کتابشناسی:

- Brossea, M. *The City in Textual Form: Manhattan Transfer's* New York, *Ecumene*. Vol. ۲(۱), ۱۹۹۵.
- Ellin, N. *Postmodern Urbanism*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۶.
- Caves, R. (ed). *Postmodernism. Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Harvey, D. *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origen of Culture Change*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۵.
- *Theories of Moderernity and Postmodernity*. Turner, S. (ed). London, ۱۹۹۰.
- Woods, T. *Beginning postmodernism*. Manchester: Manchester University Press, ۱۹۹۹.

کمال پولادی

فرسودگی شهری ← احیاء شهری

فضا

Space

فضا، عینیتی حاصل از نقش‌پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان و یا به سخن دیگر، پیامد عملکردهای متعامل ۲ محیط اجتماعی- اقتصادی و طبیعی- اکولوژیک است. از این رو، فضا را می‌توان نوعی تولید اجتماعی در مکان بشمار آورد. از آنجا که فضا متشکل از اجزائی مرتبط است، می‌توان آن را یک نظام (سیستم) بشمار آورد و چون این نظام، واقعیتی مکانی- فضایی است، می‌توان از نظام مکانی- فضایی سخن گفت. مفهوم فضا و مفاهیم مرتبط با آن، عمدتاً از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م،

اندیشه فرانوگرا آن را وسیله سلطه از طریق تحریف حقیقت بشمار می‌آورد.

در قلمرو هنر، فرانوگرایی، به‌طور کلی، مجذوب دیگر بودگی فرهنگی، صدای به حاشیه رانده شدگان، مثل سیاه‌پوستان، محرومان، زنان و جهان‌سومیهاست. همین نگرش مثبت به صداها، تجربه‌ها و روایتهای دیگری است که در زبان فلسفه شکل نقد روایتهای بزرگ را به‌خود گرفته است. روایتهای بزرگ در عمده‌ترین وجه خود، یکی شامل روشنگری است که معتقد به پیروزی نهایی عقل عام بر بدویت و خرافه بود و دیگری، مارکسیسم که پرولتاریا را به‌عنوان یک طبقه انقلابی و عام، معمار جهان آینده معرفی کرده بود. پست‌مدرنیستها این نظریه اخیر را مظهری از عقلانیت تمام‌خواه (توتالیتیر) تعبیر می‌کنند که هیچ‌گونه تفاوت، اختلاف نظر و تکثر را تحمل نمی‌کند. فرانوگرایان، مارکسیسم را نیز افسون شده پروژه سرکوبگر تجدد (← تجدد) ارزیابی می‌کنند. مارکسیستها نیز به‌نوبه خود فرانوگرایان را متهم می‌کنند که تاریخ را به بازی صرف فضاهای بی‌عمق تبدیل کرده‌اند و فاعل‌شناسا (سوژه) را چنان ناتوان تصویر می‌کنند که قادر به هیچ کنش سیاسی نیست.

جریان فرانوگرایی در مسائل شهری، به‌ویژه معماری، حامل تفکر و حرکت‌های نوینی بوده است. محورهای مورد تأکید فرانوگرایی در این حوزه، عبارت است از ایجاد فضاهایی که حسی از تداوم تاریخی را در ریخت شهر القا کنند. فرانوگرایی با سبک‌های التقاطی در معماری، آمیزش زیباشناسی مدرن و سنتی شناخته می‌شود. معماری فرانوگرا واکنشی علیه دانشگاهی کردن معماری، سبک بین‌المللی و اندیشه‌های مرتبط با آن، معطوف به نظم، عقلانیت، زاویه‌های راست گوشه، خلوص‌گرایی و استانداردسازی بود. چنان‌که واکنشی بود علیه همنواختی تصنعی و سبک‌پردازانه (stilistic). به‌همین ترتیب، اعترافی بود علیه مقیاس‌های عظیم حجمی که از شاخصه‌های معماری مدرن محسوب می‌شود. فرانوگرایی، برخلاف معماری مدرن که متکی به فرایند برنامه‌ریزی جامع و عقلایی بود، از شکلهای سنتی شهری، ناهمنواختی اجتماعی و فرهنگی و حفظ شکلهای قدیمی بناها و ساختمانهای بازمانده از گذشته

- روندهای اجتماعی - اقتصادی تازه‌ای را مطرح سازد که به نوبه خود بتواند پس از گذشت زمانی معین،
- به الگوهای پایداری منجر گردد که به علت وجود آنها،
- روندهای مکانی - فضایی تحت تأثیر قرار گرفته، در نهایت،
- ساختارهای مکانی - فضایی یا فضاها را جدید پدیدار گردند.

فضا از لحاظ معرفت‌شناسی، از طریق درک ذهنی/تجربید دامنه و مرزهای واحد مکانی و به واسطه تبیین عرصه‌های خاص کنش - واکنش انسانی، یعنی توان برخورد گروه‌های اجتماعی در مکان تشخیص داده می‌شود. نوع و دامنه این برخورد، در عمل، شکل‌دهنده و در عین حال، متأثر از کارکردهای بنیادین آن اجتماع در واحد مکانی مورد نظر است. به این ترتیب، فضا مفهومی اساسی، اما کلی است. نحوه ادراک ذهنی فضا نزد افراد و گروه‌های مختلف انسانی، از لحاظ سطح و مقیاس، متفاوت است. توجه به بُعد مقیاس حاوی ۲ جنبه اساسی زیر است:

- مقیاس مورد استفاده در درک ذهنی پدیده‌های بیرونی - از جمله فضا - و تأثیر آن بر تعبیر و تفسیر آن؛ و
 - نحوه و دامنه متفاوت درک و رفتار افراد نسبت به ادراک و رفتار گروه یا اجتماع کارکردی که به آن تعلق دارند.
- علاوه بر مقیاس، بُعد فاصله نیز در درک فضا، عنصری تعیین‌کننده بشمار می‌آید. بنابراین، فضا ممکن است، به تفاوت، در مقیاسها و ابعاد متنوعی ادراک شود. این ابعاد و مقیاسها در انواع فضاها تجلی می‌یابند. بدینسان، انواع فضاها عبارتند از:

- فضای شخصی، یعنی عرصه‌ای که در آن افراد، به عنوان وجود مستقل، دست به عمل و نقش‌پذیری می‌زنند. این نوع فضا، قلمرویی کوچک و شخصی است که در اختیار هر فرد قرار دارد و او در قالب آن، نسبت به پدیده‌ها و رخداد‌های بیرونی (و دیگر افراد)، دست به ادراک و عمل می‌زند؛
- فضای زندگی، یعنی عرصه‌ای خصوصی که خانوار یا خانواده در آن زندگی می‌کنند. فضای شخصی و فضای زندگی، بنابر ماهیت خود، ممکن است موجب نوعی تفاوت و جدایی‌گزینی نسبت به دیگران شود. درجه و دامنه

نخست در بین جغرافیدانان و بعضی اقتصاددانان (در ارتباط با مفهوم اقتصاد فضا) و سپس در بین سایر رشته‌های علمی مورد استفاده و بحث قرار گرفته است. امروزه در مباحث مرتبط با مطالعات سکونتگاهی و نیز برنامه‌ریزی توسعه، نه تنها از فضا در قالب یک کلیت، بلکه از برنامه‌ریزی فضایی، فضای شهری، فضای روستایی، فضای منطقه‌ای و مانند آن یاد می‌شود. بر این اساس، بررسی و شناخت فضا پیوسته بر مبنای مقیاس معین به انجام می‌رسد؛ از این رو، نظام‌های فضایی در مقیاس بزرگ (جهانی، کشوری و یا منطقه‌ای)، مقیاس متوسط (ناحیه‌ای، محلی، شهری و یا روستایی) و مقیاس کوچک (دهکده، مزرعه، محله، ...) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فضا در بستر مکان و در گذر زمان، همچون هر پدیده اجتماعی دیگر، در معرض تحول و دگرگونی قرار دارد. عنصر اصلی تحول در فضا، قابلیت‌های محیط فرهنگی (به مفهوم عام) و عوامل و نیروهای مادی و معنوی دخیل در آن است. بنابراین، با توجه به اینکه فرهنگ گروه‌های انسانی در اصل به آرامی دگرگون می‌گردد، دگرگونی نظام فضایی نیز پیوسته به‌کندی پدیدار می‌شود. البته، فضا به عنوان یک واقعیت مکانی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در یک مکان (شهر، روستا، منطقه، سرزمین و...) بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی حاکم بر آن نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی، از قانونمندیهای حاکم بر نظام فضایی، و البته تمام نظام‌های محیطی و اجتماعی - اقتصادی، بشمار می‌رود.

فرایند تحول و دگرگونی فضایی را می‌توان در قالب زنجیره‌ای از تعامل عوامل و نیروها، به صورت ساده شده زیر ترسیم نمود:

- دگرگونی در نحوه برخورد با ارزشها، یعنی ارزیابی ارزشهایی که گروه‌های اجتماعی بر اساس آن ویژگی‌های محیطی و اجتماعی - اقتصادی را به سنجش می‌گیرند، ممکن است کم‌وبیش به سرعت تغییر پذیرند؛ بدینسان،
- عملکردهای اجتماعی - اقتصادی در معرض تغییر و تحول قرار دارند که خود می‌تواند،

فضا

بخشی از آن، یعنی محله (← محله) یا واحد همسایگی (← واحد همسایگی) است. در این فضا، نه تنها روابط و مناسبات گوناگون افراد و گروهها جریان می‌یابد، بلکه کنترل اجتماعی نیز تحقق می‌پذیرد. فضای سکونتگاهی، به‌ویژه در محیطهای کوچک شهری و روستایی، در شرایط متعارف، گویای یکپارچگی و نوعی اتحاد جماعت در برابر دیگران است؛

- فضای بین سکونتگاهی، یعنی عرصه‌ای که نوع و دامنه روابط و مناسبات یک سکونتگاه را با سکونتگاههای دیگر، اعم از شهری یا روستایی، تعیین می‌کند. به‌این ترتیب، روابط بین سکونتگاهی، از جمله روابط روستا-روستا، شهر-شهر و همچنین شهر و روستا، در این فضا جریان می‌یابد. دامنه این فضا، از لحاظ مقیاس، ممکن است محلی یا ناحیه‌ای و از نظر شعاع عینی عمل، ۱۰-۲۰ کیلومتر باشد؛
- فضای منطقه‌ای یا عرصه‌ای که مجموعه‌های شهری و

این جدایی‌گزینی همیشه و همه جا یکسان نیست و به نوع ادراک، ارتباط و دامنه تعلق فرد یا خانوار به دیگر افراد و خانوارها بستگی دارد؛

- فضای کار که در آن، ضمن پرداختن به فعالیت فردی یا مشترک، مبادله اطلاعات نیز میان افراد و گروههای همگن و هم‌منفعت صورت می‌پذیرد. این فضا در محیطهای روستایی یا کوچک شهری ممکن است دامنه‌ای بسیار وسیع و در حد کل سکونتگاه و یا دامنه‌ای محدود و در حلقه چند خانوار و یا حتی یک خانوار معین داشته باشد. نوع و مناسبات تولیدی و دامنه روابط فرهنگی-اجتماعی در تعیین دامنه این فضا نقش بارزی برعهده دارد؛
- فضای همسایگی، یعنی عرصه‌ای که ۲ یا چند واحد مسکونی را در محیطهای شهری و روستایی با یکدیگر در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌دهد. در همین عرصه فضایی است که روابط و منافع مشترک واحدهای همجوار تحقق می‌پذیرد و از آن حفاظت و پاسداری می‌شود؛



روستایی را دربر می‌گیرد و تعامل بین افراد، گروهها و سکونتگاهها در آن، ابعاد دامنه‌داری را شامل می‌گردد. شعاع

• فضای سکونتگاهی، شامل تمام انواع عرصه‌های محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی کل یک اجتماع و یا

فضای باز

- Lefebvre, H. *The Production of Space*. Oxford and Cambridge: Blackwell, ۱۹۹۱.
- Thrift, N. *Spatial Formations*. London: Sage, ۱۹۹۶.

عباس سعیدی

فضای باز

Open Space

این اصطلاح در برنامه‌ریزی شهری به حوزه‌های ساخته نشده‌ای اطلاق می‌شود که برای ساخت و ساز منظور نمی‌شوند و در بین عرصه‌های ساخته شده، به‌استثنای زیرساخت‌های حمل و نقل و میدانی شهری، قرار دارند. اجزاء اصلی فضای باز را عرصه‌های سبز شهری، شامل اراضی کشاورزی، جنگل‌ها، مراتع، چمنزارها، پارک‌ها، عرصه‌های مستقل سبز و فضای سبز شهری (← فضای سبز شهری)، همچنین عرصه‌های آبی و سایر عرصه‌ها که در معرض تغییر و تبدیل نیستند و جزء چشم‌انداز جغرافیایی (← چشم‌انداز جغرافیایی) بشمار می‌آیند، تشکیل می‌دهند. خصوصیت اصلی چهره فضایی فضاهای باز، محفوظ ماندن و تداوم آنهاست. فضاهای باز، در چارچوب توسعه پایدار، عنصری از توسعه فضا بشمار می‌روند که مقدار آنها برابر است با عرصه‌های متراکم ساخته شده و عرصه‌هایی که برای ساخت و ساز در نظر گرفته شده‌اند. فضاهای سبز، در عمل، شکل‌دهی مناسب و حمایت از عرصه‌های شهری را به‌نحوی امکان‌پذیر می‌سازند که امکان حفاظت و بهبود شرایط زندگی انسانی که در محیط‌های متراکم شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، فراهم آید. پشتیبانی یا حفاظت از کارایی زیست‌محیطی شبکه فضاهای باز بیش از هر چیز در گرو خصوصیتی، از جمله وسعت مناسب، حفاظت از تداوم فضایی، پایداری طبیعی اکوسیستم و بهره‌گیری مناسب است.

تعامل در فضای منطقه‌ای ممکن است تا چند ۱۰ کیلومتر و حتی بیشتر باشد. این‌گونه فضا برای محیط‌های کوچک شهری و روستایی گاهی فضای اثرپذیری خوانده می‌شود:

• فضای ملی، عرصه‌ای فراگیر که محیط‌های شهری و روستایی را نه فقط در برابر عوامل و نیروهای تأثیرگذار بیرونی - از جمله برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی - قرار می‌دهد، بلکه جایگاه کارکردی انواع سکونتگاه‌ها را در محاسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی، در مقیاس سرزمینی، مشخص می‌سازد؛ و

• فضای جهانی یا عرصه‌ای که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر محیط‌های شهری و روستایی در سطح ملی اثرگذار است و در مناسبات امروزی، در چارچوب دهکده جهانی، گویای دامنه تعامل، نحوه نقش‌پذیری و شکل پاسخگویی فضاهای مختلف در برابر تحولات جهانی است.

کتاب‌شناسی:

- Benko, G. and Strohmayer, U. (eds). *Space and Social Theory: Interpreting Modernity and Postmodernity*. Oxford and Cambridge: Blackwell, ۱۹۹۷.
- Bunge, W. *Theoretical Geography*. Lund, ۱۹۶۲.
- Cox, K. Concepts of Space, Understanding in Human Geography and Spatial Analysis, *Urban Geography*, ۱۶, ۱۹۹۵.
- Gregory, D. *Geographical Imaginations*. Oxford and Cambridge: Blackwell, ۱۹۹۴.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. London and New York: Edward Arnold, ۱۹۷۲.
- Hartshorne, R. The Concept of Geography as a Science of Space, *Annals of the Association of American Geographers*, ۴۸, ۱۹۵۸.
- Lee, R. and Wills, J. (eds). *Geographies of Economies*. London and New York: Edward Arnold, ۱۹۹۷.
- Keith, M. and Pile, S. (eds). *Place and Politics of Identity*. London: Routledge, ۱۹۹۳.

Green Space

منظور از فضاهای سبز شهری، سطوحی از کاربری زمین (← کاربری زمین) شهری است که از پوشش گیاهی طبیعی یا مصنوعی پدید آمده باشد. فضاهای سبز شهری هم واجد بازدهی اجتماعی و هم واجد بازدهی اکولوژیکی هستند.

تمام انواع فضای سبز شهری واجد بازده اجتماعی نیست، برای مثال باغهای میوه در شهر، هم بازده اکولوژیکی و هم به خاطر محصولات خود، «بازده اقتصادی» دارند، اما فضای خصوصی تلقی می‌شوند و بازدهی اجتماعی یا عمومی ندارند.

منظور از بازدهی اکولوژیکی، سالم‌سازی محیط شهری، کاهش گرمای محیط، تولید اکسیژن و افزایش نفوذپذیری خاک در مقابل انواع بارشهای جوی است. از دیدگاه زیست‌محیطی، فضای سبز شهری، بخش جاندار یا بخش نرم کالبد شهر محسوب می‌شود.

فضای سبز شهری، از دیدگاه شهرسازی، دربرگیرنده بخشی از سیمای طبیعی شهر است که به‌عنوان عامل حیاتی در درون و یا پیرامون کالبد شهر، جزئی از ساختار مرفولوژیک شهر را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، دارایی سبز شهر، صرف‌نظر از فضاهای سبز عمومی، از فضاهای سبز خصوصی، فضاهای کوچک حیاط منازل، فضاهای بزرگ باغهای خصوصی و محوطه کاربریهای دولتی تشکیل می‌شود. فضای سبز علاوه بر تقسیم‌بندی از لحاظ مالکیت، از نظر گونه‌شناسی نیز طبقه‌بندی می‌شود: زمینهای با پوشش گیاهی کوتاه (نازک و کم حجم) به‌صورت علفزار و چمنزار، سطوح سبز نامیده می‌شوند و زمینهای با پوشش گیاهی بلند یا نسبتاً بلند، نظیر باغها، جنگلها و بیشه‌زارها، فضای سبز خوانده می‌شوند. از نظر طراحی شهری فضای سبز به‌علت تعدد حجم به‌عنوان فضای مثبت و سطوح سبز که عاری از درخت هستند و منحصر به چمنزارند، فضای منفی تعریف می‌شوند.

مهم‌ترین اثر فضای سبز در شهرها، کارکردهای زیست‌محیطی یا بازدهی اکولوژیکی آنهاست که شهر را به‌عنوان محیط زندگی انسانها مساعد زیستن می‌سازد، و با آثار مخرب گسترش صنعت و حمل‌ونقل مقابله می‌کند.

شبکه‌های فضای باز با هدف حفاظت از کارکردهای بوم‌شناختی آنها و خصوصیت و زیبایی چشم‌انداز و بسترسازی برای کانونهای استراحتگاهی و گذران اوقات فراغت شهروندان ایجاد می‌شوند. این اهداف تنها از طریق نگهداری و مراقبت از فضاهای باز در برابر موارد نامتناسب با کارکردهای متصور آنها، تحقق می‌پذیرد. عرصه‌های اولویت‌دار حفاظت از فضای باز عبارتند از: حفاظت اقلیمی و اکوسیستمها، پاکسازی هوا، حفاظت از چشم‌اندازها، آبها، خاکها و مانند آن.

ایجاد شبکه فضای باز به‌ویژه در مجموعه‌های بزرگ شهری و محیطهای پیرامونی آنها، با توجه به‌ضرورت برقراری توازن بین هزینه‌های موجود و متصور زیست‌محیطی در درون فضاهای متراکم ساخته شده که به‌خصوص در نواحی شدیداً شهری، با حفاظت و بهبود استانداردهای زندگی نسلهای موجود و آینده ارتباط دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. بزرگ‌ترین خطری که حفاظت از فضاهای باز را تهدید می‌کند، رشد بی‌رویه شهری و فشار وارده از سوی بخش ساختمان، به بهانه محدودیت فضای آزاد ساخت‌وساز در بسیاری از شهرها و جاذبه این عرصه‌ها برای سرمایه‌گذاری است. سیاستهای فضایی مرتبط با فضاهای باز، حفاظت از آنها را در برابر تراکم ساخت‌وساز و درعین‌حال، حفاظت یا پیشبرد کارکردهای طبیعی و تفریحی آنها را مد نظر دارد.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge, ۲۰۰۵.

بوزنا دگورسکا
(عباس سعیدی)

فضای سبز شهری

فضای سبز شهری

علاوه‌براین، پارکهای بسیار بزرگ تفریحی نیز در پیرامون شهر احداث می‌شوند، تا در هنگام لزوم مانند ایام تعطیلات، روزهای گرم تابستان و یا در تمام فصول برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، و گردش دسته‌جمعی مورد استفاده شهروندان قرار گیرد.

• **فضاهای سبز درون‌شهری.** این فضاها اغلب به‌صورت پارکها یا بوستانهای شهری احداث می‌شوند و از نظر شهرسازی، بافت نرم و فضای گشوده شهری (در مقابل بافت سخت و فضای پر ساختمانها) بشمار می‌روند. فضاهای سبز علاوه‌بر بازدهی اکولوژیکی بازده اجتماعی برای گذران اوقات فراغت، پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، بازی، گردش و نظاره و پیک‌نیک نیز دارند. پارکها علاوه‌بر تأمین فضای سبز شهری، فضاهای عمومی، فضاهای بازی، ورزشی و تفریحی و آموزشی را نیز در خود جای می‌دهند. علاوه‌براین، پارکها برای شهروندان در هنگام خطر سیل و زلزله تسهیلات پدافندی دارند. علاوه‌بر فضای سبز گسترده درون‌شهرها که باغ، بوستان و پارک نامیده می‌شود، فضای سبز کنار خیابانهای شهر که به‌صورت خطی امتداد می‌یابد در صورت به هم پیوستگی، شبکه‌ای فراگیر از درختان سبز را به‌وجود می‌آورد که ارزش اکولوژیکی آن بسیار بیشتر از پارکها و باغهای پراکنده است.

فضای سبز پارکها از نظر شهرسازی و برحسب عملکرد اجتماعی، در ۳ مقیاس طبقه‌بندی می‌شوند: پارکهای در مقیاس واحد همسایگی (←) واحد همسایگی) و محله (← محله)، پارکهای کوچکی هستند با مساحت حدود یک هکتار در مرکز محله که اهالی محله در کمترین زمان با پیاده‌روی بدان دسترسی داشته باشند. پارکهای منطقه‌ای که در یک بخش مسکونی شهر قرار دارند و مساحت آنها بین ۸-۱۰

بنابراین؛ فضای سبز سبب افزایش کیفیت زیستی شهرها می‌شود. مؤلفه‌های توسعه کالبدی و توسعه حمل‌ونقل شهری به محیط زیست طبیعی شهرها آسیب می‌رساند. در مقابل، فضای سبز مناسب شهری در کاهش اثرات این مؤلفه بسیار مؤثر هستند، به‌ویژه در رابطه با گردوغبار و آلودگیهای هوا. فضای سبز شبه جنگلی همانند ریه‌های تنفسی شهرها بشمار می‌روند. مهم‌ترین اثرات فضای سبز در شهرها، تعدیل دما، افزایش رطوبت نسبی، لطافت هوا و جذب گردوغبار و تولید اکسیژن است. با توجه به این اثرات حیاتی فضای سبز شهری باید از نظر کمی و کیفی متناسب با حجم فیزیکی شهر (راهها و ساختمانها) و نیازهای جامعه (گذران اوقات فراغت و نیازهای بهداشتی) تأمین شود، تا بتواند به‌عنوان فضای سبز فعال، بازدهی زیست محیطی مستمری داشته باشد.

فضای سبز شهری اشکال گوناگونی دارد و بنابر کاربرد آن، دسته‌بندی می‌شود. به‌طورکلی، فضاهای سبز را می‌توان به ۲ گروه تقسیم کرد: فضای سبز برون‌شهری و فضای سبز درون‌شهری.

• **فضای سبز برون‌شهری یا پیرامون شهری.** نقش فضاهای سبز پیرامون شهر متعدد است؛ نخستین نقش آن کنترل و مهار گسترش بی‌رویه شهرهاست. از این‌رو، به‌عنوان محدوده سبز یا کمربند سبز به‌شکل پارکهای جنگلی برای جلوگیری از توسعه گسترده شهرها ایجاد می‌شوند.



متفاوت است. برای تعیین وسعت و حجم فضای سبز مورد نیاز شهرها از دیدگاه محیط زیست، نخست بایستی شرایط طبیعی و محیطی شهر و منطقه آن بررسی شود؛ سپس براساس نیازهای معین و مشخص، به منظور تعدیل شرایط ناهنجار اقلیمی، تا آنجا که فضای سبز چاره‌ساز باشد، ارائه طریق شود.

براساس مطالعات و بررسیهای وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)، سرانه متعارف و قابل قبول فضای سبز شهری در ایران بین ۷-۱۲ مترمربع تعیین شده است. البته این رقم در مقایسه با شاخصهای تعیین شده از سوی دفتر محیط زیست سازمان ملل متحد (سرانه ۲۰-۲۵ مترمربع)، رقم کمتری است.

از دیدگاه محیط اجتماعی، آنچه در ارتباط با فضای سبز شهری اهمیت دارد، میزان فضای سبز عمومی است؛ یعنی فضای سبزی که استفاده عمومی از آن بدون مانع انجام پذیرد. لازم به تأکید است که سرانه فضای سبز صرفاً در ارتباط با فضاهای سبز عمومی مطرح می‌شود، زیرا فضاهای سبز خصوصی و فضاهای سبز نیمه‌عمومی، مانند محوطه سبز بیمارستانها یا ادارات دولتی، هرچند در بازدهی اکولوژیک نقش مؤثری دارند، اما بنابر عملکردشان، فاقد بازدهی اجتماعی هستند. بنابراین، مفهوم سرانه فضای سبز صرفاً مساحت کلیه فضاهای سبز عمومی (اجتماعی) را دربر می‌گیرد. این نحوه محاسبه به اتخاذ سیاستهای اجتماعی و تأمین رفاه عمومی برای ارتقاء کیفیت محیط شهری کمک شایانی می‌کند.

کتابشناسی:

- سعیدنیا، احمد. «فضای سبز شهری»، کتاب سبز شهرداریها. جلد نهم، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- بهرام سلطانی، کامبیز. «آثار فضای سبز بر بیوکلیمای شهر»، فصلنامه سازمان محیط زیست، ۱۳۶۹.
- بهرام سلطانی، کامبیز. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (محیط زیست). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، ۱۳۷۱.
- رهنمایی، محمدتقی. توانهای محیطی ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰.
- لقائی، حسنعلی. «برنامه‌ریزی و طراحی فضای سبز شهری»، فصلنامه

هکتار است و فضاهای متنوع رفاهی، ورزشی و گردشگری دارند و نیازهای تفریحی یک منطقه مسکونی از شهر را جوابگو هستند.

پارکهای شهری بوستانهای بزرگی هستند، مجهز به تأسیسات و تسهیلات تفریحی گوناگون که برحسب موقعیت، نقش معینی را برعهده می‌گیرند. در شهرهای بسیار بزرگ، پارکهای شهری نیز به همان نسبت بزرگ و مجهزند. بنابراین، در کلانشهرها (← کلانشهر) این نوع پارکها متعدد و متنوع هستند و هریک پاسخگوی بخشی از شهروندان بشمار می‌روند.

معیارهای توسعه فضای سبز

پیش از هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه فضاهای سبز شهری، باید معیارها و استانداردهای توسعه فضای سبز مشخص شود. از دیدگاه حفاظت محیط زیست، از آنجا که فضاهای سبز بخش جاندار ساخت کالبدی شهرها هستند، منطق طراحی حکم می‌کند که میان بخشهای بی‌جان و جاندار ساخت کالبدی، تحت عنوان توده و فضا یا پر و خالی، نوعی تعادل برقرار شود.

وضعیت موجود شهرها به‌علت آلودگیهای صنعتی و به‌ویژه حمل‌ونقل اتومبیلها نه تنها ایجاد فضاهای سبز وسیع را می‌طلبد، بلکه فضاهای سبز به هم پیوسته را هم الزامی می‌کند. فضاهای وسیع و به هم پیوسته می‌توانند موازنه اکولوژیکی را در شهر برقرار سازند. البته استانداردها بیانگر وضعیت بهینه است. استاندارد فضاهای سبز و باز علاوه‌بر ارزشهای اکولوژیکی بُعد اجتماعی، رفاهی و فنی نیز دارند، که باید باتوجه به مکان و موقعیت اقلیمی و فرهنگی خاص ساکنان محل و نیازها و ارزشهای آنان، تأمین شوند.

باتوجه به تفاوتهای اقلیمی، اکولوژیکی و نیز اجتماعی و فرهنگی شهرها، نمی‌توان برای سراسر کشور سطح یا حجم / استاندارد واحدی برای فضای سبز پیشنهاد کرد، زیرا کمیت فضای سبز، و انتخاب گونه گیاهی مناسب به شرایط اقلیمی - به‌خصوص بیوکلیماتیک - هر منطقه بستگی دارد. برای مثال، مقدار و نوع فضای سبز شهر یزد با شهر ساری اساساً به‌علت تفاوتهای اقلیمی و محیطی با همدیگر

فضای عمومی

فضای عمومی می‌تواند مشوق همکنشی اجتماعی (یا برعکس، مانع همکنشی عمومی و امر جامعه‌پذیری) باشد. درحال حاضر، یکی از دلمشغولیهای نظریه‌پردازان شهری مرگ رسمی فضای عمومی به دلیل خصوصی شدن روزافزون فضاهای شهری است. قرار گرفتن مجتمعات تجاری به جای خیابان به عنوان محل خرید، سوق پیدا کردن سکونتگاهها به سوی مجتمعات در بسته و تشدید نظارت بر فضاهای عمومی، مؤید این نگرانیهاست. علاوه بر این، در فضاهای عمومی شهرهای غربی، با سیاستهایی که علیه زنان خیابانی، بی خانمانها و نوجوانان اتخاذ می‌شود، آشکارا حاکی از روحیه عدم رواداری نسبت به گروههایی است که دیگری محسوب می‌شوند. همه اینها موجب بروز نگرانی نسبت به افزایش نابرابری در دسترسی به عرصه عمومی است. البته برخی از مفسران معتقدند، مسئله طرد و شمول مسئله تازه‌ای نیست و همیشه فضای عمومی در حصار برداشت تنگ‌نظرانه از مفهوم شهروندی (← شهروندی) که نسبت به گروههای اجتماعی خاصی التفات بیشتری داشته، قرار گرفته است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. W (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

فیل هوبارد
(کمال پولادی)

فناوری اطلاعات

Information Technology (IT)

فناوری اطلاعات بنابر تعریف انجمن فناوری اطلاعات امریکا (ITAA)، عبارت است از مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده‌سازی، پشتیبانی یا مدیریت سیستمهای اطلاعاتی رایانه‌ای، خصوصاً برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری. به سخن دیگر تبدیل، ذخیره، حفاظت، پردازش، انتقال و

علمی فضای سبز. سال ۲، شماره ۵ و ۶.

- مجنونیان، هنریک. مباحثی پیرامون پارکها، فضای سبز و تفرجگاهها. تهران: انتشارات سازمان پارکها و فضای سبز شهر، ۱۳۷۴.
- هیبرو، بی.جی. جنگل‌داری شهری. تهران: انتشارات سازمان پارکها و فضای سبز شهر، ۱۳۷۴.

احمد سعیدنیا

فضای عمومی

Public Space

فضای عمومی، به طور معمول، به عنوان مکانهایی تعریف می‌شود که همه شهروندان به گونه‌ای آزاد (و قانونی) بدان دسترسی دارند. مکانهای عمومی شهر نه تنها خیابانها، میدانها و چهارراهها، بلکه فضاهای درونی ساختمانهای عمومی، چون کتابخانه‌ها و سالنهای اجتماعات شهرداریها را نیز دربر می‌گیرد. فضای عمومی فضایی است که بین فضاهای خصوصی - خانه‌ها - و فضاهای محل کار قرار دارد و غالباً به عنوان فضاهای آزاد گردهمایی و مشارکت سیاسی، جایی که قشرهای حاشیه‌ای جامعه می‌توانند حقوق خود را به زبان آورند، واجد اهمیت خاص است.

مطالبی که درباره شهر نوشته می‌شود با کمال تعجب غالباً این آئینها و چرخه‌های مربوط به فضای عمومی را در هنگامه توجه به اقتصاد سیاسی از یاد می‌برند. یکی از استثناهای برجسته در این زمینه طرح ناتمام والتر بنیامین با عنوان گذرگاههاست که می‌کوشد جزئیات زندگی مدرن در خیابانهای پاریس را موضوع نظریه‌پردازی قرار دهد. از کتاب جغرافیای طبیعی یان سینکلر تا نثر شفاف مایک دیویس، طی حدود ۵۰ سال پیش از اینکه نوشته‌های بنیامین الهام‌بخش شیوه خلاقانه‌تری در نوشتن خیابان قرار گیرد، نوشته‌های مذکور دائماً بین شرح وقایع جزئی در فضای عمومی از یکسو و تجزیه و تحلیل فرایندهای اقتصادی - اجتماعی از سوی دیگر، اعوجاج داشت. علاوه بر این، سنت پایداری در روانشناسی محیطی و برنامه‌ریزی شهری می‌کوشد تا دریابد، چگونه طراحی

فناوری اطلاعات

از اینها گذشته، فناوری اطلاعات شامل فناوریهای است که فرد را در ضبط، ذخیره‌سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می‌دهند. این معنا شامل فناوریهای نوین، مانند رایانه، انتقال از طریق دورنگار و دیگر وسایل ارتباطی نیز می‌شود.

فناوری اطلاعات در رشته کتابداری، در دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، به این صورت تعریف شده است:

• توسعه و تدوین منابع اطلاعاتی به وسیله رایانه و ایجاد ارتباط از راه دور به وسیله کانالهای الکترونیکی، به نحوی که دسترسی به پایگاههای اطلاعاتی از طریق تلفن و ارتباط تلویزیونی میسر گردد و برون‌داده‌های رایانه‌ای، در قالبهای الکترونیکی قابل انتقال به گیرنده‌های دور دست شوند؛

• مجموعه ابزارهای ارتباطی، اعم از وسایل ارتباط از راه دور، ابزارهای دیداری و شنیداری و ماشینهای مربوط، توأم با دانش و شیوه و مهارت استفاده از آنها در تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به جامعه استفاده کننده؛ و

• فراهم‌آوری، پردازش، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات شفاهی، تصویری، نوشتاری و رقمی به وسیله وسایل الکترونیکی، رایانه و ارتباط از راه دور.

فناوری اطلاعات در هزاره سوم، عمده‌ترین محور تحول و توسعه در جهان منظور شده است و دستاوردهای ناشی از آن، آن‌چنان با زندگی مردم عجین شده است که رویگردانی از آن، اختلالی عظیم در جامعه و در رفاه و آسایش مردم پدید می‌آورد. برای مثال، رایانه‌ای شدن بسیاری از امور جاری مردم، انجام بسیاری از کارهای روزمره بانکی با استفاده از اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در منزل، آموزش الکترونیکی و مجازی و عدم نیاز به حضور در کلاسهای درس و توسعه و ترویج تجارت الکترونیکی از نتایج دستاوردهای فناوری اطلاعات است. اموری که هرچند در مراحل اولیه رشد و تکامل خود هستند، اما در همین حد نیز در رفاه و آسایش انسان نقش بسیار مهمی دارند.

از این‌رو، امروزه تمام کشورها در زمینه فناوری اطلاعات و عمومیت بخشیدن به آن در جامعه تلاشی پیگیر دارند. در ایران نیز برای تربیت نیروی متخصص و کارآمد

بازیابی اطلاعات به شکل مطمئن و امن را فناوری اطلاعات گویند.

به تازگی تغییر اندکی در این عبارت داده شده، تا این اصطلاح به طور روشن، دایره ارتباطات الکترونیک را نیز شامل گردد. بنابراین، بیشتر عبارت *فناوری اطلاعات* / *ارتباطات* (Information and Communications Technology) یا اختصار (ITC) به کار می‌رود.

فناوری اطلاعات بسیار فراتر و مبهم‌تر از علم رایانه است. این اصطلاح در دهه ۱۹۹۰ م جایگزین اصطلاحات پردازش داده‌ها و سیستمهای اطلاعات مدیریت شد که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م بسیار رایج بودند. فناوری اطلاعات معمولاً به تولید، پردازش، نگهداری و توزیع اطلاعات در مؤسسات بزرگ اشاره دارد.

دانش فناوری اطلاعات و رایانه ضمن تفاوت اشتراکاتی با هم دارند. اگر علم رایانه را مشابه مهندسی مکانیک بگیریم، فناوری اطلاعات مشابه صنعت حمل‌ونقل است. در صنعت حمل‌ونقل، وسایل حمل‌ونقل، مانند خودرو، راه‌آهن، هواپیما و کشتی مطرح است که همه آنها را مهندسان مکانیک طراحی می‌کنند. در عین حال، در صنعت حمل‌ونقل مسائل مربوط به مدیریت ناوگان، مدیریت آمدو شد و تعیین راهبرد حمل‌ونقل در سطح شرکت، شهر و کشور مطرح است که ارتباط مستقیمی به مهندسی مکانیک ندارد.

فناوری اطلاعات متشکل از ۴ عنصر اصلی اساسی، یعنی انسان، سازوکار، ابزار و ساختار است. به این ترتیب، در این فناوری، اطلاعات از طریق زنجیره ارزشی که از به هم پیوستن این عناصر ایجاد می‌شود، جریان می‌یابد و پیوسته تعالی و تکامل سازمان را فرا راه خود قرار می‌دهد.

عناصر اصلی فناوری اطلاعات

- انسان. منابع انسانی، مفاهیم، اندیشه و نوآوری؛
- سازوکار. قوانین، مقررات و روشها، سازوکارهای بهبود و رشد، سازوکارهای ارزش‌گذاری و مالی؛
- ابزار. نرم‌افزار، سخت‌افزار، شبکه و ارتباطات؛ و
- ساختار. سازمانی، فراسازمانی مرتبط و جهانی.

فناوری اطلاعات

اطلاعات است برای دانشی که در این تراز، بلافاصله بالاتر از آن واقع است. ساده‌ترین مثال، ارتباط چکیده یک مقاله با اصل مقاله است: هرچند مقاله می‌تواند پاسخگوی سؤالات و از نوع دانش باشد، اما به‌عنوان اطلاعات برای چکیده خود عمل می‌کند.

اطلاعات را به‌صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. از منظر فلسفه، اطلاعات پدیده‌ای است چندشکل (Polymorphic) و مفهومی است چندمعنا (Polysemantic). بنابراین، می‌تواند به‌صورت‌های چندگانه تعریف و تبیین شود. انتخاب گونه تعریف به تراز تجرید انتخابی و نیز به مجموعه شرایط مورد نظر بستگی دارد.

اطلاعات مجموعه‌ای از آگاهی‌هاست، که مبنای اکتشاف و تولید دانش است. واژه‌های داده‌ها و اطلاعات گاهی به‌جای هم به کار می‌روند، ولی اطلاعات از پردازش و پرورش داده‌های خام و پردازش نشده به‌دست می‌آید.

پردازش اطلاعات

پردازش اطلاعات - به‌طور کلی - عبارت است از تغییر و تبدیل اطلاعات موجود به‌صورتی دیگر. بدین ترتیب، هر آنچه که در جهان رخ می‌دهد، می‌تواند به نوعی پردازش اطلاعات تلقی گردد.

برای پیدایش اطلاعات، داده‌های خام باید پردازش شوند تا به اطلاعات پرورش یافته تبدیل شوند. گاهی اطلاعات را به ۲ دسته تقسیم می‌کنند:

• اطلاعات خام؛

• اطلاعات پرورش یافته.

باید توجه داشت که اقدام صرف پردازش داده‌ها به تنهایی باعث تولید اطلاعات نمی‌شود. در حالت کلی، داده‌های پردازش شده (اطلاعات) با پیش‌زمینه ذهنی، ارزشمند بشمار می‌آیند. به‌طور کلی، پردازش فرایندی است که طی آن، داده‌های ورودی (اطلاعات خام) با مجموعه عملیات منطقی یا محاسباتی به خروجی مطلوب (اطلاعات پرورش یافته) تبدیل می‌شوند.

ماهیت اطلاعات

در این زمینه و حرکت سریع در این عرصه، رشته مهندسی فناوری اطلاعات در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تدریس می‌شود.

تعریف فناوری

فناوری، شیوه و شگرد ساخت و کاربرد ابزار، دستگاهها، ماده‌ها و فرایندهایی است که گره‌گشای دشواریهای آدمیان‌اند. فناوری یک فعالیت انسانی است و از این رو، هم از دانش و هم از مهندسی دیرینه‌تر است.

بر این پایه، واژه فناوری اغلب به نوآوریها و نوآوری‌هایی اشاره دارد که از اصول و فرایندهای تازه یافته دانش بهره می‌گیرند. حتی نوآوریهای بسیار کهن، مانند چرخ، نمونه‌هایی از فناوری بشمار می‌روند. از مصداقها فناوری در دوره باستان، فوت کوزه‌گری بوده است. فناوری توانایی انجام کار در تمام سطوح و زمینه‌ها، از جمله طراحی، ساخت، استفاده، تعمیر، نگهداری، تحقیق، توسعه و مانند آن است. امروزه، بسیاری از فناوریها در نتیجه پژوهش به‌دست می‌آیند و پژوهشگاههای فناوری زیادی در سراسر جهان برپا شده‌اند. به سخنی کوتاه، فناوری علم به کارگیری ابزار است.

تعریف اطلاعات

اگرچه تعریفی فراگیر و همه‌جانبه از اطلاعات در دسترس نیست، اما پدیده‌های گوناگونی را می‌توان برحسب زمینه و موضوع، اطلاعات نام داد. معمولاً از ۳ نوع پدیده به نام اطلاعات یاد می‌شود:

• اطلاعات به‌عنوان یک فرایند شناخت محور؛

• اطلاعات به‌عنوان دانش ارائه شده؛ و

• داده‌ها، اسناد، تصاویر، و موارد همانند آنها.

هرچند اطلاعات به خودی خود مهم است، اهمیت واقعی آن به‌سبب دانشی است که می‌تواند از آن ناشی گردد. شایان تأکید است که همچون تمام موارد دیگر، اطلاعات، و دانش برآمده از آن، مشمول ترازهای تجرید هستند: آنچه که در این لایه دانش نامیده می‌شود، خود

داده‌ها می‌گویند.

زمینه‌های فناوری اطلاعات

امروزه، معنای اصطلاح فناوری اطلاعات وسعت بسیاری یافته است و بسیاری از جنبه‌های محاسباتی و فناوری را دربر می‌گیرد. متخصصان فناوری اطلاعات وظایف متنوعی دارند: از نصب برنامه‌های کاربردی تا طراحی شبکه‌های پیچیده رایانه‌ای و پایگاه داده‌های اطلاعاتی. برخی از زمینه‌های فعالیت متخصص فناوری اطلاعات عبارتند از:

- مدیریت اطلاعات؛
- پیاده‌سازی شبکه‌های رایانه‌ای؛
- مهندسی رایانه؛
- طراحی سیستم‌های پایگاه داده؛
- طراحی نرم‌افزار؛
- مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی؛ و
- مدیریت سیستمها.

مهندسی فناوری اطلاعات

در بیشتر کشورها دانش فناوری اطلاعات در دانشگاهها با عنوان رشته فناوری اطلاعات شناخته می‌شود، درحالی‌که در ایران، عنوان مهندسی فناوری اطلاعات به کار می‌رود. همچنین، رشته بین رشته‌ای مدیریت فناوری اطلاعات وجود دارد که از ترکیب دو رشته مدیریت و فناوری اطلاعات پدید آمده است. رشته مهندسی فناوری اطلاعات به چگونگی سازماندهی و ساماندهی داده‌ها و رشته مدیریت فناوری اطلاعات به چگونگی تدوین سیستم و استفاده از داده‌ها می‌پردازد.

از جمله کاربردهای فناوری اطلاعات جمع‌آوری، دسته‌بندی و پردازش اطلاعات است. از این‌رو، کارشناس این رشته باید مبانی رایانه را بداند. به عبارت دیگر، هسته اصلی این رشته همان اصول مهندسی رایانه است، ولی چون یکی از توانمندیهای اصلی کارشناسی این رشته بهره‌وری به موقع و صحیح از اطلاعات است، کارشناس باید دارای اطلاعات جنبی در زمینه‌های مختلف باشد. برای

۲ واژه داده‌ها و اطلاعات تفاوت زیادی با هم دارند. داده‌ها اعداد و ارقام خام تجزیه و تحلیل نشده و واقعیتهایی درباره رویدادها هستند. اطلاعات در عمل زمانی به دست می‌آید که این داده‌ها تنظیم یا به شیوه‌ای معنی‌دار تجزیه و تحلیل شوند.

داده‌ها

به اعداد، حروف، نوشته‌ها، نگاره‌ها و دیگر اطلاعاتی که از انسانها یا دستگاهها سرچشمه می‌گیرند، داده می‌گویند. داده‌ها معمولاً از سوی انسانها یا دستگاهها به صورت نمادهایی قراردادی ارائه می‌شوند. به اطلاعاتی که هنوز روی آنها کار نشده یا به عبارتی پردازش نشده‌اند، داده‌های خام می‌گویند. عبارت داده خام یک عبارت نسبی است، یعنی اطلاعاتی که در یک مرحله پردازش شده بشمار می‌آیند، شاید از سوی دست‌اندرکاران مراحل بعدی هنوز داده‌هایی خام نامیده شوند.

داده‌ها، گروهی از نمادها هستند که رخدادها را نشان می‌دهند؛ یعنی حقایقی هستند که از طریق مشاهده و تحقیق به دست می‌آیند و سرانجام، مواد خام و اولیه‌ای هستند که پردازش نشده‌اند. در اغلب گزارشها و یادداشتهای سازمانی، داده‌ها به چشم می‌خورند. برای مثال، تاریخ و مقدار یک صورت حساب یا چک، جزئیات فهرست حقوق و یا تعداد وسایل نقلیه‌ای که از نقطه خاصی در کنار جاده گذشته‌اند، نمونه‌هایی از داده‌ها هستند. داده‌ها از منابع خارجی و داخلی به دست می‌آیند. داده‌های گرفته شده از منابع خارجی، به آسانی قابل استفاده‌اند. از دیدگاه فرایند تولید داده‌ها، سیستمها می‌توانند به صورت خودکار داده‌ها را تولید کنند.

داده‌ها امروزه معمولاً از سوی انسان و یا رایانه پردازش می‌شوند. در داده‌پردازی رایانه‌ای اطلاعات خام به رایانه وارد می‌شوند. این اطلاعات در آنجا ذخیره شده و روی آنها عملیاتی صورت می‌گیرد؛ پس از اینکه این عملیات (پردازش) صورت گرفت، معمولاً داده‌ها به یک رایانه دیگر یا دوباره به انسانها منتقل می‌شود.

به داده‌هایی که درباره داده‌های دیگر تهیه می‌شوند،

فناوری اطلاعات

فناوری اطلاعات و ارتباطات ماهیت و شکل بسیاری از فرایندهای روزمره انسان را متحول ساخته، فرایندها و کاربردهای جدیدی را به جهانبیان ارائه کرده است. یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از فناوری اطلاعات و ارتباطات، حوزه خدمات کاربردی در بخشهای عمومی و خصوصی است. در حوزه خدمات دولتی، دولت الکترونیک (← دولت الکترونیک) شکل گرفته، در عرصه کسب و کار، تجارت الکترونیک پدید آمده و در زمینه خدمات آموزشی آموزش الکترونیکی در کنار آموزش سنتی مطرح شده است. به این ترتیب، کمتر فعالیتی را می‌توان یافت که از فناوری اطلاعات و ارتباطات متأثر نباشد. کشاورزی و گردشگری نیز در این میان با رواج ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی تا حدودی تغییر ماهیت داده‌اند و شکل جدیدی به خود گرفته‌اند.

کاربردهای فناوری اطلاعات علاوه بر اینها، در بخش وسیعی از کسب و کار توسعه یافته است و نمی‌توان حوزه‌ای از فعالیتهای مرتبط را یافت که فناوری اطلاعات در آن رسوخ نکرده باشد. از این رو، در سالهای اخیر مفهوم کسب و کار الکترونیک پدید آمده است که بیانگر تبدیل و تحول کسب و کارهای مختلف در مواجهه با فناوری اطلاعات است. به عبارت دیگر، کسب و کار الکترونیک، چهره جدید کسب و کارهای بشری در عصر اطلاعات است. با ظهور و توسعه کسب و کار الکترونیک، مشاغل افراد تغییر ماهیت داده و در راستای ارائه خدمات الکترونیکی به ذی‌نفعان و مخاطبان، متحول می‌شوند. کسب و کار الکترونیک محدوده وسیعی از مفاهیم، از جمله تجارت الکترونیک، کشاورزی الکترونیک، تدارکات الکترونیک، گردشگری الکترونیک، بانکداری الکترونیک و مانند آن را دربر می‌گیرد.

کتاب‌شناسی:

- لاودن، کنت. *فناوری اطلاعات*. تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
- مهدوی، محمدنقی. *تکنولوژی اطلاعات و اطلاعات تکنولوژی*. تهران: نشر چاپار، ۱۳۷۹.
- *نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه آموزش و دانش با تأکید بر نقش کتابخانه‌های مجازی*. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران،

مثال، فردی که می‌خواهد از این فناوری در تجارت الکترونیکی استفاده کند، باید با دانش مدیریت آشنا باشد یا فردی که می‌خواهد از آن در آموزش از راه دور بهره ببرد، باید به روشهای آموزش آشنا باشد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان بخش تولیدی

در این رویکرد بر راهبردها و سیاستهای توسعه و تقویت صنایع مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، از جمله صنعت سخت‌افزار، نرم‌افزار و ارتباطات تأکید می‌شود. این رویکرد برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بر توسعه ظرفیتهای ملی و یا حضور در بازارهای بین‌المللی عنایت ویژه دارد. به عبارت دیگر، صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات در این گونه کشورها، یا به عنوان یک صنعت صادراتی در نظر گرفته می‌شود و یا در راستای تأمین نیاز بازارهای ملی و محلی توسعه یافته است. در هر دو حالت، رشد و بالندگی صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک مزیت صنعتی و تولیدی مدنظر قرار دارد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان فرابخش توسعه آفرین

در این رویکرد بر راهبردها و سیاستهایی تأکید می‌شود که فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان زمینه‌ساز و عامل هم‌افزایی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی قلمداد می‌کند. فناوری اطلاعات و ارتباطات در این رویکرد زمینه‌هایی را فراهم می‌سازد، تا بهره‌گیری از قابلیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تسهیل گردد. به عبارت دیگر، فناوری اطلاعات در خدمت رشد و شکوفایی توانهای اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار می‌گیرد. از مصادیق این رویکرد می‌توان توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات در بخشهای صنعت، گردشگری، کشاورزی و بازرگانی را نام برد. به‌هرحال، رویکردهای توسعه فناوری اطلاعات در سطح استانی و ایالتی پیوسته از رویکردهای ملی متأثر است.

کاربردها و خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات

قطب رشد، رویکرد

به‌دنبال آن در ۱۹۵۵م، چاپ مقاله نظریه رقابت انصارطلبانه- نظریه عمومی فعالیت اقتصادی، به معرفی و تکمیل بحث خود در این زمینه پرداخت. البته، ایده اصلی قطب رشد در اصل به اندیشه‌های شومپتر باز می‌گردد؛ او در بحث خود از خوشه‌های نوآوری، می‌گفت، چگونه نوآوری ممکن است شالوده مجموعه‌های کلی مبتنی بر تصمیمات کم‌وبیش اخذشده در یک دوره کوتاه یا بلندمدت را فراهم سازد.

پرو معتقد بود، رشد اقتصادی همه جا یکسان پدیدار نمی‌گردد، بلکه کم‌وبیش و با درجه متفاوت، در کانونها و یا قطبهای معین رشد امکان بروز می‌یابد؛ تنها پس از برپایی صنایع پیشرو در این قطبها و رشد صنعتی آنها، با رواج نوآوری، رشد اقتصادی بر دیگر بخشهای اقتصادی تسری خواهد یافت. نقطه نظرات پرو در آغاز، صرفاً بر رشد اقتصادی تأکید داشت و درواقع، با جنبه‌های مرتبط با الگوی فضایی استقرار فعالیتهای اقتصادی بیگانه بود. علاوه‌براین، او به مفاهیم ضمنی رشد اقتصادی، از جمله عوامل و ساختهای درونی نظام اقتصادی و نیروهای اثرگذار و مرتبط با صنایع و نیز پیوندهای جاری بین واحدهای صنعتی که به‌نوبه خود می‌توانند در تغییر و تحول اجتماعی- اقتصادی به ایفای نقش پردازند، توجهی نداشت. پرو نظریه خود را که در ۱۹۵۵م، قطب رشد خوانده بود، در آخرین مقاله خود به نام جایگاه جدید قطب توسعه در نظریه عمومی فعالیت اقتصادی، منتشرشده در ۱۹۸۸م، به قطب توسعه تغییر داد. او در این مقاله، قطب توسعه را مجموعه‌ای معرفی می‌کند که تأثیر آن به‌صورتی نوآورانه، افزایش پیچیدگی و توسعه کل را زمینه‌سازی و بازده چند بعدی آن را فراهم می‌سازد.

بودویل در ۱۹۶۶م، در عمل، نقطه نظرات پرو را درباره قطب رشد به زبان مفاهیم فضایی برگرداند. بودویل برمبنای صرفه‌جوییهای برونی و صرفه‌جوییهای حاصل از تجمع، معتقد بود، مجموعه واحدهای صنعتی که قطب رشد را تشکیل می‌دهند، بایستی از لحاظ فضایی به‌صورتی مجتمع، در پیوند با یک کانون شهری استقرار یابند. او همچنین به تفاوت‌های منطقه‌ای رشد که این راهبرد فضایی ایجاد می‌کرد،

بی‌تا.

- تیلور، آلن. سازماندهی اطلاعات. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای. ۱۳۸۱.
- رولی، جنیفر. مبانی سیستمهای اطلاعاتی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۱۳۸۰.
- رضائیان، رضا. سیستم اطلاعات مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۱۳۸۰.
- پائو، میراندالی. مفاهیم بازمی‌آورد اطلاعات. مشهد: دانشگاه فردوسی (مشهد)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.
- رجایی، فرهنگ. پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. تهران: آگاه، ۱۳۷۹.

- *Information Technology*. English Wikipedia. Retrieved from wikipedia.org/wiki/on ۰۲۶-۰۹-۲۰۰۷.

- Dadashzadeh, M. *Information Technology Management in Developing Countries*. USA: IRM Press. ۲۰۰۲.

علیرضا شکیبا

قاعده رتبه- اندازه ← سلسله مراتب سکونتگاهی

قطب رشد، رویکرد

Growth Pole Approach

قطب رشد مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی متمرکز در یک کانون معین است که براساس نظریه، قادر است به شیوه‌های نوآورانه، رشد سایر مجموعه‌ها را نیز زمینه‌سازی کند. با توجه به تأکید این رویکرد بر فعالیت نوین صنعتی، قطب رشد را مجموعه‌ای پویا و شدیداً هماهنگ از واحدهای صنعتی در اطراف یک بخش پیشاهنگ یا صنعت پیشتاز بشمار آورده‌اند. براین اساس، قطب رشد قادر است موجبات رشد سریع اقتصادی را فراهم سازد و از طریق تبعات و تسری این رشد، بستر رشد فزاینده سایر بخشهای اقتصادی را مهیا سازد.

رویکرد قطب رشد بر نظریات فرانسوا پرو متکی است. او طی مقاله‌ای با عنوان فضای اقتصادی در ۱۹۵۰م و

اشاره داشت.

منطقه‌ای به‌نحوی بارز غلبه داشته است.

مایک داگلاس (۱۹۹۸م) که نگاهی بسیار نزدیک به جان فریدمن دارد، نقطه نظرات انتقادی و مقایسه‌ای خود را نسبت به رویکرد قطب رشد، به‌ویژه در مقایسه با راهبرد شبکه منطقه‌ای، به‌صورت جمع‌بندی شده، به‌شرح زیر ابراز می‌دارد:

• رویکردهای مختلف قطب رشد با تقلیل‌گرایی و مجردنگری، فعالیت‌های صنعتی شهرها را به‌مثابه بخش راهبردی برای توسعه منطقه‌ای بشمار می‌آورند؛

• بیشتر سیاست‌های مبتنی بر قطب رشد به دنیای واقعی نگاهی مطلق و بر مبنای سلسله مراتب (از بالا به پایین) دارند و بدین ترتیب، به‌نحو ضمنی چنین فرض می‌کنند که وسعت (اندازه) شهر می‌تواند به‌عنوان ملاکی اساسی برای تشخیص و تعیین شهر اصلی یک منطقه به‌کار رود. علاوه‌براین، در این‌گونه قالب‌های فکری، فرض بر آن است که شهرهای هم‌اندازه الزاماً باید عملکردهای مشابه داشته باشند؛

• رویکردهای قطب رشد، سطح توسعه نواحی روستایی را در اغلب موارد، واپس مانده و وابسته می‌داند و توسعه آنها را به انگیزش‌ها و محرک‌های پخش یا تسری به پائین از سوی شهرها متکی می‌دانند؛

• در شیوه برنامه‌ریزی براساس رویکردهای مبتنی بر قطب رشد، گره‌ها یا کانون‌های شهری مهم‌ترین کنشگر بشمار می‌آیند و بدینسان، تفکیک حوزه‌های نفوذ آنها امری بی‌ثمر و غیرلازم تصور می‌شود. به‌عبارت دیگر، مرزهای منطقه‌ای موجود نامشخص و مبهم باقی می‌مانند؛ و بالاخره،

• نوع سیاست‌گذارانها و خط‌مشی‌گذاری در رویکردهای مبتنی بر قطب رشد، اساساً حول ترغیب‌کننده‌های جلب فعالیت صنعتی دور می‌زند. به‌سخن دیگر، بر فراهم‌سازی عمومی زیرساخت‌های اقتصادی برای صنایع شهری و توسعه راه‌های اصلی در سطح ملی که مراکز اصلی و قطب‌های رشد (شهری) را به پایتخت و در صورت گسترش، به بازارهای بین‌المللی متصل می‌سازد، تأکید می‌ورزد.

شواهد عینی حاکی از آن است که پیروی از رویکرد قطب رشد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، در اغلب موارد، به

اساس نظریه قطب رشد بر پایه مفاهیمی چون صنایع پیشاهنگ و واحدهای پیشتاز اقتصادی، مفهوم قطبی شدن، و صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع تشکیل می‌دهد. شاید بتوان گفت، تجمع صنایع و تسری نوآوری‌های اقتصادی مهم‌ترین جنبه‌های این نظریه است. در چارچوب این مفاهیم، فرضها، اصول و راهبردهای نظریه قطب رشد را می‌توان بدین شکل ترسیم کرد:

• صرفه‌جویی‌های داخلی، شامل کاهش هزینه واحد تولید به‌واسطه بزرگی مقیاس و کاربرد فنون جدید تولید، مستلزم وسعت واحدهای تولیدی است؛

• صرفه‌جویی‌های خارجی، از جمله کاهش هزینه واحد تولید به خاطر بهره‌گیری از خدمات موجود شهری، موجب تجمع بیشتر واحدهای تولیدی می‌شود و بنابراین، گسترش واحدهای صنعتی بیشتری را تسهیل می‌کند؛

• با تجمع واحدهای صنعتی، زمینه‌سازی برای جلب بیشتر سرمایه و فناوری به‌سوی کانون شهری مرتبط یا قطب رشد فراهم می‌گردد؛ ارائه امتیازات خاص برای جلب سرمایه و فناوری بیشتر به‌سوی قطب رشد، تسهیل‌کننده این روند خواهد بود؛

• براین مبنای، از طریق رشد واحدهای صنعتی در این کانون، رشد اقتصادی میسر می‌گردد و زمینه تسری آن به سایر بخشها، در سراسر منطقه فراهم می‌آید؛ و

• بدین ترتیب، با توجه به کمبود منابع و امکانات برای رشد و توسعه تمام عیار منطقه‌ای، کانونها یا قطب‌های رشد با تمرکز فعالیتها و خدمات مرتبط شهری و اقتصادی، ایجاد می‌شوند و زمینه رشد اقتصادی سرزمین را- هرچند همراه با عدم تعادل منطقه‌ای- فراهم می‌سازند.

سادگی آشکار این رویکرد، پیشنهادات آن مبنی بر تأکید بر رشد و پویای اقتصادی و قابلیت آن در حل مسائل رشد و برنامه‌ریزی بخشی، همراه با برنامه‌ریزی کالبدی و رشد بین منطقه‌ای، موجب به‌کارگیری نسبتاً وسیع این رویکرد در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی شد. بدین ترتیب، از زمان طرح این نظریه، رویکرد قطب رشد منطقه‌ای در عمل، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، بر کوششهای توسعه

- Metcalfe (eds). London: Harwood, ۱۹۹۱.
- Schumpeter, J. A. *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle*. London: Oxford University Press, ۱۹۳۴.
- Watkins, M. A Stable Theory of Economic Growth. *Canadian Journal of Economics and Political Science*. Vol. ۲۹, ۱۹۶۳.
- Witt, U. (ed). *Evolutionary Economics*. Aldershot: Elgar, ۱۹۹۳.

عباس سعیدی

توسعه نامتعادل منطقه‌ای منجر شده است. البته باید توجه داشت که این رویکرد، همچون تمام راهبردهای فضایی، هرگز نمی‌تواند مستقل از پویای زیربنایی مناسبات اجتماعی-اقتصادی جوامع مطرح گردد. قطب رشد نمونه‌ای آشکار و مستقیم از دخالت دولت در ساختار و پویای جامعه بزرگ‌تری که خود جزئی از آن است، به دست می‌دهد.

کتاب‌شناسی:

- Andersen, E. S. *Evolutionary Economics: Post-Schumpeterian Contributions*. London: Printer, ۱۹۹۴.
- Brookfield, H. *Interdependent Development*. London: Methuen & Co., ۱۹۷۵.
- Hirschman, A. O. *The Strategy of Economic Development*. New Haven, Conn.: Yale University Press, ۱۹۶۱.
- Nelson, R. R., and Winter, S. G. *An Evolutionary Theory of Economic Change*. Mass. and London: Belknap Press, Cambridge, ۱۹۸۲.
- Perroux, F. Note Sur la Notion de Pôle de Croissance. *Economie Appliquée*. Vol. ۸, ۳۰۷-۳۲۰ (reprinted in Perroux, ۱۹۶۹, ۱۷۸-۱۹۰), ۱۹۵۵.
- Perroux, Francois. Economic Space: Theory and Applications. *Quarterly Journal of Economics*, ۶۴, ۱۹۵۰.
- Perroux, Francois. The Theory of Monopolistic Competition; A General Theory of Economic Activity. *The Indian Economic Review*, ۲, Feb. ۱۹۹۵.
- Perroux, Francois. The Pole of Development's New Place in a General Theory of Economic Activity. *Regional Economic Development: Essays in Honor of Francois Perroux*. B. Higgins and D. J. Savoie (eds). Boston: Unwin Hyman, ۱۹۸۸.
- Porter, M. E. *Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance*. New York: Free Press, ۱۹۸۵.
- *Evolutionary Theories of Economic and Technological Change: Present Status and Future Prospects*. P. P. Saviotti and J. S.

ک - گ

کارآفرینی

Entrepreneurship

فرایند بسیج منابع برای برآه انداختن کسب و کار جدید و تولید محصول یا خدمات جدید که با خطر از دست دادن سرمایه همراه است.

واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی Entrepredre به مفهوم تعهد کردن کاری است. براین اساس، کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد.

کارآفرین در زبان فرانسه، ابتدا به کسی اطلاق می‌شد که گروه موزیک یا دیگر فعالیتهای تفریحی و سرگرم کننده را سازماندهی می‌کرد سپس در اوایل قرن ۱۶م این مفهوم برای کسانی به کار برده می‌شد که به مأموریت‌های نظامی اعزام می‌شدند. به تدریج این واژه در قرن ۱۷م کاربرد بیشتری پیدا کرد و فعالیتهای مهندسی، همچون امور ساختمانی و سنگرسازی را نیز شامل شد. با شروع قرن ۱۸م، این اصطلاح برای فعالیتهای اقتصادی به کار گرفته شد. در این قالب، مفهوم کارآفرین، بیش از ۴ قرن مسیر تکاملی خود را پیمود. از این زمان به بعد بود که واژه کارآفرین برای فعالیتهای متنوع و در قالب دیدگاههای مختلف مطرح شد.

سیر تکاملی و تعاریف کارآفرینی

کارآفرینی موضوعی میان‌رشته‌ای است که رشته‌های مختلفی همچون اقتصاد، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت در تکامل آن نقش اساسی داشته‌اند. در تاریخ توسعه اقتصادی، اقتصاددانان کلاسیک،

کار آفرینی

فردی متفکر، جسور و رهبری الهام بخش می‌داند که باید با ترکیب منابع اقتصادی در قالب روشی جدید، عدم تعادل اقتصادی ایجاد کند.



علاوه بر اقتصاددانان، صاحب نظران روان‌شناسی، مدیران، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز به بررسی جنبه‌های مختلف کارآفرینی پرداخته‌اند. مطالعه کارآفرینی در روان‌شناسی بر درک این نکته که چطور صفات افراد مختلف با انگیزش و عملکرد کارآفرینانه آنان ارتباط دارد، متمرکز بوده است. جامعه‌شناسان در شناسایی گروه‌بندی‌های اجتماعی براساس مذهب و نژاد و تأثیر آنها در فعالیتهای کارآفرینانه، تلاشهایی کرده‌اند و مردم‌شناسان نیز بر نقشهای فرهنگ و روابط اجتماعی در کارآفرینی تأکید داشته‌اند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰م نیز نویسندگان علوم مدیریت، به کارآفرینی و اداره امور کسب‌وکارهای کارآفرینانه توجه کردند.

تعریف کارآفرینی از دیدگاه صاحب نظران

ژان باتیست سی معتقد است کارآفرین فردی است که منابع اقتصادی را از حوزه بهره‌وری و سود پائین‌تر، به حوزه بهره‌وری و سود بالاتر، منتقل می‌کند. ژوزف شومپتر می‌گوید: کارآفرین فردی است که

همچون آدم اسمیت و دیوید ریکاردو، نقش مهمی برای کارآفرین در توسعه اقتصادی قائل نبودند. به نظر آنان عوامل تولید، عبارتند از: سرمایه، ماشین‌آلات و نیروی کار که به‌طور خودکار و خودتنظیم توسعه اقتصادی را موجب می‌شوند.

ریچارد کانتیلون در حدود سالهای ۱۷۳۰م برای اولین بار عوامل اقتصادی را به ۳ دسته تقسیم کرد:

- مالکان زمین؛
- عوامل اقتصادی دستمزدبگیر؛ و
- آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر و ریسک در بازار بورس فعالیت می‌کنند.

ژان باتیست سی اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در بسیج منابع اقتصادی براساس اصول بهره‌وری تأکید کرد.

ژوزف شومپتر (۱۹۳۴م) اقتصاددان برجسته، کارآفرینی را موتور محرک توسعه اقتصادی می‌داند و از آن با نام تخریب خلاق یاد می‌کند. این بدان معنی است که کارآفرین، تعادل ایستا را در اقتصاد تخریب و تعادل پویایی را که لازمه توسعه اقتصادی است، ایجاد می‌کند. کار شومپتر در مورد توسعه اقتصادی و کارآفرینی، تأثیر بسزایی بر آثار بعدی در مورد کارآفرینی داشته است، به‌طوری‌که وی را پدر مفهوم کارآفرینی می‌نامند.

در مجموع، ۳ نگرش اصلی اقتصادی در حوزه کارآفرینی وجود دارد:

- مکتب نئوکلاسیک؛
- مکتب اتریش؛ و
- مکتب شومپتر.

در مکتب نئوکلاسیک، کارآفرین یک صاعقه حسابگر است؛ افرادی که به‌سرعت رعدوبرق، گزینه‌ها و فرایندهای مولد را بررسی و بهترین گزینه‌ها را انتخاب می‌کنند. مکتب اقتصادی اتریش، مفهومی پویاتر و غنی‌تر از کارآفرینی مطرح می‌کند. براساس رویکرد این مکتب، کارآفرینان فرصتهای بازار نامتعادل را کشف و از آنها بهره‌برداری می‌کنند تا بازار به موقعیت تعادل برسد.

شومپتر که هوادار مکتب اتریش است، کارآفرین را

کارآفرینی

اجتماعی و حیثیتی است، محصول و خدمت جدید به بازار عرضه کند.

اهمیت و ضرورت کارآفرینی

بی‌شک، روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است، به گونه‌ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نقش محوری داشته‌اند و کشورهای توسعه‌نیافته اهمیت آن را در توسعه اقتصادی نادیده گرفته‌اند؛ سرمایه در دسترس کشورها را کشف و از آنها بهره‌برداری می‌کنند.

تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، مستنداتی برای حمایت از این واقعیت فراهم می‌آورد که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد علت توسعه کشورهای هم‌چون آمریکا، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته‌اند، کارآفرینی است. کارآفرینی هم‌اکنون به‌عنوان یک حرفه ظهور کرده است و همانند دیگر حرفه‌ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی خاص مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی، پرورش پیدا کند.

پارسون و اسملسر، کارآفرینی را یکی از دو شرط ضروری توسعه اقتصادی می‌دانند. (شرط ضروری دیگر به نظر آنان عبارت است از خروجی افزوده سرمایه). شومپتر نیز از جهت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری آن را محور کلیدی توسعه اقتصادی تلقی می‌کند.

امروزه، صاحب‌نظران بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند. مهم‌ترین این نقشها از این قرارند:

- موجب گردآوری پس‌اندازهای عمومی بی‌هدف و سرگردان می‌شود و روند تشکیل سرمایه را بهبود می‌بخشد؛
- منجر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع می‌شود. بنابراین، مشکلات بیکاری (← بیکاری) را که ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی- اجتماعی است، کاهش می‌دهد؛
- به توسعه متوازن منطقه‌ای منجر می‌شود؛
- باعث کاهش تمرکز اقتصادی در جامعه می‌شود؛

ترکیبات جدیدی را در تولید ایجاد می‌کند و کارآفرینی عبارت است از عرضه کالایی جدید، روشی جدید در فرایند تولید، ایجاد بازاری جدید، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در کسب‌وکار.

کرایزر بیان می‌کند، کارآفرینی بر بهره‌برداری از فرصتهای کشف نشده تأکید دارد. در مقابل، به نظر پیتر دراکر کارآفرینی بهره‌برداری از فرصتها برای ایجاد تغییر است و کارآفرین همواره به دنبال تغییر، پاسخ دادن به آن و بهره‌برداری از آن به‌عنوان یک فرصت است.

وسپر می‌گوید کارآفرینان افرادی هستند که رقابت را افزایش می‌دهند، به دنبال فرصتهای مناسبی هستند تا در محیط بازار، نیازهای برآورده نشده را برآورده کنند و عقاید جدید را خلق کنند.

درحالی که، تیمونز معتقد است، کارآفرینی، خلق چیزی ارزشمند از هیچ است، به نظر استیونسون کارآفرینی عبارت است از پیگیری فرصتها بدون توجه به منابعی که در کنترل قرار دارند.

پارستون می‌گوید کارآفرینی رفتاری مدیریتی است که فراتر از ظرفیتهای افراد به‌طور دائم از فرصتها برای دستیابی به نتایج، بهره‌برداری می‌کند. در همین راستا، به نظر تامپسون کارآفرینی موقعیت‌یابی و بهره‌برداری از فرصتهاست.

فری بیان می‌کند کارآفرینی به معنای آغاز یا رشد شرکت نوپا از طریق مدیریت نوآورانه و مدیریت مخاطره‌پذیر است.

لایوسی معتقد است کارآفرین کسی است که فرصت بازار را درک می‌کند و سرمایه لازم را برای بهره‌برداری یکپارچه می‌سازد.

به نظر استونر کارآفرین کسی است که کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدید و سازمان جدیدی را بنیانگذاری می‌کند.

احمدپور و مقیمی معتقدند: کارآفرین فردی است که ایده و فکر جدید داشته باشد و با بسیج منابع از طریق فرایند ایجاد یک کسب‌وکار (کسب‌وکار الکتریکی یا اینترنتی، کسب‌وکار خانگی، کسب‌وکار خانوادگی، کسب‌وکار کوچک و متوسط) که توأم با مخاطره مالی و

کارآفرینی

در یک تقسیم‌بندی ساده کارآفرینی به ۲ دسته شامل کارآفرینی فردی (مستقل) و کارآفرینی سازمانی تقسیم می‌شود:

• **کارآفرینی فردی (مستقل)**، حالتی است که فردی کسب‌وکار مستقلی را ایجاد می‌کند یا نمایندگی آن را از طریق شناسایی فرصت و بسیج منابع و امکانات لازم به دست می‌آورد، درحالی‌که تمرکز او بر نوآوری، توسعه فرایند، ایجاد محصولات یا خدمات جدید است.

• **کارآفرینی سازمانی یا درون‌سازمانی**، شامل پرورش رفتار کارآفرینانه در سازمانی است که قبلاً تأسیس شده است. در این نوع کارآفرینی، یک شرکت یا سازمان، محیطی را فراهم می‌سازد تا اعضا بتوانند در امور کارآفرینی شرکت کنند. در این‌گونه موارد محصولات، خدمات جدید یا فرایندهای نوآورانه از طریق ایجاد فرهنگ کارآفرینانه به ظهور می‌رسند.

فرایند کارآفرینی

کارآفرینی فرایندی است که از عناصر مختلفی تشکیل شده است. مهم‌ترین اجزای این فرایند به قرار زیر است.

• **کارآفرین**. فردی که به صورت آگاهانه تصمیم می‌گیرد کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدیدی را آغاز کند که کلیدی‌ترین جزء فرایند کارآفرینی است.

• **فرصت**. فرصتهای زیادی در جامعه برای کسب‌وکار وجود دارد؛ ولی کارآفرین باتجربه و تحلیل و شناسایی موقعیتهای بازار، فرصتهایی را که از ظرفیت بالایی برخوردارند، برای شروع کسب‌وکار خود برمی‌گزینند؛

• **ساختار**. کارآفرین برای انجام کسب‌وکار خود باید مشخص کند که در قالب چه نوع ساختاری (به صورت فردی، شراکتی یا شرکتی) می‌خواهد فعالیت خود را آغاز کند؛

• **منابع**. منابع مالی و انسانی شناسایی و حمایت سرمایه‌گذاران جلب می‌شود؛ و

• **راهبرد و برنامه کسب‌وکار**. مشخص کردن اهداف کلی، راهبردها و برنامه‌های تفصیلی کسب‌وکار.

• منجر به توزیع مجدد ثروت، درآمد و حتی قدرت سیاسی به صورت عادلانه در جامعه می‌شود؛

• منابع، سرمایه‌ها و مهارتها را که ممکن است بی‌استفاده و سرگردان باقی مانده باشند، به طور مؤثر به تحرک وامی‌دارد؛

• کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. کارآفرینان، پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدیدند. این‌گونه تلاشهای بدیع، موجب تولید فناوری و ماشین‌آلات بهتر و سیستمهای تولیدی مؤثرتر می‌شود و از این طریق، محصولات و خدمات ارتقاء می‌یابد و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و زندگی را راحت‌تر و ساده‌تر می‌کند؛

• تجارت خارجی را که جزء مهمی از توسعه اقتصادی کشورهاست، ارتقا می‌دهد؛ و

• موجب افزایش سود اجتماعی از طریق دولت می‌شود. با درآمدهایی که دولت از طریق مالیات، حقوق گمرکی و واگذاری پروانه کارآفرینان به دست می‌آورد، می‌تواند در پروژه‌های مختلفی همچون احداث جاده‌ها و پلها، سرویسها و تسهیلات آموزشی و پزشکی، حفظ صلح و آرامش و دیگر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی سرمایه‌گذاری کند.

علاوه بر موارد یادشده، می‌توان کارآفرینی را عامل تحریک و تشویق حس رقابت، ترکیب و مهیا کردن عوامل تولید، عامل ساماندهی منابع و استفاده اثربخش از آنها، عامل یکپارچگی و ارتباط بازارها، عامل رفع خلل، شکافها و تنگناهای بازار و اجتماع، یکی از عوامل تولید، عامل کاهش دیوانسالاری اداری (← دیوانسالاری)، عامل تحول و تجدید حیات ملی و محلی، عامل شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، عامل نوآوری و روان‌کننده تغییر و عامل تعادل در اقتصاد پویا، تلقی کرد.

انواع کارآفرینی

کارآفرینی قبول مخاطره در سرمایه‌گذاری و محرک توسعه اقتصادی است. کارآفرینان که با سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز در جستجوی فرصت هستند خلاقیت، مهم‌ترین ابزار آنان برای موفقیت محسوب می‌شود.

کارآفرینی را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند.

کارآفرینی اجتماعی

کارآفرینی فرایندی است که در محیطها و مجموعه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد و طی آن، از طریق نوآوریهای افرادی که به فرصتهای اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، تغییراتی در نظام اقتصادی رخ می‌دهد که در ابعاد فردی و اجتماعی، موجب ایجاد ارزشهای تازه‌ای می‌شود.

اساساً کارآفرینان و رفتار کارآفرینانه در هر زمینه‌ای یافت می‌شوند. مهم‌ترین این زمینه‌ها عبارتند از:

- کسب‌وکار تجاری؛
 - امور اجتماعی، به‌ویژه در پیشگامیها و ابتکارات فردی (کارآفرینی اجتماعی) و پیشگامی و ابتکارات بخش عمومی (کارآفرینی مدنی)؛
 - امور علمی؛
 - امور هنری؛
 - امور ورزشی؛
 - خدمت سربازی و نظام وظیفه؛ و
 - امور اکتشافی و ماجراجویانه.
- مطالعات کارآفرینی همواره متوجه سطح فردی و جنبه‌های اقتصادی شروع یک کسب‌وکار جدید و توسعه آن بوده است. کارآفرینی اجتماعی با چارچوبی سروکار دارد که هم کارآفرینی در حوزه اقتصادی و هم کارآفرینی در حوزه اجتماعی را شامل می‌شود. مفهوم کارآفرینی اجتماعی به معنی کارآفرینی در یک زمینه اجتماعی برای سازمانهای غیرتجاری و اقتصاد اجتماعی را دربر می‌گیرد. سازمانها و افراد به دلایل مختلف به کارآفرینی اجتماعی متوسل می‌شوند؛ مهم‌ترین این دلایل عبارتند از:
- درک مناسب‌تر از نیازهای جامعه؛
 - کیفیت بالاتر خدمات با تمرکز بر آنچه که سازمان بهتر انجام می‌دهد؛
 - عملیات مؤثرتر و کارا تر در سازمان؛
 - افزایش منابع مالی؛
 - استفاده بهتر از منابع مالی؛
 - آزادی بیشتر و انتخاب منابع برای نیل به نیازهای جامعه؛
 - بهبود هماهنگی بین هیئت‌مدیره و نیروهای انسانی؛
 - روابط بهتر با مشتریان و سایر سهامداران بیرونی؛
 - افزایش حس اعتماد ارباب رجوع و سرمایه‌گذاران؛ و

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. *کارآفرینی در سازمانهای دولتی*. تهران: انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- مقیمی، سیدمحمد و احمدپور، محمود. *مبانی کارآفرینی*. تهران: انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- Anderson & Dunkelberg. *Entrepreneurship Starting a New Business*. Harper & Row, ۱۹۹۰.
- Bygrave, William. *The Entrepreneurial Process*. *The Protobal MBA in Entrepreneurship*. New York: John Wiley & Sons, ۱۹۹۴.
- Echols, ana and Neck, Christopher. The Impact of Behaviors and Structure on Corporate Entrepreneurial Success. *Journal of Managerial Psychology*. Vol. ۱۳, No. ۱, ۱۹۹۸.
- Fry, Fred. *Entrepreneurship: A Planning Approach*. New York: West Publishing Company, ۱۹۹۳.
- Hodgetts, Richard and Kuratko, Donald, F. *Effective Small Business Management*. Philadelphia Harcourt College, ۲۰۰۱.
- Holt, David. *Entrepreneurship: New Venture Creation*. New Delhi: Prentice-Hall, ۲۰۰۲.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A Contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, ۲۰۰۱.
- Prokopenko, Joseph and Pavlin, Igor. *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. International Labor Organization, ۱۹۹۱.

سیدمحمد مقیمی

کارآفرینی اجتماعی

Social Entrepreneurship

کارآفرینی اجتماعی

• تداوم یادگیری و بهبود.

مقابل مالکان شرکتهایی به کار می‌برند که مسئولیتهای اجتماعی را در فعالیتهایشان ادغام می‌کنند.

کارآفرینی اجتماعی به صورت‌های مختلف تعریف شده است. برخی از مهم‌ترین این تعاریف عبارتند از:

• کارآفرینی اجتماعی زمینه نوظهوری شامل سازمانهای غیرانتفاعی است که افراد را در شروع کسب‌وکارهای انتفاعی یاری می‌دهند. این سازمانهای غیرانتفاعی که برای نقدینگی به منظور پیشبرد برنامه‌هایشان به ایجاد ارزش اقتصادی می‌پردازند، از منابع خود به صورت خلاقانه برای امور اجتماعی استفاده می‌کنند.

• کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه برنامه‌های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند و یا در استفاده از فرصتهای خدمات اجتماعی با محدودیت مواجهند.

• کارآفرینی اجتماعی زمینه نوظهوری است که به‌ویژه در میان سازمانهای غیرانتفاعی رواج دارد و فعالیتهای اجتماعی خطیر، کسب‌وکار با هدف اجتماعی و فعالیت در زمینه توسعه اجتماعی را شامل می‌شود.

• کارآفرین اجتماعی کسی است که کسب‌وکار غیرانتفاعی را برای ایجاد درآمد به منظور هزینه کردن برای خدمات اجتماعی متقبل می‌شود.

گریگوری دیز یکی از بهترین تعاریف از کارآفرینی اجتماعی را ارائه کرده است. به نظر او، کارآفرینی اجتماعی شور و شوق یک رسالت اجتماعی را با بینش تجاری و بازرگانی ترکیب می‌کند.

هر تعریفی از کارآفرینی اجتماعی باید منعکس کننده نیاز به یک جایگزین برای بازار باشد، که برای کارآفرینان اقتصادی کاربرد دارد. نمی‌توان فرض کرد که نظم بازار به‌طور خودکار باعث حذف آن دسته از سازمانهای اجتماعی می‌شود که استفاده بهینه و کارآمدی از منابع ندارند. تعریف زیر با تأکید بر نظم و قابلیت کاربرد عقاید ارزش‌آفرینی برگرفته از سی (Say)، عوامل تغییر و نوآوری شومپتر، پیگیری فرصتها نزد دراکر و تدبیر و چاره‌اندیشی استیونسون را با یکدیگر ترکیب کرده است. این تعریف رامی‌توان به شرح زیر بیان کرد: کارآفرینان اجتماعی نقش

مفهوم و تعاریف کارآفرینی اجتماعی

اندیشه کارآفرینی اجتماعی حساسیتهای زیادی را برانگیخته است. این اندیشه، مفهوم فعالیت اجتماعی را با تصویری از فعالیت تجاری گونه یا نوآورانه، که توسط پیشروان فناوری به انجام می‌رسد، ترکیب می‌کند. آشکار است که زمان رویکردهای کارآفرینانه در قبال مسائل اجتماعی فرا رسیده است، هرچند بسیاری از تلاشهای دولتی و بشردوستانه کمتر از انتظارات بوده‌اند. از آنجا که مؤسسات مهم اجتماعی ناکارآمد و فاقد کارایی مطلوب هستند، کارآفرینان اجتماعی باید الگوهای نوین را برای سده حاضر به کار گیرند.

ممکن است که زبان کارآفرین اجتماعی تازه و نو باشد، اما کارآفرینی اجتماعی پدیده‌ای جدید نیست. بسیاری از نهادهایی را که ما امروز از آنها بهره می‌گیریم، کارآفرینان اجتماعی بنا نهاده‌اند. علاوه بر سرمایه‌گذارهای غیرانتفاعی و نوآورانه، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند شامل شرکتهای تجاری با اهداف اجتماعی، همچون بانکهای انتفاعی توسعه و سازمانهای مختلط که عناصر انتفاعی و غیرانتفاعی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند، و یا آموزش و استخدام افراد بی‌خانمان باشد. این اصطلاح جدید، حوزه عمل اجتماعی را گسترش می‌دهد، زیرا کارآفرینان اجتماعی از کارآمدترین روشهای خدمت به فعالیتهای اجتماعی بهره می‌گیرند. لاری شین معتقد است، مفهوم کارآفرینی اجتماعی، اصول کارآفرینی را با تمرکز بر کسب‌وکارهای سودآور، هم برای توسعه اقتصادی و هم برای کالاهای عمومی، به کار می‌گیرد.

اگرچه مفهوم کارآفرینی اجتماعی رواج یافته است، اما نزد افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. بسیاری از نهادهای کارآفرینی اجتماعی، به‌استثنا سازمانهای غیرانتفاعی، شروع به سرمایه‌گذاریهای انتفاعی یا درآمدزا می‌کنند. این در حالی است که بسیاری این مفهوم را برای تعریف کسانی به کار می‌برند که یک سازمان غیرانتفاعی را تأسیس کرده باشند. به این ترتیب، هنوز هم عده‌ای این اصطلاح را در

کارآفرینی اجتماعی

ثروت یا برآوردن نیازهای مشتریان، بخشی از این الگو است. اما اینها ابزار یک هدف اجتماعی هستند، نه خود آن هدف. در اینجا، سود مقیاس ایجاد ارزش نیست؛ حتی درجه رضایت مشتریان نیز ملاک نیست، بلکه تأثیرگذاری اجتماعی میزان است. کارآفرینان اجتماعی به دنبال سود بلندمدت اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری، خواهان سرعت بیشتر و ایجاد پیشرفتهای ماندگار و همواره اندیشه تأثیرگذاری مستمر هستند.

• **شناخت و پیگیری فرصتهای جدید.** آنجا که دیگران مسائل و مشکلات را مدّ نظر دارند، کارآفرینان فرصتها را می‌بینند. کارآفرینان اجتماعی تنها به دنبال درک یک نیاز اجتماعی یا دامنه‌های فعالیتهای خود نیستند، بلکه به دنبال تحقق پیشرفتهای و کارآمد ساختن اندیشه خویش هستند؛ افرادی با استقامت و با پشتکارند و الگوها و رویکردهای آنها که اغلب نیز باعث تغییر می‌شود، موجب می‌گردد تا بدانند چه چیزهایی کارآمد یا ناکارآمد است. یک اصل اساسی استقامت آنهاست که با تمایل به فراهم آوردن شرایط لازم ترکیب می‌شود. کارآفرینان به جای برداشتن مانعی که با آن مواجه می‌شوند، از خود می‌پرسند: چگونه می‌توان بر آن غلبه یافت؟ چگونه می‌توان این کار را عملی ساخت؟

• **حضور در یک فرایند مستمر نوآوری، تطابق و یادگیری.** کارآفرینان نوآرند و به دنبال زمینه‌های جدید، ایجاد الگوهای نوین و تدوین رویکردهای تازه هستند. البته همان‌طور که شومپتر می‌گوید، نوآوری اشکال متعددی دارد. نوآوری نیازمند ابتکار و ساخت یک چیز کاملاً تازه نیست، بلکه دربرگیرنده استفاده از یک اندیشه موجود به روش تازه یا در موقعیتی جدید است. بدینسان، کارآفرینان نباید الزاماً مبتکر باشند، بلکه باید در کاربرد آنچه که دیگران ساخته‌اند، خلاق باشند. ممکن است نوآوریهای آنها در تدوین برنامه‌های اصلی یا ایجاد توازن میان منابع و هزینه‌های آنها نمود پیدا کند. در بخش تأمین بودجه، کارآفرینان اجتماعی به دنبال روشهای نوآورانه هستند، تا تضمین کنند که شرکتهای آنها امکان دستیابی به منابع و خلق ارزشهای اجتماعی را دارند. این تمایل به نوآوری،

عوامل تغییر در بخش اجتماعی را به طرق ذیل ایفا می‌کنند:

۱. انطباق با رسالت ایجاد و حفظ ارزشهای اجتماعی (نه ارزش خصوصی)؛
۲. شناخت و پیگیری فرصتهای جدید در راستای آن هدف؛
۳. حضور در فرایند مستمر نوآوری، تطابق و یادگیری؛
۴. فعالیت بدون محدودیتهای وضع شده از سوی عواملی که فعلاً در اختیار نیستند؛ و
۵. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در قبال نهادهایی که در راستای ایجاد نتایج مناسب هستند.

البته این تعریف، تعریفی ایده‌آل است. هرچه فردی به برآورده ساختن این شرایط نزدیک‌تر شود، بیشتر می‌تواند به یک الگوی کارآفرینی اجتماعی دست یابد. آسانی که کارشان نوآورانه‌تر است و پیشرفتهای اجتماعی بیشتری را باعث می‌شوند، کارآفرین‌تر به حساب می‌آیند. کارآفرینان اجتماعی در نظر شومپتر، کسب‌وکار خود را پیوسته اصلاح یا متحول می‌کنند. عناصر مرتبط با این تعریف عبارتند از:

• **عوامل تغییر در بخش اجتماعی.** کارآفرینان اجتماعی اصلاح‌کننده یا متحول‌کننده و درعین حال، دارای هدفی اجتماعی هستند؛ در نحوه انجام امور در بخش اجتماعی تغییرات اساسی ایجاد می‌کنند؛ دیدگاه آنها روشن و واضح است؛ به ریشه علل مشکلات می‌پردازند، نه صرفاً به بهبود آنها، و به جای برآوردن نیازها، آنها را کاهش می‌دهند؛ به دنبال ایجاد تغییرات سیستماتیک و پیشرفتهای پایدار هستند؛ و هرچند به‌طور داخلی و محلی فعالیت می‌کنند، اما فعالیتهای آنها توان بالقوه برانگیختن پیشرفتهای جهانی در عرصه‌های برگزیده آموزش، مراقبتهای بهداشتی، توسعه اقتصادی، محیط زیست، هنر یا هر بخش دیگر اجتماعی را دارد.

• **ترسیم هدف مشخص برای ایجاد و حفظ ارزشهای اجتماعی.** این امر نقطه ثقل و وجه تمایز کارآفرینان اجتماعی از کارآفرینان اقتصادی و حتی شرکتهای دارای مسئولیتهای اجتماعی است. هدف اجتماعی برای یک کارآفرین اجتماعی الزامی و بنیادی است. این هدف برای پیشرفتهای اجتماعی است که نمی‌توان آن را به مزایای شخصی افراد (سود مالی یا مزایای مصرف) تنزل داد. سودآوری، ایجاد

کارآفرینی اجتماعی

را درک می‌کنند؛ به دنبال پیشرفت‌های واقعی اجتماعی در قبال افراد ذی‌نفع یا جوامعی هستند که در آنها فعالیت می‌کنند؛ و همچنین سودآوری سرمایه‌گذارشان را پی می‌گیرند. ایجاد توازن میان ارزشهای سرمایه‌گذاران و نیازهای جامعه بخش مهمی از این چالش است.

• **کارآفرینان اجتماعی در صورت لزوم برای افزایش مسئولیت‌پذیری خود سازوکارهای مشابه بازار را خلق می‌کنند.** آنها پیشرفت خود در زمینه نتایج اجتماعی، مالی و مدیریتی و نه صرفاً حجم داده یا فرایندها را ارزیابی می‌کنند و از این اطلاعات برای اصلاح خود استفاده می‌کنند.

به‌طورکلی، کارآفرینی اجتماعی نمایانگر مجموعه رفتارهای استثنایی است. این رفتارها باید توسط افرادی که توانایی انجام آنها را دارند، ترغیب شوند. آیا هر فردی می‌تواند یک کارآفرین اجتماعی باشد؟ جواب منفی است. حتی رهبران بخش‌های اجتماعی نیز الزاماً نمی‌توانند کارآفرین باشند. همین موضوع در مورد شرکتها نیز صادق است. همان‌گونه که سی، شومپتر، دراکر و استیونسون نیز می‌گویند، هر مدیر شرکتی نمی‌تواند کارآفرین باشد. اگرچه آرزو می‌کنیم که در هر ۲ بخش شاهد کارآفرینیهای بیشتری باشیم، اما جامعه به انواع شبکه‌های مختلف رهبری نیاز دارد. کارآفرینان اجتماعی در واقع بذریه‌های کمیابی هستند. این تعریف نمایانگر جایگاه ممتاز آنها و تضمین‌کننده آن است که نباید به کارآفرینی اجتماعی به‌شکلی محدود پرداخت. برای کمک به خود در یافتن روشهای جدید پیشرفت اجتماعی، با ورود به سده جدید، به کارآفرینان اجتماعی نیازمندیم.

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. *کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمانهای غیردولتی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- Echols and Neck Christopher. The Impact of Behaviors and Structure on Corporate Entrepreneurial Success. *Journal of Managerial psychology*. Vol. ۱۳, N. ۱, ۱۹۹۸.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, ۲۰۰۱.

بخشی از نحوه فعالیت کارآفرینان است. البته، این خلاقیت به یکباره ظهور نمی‌کند، بلکه نوعی فرایند مستمر یافتن، یاد گرفتن و پیشرفت است. نوآوری آینده نامعلومی دارد و خطر ناکامی آن پیوسته وجود دارد. کارآفرینان لازم است در برابر ابهامات، شکیبایی بالایی از خود نشان دهند و مخاطرات پیش روی خود و دیگران را مهار و اداره کنند. آنها در عمل، شکست در یک پروژه را تجربه برای یادگیری می‌دانند، نه یک تراژدی فردی و شخصی.

• **فعالیت بدون محدودیتهای وضع شده از سوی عواملی که فعلاً در اختیار نیستند.** کارآفرینان اجتماعی اجازه نمی‌دهند که منابع محدود مانع از پیگیری دیدگاه‌هایشان شود. آنها در انجام امور و جذب منابع از دیگران کم‌وبیش ماهرتر هستند؛ از منابع کمیاب به بهترین وجه استفاده می‌کنند و با در اختیار گذاشتن آنها برای شرکا و همکارانشان، این منابع محدود را افزایش می‌دهند؛ آنها تمام راه‌های استفاده از منابع، از فعالیتهای خیرخواهانه تا روشهای تجاری و بازرگانی را می‌آزمایند؛ چندان به ضوابط و رویه‌های بخش‌ها متعهد نیستند و راهبردهایی را در قبال منابع برمی‌گزینند که در راستای اهداف اجتماعی آنها قرار داشته باشند؛ خطرات را می‌سنجند و زیانهای احتمالی را پاسخ می‌گویند و بدین ترتیب، عواقب شکست را کاهش می‌دهند؛ خطرات تهدیدکننده سهامدارانشان را درک می‌کنند و از آن برای انتشار این خطر در میان کسانی استفاده می‌کنند که آمادگی پذیرش آن را دارند.

• **ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در قبال نهادهایی که در راستای ایجاد نتایج مناسب هستند.** از آنجا که نظم بازار، به خودی خود، باعث جمع‌آوری شرکتهای ناکارآمد نمی‌شود، کارآفرینان اجتماعی برای تضمین ارزش‌آفرینی خود گامهایی برمی‌دارند. این امر بدان معناست که آنها به دنبال درک نهادهایی هستند که برایشان کار می‌کنند. آنها مطمئن هستند که نیازها و ارزشهای افراد و جوامعی را که به آنها ارائه خدمت می‌کنند، به‌درستی ارزیابی می‌کنند. در برخی موارد، این امر نیازمند ارتباط نزدیک با آن جوامع است؛ آنها انتظارات و ارزشهای سرمایه‌گذاران، از جمله کسانی که سرمایه‌گذاری پولی و زمانی یا تخصصی می‌کنند

کارآفرینی روستایی

مزایای اقتصادی و اجتماعی چشمگیری برای روستاییان به همراه داشته باشد.

توسعه کارآفرینی راهبردی مناسب برای توسعه روستاهاست و از آنجا که نسبت به سایر راهبردها هزینه کمتری دارد، برای محیطهای روستایی مناسب تر است. براین اساس، دست‌اندرکاران توسعه کارآفرینی در روستاها بر ۲ فعالیت اصلی تأکید دارند: یکی تشویق و حمایت از کارآفرینان روستایی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید؛ و دیگری تشویق کسب‌وکارهای موجود به گسترش فعالیتهای خود و حرکت به سمت تحقق اندیشه‌های جدید و کارآمد. توسعه کارآفرینی در روستاها مستلزم تأکید بر ۳ پیش‌نیاز اساسی است:

• **توسعه فرهنگ کارآفرینی.** فرهنگ کارآفرینی نوعی فرهنگ اجتماعی است که رفتار کارآفرینانه را ترغیب و حمایت می‌کند. در توسعه فرهنگ کارآفرینی چند هدف اساسی دنبال می‌شود:

۱. ایجاد بستر لازم برای تربیت کارآفرینان روستایی؛
۲. ترغیب روستاییان به مشارکت فعالانه در طرحهای کارآفرینی روستایی؛ و
۳. تشویق سازمانهای دولتی و غیردولتی به حمایت از فعالیتهای کارآفرینی در روستاها.

• **آموزش کارآفرینی.** راه‌اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال در روستاها، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانشها و مهارتهاست. جوانان روستایی اغلب در این زمینه مهارت کمتری دارند. برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی و ارائه مشاوره در این زمینه، از سیاستهای عمده توسعه کارآفرینی در روستاهاست. در این‌گونه برنامه‌های آموزشی، بر ۴ گروه از مهارتهای مورد نیاز کارآفرینان تأکید می‌شود:

۱. مهارتهای علمی و فنی، براساس نوع فعالیت صنعتی؛
۲. مهارتهای مدیریتی، شامل مدیریت مالی، بازاریابی، اداری و امور کارکنان؛
۳. مهارتهای کارآفرینی، شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصتهای جدید در بازار و ارائه راه‌حلهای نوآورانه در مقابله با چالشها؛ و
۴. مهارتهای کارکنان، شامل خوداتکایی، اعتماد به نفس،

- Prokopinko, Joseph and Pavlin, Igor. *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. International labor Organization, ۱۹۹۱.
- Dess, Gregory & Hass Miriamand peter. *The Meaning of Social Entrepreneurship*. kaffiman Center for Entrepreneurial leadership, ۱۹۹۸.
- Point Park College. *Social Entrepreneurship Resources*. Carnegie library of Pittsburgh, ۲۰۰۱.
- Parbhu Ganesh. *Social Entrepreneurial Leadership, Career Development Internationa*. Vol. ۴, No. ۳, ۱۹۹۹.
- Spear Roger. *The Nature of Social Entrepreneurship: Some Findings*. ISTR Conference, Dublin: ۲۰۰۰.
- Thompson, John; Geoff, Alvy and Lees, Ann. *Social Entrepreneurship: A New Look at the People and the Potential*. *Management Decision*. Vol. ۳۸, No. ۵, ۲۰۰۰.
- Thompson, John. *The World of the Social Entrepreneur*. *The International Journal of Public Sector Management*. Vol. ۱۵, No. ۵, ۲۰۰۲.

سیدمحمد مقیمی

کارآفرینی روستایی

Rural Entrepreneurship

روند توسعه روستایی در کشورهای توسعه‌یافته بیانگر این واقعیت است که توسعه آنها در گرو کارآفرینی است. در کارآفرینی روستایی، سرمایه در دسترس کشف و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و براین اساس، شرکتهای کوچک کارآفرین ایجاد می‌شوند و روستاییان به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست می‌یابند. این امر تأثیر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت‌های ناخواسته دارد. روستاها نیز، همچون شهرها، مملو از فرصتهای جدید و کشف‌نشده هستند که کشف و بهره‌برداری از آنها و ایجاد کسب‌وکارهای جدید و رقابت‌پذیر بر آن مبنای می‌تواند



خلاقیت و مسئولیت‌پذیری.

کارکنانی که به سطح بالاتری از مهارت‌های مورد نیاز دست یابند، می‌توانند شرکت‌های خود را از یک شرکت تازه پا به یک شرکت در حال رشد و رقابت‌پذیر در عرصه جهانی تبدیل کنند.

• **توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی.** فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه، به خصوص سرمایه‌های مخاطره‌پذیر، اعطای وام به کارآفرینان، توسعه امکانات حمل‌ونقل و گسترش سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی، اتصال به منابع اطلاعات و دانش همگانی و گسترش امکانات زندگی در روستاها، زمینه را برای توسعه کارآفرینی در روستاها فراهم می‌کند. کشور آمریکا در این زمینه از دیرباز، سیاست‌های عمده‌ای را برای ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینی فراهم آورده است، که چند نمونه آن عبارتند از:

۱. اعطای تخفیف‌های مالیاتی؛
۲. حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای مدرنیزه شدن؛
۳. تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه همکاری و تشکیل شبکه.

کشاورز کارآفرین

این کارآفرینان شامل کشاورزانی هستند که نسبت به محل انجام کار و محل درآمد، در سطوح ابتدایی و اولیه هستند، اما فعالیتهای جدیدی را برای بقا و توسعه و یا ارتباط با کشاورزی شروع می‌کنند. تعهد جدی آنها ممکن است به انتخاب سبک زندگی جدید بینجامد که براساس آن، در یک خانواده کشاورز باقی بمانند. برای این افراد کارآفرینی یک راه افزایش درآمد حاصل از کشاورزی است. از زمانی که رشد محصولات کشاورزی سنتی محدود به تولیدات لبنی شده است، دسترسی به زمین زراعی در فصل کار کشاورزان مشکل است و رشد محصولات غیرلبنی باید از طریق سایر فعالیتهای (کارآفرینانه) به وجود آید. کشاورزان، یک کار جنبی در کنار کشاورزی (که مرتبط با کشاورزی باشد) را به استخدام در شرکتها ترجیح می‌دهند، زیرا ترکیب و انجام کارهای استخدامی در کنار کشاورزی و هماهنگ کردن آن با سبک زندگی روستایی مشکل است.

انواع کارآفرینان روستایی

با توجه به اهداف و انگیزه‌های اصلی برای شروع فعالیتهای جدید، ۳ دسته کارآفرین کشاورز-محور وجود دارد:

- کشاورزان کارآفرین؛
- کارآفرینان منابع-محور؛ و
- کارآفرینان چندکاره.

این ۳ دسته ویژگی که در ۳ دیدگاه کارآفرینی بیان شد، با هم از نظر ویژگیهایی مانند ارتباط با کشاورزی، اهداف شغلی، ایده‌های شغلی، منابع و همچنین فضاهاى رقابتی و همچنین در صفات ویژه شغلی، مثل وسعت شغل، حجم احتیاجات، مالکیت و استخدام تفاوت دارند.

فعالیتهای جدید در کنار کشاورزی توانسته‌اند یک نفر یا اکثر خانواده را درگیر کار کنند. درآمد خانواده‌های کشاورز می‌تواند از کشاورزی، سایر فعالیتهای اقتصادی و یا دستمزد تأمین شود.

کارآفرینی روستایی

فعالیت کارآفرینانه کشاورزی برای این دسته از کارآفرینان اغلب بزرگ‌تر و وسیع‌تر از فعالیتهای جدید دسته قبل است، اما این کار را معمولاً فقط افراد خانواده‌های کشاورزان انجام می‌دهند. این مشاغل جدید الزاماً جزء فعالیتهای کشاورزی نیست و از جمله ممکن است به صورت کار تجاری جداگانه‌ای درآید و صورتهای مالی مستقلی از کشاورزی داشته باشند. عوامل رقابتی مطرح در این قسمت، دسترسی به منابع و ترکیب آنها برای بهره‌برداری است. برای مثال، سرمایه انسانی که نتیجه آموزش و تجارب شغلی است، فرصتهای مناسبی را برای شروع کارآفرینی ارائه می‌کند.

منابع و سرمایه‌های مرتبط با کشاورزی نیز می‌توانند رقابتهای سودآوری را در شروع کارآفرینی ایجاد کنند. اساساً فعالیتهای کارآفرینانه منبع-محور، برای کمک به درآمد انجام می‌شود. کشاورزان منبع منحصربه‌فردی را کشف می‌کنند که هرچه این بهره‌برداری و کشف با کیفیت بهتری انجام شود، فعالیتهای اقتصادی جدیدتری انجام خواهند شد.

کارآفرینان چندکاره

هدف و انگیزه اصلی کارآفرینان موفق، کشف ایده‌های جدید شغلی است. این ایده‌ها لزوماً از منابع کشاورزی سرچشمه نمی‌گیرند.

این نوع کارآفرینان نسبت به ۲ دسته قبل، سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند و ریسک‌پذیری بالاتری دارند، اما این ریسک فقط مالی نیست، بلکه وقت خود را صرف کارهای مخاطره‌آمیزی می‌کنند که ممکن است آنها را از شغل اصلی خود بازدارد. این کارها ممکن است افراد خانواده و سایر افراد روستا یا جامعه را نیز درگیر خود کند. این کارآفرینان در قید اینکه حتماً کار کشاورزی انجام دهند نیستند، بلکه به درآمد بیشتر می‌اندیشند. کارآفرینی ممکن است به یک منبع درآمد بزرگ برای آنها تبدیل شود. این فعالیتهای کارآفرینانه در واحدهای جداگانه‌ای سازماندهی می‌شوند و سرمایه آنها و تعداد افراد شاغل در آنها خیلی بیشتر از ۲ مورد قبل است.

فعالیتهای جدید آغاز شده اغلب بسیار کوچکند و با فعالیتهای اصلی کشاورزی درآمیخته‌اند. بدینسان به‌عنوان دسته جداگانه‌ای از فعالیتهای محسوب نمی‌شوند، تا جایی که حتی صورتهای مالی درآمد و هزینه‌های این‌گونه فعالیتهای جدید و کار کشاورزی از هم مجزا نیستند.

یکی از موضوعات مهم هنگام تصمیم‌گیری برای کارآفرینی این است که این اقدام چگونه با حجم کاری متنوع کشاورزان هماهنگ شود. برای اکثر کشاورزان تا مدتی کار کشاورزی نسبت به فعالیتهای کارآفرینانه نقش بیشتری در درآمد دارد. فعالیتهای جدید کشاورزی بر امکان استفاده از منابع ذخیره شده کشاورزی (مانند نیروی انسانی و ماشین‌آلات) و یا رضایت و میل برای کارآفرینی و یا ترکیبی از این ۲ عامل بنا شده است. موارد زیادی هست که کشاورزان بعد از مدتی از فعالیتهای جدید دست کشیده و برای درآمد بیشتر به کار دیگری پرداخته‌اند.

این دسته از کشاورزان هم راه سنتی را دنبال می‌کنند و هم دنبال نوسازی شیوه‌های کشاورزی هستند.

کارآفرینان منبع محور

انگیزه این کارآفرینان، دستیابی به منابع منحصربه‌فرد و یگانه است. این منابع ممکن است حتی منابع غیرمادی مثل آموزش و تجارب شغلی باشند.

این منابع منحصربه‌فرد، اغلب با کشاورزی و اعضای خانواده کشاورزان در ارتباط هستند که البته در جوامع شهری نیز می‌توانند منبع کارآفرینی باشند.

کارآفرینان منبع-محور، زمین کشاورزی نیز دارند، اما برخلاف کارآفرینان کشاورزی-محور، وابستگی زیادی به کار کشاورزی ندارند و کشاورزی بخشی از درآمد آنهاست. بدینسان، شغل‌های جدید با توجه به درآمد، سطح زندگی و رضایت شغلی برای آنها مهم‌تر از کشاورزی است. آنها فرصتهای دیگری مثل استخدام در شرکتها یا توسعه کشاورزی نیز دارند، اما این راهکارها به آنها اجازه بهره‌برداری از منابع منحصربه‌فرد را نمی‌دهد. این افراد نسبت به دسته قبل، حجم کار کمتری در کشاورزی دارند.

کاربری زمین

که برقرار شده‌اند. برای مثال، کشاورزی ممکن است به‌عنوان نتیجه کشف فرصت‌های شغلی دیده شود، اما در واقع میراثی به جامانده از انگیزه شروع کارآفرینی است که می‌تواند الگویی برای کارآفرینان بعدی باشد.

کتاب‌شناسی:

- Khanka, S.S. *Entrepreneurial Development*. New Delhi: Chand and Company Ltd., ۲۰۰۳.
- Stathopoulou, Sophia; Psaltopoulos, Demetrios & Skuras, Dimitris. Rural Entrepreneurship in Europe: A Research Framework and Agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*. Vol. ۱۰, No. ۶, Emerald Group Publishing Limited, ۲۰۰۴.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A Contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, ۲۰۰۱.
- Prokopenko, Joseph and Pavlin, Igor (eds). *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. Management Development Series. No. ۲۹, International Labour Organization, ۱۹۹۱.
- Keeble, D. and Tyler, P. Enterprising behaviour and the Urban-Rural shift. *Urban Studies*. Vol. ۳۲, No. ۲, ۱۹۹۵.

سیدمحمد مقیمی

کاربری زمین

Land Use

فضاهای رقابتی شغل‌های جدید در این قسمت بر پایه ایده‌های خاص و منحصر به فرد کارآفرینی بنا شده‌اند، در حالی که در ۲ قسمت قبل، بر پایه تلاش کاری کشاورزان و وجود منابع استوار بود. کارآفرینان این بخش در پی یافتن فرصت‌های منحصر به فرد هستند، مثل تفاوت محصولات آنها با محصولات دیگر و طراحی و بازاریابی محصولاتی که بر فروش بیشتر تمرکز دارند. این تمرکز نشان می‌دهد که این کارآفرینان قصد دارند ایده‌های شغلی خود را توسعه بیشتری دهند.

این ۳ دسته کارآفرین که عوامل محرک آنها مختلف است، شروع به کارآفرینی می‌کنند و این گوناگونی می‌تواند برای سیاست‌های استخدامی و یا تحقیقات آتی اهمیت داشته باشد. دیدگاه فرصت‌ها و کشف منابع (منبع-محور) به ندرت موضوع تحقیقات کشاورزی است. دیدگاه جامعه‌شناسی روستایی بیشتر بر کارآفرینی به‌عنوان راهبردی برای انطباق با تغییرات اقتصادی و استخدام در شغل‌های مختلف در مناطق روستایی تأکید دارد.

تفاوت سلیقه و کار کارآفرینان نشان می‌دهد که ابتکارهای جدید و متفاوت به افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه در بین کشاورزان نیاز دارد. این مسئله وقتی به خوبی پدیدار می‌شود که کشاورزان با انگیزه‌ها و اهداف مختلف، در سطوح متفاوت جامعه به کارآفرینی ترغیب شوند. البته، این امر به عکس‌العمل مناسب کارآفرینان به سیاست‌های موجود بستگی دارد. تمام کارآفرینان می‌توانند در توسعه روستاها شرکت کنند. این مشارکت شامل به کارگیری افراد، ایجاد فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از منابع ویژه و محافظت از جنبه‌های فرهنگی است.

درواقع، کارآفرینی صرفاً برای ایجاد شغل انجام نمی‌شود، بلکه میراث و سودی است به‌جا مانده از کارهایی

کاربری زمین

مسکونی برحسب انواع گروههای درآمدی و اقشار مختلف اجتماعی از جمله مباحث مورد مطالعه در برنامه کاربری



زمین است.

زمین در برنامه‌ریزی شهری دارای ۲ مفهوم اصلی است:

- یکی به مفهوم یک منبع طبیعی - مانند آب و هوا - که بهره‌مندی از آن برای رفع نیازهای نسل‌های موجود و آینده اهمیت حیاتی دارد؛ و

- دیگر، به مفهوم نوعی دارایی است که در چارچوب مالکیت خصوصی، به‌عنوان یک کالا تلقی می‌شود و برای کسب منفعت و درآمد شخصی قابل تملک و خرید و فروش است. ایجاد توازن بین این ۲ مفهوم، موضوعی اقتصادی و سیاسی است که امروز در قالب توسعه پایدار مورد توجه قرار دارد. بنابراین، زمین به‌عنوان یک کالای محدود و تجدیدناپذیر، عاملی در تأمین نیازهای مبرم و حیاتی بشر، بستری برای فضای زندگی و یک عامل ارتباطی مهم در ایجاد محیطی قابل زیست، امن و زیبا برای تأمین آسایش بشری بشمار می‌رود، از این رو، کاربری زمین شهری و برنامه‌ریزی برای آن، مهم‌ترین ابزار دولتها و

کاربری زمین که از آن با عنوانهای دیگری، همچون کاربرد زمین، کاربری اراضی، کاربرد اراضی، نحوه استفاده از زمین یا نحوه استفاده از اراضی یاد می‌شود، دارای تعاریف مختلفی است، که کاربری زمین به‌طور کلی، عبارت است از الگوی توزیع فضایی - جغرافیایی عملکردهای مختلف شهر برحسب نواحی مسکونی، صنعتی، تجاری و فضاهای اختصاص یافته برای موارد استفاده اداری، مؤسسات و نهادهای اجتماعی و گذران اوقات فراغت. به سخن دیگر، کاربری زمین بدان معنی است که از هر واحد زمین در سطح شهر به چه صورتی استفاده می‌شود و چه فعالیتهایی در ترکیب با هم در قطعات مختلف زمین استقرار می‌یابند. نحوه استفاده از زمین به‌عبارت ساده، آن است که در وضع موجود در یک شهر، انواع فعالیتهای شهری اعم از مسکونی، درمانی، آموزشی و مانند آن، در چه میزان، وسعت و سرانه‌هایی به‌نسبت انواع حوزه‌های شهری و کل شهر و در چه نوع قطعه‌بندی‌هایی مورد استفاده قرار گرفته

است؛ از کل مساحت، نسبت هریک از این کاربریها چه مقدار است و ارتباط آنها با یکدیگر چیست؟ علاوه‌براین، تا چه اندازه بین آنها ارتباط منطقی وجود دارد. شناخت این ارتباطات، قطعه‌بندیها، مساحتها و موقعیتها در برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) مورد نیاز است. مطالعه کاربری زمین به برنامه‌ریزان کمک می‌کند، تا با توجه به وجود محدودیتها، میزان رفاه اجتماعی را گسترش دهند. عناصر کاربری زمین، متشکل از موقعیتهای مکانی مختلفی است که مردم در آن انواع فعالیتهای خود را سامان می‌دهند.

به‌این ترتیب، مطالعات کاربری زمین می‌تواند شامل انواع ساختارهای اساسی در مورد زمین باشد. پیکرنگاری، زمین‌شناسی، آب و هواشناسی، هیدرولوژی، مقبولیت اراضی خالی، کاربری انواع فعالیتهای زمین، کیفیت ساختاری محیط، قیمت زمین، بافتهای تاریخی، نواحی

کاربری زمین

چهارم که از اواخر دهه ۱۹۵۰م جریان داشت، برنامه‌های سیاستگذاری شهری که حاوی سیاستهای گوناگون توسعه شهری در قالب برنامه‌های میان مدت بود، مورد توجه قرار گرفت. این برنامه‌ها بدون ارائه نقشه کلی یا تفصیلی انجام می‌شد، زیرا پیوندهای اجرایی سیاستها و مشارکت عمومی شهروندان در تدوین برنامه‌ها و پیوندهای اجتماعی-سیاسی به صورت نسبی مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در رویکرد پنجم که سابقه آن به سالهای دهه ۱۹۷۰م و برنامه مدیریت توسعه شهری در کشورهای مختلف باز می‌گردد، توجه ویژه‌ای به مدیریت رشد و توسعه شهر در قالب برنامه‌های کوتاه مدت می‌شد. مشارکت عمومی و فعال شهروندان و اعمال سیاستهای ضروری برای سرمایه‌گذاری توسعه‌زا، در کانون تمرکز این برنامه بود. رویکرد ششم نیز به برنامه‌های ترکیبی کاربری زمین اختصاص دارد که در چارچوب آن، طراحی، سیاستگذاری و مدیریت در تدوین برنامه‌ها با یکدیگر پیوند می‌خورند. در این برنامه، سیاستهای توسعه شهری با اقدامات اجرایی ضروری همراه است و در آن، برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت، با استفاده از نقشه‌های کلی کاربری زمین، مورد توجه واقع می‌شود.

برای مطالعه کاربری زمین برحسب نوع انتظاری که از دریافت اطلاعات مربوط به آن مورد نظر است، روشهای مختلفی وجود دارد. یکی از روشهای معمول در این زمینه، تقسیم شهر به حوزه‌های همگن است. در این روش، هر حوزه همگن خود به بلوکهای مختلفی تقسیم و شماره‌گذاری می‌شود؛ آنگاه از طریق تکمیل پرسشنامه، نوع فعالیتی که در هر قطعه‌بندی زمین از بلوک وجود دارد، برداشت و با ذکر شماره‌های حوزه، بلوک و قطعه در پرسشنامه یادداشت می‌شود؛ بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها و تکمیل برداشت قطعات، فعالیت مربوط به آنها به صورت دسته‌بندی شده، و برحسب نوع فعالیتها معین می‌گردد. به عنوان مثال، برای یک قطعه مسکونی، مساحت زمین، مساحت زیربنا، طبقات ساختمان، نوع فعالیت، جنس مصالح ساختمانی، ارزش زمین، نحوه تصرف، کیفیت استحکام بنا، تعداد افراد خانواده ساکن، عمر ساختمان و مانند آنها در پرسشنامه یادداشت، و نسبت به هر موضوع

سازمانهای مدیریت شهری، به منظور اداره صحیح و منطقی شهرهاست. این عامل، مشخص کننده انواع گوناگون استفاده از زمین، میزان تراکم هر کاربری بر روی قطعه زمین، ارتفاع، اندازه و سیمای ساختمانها، چگونگی ترکیب و تداخل انواع کاربریها، اعم از تجاری، مسکونی، فضاهای عمومی و مانند آنها در شهر و حوزه‌های مختلف آن است که در کشورهای صنعتی براساس نظام حوزه‌بندی تنظیم می‌شود.

رویکرد برنامه‌ای به کاربری زمین، همراه با رشد و توسعه دانش برنامه‌ریزی شهر در دوران بعد از انقلاب صنعتی، ابتدا در اروپا و آمریکا آغاز شد. در اوایل دهه ۱۹۶۰م، موضوع نحوه استفاده از زمین شهری به مفهوم خاص برنامه‌ریزی کاربری زمین، به صورتی مهم و جدی مطرح شد و براساس مفاهیم، مبانی و روشهای هدفمند و منظم استوار گردید. این اندیشه که چگونگی استفاده از زمین شهری موضوعی صرفاً کالبدی و اداری نیست، بلکه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی نیز دامنه وسیعی دارد، به تدریج مطرح گردید. تحقق این مهم، به مطالعات همه‌جانبه، آگاهانه و سنجیده‌ای نیاز دارد. به طور کلی، اندیشه‌های مربوط به سیر تحول مطالعات کاربری زمین در جهان، به ویژه از نیمه دوم سده ۲۰م، به گونه‌های مختلف مطرح شده و این سیر تحول با تغییر نگرش به مفهوم کاربری زمین همراه گشته است. در رویکرد اول از برنامه عمومی در دهه ۱۹۵۰م یاد می‌شود که هدفهای کلی توسعه شهری را در قالب نقشه‌های تفصیلی بلندمدت مورد توجه قرار می‌داد. در رویکرد دوم که به سالهای دهه ۱۹۶۰م باز می‌گردد، برنامه کاربری زمین حاوی سیاستهای کاربری زمین و اهداف اجرایی آن بود؛ این برنامه نیز به صورت نقشه‌های تفصیلی و بلندمدت به انجام می‌رسید. در رویکرد سوم که در دهه ۱۹۶۰م شکل گرفت، برنامه طبقه‌بندی زمین اهمیت یافت. مکانیابی فعالیتها و تعیین عوامل محرک رشد شهری در این برنامه به صورت نقشه‌های کلی و کوتاه مدت صورت می‌گرفت. در این برنامه پیوند اجرایی و مشارکت مردمی در تدوین برنامه‌ها به صورت نسبی مد نظر قرار داشت. در رویکرد

کاربری زمین

- باغها و فضاهای سبز خصوصی، مزارع و اراضی زراعی؛
- نظامی. کلیه اراضی نظامی مانند پادگانها؛
- صنعتی. صنایع سنگین، صنایع سبک، صنایع آلودگی‌زا، صنایع غیر آلودگی‌زا؛
- تأسیسات و تجهیزات شهری. تأسیسات آب، برق، گاز، تلفن، فاضلاب و همچنین آتشنشانی، مراکز جمع‌آوری و دفع زباله، کشتارگاه، غسلخانه، گورستان، جایگاه توزیع سوخت و مانند آن؛
- حمل‌ونقل و انبارها. پایانه، فرودگاه، تأسیسات بندری، ایستگاه راه‌آهن، سردخانه، انبار، توقفگاه عمومی و مانند آن؛
- سایر فعالیتهای شهری.
- نقشه‌کاربری زمین، باید به همراه جدولی ارائه شود که میزان مساحت (به مترمربع)، سرانه (به مترمربع) و درصد هر یک از کاربریها را نسبت به کل شهر و حوزه‌های مختلف آن نشان دهد. ارائه موقعیت هر یک از انواع فعالیتهای در شهر و جدول مربوط به آن، اصلی‌ترین نقشه کاربری زمین محسوب می‌شود. البته، در توجیه بهتر سایر مشخصات کاربری زمین، نقشه‌های دیگری وجود دارد که اهم آنها به قرار زیر است:
- پستی و بلندی زمین؛
- جهات شیب در شهر؛
- کیفیت ایستایی و مقاومت خاک؛
- موقعیت اراضی سیل‌گیر؛
- ساختار زمین‌شناختی؛
- موقعیت گسلها در شهر؛
- موقعیت و عمق آبهای زیرزمینی؛
- موقعیت رودخانه‌ها؛
- چشمه‌ها و قنوات؛
- موقعیت ساختمانها و بافتهای تاریخی؛
- مراحل گسترش تاریخی شهر؛
- محله‌بندی؛
- تراکم جمعیتی؛
- مالکیت زمین؛
- قیمت زمین؛

- به تهیه گزارش و نقشه اقدام می‌شود. این اطلاعات در ارتباط با نوع عملکرد در هر قطعه به صورت دسته‌بندی شده، رنگی یا سیاه و سفید، در یک نقشه که معمولاً مقیاس آن ۱:۲۰۰۰ است، نمایش داده می‌شود. برای سایر موارد نیز می‌توان به تهیه نقشه‌های جداگانه اقدام کرد. دسته‌بندی فعالیتهای در کشورهای مختلف با هم تفاوتی دارد. در ایران، دسته‌بندی انواع فعالیتهای مربوط به کاربری زمین به قرار زیر است:
- مسکونی. تراکم کم، تراکم متوسط، تراکم زیاد، تراکم ویژه؛
- تجاری. تجاری در سطح کل شهر - بازار، دفاتر خدمات، عمده فروشی، بانک و مانند آن؛ تجاری در سطح محله - خرده‌فروشی، خدمات تجاری محله‌ای، بازارهای غیر دائمی، مانند بازار روز، هفتگی و مانند آن؛
- آموزشی. مهدکودک، کودکستان، دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان؛
- آموزش حرفه‌ای و عالی. مراکز آموزش حرفه‌ای، هنرستانها، دانشگاهها؛
- فرهنگی. اماکن تاریخی و فرهنگی، مانند موزه، کتابخانه، تالار اجتماعات؛
- مذهبی. مسجد، حسینیه و تکیه، امامزاده، اماکن مذهبی اقلیتهای؛
- خدمات جهانگردی و پذیرایی. هتل، مهمانسرا، مسافرخانه، اردوگاه جهانگردی، تالارهای غذاخوری، قهوه‌خانه و مانند آن؛
- درمانی. بیمارستان، درمانگاه، خانه بهداشت، مراکز پزشکی و مانند آن؛
- بهداشتی. گرمابه عمومی، آبریزگاه، رختشویخانه و مانند آن؛
- ورزشی. تأسیسات ورزشی مانند استادیوم، تالار سرپوشیده، فضاهای ورزش روباز؛
- اداری. مراکز اداری دولتی، نهادهای عمومی و مراکز اداری خصوصی؛
- فضای سبز. فضاهای سبز عمومی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان، فضاهای سبز حفاظت شده، پارکهای جنگلی،

کاربری زمین

زمین باید مورد توجه قرار گیرد، شامل جامعیت، عمومیت، وضوح، پایداری، سهولت، سودمندی و حساسیت نسبت به درک ماهیت این مطالعات در شناخت، تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی کاربری زمین، است. در تعیین مشخصات مکانی هر نوع استفاده از زمین، یا هر نوع فعالیت شهری، باید ۲ عامل هدایت‌کننده رفاه اجتماعی و رفاه اقتصادی ملاک سنجش قرار گیرد. بر مبنای این ۲ عامل بسیار کلی، ۶ معیار در مکانیابی عملکردهای شهری ملاک برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری قرار می‌گیرد. این معیارها شامل میزان سازگاری با کاربریهای زمین اطراف، سهولت دسترسی به تأسیسات و راههای ارتباطی، به صرفه‌بودن از نظر قیمت زمین و مخارج آبادانی، مطلوبیت از نظر حفظ عوامل محیطی، مانند طبیعت و منظر، سلامتی از نظر رعایت معیارهای بهداشتی و حفظ محیط زیست و حراست از آسایش اجتماعی، و بالاخره، ایمنی در برابر اتفاقات طبیعی و سوانح شهری، کاربریهای ناسازگار و مزاحم است.

در ارتباط با مطالعات کاربری زمین، ۴ دیدگاه ساماندهی، کارکردگرایی، نگرش نظام‌مند و توسعه پایدار قابل تشخیص است. در ساماندهی کاربری زمین، چگونگی تقسیم زمین و تعیین شرایط استفاده از آن به موضوعاتی، مانند مالکیت زمین از نظر وظایف بخش عمومی، جلوگیری از سوءاستفاده‌های اقتصادی از زمین، حفظ بهداشت، ایمنی و رفاه عمومی در برابر مخاطرات طبیعی و صنعتی مورد توجه قرار دارد. هدف اصلی دیدگاه کارکرد گرایی، ساماندهی کالبدی- کارکردی فعالیتهای مختلف شهری به منظور افزایش سطح کارایی شهری و جلوگیری از بروز نابسامانی و آشفتگی در نظام کالبدی شهر است. دیدگاه نگرش نظام‌مند چون شهر نظامی پیچیده، چند بعدی و پویا است، پیش‌بینی تمام اجزاء و تغییر و تحولات آن و برنامه‌ریزی دقیق برای تمام عناصر و اجزاء آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین، برنامه‌ریزی برای آن باید با جامع‌نگری همراه باشد. در نگرش نظام‌مند، هر فضای جغرافیایی و هر محیط ساخته شده (از جمله شهر) یک نظام مکانی- فضایی است که تحت تأثیر عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و کالبدی قرار دارد و شکوفایی

- تراکم ساختمانی؛
- طبقات ساختمانیها؛
- عمر ساختمانیها؛
- جنس مصالح ساختمانی؛
- کیفیت مقاومت انبیه؛
- موقعیت اراضی ثبتي؛
- قطعه‌بندی زمین؛
- شبکه آب، تلفن، برق، گاز و فاضلاب؛
- شبکه دفع آبهای سطحی؛
- موقعیت انواع مراکز آموزشی؛
- موقعیت انواع مراکز درمانی؛
- موقعیت انواع مراکز بهداشتی؛
- موقعیت انواع مراکز تجاری؛
- موقعیت انواع مراکز فرهنگی؛
- موقعیت انواع مراکز مذهبی؛
- موقعیت انواع مراکز صنعتی؛
- موقعیت انواع فضاهای سبز؛
- موقعیت انواع مراکز ورزشی؛
- موقعیت انواع تأسیسات عمومی، مانند کشتارگاه، جایگاه توزیع سوخت، مراکز دفع زباله، پست؛
- درجه‌بندی و سلسله مراتب راهها؛ و
- جنس مصالح سطح معابر.

• بنابراین مطالعات کاربری زمین، به‌ویژه عرصه‌های کالبدی آن، دارای دامنه، وسیع مطالعاتی است. همچنین برحسب مورد، هر کدام از نقشه‌های بالا می‌تواند با نقشه‌های دیگر به توجیه تفصیلی تری از مطالعات بپردازد، مانند نقشه مراکز آموزش که برحسب دخترانه یا پسرانه بودن یا سطح مدرسه وارد وجوه تفصیلی و جزء به جزء می‌شود.

هدف از مطالعات کاربری زمین شهری، پایداری، کارایی و برابری توزیع خدمات و فعالیتهای در سطح شهر و ایجاد تعادل در برنامه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص زمین بین فعالیتهای گوناگون، تا اندازه زیادی متأثر از نیروهای اقتصادی است. معیارهایی که در ارتباط با مطالعات کاربری

کاربری زمین

بعضی از کاربریهای شهری وجود دارد که توجه به آسیب‌پذیری شهرها در برابر سوانح و عوامل طبیعی یا مصنوعی، مانند سیل و زلزله یا آتش‌سوزی و نظایر آنها باید موقعیت موجود و آینده آنها را از حیث استقرار جمعیت، موقعیت راهها و دسترسیها مورد توجه دقیق قرار داد. این موارد شامل انواع مراکز آموزشی، دانشگاهها، بیمارستانها، مساجد، نیروی انتظامی، آتشنشانی، بانک خون، منبع آب آشامیدنی شهر، تأسیسات زیربنایی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی می‌شود که علاوه بر تعیین موقعیت مناسب آنها، از نظر نوع قطعه‌بندی زمین، تراکم جمعیت، ساختمان و نحوه استقرار شبکه‌های ارتباطی نیز حائز اهمیت است. همچنین نحوه قرارگیری انواع کاربریهای زمین از نظر زیست‌محیطی، ارزش اقتصادی، عوامل محیط اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی شهری در مطالعات و برنامه‌های کاربری زمین جای مهمی دارد. برنامه‌ریزی کاربری زمین و برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری دارای وجوه مشترک فراوانی هستند که نظریه‌های مختلفی را در این باره مطرح ساخته‌اند. همچنین نیز برنامه‌ریزی کاربری زمین بدون توجه به زمینه‌سازی در مورد طراحی شهری و ایجاد فضای مناسب برای آن و خلق یا مطالعه ارزشهای هنری توده‌ها و فضاهای شهری ممکن نخواهد بود. از جمله عوامل تعیین کننده در این زمینه، می‌توان به نوع قطعه‌بندی زمین، ضوابط ساختمانی، همجواریهای شهری، شکل زمین و نحوه استفاده از راههای شهری اشاره کرد.

کتاب‌شناسی:

- اکالان، جی. آر. *کاربری زمین، اثر متقابل اکولوژی و هیدرولوژی*، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه. *قرارداد تهیه طرحهای توسعه و عمران، حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها*. قرارداد تیپ ۱۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- سعیدنیا، احمد. «کاربری زمین شهری»، *کتاب سبزی‌شهرداری*. جلد دوم. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۷۸.
- سعیدنیا، احمد. «طرحهای شهری در ایران»، *کتاب سبزی‌شهرداری*. جلد پنجم. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- شکویی، حسین. *دیدگاههای نو در جغرافیای شهری*. جلد اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ هفدهم. تهران:

یا رکود و توقف این عوامل با نحوه نگرش نظام‌مند ارتباط پیدا می‌کند. دیدگاه توسعه پایدار، نظر به اینکه زمین و فضا یک عامل طبیعی برای تأمین نیازهای اقتصادی و کالبدی شهر نیست، بلکه مهم‌ترین ثروت همگانی محسوب می‌شود که نقشی گسترده‌تر از یک کالای اقتصادی در حیات عمومی شهر و زندگی مردم دارد، زمین شهری را نمی‌توان یکسره به اقتصاد بازار و تمایلات مالکان و سوداگران زمین واگذار کرد، بلکه باید با جامع‌نگری به تلفیق اهداف کالبدی با اهداف محیطی و اجتماعی به کار پرداخت. در پایداری محیط زیست، کاربری زمین نقش اساسی دارد، زیرا نتایج عوامل جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی در نحوه استفاده از زمین بازتاب پیدا می‌کند.

الگوهای کاربری زمین به چند قسمت می‌شود. از آن جمله می‌توان به ۴ الگوی توصیفی، شبیه‌سازی، برنامه‌ریزی و ارزیابی اشاره کرد. الگوی توصیفی فقط به بررسی وضع موجود کاربری زمین و توصیف آن می‌پردازد. الگوی شبیه‌سازی نیز جهات گسترش آینده شهر را با استفاده از روند کاربری زمین گذشته آن و بدون توجه به محدودیتهای کاربری زمین مورد بررسی قرار می‌دهد. الگوی برنامه‌ریزی، الگویی است که به کمک آن مقادیر یک متغیر تصمیم‌گیری تحت قیود خاص مورد محاسبه قرار می‌گیرد. این الگو در تصمیم‌گیری برای مکانیابی فعالیتها نقش ویژه‌ای دارد. در الگوی ارزیابی وضعیتهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد و با مقایسه بین آنها دست به انتخاب زده می‌شود. به همین خاطر الگوهای ارزیابی معمولاً چند معیاری هستند.

در توزیع عوامل کاربری زمین، می‌توان این توزیع را در توزیع فضایی عناصر، توزیع فضایی فعالیتها، توزیع فضایی اهداف و توزیع فضایی عملکردها مشاهده کرد.

در برنامه‌های شهری ایران، مطالعه وضع موجود و پیشنهادی کاربری زمین شهری در انواع طرحها و برنامه‌ها، به‌عنوان یکی از شقوق اصلی مطالعه به‌حساب می‌آید. طرحهای جامع شهری و تفصیلی، طرح آماده‌سازی زمین شهری، طرح هادی شهری، طرح بافتهای تاریخی، فرسوده و سکونتگاههای غیررسمی از این جمله هستند.

کدخدا

در آذر ۱۳۱۴ش (دسامبر ۱۹۳۵م)، قانون کدخدایان به نام *قانون کدخدایی* به تصویب رسید که برخی از مواد آن به شرح زیر است:

• ماده ۱. کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظام‌نامه‌هایی بود که از سوی دولت به او ارجاع می‌شد. برای هر ده یا قصبه، یک کدخدا تعیین می‌شود.

• ماده ۲. در خالصه‌جات از طرف مالیه محل، در موقوفات از طرف متولی یا نماینده او، در املاک اربابی از طرف مالکان و در دهات خرده مالکی، اشخاصی که اکثریت ملک را مالک هستند، یک نفر برای کدخدایی به حکومت یا نایب‌الحکومه محل معرفی می‌کنند که حاکم انتصاب او را صادر نماید.

• ماده ۳. شرایط کدخدایی عبارت است از تابعیت ایران، عدم محکومیت به جنحه و جنایت، معرفیت به درستکاری و امانت و لیاقت یا مقیم بودن در یکی از دهات محل مأموریت خود و داشتن رعیتی در یکی از محال مأموریت خود.

• ماده ۴. کدخدایان باید امور رعیتی و فلاحتی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند و می‌توانند دعای جزئی بین اهالی ده را که قیمت آن از ۵۰ ریال تجاوز نکند، با کدخدا منشی حل و تسویه نمایند و در منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری و در صورت وقوع حتی‌الامکان به صلح خاتمه دهند.

• ماده ۷. کدخدا مکلف است طبق ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزائی، در جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن اثرات جرم اقدام نموده و نتیجه اقدامات را در اسرع وقت به نزدیک‌ترین پست امنیه یا نایب‌الحکومه اطلاع دهد.

• ماده ۸. مالک یا مالکین تا ۱۵ روز اگر در تعیین و معرفی کدخدا تعلل نمایند، حکومت محل کدخدا را انتخاب خواهد نمود.

• ماده ۱۰. هرگاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فرد گذار نماید، به تقاضای مالک یا مالکین منغول می‌شود.

کدخدا در املاک اربابی در واقع حکم نوکر یا مباشر مالک را داشت و تمایل کلی بر این بود که کدخدا از مالک اجرت نقدی بگیرد و از مستأجران یا رعایایی که زیردست

دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.

- شیعه، اسماعیل. *کارگاه برنامه‌ریزی شهری*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.

- عابدین در کوش، سعید. *درآمدی به اقتصاد شهری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

- لی، کولین. *مدلها در برنامه‌ریزی شهری*، ترجمه مصطفی عباس‌زادگان، تهران: جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۲.

- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، شیوه‌های تحقق طرحهای توسعه شهری، *بررسی تجارب تهیه و اجرای طرحهای توسعه شهری در ایران*. جلد دوم، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.

- Catanese, A. and Snyder, M. *Introduction to Urban Planning*. New York: McGraw Hill, ۱۹۹۸.

- Whittick, A. (ed). *Eyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill, Inc., ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

کدخدا

کدخدا را به تفاوت متصدی امور ده، دهبان، دهدار، رئیس قبیله یا عشیره، رئیس صنف، رئیس محله تعریف کرده‌اند. علاوه‌براین، او را بزرگ محله دانسته‌اند، چه هر محله در جای خود به منزله خانه است و راتق و فاتق آن کدخداست. اصطلاح کدخدا، تاریخ مفصلی دارد که نشان می‌دهد، کاربرد و مفهوم این کلمه طی زمان، دچار دگرگونی‌هایی شده است.

امروز واژه کدخدا در ۲ مورد به کار می‌رود: یکی به معنی رئیس ده که مردم ده‌نشین را اداره می‌کند و دیگری، به معنی رئیس طایفه و قبیله که در میان ایلات و عشایر فارس و بختیاری و جاهای دیگر معمول و مصطلح است.

در زمان صفویه، اداره امور محلی با کدخدایان بود که ظاهراً مسئول وصول مالیات و عوارض بودند و بر سکنه دهات نوعی ریاست داشتند. میزان مالیات ارضی که از مردم می‌گرفتند و مأخذی که از آن قرار، مالیات را محاسبه می‌کردند، کاملاً روشن نیست. در عهد نادر، کدخدای هر ده مسئول شکایات و حوادث قلمرو خود بود.

داشت. بعد از مشروطیت، مجلس دوره اول در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق (۱۲۸۴ش)، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام را به تصویب رسانید. برطبق این قانون، اداره امور ده به کدخدا واگذار شد و آن را در حد یک دایره حکومتی بشمار آورد. به این ترتیب، در سلسله مراتب حکومتی ابتدا حاکم، نایب‌الحکومه، اداره نظمیة شهری و بلوکی و بالاخره کدخدا در آخرین مرتبه آورده شد. در این قانون در این زمینه آمده است: اداره کردن امور ده به عهده کدخداست که به رضایت اکثریت ساکنان ده و به تصویب مباشر و مالک و امضاء نایب‌الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد.

وظایف کدخدایان طبق این قانون به قرار زیر بود:

- اجرای قراردادهای (بخش‌نامه‌ها) اداره ناحیتی، یعنی اجرای دستورات ضابط که منسوب حکومت بود؛
 - نظارت بر اینکه حدود اراضی متعلقه و علائم آن محفوظ باشد، اعم از اینکه آن اراضی در مالکیت آنها باشد یا در اجاره آنها؛
 - مراقبت در صحت راهها و معابر و کوچه‌ها و پلهای ده؛
 - مواظبت در وصول مالیات و عوارض دولتی و حقوق مالک؛
 - اجرای قراردادهایی که دهقانها مابین خود منعقد داشته‌اند یا با مالکین و اشخاص خارج بسته‌اند، در صورتی که این قراردادها متنازع فیه نباشد؛
 - نظارت بر مکاتب و مریضخانه و دارالمساکین و غیره در صورتی که خود اهالی ده به خرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس کرده باشند؛
 - نظارت بر دفاتر نفوس و اطلاعات راجع به آن و تقدیم صورت این دفاتر به جای لازم؛ و
 - نظارت بر اموال و وجوهی که متعلق به خود ده است و همچنان به انبار غله که متعلق به اهالی ده است و صرف آن به‌طور صحیح.
- از شرح وظایف کدخدا معلوم می‌گردد که ده نیز به‌نوبه خود دارای شخصیت حقوقی بوده است.
- از ۱۳۵۴ش، وزارت تعاون و امور روستا موضوع کدخدایی را با عنوان ده‌بان مطرح نمود.

او براساس مزارعه کار می‌کردند، رسومات جنسی دریافت کند. میزان این رسومات به صور مختلف حساب می‌شد و بیش از همه معمول بود، که رسومات را از قرار هر جفت زمین و هر سهم آب و برحسب خانوار حساب کنند. کدخدا گذشته از مزدی که به‌طور مرتب دریافت می‌کرد، دارای مداخلی هم بود. این شغل به او فرصت می‌داد، برخی دیون غیرعادی را بر رعایا تحمیل کند. کدخدا مسئول انتظامات عمومی ده بود و دزدیها، منازعات و اغتشاشاتی را که اتفاق می‌افتاد، به مقامات انتظامی گزارش می‌داد. هماهنگی خدمات عمومی، مانند لایروبی قناتها، برعهده او بود؛ اختلافات جزئی را حل و فصل می‌کرد و خطاکاران را به کیفرهایی مانند زندانی کردن و تازیانه زدن و جریمه دادن، محکوم می‌کرد. در بعضی نقاط، کدخدا یک جفت یا قسمتی از یک جفت زمین را به رایگان متصرف بود و بابت آن بهره مالکانه نمی‌داد. این نکته در بسیاری از دهات کردستان صادق بود. از این گذشته، در کردستان مالکان به‌عنوان رسومات، مقداری روغن از هر زارع برای کدخدا می‌گرفتند، تا او بتواند از عهده مخارج مهمانان و مأموران دولتی برآید. در این منطقه، کدخدا از همه مسافران و مأمورانی که از ده می‌گذشتند، پذیرایی می‌کرد.

لازم به ذکر است که کدخدا خود نیز معمولاً دارای نسق زراعی بود و برای پذیرایی از میهمانانی که به ده می‌آمدند و نیز انجام سایر وظایفی که بر عهده‌اش بود، سالانه از هریک از روستاییان مقداری گندم دریافت می‌داشت.

به‌طورکلی در مناطق عشایری، اعم از فارس یا جاهای دیگر، خانها، کلانتران، کدخدایان و نوکران آنان، از هر فرد ایل روغن و گوشت برای تأمین مخارج خود می‌گرفتند. همچنین رؤسای قبایل کرد و خوانین، علاوه بر بهره مالکانه، باجهایی برای خان عشیره می‌ستاندند. در پاره‌ای از مناطق عشایری، کلانتران و کدخدایان مسئول وصول مالیات دولت بودند و درین گونه موارد، قسمتی از آنچه وصول می‌کردند را به‌عنوان حق‌العمل برای خود کنار می‌گذاشتند.

کدخدا از گذشته و قبل از مشروطیت، به‌عنوان پائین‌ترین رده از تشکیلات بزرگ مالکان، به اداره امور ده از نزدیک و تحت نظارت و اوامر مالکان یا مباشران اشتغال

کدخدا

که شیوه اخذ مالیات از مالکان تغییر کرد و مقرر شد که زارعان هم مالیات پردازند، کدخدا به‌عنوان مأمور وصول مالیات درآمد. به‌تدریج که برنامه‌های عمرانی و اصلاحی امور اجتماعی روستا در قالب قانون و مقررات مورد توجه قرار گرفت، کدخدا در داخل روستا نقش رابط را در اجرای برنامه‌های دولتی و یا گردآوری مبالغی از درآمد روستاییان یافت. مسائلی مثل تهیه آب شرب، احداث و مرمت مسجد، غسالخانه، پل، انبار، مدرسه و گسترش بهداشت از طریق رعایت نکات بهداشتی و نگهداری و سرپرستی یتیمان و افراد بی‌سرپرست و کارهایی از این قبیل را جزو وظایف شورای بخش و کدخدایان قرار دادند و حتی بنگاهی دولتی برای رهبری و سرپرستی این مؤسسات پدید آمد. با وجود مقررات مختلف در این زمینه، وجود روابط مالک و رعیتی و نقش بزرگ مالکان در شبکه و روابط تولیدی، امکان فعالیت را به کدخدا، جدای از خواستها و دستورات مالک، نمی‌داد. از زمانی که دولت حضور خود را در روستاها اعلام کرد، کدخدا روی کاغذ و در قوانین، به‌عنوان واسط بین دولت و روستاییان موردنظر بوده است، ولی عملاً کدخدا در ارتباط با مالک نقش خود را ایفا می‌کرد. اگرچه پذیرایی از مأموران دولتی، گرفتن کسب سهمیه قندوشکر، سربازگیری، گرفتن شناسنامه برای روستاییان و کارهایی مثل این از وظایف کدخدا بود، ولی انجام وظایف مزبور در راستای اهداف و خواسته‌های مالک و در هماهنگی با او صورت می‌گرفت. کدخدا بیشتر در رابطه با امور اجتماعی و سیاسی فعال بود و نقش عمده‌ای در رابطه با مسائل اقتصادی برعهده نداشت. اگرچه گاهی حکمی به‌عنوان دهبان از طرف بخشدار یا فرماندار برای آنها صادر می‌شد، کدخدا در هرم قدرت ده در رده سوم و بعد از نماینده و مباشر قرار می‌گرفت. اگرچه ممکن بود کدخدایان نقش نماینده مالک را نیز ایفا نمایند، ولی این امر عمومیت نداشت.

تحول وظایف کدخدا

• قبل از مشروطیت، مالک حامی و پشتیبان کدخدا بود. بنابراین، کدخدا با اینکه خود از روستاییان بود، با بهره‌گیری از قدرت مالک، مقتدرانه به اداره امور می‌پرداخت؛

دهبان فردی بود که امور اجرایی در سطح ده را برعهده داشت. شرایط لازم برای این شغل عبارت بود از بین ۲۲ تا ۶۰ سال سن، سواد خواندن و نوشتن، عدم اشتهار به فساد اخلاقی و اینکه از تمام یا بخشی از حقوق اجتماعی محروم نشده باشد. دهبان به انتخاب انجمن ده و تأیید بخشدار و حکم فرماندار منصوب می‌شد.

اگرچه تا سال تصویب قانون و حتی بعد از آن، کدخدایان قبلی یا فرزندان آنها به‌صورت تقریباً موروثی این وظیفه را برعهده داشتند، ولی این قانون انتخاب دهبان را به انجمن ده واگذار می‌کرد که با تأیید بخشدار و صدور حکم دهبانی از جانب فرماندار، دهبان منتخب انجمن ده رسمیت می‌یافت.

مدیریت روستا تا انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای بود که کدخدا که طبق قوانین قبلی منتخب مالک بود، هنوز به فعالیت خود ادامه می‌داد، ولی برای هماهنگی مقرر شده بود تا تعاونی، دهبان را به فرمانداری معرفی نماید.

هرچه از صدر مشروطیت دور و به سالهای دهه ۱۳۴۰ش و دوره اجرای اصلاحات ارضی نزدیک‌تر می‌شویم، ملاحظه می‌شود که نقش مالک در تعیین و نصب کدخدا یا دهبان (اصطلاحی که پس از اصلاحات ارضی متداول گردید) کاهش یافته و دولت نقش بارزتری پیدا کرده است. پدیده کدخدایی که بنابر ضرورت و مبتنی بر عرف محل است و از گذشته مطرح بوده، وظایف یا کارکردهایی داشته است. وظایف یا کارکردهای کدخدا از زمره کارکردهایی است که تا زمانی که روستا و روستایی برقرار باشد، با تفاوت‌هایی کم‌وبیش وجود خواهد داشت.

به‌دنبال تغییراتی که بعد از مشروطیت در تعدیل نقش مالکان بزرگ و منسوخ کردن تیول‌داری صورت گرفت، در واقع نقش دولت و مالک در روستا از هم تفکیک شد. از این دوره به بعد، زارعان یا روستائینان با ۲ منبع سروکار پیدا کردند: دولت و مالک. کدخدا، در نقش رابط رسمی دولت با روستاییان مطرح بود. اگرچه کدخدا کلاً نقش فرمانبرداری از مالک و اجرای مأموریت‌های محوله در جهت حفظ انتظام را برعهده داشت، برخی از وظایف نیز از طریق دستگاه اداری برعهده وی گذاشته شد. از زمان پهلوی اول

کشاورزی شهری

Urban Agriculture

فعالیت در بخش کشاورزی و زیربخشهای آن در حاشیه کانونهای شهری، به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته. کشاورزی شهری پیوسته در تأمین یکی از نیازهای اساسی تمام شهرها، یعنی امنیت غذایی، نقش مهمی برعهده داشته است، تا جایی که در حال حاضر، کشاورزی شهری ابزار مهمی برای اشتغال و تأمین مواد غذایی در بسیاری از شهرهای دنیای کمتر توسعه یافته بشمار می‌رود. در واقع، شیوع یا رواج روزافزون فقر در بین خانوارهای شهرنشین جهان سوم موجب تأکید مضاعف بر اهمیت و جایگاه تولید مواد غذایی و پاسخگویی به نیازهای اولیه غذایی توسط خود آنان شده است. از این رو، پژوهشگران و تصمیم‌سازان به‌طور روزافزونی بر نقش بالقوه محیطهای شهری و نیز حاشیه شهری در تأمین امنیت غذایی و ارتقاء جایگاه تغذیه فقرای شهری و مردمان حاشیه‌ای تأکید می‌ورزند.

گسترش کشاورزی شهری در بسیاری از شهرهای امروزی جهان سوم، گذشته از زمینه‌های تاریخی آنها، یادآور سابقه این‌گونه فعالیتها در شهرهای جهان اول، به‌ویژه اروپا، طی اواخر سده ۱۹م و بیشتر دهه‌های سده ۲۰م است. علاوه بر این، تولید کشاورزی حاشیه شهری که از شکلهای کشاورزی شهری بشمار می‌رود، اغلب به‌عنوان یکی از راهبردهای اشتغال حاشیه‌نشینان فقیر شهری مطرح می‌شود. به این ترتیب، این پدیده باعث شده است تا بسیاری از افراد و خانوارهای شهری منبع درآمد خود را از فعالیتهای کشاورزی به‌دست آورند.

• بعد از مشروطیت و تا جنگ جهانی دوم، مطابق قانون، کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظام‌نامه‌های دولتی که به او مراجعه می‌شد، بود. بدین ترتیب، دولت اعمال مالکیت خود را در روستا به کدخدا (که نماینده مالک بود) واگذار کرد. از ۱۳۱۶ش به بعد، کدخدا قانوناً و مدتی بعد از آن، عملاً در نقش نماینده دولت در روستا هم انجام وظیفه می‌نمود؛

• از جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی، با وجود تصویب برنامه‌های مختلف، مدیریت ده در دست مالکان و عوامل مربوط به آنها، از جمله کدخدا بود؛

• از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی، صدور حکم کدخدایی از جانب دولت صورت می‌گرفت و آنها به‌صورت مأموران بی‌جیره و مواجب دولت عمل می‌کردند، در حالی که مقرری خود را از روستاییان و اغلب از محصول دریافت می‌داشتند و از آنجا که با مالک قبلی رابطه حسنه‌ای داشتند، عملاً ادامه کار آنها مشکل نبود.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی. مدیریت روستایی در ایران. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی با همکاری عنبری، موسی. جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل: اعتبارات روستایی در ایران. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲
- لمتون، اک.س. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- گونیلی، ابوالحسن. فرهنگ کشاورزی ایران. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- گلسترخی، حسینعلی. بررسی قوانین عمران روستایی از مشروطیت تا حال. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقات تعاونی، ۱۳۵۱.



در شهرهای رو به رشد کشورهای در حال توسعه، تولید دامی پیوسته بخشی از کشاورزی شهری است که به صورت‌های مختلف، از جمله نگهداری دام بزرگ و کوچک، پرورش طیور و تولید شیر به انجام می‌رسد. برای نمونه، نگهداری دام در کنار فعالیت زراعی در اغلب شهرهای افریقایی، به عنوان مکمل درآمد خانوارهای شهری و تضمین غذایی خانوارهای فقیرتر رواج دارد. البته بیماری‌های رایج دام در محیط‌های شهری از مسائلی است که در کنار پیامدهای بهداشتی برای ساکنان شهرها و مصرف‌کنندگان، با ضرر و زیان تولیدکنندگان محصولات دامی در این گونه محیط‌ها همراه است.

کشاورزی شهری در شهرهای اروپایی نیز هنوز رواج دارد، اما با توجه به رفاه روزافزون، امروزه بیشتر شکل تفننی یافته و اغلب به دلایل بوم‌شناختی و تولید مواد غذایی بیو به انجام می‌رسد. در شهرهای صنعتی ایالت نیوجرسی (ایالات متحد) که هنوز بقایای مکانهای نگهداری مرغ و خرگوش متعلق به مهاجران آلمانی و ایتالیایی اوایل سده ۲۰م دیده می‌شود، مهاجران تازه‌واردی جایگزین آنان شده‌اند که سنت‌های روستایی و شهری خود، از جمله پرورش دام را به همراه آورده‌اند. این خود نمایانگر اهمیت این نوع فعالیت برای تضمین غذایی، حتی در بین ساکنان برخی شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، از جمله ایالات متحد است.

دیدگاه منفی مقامات و مدیران رسمی شهری نسبت به کشاورزی شهری، تا حدی به دلیل صدمات بهداشتی و زیست‌محیطی این فعالیت‌ها در حوزه‌های شهری، همراه با تبعات گسترش بی‌رویه شهرهاست؛ علاوه بر این، ایجاد فضای مناسب برای کشاورزی شهری اغلب موجب بروز تعارض و درگیری محلی نیز می‌گردد.

کتاب‌شناسی:

- Freeman, D.B. *A City of Farmers, Informal Urban Agriculture in the Open Spaces of Nairobi (Kenya)*. Toronto, ۱۹۹۱.
- Iaquina, D.L. & Drescher, A.W. Defining, Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institution Contextes, *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. (August ۱, ۲۰۰۰), Rio de Janeiro, ۲۰۰۰.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, (۲۰۰۵).
- Misra, H. N. Rae Bareilly Sultanpur and Pratapgarh Districts, Uttar Pradesh (North India). *Small and Intermediate Urban Centres; Their Role in Regional and National Development in the Third World*. Hardoy, J. E. and Satterthwaite, D. (eds.). USA, ۱۹۸۶.
- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing Abate*. UNDP, ۲۰۰۱.
- Satterthwaite, D. Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural- Urban Differences and Rural- Urban Linkages', *The World Bank's Forum on Urban Poverty Reduction in the ۲۱st Century*. April ۲۰۰۰.
- Schiere, Hans & Gera den Dikken. *Urban farming and animal Production, a Synthesis*. IAC, Wageningen (the

- Bellows, Anne C. et al. Urban Livestock Agriculture in State of New Jersey, *Urban Agriculture Magazine*. No. ۲, Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۰.
- Food and Agriculture Organization (FAO). *Livestock and the Environment : Meeting the Challenge*. Rome, ۱۹۹۷.

کلانشهر

گسترده شهری در سواحل شرقی ایالات متحد آمریکا، شامل حوزه‌های مادرشهری بوستون، نیویورک و فیلادلفیا تا بالتیمور و واشنگتن دی.سی یا مجموعه‌های مادرشهری اطراف دریاچه‌های بزرگ پنجگانه در شمال ایالات متحد، نمونه‌ای از آنهاست.

امروزه، کلانشهر به یک مجموعه شهری چلیپایی یا چلیپاشهر (Stauropolis) گفته می‌شود که از چند ناحیه مادرشهری در یک پهنشت پدید می‌آید. این مجموعه‌ها به صورت زنجیره‌ای پیوسته به هم و به صورتی مداوم با یکدیگر در ارتباط هستند. حومه‌ها و شهرکهای یک مادرشهر در اثر گسترش وسایل ارتباطی و افزایش سرعت وسایط نقلیه، با حومه‌ها و شهرکهای مادرشهرهای دیگر به یکدیگر پیوند خورده و از پیوند آنها با یکدیگر، یک بافت زنجیره‌ای متشکل از مادرشهرها و شهرها در حالت گسترده‌ترین شکل شهری تشکیل می‌شود که به آن کلانشهر گفته می‌شود. به نظر جان گوتمن، این حوزه وسیع باید بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. از جمله مشخصه‌های کلانشهرها، استقرار حوزه‌های مادرشهری آنها در یک مسیر خطی و به شکل دالانی در کنار هم است. حوزه‌های شهری بوستون-واشنگتن در طول ۱۰۰۰ کیلومتر استقرار یافته است. تراکم بالای جمعیت، بانکها و

Netherlands), ۲۰۰۲.

- Tacoli, C. *Rural-Urban Linkages and Pro-Poor Agricultural Growth*. IIED, Hesinki Workshop, ۲۰۰۴.

- Van Veenhuizen. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), ۲۰۰۳.

عباس سعیدی

کلانشهر

Megapolis

منطقه‌ای شهری متشکل از چند شهر بزرگ و کوچک، همراه با حوزه وسیعی از حاشیه شهری و با جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر.

در یونان باستان، مجموعه چند شهر کوچک به هم پیوسته که در آرکادیا یک مجموعه شهری بزرگ و گسترده را به وجود می‌آورد، کلانشهر نامیده می‌شد. در عصر جدید، این اصطلاح را اولین بار جغرافیدان برجسته جان گوتمن به کار گرفت. در این تعریف، کلانشهر به چند مجموعه مادرشهری و یا حوزه‌ای که بیش از یک مادرشهر (← مادرشهر) داشته باشد، گفته می‌شود. حوزه‌های بزرگ و



در ارتباط با حوزه‌های مادرشهری و کلانشهری و در رد یا تأیید پیدایش چنین مجموعه‌هایی از سوی جغرافیدانان، جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان علوم مرتبط با شهر، نظرات متفاوتی ابراز شده است. از آن جمله، لوئیز مامفورد از اندیشمندان مطالعات شهری که نظراتش درخصوص توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهرها معروف است، درخصوص این پدیده‌ها نظرات قابل توجهی ابراز کرده است. به نظر او نیروهایی که به صورت خودکار و با فشار شاهراهها و اتومبیل‌های سواری، محدوده گسترش خانه‌های شخصی را به درون روستاها بردند، به جای ایجاد شهر منطقه‌ای، موجب تراوش ماده بی‌شکل شهری شدند. کسانی که با خواندن ورد کوشش دارند این توده انبوه بی‌ریخت را به یک واقعیت طبیعی و سازمان‌یافته تبدیل کنند، تنها خود را گول می‌زنند. گذاشتن نام کلانشهر بر این توده انبوه یا اظهار آنکه دگرگونی در مقیاس فضایی به واسطه حمل‌ونقل سریع در ذات خود برای ایجاد یک شکل شهری نو و بهتر کافی است، در حقیقت به معنی نادیده گرفتن ماهیت پیچیده شهر است. به هم آمیختگی واقعی بافت شهری که اکنون به تعبیر بسیاری از جامعه‌شناسان، مرحله نهایی توسعه شهری را می‌گذرانند، در حقیقت تکوین نوع تازه‌ای از شهر نیست، بلکه به وجود آمدن ضد شهر- پادشهر- است. پادشهر مانند ضد ماده هر جا که با شهر برخورد کند، آن را نابود می‌سازد. چیزی که بر سر حومه شهر آمد، اکنون به درد ثبت در تاریخ می‌خورد. حومه شهر، دیگر یک واحد محله‌ای نیست، بلکه به انبوهی پراکنده و کم‌تراکم تبدیل شده است که با انباشت شهری یا شهر انباشت درآمد محاصره شده است. مامفورد در خصوص کلانشهرها و گسترش نواحی مادرشهری چنین اظهار می‌کند که به جای اینکه زندگی را به داخل شهر بیاورند، تا آنکه نادرترین ساکنان آن نه تنها از آفتاب و هوا برخوردار شوند، بلکه امکان بیابند تا زمین را لمس کنند، این رسولان ساده‌لوح ترقی، بیشتر ناباوروری را به بیلاق برده و در نهایت مرگ را به شهر آورده‌اند. شهر آینده آنها شهری است که به پائین‌ترین سطح امکان زندگی فعال و در عوض به یک زندگی خودکار و غیرارادی، بی‌احساس و عاطفه تنزل کرده

مراکز تجاری، بالا بودن قیمت زمین به نسبت سایر شهرها، فعالیت در حوزه‌های تخصصی، وجود مؤسسات بیمه‌ای، مراکز عمده فروش و خرده‌فروش، مراکز پذیرایی و تفریحی، فعالیتهای شدید حمل‌ونقلی که با تراکم فعالیتهای دیگر، مانند امور مدیریت، تجارت، خرده‌فروشی، شرکت‌های مسافربری، سازمان‌های تبلیغاتی، دفاتر وکلای حقوقی، دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و کالجها و مؤسسات تحقیقاتی همراه است، از جمله مشخصه‌های دیگر کلانشهرها محسوب می‌شود. همچنین ممکن است بعضی از شهرهای آن با تخصص‌یابی به عنوان فعال‌ترین و پرتحرک‌ترین مراکز شهری جهان شناخته شود. اکثر حوزه‌های به هم پیوسته نیز تحت نفوذ یک مرکز شهری بزرگ قرار دارد. جریان دائمی در راه‌های زمینی، خطوط هوایی و ارتباطات مخابراتی، تمام سطوح کلانشهر را با یکدیگر در پیوند قرار می‌دهد و همزمان با افزایش جمعیت و رشد آنها، اراضی کشاورزی بیشتری به مسکن و شهر اختصاص پیدا می‌کند. همچنین چندهسته‌ای بودن قطب‌های شهری از خصوصیات کلانشهرها محسوب می‌شود.

براساس تحقیقات مؤسسه دوکسیادس در سده ۲۰م، مجموعاً ۱۴ حوزه کلانشهری در سطح جهان وجود دارد. این مؤسسه مگاپولیس بزرگ را یک حوزه سکونتگاهی با جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفر و حوزه مگاپولیس کوچک را با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر می‌داند. علاوه‌بر حوزه‌های کلانشهری جهان، حوزه‌های کلانشهری لندن به‌سوی سرزمینهای میانی بریتانیا تا چشایر، حوزه کلانشهری کالیفرنیا، شامل حوزه‌های مادرشهری لس‌آنجلس تا سن‌دیگو در ایالات متحد آمریکا، توکیو و یوکوهاما تا کوبه و آزاکا در ژاپن، حوزه‌های کلن تا دوسلدرف در آلمان و اترخت تا آمستردام در سطح جهان از حوزه‌های کلانشهری محسوب می‌شوند.

روند گسترش اغلب کلانشهرهای جهان، حالتی مشترک دارد. اغلب مادرشهرهای واقع در کلانشهرها تحت نفوذ یک مرکز بزرگ‌تر هستند و یک یا چند حوزه فرعی مادرشهری در هریک از کلانشهرها نحوه شکل‌گیری و کیفیت پیوستگی آنها را تعیین می‌کند.

Hill Inc.، ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

کمیته ملی توسعه پایدار ← توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

کمیسیون ماده ۱۰۰

Article ۱۰۰'s Commission

براساس بند ۲۴ ماده ۵۶ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ ش، یکی از وظایف شهرداری، صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی است که در شهر احداث می‌شود. در قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ ش، به منظور الزام رعایت این بند و نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی، ماده‌ای تحت عنوان ماده ۱۰۰ تصویب گردید که براساس آن تمام مالکان موظف گردیدند، برای انجام عملیات ساختمانی از شهرداری پروانه اخذ نمایند. در این ماده، همچنین کمیسویی به عنوان مرجع رسیدگی به تخلفات ساختمانی در داخل محدوده و حریم شهر پیش‌بینی گردید که هم اکنون تحت عنوان کمیسیون ماده ۱۰۰ شناخته می‌شود. متن این ماده به شرح ذیل است:

• **ماده ۱۰۰.** مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیرمحصور واقع باشد جلوگیری نماید.

• **تبصره ۱.** در موارد فوق‌الذکر که از لحاظ اصول شهرسازی

و به سطح ملزومات ماشین سقوط کرده است. این امر تنها موجب آن خواهد شد که نیروهای موجود و فعال در بزرگ شهر، به هدف نهایی خود، یعنی نابودی کامل انسان برسند. اگرچه کلانشهر در اثر گسترش وسایط ارتباط جمعی و وجود انواع شبکه‌های حمل و نقل سریع، امکان جابه‌جایی کالا و انسان، تبادلات اقتصادی و اجتماعی، رفاه و خدمات مورد نیاز و بسیاری دیگر را در خود فراهم ساخته، ولی به‌نوبه خود مشکلات مهم و قابل توجهی را در پیش روی انسان قرار داده است. جمله این مشکلات، علاوه بر آلودگی‌های زیست محیطی، به جنبه‌های مرتبط با خصلت بشر بازمی‌گردد. ناامنی، بی‌اعتمادی، غریبگی، جرم و جنایت، خشونت و سرقت در چنین شهرهایی بیش از شهرهای کوچک و نواحی روستایی است. شهرهای بزرگ حاصل دوران صنعتی است. افزایش مهاجرتها به گسترش خرده‌فرهنگها در چنین شهرهایی دامن زده است. این خرده فرهنگها علاوه بر گروههای قومی و نژادی در فرهنگهای حرفه‌ای و قشرنبدیهای اجتماعی نیز به‌طور قابل ملاحظه گسترش یافته است.

کتاب‌شناسی:

- آگ برن، ویلیام اف. و نیم‌کف، مایر اف. *زمینه جامعه‌شناسی*. اقتباس امیرحسین آریانپور، چاپ پنجم، تهران: فرانکلین، ۱۳۵۰.
- دورانت، ویل و آریل. *تاریخ تمدن*، ترجمه امیرحسین آریانپور و دیگران، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شکویی، حسین. *جغرافیای شهری*. جلد دوم، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سیدمهدی. *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۴.
- فکوهی، ناصر. *انسان‌شناسی شهری*. چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- مامفورد، لوئیز. *مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ*، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, G.B., ۲۰۰۵.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. McGraw

به قرار زیر است:

• **تبصره ۱.** در موارد مذکور فوق که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه شهرداری ساختمان احداث یا شروع به احداث شده باشد، به تقاضای شهرداری، موضوع در کمیسیون مرکب از نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود. کمیسیون پس از وصول پرونده، به ذی‌نفع اعلام می‌نماید که ظرف ۱۰ روز توضیحات خود را کتباً ارسال دارد. پس از انقضای این مهلت، کمیسیون مکلف است موضوع را با حضور نماینده شهرداری که بدون حق رأی برای ادای توضیح شرکت می‌کند، ظرف مدت یک ماه تصمیم مقتضی برحسب مورد اتخاذ کند. در مواردی که شهرداری از ادامه ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند، مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ جلوگیری، موضوع را در این کمیسیون مطرح نماید؛ در غیر این صورت، کمیسیون به تقاضای ذی‌نفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد. در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد، مهلت مناسبی که نباید از ۲ ماه تجاوز کند، تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند. هر گاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید، شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آئین‌نامه اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد کرد.

در ۱۳۵۶ش این قانون مجدداً اصلاح و ۶ تبصره به آن اضافه گردید. این اصلاحات عموماً در نتیجه تهیه و تصویب طرح‌های جامع شهری و وضع ضوابط و مقررات برای توسعه کالبدی شهرها و همچنین به منظور کنترل ساخت‌وسازها در محدوده شهرهای بزرگ، به خصوص تهران، انجام شد. در صدر قانون نیز به این موضوع اشاره شده است که تبصره‌های ۳، ۴ و ۵ فقط در محدوده تهران اجرا می‌گردد. با الحاق تبصره‌های ۳-۵ به این قانون، وظیفه نظارت بر انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در

یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای بدون پروانه یا خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد، کمیسینی مرکب از فرماندار یا بخشدار، نماینده دادگستری شهرستان آن حوزه و نماینده انجمن شهر تشکیل و به ذی‌نفع اعلام می‌شود که هر نوع توضیحاتی دارد ظرف ۱۰ روز کتباً ارسال و کمیسیون تصمیم لازم را ضمن تعیین ضرب‌الاجل مناسب صادر می‌نماید و شهرداری مکلف است مراتب را به مالک ابلاغ نماید. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام ننمود، شهرداری رأساً اقدام و هزینه عملیات را طبق مقررات آئین‌نامه اجرایی وصول عوارض از مالک دریافت می‌نماید.

• **تبصره ۲.** اقدامات شهرسازی خارج از محدوده شهرها باید با موافقت وزارت کشور باشد.

در ۱۳۴۷ش و براساس تبصره ۴ ذیل ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ش، دستگاههای دولتی نیز موظف گردیدند، برای احداث ساختمان از شهرداری پروانه دریافت نمایند. متن این تبصره به شرح زیر است:

• **تبصره ۴.** وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات خیریه برای ایجاد ساختمان مؤسسات خود مکلف به دریافت پروانه ساختمان از شهرداری و رعایت ماده ۱۰۰ قانون اصلاحی شهرداری مصوب ۱۳۴۵ش و سایر مقررات مذکور در قانون شهرداریها و این قانون راجع به ایجاد بنا می‌باشند.

در ۱۳۵۲ش، تبصره یک ذیل ماده ۱۰۰ اصلاح شد و طی آن، تغییراتی در نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی ایجاد گردید. براساس این اصلاحیه، شروع عملیات ساختمانی خلاف نیز حسب درخواست شهرداری، برای رسیدگی به این کمیسیون ارجاع و کمیسیون مکلف گردید، ظرف مدت یک ماه تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. همچنین مقرر گردید، در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد، مهلت مناسبی که نباید از ۲ ماه تجاوز کند، تعیین گردد. متن این اصلاحیه که با عنوان قانون الحاق ۲ تبصره به ماده ۵۵ و اصلاح تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها در تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۷ش تصویب گردید،

تخلف در پروانه به موقع جلوگیری نکنند و یا در مورد صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه، مرتکب تقصیری شوند، طبق مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود. در صورتی که عمل ارتكابی مهندسان ناظر و مأموران شهرداری واجد جنبه جزایی هم باشد، از این جهت نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری اجرا نشود، می‌تواند با استفاده از مأموران/اجرائیات خود و در صورت لزوم، با کمک مأموران انتظامی برای متوقف ساختن عملیات ساختمانی اقدام نماید.

• **تبصره ۴.** شهرداری مکلف است، از تاریخ دریافت تقاضای کتبی دایر به صدور گواهیهای مندرج در تبصره‌های ۳ و ۵، حداکثر ظرف یک ماه گواهی مورد تقاضا را صادر و به متقاضی تسلیم نماید و در صورت مشاهده تخلف مراتب را ظرف همان مدت کتباً به متقاضی اعلام کند.

• **تبصره ۵.** دفاتر اسناد رسمی مکلفند، قبل از انجام هر گونه معامله، اعم از قطعی و رهنی در مورد ساختمانها، گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام گواهی عدم وقوع تخلف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد، ملاحظه و مراتب را در سند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که پروانه آن قبل از تصویب این قانون صادر شده باشد، در صورتی که گواهی پایان ساختمان ارائه نشود و طرف معامله با علم به اینکه ممکن است مورد معامله مشمول مقررات تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری باشد، به انجام معامله رضایت دهد، ثبت آن با تصریح مراتب فوق در سند بلامانع است. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده و فاقد پروانه باشند، گواهی شهرداری مبنی بر اینکه ساختمان قبل از تاریخ مذکور ایجاد شده و یا احراز موضوع از طرف دفترخانه و یا رضایت طرف معامله به اینکه ممکن است مورد معامله مشمول مقررات تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری باشد، به انجام معامله، با درج هریک از مراتب فوق در سند، معامله آن بلامانع است.

• **تبصره ۶.** در مورد ساختمانهایی که تا تاریخ تقدیم لایحه

پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن، به مهندسان ناظر محول گردید. همچنین دفاتر اسناد رسمی نیز موظف گردیدند، قبل از انجام هرگونه معامله، گواهی پایان کار یا عدم خلاف ساختمان را ملاحظه نمایند. سایر مواد الحاقی نیز به نحوه رسیدگی به تخلفات حادث شده قبل از تصویب این قانون و نحوه اعتراض به آرای صادره توسط کمیسیون می‌پردازند. مشروح اصلاحیه مورد اشاره با عنوان قانون الحاق ۶ تبصره به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۵۶/۶/۸ ش، شامل موارد زیر است:

• **ماده واحده.** تبصره‌های ذیل به عنوان تبصره‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری الحاق می‌شود. مفاد تبصره‌های ۳، ۴ و ۵ فقط در محدوده شهرداری پایتخت اجرا می‌گردد و اجرای آنها در سایر شهرها، موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران است.

• **تبصره ۳.** مهندسان ناظر ساختمانهای مکلفند، نسبت به عملیات اجرایی ساختمانهایی که به مسئولیت آنها احداث می‌گردد، از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن، مستمراً نظارت کرده و در پایان کار، مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی را گواهی نمایند. هر گاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی نماید و یا تخلف را به موقع به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و صدور رأی بر تخریب ساختمان گردد، شهرداری مکلف است مراتب را به نظام معماری و ساختمانی منعکس نماید. شورای انتظامی نظام مذکور موظف است مهندس ناظر را در صورت ثبوت تقصیر، برابر قانون نظام معماری و ساختمانی، حسب مورد و با توجه به اهمیت موضوع، به ۶ ماه تا ۳ سال محرومیت از کار و در صورتی که مجدداً مرتکب تخلف شود که منجر به صدور رأی تخریب به وسیله کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد، به حداکثر مجازات محکوم کند. مراتب محکومیت از طرف شورای انتظامی نظام معماری و ساختمانی در پروانه اشتغال درج و در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. مأموران شهرداری نیز مکلفند در مورد ساختمانهای نظارت نمایند و هرگاه از موارد

اقدام به اصلاح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و الحاق ۳ تبصره به آن نمود. براساس این اصلاحیه، کمیسیون ماده ۱۰۰ مجاز گردید، در موارد احراز تخلفات ساختمانی، به جای صدور حکم قلع بنا، اقدام به تجویز رأی مبنی بر اخذ جریمه نماید. متن اصلاحیه فوق که با عنوان لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۷ ش به تصویب رسیده است، به قرار زیر است:

• **ماده واحده.** تبصره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ به ماده مذکور الحاق می‌گردد:

• **تبصره ۲.** در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمان واقع در حوزه استفاده از اراضی مسکونی، کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا، با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن باز یا بن بست)، رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد، تعیین و شهرداری مکلف است براساس، آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید. (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۳ برابر ارزش معاملاتی ساختمانی برای هر مترمربع بنای اضافی بیشتر باشد). در صورتی که ذی‌نفع از پرداخت جریمه خودداری نماید، شهرداری مکلف است مجدداً پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

• **تبصره ۳.** در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی تجارتي و صنعتی و اداری، کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا، با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن باز یا بن بست)، رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد، تعیین و شهرداری مکلف است، براساس آن، نسبت به وصول جریمه اقدام نماید (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۴ برابر ارزش

این قانون (۱۳۳۵/۱۱/۲۴)ش)، پروانه ساختمانی آنها برای سکونت صادر شده، ولی به علت تبدیل پارکینگ یا زیرزمین به محل سکونت یا احداث ساختمان مسکونی اضافه بر پروانه، تصمیم به تخریب آنها طبق تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اتخاذ شده باشد، یا موضوع به کمیسیون ماده ۱۰۰ احاله شده، ولی منتهی به اتخاذ تصمیم نگردیده و یا با احراز تخلف تا تاریخ مذکور به کمیسیون ماده ۱۰۰ احاله نشده باشد، در صورتی که ساختمان مورد تخلف به دیگری منتقل شده باشد، شهرداری با دریافت حق پارکینگ مصوب انجمن شهر به میزانی که در تاریخ تقدیم لایحه این قانون مقرر بوده است و در صورتی که ساختمان مورد تخلف به دیگری منتقل نشده و در ملک باقی باشد، به جز در مورد تبدیل پارکینگ به محل مسکونی، مشروط بر اینکه احداث پارکینگ در نقشه پیش‌بینی شده و تبدیل مجدد آن به پارکینگ به اصل ساختمان لطمه وارد نسازد، با دریافت ۲ برابر حق پارکینگ مذکور برای هر مترمربع مورد تخلف، گواهی پایان ساختمان صادر و از تخریب مورد تخلف خودداری خواهد کرد. در صورتی که ساختمانهای مذکور به دیگری منتقل شده باشد، منتقل‌الیه می‌تواند وجوهی را که از این بابت به شهرداری پرداخت نموده، از متخلف مطالبه کند.

• **تبصره ۷.** ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است، از شمول تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف هستند.

• **تبصره ۸.** در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رأی، ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رأی اعتراض نمایند، مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضاء آن غیر از افرادی باشند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته‌اند. رأی این کمیسیون قطعی است.

پس از انقلاب اسلامی و با توجه به اینکه نحوه برخورد با تخلفات ساختمانی، یکی از محورهای اصلی نارضایتیهای عمومی را فراهم آورده بود، ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، بار دیگر دستخوش اصلاحات گردید. این بار، شورای انقلاب،

قطعی در مورد ساختمانها، گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام، گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد، ملاحظه و مراتب را در ۳ بند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که قبل از تصویب قانون ۶ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها (۱۳۵۵/۱۱/۲۴ش) معامله انجام گرفته و از ید مالک اولیه خارج شده باشد، در صورتی که مورد معامله کل پلاک را شامل نگردد، گواهی عدم خلاف یا برگ پایان ساختمان الزامی نبوده و با ثبت و تصریح آن در سند، انجام معامله بلامانع است. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده اند، در صورتی که اضافه بنا جدید حادث نگردیده باشد و مدارک و اسناد نشان دهنده ایجاد بنا قبل از سال تصویب طرح جامع شهر باشد، با ثبت و تصریح مراتب فوق در سند مالکیت، انجام معامله بلامانع است.

• **تبصره ۹.** ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است، از شمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف است.

• **تبصره ۱۰.** در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رأی، ظرف مدت ۱۰ روز، نسبت به آن رأی اعتراض نماید. مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضای آن غیر از افرادی هستند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته اند. رأی این کمیسیون قطعی است.

• **تبصره ۱۱.** آئین نامه ارزش معاملاتی ساختمان، پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب انجمن شهر در مورد اخذ جرائم قابل اجراست؛ این ارزش معاملاتی سالی یکبار قابل تجدید نظر خواهد بود.

کتابشناسی:

- منصور، جهانگیر. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*. تهران: نشر دیدار، ۱۳۸۵.

غلامرضا مجیدی

معاملاتی ساختمان برای هر مترمربع بنای اضافی ایجاد شده بیشتر باشد). در صورتی که ذی نفع از پرداخت جریمه خودداری نماید، شهرداری مکلف است مجدداً پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را نماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

• **تبصره ۴.** در مورد احداث بنای بدون پروانه در حوزه استفاده از اراضی مربوطه، در صورتی که اصول فنی و بهداشتی و شهرسازی رعایت شده باشد، کمیسیون می تواند با صدور رأی بر اخذ جریمه به ازای هر مترمربع بنای بدون مجوز (۱۰). (۱). ارزش معاملاتی ساختمان یا (۵). (۱). ارزش سرفقلی ساختمان، در صورتی که ساختمان ارزش دریافت سرفقلی داشته باشد، به هر کدام که مبلغ آن بیشتر است، از ذی نفع بلامانع بودن صدور برگ پایان ساختمان را به شهرداری اعلام نماید. اضافه بنا زائد بر تراکم مجاز، براساس مفاد تبصره های ۲ و ۳ عمل خواهد شد.

• **تبصره ۵.** در مورد عدم احداث پارکینگ و یا غیر قابل استفاده بودن آن و عدم امکان اصلاح آن، کمیسیون می تواند با توجه به موقعیت محلی و نوع استفاده از فضای پارکینگ، رأی به اخذ جریمه ای که حداقل یک برابر و حداکثر ۲ برابر ارزش معاملات ساختمان برای هر مترمربع فضای از بین رفته پارکینگ باشد، صادر نماید (مساحت هر پارکینگ با احتساب گردش ۲۵ مترمربع است). شهرداری مکلف به اخذ جریمه تعیین شده و صدور برگ پایان ساختمان است.

• **تبصره ۶.** در مورد تجاوز به معابر شهر، مالکین موظف هستند، در هنگام نوسازی براساس پروانه ساختمان و طرحهای مصوب، رعایت برهه های اصلاحی را بنمایند. در صورتی که برخلاف پروانه و یا بدون پروانه، تجاوزی در این مورد انجام گیرد، شهرداری مکلف است، از ادامه عملیات جلوگیری و پرونده امر را به کمیسیون ارسال نماید. در سایر موارد تخلف، مانند عدم استحکام بنا، عدم رعایت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی در ساختمان، رسیدگی به موضوع در صلاحیت کمیسیونهای ماده ۱۰۰ است.

• **تبصره ۸.** دفاتر اسناد رسمی مکلفند، قبل از انجام معامله

اگرچه شهر تهران از اجرای این قانون مستثنی شده بود، اما در ۱۳۶۵ش و با اصلاح تبصره ذیل ماده ۵، نحوه رسیدگی به طرحهای تفصیلی در شهر تهران مشخص گردید. براساس این قانون، کمیسیونی شامل معاونان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو و نیز شهردار تهران به همراه برخی سازمانهای دیگر، عهده‌دار بررسی و تصویب این طرحها شدند. متن این قانون که به نام قانون اصلاح تبصره ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید، به این شرح است:

ماده واحده. تبصره ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح زیر اصلاح می‌شود:

• **تبصره.** بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو (در حد معاونت مربوط)، سرپرست سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران است.

محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود. و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رأی موافق معتبر است. ضمناً تا تشکیل شوراهای شهر، نماینده وزیر کشور به‌عنوان قائم‌مقام رئیس شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد.

در ۱۳۷۸ش آئین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور به تصویب هیئت وزیران رسید و براساس آن نحوه بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری مشخص گردید. وفق بند ۸ ماده ۳ این آئین‌نامه، نام این کمیسیون به کمیسیون طرح تفصیلی تغییر یافت. همچنین سازمان کشاورزی (وقت) استان به عضویت کمیسیون تعیین گردید. متن این مصوبه عبارت است از:

کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، که در این آئین‌نامه کمیسیون

کمیسیون ماده ۵

Article ۵'s Commission

براساس ماده ۹۷ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ش که در تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ش به تصویب رسید، شورای عالی شهرسازی باهدف رعایت اصول شهرسازی، بررسی و تصویب نقشه‌های مربوط به امر شهرسازی تشکیل گردید. تصویب این قانون و تشکیل این شورا، زمینه‌ای شد تا چند سال بعد، با تصویب قانون دیگری، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران شکل گیرد. پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن و گسترش فعالیت در زمینه تهیه طرحهای جامع شهری، با تصویب قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، این شورا به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری و تصویب ضوابط معماری و شهرسازی و طرحهای جامع شهرهای کشور تعیین گردید (← شورای عالی معماری و شهرسازی ایران). وفق ماده ۵ این قانون، وظیفه بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری بر عهده کمیسیونی نهاده شد که از آن پس به‌عنوان کمیسیون ماده ۵ شناخته شد که متن آن عبارت است از:

• ماده ۵. بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان یا فرمانداری کل که به‌وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار یا فرماندار کل و به عضویت رئیس انجمن شهرستان، شهردار، نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر و آبادانی و مسکن و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب انجمن شهر برسد، برای شهرداری لازم‌الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد، باید به تأیید شورای عالی شهرسازی برسد.

• تبصره. شهرداری پایتخت از شمول این ماده، همچنین طرحهای تفصیلی موضوع بند ۳ ماده ۴ و بند ۴ ماده مذکور مستثنی خواهد بود.

خواهد آمد.

در ماده ۸ این آئین‌نامه پیش‌بینی شده است که طرح‌های تفصیلی شهری ابتدا در کمیته کار بررسی و سپس در کمیسیون طرح‌های تفصیلی تصویب گردند. همچنین در این ماده آمده است که در صورت مغایرت اساسی میان طرح تفصیلی با طرح جامع شهر مربوط، مرجع تصویب نهایی طرح تفصیلی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران خواهد بود. ماده ۹ این آئین‌نامه، کمیسیون طرح‌های تفصیلی را مرجع تصویب طرح‌های بهسازی، نوسازی، بازسازی و مرمت بافت‌های شهری و نیز طرح‌های آماده‌سازی شهری تعیین کرده است. متن این مواد به این شرح است:

ماده ۸. طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات بعدی آنها پس از بررسی در کمیته کار به‌موجب ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی در کمیسیون‌های طرح تفصیلی بررسی و تصویب می‌شوند. طرح‌های تفصیلی و تغییرات بعدی آنها، در صورتی که با طرح‌های جامع شهری مغایرت اساسی داشته باشند، پس از بررسی و تصویب در شورای استان، برای رأی‌گیری و تصویب نهایی به شورای عالی ارائه خواهند شد. مغایرت‌های اساسی طرح‌های تفصیلی با طرح جامع شهر براساس مصوبات شورای عالی تعیین می‌شوند.

ماده ۹. طرح‌های بهسازی، نوسازی، بازسازی و مرمت بافت‌های شهری، به‌عنوان قسمتی از طرح‌های تفصیلی شهرها و طرح‌های آماده‌سازی، به‌عنوان طرح تفصیلی توسعه‌های جدید شهرها و طرح‌های شهری به تصویب کمیسیون طرح تفصیلی مربوط خواهند رسید. طرح‌های فوق‌الذکر که واجد ارزش خاص تاریخی یا طراحی شهری باشند، بنا به تشخیص دبیر شورای عالی، قبل از تصویب در کمیسیون طرح تفصیلی مربوط، در گروه تخصصی طراحی و بهسازی بافت‌های شهری مورد بررسی قرار خواهند گرفت. آن دسته از این طرح‌ها که با اساس طرح جامع شهر مغایرت داشته باشند، باید به‌ترتیب مندرج در ماده ۸ به تأیید نهایی شورای عالی برسند.

فصل ششم این آئین‌نامه، شامل مواد ۴۳-۵۱، به‌نحوه تشکیل کمیسیون طرح‌های تفصیلی و گردش کار بررسی و

طرح تفصیلی نامیده می‌شود، در هر استان به ریاست استاندار و عضویت رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل میراث فرهنگی و رئیس سازمان کشاورزی استان (که سمت نمایندگی وزارتخانه‌های متبوع خود را به عهده خواهند داشت)، رئیس شورای شهرستانی که طرح تفصیلی مربوط به شهر یا نقاط واقع در قلمرو آن شهرستان در دستور کار کمیسیون قرار دارد، شهردار شهری که طرح تفصیلی مربوط به آن در کمیسیون مطرح است، نماینده مهندس مشاور یا ارگان دیگری که عهده‌دار تهیه طرح تفصیلی مورد بحث در کمیسیون است، در هر استان، برای بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات بعدی آن تشکیل می‌شود.

• **تبصره ۱.** از نماینده سازمان نظام مهندسی استان جهت شرکت در جلسات کمیسیون‌های ماده ۵ تهران و استانها (بدون حق رأی) دعوت به عمل خواهد آمد.

• **تبصره ۲.** محل دبیرخانه این کمیسیون در سازمان مسکن و شهرسازی استان و امور دبیرخانه آن زیر نظر معاون یا مدیر شهرسازی سازمان مسکن و شهرسازی استان که دبیر کمیسیون را به عهده دارد، انجام می‌شود.

• **تبصره ۳.** ترکیب کمیسیون طرح تفصیلی شهر تهران به موجب اصلاحیه مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۵ ش مجلس شورای اسلامی، از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، کشاورزی (در حد معاونت مربوط)، سرپرست سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران تشکیل می‌شود.

محل دبیرخانه این کمیسیون در شهرداری تهران و دبیر آن شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود.

• **تبصره ۴.** تا تشکیل شورای اسلامی شهرستان، رئیس شورای اسلامی شهر مربوط عضو کمیسیون خواهد بود.

• **تبصره ۵.** از مدیرعامل آب و فاضلاب استان و مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان و مدیرکل دفتر فنی استانداری مربوط برای شرکت در جلسات کمیسیون، بدون حق رأی دعوت به عمل خواهد آمد.

از سایر رؤسای سازمان‌های ذی‌ربط، حسب مورد به تشخیص رئیس کمیسیون یا کمیسیون دعوت به عمل

مواردی که براساس مصوبات شورای عالی با اساس طرح جامع مغایر باشد، در اولین فرصت در شورای استان مطرح نموده و صورتجلسه مربوط را حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب، به دبیرخانه شورای عالی ارسال نماید. دبیرخانه شورای عالی موظف است ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول این صورتجلسات، نظر خود را در صورت عدم مغایرت اساسی مصوبات مذکور با طرح جامع شهر، به دبیرخانه مذکور اعلام و در صورت تشخیص مغایر بودن مصوبات مذکور با اساس طرح جامع شهر، آن را خارج از نوبت نسبت به سایر طرحها، در دستور کار شورای عالی قرار دهد. بدیهی است هرگونه اقدام اجرایی در خصوص مصوباتی که با مغایرت اساسی تشخیص داده می شوند، قبل از تصویب شورای استان و تأیید نهایی شورای عالی مجاز نخواهد بود.

ماده ۴۶. دبیرخانه کمیسیون طرحهای تفصیلی موظف است قبل از بررسی طرحهای تفصیلی و تغییرات آن در کمیسیون، علاوه بر انجام بررسیهای کارشناسی و تخصصی از طریق کمیته کار به عضویت نمایندگان دستگاههای عضو کمیسیون و ۲ نفر از کارشناسان ذیصلاح به انتخاب کمیسیون، نظر تهیه کنندگان طرح را نیز در مورد پیشنهاد تغییرات طرحهای مذکور به طور کتبی اخذ و به جلسه ارائه نماید.

ماده ۴۷. پیشنهاد تغییر در طرح تفصیلی باید دارای توجیه کافی باشد و همراه با گزارش کارشناسی دبیرخانه کمیسیون که حاوی مشکلات موجود در اجرای طرح اصلی و راه حل جایگزین خواهد بود، توسط دبیر کمیسیون و پس از طرح در کمیته کار جهت بررسی و تصویب به کمیسیون ارائه شود.

ماده ۴۸. در صورت تصویب تغییرات پیشنهادی، نقشه جدید تفصیلی عیناً با همان مشخصات ترسیمی نقشه اصلی، توسط دبیرخانه کمیسیون تهیه و جایگزین نقشه قبلی شده و یک نسخه از آن برای اجرا به شهرداری ارسال خواهد شد.

ماده ۴۹. در بررسی تغییرات طرح تفصیلی باید کلیه ضوابط و معیارهای فنی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته باشد.

تصویب طرحها می پردازد. ماده ۴۳ نحوه رسمیت یافتن جلسات، حد نصاب لازم آراء برای اخذ تصمیمات و تصویب طرحها و نیز محل تشکیل جلسات را مشخص نموده است. ماده ۴۴ تأکید دارد که طرحهای تفصیلی و تغییرات بعدی آنها در صورت تناقض با اهداف اصلی و اساس طرح جامع شهر، می باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایرن برسند. همچنین ماده ۴۵ به نحوه بررسی مغایرت اساسی این گونه طرحها در شورای استان و شورای عالی یاد شده می پردازد. ماده ۴۶ دبیرخانه کمیسیون طرحهای تفصیلی را موظف نموده است، تا قبل از بررسی طرحهای تفصیلی، ضمن انجام بررسی کارشناسی، نظر تهیه کنندگان طرح را نیز درباره تغییرات آنها اخذ نماید. مواد ۴۷ - ۵۰ آئین نامه نحوه طرح پیشنهاد تغییر در طرح تفصیلی و بررسی آنها را بازگو و ماده ۵۱ نیز چگونگی ابلاغ مصوبات را تعیین می نماید. مشروح متن این مواد به قرار زیر است:

ماده ۴۳. جلسات کمیسیونهای طرح تفصیلی با حضور رئیس، دبیر و ۲ نفر دیگر از اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات و مصوبات آن با ۴ رأی موافق منوط اعتبار خواهد بود.

تبصره ۱. در صورت عدم حضور استاندار، معاون عمرانی استاندار ریاست جلسه را برعهده خواهد داشت.

تبصره ۲. جلسات کمیسیون طرحهای تفصیلی طبق نظر استاندار در استانداری و یا در سازمان مسکن و شهرسازی استان تشکیل می شود.

ماده ۴۴. طرحهای تفصیلی و تغییرات بعدی آنها که حوزه عمل آنها صرفاً در داخل محدوده طرح جامع مصوب شهر باشد، باید طوری تهیه و تصویب شوند که با اهداف اصلی و عمده و اساس ضوابط مقرر در طرح جامع تناقضی نداشته باشند و در صورتی که مفاد طرحهای مذکور با اهداف و رهنمودهای عمده طرح جامع که در مصوبات شورای عالی تعیین شده است، تناقض داشته باشد، پس از تصویب شورای استان و تأیید شورای عالی اعتبار خواهد داشت.

ماده ۴۵. دبیرخانه کمیسیون طرح تفصیلی و شورای استان موظف است یک نسخه از مصوبات کمیسیون را با ذکر

برای اثبات کفایت بررسیها باید موارد زیر به جلسه توضیح داده شود:

گردشگری شهری

Urban Tourism

طی چند دهه اخیر، گردشگری شهری به شدت گسترش یافته است. گردشگری داخلی و خارجی، هر دو، از اجزاء مهم اقتصاد شهرهاست، تا جایی که فعالیتهای بخش صنعت به عنوان منبع اشتغال شهری (← اشتغال شهری)، و درآمدهای مالیاتی به عنوان منبع درآمد شهرها، اهمیت خود را به طور نسبی از دست می دهند و در مقابل، بخش خدمات در اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری) اهمیت بیشتری می یابد. گردشگری یکی از اجزاء در حال رشد بخش خدمات در درون شهرهاست.

گردشگری شهری را می توان هم از نظر گردشگران و هم از منظر مسائل شهری مورد ملاحظه قرار داد. گردشگران به دلایل گوناگونی به سوی شهرها جذب می شوند که از آن جمله است:

- میراثهای تاریخی؛
 - پارکهای تفریحی؛
 - آب و هوا؛ و
 - نزدیکی به محل مراکز تفریحی، مانند چشمه های آب معدنی یا پیستهای اسکی.
- مدیران شهری نیز به نوبه خود فعالانه در جلب گردشگری فعالیت دارند. این فعالیتها، از جمله شامل هزینه برای طرحهایی چون برپا داشتن موزه هاست. از دیگر فعالیتهای می توان، ایجاد مناطق تفریحی و حفظ مناطق دارای بافت تاریخی را نام برد.

علاوه بر شهرها، برخی صنایع نیز به تشویق گردشگری می پردازند و از گردشگری سود می برند: کشتیهای تفریحی و گشت زنی، بنگاههای اجاره اتومبیل، سازندگان هتلها و مهمانسراها و شرکتهای هواپیمایی از جمله مهم ترین آنها هستند. گرچه کارآفرینان محلی اغلب در توسعه فعالیتهای گردشگری نقش اساسی دارند، اما نقش سرمایه داران ملی و بین المللی در این زمینه هر روز اهمیت بیشتری می یابد.

- احراز ضرورت تغییر در طرح؛
 - پیشنهاد زمین مناسب برای جایگزین از حیث مساحت و محل وقوع در هماهنگی با طرح جامع، چنانچه تغییر مربوط به کاربریهای عمومی باشد؛
 - رعایت حقوق مکتسب اشخاص؛ و
 - نحوه تأمین خدمات و تأسیسات زیر بنایی شهری و امکان اصلاح و جابه جایی شبکه های موجود.
- ماده ۵۰.** تغییر در نقشه های طرحهای تفصیلی خارج از بررسیهای کارشناسی، از نظر رعایت مقررات قانونی و اصول فنی، به ویژه در مورد زمینهایی که حق استفاده مجاز از آنها قبلاً تثبیت شده است یا برای آن براساس طرح تفصیلی پروانه ساختمانی صادر گردیده، یا براساس کاربری مصوب در آن احداث بنا شده باشد، به هیچ وجه مجاز نیست.
- ماده ۵۱.** تصمیمات کمیسیون ماده ۵ به جز مواردی که به موجب ماده ۴۵ مغایر با اساس طرح جامع شهر تشخیص داده شود، بلافاصله توسط دبیر کمیسیون به مراجع مربوط اعلام شده و رونوشت آن برای اعضا ارسال خواهد شد و مصوبات و نقشه ها و مدارک مربوط متعاقباً، حداکثر ظرف یک ماه، با امضای رئیس کمیسیون به سازمانها و ارگانهای مجری طرح ابلاغ خواهد شد.
- **تبصره.** کلیه صفحات صورتجلسات و نقشه ها و اوراق و جدولهای پیوست مصوبات کمیسیون باید به امضای حداقل ۴ نفر از اعضای حاضر در جلسه کمیسیون طرح تفصیلی رسیده باشد.

غلامرضا مجیدی

گاو بندی ← نسق

گردشگری شهری

فرهنگی شهر را از یاد می‌برند. در مورد مزایا یا زیانهای گردشگری نمی‌توان به یک تعمیم کلی دست زد. از جمله عواملی که بر مزایا یا زیانهای گردشگری تأثیر می‌گذارند، می‌توان از سطح رشد اتحادیه‌های کارگری در میان کارگران صنعت گردشگری، داشتن یا نداشتن سیاست سنجیده در مورد دستمزدها و نوع ترتیبات مربوط به محافظت از محیط زیست یاد کرد. مشارکت اجتماع شهری در برنامه‌ریزی گردشگری می‌تواند به ارتقاء مزایای گردشگری یاری رساند.



کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge.

۲۰۰۵.

حضور فعال سرمایه‌های ملی و بین‌المللی در صنعت گردشگری و فعالیت مدیریت شهری در جلب گردشگری، حاکی از منفعتی است که رشد گردشگری به همراه دارد. برخی منافع حاصل از گردشگری شهری عبارتند از:

- افزایش فرصت اشتغال برای ساکنان شهر؛
- فرصت‌های تازه برای کارآفرینان در زمینه تدارک نیازمندیهای گردشگران؛

- افزایش درآمدهای صاحبان کسب‌وکار در فعالیتهایی چون اداره مهمان‌پذیرها و غذاخوریها؛ و

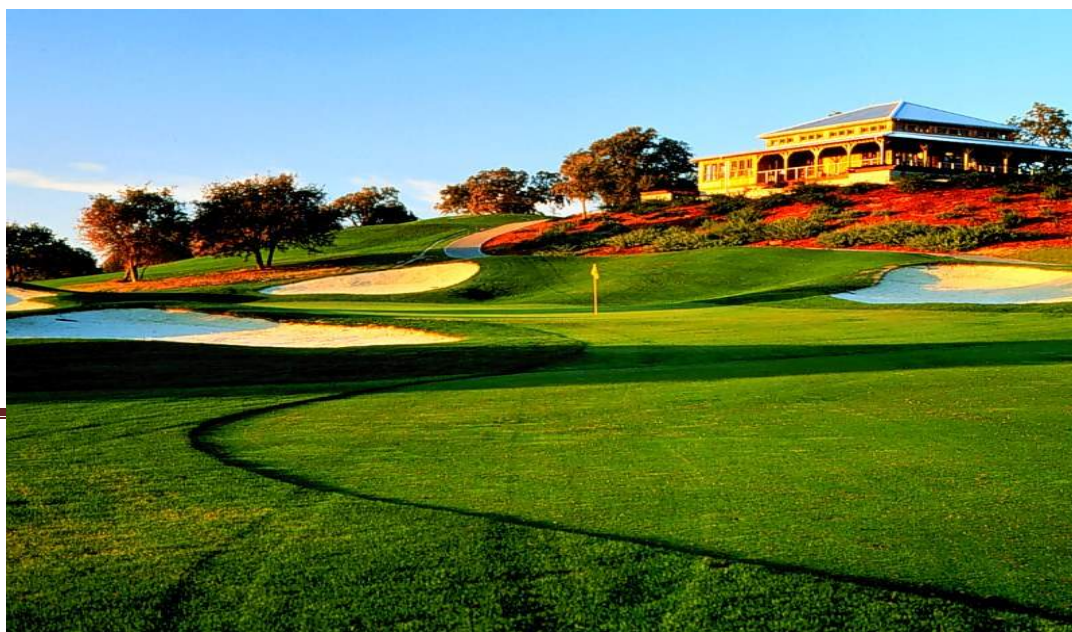
- سرزندگی شهر و افزایش درآمد شهرها به واسطه کسب‌وکارهای تازه و رفت‌وآمد گردشگران.

با این حال، منتقدان نیز به نوبه خود به جنبه‌های منفی گردشگری اشاره می‌کنند که از آن جمله است:

- نزول کیفیت زیست محیطی؛
- رشد اشتغال در وهله اول در حوزه مشاغل دارای مزد پائین؛ و

- جابه‌جایی در سکونتگاههای مرتبط با گردشگری. چنانچه طرحهای مربوط به گردشگری نتوانند درآمدساز باشند، هزینه‌های توسعه گردشگری ممکن است به بهای کاهش سطح خدمات برای ساکنان شهر منجر شود. از دید برخی منتقدان، حتی با وجود موفقیت طرحهای گردشگری، نمی‌توان

زیان آن را به لحاظ از دست رفتن اصالت جماعتها نادیده گرفت، زیرا هم میزبانان و هم مهمانان به دلبستگیهای گردشگری مشغول می‌شوند و پیوستگیهای تاریخی و



گروه (های) هم آب

اشخاص در ایجاد آن دخیل بودند و دولت اراضی را که به وسیله امکانات مزبور مشروب می‌شد، برای استفاده ۵ نسل به بانیان آن واگذار می‌کرد.

در عهد سامانیان، فن آبیاری نه تنها در بخشهای غربی قلمرو آن دولت، بلکه در نواحی شرقی آن، یعنی در حوضه مرغاب و هیلمند نیز به حد کمال رسید.

با کندوکاو در آثار تاریخی در این زمینه می‌توان دریافت که در دوره‌های مختلف تاریخی، چه در ایران، ترکستان، مصر و چین و بیشتر مناطق کم‌آب و کم‌باران، نظامهای پیچیده و متکاملی در زمینه آبیاری و چگونگی استفاده از آن شکل گرفته است که گروههای هم‌آب نمونه‌ای بارز از این نظام پیچیده و متکامل بهره‌وری از آب است.

اهمیت آب در کشاورزی

یکی از مشکلات اساسی و بنیادی کشاورزی ایران کمبود آب است. مهم‌ترین عامل پراکندگی زمین در واحد زراعی سستی نیز همین کمبود آب بوده است. به‌عبارتی، هرچه ناحیه خشک‌تر بود، بنه قدرتمندتر و احتمال پراکندگی متصرفات و اراضی دهقانان نیز بیشتر بود. کیمیای آب همکاری میان افراد ده را برای ساخت و نگهداری قنات یا کاریز و نیز توزیع آن میان زارعان ترغیب می‌کرد. وجود سلسله مراتب و قشربندی در نظام آبیاری حاکی از این واقعیت است. به عقیده لمبتون، آب یکی از عوامل مهم زراعتی ایران است، از این رو عجب نیست که مجموعه‌ای از قوانین مربوط به آبیاری که اساس آنها بر شرع و عرف است، به‌وجود آمده باشد. به عقیده عبدالله یف، شرایط جوی، به مسئله آبیاری در ایران جنبه حیاتی می‌داد، آب عاملی بود که در نوع رابطه دهقانان و مالکان تعیین‌کننده بود و تحت شرایط بسیار سختی در اختیار زارعان قرار می‌گرفت. با این وجود، تمام نوشته‌های موجود درباره کشاورزی ایران بر این مسئله تکیه داشته‌اند که در فعالیتهای این بخش، زمین عامل محدود کننده نیست، بلکه عامل آب از اهمیت بسیار زیادتری برخوردار است. این مسئله بدان جهت است که آب از مهم‌ترین عوامل تولید کشاورزی در

رابرت کریستین
(کمال پولادی)

گروه (های) هم آب

گروههایی از زارعان که سهم آب خود را روی هم می‌گذارند تا ضمن اشتراک در استفاده از آن بتوانند به‌نحو بهتر از آن بهره‌گیرند و در امر آبیاری و برخی کارهای کشت و زرع اشتراک مساعی کنند.

تاریخ استفاده از آب در کشاورزی و شکل‌گیری نظامهای حقوقی و اجتماعی آبیاری را می‌توان به دوران گذر از جامعه شکار و گردآوری خوراک و شکل‌گیری جامعه بستانکاری اولیه نسبت داد. در مناطقی از جهان که آب از مهم‌ترین عناصر حیات اجتماعی محسوب می‌گردید، انسان باتوجه به قدرت تخیل، اندیشه و نمادسازی خویش، علاوه بر اختراع فنون و روشهای مؤثر استفاده از منابع آب و مهار آن و استفاده از نیروی آب در موارد مختلفی، توانست نظامهای حقوقی - اجتماعی متنوع و مختلف در نحوه استفاده از این ماده حیاتی و مایه آبادانی به‌وجود آورد.

محدودیت منابع آب در ایران موجب شده است تا بهره‌برداری از آن در طول تاریخ به‌صورت نظام‌مند و در چارچوب ضوابط و معیارهای حساب شده انجام گیرد. به سخنی دیگر، نظام بهره‌برداری از آب در ایران یک امر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است. وجود واحدهای کار زراعی سستی (بنه) نیز از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که آب، جز در یک یا ۲ ناحیه، کمیاب‌ترین منبع کشاورزی کشور است.

با این وصف، تاریخ تشکل در آبیاری بس دراز است و قواعد و ضوابط خاصی پدید آورده است. به عقیده بارتولد، در عصر هخامنشیان اقداماتی برای ارتقاء سطح زراعت و به کار بستن آبیاری مصنوعی در کشاورزی انجام می‌شد. این کوششها به سرزمینهای شرقی آن دولت نیز بسط یافته بود. پولیبی داستان مشهوری درباره آبیاری اراضی در عهد فرمانروایی ایرانیان دارد و از گفته وی چنین برمی‌آید که شیوه آبیاری کاریزی (قنات) هم در آن عهد پدید آمد. ضمناً این اقدام با پول و وسایل دولت انجام نشده بود، بلکه

آبیاری در کشاورزی برقرار کرده است.

آبیاری

در تعریف آبیاری، قبل از هر مسئله‌ای، بایستی به شرایط و وضعیت زمین، آب، نظام بهره‌وری، زمان و مکان، فرهنگ و حتی نظام اجتماعی حاکم توجه شود. علاوه بر اینها، به‌خصوص در نظامهای آبیاری سنتی، نوع تولید، شیب زمین، جنس خاک و قطعه‌قطعه بودن اراضی با نوع آبیاری ارتباط دارد، به طوری که در اراضی واقع در تپه و یا دره نمی‌توان از آبیاری به طریقه نشتی و یا جویچه‌ای استفاده کرد. همچنین برای کشت محصولات مختلف، شیوه آبیاری فرق می‌کند.

امروزه، نظام بهره‌برداری از آب یا آبیاری را این‌گونه تعریف می‌نمایند که آبیاری شامل مجموعه‌ای از فنون و رویه‌های قانونی یا عرفی در زمینه‌های تأمین، انتقال و توزیع آب بین بهره‌برداران کشاورزی، نحوه تأمین نیاز آبی گیاهان و نباتات و ساماندهی مناسب عوامل انسانی و نیروی کار در موارد یاد شده است.

در گذشته منابع آب، اعم از سطحی یا زیرزمینی، برحسب رویه‌ای عرضی یا مکتوب و قانونی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. تشکیلات ناظر با دقت و اقتدار، قواعد و ضوابط توزیع و بهره‌برداری از آب را اعمال و نظارت می‌کردند.

در نظام سنتی بهره‌برداری از آب و آبیاری، واحدهای تقسیم آب در ۳ گروه دسته‌بندی می‌شدند:

- **واحدهای زمینی (سطحی)**، در این تقسیم‌بندی آب بر مبنای مساحت زمین تقسیم می‌شود، مانند سپیدرود؛
- **واحدهای حجمی**، توزیع آب برحسب میزان برآورد منبع برحسب حجم و تعداد بهره‌برداری و سطح اراضی مزروعی انجام می‌گیرد، مانند حبله‌رود؛
- **واحدهای زمان یا مدار گردش آب**، آب برحسب واحد زمانی تقسیم می‌شود. استفاده از این شیوه، به‌ویژه در مناطق خشک و کم‌آب، در گروه‌های هم‌آب متداول است. دو

بین عوامل پنجگانه سنتی تولید (آب، زمین، نیروی کار، فناوری و بذر) در شرایط طبیعی و اقلیمی کشور بود و شرط لازم در شکل‌گیری اجتماع روستایی نیز در شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران بشمار می‌رفت.

و از آنجا که در موارد متعددی زمینهای قابل کشت و منابع آب فاصله‌ای نسبتاً طولانی با هم دارند که این امر انتقال آب را بسیار دشوار می‌نماید لذا مسئله آب در کشاورزی تناقضات عمده فنی و اقتصادی را به‌وجود آورده است که آن را به یکی از عوامل محدود کننده بخش کشاورزی تبدیل کرده است. براساس منطق اقتصادی، هر تولید کننده سعی بر آن دارد که در برنامه تولید خود، از کمیاب‌ترین عامل حداکثر استفاده را بنماید و بقیه عوامل را در ارتباط با آن عامل کمیاب چنان تخصیص دهد که حداکثر سود به‌دست آید. مزید بر این وضعیت، در نظام بهره‌برداری دهقانی، به دلیل کوچکی و پراکندگی قطعات و لزوم طی مسافتهای زیاد در شبکه نهرهای سنتی داخل روستاها، آبی که با هزینه فرصت زیاد به‌دست می‌آید، از طریق نفوذ و تبخیر به هدر می‌رود و راندمان آبیاری را به‌نحو چشمگیری کاهش می‌دهد.

به عقیده لمبتون، بر طبق خبری از عایشه، آب را نمی‌توان خرید و فروش کرد و تنها مجرای آن و حق استفاده از آن قابل فروش است. بنابر خبری از پیامبر (ص) صاحبان چشمه، قنات، چاه و نهر نمی‌توانند از دادن آب به مسافران و گله ابا و رزندگان، اما کسی نمی‌تواند بدون اجازه قبلی آن را به مصرف آبیاری برساند. بنابر حدیثی، مردم در ۳ چیز شریکند: آب، آتش و علف بیابان. حقوق آبیاری و قنات تا دوره‌های اخیر، یعنی تا ۱۳۴۶ش، سال ملی شدن آب، توسط مواد قانون مدنی و قانون مربوط به قنات ۱۳۰۹ش حل و فصل می‌شد، اما قانون مدنی درباره قنات مواد جداگانه‌ای ندارد و تنها ماده‌هایی در مبحث حریم املاک درباره قنات می‌توان یافت.

امروزه، پس از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، وضعیت آبیاری و اهمیت آب در کشاورزی به کلی دگرگون شده است. ورود فناوریها و فنون مختلف کشت در زراعت امروزی، مسائل کهنه آبیاری را دگرگون ساخته و فنون جدیدی را در نظام

اجرای قوانین ارضی و مفروز شدن اراضی، قرعه‌کشی زمین تقریباً منسوخ شد و فقط تقسیم آب میان بنه‌های آب یا گروه‌های هم‌آب باقی ماند.

گروه‌های هم‌آب و ویژگی‌های آن

در غالب روستاهای ایران، به‌منظور تسهیل در امر آبیاری و جلوگیری از اتلاف آب، تعدادی از دهقانان که اراضی مزروعی آنان به یکدیگر نزدیک است و در نتیجه نوبت آبیاری آنها نیز به‌دنبال هم است، گروه‌های هم‌آب را تشکیل داده و در هر نوبت آبیاری از زمینهای نزدیک به منبع شروع کرده و تا پایان کار، به کمک یکدیگر، زمین را آبیاری می‌کنند. به سخن دیگر، تعدادی از زارعان که در هر گردش آب دارای ۲۴ ساعت حقا به هستند و زمینهای آنها نزدیک یکدیگر است و دارای توافق اخلاقی نیز هستند، در مواقع آبیاری از افراد گروه هم‌آب خود کمک می‌گیرند، تا بهتر بتوانند اراضی خود را آبیاری کنند.

تشکیل گروه‌های هم‌آب از عوامل دیگری نظیر مقدار آب، فصول سال، مدار گردش آب و نوع محصول کاشته شده نیز تأثیر می‌پذیرد. در مناطقی از ایران که میزان آب بیشتری در اختیار زارعان قرار دارد، گروه‌های هم‌آب از انسجام کمتری برخوردارند، درحالی‌که در مناطق کم‌آب، می‌توان گفت که انتظام اجتماعی بیشتری حاکم بر روابط اعضاء گروه هم‌آب است. در برخی از مناطق که کشت صیفی و تابستانه بیشتر متداول است، گروه‌های هم‌آب از فصل بهار تشکیل شده و تا زمان برداشت محصول و تمام شدن مشکل کم‌آبی و خشکی فصل، ادامه پیدا می‌کند. به علاوه، نزدیک بودن اراضی افراد به یکدیگر، توافق اخلاقی و سازگاری بین افراد در تشکیل گروه مؤثر است. هرچند که در برخی از موارد تشکیل گروه‌های هم‌آب براساس نظام بنه آب باقی مانده از دوران ارباب و رعیتی است. به‌عبارتی، افراد هر بنه آب بیشتر تمایل دارند که به‌صورت گروه‌های هم‌آب تشکیل گروه بدهند، البته با این تفاوت که در بنه آب انتخاب سرآبیار یا سربنه از سوی مالک صورت می‌گرفت، درحالی‌که در گروه‌های هم‌آب، این انتخاب براساس آراء اعضاء گروه هم‌آب به انجام می‌رسد؛ به

مورد اول در شبکه‌های مدرن آبیاری صورت می‌گیرد که از موضوع بحث ما خارج است.

سیر تکوینی گروه‌های هم‌آب

در ایران خانوارهای دهقان تنها واحد تولید کشاورزی محسوب نمی‌شوند، بلکه تا سالهای اخیر، تولید کشاورزی در واحدهای کار زراعی سنتی که بنه نام داشت، صورت می‌گرفت (← بنه).

این واحدهای کار زراعی، به‌ویژه در نقاط کم‌آب مرکزی و حاشیه کویر و یا در نیمه شرقی کشور رایج بود. این واحدهای کار زراعی سوابق کهن، ساخت اجتماعی و مناسبات اجتماعی پیچیده‌ای داشتند.

پژوهشگران، اهمیت توسعه این قبیل واحدها را در ایران به ۲ دلیل می‌دانند:

- نظام آبیاری که نیازمند کار گروهی در استفاده حداکثر از منابع آب، به‌ویژه حفر و نگهداری از قنات و مدیریت آب در سطح ده است؛
- مالکان غایب از ده این قبیل واحدهای زراعی را به‌منظور اداره بهتر املاک خود و کنترل آسان‌تر رعایا تشویق می‌کردند.

معادل بنه در خراسان و جنوب فارس صحرا، حراثه و در نواحی جنوب مناطق کوهستانی و عشایری خیش یا درکار، در خوزستان بنکو و در سایر مناطق طاق، سمکار، جوق، پنجال، سرکار، پیگال، پاگاو نامیده می‌شد (← پاگاو). به‌طورکلی بنه‌بندی در آب متأثر از نظام ارباب و رعیتی و به تبع آن، متأثر از نظام بنه‌بندی زمین بشمار می‌آمد. با اجرای قوانین ارضی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، بنه‌بندی آب تبدیل به گروه‌های هم‌آب گردید، زیرا با اجرای قوانین ارضی، به ترتیب ۲ عامل زمین و آب به دهقانان واگذار شد و به‌این ترتیب، دهقانان با در دست داشتن سایر عوامل تولید، عملاً حاکم بر جریان تولید گردیدند. ازاین‌رو، با اجرای قوانین ارضی، سلسله مراتب اجتماعی و حقوقی و مناسبات قدرت که در درون نظام‌های واحد کار زراعی سنتی وجود داشت، دچار تغییر و دگرگونی گردید. با

گروه (های) هم آب

در حال حاضر با توجه به وضعیت ایران از نظر میزان آب زراعی، همکاری و تعاون به ۳ صورت وجود دارد:

- اول همکاری در میان اعضاء گروههای هم آب به این معنی که زارعان هر گروه هم آب به یکدیگر در امور آبیاری کمک می کنند، تا بهتر بتوانند اراضی خود را آبیاری کنند. تعویض نوبت آب در میان گروه هم آب، خرید و فروش حقاچه و یا اجاره آب و یا در اختیار گذاردن آب به اعضا گروه به منظور کشت بیشتر و دریافت عشر محصول از طرف مقابل، از زمره فعالیت‌هایی است که در درون گروه هم آب صورت می گیرد.

معمولاً در داخل هر روستا زارعان براساس میزان زمین تحت تصرف، از آب سهم می برند. در برخی از روستاها، آبیاری به شیوه گروهی و دسته جمعی صورت می گیرد. در پاره ای موارد تعداد اعضاء یک گروه هم آب به ۲۰ نفر بالغ می شود و بعضاً هر گروه ۲۰ نفری خود به ۲ دسته ۱۰ نفری از زارعان تقسیم می شود و در هر مدار گردش آب، این گروه ۲۰ نفری ۲۴ ساعت حقاچه دارد. در هر گروه ۱۰ نفری که ۱۲ ساعت سهم آب دارد، زمینهای زراعی افراد در کنار هم و به صورت پیوسته و متصل به یکدیگر است. در واقع، مبنای عضویت کشاورزان، مکان قرار گرفتن زمینهای کشاورزی آنان است. این امر از این جهت است که امر آبیاری تسهیل گردد.

آب قرضی به این معنی که زارعان برای یاری رساندن به یکدیگر و استفاده خردمندان از آب به این کار مبادرت می کنند. آب قرضی نه تنها در هنگامی که آب کمیاب است، بلکه در مواقعی هم که آب بسیار فراوان است، در میان گروههای هم آب دیده می شود؛ هر چند پراکندگی اراضی نیز سبب قرض دادن آب می شود.

- نوع دوم همکاری در سطح ده وجود دارد و آن ایجاد شورای آبیاری در سطح روستاست. این شورا از نمایندگان کلیه گروههای هم آب تشکیل می شود و از وظایف آن می توان به تقسیم آب میان گروههای هم آب، تعمیر و لایروبی نهرها، حفظ و نگهداری موتور پمپها، لایروبی جویهای منشعب از رودخانه، جمع آوری پول برای تأمین سوخت موتور چاه، پرداخت دستمزد موتورچی، میراب،

این معنی که سران اعضاء هر گروه هم آب رئیس واحد را انتخاب می کنند. معمولاً تعیین نوبت آبیاری میان اعضاء گروه براساس پائین دست قرار گرفتن اراضی و یا از طریق قرعه کشی (پشک) صورت می گیرد و به این ترتیب نوبت، آبیاری هر فرد تعیین می شود سپس افراد با کمک یکدیگر به آبیاری اراضی فردی که نوبت آب او فرا رسیده است، می پردازند. در برخی از موارد که تعداد اعضاء گروه هم آب از ۴ نفر بیشتر است، گروههای فرعی در درون گروه اصلی تشکیل می شود و اعضاء هر گروه هم آب دو به دو با یکدیگر به همکاری در امر آبیاری مبادرت می ورزند.

گاهی نیز اتفاق می افتد که برخی از اعضاء گروه هم آب، قسمتی از حقاچه خود را به صورت قرضی در یک نوبت آبیاری در اختیار عضوی از گروه هم آب خود قرار می دهد و در عوض، در گردش آب بعدی، علاوه بر استفاده از سهمیه آب خود، آب قرض داده شده را نیز پس می گیرد. ناگفته نماند که تقسیم آب میان اعضاء به گونه ای است که افرادی که از یک گروه هم آب نوبت آبیاری شان شب بوده، در نوبت بعدی در روز آب می گیرند.

به موازات تغییراتی که در واحدهای کار زراعی پس از اصلاحات ارضی به وجود آمد، تقسیم کار نیز در میان گروههای هم آب دچار دگرگونیهایی شده است. به این معنی که قبل از اصلاحات ارضی مسئولیت بر واحد کار زراعی بنه آب، برعهده یکی از افراد با سابقه و دارای مهارت در امور آبیاری و بذریابی بود. این فرد مسئول حفظ و نظم و ترتیب آبیاری بود و به دستور او آبیاری صورت می گرفت. تحویل گرفتن آب از واحد کار زراعی دیگر، هنگامی که نوبت آبیاری فرا می رسید و یا تحویل دادن آب به بنه بعدی پس از پایان یافتن مدت استفاده از آب، جزو امور و کار آبیاری بود. علاوه بر این، در پخش کردن آب در اراضی بنه، ایجاد جوی پشته، جلوگیری از هرز رفتن آب، درست کردن گوشه، کرت بندی و مانند آن، با سایر اعضاء بنه همکاری داشت. در هر واحد کار زراعی ۲ نفر کمک آبیاری نیز وجود داشت که یکی از آنها سرآبیاری را در هدایت آب به مزرعه و جلوگیری از هرز رفتن آب کمک می کرد و دیگری در کار آبیاری اراضی بنه آب همکاری می کرد.

گروه (های) هم آب

پیش از اصلاحات ارضی، در برخی موارد و مناطق، مزد این کارگزاران به عهده مالک و یا مالکان آب بود و یا سهمی از محصول هنگام خرمن برای این کارگزاران کسر می شد، اما پس از اصلاحات ارضی، مزد این گونه کارگزاران برعهده کشاورزان صاحب زمین است. وظیفه برخی از این کارگزاران تهیه منابع جدید آب و یا تحویل آب بیشتر از منابع موجود و آبرسانی بهتر است. در برخی موارد، برای حسابداری و نظارت بر تقسیم درست حقاچه نیز از اینگونه افراد استفاده می شود.

با توجه به آنچه گذشت، می توان نتیجه گرفت که نوعی بهره برداری گروهی از آب طی سالهای اخیر در جامعه روستایی رواج پیدا کرده است؛ به این معنی که زارعان به تشکیل گروههای هم آب مبادرت کرده اند. گروه هم آب عبارت است از تعداد زارعی که در هر گردش آب دارای ۲۴ ساعت حقاچه هستند و مشترکاً امور مربوط به آبیاری اراضی خود را انجام می دهند. در این حالت، اراضی تحدید می شود، اما زارعی که حداقل یک یا ۲ قطعه زمینشان در مجاورت یکدیگر قرار دارد و یا با هم نسبت خویشاوندی و یا همسایگی دارند، چنین گروههایی را تشکیل می دهند. معمولاً دهقانان با تشکیل گروههای هم آب و تعویض و یا معاوضه قطعات اراضی خود، به یکپارچه کردن اراضی در داخل نسق خود مبادرت می ورزند و از تعداد قطعات اراضی خود می کاهند. ایجاد شورای آبیاری را که از سران گروههای هم آب تشکیل می شود، می توان معادل شورای سربنه ها در نظام بنه بندی قدیم تلقی کرد، با این تفاوت که سربنه ها (سرآبیاران) حالت انتخابی دارند و از سوی دهقانان هر گروه هم آب انتخاب می شوند و دیگر منصوب مالک و یا مباشر نیستند. از وظایف شورای آبیاری به هم زدن مقررات مربوط به گردش آب در مورد محصولات مختلف و تقسیم یک یا ۲ شبانه روز آب به طور مساوی میان گروههای هم آب است. تعیین روز آبیاری از طریق قرعه کشی به انجام می رسد؛ چنین اشکالی از بهره برداری و تشکلهای گروهی آبیاری میان بهره برداران خانوادگی دهقانی در مناطق مختلف ایران، نظیر خراسان، مناطق مرکزی ایران، چهارمحال بختیاری و بسیاری دیگر از نواحی

خرید آب از اداره آبیاری و مسائلی از این دست اشاره کرد. برخی از تمهیداتی که این شورا به کار می گیرد، عبارتند از:

۱. برهم زدن مقررات مربوط به گردش آب. به این معنی که در مواقع کشت محصولات صیفی که نیاز آبی گیاه زیاد است، شورای آبیاری مدار گردش آب را با توجه به این نیاز آبی تغییر می دهد، به گونه ای که همه زارعان بتوانند محصولات خود را آبیاری کنند. این کار که خود نوعی تنظیم مجدد نوبت آب است، در موارد گوناگون دیگری نیز به کار می رود، مانند مواقعی که سیل بند رودخانه و یا جویی را که آب رودخانه از آن عبور می کرده است، با خود می برد؛

۲. بخشش دسته جمعی آب برای مقاصد مذهبی و یا مناسبتهایی که پیش می آید و یا تخصیص چند ساعت از آب برای مصارف عمومی؛ و
۳. آب بخشی. در برخی از آبادیها برهم زدن مقررات مربوط به گردش آب در میان گروههای هم آب جنبه بخشش پیدا می کند، به این معنی که شورای آبیاری در سال یک یا چند روز آب را به آن دسته از خوش نشینانی که دارای باغ و باغچه، اما فاقد حقاچه هستند، واگذار می کند و یا در اختیار زارعی که به دلایلی با کمبود آب روبرو شده اند، قرار می دهد.

سازمان آبیاری گروههای هم آب

در مناطقی از ایران که گروههای هم آب، آب زراعی را از منابعی نظیر رودخانه ها و انهار منشعب از آن دریافت می کنند، مجمعی مرکب از نمایندگان گروههای هم آب روستایی که از آن رودخانه و یا نهر منشعب استفاده می کنند، به همراه نمایندگان شورای اسلامی، نمایندگان مرکز خدمات کشاورزی و اداره آبیاری، شورایی را انتخاب می کنند که با کمک و یاری یکدیگر در نگهداری منابع آب و آبراهه ها، لایروبی فصلی و یا مستمر آن و بالاخره، تقسیم حساب شده آن میان روستاهایی که از آن نهر و یا رودخانه حقاچه دارند، نظارت می کند. آنها همچنین ممکن است با هم فکری یکدیگر کارگزارانی را که در امر آبیاری و تقسیم آن مهارت دارند، استخدام نمایند.

گونه‌شناسی مسکن

انتشارات توسعه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

- لهسایی زاده، عبدالعلی. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۶۹.

- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

- عبداللهی، محمد. *نظام‌های بهره‌برداری*. تهران: وزارت کشاورزی معاونت امور نظام بهره‌برداری، ۱۳۷۷.

- کاتوزیان، محمدعلی. *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.

- مهندسان مشاور ویسان. *نظام بهره‌برداری از آب کشاورزی*. تهران: مجموعه مقالات دومین همایش نظام بهره‌برداری کشاورزی در ایران، وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، ۱۳۸۲.

- Ajami, E. *Agrarian Reform, Modernisation and Agricultural Development in Iran*, Aspen- *Persepolis Symposium: Iran, Past, Present and Future*, ۱۹۷۵.

مصطفی ازکیا

گونه‌شناسی مسکن

Settlement Typology

واژه گونه را می‌توان به گروهی خاص با یک ویژگی یا مشخصه نسبت داد. هر پدیده صرف‌نظر از موجودیت عینی و منحصر به فرد خویش که متناظر با اسم خاص آن است، به دسته‌ای عام نیز تعلق دارد که دربرگیرنده ویژگی‌های عمومی پدیده‌های همسان است. بدین ترتیب، گونه یک مفهوم عام است که در زبان معماری، عهده‌دار سازماندهی عناصر و پدیده‌های مشابه در دسته‌ها و اسامی عام است. آنچه گونه‌ها را پدید می‌آورد، مشخصه‌هایی هستند که ذاتی پدیده‌های خاص بشمار می‌روند و اشتراک میان آنها، مولد یک موجودیت مشترک و قابل استنتاج از آنهاست که گونه‌نگاشته می‌شود.

گونه‌شناسی معماری در واقع، مبین تمام اندوخته‌های معماری یک مکان یا زمان خاص است که گونه‌های رایج

روستایی ایران وجود دارد.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.

- ازکیا، مصطفی. *آبرود، دهکده‌ای از تربت حیدریه*. تهران: بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۱.

- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.

- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی بنه‌بندی در فردیس*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

- ازکیا، مصطفی و احسانی، کاوه. *کتاب توسعه، مجموعه نظریه‌ها*. جلد دوم و سوم. تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۱.

- وثوقی، منصور. *بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی ناشی از پراکندگی زمین در قالب واحدهای زراعی سنتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی ده در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستای ایران*. چاپ سوم. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۱.

- تقوی، نعمت‌الله. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۱.

- عبدالله یف. *روستایان ایران در اواخر قاجاریه*. تهران: مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.

- عظیمی، حسین. *توزیع زمین و درآمد در آستانه اصلاحات ارضی*. تهران: مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.

- عظیمی، حسین. *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.

- صفی‌نژاد، جواد. *بنه*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.

- صفی‌نژاد، جواد. *نظام‌های آبیاری سنتی در ایران*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۹.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

- وثوقی، منصور. *طرح بررسی زمینه‌های ارتقاء مشارکتهای مردمی در ساماندهی و مدیریت منابع آب کشور پروژه تدوین استراتژیهای توسعه مشارکتهای مردمی در مدیریت منابع آب کشور*. تهران: مرکز مطالعات مدیریت و بهروری ایران دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

- بارتولد، و. *آبیاری در ترکستان*، ترجمه کریم کشاورز. تهران:

به معنای در یک گروه قرار گرفتن مجموعه‌ای از بناهاست. در نخستین گام برای معرفی و تبیین گونه‌شناسی، ماهیت آن مطرح می‌شود. به راستی گونه‌شناسی چگونه دانش یا روشی است؟ در کدام یک از رده‌های علوم جای دارد و موجب حصول کدام دسته از سطوح شناخت بشری می‌گردد؟ شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم، از دیرباز تاکنون، بیانگر اهمیت بسزای آن است. اصطلاح گونه‌شناسی نتیجه ترکیب ۲ بخش یک مقوله، نخست اصل شناخت و دیگری موضوع شناخت است. باید در نظر داشت که این نوع شناخت، به خودی خود و به صرف آگاهی از برخی مشخصات موضوع نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت و تنها ذهن را با شمای کلی ویژگی‌های آن موضوع آشنا می‌سازد. براین اساس، گونه‌شناسی را نمی‌توان دانشی با موضوعی ویژه تلقی نمود، بلکه روشی از شناخت است که نتیجه آن به تدریج در لایه‌های بعدی در متن علوم کاربردی، خود را نمایان می‌سازد. بدین ترتیب، گونه‌شناسی، شناختی مقدماتی و روشمند در راستای توصیف، تبیین و تحلیل ساختار گونه‌ها از طریق طبقه‌بندی آنها براساس خصوصیات عمده، اجزا و روابط به منظور کاربرد در علوم، از جمله معماری است. علاوه بر این، گونه‌شناسی مبتنی بر ۲ لایه از سطوح شناخت است:

- شناخت حالت وجودی یا عینیت گونه‌ها، یعنی شناخت وضع موجود و آنچه که هست و یا تحقق یافته است؛ و
- شناخت حالت تصویری یا ذهنیت گونه‌ها، به معنی شناخت آنچه که باید و می‌تواند باشد و یا شاید پیشتر بوده است.

به نظر می‌رسد، شناخت واقعی تنها زمانی حاصل می‌گردد که ذهن فارغ از تمرکز بر یکی از ابعاد فوق، در نوعی بازی آزاد، در حد فاصل ۲ حوزه عینیت و ذهنیت گونه‌ها قرار گیرد.

گونه‌شناسی یکی از زمینه‌های علمی است که روزبه‌روز از اقبال جهانی بیشتری برخوردار می‌شود. البته، سابقه گونه‌شناسی به حدود ۲۰۰۰ سال پیش و آثار بعضی نویسندگان بازمی‌گردد. ویتروویوس (Vitruvius) در کتاب

در آن گرد آمده‌اند. شناخت این گونه‌ها به معنای شناخت مجموعه میراثی است که به صورت ترکیب اطلاعاتی ارزشمند در ضمیر ناخودآگاه معماران حاضر در آن شرایط وجود داشته است. بدین ترتیب، هر اثر منفرد معماری، به طبقه‌بندی کلی تری نیز تعلق می‌یابد که بدان هویتی فراتر از موجودیت خاص خود، به منزله یک خانه یا مدرسه یا هر بنای خاص دیگر می‌بخشد. بنابراین، گونه هم می‌تواند به کار طبقه‌بندی محیط در مقیاس کلان آمده و مولد مفاهیمی همچون روستا و شهر باشد و هم آنکه به عناصر خردتری، چون تفکیک ابنیه منفرد و حتی بخشهای یک بنای معین بپردازد. در ارتباط با گونه، مفاهیم هم ارز دیگری قابل طرحند که ارتباط میان آنها، مولد بیان معماری است. *سیمانشناسی* (مورفولوژی) که ناظر بر چگونگی شکل محیط مصنوع است و در قالب آثار منفرد، به تفصیل صورتی آنها می‌پردازد و *مکان‌شناسی* (توپولوژی) که با نظام فضایی مرتبط است و تبیین آرایش فضایی پدیده‌های معماری را برعهده دارد.

زمانی که گونه‌شناسی در ارتباط با مسکن قرار می‌گیرد، با تجلیات شیوه‌های گوناگون سکونت درگیر می‌شود. شیوه‌های گوناگون، هر یک موجد یک گونه پایه واحد مسکونی هستند که معرف ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، معیشتی، اقلیمی، اعتقادی و... آن شیوه بشمار می‌روند. از این گونه پایه، با عنوان *گونه هادی* نیز نام می‌برند. گونه هادی، بافت محیط پیرامونی را محدود نکرده و بر آن مؤثر نیز هست. به عنوان مثال، یک گونه از مسکن، ممکن است مولد گونه‌ای از معبر باشد که آن نیز به نوبه خود، گونه خاصی از بافت و آبادی را به وجود آورد.

بدین ترتیب، مفهوم گونه‌شناسی، در ۲ مقیاس خرد و کلان، اهمیت می‌یابد و نمونه‌های کالبدی گونه را می‌تواند در ۴ مقیاس استقرار، بافت، دانه و عناصر کالبدی مشاهده نمود. به تعبیر دیگر، آنچه که یک گونه کالبدی را پدید می‌آورد، علاوه بر آنکه در قالب آبادی یا خانه معنا می‌یابد، عمدتاً اجزای کالبدی آن را در مقیاسهای مختلف نیز شامل می‌شود. از آنجا که ساختار یک بنا از عناصر سازه، فضا و فرم تشکیل می‌شود، بنابراین اشتراک در این صفات کالبدی،

درآمد.

ادبیات گونه‌شناسی مسکن از حیث معماری، گویای آن است که مطالعات انجام شده عمدتاً در ۲ حوزه نگرش کالبدی و غیرکالبدی به انجام رسیده‌اند.

نگرش کالبدی در گونه‌شناسی غالباً متناظر با اهداف عمرانی و یا دسته‌بندی بناها از حیث ویژگیهای معماری است. بنابراین، در این رویکرد، کالبد بنا به‌عنوان اصل تلقی می‌گردد و جنبه‌های دیگر آنکه در حوزه‌های علوم مختلفی، همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و جغرافیا قرار می‌گیرد، فرع تلقی می‌شود. علاوه‌براین، رویکرد کالبدی در گونه‌شناسی ممکن است کالبد را از منظرهای مختلف، همچون فرم، عملکرد، فضا، مصالح، نظام ساختمانی و مانند آن مورد بررسی قرار دهد.

بخشی از نمونه‌های گونه‌شناسیهای مسکن روستایی انجام شده در کشور، شامل دسته‌ای از تحقیقات گونه‌شناسی است که در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و در قالب گونه‌شناسی استانهای خوزستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری به انجام رسیده‌اند.

دسته دیگری از گونه‌شناسیهای مسکن روستایی در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با هدف ساماندهی سکونتگاههای روستایی به انجام رسید که تلاش برای شناخت و مطالعه جوانب مختلف وضع موجود و گذشته روستا را عامل مهم در برنامه‌ریزی و طراحی و هرگونه اقدامی در راستای بهبود شرایط کالبدی در چارچوب حیات طبیعی این جوامع بشمار می‌آورد.

کتاب *الگوی مسکن روستایی، پژوهشی در معماری روستایی استان خراسان*، گونه‌شناسی مسکن روستایی استانهای لرستان، سمنان و اصفهان، گونه‌شناسی مسکن روستایی زنجان برحسب نوع معماری و مصالح و شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی در زمره تحقیقات گونه‌شناسی بودند که در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مؤسسات و ادارات وابسته به آن تهیه و نشر یافتند.

کتابهای گونه‌شناسی اولیه، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی برون‌گرا و گونه‌شناسی درون‌گرا و

مشهور خود به نام ۱۰ کتاب معماری، گونه‌های مختلف بناهای یونانی، شامل خانه‌ها، معابد و بناهای عمومی را دسته‌بندی کرده است. آلبرتی معمار معروف سده ۱۵م نیز بخشی از کتاب خود را به معابد و دسته‌بندی آنها براساس ویژگیهای شکلی اختصاص داده است. یکی از جالب‌ترین آثار دانشمندان ایرانی در زمینه معماری، کتابی است از غیاث‌الدین جمشید کاشانی به نام *مفتاح الحساب* که بخشی از آن به محاسبه هندسی و دسته‌بندی چفد، تاق و گنبد اختصاص یافته است. از جمله آثاری که به مفهوم گونه در عرصه معماری توجه ویژه دارد، کتاب *فرهنگ تاریخ معماری* اثر دی کانس، منتشر شده در ۱۸۴۴م است. این اثر گونه را یک طرح یا شیما می‌داند که بر ذهن هنرمند اثرگذار است.

معماران معاصر به ظاهر با تفکر گونه‌شناسی و کاربرد آن در طراحی به این دلیل که مانعی بر سر راه خلاقیت پدید می‌آورد، به مخالفت جدی برخاسته‌اند. در واقع، این همان برداشت از گونه است که دکارلو از آن به‌عنوان *گونه/انجمادکننده* یاد کرده است. علاوه‌براین، رویکرد دیگری با عنوان *پیش‌ساخته سازی یا تولید انبوه* با موضوع همگون‌سازی یا تیپ نمودن اجزا و ساختمانها جهت تسریع در امر احداث آنها مطرح است که توسط برخی معماران مدرن به کار گرفته می‌شود.

در ایران، نمونه‌هایی از گونه‌شناسی در روستاها، به‌خصوص با رویکرد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در دهه ۱۳۵۰ش به انجام رسیده است. پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه بعد از پایان جنگ و تخریب گسترده روستاها، به‌خصوص در مرزهای غربی کشور، بحث گونه‌شناسی با اهداف کاربردی در ساخت‌وساز مسکن روستایی آغاز شد. از آن پس با توجه به سانحه‌خیز بودن پهنه سرزمین و امکان تخریب گسترده در اثر وقوع سوانح و بازسازی مسکن در روستاهای آسیب دیده، لزوم شناخت صحیح گونه‌های موجود ساخت‌وساز در دستور کار قرار گرفت و طرحهای گونه‌شناسی با هدف بهسازی مسکن روستایی در بازسازیها و ساخت‌وسازها در نهادهای مرتبط، همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن به اجرا

معماری عبارتند از:

- رسیدن به اصول طراحی از طریق بناهای آن؛
 - تجزیه و طبقه‌بندی مسائل دشوار در عرصه معماری به بدیهی‌ترین و ساده‌ترین شکل برای قابل فهم کردن و یافتن پاسخی مناسب برای آنها؛
 - حل بحران هویت و انتقال ارزشهای گونه‌شناسانه از طریق پی بردن به ریشه‌ها؛
 - خوانایی آثار معماری از سوی پژوهشگران؛ و
 - دست یافتن به آموزش صحیح معماری از طریق مفاهیم مشترک و پرهیز از فردگرایی در امر طراحی.
- علاوه بر این، گونه‌شناسی به‌طور عام بر حلقه‌های ارتباط میان فرهنگ، اعتقادات و باورها و عوامل اقتصادی با شکل و شیوه ساخت معماری تأکید دارد. از آنجا که موضوع گونه‌شناسی مسکن از ابعاد متفاوتی، همچون معماری، جغرافیا، تاریخ، علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی کالبدی برخوردار است، این روند شامل ترکیبی از روشهای تحقیقی خواهد بود که به ترتیب از فنون و روشهای علوم اجتماعی نظیر مصاحبه و تحلیل آماری تا مشاهده و تحلیل بصری (که به رفتار انسانی نزدیکی بیشتری دارد) و نیز برداشتهای کالبدی و ثبت میدانی اطلاعات بهره می‌گیرد.

کتاب‌شناسی:

- پور محمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- شمایی، علی و پوراحمد، احمد. *بهبودی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- دلال‌پور محمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- گیدیون، زیگفرد. *فضا، زمان و معماری*، ترجمه منوچهر مزینسی، چاپ ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان اردبیل*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل، اردبیل، ۱۳۸۰.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان اصفهان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۹.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان فارس*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان فارس، شیراز، ۱۳۷۹.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان آذربایجان شرقی*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۷۲.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان لرستان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

تیپولوژی ساختمانهای مسکونی حیاطدار از دیگر تألیفاتی هستند که گونه‌شناسی مسکن را از دریچه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند.

در نگرش غیرکالبدی به مسکن، زوایای دیگری از دیدگاههای جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، جغرافیایی، روانشناختی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این نگرشها، کالبد معماری فرع و در راستای اهداف رویکردی مورد نظر قرار می‌گیرد. میزان توجه به ویژگیهای بافتهای مسکونی در چنین رویکردهایی دارای سلسله مراتبی است که بسته به‌نوع نگرش متفاوت است. نگرش به مقوله گونه‌شناسی مسکن در رویکردهای غیرکالبدی، ابعاد ویژه‌ای از مسکن را در پیش روی ما قرار می‌دهد که حائز اهمیت است. در این راستا مطالعاتی نظیر *گیلان و آذربایجان شرقی، نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، مونوگرافی ده طالب‌آباد و اورازان* در زمره آثار قابل توجه بشمار می‌آیند.

این موضوع از آن جهت قابل تأکید است که گونه‌شناسی مسکن تنها ناظر به کالبد، سیماشناسی (مورفولوژی) و مکان‌شناسی (توپولوژی) تک بناها نیست و بیش از آن، با فرایند شکل‌گیری مسکن در ارتباط است. در واقع، مقتضیات کالبدی خود ماحصل پاسخ فرایند شکل‌گیری مسکن در زمان و مکان خاص است و بنابراین، واجد اصلاتی قابل اتکا نیست، بلکه تنها به‌عنوان *نمونه‌ای* موردی محملی برای ورود و مکاشفه راهکارها و فرایند تبدیل یک سنت سکونت به تجسم کالبدی آن بشمار می‌آید.

از سوی دیگر، استخراج گونه‌های فرایند شکل‌گیری مسکن منتج به تبیین راهکارها و چگونگی دخالت در آن خواهد بود. در صورت تقید به این فرایند، آنچه که به تعاقب آن در محیط برپا خواهد شد، طبعاً در تداوم منطقی با ساخته‌های پیشین قرار خواهد داشت و نه صرفاً در تسلسل شکلی و کالبدی با آنها. بدین ترتیب، گونه‌شناسی شناختی مقدماتی و روشمند در راستای تحلیل و اصلاح ساختار گونه‌ها، از طریق طبقه‌بندی آنها براساس خصوصیات عمده، اجزا و روابط در جهت کاربرد در علوم نظیر معماری است. اهداف عمده گونه‌شناسی در

گونه‌شناسی مسکن

- استان لرستان، خرم‌آباد، ۱۳۷۶.
- گونه‌شناسی مسکن روستایی استان خراسان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خراسان، مشهد، ۱۳۷۲.
- گونه‌شناسی مسکن روستایی استان گیلان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران، ۱۳۸۷.
- گونه‌شناسی ابنیه معماری و مسکن روستایی استان سمنان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان، سمنان، ۱۳۷۶.

مهران علی‌الحسابی

بالا بودن امکانات فرهنگی و نقش فرهنگ‌ساز، از جمله ویژگی‌های متمایز کننده مادرشهر از انواع دیگر شهر محسوب می‌شود. هنری جیمز در مورد لندن به‌عنوان مادرشهری مهم، بیان می‌کند که: «بزرگ‌ترین تجمع زندگی انسانی، کامل‌ترین ملخص جهان است و در آن بهتر از هر مکان دیگری، نژاد انسان در آن مجسم شده است».

در کنار چنین کیفیت‌های برتری، متروپولیس را با ویژگی‌های منفی نیز معرفی کرده‌اند. جایی است که در آن از خود بیگانگی به‌نحو چشمگیری افزایش یافته، انسان‌ستیزی، انبوهی و ازدحام آزاردهنده هم در آن زیاد است، لیکن در همان حال که جذبه دارد، جاذب نیز هست. تسلط انحصاری بر تجارت منطقه‌ای وسیع یا کل کشور از دیگر ویژگی‌های مادرشهر است. وجود چند شهر در حوزه نفوذ مادرشهر، وسعت و جمعیت زیاد نسبت به سایر سکونتگاه‌ها از ویژگی‌های اصلی مادرشهر به‌حساب می‌آید.

کتاب‌شناسی:

- *آحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علی‌بنی منزوی، ۲ جلد، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

پرویز پیران

مفهوم و عملکردها

شهری که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک کشور، ایالت یا منطقه است. چنین شهری معمولاً محل استقرار مهم‌ترین مراکز تجاری و فرهنگی و فعالیت‌هایی نظیر آنهاست.

در فرهنگ‌ها از مادرشهر به‌عنوان شهر مرکزی یا یک واحد گسترده شهری یاد شده است که جمعیتی حدود ۴ میلیون نفر داشته باشد. مفهوم مادرشهر را به‌صورت‌های

مادرشهر

Metropolis

حوزه شهری با یک شهر بزرگ (مادرشهر) در مرکز و مجموعه‌ای از شهرها و شهرکها و حواشی به‌صورت اقماری و با وابستگی‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف در پیرامون آن.

سابقه و ویژگی‌های عمومی

کاربرد مفهوم مادرشهر (متروپولیس) در زبان عربی و فارسی سابقه‌ای دور و دراز دارد. جغرافی‌نگاران ایرانی-اسلامی بارها از واژه ام‌القری استفاده کرده‌اند. مقدسی مادرشهر را برای آن دسته از شهرها به کار برده است که مرکز مهم حکومتی یا جایگاه شاهان بوده است. ام‌القری ضمناً به‌عنوان اسم خاص برای نامیدن مکه معظمه به کار رفته است.

در یونان باستان مادرشهر را برای نامیدن مرکز ناحیه‌ای تسخیر شده در خاک یونان (کلنی) به کار می‌بردند. بعدها براساس این کاربرد، مرکز، پایتخت یا مهم‌ترین شهر هر کشور، محدوده حکومتی، ناحیه و منطقه را متروپولیس خواندند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م مادرشهر را با جمعیت بالا و وسعت زیاد، شهری تلقی می‌کردند که، نقشی جهانی به‌ویژه از نظر اقتصادی داشت. در نتیجه، تنها زیادی جمعیت و وسعت ملاک تشخیص متروپولیس یا مادرشهر به‌حساب نمی‌آید، بلکه آنچه مادرشهر را شاخص می‌سازد، کیفیات و نقش ویژه آن است؛ علاوه‌بر نقش جهانی، تنوع فرهنگ، اسکان گروه‌های متنوع انسانی،

مادرشهر

شهر مرکز نظارت اقتصادی و بالاخره شهر مرکز راهبری اقتصاد منطقه‌ای می‌رسد. مورد اخیر را با توجه به تأثیراتی که از نظر نقش اقتصادی و حوزه‌های گسترده تحت پوشش در سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای دارد، می‌توان مادرشهر تلقی کرد.

به این ترتیب، منطقه مادرشهری شامل محدوده‌ای است که مقتضیات آن به صورت مستقیم به مادرشهر اصلی وابسته است و هدایت کلیه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی آن نیز برعهده مادرشهر است. همان گونه که مادرشهر رشد می‌کند، منطقه مادرشهری نیز گسترش می‌یابد. به همین خاطر در برنامه‌ریزی‌های شهری و ارائه برنامه‌های جامع، این برنامه‌ها باید در سطح شهری و منطقه‌ای ارائه شود. بنابراین، منطقه مادرشهری نیز حوزه‌ای است که شهر مرکزی را دربر می‌گیرد، و کانون مادرشهری، شهری است که در مرکز منطقه مادرشهری واقع شده است. درحالی که منطقه مادرشهری عبارت از منطقه‌ای است که به مرکزیت شهر اصلی کشور، ایالت یا پایتخت به وجود می‌آید، نواحی پیرامونی شهر اصلی را که زیر نفوذ مستقیم آن شهر است، تحت پوشش قرار می‌دهد. این شهر اصلی و حوزه منطقه‌ای آن از نظر اقتصادی و اجتماعی با مرکزیت شهر اصلی وجوه مشترک دارد.

هانس بلومفلد اشاره دارد که شناخت نواحی مادرشهری به شعاع حوزه‌های عملکردی شهر و فاصله بین محل سکونت و محل کار بستگی دارد. او شعاع عملکرد شهر از مرکز آن را با وسایط سریع و بدون راه‌بندان تا ۴۵ دقیقه و فاصله بین محل کار و محل سکونت را تا حداقل ۳۰ دقیقه می‌داند. در مادرشهرها برای مشاغل تخصصی، امور حمل‌ونقل، مؤسسات مالی و حقوقی، پخش و توزیع کالاها و خدمات، زمینه‌های مساعدی فراهم است. چنین شهرهایی صنایع سبک ناحیه‌ای را به موازات صنایع سنگین جذب می‌کنند و فروشگاه‌های بزرگ، تالارهای نمایش، میدانهای بزرگ ورزشی، مؤسسات بزرگ دانشگاهی دارند. مادرشهرها نقشهای مختلف شهری مانند نقش تجاری، اداری، سیاسی، دانشگاهی و خدماتی دارند. در چنین حوزه‌هایی بخش واحدهای مسکونی از سایر فعالیت‌های

مختلف بیان داشته‌اند: در تعریفی، مادرشهر به حوزه‌ای از سکونتگاه‌های شهری گفته می‌شود که از نظر مرکزیت اداری و فعالیت اقتصادی و فرهنگی بر دیگر سکونتگاه‌ها برتری داشته باشد؛ یا آن را شهری دانسته‌اند که حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد و در سلسله مراتب شهری بتواند به صورت یک واحد نظارتی اقتصادی جدید عمل کند و بر ناحیه‌ای که ۵-۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد، مسلط باشد. مادرشهر ضمناً سکونتگاهی است که در فاصله زمانی ۴۵ دقیقه (با وسایط نقلیه پیشرفته) از مرکز آن، حداقل ۵۰۰،۰۰۰ نفر زندگی کنند، به نحوی که وسایل لازم برای پیمودن این فاصله برای جمعیت شهر در دسترس باشد. بنابراین، مادرشهر یک شهر مسلط اقتصادی و اجتماعی در یک حوزه وسیع ناحیه‌ای تحت استقرار خود، با جمعیت انبوه و دامنه کالبدی گسترده و با حوزه‌های اقماری متعدد است.

برای نخستین بار پاتریک گِردس، دانشمند اسکاتلندی، در ۱۹۱۵م، شهرهای بزرگ دنیا را به عنوان مجموعه شهری (conurbation) که چند شهر دیگر را در حوزه نفوذ اطراف خود داشتند، معرفی کرد. البته لوئیس مامفورد اندیشمند امریکایی، چنین ویژگی‌هایی را با کاربرد اصطلاح مادرشهر در تناقض می‌داند و اصطلاح پاتریک گِردس را بر مفهوم مادرشهر ترجیح می‌دهد.

از دیدگاه اقتصاد منطقه‌ای، نظرات متفاوتی در ارتباط با موقعیت شهرها در سطح منطقه‌ای و کشوری ارائه شده است که موارد کلاسیک آنها به نظرات کسانی مانند آگوست لوش، فون توتن، والتر کریستالر و فرانسوا پرو باز می‌گردد. در نظریه «مکان مرکزی» کریستالر که از شهرها به عنوان «سکونتگاه‌های مرکزی» یاد شده است، برای شهرها و حوزه عمل آنها در سطح منطقه‌ای «سلسله مراتب» معینی پیش‌بینی شده است که از مراکز کوچک- واجد بازار- آغاز شده و به شهر بزرگ و مرکز ایالتی می‌رسد. فیل بریک می‌افزاید که ۷ رده بر کارکردهای مکانهای مرکزی قابل تصور است که از خانواده- در سکونتگاه کوچک- آغاز شده و به شهر مرکز خرده‌فروشی، شهر مرکز عمده‌فروشی، شهر مرکز صدور و ورود کالا، شهر مرکز معاملات ارزی،

مباشر

مالک، آن بود که اینان غالباً مالک غایب بودند. مالک غایب، کارهای خود را به مباشر واگذار می‌کرد. در بسیاری موارد، مباشر از دهقانان اخاذی می‌کرد؛ این کار دلایل بسیاری داشت، اما مباشر غالباً می‌کوشید تا منافع خود را حفظ کند و اغلب هم در این کار، کامیاب بود، زیرا بارها اتفاق می‌افتاد که او خود در زمره مالکان جزء درمی‌آمد. علاوه بر این، رعیت مالک غایب، کمتر فرصت می‌یافت، تا ظلم مباشر را از خود دور کند و مانع از اخاذی او شود. از سوی دیگر، مباشر سخت پایبند حفظ منافع ارباب بود. از این گذشته، پیداست که در چنین چارچوبی، تمام هم‌مباشر متوجه افزودن به میزان عواید ارباب بود و می‌کوشید، از این راه به ارزش خدمات خویش نزد ارباب بیفزاید. از این گذشته، برای رعیت مزایایی قائل نبود و به قدر مالک نیز به ملک تعلق خاطر نداشت. در کردستان، بیشتر املاک اربابی به وسیله مباشران اداره می‌شد و مباشران غالباً قسمت معتناهی از عواید ملک را به خویش اختصاص می‌دادند. با این همه، کمتر اتفاق می‌افتاد که ارباب مباشر را اخراج کند. در تربت حیدریه در املاک اربابی وظایف کدخدا (← کدخدا) را مباشر مالک که به «صاحب کار» یا «مباشر» معروف بود، انجام می‌داد. در کرمان، مباشر کسی بود که به جمع‌آوری بهره مالکانه می‌پرداخت. در پاره‌ای از نقاط که مباشر، یعنی کسی که از کدخدا ممتاز بود و به امور مالک در روستا رسیدگی می‌کرد، غالباً قسمتی از حقوق خود را از دهقانان دریافت می‌کرد؛ مثلاً در هشتگرد، سابقاً عوارضی به‌عنوان «تخته» برای مباشر وصول می‌شد.

در گذشته مباشرانی در سیستان بودند که نماینده وزارت دارایی بشمار می‌رفتند و هرچند پس از توزیع خالصه‌ها، دیگر وظیفه‌ای به عهده نداشتند، اما تا مدتی بعد نیز به کار خود ادامه می‌دادند و ۶٪ مجموع محصول را دریافت می‌کردند. در پاره‌ای نقاط، دستمزد مباشر و ضابط را تماماً مالک می‌پرداخت. بعد از مشروطیت، اداره امور نواحی را ضابط (یا مباشر) ناحیه با کمک معاون خود و کدخدای روستاهای متعلق به آن ناحیه برعهده داشتند؛ ضابط یا مباشر که منصوب حاکم بود، مأمور دولتی بود و با مباشر مالکان که منصوب ارباب بود و زیر نظر وی کار می‌کرد،

شهری جداست. امکان سرمایه‌گذاریهای بزرگ، وسایل حمل‌ونقل پیشرفته و گسترده و خدمات خصوصی در این شهرها بسیار فراهم‌تر از شهرهای متعارف است. شهرهای لندن، پاریس، نیویورک، توکیو، لس‌آنجلس، پکن، بمبئی، مسکو، ازاکا، ریودو ژانیرو، هنگ‌کنگ، فیلادلفیا، قاهره و تهران از مهم‌ترین مادرشهرهای دنیا محسوب می‌شوند.

مادرشهر علاوه بر آنکه در پهنه‌ای وسیع دامنه‌های خود را گسترده است، قلب تپنده اقتصادی، اجتماعی و اداری، ورزشی، دانشگاهی و تفریحی، بیمارستانی، ارتباطی و خدماتی در حوزه‌های تحت استقرار خود محسوب می‌شود و شهرهای کوچک و بزرگ و سکونتگاههای اطراف خود را تحت پوشش قرار می‌دهد و در این زمینه‌ها نقش هدایت و راهبری را برعهده دارد.

کتاب‌شناسی:

- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سید مهدی. *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۳.
- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ هجدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- مجتهدی، احمد. *شهرها و مسائل مربوط به آنها*. اصفهان: مشعل، ۱۳۴۹.
- مزینی، منوچهر. *مقالاتی در باب شهر و شهرسازی*. تهران: دانشگاه ملی ایران، شهید بهشتی، ۱۳۵۰.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. UK: Streetwise Press. Ltd., ۲۰۰۵.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill, Inc., ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

مباشر

کسی که در نظام سنتی امور ارباب را انجام می‌داد و بر حفظ منافع او در روستا نظارت داشت. در نظام سنتی ملکداری وجه مشترک عام طبقه عمده

مبلمان شهری

کوچک‌ترین عناصر مبلمان شهری، برای مثال یک نیمکت یا آبخوری، نباید منظره کلی و فراگیر فضای شهری را نادیده گرفت.

امروزه بسیاری از شهروندان به محیط شهر خود همانند خانه خود می‌نگرند و با علاقه، به بهداشت و نظافت آن می‌کوشند، به زیبایی و مطلوبیت محیط آن نیز می‌اندیشند. با در نظر گرفتن ارزشهای معماری و شهرسازی و مجسمه‌سازی موجود، شهر یک اثر هنری بزرگ تلقی می‌شود که به اندازه وسعت و جمعیت خود، تجلی‌گاه روح آفرینندگی است. از سوی دیگر، هدف غایی طراحی شهری زیبایی با ایجاد محیطی سالم، ایمن و راحت است که برای این منظور، بایستی شهرها به وسایل لازم ایمنی و تسهیلات رفاهی مجهز شوند.

فضاهای شهری، فضاهایی هستند که در میان ساختمانها و ابنیه عمومی قرار گرفته‌اند و عموماً به صورت خیابانها و میدانها و گوشه‌ها مورد استفاده همگانی قرار دارند. این فضاها بایستی برای زندگی، فعالیت و آمدورفت مناسب‌سازی شوند. تجهیزاتی، همچون اثاثیه یک خانه، اسکان و زندگی در فضای محصور میان ساختمانها را آسان می‌سازد و بدان روح می‌بخشد. این تجهیزات اصطلاحاً مبلمان خیابانی یا اثاثیه فضای باز خوانده می‌شوند. البته اصطلاح مبلمان شهری بیش از ۲ اصطلاح دیگر رایج است و منظور از آن مجموعه وسیعی از وسایل، اشیاء، دستگاهها، نمادها، تابلوها، ابنیه و عناصری است که در شهر، به‌ویژه در خیابانها و میدانها و پارکها، احداث یا نصب می‌شوند و مورد استفاده همگانی قرار می‌گیرند. این وسایل بسیار متعددند، اما مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- تابلوهای مؤسسات و مغازه‌ها، پلاکهای خیابانها و خانه‌ها، علائم راهنمایی و اطلاع‌رسانی؛
- علائم مقررات شهری، مانند پارک ممنوع، ایستادن ممنوع، گردش به چپ؛
- صندوقهای پست، تلفن، برق، آتشنشانی، پاراکومتر؛
- دکه‌های روزنامه‌فروشی، باجه تلفن، ماشینهای خودکار خدمات؛
- وسایل استراحت، مانند نیمکت، سرپناه، سکوها؛

تفاوت داشت.

نحوه اداره روستا قبل از مشروطیت به این‌گونه بود که مالکان غایب و حاضر از طریق مباشران خود یا رأساً با انتصاب کدخدایان، امور مختلف روستا را رتق و فتق می‌کردند.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی. مدیریت روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- لمبتون، ا.ک.س. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

مبلمان شهری

Urban Furniture

تسهیلات و تجهیزات رفاهی درون فضاهای شهری را مبلمان شهری می‌خوانند. مبلمان شهری محیط مناسبی برای زندگی و فعالیت در شهرها فراهم می‌آورد. از چند دهه پیش تاکنون، آگاهیهای تازه‌ای درباره فضاهای شهری پدید آمده است و بار دیگر خیابان، به‌عنوان فضایی برای زندگی و نه صرفاً محلی برای عبور و مرور و وسایط نقلیه، مطرح شده است. این نگرش را می‌توان بازگشتی به شیوه استفاده از خیابان پیش از تسلط خودرو دانست. بدینسان، تجهیزات مبلمان شهری، در همه سطوح سواره و پیاده، بر کیفیت منظر خیابانها می‌افزاید و ایمنی و راحتی شهروندان را تأمین می‌کند.

طراحی تجهیزات خیابان بخشی از مضمون کلی طراحی شهری است که به فضای شهر زیبایی و راحتی می‌بخشد. عناصر تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را نباید به صورت منفرد و مجزا طراحی کرد، بلکه باید به آنها به‌عنوان بخشی از یک نظام هماهنگ فضای شهری نگریست، که در آن همه اجزاء به‌طور هماهنگ مورد توجه قرار می‌گیرند و ارتباط مناسبی با ساختمانها (بدنه‌ها) و بستر خیابانها (کفپوشها) برقرار می‌سازند. از این‌رو، حتی در طراحی

مبلمان شهری

تابلوه‌های گوناگون و رنگارنگ به ابعاد مختلف استفاده می‌کنند، تا بیشتر به دید آیند. علاوه بر بدسلیقگی در انتخاب ابعاد، رنگ، لوگو و نور تابلوها، نحوه نصب آنها در سردر مغازه‌ها یا مؤسسات و یا به صورت عمود بر پیاده‌رو بر روی پایه‌های گوناگون، بیشترین آشفتگی و آلودگی بصری را در شهرها به وجود آورده است. این گونه تابلوها و علائم به خصوص در مرکز خرید شهر، دستخوش هرج و مرج است، به طوری که برخی از صاحبان مغازه‌ها تابلوه‌های خود را در پیاده‌روها در ارتفاع بسیار پائین نصب می‌کنند. در این میان، نصب تابلوه‌های راهنمایی و نشانه‌ها در لبه پیاده‌روها، اغتشاش بیشتری به وجود آورده است. این وضعیت به خوبی جایگاه مدیریت فضاهای شهری و طراحی و اجرای تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را در شهرهای ایران آشکار می‌سازد.

یک شهر خوب آنچنان مدیریت می‌شود که اشخاص با کوچک‌ترین دخالتی در فضای عمومی با پیگرد قانونی مواجه شوند، زیرا سوای زیبایی و نظم، این قبیل امور ایمنی و سلامتی شهروندان را تهدید می‌کند و هر چیزی که سلامت و امنیت جامعه و افراد را به مخاطره بیندازد، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

در اینجا فقط مهم‌ترین عناصر مبلمان شهری که جنبه زیربنایی و اساسی دارد، معرفی می‌شوند:

• **سنگفرش (کف پوش).** منظور از سنگفرشها در سطح خیابان و پیاده‌روها، استفاده از مصالح و الگوهای روسازی برای بستر یکدست و هماهنگ خیابان و پیاده‌رو است، به طوری که تأثیر مطلوبی به منظر شهر و هویت متمایز و شاخص به بخشهای مختلف شهر ببخشد. برخی از خیابانهای قدیمی هنوز سنگفرش هستند، اما اغلب خیابانها امروز از آسفالت پوشیده شده‌اند. با این وجود، پیاده‌روها به خصوص در بخش مرکزی یعنی مراکز خرید و گردش از سنگ، موزائیک، آجر و مصالح بتونی و یا ترکیبی از آنها پوشیده می‌شود تا فضایی ویژه، متنوع و شاد بدهد. شهر یا بخشی از شهر پدید آید. سنگفرش باید با شیب مناسب در عرض طراحی شود، تا آب روی سطح سنگفرش جمع نشود. می‌توان مجراهایی در لبه سنگفرش قرار داد، تا

عناصر حفاظت، مانند نرده، حصار، موانع فیزیکی، پله، دیوار؛

• عناصر هنری، مانند تندیس، یادبود، پرچم؛

• وسایل روشنایی، مانند تیرهای چراغ برق؛ و

• وسایل تزئینی، مانند گلدان، پرچین، آلاچیق.

طراحی مبلمان شهری موضوعی میان‌رشته‌ای است و گروه بسیاری از متخصصان مسئول طراحی و نصب آنها هستند؛ دامنه آن به قدری وسیع است که گاهی موجب آشفتگی و چندگانگی در مبلمان شهری می‌شود، حال آنکه یکی از شرایط اساسی در طراحی مبلمان شهری هماهنگی و یکپارچگی عناصر با فضاهاست. طراحان مختلف در ابداع تجهیزات شهری مشارکت دارند:

• طراحان صنعتی در طراحی نیمکتها، آبخوریها، صندوق پست، محفظه برق، کیوسکهای تلفن؛

• معماران در طراحی دیوارها، پله‌ها و سکوها، سردرها؛

• طراحان هنرهای تجسمی در طراحی احجام، تندیسها، مجسمه‌ها، ستونهای یادمانی؛

• نقاشان در نقاشی دیوارها و بدنه ساختمانها؛

• مهندسان تأسیسات در طراحی شیرهای آتشنشانی، درپوش تأسیسات آب، برق، گاز و سایر عناصر فنی؛

• مهندسان ترافیک در طراحی علائم راهنمایی و مقررات رانندگی؛

• مهندسان راه و ساختمان در طراحی جداول و کف‌پوش پیاده‌روها؛ و

• متخصصان فضای سبز در ایجاد باغچه‌ها و نظم کاشت و حفاظ درختان.

تنظیم چنین فعالیتهای متعددی به عهده سازمانهای مختلف شهری است که کمتر با یکدیگر هماهنگ هستند؛ البته بخش عمده آن به عهده سازمان زیباسازی شهرداریها و بخش دیگری به عهده سازمان ترافیک و نیز جزو وظایف سازمان پارکهاست.

تجهیزات لازم در شهرها بایستی در مکانهای مناسب مستقر شوند؛ بی توجهی به این نکته مهم، زمینه فضای شهری را برای آشفتگی فیزیکی و بصری فراهم می‌آورد.

مغازه‌ها و مؤسسات برای معرفی محل کار خود، از

مبلمان شهری

مختلف در حد فاصل پیاده‌رو و خیابان قرار می‌گیرند. در نواحی پر رفت‌وآمد شهر حراست از درختان، به‌ویژه درختان کهنسال، ایجاب می‌کند که نرده محافظ فلزی (چدنی) در بن درخت نصب شود و در پیرامون درختان فضای مناسبی برای تنفس در نظر گرفته شود، تا از تجاوز مصالح سنگفرش پیاده‌رو یا آسفالت خیابان و یا اشیاء مخرب به بدنه درختان پیشگیری شود. نرده‌های محافظ پیرامون درختان از داخل شبکه به صفحه‌ای در زیر زمین پیچ می‌شود تا محکم قرار گیرند. نرده‌های محافظ بایستی از چدن یا فولاد تهیه شود تا در مقابل رطوبت و آب، زنگ‌زدگی پیدا نکنند و با طرحی همسان و استاندارد در سراسر یک خیابان مورد استفاده قرار گیرند.

• **محل‌های نشستن.** طراحی محل‌های نشستن در داخل پارکها و کنار میدانها و برخی پیاده‌روها به ۲ گونه است: محل نشستن بلندمدت و محل نشستن کوتاه‌مدت. برای نشستن طولانی بایستی از نیمکتهای پشتی دار و دسته‌دار استفاده کرد، تا شهروندان از شرایط راحتی بیشتری برخوردار باشند. محل‌های نشستن کوتاه‌مدت، ساده‌تر و چندکاره

آبهای سطحی را هدایت کند.

• **درپوش.** دریچه‌های مربوط به تأسیسات آب، برق و تلفن شهری که در پیاده‌روها و سنگفرش آن نصب می‌شود؛ بایستی با طرح سنگفرش به‌خوبی هماهنگ باشد؛ علاوه‌براین، اندازه و بلندی آنها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود، که از جابه‌جایی و کنده شدن و سروصدا پیشگیری شود. بهتر است سطح درپوشهایی که در الگوی سنگفرش قرار می‌گیرند، بدون لغزش و ثابت باشد. برای آنکه درپوشها جابه‌جا نشوند و بهنگام عبور عابران یا وسایل نقلیه نلرزند، باید در ۳ نقطه به زمین متصل شوند.

• **جدول.** نوع جدول باتوجه به درجه خیابان و مصالح به کار رفته در سنگفرش پیاده‌روها انتخاب می‌شود. معمولاً از جداول استاندارد، محکم و ایمن در خیابانهای درجه ۱ و ۲، به‌ویژه در خیابانهای پُر رفت‌وآمد و جمع‌کننده‌های اصلی استفاده می‌شود. بتن بیش از هر چیز دیگری در ساخت جداول به کار می‌رود، زیرا علاوه‌بر استحکام و دوام، نسبتاً کم‌هزینه است؛ باین‌وجود، در نواحی پرتردد و مرکز شهر، بهتر است از سنگ- به‌ویژه گرانیت- استفاده شود، زیرا



هستند، نظیر نیمکتهای سنگی یا بتنی بدون پشتی، یا لبه گلدانهای بسیار بزرگ سنگی یا بتنی. نیمکتهای چوبی یا فلزی داخل ایستگاههای اتوبوس. سکوها و پله‌ها مانند آمفی‌تئاتر به‌صورت ردیفی، با

جابه‌جایی و ترمیم جداول هزینه بسیار سنگینی دارد و نمی‌توان زودبه زود آنها را تغییر داد و یا جابه‌جا نمود.

• **نرده‌های محافظ درختان.** یکی از عناصر مهم و ثابت خیابانها و فضاهای شهری درختان هستند که به شکلهای

مبلمان شهری

است که عبور و مرور شهروندان نیز به دشواری انجام می‌پذیرد. برخی اوقات، بعضی از این تیرآنها کج شده و خطرناکند. علاوه بر زشتی و زمختی، این نوع تیرکها برای افراد پیاده بی‌خبر بسیار خطرآفرین است، به‌خصوص برای کودکان و معلولین. انتخاب محل تیرکها برای نظم بخشیدن به عوامل و موانع خیابانی مسئله بسیار مهمی است؛ از این رو انتخاب آنها را به افراد فنی باید انجام دهند. فاصله میان تیرکها در جایی که مقصود ایجاد مانع برای عبور اتومبیل است، حدود ۱/۵ متر است. برخی اوقات می‌توان در طول مسیر پیاده‌رو زنجیر بست و از عبور موتورسیکلت نیز ممانعت به عمل آورد، اما زنجیر در عرض پیاده‌رو برای عبور و مرور عابران بسیار خطرناک است. ارتفاع تیرکها بین ۱/۱۲-۱/۵ متر مجاز است. در پیاده‌روها، تیرکها بایستی بسیار کوتاه باشند و هر جا که احتمال برخورد اتومبیل با تیرک هست، بایستی با عمق بیشتری در زمین نصب شود.

• نرده‌ها. ایجاد مانع کالبدی یا حصار به‌صورت نرده، در برخی از قسمتهای شهر از لحاظ ایمنی ضرورت حیاتی دارد، اما نصب نرده‌ها در همه قسمتهای خیابان، بین پیاده‌رو و سواره‌رو و در برخی از خیابانها، بین دو سوی خیابان ضرورت چندانی ندارد، زیرا یکی از عناصر بسیار زشت فیزیکی است که مبین رفتارهای نادرست شهروندان است. نصب نرده در برخی خیابانها به قدری افراطی است که حتی مقابل مسیر عابر پیاده از خیابان به پیاده‌رو نیز کشیده شده است. بدین ترتیب، جلوه‌هایی از بی‌سلیقگی در منظر شهر به نمایش گذاشته می‌شود. از نرده و حصار معمولاً برای نشان دادن یک مرز و ایجاد یک فضای حفاظت شده استفاده می‌شود، مانند حفاظت درختان از برخورد با وسایط نقلیه و یا برای حفاظت چمن. در برخی موارد، برای جدا کردن فضاهای نیمه‌عمومی از خیابان یا فضای عمومی، از ترکیبی از دیوار کوتاه و نرده استفاده می‌شود. این نوع حصارها بیشتر برای حصار دانشگاهها، بیمارستانها و مؤسسات بزرگ مناسب هستند. احداث نرده‌های بلند در خیابان با ارتفاع بیش از ۱/۵ متر (برابر ارتفاع سطح دید)، از لحاظ بصری آزار دهنده است، به‌خصوص برای کودکان. بنابراین، باید از نصب آنها در فضاهای عمومی احتراز کرد.

اندازه‌های متناسب برای نشستن جوانان و نوجوانان در محلهای مناسب تعبیه می‌شوند، مانند ورودی موزه‌ها، سینماها و سالنهای کنسرت. برای تشکیل اجتماعات کوچک یا شنیدن موسیقی در هوای آزاد، مصالح ساختمانی سکوها و پله‌ها باید از مصالح محکم، سنگ ریشه‌دار، نرده‌های چوبی و یا فلزی ضخیم و محکم باشد، به طوری که شهروندان از نشستن روی آنها احساس راحتی و امنیت کنند.

• گلدانها. معمولاً در مکانهایی در مرکز شهر، مرکز سیاسی و دیپلماتیک، مقابل موزه‌ها، سینماها و سالنهای فرهنگسراها نصب می‌شوند، به‌خصوص در محلهایی که امکان کاشت درختان وجود ندارد. گلدانها را می‌توان موانعی برای ورود به فضاها و پیاده‌روها در محل مناسب قرار داد و همچنین در محلهایی که میعادگاه افراد است، تا در لبه آن به انتظار بنشینند. آنها یکی از عناصر بسیار مهم و حساس منظر خیابان در بخش مرکزی محسوب می‌شوند که باید نسبتاً بزرگ و سنگین و از عمق مناسبی برای کاشت گیاهان برخوردار باشند.

• سطلهای زباله. یکی از مهم‌ترین تجهیزات خیابانی، سطلهای زباله است؛ استفاده از آنها بایستی راحت باشد و در محلهای مناسبی نصب شوند. آنها باید در خط مستقیم کنار یک خیابان و در فاصله‌های ۳۰ متری قرار گیرند. تعداد ظروف زباله در کنار سینماها، اغذیه‌فروشیها، شیرینی‌فروشیها باید بیشتر باشد. حداقل گنجایش یک ظرف زباله در مرکز شهر ۵۰ لیتر و حداکثر ۱۰۰ لیتر است. سطلهای زباله بایستی از مصالح محکم و سبک ساخته شود. رنگ و طرح آنها جزء منظر و سیمای خیابان محسوب می‌شود و نظافت آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

• تیرکها. تیرکها به‌منظور ایجاد مانع بر سر راه وسایط نقلیه در لبه پیاده‌روها و ورودی فضاهای شهری نصب می‌شوند. جنس تیرکها بیشتر از سنگ، بتن و فلز انتخاب می‌شود. شکل تیرکها فوق‌العاده حائز اهمیت است، در برخی جاهای شهر تهران دیده شده است که چند تیرآهن ضخیم و کج‌وکوله در ورودی یک فضای شهری و یا یک پیاده‌رو، به‌منظور ممانعت از ورود موتورسیکلت طوری نصب شده

محله (شهری)

نسبتاً جدید است. از سوی دیگر، در برخی مکانها، تلاشهای مضحکی صورت می‌گیرد. در میان شلوغی و آشفتگی خیابانها و به‌خصوص پیاده‌روها، از اثاثیه و تجهیزات قدیمی تقلید می‌کنند و به هرج و مرج فیزیکی محیط می‌افزایند.

یکی از بزرگ‌ترین منافع حاصل از نظام طراحی هماهنگ اثاثیه خیابانها، سهولت بیشتر حرکت و گردش شهروندان در خیابان است. طراحی تجهیزات خیابانها، مانند سایبان ایستگاههای اتوبوس، کیوسک تلفن، علائم، نیمکتها، تیر چراغ برق، تابلوها و مانند آن، نباید به‌عنوان بخشی جدا از طراحی فضاهای شهری تلقی شود، بلکه باید به‌مثابه‌شکل‌دهنده‌ی منظر خیابان در مقیاس وسیع مورد نظر قرار گیرد. چنانچه مضمون طراحی خیابان بخشی از محتوای کلی طراحی شهری باشد، به شهر انسجام و وضوح بیشتری می‌بخشد و فضاهای مطلوب‌تر پدید می‌آورد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «طراحی فضاها و مبلمان شهری»، کتاب سبز شهرداریها. جلد دوازدهم، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- مدنی‌پور، علی. طراحی فضاهای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران، ۱۳۷۹.
- مرتضائی، سیدرضا. رهیافتهایی در طراحی مبلمان شهری. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- قائم، گیو. فضاهای شهری و معلولین. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۷۶.

احمد سعیدنیا

متروپولیس ← مادرشهر

مجموعه شهری ← مادرشهر

محله (شهری)

• پایه‌های چراغ. پایه‌های چراغ برق از تأسیساتی است که در شهر زیاد به چشم می‌خورد. لازم است برای تمامی پایه‌های چراغ در یک خیابان و یا یک ناحیه شهری، متناسب با قدیم و جدید بودن آن ناحیه، از سیستم استاندارد استفاده شود. این سیستم با سایر عناصر مبلمان شهری، مانند پایه‌های ظروف زباله و پایه‌های علائم، هماهنگ باشد تا به‌علت تعدد پایه‌ها از نظر بصری محیط منظم و آراسته به نظر آید. سطح و نوع روشنایی خیابانها از نظر عملکرد ناحیه و خصوصیات آن مشخص می‌شود. روشنایی نواحی پیاده به ۲ دسته آسایشی و تزئینی تقسیم می‌شوند. ارتفاع مناسب پایه‌های روشنایی در میدانها و پیاده‌روها بین ۳-۴ متر متغیر است. روشنایی در جداره پلها، رمپها و نقاط برآمدگی، در داخل دیوار نصب می‌شود. روشنایی ساختمانها، یادمانها و فواره‌ها توسط کارشناسان نورآرایی تنظیم می‌شود. استفاده نادرست از نورافکنها موجب آزار و اذیت عابرین پیاده و رانندگان خواهد شد.

پروژه‌های احیا و بازسازی

فضاهای شهری، چه بزرگ و چه کوچک و محلی، به‌صورت تعریض و ترمیم پیاده‌روها و به‌خصوص احداث پیاده‌راهها، فرصتهای جدیدی برای بهبود محیط شهر و ایجاد فضاهای نوین شهری فراهم می‌آورند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، ۱۰٪ جمعیت جهان به نوعی دچار معلولیت جسمی هستند. در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، پدیده معلولیت فزونی یافت. معلولان برای زندگی اجتماعی در شهر و گذران اوقات فراغت خود، به مسیرها و فضاهای ایمن و راحت نیاز دارند، حال آنکه فضاهای شهری در خیابانهای ایران موانع فیزیکی متعددی دارند. از سالها پیش مقرر شده بود که با سازگارسازی محیط شهری به نیازهای معلولان جسمی پاسخ مناسب داده شود.

اهمیت طراحی مناسب عناصر خیابان که خصلت گردشگاهی آن را فراهم آورد، امری است که در سالهای اخیر به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. صحنه خیابانهای شهری با به‌هم‌ریختگی فراوان اثاثیه و تجهیزات گوناگون

محلّه (شهری)

ممتاز اجتماع، محلّه را در این دوران با مفهوم محلات کاستی و طبقاتی معرفی می‌کند.

در دوره اسلامی، اگرچه اساس زندگی شهری از شهرنشینی دوره ساسانی مایه می‌گرفت، شهرها تغییراتی یافتند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام مجزا می‌کرد. عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی، شامل حکومت، اجتماع دینی یا امت، اصناف و محلات است و محلّه واحد اصلی روابط اجتماعی بشمار می‌رفت. در این دوران، نظام کاستی یا شهروندی منسوخ شد و در مقابل، محلات برحسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب و فرقه شکل گرفت.

بنه ولو در مورد خصوصیات شهرهایی که اعراب ساختند و یا تغییر شکل دادند، نوشته است، شهرها به صورت فشرده، محصور در دیوارهایی بود که آنها را به مناطق گوناگون تقسیم می‌کرد؛ منطقه مرکزی مدینه نامیده می‌شد و هر گروه قومی محلّه خاصی داشت. پیرنیا نیز شکل‌گیری محلّه‌های شهری در این دوران را بنابر زمینه‌های مشترک بین مردم، مثلاً براساس هم‌شهری بودن (مثل محلّه شیرازیها و محلّه بهبهانیها)، یا بر مبنای فعالیت‌های مشترک (مثل محلّه شعرباها و محلّه حصیرباها) یاد می‌کند.



در شهرهای بزرگ، گاهی هر محلّه برای خود شهری بود نیمه مستقل، با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و سازمان

(Urban) Quarter

محلّه بخشی مشخص از یک ناحیه یا حوزه شهری است با ویژگی اجتماعی و اقتصادی معین.

ارکان ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران همواره بر تقسیمات محلّه‌ای قرار داشته و توزیع جمعیت، اقوام، اصناف، فعالیتها و خدمات شهری نیز بر همین ساختار استوار بوده است. در پی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در گذر تاریخ، به‌ویژه در سده اخیر، ساختار شهرها با تغییرات اساسی مواجه شد. متعاقباً ساختار محلّه‌ای شهرها نیز دگرگون شد و به‌جای آن، تقسیمات فضایی شهر براساس تفکیک‌های حاصل از شبکه‌های حمل‌ونقل، بلوکهای شهری و در حد ضعیفی بر توزیع خدمات قرار گرفت. به‌این ترتیب، مفهوم محلّه نیز دستخوش تغییرات زیادی شد. به‌همین دلیل ادبیات شهرسازی ایران فاقد مطالعات و متعاقباً تعریف مجدد مفهوم، عملکرد، شکل و اندازه محلات شهری است. براین اساس، تعریف محلّه ابتدا مستلزم مرور کوتاهی بر مفاهیم متفاوت آن در گذر تاریخ شهرنشینی در ایران است. در دوران شهرگرایی (← شهرگرایی)، شهرنشینی (← شهرنشینی) و شهرسازی قبل از اسلام که حدوداً از سده ۹ قبل از میلاد آغاز شد و تا سده ۷م ادامه یافت،

ساختار شهرها (← ساختار شهری) از ۳

بخش اساسی دژ حکومتی، شار میانی و شار بیرونی تشکیل می‌شد. جایگاه محلات اصلی شهر به‌طور عمده در میان حصارهای شار میانی یا شهرستان بود که به استقرار طبقات متمایز جامعه اختصاص داشت. طبقات متمایز در دوران پادشاهیهای مختلف، ترکیبهای گوناگونی از اشرافیت دودمانی، مغان، روحانیون، دیوانسالاران و نظامیان، دیبران و پزشکان، اشرافیت دهقانی، بازرگانان و پیشه‌وران داشت. سایر اقشار جامعه که در طبقات ممتاز اجتماعی قرار نداشتند، در محلات و خانه‌های پراکنده در

شار بیرونی، یعنی منطقه وسیعی پیرامون شار میانی می‌زیستند. به‌این ترتیب، اختصاص محلات شهر به طبقات

می‌کردند.

عناصر اصلی تشکیل دهنده محلّه

در ایران عناصر اصلی تشکیل دهنده محلّه به قرار زیر بوده است:

• **خانه‌های مسکونی.** عنصر اولیه تشکیل دهنده محلّه‌های شهری؛

• **مسجد.** عنصر مرکزی و هویت بخش محلّه که در میدان مرکزی قرار داشت؛

• **میدان و میدانچه.** محل تجمع مردم، فعالیت‌های همگرا و سازگار و خدمات که در مرکز محلّه قرار داشت. میدانها در محل سه‌راهها یا در مسیر گذرها قرار داشتند. مراسم مذهبی و اجتماعی در میدانها و حسینیه‌ها با حضور مردم انجام می‌گرفت؛

• **بازار یا بازارچه.** محل استقرار دکانهای محلی، شامل بقالی، قصابی، میوه‌فروشی، نانوايي و سایر خدمات، مثل آبنبارها و غیره، برای تأمین نیازهای روزمره و هفتگی مردم بود. بازارها، در میدانها، میدانچه‌ها و گذرها شکل می‌گرفتند؛

• **گذر و کوچه.** مسیرهای عبور و مرور در محلّه و دسترسی به خدمات و مکانهای مختلف. رفت‌وآمد در محلات پیاده یا با دوچرخه بود. کوچه‌های پیرامونی با گذرهای داخل محلات تفاوت داشت و درواقع، مرزهای کناری محلّه‌ها را تشکیل می‌داد. محلات را راههای بیرونی و دروازه‌ها به آبادیهای پیرامونی وصل می‌کرد؛ و

• **دروازه.** در محل ورودیهای اصلی محلّه‌ها ایجاد می‌شد و عامل تقویت کننده قلمرو هر محلّه بشمار می‌رفت.

ساختار سلسله مراتبی شهر

• توسعه شهر براساس نظام محلات مستقل و به‌عنوان واحدهای شهری نیمه مستقل سازماندهی می‌شد؛

• مراکز شهری و محلّه‌ای نیز متناسب با ساختار شهر سلسله مراتبی از مرکز اصلی شهر، مراکز بخشها یا نواحی شهری، مراکز محلات، مراکز گروههای مسکونی را شامل می‌شد؛

• خدمات و تسهیلات نیز براساس سلسله مراتب در ظرفیتهای

اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود. هر محلّه برای اعضای خود یک گروه بسته و یا نوعی گروه خودی بشمار می‌رفت که محلات دیگر برای آنان گروه بیگانه محسوب می‌شد. ساکنان اغلب محلات شهر پیوندی چند سویه و در هم تنیده با ساکنان روستاهای هم‌کیش، هم‌مذهب، هم‌زبان، هم‌قبیله و جامعه ایلی خود داشتند. در مواقعی محلات برای خود، علاوه بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محلّه داشتند. از این رو، گاهی محلات شهر جلوه‌گاه تضادها و پراکندگیها و کشاکش بین محلّه‌ها بود.

محلات از این پس نیز همچنان مکانی نیمه مستقل بودند و به‌عنوان عنصر اصلی سازمان شهر به حیات خود ادامه می‌دادند. به تدریج، در دوران قاجار، وابستگی کهن محلات به روستاهای هم‌کیش خود کاهش یافت و در مقابل، به مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی تبدیل شد. به‌همین دلیل است که عناوینی مثل محلّه فرادستان و محلّه فرودستان، محلّه شمال (مثلاً محلّه دولت) و محلّه جنوب (مثلاً محلّه چالمیدان) شکل گرفت. در نقشه دارالخلافه تهران (۱۲۷۸م)، محلات کهن هنوز سازمان فضایی و مرکز و شبکه ارتباطی خویش را حفظ کردند، ولی محلّه‌های جدید در کنار خیابانهای تازه احداث شده قرار گرفته و خدمات مورد نیاز آنها، نه در مراکز درون محلّه، بلکه در حاشیه خیابانها جای گرفتند.

به‌دنبال تصویب قانون بلدیّه در ۱۳۰۹ش، اجرای خیابانهای چلیپایی، بافت کهن شهری را از هم گسیخت و سازمان محلّه‌ای دچار آسیب جدی شد. اگرچه همچنان حداقل تأمین برخی خدمات روزمره شهروندان، نظیر آموزش ابتدایی، تهیه مواد غذایی روزانه و استفاده از فضاهای سبز محلی، در محدوده‌های خاصی که هنوز محلّه نامیده می‌شد، تأمین می‌گردید.

در گذشته، شهر در سرزمینهای اسلامی، مجموعه‌ای از مناطق و محلات متجانس، همگن ولی متمایز بود. محلات در مکانهایی با مرزهایی فیزیکی یا عملکردی شکل می‌گرفت که هر یک عناصر و فضاهای عمومی خاص خود را داشت و گروههایی که در این مناطق می‌زیستند، هویت، مذهب و قومیت مشترک خود را برای قرن‌ها حفظ

محلّه (شهری)

• عموم مردم از سایر فضاهای باز مشترک و عمومی مثل میدانها، گذرها و محورهای اصلی در اوقات مختلف برای انجام مراسم و عملکردهای اجتماعی و مذهبی استفاده می‌کردند؛

• عناصر خدماتی محلی، مثل بازارچه، مسجد، آب‌انبار، حمام، آسیاب و مانند آن، درون هر محلّه و در مرکز آن قرار داشت و به راحتی برای ساکنان قابل دسترس بود؛

• هر محلّه بازارهای کوچک محلی یا بازارچه‌ای برای تأمین نیازهای روزمره اهالی داشت؛

• بازار و بازارچه، میدان و میدانچه، درعین حال، محلّهای اصلی توقف مردم و برقراری ارتباطات اجتماعی - اتفاقی بود. خدمات عمومی و مهم، مثل مؤسسات دیوانی، آموزشی، مذهبی و مانند آن، در میدان اصلی شهر یا محلّه استقرار داشت و بر انجام عملکردهای هر یک می‌افزود؛ و

• مرکز محلّه، میدان، میدانچه، حسینیه‌ها، چهارسوقها، بازارچه‌ها و فضاهای باز در محل تلاقی راسته‌های اصلی محلات قرار داشتند. اینها فضاهای مشترک، آشنا و قابل تصویری را برای عملکردهای عمومی محلّه ایجاد می‌کردند.

انسجام و هماهنگی کالبدی بافت محلّه

• میدانهای محلی، میدانچه‌ها، بن‌بستها، بازار، بازارچه، گذرها و کوچه‌های خاص هر محلّه از عناصر انسجام‌دهنده بافت محلات بشمار می‌رفت. راههای خاص دسترسی و عبور درون محلّه‌ای را معابر محلی، گذرها و راههای همسایگی و بن‌بستها در هماهنگی با محیط طبیعی و خصوصیات بافت محلّه شکل می‌دادند. در نواحی خشک و نیمه‌خشک، گرم و سرد و کوهستانی، کوچه‌های تودرتو و خانه‌های به هم چسبیده و منطقه محصور مسکونی، انسجام بیشتری به محلات می‌بخشید؛

• شکل‌دهی بافت محلات و نواحی شهری مختلف از خصوصیات محیط طبیعی و زمینه پیرامون تبعیت می‌کرد و بافت هماهنگی را پدید می‌آورد؛

• شکل و نوع ساختمانها، مصالح و عناصر ساختمانی و ترکیبهای ساختمانها در هر محلّه، مشابه و هماهنگ بود. از این رو، نوعی وحدت و هماهنگی در کل و اجزاء محلّه

و مقیاسهای مختلف فضایی شهر، از سطح کلان تا سطح خرد، یعنی محلّه توزیع می‌شد. هر محلّه از نظر تأمین نیازهای معیشتی روزمره خودکفا بود؛ و

• در عین توسعه شهر، از گسترده کردن اندازه محلات موجود اجتناب می‌شد و در عوض، محلات جدید شکل می‌گرفت.

تمایز کالبدی و عملکردی

• افراد جامعه براساس ویژگیهای مشترک خود، از نظر صنف، مذهب، قومیت، کار و پیشه و موقعیت اجتماعی، در یک محلّه یا گذر زندگی می‌کردند و محلات متمایز را شکل می‌دادند. برخورداری هر محلّه از نهادهای اجتماعی خاص خود، مثل شورای شهر، از دیگر وجوه تمایز آنها بود؛

• مرزهای محلات با استفاده از عناصر طبیعی یا انسان‌ساخت، مثل رودها، تپه‌ها، جنگلها، ردیفهای درختان بلند و راههای اصلی، شکل‌دهی و بر آن تأکید می‌شد. شکل و اندازه کوچه‌های پیرامونی یا جاده‌های اصلی با گذرهای درونی محلات تفاوت داشت و این تفاوت تمایز محلات و تفکیک مرز آنها را واضح‌تر می‌کرد. جاده‌های اصلی شهری از درون محلّه عبور نمی‌کردند. همچنین ایجاد دروازه‌هایی در مدخل راههای اصلی ورود به هر محلّه یا ناحیه خاص، آن محلّه را از محلّه یا ناحیه پیرامون متمایز می‌کرد؛ و

• نواحی و محلات مختلف شهر با به کارگیری ویژگیهای مشابه در شکل‌دهی بافت، با یکدیگر متمایز بودند. همچنین با استفاده از نمادهای خاص طبیعی یا انسان‌ساخت، به‌ویژه مساجد و بازارها یا هر عنصر مشخص دیگر، شکل فضاهای عمومی در نواحی و محلات مختلف شهر متمایز بود. خصوصیات منحصربه‌فرد شهر یا محلّه درحین توسعه آن، حفظ و تقویت می‌شد.

توزیع خدمات و عملکردهای عمومی

• عملکردهای اجتماعی و مذهبی در هر محلّه و در میدانها، حسینیه‌ها، تکیه‌ها، میدانچه‌ها و فضاهای حیاط مساجد صورت می‌گرفت؛

محیط زیست

- نامہ علوم اجتماعی، شماره ۴، تیر ۱۳۵۴.
- بنه ولو، لئوناردو. تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی). ترجمه پروانه موحد، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- پیرنیا، محمدکریم. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۱.
- توسلی، محمود. ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه هنرهای زیبای تهران، ۱۳۶۰.
- سیدعبدالعظیم، پویا. سیمای باستانی شهر میبد. یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۷۱.
- حبیبی، سید محسن. از شار تا شهر، تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثیر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- «اصول و قواعد طراحی شهری پایدار در فرایند جهانی شدن شهرها»، مجله محیط‌شناسی، شماره ۳۳، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست، ۱۳۸۲.
- Faryadi, S. Local Urban Design Guidelines for the Future Global Cities in Iran (with Emphasis in the sense of Place), Proceedings of 1st International Symposium and Workshop Sustainable Resource Utilization: Local Structures and Globalization. German Academic Service and the Federal Ministry for Economic Cooperation and Development. Tehran-Iran. September ۲۰۰۳.

شهرزاد فریادی

محیط زیست

Environment

تمام عرصه پیرامونی حیات، شامل زمین، هوا و آب که افراد انسانی، گیاهان و جانوران در آن زندگی می‌کنند. بدینسان، محیط زیست جمع تمام شرایط و آثاری است که زندگی و رشد موجودات زنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر محیط زیست یا به عبارت ساده‌تر پیرامون زندگی موجودات زنده، از دو بخش زنده و غیرزنده تشکیل شده است. به این ترتیب، بررسی محیط زیست هر موجود زنده بدون مطالعه بخش غیرزنده امکان‌پذیر نیست، زیرا محیط زیست در کل، از کنش و واکنش بین این ۲ بخش وابسته به یکدیگر شکل می‌گیرد. اجزا این ۲ بخش در سطح کلان

با فضاهای شهری آن و خانه‌ها وجود داشت؛ و

- ارتفاع کوتاه ساختمانهای مسکونی، میدانهای محصور محله با ابعاد کوچک و تناسب انسانی، به محله شخصیت انسانی می‌بخشید.

تنوع و جذابیت محیط محله

- استقرار بناهای عمومی شاخص، مثل مساجد، مدارس، آسیابها، آب‌انبارها و مانند آن، به ایجاد تنوع عملکردی در میان بافت همگن مسکونی منجر می‌شد. شکل و ارتفاع متفاوت بناهای شاخص، مساجد، مسجد جامع و مدارس، آنها را از بقیه بافت متمایز می‌کرد و بر تنوع شکلی محله می‌افزود؛

- عناصر طبیعی، مثل باغها، بوته‌زارها، درختان، پارکها و جنگلها، شکل و عملکرد محلات را متنوع‌تر می‌کرد؛ و
- هر محله انواع متفاوتی مسکن برای اقشار درآمدی مختلف و از انواع کاربریهای گوناگون برخوردار بود که از دیگر عوامل ایجاد تنوع در بافت محله بشمار می‌رفت. از فضاهای باز عمومی، مثل میداين، فضاهای باز، باغها، حواشی رودخانه‌ها و پلها برای گذران بخشی از اوقات فراغت ساکنان هر محله استفاده می‌شد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، در اغلب شهرهای ایران مفهوم محله عبارت بوده است از یک واحد اجتماعی شهری که براساس وابستگیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گروههایی از مردم شکل می‌گرفته است. این واحد اجتماعی در ترکیب با عناصر کالبدی محیط پیرامون، محدوده فیزیکی متمایزی را برای سکونت، کار، تأمین خدمات و نیازها و تفریح روزانه و هفتگی آنها شکل می‌بخشیده است.

تقریباً همزمان با ضعیف شدن مفهوم، عملکرد و ساختار محله‌ای شهری در ایران، نظریات و تجربیات شهرسازی جهان غرب به سرعت به درک تازه‌ای از توسعه‌های شهری براساس مفهوم محله که شباهتهای ماهوی زیادی با مفهوم محله دارد، پرداخت.

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»،

محیط زیست

جوامع انسانی، اشکال مختلفی در محیط زندگی کره زمین به خود گرفته‌اند؛ این درحالی است که در پدیدار شدن عقاید فکری جوامع انسانی، محیط زیست و اجزاء آن نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، ساده‌انگاری است که تفاوت ساختارهای انسان‌ساخت در جوامع انسانی مختلف را تنها به طرز تفکر آن جوامع نسبت داد. در واقع، نوع محیط زیست است که موجب پدیدار شدن یک نقطه فکری و در نهایت یک مکتب فکری می‌شود (صلح سبز در اروپا). از این رو محیط زیست دربرگیرنده تمامی عوامل طبیعی

عبارتند از: پرتوهای خورشیدی، پرتوهای کیهانی، ترکیب هوا، فشار باد، آب، آتش، وضعیتهای زمین‌شناختی و پستی بلندی، نیروهای چرخشی گردش زمین، سنگ مادر، خاک، گیاهان، جانوران، انسان، دما و حجم پرتوهای زمین که در زمان برهم اثر می‌گذارند.

به خاطر کاربرد زیاد و عمومی واژه محیط زیست در دنیای ارتباطات فعلی، معنای ماهوی و واقعی آن دچار خدشه و به گونه‌ای مسخ شده است، حال آنکه با تجزیه و تحلیل این واژه باید توجه اکید داشت که منظور از محیط



(عینی) و اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ذهنی است. از اهداف مطلوب سیاستگذاری در هزاره سوم، حمایت محیط زیست است که پس از گزارش براتلند (۱۹۸۷م) پیوسته تحت عنوان توسعه درخور و پایدار به صورت فراگیر مطرح شده است. حمایت محیط زیست و به تبع آن انجام توسعه مبتنی بر حمایت محیط زیست یا توسعه پایدار و درخور، به خاطر بروز آثار تخریبی در محیط زیست در دهه‌های اخیر است. آثار تخریبی محیط زیستی (نشانه‌های محیط زیست) در ایران و جهان فهرستی بس طولانی دارد، اما چکیده این فهرست را می‌توان به صورت زیر نشان داد: نبود شدن لایه اوزون؛ اثرات گلخانه‌ای؛ جنگل‌زدایی؛ بیابان‌زایی؛ افزایش جمعیت با احتمال ۲ برابر شدن در ۲۰۱۰م؛ افزایش آلودگیها؛ کاهش منابع طبیعی؛ افزایش سطح آب دریاها؛ افزایش ناراحتیهای روانی و افزایش

زیست، محیط پیرامونی زندگی است. این محیط برای ساکنان کره زمین دربرگیرنده تمام اجزائی است که از کوهکشان راه شیری تا منظومه شمسی، خورشید و تمامی سطح و عمق کره زمین را دربر می‌گیرد.

امروزه مطالعات محیط زیست بستر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در جهانی پرآشوب و بحرانی و در تمام امور عمده انسانی، همچون سیاست، فرهنگ، صنعت، اقتصاد و طبیعت است.

تاکنون متفکرین بر این باور بودند که مسکن، مدرسه و دانشگاه، بیمارستان و درمانگاه، جاده‌ها و بزرگراهها، بندرها و فرودگاهها، معادن و کارخانجات، مسجدها و کلیساها، گورستانها و محلهای دفن زباله و یا تمامی ساخته‌های انسانی، ساختارهای انسان‌ساختی هستند که به خاطر تفاوت در ویژگیهای فکری، مذهبی، فرهنگی، تاریخی و نژادی

اگر رقم ۱۷ تن در هکتار با رقم ۳۳ تن در هکتار ایران مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که فناوری برتر توانسته است رقم فرسایش را به نصف کاهش دهد. برخی دیگر اضافه بار جمعیت را مسئول می‌دانند که زیاد بی‌معنا نیست، اما بانی اصلی، توسعه اقتصادی جمعیت روبه رشد جهان در مقابل فعالیتهای اقتصادی سنتی است.

مایرز عقیده دارد که بزرگترین بازدارنده ایجاد جامعه پایدار، ماهیت رشد اقتصادی است. علی‌رغم وجود شواهد عینی دال بر نفی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی)، اغلب اقتصاددانان و سیاستمداران، هنوز این ۲ را مترادف همدیگر محسوب می‌کنند. چنین امری در مقیاس جهانی هرگز به واقعیت نپیوسته است و به نظر می‌آید، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هرگز رخ نخواهد داد.

البته بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی باید تفاوت گذارد. توسعه اقتصادی یعنی بهبود رفاه فردی و جامعه که وقوع این امر ممکن است نیاز به رشد اقتصادی داشته و یا نیازمند محدود کردن رشد اقتصادی باشد. در یک بررسی همه‌جانبه و بسیط که گروهی ۱۰ نفری از دانشمندان محیط زیست جهان انجام داده‌اند، همگی عقیده داشتند که با تهیه و تدوین و اجرای آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین، برنامه) یا برنامه‌ریزی محیط زیست می‌توان به درمان خرابیها پرداخت و از بروز پیامدهای ناگوار دیگر پیشگیری نمود.

کتاب‌شناسی:

- مخدوم، م. *شالوده آمایش سرزمین*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. شماره ۲۲۰۳، ۱۳۸۵.
- وزارت نیرو. *گزارش منابع و مصارف آب*. جلد اول. دفتر برنامه‌ریزی آب، ۱۳۷۴.
- Brundtland, G.H. *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۸۷.
- Capon, D. *A Dynamic Model for Environmental Studies*. *Intern. j. Environ. Stud.* (IJES), ۴۲, ۱۹۹۲.
- Cohen, J.E. How Many People Can the Earth Support?, *The Sciences*, ۳۵ (۶), ۱۹۹۵.
- Makhdoum, M.F. *Degradation Model, a Quantitative EIA*

جرائم؛ وابستگی بیش از اندازه به ماشین و وسایل ماشینی؛ شیوع بیماریهای ناشناخته مانند ایدز؛ خطر دستکاری ژنتیکی؛ اسیدی شدن آب شیرین و خاک حاصلخیز؛ شور شدن خاکهای حاصلخیز؛ خوراکوری آنها؛ افزایش پسماند و پساب؛ نابودی و مورد تهدید قرار گرفتن گونه‌های گیاهی و جانوری؛ کاهش منابع آب شیرین و هدر رفتگی آن؛ صید بی‌رویه و بیش از اندازه آبزیان؛ نابودی کشتزارها به واسطه فرسایش خاک؛ نابودی منابع ژنتیکی؛ افزایش استفاده از سموم آفت‌کش و علف‌کش؛ افزایش جنگلها؛ و بالاخره گرسنگی جهانی.

جاری شدن سیل در سالهای اخیر در کشور، آلودگی شهرهای بزرگ، از بین رفتن سطح وسیعی از جنگلها، رشد بی‌رویه شهرها، بیابان‌زایی گسترده در کشور، متروکه ماندن کشتزارها به خاطر مهاجرت روستاییان به شهرها و واردات چند میلیاردی مواد غذایی و منابع طبیعی به کشور نمونه‌های ملی از هرج و مرج جهانی در کشور ماست.

کارشناسان اکولوژی طبیعی ایران، میزان تخریب سطح جنگلها و مراتع کشور را به میزان ۳۶۰ مترمربع در ثانیه برآورد می‌کنند. مقدار فرسایش آبی سالانه بیشتر از ۲ میلیارد تن و میانگین آن ۳۳ تن خاک در هکتار است؛ سالانه یک میلیون هکتار به وسعت بیابانهای ایران افزوده می‌شود؛ میزان رسوبات ورودی به ۳ سد مهم کشور (کارون، دز و سفیدرود) بیش از ۵۰ میلیون مترمکعب در سال است. تازه این رخدادهای در کشوری روی می‌دهد که ۵۲٪ آن کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارد و ۷۰٪ وسعت آن فاقد رودخانه دائمی است. این در حالی است که حجم اضافه برداشت از آبخوانهای آبرفتی دشتهای ممنوعه کشور تا پایان ۱۳۷۳ش، ۴،۳۹۷ میلیون مترمکعب برآورد شده است. بدینسان، به نظر می‌رسد که آثار تخریبی محیط زیست کشور دست کمی از وخامت اوضاع در مقیاس جهانی ندارد.

برخی، فناوری را مسئول و بانی خرابی محیط زیست می‌دانند. برای نمونه، با اشاره به این وضعیت در ایالات متحد امریکا بیان می‌دارند که این کشور به واسطه استفاده از فناوری برتر سالانه ۱۷ تن در هکتار فرسایش خاک دارد.

محیط زیست شهری

مورد پیوند توسعه شهری و محیط طبیعی بیشتر فکر کنند و مواردی مانند حفاظت از محیط در برابر برخی نارواترین دخالتها در محیط زیست طبیعی شهرها را مورد توجه قرار دهند. بنابراین، شکل‌گیری عبارت محیط زیست شهری و تلاش برای حل تضادهای محیط زیست شهری، حاصل رابطه تخریب‌گرانه انسان با طبیعت در شهرهاست. به این ترتیب، درک بهتر محیط زیست شهری ابتدا مستلزم شناخت ۲ مفهوم محیط زیست و شهر و ارتباط آنها با مقوله رابطه انسان و طبیعت است.

واژه محیط زیست تعاریف مختلفی دارد و معانی آن همگام با تحول جوامع، تغییر یافته است. در یک تعریف جامع، محیط زیست به نظامهای فیزیکی و بیولوژیکی اطلاق می‌شود که پایه‌های اساسی زندگی انسان را فراهم می‌آورند و با آسایش روانی ارتباط دارند. اگرچه محیط زیست انسان، کل فضای حیاتی کره زمین را دربر می‌گیرد و در قالب این مفهوم یک کلیت و یک واحد تفکیک‌ناپذیر بشمار می‌آید، اما این کلیت واحد همگن و یکنواخت نیست. بنابراین، در مفهوم کلی محیط زیست، ۳ نوع محیط قابل تشخیص است:

- محیط طبیعی شامل منابع طبیعی و فیزیکی؛
 - محیط اجتماعی و اقتصادی که خصوصیات و کیفیات جوامع را شکل می‌دهند؛ و
 - سکونتگاههای انسانی و به‌طور خاص شهرها یعنی مناطق و مکانهای مؤثر در ایجاد تعادل و رفاه و کیفیت جامعه.
- شهر به‌عنوان بخشی از محیط زیست شامل سیستمهای زنده (طبیعی)، ساخته شده، تغییر شکل یافته و تجربه شده توسط مردم تعریف می‌شود. تعاملات بین فضا و جامعه در شهر ناشی از ارتباط تاریخی بین آگاهی انسان، ماده، انرژی و اطلاعات است. با تمرکز بر نقش تغییردهنده شهر در محیط زیست، شهر ترکیب تغییر شکل داده شده‌ای از منابع (زمین، آب، هوا، منابع کانی، و انسان) تلقی می‌شود. در نتیجه، شهر منبعی با نظم مجدد تعریف می‌شود که منافی را برای شهرنشینها، منطقه و ملت فراهم می‌آورد. راپاپورت در تعریفی جامع شهر را تجلی یک مدل شناختی آگاهانه معرفی می‌کند که به‌عنوان نمادی از تفکرات، ایده‌ها و

Instrument. Acting as a Decision Support System (DSS) for Environmental Management. *Environmental Management*. ۳۰ (۱)، ۲۰۰۲.

- McGraw-Hill Encyclopedia of Environmental Science. ۲nd Edition. New York: McGraw-Hill Book CO., ۱۹۷۷.
- Myers, N. The Cairo Crunch. People and the Plant. *UNEP*. ۳ (۳): ۳۷، ۱۹۹۴.
- Pimental, D. et al. *Environmental and Economic Cost of Erosion and Conservation benefits. Science*. Vol. ۲۷۶، ۱۹۹۵.
- Wu, j. and Hobbs, R. Key Issues and Research Priorities in Landscape Ecology: An Idiosyncratic Synthesis. *Landscape Ecology*. Vol. ۱۷، ۲۰۰۲.

مجید مخدوم

محیط زیست شهری

Urban Environment

شهروندان اغلب شهرهای جهان به بهبود شرایط محیط زیست خود بسیار علاقه‌مند شده و آن را پیگیری می‌کنند. آنها خواهان هوای تمیز، آب پاکیزه، کاهش سروصدا، فضای سبز بیشتر و حفاظت از مناطق زیستگاهی، امنیت در مقابل خطرات ناشی از شرایط ناپایدار خاک و در مجموع شهرهای زیست‌پذیرتری (Livable) هستند. این در حالی است که اغلب قوانین و برنامه‌های بهبود کیفیت محیط زیست در سطح مناطق فراشهری شامل حفاظت از منابع آب، حفاظت از اراضی کشاورزی و جنگلی، جانمایی اراضی دفع بهداشتی زباله، مدیریت خطوط ساحلی، چرخه‌های غذایی و حوزه‌های آبخیز است و در برنامه‌ریزی برای توسعه شهرها و مناطق شهری قرار ندارد. تنها با انقلاب محیط زیستی دهه ۱۹۶۰م بود که فعالان و سیاستگذاران برنامه‌های توسعه شهری بر آن شدند تا در

محیط زیست شهری

به‌طور مثال، شهر بسیاری از ظرفیتهای فیلتر گونه خاک را نابود می‌کند و به‌سرعت به حوزه‌های آبرگیر انتقال می‌دهد و بنابراین، امکان سیل‌گیری را افزایش می‌دهد. ساخت شهرها از طریق افزایش آلودگی هوا بر اتمسفر اثر می‌گذارد و همچنین جزیره‌های حرارتی را ایجاد می‌کند که درجه حرارت آنها بیشتر از محیط پیرامون است. زندگی شهری مقدار عظیمی مواد زائد تولید می‌کند، که به سازوکارهای پیچیده دفع مواد نیازمند است.

در دیدگاههای جدیدتر، محیط زیست طبیعی موجودیت جامعی تلقی می‌شود که گرچه به سادگی قابل دسترسی است، اما ماهیتی منفعل ندارد و نقش آن صرفاً تأمین نیازهای انسان نیست. براین اساس، این محیط به‌عنوان یک سلسله فرایندهای فعال با رفتار و الگوهای تعریف می‌شود که دارای ارتباط متقابل با انسان و هدایت‌کننده مسیر تحول او (به‌سوی پایداری) است. در اینجا، نه تنها شهر جدا از جهان طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه تعدیل‌کننده اصلی محیط زیست طبیعی نیز محسوب می‌شود. به سخن دیگر، شهر به محض ایجاد، با جهان طبیعی وارد تعامل و با آن ترکیب می‌شود و می‌تواند بر فرایندهای پایه‌ای فیزیکی طبیعت اثرگذار باشد. بنابراین، بررسی اینکه چگونه شهرها شرایط محیط زیستی را هم در درون و هم بیرون شهر و در طول زمان تغییر می‌دهند، یکی از اهداف اولیه تاریخ‌شناسان محیط زیست شهری بوده است.

اندیشه‌هایی است که در قالب یک شکل فیزیکی تبلور یافته و آن قدر غنی است که مناطق وسیعی را به نظم درمی‌آورد. به‌عبارت دیگر، شهر جایی است که مجموع منابع، نیروها و عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست را برای ایجاد محیط مطلوب جهت زندگی انسان در رابطه‌ای تعریف شده به نظم درآورده است.

توجه به این تعاریف نشان می‌دهد که رابطه انسان و طبیعت است که شهر را به‌عنوان بخشی از محیط زیست شکل می‌دهد. به‌همین دلیل، این ۲ واژه با یکدیگر رابطه هم‌پیوند و متقابل دارند. با این وجود، کنار هم قرار گرفتن ۲ واژه «محیط زیست» و «شهر» در ادبیات برنامه‌ریزی محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری در واکنش نسبت به ارتباطات ناهمگون آن دو در دوران رشد سریع شهرنشینی در سده گذشته، چه در نظریه و چه عمل، یعنی به دلیل جدایی انسان از طبیعت و تمایز شهر از محیط زیست، بوده است.

مفهوم نظری محیط زیست شهری

در بسیاری از دیدگاههای گذشته به دلیل درکی که از انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات وجود داشته است، صرفاً بر نقش سودمندی محیط زیست طبیعی برای انسانها تأکید شده است. در این دیدگاه، محیط زیست طبیعی و شهر از یکدیگر متمایز دیده می‌شوند که این می‌تواند در عمل باعث تخریب و غارت محیطهای زیست طبیعی گردد.



که از منابع طبیعی به شکل بسیار بهتر و مؤثرتری استفاده کنند.

با رشد این نظریه‌ها و به دلیل درهم تنیدگی شهر و طبیعت، بسیاری از نظریه‌پردازان شهر را اساساً به‌عنوان یک اکوسیستم معرفی می‌کنند. شهرها در دیدگاه اکوسیستمی از ارگانیزمهای زنده و با ارتباطات متقابل ساخته شده‌اند، که زندگی و توسعه آنها به عرضه رضایت بخش مواد و منابع مختلف و بعد دفع مواد زائد بستگی دارد.

همچنین رویکردهای سیستمی در نگرش به شهرها در دهه ۱۸۹۰م با تعدیل و بازنگریها تولد دوباره‌ای یافت و به محرک مهمی برای ارزیابی فرایند شهرنشینی تبدیل شد. در این رویکردها، شهرها به‌عنوان سیستمهای باز، شامل زیرسیستمهای مختلف، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند و در نتیجه، بینشهایی را در مورد ساخت شهر، رشد آن و به‌طورکلی در مورد محیط زیست شهری به ارمغان می‌آورند.

به‌این ترتیب، با آشکار شدن معضلات محیط زیست شهرها بعد از دهه ۱۹۶۰م عبارت محیط زیست شهری شکل گرفت. اگرچه هم شهر و هم محیط زیست انواع متعددی، شامل محیطهای طبیعی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شوند، ولی بررسی ادبیات مربوط به آن نشان می‌دهد که مفهوم اصلی محیط زیست شهری بر پیوند دوباره شهر با طبیعت تمرکز دارد.

مفهوم محیط زیست شهری در عمل

بعد از شناسایی و درک آسیبهایی که متوجه شهرها است، بالاخره محیط زیست طبیعی به‌عنوان تمهیدی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری در سطوح جامعه و فرد دیده شد و شهر نیز در قالب پارادایمی جدید، در حوزه اندیشه‌های فرا نوگرایی مطرح شد. شهرها در این حوزه به‌عنوان محیطهای زیست شهری، مراکزی دربرگیرنده اقتصاد و جمعیت و به‌عنوان نقاط حیاتی در مسیر حرکت به‌سوی پایداری درک می‌شوند.

از این پس، تلاشهای فعالان و سیاستگذاران توسعه شهری برای پیوند توسعه‌های شهری و محیط زیست طبیعی با هدف بهبود سیستمهای طبیعی تخریب شده در

یکی از اولین تألیفات کلاسیکی که توجه به ارتباطات سیستماتیک بین طبیعت و شهرها را مطرح کرد، کتاب آن سپرین با عنوان *باغ گرانت* بود. سپرین طبیعت را در درون شهرهای متراکم مورد ملاحظه قرار داد و نقش عناصر طبیعی متفاوت مثل خاک، آب، باد، و نور را در حوزه منظرهای شهری تجزیه و تحلیل کرد و نتیجه گرفت که شهر می‌بایست به‌عنوان بخشی از طبیعت دیده شود، نه به‌عنوان موجودیتی خارج از آن. از دیدگاه او، اگر در شهر به طبیعت توجه شود، محیط زیست شهری دلپذیری ایجاد خواهد شد، ولی اگر طبیعت نادیده گرفته شود، آسیبهای مختلف در انتظار ماست. به‌این ترتیب، شهر یک *باغ گرانت* است، متشکل از تعداد زیادی باغهای کوچک‌تر که در باغ جهان واقع شده‌اند. بخشهایی از باغ گرانت به‌شدت مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، ولی بخش بزرگ‌تر آن هنوز شناخته نشده و مورد غفلت واقع شده است. در دید او، اگرچه ممکن است که درختان و پارکها به‌عنوان تنها بقایای طبیعت در شهرها دیده شوند، ولی طبیعت در شهر خیلی فراتر از درختان و باغها هستند: هوایی که ما تنفس می‌کنیم، زمینی که بر روی آن ایستاده‌ایم، آبی که می‌نوشیم و دفع می‌کنیم، و ارگانیزمهایی که ما در سکونتگاهمان با آنها سهم هستیم، همه جزئی از طبیعت است. طبیعت در شهر نیروی قدرتمندی است که می‌تواند زمین را تکان دهد، بلغزاند، جابه‌جا یا خرد کند. به‌همین دلیل، شهر می‌بایست به‌عنوان بخشی از طبیعت و در هماهنگی با آن طراحی شود. شهر، حومه‌های شهری و روستایی باید به‌عنوان یک سیستم مستقل و در حال تحول در حوزه طبیعت دیده شود، و طبیعت نیز باید مثل یک باغ در شهر توسعه یابد، نه اینکه نادیده گرفته یا مقهور آن شود.

از جمله تلاشهای مشابه برای شناخت ویژگیهای گسترده محیط زیست شهری، بسط نظریه‌های بوم‌شناسی شهری (← بوم‌شناسی شهری) توسط جامعه‌شناسان و جغرافیدانان است. در این نظریه‌ها شهرها به‌عنوان محیطهای زیست طبیعی درک می‌شوند و همچون خود انسانها، بخشی از طبیعت هستند. با این رویکرد، شهرها-وقتی که خوب طراحی شوند- از این ظرفیت برخوردارند

محیط زیست شهری

- حفاظت و تقویت سلامت محیط زیست در مناطق شهری؛
- حفاظت از کیفیت آب، خاک و هوا در مناطق شهری در برابر آلودگیها؛
- به حداقل رساندن آثار تخریبی شهر بر منابع طبیعی در مقیاسهای منطقه‌ای و جهانی؛ و
- محافظت از شهرها در برابر خطرهای طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی.

با توجه به اینکه محیط زیست یک کل یا واحد تفکیک‌ناپذیر محسوب می‌شود، جدایی برنامه‌ریزی و طراحی شهر از بستر طبیعی آن در دهه‌های آغازین سده ۲۰ باعث رشد ناهمگون شهر بدون توجه به محیط طبیعی شد. ناهمگونی و معضلات متعدد ناشی از این رویه ضرورت یکپارچگی محیط زیست را مطرح کرد. تلفیق مفاهیم محیط زیست و شهر تحت عنوان محیط زیست شهری به مفهوم تلقی شهر به‌عنوان محصول تعاملات دائمی هر ۳ بُعد طبیعی، اجتماعی-اقتصادی و انسان ساخت در زیست‌کره است. به‌عبارت دیگر هرگونه برنامه‌ریزی و طراحی برای هدایت تغییر و تحول محیط‌های انسان ساخت، شامل شهرها و روستاها، باید با توجه به ۲ زمینه دیگر صورت پذیرد. البته از آنجایی که حدت مشکلات ناشی از نادیده گرفته شدن طبیعت در توسعه شهرها با آثار فیزیکی و ملموس همراه بوده و اهمیت این مشکلات در چند دهه اخیر بیشتر درک شده است، عبارت محیط زیست شهری و برنامه‌ریزی محیط زیست شهری معطوف به حفظ و ارتقاء طبیعت در شهرها مطرح شده است.

کتاب‌شناسی:

- بهرام سلطانی، کامبیز. *مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، محیط زیست*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- راباپورت، امس. «منشأ فرهنگی مجتمعات زیستی»، *تاریخ شکل شهر*، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۸.
- Bigio, A. G. and Dahiya, B., *Urban Environment and Infrastructure, Toward Livable Cities*. Washington, D.C.: The World Bank, ۲۰۰۴.
- Bradshaw, Anthony D. *Natural ecosystems in Cities*: A

شهرها طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م سرعت گرفت. یکی از مهم‌ترین نوآوریها در این زمینه، طرح مقدماتی این ایده بود که باید برای پایداری شهرها برنامه‌ریزی کرد. به‌دنبال نشست ریو در ۱۹۹۲م، شهرها به‌عنوان عامل اصلی آسیب‌های زیست‌محیطی جهانی تشخیص داده شدند و دستورالعمل‌های محلی ۲۱ به‌شکل فعالی توسط نظریه‌پردازان شهری در نقاط مختلف جهان مورد توجه قرار گرفت. مسئله پایداری سریعاً به یک سیاست عملیاتی جهانی در طرح‌های شهری تبدیل شد. در این حرکت، شکلهای جدیدی از همکاریهای بین بخشی در میان مسئولان شهر برای پیشبرد مقاصد پیچیده و همه‌جانبه توسعه‌های شهری مورد توجه قرار گرفت و به‌دنبال آن، در کنفرانسهای متعدد جهانی، به‌خصوص نشست زمین در ریو (۱۹۹۲م) و استانبول (۱۹۹۶م)، قواعد متعددی برای حفاظت از محیط زیست انسانی در مناطق شهری وضع شد.

همچنین در نشست سیاتل (۱۹۹۴م) سعی شد برای تغییرات نامطلوب محیط زیست ناشی از تأثیر فعالیتهای شهری بر آلودگی هوا، همچنین راه‌حلهایی برای آلودگیهای خاک و آب، ابزارهایی برای تسریع تغییرات مثبت زیست‌محیطی از طریق کاربریهای زمین، مثل حوزه‌های آبخیز و پارکها، جستجو شود.

علاوه‌براین، برخی از نهادهای جهانی اقدامات دولتهای محلی را برای بهبود کیفیت محیط‌های زیست شهری مورد حمایت قرار می‌دهند که بانک جهانی یکی از مؤثرترین آنها است. گروه موضوعی محیط زیست شهری این بانک برای بسط دستورالعمل‌های قهوه‌ای تعریف شده در نشست زمین (۱۹۹۲)، در ۲۰۰۲م تأسیس شد. راهبرد همکاری بانک جهانی، توسعه محیط زیست شهری را به‌عنوان بخشی از فرایند تقویت زیست‌پذیری شهری مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، بانک جهانی به کشورهای مشتری خود و همین‌طور به مالکین محلی برای ایجاد شهرهایی با زیست‌پذیری بیشتر و ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری وام می‌دهد و با آنها همکاری می‌کند. اهداف مورد نظر از زیست‌پذیر کردن شهرها در راهبرد مزبور عبارتند از:

مدیریت

- *The Sustainable Urban Development Reader*. London: Routledge, ۱۹۸۴.

شهرزاد فریادی

مدرنیزاسیون ← نوسازی

مدرنیسم ← نوگرایی

مدل خوشه‌ای ← شبکه منطقه‌ای راهبرد

مدل شبکه‌ای ← شبکه منطقه‌ای راهبرد

مدل مرکز- پیرامون ← مرکز- پیرامون، مدل

مدل قطب رشد ← قطب رشد

مدل وابستگی ← وابستگی، مدل

مدیریت

Management

Model for Cities as Ecosystems. Berkowitz A., R., Nilon C. H., Hollweg S.K. (eds), ۲۰۰۳. *Understanding Urban Ecosystems, a New Frontier for Science and Education*. New York: Springer, ۲۰۰۳.

- Brand, P. and Thomas, M. *Urban Environmentalism, Global Change and the Mediation of Local Conflict*. London and New York: Routledge, ۲۰۰۵.

- Castells, M. *The City and the Grassroots: a Cross-Cultural Theory of Urban Social Movements*. UK, London: Edward Arnold, ۱۹۸۳.

- Harding, R. *Environmental Decision-Making. The Roles of Scientists, Engineers and the Public*. Federation press, ۱۹۹۸.

- Havlick, S.W., *The Urban Organism: The City's Natural Resources From an Environmental Perspective*. New York: MacMillan, ۱۹۷۴.

- Johnston, R.J. *The American Urban System: A Geographic Perspective*. New York: St. Martin's Press, ۱۹۸۲.

- Lein, J. *Integrated Environmental Planning*. Blackwell Science, ۲۰۰۳.

- Melosi, Martin V. The Historical Dimensions of Urban Ecology: Framework and Concepts. Berkowitz A., R.; Nilon C. H. and Hollweg S.K. (eds), ۲۰۰۳. *Understanding Urban Ecosystems, A New Frontier for science and education*. New York: Springer, ۲۰۰۳.

- Miller, D. and De Roo, G. *Urban Environmental Planning, Policies, Instruments and Methods In an International Perspective*. England: ASHGATE, ۲۰۰۴.

- Selman, Paul. *Environmental planning*. London: SAGE, Thousand Oaks, New Delhi, ۲۰۰۰.

- Spim, Anne Whiston. *The Granite garden*. Wheeler, Stephen M. & Beatley Timoty (eds.), New York: Basic Books, ۲۰۰۴.

مدیریت بحران

کاملاً مفید و مؤثر در سازمان و نیز به‌عنوان شهروند جامعه خود، به‌درستی به وظایف خویش عمل کنند. باید توجه داشت که گرایشهای مطرح در مدیریت، به‌طور کلی، بر این نکته تأکید دارند که رهبری از مدیریت جداساز و سرشت چگونگی درهم‌تیدگی کارکردهای



چهارگانه آن بایستی زمینه‌ساز طرح پارادایمی نو در مدیریت بشمار آید.

کتاب‌شناسی:

<http://www.authenticityconsulting.com>

کارتر مک نامارا

(عباس سعیدی)

مدیریت بحران

Crisis Management

مدیریت بحران یکی از موضوعات نسبتاً جدید مطرح در علم مدیریت است. به‌طور کلی، فعالیتهای مدیریت بحران به بخشهایی که وقوع احتمالی حوادث وجود دارد و همچنین پیش‌بینی بحرانهای بالقوه و برنامه‌ریزی درباره نحوه برخورد با آنها مربوط می‌شود. به سخن دیگر، مدیریت بحران به مجموعه سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریهای مدیریتی

اصطلاح مدیریت به‌طور سنتی به فعالیتهای (و اغلب گروهی از افراد) باز می‌گردد که در ۴ کارکرد عمومی و کلی زیر دخال دارند: برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ رهبری؛ و نظارت و هماهنگی.

باید توجه داشت که این ۴ کارکرد به‌صورتی تنگاتنگ در هم تنیده هستند و در تمام سازمانها اعمال می‌گردند.

• **برنامه‌ریزی.** برنامه‌ریزی در مدیریت شامل تبیین اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت، روشها، منابع مورد نیاز برای اعمال روشها، مسئولیتهای و زمان‌بندی انجام امور است. از نمونه‌های برنامه‌ریزی در این زمینه می‌توان از برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی فعالیتهای، برنامه‌ریزی نیروی کار و کارکنان و برنامه‌ریزی طرحهای اجرایی نام برد؛

• **سازماندهی.** شامل سازماندهی منابع برای دستیابی به اهداف، به شیوه‌ای بهینه است و از نمونه‌های آن می‌توان از سازماندهی بخشهای جدید، منابع انسانی، نظامهای نگهداری و بایگانی و تجدید سازمان فعالیتهای یاد کرد؛

• **رهبری.** رهبری در سازمان شامل نظم‌بخشی به جهت‌گیریهای سازمان، گروهها و افراد و همچنین، هدایت کارکنان به‌منظور پیروی از آن است. مثالهای این مورد عبارتند از: اعمال جهت‌گیریهای راهبردی (از جمله تبیین ارزشها و اهداف) و اعمال روشهای افزایش کارایی سازمانی به‌منظور حفظ جهت‌گیریهای سازمان؛

• **نظارت و هماهنگی.** هماهنگ‌کردن نظامها، روندها و ساختارهای سازمانی به‌منظور دستیابی مؤثر و بهینه به اهداف مختلف سازمان. این امر شامل توجه ویژه به مجموعه بازخوردها و هدایت و سازگاری نظامها، روندها و ساختارهاست. نمونه‌های این مورد، عبارتند از: بهره‌گیری مناسب از نظارتهای، سیاستها و فرایندهای مالی، روندهای مدیریت کارآمدی، اقدامات لازم و مؤثر برای اجتناب از خطرات و مانند آن.

در نظر بسیاری از کارشناسان، واژه مدیریت به معنای افراد و مدیرانی است که اصولاً مسئولیت تصمیم‌گیریهای سازمانی را برعهده دارند، هرچند دیدگاههای نو در مدیریت بر این مبنا استوارند که وظیفه مدیریت، حمایت از کوششهای کارکنان است، تا ایشان بتوانند به‌عنوان اعضای

مدیریت بحران

بحران است. درعین حال، تجربه نشان می‌دهد، در پاسخ به بحران، سرعت عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین مشارکت دادن داوطلبان در پاسخ، می‌تواند کمک مؤثری به امداد رسانی کند. با تمام این احوال، مرحله پاسخگویی، خصوصیات خاصی دارد که حاکمیت محوری را الزامی می‌کند؛ از جمله این خصوصیات می‌توان نیاز به توان پشتیبانی لجستیکی، نیاز به فرماندهی مؤثر منطقه حادثه دیده، ضرورت حفظ امنیت و دسترسی به امکانات فوری را نام برد. در صورتی که دولت بتواند در مرحله آمادگی، جامعه را نیز درگیر سازد و بخشهایی از جامعه را جهت شرکت در پاسخگویی به بحران آماده سازد، فرماندهی و محوریت کماکان با دولت خواهد بود. اما هرچه از زمان بروز بحران بگذرد، نقش افراد و مردم در مدیریت بحران برجسته‌تر خواهد شد. از این رو، در بازسازی و همچنین خطرزدایی تا جایی که ممکن است، بر مشارکت مردم و استفاده از تواناییهای ایشان تأکید شده است. البته کارشناسان در زمینه دامنه و میزان مشارکت افراد متفق القول نیستند، اما همگی بر لزوم مشارکت تأکید دارند. عده‌ای عقیده دارند مدیریت بحران باید با محوریت مردم و با حمایت دولت صورت گیرد، اما از سوی دیگر، عده‌ای نیز بر محوریت دولت در کلیه فعالیت‌های مرتبط با مدیریت بحران تأکید می‌ورزند. به هر حال، نباید فراموش کرد که دولت نماینده مردم است و منابع جامعه به‌طور متمرکز در اختیار او قرار دارند. البته، به هر حال، نباید نقش مردم در مدیریت بحران را نادیده گرفت؛ برای مثال، در زمینه آمادگی، هرچه دانش و آگاهی افراد جامعه افزایش یابد، نیاز آنها به منابع و کمک‌های خارجی کاهش می‌یابد. این امر تا حدی استقلال و حس کنترل بر اوضاع را نیز به آنها می‌بخشد و یا در زمینه خطرزدایی، تا حد زیادی از وظایف دولت می‌کاهد. بنابراین، دولت وظیفه تجهیز، حمایت، هدایت و به کارگیری از تواناییهای مردمی را به عهده دارد. اصولاً در بخش مدیریت بحران اگر برنامه طراحی شده در کاهش و جلوگیری از وقوع بحران موفق عمل ننماید، لازم است مراحل ششگانه زیر سریعاً انجام پذیرد:

- انجام ارزیابی علمی و بی طرفانه از موارد بحران؛

و فعالیت‌های اجرایی اطلاق می‌شود که مربوط به مراحل مختلف واکنش در برابر بحرانها هستند. بدینسان، مدیریت بحران از یکسو، آمادگی برای مقابله و تلاش برای پیشگیری از بحرانهاست و از سوی دیگر، به پاسخگویی و به حداقل رساندن پیامدهای جانی و مالی بحرانها و برقراری وضعیت عادی می‌پردازد. براین اساس، مدیریت بحران اغلب بر تمرکز مستمر بر ارتباطات عمومی، به‌منظور کاهش، بازسازی و مرمت خسارات عمومی تأکید می‌ورزد و در پی بررسی و جستجوی راههای مطمئن در این خصوص است. بنابراین، مدیریت بحران ۴ مرحله را دربر می‌گیرد: آمادگی؛ پاسخگویی؛ بازپروری و بازسازی؛ و سرانجام، خطرزدایی.

مدیریت بحران شامل تشخیص دقیق بحران، برنامه‌ریزی درخصوص نحوه مقابله با بحران و کنترل و حل مسائل مرتبط با بحران است. مدیریت بحران در بیشتر زمینه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود، اما به‌طور متداول، در علوم ارتباطات بین‌الملل، علوم سیاسی، تجارت و بازرگانی و مدیریت شهری بیش از سایر علوم شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف اصلی مدیریت بحران، حفاظت از جامعه است. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که وظیفه مدیریت بحران برعهده چه افراد و نهادهایی است؟ آیا افراد جامعه باید بار اصلی مدیریت بحران را به دوش بکشند و یا اینکه بخش عمده مسئولیت مدیریت بحران در هر کشور برعهده نهادهای دولتی است. شواهد حاکی از آن است که در اغلب بحرانها، واکنش اصلی و بخش عمده پاسخ برعهده نهادهای ملی و بین‌المللی است. این امر به خصوصیت مخرب اکثر بحرانهای ثبت شده باز می‌گردد که اغلب به مداخلات وسیع نیاز دارند؛ این امر خود به منابع و امکانات زیادی نیازمند است که معمولاً فراهم کردن آن به همکاری دولتها و نهادهای بین‌المللی بستگی دارد. البته در دهه اخیر، روند رو به رشدی در راستای درگیر کردن افراد جامعه، اعم از جامعه بحران‌زده و یا دیگر افراد و گروههای جامعه و همچنین، سازمانهای غیردولتی در پاسخ به بحرانها به چشم می‌خورد. مثال بارز چنین مشارکتی، گردآوری کمک‌های مردمی پس از بروز

مدیریت بحران

صرفاً مردمی قرار دارد. اینکه کجای چنین طیفی قرار بگیریم، به توانایی و ساختار دولت و از طرف دیگر، به ساختار اجتماع و تواناییها فرهنگ و امکانات جامعه بستگی دارد.

سازمانهای غیردولتی در نظام نوین جهانی، علاوه بر اینکه به عنوان نمودی از مردمسالاری (← مردمسالاری) در جوامع مطرح می شوند، به عنوان نهادهای موازی دولت، بخشی از بار اجرایی دولت را برعهده می گیرند. با توجه به ماهیت مردمی این سازمانها، در واقع ارگان نظارتی مردم بر فعالیتهای دولت در اجرای خواسته های آنها نیز بشمار می روند. در تعاریف جهانی، سازمانهای غیردولتی شامل جمعیتها، گروهها و نهادهای انسانی و خودجوش و برآمده از مردمی هستند که مهم ترین شاخصه آنها در استقلال از دولت تبیین می شود. امروز، این سازمانها به صورت داوطلبانه در راستای رفاه و خدمات عمومی به انجام فعالیت می پردازند. دامنه فعالیت این سازمانها از امور امدادی، رفاهی و مذهبی، تا دفاع از حقوق بشر، پناهندگی، امور زنان، جوانان و توسعه علوم و فناوری را دربر می گیرد. می توان گفت، سازمانهای غیردولتی پل ارتباطی بین مردم و دولت هستند که نقش مؤثری در بلوغ اجتماعی برعهده دارند.

اصولاً به شرایطی بحرانی اطلاق می شود که تعادل بین نیازها و منابع برهم بخورد. به سخن دیگر، بحران حادثه ای است که از ظرفیت مقابله جامعه فراتر می رود. براین اساس، مدیریت بحران را می توان بازگرداندن مجدد تعادل بین سطح نیازها و منابع دانست. در مدیریت بحران می توان با ۳ ابزار شرایط را به حالت طبیعی بازگرداند. این ۳ ابزار عبارتند از:

- افزایش منابع؛
- کاهش نیازها؛ و
- جابه جایی تکیه گاه (فرماندهی بحران).

کتاب شناسی:

- Auf Der Heide. *Disaster Response: Principles of Preparation and Coordination*. St. Louis: Mosbe, ۱۹۸۹.
- Burby, Raymond J.; et al. *Building Disaster Resilient*

- یقین اثرات بلندمدت یا کوتاه مدت بحران؛
- پیش بینی و تعیین وقوع حوادث احتمالی ناشی از بحران؛
- تمرکز بر تمام توانمندی افراد بر فعالیتهایی که منجر به کاهش و جبران مشکل ناشی از بحران است؛
- جستجوی علمی درخصوص فرصتهای موجود در ارتباط با بحران حاصله؛ و
- اقدام عاجل به منظور حفظ منابع مالی.

رویکرد دولت در مدیریت بحران

در زمینه به کارگیری از تواناییهای مردمی، ۲ رویکرد کلی پیش روی دولت قرار دارد: مشارکت هدایت شده و مشارکت مردم محور. در مشارکت هدایت شده که تحت عنوان مشارکت ابزاری نیز شناخته می شود، مردم در برنامه های دولتی مشارکت داده می شوند. با این حال، برنامه ها کماکان توسط دولت آغاز، تأمین مالی و کنترل می شوند و مسئول نهایی آنها یکی از برنامه ریزان دولتی است. برنامه ریزان میزان مشارکت مردم را تعیین می کنند. در حقیقت، در قالب چنین مشارکتی، به مردم وظایفی مشخص در راستای برنامه محول می شود.

در مقابل این نوع مشارکت، مشارکت مردم محور قرار دارد. در این نوع مشارکت، مقوله اصلی بحث قدرت و کنترل است. به سخن دیگر، این نوع مشارکت تنها به برنامه ها و جنبه های مدیریتی یا فنی آنها محدود نمی شود، بلکه نوعی مداخله اجتماعی در جهت تقویت جامعه بشمار می رود. این مشارکت براین اساس قرار دارد که مردم عادی نیز می توانند تفکر نقادانه داشته باشند و دانش و آگاهی آنها می تواند در مدیریت بحران به کار آید. در این نگرش، افراد جامعه باید خود مشکلات و نیازها را شناسایی و ابزارها و راه حلها را طراحی کنند؛ علاوه بر آن، برنامه ها را اجرا و سرانجام نتایج را ارزیابی کنند. بدینسان، در چنین مشارکتی، نقش دولت به یک نقش حمایتی نظارتی تقلیل می یابد.

مدیریت بحران، امری کلان است که در آن مداخله دولت و مشارکت مردم هر ۲ ضروری است. بنابراین، مدیریت بحران در حقیقت یک طیف است که در یکسوی آن مداخلات صرفاً دولتی و در طرف دیگر آن، مداخلات

مدیریت رشد

- FEMA Emergency Management Hi-Ed Project, ۲۰۰۶.
- McEntire, David A. *Disaster Response Operations and Management*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, September. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/drom.asp>.
 - Shaw, Gregory. *Hazards Risk Management*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, January ۲۰۰۴. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/hram.asp>.
 - Waugh, William L. *Living With Hazards/Dealing With Disasters- An Introduction To Emergency Management*. Armonk, New York Y: M.E. Sharpe, Inc., ۲۰۰۰.

علیرضا شکبیا

مدیریت بلایا ← مدیریت سوانح

مدیریت پسماند(ها) ← بازیافت

مدیریت رشد

Growth Management

مجموعه منسجمی از برنامه‌ها و سیاستها به منظور شکل‌دهی و هدایت رشد شهری بر وفق نیازهای حصول به تعادلی پویا بین مقتضیات حفاظت از محیط زیست و توسعه و به‌همین ترتیب توازن میان توسعه و تسهیلات سرمایه‌ای مورد نیاز برای آن و سرانجام، صیانت از حس اشتراک اجتماعی. مدیریت رشد به‌طور معمول از برنامه‌ریزی

- Communities Emmitsburg*, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, May ۲۰۰۲. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/downlo-ads/BuildingDRCdoc.doc>
- Burby, Raymond. *Cooperating with Nature: Confronting Natural Hazards with Land-Use Planning for Sustainable Communities*. Washington D.C: Joseph Henry Press, ۱۹۹۸.
 - Canton, Lucien G. *Emergency Management: Concepts and Strategies for Effective Programs*. Hoboken NJ: Wiley Inter-Science, ۲۰۰۷.
 - Cutter, Susan L. (ed). *American Hazardscapes: The Regionalization of Hazards & Disasters*. Washington D.C: Joseph Henry Press, ۲۰۰۱.
 - Drabek, Thomas E. and Gerard J. Hoetmer (eds). *Emergency Management: Principles and Practice for Local Government*. Washington DC: International City Managers Association, ۱۹۹۱.
 - Drabek, Thomas E. *Strategies for Coordinating Disaster Responses*. Boulder, CO.: Program on Environment and Behavior, Monograph ۶۱, University of Colorado.
 - Drabek, Thomas E. *Social Dimensions of Disaster*, ۲nd Edition Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, April ۲۰۰۴. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/sdd.asp>.
 - Flynn, Stephen. *The Edge of Disaster: Rebuilding A Resilient Nation*. N.Y: Random House, ۲۰۰۷.
 - Godschalk, David R., Timothy Beatley, Philip Berke, David Brower, and Edward Kaiser. *Natural Hazard Mitigation: Recasting Disaster Policy & Planning*. Island Press, ۱۹۹۹.
 - Haddow, George D. and Jane A. Bullock. *Introduction to Emergency Management* ۲nd (ed). Burlington, MA: Elsevier Butterworth-Heinemann, ۲۰۰۶.
 - Lindell, Michael K., Carla Prater, Ronald W. Perry. *Fundamentals of Emergency Management*. Emmitsburg MD:

مدیریت رشد

برنامه‌های مصوب پیشین در مورد محدودیتها/ مدیریت رشد را به نحو برجسته‌ای آشکار کرد. مفهوم ظرفیت محیطی رشد، یعنی حدودی که رشد و فعالیت انسانی در مرزهای فراتر از آن، موجب خسارتهای جبران‌ناپذیر به محیط زیست می‌شود، مورد تأیید برخی از صاحب‌نظران از جمله گادشالک (Godschalk) و پارکر (۱۹۷۵م) قرار گرفت. دومین دلیل طرح مسائل مدیریت رشد عبارت بود از آگاهی نسبت به هزینه‌هایی که گسترش شهری از حیث مالی و بودجه برای حکومتها داشت. در مناطق کم‌جمعیت حومه‌ها، درآمدهای مالیاتی با نیازهای مخارج عمومی که همراه با رشد شهری پدید می‌آید (هزینه‌های گسترش لوله‌کشی آب و فاضلاب و توسعه خیابانها و احداث مدارس جدید)، همخوانی نداشت. سومین دل‌نگرانی مربوط بود به هزینه‌های روان‌شناختی از حیث آثاری که رشد متراکم شهرنشینی بر سبک زندگی و از دست رفتن خصوصیات اجتماعی شهرهای کوچک داشت.

نخستین برنامه‌های مدیریت رشد شهری تلاش داشتند، تا با استفاده از سهم رشد سالانه (شهرهای پتالوما و کالیفرنیا، ۱۹۷۳م، بولدر و کلرادو ۱۹۷۶م)، یا پیوند رشد به تسهیلات سرمایه‌ای (راماپو و نیویورک ۱۹۶۹م)، نرخ رشد و زمان رشد را هدایت کنند. با توجه به اینکه نخستین برنامه‌های معطوف به محدود کردن میزان رشد شهری، کمتر از روند موجود بود، از آنها به‌عنوان برنامه‌های کنترل رشد شهری یاد شده است. هنوز مدیریت رشد شهری محل مناقشه است. برخی معتقدند، این‌گونه کنترل رشد، حرکتی ضدپیشرفت و مداخله‌ای سنگین در فرایند توسعه است، زیرا موانع قانونی را جلوی پای تحرک مردمان قرار می‌دهد. برخی دیگر از آن به‌عنوان ابزاری ضروری برای برقراری توازن در شیوه‌های رشد شهری حمایت می‌کنند. دادگاهها عموماً از برنامه‌های مدیریت رشد به‌عنوان ابزاری مناسب جهت قدرت انتظامی حکومت دفاع کرده‌اند، البته به شرط اینکه مقررات وضع شده و شیوه‌های استفاده از آنها، به‌طور منطقی با هدفهای بیان شده مدیریت رشد مرتبط باشد.

انواعی از مدیریتهای رشد شهری نیز هست که به هدایت یا شکل‌دهی رشد شهری، بدون تحمیل مدیریت بر

کاربری زمین در شکل سنتی منطقه‌بندی شهری (← حوزه‌بندی شهری) و نظارت بر نواحی، هم از حیث اثرات آن بر توسعه (به‌ویژه از حیث زمان‌بندی و مالیه) و هم از جهت دامنه کاربرد قدرت دولتی، فراتر می‌رود. برنامه‌های معاصر کاربری زمین بر این نکته تأکید دارد که فرایند رشد شهری را به وجه آگاهانه ساماندهی کند و به‌این‌ترتیب، بیش از تلاشهای سنتی در برنامه‌ریزیهای کاربری، مثل منطقه‌بندی شهری و برنامه‌های جامع، که با وضعیت ایستا سروکار دارند تا وضعیت پویا، بر الگوهای رشد شهر تأثیر گذارند. امروزه، با تلاشهای روزافزونی که برای کاستن از گسترش بی‌رویه شهرها صورت می‌گیرد، مدیریت رشد در صدد است تا مقررات کاربری زمین را با برنامه‌ریزی تسهیلات سرمایه‌ای پیوند دهد و با بهره‌گیری از شیوه‌های مالی، رشد بی‌رویه را مهار کند.

برخی از هدفهای مدیریت رشد صورت بدیهی دارد:

- شکل دادن به مکان و محل رشد آتی؛
 - حفاظت از کیفیات محیطی؛
 - همساز کردن رشد شهر از منظر بودجه شهر؛
 - مرحله‌بندی یا کند کردن توسعه شهر در راستای حفاظت از خصوصیات اشتراک اجتماعی اجتماعات شهری؛ و سرانجام
 - مدیریت رشد در سطح محلی برای شناخت اثرات منطقه‌ای رشد.
- برنامه‌های رشد مدیریت معمولاً بر یک یا چند هدف از این هدفها تأکید می‌ورزد.

با اینکه کنترلهای مبتنی بر برنامه‌ریزی در شکل سنتی به‌لحاظ قانون در دهه ۱۹۲۰م مورد پذیرش قرار گرفت، موضوع مدیریت رشد در دوره‌های متأخر، عملاً از اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م، آغاز شد. در این سالها، ۳ دلمشغولی عمده محیطی، مالی و روان‌شناختی در ارتباط با تداوم رشد شهرنشینی، موجب توجه تازه‌ای به شیوه‌های تازه‌تر و جدی‌تری در هدایت رشد شهری و حتی محدود کردن آن شد. رشد روزافزون آگاهی نسبت به مسائل محیط زیست در دهه ۱۹۷۰م، مسئله ناسازگاری بین شهرنشینی و زیستومهای حساس، مانند مردابها و زیستگاههای بحرانی و

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

اسکات بولنز
(کمال پولادی)

مدیریت روستایی

Rural Management

اداره امور روستا به نحوی که به توازن و تعالی روستا و ارتقاء سطح زندگی روستاییان یاری رساند. امروزه، مدیریت روستایی در اداره امور اجتماعی-اقتصادی روستا، به ویژه واحدهای تولیدی، از جمله تعاونیهای تولید با واحدهای نوین فراوری، نقش اساسی دارد. از این رو، نخبگان مدیریت روستایی در فروش و بازاریابی کالاهای تولیدی و مصرفی این گونه واحدها و موسسات به یاری می‌آیند. علاوه بر این، با زمینه‌سازی برای برپایی نهادها و مؤسسات محلی می‌کوشند، قابلیت‌های نهفته در نواحی روستایی را به منصف ظهور رسانند.

جامعه روستایی به صورت یک نظام اجتماعی پویا عمل می‌کند، به نحوی که عناصر و نهادهای مختلف آن در عرصه عمل به مثابه عوامل تغییر به ایفای نقش می‌پردازند. بر این اساس، مدیریت روستایی لازم است با در نظر گرفتن بخش روستایی به عنوان یک نظام (سیستم)، مسائل مبتلابه محیط روستا را به درستی دریابد و در رفع و چاره جویی آنها اقدام نماید. بدین ترتیب، مدیریت روستایی در عمل با تحول و دگرگونی جامعه روستایی سروکار دارد. به سخن دیگر، سازماندهی نهادهای محلی و هدایت مناسب عناصر دخیل در روند تغییر اجتماع محلی، از وظایف مدیریت روستایی است. گرچه در این راه مهارت‌های مدیریتی الزامی است، اما علاوه بر آن، حساسیت نسبت به وظیفه اصلی

آن معطوف هستند. از آن جمله است، اقدامات ضد گسترش بی‌رویه و پراکنده شهرها، از طریق تعیین محدوده توسعه شهری و تشویق رشد شهری در درون محدوده‌ها؛ استفاده از مشوقهای قانونی؛ تأمین هزینه زیرساختها توسط بخش عمومی، و متقابلاً، محدود کردن رشد شهری در خارج از محدوده از طریق وضع مقررات، محدودیت هزینه برای زیرساختها و به دست گرفتن فضاهای باز (← فضای باز) توسط بخش عمومی. نمونه‌های این نوع برنامه را می‌توان در شهرهای مختلف ایالات متحد مشاهده کرد. حدود ۱۵ حکومت ایالتی در ایالات متحد نیز از اصول مدیریت رشد شهری بهره می‌گیرند. ایالتها در این گونه موارد، معمولاً به طور مستقیم به تنظیم یا مدیریت رشد نمی‌پردازند، بلکه معیارها و اصولی را تدارک می‌کنند که باید در برنامه‌های کلی یا جامع گنجانده شوند. از آن جمله، ایالت‌های اورگون، فلوریدا، کالیفرنیا (برای مناطق ساحلی) نیوجرسی، جورجیا و مریلند است. در اورگون و فلوریدا برنامه‌های جامع شهری به مسئله گسترش بی‌رویه شهر می‌پردازند.

اگر حکومت‌های محلی برنامه‌های محلی را با معیارهای ایالتی وفق دهند، ممکن است مشمول مجازات و محرومیت از بودجه ایالتی شوند. ایالت‌های دیگری، چون نیوجرسی و مریلند، بیشتر از رویکرد تشویقی استفاده می‌کنند، به این ترتیب که بودجه‌های ایالتی را به سوی مناطق تعیین شده برای رشد شهری سوق می‌دهند.

برنامه‌های مدیریت رشد شهری در زمان ما به طور روزافزونی به سمت رشد متوازن سیر می‌کند و بر محدود کردن گسترش بی‌رویه شهرها تأکید دارند، چنان‌که در تأمین بودجه زیرساختها کانون توجه خود را بیشتر بر تقسیم مسئولیتها بین بخش عمومی و بخش خصوصی قرار داده‌اند و تلاش خود را متوجه برنامه‌های تشویق تنوع در خانه‌سازی و خصوصیات محله‌ای در توسعه شهری کرده‌اند. مدیریت رشد، در توجه به کل دامنه مسائل شهری، از جمله کاربری زمین (← کاربری زمین) تنوع خانه‌سازی، فرصت‌های اقتصادی، کارایی مالی و حفاظت از محیط زیست، هم از لحاظ مفهومی و هم از جهت عملیاتی، با اندیشه رشد هوشمندانه درآمیخته است.

مدیریت روستایی

و جنبه سازمانی - رفتاری این کارکردها. عناصر اصلی این کارکردها عبارتند از:

۱. ساختار منطقه‌ای تعاونیها به‌عنوان عامل پیوند روستا با مراکز شهری، به‌مثابه کانونهای قدرت، اطلاعات و سرمایه. همچنین، نقش تعاونیهای روستایی در ساختار کلی تعاونیهای سرزمینی؛

۲. رفتار فردی و گروهی و کارکردهای آموزشی و تخصصی شدن توسعه تعاونیها و سایر نهادهای روستایی، همراه با تأکید بر مشوقها، ترغیب و انگیزش و پاداش. توسعه و سازماندهی تعاونیها و سایر عوامل نوآورانه تغییر در محیطهای روستایی؛

۳. آموزه‌های ترویجی و نقش آن در برپایی و نگهداری از سازمانها و نهادهای روستایی؛

۴. دسترسی یکسان به خدمات تعاونیها؛ و

۵. جایگزینی هنجارهای نو به‌جای هنجارهای دست‌وپاگیر سنتی.

• روند فایده بخشی سازمانها و فنون مرتبط برای مدیریت روستایی در حوزه عمل مدیران روستا. عناصر اصلی این مهم عبارتند از:

۱. توسعه ترویج و مشاوره؛

۲. پایش و ارزیابی پیشرفت نظامهای تعاونی روستا؛

۳. احیاء همیاریها و تعاونیهای رها مانده در محیط روستا؛

۴. پیگیری و اعمال اقتدار در حل برخوردها و تعارضات فردی و گروهی، از طریق ملاقاتهای رسمی و غیررسمی بین افراد و گروهها؛

۵. برقراری روابط بین فردی و مدیریت اتحادیه‌ها و تشکلهای تجاری - اقتصادی روستا و کارگاهها و واحدهای تولیدی روستا.

بدین ترتیب، مدیریت روستایی هم نوعی نظام فکری، متشکل از شیوه‌های اجرایی است و هم یک موضوع و تخصص علمی؛ بنابراین، باید هم قابل تحقیق و هم قابل اندیشیدن و نیز قابل آموزش به دیگران باشد. در مباحث نوین مدیریت روستایی، توجه به ۵ نکته زیر اساسی بشمار می‌رود:

• ایجاد ساختار مناسب برای ورود به مبحث جایگاه و نقش

مدیریتی، یعنی آگاهی بخشی به روستاییان در زمینه ضرورت دگرگونی و پیشرفت امور نیز ضروری است. در همین راستا، مشارکت و سازماندهی مردم روستایی، به‌ویژه آنانی که از منابع و فرصتهای موجود بی‌بهره‌اند، از وظایف مدیریت روستایی است. آشکار است که این امر نیازمند مدیرانی با تدبیر، برخوردار از توان رهبری و کسانی است که از اندیشه‌ها و ایده‌های قابل توجهی در راستای توسعه روستایی برخوردار باشند.

بدینسان، امروزه، مدیریت روستایی با نمایندگی نیازهای گوناگون گروههای معین روستایی در مناطق مختلف جغرافیایی، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در پیشبرد امور و توسعه روستایی برعهده گیرد؛ از جمله این وظایف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• برنامه‌ریزی توسعه مداوم و نظام‌آموار محدوده‌های تحت عمل؛

• شناسایی و انتظام بهره‌برداری از منابع محلی؛ و

• برپایی تشکلهای مردمی و مشارکتی، از جمله تعاونیها و صندوقهای اعتبارات خرد و مانند آن.

برای انجام مناسب این وظایف، لازم است داده‌ها و اطلاعات کافی در حوزه‌های زیر در اختیار باشند:

• ساختار رسمی و غیررسمی اجتماع روستایی؛

• ویژگیهای جمعیتی؛

• هویت طبقاتی، گروهی و طایفه‌بندی اجتماع روستایی؛

• نقش و جایگاه جنسیتی در درون و برون نهاد خانواده؛

• نحوه توزیع سنتی قدرت و اقتدار؛

• اخلاقیات، هنجارها و گرایشهای مؤثر بر فردیت، پایگاه (اجتماعی)، کار و فعالیت، مالکیت و تصرف، چانه زنی و بده - بستانها و مبادله، توافقه‌های نانوشته و نهادهای سنتی روستا؛

• اشتغال و فعالیتهای اقتصادی و نحوه بازاریابی؛ و

• تبیین جایگاه معمرین و شوراهای ریش سپیدی.

امروزه، مدیریت روستایی در ایجاد، گسترش و اداره امور تعاونیهای محلی نقشی شایسته برعهده دارد. بازتاب این‌گونه نقش‌پذیری مدیریتی، از جمله، عبارت است از:

• کارکردهای مدیریت روستایی که در روستا اثرگذار هستند

مدیریت روستایی

- Harris, J. M. *Basic Principles of Sustainable Development*. Medford: Tufts Uni.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development. Guidelines and Methodology*. New York, ۲۰۰۱.
- United Nations. *The Earth Is Our Habitat*, ۱۹۹۶.
- UNEP. *Small Island Environmental Management*. UN System-Wide Earthwatch Coordination. Geneva, ۱۹۹۸.
- Wahlen, J. P. *Some Considerations for Developing Village Design*. Plan Pacific Consultant;(USA), ۲۰۰۰.

عباس سعیدی

مدیریت روستایی در ایران

در ایران روستا به عنوان واحدی جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واحد تولید است و معنای مالکیت و یا مدیریت در سطوح مختلف آن مطرح است.

در گذشته، در سطح روستا، معمولاً مالک یا نماینده و مباشر وی (در مورد مالکان غایب) و یا مستأجران بودند که بالاترین رده را در سطح روستا تشکیل می دادند و در رأس هرم قدرت و سلسله مراتب اجتماعی قرار داشتند. پس از آنها، سرجفتها یا سربندها و یا سالارها و در کنار آنها، کدخداه، داروغه، دشتیان و دیگران قرار می گرفتند.

هر روستا ملک نامیده می شد و اداره آن در اختیار ملکدار یا مالک بود. البته، در سطح روستا تقسیم بندیهای دیگری، از جمله بلوک، جفت، بنه، و مانند آن وجود داشت که اداره آنها، براساس نحوه اعمال مدیریت مالک، برعهده برخی از زارعان که مالکیتی بر زمین و آب نداشتند، قرار داشت.

مدیریت مالک بر روستا که وجهی از آن به *ملکداری* تعبیر شده است، دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود. با اینکه اغلب بزرگ مالکان در ده غایب بودند، اما مدیریت خود را مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مباشران و عوامل خود اعمال می کردند. وظایف مالک به عنوان مدیر ده، عبارت بود از:

- وظیفه کلی در رابطه با ابعاد اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛

مدیریت روستایی که در مباحث علمی مدیریت، به عنوان سازماندهی روستایی شناخته می شود؛

• تفکیک مقوله مدیریت روستایی به حداقل تعداد واحدها و مباحث و تعریف دقیق آنها به شیوه ای که بتواند به کارشناسان در بهره گیری کامل از دانش موجود یاری رساند؛

• تأکید بر بهره گیری کامل از مباحث مدیریتی که کارایی آنها در موارد دیگر به اثبات رسیده است؛

• بهره گیری از فنون تصمیم سازی به شیوه هایی که مشوق پذیرش آنها در الزامات فعالیت در محیطهای روستایی باشد؛ و

• بیان دستاوردهای علمی و آموزشی مدیریت روستایی به زبان ساده و قابل فهم برای روستاییان.

کتابشناسی:

- رضانی، غلامرضا. *طرح و برنامه ریزی در روستاهای ایران*. تهران: انتشارات کانون پژوهشهای علمی و اجتماعی، ۱۳۵۲.
- سعیدی، عباس. *سطح بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران»، *مجله مسکن و انقلاب*. شماره ۸۷، تابستان ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادراکی)»، *جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)*. دوره جدید شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۸۲ (چاپ ۱۳۸۴).
- شفیق، مسعود. *عمران روستایی در ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۸.
- فرهنگ، منوچهر. *زندگی اقتصادی ایران*. تهران: انتشارات ابوریحان، ۱۳۵۴.
- ADB & Unicef. *Local Governance Initiative (Rural Asia)*. ۲۰۰۴.
- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen. *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*. UN Development Programme. Office of Development Studies. Discussion Paper Series, ۱۹۹۶.

- وظایف تولیدی؛ و
- وظایف در رابطه با دولت.

وظایف کلی مالک

حمایت از ده

استثمار روستاییان را به احدی نمی‌داد، زیرا آنان را در انحصار خود می‌دانست و برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از روستا، زندگی روستاییان، حتی بخش خصوصی آن را دقیقاً زیر نظر داشت. به این منظور، علاوه بر کسب اطلاعات لازم از طریق عوامل خود، ترکیب جمعیتی و قومی متناسب با اهداف خود را در روستا ایجاد می‌کرد. بدینسان، سعی وافر داشت از سیاست اختلاف (تفرقه) بیندازد و حکومت کن که شیوه‌ای متداول در حکومت در ایران بوده است، استفاده نماید.

حمایت از روستا و روستاییان در مقابل صحرائشینان، خاصه در خشکسالیها که عشایر را برای تنازع بقا به غارت در روستاها وامی‌داشت نیز برعهده مالک بود. او برای این منظور، با سازمان دادن روستاییان و ایجاد ابزار لازم، به این مهم می‌پرداخت. روستاییان حتی بهنگام مراجعه به شهرها برای تهیه مایحتاج و خدمات مورد نیاز خود، در پناه مالک بودند و با اذن او و در برخورداری از موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وی، با شهر در رابطه قرار می‌گرفتند. برخی از بزرگ مالکان با توجه به ایستارها و جهان‌بینی خود، در تأمین خدمات مورد نیاز روستاییان کوشا بودند و نسبت به ایجاد درمانگاه، مدرسه و مانند آن در روستا اقدام می‌کردند، ولی غالب آنها روستایی را از تماس با شهر و با وسایل ارتباطی به هر نحوی باز می‌داشتند. این نوع مدیریت بر روستا و دیگر روستاهای تحت مالکیت بزرگ مالکان موجب می‌شد، آنان برحسب تعداد روستاهای تحت مدیریت خود، اقتدار یافته و در حکومت جایگاهی بیابند.

نظارت بر مالکیت و بهره‌برداری

از مهم‌ترین وظایف بزرگ مالکان در سطح ده، استفاده از سازوکار نسق برای بهره‌برداری از منابع و امکانات موجود در روستا بود (← نسق). نسق را عبارت از مجموعه قواعد و مقررات نانوشته‌ای می‌دانند که تنظیم و تلفیق عوامل تولید، از جمله زمین، آب، بذر، عامل شخم، و نیروی کار را برای تولید تحت کنترل دارد. توزیع زمینهای زراعی در روستا را متناسب با یکی از عوامل تولید که معمولاً

بزرگ مالکان به عنوان رابط بین روستاییان و دولت مرکزی عمل می‌کردند. به این ترتیب که در ازای دریافت مالیات، خراج، سرباز و مانند آن از روستاییان و در اختیار دولت قرار دادن بخشی از آن، حمایت دولت مرکزی را از روستا موجب می‌شدند. البته بسیاری از بزرگ مالکان، به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود، در قدرت سیاسی نیز سهم بودند و از این قدرت برای حفظ مالکیت و منافع خود در قبال عوامل داخلی و خارجی استفاده می‌کردند. از آنجا که بزرگ مالکان و یا اعضای خانواده آنها در جامعه دارای مقام و مناصبی بودند، دستگاههای دولتی با آنها همراهی می‌کردند. این وضعیت با عنایت به عدم دسترسی روستاییان به مقامات و نهادهای دولتی، موجب می‌شد تا مالکان اغلب با رعایای خود رفتارهای ظالمانه و حتی غیرانسانی داشته باشند. با این وجود، زمانی که منافع ده در تعارض با منافع دهات مجاور و یا عوامل خارج از ده قرار می‌گرفت، حمایت اساسی توسط بزرگ مالک صورت می‌گرفت، زیرا سواى حقوق عرفی و نسقی که زارعان در محدوده روستا داشتند، همه ده از آن مالک بود و براین اساس، در عمل، از دارایی و منبع اصلی درآمد و قدرت خود دفاع می‌کرد. علاوه بر اینها، بزرگ مالکان تنظیم امور اجتماعی روستاییان و حتی مسائل مورد اختلاف آنها، از مشکلات زناشویی گرفته تا سایر اختلافات را زیر نظر داشتند و با استفاده از خود روستاییان، از جمله کدخدا، دشتبان و داروغه، سعی می‌کردند، اختلافات آنها را حل و فصل کنند. در مواردی به ریش سفیدان و معمرین ده اجازه داده می‌شد، در موارد اختلاف، از طریق کدخدا منشی به مسائل بپردازند. حمایت از روستا و روستاییان در مقابل عوامل اداری، سلف خران، پله‌وران و دکانداران شهری نیز برعهده بزرگ مالک و ایادی وی بود. بدینسان، اجازه

در صورتی که مالک اجازه این کار را قبلاً داده بود) و نیز دشتبان، حمامی، سلمانی، نجار، آهنگر، کدخدا از محصول پرداخت گردد. فروش محصولات صیفی و یا محصولاتی که برای بازار کشت شده بود، مثل پنبه، چغندر و سیب زمینی با مالک بود و او پس از عرضه محصول به بازار و تحویل وجه آن، هزینه‌های مربوط را کسر می‌کرد و سهم زارع و یا زارعان را می‌پرداخت. به این ترتیب، مالک از ریز درآمد جنسی و نقدی زارع اطلاع داشت و آن بخش از درآمد وی را که از طریق مثلاً دامداری، نگهداری طیور، کندوی زنبور عسل و مانند آن کسب می‌شد، به راحتی برآورد می‌کرد و زندگی اقتصادی زارع را تحت نظر داشت. بدینسان، در صورتی که زارع در طول سال زراعی خدشه‌ای در گذران زندگی معمولش پدید می‌آمد، می‌توانست از مساعده مالک که جنسی یا نقدی بود، استفاده کند و مالک سعی می‌کرد، مانع از ایجاد اختلال جدی در روند زندگی معمول وی گردد؛ حتی در صورتی که زارع با مشکلی خاص مواجه می‌شد، مثلاً گاو نر و یا حتی ماده وی فوت می‌کرد، با دادن تقاوی که وامی بلندمدت بود و الزاماً از محصول سال بعد برداشت نمی‌شد، آن را جبران می‌کرد. تأمین آب زراعی و مراقبت از محصول در برابر آفات نباتی از وظایف مالک بود که با استفاده از نیروی کار زارعان انجام می‌شد.

مالکان بخشی از اراضی زراعی خارج از نسق را در اختیار خود داشتند که از آن برای تشویق دیگر زارعان، به ویژه در مناطقی که کشت به صورت گروهی و در قالب بینه صورت می‌گرفت، استفاده می‌کردند. به این ترتیب که این زمینها در اختیار سربنه‌ای قرار می‌گرفت که بیشترین بهترین محصول را در سال به دست آورده بود و زارعان صاحب نسق موظف بودند از طریق بیگاری در این زمین به تولید محصول بپردازند، تا بین مالک و سربنه تقسیم شود؛ در واقع، این جایزه‌ای بود که مالک از طریق گرفتن بیگاری از زارعان، به سربنه می‌داد، بدون اینکه چیزی از منافع و یا درآمد خود بخشیده باشد.

نظارت بر بهره‌برداری از اراضی و امکانات خارج از روستا

نادرترین عامل از میان عوامل تولید در منطقه بود، تعیین می‌کردند. بنابراین، جفت گاو و اجزای آن (فرد، پا، سم و مانند آن) طاق و فنجان، خروار، من، جریب، درز و قفیس در روستاها متداول بود و نیروی کار، به علت وفور آن، مبنای نسق زراعی نبود. در رابطه با چگونگی انتخاب هریک از عوامل مزارعه به عنوان فعالیت عملی بر پایه نسق در مناطق مختلف روستایی، مشاهده می‌شود که اغلب عامل کمیاب تولید در هر منطقه پایه نسق قرار داده می‌شد: در مناطق کوهستانی و پر باران معمولاً عامل جفت گاو؛ در مناطق حاشیه کویر و کم‌باران عامل آب مثل طاس و فنجان؛ و در برخی دیگر از مناطق که مشکلی از لحاظ آب و عامل شخم وجود نداشت، بذر و میزان بذرپاش مبنای تعیین نسق قرار می‌گرفت.

بهره‌برداری و اداره نسق در روستا بدین ترتیب بود که معمولاً زمینهای روستا به ۳ آیش تقسیم می‌شد: آیش کشتهای زمستانه یا شتوی، آیش کشتهای تابستانه یا صیفی، و آیش نه‌کار و یا بخشی از زمینها که برای تقویت بیشتر یکسال رها می‌شد و هر واحد بهره‌برداری در هریک از آیشها سهمی داشت.

در اداره زمین و شروع کار زراعی، تقویمی سنتی وجود داشت. مالک از طریق عوامل خود، مثل مباشر (← مباشر)، کدخدا (← کدخدا)، سربنه و یا سالار، نسبت به یادآوری این تقویم و بسیج زارعان به منظور کارهای دسته جمعی، مثل لایروبی انهار و تنقیه قنوات، مواظبت از اراضی زراعی در هنگام سیل و مانند آن، اقدام می‌کرد. همه افراد مراقبت کافی می‌کردند که تقویم زراعی و کوشش زارعان و اعضای خانواده آنها در کار هرچه بیشتر بر روی زمینهای زراعی رعایت گردد.

تعیین نوع کشت نیز با مالک بود و ترکیب آن را مالک یا عوامل وی در رابطه با شرایط محل، وضع بازار و سایر ملاحظات، معین می‌کرد. تعیین زمان درو و برداشت محصول نیز عرفاً با مالک بود و محصول در خرمنگاه در حضور مالک و یا نمایندگان وی تسهیم می‌شد. مالک به خوبی بر میزان سهم هر زارع آگاه بود و حتی مراقبت داشت تا بدهیهای وی به دکاندارهای شهری و دیگران

وظایف تولیدی

وظایف تولیدی مالک را می‌توان در داخل نسق زراعی به ترتیب زیر مطرح کرد:

• **تأمین آب.** تأمین آب زراعی و طبعاً آب آشامیدنی، از عمده وظایف مالک محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری برای حفر قنات را مالک برعهده داشت و پس از آن، به مراقبت و نگهداری از آن از طریق نوکنی و تنقیه سالانه و مانند آن اقدام می‌کرد. استفاده از بیگاری زارعان در تنقیه قنات و ایجاد سیل‌بند برای حفاظت از آن صورت می‌گرفت، ولی تأمین هزینه‌ها از وظایف مالک بود. مالک با ایجاد مدار گردش آب که متناسب با اقلیم منطقه، نوع خاک، فاصله زمینهای زراعی از مظهر قنات، نوع و الگوی کشت محصولات زراعی و مانند آن تعیین می‌شد، طراحی نسق ده را معین می‌کرد. در نقاطی که با ایجاد قناتهای جدید در داخل روستا بر میزان آب زراعی افزوده می‌شد، نسق نیز متناسب با آن تغییر می‌کرد. برخورداری از آب قنات نه تنها بر ارزش اراضی نزدیک به منبع آب می‌افزود، بلکه گذر قنات از داخل روستا نیز به نوعی بر هرم قرارگیری مسکن روستاییان مؤثر بود. به این ترتیب که امکان برخورداری از آب قنات معمولاً با مالک بود.

در مناطقی که آب زراعی از رودخانه تأمین می‌شد، مدیریت مالک در حفر انهار آب و نظارت بر لایروبی آنها اعمال می‌شد. سرمایه‌گذاری برای آب، از طرق مختلف، از جمله حفر آب‌بند و ایجاد بند سار، علاوه بر احداث و نگهداری قنات، برعهده مالکان بود.

• **تأمین اعتبارات کشاورزی.** مالک علاوه بر تأمین هزینه‌های تولید زراعی، از جمله هزینه آب و معمولاً تأمین بذر، نسبت به تأمین اعتبارات مورد نیاز برای زندگی روستاییان نیز اقدام می‌کرد.

• **مدیریت تولید.** تولید زراعی را مالک از طریق تعیین نوع کشت و الگوی کشت، مدیریت می‌کرد. موضوع نوآوریهای

هر روستا علاوه بر اراضی زراعی داخل محدوده خود، اراضی در مزارع و یا بیلاقات اطراف داشت که یا از طریق تأمین آب توسط مالک ایجاد شده بود و یا به‌طور طبیعی به‌صورت مزرعه کوچکی با برخورداری از آب چشمه وجود داشت. اراضی این مزارع اگر داخل نسق روستا محسوب نمی‌شد (که غالباً همین‌طور بود)، برای گشت به فرزندان روستاییان و یا حتی افراد دیگری که در روستا ساکن شده بودند، واگذار می‌شد. نظارت و مدیریت این اراضی نیز در کنار مدیریت اصلی روستا با مالک و عوامل وی بود. علاوه بر این، استفاده از مراتع حریم روستا و بهره‌برداری از زمینهای دیم نیز در محدوده مدیریت مالک قرار داشت.

اصولاً در هر روستا بخشی از اراضی خارج از نسق بود؛ این‌گونه اراضی عبارت بود از: اراضی موات؛ اراضی مرتع و یا جنگل و یا هر دو؛ اراضی کشت دیم؛ باغها؛ و بیشه و قلمستان.

حد و حدود این‌گونه اراضی را عرف مشخص می‌کرد. این عرف تحت تأثیر اقتدار مالک و یا هر عامل دیگر در حد روستا و معمرین محل شناخته شده بود؛ اگر در صورت ادعای دیگران، محل نزاع واقع می‌شد، مالک به رفع آن می‌پرداخت.

اراضی مرتع و جنگل اطراف روستا که حدود آن را عرف مشخص می‌کرد، در اختیار مالک بود و با مدیریت خود، آنها را برای استفاده گله‌های خود و روستاییان نگهداری و کنترل می‌کرد. در مواردی، حق چرای سالانه (انتفاع) آنها را به دیگران می‌فروخت. در مورد جنگلها نیز بهره‌برداری تحت نظارت و کنترل مالک بود و روستائیشینان حاشیه جنگلها برای سوخت سالیانه خود و احیاناً ایجاد مسکن، با اجازه مالک، حق بهره‌برداری محدود از جنگل را داشتند. چرای علوفه داخل جنگلها و احیاناً تراشیدن و به اراضی زراعی تبدیل کردن و یا اجازه قطع درختان و تهیه زغال با مالک بود.

باغها و قلمستانها در مالکیت و مدیریت مالک بود و خارج از نسق زراعی قرار داشت. بدین ترتیب، زارع فاقد باغ و اجازه احداث آن بود.

کتاب‌شناسی:

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۳.

- طالب، مهدی. *نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل اعتبارات روستایی در ایران*. تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.

مهدی طالب

مدیریت زیستبوم - محور

Ecosystem-based Management

رویکردی در مدیریت منابع طبیعی است که با نگرشی همه‌جانبه، دانش - محور و نظام‌مند به‌نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی، به‌منظور حفظ سلامت، پایداری محیط و منابع زیستی انسان مشخص می‌شود.

خطرات گوناگونی که از فعالیت انسان به‌وجود می‌آید، زیستبوم را تهدید می‌کند. رشد انفجارآمیز جمعیت و شهرنشینی (← شهرنشینی) و همراه با آن، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع محیطی و ذخایر طبیعی از جمله عواملی است که بر زیستبوم تأثیر می‌گذارد و منابع مورد نیاز برای تغذیه و گذران سالم گروه‌های انسانی را در معرض تهدیدهای آشکار و پنهان قرار می‌دهد. زیستبوم یک نظام فراگیر است که حیات انسان یکی از اجزاء یا خرده-نظام‌های آن است. زندگی و فعالیت‌های انسانی به‌عنوان جزئی از نظام زیستبوم، کلیت این نظام را دستخوش عدم تعادل و تهدید به فروپاشی کرده است. تلاش در مدیریت زیستبوم - محور بر این است که به‌جای برخورد غیرعلمی و پراکنده با مسائل، نگاهی راهبردی به این مسائل داشته باشیم و منطبق با نظام‌وارگی زیستبوم، برنامه‌ای سنجیده و نظام‌مند برای آن تدوین کنیم. مدیریت زیستبوم - محور در برابر رویکرد سنتی قرار می‌گیرد. در رویکرد سنتی، زیستبوم عرصه اقدامات نامنسجم و فاقد برنامه حساب شده بود.

دانش زراعی نیز با وی بود؛ به‌این‌ترتیب، در صورت برخورد با ابتکاری در این زمینه، نسبت به ترویج آن و استفاده از تجارب دیگران در روستا و یا سایر روستاها اقدام می‌کرد. تشخیص آفت و چگونگی مبارزه با آن از طریق استفاده از دانش بومی و یا تغییر نوع و ترکیب کشت با مالک یا نمایندگان وی بود. در زمینه تولیدات دامی نیز نظارت بر بهره‌برداری از مراتع حریم روستا و استفاده از پس چر و ته چر اراضی زراعی و حتی تعداد دامهای روستاییان با مالک بود. پرداختن روستاییان به امور مربوط به صنایع دستی، مثل تولید فرش، اگرچه مسقیماً به مالک مربوط نبود، ولی مالک از طریق نظارت بر حضور نیروی کار خانواده‌های روستایی در امور مربوط به زراعت و نیز ممانعت از تخصیص همه اوقات به امر صنایع دستی و نیز کنترل سرکارها و یا عوامل واسطه‌ای که تهیه مواد اولیه برای تولید صنایع دستی و عرضه آن به بازار کار را برعهده داشتند، بر این امور نیز اشراف داشت. مسائل مدیریت تولید در جامعه روستایی به‌گونه‌ای بود که براساس آن، حتی مدیریت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مالک نیز مطرح می‌شد.

• **نظارت بر اداره نسق.** محور تعیین نسق مالک بود و اختیارات عمومی آن در ید وی قرار داشت.

وظایف مالک در قبال دولت

تا قبل از اصلاحات ارضی، نه تنها دولت در روستا حضور نداشت، بلکه دارای نفوذی بیرون از حیطه نظارت مالک نیز نبود. بدینسان، مالک و عوامل او، رابط بین دولت و روستاییان بودند. بدین‌ترتیب، مالیات دولت را مالک جمع‌آوری می‌کرد و تحویل می‌داد. براین‌مبنای نفوذ و اقتدار دولت در روستا از طریق مالک صورت می‌گرفت. حتی پس از ایجاد تغییراتی در نظام اداره کشور و تأسیس وزارتخانه‌های جدید، مأموران دولتی به‌واسطه مالک و یا کدخدا که وی نیز منتصب مالک بود، با روستاییان ارتباط داشتند. به سخن دیگر، نظارت در اجرای قانون و حق حاکمیت دولت در روستاها، از طریق مالک صورت می‌گرفت.

- Slocombe, S. Lessons From Experience with Ecosystem-Based Management. *Landscape and Urban Planning*. Vol. ۴.

کمال پولادی

مدیریت زیست‌محیطی شهری

Urban Environmental Management

هریک از مسائل زیست‌محیطی را که امروز ساکنان کره زمین با آن روبرو هستند و علت‌های آنها و تنگناهایی که به وجود آورده‌اند در نظر گیریم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، ریشه در مسائل شهری دارند. نیروها و فرایندهایی که فعالیت شهری را تشکیل می‌دهند، آثار پدیده و بلندمدتی نه تنها برای مرز و بوم بلافصل خود، بلکه همچنین برای کل منطقه دارند.

محیط زیست شهری، در گسترده‌ترین مفهوم، شامل منابع (انسانی و غیرانسانی)، فرایندهای تبدیل این منابع به محصولات و خدمات قابل استفاده دیگر و آثار این فرایندهاست که ممکن است منفی یا مثبت باشند. مدیریت زیست محیطی شهری در عرصه شهر، ۳ عرصه اصلی را دربر می‌گیرد:

• **عرصه طبیعی.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به پوشش گیاهی، وجود انسانی، معادن، آب، خشکی، هوا، و مثل اینها؛

• **عرصه انسان‌ساخت.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به ساختمانها، خانه‌سازی، جاده، راه‌آهن، برق، ذخایر آب، گاز و مانند اینها؛

• **عرصه اقتصادی - اجتماعی.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به فعالیتهای انسانی، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت، هنر و فرهنگ، فعالیتهای تجاری و اقتصادی، میراثها و سبک زندگی شهری در مفهوم کلی.

تلاقی و تعامل این ۳ عرصه است که محیط شهری را می‌سازد. در نظر گرفتن هر یک از این عرصه‌ها و حذف

بسیاری از دشواریهایی که برای شهرهای امروزی پدید آمده است، ناشی از همین اقدامات ناسنجیده بوده است.

مدیریت زیست‌بوم - محور می‌کوشد با رویکرد یکپارچه به اجزاء گوناگون تشکیل‌دهنده نظام زیست، شامل اجزاء زیست‌شناختی، فیزیکی، انسانی و اجتماعی، و درک پیوند بین آنها از پایداری زیست‌بوم محافظت کند. آشکار است که در نگرش همه‌جانبه به زیست‌بوم، مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز از نظر دور نمی‌ماند، چرا که انسان به‌واسطه حیات اقتصادی و اجتماعی خود با محیط پیرامون وارد تعامل می‌شود.

مدیریت زیست‌بوم - محور دنباله اندیشه‌هایی است که نخست در میان طرفداران محافظت از محیط زیست، کسانی چون آلدو لئوپولد (Aldo Leopold) پیدا شد. این اندیشه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م در امریکای شمالی و اروپا، حرکت‌های تازه‌ای را در بوم‌شناسی، انسان‌شناسی و برخی رشته‌های دیگر ایجاد کرد. این جریانهای فکری بر نگرشهای مربوط به مدیریت منابع منطقه‌ای، مدیریت زیست - منطقه و سرانجام مدیریت زیست‌بوم تأثیر گذاشت و چارچوبهای تازه‌ای را معطوف به رویکرد یکپارچه به مسائل زیست‌بوم ایجاد کرد. و سرانجام رشته آموزشی **برنامه‌ریزی محیطی** با تمرکز بر تأثیر حیات انسانی بر زیست‌بوم، به تثبیت رویکرد مدیریت زیست‌بوم - محور انجامید.

مدیریت زیست‌بوم - محور نیازمند دانش همه‌جانبه از نوع بین رشته‌ایست و با توجه به پیچیده بودن نظام زیست‌بوم، دامنه گسترده‌ای را، از اقیانوس‌شناسی گرفته تا جامعه‌شناسی، دربر می‌گیرد.

کتابشناسی:

- Gacia, A. Zerbi et al. *The Ecosystem Approach to Fisheries Issues, terminology, Principle*. FAO Fisheries Technical Paper, No. ۴۴۳, Rome, ۲۰۰۳.
- Grumbine, R. What Is Ecosystem Management? *Conservation Biology*. Vol. ۸(۱).

کتاب‌شناسی:

- hsrinivas@gdrc.org

(کمال پولادی)

مدیریت سنتی فضا

Traditional Spatial Management

گروه‌های انسانی از آغاز زندگی بر سطح زمین پیوسته کوشیده‌اند تا عرصه زیستی خود را با توجه به نیازها و دامنه فعالیت‌های خود انتظام بخشند. به‌این ترتیب، سرآغاز شکل‌دهی و نظم‌بخشی به عرصه‌های مکانی - فضایی را می‌توان با بهره‌گیری از منابع طبیعی، به‌ویژه منابع آب و خاک، همزمان دانست. البته، دامنه این نوع فعالیت در میان گروه‌های مختلف انسانی به درجه رشد فرهنگی آنها بستگی داشته است. به‌عبارت دیگر، با ارتقاء سطح فرهنگی گروه‌های انسانی، شیوه‌های مدیریتی و دانش فنی آنان رشد یافته و در نتیجه، دامنه دخالت در محیط و ساماندهی و آرایش فضایی پیشرفت پذیرفته است. نمونه‌های گوناگون این پدیده در بین فرهنگها و تمدنهای باستانی، به‌ویژه در چین، هندوستان، ایران، بین‌النهرین و سرزمینهای پیرامون دریای مدیترانه قابل مشاهده و بررسی است.

به‌عنوان مثال، بهره‌برداری جمعی از منابع آب و خاک و سازمان‌بندی گروهی تولید زراعی در سرزمینهای خاورمیانه که هنوز بقایای آن به شکل‌های گوناگون برجای مانده است، از نمونه‌های قابل بررسی است. این شیوه فعالیت و تولید اقتصادی اصولاً بر سازماندهی دقیق بهره‌برداری از منابع (به‌ویژه منابع محدود آب) و تشکیلات متکی بر مقررات سنجیده استوار بوده است. آشکار است که این‌گونه انتظام فضایی و روابط اجتماعی - اقتصادی حاکم بر آن، مستلزم تدابیر و قواعدی دقیق بوده و نوعی مدیریت را ایجاب می‌کرده است که آن را می‌توان مدیریت سنتی فضا نامید. شالوده اصلی تمام این‌گونه شیوه‌ها بر پایه چند وجه و ویژگی مشترک استوار بوده است که اهم آنها عبارتند از:

دیگر عرصه‌ها، خطر دیدن درختان و ندیدن جنگل را دربر خواهد داشت. در پیشبرد هماهنگ و مناسب سیاستها و برنامه‌ها برای مدیریت شهری باید در هم تنیدگی و خصلت میان‌رشته‌ای این ۳ عرصه را به‌درستی درک کرد.

این امر با توجه به کثرت بازیگران و فعالیت‌های مربوط به این حوزه اهمیت خاصی دارد. هر روز درک این موضوع روشن‌تر می‌شود که دولت و سازمانهای وابسته به آن و نیز فعالیت‌های آنها، تنها جزئی از طیف وسیع کارگزاران و فعالیت‌هایی است که در محیط شهری به انجام می‌رسند.

یکی از نکات کلیدی برای فرمول‌بندی سیاست‌های زیست محیطی و تخصیص منابع برای بخش‌های مختلف آن، درک دامنه مشکلات محیط زیست شهری است. چنین درکی به ما کمک می‌کند تا اطلاعات و داده‌های مختلف را در سطوح مختلف جمع‌آوری کنیم، منابع و عوامل مرتبط را که در هر سطح دخیل هستند را شناسایی کنیم، سیاستها را ترازبندی کنیم و اقدامات لازم را در مقیاس لازم انجام دهیم.

برای هریک از مشکلات در مقیاسهای مختلف فضایی، به زیرساختها و خدمات خاصی نیاز است. ملاحظه دامنه و مقیاس مشکلات فضایی در کشورهای درحال توسعه چند مسئله مهم را آشکار می‌کند که عبارتند از:

• مسائل بهداشت و سلامت، چه در سطح خانوار و چه در سطح اجتماع محلی، هم پر دامنه‌تر و هم فوری‌تر است و همراه با افزایش مقیاس در فضا، از شدت آن کاسته می‌شود؛

• در مورد تدارک خدمات پایه در سطح خانوار و اجتماع محلی؛ و

• خروجهای آن به‌لحاظ زمان در مقیاس منطقه و جهان، مسئله برابری به‌ویژه اثرات میان-نسلی آن را از حیث استفاده از منابع ناپایدار و مشکلات زیست محیطی جهانی مطرح می‌سازد.

سطوح مسئولیت و تصمیم‌سازی باید با سطح و حد تأثیرات انطباق داشته باشد، اما ترتیبات فضایی موجود غالباً این اصول را نقض می‌کند.

مدیریت سنتی فضا

مقیاس محلی (و ناحیه‌ای) و سازماندهی و مدیریت بومی این منبع کمیاب استوار بوده است.

علاوه بر این، ایجاد و گسترش راه‌های بین ناحیه‌ای و منطقه‌ای، به‌عنوان شریان ارتباطی و عملکرد تجاری شهرها در مشرق زمین را می‌توان از نمونه‌های بارز مدیریت سنتی فضا بشمار آورد. مسلماً این‌گونه مدیریت تحقق نمی‌پذیرفت، اگر با سیاست‌های هماهنگ‌سازی میان شیوه‌های زیستی روستایی، شهری و کوچروی و همچنین ایجاد امنیت در امکان فعالیت و تجارت بین سکونتگاهی همراه نمی‌شد.

بدینسان، در مقیاس کلان نیز مدیریت سنتی فضا در هماهنگی با مدیریت در سطح خرد و محلی عمل می‌کرد. از این رو، هر جا و هر زمان که این هماهنگی در سطوح مختلف مدیریت فضا گسسته می‌شد و توان مدیریتی سرزمین رو به ضعف می‌نهاد، اساس حیات اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی و شهری مختل می‌گردید. آشکار است که این‌گونه روابط و مناسبات در شکل‌گیری ویژگی‌های اقتدار و تقسیم قدرت، تحکم سیاسی و در یک کلام، ویژگی‌بخشی به نظام‌های سیاسی سنتی در سرزمین‌های این منطقه نیز تأثیر فراوانی داشته است.

به‌همین ترتیب، بررسی سکونتگاه‌های سنتی یونان باستان دارای ارزش تطبیقی قابل توجهی است، زیرا ریشه‌های امروزی برنامه‌ریزی فضایی سکونتگاه‌ها، به‌ویژه سکونتگاه‌های شهری (پولیس)، در این‌گونه سنتها قابل پیگیری است. در رُم باستان نیز جنبه‌های گوناگون بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های نواحی و ایجاد عرصه‌ها و فضاهای سکونتگاهی به‌خوبی مورد توجه بوده است. در همین ارتباط، احداث راه‌های سراسری و برپایی کانونهای مرکزی شهری برای اداره و خدمات‌رسانی به محیط‌های روستایی پیرامونی، به‌ویژه در نواحی خارجی تحت اشغال و سلطه، از جمله در سوریه و فلسطین، قابل ذکر است. این‌گونه کانونهای سکونتگاهی براساس رده‌بندی فضایی و اصول بنیادی کارکردهای مکان مرکزی و البته، به‌منظور بهره‌گیری مناسب از اراضی زراعی و تنظیم بازارهای مبادله طراحی و برپا می‌شدند. به‌همین ترتیب، کاخها و عرصه

• آماده‌سازی، بهره‌برداری و نگهداری جمعی از منابع اصلی تولید (آب و زمین)؛

• ساماندهی گروه از طریق تقسیم کار و وظایف؛
• حفاظت و نگهداری از منابع اصلی تولید به‌ویژه آب و زمین؛

• بهره‌برداری بهینه از منابع محدود و کمیاب در قالب آنچه که می‌توان صرفه‌جویی مقیاس نامید؛

• تقسیم محصول بین تولیدکنندگان اصلی، براساس نیروی



کار و ابزار مورد استفاده؛ و

• همبستگی گروهی در بین همیاران در روند تولید محصول.

با توجه به اهمیت اساسی عامل تولیدی آب و حتی اهمیت زمین، تنها هنگامی که قابل آبیاری می‌بود، آشکار می‌گردد که در گذشته، دوام اقتصادی و پایداری روند تولید زراعی در اغلب سکونتگاه‌های روستایی در این منطقه از جهان، در گرو ایجاد و نگهداری از تأسیسات آبیاری در

مدیریت سوانح

• **سوانح طبیعی.** رایج‌ترین این نوع سوانح عبارتند از: زمین‌لرزه، سیل، آتشفشان، توفان، گردباد، تندباد، بهم‌ن، زمین‌لغزش، جابه‌جایی توده‌ای (ریزش، رانش و جریان مواد) و نشست و فروریختگی زمین؛

• **سوانح تکنولوژیک یا انسان‌ساز.** سوانح تکنولوژیک شامل رخدادهای برنامه‌ریزی نشده و یا اتفاقاتی است که در نتیجه فعالیتها و توسعه جوامع انسانی و یا به‌طورکلی، در نتیجه دخالت انسان در طبیعت روی می‌دهند. این‌گونه سوانح پیامدهای خطرناک متفاوتی دارند که رایج‌ترین آنها آتش‌سوزی و انفجار است. معمولاً اشتباهات علمی و آزمایشهای مخرب هسته‌ای از این‌گونه‌اند که در نهایت عده بسیاری را در معرض مخاطره و تهدید قرار می‌دهند. سوانح انسان‌ساز گاهی به‌صورت سوانح طبیعی بروز می‌کنند، مانند برخی زلزله‌ها که به دلیل فعالیت‌های انسانی رخ می‌دهند. این زلزله‌ها نسبت به زمین‌لرزه‌های ناشی از فرایندهای تکتونیک شدت کمتری دارند، اما می‌توانند خسارت به بار آورند. همچنین، مخازن بزرگ آب می‌توانند موجب زلزله‌های کوچک شود؛ و

• **سوانح جنگی و تروریستی.** جنگهای منظم، جنگهای نامنظم، آشوبهای سیاسی - اجتماعی و سایر اقدامات مخرب انسانی که منجر به کشتار و تخریب اماکن می‌گردند، از این‌گونه سوانح بشمار می‌روند.

اهداف مدیریت سوانح

هدف از مدیریت سوانح، کمینه کردن خسارتهای جانی و مادی حاصل از وقوع سانحه و نیز به حداقل رساندن آثار سوء آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی است. براین اساس، مدیریت سوانح به مجموعه اقدامهایی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع، حین وقوع و بعد از وقوع سانحه، برای کاهش هرچه بیشتر آثار مخرب و عواقب و عوارض آن انجام می‌گیرد. این اقدامها با توجه به نوع سانحه و محیطی که سانحه در آن به‌وقوع می‌پیوندد، متفاوت است.

مدیریت سوانح دانشی کاربردی است که به‌وسیله مشاهده علمی و منظم سوانح و یا تجزیه و تحلیل آنها، در

سکونتگاهی پیرامون آنها در سده‌های میانه در اروپا به‌نحوی آگاهانه، با توجه به نیازها و الزامات گوناگون و بر مبنای عملکردپذیری فضایی برپا می‌شدند. این‌گونه کاخ - سکونتگاهها که به بزرگ شهرت داشتند، گذشته از سایر عملکردها، در عمل، مراکز ساماندهی شیوه‌های بهره‌گیری از زمین و کانونهای ارتباطی - مواصلاتی برای عرصه‌های روستایی پیرامونی خود بشمار می‌رفتند و در یک کلام، نقش **مکانهای مرکزی** را برعهده داشتند. آبادیهای خان‌نشین در عرصه‌های عشایری و روستایی ایران نیز به‌عنوان مراکز تصمیم‌گیری درباره نوع و دامنه بهره‌گیری از منابع مرتعی و نیز مدیریت منابع آب و خاک و در نهایت، نظم‌دهی به امور اجتماعی - اقتصادی، نوعی دیگر از این‌گونه مکانهای مرکزی بشمار می‌آمدند.

کتابشناسی:

- سعیدی، عباس. «آبیاری (در ایران)»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد اول، ۱۳۶۷.

- سعیدی، عباس و کفایی، ساره. «نقش مدیریت سنتی در بهره‌گیری از منابع کمیاب»، *مجله علوم زمین*. شماره ۹ و ۱۰، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۴.

- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

- Smith, H. *History of Garden City*. London, ۱۹۶۳.

عباس سعیدی

مدیریت سوانح

Disaster Management

سانحه رویداد یا واقعه‌ای ناگهانی است که با آسیبهای انسانی یا گسترده مادی و یا زمینه بروز این‌گونه آسیبها همراه و نیازمند انجام اقدامات فوری است. سانحه را از لحاظ نوع می‌توان به ۳ دسته عمده تقسیم نمود:

مدیریت سوانح

امداد و نجات، بهداشت، درمان، تأمین امنیت، ترابری و کنترل مواد خطرناک؛

• **بازسازی و بازتوانی.** بازگرداندن جامعه آسیب دیده (در تمام ابعاد کالبدی، اجتماعی و روانی، اقتصادی) به حالت عادی و نه لزوماً حالت پیش از بحران.
هریک از این مراحل شامل گامهایی است که به ترتیب مورد عبارتند از:

گامهای مرحله پیشگیری و کاهش مخاطرات

• **گام اول.** شناخت مخاطرات موجود در سطح منطقه و اولویت بندی احتمال وقوع هریک از آنها، با توجه به سابقه تاریخی و مطالعات علمی انجام گرفته در تبیین احتمال خطر؛

• **گام دوم.** تحلیل مخاطرات به منظور دستیابی به نقشه پهنه بندی خطر سوانح در سطح منطقه؛

• **گام سوم.** تحلیل کالبدی منطقه مورد نظر در راستای دستیابی به پهنه بندی آسیب پذیری کالبدی در اثر وقوع سانحه احتمالی؛

• **گام چهارم.** تحلیل امکانات و تأسیسات حیاتی؛

• **گام پنجم.** تحلیل اجتماعی منطقه مورد نظر؛

• **گام ششم.** تحلیل اقتصادی منطقه مورد نظر؛

• **گام هفتم.** تحلیل زیست محیطی منطقه مورد نظر؛ و

• **گام هشتم.** تحلیل فرصتهای کاهش اثرات (پیشگیری).

گامهای مرحله آمادگی

• **گام اول.** تهیه یک برنامه پایه آمادگی در برابر سوانح، شامل موارد زیر:

۱. طراحی، آماده سازی و تجهیز مرکز مدیریت بحران؛

جستجوی یافتن ابزاری است که بتواند از بروز سوانح پیشگیری کند و یا در صورت بروز، آثار سوء آن را کاهش دهد و همچنین آمادگی لازم برای امداد رسانی سریع و بهبودی اوضاع را داشته باشد. مدیریت سوانح در مراحل چندی به انجام می رسد:

• **پیشگیری و کاهش مخاطرات.** شامل کلیه اقداماتی است که با هدف کاهش احتمال وقوع یا اثرات ناشی از بلایا انجام می شوند تا موجب پیشگیری از وقوع سوانح و همچنین باعث جلوگیری از اثرات مخرب آن در راستای کاهش مخاطرات بر جامعه گردند؛

• **آمادگی.** شامل مجموعه عملیاتی است که جوامع و افراد را بهنگام بروز سانحه قادر به انجام عکس العمل سریع می کند. این مجموعه عملیات عبارتند از:

۱. برنامه ریزی؛

۲. پژوهش؛

۳. آموزش؛

۴. تأمین منابع؛ و

۵. مانور.

• **مقابله.** ارائه خدمات اضطراری بلافاصله پس از وقوع بحران با هدف نجات جان افراد و کاهش خسارات مالی،





۵. به روز کردن برنامه با توجه به نوآوری در تجهیزات و الگوهای برنامه ریزی و مدیریت.

گامهای مرحله مقابله (واکنش و پاسخ)

• هدف. شامل موارد زیر:

۱. ارائه کمکهای فوری به افراد آسیب دیده؛
۲. احیای زیرساختهای حیاتی مانند آب، برق، تلفن و گاز؛
- و
۳. اطمینان از ارائه خدمات حیاتی مانند پلیس و خدمات شهری.

• گام اول، شامل موارد زیر:

۱. تخلیه سریع؛ و
۲. سازمانهای مسئول: آشناسانی، مراکز اورژانس، نیروهای انتظامی و نظامی و سازمانهای غیردولتی فعال.

• گام دوم، شامل موارد زیر:

۱. جستجو و نجات؛
۲. پیدا کردن افراد آسیب دیده در اثر سانحه؛
۳. تثبیت مکان قرار گرفتن آسیب دیدگان؛
۴. آزاد کردن و نجات آسیب دیدگان؛
۵. تغذیه افراد آسیب دیده؛ و
۶. دادن کمکهای اولیه به آسیب دیدگان.

• گام سوم، شامل موارد زیر:

۱. ارزیابی بحران؛

۲. تعریف وضعیت و شرایط بحرانی؛ و
۳. تعریف وظایف و مسئولیت هر یک از سازمانهای دخیل در مدیریت سوانح.

• گام دوم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه اطلاع رسانی عمومی شرایط بحرانی؛
۲. ارائه آموزشهای لازم به منظور تقویت منابع انسانی، به ویژه در سطح محلی؛
۳. امکان اجرای بهتر برنامه های امداد و نجات؛
۴. تقویت مشارکت مردمی از طریق آگاهی از وضعیت.

• گام سوم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه خدمات اجتماعی در شرایط بحرانی؛
۲. مراقبت و نگهداری از افراد جابه جا شده در مراکز مخصوص پذیرش افراد؛
۳. ارائه خدمات ثبت نام و دریافت درخواستهای ردگیری افراد ناپدید شده؛
۴. تهیه غذا و امکانات رفاهی و بهداشتی برای افراد، اعم از سانحه دیده و تیمهای عملیاتی؛ و
۵. ارائه خدمات مربوط به کاهش فشار و ناراحتیهای روحی به افراد آسیب دیده و تیمهای عملیاتی.

• گام چهارم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه تخلیه در شرایط اضطراری و بحرانی؛
۲. تعیین مسیرهای تخلیه؛
۳. تعیین مکانهای تجمع و اسکان افراد پس از تخلیه؛
۴. تهیه برنامه تخلیه سریع و پیش بینی نشده؛
۵. تهیه برنامه تخلیه قابل پیش بینی؛ و
۶. تهیه برنامه امنیتی و انتظامی.

• گام پنجم. شامل موارد زیر:

۱. تمرین و آزمون برنامه های آمادگی در برابر وقوع سوانح و تجدید نظر و به روز کردن احتمالی آنها؛
۲. ایجاد هماهنگی بین سازمانهای دخیل در اجرای برنامه؛
۳. آموزش به نیروهای مسئول در جهت هرچه بهتر انجام برنامه؛
۴. برطرف کردن معایب احتمالی طرح با توجه به شرایط گوناگون، به منظور جامعیت برنامه؛ و

۲. مشخص کردن اندازه و ماهیت اثرات اصلی سانحه و ۳.
- مکانیابی نیازهای اساسی؛
۳. اولویت بندی اقدامات امداد و نجات؛
۴. تخصیص منابع کمیاب برحسب نیاز نواحی آسیب دیده؛ و
۵. درخواست کمکهای اضافی از شهرها و مناطق همجوار به صورت سریع و دقیق.

گامهای مرحله بازسازی و بازتوانی

نحوه انجام بازسازی و بازتوانی، در ابعاد کالبدی، اجتماعی و روانی، اقتصادی و نوع برخورد با این مقوله برحسب درجه توسعه یافتگی کشور یا منطقه سانحه دیده متفاوت است.

کتابشناسی:

- فرزاد بهتاش، محمد رضا. *تحلیل مراحل اجرایی مدیریت بحران*. همایش سراسری راهکارهای ارتقاء مدیریت بحران و سوانح غیرمترقبه، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۳۸۵.
- فرزاد بهتاش، محمد رضا. *راهکارهای مدیریتی مواجهه با بحران زلزله در بافتهای تاریخی شهرها*، اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله در شهرهای دارای بافت تاریخی، دانشگاه یزد، ۱۳۸۵.
- فرزاد بهتاش، محمد رضا. *نقش فناوری GIS در ارتقاء طراحی مدیریت بحران در کلانشهرها*، دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- Alexander, D. E. *Principles of Emergency Planning and Management*. UK: Terra Publishing, Harpenden, ۲۰۰۲.
- Asgary, Ali. *Theorizing Disaster and Emergency Management*. Tsunami and Disaster Management. Roj Kumar and Srivastava, D.K. (eds), Hong Kong: Thomson, ۲۰۰۶.
- Davis Ian. *Problems with Principles of Emergency Management*. *2nd CRHNet Annual Symposium*, Nov ۱۷-۱۹, ۲۰۰۵.
- FEMA. *Integrating Historic Property and Cultural Resource Considerations into Hazard Mitigation Planning*. USA, ۲۰۰۵.
- Fred Cuny. *Disaster and Development*. New York: Oxford UN Press, ۱۹۸۳.
- Prabhas, C. Sinha. *Disaster Management Process*. New Delhi:

مدیریت شهری

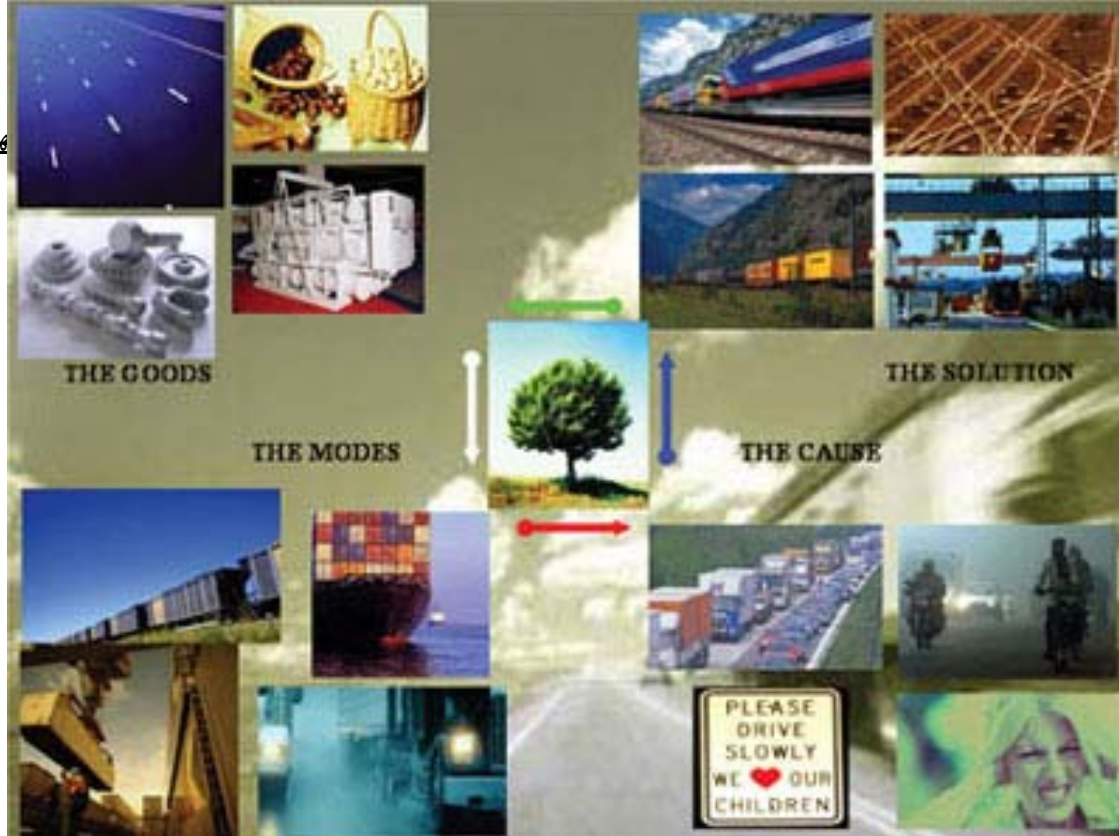
Urban Management

جمعیت جهان بین سالهای ۱۹۶۰-۲۰۰۰م به دو برابر و حدود ۶ میلیارد نفر رسید. برای مقابله با مسائل مرتبط با این روند، ۲ نگرش عمده مطرح است: کاهش فشار جمعیتی و یا بهبود مدیریت شهری. مدیر شهری در چارچوب اختیارات خود براساس عدم تمرکز می تواند چارچوبه ای نظری را مدنظر قرار دهد. اما پیش از آن باید تعریفی از مدیریت شهری به دست داد.

شالوده مدیریت شهری عبارت است از برعهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری. هرچند این تعریف می تواند رضایت بخش باشد، اما بسیار کوتاه و کلی است. در عمل، وظیفه و نقش مدیران شهری را می توان به عنوان مسئولیت پذیری در زمینه زیرساختهای ضروری شهری تلقی کرد. هرچند این جنبه مهمی از این وظیفه بشمار می رود، اما باز تعریفی بسیار محدود است.

اگر بپذیریم که مدیریت شهری بر مهم ترین مشکلات شهری تمرکز دارد، باید پرسید، چه کسی تعیین می کند، این مشکلات کدامند؟ دوره مدیریت شهری بانک جهانی این مشکلات اصلی را به شرح زیر معرفی کرده است:

- حکمروایی و مالیه شهری؛
- ایجاد قابلیت رقابت بین شهرها؛
- توان فراگیر و عینی برای جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی؛
- ترغیب اشتغال؛



تنها به برخی از استانداردهای حداقل بسنده می‌کند. این نقش‌پذیری محدود البته در ارتباط با ساکنان محله‌های فقیرنشین می‌تواند رضایت‌بخش باشد، اما در مرحله بعدی توسعه، رویکرد مدیریت شهری بایستی مهم‌ترین مسائل موجود در شهرها را به‌عنوان نقطه آغازین حرکت خود در نظر گیرد؛ مسائلی همچون: فقر، جرائم، آلودگی و تراکم. ادبیات مرتبط با این مقوله به‌درستی بر اهمیت مشارکت و نقش کنشگران مختلف و بخش اقتصادی/ تجاری و غیراقتصادی/ غیرتجاری تأکید دارند. آشکار است که مشارکت عمومی بخش خصوصی از اهمیت برخوردار است. در این میان، حضور نهادهای جامعه مدنی (← جامعه مدنی) نیز ضرورت دارد. علاوه بر این، طرح فرصت‌های جدید برای جلب منابع مالی بخش خصوصی الزامی است. نگرش یکپارچه مدیریت شهری، مستلزم توجه همه‌جانبه به دخالت در امور شهری است. برای نمونه، ساخت واحدهای مسکونی که نه تنها راه‌حلی برای مشکل مسکن بشمار می‌رود، بلکه ضمناً موجب اشتغال می‌شود، بر جهت توسعه شهری تأثیر می‌گذارد و جریان آلوده‌شد را باعث خواهد شد.

مدیریت شهری در اواخر دهه ۱۹۸۰م در کشورهای در حال توسعه مطرح شد. این امر به معنای پایان بخشی به ۳

• توان تأمین خدمات عمومی شهری به‌صورتی کارآمد؛ و
 • توان مدیریتی محیط (شهری).
 رویکرد یکپارچه مدیریت شهری، در عمل، به تأکید و توجه به تمام این مشکلات در پیوند و ارتباط با یکدیگر نیازمند است. بدینسان، مدیریت شهری روز به روز به‌صورت امری پیچیده و امری چند-نقشی و چند-بخشی درمی‌آید. در واقع، ساکنان، کارآفرینان، سازمانهای ساکنان و کارآفرینان، فعالان محیط‌زیست و توسعه‌گران (یا سازمانهای این کنشگران) هر یک می‌خواهند نقشی برعهده گیرند. برای برخورد با چنین وضعیتی، مدیر شهری به وظایف شفاف و روشن نیازمند است. شاید بتوان گفت، توسعه شهری پیش از هر چیز به عدم تمرکز نیازمند است.
 استرن، مدیریت شهری را مفهومی چندوجهی بشمار می‌آورد که تعریف‌پذیر نیست. آنچه اهمیت دارد این است که او مدیریت شهری را مفهومی هماهنگ و یکپارچه بشمار می‌آورد. این خود مستلزم توجه به‌نحوه و ضرورت گذار از برنامه‌ریزی کالبدی به مدیریت شهری است. مدیریت شهری نوعی رویکرد هماهنگ و یکپارچه را نسبت به مسائل شهری در کشورهای در حال توسعه ضروری می‌سازد. در بسیاری از این کشورها، دخالت حکومت محلی به سیاستهای حوزه‌بندی محدود می‌شود و

مدیریت مشارکتی

- <http://www.mpvandiik@few.eur.nl>

مایه پیتر وان دایک

(عباس سعیدی)

مدیریت محلی ← حکومت محلی

مدیریت مسکن ← برنامه‌ریزی مسکن

مدیریت مشارکتی

Participatory Management

مدیریت مشارکتی به مفهوم توانمندسازی کارکنان و شاغلان سازمانها به منظور مداخله در فرایند تصمیم‌گیری است. این شیوه مدیریت از دهه ۱۹۵۰م مطرح شده است. عمده‌ترین دلیل طرح مدیریت مشارکتی محدودیتهای ناشی از دیوانسالاری بیش از حد اداری بود که به ایجاد رویکردهای نوین مدیریتی که کلیدی‌ترین جزء آن را کار گروهی و توانمندسازی تشکیل می‌داد، منجر شد. از مواردی که در راستای فراهم ساختن بستر لازم برای مشارکت اعضای یک سازمان در نظام مدیریت و تصمیم‌گیری به شدت گسترش یافت، نظامی است که از آن به‌عنوان *نظام پیشنهادات* یاد می‌شود.

مدیریت مشارکتی در روند برنامه‌ریزی به فرایندی باز می‌گردد که طی آن، ابعاد مختلف مشارکت در مراحل مختلف برنامه‌ریزی مدیریت می‌گردد. این امر در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع طبیعی بیش از سایر عرصه‌ها گسترش یافته است.

مدیریت مشارکتی از ۲ بُعد قابل تعریف است: نخست، از نگاه دانش مدیریت و دیگر، از نگاه دانش برنامه‌ریزی.

مدیریت مشارکتی از نگاه دانش مدیریت

مدیریت مشارکتی به‌عنوان شیوه‌ای از انواع شیوه‌های

ایده مورد قبول بشمار می‌رود:

• مسئولان شهری تنها مسئول تأمین آب و شبکه فاضلاب شهرها هستند؛ توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط و فقرزدایی نیز از مسئولیتهای یک مدیر شهری است؛

• مدیران شهری نمی‌توانند مقامات بالاتر را سرزنش کنند و از آنان طلب اعتبار و بودجه لازم برای اداره شهر را بنمایند؛

و

• طرح جامع دیگر تنها ابزار مهم برنامه‌ریزی شهری بشمار نمی‌آید.

مدیران شهری وظیفه دارند، منافع تعداد زیادی از بازیگران - کنشگران را در نظر داشته باشند، زیرا هر یک از آنها در امور شهر نقشی برعهده دارند: ساکنان، سازمانهای غیردولتی (- سازمانهای غیردولتی)، مجریان طرحها، سایر شهرها، مشارکت بخش خصوصی و عمومی، مجامع و سازمانهای مالی برای زیرساختها. برای نمونه، دخالت دادن نهادهای مالی خصوصی در یک طرح شهری مستلزم برخورداری از یک شبکه مناسب است. بالاخره، مدیریت شهری به بیش از یک طرح جامع سستی نیاز دارد، زیرا ضرورت دارد، تصویری جامع‌تر و وسیع‌تر از آینده شهر پیش‌بینی و تصور شود.

به دلایل مختلف، مدیریت شهری در شهرهای کشورهای درحال توسعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

• نهادهای لازم گاهی به‌درستی و به‌تناسب برپا نشده‌اند؛

• ویژگیها و شایستگیهای مدیران شهری به‌درستی طبقه‌بندی و تبیین نشده است؛

• نهادهای موجود، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، با یکدیگر هماهنگی ندارند؛

• نقش بخشهای رسمی و غیررسمی به‌درستی ترسیم نشده و مدیران شهری اغلب به نقش بخشهای غیررسمی در زمینه‌هایی همچون اشتغال، فقرزدایی و توسعه شهری کم توجه هستند؛ و

• مشارکت مردمی ضعیف است و شهروندان برای دخالت در امور شهری آموزش و آگاهیهای لازم را کسب نکرده‌اند.

کتاب‌شناسی:

مدیریت مشارکتی

مردم و افراد اثر گذار در روند تصمیمات است؛

- فرایند مشارکت مردمی در تعامل با منافع مشارکت‌کنندگان و متضمن روندی برای تأمین نیازهای آنان است؛
- مشارکت در جستجوی تسهیلاتی است تا افراد بالقوه متأثر از آن بتوانند در این فرایند شرکت نمایند؛
- فرایند مشارکت متضمن درگیر کردن مشارکت‌جویان در تعریف راه و رسم مشارکت است؛
- در فرایند مشارکت، اطلاعات مورد نیاز مشارکت‌جویان برای مشارکت معنادار فراهم می‌شود؛ و بدینسان،
- مشارکت فرایندی است که در تعامل با مشارکت‌جویان، در پی تعیین نحوه اثرگذاری دروندادهای آنها در تصمیمات است.

براین‌مبنا، مدیریت مشارکتی عبارت است از نظامی که طی آن، بازتاب ارزشهای کانونی مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی عینیت می‌یابد.

نقش و وظایف مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی پیوند ناگسستنی با اصل مشارکت و مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی دارد. مشارکت دارای ابعاد و بسترهای مختلفی است:

- نظریه‌های اجتماعی که ارائه‌دهنده بنیانهای فکری لازم برای ارزشها و فرضهایی است که طراحان و مجریان مشارکت بر آن تکیه دارند؛

- ویژگیهای نظام مشارکت، مانند ساختارها و فرایندهای مشارکت که در چارچوبهای گوناگون فکری و نظری تفاوت می‌پذیرد؛

- بستر مشارکت که مشارکت در آن رخ می‌دهد و ممکن است منجر به بهبود یا محدودیت بالقوه مشارکت گردد؛ و
- خروجیهای مشارکت که پیوندی دوجانبه با ابعاد قبلی و نقش ابعاد تعریف شده پیشین دارد.

بنابراین، مشارکت پدیده عام اجتماعی است که از افراد، نظام اجتماعی و نهادها و سازمانهای اجتماعی تأثیرپذیر و بر آنها اثر گذار است. این شرایط باعث می‌گردد تا مشارکت به امری چند بعدی و پویا تبدیل گردد که از یکسو، به‌عنوان معلول مطرح است و از دیگر سو، به‌عنوان

مدیریتی است که براساس آن مدیران به افراد زیردست کاملاً اعتماد دارند و بسیاری از تصمیمات از طریق مشارکت گروهی اتخاذ می‌گردد. عقیده بر آن است که با اعمال این شیوه، کارکنان به‌ضرورت نظم بیشتر واقف شده، رضایت خاطر و روحیه آنها افزایش یافته و مقاومت آنها در مقابل تغییر کاهش می‌یابد. ارتقاء عملکرد اگرچه نتیجه مستقیم مشارکت نیست، اما مشارکت بی‌تردید اثر مثبتی بر رضایت خاطر و سطح انگیزه کارکنان مشارکت‌جو خواهد داشت. مدیریت مشارکتی بر ۲ اصل *ارتباط متقابل* و *اعتماد* به *سطوح پائین‌تر* سازمان استوار است. براین‌مبنا می‌توان از آن به‌عنوان عمل توانمندسازی کارکنان سازمان به‌منظور شرکت در فرایندهای تصمیم‌سازی یاد کرد.

شیوه‌های مدیریت طیفی وسیع، از مدیریت غیرمشارکتی تا مدیریت کاملاً مشارکتی را شامل است. در مدیریت غیرمشارکتی، مدیر تصمیم‌گیر مطلق محسوب می‌شود و سایر افراد صرفاً تابع تصمیمات او هستند. در این شکل، افراد و کارکنان هیچ نقشی در فرایند تصمیم‌گیری ندارند، درحالی‌که در انتهای این طیف و در مدیریت مشارکتی، مدیر نقشهای لازم را به گروههای پائین‌دست واگذار کرده و آنان با تعیین محدوده‌های فعالیت، به‌صورت فعالانه در فرایند تصمیم‌گیری مداخله می‌کنند.

مدیریت مشارکتی از نگاه دانش برنامه‌ریزی

از این نگاه، مدیریت مشارکتی عبارت است از نوعی مدیریت که در آن مردم و نهادهای محلی، منطقه‌ای و ملی در فرایند مدیریت منابع و برنامه‌ریزی به یکسان مسئولیت داشته و به ایفای نقش می‌پردازند. به سخن دیگر، مدیریت مشارکتی سازوکار تسهیم قدرت بین مردم و نهادهای محلی، منطقه‌ای و ملی در فرایند تخصیص منابع و برنامه‌ریزی است. به‌این‌ترتیب، مدیریت مشارکتی بر مبنای ارزشهای کانونی خاص استوار است؛ این ارزشها براساس *نظر انجمن بین‌المللی مشارکت* به‌شرح زیر است:

- مردم باید بتوانند نظرات خود را درباره اقدامات و اثرات آن بر زندگی خود بیان کنند؛

- مشارکت مردمی در بردارنده پیمانی مبنی بر همکاری

مدیریت مشارکتی

تعریف موضوع یا دگرگون‌سازی فرایندها با هدف مداخله بیشتر شهروندان برخوردار نمی‌گردند. در چنین بستری، مشارکت بی‌اثر و دچار تناقض است و در عمل، با تأخیر و پس از تعریف موضوع و بعد از اینکه بسیاری از تصمیمات اخذ شد، رخ می‌دهد، یعنی به‌جای آنکه شهروندان موضوع را تعیین کنند، در برابر نتیجه عمل مجریان واکنش نشان داده، به قضاوت می‌پردازند.

به نظر آرنشتاین، کارگزاران نظام اداری فاقد دوراندیشی لازمند. آنها در مقابل ارائه اطلاعات مقاومت می‌کنند و بر دانش فنی و تخصصی خود برای اعمال نقش ساختارهای اداری تکیه دارند. حاصل چنین فرایندی، مشارکت نمادین است تا مشارکت واقعی. بدینسان، شهروندان به‌جای ایفای نقش به‌عنوان همیار در تعریف موضوع، تعیین شاخصها و انتخاب فنون و روشهای مناسب برای حل مسئله، به مداخله غیرمستقیم محدود می‌گردند.

مشارکت واقعی، مشارکت مؤثر و مورد اطمینان است. این نوع مشارکت عمقی است و براساس آن، کلیه افراد ذی‌ربط پیوسته درگیر فرایندهای اداری و دارای توان اثرگذاری بر موضوع‌اند. نقش مدیریت مشارکتی در دستیابی به مشارکت واقعی، مستلزم اقدامات زیر است:

• کارگزاران باید هم بر فرایند و هم بر نتایج کار تمرکز داشته باشند؛

• کارگزاران باید در ورای امور فنی و تخصصی، با شهروندان در تعامل متقابل قرار گیرند و به کسب ورودیهای حاصل از فعالیت شهروندان اکتفا نکنند؛ و

• جایگاه شهروندان در کنار طرح موضوع است و باید پیوندی مستقیم با موضوع داشته باشند، در عوض فرایندهای اداری و کارگزاران نظام اداری باید از موضوع فاصله بگیرند. ضمن اینکه کارگزاران پل ارتباطی بین موضوع و فرایندهای اداری هستند، شهروندان باید قدرت اثرگذاری سریع بر فرایندها و خروجیها را داشته باشند و نقش کارگزاران در عمل متأثر از رابطه آنها با شهروندان باشد.

مدیریت مشارکتی برای ایفای نقش خاص خود در فرایند مشارکت، باید به مجموعه سؤالات زیر پاسخ مناسبی

علا. براین اساس، مدیریت مشارکتی عبارت است از کنترل عوامل اثرگذار بر مشارکت و کنترل اثرات مشارکت بر سایر مجموعه عوامل متأثر از آن. به‌این ترتیب، مدیریت مشارکتی وظیفه دارد تا عوامل اثرگذار، سازوکار اثرگذاری، شدت، ضرورت، نتایج و بازتابهای این عوامل را در مشارکت تبیین و شدت و ضعف آنها را بر مشارکت کنترل نماید. بدینسان، انتظار می‌رود مشارکت مورد نظر پس از طی فرایندی در زمان و مکان و با همراهی گروه معین هدف به وقوع بپیوندد. در این زمینه، وظیفه مدیریت مشارکتی عبارت است از نظام‌بخشی به ابزار، اقدامات و سایر موارد مورد نیاز به‌منظور تحقق مشارکت مورد نظر. علاوه‌براین، سازوکار عمل باید به‌نحوی طراحی و اجرا گردد، تا خروجیهای مورد نظر حاصل گردد. براین اساس، وظیفه اصلی مدیریت مشارکتی نظام کنترل عوامل مؤثر، فرایند تحقق و مدیریت نتایج و انتظارات ناشی از اقدام مشارکتی است. به سخن دیگر، وظیفه مدیریت مشارکتی دستیابی به مشارکت واقعی است. مدیریت مشارکتی مستلزم ۴ جز اصلی زیر است:

• موضوع یا وضعیت؛

• ساختار اداری، نظام و فرایندهایی که مشارکت در آنها اتفاق می‌افتد؛

• مجریان نظام اداری؛ و

• شهروندان.

آنچه اغلب رخ می‌دهد، تمرکز بر سر موضوع است. در اینجا، درحالی‌که شهروندان نسبت به موضوع دور نگهداشته می‌شوند، کارگزاران اداری ارتباط نزدیکی با موضوع داشته و در حد فاصل موضوع و شهروندان قرار می‌گیرند. در نظام سنتی مشارکت، کارگزاران اداری کنترل توانمندی شهروندان برای اثرگذاری بر موقعیت یا فرایندها را عهده دارند و ساختار و فرایندهای اداری از نظر سیاسی و اجتماعی، چارچوبی را ایجاد می‌کنند که مشارکت در درون آن و توسط مجریان تعیین می‌گردد. این چارچوب به مجریان اداری این امکان را می‌دهد که براساس توان خود، به طرح موضوع و اتخاذ تصمیم بپردازند. بنابراین، در چارچوب تعیین‌شده، مجریان از توان و اراده لازم برای

- ۴. دسترسی به تمام افراد ذی‌نفع به‌صورت همزمان که اغلب دشوار است؛ و
- ۵. عدم برخورداری مردم از سطح آموزش لازم و لزوم آموزش مردم در این زمینه.

پیوند مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی

ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی میان مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی وجود دارد، به‌نحوی که این امر به پیدایش سبک خاص برنامه‌ریزی به نام *برنامه‌ریزی مشارکتی* شده است. ماهیت فعالیت مدیریت مشارکتی در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی متفاوت است. گام‌هایی از مشارکت که در مرحله برنامه‌ریزی باید مدیریت شود، در ۴ گام زیر خلاصه می‌شود:

- ارائه اطلاعات پروژه و برنامه به افراد ذی‌نفع؛
- مشاوره و همفکری مدیران و طراحان و برنامه‌ریزان با افراد ذی‌نفع؛
- تصمیم‌گیری توأم با تفویض قدرت تصمیم‌گیری به افراد ذی‌نفع؛ و
- اولویت‌بندی اقدامات.

مرحله اجرا شامل ۲ گام است که عبارتند از:

۱. تسهیم هزینه‌های اجرایی. این امر خود به ۲ شکل می‌تواند به اجرا در آید: در حالت اول افرادی که از اجرای طرح و برنامه منتفع می‌گردند به‌نسبت بخشی از هزینه را عهده‌دار گردند. در شکل دوم، افراد براساس نظر خود اقدام به ارائه کمک و مشارکت در فرایند اجرای طرح می‌نمایند که این عمل کاملاً آزادانه صورت می‌گیرد.
۲. تجهیز منابع و نیروی انسانی. این گام نیز به ۲ شکل قابل اجرا است. در شکل اول، تأمین نیروی انسانی و تجهیز منابع به‌صورت مستقیم و در شکل دوم، پرداخت هزینه تأمین نیروی انسانی و تجهیز منابع توسط افراد براساس سهمی که برای هر فرد تعیین می‌شود، صورت می‌پذیرد. مرحله سوم را نگهداری تشکیل می‌دهد. در این مرحله، وظایف مدیریت برعهده افراد ذی‌نفع گذاشته می‌شود. مرحله ارزیابی از ۲ بعد می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد:

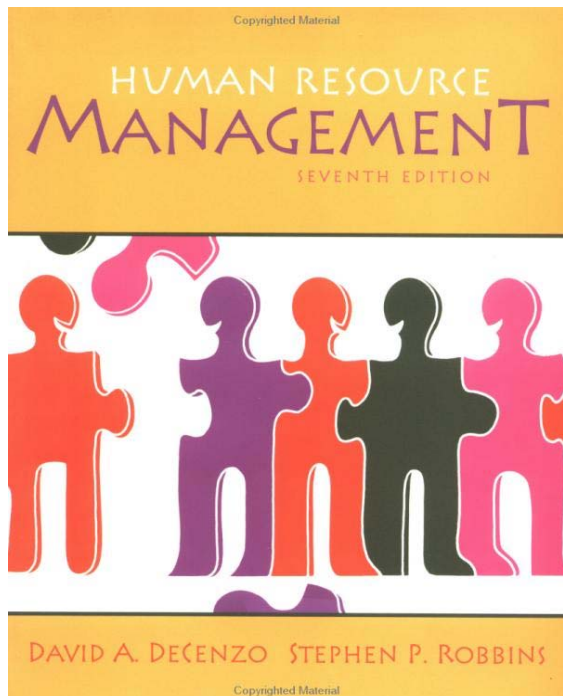
دهد:

- هدف و فرضهای اصلی منجر به مشارکت کدامند؟
- نظام مشارکت از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟
- مشارکت در چه بستری رخ می‌دهد؟
- چه زمانی باید مشارکت رخ دهد؟
- در کدام مرحله از فرایند و چرخه برنامه‌ریزی مشارکت مناسب‌تر است؟
- چه کسی یا کسانی و در چه سطحی باید مشارکت کنند؟
- چه میزان پذیرش مشارکت باید ایجاد شود تا منجر به اجرای تصمیمات توسط مردم گردد؟
- چه میزان و چگونه تصمیمات توسط فرایندها و سیاستها تحدید می‌گردد؟
- برای دستیابی به هدف و کسب بیشترین موفقیت چه گزینه‌هایی قابل طرح است و از چه طریقی می‌توان به این گزینه‌ها و اهداف دست یافت؟
- عوامل اثرگذار و خروجیهای مشارکت از ابعاد مختلف کدامند؟
- در فرایند مشارکت چه تناقضاتی ممکن است رخ دهد و چگونه با این تناقضات می‌توان مقابله نمود؟
- نتایج مشارکت چگونه ارزیابی و بازخورد آن چگونه در نظام مشارکتی و برنامه‌ریزی انعکاس خواهد یافت؟
- پاسخگویی به این سؤالات محور اصلی فعالیتها و نقش مدیریت مشارکتی را روشن می‌سازد. بااین‌وجود، مشکلات و مسائلی در فرایند مشارکت وجود دارد که توجه و چاره‌جویی برای آنها برعهده مدیریت مشارکتی است. این مسائل را می‌توان به‌شرح زیر طرح نمود:
- ۱. ماهیت زندگی روزمره و محدودیتهای ناشی از آن، مانند محدودیت زمان افراد، چند شغله بودن و توان اجتماعی و اقتصادی و مسائل مشابه که به‌شدت میزان و نوع مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
- ۲. مشکلات ذاتی موجود در فرایندهای اداری، مانند دیوانسالاری که تهدیدکننده مشارکت واقعی است؛
- ۳. بهره‌گیری از فنون کارآمد در فرایندهای مشارکتی و پرهیز از فنون ناکارا و یا کم‌اثر که ممکن است مشارکت را خدشه‌دار سازد؛

مدیریت مشارکتی

Management. *Across the Board* ۵۴، ۱۹۹۵.

- King, Cheryl Simrell; Feltey, Kathryn M.; Susel, O'Neill, Bridget. The Question of Participation: Toward Authentic Public Participation in Public Participation in Public Administration. *Public Administration Review*. Vol. ۵۸, No. ۴, pp. ۳۱۷-۳۲۶, p.۳۲۰, (Jul.- Aug., ۱۹۹۸).



- Lichtenstein, Art A. Participatory Management: A Critical Look. *Journal of Library Administration*. Vol. ۳۱ (۱), ۲۰۰۰.
- Rausch, Erwin. Guidelines for participation in appropriate decision making. *Management Development Review*. Vol. ۹ No. ۴, ۱۹۹۶.
- Rausch, Erwin. Guidelines for participation in appropriate decision making. *Management Development Review*. Vol. ۹, No. ۴, ۱۹۹۶.
- Warner, Gary. Participatory Management, Popular Knowledge, and Community Empowerment: The Case of Sea Urchin Harvesting in the Vieux-Fort Area of St. Lucia. *Human Ecology*. Vol. ۲۵, No. ۱, ۱۹۹۷.

• ارزیابی فرایند مشارکت؛ و
• ارزیابی نتایج مشارکت.

در بعد اول، سؤالات زیر باید پاسخ داده شود:

- آیا مشارکت کنندگان نمایندگان کل جامعه هدف بوده اند؟
- آیا عضویت افراد به صورت متعادل صورت گرفته است؟
- آیا مشارکت وارد فرایند تصمیم گیری واقعی شده است؟
- آیا بحث متقابل و رو در رو میان نمایندگان اجرایی و مردم به وقوع پیوسته است؟
- آیا نمایندگان اجرایی متعهد به فرایندهای مشارکتی بوده و در مقابل درون دادهای مردمی مسئولیت پذیر بوده اند؟

وظیفه مدیریت مشارکتی در این مرحله عبارت است از فراهم آوردن شرایطی که براساس آن بتوان به این سؤالات پاسخ مثبت داد.

در بعد دوم که به ارزیابی نتایج مشارکت باز می گردد، مدیریت مشارکتی به ارزیابی میزان دستیابی گروههای خاص به اهداف ویژه و از پیش تعیین شده در فرایند تصمیم گیری مشارکتی می پردازد.

مشارکت در عمل زمانی می تواند به نتایج پیش بینی شده خود دست یابد که از فنون و روشهای مناسب در زمان و مکان بهره برد.

کتاب شناسی:

- American Planning Association. *Planning and Urban Design Standards*. John Wiley & Sons, Inc. ۲۰۰۶.
- Beierle, Thomas; Konisky, C. and Valuer, David M. Conflict and Trust in participatory Environmental Planning. *Journal of Policy Analysis and Management*. Vol. ۱۹, No. ۴, Autumn, ۲۰۰۰.
- Creighton, James L. *The Public Participation Handbook: Making Better Decisions Through Citizen Involvement*. Johan Wiley & Wiley & Sons, April ۲۰۰۵.
- Dachler, H. Peter & Wilpert Bernhard. Conceptual Dimensions and Boundaries of Participation in Organizations: A Critical Valuation. *Administrative Science Quarterly*. Vol. ۲۳, No. ۱, Mar., ۱۹۷۸.
- Heckscher, Charles. The Failure of Participatory

مدیریت منابع (انسانی)

است که به سازمانهای مختلف در دستیابی به اهداف خود، از طریق دستیابی به نیروی کار و هدایت و حمایت مؤثر از آن، یاری رساند. برخی از وظایف مدیریت منابع انسانی به شرح زیر است:

- آموزش و تربیت نیروی کار به منظور حفظ قابلیت رقابت سازمانی؛
 - ایجاد و توسعه و همچنین برقراری ارتباط بین روندها و سیاستهای مرتبط با روابط حاکم بر فعالیتهای سازمان؛
 - دخالت در دستیابی به نظم و ترتیب کاری حاکم بر سازمان؛
 - هدایت و پیشبرد گفتگوها و مذاکرات ضروری؛
 - سنجش و مدیریت فضای سازمانی و روابط حاکم بر کارکنان؛
 - برقراری هماهنگی با اتحادیه‌های مرتبط؛
 - به اجرا درآوردن نتایج حاصل از توافقات و چانه‌زنیهای جمعی با کارکنان و اتحادیه‌ها؛
 - اتخاذ سیاستها و راهبردهای جبران خسارات حاصل از تغییر در قانونگذاری، نیروها و سازوکارهای بازار و راهبردهای مرتبط با فعالیتهای سازمان؛
 - مدیریت هزینه‌های عمومی نیروی کار؛
 - روزآمد کردن اطلاعات نیروی کار و کارکنان سازمان؛
 - مشاوره دادن به مدیریت اجرایی سازمان، با توجه به روندهای مرتبط با داده‌ها؛ و
 - هدایت و حمایت از مطالعات مدیریتی، با هدف حل مسائل جاری و آتی در سازمان.
- یکی از فنون مدیریت منابع عبارت است از سطح‌بندی منابع. هدف از این گونه سطح‌بندی عبارت است از هماهنگ و هموارسازی مجموعه منابع در دسترس، کاهش موجودی مازاد و جبران کمبودها. داده‌های مورد نیاز در این زمینه عبارت است از تقاضا برای منابع مختلف طی دوره‌های زمانی تا آنجا که منطقی باشد و همچنین، نحوه شکل‌گیری منابع طی آن تقاضاها و عرضه منابع، که باز طی دوره‌های زمانی تا آنجا که منطقی باشد، به انجام می‌رسد.
- در ابعاد زیست محیطی و حفاظت از عرصه‌های محیطی، مدیریت منابع عبارت است از مجموعه‌ای از

-Mselle, P.C.; Ngowi, A.B. Community Participation in facility management. *Facilities*, Vol. ۱۶, No. ۱۱, November ۱۹۹۸.

حسن دارابی

مدیریت منابع (انسانی)

Resource Management (Human)

مدیریت منابع در مطالعات تشکیلات عبارت است از بهره‌گیری مؤثر و کارآمد از منابع سازمانی بنابر ضرورت‌های مدیریتی و اجرایی. منابع مرتبط با این نوع مدیریت عبارتند از: منابع مالی، فهرست موجودی، مهارت‌های انسانی، منابع تولیدی و فناوری اطلاعات (← فناوری اطلاعات). در همین عرصه، روندها، فنون و اندیشه‌هایی برای اتخاذ بهترین رویکرد به تخصیص منابع مطرح شده است که شامل مباحثی درباره تخصیص منابع کارکردی-اجرایی و همچنین مباحثی توسط سازمانهای جهانی مدیریتی در زمینه روش‌شناسی (← روش‌شناسی و شهر) می‌شود.

مدیریت منابع، در واقع، عنصری کلیدی در برآورد منابع فعالیتی و مدیریت منابع انسانی بشمار می‌رود. این ۲ وجه از اجزاء بنیادین برنامه مدیریت همه‌جانبه برای اداره و هدایت موفقیت‌آمیز برنامه‌های سازمانی بشمار می‌روند. مدیریت منابع انسانی، یعنی علم تخصیص منابع انسانی در برنامه‌های مختلف یا واحدهای فعالیتی (کسب‌وکار) که موجب ارتقاء و به حداکثر رساندن بهره‌گیری از نیروی کارکنان در اختیار، به منظور دستیابی به اهداف سازمانی (شغلی، فعالیتی، کسب و کار) می‌گردد؛ علاوه‌براین، کارآمدسازی و اداره صحیح فعالیتهایی که در تأمین و نگهداشت نیروی کار، از طریق تشخیص الزامات و نیازهای کارکنان اثرگذار هستند و همچنین برنامه‌ریزی و نظارت بر حقوق، پاداش و منافع، آموزش و توسعه حرفه‌ای و اداره کردن نیازهای کاری-زیستی آنان، از وظایف این مدیریت بشمار می‌آید.

به این ترتیب، مدیریت منابع انسانی عبارت از این کارکرد

مراجع محلی (روستایی)

(Rural) Local Authorities

منظور از مراجع محلی روستایی، افراد، نهادها و انجمنهای محلی است که به موجب قانون یا عرف، در پیشبرد و هماهنگی امور محلی دخالت و نقش دارند. در واقع، این گونه مراجع روستایی به نوعی در مدیریت توسعه روستایی نیز دخالت دارند.

قبل از اجرای اصلاحات ارضی در ایران، اداره امور ملکی، مدنی و حکم در جنایات و تقصیرات همه با ارباب بود و نوعی کنترل اجتماعی شدید از طریق اجبار به اقامت و انجام خدمات اجباری و یا اخراج و تبعید روستاییان از خانه خود و تصرف اموال آنها اساس حکومت ارباب را بر جامعه روستایی تشکیل می داد. دولت در اداره امور مردم روستاها دخالتی نداشت، مگر در مواردی که مسئله جمع آوری مالیات یا سربازگیری در میان بود که این امر نیز اغلب توسط حکام محلی (که خود نیز مالک بودند) و با همکاری مالکان انجام می شد.

پس از اصلاحات ارضی، همراه با تغییراتی که در روابط مالک و زارع پدید آمد، ضرورت تغییر در شیوه اداره ده نیز مطرح شد. مسائلی مانند کنترل اجتماعی، حفظ نظم موجود در ده و دادن کمکهای مورد نیاز کشاورزان که قبلاً توسط مالکان انجام می گردید و همچنین، اجرای برنامه های عمران اجتماعی و آبادانی در دهات، دخالت بیشتر دولت را در زندگی روستاییان ایجاد می کرد. از آنجا که بدون همکاری روستاییان این اقدامات نمی توانست پیشرفت کند، مسئله تشکیل سازمانها و مراجع محلی نظیر انجمنهای ده مورد توجه قرار گرفت.

به این ترتیب، با فروپاشی نظام ارباب-رعیتی، دیوانسالاری در روستاها تقویت شد و دولت امور روستا را به زیر نظر خود درآورد و بدینسان، به نیرومندترین عامل اقتصادی و سیاسی در روستا تبدیل شد. به سخن دیگر، بعد

اقدامات برای تأمین و حفاظت از یکپارچگی نظامهای طبیعی. نمونه های این گونه مدیریت عبارتند از: مدیریت منابع هوا، مدیریت حفاظت از خاک، جنگل و حیات وحش و مدیریت منابع آب. این نوع مدیریت منابع، مدیریت منابع طبیعی خوانده می شود.

کتابشناسی:

- Armstrong, Michael. *A Handbook of Human Resource Management Practice*. Kogan Page Limited, ۱۹۹۹.
- Burstiner, Irving. *The Small Business Handbook*. Prentice Hall, ۱۹۸۸.
- Green, Paul C. *Building Robust Competencies: Linking Human Resource Systems to Organizational Strategies*. Jossey-Bass, ۱۹۹۹.
- Gubman, Edward L. The Gauntlet is Down. *Journal of Business Strategy*. November-December ۱۹۹۶.
- Johnston, John. Time to Rebuild Human Resources. *Business Quarterly*. Winter ۱۹۹۶.
- Mathis, Robert L. and John H. Jackson. *Human Resource Management*. Thomson South-Western, ۲۰۰۵.
- Rossiter, Jill A. *Human Resources: Mastering Your Small Business*. Upstart Publishing, ۱۹۹۶.
- Solomon, Charlene Marmer. Working Smarter: How HR Can Help. *Personnel Journal*. June ۱۹۹۳.
- Ulrich, Dave. *Delivering Results: A New Mandate for HR Professionals*. Harvard Business School Press, ۱۹۹۸.

محمدعلی حامدی

مراجع تصمیم گیری ← تصمیم سازی

مراجع سنتی ← مراجع محلی (روستایی)

وابستگی مردم به دولت و تقلیل روحیه خوداتکایی و مشارکتی در آنها و تهی شدن محتوای شورایی بودن این مراجع بوده است.

در اینجا مهم‌ترین مراجع محلی روستایی که طی ۳ دهه اخیر در جامعه روستایی حضور فعال داشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کدخدا (دهبان)

کدخدا یکی از نقشهای اساسی در مدیریت جامعه روستایی را در گذشته از جانب مالک برعهده داشت؛ از این رو، در مدیریت و در سلسله مراتب قشر بندی روستایی، از پایگاه بالایی برخوردار بود. کدخدا که فردی از خود روستاییان و عمدتاً از رعایای مرفه‌الحال جامعه روستایی بود، از جانب مالک منصوب می‌شد. اداره ده و حل اختلافات میان روستاییان از مهم‌ترین وظایف کدخدایان بود. در نظام سنتی روستایی ایران روستاییان موظف به تأمین نیازهای کدخدا بودند، ضمن اینکه مورد حمایت کامل مالک، به‌ویژه در زمینه مالی نیز بود. بی‌شک، مبنای اقتدار و مشروعیت کدخدایان قدرت مالکان بود. با آغاز تحولات جدید در ایران و نفوذ دولت به روستاها کدخدایان نقش رابطان رسمی دولت با روستاییان را پیدا کردند و به تسهیل‌گر اقدامات دولت در روستاها تبدیل شدند. عمده فعالیت‌های کدخدایان در روستاها ماهیتی اجتماعی و سیاسی داشت و در بعضی موارد، نقش نمایندگی مالک را نیز برعهده داشتند.

از لحاظ اجتماعی کدخدایان واسط بین مالکان و زارعان بودند و در واقع، روابط اجتماعی مالک بر زارعان توسط کدخدا انجام می‌گرفت. کدخدایان به‌لحاظ وارد بودن به امور زراعی و داشتن منشأ اجتماعی روستایی و سکونت در ده که قانوناً می‌بایست چنین باشد و به‌لحاظ وابستگی به نظام حاکم زمینداری، پایگاه مستحکمی برای این نظام بشمار می‌آمدند. قوانین کدخدایی به آنان اجازه می‌داد که مشکلات را با کدخدامنشی حل و فصل نمایند. کدخدایان در امور زراعی مشاوران مالکان محسوب می‌شدند (← کدخدا).

از اصلاحات ارضی به‌جای مالک یا نماینده او که به خاطر منافع شخصی و ملاحظات خودخواهانه، روستا را با کارایی اداره می‌کرد، نخبگان روستایی که عمدتاً از عوامل دولتی بشمار می‌رفتند، ابتدا در قالب تعاونیهای روستایی و سپس در قالب سازمانهایی چون انجمن ده، خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی و مانند آن، در روستاها سازماندهی و نظام تصمیم‌گیری و اعمال قدرت را در دست گرفتند. باین‌وجود، ضعف مدیریت و سازماندهی ناقص، ویژگی سازمانها و نهادهای جدید روستایی بود. در واقع، رابطه‌ای نیمه مردمسالارانه در روستاها ایجاد شد، اما فاقد محتوای عمل مردمسالارانه بود. به نظر فوران، عمده‌ترین پیامد برنامه اصلاحات ارضی این بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران بزرگ در روستاها کرد. پس از انقلاب اسلامی، گرچه گسترش عدالت اجتماعی و مشارکت آحاد مردم در سرنوشت خود و کشور و نیز تمرکزگرایی مورد توجه قرار گرفت (اصولی از قانون اساسی کشور ناظر بر این واقعیت است)، اما به دلیل پاره‌ای مسائل داخلی و خارجی، نظیر بحرانهای داخلی اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، مردم در عمل شاهد تحقق و پیاده شدن این اصول نبودند. برای نمونه، طرح تشکیل شوراهای به‌مثابه یکی از مراجع محلی روستایی که در قانون اساسی کشور مطرح شده بود، در ۱۳۶۱ش در مجلس تصویب شد، سپس در ۱۳۷۵ش، با تغییراتی مجدداً مورد تصویب قرار گرفت و در نهایت، در ۱۳۷۷ش به‌دنبال تحولات اجتماعی و سیاسی که در جامعه حادث شد، یعنی ۲۰ سال بعد از انقلاب، دولت آن را به اجرا درآورد. به‌این‌ترتیب، برای اولین بار در سطح ملی، مردم اعضای شوراهای روستا را انتخاب کردند. ویژگی دیوانسالاری بعد از انقلاب همچنان ادامه پیدا کرد و به دلیل تمرکزگرایی در نظام برنامه‌ریزی کشور، موجب بسط دیوانسالاری و احاطه مراجع محلی روستایی توسط دولت گردید و ناکارآمدی آنان را پدید آورد. مهم‌تر اینکه دولت، به‌جای برعهده داشتن نقش هدایت‌گری، آموزشی و ترویجی، همچنان بر نقش مداخله‌گری، کمک‌کنندگی و عامل بودن ناظر بودن بر مراجع محلی روستایی تأکید دارد. حاصل این امر، افزایش

مراجع محلی (روستایی)

و همکاری و شرکت و دخالت ساکنان دهات در تنظیم و اجرای برنامه‌های اصلاحات روستایی، از تاریخ تصویب این لایحه قانونی اصلاح امور اجتماعی و کمک به عمران دهات به عهده انجمنهای ده محول می‌شود که تحت هدایت وزارت کشور انجام وظیفه نمایند.

انجمنهای ده دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بودند و در همه دهات، متشکل از ۵ نفر با رأی اکثریت مردم برای مدت ۳ سال تعیین می‌شدند. هر چند باید در تمام دهات انجمنهای ده تشکیل می‌شد، اما عملاً چنین نشد.

در ۱۳۵۳ش، با تصویب قانون انجمن ده و دهبانی، قانون انجمنهای ده مصوب ۱۳۴۲ش لغو و اداره امور ده تابع مقررات جدید شد. براساس قانون جدید، انتخابات انجمنهای ده باید مقارن با انتخابات انجمنهای شهر و شهرستان در یک روز در تمام کشور انجام می‌شد. برابر این قانون ده دارای شخصیت حقوقی بود و انجمن ده مسئول حفظ و اداره دارایی منقول و غیرمنقول ده و همچنین اقامه دعوی علیه اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه انجمن شناخته می‌شد.

این انجمنها وظیفه عمران و آبادی روستاها را برعهده داشتند و به‌عنوان یک هسته برنامه‌ریزی محلی در سطح روستاها، با همکاری و مشارکت اهالی روستا و نظارت و هدایت دولت، انجام وظیفه می‌نمودند. علاوه‌برآن، منابع مالی مشخصی در روستا داشتند به‌طوری‌که از طریق دریافت ۲٪ از عواید فروش کلیه محصولات کشاورزی و هرگونه عواید دیگری که در ده تحصیل می‌شد، به وظایف خویش جامه عمل می‌پوشاندند.

به‌منظور هدایت انجمنهای ده و نظارت در اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی در کلیه نواحی روستایی، اداره‌ای به نام *اداره کل امور اجتماعی و عمران دهات* در وزارت کشور تشکیل شد و علاوه‌برآن، برای تلفیق برنامه‌های دولت در سطح ده، در مرکز هر بخش، *شورای عمرانی* بخش تشکیل گردید. بدینسان، زمینه مساعدی برای استفاده هرچه بیشتر از خودیاری مردم در راستای رفع مشکلات و تنگناهای آنان، از جمله احداث مدرسه، راه، امور بهداشت، پاکسازی

واژه *دهبان* به‌عنوان جایگزین کدخدا، با قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی در ۱۳۵۴ش رایج شد. براساس این قانون، انتخاب دهبان با انجمن ده بود که با تأیید بخشدار منطقه از جانب فرماندار حکم رسمی دریافت می‌کرد. وظیفه اصلی دهبان انجام مصوبات انجمن ده و برخی وظایف مشخص قانونی دیگر بود. دوره دهبانی ۴ سال بود و امکان انتخاب مجدد وجود داشت.

یکی از ابداعات قانون مزبور، تعیین شرط سواد و نیز تعیین و پرداخت حقوق و دستمزد برای دهبان بود، حال آنکه، پیشتر که کدخدا نماینده مالک و دولت و مأمور نظارت بر اجرای قانون در سطح ده بود، از دولت حقوقی دریافت نمی‌کرد. دهبان از محل درآمدهای انجمن ده و طبق آئین‌نامه‌ای که به تصویب وزارت تعاون و امور روستاها رسیده بود، حقوق خود را دریافت می‌کرد و نکته جالب اینکه در قانون برای دهبان نشان مخصوص دهبانی در نظر گرفته شده بود.

انجمن ده

با آغاز اصلاحات ارضی و حذف مالکان از امور اجتماعی - اقتصادی روستاها، در ساختار مدیریتی روستاها تغییر بنیادی صورت گرفت. از این رو، در شیوه جدید اداره ده که نیازمند همراهی روستاییان بود، تشکیل انجمن ده مورد توجه قرار گرفت.

درواقع، انجمن ده به‌عنوان یکی از سازمانهای محلی بشمار می‌رفت که قلمرو آن محدوده ده بود و امور خود را از طریق کدخدا که مجری تصمیمات آن بود، اداره می‌کرد. اعضای این انجمنها، به‌طور مستقیم و براساس جمعیت محل، از سوی اهالی انتخاب می‌شدند. اختیار این سازمانهای محلی صرفاً مالی بود و با کنترل و نظارت مرکز در عمل بسیار محدود می‌شد.

لایحه تشکیل انجمنهای ده در شهریور ۱۳۴۲ش تصویب و جایگزین برخی قوانین قبلی در امور روستاها شد. در ماده یک این قانون، اهداف انجمنهای ده چنین بیان شده بود: به‌منظور ایجاد هماهنگی در بهبود امور اجتماعی و عمران دهات و استفاده از نیروی انسانی براساس خودیاری

مراجع محلی (روستایی)

و از سوی دیگر، با تصویب این قانون گامهایی برای مشارکت اهالی روستاها برداشته شد.

خانه فرهنگ روستایی

از جمله سازمانهایی که در ۱۳۴۷ش به منظور ارتقای فرهنگ عمومی در مناطق روستایی تشکیل شد، خانه فرهنگ روستایی بود. این نهاد از جمله سازمانهایی بود که می‌توانست در افزایش معلومات زارعان و دیگر گروهها در جامعه روستایی در زمینه‌های مختلف مؤثر واقع شود. خانه فرهنگ روستایی زیر نظر مدیرعامل و توسط یک سپاهی ترویج اداره می‌شد. این سازمان روستایی در زمینه‌های فرهنگی و بعضاً ورزشی فعالیت می‌کرد و معمولاً دارای کتابخانه‌هایی با موضوعات مختلف کشاورزی، تاریخی، ادبی و مذهبی بود که مورد استفاده مردم و به‌ویژه محصلین قرار می‌گرفت. باین حال، در پاره‌ای موارد خانه‌های فرهنگ روستایی عملاً فعالیتی در تحقق اهداف خود نداشتند.

شورای اسلامی روستایی

پس از انقلاب اسلامی، ساختار قدرت ده به نظام از پائین به بالا تغییر کرد و شوراهای اسلامی در رأس هرم قدرت ده قرار گرفتند. بدینسان، مؤسسات قدیمی از میدان خارج و به‌جای آنها نهادی جدید جایگزین شد؛ کدخدا که مدیریت ده را برعهده داشت، کنار گذاشته شد و وظایف آن به شورای اسلامی روستا واگذار شد. شورای روستا نهادی چندمنظوره است و بنابر مواد مندرج در آئین‌نامه شورای روستایی، دارای نقشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. شوراهای اسلامی روستایی با قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، مصوب ۱۳۶۱ش که مشتمل بر ۵۳ ماده و ۲۶ تبصره است، شکل گرفتند. در تشکیل شوراهای روستایی، فرمانداری، جهاد سازندگی و هیئتهای ۷ نفره نقش داشتند. این شوراهای با رأی مستقیم و مخفی مردم تشکیل می‌شوند و تعداد اعضای انتخابی آنها به ۵ تا ۷ نفر بالغ می‌شود. مدت اعتبار شورا از تاریخ رسمیت یافتن، ۲ سال است.

برخی وظایف شوراهای اسلامی روستا عبارت است از:

محیط و مانند آن به‌وجود آمد.

به‌این ترتیب، با توجه به اینکه در قانون وظایف مختلف در زمینه‌های اجرایی، نظارتی، همکاری با سازمانهای دولتی، ترویجی و تشویقی برای انجمنهای ده بیان شده بود، اما آنچه روشن بود اینکه بسیاری از این وظایف در میان دیگر نهادها و سازمانهای ذی‌ربط در امور روستاها تداخل و اشتراک داشت و علی‌رغم اهداف آنها، به‌عنوان مانعی در بهبود امور روستایی بشمار می‌آمد.

خانه انصاف

قانون تشکیل خانه انصاف در ۱۳۴۴ش تصویب و در ۱۳۴۸ش اصلاحاتی در آن صورت گرفت. در ماده ۱ این قانون آمده است که به منظور رسیدگی و حل اختلاف میان ساکنان روستاها، وزارت دادگستری به تدریج و با اعلام قبلی، شورایی به نام *خانه انصاف* برای یک یا چند ده تشکیل می‌دهد. در واقع، با تشکیل این سازمان وظایف قضایی که در گذشته عمدتاً در اختیار کدخدا و بزرگان ده بود، برعهده این نهاد گذارده شد. اعضای این نهاد از رهبران محلی روستاها و افراد مورد قبول عموم مردم روستایی انتخاب می‌شد و کدخدا طبق قانون نمی‌توانست به عضویت آن درآید. در ماده ۲ اشاره شده بود که این شورا مرکب از ۵ نفر از معتمدان محل است که از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف برای مدت ۳ سال انتخاب خواهند شد؛ ۳ نفر از اعضا، اصلی و ۲ نفر دیگر اعضای علی‌البدل بودند. قانون برای انتخاب‌کنندگان شرایطی چون تابعیت ایران، داشتن حداقل ۲۰ سال، اقامت در محل، نداشتن سابقه محکومیت کیفری و دارا بودن اهلیت قانونی و برای انتخاب‌شوندگان نیز شرایطی چون حداقل ۳۵ سال سن، تأهل، معروف بودن به دیانت و صحت عمل و نیز برخی شرایط عمومی دیگر را تعیین کرده بود. علاوه‌براین، توصیه شده بود که در کلیه اختلافات و دعاوی بین ساکنان ده، خانه انصاف سعی کند اختلافات را به صلح و سازش خاتمه دهد.

با تصویب قانون خانه انصاف، نظام ارباب-رعیتی ضربه خورد و اختیارات قانونی کدخدا بسیار محدود گردید

مراجع محلی (روستایی)

شوراها زیر نظر وزارت کشور است. یکی از شرایط مهم تعیین شده برای انتخاب شوندگان شورا، عدم وابستگی به رژیم سابق است، ضمن اینکه باید شرایط قانونی مندرج در قانون شوراها را نیز احراز کنند.

خانه همیار

توجه به مشکلات شوراها در انجام امور روستایی، مسئولان امر را به فکر تأسیس خانه‌های همیار انداخت. در ماده یک طرح تشکیل خانه‌های همیار اشاره شده است که شوراهای اسلامی روستایی می‌توانند به منظور انجام فعالیتهای اجرایی و بهره‌گیری بیشتر از مشارکت روستاییان در اجرا، حفظ و نگهداری خدمات عمرانی و بهداشتی، اقدام به تشکیل خانه همیار روستا نمایند. بنابراین، خانه همیار از نظر تشکیلاتی زیر نظر شورای اسلامی قرار دارد و اقدامات خود را از طریق تشکیلات خود در ۳ حوزه زیر انجام می‌دهد: فنی، عمرانی و بهداشتی؛ اداری؛ و آب‌رسانی.

روستاهایی با بیش از ۱،۵۰۰ نفر جمعیت حق تأسیس خانه همیار دارند. قانون برای خانه همیار وظایف مختلفی در زمینه‌های اجرایی و نظارتی در روستا تعریف کرده است. از نظر تأمین مالی، خانه‌های همیار به منابعی چون عوارض خدماتی، کمکهای دولتی و مردمی وابسته هستند.

همیار روستا که مسئولیت خانه همیار را برعهده دارد، و وظیفه اجرایی و نظارتی مستقیم دارد و به‌وسیله شوراهای روستایی، در صورت احراز شرایط مندرج در قانون، از طریق رأی‌گیری به جهاد سازندگی [جهاد کشاورزی] محل معرفی و برای آنان حکم رسمی صادر می‌شود. همیاران برای مدت ۴ سال تعیین می‌شوند و انتخاب مجدد همیار توسط شورا بلامانع است. اعضای شورا نمی‌توانند به‌عنوان همیار انتخاب شوند.

دهیاری

قانون تأسیس دهیارهای خودکفا، در یک ماده و ۳ تبصره، در ۱۴/۴/۱۳۷۷ش به تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از ۲ سال، در تاریخ ۲۱/۱۱/۱۳۸۰ش اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیارها به تصویب هیئت وزیران

• ایجاد روحیه همکاری میان مردم و مسئولان کشوری، از طریق در جریان امور قرار دادن مردم؛
• جلب همکاری و همفکری مردم؛
• انعکاس مشکلات و مسائل به مسئولان اجرایی در امور اجتماعی، از قبیل همکاری در برگزاری فراندومها، انتخابات سراسری و منطقه‌ای؛

• تهیه و تنظیم شناسنامه روستا و آمار جمعیت؛
• نظارت و همکاری با مسئولان اجرایی در امور فرهنگی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت بالا بردن سطح معلومات اهالی، از طریق نهضت سوادآموزی و تشکیل کلاسهای سوادآموزی.

شرح وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی روستایی نشان می‌دهد که شورای روستایی می‌باید از افرادی توانا و هوشمند در هر روستا تشکیل شود و آنان توسط مردمانی که سالها با یکدیگر زندگی و کار کرده و از کاستیها و مشکلات یکدیگر آگاهند، انتخاب شوند. این گروه پس از انتخاب، وظیفه دارند ضمن بررسی دقیق مشکلات و مسائل مردم روستا، آنها را دسته‌بندی کرده و به ترتیب اهمیت، برای هر کدام راه حل مناسب تهیه کرده و با ارائه طرحها و پیشنهادهای عملی به مسئولان برای رفع آنها و بهبود عمومی روستا تلاش کنند.

به‌طورکلی، شورای اسلامی نهادی مشارکتی است که به‌وسیله آن تلاش و کوششهای مردم روستایی به‌منظور بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌شان انجام و هماهنگ می‌گردد؛ این نهاد مرکب از نمایندگان اقشار عمده ده است. شورای اسلامی روستا رابط بین دولت و روستاییان بوده و به‌منزله مرجع رسمی روستا بشمار می‌آید. از این رو، این نهاد مرجع تشخیص‌دهنده نیازها و تعیین اولویتهای ده بشمار می‌رود و مدیریت تولیدی، فنی و اقتصادی را برعهده دارد.

شوراهای اسلامی روستا در حقیقت به‌جای انجمنهای ده پیشین به‌وجود آمدند، ولی از لحاظ آئین‌نامه داخلی، اهداف و نقش آنها در روستاها با آن تفاوت کلی دارند. طبق قانون، شوراها در روستاهایی که دارای ۲۰ خانوار (۱۰۰ نفر جمعیت) باشند، تشکیل می‌شود. انتخابات

مراجع محلی (روستایی)

۱۳۷۴ش، به دلیل تقلیل فوق‌العاده یارانه‌های دولتی و به اجراء درآمدن سیاستهای تعدیل ساختاری، آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، مراکز خدمات نتوانستند همانند سالهای اولیه تأسیس خود، خدمات لازم را در اختیار دهقانان قرار دهند. انقباضات بودجه‌ای تأثیر معکوسی بر فعالیتهای اقتصادی و کشاورزی این مراکز داشته است. در حال حاضر، مراکز خدمات کشاورزی بیشتر به فعالیتهای ترویجی می‌پردازند و به‌غیر از برخی از برنامه‌های کشاورزی، نظیر اجرای کشت محوری گندم و یکپارچه‌سازی اراضی، عمدتاً در زمینه فعالیتهای آموزشی و ترویجی اقدام می‌کنند.

شرکت تعاونی روستایی

کار تشکیل تعاونیهای روستایی با تشکیل صندوقهای تعاون در ۱۳۲۵ش در مراکز بخشها آغاز شد. تشکیل این صندوقها به‌مثابه نهادی اعتباری در روستاها به‌منظور ساده کردن شرایط اخذ وام کشاورزی صورت گرفت. صندوقهای روستایی در بدو تأسیس، از نوع تعاونیهای چندمنظوره بودند که براساس اساسنامه خود، می‌توانستند علاوه بر تأمین و پرداخت اعتبار به اعضاء، نسبت به بازاریابی محصولات تولیدی روستاییان، تهیه و توزیع نهاده‌های کشاورزی و خرید و فروش کالاهای مصرفی خانوار اقدام کنند. متأسفانه، به دلیل کمی منابع مالی، نبود تجربه مدیریت و بازرگانی در جامعه روستایی و ضعف مدیریتی و با تغییرات اساسنامه صندوقها، وظایف آنها در حد پرداخت وام به روستاییان محدود گردید (← تعاونی در ایران).

کتاب‌شناسی:

- ابولحم، عبدالحمید. حقوق اداری. جلد یکم، سازمانهای اداری ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- آدمیت، فریدون. فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
- ازکیا، مصطفی. شرکت سهامی زراعی درگزین (همدان). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- ازکیا، مصطفی. «مراکز خدمات کشاورزی به‌مثابه الگوی توسعه روستایی»، ناسه علوم اجتماعی. شماره ۲، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

رسید. با تصویب این مقررات در کنار قانون تشکیلات شورای اسلامی کشوری، زمینه‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری و تحقق نهاد جدید مهمی در جامعه روستایی کشور تکمیل شد. به‌طورکلی، دهیاری سازمانی است که بخشهایی از مدیریت محلی روستا را برعهده دارد و ظاهراً نهادی مستقل است که به اتکای مشارکتهای اهالی روستا، در چارچوب مدیریت محلی فعالیت می‌کند (← دهیاری).

مرکز خدمات کشاورزی

این مراکز با تصویب قانون مورخ ۱۳۵۹/۳/۱۴ش توسط شورای انقلاب و تصویب آئین‌نامه اجرایی آن در ۱۳۶۰ش توسط هیئت وزیران، در مراکز دهستان ایجاد گردیدند. هدف از ایجاد این مراکز، توسعه فعالیتهای کشاورزی روستایی از طریق عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی و ترویجی و همچنین، تهیه وسایل، لوازم و نهاده‌های کشاورزی است. این فعالیتهای به‌طورکلی، برای تحقق خودکفایی اقتصادی، قطع وابستگی و تأمین قسط و عدل اسلامی صورت می‌گیرد.

در طرح اولیه ایجاد و راه‌اندازی مراکز خدمات کشاورزی، اهداف گوناگونی در زمینه‌های آب، خاک و زراعت، ماشین‌آلات کشاورزی، و دام و طیور، آموزش و ترویج و خدمات عمومی در نظر گرفته شده بود. در اواخر دهه ۱۳۶۰ش، با تقسیم وظایف میان وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی، قسمتی از این اهداف، از جمله دام و طیور، به جهاد سازندگی منتقل شد. به نظر می‌رسد، با ادغام این ۲ وزارتخانه در وزارت جهاد کشاورزی و یکپارچه‌شدن وظایف مربوط به بخش کشاورزی در یک وزارتخانه، باید مجدداً نوعی یکپارچه‌سازی وظایف مربوط به بخش کشاورزی را در سطح دهستان شاهد باشیم. براساس اطلاعات موجود، حدود ۳۷،۰۰۰ روستا تحت پوشش این مراکز قرار دارند. مراکز خدمات یکی از مهم‌ترین مراجع رفع نیازهای کشاورزان در محدوده دهستان بشمار می‌رود و با اعضاء شورای اسلامی روستایی و روستاهای تحت پوشش ارتباط مستمر دارند. از

مردمسالاری

به این ترتیب، مردمسالاری یعنی حکمروایی مردم. با این حال، مفهوم مردمسالاری ابهامات بسیاری در خود دارد و از هر ۲ جزء این ترکیب، یعنی مردم و حکمروایی، تفسیرهای گوناگونی شده است.

بحث نظری دربارهٔ مردمسالاری ابعاد گوناگون و دامنهٔ وسیعی دارد. با این حال، پیدایش انواعی از نظامهای مردمسالاری پیشینه‌ای طولانی‌تری از بحثهای نظری در باب منشأ یا فایده آن دارد. نخستین شکلهای اجتماعات بشری به صورت طایفه، قبیله، اتحادیه‌های طایفه‌ای، دولت‌شهرها و حتی نخستین شهریارها، عناصر قابل توجهی از شیوه مردمسالاری را در خود داشتند. پس از شکل‌گیری امپراتوریها، عناصر مشارکت مردمی در امور حکومتی به شدت نزول کرد.

مردمسالاری به لحاظ نظری، از خاستگاههای مختلفی سرچشمه گرفته است. مهم‌ترین این خاستگاهها به قرار زیر است:

• اندیشه جمهوریت در نظریه سیاسی ارسطو و متفکرین قرن ۱۴ و ۱۵م (مرسیله، ماکیاولی) در دولت-شهرهای ایتالیا؛

• اندیشه برابری انسانها در دینهای بزرگ (مسیحیت، اسلام)، فلسفه رواقی و حقوق طبیعی مدرن (هلوسوس)؛

• اندیشه آزادی، عرفی‌گرایی و عقلانیت برخاسته از رنسانس، اصلاحات دینی، نهضت علمی و عصر روشنگری؛

• نظریه قرارداد اجتماعی، صناعی بودن دولت در فلسفه توماس هابز و جان لاک؛

• نظریه مصلحت‌گرایی و اصالت سودمندی در فلسفه سیاسی بتهام و استوارت میل؛ و

• نظریه اصالت عقل در اندیشه‌های ژان ژاک روسو، ایمانوئل کانت و فریدریش هگل.

مجموعه این جریانهای فکری و فرهنگی گنجینه بزرگی از منابع فکری و نظری در توجیه ضرورت و مطلوبیت مردمسالاری پدید آوردند. این منابع فکری، فرهنگی و نظری، به همراه جنبشهای اجتماعی گوناگون، مثل جنبش طبقات متوسط اروپا (بورژوازی) در سده‌های ۱۷ و ۱۸م و

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. چاپهای پنجم و ششم، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸.

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.

- انصاری، حمید. *پژوهش در تعاونیهای روستایی ایران*. مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شاهنگ شهریار، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۱.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی ده در ایران*. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستای ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.

- صبوری کاشانی، منوچهر. *جنبه‌های اجتماعی عمران منطقه‌ای - نقش ده در تصمیم‌گیری و... مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- طالب، مهدی و عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی - ابعاد تغییر در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- فوران، جان. *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سدهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۹.

- *ماهنامه دهیارها*، سال اول، شماره ۱، خرداد و تیر ماه ۱۳۸۲.

- نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ اول، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۹.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ اول، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

مصطفی ازکیا

مردمسالاری

Democracy

مردمسالاری نظامی حکومتی است که در آن افراد به‌طور برابر، از حق شرکت در اداره جامعه، از جمله تصویب قوانین و تعیین خط‌مشی همگانی، برخوردارند.

جنبش طبقه کارگر در نیمه اول سده ۱۹م، نظامهای مردمسالار را یکی پس از دیگری در اروپا پدید آوردند. این نظامها در سده ۲۰م، به‌ویژه در نیمه دوم آن به شکل‌های گوناگون و با کیفیاتی متفاوت به سایر نقاط جهان انتقال یافتند.

مردمسالاری انواع گوناگونی دارد. در وهله نخست، مردمسالاری را می‌توان به مردمسالاری مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. مردمسالاریهایی که اکنون در پهنه جهان وجود دارند، از نوع مردمسالاریهای غیرمستقیم یا مردمسالاری نمایندگی هستند. نخستین شکل‌های مردمسالاری، از جمله مردمسالاری در یونان باستان، از نوع مردمسالاری مستقیم بود؛ برای مثال در دولت-شهر آتن مردم، یا به سخن بهتر، شهروندان، یعنی کسانی که از حقوق مشارکت سیاسی بهره‌مند بودند، به‌طور مستقیم در فرایند قانونگذاری و تصمیم‌سازی سیاسی و فراتر از آن، حتی در امور قضایی و اجرایی شرکت می‌کردند. کوچک بودن این دولت-شهرها و کم‌شمار بودن شهروندان آنها، امکان مشارکت مستقیم را فراهم می‌ساخت. برای نمونه، تعداد شهروندان آتن حدود ۳۰،۰۰۰ نفر بود. از جمعیت ۴۰۰،۰۰۰ نفری آتن، تنها این ۳۰،۰۰۰ نفر بودند که شهروند محسوب می‌شدند و در اداره دولت-شهر مشارکت داشتند. بردگان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند و همچنین زنان و بیگانگان مهاجر که در آتن مقیم بودند، حق مشارکت در امور را نداشتند.

مردمسالاری نمایندگی در دولت-ملتهای عصر مدرن پدیدار شد و رشد کرد. مردمسالاری نمایندگی هم محصول تحولات تاریخی بود و هم با ساخت سیاسی دولت-ملت، واحدهایی بزرگ با جمعیت زیاد، تناسب بیشتری داشت. مردمسالاریهای مدرن به‌لحاظ تاریخی، به‌دنبال زوال نظام فئودالی در اروپا، رشد طبقات متوسط شهری و تقاضای آنها برای آزادی و حق مشارکت سیاسی شکل گرفتند. تبلور این فرایند، شکل‌گیری نظامهای لیبرال-دموکرات بود. در این نظامها در آغاز، حق رأی همگانی بسط نیافته بود؛

همگانی شدن حقوق مشارکت، فرایندی بود که به‌تدریج صورت گرفت. جنبشهای کارگری در نیمه اول سده ۱۹م، حق رأی را در میان مردان همگانی کرد. در نیمه اول سده ۲۰م، زنان نیز در مردمسالاریهای اروپایی و امریکا از حق رأی بهره‌مند شدند. به‌این‌ترتیب، در مردمسالاریهای نمایندگی حق رأی همگانی نهادینه شد.

در مردمسالاری نمایندگی به‌جای مردم، نمایندگان منتخب آنها کار تصمیم‌سازیهای سیاسی، قانونگذاری و اداره امور همگانی را انجام می‌دهند. در این مردمسالاریها مردم به‌نگام تأسیس نظام، در ساختمان آن مشارکت دارند، ولی بعد از تأسیس نظام، کار حکمروایی را از طریق نمایندگان خود در مجلسهای قانونگذاری و انتخاب مسئولان درجه اول مجریه انجام می‌دهند. این نوع نظام مردمسالاری از دیرباز منتقدانی داشته است. منتقدان این نوع مردمسالاری را نوع ضعیف یا رقیقی از مردمسالاری بشمار می‌آورند؛ زیرا در آن مردم حق حاکمیت خود را تنها به‌شکل منفعل حفظ می‌کنند. در این شکل که شیوه رایج لیبرال-دموکراسیهای امروزی، است مردم به‌طور دوره‌ای در انتخابات شرکت می‌کنند و حکومت‌گران را برمی‌گزینند و آنگاه کارهای تصمیم‌سازی را به آنها می‌سپارند و خود به حوزه خصوصی زندگی عقب‌نشینی می‌کنند. با این‌حال، نظریه‌پردازان لیبرال این واقعیت را از معایب مردمسالاریهای نمایندگی بشمار نمی‌آورند، بلکه از محاسن آن محسوب می‌کنند. به نظر آنها، مشارکت گسترده مردم در امور حکومتی، از میزان کاربرد عقلانیت در پیشبرد امور می‌کاهد. از دید آنها بهتر آن است که به‌جای توده‌های نامتخصص، نخبگان متخصص در تصمیم‌گیریهای سیاسی دخالت داشته باشند و توده‌ها از طریق انتخابات و آراء خود، نخبگان سیاسی را مهار کنند.

مردمسالاری مشارکتی

مردمسالاری مشارکتی معطوف به شکل‌هایی از نظام مردمسالاری است که در آن مشارکت مردم تا حد ممکن به‌صورت مستقیم باشد و مردم، نه به‌طور منفعل، بلکه به‌طور فعال در حکمروایی شرکت داشته باشند. در ابعاد

مردمسالاری نمایندگی

مردمسالاری نمایندگی در دولت-ملتهای عصر مدرن پدیدار شد و رشد کرد. مردمسالاری نمایندگی هم محصول تحولات تاریخی بود و هم با ساخت سیاسی دولت-ملت، واحدهایی بزرگ با جمعیت زیاد، تناسب بیشتری داشت. مردمسالاریهای مدرن به‌لحاظ تاریخی، به‌دنبال زوال نظام فئودالی در اروپا، رشد طبقات متوسط شهری و تقاضای آنها برای آزادی و حق مشارکت سیاسی شکل گرفتند. تبلور این فرایند، شکل‌گیری نظامهای لیبرال-دموکرات بود. در این نظامها در آغاز، حق رأی همگانی بسط نیافته بود؛

نظری، مردمسالاری مشارکتی مبتنی بر این اعتقاد است که مشارکت در امور سیاسی تنها یک حق نیست، بلکه از لوازم خودشکوفایی شهروندان و پرورش فضیلت مدنی است. ژان ژاک روسو، ایمانوئل کانت و هگل از مدافعان این نوع مردمسالاری بودند. ژان ژاک روسو معتقد است که حکومت مردمسالاری تجلی اراده عمومی است و اراده را نمی‌توان به نمایندگی سپرد. البته مردمسالاری مشارکتی، در شکل مطلوب خود، در واحدهای کوچک سیاسی با شهروندانی کم‌شمار و مسئول امکان‌پذیر است. حکومت‌های شهری و جمهوریهای روستایی در سوئیس، هلند، آلمان و ایتالیای سده ۱۸م از این نوع بودند.

برخی نظریه‌پردازان راههایی را پیشنهاد کرده‌اند که به واسطه آن بتوان مردمسالاری مشارکتی و مستقیم را با شرایط دولت-ملتهای بزرگ امروزی تطبیق داد. برای نمونه، مارکس به صورت نظری، ساختاری هر می از نمایندگی و انتخابات را پیشنهاد می‌کرد که در آن شهروندان به صورت سطوح چندگانه، شامل اجتماعات کوچک محلی، ناحیه‌ای و ملی تقسیم می‌شدند و هریک از آنها هم نمایندگان محلی و ناحیه‌ای خود را انتخاب می‌کردند و هم در انتخاب نمایندگان در سطوح بالاتر و ملی مشارکت داشتند. به این ترتیب، نمایندگان در هریک از سطوح محلی، ناحیه‌ای و ملی، در مقابل انتخاب کنندگان به‌طور مستقیم پاسخگو بودند و امور حیظه صلاحیت خود را با نظارت مردم انجام می‌دادند. بعد از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷م) در شوروی، با الهام از این نظر، نوعی مردمسالاری شورایی طرح شد که در آن شوراهای روستایی، بخش، شهرستان، جمهوری و شورای سراسری را به‌طور مستقیم مردم انتخاب می‌کردند و ضمن داشتن اختیارات وسیع در مقابل مردم محل، مسئول و در هر زمان قابل عزل بودند. این شوراهای قرار بود که به آرمان مردمسالاری مستقیم و مشارکتی در جوامع بزرگ شکل اجرایی بدهند، البته، در عمل، سیطره حزب کمونیست بر همه ارکان جامعه، این شوراهای را از مفهوم اصلی خود دور ساخت.

مردمسالاری گفتگویی

مردمسالاری گفتگویی که هنوز در عرصه نظر مطرح است، با نقد مردمسالاری لیبرال آغاز می‌شود. نکته اصلی نقد مردمسالاری لیبرال، از دیدگاه طرفداران مردمسالاری گفتگویی، این است که بنا به فرض رایج در مردمسالاری لیبرال، شهروندان آحادی هستند که رجحانهای ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای دارند و مشارکت سیاسی آنها برای پیشبرد این رجحانها یا منافع، با استفاده از نهادها و رویه‌های مردمسالارانه، همچون انتخابات و مجلس، امکان‌پذیر است. نهادها و روشهای مردمسالارانه نیز، برحسب دیدگاه طرفداران مردمسالاری لیبرالی، رسیدن به اصل مهم‌ترین رجحانهای بیشتری افراد است. طرفداران مردمسالاری گفتگویی این روش را برای نظام مردمسالاری

تلاشهای دیگری نیز برای اصلاح نظامهای مردمسالاری نمایندگی، به صورت آمیزش آن با عناصری از مشارکت

سوسیالیسم دست یافت؟ حزب سوسیال-دموکرات آلمان به این پرسش پاسخ مثبت داد. در مقابل، در حزب سوسیال-دموکرات روسیه بر سر این مسئله شکاف ایجاد شد، به گونه‌ای که به ۲ شاخه بلشویک و منشویک تقسیم گردید. بلشویکها به این پرسش پاسخ منفی دادند و اعلام کردند که بدون سرنگونی دولت نمی‌توان به هدفهای سوسیالیستی رسید.

سوسیال-دموکراسی در زمان حاضر با نفی راه انقلابی برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی و قبول راه مسالمت‌آمیز و سیاسی، متضمن احترام به نظام موجود دولتی و ایجاد چنین تغییراتی شناخته می‌شود.

شبه مردمسالاری

اگر شکل‌های مردمسالاری را روی یک پیوستار، از مردمسالاریهای غنی و پررنگ تا مردمسالاریهای رقیق، تقسیم‌بندی کنیم، به دسته‌ای برمی‌خوریم که به لحاظ کم‌رنگ بودن و جوه آن، شبه مردمسالاری خوانده می‌شوند. این رژیمها آنهایی هستند که ترجیح می‌دهند مردمسالار خوانده شوند، زیرا این صفت ظاهراً در مناسبات جهانی برای آنها احترام و در داخل کشور مشروعیت به همراه دارد. در نظامهای شبه مردمسالار و جوهی از قبیل تعدد احزاب و انتخابات رقابتی وجود دارد، نامزدهای حزبهای مخالف دولت در انتخابات شرکت می‌کنند و گاهی حتی به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شوند. با این حال، این نظامها با برخی از شرایط شالوده‌ای مردمسالاری انطباق ندارند. از جمله این شروط، اصل نامشخص بودن نتایج انتخابات پیش از اتمام انتخابات و شمارش آراست. نبود این شرایط به این معنی است که حزب حاکم به رغم نظر مردم، همچنان خود را در قدرت نگاه می‌دارد. دیگر اینکه حزب حاکم قادر است با تقلب در انتخابات، نتیجه انتخابات را مهار و به میل خود دگرگون سازد. مسئله دیگر این است که حزبی که در قدرت قرار می‌گیرد، مانع قدرت حزب رقیب می‌شود. وجود چنین وضعیتی، معنای مردمسالاری را از آن نظام می‌گیرد، زیرا امکان جابه‌جایی قدرت از نیازهای اساسی مردمسالاری است.

کافی نمی‌دانند. آنها استدلال می‌کنند که فرایندهای مردمسالارانه باید به مردم امکان دهد، هم در مسائل خاص، از جمله مسائل جاری و هم درباره‌ی اساس نظام و قواعد آن، به گفتگو، بحث، استدلال، اقناع و تلاش برای رسیدن به اجماع بپردازند. چه بسا که در این گفتگوها نظر شهروندان درباره منافع خود و نیز رجحانهای پیشین عوض شود و بتوانند به نظر واحدی درباره خیر مشترک برسند. البته، در صورت حاصل نشدن اجماع، می‌توان به رأی‌گیری اقدام کرد و رأی اکثریت را برای تصمیم‌گیری ملاک قرار داد.

سوسیال-دموکراسی

سوسیال-دموکراسی بیش از آنکه شکلی از مردمسالاری باشد، تعبیری از مضمون اصلی مردمسالاری است. سوسیال-دموکراسی به معنی جستجوی هدفهای سوسیالیستی با ابزار مردمسالارانه است. برخی از تحلیل‌گران، سوسیال-دموکراسی را نه یک آموزه سیاسی که یک جنبش به حساب می‌آورند. سوسیال-دموکراسی در تجربه تاریخی، بیشتر تلاش برای کسب و حفظ یک اکثریت در رقابتهای سیاسی برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی و نهادهای اجتماعی به منظور مقابله با بی‌عدالتیها و کاستن از نابرابریها بوده است. این وجه از سوسیال-دموکراسی مرزهای آن را، از یکسو، با اقتصاد آزاد و از سوی دیگر، با آموزه‌های جامعه‌گرایی انقلابی مشخص می‌کند. هدفها و برنامه‌های سوسیال-دموکراسی، در میانه راه بین سرمایه‌داری بی‌لجام و سوسیالیسم دولتی قرار داشته است. البته سوسیال-دموکراسی در دوره نخست پیدایش و فعالیت خود، بسیار رادیکال‌تر بود و در راستای دفاع از منافع طبقه کارگر و قشرهای محروم، مدعی دگرگونی کامل حیات اجتماعی جامعه بود. حزب سوسیال-دموکرات آلمان که نیرومندترین و شناخته شده‌ترین احزاب سوسیال-دموکرات بود، با چنین گرایشی مشخص می‌شد.

پرسشی که احزاب سوسیالیست-رادیکال مطرح می‌کنند، این است که آیا می‌توان از طریق عمل پرولتاریا در چارچوب اقدامات مسالمت‌آمیز و قانونی و با بهره‌گیری از شیوه معمول در مردمسالاریها، به دگرگونیهای مورد نظر

مردمسالاری شهری

Urban Democracy

مردمسالاری یا دموکراسی سابقه‌ای کهن دارد. ارسطو در کتاب سیاست خود، گرچه در مجموعه‌ای پرتناقض به لحاظ آرمانی حکومت اشراف یا نجبا را برتر می‌شمارد، اما یافتن اشراف یا نجبایی که بتوانند پدید آورنده نظامی اریستوکراتیک باشند و صرفاً خیر عمومی را دنبال کنند، کاری سخت معرفی می‌کند. از این رو، حکومتی بر پایه اراده شهروندان و انتخاب شده توسط آنان به نام حکومت پولیتی (جمهوری) تجویز می‌کند. البته او در ترسیم چنین حکومتی نه تنها بردگان، بلکه زنان، و مهاجران بیگانه (غیر یونانی) را کنار می‌گذارد. ارسطو کتاب چهارم از مجموعه سیاست، بیش از سایر بخشها به مردمسالاری پرداخته است. در این بخش ضمن مقایسه انواع مردمسالاری، الیگارش و استبداد، حکومت طبقه متوسط را در شرایط عادی و در حالتی که اریستوکراسی ممکن نیست، بهترین شکل حکومت معرفی می‌کند.

از نظر بسیاری از متفکران، مردمسالاری همان مردمسالاری نمایندگی است. در این شکل از مردمسالاری (← مردمسالاری)، شهروندان با رأی خود نمایندگانی را برمی‌گزینند، تا آنان امور جامعه را در دست گیرند.

ارسطو برای آنکه انتخاب افراد با آگاهی و شناخت رویاروی و نزدیک انجام شود، برای جمعیت پولیس حدی قائل بود. او معتقد بود، با رسیدن جمعیت هر پولیس به حدی معین، باید پولیس جدیدی به عنوان نوشهر ساخته شود، تا آشنایی نزدیک و رویاروی در گزینش نمایندگان رعایت شود. در پولیس آتن و پولیسهای رومی اکثریت مسئولیتهای انتخابی یکساله و در موارد معدودی - با فاصله زمانی - حق انتخاب شدن دوباره برای یک شغل در نظر گرفته شده بود، تا افراد به مدت طولانی عهده‌دار شغلی

در میان انواع مردمسالاری، مردمسالاری مشارکتی متضمن توازن اخلاقی مناسب‌تری بین انسان و محیط است، زیرا در این نوع مردمسالاری مردم به نحو مستقیم در تصمیم‌سازیه‌ها مشارکت دارند. با این حال، آنجا که مسئله حفاظت از محیط زیست مطرح می‌شود، برخی از تحلیل‌گران که با گرایش نوه‌بیزی مشخص می‌شوند، معتقدند که انسانهای طبعاً خودخواه را تنها با مناسبات متقابل پذیرفته شده قهری می‌توان به حفاظت از محیط واداشت. این تحلیل‌گران معتقدند، که برای نگه‌داشتن جامعه در محدوده رشد پایدار، باید به حافظان محیط زیست اختیارات بیشتری داد. /حزاب سبز استدلال می‌کنند که نمی‌توان انتظار داشت، رژیمهای اقتدارطلب به حفاظت محیط زیست و پایداری آن اهمیت زیادی بدهند. آنها معتقدند، با اضافه کردن عرصه مشارکتی به لیبرال-دموکراسی می‌توان مسئله پایداری را مورد توجه بیشتری قرار داد.

کتاب‌شناسی:

- Bernstein. *Evolutionary Socialism*. New York: Schocken, ۱۹۶۱.
- Campble, A. and Right T. (eds). *The New Social Democracy*. Oxford: Blackwell, ۱۹۹۹.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London & New York: Routledge, ۲۰۰۵.
- Clark (ed). *Encyclopedia of Democratic Thought*. London: Routledge, ۲۰۰۱.
- Huntington, S. *The Third Wave: Democratization in the later Twentieth Century*. Oclahoma: Oclahoma University Press, ۱۹۹۱.
- Pateman, C. *Participation and Democratic Theory*. Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۷۴.
- Schumpeter, J. *Capitalism, Socialism and Democracy*. New York: Harper, ۱۹۹۱.

می‌شود، از جمله دخالت‌های حداقلی بشمار می‌روند؛ اما در معنای حداکثری، مردمسالاری شهری در واقع جزئی از مردمسالاری مشارکتی است که می‌کوشد تا در فرایندی از بالا به پایین و با گرایش به عدم تمرکز، شهروندان را در تمام فرایندهای تصمیم‌گیری، اجراء، ارزیابی، نظارت و بازبینی، به‌ویژه در عرصه‌های شهری، دخالت دهد و مجموعه‌ای گسترده از نهادهای مردم‌بنیاد و مردم‌محور، مانند شوراهای را درگیر تمام امور جامعه نماید تا به این شیوه نارسائیهای مردمسالاری لیبرال یا مردمسالاری نمایندگی را برطرف سازد. با وقوع جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصادی، به‌ویژه شاخه‌ای از جهانی‌سازی که به مدل اجماع واشینگتنی موسوم است، نقش مردم و دولتها به‌طور روزافزونی کاهش می‌یابد و نقش اقتصاد به رهبری سازمانهای عظیم مالی و شرکتها یا در واقع، امپراتوریهای فراملیتی افزایش پیدا می‌کند. شهروندان به مصرف‌کنندگان و مشتری تقلیل داده می‌شوند. در چنین حالتی، نقد جهانی‌سازی نئومحافظه‌کارانه الزامی بود. مسائلی چون قطبی شدن جوامع (ثروت بیکران در یکسو و فقر بیکران در سوی دیگر)، یکسان‌سازی قهری، نابودی تنوع و متفاوت بودن، خردگرایی ابزاری تا سرحد خودبینی صرف و خودخواهی، بیگانه ستیزی، تقلب، جرم و بزهکاری و در یک کلام، به اوج رسیدن پریشان‌حالی جوامع یا آنومیک شدن شرایط، برای چنین نقدی بازاری گرم پدید آورده است. البته بی‌انصافی است، به توانمندیهای کم‌نظیر حاصل از تحولات انقلاب الکترونیک و جهانی‌سازی، اشاره نکنیم، اما چنین امکاناتی در سیطره نظام قدرت و شرایط نابرابر مطرح است و دستیابی به آنها نیز مشروط گشته است.

برای فایق آمدن بر این مشکلات، چاره کار مردمسالاری شهری به‌مثابه وجهی از مردمسالاری مشارکتی است. این‌گونه مردمسالاری به مشارکت شهروندان در امور زندگی محل زندگی خود محدود نمی‌شود، بلکه مردمسالاری شهری خواهان جامعه‌ای است که فرایند تصمیم‌گیری را مستقیماً به شهروندان محول سازد و تمامی امور از بودجه‌ریزی، کنترل و تخصیص منابع، طراحی الگوها و راهبردها، پروژه‌ها و برنامه‌ها، تا اجراء، نظارت،

نباشند و گروه منافعی در کنار آنان شکل نگیرد.

این بحث ارزشمند کهن، با آشکار شدن محدودیتهای مردمسالاری نمایندگی، مطرح شده است. از ایرادهای این روش این است که در شهرهای بزرگ و در سطح ملی، رسانه‌های جمعی تنها وسیله معرفی داوطلبان است. از سوی دیگر، دسترسی به رسانه‌ها، به‌ویژه در سطح ملی، هزینه‌های هنگفتی دارد. در نتیجه، تنها داوطلبانی شانس انتخاب شدن را خواهند داشت که امکان پرداخت این هزینه‌ها را داشته باشند؛ البته، این امر با جوهر مردمسالاری در تضاد است. در مقابل، عده‌ای پاسخ می‌دهند که معمولاً قوه مقننه در بسیاری کشورها متشکل از نمایندگان منتخب مردم محلی (شهر و روستا) است. با وجود چنین پاسخهایی، مشکلات مردمسالاری لیبرال سبب شکل‌گیری و رواج سایر انواع مردمسالاری شده است که مردمسالاری مشارکتی، مردمسالاری اجتماعی و مردمسالاری رادیکال از آن جمله‌اند. در عین حال، این ادعا نیز مطرح است که در سرمایه‌داری لیبرال نیز می‌توان دموکراسی محلی یا شهری را حفظ نمود. بدین معنا که مردم محلی چه از طریق انتخاب نمایندگانی برای نهادهای محلی، مانند انواع شوراهای و چه به‌صورت مستقیم، می‌توانند در مورد برخی از امور محلی تصمیم‌گیری کنند. مردمسالاری اجتماعی گرچه از دخالت دولت در ارائه خدمات گسترده اجتماعی، مانند انواع یارانه‌ها دفاع می‌کند، اما آن را در تضاد با مشارکت شهروندان در امور محلی خود نمی‌داند. مردمسالاری رادیکال، تشکیل نظامی مبتنی بر تفاوتها و تضادها را که در لوای انسجام ظاهری مردمسالاری لیبرال نادیده گرفته می‌شود، هدف خود قرار داده است و با فعال‌سازی این تفاوتها و شکل‌دهی به جنبشهای اجتماعی بر پایه هویت‌های متکثر، زمینه دستیابی افراد در حاشیه مانده را به حقوق خود گسترش می‌دهد.

به هر تقدیر، مردمسالاری شهری دارای ۲ حالت یا ۲ شکل است. در حالت اول که شرایط حداقلی نام دارد، شهروندان به مشارکت در امور شهری در قالب مردمسالاری نمایندگی یا دموکراسی لیبرال فراخوانده می‌شوند. فعالیتهای محله‌ای گسترده که اکنون در بسیاری از جوامع غربی انجام

مرکز- پیرامون، مدل

حاشیه یا پیرامون قلمداد می‌گردند. سازوکارهای حاکم بر نوع روابط و مناسبات جاری میان این ۲ دسته کشورها، شالوده اصلی توسعه نیافتگی بشمار می‌رود.

مدل مرکز- پیرامون در بسیاری از منابع با نام جان فریدمن همراه است. فریدمن این مدل ارتباطی را در ۱۹۶۶م با تأکید بر جنبه‌های فضایی و به‌عنوان دومین مرحله از مراحل چهارگانه توسعه اقتصادی- فضایی معرفی کرد. در نظریه فریدمن، مرکز به‌مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه‌ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و نیز کانون توسعه بشمار می‌آید و در مقابل، پیرامون، به‌مثابه فراهم‌کننده منابع تأمین نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته دارد.

ویژگیهای اساسی مدل مرکز- پیرامون به شرح زیر است:

- رابطه مرکز- پیرامون از نوع مناسبات سلطه است، ساختار قطبی این روابط با جریان جابه‌جایی عوامل اصلی تولید، نیروی انسانی، منابع، مواد خام، سرمایه و مانند آن، از پیرامون یا حاشیه به مرکز پدیدار می‌گردد؛

- با دوام روابط و بقای تقسیم کار فضایی سنتی بین شهر و روستا، و تا هنگامی که روستا تولیدکننده صرف مواد خام و محصولات کشاورزی است، مبادله تجاری به نفع مرکز دوام خواهد یافت؛ و

- با ادامه این روابط، نابرابریهای فضایی افزایش می‌یابند و زمینه‌ساز تقاضا برای برخورداری بیشتر پیرامون می‌شود. در پی آن، تحولات از مرکز به سوی پیرامون تسری می‌یابند و سبب توازن نسبی پیرامون با مرکز و نهایتاً، کل فضای منطقه‌ای و ملی می‌گردد.

بدینسان، کانونهای شهری در این مدل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نه تنها به‌عنوان عامل وحدت‌بخش فضایی عمل می‌کنند، بلکه کانون به جریان انداختن نوآوری، اطلاعات، فناوری، مدیریت و توسعه بشمار می‌روند.

فریدمن تحقق فرایند توسعه اقتصاد فضا را در ۴ مرحله فرض می‌کرد؛ این ۴ مرحله عبارتند از:

- **مرحله جامعه ماقبل صنعتی و اقتصاد محلی.** در این مرحله، سکونتگاهها، از جمله شهرها، هنوز سازمان فضایی

ارزیابی و بازبینی آنها، همگی به شهروندان سپرده شود و دولت، اجتماع کارشناسان و اندیشمندان، همگی به تسهیل‌گر بدل شوند. بدیهی است رمز موفقیت چنین نظامی، آموزش دائمی، توانمندسازی و از همه مهم‌تر، توانمندسازی شهروندان است.

کتابشناسی:

- زیر نظر لیست سیمور. *دایرةالمعارف دموکراسی*. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

- Finley, M. *Democracy Ancient and Modern*. London: Chatto and Windus, ۱۹۷۳.

- Lipset, S. *Political Man: The Social Bases of Politics*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, ۱۹۸۱.

- Saffell, D. *State and Local Government*. New York: McGraw-Hill, ۱۹۹۳.

پرویز پیران

مرکز- پیرامون، مدل

Core-Periphery Model

مدلی برای تبیین نحوه پراکنش فضایی فعالیت انسانی بر مبنای توزیع ناهمگون قدرت از نظر اقتصاد، اجتماع و سیاست. اساس این مدل بر نظریه وابستگی و به‌ویژه نظریات پریش درباره توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم، با تأکید بر ابعاد فضایی رابطه مرکز با پیرامون استوار است. مطابق این مدل، ۲ جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از: مرکز، به‌عنوان کانون قدرت و سلطه- که چه بسا خود نیز زیر سلطه مرکز بزرگ‌تری باشد) و پیرامون، به‌عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی. این گونه وابستگی (←وابستگی، مدل) در نتیجه نابرابری بین مرکز و پیرامون در مبادله کالاهای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، نوآوری، رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی پدیدار می‌گردد.

به‌طورکلی و در مقیاس جهانی، در این مدل، کشورهای صنعتی به‌عنوان مرکز و کشورهای غیرصنعتی به‌عنوان

مرکز- پیرامون، مدل

تولید الزاماً نامتمرکز نخواهد بود. براین اساس، مراحل دوم و سوم مدل فریدمن و رهنمودهای احتمالی آن در توسعه منطقه‌ای مطمئناً به مبادله نابرابری میان مرکز و پیرامون منجر خواهد شد.

مدل مرکز- پیرامون به‌عنوان مدلی برای بررسی نحوه سازمان‌پذیری فضای فعالیت انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاسهای متفاوت (ملی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای) نیز قابل بررسی است. در همین ارتباط، و در تبیین روابط شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیت‌های اقتصادی (عمدتاً صنعتی- تجاری) به‌عنوان مرکز و حوزه‌های روستایی پیرامونی به‌عنوان حاشیه/ پیرامون مطرح می‌شوند. این روابط نابرابر در بسیاری موارد، با اتخاذ رهنمودهای خاص اقتصادی- تجاری که به نفع مرکز تمام می‌شود، گسترش یافته، نهایتاً به مهاجرت و جاری شدن هرچه بیشتر سرمایه از حوزه‌های پیرامونی به مرکز منجر می‌شود. در مطالعات جغرافیایی امروزی، گاهی از اصطلاح فضای حاشیه‌ای استفاده می‌شود که منظور عرصه‌های روستایی در چارچوب این مدل است.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. مبانی جغرافیای روستایی. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۶.

- Dicken, P. & Lloyd, P. *Location in Space. Theoretical Perspectives in Economic Geography*. London: Harper & Row ۱۹۹۰.

- Friedmann, J. *Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela*. Cambridge, ۱۹۶۶.

- Friedmann, J. *Globalization and the Emerging Culture of Planning*. University of British Columbia, ۲۰۰۵.

عباس سعیدی

نیافته‌اند و هریک به‌صورت منفرد در سطح محلی عمل می‌کنند؛

• **مرحله شکل‌پذیری مناسبات مرکز- پیرامون.** در این مرحله، شهر کانونی پدیدار می‌گردد و سلطه اقتصادی- فضایی خود را بر پیرامون، یعنی شهرهای کوچک‌تر و محیط‌های روستایی برقرار می‌کند و موجب انتقال منابع، تولیدات و سرمایه به‌سوی خود می‌شود؛

• **پراکنش فعالیت اقتصادی.** این مرحله در مناطق حاشیه و کنترل برخی بخش‌های آنها روی می‌دهد؛ و

• **ادغام و یکپارچگی فضایی.** مطابق آن، بخش‌های گوناگون و کم‌وبیش توسعه‌یافته اقتصاد با یکدیگر رابطه متقابل برقرار می‌کنند و از طریق امکانات ارتباطی، جریان نوآوری، اطلاعات، کالاها، خدمات و مانند آن تحقق می‌یابد.

برخی کارشناسان معتقدند، این روند بیشتر موجب تضاد بین کشورها می‌گردد تا برابری آنها و در نهایت، روند توسعه اقتصادی خصلتی نابرابر می‌یابد. بنابراین، مدل مرکز- پیرامون فریدمن دارای نارسائی‌هایی است که عمدتاً از تأکید این مدل بر روابط مبادلاتی و سرشت مطلق‌جویی قدرت ناشی می‌شود؛ درحالی‌که تمرکز اجتماعی قدرت الزاماً به تمرکز فضایی منتهی نمی‌شود و توزیع قدرت ضرورتاً با پیدایش و توسعه اقتصادی یکپارچه و هماهنگ فضایی همراه نیست.

قدرت اقتصادی، ناشی از تسلط بر ابزار تولید است و ویژگی‌های خاص تاریخی آن تابع ماهیت این تسلط است. نظم و ترتیب فضایی و انتقال و تحول یک اقتصاد سرمایه‌داری در مقطع خاصی از زمان، بیش از هر چیز نتیجه الزامات انباشت است و نیز مرده‌ریگ تاریخی چشم‌اندازی است که در اثر دوره‌های پیشین این انباشت فراهم آمده است. بدینسان، توزیع فضایی فعالیت تولیدی و عدم تمرکز روند تصمیم‌سازی در جریان تولید ممکن است به ایجاد چشم‌اندازی منجر شود که ظاهراً شکل هماهنگی از سازمان فضایی را نشان می‌دهد، بدون آنکه تغییری در (مناسبات) قدرت حاصل از تسلط بر ابزار تولید به‌وجود آورد.

علاوه‌براین، در این روند موقعیت مکانی تسلط بر ابزار

مرکز تجاری شهر ← ناحیه مرکزی شهر

مرکز توسعه یکپارچه روستایی (سیرداپ)

• زمینه‌سازی برای ایجاد و گسترش شبکه اطلاعات و اشتراک اعضا در منابع اطلاعاتی.

فعالیت سیرداپ برای رسیدن به هدفهای بالا بر برنامه‌های تحقیقاتی، آموزشی، اطلاعاتی، ارتباطی و پیشبرد پروژه‌های پایلوت تأکید دارد.

فرایند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای سیرداپ از طریق ارکان این نهاد و مدیرکل آن که مسئولیت اداره کلیه امور سیرداپ را برعهده دارد، به انجام می‌رسد. این مرکز ۳ رکن دارد که عبارتند از: شورای راهبری؛ کمیته اجرایی و کمیته فنی.

شورای راهبری، مرکب از وزیران توسعه روستایی و یا کشاورزی کشورهای عضو، عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در سیرداپ است که هر ۲ سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و وظایف آن به این شرح است:

- تدوین و تصویب سیاستهای کاری سیرداپ؛
 - تصویب برنامه دوسالانه فعالیتها و بودجه سیرداپ؛ و
 - تصویب دستورالعملهای اجرایی مورد نیاز مرکز.
- کمیته اجرایی، متشکل از معاونان وزرای عضو، فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای پیشبرد مصوبات شورای راهبری و تدوین‌کننده دستور کار آن است.
- کمیته فنی سیرداپ با عضویت مدیران مؤسسات توسعه روستایی یا پژوهشی کشورهای عضو، سالانه یکبار در یکی از کشورهای عضو تشکیل جلسه می‌دهد و به مسائل زیر رسیدگی می‌کند.

- تهیه و تدوین گزارشهای فنی برای استفاده کمیته اجرایی، شورای راهبری و سایر مجامع مرتبط با سیرداپ؛
- بررسی ابعاد فنی برنامه‌ها و بودجه مرکز.

کلیه امور مربوط به دفتر مرکزی، ارتباط با کشورهای، اجرای برنامه‌ها و برگزاری اجلاسهای مختلف سیرداپ با مدیریت دبیرکل به انجام می‌رسد.

فعالیتهای سالانه مرکز در چارچوب برنامه‌های ۶ ساله تدوین و اجرا می‌شود که براساس پیشنهادات کشورهای عضو استوار است. بخشی از بودجه این مرکز با پرداخت حق عضویت سالانه اعضا تأمین می‌شود.

کتابشناسی:

مرکز توسعه یکپارچه روستایی (سیرداپ)

Center on Integrated Rural Development for Asia and the Pacific (CIRDAP)

سیرداپ- مرکز توسعه یکپارچه روستایی در آسیا و حوزه اقیانوس آرام- سازمانی منطقه‌ای است که تعدادی از کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام به‌منظور استفاده جمعی از دانش و تجربه‌های مشترک و گسترش همکاریهای متقابل در جهت توسعه یکپارچه و پایدار روستایی و فقرزدایی، تشکیل دادند. این مرکز با سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO) در ارتباط است و از حمایت تخصصی و مالی برخی سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی (NGO) (← سازمانهای غیردولتی) و بعضی کشورها بهره می‌برد. دفتر مرکزی این مرکز در بنگلادش قرار دارد و درحال حاضر، ۱۴ کشور شامل جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، بنگلادش، هند، اندونزی، جمهوری دموکراتیک خلق لائو، مالزی، میانمار، نپال، پاکستان، فیلیپین، سریلانکا، تایلند و ویتنام در آن عضویت دارند.

هدف سیرداپ/ پیشبرد امر توسعه روستایی با بهره‌گیری از همکاریهای متقابل و تبادل تجربیات به‌منظور ارتقاء شرایط زندگی مردم در کشورهای عضو است. سیرداپ می‌کوشد با طرح و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای عضو کمک کند. متناسب با رسالت و مأموریت فوق‌الذکر، اهداف اجرایی سیرداپ به این قرار است:

- بهبود بخشیدن به همکاریهای منطقه‌ای؛
- فراهم کردن زمینه توسعه سیاستهای مؤثر بر فرایند توسعه روستایی؛
- عرضه توصیه‌ها و پیشنهادات عملی و اجرایی برای توسعه روستایی و فقرزدایی؛
- کمک به توسعه منابع انسانی در کشورهای عضو؛ و

مرکز خرید شهری

به صورت بالا شهر (uptown)، وسط شهر (midtown) و پایین شهر (downtown) در آمد. از آنجا که پایین شهر منتهاتان مرکز اولیه عمده فروشی و خرده فروشی بود، کاربرد این اصطلاح به همین معنا، در این گونه مراکز سایر شهرها نیز رواج یافت. بسیاری از شهرهای بزرگ اصطلاحات مشابهی، همچون مرکز شهر (در فیلادلفیا) و لوپ (در شیکاگو) را به کار می‌برند، اما واژه داون تاون، به صورت اصطلاحی رایج، کاربرد فراگیرتری دارد.

در آغاز، شاخصه‌های اصلی این گونه مراکز خرید عبارت بود از قدرت خرید طبقه متوسط در شهرهای رو به گسترش، ایجاد شبکه خیابانهای ماشین‌رو که از یک هسته منفرد مرکزی منشعب می‌شد و فنون معماری که امکان



ساخت آسمان‌خراشها و فروشگاههای بسیار بزرگ را فراهم می‌ساخت. در آستانه سده ۲۰م، این گونه مراکز خرید در شهرهای بزرگ ایالات متحده، شامل چندین فروشگاه بسیار بزرگ بود که با فروشگاههای کوچک‌تر، شعبه‌های مرکزی بانکها، برجهای تجاری ۱۰-۲۰ طبقه، ساختمانهای دولتی،

- بهزاد نسب، جانعلی. گزارش تخصصی بیست و دومین جلسه رسمی کمیته فنی سرداب (۲۲-۱۳۸۵). دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، شهریور ۱۳۸۵.

- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. برنامه جامع همکاری با سرداب. ۱۳۸۴.

- Behzadnasab, J.A. An overview on Rural Development in I.R. of Iran ۲۲nd, Technical Committee Meeting. Indonesia: Bundung, ۲۰۰۶.

- CIRDAP. A Strategic framework for the millennium. Cirdap, ۲۰۰۶.

- Paudyal Durga, P. Rethinking Rural Development, GC ۱۴. Bangladesh, Dhaka, ۲۰۰۵.

جانعلی بهزاد نسب

مرکز خدمات کشاورزی ← مراجع محلی
(روستایی)

مرکز خرید شهری

Downtown

داون تاون به حوزه متمرکز اشتغال، خرید و تفریح در شهرهای آمریکا گفته می‌شود که از اواخر سده ۱۹ تا اواسط سده ۲۰م شکل گرفتند. این حوزه به واسطه مجموعه‌ای از بناهای بلندمرتبه، مؤسسات فرهنگی و تراکم شبکه حمل و نقل شهری (خطوط ریلی و اتوبوسرانی) مشخص می‌گردد. گرچه این اصطلاح پیشتر در مورد شهرهای ایالات متحده به کار می‌رفت، اما امروزه، به صورت پدیده‌ای رایج در شهرهای اروپایی در آمده است. نمونه‌های این پدیده در آمریکا، با وجود تفاوتی موجود از لحاظ تاریخ و نوع مدیریت اراضی، در کشورهای دیگر، از جمله کانادا، زلاندنو، بریتانیا و پرو نیز پدیدار شده است.

اصل اصطلاح داون تاون ریشه در ساختار شهر نیویورک دارد که بناهای آن در منتهاتان طی سده ۱۹م به تدریج

مرکز شهر

در آنجا متمرکز شده‌اند و معمولاً یک یا چند سامانه حمل‌ونقل سراسر شهر را به آنها مرتبط می‌سازد. مرکز شهرها از ۲ الگوی اصلی تبعیت می‌کنند: الگوی تک‌مرکزی و الگوی چندمرکزی.

الگوی تک‌مرکزی

در این الگو مرکز شهر از این لحاظ مانند نقطه مرکزی یک دایره است که توسط یک رشته خطوط شعاعی به تمام نقاط اطراف متصل می‌شود. البته باید توجه داشت که این تشبیه به این معنی نیست که لزوماً مراکز شهری در مرکز هندسی شهرها قرار می‌گیرند. مهم‌ترین عملکرد مراکز شهری فعالیت‌های تجاری، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، است که متناسب با شبکه خیابانهای مرکز شهر سامان می‌یابد.

در شهرهای باستانی ایران، ارگ یا کهندژ در نقطه مرکزی شهر قرار داشت، درحالی‌که در مرکز شهرهای بابل و اکد معبد بزرگ (زیگورات) و در مرکز شهرهای نخستین اسلامی، دارالخلافة و مسجد جامع ساخته می‌شد و بازارها پیرامون آنها شکل می‌گرفتند.

در شهرهای قدیمی ایران، بازار هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌داد. محله‌های مسکونی در پیرامون بازار قرار می‌گرفتند و به‌وسیله گذرهایی به محور بازار وصل می‌شدند. بدینسان، بازار قلب اقتصادی و اجتماعی شهرهای ایرانی بشمار می‌رفت. بازارها علاوه‌بر فعالیت تجاری، مراکز مذهبی، آموزشی و اجتماعی نیز بودند و عناصر آنها به‌شکل خاصی به پیکر اصلی شهر متصل می‌شد.

در شهرهای امروزی، مرکز اصلی شهر در کانون تلاقی راههای اصلی شهر و خیابانها و تقاطعها و میدانهای محدوده مرکزی گسترش می‌یابند. در شهرهای امروزی که دارای شبکه منظم شطرنجی هستند، شرایط مناسب‌تری از الگوی شعاعی برای گسترش مرکز شهر به‌وجود آمده است. ناحیه مرکزی شهرهای نوین را به اختصار C.B.D (ناحیه کسب‌وکار مرکزی) یا ناحیه تجاری شهر می‌خوانند. در این مراکز انواع فعالیت‌های اداری، تجاری، کارگاهی، خدماتی و تفریحی و تأسیساتی مانند بانکها، هتلها،

سینماها و تالارهای کنسرت و هتل‌های بزرگ احاطه شده بود. بسیاری از کوششهای مرتبط با برنامه‌ریزی شهری بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰م، به بهبود شبکه حمل‌ونقل و تأمین فضاهای عمومی در این‌گونه حوزه‌های متراکم و در حال گسترش اختصاص داشت. این‌گونه مراکز خرید شهری در ایالات متحد، محل زندگی اغنیا و فقرا و ضمناً بعضی از اعضای طبقه متوسط است.

در آغاز سده ۲۱م، مراکز خرید شهری در امریکا نشانگر تصویری مخلوط است. در بسیاری از شهرهای متوسط، مراکز خرید شهری در نگهداشت انبوه کاربریهای خصوصی ناکام مانده‌اند. با انتقال بسیاری از امکانات خرید و اشتغال به حومه‌ها و جابه‌جا شدن دفاتر تجاری به مراکز تجاری، این‌گونه مراکز خرید شهری تنها با حفظ ادارات دولتی و برخی جاذبه‌ها ادامه حیات می‌دهند. در شهرهای بزرگ، با وضعیت رو به رشد اقتصادی، این تصویر متفاوت است. خدمات تجاری و شغلی و صنایع اطلاعاتی که تأمین‌کننده فرصتهای همیشگی مشاغل دفتری و قدرت اقتصادی بشمار می‌روند، رونق‌خانه‌سازی در این مراکز و تأکید بر جنبه‌های فرهنگی و تفریحی، موجب رشد این‌گونه مراکز بوده است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R.W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge, ۲۰۰۵.

کارل ابوت
(عباس سعیدی)

مرکز شهر

City Center

مرکز شهرها مکانهای تمرکز یافته‌ای هستند که انواع فعالیتها و مشاغل بازرگانی و خدمات اجتماعی و عملکرد فرهنگی

مرکز شهر

گرفته‌اند، مانند بازار کتاب در مقابل دانشگاه تهران و برخی به صورت مجتمعهایی به نام مرکز خرید، سامان گرفته‌اند که انواع کالا و خدمات را عرضه می‌کنند، مانند بازار گلستان در شهرک غرب. هرچند برخی از این محورها هنوز به سطح یک مرکز بزرگ نرسیده‌اند، با این حال، تنوع و گوناگونی آنها در داخل شهر، شهروندان را از رجوع به مرکز اصلی شهر بی‌نیاز ساخته و خود به محل مراجعه مشتریان خاص از تمام سطوح کلانشهر تبدیل شده‌اند. در کلانشهرها به علت درهم آمیزی انواع مراکز خدماتی-تجاری در مقیاسهای گوناگون محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، کانونهای بزرگ جدیدی به عنوان مراکز نوین و مراکز تخصصی به وجود آمده‌اند که با مرکز اصلی شهر رقابت می‌کنند.

مراکز نوین شهری

مراکز نوین شهری در کلانشهرها گاهی به صورت فروشگاههای بزرگ و گاهی به شکل مجتمعهای متشکل از صدها مغازه و واحد تجاری-خدماتی ظاهر می‌شوند. این مراکز که به شیوه نوینی طراحی شده‌اند، همه نوع کالا از جمله پوشاک و کفش، وسایل و لوازم خانگی و اشیاء تزئینی و مواد غذایی را به بهترین وجه عرضه می‌کنند. در جوار این مراکز خرید، رستورانها و چایخانه‌ها نیز دایر است و محلهایی برای تجمع در آنها پیش‌بینی شده است. این فضاها و خدمات جانبی از جاذبه‌های این مراکز برای جلب جوانان است. این مراکز به شیوه امروزی از تسهیلات حمل‌ونقل و پارکینگ برخوردار هستند. برخی از این مراکز در محل ایستگاههای پر رفت‌وآمد قطار شهری (مترو) تأسیس می‌شوند، به شیوه‌ای که سالنهای فروشگاه و گالریهای مترو در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، تا مسافرین قطارهای شهری از آنجا خرید کنند. همین ترفند در مورد پارکینگ اتومبیلهای شخصی به کار بسته می‌شود، بدین ترتیب که ساختمان پارکینگهای طبقاتی و ساختمان فروشگاهها به گونه‌ای به همدیگر متصل می‌شوند که آسانسورها، راهروها و پله‌های برقی افراد را خودبه‌خود به بخشی از فروشگاههای بزرگ هدایت می‌کنند.

تماشاخانه‌ها و سفارتخانه‌ها در کنار یکدیگر مستقر شده‌اند. در مراکز برخی شهرها هنوز کاخها و کوشکها و خانه‌های قدیمی به جای مانده‌اند.

در بسیاری از شهرهای تاریخی مراکز جدید در جوار مراکز قدیمی رشد کرده‌اند. در برخی از شهرها مراکز جدید-جدای از مراکز قدیمی- در کانونهای ارتباطی نوین، مانند ایستگاههای قطار پدید آمده‌اند. در شهرهای ایران، الگوی اول بیشتر از الگوی دوم است. به این ترتیب، اغلب مراکز نوین شهری در خیابانها پیرامون بازار قدیمی و در فضاهای حکومتی دوره‌های گذشته شکل گرفته‌اند و آمیزه خاصی از کهنه و نو پدید آورده‌اند، مانند مرکز اصلی شهر تهران، که در خیابانهای اطراف بازار بزرگ رشد یافته و عناصر نوین خدماتی و فرهنگی، مانند موزه‌ها، و بانکها، مؤسسات مالی (در امتداد خیابان فردوسی)، سینماها، تئاترها (در امتداد خیابان لاله‌زار) و مراکز نوین خدماتی-تجاری (در امتداد خیابان خیام و ناصرخسرو) جای گرفته و به تدریج یک شبکه به هم پیوسته بسیار متراکم در مرکز شهر پدید آورده است.

الگوی چند مرکزی

در شهرهای بزرگ به علت حجم عظیم مبادلات اقتصادی و اجتماعی و تراکم شدید فعالیت و آلوده‌شدن، کارایی مرکز شهر به حداقل کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، به علت دوری راه و دشواری دسترسی به قلب شهر به وسیله اتومبیل شخصی، مراکز جدیدی در نقاط گوناگون شهر پدید می‌آیند، که هریک ویژگی عملکردی خاصی دارند. برخی مراکز جدید، محل خرید لباس، وسایل شخصی و لوازم خانگی هستند. بعضی دیگر مراکز تخصصی خدمات خاص، مانند خدمات پزشکی را عرضه می‌کنند. مرکز دیگری محل رستورانها، هتلها و گذران اوقات فراغت است. مراکز نوین فرهنگی و هنری در محلهای معین تمرکز پیدا می‌کنند و به همین ترتیب، مراکز عرضه مصالح و خدمات ساختمانی و همچنین کالا و خدمات وسایط نقلیه موتوری، در نزدیکی دروازه‌ها (ورودی) شهر مستقر می‌شوند. برخی مراکز به صورت یک کریدور خرید در یک خیابان شکل

مرکز شهر

با ملاحظه مراکز خدماتی-تجاری، به صورت سلسله مراتبی به مراکز منطقه، ناحیه، محله و واحد همسایگی تقسیم می‌شوند. بر پایه این تقسیم‌بندی نظام شهری متشکل است از تعداد زیادی واحد همسایگی که در چارچوب تعدادی محله که به نوبه خود در قالب چندین ناحیه موجود در تعدادی منطقه سازماندهی می‌شوند. هریک از این قسمتها دارای مرکزی است که باید نیازهای جمعیت حوزه خود را تأمین نماید. بر همین اساس، مرکز اصلی شهر دارای نقش شهری-فراشهری و حتی ملی و بین‌المللی است و نقش سایر مراکز در سطوح پائین تر تأمین نیازهای شهروندان در مقیاسهای گوناگون مطرح است. الگوی سلسله مراتبی مراکز شهری برحسب تقسیم‌بندی عدالت توزیعی دارای مشخصات زیر است:

مرکز منطقه. هر شهر بزرگ به تعدادی بخش یا منطقه قابل تقسیم است. هر بخش یا منطقه نیازمند مرکزی است که نیازهای عمده جمعیت حوزه خود را تأمین نماید، مانند خدمات دانشگاهی، بیمارستانی، تجاری، آموزشهای گوناگون، تفریحی و فرهنگی. هر بخش یا منطقه به طور کلی دارای جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر، یعنی به اندازه یک شهر متوسط است و بایستی در همان مقیاس شهری، پاسخگوی نیازهای این جمعیت باشد. به این ترتیب، هر شهر به تناسب وسعت به چندین بخش تقسیم می‌شود، چنان‌که شهر تهران به ۲۲ منطقه و شهر اصفهان به ۶ منطقه و شهر لندن به ۳۳ کانتی تقسیم شده‌اند.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که گفته شود، اصطلاح **منطقه** در تقسیمات درون‌شهری با تقسیمات سیاسی-عمرانی درون کشور متفاوت است؛ با این وجود، این ۲ با همدیگر اشتباه می‌شوند. در گذشته نه چندان دور، شهرداریها این تقسیمات را بخش می‌نامیدند، که واژگانی درست‌تر از منطقه بود (← منطقه).

مرکز ناحیه مسکونی. براساس تقسیمات شهرداریها، هر منطقه به تعدادی واحد کوچک‌تر به نام **ناحیه** تقسیم می‌شود که معمولاً جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر- به اندازه یک شهر کوچک- دارد. در هر ناحیه به تناسب جمعیت و وسعت یک مرکز تجاری-خدماتی شکل می‌گیرد، تا

یکی از مراکز نوین خرید که در امریکا رایج است **مال** (Mall) نامیده می‌شود. مال نوعی مرکز خرید بزرگ چند منظوره و بسیار مجهز است که به صورت سرپوشیده و پیاده‌راه طراحی شده است. مال علاوه بر مرکز خرید انواع کالاها، مرکز عرضه انواع خدمات ورزشی و تفریحی برای گذران اوقات فراغت نیز هست. این مراکز خاص شهرهای بزرگ ایالات متحد امریکاست که دارای قدرت سرمایه‌گذاری بسیار کلان است. مرکز پن در فیلادلفیا، مرکز **ویل ماری** در مونترال کانادا در این خصوص شهرت جهانی دارند. بازار سرپوشیده مال در هوستن امریکا به دلیل آب‌وهوای گرم و مرطوب این شهر چنان فضایی با تأسیسات تهویه مطبوع ایجاد کرده است که مشتریان به خاطر هواخوری و گردش و ورزش نیز سری به آنجا می‌زنند.

در شهرهای اروپایی که مراکز شهری آنها از غنای فرهنگی و اجتماعی بیشتری برخوردارند، این گونه مراکز به تازگی از نظر اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. در بعضی شهرها، خیابانها و کوچه‌های منتهی به مرکز شهر، تبدیل به بازارها یا گالریهای سرگشوده خرید شده‌اند. ورود اتومبیل به این مراکز ممنوع است. نمونه ممتاز آن، بازار شهر کلن در آلمان است که به تازگی خیابانهای منتهی به کلیسای اعظم کلن تبدیل به پیاده‌راه و بازار خرید شده است.

هماهنگی مراکز شهری قدیم و جدید در برخی از شهرها، به ویژه در شهرهای توریستی مشهور جهان، مانند پاریس، رم، فلورانس و کلن، آمیزه بسیار زیبا و جذابی را پدید آورده‌اند. برنامه‌ریزی و طراحی آگاهانه این مراکز سبب شده است که هر روز سرزنده‌تر، جذاب‌تر و پررونق‌تر شوند. یکی از ابزارهای موفقیت این مراکز شهری، ارتباط خلاق آنها با تسهیلات قطارهای شهری و دیگری زیباسازی یا به عبارتی درست‌تر، بهسازی فضاهای شهری در مراکز نوین است.

سلسله مراتب مراکز شهری

در شهرسازی نوین، شهرها برحسب تقسیم‌بندی درونی و

مرکز شهر

دارند. معیار مرکز یک واحد همسایگی یک دبستان ۱۰ کلاسه پسرانه و یک دبستان ۱۰ کلاسه دخترانه، به اضافه چند مغازه تأمین‌کننده مایحتاج، یک زمین بازی و یک فضای سبز برای قدم زدن بزرگان و بازی کودکان است. ایده اصلی واحد همسایگی بعد از پیوندهای اجتماعی، حرکت پیاده و رسیدن به مرکز آن است. (← واحد همسایگی)

مرکز شهر و شبکه ارتباطی

شهرها اغلب به تناسب شعاع دسترسی به خدمات متمرکز، به صورت یک مرکزی یا چند مرکزی شکل می‌گیرند. در الگوی تک مرکزی، تمام فعالیتهای تجاری-خدماتی و تفریحی در مرکز شهر متمرکز می‌شوند و مرکز شهر در واقع محل همگرایی راهها و شبکه دسترسیهای شهر است. در این الگو شبکه ارتباطی شهر به صورت شعاعی شکل می‌گیرند و از این رو، مرکز شهر بسیار متراکم و شلوغ است. با توسعه فناوری حمل و نقل، به ویژه استفاده از اتومبیل شخصی، شهرها روبه گسترش گذاشتند و با توجه به سهولت دسترسی به حومه‌ها، به ویژه در امتداد بزرگراهها یا ایستگاههای قطار، این سکونتگاههای جدید رشد کردند و به تدریج، از مرکز شهر فاصله بیشتری گرفتند. طی مسافت بین حومه‌ها و مادرشهر به وسیله اتوبانها، بزرگراهها و قطار شهری سرعت زیادی گرفته است. البته به تناسب بزرگ‌تر شدن شهرها، جمعیت و فعالیت و آمدوشد نیز در مرکز شهر روبه فزونی گذاشته است. به منظور دسترسی بهتر، سامانه‌های حمل و نقل همگانی، مانند اتوبوس، مترو و تراموا بهبود یافته است و در عوض تسهیلات مورد نیاز پارکینگ در مراکز شهری گسترش یافته است. توسعه فعالیتها باعث توسعه سامانه حمل و نقل و توسعه تأسیسات حمل و نقل موجب توسعه فعالیتها در مرکز یا مراکز شهری شده است.

تراکم در مرکز شهر

ناحیه مرکزی شهر به علت همگرایی راهها و سامانه‌های حمل و نقل عمومی، گره (Node) همبسته ارتباطات اصلی

نیازهای حوزه پیرامون خود را تأمین نمایند. در شهرسازی نوین معیار مرکزیت ناحیه تأمین خدمات اجتماعی تا حد یک دبیرستان پسرانه و دخترانه است، به طوری که دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی از فاصله یکسان در زمان نیم‌ساعت به مدرسه دسترسی داشته باشند.

اصطلاح ناحیه نیز مانند اصطلاح منطقه دارای کاربردهای مختلفی در سطوح مختلف است. اصطلاح ناحیه از نظر جغرافیایی مترادف یک زیرمنطقه است که یک یا چند شهرستان را دربر می‌گیرد (← ناحیه). البته این مفهوم با مفهوم ناحیه در شهر کاملاً متفاوت است. در گذشته نه چندان دور شهرداریها این قسمت از شهر را برزن می‌نامیدند که مفهومی بسیار گویا و بزرگ‌تر از کوی بود (کوی نام فارسی محله امروزی است).

مرکز محله. مرکز محله یا کوی کوچک‌ترین واحد اجتماعی در شهرهای قدیم ایران و به طور کلی، به معنی محل سکونت شهروندان است. هر محله برحسب معیارهای شهرسازی نوین، متشکل از چند واحد همسایگی است. هر محله دارای جمعیتی بین ۱۰-۱۲ هزار نفر است. محله شهرهای قدیمی ایران شامل مسجد، مدرسه، حمام و تکیه بود. جمعیت هر محله از ۱۰،۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. هر محله بزرگ دارای تعدادی زیرمحله کوچک‌تر بودند که با واحد همسایگی امروزی برابری می‌کردند. در عصر جدید، به دلیل تراکم جمعیت و گستردگی شهرها، تأمین خدمات بهداشتی، آموزشی و ورزشی را بر پایه تقسیمات محله‌ای می‌توان به نحو عادلانه‌تری توزیع کرد. از این دیدگاه، مراکز محله‌ای دارای یک مدرسه راهنمایی پسرانه، یک مدرسه راهنمایی دخترانه، یک مسجد محله‌ای و چندین مغازه برای مایحتاج عمومی به صورت یک بازارچه در مرکز محله است.

مرکز واحد همسایگی. پایگاه اصلی تقسیمات شهری نوین برای توزیع عادلانه خدمات اجتماعی و کوچک‌ترین واحد شهری، واحد همسایگی است. در واحد همسایگی ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت را در نظر می‌گیرند. واحد همسایگی اجتماعی از مردمان بیگانه‌ای است که نیاز به آشنایی چهره‌به‌چهره با همدیگر و مشارکت و همکاری اجتماعی

مرکز شهر

تخریب و به جای آنها ساختمانهای چند طبقه جدید احداث شده است. اغلب این ساختمانها از نظر فرم و شکل با بافت قدیم ناهماهنگ است.

در بخشی از مرکز شهر در ساختمانهای قدیمی، تراکم فعالیت در واحد تجاری یا تولیدی، گاهی به ۱۰-۲۰ نفر می رسد که نسبت به سطح و فضای کارگاه و یا مغازه، فوق العاده تراکم است. در ۱۳۷۳ش در بخش بازار شهر تهران، ۴۰۲ هزار نفر شاغل بودند که در ۱۳۸۳ش به ۵۲۷ هزار نفر افزایش یافت. در عوض، از جمعیت ساکن بخش مرکزی شهر تهران پیوسته کاسته می شود، به گونه ای که طی سالهای ۱۳۵۹-۱۳۸۳ تعداد واحدهای مسکونی از ۱۶۳۰ به ۶۲۹ واحد کاهش یافته است. این بدین معنا است که خانه ها تبدیل به کارگاه یا انبار شده اند. در همین دوره، میزان جمعیت محله بازار از ۳/۴٪ کل منطقه ۱۲ به ۱/۲٪ رسیده است.

سیاستهای کاهش تراکم در مرکز شهر

مراکز شهرها که امروزه در سیطره عبور و مرور اتومبیلهای شخصی و وسایط نقلیه عمومی قرار دارند، دستخوش تنگناهای شدید ترافیکی هستند. از سوی دیگر، روزبه روز بر میزان فعالیت و تعداد شاغلان مرکز شهر افزوده می شود، در حالی که به همان نسبت امکان توسعه فضایی وجود ندارد. راهکارهای گوناگون برای این مسئله در شهرهای مختلف جهان عرضه شده است:

• **جداسازی تجارت عمده فروشی از خرده فروشی.** عمده فروشی به انبارها و فضاهای بزرگ نیاز دارد، مانند میدان تره بار (میوه). علاوه بر این، نوع فعالیت در این بخش مستلزم تردد کامیونها، وانت بارها و تعداد شاغلان و مراجعان زیاد است. بنابراین، انتقال آنها، همراه با انبارها به خارج از محدوده شهر، البته با قابلیت دسترسی خوب، باعث کاهش فعالیت و تقلیل آلوده شدن در مرکز شهر می گردد.

• **انتقال کارگاههای تولیدی بزرگ و آلودگی زا به خارج از محدوده شهرها.** این اقدام موجب کاهش آلودگی و تردد شاغلان و میزان آلوده شدن در مرکز شهر خواهد شد و

شهر است. راهها در مراکز شهر به محورهای تجارتي- خدماتی بسیار متراکم و پر رفت و آمد تبدیل می شوند. بالاترین حجم آلوده شدن سواره و پیاده و وسایط نقلیه معمولاً در خیابانهای مرکز شهر اتفاق می افتد.

بر اساس یک بررسی در منطقه ۱۲ شهر تهران که قلب مرکز شهر تهران محسوب می شود، این منطقه در ۱۳۸۳ش نزدیک به ۱۸/۸٪ از کل واحدهای تجاری- تولیدی شهر تهران را در خود جای داده بود. این مقدار بیش از ۶۰٪ کل واحدهای عمده فروشی و ۱۹٪ کل واحدهای خرده فروشی شهر تهران را دربر می گرفت.

به همین نسبت نیز نظام حرکت در مرکز شهر تهران پر تراکم و شلوغ است. دشواری حرکت در منطقه مرکزی (منطقه ۱۲) و بازار شهر تهران، به دلیل تداخل مداوم فعالیتهای بارگیری و باراندازی با حرکت انبوه پیاده ها، روزبه روز متراکم تر و پیچیده تر می شود. البته دشواریهای مربوط به نفوذناپذیری راههای بافت قدیم و بازار نیز در این پیچیدگی مؤثر است. روزانه ۴۰۰ هزار نفر از مشتریان و شاغلان وارد بازار می شوند. حرکت پیاده ها در معبر بازار با عناصر مزاحمی، همچون موتور سبکلتها، کوله بارها و چرخ دستیها مواجه می شود. این عوامل باعث مزاحمتهایی برای مشتریان پیاده و آلودگی هوا و صدا در درون بازار شده است. خیابانها و پیاده روهای مرکز شهر مملو از پیادگانی است که برای خرید در آمدورفت و برای سوار شدن در انتظار به سر می برند.

به تناسب تراکم شدید فعالیت و آمدورفت تعداد بی شمار شاغلان و مراجعان، تراکم ساختمانی نیز در مرکز شهر افزایش می یابد. حجم ساختمانها نشانگر حجم عظیم سرمایه گذاری است، چنان که در برخی از شهرهای بزرگ دنیا، مانند نیویورک، شیکاگو، سیدنی و فرانکفورت، مرکز شهر با بناها و برجهای بلند شناخته می شود، در حالی که در نواحی اطراف این مراکز، ارتفاع ساختمانها یکباره کاهش می یابد.

در مرکز شهرهای ایران که با مرکز قدیمی شهر، یعنی بازار، ادغام شده است، تراکم ساختمانی به صور گوناگون رخ داده است. در بر خیابانها واحدهای کهنه و فرسوده

مرکز شهر

ممکن است بر کار و شغل و زندگی گروه وسیعی از مردم تأثیر نامطلوب داشته باشد.

توسعه فعالیتهای گوناگون گردشگری، تفریحی و پذیرایی، بهبود سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی و شبکه ارتباطات، کاهش آلودگی هوا و صدا، کاهش عبور و مرور و وسایط نقلیه خصوصی و عمومی، ایجاد پیاده‌راهها و مسیرهای دوچرخه، از جمله سیاستهای مؤثر در ارتقاء کیفیت مراکز شهری در شهرهای خوب جهان بوده است.

تحول در الگوی مراکز شهری

در سده ۲۰م، با گسترش قطار شهری و ساختن بزرگراهها الگوی آمدوشد در شهرها دگرگون شد و به‌دنبال سرعت رفت‌وآمد و گسترش پهنه‌ای شهرها، الگوی مراکز شهری نیز متحول شد و در حومه شهرهای بزرگ شهرکها و شهرهای جدید پدید آمدند. در واقع، شبکه بزرگراهها و شبکه قطارهای شهری این مجموعه پراکنده سکونتگاهها را به یکدیگر پیوند دادند و مجموعه شهری به‌صورت جدیدی شکل گرفت. ایستگاههای قطار شهری و محل تلاقی راهها در درون این مجموعه، به‌عنوان گره (Node)، محلهای مناسبی برای تشکیل مراکز تجارتي-خدماتی و یا مراکز تجارتي-تفریحی فراهم آوردند. فروشگاههای بزرگ با استقرار در این نقاط و ایجاد پارکینگهای بسیار بزرگ و مجهز، مراکز نوینی را در درون و بیرون شهرها ایجاد کردند. البته دسترسی ساکنان پیرامون شهر و درون شهر به این مراکز بسیار آسان‌تر شد. این مراکز به دلیل تجهیز تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز مشتریان، به‌سرعت توسعه‌یافته، به مراکز نوین شهری ارتقاء یافتند.

مسائل مرکز شهر

مراکز شهرها دستخوش انواع مشکلات ناشی از تراکم آمدوشد، ازدحام شاغلان و تعداد خریدکنندگانی هستند که روزبه‌روز افزایش می‌یابند. مسئله دیگر، کهنگی و فرسودگی بافتهای شهری و عناصر ساختمانی در ناحیه مرکز قدیمی شهرهاست. ساختمانهای فرسوده، کوچه‌های کم‌عرض (کمتر از ۶ متر)، تراکم فعالیتهای تولیدی و

بدینسان، فضاهاى بیشتری برای خدمات عمومی و خرده‌فروشی برجای می‌ماند.

• **جداسازی ترافیک عبوری از ترافیک محلی.** این اقدام به‌منظور روان‌سازی آمدورفت، تقلیل سروصدا و آلودگی هوا ضروری است. ترافیک عبوری به‌وسیله تونلهای زیرزمینی یا خیابانهای کمربندی درون شهری، از ترافیک مرکز شهر جدا می‌گردد.

• **ممنوعیت ترافیک.** در برخی از شهرهای بزرگ، برای تنظیم ترافیک مرکز شهر، آمدورفتهای غیرضروری در محدوده معینی از مرکز شهر، طبق ضوابط خاص، ممنوع می‌شود. بدین ترتیب، ترافیک مرکز شهر در ساعات معینی از روز کاهش می‌یابد و تنها وسایط نقلیه عمومی و ساکنان و شاغلان با مجوز خاص حق آمدورفت در خیابانهای مرکز شهر را دارند.

• **پیاده‌راه سازی.** در برخی از شهرهای بسیار خوب دنیا، محدوده مرکز شهر به کلی بر روی اتومبیلهای عمومی و خصوصی از هر نوع، (به‌جز آمبولانس و آتشنشانی، بسته می‌شود و تمام معابر و مسیرهای درون محدوده مرکز شهر به پیاده‌رو و پیاده‌راه اختصاص می‌یابد. این پیاده‌راهها را با انواع مبلمان شهری، مثل مجسمه‌ها، گلدانها و باغچه‌های زیبا، نورپردازی و زیباسازی می‌کنند تا خریدکنندگان علاوه‌بر خرید، از پیاده‌روی و گردش در مرکز شهر لذت ببرند. اتومبیلهای شخصی نیز در خیابانهای کمربندی پیرامون مرکز شهر تردد می‌کنند و در صورت نیاز از پارکینگهای طبقاتی در کناره بیرونی مرکز شهر استفاده می‌کنند، تا خریدکنندگان پیاده در مرکز شهر رفت‌وآمد کنند.

البته دسترسی آسان به مرکز شهر، چندبعدی است و نمی‌توان تنها به دسترسی مترو بسنده کرد. افراد مختلف با مقاصد متفاوت از نواحی دور و نزدیک به مرکز شهر مراجعه می‌کنند و هریک ممکن است برای استفاده از وسیله نقلیه عمومی یا خصوصی دلیل خاصی داشته باشند. نمی‌توان برخی از ضرورتها را در استفاده از اتومبیل شخصی نادیده گرفت. بی‌توجهی به این امر موجب سوق دادن خریداران به سوی مراکز خرید خاصی می‌شود که

مرکز شهر

اقتصادی مراکز شهری خواهد شد و به تدریج، این گونه مراکز بسیار با ارزش شهری به صورت بافتهای فرسوده درمی آیند. بدین ترتیب، رفته رفته ناحیه مرکزی شهر سرزندگی خود را از دست می دهد و به موزه شهری مرده ای تبدیل می شود.

بازسازی مرکز شهر

بازسازی مرکز شهر پیچیده تر از بازسازی سایر بخشهای شهر است. بالا بودن قیمت زمین، ساختمان و سرقفلی از یکسو و فعال بودن واحدهای اقتصادی از سوی دیگر، از موانع اصلی بازسازی مرکز شهر هستند.

در بافتهای تاریخی ایران، اجرای ضوابط میراث فرهنگی، نوسازی مراکز شهری را غیرممکن ساخته است. اجرای برنامه محدودۀ ترافیکی در برخی از شهرها نیز به جای نوسازی و بهسازی بافتهای مخروبه، باعث انتقال بسیاری از عملکردها به خارج از محدودۀ ترافیکی شده و به فرسودگی بیشتر بافتهای تاریخی منجر شده است. این تجربه در تهران مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نتیجه، اغلب مغازه های مدرن، هتلها و دفاتر فنی و تجاری در داخل محدوده به مرز بیرونی آن منتقل شده است.

از دیدگاه برنامه ریزی شهری نایستی به مراکز شهرها به عنوان اندامهای فرسوده و یا موزه های تاریخی نگاه کرد، بلکه مرکز شهر قلب شهرها محسوب شده و کارایی و سلامت آن موجب سرزندگی اجتماعی و رونق اقتصادی شهرها می شود. بهسازی مراکز شهرهایی همچون پاریس و اصفهان تجربیات بسیار بارزشی است که می تواند مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

کتاب شناسی:

- ابوالحسنی، مهناز. «اثر دسترسی و محدودیت دسترسی بر ساختار فضایی - کالبدی شهرها»، فصلنامه مدیریت. شماره ۱۴، ۱۳۸۲.
- سعیدنیا، احمد. «نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی»، مجموعه کتاب سبز. جلد ۴. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.
- مهندسان مشاور باوند. بهسازی، نوسازی و تجهیز بازار تهران. تهران: منطقه ۱۲ شهرداری تهران، ۱۳۸۵.

انبارداری قابلیت پذیرش عملکرد جدید در مرکز شهر را به حداقل کاهش داده است. از سوی دیگر، حفاظت از سرمایه ها و میراثهای موجود در مراکز قدیمی ایجاب می کند که بناهای با ارزش و بافتهای با ارزش شهری بازسازی شوند. البته بازسازی بی رویه ساختمانهای کهنه به شکل ساختمانهای چند طبقه با مصالح نامناسب و معماری ناهماهنگ در کنار خیابانها، به ویژه به شکل پاساژهای جدید، مشکلات ناحیه مرکزی شهرهای ایران را تشدید کرده است و ناهماهنگی سیمای شهری را فزونی بخشیده است.

اشباع کاربریهای تجاری در بر خیابانها سبب شده است که اغلب این کاربریها به داخل کوچه های کم عرض نیز نفوذ کنند و فضاهای تجاری با فضاهای مسکونی درهم آمیخته، عملاً ساکنان مرکز شهرها را از زندگی در این ناحیه بیزار سازد، به نحوی که ایشان محل را ترک می کنند و به مشکلات مرکز شهر به صورت متروکه شدن خانه ها و غیرمسکونی شدن ناحیه مرکز شهر می افزایند. خانه ها به تدریج تبدیل به انبار و کارگاه شده، بیش از پیش فرسوده و مخروبه می شوند و با کاهش جمعیت ساکن در مرکز شهر، سرزندگی و جریان طبیعی زندگی در مرکز شهر عملاً از میان رفته و زمینه مناسبی برای بزهکاریهای اجتماعی فراهم می آید.

هویت تاریخی مرکز شهر

ناحیه مرکزی شهرها، معمولاً، ناحیه تاریخی شهر نیز هست و مظاهر گوناگون تمدنی، مانند موزه ها، کاخهای قدیمی، میدانها، مساجد، فضاهای تاریخی، بازارها و خیابانها قدیمی شهر در این نواحی قرار دارند.

مراکز شهری، در شهرهای تاریخی آکنده از نمادها و نشانه های قدیمی، گلدسته ها و گنبد های مساجد و کلیساها هستند که بیشتر آنها جزو میراث فرهنگی آن شهر و یا کشور و در برخی موارد حتی میراث فرهنگی جهانی محسوب می شوند (مانند میدان نقش جهان اصفهان). البته تأکید یک طرفه بر ارزشهای میراث فرهنگی و نادیده گرفتن کارکردهای جدید اجتماعی و کارایی مرکز شهر در ایفای نقش خود موجب تنزل موقعیت اجتماعی -

بازخورد این دوره فعال را می‌توان در مطالعات شناخت وضع موجود و ویژگیهای مختلف شهر تهران، بررسی محیط درونی و بیرونی شهرداری تهران و تهیه و تدوین اولین برنامه راهبردی شهر تهران تحت عنوان تهران ۱۰ مشاهده نمود.

بر اساس انعقاد موافقتنامه‌ای بین شهرداری تهران و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) مبنی بر تهیه همزمان طرح جامع و تفصیلی جدید شهر تهران در نیمه دوم ۱۳۸۲ش، محور فعالیتهای این مرکز تغییر یافت. از آن پس، نهاد مدیریت تهیه طرحهای توسعه شهری شهر تهران (طرحهای جامع، تفصیلی، موضعی و موضوعی) در این مرکز مستقر شد و علاوه بر وظایف مطالعاتی و پژوهشی گذشته، تهیه طرحهای توسعه شهری تهران نیز در دستور کار آن قرار گرفت. در ۱۳۸۵ش با توجه به اتمام فرایند تهیه و بررسی طرح جامع و تفصیلی شهر تهران، نهاد مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه طرحهای توسعه شهری تهران در فروردین ماه ۱۳۸۶ش از مرکز جدا شد.

با توجه به فقدان برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه برای توسعه مدیریت شهری تهران، همواره ضرورت نهادی که بتواند به صورت مستمر این نقش را ایفا نماید، وجود داشته است. تقویت بنیانهای فکری و راهبردی فعالیتهای مدیریت شهری تهران برای پی‌جویی راه‌حلهای کلان مسائل و مشکلات کلانشهری و ایجاد تعاملات درون و برون‌سازمانی نظام‌مند و مستمر در این خصوص، از الزامات آن بوده است. از این رو، ایجاد مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران به تصویب شورای مطالعات راهبردی شهرداری تهران رسید و از ابتدای ۱۳۸۶ش، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران دوره جدیدی را با تمرکز بر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه مدیریت شهری تهران آغاز کرد. هدف از فعالیتهای این دوره، بیشتر، تولید گزاره‌های راهبردی و تصمیم‌سازی برای مدیریت شهرداری تهران است. بر همین اساس، این مرکز، که قبلاً در ذیل نمودار سازمانی معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی شهرداری تهران بود، در این دوره زیر نظر مستقیم

- American Planning Association (APA). *Planning and Urban Design Standards*. Wiley, ۲۰۰۶.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.
- Gallion, Arthur; Eisern, Simon and Eisner, Stanley. *The Urban Pattern*. ۶th ed. VNR, ۱۹۹۳.
- Watson, D. ; Plattus, A. and Shibley, R. *Standards for Urban Design*. McGraw-Hill, ۲۰۰۳.

احمد سعیدنیا

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

فعالیت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در ۱۳۵۲ش با تأسیس شورای نظارت بر گسترش شهر تهران آغاز شد. این شورا به منظور تعیین خط‌مشی و ایجاد هماهنگی و نظارت بر توسعه شهر تهران و جلوگیری از رشد نامحدود آن در حد فاصل بین محدوده خدمات شهری موجود و محدوده ۲۵ ساله، از طریق سیاستگذاری در زمینه صدور پروانه احداث مراکز اداری، صنعتی، بهداشتی، ورزشی، بناهای مسکونی و تفکیک اراضی شکل گرفته بود.

در ۱۳۵۶ش با تأسیس کمیسیون ماده ۵ (← کمیسیون ماده ۵) شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (← شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) و تکمیل توسعه محدوده ۲۵ ساله شهر تهران، شورای نظارت بر گسترش این شهر عملاً تعطیل گردید و دبیرخانه آن به صورت مستقل و با عنوان دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به فعالیت خود ادامه داد.

کانون فعالیتهای این مرکز از آغاز بر برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شهری تهران استوار بود، اما تحولاتی که از اواخر دهه ۱۳۶۰ش در مدیریت شهرداری تهران به وجود آمد، نقطه عطف مهمی در تاریخچه این مرکز ایجاد کرد.

تشکیلات شامل:

• **حوزه دفتر ریاست شامل:**

۱. دفتر ریاست؛
۲. روابط عمومی و بین‌الملل؛
۳. کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی مطالعات راهبردی، دبیرخانه شورای مطالعات راهبردی شهرداری تهران؛ و
۴. مشاوران.

• **معاونت پژوهشی شامل:**

۱. شورای پژوهشی مرکز؛
۲. مدیریت پژوهش (گروه‌ها و کارشناسان پژوهشی)؛
۳. مدیریت آمار، اسناد و فناوری اطلاعات و ارتباطات (کتابخانه و مرکز اسناد، سایت کامپیوتر، پایگاه اطلاعات شهر (GIS)؛
۴. مدیریت تألیف، ترجمه و نشر؛ و
۵. مدیریت کنترل پروژه‌ها.

• **معاونت مالی و اداری شامل:**

۱. مدیریت اداری (امور اداری، دبیرخانه، آموزش، چاپ و انتشارات)؛
 ۲. مدیریت مالی (بودجه، حسابداری، امور حقوقی و قراردادها)؛ و
 ۳. مدیریت پشتیبانی (تدارکات و اموال، خدمات فنی، خدمات عمومی).
- کتاب‌شناسی:

- اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. *اهم وظایف معاونت‌ها و واحدهای شهرداری تهران*. ۱۳۶۷.
- جهانگیر منصور. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*. ۱۳۸۵.
- جعفرزاده، علی. «سیری بر تاریخ تأسیس شهرداریها در ایران»، *ماهنامه شهرداریها*. شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- حجتی اشرفی، غلامرضا. *مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی*. چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
- حیدرنیا دلخوش، تورج. «بررسی وظایف قانونی شهرداریها»، *ماهنامه شهرداریها*. شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
- سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران. *اساسنامه*. ۱۳۸۰.
- شهرداری تهران، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات. *کارنامه عملکرد شهرداری تهران*. ۱۳۸۴.
- *روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*. مجموعه قوانین، ۱۳۷۳.
- کمانرودی کجوری، موسی. *طرح تشکیلات کلی مرکز مطالعات و*

شهرداری تهران قرار گرفت. شرح وظایف و تشکیلات سازمانی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در دوره جدید به قرار زیر پیش‌بینی شده است:

• تأسیس شورای عالی مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهرداری تهران؛

• ایجاد کمیته‌ها و کارگروه‌های مطالعات راهبردی شهرداری تهران؛

• شناسایی و بررسی نیازهای مطالعاتی و پژوهشی مقیاس راهبردی شهر و شهرداری تهران و تبدیل آن به پروژه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی برای ارائه به شورای عالی مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهرداری تهران؛

• انجام مطالعات و پژوهش‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• تهیه برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• مدیریت اجرای برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• بررسی تخصصی برنامه‌های ارائه شده توسط حوزه‌های مختلف مدیریت شهری تهران؛

• تعامل مستمر با دبیرخانه کلانشهرهای کشور؛

• تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی بلندمدت (۱۰ ساله) مدیریت شهری تهران؛

• تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی میان‌مدت (۵ ساله) مدیریت شهری تهران؛

• ایجاد و بهنگام‌سازی مستمر سامانه اطلاعات اشخاص حقوقی و حقیقی علمی، مطالعات، پژوهش‌ها و برنامه‌های توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• مدیریت (نظارت، کنترل، ارزیابی) فرایند اجرای برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• چاپ و انتشار و اطلاع‌رسانی مستمر نتایج مطالعات، پژوهش‌ها و برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛

• تعامل منظم با نهادهای مطالعاتی، تحقیقاتی و مدیریتی مرتبط داخل و خارج کشور؛

• برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی و کارگاه‌های آموزشی.

معماری سنتی و ملی ایران، به‌ویژه در دوره اسلامی؛

- تحقیق و بررسی به‌منظور تهیه ضوابط، معیارها و آئین‌نامه‌های مرتبط با تهیه و اجرای طرحها و برنامه‌های شهرسازی در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی، منطقه‌ای و پیشنهاد آن به مراجع ذی‌ربط؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی و تکمیلی در زمینه شهرسازی و معماری با رعایت مقررات مربوط؛
- ایجاد ارتباط و همکاری و مشارکت با مراکز آموزش عالی، مؤسسات پژوهشی و تشکلهای حرفه‌ای مرتبط با فعالیتهای مرکز در داخل و خارج کشور با رعایت مقررات مربوط؛
- اعطای تسهیلات فنی به دانشجویان و پژوهشگران شهرسازی و معماری در ارتباط با تحقق اهداف مرکز؛
- ایجاد پایگاههای اطلاعاتی مناسب، به‌منظور ارائه خدمات پشتیبانی به تهیه‌کنندگان طرحهای شهرسازی و معماری و سازمانهای ذی‌ربط؛
- عرضه خدمات نرم‌افزاری (رایانه‌ای) در بخشهای شهرسازی و معماری و تهیه و تولید نرم‌افزارهای تخصصی مربوط با رعایت مقررات؛
- ایجاد ارتباط فعال و سازنده با مراکز، مؤسسات و جوامع علمی و پژوهشی داخلی و خارجی، از طریق گردهماییهای علمی و مبادله پژوهشگر یا اجرای طرحهای تحقیقاتی مشترک؛
- برگزاری همایشها و میزگردهای تخصصی و بین‌المللی با رعایت ضوابط مربوط؛
- عرضه خدمات کارشناسی، مشاوره‌ای و مطالعاتی به بخشهای دولتی، عمومی و خصوصی در زمینه‌های معماری و طرحهای توسعه و عمران در مقیاسهای ملی تا محلی؛
- تشکیل نمایشگاه از کارهای مختلف معماری و شهرسازی؛
- برگزاری و شرکت در مسابقات شهرسازی و معماری و جشنواره‌های تخصصی؛
- تهیه، تدوین و ترجمه آثار و نتایج تحقیقات علمی و فنی مرتبط با مسائل تخصصی، به‌منظور ارتقاء سطح دانش شهرسازی و معماری با تأکید بر جنبه‌های اسلامی در

برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.

- مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران. اطلاعات کاربریهای مختلف در مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران، ۱۳۸۰.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. مطالعات اجمالی شرکتها و سازمانهای شهرداری تهران، ۱۳۸۱.
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. پروژه مطالعاتی و پژوهشی طراحی نظام ارزیابی عملکرد مناطق و سازمانهای وابسته به شهرداری تهران. گزارش مرحله دوم (جلد اول تا چهارم، ۱۳۸۵).

موسی کمانودی

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران

اساسنامه مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۷۸ش و براساس پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی، به تصویب هیئت وزیران رسید. هدف از تشکیل این مرکز، هماهنگ کردن، متمرکز ساختن و اجرای برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه شهرسازی و معماری در کشور و تهیه ضوابط، معیارها و آئین‌نامه‌های مرتبط، به‌ویژه در زمینه شهرسازی و معماری ایرانی-اسلامی و همچنین انجام راهنماییهای لازم در زمینه تهیه و اجرای طرحهای شهرسازی و معماری متناسب با نیازهای کشور است.

وظایف اساسی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، به‌طور خلاصه، به قرار زیر است:

- تحقیق و پژوهش در مبانی نظری و بنیادی شهرسازی و معماری اسلامی و رشته‌های وابسته؛
- تحقیق و بررسی در زمینه معماری مساجد و جایگاه آن در شهرسازی اسلامی و طراحی مناسب و تحول اساسی در آن؛
- تحقیق و بررسی در زمینه دوره‌های مختلف شهرسازی و

مرمت

کشور؛ و
• چاپ کتب و نشریات و تهیه و توزیع فیلمهای آموزشی و تخصصی.

ارکان این مرکز متشکل از هیئت‌امنا، رئیس مرکز و شورای پژوهشی است. ترکیب هیئت‌امنا، متشکل از ۱۱ نفر است که عبارتند از: وزیر مسکن و شهرسازی (رئیس هیئت‌امنا)، معاون شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی (نایب‌رئیس)، رئیس مرکز و دبیر هیئت‌امنا، نمایندگان از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی، یکی از رؤسای دانشکده‌های معماری و شهرسازی (به انتخاب وزیر مسکن و شهرسازی) و ۴ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران از میان خبرگان شهرسازی و معماری، به پیشنهاد معاون شهرسازی و معماری و تأیید وزیر مسکن و شهرسازی. وظایف هیئت‌امنا، به‌طور خلاصه، تعیین خط‌مشیها، سیاستها و بررسی برنامه‌های تشکیلاتی و پژوهشی و مالی و نیز آئین‌نامه‌های مرتبط با مرکز است.

فصلنامه آبادی که در زمینه شهرسازی و معماری و تحقیقات و مطالعات مرتبط با آنها منتشر می‌شود، از جمله انتشارات این مرکز است.

کتاب‌شناسی:

- آئین‌نامه‌ها، مصوبات مرتبط با مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.

اسماعیل شیعه

مرمت

Restoration

عمل یا فرایند ترسیم دقیق شکل، عوارض و خصوصیت یک بنا در یک دوره معین، از طریق بازساخت عوارض از میان رفته آن طی دوره‌های قبلی. بورا چارتر مرمت را بازگرداندن وضعیت یک مکان به حالت اولیه از طریق حذف ملحقیات بعدی و احیاء عناصر تشکیل‌دهنده آن، بدون کاربرد مصالح جدید تعریف کرده است. ویلیام موریس در بیانیه انجمن حفاظت از بناهای کهن، تدوین شده در ۱۸۷۷م، مرمت را به‌عنوان *ایده‌ای عجیب و جرمی* حاکی از اینکه گویا می‌توان این، آن یا بخشی از تاریخ، یعنی حیات یک بنا را حذف کرد و بعد برخی قسمتهای دیگر را دست نزد و آن را همچنان تاریخی، زنده، و حتی آنچنان که زمانی بوده است، انگاشت، محکوم می‌کند؛ او می‌نویسد، نتیجه همه این تلاشهای عبث، جعل بی‌روح و بلاهت بار قدمت بناهای تاریخی است. بااین‌حال، موریس بر حفاظت از بناهای کهن تأکید می‌ورزید.

کتاب‌شناسی:

رئیس مرکز بالاترین مقام اداری و اجرایی آن محسوب می‌شود که در ارائه خط‌مشیها، تهیه و پیشنهاد تشکیلات، تهیه و تدوین آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و تنظیم برنامه‌ها و بودجه‌های سالیانه، پیشنهاد اعضای شورای پژوهشی به هیئت‌امنا و کلیه امور اجرایی مرکز دارای اختیار است.

شورای پژوهشی مرکز متشکل از ۸-۱۰ نفر است که از میان افراد صاحب‌نظر و متخصص در زمینه فعالیت مرکز انتخاب می‌شوند. وظایف این شورا اظهارنظر در زمینه خط‌مشیهای پژوهشی و علمی و فنی مرکز، طرحهای جامع تحقیقاتی، ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی و بررسی و تأیید نتایج مطالعات و تحقیقات علمی انجام شده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، علاوه بر حوزه تشکیلاتی ریاست، شامل تشکیلات مدیریت اطلاعات و روابط بین‌الملل، مدیریت پشتیبانی و امور مالی و معاونت پژوهشی و آموزشی است. معاونت پژوهشی و

- Cowan, Robert (ed). *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press. ۲۰۰۵.

(کمال پولادی)

عام و فاقد جهت (یا جهت‌های) خاص به میان می‌آید و مرمت شهری، بدون در نظر گرفتن گزینشهایی که سخن از واگرایی دارند و حتی حاوی تضادها و محدودیتهایی در بینش پایه‌ای هستند، مطرح است. در واقع، ۲ جریان متفاوت و گاه متضاد، پشت اصطلاح مرمت شهری دیده می‌شود:

• جریانی که کلیت همراه با آسان‌نگری و تکیه بر مسئله‌های کالبدی- کاربردی شهر را موضوع اصلی می‌شناسد و تنها در صورت لزوم، به شاخصهای ثانوی (از همین نگرش کلی) عنایت دارد؛ و

• جریانی که برخاستن از جامعیت شهر تاریخی را به‌عنوان گام آغازین برای راه یافتن به گستره‌های علمی و تجربی گوناگون که به کندوکاو، بررسی و ارزیابی آنچه در شهر می‌گذرد، در نظر دارد.

راه نخست بر بینش کلی بر شهرسازی متکی است و راه دوم، بر پژوهش، بررسی و ارزیابی در گستره‌های علمی متمایز و همگنی استوار است که در نهایت، بار اجرایی دارند.

به سخن دیگر، تفاوت میان این دو راه، تکیه بر میان‌دانشی و به نظم دیدن مسئله است، در برابر سپردن همه چیز به دست مرمتگران شهری.

مفهوم مرمت، در نگاهی علمی - کاربردی

مرمت کردن از دیرباز به اقدامی گفته می‌شود که برای بهبود بخشیدن به وضعیت ماده و کاربرد و ساختار چیزی صورت می‌گیرد که، جز آن، یا کاری که باید به کمال به انجام نمی‌رسد، یا دچار از کار افتادگی موقتی یا دائمی می‌شود و یا این هر دو با هم و به طریقی نامطمئن و نامعین، به بی‌نظمی، ناکارایی و فروپاشی ساختاری آن منجر می‌گردد.

در زبانها و فرهنگهای مختلف اروپایی واژه مرمت یکسان است. اما، موضوع چندان که به نظر می‌رسد، ساده نیست. مفهوم واژه مرمت را در ۲ دوره متمایز می‌توان بی‌گیری کرد.

• دوره نخست. در تمام سالهایی که این واژه نزد متخصصان و مردم به معنایی به کار می‌رفت که به کندوکاو

مرمت شهری

Urban Restoration

به‌عنوان سرفصلی بسیار مهم و برخوردار از ادبیاتی غنی در زمینه‌های نظری و تجربی، در چارچوب دانش شهرسازی مدرن شکل گرفته است و - امروز - از مبانی فکری گسترده و ژرفی برخوردار است.

مداخله‌هایی که به دگرگونی در حوزه‌های تاریخی شهر و به فعالیت‌هایی معطوف بودند که درون فضاها کالبدی شهرها تحقق می‌یافتند، نه مترادف با مرمت شهری، بل زمینه‌ساز تلاش نظم یافته‌ای دانسته می‌شوند که به دانش مرمت شهری منتهی شدند. پس از این دوره کم‌وبیش کوتاه، آنچه امروزه در ادبیات شهرشناسی و شهرسازی درباره مرمت شهری می‌یابیم، نمایانگر آن است که می‌توان از مجموعه منابعی یاد کرد که به بازشناسی منظم و اصولی، به چگونگی بررسی و تدوینهای تخصصی، به ارائه مدل‌های کاربردی- کالبدی و به ارائه طرحهای اجرایی در گستره شهرهای تاریخی باز می‌گردند. به سخن دیگر، اینکه در فضای مشترک میان طرحهایی که به جایابی شهرهای تاریخی گسترش یافته می‌پردازند و طرحهای مرمت معماری- شهری و مرمت معماری، می‌توان به‌جای معینی رسید که مقوله مرمت بخش تاریخی شهر را به‌مثابه دانشی نو- نه مستقل از شهرسازی، بل وابسته و پیوسته به شهر و عرصه‌های آن- تعریف کرد. به‌این ترتیب، آنچه در باب مرمت و مرمت معماری روی داده است، در ارتباط با مرمت شهری نیز صادق است؛ جایی که مرمت به معنایی

بازآفرینی شهری و برون‌سازی بومیان شهری نوتر و یا جوان‌تر بشمار می‌آیند.

درباره تعریف مرمت

پیش از هرچیز، میان تعمیر و مرمت باید تفاوت بزرگی قائل بود. می‌توان ویژگیهای اساسی تعریف مرمت را، بدون در نظر گرفتن نام و یا شاخصهای عملیاتی این مهم، به میان آورد.

براساس این نکته، می‌توان گفت، مرمت، به تعادل پویا بردن یک وضعیت است. این تعریف که زاده پژوهشها و سنجشهایی است گسترده و نگران بر ژرفای معانی، تمامی تلاشهای مرمتگر- و امر مرمت- را به مقوله‌ای معطوف و مشروط می‌کند که تعادل پویا نامیده می‌شود: مقوله‌ای که اتکاء مرمتگر را بر ژرف‌ترین تعریف از موضوع کارش می‌طلبد؛ حیات موضوع یا سوژه نیازمند به مرمت را براساس بینشی پویا (دینامیک) باز می‌شناسد؛ بر تمام عاملها و متغیرهایی که وضعیت بحرانی خاصی را در موضوع مرمت به وجود آورده‌اند، ناظر است و بر آنها تکیه می‌کند، با آگاهی از این موضوع که طرح مرمت در زندگی آتی خود نیز در شرایط بحرانی متفاوتی قرار خواهد گرفت که بهنگام بازشناسیهای مربوط به زمان مرمت ناشناخته بوده‌اند، و با حرم‌گذاری ژرف بر مفهوم زمان، به تدبیر می‌پردازد. این بینشها که پرتوانند و ژرف‌نگر، متعلق به دانش فرهنگ روزند و نگران بر آنچه، به لحظه زمانی بعدی و در شرایط زندگی متفاوت، برای چیزی که باید مرمت شود، پیش تواند آمد.

به تعادل پویا بردن وضعیت یک کتاب کهن آسیب‌دیده، همانند آنچه باید از این دیدگاه برای یک شهر تدوین و تدبیر کرد، روی به آینده‌ای دارد که علی‌رغم تمام نیازها و امکانهایی که می‌توانند در آینده مطرح شوند و امروز شناخته نیستند، تنها متکی بر امکانها و امتیازهای روز می‌توان تدوین کرد، به‌نحوی که برای فردا نیز کارایی داشته باشد و مقبول دانسته شود.

شهر و مرمت شهری

ویژگیهایی که دیدگاه و یا روشی خاص- و نتیجه‌ای مشخص- را مبنا و روش قرار می‌داد، نمی‌پرداخت. در این دوره، مرمت و حفاظت [و حتی بازسازیهای محدود و همچنین مرمتهایی که بر سبکی خاص (آناستیلوزی) استوار بودند]، معنایی یگانه داشتند. فرهنگ نوشتاری مرمت، فضاهایی را پوشش می‌داد که ابعاد جهانی نداشتند. دست‌نوشته‌ها و گزارشهای تکنگاری ویژه مرمت بناهای خاص (که نویسندگانشان چندان که امروزه در پی چاپشان نبودند)، حکایت از خلوصی داشتند که بر محتوا بیشتر تکیه داشت و کمتر پیجوی دستیابی به کمال نظری (تئوریک) بودند.

• دوره دوم. از تدوین و انتشار قطعنامه آتن (۱۹۳۱م) و منشور آتن (۱۹۳۳م) به بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان، دارای یک صحنه یگانه برای پژوهش، سنجش، ارزیابی و تدبیر درباره مسائل مرمت معماری و مرمت شهری شدند. در این هنگام، پلاتفورم خاصی که فراگیر، آزاد اندیش و حکم‌گذار بود، شکل گرفت که هم طراحان حرفه‌ای، هم نظریه‌پردازان دست‌اندرکار تجربه‌های ویژه محلی، هم معلمان دانشگاهها و همچنین پژوهشگران آزاد شهرهای متفاوت اروپا به آن روی آوردند. به سخن دیگر، می‌توان گفت، پس از این دوره، رسم بر این شد که نظریه‌پردازیهای مربوط به مرمت معماری و شهری، نخست از یک صافی جهانی بگذرند و پس از تأیید، محک بخورند. سوی این ۲ رویداد جهانی که به تعبیری، زمینه‌ساز پهنه نظریه‌پردازی در زمینه مرمت شهری شدند- و براساس آنها، کنگره‌های جهانی‌ای، مانند نارا (۱۹۷۱م) و آمستردام (۱۹۷۵م) تشکیل شدند، تلاشهای پیوسته‌ای به انجام رسیدند که به گسترش و ژرفای مرمت شهری پرداختند.

تلاش علمی- حرفه‌ای و فنی- آموزشی از ۷ دهه پیش تا امروز، واژه‌ها و اصطلاحاتی را روی میز کار مرمتگران قرار داده است. باید دانست که عنوانهای متقدم حفاظت، بهسازی و بهسازی بهداشتی، نوسازی و باز‌زنده‌سازی شهری بر بازسازی شالوده‌یی، بازفعال کردن شهری، دوباره فعال کردن و روان‌بخشی و توان‌بخشی دوباره شهرها تقدم نسبی دارند. در میان این اصطلاحات، ادغام دوباره شهری،

مرمت شهری

برای شهر و شهروندان تا طریقه‌های دستیابی به منابعی که باید بتوان در بلندمدت و در شرایط رشد جمعیت، شهرنشینان را در شرایط بی‌نیازی و رفاه قرار داد؛ از خانه‌های مسکونی شهر که به دشواری عمرشان به درازای زندگی ۴ نسل می‌رسد تا دکانهای بازار شهر، که به مناسبت ورود یا تولید کالایی نو، نگه‌داشت وضع موجود را تضمین نمی‌کنند و شکل و ساختار و توان ارتباطاتی محل خود را تغییر می‌دهند. و شهر، گستره فضایی خاص خود را، در هماهنگی با تغییر شکل و ظرفیت دگرگون می‌کند و هر بار که لازم آید، شکل و توان کارایی شبکه ارتباطاتی سواره و پیاده خود را نیز تغییر می‌دهد.

در برابر این ۲ خصیصه بزرگ است که شهرها به سازمان یافتن دوباره برای زیستن در شرایط بهینه نیاز دارند. تراکم این نیاز، در بخشهای تاریخی شهرها بسیار بیشتر از گستره‌های نوساز آنهاست.

مرمت شهری، اساساً هدفی جز این را دنبال نمی‌کند: چاره‌جویی برای مسئله‌های موجود در شهرهای تاریخی و تعیین و ترسیم دورنمایی مطلوب برای آینده آنها. بدینسان، آنچه موضوع کار مرمتگران شهری را تشکیل می‌دهد، پیوند دادن ۳ گستره زمانی - مکانی به یکدیگر است: دیروز شهر تاریخی، امروز و آینده آن. معیارهای تشخیص و تعیین ایده‌ها و ارزشها، نظریه‌ها و الگوهای پژوهشی لازم برای شناخت و تصمیم‌سازی درباره مسائل شهرهای تاریخی نیازمند به مرمت، در جوی نو مطرح می‌شوند. امروزه، کار مرمتگران شهری وسعت بیشتری یافته است؛ گسترده شدن فضای شناخت و نیاز به ژرف‌نگری در تدوین طرحهای مرمت شهری، بیشتر محسوس شده است؛ بازشناسی نیازهای روزمره و پیچیده ساکنان، شاغلان و حاضران در شهرهای تاریخی، پای دانشها و پژوهشگران مختلف را به میدان تدبیر باز کرده است؛ مرمتگر شهری نمی‌تواند بدون برنامه‌ریزی مکانی - موضوعی - زمانی کارهایی که باید صورت گیرند و بدون پیوستگی مدام با سایر متخصصان، دست به اقدام بزند.

بر پایه این اصول و نکته‌ها، مرمت شهری به تعادل پویا بردن وضعیت شهر است و این امر، مستلزم آن است که پشتوانه نظری و تجربی ارجمندی که در باب مرمت شهری در جهان امروز فراهم آمده است، مورد توجه و تأکید قرار

شاخه‌های اصلی پیکره شهر (که می‌تواند به درختی تشبیه گردد که در سرزمین خاص خود می‌روید)، نمایانگر توانهای مذهبی، حکومتی، اقتصادی و مدنی آن هستند که میان خود، تنها در لحظه‌هایی کم‌وبیش کوتاه، به تعادل و تفاهم و تعامل می‌رسند. به سخن دیگر، زیستگاههای انسانی، به قید تاریخ داشتن، گوناگونی و پرشمار بودن محفلهای کاری و تولیدی موضوع تبادل بازرگانیشان، شهر نامیده می‌شوند.

شهرها را به این قصد بازشناسی می‌کنیم که در شرایط تعادل پویا قرارشان دهیم. برای شناخت معنا و مفهوم این امر به ناچار باید دست کم به ۲ خصیصه - که ذاتی شهر دانسته می‌شوند - توجه کرد:

- نخست، زندگی در شرایط تعادل پویا؛ و
- دوم، زندگی در شرایط دگرپذیری و بحرانی مدام.

ساکنان و شاغلان در شهر، به دشواری می‌توانند قبول کنند که خود زاینده سیری مترقی و متعالی نباشند؛ سیری که نزد دانشمندان دهه‌های پایانی سده ۱۹م و آغازین سده ۲۰م تحرک اجتماعی نام گرفت. این سیر مدام سرزنده، هم تک انسانها، هم خانواده‌های شهرنشین، هم گروههای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی - قومی شهری را در شرایطی قرار می‌دهد که آنچه دارند را، به قصد بهره‌وری بیشتر و بهتر، از وضعیت سکون خارج سازند.

از این رو، هر شهر زنده‌ای، در پویایی می‌زید: هیچ چیز را چندان ثبات یافته نمی‌خواهد، مگر در لحظه‌هایی گذرا از تاریخ شهر؛ لحظه‌هایی که گاهی ممکن است تا یکی - دو نسل نیز طول بکشند.

خصیصه دومی که ذاتی شهر دانسته می‌شود و چندان تعیین‌کننده وضعیتش می‌شود که بی‌آن قادر به شناخت ماهیتش نتوانیم بود، پدیده دگرگونی است.

همه چیز و هر چیز، درون فضای شهری و در سرزمین یاری‌دهنده و پرورش‌دهنده شهر دگر می‌شود: از ساکنان و شاغلان تا ترکیب و پیوند اینان در محفل خانوادگی و شغلی؛ از روابط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جاری میان ساکنان و شاغلان تا نظام حقوقی و منظومه‌هایی از معیارهای رفتاری عرفی حاکم بر اینان؛ از میزان آب لازم

مسکن روستایی

معیشتی گروههای روستایی بشمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی- فضایی، به‌مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا. این نکته به‌ویژه در عرصه‌هایی که هنوز پیوندها و بستگیهای خود را با محیط طبیعی نگسسته‌اند و حرکت و فعالیت خود را به‌طور نسبی در سازگاری و همنوایی با عوامل و نیروهای محیط طبیعی جستجو می‌کنند، بیشتر صادق است.

درجه رشد فرهنگی- اعم از فرهنگ مادی و معنوی- تعیین کننده نوع مسکن خانوارها و گروههای روستایی است. در عرصه‌های مختلف مکانی- فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی بخشی به مسکن روستایی می‌شود؛ برخی از این عوامل عبارتند از:

- سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه؛
- مناسبات و روابط اجتماعی- اقتصادی؛
- شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب؛
- نوع و شکل خانواده‌ها و خانوارها؛
- مستهای ساخت‌وساز و دسترسی به مواد و مصالح؛
- امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع؛ و
- ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه.

به‌این ترتیب، شکل، الگو و عملکرد مسکن روستایی نمایانگر نحوه تعامل عوامل محیطی- بوم‌شناختی، مناسبات اجتماعی- اقتصادی، مجموعه تصمیم‌گیریه‌ها و سیاستگذاران و روندهای مکانی- فضایی در بستر زمان است.

مسکن روستایی انواع مختلفی دارد: کلبه، چادر و خانه. کلبه و چادر از انواع ساده مسکن روستایی است که اغلب برای سکونت فصلی برپا می‌شود. هنوز در بین برخی جوامع ساده، کلبه‌های بزرگ جمعی و اشتراکی رواج دارد. باید توجه داشت که این الگوی مسکن گاهی در بین مردمانی که یکجانشین هستند و فعالیت غالب آنها کشت و ورز است نیز دیده می‌شود؛ کپرهای مورد استفاده ساکنان برخی روستاهای بشاگرد در ایران، از این نوع مسکن بشمار می‌رود.

خانه، برخلاف کلبه و چادر، واحد مسکونی دائمی در

گردد. شهرسازی و مرمت شهری مقوله‌ای میان‌دانشی است؛ گستره پژوهش و شناخت و ارزیابی پدیده‌های شهر تاریخی نیازمند به مرمت را همان حوزه نفوذ یا سرزمینی بدانیم که از دیرباز شهر را تغذیه کرده است؛ سرزمینی که شهروندان دارای توانهای نابرابر شناخت و دانش، مادی- مالی و کارائیهای فنی خدما‌تیند، ضمن اینکه شخصیت‌هایی دانسته می‌شوند برخوردار از حق شهروندی برابر، این معضلی است بزرگ و سد راه برای هرگونه تصمیم‌گیری متکی بر شناخت درست واقعیتها و حقیقتهای شهری زیستن.

کتاب‌شناسی:

- حبیبی، محسن و مقصود، ملیحه. مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- دانشمندان ایرانی و ایتالیایی. «مجموعه مقالات ارائه شده در همایش ۱۳۵۰ در دانشگاه تهران»، وجود و آینده مراکز مسکونی تاریخی. تهران: نشر فضا، ۱۳۸۶.
- فلامکی، محمدمنصور. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلامکی، محمدمنصور. سیری در تجارب مرمت شهری. از وینز تا شیراز. چاپ دوم، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۴.
- فلامکی، محمدمنصور. نوسازی و بهسازی شهری. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علمی دانشگاهها)، ۱۳۸۶.
- «مجموعه مقالات- اولین کنگره بم- ایران ۱۳۷۴ و دومین کنگره (با همین عنوان)، بم- ایران»، تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸.

محمدمنصور فلامکی

مسکن روستایی

Rural Dwelling (House)

مسکن یا خانه روستایی محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به‌صورت تک‌خانوار یا چندخانوار در زیر سقف مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به‌صورت اختصاصی و یا جمعی است.

مسکن روستایی به‌طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی-



به عنوان مثال، ممکن است در اتاق نشیمن که کارکرد اصلی آن زیستی است، فعالیت تولیدی، مثلاً قالببافی، نیز به انجام رسد که کارکرد این فضا در این صورت، زیستی - اقتصادی خواهد بود.

گروههای اجتماعی ساکن در روستا قاعده‌تاً دارای خانه‌های خاص با فضابندی معین و سازگار با جایگاه اجتماعی و فعالیت اقتصادی خود هستند. خانه‌های مالکان بزرگ روستا که معمولاً خانه اربابی خوانده می‌شود، نسبت به سایر واحدهای مسکونی روستا دارای طرح و الگوی متمایزی است. در مقابل، خانه‌های کارگران زراعی، خوش‌نشینان و لایه‌های بی‌بضاعت بسیار ساده و محقر است. این گونه واحدها معمولاً اجزاء و فضاهای جنبی کوچک و ناچیزی دارند و یا اصولاً فاقد فضاهای جنبی هستند. خانه‌های لایه‌های میانی در روستا، بر مبنای جایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان که عمدتاً به میزان دسترسی به عوامل اصلی تولید، یعنی آب و زمین، و نیز درجه استقلال آنها در فعالیتهای تولیدی بستگی دارد، شکلهای متنوع و متفاوتی دارد. می‌توان گفت، علاوه بر ویژگیهای محیط طبیعی، شکل و الگوی خانه‌های روستایی به نحوی آشکار، بازتاب روابط کالبدی - فضایی، مناسبات اجتماعی - اقتصادی و تأثیرات فرهنگی در گذشته و حال است که

محیطهای روستایی است که به‌طور متعارف، با استفاده از مصالح نسبتاً پایدار ساخته می‌شود و با فضاهای مختلف خود، واحدی برای زیست و فعالیت خانوارهای روستایی بشمار می‌آید.

به‌طور کلی، مهم‌ترین جنبه‌هایی که در بررسی خانه‌های روستایی مورد توجه و تأکید قرار دارند، عبارتند از:

- وسعت کلی بنا و شکل و اندازه فضاهای آزاد (مانند فضای حیاط، باغچه و مانند آن)؛
- شیوه ساخت و ارتباط الگو و مصالح با محیط بومی و محلی؛
- وسعت و فضابندی بر اساس موارد مختلف کاربری؛
- نحوه ارتباط فضاهای مختلف باز و بسته؛
- تعداد اتاقها و کارکردهای آنها؛
- ارتفاع یا تعداد طبقات بنا؛ و

• نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (مانند شبکه معابر، میدان و مانند آن).

مسکن روستایی از جنبه‌های گوناگون با مسکن شهری متفاوت است. مهم‌ترین این جنبه‌ها به الگو و کارکردهای خانه روستایی در مقابل مسکن شهری مربوط می‌شود. خانه‌های روستایی، برخلاف خانه‌های شهری که عمدتاً کارکردهای زیستی دارند، دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون هستند. این خانه‌ها برای ساکنان روستایی خود فضاهای لازم را برای زندگی، کار و فعالیت، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات، اجرای مراسم و مانند آن مهیا می‌سازند. به این ترتیب، کارکردهای مختلف خانه‌های روستایی، به‌طور کلی، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- کارکردهای زیستی؛
- کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی)؛ و
- کارکردهای تدارکاتی.

هریک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که در همه موارد، کارکرد فضاهای گوناگون واحدهای مسکونی روستایی به‌طور کامل از یکدیگر قابل تفکیک نیستند.

- Niemeier, G. *Siedlungsgeographie*. Braunschweig, ۱۹۷۷.
- Uhlig, H. U. C. Lienau: *Die Siedlungen des ländlichen Raumes*. Giessen, ۱۹۷۲.

عباس سعیدی

مسکن شهری

Urban Housing

مهم‌ترین بخش کاربری زمین هر شهر، محل زندگی و سکونت شهروندان است. در اغلب شهرها نیمی از سطح شهر به کاربری مسکونی اختصاص دارد. در شهرهای کوچک این مقدار به حدود ۷۰٪ و در شهرهای بزرگ به ۴۰٪ می‌رسد. مسکن، محل زندگی و آسایش مردمان است و بیشتر اوقات آنها در آن سپری می‌شود. از این رو، نوع، اندازه و کیفیت مسکن در آسایش جسمی و روانی آنها مؤثر است. مسکن علاوه بر سکونت انسان، دارای کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. این کارکردها در مسکن شهری، به علت تنگناهای کالبدی و حقوقی، به تدریج کاهش یافته، تا آنجا که در کلانشهرها مهم‌ترین کارکرد مسکن، نقش خوابگاهی آن است و سایر کارکردها در محیطهای عمومی خارج از مسکن انجام می‌پذیرد.

بخشهای مسکونی شهر اغلب پرجمعیت‌ترین بخش شهر است، زیرا مسکن هم محل زندگی است و هم محل آسایش؛ بنابراین، جمعیت در شب و در روز در آن ساکن است. بخش مهمی از مطالعات برنامه‌ریزی شهری (← طراحی شهری) به مسکن شهری اختصاص دارد.

مسکن شهری و کمبود آن به شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان شهر بستگی دارد، اما در کلانشهرها به علت مهاجرت گروههای گوناگون و همچنین سرازیر شدن سرمایه‌ها به سوی آنها، مسائل مسکن پیچیده‌تر است. از این رو، به خاطر این جریانها، موضوع کمبود و گرانی مسکن و تراکم مسکونی در شهرهای بزرگ بحرانی است. جمعیت ساکن در یک شهر همواره با تعداد واحد

روند آتی آن را نیز به نمایش می‌گذارد.

امروزه، گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات، دگرگونیهای دامنه‌داری را در سطح سکونتگاههای روستایی به همراه داشته است؛ از جمله این دگرگونیها، کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی غیربومی و مدلبرداری از شیوه‌های ساخت‌وساز و معماری شهری در عرصه‌های روستایی است. این‌گونه روندها در جهان سوم به ناهماهنگیهای موجود در محیطهای روستایی افزوده، به صورت پدیده‌ای بیگانه و ناسازگار با فضاهای بومی جلوه‌گر شده است.

کتاب‌شناسی:

- برومبزه، کریستیان. *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان*، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: ۱۳۷۰.
- بوناین، مایکل. «قنات، شبکه زمینهای زراعی و مورفولوژی روستایی»، ترجمه عباس سعیدی، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. «الزامات اجتماعی - اقتصادی ساخت‌وساز مسکن روستایی»، *مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳.
- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی در مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان*. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی / برنامه عمرانی سازمان ملل، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *گونه‌شناسی معماری مسکن روستایی استان سمنان*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی / جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی‌نژاد، جواد. *استقرار بهینه روستاهای پراکنده کهگیلویه و بویراحمد*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- لوبو، پیر. *بنیادهای بزرگ زراعی*، ترجمه محمود محمودپور، تبریز، ۱۳۵۴.
- Bobek, Hans. *Entstehung und Verbreitung der Hauptflursysteme Irans. Grundzüge einer sozialgeographischen Theorie. Mitteil. Der österreichischen geogr. Gesellschaft*, Bd. II u. III, ۱۹۷۶.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, ۱۹۶۶.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, ۱۹۷۰.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۸۶.

تراکم میزان استفاده از سطح یا فضای زمین و ساختمانی و نیز واحد مسکونی را مشخص می‌سازد. تراکم شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی است. در شهرهای بزرگ تراکم، بیش از هر عامل دیگر، تابع اقتصاد زمین و ساختمان است. نیاز به مسکن، به‌عنوان یک نیاز اساسی، از یکسو و کمبود زمین در شهرهای بزرگ، از سوی دیگر، منجر به استفاده بهینه (صرفه‌جویی بهینه) از زمین می‌گردد. البته، این امر به درآمد خانوارهای شهری بستگی دارد. حتی خانوارهای مرفه نیز به خاطر شرایط اجتماعی و امنیتی کلانشهرها، ترجیح می‌دهند در مجموعه‌های متراکم سکونت کنند. در ۱۹۷۲م، در کنفرانس استکهلم به‌منظور حفاظت از منابع، به‌ویژه زمین حاصلخیز و دستیابی به توسعه پایدار، ایجاد شهرهای فشرده (پر تراکم) پیشنهاد شد. از آن زمان، تراکم به‌عنوان ابزار یا راهکار مؤثر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در گسترش شهری و شکل کالبدی شهر به کار بسته می‌شود. بدین ترتیب، کنترل تراکم وسیله‌ای شده است برای کنترل مسائل ناشی از توسعه یا گسترش شهرها بر سطح کره زمین.

تراکم در شهرهای با اندازه، عملکرد، عمر و ویژگیهای اقلیمی و کالبدی متفاوت، اندازه‌های مختلفی دارد. در درون یک شهر نیز محله‌ها و نواحی مسکونی گوناگون از نظر تراکم مسکونی و ساختمانی کاملاً متفاوت هستند. معمولاً برای شناسایی شهر، آن را به ۴ حوزه تقسیم می‌کند:

- مرکز شهر که در شهرهای ایران، مرکز خرید و محل بازار قدیمی و بافت سنتی سکونتی است؛
- حوزه میانی که در شهرهای ایران، مراکز اداری، تجاری و سکونتی مدرن در آن قرار دارد؛
- حوزه بیرونی که در شهرهای ایران، حوزه سکونتهای گوناگون شهری، از محله‌های مرفه‌نشین تا نواحی آپارتمان‌نشین طبقات متوسط جدید است؛ و
- عرصه حاشیه‌نشینی یا سکونتهای غیررسمی گروههای تهیدست شهری.

تراکم شاخص یا معیار میزان استفاده از سطح زمین یا فضای ساختمانی و تعداد جمعیت در واحد سطح (هکتار)

مسکونی مورد نیاز برابر نیست، بلکه در اغلب شهرها بیش از یک خانوار در یک واحد مسکونی سکونت دارند و بسیاری از افراد مهاجر/ فقیر فاقد مسکن مجبورند در حاشیه شهرها و در آلودگیهای غیرمجاز سکونت کنند. برخی وضعیت بدتری دارند و در محلهای کار یا در گوشه و کنار فضاهای شهری یا ساختمانها، شب را به روز می‌رسانند. در بعضی شهرهای بزرگ صدها هزار نفر در پیاده‌روها و پارکها گذران می‌کنند.

مسکن شهری به تناسب درآمد خانوار و میزان توسعه یافتگی کشورها تنوع و گونه‌های متفاوتی دارد. برخی ساکنان شهر که دارای مسکن رسمی هستند، در خانه‌های کهنه و فرسوده و حتی مخروبه زندگی می‌کنند و بعضی در خانه‌های مدرن و نوساز؛ عده زیادی در خانه‌های بسیار کوچک و عده‌ای دیگر در خانه‌های وسیع، برخی در برجها و بعضی در خانه‌های ویلایی اقامت دارند. تنوع بناهای مسکونی و بافتهای شهری، کیفیت محیط شهری را مشخص می‌سازد. بدینسان بناهای مسکونی اجزایی از یک کل بسیار متنوع به نام ترکیب شهری بشمار می‌روند و از این‌رو، در سیما و چهره شهرها نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارند.

معماری مسکن در شهرهای مختلف، برحسب شرایط محلی، وضعیت اقلیمی و اندازه شهر، ویژگیهای متفاوتی دارد. این تفاوتها بیانگر هویت شهری است. امروزه، به‌علت رشد فراگیر فناوری ساختمان و همسان‌سازی تمدنها، تفاوت بناهای مسکونی روزبه‌روز کاهش می‌یابد و همه، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، از یک الگو (بین‌المللی) پیروی می‌کنند و بنابراین، ساختمانهای مسکونی، از نظر شکل و فرم معماری، یکسان می‌شوند.

معیارهای مسکن شهری

معیارهای کمی مسکن شهری عبارتند از: اندازه، عمر، استحکام، ارتفاع و شاخص مهم آن تراکم است. معیارهای کیفی مسکن عبارتند از: انسجام، تناسب، هماهنگی و شاخص مهم آن توده و فضا، یا فضای باز و فضای سرپوشیده است.

تراکم مهم‌ترین معیار سنجش مسکن شهری است.

مسکن شهری

مسکونی، به اضافه سطوح شبکه خیابانها و کوچه‌های شهری و خدمات عمومی وابسته به همان ناحیه مسکونی (منهای فضاهای بزرگ باز و صنعتی و تجاری و...) در نظر گرفته می‌شود.

• تراکم خالص مسکونی. تراکم خالص عبارت است از

است. تراکم در برنامه‌ریزی و طراحی شهری در رابطه با کل یک شهر یا یک ناحیه درون شهر و یا یک محله مشخص می‌گردد. تراکم چندین گونه است:



نسبت ساکنان یک شهر (ناحیه، محله) به سطح خالص اراضی که به کاربری مسکونی اختصاص دارد، برحسب نفر در هکتار.

تفاضل تراکم خالص و ناخالص مسکونی، نشانگر میزان فضای باز و فضای عمومی، شبکه دسترسی و تسهیلات شهری در نواحی مسکونی مختلف درون یک شهر است. در واقع، این تفاضل، به‌طور غیرمستقیم، نشان‌دهنده کیفیت زندگی شهری و به‌ویژه کیفیت سکونت در شهرهاست.

تراکم واحد مسکونی

در مطالعات شهری برای معلوم شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی مسکن از این معیار نیز استفاده می‌شود. تراکم

انواع تراکم

تراکم مسکونی

تراکم مسکونی ابزار اندازه‌گیری میزان سکونت در یک شهر، ناحیه و یا یک محله است. تراکم مسکونی برحسب تعداد جمعیت ساکن در اراضی مسکونی یک شهر و براساس نفر در هکتار، به ۲ گونه محاسبه می‌شود: تراکم ناخالص مسکونی و تراکم خالص مسکونی.

• **تراکم ناخالص مسکونی.** تراکم ناخالص عبارت است از نسبت تعداد جمعیت ساکن در هر شهر (یا ناحیه یا محله) به سطح کل اراضی مسکونی همان شهر، برحسب نفر در هکتار. در این محاسبه، سطح خالص مسکونی اراضی

محلّه) است.

در الگوی مصرف مسکن در شهرهای بزرگ ایران، میزان سرانه مسکونی ۱۵ مترمربع/ نفر، در شهرهای متوسط ۳۸ مترمربع و در شهرهای کوچک ۴۵ مترمربع است. مقدار سرانه مسکونی همواره به معنی تنگنای مسکن نیست، چنان‌که در ژاپن این امر ناشی از صرفه‌جویی در فضا، به‌علت کمبود زمین، اما در ایران نشان‌دهندهٔ تبذیر در فضا، به‌علت توزیع نامتعادل درآمد حاصل از نفت است. برای کنترل این ارقام از مقیاس شدت/ استفاده از زمین بهره می‌گیرند؛ نسبت میان سطح زیربنا و سطح کل قطعه زمین، مقیاس شدت استفاده از زمین نامیده می‌شود.

مبنای این اندازه‌گیری عدد یک است، یعنی تمام سطح زمین به‌عنوان سطح اشغال تلقی و یک طبقه ساختمان روی کل سطح زمین ساخته می‌شود؛ شدت ۲ برابر است با ۲ طبقه روی کل زمین. البته از آنجا که بخشی از زمین بایستی به‌عنوان فضای باز در نظر گرفته شود، اگر همان مقدار روی ۴ طبقه ساخته شود، شدت استفاده از زمین همان ۲ خواهد بود.

تراکم ساختمانی

تراکم ساختمانی از مهم‌ترین معیارهای میزان استفاده ساختمان از یک قطعه زمین شهری است. تراکم ساختمانی برای تمام عملکردها (فعالیتها)ی شهری محاسبه و از جمله برای ساختمانهای مسکونی نیز در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که بخش مسکونی در شهرها، بیش از نیمی از سطح آنها را فرا می‌گیرد و مسئله سکونت در شهرهای بزرگ بسیار اهمیت دارد، تراکم ساختمانی مسکونی جلوهٔ عینی تراکم مسکونی است.

تراکم ساختمانی عبارت است از نسبت سطح کل فضای ساخته شده (سطح کل زیربنا) در تمام طبقات بر سطح کل قطعه زمین.

سطح اشغال ساختمان

سطح اشغال میزان یا درصدی از مساحت قطعه زمین است

واحد مسکونی عبارت است از تعداد واحد مسکونی در هر هکتار در محدوده معینی از شهر. هر قدر مقدار تراکم واحد مسکونی بیشتر باشد، به معنی کوچک بودن بناهای مسکونی (واحد مسکونی) و از سوی دیگر، بیشتر بودن تعداد طبقات ساختمانهای مسکونی است. معمولاً در شهرهای کوچک، به‌علت وسیع بودن واحدهای مسکونی، عدد تراکم واحد مسکونی کوچک‌تر و در شهرهای بزرگ (به تناسب) بزرگ‌تر است. تراکم واحد مسکونی، همچون تراکم مسکونی، به ۲ صورت خالص و ناخالص اندازه‌گیری می‌شود و تفاضل آنها نشانگر میزان کیفیت مسکونی در شهرها است.

تراکم در واحد مسکونی

تراکم در واحد مسکونی، یعنی متوسط تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی (یا در یک اتاق از یک واحد مسکونی) در محدودهٔ معینی از شهر. به‌این ترتیب، میانگین تعداد خانوار یا تعداد افراد (جمعیت) در یک واحد مسکونی یا در یک اتاق را نشان می‌دهد. به این تراکم، ضریب اشغال واحد مسکونی نیز می‌گویند.

در ۱۳۷۵ش، کمترین تراکم واحد مسکونی در شهرهای بزرگ ایران (بالای ۱۰۰ هزار نفر) برابر ۲۷۰ نفر در هکتار، در شهرهای متوسط ۲۰۰ نفر در هکتار و در شهرهای کوچک ۱۰۷ نفر در هکتار بوده است. مقایسه این اعداد با کشورهای پیشرفته میزان مشکلات مسکن در شهرهای ایران را بهتر نشان می‌دهد. در ۱۳۷۵ش، متوسط افراد یک خانوار شهری در ایران ۴/۹ و ضریب اشغال واحد مسکونی شهری ۵/۷ بود. اختلاف این ۲ رقم نشانگر میزان کمبود یا تنگنای مسکن در شهرها را در آن سال نشان می‌دهد.

سرانه مسکونی

سرانه مسکونی برابر است با نسبت تعداد فضاهاى مسکونی موجود در یک شهر (یا ناحیه یا محله) برای هریک از ساکنان آن شهر (یا ناحیه یا محله) برحسب مترمربع. سرانه مسکونی نیز یکی از شاخصهای مهم وضعیت مسکن از نظر توزیع تنگنا یا فراخنای مسکن در سطح شهر (یا ناحیه یا

خانه‌های ویلایی یک یا ۲ طبقه یا چند طبقه پیشنهاد می‌گردد. عوامل متعددی، از جمله گرانی زمین، استحکام زمین، وجود دسترسی کافی و ایمنی از زلزله در تعیین تراکم ساختمانی و تعداد طبقات نواحی مسکونی، مؤثر است.

تراکم ساختمانی از مهم‌ترین ابزار تعدیل قیمت زمین در شهرهاست. از طریق معیار تراکم ساختمانی می‌توان توسعه افقی و عمودی شهر را کنترل کرد.

ترکیب‌بندی موزون و متناسب کالبدی شهر، حاصل سیاست‌های سنجیده منطقه‌بندی تراکم ساختمانی است. طراحی شهری برای ساماندهی فرم شهر، از این ابزار بهره بسیار می‌برد. نواحی مناسب تراکم ساختمانی زیاد در مرکز شهرها، اغلب در جوار پارکها و فضای گسترده باز و همچنین در پیرامون بزرگراهها و ایستگاههای مترو است.

توده و فضا

یکی از معیارهای اساسی در ساماندهی محیط شهر، مراعات نسبت توده ساخته شده ساختمانی و فضای باز است. این معیار هم در مقیاس کلانشهر محاسبه می‌شود، و هم در مقیاس خرد یک قطعه زمین. به همین منظور، در هر قطعه زمین فقط به بخشی از آن، بین ۱۵ تا ۶۰٪، اجازه ساختمان داده می‌شود و بین ۴۰ تا ۸۵٪ آن، به صورت فضای باز (باغ یا باغچه) پیشنهاد می‌گردد؛ بدین ترتیب، یک نسبت مطلوب بین توده (ساختمان) و فضا (باز) برقرار می‌گردد.

تعیین میزان فضای باز در شهرهای مختلف، چه از نظر اندازه و چه از نظر معماری، متفاوت است. این نسبت به دلیل گرانی زمین در شهرهای بزرگ، کمتر از شهرهای کوچک است؛ مگر اینکه با افزایش فضای باز، تعداد طبقات بیشتری مجاز باشد. در اقلیم گرمسیری (گرم و مرطوب) بیشتر اوقات ساکنان یک خانه در فضای باز و نیمه‌باز سپری می‌شود، درحالی‌که در نواحی سردسیر، عکس آن صادق است. در نواحی گرم و خشک کویری، برخلاف نواحی گرم و مرطوب، ساختمانها به همدیگر چسبیده‌اند، تا سطح تماس آنها با انرژی خورشیدی به حداقل کاهش یابد. در این نواحی، فضاهای نیمه‌باز مطلوب‌تر از فضای باز

که احداث ساختمان مسکونی در آن مجاز شناخته می‌شود. در طرحهای شهری ایران معمولاً به ۶۰٪ زمین برای سطح اشغال ساختمان مجوز داده می‌شود، درحالی‌که این مقدار در ساختمانهای بسیار بلند، به ۴۰ یا حتی ۳۰٪ کاهش می‌یابد. در اراضی دونبش و سه‌نبش سطح اشغال به ۸۰ و بیشتر نیز می‌رسد.

تعداد طبقات ساختمان یا نرخ سطح زیربنا عبارت است از سطح کل زیربنای مجاز بر سطح اشغال زمین. در صورتی که سطح زیربنا را برابر سطح قطعه زمین در نظر گیریم، نرخ سطح زیربنا $100 * 100$ خواهد بود. در صورتی که همین مقدار را در نیمی از سطح زمین بسازیم، بازهم نتیجه یکی خواهد بود، حال آنکه ساختمان با ۲ طبقه بر روی نیمی از سطح زمین قرار گرفته است. در صورتی که بر روی ۶۰٪ از زمین، ۲ طبقه ساخته شود، اندازه آن ۱۲۰٪ و اگر ۳ طبقه ساخته شود، ۱۸۰٪ خواهد بود. در اراضی وسیع باغی در درون شهرها، به‌منظور حفظ فضای سبز، سطح اشغال تا ۱۵٪ کاهش می‌یابد و در باغهای کم‌وسعت ۳۰٪ زمین را به‌عنوان سطح اشغال در نظر می‌گیرند. در صورتی که تراکم ساختمانی داخل باغها را همان حوزه مسکونی پیرامون محاسبه کنند، با همان تراکم ساختمانی روی ۱۵٪ سطح اشغال، تعداد طبقات بیشتری را مجاز می‌دارند.

تراکم ساختمانی و ارتفاع، سیمای عمومی شهری را شکل می‌دهد. سیاست توسعه افقی و یا عمودی شهرها از طریق ارتفاع ساختمانی مشخص می‌گردد. در شهرهای کوچک که زمین ارزان و فراوان است، ضرورتی به ایجاد ساختمانهای بلندمرتبه نیست، درحالی‌که در شهرهای بزرگ، به‌خصوص در کلانشهرها، به‌علت کمیابی زمین، افزایش تراکم ساختمانی و در نتیجه، افزایش تعداد طبقات - به خاطر حفظ اراضی طبیعی و رعایت اصول توسعه پایدار - الزامی است.

به‌منظور ساماندهی شکل کالبدی شهرها، بایستی تراکم ساختمانی منطقه‌بندی شود. در برخی از نواحی با تراکم زیاد ساختمانی، بلندمرتبه سازی را مجاز می‌دارند و در برخی نواحی دیگر، تراکم متوسط و کم ساختمانی با

و سرانجام یک طبقه نیز برای اجاره یا اسکان فرزندان خود بدان می‌افزایند.

• **خانه‌های نیمه‌مستقل.** بخش‌های میانی شهرهای ایران بیشتر از خانه‌های نیمه‌مستقل ۲ یا ۳ طبقه و به‌صورت کنار هم و ردیفی، در امتداد معابر شهری ساخته شده‌اند. مالکان این خانه‌ها، ضمن حفظ استقلال نسبی طبقه هم‌کف، سایر طبقات را که به‌واسطه راه پله مستقلی بدانها دسترسی می‌یابند، اجاره می‌دهند. اقتصاد مستغلاتی در شهرها سبب شکل‌گیری این نوع واحدهای مسکونی شده است.

خانه‌های ۲ یا ۳ طبقه مستغلاتی، صرف‌نظر از شیوه و سبک ساخت‌وساز، به ۲ دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، خانه‌های شمالی که آمدررفت ساکنان از فضای باز حیاط صورت می‌گیرد و افراد طبقه همکف استقلال خود را از دست می‌دهند و دسته دوم، خانه‌های جنوبی که آمدررفت ساکنان در فضای پله‌ها، جدا از ساختمان انجام می‌گیرد و هیچ‌گونه مزاحمتی برای طبقه همکف ندارند. نوع دوم از نظر آسایش ساکنان مطلوب‌تر از نوع اول است.

تراکم این نوع خانه‌ها ۱۸۰٪ برآورد می‌شود. هر خانه در قسمت شمالی ملزم به ایجاد یک حیاط خلوت در بخش شمالی است. درحالی‌که خانه‌های جنوبی که ضلع شمالی آن در بر خیابان قرار گرفته است، ملزم به داشتن حیاط خلوت نیست. البته، در بسیاری از کشورهای پیشرفته، این دسته از خانه‌ها مجبور به ایجاد حیاط خلوت در بر خیابان هستند که به‌صورت باغچه کوچکی درمی‌آید.

• **خانه‌های آپارتمانی.** بخش عمده‌ای از مسکن شهری، در شهرهای بزرگ و متوسط، از نوع آپارتمانی است. خانه‌های آپارتمانی از نظر تعداد واحد مسکونی، تعداد اشکوب (طبقه) و شیوه تقسیمات ساختمان (یک یال یا ۲ یال یا ۳ یال) انواع مختلفی دارند و به‌تناسب کوچکی و بزرگی واحدهای مسکونی، یا به‌نسبت فقیر یا ثروتمند بودن ساکنان، تنوع زیادی دارند.

از ویژگی‌های خانه‌های آپارتمانی، استقلال نسبی هر واحد مسکونی و اشتراک در فضاهای مشاع، مانند پله‌ها، پشت‌بام، حیاط و راهروها و پارکینگ‌هاست. این نوع واحدهای مسکونی در اندازه‌های مختلف احداث می‌شوند:

است و سایه حیاتی‌تر از آفتاب بشمار می‌آید. در بافتهای مسکونی شهرهای قدیمی کویری در ایران، سطح اشغال ساختمان تا ۸۰٪ افزایش می‌یابد، درحالی‌که در نواحی گرمسیری مرطوب، مانند اهواز، تا ۴۰٪ کاهش می‌یابد، تا فضای باز بیشتری برای سکونت در اختیار ساکنان قرار گیرد.

انواع مسکن شهری

مسکن شهری از نظر تراکم و طبقات و معماری به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شود که هرکدام بافتهای مسکونی خاصی را پدید می‌آورند. از نظر اجتماعی نواحی مسکونی به ۳ دسته تک‌خانوار، چند خانواری و مجتمع مسکونی و از نظر معماری و سیمای کالبدی شهری، به واحدهای مسکونی ویلایی، آپارتمانی، مجتمع و بلندمرتبه یا برج مسکونی تقسیم می‌شوند.

• **مسکن مستقل ویلایی.** خانه‌های مستقل جدا از هم که دارای حیاط و فضای باز خصوصی هستند. در این خانه‌ها اغلب یک یا ۲ خانوار زندگی می‌کنند و در نواحی جدید با حیاط سبز، ویلایی خوانده می‌شوند. نواحی قدیمی شهرها اغلب دارای خانه‌های تک‌واحدی یک طبقه هستند. برخی از خانه‌ها کوچک (تک‌خانواری) و برخی بزرگ، با تعداد اتاق متعدد و چند خانواری هستند. از گذشته تاکنون، خانه‌های تک‌واحدی مطلوب‌ترین نوع مسکن شناخته شده است. اصطلاح عامیانه *چهار دیواری*، *اختیاری* مطلوبیت این نوع مسکن را به بهترین وجه بیان می‌کند.

محل‌هایی که از نوع مسکن (اعم از قدیمی و جدید) تک‌خانواری یک طبقه و دو طبقه تشکیل شده‌اند، ناحیه کم‌تراکم مسکونی شناخته می‌شوند. تا چندی پیش، بخش عمده ناحیه مسکونی شهرها از این دسته خانه‌ها تشکیل می‌شد و هم‌اکنون نیز در شهرهای کوچک این خانه‌ها بر سایر واحدهای مسکونی غلبه دارند. در حاشیه شهرها با جمعیت کم درآمد، این نوع مسکن بیش از سایر انواع خواستار دارد. گروه‌های کم‌درآمد به سختی می‌توانند یک واحد مسکونی را یکباره و یکجا بسازند، بلکه به تدریج آن را به تناسب افزایش تعداد اعضای خانوار گسترش می‌دهند

ساکنان کم‌درآمد، همواره با مشکلات و اختلاف بین ساکنان روبرو هستند؛ درحالی‌که جمعیهایی با ساکنان پردرآمد، از فضای ایمن و سالم با خدمات رفاهی مناسب برخوردارند.

مجموعه‌های سازمانی. برخی از مجموعه‌های مسکونی تعاونیها و یا بخش دولتی برای کارکنان اداری و کارگران، معلمان و نظامیان می‌سازند. تعداد این قبیل مجموعه‌های مسکونی - سازمانی در شهرهای جدید و در شهرهای بزرگ روبه افزایش است. این مجموعه‌ها بسیار فشرده و به سبک خاصی، به‌صورت یکنواخت، طراحی می‌شوند. در نسل اول این مجموعه‌ها، خانه‌های یک یا ۲ طبقه با حیاطهای سبز ساخته می‌شد و به‌وسیله پرچینهای سبز در کنار خیابانها قرار می‌گرفت؛ محوطه مجموعه گسترده و محیط مناسبی برای دوچرخه سواری و پیاده‌روی ساکنان بود (برای مثال، مجموعه دهکده کرج). در سالهای اخیر، به‌علت گرانی زمین و ساختمان و جمعیت زیاد کارکنان کم‌درآمد، مجموعه‌های سازمانی به‌صورت ردیف آپارتمانهای چسبیده به هم احداث می‌شوند. معماری آنها عموماً یکسان و از نظر برخی تسهیلات و تأسیسات عمومی و به‌خصوص نگهداری، دارای مشکلات زیادی هستند.

• **برجهای مسکونی.** آپارتمانهای بلندمرتبه با بیش از ۱۰ اشکوب را اصطلاحاً برج یا بلندمرتبه می‌نامند. معمولاً ساختمانهای بلندمرتبه هم برای سکونت و هم برای خدمات اداری ساخته می‌شوند. در کلانشهرهای ایران بیشترین برجها یا ساختمانهای بلندمرتبه برای مصارف مسکونی ساخته شده‌اند.

برجها مانند مجموعه‌های مسکونی، هم برای گروههای کم‌درآمد و هم برای گروههای پردرآمد ساخته می‌شوند. نوع اول در ایران توسط سازمانهای دولتی و تعاونی برای کارکنان اداری، کارگران و نظامیان ساخته شده‌اند و مانند مجموعه‌های مسکونی، دارای مشکلات زیادی در نگهداری، تأسیسات و تعمیرات هستند.

برجهای مسکونی مرفه‌نشین در نواحی با اراضی بسیار گران قیمت ساخته شده‌اند. با توجه به گرانی نگهداری و تعمیرات، زندگی در برجها مستلزم درآمد زیاد است. در تهران برجهای اسکان و آ.اس.پ و لویزان، نسل

از آپارتمانهای بسیار کوچک مجردی ۴۰-۵۰ مترمربع، تا آپارتمانهای لوکس مرفه‌نشین ۴۰۰-۵۰۰ مترمربع، و همین‌طور آپارتمانهایی که به‌صورت تعاونی برای طبقات کم‌درآمد شهری ساخته می‌شود.

با توجه به الگوی معماری، کیفیت ساختمانی و نسبت فضای ساخته شده و فضای باز، انواع آپارتمانهای ارزان‌قیمت و گران‌قیمت در شهرها به بازار مسکن عرضه می‌شود. نگاهی به آمار صدور پروانه ساختمانی در شهرها توسط شهرداریها، گویای فراگیر شدن این نوع از ساختمانهای مسکونی در ایران است. امروزه، در کلانشهرها، اغلب ساختمانهای ویلایی و حتی ۲ یا ۳ طبقه و دارای عمر ۱۰ تا ۲۰ ساله، تخریب شده و به‌جای آنها، آپارتمانهای مدرن ۴-۵ یا ۷ طبقه ساخته می‌شود.

• **مجموعه‌های مسکونی.** تجمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری که به‌شکلی یکپارچه ترکیب شده باشد، مجتمع مسکونی را پدید می‌آورد. معمولاً مجموعه‌های کوچک مسکونی یک واحد همسایگی را پدید می‌آورند و برای ایمنی دارای در و دروازه و نگهبان هستند. برخی مجموعه‌های مسکونی به‌منظور رفاه ساکنان دارای فضاهای مشترک برای ورزش همچنین استخر و مکانهای پذیرایی و پارکینگهای اختصاصی برای ساکنان و حتی میهمانان هستند.

البته، یک مجتمع مسکونی ممکن است تماماً از خانه‌های ویلایی مستقل و یا آپارتمانهای مستقل ساخته شود. برخی مجموعه‌های مسکونی بسیار بزرگ و پرتراکم هستند، مانند مجتمع اکباتان با ساختمانهای ۸ و ۱۰ طبقه در تهران که خود به تنهایی یک شهرک مسکونی بشمار می‌رود. برخی دیگر بسیار کوچک و فشرده و متشکل از چند آپارتمان به هم پیوسته، به اندازه یک واحد همجواری هستند.

مسئله مهم در مجموعه‌های مسکونی مدیریت نگهداری است که لازمه آن تشکیل هیئت مدیره مجموعه و تعیین مدیرعامل است. نگهداری مجموعه‌های مسکونی از نظر تأسیسات، تعمیرات، نظافت و فضای سبز کار بسیار حساس و پرهزینه‌ای است. از این‌رو، مجموعه‌های مسکونی با

مشارکت

انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- مدنی، هوشنگ. «مسکن در برنامه‌ریزی شهری»، مجموعه مقالات دومین سمینار توسعه مسکن در ایران. جلد دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و یونسکو، ۱۳۷۴.
- وزارت مسکن و شهرسازی. مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران. ۶ جلد، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.
احمد سعیدنیا

مسکن غیررسمی ← سکونتگاه غیررسمی

مشارکت

Participation

کاربرد بسیار متنوع و گوناگون مشارکت باعث ایجاد ابهام در معنا و مفهوم آن شده است. به همین دلیل تعاریف بسیار متنوعی از مشارکت ارائه شده است. مراجع مختلف علمی و اجرایی، برحسب نوع نگرش خود تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. آن دسته از مراجع که مشارکت را به‌عنوان ابزار تلقی می‌کنند، از جمله سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی، آن را وسیله‌ای برای رشد آگاهیهای اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیتهای محلی بشمار می‌آورند و هدف این است که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله مردم را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند. گروه دیگر مشارکت را به‌عنوان هدف تلقی می‌کنند. کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین و بسیاری از کارشناسان از جمله اوما لیل، اوپف، کوهن، پیرس، رابرت چمبرز و پل ساموئل از این گروه هستند. در این نگرش، مشارکت مجموعه روشها و فرایندها، نگرشها و فعالیتهایی اتلاق می‌گردد که منجر به افزایش تواناییهای مردم می‌شود و آنها را در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی یاری می‌کند. مشارکت در برنامه‌ریزی فرایندی از تحقیق و گفتمان

نخستین برجهای مسکونی بشمار می‌روند. نسل دوم برجها به‌صورت تک برج یا برجهای دوقلو در ناحیه شمیران و شهرک قدس به تعداد زیاد ایجاد شده‌اند. این نوع ساخت‌وسازها سیمای شهری را دگرگون کرده است، به‌نحوی که شهر به‌صورت جنگلی از برجهای پراکنده به نظر می‌رسد، که بدون نظم و انضباط خاصی در همه جا پراکنده شده‌اند.

برجها و آپارتمانهای بلندمرتبه یکی از عناصر مهم در بافت جدید شهرهای بزرگ است. توزیع آنها در سطح شهر مستلزم ضوابط و مقررات ویژه‌ای است. همان‌طور که در مورد تراکم ساختمانی گفته شد، لازم است به تناسب ارتفاع ساختمانها، زمین بیشتری به فضای باز اختصاص یابد. ضرورت این استاندارد در حفظ دید و منظر، تأمین نور آفتاب و پیشگیری از افتادن سایه برج بر روی سایر ساختمانهاست.

در کلانشهرها به دلایل جمعیت زیاد، سرمایه فراوان، گرانی زمین و عناصری مانند بزرگراهها، نمی‌توان از پدید آمدن برجهای مسکونی جلوگیری کرد. معیارهای استقرار برجها در شهرها عبارتند از:

- استقرار در لبه‌های محدوده شهری، برای تقویت مرزهای شهر و استفاده از چشم‌اندازهای طبیعی؛
- استقرار در کنار (نزدیک) بزرگراهها، برای تسهیل دسترسی و آمدورفت سواره؛ و
- استقرار در لبه پارکها، دریاچه‌ها، رودخانه‌های شهری، برای پیشگیری از قرار گرفتن برجها در مقابل یکدیگر و مسدود کردن چشم‌اندازهای یکدیگر.

مهم‌ترین مسئله در استقرار برجها در شهر، مسدود کردن چشم‌انداز سایر خانه‌ها، ایجاد سایه و ممانعت از حرکت نسیم برای ساختمانهای همجوار است. کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «نظام مراکز شهری و فضاهاى مسكونى»، كتاب سبز. جلد چهارم، تهران: انتشارات سازمان شهرداريها و دهياريهای کشور، ۱۳۸۳.
- سعیدنیا، احمد. «کاربری زمین شهری»، كتاب سبز. جلد دوم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، ۱۳۷۸.
- عزیزی، محمدمهدی. تراکم در شهرسازی. شماره ۲۶۳۵، تهران:

مشارکت

یک پروژه آغاز و تا آخرین سطح آن، یعنی توانمندسازی ادامه یابد. براین اساس، گونه‌های متفاوت مشارکت طبقه‌بندی می‌شود. مهم‌ترین گونه‌شناسی مشارکت، طبقه‌بندی آرنشتاین است. او معتقد است، اگر شهروندان توانمند شوند، کسانی که در حال حاضر از فرایندهای سیاسی و اقتصادی محروم هستند، در آینده جایی در این فرایند خواهند یافت. مشارکت از نظر او، بدون باز توزیع قدرت مفهومی ندارد. او گونه‌های مشارکت را بسط داده و بر مبنای میزان قدرت شهروندان، هر بخش و مرحله از آن را از یکدیگر تفکیک می‌کند. براین مبنای، مراحل پائینی نردبان مشارکت، مرحله غیرمشارکتی تعریف می‌شود که هدف واقعی آن توانمندسازی مردم در جریان مشارکت نیست، بلکه امکان آموزش فاقدین قدرت توسط افراد صاحب قدرت را فراهم می‌سازد. پله‌های سوم و چهارم به‌عنوان سطوح سمبلیک معروف هستند که طی آن، فقرا امکان می‌یابند صدای دیگران را بشنوند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند. با این وجود، فقدان قدرت باعث می‌شود، نقطه‌نظرات آنان توسط قدرتمندان مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد.

امید بخشی در سطح بالاتری از مرحله قبل قرار دارد و به افراد اندکی بیشتر اجازه مداخله می‌دهد، ولی هنوز قدرت تصمیم‌گیری در دست افراد رأس هرم قدرت قرار دارد. در مرحله همیاری، افراد اجازه مذاکره و درگیری با دارندگان قدرت سنتی را می‌یابند. در سطح قدرت نمایندگی و شهروندی، دولت کنترل شده و شهروندان کرسیهای تصمیم‌گیری را کسب و قدرت مدیریتی به‌دست می‌آورند.

نقد وارد به این طبقه‌بندی، عبارت است از اینکه مراحل گذار مشارکت در اندیشه آرنشتاین با کمال در جامعه توسعه‌نیافته فاصله دارد. در دنیای توسعه‌یافته آرنشتاین مراحل را تعیین می‌کند که طی آن شهروند فاقد حقوق شهروندی در ایجاد تغییر عمده اجتماعی موفق می‌شود و در تسهیم منافع کلی جامعه دولتمند شرکت می‌کند. بنابراین، در هر مرحله از مراحل مشارکت، به مفهوم گسترش بیشتر قدرت شهروندان است.

است که از طریق آن افراد عقاید خود را به متصدیان امور اعلام می‌دارند تا به این وسیله درکی چندجانبه از نیازهای خود به‌دست دهند. متصدیان از سوی دیگر، علل و اثرات این نیازها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و به تصمیمی مشترک و مؤثر دست می‌یابند.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م، مباحث توسعه متمرکز بر ابعاد اقتصادی توسعه بود. طی دهه ۱۹۷۰ با توجه به اینکه بسیاری از فعالیتهای پیشین به نتیجه مطلوب نرسیده بود، کارایی الگوهای توسعه رایج مورد تردید قرار گرفت. یکی از بنیادی‌ترین انتقادات وارده بر الگوهای توسعه در آن زمان، عدم توجه شایسته به ابعاد اجتماعی آن بود. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه از بالا به پائین، بدون توجه به ابعاد اجتماعی و نقش مردم، باعث شد تا برخلاف انتظار، نتایج پیش‌بینی شده حاصل نشود. در این میان، عدم توفیق طرحها و پروژه‌های توسعه در بهبود وضع اکثریت فقیر کشورهای در حال توسعه موضوع را بغرنج‌تر می‌کرد. از سوی دیگر، توجه خاص کشاورزی در ابعاد بزرگ طی انقلاب سبز (← انقلاب سبز) منجر به حاشیه راندن کشاورزان خرده‌پا، افزایش بیکاری و فقر گردید.

با گسترش روزافزون انتقادات از فرایندهای توسعه، تلاش شد تا زمینه‌های مشارکت فقرا در برنامه‌های توسعه افزایش یابد و مردم در کانون برنامه‌های توسعه قرار گیرند. فلسفه اساسی این تغییر جهت بر تغییر رویکرد از رویکرد تولید محور به رویکرد مردم‌انسان محور بود. به این ترتیب، عوارض ناشی از سیاستهای کشاورزی بزرگ مقیاس و تجاری از یکسو و عدم موفقیت طرحهای توسعه در نقاط مختلف جهان از دیگر سو، همزمان با گسترش مباحث نوین دموکراسی در علوم سیاسی موجب شد که مسئله مشارکت به‌طور جدی و متفاوت مطرح شود.

گونه‌های مشارکت

مشارکت از نظر زمانی و مکانی درجات متفاوتی دارد. مشارکت ممکن است بسیار کوتاه و موقت و یا بنیادین و درازمدت باشد. به این ترتیب، مشارکت دربرگیرنده طیف وسیعی است که ممکن است از کمک افراد ذی‌نفع به انجام

مشارکت

پروژه‌های بالقوه آگاه شوند و از برخی فعالیتها حمایت نسبی به عمل آورند؛ با این وجود هیچ تضمینی وجود ندارد که پروژه جدیدی اجرا گردد؛

• اطلاع‌رسانی. این مورد شامل جریان یک‌طرفه اطلاعات از مأموران رسمی به جامعه است؛ اطلاعاتی درباره حقوق، مسئولیتها و گزینه‌ها، بدون اینکه اعضاء جامعه حق مذاکره و یا ارائه بازخورد را داشته باشند؛

• تبانی. در این مورد، هیچ‌گونه مشارکت رسمی در فرایندهای تصمیم‌گیری رسمی مجاز نیست و نه تنها مشارکت مورد توجه قرار ندارد، بلکه هر اظهارنظری برای کمک به محرومان را رد می‌کند؛

• خودمدیریتی. زمانی رخ می‌دهد که دولت هیچ اقدام مؤثری برای حل مشکلات محلی انجام نمی‌دهد و اعضای اجتماع خود برای بهبود وضعیت اقدام به طراحی، اجرای برنامه و نظارت بر آن می‌کنند؛ البته همیشه هم موفقیت‌آمیز نیست. گاهی جامعه از حمایت سازمانهای غیردولتی نیز برخوردار می‌شود و به نتایج مثبت بیشتری دست می‌یابد.

کوهن و اوپف مشارکت را براساس نوع مداخله، گروههای مشارکت کننده و نحوه وقوع آن، طبقه‌بندی کرده‌اند. دشلر و ساکس با تأکید بر اهمیت قدرت نسبی افراد ذی‌نفع، سطوحی از مشارکت مجازی تا مشارکت عینی را براساس گستره و قدرت نظارت مشخص کرده‌اند. وایت مشارکت را براساس شکل آن، از بالا به پائین و برعکس، و همچنین با توجه به کارکردهای آن، طبقه‌بندی کرده است.

پیامدهای مشارکت

قدرت موضوع اصلی مشارکت است و کنش مشارکتی مستلزم دارا بودن قدرت جمعی افراد ذی‌نفع است. مشارکت مردمی جزء اساسی اداره امور خوب (← اداره امور خوب) و پیش‌نیاز هر نوع برنامه توسعه‌ای است که نگران پاسخگویی به نیازها، مشکلات آموزه‌ها و تعلقات مردم است. مشارکت با توجه به دامنه آن، دارای پیامدهای متفاوتی است. براین اساس، می‌توان ۳ گروه از پیامدها را مشخص کرد:

در مقابل، گوردو اقدام به ارائه الگوی مشارکت برای کشورهای توسعه‌نیافته کرده است. از دیدگاه وی، مشارکت تنها ابزاری برای اثرگذاری در تصمیمات سیاسی نیست، بلکه ابزاری برای پیشگامی به منظور بهره‌گیری از کمک دیگران در پاسخگویی به نیازهاست. براین مبنا، سلسله مراتب مشارکت به شرح زیر خواهد بود:

• توانمندسازی. اعضاء جامعه در بدنه رسمی تصمیم‌گیری دارای اکثریت هستند و زمانی که جامعه قادر به بهبود شرایط خود نیست، با استفاده از این اهرم بر فرایند توسعه از بیرون تأثیر می‌گذارد و برای خود موقعیت مناسب‌تری فراهم می‌سازد؛

• همیاری. اعضاء جامعه و تصمیم‌گیران برنامه‌ریزان غیرمحلی توافق می‌کنند در مسئولیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سهیم باشند. جامعه در مسئولیت پروژه‌های توسعه، از طریق نهادهایی چون کمیته‌های برنامه‌ریزی، و با استفاده از سازوکارهای غیررسمی در حل مشکلات و تناقضات سهیم می‌شود؛

• توافق/ مصالحه. این امر زمانی رخ می‌دهد که راه‌حلهای پیشنهادی دولت نهایتاً با رأی مردم به تأیید می‌رسد. این امر ممکن است از طریق تعدادی از افراد برگزیده اجتماع (نمایندگان) و یا افراد حاضر در بدنه تصمیم‌گیری به وقوع بپیوندد؛

• برخورد دوگانه. کارشناسان، به‌منظور دستیابی به امکان مشارکت مردمی، نقش مشورتی یا گروههای مشورتی را ایفا می‌کنند. هدف صریح آنان آموزش مردم و یا به تحرک واداشتن آنها برای کسب حمایت بیشتر است؛

• دیپلماسی. دولت به دلیل فقدان منابع مالی یا نارسایی انتظار دارد، آحاد جامعه خود به اقدامات مورد نیاز دست بزنند و از طریق سازمانهای غیردولتی مورد حمایت قرار گیرد. بدین ترتیب، با شکل‌گیری و ورود سازمانهای غیردولتی، دولت ممکن است نوع برخورد خود را تغییر دهد و کمکهای محدودی را فراهم سازد. دیپلماسی ممکن است به شکل مشاوره، بررسی نگرشها، شنیدن حرف مردم، بازدید و یا ملاقات با ساکنان جامعه، بروز یابد. در این مواقع، کارگزاران دولتی تلاش می‌کنند تا از نگرشها درباره

مشارکت

ابزار و هدف مطرح است. بنابراین، انتظارات و پیامدهای حاصل از مشارکت نیز ترکیبی از مجموع پیامدهای این ۲ شکل خواهد بود.

نقد مشارکت

شدیدترین واکنش در برابر مدل‌های تصمیم‌گیری توسعه را مدافعان گزینه رویکردهای مشارکتی در توسعه نشان داده‌اند. پیشبرندگان اولیه فنون مشارکتی در توسعه و تحقیق مدعی بودند که استفاده از روشهای مشارکتی، فرایند توسعه را توانمندتر، مردمسالارانه، روزآمد و مؤثرتر می‌سازد. روشهای آنها تسهیم قدرت در ارزیابی و برنامه‌ریزی مراحل توسعه را، همراه با نحوه مداخله در چشم‌انداز و درک ساکنان محلی بهبود می‌بخشد. در عین حال، برخی کارشناسان به روشهای توسعه و مشارکت با دید انتقادی می‌نگرند. مهم‌ترین انتقاد از جریان توسعه و به تبع آن، از مشارکت عبارت است از اینکه توسعه اجتماعی در اصل نشأت گرفته از دانش و تصمیم کارشناسان غربی بوده است. فرایند توسعه برای ایشان معادل مدرن، عقلایی و صنعتی شدن و پیروی از الگوهای غربی بود، هرچند که با هزینه بالای فرهنگی و زیست‌محیطی همراه باشد.

بخش عمده‌ای از ادبیات موجود حاکی از آن است که روشهای پیشنهادی مشارکت در عمل در هیچ‌جا به فرایند مشارکت از پائین به بالا و فرایند باز توسعه که به صورت عام از آن دفاع می‌شود، پدید نیامده است. به سخن دیگر، مشارکت ایده‌آل و نظری، اغلب فاقد کارایی است و به‌عنوان ابزاری برای آزادی و توزیع قدرت که در مفهوم پیشنهادی آن مطرح است، به کار نمی‌رود، بلکه تلاشهای مشمول مشارکت عمدتاً بر مبنای روابط موجود قدرت توضیح داده می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- Bamberger, M. *The Role of Community Participation in Development Planning and Project Management*. EDI, World Bank, ۱۹۸۸.
- Bass, Stephen. *Participation in Strategies for Sustainable*

- پیامدهای مشارکت به‌عنوان ابزار؛
- پیامدهای مشارکت به‌عنوان هدف؛ و
- پیامدهای مشارکت در حالت بینابین ابزار و هدف.

در گروه اول ماهیت پیامدها با توجه به نوع نگرش به مشارکت، مورد توجه قرار می‌گیرد و براین‌مبنا، پیامدها طبقه‌بندی می‌شوند. در این گروه می‌توان پیامدها را به شرح زیر برشمرد:

۱. کاهش هزینه؛
۲. پایداری پروژه‌ها؛
۳. افزایش کارایی و افزایش بهره‌وری؛
۴. بهبود طراحی پروژه‌ها؛
۵. توزیع مناسب‌تر منابع؛
۶. تحرک بخشی به منابع؛
۷. افزایش مقبولیت پروژه‌ها؛
۸. تضمین موفقیت برنامه‌ها؛
۹. تسهیم هزینه‌ها؛
۱۰. کسب اطلاعات لازم از محل؛
۱۱. ارزیابی مناسب علتها و نیازها؛
۱۲. برنامه‌ریزی هماهنگ با واقعیتهای محلی؛
۱۳. انتخاب گزینه‌های مناسب با شرایط و نیازهای مردم؛ و
۱۴. ایجاد احساس تعلق.

در شکل دوم، مشارکت به‌مثابه هدف مطرح است. از این‌رو، انتظار از مشارکت و پیامدهای آن اگرچه محدودتر، ولی اساسی‌تر است. پیامدهای این شکل از مشارکت عبارتند از:

۱. تعدیل توزیع قدرت در جامعه؛
۲. ایجاد قدرت کنترل منابع؛
۳. تحرک بخشی به جامعه و اجتماعات؛
۴. بسترسازی برای استقرار در نظام برنامه‌ریزی دموکراتیک؛
۵. بسترسازی تغییر ساختار در نظام تصمیم‌گیری؛
۶. سهیم شدن مردم در منابع کمیاب؛
۷. ایجاد فرصت تحول برای گروههای فرودست؛
۸. نهادسازی؛ و
۹. تمرکززدایی.

در مواردی حالت بینابینی از ۲ نوع مشارکت به‌عنوان

مشارکت (در امور شهر)

دوم آن به کار می‌برند، فوراً از شهروندی (← شهروندی) یاد می‌کنند. بحث ممتنع بودن مشارکت از معنای دوم نشأت می‌گیرد، زیرا به این پرسش اساسی باز می‌گردد که در جوامعی که جمعیت آن شهروند به حساب نمی‌آیند، آیا مشارکت به معنای تخصصی آن ممکن است؟ برخی بدین سؤال پاسخی منفی داده‌اند. در عین حال، در معنای دوم با مفاهیمی همچون اقتصاد مشارکتی، سیاست مشارکتی، مدیریت مشارکتی مواجه هستیم.

به نظر آرنشتین، مشارکت تنها با توانمندسازی (← توانمندسازی) شهروندان و کنترل آنان در برنامه‌ها و پروژه‌ها تحقق پیدا می‌کند. آرنشتین مشارکت شهروندان را چنین تعریف کرده است: توزیع مجدد قدرت به نحوی که شهروندان تهیدست، یعنی آنانی که از فرایندهای سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند و به حساب نمی‌آیند، به نحوی توانمند شوند که در آینده عالماً و عامداً به حساب آیند. کونور (Conor) در ۱۹۸۸م نردبان جدید مشارکت شهروندان و وایلدمن و فومرز (Wildemann & Femers) در اثر مشترکشان به نام مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری مدیریت دورریزها: تجزیه و تحلیل مدیریت تضادها در ۱۹۹۳م و بالاخره دورسی و همکارانش، در ۱۹۹۴م در رساله خود به نام درگیری مردم در تصمیم‌گیریهای حکومت: انتخاب مدل مناسب، نردبانهای مشارکت مشابهی را مطرح ساخته‌اند که در تمام آنها، نظارت شهروندی کلید واژه اصلی بحث بشمار می‌رود.

در سالهای اخیر، از روش‌شناسی مشارکت محور و فنون گردآوری مشارکتی، نخست در مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی و سپس شهری یاد شده است.

کتاب‌شناسی:

- پیران، پرویز. *فقر در ایران*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
- شریفیان، مریم. «مشارکت شهروندی، حکم شهری و مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۸، سال دوم ۱۳۸۰.

پرویز پیران

Development, International Institute for Environment & Development, ۱۹۹۵.

- Chambers, Robert. Participatory Rural Approach Challenge. *World Development*. Vol. ۲۲, No. ۱۰, ۱۹۹۴.
- Kelley, K. et al. Participation Processes in Community Development. *Evaluation and Program Planning*. Vol. ۱۸, No. ۴, ۱۹۹۵.
- Samuel, Paul. *Community Participation in Development Projects*. World Bank, ۱۹۸۷.
- Story, David. Issue of Integrated Participation and Empowerment. The Case of Republic Ireland. *Journal of Rural Studies*. Vol. ۱۵, No. ۳, ۱۹۹۹.
- Uma Lete. *The Design of Rural Development*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, ۱۹۷۵.
- United Nation. *Participatory Rural Development in Selected Countries*, Emergency Committee on Integrated Rural Development for Asia & Pacific. United Nation, ۱۹۹۰.

حسن دارابی

مشارکت (در امور شهر)

Participation (in Urban Affairs)

در علوم اجتماعی و شهرشناسی، مشارکت از جمله مفاهیم مهم و در عین حال سهل و ممتنع است. در معنای کلی، شراکت ۲ نفر یا بیشتر در به سرانجام رساندن کاری را مشارکت گویند. این معنای مشارکت، با مفهوم همکاری و همیاری مترادف است. در معنای تخصصی، مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری در حیطه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مکانی - فضایی و مذهبی. در این معنا، تصمیم‌گیری اهمیتی اساسی در مشارکت دارد، اما در معنای دوم، مشارکت زمانی رخ می‌دهد که افراد، حقوقی غیرقابل انکار داشته باشند. منابعی که مشارکت را به معنای

سکونتگاههای اصلی انسانی تبدیل شده‌اند، حال آنکه در ۱۹۰۰م، جمعیت شهری جهان ۱۳٪ بود، در اواسط این سده به ۲۹٪ و در پایان آن، به ۴۸٪ بالغ گردید.

مشکلات شهری در شهرهای کشورهای در حال توسعه، در ۲ مقطع از این تاریخ، (اواخر سده ۱۹م به دنبال بروز پیامدهای گسترش صنعت در شهر و در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م) به صورت بحرانهای شهری متجلی شد و این جوامع تقریباً در هر ۲ مقطع در مبارزه با آنها، موفق عمل کردند. در مقابل، به دنبال گسترش فزاینده شهرنشینی در این کشورها در عرض چند دهه آخر سده ۲۰م و پیدایش ابرشهرهای جهان سومی، مانند لاگوس، بمبئی، مکزیکو سیتی، سائوپولو، تهران و قاهره، مشکلات بسیار پیچیده‌تر و بحرانی‌تری پدید آمده است. در مقابل رشد شدید و افسار گسیخته این شهرها، تلاش بیشتر به منظور خانه‌سازی، خدمات‌رسانی شهری و همچنین حفاظت از محیط زیست ضروری است. امروزه، مشکلات سکونتگاههای شهری ماهیتی چند بعدی دارند و در بستری بزرگ‌تر و در ارتباط با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، هیچ شهری در هیچ گوشه از جهان فارغ از مشکل نیست. با این وجود، نوع و ماهیت مشکلات شهری در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته با یکدیگر متفاوت است. به‌عنوان مثال، از دید برخی از نظریه‌پردازان مشکلات محیط زیست شهری را می‌توان در قالب ۲ دستور کار دسته‌بندی کرد:

• موضوعاتی که مربوط به بهداشت عمومی یا بهداشت محیط زیست می‌شوند (یا دستور کار قهوه‌ای). چنین مشکلاتی آثار مستقیم بسیار زیادی بر بهداشت محیط زیست دارند و به‌خصوص در بین اقشار کم‌درآمد جامعه بروز می‌کنند. این گونه مشکلات در مناطق فقیر و یا کمتر توسعه‌یافته چون آفریقا و سطح وسیعی از آسیا و امریکای لاتین، بیشتر در قالب مشکلات بهداشت محیط زیست، نمودار می‌شوند؛ و

• مشکلاتی که در سالهای اخیر توسط طرفداران محیط زیست، اغلب در کشورهای توسعه‌یافته و شهرهای مدرن (و در قالب دستور کار سبز) مطرح می‌شوند؛ از آن جمله‌اند، مسائلی از قبیل تولید بیش از اندازه در شهرها،

مشارکت سنتی (روستایی) ← مدیریت روستایی

مشکلات شهری

Urban Problems

دیدگاههای گوناگونی نسبت به شهرنشینی و مشکلات شهری وجود دارد. برخی محققان معتقدند، شهرها کانون مسائل و مشکلات اساسی، از جمله تخریب محیط زیست، انتشار انواع آلودگیها و بروز جرم، خشونت و انواع مسائل اجتماعی هستند. هرچند، در مقابل، محققان دیگر شهرها را جایگاه فرصتها و جزیره امتیازات می‌پندارند و با وجود مسائل و مشکلات، بر این فرصتها و امتیازات تأکید می‌کنند.

درواقع، انقلاب صنعتی بود که تغییرات شگرفی در شیوه زندگی، امکانات و تواناییهای انسان و شرایط محیط به وجود آورد. امروزه، صاحب‌نظران معتقدند، ریشه بسیاری از مشکلات غامض شهری، برخاسته از همین تغییرات و پیامدهای انقلاب صنعتی است، که از آن جمله‌اند:

- انفجار جمعیت؛
- گسستگی رابطه شهر با طبیعت؛
- گسستگی روابط اجتماعی؛ و
- تغییرات شدید در شالوده، سیما و ساختار شهری.

در مقابل این مشکلات، از همان زمان تلاش برای نجات شهرها از سوی ۲ گروه آغاز شد: گروه اول معتقد بودند، برای رفع این مشکلات باید از نو آغاز کرد و شکل‌های نوینی از همزیستی ایجاد کرد. گروه دوم، کارشناسانی در حوزه‌های مختلف بهداشتی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی بودند که تلاش واقع‌بینانه‌ای برای حل مسائل و مشکلات شهری پیشنهاد می‌کردند.

به‌رغم همه این تلاشها، امروزه دامنه مشکلات شهری نه تنها کاهش نیافته، بلکه بر شدت و گستره آن نیز افزوده شده است. علاوه‌براین، در ۱۰۰ سال گذشته، تغییر فوق‌العاده‌ای در کره زمین به وقوع پیوسته است: شهرها به

رشد شهر با توسعه فاصله زمانی بیشتری به وجود آید، مشکلات شهری به همان نسبت پیچیده‌تر و بغرنج‌تر خواهند بود. مشکلات اغلب شهرهای جهان سوم از این گونه هستند، این در حالی است که طبق برآوردهای سازمان ملل در آینده نیز تقریباً تمام رشد جمعیت جهان در شهرهای کشورهای با درآمد کم و متوسط اتفاق خواهد افتاد. انتظار می‌رود، جمعیت شهری آسیا و آفریقا با بیشترین حجم جمعیت روستایی، تا ۲۰۳۰م دوبرابر شود و به ۳/۴ میلیارد افزایش یابد. هم‌اکنون، حدود یک میلیارد نفر از ساکنان شهرها در زاغه‌ها یا سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند (عرصه‌هایی که مردم بدون دسترسی مناسب به نیازهای اولیه زندگی نظیر آب سالم آشامیدنی، بهداشت، فضای مناسب و کافی، مسکن مقاوم و ایمن به سر می‌برند).

از همین رو، امروزه مشکلات شهرنشینی به چالش‌های عمده برای توسعه انسانی و حقوق بشر در سطح بین‌المللی تبدیل شده است، زیرا وضعیت نواحی شهری جهان به‌طور گسترده در تقابل با توسعه پایدار قرار گرفته است. شمار مردمی که در زاغه‌ها زندگی می‌کنند، به‌طور مداوم افزایش می‌یابد و آلودگی‌های صنعتی ناشی از رشد سریع اقتصادی، آب‌وهوا را می‌آلود. هنوز جریان مهاجرت به‌سوی شهرها ادامه دارد و حتی به نظر نمی‌رسد که در آینده متوقف و یا حتی از سرعت آن کاسته شود، زیرا فرصت‌های اقتصادی، حتی برای فقرا، در شهرها بیشتر است.

به‌هرحال، از دید مجامع جهانی مهم‌ترین مشکلات شهرها و ساکنان شهری فهرست‌وار عبارتند از:

- منابع مالی ناکافی؛
- فقدان سرمایه‌گذاری مناسب؛
- بیکاری؛
- گسترش بی‌خانمانی و سکونتگاه‌های غیررسمی؛
- افزایش فقر و تشدید فاصله طبقاتی؛
- رشد ناامنی و افزایش نرخ جنایت؛
- بدتر شدن شرایط ساختمانی، خدمات و زیرساختها؛
- نبود بهداشت و تسهیلات آموزشی؛
- کاربری نادرست اراضی؛

مصرف‌گرایی، تولید مواد زائد و تحمیل آن بر اکوسیستم، تهی‌سازی منابع طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی در سطح جهانی. این مشکلات در درازمدت، پایداری زیست محیطی را در سطح جهان تهدید می‌کنند.

بنابراین، مشکلات زیست محیطی شهرهای فقیر از نظر نوع و مقیاس با مشکلات شهرهای صنعتی و حتی با شهرهای با درآمد متوسط، متفاوت است ساکنان شهرهای فقیر، به‌طور رودررو و مستقیم، هر روز با مسائل زیست محیطی مواجه هستند، درحالی‌که ساکنان شهرهای ثروتمند این مسائل را در زندگی روزانه خود تجربه نمی‌کنند. درواقع، درحالی‌که شهرهای کشورهای توسعه‌یافته نیز حل مشکلات شهری خود را سرلوحه اهداف و مقاصد برنامه‌ریزان و مدیران قرار می‌دهند، ولی به‌لحاظ آنکه شهرها در کشورهای درحال توسعه با نرخ رشدی بیشتر از گذشته در حال گسترش هستند، مسائل و مشکلات این دسته از شهرهای جهان نگران‌کننده‌تر و اسف‌بارتر است. به‌طورکلی، شهرنشینی در این کشورها با مشخصه مهاجرت‌های انبوه روستا- شهری و مشکلات درونی، مانند کمبود خدمات و تسهیلات عمومی، تراکم ترافیک، گسترش آفقی و معضل سکونتگاه‌های غیررسمی، شناخته می‌شوند.

وقتی که این نوع مشکلات شهری غیرقابل حل به نظر می‌رسند و سرنوشت شهر از این حیث به مرحله وخیمی می‌رسد، این مشکلات به بحران شهری (← بحران شهری) تبدیل می‌شوند. درواقع، عمق و شدت مشکلات در زمانها و شهرهای مختلف متفاوت است. در صورتی‌که شهرها با این بحرانها مواجه شوند، می‌بایست برای جلوگیری از انحطاط و زوال شهری، سخت مبارزه و تلاش کنند.

تغییراتی که به همراه رشد یک شهر از یک سکونتگاه کوچک به یک شهر بزرگ مطرح می‌شوند، ژرف‌ترین اثرات را بر نظامهای محیطی زیست برجای می‌گذارند. رشد شهری تغییرات عمده‌ای بر شکل زمین، شبکه‌های زهکشی، آب‌وهوا، نظامهای اقتصادی و اجتماعی برجای می‌گذارد. هرچه این‌گونه تغییرات شدیدتر و نامتوازن‌تر باشد، مشکلات شهری هم پیچیده‌تر و عمیق‌تر خواهند بود. از طرف دیگر، هرچه فاصله زمانی رشد کوتاه‌تر باشد و میان

مطالعات شهری

- Encyclopedia of the City*. Roger W. Caves (ed), Canada: Taylor & Francis Group, ۲۰۰۵.
- Girardet, Herbert. *Cities People Planet, Livable Cities for a Sustainable World*. England: Wiley- Academy, ۲۰۰۴.
- Harris, N. *Urbanization, Economic Development and Policy in Developing Countries*. Habitat International, Vol. ۱۴, ۱۹۹۰.
- Lee N. Kai. An Urbanizing World. *The State of the World ۲۰۰۷. Our Urban Future*. UK: Earthscan, ۲۰۰۷.
- Rittel and Webber. Dilemmas in a General Theory of Planning, *Policy sciences*. ۱۹۷۳.
- UN. *World Urbanization Prospect: The ۲۰۰۵ Revision*. Department of Economic and Social Affairs (Population Division), ۲۰۰۵.

اسماعیل صالحی

مطالعات شهری

Urban Studies

حوزه‌ای میان‌رشته‌ای برای مطالعه کلیت و جوه شهر به منظور درک سرشت پیچیده آن. مطالعات شهری در قالب چندین رشته و در چندین شاخه به انجام می‌رسد. اتصال و ارتباط بین رشته‌ها و چشم‌اندازهای مرتبط با آنها نقش مهمی در استحکام بخشی به این گونه مطالعات دارد، زیرا مفاهیم و نظرات تخصصی در مطالعات و ارتباط بین‌رشته‌ای آنها در عرصه‌های شهر، به مطالعات شهری عمق بیشتری می‌دهد و چشم‌اندازهای مرتبط با مبانی نظری، سیاست‌گذاریها و تدوین برنامه‌های اجرایی شهرها را غنی‌تر می‌سازد.

در عرصه‌های علمی، مطالعات شهری از چندین جنبه حائز اهمیت است؛ یکی از این جنبه‌ها به نقش حرفه‌ها و گروه‌های تخصصی در این مطالعات بازمی‌گردد. علاوه بر آن، چشم‌انداز نظریه‌های علمی مرتبط با رشته‌ها دومین کلید موفقیت در عرصه‌های مطالعاتی محسوب

- اجاره‌نشینی نامطمئن؛
- افزایش تراکم ترافیک؛
- افزایش آلودگیها؛
- کمبود فضاهای سبز؛
- عدم آبرسانی کافی و بهداشتی؛
- توسعه شهری ناهماهنگ؛
- نرخ بالای رشد جمعیت؛
- استمرار روندهای مهاجرت روستاییان؛
- افزایش آسیب‌پذیری در مقابل بلایا؛ و
- ضعف نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.

این مشکلات به‌طور جدی، به‌ویژه در شهرهای کشورهای جهان سوم، مطرحند و در همه سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی و حفظ محیط زیست، به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل در کیفیت زندگی مردم، کیفیت محیط و توسعه پایدار تأثیرگذار هستند.

رتیل و وبر از این‌گونه مسائل با عنوان *مسائل پایدار* یاد می‌کنند. در جوامعی که با این‌گونه مسائل روبرو هستند، هیچ فرمول معینی برای حل مسائل و مشکلات وجود ندارد؛ هیچ راهی برای متوقف کردن آنها نمی‌توان سراغ گرفت؛ و امکان هیچ نوع آزمایش مستقل و نهایی هم وجود ندارد. هر راه‌حلی خود، آخرین فرصت تلقی می‌شود و فرصتی برای آزمون و خطا وجود ندارد.

کتاب‌شناسی:

- بنه‌ولو، لئوناردو. *سرچشمه‌های شهرسازی نوین*، ترجمه محمدتقی کاتبی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- مک گراهانان و ساترتویت. «بهداشت محیط زیست یا پایداری اکولوژیکی»، *شهرهای پایدار: در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه ناصر محرم‌نژاد، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳.
- Aplin, G. and others. *Global Environmental Crises*. Oxford: Oxford University press, ۱۹۹۵.
- Arawal, p. Urban Land Consolidation: a Review of Policy and Procedures in... Asian Countries. *Geo Journal* ۴۹. Kluwer Academic Publisher, ۲۰۰۰.
- Beauregard, R. A. Sustainable Urban Development.

مطالعات شهری

وضع موجود شهر، تجزیه و تحلیل مطالعات و تدوین برنامه‌های پیشنهادی قابل تقسیم‌بندی است.

با پیشرفت برنامه‌ها و مطالعات شهری به کمک کارشناسان امور شهری، بسط هرچه بیشتر مطالعات با استفاده از فنون و روشهای ویژه و با بهره‌گیری از علوم طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و فنی است. امروزه در پیشبرد مطالعات شهری، علاوه بر ۲ تخصص اصلی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و طراحی شهری که در مرحله تصمیم‌گیری در برنامه‌ها نقش اساسی دارند، استفاده از علوم جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، معماری و محوطه‌سازی، آمار و جمعیت‌شناسی، اقتصاد، تأسیسات شهری، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، مدیریت شهری و برنامه‌ریزی و تحلیل سیستمها در تعمیق مطالعات مربوط به شهر بسیار حائز اهمیت است.

حوزه مطالعات شهری، در قالب دسته‌بندیهای دیگری که با استفاده از تخصصهای فوق صورت می‌گیرد، شامل مطالعاتی مانند جغرافیای شهری، جامعه‌شناسی شهری، انسان‌شناسی شهری، اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری)، شناخت فضاهای شهری، زیباشناسی شهری، بوم‌شناسی شهری (← بوم‌شناسی شهری)، نوسازی و بهسازی شهری (← نوسازی شهری)، مدل‌های شهری، نظامهای شهری، مدیریت شهری (← مدیریت شهری) و همچنین برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی محیطی، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، برنامه‌ریزی کالبدی (← برنامه‌ریزی کالبدی)، برنامه‌ریزی مسکن (← برنامه‌ریزی مسکن) و برنامه‌ریزی تأسیسات عمومی و تفریحی و زیربنایی می‌شود که محور اصلی آن برنامه‌ریزی طراحی شهری (← طراحی شهری) است. اغلب مطالعات فوق خود نیز زیربخشهای مطالعاتی دیگری دارند که بعضی از آنها با یکدیگر تداخل دارند. از دهه ۱۳۵۰ش (دهه ۱۹۷۰م) در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان و برخی از کشورهای درحال توسعه نسبت به ایجاد مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی شهری به منظور تدوین برنامه‌ها و مطالعات در جهت تعادل بخشی به نواحی شهری اقدام شده است.

می‌شود. معرفی شهر از دیدگاههای مختلف و عواملی که بر عرصه‌های آن تأثیر می‌گذارد، هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که به تدوین برنامه برای آینده شهر می‌پردازند؛ بدیهی است، مطالعه تأثیرات متقابل عوامل مختلف شهری از دیدگاه تخصصهای مختلف، نقش بسزایی در میزان موفقیت این نوع برنامه‌ها خواهد داشت.

در حقیقت، می‌توان به این نتیجه رسید که مطالعات شهری یک سلسله مطالعات نظام‌یافته است که تلاش دارد از طریق فنون و رفتارهای علمی، فرایند برنامه‌ریزی را تکمیل کند. این مطالعات نظام‌مند به بهبود محتوایی برنامه‌ها، مانند توزیع فضایی برنامه‌های کالبدی، انواع خدمات اجتماعی، بهداشتی و مذهبی و سایر خدمات مورد نیازی که احتیاج به مشخصات افراد یا گروههای مختلف مردم، سازمانها، گروههای اقتصادی و اجتماعی شهری دارد، کمک شایان توجهی می‌کند.

در عرصه‌های شهرسازی و در ۲ گرایش طراحی شهری (← طراحی شهری) و برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) مطالعات شهری در الگوها و دسته‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. در یک تقسیم‌بندی مطالعات شهری شامل مطالعات تاریخی، مطالعات ساختمانی و معماری، مطالعات سازمان و ساختار طبیعی، زمین‌شناسی، مطالعات تأسیسات عمومی، مطالعه فرایندهای شهری - شامل اداره و حکومت شهر، اقتصاد و توسعه شهر، قوانین و ضوابط شهری، مطالعات حفاظت محیط و برنامه‌ریزی شهری - و مطالعات فرهنگ و مردم شهر - شامل روان‌شناسی شهری، نظام اجتماعی شهر، مطالعات انسان‌شناسی و ارتباط شهر با محیطهای اطراف و جهان و بالاخره مطالعات چشم‌اندازهای شهر می‌شود.

در تقسیم‌بندی دیگر، مطالعات شهری مطالعات منطقه‌ای شهر و حوزه‌های نفوذ آن، مطالعات طبیعی و اقلیمی، مطالعات اجتماعی و جمعیتی، مطالعات اقتصادی، مطالعات کاربری زمین، مطالعات کالبدی - ساخت و بافت شهری - مطالعات تأسیسات عمومی و زیربنایی و بالاخره مطالعات حمل‌ونقل و راههای ارتباطی را دربر می‌گیرد. اگرچه مراحل مختلف مطالعاتی خود براساس شناخت

مکان مرکزی، نظریه

تبعیت می‌کند که چه بسا از نظر ما پنهان باشد؛ این نظم را باید جستجو کرد و قانونمندیهای مرتبط با آن را دریافت.

پرسش اساسی دیگر، این واقعیت بود که چرا در پاره‌ای نواحی بیشتر سکونتگاههای روستایی و در برخی دیگر، کانونها و مراکز شهری، حتی به صورت متراکم و ظاهراً بی‌معنی، استقرار یافته‌اند، و در مقابل، بعضی نواحی اصولاً فاقد مرکز شهری و یا حتی مرکز بازاری هستند؟ بدینسان کریستالر به معرفی ۳ جنبه اساسی، به شرح زیر، می‌پردازد:

• در سطح مناطق پیوسته با تعداد زیاد مکانهای مرکزی با رتبه پائین، یعنی با اهمیت و وسعت کمتر و در مقابل، تعداد نسبتاً کم مکانهای مرکزی با اهمیت و وسعت نسبی بیشتر و همچنین تعداد معدودی مکانهای مرکزی با رتبه بالا و نهایتاً، با یکی - دو مکان مرکزی برخوردار از بالاترین رتبه روبرو هستیم. این بدان معناست که به طور کلی، در کنار تعداد زیادی لکه‌های بازاری و سکونتگاههای کوچک و بسیار کوچک، تنها تعداد معدودی سکونتگاههای بزرگ وجود دارد. به این ترتیب، هرچه سکونتگاهها بزرگ‌تر باشند، تعداد آنها در سطح مربوط به خود کمتر خواهد بود؛

• در سطح مناطق، در جاهایی سکونتگاههای شهری بزرگ با جمعیت زیاد و متراکم و در جاهای دیگر، این نوع سکونتگاهها معدود و با جمعیت کمتر مشاهده می‌شوند. بنابراین، پراکنش فضایی مکانهای مرکزی متعلق به سطوح بالا، اتفاقی نیست و استقرار فضایی آنها در هر ناحیه یا منطقه از قانونمندیهایی معین تبعیت می‌کند؛ و

• استقرار سکونتگاههای یک منطقه، از سکونتگاههای کوچک منزلگاهی تا لکه‌های بازاری و تا بزرگ‌ترین کانونهای شهری (کلانشهرها)، براساس وسعت و اندازه (سطح)، از نظم و ترتیبی خاص تبعیت می‌کنند. براین مبنای، می‌توان سکونتگاههای مختلف را برحسب وسعت و اندازه و به تبع آن، عملکردهای هریک، در چارچوبی منظم، سطح بندی نمود.

با توجه به این پیش‌فرضهای مبنایی، محتمل‌ترین شکل سازمان فضایی، شبکه مکانهای مرکزی، خواهد بود، شبکه‌ای که متشکل از مراکز و کانونهای مختلف سکونتگاهی بر مبنای یک سلسله مراتب منظم است.

کتاب‌شناسی:

- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶.

- Cowan, R. (ed). *The Dictionary of Urbanism*. U.K.: Streetwise Press, Limited, ۲۰۰۵.

- Steinbacher, B. & Benson, V.O. *Urban Studies*. U.S.A.: Kendall/ Hunt Publishing Co. ۱۹۹۵.

- Whittick, A. *Encyclopedia of Urban Planning*. New York: McGraw Hill Inc., ۱۹۷۴.

اسماعیل شیعه

مکان مرکزی، نظریه

Central Place Theory

اصل مرکزیت یا نظریه مکان مرکزی را والتر کریستالر، جغرافیدان آلمانی، با انتشار کتاب *مکانهای مرکزی در جنوب آلمان* (۱۹۳۳م) که حدود ۷۵ سال از انتشار آن می‌گذرد، معرفی کرد. او به انگیزه درسهای استاد خود، روبرت گرادمان، و با توجه به مطالعات یوهان فن تون، آدنا وبر، ورنر زومبارت، آلفرد وبر و ماکس وبر، به شناسایی مکانهای مرکزی در جنوب آلمان پرداخت، تا ضمن فراهم آوردن زمینه‌های تئوریک - اقتصادی لازم برای طبقه‌بندی منطقی سیاسی - اداری، به قانونمندیهای جغرافیایی - اقتصادی حاکم بر تعداد، وسعت و پراکندگی سکونتگاههای شهری دست یابد. به سخن دیگر، کریستالر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که چگونه می‌توان به تبیین وسعت، تعداد و پراکنش شهرها پرداخت، تا از آن طریق، بتوان به قانونمندیهایی دست یافت؟ او می‌پرسید، آیا وسعت و پراکندگی شهرها اصولاً تابع قانونمندی است؟ و آیا شناخت این قانونمندی امکان‌پذیر است؟ به این ترتیب، او با دستیابی به شبکه‌ای معین - متشکل از کوچک‌ترین آبادیهای روستایی تا بزرگ‌ترین واحدهای شهری - اظهار داشت، درعین حال که استقرار سکونتگاهها بی‌قاعده و خود به خودی به نظر می‌آید، پراکنش آنها از نظم و انتظام خاصی

مکان مرکزی، نظریه

دارای مکان مرکزی بزرگ‌تری هستند که نیازهای روستاها و شهرهای کوچک‌تر را برآورده می‌سازند، نیازهایی که شهرهای کوچک‌تر قادر به پاسخگویی به آنها نیستند.

براین اساس، مراکز واقع در هریک از سطوح سلسله مراتب، با آمیزه‌ای از کالاها و خدمات با مقادیر آستانه خاص خود مشخص می‌گردند. مطابق نظر کریستالر، در بالاترین درجه و یا مرکز کلانشهری، تمام کالاها را می‌توان یافت. هرچند این مراکز به لحاظ نظری، تمام کالاهای درجه پایین‌تر را نیز تهیه می‌کنند، اما به علت حیطه بعضی از کالاها، می‌توان آنها را در سایر مراکز نیز یافت. هر مرکز در سطح معینی از سلسله مراتب می‌تواند کالایی را که مقدار آستانه خاصی در میان کالاهای نهایی سلسله مراتب دارد و نیز تمام کالاهای بعدی با آستانه کمتر را تأمین و عرضه کند.

کریستالر معتقد بود، کارآمدترین شکل نظری (تئوریک) حوزه‌های بازاری، شش ضلعی است، زیرا در این قالب، شکل‌گیری و استقرار حداکثر تعداد حوزه‌های بازاری، همراه با حداقل هزینه‌های حرکت (جابه‌جایی) امکان‌پذیر است. البته آنچه که در این میان اهمیت ویژه دارد، ۲ عنصر اصلی، یعنی حد آستانه و حیطه یا بُرد کالاها و خدمات است. آشکار است که حدود این ۲ عنصر برای کالاها و خدمات گوناگون متفاوت است. برخی کالاها و خدمات دارای مقدار آستانه ناچیزی هستند و براین اساس، حیطه یا بُرد محدودتری دارند، بنابراین می‌توان آنها را کالاها یا خدمات رتبه پایین نامید. در مقابل، برخی کالاها و خدمات نیازمند سطح بالاتری از تقاضا و بالطبع حیطه یا بُرد وسیع‌تری هستند که به آنها کالاها و خدمات رتبه بالا گفته می‌شود. برای نمونه، نان یک کالای رتبه پایین و خدمات یک جراح متخصص دارای رتبه بالاست.

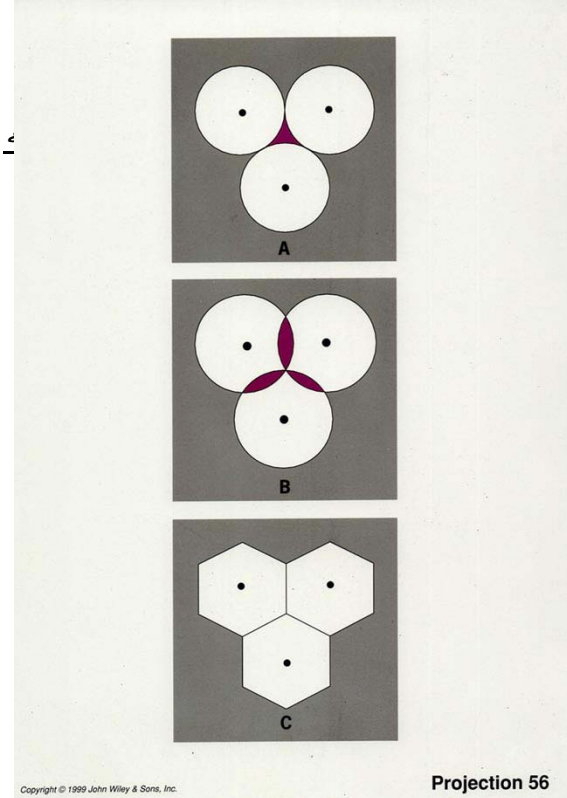
براساس اصول بالا و به خاطر محدودیتهای حد آستانه، آشکار است که امکان عرضه تمام کالاها و خدمات در همه مراکز وجود ندارد. تعداد نقاط تولید یا عرضه خدمات با رتبه کالا یا خدمت نسبت معکوس دارد؛ یعنی کالاها و خدماتی که دارای کمترین رتبه هستند، در مکانهای بیشتری یافت و عرضه می‌شوند، اما کالاها و خدماتی که بالاترین

به این ترتیب، شبکه مکان مرکزی براساس ۲ اصل عمده پدیدار می‌گردد:

- نخست اینکه، تمام کالاها و خدمات مورد نیاز کل منطقه توسط تعداد معدودی از مراکز تأمین و عرضه می‌شوند؛ و
- دیگر اینکه، یک مکان مرکزی با سطح و رتبه معین، کالاها و خدمات مرتبط با جایگاه خود و ضمناً تمام کالاها و خدمات با رتبه کمتر از سطح خود را عرضه می‌کند.

براین مبنا، کریستالر سکونتگاههایی را که برای حوزه پیرامونی خود مرکزیت دارند، مکان مرکزی می‌نامد؛ یعنی مراکزی که نه تنها کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند، بلکه علاوه بر آن، نیازهای مرتبط سکونتگاههای کوچک‌تر پیرامونی را نیز برآورده می‌سازند. به این ترتیب، جایگاه هریک از سکونتگاهها به میزان کالاها و خدماتی که به منظور برآوردن نیازهای خود و جمعیت نقاط پیرامونی عرضه می‌کنند، بستگی مستقیم دارد. به سخن دیگر، مقدار و دامنه کالاها و خدمات عرضه شده، تعیین‌کننده درجه مرکزیت و دامنه کارکردهای مرکزی آن مکان بشمار می‌رود. از این رو، شهرها با برخورداری از حوزه پیرامونی، اغلب مکان مرکزی بشمار می‌آیند و سکونتگاههای روستایی که در اصل دریافت‌کننده کالاها و خدمات هستند، از راههای مختلف با شبکه مکان مرکزی در ارتباط قرار می‌گیرند. کریستالر با تأکید بر تفاوت‌های موجود میان سکونتگاههای شهری و روستایی، آنها را از لحاظ جمعیت و عملکرد ۲ پدیده ماهیتاً متفاوت بشمار می‌آورد. هرچند، در مواردی، روستاها ممکن است از برخی کارکردهای مرکزی کم اهمیت‌تر برخوردار باشند.

بدینسان، مفهوم مرکزیت بر مبنای یک سلسله مراتب منظم، شامل تمام سکونتگاههای یک عرصه مکانی می‌شود؛ یعنی نه تنها حوزه‌های کوچک شهری که صرفاً مرکز حوزه پیرامونی خود (سکونتگاههای روستایی) بشمار می‌روند، بلکه شهرهای بزرگ‌تر را نیز دربر می‌گیرد. بدینسان، مکانهای مرکزی نه تنها حوزه پیرامونی بلافصل خود، بلکه در عمل، شبکه‌ای متشکل از چندین حوزه کوچک‌تر را شامل می‌گردد. به سخن دیگر، هریک از حوزه‌ها مراکز نزدیک‌تر به خود را تحت پوشش دارند، اما در مجموع



• یک مکان مرکزی با سطح معین در سلسله مراتب، کالاها و خدمات مربوط به سطح خود و تمام کالاها و خدمات سطوح پایین‌تر را عرضه می‌کند.

خداشه در هریک از این ۲ اصل، ترتیب سلسله مراتب را به هم می‌زد و این واقعیتی بود که خود کریستالر نیز تشخیص داده بود. بنابراین، علاوه بر نحوه نظم‌پذیری سلسله مراتبی بالا که آن را *قاعده یا اصل بازاریابی* می‌نامید، ۲ قاعده یا اصل دیگر را نیز معرفی کرد: *اصل ترافیک* ($K=4$) و *اصل اداری-اجرایی* ($K=7$). در نظر کریستالر، گسترش یا تغییر الگوی حوزه‌های بازاری مطرح نبود. بنابراین، شبکه‌های مکانهای مرکزی ممکن بود براساس یکی از این ۳ اصل عمده، به صورت ثابت و تنها با تغییر جهت و وسعت شش ضلعیها، بدون آنکه این شکل هندسی تغییر پذیرد، پدیدار شوند.

کریستالر در بحث خود از الگوهای گوناگون سلسله مراتبی، پا را از این ۳ ساختار اصلی فراتر نهاد، اما لوش، جغرافیدان دیگر آلمانی، به نتیجه عملی‌تری دست یافت. به این ترتیب که در یک مجموعه بی‌پایان، با تغییر وسعت و جهت شش ضلعیها، مقادیر K ممکن است برابر ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۱ و... باشد. به این ترتیب، برخی حوزه‌های بازاری امکان بروز بیشتر نمی‌یابند و فقط بعضی از آنها، به ویژه آنهایی که دارای مرکز بازاری مشترک نیستند (یعنی K برابر

رتبه‌ها را دارند، تنها در نقاط معدودی در دسترس هستند. بنابراین، استقرار فضایی مکانهای بازاری و سکونتگاهها به شکل سلسله مراتبی منظم تحقق می‌یابد. برای درک چگونگی این سلسله مراتب باید به اصل بنیادین نظریه مکان مرکزی مراجعه کرد: هر مکانی با سطح معینی در این سلسله مراتب، نه تنها تمام کالاها و خدماتی را که با رتبه آن متناسب است، تهیه و عرضه می‌کند، بلکه تمام کالاها و خدمات با رتبه کمتر از سطح خود را نیز تأمین و عرضه می‌کند.

بنابراین، مدل کریستالر میان هر سطح از سلسله مراتب، نسبت ثابتی را الزامی می‌شمارد. این نسبت به عنوان مقدار K شناخته شده است و نشانگر این است که هر مرکز، علاوه بر حوزه خود، تعداد مشخصی از حوزه‌های بازاری و مراکز با درجه کمتر را زیر نفوذ کارکردی خود دارد. بر این اساس، شبکه‌ای پدید می‌آید که بر مبنای آن، نحوه شکل‌پذیری سلسله مراتب مطابق قاعده سه‌ها است؛ یعنی هر مرکز بر سر راه ۳ مرکز دیگر که بالاترین درجه بعدی را دارند، قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هر مرکز جدید (و حوزه بازاری آن) نیز با ۳ مرکز با درجه بالاتر/اشتراک عملکردی می‌یابد. کریستالر اصطلاح *اصل بازار* را برای توصیف نحوه سازمان‌پذیری یک شبکه $K=3$ به کار می‌برد، زیرا این نحوه سازمان‌پذیری براساس رفع نیازهای حداکثر تعداد مصرف‌کننده (که به صورت موزون پراکنده شده باشند) از طریق حداقل تعداد مکانهای مرکزی استوار بود.

کریستالر تصور می‌کرد، همین که مقدار K در یک حوزه مشخص شد، در تمام طول سلسله مراتب ثابت باقی می‌ماند، به طوری که تعداد مراکز و حوزه‌های بازاری موجود در سطوح بعدی سلسله مراتب، براساس این تصاعد مرتباً افزایش می‌یابد. به عنوان نمونه، یک کلانشهر باید کالاهایی با بالاترین درجه را برای ۲ شهر بعدی (به اضافه خودش)، ۶ شهر کوچک، ۱۸ روستا، ۲۷ دهکده و... را تأمین کند. به این ترتیب، شبکه مکان مرکزی بر مبنای ۲ اصل عمده زیر پدید می‌آید:

• تمام کالاهای مورد نیاز منطقه مفروض کریستالر از طریق تعداد معدودی مرکز تأمین می‌شود؛ و

مکان مرکزی، نظریه

این‌گونه عوامل با اصول کلی مطرح در قانونمندیهای علم فیزیک، به‌ویژه قانون حرکت نیوتن شباهت دارد. این شباهت در اواسط سده ۱۹م توسط کری مورد شناسایی قرار گرفت و بعدها در ۱۹۴۷م توسط *استیوارت*، با نام *مدل* جاذبه معرفی شد.

نتیجه دیگر اینکه، حتی اگر سطح زمین منطقه مفروض کاملاً همگون باشد، باز فعالیتهای اقتصادی موجود در آن از نظر فضایی متنوع خواهند بود. بنابراین، در اینجا نوعی *اقتصاد فضا* که علی‌رغم تأثیر محدودکننده‌های اساسی، با پیچیدگی زیاد ساختاری و نظم فضایی همراه است، مطرح می‌شود که شکل (مورفولوژی) ویژه آن، از ماهیت مبتنی بر نظم رفتار اقتصادی، با توجه به اینکه کالاها و خدمات در شرایط معین نظریه، تولید، مبادله و مصرف می‌شوند نشأت می‌گیرد. این رفتار مبتنی بر نظم در فضا، به‌صورت کنش متقابل تجلی می‌یابد: حرکت مصرف‌کنندگان به‌سوی مکانهای مرکزی، جابه‌جایی کالاها به‌سوی مصرف‌کنندگان و انتقال تولیدات کشاورزی به بازارهای مرکزی. حساسیت این‌گونه جابه‌جاییها در برابر اثر فرسایشی مسافت که برحسب هزینه حمل‌ونقل تعیین می‌شود، کلید فهم نظم مکانی- فضایی را فراهم می‌سازد. به‌این ترتیب، این نظام فضایی متشکل از مجموعه‌ای از عناصر در حال تأثیر و تأثر متقابل (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مزارع و مکانهای مرکزی) است که به‌واسطه جریان مداوم کالاها، خدمات و افراد با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. براین اساس، *نظام اقتصادی فضا* به‌عنوان *کلیتی جامع عمل* می‌کند و اگرچه هریک از قسمتهای گوناگون آن نقشی مجزا در کار نظام برعهده دارند، اما هیچ‌کدام به‌طور کامل مستقل از سایر اجزاء نیست. در این مجموعه پیچیده، تغییر در نقش عملکردی یک قسمت، تأثیری مهم بر کار سایر قسمتها و نیز بر ساختمان عملکردی کل مجموعه وارد می‌آورد. بنابراین، چشم‌انداز اقتصادی فضا، در شرایط مطلوب، نمایانگر نظامی است که افراد از طریق آن، با توجه به تفاوتهای مکانی- فضایی موجود میان نیازها و منابع ضروری، می‌کوشند تا نیازهای خود را برآورده سازند. آشکار است که برای فهم و درک نحوه استقرار و

۷، ۱۳، ۱۹)، بیش از سایر حوزه‌ها پدید می‌آیند. تحت این شرایط، هریک از کالاها یا خدماتی که در شبکه مکان مرکزی عرضه می‌شوند، می‌توانند مناسب‌ترین حوزه بازاری را از لحاظ وسعت/تختاب کنند. به‌این ترتیب، یک شبکه عینی مکان مرکزی از چندین شبکه شش ضلعی که هرکدام دارای وسعت و جهت متفاوتی هستند، پدید خواهد آمد و بدینسان، وسعت حوزه‌های بازاری در کل شبکه، با توجه به تعداد کالاها و خدمات عرضه شده، تفاوت خواهد کرد.

در نظر کریستالر، شبکه سلسله مراتبی از مجموعه سطوحی معین و مجزا از هم تشکیل می‌شود، حال آنکه شبکه مورد نظر لوش به یک توزیع مداوم و پیگیر سلسله مراتبی مراکز اشاره دارد. در شبکه لوش، شهرهای کوچک هم اندازه ممکن است برخلاف شبکه کریستالر، کارکردهای اقتصادی کاملاً متفاوتی داشته باشند. به‌این ترتیب، مدل لوش، با وجود ابهامات موجود در آن، قابل انعطاف‌تر و روشن‌تر از مدل کریستالر است. در واقع، لوش مدعی است، ضرورتی ندارد مانند کریستالر ۳ اصل مجزا و در حال کشمکش را در برابر یکدیگر قرار دهیم، بلکه می‌توان شبکه‌ای را مجسم کرد که هر ۳ اصل را به‌طور یکجا در بر داشته باشد. برداشت لوش ۲ نتیجه مهم به همراه داشت:

- صورت‌بندی بخشی شبکه، مستلزم خطی بودن حرکت در طول راههاست؛ و
- در این شبکه، با وجود تأکید بر ضرورت نظم‌وترتیب مکانی، پراکندگی جمعیت، موزون نیست و از نظر مکانی- فضایی ناهمگون است.

براین اساس، نتیجه می‌شود که جابه‌جایی کالاها و خدمات، و حرکت افراد و گروههای انسانی برای دستیابی به آنها، در شکل‌پذیری ساختار چشم‌انداز سکونت و فعالیت، اهمیت بنیادی دارد. با نگاهی کلی به عوامل و نیروهای موجد این حرکت، آشکار می‌گردد که جابه‌جایی و حرکت در گستره فضایی چشم‌انداز مفروض را می‌توان براساس ۲ دسته نیروهای زیر تبیین کرد:

- عوامل یا نیروهای موجد حرکت، یعنی نیروهای متعامل عرضه و تقاضا؛ و
- عوامل یا نیروهای بازدارنده حرکت، یعنی تأثیر مسافت.

مکان مرکزی، نظریه

متفاوت و متنوع آستانه کالاها و خدمات گوناگون و نیز حیطه تقاضا برای آنها؛

• آرایش فضایی فعالیت کشاورزی، مستلزم حوزه‌بندی خاص و متحدالمرکز کاربری اراضی زراعی در پیرامون مراکز بازاری بزرگ است؛ و

• حرکت در طول فضا، به‌طورکلی، با افزایش فاصله، کاهش می‌پذیرد. به سخن دیگر، حرکت و امکان جابه‌جایی افراد و گروه‌های انسانی با بعد فاصله یا مسافت که در دامنه روابط فضایی بین سکونتگاهی نقشی بنیادی و تعیین‌کننده دارد، نسبت معکوس دارد.

از زمانی که برای نخستین بار نظریه مکان مرکزی مطرح گردید (۱۹۳۳م)؛ تحولات شگرفی در سطوح مختلف؛ و به‌ویژه در زمینه توسعه و فراگیر شدن فناوری، امکانات جابه‌جایی و حمل‌ونقل، گسترش ارتباطات گروه‌ها و جوامع انسانی، مناسبات تولید و روابط بازار، دامنه و مبادله اطلاعات، تغییر در فهرست نیازها و تقاضاهای افراد و گروه‌ها... و همراه با آن، گسترش شهرگرایی و شهرنشینی، رشد بی‌سابقه مراکز شهری و دگرگونی در روابط و مناسبات بین سکونتگاهی پدیدار شده است که خود مؤید و شاهد آن است که اصول و پیش‌شرط‌های اولیه نظریه مکان مرکزی نمی‌تواند به‌صورت اولیه و کارآمد باشد. با وجود این، ایده و آرمان اولیه آن در ارتباط با وجود نظم، سامان‌پذیری فضایی و روابط مکمل بین سکونتگاهی طی این مدت، هنوز مورد توجه کارشناسان و دانشمندان مباحث استقرار سکونتگاهی و انتظام فضایی بوده و براساس ویژگیها و قواعد اولیه آن، نظریات و مدل‌های تازه و متنوعی ارائه شده است. این نکته حتی زمانی که مدل مبتنی بر نظریه مکان مرکزی را به دور از تحولات زمانی و ایستا می‌دانیم، صادق است. زیرا مرور این ویژگیها و قواعد برای بررسی نظریه‌ها و مدل‌های بعدی ضروری پیوسته اساسی بوده است. از مهم‌ترین نتایج حاصل از مطالعات نظری کریستالر این است که حتی در شرایط پایدار و ثابت قالب‌های نظری، بازهم آنجا که سکونتگاه‌های انسانی و فعالیتها و روابط خاص آنها مطرح است، تفاوت‌های مکانی - فضایی قابل مشاهده هستند. ازاین‌رو، در بررسی استقرار فضایی سکونتگاه‌ها شایسته است، از بهره‌گیری محض از

سازمان‌پذیری فضایی سکونت و فعالیت گروه‌های انسانی، نظریه‌پردازی محض کافی نیست، اما هدف از این‌گونه مدل‌سازیهایی نظری و ساده شده، همچون نظریه مکان مرکزی، بازسازی صرف الگوی عینی دنیای واقعی نیست، بلکه، علاوه بر آن، کمک به درک پیچیدگیهای واقعیت بیرونی است. به این ترتیب، مدلهایی کارآمد هستند که ضمن این نکته، گویای لاقابل برخی جنبه‌های خاص واقعیت باشند. در این ارتباط، ممکن است پاسخ به انطباق این‌گونه مدل‌های نظری با نحوه استقرار در دنیای واقعی، به‌هیچ‌وجه باشد، زیرا در دنیای واقعی هیچ‌گونه الگوی شش ضلعی و منظمی از سکونتگاه‌های انسانی وجود ندارد و به‌ندرت می‌توان شاهد شکل‌گیری حوزه‌های کاملاً متحدالمرکز فعالیت و تولید کشاورزی در پیرامون شهرها بود. البته، این‌گونه نگاه به مسئله نیز سطحی و ناکارآمد است. ازاین‌رو، پیش از پذیرش یا رد هرگونه مدل توضیحی درباره نحوه شکل‌پذیری سازمان فضایی، لازم است جنبه‌های مختلف این مقوله، از جمله ساختار سلسله‌مراتبی، نحوه و دامنه حرکت متقاضیان کالاها و خدمات گوناگون به مکان‌های مرکزی و مانند آن را در دنیای واقعی مورد مشاهده و بررسی دقیق قرار دهیم.

به‌هر تقدیر، نتایج حاصل از بررسی اجمالی نظریه مکان مرکزی را می‌توان به‌شرح زیر به اختصار مطرح ساخت:

• سکونتگاه‌های انسانی، اعم از شهر و روستا، براساس نظم مکانی - فضایی آشکار یا پنهان استقرار و سازمان یافته‌اند. این نظم، نظم سلسله‌مراتبی است که بر مبنای آن، هر سطح با ویژگیهای اساسی زیر همراه است:

۱. سازوکار ویژه عملکردی با توجه به نسبت برخورداری از جمعیت، فعالیت، امکانات و دامنه روابط بیرونی؛
۲. سازوکار عملکردی ویژه در هر سطح؛
۳. تأثیر ویژه عامل فاصله یا مسافت بر هم‌نواپی استقرار مراکز هم سطح در سلسله مراتب؛ و
۴. حوزه‌بندی مبتنی بر وسعت - فعالیت سکونتگاه‌ها، براساس استقرار منظم فضایی نسبت به مراکز بازاری محلی، ناحیه‌ای و ملی.

این ویژگیهای هم‌پیوند، انعکاسی هستند از شرایط

مکانیابی

- Weber, Max. *Wirtschaft und Gesellschaft, Grundriss der Sozialökonomik*. III, ۲. Auflage. Tübingen, ۱۹۲۵.
- Ullman, E.L. *A Theory of Location for Cities, American Journal of Sociology*. ۴۶, ۱۹۴۰-۴۱.
- Weber, Adna Ferrin. *The Growth of Cities in the Nineteenth Century*. New York and London, ۱۸۹۹.
- Weber, Alfred. *Industrielle Standortlehre (Allgemeine und Kapitalistische Theorie des Standorts), Grundriss der Sozialökonomik*. ۶. Abt. Tübingen, ۱۹۱۴.

عباس سعیدی

مکانیابی

Site-Selection

انتخاب مناسب‌ترین مکان برای استقرارهای جدید، با توجه به شرایط و ویژگیهای عمومی زمین. عوامل و نیروهای گوناگونی در مکان‌گزینی و شکل‌پذیری سکونتگاههای انسانی دخالت دارند که باید- براساس اصول- در هرگونه مکانیابی مدنظر قرار گیرند. اگرچه نحوه اثرگذاری این عوامل و نیروها، بیش از هر چیز، به ویژگیهای زیربنایی بستر محیطی و ساختهای بوم‌شناختی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرایند، مجموعه انگیزه‌هایی است که برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادی، به صورت مختلف، در میان گروههای انسانی بروز می‌یابد. از این رو، شکل‌پذیری مکان‌گزینی متنوع سکونتگاههای انسانی در واقع، نتیجه اثربخشی نحوه عینیت‌یابی این انگیزه‌ها، به شکلهای متفاوت است. از این رو، سکونتگاهها از یک ناحیه به ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ کارکردی، به شکلهای مختلف پدیدار می‌گردند.

گرچه به واسطه وضعیتهای اضطراری، همچون بهنگام بروز سوانح طبیعی، مانند سیل و زلزله، ممکن است برپایی

قواعد و اصول متعارف علم اقتصاد که قاعدتاً به این ویژگیها و تنوعات مکانی- فضایی بی‌توجه است، هم در مطالعات پایه و هم در مطالعات برنامه‌ریزی، جداً پرهیز کرد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «ضرورت آرایش مکانی- فضایی سکونتگاههای روستایی»، *مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده*. ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP, ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, ۱۹۶۲.
- Christaller, Walter. *Die zentralen Orte in Sueddeutschland*. Jena, ۱۹۳۳.
- Galpin, Charles J. *The Social Anatomy of Agricultural Community, Agricultural Experiment Station, Research Bulletin*. ۳۴, Madison, ۱۹۱۵.
- Gradmann, Robert. *Das Landliche Siedlungswesen des Konigsreichs Wurttemberg, Forschungen zur Deutschen Landes- und Volkeskunde*. ۲۱. Bd., Heft. ۱. ۲. Auflage. Stuttgart, ۱۹۲۵.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, ۱۹۷۱.
- Ibid. *Allgemeine Wirtschaftsgeschichte*. Munchen und Leipzig, ۱۹۲۳.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, ۱۹۶۰.
- Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۷۷.
- Loyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, ۱۹۷۲.
- Sombart, Werner. *Einige Anmerkungen zur Lehre von standort der Industrien, Archive fur Sozialwissenschaften und Sozialpolitik*. ۳۰, ۱۹۱۰.
- Von Thunen; Johann Heinrich. *Der Isolierte Staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalökonomie*. Rostock, ۱۸۴۲.

مکانیابی

تأمین سرپناه، پیوسته مستلزم فراهم‌سازی سایر زمینه‌ها، کمکها و امکانات بوده است. بنابراین، در ارتباط با ارزیابی کلی نیازها و برنامه‌ریزی برای پاسخگویی فوری به آنها، چنین الزاماتی را باید در نظر گرفت. آنچه در این میان اساسی بشمار می‌رود، این است که در هر شرایط و وضعیتی، نقطه نظرات مردمان ذی‌نفع پیوسته بایستی در اولویت قرار گیرد. به سخن دیگر، تصمیم‌گیریها بایستی به‌عنوان جزئی از رویکرد هماهنگ برآمده از مشورت با کارشناسان و نیز نقطه نظرات افراد و گروههای ذی‌ربط به‌حساب آید. در این ارتباط، گذشته از مشارکت مردمی، همکاری متخصصان رشته‌های مختلف، از جمله زمین‌شناسی، معماری، جغرافیا و برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی، مهندسی عمران و بهداشت عمومی مورد نیاز است. به‌طورکلی، مکانیابی سکونتگاهها به دلایل مختلف مطرح می‌شود؛ از آن جمله است:

- بروز سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه؛
- جابه‌جایی سکونتگاهها به دلایل مختلف محیطی، اجتماعی - اقتصادی و یا سیاسی؛
- ادغام سکونتگاههای کوچک روستایی؛ و
- ضرورت ایجاد و برپایی سکونتگاههای جدید، اعم از شهری و روستایی.

علاوه‌براین، مکانیابی به معنای جایابی مناسب برای تأسیسات و پدیده‌های انسان‌ساخت، همچون سدها و مجموعه‌های صنعتی، نیز به کار می‌رود.

در فرایند مکانیابی، آشنایی با شرایط محلی، هم از نظر شناسایی خصوصیات محل اولیه زندگی افراد و گروههای ذی‌ربط و هم ویژگیهای محل جدید و همچنین، بررسی و پندآموزی از تجربه‌های گذشته در زمینه‌های مشابه، از اهمیت زیادی برخوردار است. در مواردی، این امر نیز ضروری خواهد بود که پیش از انتقال افراد و گروههای ذی‌ربط به مکان جدید و دائمی اسکان، آنان را در مکان یا مرکزی موقتی و یا انتقالی (در حال گذار) سکونت دهند، تا افراد و گروههای ذی‌ربط بتوانند خود را با شرایط متفاوت زندگی در آینده دمساز سازند. این‌گونه کانونها یا مراکز قاعداً بایستی، به‌طور نسبی، دارای همان شرایط سکونتگاه

فوری مکانهای جدید برای اسکان افراد و گروههای انسانی آسیب‌دیده، امری اجتناب‌ناپذیر جلوه کند، اما ایجاد و برپایی اصولی مکانهای جدید سکونت، قاعداً بایستی پس از بررسی راههای بدیل، حتی‌المقدور، راهکار/اسکان نهایی بشمار آید. بدینسان، نوع و موقعیت محل جدید اسکان ممکن است از یک سکونتگاه موجود یا استقرارگاه خودجوش و ناگهانی (اضطراری) در ناحیه‌ای وسیع، تا سکونتگاهی منظم و برنامه‌ریزی شده و حتی یک کانون جمعیتی (مثلاً شهرک) در یک ناحیه معین تفاوت پذیرد.

مکان یک سکونتگاه عبارت است از محل استقرار و برپایی آن بر سطح زمین. تصمیم‌گیری در انتخاب این مکان از سدها پیش پیوسته در ارتباط با عوامل مکانی - موقعیتی چندی به انجام می‌رسید. برخی از این عوامل در طول تاریخ عبارت بوده‌اند از:

- امکان امنیت و دفاع؛
 - دسترسی به آب کافی و مناسب؛
 - سهولت در دسترسی به سکونتگاههای دیگر و مکانهای مختلف دور و نزدیک؛
 - دوری از خطر سیل و سیلاب؛
 - وجود اراضی حاصلخیز قابل زرع؛ و
 - دسترسی به مواد تأمین‌کننده سوخت و مصالح ساختمانی.
- اثرگذاری بسیاری از این عوامل را، به‌ویژه در برپایی سکونتگاههای روستایی، هنوز هم می‌توان، برای مثال، در نام بسیاری از شهرها و روستاها، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان، باز یافت. علاوه‌براین، همین‌گونه عوامل در شکل‌بخشی به سکونتگاههای جدید پیوسته اهمیت داشته‌اند. به سخن دیگر، شکلها و الگوهای سکونتگاهی هسته‌ای، خطی، پراکنده، مجتمع و مانند آن، خبر از اثربخشی این عوامل دارد. از این گذشته، اندازه و وسعت و نیز امکان رشد و گسترش واحدهای سکونتگاهی و نیز جایگاه آنها در سلسله مراتب سکونت (مزرعه مسکونی، دهکده، روستا، شهرک روستایی، شهرک، شهر و ...)، در بسیاری از موارد، بازتابی گویا از دامنه اثربخشی این عوامل بشمار می‌رود (← سلسله مراتب سکونتگاهی).
- برنامه‌ریزی اسکان، مکانیابی و انتخاب محل به‌منظور

مکانیابی

دسترس باشد، اما در این ارتباط آنگیر بودن اراضی و زهکشی آنها به عنوان معضلی جدی مطرح باشد. بنابراین، در این گونه موارد نیز ضروری است، تا کل عرصه انتخابی برای سکونت بالاتر از سطح آنگیر قرار داشته باشد. این مقدار معمولاً بیش از ۳ متر بالاتر از سطح آنگیر و ترجیحاً بر عرصه‌ای با شیب ملایم انتخاب می‌شود، زیرا مکانهای هموار و تخت، معمولاً در دفع هرزابه‌ها و سیلابها با مشکلات جدی روبرو هستند. آشکار است که حتی المقدور باید از انتخاب مکان در اراضی ماندابی، مردابی و یا عرصه‌های در معرض آنگیری دائمی و یا فصلی (بهنگام بارش) جداً اجتناب نمود. در این گونه موارد، خط طبیعی تقسیم آبها می‌تواند مکان نسبتاً مناسبی به حساب آید؛

• فضای آزاد. مکان انتخابی اساساً باید از عرصه‌های باز قابل استفاده کافی برای جمعیت مورد نظر (با توجه به رشد آتی) و نیز تأسیسات مورد نیاز برخوردار باشد. سازمان بهداشت جهانی در ارتباط با وقوع سوانح در محیطهای روستایی و ضرورت جابه‌جایی و ایجاد سکونتگاههای جدید، فضای سرانه مورد نیاز را حداقل ۳۰ مترمربع برای هر نفر، به اضافه زمین کافی برای فعالیتهای اقتصادی تعیین کرده است. همین مقدار در موارد اسکان موقت، فضایی برابر ۳/۵ مترمربع است. البته، قابلیت عرصه فضایی انتخابی برای رشد کالبدی آتی نیز باید پیش‌بینی و ارزیابی گردد. نکته اساسی، اجتناب از انتخاب مکانهایی است که در معرض ادعاهای ملکی - عرفی و یا منازعات سنتی - محلی قرار دارند؛

• امکانات دسترسی. محل انتخابی باید از امکان بهره‌مندی از وسایل نقلیه و راههای مواصلاتی برخوردار باشد. در همین ارتباط، دسترسی به امکانات و خدمات گوناگون، نظیر آموزش، بهداشت و درمان و نیز بازارهای مبادلاتی، از پیش شرطهای مکانیابی سکونتگاههای جدید بشمار می‌رود؛

• ملاحظات زیست محیطی. عرصه انتخابی حتی المقدور باید به دور از خطرات و آسیبهای محیطی، از جمله سیل، زلزله، طوفان ریگ و همچنین محیطهای بیماری‌زا باشد. در همین ارتباط، شرایط اقلیمی قاعداً باید با آسایش زیستی در طول سال همراه باشد. برای نمونه، مکان مناسب در

دائمی باشند و یا لاقلاً با شرایط سکونتگاه جدید چندان بیگانه نباشند.

آنچه که به عنوان معیارهای اولیه مکانیابی مطرح می‌شود، در عمل، بر زمینه‌ها و نیازهای اساسی زندگی جمعی در یک مکان استوار است. برخی از این نکات و جنبه‌ها عبارتند از:

• نیازهای اجتماعی. بهنگام تعیین محل و موقعیت سکونتگاه، بایستی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و گروههای ذی‌ربط مدنظر قرار گیرد. البته، در اغلب موارد و شرایط، انتخاب محل یا مکان مورد نظر با محدودیت همراه است. به عنوان نمونه، ممکن است حتی عرصه‌ای که با حداقل استانداردها مطابقت دارد، کمیاب و حتی نایاب باشد. هنگامی که مکانی انتخاب شد و در آن استقرار صورت پذیرفت، لازم است این پرسش ظاهراً بدیهی، مطرح گردد که چرا این محل پیش از آن توسط مردم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگرفته است (؟) و دلایل این عدم بهره‌برداری چه بوده است (؟)؛ برای نمونه، ممکن است فقدان آب کافی و یا آب‌گرفتگی به واسطه وضعیت خاص رژیم بارش در منطقه و مانند آن، از علل عدم اشغال آن بوده باشد. نهایتاً، در صورت وجود این گونه علل و دلایل، باید از استقرار در آن مکان خودداری شود؛

• منابع آب. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکانیابی و انتخاب محل جدید، دسترسی به مقدار کافی آب دائمی و در دسترس در طول سال است. همین موضوع، در عین حال، پیوسته یکی از دل‌مشغولیهای هم کارشناسان و هم مردمان ذی‌ربط، بشمار می‌رود. آشکار است که نمی‌توان (و نباید) به انتخاب مکان در دسترس برای اسکان پرداخت، با این فرض که آب مورد نیاز را می‌توان بعداً از طریق حفر چاه و یا انتقال، یا حتی حمل آن از جای دیگر به محل مورد نظر، تأمین نمود. حفر چاه در اغلب موارد یا با هزینه‌های زیاد همراه است و یا ممکن است اصولاً آب کافی در عمل در دسترس نباشد. از سوی دیگر، نمی‌توان برای مدت طولانی و یا به‌طور دائمی، آب را از جای دیگر به مکان مورد نظر حمل نمود. در مقابل، در پاره‌ای موارد - به‌ویژه در نواحی مرطوب و یا عرصه‌های در معرض سیلاب - ممکن است آب کافی در

مکانیابی

می‌رود، ممکن است ساکنان بومی پیرامون به‌طور سنتی چنین حقوقی در بهره‌برداری برای خود قائل باشند. بنابراین، توجه به این نکته در بررسی‌های مکانیابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه مسلم است این که اراضی تخصیصی باید از لحاظ قوانین رسمی و نیز حقوق عرفی، وضعیتی کاملاً روشن و شفاف داشته باشند.

مکانیابی و ابعاد توسعه پایدار

در انتخاب محل و مکانیابی سکونتگاه‌های انسانی رعایت اصول و ابعاد توسعه پایدار که مورد وفاق عام کارشناسی است، از الزامات بنیادی بشمار می‌رود. برای توسعه پایدار، از دیدگاه‌های مختلف، ابعاد گوناگونی مطرح شده است، اما آنچه که قاعدتاً به‌عنوان ابعاد اصلی این نوع رویکرد به توسعه مطرح می‌گردد، عبارت است از:

• بُعد محیطی - اکولوژیک؛

• بُعد اجتماعی - فرهنگی؛

• بُعد اقتصادی؛ و

• بُعد نهادی - سیاسی (← توسعه پایدار).

بر اساس ابعاد بالا و تلفیق برخی از آنها، ضوابط مکانیابی را می‌توان به‌شرح زیر مطرح ساخت:

ضوابط محیطی - اکولوژیک

گرچه ضوابط یا ویژگی‌های محیطی - اکولوژیک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصولی است که بایستی در هرگونه مکانیابی مورد توجه اکید قرار گیرد، در اغلب موارد مورد غفلت واقع می‌شود. از این‌رو، در بسیاری از موارد، اقدامات و اعتبارات هزینه شده برای استقرارهای جدید انسانی، به‌ویژه در پروژه‌های اضطراری، همچون بازسازیها و یا برپایی آبادیهای جدید پس از وقوع سوانح طبیعی، با عدم اقبال مردمی و مسائل مختلف پس از اسکان روبرو می‌گردد. بدینسان، اهم این‌گونه ضوابط عبارتند از:

• موقعیت طبیعی. قرارگیری در موقعیتهای دشتی، دامنه‌ای و یا کوهستانی، هر کدام ضرورتها و محدودیتهای خاص خود را به همراه دارد که در تعیین مکانهای جدید باید به تفاوت مورد توجه قرار گیرد؛

فصل خشک ممکن است در فصل مرطوب و بارش نامناسب باشد؛ یا درحالی‌که بادهای معتدل و خنک در یک فصل از سال، امتیاز بشمار می‌آیند، ممکن است بادهای شدید و یا گرمازا در فصل دیگر، نامناسب و مزاحم باشند. قدر مسلم آنکه محیط مکانیابی شده جدید نباید از لحاظ اقلیمی با تفاوت‌های شدید با محیط زندگی مألوف پیشین همراه باشد؛

• پوشش زمین و خاک. خاک مکان انتخابی باید از نفوذپذیری مناسب و کافی برخوردار باشد. بنابراین، طبعاً باید از انتخاب محل‌های سنگی برخوردار از خاک‌های غیرقابل نفوذ پرهیز نمود. علاوه بر این، به‌ویژه در ارتباط با سکونتگاه‌های روستایی، قابلیت و حاصلخیزی خاک کافی برای زراعت و باغداری نیز باید مورد عنایت و تأکید جدی قرار گیرد. به‌همین ترتیب، پوشش گیاهی محل انتخابی نیز از اهمیت برخوردار است. از این‌رو، توجه به برخورداری زمین از گیاهان علفی، درختچه‌ای و درختان طبیعی اساسی بشمار می‌رود، چرا که این‌گونه پوشش نه تنها عاملی در جلوگیری از فرسایش خاک، برپایی گرد و غبار و مانند آن به‌حساب می‌آید، بلکه در ایجاد محیط دلپذیر و قابل زیست و نیز پذیرش محل جدید نزد ساکنان نقش مهمی ایفا می‌کند. طبیعی است که پوشش گیاهی، به‌ویژه درختان و درختچه‌های محل، نباید از سوی کارشناسان و یا ساکنان به‌عنوان ماده سوختی مورد نظر باشد، بلکه پیوسته لازم است تأمین سوخت بدیل، مثلاً نفت، گاز و مانند آن، مورد توجه جدی قرار گیرد. در همین ارتباط، تعیین کاربری زمین و تبیین فضاهای مختلف مکان انتخابی، از جمله محل استقرار خانه‌ها، تأسیسات و اراضی مختص تأسیسات و خدمات باید با دقت کافی برای موارد مرتبط تخصیص یابند؛ و

• حقوق ملکی زمین. اراضی محدوده انتخابی باید از هر جهت از لحاظ مالکیت، چرای سنتی دام (حقوق مرتع) و سایر موارد حقوقی - عرفی جمعیت بومی محل مستثنی باشند، زیرا این‌گونه حقوق محلی، در اغلب موارد، موجب تعارضات بین‌گروهی و اجتماعی بعدی خواهند بود. حتی در مواردی که عرصه انتخابی از اراضی ملی و دولتی بشمار

مکانیابی

وضعیت مشخص حقوقی در بهره‌گیری از اراضی و عرصه‌های پیرامونی از اهم مواردی است که در هرگونه مکانیابی مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

ضوابط سیاسی - اداری

- جایگاه مشخص اداری - سیاسی محل جدید؛
- نسبت برخورداری از برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای؛
- انجمنها و نهادهای مختلف محلی؛ و
- بررسی امکانات در زمینه نوع و دامنه دخالت در سوانح طبیعی، اعم از پیش‌بینی، آموزش، کمک رسانی و مانند آن.

ضوابط فضایی - عملکردی

- آشکار است که هرگونه حرکت توسعه‌ای به طرق مختلف دارای تبعات و در نتیجه بُعدی فضایی است. به سخن دیگر، سرزمینها، مناطق و واحدهای سکونتگاهی، اعم از روستایی یا شهری، کانونهای زیستی منزوی و مجزایی نیستند که زندگی و فعالیت در آنها صرفاً ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به‌عبارت دیگر، تنها ابعادی درون سکونتگاهی، داشته باشند، بلکه در واقع، دامنه و نوع کنش متقابل موجود میان آنها، در سطوح مختلف، می‌تواند در عمل زمینه‌های توسعه را هموار و یا در صورت فقدان یا نارسایی، حتی محدود سازد. با این حال، در شاخص‌گذاریهای گوناگون برای مکانیابی براساس توسعه پایدار، نباید این بُعد اساسی، یعنی بُعد فضایی - عملکردی، نادیده گرفته شود و صرفاً ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی مدنظر قرار گیرند. بنابراین، ضوابط فضایی - عملکردی مستلزم توجه به معیارهای زیر است:
- وضعیت راههای مختلف ارتباطی (آسفالته، شوسه، خاکی و...) و امکان دسترسی به آنها؛
 - برخورداری از تأسیسات مختلف خدماتی؛
 - فاصله از سکونتگاههای پیرامونی، اعم از روستایی و شهری؛
 - فاصله تا نزدیک‌ترین سکونتگاه مرکزی؛

- ساختار زمین. این جنبه از مکانیابی، در کنار انتخاب موقعیت طبیعی مناسب، می‌تواند گویای انتخاب مناسب شالوده‌های طبیعی استقرار باشد؛
- شکل ناهمواری و شیب زمین؛
- فقدان سوانح طبیعی. سیلخیزی، آب‌گرفتگی، زلزله‌خیزی، رانش و ریزش از رایج‌ترین سوانحی است که معمولاً در عرصه‌های مختلف برخی کشورها - از جمله ایران - موجب بروز خطرات جانی و بروز خسارتهای مالی برای ساکنان می‌گردد؛
- دسترسی مناسب به منابع کافی آب سطحی یا زیرزمینی؛ و
- وجود خاک کافی به‌منظور بهره‌برداریهای مختلف.

ضوابط اجتماعی - اقتصادی

- جمعیت کافی و متعادل و با ترکیب متناسب، از لحاظ گروههای مختلف سنی و جنسی؛
- توجه به فرهنگ، سابقه و سنتهای یکجانشینی؛
- امکانات بالقوه برای برپایی و توسعه آموزشهای عمومی؛
- توجه به نرخ باسوادی جمعیت داوطلب سکونت در محل جدید؛
- عنایت به روابط و پیوندهای قومی، مذهبی، طایفه‌ای و... همسایگی و مجاورت کالبدی و درون سکونتگاهی؛
- ملاحظات مربوط به مهارتهای شغلی، در کنار نوع معیشت و نحوه گذران اقتصادی؛
- توجه به میزان و دامنه تولید ناخالص سرانه؛
- فعالیت اقتصادی و تولیدی و انواع آن، با توجه به الزامات و فضاهای لازم برای هر یک از آنها؛
- امکان دسترسی به بازارهای محلی و شهری؛
- امکان و دامنه اضافه تولید و امکانات مبادله کالایی؛
- توجه به میزان اشتغال لازم برحسب گروههای مختلف سنی و جنسی و پیش‌بینی نسبتهای بیکاری؛ و
- امکان دسترسی به مؤسسات مالی - اعتباری (صندوقهای مختلف محلی، بانکها و دیگر مؤسسات مالی) در سطح منطقه‌ای و ملی.

ضوابط حقوقی

منافع عامه

- Loyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, ۱۹۹۰.
- Mezer, I.R. & Huggett, R.J. *Settlement*. London, ۱۹۸۱.
- Ullman, E.L. A Theory of Location for Cities. *American Journal of Sociology*. ۴۶, ۱۹۴۰-۴۱.

عباس سعیدی

مگاپولیس ← کلانشهر

منابع ← مدیریت منابع (انسانی)

منافع عامه

Public Interest

اصطلاح منافع عامه برای سیاستها یا هدفهایی در جامعه به کار می‌رود که همه افراد یا اعضای جامعه، صرف‌نظر از موقعیت، ثروت یا قدرت، به یکسان از آن بهره‌مند هستند. منافع عامه اغلب در برابر منافع شخصی یا ملاحظات خاص قرار می‌گیرد و از لحاظ معنایی با اصطلاحاتی، چون خیر مشترک و اراده عمومی نزدیک است. با این حال، اصطلاح منافع عامه، مثل بسیاری از اصطلاحات مشابه که به منافع جمع و گروههای وسیع مربوط می‌شود، خالی از ابهام نیست. مدیران عرصه عمومی، از جمله مدیران شهری و روستایی، با این اصطلاح و حوزه کاربرد آن به‌وفور سروکار دارند. با این حال، تحلیل‌گران سیاسی به‌خوبی می‌دانند که هدفهای زیادی نیست که بتوان بی‌دغدغه مفهوم منافع عامه را برای آنها به کار برد.

واژه منفعت که از جمع آن واژه منافع ساخته شده است، عبارت است از آنچه که برای یک شخص یا یک گروه از اشخاص سودمند محسوب می‌شود، بدین سبب که

- امکان و دامنه دسترسی به مصالح ساختمانی بومی و غیربومی؛
- امکان ساخت و ساز مسکن و تأسیسات مرتبط با آن؛ و
- جایگاه عملکردی مشخص در تعاملات فضایی.

نکته مهم دیگر در مکانیابی، توجه به این جنبه اساسی است که سکونتگاهها، علاوه بر کارکرد سکونت، باید از برخی کارکردهای دیگر، همچون کارکردهای اجتماعی-اقتصادی نیز برخوردار باشند. آشکار است که کارکردهای هر مکان، به وجود امکانات، فعالیتها و روابط آن بستگی تام دارد. بنابراین، وفور یا کمبود و یا حتی نبود آنها در یک سکونتگاه، تعیین‌کننده جایگاه کارکردی و دامنه نفوذ فضایی آن خواهد بود.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP, ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی, ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. *روندهای مکان‌گزینی و مکانیابی سکونتگاههای روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها, ۱۳۸۵.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی‌نژاد، جواد. *طرح ساماندهی روستاهای پراکنده (استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد)*. بخشهای بهمنی و لنده. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳.
- Bonine, M. *Yazd and Its Hinterland*. ۱۹۷۵.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, ۱۹۶۲.
- Christaller, walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, ۱۹۳۳.
- Galpin, charles J. *The Social Anatomy of Agricultural Community*. Agricultural Experiment Station, Research Bulletin ۳۴, Madison, ۱۹۱۵.
- Haggett, p. *Geography, A Modern Synthesis*. London, ۱۹۷۱.
- Haggett, p. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, ۱۹۷۱.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, ۱۹۶۰.

منافع عامه

سخن می‌گوییم، در واقع اشاره ما به این مسئله است که چه سیاستها و هدفهایی با منافع عموم همخوانی دارد یا ندارد. مفهوم منافع عامه با مفاهیم مدرن دیگری، چون حقوق، تکلیف، مسئولیت و عقلانیت ارتباط دارد. منافع عامه وقتی معنا پیدا می‌کند که شخص به شهروند تبدیل می‌شود و حکومت در برابر عموم شهروندان، پاسخگو است.

منافع عامه و خیر عمومی

اصطلاح منافع عامه گاه با مفهوم خیر عمومی با معنایی یکسان و گاه با معنایی متفاوت به کار می‌رود. یکسان یا نایکسان گرفتن این ۲ مفهوم، محصول و همچنین موضوع منازعه عقیدتی بین ۲ مکتب فکری فردباوری و جامعه‌باوری است. فردباوران، چه به لحاظ وجودشناسی، چه به لحاظ نظام ارزشی و سرانجام چه از حیث تجویزهای سیاسی، فرد را بر جمع مقدم می‌شمارند. شاخه‌هایی از فردباوری اصولاً واژه جامعه را فاقد معنا می‌دانند و معتقدند، جامعه چیزی جز جمع افراد نیست و اصولاً واژه جامعه چیزی جز یک برساخته نیست. برای فردباوران، چه فردباوران کلاسیک (لاک، بنتام، میل) و چه فردباوران جدید (نوزیک، برلین)، منافع عامه در واقع، منافع مشترک افراد یک جمع است. فردباوران کلاسیک منافع عامه را سرجمع منافع تک‌تک افراد یک واحد سیاسی تلقی می‌کردند. به همین دلیل می‌گفتند، هدف سیاست عمومی باید تأمین بیشترین منافع بیشترین تعداد افراد باشد. منافع عامه به این معنا، با جمع و کسر کردن منفعتهای مختلف به‌دست می‌آید. بر همین اساس، این دسته از نظریه‌پردازان دولت را به‌مثابه دستگاه سازش دادن منافع مختلف بشمار می‌آورند. آنچه در تاریخ اندیشه سیاسی به‌عنوان مکتب اصالت فایده معروف شده است، با چنین نگرشی شناخته می‌شود.

خیر عمومی اصطلاحی است که با نگرش جمع‌گرایان یا جامعه‌گرایان ارتباط دارد. بنابه نگرش این دسته از متفکران، بیرون از منافع فردی یا گروهی مربوط به اعضا منفرد جامعه، یک خیر عمومی نیز وجود دارد که منطبق با منافع عموم یا در واقع منطبق با منافع کلیت جامعه است. نظریه اراده عمومی، متعلق به ژان ژاک روسو، با چنین

به آنها چیزی را می‌دهد که خواستارش هستند. اگر جمعی از افراد در چیزی به‌طور مشترک نفع داشته باشند، گفته می‌شود که این جمع در آن چیز دارای نفع مشترک هستند یا آنها منافع مشترک دارند. گرچه در بسیاری موارد، ۲ اصطلاح منافع مشترک و منافع عامه به‌صورت هم‌معنا و گاهی، حتی به‌جای هم به کار می‌روند، اما این ۲ اصطلاح معنی یکسانی ندارند. در این اصطلاح، واژه عامه در اصل به‌عنوان قیدی برای اشاره به منافع، مصالح یا علایق خاص به کار می‌رود که از قرار، در میان تمام اعضا یک واحد سیاسی مشترک است. این‌گونه منافع که همه اعضای یک جامعه سیاسی در آن سهیم باشند، در واقع چندان زیاد نیست. منافعی که اغلب اعضا یک جامعه سیاسی (یا کشور) در آن سهیم هستند، به‌ویژه در رابطه با واحدهای سیاسی دیگر (کشورهای دیگر)، منافع ملی خوانده می‌شود. باین‌حال، منافع عامه در معنای محدودتر نیز به کار می‌رود. منافع عامه در معنای محدودتر، به منافع جمعی از اشخاص نامعین و ناشناخته اشاره دارد که از یک سیاست، یک هدف و یا یک برنامه منتفع می‌شوند. وقتی یک پارک عمومی یا یک ورزشگاه عمومی ساخته می‌شود، همه مردم می‌توانند از آن استفاده کنند، اما اینکه در عمل کدام شخص از آن استفاده می‌کند، مشخص نیست. در این‌گونه موارد نیز از اصطلاح منافع عامه سخن گفته می‌شود.

منافع عامه گاهی در برابر منافع خاص به کار می‌رود. برای نمونه، حفاظت از محیط زیست منطبق با منافع عامه است، اما با منافع کارخانه‌دارانی که کارخانه‌های آنها در انطباق با ضوابط قانونی تعطیل می‌شود، یا باید متحمل هزینه‌های اضافی شوند، انطباق ندارد. در اینجا منافع عامه در برابر منافع خاص به کار می‌رود.

در معنای دقیق‌تر و در حوزه دانش سیاسی، مفهوم منافع عامه اساساً با فضای فکری و سیاسی جوامع امروزی یا جوامع مدرن و مسائل سیاستگذاری آن مرتبط است. در جوامع پیش-مدرن آنچه اصالت داشت، نه عرصه ملی، بلکه حوزه قلمروها بود. قلمروها حوزه منافع افراد خاص بودند، نه منافع عام. با شکل‌گیری دولتهای ملی است که عرصه منافع عامه پدیدار شده است. وقتی از منافع عامه

منافع عامه

به رسیدگی به این دعاوی هستند. موضوعاتی چون آلودگی محیط زیست، به خطر انداختن سلامت عمومی، نقض حقوق زنان و نقض حقوق اقلیتها، از جمله مسائلی است که به عنوان مصادیقی از منافع عموم موضوع شکایتها و بررسیهای قضایی قرار می‌گیرد.

به این ترتیب، در عرصه‌های شهر و روستا، مدیران با ۳ دسته منافع سروکار دارند:

• منافع خاص؛

• منافع مشترک؛ و

• منافع عامه.

با توجه به اینکه در عرصه‌های محلی درخواستهای محلی، منطقه‌ای و ملی با یکدیگر تلاقی می‌کنند، حفظ توازن بین این ۳ نوع درخواست کار پیچیده‌ای است و به بینش خاصی نیاز دارد. مدیران محلی از یکسو با منافع خاص، مثل منافع شرکتها و محله‌ها و از سوی دیگر، با منافع مشترک واحد تحت مدیریت خود، مثل منافع بخش، روستا یا شهر و سرانجام با منافع عامه، هم در ابعاد محلی و هم در ابعاد ملی (مثل حفاظت از محیط زیست، امنیت اجتماعی)، سروکار دارند. تلفیق این منافع که بسیاری اوقات با یکدیگر همخوانی ندارند، تنها با تعهد نسبت به یک برنامه منسجم سراسری میسر است.

کتاب‌شناسی:

- آربلاستر، آنتونی. *لیبرالیسم از ظهور تا سقوط*، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- بویو، نوربرتو. *لیبرالیسم و دموکراسی*، ترجمه بابک گلستان. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- پولادی، کمال. *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*. جلد سوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
- گولدرن، جولیوس و کولب، ویلیام. «منفعت» و «عموم»، *فرهنگ علوم اجتماعی*. ویراسته زاهدی مازندرانی. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- Barnard, Chester. *The Function of Executive*. Cambridge: Harvard University Press, ۱۹۶۲.
- David, Miller (ed). Interest. *Encyclopedia of Political Thought*. New York: Blackwell.
- Hawkesworth, M. and Kogan, M. (eds). *Encyclopedia of Government and Politics*. London: Routledge, ۱۹۹۲.

رویکردی به این موضوع نگاه می‌کند. بنا بر این برداشت، منافع عامه فراتر از منفعتهای تک‌تک افراد است.

همسو با همین مباحث نظری، باید به ۲ اصطلاح *منافع واقعی* و *منافع عینی* نیز اشاره کرد. منافع واقعی منافعی است که یک فرد، گروه یا طبقه در حیطه زندگی بلافصل و درخواستهای بلاواسطه و کوتاه‌مدت خود آن را در زمره نفع شخصی تلقی می‌کند، در حالی که خیر عمومی، یا منافع عامه به تعبیر جامعه‌گرایان، منافع بلندمدت و مبتنی بر آگاهی است که بنابر سرشت خود، از محدوده بسته فردی و گروهی و کوتاه‌مدت فراتر می‌رود. منافع به این مفهوم همیشه با کلیتهای بزرگتر مرتبط است. اگر به جامعه بشری در کلیت آن نظر کنیم، می‌بینیم که مسائلی مثل پایداری محیط، صلح و برابری، بیشترین همسویی را با سعادت بشر دارد، اما وقتی به سطوح داخلی مجموعه‌های انسانی می‌رسیم، مشاهده می‌کنیم که هر مجموعه‌ای یا هر گروهی دلمشغول علایقی است که نه تنها با علایق دیگران در تضاد قرار می‌گیرد، بلکه در نهایت، مصالح خود او را نیز دستخوش انواع تهدیدهای گوناگون می‌سازد. مفهوم توسعه پایدار (-) توسعه پایدار) و *جامعه سالم* در رابطه با چنین نگرشی (خیر عمومی) شکل گرفته است.

جانبداری از خیر عمومی از گذشته‌های دور در میان متفکران رایج بوده است. افلاطون از نخستین فیلسوفانی است که با نگاهی به رستگاری به عنوان یک ارزش عینی، موضوع خیر عمومی را مطرح کرد. البته، منافع عامه در معنایی که فردگرایان از آن مراد می‌کنند، با مکتبهای فکری جدید که از سده ۱۷م در غرب رشد کرد، به‌ویژه با مکتب *اصالت‌فایده*، وارد عرصه اندیشه شد.

طی دهه‌های اخیر، در برخی کشورهای توسعه‌یافته، منافع عامه در قوانین جایگاه حقوقی نیز کسب کرده است، به این معنی که افراد، گروهها و احزاب می‌توانند به نام منافع عامه در دادگاهها طرح دعوا کنند. توضیح اینکه، قوانین به افراد، گروهها یا احزاب حق می‌دهد، هر جا شاهد نقض مقتضیات منافع عموم بودند، یا هر اقدامی را از جانب افراد، شرکتها و حتی خود دولت تهدید نسبت به منافع عامه ارزیابی کردند، علیه آن طرح دعوا کنند. دادگاهها موظف

منطقه

فضایی است که از نظر وسعت ممکن است یک یا چند استان یا قسمتهایی از چند استان را شامل گردد. از سوی دیگر، بر سر تعریف و تبیین منطقه و نحوه کاربرد آن و نیز تفاوت آن با مفاهیم دیگر، از جمله ناحیه (area)، در بین کارشناسان - به ویژه در سالهای اخیر - اختلاف نظرهایی پدید آمده است. در این میان، این مفاهیم گاهی، حتی در ادبیات کارشناسی، به دلخواه و بدون توجه به معانی و مفاهیم اصلی آنها به کار می‌روند.

منطقه از ریشه مَطْقٌ، لفظی عربی است به معنای کمر، کمر بند، میان، میان بند و آنچه بدان کمر کسی یا میان چیزی را بندند. علاوه بر این، به معنای دایره و کره نیز آمده است، چنان که در ترکیب منطقه البروج به معنای دایره عظیمه فلکی که مانند کمر بندی ۱۲ برج در آن واقع شده، به کار رفته است. به همین معنا، ترکیبات دیگری در نجوم قدیم مطرح بوده است، مانند: منطقه حرکت (دایره بزرگ میان دو قطب)، منطقه پروین (کمر بند پروین)، منطقه جبار (نام ۳ ستاره که بر کمر بند صورت جبار واقع است)، منطقه جوزا (حلقه ۳ ستاره) و منطقه فلک اعظم و مانند آن. به همین ترتیب، در جغرافیای کهن و اسلامی، اصطلاح منطقه به هریک از ۵ قسمت بزرگ زمین گفته می‌شد که در میان ۲ قطب و ۲ دایره قطبی و مدار رأس السرطان و مدار رأس الجدی قرار داشت: منطقه محترقه (که در وسط آن خط استوا واقع شده)، منطقه معتدله شمالی، منطقه معتدله جنوبی، منطقه منجمده شمالی، و منطقه منجمده جنوبی.

در دهه‌های اولیه سده ۱۴ش و با آشنایی ایرانیان با علوم غربی، از جمله جغرافیای نوین، مفاهیم تازه‌ای مطرح شد؛ به این ترتیب، با استفاده از معنای لفظی واژه Belt (به معنای کمر بند و همان منطقه عربی)، واژه منطقه به عنوان جایگزین این مفهوم جغرافیایی در زبان فارسی رواج یافت. به این ترتیب، در برگردان این اصطلاح در سنت تقسیمات عمومی سطح زمین به بخشهای کلان (belts) گیاهی و یا آب‌وهوایی، استفاده از این واژه به عنوان اصطلاحی جغرافیایی و به معنای ناحیه‌ای که از مهم‌ترین مشخصات آن وجود گیاهان مشابه است (منطقه گیاهی، مثلاً منطقه استوایی) و یا هریک از بخشهای وسیع از سطح زمین که از

- Rowls, John. *Political Liberalism*. New York: Clumbia University, ۱۹۹۶.

کمال پولادی

منطقه

Region

به طور کلی، محدوده‌ای مشخص از سطح زمین با یک یا چند عارضه یا ویژگی معین (طبیعی یا انسان - ساخت) که به آن نوعی یکپارچگی دهد و آن را از محدوده‌های پیرامونی متمایز سازد. از این رو، بر اساس نحوه طبقه‌بندی فضایی، می‌توان از منطقه طبیعی، منطقه فرهنگی، منطقه سیاسی و یا منطقه اقتصادی یاد کرد. علاوه بر این، در مباحث شهری و روستایی، معمولاً از منطقه عملکردی، منطقه شهری و یا منطقه برنامه‌ریزی سخن به میان می‌آید.

در ادبیات کارشناسی، منطقه را به صورت مختلف و در قالبهای متفاوت تعریف کرده‌اند؛ این تنوع در تعریف، هم از نظر مفهوم و هم از نظر مقیاس، پیوسته ناظر بر اهداف مورد نظر از این تعاریف بوده است، تا جایی که گاهی به واسطه اختلاف در هدف، این تعاریف با یکدیگر در تقابل قرار می‌گیرند؛ با این وجود، جوهره اصلی در تعریف منطقه پیوسته به خصوصیت موجود در تعریف بالا باز می‌گردد. گذشته از این، با توجه به هدف مورد نظر در تعریف منطقه، وسعت آن از یک مورد به مورد دیگر تفاوت می‌پذیرد؛ بعضی وسعت منطقه را عرصه‌ای به وسعت بین یک شهر و یک کشور تعریف کرده‌اند؛ بعضی دیگر، آن را عرصه یا فضای پیرامونی یک سکونتگاه معین (شهری) معرفی کرده‌اند، برای نمونه، منطقه تهران یا هامبورگ؛ و برخی دیگر، آن را عرصه‌ای فضایی با ویژگی (های) معین و مستقل از وسعت آن دانسته‌اند؛ و گاهی، منطقه را یک عرصه فضایی معین و به مثابه یک واحد اداری - اجرایی بشمار آورده‌اند. در ایران، منطقه، به طور رسمی، عرصه‌ای

منطقه شهری کلان

کتابشناسی:

- سعیدی، عباس و دیگران. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۳ جلد، ۱۳۷۱-۱۳۷۷.

- Cowan, Robert (ed). *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire: Streetwise Press, ۲۰۰۵.

- Johnston, R.J. et al. *A Dictionary of Human Geography*. Mass: Blackwell Publishers Ltd, ۲۰۰۰.

- Clark, A.N. *Longman Dictionary of Geography (Human & Physical)*. UK: Harlow, Essex, ۱۹۸۵.

عباس سعیدی

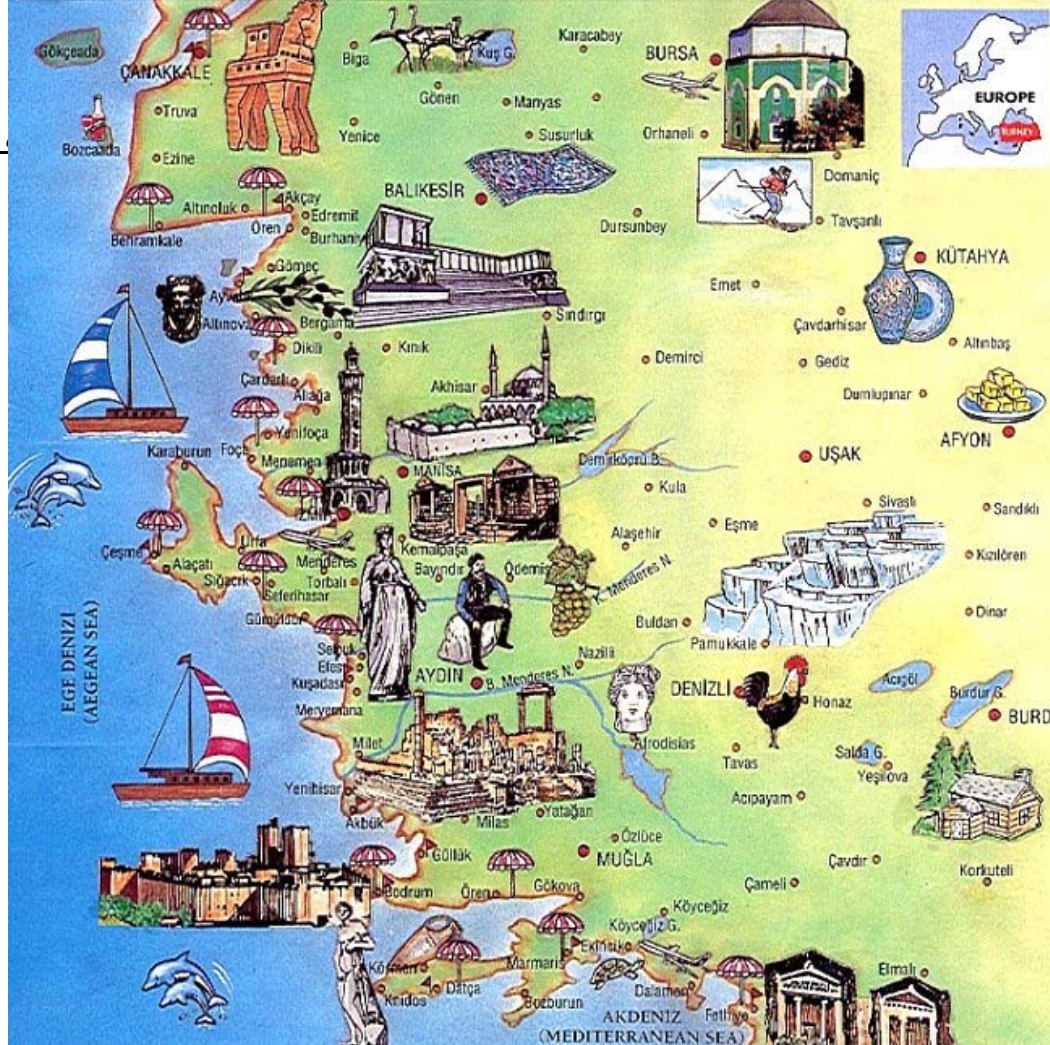
منطقه‌بندی شهری ← حوزه‌بندی شهری

منطقه شهری کلان

Megalopolis

لحاظ دریافت نور و گرما مشابه باشند (منطقه اقلیمی)، باب گردید.

البته، همان‌گونه که در زبان فارسی گاهی واژه کمربند (برای نمونه، کمربند خشک و نیمه‌خشک) به‌جای منطقه (مثلاً منطقه خشک و نیمه‌خشک) به کار می‌رود، واژه belt به این مفهوم، در ادبیات تخصصی بیگانه نیز در اغلب موارد به‌صورت مترادف اصطلاح region مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقابل، مفهوم ناحیه (در زبان عربی و فارسی) که در ادبیات علمی معمولاً به‌جای واژه بیگانه area به کار می‌رود، مفهوم نزدیک‌تری به معنای تخصصی region دارد و از همین‌رو، اغلب در ادبیات کارشناسی نیز به‌جای یکدیگر و به یک معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ناحیه، در منابع کهن اغلب به معنای طرف، کرانه، ساحل و همچنین ولایت، کشور و یا قسمتی از ولایت و نیز به معنای اصطلاح سنتی و کهن کوره (خوره) به کار رفته است. به این ترتیب، به نظر می‌آید، در تبیین محدوده‌های فضایی بتواند کاربرد مناسب‌تری داشته باشد.



این مفهوم در بحثهای شهرشناسی معاصر به معنای ناحیه مادرشهری وسیعی است که حداقل ۱۰ میلیون جمعیت داشته و شدیداً از ویژگیهای شهری شدن بهره‌مند باشد. در برخی منابع، تراکم جمعیتی برابر ۲۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع نیز به‌عنوان ویژگی منطقه یا ناحیه شهری کلان یا کلانشهر به کار رفته است.

منطقه شهری کلان می‌تواند از مادرشهری بسیار گسترش یافته و یا از وصل شدن ۲ مادرشهر یا بیشتر پدید آید. آنگاه که ۲ مادرشهر یا بیشتر به هم وصل می‌شوند، مفاهیمی چون ۲ کلانشهر (Conurbation) و متروپلکس (Metroplex) نیز برای مشخص کردن آنها به کار می‌رود. در ۲۰۰۰م، ۱۸ محدوده شهری کلان وجود داشت که توکیو، مکزیکوسیتی، سائوپولو، بمبئی و نیویورک از آن جمله محسوب می‌شدند. تخمین زده می‌شود که در فاصله‌ای ۲۵ ساله تنها مناطق کلانشهری واقع در آسیا به ۱۰ مورد برسد که جاکارتا، کراچی، شانگهای و بمبئی از آن جمله خواهند بود. لاگوس در نیجریه اولین تجربه منطقه

مگالوپولیس یا مگاپول در زبان یونانی به معنای شهر بزرگ است. اما کاربرد امروزی این مفهوم به معنای منطقه یا ناحیه شهری شده عظیمی است که ۲ یا چند مادرشهر (متروپولیس) ← مادرشهر را در خود جای داده است. به‌همین دلیل منطقه شهری کلان یا ناحیه مادرشهری کلان به معنای امروزی آن نزدیک‌تر است. برای درک سابقه منطقه شهری کلان بیش از هر نقطه دیگری باید به امپراتوری رم رجوع کرد. اساساً امپراتوری رم را یک امپراتوری شهری و نو شهرساز خوانده‌اند. چنین شهرهایی در اروپا، شمال آفریقا و آسیای صغیر به دفعات ساخته شدند. گفته شده است که امپراتوری رم در خارج از رم ۴۰۰ نو شهر ساخته است. در مواردی شهرهای موجود و یا نو شهرها در اثر رشد شدید به هم وصل می‌شدند، مگالوپولیسها را شکل می‌دادند. معمولاً شهرهای ساخته شده در خارج از رم را کلنی می‌خواندند. مفاهیم دیگری چون شهرهای آزاد، شهرهایی با حاکمیت قوانین شهری رمی و شهرهای خراج‌گذار رم نیز برای نامیدن چنین شهرهایی به کار رفته است.

منظر روستایی

Rural Scape

ایران سرزمین تنوع جغرافیا و فرهنگی است. در هر جای این سرزمین روستا هست؛ در میانه کویر، بر بالای ستیغ کوهها، در دشتهای سرسبز و یا در میانه جنگلهای سر به فلک کشیده. روستانشینان ۶ هزار سال یا بیشتر برای تأمین امنیت خود از گزند گرما و سرما و دیگر عوامل نامناسب محیطی برای خویش سرپناه ساخته‌اند. در هر جا به یک شکل؛ در جایی گنبدهای خشتی بر دیوارهای گلی استوار ایستاده و در جای دیگر، سقف تیرپوش و گاهی برای گریز از باران، بام شیبدار ساخته‌اند. سلیقه مردم هم متنوع است. گاهی در یک روستا دو پاره فرهنگ، دو نوع معماری پدید آورده است. البته رمزگشایی و بازخوانی معماری روستایی کاری شیرین و صد البته تخصصی است.

یکی از مرموزترین ویژگیهای این معماری بومی منظر آن است. محیط اطراف و بستر طبیعی سکونتگاههای روستایی می‌تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد جاذبه بصری روستا باشد. جدای از آن، محیط مصنوع شامل خانه‌ها، کوچه‌ها، گذرها و غیر آن نیز اغلب زیبایی خاص خود را دارد که عدم شناخت عوامل آن می‌تواند منجر به نابودی این سرمایه ارزنده گردد، آنچنان که امروز مبتلا به نواحی روستایی کشور است.

منظر روستایی در معرض آسیب

بدون تردید ورود عوامل و عناصر خارجی، از جمله مصالح ساختمانی وارداتی از مناطق شهری و جایگزینی الگوهای معماری بیگانه در کنار بافت بومی و سنتی، به تدریج منظر روستا را مخدوش و در نهایت می‌تواند باعث تخریب آن شود.

روستاهایی که از سوی شهرنشینها به‌عنوان ییلاق انتخاب می‌شوند، با ساخت‌وساز ویلاهای رنگارنگ چهره

کلانشهری در آفریقا است درحال حاضر ۲۱ منطقه کلانشهری در جهان وجود دارد که جمعیت آنها از ۳۵ میلیون (توکیو) تا ۱۰ میلیون نفر (پاریس) در نوسان است. مهم‌ترین منطقه کلان شهری در امریکا قرار دارد که از شهر بوستون شروع و تا واشنگتن دی.سی را دربر می‌گیرد. در ساحل ایالت میامی نیز کیلومترها کاملاً شهری گردیده است که طی کردن شمال تا جنوب آن در شرایط عادی ترافیک بیش از ۳ ساعت زمان می‌برد. تهران به زودی به فهرست مناطق شهری کلان اضافه می‌شود. گرچه برخی آن را درحال حاضر نیز یکی از مناطق شهری کلان می‌دانند. علاوه بر منطقه شهر کلان بوستون، واشنگتن دی.سی که نیویورک، فیلادلفیا، بالتیمور را نیز در خود جای داده است، منطقه شهری کلان لس‌آنجلس، شیکاگو، میلواکی، توکیو، ناگووا، اوساکا، کوبه، کی‌یوتو، سان‌خوزه، سان‌فرانسیسکو، اوکلند و ریودوژانیرو و ساووپولو از جمله مهم‌ترین مناطق شهری کلان هستند.

کتاب‌شناسی:

- Gottmann. J. *Megalopolis. or the Urbanization of the Northeastern Seaboard.* *Economic Geography.* ۳۳، ۱۹۵۷.
- Mumford, L. *The Cultures of Cities.* London: Secker. Band Warburg.
- Fuchs, R. Brennan, E. et al. *Mega-City Growth and the Future.* Tokyo: United Nations University Press. ۱۹۹۹.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City.* London and New York: Routledge. ۲۰۰۵.

پرویز پیران

منطقه کلانشهری ← کلانشهر

منطقه مادرشهری ← مادرشهر

منظر روستایی

بعضی دیگر مسائل مرتبط با استحکام بنا کفایت می‌کند. شهرداری اساساً نقشه‌های نمای ساختمان را کنترل نمی‌کند و از آن بدتر، هیچگونه ضابطه و محکی برای ارزیابی نماها در اختیار ندارد.

در چنین شرایطی، نباید تعجب کرد که کسی به فکر منظر روستاها و نواحی روستایی نیست. در حال حاضر به صورت تک‌بعدی موضوع استحکام ابنیه در برابر بلایا و عوامل غیرمترقبه و عمدتاً زلزله، به عنوان مسئله اصلی در ابنیه روستایی تلقی می‌شود و مقاوم‌سازی اولویت اول را به خود اختصاص داده است.

در جاهای دیگر دنیا، از جمله در کشورهای صنعتی، دغدغه منظر شهر، روستا و منظر طبیعی با اهمیت تلقی می‌شوند. ساخت‌وساز در شهر مستلزم رعایت قواعد کلی از نظر نوع مصالح، شکل و حجم ساختمان و حتی هماهنگی نمای ساختمان جدید با بناهای اطراف است؛ از جمله در بریتانیا، حتی در مناطق روستایی، ساخت‌وساز پس از ارائه نقشه و کسب جواز و طبق دستورالعملهایی است که مقامات دولتی تعیین می‌کنند. برای صیانت از منظر طبیعی که میراث ملی تلقی می‌شود، مناطق وسیعی تحت حفاظت قرار دارند. در این مناطق، مالک موظف است برای افزودن به بنا، گاهی از مصالح بومی و مشابه آنچه در بنای قدیمی به کار رفته، استفاده کند. به نظر می‌رسد کشور ما تا رسیدن به چنین مرحله‌ای راه درازی را در پیش داشته باشد.

درباره منظر روستا مقاله‌های اندکی به زبان فارسی نوشته شده است. نویسنده مقاله کیفیتهای مطلوب منظر روستایی بر گرایش فطری انسانها به طبیعت اشاره کرده است. همچنین وجه آیه‌ای طبیعت را نیز با ارائه شواهدی از عرفا و شعرا یادآوری کرده است.

نگارنده در مقاله حفاظت منظر روستا، درباره بی‌توجهی به تبعات درازمدت مداخلات تک‌بعدی در روستا به صاحب‌نظران هشدار داده است. نوشته‌های موجود فراتر از این گامی بر نداشته و در متن آنها، پاسخ به سؤال مهم سیمای مطلوب روستایی در عصر حاضر چه ویژگیهایی دارد؟ مفقود است. مهم‌ترین تلاشی که در زمینه شناخت

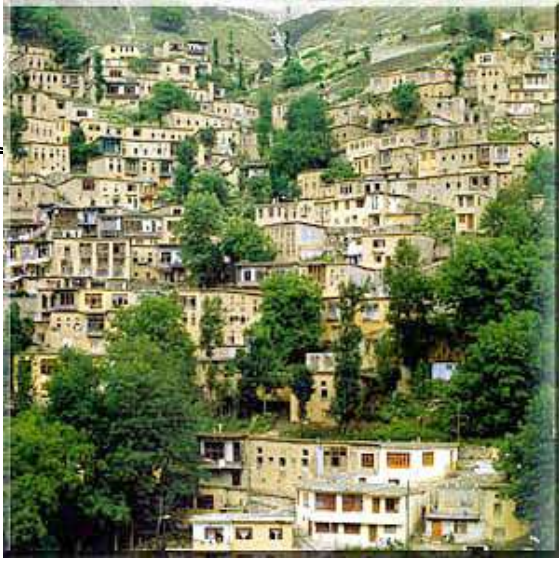
می‌بازند. در صورتی که شرایط اقتصادی روستا و ارتباط روستاییان با شهر تقویت شود، آنچنان که وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در این زمینه دارند، گرایش روستائینها به تبدیل به احسن کردن خانه‌هایشان رواج می‌یابد. البته در اینکه تجدید ساختمان حق هر خانوار روستایی است، تردیدی نیست، ولی اغلب الگوهای مطلوب و مناسبی برای این کار وجود ندارد.

مداخلات برنامه‌ریزی شده و متمرکز دولتی در این فرایند تخریبی نقش مهم‌تری دارد. اجرای طرح‌های هادی روستایی (← طرح هادی روستایی) که در بیشتر موارد به اصلاح معابر و تهیه نقشه کاربری و توسعه برای روستا می‌پردازد، از جمله مواردی است که می‌تواند منظر روستا را کاملاً دگرگون کند.

اقداماتی که در قالب مقاوم‌سازی و یا بازسازی روستاها (← بازسازی روستا) پس از بلایای طبیعی، از جمله زلزله انجام می‌گیرد نیز چنین نقشی را دارند. خصوصاً در روستاهایی که در اثر فاجعه فقط قسمتهایی از بناها تخریب می‌شوند، ساخت‌وسازهای ناهمگون چهره روستا را چند پاره و ناموزون می‌کند. برای نمونه می‌توان از جایگزینی بافت خشت و گلی روستا با شالوده اسکلت فلزی و آجری که نه از نظر شکل و رنگ و نه از نظر حجم ساختمان، شباهتی با ساختمانهای بومی ندارند، یاد کرد. پس از زلزله ۱۳۸۵ش در بروجرد، بسیاری از روستاها با تخریب جزئی پس از بازسازی دچار چنین عارضه‌ای شدند.

ضرورت حفاظت از منظر روستا

در هر جامعه‌ای اولویتها و حساسیت مردم و دولتمردان متناسب با شرایط پیشرفتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن تعیین می‌شود. واقعیت این است که تا امروز، حتی برای منظر شهرهای کشور، ضابطه، الگو و قانون نداریم. چهره شهرهای بزرگ ما به لحاف چهل‌تکه‌ای می‌ماند که در نهایت بی‌سلیقگی و آشفتگی شکل گرفته است. هر مالکی مخیر است، ساختمان مورد نظر در زمین خود را به هر شکل و با هر مصالحی که مایل است، بسازد. برای کسب مجوز از شهرداری صرفاً رعایت تراکم و یا خرید تراکم و



عوامل خرد تشکیل دهنده منظر روستا در دوره معاصر به انجام رسیده است، رساله مهندس علی معماریان است. در این رساله پژوهشگر کوشیده است تا گامی در جهت رمزگشایی زیبایی طبیعی مناظر روستایی بردارد.

زیبایی منظر روستایی

اگر سؤال شود کدام عامل باعث زیبایی ترکیب کلی مناظر روستایی می‌شوند، شاید بتوان پاسخ ساده‌ای برای آن داشت. ساخت‌وساز فطری، اگر ذوق و هنری که در بافت یک گبه یا خرسک توسط زنان عشایر، بدون طرح و نقشه و صرفاً با ابداع و ابتکار شخصی بافته، به کار رفته را در قالب مصالح ساختمانی و حجیم تسری دهیم، نباید از زیبایی ساختمانها و مجموعه روستا تعجب کنیم.

الکساندر جمله معروفی دارد که بسیار آموزنده است؛ او می‌گوید، چطور ممکن است که یک روستایی ساده بتواند خانه‌ای بسازد هزار بار زیباتر از آنچه از آرشیتکت‌های پنجاه سال اخیر حاصل شده است؟ ناگفته نماند که سؤالات بسیار جدی و مهم دیگری نیز وجود دارد که پاسخ آنها مشکل می‌نماید؛ از جمله اینکه آیا برای اهالی بومی روستا، همانند کسانی که از شهر و خارج منظر روستا را زیبا می‌بینند، چنین درکی وجود دارد؟ آیا زیبا دیدن روستاها توسط شهرنشینها عکس‌العمل فطری ایشان به لحاظ دوری از طبیعت که خود جزئی از آن هستند، نیست؟ آیا این احساس خوشایند صرفاً جنبه‌ی زیباشناختی ندارد؟ چرا که بیننده تجربه زندگی واقعی در روستا را نداشته و ندارد و چه بسا حاضر به زندگی در این خانه‌ها و مجموعه‌های روستایی نباشد.

با بهره‌گیری از دانش معماری منظر شاید بتوان بخشی از عوامل مؤثر در شکل دادن منظر روستا را نیز شناسایی کرد. بدین ترتیب، شاید معلوم شود که چرا بعضی از روستاها به طور خاص بیشتر مورد توجه بینندگان قرار می‌گیرند. روستاهای ایبانه، ماسوله و کندوان را نوعاً همه می‌شناسند و بدون تردید یکی از عوامل این شناسایی، جاذبه قوی منظر آنهاست.

عناصر منظر روستا

در یک طبقه‌بندی کلی منظر را به ۲ دسته منظر نرم و منظر سخت طبقه‌بندی می‌کنند. منظور از منظر نرم، عمدتاً بستر طبیعی مجموعه و پوشش گیاهی آن و منظور از منظر سخت، بخشهای مصنوعی، مانند خانه‌ها، کوچه و امثال آن است.

درواقع، بخشی از زیبایی منظر روستا به بستر یا محیط طبیعی که در آن قرار گرفته است، باز می‌گردد. به سخن دیگر، تماشای طبیعت، خواه یک دشت سرسبز باشد و یا صخره‌های عظیم و یا بیابانی خشک، اگرچه هر کدام به‌گونه متفاوتی احساس بیننده را تحریک می‌کنند و اثرات متفاوتی در او می‌گذارند، اما تأثیر مشترکی نیز در بیننده به وجود می‌آورند. شاید ناخود آگاه او را به یاد خلقت و خالق، مبدأ و معاد و یا تاریخ و گذشت زمان بیندازند. در تماشای طبیعت می‌توان زندگی، رویش، سکون، صلابت، آرامش و بی‌نهایت را تجربه کرد. گاه شاهد آن هستیم که طبیعت چهره‌های استثنایی و شگفتی را به تماشا می‌گذارد. یک آبشار بلند، یک صخره دست‌نیافتنی عظیم و یا ترکیب وهم‌آلود جنگل، دریا و ابر و بسیاری دیگر از این نمونه‌ها، می‌تواند چنین احساسی را در نظاره‌گر به وجود آورد. بی‌شک، در بسیاری از موارد اگر مجموعه مصنوعی روستا را از صحنه حذف کنیم هنوز منظر کلی موجود ارزش تماشا دارد.

از همین جنس می‌توان به اجزاء طبیعت، مانند انواع درختها و گلها، اشاره کرد. تنوع رنگ و بافت در گیاهان وقتی با ۲ عامل مهم دیگر، یعنی موسیقیهای طبیعی صدا و بو همراه می‌شود، تجربه‌ای استثنایی را برای شهرنشینهای آزرده از دود به وجود می‌آورد. بدینسان، ضرورت دارد، از تخریب و مخدوش کردن طبیعت یکپارچه که سرمایه‌ای خداداد و متعلق به همه مردم است، خودداری کنیم.

منظر روستایی

دکتر پیرنیا مردم‌موری که از ویژگی‌های معماری ایرانی است، در معماری روستایی به بهترین وجه دیده می‌شود. ابعاد و اندازه در، دیوار، ساباط و گذر به قاعده‌ای است که ضمن عملکرد صحیح برای عابر، احساس آرامش ایجاد می‌کند؛

• **عدم وجود عنصر بیهوده و لغو.** در معماری روستایی از عناصر بیهوده و لغو اثری نیست. اگر چیزی ساخته شده، برای کاری با هدفی معین پدید آمده است. این الزاماً به معنی داشتن عملکرد فیزیکی و مکانیکی نیست. باورها و درونیات مردم نیز به اندازه نیازهای مادی ایشان در این موضوع دخالت دارد. این اصول گرایشی و استفاده بهینه از هر چیزی که در دسترس است و پرهیز از بیهودگی که در معماری کانونهای شهری رواج دارد، چنین احساسی را در بیننده روستایی تقویت می‌کند؛

• **تجربه کشف فضاهای متنوع.** بافت ارگانیک روستاها غالباً لبریز از مناظری است که بیننده را به تجربه بی‌هراس منظری تازه و درعین حال، رمزگونه دعوت می‌کند. چنین تنوعی را در مجتمعهایی با طرح بافت هندسی نمی‌توان تجربه کرد؛

• **تقارن در نما و حجم.** جالب است، درحالی‌که روستا بافت به هم پیچیده و غیرخطی دارد، در درون خانه هندسه‌ای کاملاً متقارن حاکم است که گاه منظر آن از معابر و یا از دوردست و نقاط مرتفع حاشیه روستا قابل تشخیص است. این تقارن و نظم هندسی که هم در صحن و حیاط و هم در نمای ساختمان حک شده است، تأثیر خوشایندی بر بیننده می‌گذارد. نوعی احساس مشترک، مانند بدن انسان که کاملاً متقارن خلق شده است؛ و

• **تناسبات موجود در بنا.** شاید کمتر کسی به فکر افتاده باشد که ارتباط عددی میان ابعاد مختلف ساختمانهای روستایی را بررسی کند. مطالعات، نشان می‌دهد که اولاً نوعی اندازه رایج در معماری هر منطقه وجود دارد که احتمالاً در بسیاری از انتخاب آنها تصادفی نیست. ثانیاً، همانند معماری سنتی مناطق مرکزی، در معماری روستایی نیز جستجوی مدول یا پیمون کار بیهوده‌ای نیست. رعایت این مدول که منشأ آن نیز در همه جا یکسان نیست، نه تنها در نقشه ۲ بعدی خانه، بلکه در نما و مقطع آن نیز قابل

به نظر می‌رسد قسمت پیچیده‌تر منظر، بخش مصنوع آن است. با توجه به تنوع وسیع ساخت‌وساز در روستاهای کشور، بعضی از مهم‌ترین عواملی که در شکل‌گیری منظر مؤثرند را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

• **ترکیب مناسب و هماهنگی منظر سخت با منظر نرم.** این هماهنگی و یا یکپارچگی به طرق مختلف پدید می‌آید؛

• **کاربرد مصالح بوم‌آورد.** ساخت‌وساز با مصالحی که از محیط اطراف تهیه و تأمین می‌شود، از لحاظ بصری، رنگ، بافت و امثال آن، باعث می‌شود که ساخته‌ها با محیط به‌خوبی ترکیب شوند. از طرف دیگر، بیننده به قدرت ابتکار سازندگان ابنیه که با مهارت و زیرکی از مواد مصالح در دسترس و غالباً پیش پا افتاده، مثل گل، سنگ، نی و سرشاخه درختان، توانسته‌اند سرپناه ایجاد کنند، دردل خود احترام گذارده و شاید ذوق‌زده می‌شود؛

• **هماهنگی و شباهت بین ساختمانها.** هماهنگی و شباهت بین ساختمانها در عین وجود تنوع نیز از عوامل مؤثر در جاذبه منظر است. در یک روستا غالباً اصول مشابهی در ساخت‌وساز بناهای مختلف به کار می‌رود و اگرچه همه خانه‌ها یک شکل نیستند، ولی در مجموع و در عین تنوع و تفاوت، تابلوی موزونی را تصویر می‌کنند؛

• **سطوح پر و خالی و سایه روشنها.** سطوح پر و خالی و سایه‌روشنها- ریتیم بازشوها در نمای ابنیه- در زمره دیگر عوامل مؤثر در ایجاد جاذبه زیبایی‌شناسانه هستند؛

• **بافت ارگانیک روستا.** معابر پیچ و گاه شیبدار و تنوع پرسپکتیو برای عابری که از آنها می‌گذرد، در زمره عوامل جاذبه در منظر روستاست. گاه سیمای کلی روستا که مثلاً در درون برج و باروی قلعه‌ای عظیم و یا بر دامنه کوهی به‌صورت پلکانی استوار قرار گرفته، نوعی احساس شگفتی پدید می‌آورد. ابتکار شگفت روستاییان در حفر خانه‌ها در درون صخره‌ها در کندوان اسکو و یا کندوان میمند از آن جمله‌اند؛

• **ابعاد و مقیاس.** برای کسی که در درون روستا حرکت می‌کند، ابعاد و مقیاسها نیز می‌توانند عامل ایجاد احساس خوشایندی شوند. خصوصاً مقیاس انسانی یا به قول استاد

پیگیری است. در روستاهای منطقه طالش پیمون تبردم یا طول معمول یک تیر و دسته آن، عددی است که در تمام وجود ساختمان قابل پیگیری است. در مناطق مرکزی این پیمون احتمالاً به ارش، زرع یا زراع تبدیل می‌شود. رعایت این مدولاسیون، گونه‌های تناسب هندسی را بر جسم ساختمان حاکم می‌کند که در ایجاد خوشایندی سیمای آن می‌تواند مؤثر باشد.

کتاب‌شناسی:

- الکساندر، کریستوفر. *معماری و راز جاودانگی*، ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- زرگر، اکبر. *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- میری و سرتیپی پور، محسن. «کیفیت‌های مطلوب مسکن روستایی»، *مسکن و انقلاب*. شماره ۱۰۰، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۸۱.

اکبر زرگر

منظر شهری

Urban Landscape

منظر شهری یا زمین‌آرایی، علم کاربرد گیاهان بر سطح زمین است، به‌صورتی که موجب بهبود جلوه‌های دیداری محیط شهری گردد. مهم‌ترین معیارهای طراحی محیطی یا منظرسازی عبارتند از: انسجام فضایی، فضا‌سازی، تنوع و نظم، تکرار و سازگاری.

• **انسجام فضایی**. سازماندهی موزون محیط از طریق زمین‌آرایی و نظم کاشت، مناسب‌ترین شیوه ایجاد منظر زیباست، علت آشفته‌گیهای بصری گیج‌کننده در محیطهای شهری، جدا افتادگی بخشهای مختلف از یکدیگر و تکه‌تکه شدن فضاهاست، درحالی‌که ردیف درختان خزان‌پذیر سایه‌دار به‌خوبی فضاها را به هم‌دیگر پیوند می‌دهند و انسجام فضایی را برقرار می‌سازند. درختان عناصر مهمی در طراحی محیطی بشمار می‌روند که می‌توانند بخشهای یک شهر را به یکدیگر پیوند دهند.

• **فضاسازی**. منظور از فضا در طراحی منظر ۲ گونه

فضاست: فضای باز و فضای بسته. یا از دیدگاهی دیگر، فضای پر و فضای خالی. نحوه ترکیب این ۲ فضا از نظر منظرسازی، حالت‌های گوناگونی را پدید می‌آورد که برحسب عملکرد و یا در شرایط اقلیمی مختلف، حال و هوای متفاوتی را به بیننده القاء می‌کند. اصولاً فضای باز، نشاط‌انگیز و دلگشاست، به‌خصوص اگر بلافاصله از میان یک فضای محصور و محدود به بیرون گشوده شود. فضای بسته خلوتگاهی است ایمن برای پناه بردن و دوری جستن از مزاحمت‌های مختلف. در چنین فضایی با محصور کردن فضاها و مکانها، می‌توان حالت‌های مختلف از فضا‌سازی را انجام داد. برای مثال، در فضای باغهای ایرانی که فضای نسبتاً بسته‌ای است، نوعی سازگاری بین عناصر فیزیکی ابنیه و دیوارها با عناصر گیاهی و آب برقرار است. در اینجا، گذرگاهها و جویها و حوض و ایوان، فضاهایی پدید می‌آورند که با هم‌دیگر هماهنگ هستند.

• **نظم و تنوع**. در کنار هم‌دیگر، معرف یک تعادل ظریف و ترکیب متناسب در طراحی منظر محسوب می‌شوند. از نظر زیباشناسی، نظم بیش از اندازه در هر فضایی، باعث یکنواختی و کسالت می‌گردد و تنوع زیاد نیز موجب آشفته‌گی و هرج‌ومرج می‌شود. ایجاد تعادل بین نظم و تنوع هنری است که تنها طراحان برجسته قادر به پدید آوردن آن هستند.

• **تکرار**. در طراحی به مفاهیم نظم و تنوع معنی می‌بخشد و بین عناصر و فضاها، مختلف وحدت و همبستگی ایجاد می‌کند. در طراحی پارکها نیز تکرار برخی از عناصر طبیعی، مانند درختان، موجب به هم پیوستگی عناصر پراکنده می‌شود.

• **سازگاری**. منظرسازی در هر مکان باید با شرایط اقلیمی و طبیعی محل سازگار و به بیان دیگر، همخوانی داشته باشد. علاوه بر عناصر طبیعی، سازگاری با کاربریهای مجاور و سیمای کالبدی ساختمانها نیز موجب افزایش مطلوبیتهای بصری می‌شود. یکی از نکات اساسی در طراحی منظر، انطباق با شرایط ناهمواری و شبکه آبهاست. این نوع هماهنگیها پایگاه اصلی طراحی منظر مطلوب است.

• **حرکت آزاد طراحی**. زمینه‌ای برای رفتار راحت افراد در

منظر شهری

هستند، اما رنگهای تیره و کم‌رنگ، معمولاً عاری از زندگی‌ند. کیفیت بازتابی رنگها در روشنائی طبیعی روز و تغییر سطح نورگیر شگفت‌آفرین است. تنوع رنگ طبیعت در چهار فصل و دگرگونی رنگ درختان در خزان و نحوه ترکیب گیاهان به رنگهای مختلف سبز و رنگهای پاییزی، نمی‌تواند مناظر بدیعی همچون طبیعت آزاد را بیافریند. هنگامی که این رنگهای طبیعی در فضای ساختمانهای خاکستری رنگ قرار می‌گیرند، روح انسان را از نشاط آکنده می‌سازند.

باغراه یا سبزراه

در داخل بافتهای شهر مسیرهایی هستند که از میان فضاهای سبز انبوه می‌گذرند. *سبزراهها*، راههایی هستند که در خارج از شهر، از میان جنگلها، بیشه‌زارها یا مزارع سرسبز می‌گذرند و مسیره‌های سبز داخل شهرها برای پیاده‌روی، هواخوری، تفریح و ورزش مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرند. نوع دیگری از سبزراهها، مسیرهایی هستند که در ساحل رودخانه‌ها، رود دره‌ها، از درون شهر شروع می‌شوند و به جنگلها، برکه‌ها و یا دره‌های کوهستانی پیرامون شهر منتهی می‌گردند.

باغراه و یا سبزراهها که فضای سبز طبیعی پیرامون شهر را به فضای درون شهر متصل می‌سازند، گویی طبیعت را به درون شهر سرریز کرده‌اند و به همراه خود، زیبایی، طراوت و هوای تازه آورده‌اند.

نوع دیگری از سبزراهها به صورت *سواره طراحی* می‌شوند که آنها را پارک‌وی می‌نامند. در این مورد، افراد برای تفریح در آن رانندگی می‌کنند، و با عبور خودرو، از مناظر و زیباییهای طبیعی که هر لحظه به رنگ و فرمی درمی‌آیند، لذت می‌برند.

بیشتر باغراهها به صورت مسیره‌های پیاده یا پیاده راههای سبز، طراحی می‌شوند که افراد، با راهپیمایی و دوچرخه‌سواری و دویدن آرام در میان عناصر طبیعی و فضاهای سبز حرکت می‌کنند و به آرامی از زیباییها و تماس با فضای سبز و هوای تازه بهره‌مند می‌شوند.

فضاست. رفتار راحت در نشستن، راه رفتن، دویدن و جهت‌گیری، نیازمند فضاهایی است که از طریق طراحی آزاد تأمین می‌شوند. طراحی بسیار منظم هندسی که اصطلاحاً طرحهای سیمتریک نامیده می‌شوند، با رفتار آزاد انسانی ناسازگارند. پیروی از خطوط زمین و جریان آب، این حس آزادی را ارضاء می‌کند.

اصول زیباشناسی در منظرسازی

در طراحی یک منظر شهری یا منظر یک پارک (←) تفرجگاههای شهری، ترکیب هنرمندانه عناصر معماری و عناصر طبیعی به‌گونه‌ای دلپذیر حس زیباشناسی انسان را ارضاء می‌کند. عناصر زیباشناسی فضا عبارتند از: فرم، بافت و رنگ.

• **فرم.** شکل خارجی اشیاء است که یالهای آن از خطوط متعددی تشکیل می‌گردد. برای مثال، توده کلی یک درخت متشکل از شاخه‌ها و برگها و ساقه آن، به‌طورکلی، فرم درخت را به‌وجود می‌آورد. در طراحی منظر، فرم کلی منظر از شکل زمین تأثیر می‌پذیرد و درواقع، تابعی از فرم زمین است. مناظر پر فراز و نشیب جنگلهای پارک مانند، یا مناظر کربندی شده مزارع در دشتهای بزرگ، زمین را با پوشش کوهی و نظم کاشت متنوعی متجلی می‌سازند.

• **بافت.** رابطه و یا همبستگی ساختاری بین مجموع بخشهای مختلف هر جسم یا هر شیئی را بافت آن می‌نامند. در طراحی، منظر بافت به ۲ دسته تقسیم می‌شود: بافت طبیعی و بافت مصنوعی.

بافت طبیعی معمولاً از ترکیب عوامل یا گیاهان تشکیل می‌گردد و بافت مصنوعی از مصالح و یا عناصر ساختمانی. هریک از این بافتها به ۳ گونه‌اند: بافت نرم، بافت زبر و بافت خشن.

بافت نرم، بیانگر سرزندگی است و در بیننده تأثیرات غیرجدی دارد، درحالی‌که *بافت خشن*، با تحکم، تأثیرات جدی به‌جای می‌گذارد. با استفاده از تباین میان بافتها، طراحی منظر می‌تواند فضا و حالتها متنوعی را پدید آورد.

• **رنگ.** رنگ تأثیرات حسی گوناگونی را در افراد به‌وجود می‌آورد. رنگهای روشن و پررنگ، نشاط آور و روح‌بخش



بلوار.

بخش مهم بلوارها در ۲ طرف و در وسط، مسیرهای پیاده‌روی برای گردش و تفریح است. پیاده‌روها در بلوارها عریضند و با باغچه‌ها و درختان بلند سایه‌دار از سواره‌روها جدا می‌شوند. در برخی از بلوارها، مانند چهارباغ اصفهان، مسیر وسط به صورت پیاده‌راه مستقلی است که پیادگان به راحتی می‌توانند در آن قدم بزنند و یا روی نیمکتها نشسته و گذر مردمان را نظاره کنند. در بخش وسط برخی از بلوارها نهر آبی جریان دارد. بعضی از بلوارها، مانند شانزله‌یزه در پاریس، پیاده‌رو وسط ندارند و پیاده‌روهای کناری بسیار عریض هستند، به طوری که بخشی از آن به رستورانهای مجاور بلوار اختصاص یافته است و کافه‌های خیابانی (کافه تراسه) ایجاد کرده‌اند. برخی بلوارها که در ساحل قرار دارند، از یک سمت به رودخانه و یا به دریا مشرف هستند.

بلوارها از نظر شهرسازی، خیابانهای ساحلی هستند که نقش گردشگاهی دارند. مانند بلوارهای ساحل زاینده‌رود در اصفهان و بلوار بندرعباس که در ساحل خلیج فارس قرار دارد. بلوارها گاهی در امتداد رودخانه و یا ساحل دریا تا بیرون از محدوده شهرها نیز امتداد دارند و به صورت مسیرهای گردشگاهی به باغها می‌پیوندند. اخیراً امتداد بلوار زاینده‌رود اصفهان به سمت غرب، به مسیرهای سبز و پر درخت باغهای نازوان متصل شده است که بسیار مصفا و مفرح است و محل گردشهای دسته‌جمعی، خانوادگی و پیک‌نیک روزهای تعطیل شهروندان اصفهانی درآمده است.

در اغلب شهرهای ایران که در نواحی پایکوهی قرار گرفته‌اند، رودخانه‌های فصلی از داخل آنها عبور می‌کنند؛ برخی از این رودها در فصل تابستان، خشک و در بهار پرآبند. با طراحی محیطی / شهری می‌توان آنها را به باغراههای تفریحی زیبا و یا پارکهای خطی تبدیل کرد و از مسیر آنها، تا عمق کوهستان در فضای سبز و در سایه درختان، راهپیمایی نمود.

امروزه، بدنه بزرگراههای درون شهرها را می‌توان با ایجاد فضای سبز به صورت مناظر بدیع شهری درآورد و آنها را به پارک‌وی مبدل ساخت، تا شهروندان بهنگام آمدورفت روزانه در بزرگراههای شلوغ، از نظاره فضاهای طراحی شده پیرامون لذت برند و اکسیژن بیشتری را استنشاق نمایند. نمونه این نوع طراحی منظر را در بزرگراههای چمران و مدرس تهران می‌توان مشاهده کرد.

بلوارهای چندمنظوره

ترکیبی از خیابان، پیاده‌رو، پیاده‌راه و آب‌راه هستند که بیشتر نقش گردشگاهی دارند و محل گذران اوقات فراغت شهروندانند. بخش سواره‌رو در بلوارها به ۲ قسمت تندر و کندرو تقسیم می‌شود که از همدیگر جدا شده و به وسیله مسیرهای خاصی به همدیگر راه می‌یابند. تندر و مسیرهای عریضی هستند که از هر طرف آمدورفت دو باند سرعت دارند و به ترافیک عبوری اختصاص دارند؛ بنابراین، توقف در آنها ممنوع است. کندروها، مسیرهای باریکی هستند برای ترافیک محلی و دسترسی به فضاها و معابر مجاور

مهاجرت

ندارد.

اگرچه حقایقی در هریک از این مفهوم‌بندی‌های عرضه شده وجود دارد، اما توجه جامعه‌شناسی به پدیده مهاجرت با گذر به فراسوی این مفهوم‌بندی‌ها، مهاجرت را یک حرکت نسبتاً دائمی از اجتماعی در یک منطقه جغرافیایی به اجتماعی دیگر در منطقه دیگر در نظر می‌گیرد که علت آن، تفاوت در ارزشهای مبدأ و مقصد و نتیجه آن تغییر در نظام کنش متقابل است. چنین تعریفی از مهاجرت، چندین نکته مثبت برای مطالعه جامعه‌شناختی مهاجرت دارد:

- مهاجرت صرفاً یک پدیده جمعیت‌شناختی نیست؛
- مهاجرت فقط به خاطر مسائل اقتصادی و شغلی نیست؛
- متغیرهایی مانند سن و جنس، نقش محوری در مهاجرت پیدا نمی‌کنند؛
- مهاجرت به‌عنوان یک فرایند بین دو خرده نظام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود؛ و
- عناصر ساختاری در مسئله مهاجرت در نظر گرفته می‌شود.

سنخ‌بندی مهاجرت به‌گونه‌های متفاوتی می‌تواند انجام گیرد:

- طبقه‌بندی، شامل مهاجرت‌های نوآورانه در مقابل مهاجرت‌های محافظه‌کارانه؛
 - طبقه‌بندی مبتنی بر مهاجرت‌های داخلی در برابر مهاجرت‌های بین‌المللی؛
 - طبقه‌بندی بین مهاجرت‌های اجباری در کنار مهاجرت‌های داوطلبانه؛
 - طبقه‌بندی مهاجرت‌های انفرادی در مقابل مهاجرت‌های دسته جمعی؛
 - مهاجرت‌های دائمی و مهاجرت‌های موقت؛
 - مهاجرت‌های روستا-شهری در برابر مهاجرت‌های بین شهری؛ و
 - مهاجرت‌های پناهندگی در مقابل مهاجرت‌های آوارگی.
- ۳ دیدگاه عمده در مورد مهاجرت وجود دارد:
- کارکردنگری؛
 - تضادباوری؛ و
 - نظریه سیستمی.

کتابشناسی:

- بل، سایمون. منظر، ترجمه بهناز امین‌زاده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- سعیدنیا، احمد. «فضای سبز شهری»، کتاب سبز شهرداریها، جلد نهم، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- ماتلاک، جان. ل. آشنایی با طراحی محیط و منظر، ترجمه معاونت آموزش و پژوهش سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۷۹.
- مهندسان مشاور آمایش محیط. اصول و ضوابط طراحی پارکهای شهری. سازمان پارکها و فضای سبز، تهران: شهرداری تهران، ۱۳۷۲.
- مهندسان مشاور بافتشهر. طراحی بدنه بزرگراه مدرس. تهران: سازمان پارکهای شهرداری تهران، ۱۳۸۰.
- مهندسان مشاور بافتشهر. طراحی رود دره فرحزاد. تهران: سازمان زیباسازی شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- Hough, Micheal. *City Form and Natural Process*. Routledge, ۱۹۸۹.
- Marsh, W. M. *Landscape Planning*. Environmental Applications, Wiley, ۲۰۰۵.

احمد سعیدنیا

مهاجرت

Migration

از آنجا که پدیده مهاجرت مورد توجه اندیشمندان اجتماعی در رشته‌های مختلف قرار دارد، تعاریف گوناگونی از آن عرضه شده است. همین گوناگونی تعاریف باعث شده است تا برخی مواقع درک نامناسبی از مهاجرت به‌دست آید. برخی مهاجرت را یک پدیده تصادفی در نظر گرفته‌اند که حاصل تصمیم کاملاً فردی است. برخی دیگر، مهاجرت را مرتبط با مفهوم‌بندی فیزیکی و زیست‌شناختی دانسته‌اند. تعدادی از اندیشمندان مهاجرت را مبتنی بر جابه‌جایی جغرافیایی در نظر گرفته‌اند و بالاخره، عده‌ای هر مهاجرتی را یک حالت خاص در نظر می‌گیرند و بر این باورند که تعریف عام و تفسیر قابل تعمیم درباره مهاجرت وجود

مهاجرت

قشربندی است، مهاجر در رده طبقات و اقشار پائینی جامعه قرار می‌گیرد و شدیداً استثمار می‌شود. همین امر احساس از خودبیگانگی او را تشدید می‌کند. در واقع، مهاجر از یک فلاکت در مبدأ به فلاکت سنگین‌تر در مقصد وارد می‌گردد. او در مقصد با بیکاری طولانی مدت و در حاشیه قرار گرفتن ساختاری روبرو می‌شود. به نظر این دانش‌پژوهان، مهاجر در جامعه مقصد، به علت قرار گرفتن در مدار تضاد، به دور خود دیوار فرهنگی می‌کشد و سازگاری با محیط جدید برایش دشوار است. بنابراین، سعی می‌کند، ارزشهای خود را حفظ کند. در واقع مهاجر نه تنها از لحاظ فیزیکی در حاشیه جامعه مقصد قرار می‌گیرد، بلکه از لحاظ اجتماعی به پایگاهی با نقشهایی بسیار پائین سقوط می‌کند. نتیجه چنین فرایندی، برخوردهای اجتماعی بین مهاجران و شهروندان جوامع مقصد است.

نظریه سیستمی به طرز جامعی مفاهیم جا افتاده و مورد پذیرش جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و اقتصاد را در زمینه‌های قشربندی، تحرک اجتماعی، تغییرات اجتماعی و کنشهای اجتماعی به خدمت گرفته و پدیده مهاجرت را در رابطه با عوامل ساختاری و تغییرات ساختاری مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهد. طرفداران این نظریه، مهاجرت را به صورت فرایندی در نظر می‌گیرند که در سطوح مختلف نظام اجتماعی اتفاق می‌افتد. در سطح فردی، تنش ناشی از آنومی در یک نظام باعث می‌گردد که فرد عضویت خود را از یک نظام رها کند و به عضویت در نظام جدید دیگر درآید. به عبارت دیگر، تنش با مهاجرت حل می‌شود. در سطح اجتماعی، مهاجرت به عنوان مبادله بین نظامها در نظر گرفته می‌شود که باعث مدیریت بحران در نظام کلی اجتماع می‌گردد.

در نظریه سیستمی، ملاحظه مسئله مهاجرت در چارچوب نظام جهانی بسیار اهمیت دارد و مهاجرت بین خرده سیستمهای بین‌المللی بحث محوری است. به باور طرفداران این دیدگاه، مهاجرتها داخلی و بین‌المللی از یکدیگر جدا نیستند. در سطح جهان و باتوجه به ساختارهای داخلی، نظام بین‌المللی از ۴ خرده نظام تشکیل شده است:

هریک از این دیدگاهها، مهاجرت را مرتبط با علل، ماهیت، جهت و نتایج خاصی دانسته‌اند. کارکردنگران بر این باورند که نوعی عدم امنیت برای شخص باعث می‌گردد تا تصمیم به مهاجرت بگیرد. از جمله این احساس که جامعه مبدأ وسایل و امکانات کافی برای سازگاری وی با جامعه مبدأ ارائه نمی‌دهد؛ بسیاری از اهداف او در جامعه مبدأ برآورده نمی‌شود؛ و با جمع پیرامون نمی‌تواند همبستگی داشته باشد. از این رو، بنابراین به دنبال راه‌حلی در جایی دیگر می‌گردد. شخص در یک تصمیم عقلانی با محاسبه سود و زیان، به طور داوطلبانه، اقدام به مهاجرت می‌کند. جهت حرکت او از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته است که در واقع، عامل جاذبه‌های مقصد در آن قوی‌تر است. در جامعه مقصد به علت آنکه تحرک اجتماعی روبه بالا وجود دارد، مهاجر از مزایای تحرک اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند می‌شود. نتیجه این مهاجرت، هم‌نمایی و احساس یگانگی با جامعه مقصد خواهد بود. اگرچه در ابتدا مهاجر با بیکاری در مقصد روبرو می‌گردد، اما این بیکاری موقتی است و مهاجر در درازمدت، همانند اهالی محل به وضعیت تثبیت شده اقتصادی می‌رسد. مهاجر قادر خواهد شد از منابع موجود در جامعه مقصد به نفع خود استفاده کند و در واقع، کمبودهای خود را برطرف نماید.

در باور نظریه پردازان مکتب تضاد، مهاجرت پدیده‌ای چند بُعدی است که ریشه‌های طبقاتی دارد و علت‌های آن از نتایجش جداپذیر نیست. در این دیدگاه، مهاجرت ناشی از توسعه نابرابر در نظام اجتماعی است که مهم‌ترین مظهر آن، توسعه ناموزون سرمایه‌داری است. مهاجرت بین‌المللی در اثر هم‌پیوندی اقتصادی بین کشورها و تجمع سرمایه در شهرها پدید می‌آید. بدینسان، مهاجرت یکی از عناصر وابستگی است. مهاجرت به صورت اجباری است و عمدتاً تحت تأثیر فشارهای اقتصادی و یا سیاسی صورت می‌گیرد و جهت آن از مناطق عقب‌نگهداشته شده به مناطق تجمع سرمایه است. به باور این نظریه‌پردازان، عامل دافعه قوی‌تر از عامل جاذبه است و مهاجر در مقصد با رقابت، جدایی و تبعیض روبرو می‌گردد. از آنجا که جامعه مقصد کاملاً

کتاب‌شناسی:

- لهسایی زاده، عبدالعلی. *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۸.
- Amin, Samir. *Modern Migration in Western Africa*. Samir Amin (ed), *Modern Migration in Western Africa*. Oxford: Oxford University Press, ۱۹۷۴.
- Lahsaeizadeh, Abdolali. *Migration and Urbanization*. Shiraz: Zar Publication, ۲۰۰۲.
- Lee, Evertts. A Theory of Migration. *Demography*. Vol. ۳, No. ۱, ۱۹۶۶.
- Mabogunje, Akin I. System Approach to a Theory of Rural Urban Migration. *Geographical Analysis*. Vol. ۲, No. ۱, ۱۹۷۰.
- Mangalam, J.J. & Schwarzweller, H.K. *Some Theoretical Guidelines Toward a Sociology of Migration*. Working Paper. USA. Virginia: University of West Virginia, ۱۹۶۸.
- Nikolinakos, Marios. Notes Towards a Theory of Migration in Late Capitalism. *Race and Class*. Vol. ۱۶, No. ۱, ۱۹۷۵.
- Richmond, Anthony H. & Ravi P. Verma. The Economic Adaptation of Immigrants: A New Theoretical Perspective. *International Migration Review*. Vol. ۱۲, No. ۱, ۱۹۷۸.

عبدالعلی لهسایی زاده

مهاجرت روستایی - شهری

Rural-Urban Migration(s)

از بارزترین نمونه‌های تحرک جمعیتی است که به صورت ترک روستا برای زندگی در شهر بروز پیدا می‌کند. مهاجرت روستایی - شهری، از دیرین‌ترین و پایدارترین پدیده‌های تاریخ و تمدن بشری است که در پی انقلاب

- خرده نظام «الف»، شامل کشورهای جهان سوم؛
- خرده نظام «ب»، شامل کشورهای در مراحل اولیه توسعه صنعتی سریع؛
- خرده نظام «ج»، شامل کشورهای صنعتی اروپایی؛ و
- خرده نظام «د»، شامل کشورهای پسا صنعتی، مانند امریکا و کانادا.

ویژگی خرده نظام «الف»، میزان بالای مهاجرت‌های داخلی و گسترش بی‌رویه شهری و سطح بالای مهاجرت از آن به خارج است. خرده نظام «ب» دارای نرخ بالای مهاجرت‌های بین شهری و خارجی است. در این خرده نظام، کلانشهرها رشد سریعی دارند. در خرده نظام «ج»، مهاجرت بین‌المللی از هر ۲ نوع درون‌کوچی و برون‌کوچی وجود دارد که درون‌کوچی آن، عمدتاً مهاجرت کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر به این کشورهاست و برون‌کوچی بیشتر مهاجرت نیروی کار ماهر از این جوامع به خارج است. خرده نظام «د»، پذیرنده مهاجران ماهر و غیرماهر است. ضمناً مهاجرت کارگران غیرماهر به این دسته از کشورها عمدتاً مهاجرت کارگران غیرقانونی است که اغلب باعث پائین نگهداشتن سطح دستمزد و سوء استفاده از نیروی کار ارزان دیگر جوامع به نفع ساختار پسا صنعتی است.

در باور نظریه‌پردازان سیستمی، علت مهاجرت سازگاری با تغییرات اقتصادی - اجتماعی است که در واقع، چند علتی است. جهت مهاجرت حرکت تدریجی در میان جوامعی است که در مراتب مختلف توسعه قرار دارند. نتیجه مهاجرت، به وجود آمدن جوامع چندفرهنگی است که یک فرایند سازگاری کلی در آنها به وجود می‌آید، اما در عین حال، هویت‌های جداگانه هم حفظ می‌شوند. تنوع فرهنگی و وابستگی متقابل گروه‌های اجتماعی - فرهنگی به یکدیگر از مشخصه‌های این جوامع است.

به هر حال، مهاجرت پدیده‌ای کاملاً پیچیده و چند بعدی است که در مفهوم‌بندی آن باید مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اکولوژیکی مورد توجه قرار گیرد. در مطالعات مهاجرت، با توجه به دیدگاهها و نظرات مختلف، سطوح سه‌گانه خرد، میانه و کلان در نظر گرفته می‌شود.

بر ساخت روستا، شهر و شخص مهاجر روستایی می‌پردازند. به باور این محققان، مهاجر روستایی در شهر وارد یک ساخت اجتماعی از قبل ساخته و پرداخته می‌شود که این ساخت (شهر) به لحاظ اندازه و تراکم از روستا بسیار بزرگ‌تر و از تقسیم کار پیچیده‌تری برخوردار است. شهر ابتدا روستایی مهاجر را در خود جذب و سپس با خود همانند می‌سازد. روستایی مهاجر بعد از همانند شدن با محیط شهر، به یگانگی می‌رسد.

فرایند جذب روستاییان در شهر شامل چند مرحله به هم پیوسته است: ابتدا روستایی مهاجر مجبور است که مهارت‌های جدید را بیاموزد، زیرا بدون استفاده از مکانیزم‌های جدید احتمال دوام او در شهر کم است؛ سپس می‌آموزد، چگونه نقش‌های مورد نیاز شهر را فرا گیرد؛ و سرانجام، به تدریج یاد می‌گیرد که چگونه به ایده‌های جدید بیندیشد و تصویری تازه از خود براساس ارزش‌های جدید شهری ارائه دهد. در فرایند جذب، روستایی مهاجر در جریان انتقال مهارت و شخصیت قرار گرفته، فرهنگ قدیمی را از دست می‌دهد و فرهنگ جدید شهری را می‌پذیرد.

بنابر تبیینات کارکردباور، نظام شهر نهایتاً مهاجران روستایی و نسل‌های برخاسته از آن را، نظیر سایر اعضا، به‌عنوان اعضاء دائمی خود می‌پذیرد. پذیرش روستایی در شهر توأم با همانندگردی آنها در شهر است. مهاجر روستایی ارزش‌های جدید شهری را در خود درونی می‌کند و می‌کوشد، خود را با دیگر شهریان همانند سازد. در بسیاری از موارد، مهاجران روستایی در شهرها فرایند تقلید را پیش می‌گیرند، تا مشخص نشود که با فرهنگ شهری بیگانه هستند. همین روند تقلید، به مرور زمان، مهاجران روستایی را با ارزش‌های شهری عادت داده و تشابهی بین آنها و شهریان ایجاد می‌کند. به روستاییان در شهرها فرصت‌های شغلی و پایگاه‌های اجتماعی جدید عرضه می‌شود که در اثر آن سازگاری با شهر به‌وجود می‌آید.

بعد از همانندگردی مهاجر روستایی در شهر، بین او و محیط اجتماعی شهر رابطه متقابلی به‌وجود می‌آید که همان یگانگی است. در این مرحله، تنش‌های احتمالی بین مهاجر

صنعتی و در عصر نوین، ابعاد بسیار بزرگی پیدا کرده است. اندیشمندان نحله‌های مختلف برای تبیین علل مهاجرت‌های روستایی - شهری، نظریه‌های متفاوتی را مطرح کرده‌اند:

مهاجرت‌های روستا - شهری یکی از انواع بسیار با اهمیت و شایع مهاجرت است. تقریباً در طول تاریخ بشر، در تمام کشورها و همه زمانها، مهاجرت از روستا به شهر وجود داشته است. این پدیده را اندیشمندان با توجه به دیدگاه‌های نظری رایج در علوم اجتماعی تفسیر و تبیین می‌کنند.

جامعه‌شناسان کارکردباور و محققان و پژوهشگران پیرو دیدگاه نوسازی (← نوسازی)، به‌دنبال تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت روستا - شهری هستند. در رابطه با دلایل این‌گونه مهاجرت‌ها، آنان فرضشان این است که تمام نیازهای اجتماعی روستاییان در چارچوب جامعه روستایی آموخته می‌شود و روستاییان به نیازهایی باور دارند که ممکن است در روستا برآورده نشود. از آنجا که خصایص ساختی روستاها و روستاییان هرگز در طول زمان ایستا نیست، ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان حصول آن در روستا اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگی‌های بین خصایص روستایی و روستا منجر به مهاجرت روستایی برای کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود. چون تعادل در نظام روستا به هم می‌خورد، مهاجرت روستایی به شهر یک عنصر الزامی برای برقراری تعادل مجدد در روستاست. در بسیاری از جوامع در حال توسعه، شهرها از لحاظ توسعه از روستاها پیشی گرفته و فرصت‌های مختلفی را برای افراد به‌وجود آورده‌اند، در حالی که مناطق روستایی توانایی جذب استعدادهای موجود را ندارند. بنابراین، نیروی اضافی انباشت شده در روستا در پی فرصت‌های مختلف به مناطق شهری کشیده می‌شود که در آنجا فرصت‌ها بیش از ظرفیت افراد است. از این جهت، مهاجرت از یکسو به سازوکار تطابق روستایی با تغییرات ایجاد شده بدل می‌شود، و از سوی دیگر، تعادل از دست‌رفته را به جامعه باز می‌گرداند.

بعد از تعیین علل مهاجرت‌های روستا - شهری، کارکردباوران و محققان نوسازی به اثرات این‌گونه مهاجرت

جامعه‌شناسان تضاد باور و پیروان مختلف آنها، به‌ویژه محققان مکتب و ابستگی، بر این باورند که علت‌های مهاجرت از روستا به شهر را نمی‌توان از اثرات آن جدا کرد، زیرا مهاجرت از روستا به شهر از یکسوی معلول توسعه نابرابر شهر و روستاست و از سوی دیگر، خود عامل گسترش و تعمیق این توسعه نابرابر است. اگرچه این محققان علت و معلول مهاجرت از روستا به شهر را در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار می‌دهند، اما به هر رو، برای ارائه بهتر نتایج تحقیقات خود، در بحث‌های خود علت‌ها و اثرات مهاجرت روستا به شهر را جداگانه ارائه می‌کنند.

در علت‌یابی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای توسعه‌نیافته، محققان مکتب و ابستگی بیان می‌کنند که ابتدا باید به مسئله عدم توسعه توجه نمود و در این رابطه، باید نابرابری ساختی و مکانی بین بخش‌های جامعه را در نظر گرفت. از آنجا که عدم توسعه و نابرابری ساختی و مکانی در توسعه کشورهای در حال توسعه، از شکل گسترش توسعه سرمایه‌داری در این کشورها ناشی می‌شود، حرکت توده‌ای جمعیت از روستا به شهر باید در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. ۲ دسته عوامل برای بیان علت مهاجرت از روستا به شهر در نظر گرفته شده است:

- عوامل تغییر دهنده؛ و
- عوامل رکودی.

عوامل اول با نفوذ سرمایه‌داری در مناطق روستایی و ایجاد تغییر در فنون تولیدی ارتباط دارد. فنون جدید، کارگر اضافی در روستاها ایجاد می‌کند و آنها را مجبور به مهاجرت می‌کند. در مقابل، عوامل رکودی زمانی عمل می‌کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی در روستاها پیشی می‌گیرد و نیروی کار اضافی را به مهاجرت به شهرها مجبور می‌سازد. بنابراین، ماهیت مهاجرت روستاییان، دگرگونی ساختی روستاها در اثر ادغام در نظام سرمایه‌داری مرتبط است.

بعد از آنکه سرمایه‌داری وابسته در کشورهای واپس‌مانده تثبیت شد، مهاجرت افراد از روستا شکل خاصی به خود می‌گیرد.

- در آغاز، مهاجرت همه افراد روستایی را دربر نمی‌گیرد،

روستایی و محیط اجتماعی شهر از بین رفته، شهر به شخص مهاجر روستایی روی خوش نشان می‌دهد و در مقابل، مهاجر روستایی نیز دیگر با محیط اجتماعی شهر در ستیز برنمی‌آید. مهاجر روستایی به این باور می‌رسد که دیگر او از شهر و شهر از اوست. اگرچه شخص مهاجر روستایی، فرهنگ روستایی را توأم با فرهنگ شهری با خود حمل می‌کند، اما تمام کوشش او ایجاد وحدت بین فرهنگ روستا و شهر است. چون فرهنگ شهر بر او مسلط می‌شود، روند امور در جهت ایجاد یک فرهنگ واحد قرار می‌گیرد که در نهایت، این همان فرهنگ شهر است. بدینسان، دوگانگی و دوقطبی بودن شخصیت و ارزش‌های روستایی از بین رفته و مهاجر روستایی به فردی با شخصیت واحد تبدیل می‌شود. بی‌شک، هرچه شهر وسیع‌تر، بزرگ‌تر و تقسیم کار در آن پیچیده‌تر باشد، درجه یگانگی مهاجر روستایی با آن بیشتر است. بنابراین، شهرهای بزرگ‌تر، سریع‌تر در فرد مهاجر روستایی ایجاد وحدت می‌کند. دلیل آنکه مهاجران از روستا به شهر تمایل بیشتری دارند که به شهرهای بزرگ‌تر بروند، همین فرایند ایجاد یگانگی با محیط است.

بالاخره، کارکردباوران بر این عقیده‌اند که مهاجران روستایی در شهرها از تحرک اجتماعی روبه بالا برخوردار می‌شوند. مهاجر در شهرها این احساس را به دست می‌آورد که ممکن است در یک شغل موفقیت نداشته باشد، اما زندگی برای او تمام شده نیست. او باید چندین شغل را در شهر بیازماید، تا بالاخره، در یکی از آنها موفق شود. همین امر به‌طور ناخودآگاه، مهاجر روستایی را به یک تحرک شغلی وامی‌دارد. مهاجران روستایی تحرک عمودی روبه بالا در شهر دارند؛ اگرچه در مقایسه با ساکنان شهر، مشاغل پائین‌تری را برعهده می‌گیرند. همچنین مهاجران روستایی جوان‌تر از تحرک بیشتری برخوردارند. بالا رفتن سن مهاجر، قدرت خطر کردن او را برای دستیابی به مشاغل برتر، کمتر می‌کند. هرچه شخص مهاجر روستایی مدت زمان بیشتری در شهر مانده باشد، از پایگاه اجتماعی والاتری برخوردار خواهد شد؛ به سخن دیگر، محیط اجتماعی شهر میزان تحرک روبه بالا را تعیین می‌کند.

دهقانی می‌انجامد، که این همه، بر تحرک روستاییان و حرکت به سوی شهرها اثر دارد. حتی نوع تولید روستایی هم بر مهاجرت اثر می‌گذارد. با معمول شدن فناوری سرمایه‌بر، تولیدات در روستاها اگرچه افزایش می‌یابد، اما از نیروی کار کمتری استفاده می‌شود. در مناطق روستایی که در آنجا کشاورزی سرمایه‌داری مسلط است، افراد بیشتری از زمینهای کشاورزی بیرون رانده می‌شوند. به‌طور کلی، این محققان علت مهاجرت‌های روستایی- شهری را نابرابری سطح توسعه بین شهر و روستا می‌دانند.

از نظر محققان مکتب وابستگی، اثرات مهاجرت روستا- شهری از یکسو، عامل تقویت وابستگی روستاها به شهرهاست و از سوی دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارسائیهای مناطق شهری است. با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار در روستا و در نتیجه، تولیدات روستایی کاهش می‌یابد و باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌شود؛ روستا از نیروی تحول‌زا تخلیه می‌شود؛ افراد فقیر روستایی در واقع هدایایی هستند که به منطقه شهر و سرمایه‌داران شهری عرضه می‌شوند؛ کار ارزان در شهرها به سرمایه‌داران عرضه می‌شود و در یک جمله، توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی ادامه می‌یابد؛ مهاجر روستایی در شهر، به‌علت نداشتن مهارت‌های مورد نیاز جامعه شهری، در کارهای دون‌پایه جذب می‌شود؛ مهاجر از یک فقر بیرون رانده شده و به فقر دیگری وارد می‌شود؛ بدینسان، او در شهر قشر خاصی از طبقه کارگر را به‌وجود می‌آورد.

مهاجر روستایی در شهر روی ساخت شهری هم اثر می‌گذارد. سرمایه‌داران با استفاده از کارگران مهاجر ارزان، دستمزدها را پائین نگه می‌دارند. کارگران مهاجر در مقابل کارگران بومی قرار می‌گیرند و تضاد در شهرها تشدید می‌شود. این شرایط باعث عدم رشد آگاهی طبقاتی طبقه کارگر می‌شود و در نتیجه، جنبشهای اجتماعی به تأخیر می‌افتد. از لحاظ فضایی، جامعه شهری مهاجران را در حاشیه شهرها اسکان می‌دهد و مهاجر روستایی جذب جامعه شهری نمی‌شود. اینان اجتماعات خاص خود را تشکیل می‌دهند و فرهنگ خاص خود را ادامه می‌دهند و

بلکه بخشی از جمعیت روستایی را وادار به مهاجرت از روستا می‌کند؛

• دوم، تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر داوطلبانه نیست، بلکه برای آن دسته از روستاییانی که مهاجرت می‌کنند، راه دیگری برای زندگی باقی نمی‌ماند و آنها مجبور به مهاجرت هستند؛

• سوم، مهاجرت به جاهای نامعین نیست، بلکه از روی الگویی خاص به شهرها و بخشهای معینی از شهر صورت می‌گیرد؛

• چهارم، نیروی اجبار و تحریک کننده مهاجر روستایی صرفاً عامل اقتصادی است و اگر جز این باشد، به‌صورت توده‌ای انجام نمی‌شود؛ و

• پنجم، مهاجرت از روستا به شهر، مهاجرت نیروی کار و کارگر است، لذا تعریف مهاجرت از روستا به شهر حرکت نیروی کار (البته در بسیاری موارد با خانواده) است.

در نظر محققان مکتب وابستگی، این سرمایه‌داری وابسته است که شرایط مهاجرت از روستا به شهر را فراهم می‌آورد. یکی از خط‌مشیهای سرمایه‌داری در این کشورها، صنعتی کردن (البته از نوع صنایع وابسته) و تمرکز هرچه بیشتر سرمایه در شهرهاست. همین خط‌مشی، عدم توجه به روستاها را- به‌صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه- به‌وجود می‌آورد. اگرهم توجهی به روستاها می‌شود، در جهت سرمایه‌داری کردن کشاورزی و همزمان با آن مکانیزه کردن آن است. این ۲ فرایند، نیروی کار اضافی در بخش کشاورزی به‌وجود می‌آورد. گسترش برخی فعالیت‌های خاص در شهرها این عقیده را در روستاییان پدید می‌آورد که شهرها محل بعدی برای ادامه حیات آنهاست. پس، انباشت سرمایه در شهرها و مکانیزه شدن کشاورزی، هر دو عامل دفع جمعیت از روستاهاست.

در کشورهای توسعه‌نیافته، دولتها توجه خود را هرچه بیشتر به جوامع شهری مبذول می‌دارند و در این راستا، منابع کمیاب را به توسعه صنعتی در شهرها اختصاص می‌دهند که در نتیجه، اقتصاد روستا مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، تغییر الگوهای تولید در روستاها به نفع عده‌ای محدود است و به فقر فزاینده اقشار مختلف

مهاجرت روستایی - شهری

روستاها مستقر هستند، فشار وارد می‌کند و از لحاظ تولیدی، عرصه را بر آنها تنگ می‌کند. بیکاری در نظامهای مقابل سرمایه‌داری به وجود می‌آید و جمعیت بیکار مجبور به مهاجرت از روستا می‌شود.

در نتیجه، نوعی توسعه خاص در شهرهای کشورهای پیرامونی وجود دارد و به لحاظ عدم مهارتهای مورد نیاز شهرها در وجود مهاجر روستایی، مهاجر در بخشهای معینی جذب می‌شود. یکی از این بخشها، بخش ساختمان است که به نیروی کار غیرماهر زیادی نیاز دارد. از سوی دیگر، در بخش غیررسمی اقتصاد، بیشتر مهاجران به صورت کارگران ساده مشغول به کار می‌شوند. مهاجران از روستا به شهر بیشتر به شهرهایی می‌روند که امکان این ۲ گونه فعالیت در آنها بیشتر باشد. در کشورهای درحال توسعه، این شهرهای اصلی محل چنین فعالیتهایی هستند؛ در نتیجه، مهاجران به این شهرها می‌روند. از ویژگیهای این شهرها وجود حاشیه‌نشینی است. با توجه به این مسائل، مهاجران در یک وضعیت فرهنگ مجزا قرار می‌گیرند و به از خودیگانگی دچار می‌شوند. این از خودیگانگی زمانی شدت می‌گیرد که مهاجران به خیل کارگران بیکار یا نیمه‌بیکار می‌پیوندند.

از نظر محققان تحلیل سیستمی، مهاجرت از روستا به شهر قابل کنترل ریشه‌ای نیست، مگر اختلاف بین شهر و روستا که حاصل توسعه ناموزون شهر و روستاست، از میان برود. این توسعه ناموزون به گونه‌ای در روستاها عمل می‌کند که حتی در درون روستاها هم نابرابری را تشدید می‌کند و عده‌ای را از روستا به سوی شهرها سوق می‌دهد. باید ریشه‌های نابرابری بین شهر و روستا و بین بخشها و اقشار مختلف روستایی را زدود، تا جمعیت روستایی در روستاها تثبیت شود و مجبور به حرکت به سوی شهرها نباشد. البته، این امر در رابطه با قطع وابستگی ممکن است. بدون شک، برابری امکانات اقتصادی - اجتماعی بین شهر و روستا مانع از حرکت جمعیت روستایی به شهرها می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- Amin, Samir. *Modern Migration in Western Africa*. Oxford:

به این ترتیب، در اطراف خود دیوار فرهنگی می‌کشند؛ به سخن دیگر، به لحاظ فرهنگی در تضاد با ساکنان بومی شهرها قرار می‌گیرند. مهاجر در ظاهر، از بسیاری از ارزشهای شهری تقلید می‌کند، اما عملاً به از خودیگانگی دچار می‌شود. همین از خودیگانگی است که در شهرها مهاجران را به سوی اعتراض نسبت به محیط و روابط جدید وامی‌دارد. در کشورهای توسعه‌نیافته، مهاجران در شهرها از نیروهای اصلی انقلابها بشمار می‌آیند. اگرچه خروج مهاجران از روستاها، عامل بالقوه ایجاد حرکتهای انقلابی در روستاها را کم می‌کند، اما از سوی دیگر، به امکان بروز جنبشها در شهرها می‌افزاید.

برای تبیین مهاجرت از روستا به شهر در جوامع درحال توسعه، دیدگاه سیستمی سعی در نگرش جامع نسبت به این پدیده دارد و مهاجرت را در یک بُعد وسیع اجتماعی قرار می‌دهد، تا از یکسو، ارتباط بین ساختهای خرد و کلان قابل تبیین باشد و از سوی دیگر، کنش متقابل بین بخشهای سنتی و مدرن نمایان شود. از نظر محققان این دیدگاه، حرکت جمعیت از روستا به شهر، نتیجه یک فرایند ساختی است. این حرکت مسئله تحول در نظام اجتماعی را مطرح می‌کند. بنابراین، ابتدا باید دید، چگونه ساختی تحول پیدا می‌کند که حاصل آن حرکت جمعیت از روستا به شهر است. ساخت اجتماعی موجود در کشورهای درحال توسعه در قالب ۳ مفهوم بررسی می‌شود:

• اقتصاد جهانی؛

• صورت‌بندی اجتماعی؛ و

• نظامهای تولیدی.

شکل مهاجرت از روستا به شهر در این کشورها از این ۳ ساخت جدا نیست. امروزه، اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که یک فرایند واحد بر تولید جهان حاکم است. این فرایند، توسعه ناموزون بین کشورهای مرکز و پیرامون و بین شهر و روستا در کشورهای پیرامونی را ایجاد کرده است. همین امر، جمعیت را از روستا به شهرها روانه می‌کند. در صورت‌بندی اجتماعی پیرامونی، نظامهای سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری در جوار هم قرار دارند و نظام سرمایه‌داری بر نظامهای ماقبل خود که بیشتر در

- Oxford University Press. ۱۹۷۴.
- Bacon, Llyod. Poverty Among Interregional Rural-to-Urban Migrants. *Rural Sociology*. Vol. ۳۶, No. ۲, ۱۹۷۱.
 - Castles, S. and Kosack, Godula. The Function of Labor Immigration in Western European Capitalism. *New Left Review*. May-June, ۱۹۷۲.
 - Castles, S. and Kosack, Godula. *Immigrant Workers and Class Structure in Western Europe*. London: Oxford University Press, ۱۹۷۳.
 - Eisenstadt, S. N. *The Absorption of Immigrants*. Glenco, The Free Press, ۱۹۵۴.
 - Lahsaeizadeh, Abdolali. *Migration and Urbanization*. Shiraz: Zar Publication, ۲۰۰۲.
 - Lee, Everett S. A Theory of Migration. *Demography*. Vol. ۳, No. ۱, ۱۹۶۶.
 - Mabogunje, Akin L. System Approache to a Theory of Rural-Urban Migration. *Geographical Analysis*. Vol. ۲, No. ۱, ۱۹۷۰.
 - Nikolinakos, Marios. Notes Toward a General Theory of Migration in Late Capitalism. *Race and Class*. Vol. ۱۶, No. ۱, ۱۹۷۵.
 - Petersen, W. A General Typology of Migration. *Reading in the Sociology of Migration*. C. J. Jansen (ed), New York: Pergamon Press, ۱۹۷۰.
 - Portes, Aleyandro. Migration and Underdevelopment. *Politics and Society*. Vol. ۸, No. ۱, ۱۹۷۸.
 - Richmond, A. H. and Verma, P. P. The Economic Adaptation of Immigrants: A New Theoretical Perspective. *International Migration Review*. Vol. ۱۲, No. ۱, ۱۹۷۸.
 - Wallerstein, Immanuel. *Urbanization and Migration in West Africa*. California, Berkely: University of California Press, ۱۹۶۵.

عبدالعلی لهسایی زاده

ن

نابرابری ← برابری

اعتبارات مالی و مانند آن است. تأثیر این عوامل به صورتهای گوناگون ظاهر می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه، هنجارها، عرفهای اخلاقی و آداب و رسوم، ممکن است در محدودیت زنان برای ورود به بازار کار نقش مهمی داشته باشند.

نابرابری جنسیتی

اطلاعات درباره نابرابریهای جنسیتی در جهان عمدتاً بر داده‌های گزارش توسعه انسانی سازمان ملل و آمار جهانی زنان این سازمان تکیه دارد. به‌این ترتیب، سنجش نابرابریهای جنسیتی با محاسبه شاخصهایی برای سنجش اختلاف در تغذیه، بهداشت و آموزش شاید مهم‌تر از سنجش اختلاف درآمد بین زنان و مردان باشد. باین وجود، برخی از شاخصهای اجتماعی، مانند مرگ‌ومیر کودکان و یا بزرگسالان، به‌شدت تحت تأثیر سطح درآمد مناطق و بین زنان و مردان تفاوت چشمگیری دارد.

Gender Inequality

نابرابری جنسیتی عبارت از تبعیضی است که در حیطه‌هایی از حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شکلهای مختلف و در ابعاد متفاوت علیه زنان اعمال می‌شود. اگرچه امروزه در بیشتر کشورهای جهان، منابع رسمی بر برابری جنسیتی و حقوق قانونی مردان و زنان تأکید دارند، اما اطلاعات منتشر شده در سطح جهانی، همچنان نشانگر تبعیض جنسیتی است. تبعیض جنسیتی ریشه در صورت‌بندیهای اجتماعی، گفتمانها و اندیشه‌هایی دارد که هویت افراد را برحسب جنسیت آنها تعریف می‌کند و برای جنس زن، موقعیتی پایین‌تر از مرد قائل است.

دسته‌ای دیگر از شاخصها، از جمله تفاوت در نسبت وزن به سن بین دختران و پسران زیر ۵ سال، درصد کودکان دختر نسبت به کل کودکان زیر ۵ سال، تفاوت در واکسیناسیون و مراقبتهای بهداشتی بین دختران و پسران زیر ۵ سال و تفاوت در سنوات تحصیلی بزرگسالان زن و مرد، در سنجش نابرابریهای اجتماعی - جنسیتی به کار می‌روند.

نقش عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی

مطالعات بین‌المللی تبعیض در مورد زنان را اغلب به‌صورت اختلاف در برخورداری از آموزش، مراقبتهای بهداشتی و سایر شاخصهای اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهند. مجموعه‌ای از این شاخصها که بیشتر مورد توجه قرار داشته‌اند، عبارتند از: شاخص توسعه جنسیتی (GDI) و شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM). این شاخصها از ۱۹۹۴م به بعد، در گزارشهای سالانه

عوامل مختلفی در پیدایش نابرابری جنسیتی دخالت دارند. برخی از این عوامل را می‌توان به هنجارها و قراردادهای اجتماعی نسبت داد. این عوامل به ۲ دسته عوامل اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی قابل تفکیکند. عوامل یا متغیرهای اجتماعی عبارتند از: آموزش، بهداشت، تغذیه، باروری، قوانین، آداب و رسوم اجتماعی و سن ازدواج. در مقابل، عوامل و متغیرهای اجتماعی - اقتصادی شامل دسترسی به منابع، از جمله مالکیت، کنترل بر درآمد و دسترسی به

نابرابری اقتصادی

از دیگر حوزه‌های تبعیض آمیز، عرصه فعالیت‌های اقتصادی، به‌خصوص دسترسی به منابع درآمد، مالکیت‌ها و فرصت‌های شغلی است. مقایسه و اندازه‌گیری نقش اقتصادی زنان و مردان بسیار مشکل است، زیرا اصولاً ماهیت کار زنان و مردان متفاوت است و در جامعه نوعی تقسیم کار پنهان براساس جنسیت وجود دارد.

اطلاعات موجود درخصوص ابعاد مختلف اشتغال در کشورهای جهان، بیانگر وجود تبعیض وسیع و گسترده در رابطه با زنان است. پائین بودن نرخ مشارکت، نسبت اندک زنان در مشاغل واجد ایمنی بیشتر، درآمد بهتر و امکان ارتقاء به مدارج بالاتر و همچنین نرخ دستمزد پائین‌تر در مشاغل مشابه با مردان، از این‌گونه تبعیض‌هاست.

تحلیل علل و روند شکل‌گیری تبعیض جنسیتی در حوزه اقتصاد، مستلزم دقت نظر بیشتری است. اینکه زنان برای رسیدن به مهارت‌ها و سرمایه انسانی کمتر از مردان توانایی دارند، اینکه کار آنها هم‌پراز کار مردان نیست و یا اینکه آنها شرایط لازم برای حضور مستمر در بازار کار را ندارند، همگی از عوامل توجیه‌کننده تبعیض بشمار می‌رود. این‌گونه تفاوت‌ها بین زنان و مردان ظاهراً همیشه دلیل اصلی نیست و تبعیض شغلی، علاوه‌براین، بخشی از تبعیض اجتماعی است.

بدین ترتیب، تحلیل جنسیتی را نباید تنها به جنبه تقاضا محدود کرد، بلکه لازم است آن را همراه با تبعیض در حوزه عرضه دید که جامعه و ساختارهای موجود اجتماعی، مهارت و تحصیلات و امکان مشارکت محدودیت‌های گوناگون را برای زنان فراهم می‌سازد.

شرایط فوق‌موجب شده است که زنان نسبت اندکی از کل نیروی کار را، به‌ویژه در بخش‌های غیرکشاورزی و در مناطق شهری، تشکیل دهند و بیشتر در مشاغل کم‌درآمد مشغول به کار باشند. همچنین میزان بیکاری زنان، به‌ویژه در کشورهایی که با بحران اشتغال روبرو هستند، جدی‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر است. این امر زمینه‌های سوءاستفاده از نیروی کار زنان را در بخش‌های غیردولتی و غیررسمی فراهم می‌سازد. مصر، ایران، ترکیه و شیلی، از جمله

سازمان ملل متحد (← سازمان ملل متحد) برای کشورهای مختلف محاسبه می‌شوند.

مطالعات انجام شده براساس این ۲ شاخص در ۱۹۹۹م نشان داد، جوامعی که طی ۳۰ سال گذشته و قبل از آن از توسعه بیشتری برخوردار بوده‌اند، برابری بیشتری را در توزیع منافع توسعه بین زنان و مردان به ثبت رسانده‌اند و شکاف جنسیتی آنها از نظر آموزش و بهداشت، به‌سرعت کمتر شده است. البته، در کشورهای درحال‌توسعه نیز در شاخص‌های تحصیلی، فاصله بین زنان و مردان هر روز کمتر می‌شود.

در ایران، به‌ویژه در مناطق مبتنی بر معیشت کشاورزی، دختر بچه‌ها هنوز کودک‌کم/همیت‌تر شمرده می‌شوند. بررسی‌های انجام شده در کشور نشان می‌دهد که ۱۰٪ پسران زیر ۵ سال شهری دارای وزن کمتری از حداقل استاندارد هستند، حال آنکه این نسبت در دختران به ۱۷٪ می‌رسد. در نواحی روستایی، این میزان برای پسران ۱۵٪ و برای دختران ۲۳٪ است. البته، تبعیض جنسیتی در تغذیه در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، دسترسی زنان به منابع، از جمله زمین، درآمد و اعتبارات مالی، نقش اقتصادی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، احتمال موفقیت شغلی و یا افزایش درآمد برای زنانی که به تحصیل، کار و مراقبت‌های بهداشتی دسترسی دارند، بیش از افرادی است که به این منابع دسترسی ندارند. در کشورهای درحال‌توسعه، به‌طور خاص، وضعیت اجتماعی زنان، امنیت و استقلال، دسترسی به منابع را برای آنان محدود می‌سازد. در بیشتر کشورها درآمد زنان به وضعیت همسرانشان وابسته است و اگر زنی مطلقه یا بیوه شود، این درآمد را از دست می‌دهد. در کشورهایی که دسترسی برابر زنان و مردان به زمین تضمین شده است، زنان اغلب یا از این حق آگاهی ندارند و یا آداب و رسوم موجود عملاً مالکیت آنان را تضعیف می‌کند. به‌عنوان نمونه، در زیمبابوه، بورکینافاسو و کامرون، زنان به‌طور قانونی می‌توانند مالک زمین و درختان باشند، ولی در عمل تقریباً تمام دارائیها در اختیار مردان است.

نابرابری جنسیتی

نشان می‌دهد. این نسبت در کشورهای در حال توسعه، ۱۲٪ بود که در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته (۱۸٪)، فاصله نسبتاً زیادی را نشان می‌دهد. البته حضور زنان در پارلمان، در سطح کشورهای جهان، شکاف بزرگی را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، در ۲۰۰۲م نسبت زنان به کل نمایندگان نشانگر رقمی از ۴۲/۷٪ در سوئد، تا صفر درصد در چند کشور خاورمیانه بود. در همین سال، زنان بحرین برای اولین بار توانستند حق رأی و کاندیدا شدن را کسب کنند.

در دهه گذشته برخی کشورها، مانند برزیل، فرانسه، هند، اوگاندا و فیلیپین، برای زنان سهمیه‌هایی را در مجلس قانونگذاری در نظر گرفته‌اند. در افریقای جنوبی، به‌دنبال خاتمه‌یافتن آپارتاید در ۱۹۹۴م و شکل‌گیری نهادها و سازمانهای جدید که بر احیای حقوق زنان تأکید داشتند، نسبت زنان در مجلس از ۱٪ به ۳۰٪ افزایش یافت. از سوی دیگر، به دلیل لغو سهمیه جنسیتی در کشورهای کمونیستی سابق در اروپای شرقی، شاهد نزول نسبت زنان منتخب از ۲۵٪ به ۷٪ بوده‌ایم.

بدین ترتیب، دولتها نقش مهمی در تعدیل روابط جنسیتی دارند. سیاستهای دولتی اغلب تحت تأثیر نهادهای پدرسالارانه قرار دارد.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی، به‌دنبال حضور گسترده زنان در عرصه‌های مختلف و از جمله در دانشگاهها، بر مشارکت فعال سیاسی آنان تأکید شده است، اما هنوز در ورود زنان به پستهای مدیریتی و جایگاه سیاستگذاری، موانع فرهنگی و ساختاری جدی وجود دارد.

نابرابری جنسیتی در عرصه مدیریت

مدیریت هم در ادبیات موضوعی و هم در حیطه عمل در سازمانها، پدیده‌ای خنثی (بی‌جنسیت) توصیف شده است، چراکه مهارت‌های مدیریتی به‌هیچ‌وجه به ویژگیهای جنسیتی مرتبط نیست. اما واقعیت آن است که در حیطه مدیریتهای ارشد این پدیده به‌شدت با سمت‌گیری جنسیتی همراه است، به‌گونه‌ای که سلطه مردان در این حوزه، امری طبیعی و بدیهی تلقی می‌شود.

براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، مردان در

کشورهایی هستند که نرخ بیکاری زنان در آنها تقریباً ۳ برابر مردان است.

از جمله تبعیضهای ناروا در مورد زنان شاغل، تفاوت دستمزد زنان با مردان در مشاغل مشابه است. با افزایش جهانی سطح تحصیلات، به‌خصوص در سطوح عالی، امکان پرداخت مزد کمتر به زنان برای کار معین، آنان را به‌صورت منبعی از مهارت‌های گوناگون درآورده است که مستقیماً مورد سوءاستفاده کارفرمایان قرار می‌گیرد. تفاوت دستمزد زنان در مقایسه با مردان هنوز در سراسر جهان پابرجاست، اما در کشورهای جهان سوم، زنان از تبعیضهای شغلی و درآمدی بیشتری در بازار کار رنج می‌برند.

علاوه بر این، در اکثر معیارهای اقتصادی، از جمله تولید ناخالص ملّی و تعاریف موجود از کار، بسیاری از فعالیتهایی که زنان انجام می‌دهند، فاقد ارزش اقتصادی ارزیابی می‌شود و در محاسبات منظور نمی‌گردد. در واقع، زنان ساعتهای بیشتری نسبت به مردان - به‌خصوص در نواحی روستایی - کار می‌کنند اما از مزایای کمتری بهره‌مند می‌شوند.

تبعیض جنسیتی در بازار کار را باید از نظر اقتصادی و اجتماعی به‌صورت توأم بررسی نمود. ایجاد روند مطلوب در بازار کار زنان و کاهش تبعیضها، مستلزم بهبود و اصلاح سطوح تحصیلی و مهارت زنان است. البته باید توجه داشت، تبعیض جنسیتی تنها با افزایش سطح تحصیلات و مهارت زنان رفع نمی‌شود. برای بهبود وضع شغلی زنان باید زیرساختهای حقوقی و ساختار اجتماعی نیز در جهت مطلوب تغییر کند.

نابرابری جنسیتی در عرصه سیاسی

برخی از کشورها به‌دنبال درخواست اعتراضی زنان، سهمیه‌هایی را در مجلس نمایندگان برای زنان در نظر گرفته‌اند. نگاه اجمالی به وضعیت زنان از حیث حضور در مجلسهای قانونگذاری، نشانگر آن است که در ۲۰۰۱م زنان به‌طور متوسط ۱۴٪ از کل کرسیهای مجلس را در اختیار داشته‌اند. این رقم نسبت به ۱۹۸۷م که ۹٪ بود، افزایش

نابرابری جنسیتی

- فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵.
- مشیرزاده، حمیرا. *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- نیکو برش، فرزانه. «توسعه و لزوم برنامه‌ریزی جنسیتی»، *مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان*. نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- هودر، روبرت. *جغرافیای توسعه در جهان و ایران*، ترجمه فضیله خانی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۶.
- Bardhan and Klasen. On UNDP's Revisions to the gender-related Development Index. Available on-line: <http://www.hdr.undp.org/docs/statistics/undprevisions-gender-related.Pdf> (accessed ۲۰ December ۲۰۰۲), ۲۰۰۰.
- Boutros-Boutros, Ghali. *The United Nations and the advancement of women ۱۹۴۵-۱۹۹۶*. New York: United Nations, ۱۹۹۶.
- Fried, Susana T. (ed). *The Indivisibility of Women's Human Rights*. New Jersey: Centre for Women's Global Leadership, ۱۹۹۴.
- Klasen Stephen and White. *Does Gender inequality reduce Growth and development? Evidence from Cross-Country Regressions, Policy Research Report on Gender and Development, Working paper series*, No. ۷, The world Bank, ۱۹۹۷.
- Marcoux, A. Sex differentials in under nutrition: a look at survey evidence. *Population and Development Review*, ۲۸(۲), ۲۰۰۲.
- Norris, Pippa. Breaking the Barriers: Positive Discrimination Policies for Women. *Has Liberalism Failed Women: Parity, Quotas and Political Representation*. Klausen, Jytte and Maier, Charles (eds), New York: st Martin's press.
- Parpart, J.L. Who is the other. A postmodern feminist critique of women and development theory and practice. *Development and Change*, ۲۴(۳), ۱۹۹۳.
- Sass, Justine. *Women of Our World*. Washington, DC: Population Reference Bureau, available on-line:

سراسر دنیا بالاترین مقامهای مدیریتی را در اختیار دارند. نابرابریهای موجود بین زنان و مردان موجب می‌شود که آنها برای دستیابی به سلسله مراتب بالای سازمانی با محدودیت مواجه باشند. بزرگ‌ترین پیشرفت زنان در دنیا، دستیابی به مقامهای مدیریتی سطح پائین بوده است؛ دستیابی به پستهای مدیریتی سطح میانی برای آنان قدری مشکل است، اما رسیدن به موقعیتهای مدیریتی سطح بالا به مراتب مشکل‌تر است. در سطح بین‌المللی، تنها ۲٪ از کرسیهای مدیریت ارشد شغلی توسط زنان اشغال شده است. میزان مشارکت زنان در مقامهای مدیریتی و اجرایی کشورهای توسعه‌یافته حدود ۳۳٪، در آفریقا ۱۵٪، و در آسیا و منطقه اقیانوسیه ۱۳٪ است. هرچند آمار تعداد زنان در پستهای مدیریتی در آفریقا، آسیا و منطقه اقیانوسیه اندک است، اما نسبت به ۲۰ سال گذشته، ۲ برابر افزایش یافته است. با این وجود، این آمار حضور کم زنان در جایگاه تصمیم‌گیری را در سطح جهان نشان می‌دهد. در کنفرانس جهانی زن در چین اعلام شد که اگر زنان با روند کنونی پیش روند، ۴۰۰ سال طول خواهد کشید تا به مرتبه‌ای هم‌تراز با مردان در جامعه برسند.

بررسی داده‌های موجود درخصوص تعداد شاغلان در پستهای مدیریتی و سرپرستی برحسب جنس، نشان می‌دهد که سهم زنان از پستهای مدیریتی از ۲/۸٪ از کل مدیران بخش دولتی فراتر نمی‌رود. زنان در قیاس با مردان، برای دستیابی به شغل مدیریتی در رده‌های بالاتر، باید تحصیلات بالاتری داشته باشند. برای نمونه، بیش از ۶۰٪ زنانی که به منصب مدیریتی در رده‌های بالا دست یافته‌اند، دارای مدارک بالاتر از لیسانس بوده‌اند، در حالی که این رقم برای مردان ۵۴٪ بوده است. پژوهشی در امریکا نشان داده است که در ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰م، مدیران زن تمام‌وقت کمتر از مدیران مرد تمام‌وقت با احتساب تحصیلات، سن و وضعیت تأهل و نژاد، دستمزد دریافت می‌کردند.

کتاب‌شناسی:

- حکیم‌پور، محمد. *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدید: تأملی در مبادی هرمنوتیک حقوق زن*. تهران: انتشارات نغمه نواندیش، ۱۳۸۲.
- خانی، فضیله. *جنسیت و توسعه*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات

ناحیه

روستایی کشور اصطلاح منطقه (کمربند) را مناسب‌تر تشخیص می‌دهند، اما در این میان، جایگاه تاریخی- فرهنگی مفهوم ناحیه اغلب مغفول می‌ماند. کاربرد این مفهوم در دوره تاریخی سرزمین ایران از سابقه بیشتری برخوردار است؛ ناحیه در مباحث شهری و روستایی کهن، شامل محدوده‌ای فضایی بود که از یک شهر اصلی نسبتاً کوچک یا متوسط و چندین روستای پیرامونی که با یکدیگر تعامل عملکردی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی داشتند، تشکیل می‌شد.

ناحیه به مفهوم عام خود، گاهی با مفاهیم دیگر، از جمله حوزه و عرصه نیز به صورت مترادف به کار می‌رود، مانند حوزه شهری یا روستایی، عرصه شهری، عرصه روستایی و مانند آن. در این معنا، عرصه روستایی یا شهری، به تفاوت، محدوده‌ای است که عمدتاً به واسطه ساختارها و عملکردها، همچنین از لحاظ محیط زیست، جمعیت و فعالیت، حاوی خصوصیات روستایی یا شهری باشد. به همین ترتیب، حوزه روستایی در مطالعات منطقه‌ای عبارت است از محدوده روستایی معین و برخوردار از ویژگی یا ویژگی‌های خاص که آن را از سایر حوزه‌ها متمایز می‌سازد؛ این اصطلاح گاهی نیز با مفهوم ناحیه روستایی مترادف است. ناحیه روستایی در ایران، به طور اخص، محدوده‌های اداری- سیاسی معین با خصوصیات روستایی را شامل می‌گردد که در ایران، اغلب شامل محدوده‌های دهستانی است. در برنامه‌های اجرایی کشور، محدوده‌های معین روستایی، متشکل از یک یا چند روستا که برای عملیات مشخص و مشترک عمرانی (مثلاً آبرسانی یا خدمات رسانی) تعیین شده باشند، حوزه روستایی خوانده می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- ابن بلخی. *فارسنامه*. به کوشش علی تقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۳.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر. *الاعلاق النفیسه*. لیدن، ۱۸۹۱.
- ابوالفدا، ابن شاهنشاه بن ایوب. *تقویم البلدان*. پاریس، ۱۸۴۰.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. *مسالك و ممالک*، ترجمه فارسی قرن ۵ق، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- *حدودالعالم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.

http://www.prb.org.، ۲۰۰۲.

- Williamson, O. The new institutional economics: Taking Stock, looking ahead. *The Journal of Economic Literature*. ۳۸(۳)، ۲۰۰۰.
- World Bank. *World Development Indicators*. Washington, DC: World Bank.

فضیله خانی

ناپایداری شهری ← پایداری شهری

ناحیه

Area

عرصه‌ای فضایی که به واسطه یک یا چند ویژگی معین، از عرصه‌های پیرامونی متمایز باشد. این مفهوم را در چارچوبه‌های مختلف، به صورت‌های متفاوت تعریف کرده‌اند؛ از رایج‌ترین این تعاریف، می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

- بخش، عرصه یا منطقه‌ای از سطح زمین، مستقل از وسعت و مساحت آن؛
- عرصه‌ای معین از لحاظ عملیاتی خاص، و در مباحث برنامه‌ریزی؛ و
- محدوده‌ای فضایی با خصوصیت معین (در قانون آمایش سرزمین انگلستان: عرصه‌ای با زیبایی طبیعی ویژه).

در ادبیات کارشناسی، ۲ مفهوم منطقه (Region) و ناحیه (Area) به مفهوم عام، به صورت هم‌معنا به کار می‌روند. اما به مفهوم خاص، ناحیه را بخشی از منطقه بشمار می‌آورند. از این رو، ناحیه در مباحث مرتبط با سطح‌بندی و منطقه‌بندی سرزمین، از نظر وسعت و جایگاه، عرصه‌ای کوچک‌تر را دربر می‌گیرد و در سطح پائین‌تری از منطقه قرار می‌گیرد (← منطقه). در ایران، به طور رسمی، ناحیه عبارت است از عرصه‌ای فضایی، شامل یک یا چند بخش، یک شهرستان و یا حتی قسمتهایی از دو یا چند بخش یا شهرستان. گرچه امروزه بسیاری از کارشناسان مسائل شهری و

ناحیه مرکزی شهر

- کاهش متوالی تعداد ساکنان ناحیه مرکزی بر اثر جابه‌جایی جمعیت محلی و توسعه انواع فعالیت‌های تجاری، کارگاهی و انبار به داخل عناصر محله‌های قدیمی، به تدریج هویت آن را دگرگون می‌سازد. ایجاد ایستگاه‌های حمل‌ونقل، توقفگاه‌های اتوبوس و کارگاه‌های وسائط نقلیه، و به‌ویژه انبارداری، تحول منطقه یا ناحیه مرکزی شهرها را تقویت می‌کند.

- اساس اصطلاح ناحیه مرکزی شهرها، به نظریه الگوی متحدالمرکز ساختار داخلی شهرها باز می‌گردد که توسط ارنست و بورگس مطرح شد. براساس این نظریه، ساختمان داخلی شهرها به ۵ حوزه یا منطقه متحدالمرکز تقسیم می‌شود که هسته مرکزی آن، محل دادوستد و حلقه دوم، ناحیه در حال تغییر و تحول است.

- حلقه یا حوزه اول، به‌علت ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مرکز شهر، با مرکز کار و کسب یا ناحیه C.B.D مطابقت دارد. در این حلقه، فعالیت‌های تجاری و خدماتی تمرکز دارند و خطوط حمل‌ونقل از هر جانب شهر بدان راه می‌یابد. این ناحیه یا هسته مرکزی شهر، توسط ناحیه در حال تحول فرسوده و قدیمی احاطه شده است. مغازه‌ها و کارگاه‌های هسته مرکزی به تدریج به داخل خانه‌ها و کوچه‌های این ناحیه رخنه می‌کنند؛ اغلب خانه‌ها متروکه هستند و یا به محل سکونت مهاجران مجرد که در کارگاه‌ها و مغازه‌های مرکز شهر کار می‌کنند، تبدیل می‌شوند. ناحیه مرکزی شهر شامل محله‌های فرسوده فقیرنشینی است که انواع آلودگی‌های فیزیکی و بزهکاری‌های اجتماعی در آن مشاهده می‌شود.

- جمعیت اصلی ساکن در ناحیه مرکزی شهر به تدریج، به‌علت هجوم فعالیت‌های وابسته به مرکز دادوستد شهر، محله‌های مرکزی را ترک می‌کنند و گروه‌های کم‌درآمد در آن سکنی می‌گزینند. فرایندهای خاص جمعیتی در این ناحیه را جریانهای اکولوژیکی و نحوه اسکان طبقات کم‌درآمد و مهاجران در آن را هجوم می‌نامند. این جریان طی چند دهه، چندین بار تکرار می‌شود و هر بار گروه فقیرتر و مهاجران تازه وارد جایگزین گروه قبلی می‌گردد. این فرایند را اصطلاحاً *توالی* می‌خوانند.

- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

- مستوفی قزوینی، حمدالله. *نزهت القلوب*. به کوشش گای لیسترانج، تهران، ۱۳۶۲.

- Allen, John, et al. *Rethinking the Region*. London and New York: Routledge, ۱۹۹۸.

- Clark, A.N. *Longman Dictionary of Geography (Human & Physical)*. Longman, Essex, ۱۹۸۵.

- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Wiltschire, ۲۰۰۵.

- Johnston, R.J. et al. *A Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.

عباس سعیدی

ناحیه تجاری شهر ← ناحیه مرکزی شهر

ناحیه کسب‌وکار شهر ← ناحیه مرکزی شهر

ناحیه مرکزی شهر

Central Business District

• ناحیه مرکزی شهری یا نواحی داخل شهر، مجموعه محلات قدیمی هستند که مرکز تجاری/خدماتی شهر را احاطه کرده‌اند. ناحیه مرکزی شهر به‌علت دگرذیسی اجتماعی و کالبدی، اصطلاحاً *منطقه تحول* نامیده می‌شوند. در حالت عمومی، منطقه تحول دستخوش تباین اجتماعی-شغلی، برتری جمعیت کم‌درآمد و علائم فرسودگی کالبدی است.

ناحیه مرکزی شهر

کاخ گلستان و کاخ دادگستری، وزارت دارایی، باغ ملی، با ساختمانهای با ارزش اداری و نظامی و دهها خانه اعیانی قدیمی، از جمله منزل محمدحسین خان امین‌الضرب، در این ناحیه قرار گرفته است. برای مثال، در خیابان سپه، ساختمان باسیتول و ساختمان اداره آمار؛ در خیابان لاله‌زار، ساختمان گراند هتل، سینماها، خانه‌های قدیمی، از جمله خانه اتحادیه که فیلم دانی‌جان ناپلئون در آن برداشته شده است؛ و همچنین در خیابان منوچهری، خانه پیرنیا ارزشهای تاریخی، معماری و اجتماعی ناحیه مرکزی را نشان می‌دهد که همچون گوهری در میان بافتهای فرسوده شهر باقی مانده‌اند.

• احیاء و نوسازی ناحیه مرکزی شهرها در رابطه با تجهیز و بهسازی مرکز تجاری/خدماتی (بازار)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نوسازی بافتهای مرکزی در شهرهای اروپایی، مانند استراسبورگ و مونپلیه در فرانسه، هانوفر و اسن در آلمان، ورشو و استکهلم (به ترتیب در لهستان و سوئد)، تجربیات ارزشمندی به دست آمده است. بازسازی ناحیه مرکزی شهر، موجب بازآفرینی هویت تاریخی و اجتماعی آن می‌گردد و با جلب گردشگران داخلی و خارجی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی ناحیه مرکزی احیاء بافتهای قدیمی فراهم می‌گردد.

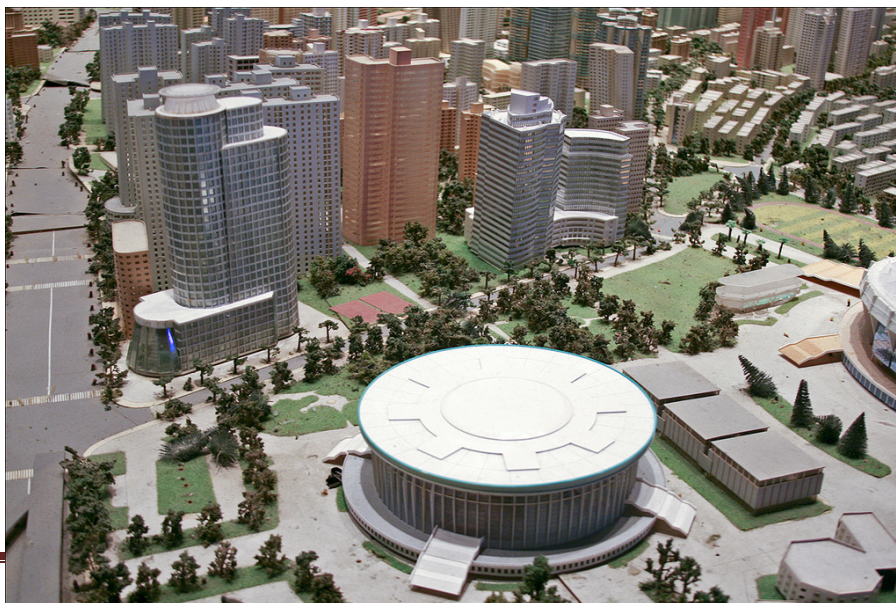
• برخی اوقات با ایجاد یک قطب جدید فرهنگی-اجتماعی، مانند فرهنگسرای بهمن در تهران یا مرکز

• آمارهای سرشماری سالهای ۱۳۳۵-۱۳۸۵ اش در تهران نشان می‌دهد که به تدریج ناحیه مرکزی شهر در حوالی بازار، از جمعیت اصلی تخلیه و توسط گروههای مهاجر خارجی اشغال شده است. این وضعیت باعث فرسودگی و ویرانی بیش از پیش ساختمانها شده است، به طوری که مهم‌ترین یا مشکل‌ترین مسئله این ناحیه، نوسازی محله‌های قدیمی، مانند عودلاجان، است که طی ۵ دهه گذشته همواره مطرح شده، ولی هیچگاه تحقق نیافته است.

قبل از ارنست و بورگس، در اواخر سده ۱۹ م، چارلز بوت شهر را به مثابه پیکربندی فضایی در حال دگرذیسی بررسی می‌کرد. این نگرش بیانگر روابط میان گروههای اجتماعی در شهرهاست که دارای مفهوم کار و زندگی مردم است. این نگرش از ۲ عنصر تشکیل یافته است:

• محله مسکونی یا مکان زندگی؛ و
• پایگاه اجتماعی. نوآوری چارلز بوت در استفاده از نقشه‌های آماری برای شناسایی پایگاه اجتماعی ساکنان محله‌های شهری، زیربنای مدل بوم‌شناختی مکتب شیکاگو را تشکیل داد. او شهر را به مثابه موزائیکی از سامانه‌های طبیعی معرفی می‌کند که براساس آن، قطعه‌بندی شهر و شبکه ارتباطی آن نتیجه فرایندهای اجتماعی است.

• میراث تاریخی شهرها، شامل کاخها، مساجد، میدانها و خانه‌های اعیانی، اغلب در پیرامون هسته مرکزی، در محله‌های قدیمی ناحیه مرکزی شهرها قرار دارند. در تهران،



ناحیه مرکزی شهر

در نزدیکی شهر، زمینه مساعدی برای نوسازی است. برخلاف مرکز تجاری شهر (بازار)، رقابت سختی برای به دست آوردن فضا بین فعالیتهای مختلف وجود دارد. در ناحیه تحول مجاور مرکز شهر، با تعطیلی کارگاهها و آزادسازی زمینهای مربوط به کارخانهها و کاروانسراهای قدیمی و تبدیل آنها به ساختمانهای اداری/خدماتی یا تجاری/مسکونی، انگیزه قدرتمندی برای نوسازی محلههای فرسوده قدیمی به وجود خواهد آمد. هم اکنون، طرح جامع تهران با تغییر کاربری نواحی جنوبی منطقه بازار که آکنده از انبار و کارخانههای متروکه و فرسوده است (مانند کارخانه چیت سازی و بلور و دخانیات و بنگاههای حمل و نقل)، زمینه توسعه تجاری/خدماتی آن را به عنوان مرکز تجارت جهانی فراهم می سازد.

• از اثرات جانبی راهبرد احیاء مجدد ناحیه مرکزی شهرهای جهان و از جمله در شهرهای ایران، خرابی بافتهای محلات قدیمی است. در این مورد نیازمند طرحهای راهبردی و گذراندن قوانین حفاظتی برای فضاهای عمومی داخل شهرها و مراقبت از ساختمانهای باارزش و مراعات تناسب کالبدی است. حفاظت از بافتها و عناصر معماری بافتهای تاریخی شهرها، برای آشکار نمودن هویت آنها ضرورت حیاتی دارد.

کتابشناسی:

- بهنام، جمشید و شاپور، راسخ. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸.
- سعیدنیا، احمد. «نوسازی تخریبی یا بهسازی مردمی»، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۵.
- شالین، کلود. *دینامیک شهری*، ترجمه اصغر نظریان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- فروید، یداله. *شهرشناسی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
- فیالکوف، یانکل. *جامعه‌شناسی شهرها*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
- مزین، منوچهر. *مقالاتی در باب شهر و شهرسازی*. انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۰.

احمد سعیدنیا

بوبرگ یا مرکز پمپیدو در پاریس، زمینه نوسازی ناحیه مرکزی گسترش می‌یابد. بر اثر اثرات القایی این اقدامات در سطح محله، فکر احیاء سایر ساختمانها برانگیخته می‌شود. نتیجه این اقدامات در تجدید حیات ساختمانهای قدیمی و فعالیتهایی را که بازده ضعیف اقتصادی دارند، ولی به فضاهای بیشتری نیاز دارند، به انتقال به ناحیه مرکزی علاقه‌مند می‌سازد. این جریان موجب جایگزینی فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به جای فعالیتهای کارگاهی و انبارداری می‌شود و این عمل، به تدریج، زمینه تصفیه فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در ناحیه مرکزی را فراهم می‌سازد. نتایج به دست آمده از تجربیات نوسازی در ناحیه مرکزی شهرهای اروپایی نشان می‌دهد، بعضی مغازه‌های کهنه و تمام فعالیتهای انبارداری و کارگاهی مکانهای خود را به نفع فعالیتهای دفتری و خدمات فرهنگی که با همدیگر اشتراک منافع دارند، از دست می‌دهند.

• عناصر تشکیل دهنده نوسازی ناحیه مرکزی شهرهای اروپایی عبارتند از: بناهای عظیم با گسترش عمودی که خدمات عمومی و مؤسسات خصوصی را در خود جای می‌دهند؛ مانند ساختمان وزارتخانه‌های صنایع، راه، دارایی، شهرداری تهران و ساختمان مخابرات که در این ناحیه قرار دارند.

• یک واقعیت شگفت‌انگیز، نقش تأسیسات دانشگاهی در این ناحیه است که باعث جنب و جوش اجتماعی و ایجاد جاذبه‌های خاص در بخش مرکزی شهر شده است. نمونه‌هایی از این تأسیسات در شهرهای شیکاگو و نیویورک دیده می‌شود. وجود مدرسه مروی و دبیرستان دارالفنون در ناحیه مرکزی تهران نیز از همین نمونه‌هاست. تفویض ساختمان قدیمی وزارت جنگ به دانشگاه هنر و تبدیل ساختمان شهربانی و پست به موزه و وجود موزه ایران باستان، کتابخانه ملی و موزه آبگینه، سرمایه‌ها یا میراثهای تاریخی ناحیه مرکزی پایتخت ایران که به وسیله آنها می‌توان زمینه نوسازی ناحیه مرکزی شهر تهران را فراهم آورد، بشمار می‌روند.

• غیرصنعتی کردن ناحیه مرکزی شهرها از طریق جابه‌جایی صنایع مزاحم و ایجاد شهرکهای خدماتی/صنعتی

نسق

حق سنتی و عرفی در استفاده از منابع آب و زمین و شرکت در فعالیت زراعی در روابط تولید کشاورزی سنتی.

تا پیش از اصلاحات ارضی و در چارچوب نظام ارباب و رعیتی، سازوکارهای متنوع و پیچیده‌ای در مدیریت کشاورزی و تنظیم و ساماندهی امور زراعی حاکم بود. هریک از این رویه‌های عرفی نظیر بنه و بنه‌بندی، جفت گاو، نسق، گروههای هم‌آب و مثل اینها کارکردهای ویژه‌ای داشتند، به طوری که این کارکردها در چارچوب یک نظام و سامانه عرفی برای دهقانان شناخته شده بود و آنها را در یک کلیت واحد که اجزاء و عناصر ویژه‌ای داشتند و به طور سیستمی عمل می‌کردند، قرار داده بود.

در این دوره، مالکان و عوامل آنها کارکردهای معینی در مدیریت تولید کشاورزی و در زندگی اقتصادی و اجتماعی ده برعهده داشتند. یکی از این وظایف، مدیریت تولید کشاورزی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های کشاورزی در طول یکسال زراعی بود. این برنامه‌ریزی، اصطلاحاً به نسق‌بندی در ده معروف بود.

در این دوره، سازمان مدیریت تولید کشاورزی در ۳ سطح بنیان نهاده شده بود:

- سطح ده؛
- سطح واحد کار زراعی یا سازمان تولید کشاورزی؛ و
- سطح جفت گاو.

این شکل از مدیریت تولید در اکثر نقاط ایران، به استثنای مازندران و گیلان در شمال و جنوب بلوچستان، قابل مشاهده بود. رعایا در این دوره صاحب زمین نبودند، اما حق شرکت در واحد تولید کشاورزی را در داخل ده به منظور کشت مقدار معینی از زمین داشتند. مدیریت واحد تولید در سطح ده را هیئتی مرکب از رعایای باتجربه که در رأس واحدهای تولید کشاورزی قرار داشتند، کدخدا، میراب و مالک یا نماینده او انجام می‌دادند. معمولاً در اوایل هر سال زراعی، یعنی در پائیز، این افراد دور هم جمع می‌شدند و در مورد توزیع زمین در بین واحدهای تولید

نسق

کشاورزی (بنه‌ها) تصمیم می‌گرفتند. این گروه، برنامه توزیع و تقسیم آب را مشخص می‌کرد و معلوم می‌کرد، کدام قسمت از زمینهای ده باید زیر کشت برود. در سطح ده، مالک و یا مباشر مسئولیتهای اداره تولید را برعهده داشت. رعایا آن دسته از روستاییانی بودند که به فعالیت زراعی مشغول بودند و براساس تقسیم محصول بین خود و مالک زمین، سهمی از آن را دریافت می‌کردند. رعایا سهمی از نسق ده را در اختیار داشتند و به‌عنوان نسق‌دار می‌توانستند به عضویت گروههای تولید کشاورزی (بنه‌ها)، که در سراسر ایران به نامهای گوناگونی وجود داشت، شرکت کنند. به‌عنوان عضو بنه، رعایا نه تنها به منابع آب ده، بیشه‌زارها و مراتع، بلکه از همه مهم‌تر، به اراضی مالک و منابع آب دسترسی پیدا می‌کردند.

رعایای صاحب نسق این حق را با پیدا کردن حق ریشه، یعنی با کارکردن بیش از یکسال در زمینهای زراعی، پیدا می‌کردند. نسق به‌عنوان ارث به فرزندان رعایا منتقل می‌شد و گاهی نیز مورد دادوستد قرار می‌گرفت. در بنه‌های کوچک، حق نسق اغلب به پسری از خانواده که به کار زراعی اشتغال داشت، می‌رسید و بقیه فرزندان از نسق محروم می‌ماندند، ظاهراً این امر به‌منظور جلوگیری از پاره‌پاره شدن زمین صورت می‌گرفت و به‌این ترتیب، مدیریت یکپارچه در امر کاشت، داشت و برداشت از اراضی زراعی محفوظ می‌ماند.

در برخی از روستاها اصطلاح نسق آب و خاک از یکدیگر مجزا بود. در خراسان اصطلاحات نسق شروع شد و نسق تخته شد رایج بود. مراد از نسق شروع شه، کار زراعی بود که از اواخر شهریورماه یا اوایل مهرماه آغاز می‌شد و مقصود از نسق تخته شه پایان کار زراعی بود که در اواخر مهرماه یا اوایل آبان‌ماه انجام می‌گرفت.

صفی‌نژاد در این‌باره معتقد است، در عرف جامعه روستایی ایران نسق‌دار به کسی گفته می‌شود که در ده حقوقی در امر زراعی داشته و عرف محل این حقوق را به رسمیت بشناسد و از آن دفاع کند. روستاییان معتقدند که نسق‌داران در ده حق آب و گل داشته و به دلیل همین حق است که به عضویت بنه درمی‌آیند. به اعتقاد صفی‌نژاد، نسق

نسق

مختلف ایران اصطلاحات مختلفی برای نسق به کار برده می‌شد: در آذربایجان آن را *جُرا* یا *جَرَر*، در فارس *سرقفلی*، در یزد و رفسنجان *دسترنج*، در ارومیه *طناباری*، در گرگان *تراشی* و در مازندران، *کارانه* می‌گفتند.

نسقبندی در هر روستا متفاوت بود. در نسقبندی ممکن بود محلهای کشت و سهمیه آب برای آبیاری در هر سال، مثلاً به سبب اجاره دادن و فروش آب یا تقلیل وسعت کشت (یا قرعه‌کشی)، تغییر کند و زارعان می‌توانستند در سطح کشت خود، با حفظ حق نسق تغییراتی بدهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نسق و نسقبندی نوعی مدیریت در تولید کشاورزی در دوره بزرگ مالکی بشمار می‌رفت. در این چارچوب، تقسیم آب مورد نیاز زارعان از طریق قرعه‌کشی بین سازمانهای تولید زراعی و سایر فعالیتهای که به زراعت ارتباط پیدا می‌کرد، انجام می‌گرفت.

نسق و گاوبندی

به‌طور کلی، *گاوبندی* در ۳ معنا به کار می‌رود که در مواردی با مفهوم نسق نوعی هم‌پوشی پیدا می‌کند. در برخی موارد، *گاوبندی* و حق نسق مفهوم یگانه‌ای داشتند. حقی که رعیت صاحب نسق در این باب در عرف ده داشت، حق *گاوبندی* خوانده می‌شد. اصطلاح داشتن یا نداشتن *گاوبندی* به معنای داشتن نسق یا نداشتن آن بود. خسروی می‌نویسد، *گاوبندی*، حقی بود که زارعان پس از کار بیش از یکسال در واحدهای تولید کشاورزی برای کاشت، داشت و برداشت پیدا می‌کردند. *گاوبندی* ارتباط نزدیکی با صاحب نسق بودن داشت. به عبارت دیگر، کسانی که صاحب نسق بودند، *گاو بند* محسوب می‌شدند. گاهی خرده مالکان هم در بعضی مناطق حق *گاوبندی* را برای خود محفوظ نگاه می‌داشتند.

در برخی از نقاط ایران *گاو بند* به کسی اطلاق می‌شد که مالک زمین نبود، اما با داشتن یک یا چند عامل زراعی و با استفاده از کارگر یا برزگر در زمین مالک زراعت می‌کرد و در ازای برداشت محصول، مقداری از آن را به صورت جنسی به مالک می‌داد و یا اینکه سهم مالک را به صورت

عبارت است از قوانین حاکم بر نظام روابط میان عوامل پنج‌گانه تولید (آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار) در رابطه با یکدیگر. این قوانین تعیین کننده خط‌مشی و رفتار گروههایی است که به‌شکلی در کار تولید زراعی جمعی سستی عضویت دارند و یا به‌گونه‌ای با آن در ارتباطند و سهمی از محصول را دریافت می‌دارند. تا هنگامی که حقوق و مزایای سستی این افراد و تقسیم کار مربوط به آنها مسیر طبیعی و معمولی خود را طی می‌کند، مقاومتی از سوی رعایا دیده نمی‌شود، ولی با هرگونه تغییر در این روند، رعایا به مقابله می‌پردازند، زیرا این امر با حق نسق آنها منافات پیدا می‌کند. به همین دلیل، بهنگام اجرای قوانین ارضی دهه ۱۳۴۰ش که مبنای تقسیم زمین، داشتن حق نسق رعایا بود، نسق و میزان آن اهمیت خاصی در جامعه روستایی پیدا کرد. اکثر پژوهشگران روستایی در تعریف نسق و نسقبندی نظرات مشابهی ابراز کرده‌اند. برای مثال تعریفی که وثوقی در باب نسق و نسقبندی بیان می‌کند، با آنچه که تاکنون پیرامون نسق گفته شده است، تفاوت بارزی ندارد. به عقیده وی، نسق به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که عرف محل برای زارعی که برای مدتی در روی زمینی کار کرده بود، قائل می‌شد. این حق معمولاً از پدر به پسر انتقال می‌یافت. یا در جایی دیگر اشاره دارد که یکی از معانی نسق، نظم و ترتیبی است که در مورد توزیع آب و زمین بین روستاییان معمول است. علاوه بر این، نسق به مقدار آب و زمینی که زارع حق استفاده از آن را داشت و نیز به نظام گردش آب و توزیع زمین به صورت قرعه‌کشی (پشک) هم اطلاق شده است.

در این باره حسین ملک می‌گوید، در اکثر مناطق روستایی ایران، هر ده از تعدادی سازمان سستی تولید کشاورزی تشکیل می‌شد که روستاییان به فعالیتهای کشاورزی در آنها می‌پرداختند. ملاک اساسی در تشخیص سازمان هر ده نسق بود که از لحاظ تاریخی، به حق استفاده دهقانان آن ده از منابع آب و خاک گفته می‌شد. در برخی نقاط حق نسق در بین دهقانان به‌طور مساوی تقسیم می‌شد. از این رو، هر دهقان از حق استفاده از چندین قطعه زمین زراعی در نقاط مختلف، با کیفیات گوناگون، برخوردار بود. در مناطق

گاو مقدار زمینی است حدود ۴-۶ هکتار که در یک فصل زراعی با یک جفت گاو شخم زده می‌شود و یا به زیر آیش می‌رود. در اصطلاح حقوقی، این اصطلاح در نسق‌بندیهای زراعی به کار می‌رود، مانند داشتن حق یک جفت گاویندی (نصف آن یک لنگه گاویندی). جفت گاو اصطلاحی برای سنجش‌پذیر کردن نسق و واحدی برای اندازه‌گیری است و آن مقدار زمینی است که یک زارع در یک تقویم زراعی با ۲ گاو توانایی شخم زدن آن را دارد.

به‌طور کلی می‌توان گفت، نسق‌بندی نوعی مدیریت تولید زراعی و فعالیتهای کشاورزی و منابع طبیعی بوده است و از زمره دانش بومی در اداره امور زراعی روستاهای ایران محسوب می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی بنه‌بندی در فردیس*. تهران: بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و تعاون پلی‌کپی، ۱۳۶۱.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
- الوندی، مینو. «درباره تقسیم محصول براساس عوامل پنجگانه تولید»، *مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.
- تقوی، نعمت‌اله. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۱.
- خسروی، خسرو. *پژوهشی در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی ده در ایران*. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۲۵۳۵.
- سوداگرم، *نظام ارباب رعیتی در ایران*. تهران: چاپخانه گلشن، ۲۵۳۶.
- صفی‌نژاد، جواد. *بنه، نظامهای زراعی سنتی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری سنتی در ایران*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- فرهادی، مرتضی. *فرهنگ یاری‌گری در ایران*. جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ملک، حسین. *وضع کشاورزی ایران*. سازمان برنامه و بودجه، پلی‌کپی،

نقدی پرداخت می‌کرد. در این معنی، حق گاویندی نیز معادل حق نسق تلقی می‌شد، با این تفاوت که این‌گونه گاویندان از طبقات نسبتاً مرفه جامعه روستایی به حساب می‌آمدند. در این‌گونه موارد، گاویند نقش واسطه بین مالک و رعیت را ایفا می‌کرد. در اکثر روستاهای مناطق مرکزی ایران، گاویند نقش مؤثری در نظام ارباب- رعیتی برعهده داشت.

بنابر پژوهشهای صفی‌نژاد، حق گاویندی براساس موافقت گاویندها خرید و فروش می‌شد. حق گاویندی واحدهای کار زراعی ممکن بود در تصرف مالک، اداره خالصه‌جات، اداره موقوفات و یا شخص گاویند باشد که خریدار بایستی با موافقت آنها، حق گاویندی را خریداری می‌کرد. به‌عبارت دیگر، حق گاویندی نیز حقی بود که عرف محل آن را برای گاویندان به رسمیت شناخته بود. البته، مالکان و اربابان در فسخ حق گاویندی، در مقایسه با حق نسق، از اقتدار بیشتری برخوردار بودند. ارباب به میل خود می‌توانست گاویندان جدیدی را به ده بیاورد و یا حق گاویندی را فسخ کرده و گاویند را از ده اخراج کند. البته این مسئله به معنای آن نیست که حق نسق در تسلط یا اختیار مالک نبوده است، بلکه به این معنا است که مالکان حق گاویندی را آسان‌تر از حق نسق فسخ می‌کردند.

در مواردی، گاویندان به گروهی از روستاییان اطلاق می‌شد که تا قبل از ماشینی شدن کشاورزی و رواج ابزار جدید کشاورزی، به اجاره گاو کار می‌پرداختند و از این بابت ۲۰٪ محصول را دریافت می‌کردند. وجود گاویندان نیزاری در سیستان با ۳۰ هزار رأس گاو و حرکت آنان به سمت مناطقی از خراسان، گرگان و سایر نواحی دیگر مؤید این مسئله است. این گروه از گاویندان فاقد حق نسق بودند و تنها وسیله شخم را در اختیار رعایا قرار می‌دادند.

نسق و جفت گاو

در جامعه روستایی ایران، جفت گاو یا جفت در چند معنا به کار می‌رود: نخست، دام‌کاری یعنی ۲ رأس گاو که به گاوآهن بسته می‌شد؛ دوم، واحد مساحت و واحد سنجش بنه‌ها و نسقها (اصطلاح حقوقی). در واحد مساحت، جفت

نگرش سیستمی

ترتیب طبیعی، که خاص نظامهای زیست‌شناختی است، در نظر نگیریم.

برون‌دادها، در واقع، فراسنجه‌های نظام بشمار می‌آیند که عبارتند از:

- نهاد؛
- فرایند؛
- ستانده؛
- بازخوراند؛ و
- مهار و تحدید.

به این ترتیب، سرشتها عبارتند از: خواص این فراسنجه‌ها. طبعاً یک سرشت اساسی نیز برای کل نظام مطرح است؛ همین سرشت فراسنجه‌ها امکان می‌دهد برای آنها مقیاس و ارزش در نظر گیریم. نظامهای اجتماعی و اقتصادی از این رو با نظامهای ساده زیستی متمایز می‌شوند. روابط پیوندهایی هستند که سرشتها و برون‌دادها را به هم متصل می‌کنند.

نظامها هدفهایی را تعقیب می‌کنند که حاصل چگونگی کارکرد روابط و تغییر و تحول اجزاء آنهاست و برون‌داد یا خروجی نظام نامیده می‌شود. کارکرد روابط را سازوکار نظام می‌نامند. این سازوکار که در نظامهای اجتماعی، مانند شهر، مشمول تحول تاریخی است، در نظامهای بسته مکانیکی تنها وظایف تکراری از پیش تعیین شده را انجام می‌دهد. پیچیدگی نظامها نیز از رسیدن به مرحله تحولی و تکاملی آنها نشأت می‌گیرد.

نظامها با محیط پیرامونی خود ارتباط دارند؛ شماری از اجزا یا عناصر، کارکرد ارتباط درون نظام با برون آن را دارند. به سخن دیگر، نظامها از محیط بیرون تغذیه می‌کنند، همچون درخت از هوا، اما نظامها با آن رابطه پیچیده اطلاعاتی دارند. محیط بیرون، نظام را میرا و ماندگار یا زایا و عقیم می‌سازد که این خود به ماهیت نظام بستگی دارد. به هر حال، محیط بیرونی اثرگذار است، اما چگونگی تولد، تحول و میرایی نظام، به ماهیت درونی آن بستگی دارد.

نظریه عمومی سیستمها، در واقع، کوشش برای شناخت مفهوم انتزاعی نظامها و اجزاء و کارکرد آنها و همچنین سازگار کردن واقعیت با آنهاست. جهان واقعی هرچه

۱۳۵۶.

- نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کلمه، ۱۳۷۹.

- وثوقی، منصور. *بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی ناشی از پراکندگی زمین در قالب واحدهای زراعی سنتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

مصطفی ازکیا

نظام ← نگرش سیستمی

نظام استقرار ← ساماندهی فضایی

نقشه عمل ← برنامه عمل

نگرش سیستمی

Systematic Approach

سیستم یا نظام مجموعه‌ای از اجزاء همبسته است که هر یک از اجزاء آن با کارکرد معین، آن را به سوی هدف (یا اهداف) مشخص پیش می‌برند. هر نظام برون‌دادی دارد که خاص همان نظام است. درست است که هر نظام کلیتی است که از اجزاء به هم پیوسته تشکیل شده است، اما اجزاء آن نیز خود سیستم بشمار می‌آیند. به این ترتیب، از دیدگاه سیستمی جهان، منظومه‌ای از نظامهای تودرتو است.

ساختار کلیت یک نظام را نمی‌توان به سادگی از طریق روابط تعریف کرد. البته روابط پایدار مهمند، اما از آن مهم‌تر این است که یک نظام وقتی معنادار می‌شود که اجزاء آن در واقع با یکدیگر آرایه‌بندی شوند. از آنجا که بحث سیستم یا نظام از زیست‌شناسی وارد سایر علوم شده است، باید توجه داشت که آرایه‌بندی صرفاً به معنای نظم و

نوسازی

موجود است. در یک روش، اجزائی که ویژگیهای کلیتی نظام اولیه را دارا هستند، شناسایی می‌شوند و در روش دیگر، در واقع، اجزای یک نظام یا سازنده‌های ابتدایی که ویژگیهای کلیتی نظام اولیه را دارند، در درون یک کلیت منسجم مشخص می‌شوند. روش شناسیهای ابطال‌پذیری، پوزیتیویستی و پوزیتیویسم منطقی با استفاده از منطق دیالکتیک در حوزه‌هایی که تاکنون ارزش خود را نشان داده‌اند، تناقض روش شناختی رویکرد سیستمی را تا حد زیادی حل کرده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. «برنامه و طرح‌ریزی منطقه‌ای دستگاه شهر»، *تو معماری را ترسیم می‌کنی ولی من آن را می‌سازم*، جودت و دیگران، تهران: مرکز نشر سم، مهندسین مشاور جودت و همکاران، ۱۳۷۱.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *بررسیهای کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*. جلد دوم، ص ۸۰۷-۸۴۰ و جلد اول، ص ۴۱۳-۴۴۶.
- رئیس‌دانا، فریبرز. *رویکرد و روش اقتصاد*. فصل ۹، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- سادوسکی، ون؛ بلاوگرگ، او. و یورین، ا.گ. *نظریه سیستمها*، ترجمه کیومرث پربانی، تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱.
- فرشاد، مهدی. *نگرش سازواره‌ای*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

فریبرز رئیس‌دانا

نوسازی

Modernization

نوسازی در عام‌ترین معنا، دگرگونی در ارزشها و شیوه‌های زندگی است، به صورتی که جوامع مدرن را پدید آورد. تلاش جوامع در حال توسعه، برای حرکت به سوی این مطلوب، از راه بازسازی نظامهای سیاسی و اقتصادی بوده است، و از نوسازی و به همین ترتیب، و از راههای مدرن‌سازی و نوین‌سازی معادلهایی برای این اصطلاح است که همچون بسیاری از اصطلاحات که کاربرد گسترده دارند، با معانی

پیچیده‌تر و متغیرتر می‌شود، نظریه عمومی سیستمها نیز تکامل می‌یابد، تا ابزاری روش‌شناسانه برای شناخت واقعیتها و رابطه متقابل جزء-کل باشد.

به این ترتیب، رویکرد یا نگرش سیستمی روشی است که با آن پدیده‌ها با نظریه عمومی سیستمها سازگار و از آن یک نظام انتزاعی ساخته می‌شود تا سپس این نظام انتزاعی به نظامی مطلوب تبدیل و با واقعیت سازگار شود.

شهرها از پیچیده‌ترین نظامها هستند. اجزاء اصلی شهرها نظامهای فرعیند که خود از عناصر خاص خود تشکیل شده‌اند. ارتباط محیطی (بیرونی) نظام بسیار پیچیده و چندگانه است. شهرها کلیت دارند، تغییر می‌کنند و محل بروز تضادها، تعارضها، تعاون و سازگاری هستند. نظریه جدید سیستمها هرگز در پی کشف راههای تعادل ابدی نیست، بلکه در واقع می‌خواهد وحدت، تضاد، تعادل و ناسازگاری درونی نظامها را کشف کند و نقش اجزاء و رابطه آنها را دریابد.

تناقضهایی در رویکرد و بینش سیستمی وجود دارد که خود را در علوم گوناگون به گونه‌های مختلف می‌نمایاند. کاربرد منطق دیالکتیکی به بهترین وجه می‌تواند ابزارهای شناخت در رویکرد سیستمی را توانمند سازد. به هر حال، تناقضها از آن رو پدید می‌آیند که مسائل نظامها به خودی خود پرتناقضند. تناقضها از میان نمی‌روند، بلکه شکلهای جدید به خود می‌گیرند. از این رو، منطق دیالکتیک مفید می‌افتد و وحدت و تضاد همزمان در هر مرحله از تعادل کشف می‌شود.

یکی از تناقضهای اساسی، تناقض سلسله مراتبی است: توصیف هر نظام فرعی از یک نظام اصلی فقط در صورتی امکان‌پذیر است که آن نظام فرعی خود به عنوان یک نظام مشخص توصیف شود. در عین حال، یک نظام فرعی وقتی می‌تواند به عنوان یک نظام مشخص توصیف شود که به عنوان جزئی از یک نظام بالاتر که دربردارنده آن است، ارائه شده باشد.

تناقض دیگر، تناقض کلیت است. شناخت یک نظام به عنوان یک کلیت بی‌آنکه درون نظام و اکاوی و اجزاء آن تجزیه و تحلیل شود، نامیسر است. برای این کار ۲ روش

نوسازی

و اما در عرصه بحثهای نظری و نظریه‌پردازی می‌توان گفت، نظریه‌های نوسازی در مفهوم عام و با معنایی نزدیک به مفهوم توسعه، ۳ مرحله را طی کرده است:

• مرحله اول، که درعین حال با رویکرد خوشبینانه نیز همراه بود، طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م رواج داشت. در این مرحله که اغلب نظریه‌پردازان امریکایی حضور داشتند، گفتمانی پدید آمد که به‌طور خاص نام مکتب نوسازی را بر آن نهادند. این نظریه‌ها ملهم از تجارب انگلوساکسون در توسعه بود که به‌ویژه، بر مردمسالاری سیاسی و انباشت سرمایه متکی بود. نظریه‌پردازان مرتبط با این جریان فکری، با نظر به گذشته جوامعی چون انگلستان و ایالات متحد، این‌طور تصور می‌کردند که همه کشورهای دیگر ضرورتاً همین مسیر را طی خواهند کرد یا به‌رحال، می‌توان کاری کرد که همین مسیر را طی کنند؛

• مرحله دوم در نظریه‌پردازی که درعین حال تجارب برخی از کشورهای توسعه‌نیافته را در تلاش برای نوسازی منعکس می‌کرد و به‌همین جهت بدبینانه نیز بود، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م رواج پیدا کرد. این دیدگاه در برابر دیدگاه پیشین، از نوع دیدگاه جهان‌سومی بود. در این سلسله از نظریات به‌طور خاص، دغدغه‌های کشورهای توسعه‌نیافته منعکس می‌شد. در این نوع گرایش نظری، ۲ دسته نظریه‌بیش از سایرین شهرت پیدا کردند. نکته مشترک در این ۲ دسته، ربط دادن توسعه یا عدم توسعه کشورهای توسعه‌نیافته به مسئله وابستگی این کشورها به جهان سرمایه‌داری پیشرفته بود. این ۲ دسته نظریات توسعه را گذر از نظام سرمایه‌داری و ورود به نظام تولید تازه‌ای به نام سوسیالیسم پیوند می‌زدند؛ و

• مرحله سوم، دوره بازنگری در نظریات پیشین و ارزیابی مجدد پیش فرضها و اندیشه‌های پیشین بود. در این مرحله، ضمن افسون‌زدایی از مفاهیم و نظامهایی چون سرمایه‌داری و سوسیالیسم، بر توجه بیشتر به رشد متوازن، استفاده منطقی‌تر از منابع، سیاستهای تازه در برخورد با محیط زیست، کاستن از نابرابریها و به‌طورکلی، توسعه پایدار تأکید شد.

چندگانه‌ای به کار می‌روند. دست‌کم ۳ کاربرد متفاوت، اما مرتبط را می‌توان برای این واژه از یکدیگر تفکیک کرد:

• واژه نوسازی یا مدرن‌سازی با جریان فکری خاصی در میان جامعه‌شناسان و علمای سیاسی ایالات متحد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م ارتباط پیدا کرد. در این کاربرد، واژه نوسازی (مدرنیزه شدن) بیشتر به معنای حرکت نظامهای اجتماعی و سیاسی به‌سوی پیچیده‌تر شدن، تفکیک نقشها و کسب قابلیت بیشتر در مسئله‌گشایی به کار می‌رفت؛

• نوسازی گاهی با واژه توسعه، به مفهوم کلی آن، مترادف شد. هرچند که در ۲ دهه اخیر، برخی دانش‌پژوهان سعی کرده‌اند، توسعه به معنای دقیق‌تر را که وجوه کثیرتر و پیچیده‌تری دارد، از مدرن شدن، که فقط به معنی اخذ تجهیزات جدید در عرصه فناوری است، جدا کنند؛ و

• نوسازی به مفهوم توسعه سیاسی، در معنای دموکراتیزه کردن نظامهای سیاسی.

موضوع نوسازی در مفهوم وسیع کلمه، از موضوعاتی است که بعد از جنگ جهانی دوم وارد گفتمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شد و به‌سرعت رواج یافت و ذهن و عمل سیاستمداران و دولتمردان و همچنین تحقیقات و تأملات نظریه‌پردازان را به‌خود جلب کرد. نوسازی به‌عنوان یک جریان سیاسی، درعین حال در بسیاری از جوامع با مسائلی مانند استعمارزدایی، ملت‌سازی و توسعه درآمیخت و به یک جریان گسترده تبدیل شد. کشورهای نورسته (از بند استعمار)، آینده خود را در اخذ الگوی کشورهای اروپایی و امریکای شمالی می‌دیدند و می‌خواستند در ابعاد مختلف زندگی در مسیر آنها حرکت کنند و احتمالاً به آنها برسند. رهبران ملی‌گرا برای پیشبرد آرمان ترقی‌خواهی خود، گفتمان مدرن شدن و توسعه را به کار گرفتند و این واژه‌ها و همچنین سیاستهای متناسب با این مطلوب، به بحثهای روز تبدیل شد. این شور و غوغا دانشمندان علوم اجتماعی را نیز به بحث و نظریه‌پردازی دربارهٔ زمینه‌ها، عوامل و امکان توسعه برانگیخت.

تحول اندیشه توسعه

منابع نظری

مفهوم نوسازی نسبت نزدیکی با مفاهیم پیشرفت و ترقی دارد که در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰م، موضوع نظریه‌پردازیه‌های دامنه‌داری بود. این مباحث که در آن زمان در حوزه جامعه‌شناسی طرح شده بود، به حوزه اقتصاد، علوم سیاسی و شهرسازی گسترش داده شد. دورکهایم، اسپنسر، مارکس، وبر، تونایس و پارسونز از جمله جامعه‌شناسانی بودند که هر یک به نوبه خود، منبع الهام نظریه‌پردازانی قرار گرفتند که می‌خواستند مسئله نوسازی و توسعه را موضوع تحقیقات و نظریه‌پردازی خود قرار دهند. نخستین نظریه‌پردازانی که موضوع نوسازی را مورد بحث قرار دادند، دانشمندان امریکایی بودند که با الهام از نظریات وبر، دورکهایم و اسپنسر، مکتب کارکردگرایی را رشد دادند. پارسونز، آلموند، وربا و بسیاری دیگر در این زمره بودند. این دانش‌پژوهان نوسازی را به مفهوم رشد اقتصادی در چارچوب لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه‌داری ارزیابی می‌کردند. در این مجموعه نظریات، مسئله نوسازی بیشتر در چارچوب مفهومی سنتی- مدرن و گذار جامعه سنتی با نقش‌های خاص آن به جامعه مدرن، همراه با نقش‌های مربوط به این جامعه مطرح شد. در یک نگاه کلی، جوامع سنتی جوامعی هستند مبتنی بر شئون، درحالی‌که جوامع مدرن جوامعی هستند مبتنی بر قرارداد. در جوامع مبتنی بر شئون، نقش یا وظایف افراد برحسب پایگاه آنها به دقت تعریف شده است و هرکس می‌داند که بر مبنای سنت‌های تثبیت شده، چگونه باید عمل کند. درحالی‌که در جوامع مدرن، افراد آزاد هستند که وضعیت خود را برحسب قراردادهای جدیدی که وارد آن می‌شوند، به نحو معقول تعیین کنند. فردیناند تونایس (۱۹۳۶-۱۸۵۵م)، جامعه‌شناس آلمانی، تفاوت جامعه سنتی و جامعه مدرن را با توسل به مفاهیم جفتی گماینشافت- گزلسافت مفهوم‌بندی کرد. جامعه سنتی بر بنیاد وابستگی‌های عاطفی و شخصی و جامعه مدرن بر پایه بستگی‌های عقلانی و غیرشخصی شکل گرفته است. پس مدرن شدن به معنی عقلانی شدن و غیرشخصی شدن نقش‌ها و روابط است. امیل دورکهایم، جامعه‌شناس فرانسوی، تفاوت بین

نوسازی

جامعه سنتی و مدرن را بر مبنای نوع پیوستگی اجتماعی مفهوم‌بندی کرده بود و بر همین مبنای جوامع سنتی را جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی و جوامع مدرن را متکی بر همبستگی ارگانیکی تعریف و از یکدیگر تفکیک کرده بود. همبستگی اجتماعی در جوامع سنتی متضمن تحمیل آمرانه عقاید مشترک و در جوامع مدرن، بر تقسیم کار مترتب است.

ماکس وبر مدرن شدن را به معنی عقلانی شدن تبیین کرد. عقلانی شدن متضمن گذر از نظام سلطه و مشروعیت سنتی به نظام سلطه و مشروعیت مدرن است. نظام سنتی بر حکام موروثی و مناسبات تثبیت شده توسط سنت موروثی متکی است و نظام مدرن بر ساختارهای عقلانی- قانونی و دیوانسالاری (← دیوانسالاری) اتکاء دارد.

تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس امریکایی، از آمیزش این بصیرتها در مورد جامعه سنتی و جامعه مدرن، متغیرهای الگویی خود را ساخت که به مثابه معیار، دو سنخ جوامع مدرن و جوامع سنتی را از یکدیگر مجزا می‌کرد. این متغیرهای الگویی به صورت جفتی مفهوم‌بندی شده‌اند و در آنها نوع نقش‌های افراد در دو جامعه سنتی و مدرن از یکدیگر بازشناخته شده‌اند:

• **خاص گرایی - عام گرایی.** در جوامع سنتی هر رابطه‌ای قواعد خاص خود را دارد که تنها در همان وضعیت قابلیت کاربرد دارد. درحالی‌که در جوامع مدرن، هنجارها و قواعد جنبه عام دارند و صرف‌نظر از وضعیتها، به ضوابط کلی نظر دارند؛

• **قدسی بودن - عرفی بودن.** در جوامع سنتی نقش‌ها جنبه قدسی دارند؛ به این معنا که در آنها جای چون‌وچرا نیست، درحالی‌که در جوامع مدرن، نقش‌ها با ملاک فایده‌گرایانه و میزان کارایی سنجیده می‌شوند؛

• **عاطفی بودن - بی‌طرفی عاطفی.** در جوامع سنتی نقش افراد عاطفی است، درحالی‌که در جوامع مدرن، بیشتر به بی‌طرفی عاطفی گرایش دارد؛ و

• **انتساب محوری - شایسته محوری.** در جوامع سنتی نقش‌ها به صورت محول هستند. به این معنا که با تولد فرد، برای او تعیین شده‌اند، درحالی‌که در جامعه مدرن، به

نوسازی

بر مفهوم وابستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و بر این نکته تکیه می‌شود که وابستگی گروهی از جوامع، کشورهای توسعه‌نیافته، به گروهی دیگر، کشورهای توسعه‌یافته، مانع اصلی نوسازی کشورهای دسته نخست است. نظریات نوسازی اساساً بر عامل درونی جوامع در توسعه تمرکز داشتند، درحالی‌که نظریه وابستگی عامل بیرونی را محور توجه قرار می‌داد.

مقصر اصلی در توسعه‌نیافتگی در نظریه وابستگی، نظام سرمایه‌داری جهانی، گروهی از کشورها معرفی شد. نظام سرمایه‌داری به شیوه‌ای شکل گرفته است که در آن گروهی از کشورها به عنوان *متروپل*، گروه دیگر را به عنوان *حاشیه*، به خود وابسته کرده‌اند و به این طریق، ساختاری پدید آمده است که لزوماً باید از دو قسمت پیشرفته و عقب‌افتاده، صنعتی و غیرصنعتی، تولیدکننده کالاهای پیشرفته و تولیدکننده مواد خام تشکیل شده باشد. نظریات وابستگی، نظریات نوسازی را سخت مورد نقد قرار می‌دادند و آنها را نوعاً *ایدئولوژیک و ابزار سیاست امریکا* در عرصه نظر ارزیابی می‌کردند.

مکتب وابستگی یا نظریات وابستگی، به نوبه خود، مورد نقد مکتب دیگری قرار گرفتند که *نظریه نظام جهانی* خوانده شده است. نظریه نظام جهانی مسئله نوسازی را در ابعاد جهانی و با تمرکز بر ساختار سرمایه‌داری جهانی مورد ملاحظه قرار می‌دهد. در این نظریه که نظریه پرداز برجسته آن ایمانوئل والرشتاین است، گفته می‌شود که سرمایه‌داری در تحول خود طی تاریخ، یک ساختار سه وجهی را ایجاد کرده است که شامل *مناطق مرکزی*، *مناطق نیمه‌پیرامونی* و *کشورهای پیرامونی* است. در این نظریه، ساختار ۲ وجهی مرکز-پیرامون که نظریه وابستگی آن را طرح کرده است، مورد نقد قرار می‌گیرد و گفته می‌شود که ساختار ۲ وجهی در نظریه وابستگی نمی‌تواند توسعه سریع تعدادی از کشورها، از جمله کشورهای آسیای جنوب شرقی را توضیح دهد (← مرکز-پیرامون).

مکتب فکری دیگری، متمایز از مکتبهای برشمرده، وجود دارد که بر شیوه تولید به عنوان ملاک ارزیابی توسعه و نوسازی تکیه دارد. در این مکتب، رابطه انسانها با کار

شایستگی عملکرد او بستگی دارند؛ و

• **متنشر بودن - محدود بودن.** در جوامع سنتی تکالیف طرفهای ارتباط حد و مرز مشخصی ندارد، درحالی‌که در جوامع مدرن، این روابط از حیث کار ویژه، مشخص و محدود هستند.

پارسونز یادآور می‌شود که این تقسیم‌بندی به صورت جفتی مبتنی بر صورت نوعی (ایده‌آل تایپ) و مسلماً در دنیای واقعی به صورت خالص یافت نمی‌شود. در دنیای واقعی، این ملاکها را تنها به صورت نسبی باید مورد ملاحظه قرار داد.

توسعه سیاسی به عنوان محور

در نظریاتی از نوع نظریات بالا، نوسازی بیشتر از زاویه توسعه سیاسی یا *نوسازی سیاسی* مورد توجه قرار گرفته است. نظریه‌پردازانی که با این رویکرد و بر مبنای نگرش ساختاری - کارکردی درباره نوسازی بحث کرده‌اند، نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی را در این زمینه عرضه کرده‌اند که با صرف نظر از تفصیل آن، حاصل آنها را می‌توان در ۳ مفهوم عمده جمع‌بندی کرد. این سه مفهوم که توضیح‌گر نوسازی سیاسی هستند، عبارتند از: *انفکاک*، *ظرفیت* و *برابری*.

• *انفکاک* یا تمایزیابی، مربوط است به تقسیم کار، تخصصی شدن امور و بهره‌گیری از فناوری پیشرفته؛
• *ظرفیت*، مربوط می‌شود به میزان نفوذ نهادی به نام نهاد دولت در لایه‌های جامعه و همین‌طور عقلا نیت دستگاه دولتی و کارایی دستگاه اداری حکومت؛ و بالاخره،
• *برابری*، معطوف است به موضوعاتی، مانند مشارکت عمومی، شایسته محوری، وجود قوانین و قواعد عام برای همه شهروندان و حقوق شهروندی (← شهروندی).

نوسازی و وابستگی

در برابر نظریات بالا که *نظریات نوسازی* نام گرفته‌اند، مجموعه نظریاتی مطرح شده‌اند که *نظریات وابستگی* خوانده می‌شوند. در این نظریات، مسئله نوسازی با تمرکز

نوسازی

استقرار نظم سیاسی، هیچ دولتی قادر به اجرای سیاستهای عمومی نیست. بنابراین، نوسازی در صورتی که به تضعیف نظم سیاسی منجر شود، تباهی سیاسی است.

برنامه‌ریزی توسعه در ایران

برنامه‌ریزی توسعه در ایران از نظریه‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، به تفاوت تأثیر همه‌جانبه پذیرفته است. آغاز برنامه‌ریزی توسعه در ایران با نظریه‌های نوسازی دهه ۱۹۵۰م همزمان بود. منطبق با الگویی که از این نظریات و کلاً تجربه غرب گرفته شده بود، برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب بیشتر بر انباشت و تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری در راستای رشد صنعتی و به‌طور کلی، اقتصاد شهری تأکید داشتند. شاخص درصدی رشد (مثلاً رشد ۶٪ درآمد ملی) هدفهای برنامه عمرانی را در خود خلاصه می‌کرد. در این برنامه‌ها، رشد بخش کشاورزی کاملاً در حاشیه بود و همچنین مسئله توزیع درآمد و توجه به نیازهای اولیه اقشار مختلف مردم، کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. بعد از انقلاب اسلامی اولویتهای تازه‌ای وارد برنامه‌های توسعه شد، که حرکت در جهت خودکفایی، توجه به نیازهای اولیه مناطق محروم شهر و روستا، به‌ویژه در زمینه‌های راهسازی، برق‌رسانی و آبرسانی و همچنین توجه به کشاورزی از مهم‌ترین آنها بود. به‌هزرتقدیر، تأثیر نظریه‌های وابستگی بر نگرش اقتصادی دولتمردان و برنامه‌ریزان ایران به روشنی آشکار بوده است. ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی و دولتی شدن تجارت خارجی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، برای تضمین حرکت جامعه به‌سوی خودکفایی و رهایی از وابستگی بود. حمایت‌گرایی در عرصه صنعت بازتاب دیگری از همین اندیشه‌هاست.

باین حال، موج نئولیبرالیسم با تجدید ساختار سرمایه‌داری غرب در دهه ۱۹۸۰م و فروپاشی بلوک شرق در پایان این دهه، به همراه مسائل تعدیل اقتصادی به‌منظور بازتر کردن میدان برای بازار، به‌نوبه خود، برنامه‌ریزی توسعه و تفکر توسعه در ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. به‌این ترتیب، جهت‌گیری برنامه‌ها به‌سوی کاستن از میزان تصدی‌گری دولت، که در دهه نخست انقلاب به‌منزله

آنها و امکاناتی گذار از صورت‌بندی پیش‌سرمایه‌داری به سرمایه‌داری و از سرمایه‌داری به سوسیالیسم موضوع اصلی نوسازی و راههای دستیابی به آن بشمار می‌آید.

چندوجهی بودن توسعه

با نقد نظریه‌های نوسازی که بیشتر بر وجه سیاسی مسئله توسعه تکیه کرده بودند، عده‌ای اصولاً در مفید بودن مفهوم نوسازی و توسعه به‌عنوان مفاهیم تبیین‌گر تردید کردند. اما بسیاری با تأیید بر مفید بودن آن، بر واقعیت چندوجهی آن تأکید داشتند. این دسته از دانش‌پژوهان یادآور شدند که توسعه چنان‌که در تجربه تاریخی جوامع به‌خوبی نمایان است، عبارت است از تحول فراگیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و همچنین سامان مسلط در تولید، توزیع و مصرف جامعه. توسعه با این تعبیر، هیچگاه نمی‌تواند فرایند شکوفایی تدریجی، آرام و همناخت به‌لحاظ زمان و مکان باشد. توسعه فرایندی چندوجهی است. توسعه، فرایندی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در همه سطوح است که هم فرد و هم کلیت جامعه را دربر می‌گیرد. نظریه‌های نوسازی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م، تنها بر وجه سیاسی تحول جامعه تمرکز کرده بودند. با تشخیص چندوجهی بودن توسعه، در مطالعات دانشگاهی نیز تغییراتی صورت گرفت و موضوع نوسازی و توسعه از مطالعات تک‌رشته‌ای به مطالعات چند رشته‌ای تبدیل شد. به‌این ترتیب، در ابعاد سیاسی مسائل مربوط به مردم‌سالاری نمایندگی و مشارکتی و چگونگی برنامه‌ریزی توسعه و در ابعاد اجتماعی، مسئله چگونگی تأمین نیازهای اولیه مردم و در ابعاد فرهنگی، موضوعات چگونگی تقویت روحیه همکاری، وحدت و مسئولیت‌پذیری مورد توجه قرار گرفت.

از سوی دیگر، ساموئل هانتینگتون با طرح این موضوع که دگرگونی سیاسی لزوماً پیش‌رونده نیست، پیشنهاد کرد که به‌جای نوسازی، واژه دگرگونی سیاسی را به کار بریم، زیرا هر نوع تغییری به معنی توسعه نیست و چه بسا که به‌جای توسعه، تباهی به همراه داشته باشد؛ چون نوسازی در وهله اول، مستلزم استقرار نظم سیاسی است. بدون

نوسازی روستایی

- Rustow, W.W. *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. Cambridge: Cambridge University Press, ۱۹۶۰.
- Wallerstein, I. *The Modern World System*. Vol. I, New York: Academic Press, ۱۹۷۴.

کمال پولادی

نوسازی روستایی

Rural Renewal

روستاها نه تنها از لحاظ کالبدی و اقتصادی در حال دگرگونی هستند، بلکه تحول دیگری در عرصه‌های آنها جاری است که کمتر به‌طور عینی بروز یافته و یا کمتر مورد مشاهده قرار گرفته است. این تحول، دگرگونی در مجموعه ارزشها و شیوه‌های ارزشگذاری روستاییان نسبت به زندگی و فعالیت در زمان حاضر و دنیای در حال تغییر سریع است. به‌عبارت دیگر، برداشتها و تصورات روستاییان، به‌ویژه جوانان روستایی، با گسترش ارتباطات و وسعت گرفتن دامنه دسترسها به امکانات متفاوت آموزشی و منابع نسبتاً وسیع اطلاعاتی، با برداشتها و تصورات گذشته آنان تفاوت‌های اساسی یافته است. در این میان، تعدیل کنترل سستی اجتماعی و فاصله نسلیها در محیط‌های روستایی از جنبه‌های بنیادین این دگرگونی است.

واقعیت این است که در اغلب موارد، عرضه اشتغال و وجود تأسیسات زیربنایی بیشتر در سطح شهرها و حوزه‌های پیرامونی آنها متمرکز است. براین‌مبنای یکپارچگی زندگی و اشتغال در روستاها در معرض خطر و علاوه‌براین، ساخت‌های اصیل روستایی در معرض نابودی قرار دارد. عرصه‌های جدید ساخت‌وساز بسیاری از محیط‌های روستایی را به عرصه‌های خوابگاهی تبدیل می‌کند و این روند می‌رود که ماهیت تاریخی روستاهای مرتبط را مورد تهدید قرار دهد. به‌طورکلی، این فرایند با جنبه‌های مشکل‌ساز زیر مشخص می‌گردد:

شروط توسعه و خودکفایی شمرده می‌شد، سوق پیدا کرد و حرکت خصوصی‌سازی (← خصوصی‌سازی) جهت انتقال حجم عظیم منابع و فعالیتی که در دست دولت قرار داشت، به بخش خصوصی در اولویت قرار گرفت.

توسعه و پایداری

در زمان ما چه در کشورهای پیشرفته صنعتی و چه در کشورهای درحال توسعه، مباحث توسعه به عرصه‌های جدیدی، از جمله حوزه مسائل شهری و روستایی، کشیده شده است. مسائل توسعه پایدار (← توسعه پایدار) حفاظت از محیط زیست، مقابله با رشد آلودگیها، سامان دادن به رشد انفجاری جمعیت شهرها، توزیع منطقی‌تر درآمد بین مناطق - شهر و روستا - و همچنین گسترش امنیت اجتماعی در شهر، از جمله مسائلی هستند که در دل مسئله نوسازی جای گرفته‌اند.

کتابشناسی:

- Almond, G. and Coleman, J.(ed). *The Politics of Developing Areas*. Princeton: Princeton University Press, ۱۹۶۰
- Apter, D. *The Politics of Modernization*. Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۶۵.
- Apter, D. *Rethinking Development: Modernization, Dependency and Post-Modern Politics*. New York: Cambridge University Press, ۱۹۸۷.
- Brown, L. R. et al. *State of World: A Worldwatch Institute Report on Progress Toward Sustainable Society*. New York: W.W. Norton and Co., ۱۹۹۰.
- Chilcote, R. Development. *Encyclopedia of Government and Politics*. M. Hawkesworth and M. Kogan (eds), London: Routledge, ۱۹۹۲.
- Foster-Carter, Aidan. The Modes of Production Controversy. *New Left Review*. Vol. ۱۰۷, ۱۹۷۸.
- Frank, A. G. The Development of Underdevelopment. *Monthly Review*. ۱۸, ۱۹۶۶.



• از لحاظ جایگاه و عملکرد فضایی، به نحوی مناسب نقش‌پذیر باشد.

اهداف نوسازی روستایی

نوسازی روستایی می‌بایستی حافظ روند چند صد ساله روستاها باشد و درعین حال خود را با الزامات تازه و مطابق زمان انطباق دهد. نوسازی روستایی به‌عنوان ابزار مهمی در روند توسعه هماهنگ و پایدار روستاها باید برآورنده موارد و جنبه‌های زیر باشد:

- حمایت از اقتصاد زراعی و مرتع - جنگلی؛
- زمینه‌ساز توسعه محلی و ناحیه‌ای باشد؛ و
- از شالوده‌های طبیعی زندگی حفاظت نماید.

براین‌مبنا، نوسازی روستایی، بخش و جزئی از اهداف محلی بهسازی ساختار زراعی - روستایی در سطح منطقه‌ای و ملی بشمار می‌رود.

در آلمان فدرال که این‌گونه برنامه‌ها در چارچوب برنامه‌های ایالتی به انجام می‌رسد، انتخاب نوسازی روستا براساس تقاضای شوراهای محلی و موافقت وزارت کشاورزی و ایالتی تحقق می‌یابد. به‌این‌ترتیب، در روستاهایی که بنا باشد نوسازی روستایی به انجام رسد، طرحها و برنامه‌ها، هدایت و مشاوره درباره آنها و مقررات لازم توسط اداره کل امور ساختاری روستاها تهیه می‌شود و براین‌مبنا، سهم بخشهای عمومی و مردمی (خصوصی) در

- از میان رفتن اراضی حاصلخیز و واحدهای تولید زراعی؛
- از دست رفتن فرصت‌های اشتغال در بخش تولیدی کشاورزی و صنایع دستی؛
- پدیداری نارسایی در زیرساختها (از بین رفتن مدارس، دفاتر پستی، تأسیسات اداری، مغازه‌ها و مانند آن)؛
- از میان رفتن شیوه‌های بومی و سبک‌های معماری محلی؛ و بالاخره؛
- کاهش و حتی نابودی تنوع زیست‌محیطی (از بین رفتن عرصه‌های درختان مثمر، چشمه‌های طبیعی، گیاهان و جانوران بومی و محلی).

به‌این‌ترتیب، نوین‌سازی عرصه‌های روستایی پیش از هر چیز وظیفه تمام افراد و گروه‌هایی است که در عرصه‌های روستایی زندگی می‌کنند؛ البته در این میان، دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزان و نیز سازمانها و نهادهای درگیر در توسعه روستایی، قاعدتاً از طریق طراحی برنامه‌ها و اجرای متناسب آنها از طریق پروژه‌های مشارکتی محلی می‌توانند در این راستا به اقدامات لازم دست زده، از این‌گونه روندهای منفی جلوگیری نمایند. آشکار است که نوسازی روستایی نمی‌تواند به‌درستی مطرح گردد، مگر آنکه بتواند،

- از لحاظ پذیرش و پذیرایی جمعیت لازم، کارآمد؛
- از لحاظ زیست‌محیطی، پایدار؛
- از لحاظ اقتصادی، فعال؛ و

نوسازی روستایی

اقدام به نوسازی روستایی و از این طریق، برآمدن روستاها با چهره و عملکردهای جدید، به‌عنوان جزئی اساسی از سیاستهای توسعه در محیطهای روستایی بشمار می‌رود. در برنامه‌های نوسازی روستایی معمولاً اهداف و اقدامات زیر به انجام می‌رسد:

- تقویت عناصر شاخص (تیبیک) روستا؛
 - بهسازی مسکن روستایی؛
 - زمینه‌سازی برای اشتغال؛
 - هدایت و حمایت از روندهای اجتماعی - فرهنگی؛
 - زیباسازی محیط روستا؛ و
 - برنامه‌ریزی با مشارکت همه‌جانبه مردمی.
- کتاب‌شناسی:

- Burchell, Robert W. *Richland County Comprehensive Plan* (Town & Country). Palmetto Foundation, ۲۰۰۰.
- Das Ministerium für den ländlichen Raum, Ernährung, Landwirtschaft und Verbraucherschutz. *Dorferneuerung in Niedersachsen*, ۲۰۰۳.
- Gaia Trust & The Global Eco-Village Network: *The Earth Is Our Habitat* (Proposal for Support Programme for Eco-Habitats as Living Examples of Agenda ۲۱ Planning), June ۱۹۹۶.
- Institut für Kommunalwissenschaften der Konrad Adenauer-Stiftung e.V., *Für das Dorf, Gestaltung des ländlichen Lebensraums durch Dorfentwicklung*, Bonn, ۱۹۸۳.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development, Guidelines and Methodology*, New York, ۲۰۰۱.
- United Nations. *The Earth Is Our Habitat*, ۱۹۹۶.
- Wahlen, J.P. *Some Considerations for Developing Village Design*, Plan Pacific Consultantm ۲۰۰۶.

عباس سعیدی

انجام و پیشبرد برنامه مشخص می‌گردد. علاوه‌براین، آنچه که باید به انجام رسد، تبیین می‌گردد، به‌نحوی که اثربخشی هر یک از اقدامات در بهبود شرایط زندگی در روستا مشخص می‌شود. در این‌گونه برنامه‌ها فرض بر این است که مشارکت افراد و گروههای ذی‌ربط در روند برنامه‌ریزی، نقشی اساسی در درستی اقدامات انجام شده و پایداری/ حفاظت بعدی از آنها برعهده دارد. بنابراین، مشارکت مردمی در مراحل مختلف اقدامات از اهم جنبه‌های نوسازی در این کشور بشمار می‌آید. بدینسان، عقیده براین است که درگیرکردن کارشناسان و طراحان و مسئولان محلی، همچنین جمعیت ساکن در آبادی در تحقق عملی ایده‌ها و هدایت اقدامات در جهت هماهنگی با نیازها و تقاضاها نقشی اساسی برعهده دارد.

نوسازی روستایی در عمل، روندی است که گامهای لازم در جهت آن مستلزم صبر و تأمل است. در روند نوسازی روستایی به‌منظور دستیابی به توسعه همه‌جانبه روستایی، نوسازی روستایی را در ترکیب و تلفیق با انتظام فضایی و ارضی در نظر می‌گیرند.

در اروپا، به‌ویژه کشورهای صنعتی، جابه‌جاییهای فضایی واحدها و تأسیسات صنعتی از کانونهای پرتراکم شهری به محیطهای باز و مجاور روستایی، از روندهایی است که در دو دهه اخیر شدت گرفته است. براین‌اساس، مسئله توسعه روستایی از ابعاد متفاوتی برخوردار است که اگر در عرصه‌های جهان سومی نیز دیده شود، روند و ماهیت آن مسلماً متفاوت خواهد بود.

در قالب برنامه‌های نوسازی، برنامه‌ریزی متناسب با ویژگیهای محیطی و خصوصیات اجتماعی - فرهنگی و فعالیتهای اقتصادی روستاها در کنار معاضدت و مشارکت فعال روستاییان با این هدف به انجام می‌رسد که ارزشهای سنتی روستاها محفوظ مانده، انگیزه‌های لازم برای توسعه پایدار زمینه‌سازی و اعمال شود. بدینسان، از آنجا که برنامه‌های نوسازی قاعدتاً با تغییر و تحولات ساختاری همراه است، کوشش می‌شود تا از این طریق ضمن حفاظت از ارزشهای فرهنگی و محیطی، جلوه‌های جالب و جاذبه برانگیز روستا تقویت گردد.

همه‌جانبه را برای توسعه یا بازتوسعه، با تأکید بر مزیت‌های محیطی برنامه‌ریزی هماهنگ، برخلاف گذشته که صرفاً خانه‌سازی مدّ نظر بود، به پیش برند. از آنجا که بازتوسعه اغلب با تراکم کمی همراه بود، پدیده اضافی این مرحله از نوسازی شهری به صورت پراکنده و مجزا برنامه‌ریزی شد.

از ۱۹۴۹م در بریتانیا، بخشودگی‌هایی مالیاتی و وام‌هایی برای ارتقاء وضعیت شهری موجود اعطا شد و نوسازی تا حدی به خاطر هزینه، ناآرامی اجتماعی و شکست برنامه‌های بازتوسعه، به تدریج جای تأکید بر انتقال و این برنامه‌ها را گرفت. این تغییر جهت به واسطه قانون خانه‌سازی ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴م که به ترتیب نواحی گسترش عمومی و نواحی عمل خانه‌سازی را که براساس آنها شهروندان می‌توانستند از وام‌های توسعه‌ای و برنامه‌های همزمان برای ارتقاء محیط طبیعی توسط مسئولان محلی بهره‌مند گردند، ترغیب شد. مشارکت عمومی در این‌گونه برنامه‌های محلی با استقبال همراه شد.

کتاب‌شناسی:

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. ۴th ed., Oxford: Blackwell, ۲۰۰۱.

آنتونی هور

(عباس سعیدی)

نوسازی شهری، بستر مفهومی

واژه نو می‌تواند به معنایی نه پرشمار، اما بسیار متفاوت در نظر آورده شود: نو می‌تواند به معنای چیزی از بُن نو یا نوظهور؛ به معنای چیزی نو نسبت به- و در قبال- آنچه پیشتر بوده و شناخته آمده است؛ و به معنای چیزی نو، برای فرد (یا افرادی) که پیشتر، با آنچه نشان داده می‌شود، آشنا نبوده‌اند، تعریف می‌شود. علاوه‌براینها، نو بودن، به‌عنوان فراورده‌ای خاص، می‌تواند شکلی قراردادی و محلی داشته باشد و به زمان، بی‌پیوستگی‌هایش با مکان، نظر داشته باشد: چیزی نو برای ساکنان جزیره سسیل ایتالیا می‌تواند برای کسانی که در جزیره‌العرب تجربه اندوخته‌اند، نو نباشد. برای بازشناخت نو بودن اول سنجش براساس آنچه می‌دانند و دوم، سنجش براساس آنچه باید دانسته باشند، الزامی به نظر می‌آید. از این رو، عمل نوسازی- پیش از آنکه

نوسازی شهری

Urban Renewal

احیاء و باز زنده‌سازی بخش‌هایی از عرصه‌های شهری که پائین‌تر از سطح استانداردهای متعارف عمومی قرار دارند. این عرصه‌ها معمولاً به حوزه‌های درون‌شهری محدود می‌شوند و با مسائلی، همچون مسکن نامناسب، مخلوطی از کاربری‌های متعارض و ناهماهنگ، تراکم آلوده‌شد، نارسایی زیست محیطی، ناهنجاری اجتماعی و دلمردگی جمعی دست به گریبان هستند. راهکارهای نوسازی شهری را می‌توان برحسب مقیاس فضایی، دامنه و فنون و روش‌های اجرایی به صور مختلف به کار گرفت.

نوسازی شهری معمولاً توسط نهادهای عمومی پیگیری می‌شود، زیرا قسمتهای کوچک متعددی از شهر، عرصه‌هایی با زمین بسیار گران، فراتر از توان منابع تجاری خصوصی، محیط‌های فقیرنشین فاقد جاذبه برای توسعه نزد بخش خصوصی، محدودیتهای اداری (یا منطقه‌بندی شهری) و نیاز افراد و گروه‌های کم‌درآمد و فرودست که نمی‌توانند در بازار آزاد برآورده شود را دربر می‌گیرد. البته، منابع خصوصی و عمومی نیز اغلب در برنامه‌های نوسازی مشارکت دارند.

یک بررسی در ۱۹۷۷م نشان می‌دهد، چگونه برنامه نوسازی شهرهای امریکا از یک مسئله اولیه صرفاً مرتبط با تأمین مسکن، به معضلاتی بس فراتر در نوسازی اجتماع شهری، فضای باز و تأمین شبکه حمل‌ونقل تبدیل شد.

در بریتانیا، قانون خانه‌سازی ۱۹۳۰م با پاکسازی خانه‌های زاغه‌نشینان شهری و انتقال آنان به واحدهای جدید توسط مسئولان شهری آغاز شد، هرچند هر یک از مسئولان، تفسیر و تعبیر خاص خود را از این روند داشت. پس از جنگ جهانی دوم، نوسازی شهری تغییر جهت داد و دامنه و مقیاس آن گسترش یافت؛ این تحول تا حدی به خاطر جبران خسارت‌های جنگ، اما ضمناً به خاطر اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری بود. مسئولان، این بار، در برنامه‌های توسعه‌ای خود می‌توانستند نواحی توسعه

باشد، در راه تحقق بخشیدن به معضل بزرگ این امر، حساب کاربریهای روزمره را از کاربریهای که صرفاً انتزاعی اند، جدا سازد. در گستره فعالیت‌های روزمره می‌توان به عالم معنا توجهی نداشت و برعکس، در جهان معنا (که ظاهراً به روزمرگی توجهی ندارد)، به همه چیز و هرچیز، به نکته‌هایی می‌توان نگرست که ذاتی فرآورده‌اند و به دور از مضمون‌هایی کاربردی و مادی و یا اجتماعی - تولیدی، بشمار می‌آیند.

بنابر آنچه آمد، ساختن می‌تواند تولید یک شیء سفالین، برپا داشتن یک بنا و حتی یک شهر نیز دانسته شود؛ و هرآینه قرار باشد، این امر به ارزیابی ارزشی گذارده شود، کار طراح خواهد بود که به میزان مداخله دادن، تعیین نسبت کاربریهای مکانیکی روزمره و کاراییهای هنری و مفهومی یا انتزاعی آنچه می‌سازد، توجهی خاص داشته باشد. چنان‌که دانسته شده است، صرفاً کار طراح اثر است که در ارجحیت بخشیدن به توان بار معنوی - الهی و توان کارهای مکانیکی (که از طریق آن در بیرون و در درونش جاری خواهد شد)، به ارزیابی بنشیند.

در هر حال، ساختن یا به دنیا آوردن یک اثر معماری، همانند یک معماست؛ هر آینه خواسته باشیم در زمینه جهت ارزش بخشیدن به آنچه می‌خواهیم بنا کنیم، تعمق کنیم: تولید یک بنای نوساز، نمی‌تواند از دیدگاه آدمیانی که با آن سروکار خواهند داشت، امری بی تفاوت بشمار آید و به نقشی که در نوسازی (در مقیاسهای معماری و شهری) ایفا خواهد کرد، موجودیتی بی تفاوت دانسته شود: چه در گستره کاربردی و روزمرگیهایش و چه از دیدگاه معنوی و اثرگذاریهای ارزشی‌اش در فضای اجتماعی و فرهنگی و مدنی. در هر دوی این گستره‌ها، چیزی نو به دنیا آورده می‌شود. و این نو بودن - نوساختن - موضوع توجه ماست.

نو و بستر آفرینی آن

موضوع دلیل و جهت اندیشی بخشیدن در ساختن چیزی نو را می‌توانیم، بدون کندوکاو در چندی و چونیهایش، به ارزیابی سلیقه آدمیانی که با آن سروکار خواهند داشت، وا بگذاریم. نیز می‌توانیم این نکته را به میان بیاوریم که

به محفل معماران و شهرسازان آورده شود - با ابهامهایی سخت روبرو است. موضوع آنگاه پیچیده‌تر می‌نماید، که ساخت را نیز به میان بیاوریم و بخواهیم بدانیم که، در نهایت، چه چیز نو یا چنان است که دیگری را از دیدگاههای شکل ماده زیر پوشش خود می‌برد. این پرسش در امر ساختن چیزی که استوار بر ماده به دنیا می‌آید - و نه مانند شعر و موسیقی که انتزاعی‌اند و نمی‌توانند به عالم «عینی» یا واقعی - کالبدی درآیند، با پیچیدگی همراه است.

«نو»، به زمان سنجش وابسته می‌شود و از این رو به محدوده مکانی خاصی معطوف است؛ محدوده‌هایی که پدیده‌هایی در آنها جاریند: چه اندیشه‌ای باشند و چه کالبدی، چه شکلی باشند و چه نمادین. نوسازی می‌تواند هرگونه فرآورده‌ای را در برگیرد؛ هر کسی می‌تواند به ساختن چیزی از ریشه نو دست یازد؛ و هرکسی می‌تواند، آنچه نو برایش ساخته‌اند را نپذیرد. دقتی بیش در این زمینه می‌تواند دستیابی به معنایی مطلوب برای نوسازی را میسر بدارد؛ توجه به نکات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

ساختن می‌تواند به قصد یا هدف به دست دادن معنایی نو صورت گیرد. آدمی زاده می‌تواند، برای اینکه در فاصله میان خود و دیگران فضایی یگانه بسازد، از ابزارهایی استفاده کند که بار معنایی دارند؛ دیدن و لمس کردنشان، و همچنین شنیدن و استشمامشان، احساس و سپس ادراک نکته‌ای را میسر بدارد که به معنایی خاص متوجه است. در این صورت است که ساختن چیزی که بتواند معنایی تعیین شده به ذهن آورد، زنده کند و یا ثبات بخشد، به جویندگان تعریف مدخل ساختن کمک می‌کند.

ساختن، تدبیر برای دست‌یافتن و متکی شدن بر نظم خاصی است که بتواند فرآورده‌ای مطلوب به دست: چه برای بهره‌وریهای روزمره باشد و چه برای فراهم آوردن شرایط لازم و کافی برای نکته‌ای در جهان معنا و چه در بینشهای اساطیری خاصی به پیش رود که دارای ارزشهای انسانی - الهی، مذهبی و مدنی و الزاماً بار انتزاعی بس گسترده‌تری دارند.

در این صورت است که ساختن می‌تواند برپا داشتن یک بنا و یا حتی یک شهر باشد، با این شرط که هنرمند توانسته

مکانیکی روزمره متعلق بودند و نمی‌خواست به آن دیگر فرآورده‌هایی بنگرد که ذاتی انتزاعی دارند: هنری‌اند، فلسفی یا ادبی و تغزلی‌اند، در گستره ریاضی فهم می‌شوند و یا چندان بار معنایی و مفهومی زیادی دارند که ابزارهای ماده‌ای نمایانگرشان، صرفاً بار ابزاری پیدا می‌کنند؛ مانند بوم نقاشی و ماده رنگی گذارده بر روی آن، جز ابزاری برای نمایان کردن معنا تلقی نمی‌شوند؛ همانند صوت‌هایی که نغمه موسیقایی را شکل می‌دهند و خود، بدون شگردهایی که به ترکیب و به طول زمانی که می‌پایند، موجودیت مفهومی ندارند. اینجا، موضوع نو بودن و نوساخته بودن، شکلی متفاوت پیدا می‌کند و بحث گفت‌وشنود میان هنرمندان آن رشته‌های آفرینشی، معیارهایی ویژه خود را پیدا می‌کند. نو بودن، برای شاعران و برای نقاشان و سینماگران هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که بر وجود مفهومی نو و نیز بر چگونگی‌های نمایان کردن - عرضه کردن - انگیزش و یا ترغیب آفریدن - بازتاب ذهنی آفریدن - به عالم ادراک بردن، گامی تازه برداشته شود. نو بودن و نو ساختن، الزاماً با مقوله مدرنیته، همدلیها و همراهیها و نیز واگرائی‌هایی را پیدا می‌کند، چندان که از زمینه گفت‌وشنود ما خارج می‌شود؛ چارچوبی پیدا می‌کند که نمی‌توان در این مناسبت محدود به آن پرداخت. یادآوری این نکته را بی‌جا نمی‌دانیم که ساختن، در گستره‌ای که بار کاربردی - کالبدی‌اش به تجربه‌های آدمیان مشروط و معطوف است، در همه حال، عین نو ساختن است؛ چه فرآورده به‌دست داده شده، ویژگی نو بودن خود را بر کرسی قبول و پسند مردمانی که با آن سروکار خواهند داشت، بنشانند و چه - برعکس - آن را وا بزنند و پذیرا نشوند و یا نسبت به آن ابراز بی‌تفاوتی کنند. اینجا فرصتی بسیار گذرا داریم تا به آنچه در باب مدرنیته دوست داریم بدانیم، بنگریم: نو ساختن، نو بودن و نو ساختن، حتی اگر از مقبول بودن و مورد پسند واقع شدن حکایت کنند، الزاماً با مدرنیته انطباق معنایی پیدا نمی‌کنند. هر فرآورده‌ای نو، الزاماً مدرن نیست؛ اما هر فرآورده مدرن، نمی‌تواند نو نباشد.

نوسازی فضای کالبدی برای زندگی انسانها؛ نوسازی

آفریننده هر اثری، بدون بهره‌وری از آموخته‌های فردی و یافته‌ها و داده‌های فنی و کاربردی محیطی و همچنین بدون انجام دادن گزینش‌هایی که شخصی و ذهنی خود وی بشمار می‌آیند، نمی‌تواند بر نو بودن آن پای فشرود. درواقع، آنچه می‌تواند بر صفت نو بودن هر فرآورده‌ای دلالت کند، به میزان و چگونگی‌های خیزش آن نسبت به آنچه در محیط رایج است، وابسته می‌شود. به این گونه است که می‌توانیم درباره نو ساختن، نو بودن، نوحاستن و یا بر گرایش نو استوار بودن فرآورده‌های انسانی سخنی داشته باشیم.

هرآینه، به‌ویژگی نو بودن فرآورده‌ای معین بنگریم، این پرسش مطرح می‌شود که مگر ممکن است آدمی زاده بتواند، هر لحظه‌ای که اراده به ساختن چیزی کند، جز نو نیافریند؟ از همین جاست که مقوله سنجش فرآورده‌های آدمیان در گستره‌های زمانی - مکانی خاص به میان می‌آید؛ نو بودن هر فرآورده‌ای، به چگونگی‌های فنی - ساختاری یا به مجموعه ابزارهای ماده‌ای و اندیشه‌ای چیزی که نو دانسته می‌شود، معطوف و مشروط گردد و خلاصه اینکه، سنجشی مطرح می‌شود که نخست موجودیت کالبدی و موجودیت ساختاری فرآورده موضوع ارزیابی را به میدان شناخت می‌آورد و سپس، به ریشه تجربه‌هایی که فنون تولید و کار کردن ساختار شیئی را تحقق بخشیده‌اند، می‌پردازد. این امر، بدون پیش‌داوری ارزشی در باب طول عمر تجربه‌ها و با تکیه بر گستردگی بستر ظهور آنها صورت می‌گیرد. ازاین‌رو، ساختن (و نو ساختن) هر فرآورده‌ای نمی‌تواند، بدون شناخت و سنجش در گستره تجربی (با تکیه بر فنون یا فناوری و با تکیه بر مفاهیمی که در ساختارش تبلور یافته‌اند)، فهم شود.

ساختن شهر، یعنی به‌دست و تدبیر ساختن هر شهری، به معنای آفرینش فرآورده‌های حجمی - کاربردی روزمره‌ای که از مواد اولیه یا بن‌مایه‌های معماری در فضای زندگی جمعی خاصی که آدمیان می‌سازند و می‌زیند، امری همیشه نو تلقی می‌شود، حتی اگر تقلیدی باشد بر مبنای بازسازی مطلق.

به‌جاست، یادآور شویم که گفتگوی ما - تا این‌جا - روی فرآورده‌هایی متمرکز بود که بسیار بیشتر به جهان کاربری‌های

پیر شدگی یاخته‌ها و مولکولهایی که روی پوسته بیرونی هر چیزی روی می‌دهد، در دنیای درونی ماده نیز جاری است؛ چندان که آدمیان و ساختمانهایشان - هر دو - به تزریق موادی می‌پردازند که تقویتشان می‌نامند و جز اینها. هرآینه یادآوری کنیم که دگر شدن مدام، بزرگ‌ترین راز ماندگاری موجودات دانسته می‌شود و یا تکرار کنیم که هر شالوده ساختاری، برای ماندگاری، نیاز به دگرگونی‌هایی دارد که معمولاً فرعی یا ثانوی (بر شالوده ساختاریش) دانسته می‌شوند. اینجا، اگر نقطه نظر خود را بر ساختمان یک اثر معماری و یا بر نظام کالبدی شهری معطوف کنیم که در حال زندگی است و مدام دگر می‌شود تا بماند، نیاز به نوسازی محیط مصنوع با چهره‌ای نو، برایمان آشکار می‌شود.

اما نیاز به نوسازی می‌تواند شکل پیچیده‌تری نیز پیدا کند و مسائل و مشکلاتی را بنمایاند که، علاوه بر چهره موجودیتهای کالبدی‌ای که به مقیاسهای متفاوت در سیر زندگی ما رخ می‌کنند، بر ساختار اینها نیز اثرگذاری داشته باشند. به دیگر سخن، چنین می‌توان گفت که ساختارهای کالبدی‌ای که شهرهای ما را تشکیل می‌دهند، با توانمندی متفاوت، پاسخگوی نیازهای گونه‌گون و پرشمار زندگی فردی و اجتماعی مردمان می‌شوند، دست کم از ۳ سوی متمایز با پدیده دگرگونی مواجه‌اند:

- دگرگونیهای ماده‌ای (که ساختار کالبدی یک ساختمانهایی که عناصر تشکیل‌دهنده به محیط شهراند)؛
- دگرگونیهای کاربردی - کالبدی بناهای شهر (که ساختار کالبدی بناها را تا حد فرسایش استاتیکی و فروپاشیهای ثانوی سبب می‌شوند)؛ و
- دگرگونیهای شهر و ساختار محیطی آن (که چه زاده کاربریهای فرساینده عناصر مجاور و مجاور نزدیک باشند و چه زاده آنچه نامطلوب و ویرانگر فضای شهری دانسته می‌شود و چه مقیاسی جهانی داشته باشد و ریشه در فعالیت‌های بزرگ ناسنجیده و نامطلوب سودجویان در برابر محیط طبیعی).

این ۳ رده عامل دگرگون‌کننده، هر یک فرساینده و ویرانگر نیز می‌شوند و می‌توانند بهره‌وری کنندگان از

شهری

به دست دادن فرآورده‌ای نو و ساختن چیزی به مقیاس شهر که روی به جهان کاربردی - کالبدی‌ای دارد که باید در آن زندگی کنیم، در واقعیت امر، نوسازی است و می‌تواند بر این ادعا تأکید کند و نه حکایت از حقیقت. نوسازی اما، می‌خواهد معنایی دگر داشته باشد و، به شکلی مستقیم، با ۲ کلمه‌ای که می‌سازندش، ارتباط ندارد.

در مقوله مرمت شهری، برداشت و یا دریافت مستقیم، از فعلی که بر صفتی خاص - زیر عنوان نوساخته - متکی است، حکایت از خواسته‌ای دارد برخوردار از جهت و هدفی روشن: نوساختن چیزی (که هست) و نه ساختن چیزی نو. این مفهوم را در زبانهای اروپایی نیز به روشنی می‌یابیم. در این زبانها، برای ساختن چیزی نو، واژه‌ها و اصطلاحاتی دیگر به کار برده می‌شوند و، به همان‌گونه که ما به زبان فارسی نوسازی را وجهی خاص از اقداماتی می‌دانیم که بر روی چیزی داده شده صورت می‌گیرند، در گزارشهای علمی و فنی‌ای که به زبانهای پیش‌گفته می‌خوانیم، معمولاً پس از این واژه، موضوعش نیز آورده می‌شود: نوسازی معماری، نوسازی شهری، نوسازی جامعه، نوسازی اقتصادی و جز اینها، شکل کامل مطلب را می‌نمایاند. از این روی شایسته است که به هر دو وجه موضوع نگاهی داشته باشیم: وجه اول، نوسازی به معنای عام و وجه دوم، نوسازی به معنای خاصی که می‌خواهد - در پی تعیین موضوعش - به آن توجه دهد.

نوسازی، نه به معنای ساختن چیزی نو، اما به معنای شکلی نو دادن به چیزی که هست، ریشه در گذشته دارد و بی‌الزام در اعلان کهنه بودنش، نیاز به آن دارد که به روز یا بهنگام شود، به همراه زمانه بزید و پذیرای نو شود. تمام دگرگونی‌هایی که در بستر محیط جاریند و موضوعشان چرخه‌های زندگی، پدیده‌هایی دانسته می‌شوند، حاکی از نوسازی. در جهان مصنوع ما نیز حکایتی کم یا بیش به همین منوال جریان دارد؛ رنگ و پوسته بیرونی دیوار خانه‌های ما، رنگ خودروهای ما، همانند لایه چرمی‌ای که کتابهای قدیمی ما را پوشش می‌دهند، مدام ماده‌های رویینشان را از دست می‌دهند، تا نیاز به نوسازی را بنمایانند.

نوگرایی

واقعیت از صافی ذهن هنرمند گذشته است. هنرمندان مدرنیست می‌کوشیدند، محدودیتهای سبک رئالیسم را درهم بشکنند و فنون ابداعگرانه‌ای را در دریافت و انتقال تجارب مدرن، که اساساً از نوع تجارب شهری بود، عرضه کنند.

نوگرایی ریشه در تحولات نیمه اول سده ۱۹م داشت؛ گرچه به‌عنوان یک جریان نیرومند هنری در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰م عرصه فرهنگی را زیر نفوذ خود درآورد. نیمه سده ۱۹م با سلسله تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فنی همراه بود: تجدید ساختار سرمایه‌داری اروپا؛ رشد تولید کارخانه‌ای؛ رشد جمعیت شهری؛ و جنبشهای انقلابی ۱۸۴۸م، از مظاهر مهم آن بود. شکست جشنهای انقلابی ۱۸۴۸م تأثیر زیادی بر ادبیات رئالیستی رایج در این دوره داشت. در آثار چارلز بودلر و گوستاو فلور نشان‌هایی از تغییر جهت در ادبیات رئالیستی مشهود است.

به‌دنبال بحران در هنر رئالیستی، گرایشهای زیبایی‌شناختی تازه‌ای همچون سمبولیسم، کوبیسم، اکسپرسیونیسم، فوتوریسم و سوررئالیسم وارد عرصه هنر شدند. جریانهایی چون فاشیسم و استالیسیسم به‌نوبه خود فشارهای تازه‌ای را بر هنر رئالیستی، که خود را سخت پای‌بند تعهد اجتماعی کرده بود، وارد کرد. آثار نوگرایانه از حیث سبک هنری و گرایشهای سیاسی بسیار گوناگون و ناهمناخت هستند. برای مثال، برخی از آثار نوگرایانه از گسترش زندگی نوین شهری استقبال کردند و برخی دیگر، درست برعکس، به مدیحه‌سرایی یا مرثیه‌سرایی برای زندگی ساده جماعتی (روستایی) پرداختند. برخی از نوگرایان جانب فاشیسم را گرفتند و برخی (مثل مایاکوفسکی) به بلشویسم گرویدند. شاید بتوان گفت آنچه که آثار گوناگون مدرنیستی را به هم پیوند می‌زند، فرم‌گرایی است که همه آثار مزبور کم‌وبیش از آن سهم برده‌اند.

نوگرایی و تحولات شهری

بخش مهمی از هنر مدرنیستی (نوگرایی هنری) توجه خود

فضای شهری یا پیکره‌های کالبدی-کاربردی شکل‌دهنده به خانه‌ها، مدرسه‌ها، بازارها، دروازه‌های شهرها و همچنین ساختارهای فعال در سرزمینهای برون‌شهری (که ذخایر پاک هوا و آب و خاک زندگی آدمیان بشماراند) را با دشواریهای بزرگ روبرو کنند. اینها، نمایانگر زمینه‌های نوسازی شهری- به معنای گسترده- بشمار می‌آیند.

نوسازی اما، چنان‌که یادآور شدیم، نیاز به تعیین مقیاس و تشخیص نارسائیهای موضعی و محدود دارد، تا بتواند به اجزاء کالبدی شکل‌دهنده به بافت شهری، به‌نگام و به کمال، نارسائیهای زاده از فرسایشهای گونه‌گون را پاسخگویی کند.

کتاب‌شناسی:

- رسولی، محمد. «تجارب جهانی در امر بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافت‌های شهری. مشهد: سازمان ملی زمین و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.

- فلامکی، محمدمنصور. «نوسازی و بهسازی شهری»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

- فلامکی، محمدمنصور. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لوکوربوزیه، «منشور آتن»، چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن، «آتن ۱۹۹۳»، ترجمه محمدمنصور فلامکی، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۲.

محمدمنصور فلامکی

نوگرایی

Modernism

جریانی فرهنگی به‌ویژه در شیوه‌های بازنمایش هنری است که در اوایل سده ۲۰م در بازآفرینهای هنری اروپا رایج شد و وجه عمده آن مخالفت با سبک رئالیسم (واقع‌گرایی) بود. در اسلوب واقعگرایی متن (شعر، رمان، آهنگ، مجسمه و ساختمان) به‌مثابه انعکاس دنیای اجتماعی آن‌طور که در واقعیت هست، بشمار می‌آید، زیبایی‌شناسی نوگرایانه این دعوی واقعگرایی (رئالیسم) را مردود می‌داند و معتقد است که واقعیت اجتماعی، هنگامی که موضوع انتقال از طریق متن قرار می‌گیرد، بیش از آنکه انعکاس واقعیت باشد، برساخته واقعیت است، زیرا، صرف‌نظر از دلایل دیگر، این

نیازهای اساسی

Origin of Cultural Chang. Oxford: Blackwell, ۱۹۸۹.

کمال پولادی



نیازهای اساسی

Basic Needs

عوامل و نیروهای گوناگونی در شکل‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی دخالت دارند که نحوه اثربخشی آنها بیش از هر چیز به ویژگی‌های ساختاری بستر محیطی و کارکردهای اجتماعی - اقتصادی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرایند، مجموعه انگیزه‌هایی است که برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادین، به‌صورت متفاوت، در بین گروه‌های انسانی بروز می‌یابد. از این‌رو، شکل و خصوصیات سکونتگاه‌های انسانی در نتیجه نحوه عینیت‌یابی این انگیزه‌ها، به شکلهای متنوع تحقق می‌پذیرد و در نتیجه، سکونتگاهها از یک ناحیه به ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ کارکردی، به شکلهای متفاوتی پدیدار می‌گردند.

مهم‌ترین این انگیزه‌ها به نیازهای اساسی و یا آن‌طورکه بعضاً مطرح می‌شوند، کارکردهای اساسی انسانی، به‌شرح

را به‌طور مستقیم به تأثیرات تجدد (← تجدد) بر زندگی شهری معطوف کرده بود. کشف لایه‌های آگاهی شهری که به‌طور خاص نو و از جنس مدرن بود، بخشی از این جستجوها بود. شهرهای مدرن فضاهایی بودند که در آنها همه باورهای دنیای سنتی فرو می‌ریخت. باین‌حال، تجارب نوین نیز، به‌نوبه خود، سرشار از تناقض بود. شورانگیزی و ترس، پویایی و مخاطره از جمله احساسهای متناقضی بودند که با تجربه شهرها و شهرنشینی مدرن درهم آمیخته بود. هنر رئالیستی برای بازنمایش این تجربیات درهم و برهم ظرفیت محدودی داشت. محدودیتهای سبک رئالیسم موجب شد، تا گروهی از هنرمندان که به آوانگارد (پیشتاز) معروف شدند، در واکنش به تحولاتی که تجدد در شکل سرمایه‌داری دستخوش آن بود و همچنین در نقد ادبی تحولات، به عرصه‌های تازه‌ای از زیبایی‌شناسی روی آورند تا بتوانند به‌طور مستقیم تحولات فضای شهری را، هم در ابعاد اجتماعی و هم در ابعاد کالبدی، باز نمایش دهند. بسیاری از هنرمندان آوانگارد تجارب شهری را موضوع آفرینش هنری خود قرار دادند؛ اشاره به عنوانهایی چون شهر پاریس، من و شهر، برلین، شهر بزرگ و شهر، بیانگر رابطه نوگرایی (مدرنیسم) هنری و فضاهای شهری است.

از هنر مدرنیستی انتقاد شده است که به‌ویژه در سبکهای معماری با نگرشهایی به‌شدت مردگرایانه همراه است. منتقدان می‌گویند، نوگرایی هنری حضور زنان را از فضاهای شهری حذف کرده است. نوگرایی در معماری ساختمانهای تجاری و پروژه‌های خانه‌های اجتماعی جایگاه مهمی داشته است.

کتاب‌شناسی:

- Berman, M. *All That is Solid Melts Into Air: The Experience of Modernity*. London: Verso, ۱۹۸۹.
- Brosseau, M. *The City in Textual Form*. Manhattan Transfers New York, *Ecumene*. Vol I, ۱۹۹۳.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of The City*. London: Routledg, ۲۰۰۵.
- Harvey, D. *The Condition of Postmodernity: an Equiry Into the*

- زیر، باز می‌گردند:
- مسکن‌گزینی؛
- کارکردن و فعالیت؛
- برقرار کردن ارتباط با دیگران؛
- آموزش و یادگیری؛
- استراحت و گذران اوقات فراغت؛
- زندگی جمعی و تولید مثل؛ و
- حرکت و آمدوشد.

به این ترتیب، آشکار می‌گردد که پاسخگویی به هریک از نیازهای بنیادی بشری و تحقق این کارکردهای گوناگون، ابعادی کاملاً اجتماعی - اقتصادی دارد؛ یعنی این امر بدون زیست جمعی و فعالیتهای مختلف اجتماعی در قالب واحدهای سکونتگاهی عملاً و به درستی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، تمام این کارکردهای اجتماعی - اقتصادی دارای بُعدی مکانی - فضایی و همچنین مستلزم امکانات و تأسیساتی ویژه و مستقر در بستری مکانی است. نهایتاً فضای حاصل از این فرایند، دارای الگویی ساختاری - کارکردی است که با توجه به انگیزه‌های گوناگون و دگرگونیهای آنها در بین گروههای مختلف انسانی - به عنوان نقش‌آفرینان نظام فضایی - تحول می‌پذیرد. به سخن دیگر، هر سکونتگاه را می‌توان اجتماعی کارکردی بشمار آورد که درجه بقا و پایداری آن به چگونگی شکل‌پذیری و نحوه پاسخگویی به این نیازها یا کارکردهای اساسی انسانی در بستر مکان - فضا بستگی تام دارد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. مبانی جغرافیای روستایی. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, ۱۹۷۷.

عباس سعیدی

و- ی

وابستگی، مدل

Dependency Model

مدلی برای تبیین چگونگی تعامل شهر و روستا، به‌ویژه در چارچوب روابط و مناسبات سرمایه‌داری وابسته. اساس نظری این مدل بر پایه نظریه وابستگی استوار است. اگرچه برداشتهای مختلفی از این نظریه در تبیین توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم ارائه شده است، اما شالوده تمام آنها ناظر بر این واقعیت است که توسعه‌نیافتگی پیامد وابستگی اقتصادی و سیاسی این‌گونه مناطق و کشورها به کشورهای بزرگ صنعتی است و برخلاف آنچه که برخی نظریه‌پردازان مدرن‌سازی اظهار می‌دارند، به‌هیچ‌وجه نباید و نمی‌توان آن را مرحله‌ای از مراحل رشد و تکامل اجتماعی-اقتصادی بشمار آورد.

نظریه وابستگی تا حد زیادی به روند انباشت سرمایه در جوامع صنعتی امروزی مربوط می‌شود. چنین روندی از لحاظ مکانی- فضایی بر جریان ارزش افزوده تولیدکنندگان محلی، حاشیه‌ای و وابسته به منابع مالی خارجی و وابسته به مراکز منطقه‌ای، ملی و جهانی انباشت متکی است. بدینسان، فرایند تحول و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی در نواحی حاشیه‌ای تا حد زیادی توسط پوشش یا نیروی وادارنده کلانشهرهای امپریالیستی محدود، تعیین و هدایت می‌شود. بر همین مبنای سخنان اوکلی و مارسدن نیز قابل توجه است که موانع توسعه را در ماهیت سنتی و واپس مانده کشورهای جنوب نمی‌دانند، بلکه معتقدند، این موانع در نقش تبعی و حاشیه‌ای آنها در اقتصاد جهانی نهفته است. سرمایه‌داری حاکم بر این کشورها در غالب موارد، از طریق اعمال سازوکارهای خاص بازرگانی و در نتیجه،

وابستگی (و شهر)

Dependency (and City)

نظریه‌های وابستگی از حدود میانه‌های دهه ۱۹۶۰م به گونه‌ای پر قدرت و پرنفوذ در مباحث اقتصاد سیاسی مطرح شد. از آن زمان تاکنون، بعضی آن را یک نظریه، بلکه یک الگوی کامل دانسته و برخی دیگر آن را مورد نقد قرار داده‌اند. در این مجموعه تنوع دیدگاه‌های نظری زیادی وجود دارد و از این رو، دامنه روابط وابستگی فراتر از دامنه موضوعی علم اقتصاد تشخیص داده شده، به روابط سیاسی، فضایی و فرهنگی نیز راه یافته است؛ البته جنبه‌های مختلف نظریه وابستگی را می‌توان با یکدیگر پیوند زد. مطالعات وابستگی نخست از سوی اقتصاددانان ساختارگرای امریکایی لاتین مطرح شد و سپس، به مباحث اقتصادی خاورمیانه، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا راه یافت. شاید بتوان کسانی همچون دوس سانتوس و آندره گوندر فرانک را از پایه‌گذاران نظریه وابستگی به حساب آورد.

وابستگی وضعیتی محدود کننده است که بر اساس آن، اقتصاد شماری از کشورها به اقتصاد گروه معدودی از کشورهای صنعتی وابسته و مشروط می‌شود. وابستگی ممکن است موجب رشد یا عدم رشد اقتصادی باشد، اما به هر حال با انگیزه‌های درونی اقتصاد پیوند ندارد. به سخن دیگر، رابطه وابستگی ممکن است بر توسعه اقتصادی کشور وابسته اثر مثبت یا منفی داشته باشد، اما حتی اگر هم اثر مثبت داشته باشد، در یک سنجش کلی، بهترین دستاورد نیست. از نظر اقتصاددانانی چون سمیر امین، یک نظام واحد سرمایه‌داری در جهان وجود دارد که نیروی اصلی رشد خود را از سرمایه‌داری مرکز، دریافت می‌کند. مسئله این است که نظام سرمایه‌داری جهانی می‌تواند مستقل و

خروج مازاد سرمایه به خارج از کشور، فرایند توسعه را با موانعی جدی مواجه می‌سازد.

وابستگی یک فرایند متقابل است. همان‌گونه که مناطق حاشیه‌ای به مناطق مرکزی (متروپلیتن) وابسته‌اند، رونق مناطق مرکزی نیز به خروج نیروی کار، منابع و بازارهای مناطق حاشیه‌ای بستگی دارد. البته، این نوع وابستگی را نباید دایره‌ای بسته بشمار آورد و راه خروج از آن را ناممکن فرض کرد.

مدل وابستگی درخصوص شهر و روستا بر توسعه واگرایی عرصه‌های شهری و روستایی تکیه دارد و ۲ نوع عرصه ساختاری- کارکردی را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد: عرصه پیچیده شهری و عرصه ساده و یکنواخت روستایی. در واقع، یکی از جنبه‌های مهم این مبحث، ماهیت فعالیت‌های شهری و سرشت فعالیت‌های روستایی است. فعالیت‌های شهری معمولاً در فضایی محدود انجام می‌شوند و در یک نقطه متمرکزند (هرچند بُرد فضایی وسیعی دارند)، حال آنکه فعالیت‌های روستایی (اغلب در بخش اول اقتصادی) به فضای نسبتاً وسیعی نیازمندند و در عمل، ممکن است بُرد فضایی محدودی داشته باشند.

در ارتباط با نظریه وابستگی، ۲ اصطلاح در بحث‌های مکانی- فضایی دهه‌های اخیر راه و اهمیت یافته است: مرکز یا کانون و حاشیه یا پیرامون. کاربرد این ۲ اصطلاح خود به شکل‌گیری مدل دیگری (← مرکز- پیرامون، مدل) در چارچوب نظریه عمومی وابستگی انجامیده است.

کتاب‌شناسی:

- Frank, A.G. The Underdevelopment of Development. *The Underdevelopment of Development*. Sing. C. Ch. & Denmark, R. A. (eds), London, ۱۹۹۶.
- Friedmann, J. & Douglass, M. *Agropolitan Development*. Nagoya, ۱۹۷۲.
- Prebisch, R. Commerical Policy in the Underdeveloped Countries. *American Economics Review*. May ۱۹۵۹.
- Rondinelli, D. A. Cities as Agricultural Markets. *Geographical Review*. ۷۷, ۴, Oct. ۱۹۸۷.

واحد(های) سنتی تولید جمعی

رفاهیند که به گونه‌ای تقریباً پی‌درپی جلوه‌های شهری می‌یابند.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. «نگاهی به مسائل توسعه شهری»، *اقتصاد سیاسی توسعه*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۱.

- گرینی، ماری کلود و دیگران. *وابستگی و شهرنشینی*، ترجمه گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: انتشارات گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۳۵۸.

- هانت، دایانا. *نظریه‌های اقتصاد شهری، تحلیلی از الگوهای رقیب*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، فصلهای ۴ تا ۸، ۱۳۷۶.

فریبرز رئیس‌دانا

واحد بهره‌برداری کشاورزی ← بهره‌برداری کشاورزی، واحد

واحد(های) سنتی تولید جمعی

Traditional Collective Production Unit(s)

در جامعه روستایی ایران تولید زراعی به صورت گروهی و جمعی از دیرباز متداول بوده و هنوز در برخی از نواحی کم‌وبیش رایج است. این گونه واحدهای تولید جمعی در مناطق ایران به نامهای گوناگون، همچون بنه، حراثه، صحرا، پاگاو، درکار و جوق خوانده می‌شود. باین وجود، این گونه واحدها اغلب با توجه به اشاعه بیشتر، به نام بَنه خوانده می‌شوند.

بَنه و ویژگیهای آن

بَنه یا واحد سنتی تولید جمعی یک واحد مستقل زراعی است که در آن عده‌ای دهقان با سمتهای اجتماعی براساس یک تقسیم کار که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلت‌های اجتماعی است در یک یا چند قطعه زمین به کشت و زرع

بی‌هیچ وابستگی به پیرامون توسعه یابد، اما عکس این مطلب صادق نیست. البته طرفداران نظریه وابستگی متقابل، گرچه تحت سیطره مرکز، این نظریه را رد می‌کنند.

از مهم‌ترین جنبه‌های وابستگی در یک نگاه تاریخی، آن است که دستمزدهای واقعی در ۱۰۰ سال نخست سرمایه‌داری جهانی رشد چندانی نداشته است و این امر نوع خاصی از توسعه را بر جهان تحمیل کرده است، از جمله اینکه وظایفی را بر دوش کشورهای پیرامون تحمیل کرده است که عمده‌ترین آنها، ایجاد بازار فروش محصولات صنعتی و عرضه مواد خام ارزان است. البته از هنگامی که دستمزدهای واقعی در مرکز شروع به افزایش کردند، وظایف پیرامون نیز عوض شد.

یکی از پیامدهای وابستگی این است که موجب می‌شود فضاهای زیستی، محیط زیست، بهره‌برداری منابع، آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین) و روندهای شهرنشینی در پیرامون تحت تأثیر آن قرار گیرد. شهرنشینی متمرکز و توزیع فضایی بسیار ناموزون شهرها همراه با حاشیه‌نشینی و محدودیت‌های شهری، از ویژگیهای کشورهای پیرامون بشمار می‌آید. این ویژگی با پدیده کلی ناموزونی جغرافیایی ناشی از وابستگی آمیخته است. از این‌رو، براساس نظریه وابستگی، ضروری است که مدیریت شهری در کلانشهرها مسائل انباشت سرمایه و سیستم کار، رانت زمین، تمرکز اسکان جمعیت، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و موارد مشابه را با توجه به روابط وابستگی بررسی کند.

نوع وابستگی در نوع گسترش و ویژگیهای شهری مؤثر است؛ البته سیاستهای ارضی، ساخت قدرت و اقتصاد سیاسی نیز از سوی دیگر، بر این گسترش و شکل‌گیری تأثیر دارد. کلانشهرها حاصل فشارهای ناشی از وابستگی به انباشت سرمایه، جابه‌جایی جمعیت، طبقات اجتماعی شهری و سیاستهای داخلی‌اند.

ادغام فضاهای زیستی در کشورهای توسعه‌نیافته تا حد زیادی مستلزم استقرار فعالیتهای درون‌گرای اقتصادی در نظام سرمایه‌داری صنعتی (به‌ویژه اروپا و آمریکا) بوده است. در این روند، ابتدا فعالیتهای تجاری و سپس، فعالیتهای اداری و بعد از آن، مراکز صنعتی، مالی و خدمات شهری و

واحد (های) سنتی تولید جمعی

داشت، (یعنی ۲ گاواهن که با ۴ گاو کار می‌کند) با ۲ جفت گاو شخم زده می‌شد. در عمل، جفت‌گاو کوچک‌ترین واحد کشاورزی در داخل بُنه بشمار می‌رفت و لازم بود که امور کشاورزی، نظیر شخم، آبیاری و درو، با تعاون و معاضدت افراد بُنه صورت گیرد.

واحد سنتی تولید جمعی در سطح ده

یک روستا معمولاً از چندین واحد تولید جمعی تشکیل می‌شد که تقسیم آب و زمین در میان این واحدها به بُنه‌بندی اشتهار داشت. بُنه‌بندی عبارت بود از تعویض زمینهای زراعی (بُنه‌ها) با قرعه‌کشی در هر سال، با در نظر گرفتن درجه مرغوبیت خاک و وضع آبیاری. زارعان به‌منظور استفاده بهتر از آب در واحدهای سنتی تولید کشاورزی، در هر سال زمینهای زراعی خود را با در نظر گرفتن عرف محل تعویض می‌کردند.

براساس عرف محل، مدار گردش آب (معمولاً ۱۲ شبانه‌روز یکبار) و زمینهای قابل کشت هر ده مشخص بود. همه ساله در یک مجمع عمومی با حضور زارعان و براساس پشک، زمینهای خوب یا بد ده به تعداد بُنه‌ها تقسیم می‌شد و یک شبانه‌روز آب به هر یک از آنها تعلق می‌گرفت.

در بُنه‌بندی تعداد قطعات زمین، انتخاب زمین برای نوع کشت، تعداد افراد، تعداد جفت‌گاو، میزان مساعده و امثال آن مشخص می‌شد. بُنه‌بندی هنگامی پایان می‌پذیرفت که رئیس واحد تولید زراعی جمعی اعضاء گروه خود را انتخاب می‌کرد و ارباب هم آنها را غیرمستقیم به رسمیت می‌شناخت و نامشان را در دفتر خود ثبت می‌کرد.

قسمت اعظم بُنه‌بندی از طریق پشک (قرعه‌کشی) صورت می‌گرفت: تعیین قطعات زمین، انتخاب گاوها، مشخص شدن ابزار کار و بالاخره، تعیین روز نوبت آبیاری. به‌این ترتیب، بُنه‌بندی کامل می‌شد. کلیه این امور می‌بایست تا قبل از شروع سال زراعی به اتمام می‌رسید.

شکی نیست که بُنه‌بندی در کار کشاورزی، یادگاری از نظام تولید کهن زراعی است و احتمالاً زارعان ایرانی در روزگاران بسیار کهن در زراعت به‌صورت دسته‌جمعی کار

می‌پرداختند. نیروی شخم (گاوکار)، مقدار معینی آب و برخی ابزار کار متعلق به واحد سنتی تولید جمعی به مدت یکسال زراعی از زمره وسایل ضروری و اولیه بُنه محسوب می‌شد.

یک آبادی معمولاً از چندین بُنه تشکیل می‌شد که تعداد و وسعت بُنه‌ها با مقدار آب و زمین قابل کشت ده در ارتباط بود، اندازه زمین بنه‌های یک ده تقریباً و اندازه مقدار آب آنها نیز تحقیقاً مساوی بود.

عضویت زارعین در بُنه با حق نسق داشتن (← نسق) و سکونت در آبادی و آگاهی از فنون کشاورزی و توافق ارباب یا نماینده او مربوط می‌شد، مدت عضویت هر دهقان در یک بُنه معمولاً یکسال زراعی بود، اما ممکن بود که این عضویت سالهای متمادی نیز ادامه یابد.

حسین ملک معتقد بود، سازمان مدیریت کشاورزی قبل از اصلاحات ارضی در ۳ سطح بنیان نهاده شده بود: در سطح ده؛ در سطح واحد تولید کشاورزی؛ و در سطح جفت گاو.

در این دوره، رعایا صاحب زمین نبودند، اما حق شرکت در واحد تولید کشاورزی را در داخل ده به‌منظور کشت مقدار معینی از زمین داشتند. هر ده به تعدادی واحد سنتی تولید جمعی تقسیم می‌گردید و در هر واحد، اعضاء نقشهای معینی را ایفاء می‌کردند. به‌این ترتیب، بُنه به‌عنوان یک سازمان اجتماعی برای تولید محصولات کشاورزی، با میزان اراضی و حقایبه معین و مدیریت نیمه سازمان یافته در طول زمان تکامل پیدا کرد. این شکل از سازمان تولید کشاورزی در مناطق خشک و کم آب ایران، به‌ویژه در مناطق مرکزی، شرقی و جنوبی دیده می‌شد. اندازه و تعداد بُنه‌ها در هر ده با میزان آب، تعداد زارع، وسعت اراضی قابل کشت و تعداد وسیله شخم در ارتباط بود.

اراضی متعلق به هر واحد سنتی تولید جمعی معمولاً به تعدادی جفت گاو تقسیم می‌گردید. منظور از جفت‌گاو، مقدار زمینی بود که یک جفت‌گاو می‌توانست در طول یک فصل زراعی شخم بزند؛ در مورد اراضی کم آب، این مقدار بین ۴ تا ۶ هکتار متغیر بود.

براین‌اساس، اراضی یک بُنه که ۲ جفت‌گاو زمین

واحد (های) سنتی تولید جمعی

مهارت در امور کشاورزی از شرایط لازم برای انتخاب رئیس واحد تولید جمعی بشمار می‌رفت. تعیین حدود واحد تولید جمعی، کاشت محصولات و بذرپاشی، توزیع آب در میان قطعات زمین متعلق به بینه و تصمیم در مورد اینکه کدام قسمت اراضی در واحد تولید کشاورزی باید کشت شود، از وظایف عمده سربینه بشمار می‌رفت.

سربینه از قدرت تفویضی مالک برخوردار بود و به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و اعمال‌کننده قدرت در واحد کار زراعی، امور را رهبری می‌کرد. از آنجا که هدف مالک بهره‌برداری بیشتر از اراضی بود، همیشه افرادی را در رأس واحد تولید جمعی قرار می‌داد که علاوه بر داشتن تجربه کافی، مورد اعتماد او باشد و بتواند منافع او را نمایندگی کند.

موقعیت اقتصادی بهتر، نقش سرپرستی تولید کشاورزی و رابطه نزدیک سربینه‌ها با مالک، این امکان را به‌وجود آورده بود که از موقعیت اجتماعی بالاتری در داخل ده برخوردار و تا حدی از نفوذ سیاسی و اجتماعی در ده بهره‌مند باشند. هنگام حل اختلافات میان مردم ده، نقش مؤثر سربینه‌ها تا حد زیادی به مالکان آنها وابسته بود و اگر سران بینه می‌خواستند که موقعیت خود را حفظ کنند، مجبور به اجرای اوامر مالک در امور کشاورزی بودند و اگر مالک از کارکرد آنان راضی نبود، بسیار احتمال داشت که سربینه‌ها، موقعیت خود را از دست بدهند. بنابراین، سربینه‌ها نفوذ خود را در داخل بینه‌ها به‌منظور حفظ حالت تسلیم زارعان به نظام کشاورزی موجود، به کار می‌بستند. البته با وجود اعمال فشار از سوی سربینه‌ها، عدم رضایت‌های بسیاری در میان زارعان داخل بینه دیده می‌شد؛ در بسیاری از موارد، رابطه میان زارعان و سربینه‌ها خصم‌آلود بود. با وجود این تضادها، عامل مهمی که از بسط و توسعه آنها جلوگیری می‌کرد، رابطه خانوادگی بسیار نزدیک میان اعضای بینه بود. این رابطه خویشاوندی تا حد زیادی در کاهش اصطکاک میان زارعان و سربینه مؤثر بود.

هر سربینه یک یا ۲ دستیار به نام *وربینه* یا *دُم‌ویار* داشت. در واقع، *دُم‌ویار* در حکم معاون واحد کار زراعی بود: کار مرکزگی را انجام می‌داد و در امر آبیاری واحد تولیدی با سراویار همکاری نزدیک داشت و در واقع، قسمت عمده‌ای

می‌کردند. به سخن دیگر، تولید در اجتماع روستایی ما با این شیوه کار زراعی همراه بوده است، شاید این امر از وضع اقلیمی و دشواری تهیه آب و به‌خصوص شیوه آبیاری ناشی شده باشد.

به‌طور خلاصه، واحدهای سنتی تولید جمعی در نظام ارباب-رعیتی، کلید اصلی سازمان تولید کشاورزی بشمار می‌رفت. هر واحد تولید جمعی از تعدادی قطعه زمین زراعی (آبی و دیمی) و یک سازمان تولید کشاورزی که در آن اعضاء فعالیت‌های کشاورزی را به‌صورت تعاونی انجام می‌دادند، تشکیل می‌گردید. اندازه هر واحد از ۱۰ تا ۳۰ هکتار در نوسان بود. تقسیم کار در داخل واحد کار زراعی براساس تجربه و مهارت‌های فردی در فعالیت‌های کشاورزی صورت می‌گرفت و سهم زارعان از محصول براساس این تقسیم کار پرداخت می‌شد. در اغلب موارد، ترکیب اعضای بینه تحت تأثیر عوامل خویشاوندی و همسایگی بود (← بینه).

اقشار اجتماعی و سازمان کار

مدیریت واحد تولید در سطح ده توسط هیئتی مرکب از زارعان با تجربه که در رأس بینه‌ها قرار داشتند، کدخدا (← کدخدا) میراب و مالک یا نماینده‌اش انجام می‌گرفت. معمولاً در اول هر سال زراعی، در پائیز، تمام اعضاء دور هم جمع می‌شدند و تصمیمات لازم را در زمینه توزیع زمین در میان واحدهای تولید جمعی (بینه‌ها) اتخاذ می‌کردند. آنها برنامه توزیع و تقسیم آب را فراهم و مشخص می‌کردند، کدام قسمت از زمین‌های ده باید زیر کشت برود. این برنامه‌ریزی سالانه کشاورزی به *نسق‌بندی* معروف بود. در سطح ده، مالک یا مباشر مسئولیت‌های اداره تولید را برعهده داشت. عضویت در واحد تولید جمعی به زارع پایگاه اجتماعی می‌بخشید و موقعیت او در بینه تا حدودی تعیین‌کننده نقشی بود که وی می‌توانست در اداره امور ده برعهده داشته باشد. در رأس هر واحد تولید جمعی، یک زارع با تجربه قرار می‌گرفت که معمولاً *سربینه*، *سراو* یا *سراویار*، *سرسالار*، *سرحراشه* و مانند آن نامیده می‌شد و توسط مباشر یا مالک انتخاب می‌گردید. تجربه و

واحد (های) سنتی تولید جمعی

- خویشاوندی اطلاعاتی به شرح زیر به دست می‌دهد:
- اعضای واحدهای تولید جمعی با هم نسبت برادری داشتند؛
 - اعضای واحدهای تولید جمعی دویه‌دو برادر بودند؛
 - اعضای واحدهای تولید جمعی از پدر و پسران تشکیل می‌شدند؛
 - ۲ نفر از اعضای بُنه با هم برادر بودند و ۲ نفر دیگر نسبت خویشاوندی نداشتند؛
 - اعضای واحد تولید جمعی از پدر و پسر و ۲ نفر از خویشاوندان سببی ترکیب می‌شد؛
 - اعضای بُنه نسبت به هم دارای روابط خویشاوندی سببی و نسبی دور یا نزدیک بودند؛ و
 - اعضای واحد تولید جمعی را افراد غیرخویشاوند تشکیل می‌دادند.

براساس مطالعات انجام شده، در بیش از ۷۸٪ از واحدهای تولیدی جمعی اعضای بُنه با یکدیگر و یا با سرُنه رابطه خویشی داشتند. در بسیاری موارد، سرُنگی ارثی و با ریاست خانواده ارتباط مستقیم داشت. به سخن دیگر، پس از مرگ سرُنه، پسر ارشد او به ریاست بُنه یا واحد تولید جمعی منسوب می‌شد.

شواهد حاکی از آن است که تشکیل بُنه‌ها بیشتر براساس روابط خویشاوندی قرار داشت و در اغلب موارد، اعضای یک شبکه خویشاوندی در یک واحد تولید جمعی با هم کار می‌کردند. البته انتخاب اعضای واحدهای تولیدی جمعی در هر سال تجدید می‌شد؛ گاه پیش می‌آمد که افراد غیرخویشاوند با توافق هم در یک واحد تولید جمعی گرد آمده و با اشتراک در اراضی بُنه، به کشت و زرع می‌پرداختند. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که ساخت قدیمی، یعنی تقسیم‌بندی قبیله‌ای، سبب پیدا شدن خویشاوندی در این گونه واحدهای تولیدی شده است.

تقسیم کار

افرادی که در بُنه کار می‌کردند، به ۳ گروه سرُنه، ورُنه و برزگر تقسیم می‌شدند. حقوقی که عرف محل برای هر یک از این گروه‌ها معین کرده بود، مبین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها بود. بررسی وظایف واحد تولید جمعی

از فعالیتهای آبیاری را با راهنمایی سرویار انجام می‌داد. ڈم‌ویاران نسبت به برزگران که در رده پائینی بنه قرار داشتند، کارهای ساده‌تری را برعهده داشتند، ولی در عوض، از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند. آنها معمولاً از تمام فنون زراعی آگاه بودند و در صورت غیبت و یا فوت آبیاری، ورزیده‌ترین ڈم‌ویار کلیه مسئولیت بُنه را برعهده می‌گرفت، تا جایی که خود به مقام سرُنگی ارتقاء می‌یافت. اساس هر واحد تولید کشاورزی را برزگر تشکیل می‌داد و مسئولیت کارهای دشوار بُنه، به‌ویژه مواظبت از گاوهای شخمی بُنه برعهده او بود. از آنجا که هر واحد تولید جمعی ۲ یا ۳ برزگر داشت، ۲ یا ۳ جفت گاو بین برزگران تقسیم می‌شد، تا هر برزگر ۲ رأس گاو خود را شناخته و به موقع به آنها رسیدگی و علوفه لازم را برای آنها تهیه کند. شخم‌زنی و مالکشی از اصلی‌ترین کارهای برزگران تلقی می‌شد. برزگران معمولاً از جوانانی تشکیل می‌شد که تازه وارد امور کشاورزی شده بودند. برزگران با استعداد، پس از یکی - دو سال کار در مقام برزگری، ارتقاء یافته و به مقام دم‌ویاری نایل می‌شدند. ارباب، مباشر، پیشکار، گاو‌بند، کدخدا، سرُنه و ورُنه هر کدام می‌توانستند به برزگران بُنه فرماندهی کنند.

خویشاوندی در واحدهای تولید جمعی

به‌طور کلی صائب‌نظران توسعه روستایی علت شکل‌گیری این قبیل واحدهای تولیدی را در ایران به ۲ دلیل می‌دانند:

- نظام آبیاری که نیازمند کار گروهی در استفاده حداکثر از منابع آب، به‌ویژه حفر و حفظ قنات بود؛ و
- عامل خویشاوندی در تشکیل و راه‌اندازی این‌گونه واحدها.

اغلب افراد خویشاوند مشترکاً در یک واحد تولید جمعی فعالیت می‌کردند و تمام مراحل سه‌گانه زراعت، از کاشت تا برداشت را با همکاری یکدیگر انجام می‌دادند و پس از پرداخت سهم مالکان، بقیه محصول را میان خود براساس عرف محل تقسیم می‌کردند. بررسی‌های به عمل آمده درباره چگونگی روابط خویشاوندی میان اعضای واحدهای تولید جمعی، از نظر نسبت خانوادگی و

واحد (های) سنتی تولید جمعی

• درخت کاری، شن ریزی جاده و بیگاریهای مربوط به بئنه و همچنین کمک به سایر بئنه‌های ده در صورت نیاز.

تقسیم محصول

خصوصیات زراعت در نظام سهم‌بری از محصول در واحدهای تولید جمعی مبتنی بر عوامل پنجگانه بود. به سخن دیگر، زراعت با در نظر گرفتن ۵ عامل آب، خاک، بذر، کار و گاو صورت می‌گرفت. زارعان عضو بئنه برحسب در اختیار داشتن یک یا ۳ عامل از این عوامل، از محصول سهم می‌بردند. البته این امر در همه نواحی یکنواخت نبود و برحسب مرغوبیت زمین و زحمتی که زارع می‌کشید و هزینه‌ای که مالک، مخصوصاً برای تهیه آب، متحمل می‌شد و نیز سایر عوامل، تفاوت پیدا می‌کرد.

برای تقسیم محصولات بهاره، یعنی محصولاتی که از فروردین به بعد کشت می‌شد، مانند صیفی، پنبه و حبوبات، پس از برداشت محصول، نخست بذر آن را از کل محصول برداشته، از آنچه باقی می‌ماند، ۴۰٪ سهم دهقانان بئنه و ۶۰٪ آن به مالک تعلق می‌گرفت. تهیه آب، زمین و نیروی شخم از سوی ارباب و تهیه نیروی کار و مخارج به عهده دهقانان بود. در اکثر روستاهای اربابی، هزینه صیفی با دهقانان و کود با ارباب بود و فروش محصول صیفی نصف می‌شد.

طرز تقسیم محصولات شتوی (گندم و جو) پیچیده‌تر از محصول بهاره بود. برای تقسیم گندم و جو، ابتداء از کل محصول ۱۰٪ آن را ارباب به‌عنوان مخارج و ۱۰٪ را دهقانان به‌عنوان جمع‌کشی (مخارجی که برای جمع و ضبط کردن خرمن در نظر گرفته می‌شد) برمی‌داشتند؛ سپس از بقیه محصول، سهم نجار، آهنگر، بوجاری، دشتبانی، چوپانی و امثال آن کسر می‌شد و بقیه به ۴ قسمت تقسیم می‌شد: ۳ قسمت متعلق به ارباب و یک قسمت متعلق به دهقانان بود.

بوجاری (غربال کردن گندم و جو) و جمع‌کشی و ارفاقهایی از این قبیل، مجدداً به یک‌چهارم سهم زارعان افزوده و مجموعه آن به تعداد زارعان بئنه تقسیم و سهم هر زارع مشخص می‌شد. در روستاهایی که گاو بند داشتند، تهیه بذر و انجام شخم به عهده گاو بندان بود که از این بابت دارای سهمی نیز بودند. در گاو بند، زارعان سهام خود را

حکایت از آن دارد که گروهها کمتر در فعالیتهای یکدیگر دخالت می‌کردند.

وظایف و فعالیتهای سر بئنه

بسیاری از پژوهشگران وظایف و فعالیتهای سر بئنه را تا حدود ۲۰ وظیفه برشمرده‌اند که تعدادی از آنها عبارتند از:

- تعیین حدود اراضی واحد کار زراعی، از طریق قرعه‌کشی در جمع سر بئنه‌ها؛
- حل و فصل امور آبیاری و تنظیم نوبت آبیاری در مدار گردش آب و توزیع آب بین زمینها؛
- تنظیم امور جاری بئنه و نظارت بر کار اعضا؛
- تعیین محل کشت محصولات مختلف و رسیدگی به اراضی پراکنده متعلق به بئنه؛
- بذرپاشی، نظارت بر درو، نظارت بر کوبیدن خرمن، برداشت محصول، رسیدگی به امور محصولات تابستانه (صیفی)؛ و
- انتخاب و یا اخراج اعضاء بئنه.

وظایف مربوط به «ور بئنه»، دُم آبیاران

اهم وظایف این گروه به شرح زیر است:

- آبیاری اراضی و کمک به آبیاران در مواقع لازم؛
- مرزکشی، مرزبندی، گوشه‌بندی، کلدُرکشی، بار کردن خاک و کود و پخش کود در زمین؛
- صیفی‌کاری، تخمه‌زنی صیفی و پنبه، چیدن محصول و پُر کردن صندوقهای صیفی و وجین پنبه یا صیفی؛ و
- پاک کردن گندم از طریق باد دادن، بوجاری و جمع‌آوری ته خرمن.

وظایف مربوط به قشر برزگران

- تیمار حیوانات شخمی، شخم‌زنی، کودکشی، خاک‌کشی و ماله‌کشی؛
- جلوگیری از هدر رفتن آب در طول انهار، کمک به آبیار و دُم‌ویار به هنگام آبیاری؛
- علف‌چینی، پشته‌کشی و غربال کردن گندم؛
- بوته‌بری صیفی، وجین پنبه و صیفی؛ و

واحد(های) سنتی تولید جمعی

در اختیار داشت، ابزار کار و گاوکار بهنگام بُنه‌بندی قرعه‌کشی می‌شد، ولی اگر هر واحد تولید زراعی دارای چند خرده گاویند بود، در این صورت برای ابزار کار و گاو شخمی بُنه، قرعه‌کشی صورت نمی‌گرفت، زیرا هر خرده‌گاویندی دارای یک جفت گاو و یا یک فرد گاو بود که قابل تعویض با گاو دیگری نبود. در این گونه واحدهای تولیدی، بُنه‌بندی هر ساله تجدید می‌شد، زیرا امکان داشت خرده‌گاویندی گاو شخمی خود را از دست بدهد و قادر به تأمین نیروی شخم نباشد. در این صورت یا حق گاویندی خود را می‌فروخت و یا شخص دیگری تأمین نیروی شخم بُنه را قبول می‌کرد.

تقسیم محصول در این واحدهای تولید زراعی به گونه‌ای بود که سهم مالک و گاویند از محصولات غلات به تساوی تقسیم می‌شد. در صیفی ۴۵٪ سهم مالک و ۵۵٪ سهم گاویند بود؛ به این معنی که در محصول صیفی پس از فروش محصول، از بهای آن ۱۰٪ بابت حق گاو و کود به گاویند تعلق می‌گرفت و بقیه به‌طور مساوی، میان مالک و گاویند تقسیم می‌شد.

به این ترتیب، تقسیم محصول در واحدهای تولید جمعی با نوع محصول ارتباط داشت. به سخن دیگر، نحوه تقسیم گندم، جو با چغندر قند و یا خربزه و هندوانه تفاوت می‌کرد.

تحولات واحدهای تولید جمعی

پس از اصلاحات ارضی، سازمان تولید ده که اغلب به صورت واحدهای کار دسته‌جمعی (بُنه، حراثه، صحرا) و تحت مدیریت مالک قرار داشت، دستخوش تغییر گردید. تقسیم اراضی که بر مبنای نسق‌بندی صورت گرفت، موجب پیدایش تعداد بیشماری واحدهای کوچک بهره‌برداری شد که علاوه بر کمی مساحت، به افزایش تعداد قطعات مورد بهره‌برداری نیز انجامید. در حال حاضر، در میان بهره‌برداران دهقانی تغییراتی از نظر اداره امور مزرعه به چشم می‌خورد؛ به این معنی که نوعی بهره‌برداری گروهی به شکل جدید پدیدار شده است که در آن دهقانان به تشکیل گروههای هم‌آب مبادرت کرده‌اند. گروه هم‌آب

از گاویندان دریافت می‌داشتند. البته تأمین نیروی کار به عهده گاویندان بود. گاویندان از محصولات بهاره ۱۰٪ از کل فروش را به عنوان مخارج شخم از مجموع محصول برمی‌داشتند و در مقابل، مجبور بودند که کار شخم را برعهده گیرند.

این تقسیم محصول قطعی نبود، زیرا پس از تقسیم اولیه، عوامل دیگری نیز در این کار دخالت داشتند. در واقع، چگونگی تقسیم محصول بدون در نظر گرفتن مخارجی، نظیر خرج صحرا، مخارج دروگر، بذر، شخم، حمای، سلمانی، آهنگر، نجار، چوپان، روضه‌خوان، دشتبان (← دشتبان)، پاداش آبیاری و... بود. سهمی که برای این اقشار در نظر گرفته می‌شد، قاعده مشخصی نداشت و در هر روستا به گونه خاصی عمل می‌شد.

انواع واحدهای تولید جمعی

معمولاً ۲ نوع واحد تولید جمعی از یکدیگر قابل تشخیص و تمیز است. واحد تولید جمعی که ارباب در رأس آن قرار می‌گرفت و کلیه فعالیتها، تقسیم کار و تعیین اقشار روستایی برای مشارکت در واحد تولیدی زیر نظر مستقیم او یا مباشر او انجام می‌گرفت. این نوع واحد تولید جمعی به بُنه اربابی موسوم بود. نوع دیگری از این واحدها، بُنه گاویندی خوانده می‌شد.

بُنه گاویندی نوعی واحد تولید جمعی بود که در آن، مالک زمین و آب موجود در ده را به شراکت می‌گذارد و فرد دیگری با اجازه و موافقت مالک، تهیه عوامل منقول بُنه را تعهد و کشت و زرع واحد تولیدی را سرپرستی می‌کرد. بدینسان، در زمان تقسیم محصول به نسبت عواملی که در اختیار و یا تهیه کرده بود، سهم می‌برد. به سخن دیگر، واحد تولید جمعی که کلیه عوامل پنجگانه آن در اختیار یک نفر قرار داشت، بُنه اربابی، ولی اگر ۲ عامل غیرمنقول (زمین و آب) در تملک مالک و ۳ عامل منقول دیگر در اختیار فرد دیگری قرار داشت، بُنه گاویندی نامیده می‌شد.

بُنه‌های اربابی با بُنه‌های گاویندی تفاوتها و نیز مشابهتهایی داشتند. قرعه‌کشی زمین و آب از زمره شباهتهای آنها بود. اگر گاویندی چند واحد تولید جمعی را

فروپاشی بئنه ایجاد شده است، کشت اراضی توسط دهقانان پیشرو است؛ به این معنی که با توجه به بالا بودن سن کشاورزان، کمبود زمین و در نتیجه پائین بودن میزان درآمد که منجر به روی آوردن دهقانان به مشاغل دیگر می‌شود، گروهی از دهقانان - معمولاً (دهقانان مرفه‌الحال) - که اراضی وسیعی دارند، زمین سایر دهقانان را به صورت یکپارچه به زیر کشت می‌برند.

به‌هرحال، شکل غالب بهره‌برداری در حال حاضر، به‌دنبال با فروپاشی واحدهای تولید جمعی، بهره‌برداری خانوادگی است.

دیدگاه‌هایی پیرامون فعالیت‌های جمعی

بررسی ادبیات مربوط به جامعه روستایی حاکی از طرح نقطه‌نظرهایی پیرامون فعالیت‌های جمعی روستاییان در زمینه‌های مختلف تولید کشاورزی است که از آنها تحت عناوین همکاری، همیاری، دیگریاری، خودیاری و تعاون سنتی بئنه یاد می‌شود. در این زمینه، لمبتون معتقد است، دهقانان در فن همکاری، مانند مالکان و دیگر طبقات ایران، ناآزموده و بی‌تجربه‌اند. به نظر او، وجود روحیه تقدیرگرایی در میان دهقانان با فعالیت‌های مؤثر و جمعی سازگاری ندارد. فرانسیسکو بنت با مطالعه درباره‌ی نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس معتقد است، تعاون اقتصادی میان روستاها به‌طور کلی وجود ندارد، بنت به نوعی درون‌گرایی روستایی مبتنی بر ارتباطات قبیله‌ای در روستاهای ایران اشاره می‌کند که آنها را از همکاری و تعاون اقتصادی بازمی‌دارد.

خسروی با نادرست دانستن طرح روحیه فردگرایی برای دهقانان ایرانی، معتقد است که وضع خاص زراعت در ایران و مشکل آب و نحوه استفاده از آن، کار در واحدهای تولید جمعی، مانند بئنه را ایجاب کرده است. به نظر وی، مشکل کم‌آبی و نیز شوری خاک و وابستگی به شبکه آبیاری و به‌خصوص دشواری نحوه تقسیم آب در روستاهای ایران، انگیزه پدید آمدن نوعی همکاری و تعاون و روابط مردمسالارانه در واحدهای زراعی بین کشاورزان شده است. نقش و تأثیر کمی آب بر فعالیت‌های جمعی

عبارت است از تعدادی زارعان که در هر گردش آب ۲۴ ساعت حقاچه دارند و مشترکاً امور مربوط به آبیاری اراضی خود را انجام می‌دهند. در این شکل، اراضی تحدید شده، اما زارعانی که حداقل یک یا ۲ قطعه زمینشان در مجاورت یکدیگر قرار دارد و یا با هم نسبت خویشاوندی و همسایگی دارند، تشکیل چنین گروه‌هایی را می‌دهند. در برخی از نقاط، زارعان با تشکیل گروه‌های هم‌آب و تعویض و یا معاوضه قطعات خود، به یکپارچه کردن اراضی در داخل نسق خود مبادرت کرده‌اند. ایجاد شورای آبیاری که از سران گروه‌های هم‌آب تشکیل می‌شود را می‌توان معادل شورای سربئنه‌ها در نظام بئنه‌بندی سنتی در گذشته تلقی کرد؛ با این تفاوت که سرآبیاران حالت انتخابی دارند و از سوی دهقانان هر گروه هم‌آب انتخاب می‌شوند و دیگر منصوب مالک و یا مباشر نیستند (← گروه‌های هم‌آب).

شکل دیگری از بهره‌برداری در میان بهره‌برداران دهقانی وجود دارد که می‌توان آن را به کشت گروهی تعبیر کرد. مطابق این شکل، کلیه بهره‌برداران در واحدهای تولید جمعی، امور کاشت، داشت و برداشت را مشترکاً انجام می‌دهند. این گروه‌های تولید جمعی نظم و مقرراتی دارند، به این معنی که گروه، حق پذیرش عضو جدید را به‌موجب توافق قبلی دارد. کسی که می‌خواهد داخل گروه شود، باید قبلاً از سرگروه اجازه بگیرد و اگر سایر اعضا نیز موافقت کنند، آنگاه می‌تواند با زمین خود به جمع اعضای گروه بپیوندد. طرز کار گروه به این ترتیب است که پس از تشکیل جلسه بحث و مشاوره برای کاشت یا برداشت و تصمیم به آغاز کار و تقسیم مسئولیت، جمع‌آوری پول و تأمین بودجه گروه، هر کس مقدار بذر سهمی خود را به گروه تحویل می‌دهد. در محصولات شتوی بستن زمین، کرت‌بندی و درو کردن را دسته‌جمعی انجام می‌دهند. مردان گروه درو می‌کنند و زنان آن را بسته‌بندی می‌کنند. در صیفی، زنان گروه به‌طور دسته‌جمعی و جین می‌کنند و دسته‌جمعی می‌چینند و بازاریابی به عهده سرگروه است. بعد از فروش و کسر مخارج، باقی‌مانده مابین افراد گروه تقسیم می‌شود. یکی دیگر از تغییراتی که در شیوه تولید دهقانی پس از

مرز این همیاری و تعاون را تحت تأثیر عوامل خویشاوندی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌دانند و در سطوح فراتر از آن، جامعه روستایی را غیرمشارکتی می‌دانند. به نظر این گروه، ویژگیهای شخصیتی و نوعی خاص‌گرایی که متأثر از ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی است، در این امر دخالت دارد. آن چنان‌که شواهد تاریخی و تجربی در خصوص بُنه‌ها به‌عنوان واحدهای تولید جمعی نشان می‌دهد، عامل خویشاوندی از عوامل پایداری و دوام این نوع واحدها، حتی در نوع جدید خود، یعنی مشاعهای روستایی بوده است. غفاری در روستاهای حاشیه کویر بر این نکته اشاره دارد که هر طاق آب که به نوعی تشکیل یک بُنه آبی را می‌دهد به نام طایفه نامگذاری شده است و اعضای آنها با یکدیگر نسبت خویشاوندی دارند.

به‌طورکلی، نقطه‌نظرهای موجود دربارهٔ چگونگی مشارکت جمعی، به‌ویژه در واحدهای تولیدی سنتی را می‌توان به ۳ گروه تقسیم‌بندی کرد:

• کسانی که معتقدند روستاییان تمایلی نسبت به کنش و فعالیت جمعی ندارند و روحیه تک‌روی و تفرّدجویی بر آنها غالب است و برآیند آن، عدم استقبال از فعالیتهای اجتماعی و تولیدی است؛

• صاحب‌نظرانی که برخلاف دسته اول معتقدند، دهقانان ایرانی با روحیه تعاون و جمع‌گرایی، در فعالیتهای مختلف اجتماعی، تولیدی، اقتصادی، فرهنگی و روانی با یکدیگر همیاری و دیگریاری دارند؛ و

• کسانی که به دیدگاه اول چندان توجهی ندارند و درعین حال، دیدگاه دوم، یعنی جمع‌گرا و مشارکتی بودن روستاییان را رد نمی‌کنند، ولی برای آن سطحی قائل می‌شوند؛ بدین معنا که معتقدند، روستاییان در سطح و عرصه خاصی از نظام اجتماعی مشارکتی هستند. به نظر این گروه، مشارکت اعم از اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی، تا سطح خانواده، طایفه و قبیله جریان پیدا می‌کند، ولی به سطوح فراتر از آن ارتقاء نمی‌یابد.

جامعه روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ش که کمتر با پیامدهای توسعه مواجه بود و در قالب نظام ارباب-رعیتی اداره می‌شد، نوعی الگوی مشارکت

روستاییان مورد توجه دیگر صاحب‌نظران، از جمله اشرف نیز قرار گرفته است. اشرف عنوان می‌کند که در مناطق خشک و حاشیه کویر، کار آبیاری و زراعت دشوار بوده و برای بهره‌کشی از رعایا، نسق زراعی ده را برحسب وسعت اراضی و جمعیت روستا، به چند واحد مساوی تقسیم و هر کدام را زیر نظر کدخدا، به یکی از افراد توانای آن جمع واگذار می‌کردند. این واحدها به نامهای محلی بُنه، صحرا، پاگاو، طاق، حراثه و مانند آن خوانده شده‌اند (← پاگاو).

کاتوزیان نیز عقیده دارد، کمیابی آب موجب همکاری میان زارعان برای ساخت و نگهداری قنات یا کاریز و نیز توزیع آب شده است. به نظر او، استحکام بُنه که شیوه و روش سنتی تولید جمعی بود، زیر تأثیر چگونگی وضعیت آب و خشکی بوده است. او می‌نویسد، هرچه ناحیه خشک‌تر بود، بُنه قدرتمندتر و احتمال پراکندگی متصرفات دهقانان بیشتر بود.

کاظم ودیعی از کولکیتویزم روستایی نام می‌برد و عنوان می‌کند، اشتراک مساعی، خودیاری و تعاون اجتماعی از مظاهر بارز هر روستای ایرانی است. این پدیده ناشی از شرایط طبیعی و مظهر نبرد با طبیعت و اساساً برای جبران عدم مساعدتهای طبیعت و ضعف فنون بوده است. مرتضی فرهادی نیز از وجود روحیه مشارکتی و تعاون‌گرایی در اشکال مختلف همیاری و یاری‌گری در میان روستاییان دفاع می‌کند. مهدی طالب معتقد است، امر مشارکت، مدیریت و مالکیت واحدهای بهره‌برداری، به‌رغم وجود زمینه‌های مختلف همیاری (مثل همکاری در لایروبی انهار و قنات، کار گروهی و معاضدت در نشاء کاری و وجین کردن) ضعیف است. وی معتقد است، شیوه‌های همیاری موجود در جوامع روستایی نشانگر مشارکت میان گروههای خاص، مثل گروه خویشاوندی و همسایگی است، حال آنکه مشارکت در امور عمومی مربوط به توسعه یا سازماندهی مردمی، بدون دخالت قدرت موجود (مالک و بعد دولت)، مسبق به سابقه نیست.

گروه دیگری از پژوهشگران، مشارکتی بودن جامعه روستایی را رد نمی‌کنند و وجود گونه‌های متعدد همیاری و تعاون را در اشکال تولیدی آن تأیید می‌کنند، اما محدوده و

واحد همسایگی

- ۱۳۷۶ - کاتوزیان، محمدعلی. *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۶۸.
- ۱۳۶۸ - لمبتون ا. اس. ک. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۳۶۲ - ملک، حسین. *وضع کشاورزی ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، پلی کپی، ۱۳۵۴.
- ۱۳۶۶ - نبت، فرانسیسکو. «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۳۷۹ - نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کلمه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۳۶۶ - وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
- ۱۳۴۸ - ودیعی، کاظم. *مقدمه‌ای بر روستا شناسی ایران*. تهران: موسسه تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.

مصطفی ازکیا

خودانگیزه نسبتاً فراگیر را در سطح واحدهای تولیدی خانوار و جمعی در خود داشت. در دوره پس از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) که ساختار جامعه روستایی دستخوش دگرگونی شد و حضور دولت در جامعه روستایی گسترش و تعمیق یافت، الگوی مشارکت خود انگیخته که تبلور آن در واحدهای تولید جمعی قابل رؤیت است، اهمیت خود را از دست داد و روستاها با نوعی الگوی ضد مشارکتی مواجه شدند. در این دوره، الگوی سنتی مشارکت نه تنها نادیده گرفته می‌شد، بلکه برنامه‌های توسعه‌ای جدید نیز با آن در تعارض قرار داشت. فروپاشی بینه‌ها به عنوان واحدهای تولید جمعی، می‌تواند شاهدهی برای نابودی واحدهای مشارکتی سنتی باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در جامعه روستایی تقریباً مشارکتهای جمعی خودانگیزه در میان روستاییان مجدداً احیاء می‌شوند و تلاش می‌گردد که با بهره‌گیری از شیوه‌های جمعی تولید سنتی، شیوه‌های مشارکتی جدید در امر تولید کشاورزی تعریف شود.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. *توسعه روستایی یا تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ازکیا، مصطفی و نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی بینه‌بندی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی پلی کپی، ۱۳۵۲.
- ازکیا، مصطفی. «آبیاری در واحدهای کار زراعی در فردیس»، *نامه علوم اجتماعی*. دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۵۵.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- ازکیا، مصطفی. *حاجی‌آباد، دهکده‌ای از بیرجند*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پلی کپی، ۱۳۴۸.
- اشرف، احمد. «دهقانان، زمین و انقلاب»، *مجموعه کتاب آگاه، مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: آگاه، ۱۳۶۱.
- خسروی، خسرو. «آبیاری و جامعه روستایی ایران»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: پیام، ۱۳۵۸.
- صفی‌نژاد، جواد. *بینه، نظامهای زراعی سنتی در ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران،

واحد همسایگی

Neighborhood

واحد همسایگی یک مفهوم اجتماعی- شهری است که به کوچک‌ترین حوزه مسکونی در تقسیمات داخلی شهر اطلاق می‌شود (← محله شهری).

هر واحد همسایگی بخشی از یک محله مسکونی است و اصطلاح زیرمحله مناسب‌ترین مفهوم برای واحد همسایگی است. معمولاً ۳ تا ۵ واحد همسایگی و در بهترین حالت ۴ واحد همسایگی یک محله را تشکیل می‌دهند. از نظر اجتماعی، واحد همسایگی شامل مردمی است که در یک مجتمع زیستی در شهرها زندگی می‌کنند و در برخوردها و رویارویی روزانه و در برخی امور با یکدیگر مشارکت دارند.

در زبان فارسی می‌توان با اندکی مسامحه، واحد همسایگی را کوی نامید، و واحدهای کوچک‌تر از آن را که معمولاً با عنوان زیرواحد همسایگی نام می‌برند، کوچه به

وضعیت از یک اجتماع هم‌پیوند با روابط نخستین فامیلی را در رابطه با جامعه (Gesellschaft) در چارچوب شهرگرایی تحلیل می‌کند و معتقد است، زندگی شهرنشینی مستلزم جدایی بین خانه و محل کار و نوع زندگی است. زندگی در شهرها با جمعیت متنوع و بزرگ و مهاجرین بیگانه‌گریزناپذیر است.

مهاجران شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ، با مسائل اجتماعی و روانی خاصی دست به‌گریبان هستند؛ در شهرها همبستگی فامیلی و قومی به‌تدریج رو به افول می‌گذارد. برای جبران این کمبود اجتماعی، روابط همسایگی جایگزین مناسبات نخستین میان افراد ساکن در یک محل می‌گردد. شرط برقراری این روابط، همگنی اقتصادی و مذهبی افراد جامعه بود. بنابراین، در شهرها واحدهای نسبتاً متوازی از ساکنین محلی پدید آمد که اساس دوام آن بر پایه حس همسایگی بود.

اسکان جماعت‌های روستایی و شهرستانی در شهرهای بزرگ ایران نیز از همین فرایند گذر کرده، ولی هنوز به وضعیت نهایی غربت یا بیگانگی نرسیده است، هرچند جامعه شهری ایران دستخوش دوگانگی یا چندگانگی فرهنگی و اجتماعی شده است. این چندگانگی باعث جدایی‌گزینی شده، به‌طوری‌که ساکنان برحسب درآمد و اشتغال، هرکدام در بخشی از شهر سکونت می‌گزینند. در فرایند شهرنشینی مدرن، واحد همسایگی، محل زندگی گروهی از مردم است، که از نظر درآمد و اشتغال نسبتاً همگن باشند. از نظر جامعه‌شناسان شهری، واحد همسایگی یک واقعیت بوم‌شناختی و کالبدی در شهرهای صنعتی است. شکل‌گیری واحد همسایگی در شهرهای مدرن، فرایند تشکیل و رشد شهرهای نوین صنعتی را توضیح می‌دهد. حاشیه‌نشینی قومی و توسعه‌های بی‌رویه پیرامون شهرهای بزرگ نوع نامتوازن این فرایند را نشان می‌دهد. اقامت جماعت‌های مهاجر در مجموعه‌های زیستی خودانگیخته شهرها، اشکال گوناگونی دارد؛ سالم‌ترین آن اسکان یک جماعت همگن قومی - مذهبی است که اصطلاحاً هم‌ولایتی خوانده می‌شوند. این جماعت‌های قومی علی‌رغم زندگی در شهر بزرگ، پیوندهای قومی،

معنای کوی‌چه یا کوی کوچک تلقی کرد. اهالی ساکن در یک کوچه در عمل با یکدیگر احساس همسایگی و آشنایی دارند، در خوشی و ناخوشی یکدیگر شریک هستند و بهنگام ضرورت، با یکدیگر همیاری می‌کنند. مفهوم واحد همسایگی از یکسو به معنای جمع شدن گروهی از مردم در محلی است که استفاده از برخی خدمات عمومی و امکانات رفاهی را تسهیل می‌کند، و از سوی دیگر، متضمن نوعی ارتباط اجتماعی است، به‌طوری‌که روح همسایگی و همیاری را تقویت کند. بنابراین، الگوی واحد همسایگی مجموعه یا ترکیه‌هایی از واحد مسکونی است، که مبنای طراحی و برنامه‌ریزی شهری و تنظیم فضاهای عمومی و شبکه ارتباطی است.

شهرهای سنتی ایران در گذشته از محله‌های مختلف مسکونی تشکیل می‌شدند؛ هر محله چند زیرمحله داشت، که بدان کوی می‌گفتند. کوی منسجم‌ترین واحد اجتماعی شهر بشمار می‌رفت و افراد آن مانند یک کمون، خاندان بزرگی بشمار می‌رفتند؛ و با یکدیگر همبستگی خویشاوندی و گاهی قومی داشتند و به‌شدت به یکدیگر وابسته بودند، به‌طوری‌که برای بسیاری از افراد محله تغییر محل زندگی از یک کوی به کوی دیگر بسیار دشوار بود و به‌واسطه وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی، بهنگام جدا شدن از محل زندگی خود احساس غربت و بیگانگی می‌کردند.

زمینه جامعه‌شناختی واحد همسایگی

پس از انقلاب صنعتی، در سده‌های ۱۹ و ۲۰م، به‌علت جابه‌جایی وسیع افراد و مهاجرت گسترده جمعیت‌های روستایی به شهرها، محیط‌های زندگی مردم، چه از نظر اجتماعی و چه از منظر کالبدی، دگرگون گردید. در شهرهای صنعتی و یا به زبان امروز، شهرهای مدرن جامعه شهری (برخلاف جامعه سنتی) از گروه‌های گوناگون مردمان مهاجر تشکیل می‌شدند که از نظر زبان، قومیت و مذهب با یکدیگر تفاوت داشتند. اهالی یک محل فقط از نظر شغل و درآمد همگن بودند.

فردینالد تونایس، جامعه‌شناس آلمانی، این تغییر

واحد همسایگی

کافی بزرگ باشد تا نسبتاً بتواند مستقل باشد. واحد همسایگی در شهرکها فضایی است به شعاع ۴۰۰ متر که در بین ۴ خیابان اصلی، که اصطلاحاً آن را بلوک شهری می‌نامند، قرار می‌گیرد.

واحد همسایگی در شهرسازی، به صورت یک الگوی پایه از یک مجتمع زیستی معرفی می‌شود، که از ۳ عنصر مهم تشکیل یافته است:



- تعداد واحد مسکونی به اشکال خانه‌های ویلایی یا آپارتمانی؛
 - تعداد واحد خدمات آموزشی، ورزشی، تفریحی و خرید؛ و
 - شبکه خیابانهای دسترسی به واحدهای مسکونی.
- نیازهای کاملاً محلی و روزمره یک مجتمع زیستی کوچک یعنی یک واحد همسایگی متشکل از ۴ عملکرد مهم است:
- یک مدرسه ابتدایی، همراه با کودکان و مهد کودک و ایسته بدان؛
 - یک پارک کوچک و زمین بازی برای کودکان و نوجوانان محل؛ و

خویشاوندی و همیاری را در میان خود برقرار نگاه داشته‌اند. تحلیل‌گران رفتارهای اجتماعی معتقدند که پیوندهای صمیمی همسایگی برای سلامت افراد جامعه ضرورت حیاتی دارد.

واحد همسایگی در جامعه‌شناسی بر چند معنی زیر دلالت دارد: حوزه کوچک مسکونی؛ ساکنان آن حوزه؛ روابطی که میان ساکنان وجود دارد؛ واقعیت یا کیفیت نزدیکی آنان به یکدیگر.

براین اساس می‌توان گفت: واحد همسایگی عبارت است از یک حوزه مسکونی کوچک که ساکنان آن با یکدیگر روابط نزدیکی داشته و در استفاده از فضا منافع مشترک دارند.

زمینه شهرسازی واحد همسایگی

کلارنس پری انگاره واحد همسایگی را از ۱۹۲۰م، در چارچوب طرح جامع شهر نیویورک معرفی، و ضوابط آن را در تهیه طرح اعمال کرد. سپس (تقریباً در همان زمان) یک معمار شهرساز به نام کلارنس استاین و همکارش، این انگاره را به بهترین وجه در طرح یک مجتمع زیستی حومه‌ای به نام «ردبرن» (Radburn) (در ۱۶ مایلی شهر نیویورک) طراحی نمودند. این شهرک جمعیتی حدود ۲۵،۰۰۰ نفر داشت و از ۳ واحد همسایگی تشکیل می‌شد، که هر یک حدود ۸،۰۰۰ نفر جمعیت داشت. انگاره واحد همسایگی، چه از نظر برنامه‌ریزی و چه از نظر طراحی، یک نوآوری در شهرسازی بشمار می‌رفت و در تمام سده ۲۰م در طرحهای شهری اعمال می‌گردید.

اندازه واحد همسایگی

اندازه واحد همسایگی براساس نظریه پری یک مجتمع زیستی است، متشکل از ۲،۰۰۰-۵،۰۰۰ نفر جمعیت با ۵۰۰-۱۲۰۰ واحد مسکونی، که در عرصه‌ای به شعاع ۴۰۰ متر با وسعتی حدود ۵۰ هکتار و با تراکم بین ۵۰-۱۰۰ نفر در هر هکتار امکان می‌یابد. همان‌طور که جامعه‌شناسان گفته‌اند، اندازه واحد همسایگی باید به قدر کافی کوچک باشد تا روح همسایگی را تقویت کند و همچنین به اندازه

واحد همسایگی

ناحیه شهری بشمار می‌رود. واحد همسایگی را می‌توان شبیه دهکده‌ای دانست که در یک واحد بزرگ‌تر، مانند دهستان و یا بخش قرار می‌گیرد، چنان‌که گویی شهر متشکل از تعداد متعددی ده و دهستان و بخش است که به‌صورت فشرده به یکدیگر متصل شده‌اند.

نظام واحد همسایگی در ۱۹۴۳م در طرح لندن ۲۰۰۰ ملاک برنامه‌ریزی و طراحی شهری شهر لندن قرار گرفت. در این طرح اندازه جمعیت هر واحد همسایگی ۶،۰۰۰-۱۰،۰۰۰ نفر تعیین و پایه برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت.

در ایران مفهوم واحد همسایگی با طرح جامع تهران در ۱۳۴۹ش به‌طور رسمی وارد طرح‌های شهری ایران شد. در نخستین طرح جامع تهران، هر واحد همسایگی یک مجتمع زیستی متشکل از ۱،۰۰۰ خانوار یا ۴-۵ هزار نفر جمعیت پیشنهاد شده بود. این جمعیت در فضایی به شعاع ۵۰۰ متر با وسعتی حدود ۷۵ هکتار اسکان می‌یافت. این معیار بعد از طرح جامع تهران، در تمام طرح‌های جامع شهری ایران ملاک عمل قرار گرفت و مبنای برنامه‌ریزی و طراحی نواحی مسکونی در شهرها به‌حساب آمد.

بعد از انقلاب اسلامی و بهنگام تهیه طرح‌های آماده‌سازی، وزارت مسکن و شهرسازی تعریف خاصی برای واحد همسایگی به‌دست داد که بیشتر با اندازه زیر واحد همسایگی یا کوچه انطباق داشت و واحد همجواری نام گرفته بود. واحد همجواری مجموعه‌ای مسکونی حداکثر ۲۰۰ واحد برای اراضی تا ۵۰ هکتار و ۳۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۵۰-۱۵۰ هکتار و ۴۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۱۵۰ هکتار تعریف شد.

شبکه خیابانهای داخلی یک واحد همسایگی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که مسیر ترافیک عبوری آنها مسدود گردد، اما دسترسی محلی امکان‌پذیر باشد. در برخی از واحدهای همسایگی خارج از شهرها در حومه‌ها به‌خصوص در شهرکهای ثروتمند نشین، مانند روبرن نزدیک نیویورک یا شهرک جدید کلمبیا در نزدیکی واشینگتن، شبکه ارتباطی سواره و پیاده از یکدیگر کاملاً جدا طراحی شده‌اند. خانه‌ها از یکسو با شبکه سواره و از سوی دیگر (از سمت حیاطها)، به مسیرهای سبز پیاده (باغراه) متصل می‌شوند که

• تعدادی مغازه تأمین خدمات روزمره مواد غذایی و خشکشویی.

در الگوی نخستین واحدهای همسایگی، این مراکز خدماتی، جمعاً در مرکز واحد همسایگی مستقر می‌شدند تا از مزاحمت اتومبیل در خیابانهای اصلی در امان باشند. فاصله دسترسی به این مراکز از منتهی‌الیه واحد همسایگی ۴۰۰-۵۰۰ متر در نظر گرفته می‌شد، تا کودکان و کهنسالان با پای پیاده آن را به مدت ۱۰-۱۵ دقیقه طی نمایند و زنان خانه‌دار نیز بدون دغدغه با پیاده‌روی از خانه به مرکز خرید رفته و اجناس مورد نیاز خود را تهیه کنند. بنابراین، در طراحی واحد همسایگی مهم‌ترین هدف ایمنی ساکنان در رفت‌وآمد و امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری آنهاست. شبکه داخلی خیابانها برای سرعت کم و حرکت آرام اتومبیل طراحی می‌شود؛ در محل تقاطع خیابانها و محل عبور عابرین پیاده عرض خیابانها کاهش می‌یابد تا اتومبیلها گذر پیادگان را مراعات کنند؛ رانندگان محلی نیز به خاطر حس همسایگی این مقررات را با رضایت رعایت می‌نمایند. واحد همسایگی به ۳ گونه پیدایش یافته‌اند:

• یکی، در درون شهرها، در چارچوب خیابانهای اصلی در داخلی بافت شهرها؛

• دوم، در بلوکها طراحی شده سکونتگاههای حومه‌ای جدید، در شهرکها و شهرهای جدید؛ و

• سوم، در قطعات خودروی شهری که سامان و نظم خاصی ندارند.

در برنامه‌ریزی و طراحی شهری (← طراحی شهری)، هنگام ساماندهی ساختارها و توزیع عملکردها، واحد همسایگی و محله را مبنای کار قرار می‌دهند. واحد همسایگی به‌عنوان کوچک‌ترین واحد برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهر)، مبنای محاسبات در تأمین خدمات عمومی و ساماندهی شبکه حمل‌ونقل و تراکم جمعیت و تراکم ساختمان قرار می‌گیرد. علاوه‌بر نیازهای خدماتی، سامانه‌های دسترسی و شبکه حمل‌ونقل مناسب و ایمن از نیازهای اساسی واحد همسایگی است.

واحد همسایگی در نظام سلسله مراتب اداری و سیاسی شهر جایگاهی ندارد و جزو نهاد بزرگ‌تری به نام محله و

مراکز خدماتی در واحدهای بزرگ‌تر از مقیاس واحد همسایگی مطلوبیت و کارایی بیشتری دارند. مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان برحسب اتفاق هر جا که زمین قابل تملک وجود داشته باشد، احداث می‌گردند و کمتر چنین موقعیتی در درون و به‌خصوص در مرکز واحدهای همسایگی (در بافت شهرها) برای کاربری آموزشی به دست می‌آید. بنابراین، واحد همسایگی در شهرهای ایران بیشتر گرایش به سمت محله وجود دارد.

خیابان در شهرهای ایران نقش اجتماعی و اقتصادی مهمی دارد و همه چیز مایل به استقرار در کنار آن است؛ آپارتمانها، مغازه‌ها، پارکها و انواع مراکز خرید و خدمات در بر خیابانها از رونق بیشتری برخوردارند. این خیابانها در پائین‌ترین مقیاس شهری نقش گذر در محلات قدیمی را دارند، که تمام عناصر عمومی و خدماتی و بازارچه محله در امتداد آن مستقر بود و همگان به یکسان بدان دسترسی داشتند. در شهرهای امروز ایران، تحت تأثیر اتومبیل، مقیاس محلات نیز بزرگ‌تر شده و تا حد یک ناحیه شهری بزرگ شده‌اند، مانند ناحیه مسکونی نارمک و یا گیشا در شهر تهران که واحدهای همسایگی آنها در حول خیابان اصلی آن مستقر شده و تمامی واحدهای خدماتی و مغازه‌ها در امتداد خیابان مرکزی یا گذر اصلی آن جمع شده‌اند. این الگو نمونه پرنشاطی را نشان می‌دهد، زیرا خیابانهای محله علاوه بر مرکز خرید به محل گردشگاه عصر مردم نیز تبدیل شده است.

یکی از موضوعات اساسی در شهرسازی، ساختن سکونتگاههای جدید روی زمین خالی در حومه شهرهاست، که در ایران به شهرک‌سازی معروف شده است. این شهرکها عموماً بر پایه نظام سلسله مراتبی، کوی، محله و بخش (یا فاز) ساخته می‌شوند. حتی در برنامه‌ریزی آنها نیز مسائلی چون زمان‌بندی ساخت، طراحی کالبدی (← طراحی کالبدی) و سرمایه‌گذاری نیز با این تقسیم‌بندی تطبیق داده می‌شود.

در سیاستهای بازسازی، بافتهای قدیمی و فرسوده شهرها نیز همین چالشها وجود دارد، زیرا تلاش می‌شود، محله‌های قدیمی شهرها در چارچوب این تقسیم‌بندی

مستقیماً به مراکز خرید و مدرسه محل دسترسی دارند. بدین ترتیب، پیادگان و اتومبیلها در این شهرکها به‌هیچ‌وجه با همدیگر تلاقی نمی‌کنند. این نوع واحد همسایگی بسیار آرام و بی‌سروصدا، و به همان اندازه برای جوانان و نوجوانان کسالت‌آور است. شبیه این نوع واحدهای همسایگی در ایران در نواحی شمال ایران ساخته شده است، مانند شهرک توریستی دریاکنار در بابلسر.

در دهه ۱۹۷۰م، در الگوی واحد همسایگی و اندازه شهرکهای جدید اصلاحاتی به عمل آمد. در طراحی شهر جدید میلتن کینگز (Milton Kings) در انگلستان، اندازه شهر از ۶۰ هزار نفر به ۲۵۰ هزار نفر افزایش یافت. خدمات مختص واحدهای همسایگی نیز از مرکز واحد همسایگی به حاشیه خیابانهای اصلی پیرامون آن انتقال داده شد، به طوری که با خدمات واحد همسایگی مجاور ادغام شدند، و رونق بیشتری یافتند. گرایشهای بعدی در شهرهای جدید، متمایل به ادغام ۴ واحد همسایگی در یک واحد شهری پیرامون یک خیابان مجهز بوده است. در طراحی شهرهای جدید ایران در دهه ۱۳۷۰ش این گرایش در طرح شهر جدید هشتگرد دیده می‌شود.

از ۱۹۹۰م، تحت تأثیر تغییرات بنیادی در نظام شهرسازی، به‌خصوص ترویج شهر فشرده (شهر پایدار)، توسعه متراکم مجتمعهای زیستی به‌صورت برج، ویژگیهای واحد همسایگی در کلانشهرها را دگرگون ساخت. بالا رفتن تراکم جمعیت در مجتمعهای زیستی فشرده ضرورتاً سبب شد که هر واحد همسایگی (با همان وسعت یا شعاع ۴۰۰ متر) تا ۲۰ هزار نفر جمعیت را دربرگیرد. با توجه به گرایش روزافزون به آپارتمانهای بلندمرتبه، این جمعیت ممکن است تا ۳۰ هزار نفر نیز فزونی گیرد. این جمعیت به تنهایی برابر جمعیت ۴-۵ واحد همسایگی در الگوی سنتی تراکم کم مسکونی است.

الگوی شهرسازی در ایران نیز متمایل به واحدهای بزرگ‌تر سکونتی در حد یک محله و در کلانشهرها (← کلانشهر) در حد یک ناحیه (شهری) است. خدمات و مغازه‌های خرید نیز به استقرار در امتداد یک خیابان مجهز در درون محله یا ناحیه مسکونی گرایش دارند. پارکها و

واحد همسایگی

دی.سی، با طرح دوباره مفاهیم دهکده، واحد همسایگی و جامعه، همگی تأثیر بسیاری در تشویق مقیاس و مفهوم همسایگی در شهرسازی جهان غرب داشته است.

کوین لینچ شکل بصری شهرها را براساس ویژگیهایی که مکرراً از طریق تصورات ذهنی مردم شناخته می‌شدند، به ۵ گروه طبقه‌بندی کرد: راه، گره، لبه، نشانه، همسایگی یا محله. در این میان همسایگی به‌عنوان یک واحد آرمانی برای سازمان اجتماعی و سازمان دهنده دسترسی به خدمات عمومی تعریف می‌شود. همسایگیها قسمتهایی از شهر هستند که به‌سبب خصوصیات مشترکی که دارند، کاملاً توسط مردم قابل شناخت است، به‌صورتی که فرد به‌طور ذهنی ورود به آن و خروج از آن را حس می‌کند. سیمای همسایگیها را همواره می‌توان از درون آنها تمیز داد.

لینچ بعدها مفهوم نظارت و معنی‌دار بودن را به‌عنوان معانی بسیار مهم همسایگی معاصر به خصوصیات قبلی افزود، زیرا محله دیگر آن فضایی نیست که اهالی آن همدیگر را به این علت که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند، بشناسند، بلکه فضایی است که برای همه تعریف شده است و جامعه ساکن در آن، به‌نگام احساس خطر، به‌راحتی دور یکدیگر جمع می‌شوند. این جوامع در مورد تصور محدوده‌ها و مشخصات یکنواخت محله خود، اغلب توافق نسبتاً خوبی دارند. علاوه‌بر اینها، طرفداران کوچک بودن و عدم تمرکز شهرها نیز بر این نکته اصرار دارند که محلات از نظر اقتصادی نیز باید فعال باشند؛ یعنی شرکتهای محلی باید اشتغال محلی را تأمین کرده و درآمدهای ممکن را در داخل محله نگه دارند.

ساماندهی شوند. امروزه شهرسازان پست مدرن طرفدار الگوی محله‌بندی شهرهای سنتی شده‌اند و آنچه که در مفهوم‌بندی آنها به شهرگرایی جدید (Newurbanism) مصطلح شده است، طراحی سکونتگاههایی با این خصوصیات اجتماعی - اقتصادی است.

کتابشناسی:

- جولیس گولد، ویلیام ل. گولب. فرهنگ علوم اجتماعی. ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- سعیدنیا، احمد. کتاب سبز. جلد چهارم، مراکز شهری و فضاهای مسکونی، تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.
- Gallion, A.; Eisner, Simon & Eisner, Stanly. *The Urban Pattern*. ۶th ed. VNR., ۱۹۹۳.
- *Planning & Urban Design/ Standards*. American Planning Association, Wiley, ۲۰۰۶.
- Caves, R. W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, ۲۰۰۵.

احمد سعیدنیا

واحد همسایگی در شهرسازی

منظور از ایده واحدهای همسایگی صرفاً خلق موجودیتی فیزیکی در قالب بخشی از یک فرایند برنامه‌ریزی و توسعه نیست، بلکه ترجیحاً بهبود کیفیات زندگی و محیط زیست است که در واژه همسایگی طنین دارد؛ به‌عنوان مکانهایی که انواعی از نیازها و آرزوها را خیلی ساده‌تر از بقیه تأمین می‌سازند. تجربیاتی مثل ایجاد شهرکهای جدید رستون در ویرجینیا و کلمبیا در مریلند، واقع در حوزه نفوذ واشنگتن



اندازه کافی و به سهولت برای سازگاری با کاربریهای مختلف انعطاف پذیر باشند؛

- خودروهای شخصی باید در دید قرار داشته باشند. الگوهای کاربری زمین، طرح خیابان و تراکمها باید امکان پیاده روی، دوچرخه سواری و تردد انواع وسایل نقلیه عمومی را به خصوص در مسیرهای معمول سفرهای روزمره فراهم آورند. خیابانها باید برای عبور پیاده امن، جالب و راحت باشند. بنابراین، بهبود جریان تردد خودروها تنها یکی از ملاحظات است که در تسطیح خیابانها و طراحی همسایگیها به کار می رود؛ و

- معماری باید با توجه به شکل ساختمانهای پیرامون، فضاها و سنتهای محلی شکل بگیرد. ساختمانها نباید به صورت اجسامی جدا از محیط پیرامون درک شوند، بلکه باید در تعریف فضایی خیابانها، پارکها، فضاها، سبز، حیاطها و سایر فضاها باز شرکت داشته باشند.

محله ایستگاه محور

محله ای است شامل یک مجموعه متراکم، فشرده و متنوع از مغازه ها، خانه ها و اداره ها که پیرامون یک ایستگاه اصلی حمل و نقل عمومی توسعه می یابد. این مجموعه می تواند ۲،۰۰۰ خانه، فضای تجاری، پارکها و مدرسه ها و خدمات

در دهه های اخیر، چنین مفاهیمی در مورد واحد همسایگی به تدریج به شکل مجموعه قواعد جدیدی برای توسعه شهرهای معاصر نظم یافته اند. یکی از کامل ترین این قواعد اصول شهرسازی جدید در اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰م در امریکاست. جوابهای ساده ای که شهرسازی جدید به مشکلات شهرهای مدرن و زونینگ عملکردی می دهد، بر یک اصل ساده قرار دارد: برنامه ریزی و طراحی جوامع باید بر ارزشهای عمومی بیش از ارزشهای خصوصی اهمیت دهد. واحد اصلی برنامه ریزی در شهرسازی جدید واحد همسایگی است. کیتز اصول مهم شهرسازی جدید را معرفی می کند:

- مرکز هر همسایگی باید به وسیله یک فضای عمومی تعریف و به وسیله فعالیتهای شهری محلی و خدمات تجاری فعال شود. این مکانهای مرکزی نباید به حاشیه لبه های واحد همسایگی کشیده شوند. شکل و تصور ذهنی آنها باید به وسیله شکل ساختمانهای پیرامونی و معماری و الگوهای خیابانها تقویت شود؛

- هر همسایگی باید انواع خانواده ها و کاربریها را در خود جای دهد. واحد همسایگی جایی برای زندگی، خرید و کار است. باید انواع متنوعی از ساختمانها را برای سازگاری با این فعالیتهای متنوع دربر داشته باشد. ساختمانها باید به

ارتقاء جامعه شهری تنظیم کرد. در این دستورالعمل ایده واحد همسایگی به عنوان واحد اجتماعی و فیزیکی به عنوان پایه اصلی مطرح شده است.

این ایده یک ساختار شهری (← ساختار شهری) چند مرکزی را پیشنهاد می کند که در آن هر شهر، شهرک یا واحد همسایگی، جامعه ای متمایز در شبکه ای سلسله مراتبی از جوامع است که در برخی خدمات مشترک هستند. هر یک از این همسایگیها (بسته به مقیاس منطقه شهری) حول یک مرکز شهرک، ناحیه شهری یا مرکز محله گرد آمده اند و در درون هر یک، مردم می توانند به طور پیاده به اغلب تسهیلات و خدمات روزمره مورد نیاز خود دسترسی یابند. محدوده این جوامع با فواصل پیاده یا حوزه پیاده پیرامون مرکز تعریف می شود که معمولاً شعاع حدود ۸۰۰ متر از مرکز، معادل ۱۰ دقیقه پیاده روی را دربر می گیرد. این جوامع در برخی از طرحهای اخیر به عنوان دهکده های شهری خوانده شده اند که به عنوان رویکردی مهم برای ایجاد محلاتی موفق و پایدار بسط یافته است.

کتابشناسی:

- اوستروفسکی، واتسلاف. *شهرسازی معاصر، از نخستین سرچشمه ها تا مشور آتن*، ترجمه لادن اعتضادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- چین، دیوید. *آفرینش محلات و مکانها در محیط انسانساخت*، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- لینچ، کوین. *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- لینچ، کوین. *سیمای شهر*، ترجمه (مرحوم) منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- Broadbent, G. *Emerging Concepts in Urban Space Design*. London & New York: Van Nostrand Reinhold, ۱۹۹۰.
- Girling, S. and Helphand, K. *Yard-Street-Park, the Design of Suburban Open Space*. New York, Chichester: John Wiley & Sons, ۱۹۹۴.
- Katz, P. *The New Urbanism, Toward Architecture of Community*. McGraw Hill, Inc., ۱۹۹۴.

روزمره را شامل شود که همه در حوزه ۱/۴ مایلی ایستگاه حمل و نقل و در مساحت ۱۲۰ جریب غربی توزیع شوند. نزدیک ترین فضاها به ایستگاه، به فعالیتهای بازرگانی و خدمات تجاری، اداره ها، رستورانها، مجموعه های ورزشی و تندرستی، تسهیلات فرهنگی و استفاده های عمومی، کاربایها و مراکز تفریحی اختصاص خواهد داشت. این خدمات با فواصل پیاده برای همه ساکنان و عابری در دسترس خواهد بود. در نزدیکی مناطق تجاری، مخلوطی از خانه های کوچک تک خانواری، ۲ طبقه، خانه های ردیفی و آپارتمانها جای می گیرند و متناسب با نوع خانوارها، به افراد مجرد، انواع خانواده ها، دانشجویان و سالمندان اختصاص می یابد. انواع خانه ها باید به صورت خوشه ای در اطراف پارکها قرار گیرند که آنها نیز با فضاهای بزرگتر عمومی و خدمات روزمره اتصال دارند.

محله سستی

واحد همسایگی سستی واحدهایی هستند که متناسب با شرایط محلی سازماندهی می شوند. برای این واحد همسایگی شعاع عملکردی کمتر از ۱/۴ مایل پیشنهاد شده است. اغلب خانه ها در حوزه ۳ دقیقه پیاده روی از پارک محلی همسایگی و ۵ دقیقه پیاده روی از میدان اصلی و عمومی همسایگی قرار می گیرند. سالن اجتماعات، مهد کودک، ایستگاه اتوبوس و مغازه ها در این مرکز قرار دارند. هر واحد همسایگی شامل انواع خانه ها برای انواع خانوارها با درآمد مختلف است. فضاهای باز عمومی مثل فضاهای سبز، میدانها و پارکها اهمیت زیادی دارند و آنها نیز در مرکز اصلی همسایگی قرار دارند. کاربریهای تجاری و خدمات عمومی، مثل مدارس، کلیساها و غیره در مجاورت این فضاها قرار دارند. مکان و شکل این فضاها باید متمایز و قابل تعریف باشند. خیابانها به صورت راحت، ایمن و جالب برای پیاده روی طراحی می شوند. پیاده روی روش اصلی دسترسی به انواع مقصدها خواهد بود.

در انگلستان در خلال دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، پروژه ای تحت عنوان نیروی شهر ویژه، دستورالعملهای فیزیکی دقیقی را برای فائق آمدن بر تنزل کیفیات شهری و

این جهاد را به جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی همه با هم باید تشریح مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است، بسازند. و البته آن جاهایی که بیشتر خرابی هست، مثل آنجاهایی که روستاها، جاهایی که مسکن عشایر هست، دهات دورافتاده که تقریباً هرکدام از گروهها می آیند شکایت از وضعیتشان دارند، می گویند، برق نداریم، خانه نداریم، آسفالت نداریم، بهداری نداریم و همه هم صحیح می گویند... ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند... شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد، بلکه من می خواهم از اشخاصی که برای زیارتها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می خواهند بروند، لیکن به طور استحباب می خواهند بروند، من می خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید، امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید، نیست و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند.»

جهاد سازندگی با حرکت خودجوش قشرهای مختلف به ویژه جوانان تحصیلکرده و براساس راهبرد تعیین شده از سوی رهبر انقلاب اسلامی آغاز شد. در بدو امر حضور جهادگران در روستاها و مناطق محروم کشور با کمک به روستاییان در انجام به موقع فعالیتهای جاری تولیدی، نظیر برداشت محصول نمایان گردید؛ در پی آن، دامنه فعالیتها به سرعت به دیگر حوزه های اقتصادی، اجتماعی و به ویژه زیربنایی، نظیر احداث راه، تأمین آب آشامیدنی، تأمین حاملهای انرژی نظیر برق و سوخت و غیره گسترش یافت. فراگیری و سرعت زانداوصف فعالیتهای متنوع جهادگران، مسئولان امر را بر آن داشت تا با سازماندهی مناسب این حرکت انقلابی، دامنه اثرگذاری آن را گسترش دهند. براین اساس، شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۷ش، اساسنامه طرح جهاد سازندگی روستاها را به تصویب

- Lord Rogers of Riverside. *Towards an Urban Renaissance*. London: E & Fn spon, ۱۹۹۹.
- Neal. P. *Urban Villages and the Making of Communities*. London and New York: Spon Press, ۲۰۰۳.
- Stein. C.S. *Towards New Tows for America*. Massachusetts: MIT Press. Cambridge, ۱۹۶۶.
- Thomas. R. (ed). *Sustainable Urban Design, an Urban Approach*. London and New York: Spon Press, ۲۰۰۳.

شهرزاد فریادی

وزارت جهاد سازندگی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش نقطه عطف تغییر در جهت گیری نسبت به فرایند توسعه و عمران ملی و توجه خاص به روستاها و مناطق محروم کشور بود. پس از قطعی شدن استقرار نظام جمهوری اسلامی در فروردین ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ش، مرحله تشکیل و تثبیت نظام آغاز گردید و مهم ترین اولویت آن به نام سازندگی به ویژه در روستاها و مناطق محروم کشور مورد توجه قرار گرفت. رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، در پیام تاریخی مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ش خود درخصوص تشکیل جهاد سازندگی، این اولویت را به روشنی بیان فرمودند. فرازهایی از این پیام بدین قرار است: «ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت، ملتی که بحمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت، بحمدالله مراحل را که بسیار اهمیت داشت، پشت سر گذاشتیم. موانع مرتفع شد، خائنین رفتند و اگر تتمه ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ شکست، پشت آن دیوار، خرابیها زیاد هست و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم...»

دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند. از این جهت باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم

وزارت جهاد سازندگی

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح ملی و استان تا اجرای مستقیم پروژه‌ها در سطح شهرستان و دهستان امتداد می‌یافت. در هر شهرستان حداقل ۴ گروه تخصصی شامل: گروه فرهنگی؛ گروه بهداشتی و درمانی؛ گروه کشاورزی و اقتصادی و گروه عمرانی فعالیت می‌کردند که وظایف و ساختار معینی داشتند و مستقیماً زیر نظر هیئت اجرایی شهرستان و استان عمل می‌کردند.

فراگیری فعالیتهای جهاد سازندگی روستاها از فلسفه تشکیل آن که ریشه در رویکرد عدالت محوری نظام اسلامی داشت، نشأت می‌گرفت. این جهاد فراگیر برای آن شکل گرفت تا محرومیتهای مختلف موجود در روستاها و مناطق محروم را که منجر به ایجاد شکاف میان شهرها و روستاهای کشور شده بود، برطرف سازد. ویژگیهای بارز جهادگران و مدیریت جهادی که از بدو تشکیل بر آن حاکم بود و تا سالها ادامه یافت، عبارت بود از:

- توجه خاص به جلب رضایت خداوند در مسیر خدمت به مستضعفان و محرومان روستایی؛
 - همراه شدن با روستاییان و زندگی در روستاها که امکان ارائه خدمات بهتر را فراهم می‌ساخت؛
 - مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی عمیق در سطوح مختلف برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیتهای اجرایی؛
 - گذر از مقررات پیچیده و دست‌وپا گیر اداری و برقراری نظم و انضباط جدید کار بر پایه ارزشهای دینی، کرامت انسان و ارجحیت انجام خدمت بر کسب قدرت؛ و
 - کنار گذاشتن منافع مادی حاصل از کار و گناه انجام هزینه‌های شخصی برای خدمت‌رسانی به روستاییان.
- جهادگران که از قشرهای مختلف جامعه، به‌ویژه دانشجویان و متخصصان انقلابی بودند، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با تشکیل ستادهای پشتیبانی جنگ، به کمک رزمندگان نیروهای مسلح شتافتند و خدمات ارزشمندی در زمینه مهندسی رزمی ارائه کردند، تا آنجا که به «سنگسازان بی‌سنگر» معروف شدند. در این هنگام ارائه خدمات مختلف به روستاییان، به‌ویژه در زمینه‌های عمران روستایی به‌عنوان رسالت اصلی جهاد، همچنان ادامه یافت.

در اساسنامه تشکیل جهاد سازندگی روستاها، پیش‌بینی

رساند. بر مبنای این اساسنامه، هدف از جهاد سازندگی بسیج امکانات و استعدادهای مردم و دولت برای همکاری در امور تهیه و اجرای مؤثر و سریع طرحهای سازندگی و احیای جامعه در کلیه ابعاد معنوی و مادی آن با توجه و تأکید بر نیازهای روستاها و نقاط دورافتاده مملکت تعیین گردید. در اساسنامه مذکور تصریح شده است که جهاد سازندگی برای نیل به اهداف خود از طریق مشارکت و همکاری افراد و گروههای معتقد به انقلاب اسلامی ایران و با همکاری ادارات ذی‌ربط و سازمانهای داوطلب و با الهام از ارزشهای اصیل و متعالی اسلام و با به کار گرفتن مقررات و دستورالعملهای ساده و سریع و به دور از ضوابط و مقررات دست‌وپا گیر و به‌طور غیرمتمرکز اقدام می‌نماید. بدینسان وظایف جهاد سازندگی روستاها در ۴ بند به قرار ذیل تعیین شد:

- تأکید بر ابعاد معنوی و مادی رشد، مخصوصاً برای پاسخگویی به نیازهای نقاط و روستاهای محروم؛
- تهیه و تصویب طرحهای لازم که مستقلاً و یا با حسن همکاری ادارات و سازمانهای دولتی و خصوصی، ولی با مسئولیت و اعتبارات خود به اجرای آنها اقدام خواهد کرد؛
- همکاری با ادارات در اجرای طرحها و انجام وظایف آنها و ایجاد تحرک و تحول در آنها؛ و
- تهیه و پیشنهاد طرحهای ضروری که در صورت تصویب دولت، جهاد سازندگی برای اجرای آنها با ادارات و سازمانهای دولتی همکاری خواهد کرد. اجرای این طرحها با مسئولیت دولت است.

سازمان کار و تشکیلات جهاد سازندگی به‌نحوی طراحی شده بود که در یک فرایند مشارکتی از سطح ملی تا سطح شهرستان گسترش می‌یافت. ارکان جهاد سازندگی عبارت بودند از:

- مرکز جهاد سازندگی در تهران؛
- مراکز جهاد سازندگی در استانها؛ و
- مراکز جهاد سازندگی در شهرستانها.

هریک از سطوح فوق، شورا، هیئت اجرایی و واحدهای اجرایی و تخصصی داشتند. وظایف اجزاء تشکیل‌دهنده هر سطح به تفکیک روشن شده بود و به‌تدریج از کارکرد

وزارت جهاد کشاورزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اتخاذ رویکرد جهادی در عرصه سازندگی کشور نخست با فرمان رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (س) در خصوص ایجاد جهاد سازندگی روستاها صورت پذیرفت. فراز دوم این رویکرد و روحیه مجاهدت، طی سالهای جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷ش)، تبلور یافت. با پایان جنگ، نیاز به بازسازی خرابیهای ناشی از آن و جبران عقب ماندگیهای تاریخی کشور ضرورت تلاش مضاعف و پویا توأم با برنامه‌ریزی خردمندانه و آینده‌نگر را بیش از پیش متجلی ساخت. بسیج امکانات و نیروها برای سازندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب نظام اداری موجود با رویکرد تسریع در فعالیتهای مهم‌ترین تخصیصه نظام اداری و برنامه‌ریزی کشور پس از پایان جنگ بود. در این روند، توسعه و عمران روستاها مورد توجه همه دستگاههای دخیل در تحولات روستاها به‌ویژه وزارت جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) در عرصه عمران روستایی (← عمران روستایی در ایران)، دام و آبزیان، صنایع و منابع طبیعی و وزارت کشاورزی در زمینه دیگر تولیدات بخش کشاورزی بود.

غلبه بخشی‌نگری در نظام اجرایی، قربابت و نزدیکی مأموریت‌های اجرایی ۲ نهاد جهاد سازندگی و کشاورزی در روستاها و رویکرد نظام اجرایی به‌سوی عدم گسترش تشکیلات دولت و حتی کوچک‌سازی آن، بستر لازم برای ادغام وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی را فراهم ساخت. اولین نشانه ادغام این ۲ وزارتخانه، تصویب قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۷۹-۱۳۸۴ش) بود. بند ۵ ماده ۲ این قانون بر «عدم گسترش تشکیلات دولت با تأکید بر کوچک‌سازی دولت از سطوح پائین هرم تشکیلات، از طریق تجمیع کلیه فعالیتهای مربوط به یک وزارتخانه (به‌جز شرکتهای مستقل) در سازمان استانی واحد» تأکید داشت. براساس این ضوابط باید ترتیبی اتخاذ می‌شد تا «امور انرژی؛ امور کشاورزی، دام، توسعه و عمران

شده بود که این حرکت پس از رفع محرومیتها و نیازهای موجود و در شرایط مناسب می‌تواند با تصمیم هیئت‌وزیران پایان پذیرد. شرایط حاکم بر کشور منجر به تشکیل وزارت جهاد سازندگی در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۸ش شد. وزارت جدید که شکل کامل‌تری از جهاد سازندگی روستاها در چارچوب قوانین و مقررات اداری کشور بود، از تجمیع برخی وظایف بخش کشاورزی، نیرو، راه و بهداشت و درمان کشور شکل گرفت و جهاد سازندگی روستاها نیز به این وزارت منضم شد. وظایف وزارت جهاد سازندگی عبارت بود از:

- حرکت به‌سوی استقلال و خودکفایی کشور، همراه با تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی روستاها و مناطق عشایری از طریق توسعه کشاورزی، دامداری، صنایع روستایی و بازسازی ویرانه‌ها با همکاری دستگاههای اجرایی مربوط و اقشار مختلف مردم؛
- ایجاد زمینه جهت رشد شخصیت والای انسانی روستاییان از طریق مشارکت و نظارت آنان در فعالیتهای روستایی؛ و
- بسیج اقشار مردم جهت سازندگی روستاها و فراهم کردن امکان تلاش برای نیروهای مؤمن و ایثارگر جامعه و رشد و تکامل آنها.

با تشکیل وزارت جهاد سازندگی، حرکت سازندگی روستاها با حفظ روحیه جهادی و توجه بیشتر به عمران روستایی، تولیدات دامی و صنایع روستایی در چارچوب نظام اداری کشور ادامه یافت، تا اینکه این وزارت در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ش با وزارت کشاورزی ادغام و وزارت جهاد کشاورزی شکل گرفت (← وزارت جهاد کشاورزی).

کتاب‌شناسی:

- روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی (سابق). «پیام حضرت امام خمینی به ملت ایران در مورد تشکیل جهاد سازندگی در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ش»، تهران، ۱۳۵۸.
- شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران. *اساسنامه طرح جهاد سازندگی روستاها*. تهران، ۱۳۵۸.
- وزارت جهاد سازندگی (سابق). *قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی*. تهران، ۱۳۶۲.

جانعلی بهزادنسب

وزارت جهاد کشاورزی

منتزع و به ترتیب به وزارتخانه‌های راه و ترابری، نیرو و مسکن و شهرسازی ملحق و شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی به وزارت نیرو وابسته می‌شود.

تغییرات ساختاری صورت گرفته در فرایند تشکیل وزارت جهاد کشاورزی نشان داد که:

هدف عمده این امر، یعنی ایجاد تحرک و پویایی بیشتر در تولید محصولات کشاورزی با استفاده از رویکرد جهادی به مدیریت و کار اجرایی، تا حد زیادی تأمین شده است. یکی از نشانه‌های این موضوع دستیابی کشور به خودکفایی در تولید گندم مورد نیاز است که در ۱۳۸۳ش محقق شد و برنامه‌هایی برای توسعه تحقیقات، خودکفایی در تولید محصولات راهبردی و توسعه منابع انسانی، فناوری و سرمایه‌گذاری در این بخش نیز تدوین گردید؛

غلبه بخشی‌نگری در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور منجر به پراکنده شدن فعالیت‌های عمران روستایی میان دستگاه‌های اجرایی مختلف گردید؛

مقوله فرابخشی توسعه روستایی در قالب وظایف کلی نرم‌افزاری در چارچوب وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی درج گردید، اما برای عملیاتی شدن این موارد سازوکار و اختیارات لازم پیش‌بینی نشد؛ خلأ ساختاری در این عرصه منجر به آن شد که در ماده ۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیش‌بینی شود، «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس جمهوری انجام گیرد» (← وزارت جهاد سازندگی).

کتاب‌شناسی:

- بهزادنسب، جانعلی. *جهاد سازندگی و چالش فرا روی آن*. اداره کل بهسازی روستاها (سابق)، جزوه داخلی، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه (سابق). *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۹.
- وزارت جهاد سازندگی (سابق). *قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی*. اداره کل روابط عمومی، ۱۳۸۰.
- ریاست جمهوری. *مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۳.

روستایی؛ امور صنعت و معدن؛ در ۳ وزارتخانه جمع‌شود.

در چارچوب اجرای مفاد قانون برنامه سوم توسعه و «در راستای اصلاح و بهسازی تشکیلات دولت و به‌منظور فراهم آوردن موجبات توسعه پایدار کشاورزی و منابع طبیعی و افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی در جهت امنیت غذایی، رشد سرمایه‌گذاری، عمران و توسعه روستاها و مناطق عشایری و در جهت انسجام بخشیدن به برنامه‌ها و سیاستها و رعایت پیوستگی وظایف و استفاده بهینه از امکانات و نیروی انسانی موجود»، وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی ادغام شدند و از ترکیب آنها وزارت جهاد کشاورزی «با کلیه اختیارات و وظایفی که وزارتخانه‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مختلف دارا بوده‌اند»، تشکیل شد.

مطابق ماده ۲ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۵ش وظایف تفصیلی این وزارتخانه را در ۶ حوزه ذیل تعیین و تصویب کرد:

- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت؛
- امور پژوهشی، آموزش و ترویج؛
- امور منابع طبیعی و آبخیزداری؛
- امور زیربنایی کشاورزی و توسعه روستایی؛
- امور کشاورزی، دام و آبزیان؛ و
- امور حمایتی.

وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی که تداوم بخش رویکرد جهادی در فرایند توسعه، به‌ویژه در بخش کشاورزی خواهد بود، نشانگر آن است که وظایف اجرایی زیربخش‌های کشاورزی در یک مجموعه سازماندهی شده است، اما در ارتباط با توسعه و عمران روستایی، به مؤلفه‌های «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اتخاذ تدابیر و سازوکارهای لازم» به‌صورت کلی و بدون ذکر سازوکارهای اثربخش آن اکتفا شده است. همچنین هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲ش تصویب نمود که «کلیه وظایف، اختیارات، نیروی انسانی، تعهدات و اعتبارات مربوط به راه روستایی، برق روستایی و کشاورزی، آب و فاضلاب روستایی و بهسازی روستاها از وزارت جهاد کشاورزی

- وزارت جهاد کشاورزی. مجموعه قوانین و مقررات وزارت جهاد کشاورزی. معاونت توسعه منابع انسانی و امور مجلس، ۱۳۸۶.

جانعلی بهزادنسب

دفتر روابط عمومی

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از برقراری ارتباط مؤثر بین رسانه‌های گروهی در راستای انجام مأموریت‌های اصلی وزارت کشور، برقراری ارتباط متقابل میان مردم و مسئولان، تحلیل محتوای روزانه مطالب انتقادی و گزارش‌های مطبوعات و رسانه‌ها در خصوص وزارت، انجام امور دبیرخانه‌ای شورای اطلاع‌رسانی وزارت، ارتباط مستقیم و مستمر با مردم و بررسی دیدگاه‌ها و سنجش افکار عمومی، اداره کتابخانه وزارت کشور و برپایی نمایشگاه‌های کتاب، پوستر، عکس و اسلاید، برنامه‌ریزی برای انعکاس مطلوب خبرها، رویدادها، مواضع و دیدگاه‌ها از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی، پاسخ به سؤالات شهروندان از طریق تلفن گویا و واحد ارتباط مردمی، برنامه‌ریزی در راستای ایجاد گسترش شوراهای هماهنگی روابط عمومی استانداری‌های سراسر کشور.

دفتر بازرسی و پاسخگویی به شکایات

وظایف این دفتر دریافت شکایات واصله از اشخاص حقیقی و حقوقی و بررسی پیرامون صحت و سقم موارد شکایات و پیگیری موضوع تا اخذ نتیجه نهایی و پاسخگویی به شاکی، رسیدگی به شکایات مندرج در مطبوعات در زمینه‌های مربوط پس از حصول اطمینان از صحت مفاد آن و پاسخگویی از طریق روابط عمومی و دستگاه مربوط، برقراری ارتباط با سازمان بازرسی کل کشور و ایفای وظیفه مندرج در ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ مجلس شورای اسلامی، اعلام موارد تخلفات اداری کارکنان و مسئولان دولتی شاغل در وزارتخانه است.

دبیرخانه هیئت مرکزی گزینش

وظایف این دبیرخانه نظارت بر مراحل گزینشی کارکنان وزارت کشور، پیگیری شکایات و گزارشات واصله در رابطه با امر گزینش، تهیه و تنظیم برنامه‌های تبلیغاتی،

وزارت کشور

وزارت کشور به منظور فراهم نمودن موجبات حفظ و امنیت در سراسر کشور و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی و اجرای سیاست عمومی دولت به منظور پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، با استفاده از مشارکتهای عمومی و نظارت بر اداره امور مناطق کشور، از طریق استانداران، فرمانداران و بخشداران و همچنین شناسایی و تعیین هویت افراد و رفع بحرانهای ناشی از حوادث و وقایع غیرمترقبه، تأسیس شده است.

این وزارت دارای ۷ معاونت و ۳۵ اداره کل و دفتر کل است.

وزیر کشور، جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی است و سازمان ثبت احوال کشور و سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و نیز شورای عالی استانها جزو سازمانهای تابعه وزارت کشور هستند.

حوزه وزارتی

دفتر وزارت

وظایف این دفتر انجام امور مقام وزارت، اعم از مکاتبات، ارجاعات، ملاقاتها و ابلاغ دستورات صادره به معاونان و مشاوران، رسیدگی به امور مراجعان حوزه وزارت و راهنمایی آنان به واحدهای ذی ربط، تهیه و تنظیم و ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورات صادره از سوی وزیر کشور، ایجاد هماهنگی و ارائه اطلاعات لازم به یگان انتظامی و واحد حراست از نظر پیش‌بینیهای حراستی، انجام تشریفات و پذیرائیهای مربوط به دفتر مخصوص مقام وزارت است.

وزارت کشور

تجهیز نیروی انسانی شاغل در وزارت و استانداردها، بالا بردن سطح تخصصها، مهارتها، کارایی و تواناییهای فنی کارکنان و مسئولان سطوح مختلف، از طریق برنامه‌ریزی و فراهم ساختن موجبات برگزاری و تشکیل دوره‌های آموزشی، برقراری ارتباط مستمر با مرکز آموزش مدیریت دولتی و مؤسسات و مراکز علمی و آموزشی به منظور کسب تجارب و آگاهی از یافته‌های جدید در زمینه امور آموزشی است.

مرکز اطلاعات و اخبار

وظایف این مرکز از جمله عبارت است از فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، به نحوی که برای مدیران سطوح مختلف قابل بهره‌برداری باشد، انتشار خبرنامه‌های حاوی روند شکل‌گیری وقایع و رویدادها، تحلیلها و نقطه نظرات رسمی وزارت و ارسال آنها برای مقامات مسئول، فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم به منظور تبیین مواضع و دیدگاههای رسمی وزارت کشور درباره مسائل و موضوعات داخلی، از طریق سخنگوی وزارت.

دفتر مرکزی حراست

جمع‌آوری اخبار و اطلاعات پیرامون کادر مرکزی و واحدهای وابسته و تابعه و حفاظت از آنها در قبال خطرات ایجاد شده توسط عوامل مخرب، بررسی و شناسایی عوامل احتمالی ایجاد بحران در حوزه مأموریت، بررسی و صدور کارت شناسایی و تردد جهت پرسنل حوزه مرکزی وزارت و مقامات سیاسی استانداردها، فرمانداریه و بخشداریه، انجام کلیه امور دبیرخانه‌ای محرمانه، اعم از دریافت نامه‌ها و مرسولات، ثبت، تایپ و ارسال مرسولات داخلی و خارجی، الصاق سوابق، بایگانی و نگهداری سوابق، برقراری کشیک حفاظتی جهت انجام امور اداری محرمانه پس از پایان وقت اداری و اوقات تعطیل در حوزه مرکزی و اعمال مقررات مربوط در سازمانها و ادارات وابسته و تابعه، از جمله وظایف این دفتر است.

ارشادی و آموزشی برای مجریان امر گزینش و داوطلبان ورود به خدمت در وزارت است.

هسته گزینش

وظایف هسته گزینش، اجرای دستورالعملها و بخشنامه‌های هیئت عالی گزینش و هیئت مرکزی مربوط، بررسی و تعیین صلاحیت عقیدتی، سیاسی و اخلاقی متقاضیان ورود به خدمت، حفاظت و نگهداری اطلاعات جمع‌آوری شده در رابطه با گزینش افراد به صورت محرمانه، انجام اقدامات لازم در زمینه امور پرسنلی و دبیرخانه هسته، نظارت بر اجرای امتحانات داوطلبان ورود به خدمت و وزارت است.

اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی

وظایف این اداره کل از جمله عبارت است از رسیدگی و نظارت بر کلیه امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی، اعم از پناهندگان، آوارگان، معاونان، راننده‌شدگان و دیگر اتباع کشورها، بر اساس قوانین و مقررات مربوط و تصمیمات اتخاذ شده در شوراها و کمیته‌ها و ستادهای ذی‌ربط، نظارت بر کلیه امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی پناهندگان و اتباع خارجی رسمی در سطح کشور، با توجه به قوانین و مقررات مربوط و اتخاذ تصمیمات مقتضی در موارد لازم، انجام کلیه امور بین‌المللی مربوط به آوارگان، پناهندگان، معاونان و راننده‌شدگان، شرکت در سمینارها و کنفرانسهای بین‌المللی، جذب، ترخیص، نگهداری و تهیه طرح و توزیع کمکهای اهدایی از سوی سازمانهای بین‌المللی به پناهندگان، تهیه درخواست بودجه مربوط و برنامه‌ریزی لازم جهت تخصیص و تهیه دستورالعمل نحوه هزینه آن در سراسر کشور، بررسی و پیشنهاد طرحهای اشتغالزا در داخل مهمان‌شهرها و نظارت بر حسن اجرای آنها و بررسی و موافقت با جابه‌جایی و نقل و انتقال اتباع خارجی در داخل مهمان‌شهرها.

مرکز آموزش سیاسی

وظایف این مرکز فراهم ساختن موجبات تأمین و تربیت و

کل امنیتی، امور انتظامی و امور مرزی است.

اداره کل امنیتی. وظایف این اداره کل، نظارت بر اجرای مأموریت‌های نیروی انتظامی، بررسی مسائل امنیتی و انتظامی استانها، بررسی کارشناسی در امر تعیین رده امنیتی شخصیتها، سیاستگذاری در امور امنیت و عمران مرزها، حفظ امنیت در اجرای انتخابات سراسری و سیاستگذاری در بودجه امنیتی است. این اداره کل دارای ۵ اداره اطلاعات و اخبار، امور استانها، دبیرخانه طبقه‌بندی اسناد و آرشیو، اداره طرح و برنامه و اداره امور اجرایی است.

اداره کل امور انتظامی. وظایف این اداره کل، مطالعه و بررسی به‌منظور سیاستگذاری در امور تأمین و جذب پرسنل نیروی انتظامی، رسیدگی به گزارشات و شکایات واصله به نیروی انتظامی، بررسی مسائل انتظامی استانها و نظارت بر بودجه انتظامی استانها، ایجاد هماهنگی با وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نظارت بر اجرای فعالیتهای مربوط به وظیفه عمومی و نظارت و هماهنگی در امور مربوط به پلیس بین‌الملل است. این اداره شامل ۵ اداره دیگر، به نامهای دبیرخانه هیئت تجدید نظر ماده ۱۰۰، اداره هماهنگی و امور بین‌الملل، اداره پرسنلی، اداره طرح و برنامه و اداره ارزی است.

اداره کل امور مرزی. وظایف این اداره کل شامل ایجاد پاسگاههای مرزی و نظارت بر اجراء برجکهای مرزی، انجام امور مربوط به دامداران خارجی در مرزها و بررسی و نظارت بر امور مربوط به سواحل مرزی کشور و رفت و آمد افراد و کشتیهای خارجی و صدور مجوز تأسیس بازارچه‌های مرزی است.

معاونت سیاسی

وظایف معاونت سیاسی وزارت، از جمله شامل نظارت و مراقبت دائم نسبت به وقایع و رویدادهای سیاسی و اوضاع داخلی کشور، فراهم آوردن و گسترش هرچه بیشتر آزادیهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی، برگزاری انتخابات، مطالعه پدیده‌های ضد فرهنگی و اجتماعی و رسیدگی به مسائل تقسیمات کشوری است. این معاونت دارای یک اداره کل و ۳ دفتر است.

مشاور امور ایثارگران

وظایف مشاور امور ایثارگران بررسی و شناخت مسائل و مشکلات ایثارگران دستگاه مربوط و اولویت‌بندی نیازهای آنان، شرکت فعال در جلسات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط با امور ایثارگران، ایجاد ارتباط با نهادهای متولی امور ایثارگران و سایر دستگاههای ارائه‌کننده خدمات به آنان به‌منظور بهره‌مندی ایشان از خدمات و مزایای قانونی مقرر، ارائه اطلاعات تخصصی به وزیر در مورد مسائل مرتبط با ایثارگران در زمینه قوانین و مقررات و خط‌مشی امور آنان است.

مشاور امور روحانیون

وظایف این مشاور عبارت است از برقراری و ایجاد هماهنگی با مراجع نظام، علما و روحانیون، ائمه‌جمعه و جماعت در جهت تبادل نظر و تبیین دیدگاهها، شناخت تشکلهای مذهبی در مراکز استانها، حوزه علمیه و طلاب علوم دینی و برقراری ارتباط مناسب به‌منظور تبادل نظرهای لازم، بررسی خطبه‌ها و نقطه نظرات ائمه جمعه در امور سیاسی و اجتماعی و تحلیل کارشناسی به‌منظور ارائه به مقام عالی وزارت و سایر سطوح مدیریت.

معاونتهای وزارت کشور

معاونت امنیتی و انتظامی

وظایف معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، شامل حفظ امنیت و استقرار نظم در کشور، نظارت بر اجرای مأموریت‌های نیروی انتظامی محوله از سوی فرماندهی معظم کل قوا، انجام امور دبیرخانه شورای امنیت کشور، بررسی و اعلام نظر درخصوص انتصاب رده‌های فرماندهی و بالا، انجام امور مربوط به مأموریت‌های خارج از کشور نیروی انتظامی (از قبیل اینترپول) و نظارت و مراقبت از مرزها و جلوگیری از تخلفات و جرائم اجتماعی، برقراری و حفظ امنیت در اجرای انتخابات سراسری و سیاستگذاری در بودجه‌های امنیتی - انتظامی است. این معاونت دارای ۳ اداره

و مدارک و نقشه‌های مربوط به تقسیمات است. این دفتر دارای ۳ گروه به نامهای گروه مطالعات و بررسیهای تقسیمات کشوری، گروه آرشیو و نامگذاری و گروه فنی تقسیمات کشوری است.

معاونت امور اجتماعی، فرهنگی و شوراها

وظایف معاونت اجتماعی و شوراها بررسی رفتارهای اجتماعی و فرهنگی اقشار جامعه، به‌منظور فراهم نمودن تغییرات رفتاری خاص‌گرایانه به‌عام‌گرایانه، بررسی و مطالعه مسائل و معضلات اجتماعی کشور، بررسی مصوبات شوراهای اسلامی، ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین شوراها، ارائه خط مشیهای لازم جهت طرح و برنامه‌های آموزشی اعضای شورا و فراهم نمودن موجبات ارتباط با کشورهای مختلف به‌منظور بالا بردن توان بالندگی و رفاه عمومی جامعه است. این معاونت دارای دفتر امور اجتماعی، هماهنگی و پیگیری امور شوراها و برنامه‌ریزی و آموزش شوراها و دبیرخانه شورای اجتماعی کشور است.

دفتر امور اجتماعی. دفتر امور اجتماعی وزارت کشور دارای ۴ گروه تخصصی است که عبارتند از: گروه پردازش اطلاعات امور اجتماعی و ساماندهی و پردازش داده‌های اجتماعی، آمار جرائم و آسیبهای اجتماعی و شاخصهای سیاسی، پایگاه اقتصادی نمایندگان و شاخصهای اقتصادی و اجتماعی کشور. وظیفه گروه مطالعات امور اجتماعی انجام مطالعات ملی، مدیریت و هماهنگی پژوهش اجتماعی استانها و تشکیل بانک اطلاعات تشکلهای غیردولتی و وظیفه گروه فرهنگی، بررسی اسانامه‌ها و ثبت سازمانهای غیردولتی، ایجاد شورای مشاوران جوان و بررسی مسائل و ناهنجاریهای جوانان و وظیفه گروه امور اجتماعی بررسی پدیده‌ها و آسیبهای اجتماعی، هماهنگی امور اجرایی آسیبها، بررسی روند ارائه خدمات به آسیب دیدگان، از قبیل کودکان خیابانی، بیماران روانی، زنان بی‌سرپرست است.

دفتر امور سازمانهای مردم‌نهاد. وظایف این دفتر، اصلاح تعریف و اجزاء معرف سازمانهای مردم‌نهاد، اقدام به تفکیک بخش نظارت از صدور پروانه فعالیت سازمانهای مردم‌نهاد، اصلاح روند صدور مجوز شبکه‌های سازمانهای مردم‌نهاد و

اداره کل سیاسی. وظایف اداره کل سیاسی رسیدگی به امور و مسائل سیاسی، مطالعه و تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی، ایجاد ارتباط منظم بین حوزه معاونت سیاسی با نمایندگان سیاسی دولت در استانها، ایجاد هماهنگی، نظارت و هدایت مداوم اداره کل و دفاتر سیاسی استانداریها و فرمانداریها در اجرای وظایف مربوط، محاسبه و سنجش میزان حاکمیت دولت در استانها، اظهار نظر کارشناسی در انتصابات پستهای سیاسی (فرمانداریها و بخشداریها)، صدور مجوز فعالیت و پروانه تأسیس احزاب، انجمنهای صنفی و سیاسی و مجوز راهپیمایی و تجمعات است. این اداره کل دارای ۵ اداره بررسی امور مرزی و گذرنامه، امور استانها، احزاب و تشکلهای سیاسی، انجمنهای صنفی و تخصصی، اداره اقلیتهای دینی و مذهبی است.

دفتر انتخابات. وظایف این دفتر، برنامه‌ریزی و تهیه طرحهای اجرایی انتخابات، زمان‌بندی انتخابات بر اساس قوانین، برآورد اعتبارات نیروی انسانی مورد نیاز، طراحی نمونه اوراق رأی و تعرفه و مهرهای انتخاباتی، تهیه شناسنامه انتخاباتی شهرستانها، اخذ اسامی و مشخصات داوطلبان نمایندگان، صدور شروع و پایان زمان اخذ رأی، نظارت بر حسن اجرای انتخابات، اخذ نتایج انتخابات و اعلام آن به رسانه‌های عمومی و تهیه متون آموزشی جهت آموزش مجریان انتخابات است.

دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی. وظایف این دفتر از جمله عبارت است از مطالعه، تحقیق، بررسی و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی روز کشور، با هدف سیاستگذاری، جمع‌بندی و ارائه تحلیلهای مورد نیاز به وزیر کشور، تهیه و تنظیم متون آموزشی برای کادرهای سیاسی، با همکاری مرکز آموزش سیاسی، ایجاد و نگهداری آرشیو منابع مطالعاتی و تحقیقاتی مورد نیاز.

دفتر تقسیمات کشوری. وظایف این دفتر، برقراری نظام مطلوب در تقسیمات کشوری، بررسی و مطالعه جهت تهیه و تدوین لوایح و طرحهای تقسیمات کشوری، تعیین ضوابط و معیارهای لازم برای تغییر تقسیمات، مطالعه و بررسی به‌منظور نامگذاری، تهیه و نگهداری اطلاعات، اسناد

وزارت کشور

ارائه نقطه نظرات پیرامون برپایی همایشهای استانی و کشوری با موضوع شوراهای اسلامی است.

دفتر امور بانوان. وظایف این دفتر مطالعه و بررسی پیرامون شیوه‌های افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی زنان سراسر کشور، با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر مناطق، مطالعه و بررسی شیوه‌های سازماندهی زنان جهت مشارکت در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بررسی و برآورد اعتبارهای مورد نیاز کمیسیونهای امور بانوان سراسر کشور و همکاری با واحد مربوط در جهت تخصیص اعتبارها به کمیسیونهای امور بانوان و نظارت بر امر تشکیل و نحوه فعالیت کانونهای فرهنگی اجتماعی بانوان است.

دبیرخانه شورای اجتماعی کشور. وظایف دبیرخانه شورای اجتماعی کشور در راستای تحقق بخشیدن به وظایف و اهداف شورای اجتماعی کشور قابل تبیین است که شامل تعیین اولویتها در برنامه‌های اجتماعی، پیشگیری و برخورد با مسائل و آسیبهای اجتماعی، ایجاد وحدت رویه در فعالیتهای دستگاههای اجرایی و تشکیل کارگروههای کارشناسی است. براین اساس، وظایف دبیرخانه شورای اجتماعی کشور، از جمله شامل ارائه پیشنهادها مورد نیاز در راستای تحقق اهداف و وظایف شورا، پیشنهاد انجام مطالعات، تحقیقات و پژوهشهای مورد نیاز شورای اجتماعی کشور و بررسی و اظهارنظر پیرامون طرحهای پیشنهادی ارائه شده از سوی دستگاههای عضو، جلب مشارکت و استفاده از امکانات و ظرفیت دستگاههای عضو شورا، اطلاع‌رسانی لازم نسبت به مصوبات و فعالیتهای شورا به مراجع مربوط و رسانه‌ها، انجام کلیه فعالیتهای ستادی و پشتیبانی مورد نیاز شورا، تهیه برنامه کار و برگزاری و تنظیم دستور جلسات شورا، انجام امور لازم جهت تعیین و تخصیص اعتبارات شورا، ارائه گزارشهای شش‌ماهه از فعالیتهای شورا به هیئت دولت و ارزیابی اقدامات حاصل از اجرای مصوبات شورا است.

معاونت حقوقی و امور مجلس

وظایف معاونت امور حقوقی و مجلس شامل انجام امور

ساده‌سازی و تسهیل روند صدور پروانه فعالیت آنها، تلاش در جهت به‌روز کردن آخرین اطلاعات سازمانهای مردم‌نهاد در ایران، برنامه‌ریزی توزیع یارانه سازمانهای مردم‌نهاد، به‌منظور افزایش اثر بخشی این ساختارها، نظارت بر دریافت کمکهای خارجی از طرف سازمانهای مردم‌نهاد داخلی، غربالگری سازمانهای مؤثر و کارآمد از سازمانهای مردم‌نهاد غیرفعال و ناکارآمد و شکل‌گیری سازمانهای مردم‌نهاد فعال، جلوگیری از تمرکز سازمانهای مردم‌نهاد در دست عده‌ای خاص، توانمندسازی و افزایش ظرفیت ساختاری این تشکلهای، تأسیس مکانیسم نظارت بر حسن انجام اقدامات و فعالیتهای آنها، آموزش سازمانهای مردم‌نهاد و برنامه‌ریزی واگذاری وظایف تصدی‌گری دولت به سازمانهای مردم‌نهاد توانمند است.

دفتر امور شوراها. وظایف این دفتر عبارت است از: فراهم آوردن موجبات هماهنگی بین دستگاههای اجرایی و شوراها، پیگیری مسائل مربوط به شوراها و تلاش در جهت رفع مشکلات و ابهامات، بررسی صورت جلسات و مصوبات شوراهای اسلامی، تشکیل و ایجاد دبیرخانه هیئت مرکزی، به‌منظور بررسی و یا لغو مصوبات شوراهای اسلامی موضوع ماده ۷۹ قانون شوراها، همکاری با دبیرخانه هیئت مرکزی در جهت بررسی یا لغو مصوبات شوراهای اسلامی، بررسی پیشنهادات انحلال شوراها، بررسی موارد سلب عضویت اعضای شوراهای اسلامی، بررسی و پیگیری علل عدم تشکیل جلسه و انتخاب هیئت رئیسه شوراها از دیگر وظایف این دفتر، تهیه و تدوین پیش‌نویس آئین‌نامه‌های قوانین مربوط به شوراها، فراهم کردن زمینه اجرای اصول قانون اساسی پیرامون تشکیل شوراها، مطالعه و بررسی به‌منظور تهیه و تدوین طرحها، دستورالعملها و روشهای برقراری ارتباط مؤثر بین شوراها و دستگاههای اجرایی، تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز شوراهای اسلامی، تهیه و تنظیم برنامه‌ها و متون آموزشی اعضای شوراهای آموزش کارکنان استانداریها در زمینه آشنایی آنان با قوانین و آئین‌نامه‌های شوراها، برنامه‌ریزی و اقدام برای ترویج فرهنگ شورایی بین اقشار مردم، همکاری با شورای عالی استانها به‌منظور تهیه آئین‌نامه‌های داخلی شوراها، بررسی و

وزارت کشور

وزارت و سازمانهای تابعه، تأمین هزینه‌ها و اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های مالی، برقراری نظام مطلوب در بالا بردن سطح کارایی خدمات عمومی و تدارکاتی وزارت و تأمین شرایط لازم به‌منظور برقراری نظام مطلوب در امر سازماندهی و تشکیلات است. این معاونت دارای ۲ دفتر برنامه‌ریزی و بودجه و دفتر تشکیلات و بهبود روشها و ۳ اداره کل توسعه منابع انسانی، امور مالی و پشتیبانی است.

اداره کل توسعه منابع انسانی

وظایف این دفتر، تأمین کادر مورد نیاز وزارت کشور و انجام تشریفات مربوط به استخدام و صدور احکام استخدامی، کنترل حضور و غیاب کارکنان و اجرای مقررات انضباطی کارکنان، صدور احکام تعلیق، آمادگی و خروج کارکنان با رعایت ضوابط مربوط، همکاری با واحد آموزش کارکنان، تهیه فهرست کارکنان واجد شرایط برای ارتقاء مقام، اجرای قوانین و مقررات درباره موظفین و بازنشستگان و اجرای سیاستهای مقررات رفاهی مصوب دولت است.

اداره کل امور مالی. وظایف این دفتر تأمین اعتبارات جاری و عمرانی براساس بودجه مصوب، رسیدگی به حسابهای وزارتخانه و واحدهای تدارکاتی، پرداخت پاداش و عیدی پایان سال کارکنان، اجرای بخشنامه‌ها و دستورالعملها، انجام هزینه‌ها و نگهداری حساب وجوه دریافتی از خزانه و تأمین هزینه‌های مورد نیاز و اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های مالی است.

اداره کل پشتیبانی. وظایف این اداره کل شامل نگهداری، توسعه و تعمیر تأسیسات و تجهیزات، مراقبت و رسیدگی و استفاده از تأسیسات و دستگاههای حرارتی، برودتی و بررسی و تأمین احتیاجات واحدهای مختلف از نظر لوازم و تجهیزات، اداره امور رستورانها و تأسیسات واحدهای سازمانی وزارتخانه، انجام امور مربوط به مناقصه و مزایده، نظارت و هماهنگی امور مربوط به حفظ اموال و تغییرات خودروها و شماره‌گذاریهای بیمه است.

دفتر تشکیلات و بهبود روشها. وظایف این دفتر عبارت

حقوقی وزارتخانه، ارائه خط‌مشی کلی نسبت به پیش‌نویس لوایح، تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه پیشنهادی واحدهای حوزه مرکزی وزارت، شرکت در جلسات و کمیسیونهای مجلس و پاسخگویی به سؤالات نمایندگان و تعیین خط‌مشی در مورد وظایف محوله به واحدهای تابعه است. این معاونت دارای دفاتر امور حقوقی و امور مجلس است.

دفتر امور حقوقی

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از تهیه، بررسی و اظهار نظر درخصوص تدوین پیش‌نویس لوایح، تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌ها در ارتباط با وظایف وزارت کشور، جمع‌آوری و تدوین مجموعه قوانین، مقررات، تصویب‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مورد عمل وزارت و سازمانهای تابعه، جمع‌آوری مدارک لازم به‌منظور اظهار نظر نسبت به لوایح وزارت و سازمانهای تابعه، تهیه و اظهار نظر درباره متن قراردادهای وزارتخانه با اشخاص حقوقی و حقیقی، تهیه و تنظیم گزارشات حقوقی مورد نیاز مقام عالی وزارت، اظهار نظر نسبت به استعلامات و مسائل حقوقی و شرکت در جلسات و کمیسیونهای حقوقی مرتبط با وظایف وزارت کشور.

دفتر امور مجلس. وظایف این دفتر، برقراری ارتباط با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بررسی و پیگیری تذکرات و سؤالات رسمی نمایندگان و سخنرانیهای پیش از دستور و مکاتبات نمایندگان، بررسی مشروح مذاکرات علنی مجلس و انعکاس مطالب مطرح شده در مجلس در ارتباط با مقامات وزارت کشور، انجام اقدامات لازم در مورد شکایات واصله از کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس، تشکیل جلسات هماهنگی با نمایندگان مجلس و مقامات ذی‌ربط در مرکز استانها و استماع برنامه مجلس از رادیو و ضبط مذاکرات مربوط به وزارت کشور است.

معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی

وظایف معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی وزارت کشور، از جمله شامل فراهم آوردن موجبات تأمین نیروی انسانی

وزارت کشور

شهرهای کشور و ارائه خط مشیهای مربوط به برنامه‌ریزی در زمینه‌های عمرانی و بهداشتی است. این معاونت شامل ۵ زیرمجموعه، شامل دفتر فنی، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی، دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی، دفتر حمل‌ونقل و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور و اداره کل امور شهرداریهاست.

دفتر برنامه‌ریزی عمرانی. وظایف این دفتر عبارت است از: بررسی و تشخیص نیازمندیهای عمران منطقه‌ای و محلی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد امور عمرانی شهرها، رفع مشکلات عمرانی، توسعه استانداردهای فنی مربوط به امور عمرانی، ایمنی و، آشنشانی، ابلاغ خط‌مشیهای لازم برای هماهنگی خودکفایی شهرداریها، تقویت سازمانهای عمران منطقه‌ای و محلی، تهیه و ابلاغ دستورالعملهای تنظیم برنامه و بودجه شهرداریها و توزیع و نحوه تفکیک وظایف.

اداره کل امور شهرداریها. وظایف این اداره کل بررسی درخواستهای راجع به تأسیس شهرداریها، تعیین و یا تغییر درجه آنها، راهنمایی شهرداریها و شوراهای اسلامی شهر در زمینه تعیین حدود شهرداریها، تصویب تقسیمات محلات، حسابرسی شهرداریها، بررسی مصوبات مربوط به معاملات شهرداریها، تدوین و ابلاغ دستورالعمل نحوه تنظیم تعرفه عوارض شهرداریها، تدوین آئین‌نامه عوارض، همکاری با استانداردها در زمینه ایفای وظایف اجرایی مربوط به شهرداریها است.

دفتر فنی. وظایف این دفتر شامل هماهنگی امور فنی واحدهای فنی در استانداردها، بررسی و تأیید و یا اصلاح طرحهای هادی شهرها، انجام بررسی و هماهنگی لازم با وزارت مسکن و شهرسازی، ارشاد و راهنمایی دفاتر فنی استانداردها و شهرداریها در مورد تعیین محدوده قانونی و حریم شهرها، تدوین برنامه‌های ۵ ساله شهرداریها، تهیه طرحهای تفضیلی خیابانها، میداين و پارکها، تهیه و ابلاغ ضوابط و معیارهای فنی طرحهای عمرانی، نوسازی شهرها، انجام مطالعات و بررسیهای لازم به منظور تأمین پشتیبانی کارشناسی وزیر کشور در شورای عالی، شوراهای اسلامی، ستاد و کمیسیونهای عمرانی است.

است از فراهم آوردن موجبات برقراری نظام مطلوب در برابر سازماندهی و بهبود روشها، بررسی و مطالعه به‌منظور سازمان مناسب برحسب الزامات قانونی ناشی از وضع قوانین، تفکیک و تقسیم وظایف بین واحدهای مختلف، بررسی و مطالعه منابع داخلی و خارجی در زمینه شیوه‌ها، ایجاد ارتباط با مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بررسی و تهیه روشهای انجام کار به‌صورت مطلوب، تهیه و استاندارد نمودن فرمها و نمونه‌های مکاتباتی و نامه‌های اداری، انجام مطالعات لازم در مورد حدود و میزان اختیاراتی که در اجرای اصل عدم تمرکز اداری می‌توان به واحدهای تابعه تفویض نمود.

دفتر برنامه‌ریزی و بودجه. وظایف این دفتر برآورد هزینه‌ها و هماهنگی با واحدهای حوزه مرکزی وزارتخانه، به‌منظور جمع‌آوری و تلفیق برنامه‌های مختلف وزارت، ابلاغ ضوابط، معیارها و خط‌مشیهای کلی در امر برنامه‌ریزی، مشاورت و هدایت واحد برنامه‌ریزی استانداردها، دستور کار اجلاس مشترک استانداران و هیئت وزیران، انجام مطالعات و بررسیهای کارشناسی، تهیه و تنظیم صورت جلسات سمینار مشترک و پیگیری تصمیمات و مصوبات مربوط، تدوین بخشنامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به تنظیم بودجه به واحدهای مرکزی، بررسی و تجزیه و تحلیل اعتبارات پیشنهادی واحدهای حوزه مرکزی، دریافت بودجه مصوب و تفکیک و تخصیص اعتبارات تصویبی، بررسی اعتبارات ناشی از وضع قوانین، تصویب‌نامه‌ها و مطالعه در امر بهبود روشهای تنظیم و اجرای بودجه است.

معاونت هماهنگی امور عمرانی

وظایف معاونت هماهنگی امور عمرانی شامل تشخیص نیازمندیهای عمرانی منطقه‌ای و محلی در چارچوب مسئولیتهای وزارت، اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری، کنترل و مهار بحرانهای ناشی از حوادث غیرمترقبه، مطالعات و اعمال هماهنگی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده، نظارت بر حسن اجرای کلیه برنامه‌های عمرانی در سطح کشور، سیاستگذاری نظام حمل‌ونقل عمومی

وظایف معاونت بین‌الملل و هماهنگی امور اقتصادی استانداردها، شامل بررسی و انجام مطالعات اقتصادی به‌منظور تهیه طرح جهت ایجاد هماهنگی و نظارت بر فعالیت اقتصادی استانداردها، هماهنگی با سایر دستگاههای اجرایی به‌منظور افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی، ایجاد هماهنگی جهت برپایی بازارچه‌های مرزی در کشور و ایجاد هماهنگی در امر مبادلات اقتصادی استانداردها با کشورهای و سازمانهای بین‌المللی است. فراهم آوردن موجبات بسط و گسترش روابط خارجی و انتقال مسائل اقتصادی، فرهنگی، عمرانی ایران به کشورهای خارجی، هماهنگی جهت شرکت نمایندگان وزارت در سمینارها و کنفرانسهای خارجی و بین‌المللی، تدوین برنامه‌های سفر خارجی وزیر کشور نیز از دیگر وظایفی است که این معاونت برعهده دارد. این معاونت دارای ۳ دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداردها، دفتر خدمات رایانه‌ای و دفتر امور بین‌الملل است.

دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداردها. پیگیری مسائل و مشکلات تأمین و توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی، بررسی تنگناها و مشکلات معاونتهای برنامه‌ریزی استانداردها در برخورد با مسائل اقتصادی استانها، انجام بررسی و مطالعات لازم درخصوص ارائه طرحها و پیشنهادات در کمیسیونها و کمیته‌های اقتصادی، تعیین محدوده‌ها و نقاط و وسعت مناطق محروم، تهیه و تنظیم و ابلاغ نمونه کارت مبادلات مرزی به استانداردها، تهیه پیش‌نویس لوایح، آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به امور اقتصادی، اظهارنظر درباره توزیع اعتبارات و یا امکانات مورد نیاز ستاد، شوراهای کمیسیونها و کمیته‌های مربوط به امور اقتصادی که وزارت کشور مسئولیت آن را برعهده دارد، از جمله وظایف این دفتر است.

دفتر فناوری اطلاعات و آمار. وظایف این دفتر برنامه‌ریزی، هدایت، پشتیبانی و نگهداری سیستمهای اتوماسیون وزارت و واحدهای تابعه، ارتباط با مراکز اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی، ارتقاء دانش فنی، حمایت و

دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی. وظایف این دفتر، عبارت است از انجام مطالعات و تحقیقات لازم به‌منظور دستیابی به راه‌حلهای مناسب در جهت حفاظت و ایمنی افراد، اموال، تأسیسات و منابع مختلف ثروت ملی، انجام مطالعات آمادگی برای رویارویی با حوادث و سوانح غیرمترقبه طبیعی و غیرطبیعی، از قبیل: طوفان، سیل، خشکسالی، سرمازدگی، زلزله، تهاجم هوایی و بمبارانها، استفاده از توان و امکانات اعتباری و علمی برای کاهش خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه، تأمین و جبران خسارتهای وارده و بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده و انجام امور کارشناسی مربوط به احتمال وقوع حوادث و سوانح طبیعی، نظارت مستمر نسبت به انجام فعالیتهای دستگاههای اجرایی در زمینه‌های پیشگیری، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده، انجام امور پشتیبانی، تدارکاتی و حمایت ستادهای محلی و منطقه‌ای در مکانهای آسیب‌دیده.

دفتر حمل‌ونقل و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک

شهرهای کشور

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از: تهیه و تدوین پیش‌نویس آئین‌نامه‌ها، طرحها و لوایح مربوط به امر حمل‌ونقل و ترافیک، هماهنگی و برنامه‌ریزی جهت بهبود ترافیک، بررسی و اظهارنظر درخصوص افزایش یا کاهش سرمایه، سرمایه‌گذاری و اخذ وام و تخصیص اعتبار برای حمل‌ونقل همگانی شهرها، انجام هماهنگیهای لازم بین امور حمل‌ونقل و ترافیک درون‌شهری و برون‌شهری، رسیدگی به درخواستهای تأسیس شرکت یا سازمان و واحدهای خدمات دهنده در امر حمل‌ونقل و ترافیک، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، بررسی و مطالعه برای تعیین تعداد وسایل نقلیه همگانی مورد نیاز شهرهای کشور، دستیابی به آخرین اطلاعات و استانداردهای حمل‌ونقل و ترافیک با برقراری ارتباط با دستگاهها و مؤسسات پژوهشی، انجام وظایف و اعمال اختیارات قانونی وزارت در زمینه امور مربوط به حمل‌ونقل و ترافیک.

معاونت بین‌الملل و توسعه اقتصادی استانها

وزارت مسکن و شهرسازی

شده در گستره فعالیتهای وزارت است که در این راستا نقش کلیدی ارتباط آن‌لاین با مخاطبان و تأمین نیاز مراکز متعدد خبری به اطلاعات تولید شده در سطح وزارت را برعهده دارد.

تلفن گویای وزارت کشور

تلفن گویای ۱۳۸ وزارت کشور در راستای اجرای مصوبه شورای عالی اداری موضوع طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع و به منظور اطلاع‌رسانی شفاف و استفاده از فناوریهای جدید برای ارائه خدمات به شهروندان و مراجعان از دی ماه ۱۳۸۲ راه‌اندازی شده است.

کتاب‌شناسی:

- مجموعه اسناد اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت کشور.
- www.moi.ir

محمد رضا فرزاد بهتاش

وزارت مسکن و شهرسازی

به موجب قانون مصوب ۱۳۴۲/۱۲/۲۲ ش، وزارت آبادانی و مسکن از تلفیق بانک ساختمانی، سازمان خانه‌سازی، وزارت دارایی و دفاتر فنی سازمان تأسیس شد. در تیرماه ۱۳۵۳ ش به موجب ماده ۲ قانون، نام این وزارتخانه به وزارت مسکن و شهرسازی تغییر یافت و طبق ماده ۳ آن، علاوه بر وظایف وزارتخانه پیشین، وظایف دیگری برعهده وزارت مسکن و شهرسازی گذارده شد. هیئت وزیران در جلسه ۱۳۵۳/۱۱/۲۲ ش آئین‌نامه‌ای را در ۴ ماده تصویب نمود و از آن جمله وظایف ریاست شورای عالی شهرسازی را که قبلاً برعهده نخست‌وزیر بود، به وزیر مسکن و شهرسازی واگذار کرد.

این وزارتخانه پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی با همین نام و تغییر برخی وظایف که براساس نیازهای جامعه و ضرورت‌های انقلاب برعهده گرفت، به فعالیت خود ادامه داد.

وزارت مسکن و شهرسازی با استناد به شرح وظایف خود که نشأت گرفته از اصول سوم (ماده ۱۲)، سی و یکم

پشتیبانی فنی از مراکز اطلاع‌رسانی جهت استفاده واحدهای سازمانی وزارت، ترویج و اشاعه فرهنگ فناوری اطلاعات بین کارکنان وزارت کشور، برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای آموزشی، ایجاد و استقرار و پشتیبانی فنی از پایگاههای اطلاعاتی مورد نیاز وزارتخانه، انجام بررسیها و تأمین نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری واحدهای سازمانی وزارتخانه و همکاری با شرکتهای مشاوره‌ای و مجری طرح جامع اتوماسیون است.

دفتر امور بین‌الملل. وظایف این دفتر عبارت است از: هماهنگی و انجام تمهیدات لازم به منظور گسترش مناسبات خارجی در چارچوب وظایف وزارت کشور، بررسی و مطالعه و تحلیل پیشنهادات مربوط به عضویت وزارت در مجامع و سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای، هماهنگی با دستگاههای اجرایی در راستای اجرای مأموریتهای قانونی وزارت در عرصه‌های بین‌المللی، هماهنگی و تنظیم برنامه سفرهای خارجی وزیر کشور، انجام هماهنگی لازم در ارتباط با دعوت یا پذیرش هیئتهای خارجی، بررسی کنوانسیونها و موافقتنامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، پیگیری و رسیدگی به پرونده تخلف اتباع ایرانی در خارج از کشور، هماهنگی و پیگیری تردد دیپلماتها، نمایندگان و کارشناسان و خبرنگاران خارجی و تنظیم برنامه‌های مربوط به ملاقاتهای آنان با مقامات استانی، هماهنگی با وزارت امور خارجه در خصوص پیگیری مسائل مربوط به ایرانیان خارج از کشور، جمع‌آوری اطلاعات و اخبار پیرامون مسائل امور بین‌الملل.

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، علاوه بر آنکه حرکت نوینی در حوزه روابط عمومی و رسالت اطلاع‌رسانی آن بشمار می‌آید، دستاوردی کارکردی در راستای حفظ منافع ملی و عرضه دیدگاههای کارشناسی و ارائه و انعکاس ظرفیتهای حوزه مأموریت‌های اساسی و بنیادین وزارت کشور است. مأموریت اصلی پایگاه اطلاع‌رسانی، سازماندهی فرایند تولید خبر از رویدادها و فعالیتهای انجام

مأموریتها و وظایف اساسی

- اتخاذ و اعمال سیاستها و تنظیم برنامه‌های جامع و هماهنگ برای ایجاد تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور؛
- تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده؛
- بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور؛
- تهیه و تنظیم سیاستها و خط مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین با لحاظ اولویتهای آمایشی؛
- مشخص نمودن شهرها و شهرکها از نظر فعالیتهای صنعتی، کشاورزی، جهانگردی، تاریخی، خدماتی و غیره؛
- تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرهای آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت، از طریق تهیه طرح جامع برای هر یک از شهرها با توجه به ضوابط و استانداردهای مصوب و تعیین ضوابط و استانداردها برای تهیه نقشه‌های هادی و اعلام آن به وزارت کشور؛
- تهیه معیارها، ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی و ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول و همچنین ارشاد و راهنمایی دستگاههای مرتبط در زمینه مسائل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری؛
- اعتلای هنر معماری ایران و رعایت شیوه‌های مختلف معماری سنتی و ملی و تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی؛
- پیشنهاد ایجاد شهر و شهرک غیرروستایی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به شورای عالی شهرسازی برای تصویب؛
- نظارت بر فعالیتهای شهرسازی بخش خصوصی از حیث رعایت معیارها و ضوابط شهرسازی؛
- نظارت بر تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط حین تهیه طرحهای تفصیلی و همچنین نظارت بر اجرای مراحل مختلف این طرحها؛

و چهل و سوم (ماده ۱) قانون اساسی، مصوب همه‌پرسی ششم مرداد ۱۳۶۸ ش است، به‌عنوان یکی از ارکان دولت موظف است در امور تولیدی و زیربنایی این آب و خاک ابتدا در پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه مسکن اقدامات مؤثر به عمل آورد. علاوه‌براین، در زمینه‌های دیگر نظیر تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش، اشتغال و تعمیر بیمه با سایر دستگاهها همیاری داشته باشد و در تأمین مسکن متناسب با نیاز هر فرد و خانواده ایرانی، به‌خصوص روستانشینان و کارگران، اهتمام ورزد. بدیهی است این وزارت با تولیدات خود که همانا طرحهای مختلف شهرسازی و معماری در شهرها و روستاها و احداث ساختمانهای مختلف مسکونی، اداری و تجاری و مانند آن است، وظیفه دارد در راستای تحقق این آرمانها قدم بردارد.

اهداف

- تحقق برنامه‌ها و سیاستهای دولت در موارد زیر:
- تعیین مراکز جمعیتی و ایجاد تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور، به‌منظور برنامه‌ریزی عمران منطقه‌ای و استفاده بهتر از منابع سرزمین، نظیر خاک و آب و جلوگیری از ایجاد مشکلات شهری در اثر رشد و توسعه ناموزون آنها و در نتیجه، اتلاف منابع اقتصادی و انسانی کشور؛
 - تأمین رفاه اجتماعی در زمینه مسکن؛
 - کمک به حفظ تعادل اقتصادی از طریق اعمال سیاستهای تشویقی و استفاده از سرمایه‌گذاری در امر ساختمان؛
 - تأمین رفاه کارکنان دولت از طریق احداث خانه‌های سازمانی؛
 - راهبری تحقیقات ساختمانی به‌منظور ایمن‌سازی ساختمانها در قبال حوادث طبیعی، استفاده بهتر از منابع و مصالح محلی و افزایش کیفیت مصالح و مصنوعات ساختمانی؛ و
 - هماهنگی و تمرکز در تهیه و اجرای طرحها و ساختمانهای دولتی.

روستایان؛

- ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار مسکن و تأمین و توسعه مسکن مناسب؛
- تأمین مسکن و عرضه آن به صورت اجاره‌ای؛
- سیاستگذاری در مورد حفظ، نگهداری، احداث یا فروش خانه‌های سازمانی؛
- تعیین سیاستهای مربوط به نحوه واگذاری زمین مورد نیاز به کارکنان دولت و تهیه آئین‌نامه اجرایی آن؛
- بازنگری در ضوابط و مقررات شهرسازی در جهت تسهیل عبور و مرور معلولین؛
- سیاستگذاری در خصوص ارتقاء دانش فنی، فناوری ساختمان و کیفیت خدمات مهندسی در کشور و ایجاد زمینه برای جلب مشارکت حرفه‌ای در صنعت ساختمان؛
- بررسی صلاحیت حرفه‌ای، آموزش و آزمون به منظور صدور پروانه اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان و همچنین پروانه اشتغال به کار کاردانه‌های فنی و تجربی و تعیین محلهایی که اشتغال اشخاص به امور فنی در بخشهای ساختمان و شهرسازی مستلزم داشتن صلاحیت حرفه‌ای است؛
- نظارت بر تشکیل و عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان و ارکان آن و رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای صاحبان حرف مهندسی؛
- راهبری تدوین اصول و قواعد فنی مقررات ملی ساختمان؛
- تعیین مدیر دولتی برای شرکتهای ساختمانی بی‌سرپرست و رها شده؛ و
- اجرای وظایفی که طی لوایح قانونی، آئین‌نامه‌ها یا تصویب نامه‌های مختلف به وزارتخانه ارجاع شده یا می‌شود.

معاونتها

این وزارتخانه شامل ۴ معاونت به شرح زیر است:

معاونت شهرسازی و معماری

معاونت شهرسازی و معماری این وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر طرحهای کالبدی، دفتر معماری و طراحی شهری، دفتر نظارت طرحهای توسعه و عمران و دبیرخانه

• سیاستگذاری در مورد طرح‌ریزی شهری و نحوه مدیریت مجموعه‌های شهری؛

• راهبری تعیین استانداردها برای مسکن، ساختمانهای دولتی و تأسیسات شهری و همچنین تهیه و اجرای طرحهای عمرانی شهری در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور؛

• نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمام ساختمانها و طرحهای شهرسازی و عمرانی شهری با هدف ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمانها و شهرها در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور با رعایت اصول پدافند غیرعامل؛

• راهبری اجرای طرحهای بهسازی، نوسازی و بازسازی محلات و ساماندهی بافتهای قدیمی شهرها و حاشیه آنها با رویکرد توانمندسازی ساکنان این بافتها؛

• اعمال سیاستهای دولت در مورد اراضی شهری، اعم از خالصه و موات، بایر و دایر و اجرای قانون زمین شهری و آئین‌نامه اجرایی آن؛

• برنامه‌ریزی و مدیریت عمران زمینهای شهری و نظارت در زمینه استفاده بهینه از زمین در محدوده‌های شهری؛

• راهبری تدوین موازین، استانداردها و مشخصات فنی و مقررات ملی برای ساختمانها و مسکن در چارچوب برنامه و راهبری تحقیق و بررسی مسائل مربوط به ساختمان و مصالح ساختمانی و نیز راهبری تهیه استانداردهای لازم برای مصالح ساختمانی با همکاری مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و حمایت از تولید کنندگان آنها؛

• اتخاذ تصمیم و تعیین خط‌مشی برنامه‌های اجرایی زمین، مسکن، شهرسازی، ساختمانهای دولتی و عمران شهری؛

• تهیه و اجرای طرحهای ساختمانهای دولتی و تأمین ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی مورد نیاز جامعه، از طریق مهندسان مشاور و پیمانکاران تأیید صلاحیت شده،

در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور؛

• تعیین سیاستهای دولت در زمینه تولید و عرضه مسکن در کشور و توسعه و بهبود استانداردهای کمی و کیفی مسکن؛

• ارائه خط‌مشی و نظارت بر چگونگی تأمین نیازهای اقشار مختلف به مسکن، به‌ویژه مسکن گروههای کم‌درآمد و

آمایش سرزمین؛

- نظارت عالی بر امر به‌روزرسانی طرح‌های کالبدی ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای و مجموعه‌های شهری، طبق مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- بررسی درخواست‌های مربوط به ایجاد شهر و شهرک در خارج از محدوده و حریم شهرها و پیشنهاد آن به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- تدوین و انجام اصلاحات لازم در شرح خدمات طرح‌های کالبدی ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، مجموعه‌های شهری، جامع و تفصیلی و سایر طرح‌های مرتبط با وظایف؛
- تهیه و تنظیم برنامه‌های ۵ ساله و سالانه برای طرح‌های توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و مجموعه‌های شهری و ارزیابی میزان تحقق این برنامه‌ها؛
- تدوین سیاست‌های برنامه‌های ۵ ساله و سالانه برای تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهری و همکاری با سازمان‌های مسکن و شهرسازی استانها در تهیه و تنظیم این طرح‌ها؛
- نظارت عالی بر تهیه و بررسی کلیه طرح‌های توسعه و عمران، از طریق انجام بازدیدهای محلی، شرکت در جلسات کارگروه شهرسازی و معماری، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و همچنین نظارت عالی بر نحوه تصویب طرح‌های تفصیلی در کمیسیون‌های ماده ۵ در حوزه عمل دفتر، بازدید از دفاتر محلی و مرکزی مهندسان مشاور تهیه کننده طرح به‌منظور بالا بردن کیفیت تهیه طرح‌ها و همکاری در ارزیابی مستمر مهندسان مشاور تهیه کننده طرح‌های توسعه شهری؛
- نظارت عالی بر برنامه‌ریزی و نحوه استفاده بهینه از اراضی واقع در محدوده و حریم شهری و روستایی، برحسب ضوابط و مقررات مربوط؛
- سیاست‌گذاری برای هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرها؛
- تشکیل کمیسیون‌های معماری و طراحی شهری در ستاد، به‌منظور تعیین اصول و ارزش‌های معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی (بومی)؛
- بررسی و نظارت بر تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به ارتقاء کیفی معماری و طراحی شهری؛
- نظارت عالی بر تهیه و اجرای طرح‌های تخصصی معماری

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، وظایف زیر را برعهده دارند:

- دبیری جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری و پیگیری مصوبات آن تا حصول نتیجه از طریق واحدهای ذی‌ربط؛
- راهبری و نظارت بر کمیته فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- راهبری و نظارت عالی بر طرح‌های توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی؛
- راهبری و نظارت عالی بر نحوه اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و طرح‌های توسعه و عمران؛
- راهبری و نظارت عالی بر تدوین سیاست‌ها و راهبردهای معماری و طراحی شهری در راستای اعتلای هنر معماری و توسعه و ترویج اصول و ویژگی‌های شهرسازی و معماری اسلامی - ایرانی (بومی) و هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرها؛
- راهبری و نظارت عالی بر چگونگی اجرای طرح‌های تخصصی معماری و طراحی شهری و بافت‌های قدیمی و فرسوده و حاشیه‌ای شهرها؛
- راهبری و نظارت عالی بر سیاست‌ها، برنامه‌ریزی و نحوه استفاده بهینه از اراضی، اعم از دولتی، غیردولتی، شهری و روستایی (داخل محدوده یا خارج محدوده)، در راستای منطقی کردن اندازه شهرها و روستاها و ایجاد رابطه و تعادل منطقی در توسعه مراکز جمعیتی؛
- راهبری و نظارت عالی بر طرح‌های مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف شهرسازی و معماری؛
- راهبری و نظارت عالی بر کلیه امور مربوط به واحدهای استانی در بخش شهرسازی و معماری؛
- نظارت عالی بر تهیه و بررسی طرح‌های توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، مجموعه‌های شهری، جامع، تفصیلی، شهرک‌ها و طرح‌های ویژه و استمرار آن تا مرحله تصویب و ابلاغ به مبادی ذی‌ربط؛
- انجام هماهنگی‌های لازم با سازمان‌های مسئول ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهور) در جهت تحقق طرح‌های

- و تأمین مسکن؛
- بررسی و راهبری طرحهای مورد نیاز برای انطباق بین عرضه و تقاضا و تنظیم بازار مسکن؛
- برنامه‌ریزی به‌منظور سازماندهی و نظارت بر نحوه مدیریت تولید مسکن؛
- بررسی و راهبری تنظیم بازار مصالح و اجزای ساختمانی در بخش ساختمان و مسکن، با توجه به امکانات و موقعیتهای مختلف کشور؛
- بررسی و مطالعه در زمینه چگونگی ایجاد و توسعه اشتغال در بخش مسکن و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه به وزارت کار و امور اجتماعی؛
- نظارت عالی بر توزیع اعتبارات و جوه اداره شده و تسهیلات بانکی، متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرحهای اشتغال‌زا در حیطه فعالیت وزارتخانه؛
- راهبری برگزاری آزمونهای حرفه‌ای برای مهندسان، کاردانها و معماران تجربی به‌منظور تعیین صلاحیت حرفه‌ای؛
- راهبری تهیه ضوابط و راهکارهای بهینه‌سازی لرزه‌ای ساختمانها و کاهش خطرپذیری آنها در برابر حوادث قهری و سوانح غیرمترقبه؛
- نظارت بر عملکرد سازمان نظام مهندسی و مراجع صدور پروانه ساختمان؛
- رسیدگی به شکایات اشخاص و مؤسسات در مورد عدم اجرای ضوابط و مقررات ملی ساختمان؛
- راهبری طرحهای مطالعاتی و تحقیقاتی در رابطه با کنترل اجرای ساختمان، از طریق ارتباط با مراکز تحقیقاتی و علمی؛ و
- تهیه و انتشار فصلنامه اقتصاد مسکن، به‌منظور نشر و انعکاس اطلاعات و تحولات روز مسکن و تحلیل بازار.

معاونت تلفیق برنامه و امور مجلس

- معاونت تلفیق برنامه و امور مجلس این وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر آمار و تلفیق برنامه و بودجه، دفتر حقوقی و دفتر امور مجلس، وظایف زیر را برعهده دارند:

- و طراحی شهری در بافتهای قدیمی شهرها، شهرهای جدید، طرحهای جزئیات شهری، مجموعه‌های ساختمانی، پروژه‌های عمرانی، اعم از ساختمانهای دولتی و عمومی و پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن؛ و
- نظارت عالی بر تهیه طرحهای تفصیلی موضوعی و موضعی در شهرها.

معاونت امور مسکن و ساختمان

- معاونت امور مسکن و ساختمان وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان و دفتر سازمانهای مهندسی و امور بین‌الملل، وظایف زیر را برعهده دارند:
- راهبری و هدایت واحدهای زیرمجموعه، در خصوص تدوین الگوی مسکن، برنامه‌ریزی مسکن متناسب با نیازهای جامعه، بازار و مناطق و اقلیمهای مختلف جغرافیایی؛
- جلب مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در سرمایه‌گذاری مسکن؛
- تصویب و ترویج مقررات ملی ساختمان و ضوابط و دستورالعملهای آن؛
- تدوین آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای نظام صنفی و قوانین سازمان نظام مهندسی و سایر تشکلهای حرفه‌ای؛
- برنامه‌ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط‌مشیهای قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان؛
- انجام امور مربوط به دبیرخانه کمیسیون ملی اسکان بشر، هماهنگ با سیاستهای جهانی هیئات (سازمان مل متحد)؛
- راهبری تدوین سیاستها و راهبردهای مربوط به زمین شهری مرتبط با تأمین مسکن، در چارچوب برنامه‌های مصوب و نظارت عالی بر تحقق آنها؛
- راهبری تدوین الگوی مسکن در چارچوب اصول شهرسازی، معماری و طراحی شهری و ترویج آن در بین سازندگان ساختمان و مسکن؛
- برنامه‌ریزی و تجهیز منابع به‌منظور تأمین مسکن برای گروههای نیازمند و فاقد مسکن؛
- سیاستگذاری و نظارت عالی بر فعالیت شرکتهای پس‌انداز

- آموزشی، استخدام و مانند آن؛
- راهبری ارائه خدمات پشتیبانی از قبیل نیروی انسانی، منابع مالی و مانند آن؛
- راهبری وظایف دبیرخانه شورای تحول اداری؛
- انجام اصلاحات ساختاری، به منظور تمرکززدایی از اداره امور؛
- تهیه استانداردهای لازم برای جا و مکان و نحوه استقرار واحدها؛
- استقرار نظام مدیریت کیفیت و بررسی راهکارهای به کارگیری روشهای نوین مدیریت در وزارتخانه؛
- سنجش سطح انگیزش کارکنان و برنامه ریزی لازم برای ارتقاء آن؛
- ارزشیابی مشاغل جدید و جایابی آنها در طرحهای طبقه بندی مشاغل؛ و
- وصول اعتبار از محل ردیفهای منظور شده در بودجه کل کشور و انجام هزینه های مربوط.

سازمانهای وابسته

سازمان ملی زمین و مسکن

باتوجه به مصوبه شماره ۳۵ / د ش مورخ ۷۲/۶/۱۵ ش شورای عالی اداری که سبب ایجاد تغییراتی در وظایف سازمان زمین شهری گردید، نام این سازمان به سازمان ملی زمین و مسکن تغییر یافت و اساسنامه آن در ۱۳۷۵ ش اصلاح گردید. براساس این اصلاحیه سازمان ملی زمین و مسکن شرکتی است سهامی با مدت نامحدود و وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی که دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و بر طبق قانون تجارت، اساسنامه و مقررات مربوط به شرکتهای دولتی، اداره می شود. اجرای قانون زمین شهری، تدوین برنامه های بخش مسکن و بستر سازی برای اجرای برنامه ها، از طریق الگوسازی، سرمایه گذاری به طور مستقل یا با مشارکت بخش عمومی و خصوصی، تحصیل وام و مشارکت در ایجاد کارخانه های تهیه مصالح ساختمانی، از جمله وظایف این سازمان بشمار می آیند.

- هماهنگی و همکاری در ابلاغ خط مشیها، سیاستها، برنامه ها، دستورالعملها و سایر تصمیمات متخذه در سطح وزارتخانه به سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری با واحدهای حوزه ستادی، به منظور پیگیری اجرای برنامه های پیش بینی شده در سطح سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری با واحدهای حوزه ستادی در امر نظارت بر عملکرد سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری در تهیه و تنظیم برنامه های ضربتی به منظور برآورد احتیاجات فوری سازمانهای استانی در مواقع اضطراری و بروز حوادث غیر مترقبه و پیش بینی اقدامات لازم برای کاهش ضرر و زیانهای احتمالی؛
- پیگیری و هماهنگی انجام امور مربوط به انتخاب و انتصاب رؤسای سازمانهای استانی؛
- تعیین استانداردها، ضوابط و معیارهای لازم برای طراحی و توسعه سیستمهای اطلاعاتی متناسب در نظام و چرخه کار جاری برای واحدهای مختلف ستاد و استانها؛
- طرح ریزی راهبردی و هدف گذاری برای نظام اطلاعاتی متناسب با مأموریتها و فعالیتهای وزارتخانه؛
- شناسایی نیازهای آماری کشور در بخشهای ساختمان، مسکن، شهرسازی و معماری با هماهنگی واحدهای ذی ربط؛
- پیگیری اجرای مصوبات شورای عالی آمار در وزارتخانه؛ و
- تهیه و تنظیم نهایی بودجه های جاری و عمرانی با هماهنگی سایر واحدهای سازمانی.

معاونت توسعه مدیریت و منابع

- معاونت توسعه مدیریت و منابع و واحدهای تابعه آن، شامل دفتر نوسازی و تحول اداری، اداره کل امور کارکنان و خدمات اداری و اداره کل امور مالی، وظایف زیر را برعهده دارند:
- راهبری امور نوسازی و تحول اداری، از طریق تشکیل شورای تحول اداری و فعال نمودن کمیسیونهای تحول اداری سازمانهای وابسته و تابعه؛
- هدایت و راهبری امور نیروی انسانی در زمینه های

یکپارچه‌سازی اراضی (روستایی)

Land Consolidation

کوچکی و پراکندگی قطعات در بهره‌برداریهای کشاورزی سابقه‌ای به قدمت تاریخ کشاورزی دارد. تا زمانی طولانی، متناسب با دانش و امکانات گروه‌های انسانی، کشت و کار در قطعات کوچک و متناسب با مقیاس یک واحد خرد بهره‌برداری، روشی مطلوب برای استفاده بهینه از آب و بهره‌گیری از زمین و راهی سودمند در احتراز از انواع خسارات و خطرات احتمالی محسوب می‌شد. ادامه این روش در گذر تاریخ، به ظاهر در باور بهره‌برداران چنان تأثیر ماندگار و عمیقی برجای گذاشته است که حتی هم‌اکنون نیز به‌عنوان شیوه‌ای مطلوب در تملک زمین و تبلوری از منزلت اجتماعی و هویت خانوادگی بشمار می‌آید.

این واقعیت که حدود ۵۰٪ از تعداد واحدهای بهره‌برداری فعلی کشور دارای وسعتی کمتر از ۲ هکتار است، هریک بیش از ۵-۲۰ قطعه پراکنده را تشکیل می‌دهند، مانع بزرگی بر سر راه پایه‌گذاری یک کشاورزی نوین بشمار می‌رود. آشکار است که مناسب‌ترین راه حل رهایی از این مشکل ریشه‌دار، اهتمام در یکپارچه کردن قطعات کوچک و جلوگیری از تفکیک مجدد و تقسیم بیشتر آنهاست.

یکپارچگی در لغت به معنای وحدت بخشیدن و پیوند انتزاعات و واقعیت‌های کثیر ذهنی و عینی است که از حیث دامنه می‌تواند ابعاد محتوایی فعالیت، زمان، مکان-فضا، بخش، فرایند اجرا، درونزایی، تعادل، تباین و سلسله مراتب را دربرگیرد.

یکپارچه‌سازی اراضی ادغام چند قطعه زمین زراعی جداگانه در مجاورت یکدیگر و تبدیل آنها به یک قطعه برای اهداف توسعه است.

در مقابل، یکپارچگی فضایی به معنای آرایش نظام‌یافته عناصر فضایی و کنش و واکنش متقابل این عناصر کارکردی، به‌صورت منطقی و پویا، در راستای تحقق یک یا چند هدف معین است.

سازمان مجری ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی سازمان مجری ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی، بزرگ‌ترین سازمان تخصصی در احداث ساختمانهای دولتی و عمومی در کشور است که به‌منظور تمرکز سیاستگذاری، مدیریت و هماهنگی توسعه و بهینه‌سازی، افزایش کیفیت، کاهش زمان اجرا و قیمت تمام شده برای تهیه و اجرای طرحهای ساختمانی و تأسیسات دولتی و عمومی و عمران شهری در سراسر کشور، به‌عنوان یکی از سازمانهای وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی فعالیت دارد.

شرکت عمران و بهسازی شهری ایران

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری به‌عنوان یکی از سازمانهای فنی، اجرایی و مدیریتی وزارت مسکن و شهرسازی، با رسالت تجدید حیات شهری و نیل به شهر پایدار و مشارکتی، در ۱۳۷۶ش تأسیس گردید. توسعه درونی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه، استفاده از ظرفیتهای توانهای موجود شهری و مورد نیاز آتی در محدوده قانونی شهرها، هویت بخشی و احیای معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی، از طریق اصلاح سیمای شهر به‌منظور باشکوه‌سازی محیط زندگی شهری، ساماندهی و انتظام‌بخشی به فعالیتها، جمعیت و فضا برای ایجاد تعادل اقتصادی، اجتماعی و کارکردی در فضاهای زندگی بافت‌های شهری و نهایتاً، ارتقا کیفیت محیط شهری از جمله مهم‌ترین اهداف این سازمان است (← شرکت عمران شهرهای جدید با مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی).

کتاب‌شناسی:

- مجموعه اسناد اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت مسکن و شهرسازی.

www.mhud.gov.ir

محمد رضا فرزاد بهتاش



به‌طورکلی، در بسیاری از مناطق دنیا برای مقابله با تفرق و تعدد قطعات زراعی، ۲ راه وجود دارد: یکی معاوضه/ مبادله، خرید و عملیاتی که موجب گسترش و تجمع اراضی واحدهای بهره‌برداری تا سطح بهینه می‌گردد. و دیگر، تشکیل تعاونیهای تولید. تشکیل چنین تعاونیهایی در کشورهای سوسیالیستی با برنامه‌ای از پیش تنظیم شده، صورت گرفته است؛ همچنین در کشورهای درحال توسعه، جهان سوم از جمله ایران، هند، پاکستان، الجزایر نیز ایجاد تعاونیهای تولید کشاورزی در دستور کار بوده است.

در نظام سنتی روستاهای ایران، پیدایش بعضی از نظامهای کهن بهره‌برداری، از جمله بنه و حراثه صرف‌نظر از امتیازاتی که به خاطر مقابله با محدودیتهای آب، نیروی کار و سرمایه به همراه داشت، نقش مهمی در جلوگیری از خرد شدن قطعات و به‌عبارت دیگر، کشت‌وکار در قطعات وسیع و در قالب شکل سنتی مبتنی بر همیاری بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، طرحهای یکپارچه‌سازی اراضی به‌وسیله وزارت جهاد کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) به انجام رسیده است؛ بااین‌وجود، براساس آخرین آمارها، متوسط فاصله قطعات اراضی کشاورزی در

دارند که از آن میان موقعیت طبیعی، وضعیت زمینها، جمعیت، نحوهٔ ارث‌بری به‌ویژه اجرای اصلاحات ارضی قابل ذکرند؛ انجام اصلاحات ارضی در بسیاری از کشورها نه تنها موجب رونق تولیدات کشاورزی نشده، بلکه به چند پارچگی اراضی منجر شده است. دولتها در کشورهای اروپای غربی پیوسته درصدد ایجاد اندازهٔ بهینه واحدهای بهره‌برداری زراعی، از طریق یکپارچه کردن اراضی و خرید زمین برخی از روستاییان و فروش آن به دیگران، برآمده‌اند، چنان‌که در فرانسه شرکت *آمایش ارضی و تنسيق روستایی* به انجام این کار پرداخته است. هدف دولت فرانسه از تأسیس این شرکت، انجام اصلاحات ساخت اراضی از راه یکپارچه کردن قطعات کوچک در روستاهای فرانسه بود.

به‌این‌ترتیب، تا ۱۹۷۰م، جمعاً ۴۴۲،۴۰۰ هکتار زمین با کارشناسی مهندسين جغرافیای روستایی خریداری و به روستاییان واگذار شد. در سایر کشورهای اروپایی، از جمله آلمان و انگلستان نیز برنامه‌های مشابهی، نظیر آنچه در فرانسه اتفاق افتاد، به مرحله اجرا درآمد. در ایران، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی یا شرکتهای تعاونی روستایی تولید پس از اصلاحات ارضی، از اقدامات دولت در

نزدیک‌ترین قطعه ۳۰۰ متر و دورترین قطعه ۲/۶ کیلومتر است.

کتاب‌شناسی:

- آسایش، حسین. اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۵.
- آسایش، حسین. برنامه‌ریزی روستایی در ایران. تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۷۶.
- آسایش، حسین. «نگاهی تحلیلی‌گراانه به عمران روستایی در ایران (بخش دوم)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۳.
- جمعه‌پور، محمود. «تحلیل رهیافت مشارکت سازمانهای سنتی تولید گروهی در بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک و توسعه روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۳.

حسین آسایش